~~[illegible]~~

١٥٧١

كاغد

R.

T. C.
RAĞP P. KİTAP SARAYI

RAĞIP P.
Ka. N.
1506

القاب پادشاهان اسلام ١	القاب شرفاء مکه وخانان تاتار وسلاطین اطراف دیار ٣	القاب شاهان عجم ٥
القاب وزرا وامرا وکتابات واصناف اغایان درگاه عالی ٦	القاب علما ومشایخ وصلحا وسادات وخطبا ٧	القاب ملوك اصناف کفره ٨
سبب ترتیب منشآت سلاطین ٩	رساله مفتاح جنت ١٧	مکاتیب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ٢٠
مکاتیب حضرت ابی بکر الصدیق رضی الله عنه ٢٣	مکاتیب حضرت عمر الفاروق رضی الله عنه ٢٣	مکاتیب حضرت عثمان ذی النورین رضی الله عنه ٢٥
مکاتیب حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه ٢٥	مکاتیب حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها ٣٠	مکاتیب حضرت حسین بن علی رضی الله عنهما ٣٠
سلطان عثمان غازی علاءالدین سلجوقی ایله مکاتیب واجوبه ٣	سلطان اورخان عصرنده واقع اولان مراسلات واجوبه ٤٤	سلطان مراد اول زماننده واقع مراسلات واجوبه ٥٩
یلدرم بایزید خان زماننده واقع مراسلات واجوبه ٧٦	سلطان محمد اول عهدنده یازیلان مکاتیب واجوبه ٩٦	سلطان مراد ثانی دورنده واقع اولان مکاتیب واجوبه ١١٠
ابو الفتح سلطان محمد عصرنده مراسلات واجوبه ١٤٣	سلطان بایزید ولی زماننده واقع اینه بختی فتحنامه‌سی ٢٣٠	سلطان سلیم اول زماننده واقع مکاتیب واجوبه ٢٠٦

سلطان سلیمان حضرتلرینك ابتدا خلافتندن برو سلاطین آل عثمان زمانلرنده تحریر اولنان انواع مکاتیب

سلطان سلیمان ایله شاه طهماسب بیننده واقع مراسلات ٢٣٤	سلاطین وزرا وولاة مصر جانبندن مکه شرفاسنه نامه ومکاتیب ٢٦٠	سلاطین ووزرا طرفلرندن قرلباش خانلرینه یازیلان نامه وبرات ومفرهات ٢٧٢
سلاطین ووزرا جانبلرندن شرق وغرب بر وبحرنده اولان سرداران اسلامه یازیلان احکام وبرات ٣٠٢	تونسلو وجزایرلویه یازیلان مکاتیب ٣٢٠	هندوستان واوزبك وفاس پادشاهلرینه یازیلان نامه‌لر ٣٥١
شاه عباس ایله واقع اولان مکاتیب واجوبه ٣٦١	بغداد فتحندن صکره واقع اولان نامه ومراسلات ٤٠٢	گجرات وبندر وطاغستان وکاخ وگرجستان وکارتیل وشمخی حکامنه یازیلان نامه‌لر ٤٠٨
شاهان عجم وپادشاه هند وحکام اوزبك وبخارا ایله اولان نامه ومراسلات	سلطان ابراهیم خان ایله هندوستان پادشاهی بیننده اولان مراسلات ٤٥٠	سلاطین اسلامیه سریر خلافت ایله کامیاب اولدقلرنده یازیلان تهنیه‌نامه وجلوسیه
خلافتنامهٔ عثمان شاه غازی ترکی ٣٠	تهنیه‌نامه جلوس تخت پادشاهی فارسی	تهنیه‌نامه جلوس سریر سلطنت عربی
جلوسیهٔ سلطان سلیم خان فاتح فارسی	جلوسیهٔ سلطان سلیمان خان ترکی	جلوسیهٔ سلطان مصطفی خان ٤٤١
اتمام جامع سلطان احمد خان ٤٤٥	جلوسیهٔ سلطان ابراهیم خان ترکی ٤٥٠	سلاطین آل عثمان عصرلرنده تحریر وترقیم اولنان فتحنامه‌لر بیانندە در
فتحنامهٔ ارزنق فارسی ٤٥	فتحنامهٔ اوطلوباد فارسی ٥١	فتحنامهٔ ادرنه ٦٣

فتح نامه زغرم وقلبه وكوكجنه ٦٤	فتح نامهٔ براى بنشن ٦٩	فتح نامهٔ براى انهزام قرمان اوغلى ٧٤
فتح نامهٔ وقعهٔ قوسوه	نصرت نامهٔ عربى	فتح نامهٔ فارسى براى انهزام كفرهٔ انكروس ١١٨
فتح نامهٔ قسطنطنيه عربى وفارسى عدد ١٦٨	فتح نامهٔ بغداد ازجهان شاه ميرزا	فتح نامهٔ ولايت مورة فارسى ١٨٧
فتح نامهٔ در انهزام اوزون حسن ٢٠٠	فتح نامهٔ ولايت كفه ٢٠٢	فتح نامهٔ سمندره عربى عدد ١٢٨
جواب فتح نامهٔ مزبور فارسى	فتح نامهٔ سلاطين عربى ١٣٠	فتح نامهٔ كوكرجنلك عربى ١٣٢
فتح نامهٔ اينه بختى	فتح نامهٔ وقعهٔ چالدران ٢١٧	فتح نامهٔ مصرقاهره ٢٣٠
فتح نامهٔ ولايت انكروس ١١٨	فتح نامهٔ قلعهٔ قنديه عدد ١٥٧	فتح نامهٔ قلعهٔ بدون ٢٥٥
فتح نامهٔ عراقين ٢٦٧	سلاطين عثمانيه زماننده ملوك اطراف ايله واقع اولان عهدنامه بياننده در	
عهدنامهٔ قرمان اوغلى نوشته بسلطان اورخان ٤٨	عهدنامهٔ فرستاده بجانب كربان اوغلى ٥٨	عهدنامهٔ ازحاكم حميد ايلى بسلطان مراد ٦٧

صلح نامهٔ بتيمورخان ٩٤	عهدنامهٔ سلطان عثمان نوشته بشاه عباس	جواب صلح نامهٔ شاه عباس ٣٦٧
ديكر جواب صلح نامه فرستاده بشاه عباس ٤٢٧	عهدنامه باشاه صفى وتعيين حدود وسنور	كفره فرقه سنك قراللريله واقع اولان عهدنامه ومراسلات
نمچه قراللرينه عهدنامه ومراسلات ٥٠٨	مجار قراللرينه عهدنامه ومراسلات ٥٣٩	انكلتره قراللرينه عهدنامه ومكاتيب ٥٥٨
ونديك ووزينه وفلوردين بكلربكيه عهدنامه ٥٦٦	فلامنك قراللرينه نامه وبغدان بكينه برات ٥٧١	فرانچه پادشاهنه عهدنامه ومكاتبات ٥٧٤
افلاق ولايتنده اولان بويارلره يازيلان مكتوب ٢٩٠	له قراللرينه عهدنامه ومكاتبات ٥٨٥	مسقو چارينه عهدنامه ومكاتبات ٥٠٣
ملك نامه تركه خانه ومزرعه و صويه متعلقدر ٤٧٠	مهر نامه نفيسه سلطان عربى ٧١	سورهٔ فتح تلاوتنجون يازيلان فرمان همايون ٣٤٨
تفتيش محلات استنبول بابنده صادر اولان فرمان عاليشان ٣٤٢	برات مميز تشكوفه پروران صارى عبدالله افندى ٣٤٣	ممالك محروسه ده اولان الويه واياللرك بياني ٤٨٣
اراضى عشريه وخراجيه يه متعلق فتاوى		ممالك محروسه ده اعتبار اولنان زعامت وتيماره متعلق قانون بياني
٤٨٦	استنبولدن بغداده وارنجه وبغداددن استنبوله كلنجه منازل بياني ٥٠٠	٤٨٧

T. C.
... BAKANLIĞI
... TAPLIĞI
MÜDÜRLÜĞÜ
Sayı 333

القاب پادشاهان اسلام

سلطان مظفر کامکار • خاقان مؤید ظفر شعار • پادشاه گردون شکوه
شهنشاه انجم گروه تاج فرق خسروی • سایهٔ پروردگاری • نتیجهٔ مقدمهٔ
شهریاری • خلاصهٔ مقالهٔ بختیاری • معدّل نهار عدالت • مکمّل بهار جلالت
بحر احسان و مروت • معدن جوهر سماحت • مصدر آثار جلادت • مظهر
انوار سعادت • ناصب رایات الاسلام • رافع العدل علی صفحات الایام •
سلطان البرین والبحرین • خاقان المشرقین والمغربین • خادم الحرمین الشریفین
نبی رسول الثقلین • سلطان محمد خان لا زالت عتبة العلیة محطا لرحال
رجال الغیب • وسدّته السنیة عریا عن شوائب النقص والعیب حضرتلرینک

دیگر

جالس سریر السلطنة الاعلی • لابس لباس العدل والتقوی • حارس ثغور
الاسلام • فارس هیجاء الانتقام • الا و هو السلطان الاعظم • والخاقان
الاعدل الاکرم • مفتح ابواب البر علی الخلایق مفیض اصناف الخیر فی المغارب
والمشارق • اتقی السلاطین عملا و قولا • اکمل الخواقین علما و فضلا • ادام الله
تعالی ملکه و سلطانه • واعزّ انصاره واعوانه کما اعلی شانه علی الدوام والتخلید
الی ان یرث الله الارض ومن علیها انه حمید مجید جناب خلافت مآبلرینه
شرایف فواید تحیات خلوص شعار ایثار و نثار اولنوب رأی منیر مهر نظیر
و پایهٔ سریر دولت مصیرلرینه • معروض دولتخواه اولدرکه •

دیگر

کوکب بخت همایون سعد مقرون • حضرت فلک رفعت گردون منزلت •
نیّر اوج سربلندی • بدر عالیقدر ارجمندی • غرّهٔ سرنامهٔ شاهی • طرّهٔ
جبههٔ عزت پناهی • فریدون فر • همایون اثر • خسرو ایوان سکندر دیوان •
ماه آسمان جلالت • خورشید مطلع ایالت • والا ولایت • دارا درایت •
حاوی مفاخر کیخسروانی • راوی مآثر جمشید شانی • موشّح امور مملکتداری
مهندس رسوم نصفت شعاری •
دیگر

والادبت

والادبت علی منزلت • فرزند نصرت قران • خلاصهٔ دودمان آل عثمان •
صاحب مسند سلطنت و اجلال • وارث ولایت عزت و اقبال • مهر سپهر حشمت
و شهریاری • نیّر اوج شوکت و بختیاری • گوهر درج سعادت اختر برج سیادت
بیت
در حریم ملک و عزت کامیاب و کامکار • بر فراز تخت دولت کامبخش
و تاجدار •

دیگر

مکرمت مناب • سعادت انتساب • دولت ایاب عالیجناب معالی نصاب •
عدالت آیین بهین تمکین • مهر سپهر عظمت بهرام حشمت • مسند آرای جاه
کامرانی • مسند جاه بالش جهانبانی • اردشیر صولت کیقباد شوکت •
محمدت و ثناء • دولت مدار • سلطنت منقبت خلافت مرتبت • عالیجاه جلادت
خدیو سعادت دستگاه • لا زالت شموس معالیه و قدره من مطالع العز
والسعادة طالعة • وما برحت بدور مجده فی منازل الشرف والسیادة لامعة

دیگر

اطناب خیام رفعت • اسباب قیام حشمت حضرت عالی مرتبت • فلک مکنت
شمسهٔ ایوان عزت • نیّر آسمان شوکت • جمشید خورشید طلعت • خاقان
کیوان منزلت • دارای تاج و تخت • داور فیروز بخت خسرو فغفور فر •
شاه فریدون سیر • واسطهٔ عقد بختیاری • نگین خاتم تاجداری • همای
دولت مشتری سعادت • جمجاه نصفت پناه • والاصدر بلند قدر • لا زالت
شموس حشمته من افق الاقبال منیرة • وما برحت بدور دولته فی بروج السعادة دائرة

دیگر

اعلی حضرت گردون بسطت فلک رفعت ملک خصلت ماه ماهیت • ستارهٔ
سپاه سماء سیادت • اختر فروزندهٔ آسمان امارت • قطب فلک دولت
و معالی • خلاصهٔ دوران ایام و لیالی • مهر سپهر عز و جلال بدر عالیقدر
افق اقبال • بهجهٔ بهجت پادشاهی • مهر ضیابخش ملک شاهی • مشرق انوار
مکرمت دثاری • مطلع آثار ایالت و تاجداری •

دیگر

جناب دولت مآب رفعت نصاب سلطنت قباب حشمت نصاب شوکت
انتساب • حائز کمالات صوری و معنوی • فائز سعادت دینی و دنیوی
بیت
جاه و حشمت بر یمین ناز و نعمت بر یسار • فتح و نصرت
در عنان و بخت و دولت در رکاب
دیگر
سلطنت شعار نصفت و ثار • اخوت مآب خلافت قباب • عالی شان
معالی نشان • نهال برومند روضهٔ خلافت • ثمرهٔ شجرهٔ معدلت و رأفت •

RAĞIP P.
Ka. N.
1506

شمس سپهر کامکاری • ثمرهٔ نسخهٔ شهریاری دردرج پادشاهی مطلع
فیوضات الهی • الفائز بعواطف الملك الصمد • نظام الدولة والدین
سلطان احمد • رفع الله تعالی الویة جلاله • وشید ابنیة اقباله •

دیکر

کل کلستان کامرانی • نهال بوستان خسروانی • تاجدار فریدون فر
شهریار بلنداختر • بیت زدریای دولت کران کوهری • ببرج سعادت
بلنداختری • کیوان مقام بهرام انتقام • جمشید دولت رستم شجاعت
حاتم سخاوت • نورحدقهٔ تاجداری • نورحدیقهٔ کامکاری • بلند
اختر آسمان پایه • دردرخشندهٔ کرانمایه بیت شاه جم اقبال
واسکندرسریر • باد دولت یار وعون حق نصیر حضرتلرینك •

دیکر

عالیحضرت معالی مرتبت کردون سطوت قمر بهجت عطارد فطنت
ناهید عشرت خورشید افاضت برجیس سعادت بهرام صولت کیوان
رفعت • باوسط الامن والامان • المتمسك بحبل الله بامر بالعدل
والاحسان • سلطان سلاطین زمان • ادام الله تعالی دولته وسلطنته

دیکر

خداوند خورشید طلعت • فلك مکنت زمین بسطت • حافظ البلاد
ناصر العباد • معین الدنیا والدین معز الاسلام والمسلمین • شهنشاه
اعظم پادشاه معظم • فریدون جاه ستاره سپاه • جهانکیر آصف
نظیر نصرة الخلائق اجمعین • حجة الله علی العالمین

دیکر

عالیحضرت جلادت منزلت سپهر مرتبت خاقان عالیجاه وعالیشان
سلطان بلندقدر ورفیع مکان طراز فرمان روایی نکینخاتم
کشورکشایی ناصب لواء السلطنة ظل الله فی الارض حافظ بلاد الاسلام
من اهل السنة والفرض پادشاه عدوبند قلعه کشای شهنشاه کشور
کیرجهان آرای مرتجی ارباب العلم والعرفان مقوی اصحاب الصدق
والایقان احسن اعاظم السلاطین شرقا وغربا احب اماجد الخواقین
بعدا وقربا مصدق کریمهٔ یختص برحمته من یشاء فائز درجهٔ نرفع
درجات من نشاء بیت شهنشاه عادل که ازعدل ورای بود سایهٔ
رحمت ازخدای اعز الله سریر الملك بوجوده وافاض علی القریب والبعید آثار ترحمه وجوده

دیکر

حرومنی

خلاصهٔ شاهان عالیمقدار • نقاوهٔ پادشاهان عظیم الاقتدار •
نوردیدهٔ خلافت وتاجداری قرهٔ باصرهٔ سلطنت وشهریاری • آفتاب
آسمان سعادت • آسمان آفتاب سیادت • واسطهٔ عقد شهریاری
جوهر فرد نامداری • جامع اقسام المحاسن والمفاخر • ناشر اصناف الفواضل
والمآثر • خاقان منزلت • فریدون رتبت جمشید حشمت دارا درایت
قطب فلك وقار • مرکز کردون اقتدار

دیکر

حضرت اسکندر رایت دارا درایت کیوان رفعت بهرام مرتبت خسرو
بارکاه عزوتمکین نوشروان مسند عدالت آیین قیصر جمشید مکین
خورشید مکان خاقان تاجبخش کشورستان سلطان تخت نشین
صاحبقران پادشاه دولت قرین کامران دیکر
عالیحضرت ثریا منزلت کسری معدلت دارا درایت • کاوس سهم وآیرس
فهم • هوشنك جنك افراسیاب آهنك جمشید سریر خورشید نظیر •
غرهٔ صبح شهریاری • اختر برج بختیاری • دریکتای عمان سلطنت
کوهر بیهمتای کان حکومت • الی آخر المراد •

القاب شرفاء مکهٔ مکرمه

جناب امارت مآب سعادت اکتساب سیادت انتساب دولت
نصاب عزت قباب ذوالنسب الطاهر والحسب الطاهر صاحب العز
والشرف خلفا بعد خلف نسل السلالة الهاشمیة فرع الشجرة الزکیة
النبویة طراز العصابة العلویة المحفوف بصنوف لطائف عواطف
الملك المنان السید شریف حسن دام سعده تحیات صافیات عنبرباز
وتسلیمات وافیات جوهر نثار که محض وفور مکرمت سلطانیدن صدور
بولور اتحاف واهدا قلندقدن صکره دیکر
جناب امارت مآب سیادت انتساب دولت اکتساب قطب دائرة
الافلاك الحسنیة واسطة عقد العصابة الهاشمیة • سلالة السلسلة
المحمدیة • فرع الشجرة الزکیة النبویة • ثمرة الدوحة المصطفویة افتخار
اولاد الرسول • مختار احفاد البتول • خلف اعاظم الاسلاف • شرف
الاسلاف والاخلاف • زبدة آل بنی عبد مناف ذوالنسب الطاهر و
والحسب الطاهر • حامی حمی الحرم المحترم • الرضیع من ثدی الکرم صاحب
المنظر الانیس وذو القدر الرئیس • مکهٔ مکرمه شریفی سعادتلو
سیادتلو بن مجلس شریف سعادت الیف • ومحفل منیف سیادت ردیف دیکر

صوبنه تحيات رايقه اجابت ختام • وتسليمات فايقه استجابت نظام
قافلهٔ صدق وصفا • وراحلهٔ حب وولا ايله اتحاف **دیکر**
كريم الشيم والصفات • سليم النفس وكذات • سنى جده الكريم • مظهر خلقه
العظيم • الذى نور عيوب المملكة بانوار وجوده • ونضر رياض السلطنة
من زلال عدله وجوده • سليم الاسم والمسمى مصدوقه • تنزل الاسماء من السماء
بيت تعالى الله زهى فرخنده شاهى فراز تخت ودولت پادشاهى •

القاب خانان قريم

دائم سلطنت تاتار خانلر يازيلان عنوانلردر اقليم دولتك
خاقانى ديهيم سعادتك خان فرمانروانى • وقريم مملكتنك حاكم معدلت
نشانى • سعادت ورفعت كوهرينك كانى صداقت واستقامت سپهرينك
خورشيد رخشانى • حضرت خان عاليشان حفظه الله الملك المستعان
ساحهٔ فسيحة المساحهٔ عز واقباللرنه هزاران تكريم واجلال ايله نثر ايدن
دعوات محبت قرين • ولطائف تسليمات مودت رهين اتحافندن صكره
ضمير منيرلرينه انها اولنوركه • **بودخى مشار اليه طرفندن قاغلغاى سلطان**
حميده خصال ستوده فعالى خير الخلف خانان على الشان قالغاى
شاهين كراى سلطان قبلنه تحيت ودعا ومدحت وثنا اتحاف واهدا
سندن صكره انها اولنوركه • معلى كلمة الله العزيز • زبدهٔ نسل جنكيز
جانسوز دشمن بركبر وستيز • جكركاه كفار بد كردار نا تميز عرصهٔ هيجاده
بشتواى ناكزير • سينهٔ بركينهٔ اعادۀ خونريزاولان دولتخواه ديرين
ومدحتكوى صداقت قرين كزيدهٔ خانان • بنديدهٔ سلطانان •
غازى كراى خان • طال بقاءه فى امان ربنا المنان • **دیکر**
چراغ خاندان خانى • شمع انجمن كامرانى • اختر سپهر دولت وكامرانى
كلبن كلشن امن وامانى • بالفعل قريم خانى فلان خان • دام فى حفظ ربه
المنان • ادعيهٔ صالحه اهدا سندن صكره • **دیکر**
جناب سلطنت مآب حشمت نصاب شوكت مناب عزت انتساب • غرهٔ
صبح بختيارى • قرهٔ عين كامكارى • فرازندهٔ رايت مهترى • فروزندهٔ
رعيت پرورى • سلالهٔ خانان سامى مكان خان عاليشان كشور ستان
محمد كراى خان • لازالت راية عزته خافقة • وعناية الحق له مرافقة **دیکر**
جناب امارت مآب ايالت نصاب دولت اكتساب • ذو القدر الاتم
والفخر الانم • المختص بمزيد عناية الملك المنان • قريم خانى غازى كراى
خان • دامت معاليه تحيات عنبر بار اثار ندن صكره **دیکر**

جناب سلطنت ايالت حشمت نصاب شوكت مناب عزت اكتساب •
معز الدولة القاهرة مؤيد الملة الزاهرة نوردیدهٔ ابد چراغ دودمان
اهل تأبيد سلالهٔ خانان عزت مكان نتيجهٔ بهجهٔ عدل واحسان •
آيت رحمت رحمان • عاليشان كشورستان • محمد كراى خان • حضور
باهر النورلرينه تحيات **دیکر**
جناب امارت مآب دولت نصاب عزت اكتساب • بنديدهٔ خاندان
خانى • كزيدهٔ نسل ايلخانى ملكى الفعال ملكى الخصال • استاندن سعادت
خيرخواهى منظور انظار الطاف الهى حالا قريم خانى محمد كراى خان
دام منظورا باللطف والاحسان

القاب سلاطين اوزبكان وامراء اكراد وكجرات

جناب دولت مآب رفعت نصاب سلطنت قباب حشمت مناب
شوكت انتساب • حائز كمالات صورى ومعنوى • جامع سعادات
دينى ودنيوى • سالك مسالك عدل وانصاف • دافع مهالك ظلم
واعتساف • مظهر الطاف جلى وخفى ناصر مذهب حنيف حنفى • حافظ بلاد
توران • باسط بساط امن وامان • المختص بمزيد عواطف المنان المؤيد
بتأييد الله عبد الله خان • دامت معاليه الى يوم الميزان •

دیکر

نظم شه عادل خديو عالم آرا • خداوند سمرقند وبخارا • المحفوف
بصنوف عواطف الملك المنان • عبد الله بهادر خان • لازالت آيات
حسناته مكتوبة على صفحات الزمان • صوبنه **دیکر**
فرازندهٔ رايات سرورى • فروزندهٔ آيات مهترى • عضد الدولة
القاهرة • مؤيد الملة الباهرة باعث امن وامان عالميان • موجب اطمينان
قلوب آشنايان • سرير آراى ملك كامكارى • طراوت بخش باغ بختيارى
فارس ميدان شجاعت • حارس سكان ولايت • آيت رحمت رحمانى
كوكب عزت نورانى مطلع حشمت • مشرق دولت نوردیدهٔ رجا واميد
چراغ دودمان اهل تأبيد • سلالهٔ خانان جنت مكان • نتيجهٔ بهجهٔ
عدل واحسان • المؤيد بتأييد الملك المنان • المشرف باشرف الاسماء عبد الله
خان • لازال مصونا عن نطرق الحدثان • حضرتلرينك صوب صواب
نعم المآبلرينه • **دیکر**
مادام كه مسند نشين طارم چارمين • وفرمان فرماى خطهٔ خاور زمين
بيرق براق صبح تابان • وسپاه زرين قباى اشعه وانوار ايله فضاى

فرح فزای عالم علوبن ترك وتاز و قهرمان صف دست تطاول
درازایدوب فرقهٔ سپهکاران کشورشام وشیعهٔ ظلمت شعارات
ملکت ظلامی میان میدان دلاوریده پامال وعرصهٔ جنك داوریده
پریشان حال ایدن همیشه اول شهریار جهان مطاع مالك رقاب
وتاجدار واجب الاتباع آسمان جناب که هیکل شمشیر جهانکیری
صبح خجسته طلوع عالم اجلال وسپرزرنیی مهر جهانتاب سپهر
٧ اقبالدر اعنی حضرت خان عزت قرین وخاقان سعادت رهین
مرصع نشین مسند شهریاری معلی مکان تاجداری سلیمان حشم فریدون
علم دارا کشور سکندر ظفر بهمن احتشام رستم انتقام قهرمان شجاعت
نوشیروان عدالت خداوندکار سپهر آستان ابو المغازی عبد الله
بهادر خان خلد الله دولته ملاذ الانام الخیام الساعة وساعة الفنا
حضرتلرینك ذات خجسته سمات ووجود فرخنده صفاتلری بیرایه بخش
اورنك خانی ورونق افروز افسر کیانی اولوب رأی عالم آرالری
ناظم مهمات دین ودولت وتیغ کشور کشالری حاسم ملمات ملك
وملت اولمغله ظل ظلیل حمایتلری مفارق مسلمین اوزره ممدود
وسایبان عز ورفعتلری طناب خلود ایله مشدود اوله

دیکر

جناب امارت پناه شهامت دستکاه شرف انتساب دولت اکتساب مؤتمن
الدولة الخاقانیة معتمد السدة السلطانیة امیر جلیل شرف خان لا زال
منظورا بانظار اللطف والاحسان دیکر
والاجناب امارت مآب عزت نصاب رفعت مناب سعادت اکتساب
سیادت انتساب مالك نواصی الملل سالك اقاصی الدول صاحب
دلائل الاقبال ساحب اذیال الاجلال حاوی مفاخر السعادات
بمکارم الاخلاق حائز العزة فی اعلی المراتب بالاستحقاق المحفوف
بصنوف عواطف الملك المنان پیر محمد خان ادام الله عمره الی نهایة الدوران

دیکر

رفعت مآب عزت نصاب ممهد قواعد الرای والتدبیر بالعقل الکامل
مشید مبانی التحریر والتقریر بالفضل الشامل موسس اساس الفوز
والفلاح موکد بنیان الصلح والصلاح فلان خان دام فی رضاء الملك
المستعان حضور سعادت موفوره شرایف تحیات صافیات ابلاغندن
صکره

دیکر

والاجناب سلطنت مآب دولت مناب ملکی الذات ملکی الصفات مالك
نواصی الملل سالك اقاصی الدول موسس قواعد العظمة والاجلال
موید مقاعد الدولة والاقبال ناصب رایات الدولة الشامخة صاحب
ایات العزة الباذخة المحفوف بصنوف عواطف العزیز الاعلی الی الاخر

القاب حاکم فس

جناب امارت مآب ایالت نصاب ملکی الفعال ملکی الخصال
المختص بمزید عنایة الملك المتعال فس حاکمی فلان دام علوه

القاب اولاد سلاطین

نخل باغ سلطنت نهال جویبار خلافت کل کلبن عدل وداوری ثمره
شجرهٔ شهریاری وسروری دیکر
مهر سپهر شهریاری درج اوج کامکاری ثمره شجرهٔ خلافت کل کلبن دولت
سرو جویبار شاهی نخل چمنزار پادشاهی دیکر
خلف الاماجد والاکارم جامع المحامد والمکارم ذو القدر الاتم
والفخر الاشم المحفوف بصنوف عواطف الملك الصمد میرزا محمد دام علوه

القاب سلطانات

سیده المخدرات الکبلة المحصنات تاج المستورات ملکة الملکات رفیعة
٨ الدرجات صفیة الصفات بانیة مبانی المبرات صاحبة الخیرات والحسنات
ذات العلی والسعادات عایشة الزمان خدیجة الدوران المختصة
بمزید عنایة المستعان فلان سلطان دامت عفتها وزادت عصمتها

القاب شاهان عجم

اعلیحضرت معالی منقبت فلك رفعت سلطنت مآب شوکت نصاب
ابهت اکتساب حارس ممالك فارس وعراق جامع مناقب العلو وطیب
الاعراق نیر برج شهریاری کوهر درج تاجداری المحفوف بصنوف
عواطف رب الجن والناس شاه عباس لا زال مشید الاساس الود
والاستیناس دیکر
اعلیحضرت معالی منقبت کردون رفعت فریدون شوکت فارس
ممالك فارس وعجم زیب افزای اورنك عجم جامع اقالیم فارس وعراق
جامع مکارم الاخلاق حایز مکارم طیب الاعراق المخصوص بعنایة الملك
الخلاق بیت سمی عم رسول مکرم از همه ناس بپهر کوکبهٔ شه صفی
نسب عباس شهباز بلند پرواز رستم سنم کداز شهسوار مضمار شهامت
وسربلندی شهریار کشور پناهی وارحمندی زیبنده تخت بختیاری

کیرندهٔ تاج تاجداری **نظم** دارای زمانه شاه عباس • بادا برضای خالق الناس

دیکر

بخابت نژاد نباهت نهادا اسکندر فطنت کسری معدلت • مسند آرای حشمت وشهریاری • زینت افزای اورنك تاجداری • متمم اخلاق سنیه مکمل اوصاف ملکیه • حاوی محاسن منقبت • ناشر مناشیر محمدت • دولت مدار نصرت شعار • آفتاب اوج مکنت وجاه • المؤید بتأیید الله فلان شاه

دیکر

مهر سپهر سلطنت وشهریاری • دربحر معدلت وکامکاری • مالك ممالك جهانبانی • سالك مسالك فرمان رانی خاقان جمشید سپاه سلیمان خورشید کلاه • رافع رایات سروری • جامع آیات مهتری • فارس مضمار موالات حارس حصار مصافات • بهجاه دولت پناه • المنظور بعواطف الله فلان شاه •

دیکر

اختر برج کامرانی نورافروز ملك ایرانی • بحر مواج بدر وهاج • مسند نشین اورنك ابتهاج • وارث تخت وافسر وتاج • مالك طبل وعلم • صاحب خیل وحشم • وارث اورنك جم • داور ملك عجم • فروزندهٔ تاج وتخت • فرازندهٔ رایات جاه وبخت • ماه فلك شاهی • مهر سپهر پادشاهی الفائز بنعیم المنعم الجلیل ابن طهماسب شاه اسمعیل • **دیکر**

عالیحضرت والا رتبت • نیر طارم ابهت • قصر خانم معدلت • خورشید مشارق شهریاری • جمشید سرادق تاجداری • داور دارای فریدون ملك آرای کیخسرو دهر • نریمان عصر • ساحب اذیال المفاخر • صاحب اعلام المآثر • فرع باسق الایالة • غرة ناصیة البسالة • معز الدولة والاقبال •

دیکر

عالیجناب رفعت مناب عزت قباب • دارا بخت کسری تخت سکندر فطرت عطارد فطنت خسرو شوکت ناهید صحبت • جمشید جاه خورشید کلاه • • فریدون فراست کیکاوس کیاست • نیر اوج مجد وکمال دره‌ٔ تاج عز واقبال • مشرق انوار ابهت مطلع آثار منقبت غرهٔ جبین دولت کوهر نکین سعادت • مهر سپهر عظمت وشهریاری • سپهر مهر نصفت وتاجداری • حشمت پناه عزت دستکاه فلان شاه • ضاعف الله معالم قدره ورفعته • ورفع اعلام عزته وشوکته • **دیکر**

عالیحضرت سامی رتبت • هوشنك هوش سیاوش وش دارا درایت کی کیاست افراسیاب فراست • بالا نشین اورنك دارائی • والا نشین سریر

مملکت آرائی • دز نهاد دریای سروری هدهد تاجدار کلزار هنر پروری

بیت شاه بیت قصیدهٔ اجلال • درة التاج افسر اقبال **دیکر**

حارس ممالك فارس وعراق فارس مسالك ود ووفاق • رایت افراز خطهٔ اقبال • دولت افروز جبههٔ اجلال تخت نشین ملك ایران فرمان فرمای دلبران • مالك اورنك جم لا بن اخشاجم • دولت اساس محمدت لباس • مؤسس اساس استیناس شاه عباس •

القاب وزیر اعظم

دستور اکرم مشیر افخم نظام العالم • مدبر امور الجمهور بالفکر الثاقب متمم مهام الانام بالرأی الصائب • ممهد بنیان الدولة والاقبال • مشید ارکان السعادة والاجلال • المحفوف بصنوف عواطف الملك الاعلی • وزیر اعظم فلان پاشا • ادام الله تعالی اجلاله •

القاب وزراء متقاعدان

افتخار الاعالی والاعاظم • مستجمع جمیع المعالی والمکارم • ذو الدولة الراسخة والعزة الشامخة • المختص بمزید عنایة الملك الصمد • سابقا وزیرم احمد پاشا • دامت معالیه •

القاب میرمیران

امیر الامراء الکرام • کبیر الکبراء الفخام • ذو القدر والاحترام • صاحب العز والاحتشام • المختص بمزید عنایة الملك الاعلی •

القاب بکجری اغاسی وآستانه دفتردارلری ونشانجی

افتخار الامراء والاکابر • مستجمع صنوف المعالی والمفاخر ذو القدر الاتم والفخر الاشم المختص بمزید عنایة الملك الصمد • بکجری اغاسی محمد دام علوه • وطغرای شریفم خدمتنده اولان احمد دام عزه •

القاب مقربان سلاطین

مفاخر الخواص والمقربین • معتمد الملوك والسلاطین • صاحبوا العز والتمکین • ذوی القدر الرفیع • والعز المنیع • مظاهر الطاف علیهٔ شاهی • مناظر انظار اعطاف پادشاهی • اعنی بهم فلان وفلان لا زال قدرهم العالی متعالیا فی الایام واللیالی • **دیکر**

فارس میدان شهامت • غارس نهال شجاعت • فروزندهٔ عزت وبختیاری فرازندهٔ مآثر کامکاری نخل برومند دیامن کامرانی • ثمرهٔ شجرهٔ سربلند باغ فرمانروانی • مظهر الطاف یزدانی • دام محفوفا بالمن الصمدانی •

ديكو قدوة الخواص والمقربين عمدة اصحاب العز والتمكين معتمد الملوك والسلاطين المختص بمزيد عناية الملك المعين

القاب امرای عشایر

افتخار العشایر والقبایل مختار الاماجد والاماثل میر عشیرت اولان فلان زید مجده

القاب امرای چنکانه وفرق کلیسا

قدوة الامراء الکرام عمدة الکبراء الفخام ایچ ففریه متحصر در

القاب رئیس الکتاب واغایان رکاب وامینان دفتر

افتخار الاماجد والاکارم جامع المحامد والمکارم المختص بمزید عنایة الملك المنان فلان زید مجده

القاب امرا

قدوة الامراء الکرام عمدة الکبراء الفخام ذو القدر والاحترام المختص بمزید عنایة الملك العلام سنجاق بکی دام علوه

امرایه جمله

مفاخر الامراء الکرام مراجع الکبراء الفخام ذوی القدر والاحترام المختصون بمزید عنایة الملك العلام سنجاق بکلری دام عزهم

میر میرانه جمله

اعاظم الامراء الکرام مراجع الکبراء الفخام ذوی القدر والاحترام اصحاب العز والاحتشام المختصون بمزید عنایة الملك الاعلی فلان وفلان بکلر بکلری دام اقبالهم

القاب بلوك اغالری وجبه جی وطوبجی باشیلرینه

قدوة الاماجد والاکارم جامع المحامد والمکارم المختص بمزید عنایة الملك الدایم فلان دام مجده

القاب قپو اغالرینه جمله

مفاخر الخواص والمقربین معتمد الملوك والسلاطین صاحبوا العز والتمکین ذوی القدر الرفیع والعز المنیع مظاهر الطاف علیه شاهی مناظر انظار اعطاف شهنشاهی لازال قدرهم العالی متعالیا فی الایام واللیالی

القاب کتاب دیوان همایون

قدوة ارباب التحریر والقلم عمدة اصحاب التقریر والرقم کاتب دیوان فلان زید قدره

درکاه عالی چاوشلرینه وسپاهیلرینه قدوة الاماثل والاقران فلان چاوش زید قدره

متفرقه فرقه سنه قدوة الاماجد والاکارم متفرقه فلان زید مجده **تونس دایلرینه**

افتخار الغزاة والمجاهدین مختار الکماة والمرابطین تونس دایبسی فلان زید قدره

تونس دایبسنه قدوة الاماجد والاعیان تونس دایبسی زید مجده قبلنه لایق اولان تحیات صافیه اتحافیله انهای تودد

کتخدا قپودانلرینه

قدوة الرؤسا والمعتمدین خاصه قپودانلردن فلان زید قدره

القاب دزداران

قدوة الثقات والمستحفظین فلان قلعه دزداری زید حفظه

القاب بی زبانان

قدوة ارباب الایماء والاشارات عمدة اصحاب الرموز والاعتبارات ذو الفراسة الواضحة والعزة البادهة المخصوص بعنایة الملك الغفار خاصه خدمتکارلرندن بی زبان فلان زید مجده

القاب اصناف علما

نقیب الاشراف نقابت پناه نجابت دستکاه قدوة الاشراف والسادات منبع السیادة والسعادات شرف کدین والعفی مظهر فحوای الا المودة فی القربی منجز آل طه ویس ثمره شجره وما ارسلناك الا رحمة للعالمین المختص بمزید عنایة الملك الناصر سده سعادتمده نقیب الاشراف اولان مولانا عبد القادر زیدت سیادته

شیخ الاسلام وخواجه یه اعلم العلماء العظام افضل الفضلاء الفخام کاشف اسرار التنزیل مظهر دقایق التفسیر والتاویل منور مصابیح الاحادیث النبویة مشرق مشارق الانوار المصطفویة مطلع مطالع الانوار مرقات مدارج الاسرار سباق غایات الفضائل والمعارف نصاب رایات الفواضل والعوارف بحر المعانی والیقین المؤید بتأیید الملك المعین شیخ الاسلام مولانا ادام الله تعالی فضائله

قاضیعسکر اعلم العلماء المتبحرین افضل الفضلاء المتورعین ینبوع الفضل والیقین کشاف المشکلات الدینیة حلال المعضلات الیقینیة مصباح رموز الحقایق مفتاح کنوز الدقایق المحفوف بصنوف عواطف الملك الاعلی مولانا قاضیعسکر ادام الله فضائله

موالئ عظام اقضی قضاة المسلمین اولی ولاة الموحدین معدن الفضل والیقین حجة الحق علی الخلق اجمعین وارث علوم الانبیاء والمرسلین المختص بمزید عنایة الملك المعین مولانا قاضیسی زید فضله

جمعله اقاضی قضاة المسلمین • افاخم ولاة الموحدین • معادن الفضائل والیقین • حجة الحق علی الخلق اجمعین • وارثوا علوم الانبیاء والمرسلین • المختصون بمزید عنایة الملك المعین • فلان وفلان قاضیلری زیدت فضائلهم •

صحن مدرسلرینه

افتخار العلماء المحققین • مختار الفضلاء المدققین • معدن الفضل والیقین • المختص بمزید عنایة الملك المعین • فلان مدرسه مدرسی مولانا فلان زیدت فضائله •

القاب قضاة

قدوة القضاة والحکام • معدن الفضل والکلام • مولانا فلان قاضیسی زید فضله •

جمعله مفاخر القضاة والحکام • معادن الفضل والکلام • فلان وفلان قاضیلری زیدت فضائلهم

کنار مفتیسنه ومدرسنه

قدوة العلماء المحققین • عمدة الفضلاء المدققین • المختص بمزید عنایة الملك المعین • فلان مفتیسی زید فضله •

القاب مشایخ

افتخار المشایخ العظام • مختار الانقیاء الفخام • مظهر الاسرار والغیب فلان زید تقواه •

القاب ائمه وخطبا

قدوة البلغاء الکرام • اسوة الفصحاء الفخام • حافظ کلام الله الملك العلام • المختص بمزید عنایة الملك الصمد • مولانا احمد طاب انفاسه الکریمه • حقایق اسرار تنزیل خبیر وواقف • وفنون معارف وقراآته اهل وعارف اولمغله •

القاب صلحا مفردلی

افتخار الصلحاء السالکین • مختار الانقیاء الناسکین فلان زید صلاحه

القاب سادات

قدوة السادات العظام • عمدة الانقیاء الفخام • افتخار آل طه ویس • سلالة سید المرسلین • المختص بمزید عنایة الملك المعین السید فلان دام سعده

القاب رئیس اطبا

اعلم الحکماء الحاذقین • احذق الاطباء الراسخین • جالینوس الزمان بقراط الاوان • مروح الارواح والاجسام • مزیل الامراض والاسقام • المختص بمزید عنایة الملك الاعلی • سلطنت سنیه سعادتمده رئیس الاطبا اولان فلان دام حذاقته •

صدر اعظم طرفندن نمچه ایمپراطورینه امت عیسویه ملوکنک زبده سی • ملت مسیحیه بیوک خیلرینک کزیده سی • جمله خرستیان دینندن طونان حکام کراملک اولوسی و مختاری • کافه ملوک نصارانک صاحب مجد وافتخاری • ابل ورلایتنده اولان عباد اللهک سرمایه امن وحضوری • خرستلو اولود وستمز ریم خلفنك ایمپراطوری • ختم الله عواقبه بالخیر والرشاد • والهمه سبیل الصواب والسداد •

نمچه وزیرینه

قدوة امراء ملت مسیحا • عمدة کبراء فرقه نصارا • مدبر امور الجماعة المسیحیه مصلح مصالح ارباب ناموس وکلیسا • مخالصت نشان • مصادقت عنوان دوستمز ختمت عواقبه بالخیر •

دیکر

قدوة امراء الملة المسیحیة • عمدة کبراء الفرقة العیسویة • مخالصت نشان • مصادقت عنوان محتشم روما ایمپرادوری دوستمزك باش وکیلی اولان فلان ختمت عواقبه بالخیر • فتنه دوستلغه لایق وتوکیلنه موافق کلام مخالصت انجام وپیام مصالحت ارتسام انها قلندقدنصکره

القاب امراء کفره فرانجه پادشاهنه ونمچه دل ومجارالارینه یازلور

افتخار الامراء العظام العیسویه • مختار الکبراء الفخام فی الملة المسیحیة مصلح مصالح جماهیر الطایفة النصرانیه • ساحب اذیال الحشمة والوقار • صاحب دلائل المجد والافتخار • فلان ختمت عواقبه بالخیر

جمعله عنوان مفاخر الامراء العظام العیسویة • مراجع الکبراء الفخام فی الملة المسیحیة • مصلحو مصالح جماهیر الطائفة النصرانیه • ساحبوا اذیال الحشمة والوقار • صاحبوا دلائل المجد والافتخار • قدیمدن آستانه مشیدالارکانمزه اظهار محبت واخلاص وعرض مودت واختصاص ایدن ملت نصارانك قراللری وکزیده ملوك وحاکملری

صدر اعظم طرفندن جمله عنوانده

افتخار اعاظم صنادید مسیحا • مختار افاخم ملت عیسی • صاحب العز والمجد والوقار • ساحب اذیال الحشمة والافتخار • بشنوی ملوك دیرونافرین • مقتدای اصحاب العز والناموس • سعادتلو عظمتلو وشوکتلو پادشاه کردون وقار حضرتلرینك • صادق دوستی وتوکیلی اولوب • بنجه ممالك وقلاع معموره وروم شهرزادهلرینه ایمپراطوری اولان فلان ختم الله عواقب اموره بالخیر والاحسان حضرتلری طرفنه

وندیك جمهوری طرفندن اولان دربا جناره لنله

قدوة الامراء فى الملة المسيحية عمدة كبراء الفرقة العيسويه مخالصت نشان مصادقت عنوان

ونديك دوژينه

افتخار امراء امة عيسيا مختار كبراء ملت مسيحا مدبر امور جماهير نصارا مصلح مصالح ارباب كليسا عمدة فرقه زنار و ناقوس زبدة زمرة ذو القدر و الناموس مخالصت نشان مصادقت عنوان فلان

اجق باش ملكنه

افتخار امراء الملة المسيحية مختار كبراء الفرقة العيسوية مصلح مصالح جماهير الطائفة النصرانية اجق باش ملكى فلان ختمت عواقبه بالخير

كورل حاكمنه و اجق باش ملكنه

قدوة امراء الملة المسيحية عمده كبراء الطائفة النصرانية مصلح مصالح جمهور الامة العيسوية كورل حاكمى ختمت عواقبه بالخير

كفره ملوكنك والده لرينه

قدوة المخدرات العظام العيسويه عمدة الموقرات فى الملة المسيحية مصلحة مصالح جماهير الطايفة النصرانيه ولايت فرانچه پادشاهى دوستمزك والده شفقه سى اولوب ممالك امورنك وكيله مختره سى اولان فلان خاتون ختمت عواقبها بالخير

بغدان و افلاق و بوده لرينه

قدوة امراء الملة المسيحية عمدة كبراء الطائفة النصرانية مخالصت نشان و مصادقت عنوان بغدان و افلاق و بوده لرى ختمت عواقبه بالخير قلنه بيام مصادقت انجام و كلام مسالمت ارتسام ابلاغ قلنه

افلاق ولايتنك اولان بويارلره و رهبانلره

قدوة اعيان الملة المسيحية افلاق ولايتنده اولان بويارلر و رهبانلر ختمت عواقبهم بالخير

لِه ولايتنك بيوك حطمانه

قدوة الامراء الكرام العيسوية عمدة الكبراء الفخام المسيحية له ولايتنك بيوك حطمانى فلان ختمت عواقبه بالخير قلنه

له قرالنك وكيلنه

قدوة الامراء العظام العيسوية عمدة الكبراء الفخام فى الملة المسيحية مخالصت نشان مصادقت عنوان له قرالنك قائممقامى فلان ختمت عواقبه بالخير

طرف شهريارى يه قزاق حطماننه

افتخار الملة المسيحية مختار الكبراء فى الطائفة النصرانية صارى قمش عسكرينك حطمانى فلان ختمت عواقبه بالخير توقيع رفيع همايون

فلانه

اردل ولايتنده اولان اوچ ملت امراسنه

مفاخر

مفاخر اعيان الملة المسيحية اردل ولايتنك اوچ ملت امراسى و اعيانى ختمت عواقبهم بالخير طرفلرينه نفاقه بيام صداقت انجام و خلوص كلام مصادقت ارتسام ابلاغ قلنه

مجموعهٔ منشآت السلاطین

حمد وثنا وشکر بی منتها اول منشئ مناشر صحیفات غبرا ومبدع
طوامیر طبقات سموات علا جل شانه وعم احسانه جنابنه لایق
واحری در که دست صنع اول ما خلق الله القلم ابداعیله جراید متفرقة
الاجزاء کون ومکانه رقم کن فکان چکوب اوراق زمین وآسمانه
خلق الانسان علمه البیان انشاسندن زیب وزینت ویروب بو نوع
شریفی جملهٔ مخلوقاتدن ممتاز وعلوم دینیه وکمالات یقینیه
اکتسابیله سرافراز بیوردی نظم سبحان مبدعی که زانشاء صنع او
لوح وجود وصفحهٔ هستی مزینست برهر یك از صحایف اوراق کائنات
سر صفات وحدت ذاتش مبینست وصلوات لا تعد ولا تحصی
سبب خلقت اشیا وباعث آفرینش دنیا وما فیها اولان حبیب خدا
محمد مصطفی علیه التحیة والثنا حضرتنه انسب واولی در که دبستان
حکمتده علمه شدید القوی دیبندن وربك الاکرم الذی علم بالقلم
تعلیمن آلدقدنصکره دبیر دیوان تقدیر برات جلالت آیات رسالتی
توقیع وما ارسلناك الا رحمة للعالمین ایله موقع ومبین وتوشیح
ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول الله وخاتم النبیین
برله موشح ومزین ایلمشدر نظم ای هادئ امم که بفیض هدایتت
اوراق نامرتب دیان مدونست هر آیتی که آمده در شان کبریا تفسیر آن
بصفحهٔ روی تو روشنست وعلی آله واصحابه الجامعین لکتابه والتابعین
لما اتی به وسلم تسلیما کثیرا وبعده رای عالم آرای فصحا وذهن عقده
کشای بلغایه معین ومبرهندر که فن بلاغت وانشا وصنعت کتابت
واملا اصول کمالات فضلا وامهات فضائل قدمادن اولمغله همواره
ارباب قلم محل اعطاف ملوك وسلاطین امم وهمیشه اصحاب رقم

مظهر

مظهر الطاف حکام وخواقین عالی همم اولمقدن خالی اولمیوب وبالجمله
قدوم فرخ رسوم سرگذشت ماضی وحالی فرق براعهٔ براعت آیتی ایله
استقبال ایدوب هرنکتهٔ بی بدلی درج وهر دخلی محلنده خرج ایدکلری
باعثندن بو جمع اخبار جمیع ادوار ومجموع اعصارده اعزاز واحترامله
مرعی اولیکلشدر ونته کیم امور سلطنت سیف قاطع وقلم اوله کذلك
مهمات اهل سیف دخی کاتبسز صورت بولمز لهذا سطوت قاهرهٔ سلیمان
بن داود علیهما السلام من الملك المعبود ظاهر وباهر ایکن آصف برخیا
خدمت کتابتیله ممتاز اولوب اکابنا حضرت سید الانام علیه التحیة والسلام
انا نبی السیف آوازه سن شرقدن غربه ایرشدروب مؤید من عند الله
ایکن کبرو خلفاء اربعه وزبیر وطلحه وحذیفة بن الیمان علیهم الکرامة
والرضوان کتاب عالیشانلرندن معدود بوروب بونلرك امثالی
اشراف عطارد رقم دائما بو زمره یه بیروز وبیش قدم واقع اولمشلردر
واسلاف عرب خط وشعری ورمی وسباحتی جمع ایدن اخلاف ذو الحسبنه
کامل الطلاق ایدوب بو درت درلو هنرله مباهات ایدرلردی کیم
رسول اکرم صلی الله علیه وسلم حضرتلرینه سورهٔ قلم نازل اولوب بر وجه
مصرع تعالی شانه عما یقولون ن والقلم وما یسطرون خطاب
مستطابیله نبی اکرمه وحی وقلمه قسم ایتدکدنصکره خود بوحرکت
اصحابی دوکلی ارباب سیفله مقابله ایدوب بو منوال اوزره تفاخر
ایدرلردی که شعر اذا افتخر الابطال یوما بسیفهم وعدوه مما یکسب
المجد والکرم کفی مثلوا الکتاب عزا ورفعة مدی الدهر ان الله اقسم
بالقلم ترجمه گر سپاهی ایدرسه تیغله فخر کاتبی کوره خوش دوبیت
ایدر فلك ارتفاع شاننه حق یمین ایتدوکی کفایت ایدر لاجرم مناظرهٔ
سیف وقلمده بعضیلری خامهٔ سوسنی خامهٔ بیخصام خواشامدن
ترجیح ایدوب بیش دست وبترا ایدوکنه دلیل قطعی ایراد ایتمشلردر که
هرچند تیغ نبرد آزما قلع وقمع اعداده بی مثل وبی همتادر لکن دائما
سفك دماده غیر حرکات واوضاعی اولمیوب واکثریا کلك خوش
ادا اتفاق عقدایله بیت دم اولور کیم بتورر مصلحت تیغ قلم کاه اولور
تیغ وتبرپاره لرینه مرهم مضمونجه استقامت امور دولت واستحکام
قواعد ملك وملت الاقلام اساس الاقالیم اوزره درجهٔ حصوله
ایریشوب فجواهر انتظام امور جمهور معاونت سرانگشت خامه ایله
سلك سداده منتظم اولوب رخسارهٔ عروس مملکت ولتناطهٔ پر زیب

وزینتك آرایش جمال فرخ فالی ایله حسن وبها بولدوغی مثبت ومقرر
اولمشدر • واول ایچون خیل کتاب ارباب کمالك سرخیلی بخت ودولت
بوطائفه نك طفیلی • اولوب ومضمار اعتبارده قصب السبق سعادتی
بونلر احراز ایدوب کلدکلری تواتر اخبار وتظاهر آثار ایله ظاهر • واصحاب
فطانت وذکایه بو معنی باهر اولمشدر • بالخصوص اشبو جامع منشآت
فضائل مشحون کمالات فنون احمد الشهیر بفریدون • التوقیعی المجدی
اثبته الله تعالی فی مقام السداد • علی رغم الحساد • ورزقه الفرادیس فی المعاد
عهدنده سنه مختص اولان امورك تفصیلی ایله مذکور اولسه چهره مطلوب
حجاب معاوقه ده مستور قلمه دن اندیشه اولنور • لکن هر وجهله تذکری
شکران نعمتی موجب اولدوغیچون علی الاختصار بیانی لازم کلوب
حضور ارباب کرمدن اعتذار ایله معلوم اوله که • اولا سعادت ازلی
اقتضاسیچه هنگام صباده تحریر وبیانه رهنما اولان افندیلرم رحمه الله
خواجه بنکواره سپارش ایدوب • وتربیه شریفلری ایله صفحهٔ تعلیمه
نوك قلم برله رقم چکوب • فی الجمله استعداد تحصیل اولندیغی کوندن
الی الآن حق علیمدرکه • خامه مثال کامران • ونامه کبی یوزآقلقلر ایله
مشارالیه مشرایخ زمان اولوب الحق مضایق تردد ومهاوی تحیرده
بدرقهٔ کتابت ایله سبیل هدایته اهتدای مبشر قلوب • نه جانبه که کیت واسطی
برله روان • ومیدان سخنوریده جولان ایدیم ایسه عنان توفیق الهی
کف کفایتمده استحکام بولوب • وامداد مداد باری یاری ایلیوب • بروجه
قبول عرصهٔ مأمول مطوی اولوب • فاتحه سی مسعود الابتداء • وخاتمه سی
محمود الانتهاء اولمغین سنه ستین وتسعمائه تاریخنده خدمت کتابت
وزیر آصف نشان عدالت عنوان الله مستعد اولمق دولتی ارزانی بیوروب
اشبو صناعت کثیرة الحسنه نك برکاتندن رقم رغبتم نقطهٔ التفاتیله
برابر اولوب بلکه حد وحصردن بیرون اولوب • لیل ونهار اندیشه
وافکاری امور کتابته مصروف • وخراش تحدید زغالیه بار مسکین
غباری جانب براعته معطوف قلوب • قلم کبی کتابتدن باش قالدرمز
ودوات آسا نوك خامه دن کوز ایرمز ایدم • تاکه تحصیل رضای شریف
صاحب سعادت • وتربیت حضرت ولی نعمت آثاری ظهوره کلوب
نام فریدونی سمع خداوند ربع مسکونه یتشوب • ونیچه خصوصلر
صدور بولادن • مراسم خدمات عالیه پسندیده حضرت اولمغله خبر
دعا ربن الحق دولتنه مظهر وکامیاب اولدم • ومراعطیات عالیه

وترقیات

وترقیات متوالیه برله نوازشلر ارزانی بیوریلوب • تیمارم بونیجه تمام
ورتبه منزلتم زعماء شفقه سلکنده انتظام بولوب • پایه وقدرم ارتفاع
بولدقجه دولت دنیایه قرینقه اولیوب • شوال قدیم اوزره وزیر مشتری
نظیر اولان ولی نعمتم مقام خدمتنده صبح ومسا عطارد آسا قلم فرسا
لقدندن دور ودم مهجور اولمیوب • اول ولی سیرت آصف منزلت حضرتنك
نقش وتذهیب خدماتلری تحریرنده • زرکر خیال خرده کارلغیله بوتنه
اندیشه وافکارك • سبیکهٔ کامل الوزن والعیارندن ایشلین تحف
ویادکاری • قلم پولاد رقم ایله سواد کارلق ایدن بو حقیر ایدم • القصه
اوچ عظیم پادشاه سکندر جاه وسلیمان دستکاهك • ایام دولتلرینك
سوردکلری وزارت اثناسنده ظهور بولان امور غریبه • که نوادر اتفاقات
ادوار وعجایب انقلابات دهور واعصاردندر • بری وقعهٔ سلطان
بایزیددر بیکه • دولت اسلامیه ده اکا معادل مشغله هائله • وکتب
تواریخدن اناك کبی مسئلهٔ مشکله کورلمش ویازلمش اولمیوب • جانب جنت
مکانیندن مشیر مشارالیه روانه اولنیجق ایکی ییلدن زیاده برار تحریر تیع
بویانه • وصحاری فکرنده جویان اولوب • وهردم تحصیل رضای خلیفه
الرحمن • ودفع عدوانه سعی ایلیوب • لله الحمد تدبیر صائبه ایله منزل
مقصوده وصول بولوب وزیر اعظم اولدیلر • وایکنجی قضیه غزای غرّای
سکتواره وارلوب • بالتمام فتح اولنورکن • ناکاه انتقال مغفرت پناه
مقدر اولوب • واصلا بر فرده افشا اولنمیوب • همان اول روز غزنت اندوزده
ذکر اولنان حصونك دربچه سی تسخیر قلنوب • اعظم فتوحات خاقانیه
واشرف واقعات عثمانیه دن محسوب اولدوغندن غیری • بعون الله تعالی
ناموس سلطنت عظمی • فرق سکز کوندن محافظت واخفا اولنوب • بو بابده سانح
اولان تدبیر صائبهٔ روشن رائك • تفصیلات وآثاری بو عبد ناچیز یازدوغم
تاریخ نزهة الاخبارده مشروح ومبیندر • واوچنجی قضیه حالا مقدما اولان
انتقال پادشاه جنت مکان سلطان سلیم خان علیه الرحمة والغفراندرکه
بلدهٔ طیبهٔ قسطنطنیه حفظت عن الآفات والبلیه • فتحندن الی الآن سلاطین
اسلام پناه غفرهم الله دن بر فردی سرای عامره ده ارتحال ایتمیوب • وانجق
مرحوم سعید سلطان محمد خان فاتح بلدهٔ مزبوره • عربستان سفرینه
متوجه ایکن • اسکوداره قریب مالدپه ده رحلت ایدوب • واندن برطرفیله
شهره کتوریلوب • لکن اخفاسی میسر اولمامغله اوده بر کوده ایچنده افشا
اولوب • نیچه درلو فترات واقع اولدوغی تواریخده واضحدر • ولحالة هذه

بو واقعه هائله نك دخی سر وخفاسی بغایت مشکل ایکن بتوفیق الله تعالی
یمن تدابیر آصف لانظیر ایله بو خصوصی دخی تمام سابق کبی موافق تقدیر
اولوب وحفظ ناموس سلطنت اون اوچ کون مقداری کما ینبغی برینه
کوریلوب ومجاری احوال محول لیل ونهار مددکاری ایلیوب زلال
نیل مراد انهار لیل ونهار مانندی ازدیاده باشلیوب وبحر زخار خیالات
وافکار تموجندن عنایت کردکار وساعدت روزکار موافقت قلوب
سفینه سعی بی شمار ایله غواص دولت لیل ونهار طالب درشاهوار ایکن
بعنایة الملك الاکرم مقبول عالم اولان جوهر کرانبها زورق طالع مهرآیین ١٧
هلال اسا بر راست کلوب بیت خیالك شاهی عزم تخت جان ایسه
عبور ایچون یولن کوزلرسونکم بحری اوزره زورق دیرم صقفیجه بو قلیل
البضاعه اون بیلدن برو فقرا وعلما وصلحا واتقیانك مرورلری آسان اولمغله
میسر اولوب انلردن خیر دعا آلمچون بروسا ایله استنبول معبرلرینك
ترتیب ایلدوکی قلته اشبو رمضانك یدنجیسی واقع اولان سه شنبه کونی
مودانیه اسکله سنده حاضر بولنمغین بنم قبول قرین اولدیغی اوزره
اول جلیل رب العباد بوقدر کیلر حاضر ومهیا ایکن باعث امن وامان اهل
ایمان اعنی عز واقبال وسعادت واجلال ایله وارث سلطنت مخفیادن تخت
بخته عزم ایدوب انده وصول بولدقلرنده سفینه مقصودی شهر مزبورده
قدر اوغرایوب برساعت متبرکه ده اول پادشاه اسلام پناه وشاهنشاه
عدالت دستکاه فرمان فرمای هفت اقلیم ورونق فزای تخت ودیهیم جهاندار
مالك رقاب وشهسوار خورشید رکاب حامی حوزة الدین ماحی البدع
عن الارضین باسط بساط الرأفة ظل الله علی مفارق اهل البریة منتظم مصالح
الغزو والجهاد ممهد اساس الحشمة لفتح القلاع والبلاد عن اهل الجور
والفساد رافع الویة النصرة باذل خزائن الشفقة ملاذ اعاظم الملوك
والاقیال وملجاء اصحاب الملك والسلطنة بالعز والاقبال المتوکل علی الله
الملك المنان السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان
بن الخاقان ابو الفتح سلطان مراد خان بن سلطان سلیم خان بن سلطان
سلیمان خان افتخار العثمان شعر خلیفة الحق راعی الملك والدین وحامی
البریة سلطان السلاطین نظم شهنشهی که فلك تازه شد بدوران کرفت
روی زمین نور عدل واحسانش کجاست درهمه آفاق سروری امروز
که نیست کردن او زیر طوق فرمانش لازالت سرادقات خلافته مشیدة
باطناب النصفة فی الایام وما برحت اوامر عدله نافذة بین الانام

وزاد

وزاد عمره ودولته وقدره وعظمته مدی الشهور والاعوام حضرتلری
ذکر اولنان کشتی ماه پیکره داخل اولوب وفلك مشحون جان جهانك
مقدم متبرکلرینه بورتبه سورمکیله فلکه کلاك دیمیوب بیت
چو بحر کرم کشت کشتی نشین شد آن آب آسوده تر از زمین سیا فنجه
اولجنده بردن بحره عزم ایدوب ومقدما ولی نعمت ندیمم وصاحب
سعادت کرمیم پرورنده اصل وجود وبرارنده نهال مقصودم اولان
دستور اعظم وزیر معظم مدبر امور جمهور بنی آدم ومکمل مهام مجموع
اهل عالم مرتب فلك فلك سیرمه سرعت ومدار نقطه دوایر محیط
عظمت مشیر وزراء الآفاق فی دقایق الامور مجیر فقراء الاقطار عن
مضایق ممالك الاعصار والدهور مزین قوانین العز والتمکین مشید
ارکان الدولة والدین سمی سید الانام سند ارکان انتظام قطعه
آن وزیری که ولش همت اکر دربند دکره از عقدۀ ابروی فلك بکشاید
قدم همت او تارك کیتی سپرد چنبر طاعت او کردن کردون ساید اعنی
آصف ملك آرا محمد پاشا ادام الله تعالی ایام اقباله بالعز الاعلی واقام
خیام اجلاله بالفوز الاسنی حضرتلری پایه سریر عالم مسیرلرینه روانه
وتعیین قلدقلری خواجه فضائل مآب مکرمت ایین واعلم علماء متبحرین
مولانا سعد الملة والدین زبدت سعادتی برمقدار عسکرده کلکله حضرت
خداوندکار دعا بمقدار خلد ظلاله الباقی الی یوم الحشر والقرار مولانای
مزبور وصول بولنجه داب ملوکانه اوزره کمال عاطفتلرندن نا خیر
ایدوب وصلوة ظهره برساعت مقداری وقت وار ایکن بالجمله اسکله
مذکوره دن نهضت همایون ارزانی قلوب ودائما علم ودانش صاحبتیله
بم کرمدن زورق سعادت قرین ایله جریان ایدوب وپادشاه بر وبحرك
ابتداء جلوسی ذکر اولنان سفینه تختنده دریا بوزنده واقع اولمغله
عمان فی بادبان شوقندن کندو به صغیوب لاجرم برمقدار جوش ١٨
وخروشه کلوب وفرحندن کریبان بادبان ایکی چاك اولوب وانلر
کبی هوانك حدتی وروزکارك وفرتنه مهیج ریاح نصرتلرندن نسیم مراد
بدرقه طریق نجات اولوب وعنایت الهی وهمت پادشاهیدن کمی به
بلا ایچون حفظ اولنان بلکی ایله مجددا خلعت مفاخرت احسان
اولنوب وفر دولت شهریاری تأثیرندن ولی نعمت قدیمی آصفجاهی نك
خیر دعالری برکاتیله بوکینه بنده نك کیسی المنة لله تعالی صحت کامله ایله
بونك کبی خدمت خاصه ولوازم امور عامه ده بولنوب بیت

بو تفاخر بیتر فریدونه • کم کیمسنه اولدی تختنه وصول • وبلطف الله همان
یوم مذکورده بعد الغروب شهره قریب کلوب وعشادن صکره استانبولك
سرای عامره اسکله سندن چیقلوب • ووزیر اعظم حضرتلرینه اعلام
بیوریلوب • مشیر معظم دخی تنها خواصندن برایکی نفر مخصوص قوللریله
علی التعجیل خاکپای ملك آرالرینه رخش زرین رکاب ایرشدوروب •
وپابوس سعادت مأنوسلریله مستسعد اولدوغی کبی سرعت واهتمام
برله باب همایونه وارلوب • وسرای عامره یه داخل اولدقدن صکره •
اقتضاء فلکی اوزره برشریف وقت ولطیف ساعتده سریر جهانبانی
وتخت کامرانی اوزره جلوس همایونلری میسر اولوب • الشکر لله باعث
امن وامان اولوب • بو حقیرك خاطرینه لایح اولان تاریخ اولد مصرع
میسر کن مرادش یا الهی • وثانیا • شمشیر اسلام • واقع اولدی • وشهزاده لر
٩٨٢ ٩٨٢
دخی جوار رحمت الهیه وصول بولوب علی الصباح اعیان واشراف مراسم
تعزیه وپابوس علیه لرین تقدیم قلندقدن صکره • دولتلو پادشاه
بالذات جنازه لر ایله حولی همایونده ترتیب بیوریلان مصلا یه دك
متحمل بیله کلوب • وشیخ الاسلام مفتی الانام مولانا حامد افندی
سلمه الله امامتیله نمازلری قلنوب • وجامع ایاصوفیه ده امین رحمته
تسلیم اولنوب • ارواح طیبه لرینه تلاوت ختمات • وتمهید خیرات
علی وجه الاستمرار معین اولندی • وابتداء دیواندن خزاین بی شمار ارکان
سعادت رقیب قوللرینه بذل واخراج بیورلغیله لا یحمل عطایا الملوك
الا مطایا الملوك اوزره عطابخش • تاریخ دوشوب • ما بین انعام
٩٨٢
عاملرندن متمکنان مظلهٔ آسمان • ومتوطنان محلهٔ امکان نصیب ایرشوب
شهنشاهی نعام بر عام • تاریخ واقع اولوب • وعامهٔ ارکان دولت خلع
٩٨٢
فاخره ایله بهره مند اولدقلرندن • تفتا نلر کیوب الا ویلدی تاریخ دوشدی
٩٨٢
بیت نه قطره ماند بدریا نه ذره ماند بدشت • که از نوایل او بهره مند
نکشت • مصدا فتحه جهان وجهانبانان لمعات احسانلرندن نور وصفا
وتاب وضیا بولوب • وشاخ شجرهٔ اقبال بار توقیع شهریاری • واجنحهٔ
سعادت آثار دریغ هماکردار خداوندکاری اعلوندن واخبار جلوس شریف
کامکاریچون اطراف اقاصی زمین وزمان واکناف حواشی کون ومکانه
سایه صالوب • وارباب استحقاق انواع رعایتله سرفرازلغه ایرشوب
هنرك وقتی وهنرمندك فرصتی عیان ونمایان اولدوغی جهتدن بو بنده لر
دخی پادشاه عالی تبارك • والد ماجد جنت مکین وخداوند بزرگوارك

جد سلیمان نجمی علما الرحمه حضرتلرینك عهدلرندن الی الآن واقع اولان
شکایات امور وتغضبات دهورك • رشتهٔ عقده کشالغن افتتاحدن
اختتامه وارنجه نوك کلك ایله وضوحه ایرشدوروب بیت
بسنجی شود بجنه مرد هنر • باتش مصفا شود سیم وزر • مفهوم منیفه نجوانت
وسکتوار کبی سفرلرده نار غربت وتاب حمیت ایله تصفیه میسر اولمجق بروقت
سعیدده دیوان عدالت عنوان اسلام مدارینك مناصب علیه لرندن
رباتت کتابیله کتاب مالیه موسوم قلنوب سنه ثمان وسبعین وتسعمائه نك
اهلهٔ عربیه سندن اولکی آینك سکزنجی کرع محمدهده ربیش ولکدی فریدون
٩٧٨
تاریخ نظم اولنوب • وخلوص طویت ومراسم عبودیت برله پیشگاه تصنیف
دستگاه وایام همایون خاقان مغفرت پناهیده خامهٔ صداقت صریر •
وقلم استقامت صفیر ایله خدمات لازمهٔ متداوله لریه قیام کوستروب
الشکر لله تحریر وتسطیرم • ترشیح انامل فرمان روائی شعبانندن بلاد وممالك
شاداب وریان ایلیوب • وملازمات خدمات رفعت غایات کامرانی
وزراء عظام ابقاهم الله الی یوم القیام • مقابله لرنده اهمال واهمالنی
یرینه کتوریلوب • وولی نعمت شارالیه وزیر اعظم محمد پاشا سلمه الله تعالی
حضرتلری که فرخ رأی ایله اوج پادشاه معظمك وزیر اعظم لغیله سرفراز
اولوب اسم شریفی دفاتر دهرده تکرار بتکرار مذکور اولمغین شعر
أعِد ذکر نعمانٍ لنا انّ ذکره • هو المسكُ ما كرّرته يتضوّع • صفاسی کسب
ایدوب واول حضرتك آستانهٔ شرف بخشالرندن دأب دیجبلی اوزره
اکتساب ایندوکم اسلوب خدمتی شعر ومن البحر یستفیض الغمام •
والیه یفیض ما یستفیض • مضمونجه علی الدوام صرف وبذل قیلوب وخاطر
الهام پذیرلرندن صادر اولان آثار تصرف وتدبیرکه • صور مخزونات
خزاین تقدیردر علی حسب الصدور • صفحهٔ ظهورده ثبت وسطور قلنمغله
وعهدهٔ عهد عدالت نشان وزارت • وذمت همت نصفت عنوان
وکالته منسوب اولان • جلائل امور ومعظمات خطوب که مراعات جانب
شرع وناموس الهی • ومحافظهٔ عرض سلطنت وعزت پادشاهی شرطیله
ضبط زمام تصرف عالم • وتدارك اسباب معیشت بنی آدم • وملاحظهٔ دفع
مکاید مشرکین ومعاندین • وتدبیر رفاهیت وآسایش رعایای ممالك دینمه
کلیاسی وکفایت حضرت صدارت مرتبت ارسطو درایت • وامنع اولوب
وبادیهٔ ضلالده جزایر شط العرب بغداده دیك فتنهٔ علیادن برغلبان
جزر ومد سان طغیان ایتدکده • رخنهٔ یأجوجات عربان عریان

سد سدید پادشاه سکندر نشان ایله مسدود و یمن همتلرندن ثغور حدود
یمن دخی ضربت سنان ایله مشدود بیوریلوب آثار معجزات محمدی و سعی
واقدام ملت مصطفویده جزیرهٔ قبرس دخی فتح اولنوب ع یا راکب المراکب
احذر عن العواقب نخوا سنجه بقضاء الله تعالی علی الغفله دونانمهٔ همایون
کرداب حادثه یه اوغرایوب وایت وافیة الهدایهٔ ان مع العسر یسرا
امیدوارلغیله ان الله مع الصابرین مفاسندن سلطان بر و بحر آرام قلوب
واولهنگامه ده سترفردن غافل اولان اعدای سیه دل وطوایف
ضال و مضلدن خبر آلندی که بو اندیشهٔ باطله ده ایدیلر که من بعد
برقایغ بیله دک ممالک عثمانیه دن دونانمه چیقمق ممکن اولمیه واعلام
ظفر پیکر ایله اوزرلرینه لشکر چکلیوب خانمانلری باشلرینه یقلمیه درحال
امر همایون ایله وزیر لا نظیر حسن تدبیر دلپذیره اشتغال کوستروب درت
بش بیل بحنده اولاجق مصالحی بشیخ ایده متحمل قالدروب و یوز سکسان
مقداردن زیاده کشتی کوه لنکر هلاک پیکر آلات حرب ایله مملو روی
دریاده نهنک اسا خرامشه باشلیوب بعنایة الملک العلام وله الجوار المنشأت
فی البحر کالاعلام نحواسیجه باشدت ظهور و انجام بولوب و هر بری
بو وجهله توصیف اولندی بیت باغلو زنجیر ایله شیر نرکبی سینه
اوزره یورر اژدر کبی و بر بر لشکر فراوان وعلم بی پایان ایله زیب
وزینت بولدقد نصکره عنقاصفت بنجه بردن پر و بال آچوب اعدای
بدرای اوزره صالندی وبو صیت و صدا ساحه جهان وجها نیانه ایرشوب
دشمنان ملت سید المرسلین واعدای متمردین بو نوع تدبیر عالم کیرک
مشاهده سندن آثار قدرت و استطاعتی تحقیق ایدنوب باد بادن هوا
وهوس فاسدلری باد نخوت وغرورله طولشی ایکن ضروری اشاغه
قودیلر وخواه وناخواه بعضلری طریق هدایت و سبیل معذرتندن در
دولته یوز سوره کلوب طوق طاعت و جنبر عبودیته بوین و یروب دونانمه ۲
خرجن وعصیان ایتدکلری زمانک خراجن کتوردب کنج اطاعتده خمول و شمول
اولدیلر و بو جمله مصالح و مهام عظمی نک انجامنه تدبیر دلپذیر آصف عالیمقام
حسن انتظام ویروب وجواهر رای صایبلری سلک تحریره چکلوب اول
خصوصده جد و اهتمام ایله یازیلدن اوامر و احکام که فذلکهٔ من سوء
فتح انجام و قضا بای انام ایدی تعدید ایکی یلق شهور و اعوامده ممکن
دکل ایکن لله الحمد نظر اهتماملری ایله اوچ بیل سکز ایده اول دریای خدمتک
رباسنی بالخیر اختتام بولدی و انده ما عدا ضبط قواعد احوال دیوانی و محافظهٔ

اوضاع قوانین عثمانی یه باعث ظهور بولن اعتنا وجدیدک آثارندن
بعضی بودر که بردن اقدم احکام ریاستده رقم چکن اخوان صفا واقران
واکفا زمانلرنده استخدام اولنان کتابک بعضی کثرت کتابت وقلت همتلری
جهتی ایله رئیس الکتاب دیواندن اخذ اولنان اصل فرمان صورتنی بر رکاغد
پاره سنه تسوید ایدوب یا زمده اهمال و یرینه قید ایتمکده اهمال سببی ایله
رقعهٔ مزبوره یی صرصر ذهول ونسیان یا نلرندن ربوده قلوب فلوات
فقدان و بوادی غفلته کردان بل نهان ایتمکله یاشلردی و بو جهتدن
نیجه مهمات حصولی عقدهٔ اشکال و ورطهٔ اختلاله دوشوب حدندن خارج
تعب واصلاحندن کلی محنت ونصب چکلوردی حالا بعون الله تعالی
بو مقوله دغدغه نک دفعی مصلحتی ایچون بر مسوده دفتری اختراع اولنوب
جناب وکالتنه انتسابدن شرف صدور بولان اوامر و نواهی پادشاهی
محل مزبوره کماهی قید اولنوب و هر خصوصی قنغی کاتبک دست خطیله
تسوید اولنمشه کند واسمی اوزرینه ثبت اولندقدنصکره شرائط اصلاح
و تصحیح ده ایسه مراعات اولنوب آندن صور احکامه نقل اولنور اولدی
و بونک امثالی پیدی ماده که هر بری رخنه زهربا ارباب طمعک سفاهتنه
سبب ایدی حسن تدارک اوزره شویلجه تصحیح و مربوط اولندی که سبعهٔ
معلقه کبی اهل دیوانک روز مره لرنده معروف و متداولدر و بو کتبه نک
اختراعات مفیده سندن حامی کتابنه بر طریقله ضبط و حمایت و حفظ
وحراست میسر اولمشدر که من بعد قوت تند باد خزان وزور بازوی
حوادث حدثان ودست برد تصاریف دوران بر ورقی لرزان ایتمک
ممکن و متصور دکلدر عاقبت اولیا یده اولان قواعد مخصوص بنیان
مرصوص کبی استحکام بولدوغی معلوم انام و مقبول خواص و عوام در انجی
دیدهٔ بصیرت ایله بقوب بلدم که بو سلاطین اسلام پناه کیتی ستان
وخواقین عالیجاه رفیع البنیان انار الله مضاجع اسلافهم وابد سلطنة
اخلافهم حضرتلرینک ایام همایونلرنده اولان مراسلات لطیفه
ومکاتبات منیفه وفتوح غزوات شاهانه و سوانح حالات ملوکانه
لرندن برنامهٔ نامی و مفاوضهٔ کرامی نه رؤس دیوانی ونه اصحاب توقیع
ونشانده موجود بولنیوب والجواهر کبی نمایه رشتهٔ اعتباره چکلمدن
اجلدن کوش و کردن مخدرهٔ سخن انلک کبی پرایه دن بی بهره قالوب ع
کلام الملوک ملوک الکلام ایکن دفاتر ایامده محو و منسی اولمغین منتشر اولنان
دخی سعی و جهدلری باطل و عاطل اولدوغندن غیری هر عصرک اذکی

مخصوصنه کوره متاخرینك لطافت طبایعی و اصطلاحات مجدده ایله
عبارات عتیقه نك تفاوتی وشهریارینك هنرمندلکی ودرجات
وطبقاتی بلنموب پردهٔ خفاده متفرق ومستور قالشدر مع هذا بو بندهٔ
احقر دبعانِ شبابدن الی الان بین الاخوان متداول اولان لسان عربی
وفارسی وترکیدن جمع ایلدیکم منشآت منتخبه دن بو خاندان عالیشانه
متعلق اولانی مراد ایدینوردم که باشقه باشقه هر عصرك دولتی
برمجلد ایدوب و دوکلیسن دخی برجلد واحد آخرده جمع وتدوین قیلوب ۲۱
ومجموعنك دیباجه سنده عهد رسالت علیه السلام والتحیه دن ایام
عدالت خلفاء راشدین رضوان الله علیهم اجمعینه دك مشهور اولان
مخاطبات سعادت نشانلری بروجه تیمن برقاچی کتب اولنوب
صحیفهٔ روزکارده برخوب اثر ویادکار قونیله اتفاق بو خاطرهٔ
مقرره کویا اصحاب فرادیس مآبلرینك ارواح طیبه لرینه منعکس
اولوب برلیلهٔ مبارکه ده که شمس برج میزانده اولمغله مزاج عالمی
طبایع نوع بنی آدم مانندی اول فصل شریفده اعتدال اوزره اولدوغی
ذکر اولنان اوقاتده کوریلدن واقعات شورش وانقلابدن عاری
اولوب حکایت خواب وتعبیر بلطف الله الملك القدیر
ذکر اولنان کیجه عالم رؤیاده شویله کوردم که بر روضهٔ جنت آسانك
اشجار متنوعه سی کمالیله یتشمش و هر برنهال موزونی قدچکوب سرافراز
اولمش اندن سیر وتماشا ایدرکن ناکاه کوردم برجماعته دوش اولدیکه
هر بری بریرده متفرق ومتفکر طوروب بو بنده به نظاره قیلورلر ایا بو جماعت
بر مهابتده اصل کسنه لر اوله دیو دائرهٔ ادبه چکلوب انلری تجسس
ایدردم که ناکاه برشخص پاکیزه خصال بشبهه محل ایدوب ایدرکه بو صحاب
فرخ فالك بری جانبنده توقف ایدن فی سعید وشهید سلطان بایزید
غفره الله واوته یاننده طوران که کندولره دوش بردوش اولمشلردر
فرزند ارجمندی سلطان سلیم خان ماضی علیه الرحمة والرضواندر
وایکیسنك اوته جانبلرنده اولان قدوبالاسی برابر طوبا ومظهر رحمت
جناب کبریا سعید الحیوة شهید الممات سلطان سلیمان خان عدن
آشیاندر وجانب غربده طورنلرك بری ابو الفتح مرحوم ومغفور لهم
سلطان محمد خان واوته طرفنده اولان سلطان شهید سلطان مراد خان
سعید ایدوکی تقریر ایلدی بو اثناده مغفرت پناه خلد آشیان سلطان
بایزید خان حضرتلرینه بو بنده لری نوازشله باقوب کوکلدن دیرم که

نه سعادتلو

نه سعادتلو صاحب دولت ایمش سن که سلطان سلیم کبی صاحبقرانك ظهورینه
سبب اولمشسن بو ملاحظه ده ایکن مرحوم سلطان سلیمان یرندن حرکت
ایدوب سلطان بایزید خان حضرتلرینك اوکنه کلوب ایما واشارت ایله
بنم قولمه التفات مشعر بعضی کلمات ایدر لکن مفهومی معلوم اولمغله
ما بینلرنده مصاحبت ممتد اولیجق ابو الفتح سلطان مراد غازی رحمه الله
قلبمه باقوب کیرو خاطرم ایدرکن که نه سعادتلو صاحب دولت ایمش سنکه
ابو الفتح سلطان محمد خان فاتح قسطنطنیه نك ظهورینه باعث اولمشسن
بو تصورده ایکن مرحوم سلطان سلیمدن غیریلری جمله سی بریره کلوب
بربریله مصاحبته باشلادیلر ومکالمه لری آراسنده ایما واشارتلری
بو قولری جانبنه اولوب کویا سویلشدکلری احوال بو بنده لرینه متعلق ایمش
اما سلطان سلیمانك توجه عالیلری جمله دن زیاده ایدوکی علم وجدان
ایله معلومم اولوب کندوکندیمه ایدرمکه نه مبارك ولطیف ساعتدر که
آل عثمان رحمهم الله حضرتلرینك بو اصل شریف جمعیتلرینه راست کلدم
ودخی تمناء ال قلدرب دعا ایلمکه شروع ایدوب جانبی ایچون زاری
وتضرع ایدرکن بو اثناده اول مجلس منیفك مهابتندن بیدار اولوب ارواح
مطهره لرینك رؤیتی کیفیتندن بردرجه ده خوشحال اولمشیدم که صبر وآرام
ایتمکه قدرتم قالمیوب وشوق شغفدن تجدید وضوء ایدوب سجادهٔ عبودیتده
طاعته قیام کوستروب نماز ونیاز قلندقدنصکره علی الصباح اهل فلاحدن
برعالم عامل وفاضل کامل ایله که مناسبت تامه وموانست واراده قلنمشیدی
حاضر وقت اولوب واقعهٔ سابقه یی مفصلا تقریر اولندقده حسن تعبیر
دلپذیری ارتفاع درجاتمی مشعر اولدیغندن غیری جمله سنه متعلق
سندن برخدمت لازم نظر ظهوره کله دیو بیوردیلر فقیر دخی مرکوز خاطر ۲۲
اولان جمع وتدوین مراسلاتی سویلدیکم کبی بلا شبهه اکا اشارتدر دیو بیوردی
ومجموعنك ارواح طیبه سی ایچون فاتحه لر اوقنوب ومزارات منوره لرینه
روزمره بورده علی حسب المقدور قربان وتصدقات کوندریلوب
نتیجه سی نه زمانده ظاهر اوله دیو مترقب ایدم که ایکی ایدن صکره
مثنوی قلم ضایع نمی ماند کسی را • بدو لطف رسایند بسی را • بود مرد
قلمزن راه رانکشت • کلیدی بهر قفل رزق درمشت • مضمونندن
آثار واقعهٔ ظهور بولوب سنه احدی وثمانین وتسعمایه رمضانینك
اون ایکنجیسی واقع اولان یکشنبه کوننده منصب طغرای عالیشاندن تفوق بصله
ترفیع درجات میسر اولوب منصور اولدقدن نامه لرك جمع وتدوینی

دوز بروز منصهٔ بروزده جلوه کر اولوب الامور مرهونة باوقاتها
اوزره شو رمعلوم کارهر کسی چون وقت کار آید دیو بعنایة الله
مباشرت قلنوب لله الحمد وجه ما مولدن زیاده صورت پذیر اولوب
منشآت کنده ظین دیو تسمیه و تاریخی ایچون ها تف غیبدن
ندا کلوب و مشار الیه ولی نعمتمك بو بنده لری حقنده الطاف بسیار کری
صدور و اعطاف بی شمار لری ظهور ایتمکله اول شموس عنایا تك
شعشعه سی بو ذره ٔ تاخیزه ایریشوب کندو لری مظهر عطایای نامتناهی
اولد قلرنجه بو افروخته چراغلرین عواطف علیهٔ پادشاهیله شعله دار
قلمغی بابنده بذل اقتدار ایلیوب بنده نواز و چاکر فرازلق امورنده
انواع دقت ایله کاه نعم احسان بی پایه اختصاص و کاه حمایه بدنهاده
حفظ و صیانت و کاه ارباب غرض فی قلوبهم مرض افساد نیته خلاص
ایدوب بر وجهله احوالمی تباه قومیوب و حقیرم نیات و بد دیللرك
کلام فتنه انجام غرض آلوده لرینه وجود ویرمیوب شو لکه مقتضای
دیانت و مستدعای شفقتدر ترتیب و ارشادده مرحمت و عاطفت
و حسن عدالتلرین دریغ ایلمدیلر و همیشه رب الارباب جل ثنا حضرتلرینك
عطیات فایضة البرکاتلری انلرك یمن همت و دست شریف سعادت
بخشایلرندن بو شاکر النعم قلنه وصول بولوب ممتاز الاقران
و مرفه و کامران قلدیلر و بو نعم جلیل القدرك مقابله سنده لئن شکرتم
لازیدنکم نخواسیله لسان محمدت بیانم سپاس اوزره جریان قلدقجه
غیری جناب مسبب الاسبابه ربانز عبودیت ظهوریله اکر پادشاه ظل الله
واکر مظهر انوار التفات شاهانه اولان ولی نعمت آصفجاهك قیام
قیامتهدك خیر دعالرینه سبب اولمغه باعث بر عمل بی بدل اشتغالنه
درکاه کرم ذو الجلالدن یوز بیك نالش و تضرع ایله رجا ایلدیکمده اشبو
اوچیوز یللق آثار جلیل المقدارك درج و تدوینی کندو سمتدن رهادی
اولدقلری سبیل دن الدیروب و بولنانی بوصحایفه درج قلدقدن
صکره حاشیه لرینه بعد بولناجق مکاتیب شریفه یه ایلقوب
عرفانك مقبولی و فصحا و بلغانك مطبوعی واقع اولدی ولکن بعضی
هنروری بهره و زر و سیملرینه غره اولان حسود لا یسود کم حسن ودایع
غرضی شعار و نفاقی کار ایتدکلری ایچون ارباب کمالات چکدکلری زحمت
و مشقتی بلمدکلری ایچون مجرد کندولرینك دخلاری اولمدیغندن حقی
کتم ایلکه قصد ایدوب دایونجی باتلو نامه دیدرمکرم شیطنت ایدوب

حاجت مناظره نسبت وریدلادام زا مضمو ننددن غافل دوشوب
و بو ز بیك خون جکرله جمع و تدوین اولنان نامه لر ایچون منشئان
ما سلفك مکتوبلرین بولوب ترتیب ایلدم دیو وارد دیو جواب نا صواب
ایتدکلری استماع اولندی قدر زر زر کر شناسد قدر جوهر جوهری
نخواسیله خاطر تسلی ویر بلوب و اخلاق حسنه و خصال سیئه بیاننه
سکز بابی مشتمل مفتاح جنت ایله موسوم و مورخ علیحده بر رساله هم
مطبوعه یاز بلوب دیباجه دن صکره تحریر اولنمشدر بو خصوصده
منت خدایه که اول مقوله بد خواهلرك رغمنه بو جواهرنایاب زیباتمام
اوچیوز سیلدن برو پرده کمونده مختفی ایکن بو بنده قلیل المقدارك ظهورکی
سببی ایله میداندن عیانه کلدیکی اثناده جلوس همایون سعادت مقرون
میسر اولدیغندن در معرفت رواج تازه و جوهر دانش قیمت بی اندازه
بولوب و خواجه معارف و مشکا هلرینك دقت و اهتماملریله خوردار
باب فضیلت و کمالات بتچه درجه توت قبلری افزون اولوب بونك کبی
وقت مسعودده خیر ایله اختتامه ایرشدی شعر نحمد الله ثم حمدا له
علی ما هدانا جزیل النعم و بو اثر عزت رهبرك اتمامندن اقدم قلعهٔ
خلق الوادکفر بنیا دکه فرق ایکی بیلدن برو اساس شدادی ایله پایدار
ابدی حمایت ناموس خلیفهٔ رب العالمین ایچون حضرت حق قدیر و زیر
مشتری تدبیر احسان ایلدیکی رأی صائب و فکر ثاقب مقتضاسیله حصار
مزبورك فتح و تسخیری میسر اولوب اولبابده دخی فتح فتوح تاریخی
سانح اولدی نظم و بو دولت بکا کفایت ایدر کم کنا یم بو دم مدح
اولدی تمام رجاء داعی بودر که جمهور ارکان دولت و عموم اعیان حضرت
سلطنهم الله و علماء انام و فضلاء کرام ادامهم الله تعالی و جوهریان
بازار معرفت و طالبان درر بلاغت زاد الله قدرهم و دبیران دیوان
عالیشان و منشیان ایوان عدالت نشان اولان اخوان صفا احسن الله
احوالهم هنگام فرصتده مطالعه سن غنیمت بلوب و سلاطین ماضیه دن
بو زمانه دك ملوك ما بینده اسلوب مکاتبات نه وجه اوزره ایدوکن
و نزاکت انشا بو اوقاتده نه درجه یه ایرشدیکن و بو بنده لری جد و اهتمام
و سعی و اقدام ایله هزاران خون جکرله بو دکلو منشآتی جمع ایلدیکی حقی
ضایع ایتمیوب و صحایف دهورده بو فقیردن یادکار قالوب سبب رضای
حضرت خالق الانام و موجب ذکر خیر سلاطین اسلام خصوصا مطبوع
طبع همایون نوردیدهٔ اهل ایمان و افتاب بهرامین و امان و مراد و مقصود

جهانبانان • وخليفة الرحمن خلد الله ايام خلافته وزاد اعوام عمره
وسلطنته واقع اولمق امیدیله • ولی نعمت عالیمقامات حسن تربیه لری
ظهور بولمق رجاسیله • من بعد بیان مطالعه • وبرکات مراجعتی
ایله • اسالیب کتابت وقوانین براعتده صربر قلمدن اصول اداسیله
توفیق ایدوب • تمهید قواعد ملک وملت • وتاکید مبانی دین ودولته
تعلق اولان مقاملرده آهنک اوتار تصرفاتی قانون قدیمه تطبیق
ایدهکلرندن تصکره • الدال علی الخیر کفاعله • اوزره بو جمعیته سبب اولان
فقیر وتدوین قیلونی بالجمله خیرله یاد • وخاطر لرینی شاد قیلوب
واقع اولان سهو وجزئیسنه قلم عفو چکوب • العذر عند کرام الناس
مقبول • طبقنجه دعای تحسین مشحون ندن فراموش
بیورمیه لر والشکر علی الاتمام
والصلوة والسلام علی
محمد واله الکرام
تمّ

رساله مفتاح جنت

محامد بی انتها • اول قادر حکیمک ذات بی همتاسنه لایق وسزادر که
مراتب نوع انسانی متفاوت قیلوب • هر فرده استعداد ذاتی سنه کوره
فیض ایدوب • حقیقتده واحد • واصلده متحد ایکن • اختیار جزئیلری
حسبنجه کیمی مؤمن وکیمی منافق کیمی صالح وکیمی فاسق ایلدی • برصانع
هر صنعتده نیجه حکمت • وهر صنعتده انواع قدرت واردر • سبحان
من تحیر العقول فی حکمة افعاله وتصور ذاته بیت فعلی برحکمت
وذاتی قادر • هرکسک وصنعته حاضر ناظر • وصلوات بی ریب وریا
سید انبیا • محمد مصطفی یه لایق واحرادر که حبل متین شرع مبینه تمسک
ایدن مؤمنین • آلام دنیا • واهوال عقبادن سالم اولوب وبشر الذین
آمنوا وعملوا الصالحات ان لهم جنات تجری من تحتها الانهار بشارتیله
مبشر اولدیلر • وخلاف مرضی طریق نفاقی سلوک طوتن اشقیا ان
المنافقین فی الدرک الاسفل من النار وعیدینه مستحق ومظهر اولدیلر
بر ذات کاملدر که وجود شریف • وعنصر لطیفی مقدار ذره عیب ونقیصه دن
مصون • وبری ومأمون • وعرید علیه التحیة والثنا ملاء ارض وسماوات
بیت حشره دک وصفنی ایتسه عالم • بیکده بیرینی دیمکده قاصر • وآل
واصحاب کرام واتباع واشیاع عظامنه اولسونکه اصحابی کالنجوم بایهم
اقتدیتم اهتدیتم سندنجه هربری نجم هدی ورجم عدادر •
رضوان الله علیهم اجمعین اما بعد ارباب عقل وبصیرت واصحاب فهم
وفراسته مخفی وپوشیده ومستور وناشنیده اولمیه که نوع انسان
جمله موجودات ومجموع مخلوقاتک افضلی ایکن بنه اکثر احیان واغلب
ازمانده غفلت ونسیاندن خالی اولمز حتی بو سببدندر که بعض علما
انسان لفظنی نسیاندن مشتقدر دیمشلر • ماهی مثال بحر غفلتده ولجه
شناهلتده غریق ایکن بیله ع شو ماهیلر که دریا ایچره دردریای بیلمزلر •
موداسنجه هربری طریق دفتنده موشکاف روزکاردر • ورای تدقیقدن
نکته دان دهور واعصار ایکن بونده • قصور فهم • ونقصان عقلندن عسی ان
تکرهوا شیئا فهو خیر لکم وعسی ان تحبوا شیئا فهو شر لکم تحریرینجه نفیسنده
غفلت ایدوجه کاهی کندوبه محض ضرر وعین شر اولان نیجه اشیایه طالب

وراغب اولوب تحصیلنده تاب و اضطراب چکوب خلوتلرده و محفللرده
بلکه اعقاب صلواتده قاضی الحاجاته دست نیاز و تضرعی آچوب جمهورلری
استدعا ایدر انما کندویه جفایی کندو الیله ایتدوکندن بی خبر و غافل
و نادان و جاهل اولور و گاه اولور که نیجه امور نافعه و مهمات صالحه‌دن
فرار و اجتناب ایدوب ذاتنه اصناف فوائد و عوائدی اولان خصوصلرك
خلافنی ارتکاب ایتمکه شتاب ایدر اول سببدن انه کان ظلوما جهولا
آیهٔ کریمه‌سنه ماصدق دوشمشدر و بو بسط کلام و تقریر مرامدن
مقصود اصلی و غرض کلی بودر که شمدیکی حالده اصحاب مناصب علیه و ادبا
مراتب سنیه اولان کمسنه‌لر منصبلری مقتضاسنجه ابناء زمانه‌یه
مرجع و مصر اولوب آنلره وارنلره کیمی اصلاح و کیمی افساد کیمی وفاق
و کیمی نفاق کیمی خیر و کیمی شر کیمی فوائد و کیمی نکایدایچون کلوب بعضیسی
مجرد سوز آلوغورلق ایچون صداقت یوزندن طلوع ایدوب انواع حیله
و خدعه ایله طرف آخره نوع عداوتی اشعار و ایما ایدر برنسنه اشتدوکی
تقدیرجه برنه بیات قاتوب سبك من بلغك یعنی سکا سوز کتورندر
اصل سکا سوکن مفهومنك قباحتندن احتراز ایتموب فی الحال بغیر تأخیر
و امهال واروب نقل ایدوب وفاق اصلی نفاق کلی‌یه مبدل اولمغه باعث
اولوب بو اوضاع ناهموار ایله یکرمی اوتوز یللق دوستلغی یار ماز ایدوب
نظم نه در بو شیطنت کیم یاری یاریندن جدا ایلر انك یرینه بر بیکانه
شخصی آشنا ایلر بر بنا ره قول و کذب و افترا ویلوقوا انلقله محبت خرمنی
برباد ایدوب سحبت هبا ایلر و کیمی مجرد کندو نفسنه عائد اوله جق
منفعت ایچون بر صاحب دولتی انواع مکر ایله فریفته ایدوب خلاف
مرضیسی برنسنه‌یه ارتکاب ایتدروب بالآخره کلی ضرر چکمکه سبب اولور
و کیمی طریق صلاحدن کوروب بر نیجه روزکار دیده علت و غرض ملازمته
مداومت ایدوب کندوینی بالتمام مخلصین سلکنده کوستروب اعتماد کلی
حاصل اولدقدنصکره عاقبت بر فعل منکرك ظهورینه بادی اولورو کیمی
قائل بالحق یکنوب بر نیجه مادده محض جعل ایله طوغری سویلیوب تمام
کندو کندویه راست کویلق عنوانن ویروب اخر الامر بن طوغری سوزلو
حریفیندیو اول جعل ایله اصابت ایتدیکی موادی تعداد ایدوب بر اهل
دولته زوال نعمتنه سبب اولور یا خود بر نا اهلك ذاتنه نامناسب
مناصب ویرلمسنه داعی اولوب نیجه روزکار رهم کندو بدهم سبب اولانه
لعنت و نفرین اولمغه باعث اولور و کیمی دوش کوردمکی کندوینه اشعار ایدنر

هرکیجه

١٨

هرکیجه ده بر واقعه کوروب کلوب انواع اکاذیب سویلیوب قضای
ناکهانی بر سببی اتفاق راست کلورسه حاشا عیاذا بالله تعالی کندینك عقیده‌
سنه خلل ایرشدرر و اضلال ایدوب طریق حقدن چقاروب نیجه امور خبیثه
صدورینه بادی اولور و کیمی بر بلند همت صاحب دولتك آستانه‌سنه انتسا
و استناد ایدوب گاه فقردن و گاه ضرورتدن اغلیوب بو طریقله اول کمسنه‌
رشحات کرم بی غایتندن مترشح اولوب حسب المراد بلکه مأمولندن زیاده
نیجه منافعه واصل اولمشیکن بر جزئی خصوصدن فی الحال منحرف و ردکرده
اولوب نیجه مجالس و محافلده انواع مذمت و مساویسن سویلیوب گاه
بی کرمدر و گاه قصیر الهممدر دیو کلمات ایدر و کیمی روزکار دیده و کار
آزموده یکنوب گاه فلان دو تلونك آیت و اسلوب بودر گاه فلان
دیار اهالیسنك طرز مرغوبی بودر دیو انواع مقدمات فاسده و قضایای
کاسده بسط و ترتیب و اولیا برده نیجه حکایات و قصص ایراد ایدوب
بر فعل ناهموار و وضع مرداره ترغیب ایدوب انسانی طبیعت اصلیه‌سندن
چقاروب تحقیقدن تقلیده ایلدر و کیمی بر اهل علم و دانا و هر کتابك
مطالعه‌سنه قادر و توانا یکنوب گاهی علم تفسیر و حدیثدن دم اوروب
گاهی اصول و فروعدن مصاحبت ایدوب منکرانی صورت حقده کوستروب
اوضاع و اطوارك کیمی امارت سعادت و کیمی علامت شقاوتدر دیو
خلاف واقع درلو درلو سوز سویلیوب نیجه افعال قبیحه و احوال فضیحه‌یی
موافق کتاب و سنت و مطابق فقه و حکمتدر دیو بر مفتی ماجن اولوب
حاشا هم اعتقاده ضرر کتوررو هم بر بدعت سیئه‌نك احداثنه سبب اولور
بلکه حشره دك واضحه و باعث اولانه بد دعا اولنمغه داعی اولور و کیمی
نقاد روزکار و مبصر هر کار دیرلو یعنی طاشه یاپشورسك انك
النده چقر یخوا سنجه هر تحفهٔ بها و هر هدیهٔ پر شرا تعیین ایدوب
بلدیکنی بلمدیکنی سویلیوب بلکه عامهٔ اشیا مجهول مطلقی ایکن جمله‌سنی
مدبر صایب یکنوب گاهی ایکی پول دکمز بر کم مایه نسنه‌یه کران بها تعیین
ایدوب ضرر ماله داعی و گاهی بر زیبا تحفه ایچون بو مقداره دکمز دیو فوتی
فرصته بادی اولور و بالجمله بونلرك هر فردنده انواع حیل و مکاید و خدع
و مفاسد واردر انسان کامل هرنه قدر تیرانداز و نکته پرداز اولسه بونه
فریفته اولمغه مجال اولمیوب برینه الدانمزایسه برینه الدانور من جمیع
الوجوه متنبه اولمق بعید احتمال بلکه امر محالدر ایله اولسه بو خیرخواه
احباب وفا معروف احمد المحمدی التوقیعی المشتهر بفریدون عفی عنه ذکر

اولنانلرك هر برنده انواع تجربه وامتحانم سبقت ایدوب هر زبان بزرك
مضمونجه هر برینك آثار نیتدن ذاتلرینی تعیین ایدنجه دك نیجه نیجه
ندامت ومضرت چکوب سبیکهٔ احوالم بوتهٔ امتحانده قالب ومعیار افعالم
محك اعتبارده زر خالص مانندی صافی وبی مثال اولوب اولوا الابصار
وذوو الانظاری تنبیه ایچون هر برینك اوصافنی تعداد ایدوب علی التفصیل
امارات وعلاماتن تحقیق ایتمك ایچون بر روز بیروزکه آخر شعبان ونوید
رسان ماه رمضان ایدی دیوان عالیشانده خدمات همایون سعادت
مشحونه مشغول ایکن ناکهان مفتح ابواب جنان ومزین رضای رضواندن
الهام تازه والقای اندازه ابر شمکله بودرتشا هوار الماس فکرتمله سفته
وحدیقهٔ جنانده غنچهٔ جنان کبی کل مراد شکفته اولوب درحال سواد
دیده مدد ایدوب صحیفهٔ خاطرده مسطور اولان تفاصیل کلك
روشن تقریر وخامهٔ واضح تحریر ایله بیاضه چقاروب مهما امکن
سعی بلیغی مصروف ودریغ ایدوب وزبدهٔ اخلاق وحمیده عناصر
اربعه کبی دردت اولوب الاشیاء تنکشف باضدادها طبقنجه افعال ٤٦
ناپسندیده دخی دردت اولنق ملحوظ اولمغین عرفت الشر لا للشر بل
لتوقیه یعنی شری بلمك آندن احتراز ایتمك ایچوندر مضمونجه انلری دخی
معرفتی خیردن عد اولنوب مجموعی ابواب خلد برین کبی سکز باب کامل
هر بابی انواع منافع جامع وشامل اولدیغی سببدن مفتاح جنت دیو
تسمیه وتاریخ قلندی تاکه بو رسالهٔ خوش ومقالهٔ دلکشه نظر ایدن
اخوان صفا وخلان وفا من جرب المجرب حلت به الندامة مضمونندن
سالم وامین اولوب هر برینك احوال والقاب واوصافندن تحقیق ایدوب
نوشی نیشدن وبیگانه یی خویشدن خیری شردن زهری شکردن فرق
وتمییز ایلیوب اخوان زمانه نك جلوهٔ افعالری آینهٔ ادراکده شاهد
ومقام اقتضاسنه کوره اجتناب واحترازدن خالی اولمیوب بو عبدنك
غرضنك دخی سعیی مشکور اولمغیچون ابولکله یاد وخیر دعا ایله برمراد
بیوره لر نظم درسنلقدن بو کوندای اهل وفا دنیاده صدق ایله
برخیر دعادر مقصود سکا هر کیم که دعا ایدر فریدون احمد ایلیه عاقبتین
حضرت مولی محمود اولکی باب مؤمن پاك دین اوصافنده در
ایکنجی باب صالح ومصلح القابنده در اوچنجی باب صدیق صادق
وخیرخواه موافق خصالنده در دردنجی باب عهد وفا وسری اخفا
ایدنلرك احوالنده در بشنجی باب ارباب نفاق واصحاب شقاق بیاننده در

التنجی

التنجی باب حسود طامع ومفسد غیر مصلح طوارنده در یدنجی باب
ایکی یوزلو غیاب وپریشان سوزلو کذاب اقوال ناپسندیده سنده در
سکزنجی باب مرائی وغماز وهرجایی وهمازك تفصیلنده در اولکی باب
مؤمن پاك دین اوصافنده در قال الله تبارك وتعالی انما المؤمنون اخوة
اولا عقیده سی پاك اولا وکندو نفس نفیسنه نه صانورسه مؤمن
قرنداشلرینه دخی انی صانه وطاعاته مواظب ومعاصیدن مجتنب ولسانی
صدقله جاری واقوالی کذبدن خالی وخیراته ساعی وراغب ومرحمتی
غالب اولوب هر خصوصده طریق عدالتدن منحرف وجادهٔ شریعتدن
منصرف اولمیه وعهدنده قایم ووعدنده مستقیم وخیراتده تأخیر
واحسانده تراخی رواکورمیوب وهر ماده ده منصف وانصافله متصف
وهر برده حقی حاضر وجمیع افعاله عالم وناظر بیله ونفسی حلیم وقلبی
سلیم اوله ایکنجی باب صالح ومصلح القابنده در قال الله عز وجل من عمل
صالحا فلنفسه اولا صلاح نفسنه مغرور اولمیه وعبادتنه بنا ایچون
ایلمیه ودوستلر ایله صافی بنت اولوب هر فیضی حقدن بیله وهر شیئی
حکمت حقی مشاهده ایلیه وشکراندن صقنه وطریق ارشادده بذل
مجهودی بی دریغ ایده وتبلیغ نصایحده رایحهٔ غرضدن احتراز ایلیه
وعیب بینن اولمیه ودرونی بیرونه موافق اوله واهل حاجاتك
حصول مراملرنده سعی واهتمامدن قاچنمیه انما جلب دنیا ایچون حکامه
ملازمت ایلیوب معاشرتی حسبة لله اوله ودنی پرورلك ایتمیوب
قانع النفس اوله ومحبت وعداوتی لله اوله وشری خیر ایله تعبیر ایدوب
وعیب پوش اولوب وقایعده تسلیه ویریجی اوله ومنازعاتده ایکی
طرفك خیرینه دوروشه وکلامی راحة القلوب اوله وکندویه عدو
اولنلرك دخی آخرتی عرضنی صقلیه ومصاحبتی رفق ایله اوله اوچنجی باب
صدیق صادق وخیرخواه موافق بیاننده در قال الله تعالی هذا یوم ینفع
الصادقین صدقهم لهم جنات تجری من تحتها الانهار اولا خالصا
مخلصا لوجه الله راستکوی وولاجوی اوله کلمهٔ طیبه یی سویلمکده
اهمال ایتمیه ومفاسددن محترز واحبابنك دوستی ایله دوست
ودشمنی ایله دشمن اوله ودائما فواید آخرته قدوره ومکاید دنیادن
منع وغم واندوه اوقاتنده مهربان اوله وتندروی اولمیوب ملایم
وبشاش اوله وکندو فوایدی ایچون آخره ضرر قصد ایلمیه ووقت
٢٧ خطاده صواب تدارکن ایلیه وعبادتنی تعطیل اوقاته سبب اولمیه

ومواضع تهمدن حفظ ایدوب علی الغفله واقع اولان ذلّتدن تنبیه
ایدیجی وهر کارک خاتمه سنه ناظر وخیر قلیل ایچون شر کثیر ارتکاب
ایلمیه وتکثیر اسبابه ساعی اولوب اعدانک صلاحنه چالشه ودنیا خصو[صنده]
منتفع اولدیغی دوستدن رنجیده اولمیه وضرر مالی ضرر عرضدن تقدیم
ایلمیه ومظلومه معین وظالمه مهین اوله وهزیا یدع النجاة فی الصدق
مفهومیله عمل قیله **دردنجی باب** عهده وفا وسرّی اخفا ایدنلرک
احوالنده در قال الله سبحانه وتعالی الذین یوفون بعهد الله واوفوا الکریم
اذا عهد وفا مضموننده تجاوز ایتمیه وعهده سندن کلمیه جکی نسنه یی
ایدرم دیو وعد ایلمیه وسرصقلمه ده اهتمام ایلیه واشتدوکنی سویلمده
اهتمام ایده واشتدوکنی سویلمده ضرری دخی یوغیسه نقل ایتمیه وکشف
رازده مجبور اولدیغی تقدیرجه دفعنه چالشه وحقیقتده شبهه سی
اولان خصوصده ساکت اوله واشتدوکنی سویلمکی کذوبه کار ایدنمیه
وبر خصوصی یقینا بلدیکی تقدیرجه بی محل سویلمیه **بشنجی باب**
ارباب نفاق واصحاب شقاق بیاننده در قال الله عز وعلا ان المنافقین
یخادعون الله وهو خادعهم اولا لاف وکزاف سویلیجی ویلانجی وبهتان
ایدیجی ومظلوم اکثیر یعنی سکه سکه بورجی وسیرتی صوفیانه وصورتی
عالمانه سوزدوریجی وبوقبو کزیجی وقلیل الکرم وقصیر الهمم وکوزی طویما[ز]
وبولداش بلمز باتمز او بومز ومعقوله اویمز وطبعی خسیس ونهادی خبیث
محض شر ومانع خیر اوکرنیمز ویاد اوصانمز ایکی جهانده مردود وعاقبتی غیر محمود
آلتنجی باب حسود طالح ومفسد غیر مصلح اطوارنده در قال الله سبحانه
وتعالی ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله اولا مغرور ومتکبر
وخاطر بلمز وبدوکی سکمز واخرته اینانمز وقسمته قائل اولمز وکندونه خیر صانمز
وایلوکه بربوز وکلوکه سوینور وشرع کولر وخیره نصالنور ومصاحبی منافق
اورادی مساوی عادتی مذمت کفران النعمه دولتی خاطر یقماق عزتی عیبلری
اشاعت ایتمک ووارینی تلکه سویلک مالی نکبت وملکی خست قلبی برقرار
اصلا طویمز وحق سوزی قولاغنه قویماز اثار محض ریا وحشمتی خشم خدا
ملا یمتی ضعف قلب احسانی ربا خور معامله سی نعامی قرامان بخششی مروتی
جلب وملاطفتی اخذ خیری ضرر وشفقتی مرض کوکلمه سی سخره لقی وبنا[سی]
طاشرلق وبقلغی عجب بوریمسی اندیشه باطل فکری رعایت اراذل
ایلک ایدنی سومز ابوده یانلوئی فرق ایتمز کوکلمه سی کوردکمز اطواری لخلاق
حسنه یه اویماز حضوری یوق محنتی چوق اوبخوسی خلقه زحمت لعن الله من ایقظها

یدنجی باب ایکی یوزلو غیاب وپریشان سوزلو کذابلک اقوال ناپسندیده
سنده در قال الله تعالی ولا یغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یاکل
لحم اخیه میتا اولا مکش ویوزه کولیجی وابن الوقت ووصاف وملایم الطبع
وسلاملی ایکی قات وکلامی حکیم وقت بیله اغلار وبیله کولر اشتدوکنی
سویلر وکوردوکنی کورمدیکی نقل ایلر اودن چوق خاطره کدر ویرکدن
فاچنور معرفتی ابیات واشعار ازبرلمک وسرمایه سی ضمیرده اولانی بلمک
روایات وحکایات بسط ایلمک سرصقلماز یوزی پرده ایچی طقوز قبوده
اشناسی چوق دوستی یوق وفادن بری صفادن عری قوردیجوب دیکونلک ایدر
سکزنجی باب مرائی وغماز وهرجایی وهمازک تفصیلنده در کما قال
عز من قائل یراؤن الناس ولا یذکرون الله الا قلیلا وکما نزل علی خیر البریة
ویل لکل همزة لمزة اولا صالحلردن چوق مناقب ولیا ازبرلر زاهد صورت
درویش هیئات اه واحدده زمزمه دن صوکنوریجی بش وقت نمازی کعبه ده
قبلجی ابو واقعه کوریجی هنتی یل کبی اسدریجی کیمی اولدوروب کیمی کسدریجی
اکا بره خیرخواه چوق فقرایه خدمت ایدوب خیردعا الوب ویرن دیر
کندودن احسانی دریغ ایدنلری مذمت ایدر زهرقاتله اولاسدور دنکری
مدح ایدر دوستلغی هفته سنه وارمز دشمنلکی دخی ویرکوردن چوق راست
کلنه سنک ایچون شویله دیدم بویله دیدم دیو خصا نیا سلنور زلهٔ ومدد غیدن
ارلمز نسنه وبرمبز آشنایی بلمز مفت مصلحت کورمز مجلسده شاهد
بازلقدن فاجز حلالی بولمز حرامی الدن قومازلوپدنه کرجکه یمین ایدر
کلیانک باباسی ولو دطالک مصاحبی عیب ارایجی ونعرکبی بلیجی نا[ت]
ونمک بلمز باباسنه حرمت ایتمز صفاسی غوغا وفاسی تماشا کوبیدن قور[ترمز]
محله دن سورلمش دیوه بلغله اکلش سیرتی قبیح خلقی فضیح منفور امم
مردود بنی ادم خوار وحقیر مستحق سعیر مقهور
جناب کبریا زاده الله تعالی
مرضیا
م

بسم الله الرحمن الرحيم
كان هذا مكتوباً في اللوح المحفوظ

اني انا الله لا اله الا انا محمد رسولي من استسلم لقضائي وصبر على بلائي
وشكر على نعمائي ورضي بحكمي كتبته صديقاً وبعثته يوم القيمة مع الصديقين
ومن لم يستسلم لقضائي ولم يصبر على بلائي ولم يشكر على نعمائي ولم يرض
بحكمي فليختر الهاً سواي

سلطان انبيا عليه الصلوة والسلام قيصر رومه كوندرديكي مكتوب شريفدر

من محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم الى قيصر ملك الروم سلام على من
اتبع الهدى وآمن بالله ورسوله وشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له
لم يتخذ صاحبة ولا ولدا وان محمدا عبده ورسوله وادعوك بدعاء الله
فاسلم تسلم فاني رسول الله على الناس كافة لينذر من كان حياً ويحق
القول على الكافرين يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا وبينكم
ان لا نعبد الا الله ولا نشرك به شيئا ولا يتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من
دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون فان ابيت فعليك اثم الاكاربة

الجواب

لاحمد رسول الله من قيصر ملك الروم الذي آمن بعيسى بن مريم انه قد جاءني
كتابك مع رسولك وانا اشهد انك رسول الله نجدك عندنا مكتوباً بشرك
عيسى بن مريم واني دعوت الروم الى ان يؤمنوا بك فابوا ولو طاعوني
لكان خيراً لهم ووددت اني عندك فاخدمك واغسل قدميك والسلام

سلطان انبيا عليه السلام كافه ناسه كوندرديكي مكتوب شريفدر

بسم الله الرحمن الرحيم هذا كتاب كتبه محمد بن عبد الله الى كافة الناس
اجمعين رسولا بشيرا ونذيرا ومؤتمنا على وديعة الله في خلقه لئلا يكون
للناس حجة بعد الرسل وكان الله عزيزا حكيما كتبه لاهل ملة النصارى
ولمن تنحل دين النصرانية من مشارق الارض ومغاربها قريبها وبعيدها
فصيحها وعجميها معروفها ومجهولها جعل لهم عهداً فمن نكث العهد الذي
فيه وخالفه الى غيره وتعدى ما امره كان لعهد الله ناكثاً ولميثاقه ناقضاً
وبدينه مستهزئاً وللعنة مستوجباً سلطاناً كان ام غيره من المسلمين

وان

وان احتمى راهب وسائح في جبل او واد او مغارة او عمران او سهل او رمل
او بيعة فانا اكون من ورائهم اذب عنهم من كل غيرة لهم بنفسي واعواني
واهلي وملتي واتباعي لانهم رعيتي واهل ذمتي وانا اعزل عنهم الاذى
في المؤن التي يحمل اهل العهد من القيام بالخراج الا ما طابت له نفوسهم
وليس عليهم جبر ولا اكراه على شيء من ذلك ولا يغير اسقف من اسقفيته
ولا راهب من رهبانيته ولا حبيس من صومعته ولا سائح من سياحته
ولا يهدم بيت من بيوت كنائسهم وبيعهم ولا يدخل شيء من مال كنائسهم
في بناء مساجدهم ولا في بناء منازل المسلمين فمن فعل شيئا من ذلك فقد
نكث عهد الله وعهد رسوله ولا يحمل على الرهبان والاساقفة ولا من يتعبد
جزية ولا غرامة وانا احفظ ذمتهم اينما كانوا من بر او بحر في المشرق
والمغرب والجنوب والشمال وهم في ذمتي وميثاقي واماني من كل مكروه
وكذلك من ينفرد بالعبادة في الجبال والمواضع المباركة لا يلزمهم مما يزرعوا
لا خراج ولا عشر ولا يشاطرون لكونه برسم افواههم ولا يعاونون عند
ادراك الغلة ولا يلزمون بخروج في حرب وقيام بجزية ولا من اصحاب
الخراج وذوي الاموال والعقارات والتجارات مما هو اكثر من اثني عشر
درهما بالجملة في كل عام ولا يكلف احد منهم شططا ولا يجادلون الا بالتي
هي احسن ويحفظون تحت جناح الرحمة يكف عنهم اذية المكروه حيث
ما كانوا وحيث ما حلوا وان صارت النصرانية عند المسلمين فعليها برضاها
ويمكنها من الصلوة في بيعها ولا يحال بينها وبين هوى دينها ومن خالف
عهد الله واعتمد بالضد من ذلك فقد عصى ميثاقه ورسوله ويعاونون
على مرمة بيعهم ومواضعهم ويكون ذلك معونة لهم على دينهم وفعالهم
بالعهد ولا يلزم احد منهم بنقل سلاح بل المسلمون يذبون عنهم
ولا تخالفوا هذا العهد منه ابدا الى حين تقوم الساعة وتنقضي الدنيا

سلطان انبيا عليه السلام حرث بن شمره كوندرديكي مكتوب شريفلريدر

بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم الى حرث
بن ابي شمر سلام على من اتبع الهدى وآمن به وصدق واني ادعوك
الى ان تؤمن بالله وحده لا شريك له يبقى لك ملكك والسلام

سلطان انبيا عليه السلام كسرى يه كوندرديكي مكتوب شريفدر

بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم
الى كسرى عظيم فارس سلام على من اتبع الهدى وآمن بالله ورسوله وشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله ادعوك فاني

رسول الله الى الناس كافة لينذر من كان حيا ويحق القول على الكافرين
اسلم تسلم. وان توليت فعليك اثم المجوس. والسلام.

سلطان انبيا عليه السلام ملك حبشه كوندردوكى مكتوب شريفدر

بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم الى النجاشي
الاصحم ملك الحبشة. سلام عليك فاني احمد اليك الله الملك القدوس
المؤمن المهيمن. واشهد ان عيسى بن مريم روح الله وكلمته القاها الى مريم
البتول الطيبة الحصينة. فحملت بعيسى فخلقه من روحه. ونفخه كما خلق
آدم بيده ونفخه. واني ادعوك الى الله وحده لا شريك له والموالاة
على طاعته. وان تتبعني وتؤمن بي وبالذي جاءني فاني رسول الله.
وقد بعثت اليكم ابن عمي جعفر ومعه نفر من المسلمين. فاذا جاؤك فاقرهم
ودع التجبر. فاني ادعوك وجنودك الى الله وبلغت ونصحت فاقبلوا
نصيحتي. والسلام على من اتبع الهدى.

سلطان انبيا عليه السلام زكوة التي يجوز كوندرديكي مكتوب شريفدر

بسم الله الرحمن الرحيم. هذه فريضة الصدقة التي فرضها رسول الله
صلى الله عليه وسلم على المسلمين. والتي امرها الله بها رسوله. فمن سألها
من المسلمين على وجهها فليعطها. ومن سأل فوقها فلا يعط في اربعة
وعشرين من الابل فما دونها من الغنم. في كل خمس شاة. فاذا بلغت خمسا
وعشرين الى خمس وثلثين ففيها بنت مخاض انثى. فان لم تكن ابنة مخاض
فابن لبون. فاذا بلغت ستا وثلثين الى خمس واربعين ففيها بنت لبون
انثى. فاذا بلغت ستا واربعين الى ستين ففيها حقة طروقة الجمل. فاذا بلغت
واحدة وستين الى خمس وسبعين ففيها جذعة. فاذا بلغت ستا وسبعين
الى تسعين ففيها بنتا لبون. فاذا بلغت احدى وتسعين الى مائة وعشرين
ففيها حقتان طروقتا الجمل. فاذا زادت على عشرين ومائة ففي كل اربعين
ابنة لبون وفي كل خمسين حقة. ومن لم يكن معه الا اربع من الابل فليس
فيها صدقة الا ان يشاء ربها. فاذا بلغت خمسا من الابل ففيها شاة. ومن
بلغت عنده من الابل صدقة الجذعة وليس عنده جذعة وعنده حقة
فانها تقبل منه الحقة ويجعل معها شاتين ان استيسرتا له او عشرين درهما.
ومن بلغت عنده صدقة وليست عنده الحقة وعنده الجذعة فانها تقبل
منه الجذعة ويعطيه المصدق عشرين درهما او شاتين. ومن بلغت عنده
صدقة الحقة وليست عنده الا ابنة لبون تقبل منه بنت لبون ويعطي شاتين
او عشرين درهما. ومن بلغت صدقة بنت لبون وعنده حقة فانها تقبل منه

الحقة ويعطيه المصدق عشرين درهما او شاتين. ومن بلغت عنده صدقة
بنت لبون وليست عنده وعنده بنت مخاض فانها تقبل منه بنت مخاض
ويعطي معها عشرين درهما او شاتين. فان لم يكن عنده بنت مخاض على
وجهها وعنده ابن لبون فانه يقبل منه وليس معه شيء. وصدقة الغنم
في سائمتها فاذا بلغت اربعين الى عشرين ومائة شاة شاة. فاذا زادت
على عشرين ومائة الى مائتين ففيها شاتان. فاذا زادت على مائتين الى ثلثمائة
ففيها ثلث شياه. فان زادت على ثلثمائة ففي كل مائة شاة. فاذا كانت
سائمة الرجل ناقصة من اربعين شاة شاة واحدة فليس فيها صدقة الا
ان يشاء ربها. ولا يجمع بين متفرق ولا يفرق بين مجتمع خشية الصدقة. وما كان
من خليطين فانهما يتراجعان بينهما بالسوية. ولا يخرج في الصدقة هرمة
ولا ذات عوار ولا تيس الا ان يشاء المصدق. وفي الرقة ربع العشر فان
لم تكن الا تسعين ومائة فليس فيها صدقة الا ان يشاء ربها.

سلطان انبيا عليه السلام مقوقسه كوندردوكى مكتوب شريفدر

بسم الله الرحمن الرحيم من محمد عبد الله ورسوله الى المقوقس عظيم القبط
سلام على من اتبع الهدى اما بعد فاني ادعوك بدعاية الاسلام. اسلم تسلم
يؤتك الله اجرك مرتين. فان توليت فعليك اثم القبط. يا اهل الكتاب
تعالوا الى كلمة سواء بيننا وبينكم ان لا نعبد الا الله ولا نشرك به شيئا
ولا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون

الجواب

بسم الله الرحمن الرحيم لمحمد عبد الله من المقوقس عظيم القبط اما بعد
قرأت كتابك وفهمت ما ذكرت وما تدعو اليه. وقد علمت ان نبيا بقي
وكنت اظن انه يخرج من الشام. وقد اكرمت رسولك وبعثت لك بجاريتين
لهما مكان من القبط عظيم وبكسوة واهديت لك بغلة لتركبها والسلام.

سلطان انبيا عليه السلام منذر بن ساوي يه كوندردوكى مكتوب شريفدر

بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله عليه السلام الى المنذر بن
ساوي. سلام عليك فاني احمد الله اليك الله الذي لا اله الا هو واشهد
ان لا اله الا الله وان محمدا رسول الله. اما بعد فاني اذكرك الله عز وجل
فانه من ينصح فانما ينصح لنفسه. وانه من يطع رسلي ويتبع امرهم فقد اطاعني
ومن نصح لهم فقد نصح لي. وان رسلي قد اثنوا عليك خيرا. واني قد شفعتك
في قومك فاترك للمسلمين ما اسلموا عليه. وعفوت عن اهل الذنوب فاقبل
منهم فانك مهما تصلح فلن نعزلك عن عملك. ومن اقام على يهودية او مجوسية فعليه الجزية

سلطان انبیا علیه السلام جیفر وعبد ابن الجلندی‌یه کوندردکی مکتوب شریفدر

بسم الله الرحمن الرحیم. من محمد عبد الله ورسوله الی جیفر وعبد ابنی الجلندی. سلام علی من اتبع الهدی. اما بعد فانی ادعوکما بدعاء الاسلام اسلما تسلما. فانی رسول الله الی الناس کافة. لانذر من کان حیا ویحق القول علی الکافرین. وانکما ان اقررتما بالاسلام ولیتکما. وان ابیتما ان تقرا بالاسلام فان ملککما زائل عنکما. وخیلی تحل بساحتکما. وتظهر نبوتی علی ملککما

سلطان انبیا علیه السلام حارث بن شمره کوندردیکی مکتوب شریفدر

بسم الله الرحمن الرحیم. من محمد رسول الله الی الحارث بن شمر. سلام علی من اتبع الهدی. وانی ادعوك الی ان تؤمن بالله وحده لا شریك له یبقی لك ملکك والسلام

حبیب اکرم علیه السلام یوحنه بن رؤبه‌یه کوندردیکی مکتوب شریفلرینك صورتیدر

بسم الله الرحمن الرحیم. هذه امنة من الله ومحمد النبی رسول الله. لیوحنه بن رؤبة واهل ایلة اساقفتهم وسائرهم فی البر والبحر لهم ذمة الله وذمة النبی ومن کان معه من اهل الشام ومن اهل الیمن ومن اهل البحر. فمن احدث منهم حدثا فانه لا یحول ماله دون نفسه. وانه طیب لمن اخذه من الناس وانه لا یحل ان یمنعوا ماء یریدونه ولا طریقا یریدونه من بر او بحر.

رسول خدا علیه السلام اهل اذرحه کوندردکی مکتوب شریفلرینك صورتیدر

بسم الله الرحمن الرحیم. هذا کتاب من محمد النبی رسول الله. لاهل اذرح انهم آمنون بامان الله وامان محمد. وان علیهم مائة دینار فی کل رجب وافیة طیبة. والله کفیل علیهم بالنصح والاحسان الی المسلمین ومن لجأ الیهم من المسلمین من المخافة.

سلطان انبیا علیه السلام ابی ضمیره واهل بیتنه کوندردکی مکتوب شریفدر

بسم الله الرحمن الرحیم. من محمد رسول الله. لابی ضمیرة واهل بیته ان رسول الله اعتقهم وانهم اهل بیت من العرب ان احبوا اقاموا عند رسول الله وان احبوا رجعوا الی قومهم. فلا تعرض لهم الا بحق. ومن لقیهم من المسلمین فلیستوص بهم خیرا. وکتب

حضرت سلطان انبیا علیه السلام اشترا خصوصنده کوندردکی مکتوب شریفدر

بسم الله الرحمن الرحیم. هذا ما اشتری العداء بن خالد بن هوذة. من محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم. اشتری عبدا او امة لا داء له ولا غائلة ولا خبثة بیع المسلم المسلم.

امیر المؤمنین ابی بکر الصدیق رضی الله عنه حضرتلرینك واهل مکه واطرافنده اولان مسلمینه کوندردکی مکتوب شریفدر

بسم الله الرحمن الرحیم. من ابی بکر العتیق ابن ابی قحافة الی المسلمین من اهل مکة ومن حولها. سلام علیکم فانی استنفرت المسلمین الی جهاد عدوهم وفتح بلاد الشام. وقد کتبت الیکم لتسارعوا الی مرضات ربکم سبحانه وتعالی واعلموا ان الله عز وجل قال وهو اصدق القائلین. انفروا خفافا وثقالا وجاهدوا باموالکم وانفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون. واعلموا انها نزلت فیکم وانتم احق بها واولی. من صدق بقولها وقام بحکمها فمن نصر دین الله فالله ناصره ومن بخل بذلك استغنی الله عنه. والله غنی حمید. فسارعوا الی جنة عالیة قطوفها دانیة. اعدها الله تعالی للمهاجرین والانصار ومن اتبع سبیلهم. وحسبنا الله ونعم الوکیل.

حضرت ابی بکرك خالد بن الولیده کوندردکی مکتوب شریفدر

بسم الله الرحمن الرحیم. من عبد الله العتیق ابن ابی قحافة الی خالد بن الولید سلام علیکم فانی احمد الله الذی لا اله الا هو واصلی علی نبیه محمد صلی الله علیه وسلم. وانی قد ولیتك علی جیوش المسلمین وامرتك بقتال الروم فسارع الی مرضاة الله وقاتل اعداء الله. وکن ممن یجاهد فی الله حق جهاده. یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم. تؤمنون بالله ورسوله. وتجاهدون فی سبیل الله باموالکم وانفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون

حضرت ابی بکره خالد بن الولیدك کوندردکی مکتوب شریفك صورتیدر

بسم الله الرحمن الرحیم. من خالد بن الولید الی خلیفة رسول الله صلی الله علیه وسلم. ابی بکر الصدیق رضی الله عنه. سلام علیه فانی احمد الله الذی لا اله الا هو. واصلی علی سیدنا محمد واله ثم ازید حمدا وشکرا علی سلامة المسلمین ودمار المشرکین. وانا لقینا جموعهم باجنادین. مع بطریق من بطارقة الملك هرقل. اسمه وردان صاحب حمص وقد نشروا کتائبهم ورفعوا صلبانهم وتقاسموا بینهم ان لا یفرون ولا ینهزمون. فخرجنا الیهم واثقنا بالنصر وتوکلنا علی الله فعلم ربنا ما اضمرنا فی افئدتنا وسرائرنا. فرزقنا النصر علیهم وایدنا بالصبر واکب علی اعدائنا بالقهر فقتلناهم فی کل فج وشعب وواد. وجملة من قتل من الروم خمسون الفا. ومن المسلمین اربعمائة وخمسة وسبعون رجلا. ختم الله لهم بالشهادة منهم عشرون رجلا من الانصار وهم سلمة بن عمرو وعوف بن مازن وشاکر بن مزروع ووافد بن حسان وعمرو بن عجلان والمقفع بن نجیه. وصفوان بن خزرجه واوس بن حسنه

ونجم بن الخاطوف وعبد الله بن بشر والسلوك بن قدم وحامد بن عطا
وسفيان بن ربيعه والاكوع بن مرة وسيف بن جابر والصامت بن حميد
ويعلى بن منقع ومبسرة بن حامد وكامل بن مزينه والعقاب بن الحال
الدم • وقتل من اهل مكة ثلثة رجال • وهم قيس بن عامر المخزومي ونعيم بن
صفوان • وهاشم بن حرمله من بني عبد الدار • وقتل من حمير عشرون رجلا
والباقي من اخلاط • ويوم كتبت اليك هذا الكتاب يوم الخميس سابع ليلة خلت
من جمادي الاولى • ونحن راجعون الى دمشق فادع الله لنا بالنصر • والسلام عليك
وعلى جميع المسلمين ورحمة الله وبركاته •

حضرت عمر رضي الله عنه ابي عبيده عامره كندردوكي مكتوب نزيفك صورتيدر

بسم الله الرحمن الرحيم • من عبد الله عمر بن الخطاب الى ابي عبيدة عامر بن
الجراح امير جيوش المسلمين سلام عليك فاني احمد الله الذي لا اله الا هو •
واصلي على نبيه محمد صلى الله عليه وسلم • وآمرك بتقوى الله واحذرك
من معصية وانهاك ان تكون ممن قال الله تعالى في كتابه العزيز • قل
ان كان اباؤكم وابناؤكم وازواجكم وعشيرتكم واموال اقترفتموها
وتجارة تخشون كسادها ومساكن ترضونها احب اليكم من الله ورسوله
وجهاد في سبيله فتربصوا • وصلى الله على سيدنا محمد خاتم النبيين •

بودخي كذلك

بسم الله الرحمن الرحيم • من امير المومنين عمر بن الخطاب • الى ابي عبيدة عامر
بن الجراح • سلام عليك فاني احمد الله الذي لا اله الا هو • واصلي على سيدنا
محمد عليه السلام • اعلم اني قد وليتك على جيوش الاسلام • وان تكون اميرا
على خالد بن الوليد • والسلام •

بونده خي مشار اليه رضي الله عنه كوندرمشدر

بسم الله الرحمن الرحيم • من عبد الله بن عمر بن الخطاب امير المومنين الى ابي
عبيدة عامر بن الجراح سلام عليك فاني احمد الله الذي لا اله الا هو واصلي
على نبيه محمد صلى الله عليه وسلم قد وليتك امور المومنين فلا تستحي فان الله
لا يستحيي من الحق واني اوصيك بتقوى الله العظيم الذي لا يفنى ويفنى سواه
الذي استخرجك من الكفر الى الايمان ومن الضلال الى الهدى وقد وليتك
على جند خالد فاقبض الجيش منه ولا تنفذ المسلمين الى الهلاك رجاء غنيمة
ولا تبعث سرية الى جمع كثير ولا تقل اني ارجو لكم النصر واياكم والتغرير والقاء
المسلمين الى الهلكة واغمض عن الدنيا عينيك واله عنها قلبك واياك ان تهلك
كما اهلك من كان قبلك فقد رأيت مصارعهم واختبرت سرائرهم وبينك وبين الاخرة

بيت كالحمام وقد تقدم اليه سلفك فتنتظر سفرا وسفرا طويلا من دار قد مضت
نضارتها وذهبت منها زهارتها فاخرم الناس الخارج الى عزها واتق الله
في سرك ونجواك وتفكر في زاد التقوى وارع المسلمين ما استطعت واما الحنطة
والشعير التي وجدتموها في دمشق وكثرت شاجرتكم عليها فهي للمسلمين واما الذهب والفضة فقسمها الخمس رابع

حضرت عمر رضي الله عنه ابو عبيده عامر كوندرمشدر

بسم الله الرحمن الرحيم • من ابي عبيدة عامر بن الجراح الى امير المومنين عمر بن الخطاب •
رضي الله عنه سلام عليك فاني احمد الله الذي لا اله الا هو واصلي على نبيه
محمد صلى الله عليه وسلم • واعلم يا امير المومنين ان كلب الروم قد استنفر علينا
كل من عبد صليبا والعدد في ثمانمائة الف مقاتل غير الاتباع وستين الف
من العرب المتنصرة فاول من برز الينا جبلة بن الايهم وجموعه وخرج اليه
من جيشنا ستون رجلا فهزم الله المشركين على ايديهم وقتل من اصحابنا
اثنين عشر واسر منهم خمسة فهم رافع بن عمير الطائي وربيعة بن عامر
وضرار بن الازور وعاصم بن ربيعة ويزيد بن ابي سفيان وقتل من المتنصرة
خمسة الاف فارس ونحن على نية اللقاء والحرب والله ينصر من يشاء
والسلام عليك وعلى جميع المؤمنين ورحمة الله وبركاته والدعاء

حضرت عمر رضي الله عنه ابي عبيده عامر حضرتنه كوندرمشدر

بسم الله الرحمن الرحيم • من امير المومنين الى ابي عبيدة عامر بن الجراح سلام
عليك فاني احمد الله الذي لا اله الا هو • واصلي على نبيه محمد صلى الله عليه وسلم
واني قرأت كتابك وعلمت ما فيه • وكانك بالامداد وهي واصلة اليك
فاطلب النصر من الله عز وجل • ولا تتكل على جيش وسلاح ولا تتكل الا
على الله عز وجل • والسلام عليك وعلى جميع المسلمين •

مشار اليه رضي الله عنه حضرتي بونده خي مز بوره كوندرمشدر

بسم الله الرحمن الرحيم • من عبد الله عمر بن الخطاب الى عامله ابي عبيدة
عامر بن الجراح • سلام عليك فاني احمد الله الذي لا اله الا هو واصلي على نبيه
محمد عليه الصلوة والسلام • واعلم يا ابا عبيدة ان ابطاء خبرك وقلة
مراسلتك الي تكثر قلقي ويفني جسدي على اخوان المسلمين • وما يمر ليل ونهار
الا وقلبي عندك فلم يأت منك خبر ولا رسول وكانك يا امين الامة لا تكتب لي
الا بالفتح والغنيمة • واعلم يا امين الامة اني ارع لكم وقلبي متعلق بكم كالمرأة
الحنينة على ولدها • والسلام عليك وعلى من معك من المسلمين ورحمة الله وبركاته

عمر رضي الله عنه حضرتنه ابي عبيده عامردن كلمشدر

بسم الله الرحمن الرحيم • من ابي عبيدة عامر بن الجراح الى امير المومنين

عمر بن الخطاب. سلام عليك فاني احمد الله الذي لا اله الا هو. واصلي على نبيه محمد صلى الله عليه وسلم. واعلم يا امير المؤمنين ان الله عز وجل قد فتح علينا قنسرين وشننا الغارة على ارض العواصم وقد فتح الله مدينة حلب صلحاً وقد عصى بطريقها تحصن في قلعته وفي القلعة خلق كثير. وقد كادنا وقتل منا رجالا. رزقهم الله الشهادة. وقد اردت الرحيل عنه واطلب البلاد التي بينه وبين انطاكية وانا منتظر امرك. والسلام عليك ورحمة الله وبركاته

حضرت عمر رضي الله عنه دن ابي عبيدة عامره كلان مكتوبدر

بسم الله الرحمن الرحيم. من عمر بن الخطاب الى ابي عبيدة عامر بن الجراح سلام عليك فاني احمد الله الذي لا اله الا هو. واصلي على نبيه محمد صلى الله عليه وسلم. فقد ورد كتابك مع رسلك فسرني ما سمعت من الفتح. وعلمت من قتل من الشهداء. واما ما ذكرت من انصرافك عن قلعة حلب الى النواحي التي قرب انطاكية فهذا بئس رأي اتترك رجلا ملكت دياره ومدينته ثم ترحل عنه. وتسمع اهل النواحي والبلاد بانك ما قدرت عليه فما هذا رأي فيضعف رايك ويعلو ذكره بما صنع ويطمع من لم يطمع. وترجع اليك الجيوش وتكاتب ملوكها فاياك ان تبرح حتى يحكم الله وهو خير الحاكمين. فبث الخيل في السهل والسعة وكفها في المضايق والجبال. ومن المعدات الحجة الدروب. ومن صالحك منهم فاقبل صلحه ومن سالمك سالمه. والله خليفتي عليك وعلى جميع المسلمين وقد نفذت اليك كتابي هذا ومعه اهل مشارق اليمن ممن وهب نفسه لله ورسوله ورغب في الجهاد في سبيل الله. وهم عرب واموال رجال وفرسان والمدد يأتيك متواليا ان شاء الله تعالى

حضرت عمر رضي الله عنه ابي عبيدة عامره كوندرمشدر

بسم الله الرحمن الرحيم. من عبد الله عمر بن الخطاب. الى ابي عبيدة عامر بن الجراح سلام عليك فاني احمد الله الذي لا اله الا هو واصلي على نبيه محمد صلى الله عليه وسلم. واشكر ملينا على ما وهب من النصر للمسلمين. وجعل العاقبة للمتقين. ولم يزل معينا لطيفا واما قولك انك لم تقدم بانطاكية لطيب. هوائها فالله عز وجل لم يحرم الطيبات على المتقين الذين يعملون الصالحات فقال تعالى في كتابه العزيز. يا ايها الرسل كلوا من الطيبات واعملوا صالحا اني بما تعملون عليم. وكان يجب عليك انك تريح المسلمين من تعبهم. وتدعهم يرغدون في مطعمهم ويريحون الابدان النصبة في قتال من كفر بالله. واما قولك انك تنظر امري لكن امرك

انك تدخل الدروب خلف العدو. فانت الشاهد وانا الغائب والشاهد يرى ما لا يرى الغائب وانت بحضرة عدوك وعيونك يأتونك بالاخبار. فان رأيت الدخول الى الدروب صوابا فابعث اليهم السرايا. وادخل معهم بلادهم وضيق عليهم مسالكهم. وان طلبوا منك الصلح فصالحهم. واما قولك ان العرب بصرت نساء الروم فارادوا التزويج فمن اراد ذلك فدعه اذا لم يكن له في الحجاز اهل. ومن اراد ان يشتري الاماء فدعه. وذلك اصون لفروجهم والسلام عليك وعلى جميع من معك من المسلمين ورحمة الله وبركاته

عمر بن الخطاب رضي الله عنه حضرتي هرقل رومية كوندردوكي مكتوبدر

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا. وصلى الله على سيدنا محمد وسلم من عمر بن الخطاب امير المؤمنين. الى هرقل طاغية الروم فاذا وصل اليك كتابي هذا تبعث الى الاسير الذي عندك. وهو عبد الله بن حذافة. فان فعلت ذلك رجوت لك الهدى. وان ابيت ذلك ابعث اليك رجالا لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله. والسلام على من اتبع الهدى

حضرت عثمان رضي الله عنه عهدنده عامل كوفه وليده يازلمشدر

بسم الله الرحمن الرحيم. من عثمان بن عفان امير المؤمنين الى عامله الوليد بالكوفة. اما بعد فاعلم ان معاوية بن ابي سفيان كتب الي يخبرني ان الروم قد اجلبت على المسلمين في جموع كثيرة. وقد رأيت ان يمدهم اخوانهم من اهل الكوفة فابعث اليهم رجلا له نجدة وبأس في ثمانية الاف وسبعة او عشرة الاف من المكان الذي يأتيك كتابي فيه.

والسلام.

امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه ابن عباس حضرتلرینه کوندردیکی مکتوب شریفدر

بسم الله الرحمن الرحیم • من عبد الله علی امیر المؤمنین • الی ابن عباس عامله بالبصرة • اما بعد فانا خرجنا الی معسکرنا بالنخیلة • وقد اجمعنا علی المسیر الی عدونا من اهل المغرب • فاشخص الی الناس حتی یأتیک رسولی واقم حتی یأتیک امری • والسلام •

امیر المؤمنین علی رضی الله عنه حضرتلری عتاب صورتنده کوندردوکی مکتوبدر

اما بعد فقد اتبعت ما یضرک • وترکت ما ینفعک • خالفت کتاب الله وسنة نبیه • وقد انتهی الی ما فعلت بحواری رسول الله صلی الله علیه وسلم طلحة وزبیر وام المؤمنین عائشة • فوالله لارمینک بشهاب لا یطفیه الماء • ولا تذروه الریاح • اذا وقب نقب • واذا نقب ثقب • واذا ثقب التهب فلا یغرک الجیش واستعداد الحرب • والسلام

مشار الیه رضی الله عنه بونی دخی عتاب ایدوب کوندرمشدر

بسم الله الرحمن الرحیم • من عبد الله بن عبده علی بن ابی طالب امیر المؤمنین • اخ رسول الله صلی الله علیه وسلم ووصیه • واب الحسن والحسین • انا قاتل جدک وعمک وخالک • ویوم بدر افنیت قومک • والسیف الذی قتلتهم به معی یحمله ساعدی بثبات من بدنی وقوة من صدری • کما جعله النبی صلی الله علیه وسلم فی کفی • ونصرة من ربی ما استبدلت بالله ربا ولا بالاسلام دینا • ولا بمحمد رسول الله رسولا • ولا بالسیف بدلا • فبالغ فی رایک واجتهد ولا تنقص • فقد استحوذ الشیطان واستفزک الجهل والطغیان • وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون •

حضرت علی رضی الله عنه مالک بن الحرث کوندردوکی نصیحتنامه در

بسم الله الرحمن الرحیم • هذا ما امر به عبد الله علی امیر المؤمنین مالک بن الحرث فی عهده الیه حین ولاه مصر جبوة خراجها وجهاد عدوها واستصلاح اهلها وعمارة بلادها • امره بتقوی الله وایثار طاعته واتباع ما امر به فی کتابه من فرائضه وسننه التی لا یسعد احد الا باتباعها ولا یشقی الا مع جحودها واضاعتها • وان ینصر الله تعالی بیده وقلبه ولسانه •

فانه جل

فانه جل اسمه قد تکفل بنصر من ینصره • واعزاز من اعزه • وامره ان یکسر من نفسه عند الشهوات ویدعها عند الجمحات • فانها لامارة بالسوء الا ما رحم الله • ثم اعلم یا مالک انی قد وجهتک الی بلاد قد جرت علیها دول قبلک من عدل وجور • وان الناس ینظرون فی امورک فی مثل ما کنت تنظر فیه من امور الولاة قبلک • ویقولون فیک ما کنت تقول فیهم • وانما تقول فیهم علی الصالحین بما یجری الله لهم علی السن عباده • فلیکن احب الذخائر الیک ذخیرة العمل الصالح • فاملک هواک وشح نفسک عما لا یحل لک • فان الشح بالنفس الانصاف منها فیما احبت او کرهت • واشعر قلبک الرحمة للرعیة والمحبة لهم واللطف بهم ولا تکونن علیهم سبعا ضاریا یغتنم اکلهم • فانهم صنفان اما اخ لک فی الدین • واما نظیر لک فی الخلق • یفرط منهم الزلل • ویعرض لهم العلل ویؤتی علی ایدیهم فی العمد والخطا • فاعطهم من عفوک وصفحک مثل الذی تحب ان یعطیک الله من عفوه وصفحه فانک فوقهم ووالی الامر علیک فوقک والله سبحانه فوق من ولاک • وقد استکفاک امرهم وابتلاک بهم • ولا تنصبن نفسک لحرب الله فانه لا یدی لک بنقمته ولا غنی بک عن عفوه ورحمته ولا تندمن علی عفو ولا تبجحن بعقوبة ولا تسرعن الی بادرة وجدت عنها مندوحة • ولا تقولن انی مؤمر آمر فاطاع فان ذلک ادغال فی القلب ومنهکة فی الدین وتقرب من الغیر • واذا احدث لک ما انت فیه من سلطانک ابهة او مخیلة • فانظر الی عظم ملک الله تعالی فوقک • وقدرته منک علی ما لا تقدر علیه من نفسک فان ذلک یطامن الیک من طماحک • ویکف عنک من غربک ویفیء الیک بما عزب عنک من عقلک • ایاک ومساماة الله فی عظمته والتشبه به فی جبروته فان الله یذل کل جبار ویهین کل مختال انصف الله وانصف الناس من نفسک ومن خاصة اهلک ومن لک فیه هوی من رعیتک فانک الا تفعل تظلم • ومن ظلم عباد الله کان الله خصمه دون عباده • ومن خاصمه الله ادحض حجته وکان الله حربا حتی ینزع ویتوب ولیس شیء ادعی الی تغییر نعمة الله وتعجیل نقمته من اقامة علی ظلم فان الله سمیع دعوة المظلومین وهو للظالمین بالمرصاد ولیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق واعمها فی العدل واجمعها لرضاء الرعیة فان سخط العامة یجحف برضاء الخاصة وان سخط الخاصة یغتفر مع رضاء العامة • ولیس احد من الرعیة اثقل علی الوالی مؤنة فی الرخاء واقل معونة له فی البلاء واکره للانصاف واسأل بالالحاف واقل شکرا عند الاعطاء وابطأ عذرا عند المنع واضعف صبرا عند ملمات الدهر من اهل الخاصة • وانما عمود الدین وجماع المسلمین

والعدة للاعداء العامة من الامة فليكن صغوك لهم وميلك وليكن ابعد رعيتك واشنأهم عندك اطلبهم لمعايب الناس فان فى الناس عيوبا الوالى احق من سترها فلا تكشفن عما غاب عنك منها فانما عليك تطهير ما ظهر لك والله يحكم على ما غاب عنك فاستر العورة ما استطعت يستر الله منك ما تحب ستره من رعيتك اطلق عن الناس عقدة كل حقد واقطع عنك سبب كل وتر وتغاب عن كل ما لا يصح لك ولا تعجلن الى تصديق ساع فان الساعى غاش وان تشبه بالناصحين ولا تدخلن فى مشورتك بخيلا يعدل بك عن الفضل ولا جبانا يضعفك عن الامور ولا حريصا يزين لك الشره بالجور فان البخل والجور والحرص غرائز شتى يجمعها سوء الظن بالله ان شر وزرائك من كان للاشرار قبلك وزيرا ومن شركهم فى الآثام فلا يكونن لك بطانة فانهم اعوان الاثمة واخوان الظلمة وانت واجد منهم خير الخلف ممن له مثل آرائهم ونفاذهم وليس عليه مثل آصارهم واوزارهم ممن لم يعاون ظالما على ظلمه ولا آثما على اثمه اولئك اخف عليك مؤنة واحسن لك معونة واحنى عليك عطفا واقل لغيرك الفا فاتخذ اولئك خاصة لخلواتك وحفلاتك ثم ليكن آثرهم عندك اقولهم بمر الحق لك واقلهم مساعدة فيما يكون منك مما كره الله لاوليائه واقعا ذلك من هواك حيث وقع والصق باهل الورع والصدق ثم رضهم على ان لا يطروك ولا يبجحوك بباطل لم تفعله فان كثرة الاطراء تحدث الزهو وتدنى من العزة ولا يكونن المحسن والمسيء عندك بمنزلة سواء فان ذلك تزهيد لاهل الاحسان فى الاحسان وتدريب لاهل الاساءة على الاساءة والزم كلا منهم ما الزم نفسه واعلم انه ليس شيء بادعى الى حسن ظن وال برعيته من احسانه اليهم وتخفيفه المؤنات عنهم وترك استكراهه اياهم على ما ليس له قبلهم فليكن منك فى ذلك امر يجتمع لك به حسن الظن برعيتك فان حسن الظن يقطع عنك نصبا طويلا وان احق من حسن ظنك به لمن حسن بلاؤك عنده وان احق من ساء ظنك به لمن ساء بلاؤك عنده ولا تنقض سنة صالحة عمل بها صدور هذه الامة واجتمعت بها الالفة وصلحت عليها الرعية ولا تحدثن سنة تضر بشيء من ماضى تلك السنن فيكون الاجر لمن سنها والوزر عليك بما نقضت منها واكثر مدارسة العلماء ومنافثة الحكماء فى تثبيت ما صلح عليه امر بلادك واقامة ما استقام به الناس قبلك واعلم ان الرعية طبقات لا يصلح بعضها الا ببعض ولا غنى ببعضها عن بعض فمنها جنود الله ومنها كتاب العامة والخاصة ومنها قضاة العدل ومنها عمال الانصاف والرفق ومنها اهل الجزية والخراج من اهل الذمة ومسلمة الناس

ومنها اهل الصناعة ومنها الطبقة السفلى من ذوى الحاجة والمسكنة وكل قد سمى الله سهمه ووضع على حده وفريضته فى كتابه او سنة نبيه صلى الله عليه وسلم عهدا منه عندنا محفوظا فالجنود باذن الله حصون الرعية وزين الولاة وعز الدين وسبل الامن وليس تقوم الرعية الا بهم ثم لا قوام للجنود الا بما يخرج الله لهم من الخراج الذى يقوون به فى جهاد عدوهم ويعتمدون عليه فيما اصلحهم ويكون من وراء حاجتهم ثم لا قوام لهذين الصنفين الا بالصنف الثالث من القضاة والعمال والكتاب بما يحكمون من المعاقد ويجمعون من المنافع ويؤتمنون عليه من خواص الامور وعوامها ولا قوام لهم جميعا الا بالتجار وذوى الصناعات فيما يجتمعون عليه من مرافقهم ويقيمونه من اسواقهم ويكفونهم من الترفق بايديهم مما لا يبلغه رفق غيرهم ثم الطبقة السفلى من اهل الحاجة والمسكنة الذين يحق رفدهم ومعونتهم وفى الله لكل سعة ولكل على الوالى حق بقدر ما يصلحه وليس يخرج الوالى من حقيقة ما الزمه الله من ذلك الا بالاهتمام والاستعانة بالله تعالى وتوطين نفسه على لزوم الحق والصبر عليه فيما خف عليه او ثقل فول من جنودك انصحهم فى نفسك لله ولرسوله ولامامك جيبا وافضلهم حلما ممن يبطئ عن الغضب ويستريح الى العذر ويرأف بالضعفاء وينبو على الاقوياء وممن لا يثيره العنف ولا يقعد به الضعف ثم الصق بذوى الاحساب اهل البيوتات الصالحة والسوابق الحسنة ثم اهل النجدة والشجاعة والسخاء والسماحة فانهم جماع من الكرم وشعب من العرف ثم تفقد من امورهم ما يتفقد الوالدان من ولدهما ولا يتفاقمن فى نفسك شيء قويتهم به ولا تحقرن لطفا تعاهدتهم به وان قل فانه داعية لهم الى بذل النصيحة لك وحسن الظن بك ولا تدع تفقد لطيف امورهم اتكالا على جسيمها فان لليسير من لطفك موضعا ينتفعون به وللجسيم موقعا لا يستغنون عنه وليكن آثر رؤوس جندك عندك من واساهم فى معونته وافضل عليهم من جدته بما يسعهم ويسع من وراءهم من خلوف اهليهم حتى يكون همهم هما واحدا فى جهاد العدو فان عطفك عليهم يعطف قلوبهم عليك ولا تصح نصيحتهم الا بحيطتهم على ولاة امورهم وقلة استثقال دولهم وترك استبطاء انقطاع مدتهم فافسح فى آمالهم وواصل فى حسن الثناء عليهم وتعديد ما ابلى ذوو البلاء منهم فان كثرة الذكر لحسن افعالهم تهز الشجاع وتحرض الناكل ثم اعرف لكل امرئ منهم ما ابلى ولا تضمن بلاء امرئ الى غيره ولا تقصرن به دون غاية بلائه

ولا بد عونك شرف امرئ الى ان يعظم من بلائه ما كان صغيرا ولا ضعة امرئ
الى ان يستصغر من بلائه ما كان عظيما. واردد الى الله ورسوله ما يظلعك
من الخطوب ويشتبه عليك من الامور فقد قال تعالى لقوم احب ارشادهم
يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم فان تنازعتم
فى شئ فردوه الى الله والرسول فالرد الى الله الاخذ بمحكم كتابه. والرد
الى الرسول الاخذ بسنته الجامعة غير المتفرقة. ثم اختر للحكم بين الناس
افضل رعيتك فى نفسك ممن لا يضيق به الامور ولا يمحكه الخصوم ولا
يتمادى فى الزلة ولا يحصر من الفئ الى الحق اذا عرفه ولا تشرف نفسه
على طمع ولا يكتفى بادنى فهم دون اقصاه يكون اوقفهم فى الشبهات.
واخذهم بالحجج واقلهم تبرما بمراجعة الخصم. واصبرهم على ان تتكشف
الامور. واصرمهم عند اتضاح ممن لا يزدهيه اطراء ولا يستميله اغراء
اولئك قليل ثم اكثر تعاهد قضائه وافسح له فى البذل ما يزيح علته ويقل
معه حاجته الى الناس واعطه من المنزلة لديك ما لا يطمع فيه غيره
من خاصتك ليأمن بذلك اغتيال الرجال له عندك فانظر فى ذلك نظرا
بليغا فان هذا الدين قد كان يسيرا فى ايدى الاشرار يعمل فيه بالهوى
ويطلب به الدنيا ثم انظر فى امور عمالك فاستعملهم اختبارا ولا تولهم
محاباة واثرة فانهم جماع من شعب الجور والخيانة. وتوخ منهم اهل التجربة
والحياء من اهل البيوتات الصالحة والقدم فى المتقدمة فانهم اكرم
اخلاقا واصح اعراضا واقل فى المطامع اشرافا وابلغ فى عواقب الامور
نظرا ثم اسبغ عليهم الارزاق فان ذلك قوة لهم على استصلاح انفسهم
وغنى لهم عن تناول ما تحت ايديهم وحجة عليهم ان خالفوا امرك او ثلموا
امانتك ثم تفقد اعمالهم وابعث العيون من اهل الصدق والوفاء عليهم
فان تعاهدك فى سر الامور حدوة لهم على الاستعمال فى الامانة والرفق
بالرعية وتحفظ من الاعوان فان احد منهم بسط يده الى الخيانة
اجتمعت بها عليه عندك اخبار عيونك اكتفيت بذلك شاهدا فبسطت
عليه العقوبة فى بدنه واخذته بما اصاب من عمله ثم نصبته بمقام المذلة
ووسمته بالخيانة وقلدته عار التهمة وتفقد امره. بما يصلح اهله فان فى صلاحه
وصلاحهم صلاحا لمن سواهم الا بهم لان الناس كلهم عيال على اهله
وليكن نظرك فى عمارة الارض ابلغ من نظرك فى استجلاب الخراج لان ذلك
لا يدرك الا بالعمارة ومن طلب الخراج بغير عمارة اخرب البلاد واهلك
العباد ولم يستقم امره الا قليلا فان شكوا ثقلا او علة او انقطاع شرب

اوبالة

اوبالة او احالة ارض اغتمرها غرق او اجحف بها عطش خففت عنهم ما ترجو
ان تصلح به امورهم ولا يثقلن عليك شئ خففت المؤنة عنهم فانه ذخر
يعودون به عليك فى عمارة بلادك وتزيين ولايتك مع استجلابك
حسن ثنائهم وتبجحك باستفاضة العدل فيهم معتمدا فضل قوتهم بما ذخرت
عندهم من اجمامك لهم والثقة منهم بما عودتهم من عدلك عليهم فى رفقك
بهم فربما حدث من الامور ما اذا عولت فيه عليهم من بعد احتملوه طيبة
انفسهم به فان العمران محتمل ما حملته وانما يؤتى خراب الارض من اعواز
اهلها وانما يعوز اهلها لاسراف انفس الولاة على الجمع وسوء ظنهم
بالبقاء وقلة انتفاعهم بالعبر ثم انظر فى حال كتابك فول على امورك
خيرهم واخصص رسائلك التى تدخل فيها مكايدك واسرارك باجمعهم
لوجوه صالح الاخلاق ممن لا تبطره الكرامة فيجترئ بها عليك فى خلاف لك
بحضرة ملاء ولا تقصر به الغفلة عن ايراد مكاتبات عمالك عليك واصدار
جواباتها على الصواب عنك وفيما يأخذ لك ويعطى منك ولا يضعف عقدا
اعتقده لك ولا يعجز عن اطلاق ما عقد عليك ولا يجهل مبلغ قدر نفسه
فى الامور فان الجاهل بقدر نفسه يكون بقدر غيره اجهل ثم لا يكون
اختيارك اياهم على فراستك واستنامتك وحسن الظن منك فان الرجال
يتعرفون لفراسة الولاة بتصنعهم وحسن خدمتهم ليس وراء ذلك من النصيحة
والامانة شئ ولكن اختبرهم بما ولوا للصالحين قبلك فاقصد لاحسنهم
كان فى العامة اثرا واعرفهم بالامانة وجها فان ذلك دليل على نصيحتك لله
ولمن وليت امره واجعل لرأس كل امر من امورك رأسا منهم لا يقهره كبيرها
ولا يتشتت عليه كثيرها ومهما كان فى كتابك من عيب فتغابيت عنه
الزمته ثم استوص بالتجار وذوى الصناعات واوص بهم خيرا المقيم منهم
والمضطرب بماله والمترفق ببدنه فانهم مواد المنافع واسباب المرافق
وجلابها من المباعد والمطارح فى برك وبحرك وسهلك وجبلك وحيث لا يلتئم
الناس لمواضعها ولا يجترئون عليها فانهم سلم لا تخاف بائقته وصلح
لا تخشى غائلته وتفقد امورهم بحضرتك وفى حواشى بلادك فاعلم مع
ذلك ان فى كثير منهم ضيقا فاحشا وشحا قبيحا واحتكارا للمنافع وتحكما فى البياعات
وذلك باب مضرة العامة وعيب على الولاة فامنع من الاحتكار فان رسول الله
صلى الله عليه وسلم منع منه وليكن البيع بيعا سمحا بموازين عدل واسعار لا
لا تجحف بالفريقين من البائع والمبتاع فمن قارف حكرة بعد نهيك اياه
فنكل وعاقبه من غير اسراف ثم الله الله فى الطبقة السفلى من الذين لا حيلة لهم

والمساكين والمحتاجين واهل البوسى والزمنى فان فى هذه الطبقة قانعاً
ومعترا فاحفظ الله ما استحفظك من حقه فيهم واجعل لهم قسماً من بيت
مالك وقسماً من غلات صوافى الاسلام فى كل بلد فان للاقصى منهم مثل
الذى للادنى وكل قد استرعيت حقه فلا يشغلنك عنهم بطر فانك لا تعذر
بتضييع التافه لاحكامك الكثير المهم فلا تشخص همك عنهم ولا تصعر
خدك لهم وتفقد امور من لا يصل اليك منهم ممن تقتحمه العيون وتحقره
الرجال ففرغ لاولئك ثقتك من اهل الخشية والتواضع فليرفع اليك
امورهم ثم اعمل فيهم بالاعذار الى الله تعالى يوم تلقاه فان هؤلاء
من بين الرعية احوج الى الانصاف من غيرهم وكل فاعذر الى الله فى تادية
حقه اليه وتعهد اهل اليتم وذوى الرقة فى السن ممن لا حيلة له ولا ينصب
للمسئلة نفسه وذلك على الولاة ثقيل والحق كله ثقيل وقد يخففه الله
على اقوام طلبوا العاقبة فصبروا انفسهم ووثقوا بصدق موعود الله لهم
واجعل لذوى الحاجات منك قسما تفرغ لهم فيه شخصك وتجلس لهم مجلسا
عاما فتتواضع فيه لله الذى خلقك وتقعد عنهم جندك واعوانك من
احراسك وشرطك حتى يكلمك متكلمهم غير متتعتع فانى سمعت رسول الله صلعم
يقول فى غير موطن لن تقدس امة لا يؤخذ للضعيف فيها حقه من القوى
غير متتعتع ثم احتمل الخرق منهم والعى ونح عنك الضيق والانف يبسط الله
عليك بذلك اكناف رحمته ويوجب لك ثواب طاعته واعط ما اعطيت
هنيئا وامنع فى اجمال واعذار ثم امور من امورك لا بد لك من مباشرتها
منها اجابة عمالك بما يعيى عنه كتابك ومنها اصدار حاجات الناس
عند ورودها عليك بما تحرج به صدور اعوانك وامض لكل يوم عمله
فان لكل يوم ما فيه واجعل لنفسك فيما بينك وبين الله تعالى افضل
تلك المواقيت واجزل تلك الاقسام وان كانت كلها لله اذا صلحت فيها النية
وسلمت منها الرعية وليكن فى خاصة ما تخلص لله به دينك اقامة فرائضه
التى هى له خاصة فاعط الله من بدنك فى ليلك ونهارك ووف ما تقربت به
الى الله من ذلك كاملا غير مثلوم ولا منقوص بالغا بذلك ما بلغ واذا قمت
فى صلوتك للناس فلا تكونن منفرا ولا مضيعا فان فى الناس من به العلة
وله الحاجة وقد سالت النبى صلى الله عليه وسلم حين وجهنى الى اليمن كيف
اصلى بهم فقال صل بهم كصلوة اضعفهم وكن بالمؤمنين رحيما واما بعد
هذا فلا تطولن احتجابك عن الرعية فان احتجاب الولاة عن الرعية شعبة
من الضيق وقلة علم بالامور والاحتجاب منهم يقطع عنهم علم ما احتجبوا دونه

فيصغر

فيصغر عندهم الكبير ويعظم الصغير ويقبح الحسن ويحسن القبيح ويشاب
الحق بالباطل وانما الوالى بشر لا يعرف ما توارى عنه الناس به من الامور
وليست على الحق سمات تعرف بها ضروب الصدق من الكذب وانما انت احد
الرجلين اما امرؤ سخت نفسه بالبذل فى الحق ففيم احتجابك من واجب حق
تعطيه او فعل كريم تسديه او مبتلى بالمنع فما اسرع كف الناس عن مسئلتك او يئسوا
بذلك مع ان اكثر حاجات الناس اليك ما لا مؤنة فيه عليك من شكاة
مظلمة او طلب انصاف فى معاملة ثم ان للوالى خاصة وبطانة فيهم استئثار
وتطاول وقلة انصاف فاحسم مادة مؤنة اولئك بقطع اسباب تلك
الاحوال ولا تقطعن لاحد من حاشيتك وحامتك قطيعة ولا يطمعن منك
فى اعتقاد عقدة تضر بمن يليها من الناس فى شرب او عمل مشترك يحملون
مؤنته على غيرهم فيكون مهنأ ذلك لهم دونك وعيبه لك فى الدنيا
والاخرة والزم الحق من لزمه من القريب والبعيد وكن فى ذلك صابرا
محتسبا واقعا ذلك من قرابتك وخاصتك حيث وقع وابتغ عاقبته بما
يثقل عليك منه فان مغبة ذلك محمودة وان ظنت الرعية بك حيفا فاصحر لهم
بعذرك واعدل عنك ظنونهم باصحارك فان فى ذلك اعذارا تبلغ فيه
حاجتك من تقويمهم على الحق ولا تدفعن صلحا دعاك اليه عدوك لله
فيه رضا فان فى الصلح دعة لجنودك وراحة فى همومك وامنا لبلادك
ولكن الحذر الحذر من عدوك بعد صلحه فان العدو ربما قارب ليتغفل
فخذ بالحزم واتهم فى ذلك حسن الظن وان عقدت بينك وبين عدوك
عقدة او البسته منك ذمة فحط عهدك بالوفاء وارع ذمتك بالامانة
واجعل نفسك جنة دون ما اعطيت فانه ليس من فرائض الله شئ الناس عليه
اشد اجتماعا مع تفرق اهوائهم وتشتت آرائهم من تعظيم الوفاء بالعهود
وقد لزم ذلك المشركون فيما بينهم دون المسلمين لما استوبلوا من عواقب
الغدر فلا تغدرن بذمتك ولا تخيسن بعهدك ولا تختلن عدوك
فانه لا يجترى على الله الا جاهل شقى وقد جعل الله عهده وذمته امنا
افضاه بين العباد برحمته وحريما يسكنون الى منعته ويستفيضون الى جواره
فلا ادغال ولا مدالسة ولا خداع فيه العلل فلا تعولن لحن القول بعد التاكيد
والتوثقة ولا يدعونك امر لزمك فيه عهد الله الى طلب انفساخه بغير الحق
فان صبرك على ضيق ترجو انفراجه وفضل عاقبته خير من غدر تخاف تبعته
ان تحيط بك من الله فيه طلبة وتستقبلك فيها دنياك واخرتك اياك والدماء
وسفكها بغير حلها فانه ليس شئ ادعى لنقمة ولا اعظم لتبعة ولا احرى لزوال

ونقض عهد العدو

نعمة وانقطاع مدة من سفك الدماء بغير حقها والله سبحانه مبدئ بالحكم
بين العباد فيما تسافكوا من الدما يوم القيمة فلا تقوين سلطانك بسفك دم
حرام فان ذلك مما يضعفه يوهنه ويزيله وينقله ولا عذر لك عند الله تعالى
وعندي في قتل العمد لان فيه قود البدن وان ابتليت بخطاء وافرط عليك
شرطك وسيفك او يدك بعقوبة فان في كفره فما فوقها مقتله فلا يطمحن
نخوة سلطانك عن ان تؤدي الى اولياء المقتول حقهم واياك والاعجاب بنفسك
والثقة فيما يعجبك منها وحب الاطراء فان ذلك اوثق فرص الشيطان
في نفسه ليمحق ما يكون من احسان المحسنين واياك المن على رعيتك باحسانك
او تزيد فيما كان من فعلك او ان تعدهم فتتبع موعدك بخلفك فان المن
يبطل الاحسان والتزيد يذهب بنور الحق والخلف يوجب المقت عند الله والناس
قال الله تعالى كبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون واياك والعجلة بالامور
قبل اوانها والتساقط فيها عند امكانها او المحاجة فيها اذا تنكرت والوهن
عنها اذا استوضحت فضع كل امر موضعه واوقع كل عمل موقعه واياك
والاستيثار بما الناس فيه اسوة والتغابي عما يعنى به مما قد وضح للعيون
فانه مأخوذ منك لغيرك وعما قليل تنكشف عنك اغطية الامور وينتصف
منك للمظلوم املك حمية نفسك وسورة حدك وسطوة يدك وغرب
لسانك واحترس من كل ذلك بكف البادرة وتأخير السطوة حتى يسكن
غضبك فتملك الاختيار ولن تحكم ذلك من نفسك حتى تكثر همومك
بذكر المعاد الى ربك والواجب عليك ان تتذكر ما مضى لمن تقدمك
من حكومة عادلة او سنة فاضلة او اثر عن نبينا عليه السلام او فريضة في كتاب
الله تعالى فتقتدي بما شاهدت مما عملنا به فيها وتجتهد لنفسك في اتباع
ما عهدت اليك في عهدي هذا واستوثقت به من الحجة لنفسي عليك لكيلا
يكون لك علة عند تسرع نفسك الى هواها وانا اسأل الله الذي سبقت
رحمته وعظمت قدرته على اعطاء كل رغبة ان يوفقني واياك لما فيه رضا
من الاقامة على العذر الواضح اليه والى خلقه مع حسن الثناء في العباد
وجميل الاثر في البلاد وتمام النعمة عند تسرع نفسك الى هواها وانا اسأل الله
الذي سبقت رحمته وعظمت قدرته على اعطاء كل رغبة ان يوفقني واياك
لما فيه رضا من الاقامة على العذر الواضح اليه والى خلقه مع حسن الثناء في العباد
وجميل الاثر في البلاد وتمام النعمة وتضعيف الكرامة وان يختم لي ولك
بالسعادة والشهادة وانا اليه راغبون والسلام على النبي محمد واله
واصحابه الطيبين الطاهرين والحمد لله رب العالمين

ام المؤمنين

ام المؤمنين حضرت عايشه صديقه جانبندن حضرت علي
تو ابعندن اولان والی بصره زیده یازلمشدر

بسم الله الرحمن الرحيم من عايشة ام المؤمنين حبيبة رسول الله الى ابنها
الخالص زيد بن صوحان. اما بعد فاذا اتاك كتابي هذا فاقدم فانصرنا
فان لم تفعل فاخذل الناس عن علي والسلام.

حضرت حسین بن علی رضی الله عنهما خدمتنه امراء یزیددن عمر بن
سعد علیه ما یستحق کوندردوکی کلمات درد

هذه نصيحة وعظة فصيحة من قبل ومن بعد عن عمر بن سعد لمن هو اشرف
الناس حسبا وانظفهم نسبا واوفاهم برا واصفاهم سرا واجلاهم كمالا
واعلاهم مقاما الذي بجواهر العقل غني ومن زكاء العلم والحلم ملي وهو
الحسين بن علي فالمطموع من عقاله بعقله والمرجو من كماله قبول معذرتي وسماع
عظتي ان شاء الله ينتصح بنصحي قبل ان يذوق رمحي وبعد قد عرفت يا حسين
ان الدول دول والحول حول على الاذناب والاراس وتلك الايام نداولها
بين الناس فلا عزة توصف بالدوام ولا عطية تنعت بالدوام ويبقى وجه
ربك ذو الجلال والاكرام فملكه ملك باق وهو الملك الخلاق ما عندكم ينفد
وما عند الله باق واظن يا سيدي مضى ورد ملككم وانقضى نور ملككم
فمن اراد اليوم الدولة الحسنة والملك المستقيمة فلا بد له من الانتقام
بالسيف والاحترام للضيف وقد اجتمع تينك السيرتان في بيت معاوية
الذي طبيعته للجود حاوية وسجيته عن البخل خاوية انار الله قبره وقبر
اتباعه وادام ملك اتباعه واشياعه والخلف الصدق امير المؤمنين يزيد
در ذلك الصدف وخلف ذلك الصدف مقتد بابيه الكريم الحليم في بذل
الاموال والعدل في جميع الاحوال فلا جرم استولى على البلدان وانقاد له جميع
الانس طوعا لا كرها رغبة لا رهبة اختيارا لا اضطرارا واعلم يا حبيبي ان الناس
باسرهم ما اجتمعوا على الضلالة وما سلكوا مسالك الجهالة لا سيما لا تجتمع امتي
على الضلالة فان كنت توافق امير المؤمنين يزيد تفوق فيه الملك ولا تذوق
شربة الهلاك. والسلام.

الجواب

ارشدك الله ابن سعد من قبل ومن بعد كيف تسمي الفضيحة نصيحة والعليلة
صحيحة والقبيحة حسنة والكليلة فصيحة وبعد فقد هددتني بالرمح والسيف

واخبرني بان يزيد بن مكرم الضيف فلست بخائف من تهددكم ولا طامع
في توحيدكم تهددني يا ابن سعد من رمح ومن سيف وتخبرني بان يزيد
ابن مكرم الضيف تجبر ثكلته لمن يبتغي فتى لا بيه ام لا بي وهل اثني على سيف فقل
لا على سيفي فدع يا ابن سعد من هذا المحال تخوض من محال شديد المحال في يوم
لا ولي لهم من دونه ولا وال وكرم على من اتبع الهدى والخزوان لمن ضل وغوى

منشور سلطان علاء الدین سلجوقی بعثمان شاه غازی بمرزبانی خطهٔ ثبید

چون ایزد تعالی جلت قدرته وعلت کلمته بکمال قدرت ورحمت ومشیت ووفور
وعظمت خویش ابواب خزانهٔ تؤتی الملک من تشاء بر روی ما گشاده وبرای
امر طاعتداری ونفاذ فرمان برداری ما در میان جملهٔ عالمیان وکام آوازهٔ
ندای اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم در داده ومقالید نقد ملک
جهانی وزمام تصرف کار جهانیان بفرط عنایت وحسن رعایت ما سپرده
ومنصب ما بدرجهٔ نسبت ظل الله فی الارض برده بموجب این مقدمات
ومقتضای این کلمات در ذمت عقل ما لازمست که خویشتن را ملازم درگاه
حد ایزدی دایم ونقش الشفقة علی خلق الله بر صفحهٔ دل وصحیفهٔ خاطر
نگاریم وبرای ستدامت واستقامت مملکت خویش واستبقاء عطا وموهبت
باری تعالی الشکر قید النعمة در وظایف شکر وسپاس هیچ قصور
واحتباس جایز نداریم ودر دل وجان منطوقهٔ ولئن شکرتم لازیدنکم را
ورد خود ساخته هیچ دقیقه از دقایق انتظام امور عالم والتیام
مصالح بنی آدم مهمل نگذاریم وبر محافظت شرایط حفظ بلاد وعباد
ومراقب حدود صلح وفساد توقف نمائیم ودر ترفیه حال وتطییب
بال خلایق بیفزائیم وهیچ وقت از ترشیح نهال معدلت وتفتیح راه
مرحمت فارغ نگشته رضای خالق را وسیلهٔ توقیع درجات دارین
شماریم وهر شهری را در جا وانجاء گیتی وهر طرفی را از اطراف واکناف
دیگر که بخطبه وسکهٔ اسلام مزین وذات مبارک برعایت مصالح آن
رعا معتنی بیابیم که با نوار عقل وبصیرت خویشتن دانی وخداشناسی
مهتدی ووالی که با ثار عدل ومرحمت ما مقتدی باشد بسپاریم وجماعت
محکوم علیه را بواسطهٔ حسن اشفاق ومکارم اخلاق آن حاکم باستحقاق

درظل

در ظل رأفت وکنف وعاطفت در آریم واگرچه استدعای این مصلحت
واستحفاظ این امانت بر اقتضای عادت معهود وسیرت محمود انست که
همگنان را از دور ونزدیک وترک وتازیک دربن اختصاص مساوات
حاصل آید واین وظایف عواطف جملگی طوایف را بر وجه عموم شامل
اما چون طایفهٔ از خواص خلایق بخدمات لایق ومواظبت اوراد دعای
دولت ومداومت اذکار ثنای عز ورفعت ما را از قدیم الایام الی الآن
متکفل بوده باشند وبمزیت وسیلتی تمام وذریعتی مؤکد متوسل
حق آن وسیلت را در حق آن رعایا رعایت کردن واثر آن مزیت از مزید
عنایت درباره ایشان بدید آوردن لایق معدلت پادشاهانه وموافق
موهبت ملوکانه باشد خصوصا که مسکن آن طایفه از اطراف ممالک
طرفی باشد در میان خصمان فتاده ومقام آن سلمانان در حد ودیار شاهی
ثغوری باشد در عین کافرستان نهاده واز راه تحذر واحتیاط آن
را زیادت اختصاص وتمیز واجب ومتعین خطهٔ بید لا زالت بفضل الله
محروسة ورایات الاعادی عنها منکوسة از امهات بقاع اسلام
وملت ومعظمات دیار مملکت ودولتست ودر مرز کفار هیچ ثغری
محکم تر وهیچ دربندی معظم تر از آن نیست ودر اول وهلت وابتدای
حالت واغاز دولت ما که هنوز روایح عواطف یزدانی در اول نسیم بود
وبلبل اقبال وکامرانی را اغاز ترنم وشجرهٔ دولت نهال وقمر قدرت هلال
وچشم روزگار بر ظهور فضل کردگار ودل مملکت در اضطراب انتظار
منبت ومغرس نهال اقبال ومهبت ومعرس حشم منصور ومنشاء
ومبداء دولت قاهرهٔ ما بوده است وما تصرفات ولایت ونقد آن
آبادت را فال خیر گرفته ایم وتقریب وترحیب اهالی آن از خدای عزوجل
که مدبر کمالات بذیرفته وایشان در شدت ورخا وخوف ورجا
بر دعاء دولت قاهره وثناء حضرت زاهره متوفر بوده اند وبحقوق
اکید قدیم وجدید مستظهر در ین وقت رای اعلا را که جز بتر فاعل
رشاد ومنهج سداد نرود مصلحت چنان بود وخاطر انور که جز لباس
عقل نپوشد وجز کاس عدل ننوشد اقتضا چنان فرمود که شرط
گزاردن امانت الهی از ذمت پادشاهی بجای آریم وحق ساکنان
بید که بجند ذریعت متوسلند واقامت مراسم خدمت قدیمه را مستقبل
نگذاریم شعر ان الکرام اذا ما اسهلوا ذکروا من کان یألفهم فی المنزل
الخشن ودران معنی سبب سدید وعادت حمید خداوند شهید والدی ما جم

سقاه الله صوب غفرانه وکساه ثوب رضوانه احیا فرمائیم. وآن در بنده که
بنزدیك ما عزیزترین مواضعست با بادت سعادتمندی که عزیزترین
اولاد آدم است بیارائیم. تحقیق این معانی وتأکید این مبانی را بعد
از استخاره فضل الهی واستشاره اقبال نامتناهی والله یشهد ازرنا
باصابة الاراء ونبت اقدامنا عن متابعة الاهواء. ولایت بیدرابا بجملگی
نواحی وحوالی آن بسعادتمند اعز اشرف اکرم وکامران معظم ناصر الدنیا
والدین ابو النصر عثمانشاه متعنا الله بطول بقائه ویمن لقائه که ماه
ابهت روزگار واختر لیل ونهارست. مرابط عقد پادشاهی ومایهٔ
لطف الهیست. ودلایل کامکاری در ناصیهٔ او لایح. ومخایل بختیاری
برچهرهٔ او واضح. ودر استحقاق ملك پروری واعتناق پادشاهی وسروری
وآیین اختصاص ورعیت پروری حاصل دارد. ودر ترتیب مصالح مملکت
وتربیت نهال معدلت الفی ابا تتوصل فضل ذو الجلال بزبان حال
از جهت تعجیل قدر وتسجیل دوام دولت او ندا میکند که ع ولیس لما یبنی ید الله
هادم. وبکمال استحقاق موجب نعم کردگار عنان بر سمت اعتلا را و می‌تابد که
ع واول الغیث رش ثم ینسکب. وبیقین واثق واعتقاد صادق است که
بر همه فایق شود. وامید بفضل ربانی فسیح. وزبان اقبال بتقریر این معانی
فصیح که عن قریب او در آنچه غایت همت ونهایت نهمت ماست از قوت وقدرت
وبسطت وسلطنت میسر خواهد گشت. وتا بیش مدت از مناصب ملوك کامکار
ودرجات سلاطین بزرگوار در خواهد گذشت شعر انی من الله علی موعد
وفیه لن یخلف میعاده. والله یحقق ما نرجیه ویشید ما نبنیه. ارزانی
داشتیم ورفع وخفض وابرام ونقض وبسط وقبض وحل وعقد بلاد
آن ولایت بیمن عدل شامل وحسن عقل کامل او بازگذاشتیم. وآن
رعیت قدیم را بدین مزیت عظیم وعطیت جسیم مشرف ومهنا کردیم.
واسباب سکون واستنامت وفراغ بال واستقامت ونعمت رامش وآرامش
وحفظ عیش وآسایش ایشان را مهیا گردانیدیم. وآن سعادتمند را فرمودیم
تا چنانکه از رای متین وعقل مبین او سزد. در مصارف اعمال وتصاریف
احوال تقوی وپرهیزکاری را که زاد معاد وعتاد یوم التنادست.
فان خیر الزاد التقوی. پیرایه سیرت وعادت دارد. وسرمایه تجارت
سعادت سازد نصیحت اتخذ تقوی الله تجارة یاتك الارباح من غیر بضاعة
ودر علانیت وخفیت خیفت ایزدی را که در ترك وتدارك آفت قوت دل باستظهار
آن حاصل آید. ودر تنگنای مخافت فسحت امل بواسطه آن روی نماید. دثار

وشعار

وشعار خویش سازد نصیحت من خاف الله خوف عنه کل شیء ومن لم یخف
الله خوفه کل شیء. واز اغترار بمساعدت روزگار رجائی متجافی باشد.
ونعمت آجل را بنهمت عاجل فوت نکند. وتمتع نعیم جاودانی بتتبع شهوات
نفسانی از دست ندهد. هرکه ملك باقی را بملك فانی بفروشد خسر ابد
والعیاذ بالله تعالی خویشتن را حاصل آرد. ارباب حقیقت او را در زمره سعدا
نشمرند بلکه از عداد اشقیا گردانند. ایشان عاقل آنرا دانند که زخارف
حیات در کفه همت او وزنی نیارد. وزهرات دنیا در چشم معرفت او قدری
ندارد. وسیادت اولی را وسیلت سعادت عقبی سازد. تا دست توفیق
طغرای منشور او برین حمیت کشد که اهل المعروف فی الدنیا هم اهل المعروف
فی الآخرة. وکدام سعادت تواند بود ورای آنکه بنده را توفیق یزدانی
دریابد تا بنعمت این جهانی که در معرض انتقالست مغرور نشود. وبعز
دنیوی که در شرف زوالست قانع نباشد. ودر حقیقت والآخرة خیر وابقی
تأمل بسزا واجب دارد. وبتقدیم ابواب دین پروری واستعداد اسباب
سعادت گستری دولت آن سرای مستقبل گرداند. وفرمودیم تا در جملگی
احوال از حدود اوامر ایزدی در نگذرد. واز همگی اعمال اقتناء زاد
تقوی واکتساب رضاء مولی اولی شمرد. ومن یخش الله ویتقه فاولئك
هم الفائزون. ومن یتعد حدود الله فاولئك هم الظالمون. ودر تقویم
وتعدیل اخلاق واجتناب از رذایل شمایل ومحافظت بر قوانین امر ونهی
وامر بالمعروف واعرض عن الجاهلین برخواند. وتخت خویشتن را بر قهر
نفس اماره بیچاره قادر گرداند ودیو هوا را با فسون خرد در شیشه کند
وشهوت خیره روی را پشت پای زند. آنگه تثقیف وتهذیب حشم وخدم
بر دست گیرد. ودور ونزدیك را بپرهیزکاری ونیکوکاری دارد. چه که
مستحقتر کسی بقمع سلطان نفس ودفع شیطان طبیعت وامضاء حدود
ومراقبت حد شرع آن کس است که مالك ممالك نواحی امور ووالی رقاب
جمهور باشد. ودر هرچه گوید همگنان رغبة ورهبة بر اتباع او اجماع
کنند. وبمطاوعت او مسارعت نمایند وراه اعتراض وطریق استنکار
بموجب پادشاهی از اوامر ونواهی او بسته مانده. ویقین دانند که هرکه
بر خصال گزین وفعال پسندیده متوفر شد. وبوسائل تقوی واخلاق
خوب مستظهر گشت. ودر غلوای پادشاهی تحری رضای الهی واجب داشت
در آینه اعمال جز چهره آمال نبیند. واز شجرهٔ امانی جز ثمرهٔ شادمانی
نچیند. ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب. وفرمودیم

تا تلاوت کتاب خدای عزوجل که رهنمای دین، و مقتدای اهل یقین، و دلیل
شارع شرع، و معجز شارع حوایت لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من
خلفه فرض عین شمرد و جوامع آن احکام که عروه و نقاء اسلامست
نصب عین دارد، و در تعرف حقایق آیات، و وقوف بر دقایق و قوف غایات
آن بغایتی که نهایت ادراک و وسع طاقت خاطر او باشد برسد، چه علم
بهمه انواع معلومات ستوده است، و علی التخصیص بکلام الله که شامل فنون
فواید، و حاوی اقسام معرفت باشد، ستوده تر و دانش از همه اصناف
عالمیات پسندیده است، و بتخصیص آن پادشاه که حامل شمشیر و حامی
ملکت پسندیده تر، و در آن کوشد که دانش را با کردار کار بندد، و عملش با علم
یار گردد تا بوسیلت آن علم فریفته مزخرف باطل نشود، و بفضیلت آن
علم و عمل از ورطه نجات عاطل نماند که العلم بلا عمل وبال والعمل بلا علم
ضلال، و فرمودیم بهر وقت بار عام دهد، و ملالت و سآمت بکنه نهد
و راه وصول همکنان بپارگاه خورشید کشاده دارد، و سخن مظلومان و تظلم
بیچارکان بواجبی شنود، و استماع کلام الملهوف صدقه کار بندد شود،
تا اهل طغیان از خوف تدارک او دست عدوان کشیده دارند، و پای
در دامن طلب سلامت کشند، و درماندکان از نعمت انصاف و رحمت
و رحمت او بی نصیب نمانند، و در انصاف و انتصاف میان قوی و ضعیف
و شریف و بعید و قریب و نسیب و غریب تفاوت جایز ندارد، و از
نصایح و وصایت یزدانی که یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم
بین الناس بالعدل یاد دارد، و در تنفیذ احکام احتیاط لازم شمرد،
و با خلایق که حمله امانت خالقند طریق معدلت و مرحمت سپرد، چه عدل
و نیکوکاری شجره ایست که ثمره آن تمتع و برخورداری باشد، و رحمت
و دادگستری مقدمه ایست که نتیجه آن سعادت و نیک اختری بود ؞
بیت داد کن داد که دار الخلد، منزل خسروان برداست، و فرمودیم
تا الطاف خویش اصناف آدمیان را با اختلاف طبقات و تفاوت
درجات ایشان شامل دارد، و مقاصد هر یک علی حد الامکان
بواسطه تمکین خود حاصل آرد، و دقیقه انزلوا الناس منازلهم، تو فیر
شهامت خویش مرعی دارد، سادات را که غصن شجره رسالت و در درج
نبوتند، موقر و مکرم و مقتدا و معظم دارد، و شرط استماع قل لا اسألکم
علیه اجرا الا المودة فی القربی بجای آرد، و ترتیب مصالح و تربیت ایشان را
در موافقت حق و مدارج قدس ذخیره بزرگ و وسیلتی تمام داند، و روز محشر

ازجن

ازجن و انس فریاد، هل لنا من شفعاء فیشفعوا لنا برآید، در حضرت نبوی
و دیعتی معد و ذریعتی بشفاعت مؤکد شناسد، و ایشان را بحسن اشفاق
و استدرار ارزاق، و اعداد اسباب معاش، و وجوه انتعاش از مطامع
نامرضی و مطامعی با ابتذال مفضی که لایق منصب ایشان نباشد مستغنی گرداند
و ائمه و علما را که ورثه انبیا و حفظه بیضه دین خداوندی‌اند بچشم
اعزاز و احترام ملحوظ دارد، و از صوب انعام و فیض اکرام بحظ اوفر
محظوظ، و در حوادث دینی و واقعات شرعی از مقتضای قول و حکم فتوای
ایشان عدول و تجاوز جایز نشمرد، و در معظمات مهمات دولت استخضار
همت و تألیف دل و بال ایشان طرفی از مصالح ملک با ایشان براندازد
و بیمن و اشارت ایشان تبرک و تیمن جوید، و قضاة و حکام را که
در امضاء احکام و فصل خصومات امراء شرع و امناء خداوند بتحصیل حق
ضعفا دست قوی دارد، و البته بنقصان رونق مجلس قضا رضا ندهد
و اگر کسی تفرد تمرد نماید در مالش او که دین و دنیا متضمن صلاح بزرگ
باشد تساهل نورزد، تا حقوق مستضعفان مستهلک نشود، و اموال
بیچارگان مرغوب نگردد، و مصالح مسلمانان و رسوم مسلمانی مختل
نماند، و اهل صلاح و متصوفه را که اوتاد زمین و اولاد یقین و افراد
روزگارند، و واقفان حقیقت کار، و سالکان طریقت حقند، بنظر
عنایت و حسن رعایت خویش مخصوص گرداند، و از خصوص صدق اوقات
که بصدق نیت و خلوص طویت دهد محظوظ، چنانکه ایشان بعواطف
و عوارف او مشمول باشند، و مشایخ و دعا بابکر و دایع افزاید کار
و مادة امتداد روزگار رند، و نظام پادشاهی بنظام حال ایشان منوط
و رضای الهی بفراغ بال ایشان مربوط، در مجرد شفقت و جوار رحمت
خویش دارد، ارحموا من فی الارض یرحمکم من فی السماء، و کشف مقالات
و تحقیق حال ایشان در انصاف و انتصاف و رشد و اعتساف بدیگران
باز نگذارد، چنانکه طریق ظلم و عدوان بکلی مسدود ماند، و ظلال عاطفت
و نصفت بر سر همکنان ممدود باشد، و مزارعان و دهاقین را که سبب
آبادانی عالم و محصل ارزاق بنی آدمند، از تصرف ظلم متغلبه، و شاه
و سپاه بیکار متغلبه مصون دارد، و آمال ایشان در مصالح زراعت
بحصول مقرون گرداند، و سالار عدل را شحنه کار ایشان سازد،
تا هر کس با طمأنینه دل بزراعت و عمارت پردازد که حیاطت ملک بی
واسطه لشکر صورت نبندد، و جمع لشکر بی اتفاق اموال ممکن نگردد

وکمال بی عمارت ولایت دست ندهد • وترتیب عمارت بی سیاست
سیاست پادشاه میسر نشود • وتقدیم ابواب سیاست جز بقانون
معدلت راست نیاید • لا ملك الا بالرجال • ولا رجال الا بالمال • والا مال
الا بالعمارة • ولا عمارة الا بالسیاسة ولا سیاسة الا بالعدل • و محترفه
واهل اسواق آن حدود را از تحمل اعباء ومشاق محفوظ گرداند • تا کارهای
خلایق که بنفس خویش مباشرت نتواند بود فرو نماند • وطوایف حشم
ومتجنده که نگهداران حریم دولت وحافظان ملکند • باندازهٔ اینان
در ثبات قدم بندگی • وحق خدمت مراعات بواجب ورعایت
جانب غیر لازم دارد • وهمگنان را بخوش سخنی وگشاده رویی • بشاشت
مطایع • وچاکر مخلص خویش گرداند که • دوستی مخدوم جز بلطف محاورت
ومراعات زبان در دل خدمتکار جای نگیرد • نصیحت • نیکی وجهت
بشاشت وکلام ملك لینا انکی احب الی ممن یعطی الذهب والفضة • واتفاق
کلمهٔ ایشان در تمشیت خدمات دولت وتوفر بر تحری رضاء یکدیگر حاصل
دارد • وبتناصح وتجاذب ومکاشحت ومکاوحت ایشان که ازان خللهای
بزرگ خیزد • وباستظهار خصمان چیره شوند هم دوستان نباشد که در عهود
سالفه هر فساد که بحریم ملك راه یافته است • سبب آن از مداجات
کبرا ومعادات امراء حشم بوده است • بل بیان دیگر ونص قران مصدق
مصدق این مقال • ومحقق این جالست عند قوله تعالی ولا تنازعوا فتفشلوا
وتذهب ریحکم واصحاب دیوان را بگوید تا مواجب ایشان موفور دارند
واز وجوه معتاد بوقت تمامت برسانند • واز ظلم بر رعیت مستغنی گردانند
ودر وقت ایشان واطلاق واعطا وانفاق بنفس خویش استعراض
لشکر واستکشاف حال هر یکی واجب شناسند وهرکس را در خور مواجب
جهاد وپای وسلاح بواجب طلب کند وبر اقتدا واقتضای وان لیس للانسان
الا ما سعی وان سعیه سوف یری ثم یجزاه الجزاء الاوفی هرکرا در نیکو
خدمتی اثار مرضی پدید آید موجب بیفزاید وبا آنکه در اقامت مراسم
بندگی تاخیر ونقص جایز دارد بعد از تحقیق ووضوح بزجر وتوبیخ
از اینباس رسد بلاء حرمان بروی گمارد • وآنرا که شقاوت بر کفران نعمت
حمل کند وطریق عصیان وعقوق ونسیان حقوق پیش گیرد وبند نصیحت
را بمنع وابا مقابله کند حکم سیاست بروی براند وابقایی که متضمن
استبقاء فساد بزرگ باشد محظور شناسد تا هرکس ثمرهٔ فعل خویش
بیابد وبادافراه عمل خود ببیند وزحمت دیگران در مواظبت شرط خدمت

ومراقبت

ومراقبت حق نعمت ومجانبت مواقع تهمت بیفزاید چه در کارملك هیچ خلل
زیادت ازان نتواند بود • ودر نهاد ملك هیچ حالت قادح تر ازان نباشد که
قدح در خدمت جان سپاری کند • واز عواطف پادشاهانه محروم مانند
وگروهی از طاعت تقاعد نمایند • واز بطش ملکانه نجات یابند شعر
ووضع الندی فی موضع السیف بالعلی مضر کوضع السیف فی موضع الندی
اما اگر از زمرهٔ حشم مجرمی خایف در پناه توبه گریزد • ودست در دامن
اعتذار زند • او را از لذت عفو ونعمت رحمت خویش بی نصیب
نگردانند وجناح امن وامان بر سر وی گسترانند وبا آنکه این سعادت
رفیق او شود وبخویشتن معرض انابت واستیمان بیاید • امان بروی
عرضه دارد • وبایمان استظهار کند ومواعید خوب را دلالت استمالت
او سازد • چه یأس وضجرت بحدی که موجب یأس ونفرت شود نباید
رسانید • واز بر وفق ولطف میسر شود • بخشونت وعنف آغاز نباید
نهاد • واز فظاظت ودرشت خویی تحرز وتجنب واجب باید داشت •
لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولك الایه • اما حلم واغضا تا بحدی
که کوته نظران را گستاخ ودراز دستان را دلیر گرداند • وشوق فسوق
هر منافق نافق گردد • وصورت عجز وفتور وسمت ضعف وقصور گیرد جایز
نباید شمرد • وحلم الفتی فی غیر موضعه جهل • فی الجمله در جملگی احوال
وافعال الخیر • برجادهٔ خیر الامور رود • واز طرف افراط وتفریط
باعتدال اوساط گراید • تا مزاج اعمال از قانون صحت منحرف نشود •
واسباب خلل دست درهم نزند • وعارضهٔ دل مشغولی حادث نگردد •
واعراض ناکامی لازم نیاید • وتخصیص باید که اتفاق انفاق بر حشم
وخدم چنان افتد که از اجحاف وتقتیر دور باشد • وبحد اسراف
وتبذیر نرسد • ولا تجعل یدك مغلولة الی عنقك ولا تبسطها کل البسط
ومصادر خرج با موارد دخل نگاهداشت دارد • تا مصالح ملك بر وا آسان
باشد • وظلم ضروری نگردد که الظلم ظلمات یوم القیمة • وفرمود تا بیم
غزاة ومجاهدان را که کمال فضیلت ایشان بفتوای کتاب یزدانی وفحوای
کلام ربانی • وفضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما • معلوم
ومقرر است • وصدق تهدیت ایشان از فحوای والذین جاهدوا فینا
لنهدینهم سبلنا مفهوم ومصور مزید نعم وفضل کرم در ذات خیر معظم
راغب کند • وبر کفایت این مهم مواظب گرداند چه تقویت بازوی
اسلام وتربیت نهال شریعت • وتمشیت کار دین وقلع نواحی شرك •

وقمع ارباب جهالت • ودفع اصحاب ضلالت که بموجب یا ایها الذین
امنوا ان تنصروا الله ینصرکم ویثبت اقدامکم • موجب دوام نصرت • وثبات
اقدام قدرت • ونجح مرام دولت باشد جز بواسطهٔ ترغیب این طایفه
وترحیب این فرقه میسر نشود • وفرمودیم تا سرحدها بمردان کزیده
ودلیران کاردیده اهل درایت وفطنت که با تجارب روزکار آشنا
شده باشند • وبا حوادث زمانه همزاده آمده • وبتیقظ وتحفظ تندکور
وبمردانکی وفرزانکی مشهور کشته فلا یرکضون عن تورد المعرکة •
ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة • رجال لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله
مشحون ومعمور دارد • وهیچ وقت ازین جماعت که بزینت رای ونجابت
حالی باشند • خالی نکذارد تا اکر ناکاه حالی پیدا آید • یا مهمی روی نماید
درین وهلت از عوایق غفلت معصوم باشند • وبوصمت ملامت
موسوم نشود • چه ترتیب مصالح وتدبیر مهمات در آن وقت باید کردن
که عنان ممالک واختیار در دست باشد • نه آنکه پای در سنک نامرادی
واضطرار آید • وجز بهانهٔ تقدیر خزانه حاصلی نماند • وفرمودیم
تا در حفظ وحراست راهها بر وفق عقل وکیاست احتیاط وسیاست بجای
آرد • وتنظیف آن از دزدان ومفسدان واجب دارد • وحفظ مسالک
از لوازم ضبط ممالک داند • وبازرکانان وابناء السبیل را بهیچ سبیل •
ناخوشدل ومشوش خاطر نکذارد • چنانکه اموال وودایع ایشان از هر
مضرت مصون باشد • واز نهب وغارت مأمون چه ایشان بکاف
رایکان وثنا کویان بطبع باشند • ذکر خوب از حکایت ایشان منتشر
شود • ونام بد از شکایت ایشان سایر کردد • وفرمودیم در سیاست
اصحاب جرایم که از دعایم شهریاری ولوازم جهانداریست قدم بر جادهٔ
تثبت وتحرز نهد • وبانتهاء احتیاط وقصارای اندیشه برسد • لیهلک
من هلک عن بینة ویحیی من حی عن بینة • وبر موجب مصلحت ومقتضای
شریعت رود • نه بر پی داعیهٔ هوا ومیل طبیعت • ومتابعت عقل وسکینه
کند • نه مطاوعت خشم وکینه • وتا مجال عفو واغماض باید خویشتن را
در طبقهٔ • والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس معدود دارد • چه
در وقت ثوران غضب • ودوران دایرهٔ سخط در حق جانی تا توانی
آن حکم باید فرمود • چون ایام خشم بسر آید ونوبت رضا در آید •
عوض آن دادن وتلافی آن فرمودن در تحت قدرت فطرت بشری
وامکان قوت بنیت آدمی آید • چه معلومست که عمر رفته که در خزانهٔ ملکوت

یحیی

یحیی ونیست • نیاید • وجان مرغیست که جز از آشیانهٔ جبروت قل الروح من
امر ربی نپرد • وچون قفص تن شکست • وبر کنکرهٔ ارجعی الی ربک نشست
واز مرکز اشباح سوی حیز ارواح پرواز کرد • بندامت وپشیمانی وپندار
وامانی باز نیاید • ندمت علیه ای ساعة مندم • اما در حق جماعتی اشرار که
بر هتک استار • وسفک دماء احرار • دلیری نمایند ودر ابطال حیوانی
واغتیال مسلمانی بقصد وعمد سعی پیوندند • ابقایی که سبب بقاء جزوی
ومستدعی فساد کلی باشد • جایز ندارد • ودقیقهٔ • ولکم فی القصاص حیوة •
فرو نکذارد • تا هم مصلحان آسوده وآرامیده باشند • وهم مفسدان فرسوده
ومالیده • وهیچ کس از بیم هیبت او خالی • واز امید رحمت او بی نصیب نماند
تا نه از استغنا پای در حد طغیان نهند • ونه از نومیدی دست در شاخ عصیان
زنند • وفرمودیم تا در مهمات که سانح شود • وملمات که واقع کردد •
با بزرکان حشم ومقدمان خدم • ومعتمدان وثقات • وکاردیدکان
ودهات که عقل کامل ایشان کره کشای بند نوایب • وفضل شامل ایشان
نقش بند صورت حقایق باشد • ورای صافی ایشان زنک حوادث
را صیقلی تواند یافت • ومانند فکر شافی ایشان آخر عمل را اول صورت
توان کرد • بر فضیلة وشاورهم فی الامر • رود وباستبداد رای خویش
در بند استعداد دفع آن نشود که • من اکثر المشورة لم یعدم عند الصواب
مادحا • وعند الخطاء عاذرا • وعزایم در کارها بعد از تدبر وافی
وتفکر کافی بامضا رساند • وحزم واحتیاط را دیدبان سیاست
وعنوان سعادت داند • وتا تواند از محاربت مجانبت نماید • ورای
ومشاورت را بر جنک ومخاصمت تقدیم دهد شعر الرأی قبل شجاعة
الشجعان • هو اول وهی المحل الثانی • وخویشتن را در تسکین فتنه وطلب
صلح هیچ غضاضت ومهانت صورت نکند • ومصالحت خصمان از رغبت
صادق اهتزاز تمام پذیر شود • وان جنحوا للسلم فاجنح لها • وفرمودیم
در عقود وعهود مخالفات وموافقات نقض وخلف روا ندارد • وفرمان
واوفوا بالعهد ان العهد کان عنه مسؤلا • پیش خاطر دارد • تا دلها بر مودت
او متفق وزبانها در محمدت او منطلق کردد • ودر عاجل وآجل ثواب جزیل
وثناء جمیل ثمره یابد • ودوستکامی وخوب نامی بهره کیرد • چه نیکو نامی جوهر
یست از هر جوهر عزیزتر • وذخیره از هر ذخیره نفیس‌تر که کسوت حکومت وپادشاهی
بزینت آن مطرز کردد • وعاقل از جاهل بخاصیت آن ممیز شود • واکر بمواسا
کردن صد خزینه بدست آید غبطتی باشد تمام • وعظیمی بزرک ونعمتی رایکان

بیت یك صحیفه زنام نیك تراء بهتر از صد خزینهٔ که هرست شعر کل
الی النهایة محثوث. والمرء موروث ومبعوث. فکن حدیثا حسنا ذکره.
فانما الناس احادیث. وفرمودیم تا بر موجب اعط القوس باریها در دیوان
خویش کارکنان واصحاب مناصب چنان نصب کنند که بامانت وصیانت موصوف
باشند. وبهدایت وکفایت معروف. وباید که موجب تقلد اشغال بروفور
معنی وکفایت باشد. نه میل هوا وعنایت ووصایت کسی. تا با رعایا طریق
مجاملت وحسن معاملت سپرند. وهمکنان را بچشم شفقت ومرحمت
نکرند. وباصحاب املاك جز بقانون معین ومال مقنن رجوع نکنند.
ورسمی نو وقرار محدث که منال آن اندك. ووبال آن بسیار باشد. وحکم معدلتش
بامثال آن رضا ندهد ونهند. واکر نهاده باشند. در رفع ودفع آن مبالغت
کنند. واز عمل کاملان خود رقیبی بر افعال ایشان کمارد. وخویشتن از کیفیت
معاملت ایشان با رعایا بیکانه ندارد. وتا هر که درین ابواب بر وانوب
صواب رود. با ایشان اصطفا واستمالت دهد. وبر وی اعتمادی مستانف
کند. وهر که در اموال تبسط. وبر ضعفا تسلط پیش کیرد. در صرف
وعزل او تردد وتوقف از طبع دور دارد. قوله عز وجل وتعاونوا علی البر
والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان. باید که سعادتمند اعز اکرم
احسن الله به التنعم. وزاد بوجوده التمتع. در مراقبت ایشان ارکان
وحدود ومحافظت این شرائط وعهود که در مذهب حق مفترض ولازم
خرد نا مفترض است تشمر نماید. تا ذکر خوب ونام نیك واحدوثهٔ جمیل
ومثوبت واجر که همکنان طالب آنند که ما واو را حاصل آید. والله تعالی
یهدیه ویکفیه. ویبلغنا غایة الامانی فیه. ویوفقه لما یستحسنه ویرتضیه
ویحکم به ربنا ویقضیه انه ولی التوفیق. والهادی الی سواء الطریق. سبیل
امرا وکبرا وحشم وخدم وائمه وامم وسادات وقضاة ومشهوران و
منظوران وسائر رعایا وکافهٔ ساکنان خطهٔ بیدا از اهل وبر ومدر.
رعاهم الله وحرسهم آنست که ازین سعادت که ایشان را مساعدت نمود.
وازین دولت که ایشان را دست داد. بواسطهٔ ایادت وقدوم دولت سعادتمند
اعز اکرم اطال الله بقاءه. وقرن بالنصر لواءه. بهرهٔ شادمانی بردارند.
وشکر موهبت ربانی ونعمت ما بکزارند. ودر وظایف دعاء دولت وثنا
حضرت ما که عواید آن هم بر ایشان عاید باشد. بیفزایند. وخلوص طویت
را بواسطهٔ قبول عبودیت سازند. وطاعت او را بطاعت خدای تعالی
وطاعت ما مقرون شناسند. وخویشتن را از خلاف وشقاق وتعصب

ونفاق

ونفاق که وخامت عاقبت آن پوشیده نباشد محفوظ دارند. وازنس
طاعت بوحشت عصیان نکرایند. از اوج شرف خدمت بحضیض کفران
نعمت نیایند. ومحافل ومجالس را بذکر اخلاق کزیده وافعال پسندیده
او که نتیجهٔ فر سعادت پادشاهی وثمرهٔ فضل الهیست معطر دارند. وصحایف
روزکار خویش بیمن خدمت وپرتو دولت او منور کردانند. وباقامت
معدلت واشاعت مرحمت او که از ما بمشاهده دیده است. وبسمع فهم شنیده
ودر طبیعت او منطبع کشته. وبر حقایق آن مطلع شده متیقن ومستظهر
باشند. وبشارت قدوم موکب او که سبب آسایش ایشان وآرایش آن
خطه خواهد بود مستبشر کردند. وخدمت نواب او از فرائض دین ودنیا
وموجبات رضاء مولی دانند. ومال ومعاملات بتمام وکمال از استقبال
سنه ثلاث بایشان رسانند واز شکایت ایشان که شکایت آن معلوم باشد
توقی نمایند واوامر او را منقاد. وامثلهٔ او را ممتثل باشند. تا شرف حضرت
واختصاص مزید عاطفت روزکار ایشان را دریابد ان شاء الله العزیز
حرر فی اوائل شهر رمضان المبارك سنه ثلاث وثمانین وستمائه

الجواب

عرضهٔ عرصهٔ عظمت وجلال. ابقاه الله الملك المتعال. انکر منشور
مستلزم الحبور. مصحوب عمدة الاعاظم منر منصور رحما قدره. زید مجده
شرف صدور یافت. وبر جملهٔ غازیان اسلام. وکافهٔ انام. از ساکنان خطه
بید ونواحیش خواندیم بکمال تحسینها وآفرینها مر آن خداوندکار را
کفته. وبر رسم طاعت وبندکی وفرمان روایی قبول مرزبانی ما کرده.
وبتدبیر ورای درکوشیده. چنان مناسب دید آمد که بجانب ابنه کول
عزم غزا نموده شود. پیش از روی صدق طویت. صفای نیت بر آن که
آمدکه. در آن کار خیر مبادرت بکنیم. وتاخیر روا نداریم. اما در اول کار
جاسوس فرستادیم. پیشتر از پیکار رفت. وخبر آن خبر آورد که کروه
کفر مجرم بسیار غفلت دارند. وخدای تعالی جل جلاله بقهر وغضب
چشم ایشان بربسته. وشرب خمر که از جملهٔ رجس من عمل الشیطان
است مداومت نموده. وبعیشی که بندیاش برطیش معهود اهل ایمان
بود. چون کاوها از شیر. در بیشهٔ جاهلی برمی جسته اند. وازین خبر
بسیار حظ کردیم. وبر حق سبحانه وتعالی توکل نمودیم. وبرسم شبیخون
سپاهی از سه هزار نفر متجاوز. پیاده وسوار چون برق جهنده. وتیز رو
زتند. بر سر وقت ایشان قریب سحر در ریختیم. وبعنایت الله تبارك وتعالی

کیران از جواب خمار برجسته بجای ساغر صبوحی از خون دل مدام فروچی
نوش کرده • ودر عوض پیاله خنجر تلخ زهر آلوده برلب وکلو شان رسیده •
بتیغها چون قرابه از قراب در جوت می خون دشمن می ریختند • وبهرمز
جکر پارهای خام را در تنور جنک پخته • بد هان خصم میدادند •
عجب فرصتی ونیکو نصرتی از توفیق آله • وبمن همت آن پادشاه دین پناه
ما را دست داد • ومهمات اعدا منعکس افتاد • وسرداران طایفهٔ مردارکه
اینه معول بود نابود کشت فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب
العالمین • اهل دین بغنیمتهای کزین فایز شدند • از جمله دو همشیره وبك
دختر وبك پسر وسه برادر زاده ملعون را که لایق بود برخدمت اعلی
وسرای معلی با پنجاه نفر غلام وکنیز دیکر • بپایهٔ سریر عالم مصیر
فرستاده شد که از انها بعضی لایق آنست • بجانب تبریز از برای حضرت
جهان سلطان محمود غازان بفرستند از برای انکه ما را سپارش فرموده
بود بر که تدارك کرده بفرستیم • لله الحمد میسر شد • وفرستادم • وانچنین
اسیرها در هر وقت میسر نمیشود چراکه همه مشهوراند کفار خاکسار
بقسطنطنیة نزد تکفور مقهور کریخته اند • وانفاق فتنه نموده • اما
ما ارشان رو نمی کردانیم • وازثواب غزا وسعادت شهادت نمی کریزیم
وچون المقدور کائن محقق آنست • بعد از توجه برخش توکل میکوشیم
وسپر کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة باذن الله • فراروی خود
کشیده • زره ومن یتوکل علی الله فهو حسبه • دابجسم بی کینه در می
پوشیم • امید است که هربار فر وشکوه سلطانی ما را فتوحات جاودانی
حاصل کردد • ولاریب فیه • ان شاء الله تعالی • باقی فرمان از حضرت خداوندکار جهانست

بو منشور همایون سلطان علاء الدین فرامرزدن .
عثمانشاه غازی یه آق سنجاق وطبلخانه ایله کلشدر

بسم الله الرحمن الرحیم • من برهان امیر المؤمنین علاء الدین بن فرامرز
السلجوقی • ایده الله الملك العلی حمد وسپاس وشکر بی قیاس اول خالق
بیچون • ورازق خلیقهٔ ربع مسکون • بل رازق جملهٔ مخلوقات وصانع
جمیع مصنوعات • جل جلاله وعم نواله حضرتنه کرکه خلعت خلقتی صفا
وصفوت اوزره طینت آدمه کیروب • افسر خدوفتی فرق مبارکنه اوروب
سریر انا جعلناك خلیفة فی الارض متمکن قیلوب جمله ساکنات افلاکی
واذ قلنا للملائکة اسجدوا لآدم فسجدوا خطابیله مأمور ایدوب
اول خلیفهٔ انامی معزز ومکرم ایلدی • وصلوات نامیات شول حبیب خدا

محمد مصطفی علیه التحیة والثناء حضرتنه وچار یار با صفا حضرتلرینه
وآل واصحابنه وتوابع ولواحقنه • رضوان الله علیهم اجمعین اولسونکم حکمت
وعلم آدم الاسماء کلها دن مراد انلرك نام شریفلرینك ظهور وانتشاری
اولوب هرچند صلب بشر بندن نجه بیك انبیای کزین صلوات الله علیهم اجمعین
واولیای سعادت قرین • وسلاطین غزا آیینك عدمدن وجوده کلدکلری
انك ذات لطیف ودین منیفلرینك شرف سیوعی ایدی • لکن صحف رسالت
ومنشور خلافت من اول الی آخره مهر نبوت خاتم انبیا ایله مختم اولدیغی
انك مبارك مقدمی برکاتیله امت عالی همتنك سلاطین باك دینلری
دخی سائر ادیان حکامنه متفوق واقع اولوب • هر زمانده برصاحبقرانك
بربیغ بلیغ سعادت عنوانی ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده
طغراسیله مزین وهر وقتده بر بختیار جهانك توقیع رفیع عالیشانی
ورفعنا بعضکم فوق بعض درجات خط دلکشاسیله مبین بیوریلوب
وهر برینك کوش هوشنه صدای لئن شکرتم لازیدنکم وندای ولئن کفرتم
ان عذابی لشدید ایرکوریلوب لاجرم ما بدء احسانندن بهره ور اولان
عباد شکوری صلای رحمتندن دور اولان فراعنه وجبابره یه اکثریا مظفر
ومنصور اولوب وهو العزیز الغفور مفهومیله مقام شکرانده معزز
ومحترم اولدیلر • لهذا نامهر دولت واقبال روزافزونم سپهر سعادت
واجلالدن طالع ولامع اولوب • نور خورشید فروغ وجودمی کسلطان
ظل الله فی الارض • پیرامننده برضیا وجلوه نما قیلوب والله یؤتی ملکه
من یشاء جبه سی قامت پر استقامتمه لایق وارزانی کوروب ان هذا
لهو الفضل المبین تاج ابتهاجن فرق فرقدان سایمه سزاوار واحری
بیوروب مسند نشیناده کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف
وتنهون عن المنکر صدرنده تمکن واسباب احسانه ابدی الشکر یزید النعم بنده تحقیق
مخواسیله عامل اولوب احسن کما احسن الله الیك مایده سنه بار عام ویروب
وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها اثاری معدود بشریت واقتضاء سلطنت
اوزره مبذول طوتوب • مناصب علیه ومراتب جلیله یی اهلنه بیدریغ ایدوب
هرکسنه یی قابلیت واستعدادینه کوره برمراد قلق بابنده تأخیر وتراخی
جایز کورمیوب اعط القوس باریها قبضنی اهلنه صونوب • ممالك
انام وحدود اسلامی ایچره خدمت لازمه اداسن قیلان مبارزان میدان
وغا • ودلیران معرکهٔ هیجا • ارکیله رستم وار • نامدار اولان قوجاق بکلرك
ویکانه کیلان ارنلرك • هر برینه حالله حالیجه • ورتبه ومقامنجه • رعایت

وشفقتلر اولنوب مساعی مشکوره لری ضایع اولمامشدر و اول جمله دن
مرزبان خطهٔ بیداولت سعادتمند عالیجاه عثمانشاه ابن ارطغرل
بك خیرخواه ایده الله کم کوکب سعادت آیین جبین عزت قرینندن
تابان و درخشان اولالی جمیع اقارب سعید العواقب و جملهٔ عشایر
و قبائلی ایله غزا و مجاهده‌نی شعار و کفار خاکسار ایله مقاتله و پیکاری
کار ایدینوب وقاتلوا المشركين كافة مفهومن سرمایهٔ روزکار ایدینوب
قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله ولا باليوم الآخر ولا يحرمون ما حرم الله
ورسوله ولا يدينون دين الحق من الذين اوتوا الكتاب حتى يعطوا الجزية
عن يد وهم صاغرون مدلولن تحقیق و اجراسنده تدقیق ایلیوب جرأت
و جلادتی آوازه‌سیله عالم پر اولمغین اطراف و اکنافدن جانب شریفنه
وارنلری حرض المؤمنين على القتال تقدیه سیله طوبلیوب صدیق
وار مالکی راه حقده بذل و فاروق شال وارن اعلاء کلمة الله
صرف ایدوب خصال عثمانیه‌سی جدال شیر یزدانی به قرین و فعال
رحمانیه‌سی افضال صمدانی به رهین اولوب خواص و عوام شکراندن
نعمتی ایله رطب اللسان و کافهٔ انام ارتفاع وارتقاسنه منتظر و نکرا
طینت طیبه‌سی زلال دولت ایله مخمر و فطرت لطیفه‌سی عبیر عزتله مبخر
اولوب حواس ظاهره و باطنه‌سی حدت و دقت ایله موصوف و قوت
متخیله و انتقالی سرعت و تیزرولکله معروف تیغ و سنانی برق خاطف
و تیرجان ستانی شهاب ثاقب عقلی کامل و رأیی صایب سمند اقبال دائم
و سلاطین و اقبال فرمان بر و غلام قاید ظفر پیشرو و پیك نصرت
اوکنجه تیزدو رجال غیب معینی و ارواح شهدا قرینی فتح مژده رسان
و توفیق همعنان عهد بعید و روزکار مدیددن آبا و اجدادی عظّمهم الله
انار الله براهینهم آبا و اجدادی رحمهم الله توارثدن ایراثه بل اخلاف طردن
بوناسن مهاجرت و مظاهرت طریقن سلوك طوتوب ایام فرصتلو
هنکام عبطتدن مراسم جانسپاری‌ده انواع دقیقه دقیقه فوت
ایتمیوب سابقا کندولره یورت و اوجاق و یریلدن محمیهٔ انقره
قراطاغندن حوالی ابن اوکی و خطهٔ بیند و بکشهردن اسکی شهره
وارنجه کول و یار حصار اطراف و معموره‌سنك اکثر نواحیسن قوت بازو ایله
الوب ممالك اسلامیه مضافاتنه داخل ایدوب و کندن غیری ندکلو که
کروه مکروه کفره فجره دمرهم الله تعالى و قهرهم ومكروا ومكر الله
والله خير الماكرين طبقنجه کامکر و حیله قصد ایدیلرسه کیز و بعنایة

کندولره

کندولره راجع اولوب عسى ان تكرهوا شيئا فهو خير لكم اوزره فواید عمیمه
کندویه عاید اولمغیله هیبته اعدای بدرای خجل و منفعل دوشوب على
الخصوص اینه مغولیه دینن ملعونی حقلیوب تغلب و تسلطی حزب مشرکینه
محقق اولالی نفوس خبیثه‌نك ارواح کثیفه‌سی جیفهٔ ابدانلرندن کریزان
اولوب هر بری مرده بیجان و خانمانلرندن آواره و سرکردان بحار
و بیابانه باش قورترمغه برار ایدوب مأیوس و منکوب پروانه‌یی برکیجه
اود شمع نورانی‌یه قصد ایتدکلرنجه بال و پرلری منکسر و منحرف خاك
مذلته دوشوب قل لن ينفعكم الفرار ان فررتم من الموت او القتل
واذا لا تمتعون الا قليلا معناسی صدور و ظهور بولوب و کندو بختیارلغیله
لغیله و رطنی هلاکدن نجات بقاسنه جقوب انك حقنده زمین و
و زماندن ندای لا يستوي القاعدون من المؤمنين غير اولي الضرر
والمجاهدون في سبيل الله باموالهم وانفسهم فضل الله المجاهدين باموالهم
وانفسهم على القاعدين درجة وكلا وعد الله الحسنى وفضل الله المجاهدين
على القاعدين اجرا عظيما کاخ صماخ هما یونمه اریشوب و جناب الهیدن
درجات منه ومغفرة ورحمة وكان الله غفورا رحيما موهبه‌سنه
مستحق اولوب جانب والای شهنشاهیدن دخی من جاء بالحسنة فله عشر
امثالها رعایتنه احق و الیق کوریلوب نوع جمع طراز قناب علم و طبل
و نقاره پر زمزمهٔ محتشم تفویض و تخصیص قلنوب لوای اسکی شهردن
یکیشهره وارنجه خطهٔ بیند و نواحیسیله مجموعا برسنجاق بر اعتبار ایله
سعادتمند شار الیهه تقلید ایدوب بیوردکه شولکه مقتضای دولت
عدالت سمای ایتدمسند امارت و ایالتنده کمال و قار و سکینه ایله تمکن
و قرار ایلیوب اعدلوا هو اقرب للتقوى مفهومن شعار و دثار ایدینوب
شرطالمی مظلومدن دفع و آتش مظالمی روی زمیندن رفع ایتمسنه
جد و جهد کوستروب عدل ساعة خير من عبادة سبعين سنة
فوایدندن بهره‌مند اولمغه چالشوب زمانت حکومتنده وضیع و شریف
غنی و فقیر عالم و جاهل قریب و بعید مسافر و مجاوره جملهٔ بکسان
بقوب دعوالری فصل و تمشیته مقادیر ایله مقید اولمیوب شرعه متعلق
اموری قضاة انام ایله فصل ایدوب و سیاسته موقوف اولانی
بلا توقف یرینه کتوروب مع هذا الشفقة على خلق الله اوزره اراقهٔ
دماده صبر و وقاری الدن قومیوب جایز کم اهلاك و افنادن صحکرا
اود شخص مخصوصك ابقاسنده نوعا فایده مشاهده قلنوب هر احیف

ونه اسف مفيد دوشميوب؛ فرصت فوت اولمغله باعث ضجرت اولدقلرنده
ولكم في القصاص حيوة يا اولى الالباب وعيدندن انحراف ايتميه
مكركه ورثه قبل ديتی قصاصدن افضل طوتوب ترجيح ايده لر؛ اولحينده
دخی حقوق ايتامی بيقصور ابقا ايدوردب ولا تقربوا مال اليتيم الا بالتی
هي احسن نهيی ايله منهی اوله وسادات عظام كه ثمرهٔ شجرهٔ نسب مصطفوی
ونتيجهٔ مقدمات حب نبوی لردر اصلها ثابت وفرعها في السماء
اوزره معزز ومحترم طوتوب؛ مذاق جانی انلرك رعايتيله شهدكام؛
ورواق روانی انلرك حمايتی سببی ايله سدره مقام ايدوب؛ اعزاز واكرام
لرينی زخارف اتخاذ ايليه؛ وعلمای عظام كه ورثهٔ سيد الانام دررلر
كمال لطف وشفقتله مرعی ومحمی طوتوب ابقای دين متينی واجرای شرع
مبينی انلرك وجود شريف وانفاس لطيفه لری بركاتندن بلوب لحوم العلماء
مسمومة مقتضاسنجه خاطر عاطرلرين رنجيده ايتمكدن بغايت انديشه
وحذر ايده؛ وطايفهٔ سپاهيه وظيفه واحسان ابوابين كشاده قيلوب
افراط وتفريطدن مجتنب اوله؛ ورعايا وبرايا جانبلرينی دخی كما ينبغی
ملاحظه ايليوب؛ انلرك رسوم عرفيه سن دفترده تعيين اولنان
كسنه لردن منع؛ ونه انلردن زياده برحبه ناحق يره المغه جواز كوسترميه
حالت متوسطه يی جانبيندن رعايت ايده؛ وزراع وحراث بدايع لحدا
ثدن حفظ وحراست؛ وآسيب روزكاردن صيانت ايدوب؛ وديايع الله
في الارض اولان انلرا اولغن دقت تام واهتمام؛ مالاكلام ايله يرينه
كتوروب؛ يوماً فيوماً تعمير بلاد؛ وترفيه عباددن خالی اولميوب؛
مقدمات نصفتی منتج سعادت دارين؛ ملاحظه ايدوب ثمرات نهال
معدلتی ميوهٔ باغ جنت كبی متجدد؛ ومتضاعف اولغچون مساعی جميله
صرف ايليوب؛ بوابيات نجنته نك حسوب معانيسن كنتراد طبايع
دهقان جهانده دست نشان ايليه نظم زباغچه بيشتكان
كاشتند؛ بس آيند كان ميوه برداشتند؛ جو از بهر ماكشته شد چند
چيز؛ ببهر كسان مابكاريم نيز؛ واحيای موات جد بليغ وسعی بی
دريغ ظهوره كتوروب؛ من احيی مواتا من الارض فهی له؛ وعادی الارض
لله ولرسوله ثم هي لكم مني؛ مدلوليله طالبينی بهره مند؛ وراغبينی برومند
ايليوب نواحی بلداندن خالی ومعطل يرقودرميوب شن وشاداب
قيلوب برسنه هم عاليه سن بذل ايليه؛ واوقات نجسته ساعاتی اداء فرائض
خمسه برله حرب وسلم وتمكين وعزمده توكل تام ايله كذران ايدوب؛

جنكده

جنكده الحاجت وصلحده ملايمت صورتلرين مطرود طوتوب؛ رای ومشاوره
مطبوعه دنصكره؛ هر قنغيسی كه لازم كله خالصة لوجه الله وتبعاً لرسوله
فرصتی فوت ايتميوب غيرت دين اسلام وفايدهٔ سيد الانام ايچون روز وشب
چالشوب تعطيل وتعويقی روا كورميوب؛ الجنة تحت ظلال السيوف؛
مضمونن مجاهدينه بيان ايدوردب ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله
امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون فرحين بما اتاهم الله من فضله
فضائلندن فهم ايتدوروب وجاهدوا في الله حق جهاده حقوقنك استيفاسن
عطيهٔ عظمی ووسيلهٔ مقاصد دين ودنيا بلوب توقف واهمالی روا
كورميه؛ ومال غنايمدن خمس شرعی اخراج ايتدكدنصكره غزاة نصرت
شعاردن پياده وسواره بحسب استحقاقهم توزيع وتقسيم ايليوب
هر برينك حصهٔ شرعيه سن ايفا ايليه؛ وكفره قتلنده سنی ميدان جهاده
يقوب الان مبارزلرله؛ من قتل قتيلا فله سلبه؛ حديث شريفی اوزره
عامل اولوب نفايس امتعه دن اولديغی تقديرجه دخی انجه سن آلوب
بی وجه طمعندن زياده محترز ومجتنب اولوب حقوقی مستحقينه واصل
ايليه؛ وخزاين واموال حكام لئام اعدای بدفعال ندكلو اولورسه
دفتر ايله بيت المال خاصه يه ضبط ايدوردب برانجه وبرحبه خارج
قودرميوب؛ جواهر منقومه واقمشهٔ متنوعه دن لايق احتشام سلطنت
اولانی غلمان وجواری مرغوبه برله؛ جناب سلطنت مآبه روانه ايليه؛
ودروع واسلحه اقسامندن منتخبلرين باشقه طوتوب غيرسن وقت
حاجتده بلا وظيفه واران غازيلره ويروب؛ صفوف رجالی مرتب
ايليه؛ وشايد كه احتياج چكله دبو ذات ستوده صفاتكه مخصوص
كوندريلدن ايكی بوغچه جبه وديبای رومی والاجهٔ مصری وجامهٔ
لطيفه يلنكی وبر قبضه التونلی قليچ وبر بدوی سمند ستمند جنديانه
سيمين رخت وجاقله يوزبيك درهم نقديه دن غيری بيك نفر جبه
وجوشن وخود وبر كستوان وايكی بيك قبضه كمان الليثر اوقيله
مملو جعبه لری برله وبيك بشيوز قبضه سپر وايج بيك قبضه تيغ وخنجر
وايكی قطار دوه يوكی سنان خصم سنانله مربوط كوندرن ارسال
اولنوب؛ عمدة الاعيان قراجه بلبان چاوش زيد قدره دن برموجب
دفتر اخذ ايدوب؛ لازم اولدقده غزاة نصرت آياتندن دريغ ايتميوب
سبيل جهادی مفتوح قلاسن؛ وبرسم بوغچه وتشريف وشاقانه خاصه
وعلز بوابنه وبرسم بتی دبرليغ وعادت بروانه دار وصدسه دفترنويس

ومفاوضهٔ طغرانی وطعمه خواهی باز و بوز و پیشکش نوروز ومشرفات سالیانه وسلامانهٔ ملوکانه دن • بالجمله شان سعادت نشانکی فارغ البال ومقتضی الآمال قیلوب • خاطر عاطرلرینه اولنابن جزوی وکلی نسنه ایرکورمسون دائما حضور قلب ایله اوغور آجقلغنه عون الهی ومعجزات رسالت پناهی تأبیدی • وحاضر وغایب اندلرك ظاهر وباطن همتلری بنم خیر دعام بر له کندوکه بدرقه وقفادارمنلاحظه ایلیوب ادعوا ربکم تضرعا وخفیة کلمات طیبه سن دوش وکردنکه حمایل صالوب حسبی الله ونعم الوکیل وردنی تذکار نعم المولی ونعم النصیر ذکرنی تکرار قلمقدن خالی اولیوب ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون وعدا علیه حقا فی التوریة والانجیل والقران معامله سنات رنجی ایله سودمند ومحصل المرام واولئك هم الفائزون توفیقیله موفق وشادکام اولوب دوام دولتم بقاسنه دعا ایتمکله مساعی جمیله ظهوره کتوروب خدمات لازمه یه قیام کوستره • تحریرا فی اوائل شهر شوال المکرم سنه ثمان وثمانین وستمائه •

الجواب

سن سنیه حضرت خداوندکاری • ابقاها الله الملك الباری • تراب عرض بنده قدیمی بودرکه حالیا قدوة الاعاظم والاعیان قراجه بلبان جاوش زید قدره قوللریله برجانب سیادت بنده لرینه نوع مبیح طراز مهر علم وطبلخانهٔ محتشم وخلع شاهانه وسمند سودمند جنیبانه وساز وسلب وانواع بیکدن زیاده اسلحهٔ متنوعه دن جبه خانه ویوز بیك درهم نقدینه مفصل ومشروح دفتریله کوندریلوب • ومنشور شهود مستوجب الحبور زنکارده دخی اسکی شهری خطه سیله ونواحیسنه ضم بیورلوب • بالجمله برسنجاقلق برالمق اوزره تفویض وتقلید قیلوب • بین الاقران سرفراز وممتاز بیورلدی • حق سبحانه وتعالی حضرتی اول برهان امیر المؤمنین لازال مؤید ومنصور جنابی جمیع سلاطین اهل اسلامه انجم سربلند قیلوب • دارینده مقام رفیع ارزانی قیلوب ملك اوزره سایه سعادتلرین مفارق انامدن الی یوم القیام دور ومهجور ایتمیوب • نیجه بزم کبی خالص بنده لرینك وارلغی راه شریفلرنده مبذول اولوب • اولدولتلو پادشاهمزك اکسکلکن کورمیه وز بحرمة سید المرسلین یا رب العالمین • وبعد الوصول بودیارده اولان بندکان مقبول الصفای قبیله سنجاق همایونی استقبال ایدوب بجلکین طوتیلوب • کمال اطاعتله فرمان قضا جریانه شروع اولان مواد روشن اولنه

اوقدن قرنه سمعا وطاعه دیو انقیاد کوستروب • دوام دولت پادشاهی به اتفاقلرله دعا وثنالر قیلوب کلبانکلر چکلدی وغزاة رفیع القدر جانلری لوازمی انعام وارسال بیورلان نقدینه واسلحه دن تکمیل قلنوب بعنایة الله وتوفیقه • ازنیق نواحیسنه جهاد اکبره عزم وتوجه قلندی • اومرم که دولتلو پادشاهم خلد ظله • خیر دعالری رفیق طریقمز اولوب عون حق رهنما • ومعجزات حبیب خدا هادی طرق هدا اولوب • ارواح انبیا قرین • وهمت اولیا ضمین • واصحاب کرامات طریقه حسنه لری شعار • وفعال طیبه لری دثار مز اولوب • اعدای بدرای منکوب ومغلوب واقع اولهلر بعنایة الله سبحانه اکرچه بروسه جانبنه توجه اقدام کوریلوردی • لکن بکجیشهرك ضبطنه ازنیق کفاری لعنهم الله • مانع اوله قلری اجلدن حضورمزده اولان ارباب رأی مسلمانلرك تقدیمن افضل کورمکین • مبادرت اولندی که وما النصر الا من عند الله باقی حالات منبور جاوش قوللریله کوندریلدی طوب غوالب غازی بنده کمینه لرندن تفحص وتفقد بیوره لر که احبار خفیه واطوار جلیه مزه • بالجمله واقف اولوب • تقریرینه نصیحتکره فرمان پادشاهیم کورز

بو منشور همایون سلطان علاء الدین قرامرزدن
عثمانشاه بك ایکن کلمشدر

چون رعایت حقوق هواداران • وعنایت درحق خدمتکاران • وانعام واصطناع درباره کسانی که بعروهٔ دولت متمسك باشند • وبحبل طاعت معتصم • وبذیل اخلاص متشبث وباهداب • وسائل اکید متعلق واعزازهر یك بر تباین اصناف وتمایز اوصاف وتفاوت درجات ایشان • ازعزایم صواب پادشاهان ودعایم ارکان پادشاهست وهرکرا از اولامر دراقتضای این سنن توفیق حق رفیق کردد • وسعادت رعیت مساعدت نماید عقد مملکت او استوار ماند • وعقد دولت او از انتشار مصون باشد • وفراغ بال از دواعی اختلال احوال او را حاصل آید • ونظام سلك اقبال ودوام اتساق اعمال حضرت او را شامل کردد • ویکی از لطایف عواطف ربانی وبدایع صنایع یزدانی که شکر آن از لوازم دانیم • وستایش آن از فرایض شمریم • درحق ما آنست که هرکه سینه را بنور موالات ما روشن کرد • ودست در دامن اخلاص مازد • وپای در دایرهٔ مطاوعت ما نهاد • وسر ربقهٔ منابعت ما آورد • وبصفاء اعتقاد درد وستداری حضرت وثبات قدم در خدمتکاری دولت ما متوسل شد • عروس اقبال جلوه کنان استقبال مواکب او کند • وقهرمان دولت پای کوبان پذیر فرمان او شود • وجوامع همت

مابر اعلاء درجهٔ او موقوف باشد و عنان رغبت بر صوب تربیت و معطوف
و عرصهٔ مراد او با بسطها رلطفا سعاف ما طویل و عریض و بر تجدد امور
و احوال الانام و تعاقب شهور و اعوام مادامکه از ان جانب اخلاص ذرائع
باشند و در تحصیل مراضی ما ساعی عقود عهود ما از انتقاص و فتور
و امداد عنایت ما از انتقاص و قصور مبرا و منزه ماند و البته هیچ تقریب
و تسویل شائبهٔ تبدیل و تحویل بانعامی که فرموده باشیم و عاطفتی که
ارزانی داریم بنا بر آن بر موجب این مقدمات و مقتضای این کلمات چون
جانب شریف ملکی کبیری عثمانشاهی حماه الله فی شرفه و رعاه فی ظل
فضله و کنفه که با آنکه از ملوک اطراف و خسروان وقت و پادشاهان
عهد و ولاة روزگار بمزید قوت و فضل قدرت و فسحت عرصهٔ جلادت
و بسطت ساحهٔ مملکت بیش است و از سروران گیتی و گردنکشان عالم
بفنون فضل و سروری و انواع هنر و ملک پروری فرا پیش مدت مدید
و عهد بعید منقاد است تا اخلاص و یرین ما را قرین روزگار خویش
ساخته است و مجازات دولت خود را از موالاة حضرت ما شناخته و از
سر اعتقاد صافی و اعتماد وافی بدقایق هواداری ما که کس بران زبان نکند
قیام مینماید و در مواظبت وظایف اخلاص که ثمرهٔ آن هرآینه برسد
می افزاید و اکنون بتازگی در طاعت داری دولت قاهره حقوق تجدد و
مؤکد میگرداند و قواعد پدری و فرزندی ممهد میکند و در مقام اخلاص
مراسمی که حق آن در ذمت همت ما لازم گردد بتقدیم میرساند و آن سوابق
را که بر خاطر مبارک مذکور است بلواحق که سعی آن در حضرت مشکور باشد
مددی میدهد و هر روز امداد اخلاص او در خدمت متوافر است و مبالغت
و متابعت او دولت را مقرر نیز لاجرم بتجدد ایام و توالی لیالی لطایف
تربیت ما بر نسبت احوال او توجه میگیرد و طراوت ملک او بواسطهٔ
حفاوت ما تزایدی می پذیرد و عن قریب نفحات عواطف ما در حق او بنوعی
منتشر خواهد شد و صفحات ملک او بارقام مزید انعام ما متوسم
خواهد گشت و چون درباره او از مزید اقطاع و انواع اصطناع اندیشهٔ
بلیغ داریم و در تنفیذ امثلهٔ متقدم و تقریر آنچه برسم او بود باشد
سخنی نتواند بود و بلاد و نواحی که بحکم مثال سابق در تصرف دیوان او بوده
است بر قرار متقدم بتازگی باو ارزانی داشتیم و امر و نهی و حل و عقد و خفض
و رفع و ضر و نفع و وصل و فصل احوال و فروع و اصول اموال آن مواضع بنواب
و نواب او باز گذاشت تا بر قرار سابق تصرف مقطعات میکند و موارد

اموال آن در مصادر اخراجات می پردازند اگرچه جانب شریف فرزند
مکانی دام شرفها در افاضت عدل و انصاف و ابتنا محاسن اوصاف داعیهٔ
طبیعی و جاذبهٔ غریزی دارد و در تقدیم اسباب دادگستری و تنفیذ احکام
ملک پروری هیچ تهییج و تحریض و تقریع و تعریض محتاج نیست و رای ما
محقق که مرتقی اقبال در حجر توفیق نتیجهٔ شایسته تر از و برورده است
و دست قدرت بر چمن فطرت نهالی از و بایسته تر نشانده از راه شفقت
ملوکانه و نصیحت پادشاهانه بر سبیل اخطار و طریق اذکار میفرماییم
وان الذکری تنفع المؤمنین تا در کل احوال خشیت یوم لا تملک نفس
لنفس شیئا والامر یومئذ لله پیش خاطر دارد و چون قدرت و مکنت
حالی که از بدایع جود یزدانی است بلند از عجز و امانت اصلی که از توابع
وجود انسانیت یاد آرد و چنانکه از مکارم اخلاق او معهود است و طبیعت
مستقیم او باعتیاد آن مشهور و معروف احسان و نیکوکاری را اول فکر و مبدا
عزایم دارد و ماحی جرایم بد جرایم داند ان الحسنات یذهبن السیئات
و تقوی و پرهیزکاری را زاد آخرت و ذخیرهٔ عقبی سازد و تزودوا فان
خیر الزاد التقوی و مثمر سعادت عظمی و منتج کرامت کبری شناسد
ان اکرمکم عند الله اتقیکم و میفرماییم تا خوف و خشیت ایزدی و تقوی
از متابعت شهوات نفسانی و اجتناب از هفوات انسانی لازم و واجب
شمرد و دست همت از ابنا نعمت این جهان که آثار آن بس زود نابدید شود
کشیده دارد فاما من طغی و آثر الحیوة الدنیا فان الجحیم هی المأوی و اما من
خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی حقیقت
عاقل آنست که پیش از آنکه آسیب تقدیر آسمانی بدو رسد از فریب زخارف
این جهانی بیرون آید و امروز چون دسترس حاصلست و عمر باقی بر جای
فردا را که یوم لا ینفع مال و لا بنون سرمایهٔ مدخر کرداند و نقدی از اعمال
خیر ذخیرهٔ آن جهان را در کیسهٔ افعال نهد و ما تقدموا لانفسکم
من خیر تجدوه عند الله و میفرماییم که با رعایا کرم و صاباهای ایزدی در نشان
ایشان صادر است و قضایای عقلی بمحافظت جانب ایشان وارد طریق
معدلت سپرد و ضعفا را که جز شفقت صاحب مرحمت آوری بناشد
بچشم مرحمت نگرد و همگنان را از قوارض اذیت و عوارض بلیت مصون
و محروس دارد و جناب خویش را بوفود ارباب حاجات معمور و مأنوس
و عدل و انصاف را شعار روزگار و طلیعهٔ اعمال و پیرایهٔ عاجل و سرمایهٔ
سازد و بر موجب دوام دولت و نظام مملکت شمرد و یقین داند که جزء جهان

فزای مراد جز بحسن استمالت عدل جمال ننماید و زلف دلربای مقصود جز
بلطف مقالت انصاف بدست نیاید طراوت پادشاهی و جمال دلگشای انصاف
بسته است و اوامر الهی بافضل عدل و احسان پیوسته ان الله یأمر بالعدل
والاحسان وسفرها بیم تا بتخصیص این رعایا که مثال در حق ایشان نافذ است
در کنف رعایت و حصن شفقت خویش آرد و همت بر صلاح احوال و نجاح
امال ایشان گمارد و مصالح ایشان را که پایمال نوایب و دست فرسوده
وقایع شده اند و در ظلمات ظلومات مانده بزیارت دل نگران و التفات
خاطر مخصوص گردانند و خویشتن را از شفاوت ابد صیانت لازم شمرد که
اشقی الولاة من شقیت به رعیته و نواب را درین باب وصایت کند
تا از حق عنایت در حق ایشان باقی نگذارد و توفیر دیوان بجد تنفیر مسلمانان
نرسانند و در اکتساب نیکوکاری بدان احتساب خوب نامی توان کرد
اجتهاد نمایند و امداد دعا و ثنا بجانب جناب ما متوجه گردانند چه فایده مردم
ازین عمر بر شرف ارتحال و حاصل ادمی درین دار انتقال جز ذکر خوب
و احدوثه جمیل که صیت عریض آن در بسیط زمین برید صبا سبقت
کرد و صورت زیبای آن بر صفحات زمان نا منقرض منقش ماند نتواند بود
بیت بکسب نام نکو کوش نه بکسب درم که نام نیک به از صد هزار گنج
روان شعر الم تر ان الناس یخلد بعدهم احادیثهم والمرء لیس بخالد
و بگویید تا عمال و متصرفانی نصب کنند که بزینت سداد و امانت اراسته
باشند و از سر فساد و خیانت برخاسته و وصایت بلیغ واجب دارد
تا جز بقانون معین و خراج متبین با رعایا رجوع نپسندند و رسمی نا معهود
و بدعتی نا محمود که خدا و خلق بدان راضی نباشند و در مذهب معدلت
باظهار آن فسحت نبود ننهند و اثاری که اختیار با اختیار آن همداستانی
ننمایند منطمس گردانند و حقوق دیوانی بوقت خویش از وجوه خویش
استخراج کنند و چنان سازند که مال بتمامی بخزانه نیکونامی حاصل گردد
و برکات دعوات صالحات با ایام دولت ما و روزگار آن فرزند ملکان پیوندد
و شحنگان و گماشتگان را اندرز کنند تا در اعلای اعلام دین کوشند و در
امضای احکام ملک هوشیار باشند و در ترغیب و ترحیب اهل صلاح
و تادیب و ترهیب ارباب فساد مبالغت نمایند چنانکه هم مصلحان در جوار
راحت و کنف عدل و رافت آرمیده باشند و هم مفسدان در عرصه مخافت
از لگدکوب آفت مالیده که اگر در حفظ قوانین سیاست مساهلت رود
و در اقامت شرایط آن دقیقه نامرعی ماند سودای بیهوده در دماغ جای کرد

ومصالح

و مصالح ملک مختل شود و در فساد امور صورتهای مخیل افتد و ارکان
دولت در اضطراب آید و خلل آن بسیار و تدارک آن دشوار گردد
و فرمان جزم دهد تا با طماع فاسد قاصد بدنام کردن خاندانی باشند
و از دامنگیری و خشک دستی توانگر و درویش تجافی نمایند و در حفظ
دما و فروج با قصاء مبالغت و احتیاط برسند و چنانکه فرمان ربانیست
ولا تقتلوا النفس التی حرم الله الا بالحق در قطع ماده حیات سبحانی
و هدم بنیانی که فضل حق نهاده است بجریمت از راه شریعت مرخص
و بنتیجه در مذهب سیاست واضح و بعد از استیمان و استیذان راضی بوند
فمن یقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فیها چه تحقیقات معلوم
و مصور است که جان ودیعتی نفیس است در بحر فطرت که جز غواص ازلی
احسن الخالقین را دست قدرت بیافتن آن نرسد و آدمی ذات شریفیست که
در عالم کون جز بعون کن فیکون قدم از نیستی و عدم در حجره وجود ننهد
و تا منادی ثم انشأناه خلقا آخر بچهار دم بازار بشریت بر نیاید روی
بچهار دیوار عناصر نیارد پس احتیاط در نگه داشتن اینچنان در ثمین
و اجتهاد در محافظت چنین علوق گرانمایه بر مقتضای عقل از لوازم شناسند
و بر موجب خرد از مواجب دانند و بفرماید تا در حراست راههای آن از قطاع
هیچ دقیقه مهمل نگذارند و شرط از فرمان ایزدی در جزائی که برای
ایشان باشد بجای آرند انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون
فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا الایه و خوب نامی آن فرزند ملکان
را باعزاز و اکرام و تبجیل ابناء السبیل کنند و در حمایت جان و مال ایشان
حسن رعایت مبذول دارند و جایز نشمرند که فتنه شایع و مال مسلمانان
ضایع شود چه ره گذر بادان رایگان بپرزد و ثنا گویان بی غرض باشند شکر
و ثنای ایشان در اقطار و آفاق گیتی بدرقه نام خوب و ذکر جمیل شود
و هیچ مردم کامل عقل و صایب رأی از پیکان رایگان حمایت دریغ ندارد
و با ثنا گویان بی طمع بلطف عنایتی مضایقت نکنند بکمال کیاست و وفور
فراست جانب شریف فرزند ملکانی دام شرفها که ملقن عقل و معلم ازلی
دارد یقین محفوظی مصدق داریم که درین معانی آن تقدیم کند که
از رای متین و عقل دوربین او سزد و خاطر هیچ آفریده در احیاء مراسم
معدلت بقضای رای آن نرسد هذا ما وکلناه الی ثاقب رایه و عولنا به
علی حسن امضائه والله یوفقه لما یرتضیه و یحقق ما یرتجیه انه الموفق
للصواب و الیه المرجع والماب سبیل ائمه و قضاة و علما و کفاة و امرا

و سپهسالاران و کبرا و معتبران و سایر طوائف و کافهٔ رعایا و دهبهای بید
واسکی شهر که در اقطاع دیوان محروس جانب شریف بوده اند • و از آن
معدلت و او مناصب و زان نسیم رأفت کامل در دیار ضحیب نست که
برقرار متصرف خویش آن دیوان را حماه الله شناسند • و بدین اختصاص
سعادت که ایشان را حاصلست در دعا و ثناء دولت قاهره بیفزایند •
و در خدمت و طاعت این دیوان بر عادت معهود و بغایت مجهود بجای
آرند • و مال معاملات هر سال بتمام کمال بی تقدیم موانع اعذار و انتقال
سوانح اقرار بعمل دیوان برسانند • و مثال جانب شریف فرزند مکانی را زاد
شرفاً با فرمان ما موافق و قول او را با حکم ما مطابق دانند • و موجب مثال
با امتثال استقبال کنند • و بر خدمت و طاعت بقدر استطاعت اقبال
نمایند • باید که همگنان بدین جمله روند • و از همه جوانب طریق مواخات
و تعلق بسته دارند • و مراضی و محامد حضرت ما که جمله نیکبختی طلب
روزگار خویش را حاصل آرند • تا از سعادت دوجهانی و سلامت جاودانی
نصیب کامل و حظ وافر یابند • ان شاء الله العزیز تحریراً فی اواخر شهر ذی الحجة
الحرام • سنة تسع و ثمانین و ثمانمائة • بودت اقدمهر

الجواب

بدرگاه دولت پناه • که مظهر عواطف و اثر نعم و نعمة الله است •
شکرانهٔ احسان و رسم عبودیت ادا کرده • معروض میدارد که منشور مشحون
السرور رسید • از سوادش مردم دیده را نور فزود • و از معانی الفاظش
جسم و جان قوت و قوت زیاده گشت • و جوق با غازیان عظام • بدفع
کفار خاکسار با دخصار اشتغال نموده • و از کفره فجره قراجه حصار
لعنهم الله و دمرهم حصونهم للمسلمین • بیشتر ضرر و گستاخی مشاهده میشد •
و برسیدن عساکر منصور خداوندگاری از قونیه حماها الله عن البلیة •
انتظار میرفت • و مسموع گشت که بواسطهٔ هجوم عساکر ایران توقفی در
ارسال آن افتاده • بنابر آن از روی فرصت اطراف هر دو قلعه را خراب
و ویران ساخته • و طایفهٔ جنود منصوره بغنایم بی شمار رفاهیت ده
بدعای ابد پیوند مشغولیم • خمس شرعی از جمله بیرون نموده و مضبوط
داشته • موقوف فرمان شریفیم • و هفتاد و پنج نفر غلام • و چهار نفر کنیز
برسم پیشکش مصحوب اقبال غازی بنده کمترین • با سه نفر کبران زنده
گرفته و سه خروار سرهای کفرهٔ خروار • امیدوار است که با یمان و لکدکوب
حوافر مرسلات غلمان درگاه رفیع الدرجات نموده • و بخاک سیاه سوده •

اولیا

اندکه حق تعالی دائما فرق اعدا را گوی چوگان شمشیر مبارزان میدان
جهاد • و خاکسار راه غزای آن خداوندگار عالی نهاد سازد • باقی
امر و فرمان حضرت خداوند جهان و جهانپناهست •

صفت بهار در که عهد شریف سلطان عثمان کامکارده یازلمشدر

بر صبحدم نسیم مسک آسای رحمت • و بر صباح خرم باد عنبرسای قدرت
جانب صبادن لوای معجز نمای یحیی الارض بعد موتها • برله صحن غبرا
و گلشن خضرایه ابر شد کرم • باد بوران دایره و هزیمت ابر شوب
جند برف مضمحل • و شدت شناطلت ساکی بعد متحمل اولمغله • آفتاب
عالمتاب • و نیر اعظم زرین نقاب • برج حمل دن روی بلکه گوشهٔ ابرد
گوستردکجه ذرات کائنات • خزینهٔ خسروانی و دفینهٔ جهانبانی مانندی
بریوزینه زر نثار لغه یوز طوتوب • باغ و بستانه شکوفه و ازهار
نبات و اشجار • در یتیمه بکر جواهرا نوارن • شاهک مقدمنه اینار
و نثار ایلدی بیت بوردی جدول گنجینهٔ زر چمن صحنی پر اولدی
در و گوهر • شهسوار سپاه انجم • و تخت نشین چرخ چارم • اعتدال ربیعله
طارم فلکده اوج سا • و نسیم خوشگوار عیسی دم ملک جهو بندن وجه غبرا
صحن بنا صفت مجلی و مصفا اولوب • بساط زمین و بسیط بوقلمون رنگار
دیبالر • و گلستانلری گلخانلر مرغزار جنان گبی و شکوفه • و سایه سرو خوش
رفتار • و دوحهٔ اشجار جویبار • اوزره بارگاه سلیمانی • و خرگاه خاقانی
طرزنده انواع الوان الله ملون • و اصناف اشکال الله مزین اولوب • شکوفهای چمن
عساکر اسلام ماننده • سراسر گلگونی جامه لرله • و باشلرنده باشه عثمانی
عمامه لرله چچک گبی طونانوب • سایهٔ ابر نیسان و بهار رخندان خوش
بچرلر • خصوصا قرنفل لعلین کلاه • مانند شاه • آللر گیوب گویا ملک
جمنده خسرو نامدار و هرمز تاجدار در بیت گیرسه نوله دایم جامه
آل چمن ملکنده خسرو در قرنفل • غنچهٔ زنبق • شمع کافور مثالی بار ایا ز
و شبوی و نسرین رشک پروین تمثالی زمینی تزیین ایدوب • و بنفشهٔ مجمره
گردانک بوی عطر آمیز ندن دماغ بهار معطر • و گل خندانک کوزکبی طلوع
چشم نرگس منور اولوب • بید طبری پنجهٔ اطلس گلگون گیوب • و خطیب
عندلیب منبر شاخسار گلزارده • هر ورقدن بر کتاب • و هر برگدن
بر فصل و باب • حکم بهاردن تذکار ایلدکه جوی هامون مرتبهٔ جنونه
وارب و کندو کندی برلره اوروب • یارلردن اوچوب مجنون صفت دونه دونه
طاشلرله دوکنوب • وارلغی دریایه براغوب برقرار اولمجاق • نسیم سبک

خیز • وباد صرصر ستیز • انی هوادن قاپوب بند زنجیر ایلدی **بیت**
صو شور بیله اولوب شولدکلو فریاد • ایدرکیم انی زنجیره چکر باد •
غنچهٔ لعلین قبا دمبسته ولال • وسوسن صد زبان شکسته بال اولوب •
نهال اشجار یمین وشماله • شمال سبك رفتارله • جویبار صفاده سماعه
کیروب • سمن ویاسمن مستانه وار • کریبان چاك ایدوب • انواع
شکوفه دن عروس چمنه طبق طبق سیم وزر • وطبله طبله عود وعنبر
اینار ونثار ایلدیلر **بیت** انجملر رقصه کیر مشلر طربناك چچکلر
چکمش انمش جبه لر چاك • وبالجمله صحن جهان باغ جنان کبی بردرجهٔ
طراوت • وبومرتبه ده لطافت بغلدی کم • نوك قلم تحریره والسنهٔ
امم تقریره قادر دکلدر • وفیه حکمة بالغة • فانظر الی آثار رحمة الله
بیت جهان چو خلد برین شد بدور سوسبز وکل وحچه سود کم
درو نه ممکنست خلود • اللهم خلد دولتهم
وابد سعادتهم الی یوم الدین •
تمت بعون الملك
المعین
م

نوبت سلطان اورخان

بجناب سلطنت مآب شوكت نصاب عدالت ایاب شجاعت قباب نصفت
مناب شهریار اعظم كشوركشای معظم مالك رقاب الامم عضد الدنیا
والدین ظل الله فی الارضین عون الاسلام والمسلمین المؤید بتأیید الملك
المعین خداوندكار بختیار كامبین اسس الله قواعد بنیان سلطنته واقباله
وابد مبانی اركان حشمته واجلاله جواهر دعوات صافیات عنبر بیز
وزواهر تسلیمات وافیات عبهرآمیز كه لایق نثار بزم فرح فزا ومناسب
ایثار انجمن پرصفا بوده باشد با طبقهای اخلاص وورقهای اختصاص
از دست برید صبا تحف ومهدی داشته همواره ولاجوی حضرت وجو
اخواه خدمتست امید كه وسائل ملاقات بی رسائل ومكاتبات از درگاه
قاضی الحاجات بروجه ایسر وطریق احسن محصل گردد بمنه ویمنه بعد هذا
مشهود خاطر عاطر خورشید مظاهر آنكه چون فرزندی اعزی سنجاق ارشدی
سلیمان بك طال بقاه چنانچه مسموع شریف شده باشد غضنفر
كردار از بیشهٔ جهاد وكارزار قصد صیدگاه وطبعان كفار خاكسار
نموده واز شهر ازنیق تا سواحل قسطنطنیه اكثر قری وبلاد كه در حوالی
مرج البحرین بوده بقبضهٔ التسخیر درآورده وبعد از ضبط ممالك فراوان
واخذ غنایم بی پایان با تعین چند از سپاه دین چند مظفر ما تاخت كنان
بمقابل معبر كلیبولی كه آن قلعه ایست در آن روی بحر سفید بآنجا درآمده
ادرنه رسیده ورستم وار بطریق اسهل عبورش میسر شده وآن حصار
استوار گشاده همیشه ابواب فتوحات از درگاه قاضی الحاجات ببركات
دعای خیر ما بروی او مفتوح گشته وخواهد شد الحمد لله الذی رزقنا
مائدة النعم ووهبنا كرم الكرم وچون از بعض خواص چنان استماع نموده
بودیم كه آن عالیجناب كامیاب كماهی داعیه مینموده اند كه ازین گونه ثواب
بهرمند باشند وعلی هذا التقدیر اگر فتوحی محتمل ومترسل دارند هر آینه
اثبات مدعی بروجه اكمل خواهد شد وبعد از وصول من كل الوجوه
مساعی داشته بهر فردی اجرش خواهد رسید والتأیید من الله وهو ذو الفضل
العظیم باقی حالات را از معتمد الخواص صالح توقچاوش زید مجده معلوم
خواهند فرمود زیاده چه نوید همیشه خیام حشمت با وتاد بهجت ابد الدهر مشید باد

الجواب

اشارت

اشارت بشارت نمای وعبارت لطافت فزای اعنی خطاب عنبر ختام
دلگشای وكتاب گوهر نظام نشاط افزای از جانب شریف حضرت خداوند
كار اعظم وشهریار معظم مالك ازمة الامراء فی العالم موسس قواعد عظمت
وافضال مؤكد مراصد عز واقبال مطالع طوالع مهر تمكین وطوالع مطالع
بدر آیین المظفر علی الاعداء بالفتح المبین المنصور من رب السماء والارضین
بثلثة الاف من الملائكة مسومین غیاث الدولة والدین برادر كامران خلد
خلافته در اشرف ساعات ورود یافت با عزاز تمام واكرام مالاكلام بشرف
مطالعه پیوست بعد ما برای جهان آرای عرضه میرود كه پیش ازین
خطاب مستطاب مصحوب سید الاماثل والاقران اخی علی بن اخی بوده
وزیر رسید وبجهت غزا وجهاد انبعاث عسكری كه فرموده اند
بر موجب مضامین لطیف وفحوای منیف آن محقق ومصور گشت تونسی
بمصاحبت افتخار الامراء والاكابر عمو چم كه بموكب همایون مهیا شده
بود ناگاه از طرف شام برادر آن بدو آمد لاجرم تدارك وتلافی دفع
ایشان واجب گشت یكی در میان اتراك طغیان در دامن التجا كرده است
ویكی در میان فراغنهٔ فواسقه كه ادنای اقوامند افتاده بقمع ایشان
مشغول كشته امل واثق ورجاء صادق كه درین نزدیكی قید وصید ایشان
میسر شده وضمیر از تمشیت امور هریك فراغت یافته بعجالة الوقت
لشكر بیشتر بمرافقت خدمت مشار الیه فرستاده شود تا عذر خواهنده
حالات را عرضه دارد وبسمع رضا اصغا فرموده هر خدمتی كه باشد
اعلام بخشند تا بتقدیم رسانند ان شاء الله تعالی باقی همواره عمر ودولت
متزاید ومتضاعف باد برب العباد

سلطان اورخاندن جانیك خانه بازیلدن ازنیق فتح نامه سیدر

بجناب امارت مآب حكومت نصاب معدلت قباب ناصب رایات
العدل والنصفه باسط ظلال الرافة والمرحمة المتوكل علی الله الملك المنان
جلال الدولة والدنیا والدین جانیك خان ادام الله تعالی اقباله وضاعف
اجلاله تحیات مالا كلام وتسلیمات سرور انجام مبلغ ومهدی داشته
خواهان حضور مستوجب السرور وشناسند تا ملاقات باحسن حالات
میسر باد بعده معلوم شریف باشد كه درین ولایت بتوفیق الله تعالی
فتح قلعهٔ ازنیق وتوابع ولواحق آن میسر گشته اهل اسلام را قوت
وبشاشت فزود وبعد از ادای شكر ربانی وحمد سبحانی برسم مژده رسانی
دارندهٔ نامهٔ مشكین ختامهٔ زرین جامه قدوة الاماجد سیدی چاوش
زید قدره اصدار شد عقب الوصول مأمولست آنچه شایستهٔ غیرت اهل

وبا بستهٔ حمیت اسلام پیما نست • علی رغم کفار طرزون وکرجستان • در تنبیه وا ستبشار • طریقهٔ سیوع واشتها ر را مسلوک داشته • نوعی فرمایند که • احبا دولت مسرور • واعداء دین وملت حضرت رسالت مقهور شوند • ان شا الله تعالی باقی همواره ایام معالی دایمی ولا یزالی باد

بحق الکون **الجواب** والصاد

سلام الله تعالی علی حضرت الامیر الکبیر الماجد الخطیر • حافظ الثغور • راکض مستصعبات الامور • صافی درون روشن ضمیر • مناسبهٔ ای صاحب تدبیر • مرد میدان فرزانکی • شیر بیشهٔ مردانکی • قاتل الکفرة والمشرکین • معین الغزاة والمجاهدین • الذی یفتخر به الصفات العالیة خلد الله ارکان دولته • وقطع دابر عداة الدین بصارم صولته • تبلیغ میکرداند که حاکم دار الملک • تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء • چون خواهد که کوشهٔ را از خرابهٔ دیار معمور سازد • نفس نفیس بنده را بشجاعت وعفت وعدالت وحکمت که از امهات فضائل واسباب ضروریه ادراک عاجل وآجلست بیاراید چنانکه ذات شریف این برادر دینی مملکت ورا امامن هر مومن بندکی خواه ساخته • ورقاب بندکان از ربقهٔ ابتلا بر ظلوم وجهول رها نیده • وبعدل وداد وغزا وجهاد • بیع وکنایس مساجد ومدارس مبدل کشت • وظلم ظلم وکدورات کفر از اطراف واکناف بیرون رفت **بیت** از تیغ او بجای صلیب کلیسات • در دار کفر مسجد ومحراب ومنبرست • انجاکه بود نعرهٔ فریاد مشرکان • اکنون خروش نعرهٔ الله اکبرست • اکرچه میان ما وان برادر دینی بسبب تلاطم امواج بحار • وتراکم موانع روزکار • طریق تحقیق اتصال • همچو امر محال وحیز امتناع افتاده است **ع** تفاوتی نکند قرب دل بعد مکان • **بیت** ما را بتو اتصال روحانی هست • بهتر اکر اتصال جسمانی نیست • والحمد لله این مکنت وبهروزی • واقتدار بهروزی ودولت شاهی از حضرت الهی خدمت این برادر را مورونه ومکتسبست • دائما برسیله می اید که خدمت برادری بعادت جهاد وفتح بلاد وبا چند رایت جنک فرنک که مخالف دینند • از تیغ نام ونتک میرسند • واز تحقیق غزاة شاهوار • سنک بر دل ده کفار می اندازند • وعرفا وعلما وصلحا این دیار • ومتمکنان ومتوطنان ودرویشان این بقاع بر خلوات جلوات از جیب کذعوات • نصرت واستمداد از بارکاه در می خواهند • قرین اجابت باد • اما درین ایام اراجیف چند شنیده می اید که بنزد بی حالی ابشان ونه موافق سمع مؤمنان بود • بر کذب وافترا حمل کرده شد • ونیز متوقع که بر خلاف این اراجیف در اسرع اوقات بظهور آید • امید خاصر

وعلم آنست • درین ایام سواران لئام از سر کرام • د ور کردد • ان شاء الله تعالی وبهر نشئی مسلمانان دفع ضرر آن ده بیمان فرض عین وعین فرضست خصوصا بر قبیلهٔ شما که از آبا واجداد عظام • دفع شرارت مشرکان موروثست که • من لم یشبه اباه فقد ظلم • وکمان برده نباید که مجاهدان اموات اند قوله تعالی بل احیاء عند ربهم یرزقون فرحین • وهیچ آرزوی ندارند الا تمنی رجوع بدنیا بار دیکر د رقتل کشته شوند • مصداق قوله علیه السلام • ما احد یدخل الجنة یحب ان یرجع الی الدنیا وله ما فی الارض من شئ الا الشهید یتمنی ان یرجع الی الدنیا فیقتل عشر مرات لما یری من الکرامة پس بچنین تشریفات ومثوبات را نتوان از برای دنیای فانی از دست داد • قوله علیه السلام • رباط یوم او روحة فی سبیل الله خیر من الدنیا وما علیها • وقال ایضا • لغدوة فی سبیل الله او روحة خیر من الدنیا وما فیها صدق رسول الله • وبخطاب مستطاب جاهدوا فی الله حق جهاده • عمل باید کرد ومردانه درکار آید • که عمر بسان عناد ورورکار برکذران • وچون بکردار بنوع عنایت الهی منضم کردد • هر آینه آن کار بروی آسان کردد • وانه لیسیر علی من یسره الله تعالی وانها لکبیرة • وهمانا که بخدمت برادری پوشیده نماند که حضرتام رسولی در ایام ماضیه بحضرت جهانپناه فلک بارکاه شهنشاه ماه روی خورشید • رای کیوان رفعت مشتری سعادت • سلطان السلاطین سلالة الخواقین • ادام الله اقباله • فرستاده شد • ستور غالی تمام کرده • برلیغ تشریفات دیکر که فرموده بوده اند • وکلچیان شما بخجی نشسته بودند وطرف شما متوجه که کفار خذلهم الله تعالی ایشان را از حات رسانیدند • وتشریفات حضرت عالیه بسبب ایشان نتوانستند • وامثال این زحمات ازیشان باهل اسلام بدفعات رسیده وبر همه اهل اسلام دفع این خصام واجبست • خاصة در کسی که با تعصب دین انتقام منضم شده • واکنون از خدمت برادری آنست که هر درخواست ومرادی که بحضرت عالیه لا زالت عالیة • بدین برادر اعلام واستعلام بخشند با دل وجان بکفایت آن اینجا مشغول باشیم • ستور غالی وتشریفات که بخدمت فرستاده بود • در آن ایام این زمان نیز از عنایت واهتمام بخدمت شما همچنانست • وزیاده اکر قاصدی بیاید • ما نیز اورا باعزاز واحترام تمام بحضرت آن بارکاه اسبغ الله علینا وعلی جمیع المسلمین ظلال ظلاله واسعدنا بوجوده ویمن بقائه بفرستیم • وچنین ساخته آید بود در بین اوقات بحصول مرادات مراجعت نمایند • وهر درخواست در خدمت

براد رآنست كه از نيكوقان ونيكان كه اينجاست انچه بابت باشد
بمابى محابا وتكلف اعلام فرمايند كه دولت وكامرانى وسعادت دست
دمانى مستدام ومستحكم باد بحق محمد وعترته الطاهرين اجمعين والحمد لله رب العالمين

ابتدا

سلطان اورخان ابن اوغلى سليمانه ويريلن برات شريفدر

منشال بيمثال نفذه الله الملك المتعال بيورغى اولدركه چون محافظت
ومراقبت حدود اسلام ومواظبت مظاهرت مصالح انام ورعايت
حقوق رعايا وحمايت امور برايا كه عماد ملك وسرورى واوتاد سلطنت
عدالت كسترى اندرك دعاسيله قايم ومستحكم اولوب وارباب دولتك
پاى همتلرى ركاب سعادته اندرك آسايشى ايچون نهاده وسمند مراد
رفاهيت عبادى ملاحظه ايدنلر ايچون جناب اقدسدن مهيا وآماده
اولوب اعدلوا هو اقرب للتقوى مصداقنجه مسند خلافته متمكن
اولان سلاطين عظام سنت سنيه لرى اوزره احياء مراسم دين ودولت
ذمت همتلرينه واجب ولازم اولمغين دائما قصاراى همت ومنتهاى عزيمتم
اكا مصروف ومعطوفدركه جمله ناس على مراتب طبقاتهم ديوان همايونمزدن
بهرمند ومرعى اولمغله حفظ ثغور وتكميل قصوره ساعى ومجد اولوب
وضرب وروز ايله اعداى مقهوره پى منكسر البال ونااميد ايليوب ومبدم
وساعت بساعت بريكى فتح وتازه ظفر برله دل وجانلرى شاد وخرم
قيلوب فرحين بما اتاهم الله من فضله مزده سيله جهان وجهانيانى
مسرور ومغتنم ايليوب مستحق احسان اولنلر باب عدالتمدن كرم بى پايانمزدن
حصه داران وبحر عاطفتمز غواصلرى بهرمند وكامران اولهلر ودوكلى
ممالك محروسه مه نصب اولنان امرا وعمال اوزره بر سپهسالار كاردان
ومشير عاليشان مقرر بيورلق اهم مهماتدن اولدى بنجيون راى جهان آرا
وخاطر عاطر مملكت كشامز كه ضامن ملك مؤبددر وتائيد حق ايله مؤيددر
الى انقضا ايليكه والله يجعل العزا بمقرونة بجوامع السلامة مصونة
عن توابع الندامة فوقت قاهره مزله فتحى ميسر اولان محميه ازنيق
حرسها الله تعالى عن التخريب والتحريق ايالتنى فرزند ارجمند شجاعت
شعار دولت يار وسپهدار شهامت دثار كامكار نخل باغ سلطنت
ونهال جويبار خلافت كل كلبن عدل وداورى ثمره شجره شهريارى وسرورى
المؤيد من عند الله اوغلوم سليمانشاه طال بقاه ونال ما تمناه يه كه
ناصيه سنده نجم دولت تابان وجبيننده عز وسعادت درخشان
تفويض وتقليد ايليوب وبردم وبيوردم كه عز واقبال وشوكت واجلال الله

محميه مزبوره ايالتيله ديوان همايونمده مشير وعساكر منصوره يه سپهسالار
اولوب وزارتله مبرمير اولان لوازمن ذهن وقاد وفكر نقاد ايله برير
جمع ايليوب ليلا ونهارا جبلت پاكنه نهادننه مركوز ومرموز اولان
عزت بهيه وحميت مرضيه سن وجوده وظهوره كتوروب ومن يتعد
حدود الله مخواسندن هركيم انحراف ايدرسه حقندن كلوب واتقوا الله
واعلموا انكم اليه تحشرون مضمونن نصب عين ايدينوب معتادى اولان
عادت حسنه سن خواص وعوامه مبذول وبيدريغ ايليه واعداى نابكارى
ضرب قهر شمشير ابدار وتيغ ظفر نكارله پريشان وتار ومار ايدوب استدامت
امور دين ودولت واستقامت مصالح ملك وملت بابنده دقيقه رقيقه
فوت ايليوب احباء سلطنتمزى مسرور البال ومرفه الحال ايليكه يوم تجد كل
نفس ما عملت من خير محضرا وما عملت من سوء مخواسندن برومند اولوب
افعال ناپسندن ناشى اولميه وحقوق ربانى وعواطف يزدانى مواهبنى
اقامت ايدوب وسع طاقت بشريه اوزره شكر نعم الهى وحمد عطاياى
نامتناهيه مؤدى قيلوب فان الشاكر يستحق المزيد خلعتنه سزاوار
اولسنه وقامت پر استقامتى طاعت وعبادت مقامنده شاهد راست
رفتار اولوب عموم انامك فصل خصومات وساير مصالح ومهماتنده
اهتمام واقدام تام ظهوره كتوروب راى سديد وخلق حميدى برله
شفقت ومرحمت قپوسنى آچوب هر كسنه نك تحصيل مرامنه توسعه
دائره ايدوب افراط وتفريطدن حذر واجتناب اوزره اوله وبيگانه
وخويش توانكر ودرويش وخرد وبزرك وتازيك وترك وطوايف مختلفه
الاديان وپير وجوانى بالجمله تقرير دعواده مساوى بيلوب احدهمانى
اخره ترجيح ايليوب مابينلرده اولان منازعاتده ميل ومحاباى مطرود
ومطروح طوتوب عدل ساعة خير من عبادة سبعين سنة ميزانن
الدن قوميوب فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره معيارينى ذخر اخرت ايدينه
وظالمدن مظلومك حيفنى المده تأخير روا كورميوب ومن جاء بالسيئة
فلا يجزى الا مثلها سياستكاهنده حقندن كله وهيبتنه اطراف واكنافده
سنهى وجاسوسلرين اكسك ايتميوب اخبار جوانبدن برسان وهجوم حوادثدن
ترسان اولوب غفلتى ارلكدن عد ايليوب وكيد خصومدن اجتناب ايدوب
عزم وحزمده تيقظ وتحفظ طريقنه سالك اوله زيرا حكام وسعتده
طارلق تدارك كوريلجك باعث مضايقه كليه اولمز واندېشه موزه بچ
پاى خرد متنك كلن ورأى وتدبيرده قصور اولمايچون ابنه تقديرده صورت

پذیر اولان اشکال فرخنده مآل خیر ایله جلوه کر اولمدن عزم مجال والمز
هذا عهدنا الیك وحجتنا علیك والله تعالی یوفقك ویهدیك
ویحقق ظنوننا فیك انه الهادی الی الرشاد والموفق للسداد کرکدر که
اول دیارك وضیع وشریفی وقوی ونحیفی واکابر واصاغر ورعایا و
برایاسی بالجمله ممالك محروسم متمکنلریله مذکور اوغلومی کندولره
والی بالاستحقاق وامورده مشیر علی الاطلاق بیلوب جمیع خصوصلرده
مراجعتی شارالیه ایدوب سوزندن وحکمندن تجاوز وامتناع ایلیه لر
وامرا وحکام دخی سپاه ذوی الاحتشام وغزات نصرت انجام وقضاة
اسلام وعلماء انام ابقاهم الله الی یوم القیام برله موی الیه اوغلومی
حرب وقتال وجنك وجدالده وسائر احوال الخیر مآلده کندولره پیشوا
وجانب همایونمدن قائمقام عد ایدوب امرنه مخالفتدن حذر وانده
ایده لر وواقع اولان غنایم وانفال وغیری اسباب واموالکز بتوفیق الله
میسر اولدقده خمس شرعیسن اخراج ایدوب تقسیم وتوزیعن مزبور اوغلومك
معرفتی ایله ایده لر وبقیه دفترنده تعیین اولنان خاصلرینه خارجدن
کمسنه دخل ایلیوب عشرلرین ورسملرین بیلدیکی ایله اتلك وکیللرینه
تسلیم ایلیوب عذر وبهانه ایتمیه لر وبکی ایل وممالکده اذن شریفم
اولمینجه کمسنه دخل ایتدرمیوب قبوبه عرض ایلدکده نصکره امریمك
صدورینه کوره عامل اوله واخذ ایتدیکی اسیرلردن ودل طوتلوب
اغر بها ایله صاتلدجق کفار کسارددن دده کاهمدن اذن اولمینجه اطلاق
ایتمیوب ترقی درجاتلرینه ویوزباقلغندم بولنانلرك حقن کتم ایتمیوب
ترقی درجاتلرینه لطف وعنایتی شامل اوله وبنم خیردعامی بالجمله
کندولره رفیق بیلوب سبیل جهادده کمال مرتبه اجتهاد ایتمکدن خالی
اولمیوب خالصا لوجه الله کوشش قیلوب دین مبین نفوذینده ثواب
عظیمه فایز اولاجقلرین مقرر بیله لر وبو منشور همایونی کوردکلرنده مضمونیله
عامل اولوب علامت شریفه اعتماد قیله لر تحریرا فی اوائل ربیع الاول سنه تلث وخمسین وسبعمائه

شهزاده سلیمان شاهدن باباسی سلطان اورخانه ارسالی اولنان
روم ایلنده بعض قلعه لر فتحی مشعر عبودیت نامه در

درکاه عالی وبارکاه متعالی جنابنه معروض اولان بودرکه دولتلو باباسم
خداوندکارم اعز الله انصاره نك خیردعالری برکاتندن قوکورحصاریله
کلیبولی حصارینك تدارکی هر نسنه دن کوریلوب حق تعالینك عونیله
دزدارلرینه وارنلرینه مقدارینجه علوفه ویتمار تعیین قیلنوب

بورخی

دفتری بوقلعه اولدقده نصکره سلوری بکی اولان ارنلر قوجا حاجی ایل
بیك دام عزه ایله استانبول طرفنه واریلوب چکمجه قلعه سی محاصره و
اولندقده کشادن قلعه سی طرفنه واران قدوة الامراء الکرام اورنوس
بیك زید قدره دن اولاغله خبر کلوب دیمتوقه کفاری خذلهم الله اندریه
دینلن ملعونله سوز برکدریلوب دونن باسقونی ایچون فکر فاسد ایتدکلرین
اعلام ایلمکله زمره سپاهدن ابو آدیکیت باشی بیك نفر سوار نامدار ایله
برغوس سمتنه کوندریلوب واورنوس بکه کلوب مزبور یکیت باشی ایله
انده جمعیت ایده سن دیو تنبیه یازیلوب تنبیه اولنمشیدی واروب توفیق
حق ایله ملاقات ایتدکدن برغوس حصاری طرافندن خیلی طوپلنوب
ایدوب یاتوب براغله حاضر ومهیا لر ایکن اشبو سنه تسع وخمسین وسبعمائه
شوالنك اواسطنده آندریه بکلرندن دیمتری انشوان جاری نام بلید
دیمتوقه بکیله بیله کلوب اوزرلرینه دونن باسقونی ایدرکن اورنوس بك
ایله یکیت باشی قوللری خبردار اولدقلری ایچون هر بری برطرفدن بوسویه
کیروب وبرلرینه قره جعفر قوللرین برمقدار غازیلرله قویوب فرصت
کوزلر ایکن ناکاه سحره قریب کفره نجره قره جعفر اوزرینه دوکیلوب
سیدنده دورتشمه ودوندرشمه اوزره ایکن بوسوده اولان غازیلر
کافرك ایکی طرفن آلوب الله الله دیو کلبانك محمدیله ارسلان صفنه
دقورد قیونه دوقنور کبی طرافلرین قوشادوب قلیچ صوندقلرنده فی الحال
هر بریکی برطرفه طاغدوب صباح اولدقده بیتوز باشندن زیاده کلادر
مغلوب اولوب وایکیوز نفرددن زیاده دل طوتیلوب وبکلری اولابلید
مجروحا قاچوب کیدرکن مرد اولدوغی استماع اولنوب غزاة اسلام سالم
وغانم الشکر علی نعم الله دیو بنی قولیکه کلوب بو ایشوب ماه مزبورك
اواخرنده ذکر اولنان باشلری وطوتیلان دللری قره جعفر قوللریله توجه
درکاهلرینه کوندریلوب خیردعالری برکاتیله بزدخی یوزباقلغی
امیدنده ایدك کم تکفورجانبندن دولتلو خداوندکاره ایلچی واروب
ویرکی قبول ایتمکله نصرعن معقول طوتوب محاصره دن فراغت اولنه
دیو مبارك بتیلری سوندکچاوشله کلوب واصل اولدی وتکفوردن
دخی اول حسنلو برم ایچون باشقه ویرکو کلوب دولتلو خداوندکاره
مطیع اولدیغیچون چکمجه دن قالقوب دیمتوقه یه عزیمت اولندی
حق تعالی حضرتلری خیرلر نصیب ایده بویره اما دونجغه واریلوب
شرع نشا برطرف اولنجه اولو اتواحیده توقف ایلیوب شویله کم فرصت الدوب

تأخیر و تراخی روا کورلمدوکی بابنه سریر لرینه عرض اولندی باقی فرمان
رای عالیشانلرینه مفوضدر
بنده کمتر سلیمان

الجواب

فرزند جلیل القدر کامکار و شیر بهادر عالیمقدار المؤید من عند الله
اوغلوم سلیمان شاه طال بقاه بنی واصل اولیجق معلوم اوله که عرضکله
قره جعفر کلوب آندره کفره سندن کوندرلدن باشلری ودللری کتورب
دیوانمز قپوسنده یوزی قوین دوکه قویوب ودلّال حبس اولنوب مزبور
جعفره بکبت باشیلق ویریلوب ایواز بکه سنجاق کوندردم که آنده یر
ویروب تعیین ایدرسن واورنوس بکه دخی قلیج وقفتان کوندروب
وقف ایچون استدوکی برلری تملیک ایلدم وسکا دخی بر مرصع قلیج وایکی
باش یراق آت رخسیله ایکی قفتان وایکی جبه قراجه کوندروب انلردن غیری
فرق عدد قفتان دخی خلعت ایچون ارسال ایلدم که انده بولداشلقده
بولنان بکلره وغازیلره انعام ایدرسن وفرصت الدویرسه بعنایة الله
دیمتوقه تسخیرنده تأخیر ایتمیوب اندره دین ملعونك جانبندن دخی غفلت
ایتمیوب آگاه اوله سن وقرق کلیسا جانبنه حالا سنجاق بکی اولان ایواد بکه
کفایت مقداری لشکر قوشوب کوندره سز بتوفیق الله تعالی فتح ایدرسه
انك اولسون وکلیبولی معبرندن عبور ایلدن جنویزکیلرینی بی وجه
رنجیده ایتدرمیوب الارنده اولان عهدنامه نتیجه سیله عمل ایلیه سن
وقدوة الامراء حاجی ایل بکی یه دخی بر جبه قراجه وبر باش یراق آت رخسیله
کوندرلمشدر ایصال ایتدوره سن ودیمتوقه کافری تضرع ایدندن ویرکو
کلورسه حاجی ایل بکی دخی ایواد بك ایله قرق کلیسا یه واروب تسخیرینه
سعی ایده لر ودیمتوقه کافری جنك ایدرسه انی بر طرف ایتمینجه آخر یر ایله
مقید اولمیه سن بو بنجکن مضمونیله عمل ایدرسن تحریرا فی اوایل محرم الحرام
سنه ستین وسبعمائه

اورخان غازیدن قرمان اوغلنه کوندریلن نامه در

جناب امارت مآب ایالت نصاب نوئین اعظم اکرم افتخار الحکام بین الانام
عز الدنیا والدین عون الاسلام والمسلمین ظهیر الملوك والسلاطین برادرم
کامبخش وکامبین ادام الله تعالی ایام حکومته وعمره الی یوم الدین سلام
وتحیات مالاکلام از فرط شوق وغرام منبعث کشته با قوافل اکرام ورواحل
احترام ابلاغ واتحاف نموده خواهان صحبت مسرت انجام شتاسنده
سعادت ملاقات بهر وزی مقدر باد فهو المراد بعد هذا بر رای عقل‌آرای

کشای

کشای وملك آرای پوشیده ومخفی نباشد که درین ولا از فرزند اعز دولت
یار ومشیر بهادر کامکار المؤید من عند الله سلیمانشاه طال بقاه چنین
خبر بر ظفر در رسید که باتفاق امارت مآب اورنوس بك لشکر بسیار
باطراف قلعهٔ برغوس فرستاده وبا ملعون آندره کفار دیمتوقه قصد
کزند غارات کرده وقتی که فرو ریخته اند اورنوس بك با ابواد بك
از کمین برآمده وبسیاری از کفار خاکسار مقتول شده وزیاده از پنج فنون
اسیر وکرفتار کشته سردار کفرهٔ فجره دیمتری اشتوان جاری مجروحا
کریخته وجود خنزیر مردار در راه هلاك کشته است الحمد لله الذی
هدانا لهذا ولشکر اسلام سالما وغانما بخدمت فرزند شاه آمده ابقاه الله
درحین محاصرهٔ قلعهٔ چکیجه رسیده اند وفرزند موی الیه عمره الله تعالی
دیکر در حال سرهای اعدا را با جمعی از اساری مصحوب قره جعفر غازی
بدرکاه عالی ما فرستاده وفرح وشادمانی اسلامیان را افزود وبنا بر صلح
ما با تکفور تسخیر آن قلعه را بتأخیر انداخته بتوفیق باری روی بفتح
دیمتوقه نموده اند خدای تعالی خیرها نصیب کناد واین مسرت نامه را بمعدن
الاعیان صادر ولاجین که از زمرهٔ معتمدان بود ارسال رفت متوقعست که
در سرور وبشاشت فزوده لشکر اسلام را بدعای خیر ممد شوند که بموجب
اجیب دعوة الداع اذا دعان درانکه مقبول خواهد کشت شبهه نیست
وهمواره ابواب مراسلات مقبول داشته چکونکی حالات مسرت غایات
اعلام بخشند تا در بزم محبت تضاعف مودت را باعث افتاده طریقهٔ
من المهد الی اللحد سلوك کردد انشاء الله تعالی باقی ایام معالی در تزاید وترقی باد برب العالمین

الجواب

بباك نیزتك جت رفتار وبرید خوش نوید شیرین کفتار که از نسیم
اقدام شتکار بر صحیفه کافور فام سیمین عذار بطریقهٔ نك ودو
بجانب مخلصان زهنورد کشته رسید وبوی محبت از کلبن مودت بمشام جان
رسانیدند فرح ونشاط را زیاده کردانیدند وجریدهٔ اتحاد را بدست کرفته
بعد از احترام دارنده ابتر زبدة الاقران لاجین بك زید قدره که درس فهیم
سخندانست باز کشوده مضمون مسرت مشحونش از آنجهت که مشعر بود
بغلبهٔ امیر اورنوس بکفار اندرهٔ منحوس بسیار مسرور کشته شکر الهی
در افزودیم واز توجه شهزادهٔ عالیشان سلیمانشاه کامران بفتح دیمتوقه
با جمیع اعیان ومجموع اسلامیان دعای نصرتش کرده واز درکاه عزت
اسما قوهٔ اجابتش را مسئلت نموده ظهور اثر آنرا بتوفیق الملك المنان انا فانا

منتظر و مترصدیم امید که فتوحات غیبیه از مکمن لاریبیه بیدا و هویدا
کردد و ما ذلک علی الله بعزیز و از احوال محبان استفسار فرموده
بودند بعضی اتراک فرمان الوسات ما را زحمت داده رنجانیده بودند
حالا در تدارک مکافاتیم جزاهم الله شر جزاء تا معلوم عالی باشد و برافقت رسول کریم موصی الیه دارندهٔ کتاب مستطاب مولانا علی
باد درکاه ارسال کردیم که از زبان ما ترجمانی دعا کرده هرچه بزبانی
سپارش کردیم بعرض رساند باقی ایام دولت در مسند عزت
بخوبی کذران باد بالکوف والصاد

بو نامه یی سلطان اورخانه عجم شاهی شیخ حسن جلایر دیکو شیخ حسن چوپانی صدد قلعنه کوندرمشدر محبت بونندر

چون هر کرا سعادت جاودانی در تمهید قواعد کامرانی مساعدت نمود
و تأیید آسمانی در تأکید مبانی جهانبانی موافق و موفق بود و مملکت
پایدار بدستکاری شمشیر آبدار دولت او را دست داد و کردن سرکش
سایس حکم او را بواجبی کردن نهاد و صفحات آفاق بنفحات صیت ساک
معطر کشت و وجنات ایام بحسنات عدل شامل او مورد شد
و لطف صنع باری شال طاعتداری و فرمانبرداری او را بتوقیع و اولی
الامر منکم موشح فرمود و تعظیم و تنویه ذکر او بنیان و رفعنا لک
ذکرک مشرح کردانید و در نفع دوستان و دفع دشمنان قدرت
و نصرت را با رای و رایت او همعنان کرد و در اعانت ابرار و اهانت اشرار
صلاح و نجاح را با دولت و نیت او همرکاب ساخت باید که در تصاریف
احوال و تضاعیف اعمال نقیل بقبول ایزدی که فمن یعمل مثقال ذرة خیرا
یره و من یعمل مثقال ذرة شرا یره واجب دارد هر که احرام خدمت
او بست و پای در حریر اخلاص او نهاد و دست در فتراک طاعت او زد
و بحبل متین دولت او تمسک جست و نواصی هوا در تحری رضای
او تملک کرد و اقبال دریافت خدمت او را بافاضت شکر نعمت استقبال
نمود و شرایط اخلاص و طاعتداری در اقامت وظایف خدمتکاری
او بجای آورد دواعی همت ملکانه و مساعی کرم بیکرانه بر طبق من جاء
بالحسنة در تعزیب و ترحیب و انعام و احسان او متوفر شد و آثار
ثمرهٔ اخلاص و فر سعادت و اختصاص بر جهت احوال و ظاهر کردد
و باز هر کس دبقهٔ طاعت بر مقتضای فرمان او سر بتابد خذلان و عقبات
روزکار او را دریابد و سوابق حقوق را بکفران و عقوق مقابله روا دارد

وبخت بد و ساوس کج خدمتی بر دل و خاطر او کمارد عزم درست ما که
بمزید اصابت مخصوص باشد بر موجب حکم ربانی که ذلک بما قدمت
ایدیکم بواعث سیاست و رحمت را در تحریک او بواجبی تحریک دهد
چنانکه صورت آتش هیبت باد غفلت از سر آن خاکسار بواسطهٔ شمشیر
آبدار برشکلی بیرون نهیج آرید که دیکر جز جادهٔ مطاوعت و منهج متابعت
نبرد و هرکاه که این دو قاعده استمرار یافت و این دو قانون استقرار
کرفت و هر کس جزای فعل خویش دید و کاشتهٔ عمل خود بدرود بدید
و فتوی کلام یزدانی در تحقیق این معانی که ان احسنتم احسنتم لانفسکم
وان اسأتم فلها بامضا رسید و دوست موافق از دشمن منافق
متمیز شد هر آینه کسوت جهانبانی و طراز کامرانی معلم کردد و مقاصد
و امانی بنکوتر وجهی حاصل و مسلم شود و دانی و قاصی و مطیع و عاصی
راه در امتثال فرمان اتفاق کلمه بدید آید و رعیت و بندکان در طاعت
هر ساعت بیفزایند بحکم دلالت این مقالت و مقتضای این حالت چون
ایزد عمت نعمته و تمت کلمته رقم سلطنت وان الارض لله یورثها من یشاء
من عباده بر ناصیهٔ روزکار ما کشیده است و خزاین رحمت را در بر ما کشاده
و قایق نعمت را بر سر ما نثار کرده و جبروت مملکت ما بدرجه که لاعین
رأت ولا اذن سمعت ولا خطر علی قلب بشر رسانیده و ما را فوق شاهله
و قدرت کامله والحمد لله علی ذلک کرامت فرموده تا هر که پای از خطهٔ
فرمان بیرون نهاد و سر از جادهٔ اطاعت فرا کشید دست برد و سزای او
بواجبی بدهیم و چون کسی بسوابق مرضی در خدمت مستظهر باشد باندازه
درجه و حسب استحقاقی که دارد بر قضای حقوق او توفیر نماییم تا در
وظایف شکر نعمت بموجب الشاکر یستحق المزید انواع اصطناع او زیاده
فرماییم لهذا شیخ حسن چوپانی که از امرای ایلخانی بپایهٔ سپهسالاری عراق
عرب فایز کشته بود و قبل از فترت سلطان ابو سعید رحمه الله در قلعهٔ
کماخ حبس بود ناکاه بیک حیله خود را از آنجا بیرون انداخته و بعضی از
اتراک و اوباش جنود جمع کرده و طفلی سلیمان نام را از اولاد ایلخان بشهریاری
نصب کرده و بجانب عراق عرب رفته و رایات مخالفت برافراشته و تخریب
بلاد و تعذیب عباد آغاز نموده و رعایا و برایا از ظلم و تسلط او بجان آمده
از روی دادخواهی فریاد و فغان خود را بکوش هوش ما بوندما در رسانیدند
در حال آتش غضب شاهی بالا کرفته قدم بر رکاب باد پای همت نهاده
با لشکر چون سیل روان و دریای خروشان روی برفع و دفع آن کاشتیم

وخاك محنت را فراق آن باغی وقار انباشتیم • و در حوالی مراغه تلاقی
صفین واقع گشته • بعد از کوشش بسیار و کشش بیشمار • و ان حزبنا
لهم الغالبون • نصیب بخت بیدار ما گشت • وانکسار خذلان بشم دشمنان
افتاده • طرفة العین متفرق و پریشان کشتند • و سر مخذول مزبور را یکی
از مخصوصان تهمتن نام • از تن خبیثش جدا کرده • بزیر سم سمند مستمند
سرنگون برافکند • و شهزاده سلیمان با تابکی ابن مخلص داعی گشته •
در خدمتش قیام نموده بودیم که بتقدیر الله او نیز داعی اجل را اجابت
کفت • و خداوند عامه را جمهور علما و ائمه باجماع امت • بذات همایون
ما ودیعه نمودند • و در ساعت سعد و وقت مبارك • باورنك دولت
جلوس نموده • سکه و خطبهٔ ما سمت اشاعت پذیرفت • و حکومت بغداد
را در پاداش خدمت • بفارس میدان جلادت • تهمتن بهادر مزبور که •
در بزم و وغا الا ابن الجاد بوده • ورد او ست • مقرر فرمودیم بیت
در صد هزار فرت بپهر پیاده رو • نا رو جو او سوار بمیدان روزکار •
وخاص و عام در سایهٔ سعادت انجام ما آسوده حال و مرفه البال کشته
و زنك فتن از چهرهٔ روزکار زدوده شد • سپاس و محمدت کو بات
جریدهٔ اخلاص • بر سبیل اخبار و اعلام • باطراف و اکناف عالم و عالمیان
مرقوم کشته • و دارنده طورمش بیك را بتخصیص صحبت کرامی ممتاز و معین
نموده فرستاده شد • تا در وقت وصول در بشاشت و خیرخواهی فرزنده
باقی حکایات بتقریر او حواله رفته • و هر خدمتی که بوده باشد • باشار الیه
اعلام بخشند که بتقدیم رسانیده آید • انشاء الله تعالی • و نوعی فرمایند که
کلزار مودت پژمرده نکشته کلهای امید دوستان همواره از آن شکفته
و چیده آید • و در محل غز اکر ملاطفات اجابت دعاست ما را نیز یاد کرده •
اکر بمعاونت احتیاج افتد در ارسال قشون توقف نخواهد کرد • ظلال
رأفت ممدود باد • کتب فی اوائل شهر شعبان المعظم سنه اربع و سبعمائه بتبریز دار السلطنه

الجواب

نامهٔ فرخ فال • و مثال بیمثال • که از درکاه سلطنت پناه • نوئین اعظم
و شهریار معظم • ملك ملوك ایران • و خدیو خواقین توران • المؤید من عند الله
ذی المنن • ابو النصر شیخ حسن • ابد الله و ادامه و ضاعف عزه و قدره
و حشمته و سلطنته • شرف اصدار یافته بود • و باملاء خاص و رقم اتحاد
مرقوم و موشح کشته • و صفحات آن بنقوش هواداری متوسم • و نفحات
مصافات انجاوی آن متنسم بود • رسانیدند • و فود ارتیاح بورود آن

متواصل

متواصل افتاد • و سعادتی که مجلس سامی ملکی برادری معز الدنیا و الدین را دام
سامیا مساعدت کرده است • و باقبال و همت آن مجلس رفعه الله فتحی
بزرك و ظفری شکرف رفته • و چهرهٔ دین و دولت بزینت آن جمال کرفته •
و دیدهٔ ملك و ملت بمشاهدهٔ آن مکحل کشته • این دوست را موجب صد هزار
اعتداد و اعتضاد شد • چه از راه صدق و وداد و فرط اتحاد • از هر سعادت
که آن مجلس را روی نماید • و از هر دولت که بذات جناب همایون متوجه شود •
این دوست حظ اکمل و نصیب اوفر خویش را داند • خصوصا از انجه اعلام
اسلام بدو • مرتفع شود و امداد فساد بدو مندفع کردد • و ارکان متخلل
الاساس معاندان پر وسواس • بواسطهٔ آن تزلزل کیرد • و اعضاد شریعت
باستظهار آن قوت پایداری یابد • و یمن نقیبت و صفای عقیدت که آن مجلس
را حاصلست • و همت دوستان مخلص چنین ثمرها دهد • و فضل کردکار •
و توفیق پروردکار • در اعانت حمایت بیضهٔ اسلام چنین اثرها نماید
هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره
المشرکون • از اثنای خطاب کریم • بشارت انصراف بدو الملك بتبریز معلوم
شد • و موجب ابتهاج تمام کشت • این دوست نیز درین مدت • بر نواحی معروفات
و معتمدان فرستاده است • و از تصمیم عزیمت خویش بر کفایت مهم کفرهٔ
فجرهٔ روم ایلی که • تا این غایت بسوانح تقدیر الهی در بند تأخیر و تراخی
افتاده بود • و الامور مرهونة باوقاتها • خبر داده و استنهاض و توجه همت
جمهور انام و سلاطین اسلام اعز الله انصارهم • تعلق دارد بتوفیق
حضرت عزت • عزت اسمائه • عزم جزم نموده درخواست کرده است •
اکر میسر کردد • و وقت دست دهد • بذات مبارك بنجشم حرکت فرماید •
تا نایرهٔ فتن مشرکین منطفی کشته • و مهمات دین و دولت در ضمن آن
ممکن شود • و اکر چنانچه این آرزو باعذار و موانع رود در حجاب تعذر کند •
باری امراء دولت و ساکنان سرحد مملکت را که درین کار شرکت حقیقی •
و درین راه صورت رفیق دارند • و با فرزندان جمند در دریای سلطنت
و درّی پهر شجاعت المؤید من عند الله سلیمان شاه طال بقاه که هادی
این طریق شده است فرمان داده ایم که • با فرزند شار الیه جشم ساخته
در پیوندند • و با دیکر اعوان دولت در کفایت مهمات اسناد کی نمایند •
یقین واثق و ظن صادق است که این از غایت یکجهتی اعلام رفت و آن مجلس
بر معارف رسول فرخ پیام • طورمش بیك • اعاده الله بالخیر • بار کشاوقات
ما را مشرف ساخته • و بآداب کامله تبلیغ رسالت کرد • و مجمل و تفاصیل

احوال وفتوح وعزايم فرخ فال را باز كفتند واز خلوص طويت ورعايت
مصلحت در ترتيب مهام وآغاز وانجام مرام آن عاليمقام همت اين مخلص در
بجهت قاطعه بامضا رسانيده واكنون اين دوست بواسطهٔ انتقال حاكم
قراسى ايلى بجلاذ بيك بان طرف متوجه كشته ونواحى اولوباد را از تصرف
كفار بر فساد مستخلص ساخته وبعضى از قلاع حصينه كه در آن حدود
پا برجا بود باطراف آن منجنيقها بر كار كرده وبدو سه روزكار چنانچه
معتمدان مجلس رفيع رفعه الله مشاهده كردند ومعاينه ديدند يك دو
برج بلند كه از ارتفاع بر آسمان فضله ميجست با زمين برابر كشت وخندق
اكرچه عرضى بسيط وعمقى دور باز داشت انباشتيم ودرين نزديكى
روز فراغ دل ازين يك مهم كه اتمام آن از لوازم بود حاصل خواهد آمد
اللهم وفق اين غايت را از جملهٔ مواضع دور دست شمرده لشكرها از هر
طرف در سلك خدمت منخرط شدند وبواسطهٔ اتحادى كه خداوندى
را با اين مخلص بود ورسول نامى ورسالهٔ كرامى در رسيد كويا حشم
منصوره از حضرت عليه امداد پذيرفت واين مهم بموافقت ومطابقت
يكديكر تمشيت يافت واطراف امن وفتنها ساكن ودلهاى رعايا مطمئن شد
وفراغ خاطر وصلاح احوال الجوانب را شامل آمد واين مخلص در مقام انتظار
تا اين معنى مجلس منيع زاد الله رفعته بسمع اخلاص وصدق اصغا فرمايند
واثر مرضى كه بمقصود مفضى باشد هر بار در باب مصادقت ظهور رسانند
وسعى مشكورى كه منت آن ابد الدهر مذكور ماند تقديم فرمايند تا عقد
اعتقاد وقاعدهٔ اتحاد مبرم ومحكمتر شود وروزنامهٔ دوستى
بذكر آن مورخ كردد وبمنت ومحمدت فراوان بپيوندد زندكانى مجلس
رفيع در مزيد كامرانى وحصول اغراض واماني هزار سال باد بمحمد وآله
وصحبه الامجاد الى يوم التناد حرر فى اواخر ذى الحجة الحرام سنه
اربعين وسبعمائه بيورت اولوباد

سلطان اورخانڭ جانبندن خانه يازيلان اولوباد فتحنامه سيدر

جناب بزركوارى بوجود اقبال مأنوس وكمال الجلال از بيم زوال محروس
وايزد عز اسمه حارس ونصير وحافظ وظهير انه على ذلك قدير چون
موارد مصافات از شوايب مباينت مصفى ومبرا است ومواعيد موالات
باقداح مخالصت كوارنده ومهنا وشرط فرط اتحاد مستمر واساس صفا
اعتقاد مستقر از اطناب شرح آرزومندى وبيان نيازمندى كه در مطاوى
مكاتبات واثناى مخاطبات بسمت تكلف موسوم است ووسمت ابتذال

مستغنى ربتنا

آن معلوم از تطويل اجتناب نموده ودر وظايف اتحاد فزوده بمنهج عقل
وجادهٔ خرد در آمد لله الحمد امداد يكانكى مجتمع ومواد بيكانكى منقطع كشت
نتايج ضماير از مكنونات سرائر خبر داده وزبان حال بالفاظ وفاق
صحايف اشتياق را فرو خوانده واز تقريرى كه ميان ابناى روزكار رود در
ظاهرى متعارفست استغنا حاصل آمد **شعر** شاهد ما فى ضميرى من صدق
ودّ بضميرك فاريد وصفه قلبك عنى بخبرك ايزد تعالى لطيفهٔ تيسير
حصول آن سعادت باشد برحسب ارادت ساخته كناد واز نعمت معاشرت
بميامن موافقت برخوردارى دهاد وازدواج ارواح را باجتماع اشباح
رساناد اللهم حقق منيتنا وانلنا بغيتنا پس ازين قشونى كه بنيت غزا
خالصا لوجه الله فرستاده بود رسيدند ومكتوب محبوب كه روايح
اخلاص از مطاوى آن فايح بود وانوار صفاى عقيدت از مطاوى آن
لايح رسانيدند وبوصول ايشان بشارت اسلاميان زيادتى يافته كه
هر روز عقد حرمت وعقد لالى دولت ايشان معظم ومنتظم تر از آنست
در سلك نظام آيين واقبال وكامرانى وارتياح وشادمانى آن مجلس را شامل
ومقاصد ومآرب برنيكوتر وجهى حاصل اعتداد واستبشار واعتضاد
واستظهار واستدامت واستقامت كه سبب سكون واستيناس دوستان
باشد منتج مقدمات يكجهتيست خصوصا در راه جهاد كه بسعى واجتهاد
وابسته وبحمد الله كه بامداد فيض فضل ربانى جمله ملوك آفاق باتفاق دم
وفاق اين جانب مى زنند وصلاح خويش در تقويت ما مى بينند وهر روز
از ماورد ودهر نتيجهٔ خيرى متولد مى شود كه از قدوم آن قوت وقدرت
وغبطت وبسطت اين جانب زياده ميكردد واز صفا وپاكيزكى اعتقاد مجبوران
آثار ومستمعان اخبار از شنودن آن خوشحال ميكردند واز مواهب حضرت
ربانى بشكر وسپاسى كه مستدعى مزيد نعمت باشد مشغولند واز مورد
غفلت كه مقدمهٔ كفران بود متوقى والحمد لله على نعمه المتواترة ومننه
المتظاهرة حمدا يستحق به مزيد نعمائه ويستدر لبابات آلائه كه مجلس همايون
بورود پيام سعادت ارتسام صاحب اورنك الخانى وساحب ذيال المجد
وكامرانى مالك ملوك العجم پادشاه ترك وديلم المؤيد من عند الله ذى
المنن معز الدولة والدنيا والدين شيخ حسن ايده الله تعالى وابده كه لطف
او را حد ونهايت نيست ودر احصاى آن قوت اوهام از كار فرو مانده
وبنا بر محبت قديمى كه در ميان ايشان ومابينت ومثبت بود دريده در
بعد از تبليغ فتح وفيروزى وجلوس همايونش بر تخت بخت رسول

فرخ پیام خویشتن را با نامهٔ نامی و صحیفهٔ گرامی ارسال کرده در اثنای
غزای اولوباد و فتح آن نواحی و بلاد در رسید موجب استظهار و مباهات
کلی گشته اسلامیان را فوصت و نصرت در افزود و عروس فتح و ظفر بر
نیکوتر وجهی جمال نمود و از بقیهٔ آنچه اشارت رفته بود در زینت آن کفار در دیار
و بلاد نماند الله ولی التوفیق و چون دین عزیمت اعادی این امت عالی
همت خاکسار شدند و بشارت نامها باطراف و اکناف روانه کردیم
مسامع علیه را نیز از زینت لآلی پر قیمت مشنف و مقرط ساختن را انسب
دیده بار رسانندهٔ کتاب پر صواب عمدة الاعیان بکتاش زید قدره صحبت
شریف داده بود و زینت فرودیم متوقعست که در حال وصول ابواب سرور
و حبور را مفتوح داشته اخبار سارهٔ سلامتی ذات ملکی الصفات را
اعلام بخشند تا موجب تسلیهٔ خاطر گردد و خبر باشند که بنابر اتحاد
حاکم کرمیان با این دوست صاحب قرامان با وی عداوت کرده بسیاری
از دهات و الوسات او غارت و ضرر و کزند رسانیده است و ما نیز
بدفع الوقت بفحوای و لکل اجل کتاب تا مرور شدت سرمای زمستان
بیان عمر و شمان بنشانیم و زود توقف کرده ان شاء الله الرحمن
چون آثار انوار بهار بدید آید و آفتاب در برج شرف سایه افکند و نقاش
جابک دست ربیعی در تصویر حلل طبیعی دستکاری آغاز نهد و چهرهٔ
جهان جمال و نسیم هوا اعتدال گیرد و بجهت تنگی علف دفع انواع
کلف شود همانا بتوفیق الله تعالی بمصلحت همکنان بسبیل مکافات در
پوییم اگرچه حاکم کرمیان تعجیل بیشتر میکند و حشم بی نهایت کم کثرت
عدد ایشان محقق است مجتمع دارد و موقوف باجازت ماست در این
باب رأی ابیق اصوب مینماید مأمولست که از همه جوانب اسباب حرکات
مهیا ساخته دارند و مراکب و چهارپایی که دست و پای لشکر بتمشیت
آن مستحکم و منما یابد فربه شود و بقدوم ربیع که نزولت وسیع گشته
هیچ حائل نماند آن مهم پیش گرفته آید و از فضل ربانی وثوق تمام
داده که بیقین حصول مقصود با وصول مقصد برابر باشد و هر کجا روی
گشایش کار دیده شد و چون این احوال ضرورت تجدد و تحقق گرفته بود
و عزایم بدین موجب تصمیم پذیرفته باقی مشاورات را با سمع مجلس
رفیع بکتاش مشغول سپارش رفته است که تقریر نماید و فروع و اصول
و ابواب و فصول آنرا اختصاص استماع دهید و بر حقایق و دقایق آن
اعتماد و تعویل فرمایند بر موجب الکریم اذا وعد وفی هنگام کار

حشم منصور را آماده دارد با مهمات معهوده بوجهی که متضمن صلاح
همکنانست توجه نموده قواعد مساهمت و مشارکت را مضبوط و مربوط
شمرده و در ترشیح نهال مصادقت و ترجیح ایجاب مبانی داعیت جد بلیغ نماید
و هیچ تأخیر و تراخی که از فضیلت تأخی دور افتد جایز نشمرد توقع بجناب
که این معانی بحسن اصغاء و لطف اصغا مخصوص گردد و یمن قبول و اعتماد
بدان پیوندند و اتمام مهام از لوازم ذمت مخالصت شناخته لذی
الاشارة حسب المرام محصل و مکمل تصور نمایند بعنایة الله و توفیقه
حرر فی اوائل محرم الحرام سنة احدی و اربعین و سبعمائة بمقام بروسه

الجواب

الله بخلد ظلال عاطفته الی یوم الدین زندگانی مجلس کامکار شکان درگاه رفیع
با اقبال نامحدود و نعمت و دولت نامعدود الی ابد الآباد آباد و زیاده باد
بمحمد و آله الامجاد نطاق ادراک عقل در ادراک از احاطت بلند نخوت کمال آن
خداوندگار کثیر اللطف و الافضال قاصر و جوامع همت بر کسب نیکونامی
مصروف و متواتر از دعا اسماع در کل احوال معین و ناصر و اعلام کامرانی
و هنگام شادمانی مرفوع و متکاثر آرزومندی بمشاهدهٔ جمال فرخ فال
نه باندازه است که افهام را رتبت تقریر آن تواند بود و اوهام را منزلت آن
تواند میسر گشت منتظر در تیسیر اسباب ملاقات هر صنیع بر دانی ثابت
لعل الله یحدث بعد ذلک امرا بپیوسته بر موجب اخلاص و مقتضای
اختصاص که با آن مجلس رفیع زید رفعته بحمد الله تعالی حاصلست
و امداد آن با متداد روزگار متواصل استمدادی اخبار قدرت و استیلای
مجلس رفیع و اقتفاء آثار رفعت و استعدادی آنجناب مرجع کرده می
شود و چون شنوده می آید که چهرهٔ آن کمال بزینت دولت عالی حالیست
و عرصهٔ آن دیار از دشمنان مملکت خالی روایح ابتهاج و اعتداد می وزد
و وفود ابتهاج و اعتضاد می رسد و از ایزد تعالی مزید و دوام آن بجمیع
سعادت ملاقات خواسته می آید و بیقین حاصلست که چون این دعا
از ساحت سینهٔ صافی با بدرقهٔ اخلاص می رود در صحبت رفیق توفیق
بی هیچ منع و تعویق بمحل کرامت اجابت رسد و بحمد الله و منه احوال این
جوانب با خیر و سعادتست و مجاری احوال دولت بر وفق ارادت
و تا سرور آن اختیار و اضطرار را سر بر خط خدمت خداوندگاری می نهند
و گردنکشان رغبة و رهبة ربقهٔ فرمان فرمابنشی را گردن می نهند
و دوست و دشمن از لطف و عنف شاهان جزا و سزا می یابند این بنده

مخلص خیرخواه • الحمد لله حمد الشاکرین کو باید • در مراسم شکرگذاری ثابت
قدم می باشد وخواهد بود • برای رفیع شرفه الله پوشیده نیست که
اکثر اندیشه این دوست • بر کفایت مهم فرمان که از اشد عدو اند مقصورست
ودواعی صرف عنان باتمام آن معطوف ومصروف • پارسال که حضرت
خداوندکاری خلد ظلاله السامی • بنواحی اولوباد عزیمت غزا کرده • بوادی
ظلمت کفررا بفر قدوم خویش منور کرده • وخاک آن دیار را بنسیم اخلاق
فایحه معنبر کردانید • واین دوست نیز از سبیل موافقت مداخلتی داشت •
وجاذبه اعتقاد سلسله دل می جنبانید • ونائره اشتیاق در صمیم سینه
زبانه میزد • وعزیمت بران جمله مصمم بود که از موانع روزکار فرصتی
جسته آید • وبتفضل کردکار لطیفه ساخته شود که سعادت ملاقات
در ضمن آن حاصل آید واضطراب دل مشتاق وهیجان بواعث اشواق
سکونی کیرد • وبعد از مساعدت این سعادت باتفاق ومشورت یکدیکر
روی بمهمات قرامان که صلح جانبین بآن مربوط است آورده شود •
وازلطایف ایزدی خود بتوفیق اتمام چنان خیرات • زود فایز کردد ولکن
برطبق اشارت بر بشارت چون سال باخر رسیده بود • ولاغری در چهار
پای لشکر اثری فاحش کرده وتنها بخشم این دوست با فوت علف معتذر
کشته • واکر باسپاه انبوه • نصرهم الله • باهم آمیختندی وقام را چنان می
کرفتندی که محل آسایش وآرامش صورت نبستی • ومقصود بحصول نپیوستی
ازین جهت حصول این دواعی چند روز در حجاب توقف بماند وروزکار
برعادت غیرت خویش • رقم حرمان بر صفحه امل دل مشتاق بکشید •
والحریص محروم • وبضرورت این دوست را انصراف بایست نمود • واز عوایق
روزکار بعلوق صبر تمسک ساخت • وآن مهم را بکفایت نارسانیده
فراغ دل از آن بر کرفت • شعر ما کل ما یتمنی المرء یدرکه • تجری الریاح
بما لا تشتهی السفن • وپارسال که از مقام بروسه بعزم غزای غزا نهضت
کرده بودند • مقصد اصلی ومقصود کلی • دفع کفار خاکسار بود • المنة لله تعالی
دست داد • وکوشمال قرامانیان واتمام مهمات ایشان که • خاطر بان منجذب
از اهمال نبود • بلکه حسب الرخصة • باندک فرصتی بعون باری تعالی
ممکن مینمود • اما شتاب ولد کرمیان • درین زمستان وجهی ندارد • وتا لشکر
سرما استولی • وهجوم برف وباران متوالی • وتن خاک از اشتداد یخ • پولاد
پوش • وکوش هوا از قطرات سحاب پرشکوش • ودوش روزکار از سنجاب
میغ مو بینه دار • وشهسوار فلک دوار با مجمره آتش بر شرار • در حجله

جدی قرار کرده باشد • توقف اولی وانسب مینماید • وچون طلیعه امداد
بهار • پدید آید • وظلمت نوروز جمال نماید • وشدت سرما باعتدال هوا مبدل
کردد • وحضرت خداوندکاری خلد ظلاله السامی • باقبال زاید ودولت زایدکه
بعون الله الرحمن • دفع قرامانیان اول فکر ومطلع ذکر کند • این دوست نیز
حرکت را چون نسیم صبا آغاز نهاده • واندیشه بر امضاء آن عزیمت که در دل
قرار کرفته است • روانه خواهد شد • ومنه التوفیق وعلیه التکلان • وبا
این حال • اجل اکرم شمس الدین بزم آیین را که • با خلاق پسندیده در میان
خلایق مذکورست • وبانواع علوم در اقطار عالم مشهور مصراع هو الشمس
لا تخفی بکل مکان • پیوسته بقدم قربت بساط سلاطین سپرده است وهموار
در مجلس پادشاهان • اختصاص انبساط تمام داشته است • ونفایس انفاس
بارک • وغرایب خاطر ضمیراو همه آسایش سامع • وآرایش مجامع بوده است
فرستادیم • تا آن مجلس ازین نهضت که محل اغراض کلی باد • باخبر کردد • ودیکر
از راه وعلم حرکت فرمودن • در رقبت کرم متوجهست بی هیچ ممانعت
ومدافعت که از خلوص طویت دور • ودر مذهب حریت محظور باشد •
باداء رسانند • وصحیفه سوابق ایادی را بدین کرامت بزرک مختوم کردانند •
وترتیب آن سازد که • وصول منشور صحف ثنا • ومنشر حرکت رایات از مجلس
باشد • واز سر تطول واکرام • بدین تطویل وابرام • عیب نکیرد • وبحکم رسوخ
تاخی واتحاد • طر بمهمات کستاخی وانبساط فرماید • تا نشاط دل در اخلاص
وهواداری • بیفزاید • والامر علی اولا وآخرا وکرما • والاکرام ظاهرا وباطنا

سلطان اورخانه قرمان اوغلندن کلان تضرع نامه در

زندکانی مجلس سامی ملک عالم وعادل • وخداوند کریم باذل • سلطان الاسلام
والمسلمین • ناصر الغزاة والمجاهدین • ظهیر الملوک والسلاطین • المؤید من عند الله
الملک المنان • ابو النصر سلطان اورخان • برادرم خداوندکار کامران •
در دولت وپیروزی وغبطت وبهروزی فراوان سال باد ظل اقبال ممدود
وامداد کامرانی نامعدود • وابنای روزکار در موافقت شفقت وفضل کردکار
بر طاعت موفق • چون صحایف اعتقاد بلطایف اتحاد آراسته • وعوارض
بیکانکی بیکبارکی از میان برخاسته بود • وجز شیوه یکجهتی فیما بین چیزی دیکر
سلوک نبود • وجهه ولا چون آیینه کیتی نما مجلی ومصفی مینمود • وبواسطه
آنکه ولد کرمیان بولایت این دوست • ضرر ونقصان بیش میکرد • بطریق
دفع مایل • بعضی از خصوصان بی رخصت این مخلص • در کوشمال توابع
کرمیانیان • سبقت کرده آند • حضرت کریم الشان الفت را بکلفت تبدیل

نمودن مناسب نمود بلکه چنانچه رعایت خاطر ایشان میکنند جانبداری
مخلصان را نیز از دست نگذاشته بواعث فتنهٔ طرفین را مصلحانه گوشمال
دادن رای این دوست مانع نیست و آنچه فیما بین معهودست از فیض
فضل حق تعالی در حق او بزیادت و چون از آن جانب نیز بموجب تتمیم روایح
اخبار و توسم لوایح آثار ثابت و محقق گشت که کار حوزهٔ اسلام طراوتی
تمام و نظامی بالا کلام دارد و مصالح آن دیار بحسن حراست او مهذب است
و اعداء دین و دولت از بیم سیاستش معذب همیون در اعتداد و استبشار
می افزاید و وفور اعتضاد و استظهار بر تواتر میدارد و مزید عمر و رفعتش
را بدوام خواسته می آید قرین اجابت باد و بجهت تهنیت فتح اولو باد
مبارکی غزو و جهاد مولانای اعظم عالی نهاد نجیب الدین عماد دام
تأییده که جوامع علوم خاطر وقاد ایشان را منقادست و سپردن بساط
ملوک قدم عزیزش را معتاد و یمن نقابت در مهمات ملک بدین تحقیق
شاهد و حسن اجتهادش در مصالح دولت بمعونت توفیق مؤید ارسال رفت
تا در زمین بوسی شرائط خدمت و لوازم مودت ما نوبی بجای آورد
آنچه بزبانی بیادش شرع تقریر نماید واجوبهٔ صانه شی را فرا گرفته بعد
از تحصیل رخصت باین محب بی منت عودت کنان در رساند ان شاء الله تعالی
اما باغوای کرمیانان از سر مرحمت نگذشته تفرقهٔ متمکنان این دیار را
روا ندارد و همت عالی نهمت شهریاری را مصروف غزای غز کرده و بفرق
اسلامیان بخبر شیوهٔ دوستداری و نیکوکاری روا ندارد چه دنیا متاعی
نیست که بنزاعی ارزد و معلوم دارند که ولایت شرف منقسم در مابین
حسن بیک ابن چوپان بیک و شیخ حسن نوین اعظم جلایری بود
و چند نوبت ولد جلایر بر چوپانیان را استغاثت می برد و ایشان در تکبر
فزوده بی پروایی میکردند لاجرم در تبه من تکبر فقد تکسر چون بنیاد
تکبر البال و متفرق الحال ناپدید و پامال گشتند و نمای سلطنت ایران
بجلایریان قرار گرفت اعاذنا الله و ایاکم من نومة الغافلین بالله بالله
این تمثیل بطعن بنوشته بلکه بجهت آگاهی جانبین و تنبیه طرفین است که
مبادا باغوای کرمیانان باعث ضرر و نقصان ما و ایشان گردد و ندامت
بسبب هرکدام را که روی نهد سودی ندارد درین باب نیز هرچه رأی
ایشان باشد مطیع و منقادیم و چنانچه داب ملوک ماضیه انار الله
براهینهم بود شرح کرده آمد و لایق مصادقت و موالات و مناسب موافقت
و مصافات پیغامها داده شد توقع بخلوص اعتماد و کمال اتحاد بمجلس سامی

زید سمو آنچنانست که بر عادت قدیم ریاض مودت را بجهاد نیکوکاری و جویبار
بختیاری معهود و مرشوش دارد و صحایف محبت را بصور اخلاص مألوف
و منقوش و مکاتبات سازه و مخاطبات بزرگوار که نهال دوستی بدان
مرسخ شود و کمال اتحاد بدان مشروح گردد متواتر گردانند و از ظهور نشاط
دولت و وفور امداد حشمت بهر وقت بشارت فرستند و بمهمات و مرادات
مباسطت فرمایند تا با تقلد منت تمام در اتمام آن سعی بلیغ تقدیم و ترویج افتد

الجواب

امیر کامکار و نوین نامدار سپهسالار دیوان و سرور دوران حضرت
کامبخش و کامران ادام الله تأییده و حرس تدبیره بسلام و پرسش
مجلس ما محفوف و مشمولست و مزید تربیت او ز لطف رای ما منتظر و مأمول
بحمد الله و منه کار دولت و مملکت بکام ماست و تجدد احوال حضرت
بر وفق مرام ما و دور و نزدیک و ترک و تازیک از ملوک کامکار و خسروان
روزگار بتأیید کردگار در محبت و استظهار ما کوشیده صلاح خویشتن
را در اتفاق و خیرخواهی ما می بینند و مطیعان حدود اسلامیان و ملوک
طوایف متابعت ما را از فواید خود شان می شمرند و ارتفاع و انتفاع
قدر و منزلت از متابعت ما می شناسند و ثمرهٔ آن از نشو و نمای شجرهٔ
مطاوعت در روضهٔ اخلاص و جویبار طاعتداری بانواع اصطناع
و جان سپاری می یابند و نتیجهٔ آن نیکوکاری را از اصناف الطاف بارعی
مشاهدت میکنند و فیها لمن یشاء المزید چند روزست که بجهت مبارکی
غزو و جهاد و تهنیت فتح اولو باد معتمد نجیب الدین عماد اعاده الله
بالخیر با مکتوبی مشحون باتحاد و وداد رسیده است و بوسیله از
مطالعهٔ آن تطلع وفور اعتداد فرموده و بهر وقت بر مضامین آن اعتماد
کلی ارزانی داشتیم و بعین رضا و سمع ارتضا دقایق و حقایق آن
ملحوظ و مسموع گشته و بمحامد ما که بندگان مخلص از آن شرف تمام و کرامت
بزرگ شمرند اختصاص یافته درین وقت او را با ذکر داشتیم و در صحبت
او از مقربان درگاه قدوة الخواص بلبان بیک زید قدره را فرستادیم
و سپارش رفته که چون یمین الدوله و الدین حاکم کرمیان عالیشان
زید اقباله از بدو دولت خاندان رفیع البنیان ما الی هذا الآن دقیقهٔ
در موافقت و جان سپاری فرو گذاشت نکرده و در خدمت ما بذل جمیع
مؤکدهٔ کوشیده و آثار مشهوره و مآثر مأثوره بر صفحات دولت ابد
پیوند ما گذاشته و در پاداش آن نظر عاطفت ما بر احوال او شامل

وحفظ او از حسن رعایت وکمال شفقت پادشاهانه موفور • ودر حق او از
اعلاء درجه وزیادتی مرتبه • وتفخیم ذکر وتعظیم قدر • اندیشهای صادق
داشته ایم وداریم • وچون در اظهار آثار خدمتکاری که سعادت او
در انست • ادخار نموده لازم گشته • می باید که ایشان نیز باوی در سبیل
یکجهتی رفاقت دوستانه را باعث رفاهیت عد کرده حصول مرضات
وصفای اعتقاد مارا غنیمت بزرگ شمرد • واز موقعی که سبب تغیر خاطر
ما گردد • وحاصل آن جز ندامت نباشد • واز عاقبت آن جز وخامت نتیجه
اجتناب واجب داند • ملخص اینبعنی آنست که پیش ازین طور عود بازرجهت
آزردن دهات نواحی کرسیان فرستاده • ودست تطاول در آن گشاده
آزار بسیار ونقصان بی شمار وبرعایا وفقراء آن دیار رسانیده کرده • ومامکرر
فرستاده بودیم که • هر که در آن دهها نقصان ومخالفت کند حکم آن دارد که
باما کرده باشد • ودرثانی الحال باین سؤال نیز پیغام ارسال کرده بودیم •
وگفته که از جانب دیگر بیخبر ما بآن تعلق می سازند ما جواب فرموده •
بودیم که تصرف ایشان در آن دهها بحکم فرمان ومقتضای مثال ما بوده
است • واکنون هم همان سؤالست • دیگر جواب نیامد • تا از دو جانب آتش
فتنه بالا گرفت وحالا عذرها بشنیده • جواب آن بحضرت ما حواله کرده
اند وما بعد خراب البصره چه میگوییم • وخود دانسته اند که حکام جوانب
سر بر خط مطاوعت این دولت نهاده اند • وپای کم آوردن ایشان
عجب است • وباغوای بدخواهان که در کمین طلب فتنه نشسته
باشند • وصلاح خویش در فساد ذات البین شناسند • التفات نشاید
نمود که تا اهل آن در جیب ناشره خصومت کوشند • تا خویشتن در صف
مردان کار در قلم نمایند • وقرومایگان بهر وقت بیهوده در انداختند • تا خود را
اعدا اهل تمییز عرضه دهند • وناکسان هر یک بچندی رنگی برآمیزند •
تا مگر در ایام تشویش بمرتبه اصحاب مناصب برسند • ایشان را ازین
دقایق غافل نشاید بود • وبحقیقت بباید دانست که بهر جانب که او را
التجا کنند • وبهر طرف که انتما سازند • از آنجانب متابعت ومطاوعت
ما که صلاح همگنانست • بر تحری رضا وتحصیل مراد او مرجح ومقدم دارند •
ومصلحت خویش برای متابعت هوای او نگذارند • واکنون قاعده الفت
وعقد اخوت میان ما وبرادر اعز اکرم ملک عالم عادل ابقاه الله تعالی
چنان مبرم ومحکم وآن کار دیگر چنان مقرر ومصور که بهیچ وجه در آن
عقد فتوری ودر آن اندیشه قصوری پیدا نیاید • وبقصد هیچ آفریده

دست تغییر وتبدل بساحت آن نرسد • وگرد زوال وانتقال بر چهره آن
ننشیند • وهر زبانی را در تغییر صورت آن حال با تقریر حقیقت آن کار
مجال مقال نباشد • ایشان نیز غایت اقبال خویش در سعادت قبول خدمت
ما باید شناخت • وثبات بر احکام متابعت واستمرار بر قضیت عبودیت
لازم باید شمرد • وبر جاده اتحاد وشیوه وداد ثابت قدم وراسخ اعتقاد
باید بود • وپای در مواظبت نیکو خدمتی بباید فشرد • ودست از دامن این
دولت که تا دامن قیامت پاینده باد • نباید داشت • وانقطاع وبایستان ازین
حضرت باید خواست • تا در حال ومآل باحصول آمال زندگانی تواند کرد • و
بمنتهای همت وفضاء ای نهمت بفر دولت ویمن خدمت ما بتواند رسید چه
اگر برخلاف این • اندیشه در خاطر جای دهد • ودر بند کی ببندد همان
از صلاح حال او در افتد • واز منهج صواب برکنار ماند • وتدارک آن دشوار
دست دهد • وعاقبت آن وخیم • وغایت آن ذمیم باشد • والله الهادی
الی الرشاد والموفق للسداد • باید ایشان این معانی را بسمع خرد وبشنوند
وصورت این احوال بچشم بصیرت ببینند • ونقد این دقایق بر محک تفکر
وتدبر زنند • تا عیار مصلحت معلوم کرده • واین نصایح را از سر شفقت
تمام شناسند • واز نتایج قضاء حقوق خدمت دانند • ودر مراقبت
حدود مصادقت بیفزایند • وبر اقامت مراسم موافقت توفر نمایند •
وکردار با اکتفاء برابر دارند • که محاسن اقوال بر قراین احوال در حضرت
پادشاهان رواج نیابد • وعرض مجاز در صورت حقیقت با نظر دوربین
ما دشوار میسر گردد • ویقین دانند که اگر این اعمال را مبانی باشد وصحایف
اخلاص را نا شر • هر روز لطف رأی ما در باره او بر زیادت خواهد بود
وجریان احوال او بر نهج ارادت • واگر از ین شیوه انحراف نماید • واز جاده
فرمان انحراف کند • واز قاعده اخلاص بجهد • واز حد دوستی قدم فراتر نهد
پس دیر گاهی لوامع عواطف ما بهواصف هیبت بدل شود • ودولتی بسیار
ما فرا جنبد • ونوایر سخط ما فروغ زند • وصواعق خشم ما ظاهر کرده • وانچه
مرحمت ما بدان راضی نباشد بر رود • وقواعد زجر اندر آید • والسلام

سلطان اوزون حسن فرمان اوغلنه دوستلق موکد ایمان
مغلظه ایله کلدوکن نامه سابقه جواب مقوله سیدر

قال الله تعالی وهو اصدق القائلین • یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود •
وقال عز وجل • واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها
اگر چه عاطفت مستمر وکرم مستفیض وانعام عام وشفقت بی دریغ وبی تیغ

برنده وسپاه جهانکیر وحکم نافذ وسیاست شامل وقدرت برکمال خدا
وند عالم وخداوندکار ام شاهنشاه اعظم وسلطان معظم برادرم رفیع
القدر والهمم اعلی الله امره لطفاً واطاع اعداءه عنفاً بحمد الله از آن مستغنی
کردانیده است که ازبندکان درمطاوعت دولت خویش وثیقتی حاصل
کند وازخدمتکاران درمشایعت حضرت خود استظهار طلبد واما چون
بجهت تالیف دلها وتسکین فتنها وبرای تیمن وتفأل بنام باری عز وعلا
وجل وتعالی معاهده مبان اصناف آدمیان سنتی مالوف وعادتی متناول
کشته است ومما لکرا با ارباب حرم ازین باب مباسطت بید املاء
ونواصی را باادوات حمد درین شیوه مشارکت حاصل شده از حضرت اعلی
احضر الله البشائر اکر سوء ادب نباشد محضا بجهت راستی خود قسم
یاد کرده می کویم بایزد بایزد بایزد بزینهار ایزد بخدای که فاهر یر کمالست
بخدای که لم یزل ولایزالست بخدای که نهان واشکار در علم قدیم او یکسانست
بخدای که جان داون وستدن پیش قدرت او آسانست بخدای که عرصه
ملکش عرصه اذو بیاد نیست بخدای که ذات پاکش از وصمت نظیر وانباد
بخدای که باز کشت همه ادمیان باوست وروزی همه عالمیان ازوست
بخدای که قرآن مجید کلام اوست ودیباچه صحیفه مجد نام اوست بخدای
صد وبیست وچهار هزار نقطه معرفت را مرکز دائره نبوت ساخت
وبدست هدایت ایشان پنبه غوایت از کوش خلایق برکشید وثواب
وعقاب را از نتایج طاعت وعصیان حکم ایشان کردانیده بالله الطالب
الغالب المدرك المهلك الحی القیوم الذی بیده ملکوت کل شیء وهو السمیع
العلیم که ازین وقت وساعت که این عهدی بندم واین سوکند می خورم
در رضوت وطاعت خداوندکار ضاعف الله سلطانه واعز اعوانه صافی
دل وپاکیزه اعتقاد وخیرخواه باشم ودل وزبان ظاهر وباطن
در خدمتکاری وهواداری حضرت او یکسان دارم وفرمان ومثال اورا
امضاها الله تعالی بامتثال وانقیاد علی قدر الامکانات پذیره شوم و
بقلیل وکثیر از مقتضای آن تجاوز جایز ندارم وبعد از طاعت خدای
وفرمان رسول علیه السلام مطاوعت این جهاندار صاحبقران که
امروز بحمد الله مطلقا ولایت امر اوراست واجب ومفترض دانم ورضای
مجلس اعلای اورا فهرست سعادت وقانون اقبال وعنوان حصول
آمال خویش شناسم وروائی کارها وروای حاجت خود بدان وسیلت
طلبم ودربندکی او از شقاق ونفاق که نتیجه مخبث آن معلوست احتراز

نمایم وهرانچه رأی انور او بدان راضی نشود از آن بپرهیزم وشعار دولت
قاهره اورا در اقطار ولایتی که بمن بنده بازکذاشت شایع وظاهر دارم
وانچه بخلاف مناظم مصالح ملك ودولت او نسبت کیرد نبینده شیم ونفرمایم
واشارت نکنم وباموال ممالك وولایاتی که اختصاص تصرف دیوان خاص
او دارد وانچه بخدم وحشم ومتعلقات او متعلق باشد قدیم وحدیث
موروث ومکتسب قصد بد نکنم ونفرمایم واکر کسی کند کانا من کان
بان قدر که مرا وسع طاقت باشد در دفع آن بکوشم واکر پیش ازین و
والعیاذ بالله تعالی برخلاف او وخلاف ملك او حکمی فرموده ام وباکسی
مواضعه نهاده وپیغام داده یا نامه نبشته از آن باز ایستادم واز آن
کرده پشیمان شدم وآن عزیمت فاسد را فسخ کردم وخدمت ومطاوعت
او که سعادت دوجهان می شناسم باخلاص تمام از سر کرفتم ودر هیچ حال
بهیج وجه بحشم وخدم واولاد وبنده ورعیت وپیوستکان ومطیعان
وفرزندان بزرکوار او که خداوندکارزادکان منند قصد بد نکنم ونفرمایم
واکر فرموده ام حکم باطل کرده ام واکر از منتمیان حضرت او سرکشته اقبال
برکشته ورق سلامت خویش درنوردد وآفت خذلان روزکار اورا دریابد
وسر از ربقه طاعت او بتابد آنکس را بخویشتن قبول نکنم وبخود راه ندهم
بلکه تربیت کار او برحسب فرمان با دیکر اعوان دولت دستیار باشم واکر
از متعلقان وکماشتکان من کسی چنان کند ولی را بخود بپذیرد ومرا معلوم
شود البته بدان همداستان نباشم وزجر بلیغ کنم وهمچنان اکر کسی از حشم
وخدم او یا از امراء او در زمره اشقیا معدود کردد وکریخته بپنهان
یا آشکارا پیش من آید یا بر ولایت من کذر کند ومرا بان وقوف افتد ودست
تدارك بدان رسد در باز فرستادن او بحضرت چنانچه فرمان باشد در انتفا
آن فرمان تاخیر وتوقف نپسندم والبته امتناع نکنم وبهر مهم که دولت
اورا روی نماید وبفرستادن حشمی در کفایت آن فرمان دهد اکر عذری
ظاهر که در محل قبول آید نباشد وبعد از امکان مدد بخدمت فرستم ونقیر
وتهاون نورزم وباعتذار باطل تمسك روا ندارم وبادوستان دولت که
دانم ایدهم الله دوستی کنم وبادشمنان حضرت او که شناسم دمرهم الله تعالی
طریق دشمنی سپرم وبمخاصمت ایشان مجاهرت پیش کردم وباهیچ مخالف
ملك او بهیچ نوع سازکاری وکارسازی نکنم واکر کسی خواهد که مرا از جاده
خدمتکاری ومطاوعت او بجنباند در مقام خدمت ثبات قدم نمایم وبمال
وولایت از انواع دنیاوی که مرا قبول کند فریفته نشوم وخویشتن در عداد

جماعتی کمراه که اولئك الذین اشتروا الضلالة بالهدی مندرج نکردانم واکرکسی
مرا بر دشمنی ومخالفت اغرا کند دشمنی وخلاف او که سرمایهٔ بدبختی ابدیست
دانم اختیار نکنم واکر سباداکسی قصد بذات مبارك وفرزندان وولایت
ومعالیك وحشم وخدم او اندیشد ومرا معلوم شود آنکس را بدان وجه که
دانم وتوانم دفع ومنع کنم واکر دست نرسد ورا بازنمایم وهیچ چیز از
مصالح ومفاسد ملك او که دانم برو پوشیده ندارم واکر مرا مهمی پیش آید
از حضرت جلت باعتمادی که بران عاطفت دارم استمدادی کنم ومرا بنجاح
مراد مستظهر کنند وتشریف مددی ارزانی فرمایند همچنان که مصالح حشم
ایشانرا کوشش بازمیدارم مصالح ایشان برعایت رسانم والبته از خویشتن
جدا ندانم وبیکانه ندارم ودر حسن معاشرت وصدق موازرت با ایشان اسم
خولجه تاشی واخلاص فرو نکذارم وچون اجازت بازکشتن خواهند
بر نیکوئی اجازت دهم وبی اختیار ایشان ایشانرا ساعتی نذارم ودر احترام
وتعظیم ایشان بغایة الجهد کوشم واکر ولایتی را بفر دولت قاهره ومدد
ایشان مسلم ومستخلص کردد تصرف جزو ربیعی که مرا از حضرت مفروز
ومعین فرمایند محظور شناسم ودر جملهٔ این معانی وشرایط که بر شمردم
ودر هرچه بطاعتداری خداوند بازکردد مساهلت ومداهنت ونفاق
ونقص نیرزم وروا ندارم بالله که چنین کنم وبدین عهود ومواثیق
من اولها الی اخرها مادام که خداوندکار عالم اعلی الله کلمته با من بنوع
برسر عاطفت وشفقت باشد وبشرایط استظهاری که بنوع را ارزانی
داشتنست قیام فرماید وفا نمایم واکر بعضی ازین عهود یا جمله را بوفا نر
سانم یا در تغییر این عهدنامه وبل طلبم ورخصت جویم واستثنا اندیشم
از خدای تعالی بیزار شوم وخدا ازمن بیزار واز حول وقوت ایزدی بیرون
آمده باشم واعتماد بر حول وقوت خود کرده وخدای را تعالی عما یقول الظالمون
انباز وشریك نهاده باشم ویکانکی اورا وحده لا شریك له کفته
واکر این جمله سوکند یا یکی را ازین جمله خلاف کنم هر مال وملك که هست
مرا بر مسکینان مکه ومدینه سبیل باشد ومرا جواز تصرف فیه نباشد وهر بنده که
مرا هست از بندکی آزاد باشد واکر این جمله یا یکی را من خلاف کنم وبال
هر خون ناحق که از عهد آدم تا منقرض عالم ریخته اند وخواهند ریخت
بکردن خویشتن پذیرفته باشم واکر خلاف کنم از جملهٔ آن طایفه باشم که ینقضون
بعهد الله وایمانهم ثمنا قلیلا واکر این جمله ویا یکی را ازین خلاف کنم هر منکوحه
که بعقد نکاح در حبالهٔ منست وخواهد بود خصوصا زاهده خاتون بنت یخشی

دائمت

دائمت عصمتها از من بسه طلاق راهشته باشد چنانکه در هیچ مذهب از مذاهب
اسلام امکان تصحیح عقد نکاح نبود من بنده این جمله را قبول کردم وبدین
شرط سوکند خوردم ونیت خداوندکار اعلی الله شانه داشتم وبدین جمله خدای
تعالی را وکفی به شهیدا وفرشتکان وارواح انبیا وحاضران را کواه کرفتم
والله ولی التوفیق نعم المولی ونعم الرفیق

سلطان اورخاندن کرمیان اوغلنه یازلشدر قرمان اوغلنك عهدنامه سنه اعتماد اولنمق خصوصنده

جناب عزت قباب دولت نصاب عدالت اتاب محبت جناب حضرت امیر اعظم
کامیاب شید الله بنیان عزه ودولته الی یوم الحشر والحساب همواره ذات
شریف بوفود اقبال مأنوس ومهد دولت از بیم زوال محروس وایزد عزاسمه
حارس ونصیر وحافظ وظهیر انه علی ذلك قدیر چون موارد مصافات از شوائب
مباینت مصفی ومتبراست ومواثیق موالات باقداح مخالصت کوارنده ومهنا
وشرط اتحاد مستمر واساس وسنی مستقر از اطناب جناب فرموده انها وشا فانه
وانباء پادشاهانه انکه درین ولا مکتوبی مشتمل بر ایمان مغلظه وعهود مجدده
منعقده از جانب جناب مصادقت انتساب مخالصت نشان حاکم قرمان
ابدت ایامه رفعته با قاصدی خجسته نکته دان در رسید وبصدد هر نصایح
وغدر خواهی دست امید بر دامن احسان ما کشاده وکرفته با آن شرط که
بعد ازین با دوست دوست ودشمن ما دشمن بوده باشد وخلاف امر همایون
ما وضعی نکند واولیاء دولت ما را بوجهی نرنجاند وسر از کریبان اتحاد
بر آورده پیراهن نفاق رقبا کند وبخرجیهٔ وفاق بنوشد وبجاده ایالت
دعوای سربلندی نکرده چون دست از سر از پیمان بجهتی ما برنپیچد
وکرز وکوپال را بجهت نکوخدمتی ما برکرفته در بازو وبساق رسم لشکرکشی
بجای آورد وانچه ازین منوال نوشته بود صورتش را منشیان عظام ما نقل
کرده دادند عمدة المقربین والاعیان امیر سیف الدین قدیم ارسال نموده شد
تا بالتمام مطالعه کرده بهر شکلی که صلاح خداوندی درآن باشد اعلام کنند
تا بموجب آن عمل نموده شود باقی مشافهات را از مشار الیه چنانچه سفارش
شد سوال واصغا فرمایند وبکفته بالجمله اعتماد کنند زیاده چه
نویسند که سعادت دارین مرزوق باد بالنبی واله الامجاد

بو دخی سلطان اورخاندن کرمیان اوغلنه نامه سابقه جوابیدر

زندکانی مجلس همایون خداوندکاری جهانمداری کامکاری الله ظله
العالی باقبال نا محدود ونعمت نا معدود بشمار ابد ممدود باد نطاق

ادراك از احاطت آن بكمال قاصر • وجوانح همت بر كسب نيكونامى مقصور واز
عنايت در كل احوال ناصر • باعلوم كامرانى وشادكامى منصور الى يوم البعث
والنشور • دين ودولت • محجوب عن المقربين والاعيان امين سليمان اعاده الله
بالخير وحرسه من الضرر والضر • فرمان سعادت عنوان • ومكتوب قدرت توام
رسيد • مقدم آنرا بانواع بندگى وخشوع • واصناف افكندگى وخضوع •
استقبال كرده شرايط تعظيم ولوازم تكريم كه از جملهٔ فرائض دينيه
وواجبات يقينيه است بجاى آورد • ودقيقه از فحواى اطيعوا الله
واطيعوا الرسول واولى الامر منكم فرونگذاشت وبعد از توقير قاصد مشار اليه
وتخصيص بصحبت خاص ومطالعهٔ نامهٔ نامى وختامهٔ گرامى بحرى
ديد مملو از جواهر گرانبها وجوهرى يافت صاحب وقوف وخوش ادا وطومارى
كه باوى مشتمل بصورت عهدنامهٔ مجددهٔ ولد قرامان بخط منشيان عاليشان
خداوندگارى نوشته وارسال كرده بودند آن نيز بتمامه معلوم ومفهوم
گشت در اين باب چگونه كه هيچ كار ايشان اعتماد روا نيست • وچون
توابع ابليس بجز حيله وتلبيس كارى وشعارى ندارند بس چگونه
سوگند ايشانرا باور توان كرد لكن چون اسلام واعتقاد حضرت
خداوندگارى خلد ظله السامى در عالم وعالميان چون خورشيد رخشان
روشن وبمبرهن است هر كس از اعتقاد خويش بهره ور شود گويا اين محب
دولتخواه نيز بنا بر آن رضا ميدهد كه از روى عدم اعتقاد نيز قسم ياد كرده
باشد ما بفعل صافيهٔ خود اعتماد نموده مانع پذيرفتن آن نگشته
غرضه مبرود كه اگر در عقب اين يمين ديگر مخالفت ومعاندت آغاز كنند
هر آينه بمخلوقات زمين وآسمان كه مسبحان خلاق رحمانند ظاهر وعيان
گردد كه گناه وخطا از جانب اهل ايمان نيست بلكه فساد از توابع
ابليسانست وباقى مشافهات را بحسب الاشارة الشريفه با قاصد
مشار اليه مكالمه كرده بكمال يكان جواب صوابش را از مومى اليه معلوم
فرمايند كه در خصوص مأموريت مذكوره دولتخواهيم شد والامر اعلى

سلطان اوزون حسندن قرامان اوغلنك عهدنامه سنه جواب يازلشدر

جناب عالى رتبت معالى منقبت ايالت مآب حكومت نصاب الفايز بالدولة
الراسخة والحائز للسعادة الشامخة امير اعظم نوين اكرم حضرت برادرم
المفخم المعظم والمحترم المكرم تحيات صافى وتسليمات وافى اتحاف نموده
مابين را عايبه از كدورت خالى وعارى مشناسند شرف ملاقات
بخير مقدر باد بعده در بين ولا على زعم الاعداء اظهار صدق وصفا كرده

وعهدنامهٔ مجدد نوشته بحيثيت وثوق اعتماد بعهد وفا وشداد سوگند
ياد كرده من بعد بدوستان اين جانب دوست وبدشمنان دشمن بودن
را التزام نموده مبالغهٔ افزون واخلاص از حد بيرون تفصيل داده اعتقاد
ما نيز در فزود وبعد از مشاوره با احباء اين دولت اين صداقت نامهٔ ديگر
از اين جانب نوشته ارسال رفت كه بوحدانيت آن خداى بى مثل وبى همتا
وخالق ارض وسما ومصور جملهٔ اشيا ورازق نعماست مادام كه آن جناب
در قسم وسوگند خود راسخ دم ودر جادهٔ دوستى ما ثابت قدم باشند
از طرف ما نيز بجز دوستى واخلاص چيزى ديگر مساهله نكرده همواره ثمرات
محبت از نهال مودت چيده واندوخته گردد ودوستان وهواخواهان
ما نيز بدين نسق عمل نموده مخالفتى از يكى بظهور نيايد واگر از آن جانب
بعضى از مفسديان مثل طورغوديان بحيله وخدعه در كوشش شيطنتى
كه باعث فساد جانبين باشد بكار كرده خود گناهكار گردند وبانكار معاذ الله
از محض بى خبرى دعواى بيخبرى نمايند ايشان بسخن كذب آن بدبختان
مقيد نگشته • وبقيد قهر در انداخته تهديد بليغ وتخويف بى دريغ نموده
جا بر ندا زند واز هر جانب كه معاندان قصد خاندان ما كنند بتوفيق
الله تعالى چنانكه ما بمدافعهٔ دشمنان مى كوشيم ايشان نيز بصداقت
تام در متابعت ما فرونگذاشتى نموده بخصماء دولت ما خصومت كنان در
كوشند ودر باب دوستى ويكجهتى چنانكه قسم نموده اند تقصيرى نكرده
بيت هر كه او نيك ميكند يابد • نيك وبد هر چه ميكند يابد را معيار
نظر ساخته • من عمل صالحا فلنفسه ومن اساء فعليها گويان • سعى
همگان بران مصروف باشد • بعنايت الله وتوفيقه لشكر اسلاميان
باخراب كافران غلبه كرده نتيجهٔ آن بر عالم وعالميان ظاهر وباهر
شود • وهر ضرر ونقصان كه قبل از اين بحدود كرميان در رسيده بود
از حاكمش عذرخواهى كرده • تسليهٔ مرضيه اسرار ضميمهٔ اين معاهده
عد كرده باعث شورش نشوند • وهمواره ابواب مكاتبات مفتوح داشته
هر مرادى كه داشته باشند • بعرض همايون ما رسانند • تا حسب المرام
فيصل داده شود • واگر از سلاطين مصر وآن حدود وذوالقدريان
واتباع رمضان بيك • بديار وبلاد وتعدى بظهور آيد ومدافعه
لازم شود • ما نيز از روى محبت وولاء • شريك ومشفق خويشتن دانسته
بحول الله وقوته دائما با اتحاد ما نازش تفاخر وتبختر نمايند وبحكام وهمجوار
خويشتن تا قادرند • بخوبى زندگانى كرده • مادام كه ضررى وگزندى از طرف

دیکر ظاهر نشود خود باعث غوغا نشوند • واز فرموده الفتنة نائمة
لعن الله من ایقظها • محترز بوده • در حلم وغضب درجات افراط
وتفریط را ملحوظ دارند • وما را دوست • خورشنا سند • والسلام

سلطان مراد بن سلطان اورخان غازی اورنوس بکه سنجاق ویردکده کوندردیکی برات

بوده

توقیع رفیع همایون اولدرکه قرنداشم امیر سلطان ایله ولایت روم ایلنه
کچوب • ولایت فتح ایدن • جناب امارت مآب • افتخار الامراء الکرام • ملاذ
الغزاة والمجاهدین • قاهر الکفرة والمشرکین • حاجی وغازی اورنوس بك
حضرتلری دام اقباله یه • کندو قلیجیله فتح ایلدیکی قلعهٔ کوملجنه دن
قلعهٔ سیروزه ومناستره وبهاشنه یه وموردشته یه وارنجه بر سنجاق
یرا اعتبار ایله اوجه کره یوز بیك ایله ویردم • واول ولایتلرده عامهٔ غزاة
ومجاهدین اوزرلرینه • سنی امیر المؤمنین نصب ایلدم وبیوردم کم
کماکان متصرف اولهسن • اما صقن روم ایلی ولایتلرینی کندو قلیجیله
فتح ایتدم دیو سکا غرور کلمسون • بلکه بونی تحقیق بیل کم اول ولایتلر
حق سبحانه وتعالی حضرتلرینکدر • اندن صکره رسولنکدر • اندن صکره • الله
سبحانه وتعالی حضرتلرینك امر شریفیله رسول علیه السلامدن صکره
خلیفه سنکدر • کرچه سنك بزه طوغریلق وایولك ایتدك • بزده سنك
طوغریلغك وایولکك مقابله سنده سکا عنایت ایدوب • ارباب طریقیله
تعظیم وتکریم ایلدك اولا بوکم سکا امیر المؤمنین دیو خطاب ایلدك
ایکنجی بودرکم سکا خلعت فاخره ویردك اوچنجی بودرکم طبل وعلم رسول
عنزری وتوغ بر فرون کوندردك • هیچ بونلرك اوزرینه احسان اولمز
سنده نجی بو نعمتلره شکر ایله ودایم ذاکر اولکی ذکر الله کم نظم جلیل در
بسم الله الرحمن الرحیم • فاذکرونی اذکرکم • ودخی لئن شکرتم لازیدنکم
بو کلمات طیباتك فحوای شریفلرین دلدن کیدرمه • اندن حق تعالی
حضرتلرینك ورسولنك بیوردقلرندن طشره اولمغی خاطره کتورمه
وبونی بیل کم بر آدم بر مملکته بك اولمق ایکی کفه لو ترازویه بکزرکم بر کفه سی
جنته وبر کفه سی جهنمه در • همان بیلرسك ایله شونلردن اول کورکم
انلرك کوزلری ایوسه • قلبلری اویانق اوله جمله نك سرچشمه سی
عدالتدر • انی ایله کورکم پیغمبر صلی الله علیه وسلم انك بر کونی التمش ییل
عبادتدن صایلمشدر • وبونی بیل کم اول روم ایلی ولایتلری اوزاق برتر

انلرك تدبیر وتدارکلری امرنده البته سیف وقلم اهلندن نیجه کسنه لره محتاج
اولورسن • صاقنه سن هیچ خلقك مال سومکدن اوزکه آزدیرمجی اولمز دنیا ایچون
دین امرنده کوز یومان • الله تعالی قورقوسنی اونوتدن بو خصوصلرده کم کسنه یه
اعتقاد واعتماد ایتمیه سن • چوق اولور کم بعض آدملر کوندز صائم کیجه قائم
کورینور • اما حد ذاتنده بته طیارلر انلك کیلردن صاقنه سن • زنهار دوزنهار
برکسنه نك ظاهر حالنه الدانمیه سن • نته کم حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه
کرا اعدل اصحابدر • ربیع بن زیادك حالنه الداندی انلردن دخی حقه الدسن
ومرحق برکسنه یی برجانبه کوندرمك وقوللنمق استه سان اول دخی بلدیکك
حالنه اعتماد ایتمیه سن جائز کم صکره بر درلو دخی اوله • بنی آدمك حالی برقرار
دکلدر • کذلك خویده وخصایلده برقرار اولمز البته والبته بر حالدن بر حاله
انتقال ایدر • پس مدی وکیل ایدوب ایشه قوللندیغك کسنه نك احوالنه کوز
قولاق طوت کورکه شمدیکی حالی اسکی حالنه اویارمی اکا کوره سوزینه عمل ایله
بلکه کسنه یه غرض ایلمیه • وبونی بیل کم چون اطراف ولایته وکیللر کوندرسك
ایو اولدیغجه عزل ایلمیه سن • رعایانك دخی احوالی منتظم اولور • وبکلرك
وکیللری رعایایه چراغلر کبیدر • هرکیمك چراغی دکلنور حالی یمان اولور •
وهر برینه اصرلیم کم الی آلتنده اولان مسلمانلری قرنداشلری کبی بلوب سائر
رعیت فقراسنه دخی رفقله طوتسونلر ظلم وتعدی اوزره اولمسونلر • قیامت
کوننده قادیکی کتب اعمالیا غدیغی کونی اکسونلر • وخلقك فقراسنی حکم کوزه
تسونلر انلره کفایت مقداری ذخیره لرین تدارك ایتسونلر زیرا فقرا حق تعالی
سوکلولریدر • فقیرلك بلاسنه صبر ایدرلر • المده دنیا لغی چوق اولنلره نظر
ایتمزلر کندو حاللرینه شاکرلردر دائم شکر ایدرلر • خصوصا عموما روم ایلی
ولایتنه شیخ الاسلام تعیین اولنان فخر الفضلا الواذ فقیه • زبده علمایه
رعایت ایدوب کوزلیه سن • علماء عظام ورثة الانبیادر • کمال لطف وشفقتله
مرعی ومحمی طوتب • ابقاء دین مبین • واجراء شرع متین انلرك وجود شریفلری
وانفاس لطیفلری برکاتنده بلوب لحوم العلماء مسمومة مقتضاسنجه خاطر عاطر
لرین رنجیده ایتمکدن بغایت حذر ایده سن • وسپاه طائفه سنه وظیفه
احسان ابوابن کشاده قلوب افراط وتفریطدن احتراز ایدوب • سپاه اولادی
کسنه لردن مناصبی منع • ویا انلردن مقابله ده برحبه الدرمیه سن • اولیه که
المبی دخی جواز کوسترمه سن • وعسکر امرنده اقدام واهتمام ایده سن • بکیدیکك بهادر
وقلیجك کسکین طوته سن • وانلك یرکرکین بسلیه سن ونعمتك مبذول ایدوب
دائما مروت واحسانی ایتمکدن خالی اولمیه سن • وقلیجکله فتح اولنان ولایتك محصولی

خرجه وفا ايلمزدبو بحضور اولميه سن ضرورت واقع اولدقجه بو جانبه اعلام
ايله بزده اولان دريغ اولنمز ممكن اولديغي قدر كوندريلور ودخي اقدام ايدلوكه
سلانيك قلعه سن فتح ايده سن وكفار مملكتني اوله كه دائما احراق باتش اد
ايده سن وبو جانبه كلان مكتوبلركده بعض قرى وقف ايلمك مراد ايدنوب
سند نصكره اولادكه رعايت اولنمغيچون حكم شريف رجا ايلمش سن امدي
فتح ايلدكك ولايتلرده نه قدر وقف ايدرسك والله العظيم وتالله الكريم
مقبولدر واولادكه رعايت باشم اوزرينه بندن صكره دولت عثمانيه
بنم اولادمدن هر كيمه ميسر اولورسه سكا وسنك اولادكه رعايت ايتمزسه
عليهم لعنة الله والملائكة والناس اجمعين ويارين قيامت كوننده ديوان محشرده
دعوجي اولورم خصومت ايدرين وبو خصوصلرده خاطركزه شبهه كتورميه سن
همان حق تعالى حضرتلري اوغورك آجق وقليجك كسكين ايدوب اعداي
دين اوزرينه دائما غالب ومظفر ايليه ودائما حضور قلب ايله عون الهي
ومعجزات رسالت پناهي تأييدي ده حاضر وغائب ايرلرك ظاهر وباطن
همتلري بنم خير دعام ايله معا كنديكه بدرقه وقفادار ملاحظه ايليوب
ادعوني تضرعا وخفية كلمات طيباتني دوش وكردنكز حمائل صالوب حسبي الله
ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير ذكرني تكرار وتذكار ايدرقلبه دن ودوام دولتم
بقاسنه دعا اتمكدن خالي وذاهل اولميوب مساعي جميله ظهوره كتوروب
خدمات لازمه ده قيام كوستره سن شويله بيله سن علامت شريفه اعتماد
قيله سن وكسدوم. تحريرا في اوائل شهر شوال سنه ثمان وثمانين وسبعمائة

سلطان مرادخان شهزاده يلدرم خانك تاقلي يعقوب كرمان اوغلنه يازديغي نامه دور

بجناب عالي مآب مكرم حاوي فنون المحامد ومحاسن الشيم عضد الملوك والسلاطين
خلاصة الملوك والسلاطين اعدل الحكام والخواقين زيدت دولته تحيات عنبر بار
وتسليمات مهر نشار متحف ومهدي داشته همواره مشتاق حضرت شناسند
ملاقات بروجه احسن مقدر باد بعده مخفي نباشد كه ناقل صحيفه ثنا
مولانا مصلح الدين موسى را بجهت مهم محمود الابتداء مسعود الانتهاء فرستاده
مهري برسم نشانات ارسال رفت تا كه وظيفه اذكار وصلت وطريقه از مراسم
صداقت نهان نمانده شرط الفت والتيام قرابت را باتمام رسانند اميد از
لطف الهي انكه زنبور اين انعقاد وزيب اين اتحاد حريم انس وملاصقت ودر رياض
حدائق محبت را رشك نگارخانه ارژنگ ساخته آيينه بهجتي از ژنگ
كدورت مواقع منجلي كرداناد انشاء الله تعالى همچنين دهان غنچه آمال بتبسم وزبان عندليب امال بترنم باد رب العباد

بخوبتر

الجواب

در حضرت بارفعت وجناب جنت حضرت قاتع جيوش الموحدين وقامع
ابنية الكفرة والمشركين فخر الملوك والسلاطين غياث الدولة والدين
مغيث الاسلام والمسلمين نشر الله درر معاليه على صفحات الايام وبسط
اوتاد دولته بالخلود والدوام تحيت مشتاق سلامي كه اخلاص همراه ودعا
همعنان اوست رسانيده مي آيد وثنايي كه قبول قافيه واستجابت رديف
اوست كفته مي شود تحنن وتشوق جون مكارم آن حضرت متجاوز الحدود
والغايات است توفيق تلاقي بروفق مرام بمحمد واله وصحبه الكرام ميسر باد
بعده اعلام راي عالي ميرود كه چون قديما در ما بين حقوق مؤكد بود حقوق
محبت ولحالة هذه خدمت ملك الامراء والاعاظم مستجمع جميع المجد
والمعالي والمكارم طوق دار زمان افتخار جهان جلبي كوركان زيدت دولته
باظهار اتحاد عمدة الخواص جمال الدين اسحق فقيه را فرستاده شد كلمة
چند درباب مصالح دولتين واتفاق جانبين نموده است مشار اليه را
بخدمت افتخار الاصحاب عمدة اولي الالباب جامع فنون الاداب مراد بك را
مصحوب كرده روانه جناب جنت مآب ساخته شد جهت صلاح ذات
كه ان شاء الله بعد اليوم روز بروز محبت ومصادقت فزوده سلطان ان وندا
خداي عز وجل در مهد امان بفراغت حال روزكار كذرانند بواقي تحميدات
را مذكور عند الحضور بالعز والسرور ايراد نمايد زياده اطناب نرفت
هميشه آفتاب دولت از مشرق سعادت طالع باد بمنه ويمنه

سلطان مراد قرالحصد قده بو نامه يي قرمان اوغلنه كوندرمشدر

بجناب بزركوار نوبين اعظم مالك رقاب الامم افتخار خواقين الترك
والعرب والعجم اعدل الملوك والسلاطين المعظم حامي حوزة الاسلام
ماحي رسوم البدع عن صحايف الايام كاسر اعناق المتمردين ناصر الحق
والدين المخصوص بانواع عنايات رب العالمين حضرت برادر كامران وكامبين
لازالت شموس الوية طالعة من مشارق نصرته البيضاء ومابرحت بدور
اسنة افلة في مغارب صدور الاعداء تحياتي كه چون همت بلند پايه ارباب
دولت جهانگير وغزا وتسليماتي كه مانند دولت مهر پيرايه اصحاب سعادت
منير وملك آرا باشد اتحاف واهدا داشته همواره خواهان صحبت فلك
رتبت شناسند نيل آن مطلوب بطريقه مرغوب مقدر وميسر كرداد
بلطفه وكرمه بعده چون مخلص قديم بنص قرآن عظيم قاتلوا الذين
لا يؤمنون بالله واليوم الاخر عمل نموده از فريضه غزو وجهادكا وبيكار

خانی نکشته • واکثر زمان زمین شورهٔ قتال را از دماء اهل ضلال • لاله زار
مینماییم • واغلب اوان کمین مکورهٔ قرار بد فعال را بنوك پیکان خدنك ابطال
برخار میکنیم • ودمبدم تشنکان بوادی کفر را از زدرنیزه زهرات بیچشانیم •
ولحظه بلحظه متحیران تیه غرور را بجرب زبانی تیغ تیز وخنجر خونریز •
سربخاك مذلت فرود می آوریم • ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل
العظیم • خصوصا که از هنکام طلوع صبح بتاشیر دولت روز افزون • پای
ارادت از مقر سلطنت بیرون نهاده وبا جمیع عساکر منصوره از معبر
کلیبولی بجانب روم ایلی عبور کرده • وتا شهر ادرنه که معظم بلاد آن مرز وبوم
است با بیشتری از قلاع وبقاع که در حوالی قسطنطنیه موانع مرور مجا
هدین بود • بتوفیق الله مسخر ساخته • هیچ وقتی نیست که فتح بابی از کنجی
غیب بوجوه اهل غزا نصرهم الله واقع نمیشود • وهیچ ساعتی نیست که رایات
منصور امرا ایدهم الله بنسیم ظفر جلوه کر نمیکردد • اسباب مراد بتوفیق رب
العباد آماده • وتخم اهل فساد از بیخ بر افتاده • چهرهٔ این ممالك بعنایة
الرب الملك از غبار فتن ومهالك زدوده • وشمکاه این مسالك در مهد امن
وامان روی ممالك غنوده • وازین جانب را خبر اشتیاق خدمت بر بهجت محتاج
الیه نیست • لکن درین چند اوقات تاخیری در مراسلت واقع کشته • از اهل
برخورداری نمایند بلکه از کثرت اشتغال بر لوازم سد ثغور ودفع اهل
شرك وفجور بوده • حالا که بعبا من توفیق الهی سالما وغانما بدار الخلافه
رجوع نمودیم • این مسرت نامه را مصحوب عمدة الاعیان فرجه زعیم که
از مقربان قدیمست • ارسال رفت • تا در وقت سریر بوسی خدمات لازم
التقریر والاداء بر وجه ادب • بتقدیم رسانیده معروض دارد • انشاء الله
وآن مفاوضه در غرهٔ شهر ربیع الثانی سنه سبع وستین وسبعمائه
در مقام بروسا بقلم آمد • والحمد لله وحده والصلوة علی نبیه محمد الذی
لا نبی بعده وعلی آله واصحابه اجمعین وسلم تسلیما دائما ابدا الی یوم الدین •

الجواب

بجناب رفیع حضرت جنت حضرت ارم نضرت • خداوندکار معظم ونامدار
مفخم شهریار خصم شکار • ودیندار کامکار شهنشاه آفاق • محرز المفاخر بالاستحقاق
رافع الویة العدل والانصاف • هادم قواعد الجور والاجحاف • افتخار الملوك
والسلاطین • ناصر الغزاة والمجاهدین • المؤید بتأیید خالق السموات والارضین
غیاث الدنیا والدین • مراد را اعظم کامران • اعز الله تعالی انصاره وعسکر

اعصاره

اعصاره سلام وتحایای معطر بلطایف مصادقات واتحاد • ومنبی بفوایح
مصالحت واعتضاد مرسوم بصدق وصفا • ومرقوم بکمال لطف ووفا •
منزه از شوایب ریب وریا • وموشح باخلاص ودعاء در صبح ومسا ابلاغ
واتحاف کردانیده شد • شوق واشتیاق که متاع نهانخانهٔ ضمیرست • در ادات
نصاب نیست که بارقام اقلام مندرج کردد • اسباب ملاقات بر وجه احسن
میسر ومقدر باد • انه میسر الآمال • بعد هذا بر ضمیر منیر مهر تنویر مشتری
تدبیر که فی الحقیقه جام جهان نمای از آن کنایتست • پوشیده مستور نماند که
مدت مدید • وعهد بعید بود که • از آن جناب نعم المآب • ادام الله وابقاه •
پیام ومکتوبی نرسیده • اصلا از اخبار سلامتی ذات همایون این محب
مودت • مقرون را خبر • وآکاهی نفرموده • مانع از کثرت عیش وحضور
ووفرت نشاط وحبور می پنداشتیم که ناکاه کل مراد شکفته اخص الخواص
فرجه زعیم بجناب کریم در رسید • وانجمن مخلصان را بخوش ادایی ونغمه زدایی
چون بلبل هزار دستان • رشك ریاض جنان ساخت وموجب انشراح
خاطر محبان کشت • وبرفاقت او بجهت افتتاح ابواب مصادقت • سید
الصدور والاشراف امیر عبد الله را فرستاده شد که • سلسلهٔ موالات
قدیمی را کماکان سلسله داشته • وانچه در مرآت وداد مشهود ضمیر جانبین
است بالمعاینه ملاحظه نمود • وسواد دایرهٔ انعکاس روحانی بیرون
نکرده • یوما فیوما همت تزاید وداد مصروف دارند • وهمواره از سوانح
حالات اعلام فرموده دقیقه فرو نکذارند تا بکنه اطوار خداوندی صاحب
وقوف کشته • بعنایة الله تعالی طریقهٔ یکجهتی وجانسپاری سلوك ومسلوك
دارد • بواقی حکایات از زبدهٔ مشار الیه بمسامع علیه خواهد رسید • انشاء الله
تعالی همیشه نیل امانی بر وجه کامرانی جاری • ویوسف عمر جوانی با زلیخای
زندکانی در عیش یاری باد • فهو المراد •

سلطان مراد غازی اوبش پادشاهی کوندردیکی فتح نامه در

طلوع نهار کامرانی • ورجوع بهار شادمانی • اعنی فرمان امان جهان مطاع
وطغرای عالم آرای واجب الاقتداء والاتباع • که از بارکاه اقالیم پناه •
ارم نضرت نصرت دستکاه • حضرت خداوندکار جهانبانان پادشاه ملك نژاد
شهنشاه فرشته نهاد • قهرمان فرمان فرمای جهان ستان ممالك کشای
فریدون فر آسمان تخت رستم دل اقالیم کیر • قاآن قدر قدرت وقضا مکنت
خاقان سلیمان مملکت • انوشروان معدلت • سلطان سلاطین العرب والعجم
مالك رقاب خواقین الامم • مظفر الدولة والدنیا • ظل الله فی العالمین •

محض لطف المنان حضرت اویس شاه کامران خلد الله سلطانه واوضح علی العالمین
برهانه مانند همای همایون بال از آسمان عز و جلال نازل شده باین مخلص
آن خدایگان جهان نازل گشت زبان بمدح و ثنای ورودان بگشاد و چهرهٔ
آمال و امانی از موردان فهرست کتاب کامرانی فذلك حیات جاودانی
مورد شد باوامر و نواهی انکه جهانیان بدان مفتخر و مباهی قیام نموده اند
امداد افتخار و مواد استظهار تضاعف پذیرفت و رود مضاعف اخلاص
دولتخواهی و صدور متضاعف اختصاص و دلخواهی از تنسیم آن نسیم کند
باللیل اذا ادبر والصبح اذا اسفر مرتب داشته از حضرت واجب الوجود
مزید عمر و دوام جلال میطلبد و ثبات حشمت و تأبید بخت میخواهد
اجابت قرین و خلیف و قبول قاید و ردیف باد این عبودیت و دستبور
باخلاص مأنوس و تعبد از وصمت ریا محروس فی العشر الثانی من رمضان
عمت میامن برکاته در رقم قلم آورد و برای جهان آرای شهریاری که
یك ذره ز نور رش افتابست عرضه میدارد که اگرچه بواسطهٔ انسداد
طرق از مغولان و تعذر عبور رسولان کسی که لایق عتبه بوسی آن
حضرت جنت حضرت باشد تا بدین غایت فرستاده نشد اما همیشه
صورت فاتحهٔ اخلاص در همه اوقات و ساعات بر دفتر طاعات
و دیوان عبادات می نگاشت درین وقت وصول سید الامراء والاکابر
حاوی المحامد والمفاخر جامع المناقب والمآثر جلال الدولة والدین
دولی بك زید قدره را موجب شرف روزگار و سبب تضاعف مباهات
و افتخار دانسته خدمت حامل عبودیت و دعا مولانای عظام و مرتضای
افخم ملك السادات والاشراف افتخار العبد مناف شمس الدولة والحق
والدین دامت فضائله کما طابت شمائله را مصحوب خدمتش کرده و فرستاد
چون بعتبه بوسی ثواب ابواب پادشاهی مشرف گردد شفاهانی که متحمل
است بعز عرض رساند امید واثق و رجا صادق که مشار الیه را بزودی
باز گردانند در سوانح مهمات برجوع خدمات و عبودیات و اشارات کثیره
بندگان را از بنده نوازی سرافرازی بخشند بعد الیوم نطاق طاعت
بقدر طاقت بر میان جان بندد بیت کمر بندگی بجان بندد جان
کمر وار بر میان بندد ارکان دولت و حشمت مشید و بنیان سلطنت و عظمت
ممهد بحق الحق و برسبیل اخلاص در صحبت مشار الیه برسم پیشکش ارسال
کرده شد یك نفر خادم و غلام امرد رومی ده نفر چوقای سرخ اوج قطعه
امید هست که در محل قبول افتد

الجواب

ترشیح نهال اخلاص و تفتیح ابواب اختصاص و تبث معتقدات محبت
و نشر مبادی مودت و ترتیب اسباب و بسط لوازم وداد که از عادات
حسنهٔ ملوك ماضیه و رسوم مستحسنهٔ سلاطین سالفه است مجددا
بظهور آورده مصحوب فخر السادات والاکابر شمس الدولة والدین
افاض الله علینا برکاته و رفع درجاته بادفاقت مردم این جانب قدوة
الامراء الکرام دولی بك زید مجده رسیدند و نامهٔ عنبر باد عبیر نثار را
ابراز کرده مجلس سامی را نمونهٔ از خلد برین معطر و معنبر گردانیدند
و دیوانیان و گماشتگان قورلتای عدالت بنیان را افتخار و استظهار فزود
علی ملاهم دبیر عطارد سریر از روی ادب باز کرده من اوله الی آخره
برخوانند و بسمع ادانی و اقاصی مضمون ملاطفت مشحون را در رسانید
و چون دوستی همگنان بر عالم و عالمیان سمت وضوح یافت و هدایای
منیفه که مؤکد اساس دوستی است بحسن قبول در پیوست ازین جانب
نیز اضعاف آن سلام و تحیاتی که شایستهٔ جنت نشان و اکرام و تسلیماتی
که بایستهٔ باب رفیع العنوان حضرت عالی رتبت معالی منزلت مملکت
پناه سلطنت دستگاه خداوند اعظم و خداوندگار معظم قدوة الملوك
والسلاطین عون الاسلام والمسلمین ظهیر الغزاة والمجاهدین حافظ بلاد الله
قاهر اعداء الله المؤید من عند الله خالق العباد ابو العز والنصر سلطان
مراد اعز الله انصاره و ضاعف اقتداره و ادام ایام عمره و اقباله و ابد
اعوام عزه و اجلاله باشد با قافلهٔ باد صبا و راحلهٔ صبح و صبا اتحاف
و اهدا داشته همواره احوال پرسان و وصلت جویانست ملاقات
صوری چون محبت معنوی بخیر و خوبی مرزوق بادا رؤف بالعباد
و بعرض چنان مسموع همایون گشت که بعد از جلوس سعادت مأنوس آن
خداوند بعضی از اعدای بدرای از راه مخالفت در آمده خالی از گستاخی
نبوده اند و اکنون تا مادهٔ فساد حاکم قرامان شده و بتوبیخ ایشان ممنوع
نمی گشته بنا بران ازین جانب یرلیغ قضا جریان خاصه بنام او شرف
نفاذ یافته با یکی از مقربان ارسال نموده فرموده ایم که بر موجب عهود
سابقه که او را با والد بزرگوار آن عالی تبار نور الله مضجعه مستحکم
بوده عمل کند خلاف آن ننوید و نوعی ننماید که موجب فرصت کفار خاکسار
کرده ترقب از آن جناب سلطنت مآب نیز آنست که دائما بحکام همجوار
از روی ملایمت حسن التفات دریغ نداشته تا قادر ند بتسخیر

ممالك مشركين • ودفع احزاب متمردين كوشيده • روز بروز قدم فرا پيشتر
زياده بتوفيق الله الملك الكريم • آنه نواحى واضم اقاليم دين نمايد • وآنه رؤف
رحيم • ودائما انسايم فتوحات رابعشام جان رسانيم كلشن جنان سارا
باتصال غبار شكبار مطاياى غزاة نصرت شعار خوشبوى ومنجر سازند
وهر جه عائى كه داشته باشند على التفصيل اعلام بخشند • تا مراسم ارتباط ايد
واسعاد بجاى آورده • بحسنات فايض البركات فايز كردد • وبحال الله تعالى
يك قطار شترى كران بار • از اقمشه متنوعه ابن ديار • با چند عدد
خالى • ويك باب خيمه ديوانى مع سايبانش • بر موجب مفصل مصحوب
زبدة المقربين خورشيد نوبين • در رفقت سلامته وزين قدره كه با رفاقت
سيد مشار اليه روانه شده اند ارسال رفت • در محل عرض قبول فرموده
صرف خلع غزاة عالى درجات نمايند • وسوغات وپيلك يك نوعيه
ديكر بجهت خاصه عليه از مشار اليه باز طلبند وهر چه از مشار اليه التماسات
سپارش شده ايشانرا مصدق دارند • وسيد مشار اليه را بزيادتى
منصبى كه موجب تفاخر او باشد • قدر ورتبه زياده نمايند كه بسيار خوش
خلق وواجب الرعايه است • ورسول فتح وصول اين جانب را بزودى
اجازت دهند تا از احوال ايشان خبير وآكاه باشيم • زياده اطناب برفت
اطناب خيام دولت وسعادت باوتاد حشمت ورفعت ومخلد ومستحكم
باد • كتب بالامر العالى اعلى الله شانه فى اول اول الربيعين • سنه ثلث
وستين وسبعمائه من الهجرة النبوية على واضعها السلام والتحية بدار السلطنة تبريز

سلطان مراد خان عجم شاهى سلطان اويسه كوندرديكى محروسه
ادرنه فتحنامه سيدر

الحمد لله الذى رفع اعلام الاسلام بنصرة عباده المؤمنين • ونصب دعايم
الايمان لاظهار كلمة الحق المبين • وفتح علينا ابواب النصر والظفر لكسر احزاب
الكفرة والمشركين • والصلوة على سيد الانبياء محمد المصطفى الامين • وعلى
آله وصحبه الذين اتبعوا شرايع الدين • حمد وسپاس ثنا وبى قياس حضرت
ربوبيت راكه بلمعات بارقه تيغ اهل ايمان • ظلمات كفر وشرك را از روى
زمين زايل كردانيد • وبآثار براهين ساطعه • در احتجاج مهملات
كفار ملاعين را باطل كرد • وطراز رايت ظفر غايت مؤمنان را بر رقم
نصر من الله وفتح قريب • اهتزاز وسرافرازى ارزانى داشت • وبيمن
قدوم رسول فتح رسوم زبدة المقربين خورشيد نوبين زيد قدره •
ووصول كتاب دلكشا وخطاب عنبر افزا سلطنت مآبى ظل رحمانى اعلى همايون

خاقانى جالس اورنك ايلخانى صاحب تخت سليمانى بيت شهنشاه جهان
نوعين اعظم • اويس بن حسن سلطان عالم • بشت ازحضرتش معالم جنت
ابدالله تعالى ايام سلطنته وعظمته وشوكته كه موشح بتوشيح طبع كهرباز
ومرشح بترشيح كلك زرنكار • كروضة ناضرة عيونها جارية وجنة عالية
قطوفها دانية • ارسال فرموده بودند • بورود آن بشارتى دلكشا
ونصرتى فتح فزا از اطراف وجوانب روى نموده • اولا شهر ديموتقه راكه
بسى جاى فرحناك • وصحراى لطيف وكلكش پاكست • قدوة الامرا حاجى
ايلبكى زيد قدره تسخير كرده • وحاكم كفر نهاد آن جارا اسير كرده مقيد
ومحبوس بدر دولت پناه ما فرستاد • ومفخر الامرا اورنوس بيك دام عزه •
ديكر قلعه كشان را فتح نموده باغنايم بيشمار • به پايه سرير رفيع المقدار
رسيدند • وعلى الفور با قليم آندريه لعين بازمره موحدين نصرت برسباز
وفتح بريمين بنات همايون شتافتيم • ودشمن را در قلعه زار وزبون ساختيم
بتوفيق الله تعالى كليد فتحش را از نوك سنان • وضربت تيغ بى دريغ در قبضه
اقتدار يافتيم • الحمد لله الذى هدانا لهذا وما كنا لنهتدى لولا ان هدانا الله
واندريه لعين تكفور ان حصن حصين بود • بزورق در آمده وازنهر مريج بساحل
وخليج بحر كريزان شده • آثارش معلوم نشد • وآن زيبا شهر ورعنا مقام كه
بانهار ثلثه بجونه آرده ومريج وتونجه است • اهل اسلام بضرب صمصام
خون آشام كشاده • وبغنايم مالا كلام فايز كشته • در غرفات جوف
قصور دار كسلوم آرام نموده • ليل ونهار حمدا لله تعالى جنات تجرى
من تحتها الانهار كويان بمراسم شكر كذارى مشغولند • وشهرت آن بلده
متبركه على رغم آندريه باد رنه پذيرفت • وحكومتش را از مخصوصان صداقت
آيين • ملك الامرا لالا شاهين • زيدت ايام اقباله تعيين نمود • خود بعز
وشكوه ولشكر انبوه بمقام بروسا عودت كنان رسيده • نذور ومدنى
بمستحقان رسانيد واين موهبت نامه را با بلوكات ومتنوعات لايق •
با رفاقت رسول مزبور آن سلطنت پناه • عمدة الاعيان طورخان بيك
دام عزه ارسال رفت كه چون بشرف بساطبوسى مشرف كردد • چنانچه آيين
دينداريست • بزودى در بشاشت فزوده زمره اهل ايمان را باعلان اين مژده
مسرت عنوان خوشحال وشادمان فرمايند كه بالجمله از توجه همت آن عالى
نهمت • حرر فى اوائل شهر ذى القعدة الحرام سنه ثلث وستين وسبعمائه بمقام بروسا

الجواب

هر سعادت كه در خزانه غيب لا هوتى مكتومست • وهر سيادت كه در ديوان

شهادت ناموسی موسوم قرین دولت روزافزون • ورفیق حرکت وسکون
حضرت خدایکان آفاق • پادشاه بالاستحقاق مهراوج شاهی محض لطف
الهی • ملاذ ارباب غزا وجهاد عضد الدولة والدین سلطان مراد • خلدت
مملکته وابد دولته باد • بمحمد واله وصحبه الامجاد قطعه بدریدر
خسرو شهریار • همه شیرگیر وهمه شهردار • جهان گیر وکشورکشا باب
همه • شهنشاه وقلعه ستانان همه • والحمد لله علی نعمائه که درین ولا مکتوب
ظفر عنوان • باقاصد مسرت نشان عمدة الاعیان • میرطورخان اعاده الله
بالخیر والامان • دررسیده ومژدهٔ فتوح تازه غنایم بی اندازه بگوش
هوش اسلامیان دررسانید • وصماخ عالمیان را از صدای مسرت نمای
مملو گردانید • وخطهٔ آذربیجان بل تمکنان ممالک ایران وتوران خوشحال
ومرفه البال گردانید • واین خواه نیز باجملهٔ حکام ایلخانی مسرور وشادمان
شکر الهی بجای آورده • امید که جمیع بلاد ونواحی مشرکان • وقری
ومواضع کافران بی امان • چون دار النصار ادرنه وبلدهٔ دیمتوقه وقلعهٔ گستان
بعنایة الملک المنان مسخر ومفتوح گشته فرصت ونصرت مرزوق حضرت
گردد • بمنه وکرمه • ورسول مشار الیه را بانواع رعایت بهره مند ساخته
بعد از قرائن مجلس خاصه با بعض سفارشها رخصت داده • وسوغاتی
وبلوکات لایقه حسب المفصل بمشار الیه تسلیم نموده وتا سرحد گرجی
همراه ساخته که بصحت وسلامتی بامراد مرزوبوم • از سمت اخلاط وارزن
الروم • دررسانند وچون بصحت وصول یابد • بالجمله احوال را از مشار الیه
استفسار کنند که ان شاء الله تعالی مابین علی التعاقب ایلچی دیگر خواهیم فرستاد

بیت چون عنایت زحق رفیق تو شد • خود سعادت همیشه دراز بست

کتب بالامر العالی اعلی الله شانه فی اوائل جمادی الاولی سنة اربع وستین وسبعمائة دریلاق ارجان

سلطان مراد خانه ادرنه فتحندن صکره فلبه وزغره وکوملجنه
فتح ایلدکده قرامان اوغلی کوندردیکی مکتوب صورتیدر

الحمد لله اولا واخرا • ولله الحمد علی نعمه المتوالیة المتواترة باطنا وظاهرا والصلوة
علی رسوله المصطفی وحبیبه المجتبی ابدا دائما • وعلی اله وعترته الطاهرین
وصحبه اجمعین الی یوم الدین • شکر وسپاس کریم ذو الجلال را که بلطف بیغایت
قلوب اهل ایمان را شاد وخرم گردانید • ودرین عهد شریف وروزگار
مسرت اثار • بسعی واقدام عساکر نصرت انجام حضرت خداوندگار نامدار
وبرگزیدهٔ خلیفه آفریده کار قاتل الکفار قامع الفجار فاتح البلاد
والامصار • ظل الله فی الارضین • کاردفرمای خواقین خدیو سلاطین • ناصر العباد

حضرت فلک منزلت سلطان مراد • نال من کل الوجوه الی ما یتمناه ویرجوه •
دیار اسلام را متزاید ومتضاعف گردانید ودرعقب فتح ادرنه شهرهای فلبه
وزغره وکوملجنه را نیز مسخر کرده • وکفره وفجره را از آن دیار مهجور ساخته
ودور نموده • وظلمت کفر وچرک شرک را از آن نواحی بباد قهر تیغ درخشان
وصابون نعل سمندان زدوده وپاک گردانیده • وکلیسیهای ایشان را مساجد
وجوامع اتخاذ کرده • وبجای صدای ناقوس منحوس آوازهٔ اذان وکلمات
محمدی بمسامع قدوسیان دررسانیده • غزاه مسلمین سالمین وغانمین
گشته اند الحمد لله که این توفیقات • در ایام همایون از لطف خالق بیچون
دست داده • احباء دولت مسرور • واعدای حضرت مقهور گشته • ما نیز
شادمان وخرم شدیم • وبجمله متمکنان ولایت یونان بدعاء ابد پیوند
اشتغال کرده • ودر نشاط وطرب فزودیم • ودارندهٔ رقعه موالات
فخر السادات سید معز الدین را بجهت این تهنیه بهنیه ارسال کرده ورساله
هدایا را علیحده نوشته است که بعز عرض رسانند • باقی مشافهات بتقریر
وحواله رفته است • همواره فتوحات تازه • ونصرتهای بی اندازه • قرین
رکاب ظفر انتساب سلطانی باد • بحق محمد واله وصحبه الامجاد •

الجواب

مکتوب مرغوب محبت اسلوب • که از جانب حکومت نصاب دولت
آیاب • رافع رایات الشوکة تالی آیات العزة ظهیر الدولة برادرم
کاسبین • ادام الله ایام عزه واقباله الی یوم الدین • مصحوب فخر السادات
سید معز الدین • زید مجده • در اشرف ساعات رسید • ومضمون ملاطفت
مشحونش که مشعر بود بشادمانی وسرور آن حضرت • از تیسیر فتوحات
غیبیه • ومواهب لاریبیه که بعد از فتح ادرنه ضبط وتسخیر بلاد فلبه
وزغره وکوملجنه وحصول غنایم بعساکر اسلام معلوم ومفهوم گشت •
ودر باب دوستی رسم یکجهتی را بدرجهٔ تحقیق رسانیده اخلاص اثباترا بوضوح
پیوست • ومخفی نیست که غرض از سلطنت چند روزه • ملاحظهٔ عرض عامهٔ
مؤمنین وسعی واجتهاد توسیع وازدیاد ملک دینست وکرنه دردیار مملکت
ورعیت بحسب وجود هیچ فرق نیست • وحضرت حق جل وعلا شرف خلافت
را باخص عباد وجود بجهت همین ارزانی داشته است که از بار این امانت
گران خود را کنار نکشند • زحمت خویشتن را برای فراغت مجرم • فخر روزگار
خود دانند • ویعلم الله وکفی به شهیدا که از هنگام جلوس سعادت مانوس
تا الحال بلحظه ویک لمحه آرام نکرده بروز وشب بغزو وجهاد میکوشیم

الحمد لله الذی لم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا حمد وسپاس بی حد وقیاس اول
مالک الملک لایزال وخداوند متعال جل جلاله وانه عن
درک الاوهام والخیال وتعالی کمال صفاته عن وصمة التحول
والانتقال ورکانه خلق ونشر ارکه بحکم وجعل فیکم
انبیاء وجعلکم ملوکا واتیکم ما لم یؤت احدا من العالمین
...

ودروع سابغات برای فراغ بال مسلمانان می پوشیم • پس هر کرد دعای نصرت
ماکند • هرانیه فاینم اورا خواید بود وازسرچشمهٔ • سمع الله لمن دعا سیراب
وریان خواهد کشت • دیکر زبانی اعلام نموده بودند که ملك الامرا حلب •
بتحریك سلاطین مصر شامیان را بفتنه وفساد ترغیب میکرده اند • باکی نیست
قال علیه الصلوة والسلام • الفتنة نائمة لعن الله من ایقظها • اکرفی الحقیقه
شورش وفساد ایشان محقق است • بعنایة الله تعالی ما نیز مقدور خود دریغ
نخواهیم کرد ولا بمکالمات اراجیف • العیاذ بالله • خود بادی امر خطیر
چکونه شویم • هرچه بعد ازین واقع شود باده عمل خواهیم نمود • باقی
حالات را از سید شا رالیه • معلوم خواهند نمود • والسلام • حرر فی اوایل
رجب المرجب سنه اربع وستین وسبعمائه •
بمقام بروسا

سلطان مراد خانه ادرنه فتحنده جانب خاندن کوندردوکی مکتوبدر

الله سبحانه وتعالی • سایهٔ عاطفت ومعدلت سلطان اعظم • مالك رقاب
الامم • باسط الامن والامان ناشر العدل والاحسان • محرز ممالك الدنیا مظهر
کلمة الله العلیا • المظفر علی الاعداء المنصور بنصرة خالق الارض والسماء •
سلطان الغزاة والمجاهدین ظل الله فی الارضین • غیاث الاسلام والمسلمین
اسوة الملوك والسلاطین • المؤید من عند الله الملك المعین خداوندکار
غازی سلطان مراد عالی نژاد کامکار ورا کا بین خلد الله ملکه وسلطانه
وافاض علی العالمین لطفه واحسانه • راحت استظهار عالمیان باینده
ومستدام داراد • این بندهٔ صادق الاخلاص بیت انکر تا بود بود بندهٔ
تو • وانکه تا باشد اینچنین باشد • بعد از تقدیم عبودیت واختصاص
معروض میکرداند که • آناء اللیل واطراف النهار • بو ظیفهٔ دعاکوئی دوام
دولت • قیام مینماید مصرع خود همین کار کند هر که مسلمان باشد • آشتیاق
بشرف پای بوس حضرت سلطنت شعاری • غایت ونهایت ندارد • مسبب
الاسباب • تعالی وتقدس سبب فوز آن سعادت را بخیر وخوبی محصل کرداناد
بمنه وجوده • وحالیا که امیر اعظم اعقل زبدة حجاج الحرمین ولدیك تشریف
داد • وفتح نامهٔ مسرت فزا با انعامات وعطایاء در رسانید • ومواهب
لاحقه باحسانات لایقه منضم کشت • و بحکم الشکر یزید النعم نسبت
باحوال خیر مآل بندکی سمت وضوح یافت • و بشارت فتح فال را کشوده علی
رؤس المنابر والاشهاد خواندیم • انچه مندرج بود • متعاقب فتح ادرنه تسخیر
قلعه وزغره وکوملجنه • بتوفیق الله میسر کشته • باعث سرور جمهور امت
عالی نهمت محمدی شد • همیشه از اقلیم کشای وملك ارای خالی نباشد •

دیرد

ونمودند که میل شریف جهانبانی ظل رحمانی • بان تصمیم یافته که بجهت زیادتی
توغل بامر غزا دار النصر ادرنه را مقر خلافت نمایند • بارك الله لنا ولکم
ولکافة المسلمین کویا بالهام ربانی وفیض سبحانی واقع شده • چه اثرهای
خیرات یوما فیوما بوضوح خواهد رسید • ان شاء الله تعالی • وبعض تعللی که
در خدمات همایون واقع شده بود • بسبب • الامور مرهونة باوقاتها •
بوده باشد که عن قریب برحب اشارات آن خداوندکار رفیع الدرجات بالجمله
صورت پذیر کردد • توقع از الطاف بی دریغ که شامل حال عالمیانست انکه
این بندهٔ کمینه را از سایر بندکان مما ذکرد بندهٔ بیت کمری در میان جان
بسته • جان کروار برمیان بسته • ماموراً مر عالی شناسند • وهر خدمتی که
بوده باشد • وظیفهٔ جان سپاری بتقدیم خواهد رسانید • بواقی اخبار
وعرضه داشت مرجوع بمشافهة عمدة الخواص • سلالة الاکابر امیر خلف
زید مجده است که درپایهٔ سریر تقریر کند • سایهٔ سعادتش باستظهار
جمیع بندکان خصوصا این چاکر دیرینه مبسوط وممتد باد • بالنون والصاد

الجواب

نامهٔ بهجت فزا • وختامهٔ عنبر بوی وروح افزا • که از جناب ایالت مآب •
مملکت نصاب • یمن کدولة جانبك خان کامیاب • زبدة ایام دولته
بازبدة الاحباب • امیر خلف اعاده الله بالخیر • در بهترین اوقات وخوشترین
ساعات در رسید • ومجلس سامی را رونق فزود • وآنچه مندرج بود •
از حصول بهجت وشادمانی جناب ایالت مآبی • از تیسیر فتوح غیر متناهی
بتوفیق آلهی • بسبب این جانب • وتخت بخت همایون برافراشتن در دار
النصر ادرنه • حمیت عن الافات والبلیه • وتخم معدلت کاشتن در ان
سرزمین لطیف • ورسیدن حدود اسلام نیز در یکی بلاد لاسن وتسخیر
قلعه وزغره وکوملجنه • وبهبودی احوال اسلامیان بدلخواه دوستان •
وانکسار وخاکسار شدن کافران • علیهم لعاین الله الی یوم القیام • وعرض
اشتیاق بجهتی وبیان اخلاص ودوستی بالجمله معلوم ومفهوم کشت •
ازین جانب نیز انواع نوازش شاهانه • وپرسش پادشاهانه فراحال خو
دانسته • هر مقصودی که دارند بعرض رسانند • تا پذیرفته کردد •
ان شاء الله تعالی • وقاصد مزبور را مرفه ومرعی مجاز فرمودیم • چون بحضور
رسد • باقی مشافهات از و معلوم ومفهوم کنند • والسلام • کتب بالامر العالی
اعلی الله شانه فی اواخر ذی الحجة سنه سبعین وسبعمائه • بمقام ادرنه

سلطان مراد خان حضرتنه قسطمونی حاکمی اسفندیار بکك یازدیغی مکتوبدر

برأی عالم آرای کمانشکان درگاه جهانگشای حضرت خلافت منقبت سکندر
مرتبت سلطان سلاطین الاسلام وخاقان خواقین الانام ملاذ الغزاة
والمجاهدین عون الاسلام والمسلمین المؤید بتأیید الملك الجواد معز الدولة
والدین خداوندگار عالم سلطان مراد لا زال وجوده للاسلام فخرا وجوده
للانام ذخرا معروض میدارد که درین وقت اخص الخواص زین حجاج الحرمین
حاجی قورتلش رزقت سلامته فی اسعد الساعات واین الاوقات واحسن
الحالات با طغرای همایون فرح فزای ومثال میمون ترح زدای در رسید
واخبار سلامتی ذات معلاء ومواصلت تختگاه سلطنت علیا وانتظام
امور دولت وبشارت فتوحات عز ونصرت رسانید ومجملاتی که
فرموده بودند بافصح اللسان وابلغ البیان کما ینبغی تقریر وایراد نمود
بهجت وجود ومسرت وسرور وشفاء لما فی الصدور بحوزه حصول
موصول گشت بدین بشارت شکر واجب الوجود گزارده شد وازانجهت
جهت که فتح لواء قسطنطین که بگوستندیل شهرت یافته میسر شده
وشهر سیروز وقواله ودرامه وزیخنه وقلعه بورلی واسکنه ومارولیه
باهتمام امرا اجناد وولاة عالی مسخر شده شادمانیها کردیم والمنة لله
الجنبین فرصت ونصرتها باهل اسلام میسر شد ودیار اهل ایمان متزاید
ومتضاعف گشت همواره عنایت سبحانی ومعاونت یزدانی معین
وناصر شده بر سر اعادی ومخالفان وبر طوایف کفار ومشرکان
منصور ومظفر باشند ایزد تعالی که در سایه ظل همایون کافه عالمیان
فارغ البال ومرفه الحال گشته رفاهیت خواهند یافت تا انقراض دوران
زایل نگرداناد ان شاء الله تعالی وچون عنایت وشفقت آن حضرت
بر سر عبد مخصوص واضح ولایحست درین صحبت زیادت ابرام وانبساط
رفت که تضاعف دولت کامرانی وتزاید مملکت وشادمانی بر دوام
باد این عبودیت نامه فی الیوم الثامن من شهر ربیع الاول سنه ست
وسبعین وسبعمایه عمر واقبال شاه افزون باد بالنبی واله الامجاد

الجواب

مهر اوج محبت ونجم برج مودت که از مشرق اقبال ومطلع اجلال جناب
اخوت منزلت فلك مرتبت ایالت مآب مملکت نصاب عدالت شعار نصفت
دثار مبارز الدولة والدین امیر اسفندیار کامکار زینت ایام دولته
واقباله تابان ودرخشان گشته بود بزم صفا را بنور رضیا فروز
وانجه ذره وشمه در صحیفه نهاری آن بارقام مشك فشان اندراج یافته

بشرف مطالعه پیوست وازاشعار سرور که ناشی از فتوحات مستوجب
الحبور شده کسب انبساط واکتساب نشاط نموده مضمونش را مقتبس
از سوره نورا نگاشته وازتأثیر قدوم لمعات ان شمس ضحا خبر تسخیر قره
فربه لیل ساست وضوح یافته الحمد لله الذی هدانا لهذا گویان محظوظ
ومسرور گشتیم وبا فزونی انچه ابلاغ یافته بود از جانب همایون تعظیم
سعادت تخمین مقرون حال خیر مآل خود دانسته هر التماسی که داشته باشند
بعز عرض رسانند تا بحصول در پیوندد باقی سپارشها ارزنده مثال
بیمثال اینال بیك مردم خویشتن معلوم حضرت خواهد شد کتب بالامر العالی
اعلی الله شانه فی اواخر شهر شعبان المعظم سنه ست وسبعین وسبعمایه بمقام درنه

سلطان مراد خان حضرتنه ایدین الروم حاکمندن گلان نامه در

بندگی وخاکساری وچاکری وجان سپاری خالی از خودفروشی وخویشتن
داری بعز عرض کمانشکان درگاه جهان مداری خلافت شعاری حضرت
خداوندگاری کامکاری الله یخلد ظلاله العالی باد رسانیده وبعد ادای مراسم خشوع
رسانیدم این کمینه دولتخواه که نهال هواداری حضرتش را در عرصه ضمیر
مغروس گردانیده است ساحه درگاه اسمان را بجاروب مژگان رفته
اناء اللیل واطراف النهار بوظایف بهروزی ومراسم ثنا اندوزی دوام
دولت وثبات رفعت شید الله قواعد ارکانها مواظبت ومداومت
مینماید بعز اجابت وشرف استجابت لاحق ومتصل باد بعد از عرض عبودیت
برای جهان ارای ارکان دولت اعز الله انصارهم اشعار میدارد که
چون درین وقت عمدة الفوارس ابراهیم را بشرف بساطبوسی ان حضرت
خداوندگاری معدلت شعاری خلد ظله السامی فرستاده شد واجب دید
خودرا مذکور خاطر فیاض گردانیدم در زمره دولتخواهان صادق الاخلاص
منخرط داشتن تا از کمال الطاف شاهانه دایما در گوشه ضمیر مندرج گردانیده
در سلك منسیات مثبت نفرمایند چه از ان اسمان معدلت واستان مکرمت
همان شمه لطف واحسان ملحوظ است تا جان در تن وروان در بدنست
وور جاده عبودیت واخلاص ثابت قدم وراسخ دم خواهد بودن بواقی
حالات را بمشافهه بان حضرت ایراد خواهد نمود برین موجب که تحقیق
وتعیین حاصل کرد که این بنده را دایما بما ندوت وحی گردان ومخاطبات
المهام اثار مشتمل بشرف یاد داشت وحسن التفات مفتخر ومباهی ومستظهر
ومستبشر خواهد فرمودن درین صحبت بزیادة املال رعونت داشته مأمول
عفوست که ابد الابدین سلکان روی زمین فرمانبردار دایر وزیر باد بمحمد واله وصحبه الامجاد

الجواب

خلف الامراء الكرام• مختار الكبراء الفخام• اعدل ولاة الانام• انجح حكام
الايام• بهدا رفرخ رسوم• ملك رسيد كدين حاكم ارزان الروم• ضاعف الله
قدره وشرح صدره• بعطاياى پناهانه ومواهب پادشاهانه مبتهج ومسرور
كشته بداندكه عرضه صداقت ايات عنبر نشيمن• از ذات رتبه صادق خوش
ادا وشيرين كلمات• تاج الدين ابراهيم زيد مجده• دربارك ساعات وايمن
اوقات دررسيد• از مضمون اخلاص سمات نش محظوظ كشته• مشافهات
بالجملة• معروض شد• بسمع رضا قبول واصغا فرموديم• ومذكور را بعد
از رعايت وشفقت مجاز كرده يك بوغچه از انواع خلع شاهانه بر موجب
مفصل خاصة بحرمت ذات حميدة الصفات ارسال نموديم• تا موجب
رسوخ اعتماد وتاكيد وداد دانسته• سبب مباهات وتفاخر روزكار
خود شمرد• وسوانح حالات را همواره معروض داشته• ملتمسات خويشتن
بدرجه قبول پيوسته شمارند• انشاالله تعالى كتب بالامر العالى اعلى الله شانه
في اوائل محرم الحرام سنه سبع وسبعين وسبعمائة• در خارج بروسه كه
نهضت هايون• بغزاى كفار سرف منعطف بود حامدا لله ومصليا على نبيه محمد عليه السلام

سلطان مرادخان غازى به حميد ايلى حاكمى حسين بكدن كلان عهودنامه در

اما بعد حمد لله ذى الانعام• والصلوة على نبيه المبعوث بافصح الكلام•
معلوم آن حضرت عليا ودركاه عظمى باشد كه چون خداى بيچون وچرا•
وافريدكار ربى نيازعز وعلا• بر موجب كنت كنزا مخفيا فاردت ان اعرف
عالم وبنى ادم رابيافريد• بجهت ارشاد بنى ادم• انبيا وكتب فرستاد تا اوامر
ونواهى احكام بر خلايق اجرا كردند• وعالميان را از ظلمات ضلالت بنور
هدايت راه نمودند• وهمچنين سلاطين را بر بسيط جهان قوت فرمان
فرمايى وقدرت كشوركشايى داد• تا بضبط امور جمهور قيام نمودند•
وهمچنين سلاطين را بوزيرناصح اجتبا واصطفا فرمود• كما قال عليه السلام
اذا اراد الله بالامير خيرا جعل له وزيرا صادقا ان نسى ذكره وان ذكر
اعانه تا باستظهار ورونما صحبت ومعاونت او عامه خلايق در سداد
وصلاح ورفاهيت باشند• وبارشاد ودلالت وتربيت واشارت وى هيچ
غيرا مستحق ممتاز باشد• ودرميان اهل وجهلا ومخلصان ومنافقان
فرقى بظهور رسد• وزين قاعده از ابتداء عالم الى يومنا هذا بترتيب
امور جهاندارى وتشييد مبانى شهريارى عنايت مساعى مبذول
داشتند• تا نوبت سلطنت نسلا بعد نسل بحداوندكار سليمان تحت•

519

پادشاه جوانبخت پر دولت رسيد• خلد الله سلطانه• لله الحمد والمنه• در زمان
سلطنت آن پادشاه عاليجاه• مجتبى بوزارت واصطفا بامارت حضرت
وزير اعظم پاشا ضوعف قدره تعيين يافته شد• زيرا در ذات شريفش
يمن نقيبت ورصانت عقل وثبات راى وعلو همت وكمال معدلت وصدق
معاهدت وشمول عدل ورافت ومحبت علم واشاعت حلم واحترام علما
واختيار فضلا وتربيت مخلصان وتقويت خواهان حاصلست• پس از حضرت
خداوندكار اعظم مرجوست كه كار ومهمات مارا هم بجناب وزير اعظم
سپارش كنند• تا چنانچه پاشاى مشار اليه را سزد كه بر سيرت سلف
صاحب دولتان ووزراء ماضيه اقتدا واقتفا كرده• در تدارك كار مخلصان
وتفحص حال مستحقان وتمشيت مصالح اهل دعا كوپادشاه بى ريا بعين رضا
وشفقت نظر فرمايد• وبواطن كلمات وغوامض سخنان اصحاب اغراض كه
صورت با حق وصدق تمويه ميكنند• اطلاع فرموده بسمع قبول ورضا
اصغا نفرمايند• تا سعادت اخروى بدولت دنيوى مقارنت كرده نتيجه
زيادتى كمال وتضاعف دولت باشد• امين يارب العالمين• اين داعى دولتخواه
ديرينه وبنده مخلص هواخواه كمينه• از اول دست عبوديت وصداقت واخلاص
بدامن دولت آن جناب عظمى زاده الله ليلا ونهارا بدعاء دوام دولت ومزيد
حشمت مشغول شاغل بود• بنا بر آن ايلچى كمينه مخلص خواست كه دعوات
موظفه را مشافهه نيز تقرير وبيان كند• نزديك دوساله است كه
باستانه معدلت روى خدمت نهاده• انچه وظيفه خدمت وملازمت
سفرا وحضرا بقدر الوسع والطاقه تقديم كرده• ودعاى وثناى آن حضرت
عليا غيبة وحضورا بجاى اورده• وبا ادب وآب روى زندگانى كرده•
باميد انكه از حضرت خداوندكار جهان پناه عنايتى وشفقتى ومرحمتى
وتربيتى بوجود آيد• ودرين ميان حضرت پادشاه را معلومست كه خرج بسيار
واخراجات بى شمار واقع شده است• ودايما شفقت وعنايت شاهانه
درباره اين بنده فايض بوده• حال نيز بيشتر از اولست ليكن يكدودفعه كه
واجب العرض ارسال رفت وجوابى معلوم نشد• آخر معلوم گشت كه بعض
اصحاب غرض• فى قلوبهم مرض• اين بنده كلمات غير واقعه نقل كرده اند•
حاشا ثم حاشا• سلطنت پناها خداوندكارا• بحق خداى زمين وآسمان•
وخالق كون ومكان• ورازق انس وجان• قديمى كه از ازل تا ابد بسر عرشش
احدى راه نيافته ونخواهد يافت• وكيفيت كنه ذاتش را خرد خرده بين•
پى نبرده• واندیشه موى شكاف بمقدار يك سر موى از آن نخواهد شكافت

کرهرچه ازین بنده نقل کرده اند غیر واقعست وکذب محض وافترای
صریحست وسوکند میخورم بایزد بایزد بایزد وبزبها را یزد وبصحف واسفار
وتنزیل اعجاز آثار کرازادم تاخاتم بانبیا ورسل کباد وبحرمت کراین
بندهٔ کمتر بجز عبودیتش بمیان جان نه بسته وبجز ولا یشو بجانب احدی بپیوسته
همیشه بعد ازاطاعات رب العباد وانقیاد بشرع مطهر فرمان بردارک
اه شهنشاه سکندر در برذمت همت واجب ولازم دانسته بمقتضای
سعادت نمای اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم کوشیده
دقیقهٔ ازلوازم خدمتکاری فرونکذاشته ونخواهد کذاشت امید
وارست کر بکلمات اهل غرض ملتفت نکشته مصالح بندکان خاصة
درعهد آصف جاه سعادت دستکاه بازکذارند کر بهتر از اول واقف
ازمهمات این دولتخواه بوده بنده نیز در طریقهٔ نیکو خدمتی جنابنجه
عادت جبلیه است تاخیر وتراخی ننموده وضبع وتربیف ازآثار عنایت
شاهنشاهی والخصوص این بنده قدیمی بالجمله واقف کشته جزی خفی
وجنی نماند کر اسناد مالم یکن خوب نیست وازبهتان عظیم هر شخصی
ترسان وهرکسی هراسانست حق سبحانه وتعالی جمله اهل ایمان را از شر
مفسدان وضرر حاسدان نکهداراد آمین یا رب العالمین زیاده چه کستاخی
کنند که بعلم عالم آرا روشن ومبرهن بناشد ظلکم ممدود الی یوم الموعود والامر الکم

الجواب

جناب امارت مآب ایالت نصاب مملکت قباب دولت اباب کمال الدین
حسین بیک حاکم ولایت حمید حفظه الملک المجید بعنایات وموهبت
بادشاهانه مخصوص کشته بدانند کر عرضهٔ اخلاص مشحونش بپایهٔ سریر
عالم مصیر ابراز کشته بالجمله تفاصیل حالات صداقت غایاتش اطلاع
همایون واقع کشته بجناب امین سپارش اورا بولجی کرده فرموده مسلم
ملتمسات اورا بهتر از اول مقبول داشته فیصل دهند اما انچه درباب کلمات
ارباب غرض کفته اند باده وجه نیست کر ازان اندیشناک کردید زیراکه
جانب نیکو خدمتهای اورا بولجی میدانند احتیاج بقسم ویمین نیست
ان شا الله هرچه خاطر خواه ایشانست بظهور خواهد پیوست وحالیا
ثوب جامه فراجه ویک ثوب قطعات قطیفه بر وجه خلعت بادرنوع
عمدة الاقران سونداک چاوش ذید مجده ارسال رفت بمجرد پوشیده
هر مهمی کر داشته باشند علی التوالی معروض دارند کر بعنایة الله تعالی
انجام پذیر خواهد شد باقی مشافهات را از مزبور تحقیق کنند

لجز

کتب بالامر العالی فی اوائل محرم سنه ثمان وسبعین وسبعمائه محروسه دیمتوقه

سلطان مراد خان غازی بنش فتحنامه فرمان اوغلنه کوندردوکی مکتوبدر

الحمد لله الذی رفع اعلام الاسلام بنصر عباده المؤمنین ونصب دعایم الایمان
لاظهار کلمة الحق المبین وفتح علینا ابواب النصر والتمکین لکسر احزاب کسان طغین
والصلوة والسلام علی خاتم المرسلین محمد سید الاولین والاخرین وعلی اله
واصحابه الذین اتبعوا شرایع الدین جناب جنت مآب مملکت نصاب
دولت اباب عزت مناب ظهیر الدولة والسعادة والدنیا والدین برادرم
کامبین ادامه الله وابده را تمهید دعوات وافیات فتح آثار ظفر مشحون
وتجدید مدحات صافیات نصرت شعار میمنت مقرون نموده همواره
توجه همایون را بحصول آمال وامانی ایشان معطوف ومصروف ثنا
سند نیل مرادات علی احسن الحالات مقدر باد بعد هذا همانا بسمع شریف
رسیده باشد کر توابع لاس شر الناس بوسوسة الخناس الذی یوسوس
فی صدور الناس سر از جادهٔ اخلاص وخراج کذاری وطریقهٔ اختصاص
وجان سپاری بیرون کشیده وشروط عهدنامهٔ سابقه را در نورد
دیده باکماشتکان ونواب همایون ما بنیاد خشونت وسرکشی کرده آیین
کفر ورسم عناد بکار داشته نصیحت مشروعه منتج نکشت بنا بر آن
ما نیز توکل بلطف الهی نموده وازحضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وسلم
وچار یار عظام واصحاب کرام رضی الله عنهم استمداد همت کرده با زمرهٔ
اهل ایمان بقتال آن کافران بی امان عزم غزا نمودیم وفرزند ارجمند
دولتیار بایزید بیک کامکار طال بقاه را رفیق سفر کرده با بکلربکیان
وامرا وحکام مجوار ازکلیبولی کذشته با لشکری چون سیل روان وبحر بی
کران وتیغ وسنان چون برق لمعان انکروه مکروه در رسیدیم در حال
آن قوم برخذلان بقتال وجدال تاب وقوت نا ورده خود را بحصون وقلاع
وقلل جبال کشیدند چون طایفهٔ جنیان در کنج خموشی نهان کشتند وغزاة
فایض البرکات بغنایم بیحساب فایز کشته بلاد ونواحیش را خراب ویباب
ساختند وازانجا بجانب سمندره توجه نمود قلعهٔ بیش کر ازدر بندیش
بود به بیشند ستیکماة موحدین دست بتسخیر آن باز کرده نصر من الله
وفتح قریب وبشر المؤمنین کویان آوازهٔ کشادیش بکوش اسلامیان
در رسید بعد از بیست وپنج روز بیکروز ونهار جد وجهد کرده عروس
فتح روی نمود وبمقتضای جعلنا عالیها سافلها بیخ وبنیادش را زیر
وزبر کرده داخل قبضهٔ ضبط وپنجهٔ تسخیر کردیم وعساکر منصوره

اکثر با سالم وغانم عودت نموده ودر اثنا باز کشت بیرلاس از محض
هراس بدرکاه کیتی پناه تضرع ونیاز کرده وکردن بربقهٔ اطاعت نهاده
وقبول خراج بر ذمت خودش مقطوع کرده بندکی مارا شرف روزکار خود
دانست مانیز بفحوای عفا الله عما سلف برجریدهٔ جرایمش قلم عفو کشیده
امان نامهٔ کرامی موشح باسم سامی درحق او ارزانی فرمودیم که مادام
درباب عبودیت دقیقه فرو کذاشت نکرده درراه وفا ثابت قدم باشد
هرکز کزندی باو نرسانیم وبعد از عهد ومیثاق چنین بدولت سرای
خلافت آیین قدم مانهد وجنود موحدین را اجازت فرموده این بشارت
نامه را مصحوب قدوة الخواص المقربین آیدین بک زعیم زبد محاله
نوشته فرستادیم تا در مسرت کوشیده هرمهمی که واقع شود معروض
دارند تا انجام نموده شود کتب بالامر العالی اعلی الله تعالی شانه
فی اواخر ذی الحجة الحرام سنه ثمان وسبعین وسبعمائه بمقام بروسه

الجواب

جواهر ابنها اعنی نامهٔ فتح ابیت فرح فزا کر ازمخیم سعادت واقبال
ومعسکر عز واجلال پادشاه روی زمین وسلطان الغزاة والمجاهدین
زیب جاد بالش خلافت وزینت متکای حکومت اعدل وانجع شاهان
عالی نهاد ابو النصر خداوندکار سلطان مراد ابد الله سلطنته بادوام
الخلود وشید ارکان خلافته الی یوم الموعود مصحوب قدوة الخواص
والمقربین آیدین بک زعیم زبد محاله درایمن اوقات واشرف ساعات
رسیده قوت دل ونور باصره درفزود وانچه از فتح قلعهٔ بنش واطاعت
ولد لاس نوشته بود معلوم کشته موجب فرح وشادمانی شد
همیشه ملک ستان وصاحب امان بوده بلاد خصم مسخر وکردنکشان
مطیع وفرمان بر باشند وبیوسته آیت نصر من الله وفتح قریب
طراز رایات فتح غایات آن حضرت شده بهر عزیمت که نهضت نمایند
فیض عنایت ربانی همعنان وظفر ونصرت قرین رکاب عالیشان
همیشه منصور وکامران باشند وبجهت تهنیه قدوم مسرت رسوم
قدوة الاهالی زبدة الاعیان عمی زاده خضر بالم را زرقت سلامتی منبعث
ساختم بدین نهج هدایا معروض میکند القمشه قالی قرمان
آب اشتر استر مقبول ومعذور فرمایند
وهرخدمتی که داشته باشند اعلام بنده را مأمور سازند والامر اعلی
حرر فی اوائل شهر ربیع الاول سنه تسع وسبعین وسبعمائه بمدینه قونیه

سلطان

سلطان مراد خان حمید ایلی حاکمی حسین بیکدن قلعهٔ بنش فتحن کلدکده
نامه نك صورتیدر

بندکی درکاه دین پناه خداوندکار عالم وپادشاه عالی همم عون الضعفا
والمساکین غیاث الاسلام والمسلمین ملاذ الغزاة والمجاهدین لازال
الویة نصره مرتفعة فی اوج الظفر ومابرح رؤس اعدائه مقطوعة ومکسورة
بالسیف والحجر معروض میکرداند که استماع رفت که با فواج امرا نامدار
ودلیران بیکار وشیران میدان کارزار که بصرامت وشهامت موصوف ومعروف
بودند بمقابلهٔ احزاب شیاطین ومقاتلهٔ اعدای دین اعنی لاس شر الناس
وفرنکان لعین دمرهم الله وخذلهم که قصد صرصر اسلامیان کرده
بودند بتوفیق الله تعالی شر بدخواه باز بنفس شوم خودشان رجعت کرده
بمقتضای وجزاء سیئة سیئة مثلها برایشان هجوم کرده رسیده اند کرچه
آن کروه مکروه بسی انبوه بودند وباسباب وعدت واعوان وشوکت
از سر فضولی وغرور چون شیطان لعین مغرور بحصون کبر وجبال عجب
استظهار تمام بستند برموجب اشارت لا یقاتلونکم جمیعا الا فی قری
محصنة او من وراء جدر مهزوم ومنکوب بقلل شامخات کریخته وبعضی
از ان طایفهٔ بداندیش روبحصار بنش آورده حیله وخدعه را فراش
خویش داشتند وبعد از محاصره ومقاتله چند دفعه شبیخون بمنجنیقها
سلمانی آورده وبفرمودهٔ الحق یعلو ولا یعلی بالجمله منکسر البال باز کشته
وبسعی واقدام تام سر سردار شیطنت مآب ایشان بریده شده مقیم درکات
جحیم وطبقات سعیر مانده وبعضی بکرخا بیا وخاسر اکریخته بحصار در
آمده وبردهٔ الامان بروی برده نشینان فراکشیده خواستند که باین
حیله ایشان را از مصاحب انفال خلاص کنند وغازیان را از مال حلال
بی بهره کذارند اتفاق آن پادشاه عالیجاه درصدد عفو وامان بوده که
بعنایة الله تعالی صنادید چندی از ان کفار خاکسار باوضاع ناپسندیده
شروع کرده از سر تورخنهای قلعه را بجوالهای خار وخاشاك مسدود
ساخته بنیاد خشونت وسرکشی نمودند بیت چو برکشته شد
دولت شهریار همه آن کند کش نباید بکار مبارزان ودلیران چو پیلان
دمان وهزبران غران رو برخنها کرده وجوالهای مسدود را بضرب
لکد از یکدیکر شکافته وباندرون قلعهٔ مزبوره درآمده وبضرب حسام
خون آشام معاندان لئام را مستاصل ساخته وبقیة السیوف را بقید
اسر وزنجیر رقیت درکشیده ذکور واناث شان را چون رمه کوسفند بیحد وحصر

ازقلعه بیرون کرده • وبعد ازاخراج خمس شرعی قسمت کنان گنج بی پایان
ونعمت بیکران در انداختند • وشبع از انجمن انعمت علیهم برافروختند
وازکمال خوشحالی درحین معاودت ولد لاس نیز بجناب عالی بتضرع
وابتهال پیشکش فرستاده • در رشتهٔ خراج گذاری منخرط شده • وازجملهٔ
بندکان معدود کشته • مرزبانان حدود اسلام برفاهیت تام بغزای
غزا قیام نموده • طوایفی که غیر او درسرکشی اند باستخلاص ایشان اهتمام
بجای می آورند • ان شاء الله این صبح بعد الفتح سبب کشادکی عقدهای
کثیره وموجب تیسیر مهمات عسیره خواهد شد • ولاریب فیه حقا
درحین اصغا • شکر عظیم ومنتهای بی منتها • بدرکاه ایزد یکتا تقدست
آلاؤه بجای آورده • الحمد لله الذی هدانا لهذا • کوئیا زعطایای کریم سبحان
وکامرانی آن سلطان عالیشان • مسرور ومبتهج کشتیم • وبمضمون نحن
شحون • واما بنعمة ربك فحدث • استبشار واعلام این مژدهٔ بهجت بادی
وافاضی فرموده • درتزیین بلاد برسم معتاد تراخی نکرده • موازی
هفت شبانه روز اسلامیان عشرت اندوز کشتند • وازبزم عیش
وطرب بهرمند وفیروز شده • مراسم بندکی ودعاکوئی بجای آوردند •
امید که حق سبحانه وتعالی ادعیهٔ صالحهٔ عباد مخلصین را اجابت نموده
همواره لشکرشکن ودشمن فکن بوده چون مهرمنیر عالمکیر وفلک سریر
باشند بمنه ویمنه • وبادارندهٔ رفعه ولا زبدة المؤمنین آید وغدی آغا
زید قدره • دوراس اسب بدوی اعلی بجهت رکاب خاصهٔ همایون
اهدا رفت • مأمولست که بشرف قبول پذیرفته زمانیکه چون عنان دولت
درقبضهٔ خداوندی قایم • وقوایمش درسبیل غزا بروفق رضا سایر ومستقیم
شده عذرشان مقبول فرمایند • وبخدمات سعادت ایات • وفرامین
بهجت غایات سرافراز کردانند • والامر اعلی •

الجواب

جناب امارت مآب • ایالت نصاب • مملکت قباب • شجاعت اياب • عدالت
انتساب نصفت اکتساب • مبارز الدولة والسعادة والعز والاقبال
حسین بیك حاکم حمید ایلی زیدت ایام اقباله • بعواطف شاهانه مخصوص
کشته • بعد تذکر دربن ولاعرضهٔ اخلاص مشحون شان • بازبدة المؤمنین الله
وغدی آغا وپیشکش خاصه بدرکاه اسلام پناه دررسید • واظهار استبشار
ازاستماع فتح قلعهٔ بینش حاصل کرده • پیش از وصول فتحنامهٔ همایون
صورت اختصاص معروض نموده بودند • بسی مطبوع افتاد حقا بتوفیق الله

الملك المعین این فتح مبین • نسبت بفتوح دیکرندارد • کوئیا که کلید تسخیر
قلاع وبقاع روم ایلی خواهد شد • ان شاء الله تعالی • باید که همواره درباب
بجهتی تعویقی ننموده • آثار اختصاص را همیشه بظهور آورند • بعنایة الله
ازین جانب نیز درمقابلهٔ نیکوخدمتهای او اضعاف مضاعف التفات
عالی صادر خواهد شد • باقی شأن فتوحات را از قاصد مزبور معلوم کنند •
والسلام • حرر بالامر العالی اعلی الله شأنه فی اواخر جمادی الاخره سنه
تسع وسبعین وسبعمائه • بمقام بروسه

سلطان مرادخان غازی برقره مان اوغلی کوندردیکی وصلت نامه در

نضرت اغصان دوحهٔ عواطف مصاهرت • ورفعت افنان حدیقهٔ
لطایف مظاهرت • بوجود بر جود عالیحضرت خداوندکار اعظم • و
پادشاه معظم • ملك الملوك بین الامم • واعدل السلاطین فی العالم •
باسط بساط المعدلة • رافع الویة النصرة • ظل الله فی الارضین • قهرمان
الماء والطین • محض لطف الله الملك الجواد • ابو الفتح سلطان مراد عالی نهاد
قطعه شد مشرف بدو کتاب وخطاب • وباهی بذکره الالقاب • بنای
کشورکشای عالمکیر مهرابهج سخا بهر سریر • کامیاب رعنا بنت ذات
ازجناب تو بهرمند غزاة • مد الله تعالی ظلال سلطنته علی مفارق
الانام • ما دامت اللیالی والایام • همیشه رشك طراوت بنو وغبطت
رفعت بنا باد عقد لآلی دررشتهٔ کمال المنظوم • ونمام عالی در جریان
اقبال مرقوم • سلیمانی که سلیم از شوایب ریا باشد • بارغایب توافل
صدق وصفا • تبلیغ وتهدی کرده • شرح اشواق از ان حیز تجاوزت
که بواسطهٔ کلك خوش خرام • ولو ان ما فی الارض من شجرة اقلام • بیرامون
وصف آن تواند کشت • امل از حضرت کریم ذو الاحسان بنص ما شاء الله
کان برآن موقوفست که اسباب مهنا سازد که مؤدی تاکید معاقدت
مصادقت • وتشیید مبانی مخالصت باشد • انه سمیع ومجیب این اتحاد
نامه ازمحمیهٔ ایلغین • حماها الله الملك المعین • صورت رقم یافته واجب
دیدکه برای تتمیم امر مختوم تقدیم رسوم قالین باشتیاق که از مهمات
مواصلتست رسانیده شود • اخص الخواص ولی القرب والاختصاص
عمدة الحجاب عبد الوهاب بیك • زیدت سلامته • برقاعدهٔ مألوفه برای
تبلیغ رسوم معروفه بدان جناب عزیز فرستاده شد • الرسوم کما بینت

النقد • الفرس • الاقمشه • البعیر • العطیقة الافرنجیه • النسیج البنات
ما الف • مارأس • ...باب • قنطار • ... • ما قاب
العطیقة الترکیه • البوشیری • الکمخا والکوهی • الکمخاء بکریکی • ...
طاقات • طاقات • طاقات • طاقات

كه مشار اليه بمحل اولرسا نه اميد ست كه در حيز قبول محلى يابد ودر اتمام مهم
مبارك بعون الله الملك اللطيف تا اول فصل خريف اهتمام شريف مبذول
داشته بيمن ويمن نيكى انجام پذير شود وبجهت خطبه متبركه اش قدوة
العلماء زبدة الفضلاء عالم علوم الدين وارث الانبياء والمرسلين حجة
الحق على الخلق اجمعين شيخ الاسلام مولانا مصلح الدين زيدت فضايله
كما طابت شمائله كه از علماء نحرير اين ديار وصاحب تقرير عالى مقدار است
ودر پرهيز وتقوى بى نظير ودر خيرخواهى جانبين بى عديل ورفيق
كرده شد كه هرچه امر عالى نفاذ يابد انقيادش را بر وجه توكيل از جانب
مجرى سازند وبالله التوفيق وچون در مابين اساس يكجهتى مشيد وروابط
اتحاد مشيد بود برو اين احتياج نرفت كه محاسن اخلاق آن طيب الاعراق
برين محبت مشتاق الجوم الميثاق شامل باد وافزون بحث مرهم از خواهر لطف كرامى

قرمان اوغلنه نكاح اولنان نفيسه سلطانك مهرنامه سيدر

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين الحمد لله الذى خلق الانام بحوله افرادا
وازواجا ووضع لدوام نسلهم عقد النكاح شرعة ومنهاجا واوقد
من مصباح كتابه الكريم في منصة الالفة المزدوجة سراجا وهاجا
حيث قال عز من قائل ومن اياته ان خلق لكم من انفسكم ازواجا هو الكريم
الذى جعل عقود المصاهرة مفتاح قصور السرور وصير امور المزاوجة
منهاج الجمهور واباح بها على مقتضى حكمته الكاملة ورأفته الشاملة
محرمات العقائل وابدع ذرارى الاعقاب للاحقاب بين الازواج
والحلائل على ما قال جل شانه عن الرذائل انا خلقناكم من ذكر وانثى
وجعلناكم شعوبا وقبائل الحكيم الذى نصب رتب تكيف النطفة في
الارحام بحيث يعجز عن دركها العقول والاوهام على التحقيق بوحدانيته
دليلا لمن رصد وجعل بهظ الوالد وخفض المولود كما هو الدين المعهود
على التصديق بفردانيته سبيلا لمن قصد كما قال علت كلمته قل هو الله
احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد واشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شريك له شهادة تملاء الميزان وتستوجب من فضل
العزيز المنان الرحيم الرحمن الرافة والغفران لاولى المعاصى من اهل الايمان
والصلوة وكرايم التسليمات الاكملات على افضل الرسل الهادى الى خير السبل
المبعوث من عنصر الرسالة ومنتهى الامامة المخصوص من سرادقات
العز بمزايا الشرف والكرامة الذى استبقى الوفاق بين امته في فرط
رأفته واستدامه وافادهم بشرع الوصلة اجتماع الشمل وانتظامه قال

عليه السلام

عليه السلام تزوجوا الولود فانى اباهى بكم الامم يوم القيمة وعلى اله واصحابه
الهادى الى سبيل السلامة صلوة تحجينا بهم في دار الكرامة فان النكاح سنة
ماضية في الاولين والاخرين وخلق من اخلاق الانبياء والمرسلين صلوات
الله عليهم اجمعين قال عز من قائل في مدح الرسل ووصفهم لصاحب الشريعة
محمد المصطفى صدر الورى وخير البرية ولقد ارسلنا رسلا من قبلك وجعلنا
لهم ازواجا وذرية ورغب فيه افضل البشر المبعوث الى الاسود والاحمر
حيث قال النكاح سنتى ومن احب فطرتى فليستن بسنتى وقال عليه السلام
من رغب عن سنتى فليس منى وان من سنتى النكاح ومن احبنى فليستن
بسنتى وقد قدر الله احسن التقدير مقارنا باسد الراى وصواب التدبير
ان سلطان الاسلام والمسلمين ملاذ الملوك والسلاطين ملجاء الغزاة
والمجاهدين ملاذ الفقراء والمساكين القائم بامر الله والعامل بما نزل على
رسول الله حافظ بلاد الله ناصر عباد الله عادل بلا عديل وكريم
بلا مثيل المؤيد من عند الله خالق العباد سلطان مراد نصره الله وابده
وجعل اخراه خيرا من اولاه الاورخانى العثمانى شرف بتخصيص التوكيل
صدر الموالى وبدر سماء المعالى الفائق على اقرانه المتفرد في عهده وزمانه
افضل علماء الانام واعلم فضلاء الايام المخصوص بمحض لطف الله الذى
لا اله سواه قطب الملة والدين مولانا خليل الله المشهور بجاندار اوغلو
زاد الله تعالى علمه وبشر في الدارين ما امله بعقد نكاح كريمة العفيفة
سيدة المخدرات اسوة المستورات ملكة الزمان زبدة الاوان المنظورة
بانظار رعاية الله الملك المستعان نفيسه سلطان ادام الله عزتها وابد
عصمتها شعر كونى في مدحها ان قيل بنته فتلك جامعة كل الخصال
بمحض فخر العلماء وزين الفضلاء صاحب العز والتمكين حجة الحق على الخلق
اجمعين مولانا مصلح الدين زيدت فضايله وهو شيخ الاسلام يومئذ
ببلاد قرمان ووكيل من قبل امير بلاده وهو قدوة الانام في الحكام
وسلالة الامراء العظام انجح الولاة في الايام واعدلهم في الاحكام
ظهير الملك والدين عون الاسلام والمسلمين على بك كما بين بقوله هذا
العقد فعقدا بعد ثبوت وكالتهما بالشهود العدول عند العلماء
الفحول وعين الصداق والمهر الاتى ذكره بان تكون بلدة اقشهر وقصبة
يلغين ومدينة اقسراى مع توابعها ولواحقها ونواحيها وقراها ملكا
لها تتصرف كتصرف الملاك في املاكهم وتملك ذوى الايدى والحقوق
في حقوقهم وان يكون من كل انواع الجواهر النفيسة الغالية

فى المقدار والقيمة • كالالماس المعدنى والياقوت الاحمر الاصلى واللعل البدخشى
والفيروزج الخراسانى والزمرد الجبشى والزبرجد المصرى • مقدار رطل
بالبغدادى • ومن المسك والعنبر والعقيق حمل مائة قطار بعير فى هذا
المنوال • ونحن شهداء بوقوع تلك الاحوال • ونقول مستعينا بالله العظيم
ونستغفر الله لى ولكم ولساير المؤمنين • اللهم بارك فى هذا العقد وفى
هذه الجمعية • اللهم الف بين قلوبهما واجعل سعيهما من سعى مشكور وتجارة
لن تبور آمين يا رب العالمين حرر فى العشر الاخير من رمضان المبارك سنه سبع وثمانين وسبعمائة

سلطان مراد خان غازى شهزاده بايزيد خانه كوندرديكى عرض شريف

فرزند اعز اسعد كامكار • وارجمند سعادتمند نامدار • ثمرهٔ شجرهٔ خلافت
وغنچهٔ گلبن دولت • سروجويبار شاهى ونخل چمنزار پادشاهى • اشجع واعدل
زمان • اوغلم بايزيد كامران طال بقاه ونال مناه • توقيع رفيع سلطانى
واصل اولیجق معلوم اوله كه حاليا روم ايلى بكلربكيسى تمرتاش پاشا • دام
اقباله ايله عساكر نصرت ماثر تعيين اولنوب • مناستر و پرليه كفار
خاكسارى اوزره • روانه قلندقده بعون الله وتوفيقه • واروب بالجمله
قلاع وبقاعيله فتح وتسخير ايدوب بعده قارلى ايلنه توجه ايلدكده
اول يرك كفره سى خراج كذارلق شرطيله اطاعت ايلبوب • وسلانيك شهرينه
دك آقين صالوب سالما وغانما عودت ايدوب • واندن بلاد آرنوده
واروب • هرسك وبوسنه فتحنه مشغول ايكن بكلربكيدن خراج وبرورز
ديو تضرع نامه كلوب توقف اولندى • ايمدى معلومك اولاكه • اول بهار
بهجت آثار ده كفار انكروس اوزره عظيم سفرم واردر • اميدوارم كه
ابتداسى مسعود وانتهاسى محمود اوله • ان شاء الله تعالى • وحكم شريفم سكا
واصل اولدقده كركدركه جميع يراق ويراغكله حاضر اوله سن • كه بنمله رفيق
سفر اولمك لازمدر • وقراسى ايلنده اولان نوردیدهٔ جهانبين فرزندانم
يعقوب كا بين • احواللرندن خبردار اولوب • وبروسه ده بنجى اولان
اوغلم مهر سپهر شهريارى ودرّ درج نصفت وكامكارى صاوجى بك
طول الله عمره العزيز • جانبندن غفلت ايتميوب • سوانح حالاتى اعلام
واعلامدن ابراء نفس ايتميه سن شويله بلسن تحريرا فى اوائل شهر ربيع الاول سنه ٧٨٧ بمقام ادرنه

الجواب

دركاه فلك شأن • وبارگاه گردون همال • جنابنه عرض بنده خالص البال
بودركه حاليا واراننوجى لمحمد ولله فرمان واجب الاذعان • وارد اولوب
مضمون بشارت مشحوننده • درج بيورلمشدى كه امير الامراء الكرام روم ايلى

بكلربكيسى تمرتاش پاشا لا زال • دام عزه واروب عساكر نصرت مآثر ايله مناستر
وپرليه يى فتح ايلدكدنصكره قارلى ايلنده سلانيكه دك واروب • اسير
وبغما ايلبوب • حالا آرنود عصاتنه متوجه اولمغله هرسك وبوسنه بكلربكيدن
خراج كذارلق اوزره ضراعت نامه لرى وصول بولمش • حقا فتوحات متواليات
دن بغايت محظوظ اولوب • شكر وسپاسدار اسيله مشغولات • وثنا ديمانلق
قلنوب • عموما دوام دولت ابد پيوندلرى ادعيه سى ادا قلندى • واول بهار بهجت
آثارده غزاى غرا يه عزم همايونى مقرردر • حاضر اوله سن ديو بيورلمشيدى
سمعا وطاعه انقياد كوستريلوب مهيا اولدو • وعزم محقق در ان شاء الله تعالى
وجناب معالى نصاب قرنداشم يعقوب بك ضاعف الله قدره • كما لعدالت ٨
اوزره اولوب • لكن صاوجى احوالى ايچون بروسه قاضيسى بركاغد كوندروب عينيله
دركيسه قلنوب سدهٔ سنيه لرينه ارسال قلندى • باقى فرمان در حضرت عنوانكدندر باب حقير بايزيد

سلطان مراد خان شهزاده صاوجى بك خصوصنده قرمان اوغلنه يازدوغى نامه در

جناب امارت مآب مملكت نصاب ايالت قباب والى ولاة المجد والعلى رافع
الويه السعادة على قمة قبة السماء • اعدل حكام الانام اشجع شجعان الايام
المختص بعناية الله الملك المعين قرنداشم على بك كابين • جواهر دعوات
صالحات اخلاص آيين • وزواهر مدحات وافيات اختصاص تبيين كم عظم
محبت شاهانه وفرط • مودت پادشاهانه دن منبعث اولور • اتحاف واهدا
قلندقدنصكره • معلوم اوله كه حالا روم ايلنده انكروس منحوس غزاسنه
متوجه ايكن استماع اولندى كه بروسه ده بريمزده بنجى اولان اولاد وراثت
نهادمزدن صاوجى اصلح الله شانه بعض اهل فساد ايله اتفاق ايدوب
بغى وعناده آغاز وبنياد ايلمش اكا بناء كليبوليدن عبور اولنوب • ناحيه
اولوباده كلدكده حكم شريفمله خبر كوندردى كه كلوب ركابه يوز سوره بو غائله
مشرفا اوله اتفاق ضلالتله مصر اولوب • نهر نيلوفره وصول بولدقده
صف قتال وجنات وجدالى آراسته قلنمغله طرفيندن محاربه واقع اولوب
طرفة العين ده كندوسى محبوس واسير اولوب • وكرفتار قيد وزنجير قلنوب
عبرة لاولى الابصار نور باصره دن مهجور وبى اعتبار قلندى غرض كه امور
سلطنتده الاقارب كالعقارب • ضرورى سايرناسدن زياده مشهور
اولمغين • شهريار اولان كندو نفسندن غيره اعتماد قلمق جايز دكلدر
انشاء الله تعالى • بعد ذلك تدارك كامل ايله غزاة رفيعة الدرجات متوجه
اولمق مقرردر • جناب نعم المآبدن مأمولدر كه تخت بخندن دور اولدوغى
اثنالرده شيوهٔ معاونت اسلاميه يى مسنى قيلايوب • همواره مراسم

اعتضاد واستظهاری برینه کتوروب هنکام رجعتده دک بروضع اولنمیه که
العیاذ بالله اعدای دینه موجب فرصت اوله واحوال الخیر المالکلو اعلامندن
تکاسل وتغافل ایتمیه سزکه جنابکزدن واقف اولنوب لوازم خدمات
تقدیمنه اهتمام قلنه کتب بالامر العالی اعلی الله شانه وحفظ عن الشانه
فی اواخر شوال سنه سبع وثمانین وسبعمائه بیت عمر واقبال وبخت
افزون باد باکبنی والله الامجاد بمقام بروسا صانه الله عن البأسا

سلطان مرادخان غازی یه صوفیه فتحنده اینجه بلباندن کلان عرضدر

دولت مدار وسده سعادت اقتدار عرض بندۀ بیمقدار بودرکه
دولتلو خداوندکار کامکارک ایام هما یونلرنده صوفیه تسخیرینه تدبیر
اوزره ایدک که بوجانبدن سابقا انهی وارات اوزغه سونلک دیدکلری
مرتد اولتی شکلنده قصبۀ مزبوره ده بک اولدن یانوقه بات بی‌مانند امتزاج
ایدوب مصاحب وطوغانجی باشیسی اولدقدن نصکره اشبو سنۀ متبرکه
شهورندن اوسط صفر ختم بالخیر والظفرده بر روز فیروزده هوا خندند
اولمغین صید وشکاره چیقوب سیرانه مشغول ایکن مکوبادن مزبور مذکور
طوغانجی باشیله تاتار بازاری جانبنه اوقوار قجیلی ماقن قطع ایدوب
حشم وخدمندن دور دوشرلر بو اثناده اخشام قریب اولمغله منزل دار بوی
سورایلومدن برقریه یه رست کلوب وطوغانجی باشی فرصتی فوت ایتمیوب
درحال آتندن اینوب بانه اجازتکزله کوبا واروب اتراکدن بیم ویبجانت
کتوریم دیو بان دخی آتندن اینوب طوغانجی کلنجه توقف ایدن وجوده سوندن
کوبه کلوب دلی بلبان ایله احمد غازی‌یی انده بولوب احوالی اعلام ایدن وماکوده
بانه ایلدوب ترکلرمز بونده ایدیکجکی بلدیلرد بو سویلرز بان دخی بولکه
تضرع ایدوب توجهله یخ خلاص ایدرسه دیدکره ایمش له مکوسنی
بعضی اسبابه صاروب اورمادن بجندره نهان ایلیوب وبن ایکی یارکیر ایله
یورتوب صوفیه‌دن لشکر کتوروب سنی خلاص ایده دیب دیر مذکور دخی
بوندبیره قائل اولدیغی کبی طوغانجی باشی اسبابه صاروب بغلیوب اورمانه
ودقد نصکره تکرار کویه کلوب بلبان ایله احمد غازی‌یی اوزدینه ایلدوب
ترکلرمز دخی طوتدیلر دیو باشی طوتوب قلبه یه کتوردکلرنده مزبور طوغانجی
محکم رعایت اولنوب وبانی درزنجیر سده سعادته دوانه ایدوب وبو
بنده لری عساکر منصوره ایله طوغانجی قراوغوز ایدوب صوفیه یه بلغار
ایله وارد قلدم بالجمله اول بلاد ونواحی ضبط وتسخیر قلنوب سکه وخطبه
نام شریفلرینه زیب وزینت بولوب بو خبر مسرت اثر ایله مزبور طوغانجی

دائم

واحمد قوللری کوندریلوب ابد درکه عنایت علیه لری ایله بهرمند وکامکار
بیوریلوب سائرلرینه موجب زیاده عزت وافع اوله باقی فرمان دولتلو
خداوندکارکدر بنده اینجه بلبان

سلطان مرادخان درکاهندن اینجه بلبانه یازیلان حکم شریفدر

قدوة امراء الزمان انجح حکام الدوران صوفیه سنجاغی بکی بلبان دام عزه
توقیع رفیع عالیشان سکا وارد قدره معلوم اوله که حالا عرضک کلوب صوفیه
بکینی طوغانجی سونلک طوتوب درکاه عالیمه کوندردکدن نصکره وار اوب
اول دیاری ضبط وتسخیر ایلیوب اول خیر خبری دخی مزبور سونلک وغازی
احمد ایله اعلام ایلمشسن معلوم همایونم اولدی یوزلشاغ اولسون برخوردار
اولسن انکا بناء صوفیه سنجاغی بش کره یوز بیک ایله سکا ویریلوب قدوة
الاعیان سلیمان چاوش زید قدره ایله تحویل بتیسی کوندرلشدر وحالا دخی
مزبور سونلک عرضک اوزره زعامت ویریلوب وغازی احمده بجید باشیلغی
توجیه ایدرسن دیو بتی یازیلوب کوندرلدی وارد قلرندن رعایت ایدرسن
وسکا بر اعلا آت وایکی قطعه خلعت مزبور احمد ایله ارسال اولندی سحنله
کیوب سبیل غزاده مقدورک مصروف قلاسن که الحق یعلو ولا یعلی طبقنجه
فرصت اهل حقدن ایدوکنه بنهیه مزبور قدر ان شاء الله تعالی وهرنه خصوص
که واقع اوله عرض ایدوب تأخیر ایلیه سن شویله بله سن علامت شریفه
اعتماد قیلاسن تحریرا فی اواسط شهر رجب المرجب سنه ثمان وثمانین وسبعمائه بمقام ادرنه

سلطان مرادخان درکاهنه سیدی شهری حاکمی محمود بکدن کلان عرضدر

درکاه فلک قرین وبارکاه کردون آیین ترابنه عرض بنده کمترین بودرکه
حضرت خداوندکار روی زمین وپناه اهل دین متع ظله العالی الی یوم الحق
والیقین عز واقبال وسعادت واجلال ایله عزم غزا ایچون روم ایلینه
عبور قلندقدن نصکره فرمان اوغلی علی بک اوزریمزه اقین ایدوب دولتلو
خداوندکار کامکار حمید ایلی حاکمی حسین بکدن صاتون الدقلری بکشهری
وسیدی شهری ویلواج وقره اغاج توابعی ولواحقی ایله غارت ویغما
ایدوب وهرچند که منع ایچون آدم کوندریلوب ملایمت ولکن مذکور
خشونتله جواب ویروب بزبو یرلری خداوندکار اعظمدن مقدم صاتون
اولمشدق دیمش وبالآخره فرار ایله برایکی دفعه اللشوب والبنان باشی
وبلی بوبنده لرینک قوچی باشیسی حسن قولله رکاب همایونلرینه ارسال
اولندی باقی فرمان دولتلو خداوندکار اعظمک رأی شریفلرینه منوطدر مخدوم

سلطان مرادخانه فرمان اوغلی علی بکدن کلان معذرت نامه‌در

بندکی حضرت خداوندکار اعظم و شهنشاه سلاطین امم سلطان الغزاه
والمجاهدین ملاذ الاسلام والمسلمین قهرمان زمان و اسکندر دوران
بیت انکه کر تیغ بر کشد ز غلاف فکند فرق جمله اهل خلاف المؤید
من عند الله الملك الجواد ابو النصر والفتح یلدرم سلطان مراد اعز الله انصاره
وضاعف اقتداره معروض داشته همواره مخلص دولتخواه شنا سند ملاقات
بروجه احسن مقدر باد بعده معروض رای عالم آرای انکه چون حسین بك
حاکم حمید بعضی از قرای یلواج وقره اغاج را باین جانب بیع کرده باقی
آن نواحی را بجهتی و سیدی شهری بجناب نعم المآب فروخته بود و کما
شنکان حضرت خداوندکار خصوصا محمود بك املاك اینجانب را نیز
تصرف کرده هرچند بجهت ضبط آن اعلام فرمودیم قبول نکرد آخر
بنجریا بندك نزاعی شد حالا فتنه بزرك کرده برخلاف واقع عرض نموده
بحر غیرت را بتموج غضب درآورده اند چه کوییم احوال برین نهجست
اما اکر بعض اموال درمابین تلف شده باشد مکافات آنرا قبول داریم
که با صحابش در رسانیم که باعث غوغای بسیار و فتنه بی شمار نشود
والله العظیم احوال چنین بود والامر اعلی

سلطان مرادخان غازی جانبندن قرمان اوغلی انکادرنه بغداد وازربایجان حاکمی سلطان احمد یازیلان فتح نامه در

وما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم سپاس ومنت حضرت واهب بی علت
علت کلمته را فرض ولازمست که وجود کثیر الجود مارا بطراز خلعت انا جعلناك
خلیفة فی الارض مطرز و موشح کردانید و همت عالی نهمت مارا بدفع
فساد و فتح بلاد از جمیع عباد ممتاز و بلند پرواز ساخت و از برکت
تابیدات دین متین محمدی و آیین مبین شریعت احمدی علی واضعها الصلوة
والسلام نهضت همایون مارا باعث فتوحات عظیمه و سبب مترادف
جسیمه نمود لهذا بعد از تسخیر ممالك کثیره از قبضه تصرف کفره فجره اکثر
حکام اسلامیه که در قرب جوار ما بودند بالجمله ربقه اطاعت بکردن
خویشتن نهاده از نوال احسان بی کران ما بهرمند کشتند و چون بعضی
آل کرمیان بفرزند ارجمند یلدرم بایزیدخان طال بقاه مقدر کشت
علی بك ولد قرمان بنابر آن غبطت تضرع نموده برشته فرزندی ما در پیوست
ودران باب اعتقاد همایون مادر حق او فزوده بنوعی هرچه تمامتر بغزای
غزای روم ایلی توجه همایون ارزانی داشتیم در وسط لشکر خبر رسید که
علی بك مزبور رابطه قرابت را از هم کسیخته است بعض قری و بلاد که از حاکم

حمید خریده بودیم آن نواحی را تاراج کرده بی دربی فاحش نموده است درحال
العود احمد رابیش نهاد ساخته بیلاد قرمان دررسیدیم و بعد ز ان شروع
ای مقیدان شد بمقتضای وجزاء سیئة سیئة مثلها در مکافات نصرت از حق خواستیم
ودر روز چهارشنبه بیست و پنجم ماه شوال المکرم سنه ثمان و ثمانین
وسبعمائه تبرا از خویشتن دار کرده بمحض لطف الهی مستمسك شده
با صنوف مجاهدین و فرزندان کامیاب و ملکی الامرا بکلربکی روم ایلی
و اناطولی و سائر امرای اجناد و زعماء عالی نهاد و سپاه و ینیچری و غرب
وجنود مجندۀ اصحاب ادب نصرهم الله وایدهم دو فرسخی محمیۀ قونیه
با اعلام ظفر نکار بکارزار مهیا شدیم و مشیر اکرم وزیر اعظم علی پاشا دامت
معالیه را مقدمة الجیوش نموده موقوف فرصت بودیم که علی بك ولد قرمان
نیز از مقابله بمقاتله شروع کرد و چپ و راستش را از طور غود یا ن و ورساق
و اتراك بی سروپا و اوباشان زشت ادا انبوه ساخته بکاوردوالی مشغول شد
درحال وزیر اعظم که طلیعۀ لشکر محتشم بود کرز و کوپال از اعدای بدحال
دریغ نداشت و چون نوبت بیمن الدولة تیمورطاش پاشا دام علوه امیر
الامراء الکرام روم ایلی رسید او نیز باب کوشش دقیقه فوت نکرده و از جانب
بایار بکلربکی اناطولی صادر وجه پاشا دام اقباله دیکر توقف ننموده دمار
از روزکار اعدای نابکار برآورده و چون علی بك چپ و راستش را متفرق
و منکسر یافت با شناعت نکونسارش خواست که هجوم بقلب همایون کند درحال
فرزند دولت یار نصرت شعار یلدرم بایزیدخان زاد الله تعالی عمره
ورفع قدره با تیغ چون برق رخشان بحرب دشمنان درو رسید
و به یك حملۀ شاهانه مغلوب و منکسر کردانید تا داخل قلعۀ قونیه
دربیش تاخت و چون دشمن منهزم و منکوب بحصار کریخت غزاة
سعادت آیات بغنایم بیشمار فایز کشتند فرمان نمودیم که امرای جنود
اطراف قلعه را محاصره نمایند درحال علی بك مزبور زبان تضرع
دراز ساخت دست تشفع باذیال قرابت مآب مرحمت نصاب ما محکم کرده
لابه و عذرخواهی آغاز نمود وما نیز بفحوای ارحموا عزیز قوم ذل از سر
جرم او کذشته باز آن ولایت را باو ارزانی داشتیم و در صلوات خمسه
الحمد لله الذی هدانا لهذا کویان بمقر سلطنت مراجعت نموده این بشارت
نامه را بمصحوب عمدة الاماجد والارکام عبد الکریم چاوش زید قدره
بجانب نعم المآب فرستادیم تا از انحو الخیر بوده سوانح حالات این جانب
را بانوار اعلام بخشند که منشی النشاط کردد لا زال کردش ایام وبلیالی

بر وفق مرام آن شهریار فرخ فال، وابر و سایر باد، بلطف الملک الجواد.

الجواب

رسید کاتب مجلس سامی عالی حضرت، فلک منزلت قمر انارت ثریا مرتبت، پادشاه گردون پایه هما سایه، و شاهنشاه خورشید رایه لطف پیرایه، نوئین اعظم خداوندگار معظم، مالک ملوک الامم، سلطان العرب والعجم، و خاقان الترک والدیلم، ظل الله فی الارضین، عون الغزاة والمجاهدین، غیاث الاسلام والمسلمین، القائم بامر الله الغازی فی سبیل الله، المؤید من عند الله الملک الجواد، اعدل امثاله و اشجع اقرانه، ابو النصر سلطان مراد عالی نهاد، ابده الله خالق العباد، و ادام ایام عمره و اعوام خلافته الی یوم الحشر والمعاد، در استیفای انواع فتوح و شادکامی، واقتناء آثار نصرت و نیکونامی، دراز باد، و رایات شهریاری مظفر، و آیات کامکاری موفر، و اعوان دولت مؤید، و ارکان حشمت مشید، و اعدای حضرت مقهور، و اولیای دولت منصور، و بلاد بمجاهدات کشاده، و عروس ملک بدامادی بخت جوانش آماده، و معاقد جلادتش مشدود، و مناهج زوال مسدود، و رأی پیر زنده دل، و تیر خرد جلادت شکل، و اقبال ازلی رفیق و یار، و توفیق لم یزلی در جمیع احوال نگاه دار، سلام و تحیت فراوان خالی از شوب ریا فرستاده می آید، و نیاز و آرزومندی بی پایان که عادی از عیب انتها بود عرضه داشت میشود، و از حضرت رب الارباب تقدست الاؤه مزید دولت و حشمت که موجب فزونی فرح و نشاط دوستان، و انبساط باط هواخواهانست، مسألت نموده قبول این دعا از حفظه عرش اعلا استدعا می افتد، و چشم انتظار بر راه کرامت اجابتش من الارض الی السماء باز کشاده، انه سمیع و مجیب، و این تحیت در اول شهر ربیع الاخر سنه تسعین و سبعمائه بقلم امد در هنگامی که بحمد الله تعالی جریان مصالح این مخلص قدیمی بر نهج مرام، و ورود وفود فضل ربانی بر دوام، و اخبار سکون و استقامت از اقاصی اطراف مملکت متواصل، و آثار نجاح از جبهه اولیاء دولت متبادر، فلله الحمد رب السموات و رب الارض رب العالمین و له الکبریاء فی السموات والارض و هو العزیز الحکیم، که از هنگام دفع و انهزام برادر بد سرانجام حسین چنانچه مسموع شریف آن عالیمقام شده، جمیع امرای آذربایجان و عراقین و کردستان و لورستان و طایفه کرج در کمال انقیاد و التیام آمد، اگرچه خروج تیمور مقهور در السنه عوام مشهور است، و مردم ما وراء النهر از فرط ظلم بی اندازه اش سر کشته

و مهجور، لکن امید واثق و امل صادق از کرم متعال خدای لایزال آنست که از برکات اعتضاد و استظهار آن سلطان الغزاة، دفع شرور طغاة و بغاة از سر روزگار مؤمنین و مؤمنات بایسر وجوه میسر باد فهو میسر المراد، و ظهور این فضیلت را از یمن وفاق آن مجلس شناخته می آید، و این مواهب جسیم ثمره مولات آن جناب کریم دانسته می شود، تا جهان است در ترقی بود، که ورود رسول فرخ پیام کمتر اتفاق می افتاد، و تراخی از آن بعد بوفن حمل کرده ابتلاء فارواح برقرار، و رسوخ اعتقاد در کمال و اتحاد و یکجهتی افزون، و دل بر قانون قدیم هوا و ولا مشحون، و زبان بر سنت معتاد بحمد و ثنا دائر، و دیده بر راه انتظار وفا ناظر بود، که ناگاه قاصد فرخنده قدم، و مبشر عیسی دم، قدوة الاماجد والاکارم عبد الکریم حاجی بنامی نامه مکرم، و ختامی گرامی محترم دررسید، و از کمال ذکاء طینت و فرط اتقاء سیرت در معرفت دقایق خدمت ملوک و شرایط اداء رسالت از امثال و اقران سبقت نموده مجلس سعادت انسش را بجواهر معرفت مزین و محلی کردانید، و عنبرینه محبت فرا راه دست گرفته چنانچه آیین امانت داریست، سر مهر بدبیرد لیذیر مشافهه ابراز کرد، و در هنگام باز نمودنش نسایم ختامه مسک، بمشام انس و جان رسیده، دماغ همگنان را معنبر و معطر ساخت، و جواهر الحکایات نفیسه اش که دال بود بر شعله افروزی شمع دولت آن نور چراغ سعادت و فیروزی، بجای گوهر شبچراغ درة التاج اکلیل کامکاری نموده، هر لفظش چو در ثمین بجای گوشواره در گوش خرد کشیده شد، و معانی نفیسه اش چون روح ثانی ممد حیات جسمانی انگاشته، نشئه آب خضر و نمونه جام جم پنداشت، و چون مشعر بود بتسلط و استیلای آن ملاذ اسلام بر قلاع و بلاد کنبرم، از ممالک کفار سقر مقر بدانهدام و انتقام کشتگان تا انجام، سپاس ملک علام ادا نموده گفت

نظم

چو بر تافت تابع ز شمع روی، یقین شد بتیه بلا مرث بوی

مع هذا در باب عفو و امان آن الکرشاپسنه لطف و احسان شاهانست بجای آورده اند، جزاکم الله خیر الجزاء، امید که همواره اعدا سرنگون، و مخالفان زار و زبون کشته، چون مهر منیر عالمگیر باشند، باقی حالات را از رسول شارالیه استخبار فرموده علی التعاقب فرستاده این مخلص قدیم نیز بصوب صوب متوجه شناسند ان شاء الله تعالی جل و علا، وجود شریف خداوندی را درج عزت ممهد داشته، دولت بکام و گیتی غلام باد بمحمد و آله الامجاد

سلطان مراد غازی قوصوه اوغروشنده شهید اولدقده شهزاده یلدرم
خان اول سفرده یرینه جلوس قلدقده نصکره بو فتحنامه‌یی بروجه
اخفا باباسی جانبندن یازوب بروسه قاضیسنه کوندرمشدر

بوده‌ی

تیمناً بذکره الاعلی • ولله الاسماء الحسنی • قل اللهم مالك الملك • تؤتی الملك
من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء • بیدك الخیر
انك علی کل شئ قدیر • حمد بی غایه و شکر بی نهایه اول کریم وهاب مفتح
ابواب • وغالب علی الاطلاق ورازق خلیقه آفاق جنابنه لایق وسزا
درکه لواء سعادت انتما سلاطین اسلام مداری طراز صبح جهان افروز
کبی شارقدن مغاربه مطرز ومعلم قلوب • وسنجق مهرد رخشان
اوج رفعت وفیروزندن اباعد واقاربه ارسال والقا ایدوب • عساکر انجم
مآثر سپهر مقادیر اهل دیناك • مطاعن رماح • وسهام شهاب ارتامن اعدای
شیاطین نهاد رجوم ایچون برق خاطف مانندی ظلمت هیجای دیجور
آثارده روان وبرآن ایلدی • واجساد آتشی نژاد عنود عبده اصنام کفاری
خاکسار جحیم مقام • خذلهم الله ودمرهم • اوزرلرینه جهادی ارباب
اسلامه فرض ولازم قلدی • وسعرکه قتاله ضرب وحرب ایدوب یقاتلون
فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون وعدا علیه حقاً فی التورية والانجیل والقرآن
مضمون سعادت مشحوننه مظهر ونشاری • من غزا غزوة فی سبیل الله ادی
الی الله جمیع طاعاته • حدیث شریفلریله مغتنم ایدوب • الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا
فی سبیل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجة عند الله واولئك هم الفائزون
یبشرهم ربهم برحمة منه ورضوان وجنات لهم فیها نعیم مقیم خالدین فیها ابدا
ان الله عنده اجر عظیم • آیت کریمه سیله درجات عظیمه یه فایز قلوب وفی سبیل الله
شهید اولنلره اشارت بر بشارت حدیث شریف حضرت رسالت لا یجد الشهید
من الم القتل الا کمس القرصة • سهولتندن استنامت واستراحت نصیب القلوب
ونومان حیات بخشی • ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء
عند ربهم یرزقون فرحین بما آتاهم الله من فضله • تحقیقندن عمر ابدی
وبقای سرمدی مرزوق ایدوب • من قاتل لیکون کلمة الله هی العلیا حرمه الله
علی النار • حدیث منیفی اوزره برات برائت عذاب جحیم احسان بیوردی • لهذا
اقضی قضاة المسلمین • اولی ولاة الموحدین حجة الحق علی الخلق اجمعین وارث
علوم الانبیاء والمرسلین • المختص بمزید عنایة الملك المعین • الحاکم العدل
بقضاء بروسا • دامت فضائله کما طابت شمائله • توقیع رفیع همایون واصل
اولیجق معلوم اولا که سنه احدی وتسعین وسبعمائه شعباننك اوننده درج ١٢٤

درج

واقع اولان دوشنبه کونی قوصوه صحراسنده کفار خاکسار ایله معرکه
غزاده صفوف قتال مهیا قلنوب • محاربه آغاز ننده ایکی نفاق کفره فجره
جانبندن نوعا تعویق ملاحظه اولنمغله • الخیر فیما اختاره الله • اوزره
توقف اولنوب لکن طرفیندن قراولر چقوب غفلت اوزره اولمامغله بونجا
اینجه بلبان شیرژیان وببرغران کبی اولخنازیرك قراولنه طوتنوب
وایکی اوچ یارهلری کسلان باشلر ایله مغرب نمازینه قریب ایدی که رکاب
همایون اوکنه الیچلو بر شدورت • نکونسار قلندقدنصکره خبر الدی
احزاب مشرکین علیهم لعاین الله والملائکة اجمعین • اسلام عسکرینه
شبیخون ندارکنده ایکن • یورکلری نام بادنی ایمان شایدحاضرلنکا زیری
کیجه ایله قاچورت • الدن چقار اوزدیوکبو وعجب ایله توقف ایتدرمشز
وبو خصوصك اصغاسندن عسی ان تکرهوا شیئا فهو خیر لکم نفحاتیله
قلوب مؤمنینه نوعا تسلی بولنوب • وبالجمله نماز ونیاز قلنوب • درکاه
کریم کارسازدن استدعاء فتح وظفر اولنوب اجابتی امیدی ایله اول
کیجه صبحه دك برکسنه اقدام اقدامی رکاب اهتمامدن آیرسوب دیده
خواب غفلتی حرام وحسام خون آشام فرق اعدانك قطعنه بنا سندن
خارج بی صبر وآرام ایدی که مادر ایام اللیل حبلی منطوقه سی اوزره
برالتون باشلو عنصر لطیف تولید ایدوب • آباء افلاك اسم پاکن مهر بلند
اختر وخورشید برج ظفر اطلاق ایدوب • ودوکلی لشکر اسلام فریضه
صبحدنصکره باده وسوار اعلام نصرت نگارك یمین ویسارینه الای
الای فوج فوج وفرقه فرقه ایریشوب آداب خضوع وانقیاد ایله حاضر
اولوب طوردیلر • وترتیب صفوفه شروع قلنوب • صاغ قولده فرزند ارجمند
دولتیارم • وقائم مقام سلطنت شعار • المؤید من عند الله الملك المنان
اوغلم یلدرم بایزید خان • ادام الله تعالی ایام عزه واقباله • تعیین قلنوب
وآندن اشاغه امیر الامراء الکرام • روم ایلی بگلربگیسی تمرتاش پاشا
دام اقباله وامراء کرامدن اورنوس بك • واینجه بلبان • وطورجه بلبان
ولالا شاهین • وعیسی بك وبخشی بك وسنجاب صوباشی • وصول قولده
فرزند سعادتمند عالیمقدارم • اوغلم یعقوب بك طال بقاه • مقرر قلنوب
وانك یانجه امیر الامراء الکرام اناطولی بگلربگیسی صاروجه پاشا •
قرمانك قوشنتی لشکریله • وقسطمونی وحمید ومنتشا وتکه بك زاده لری
وکرمیان سپاهیلریله • واینه بك صوباشی وقوم مقبل طوروب وذات
همایونم جسد ده روح کبی قلب سپاهه کیروب • ووزیرلر نظر علی پاشا

بنصرالله ما يشا* مقدمة الجيوش ملاسمين برينه كتوروب علي واره شهبات
ميدانك سبقتي اختيار ايدوب* مهيا ايدى وينكيجرى اغاسي محمد اغا عرصهٔ
شطرنج شاه اوكنده بياده طورر كبي برين بكلوب* فرزين بندلك
مصوبه سنه استحكام ويروب* واكي بيك نفر تيرانداز دخي طوب و
اشكوبس جنكنه معادل* قبضهٔ كماندن بنجه لرين سفك ايتيوب
خدنك جان ستانى دشمنه حواله ايتمك اوزره طورر لردي* كه مقابله
دن دخى مادهٔ الفساد اولان لاس اوغلي ارغوت لعين وبلق اوغلي دينلن
ملعوني وبوسنه قرالي ولوبيا اوغلي وافلاق وانكروس وبلغار ورازده
وجيه وله بانلرين جناحين مكورنه الوب* بوبرى باشلو كفار خاكسار
باش وبوغلر يله* بيجبار شلواز دها كبي زمرهٔ اسلام قصدنه باش بركوردب
جمله اهين بوش وتيغ بردوش* بربر حركته كلوب اهنك جدال وجنك
واغاز حرب وقتال ايلديلر* درحال بوجا بندن اتش غيرت اشتعال
بولوب* اتولا وزير اعظم علي پاشا ميدانه آت صالوب* كفرهٔ فجره دن
شبيخون تدبيرين منع ايدوب* قراولدرى اولان يوركيل لعينك جنك
وجدال ايتدكده* بعناية الله تعالى ملعون مزبورك باشن كسوب
ركاب همايونه اوكنه سرنكون براقدى اعلام نصرت انجام فتح وظفر
اهتزازله خرامه باشلوب* وبر بركوس حربي وطبل ونقاره چالنوب
بورى وصورنا صداسي فلك اطلسه بيوسته اولوب* صاغ وصولدن
صواش واوغراشه باشلنوب طوب وتفنكلر اتيلوب* هوا تيره آيندن
نهان* وزمين خون يلاندن رنك ارغوان مانند اولوب* كثرت
غباردن شمس تابان* كورنميوب هر يكادن قوشمه ودورتشمه ظهور
بولوب* آخر الامر كافرك آلاى نكبت نمادى غلبه شكلنده قلب همايونه هجوم
قلمشيكن* اوغلم يمين الدوله يلدرم خان دام ايام عمره واقباله الراهن
اولان عساكر منصوره ايله مدافعه لرينه اقدام تام واهتمام تمام مبذول
ومصروف قيلوب* سيل روان ودرياى بيكران كبي اوزرلرينه يورينجه
رجع القهقرى حزب اعدانك يوزى عكسنه دونوب* ولاس اوغلي دينلن
شر الناسك باشي كسيلوب* سنجق منكوس وبيرق مكسور له سم سمندلر
خاك سار براغلوب* وعبرة لاولي الابصار* نوك سنانه طاقلوب انك
قبلي اشتهار بولنجق توابع شيطنت مآثرى* كانهم حمر مستنفرة فرت
من قسورة* مشار اليه اوغلمك سطوت قهر قهرمانيسندن متفرق وپريشان
وسنكي وكويزان اولوب* اولياء دولت منصور واعداى حضرت مقهور اولدلر

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله* بوبابده لسان
دل وجان وناطقهٔ محمدت بيان* سپاس وشكرانه مداومت كوستروب
يولداشلقده بولنان وضيع وشريفه بوللو بولنجه رعايتلر قلنوب شهداى
مسلمين رحمة الله عليهم اجمعين حقلرينه تسليم اولنمغله ملائكهٔ اعلاى
عليين ودن ادخلوها بسلام امنين خطاب مسرت انتسابيله فردوس برينه
دعوت اولنوب خالدين فيها ابدا خلعتيله سرافرازلهم فيها نعيم مقيم
نعمتيله متنعم ومتمتع اولوب وبرفاج كون اول منازل متبركه ده اقامت
اولنوب اسارای اعدا وغنايم بي انتها كليا جمع وتقسيم اولنوب واوتاغ
همايون عودت آغاز قلوب تخت بختمه توجه اولندقده بو فتح نامهٔ همايون
يازيلوب ارسال اولندى كه كدكده وصول بولدقده مراسم بشارت قانون
قديم اوزره يرينه كتوريلوب عمدة الاقران سنان چاوش زيد قدره ايله
اطراف واكنافه اخبار مسرت اثارى شايع ايدوب ودوام دولت ابد پيوندم
ادعيه سنه اشتغال كوسترمه سز وبوندن غيرى انك خاصه خرج امينى
ايله كوريلجك مهمات ميرى ايچون حكم شريفم دركيسه كوندرلشدر وقوف
كمال بصيرت اوزره تدارك كوره سز شويله بيله سز علامت شريفه اعتماد
قيله سز تحريرا في اواسط شهر شعبان سنه ٧٩١ .بيورت قوينوا

سلطان يلدرم خانك بروسه قاضيسنه يازدوغى حكم شريف بودر بورده

اقضى قضاة المسلمين اولى ولاة الموحدين* معدن الفضل واليقين حجة الحق
على الخلق اجمعين* وارث علوم الانبياء والمرسلين* المختص بانواع مواهب
الله الملك المعين مولانا بروسه قاضيسي زيد فضله وفروغ المعتمدين
زبدة المؤمنين قضاء مزبورده خاصه خرج امينى سليمان بيك دام عزه*
توقيع رفيع همايون واصل اولجق معلومكز اوله كه بتقدير الله تعالى قوس
اوده واقع اولان فتح وظفرده سعيد الحيات شهيد الممات بابام سلطان
مراد خان طاب ثراه وجعل الجنة مثواه* كوردكلري واقعه شريفه اوزره
شهادت تأييد دكن اتفاق كمال صحتله معركه قالدى اوتاق كردون نطاقه
داخل اولوب* مغلوب ومنكوب اولان بانلرك بعضيلرينك باشلرى
كسيلوب سم سمند سعادتمند لرينه نكونسار براغلوب* وبعضيلرى
دخى دست بسته وبازو شكسته دل طوتلوب فرح ونشاط اوزره
ايدك كمناكاه ميلوش قوبلك ديكله معروف بركافر بليد بزيد كه حيله
ايله بن سلطان اولدورم ديو غزاة رفيع الدرجاتك برينه اشارت ايدوب
جناب سلطنت مآبلرينه يوزسوروب* وارمغي استدعا ايدن لعين مزبور

ترخما ایلتدکلرندہ بای بوس دولت مأنوسلرینہ مقارن اولدوغی
اثنادہ یکندہ کیزلدیکی خنجر زهرآلودیلہ تحاشی اولعنصر لطیفہ
حوالہ ایدوب زخم کزندایرشدرمکلہ شربت شهادتی نوش قیلوب
اولئك مع الذین انعم الله علیهم من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین
زمرہسنہ داخل اولوب مرغ روح پرفتوحی فضای جنتہ طیران وکلشن
عدنی آشیان ایدر رحمة الله علیه رحمة واسعة د رحال غلمان انجم
احتشام اوکندہ لعین مزبور قاچدیغی کبی عقبندن ایریشوب پارہ
پارہ قلدقلرندہ ذات سعادت آیات خبیر اولوب بالیت شهادت آیتلرینہ
واریلوب بوحنکامہدہ قرنداشم یعقوب بک دخی انتقال ایتا بوت
منورلرین انده دفن اولنمغیچون معتمد علیه آدملریلہ ارسال ایلدکلری
کوکدرکہ وصول بولنجہ برفوره افشا ایلیوب ظاهر ابشارت فتح
ونصرتہ مشغول اولوب اعدایہ طوبور مقدرت بغایت حذر ایدوب سز
شویلہ بلہسز علامت شریفہ اعتماد قیلہسز تحریرا فی اوائل شهر جمادی المعظم سنہ ٧٩١ قوینار سورت

سلطان یلدرم خان عزیز مصر حاجی ابن شعبان بونامہ یی کوندرمشدر

هو الذی ایدک بنصره وبالمؤمنین الایه ادام الله تعالی نعم المقر المنیف
المولوی الظفری الکبیری العالمی العادلی الباذلی العونی الغوثی
النظامی الهمامی المستندی المنعمی المفضلی النصری المجاهدی المرابطی
المثاغری الاوحدی الامجدی الکاملی الکافلی الغیاثی الظهیری الذخری
الاشرفی وهو المباهی بعون الله اللامتناهی عز الشرع النبوی والکدیح
الباهر المصطفوی کهف الثقلین ظل الله فی الخافقین المؤید من السماء
بالشوکة الفاخرة المشکورة المظفر علی الاعداء بالصولة الباهرة المنصورة
حامی قطان حرم الله بالتأیید الربانی قاهر اعداء الله بالنصر الرحمانی
رافع اعلام الشریعة الشریفة السنیة السنیة وقامع الاحکام البدعیة
البجیلة البدعیة سلطان ارض الله حافظ بلاد الله ناصر عباد الله
معین اولیاء الله مذل اعداء الله سلطان الاسلام والمسلمین لازالت
معاقد جلال ارکان سلطنته مشیدة ومقاعد کمال بنیان مملکته ممهدة
واعناق نظام الامور الیه منعطفة ومقاصد المسلمین بمساعیه الجمیلة
منتظمة وجناب الرفیع فی دولة لا تنهدم دارها ونعمة لا تنفصم آثارها
وسعادة لا تنصفر اوراقها وسیادة لا تتغیر آفاقها ومنشور عزه مکتوبا
علی جبهة الشمس وجماجم اعدائه کان لم تغن بالامس بنبیه محمد خاتم
الانبیاء ومبلغ الانباء وآله الاتقیاء وصحبه الاصفیاء فالمحب المخلص

بعد

بعد عرض صدق النیة والطویة وتقدیم فوائد فلا بد الدعاء وغرر
صحایف لطایف الثناء آناء الصباح واطراف المساء والتحیات النامیات
کروضة زینتها الازهار والتسلیمات النامیات کجنة تجری من تحتها
الانهار شعر سلام کروض المزن دوقه الصبا صباحا وطیب العیش
فی رونق الضحی وقطرة طل الصبح فی عین نرجس ورقة دمع الوجد
فی عین من صبا یبدی الی العلم الکریم علم الکریم لازال محفوفا بما نشر
من المقاصد الحسنة والمطالب المنیفة البهیة بعید عنه اثر کل منفر
مدفوعا عنه کدورة کل مکدر ان المثال الشریف الزاهر والخطاب
المنیف الباهر المشتمل علی فنون البلاغة المتحلی باسالیب الفصاحة
والبراعة المحتوی من الالطاف الحسنة علی اسناها ومن الاعطاف
البهیة علی اسماها فتلقیناه بالاجلال التام وطالعناه بالاعزاز
والاعظام شعر فصار وروده سببا للمباهاة واحکام احکام الحب
والموالاة علی ید حامله الصدر الاجل الامجد الکبیر المجد سعد الدین
سعد الله البریدی دامت معالیه واطلعنا علی ما تضمنه من آن الملکین
کروحین فی جسد وساعدین فی عضد فلله در بلاغته ما انور قمره
ونجمه ولله در فصاحته ما انضر شجره ونجمه ومن اخبار تعرض تجار
المسلمین وواقعة المساکین وابن قابونی من الکفار الجنویة بکنهه
علی ما اجمل فیه وفصل بما یحویه فحصل علینا من ذلك انفعال فی الاحشاء
لا ینتهی تکربه واحتراق فی السویداء لا ینطفی تلهبه فوجب الاشارة
المنیفة من الجد والسعی فی تخلیص المؤمنین المظلومین من الظالمین
علی مقتضی رأیه المنیر ملحوظ فی نظرنا انسان فی اعیننا بیان فی السننا
فشرعنا بتجهیز القاصد بالکتاب الی امیر الجنویة وهو یظهر الصداقة
والاخلاص والی المشرکین بکفة باعلامهم جرایمهم وتعرضهم
لتجار المسلمین واموالهم وامرنا باطلاق جمیعهم وابن قابونی وتسلیم
اموالهم الیهم بلا نقصان وبعد التعرض لتجار المسلمین واموالهم قط
بل بالصداقة والاخلاص للجناب الکریم ونکرر العهد ونؤکد القول
بهذا المنوال علی وجه الابلغ والغالب انهم یمتثلون ویحصل المرام
ان شاء الله تعالی وبعد ما عن قریب ینهی الی الجناب المنیف الاخبار
اللمة بحقیقتها والآن قد اعید مجلس الامیر سعد الدین المشار الیه الی
الجناب المنیف ایده الله تعالی ویجهز عقبه من یقوم بوظایف الدعاء
حتی القیام وینوب عن المحب فی ابلاغ التحیة والسلام وبث لواعج الاشواق

التي تبكانرعدها • واظهار تباريح الاشتياق التي بتواتر مددها •
وتمهيد قواعد المودة وتشييد مباني المحبة • والمتوقع من محاسن شيمة
وفواضل كرمه • ان يتواصل بمكاتباته الشريفة • ومراسلاته العزيزة •
مشتملة على ما يسنح من المهمات • ويتفضل بانهاء اخباره التي هي اسباب
المسرات • والله تعالى يحفظ الجناب العالي باتمام المطالب والحاجات
ويعينه ويحرسه بفضله العظيم في الحالات • ويؤيده بملائكة السموات
انه مجيب الدعوات ورافع الدرجات • تحريرا في اليوم السادس من شهر شوال المكرم لسنة سبعة وثلاثين

الجواب

ضاعف الله تعالى نعم المقر الكريم • المولوي المظفري الكبيري العالمي
العاملي العادلي الباذلي العوني الغوثي النظامي الحامي المتبدي المنعمي المفضلي
النصيري المجاهدي المرابطي المثاغري الاوحدي الامجدي الكاملي الكافلي
الغياثي الظهيري الذخري الاشرفي • وهو المباهي بعون الله الغير المتناهي
معين الشرع النبوي والدين الباهر المصطفوي كهف الثقلين ظل الله
على الخافقين • سلطان السلاطين خاقان الخواقين • لا زالت قواعد الاسلام
مشيدة بمكانه • واركان الدين ممهدة بدوام ايامه وزمانه وكلمته
العليا منصورة بمجاهدة انصاره واعوانه • وامصار المسلمين معمورة
بمحاسنه واحسانه • ولا برحت موارد نعمه وسوابغ كرمه فايضة على
اوليائه • وهم كافة المؤمنين مصروفة الى الابتهال بمزيد بقائه ما لمع لامع
آل وخطر سحب ببال • وبعد فالمحب المباهي باخلاص المصافات • بعد
تقديم التسليمات الوافيات الصافيات • والتحيات الناميات المعنبرة
بنسيم الوداد • والمعطرة بشميم الاتحاد • يوضح لعلمه اولا ان مفاوضتكم
الشريفة • وملاطفتكم المنيفة كالدرر النفيسة • واللآلي العقلية
وردت من بحر المصافاة ويم المواخاة في اشرف الامكنة والطف الازمنة
وصارت سبحة في يدي وايدي المؤمنين • لتعداد محامدكم العلية
فشاهدنا عن لطف الفاظها وصفاء معانيها • اشتداد اساس المحبة
واستحكام بنيان المودة • وحظكم من كون المملكتين كروحين
في جسد • وكبدين في عضد • وارسال القاصد الى رئيس الكفار الجنوية
لمنعهم عن اخذ اموال المسلمين • واسترداد ما اخذوا منهم من غير حق
خصوصا عن ابن قابوني ففرحنا من ذلك فرحا شديدا • وصرنا ممنونا
منكم جزاكم الله وابقاكم • وثانيا ان الغلامين التاجرين • مسمى
احدهما بالحاج تنكروش من ممالك مفخر الامراء والاكارم الحاج

فيروزبك

فيروزبك الوالي بمحروسة ادرنه • والاخر مسمى بالحاج الياس من ممالك
مفخر التجار خواجه قاسم ممن يتردد الى الباب المحب المخلص قد تجرا باموال مولاهما
المذكورين بتجارة فلفل على خلاف القانون من القوانين المصرية • وخبطا خبط
عشواء • ولاجل ذلك مكثا مكثا طويلا • فالمرجو من فواضل خدم الابواب
الشريفة والمستمد من لطايف كرمهم وخصايص شيمهم • ان يتفضلوا في حقهما
برفع الموانع والاطلاق حتى يوصلا ما في ايديهما لصاحبهما جريا على سنن الكرام
المعهودة • ومشيا بسنن سنتهم المحمودة • لتلحق هذه المكرمة الى المنن السابقة
لا زالت ايام دولته مشرقة لكواكب معرفة السحايب • والله تعالى يؤيده بمنه وكرمه

يلدرم خانك تيمورك ظهوردنده قره يوسفدن كلان نامه در

بجناب سلطنت مآب • معالي نصاب • دولت اكتساب • خداوند اعظم وخداوندكار معظم • سرور روزكار • وشهريار كامكار • رافع الوية الامن والامان •
ناشر ردية العدل والاحسان • پسنديده عالم ومقبول نوع بني آدم المؤيد
من عند الله الملك المجيد • ظهير الملك والملة سلطان يلدرم بايزيد ضاعف الله
سلطنته وابد ملكه ومملكته • سلام وتحيتي كه لايق بساط ثنا ومناسب بزم
شهنشاهي باشد • از بريد صباي عنبرسا • اتحاف واهدا داشته • خواهان
لقاي فرح فزاي خداوندي اعلى الله شانه • شنا سند بيل آن مراد بروجه
احسن ميسر باد • انه رؤف بالعباد • بعده ازنا قدوم اخبار وصادرات مصا
هما نا اصغا فرموده باشند كه مهيج نار شرور وشور • ومحرك سلسلة فتنه وغرور
تيمور مقهور • دمره الله وقهره • از توران بايران كذشته • وهلاكو وار
دعواي ايلخاني كرده • زمرة اهل اسلام را تا حد فارس مستاصل نموده • كار ركيك
بعرض پرده نشينان مؤمنان ميرسانند • حاشاكه از شركان كه العياذ بالله
بعد از استيلا بظهور آيد • وحالا متوجه آذربايجانست • وبفرموده كم من
فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله • اين هواخواه با او در مقابله ومقاتله
تقصيري نخواهد كرد • وسر ورجان بذل السلاميان خواهد نمود • اميد كه
انحضرت نيز ازين خصوص واقف كشته • امراء سرحد را فرمان دهند كه حاضر
وقت بوده اكر احتياجي واقع شود فرصت را فوت نفرمايند كه دفع آن نابكار
از عزاي اولي وانسب است • وشمه دران شايبه شبهه نيست • والعوض بالله
باقي احوال را از رسانندة رسالة الاتحاد • امير امجد اكرم مراد • زيد قدره كه
از جملة مخصوصان وخويشان اين سعادت خواهست • استفسار فرموده
بروجه استعجال اجازه فرمايند • باقي همواره ايام كامراني بروفق آمال واماني كذرانده باد الى يوم التناد •

الجواب

کتاب مستطاب و خطاب مشکین نقاب که از حضرت نوئین اعظم و شهریار افخم سرور جهان و جهانبانان رفیع القدر آسمان نشان قاید ملوک الزمان ناشر العدل والاحسان قامع البدعة والطغیان المستغنی عن الالقاب والعنوان المختص بمزید عنایة الملک المنان عضد الدولة والدین قرا یوسف کامران اعز الله له الاعوان ولا یخلو عنه المکان مصحوب خلف الاعاظم والاکارم مراد بک زید قدره وصول اجلال پذیرفت و بمراسم تعظیم و لوازم تکریم مضامین اخلاص مشحونش را مطلع گشته بمیرمیران روم و امرای مرز و بوم فرمان داده فرمودیم که چون شرر شر دیر شرو شود و آتش وقود فتنهٔ خصم مقهور و کلب عقور تیمور مکسور لعنه الله تعالی و دمره مع توابعه ولواحقه قریب ولایت آن خدام گردد عساکر منصور و مظفر بتوفیق الله و تأییده چون سیل روان و بحر بیکران بجنبش درآمده پی درپی در رسند و باشد که آن آتش جهانسوز را بخاک سیاه برابر ساخته دود ظلم ظلمت اندود آن گروه شیاطین نهاد را از چهرهٔ آیینهٔ مثال جهان زدوده عالم و عالمیان را منیر و مصفی سازند که قلع و قمع و دفع و رفع آن طایفهٔ باغیه بر جمیع فرق ناجیه الزم و واجبست باید که آنجناب نیز با حکام شیروان و گیلان و کردستان و لورستان بالجمله یکدیگر یکجهت شده و همگی را بر اعانت شاهان سربلند ساخته لیلا و نهارا از تدبیر صایبه غفلت ننموده بمقتضای و شاورهم فی الامر را پیش نهاد خود کرده توکلت علی الله گویان عنان از مدافعهٔ آن گروه فسقه بپیچند و محاربهٔ ایشان را قرین غزای اکبر معدود نمایند که همه اوضاع ناپسند ایشان مخالف امر الهی بوده شنیدیم و ما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم والسلام والاکرام

یلدرم خان حضورینه قرمان اوغلندن کلان وصلتی مشعر نامه در

بجناب امارت مآب معدلت نصاب مکرمت مناب عالیجاه سعادت دستگاه رفیع المقام فلک احتشام خورشید زینت والا منقبت مخدومی خداوند اعظم و شهریار معظم اعدل الحکام فی العالم عون الامة الباهرة کهف الملة الزاهرة حامی مراسم العدل والانصاف ماحی اساس الجور والاجحاف الموصوف باشرف الاوصاف والاوصاف الاشراف حضرت کامیاب و کامران اعلی الله رایات دولته و نشر آثار معدلته الی مدی الدهور والازمان شرایف دعوات عنبر نسیم و لطایف خدمات عبهر شمیم از این محب مخلص مشتاق بقول

فرموده

فرموده شرح شوق را متجاوز الحد شناسند ادراک خدمت که احسن مآرب ذوی العقول است بواسطهٔ توفیق که متضمن آن منیه بود براجمل وجوه مقدر باد انه علی ما یشاء قدیر و بحسن الاجابة جدیر بعد بر رأی عالم آرای ممالک گشای لازال منیرا اعلام میدارد که محب مخلص بران قرار که حرکت طرفین را موافق و مطابق باشد بصوب بلاد قا توجه نمود در اثنای آن روزی چند بجهت تعظیم ماه مبارک در آن کوهها توقف کرده شد و در همین وقت افتخار المقربین قدوة المعتمدین سنان بک در رسید و اشعاری که متضمن امور دولت و مهمات مملکت باشد و از آن مسرت دوستان و خلان و خذلان دشمنان آید رسانید و این مفاخرت و استظهار و مصاهرت میمنت شعار در آنکه منتج انواع دوستی و یگانگی خواهد گشت بتهیه نیت حق سبحانه و تعالی همگنان را قرین وداد صوری و ضمیر اتحاد معنوی گرداناد بالنبی و آله الامجاد

الجواب

نامهٔ فرخ فال و مثال بیمثال که چون درر لآلی از درج سعادت در سلک عبارت کشیده بود و چون ثواقب کواکب که از برج دولت طالع شده از حضرت معدلت شعار مکرمت آثار مالک ازمهٔ ملوک الامم کهف اعنهٔ قاطبة الکبراء المؤید من السماء المظفر علی الاعداء ملاذ صنادید الامم فخر ملوک العرب والعجم منبع جواهر الاخلاق مطلع زواهر الشیم علی الاطلاق المتحلی بحلل اللطف والاحسان رفیع القدر عظیم الشان انشتم کامران لازال الملک معمورا بآثار عدله مشحونا بلطایف عواطفه و مقرونا بشرایف طرایفه در الطف اوقات و احسن حالات ورود فرمود بتعظیم و تبجیل و تفخیم و تجلیل بر مطاوی شریف و معانی لطیف آن اطلاع یافته آنچه از اشعار محبت و اتحاد و اظهار مودت و اعتضاد در طی آن مندرج بود مصور گشت لهذا بر صحت ذات همایون و انتظام امور دولت ابد مقرون شکرهای فراوان گزارده شوقی که فرموده و عطفی که نموده اند از اصل مکارم و نشر محامد بوسیله از طرف این محب نیز براضعاف آن تصور فرمایند که اگر کلمهٔ خواهد در شرح آن شروع رود محرر علیل الاقدام و منین کلیل الاعلام ماند لکن از الطاف آن یگانه جه فوت شود و اورا که ملاقات جسمانی ماورای مطالب روحانیست بخوبترین وجهی میسر باد آنچه درباب اصلاح ذات البین و رعایت خاطر جانبین نموده اند حق علیمست که همیشه اهل مخلصان با آن راسخ است که مرآت قلوب ارباب دولت از زنگ و غبار کینه منجلی گشته مانند قرص آفتاب منیر و صفا

يدين باشد وجود اشارت مخدومی بنز ابن تمنا رهی کشت مرضاة مأموله مقبول ومطبوع افتاد ودرین وقت حامل دعا ورافع ثنا حاجی حسن فقیه را بحضور فائض النور فرستاده شد متوقعست که دائما ابواب اخبار سلوتی وانتظام امور دولت مشحون بفنون مواعظ ونصایح مفتوح فرمایند که روزگار ساخته ورهین امتنانست زیاده جد المناب زود که جناب مخدومی همیشه فرخنده ودولتیار باد بحق محمد النبی المختار واله وصحبه الاخیار

سلطان یلدرم خان بتیموره دفعه اولده کلان مکتوبدر

الحمد لله وحده والصلوة على من لا نبي بعده وعلى اله اجمعين بعد التحية اعلم ايها الملك في الروم يلدرم بايزيد اعلم فنحن في بلاد الله سلطان جديد مظفر منصور على جميع الامراء بالنصر والتأييد بحملة الخلايق لنا عبيد فتنة ان قرة يوسف وسلطان احمد قد هربا من سطوة سيوفنا وهيبة جيوشنا ولا يخفى عليك انهما مادة الفساد وبوار البلاد ودمار العباد وهما كانا فرادى كفرعون وهامان في العتو والاستكبار فلا تقبلهما ان لم تطلب الادبار لجاسوخلاق الديار ان فرعون وهامان وجنودهما كانوا خاطئين وقد صاروا بمن معهما في حمى دياركم قاطنين وانما حلوا حلة النحوسة والشوم وحاشا ان يكون مثلهما تحت جناح ملك الروم واياكم ان تصحبوهم بل اخرجوهم وخذوهم بل احصروهم واقتلوهم حيث وجدتموهم واياكم مخالفة امرنا فيحل عليكم دابر قهرنا فقد سمعتم احوال مخالفينا واخبارهم وما رأيتم ما في قرابهم وتبين لكم كيف فعلنا بهم ولا تكثروا بيننا القيل والقال فصدوا عن جدال وقتال وقد وصفنا لكم البراهين وضربنا لكم الامثال وفي اثناء ذلك انواع التهديد والتخويف واصناف العذاب والاراجيف والسلام على من هدى الله والامر يومئذ لله

الجواب

الحمد لله شرفنا بالاسلام وعززنا بالغزو على سلاطين الاعراب والاعجام والصلوة على رسوله محمد خير الانام وعلى اله العظام وصحبه الكرام اعلم ايها الكلب العقور الموسوم بالتيمور فهو اكفر من الملك التكفور قد ورد الينا كتابك ايها المشوم اذ تخوفني بهذه المهملات وتخدعني بهذه الترهات انت تحسب اني مثل ملوك الاعجام او تتار الدشت الاعوام او في جمع الجنود كجيش الهنود او في جمع جند في الكوفة والنفاق كجمع الهراة والعراق اوما عندي من غزاة الاسلام كعساكر الحلب والشام وثبت عندها كيف تولى وكفر فيعذبه الله العذاب الاكبر لان افعالك

نقض العهود والذمم سفاك الدم وهتاك الحرم فنحن افضل السلاطين شرقا وغربا واشرف الخواقين بعدا وقربا وانت تعرف نظام جيوشنا وعساكرنا وقفت للقيام بنظام قرننا وتناصرنا لكم فرق بين من تكفل بامر الطغاة والبغاة وبين من تحمل امر الكماة والغزاة فان الحرب والضرب دأبنا والجهاد صنعتنا وشرعة الغزاة في سبيل الله شرعتنا ان قاتل احد مكالبا على الدنيا فنحن المقاتلون فتكون كلمة الله هي العليا ونحن لنا باعوا انفسهم واموالهم بان لهم الجنة في العقبى وحاصل الكلام ان كل اشغالنا وجل همنا القتال مع اعداء الدين من الكفرة والمتمردين واعلم ان من يبعث هذا الكلام الى بلادنا ابتغاؤنا ان لم تأت فروجاتك طوالق ثلثا وان قصدت بلادي وانا افرغتك ولم القاك البتة فروجاتي اذ ذاك طوالق ثلثا والسلام على المسلمين فلعنة الله عليك وعلى من اتبعك اجمعين الى يوم الدين

مکتوب هلاکو بملك مصر

اللهم فاطر السموات والارض يعلم الملك الناصر انا نزلنا بغداد في سنة خمس وخمسين وستمائة فاستأسرنا مالكها وسائلنا وسائل فيها وندم وانتوى منا العدم وضن بالمال فآل به الامر الى ما آل واستبدل نفايس نفيسه بنفوس بدنية خسيسة وكان ذلك ظاهرا فوجدوا ما عملوا حاضرا وقد قال القائل اذا تم امر دنا نقصه وتحن في الاستزادة اما بعد يعلم الملك الناصر وسيف الدين بغرو وعلاء الدين القيمري وساير امراء الشام والاجناد وانا جند الله خلقنا من سخطه وسلطنا على من حل عليه غضبه فلكم بمن مضى معتبر وعمن قتلناه مزدجر فاتعظوا بغيركم وسلموا الينا امركم قبل ان ينكشف الغطاء ويحق عليكم منا الخطاء فنحن لا نرحم من بكا ولا نرق لمن شكا قد نزع الله من قلوبنا الرحمة فالويل ثم الويل لمن لم يكن من حزبنا وقد خربنا البلاد وايتمنا الاولاد واظهرنا في الارض الفساد فعليكم بالهرب وعلينا بالطلب فاي ارض تحويكم واي بلاد تؤويكم فما لكم من سيوفنا خلاص ولا من تهاجمنا مناص خيولنا سوابق وسيوفنا قواطع ورماحنا خوارق ونبلنا سواحق قلوبنا كالجبال وعددنا كالرمال فمن رام امامنا سلم ومن رام حربنا ندم ملكنا لا يرام وجارنا لا يضام فان انتم قبلتم شرطنا واطعتم امرنا كان لكم ما لنا وعليكم ما علينا وان انتم خالفتم وابيتم وعلى بغيكم تماديتم فلا تلوموا الا انفسكم وذلك بما كسبت ايديكم فقد اعذر من انذر وانصف من حذر فالحصون بين ايدينا لا تمنع والعساكر لقتالنا لا ترد ولا تدفع ودعاؤكم علينا لا يستجاب ولا يسمع لانكم اكلتم

الحرام وخنتم الايمان واظهرتم البدع واضعتم الجمع واستحسنتم الفسوق والعصيان وفشا فيكم الحسد والطغيان فاستبشروا بالذلة والهوان فاليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم تستكبرون في الارض بغير الحق وبما كنتم تفسقون وسيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون وقد ثبت عندكم اننا الكفرة وثبت عندنا انكم الفجرة فسلطنا عليكم من بيده امور مدبرة واحكام مقدرة فعزيزكم لدينا ذليل وكثيركم عندنا قليل الويل والخوف لمن هو بين ايدينا طويل والامن والعفو لمن هو لنا سبيل فنحن ما لكوا الارض شرقا وغربا واصحاب الاموال سلبا ونهبا ونأخذ كل سفينة غصبا فميزوا بعقولكم طريق الصواب واسرعوا علينا برد الجواب من قبل ان يضرم الكفرة نارها وترون شرارها وتحط اوزارها فتدهون منا باعظم داهية وما ادريك ما هيه نار حامية ولم يبق لكم جاها ولا عزا ولا تجدون منا كهفا ولا حرزا وينادي عليكم منادي الفنا هل تحس منهم من احد وتسمع لهم ركزا وقد انصفناكم اذ ارسلنا فردوا جواب الكتاب قبل حلول العذاب وانتم لا تشعرون فكونوا على امركم بالمرصاد وعلى جادتكم من اقتصاد فاذا قرأتم كتابنا هذا فاقرؤوا اول النحل وآخر صاد ونحن قد نثرنا جواهر الكلام والجواب كما يكون

وكذلك على اهل الكلام

جواب مكتوب هولاكو

تعالى من تعريف الوصاف قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وقفنا والحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد المرسلين وخاتم النبيين محمد النبي الامي واله اجمعين على كتاب ورد بخبر اعن الحضرة الايلخانية والسدة السلطانية نصرها الله تعالى رشدها وصير التصحيح مقبولا عندها بانهم مخلوقون من سخط الله مسلطون على من حل عليه غضبه لا يرقون لشاك ولا يرحمون عبرة باك قد نزع الله الرحمة من قلوبهم وذلك من كبر عيوبهم فهذه صفات الشياطين لا صفات السلاطين كفى بهذه الشهادة لكم واعظا وبما وصفتم انفسكم ناهيا ورادعا قل يا ايها الكافرون لا اعبد ما تعبدون في كل كتاب لعنتم وبكل قبيح وصفتم وعلى لسان كل رسول ذكرتم وعندنا خبركم من حيث خلقتم وانتم الكفرة كما زعمتم الا لعنة الله على الظالمين قلتم اننا اظهرنا البدع واضعنا الجمع وتركنا الايمان وابتغينا الفسوق والعصيان لا غرو ان صار فرعون مذكرا وهو للشريعة منكرا امرنا بالاصول لا نبالي بالفروع فنحن المؤمنون حقا لا يداخلنا عيب ولا يحاصرنا ريب القران علينا نزل والرب رحيم بنا لم يزل تحققنا تنزيله وعرفنا تأويله انما النار لكم خلقت ولجلودكم اضرمت اذا السماء

انفطرت واذا الكواكب انتثرت واذا البحار فجرت واذا القبور بعثرت علمت نفس ما قدمت واخرت والعجب العجب تهديد الليوث والسباع بالضباع والكماة بالقراع خيولنا برقية وسيوفنا يمانية ولبوسنا مصرية واكتافنا شديدة المضارب ووصفها بالمشارق والمغارب فرساننا ليوث اذا ركبت وافراسنا لواحق اذا طلبت سيوفنا قواطع اذا ضربت ليوثنا سواحق اذا نزلت جلودنا دروعنا وجواشننا صدورنا لا يصدع قلوبنا بشديد وجمعنا لا يراع بتهديد بقوة العزيز الحميد لا يهولنا تخويف ولا يزعجنا ترجيف ان عصيناكم فتلك طاعة وان قتلناكم فنعم البضاعة وان قتلنا فبيننا وبين الجنة ساعة قلتم قلوبنا كالجبال وعددنا كالرمال فالقصاب لا يهوله كثرة الغنم وكثير الحطب يكفيه قليل الضرم ايكون من الموت فرارنا وعلى الذل قرارنا الا ساء ما يحكمون الفرار من الدنايا لا المنايا فهجوم المنية لدينا غاية المنية ان عشنا سعيدا وان متنا شهيدا الا ان حزب الله هم الغالبون ابعد امير المؤمنين وخليفة رسول رب العالمين تطلبون منا طاعة لا سمعا لكم ولا طاعة ان الشوق الى اللحاق به لكاف عن مطمع يضرنا وتخيل يحيرنا تطلبون ان نسلم اليكم امرنا من قبل ان ينكشف الغطا ويدخل علينا منكم الخطا هذا كلام في نظمه تركيك وفي سلكه تنكيك ولو كشف الغطاء ونزل القضاء لبان من اخطاء اكفر بعد الايمان ونقض بعد بيان وتكذيب بعد تبيان وطاعة اوثان واتخاذ رب ثان لقد جئتم شيئا ادا تكاد السموات يتفطرن منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا ولو الكاتب لكم الذي وصف مقالته وصنف رسالته ما قصرت بما افصحت او جزت وبالغت والله ما كان عندنا كتابك الا كصرير باب او طنين ذباب لانك استخففت النعمة واستوجبت النقمة ستكتب ما قالوا ونمد لهم من العذاب مدا وتلعب بالكتابة والتهديدات الكاذبة ما كان غرضك الا اظهار بلاغتك واعلان فصاحتك وما انت الا كما قال القائل حفظت شيئا وغابت عنك اشياء كتبت سيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون تلك هذا الخطاب وسيأتيك الجواب اتى امر الله فلا تستعجلوه الملك الناصر وسيف الدين ابن بغمور وعلاء الدين القيمري وساير امراء الشام والاجناد والتصاق البلاد بل نذر والسعي الى الجهاد والايصال الى جهنم وبئس المهاد وضرب اللمم بالصمصام الحداد وكلهم يقولون لكم اذا كان لكم بالحرب سواعد سماحة ولديكم من الفصاحة فما الحاجة الى قراءة ايات وتصنيف حكايات وتلفيق مكاتبات

وها نحن مؤخر الصفر موعدنا السحر ويجعل الله لمن يشاء الظفر ونحن ما
نثرنا جواهر الكلام ولا قعدنا مكان الملام بل قلنا ما حضر ونعتذر
من عي وحصر والسلام

يلدرم خانڭ بغداد حاكمی احمد جلايره تيمور غوغاسنده يازدوغی تضرع نامه در

بحضرت سامی منزلت عالی مرتبت سلطنت شعار معدلت آثار خداوند
اعظم وخدا وندكار معظم مالك الملوك والسلاطين سلطان الاسلام
والمسلمين قايد جيوش الموحدين ملاذ الغزاة والمجاهدين قهرمان الماء
والطين المؤيد من الله الملك المجيد السلطان يلدرم بايزيد عظم الله
ملكه ونظم سلكه وزيدت شوكته وانتظمت دولته واعلت على
الاعادي صولته وطال مدته صحايف دعوات حالصات ناميات
مسكية الفوحات ولطايف مدحات صالحات ساميات وردية
النفحات كه منبعث از كمال مودت و وداد ومنشعب از كلشن محبت واتحاد
كوده از رياض دار السلام با بريد سباء صبا رفتار بخدمت مقر باشر
عالی مقدار رسانيده آرزوی مشاهدهٔ ديدار فرخ آثار نه در اندازهٔ بنان
السنه اقلام از عهدهٔ تقرير آن بتحرير ارقام تواند بيرون آمد
توفيق وصول بشرف ملازمت عن قريب مقدر باد فهو المراد بعد از ايضاح
احوال اتحاد ويكجهتی منهاء رأی عقده كشای عالی آنكه بعد از تغلب و
استيلای تيمور مقهور بعراقين وتصرف دار السلام بغداد اين هوا خواه
بی اشتباه حسب اشارت آن عاليجاه نزديك ملاطيه وسيواس كه ما بين
مملكتين روم وشامست توقف نموده بودكم جناب مملكت مناب سعادت
نصاب مبارز الدولة والدين قره يوسف بهادر نيز دررسيد وبا يكديكر
متفق كشته جماعت ازبكيه كه مقدمهٔ جيوش خصم مقهور بودند از آب
مراد كذشته بحوالی مخلصان دررسيدند وتنور حرب كرم شده تخم
چندكه سودای خام درسر داشتند درآن آتش سوخته دود عجب
از دماغشان برآمد وبقية السيوف چون شرار از آتش برجسته وهمچنان
باد هوا شده از ديدهٔ اولو الابصار ناپديد افتادند اما چون اين حالت
تيمور را معلوم كردد زانكه هجوم بر اصل خواهد نمود شبهه نيست در اين
باب هرچند سلاطين وحكام مصر وشام متفقند لكن بالجمله موقوف
رأی صواب ديد ايشانند همواره ايام سلطنت وخلافت متزايد ومتضاعف
باد بالكون والنون والصاد الى يوم التناد محب دولتخواه احمد جلاير

الجواب

الجواب

جواهر عقد الفاظ پر صفا وزواهر نظم كلمات خوش ادا يعنی كتاب
فرح فزا وخطاب روح افزا از مطلع آفتاب برج اقبال ومنزل شرف
اوج اجلال عاليجناب سلطنت مآب شجاعت شعار دولت آثار شمس
الدولة والسلطنة والشجاعة والدنيا والدين سلطان احمد جلاير
زاد الله عمره وايد نصره مرشح بصنوف محبت وموشح بانواع مودت
در صحبت افتخار الاكابر وكلا عاظم عوض شاه بباب دام عزه دررسيد
وانچه از مطاوی فاتت ايشان با جناب مملكت نصاب نور الدين قره يوسف
بهادر ابده الله وادامه ومحاربهٔ ايشان با مقدمهٔ جيوش ازبكيه وتدبير
درباره مدافعهٔ تيمور مقهور واتفاق حكام مصر وشام با اهل اسلام
ويكجهتی وتوقف ايشان برای اينجانب بالجمله معلوم كشت مخفی نماندكه
بعد از فتح سلانيك بيش ازين بنابر آنكه بعهد تكفور استانبول
دررحال بمحاصرهٔ آن شتافته شنيده ايم كه بطبق الكفر ملة واحدة فرال
انكروس منحوس بديار اسلام تاخته وقلعهٔ نيكبولی راكه از حصون متينهٔ
روم ايليست حصار ساخته بدفع آن كوشيدن از مهم اهم نمود همان
روز بتوفيق الله تعالی بصوب آن مخذول شتافته بعد از انكسار وابتلا
او ببلاد الامان بروسه آمده اكرچه تكفور ملعون طلب عذر خواهی
كرده بخراج دادن امان ميخواست ليك مقيد بزخرفات او نكشته مرة
بعد اخری با زبر سر او رفته ودر اثناء فتح اين خبر دررسيد لاجرم صلح
او را پذيرفته بجهت دفع تيمور مكور كه بفتوای علمای انام اشد من
التكفور است بحوالی توقات آمده انچه مقدور است بتوفيق الله تعالی
دريغ نخواهد كرد باقی ايام عمر ودولت زياده باد حرر فی اوائل شهر
شعبان المعظم سنه ثمان وتسعين وسبعمائة

يلدرم خانڭ تيموردن ايكنجی دفعه ده كلان مكتوبدر

بجناب معدلت آثار مكرمت شعار نويين اعظم اعدل اكرم مؤسس
قواعد النصفة والجلال مؤكد مقاعد الدولة والاقبال مطلع لوامع المجد
والعلا منبع مآثر العز والثنا المؤيد بتاييد الملك القادر بايزيد بهادر
بعد از تبليغ سلام عتاب آميز وتمهيد بيام مصالحت انكيز عرض اعلام
آنكه بعواطف شاهانه وعنايت خسروانه ملحوظ ومحظوظ بوده بدانكه
بعنايت الله وبمن افضاله قريب چهل سال باشد كه نفس خود را بجهانكيری
وفتح قلاع واستخلاص حصون ومملكت داری مشهور ومشغول داشته ايم

ملوك و سلاطين جهان بنصرة الله وعونه بربقهٔ عبوديت كردن نهاده
امروز بعضی کمر مطاوعت وانقیاد برمیان جان بسته بندهٔ وارد رخدمت
ایستاده اند ولا ریب فیه وابن معنی اظهر من الشمس وابین من الامس است
بلکه جمعی بسیارند که برفعت جاه وحشمت مملکت در طریق جان سپاری ما
مفاخرت میکنند بعنایة الله تعالی پس ایشان چرا وحشت میکنند علی الخصوص
که بسال نیز چون پدر او باشیم با وجود این معانی ایشان در مکاتیب خود
وعید بسیار نموده ومرة بعد اخری رقعه فرستاده که من بتبریز میروم
دران طرف بطلب بمور می ایم اگر چه ایشان ما را اندیشه ناک نتوانند لکن بر ما تمام
اهل غزا وحمیت اسلامیان ودفع شر غیور ورعایت ناموس خود واجب
ولازم است وبفحوای من تقرب الی شبرا تقربت الیه ذراعا بجانب او نزدیک
آمده القصه بدان سبب لشکر کشور کشا بصوب سیواس در حرکت
آورده شد وبعنایت ربانی وحمایت سبحانی تمکن دران میسر گشت
والحمد لله علی ذلک ومشاهده ان الملوک اذا دخلوا قریة افسدوها وجعلوا
اعزة اهلها اذلة وکذلک یفعلون بر جهان وجهانیان حاصل شد
وبر همگنان معلوم ومحقق که او بمحاصرهٔ ملاطیه مدت چهار ماه لیلا
ونهارا سعی نموده در آخر اهالی آن قلعه راضی نشده وبیرون نیامده
او ونوکران او بر ملاطیه دست نیافته اند ومدت مدید است که میخواسته
که بگیرد نتوانسته بحمد الله والمنه که سیواس را باندک مدت
ضبط کرده بهر حصار که رفته بتوفیق الله تعالی بخیل وحشم بنقب
اسباب قلعه گیری از رعد وبرق وصخور بر آوردن وبرج وبارو بر انداختن
متخلص کرده شد واین احوال بر اهل عالم سمت وضوح یافته ومع هذا
طامات غرور وعجب نیست ودر مکاتیب لاف وگزاف از طریق عقل
بدیع وبعید است نظم خداوند خرد را در همه وقت بقدر خویشتن
باید زدن لاف وکمیت سپاه ما ایشان را واحوال لشکر او ما را نیز
معلوم بود اما بعد از فتح سیواس که امرا ولشکریان ایشان زیاده یافتیم
ومکرر از صاحب وقوفان لشکر او تعدادش معلوم کرده مؤکد علم
سابق ما افتاد چون غرض ما ازین حرکت رعایت ناموس قوم بود
بعون الله تعالی این معنی بر حسب المطلوب بحصول پیوست مع هذا
بجهت ترس وبیم حضرت کردگار که ولا تزر وازرة وزر اخری بسبب یکی
احدی چندین مسلمانان را آزردن وخانمان خراب کردن نشاید هربا
من سخط الله باز این مثال فرخنده فال را فرستادیم که اگر او مآل

این حال را دانسته سبب خرابی مملکت نگشته رجوع بطریق مصالحه نموده
رسولی یا مکتوبی که متضمن عذر خواهی باشد ونا موس ما وشما را نگاه داشته بود
ما نیز یقین کرده که دوستی در میان ما مؤکد شده واز سیواس در گذشته
باز گردیم تا سبب فرصت کفرهٔ فرنگ علیهم لعاین الله نباشد اگر بعد از آن
بخلاف آن عهد نقصانی از ما بان دیار رسد پس بی تکلف میل ما العیاذ بالله
بر اعانت دین کفره باشد حاشا ثم حاشا که این چنین حال را ما روا داشته باشیم
یا خواهیم داشت بلکه این همه توسعهٔ دایره بنا بر آنست که اهل اسلام بهم
در افتاده مبادا موجب دست درازی کفار خاکسار افتد وشنیده باشند که
بعضی از ملوک که با ما برابری میکردند چنین مواعظ ونصایح مشفقانه می
نمودیم در خاطر ایشان عجب فزوده انقباض زیادت می شد ایزد عز اسمه
ببرکت عقیدت صافیه ونیکخواهی بعد از محاربه نصرت وظفر با بجانب
ما می یافت واکنون بعد ازین مکتوب نصیحت اسلوب اگر ایشان مفید نشوند
اغلب اعتقاد ما بر آنست که باز بهمان منوال فتح وفیروزی از جانب ما خواهد
شد که ولن تجد لسنة الله تبدیلا وهمیشه عساکر منصورهٔ ما را کافر
ولی دین وبد مذهب ورشت آیین میخوانند انا العیاذ بالله من ذلک
وحال آنکه تشبث ما بذیل لطف صمدیت است واکثر لشکر ایشان کفرهٔ
خراج گزارند هرگاه ایشان را هدایت ربانی ممکن بوده باشد لشکر ما که
مسلمان ومسلمان زاده اند کافر چرا شوند واگر عیبا دعوای جهانگیری
است بعد از صعود تخت بخت واجرای سکه واعلان خطبه در آنکه
از زمرهٔ اولوا الامر باشیم شبهه نیست وبفحوای ورفعنا بعضکم فوق
بعض درجات کهتر را بر مهتر اطاعت لازم وواجب چه ما خود از دودمان
ایلخانیه باشیم اگر شما را سلام اخلاص آمیز بما رسد باعث رفاهیت
جانبین شود هم فائده ایشان خواهد بود درین باب با علماء ولایت وعاقلان
نیک اندیش مملکت خود بر موجب نص وشاورهم فی الامر نموده ومساعدت
در ارسال الجواب کرده نوک قلم را از خشونت نویسی معفو دارند که هیچ تیغ
اندر میان آید چه جای کلک زر باشد وکلام اولا واخرا والخیر ما اختاره الله بالمنا
وظاهرا

الجواب

مکتوب شهد وشورانگیز ولطف عتاب آمیز که از جانب جناب خان اعظم
وخاقان معظم المباهی باوصاف العظمة والجلال والمفتخر بنعوت الحشمة
والاجلال وحید سلاطین زمان تیمور گورکان ضاعف الله نصاب حشمه
بالخیر در این اوقات رسید بعد از اکتشاف وصول وتمکن او در سیواس

معلوم گشت اوراه نوشته بودند که رفتن ما بتبریز وازانجا مقابل کردن
عجب است چه اگر ما از کفه وشیروان عزم آن کنیم که مانع خواهد گشت با آنکه
قپچاقیان ازوازده حاصل گشته با ما متفقند ودیگر درباب ملاطیه
وسینوب ملاطفه نموده بودند اعراض ما ازانها بنا بر مصلحت چند بود
وازکثرت عسکر نیز طعن کرده بکثرت سپاه خود تفاخر فرموده اند شنیده
باشند که جد عالی تبارم ارطغرل رحمه الله تعالی با موازی سیصد سوار
خود با لشکر کفار تاتار ومغول که از ده هزار رجبه دار بیشتر بودند وسلطان
علاء الدین سلجوقی بونان غفره الله علیه کرده طغرل مشار الیه خود را بکوه
آهن زده وبضرب گرز صف البرز سای مغولان را از هم شکافته بتوفیق الله
مغلوب ومنکسر ساخته وسزاوار رعایت وبتشریف مرزبانی ثغور اسلام مباهی
شد بعد ازان خلف صدقش سلطان عثمان غازی طاب ثراه از محض صفای
طینت وفرط غزا ومجاهدت بعنایة سبحانی وعواطف سلطانی مقرون وبپایه
سلطنت درسید بالجمله از تأیید الهی بی وقوع طغیان براحدی از سلاطین
عصر خود در یونان میسر گشت وبعد ازان بشرذمهٔ قلیله که از دویست
تا هزار نفر هیچ بوده بفحوای کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة باذن الله
بمیدان شهامت درآمده غزاه شعار وجهاد راکب وکار دینوی واخروی
خود ساخته بعنایة الله تا الحال که دور جهان رهین مال است بل نجیم روز بروز
نور دولت گیتی افروز ما چون مهر منیر عالمگیر است وقلاع وبلادی که ما
از تکفوران ملاعین گرفته ایم سلاطین ماضی وحال آنرا در خواب خیال
ندیده اند چه ملاطیه وسینوب مقدار کنگرهٔ برجی ازانها نمیشود ولیکن
ماجرای ما با حکام قسطمونی وقرمان واشال ایشان شنیده اند بنا بر عدم
اتفاق آن طوایف مختلفه خصوصا درحین توجه ما بغزای غزا وتطاول
ایشان بممالک محروسه بالضروره لازم همی آمد وگرنه دنیا وما فیها در مقابله
نظر همت ما بقدر کرمی نیست واگر ما بتخریب بلاد وتعذیب عباد عزم
جهانگیری نمودیم از شرق تا بغرب تصرف آسان بود لکن بفحوای الاهم
فالاهم همیشه بدفع معاندان دین محمدی کوشیده سلاطین اسلام مباین
امصار بعتق مسند مختار را از صمیم قلب هواخواه وجان سپار ما اند وگویا
جمیع ملک ایشان ازان ماست وازکثرت جنود خویشتن که گفته بودند
وسپاه ما را اکثر با کبرزاده خوانده درو عیبی نیست جمیع اصحاب وانصار
چنین بوده وانصاف ناسلمانان از مسلمانان بی انصاف بهتر وخوبتر
ونصر وتوفیق بکثرت وقلت لشکر نیست بلکه بتأیید الهی موقوفست وغالب

ومغلوبی نیز هر دو سنت اولیاست ودرضمن هر کسری فتحی مضمر وبند بر کدام
انار الله برهانه بعد از غلبه بر حزب کفار نگونسار از غدر بعضی از زمرهٔ
اسارای کفرهٔ فجره علی الغفلة شربت شهادت چشیده داخل جنات عدن
گشتند ازما چه کاست وبعد از تعرض ایشان بسیواس وهتک عرض بلاد
اهل اسلام ما چگونه بغیرت ازجا بجنبیم ومقصود شما از بنیاد این جنگ
دفع مطاعن از خویشتن است وگرنه هر مکتوبی که از شما عربی وفارسی رسیده
بخبر بتحریر خبر دیگر ازو مفهوم نمیشده وصفت جلالت جود وهر یکی از
سلاطین وحکام موجود است بهمان نازیدن خوب نیست وبعد از اظهار
جبروت بمواعظ ونصیحت برسر لطف آمدن صورتی ندارد مصرع
لطف وقهر خسروان ذاتی بود وتا الان یکی از خاندان عثمانیان بتملق
دفع دشمن نکرده وبحیله پیش نامده چون آفتاب جهانتاب مستقیم گسترند
ونیکی وزشتی هر کسی بسرشت اوراجع فالله یفصل بیننا وبینکم وهو خیر
الحاکمین این جمله مراسلات برای اصحاب فراست وارباب درایت
واقع شده هرگز ما بخویشتن رای نکرده ایم ونمیکنیم وهرگاه که ایشان
قدم بیشتر رانند عزم رزم محقق وجزم نمایند ما نیز توکلت علی الله
گویان حاضریم والسلام حسبی الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر

یلدرم خانه تموردن اوچنجی دفعه گلان مکتوبدر

بجناب معدلت شعار مکرمت آثار نوین اعظم اعدل افخم موکد قواعد
عظمت وجلال موسس مقاعد دولت واقبال مطلع لوامع العز والتمکین
مظهر مآثر الملک والدین ملاذ الغزاة والمجاهدین محظ لطف الله الملک المعین
المخصوص بعنایة الملک القادر جلال الدنیا والدین بایزیدخان بهادر
خلد الله ملکه وسلطانه صحایف تحیاتی چون صفحات صبح سبحانی سایه
گستر همگی صدق وصفا ولطایف دعواتی چون لمعان خورشید انور
جملگی نور وضیا متحف ومهدی مبرور از واهب بی علت علت کلمته
وجلت قدرته مسئول که بحث امان اهل ایمان ومقتضی اصلاح ذات البین
ومستند علی اتحاد جانبین باشد مسئول ومامولست انه علی ذلک قدیر
وبحسن الاجابة جدیر در دین وقت کتاب کریم از ایصال مولانای معظم
قاضی فرید الدین ومفخر الاکابر بخشی شعر بکلام لو ان للدهر سمعا
مال من لطفه الی الاصغاء وارد گشت بمطالعهٔ الفاظ واطلاع معانی
آن استیناس موفور بحصول موصول گشت وبافتتاح ابواب مخالصت
ومصادقت پیوست وبرسلوهٔ ذات ملک خصال وانتظام مودت

واقبال شکر حضرت ملك متعال تعالی شانه وتوالی امتنانه تقدیم افتاد
چون تمامی کتاب شریف من المطالع الی المقاطع مقبول ودلپذیر وپسندیده
ومستعذب بود بحکم ع سخن کز جان برون آید نشیند لاجرم در دل
مصدق ومسلم داشته بوفور احسان مقرون گشت نظم عبارته فی
النظم والنثر کلها غرایب تصطاد القلوب بدایع اگر چه مصدوقهٔ
حال وخلاصهٔ مقال همانست که بیشتر از دست حاجی بایزید نسخ
مصحح سنقر جاوش فرستاده ایم وبران صورتها مزیدی بهیچ وجه
متصور نیست وعلی التقادیر قواعد این معانی قابل تغییر وتبدیل نخواهد
بود واما اکنون از راه دوستی ویگانگی کلمهٔ چند که هم مقوی وشاهد
مغیث رقم قلم مودت مینماید فنا هو ذلك وانچه نوشته اند که
سببی در میان ما وانجناب صورت وحشتی واقع شده است آن سخن
راراست نوشته اند وچنین است چه دنیا وما فیها وجود آن ندارد که در
ذات البین صورتی واقع گردد که بدان واقعه مسلمانات وبندگان خدای
تعالی را زحمات رسد وما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور شعر وهل یحمد
الدنیا کریم وقد جرت علی ضد عادات الکرام رسومها وانچه نوشته
اند که اباً عن جد همواره باکفار واعداء دین مقاتله ومحاربه کرده اند
این معنی نیز پیش ما روشنست وما علی الدوام خاندان ایشان را باین
این معنی معتقد بوده ایم واکنون نیز میخواهیم که بر وفق مدلول شعر
فالغصن یذبل ثم یصبح ناضرا والماء یکدر ثم یرجع صافیا صورتی
بوده که انجناب بهیچ نحوی بجهاد کفار آن دیار مشغول گردد وازطرف
ما بدان جانب لطایف عنایت وامداد بهر وجه که میسر شود عاید گردد
تا ثواب جهادی که انجناب باکفار ملاعین فرنك میکنند ما را نیز حظی
ونصیبی باشد وچون موافقت ومخالصت آن جناب با ما سمت وضوح
مثوبات غزواتی که ما با کفار دیار شرق بجای آوردیم انجناب نیز محظوظ
وبهره مند شوند ودرمابین الجانبین وکلیهما ترتیب رسوم ملوك وسلاطین
ما تقدم آمد وشد نمایند وبدین سبب مسلمانات در مهد امن وامان
بفراغ واطمینان روزگار گذرانند وانواع فواید دینی واضعاف منافع
ملکی جانبین را مثمر ومحصل گردد ومن الله الاعانة والتوفیق دیگر
انچه نوشته اند که اگر سخن وپیغام ایشان بجهت مصلحت وقت بوده
باشد تفاوتی ندارد حاشا که در آن مکتوبات شایبهٔ کذب متصور گردد
وچون جرح آن الفاظ بمحال فهم ما نیست معاذ الله که خلاف

انچه نوشته ایم احتمال صدور وظهور یابد وکفی بالله شهیداً بینی
وبینکم بلکه دستور عمل مصالحه وفهرست مهمات همگی وجملگی
آن سخنهاست که در آن مکتوبات مذکور شده است وبنیاد مبانی
دوستی ومدار معانی اتحاد بر فحاوی ومدلولات آن مکتوبات
مقرر ومستمر است دیگر انچه اعلام کرده که اگر تقدیر ربانی چنان باشد
که غبار وحشت از ما بین بالکلیه مرتفع گردد انجناب میان ما وحکام
مصر توسط فرمایند این معنی نیز نیکو فرموده اند بهر وجه که صواب
دید انجناب باشد بر آن مزیدی نخواهد بود فاما صورت مکاوحتی
که در میان ما ووالی مصر از دار فنا رحلت کرده است انه کان من المفسدین
واقع شده انجناب را معلومست که در آن قضیه شرعاً وعقلاً وعرفاً
ما محق وایشان مبطلند وچنانچه شهرت یافته است که بنای ما را
مقدم ایشان شیخ بهاء الدین ساوجی که از کبار وسالکان عراق عجم
بانواع کمالات آراسته بود وبشرف حسب ونسب با کرامت صلاح وسداد
انضمام یافته از کمال قصور وعدم وقوف بر آیین جهانبانی ورسوم
جهانداری شعر اذا لم تکن للمرء عین صحیحة فلا غرو ان یرتاب والصبح
مسفر تمامی ایشان را بدرجهٔ شهادت رسانیدند هذا من عمل
الشیطان وبعد از آن نسبتی که انجناب معلوم دارند پسر کوکلتاش
ایلچی انجناب را مقید ومحبوس داشته اند چند انکه بنصایح ومواعظ التماس
تخلیص او کرده شد وفوج فوج فرستاده مفید ومنتج نشد وفوج را نیز
بروفق ضعث علی ابالة بقتل آوردند وحقیقت انهم الفوا اباءهم
ضالین بظهور رسانیدند تا بدین واسطه لشکرهاء منصوره بطرف
شام در حرکت آورده شد وآن همه خرابی سبب فتح معاش ایشان
بدان درویشان رسید بحمد الله تعالی که من مبادی الحال الی یومنا هذا
بی موجبی کینه وخفتی بین بهیچ ملکی توجه نموده ایم وهر قضیه که واقع
شده است مدلول وکلا اخذنا بذنبه ظاهر ولایح بوده ومع ذلك
عزیمت مصر مصمم فرموده بودیم حاجی نام یکی از محرمان خود را با دانشمند
فرستاده استدعا نمودند که اگر عزیمت مصر فسخ فرمایند واز دمشق
معاودت نمایند تلامیش را چنانکه هنوز بحلب نرسیده باشد عقب آن
برسانیم بدان سخن نیز وفا نکردند وخلف وعده نمودند ویحسبون انهم
علی شیء الا انهم هم الکاذبون اکنون چون انجناب گفته اند که متوسط
شده نایرهٔ انتقام را تسکین فرمایند بصواب دید انجناب تعلق دارد

هر آینه چون بنا بر استحکام قواعد معاهده تلامیش را روانه کرد ایند
تتبع نحوای وان جنحوا للسلم فاجنح لها وتوکل علی الله هرچه آنجناب صلاح
فرمایند بدان معنی مزیدی صورت بندد واما انکه حاکم مصر را گفته اند
بفرزندی قبول کردیم ما روا نمی داریم که باوجود شرف خاندان ایشان مدتی
مدید وعهدی مطول وبعید ست وواقطار امصار بتقویت دین وتمشیت
شرع مبین متصفند با چنان غلام وغلام زادهٔ که انه عمل غیر صالح درما بین
شرایط مجانست وحقایق مماثلت منتفی ومفقود ست وصلت فرمایند
از راه دوستی این معنی را مناسب نمیدانیم چه حکام مصر را علی الحقیقه
استحقاق آن نیست که محل مباهات تواند بود ونیز ایشان را سلطان الحرمین
نوشتن هم مناسب وشایسته نمیداریم چه حرم مکه شرفها الله تعالی
حرم خدای تبارک وتعالی است وحرم مدینه حرم مرقد مطهر ومضجع معطر
محمد مصطفی علیه من الصلوات اکملها ومن التحیات اجملها ست چگونه
ایشان را سلطان این دو حرم توان خواندن بل مجاوری وخادمی این
دو حرم موصوف داشتن کمال مباهات واعظم سعادت ایشان تواند
بود والحالة هذه محققست که آنجناب طمع در مملکت ایشان کرده وبرانکار
ایشان جازم بوده بعضی ولایت را از تصرف ایشان انتزاع نموده بودند
واکنون بر مصداق الاشیاء تنکشف باضدادها فرزند وسلطان الحرمین
می‌خوانند وازین رخصتها جایز می‌دارند نظر بر مصلحتی داشته ازین معنی
مکالمه نباشد لا تتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء دیگر چنانچه در مفتتح
این کتاب ملفوظ زبان قلم شد مجموع الفاظ وکلمات مکتوب عزیز آنجناب
پسندیده ودلپذیر داشته اند وبیت عربی ازاد صالح بن جناح که نوشته
ایم این معنی از زبان واقعست راست نوشته ایم ومی‌دانیم نیز که نظر بر چه
معنی داشته ایم واما چون خلعت عبارات مکتوبی که بدانجانب فرستاده
ایم بطراز قسم مطرز وموشحست ترک تکلف انسب وتصدیق سخن ما اولی
واصوب وهو هذا شعر ولیحرس الحب بالصدق منجم ولیحرس للعهد
بالصفو مسرح اذا کان ذا امری فانت مقوم ولم یبق منا فیک شیء معوج
دیگر آنجناب را معلوم ست که امور ملکی ومصالح دارای ممالک بتازکی
تعلق دارد ودقایق آن بسیارست درین وقت استماع افتاد که احمد جلایر
ببغداد وآن طرفها عودت کرده است بدین سبب امرا ولشکر بر سر او فرستاده
شد وازین معنی سنقور چاوش واقفست اگر بعنایة الله تعالی آورند
فهو المرام والا که فرار کرده باز بدان طرفها توجه نماید وظیفهٔ دوستی

آنست که بنا بر رسوخ مصالحه مصالح او را راه ندهند که بدان ولایات در آیند
چه محققست که فلک زدگانی که از چهرهٔ روزگار ایشان نور دولت رفته
است ومردود نظر الهی شده وطپانچهٔ نکبت ایام خورده اند دست
شقاوت دامن ایشان گرفته است قدم ایشان بهر ولایت که رسد بفال
مبارک نباشد باوجود این معنی احمد جلایری نسبت باقرا یوسف کنجد
زادهٔ نیکوست اگرچه پدران ایشان امیری وبزرگی نداشته اند سه چهار کس
از پدران او درین بلاد بحکم من غلب سلب ومن عز بز بعد از آنکه چهرهٔ
مملکت از زیور وجود وروغ کواکب فروغ چنگیزخانی عاطل مانده
منصب ایالت وامارت یافتند وهرچه قرا یوسفست ایشان قطاع
الطریقند بدزدی وراه زدن وخون بازرگانان ریختن مشغول بوده
اند وهذا باب فیه اطناب اکنون با وجود شهرت مسلمانی ودینداری
وغزو وجهاد آنجناب رعایت وتقویت آنچنان مادهٔ مفسدت وعنصر
اذیت بودن چه مناسب تواند بود چنانکه گفته اند نظم زنا پاک
زاده مدار امید که زنگی بشستن نگردد سفید یقینست که هرگاه
باشد خاصیت سرشت بد مقتضای طبیعت ناستقیم خود را از قوت
بفعل خواهد آورد ومع هذا استماع افتاد که باعث بر توجه آنجناب
بجانب ارزنجان او بوده هر آینه بدخواهان مفکوک که غم صلاح مملکت
امرا وملوک نداشته باشند از القاء وحشی وتهیج کدورتی خالی
نتوانند بود ونگذارند که دوستی صورت بندد وهمواره خواهند که
مشرب موالات مکدر باشد والطبع مکتسب من کل مصحوب بنا برین
مقدمات اصل القاب دوستی ومصالحه آنست که آنجناب او را از پیش
خود نفی فرموده بدین جانب فرستند یا از ولایت اخراج کنند تا صفاء
زلال منبع مصادقت ومخالصت از مظنهٔ وقوع غبار وحشت انگیزی
ورنگ آمیزی او سالم بماند واز آنجناب بهیچ باب غیر ازین معنی چشم
داشت دیگر نیست ونخواهد بود ان شاء الله تعالی معد حصول مأمول
باشد که ما نیز بعنایة الله ومیامن تاییداته جمیع مخالفان شرع محمدی
صلوات الله علیه وسلامه را که در گرجستان وآن حدود بودند
بدین حد عودت کرده در ربقهٔ اطاعت وانقیاد در آوردیم وقبول
غربت ولشکر کردند درین وقت ارادت آنکه علی استخاره الله تعالی به
ییلاق الاغ ونواحی طربزون وآن طرفها مخیم سرادقات دولت
ومعسکر وفود جنود نصرت گردانیده شود در مکتوباتی که پیشتر فرستاده

نوشته بودیم که بارنجان وآن جوانب نهضت مقررست کنون چون ایلچیان انجناب رسیدند وکتاب کریم رسانیدند ذکر کرده شد اگرنزدیکتر خراب کرده مبادا که ناکاه بنوعی از انواع نائرهٔ فتنه اشتغال یابد ومصالحه صورت نبندد ومسلمانان در زحمت افتند بدین واسطه توقف درین حدود بصلاح عهد دوستی اقرب دانسته شد ان ارید الا الاصلاح ما استطعت اعلوم رفت تا رای جناب انجناب کیفیت حال معلوم کرده زیادت اصلاح بنفتاد وحسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر رب اختم بالخیر والحسنی

الجواب

تمیمهٔ امانی وتمیمهٔ کامرانی اعنی کتاب شریف خاقانی وخطاب منیف جهانبانی که ازجناب همایون پادشاه ربع مسکون خسرو صاحبقران سلطان سلاطین جهان المؤید بتأیید الملک المستعان جلال الدولة والدنیا والدین تیمور کورکان خلد الله ایام عزه واقباله وادام اعوام عمره واجلاله چون الهام ربانی ووحی اسمانی نازل کشت ودر مقابله ان تحیات فراوان ودعوات بیکران که لایق بساط پر نشاط عالیشان بوده باشد از راه اخلاص وطریق اختصاص مخصوص ومعروف کردانیم بدعا وثنا زمندی مشغول شناسند بعد هذا بسط وتفصیلی که در ذیل ختامهٔ مشکین شرح وبیان یافته بود وبجواهر اتحاد ماثر تحلی پذیرفته یکان یکان مطالعه نموده بخیراز وحکایه همکی در جای خود بخود یکی ازان که بعد از وقوع مصالحه توسط اصلاح این هواخواه را با آن عالیجاه وعزیز مصر حمل بر فایدهٔ محبت بی اشتباه فرموده اند لا والله غرض اصلی هیبت اسایش مسلمانان خصوصا قطان حرمین شریفین زادهما الله شرفا وتعظیما است لاغیر واکر این ملاحظه می بود ما را نیز با ایشان صورت مصالحه شکل پذیر می کشت وضبط مفروشنام بابیر وجوه دست میداد دوم انکه رفتن احمد جلایری را بجانب بغداد اکر باز ابدا زمملکت بیرون کرده وباد ستکیر نموده باقرم یوسف ترکمان بقورلتای ایلخانی کسل ساختن را تکلیف وتصمیم فرموده بودند این خصوص خالی از بهانه کبری نمی نماید زیرا مشارالیهما مدت مدید وعهد بعید ست که بحبل المتین دوستی ما دست ارادت برزده اصلا راه مخالفت نورزیده اند وحال انکه از قهر قهرمانی کشورستانی طبانچه خورده باستغاثه در رسیدند وخواستیم که عذر ایشان را از کریم الخصال طلب

نمایم میسر نکشت لاجرم برعایت جزئی اجازت داده از مملکت ما بیرون رفتند وبتقدیری که باز ایند بفحوای اکرموا الضیف ازردن ایشان خارج طور عثمانی بل محض بی امانی وبی ایمانیست ودر عهدیکه هلاکو خان جنکیزی تسخیر دارالسلام کرده خلیفهٔ زمان مستعصم بالله علیه الرحمة را شهید ساخته عم خلیفه بمصر رفته عزیز وقت مصر بهمان داری اوراحمی نموده ومظاهرت کرده بالشکر بی شمار بجانب بغداد وان ساختم وباقوم بوغا نوبین اعظم جنک کرده بعد از انکسار مصریان هریک از فریقین بجای خود رفته نسل خلفا تا الحال در مصر متمکنند وبا آن استیلای تام هلاکو خان اقارب خلفا را که وارثان اورنک خلافت بودند از مصر طلب نفرموده وملتفت نکشت وحالا این دو پروبال شکسته مکان از عسل دور وکبوتران از اشیان خویش مهجور دلچه بازو وجه توانا که از بیم پنجهٔ عقاب صولت خدایکان ملک وملت با همای دعوای همپروازی کنند وباد رجعت کوش فیلان کیتی ستانی تمکن وتوطن وجود وحیزی یابند بعد ازین نام ایشان بزبان آوردن وذکر انجنین اشخاص کتمام کردن مناسب نمیدانیم چه ما خاطر همایون را برای ملاحظهٔ جانب یکدو فلک زده آزرده نخواهیم کرد اکر آینده امداد ایشان نکرده بدفع الوقت خواهیم کذرانید پس آن خداوند نیز ازین کونه جزئیات درکذشته واقعا اکر مراد شریف رفاهیت اسلامیان واصلاح ذات البین است دست نخوت بیواس حب الاشارة بازداشته بلوازم امن وامان درکوشند والا انچه مقدرست پای کم نخواهیم آورد امرکم اعلی وکلام والاکرام

یلدرم خاننک تیموره دن دردنجی دفعه کلن مکتوبدر

عالیجناب مملکت مناب سلطنت قباب ملک الحکام فی الزمان بایزید بهادرخان ادام الله عزه واقباله بعواطف پادشاهانه اختصاص یافته معلوم کند که اینجانب بتوفیق الله تعالی مهما امکن اصلاح احوال مسلمانان میخواهد واز حضرت عزت جل وعلا بمعنی مسألت مینماید ومن الله الاعانة والقبول وبعد ذلک نموده میشود که ما ازمبدء حال میخواستیم که درمیان ما وآن جانب قاعدهٔ دوستی مؤکد باشد ونظر برین معنی داشته بسنت ملوک سلف وسلاطین ماضیه چند نوبت مکتوب بدان جناب نوشته ایم وپرسش نموده بی التفاتی وامتناع نمودند ووحشت فزودند تا قضیه بدان انجامید که بسیواس حرکت فرمودیم وآن قضایا واقع کشت وبعد ذلک بیشتر حرکت نفرمودیم وبخاطر دولت او مشغول نشدیم که مباد

انقصان تام باحوال او راه یابد وکفار ومنکران دین قویم محمدی علیه
من الصلوات اکملها ومن التحیات اجملها دست استیلا وتغلب با اهل
اسلام درکشایند العیاذ بالله موجب ضرر عام مسلمانان کردد پس
ان ولایت را معاف داشته بجانب شام توجه نمودیم با انکه خبر
بیماری ایشان شایع بود وبان ولایت درآمدن اسان نبود از عزم شام
وباعث آن نیز همین بود که ایلچیان ونوکران ما را که بتوره وقاعده ملوک
وسلاطین با تحف وهدایا پیش والی مصر فرستاده بودیم اوبی موجبی
ایشان را همه بقتل اورده بجهت انتقام وطلب قصاص باز بدان
صوب نهضت فرمودیم فوقع ما وقع واصاب ما اصابها والحالة هذه اولاده
نکویی ندانست وبدان قدر که آوازه شنید که ما باز کشته ایم فرصت تصور
کرده در حال بارزنجان آمد وان حرکتها از وی صادر شد وباز بهر طرف
مکتوبات نوشته وما را بکفر نسبت کرده این معنی از مردم مسلمان بغایت
بدیع وبعید ست چکونه مردم مسلمانان را بکفر نسبت کردکه ولا تکفروا اهل
قبلتکم از علما وائمه انجا سؤال کنید که اکر کسی مسلمانی را کافر داند حال اسلام
انکس چکونه باشد چه مسلمانی واظهار شعار اسلام واعتقاد بمذهب
اهل سنت وجماعت داشتن ما اظهر من الشمس است ونوکران انجانب
سنقور واحمد مدتی درمیان لشکرهای ما بوده اند ومشاهده کرده اندکه
آثار مسلمانی درمیان لشکر ما بچه حیثیت است وبحقیقت تقریر خواهد
کرد وچون آمدن ایشان بارزنجان واقوال وافعال که صادر شده محقق
کشت بوفور لشکرها بجانب ارزنجان وبیشتر امرا وسفلای لشکر روانه
کردیم وما بطالع سعد از عقب روانه شدیم چون بحدود نخجوان
وخوی نزول افتاد اخبار متواتر شد که ایشان باز کشته اند طهرتن
بهادر نیز خبر فرستاد که فرزندان ومتعلقان مرا نیز باز کردانیده اند
واز حرکتی که کرده بودند پشیمان شدند ودر مقام اعتذارند واز هیجان
فتنه احمد جلایری را از پیش خود جدا کردانیده اند ومردم قره یوسف
را نیز پراکنده کرده واز وی وراند اخته ما نیز بحکم وان جنحوا للسلم فاجنح
لها عزیمت بدان طرفها در توقف داشتیم ودرین وقت فرزند اعز واکرم
معین الدین محمد سلطان بهادر ابقاه الله تعالی نیز از دار الملک سمرقند
بسعادت وکامرانی با امرا وغلامان ولشکرهای آن ممالک رسیده اند و
بوصول ایشان ابتهاج افزود بعد ازین به یراق وساختکی لشکرها مشغول
شدیم وعزیمت وتوجه صوب قریم وکفه وآن نولچی مصمم شده بود خلد

الکاهست که بصوب دیار تقماق وقریم وکفه متوجه بودیم وعزم جزم
کشته وبعض امرا ولشکرها بدربند شیروان رسیده چنانچه برکیفیت
اینمعنی نوکران ایشان سنقور واحمد صاحب وقوفند درانثای آن حال
منهیان از جانب کماخ درآمده خبر رسانیدند که او نوکران خود بقلعه
کماخ دراورده است وباز فتنه خفته را بیدار کرده چون اینمعنی بتحقیق
پیوست معلوم شد که انچه طهرتن بهادر نوشته بود که ایشان از حرکات
ناملایم خود پشیمان شده اند غیر واقع بوده است وعلی استخارة الله تعالی
بارزنجان نزول خواهیم نمود ان شا الله تعالی وحال انکه بعد از باز کشتن
از ممالک شام چند نوبت مکتوبات نوشته ایم وصلح ودوستی خواسته
نظر بر صلاح مسلمانان ورونق دین اسلام داشته بالله الطالب الغالب
المدرک المهلک الحی الذی لا ینام ولا یموت که تمامی انچه از رسوم صلح ودوستی
نوشته ایم همه راست نوشته ایم وخواهان صلح ودوستی او بوده ایم
اکر چنانچه او نیز فتنه ووحشت نمی خواهد وامان ملک خود ومسلمانان
وساکنان آنجا میطلبد وظیفه انکه بیشتر ازانکه ما ازارزنجان پیشتر در
کذریم وبولایت ایشان درآییم ایشان خود را دانسته متنبه شده طریق
انابت پیش کیرند واز کردار خود اظهار ندامت نموده یکی از کسان نیک
خود را پیش ما بفرستند وقاعده صلح ودوستی موکد کردانند چنانچه وثوق
واعتماد پیدا شود وبیکانکی مبدل کردد وکدورت بصفا انجامد و
مسلمانان وزیردستان درامان واطمینان باشند وازان طرف احمد
جلایری را از پیش خود دور کردانند وقره یوسف را نیز از نزد خود
دور کنند ومردم او را از پیش خود پراکنده کنند او را بدان طرفها بجانب
غربی کسیل کردانند واز ین طرف نیز ما جمعی صاحب غرضان ایشان اینجا
باشند بهیچ باب سخن ایشان را درمنازعت ونقصان او نشنویم
والتفات بسخن ایشان نکنیم وازجانبین درمصالحت ومهمات اتحاد وموافقت
باشد وانچه پیشتر ازین بطهرتن بهادر وجرجیس بهادر وبلبان بهادر
وحاجی پاشا وفرزندان خویشان داشته بوده باشند ومتصرف بوده ودر تعلق
بدین جانب داشته باشد مدخل ننمایند وانچه تعلق بدان جانب دارد ازجوی
ملاطیه والبستان وغیر ذلک برقرار تعلق بدان جانب دارد ما وکسان
ما دران ولایت مدخل ننمایند ایشان نیز جمعی نوکران که بقلعه کماخ درآورده
اند بیرون کنند عهد وسوکند مصالحه برین موجب مقرر دانند چه قاعده
صلح وصداقت درمیان ملوک وسلاطین رسمی معهود وطریقی مالوفست

همواره آساس جهانداری بدعایم مصالحت وموافقت مؤکد ومستحکم داشته
اند• وچون ازجانبین شرائط اصلاح ذات البین بدین دقایق که ذکر رفت
رسوخ یابد• سواد عهدنامها را بمکهٔ شریفه شرّفها الله تعالی بفرستیم •
وبردر کعبهٔ معظّمه درآویزند• تا بروفق• فمن نکث فانما ینکث علی نفسه
ومن اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما• هرکه بنوعی قصد نقض
عهد کند• وخلاف میثاق نماید• مستوجب عذاب ابدی• وعقاب سرمدی
گردد• وهرصاحب نصرت که بوفای عهد قیام نماید• مِنّا اهل اجر جزیل
شود• والله علی ما نقول وکیل• هذا ما اردنا ایضاحه• حسبنا الله ونعم الوکیل
نعم المولی ونعم النصیر• غفرانك ربنا والیك المصیر• وبدین مصلحت دارندهٔ
مکتوب حاجی بایزید مصحوب احمد وسنقور فرستاده شد• والحمد لله وحده
والصلوة علی سیدنا محمد وآله الطیبین الطاهرین• وسلم تسلیما•

الجواب

بخدمت اعلی حضرت والا رتبت• جهانپناه عظمت دستگاه• والی ولاة المجد
والاقبال بالدولة الراسخة• کاسر اعناق الاقیال بالقوة القاهرة• نوئین
نوئینان جهان ونویان نوئین نشان کامران• خاقان اعظم عالی مقدار
وقاآن معظّم عظیم الاقتدار• المؤید من الملك المنان• ابو الفتح تیمور
کورکان• اسّس الله قواعد بنیان عدله وسلطنته وافاض علی العالمین
نوال برّه واحسانه• از تجدید دعوات صافیات محبت آیات ومکرّر امرحات
وآفیات مودّت غایات• که لایق نثار بساط بسیط عالم محیط باشد•
بانواع اتحاد ودوستی• واصناف وداد ویکجهتی اتحاف مقرّ عالی واهدای
منتفق سامی کرده اینم• همواره خیرخواه واحوال پرسان آن عالیشان
حق سبحانه وتعالی انچه فاتحهٔ اسلامیان دراوست• فیما بین مقرّر کرداناد
بعد هذا انهای رأی جهان آرای آنکه مکتوب مرغوب مصالحه اسلوب
که بعد از وصول موکب همایون بسیواس رسید جواب ارسال رفته
بود که بنا بر معموری ممالك اسلامیه وترفیه حال انام لوازم صلح انجام
پذیر شود• حالا که مترصد مآل آن احوال بود• کتاب مستطاب دیگر از آن
خداوند رسانیدند• ومضمونش مشعر آن بود که پیش از توجه بسیواس
احداد کرده باشند• بعضی این خصوص را حمل بر مکر وخدعه کرده• مقبول
طبع نقاد وفهم وقاد ما نیفتاد• بلکه چنان تحقیق کردیم که در محل
وصول پیك فتح قدم بحدود قرمان• مفسدانی چند وراه حوالی آن
قضیه صاحب وقوف گشته• وسبك را بی نام ونشان ساخته• تغافل

ورزیده اند• تا بحدی که آتش فتنه بالا گرفت وانطفائش را محال دانستند•
اکنون آن نامه را بعد از ظهور چندین فساد• از قری بقری وبلاد ببلاد• برسم
دست گردانی وشیطنت ونامسلمانی بمعسکر نصرت مقرّما ایصال نموده اند•
باوجود آن بازاعلام میرود که اگر درشتی کلمات را بهانه غوغا میسازند
اشد ازین سخنان عنف آمیز• از آن جانب بود• اگر تا خبر جواب این نامه را
میگویند اگر رسید چرا غفلت میکردیم• اگر تعلل ملاحظه کنند هرگز سلاطین
شامخ البنیان ما غفرهم الله تعالی تضرع بهیچ درگاه احدی نکرده اند وبخ
کنند وکلمهٔ طیبهٔ• ما شاء الله کان وما لم یشأ لم یکن• را نصب العین خود ساخته
بعد از مشاوره بدین اندازه بی غرض• ووکلاء صاحب عرض• توکلنا علی رب
السماء گویان• روی بر دفع دشمنان اهل ایمان می گمارند• وچون حکایت
از تطویل قیل وقال گذشت• بستن راه بهانه جویان محالست• اختیار سلم
وحرب را با ثواب وعقاب هرکه ازجانبین مهیج صرصر فتنه بود• باو
حواله کردیم• وکفی بالله شهیدا بیننا وبینکم• ورزقنا الله وایاکم خیر ما قدره
حسبنا الله ونعم الوکیل• نعم المولی ونعم النصیر• والسلام•

یلدرم خان شیرازحاکمی شاه شجاعك قرنداشی اوغلی شاه منصور بتیمورغوغا سندن یازدیغی نامه در

خلّد الله تعالی فی الدولة الغرّاء والنصرة الزهراء مملکته وسلطنته
بین المسلمین الی یوم الدین• بندگیهای اخلاص آیین• از قبیل دعا وثنا
وتحسین ومدحت ومحمدت وستایش وآفرین باشد• با نقود سعود
جواهر نثار اعمر آفتاب زبون• وپای انداز تخت آسمان شکوه میکند
ومیگوید نظم هزاران آفرین از پای تا سر که سرتا پا سزای آفرینی
علیك عون الله• توفیق شرف سعادت ملاقات از حضرت رب العالمین
خواسته می آید نظم تویی چشم چراغ هردو عالم• ز توگیرد دو عالم
روشنایی• همیشه از بر تو آن دولت فرخنده• مردم دیده راعین بینایی
وروشنایی حاصل میشود چون بتباعد جسمانی مانع تلاقی روحانی
نمیشود• وبعد مکانی حایل قرب جانی نمیگردد ع قرب جانی چو بود بعد
مکانی سهلست• اگر جادهٔ نشوه بزم صبوحی که• الارواح جنود مجنّدة•
طالبی را بطلب آورد• وطرب بطلب انجامد که• اذا طربوا طلبوا واذا طلبوا
وجدوا• وارواح هنگام ازدواج اشباح• باشارات پنهانی والهامات
ربانی ستر معرفت• فما تعارف منها ائتلف• عارفانه درمیان نهند وقول
نهفت درمقام قدس تکرار کرده یاد آورند• وبا بعد مسافت ازراه

حرقت حرارت • چون جام بر دست گیرند • بدور کاس استیناس چمن
مصافات • و انجمن موالات را نظم عقد پروین و رونق بهشت برین
دهند ع نزدیک من آنست که دوریت بنا شد • و ازینجاست که بخت
بیدار و عقل هشیار • جواد ارو عاشق صیت جهانداری کرده • حبهٔ محبت
پادشاهی در چمن جان بی اشتباهی پرورش داده • انبتها الله نباتا
حسنا • و مشتاقی را با شفاق خجسته اخلاقی دلالت نموده • و مهربانی
را بصد رحمت صاحبقرانی حواله کرده بیت اندر جهان حوالهٔ
هر کس بجا نیست • ما را بجانب تو رهی خوش حوالتی چندم ماه مبارک
ذی الحجه سنه اثنتین و ثمانمائه بمبارکی بنت استان اخلاص و ملازمت
دیوان اختصاص طغرای منشور کامرانی کشیده تاریخ مثال جهانگیری
میکند و روزنامهٔ مضبوط میدارد • و تکمیل جامع جمعیت میکند • درحالتی
که بهزار زبان ذاکر احسان بی منت • و از میان جان شاکر امتنان بی منت
است الحمد لله حمدا یستجلب دُرَر المواهب و یستجلب دُرَر المطالب • بعد
از رفع اعلاء کلمه اخلاص • و توسل بوسایل اختصاص ع کزان باشد
سزا سرافرازی • مصدوقهٔ مقصود آنست که چون صیت معدلت
پادشاهی و آوازهٔ نصفت جهانپناهی • در جهانگشایی و عالمتابی
از ماه و خور سرعت • و ظهور شهرت تا با فتاب و کوشمال شمال داده
بیت بگرفت شرق و غرب جهان صیت دولت • آری چو عزم کرد جهانگیر
صیت تو • از روی دل و رغبت جان • و میل طبیعت و حاصل فکر و خلاصهٔ
اندیشه آن بوده که • با نحضرت ملک قربت فلک رتبت ربنا طی مقتضی انبساط
والتجای مقتضی بر خا را نفاق پاک از نفاق • و توسلی خالی از تبدل • روزی
و کرامت • شود که بترتیب اسباب و سائل • و تفتیح ابواب رسائل • آن باشد
که فنون مهربانی بتطابق و توافق بمرتبهٔ رسد که جهانیان را محقق شود که
در نصرت آن بخت بلند و تمشیت دولت ارجمند ع اول کسی که لاف محبت زند منم
و از آن حضرت • مخلص نوازی که موجب سرافرازی باشد • و امدادی که مزید
اعتقاد تواند بود • بظهور پیوندد بیت گران ماند دو دست فتنه
بسته • وزان کرد دل دشمن شکسته • و بمشورت فکر رای رزین بخواست
مردی مجرب مؤدب مهذب را که مرتجربه اندوخته و چشم و زبان ادب
آموخته • و منزلت گزاردن این مصلحت و رتبت ابلاغ این نیت داشته
باشد که صوب درگاه جهانپناه روانه گردانند • گشادکارها باشد از آن
در مبدأ آن خبر که نصب العین است رفع کرده شود • تا درین وقت که مرتضاح

اعظم

اعظم سید شمس الدین • بمقتضای اذا اراد الله بعبد خیرا هیئ اسبابه •
ارجمند بغداد خلوص شعار آمد و انا را آشنایی و انوار آن روشنایی دید ع
گفتم رسید انکه رساند پیام ما • و در صحبت او بی غرضی بعرض حالی رود که عالمی
از آن خراب • و جهانی در اضطراب است ع در آفاق بحث داستان در زبانست
آن واقعهٔ جانگداز ملاعین جغتای است • اولئک الذین اشتروا الحیوة
الدنیا بالآخرة فلا یخفف عنهم العذاب ولا هم ینصرون • که ظلمت ظلم •
و کدورت کفر و اشتعال نایرهٔ جور • و بلاد و انتشار شرار شرور و ابتلاء
رستاق اطراف و اکناف آفاق را • کظلمات فی بحر لجی یغشاه موج من فوقه
موج من فوقه سحاب • تاریک و مظلم و سیاه و مدلهم کردانیده • و از بیباکی
چون آتش رستخیز و آب سیل انگیز جهانی می شورانند • و عالمی میسوزانند •
یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون •
و از سر بریدن بی گناهان سر برا فرانند ع چنین سر به که باشد بر سر دار • و با
آنکه از پلیدی که چون ناپاکان جویهای خون روان کرده • و دست از آن
نمی شویند ع چنین دست از جهان ببریده باد • و آب روی ذوی پوشان
خدر عفت • و پردهٔ عصمت که پاکیزه و عزیز تر از آب زندگانی و دل فروزتر
از آتش جوانیست • چنان میریزند که قارورهٔ محجوم • و شراب مسموم نتوان
ریخت • من کشف عورة مؤمن کشف الله عورته • جنیت بی عرضها علی رؤس
الاشهاد بجهت زر و طلا کرده • و داغ افسوس بر جان جنین عزیزان نهاده •
سرتاپای خاتونان چون دست و دل عاشق پرداغ میکنند • و چشم بر نقره و
سفید که مرغ مردمی را در هوای سحاب دید پرواز دهند • چنان سیاه میکنند که
مردم را چون گوشت بریان • در تنور نهند • و چون مرغ کباب بآتش کردانند
و در طلب سیم که آنرا از بهر نمک خوان مروت طلبند • هزاران سبو نمک آب
در حلق خلق می ریزند • و بر خون • طعاما ذا غصة و عذابا الیما • هر زمان
نمک پاره کنند • و در استخلاص درم بسته گرهی که او جز جهت گشاد سلم
چنین حربی بکاری نیاید • پنجهٔ ارباب آبادی را در پنجهٔ شکنجه میدادند •
و با صناف تخویف و ترهیب • و انواع تنغیص و تعذیب دهند • و گنجینه و جیب
و کیسهٔ غنی و مفلس می پردازند • و ذخیره و خزانه خود می سازند • فکوی
بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم بیت این بد اندیشی از بدان آید نه زنیکان
بخردان آید • و عجب تر آنکه وقت مطالعهٔ مواعظ از بینایی چنان محجوب اند که
کوی دیدهٔ دل ایشان آکنده شده • ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی
ابصارهم غشاوة • صم بکم عمی فهم لا یرجعون • و سرور ایشان از نایش

در عالم ننك دارند ما حال قوم هو قائدهم خبث را نه اصل و نه اعتقاد و نه زیور و زیب و فر آن دل سیاه و کردار تباه خود را مؤمن بکناه و موحد بی اشتباه می پندارد و من الناس من یقول آمنا بالله و بالیوم الاخر و ما هم بمؤمنین و با آن همه بدی و اخلاق و عادات ردی خود را محسن و مصلح و تجارت خود را که سراسر زیانست برح میدارند و اذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون اوضاع زندقه با یکدیگر میکنند و شرك و الحاد را باهم ازدواج میدهند و با آن همه رضاء شقاوت و عداوت خود را از اولیاء دولت می ورزند و با سیرت شیطنت قصد چمن سلطنت میکنند و از راه خذلان بر اظهار کلمهٔ عصیان دلیری مینمایند و سر و دغرور را در امداخلت مملکت محروسه باعث میشوند توع تو ببین تا بچه حد جهل فراوان دارند ذلك هو الضلال البعید و نمی دانند که هر مغرور مدهوش که خود را در معرض معارض خداوند عقل و هوش آورد بر کردهٔ خود نفرین کند و هر آهوی لنکی با شیر بیشهٔ جنکی پنجه زند جای خود را بخون رنکین کرداند بیت
کسی کو افکند بر آسمان سنك باز او بر سر خود دارد آهنك
و شك نیست که بمقتضای ان مع العسر یسرا هر زهری را تریاقی و هر قهری را اشفاقی و هر محنتی را سروری و هر ظلمتی را نوری در معرض و مقابل آورده اند و هر آینه حکمت و رحمت این اقتضا می کند که تا سر سبقت رحمتی علی غضبی بر جهانیان پیدا و هویدا کردد از اخبار و آثار معلوم و مفهوم می شود در عهود سابقه و قرون سالفه زمان استیلاء فراعنه و استعلاء جبابره بود بر هر سفیهی نبیهی و بهر مفتنی ممکنی و بر هر مخذولی مقبولی کماشته اند تا مرهم رحم جراحت ریش زخم نیش زهر آلود ظلم نهاده و از داد داد داده و اکنون اعانت مظلوم حوالت بدولت آن پادشاه تاجبخش و تخت کستر است هان تا چه کنی نوبت دولت تست و تکلف در آوردن و کذاردن این مهم که نسبت با بندکان دولت جزوی و با جهانبانان کلیست کما کان قضای مضای آن حکم دارد که بحر زاخر جیفه را مثلاشی و نا چیز کرداند و سیل هائل خار و خس از راه بردارد و شرعا و عقلا و عرفا با چنین فر و زیب و شوکت و شکوه و غلبهٔ حشم و لشکر انبوه و بنسبت همت بلند و تخت بخت ارجمند و ملك فسیح و عقل صحیح و اوصاف ملکانه و انصاف ملکانه در ذمت فلك رتبت لازم می شود و بدرجهٔ وجوب میرسد که جهت طاعت اوامر الهی و اقامت بقیام ناموس پادشاهی

و بر پنجه قوت دست درازی دستی چند بر بندد و از سر قدرت سودای سرداری از سر اسیمهٔ سرکشتهٔ چند بیرون برد و آتشی که در جهان زده اند در جان ایشان زند و دودی که از خانها بر آورده اند درد و دمان در دودهٔ ایشان نهند و دیوی چند را که با فسون و تدبیر در شیشهٔ تسخیر کنند و درخت وار از سرهای پر وسواس ایشان کانهم رؤس الشیاطین پوست باز کنند و حکم انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم در بارهٔ ایشان با مضا رسانند بیت
شهی کو چنین کردنیها کند زمانه بر او آفرینها کند
باشد که یکی از اهل نظر چون نرکس سر بسلامت ببرد یا با جکر خونین سوخته چون لاله آبی بماند و طفل نا رسیده چون شکوفه بمرتبهٔ پیری برسد و بر پوشیده چون غنچهٔ بمهر خود در پردهٔ عصمت بماند و مسکینی چند که از خوف چون نرکس چشم خواب و بالین ندارند بر بستر راحت چون چنار دستها بکشند و مانند سرو پای بهاد از کنند تا حق موهبت الهی کزارده و شکر نعمت پادشاهی بجای آورده باشند هر آینه مملکت کامرانی با ملکت جاودانی جمع شود و از ثمرهٔ جهانکایی که در عین ارتفاع نتیجهٔ شجرهٔ نیکنامی است انتفاع و برخورداری یابند از بهر نیکویی نیك بیندیش هر چند که حد خود دانند و مایهٔ خود نمی شناسند رحم الله امرأ عرف قدره که چنان حضرت را با دل دانا و دولت توانا که در ادراکش همه تحقیق و کردارش سراسر توفیق بر قتال و استیصال ارباب ضلالت ترغیب و تحریض نمایند اما از راه دین نصیحت عیب نبود زبان کفتن بسر رواست که نتوان نهفتن پادشاهان روا نباشند در زمان چنان پادشاهی صاحب باس خداشناس بر خدا پرستان چنین فضیحتی رود تدارك نفرمایند و بر دین پروران چنین بیدادی کنند انتقام نکنند درین زحمت فزون جون محابا مفید نمی افتد و درین برج مهلك داروی مدارا نافع نمی آید که اکر بموضع غیر مستحق تریاق داده باشی مؤثر نکردد چه زهری بجای زهر بدشمن اکر دهی تریاقست شعر
و وضع الندی فی موضع السیف بالعلی مضر کوضع السیف فی موضع الندی
محققان متعمقان برج با خبر دراز کوهر و زهر از باد زهر و مار از مهره فرق کرده مهره از مار و زهر از شیر طلبند که مقصود از نمو پادشاهی و فرمانروایی آنست که انصاف از ظالمی توان ستد تا داد مظلوم توان داد و بدین وسیله قرب الهی توان جست و بتخت تقرب توان رسید و از دزد رجا بحر عنایات کوهری بر تاج دولت توان نشاند فکیف

عهدی چرخ معلوم و بیوفائی دهر مشهورست • والآخرة خیر وابقی •
امید چنانست که هرچند زودتر • باشعهٔ آفتاب جهانتاب دولت غرا
غمام این غم که بر جهان و جهانیان متراکم شده است • بکلی منکشف کردد •
و مواد فساد آن طاغی باغی که مزاج عالم را از حال اعتدال کردانیده • بمعاجین
حکمت آمیز مرفوع و منقطع شود بیت بجای که غرا دهی بستگی نشاید کی
کن با آهستگی • و اکر نسبت بنوع مصالح و تعدد سوانح • در بر آمدن این حاجت
عالیات را تاخیر و تعویق افتد • همچنان نسبت جای توهمی که حق جل و علا
از راه بنده نوازی و چاره سازی ان الله رؤف بالعباد • بموجب وعدهٔ
محققه • انی اجیب دعوة الداع اذا دعان • باستغاثهٔ بیکناهان • و استعانت
دادخواهان بخشاید • و آن ظالم ستمکار مردم آزار را که باد وستان خدا
دشمنست • از سر روزکار اهل روزکار بزور کاری بر داشته • شریران را
کرفتار شرار آتش کردار ناهموار خود کرداند • و شومی افعال قبیح و حرکات
شنیع آن کروه ضاله که از ایشان خلق عالم بجان آمده اند • بکار و بار
همکی ایشان تفرقه و پراکندکی انداخته از هم بپاشانند نظم اگر بد کند
مرد زنهار خوار • بکردون کردان رود زهره وار • سرانجام کیتی بنشیب آردش
بدست بدخویش بسپاردش • ان الله یمهل و لا یهمل • والله عزیز ذو انتقام
علی الجمله این معتقد ترین بندکان نخست منصور بن محمد مظفر • برادر زادهٔ
مرحوم شاه شجاع رحمه الله تعالی • از اضطراب این طایفه جان را وداع
کنان بتقصیری خود • اعتراف می آورد • و از دریای رحمت اغتراف می نماید
و امید بشارت فضل الله المجاهدین علی القاعدین درجة • جزم کرده • و با آن
پادشاه یکدل و یکجهت شده • سر براه ارادتش باز نهاده و کمر اخلاص بمیان
جان بسته • تیغ بر دفع دشمنان دین و اخوان شیاطین کشیدیم • از آسایش
و آرامش درکذشته و عیش و رود را • درود فرستاده و با آرام زر بکرفته •
و از راح و ریحان کناره کشیدیم • راحت روح از قدوس سبوح درخواسته
و از سر خود مغفر دور نکرده • و از تاج و افسر ترک زیور نموده • و از حریر
و پرنیان تن نازپرورده را بزره خفتان معتاد ساخته • و در پنجه
بجای جام ساغر مدام کرز و خنجر کرفته • و ران و پای را از زمین سمور
و رخت سنجاب • بزحمت زین و کوفت رکاب خرسند کردانیدیم بیت
یا بر مراد بر سر کردون نهیم پای • یا مردوار در سر همت نهیم سر • ان الحکم
الا لله علیه توکلت و علی الله فلیتوکل المتوکلون • یقین که آن مدعیان
مجیل چون خیل شیاطین اول از راه حیله برآیند • بمجمجی از طریق موعظه

کوی بفریب • در می کوشند • و باندک فرصتی چنانکه آدم علیه السلام
را از بهشت برین بدانه فریفته و آواره نموده • هر پادشاهی را از جای خویش
بهمان شکل اخراج میکنند • مبادا که بحیله و تزویر ایشان فریفته اعتماد
نمایند مثنوی کسی را که ایمان نباشد بتن کجا ترسد از خالق ذو المنن •
مکن اعتمادی بایمان او • که سستست بس عهد و پیمان او • اعتقاد نشاید
زیاده ابرام و اقدام نمی نماید • که سایهٔ چتر هما سا بر فرق فرق بنی آدم
باینده • و شمع عمر و دولت در بزم عز و خلافت تا قیام قیامت باینده باد برب العباد

الجواب

معاملهٔ روحانی مقارن بمکالمهٔ جسمانی اعنی نتایج ارقام مشکفام
و نوافح اقلام غزال اندام که از تحریر غالیه بیز • و تسطیر عنبر آمیز منشیان
دیوان عالیحضرت سلطنت مآب حکومت نصاب • افتخار ملوک عجم • اختیار
سلاطین امم • فارس میدان فارس و توران • و خدیو خدیوان جهان •
شیر بیشهٔ دلاوری و شاهین اوج داوری • شهریار جوانبخت و سزاوار
تاج و تخت المؤید من عند الله منصور شاه • ایده الله بالدولة الابدیة •
و ادامه بالسعادة السرمدیة از دست مرتضای اعظم سید شمس کدین
اوصله الله الیکم بالخیر که خردمند کاردان و سخن آفرین و شیرین زبان
در شریفترین اوقات و لطیفترین ساعات بمجلس سامی و محفل کرامی در
کفتم رسید نامهٔ بکجت فزای دوست • بعد از مطالعه و تلطف و مخاطبه
برسم اتحاد و یکجهتی و قاعدهٔ وداد و دوستی • مضمون اخلاص مشحون آن را
من اوله الی آخره معلوم کرده دانستیم که آن محرک سلسلهٔ فتنه و فساد
و مهیج آتش بغی و عناد شقی از رحمت الهی دور • و بلیدی از طریق خیر
مهجور • تیمور معهور لعنه الله و دمره • بعد از استیلا بر حدود • دودمان
چندین سلاطین را نابود ساخته • و چه در ملک چون خزلک خود را لئیم
بنزم زار بشر از رسانیده • و بعرض حماری و بزشتی و مرداری آن سرزمین
را بشهسواران عرصهٔ داوری تنگ ساخته • طلب امداد از مخلص کینو
الاعتقاد فرموده • تحریض و ترغیب زیاده از حد فزون و مبالغه از قیاس
بیرون نموده اند بیت اگر فرصت ماه هد کودکان برآریم از آن لشک
ننک باغی دمار • حق علیهم عقدست که از محل طغیان آن بد سرشت نادان
و استماع ظلم و تعدی آن کروه بی امان • بکافهٔ مسلمانان و عامهٔ متوطنان
عراق و آذربایجان • بلحظه و بلحظه روی آسایش ندیدیم • و خواب فراغت
نکرده دایم الاوقات بتدبیر مدافعهٔ آن کوشیدیم • اصلا و قطعا تغافل

نمی ورزد و نخواهد ورزید و چون غفلت نماید که حاکمین از ربایجان
و بغداد قدوة السلاطین والاکابر قرا یوسف و احمد جلایر از شر شه
مزبور گریزان شده بکنف حمایت ما التجا آورده و با لشکر منصور ره
تا حدود دیار بکر رفته روز و شب بقتال مشغولند و ما نیز درین
اثنا که مشغول بتسخیر قسطنطنیه عظمی بودیم و نزدیک بود که گلهای فتح
شکفته دماغ اسلامیان از آن معطر گردد و بشومی باغی مزبور
ولئات مقهور با کفار آن دیار مصالحه کرده عزیمت همایون بصوب
قتال آن ملعون که از غزای کبر اصوبست منعطف داشته ایم امید
وارم که حق سبحانه و تعالی نتیجه خیر سنت میسر و مقدر گرداناد انه
رؤوف بالعباد مامولست که تا دفع آن ملعون خود را در قلل جبال محصون
ساخته و بحضرت خلاق بیچون توکل کرده تا فرصت خوب دست بدهد
از کمین بیرون نیاید و همیشه از گوشه و کنار دفع اشرار را غنیمت داشته
دقیقه فروگذاشت نکنند و از خرمن ان مع العسر یسرا خوشه چینی نموده
و بنفر موده فاذا فرغت فانصب والی ربک فارغب عمل کنان از رضای
رب سر نپیچیده صابر و شاکر باشند که ان شاء الله در آنکه آخرش خیر خواهد
بود شبهه نیست باقی حالات را که زبانی با رسول موحی الیه سپارش کردیم
بعز اصغا خواهد رسانید و بعد از اذعان دائما از اعلام کیفیت اطوار
و اعلام آنچه کونکی کار و بار آنجانب خالی نبوده اینجانب را خبیر و آگاه سازند
که تا از همگنان غافل نباشیم زیاده نوبسند زمام مرادت در قبضه ع
ارادت باد برب العباد و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه اجمعین

یلدرم خان غازی یه تیمور دن صلح طلبی ایچون گلان نامه در

امیر اعظم اعدل شهریار کامکار قدوه صنادید روزگار عضد الغزاة
والمجاهدین جلال الدنیا والدین بایزید بهادر زیدت معدلته سلام
و تحیاتی که مطاوی وفود خلوص عقیدت و صفای طویت تواند بود مطالعه
فرمایند و جوامع همم همایون بر انتظام امور سلطنت و کامرانی و احراز کلیات
آمال و امانی خود مقصور و مصروف شناسند و من الله انجاح الامور
و فی قبضته اعنة مصالح الجمهور بعد ذلک مصور رأی صایب گردانیده
میشود که چنانچه بکرات استماع فرموده اند بیشتر ازین حکام مصر و شام
صورت جرأتی که شرعا و عقلا ناپسندیده و ناستحسن بوده صادر شد
بدان سبب بر ذمت همت عالیه لازم نمود انتقام آن متحتم نمودن و برو فق
من یعمل سوءا یجز به سزای ایشان رسانیدن بدان واسطه بعنایة الملک المعبود

لشکرهای منصور بدان در حرکت آورده ایشان را د ب نیکو و گوشمال بسزا
داده شد فاصابهم سیئات ما کسبوا و للحمد لله علی تتابع الائه و تعاقب
نعمائه و مع ذلک در خاطر سانح میشد که بسبب آنکه بدیار روم نهضت
همایون افتاده بود و اندک اضطراب و اختلال بحال ساکنان آن حدود
راه یافته مبادا که ضعفی بزور ایشان متطرق شود و کفار فرنگ فرصت
یابند و تغلب نمایند و طراوت ریاحین ریاض اسلام در آن دیار از ذبول
یابد بنابراین چون بعد از فتح ممالک شام و حصول مرام و اتمام جمیع مطالب
و مهام بعون الله الملک العلام بحکم العود احمد معاودت بتصمیم پیوست
و کماهی حالات و قضایای این جانب خود موضح و مشروح و مستقصی مهام
در نفر بر کرده شد و دلخواه آن بود که او را اجازت انصراف داده بدان جانب
روانه کرده شود او بی اجازت غیبت نمود للحال الله هذه چون از آب فرات عبور
کرده شد پسر فارس یعقوب را که از جمله مخصوصان آنجناب بوده متوجه
گردانیده آمد و استحکام معالم صداقت و افتتاح طرق خلت نموده شد
تا آن معنی از اصلاح طرفین خالی نباشد بلکه منازعان و منکران دین محمدی
علیه من الصلوات اکملها و من التحیات اجملها را در عرصه تسلط با قدام جرات
مجال اقدام نتوانند بود چون برعایت ترصد جواب با صواب آنجناب چنانکه
رفته و میرود که برعایت شرایط محبت قیام نماید که موجب آرامش خلایق
و آسایش اهالی مملکتین تواند بود و صورت آن دوستی بر صفحات و جنات
انام سمانی که مسطور بماند والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم و حال
آنکه بتحقیق پیوست که یعقوب بسلامت بدان جناب ملحق شد بعزیمت
بیده مثنی الاطاعة نهضت مصمم است درین فرصت باتمامی خادمان و فرزندان
و امرای الوس و امرای تومانات کبار سادات و مشایخ و عظمای علما و فحول
ائمه و صنادید اعیان و مشاهیر اقالیم و ممالک محروسه و ارکان دولت
کنکاج کرده باتفاق و استصواب ایشان علی استخارة الله تعالی از دار السلطنة
سمرقند فرزند دلبند ارجمند ستوده خصال بیمانند مغیث الدین محمد سلطان
بهادر طول الله عمره که بعنایت باری انوار و آثار بختیاری از جبین اولاد
طلب داشته ایم که با جمیع امرا و عظمای جیوش و زعما و ولاة و حکام رؤس
اقوام و اکابر و اشراف تمام ممالک و اقالیم که بعنایت الهی در تحت امر و نوحه
اند متوجه اینجانب شوند بتولجار آنکه در اول منزلت قورلتای کرده
بمبارکی طالع و یمن بیت بساعتی که سعادت از و بود با هر بطالعی که
تولد بدو کند تعویم آن فرزند ارجمند طول عمره را بر سریر سلطنت تمام الله

اجلاس کرده • ازمهٔ حل وعقد واعنهٔ ضبط وبسط آن دیار بقبضهٔ
شهامت وکفایت او نهاده شود • ان شاء الله تعالی وما ذلک علی الله بعزیز •
وبجهه نموده میشود که بوقت مراجعت از صوب شام ونزول مبارک ما در بین
ولایجید وفرزند اعز رستم بهادر ابقاه الله تعالی وسلیمان شاه بهادر را با جمع
امرا ولشکر بصوب عراق بجهت ضبط وبسا قتی آن ممالک فرستاده بودیم •
بعد از انکه بجانب الاطاغ حرکت فرموده شد • مکتوبات ایشان رسید
مشتمل بر انکه در بغداد جمعی نبود واوباش واحاد الناس اجتماع وازدحام
کرده اند وبسیاری از ترک وتازیک وعرب وخلج وترکمان جمع شده •
واستحکام باروی شهر ودروازها نموده اند • وطریق تمرد وعصیان گرفته
واگرچه موسم شدت حرارت هوای بغداد بود • وحرکت لشکرها بدان
جانب بسبب غایت گرمی هوا تعذری تمام داشت • فاما بجهت تدارک
واصلاح آن قضیه بر فور بنفس مبارک با اندک سپاه بدان جانب نهضت
فرموده شد • وبعد از انکه تمامی تمردان ناپاک را از سرچشمهٔ شمشیر
آبدار آتشبار زنان وولاوران شربت فنا چشانیدند • فقطع دابر
القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین • بسعادت وکامرانی بعنایت
ربانی بعزیمت ییلاق الاطاغ معاودت فرموده این مثال را از دست
دارنده فرستاده آمد • اکنون وظیفهٔ دوستی ولازمهٔ اتحاد انکه آن
جانب نیز درین تهنیت وفزونی ایام که طلوع صبح مسرات دوستدار ان
است • داخل شده یکی از فرزندان وخویشان ما از نوکران نیک وازملازمان
محرم کسی را برسم تهنیت روانه گردانند • تا صورت اتفاق از ان جانب خالی
نبود بلکه بزیور موافقت ودوستی ایشان حالی باشد • ان شاء الله تعالی
ولاشک که انعقاد مناظم مصالح بترتیب آن مقدمات • انواع فواید •
ومنافع جانبین نتیجه دهد • ونهال سلوک آن مسالک اصناف مثوبات
اخروی ثمره بخشد • الله مبتر الامال ومقدر الاقبال ویقین حاصلست
که تشریف این جانب خواهد رسید که والی مملکت الخار وتمامی گرجیان با وجود
انکار دین شرع سید المرسلین شعار خود ساخته است • بلکه جمیع لوازم
او را بحضرت ما بابنت ومنافات تامه ثابت وحاصل است • بجهت صلاح
حال • وعافیت وسلامت ساکنان ولایت خود • طریق متابعت سلوک
داشته • وخطبه وسکه بالقاب همایون موشح ومزین گردانیده است •
وادای مال مقرری سال بسال رسانیده مقبل شده • وعلی القاعده اهالی
ولایت او در مهاد امن وامان بفراغ واطمینان روزگار بسکون رانند •

٤٢

بحرمت

وحضرت ما با آن جناب را انواع اسباب اتحاد • وموجبات وداد حاصلست
وامداد حسن اعتقاد متواصل • وعلی هذا از کمال عقل وکیاست • وصلاح ملک
داری اقتضای آن میکند که در تمهید قواعد دوستی مبذول فرمایند واین
معنی را از حضرت ما محض صدق شناسند • وشربت مصالحه از شوایب کدو
رانی که از خلوص عقیدت وصدق نیت بعید • باشد • مصفی دارند چه دنیا
وما فیها • وجود آن ندارد که اصحاب دولت وارباب مکنت • بروجهی معاشر
کنند که از ان راه گزند مسلمانان وزیر دستان را ضرر باشد بیت
بر پیش نهادن وبر پیش کهان • بازار مروری نبسر زد جهان • وعلی الحقیقه
نظم نه لایقست خشونت نه درخورست جفا • بیا که موسم صلحست وآشتی
وصفا • شک نیست که بوقتی که از حضرت ما با انجناب اساس مودت مستحکم
گردد آن معنی موجب ارغام انوف وایلام صنوف اعدای دین قویم ومنکران
شرع مستقیم شود واگر سخن ما درین نوبت نیز بسمع قبول نشنوند واز کمال
صدق خالی شناسند وبر قرار طریق غرور سپرند امید بحضرت واجب الوجود
که مفیض الخیر والجود ست واثق که چنانچه همواره در احراز جمیع مطالب
کلی در همه اوقات وحالات آثار مواهب دولت الجلیل الظاهر ولایح گشته
مرادست بحصول پیوست درین قضیه نیز هرچه رود بر چهرهٔ مقصود
از نتق غیب جمال نماید وآنچه در پردهٔ تقدیر باشد بر منصهٔ ظهور سمت
وضوح یابد آنگاه هنگام ندامت مفید واعذار نافع نگردد بالله العلی
العظیم • وبا رواح انبیا واولیا علیهم السلام بیخواهم که با ان جناب صلح
کنم واز جانبین قواعد دوستی موکد باشد وخصومت ونزاع نگردد
تا مسلمانان از جانبین در رفاهیت باشند هر کسی که از منهج عهد
ومصالحه انحراف نماید ونصیحت قبول نکند وتحریک سلاسل فتنه
وتهییج مبانی بواعث وحشت شود • وبال آن قضیه هر آینه بدو عاید
گردد واو آثم شود • این معانی محقق شناسند •
وهذا ما اوردناه ایضاحا وتنبیها له
وحسبنا الله ونعم الوکیل
نعم المولی ونعم النصیر
کتب بمقام
مراغه
م

سلطان محمد بن يلدرم خان قبلندن
مصر سلطاننه كوندريلن نامه در

بسم الله الرحمن الرحيم • حامداً لله ومصلياً على حبيبه • محمد واله وصحبه
ادام الله تعالى عز الجناب العالى العالى العادلى الكبيرى العونى الغوثى
الغياثى النظامى الهمامى المشيدى المنعمى المفضلى النصيرى المرابطى الاوحدى
الامجدى الكاملى الكافلى محيى مراسم الاسلام • مبدى الشرايع والاحكام •
قاتل الطغاة واعداء الدين • ناصر الغزاة والمجاهدين • لا زال جنابه الرفيع
منبع الشرف الجم • ومطلع المجد الاشم • محفوفاً بدولة لا ينهدم دارها •
وعزة لا ينفصم اثارها • المحب المخلص الوارث لمحبة المجالس الشريفة • والمقام
المقدسة المنيفة • الحامين لسكان الحرمين الشريفين • من ابائهم العظام
نور الله مضاجعهم • الباذلين لحال الحبوة مهجهم • في اعلاء كلمة الله وقهر
اعدائه • بعد تقديم محبة اصبحت منورة بانوار الوفاء والاخلاص
الصافى • واضحت مجلاة بصفاء الولاء والاختصاص الوافى • وازهرت
بصدق الطوية رياضها • وامتلأت من زلال المحبة حياضها • ورفع ادعية
صالحة مستجابة شريفة • وعرض اثنية خالصة مستطابة لطيفة • ينهى
وينبى لجنابه الشريف ان سبب التاخير في ارسال الكتاب الى ذلك الجناب
وقوع الفتنة • واشتداد المنازعة بيننا وبين الاخوان • اصلح الله شانهم لا سيما
كثرة المكر وفرط الاحتيال الصادر عن تكفور القسطنطينية • لعنه الله
ودمره • ومعاونته لهم وتحريكه اياهم • فلما يسر الله لنا في هذه الايام
الفرصة والنصرة ورخا من الانتقام بلطفه الشامل العام • جددنا
رسوم اباءنا العظام واجدادنا الكرام • انار الله براهينهم الى يوم القيام
في ارسال الرسل والرسائل الى عتبتكم العلية • وسدتكم السنية فجهزنا
قدوة الاماجد والمقربين • مولانا قوام الملة والدين دام فضله القاضي
يوشد بقصبة اينه كول من اعمال بروسة المحمية • صانها الله عن الافات
والبلية • لتجديد قواعد المحبة القديمة • وتمهيد مراسم المودة المستقيمة
بالرسالة المنبئة عن خلوص الطوية • والان يؤدى نيابة من حضرتنا
البهية تهنية جلوسكم على سرير السلطنة في نفس القاهرة • ويعظم

في التكاليف العادية الملكية الملوكية • وينقل عنا كلمات الالفة وحكايات المودة
كما قرأنا عليه وقررنا اليه بلا زيادة ولا نقيصة • واصدرنا معه برسم الهدية
من الاقمشة المتنوعة الرومية خمس طقوزات • ومن الافرنجية ثلث
طقوزات • ومن الجمية بو غجتين • فالمأمول من كرمكم القبول حين الوصول
وان تلتفتوا الى القاصد المذكور • وتعيدوه بالخير الموفور • وتعلموا به
اخبار سلامتكم واثار صحتكم وكيفية اطواركم اللطيفة النظيفة المنيفة
والاجوبة المصادفة لاسولتنا الخفية • الله يؤيدكم وينصركم الى يوم القيمة
وجعلنا واياكم من الهادين المهتدين غير المغضوب عليهم ولا الضالين
حرر في اواسط شهر ذي الحجة الحرام سنه سبع عشرة وثمانمائة بقصبة اينه كول

الجواب

حامداً لله ومصلياً على نبيه محمد واله وصحبه • اعز الله انصار المقر الكريمى
الاعلى الاعدلى الامجدى المثاغرى المرابطى الظهيرى النصيرى العونى الغياثى
الامامى الهمامى المجاهدى الاعز المعزى • سلطان الاسلام والمسلمين • ملاذ
الغزاة والمجاهدين قاتل الكفرة والمشركين • نصير امير المؤمنين المؤيد من عند الله
الملك الصمد ممهد الدولة والدين سلطان محمد • خلد الله تعالى ظلال عدله
واحسانه على مفارق الانام • بالعزة الابدية والسعادة السرمدية بحق صفته
الاحدية ذى الجلال والاكرام • وبعد فلما وردنا بكم الشريف وخطابكم
المنيف • عن يد قدوة الاماجد والمقربين • مولانا قوام الملة والدين • من جملة
قضاتكم زيدت فضايله في احسن الزمان واطيب الاوان • اخذنا بيد المحبة
وقبلناه بشفاه المودة اثر تعظيم القاصد المزبور • وتفخيم المولى المذكور
فقرأناه من اوله الى اخره • واطلعنا ما في باطنه وظاهره • وفرحنا من غلبتكم
على العدو والذى من الاخوان بعون الملك المنان خصوصاً عن دفع مكايد
التكفور الكفور الوالى بالقسطنطينية • دمره الله تعالى وسخرها • وجعل
ملكه وسلطنته منتقلة الى سدتكم وعرصتكم الاسلامية • ورفع ظلمة الفترة
بطلوع شمس اقبالكم عن تلك المملكة وانعكس مرآة سروركم الينا وانكشف
عنها جمال المحبة لدينا وتلألأ مصابيح الاتحاد وتضاعف قناديل الوداد
وبثثنا زيادة البشاشة عن تشييد مراسم المحبة والتهنية • وشرفنا
غاية الشرافة من تمهيد لوازم المودة البهية وعظمناه غاية التعظيم
وكرمناه غاية التكريم وقلنا له شعر عباراته في النظم والنثر كلها غرايب
تصطاد القلوب بدايع • وصرنا محظوظين من الهدايا المتبركة والخطابات
المختفية • واجزنا الرسول المشار اليه بكمال الرعاية • مع رفاقة الاميرى الاجل المجدى

لاکرمی قرطبای الخاصکی دام عزه وبالخیر اعاده وارسلنا معه الفرسین
الجیدین والسرجین المتخذین من الذهب والفضة وخمس طقوزات من الاقمشة
المصریة واربع طقوزات من الامتعة الهندیة والاسکندریة فالمرجو
من الطافکم الحمیة ان تقبلوها باخلاقکم الکریمة وان تفتشوا عن
المنافیات عنهما وترخصوا رسولنا بعد التفحص منهما بالخیر والسلامة
وان تفتحوا ابواب المکاتبات وتهیئوا اسباب المراسلات لئلا ینسج بیننا
عناکب النسیان فی بیوت الحدثان وزوایا الملوان ختم الله لکم ولنا
بالخیر والحسنی وادامکم لسد الثغور الاسلامیة فی الدنیا وحشرکم مع
الشهداء والصالحین والغزاة والمجاهدین فی العقبی بحق سید الانبیاء
وسند الاصفیاء محمد المصطفی علیه التحیة والثناء وعلی اله وصحبه
نجوم الهدی ورجوم العدی وسلم تسلیما دائما ابدا حرر فی اوائل شعبان سنه ثمانی عشر وثمانمائة

سلطان محمد خان درکاهنه ازمیراوغلی حمزه بک کوندردیکی
نامه درکه موسی چلبی حقنده شفاعتدر

ذات معظم وجود مفخم اعلیحضرت خداوندکار عالم خلد الله ظلال
عاطفته علی مفارق الامم ودر منقبة بزرکواری شهنشاه مکرم تحقیق
نموده بعد از تقبیل پایه سریر عالم مصیر آن ولی النعم استشفاع بحدیث
نبی اکرم صلی الله علیه وسلم ارحموا من فی الارض یرحمکم من فی السماء
کرده امیدوارست که بندکان قدیمی را در سلک عباد عالی نهاد منسلک
ساخته قلم عفو بر جراید سیئات همکنان فرا کشند چه شیوه ارباب
دولت چنین بوده وتا دنیا باقیست همچنین خواهد بود اکر از احوال
شهزاده موسی بک سوال میفرمایند از ان وقت که ملک الامرا بایزید پاشا
بجانب کوشه درکاه همایون مشرف شد وحاکم لاس وسایر حکام کفره از
روی اطاعت در صحرای نیش بعتبه بوسی پیش دستی کردند موسی چلبی
با محمد بک ولد میخال واومر بک ولد تمرتاش بک بموازی هفت هزار سوار
قرار فرار داده درکوهها در صوفیه کریزان وشتابانست وقصد آن داشته
که خود را از معبر کلیبولی بجانب اناطولی انداخته با قرمانیان اتفاق
کنان مقدور خویشتن مصروف سازد اما ان شاء الله الرحمن دولت
وفرصت از ان پادشاه عالیشانست باقی حالات را از داروغه عمدة
الاعیان امیر قولی بک زید قدره سوال فرموده اعتماد بکلمات سپارش
کردن بندکان فرمایند وهر جوابی که صدور کنند منقادیم والامر اعلی

بنده کمترین حمزه ولد ازمیر

الجواب

الحمد لله الذی رفع اعلام الاسلام بنصر عباده المؤمنین ونصب دعائم
الایمان لاظهار کلمة الحق المبین وفتح علینا ابواب النصر والتمکین فی قتال
المعاندین والمتمردین والصلوة علی خاتم المرسلین محمد سید الاولین والاخرین
وعلی اله واصحابه الذین اتبعوا شرایع الدین قال الله تعالی اطیعوا الله واطیعوا
الرسول واولی الامر منکم همواره همت عالی نهمت پادشاهانه مصروف برعایت
مطیعان دین ودولت واهانت معاندان ملک وملتست واز ابتداء
طلوع تباشیر صبح سعادت قرین همواره عادت وآیین ما رأفت ومرحمت
بارباب اخلاص وصداقت بود وباوجود انکه والد جنت مکان عدن آشیان
بایزید خان طاب ثراه وجعل غرف الفرادیس مثواه با حکام اطراف وجوانب
هائله تا نادیر بوفائی از ان نوع اشخاص بیشتر دید ودر زمان غوغا
وهنکامه برادرم سلیمان شاه نیز از بسیار امرای دیها مشاهده کرد
لکن از بعضی دیکر تجرد وسعی ووفا چیزی دیکر بوجود نامد مقصود ازین
مقدمات انکه درین ولا مکتوب صداقت اسلوب که از جانب جناب امارت
مآب حمزه بک ولد ازمیر زیدت صداقته مصحوب عمدة الاعیان امیر قولی
ختمت عواقبه بالخیر در رسید وانچه از احوال موسی بک اصلح الله شانه
نوشته بودند معلوم ومفهوم کشت اما خلاصی او زان کوهها
معلوم نیست فرضا از کلیبولی عبور نماید وبا ولد قرمان بپیوندد معلوم
باشد که او نوع چه خواهد کرد زیرا ظلم او درین وقت از حد فزونست
ورعایا وبرایا از غایت بیداد وی متفرق ودادخواهند حتی عرض حالی که
از سکنه اقشهر بملک الامراء اناطولی محمد پاشا دام اقباله رسیده بود
شاهد این حال افتاده صورت آن نیز باقصد مشار الیه ارسال نمودیم
تا خاطر نشان شما نیز کردد وچون مثال بیمثال در رسید اصلا توقف
نموده بعنایة الله تعالی بر سریر بوسی مشرف شوند که چنانچه خاطر خواهست
مرعی خواهند شد ومعلوم اوست که پدر مرحومش امیر سعید جنید بک
رحمه الله تعالی تا زمان انتقال جانبداری ما را ملحوظ میداشت ما نیز شیوه
حق شناسی را حسب المراد درباره او بظهور خواهیم آورد تا دائم ایام
دولت زیاده باد حرر فی اواسط شهر ربیع الثانی سنه ثمانی عشرة وثمانمائة بموضع بورت

سلطان محمد خان فرمانی اوغلی محمد بک ظلمنده بو مکتوبی میرزا اوغلی
حمزه بکه کوندرمشدر اقشهر رعایاسی عرض حاللرندن صکره

قال النبی علیه السلام لا یرحم الله من لا یرحم الناس بر موجب این حدیث
نبوی نواب عظام حضرت سلطنت پناه خلد ملکه شیوه پادشاهانه

خود ساخته • بر اهالی و ضعفا و رعایای آن شهر رحم کنند که حاکم فرمان برخلاف
فرمان قضا جریان کروهی چند ناشناس بی انصاف را بر سر ایشان حاکم مطلق
کرده • قطعا حکومت چیست نمی دانند و جز مطالبات ناواجب نمی شناسند •
و از آبادانی و رعایت رعیت و آیین داد و انصاف دور • و ولایت معمور
بر دست ایشان خراب شد • و مردم مستظهر و متمول در عهد ایشان مغموم
و منفعل بر مساکن مسکنت نشستند • و بفوا قر فقر ممتحن کشتند • خلق
نامحدود و جمعی نامعدود • از وطن خود متفرق و متمزق کشتند • چنانکه
از اکثر روزنها دود • بر نمی خیزد • و از دیهها کس بانک خروس نمی شنوند •
اهل حرث و زرع وطن باز کذاشتند • و دست از زراعت برداشتند • و اماکن
و مساکن ایشان ماوای وحوش و سباع شد • و وجوه معاملات منکسر و
متعذر ماند • و در مملکت خللی فاحش و شکلی شنیع ظاهر کشت • اموال و اسباب
مردم سپری شد • و درون خرد و بزرک روی بنقصان آورد • و رشته
کارها کسسته کشت • و فریاد از اقطار برخاست • نفیر مظلومان از دست
ظالمان بآسمان رسید کار از دست رفت و کارد باستخوان رسید • ولایت
ناایمن و ظلم متمکن و قوافل منقطع و بلیات مجتمع آمد • هر کجا سکی بد رکی بشبانی
چوبانی حاصل جوجی مائل آشوب شغبی زنخلی مایه جدلی بخشی بلیدی مزیدی
مریدی و از هر قبیله لامرحبا بهم مجتمع کشت • در خانها مردم نزول
کرده هر حکمی که خواهند • مالکانه می کنند • قاضی و دانشمند و شیخ و حاجی
و کلخدا بحی بیش ایشان یکسان چنانچه طراوت اهل دلان و کوشه نشینان
عزیز آن مبارک نفس که نظم هر یکی زیشان که اعجاز نفسشان دردعا
مار و کژدم دائما ند عیب کوری و کری • بغیر از دعاء دوام دولت روزافزون
کاری ندارند بذبول رسید • و متاذی شد و ادرار مستحقان از زمان
سلاطین ماضی رحمهم الله تعالی و زمان امیر جوانبخت سلطان محمد • خلد
ملکه که رضیع احسان و ربیب آن خاندان اند منصرف شد • در دعا می
افزودند • با وجود ایشان و کدخدایان بی فایده بزحمت میرسد • حالیا
فریاد رسی فرستادند در کوشه حزین با تضرع و ابتهال تمام عمر بسر می
برند بعد از انکه ایشان چندانکه اینجا می باشند • امرآئی را که همسایه اند آن
جوانبند • مثل ولایت حمید که دائما ملجا و ملاذ آن شهریانست و مطمع و منفعه
آن حضرتند می رنجانند • و چون بطرف ییلاق آواره می شوند وقت ارتفاع
آن جوانب بسبب شومی ایشان کرمیان و بقیه ایشان را از غلات و دخل
باغها می زنند و می برند • آن شهر که خلاصه بقعه دولت و نقاوه حوزه مملکت

بدست

بدست چنین کسی خراب شدن روا نباشد • چه این معنی در اطراف و اکناف
جهان اشتهار یافته است • و در تدبیر ارکان دولت نقصی عظیمت نازیبت
ملک بکه افتاده • و الحالة هذه اکثر قوم شهر و ولایت بستوه آمدند و راه کوه
کرفتند و متوجه ولایت حمید و سواحل شدند • بقیه که مانده اند منتظر
اند باشد که از حضرت قدس و مهب لطف و انس • مدد رسد • و در خاطر مبارک
آن حضرت خلد ملکه اندازد که آن شهر را بحاکمی دهد تا بساط رافت و عدل
بکسترد • و امور و قوانین خوب در سلک نظام و رسوم جایزه براندازد •
و دست طمع از ضعفا کوتاه کرداند • و ادرارات عزیزان و مستحقان بی نقصان
انجانکه همیشه میرسید برسد • تا ثواب آن بدولت روزافزون عاید کردد •
و اکر عیاذا بالله • باز حکومت بر قرار بد و خواهد ماند • و چندین تضرع و ابتهال
بنجاح مقصود و حصول مطلوب نخواهد رسید • آخر الدواء الکی • متعین خواهد
شد • چنانکه کفته اند بیت امارت بدست کسانی خطاست • که از دستشان
دستها بر خداست • فی الجمله باشد که ماه جاه ایشان را احتراق واقع شود •
و کواکب رفعت احتراق ظاهر کردد تا با زیر عادت قدیم • کوچ و فولادن
دهند • و از ین جوانب کوچ کنند طائفه دیکر ظاهر شده اند • واجب القتل مادهٔ
فساد و بد اعتقاد • و در خیانت و درازدستی جری و کوتاه بینی خیره • و از خوردن
خون مظلومان ناسیر و در وحل خبط افتاده • و نام خود را امین و کتخدا
نهاده بیت خانه ویران کنند لیل و نهار • که بشکرانه کم باستغفار • آری
هر ظلمی را عدلی و هر جوری را غایتی و هر کاری را نهایتی و نیز هر کمالی را زوالی
و هر حالی را انتقالی و در ضمن هر عسری یسری و در عادی هر ترحی فرحی
و در مقابل هر فرازی نشیبی و هر کراهیتی تعذرست • و هو الموفق و المحمد
و احکم الحاکمین • و ارحم الراحمین و المنتقم من الظالمین • والامر اعلی

سلطان محمد خانه قرمان اوغلی محمد بک دن کلان ضراعت نامه در

ادام الله تعالی علوه • و اعلی فی مدارج العز سموه حضرت خداوندکار اعظم
و پادشاه معظم سلطان الاسلام والمسلمین عون الغزاة والمجاهدین شمس
فلک السلطنة و بدر البرج السعادة • المؤید من عند الملک المنان • سلطان محمد
خان کامران عالیشان • اللهم ابد دولته و ابد جنده • دعوات زکیات و خدمات
نامیات از محض وداد خلوص • و فرط حب و اختصاص بلاغ و اتحاف داشته
ملاقات • علی احسن الحالات معقد رباد • بعد ما مشهود ضمیر جهانکیر خورشید
تنویر انکه چنان استماع افتاد که درین نهضت غوغای موسی چلبی بکر بر طرف
شد • او نیز چون فتنه سلیمان چلبی و عیسی چلبی بزیر زمین نهان کشته است

غفر الله ذنوبهم وشكر الله سعيهم • لله الحمد رعايا و برايا از فساد منادكت
كرده بالجمله آسوده شدند • وبجهت تهنیهٔ قدوم بتخت بخت سعادت
رسوم قدوة المعتمدين حاجی بیك عم زید قدره را ارسال نموده • دور أس
سمند سمند قرمانی اهدا رفت • مامولست كه معتول فرموده باقی مشافهات
را از مذكور سوال كنند و برجوع خدمات مخلصان را سرافراز كردانند كه
بجان منتست • جهان بكام و دولت غلام • وعمر و دولت بر دوام باد • بالنبی واله الامجاد

الجواب

صداقت نامهٔ اخلاص بیان كه از جناب عالیشان مكرمت عنوان • امیر اكرم
والی مكرم اعدل حكام انام و زبدهٔ دوستان مودت پیام • شمس الدین محمد بیك
دام اقباله مصحوب عمدة المعتمدين حاجی بیك عم وجه اعاده الله بالخیر •
ارسال شده بود در ایمن اوقات رسید • موجب زیادت اتحاد و بهجتی
شد • وهدیهٔ مقبوله بجهت ركاب خاصه هما یون مقرر گشت • اما از جنس
خیول عربی و قرمانی مقداری كه لازم بود دفتر كرده بجهت خریداری با مبلغ دو خر
وار دو زر عثمانی پولاد سلاح را بمشار الیه رفیق كرده • اصدار شد كه بموجب دفتر
خریداری نموده عودت كندان شاء الله تعالی یقین كه شیوهٔ امداد بظهور
خواهند آورد • وچون در دفع غوغای مرحوم موسی چلبی جناب حمزه بیك
ولد از میر رسم نیكو خواهی بجای آورد • اورا از زمرهٔ مخلصان معدود كرده
سبیل مخالفت را باوی مسدود سازند • وبالجمله در اتحاد كوشند • تا موجب
رفاهیت انام كردد • كتب بالامر العالی اعلی الله شانه فی اوائل رجب المرجب
سنه ثمان عشر وثمانمائه بمقام بروسه

سلطان محمد خان حضرتنه شاهرخدن كلن نامه در

بجناب سلطان اعظم • مولی الملوك بین الامم • قاتل الكفرة وقامع الفجرة
المجاهد فی سبیل الله الملك الاحد • نظام الملك والدین سلطان محمد • ابد الله
وادامه • باحسان پادشاهانه فایز كشته بدانند كه بمسامع علیه چنان
رسیده كه سلیمان بك و عیسی بك و موسی بك با او در مقام شقاق و نزاع
بوده اند • و برسم تورهٔ عثمانی هر یك را از غوغای دنیای فانی خلاص
كرده اند ذلك تقدیر العزیز العلیم • اما این شیوه در میان برادران
جانی بر موجب تورهٔ ایلخانی غیر مناسب مینمود • چه دولت چند روزه
بقائی ندارد كه بجهت آن ارتكاب چنین احوال كرده شود **بیت**
میازار موری كه دانه كشست • كه جان دارد و جان شیرین خوشست
ایشان اغفلند • و احوال همایون ما انكه بجهت غوغای قره یوسف و اولاد او كه

ظالمان بی دین و قاطعان طریق اهل یقینند مدافعه دیگر نیست ع این خار هم
از ان گل بر چیب جان خلیده است • شاید كه از سطوت قاهره بآن جوانب
عنان پوی كردد • وهر كاه بحدود ایشان رسد كرفته بدست باز خواهان
ما در رسانند • ودر اسباب محبت قصوری نكذاشته • در اطفاء آتش فتنه
كوشند • تا موجب پریشانی احوال رعایا و برایا نكردد • باقی مشافهات
را از دارندهٔ یورندق بهادر تحقیق كنند و بزودی اعادت نمایند والسلام
والاكرام • كتب بالامر العالی فی اواسط ذی الحجه سنه ثمانی عشر وثمانمائه بیلده خوارزم

الجواب

مخلص دولتخواه كه همیشه خلقهٔ موالات • در كوش جان داشته • وتخم
حب در مزرع دل كاشته • لیلا و نهارا سرا وجهارا • دست تضرع و دعا •
بدرگاه حق جل وعلا • برداشته • بتمهید قواعد سلطنت و كامرانی و تخلید
مسرت و شادمانی عالیحضرت خلافت منقبت • پادشاه فلك ملك پناه
جم جاه • كسری ایوان متوجهی عنوان افراسیاب زمان شهنشاه اقالیم سبعه
بر كزیدهٔ آباء تسعه **نظم** شه هفت كشور ممالك ستان جهان كرم شاه
كامران ضاعف الله قدره وشرح صدره واعز جنده وزاد عمره ونصره •
مسارعت • ومبادرت مینماید • قرین اجابت وضمین استجابت باد انه رؤف
بالعباد • بعد از تقدیم خدمات ایلخانی معروض رای غورلتای خسروانی
كوركانی انكه درین ولا نامهٔ بر لیغ ختامه مصحوب ذوالمجد والمعالی بورندق
بهادر خلكانی زید قدره وزرفت سلامته • در بهترین ایام بدین محب
ستهام در رسید • چون مشعر بود بصحت ذات ملكی الصفات شكر الهی
بجای آورد • ونصایحی كه در باب اخوان زمان كرده بودند • فرمان بریم •
لكن از ابتداء طلوع تباشیر صبح دولت عثمانیه • رحم الله اسلافهم وابقی اخلافهم
مشكلات ایام را اكثر بادست تجربه كشاده اند ابیش نهاد خویشتن
ساخته اند • واز جملهٔ سلطنت در انكه اقتضاء شركت نمیكند • شبهه نیست
وكلام اولی نظام صاحب كلستان غفر الله الملك الرحمن كه ده درویش
بر كلیمی بخسبند • ودو پادشاه در اقلیمی نكنجند • مؤید این احوال من مآلت
علی الخصوص كه اعدای دین و دولت از اطراف و جوانب منتظر اندك فرصتند •
وثبات وزوال ملك بتدبیر نیست • بلكه وابستهٔ تقدیر الهیست • فاما اگر
حكام همجوار مسلمانان عالی تبار می بودند و هیچ دست نمیداد • والعیاذ بالله
كه فرصت كفار خاكسار در افتد • ومعلوم عالیست كه در واقعهٔ جد
مغفرت پناهم اكثر بلاد مفتوحه مثل سلاونیك وغیره از قبضهٔ اسلامیان

بیرون رفته **بیت** ما قصه فتنه را چه کوییم ای دوست • از غمزه بنو
کارجانا نش برس • ازانست که درین امور سلطنت وخلافت را تفرد
اختیار کرده اند • والخیر ما اختاره الله • واحوال قره یوسف را شنیدیم اکر
طلب عذر او ازان درکاه می نماییم شاید در معرض قبول بیفتد • واکر درزاد
خود را نمی دهیم بکفته هر که دست زنجان بشوید • هرچه در دل دارد
بکوید • وازضرورت بلکه مرتکب انواع فضاحت کردد • وبا حکام همجوار
مثل قرامانیان وحمیدیان واسفندیاریان وطورغودیان وذوالقادریان
متفق شده با سلاطین مصر نیز دربیوسته • ازشومی هر یك امر غزا
معطل ماند • نه انکه شیرمردان روم را ازجمعیت شغالان کزند بست •
یقین مشغلت بغزا انسب واولی ازدفع امثال این غوغاهاست زیاده
چه نویسد • والامر اعلی •

سلطان محمد خانک شاهرخ میرزا عنده قره یوسفدن کلان محبت نامه در

بندکی عالیحضرت سلطنت پناه کامکار خداوندکار اعظم نامدار معین
مؤمنان ومعاون اهل ایمان • قاتل الکفرة قامع الفجرة • شهنشاه بر وبحر
صاحب عز ونصر المؤید من عند الملك الصمد • ابو النصر سلطان محمد لازال
ایام عزه واقباله الی یوم الدین • وما برح وجوده الشریف ناصر المحبین و
المخلصین رسانیده • همواره ولاجوی ودولتخواه شناسند • سعادت
ملاقات بروجه احسن مرزوق باد • بعد هذا درین ولا بر لیغ بلیغ ایلخانی
از پادشاه هفت کشور شاهرخ بهادر کورکان خلدت ایام خلافته •
دررسید که کوره آذربایجان را تسلیم وکلا ایشان کند • هرچه از راه طاعت
وانقیاد درآمد مفید نیفتاد • وشنیدیم که لشکر باینجانب کشیده بحوالی
قزوین دررسیده است • ما نیز با لشکر خویشتن خود را بدامن کوهها این
دیار قریب ساخته منتظریم که کریم قهار • دفع مکاید اشرار چکونه خواهد
کرد • وغرضش انکه چون روزکار رغتاد مساعدت او کند • با خیل تتار در بساط
قسطنطنیه سایبان زده • رجعتش از قرم بغدان وروس بنواحی کفه
افتاده • وازدشت قبچاق بباب الابواب شیروان درآمده • از آنجا باز
باذربایجان دررسد • وچون برکاد با عساکر جفاکار این مقدار ممالك
را احاطه وضبط کند • اعاذنا الله وایاکم من نومة الغافلین ونستعیذ بالله
من شرور الشیاطین • اما حق سبحانه وتعالی همیشه بتصور باطل ایشان
مساعدت روا نخواهد داشت • شاید که بتوفیق الله تعالی فرصت مخلصان
را دست دهد • قال الله تعالی کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة باذن الله

اخبار را اجیف بسیارست • واکثر رأی اعدای بدرای چون فکر فاسد ایشان بی
ثبات وبی اعتبار • لاصدق فی قولهم ولاخیر فی رأیهم • دمرهم الله وخذلهم •
درین باب عمدة الاکابر العظام خواجه بهرام نخجوانی • درزقت سلوشه راکه
ارصاحب آن رای سدیدست بصوب صواب نما ارسال رفت • تا بالمشافهه
تقریر حالات کرده بهر وجه که فرمان واجب الاذعان صدور کند مأموریم • والامر اعلی

الجواب

نامه اخلاص بیان که از جانب سلطنت مآب مملکت نصاب • داراب زمان
کشتاسب دوران • نریمان صولت رستم هیبت موید الدنیا والدین • قره یوسف
کامران • زیدت ایام عزه واقباله ازدارنده خواجه بهرام نخجوانی نکته دان
اعاده الله بالخیر • دربهترین زمان وخجسته ترین اوان • شرف وصول یافت •
واز استشمام بوی صحبت • ازان غنچه کلستان بهجت • عندلیبجان مترنم کشته
جهان وجهانیان مغتنم وشادمان شدند • وبرخی که از احوال ایلخانی اعلام
کرده بودند وبزبانی سپارش فرموده • بالجمله معلوم نموده جواب هر یك را
بوجه معقول باز داده فرستادیم • تا بآن طریقه عمل نمایند • اما سعی خویشتن
بان مبذول دارند که ازروی اطاعت معقول حضرت افتاده آتش فتنه بالا
نکیرد • والعلم عند الله زیاده ننوشت • دولت دارین وسعادت منزلین
میسر ومقدر باد • بالنبی واله الامجاد • والسلام •

سلطان محمد خانک قره یوسف اوغلی قره اسکندردن کلان صداقت نامه در

بندکی درکاه عالیحضرت سلطنت پناه ممالك دستکاه • خداوند اعظم وخدا
وندکار معظم • سلطان سلاطین الامم • مالك الملوك فی العالم • پادشاه جهانبان
شهنشاه ابوت مکان • فلك السلطنه وشمس برج الخلافه • سلطان محمد خان
کیوان ایوان • اللهم خلده بالدولة الابدیه • وایده بالسعادة السرمدیة • معروض
کماشتکان دیوان عالیشان نموده همواره بنده دولتخواه شناسند • بعد
همانا معلوم خدام انجم احترام شده باشد که میشه شاهرخ میرزا خاقان
اعظم قصد اذربایجان کرده • سروجان درمیدان رضا طفیل ساخته منتظریم
تا خود فلك از برده چه آرد بیرون • شنیدیم که عثمان قرایولك برسم روبا مصرع
قاصد خویشتن بطرفین • روانه ساخته **بیت** کویدنه قصور ودنت راپ •
که رومیم وکهی خطایی • حق آنچه بان درکاه نوشته بود • نقیضش را بجانب
سمرقند می فرستاد که برادرم میرزا جهانشاه • در سلطانیه از بغل منصور نام مخصص
بدست آورده • وبحضور فایض النور ابوی پادشاه صداقت پناه این مخلص
ارسال کرده او نیز باین بنده درحوالی خوی روانه فرموده اند که بخواجه بهرام

تنجوانی ایلچی تسلیم نموده شود، اتفاقا خواجه مزبور از سرحد عبور کرده بوده
وبممالک محروسهٔ روم داخل شده، لهذا مصحوب عمدة الاعاظم، ابراهیم
نوکر، زید قدره، بجانب بوسی متوجه نمودیم، والامر اعلی.

عثمان قره بولک شاهرخه یازوب وقره یوسف مکتوب من بوری سلطانه ده اخذ ایدوب بروسه یه ایصال ایتمشدر

بندگی درگاه خاقان جهانپناه، وقاآن ممالک دستگاه، شهنشاه بحر وبر
پادشاه هفت کشور نظم انکه بدرگاه او مهر فلک صبح وشام، بازنهند
روی زرد از سر افتادگی، بپیش رود رتبه اش چون ملک نیم روز، قدر وشرف
هم فزون از ذره آزادگی، شهریار عالمگیر خصم شکار، واقف اسباب بی نظیر،
وصاحب وقار، اسکندر دولت، قهرمان صولت، فریدون هش ضحاک
کش، رستم جلادت، کسری معدلت، شمسهٔ ایوان ایلخانی، مهر سپهر گورکانی،
شاهرخ عرصهٔ بزرگواری، ونجم فرخ مطلع کامکاری، ابد الله ایام عزه واقباله
واعوام قدره واجلاله وابّد بعظمته وجلاله ولطفه وکماله الی یوم کد
یرحم الله عبدا قال آمین، بعده بغرض عرض کاشتکان قورلتای معدلت نمای
انکه بعد از تیسیر جلوس سعادت مأنوس تخت بخت کامرانی، وتمکن وبسط
عنان کشورستانی، از احوال بندگان جانفشانی خبری نکرفته، مواقع کثرت
عیش وشادمانی باد، اما درین باب استبدای غیرت این خیرخواه اکتساخ
ساخته میکوید نظم اگر بعیش شوی غافل از مهم جهان، جهان جهان شود
از غفلت جهانداری، بدر گذاشت ترا ملک ودولت عالم، تو سعی کن که فزون
ملکی بدست آری، مملکت این بنده که دیار بکرست اکثر شهر را امرای اکراد متصرفند
وباقی آن نیز معلوم کرچه مقدارست، وباندک لشکری از حکام اذربایجان
وروم اندیشه نموده مترصد وصول قدوم فرخنده رسومست، چه قوم یوسف
ترکمان را قدرت طاقت آن مقدار نیست، که بضربت صمصام نهنگ انتقام یکی
از غلامان کردون احتشام قیام تواند کرد، نه تنها قوم یوسف بلکه روم وشام
بیک توجه واقدام مضبوط ومسخرست، زیرا از امراء حلب وشام علی الدوام
عرضهٔ اطاعت میرسد، واز میر محمد قرمانی واسفندیار قسطمونی وحسین بیک
حاکم حمید ایلی وحمزه بیک ولد جنید بیک ازمیری وسلیمان بیک حاکم ذوالقدر
وتکفور قسطنطنیه وتکفور طربزون وملکان کرجستان بالجمله عبودیت
نامها مبذولست، واز حکام شیروان وکیلان ووالیان کردستان ولورستان
نیز اسباب فرمانبرداری مهیا، پس بواسطهٔ اندک غوغای میرزا بایسنغر
توقف روا نیست بیت بغداد سمرقند از شما باشد تبریز وروم وشام

کاینست

کاینست ترا، باقی حالات را از عمدة المقربین خواجه منصور تاجر آمدی
رزقه وصوله وعوده بالخیر پرسش فرمایند، باقی حاکمند، والامر اعلی.

سلطان محمد خاندن قره اسکندره یازیلان جوابدر

جناب شهزادهٔ مکرم خلف سلاطین امم، انجب واعدل اخوان میرزا اسکندر
کامران، حفظه الملک المنان، سلام پادشاهانه شامل احوال خود دانسته،
بداند که درین ولا مکتوب اختصاص اسلوب شان مصحوب عمدة الاعاظم ابراهیم
بوی نوکر، زید مجده، بعد از اجازت خواجهٔ امیر نخجوانی، اوصله الله الیکم بالخیر
در ایمن اوقات رسید، ومکتوب فتنه اسلوب عثمان قره بولک را که باوی
فرستاده بودند رسانید، وشرح کوبکها او معلوم گشت ما او را بجد احواله
کرده ایم اما برخوردار شوند که ما را اگاه ساختند لطف کرده، چنانچه پادشاه
مملکت دستگاه والد بزرگوار ایشان، ابده الله وادامه نوشته فرستادیم،
ایشان نیز بهمان منوال عمل کرده، در دفع غوغا کوشند، وهر گاه که اضطراب
وهجومی واقع شود، اعلام نمایند، تا بعنایت الله بقدر امکان در دفع آن
کوشیده شود، که قسم بیزدگوار که خدای عز وجل در نفع وضرر شریکیم،
باقی حالات را از مشار الیه معلوم کنند والسلام والاکرام حرر فی اوائل محرم الحرام
سنه عشرین وثمانمائه، بمقام بروسه

سلطان محمد خانه عثمان قره بولکدن کلان معذرت نامه در

دولت وجلال خداوند اعظم وخداوندگار معظم، مولی ملوک الامم فلکی
الهمم ملکی الشیم، ملاذ الغزاة والمجاهدین عضد الدولة والدین ظهیر الاسلام
والمسلمین، مرجع الاقبال والسلاطین المؤید من عند الملک الاحد، ابو الفتح
سلطان محمد، ابده الله الحی الصمد، چون سپهر گردان پاینده، وچون مهر درخشان
تابنده باد بمحمد واله الامجاد الی یوم التناد، عرضهٔ بندگی انکه درین ولا خواجه
منصور آمدی را که پایهٔ سریر عالم مصیر پادشاه جهانگیر وخاقان صاحب
تدبیر شاهرخ بهادر حفظه الله الملک القادر فرستاده بودیم، جهانشاه
ولد قره یوسف بنابر عداوتی که میان ما وایشان مستمر است او را گرفته ومکتوب
این مخلص را ستاده، قاصد را قتل ونامه را خرق کرده، بعد از آن در تبریز مهر
این مخلص را بحکاکان مرتب نموده ونامه را بوجه دیگر نوشته بآن درگاه
فرستاده اند، بالله العظیم احوال بهمین منوالست، وما را بغیر صداقت وولا
بنابین تصوری دیگر نیست، وجناب مولوی قاضی علی حصن کیفی زید فضله
که برسم رسالت بخاکبوسی شرف میشود شاهد حالست، امید که اعتماد فرموده
بزودی رخصت دهند که پیش از وصول موکب همایون شاهرخی رسید

بعد

باشد که درمیانه ایشان وانحضرت دوستی را مؤکد نموده شد و باعث محبت
عظیمه کردد ان شاء الله تعالی بیت خوش بود کر محک تجربه آید بمیان
تا سیه روی شود هر که درو غش باشد اما امید داریم که بسخن دشمنان
عمل نموده حکام همجوار را متفرق و پریشان نفرمایند تا مستلزم استحکام
قواعد ملک وملت و موجب استواء بنیان دین و دولت کردد زیرا اکثر
ایشان دست نشان اعلیحضرت مغفرة پناه خاقانی اند مبادا بتحریک هریك
سبب نزاع شهریار کشورستانی و مالك ممالك سلیمانی ابو الفتح شاهرخ
بهادر خاقانی ابد الله وادامه کشته و فتح ابواب ممکنات و محبان و مخلصان
مشکل شود والله الکریم که غرض ازین سخن غرض اخلاص و ولا جویست
مبادا به بی ادبی و کستاخی عمل کرده کوش بر هوش بسخنان غرض آلود
قره یوسف واولاد او نکمارند از اول هم بادی فتنه ایشان بودند والامر اعلی

الجواب

صحیفهٔ اخلاص آیین و نامهٔ اختصاص تبیین که از جناب سلطنت مآب
حکومت نصاب مملکت قباب کمال الدولة والدنیا والدین عثمان بیك
زیدت ایام اقباله واجلاله درمکاتبت و مراسله با اعلیحضرت خاقانی
صاحب قران ایلخانی خلد ظله السامی مصحوب خواجه منصور آمدی واخذ
آن ولد قره یوسف بیك شهریار تبریز و تغییر مضمون آن بمهر جعلی ایشان
وفرستادن باینجانب رسید مضمونش معلوم و مفهوم کشت چه ما از ایشان
درین اوان بخبر دوستی و خیرخواهی خبری دیکر مشاهده نکردیم و بسخن
نمامان عمل نخواهیم نمود خاطر شریف تسلی داشته خویشتن را دوست
قدیمی واینجانب را محب صمیمی دانسته تغییری در ان راه ننهند و همواره
سبیل نیکوخواهی را مسلوك داشته بسخن اراجیف کوش نکمارند که جوهر
دوستی کیمیاست و عمر در شتاب و در باب معاشرت حکام همجوار
هرچه اشعار کرده بودند در جای خود بود اما اکثر با تغییر اطوار
از ایشان ننشست و تا ممکنست در جانبداری هر یك بنصیحت و خاطرجوی
التفات شاهانه مبذول نموده ایم بعد ازین نیز دریغ نخواهیم کرد
بتوفیق الله تعالی باقی حالات ازدارین استفسار فرمایند ظلال
عاطفت ممدود باد والسلام والاکرام

سلطان محمد خان شیروانشاه سلطان خلیل دو کرده محبت نامه در

زندکانی مجلس عالی حضرت خداوند اعظم خداوندکار معظم مالك رقاب
الامم فهرست کتاب سلطنت دیباجه رسالة الخلافة الغازی فی سبیل الله

المجاهد لوجه الله المؤید من عند الله الملك الصمد عماد الدولة والدنیا والدین
ابو النصر سلطان محمد نظم بهاء دولت و دین ان شهنشهی که جهان زینت
نتیجهٔ رای تو صد بها آرد بها و قدر تو هر دم زیادتست آری چو در نفیس
بود لاجرم بها آرد در اقتناء اسباب شادکامی واعتنا با کتساب نیکنامی
وتیسیر مقاصد دولت بلندنامی سال و ماه بتمامی نامتناهی باد سلك معالی
بوفود دولت عالی منظوم و صحیفهٔ کامرانی با رقام فضل یزدانی مرقوم
واوج حشمت مرتفع و فوج نعمت مجتمع و روز روزکار همایون
ونشاط و خرمی مقرون بیت دست قنا زدامن عمرش بعید باد روزش
چو سال نو همه نوروز و عید باد مخلص هواخواه از غایت قصور و عجز خویشتن
متحیر و متفکرست که شرح نیازمندی بدریافت خدمت خداوندی چکونه دهد
وشکران مواهب جسیم و عذر آن لطایف عمیم که از ان خاندان کریم علی الخصوص
که از جناب واجب التعظیم ابقاه الله درحق این دودمان فایض شده
بکدام زبان تمهید کند ع فیا لها قصة فی شرحها طول واز بسیاری حقوق
سابقهٔ مودت فزا بفحوای محبة الآباء قرابة الابناء ع شکر الطاف
نمودن مشکلست دست ازان شیوه برداشته و دل و جان را بیوسته
بیاد بود حسنات غیر معدود کماشته ایزد تعالی دولت خداوندی را که
طراز کسوت معالی و زینت ایام و لیالیست روزافزون داراد بمحمد واله
وصحبه الامجاد درین ولا یرلیغ اعلیحضرت خاقانی شاهرخ کورکانی
خلدت ایام سلطنته رسید مضمون همایونش انکه در روز پنجشنبه
یازدهم شعبان سنه ثلث وعشرین وثمانمائه از دار الملك سمرقند بجهت
دفع قره یوسف ترکمان متوجه کوده از رباط ایم و قشلاق در قرهباغ
مقررست باید که بجمیع لشکر و امراء شیروانی بقورلتای ایلخانی مسارعت
نمایند و نامهٔ سعادت ختامه را باسوندك بهادر از راه دشت
قبچاق و باب الابواب باین مخلص روانه ساخته ذات همایونش دولت
بر یمین و سعادت بر یسار از راه خراسان متوجه این دیار کشته‌اند
عن قریب رسیده است وچون این حکایت مقرر بود بنا بر اتحاد قدیمی
در اخبار و اعلان سبقت کرده خواجه محمود باکویی را که آشنایی
با حکام غیر ملت کفته داشت وسیله نموده فرستادیم که بخدمت
رسیده آکاه باشند که قبل از وصول بحوالی تبریز رسول سعادت وصول مهیا
کرده و با آداب ملوك باستقبال فرستاده رسم خلوص و آیین یکجهتی معطل
نکذارند که در دنیا بهتر از مدارا چیزی نیست باقی حالات را از اشارالیه

تحقیق فرمایند خیام دولت با وتاد سعادت مرتفع باد برب العباد

الجواب

روزکار مساعدت آثار بر وفق مرام آن شهریار کامکار سلطنت مآب نامدار ملک اعظم بزرکوار اکرم سرو ریاض شجاعت غنچهٔ باغ عدالت قلزم حیطهٔ جهانبانی لجهٔ بحر کامرانی ظهیر الدولة والدین والدنیا معین الضعفا والفقراء المؤید من عند الملک الغفار ابو المواهب سلطان خلیل شروانشاه فرخ یسار ایده الله وادامه فی عیشة راضیه وجعل مقامه فی جنة عالیه تا قیام قیامت دائر وچرخ دوار حسب المرام سائر باد انه رؤف بالعباد درین ولا با نامهٔ نامی وختامهٔ کرامی خواجه محمود باکوئی رزقت سلامته در ساعت متبرک از سمت کفه رسید وبزم طرب افروز را بقدوم میمنت رسوم پر نشاط ساخته ابراز کرد بعد از تعظیم وتبجیل ملوکانه **بیت**
نامه را چون باز نمودش دبیر خواند سرتا پا بتوجه دلپذیر بود مضمونش چو مشعر بر وفا والدهم بر صحت آن نیکنهاد از بشاشت شکر حق کردم روان کوش بنهادم فرا مضمون آن وانچه در اظهار محبت قدیمی ومودت صمیمی ایراد کرده بودند از ینجانب نیز یکی هزار ملحوظ آن نامدار کشته این اتحاد را من المهدی الی اللحد شمارند ودر باب توجه عالیحضرت خاقانی شاهرخ کامرانی مد ظله العالی بجانب آذربایجان نوشته بودند سمت وضوح یافت وباعث تاکید یکجهتی افتاد آری ایشان قبل ازین نیز در باب منازعهٔ قره یوسف بیک برخی بدین هواخواه نوشته ارسال فرموده بودند ونکتهٔ شاهانه در ودرج کرده جواب شافی ازین مخلص دیکر بموقف عرضشان رسانیده شد اما هرکس از حکام ضرر وفائده خود ومهمات خویشتن را از دیکران بهتر میدانند مثلا مخادیم اوضاع ملوک شکلی وامرا توق وقبناق ولوند را از سایر والیان نیکوتر شناسند چه قرب جوار اقتضاء آن میکند بلی حاشا که بایجاب عزت پادشاهی از وقایع کذشته شکایت کنیم **بیت**
یک تیر جفا نماند از جعبهٔ چرخ در روی قبضه بدر بجانم نخلید العبد یدبر والله یقدر مع هذا سد ثغور اسلام از واجبات احکام سید الانام علیه التحیة والسلام است وهرکاه بروم ایلی عبور کرده بامر جهاد شروع کنند بدبختانی که در اطراف وجوانبند بتضاد وتناقض در میکوشند واکر در مقام بروسا صانها الله عن الباس توقف بنمایند تکفور آن استانبول وآن حوالی با اهل اسلام از کزند خالی نمی باشند وبا وجود این همه غوغا ومشقت از دعا بحضرت خاقانی

الله بخلد ظله العالی مکاتیب مؤکد در باب سپارش زمرهٔ معاندان دین ودولت وراه زنان طریق شریعت بیما فرامانیان بی امان وامثال ایشان در میرسند ودولتخواه بی اشتباه آرزوی انقیاد بفرمان برداری سعی نموده بنشهاء اعدا را بالضرورة نوش کرده خموش بود حتی بواسطهٔ تسکین فتنه وصلت با بخشان طایفه جایز داشته آن نیز مفید نشد والحاله بجبر مدافعه چاره نیافت وتفاصیل حالات بقورلتای ایلخانی رجوع کرده مشکل واغماض عین هم از آن ممتنع لاجرم الخیر ما اختاره الله کویان چون فایدهٔ اهل ایمان در دفع مضرت قرامانیانست بتوفیق الله تاخیر وتراخی جایز نخواهیم داشت **ع** تا که از پرده تقدیر چه کردد ظاهر مثمر انکه شاید در هنکام مقارنت رکاب همایون آن عالیحضرت ازین مر حکایتی واقع شود کلمهٔ خیری دریغ ندارند زیرا ایلچی این سعادت خواهم روانه خواهد کشت **قطعه**
بوامی که بر روزکار دست ما را اکر اوندادد بدادیم مهلت اکر دولت آید وکر محنت آید بنزدیک ما هر دو راحت غذت وکر هیچ احوال ماضیه اللئام قره یوسف بیک ومنازعهٔ قرمانیه را بهانه ساخته عزم این دیار میکنند الحکم لله الواحد القهار تملق بی فایده نخواهیم کرد ودر صدمهٔ اولی اکر ایشان از مضمون الم غلبت الروم فی ادنی الارض مغتنم شدند امید واریم که غزاة نصرت آیات دیکر در واقعهٔ ثانیه از مژدهٔ وهم من بعد غلبهم سیغلبون شادکام ومحصل المرام کردد وما ذلک علی الله بعزیز ان شاء الله تعالی واین جمله بتبیان حالت نه خود فروشی **قطعه**
کرد فلک تند مرا دارم آخر وز کرده پشیمان شود ایام آخر مقصود مخالفان اکر سد حاصل ما را دکر ایزد بدهد کام آخر چون اعقل واکمل وعجب مخلصند کشف ما فی الضمیر بنواب روشن تدبیر کرده آیینه المستشار مؤتمن را مقابله نظر در بیت داشته اغیار را واقف نسازند باقی مشافهات را از مذکور تحقیق کرده انچه معقول رای رزین است عمل فرمایند وهمیشه با شارات مستوجب البشارات جادهٔ اتحاد را سلوک دارند وبملتمسات مشرف فرمایند که تقدیم آن منت بر جان است **ع** باقی مباد انکه نخواهد بقای تو ایام شادکامی افزون باد بالنبی واله الامجاد والسلام

سلطان محمد خان قرمان اوغلی محمد بکی طوتوب تکرار قرمان حاکم نصب ایلدکده قره یوسفه یازدیغی نامه در

باسمک یا مستعان والیک المصیر وعلیک التکلان **بیت**
فتح ابواب مقاصد با کلید نصرتت انت علام الغیوب وانت مهتدی من تشاء سپاس وحمد

سزاوار الوهیت اوست • وشکر بی نهایت مقابل نعمت او کریمیست که اعناق
معاندان کفران النعمه را کرفتار زنجیر اولئك كالانعام بل هم اضل کردانیده
وباحسان بی پایان حدیث شریف احسن الی من اساء • مستخلص ساخته •
در مقام بندکی بموجب تنزیل الهی من عمل صالحا فلنفسه ومن اساء فعلیها
مطیع ومنقاد اولی الامر کرده شربت خضوع از سرچشمهٔ • اطیعوا الله
واطیعوا الرسول واولی الامر منکم • بحلقومشان ریخته از شوارب بغی
وعناد فارغ البال نموده بیت سرچشمهٔ تیغ ما بتوفیق خدای •
جاریست بجوی کاری عاصی نرود • هذا من فضل ربی مقصود ازین مقدمات
انکه بعد از دفع غوغای اخوان پر جفا • سلیمان بیك وعیسی وموسی رحمهم الله
بیت چه غصها که دل از دست دشمنان نکشید چه خارها که ازین
کلشنم بجان نخلید • محمد بیك قرهمانی کسر شکاسهٔ عهد نموده ونسبت
وفا را پایمال ساخته • هنوز در روم ایلی بودیم • وبارسال نعش مرحوم
موسی بیك غفر الله سیئاته مشغول بودیم که از حافظ محمیهٔ بروسه
ملك الامرا حاجی عوض پاشا معروض کشت که محمد بیك مذکور علی الغفله
ببروسه رسیده خرابی بسیار کرده باز عودت نمود وازراه ادبار بقرار
کاه خود رفت • درحال توکل بملك ذو الجلال نموده از سر ایلغار ببروسه
رسیدیم • وبعمارت خرابهای شهر وبازار که از ان عدوی نابکار واقع
شده بود • فرمان داده • باذات همایون ظفر مقرون بخت بر یمین وسعادت
بر یسار متوجه مدافعهٔ آن خاکسار شدیم • وچون در مقابل صحرای
قونیه موضعی که باورنه جای مشهورست • مخیم سرادقات عز واجلال
شد • وتلاقی صفین مقدر افتاد • در اول وهله ریاح نصرت بادرقهٔ
هدایت قفادار مؤمنان شده • صرصر فنا باشکر اعدا مقارنت نموده
در طرفة العین متفرق وپریشان راه کریز اختیار کردند • ومحمد بیك
با فرزندش مصطفی بحصار قونیه در آمد • سپاه مظفر چون اژدر هفت
سر اطراف باروی قاف پیکر را احاطه کرده فرصت ندادند بعد از لحظه
از مجوسان دشمن • تحقیق فرمودیم که مزبور محمد بیك بطاش ایلی فرار
کرده همین ولدش مصطفی در قلعه محصورست • بنابران دستور اعظم
ومشیر اکرم • ونظام عالم ظهیر الدنیا والدین بایزید پاشا ادام الله اقباله
را با موازی ده هزار سوار زره پوش جوشن دار • بعزم طاش ایلی مقرر کرده
در مزاج همایون نیز از تغیر هوا احتیاج اندك علاجی بود که ناکاه بوزیر
مشار الیه خبر رسید • که محمد بیك درین حوالی در تدبیر شبیخونست •

مثبو

مثبرا نظیر بی توقف از اول شب زهر طرف راه اندیشهٔ باطلهٔ اعدا را سد
کرده • وخویشتن محل وماوای او را تحقیق کرده در ایلغار سبقت میکند •
وچون بلای ناکهان بر سر او ریخته وبتوفیق الله تعالی دستکیر کرده • علی الصباح
باکروه اهل نجاح • دشمن را دست بسته وبازو شکسته • بپای تخت همایون
در رسانید • وباعث صحت عاجل ما کشت • وبعد از ان صلحای قونیه با ولد محمد
بیك مزبور مصطفی بد من اعفای ما شفاعت خواه آمده • تقصیرش در خواستند
ما نیز بفرموده • العفو زکوة الظفر • از سر جرمشان درکذشته حکومتش
را نیز مقرر داشتیم • وبالجمله غازیان • الحمد لله الذی هدانا لهذا • کویان •
بمقر سلطنت ومستقر خلافت عودت نمودیم • وچون بتوفیق الله جهان بکام
دوستان محصل المرام شدند • بهمین بهانه نزاد بود همکنان مستحسن نموده
این بهجت نامه را مصحوب قدوة الاماجد والاعیان • چاوش نعمان نونه
فرستادیم • تا بادانی واقاصی اعلام واعلان فرموده • در مسرت فزایند
وحلاوت انجامی را اعدام بخشند • مشار الیه بزودی مجاز فرمایند • واز جواب
الیخانی غفلت نورزند • تا قادرند • در اطاعت حالیحضرت خاقانی مد الله
ظلال عاطفته کوشند • ومشافهات را از دارنده سؤال نمایند • سعادت
قرین ودولت همنشین باد •

الجواب

باسمك یا فتاح • وبیدك مفتاح ابواب النجاح • مراتب شکر کزاری که از مقابله
نظر شریف شهریاری عالم مداری • سلطان الاسلام والمسلمین • عون الغزاة
والمجاهدین • ظهیر الملوك والسلاطین • پادشاه ذی شوکت شهنشاه
قهرمان صولت • المؤید من عند الملك الصمد • ابو الفتح والنصر سلطان محمد •
ایده الله بفتوحه المجددة • ونصره المؤیدة الی یوم الدین آمین • بوسیلهٔ
ارقام زرنکار سمت اصدار یافته بود • برسالة عمدة الاعیان چاوش نعمان
اعاده الله بالخیر الیکم • واوصله الی مرامه لدیکم • در بهترین ازمنه وخجسته
ترین امکنه رسیده • چهره نمای صورت مراد • وفرح فزای روح وفواد کشت •
بیت هر مرادی که پس پرده نهان بود خدا • جمله از آینهٔ غیب عیان کردیما
سلطنت پناها قرامانیانرا عهد وامانی نیست • وانرا که این هر دو نباشد
اسلام وایمان کجا خواهد بود • الحمد لله والمنه که بعد از انواع بدبختی وروز
وجنك وکرفتاریش • باز عفو کرده جایش را با واحسان فرموده اند عالمیان
را واضح کشته که کوشش آل عثمان • ابقاهم الله بجهت اشاعت دین پیغمبر
اخر الزمان علیه التحیة من الملك المنان بیت غرض از سلطنت درین

عالم • راحت خاطر فقیر انست • حق سبحانه و تعالی ذات سعادت سمات را مظفر و کامکار • و اعدای خاکسار را زبون و گرفتار • و دست نشان و شر ساه رکناد • الی یوم التناد • و از احوال ایلخانی چه محل سؤالست • بالجمله از آب آمو گذشته نزدیک اصفهان جمعیت عظیم نموده • تملق مفید نیست بتوفیق الله تعالی ع ما جان خود بپیش از همه قربان جانان کرده ایم • فرزند ارجمند جهانشاه را بمحافظه سلطانیه فرستادیم • و فرزند آن سعادتمند امیرشاه محمد بهادر را با اسپند بهادر بقراولی بیک منزل بپیش • داشته و خویشتن با موازی پنجاه هزار سوار مکمل در حوالی تبریز جمعیت کرده • به ییلاق اوجان متوجه است • و فرزند دلاور قرا اسکندر بمقدار بیست هزار سوار تمشیت را کینه گزار • در کمین قضا دار است • والعون من الله • باقی حالات را از قاصد مذکور معلوم نموده از مخلصان غفلت نورزند • و بدعای خیر همت و اعانت نمایند • ومنه الاستعانة • والتوفیق حاکمند

بیت بگیتی ایا شاه عالیجناب • بلند اختر باد چون آفتاب • والامر اعلی •

الجواب

فاتحه سرو ولاء و حمامه برج وفا • که از باغ بهجت فزای جناب سلطنت مآب مملکت نصاب • حامی البلاد و ماحی اساس الجور و العناد • رافع الویة النصرة قاید العساکر المنصورة • صاحب الدولة و الاقبال • ساحب اذیال الحشمة و الاجلال • ملک ملوک العجم • سلطان سلاطین الترک و الدیلم • دارا درایت کسری عدالت • المؤید من عند الملک الرؤف • ابو العز قرا یوسف بهادر • اعانه الله وادامه الملک القادر • بعزم دیار مخلصان پر و بال گشاده و طیران داده در بهترین ساعات و نجسته ترین اوقات شرف نزول یافت • از احوال ایلخانی و هجوم عالیحضرت خاقانی مد ظله السامی تحصیل وقوف نمودیم • حق سبحانه و تعالی آنچه خیریت مقدر گرداناد • باقی مشافهات را از دارنده حسن بیگ رزقت سلامته معلوم نمایند رب اختم بالخیر و الحسنی بیت هرچند که بود وفا دوران یارب که بکام شاه باد • والسلام • کتب بالامر العالی اعلی الله شانه فی اوائل محرم الحرام سنه اثنین و عشرین و ثمانمائة • بمقام بروسه المحمیه

سلطان محمد خانه قرا یوسفک وفاتنده شاهرخ میرزادن گلان نامه در

بسم الله الرحمن الرحیم • نحمدک یا من اهلک الاعداء بسخطه بغیر جنود و زنود ونشکرک یا من نصرنا بلطفه و کرمه شکرا غیر معدود بیت نوبتی که کار جهان جمله در تصرف تست • زارض تا بسما و زنشاه تا بکدا • و نصلی علی سیدنا محمد صاحب المقام المحمود • و علی آله و اصحابه المتقربین الی الله بالرکوع و السجود بیت

اوست

اوست خاتم انبیا و رسل هادی دین و رهنمای سبل • تا عرصه داوری بامعانت و یاوری که فریحون • تعالی شانه عما یقولون • بجهت ذات همایون ما آراسته و پیراسته گشته • هرگز چنین فتحی میسر و نصرتی مقدر نشده بود • الحمد لله بفضله و توفیقه درین ایام حاصل شد • و تفصیلش آنکه قرا یوسف ترکمان چنانچه بسمع شریف رسانیده بودیم • که با همواره بر عناد است لاجرم تبرا از خویشتن داری کرده • بمشیت الهی توسل نموده • با سپاه مظفر در پانزدهم شعبان سنه ثلث و عشرین و ثمانمائة • از دار السلطنة سمرقند ع نکوداد دشت خالق از هم گزند • متوجه آذربایجان گشت و سی هزار دست جبه مکمل خانه معمور حاضر بود • بلشکر مظفر تقسیم کرده ده هزار دست دیگر از ممالک محروسه مهیا ساخته بلتغار و چلتغار را د بیست هزار سوار مرتب ساختیم • و بتوفیق الله بکنار آب آمو به آمده • بعد از عبور فرزند ارجمند میرزا الغ بیک ادامه الله و ابقاه را مقرر نمودیم که در حفظ سمرقند توقف کرده • از احوال ماوراء النهر نیز غفلت نورزد • اما موازی ده هزار لشکر ش در ملازمت باشد • و برین نسق جمیع عساکر نصرت مآثر از اقصای ماوراء النهر و خراسان و زابل و کابل و سیستان و کرمان و مازندران و طبرستان و فارس و خوزستان و عراق عجم و دیگر بلاد عالم که در حوزه تصرف ماست با اسلحه مکمل بمعسکر نصرت در رسیدند • و امیر سید احمد ترخان بحکومت و محافظت خراسان مقرر شد و امیر غیاث الدین شاه ملک حاکم خوارزم بعد از بسا طوسی باتفاق امیر حسن صوفی ترخان برسم منقلای روان شدند و بعد از بسا طوسی باتفاق امیر حسن صوفی ترخان برسم استمداد دعا و همت از حضرت قطب العارفین شیخ الاسلام و المسلمین شمس الدین احمد جام افاض الله علینا برکاته بپیش رفتند • و مزارات متبرکه حضرات مشایخ عظام چون شیخ ابو الحسن خرقانی و بایزید بسطام • و امثال ایشان رحمهم الله • زیارت کرده در مسارعت و مبادرت فرمود • و فرزند سعادتمند میرزا بایسنغر بمقدمه لشکر تعیین گشته چند زنجیر فیل که در ولایت مازندران بود • بار دوی همایون رسانیدند و فرزند میرزا ابرهیم سلطان حفظه الملک المنان از شیراز رسیده در حوالی اصفهان وصول یافته تواجیان عالیشان چند روز شماره لشکرها کرده موازی دویست هزار زره پوش و جوشن داد نشان داده • و اکثرش بقلم در نیامد • تخمینا افزون از ده بار هزار صد هزار نفوس مجتمع بودند • چون بحدود قزوین در رسیدیم • از منقلای خبر آمد که قرا یوسف ترکمان متوجه ییلاق اوجان است و فرزند شیخ جهانشاه

برسم قراولی درسلطانیه چترکشیدم بحفظ قلعه مشغولست و در اواخر ذی القعده
در نهضت و توجه بودیم که دیگرباره از منقلای خبر فوت قره یوسف رسید
و علی الصباح قاضی سلطانیه با کلید قلعه بشرف رکاب بوسی مشرف و در نهضت
اواخر ذی القعده واقع شرح تفصیل داد که در روز پنجشنبه هفتم ذی القعده
در ییلاق اوجان قره یوسف دست از جان شسته بمرد و از صولت قهرمانی
ما خلاصی یافته **قطعه** شکر کن محض لطف رب عباد · خرمن عمر خصم کشت
تباه · از تف قهرمان قره یوسف · چونکه با وجان رسید اوجان داد · الحمد لله الذی
هدانا لهذا · و رحال بسلطانیه رسیده امیر جلال الدین موسی را بضبط و محافظت
شهر و قلعه گماشته · از آنجا بفرح و فیروزی از راه اردبیل بهراس را عبور
کرده · بقشلاغ قره باغ اران نزول کردیم · و بتحقیق نمودیم که بعد از فوت
قره یوسف فرزندانش از بیم صولت کشورستانی متفرق شده و سلطنتش متروک
مانده بنا برحسب برادرزاده اش غازان بیک ابن امیر مصر خزانه و اموالش
را غارت کنان بقلعه اونیک درآمده و برادرزاده دیگرش زینل بیک
بطرف دیگر رفته · و امیر قراقریم پاشا بقلعه النجق گریز نموده اند ·
و امیر شاه محمد و امیر اسپند ولدان قره یوسف با پیر احمد قرمانی
بجانب کنجه و بردع · شتافته و جهانشاه مرقد پدرش را بجانب ارجیش
برده · و قره اسکندر بجنگ قره عثمان بولک رفته · و تبریزیان امیرشاه
ملک را پیش ازین برسالت فرستاده بودیم · و محبوس بوده · از حبس برآورده
بر عایت و بیشکش زمین بوسی شتابیدند · و قدوم فرخ رسوم فرزند
ارجمند غیاث السلطنة والدین میرزا بایسنقر را که بضبط تبریز رفته بود
غنیمت دانسته · در دولتخانه اش جا ساخته · از طریق اطاعت بهره مند
گشتند · و امیر بایزید و امیر الیاس ترکمان و امیر محمد زنگی با سایر امرای
کردستان بفرزند سعید پیوستند · و مراسم بندگی بجای آورده · از احسان
ما بهره مند گشتند · و امیر بابا حاجی بواسطه آنکه امیر جاکو را قبل ازین
بقتل آورده بود · در قلعه کاورود متحصن گشت · فرزندی میرزا بایسنقر
بامر جهان مطاع بمحاصره شتافته · و بعهد و امان او نیز قلعه را تسلیم کرده ·
کفن در دست و شمشیر در گردن آمد · از گناهش گذشتیم · و نواحی
چند با الکای او ضم کرده · بعز و کامرانی بولایتش مجاز فرمودیم · و در اواسط
شهر ذی الحجه جناب سلطنت مآب امیر خلیل الله ابن امیر شیخ ابراهیم
شیروانشاه فرخ یسار با پیشکشهای متبرکه بپای بوس همایون رسیده ·
از عنایت بی غایت شاهانه ما بهره مند و سرافراز گشت · بعد از پنج دوازده رسول ١٦١

فرخ پیام از عالیمقام قدوة الاماجد بهرام بیک بتراب بوسی سرافراز
گشته نامه محبت انجام را ابراز کرد · و در آنجا بود که اسپند ولد قره یوسف
از ضرب صمصام بهادران مریخ انتقام هراسان شده · برادرش جهانشاه اقبال
وار بدرگاه گیتی پناه ما آمد · و بایالت آذربایجان محصل المرام نموده با طاعت
و فرمان برداری قیام کرده · از امثال و اقران گوی سبقت ربود · و فرزند دیگر
قره یوسف شاه محمد با برادرش قره اسکندر بجانب چپچور از زنجان گریخته هر
شنیدیم که با قره عثمان بولک در معرض مکاوحه بوده اکنون بتوفیق الله تعالی
بمدافعه او مشغولیم · باید که اگر بآن نواحی پناه برد · بدست آورده · بدرگاه
دولت پناه ما ارسال کنند · و از دفع قره یوسف فرح و نشاط حاصل کرده **بیت**
بسی یوسف بچاه محنت افتاد · ولی هرگز باین خوبی نیفتاد · را مطمح نظر سازند
و سایر اخبار را از قاصد خویشتن معلوم کرده مقاصد و مرادات را هموار
بعز عرض رسانند تا بحصولش اهتمام رود · زیاده چه نویسد که دولت بکام باد ·
حرر بالامر العالی اعلی الله شانه فی شهر ذی الحجة الحرام سنه ٨٢٣

الجواب

بندگی علیحضرت فلک رتبت گردون جناب مهر رکاب · سلطان سلاطین
روزگار خاقان خواقین نامدار · جهانپناه اعظم و پادشاه معظم · مولی
ملوک العرب والعجم مالک ممالک الترک والدیلم · رافع الویة النصر والاقبال
قاید الجیوش المؤیدة بالعز والاجلال · باسط بساط النصفة علی الارضین ·
قهرمان الماء والطین مربی السلاطین والحکام ظل الله علی مفارق الانام المخصوص
بعواطف الملک العلام · ابو النصر والفتح شاهرخ بهادرخان عالیمقام · ادام الله
ایام سلطنته و زاد اعوام عمره و قدره الی یوم الحشر والقیام · بخضوع تام و خشوع
تمام ادا کرده هواره مأمور و فرمان بردار باشند · سعادت ملاقات فایض
البرکات علی احسن الحالات مقدر باد · حالیا فرمان جهان مطاع از دست ایلچی
این هواخواه بهرام زید مجده در بهترین ایام شرف وصول یافت · و از احوال
همایون و ضبط ممالک آذربایجان از لطف کریم بیچون · و رسیدن شیروانشاه
فرخ یسار · بعتبه بوسی خاقان جهان مدار · ادامه الله الی یوم الحشر والقرار ·
و سایر احوال آن دیار خبردار شده · در نشاط فزون · و از گریختن قره اسکندر
بحدود روم متنبه گشته · بکماشتگان آن مرز و بوم فرمان دادیم که اگر در آن
جوانب خبر و اثری از و ظاهر گردد · بسر وقتش هجوم کرده باشند که خدمتی بجای
آورده شود ان شاء الله تعالی · اما مادام که قره عثمان بولک در کمین اوست
معلوم نیست که عزیمت این جانبها نماید · و اگر از خوف الغزاة رفیع الدرجات

تفحص میفرمایند ابن سعاد تخواه عزیمت غزای افلاق دارد امید کم از یمن
همت علیهٔ ان پادشاه عالیجاه اولش مسعود وآخرش محمود کردد وهو الموفق
والمعین باقی حالات را از بیك فرخ قدم خجسته دم پروانهٔ شاطر تفقد
نموده بزودی اعادت فرمایند ومجاز کنند که توقف باآمدن اوست چون غرض
مختصر بود بزواید اطناب بزواید اطناب نرفت لا یزال سرادقات حشمت
براوج عظمت قرین ودولت واقبال بر یسار ویمین الی یوم الدین

سلطان محمد خان فرمان اسکندردن کلان فتح نامه در

باسمك یا فتاح وبیدك مفتاح ابواب النجاح بیت شومل وله که فتاح مشکلها ٦٢
دری که بر تو ببند دهزار بکشاید وشکر وسپاس سزاوار آلهیست که ذات
کامل الصفاتش بفرموده ان مع العسر یسرا در عقب هر مشکلی وآسانی
مقدر کرده مکافات هر شخصی درمقابل عملش برانگیخته صلای وجزاء
سیئة سیئة مثلها بکاخ صماخ دولت ودین ومعاندان اهل یقین در داده
شعر فحمد الله ثم حمد الله علی ما هدانا جزیل النعم وصلوات زاکیات سزاوار
پیغمبریست که در دنا ثبات دهر بفرموده فاصبر کما صبر اولو العزم من الرسل
بانواع فتح وظفر حائز مثوبات دنیوی واخروی کشت صلی الله علیه وسلم
وعلی اله وصحبه بررای عالم آرای عالیحضرت سلطنت مآب نامدار و
خداوندکار ابوت مقام کامکار سلطان الاسلام والمسلمین عون الغزاة
والمجاهدین قهرمان الماء والطین المؤید من عند الملك الاحد ابو النصر
سلطان محمد اعلی الله شانه ورفع فی الدارین مکانه چون خورشید تابان
ظاهر وعیان شده باشد بعد از آمدن لشکر اوزبك بی امان بآذربایجان
وانتقال والد ماجدم فرمان یوسف خان بروضهٔ رضوان طاب ثراه
وجعل الله الجنة مثواه باجل طبیعی وظهور فترت درمیانهٔ عشایر قزل
قبولو وتفرقهٔ اخوان ماجرای حال وکیفیت احوال بآن منجر کشت که
برادرم اسپند بیك باشاه محمد بکوهای نخجوان وقلعهٔ قبان آوردم
جهانشاه درجبال ازجیش نکهبانی مزار شریف والد سعید نور الله مرقده
مینماید وابن سعادتخواه ازجا یعقوب میرزا با یسنقور کناره کنان بحوالی
چپقچور آمد وبا انکه چند دفعه با لشکر اوزبك قتال خوب وجدال مرغوب
نموده از کثرت عدد ایشان اکرچه صورت غلبه معلوم نمیشد لکن
مغلوبی ما نیز وضوح نیافته کاهی جنك وکاهی کناره کیری اختیار میکنیم که
ناکاه جاسوسی با مکاتیب امرای اوزبك کرفتار کشته معلوم شد که فرمان
عثمان بولك عداوت قدیمی را بعمل آورده باتفاق اوزبکان در تدارك کین

کبری وکزند رسانی ما بوده همان وقت جاسوس مخبر را رسانیده خبر کرفتیم
که عثمان مزبور در ان حوالی بجابلوسی در حرکت ومنهیان غیب فرمان
عسی ان تکرهوا شیئا فهو خیر لکم بکوش جان رسانیده عزمت جلی عنان
شتاب پیش نهادی کرده بدرقهٔ دولت رهنما شده باموازی ده هزار
سوار بشبیخون ایلغار کنان رسیدیم ودر شب تار پیش از طلوع صبح ظفر
بیرامونش را کرفته آوازهٔ اولنك بلند نمودیم وچون دشمن خبردار شد راه
کریزش مسدود ساخته از چند جانب کوس حرب نواختایندم کتهٔ نای رکم
مخصوص سلاطینست درد وسه مرتبه نفخهٔ صور داشته الدکی آرام
کردیم که خصم واقف حال شده ملاحظه نموده که خیامش را لشکر مظفر چون
هاله باطراف قمر احاطه کرده ناچار از عقدهٔ را آن خلاص جسته فرار بفرار
میدهد وبعد از تحقیق کریزش دلاوران نریمان صولت دربی افتاده بسر
وقتش دررسیدند وبعقدهٔ دنبش کرفتار کرده درهنکام طلوع صبح آتش
حرب زبانه کشید وپیش از برآمدن آفتاب جهانتاب طلیعهٔ رایات نصرت
ایات با نوادر فتح وظفر تابیدن کرفت بجوم سهام باعدای لئام همچون شب
رجوم شریع الانتقام کشت وسنان از درفام بخون اشامی اشتغال نموده
صمصام نهنك انتقام طریق خلاصی کاری کرفت وبیشترین بدخواه در سیل
دریای خون تباه شده سرها چون حباب بالای خوناب روان وپیکان نهاده
ابدان سر بیرون آمده جان شد فزون از بیست هزار نفوس بخاك
یکسان کشته بقیة السیوف از وادی مخوف کریزان وهراسان متفرق
وپریشان کشتند فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین ٦٧
واز سرهایی که بریده شده بود سه طقوز سه طقوز باجباء ارسال داشته
باقی را درجنکگاه تل عظیمی ساخته عبرت نمای عالم کردانیدیم وسر احمد بیك
تواجی اوراجهت نمونهٔ شادمانی بزبرستم سمند قهرمانی مصحوب عمدة
الاعاظم والاعیان جمشید آغا اقتدا رر زقت سلامته روانه ساختیم
تا کماشتکان دیوان عدالت عنوان وجمله نواب عالیشان در بشاشت
فزوده همت عالی نهمت را متوجه آسودکی روزکار مخلصان دارند واکر
جایز بوده باشد ابواب مساعدت ومعاونت را کشاده دوستی قدیمی
ومحبت صمیمی را فراموش نفرمایند وبکلمات خوش آمد اهل غرض عمل نکرده
نظر عالی دریغ ندارند باقی حالات را از مزبور سوال کنند وبزودی
مجاز فرمایند که انتظاری واقعست حاکمند

الجواب

نوید مسرت وشادمانی وخبر بهجت وکامرانی کم از جانب سلطنت مآب سنجا بعث
نصاب امیر فرزند مکان ودلیر کامران فره اسکندر ناموز حفظه الله
الملك الاکبر برسالت عمدة الاعاظم الکبار جمشید اغا اقتدار اعاده الله بالخیر
بمسامع علیه رسید واز حصول فتح وفیروزی ایشان محظوظ کشته
شکر الهی بجای آورد سلطنت پناه از انتقال مرحوم کامکار ومغفور لی
جنت مدار والد بزرکوار رزق الله لقاءه فی دار القرار تشویشی بخاطر
عاطر ناورده دران خصوص ذات همایون مارا غمکسار دانسته وقایعی که
بعد از پادشاه عالیشان والد شهید فردوس مکانیم درین جانب روی
نموده معلوم نیست که باحدی از اولاد سلاطین روی نماید مع هذا بانداره
صبری بالجمله بخیر مبدل کشته کما ینبغی دوستکامیها میسر شد هذا من فضل
ربی ودرباب ارباب غرض که شمهٔ اشارت نموده بودند اصل آن حکایت
چنان نیست که بسمع شریف رسانیده اند بیت کا رواشی که نفاق بود
اهل دل خالی از شفاق بود مأمولست که دران باب اندوهی بخاطر نرسانند
چیزی که مقدور ما باشد از ایشان دریغ نداریم باقی حالات را از رسول
شار الیه معلوم فرمایند عمر ودولت مستدام باد بمحمد واله وصحبه الامجاد

سلطان محمد خان انکروس غزاسندن اندت دوشوب تخت روانله
بروسه یه کلدکده سلیمان بکدن کلان مکتوبدر

بندکی درکاه عالیحضرت خداوندکار اسلام مدار رافع الالویة المحمدیة
ناصر الملة الاحمدیة ظهیر الملوك وکهف السلاطین عون الغزاة والمجاهدین
حفظه الله عن النوایب ودفع عنه المصایب وزاد عمره ودولته
وادام عزه ونصره را تقدیم نموده معروض انکه چنان استماع افتاد که
در اثنای غزای انکروس از کردش چرخ معکوس اسب صبا رفتار در بازی
شتابی زمین میل آسمان کرده ناکاه ذات ملك صفات از حرکات سمند
سمند از خانهٔ زین دولت قرین جدایی یافته ودر عین سرافرازی
تواضع وخاکبوسی را از شهسواری ترجیح نموده اندکی المی راه یافته است
نظم زرخش سعادت کزندت مباد بکیتی غم نا پسندت مباد کوبان
برسم عتبه بوسی وخاطرجوئی جناب قرابت مآب عمی ام ابراهیم بیك
کامیاب زینت ایام اقباله را متوجه وروانه ساختیم امید که نا رسیدن
مذکور شربت ونزل من القران ما هو شفاء ورحمة نصیب ذات عالی
درجات کشته صحت کامله مرزوق کردد بمنه ویمنه باقی حالات
را از مشار الیه تفقد فرمایند ظلکم ممدود الی الیوم الموعود باد

الجواب

رشحات اقلام عنبربار ولمعات ارقام مهرآثار که از جانب امارت مآب
کامکار سلیمان بیك عالی مقدار ذو القدر والاعتبار حفظه الله وادامه
الی یوم الحشر والقرار باجناب قرابت مآب ابراهیم بیك عموجه کامیاب
ابدت ایام عزه سمت اصدار یافته بود در ابرك ازمنه سعادت وصول
یافت وبعض اشربه نیز که از محبت حلب آورده فرستاده بودند رسید
ونفع تام ازان شاهد شد اکرچه در کیلار عامره اکثرش موجود بود
لکن از جانب شما بیشتر حظ کردیم وآنچه درباب خاطرجوئی کفته بودند
ولطفها کرده نشاط را افزود اما اصلش آن بود که ازان سواری که پای خطا
کرده زمین بدست بوس ما مشرف کشت وبعد از جدایی از خانهٔ زین
ساعد غزا آیین ما را اندك المی دست داد وچون اعتضاد واعتصام ما بحبل
المتین الطاف رب العالمین بود از اولیاء الله بودیم لا خوف علیهم ولا هم یحزنون
بکوش جان رسید وانامل حوادث از دامن سعادت پیراهن ما کوتاهی
یافته باندوهی بیشتر مجال محال نمود الحمد لله علی جلایل نعمایه والشکر
علی دفع قهرمان قضایه الان بخیر صحت وبهبودی تصور دیگر نیست
لکن در افواه والسنهٔ اصحاب اغراض فاسده وخیالات باطله کامل
اشتهار یافته وبنا بر عداوت قدیمی اندك را بسیار دیکر اظهار کفته
زینهار اعتماد بکلمات ناهموار ایشان نکرده اسباب دوستی را مهیا ومؤکد
دارند که انواع عوضها خواهد شد ان شاء الله تعالی والسلام

در سلطان محمد بن یلدرم خان عزیز مصر شیخ محمود جانبنه کوندردیکی نصرتنامه

تیمناً بذکره العزیز العلام الذی یبقی وجهه ذو الجلال والاکرام مد الله اطناب
خیام دولة السلطانی الامامی الهمامی الاعظمی الاکرمی الاعلی الاعدلی الانجبی
الکاملی الکافی الکملی المتبدی المنعمی الادنعی الاوسعی الجلیلی الجمیلی المعظمی المفخمی
الکریمی المرابطی المثاغری الاولوی الاعلوی ملك الملوك فی العالم اسوة
الحکام بین الامم معین الاسلام والمسلمین غوث الملهوفین وغیاث
المظلومین ظهیر الاقیال والخواقین قهرمان الماء والطین حامی سکان الحرمین
الشریفین قاید حجاج الصفا والمروتین المخصوص بمحض اللطف الودودی
عضد الملك والدین ابی النصر الشیخ المحمودی خلد الله ایام سلطنته واقباله
وادام اعوام عزه واجلاله ما دار الفلك وسبح السمك وبعد فلما کان مراسم
المحبة بیننا مشیدة ببنیان مرصوص وثابتة بالآیات والنصوص لزم علینا
تجدید المصادقة القدیمة وتمهید المخالصة المستقیمة فالمحب المخلص

غبّ ابلاغ الدعوات الخالصة المستجابة• واثر اهداء المدحات الوافية المستطابة
الصادرة عن خلوص الوداد• وخصوص الاعتقاد• يُبدي الى علمه الكريم علم الكرم
لازال محفوفا بما تيسر من المطالب العالية البهية• والمقاصد الرفيعة السنية•
ان هذا المحب المخلص منعه الاشتغال بدفع اعداء الله عز وجل القاصدين
لتخريب بلاد الاسلام وقتل المسلمين وقهرهم عن ارسال الرسل وابداء الاشواق
ورفع الواقعات• والآن لما وقع الفراغ بعون الله وفضله وبركات رسول الله ١٦٥
صلى الله عليه وسلم من قهرهم واستيصالهم وتدميرهم وتخريب بلادهم وقتل
امرائهم وصناديدهم واخذ حصونهم• اراد تحريك سلسلة المحبة والاخلاص•
وابداء ما رسخ في القلب من المودة والاختصاص• ورفع ما وقع بفضل الله تعالى
من الفتح وارتفاع اعلام الدين• وتدمير اعداء رب العالمين• الى العلم الكريم
لينشرح به القلب الكريم• الذي قصده مدى الايام في اعلاء كلمة الله ونصر
اوليائه وقهر اعدائه• وكفى بذلك فخرا وذخرا• جهز الامير الخطير افتخار الامراء
العظام ينبوع الالطاف والمكارم• معدن المآثر والمفاخر يمين الملوك
العظام• افتخار الحجاج والمعتمرين الحاج خير الدين خليل بك ادام الله تعالى
عزه• لينوب عن هذا المحب في اعلام ما في ضميره من فرط المحبة• وصدق النية
وخلوص الاعتقاد والطوية• ويبدي ان الاخلاص الموروث الذي لهذا
المحب ارثا عن ابائه لخدمته الشريفة على التزايد بتعاقب الليالي والايام•
وتكرر الشهور والاعوام شامخة البنيان راسخة الاركان• لا يمكن ان يتطرق
شانها رايحة الزلل او يحط بساحتها شائبة الخلل• وحملنا من المشافهات
برفعها الى المسامع الكريمة لازالت محفوفة بالسلامة والكرامة• والمامول
من اللطف التام• والكرم العام الاصغاء اليها على عادته الحسنة البهية• وبرّه
الكريمة المرضية• والمسؤل من شيم الجناب المنيف• ان يشرف هذا المحب المخلص
احيانا بمشرفاته الكريمة المشرفة• وكتبه المبجلات المبجلة• وينبئه باخباره السارة
الدالة على انتظام امور الدولة المظفرية القاهرة• لازالت منصورة الاعلام
ناصرة لدين الاسلام• ليكون سببا للبهجة وانشراح الخواطر وان يُعلِم بسوانح
المهمات التي في وسع هذا المحب اتمامها ليجد فيها ناهيا• ويهتم بها كل الاهتمام ٤
ان شاء الله تعالى• وان يمكن التجار والقوافل القاصدين بلادنا• من الورود
حيثما يمكن لهم المنفعة• ويتيسر ربح بضاعتهم نفعا للعباد ليعينه الله الملك
المتعال في المهمات بفضله العظيم• ويؤيده بملائكة السموات بلطفه العميم
كتب في رابع شوال المكرم سنة بمقام بروسا

الجواب

ادام الله نعم المقر العالي• الامير الخطير العادل• المؤيد المظفر الباذل معدن
المآثر والمكارم مستخدم الصناديد والاعاظم قاموس بحر الكرم• ناشر ردية الالطاف
على الامم محيط دائرة الجلال• مجدد جهات الافضال• افتخار الغزاة والمجاهدين
شمس الملة والدين• ناصر الاسلام والمسلمين• رافع رايات الدين برأيه الى ذروة الكمال
خافض اعداء الله تعالى الى حضيض القهر والاذلال ولو زادت الالقاب
فخرا لزدتها• لازال في نعمة لا ينهدم دارها ولا ينفصم آثارها• منصور الاولياء
مخذول الاعداء• الذي منشور عزه مكتوب على جبهة الشمس• وجماجم
اعدائه كان لم تغن بالامس• وفود الامل تغرق اسافله ويورق معاليه
بالنبي النبيه وآله وذويه• يُبدي للعلم الكريم لازال محيطا بما تيسر•
ان الكتاب الشريف والخطاب المنيف الباهر المتحلي بحلية الكمال الذي
٤٦ ارسل على يد افتخار الاماثل ابراهيم الحاج خليل بك• قد ورد في احسن
الاوقات وتلقيناه بالاجلال التام• وطالعناه بالاعزاز والاكرام•
ووقع الاطلاع على مضمونه المشتمل على فنون الالطاف• والشكاية عن
احاطة اعداء الله على المجاهدين• فحصل من ذلك انفعال لا يمكن كنهه
واحترق القلب بحيث لو كان سبيل الوصول الى بلد قرمان لنتوجه اليه
بالجنود• لنيل درجة الجهاد مع هؤلاء الكفرة الفجرة الطاغين• وتخليص
المظلومين من الظالمين• لكن الوصول ممتنع• ولا يكلف الله نفسا
الا وسعها• واكتفينا بنية دفعهم وقهرهم• ان اتفق المحال• ونية
المؤمن خير من عمله• وبارسال كتاب الى الامير بايزيد• وهو من اهل
الصداقة والاختصاص• فان امتثل فقد حصل المرام• والا فنبهوا حتى نكرر
الامر ونؤكد القول• ليكون ساعيا في دفع هؤلاء المخذولين• ثم همتنا
وهمم اصحابنا المجاهدين في سبيل الله حق جهاده الباذلين مهجهم مثل
آبائهم واجدادهم• في اعلاء كلمة الله عز وجل مصروفة الى طلب النصر لكم
من الله الناصر بجنده• حيث قال وان جندنا لهم الغالبون• وقد قيل
هم الرجال تقلع الجبال• والجناب الشريف يواصل بعد اليوم بمشرفاته الشريفة
ويرسلها على يد من يبلغها الينا• ويرفع سوانح حالاته الى علمنا ليحصل اطمينان
الخاطر والاطلاع بامور• والمرجو من فضل الله ولطفه ان يعينه في
الافعال والاقوال• وينصره ببركات حبيبه محمد المصطفى صلى الله عليه وسلم
في جميع الاحوال ويجعله آمنا من آفات الزمان• وطوارق الحدثان حيثما
قال ان مع العسر يسرا• ولازال اولياء الدين منصورة• واعداؤه مخذولة
٨٢٤ مقهورة في كل حال بمحمد والآل تحريرا في ٢٧ صفر

سلطان مراد ثانی جلوسنه جهانشاه میرزادن کلان تهنیه نامه در

چون حضرت رب الارباب • وخداوند مسبب الاسباب • بفحوای انی اعلم
ما لا تعلمون • خلعت زیبنده خلافت • وجبهٔ خوش آینده سلطنت را برغم
حاسدان دین محری که آلوده وساوس جبلی اند • بقامت لازم الاستقامة
یکی از کزیدکان نوع بنی آدم • وفردی از خواص امم عالی همم • لایق وارزانی
میدارد • وبتاج کرامت وتخت سلطنت • سرافراز وممتاز مینماید • هر آینه در
مقابلهٔ آن بمقتضای الشکر یزید النعم • حد بیقیاس وثناء ممهد الاساس را
پشتیبان خانهٔ دین وملت ساختن اولی • وبهتر بوده • سنة الله التی قد خلت
من قبل ولن تجد لسنة الله تبدیلا • انسب مینماید • لهذا درین ولا که از موردان
اخبار • ومخبران آثار بکوش هوش عالمیان • وکاخ صماخ هواخواهان •
چنان دررسید که • حسب الارث • اورنک جهانبانی ولایت روم • وسریر
کامرانی آن مرز وبوم • بذات کامل الصفات عالیحضرت خلافت منقبت سلطنت
پناه مملکت دستکاه • خدیو اعظم اعدل • وخداوند معظم اکمل • سلطان الغزاة
والمجاهدین • عضد الدولة والدین • عون الملوک والسلاطین • قهرمان الماء
والطین • رافع الویة الامن والامان • ناشر مناشیر اللطف والاحسان • ولی ایادی
النعم • حاوی صنوف المحامد ومحاسن الشیم • حامی البلاد ناصر العباد • حافظ
طریق الولایة عن طوارق الایام • ضابط ثغور نواحی الاسلام • المختص بمزید
عنایة خالق العباد • ابو النصر سلطان مراد • ضاعف الله ایام سلطنته • وزاد
عوام عمره وخلافته • الی یوم المیعاد • محصل ومیسر کشته • واز قدوم سرت
رسومش ساکنان خطهٔ خاک • ومنزویان زوایای افلاک را من السمک
الی السماک • فرح وشادمانی فزوده • ودر کلشن اسلام غنچهٔ نشاط وحبور خندان
شده • ودر بزم مرام ساقی دوران • جرعهٔ دوستکامی بکام هواخواهان چشانیده
ورسانیده • حقا که از ورود این خبر پرسرور • ومژدهٔ کثیر الحبور • نه چندان
خط جانی وخوشدلی وشادمانی دست داده که بتحریر وتقریر متصور کردد •
وچون نشود • چه علاقهٔ دوستی ویکانکی • ورابطهٔ محبت یکجهتی فیما بین
قدیمی وازلیست • ومطلع افتاب • محبة الآباء قرابة الابناء • از خاور • تا باختر
پرتو افروز • ودر حد اعتدال نمونهٔ از تابش روز نوروز یست • وبعنایة الله
چنانچه بود وهست من المهد الی اللحد نیز خواهد بود • بلطف الملك الودود

ایزد

ایزد تعالی عز شانه وکمل احسانه • وجود کثیر الجود خداوندی را درجا نشینی
اجداد عظام • وقائم مقامی آباء کرام فردوس مقام • نور الله مضاجعهم •
ممهد وممتع داشته از زحم چشم حاسدان دور • وکزند ناپسند دشمنان مهجور
نموده • الی مدی السنین والشهور در نشیمن جاه بالش خلافت وداد کستری وانجمن
بزمش عدالت ورعیت پروری • برخوردار عمر ودولت فرموده سایهٔ سعادت
آن ظل الهی را بر مفارق انام ممدود کرداناد • بحق حقه وبنبیه ووزیره • وبجهت
تقدیم تهنیهٔ بهیه • وتکریم جلوس همایون علیه انش برسم نایب مناقب خلف
الامراء والاکارم مستجمع المحامد والمکارم • حاوی الفروع والاصول جامع المعقول
والمنقول خواجه ضیاء الدین یوسف زید قدره وشرح صدره • که از جملهٔ مقربان
وامیر واکابر زادهٔ ولایت را ز واصفهانست بل ابا عن جد را زدار ملوک
ممالك ایران • ارسال رفت • وحدثهای مفصله را در کتابچه که برای طلب عذر معهود
مرقوم کشته است ذکر کرده • مأمولست که در محل عرض بشرف قبول مشرف
فرموده • خواجهٔ مشار الیه را بعد از ادای خدمت رسالت مجاز • وچکونکی
حالات فائض البرکات را اعلام بخشند • تا موجب زیادتی انبساط دوستان
وسبب انکسار قلوب دشمنان کردد • باقی **بیت** تا جهان باد درجهان
باشند وزید خلق درامان باشند • الحمد لله وحده • والصلوة علی من لا نبی
بعده • وعلی آله الکرام • وصحبه العظام • الی قیام الساعة • وساعة القیام •

الجواب

مشرفهٔ حیات بخش دوستانه • ومطالعهٔ دلکش مخلصانه • که از جانب
جناب مکرمت مآب • معدلت نصاب • شاهنشاه اعظم • وپادشاه معظم •
مالك رقاب الامم مالك ملوك العجم • نوبین دوران • قاآن زمان • شهریار قهرمان
صولت • ونامدار بهرام هیبت • المشهور باللطف والاحسان • والمنظور بانظار
عواطف الملك المنان • المنصور علی اعداء الله • ابو المظفر جهانشاه • ایده الله
وابقاه • وجعل اخراه خیرا من اولاه • شرف ارسال یافته بود • واز جای عظمت
ونشیمن خلافت سمت تحریر پذیرفته • در بهترین اوان • وخجسته ترین
ازمان • مصحوب صاحب العز والمعالی • خلف الاکابر والاهالی • امیر اعظم
اکرم ضیاء الدین خواجه امیر یوسف بیك اصفهانی • زاد الله تعالی قدره •
واعاده الیکم بالخیر • دررسید • واز مضمون سعادت مقرونش • بوی وفا
بمشام جان دررسیده • وروح روانرا حظ فراوان • دست داد • ارقام
دلپذیرش **بیت** نو کوئی که مشکست بر پرنیان • روان خرد زیر مشکین
زبان • وسطور بی نظیرش **بیت** همه جای جان بود ومأوای دل • بکاینك اللطف

٤ وصفا شمل وحروف ونقطش بیت چو زلف بتان چگل تا بدار برازخال
مشکین چو زلف نگار وخط شیرین نمطش بیت مصفا چو لولوی انجم
نظام فلک ارتسام وثریا مقام بود صفا ونضرت فزود وتمهید مقدماتی
وتبلیغ عباراتی که در تبشیر جلوس این هواخواه قدیمی بر تخت بخت
موروثی سبب سرور همگنان وباعث حبور دوستان شدن را شرح
وبیان کرده بودند بالجمله معلوم ومفهوم گشت چرا نباشد بر ضمیر
منیر روشنست که محبت سابقه در ما بین ما وایشان از درجهٔ توضیح
گذشته بلکه در ظاهر بچشم حساد هر چند این یکانکی ویکجهتی
بتصور انفراد در صورت تعدد بنماید لکن فی الحقیقه هستی ما وایشان
حب الحب روحانی کروح واحد فی جسدین است وبوجهی از وجوه
دور و شبهه وشائبه نیست نظم قرب جانیست مرا با تو وبعد بدنی
همچو در رحب بنی قصن و بس فرخی بعلم الله وکفی به شهید بارادت ازلی
این اتحاد لم یزلیست وفواکه این نهال چون ثمار ریاض جنت از آفت
دور واز تغیر مهجور وشیرینی آن در مذاقها چون شهد فایق
غیر مضمحل ولذتش از دماغ محبان غیر منحل حق سبحانه وتعالی نتیجهٔ
این مودت را در جهت اخلاص ظاهر ومثبت کرداند تبدیل بقوعات
راه نیابد که در دنیا ازین بهتر بضاعت وبرای عقبی ازین خوشتر تجارت
نمی باشد وتحف وهدایایی که در ذیل کتاب معذرت آمیز تسلیه انگیز علی
حده نوشته واشارات کثیره ببذل خیرات ونشر حسنات جهت روح شریف
حضرت والد مغفوله رفیع الدرجات طاب ثراه وجعل الجنة مثواه کرده
بودند عند الله ماجور خواهند گشت زیرا که هر کس که در حیات خود حبه
بذل نماید حسناتش بیشتر از ده قفیز بعد از مماتست وهو خیر المعین
واخلاصی که در هر باب مبین داشته بودند ازینجانب باضعاف مضاعفهٔ
آن نسبت بآن خاندان شامخ البنیان مثبت ومقرر دانسته صد چندان
مقیاس اول ملحوظ فرموده باقی حالات را از رسول مشار الیه ومعتمد علیه
تحقیق نمایند که او برخوردار باشد ودارای حب البین قصوری نگذاشت
ومصدوقهٔ فارسل حکیما ولا توصه را در هر حکایه بظهور آورد
وجوت عن قریب قاصدی دیگر ازینجانب علی التعاقب خواهد رسید
ان شاء الله تعالی زیاده ازین تصدیع ندارد همواره ظلال معالی بر مفارق
انام ممدود وعمر ودولت مستدام وعاقبت محمود باد برب العباد

سلطان مراد خان قرامان اوغلنه یازمشدر بلادنده سلطان مصطفی ظهور ایدنده

بجناب

بجناب ایالت مآب حکومت نصاب دولت انتساب عزت اکتساب
مبارز الدولة والسعادة والعز والاقبال تاج الدین ابراهیم بیك
دامت معالیه را تحیات صافیات شاهانه وتسلیمات وافیات بادشاهانه
اتحاف واهدی داشته خواهان حضور شریف شناسند نیل ملاقات
بروجه احسن مقدر باد فهو المراد بعد هذا شهود ضمیر مشتری تنویر
گردد که بعد از جلوس همایون ما در اثناء ماه صفر ختم بالخیر والظفر
لسنه اربع وعشرین وثمانمائة چنانکه استماع کرده اند ناگاه فتنهٔ
عجبی ظاهر گشته بدبختی خود را بکذب ونادانی بتجربات وحیله تکفور ٩
مقهور استنبول خارج از قواعد مسلمانی گشته ونام مصطفی بی جعلا
بخویشتن نهاده واز تعداد عیسی وموسی شمرده از روم ایلی بعضی
از اولاد اورنوس وطورخان واز اناطولی باولد ازمیر بعضی بدبختان
بر سر او جمع آمده با مقدار پنجاه هزار نفر پیاده وسوار آن سرخیل
باغیان اشرار بجانب اناطولی از گلیبولی عبور کرده مرحوم بایزید
پاشای وزیر را که بجهت نصیحتش فرستاده بودیم در راه کشته
چون سیار زار عرصهٔ ظل خیال باما بنیاد کارزار کرد ما نیز خیل النصر
بعساکر منصوره برای دفع آن باغی بصحرای اولوباد رفته چتر همایون
وصف ظفر مقرون آراسته وپیراسته بمقابله مشغول گشتیم
درین اثنا امارت مآب محمد بیك منخال را که از حبس توقات اطلاق
کرده بودیم در طلایهٔ شبی از برادرش که رفیق مجهول مخذول بود
بتن مجهول منحوس را پر سید واز آنجا کذب او را دانسته بلشکر
جانبین این مژده انتشار یافت ومجهول نیز از نخوای وقل جاء
الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا آگاهی یافته خود بخود
منهزم وولد ازمیر هم بطرفی گریخت وسپاه منکرش متفرق
وما ملکش در معرض تلف افتاده ما نیز از پیش تا ادرنه شتافتیم ودر
بکیجهٔ قزل اغاج اثری از وی یافتیم بعد از دو سه روز اسقیانی که باوی
بودند او را مقید ومحبوس ساخته بپای سریر عالم مصیر در رسانیدند
در حال قهر قهرمانی ما او را امان نداده در دار محنت بچنگال سیاست
فرو آویختیم وپاداش اراقت دماء ناحق خون او را از کاسهٔ چشمش
هم بخودن او ریختیم لله الحمد که علی رغم تکفور مقهور اولیای دولت
منصور واعدای سلطنت ما بالجمله مکسور گشته تخم طایفهٔ بدنهاد
بار رهم از زمین دنیا بر افتاد وسبب مزیدی شکر وسپاس گشت

نقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین • واین مسرت نامه را
مصحوب عمدة الاعاظم والاعیان شعبان چاوش • زید قدره ارسال نمودن
مأمولست که بقیة السیوف که باید بجت ولد ازمیر کویزان سلمه الله • باشدکه
بدست آورده • باظهار بحجتی اینجانب را ممنون فرمایند • ولوازم سرور این
فتح را وات بلاد منتشر • سازندکه • باعث مزید محبت کردد • باقی ایام
ایام معالی زیاد باد • برب العباد

الجواب

عنوان صحیفهٔ شادمانی • ومهرجان ایام زندکانی • اعنی بیاض صحیفهٔ
ازرنکار • وبشارت نامهٔ بلاغت آثار که ازجناب سپهر منزلت فلک رفعت •
سلطان سلاطین جهان • خاقان خواقین زمان • مرجع صنادید الامم •
ملجاء ملوك العرب والعجم • ظل الله فی الارضین • عون الاسلام والمسلمین •
شاهنشاه شاهین خنجر خصم شکار • وخداوند مظفر کامکار • اعز الله
انصاره وضاعف اقتداره • مصحوب عمدة الاعاظم والاقران شعبان چاوش
زید قدره • دراین اوقات واسعد ساعات دررسید • وچون مضمون مسرت
مشحونش • مبنی بود • ازصحت ذات ملك صفات • ومخبر از فتوحات مسرت
غایات • الحمد لله الذی هدانا لهذا کویان • باجمیع سکان قرامان • شکرات
بجای آوردیم • وبلاد واسواق را مزین ساخته ابواب شادمانی را برغم
اعادی سنه شبانه روز مفتوح داشتیم • وبدست آوردن بقیة السیوف
عموما • وولد ازمیر خصوصا مجد وساعییم • امیدکه سرانجام اوینز چون سرداد
مجهول سربدرش • به پنجهٔ قهر مخلصان کرفتار • وبچنکال سیاست سرنکون
وسنکسار • وافتد • وما ذلك علی الله بعزیز • ان شاء الله تعالی • باقی احوال
راباقاصدی که بعد ازین خواهیم فرستاد اعلام خواهد شد • همواره
غنچهای فتح از کلستان تایید الهی کشاده باد • بالنبی وآله الامجاد •

سلطان مراد خان غازی انکروس منحوسی منهزم ایدوب جهانشاه
میرزایه وارندن بازدیغی نامه در

افزینکار جل جلاله • وعم نواله • چون زمام بسط وقبض • ورفع وخفض •
وعنان حل وعقد • وابرام ونقض • درقبضهٔ صرامت وجهانداری • وچون
شهامت وکامکاری ما نهاد • وبعوائد عنایت ربانی • وعوارف رعایت
سبحانی • مقاعد دولت ما مؤبد • وقواعد سلطنت ما مشید • ومناظم مملکت
ما مؤکد • ومراسم رفعت ما ممهد فرمود • وهر لحه ولحظه ما را ممد عواطف
وعوارف • وعدد مکارم ومراحم • مکرم ومشرف کرد • وکردن وکونن وکام

مارا بقلاوید عوائد کامکاری • وفرائد فوائد شهریاری • مقرط ومشنف
ونداء • والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا • درکوش ما داد • ورداء
ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون فرحین
بما آتاهم الله من فضله • بردوش ما نهاد • ما نیز پیوسته بشکر این موهبت کریمه
وشکرانهٔ این عطیهٔ جسیمه • ایام واعوام برتنویه حال اسلام • وترفیه بال انام
که ودایع الله الملك العلام اند • موقوف داشته ایم • واوقات وساعات براعلاء
اعلام دین محمدی • واحیاء مراسم ناموس احمدی • مقصور ومصروف فرموده ایم
ودرضبط مناظم بلاد • وتتمیم مصالح عباد • ونظم مهمات جهاد • وتهیئه اسباب
مقاتلهٔ من یظهر فی الارض الفساد • هیچ دقیقهٔ مهمل نکذاشته ایم • ودرافاضت
معدلت • واشاعت نصفت • درمیان رعایا • ودراظهار شفقت • وابراز مرحمت
درشان برایا • هیچ نکتهٔ معطل نذاشته ایم • وازابتداء طلوع تباشیر سلطنت
وافتتاح فتوح مناشیر مملکت • که غرهٔ عمر • وعنفوان شباب • وریعان نشو ونما
الی یومنا هذا • دایم الاوقات شمشیر مبارك • بعون الله تعالی وتبارك • برفرق
وتارك کفار خاکسار • جعل الله الادبار دیدنهم • والخذلان قایدهم • می آزمائیم
ونیزجان کداز وخصم شکار • سینهٔ پرکینهٔ ملاعین شیاطین • ابادهم الله وابارهم
ولا ابقی فی متن الارض آثارهم • می شکافیم • ودرهرسال بل اندر همه حال •
جنود منصور اهل اسلام • کاه با ارناود عنود مقابله • میکنند وکاه حشم اهل
ایمان • با افلاق پرنفاق مقاتله میورزند • وکاه با کفرهٔ استنبول منامنله
میدارند • وکاه با طایفهٔ انکروس که عابدان ود وسواع • ومعاندان نص
واجماع • ومنکران سنت نبوی • ومستکبران رسالت مصطفوی اند • معارضه
میکنند • وکاه با فسقهٔ فجرهٔ قرمان بی خانمان که بحقیقت • رهزنان دین
یزدان • ودشمنان اهل ایمان اند • محاهده ومواعده • لو سئل عن کثرة ظلمهم
علی الرعایا • وقلة شفقتهم علی البرایا • واحرازهم السنن الضایرة فی الانام • وابرازهم
الرسوم الجابرة فی الاسلام • لحکاها فرسان العرب والعجم • ورکبان الشرق والغرب •
اما بحمد الله تعالی ومنه • چونکه ما در تقویم دین قویم • وتنویر منهج مستقیم •
میکوشیم • ودروع سابغات • وزرود مضاعفات • ازبرای جهاد • وخذلان اهل
بغی وفساد • می پوشیم • وپیوسته عزایم صائبه • وآراء ثاقبه • بر رفع اعدای دین
ودفع احزاب شیاطین می کماریم • وهمکی همت وجملکی نهمت • بر رعایت انصار
صدق • واعوان حق که نجوم هدی • ورجوم عدی ودرر رحمت • وغرر عصبت
ومصابیح رشاد • ومفاتیح سداد اند • مقصور میداریم • لاجرم هر روز که
تاییدات آسمانی وعنایات ربانی • رایدسعادت • وقاید عظمت وشوکت نامی

باشد ومهمات دینی ودنیوی ومقاصد اُولوی واُخروی مرعی می‌آید وفتوح
تازه وبی اندازه ببرکات حسن عقیدت وخلوص طویت در روزگار همایون
ما حاصل میشود وثمرات آن بکافهٔ عباد متواصل میگردد ویکی از جملهٔ
فتوح ربانی وعنایات رحمانی آنست که در مستهل شهر جمادی الاخره قرال
انکروس وبابوس منحوس باکفار ملاعین وانصار شیاطین وطوایف
مختلفه وفرق متفرقه فرق الله شملهم ودمر خیلهم وخولهم واضعف ١٧
قوتهم وحولهم مجتمع گشته وبرقوت اعضاد اعتضاد کرده وکثرت عَدد
وعُدد اعتماد نموده وبوفور سلاح ارتیاح وبغزارت اُهبت اغترار
فزوده باجمعی کفار مقدار صد هزار مرد جوشن پوش دریاخروش آهن
خای شصت گشای خنگ سوار خصم شکار جنگجوی صاعقه خوی از طرف
آب طونه عبور کردند واز تاختن وخون ریختن آسایش نمودند بمسلمانان
بغتهٔ در قید ذل وحبالهٔ اسر آوردند ساعتی از فساد ایشان ان اماکن شریفه
ومساکن لطیفه ومنیفه خالی نشد وفروج محرمه ومصونه را در معرض استباحت
عرض کردند اهل وعیال ومال ومنال مسلمانان پایمال شد وحرث وزرع
ونسل وضرع مستهلک ماند ودفاین وذخایر اکابر واصاغر عرصهٔ تلف گشت
ونفایسی که اهل اسلام بخون جگر اندوختند ایشان بیک شرارهٔ قهر سوختند
از آنجا مصمم العزیمة علی القتال والجلاد واتلاف الطریف والتلاد وتخریب
البلاد توجه کردند که مقر الکرامة ودار العز والمقامه ومثوی النجدة
والبسالة ومأوای امة خاتم الرسالة ادرنه را که غرهٔ ناصیهٔ اسلام وقرهٔ
باصرهٔ انام ونتیجهٔ گردش لیالی وایام معبد رهابین ومشهد شیاطین
رسانند ولبس حدیث النفس غیر ضلال وسایر مدن اسلام را که سالهاست
که از مخالب اهل شقاق بفداء رأس وصرف انواع النجدة والباس مستخلص
شده است وآراء صایبه ما در ازاحت خباثت جهل وازالت نجاست کفر
وثلم حدود طغیان وهدم رسوم عدوان از آن اماکن اهل ایمان بهیچ وجه
قصوری وفتوری جایز نشمرده است ودر آنجا بحمد الله تعالی هیچ خلل بعمارت
مشاهد حقیقت ومرمت معابد طریقت ونضرت ریاض شریعت
واحیاء معالم امن وامان وابقاء مراسم دین وایمان واعلاء اعلام عدل
واحسان راه نیافته است آن کفار خاکسار بقدوم نامبارک ومیشوم
خراب ویباب سازند وآن امهٔ مکرمه که در آن جایها متمکن ودر نواحی
آن دیار متوطن بودند ذکور را هدف تیر وعلف شمشیر سازند واناث
را در قید ذل وقهر اسیر کنند شعر هیهات ان یصطاد عنقاء العلی بلعابهن

عناکب

عناکب الافکار چون این قضیه بمسامع علیه ما رسید داعیهٔ غیرت شهریاری
وحمیت کامکاری ما را باحراز مثوبات غزو وجهاد واغتنام غنایم اهل
فساد وانقاذ بلاد وتخلیص عباد از ارباب بغی وعناد تحریض وتحضیض
نموده دواعی همت وبواعث نهمت بر کفایت این مهم مقصور فرمودیم وعزیمت
همایون مصمم کردیم وخود را بعنایت ایزدی وحمایت پروردگاری سپردیم
واعلام اسلام مستعینا بکلام الملک العلام برافراختیم وباجنودی انبوه ولشکری
باشکوه ودلیران کارزار بیشتر از حد وشمار بشوکتی هرچه
تمامتر ودولتی هرچه عامتر در مقابلهٔ ایشان رسیدیم اگرچه صولت ومهابت
آن ملاعین در دلهای مسلمین جا بگیر شده بود ایزد جل وعلا بنور فراست
الهام مینمود وبدست تایید بسطت می فزود که این فتح همایون بعز ودولت
ما میسر خواهد شد واین ظفر میمون باعلام نصرت ما مقرر خواهد گشت
وبتباشیر صبح کامرانی نور فیروزی ما لامع خواهد آمد وانوار لطف جهانبانی
بغرهٔ بهروزی ما ساطع البته نوایر صولت ما بغتة مشتعل شد وشرر قهر ما
بجانب منطایر وعواصف سیاست پادشاهی که بر آن مجبولیم در هیجان آمد
واعاصیر انتقام شاهنشاهی که بدان مشمولیم در ثوران گشت فرمودیم که
دراحتشاد واستعداد اجناد اجتهاد نمایند واسباب جدال وقتال آماده
دارند وابواب خصام وجدال گشاده ودروع سابغات بپوشند ودر ١٧
اظهار حق واعلاء کلمة الله العلیا بسعی بدیع بکوشند تا نام نیکو وذکر حسن
درین جهان ذخیره گذارند وحسن احادیث را بهتر از عمر وروزگار دارند وحق
شان را در سلک خیار امت وکبار ملت منخرط سازند که زبان زمانه در شأن
ایشان بدین رباعی منطلق است شعر یلوح علی الطرس تادهم ویبقی مدی
الدهر اخبارهم فما انقرضوا بل هم خلدوا وحسن الاحادیث اعمارهم
پس روز سه شنبه که غرهٔ ماه شعبان بل غرهٔ سعادت اهل ایمان
بود از حول وقوت خویش تبرا کردیم وپناه بعنایت حمایت رحمانی آوردیم
ونصرت وظفر را از اثر تأیید مفتح الابواب ومسبب الاسباب که وما النصر
الا من عند الله العزیز الحکیم عنوان صحایف کردگاری وبرهان مقدمات
پروردگاری اوست دانستیم وبیقین ما شد که اوابد نصرت وفیروزی بشاخ
ارادت او عز شانه منوط است کثرت عُدت وآلت را در وهیچ مداخلت نه
وشوارد قدرت وبهروزی باوتاد مشیت او عم سلطانه مربوط سعی وقوت
خیل وحول را در وهیچ معاونت نه پس بعد عرض التضرع والابتهال الی
جناب الله الملک المتعال اعیان عسکر ووجوه رجال ان را تحریض کرده

۱۲۷

بنص ولا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون فرموديم كه مستعينا بالله الرؤف
العطوف استعمال بنود وسيوف را كار فرمايند • وسنان ثعبان نشان اثر
فشان را دستور دادند • وشمشير آبدار خونخوار آتشبار صاعقه كردار را از
غلاف خلاف بركشيدند • وقلب وجناح ميمنه وميسره را بيار استند •
وكينكاه را بهر استظهار ماجد دا امجاد بسپردند • ومقدمان لشكر چون شيران
درنده • وپيلان دمنده • وپلنكان غرنده • در نبرد آمدند • ومبارزان
ليثمان في ايمان مقابل شدند • وبهمه انواع سلاح • سطوت بازوى
اهل ايمان • وقوت قلوب اسلاميان كه راسى تر از مراسى قلال • ورواسخ تر از
رواسى جبال اند برآزمودند • بعد از آنكه از اول صبح تا نماز عصر در ميان
جانبين • ومابين طائفتين • مقابله ومقاتله افتاد • وحمله در حمله
پيوست • اسلاميان يقين دانستند كه الاسلام يعلو ولا يعلى • دليران
كارديده • وتلخ وشور روزكار چشيده • عنان برتافتند • ودست بتير
وشمشير زدند • وكارزارى كردند كه از شكوه او كوه بستوه آمد • ودل كردون
از جاى برخاست • وروى هامون رداى كلكون در بر انداخت • آن
ملاعين بى دين • ومخاذيل بى آيين چون طمع از جان • ودل از خانمان
برداشتند • حملها كردند كه زمين تاب آن نياورد • وروزكار
مقاسات آن را تحمل نكند • وخورشيد از هراس او در زير نهار غبار
كريزد • اما روباه • طاقت حمله شير شرزه كجا يابد • وصعوه • توانايى
ستيز پنجه شاهين وشكوه كجا دارد • پس ملائكه ملا اعلى نداى نصر من الله
وفتح قريب • در عالم سفلى در دادند • وزبان حال بشارت انا فتحنا لك
فتحا مبينا • بسمع ما رسانيد • چون آن ارجاس انجاس كوشش اينها را
در ابطال واستيصال خود مشاهده كردند • وجد اعوان حق • در تبديل
شمل وقمع جمع خويش معاينه ديدند • ولوا على ادبارهم نفورا • وكان
امر الله قدرا مقدورا • آخر الامر از غلامان حضرت يكى قرال مخذول را كه
شهريار آن فئه جانيه • وپادشاه آن طايفه خاسره بود • دست بسته
وبازو شكسته خصم شكار كردند • وسلاحهاى در آن اخبار وامتحان نمودند
وچون انصار شرع رسول الملك ذى الجلال • از حال قرال آكاه شدند • حملوا
زمر النفاق وعصب الشقاق حملة الليث الكاشر • وسطوة الاسد الزائر
رافعين عقيرتهم بالتهليل والتكبير • منتظرين نصر الله العزيز القدير • فمن الله
عليهم بالمأمول المسؤل • فزلت اقدام الكفار • وولت اعلامهم • بس شال
داديم • با لشكرى چون سيل كه از كوه بصحرا درزد • وآتش كه در دامن كوه كرد

آویزد

۱۱۰

آويزد • آن شيران عالى پايه • بدان خوكان فرومايه • درآويختند وقيامتى
معجل برايشان انكيختند • وهمه را طعمه مار ومور • وغذاى وحوش وطيور
كردند ودر آن كر وفر از آن كفره وفجره اكثر على رجاء بائره بدار البوار
انتقال كردند • ودر قعه آن بقعه چنان شد كه در آن جوانب ونواحى صد
قرن وحش وطير را پس از اين فلك از كشته • ميزبان باشد • وبعضى كه
از شمشير قهر خلاص يافت • در بند صفاد • وقيد اسار افتاد • وبا سلاسل واغلال
در كنج وبال ونكال مقرنين فى الاصفاد • منزوى كشت • پس معتقديم كه
بوسيله اين فتح • شرر شرور رعزور آن اراذل وانذال • اطفا يابد • وعودى
بنيات ايشان بكلى انطفا پذيرد • واز رسوم اطلال آن مجاهيل مخاذيل
آثار نماند • وايزد جل جلاله برموجب نص • واورثكم ارضهم وديارهم
واموالهم وارضا لم تطؤها • مجموع اطفال واولاد ونسوان واحفاد وصبيان
وشبان وشيوخ وكهول ومواطن ومساكن وقلاع وبقاع ايشان را •
بدولت همايون مسخر ومقدر فرمايد • وما ذلك على الله بعزيز • پس بر همه
عالميان وكافة آدميان عين فرض • ودين قرض است • بعد از آنكه اين
فتح نامه بزركوار • بر منابر اسلام على رؤس الاشهاد برخوانند • وجلوت
اين نعمت هنيه • وكرامت اين عطيه سنيه شناسند • وهر يك برحسب جهد
ووسع طاقت • بشكر اين موهبت بتاديت صداقت • وايصال مبرات وحسنات
بكزارند • واز حضرت رب الارباب استحكام دعايم دين ودولت • وانتظام
مناظم اين سعادت كه غره ادوار وطراز روزكار است • درخواهند • وهم اهل
اسلام • ازين بشارت بشاشتى هرچه زياده تر • وهشاشتى هرچه آماده تر •
وحظى اكمل • ونصيبى اوفر بركيرند • وبدعاء دوام سعادت همايون
ودولت روزافزون ما • مثابرت ومواظبت نمايند •

الجواب

بسم الله الرحمن الرحيم • يا ايها الملاء انى القى الى كتاب كريم • مبشر طلوع
صبح امانى • ومنير اسباب وصول شادمانى • ومستودع غرايب معانى •
ومستجمع اصناف الطاف در ولالى • ومفتاح خزانه صناعت • ومصباح
بهجت خانه براعت • ومنشور حيات بخش سعادت اقتدار • وطغراى جهان
آراى كردون وقار • اعنى مقدم بزركوار حضرت خلافت پناه سلطنت
دستكاه فلك اشتباه • سليمان حشمت • فريدون بسطت • كسرى معدلت
ملك كروه • فلك شكوه • آنكه شاطه عدلش ملتمس آراى عاطفت شامل •
وطينت فضل كاملش حافظ صحت رفاهيت آمده • وهو السلطان الاعظم مالك

رقاب الامم ظل الله فی العالم ملك ملوك الترك والعجم **شعر** هو الشمس قدرا
والملوك کواکب هو البحر جودا والکرام جداول معین الملهوفین ناصر المظلومین
ناثر جواهر عدل واحسان فیاض نعمت امن وامان باسط بساط مرحمت
المشار الیه فی السلاطین اذا عد المآثر الموصوف بالعالم العادل علی رؤس
المنابر **نظم** به تیغ اسلام را پیرایه کرده جهان را آفتابی سایه کرده زمانه
کز کزند آزاد زاده فلك را نوبه بیداد داده الممتزج بکرامات لم یسبق احد
من الملوك والسلاطین مدمر الکفرة والطغاة بالغزو والجهاد معز
السلطنة والخلافة والدنیا والدین سلطان مراد خلد الله تعالی ببسیط
الارض خلافته وسلطانه وایده بالنصر والظفر اعوانه مشتمل بر فنون
عواطف ومشحون بصنوف عوارف در ایمن اوقات واحسن ساعات
کالوحی النازل من السماء والذمن الماء الزلال علی الظماء سمت ورود
یافت لطایفه اکثر من ان یحیط بها التحریر والبیان او یخرج من عهدة
وصفها فصاحة سحبان در هر سطری از سطور آن بحری مندرج ودر هر
حرفی از حروفش لطیفه مندرج **نظم** لفظ شکر آمیزش در ترتیب خاطر ١٢٤
چون باد بهار آمد جان پرور وروح افزا با سلسله نظمش جان بثبوت
الکن در معرکه نزشش سحبان زمان عجما عبارات مهذب واستعارات
مستعذب او وصول اجلال ونزول افضال یافت وکان فی زهرة الالفاظ
وسلاسة المعانی الابکار کجنات تجری تحتها الانهار **بیت** شکفت
تازه کلی در فضای روضه دل وزید باد طرب در هوای عرصه جان
فقلت له اهلا وسهلا ومرحبا ورود مبارکش سبب انس وسلوت ووصول
میمونش موجب سکون واستراحت آمد خاطر چون بمطالعه آن خطاب
فایز گشت ترنم این کلام تکرار نمود **شعر** وثبت من نظری الیه فکیف لو
عاینت من کتب الکتاب بکفه وچون مخبر ومشتمل بر سلامتی ذات
عدیم المثال حضرت خلافت پناهی وانتظام امور سلطنت وجهانبانی
بود مراسم تعظیم وتبجیل وشرایط اکرام وتفضیل وما یعتد من هذا القبیل
بجای آورد ووظایف شکر ربانی وحمد سبحانی برای نعمت عظمی وعطیه
کبری بتقدیم رسانید والحمد لله علی سلامة ذاته الشریف وصحة بدنه
المنیف حمدا یکافی المزید وشکرا یستجلب الجدید در مقابله الطاف
ودلجوئی احکام مبانی محبت وتحریك سلسله مودت باصناف دعوات
عنبر نسیم که از نفحات نسایم آن بوی اخلاص بمشام جان محبان رسد
وتحیات عبهر شمیم که از طیب روایح آن شام ربیع معطر گردد وثنایی که

نوافح مشك تتاری کتاب طیب از وی یابد **شعر** سلام اعار اللطف ورد
ونرجسا ومنه استعار الطیب مسك وعنبر علی المجلس السامی الذی قد سمائه
سماء العلی حین اذنبا ربه البدر ابلاغ وارسال میرود وبر جاده محبت
واخلاص راسخ وراسی دم است تعطیش ونزاع وتحنن والتیاع
بحضور موفور السرور فایض النور نهایت ندارد سعادت مواصلت که
فهرست شادمانی ودیباجه دولت وکامرانی است بر وجهی احسن محصل باد
تفقد مخلص نوازی که در ضمن مفاوضه شریفه مودع بود وتهنیت فتوحات
که این محبت را بعون عنایت الهی میسر گشته در طی آن مدغم خصوصا
فتح طریق کعبه معظمه شرفها الله تعالی که از معظمات ارکان اسلامیت
وتسخیر ممالك عراق عجم نمود از تضاعف عنایات ربانیت اگرچه بفیض
تاییدات سبحانی وبیمن همت آنحضرت این فتوح مخلصان میسر گشت وحضرت
عزت تعالی شانه وعظم سلطانه توفیق این سعادت محصل کردانید الحمد لله
الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله وچون آن حضرت بمبارکی
وطالع سعد عنان عزیمت بقلع وقمع کفار نابکار معطوف فرموده اند
بحرات ومرات ختمات کلام ملك علام نموده استدعاء فتح وظفر آنحضرت
را از حضرت واهب العطایا عز شانه مستدعی بود المنة لله تعالی که بهدف
اجابت مقرون گشت هر آینه چون استدعاء این مخلص محض صدق
واخلاص بود لاجرم آنحضرت را بمفتاح مفتح الابواب بمفتاح وعنده
مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو فتحی جسیم وصولتی عظیم بر کفار وتدمیر
طغاة نابکار کرامت فرموده واز دیوان یفعل الله ما یشاء ویحکم
ما یرید بامر مبرم لیقضی الله امرا کان مفعولا بنزوایت وما النصر الا من عند الله
العزیز الحکیم منشور وینصرك الله نصرا عزیزا بنام دولت آن حضرت نوشت
الحق بعون عنایت بدیع الهی نصرت وفیروزی وظفری که آنحضرت
را بر کفار فجار وملاعین اشرار نابکار کسر الله لواهم وفرق دهماءهم
٧٥ دست داده موجب حمد گشت **شعر** فحمدا له ثم حمدا له علی ما کسا نادر
داء الکرام بر زمره علماء ابرار وفضلاء نامدار چون غره روز روشن
تابان وچون دره تاج فلك رخشان ودرخشانست که قوام دین
ونظام شرع مبین ورونق بازار مملکت وبهجت امور سلطنت باستیصال
کفار نابکار منوط وغزو کردن با اشرار ملاعین فجار مربوطست
وحصول آن سعادت بیما وحصول آن نعمت عظمی بتوسط شمشیر آبدار
ووسیله سنان آتشبار وذریعه گرز صاعقه کردار متصور میشود

نظم ملك را چون قرار خواهی یافت • تیغ را بیقرار باید کرد • شعر از اسیافنا العضباة التوام • ترکت ملکنا قرین اللوام • از عهود ما مضیه و قرون سالفه الی یومنا هذا • چنانچه کتب تواریخ • بدان ناطقست که هر طایفه از مخالفان دین اسلام • و معاندان شرع خیر الانام • روی جرأت و جلادت بمحاربهٔ اسلامیان که بشرف متابعت حضرت مصطفی علیه من الصلوات افضلها و من التحیات اکملها • در زمرهٔ کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله • منخرط گشته • و بخلعت ایمان و زینت اسلام مخصوص شده روی آورده اند • و محاربت ایشان را مهیا و آماده شده • حق جل و علا جمیع را از اهل اسلام • بر ایشان نصرت و استیصال ایشان داشته • و تقویت ارزانی فرموده • رفیق آن زمره گردانید • تا کمر مجاهدت و محاربت آن ملاعین • بر میان جان بسته آن مادهٔ ضلال و فساد و نکال را منقطع ساخته اند و نصّ • و جعل کلمة الذین کفروا السفلی • بر ایشان خوانده • از آن قوم لعین روزگار ایشان • دمار بر آورده • بوسیلهٔ خنجر مریخ سان زحل صفت • بدخواه تیره نا پاك را از فرش خاك خوابگاه ساختند • و بواسطهٔ تیغ خونفشان • و بسنان • آن دیار را از خبث و فساد آن مطرودان خالی گردانیدند • آنحضرت نیز • برحمت قانون فعال مبارك و میمون و طالع مسعود همایون • اقبال همعنان • و سعادت و بخت توأمان و ظفر و نصرت هم آشیان • روی بدفع آن مجاهیل و قمع آن مخاذیل آورده ها تف غیبی بگوش جان دولتش رسانید که • انا فتحنا لك فتحا مبینا • و مبشر لطف ربانی بشارت • نصر من الله و فتح قریب • داد • و منادی توفیق و ما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم • شنوانید • و مؤذن عنایت بر مئذنهٔ بدایت اذان • و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو • بگفت • و باد نصرت بانشاد لقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة • بلون باشجاعت را دل میداد • تا دمار از روزگار ایشان بر دارد • الحمد لله الذی نصر عبده و اعز جنده • آن صورت شاهدی عدل و برهانی درست • بر صدق و اخلاص و صحت مودت و استحکام مبانی محبت • و تاسیس بنیان اعتقاد • و تاکید رسوم اتحاد • فیما بین آنحضرت و این محب صافی الوداد • چون فتوح مذکوره بعون عنایت پروردگار حاصل گشت • و آن حضرت را هم فتح موصوف میسر شد • تهنیت و پرسش که محبان جانی را بر سالت جناب فضیلت شعار • مولانای اعظم افضل العلماء فی العالم افتخار الموالی العظام • جامع المنقول و المعقول • حاوی الفروع و الاصول جمال الملة و الدین • المولی شکر الله • شکر الله مساعیه الجمیله

کد

که در فضل و کمال عدیم المثال • و در فصاحت و بلاغت آیتی • و در فصول و ابواب رسالت صاحب درایتی • بابلغ عبارات و افصح مقالات • ادای امانت رسالت فرموده • و احوال سلطنت آنحضرت بر حسب دلخواه ارباب وداد • بوجهی معروض داشت • که از اطراف و اکناف مجلس آوازهٔ تعریف و تحسین • و از چهار زوایا صدای صد آفرین بر آمد • متوقع از الطاف بی نهایت آنکه علی القاعده ابواب مکاتبات • و طریق مراسلات مفتوح دارند • و باشارات لا یقه منت نهند • زیاده مصدع نشد • ریاض خلافت و چمن سلطنت با نضرت و رونق باد بمحمد و آله الامجاد •

سلطان مرادخان حضورینه حاکم شیرواندن گلان نامه در

بمسامع علیهٔ نواب نامدار • و وزرای کامکار حضرت اعلای سلطنت پناهی • مملکت دستگاهی • پادشاه اعظم مالك رقاب الامم • مولی ملوك العرب و العجم • محیی محاسن العقاید الدوارس • معلی قوانین المساجد و المدارس • غیاث الامة الحنیفیة • کهف الملة الاسلامیة • ناصر المهتدین قامع المعتدین بیت انکه حفظش زپی دفع حوادث هر روز • گرد معمورهٔ اسلام کشد دیواری • غیاث الملة و الدنیا و الدین • مظفر الاسلام و المسلمین خلد الله تعالی ملکه • و اجری فی بحار المرام فلکه • مخلص صادق المودة صافی العقیده • بعد از تبلیغ شرایف عبودیات • و ترسیل صحایف خدمات دعوات صالحات • و شرح دواعی اشتیاق و آرزومندی • و بسط نزاعات و التیاع و نیازمندی • میرساند که اگرچه درین مدت بواسطهٔ جذبات موانع روزگار • و خدمات سوانح اقتدار • که عنان کبر را بید ارادت و مالك زمام اختیار رند • که سالکان راه امل را از تدارك مصالح و مناجح باز میدارند • اختلاف رسولان کمتر اتفاق افتد • اما بحمد الله تعالی که ائتلاف ارواح برقرار بوده است • و رسوخ اعتقاد در کمال اتحاد • و هر چه زیاده تر • و دل بر قانون قدیم بهوا و ولا مشحون • و زبان بر سبیل معتاد بحمد و ثنا مقرون بوده است • از هر کس که از آن حضرت منیع و جناب رفیع • بدین جانب امدی این مخلص احوال آن دولت ثبتها الله تعالی استعلام نموده • چون بشارت یافته • بواسطهٔ یمن حراست و حسن سیاست • و وفور اقتدار • و شمشیر آبدار • انوار دین و دولت آنحضرت منتظمست • و افواه فتح و نصرت • در ثغور اسلام منتشر • حقا که انواع ابتهاج و ارتیاح بخواطر دولتخواهان راه یافته • سجدات شکر ایزدی عمت آلاؤه و جلت نعماؤه • بتقدیم رسانید • و باخلاص تمام مزید دوام

آن سعادت از حضرت واهب العطیه استدعا کرده ودر ضمن آن تمنی
مستدعی آن هم بوده که بعنایت الهی موانع مرتفع کرده لطیفه که متضمن
فتح باب آن حجاب وتمهید مراسم اتحاد احباب بود از مکمن غیب بظهور
آید چون بفضل نامتناهی الهی غبار آن موانع مرتفع کرده واجب ولازم
نمود که بدین وسیله سلسلهٔ اخلاص ودولتخواهی قدیمی در حرکت آوردن
وخود را بایاد خاطرها یولت آوردن بنابران خلف الموالی العظام مولانا
حسن را که از قرابت واختصاص این مخلص بخط اوفر محظوظ است وبلوازم
لعتماد مرموق وملحوظ بدان حضرت فرستاد واین خطاب که باملاء
وهواء ولا بتلقین محبت وتلفیق مصادقت محرر شده باو همراه کرده شد
وهمت برتلافی مافات مصروف که ان شاء الله العزیز فیما بعد بایراد مکاتبات
واصدار مراسلات معاقد محبت وقواعد مصادقت مشید ومرعی دارد
وانچه در عرصهٔ سینه مخزون ودر ساحت ضمیر مکنونست از صدق مودت
وخلوص مخالصت باظهار رسانند توقع که دولتخواهان را بورود مخاطبات
کریمه که نتیجهٔ همه سعادتها وتتمهٔ جمله نجحهاست مبتهج ومسرور سازند
واز انتظام امور دولت واستقامت مهمات ممالک وتواتر فتوحات غیبی
ونصرت الهی عز اسمه که پیوسته مقارن رایات ظفر آثاری باد بشارت
دهند وبرجوع اشارت لایقه منت نهند تا در اتمام آن وظایف خلوص
ودولتخواهی ویگانگی مرعی دارد دربن زیاده اطناب نمود وبدین دعا
اقتصار نمود نظم تا بود خامه بتأیید قضا فتح نگار باد در مسند ظفر تیغ تو فرمان بخش

الجواب ١٧

بحضرت جناب جنت مآب مالک رقاب الارباب شهریار اعظم ونامدار
مفخم اعدل ملوک العرب والعجم فلک الهمم ملکی الشیم صاحب الایادی
والنعم معدن الجود والکرم الذی یفتخر بذاته الشریف الالقاب المخصوص
بعنایة الملک الوهاب شید الله ارکان دولته الی یوم الحشر والحساب
بالنبی وآله الطاهرین والاصحاب بعد ارسال سلامی که قواعد مودت آن
از صرصر ساعی نمام تزلزل نپذیرد واثر ابلاغ تحیاتی که مبانی محبت آن
از منجنیق حاسد فتان تخلل نبیند معروض آنست که این محب مخلص مرفه
البال ومنتظم الحال فارغ از جنگ ملاعین خذلهم الله الی یوم الدین
مشغول بتلاوت الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور
در دار سرور نشسته بود ناگاه وبیگاه در تفتیش احوال پادشاهان
اسلام محبت ایشان در ضمیر قایم وذکر جمیل هر یکی در لسان دایم متأمل

وتفکر

وتفکر بود ناگاه در رحمت از عالم غیب گشاده شد مفخر الصدور والاعیان
معروف الاقطار والبلدان خواجه حسن زید سموه همچون طاوس قدسی
در رسید ودر دست کتاب شریف گرفته شعر جاء البرید وفی یدیه صحیفة
فی عزها کصحایف القرآن در مقابلهٔ این نعمت عظمی شکر بیحد وثناء
بیعد همچون الیه یصعد الکلم الطیب بحضرت واحد احد فرستاده شد
بعد ما که از دست رسول کریم بمحل مطالعه رسید این پیدا شد که بیت
بیاض معنی آن در سواد الفاظش چو آفتاب که تابد ز ابر ظلمانی مشتمل بر اساس
محبت ومنطوی بهمه شرایط مودت خبر اخبار وداد واظهار دوستی
واتحاد خبری نیست ما را وهمه ملازمان درگاه ما را سرور وبهجت
حاصل شد امید از حضرت باری تعالی آنست که سلسلهٔ دوستی را از میان
پادشاهان اسلام منقطع نکند وایشان را همیشه بر سریر امارت
ودر سایهٔ سعادت خود باقی وپاینده دارد زیاده چه اطناب رود
بحکم خیر الکلام ما قل ودل باقی اخبار سلامتی را در وقت حضور خواجه
مشار الیه عرض کند

سلطان مراد خانه شاهرخ میرزا ابن تیمور دن گلان نامه در

بجانب سلطان اعظم مولی الملوک فی العالم قاتل الکفرة وقامع الفجرة
المجاهد فی سبیل الله بصدق النیة وکمال الاعتقاد قطب الملک والدین
سلطان مراد زاد الله اعوام حیاته وقرن بالسعادة ایام اوقاته فوج تحیات
محبت آمیز وانواع دعوات شوق انگیز اتحاف واهدا میرود شعر سلامی
کالطاف الاله الممجد سلام کاخلاق النبی المؤید سلامی چو عقل مجرد
شریف سلامی چو نفس مقدس لطیف در شرح قضایای قصص مصادقت
وانهای انتهای احوال مخالصت چون از آن حد متجاوز است که بواسطهٔ
واسطی خوش خرام ولو ان ما فی الارض من شجرة اقلام بیرامون وصف
آن توان گشت لاجرم باختصار اکتفا می افتد این صحیفة المحبة والمودة
اواخر شوال رقم زده نقوش مصادقت وولا میگردد چون پیوسته
اخبار سارهٔ جهانگیری وکشورگشائی حضرت اعلاء سلطنت مآبی خلافت
پناهی خلد الله خلافته وسلطانه که منشیٔ دیوان وجعلکم خلائف
فی الارض منشور خلافت روی زمین بنام جلالت آیین آن جمشید تخت
وفریدون بخت موشح ساخته بدان جناب ارسال میرود وآثار مساعی
جمیله وغزوات وصیت مآثر وفتوحات آنجناب که رفعت منزلت مجاهد
وعلو شان غازیان بنص کتاب وسنت نبوی محقق ومقرر گشته که دربیان

آن احتیاج بتکلفات حجت و برهان نیست • ان الله یحب الذین فی سبیله صفاً
کانهم بنیان مرصوص • بدین طرف مُهدی میکردد • همواره ترصّد و ترقب
آن میرفت که با این جانب نیز • تمهید قواعد مُوالات و مصادقت نموده •
رسل و رسائل متوالی و مترادف دارند • تا متمم معانی یکانکی و اختصاص
کردد • وچون تا این غایت بهیچ نوع اثر نامه و رقم خامه • که محرك سلسلهٔ
وداد و محرض قضیهٔ اتحاد کردد • بظهور نپیوست • و نسیم روضهٔ
تذکر و شمیم ریاحین تودد • از مهب یادداشت و مخالصت آنجناب
نوزید • درین وقت بموجب فحوای البادی فی المحبة له اُخری • این حروف
راکه از جملهٔ مخصوصانست • بجانب آنجناب فرستاده شد مقصود کلی
و مراد اصلی آنکه من بعد چهرهٔ امانی و آمال • بصفای ذات البین آراسته
باشد • ولآلی اکلیل مجد و معالی بصفوت خاطر جانبین • در سلك انتظام
پیوسته • طلیعهٔ اعلام سلامتی احوال بال فرخنده فال کشاید • و همواره
صورت جمیلهٔ اخبار رفعت و اقبال • رخ فرخ نماید • وذلك فضل الله
یؤتیه من یشاء نظم اساس مهر و وفا کو مدام محکم دار • کسی که رفعت
ایوان منقبت خواهد • بکو که نسخهٔ این طرح را نه از دست • هر آنکه
فسحت میدان منزلت خواهد • و اولی و انسب آنست که علی التعاقب والتتابع
فتح ابواب مراسلات و مکاتبات نمایند • تا نهال حسن عقیدت بر جویبار
ابلاغ رسل و رسائل • باهتزاز در آمده • ریاض صدق و مخالصت از هبوب
نسایم مفاوضات و ملاطفات تازه و ریان کردد • کما قیل راحات
الجنان فی مراعات الاخوان کم رفعت و اقبال و جاه و خلد بپیوسته نهایت کمال باد

جواب نامهٔ سابق که منعوت بفتح انکروس

شعر هبطت الیک من المحل الارفع • ورقاء ذات تعزز و تمنع • یعنی خطاب
عظیم بوح آسای • وای خطاب شعر خطاب فی سرائره سُرورٌ ینجیه
من الاحزان ناج • فکم معنی بدیع تحت لفظ هناك تزاوجا کل ازدواج •
کراح فی زجاج بل کروح • سرت فی جسم معتدل المزاج • که چون طارق غیبی
فرخ فال از اوج برج اقبال • روی نمود • وکتاب کریم فرح فزای • وما ذاك
الکتاب شعر کتاب شریف ای من شریف • بلفظ عجیب وخط غریب •
کلحظ الحبیب وفوت الرقیب • وعود الشباب عقیب المشیب • فکان سرور کی
بما اذاق • سرور محب بقرب الحبیب • که شاهباز طایر قدسی خجسته خصال •
از ذروهٔ شامخ جلال پر و بال کشوده • و از بارکاه بیت معمور صفت
سدره رفعت پادشاه قضا قدرت • قدر مکنت • مالك ازمّة الخلافة بالحجاز

ظل الله علی العالمین • سلطان السلاطین علی الاطلاق • مستعبد الاساطین •
فی جمیع الآفاق • مستخدم الخواقین بالارث والاستحقاق شعر کانما الدهر
تاج وهو درته • وملك الملك کف وهو خاتمه • والبحر والبر والاعلام جمعها
والخلق والفلك الدوار خادمه • حامی حوزة المسلمین بالدولة الباهرة • وماحی
الظلم عن العالمین بالصولة القاهرة • هادم قواعد الجور والاعتساف • بعد ارتفاع
شانها و خیر هادم • وماهد مقاعد العدل والانصاف غب انطماس بنیانها ونعم
الماهد • هو الذی تحقق فی تطهیر آفاق الممالك بقمع اصحاب البغی والعدوان •
وارجاء المسالك والمهالك بقلع ارباب الغی والطغیان • حتی اضحی کما اراد
طهورا • وصار الظلم کان لم یکن شیئا مذکورا • وبسط فی بسیط الغبراء بساط
الامن والامان • واحاط الخاص والعام بالبر والخیر والاحسان • جعل الله سعیه
مشکورا • قهرمان الماء والطین • خلاصة الخلفاء فی الارضین • غیاث الوری
شمس الزمان وبدره • ومن هو بالعلیا اولی وولی الامر • اللهم اجعل سرادقات
سلطنته مربوطة بالبقاء • کما جعلتها ارفع من القبة الخضراء • آن طایر همای
در روزی مبارك و ساعتی میمون رسید شعر حسناء واضحة الجمال کانها •
قمر بدا فی وسط لیل الیل • و در سراچهٔ جان که بسبب کمال اخلاص با آن آستان
که صفا بیش از صفاء روضهٔ جنان فایق است • آشیانه ساخت • وچون
منزل را از کدورات اغیار خالی یافت • فی الحال از التفات خاطر فیاض آن
شاه ملك خصال • و رای ضمیر آن عقل فعال • سر ابتدا آغاز کرده • بفصاحت
سحبانی حکم لقمانی بمسامع اهل یونان رسانید • و از نصوص فصوص حکم
متحیر کردانید • و از نصایح فاخرش هر عاقل مطرف را اعتباری روی نمود •
شعر احادیث لو صبغت لالهت بحسنها • عن الدر او شمت لاغنت عن المسك •
لاجرم از هر سو رموز • ندای یا ایها الناس علمنا منطق الطیر واوتینا من کل شیء
ان هذا لهو الفضل المبین • بر آمد • و بنا بر آنکه مشتمل بود • بر صنوف عواطف
پادشاهانه • و ضروب نوازش خسروانه • و متضمن آنکه قوایم حضرت بر حصول
آمال منکی • و دعایم دولت بر وفور اقبال مستعلی اند • و حال بندکان درکاه
عالی در غایت انتظام • و امور در دم خرید کان حضرت معلی • در نهایت مرام
است • بل سایر انام از خواص و عوام • در ظل احسان وانعام • مرفه الحال
و مقضی المرام اند • بقدر امکان شکر آن بجای آورد • و بعجز و قصور که در اداء
عباد شکر رست معترف شد • و از سر خلوص طویت و صفای نیت از واهب
بی علت • علت کلمه ثبات این نظام • و بقای این احتشام الی یوم القیام
میطلبد • باجابت مقرون باد • و در شرح اشتیاق • بشرف ملازمت آستان

کر نطاق بیان از بنیان آن قاصرست خوض نمیکند که آن چو خصال شاهانه
بی حد و بی کرانست بعد از وظایف تمجید و تحمید بر رای جهان آرای خاقانی
انها می اورد که پیش از وصول مثال میمون متحقق کشته بود که نهضت موکب
شاهی و حرکت عساکر منصورهٔ ظفر پناهی کره بعد اخری و اسباب تأهب
و ذهاب تأدب ازجهت ترفیه حال عباد و تسکین شر و فتن از سایر امصار
و بلاد و تدمیر ظلمه و اهل عناد و قمع و قلع فسقه و فجره و اهل فساد و دفع
و منع جماعتی از متمردان بغاة بد نژادست و انفعا هر چند که این معنی از وفور
شفقت تامه و کمال مرحمت عامهٔ آن خسرو دین پرور داد کستر عجیب نمود
بلکه در ذمت آن صاحبقران بمقتضای نص قرآن که ان الله یامر بالعدل
والاحسان فرضی لازم الاداء و قرضی واجب القضا بود و لکن حقا که آثار
این نعمت عظمی و نتایج این منحت کبری بر صفحات ایام لایح شد فاین این
ما بین بر خاص و عام رسید و اقدام برادری موجب شکر مثل برادر خوفاقی
لازم آمد المنة لله که بالذات مایة التفاتی جهانی را از لوث مفسدان مطهر
ساختند و عامه را بخورشید عدل معتمدان منور کردانیدند و بقلیلی
از سعی جمیل کثیری از خزاین اجر جزیل تحصیل فرمودند شعر نلت الذی
قام الملوک و قصروا عنه و انت علی سریرک جالس فذالک داعینا و حارس
امرنا فالله من عرض الرداء حارس دیکر اشارتی که بنفاذ پیوست در بارهٔ
منع کرجیان ایلچیان این دولتخواه را از سعادت وصول بپایهٔ رفیع و شرف
مثول به پیشکاه منیع و بیان کیفیت تحقیق واقع آنست که این معنی بیشتر این
داعی اشکال تمام دارد و مدتیست که متطلع طلیع و مستخبر خبر آن می
باشیم بخبری که موجب اطمینان خاطر باشد ظفری نیافتیم مادهٔ اشکال
و منشاء اشتباه داعی آنست که ظاهر بر رأی روشن نواب درکاه فلک
اشتباه مشتبه نمانده که این هواخواه از ابتدا تقلد ولایت الی هذه الغایة
زلال عداوت اصلیهٔ دینیه را با آن ملاعین اصلا بمعارضهٔ کتابتی و حادثهٔ
رسالتی مکدر نکردانیده مناسبتی بخبر تضاد صرف با ایشان حاصل نکرده ام
و مع هذا بقعات آن میشوم از مملکت روم دور و مهجور افتاده بواسطهٔ
دریا و سرحد عتبهٔ علیا متصلست و آن علج کرج اظهار ایلی نیز باستان
ایلخانی مینماید اکنون بنابر این اصول رسول آن درکاه با قبول تعرض رسانیدن
باخذ مال و عزم و رسول این کمینه اعراض نمودن و بآستانش باز کردانیدن
از مقصد اقصی و مطلب اعلی که حضرت والاست عکس معقول بود که از این
طایفهٔ لایکادون یفقهون حدیثا صادر شد آری خرج البعاء الجبار

انما

انما یتذکر اولوا الابصار و باز آنچه مثال واجب الاطاعة و لازم الامتثال مقدما
اصدار یافته بود بدانکه اهتمام که بسکان پایهٔ سریر سلطنت بنظام امور
و انتظام احوال فرزندان عثمان بهادر حاصل است و این دولتخواه را نیز هم
امر کرده بود برعایت حق جوار با ایشان سمعا و طاعة و هل یحمل التقصیر
او یجمل الوفا و مثلی مأمور و مثلک آمر حسن رعایت جیران و طریق مواسا
و مجامله با ایشان بشواهد عقل و دلایل نقل از اشرف خصایل انسانست
باوجود جیرانی که در استیجار سایهٔ سبحانی و استرعاء برکزیدهٔ یزدانی
باشد و در مقام عبودیت درکاهی که شعر رضاه یصرف عن یستجیر به
صرف الزمان اذا ما نابه صرفا اذا اقشعر زمان عن حدوبه اغنی الوری
و کفی جوده و کفا بسخطه بیع الافلاک خائفة و الشمس دائرة و البدر
منکسفا و اکر در خاطر همایون که جام کیتی نماست در این که قبل هذا
بمدت یسیره جمعی از ممالک مصریه بمکاوحهٔ ایشان مواتنه نموده و بمعادات
ایشان منتهی کشته هجوم نمودند و مع ذلک صورت معاونتی بظهور
رسید و مرافقتی روی نمود عالمنا ها موجب آن بود که درآن ولا
این مخلص با عساکر در معبر طونه بودم متوجها الی الجهاد و هو اکبر و زمرهٔ
شیاطین در صدد مقابله و مقاتله و دل از آن قبل که شعر اذا هم القی
بین عینیه عزمه و نکب عن ذکر العواقب جانبا و خاطر بدان شغل خطر مشغول
والعذر عند کرام الناس مقبول با فی کیفیت اوضاع این کمینه و سوانح حالات
این مخلص در برسیه بتأیید حضرت عزت جلت آلائه و عمت نعمائه بقرون
و وفود کمال مرحمت سلطنت شعاری بر نهج استقامت ساریست و سفن
مطالب در بحر مراد کما یشتهی و یراد جاریست و اطراف مملکت مضبوط
و اکناف ولایت چنانچه باید مربوط و اولیای دولتخواه که از طایفهٔ
حزب الله انه غالب و منصور و اعادی شوکت این داعی که از کفرهٔ طاغیه
و فجرهٔ باغیه و احزاب شیطانیه اند خاسر و مقهور لله الحمد هیچ روزی
و ساعتی بل لحظه و لمحه نمی کذرد الا که طایفهٔ از مجاهدین در ثغری
از ثغور بمقتضای یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم قائم
اند و زمرهٔ از مرابطین در دفع از دروب بمنصوص ان الله یحب الذین
یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص موصوف دایم اند و مع
هذا مدتیست جمعی از کفار در حوالی بعضی از اسلام قرب جوار دارند
دایم الاوقات جماعت مسلمین و عساکر موحدین را از کثرت عدت و شدت
بأس حدت بنی اصفر اذاقهم الله الموت الاحمر تخویف مینمودند و از خروج

آن علوج تهدید می دارند• تا حدی که رعب آن ملاعین• در قلوب مؤمنان مجاهدین تمکین یافت• و ملاحظهٔ آثار مستفیضه و اخبار شایعه که در میان خروج بنی اصفر است مؤید تهدید• و متمکن تمکین گشت• اتفاقا پیری فرسوده و جهان دیده که مالک زمام آنها بود• سالها صولت عساکر منصورهٔ مسلمین دیده• و ضربه و حربهٔ مجاهدین فی سبیل الله چشیده• و بعد از تجارب امور دامن از فضول کشیده• در گوشهٔ نشسته بود• و چون شیخ معرة باین دو بیت مترنم شعر وقد عرضت من الدنیا فهل زمنی• معط حیاتی لغی بعد ما عرضا• جربت دهری و اهلیه فما ترکت• لی التجارب فی ود امرء غرضا• جان بمالک جهنم سپرده• جوانی با قدام غرور• و رأی غیر مجرب بئس البدل بر جای گذاشت• نجاة از سر تهور و روی نخوت• و تکبر بتهیه اسباب مقابله و مقاتله و آلات مکاوحه و مناضله• و خرج خزاین و اموال• و جمع رجال و ابطال اشتغال نمود• فزاد فی الطنبور نغمة• لاجرم نبض عصبهٔ اسلام در حرکت آمد• و غیرت دین قویم جنبش کرد• و ناموس شرع مستقیم در دامن و گریبان چسپید• و از وادی ایمن ندای• یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم• تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم بگوش جان رسید• که این هوادار بنفس و مال و رهط و رجال خود• متوجه آن کفار نابکار گشته دمار از نهاد آن جمع پریشان روزگار برآرد• و شور نایرهٔ ایشان را علیهم دائرة السوء• بزخم صمصام آبدار منطفی گرداند برین نیت خیر• عزیمت مصمم گردانیده• بعد از استخارة الله تعالی بطرف مملکت اولوس انکروس روان گشتیم• و بکرانهٔ طونه که بحقیقت بحر عذب است بکناره رسیدیم• ارکان دولت و اعیان حشمت• و قایدان جوش پر حدت• و ناظران امور مجاهدین و امراء اوجات• و عظماء اطراف و جهات• و صوباشیان بقاع• و کوتوالان قلاع• و فی الجمله کسانی که بمباشرت و مزاولت حروب• و ممارست و معالجت عظایم خطوب• مشار الیه بالبنان بودند• از جهت عبور بر کثرت خصوم مشئوم• و صعوبت آن مرز و بوم عبور از دستبرد سینه ام صعب و متعسر شمردند• و انکار بیکار در دل مخفی میداشتند• هر یکی را بموجب• فثبتوا الذین آمنوا سالقی فی قلوب الذین کفروا الرعب• استمالتی نمودیم• و نوید عاطفتی فرمودیم• و تعویل و تفریح بر سپاه و ما النصر الا من عند الله کرده• عبور کردیم• و بسیاری از جبال و قلل صعاب• و مهامه و مفاوز پر وحل و آب• و مسالک در تنگ تر از سم الخیاط• و مهالک پر غائله تراز

قطع

قطع مناط• بقفا انداخته• همچون رجوم• بر شیاطین خصوم• هجوم آوردیم و تا قرب یکماه• برین منوال با ستعجال راندیم• و بهیچ وجه بنقیر و قطمیر ملتفت با خذ مال و اسیر نگشتیم• تا شاید که بیمن اقبال• فال که مقصد اصلی و افضل اعمال است مشرف شویم• آخر الامر چون نسیم صبای فتح و ظفر دین محمدی• وزیدن گرفت و بوی قهرمانت احمدی جستن آغاز کرد• و آیات رایات نبوی ساطع شد• و غبار موکب انصار مصطفوی• منبسط و مرتفع گشت• تا دماغ خصم معوج خود یافت• و ماء رونق عدوی ازرق• چون بید برفت• پیش از وصول عسکر بشیاطین بنی اصفر• تفرقوا شعر بغر• و ان کانوا من حصی الدنیا اکثر لا اله الا الله و الله اکبر• و چون مآل حال کفار بالاخره بفرار قرار گرفت• بضرورت عساکر منصوره• بتخریب بلاد و بقاع• و فتح امصار و قلاع• و اسر و نهب و جر و جذب• و باسبابی که سبب حصول شوکت و کسر صولت اعدا باشد• اقدام نمودند• و بسیاری از قلاع صعبه• با سهل طریق فتح کردند• و مقابل نزاعها رسانیدند• و داری را بقید اسر آوردند• و بیرون از حساب• امصار و قری و دور و کنایس و بیوت و بساتین را چنان ویران و خراب کردند• و تقریبا صد هزار اسیر در غل ذل کشیده• بدار الاسلام آوردند• فقطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العالمین• و بالجمله بفر دولت آنحضرت عالی منزلت این دولتخواه• رایات حضرت رسالت علیه الصلوة و السلام را• در طرف غرب در بن نهضت بجایی رسانیدم که از بدو نبوت• الی هذه المدة هیچ احدی را میسر نشد و حاشا که امثال این کلمات در پیش سریر سلطنت آن فلک رتبت• از سر تفاخر یا روی تجبر باشد• بل باعث برین آنست که آن شاه دین پرور• داد گستر را از کمال دیانت و فرط اهتمام• بامور دینیه• و اعلاء کلمة الله• استبشار و ابتهاج حاصل و در زیادتی تقویت و تمشیت این کمینهٔ مخلص صادق المودة کوشند• و بنوازش خسروانه و عواطف پادشاهانه• لحظةً فلحظة محظوظ گردانند• تا بامثال این نوع• طاعات عظمی نزلت اعظم بوده• بقدح معلی مخصوص کردند• و این فتح مبین ختامهٔ مسک آن بود که چون بدار النصر ادرنه رسیدیم• مزین و منور و مشرف و معطر یافتیم• بقدوم متبرک جناب مولوی اعظمی اقضی قضاة المسلمین• اولی ولاة الموحدین جمال الملة و الدین• مؤید لسامانی اعلی الله قدره• بصحبت شریف دلگشایش و محاوره لطیف فرح فزایش شعر سرور الکرم بسوم القری• و انس العیون بطیب الکری• حاصل گشت و امتثال واجب الاطاعت مبنی بران بود که بمصاحبت گوهر اش• بیکار کسان بیلث خود را ارسال کرداند• امتثال مرا از مفروضات دانسته• جناب مولوی

معظمی اقضی القضاة واعدل الولاة • ینبوع الفضل والیقین • مجد الملة والدین •
مولانا عیسی العباسی دام الله تعالی مجده راکه بر بحر و بحر قضایای این هواخواه
کما ینبغی مطلع بود • روانه کردانیدم که • باقی اوضاع این جانب که مشافهه بسامع
علیه نواب آستان اقبال آشیان برساند • واستقامت امور که بستگان پادشاه
بدین کمینه صادق المودة وراسخ المحبة برساند که نهال الخلوص درچمن خصایص
سرسبز و تازه است • حضرت و نضارتی دیگر بخشد • چون جرأت از حد گذشت
واجب آمد که بر دعایی که وظیفه لیل و نهار این کمینه هوادارست • اختصار کند
شعر الله جارك یا من جار حضرته • بلغ السعود علیه الدهر بردهم • باذا
اعتصمت صدر الملوك به • امسی واصبح بالرحمن یعتصم • ابل الجدیدین بالعمر الجدید
ودم • للملك بختمك التوفیق والقسم •

جواب فتح نامهٔ سلطان مراد غازی از جانب شاهرخ میرزا

بجناب رفیع خداوندگار اعظم • قدوة سلاطین الامم • مولی ملوك الزمان •
افتخار خواقین الدوران • عامر مبانی الاسلام • هادم قواعد الاوثان والاصنام
الفایز باحراز فضیلة یجاهدون فی سبیل الله باموالهم وانفسهم • المختص فی طریق
الحق والصدق بسعادة الغزو والجهاد • معز الدولة والملك والدین سلطان مراد •
ابده الله بنصره واعلی شانه ومکانه • تحایای موفور مشتمل از مصدر وداد • و منشأ
از منشأ اتحاد • ابلاغ وارسال میرود • همت خورشید ارتفاع • بر اعلاء مدارج
قدر و حشمت • مقصور و مصروفست • در اواسط جمادی الاولی فاضت انواره
از مقر سلطنت اصدار افتاد • در حالتی که بفیض تأییدات حضرت مهیمن وهاب •
نهال شادمانی در ریاض عز و اقبال ناضر و نابت • لله الحمد علی نعمه الشاملة •
بعلم اعلام میرود که اخی علی اکه برسم رسالت بدرگاه گیتی پناه فرستاده بودند
بر سنت تدخلت من قبله الرسل • در راه بمقصد حقیقی پیوسته • برادرا و خضرشاه
تقدیم افتاد در توجه بدین درگاه اقدام نموده • بشرف بساطبوسی مفتخر و سر
افراز گشت • و چون قبل ازین بسامع علیه رسیده بود که فرقه از ملاعین
کفار • وطایفهٔ از شیاطین اشرار طغیان نموده • روی بدیار اسلام آوردند 184
ازان جهت خاطر خطیر و ضمیر منیر متوجه می بود • اکنون که از اثر اجتهاد
و مساعی جمیلهٔ آن عزیز • بشارت نصرت و ظفر اهل اسلام • ایدهم الله الی
یوم القیام • و کیفیت استعلاء و استیلاء معاونان ایشان • رسید • انواع
افراح و اصناف ارتیاح بحصول پیوست • و چند نفر از جماعت انکروس و کفار
فرنك که فرستاده بودند • بپایهٔ سریر اعلی آوردند • وظلت اعناقهم لها
خاضعین • و این صورت اثری از آثار • فلله العزة ولرسوله وللمؤمنین •

وفیض از انوار • ان الله مع الذین اتقوا والذین هم محسنون • مشاهده
افتاد • هر آینه شامت کفار اشقیا را احاطه کرده مرکز علیهم دائرة السوء
خواستند بود • کما قال عز وجل اذا اردنا ان نهلك قریة امرنا مترفیها ففسقوا فیها
فحق علیها القول فدمرناها تدمیرا • درین وقت عبد الخالق بخشی را که از زمرهٔ
بندگان درگاه جهانپناه است • جهت استخبار و استنطاق اطوار فرستاده
شد • و باقی احوال امور سلطنت • و مهام خلافت رجوع بتقریر مشار الیه است •
باید که در صحبت او از سوانح حالات • و قضایا و مهمات اعلام نموده • موجب
استحکام مبانی مصادقت و موالات دانند • رب اختم بالخیر والعاقبة
الحسنی بمحمد وعترته وآله الاطهار •

سلطان مراد خان طرفندن شاهرخ میرزانك قاصدی عبد
الخالق بخشی کتوردیکی مکتوبه جواب در

برید فرید عزت پیام • و نوید سعید مسرت انجام • که از پیشگاه رفیع
شهنشاه عظمت دستگاه • و بارگاه منیع پادشاه جهانپناه • سلطان
جمشید تخت سکندر شکوه • و خاقان فریدون بخت سلاطین گروه
بیت انکه کوس شکوه کشند زایران و توران هند و سند • کوه و صحرا در
تزلزل افتد از سم سمند • و ربتابد و بقهر و ور سخن گوید بلطف • کام عدو
تلخ گردد و دوستان را شهد قند • ادام الله ایام شوکته • وافاض علی العالمین
بره واحسانه • الی یوم الدین • در مبارکترین ساعات • و فرخنده ترین اوقات
چون همای همایون بال • و طایر اوج اقبال شرف نزول یافت • و ریاض ایمن
مرز و بوم و سبزه زار ممالك روم • بقدوم سعادت رسومش • مشرف
و مکرم گشت شعر فقلت له اهلا و سهلا و مرحبا • بخیر کتاب جاء من خیر
مرسل • تفاخرت واستظهرت لا زال ظلکم • مدینا بتشریف لطف المتجمل •
فقبلته الفا وبالدعاء • وبالشکر القا للجناب المفضل • و بعد از گشایش
آن غطاء از منصهٔ عطا • دوشیزهٔ دیدم چون عذار ورقا بمشاطهٔ قلم
زرنگار نگارین • و بسرچشمهٔ رسیدم که چون آب حیات از ظلمات مداد
بمدد خضر مراد رسیده • فی هر حرفی ازان عندلیبی بود هزار دستان
در گلستان امید • و هر سطری نشانی مینمود از مقدم طاوس جنان
در بوستان نوید • محاوی منیفش مملو و مقتبس • از تنزیل رحمانی و مبانی
لطیفش مستحکم و مؤسس • مانند وحی آسمانی • نعقد مربوطش عقد ثریا
را پریشان ساختی • و ترکیب خطوطش بنات النعش را مجتمع الحال گردانیدی
شعر کلام بل مدام بل نظام • من المرجان بل حب الغمام • و چون مخبر بود

از اخبار سارهٔ سلامتی ذات عظمت سمات رافت ایات خاقانی ومشعر
از بهبودی حالات فایض البرکات رفیع الدرجات ایلخانی ایدهم الله تعالی
وابدهم موجب فزونی بهجت خاطر عاطر وسبب شکفتکی درون فیض ماثر
واقع شد ورسانندهٔ اش عمدة الخواص والمقربین میر عبد الخالق بخشی دام
عزه راکه چون لعل بدخشی صافی قلب وبی نظیرست قرین مجلس خاص عالی
ساخته ومانند درة التاج فرق فرقدان مقربان ذوی الابتهاج نشانده
شرایط تعظیمات ولوازم تکریمات بجای اورده وانچه در باب سوانح
غیبته ولوایح لاریبیه فتح بلاد انکروس ودفع قرال منحوس وحصول ۱۸۴
بشاشت خداوندی جهانپناهی لازال العالیا وشادمانی عموم اهل اسلام
وتفریح خاطر خواص وعوام تفصیل داده دران شبهه نیست زیرا که جهاد
واندفاع کفرهٔ فجرهٔ کثیر الفساد باانکه علی سبیل فرض الکفایه بر ذمت
جمیع امت حضرت خیر البریه علیه السلام والتحیه واجب ولازم است
همیشه انرا بر بقهٔ عالی همت خود فرض مو روثی کردانیده دقیقه دران
فروکذاشت ننموده ایم علی الخصوص درین ولا که از کثرت هجوم آن طوایف
لئام اولئك کالانعام ازدحام تام راه یافته بود وبدرجهٔ لزوم نفیر
عام رسیده بتوفیق الله تعالی دفع آن نیز بصمصام خونریز غزاة اروام
وسهام شرار انکیز کماة عظام میسر ومحصل کشت واتش جهانسوز فتنه
ایشان بسیل لشکر دریا شکوه وصرصر فساد آن ملاعین در دامن صف
مبارزان کوه بیکونا پدید شد وغبار ظلمت آثار آن کروه مکروه بطلیعهٔ
شعاع اعلام خورشید ارتفاع ظفر انجام از آیینهٔ کیتی زدوده وتوجیه
صورت نماست که هر آینه بی تکلف بتخترجای نازیدن وشکر نوازیدن
دارد شعر فحمد الله ثم حمد الله علی ما هدانا طریق النعم فشکر الله ثم شکر الله
علی ما کسانا رداء الکرم وهرچه بزبانی در باب انجاح بعض مهمات
واصلاح تمشیت حالات فرموده بودند بالعین والراس جهانبینا هاست
چون دائما بذل مجهود وفکر محمود ما مصروف بنظام کار مسعود غزاو جهاد است
دایم الاوقات بلکه دهر اوان وساعات تهدید تاکید شئون ازسلهٔ
سعادت مقرون نسبت برمایغان آن سبیل حق وقارعان طریق احق واولی
وانسب واحری واوجب مینماید زیرا انشراع قرامان در فهم ودرك این معنی
قصور تام دارند ولایزال در تلونات نفسانی وهواجس شیطانی فرورفته
سر از کریبان نکبت بیرون نمی آورند هرکاه که نهضت همایون ظفر مقرون
را دو سه منزل از دار النصر ادرنه حمیت عن الفساد والفتنه که مقر سلطنت

اینکه

این ممالک کثیر المکث است دور وعازم این امور شنوند علی الفور بنیاد
طغیان وبی ادبی کرده نوعی میکنند که مستلزم بازکشت وکوشمال ایشان
میکردد ودر حین مقابله ومقاتله تاب صولت مقدمة الجیوش ما ناورده
بنیاد تضرع وکریز می کنند وروباه وار از جنك شیران جنك بسوراخهای
کوهها وتنکنا فرورفته اطفال ونسوان را چون رمهٔ شغالان بر بینهاد
را اورده واز بیم جوع با اصول وفروع از روی امان خواهی بفریاد وفغان
در می آیند وبعد از ترحم وزنهار صغار وکبار ش چون سك دیوانه بانواع
قباحت وددمنکی رجوع بر طبیعت وخویشتن میکنند واز بد نهادی
باز نمیکردند بیت بی حیا از حق نه شرم وخلقشان چون بهایم خلقشان
وخلقشان بنابران سزاوار خشونت ومستحق عقوبت میشوند واکر
بنابر رعایت فرمان روائی اعلی حضرت خاقانی مدظله العالی از سر
کشتاجهای بسیار ایشان درکذشتیم واین احوال نظر بماجرای که آن قوم
معاند بفکر فاسد خود عرض نواب کامیاب علی داشته اند نیست بلکه
این مرهم ریش تازه ودفع جراحت بی اندازه از کمال ضروریات دینیه
وتمام مهمات اخرویه واقع کشت مع هذا اکر حضرت عالیپناهی فلك دستکاهی
این نوع کستاخی ایشان را بدین خاندان غزا آیین خیرخواه که مؤید بنص
والذین جاهدوا فی سبیل الله اند روا دارند واز سبب رعایت وجانبکیری
این فسقه وفجره امور جهاد را معطل داشتن مناسب میشمارند بفعل
۱۸۵ ماینا و بحکم ما برید والا مامولست که نوعی بان طایفهٔ جافیه توبیخ
فرمایند که من بعد از کنج خذلان وندامت بیرون نرفته سر باغوش
ادب آموزی در کشند وباشد که نصیحهٔ از کاس شربت نصایح ایلخانی
نوشند لا والله ممکن نیست نظم درختی که تلخست وبرا سرشت کرش در نشانی
بباغ بهشت ور از جوی خلدش بهنکام آب به بن انکبین ریزی وشیر ناب
سرانجام کوهر بار آورد همان میوهٔ تلخ بار آورد باقی تفصیل مخالصت
واتحاد ما بین واستحکام بنیان مصادقت ووداد جانبین را از انامل دوستان
مثار الیه معلوم فرمایند نظم تا جهان باد کلشن اقبال باد خندان
بفضل سبحانی دوستان شاد ودشمنان مقهور کام حاصل ز لطف
یزدانی این مفاوضه در اخر جمادی سنه دردار النصر ادرنه برقم امدوالامر اعلی

سلطان مرادخان حضورینه عثمانی قزه بولك طرفندن کلان نامه در

در حضرت اعلی سلطان اعظم پادشاه معظم مالك رقاب الامم تهمتن
روزکار شاه خصم شکار بیت انکه از ومیرسند لاف سلاطین دین

وانکه بدو مبکند فخر ملوك عجم؛ سلطان کامکار کردون وقار روفلك اقتدار؛
اعلی الله سلطانه؛ وافاض علی العالمین معدلته را؛ محب مخلص یجان مشتاق
وهواخواه بی نفاق؛ سلام وبندکی وعبودیات وافرات؛ ودعوات وافیات
زاکیات؛ از درون اخلوص وصفاء اختصاص بباد صبا مبلغ ومرسل
میکرداند اشتیاق واشواق نه در ان حدیست که قابل افهام وممکن اعلام
باشد؛ رایات تلاقی همایون که جمیع مرادها را شاملست بخیر وخوبی
وخرمی وبیغمی روزی باد فهو المراد من خالق العباد؛ بعد از وظایف دعوات
صالحات زاکیات؛ بر رأی جهانکشای عرضه میدارد که ایام مدید وشهور
بعید روی نمود که از هیچ کونه خبر صحیح انجناب سلطنت ماب مفاخر
نصاب معلوم ومفهوم نکشته است؛ پس از غایت محبت دلاویز مودت
انکیز؛ واجب ولازم چنان نمود که درین اوقات سعید وحالات حمید
حامل عبودیت اخص الخواص والاعیان طورخان اغا زید مجده را بدان
حضرت عالمپناه فرستاده؛ وخود را بیاد خاطر عاطر اشرف بی نظیر که جام
جهانمایست؛ آوردن ویاد داشتی فرمودن از نسیان دفاتر فراموشان
جایز نفرمایند؛ پیوسته ابواب مراسلات؛ ومکاتبات سوانح حالات؛
وچکونکی مهمات؛ واخبار صحت وعافیت ذات عدیم المثال؛ ونظام امور
واحوال؛ اعلام واستعلام بخشایند که تسلی دل وجان بحصول موصول
بوده افتخار واستبشار افزاید؛ بنابرین اکرچنانکه اخبارات این جانب
تعریف فرمایند بر سبیل منت؛ بحمد الله تعالی؛ وبهمم عالیه دوستان
وخلوص ارادت عنوان؛ وعنایت انجناب جنت ماب؛ کلی مرام ومهام ومقاصد
امور دولت؛ وبپرایه استان قدرت چنانکه دلخواه وارادت دوستانست؛
میسر ومسخر کشته؛ یوماً فیوماً در ترقی وتزاید بود؛ ودیکر از ولدان
قره یوسف یکباره شکستی روی نموده؛ مشوش خاطر کشته شد؛ اما برای
انتقام ان متغلبه بهمم عنایت باز داشته وهم بفضل الله تعالی تحصن
کرده؛ در اول ماه رجب در حضرت خاقانی اعظمی؛ بادشاه شرق وغرب
امیرزه شاهرخ؛ بانواع حرمت وکوناکون عزت وسیورغالی وتیغ
وکمر مرصع وسیم وزر بیحد وبسیار داد؛ ودیکو در انتقام عدوات
جد وجهد بی شمار کرده درین وقت والساعة؛ در اول ماه شعبان
با بادشاه شاهرخ یورش همایون ارزانی فرموده؛ بر سر ولدان قره یوسف ٨٦
کرده؛ وقتی که محاربه ومقاتله بهمه جانب کردا کرد کرفته شد؛
دشمنان هرکز مجال نیافته؛ فی الحال بفضل عنایت الهی؛ وبمعجزات مصطفوی

شکسته وتار ومار کردانیدم؛ وولدان قره یوسف را کرفته ومقید کردانیدم
شد؛ وجمیع متعلقات ایشان بتاراج وغارت آورده؛ تمامی انتقام وکینه
کشیدن حاصل شدم؛ وجمیع مواضع وبلدان وقلاع وهرچه دارد از بلادان
ستدم؛ تا سرحد آذربایجان وتبریز وبغداد وارزنجان وغیرها؛ هرچه که
دارد؛ بالکلیه تا در سنور سیواس باین محب معلوم وتسلیم کرده؛ وبحد
عنایت وشفقت؛ وبی نهایت الطاف وعاطفت میشود که بهیچ کونه
شرح ووصف نتوان داد؛ من بعد واجب ولازم آمد؛ بر دوستان ومحبان
ازین اخبارات واقعی ومحقق صحیح؛ بعز عرض رسانیدن؛ وتعریف کردن
تا دوستان شاد ودشمنان مقهور وسرنکون کردد؛ ان شاء الله تعالی
وچون بوافق قضایا واخبارات این جانب را دانند دعا شاهدم کرده؛
تحمیل وتکمیل براوست؛ که در وقت حصول وصول بوسیدن تراب حضرت
عالی سلطانی بعز عرض نواب بادشاهی عرضه دارد؛ ودر اصغا واذعان نمود
اعتماد کلی کرده عنایت بادشاهی در هر باب درین محب دریغ نداشته
امیدوار است که همیشه منظور دید احسان دارند؛ زیاده تطویل نرفت
که خیام دولت بادشاهی؛ باوتاد عنایت الهی قایم واستوار باد؛

الجواب

ضراعت نامه که از جانب جناب امارت ماب؛ دولت نصاب عزت قباب
نجم کدین عثمان بیك ادام الله عزه وقدره مصحوب عمدة الاعیان؛
طورخان اغا شرف وصول یافت؛ وبر مضمون آن من اوله الی آخره
اطلاع همایون واقع شد؛ انچه درباب فتوحات بادشاه عظیم کشور
شاهرخ بهادر خان؛ خلد الله خلافته نوشته بودند؛ معلوم کشت
وموجب ابتهاج وشادمانی شد؛ چون بتوفیق ربانی منظور نظر کیمیا
اثر خاقانی کشته اند؛ باید که چنانچه لایق امور دین ودولت جانبین
است؛ بروجه مرغوب بجای آورند؛ وسلوك خوب بکماشتکان طرفین
نمایند؛ تا موجب ازدیاد محبت شود؛ ومارا همیشه بدعاء خیر یاد نمودن
در اکثر اوقات مشغول بجهاد اکرد انسته؛ اکر تاخیری در مراسلات
واقع شود از بسیاری اشتغال آن امر خطیر ملحوظ دارند؛ والتوفیق
من الله تعالی؛ باقی احوال را از شما رالیه قاصد معتمد علیه خود تحقیق کنند والسلام

سلطان مرادخان درکاهنه ابراهیم بك قرامانیدن کلان نامه در

بندکی سلطنت شعار معدلت آثار؛ شهریار معظم کامکار؛ ومالك
رقاب الامم؛ مغیث الانام؛ نصیر الاسلام؛ باوسط الامن والامان قامع

الضلالة والطغیان • وقاتل الکفرة والمشرکین • المؤید من عند الله رب العالمین •
برادرم کامران • مدّ الله تعالی ظلاله وحقق فی الدارین آماله • سلام موفور
وتحیت غیر محصور • انها واهدا کردانیدم • اشتیاق وآرزومندی بحدی دارد
حدت که بتحریر بنان بیان آید • بر آن خوض نمیرود • توفیق ملاقات
بر وجه احسن میسّر باد • بعده معروض میرود که بیشتر ازین باستماع
رسیده بود که لشکر بی اصفر لعین • خذلهم الله الی یوم الدین • بر اهل اسلام
قصد کرده • اینجانب سلطنت مآب • از روی غیرت وحمیت شامله عساکر
منصورهٔ اسلامیه را • نصرهم الله تعالی مجتمع ساخته • با توکل باری
عزّ وجلّ که برخوای • ومن یتوکل علی الله فهو حسبه • انّ الله بالغ امره • بهر جانب
که عزیمت ونهضت فرموده اند نصر من الله وفتح قریب • همعنانی کرده •
بر اعدای دین مؤید ومنصور گشته اند • وازدل وجان با جمیع مسلمانان
برین بشارت حمد وسپاس وشکر بی قیاس بحضرت ربوبیت ادا نموده •
که بارقهٔ لمعان تیغ شرر فشان اهل ایمان • ظلمات کفر وشرک را زایل
وباطل ساخته • ابتهاج ومسرت افزوده آمد • وآیت فقطع دابر القوم الذین
ظلموا والحمد لله رب العالمین • خوانده شد • للحالة هذه خلف الامراء والاکابر
مستجمع المعالی والمفاخر • محمد بیك زید قدره را • بدان صوب عالی فرستاده
رفت • که شرایط تهنیت غزو وجهاد را بجای آورده • ودر وقت رجعت باخبار
صحت ذات شریف وعنصر لطیف ازان جانب را مسرور ومبتهج سازد • ان شاء الله تعالی
بواقی اخبار بمشار الیه محولست • که عند الوصول بکمال عاطفت وعین ملاطفت
منظور داشته اصغا روند • زیاده اطناب اختیار نکشت • تا جهان بکام جهانبانان باد • خلّد الله

الجواب

مکتوب مرغوب مصادقت اسلوب • که از صوب صواب نمای جناب دولت
مآب • سعادت نصاب عزت قباب • کامبین وکامیاب • مبعوث شده بود
از دست رساننده اش عمدة الاعیان محمد بیك زید مجده • در ایمن اوقات
واسعد ساعات • شرف وصول یافت • ازینجانب نیز باضعاف آن تحیات
وتسلیمات اتحاف واهدا داشته • همواره آرزومندی شناسند • بنیل ملاقات
بر وجه احسن مقدر باد • بعده اشارتی که در باب بشاشت فتوحات غیبیه
وحسنات لا ریبیه که بحمد الله تعالی وبیمن همتکم الشریفه • درین غزای
غزا نسبت باین هواخواه روی نموده • اظهار کرده بودند • محظوظ گشتیم
ودر تعداد شکر فزودیم • سبحانك لا احصی ثناء علیك انت کما اثنیت
علی نفسك • عز شانك وکمل احسانك • را ورد اوقات همایون ساختیم •

امیدکه بموجب فرموده • الشکر یزید النعم • وتأثیر دعاهای عالی همم همیشه
المؤید بنصرت انجام سلاطین اسلام را بر سبیل جهاد گشاده • وبسوق فرصت
ارتسام بمجاهدین انام را بر افراق کفار بدنهاد • بخونریزی آماده دارد • وممالک
اهل دین را با انضمام فتح بلاد مشرکین • مضاعف کند • ودیار کفار خاکسار
را روز بروز بمبارزات موحدین مسخر ومستخلص گرداند • که مقصود ازین سعی
مشکور بتوفیق فعال مطلق بر مستبادی این امت عالی نهمت اعلاء کلمه حق
است لا غیر • باشد که از خلوص طویت وحسن عقیدت با جمیع مجاهدات
ماضی وحال الخلوت اجر جزیل را استقبال نموده • از شربت ثواب جمیل سیراب
گردیم بمنه ویمنه نظم غرض از جهانگیری وعدل وداد • ز صلح وز جنگ وفتوح
وجهاد • حصول ثواب است واعلاء حق فنعم المرام ونعم المراد • وکرام ضعف الاول

سلطان مرادخانه ابراهیم پاشا قرامانیدن جوابدر مکتوب سابقه

طایر مشکین بال فرخنده فال • از حضرت جنت حضرت خداوندگار معظم
مالك رقاب الامم • مولی ملوك العرب والعجم • مستعبد اصحاب السیف والقلم
مستخدم ارباب العلم والعلم • مستجمع جمیع فنون المعالی والمکارم • مغیث الملهوفین
معین الاسلام والمسلمین • شهنشاه بالاستحقاق • المخصوص والمحفوظ بعنایة الملك
الخلاق • برادر اعظم کامران • اعز الله انصاره وضاعف قدره • وعمر امصاره
در احسن اوقات وایمن ساعات • از ارسال مفخر قدوة النقباء • حاجی دام سموه
رسید • مشحون ببشارت وشادمانی ومقرون بانهاء کامرانی • مباهات
افزود • در مقابلهٔ آن الوف تحیات • وصنوف دعوات نامتناهی • که همعنان
نسیم سحرگاهی تواند بود • رهین مزیت داشته • ومژدهٔ مهم ومبارك محمود
الابتداء مسعود الانتهاء • همانا بسمع این محب دولتخواه رسید • دعاء دولت
انتظام مصالح خیر انجام متزاید ومتضاعف گشت • وچون در احسن
ازمان برین منوال صورت پذیرفت • واجب بود که بید دریغ که مطاوعت
ومخالصت درمیان جان بسته • در تکاپوی این شغل خیر انجام ساعی
باشند • اما عوایق بضمیر منیر مخفی نیست همگی رجا بفضل یزدانی انکه مهام
انام حسب المرام • یوما فیوما از ان خاندان خالی نباشد • درین وقت
مفخر الاخوان قدوة الاقران خلف الاکارم سیدی احمد بیك را دامت سلامته
از اقربای محب دولتخواه نایب مناب خود ساخته • باستان معدلت
روانه نمود • شاید که عذر اینجانب را تواند خواست • باقی حالات را بالمشافهه
مشار الیه تقریر خواهد نمود • زیاده چه اطناب رود • اطناب سرادقات
شهریاری • باوتاد خلود مستحکم ومشدد باد •

الجواب

بنغمهٔ باغ مرام سرشته بعنبر خام • وریاحین سنبل قام اغشته بمشك ختام • که از جانب سعادت مآب • دولت نصاب رفعت قباب کمال الدولة والدنیا والدین کامبخش وکامبین • منبعث کشته بود • در اسعد اوقات واین ازمان • بابرید صبا از کلشن سبا بر نشیمن عز واقبال در رسید • از مقدم شریفش مجالس انس وجان • تا محافل قدسیان • معطر ومعنبر کشت • ودماغ ومشام مخلصان از بوی عود افروزی مجمرهٔ سوزی خوشبوی ومنجر کردانید • وبتفصیل مهم خیر ومبارك • بفضل الله تعالی وتبارك • فخر الدین محمود بیك روانه کشت • از مشار الیه استکشاف فرمایند • والخیر ما اختاره الله تعالی وکرم کما سبق • وبحصول مرادات موفق •

سلطان مراد خان علی بیك ابن عثمان قره بولکدن نامه در

ظل ظلیل چتر آسمان سای عرش فرسای عقاب • سیمای همای آسای خدایگان عالم • سلطان سلاطین العرب والعجم • خدیو ممالك ایران وتوران • فرمان فرمای اقالیم جهان • دارای قیصر خدم • فغفور جمشید حشم • عدو بند کشور کشای • جهانگیر اقالیم بخشای • تاجدار دیهیم خدای • زحل رخش خورشید لقای • بلند همت ونیا ردان وانرك سال جهانکشای وممالك ستان وگنجی دان • ناصر اولیاء الله قاهر اعداء الله • مرزبان الماء والطین • شحنة الالهی فی الارضین ظل الله ورحمته علی العالمین بیت شاه عالم کیر وکیتی بخش کردون اقتدار • افتاب دین ودولت سایهٔ پروردکار • حضرت پادشاهی جهانپناهی خداوندکاری خلد الله سلطانه • واوضح علی العالمین برهانه • تا انقراض زمان بر انس وجان • سایبان امن وامان وایزد تعالی بیضهٔ اسلام • وخطهٔ هفت اقلیم • به پرتو بیضای آفتاب جمال ورحمت وکمال سیاست وحجت اعلی حضرت که سایهٔ افریدکار • وپناه اهل روزکار است ابد الاباد آراسته وپیراسته داراد • بحق الحق وخیر الخلق • کمترین بندکان که سرمایهٔ هستی از چاکری ودولت پرستی انحضرت دارد • بعد از تقدیم لوامع دعای دولت روز افزون • که مدارس صلوات خمس سکان ربع مسکون شمرده • پیشانی خشوع • برخاك پاك حاشیهٔ بساط کردون بسطت نهاده • بلب ضراعت زمین عبودیت را زحمت تقبیل میدهد • نیاز واقعهٔ بندهٔ کمینه بملازمت مسند سیادت • ومواظبت عتبه جلالت • ورای احاطت تقریر وبیان • وبیرون از حوصلهٔ تحریر بنان • وبوسیدن تراب بارکاه اعلی که تمنای جمهور جهانبانست • بزودی مهیا باد • بمنه ولطفه ٨٩

وجوده

وجوده بعده بر رأی جهان آرای نواب نامدار • ووزراء کامکار معروض مینماید که • هر چند بندهٔ کمترین مشتاق را • فیما عبر من الایام • وعبرت الاعوام • بحقیقت عتبهٔ معلا وسدهٔ والا • اتفاق سابقه • وواسطهٔ رابطه ینفتاده است • ودر زمرهٔ خدم وحشم انحضرت شرف وصول وفرصت مثول نیافته • اما عالم الخفیات مطلع است • که بسبب استماع انواع اصطناع موفور • وصیت اصناف الطاف نامحصور انحضرت • بر موجب آنکه بیت دیده هر چند نبرده است از ان طلعت نور • کوش بشنید وشد عاشق نامت از دور • پیوسته تمنای آن داشته است • که طواف آن کعبهٔ اکرام را احرام بندد • وتقبیل آن عتبهٔ اقبال را اقدام نماید • ودر تقدیم شرایط خدمتکاری اکرچه محل آن ندارد که رخصت طلبد • باز بواسطه • عزم آن بساط • قدم انبساط کشیده میداشت • ومیکفت بیت ذره نرسد باوج خورشید • دربان نکجا وصدر جمشید • مع هذا مدتی اندیشهٔ این تمنا در دل • واین سودا در سر • واین هوس در نفس کامن وساکن بوده • سلسلهٔ شوق را تحریك میکردد • وخیال آن مطلوب روز وشب نصب العین کشته • بر رعایت دریافت حضور شرف بخش رغبت میداد • والحالة هذه ادراك التقاء من حیث الصورة • تعذری داشت طلب مواصلت بطریق مکاتبت که احد اللقائین نام نهاده اند متعین شد • تقدیم خطابی اکرچه بخطابی نباشد • جایز شمرده • وبعضی از صدق وصفای عقیدت که در ولای انحضرت دارد • بمحل عرض رسانید • اکر بتشریف قبول • فاذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها • مخصوص کردد • از اساعدت سعادت خواهد دانست • وچون بندهٔ کمترین صادق الاخلاص از هواداران ودولتخواهان چاکران انحضرت اعلاست • واجب ولازم نمود که خودرا بفریاد خاطر عاطر ملازمان انحضرت آوردن • تا هر چکونه اشارت عالی نفاذ کردد بیت کری بر میان جان بسته • جان کمر وار بر میان بسته • بتقدیم رسانیده آید • بجهت بندکی مفخر الرجال سند الاکابر افتخار الاقران • شرف الدین موسی را بعتبه بوسی همایون ارسال رفت • وعرض داشتی چند متحمل کشت • در وقت فرصت بمسامع نواب با عظمت وارکان دولت عرضه داشته • اصغای آن از محاسن التفات مقرون فرمودن را ارزانی دارند • که ایام سلطنت باسعادت منیع مقرون باد • وتمامی ملوك در قبضهٔ قدرت مطیع • بحق محمد واله وصحبه

الجواب

مفاوضهٔ دلگشای مخالصت بیان • ومراسلهٔ نزهت فزای صفا دفتر
نشان • که ازجانب جناب عمدة الامراء فی الزمان • وزبدة الاعاظم فی الدوران
جلال الدین علی بیك ابن عثمان بیك کامران سنعث شده بود • برسالت
فخر الاقران شرف الدین موسی • زید قدره • در اسعد ازمان واطیب اوان •
بعز حضور ساحت ما واصل گشت • واطلاع همایون برمضمون اتحاد منحوی
واقع • وهرچه درباب اخلاص ویگانگی اشعار کرده بودند • بدرجهٔ
قبول افتاد • وظیفه آنکه دایما احسان ما را درحق خود مضاعف • ازانکه
خاطرخواه دوستانست قصور ننموده • هرمقصودی که داشته باشند
اشارت کنند • تا ازمزید عنایت • محصل المرام نموده شود • ان شاء الله تعالی
وخلعت شایسته • با قاصد مشار الیه ارسال رفت • بصحت پوشیدن
ابواب صداقت مفتوح وبساتین یکجهتی مکشوف دارند • تا همیشه
سزاوار عنایات شاهانه گردند • زیاده احتیاج تفصیل نیست • ایام
کامرانی بعیش جاودانی مقرون باد • والسلام والاکرام •

سلطان مرادخان حضورینه حمزه بك ابن عثمان قره یولکدن نامه در

خلد الله ملکه وسلطانه • واوضح علی العالمین عدله واحسانه • بعد از تقبیل
خاك • وشرف زمین بوسی عتبهٔ سراپردهٔ سلطان اعظم • وخاقان معظم •
مالك رقاب الامم • مولی ملوك العرب والعجم • شهنشاه الترك والدیلم
بحر الکرم • ینبوع الالطاف والنعم • معدن المکارم والشیم • ملاذ الملوك
والسلاطین • ملجأ الضعفاء والمساکین • ناصر الاسلام والمسلمین • قاتل
الکفرة والمشرکین • ناصر اولیاء الله • کاسر اعداء الله • حافظ البلاد • حارس
العباد • المؤید من السماء • المظفر علی الاعداء • ظهیر الملة الباهرة • مجیر
الامة القاهرة • رافع مراسم العدل والانصاف • هادم قواعد الجور والا
جحاف • خسرو خورشید رکاب • سرور لشکر انجم حساب • نور حدقهٔ اهل
بینش • نور حدیقهٔ آفرینش • عنایة الحق علی الخلق • کان معدلت • بحر فراست •
قضا صولت • قدر قدرت • کیوان رفعت • ملك سیرت • باسط لطایف
الامن والامان • ناشر صحایف العدل والاحسان • مفزع وملاذ اهل ایمان •
سلطان جهان • المخصوص بعنایة الملك المنان • مغیث الدنیا والدین السلطان
ابن السلطان • سلطان مراد خان • مراد بخش عالمیان • خلد الله تعالی ملکه
وسلطانه وخلافته • واعلی فوق السماء مکانه ورایته • وهو کسلطان الذی
اعطاه الله تعالی من العقل اوفره • ومن الفهم اعزه • ومن الذهن الطفه
ومن الخلق ابهاه • ومن الفضل اکمله • ومن الثناء اجمله • ومن الهمم ابعدها •

ومن

ومن الشجاعة ابدعها ومن السیاسة احکمها • ومن السیرة اعدلها وانظفها
شعر لیس من الله بمستنکر • ان یجمع العالم فی واحد • آفتاب سعادت حضرتش
برخاص وعام تافته • وازانوار سلطنتش وضیع وشریف بهره یافته • واز
آثار مآثر مکارمش اسافل واعالی شناخته • پادشاهی با طهارت نسب •
وشرف حسب • خیرات فضایل موروثی ومکتسب که ازانوار آن صفحات روزگار
آراسته • وخاطر خطیر برنظام مناظم احوال جهانیان گماشته • وهمت
بر اهتمام مهمات خاص وعام مقصور داشته • لاجرم همه دلها بدوستی
دوام دولت قاهره • ابدها الله تعالی • صید کرده • وهمه جانها بمودت
رتبت وعظمت • قید کرده • درجمیع اقطار • آناء اللیل واطراف النهار • بدعاء
دوام دولت • ومزید عمر ورفعت • یکزبان گشته • علی الخصوص این محب باصدق •
وداعی بالاخلاص • که دهر عام ازفیض جود سحاب سایهٔ ظل الله •
غریق ومستغرق شده • وبوفور عنایات وشفقت پادشاهانه ملحوظ
گشته • درهرنفس بدوام دولت را • شید الله ارکانها • واعز جندها •
واعلی فی الخافقین شانها • اشتغال مینماید • بیمن اجابت لاحق وملحق
باد • اللهم استجب یا رب العالمین • بعد از بساط بوسی اعلام ذی ارکان
دولت • اعز الله انصارهم • که درفال فرخنده وطالع سعد • کالوحی
المنزل من السماء • ازدرگاه جهان پناه خلد الله تعالی ملکه • الامیر الکبیر
المؤید الخطیر • مفخر الاماجد والاعیان • علاء الدین بك دام علوه •
رسید • وانعامات شریفه • وتوقیع همایون • که سایهٔ سواد سطرش
سعادت ابدست • رسانید • واین کمینه بر پای خاسته بوسید •
وبر فرق نهاده مفتخر ومستظهر گشت • بمقابلهٔ این اضعاف والاف •
وخلوص مضمون همایونش تندرستی ذات پاك شریف شهنشاه اعظم
بود • مفهوم شده • ازاستماع این اخبار طیبه • صد هزار طرب وسرور
حاصل گشت • وسجدات شکر درتزاید وتضاعف شد • لله الحمد علی ذلك
ومشافهه را باملح لسان وافصح بیان • ایراد نمود • ومعزز ومکرم داشته
درمحل قبول افتاد • وحب خلوص صد چندان شد • معلوم فرمایند که
فیما بین حضرت سلطان خداوندگار واین کمینه • دولتخواهی وهواداریست
ودر وقت جوار اتحاد ویکجهتیست • درتضاعف وترقی شد • ازانکه
تقریر شود متضاعفست • بدوستی آن درگاه دوست • ودشمنی دشمن
درحضرت پادشاه جهان مطاع انقیاد نمودیم چنانچه ازخاطر
فیاض مقرر مردمی ایزد تعالی کردهایم که ناموس ومعاونت اسلام

مجانست. بنابرین معنی بمصاحبت مشار الیه فرزند اعظم اشجع اکرم
دو المکارم وکشیم امیر وامیرزاده نوبین نژاد جامع المحامد سرور سنیه
فرزند فخر الدنیا والدین دام سعده وحرس مجده که از عالم طفولیت
تربیت کرده. وبسعی بلیغ حاصل آورده. وجای فرزند کرفته. وخیر و شر
این کمینه دانسته. توقع که او اربعین مرحمت وشفقت ملحوظ کرداند
وهم خدمتکاری آن درکاه عالی بچه نوع. وجه طریق که می باید
بر مشار الیه اعلام فرمایند. که این محب نیز درادن سلك وسبیل رود
ودر قدم عبودیات قایم مقام باشد. وهم معلوم فرمایند که دایما
از طرف ظل الله فی الارض. والممالك فی الطول والعرض شاهرخ
بهادر خان خلد الله ملکه مکتوبات چنین آید که این کمینه دایما با ابرهیم
بیك قرمان بند ونصیحت دهیم که بمملکت روم تعرض نکند. وبدرستی
خدمت جها انطباع کند. بهیچ نوع نصیحت قبول نمیکند. این بار نیز یکی
از غلامان این محب که بطرف قرمان ارسال شد. که بخدمت پادشاه
اعظم خداوندکار ملازمت کند. تا ابواب مراسلات درمابین این
داعی ومذکور منقطع نمی کردد. وهم معلوم فرمایند که درین نزدیکی
از طرف قرمان قاصد امیرزه آمده. بمصاحبت مذکور که یکی از خواص
ابراهیم بیك قرمان اخی احمد نام ارسال کردند. وچند کلمهٔ نامعقول
وناموزون بطرف علیای مشار الیه در مطالعه نوشتند ورستادند
واین محب نیز مشار الیه فخر الدین را از انجا بدرکاه عالی خداوندکار
ارسال نمودیم که بعد از آمدنش از زمین بوسی آن درکاه عالی
خواهیم که بطرف علیا شاهرخ امیرزه بفرستمش که جمیع احوال ابرهیم
بیك قرمان علی الوضوح والبیان دران درکاه تقریر کردد. که حضرت
شاهرخ امیرزه ازین احوال واقف باشد. وهم افتراء ابراهیم بیك
قرمان واضح کردد توقع که بمذکور سپارش کنند که بچه طریق احوال
ابراهیم بیك قرمان را در حضرت شاهرخ خان بیان کنند. وهم یك
توقع دیکر دارد این کمینه از ان درکاه عالی خداوندکار خلد الله ملکه
که در وقت محاربهٔ کفار ملاعین این محب را نیز دران ثواب
داخل فرمایند. یا این داعی را بر سر قرمان حواله کنند که این را غزا
کردن مقاومهٔ کفار ملاعین است بدلیل این حدیث که من اعان
قوما فهو منهم. چه حاجت تصدیع آن بوافی برجوع کفته انست که
عند الحضور تقریر کند. از مکارم اخلاق اصغا فرمایند که المنکر ارد قائق

بادشاهی

بادشاهی باو ناد عنایت الهی باقی ومستحکم باد. برب العباد. استجب برحمتك
یا ارحم الراحمین. اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد. ودیکر معلوم انحضرت باشد که
بیمن همت عالمپناه سلطان اعظم خداوندکار قلعهٔ کرکر اشکر شام حصار
کرده بودند. وبجل اوردند. باکروه لشکر اعدا که خداوندکار خلد الله ملکه
که تعلق باین دارد. ارسال نمودیم رفتند. ولشکر شامیان بنا کردند.
واورا اسیر کردند. وقلعه را کرفتند. مژدهٔ دوستان خداوندکار باشد
وقلعهٔ مذکوره را بهر که بسپارند قلعه تعلق او دارد. بلا ریب ولا نفاق

الجواب

مشرفه جناب امارت مآب. ونکاشتهٔ خامهٔ کوهربار ملك نامدار
سرور سپهدار دیار. نور الدولة والدین. حمزه بیك کامکار زبدت
دولته. مشحون بفنون اخلاص ودولتخواهی کروضة زینتها الازهار
اوجنة تجری تحتها الانهار. در اعز اوقات واشرف ساعات ورود یافت
وچون از فحاوی آن شمایم ولا واتحاد استنشاق رفت. وبر سلامت
ذات عدیم المثال انواع مسرت بظهور پیوست. بالضعاف والاف آن
سلام ودعوات فراوان ابلاغ کردانیده. در شرح اشتیاق شروع وخوض
نماید. درین وقت خبر فتح بلدهای طیبه ارزنجان وصورت فتوح
فروغی که از تیغ غیب. بدان جناب روی نموده. از فحوای شریف ومضمون
لطیفش معلوم ومفهوم کشت. الحمد لله تعالی که بوسیله آن محبان شاد
شدند. هر آینه چون ایزد عز شانه خواهد که بندهٔ را صاحب عز وتمکین
وتاج وتخت وتکین کند. در مهمات ناصر ومعاون باشد. بیت
هر کرا بخت مساعد بود ودولت یار. ابد الدهر مظفر بود اندر همه کار
لله الحمد که من بعد. رعایا وساکن آن جوانب. در ظل عدل ورأفت
ایشان. بفراغ واطمینان. روزکار خواهند کذرانید چون دارندهٔ
رقعهٔ مودت. مفخر الاکابر والنواب. شمس الدین محمد اغا انکه رسوم
رسالت بود. بروجه اجمل مودی نمود. باز اجازت انصراف داده. بدان
صوب. روانه کردانیده شد. واخباری چند که بدو سپارش رفت عند الحضور
بالسرور بمحل انهار ساند. چون غرض عرض مودت بود. بدین مقدار اکتفا یافت

سلطان مراد خانه شاهرخ میرزادن عثمان قره بولك وقرامان اوغلی میانشن نامه در

الجناب السلطان الاعظم. اعتضاد الملوك بین الامم. القایم فی سبیل الله
بامر الغزو والجهاد. قامع الکفرة والفجرة قطب الدین امیر مراد. ابد الله دولته
وحشمته. صنوف تحیات طیبات مشحون بفنون وداد. والوف مدحات ذاکیات

مقرون بصروب اعتقاد واتحاد مبلغ ومرسل میکردد • ولواعج اشتیاق
ورغایب التهاب انواق اشواق اعلام رای ملك آرای میدارد که • پوشیده نیست
که مرحوم عثمان بهادر • تربیت یافتهٔ آن حضرت امیر بزرك است • وابن
خانوادهٔ مبارك در نسق سبق کشی چون مغفور له امیر شمس الدین قرایمانی
دقیقهٔ فوت نکرده • وحریك باولاد امجاد خود شان • همواره برجادهٔ
وفاداری ویکجهتی راسخ دم • وثابت قدم بوده • ودر سلوك مناهج
خدمتکاری جانسپاری نموده • ومارا بسبب رعایت حقوق نعمت او
دربارهٔ اولاد واحفاد او عنایت والتفات بسیارست • وللحالة هذه ایشان
نیز از جادهٔ اطاعت وخدمتکاری تجاوز ننموده اند • واعتصام بحبل
المتین دولت ما • دارند • مقصود اصلی آنکه از جانب مصر با ایشان در مقام
انتقام اند • واز بغداد نیز بقصد ایشان کمر بسته اند • اکر منازعان ایشان
بخرابی ولایت ایشان هجوم نمایند • یا لشکر فرستند • آن عزیز بدفع ومنع
آن طایفه نظر بر ملاحظهٔ جانب ما اقدام واهتمام نمایند • هرآینه از جانب
ما • در امداد آن عزیز بهرچه رجوع کنند • دقایق امداد واسعاد مهمات
نخواهد ماند • چون عن قریب عزیمت همایون • بجانب اذربایجان وعراق
عرب ودیار بکر وسایر اماکن وامصار آن جوانب • در خاطر انور است
ورسل ورسائل • از جانبین متردد خواهد بود • درین ولا • باخبار کلیات
حالات ازدحام نرفت • در اوایل محرم الحرام سنه احدی واربعین
وثمانمائه تحریر یافت • بدین مهم خواجه بایزید فرستاده شد • اخبار
کفار را ترصد می رود • والحمد لله علی الائه الوافرة • ونعمائه المتواترة
المتکاثرة • والدعاء ضعف الاولی •

جواب نامهٔ مشعر بفتح قلعهٔ سمندره ١٩٧

اتانی کتاب من کریم ابن ماجد • یحاکی عقد الدر وسط القلاید • خطاب
سدید جزل نامی • وکتاب مجید محل کرامی • که از درکاه رفیع سامی وبارکاه
منیع نخامی • اعدل السلاطین علی الاطلاق • واکمل الخواقین فی الافاق
الذی بسط بساط الامن فی بسیط الغبراء • بکمال الرحمة والاشفاق • ورفع
لواء الشریعة الشریفة الی ما تنتهی الیه السبع الطباق • وخفض منار التعدی
والعدوان • واستاصل عروق الکفر والنفاق • وحمی الارضین واهالیها
ومحاطلة الظلم عن العالمین • ومعترفیها بشیء من الباس والاعراق ممتد
فی ذلك کله لکلمة ان الله یامر بالعدل والاحسان • ومحتسبا لدرجات
یوم التلاق • وهو السلطان العالم العادل العاقل الصندید الفاخر

والزاخر

والزاخر الکامل • المکمل الملك الظاهر الظافر الباذل راجیا • والسلطان الکریم
فی استبصار الامور النافعة فی العاجل والآجل **شعر** غدا علما فی العلم والجود
والعلی • وفاق البرایا بالسخا وبالکرم • فما وجدت ذوی القران قرینه •
وملکان فی ماضی القرون من الامم • محیی مراسم العدل والانصاف هادم مرابط
الجور والاعتساف • مرجع صنادید العالمین • وملاذ جماجم الاقیال والعرانین •
وموئل رؤس الجبابرة والاساطین • وکهف اعاظم الولاة والسلاطین • غیاث الحق
والدنیا والدین • نصر الاسلام فیا حبذا الناصر ویا نعم المعین **بیت** سر تاجداران
پناه بلوک • شه خاوران شاهرخ کامران • اللهم ابد علیه تاییدك کما جعلته
من مؤیدی دینك • واعصم الی الابد سلطانه کما عصمت فی الازل بره واحسانه
اسبغ علی العالمین ظله • کما اسلت علیهم وبله وطله • در اشرف وقتی از شریف
اوقات • واسعد ساعتی از لطایف ساعات **شعر** کروضة عیونها جاریة •
وجنة قطوفها دانیة • والذ من الماء الزلال علی الظماء • واحلی من اجابة
دعاء المضطر اذا دعا • بدین دولتخواه صادق النیة ومخلص بی اشتباه
صافی الطویة که اولا واحرا ظاهر ش بشعار مودت • ودیار محبت ان شاء
کامکار • بیاراسته • وباطنش را بخیر زیور اخلاص وجوهر اختصاص
آن تاج بخش خصم شکار • محلی نکردانیده است • رسید • مبنی بر صدف
عنایت پادشاهانه • ومنبئ از فرط رعایت وکهتر نوازی خسروانه • بیراسته هر
باصناف الطاف جم جاهی • ومشحون بانواع اصطناع کیتی پناهی **ع** وما مثله
من مثله ببدیع • مورد شریف را بتعظیم واجلال • وتکریم واقبال که لایق مثل آن
شریف مثال باشد • استقبال نمودیم • وشکر انعام وافضال کریم شهانه
که بحقیقت مؤتی امثال این نعمت عظمی • ومفیض اضراب این منحت کبری است
بقدر طاقت بشریه بجای آوردیم **شعر** فقبلته حتی ظننت کانه • کتاب
وقد اوتیته بیدی الیمنی • ودر وظایف ولاجوئی واخلاص • ومراسم دعا
کوئی واختصاص افزودیم • واز سرور فور نیاز واشتیاق • قوافل اجناس
خدمات • ورواحل اقسام تحیات • که هر یکی از آن فردا فردا خبر از صفای
اعتقاد • وحاکی از صدق وداد واتحاد باشد • بدرکاه عالمپناه لا زال
محفوفا بالیمن والاقبال • روانه میکرداند • وپیوسته تایید تایید
ربانی • ودوام نظام سلطنت وشادمانی • وبقای انتظام مملکت وکامرانی
که از مطاوی کتاب مکرمت • مستفهم شد • الی الابد از حضرت واهب جلت
علت کلمته • مسالت مینماید • رجاء واثق که چون از دعوت اغراض
منزهست • باجابت مقرون شود • فانه بما یشاء قدیر • وباجابة دعاء المخلصین

جدیر • بعد از وظیفهٔ ما یجب علی المحبین من المحامد والثناء والمخلصین من ذکر
المناقب وکریم الدعاء • انهاء رأی انور نواب درگاه عالی میگرداند که •
انچه اشارت فرموده بودند • درباره حمایت ورعایت اولاد مرحوم قره عثمان
بیک • چون حکام فرمان • هر آینه چو آیینه روشن ومبرهنست • در آن حین
که حضرت امیر بزرگوار • انار الله برهانه • مرزبوم ممالک روم • مخیم سرادقات
عز واقبال فرمودند • امیر محمد قرمانی را از حبس خلاص داده • مملکتی که بیشتر
در تصرف او بود • باو ارزانی داشت • وبعد از و فرزندش امیر ابراهیم • با آن
حضرت طریق خدمتکاری بجای آورده • متصرفند • وعن قریب بمسامع علیه
خلاف واقع رسانیدند • که بعضی این هواخواه مختص • که دایما نسبت باین
آستان آسمان قدر • در مقام اخلاص وکمر انقیاد • در میان جان مستحکم
دارد • بعضی از آن قلاع وبقاع ولایت معهوده را از و بتغلب شرع بانیم •
وبناحق تصرف کرده • اولا این معنی بعد از آنست که مسموع خداوندی
شد • زیرا موضعی که از ابراهیم بیک گرفته ایم • خارج حدود ملک قرامان
وپدرش بیشتر از حبس • این بقاع را متصرف نبود • بلکه در تصرف عثمانیه
ومدتی بیش از آن مقبوض گشته • بلی بواسطهٔ بعضی حوادث وفتنی
در میان بنی عثمان • خصوصا بعد از وقعهٔ عظیم کشان • تعطیلی واقع شد
واطراف واکناف مملکت روی در تزلزل نهاد • قرامانیان مسلطا متصرف
گشتند • وچنانچه دأب ومجرای ایشان باشد • از ابتنا سنت ظلم بالکلیه
ویران ساختند • بحیثیتی که از آن ولایت خرابی ورسمی نماند • بالضروره
خالصا لله وطلبا لمرضاته تعالی آن مسکن مساکین را از غرقاب طغیان
وعدوان خلاصی دادیم • وثانیا زبدهٔ قضیه وخلاصهٔ واقعه آنکه •
همانا بر ضمیر منیر وخاطر خطیر حق پذیر حضرت جهانپناهی که بحقیقت جام گیتی
نماست • که چون حضرت امیر کبیر بزرگوار • انار الله برهانه • در مملکت روم
درآمد • وجد این دولتخواه امیر مجاهد ابا یزید خداوندکار را طاب ثراه
بسبب خصوصیتی ادنی که نسبت با مغفرت پناه مشار الیه کرده بود • بمقتضای
ان الملوک اذا دخلوا قریة افسدوها • الی آخر الایة • اظهار جلادتی نموده
باز بمقر عز خود معاودت فرمودند • وبعد از آن حادثهٔ شنیعه وواقعهٔ
فظیعه • از اتفاقات سیئه آن بود که • برادران باقی ماند • بواسطهٔ نزغ
شیطانی کما نزغ بین یوسف واخوته علیهم السلام مع قلة بضاعتهم ونزر
خداج من عدتهم • دست تعدی بر یکدیگر کشیدند • واز نهی ولا تنازعوا
فتفشلوا وتذهب ریحکم • نیندیشیدند • ودر مخاصمت ومکاوحت با یکدیگر

مبالغه کردند • تا بسبب محاربه ومشاجرهٔ ایشان نیز اعدا وخصماء بنی عثمان
که اکثر ایشان از زمرهٔ کفره وشرذمهٔ قلیل از ظلمهٔ بغی بودند • بنیاد
سرکشی نمودند • واطراف واکناف ممالک عثمانیه را مثل ایادی سبا متفرق
ومتجزی ساختند • تا حدی که قریب صد پاره بلده وقصبه والوف من القری
والاحشام را • والعیاذ بالله تعالی دار الکفر ساختند • واز حد وعد خارج
مساجد جماعت ومنابر خطب را • معبد رهبان ومسجد اصنام وصلبان
گردانیدند • وفسادات اخر لا یعد ولا یحصی من نهب اموال المسلمین وسبی
ذراریهم وهتک ستور ذوات الخدور وغیرها • نعوذ بالله من الحور بعد الکور
این نحوست برین نهج یوما فیوما متزاید می شد • ولحظة فلحظة تلاطم
امواج این فتن • برین منوال متصاعد میگشت تا که بسرحد • اذا تم امر دنا نقصه
رسید • واز سراپردهٔ غیبی آوازهٔ • ان مع العسر یسرا • برکشید • وتباشیر صبح
سعادت این طایفه از افق اسلام سر برزد • ونسیم صباء عنایت سبقت
رحمتی • وزیدن گرفت • وچون پدر عالی تبار دم سلطان محمد خداوندکار
نور الله مضجعه • ظلمات این کدورتها را بصیقل شمشیر آبدار • از زنگ دیار
بزدود • بعد از آن حضرت این مخلص سعادتخواه نیز بمقتضای وجاهدوا فی سبیل الله
دقیقه از امر غزا فوت نکرده • آناً فاناً وساعة فساعة تاخیر وتراخی در آن
جایز نمی دارند • وبعد از تخریب نواحی کثیره از بلاد شاقهٔ کفره وفتح قلعهٔ
سمندره که متانتش • مشهور آفاق • وبخوبی چون طاق کسری طاقست •
بدست تغلب از انجاس مشرکین وارجاس ملاعین گرفته وضبط نموده •
حالا در پی تسخیر قلعهٔ سلونیک است که ان در لطافت قرین قسطنطنیه
واقع شده • وبعد از کشادن جد مغفور له ولاجوی سلطان ابا یزید یلدرم
خداوندکار مشار الیه • در فترت امیر بزرگوار • از جملهٔ ممالکی که مشرکین باز
گرفته اند یکی آنست • روز وشب بتوفیق الله ساعیست وحرکاه که عزم
جزم برین گونه امور معظمه مصمم نموده شود • فسخ فرمان در رحال
بنیاد طغیان کرده • با طراف وجوانب ولایت اناطولی • دست تطاول
میگشایند • وسبب رجعت ما • وتوقف مصالح جهاد اکبر میشوند • وکذلک
اولاد قره عثمان بیک • بر حسب الامر همایون با ایشان متفق گشته • از معاونت
آن ظلمه فسقه خالی نمیشوند • ودر نفس الامر کماشتکان درگاه فلک جاه
الخانیه • اگرا چنین گروه مکروه را که فی الحقیقه موانع طرق حق ومجاهدت
راعدو مطلقند • در کنف حمایت مرعی میدارند • وحمایت مانعان مهام
دین ودولت را جایز میشمارند • وصدور وعظام وعلمای انام توران ای

ذوی الاحتشام • بعد از تحقیق مقام امتناع ماراه رواء می دارند • جزاهم الله
بالخیر ولا یُسئل عنا یوم الجزاء • والا باز هرچه که حکم شریف نافذ شود اه
بالعین والرأس ماموریم • والامر اعلی • لا یزال خیام دولت باوتاد سعادت
مشید و مستحکم باد •

سلطان مراد خان جانبندن عزیز مصره سلانیك فتح نامه سیدر

الحمد لله الذی اعلی اعلام الدین • باعلاء کلمة الحق المبین • ورفع لواء اهل
الایمان • بلمعان بارق سیوفهم علی ظلمات الکفرة المشرکین • وفتح علینا ابواب
النصر والظفر • بکسر احزاب الشیاطین • وتخریب بلاد الکفار والملاعین •
نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین • وبسرور هذه البشری ازال الاحزان
عن قلوب عباده المخلصین • بعد ان یبلوهم بنقص من الاولاد بقوله تعالی
وبشر الصابرین الایة • والصلوة علی خاتم النبیین محمد المصطفی الامین •
وعلی اله واصحابه الذین اتبعوا شرایع الدین • وسلکوا مناهج الیقین •
ادام الله تعالی بقاء عز المقر المنیف الاشرفی الاجلی الکبیری العالمی العاملی
العادلی النصیری الظهیری الغوثی الغیاثی القوامی الهمامی المغنی المفضلی
المجاهدی المرابطی الشیدی الممهدی الامجدی الاوحدی الاکملی اعنی حضرة
من خصه القادر • بالعدل الوافر والبذل الباهر • والعون الظاهر •
والغوث الزاهر • والشوکة العالیة الغالبة • والصولة القاهرة السالبة •
قاموس بحر الکرم • ناشر الویة الالطاف علی الامم • محیط دایرة الجلال • محدد
جهات الافضال • رافع رایات الدین برأیه الی ذروة الکمال • خافض اعداء الله
تعالی الی حضیض القهر والاذلال • ناصر شریعة رب العالمین • سلطان الاسلام
والمسلمین • لا زالت قواعد الاسلام مشیدة بمکانه وارکان الدین ممهدة بدوام
ایامه وزمانه • وکلمة الله العلیا معمورة بمحاسنه واحسانه • ولا برحت
موارد نعمه وسوابغ کرمه عمن ینتمی الی ولائه فایضة علی اولیائه • وهمم
کافة المؤمنین مصروفة الی الابتهال لمزید بقائه • ما لمع لامع الآل • وخطر
معنی ببال • بمحمد سید الرسل ومرشد السبل • واله وصحبه نجوم الهدی
ورجوم العدی • فالمحب المباهی باخلوص المصافات والصفاء والمتناهی
باختصاص الموالات والوفاء • بعد تقدیم التحیات الوافیات الصافیات
والتحیات السامیات النامیات • المعنبرة بنسیم عنبر الوداد • والمعطرة
بشمیم عبهر الاتحاد • واداء کرایم محامد الکریم • کنفحات روایح فوایح النسیم
فروح وریحان وجنة نعیم شعر سلام قد حکی قطر الغمام • وبشبه
فی الصفا صفو المدام • یعزی فاقد طر الجنان • یهنی اجره دار السلام •

یبدی لعلمه الکریم • لا زال محیطا بما یسر • ان هذه الکتابة صدرت الی الجناب
الاعلی اعلاه الله ابدا وسرمدا • مشتملة علی معنیین • احدهما التبشیر بنصرة رایات
الاسلام ببرکة الایات العظام • وبفتح الممالك الکثیرة من صعاب القلاع وایجاد
البقاع • بفیض عنایة الرب الکریم • وتایید هدایة الصمد العلیم • وما النصر الا
من عند الله العزیز الحکیم بیت بشری لنا معشر الاسلام ان لنا من العنایة
رکنا غیر منهدم • وثانیهما اقامة شرایط التعزیة لغروب مشرق السلطنة
فی مغرب الزوال • وتواری بدر نظام المملکة تحت برقع سحاب الاجال •
یعنی وفات ذلك الغصن الرطب فی دوحة السلطنة • والورد الطری الطیب
من حدیقة المملکة • المرحوم المغفور له السعید الشهید الدارج الی رحمة الله تعالی
قلادة ابناء السلاطین • فلذة کبد امیر المؤمنین • روح الله روحه • واعلی
فی غرف الجنان فتوحه • یعلم الله ان المحب المخلص لما سمع بناء هذه الحادثة •
ونزول هذه النازلة • عرض علیه حالة فهیئة یوم النشور • وصدمة کزلزلة
یوم ینفخ فی الصور • ومقاسات الاحزان والالتهاب • فی الضجرة والبکاء والاکتئاب
بحیث لا ینتهی بتقریر البیان • ولا یحتوی بتحریر البنان • واستولی نداء یا اسفا
علی یوسف فی اسماع واذان • اداء لمراسم المودة ولوازم المحبة • اما ادوار الفلك
الدوار فعلی اسلوب هذا القرار • وکلما طلع نجم من مطلع الاقبال • صار محجوبا
بغمام الادبار شعر حکم المنیة فی البریة جار • ما هذه الدنیا بدار قرار • وکلما
اقبل بتولی صباء الصفاء ادبر وکدر دبور الجور والعنا شعر وانعمتما انحکت
من یومها • ابکت غدا بعدا لها من دار • وکل من تجرع جرعة من شرب الفرح
لا بد ان یشرب من کاس باس مسمومة بسموم الترح ع وای نعیم لا یکدره الدهر
فلما کان مجاری الامور طریان الهموم بعد السرور • وجریان الاحوال موافق
التقدیر • لا مطابق التدبیر • والدنیا دار الفنا • وجمیع ما فیها رهاین للفنا •
قال الله تعالی کل شیء هالك الا وجهه له الحکم والیه ترجعون • لا بد فی کل الاحوال
من الرضاء بقضاء ذی الجلال • وتفویض الامر الی الحکیم من لا یزال • والمرجو
من کمال اسلام المقر الکریم • ابقاه الله العلی العظیم • فی هذه المصیبة العظمی
والرزیة الکبری • ان یتمسك بالعروة الوثقی • والطریقة المثلی • وان یتحلی
بالصبر الجمیل • لیحرز الثواب الجزیل • علی مقتضی الوعد وقوله تعالی انما یوفی
الصابرون اجرهم بغیر حساب • وقوله تعالی وبشر الصابرین الذین اذا اصابتهم
مصیبة قالوا انا لله وانا الیه راجعون • وان یبدل احزان هذه المصیبة بمسرة
خبر ظفر المسلمین • وغلبة المجاهدین علی اعداء الدین • واحزاب الشیاطین
لعنة الله علیهم اجمعین • ولا سیما بفتح قلعة سلانیك التی هی احصن القلاع

الافرنجية • واصعب الديار الحربية • هي والقسطنطينية توأمان في كونهما منبع
الكفر والضلال • في ايدي الكفرة والفجرة • ومظهري العدوان • والغواية
في تصرف مشركي الفسقة • بل هي اشدت القسطنطينية في اضرار اهل الاسلام
بالفتنة والفساد • فعزمنا ها وحاصرناها بخلوص الطوية والاعتقاد فما
صدناها مشيدة البروج والبنيان مرصصة الجدران والاركان • وقللها
باوج السماء محاذية • ومرهفاتنا من رؤوس اهاليها دانية • فدعونا اهلها
الى الاسلام والجزية • فابوا عنهما ولم ينفعهم تكرار الدعوة • فحصنا عقايدنا
بجرد اعلاء كلمة الله العليا • بقطع النظر عن اغراض الاموال وزخارف الدنيا
ففي غدوة اليوم الخامس من شهر رجب سنه اثنتين وثلثين وثمانمائة
بالتكبير والتهليل نزعنا بالحرب • فلما نصبت الرايات الاسلامية المنصورة
المنسوبة الى آيات الفتح والظفر على الكفار • وجاء نداء نصر من الله وفتح
قريب • باليمن واليسار • واثر جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا
من الفوق • ففتحت بالصولة الاولى قبل الضحوة الكبرى من ذلك اليوم •
فما ذلك الا آية من آيات القرآن العظيم • وبركة افيضت علينا من معجزات
النبي الكريم • حيث قال عليه التحية والتسليم لا يزال طائفة من امتي
على الحق ظاهرين الى يوم القيمة • صدق رسول الله • وفاز المجاهدون
بالمغانم الجمة وكسروا اوثانهم • وصلبانهم • وخربوا دورهم وقصورهم •
واسروا اناثهم وذكورهم • وجعلوا كنايسهم الجمع والمساجد • واظهرنا فيها
شعاير الاسلام • فقرأنا الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن • ان ربنا لغفور شكور
فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين • ثم لما كان في المملكة
الارنودية تكفور يسمى بابوان • المتملك بالمملكة الكثيرة من القلاع والبلدان
فانه ما هو خال من مراء وغدر وعدوان • ولم يزل يشتكي الينا من خراب
بلاده وضعف رعيته • ويقسم انه في غاية العجز عن جمع مال القطيعة
ويبالغ في سواله من امهال ماله قليلا • وكنا اولا نظن الصدق في مقاله
الى انكشاف اخباره • وتحققنا بكذبه وفساد نيته وتسويفه وجمع مال
القطيعة وصرفه اياه فيما اراد • وقد بعث عزمنا بالعساكر المنصورة الى جهة
تخريب بلاده وقمع آثاره • وهدم حريمه ودك قلاعه على رأس حجارها وسرنا
نحوها على موجب عزمنا • فوجدنا جملتها مصاعب الجبال وابكار الثغور •
فشمرنا في هذا الامر عن ساعد الاجتهاد • ففتحت عنوة بعون الله تعالى على وجه
السداد • وكان ابوان اللعين متحصنا بشواهق الجبال في اقصى مملكته فتيقن
بعدم نفع الفرار • فجاء مطيعا ومنقادا وقطع دابر الكفار • فجهزنا بحكم الامر

الكريم

الكريم خلاصة صناديد العالم • مالك ممالك المعالي والمكارم • وارث مناقب
الاكابر والاعاظم • بدر الدين محمد بيك • ادام الله معاليه • ولا زال فضل الله
حاميه • لينوب عن المحب المخلص بافادة سنن التعزية • وسنن مراسم التسلية
ولابلاء مسامع سلطان الاسلام والمسلمين عن نصرة • نشرة وابتهاجاتنا •
على ظهور المؤمنين وخلاص المظلومين من ايدي الظالمين • الذين يخربون
البلاد ويعذبون العباد • والحمد لله رب العالمين على حصول تلك النعمة
العظيمة • وتيسير تلك المنحة الجسيمة • وقد حملناه من المشافهات ليرفعها
الى العلم الكريم • لا زال محفوفا بالبركات • فالاصغاء اليه مأمول من الكرم
الباهر • واللطف الزاهر • وقد جهزنا بصحبته من الهدية ما تضمنه الورقة
المعطوفة على ذيل هذه السطور • ليكون رسم المراسلة غير مهجور • والمأمول
من شيم الجناب العالي • ان يشرف هذا المحب احيانا • بمراسلته المشرقة المشرفة
ومكاتباته المبجلة المجللة • مشتملة على ما يسنح له من المهمات • لنبذل المجهود
بالقيام لها على ما هو اقصى الغايات • ويهنيه باخباره بدوام دولته الغالية
الغالبة • لا زالت عالية غالبة • ليستبشر المحب بذلك غاية الاستبشار و
يحصل البهجة والسرور • بدوام الدولة والبقاء والاستمرار • والله تعالى
يجعل تلك الرزيئة من الشرع السنية السلطانية خاتمة المصائب واخرة
المصايب • ويخص جناب المقر الكريم بفضله العظيم • ولطفه الجسيم •
ويحرسه في حالاته • وينصره بملائكة سماواته • انه على ما يشاء قدير وباجابة
رجاء المؤمنين جدير • رب اختم بالخير • واجعل عاقبة امرنا بالصواب •
يا الله يا ناصر • يا مسبب الاسباب • ويا مفتح الابواب •

سلطان مراد خان غازى به عزيز مصر ملك اشرف طرفندن جواب
فتح نامه دركرحزه بكى سپارش ايدر

الحمد لله والسلام على عباده الذين اصطفى • والتحيات الناميات الساميات
المنورة بنور الصدق والصفاء • والتسليمات الوافيات الشافيات المعنبرة
بعنبر الود والوفاء • على المقر الكريم العالي العاملي العادلي الغياثي العوني
الذخري الزعيمي الزيني • ظهير الاسلام والمسلمين • سيد الامراء في العالمين •
منصور الاولياء • مخذول الاعداء • المستغني ذاته الشريف عن الاوصاف
والالقاب • بشرف النفس وعلو الجناب • نشر الله اعلام شوكته في الافاق • ونصر
اولياء دولته الى يوم التلاق • ما اعقب العسر واليسار • وصحب اليمين واليسار
ودار الليل والنهار • وبعد فالمحب المخلص يبدي لعلمه الكريم • ان الكتاب الشريف
الزاهر • والخطاب المنيف الباهر من اوج برج الاقبال • وذروة شامخ الجلال

وَرد فی اسعد الساعات • واطیب الاوقات • علی ید مفخر الامراء والاماجد منبع
المفاخر والمحامد • الصدر الاجل شمس الدین احمد • زید قدره • بالتحف المنیفة
والهدایا البدیعة • ووجدنا ذلك محلی بحلیة المآثر وحسن الاوصاف • مزینا
بزینة مكارم الاخلاق والالطاف • مملوا بانواع الموالاة والاتحاد • مشحونا
باصناف الولاء وحسن الاعتقاد • فتلقیناه بالقبول التام • والاعزاز والاكرام
واطلعنا علی مضمونه المنیف من فنون التودد والتلطف • وصنوف التفضل
والتعطف فصار وروده سببا للمباهاة وتضاعف المحبة والمصافاة • و
وانشراح الخاطر وطیب الاوقات • واستفدنا من مطالعته كحل الجواهر ومادة
الحبوة • وهو نبا سلامة ذات الشریف • لا زالت محفوفا بالسلامة والكرامة
وانباء فتوحات الواقعة ببلاد آرنود • قراله المسمی بابوادن • ودفعه بعنایة
الملك المنان • وفتح قلعة سلانیك ونواحی كثیرة من الكفرة الفجرة وانتظام
امور دولته • وخبر موافقة بینه وبین الامیر الكبیر خلف الملوك والاعاظم
نور الدولة • حمزه بیك بن الملك المرحوم عثمان بیك • ومعاونته له لوجه الله
تعالی وذلك متوقع ومأمول من امثاله • فحمدنا الله لذلك حمدا • فالمحب المخلص
صادق الوداد • وراسخ الاعتقاد • مستقیم الحركة فی دائرة الوفاء • مستدیم
السكون فی مركز الولاء • فالمرجو من محاسن اخلاقه الكریمة • ان یؤثر هذه
الخلیقة • ویسلك هذه الطریقة • بان یشرف احیانا بمكاتباته الشریفة •
ومراسلاته المنیفة • واعلام احوال تلك البلاد • لیؤكد مبانی المحبة والوداد •
وحملت بواقی الاخبار علی الاجل الامجد شمس الدین المشار الیه • لیبلغها الی
مسامعه الشریفة • وقت الوصول بالخیر والسلامة • ویقررها عند الحضور
والله تعالی یشید اطناب سرادقات اقباله بمسامیر الخلود والاوتاد •
الی ابد الاباد • ما سبح سماك وسبح ملك • وبعث اللیل دجاه • ونشر الصبح سناه
بمنه ویمنه وفضله وكرمه • والسلام •

سلطان مراد خان مصر عزیزی مذكور ملك اشرفه روم ایلنده
كوكرجنلك قلعه سنی فتح ایلدكده یازمشدر

الحمد لله وسلامه علی عباده الذین اصطفی • ادام الله تعالی علو جناب
السلطنه • عالی الشان ظاهر الخطر باهر البرهان • جمیل اللطف جزیل الاحسان
اعنی به الكبیری العاملی العادلی الشاملی الكاملی المؤیدی المشیدی المظفری
العونی الغیاثی الاعظمی الاكرمی المولوی الاولوی • ظل الله فی ارض الله • حافظ
بلاد الله • ناصر عباد الله • معین اولیاء الله • مذل اعداء الله • معلی قواعد
الموسم والحرمین • حامی مشاهد البقاع الشریفه والمرونین • مؤسس مراسم

العظمة والجلال • مؤكد مقاعد المقاصد والامال • مطلع لوامع العز والتمكین
مظهر مآثر الملك والدین • ملاذ الغزاة والمجاهدین • محض الطاف رب العالمین
سلطان ممالك مصر منصور اللواء بتلك الصفات وصفتها الاشرف • لا زالت
رایات سلطنته علی قمة السماك مضروبة • وآیات معدلته علی جبهة الافلاك
مكتوبة • ونمارق جلاله علی ایوان الملك مرفوعة • نعمه كفواكه الجنات
لا مقطوعة ولا ممنوعة • مشید قواعد الاسلام بمكانه • ممهد اركان الدین
بدوام ایامه وزمانه • رعبه الله للاسلام ذخرا • عقب تبلیغ صحایف التحیات
المقرونة بالصدق والصفا • ولطایف الدعوات المشحونة بالعهد والوفاء •
شعر سلام كحب لا یمل كلامه • ویزداد طیبا بالحدیث المكرر • سلام
كبدر لاح فی وسط غیهب • سلام كاس فاح فی جیب عنبر • ینهی لعلمه
الكریم ان درج البلاغة ودرر الفصاحة • هو الكتاب الشریف والخطاب المنیف
من جانب سلطان السلاطین • اعز الله سریر الملك بوجوده • وافاض
علی كافة الانام آثار عدله وجوده • علی ید مجلس الامیری الكبیری الاجلی الاوحدی
الصدری الامجدی • مقرب السلاطین • مؤتمن امیر المؤمنین • علاء الدولة
والدین • آقبوغا بیك • ادام الله معالیه • ولا زال فضل الله حامیه • وورد الی المحب
المخلص فی ایمن الاوقات • واسعد الساعات • فتلقیناه بالقبول والاقبال •
بانواع الاكرام والاجلال شعر نفیس كتاب جاء منكم مختم • له فی صمیم القلب
ود محكم • نهضت له لما اتانی مجلدا • وظلت به یومی من البشر باسم • فناجی
ضمیری اذ اتانی ضمیركم • فصرنا علی شت النوی نتكلم • واسعفت طرفی فی رقوم
سطورها • فشبهتها بالروض وهو منمنم • واودعتها فی القلب هنا ونحو
اری رغبتی من حیث انوی واعزم • مدام ولكن المدامة مرة • وورد ولكن شمها
لیس یرغم • حروف وقرطاس تراءت كانها • سماء تجلیها بدور وانجم • فوقع الا
بمطالعة الفائلة من مطالعه • واطلاع معانیها الجزیلة الی مقاطعه • من انواع
الطاف • لیس فی وسع الانسان احصاؤها • واصناف اعطاف • لا یتناهی شكرها
وانناؤها • لا سیما استبشاره مع العلماء المتقین • والصلحاء المهتدین • وعساكر
المجاهدین • زین الله بمنه بمیمنتهم • وبیاره بمبرتهم • وتكراره سجود الشكر
علی نصرة عسكر المسلمین • والفتح المبین • وانهزام اعداء الدین • واحزاب الشیاطین
مدی دوام السموات والارضین • فتقاصرت السنة البیان عن استیفاء لطفه
واحسانه وفضله وشكرانه شعر ولو ان لی فی كل منبت شعرة • لسانا لما
استوفیت واجب حمده • واما تأسیس بنیان مقاعد الصفا • وتاكید اركان
موارد الوفاء • فبحث لا یعد ولا یحصی شعر واوصاف بحر من الفضل زده •

ووقعت الاشارة العلية من المواقف المقدسة السلطانية • والمقار
المجرة الخاقانية • لازالت من سهام النوايب مصونة • وبعظام المواهب
مقرونة • بان لا يسقط شروط صدق المحبة اسباب التكليف • وتهنئ آلاء
الى الجناب الاعلى اعلى الله تعالى ابدا وسرمدا في كل برهة من الزمن • فالمحب
المخلص راغب هذه المنية وطالب تلك البغية • فالقضية الواقعة في هذه
السنة انه ظهر بنو اصفر من منبع الكفر والضلالة • ومظهر العدوان والغواية
وحاصروا قلعة كوكرجنلك من القلاع المفتوحة من المملكة اللازية • فتوجه
المحب بجنود المسلمين عليهم • وعزمنا الجهاد لله تعالى رغبة في قوله سبحانه •
والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا • واميرالامراء يوسف كامران كان مقدما
ببعض عساكر المسلمين • فلاقوهم وحاربوهم • وبعون الله تعالى هزموهم
فنبذناهم في اليم وهو مليم • فقتل بعضهم واسر بعضهم • وبعضهم خاف
من الحرق ورضي بالغرق • مما خطيئاتهم اغرقوا فادخلوا نارا • وفر ملكهم
قرال اللعين خايبا وخاسرا • فصار اكثر المدابير مغتمين في دركات السعير •
فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين • فلما كانت المواقف المقدسة
معدن جميع المواهب العظام والكمالات • ومنبع بدايع غرايب المصنوعات
فالاتحاف اليه كالاتحاف الى الشمس نورا والى الارض نورا • اما الهدية المرغوبة
لديه • والتحفة المطلوبة بين يديه • اخبار الفتح والنصرة الدينية • واعلام
إعلاء أعلام الملة المحمدية • فوجهنا الى ذلك الصوب باتحاف هذه البشرى •
خدمة الامير الاجل علاء الدولة وكدين المشار اليه • فالمأمول من الحضرة
القدسية • ادام الله تعالى تأبيدها • وحرس تمهيدها • ان يؤثر هذه
الخليقة • ويسلك هذه الطريقة ويكون رسم الوداد ممهدا • واساس
الاتحاد مؤكدا • ويسرنا في كل وقت بمطالعاته الكريمة • ومراسلاته العظيمة •
ويعلم يقينا ان المحب المخلص مستانس بمساطير تلك الارقام • ومفاطرتك الارقام
مستبشر بحسن مصافاته • مستظهر بصدق موالاته • والله تعالى يؤكد ويؤبد
اطناب سرادقات حضرته المقدسة الى يوم التناد • بمسامير الخلود والاوتاد
بحرمة محمد عليه السلام • وعلى آله الكرام • وصحبه العظام • ما اقيم على كتاب الله نقطة
واعجام

الجواب

بسم الله الرحمن الرحيم • الحمد لله الذي ترادف نعماؤه على المؤمنين • وتضاعف ٢٠٧
آلاؤه على المخلصين • الذين تصادفت افئدتهم لاعلاء اعلام الدين يحبهم
ويحبونه اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين • حمدا يرتبط به الموجود •
ويستجلب به مزيد الجود • والصلوة على خاتم المرسلين محمد المصطفى الامين •

وعلى آله واصحابه الذين اتبعوا شرايع الدين • وسلكوا مناهج اليقين • وبعد
فقد خفق قلب القلم واجرى على هذا الورق دمعه • واطلق اللسان بفصيح
البيان شوقا الى مجالس المقر العالي الاميري الكبيري العالمي العاملي العادلي
المؤيدي المشيدي المرابطي المثاغري العضدي الظهيري العوني الغياثي
الكاملي الكافلي النصيري الذخري المولوي الاولوي الاعلوي الامجدي الاوحدي
الاورعي الاكرمي • وهو المباهي بعون الله الغير المتناهي عون الغزاة والمجاهدين
خير سلاطين الاسلام • وخواقين المسلمين • لازال في دولة لا ينهدم دارها
ونعمة لا ينفصم آثارها • وسعادة لا تصفر اوراقها • وسيادة لا تتغير آفاقها
ولا زالت اسباب محبته مؤكدة • وعقود موالاته منتظمة منضدة • مدى
الدهور والايام • فالمحب المخلص بعد تقديم التسليمات الوافيات • والتحيات
الساميات الناميات • المعنبرة بعنبر الوداد • والمعطرة بجوهر الاتحاد • يبدي
لعلمه الشريف ان الكتاب الكريم المنيف والخطاب المستطاب اللطيف احسن
من خد ورد ذات الخدور • وعقود الدر في نحور الحور • ورد في ايمن الاوقات
واسعد الساعات • على يد مفخر الامراء والاكابر • الامير سعد كدين اغا بالتحف
المنيفة • والهدايا البديعة • وفق ما ينطق المثال الشريف • واطلعنا على مضمون
المنيف • من فنون التودد والتلطف • وصنوف التفضل والتعطف • سيما الاستبشار
بمجاهدة اهل الاسلام • ونصرتهم على الكفار الملاعين • لعاين الله عليهم اجمعين •
ودفعهم عن قلعة كوكرجنلك وانهزام اعداء الدين • وغرقهم كقوم فرعون •
وحصول الفتح والنصر للمؤمنين • فحمدنا الله بحصول هذه البغية • ووصولكم
الى تلك المنية شكرا جميلا • وحمدا جزيلا • فصار وروده سببا للمباهاة واحكام
المودة والموالاة • وانشراح الخاطر وطيب الاوقات • داعين لبقاء دولتكم
العلية • ومنتظرين الى استماع فتوحاتكم البهية • راجين الاجابة بالسرعة
والقبول • متضرعين لله لاستجابة على الوجه المأمول • وليس ذلك ببعيد
عن الطاف ربنا الكريم • انه هو الغفور الرحيم حسبنا الله ونعم الوكيل •
نعم المولى ونعم النصير • والله يديمكم ويبقيكم في بساط السلطنة العظمى
الى يوم الدين • آمين يا رب العالمين

سلطان مراد خان عزيز مصر ملك اشرفه يازديغي نامه در كه
كفار ايله صلح باشنه استشاره در

حامدا لله تعالى • ومصليا على نبيه المصطفى • وآله وصحبه مفاتيح الهدى
ومصابيح الدجى • ادام الله نعم الجناب • سرة السلطاني الكبيري العالي
العادلي العاملي العوني الغياثي النظامي الهمامي المنعمي المفضلي النصيري المجاهدي

المرابطي الكاملي الكافلي الظهيري الذخري المولوي الاولوي الاشرفي الاوحدي
الامجدي الاعظمي الاكرمي • رافع سماء الانصاف بعمد رأفته • قامع الجور
والاعناف بصوارم هيبته • ممهد سرادقات الامان على الانام ممهد قواعد
احكام الاسلام • حامي حوزتي الدنيا والدين • مظهر كلمة الله العليا في العالمين
محيي قواعد الرسوم الدوارس • معلي مناهج المساجد والمدارس • باسط
اجنحة الامن على اهل الايمان • المتكي بمتكاه ان الله يامر بالعدل والاحسان
الامر بعبادة الله تعالى باوقات النفل والفرض • المخصوص بتشريف هو الذي
جعلكم خلايف في الارض • الذي يهتز باوصافه المآثر • ويختال بذكر اسمه
المفاخر • وبه اصبحت امور الخلافة منتظمة • وقوانين السلطنة ملتئمة • و
رايات الجهل والعدوان منكسة • وسبل البغي والظلم مندرسة • والوية
الامن والامان منشورة مرفوعة • وجماجم الاعداء مخفوضة مكسورة مجروحة ٢٠٤
مقطوعة • لازالت رياض الثناء عن جود وجوده مستظلة متجللة • وارجاء
الرجاء عن عرف عرفه متعطرة متطيبة • ما خطب الاخطاب على منابر نتايج
وضحكت عن بكاء الغمام مباسم الازهار • بالنبي النبيه • والصفي الوجيه
محمد واله وذويه • يهني المباهي في ولائه • والمناجي بوروده في دعائه وثنائه •
بعد عرض التحنن والاشواق الغير العديدة • ونشر صحايف الود الصادر
عن خلوص النية وصفاء الطوية • وتقديم تحية اضحت منورة بانوار الوفاء
والاخلاص • ومجللة بصفاء الولاء والاختصاص • وازهرت بصدق
الطوية رياضها • وامتلات من زلال المحبة حياضها • ورفع ادعية صالحة
مستجابة • واهداء اثنية جمة مستطابة شعر سلام كبيض ترائب كاعب •
سلام كسود عذار مراهق • سلام كعطشان الم بمنهل • وقد ذاب حراقي
طوال السمالق • سلام كعقد الدر في جيد غادة • سلام كضوء النار في عين
طارق • سلام كثير لا يعد فصوله • تحرير كاتب • وتقرير ناطق • انه هذا
المحب من جملة المخلصين بحضرة سلطان الاسلام • خلد الله سلطانه • واوضح
على العالمين برهانه • وذلك الاخلاص والمودة على التزايد بمرور الايام
وتجدد الاعوام • شامخة البنيان راسخة الاركان • لا يمكن ان يستنشق
مشامها رايحة الزلل • ويختلط مسامها شايبة الخلل • وكانت المخالصة
والمصادقة في البين • سنة السلاطين الكرام الماضين الحامين لقطان
حرم الله تعالى • وشنشنة اباينا واجدادنا المرحومين • افاض الله عليهم
شابيب الغفران • ولا سيما في ايام سلطان السلاطين • لازالت رايات
سلطنته في الخافقين خافقة • وايات سيفه بالفتح والنصر ناطقة •

وسحايب

وسحايب افضاله على رؤس العباد دائمة • تضاعفت هذه المنة وتزايدت
هذه البغية • وما ذلك الا من اثار ملكاته الملكية ومكارم معارفه الملكوتية
القدسية • فلو زالت هذه المصافاة متزايدة الامداد • متضاعفة الاعداد
يا رب لا تسلبني حبه ابدا • فيرحم الله عبدا قال امينا • ووقعت الاشارة المنيفة
في اثناء المراسلات المنيفة • من المواقف المقدسة السلطانية والمقام المنيف
الخاقانية • لازالت من سهام النوايب مصونة • وبعطايا المواهب مقرونة • بان
نسقط شروط صدق المحبة اسباب التكليف • وينهي الاخبار الى الجناب الاعلى
اعلاه الله تعالى ابدا وسرمدا • في كل برهة من الزمن • فنبدي لعلمه الكريم
ان اكبر الملاعين • فرال اللعين • وهو ملك بني اصفر في الممالك الافرنسية
لعاين الله عليهم اجمعين • قد تتابع رسله ورسائله • لطلب وقوع الموادعة
والمصالحة المؤكدة المؤبدة بيننا وبينه • فكرر هذه الطلب واصر عليه فوقع
الاستشارة بين صناديد المسلمين من ارباب العقول الصايبة • واصحاب الاراء
الثاقبة • فاجالوا الانظار في تخيل الافكار • بان المقاتلة مع الكفار طريقة
المهاجرين والانصار • والملازمة على المجاهدة سبب تاكد القواعد الربانية
ومنشاء فيض الهداية الصمدانية • كما قال الله تعالى والذين جاهدوا فينا
لنهدينهم سبلنا • فان العساكر الاسلامية وان كانت مظفرة عليهم منصورة
بنصر الله تعالى • لكن افراط المحاربة واطالة المعادات بين الملوك لا يخلو
عن امتداد الفتن • واستداد المحن • وانقلاب الممالك واضطراب المسالك •
وانقطاع الطرق على كل ذاهب وآيب • وراحل وقافل فلمصلحة المسلمين
رضينا على الموادعة الموقتة الى ثلث سنين • واما الكفار اللادزنة والبوسنوية
فهم كانوا ذميين عن زمان ابائنا المرحومين • واما الكفار الافلاقية فرضوا
بان يعطوا الجزية عن يد وهم صاغرون • فوقع الاتفاق على قبولها •
سيما بيت المسلمين • فسلكوا مسالك الذميين • وقد وجهنا على العجالة خدمة
٢٠٥ الامير الكبير حاوي المعالي والمفاخر • جامع المكارم والمآثر زاير الحرمين
الشريفين عماد كد بن الحاج عوض دامت معاليه الى الجناب المسعود •
ابده الله الى انقضاء اعداد كل مولود وانقراض اعداد كل موجود • لتبليغ
التسليمات الساميات • وعرض التحيات النامیات • والاشواق والاتواق
المنبعثة عن الصدق والصفا المبراة عن شوب الريبة والرياء • ولتحمل الجنابة
سلامة المقر الكريم • ابده الله العلي العظيم • وايصالها الينا بالتعجيل ليكون
سببا للبهجة والسرور • ونشكر الله على ذلك • ورفع ما وقع بفضل الله من
ارتفاع اعلام الدين • وانخفاض اعداء رب العالمين • ينهي الى العلم الكريم

لينشرح به الطبع المستقيم • الذي تمضّن مدى عمره في اعلاء كلمة الله • ونصر
اوليائه • وقهر اعدائه • وكفى به فخراً وذخراً • وحملناه من المشافهات • لترفعها
الى المسامع الكريمة • لازالت محفوفة بالسلامة • فالمأمول من اللطف التام
والكرم العام • الاصغاء اليها على عادته الحسنة البهية • وسيرته الكريمة المرضية
والمرجو من عميم احسانه • ان يتواصل الرسل والرسائل دائما ابدا • وان يبنيه على
سوانح الحالات • وتيسير المقاصد والمهمات • ليكون سببا لانشراح الخواطر
وطيب الاوقات • والله يؤيده وينصره بملائكة الارضين والسموات •
ويرزقه المقاصد والحاجات • بفضله العظيم • وكرمه الجسيم • واحسانه العميم

الجواب

حامداً لله على منته الصافية الاعداد • والوافية الامداد • ومنحه الجاريات
العداد • بجري العاديات الصافنات الجياد • لاسيما على ما افاض في قلوب
المؤمنين من زلال الوداد • عن سحايب السداد • فازهرت به في جنات
خلوص النية وصفاء الطوية • رياض الاخلاص والاعتقاد • ان هذا لرزقنا
ماله من نفاد • والصلوة على من هو مصباح الهدى • ومفتاح باب النجاة
في يوم المعاد • محمد المبعوث بدين تخفق بالنصرة راياته • وكتاب تنطق
بالحكمة اياته • وعلى اله الامجاد • واصحابه الذين هم هداة سبل الرشاد • ما خطب
الاخطاب على منابر الاشجار • وضحكت عن بكاء الغمام مباسم ازهار الاوراد
وبعد فعقب تقديم تحية اصبحت منورة بانوار الوفاء والاخلاص •
واضحت مجللة بصفاء الولاء والاختصاص • وعرض اثنية معنبرة بنسيم
عنبر الوداد • ومعطرة بشميم عبهر الاتحاد • واداء كريم محامد الكريم • كنفحات
روايح فوايح النسيم • فروح وريحان وجنة نعيم • ينهى المباهي في ولائه ان
لطيف كتابه وشريف خطابه من اوج برج الاقبال • وذروة شامخ الجلال
اعني حضرة من خصه الله تعالى بالمكارم الملكية • والملكات الملكية الملكوتية •
المستغني ذاته الشريف عن التوصيف والالقاب • بشرف النفس وعلو الجناب
لازالت ايات سلطنته متلوة بالسن الامم • ومحسنات معدلته مشهورة
بين ارباب الكرم • ورد في ايمن الاوقات واسعد الساعات • احسن من خدود
ذات الخدور • وعقود الدرر في نحور الحور • محلى بحلية كل في وصفها الالسن
ومزينا بزينة ما تشتهي الانفس وتلذ الاعين • او كروضة زينتها الازهار
بل كجنة تجري تحتها الانهار شعر كلام بل مدام بل نظام • من المرجان بل حب
الغمام • بدايع الفاظه درر ضاحكة • يحكي عن جزالة مجاري البيان • ولطايف
معانيه سلسال باكية • ينادي عن غرر سحايب التبيان فاطلعنا على مضمونه

المنيف

المنيف من فنون التودد والتلطف • ظاهراً من مطالعة فحاويه • ن
والقلم وما يسطرون • ومن مشاهدة مطاويه • افسحر هذا ام انتم لا تبصرون •
فصار وروده سببا لتضاعف المصادقة والموالاة • واحكام احكام الود و
المواخاة • فالمحب المخلص الصادق في الوداد • والراسخ الاعتقاد • مستقيم الحركة
في دائرة الوفاء مستديم السكون في مركز الصفاء • لا يكدر زلال الحب بالتغيرات
الغبرائية • ولا يتبدل نيل الود بالتبدلات الترابية • عقيدتنا ازلية واتحادنا
سرمدية • حفظكم الله وايانا الى يوم التناد • على نهج خلوص الروحانية في عالم
٤٠٦ الاجساد • فهو المرام والمراد • وبعد فان المقر العالي ما اشار واستشار
الينا في باب الصلح مع العدوان • فامر مشروع • ودفع الخصم بلطف الله تعالى
على محله موضوع • فان لزم بمقتضى الحال فيجوز للاستراحة الضرورية الامتثال بما
قال عز من قائل • والصلح خير • وان لم يلزم فتوقف الشجعان والابطال في ذلك
امر محال • واما ما وقع من المصالحة ببعض الكفار الى ثلث سنين • وبالبعض باعطا
الجزية كساير المتنصرة • ففيها نفع كثير بلا شبهة • كما سبق في عهد الرسالة
عليه السلام والتحية • مع مشركي المكة المعظمة • فالمرجو من محاسن اخلاق ان
يؤثر هذه الخليقة • ويسلك هذه الطريقة • بان يشرفنا احيانا بمثل تلك
المشاورات الشريفة • والمكاتبات اللطيفة • حتى يكون سببا للترفع • ووسيلة
للمفاخرة بين السادات والاشراف والامراء والاخلاف • والله تعالى يؤكد
اطناب اقباله الى يوم التناد • بمسامير الخلود والاوتاد • ما اقيم على كتاب الله
نقط واعجام • وتكررت الشهور والاعوام • والحمد لله الملك العلام • وصلى
الله على سيدنا محمد المبعوث الى كافة الانام • واله وصحبه الكرام •

سلطان مرادخان مصر عزيزينه يازمشدر انده فوت اولان
حاجي عمر متروكاتيچون

ضاعف الله تعالى نعم المقر الكريم • المولوي المظفري الكبيري العالي العاملي
العادلي الباذلي العوني الغياثي النظامي الهمامي الشندي المنعمي المفضلي النبري
المجاهدي المرابطي المثاغري الاوحدي الامجدي الكاملي الكافلي الظهيري
الذخري الاشرفي • وهو المباهي بحماية الشرع النبوي والدين الباهر المصطفوي
كهف الثقلين • ظل الله على الخافقين شعر ولو زادت الالقاب فخراً لزدتها
ولكن للالقاب عن ذاته فخر • ناصر شريعة رب العالمين • سلطان السلاطين
لازالت قواعد الاسلام مشيدة بحمايته • واركان الدين ممهدة بدوام دولته
وزمانه • وكلمته العليا منصورة بمجاهدة انصاره واعوانه • وامصار المسلمين
معمورة بمحاسنه واحسانه • ولا برحت نعمه وسوانح كرمه فايضة على اوليائه

وهم كافة المؤمنين مصروفة الى الابتهال بمزيد بقائه ما لمع لامع آل وخطر معنى
ببال • وبعد فالمحب الباهى باخلاص المصافاة • بعد تقديم التسليمات الوافيات
الصالحات • والتحيات النامات • المعنبرة بنسيم الوداد • والمعطرة بشميم
الاتحاد • يوضح لعلمه الكريم ان المولى الكريم • ايده الله العلى العظيم • كانت عواطف
عناياته الشريفة فى حق جميع المسلمين عامة شاملة • ولطايف كراماته المنيفة
تامة كاملة • ولا سيما فى حق من ينتمى اليه • فانه تواتر الطافه وترادف اعطافه
وتوالى الائه وتتابع نعمائه صافية الاعداد • آبية عن التعداد • لهذا المحب
مخصوصة • ولكل من ينتمى اليه محفوظة • وان المتوفى بهاء الدين الحاج عمر
بن خليل المعروف بخطيب كان من اهل بلدة كليبولى من بلاد الروم • قد توفى
فى محروسة طرابلس • وترك اموالا فى بيت المقدس • شرفها الله تعالى وفى
بلاد الشام • له بنت فى محروسة بروسا • وحامل ورقة المودة مفخر القضاة
والولاة مولانا حسام الدين دام فضله • وكيل بنت المتوفى المذكور وزوجته
فالمرجو من الطاف خدم الابواب الشريفة • والملتمس من اعطافهم الجميلة
ان يعتنوا فى تحصيل اموال المتوفى المذكور • ويعاونوا على جمعها حيث
وجدوا ويسلموا الى الوكيل المذكور حسبما يقتضيه الشريعة الطاهرة والعدالة
الظاهرة • حتى يوصل ما يحصل من تركة المتوفى المذكور على ورثته • جريا
على سنن المكارم المعهودة وشيا بشيم شنشنتهم المحمودة • لتلحق هذه
المكرمة الى المنن السابقة • لا زالت ايام دولته مشرقة الكواكب • مغرقة
السحايب • والله تعالى يؤيده بمنه وكرمه • كتب فى اواسط صفر
سنه اربعين وثمانمائة • من الهجرة الهلالية •

سلطان مراد خانه عزيز مصر ملك طاهر ابو سعيد جقمق كوندر مشدر ٢٠٧
برسباى فوت اولوب اوغلى يوسفى سلطنتدن خلع ايتدكلرن

اعز الله انصار المقر الكريم العالى الاميرى الكبيرى العالمى العاملى العادلى
المؤيدى العونى الغياثى المهدى المشيدى المجاهدى المثاغرى المرابطى
الظهيرى الزينى • معز الاسلام والمسلمين • سيد الامراء فى العالمين • نصرة
الغزاة والمجاهدين • ملجاء الفقراء والمساكين • زعيم جيوش الموحدين
اتابك العساكر ممهد الدولة مشيد الممالك • عون الامة غياث الملك
ظهير الملوك والسلاطين • عضد امير المؤمنين • لا زال النصر مرقوما على بنود
مرسوما بغرر جنوده التى اشرقت اسنتها بطوالع سعوده • ونطقت
السنتها بما لا تجده السيوف حرجا فى صدرها من تقاضى وعوده • اصدرنا
هذه المكاتبة مملوة الصدور بالاعتقاد فى صنيعه • والاعتماد فى الامر كله

على جميل جميعه • والوثوق من كرمه بما ينعش الناس سبب ربيعه وحنانا
احسن فى تنوين تنويعه • وجود زاد على القطر فى عدد مواقعه وتوشيعه
نهدى اليه سلاما لا يخل باهدائه • ولا يمل فى رقايق السحر ساقط ندائه •
ولا يمد فى غير رونق الضحى مبسوط ردائه • ونبدى لعلمه الكريم انه ربما
اتصل بسمعه الكريم • ما قدره الله عز وجل من انتقال الملك الاشرف
برسباى بالوفات الى عفو الله ودار كرامته • بعد ان عهد لولده الطفل
الصغير العزيز يوسف بالسلطنة • وجعل مقامنا الشريف ناظرا ووصيا
عليه • وقايما باعباء اود مملكته • ومرشدا له فى اقواله وافعاله • الى ان
يانس رشده • فاجلسناه الى تخت الملك الشريف • والمقام اللطيف بجرى
المملكة على ما كانت عليه فى حيات والده الاشرف المشار اليه • واستمر الحال
على النظام المذكور برهة من الزمن • ففى غضون ذلك لاذ بالطفل المشار
اليه زمرة من احداث مماليك والده واخذوا فى اضمار امور تفضحت السفهاء
منها • ويبكى من عواقبها اللبيب • منها السعى فى تفريق الكلمة المنتظمة • ومنها
القاء الفتن والخلف بين العساكر • ومنها سلب خليفة الله امنا على انفسهم
وذريتهم • ومنها استباحة ما حرمه الله عز وجل من اموال المسلمين ودمائهم
وما وراء ذلك الى الالحاد • والعياذ بالله تعالى ان يقع الخلل فيما نحن قابضون
عليه من زمام المملكة فلما تفاقم الامر اوى الينا خليفة الله فى ارضه • مولانا
امير المؤمنين • وابن عم سيد المرسلين • وهو المعتضد بالله داود بن المتوكل العباسى
اعز الله به الدين • ومتع ببقائه الاسلام والمسلمين • ثم جمهور المشايخ العظام
وعلماء الانام والقضاة والفضلاء والائمة والخطباء وجملة اهل الحل
والعقد • وكافة اركان الدولة الشريفة • وزمرة العساكر الاسلامية • وطايفة
الجنود السلطانية • وعرضوا على سمعنا اللطيف • والحوا فى قبول مرامهم • وذلك
الشروع فى امور الخلافة بالاستقلال • لئلا يفضون المصالح على الاختلال •
فوهمنا عن ذلك • العياذ بالله فالتفتنا بجمعية الاراء • حيث قال عليه السلام
لا تجتمع امتى على الضلالة • فقالوا مرة بعد اخرى • وكرة اثر اولى • القبول
لازم وواجب الينا منهم • شفيعة لخلق الله • وتراموا علينا ان نتصدى لاعتناء
مصالح الاسلام والمسلمين • وان تكون الكلمة مجموعة فينا • وان يلم شمل العساكر
والرعايا • بجلوسنا على سرير الملك العظيم • وان نتدارك حسم مادة الفساد
قبل وقوعه وتحكمه وتكرر الحاحهم فى ذلك ومقامنا الشريف لا يجنح للموافقة
٢٠٨ على اجابة قصدهم • فتصدى مشايخ الاسلام • وافتوا ان الموافقة واجبة •
وان تمادى مقامنا الشريف فى ذلك بحيث يطرء • والعياذ بالله تعالى خلل كان

تتعلق بدولتنا ثم نظرنا بعين الحقيقة فانصح لمرآة فكرنا اننا اذا لم نوافق
على اجابة قصد النفير العام يؤول الحال الى الخلل ربما يعسر تداركه فعند ذلك
استخرنا الله تعالى واقبلنا على قصد المشار اليهم وفوض مولانا امير المؤمنين
المشار اليه اعز الله به الدين السلطنة المعظمة الينا وخلع عنها من سوانا
وافاض علينا شعار الملك واجلسنا على سرير السلطنة المعظمة وكنينا
ولقبنا بالملك الظاهر ابي سعيد وبادر اركان دولتنا وعساكرنا الى تقبيل
الارض لدى مواقفنا المعظمة وكذلك جميع من كان بالممالك الاسلامية
وهم على قلب رجل واحد في طاعتنا وتصدينا لقمع المفسدين وبسط
العدل ومحو آثار الجور واعلاء منار الحق والشرع الشريف واجراء امور
السلطنة المعظمة على اتم نظام وبذل المسلمون بعد خوفهم امنا وقد آثرنا
احاطة علم المقر الكريم بهذا النبا ليكون على خاطره سببا للفرح ودفعا للترح
وجهزنا به الى خدمته مجلس الامير الاجل الكبير الاعز الاخص الاكمل نظام
الدولة سيف الدين مؤتمن الملوك والسلاطين اسندمر الخاصكي الظاهري
وحملناه من رسائل الاشواق والمحبة والولاء ما يمليه على سمعه الكريم
ويمدنا بصالح دعواته ولا ينقطع مكاتباته عنا بحيث يكون القصاد مترددة
من الطرفين والقفول والمسافرون صادرين وواردين بين هاتين المملكتين
وكانت مودتكم الكريمة وردت على المرحوم الملك الاشرف تستدعون
منه فيلا ولم يتيسر اذ ذاك ارساله بواسطة فصل الشتاء والآن
قد جهزناه الى خدمة المقر الكريم ومن صفاته كانه ليل ضاحك عن نهار
وطود خرطومه شفير منهار او راقص جاء يرقص بكمه واذا دخل على حضرتكم
الكريمة عاجل الارض بلثمه فيبرز امرء العالي لمن يسلمه والمقر الكريم
لا يدخل في سمعه الكريم ما طرأ على مخيلة المرحوم الملك الاشرف في مبادي
توغله من عتبة الواقع في غير محله على المقر الكريم فانه لا عبرة به اذ نحن ادرى
بجميع موافقات حضرتكم وحسن جواره ولم نبرح قديما والى الآن كما كان
علم الله تعالى نشتغل في محبة المقر الكريم ونذكر شيمه الطاهرة وطريقته
المثلى وانه واسلافه لم يزالوا متحدين مع الملوك السالفة خدام الحرمين الشريفين
والمأمول من كرم الله تعالى ان محبتنا ومودتنا للمقر الكريم تفضل على اولئك
الاقدمين وقد برز مرسومنا الشريف بالكتابة الى نواب سلطنتنا باطراف
البلاد الاسلامية ان يحسنوا الجوار مع الجناب العالي الشهابي سلطان احمد بك
نجل المقر الكريم اقر الله به عينه المقيم بسيواس وتوقات واماسيه وغيرها
ويكونون من تنفيذ ما نشير به بالمرصاد والقصد من محبة المقر الكريم ان

بقدم

ان يقدم بالاستدعاء بخواجه زين الدين نكاري تاجر الممالك السلطانية
ويسهل طريقه ويأمره بالحضور الى ابوابنا الشريفة بما عيناه بصحبته من المماليك
الاجلاب الجلس مع الاتحاف بجواخيه ومهماته ومما نؤثر به احاطة علمكم
الكريم ان الفيل المجهز الى الخدمة الكريمة ما امكن ارساله من البحر الآن
لموانع متعددة منها تعذر سلوكه فبرز مرسومنا الشريف بوضعه في مركب
وهو واصل عقيبها الى بر التركية بعد فصل الشتاء ومنها الى مقر حضرتكم الكريم
في حرز الامن والسلامة ان شاء الله تعالى وهو يحرسه في ارضه بملائكة
سماواته ويديمكم وينصركم باللطف والكرامة الى ساعة القيام وقيام
الساعة آمين يا رب العالمين كتب في عاشر جمادى الاولى سنة اثنين
واربعين وثمانمائة والحمد لله وحده والصلوة على من لا نبي بعده

٢٠٩ سلطان مراد خان طرفندن عزيز مصره تهنيه جلوس سلطنت دده كه
سمندره قلعه سنك فتحني اخبار ايدر

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله فنحمده حمدا
يرتبط به العتيد مما اعلاه واولاه ويستجلب به المزيد مما رزق واعطاه
ونصلي على سيدنا محمد الذي ارسله واصطفاه وابدع واجتباه بدين
تخفق بالنصرة راياته وكتاب تنطق بالحكمة آياته وسلطان لا تضعف قواه
وبرهان لا يخفى ضوؤه وعلى آله واصحابه الذين هم انصار الدين وابطال اليقين
وخزنة العلوم والحكمة وحفظة الجود والكرامة فطوبى لمن صادق منهاجهم
واستنار بسراجهم وتحلى بحليهم من اقتدى بهم اهتدى بعناية وسعادة
ابدية لا تنقضي خلد الله ملك المقر الكريم السلطاني الاعظمي الملكي الظاهري
الاعلى الاعدلي الاكملي الاعلوي الادنى الاجلي الاجملي الاعبدي الاورعي الاصلحي
الهمامي النظامي القوامي المنعمي المفضلي المشيدي الممهدي المجاهدي المرابطي
المثاغري العوني الغوثي الزيني الليثي المولوي الاولوي الامجدي الاوحدي
الاكرمي وهو المباهي بعون الله اللامتناهي عز الشرع النبوي عون كذي
المصطفوي كهف الثقلين سلطان الحرمين ظل الله في الخافقين حافظ
بلاد الله ناصر عباد الله معين اولياء الله مذل اعداء الله مبدع سنة
الكرم مفيض سجال النعم المنصور باوضح الدلائل المستغنات في الشدائد
والغوائل المؤيد من السماء المظفر على الاعداء الذي تفتحت بواطن
فضائله دقائق النعمان وافصحت بجنان فواصله شقائق النعمان
ونشرت عن جنابه الكمالات العلمية والعملية وطويت المراحل الدينية
والدنيوية هو الامام والقرم الهمام هو البدر التام هو الصمصام

والعلم هو المقسم • وقد سارت مآثره كان علياه من دنياه بنتظم • نصير
الغزاة والمجاهدين • مستاصل عداة الدين عن ممالك المسلمين • رافع الرايات
الاسلامية برأيه الى ذروة الكمال • خافض الاعداء الرحمانية الى حضيض القهر
والاذلال • قهرمان الماء والطين • مغني عفاة المسلمين • جابر الكسير
باعطافه • وواهب الكثير بالطافه شعر انت الجواد ومنك الجود اوله •
في بدء جودك ماجود بموجود • اضحت يمينك من جود مصورة • ومن
بنانك يجري الماء في العود • باسط اجنحة الامن على اهل الايمان • المتحلي
بمكارم ان الله يأمر بالعدل والاحسان الآمر لعباد الله باقامة النفل والفرض
المخصوص بتشريف هو الذي جعلكم خلائف في الارض • سلطان السلاطين •
عضد امير المومنين • لازالت رايات سلطنته على قمة السماك مضروبة • وآيات
معدلته على جبهة الافلاك مكتوبة • ونمارق جلاله على اوج السماء
مرفوعة • ومرافق افضاله كفواكه الجنان لامقطوعة ولاممنوعة • وشموس
معدلته مشرقة منيرة • ورياض مكرمته منورة نضرة • وكواكب دولته
عن افق الاقبال طالعة • ونجوم عداته منحوسة ساقطة افلة • واسطار
الجود والكرم من سحب سماحته سايحة بلامقياس • مشتملة ولعل الاسلام
بمكانه • ممهدة اركان الدين بدوام ايامه وزمانه • مادام دارت القباب
الدوارة • وسارت ثواقب الكواكب السيارة • اما بعد فينهي لمحله الكريم
ان الكتاب الشريف • والخطاب المنيف من اوج برج الاقبال • وذروة شا
مخات الجلال • قد كان ورد في ايمن الاوقات واسعد الساعات • على يد مفخر
الامراء والاقبال • معدن المعالي والافضال • مالك ممالك المروة والمكارم
منبع مناقب الاعزة والاعاظم • الامجد الاخص الاكمل • موتمن الملوك والسلاطين
استدمر الخاصكي الظاهري • ادام الله تعالى معاليه • ولازال فضل الله حاميه
مع الهدايا اللطيفة والتحف المنيفة • احسن من خدود ذوات الخدور • وعقود
الدرر في نحور الحور • لازالت مملوة الحياض • مزهرة الرياض • فصار وروده
كانه نسيم يرد على العظام الرمات او نعيم الجنات • يتنعم بها الارواح بالذات •
فروحنا منه رائحة الورد والريحان • وفرحنا بفرح العاشق بالوصل بعد
بعد الهجران • وسررنا به سرور الساري بطلوع القمر المنير • والصادي
بورود الماء النمير • فقبلناه بشفاه التعظيم والاجلال • وقابلناه بوجوه
التكريم والاقبال • وفتحنا بيد الاستبشار • وطالعنا بعين الاعتبار • فاذا
هو شمس المعارف اظهرت انوارا • او روض العوارف ازهرت انوارا • والفا
ذلك محلي بحلية كلت في وصفها الالسن • ومزينا بزينة فيها ما تشتهي

بالنفس

الانفس وتلذ الاعين • كجنة تجري تحتها الانهار • او كالزن المملوعن ساكبي
القفار • بدايع الفاظه درر ضاحكة تنطق من جزالة بحار البيان • ولطايف
معانيه سلسالجارية يناديه من غدير سحايب البيان • مشحون بجواهر
الحكم الزاهرة • ومملو بزواهر المصالح الباهرة • فسمع من كل عضو من اعضاء
المحب المخلص بل كل شعر من شعراته نداء يا ايها الملأ اني القي الي كتاب
كريم • فاطلعنا على مضمونه المنيف من فنون التودد والتلطف وصنوف
التفضل والتعطف • ومن انتقال الملك المرحوم برسباي الى دار الاخرة •
تغمده الله بغفرانه • وعهده لولده الصغير على السرير • واجراء احوال المملكة
على ما كانت عليه في حيوة والده • وقصد زمرة من الاحداث الى تفريق الكلمة
المنتظمة • وايقاع الفتنة والفساد • واخلال نظام الشريعة والدين •
العياذ بالله • واباء اهل الحق كلهم سيما امير المومنين وابن عم سيد المرسلين
ومشايخ الاسلام والعلماء المهتدين واركان الدولة واوتاد المملكة • واتفاقهم
على ان يكون الكلمة مجموعة • صونا للاسلام والمسلمين • ومن افتائهم بوجوب
القبول • وامر الاستخارة في ذلك وقبوله • حفظا لنواميس الدين والشريعة •
وعونا لاهل الحق والحقيقة • وحسما لمادة الفساد • وقمعا لاثار الجور والعناد
فكيف يمكن عدم القبول • والحالات الديانة والتقوى في نفسه القدسية
جبلية • وشفقته على خلق الله تعالى خليقة • ومروته شاكلة لسير الانبياء
مشاكلة • وعدله عادة عاقبتها فوز وسعادة • فبسبب اتصافه بهذه الصفات
الكاملة • وبعناية الله الشاملة • صارت عقود الامامة بوجوده الشريف
منتظمة • وامور الخلافة بذاته اللطيف ملتئمة • والوية الامن والامان منشورة
والممالك الاسلامية بعدله واحسانه معمورة • وقد صارت الملة برسمه
مخضرة العود • واعواد المنابر باسمه متلونة الصعود • ووضعت سلاطين
الافاق في عتبته العلية الجباه والنواصي • وخضعت لحكمه المطاع اعناق
المطيع والعاصي • فلما تحقق عند المحب المخلص ان سرير السلطنة المتبركة
تزينت بجلوس خير خلق الله خلقا ودينا ايده الله • وثبت في موضع
جلوسه لغاية الفرح والسرور • فقرأت الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن
ان ربنا لغفور شكور • فكررت سجدات الشكر على هذه النعمة العظمى
والمنة الكبرى • فصار وروده سببا للمباهاة • واحكاما لمكارم الود والموالاة
وانشراح الخاطر وطيب الاوقات • فاستفدت منه كحل الجواهر ومادة الحيوة
فحمدت الله عز وجل حمدا لا عد لاحصائه بقدر قدرة بشرية ووسع
طاقة انسانية • راجيا زيادة لطفه • كما قال عز من قائل • لئن شكرتم

لا زيد نجم • واما ما اشير الينا بان يكون بيننا حبل الموافاة • وحسن الجوار
والموالاة • ونتعالى في المحبة الوداد • وان المحبة بيننا تتفضل على اولئك
الاقدمين • فنخبر هذا المحب المخلص في الطاف المقر الكريم اعز الله انصاره •
وضاعف اقتداره • فان عنايته مع المحب المخلص كاملة • ومحبته شاملة •
ومن عادات الكرام اكرام مخلصه • فلا عجب من اخلاقه الكريمة التي ذرت
الى الافاق رائحته الطيبة • انه يحب من يباهي بصدق محبته وولائه • ويفتخر
بالقيام على اقامة مراسم وفائه • فان هذا المحب قد انتطق بنطاق الاخلاص
لتلك الحضرة الشريفة • وتردى برداء الاختصاص بتلك السدة المنيفة •
وعقد المحب عقود العهود على نفسه بالوثوق • ان ثبت اتحاده ورسوخ
اعتقاده وخلوص وداده وصدق نيته • وصفاء طويته وموافقة قلبه
ومصادقة روحه • لذلك الجناب العالي الرفيع • اعلاه الله ابدا وسرمدا •
تكون في مبلغ لا ينتهي غايته بريد وهم • ولا سفير خيال • وان نوالي من
والاه • ونعادي من عاداه • ويكون اثار المحبة على التزايد ليلا ونهارا •
وعلى التضاعف سرا وجهارا شامخة البنيان • راسخة الاركان • لا يتنشق
مشامها رائحة الخلل • ولا يخلط ساحتها شايبة الزلل على ان تكون نسبة
هذا المحب الى ذاته الشريف • لا زال عن نوايب الزمان مصونا • وبعظايم
مواهب الله تعالى مقرونا • نسبة الولد الى الوالد الكريم • ابقاه الله العلي
العظيم • بل نسبة اطوع الموالي الى مولى الموالي • وقد قصد المحب المخلص
بعيد ما ورد المشرفة السلطانية اليه • ان يجهز الامير الكبير مفخر الامراء
والاماجد مستجمع المعالي والمحامد • ولدبيك • دام اقباله الى المواقف العلية
لا زالت محفوفة بالعز والجلال • واليمن والاقبال • ليقوم عن المحب
المخلص باقامة سنة التهنية • فبينما اقتضت المصلحة الجهادية ان نتوجه
على التعجيل بالعساكر الاسلامية الى جانب بني الاصفر الملاعين • لعنة الله
عليهم اجمعين • فاشتغلنا بامر الجهاد • وفطرة المقر الكريم منصبغة بمحبة
اعلاء كلمة الله تعالى • وشانه حقيق بقبول العذر في تاخيره ولكن التاخير
معذور • ثم ان استفسر الولي الكريم • لا زال مسرورا بما يحب ويرضى عن احوال
المحب المخلص واستخبر عن اوضاع المجاهدين • مع الكفار • فانا بحمد الله
ومنه مشغولون بنشر المعدلة واصلاح المملكة • وتقوية شوكة الشريعة
وتكثير ابنية الخيرات • وتمهيد مباني المبرات • لا سيما ان اوقاتنا مستغرقة
بتذييل اباينا الكرام • وسنن سنن اجدادنا العظام • من اعلاء كلمة الله
والجهاد في سبيل الله • رغبة فيما قال رسول الله صلى الله وسلم • حيث سئل

اي العمل

اي العمل افضل قال الايمان بالله قيل ماذا قال الجهاد في سبيل الله • بل الايمان
والجهاد توامان • حيث قال الله تعالى يا ايها الذين آمنوا هل ادلكم على تجارة
تنجيكم من عذاب اليم تؤمنون بالله ورسوله وتجاهدون في سبيل الله باموالكم
وانفسكم • فمجاري الامور التي وقعت في هذه السنة • ان متملك مملكة لاز
المسمى بوركي • لم يبرح يصالح معنا • ويتملق لنا • ويظهر الصداقة ويشتكي
الينا من خراب بلاده وضعف رعيته • وكنا اولا نظن انه صادق في ذلك •
الى ان كشفنا اخباره • وتحققنا كذبه • وفساد نيته لاهل الايمان • فانه
ما هو خال من مراء وغدر وعدوان • فمصلحة تاييد كلمة الاسلام والمسلمين
تقتضي ان ينفي ذلك اللعين من البين • حتى ينفتح باب جهاد بني الاصفر •
فعزمنا بالعساكر المنصورة عليهم بعد نبذهم • رغبة في قوله تعالى والذين
جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا • فلما سرنا عليها على موجب عزمنا • رضيت اهاليها
ان يعطوا الجزية عن يد وهم صاغرون • فقررنا عليها فلهم ما لنا وعليهم
ما علينا • واما ملكهم اللعين • ففر الى اقصى بلاد بني اصفر • واناب ابنه منابه
في القلعة التي بناها على شط نهر طونه • المسماة بسمندره • التي هي حصن القلاع
واصعبها • فحاصرناها وتشمرنا في امرها عن ساعد الجد والاجتهاد • وبعون الله
فتحناها على وجه السداد • وعبر المجاهدون النهر خمس مرات بالسفن الى
مملكة انكروس • واغاروا عليه • ورجعوا بالمغانم الجمة وكسروا اوثانهم وصلبانهم
وخربوا دورهم وقصورهم وحصونهم • وقلعوا رسومهم واثارهم • ودكوا قلاعهم
على رؤوسهم حجرا حجرا • ومن جملة البلاد التي خربت واحرقت البلدة المزبورة
وبلغراد • وبلدة كوهين • وبلدة طمشوار • وبالجملة وقع في هذه السنة في
جهاد بني الاصفر من التخريب والتغريق والاحراق والقتل والاسر ما لا ينطق
بنطاق الوصف والتبيين • فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين •
فجهزنا بهذه الورقة خدمة الاجل المنعوت بما يستحق ان يستخدم مثله
بهذه الخدمة السنية • ولدبيك المشار اليه • لينوب عن المحب المخلص بابلاغ
التحية والسلام • وباقامة رسوم التهنية كما هو دأب السلاطين • والمأ
مول منكم ان لا تسدوا ابواب المكاتبات وطرق المراسلات • حتى يكون
المحب المخلص خبيرا عن مجاري احوالكم وقهر الاعادي وسرورا وبيانكم والله
يديمكم في نهج السعادة الى قيام الساعة • ويمد ظلكم الظليل على مفارق
الانام بحق فخر آل الخليل عليه الصلوة والسلام • وعلى اله الكرام واصحابه العظام

الجواب

اعز الله انصار المقر الكريم العالي • الاميري الكبيري العالمي العادلي المؤيدي

العونى الغياثى المهدى المشيدى الزعيمى الظهيرى الزينى • معز الاسلام
والمسلمين • سيد الامراء فى العالمين • ناصر الغزاة ذخر المجاهدين • ملجاء
الفقراء والمساكين • زعيم جيوش اتابك العساكر • ممهد الدولة مشيد
الممالك عماد الملة والدين غياث الامة ظهير الملوك والسلاطين • عضد
امير المومنين • لا زالت رجوم نجوم سيوف جنوده • وشهب بنوده • من
اوج الحروب صاعقة ونازلة على مفارق الاعداء واعناقهم • وما برحت
غرر اهلة جياد خيوله • ونعال خيوله طالعة ومشرقة فى ظلام الجدال
والقتال شعر كان مثار النقع فوق رؤسهم • واسيافهم ليل تهاوى
كواكبه • اصدرنا هذه المفاوضة الى المقر الكريم • لتشكر عزيمته باعدها
وتحقق لديه المواظبة على محبته وحسن ولائه • والاغتباط من قبلنا بما
اولاه المقر الكريم للاسلام من الفتح المبين • وتشييد بنائه • وتبدى
لعلمه الكريم ان المكاتبة الكريمة • وردت الى ابوابنا الشريفة على يد المجلس
السامى الاميرى الكبيرى العضدى الذخرى المعزى المقربى المؤتمنى •
الاخصى الزينى • ولدبيك • ادام الله سعادته وبشر بالخير الحضرتكم الكريمة
اعادته • فوقفنا عليها • وصرفنا وجه القبول والكرامة اليها • وشممنا
بروق النصر من عنوانها • ولمحنا مخايل الظفر باعدومها • وللاسلام عند عنا
وتاملنا الفاظه البديعة • فاذا هى اعذب من الزلال • واجلب للعقول
من السحر الحلال • ونظرنا الى سطورها تماوشى الوشى وابتهجنا بمنظومها •
ومنثورها • الذى زرى بالجواهر والدرر فى سلكها • وعلمنا مضمونها وفهمنا
مكنونها فاما ذكره من امر اللعين • الموسوم بيوركى متملك مملكة لاز • وما
سولت نفسه وشيطنته وسلوك سبل الغدر التى خابت به اوطاره
وخربت اوطانه • وغزوه بحيث امكن الله من فتح قلعة سمندره وما حولها
من صياصى بنى الاصفر التى ادخرته المقادير سالا يا مه الكريمة • وما انعم
الله على المقر الكريم • باحياء فريضة الجهاد من تواتر نعمه الجسيمة • ويسره
لذاته الكريمة وسناه وهناه له وهناه • من هذه المنن والمنح والنصر
والظفر والنجح • والتضييق على من بها من بنى الاصفر الكفار • والزحف
عليهم بعساكره المنصورة والاحاطة بهم وبصياصيهم معنى وصورة • وما
ادخل ذات المقر الكريم من ابتهاجه بواسطة علونا على سرير السلطنة
المعظمة • وارتفائنا على كرسى المملكة الكريمة ودخول النعم فى حافتى
بعدا وقربا • وانتظام المماليك فى خدمتنا شرقا وغربا • وتجهيز الامير
زين الدين • ولدبيك لبث فى مسامعنا الشريفة عن المقر الكريم بما من الله

من استمرار قواعد الاسلام والمسلمين بناء على اجمل نظام وتوقعه من عون
استبشارا ان تصير البلاد كلها دار الاسلام • وما اتحف المقر الكريم
بارساله على يد قاصده المشار اليه من الهدية والتحف البهية • بمقتضى
القايمة المعطوفة على مودته الكريمة • فقد علمنا ذلك وسلكنا فى الاعتداد
بتلقى رسوله المشار اليه اجمل المسالك • ولحظنا به ما اتحف به من ذلك
بعين القبول • واعظم امنيتنا بقاء ذاته الكريم • اذ هى غاية السؤال
ونهاية المامول • وقد اثبتنا ذلك فى صحايف الاعتداد • ونأكد به من
مودته ما لا يصل من يد الدهر تطرق اليه والامتداد • واودعنا بعض
عساكرنا واولياء دولتنا • ما منحكم الله به من تجريدكم لاحياء فريضة
الجهاد سيوف الهمم • وان عزمكم المقبول ترك وجوه الخيل باسمة •
والحرب اقوم من ساق على قدمه • فعند ذلك انشد شاعر حضرتنا الشريفة
بوصف عزمكم المرهف الذى هو للاسلام خير ناصر • وسيوفكم التى
هى بقوة الله سبحانه وتعالى للكفرة اقوى حاصر • وانبث باثر ما نص •
شعر ابشر ففعلك عند الله محمود • وانت منه بعز النصر موعود • تبارك الله
عم النصر واقتربت • ساعاته فلحزب الروم تهديد • نهنيك واقعة الفتح المبين
وله • فما لمن زمن الكفار موجود • شريعة الحق اوهت ركن زخرفهم حتى
حتى غدا لدخان الكفر تخميد • فالبشر فى حجرات الملك متصل • والمؤمنون
لهم عز وتاييد • بمثل نعمة هذا الفتح ما سمعت • اذن ولا مثله من قبل معهود
فتح تفتح ابواب الجنان له • لا باب دونك منها اليوم مسدود وعلى يديك
الله العرش قدرت الله • فقد رجعك لا يحصيه تحديد • كم من ملوك لهذا الامر
قد قصدوا • فكلهم بيد النقص مردود • وللسعادة اقوام لها خلقوا • وانت
منهم فلو بحياتك مقصود • وقد انهى اسوة كلهم الامير زين الدين ولدبيك
على مسامعنا الشريفة شفاها • ما اشار المقر الكريم عليه من المعاودة فى
محبتنا رغبة فى خالص مودتنا • وابتهاج خاطره بما من الله تعالى به من اجتماع
الكلمة فينا • ونحن كما فى علم الله محققون من المقر الكريم ذلك واضعا فهم
فان المحبة بحمد الله تعالى مقرونة من الطرفين • ومنزلة المقر الكريم •
والشفقة عليكم فى ضميرنا الشريف اعظم من والد على ولده • اذ الشيم
الطاهرة التى تفضل الله على وجودكم الشريف ومنحه بها قاصرة عليكم لم يلحقها
احد سواه • منها جميل الذات وحميد الصفات وبسط العدل فى رعيته
واهل بلاده • وتصديه لاعلاء منار الاسلام • ولحياء فريضة الجهاد
وغزو اهل الكفر والعناد • ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء • وقد تحقق

لمن هو متصف بهذه الشيم الطاهرة ان يتغالى في محبته ويرغب في مودته
وجل همته الشريفة ان يكون المملكتان كروحين في جسد او ساعدين
في عضد • والقفول والمسافرون وحجاج بيت الله الحرام يترددون
اليهما ويصدرون عنهما في حرز الامن والامانة مبتهجين بالدعاء لدوام
ايامنا الشريفة وايام مقركم الكريمة • وقد سكت الامير زين الدين
ولد بيك المشار اليه • بابوابنا الرفيعة مدة • متردد الى حضرتنا المنيفة
وخدمتنا اللطيفة • نعامله من الاكرام والتعظيم • والاحترام والتفخيم
بما يليق بذاتنا المعظمة وشيمنا الكريمة • واعدناه الآن صحبته صفي حضرتنا
ومحرم خدمتنا • المجلس العالي الاميري الكبيري المؤتمني الذخري العضدي
المقربي الاوحدي الشهابي احمد بن الطاهر • ادام الله تعالى نعمته • ووفر
من كل خير قسمته • وجهزنا على يده من فاخر انعامنا الشريف وتفقدات
برنا المنيف • ما يؤكد مواد الوداد • ويشعر بخالص الاعتقاد • احياء لمراسم
السلاطين • واشعارا بمكارم الخواقين • وجريا على مجاري احوالهم الحسنة
ومشيا على ادابهم واطوارهم المستحسنة • وهو المصحف الشريف ٢١٤
الكوفي بخط الامام عثمان رضي الله عنه

السيوف	جعاب	خود فولاد	زرديات
محروبه اثنان سقط ذهب سقط ...	سقط ذهب واحد	نفسه واحد	محمركاري سقط ذهب اثنان
بركستوان	اطبار فولاد	جام نفس	دركاش
محمله للعلى عمارجامر	اربعه	سمار واحد	سقط ذهب جامر
شاشاه	سانج	خيمه ...	تخت مذهب
... عشرة	قرمزي واحد	عمل ابراهيم بن عبد الله	اربعه
كحل	سرج	بغله	سرج ذهب
ومابين اسكندري عشرة ماء قطعه	خمسة عشر	سابوري عمل الزلد	وعرقية دركش خاص رشيد بابهام الذهب ستمائه سعاف
مناديل تخ	مناديل سبع وبهار	سانج	محسب
اربعه	خمسة وعشرين	اربعه	مذهب واحد
دهن بلسان	قطن	تفاصيل	سجادات
صمر بطر	كافوري وعنبر	حرير سبعه	جاص سنه

الاقمشة: جبهن في المراكب على ظهر الشجر ثلث دوسي

وقد حملنا كلا من المجلسين الشهابي احمد بن الطاهر والزيني • ولد بيك
من رسايل الاشواق والرغبة في الاتحاد وكثرة الاتفاق ما كل منها عليه
بسيد • وله مبدى ومعيد • فليأمر المقر العالي بتسليم ذلك • وبتيقن وتود

لجه

١٤٢

المحبة وسلوك طرق المودة • من مقاصدنا الشريفة اجل المسالك مع الاستمداد
على ما خواطرنا الشريفة تحققت فيه الجود وجميل الموافاة وخالص الاعتقاد
والمصافاة • ومضاعفة التودد بحجاج بيت الله الحرام • زادها الله تعالى
شرفا وتعظيما وزوار المدينة المنورة على ساكنها افضل الصلوة واكمل التحيات
وتردد القفول والرسل والقصاد من الطرفين والتجار من المملكتين •
وانفتاح باب الصلاح • وانكشاف طريق الفلاح • والاتحاف بما يعني له
من الاثقال والمهمات والله تعالى يعز نصره • ويعلي قدره • ويحصل مرامه
ويرفع مقامه • ويعمر بلاده • ويبلغ مراده • ويجعله من الذين احسنوا الحسنى
وزيادة • بمنه وكرمه ولطفه واحسانه • ان شا الله تعالى • كتب في العشرين
من ذي الحجة • سنه ثلث واربعين وثمانمائة • والحمد لله وحده وصلاته
على سيدنا محمد واله وصحبه وسلم • وحسبنا الله ونعم الوكيل •

سلطان مراد خان اتا قبونلي جهان كير بن عثمان قره بولك كوندرمشدر

مفر عز واقبال عتبه سراپرده بارگاه منبع سلطنت پناه • شهنشاه ممالك
٢١٥ دين • وملجا اعزه اقبال سده سنيه دركاه رفيع خلافت دستكاه عدالت
آيين قامع الطغاة والمحدين • معين المظلومين • پادشاه روي زمين
المرابط في رضاء الله • والساعي في دين الله • والمجاهد في سبيل الله المتوكل على الله
سيف الله على اعدائه • ومن اعترف الورى بالائه • وشهد كل ناطق بكرمه ونعمائه
من فضل الله بالقرآن والملائكة له جند واعوان الجامع شمل الايمان •
والمفرق مجمع الشيطان • الغازي في سبيل الرحمن • ابو الفتح سلطان مراد
بن محمد بن بايزيد خان • خلد الله ملكه وسلطانه • واوضح على كافة البرية
عدله واحسانه • الوف دعوات مخلصانه وصنوف تحيات صادقانه •
از صميم قلب وسويداء دل • اتحاف كردانيده • اشتياق بساطبوسي دران
حدت كه شمهء ازان توان حصر كردن • شرف ملاقات برايمن اوقات
واسعد ساعات • مقدر مقدر كناد • انه رؤف بالعباد بعد از زمين
بوسي وبندكي براي جهان آراي اركان دولتش • اعز الله انصارهم •
وضاعف اقتدارهم • معروض ميدارد كه • مدت مديد وزمان بعيد شد
كه كوش اين بندكان را باسماع مسرات دركاه • شرف نكردانيده • ما نع خبر
باد • پس بدين معني فرض عين نمود كه يكي از مصاحبان اين كمينه بدركاه
عالي فرستاده شود • كه شرايط خدمات وموجب عبوديات لازمه را بجاي
آورد • بدين مهم افتخار الصدور والاكابر جامع المعالي والمفاخر • وارث
المناقب والمآثر • فخر الدنيا والدين • امير سيدم • ارسال رفت • كه از غرض

این داعی بپابوسی درگاه عالی خلد الله ملکه وضاعف جلاله واسبغ
علی العالمین ظلاله مشرف گرداند امید که مذکور فخر الدین را بنظر رحمت
وشفقت ملاحظه کنند وهمت وعنایت دریغ نفرمایند زیرا خلاصه
فرزندان عبد القادر گیلانیست وهم در عهد سلطان حمزه تغمده الله
برحمته ورضوانه دو بار ببادای خدمات درگاه عالی خلد الله ملکه
وسلطانه رفته بود ومعترف نعمت حضرت اعلاست روز وشب
مذکور وبرادرش که فرزند شیخ الاصفیاء وسلطان الاولیاء سید عبد القادر
بدعای دوام دولت روزافزون وقیام رفعت همایون درگاه عالی
شید الله بنیان سعادته اشتغال نمودند وفی الغدو والآصال آن
دعا را اوراد کردند حق جل وعلا باجابت مقرون داراد بالنبی وآله الامجاد
می باید که برای اجلال فرزندان اولیاء الله ورعایت خاطر ایشان
این خدمتکاران را از زمرهٔ غلامان وجملهٔ ملازمان شمرند زیرا منت
الحضرت اعلی بر هر کس اگرچه مکتسب است اما باین کمینه موروثیست از آبا و
اجداد والدین داعی خدمت درگاه دولت پناه کرده شمهٔ از آن سایه
همایون برسر مرحوم مذکور افتاده بود ومسخر کردن این مملکت
نتیجهٔ آن امید که خدمتکاران سلف را رعایت کنند زیرا این ملک
نیز تعلق بحضرت اعلی دارد این خانه وآن خانه یکیست وکنفس واحده
شمرند واین داعی بالاخلاص را بمحل پاسبان وباخدمتکار دانند دیگر
چون تاجداران جهان بعقل ومعرفت خدمتکاران ارکان دولتند
زیاده تصدیع نرفت بواقی اخبارات اینجانبی ما سبق دارند از این
سر دانسته است ومتحمل گشته تا که عند الوصول بحضور موفور الحبور
عرضه کند از مکارم بی نهایت والطاف بلا غایات ارکان دولت
اعز الله انصارهم مرجوست که اصغا فرمایند اطناب سرادقات شاهی
باوتاد بقا مشید ومستحکم باد بمحمد وآله البررة واصحابه الامجاد

الجواب

خلاصهٔ ارقام مشکین ختام ونقاوهٔ کلام گوهر نظام که از جانب
جناب جنت مآب سعادت نصاب معز الدین جهانگیر بیک ابن علی بیک ٢١٦
ابدت ایام دولته بهمراهی حضرت شیخ زادهٔ بزرگوار امیر فخر الدین
سید زاد الله تقواه وافاض علینا برکاته مشتمل بانواع خشوع وخضوع
رسید بعد از مطالعهٔ آن از فحوای آن محبت ظاهر گشته شایبهٔ
شبهه نماند ومذکور را با حسانات شاهانه ونوازش خسروانه مرعی داشته

باز

باز جهت تبیین حالات این جواب ارسال کرده آمد باید که بیارش چندی
که باشار الیه نموده ایم بسمع قبول اصغا فرموده سالک طریق مخالفت نگردند
وحیثیهٔ از جادهٔ یکجهتی انحراف را جایز نداشته هر مهمی که واقع شود معروض
دارند تا بعنایة الله تعالی سرانجام شود باقی ایام دولت زیاده باد
برب العباد وبالنبی وآله الامجاد

سلطان مراد خانه ماردین حاکمی ناصر الدین ارتقی گوندردکی

حضرت اعلی پادشاه جهان دارای زمین وزمان فریدون کسری نشان
ذو القرنین دوران سلیمان اوان فغفور زمان خاقان اعظم سلطان
سلاطین الترک والعرب والعجم شهاب الخلافة نصاب العدل والرأفة
نعمت سایهٔ رحمت یزدانی وآیت ابرار سبحانی ممهد ارکان خدایگانی مشید
قوانین جهانبانی مطلع انوار خدایی مظهر الطاف کبریایی برگزیدهٔ تؤتی
الملک من تشاء وبرگزیدهٔ تعز من تشاء الذی خصه الله بالطاف الازلیة
وایده بالسعادة الابدیة وبالعنایة السرمدیة وهو النجم الطالع فی فلک المعالی
العالم العادل والکامل الفاضل المؤید بدوام الدولة القاهرة المنصور
علی الاعداء بالصولة الباهرة حامی الملک والملة ماحی الظلم والبدعة
لیث الوغی فی المعارک غیث الندی فی الممالک وغیاث الوری فی المهالک
وله للاعداء من الشجاعة سم الاراقم وللاولیاء من السخاوة سهم الاکارم
وله الجلال الذی لیس فوق جلاله الا جلال الله جل جلاله ظهیر الدنیا
والدین ناصر الاسلام والمسلمین الذی بسط علی مفارق الملوک ظلاله
ابقی الله تعالی فی بسیط الارض ملکه وسلطانه واوضح علی العالمین برهانه
وافاض علی البرایا عدله واحسانه بندهٔ کمترین بندگان دولتخواه بی
اشتباه زمین آسمان رفعت فلک حشمت کیوان مکنت خورشید عظمت
ناهید عزت برجیس سعادت بهرام صولت عطارد فطنت بلب ادب
وخشوع مقبل وملثوم میگردانند واللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس
بدعای دولت ابد پیوند مشغول بوده ومی باشند واز حضرت صمد ذو الجلال
فی الغدو والآصال بتضرع وابتهال مزید عمر وثبات دولت ونظام
حشمت وخلود عظمت وسلطانی حضرت اعلی خاقانی کشورگشایی
نصرت شعاری اسلام پناهی خلد الله ملکه وسلطانه خواهند مدی
الدهر مخلد باد استدعا می نمایند انه علی ذلک قدیر وبالاجابة جدیر
بعد از وظیفهٔ بندگی ورفع خدمات بوزرا ونواب کامکار رونما مدار
عرضه میدارد که این بنده را بتحقیق وتصدیق پیوسته که حضرت اعلاء

خاقانی را با حضرت سلطنت پناهی اسکندری اتحاد و اعتقاد عظیم هست
بنده را نیز واجب و لازم است که کمر انقیاد و دولتخواهی آنحضرت بر میان
جان بسته • طریق عبودیات و وظایف دولتخواهی بتقدیم رساند •
درین وقت معتمد الخواص و ملاذ التجار خواجه ناصر را باستان دولت
حضرت جهانپناهی فرستاده شد • که بندگی و خدمتکاری این بنده را
در حضرت اعلاء جهانمطاع خاقانی معروض گردانند • که حضرت اعلاء
فغفوری را نیز در بارهٔ این بندهٔ دولتخواه • عنایت و مرحمت متضاعف
و متزاید کرده • و با آنکه عثمان مخذول مدتی مدید ست که کمر عداوت
و خصومت با میرودیت بسته • و سال بسال خصومت زیاده می‌کند •
اول فصل بهار آمده جنگ و حرب عظیم در میان واقع شد • اما نتوانست ٢١٧
که کاری کردن • بجانب ییلاق توجه نمود • حمزه نام پسری دارد •
در قراجه طاغ گذاشت • که مگر او تواند با میرودیت دشمنی کردن •
چون عثمان بجانب ارزنجان رسید • حمزه لشکر خود جمع گردانید •
و بولایت میرودیت آمد • این بنده نیز از قلعهٔ مبارک فرود آمد • مقابل
شد جنگ و حرب عظیم دست داد • بفیض فضل یزدانی و الطاف
نامتناهی سبحانی و یمن دولت حضرت سلطانی • بر حمزه فرصت افتاد
با صد نفر جوانان پهلوان نامی گرفته شد • و صد نفر دیگر بقتل آورده
و پانصد و شصت دیگر را اجبار اسیر کرده • و مال و غنیمت بسیار
گرفته شد • و اجبا مدکه بعرض همایون معروض گردانند • که حمزه
گرفتار و محبوس عالیناهیست • هر آنچه حکم یرلیغ حضرت اعلاء
سلطانی نافذ گردد • این کینه بجان و دل افتادگی نموده بتقدیم
رسانیده شود • توقع بخاک پای حضرت اعلاء جهانمطاع آنکه از خاصان
درگاه عالیناهی یکی را صاحب الخواص خواجه ناصر ارسال فرمایند که •
بدین جانب آیند که صورت بندگی و خدمتکاری این کمینه مشاهده
کنند • و در آن حضرت معروض گردانند بواقع حالات که از وقلم قاصر
مانده باشد • مذکور تقریر خواهد کرد • زیادت گستاخی نمی‌نماید •
سایهٔ چتر همایون تا انقراض جهان پاینده و مستدام باد • بمحمد و آله الطیبین الطاهرین

الجواب

مرابطهٔ مصادقت ازلی • و ضابطهٔ مخالصت لم یزلی • که بمصدوقهٔ
الارواح جنود مجندة • از جانب جناب شوکت مآب سعادت نصاب •
ملک و سپهسالار ولایت • عضد الملة و الدین • میرزا ناصر حاکم ماردین •

ابد بنیان دولته • در اشرف ساعات و اسعد اوقات از دست عمدة الاکابر
خواجه ناصر رسیده • و شکایتی که از حرکات عثمان بیک نوشته بودند
و اعلام کرده که بعد از رفتن مزبور بارزنجان • ولد او حمزه با بعضی
اهل طغیان • بجانب او لشکر کشیده • بعد از محاربه و مقاتله حمزه مزبور
با جمعی از اشقیا و اصحاب شر و شور گرفتار قید و بند گشته • و اکثر گروه شوم
علف تیر و طعمهٔ شمشیر گردانیده اند • و مشاوره در باب ازالهٔ آن باین
جانب کرده • معلوم باشد که آن طایفه را تقصیرات بسیار است و در
وقت فراخی حال • باستکبار مقال گشاده • در زمان تنگی تملق و چاپلوسی را
شعار ساخته • و دست ضراعت در جیب ندامت کشیده • بعد از خدمات
بنیاد مکابره می‌کنند • با این همه ما ایشان را همیشه مرعی نموده تقصیرات
ایشان را بنظر همت در نیاورده‌ایم • و الحالة هذه اگر چنانچه بدر او نزول
عذرخواهی با ستغاثه زبان میگشاید • و از روی ادب در آید • و جناب
مآل او وسیلهٔ استخلاص او میکند • هر آینه در آنکه بمعبود مشتمل
طلب عذرخواهی ایشان میکنیم • و خدام ذوی الاحترام نیز عفو جرایم
اعمال آن در میکنند • شبهه نیست • و الا بفحوای شریف و من جاء بالسیئة
فلا یجزی الا مثلها عمل کرده • هرگاه لوازم عزت و حمیت را بجای آورند
کسی چه گونه منع آن کنند • و هر چه علمای آن دیار در خصوص او گویند
چنان نمایند که خلاف شرع کاری کردن مناسب نیست • زیاده اطناب
نرفت ایام کامرانی مقرون بمرام دو جهانی باد • و السلام و الاکرام •

سلطان مراده بدلیس حاکمی محمد بیک گوندردیکی تضرع نامه در

خلد الله تعالی فی مدارج العز و البقاء ملکه و سلطانه • و اوضح علی العالمین ٢١٨
بره و احسانه • بندهٔ کمترین بندگان و صادقترین مخلصان و دولتخواهان
صادق الاخلاص خالص الطویة و الاختصاص و الاعتقاد • زمین عبودیت
و اطاعت و انقیاد • بلب استذلال و خضوع و خشوع و ضراعت و ابتهال
مقبل و ملثوم گردانیده • در آناء اللیل و اطراف النهار • بدعاگویی دوام
دولت قاهره و ثبات شوکت باهره • ایده الله تعالی بالخلود الی الیوم
الموعود • اشتغال نموده و مینماید • بیمن اجابت مقرون و متواصل باد •
بحق الحق • و منه العزیز • بعد از وظایف بندگی و شرایط خدمتکاری
و اتحاد و جانسپاری • معروض رای و رزای کامیاب • میرود که بحکم نص
کلام مجید سبحانی عز من قائل که • و فضل الله المجاهدین علی القاعدین
اجرا عظیما • تفضیل و علو مراتب • و مناصب آن پادشاه اسلام ظل الله

على الانام • حامى حوزة الاسلام • معين الاسلام والمسلمين • قاتل الكفرة
والمشركين • استظهار واعتضاد ائمة المؤمنين را بر كافة موحد واوحدى
كردد • وبر جميع اهل اسلام وكافه موحدان انام را واجب ومفروضست كه
بيحا على الوجه وسجا على الهام • متوجه آن كعبهٔ آمال • ومعبد امانى
وافضال كشته • خود را برات سعادت مستسعد كردانند • وذريعهٔ
حصين وامیدگاه متين ساخته • ووسيلهٔ عليا وامنيهٔ قصوى نموده
سرافراز ومفتخر ومباهى شوند • بنا بر آن این دولتخواه كمينه بر ذمت
همت بود واجب ازلحضور واشباح را بفیض فضلش بر وجه صواب •
وطريق صلاح • تقارب لايزال بخشايد • هذا ويعلم الله كه ترادف اخبار
سارهٔ فتوحات سنيه كه از كماة ابطال • وسراة رجال عتبهٔ عليه يوماً
فيوماً ظاهر ميشود • وتوالى احاديث مبهجه دارهٔ بسطت سلطنت • وتوسعهٔ
دائرهٔ اقطار مملكت • كه بيندل وسع كر بستگان دركاه دولت • لحظة
فلحظة روى مينمايد • چون بسمع اين جمع بجان قديم • ومخلصان
بر نهج سداد ووداد مستقيم ميرسد • بهچندان فرح وبشارت • واهتزاز
عطف ونضارت مى بخشد • كه شمهٔ از آن در حيز تقرير وبيان • توان
آورد • لاسيما اخبار بدرجهٔ انتها رسيده است كه بمقتضاى الملك
والدين توأمان • رفعت ملك وجاه • وفسحت سلطنت وساحت بارگاه
را مقرون كردانيده اند بكمال الرأفت وشفقت • بر ساير ضعفهٔ رعيت •
وبسطت نصفت ونشر عدالت در ميان كافهٔ خليقه • كما امر الله ورسوله
خير البرية • لاجرم واجب آمد بر دوستان جانى بل اقاصى وادانى •
كه مزيد دولت سلطنت پناهى • وثبات حشمت عدالت دستگاهى •
را از حضرت عزت • عز شانه • بتضرع وابتهال ليلاً ونهاراً • سراً وجهاراً
استدعا نمايند • واين دعا را از همه خلق جهان باد آمين • بعد ذلك
بر نواب كامياب دركاه اعلى • اعلى الله تعالى شانهم انها ميرود كه بيش
از اين بهفت سال تقريباً • در بلدهٔ بروسا • حميت عن البأسا • جناب
سيد السادات العظام • حائز السعادة فى الانام • فخر آل طه ويس •
الدارج فى معارج الرحمة الى اعلى عليين • الشريف المعلى والمنيف المزكى
سيد شرف الدين على طاب مرقده • نداء • يا ايتها النفس المطمئنة ارجعى
الى ربك • را اجابت نموده از سراى غرور بدار نعيم وسرور • انتقال
فرمود • وخلف تراباً سرها بخلفين صدقين • السيدين الكبيرين
الدرين الفاخرين السيد الكبير بهاء الملة والدين • طاب ثراه • والنجيب المنجب

الصغير

الصغير سيد شمس الدين طال بقاه كذاشت • ودر اثر حادثهٔ اولى
اندكى نمانده كه ناكاه از تقدير ربانى • وقضاى آسمانى • سيد بهاء الدين
بن جام عام اجل چشيد • وروى از دنياى دنى در پيچيد • ورخت اعمال
صالحه بفردوس اعلى كشيد • ما يتعلق به من المتاع موروثا ومكتسبا
مقسوما ومشاعا • ببرادرش شمس الدين وزوجهٔ كريمه اش كه از نتايج
كرام مشرفاست • رسيد • چنانچه مكاتيب محكمهٔ نبوى • وسجلات شرع
مصطفوى • ناطق بر آنست • وبشرف مطالعهٔ ولاة عظام آن ممالك
محروسه خواهد رسيد • ودر اثناى احساس آن واقعه • اتفاق چنان
افتاد كه مرحوم سيد بهاء الدين يكى از امناء مماليك خويش • برسم تجارت
بدان ولايت فرستاده بود • وامين مذكور • بعد از قضاى وطر وتحصيل
مقاصد سفر • بدار الملك تبريز حماه الله الملك العزيز كه مقر غزاة شاه
نامورست • رسيد • وزمرهٔ از كذبه وشاة • وفوجى از فجرهٔ سعاة •
بسمع عمال بيت المال رسانيدند كه سيد بهاء الدين بلا وارث فرضا وتعصيبا
وفات يافت • عمال تبريز بدون كشف حال وتحقيق صدق مقال • مقدار
هشت خروار حرير از خالص مال آن ضعيفهٔ فقيره ويتيم نقيرا از امين
مذكور اخذ كردند • چون اين محب مخلص بر كيفيت اوضاع كما هى مطلع شد •
بمقتضاى من يشفع شفاعة حسنة • وبموجب اشفعوا توجروا • واجب
ديد ولازم شمرد كه بسمع جمع نواب دركاه • رساند كه لطف فرمايند •
وحق معروف الحصه را بمستحق رسانند • وذوى القرابة واجب المودة خير البشر
را محروم نكردانند • وتعدى وتطاول در حق ايشان تجويز نفرمايند
بلكه تعريك وتاديب متصديان ايشان • از لوازم ايمان دانند • وبالجمله
اين محب هوادار • رواداران نه كه خزانهٔ معمورهٔ آن جهان مكرمت •
وجهاندار بر عدل ومرحمت را باموال ايتام مخلوط كردانند • خصوصاً
ايتام شفيع امت • ومنسوبان خاندان حضرت رسالت عليه من الصلوات
اكملها ومن التحيات افضلها • واز جهت آنكه ورثه ووصى يتيم وحاكم
شرع قويم • باجمعهم بعد اختيار امانت • واعتبار ديندارى وديانت
واعتبار ديندارى وديانت خدمت صدر التجار مفخر الابرار الكامل الكامل
حاج الحرمين • خواجه حاجى شمس الدين محمد باكوبى را سلمه الله تعالى اختيار
كردند • براى تفتيش قضيهٔ مذكوره • وتحصيل وجوه مزبوره • وسجلات
واحكام را بنام او نوشته فرستادند • بنا بر اين محبت نامهٔ مشتمل بر
التماس واستدعاست • واخلاصيه كه متضمن استشفاع ورجاست •

بمصاحبت کویم مشار الیه که امین ترین وکلاء ست ارسال کردانید رجاء
وانق که آراء صایبهٔ نواب عظام عظمهم الله تعالی بحسن قبول تلقی نمایند
ودر حصول امنیت اولاد رسول واحفاد بتول سعی بلیغ فرمایند وحق را در
مرکز خویش قرار دهند ویقین دانند که این معنی موجب سعادت دارین
وسبب زیادت منزلین خواهد بود بنا بر نص انا کافل الیتیم کهاتین
فی الجنة واشار الی السبابة والوسطی جعلنا الله وایاهم من الفایزین الذین
یستمعون القول فیتبعون احسنه اطناب خیام سلطنت باوتاد خلود
مشدود باد بحرمة سید المرسلین وشفیع المذنبین وقائد الغر المحجلین وعترته الطیبین
الطاهرین

الجواب

عرضهٔ عرصهٔ عظمت وجلال وقبلهٔ قبله گاه ذو المجد والافضال بارخ
عبودیت وشفاه رقیت مقبل وملتثم داشته معروض بنده کاینه نامهٔ
فرخ فال ومثال لازم الامتثال که نامزد این بندهٔ کمترین وچاکر احقر فرموده
بودند در اشرف اوقات وایمن ساعات نزول وسعادت وصول یافت
انجه درباره اخذ جریمه بورونی وزنه سید زاده اعظم امیر بهاء الدین
رحمه الله اشعار فرموده بودند وتاکید کرده حسب الامر الشریف طورشی
اغا نام از اقربای خود را با وکیل معتبر ایشان عمدة التجار وفخر الکبار
حاج الحرمین خواجه شمس الدین باکوی زید قدره همراه کرده بجهت
تحصیل آن بدار السلطنة تبریز بپایهٔ سریر سلطان جهان شهنشاه
زمان خلدت ایام سلطنته وابدت اعوام دولته کسیل نموده شد که
خدمت وبندگی را بجای آورد وبتوفیق الله تعالی حقوق بورونی ایشان
را حسب الحکم الشریف گرفته تسلیم خواجهٔ مزبور نماید که بمستحقش
در رساند ودر آنکه میسر خواهد شد شبهه نیست ان شاء الله تعالی
باقی فرمان برای جهان آرای مفوضاست والامر اعلی

قسطمونی حاکمی اسفندیار بک شاهرخ میرزایه کوندروب بو لرده
طوتلوب سلطان مراده ایصال اولنمشدر ٢٢٠

بدرگاه جهان مطاع کشور کشایی که رایات سلطنت او منصوبست بر اعلام
شاهقهٔ عز واقبال وببارگاه ملک گشایی فرمان فرمایی که ذیل عظمت
وشوکت او محروساست بر اطباق رفعت واجلال آن سلطان اعظم
واکرم وخاقان معظم ومکرم آفتاب سپهر معدلت وصاحبقران
جهان مکرمت پادشاه ممالک دوران خسرو نامدار ملک ستان
والی ولایة السلطنة علی الاطلاق مستخدم ملوک العالم بالاتفاق ناشر

لواء الرأفة علی العباد ناظم رقاب السلاطین فی سلک الانقیاد باسط ظلال
العدل فی الارضین خلد الله ایام سلطنته علی صفحات الایام لنفوذ الاسلام
الی یوم القیام ولا زالت اقطار الآفاق والاقالیم بانواع لطفه ومعدلته
معمورة وحساد دولته الباهرة فی اکناف الارض باصناف قهره وشوکته
مقهورة دولتخواه کینه ودعاگوی دیرینه که از اهالی جوانب هواداری
واهالی مراسم خدمتکاری مبراست عبودیاتی که ناشی از معدن صدق
واخلاص وخدماتی که منتشر از منبع خلوص طویت وصفای اختصاص
معروض ومتحف میدارد لیلا ونهارا بدعاء دوام دولت ابد پیوند
وثبات حشمت سرمد از خالق ازل وابد قیام نموده ومینماید بمحل اجابت
وحیز قبول قرین وموصول باد بالنبی واله الامجاد بعد از ادعیهٔ متکاثره
واثنیهٔ متواتره معروض رای عالم آرای کشور گشای میگرداند که پیشتر از این
این بندهٔ داعی مخلص در ظلمات حیرت متحیر ومضطر مانده بود ناگاه
از عالم غیب رایات نصرت شعار وظفر نگار حضرت سلطان مرحوم
بولایت روم تشریف فرموده وجهانرا از ظالمان ومخالفان پاک
کردانیدند چون جنة المأوی شب دیجور بروز پر نور مبدل گشته
وتر دولت وشعاع سلطنت عالمیان را منور کرده ودست فرومانده گان
را گرفته هر یکی را بدولت وسعادت رسانیدند واین مخلصان زحمت
دیده ومحنت کشیده را در سلک بندگان دیرینه منسلک فرموده بودند
وخادمان دولتخواه نیز آناء اللیل واطراف النهار بروح روان مغفور
سعید شهید الوغ بیک نور الله مضجعه وطیب مرقده در مساجد
ختمات ودر صلوات دعوات مداومت ومثابرت مینمودند که
در اشرف اوقات وایمن ساعات مبشر آثار سعادت ومخبر اخبار دولت
بسمع مخلصان رسانید که عساکر منصوره نصرهم الله تعالی مملکت
آذربایجان از تصرف ترکمانان بعون عنایت سبحانی استخلاص واستخلاص
فرموده واعادی ومخالفان مقهور ومخذول گشته کانهم حمر مستنفرة
فرت من قسورة شکرهای فراوان بحضرت ملک منان گزارده والحمد
لله الذی اذهب عنا الحزن بر زبان رانده وبدین بیت ترنم نموده

نظم خیر مقدم بدل خسته روان می بخشی مرحبا ترک دیگر بجو جانی
می ابی چون اخبارات خیر بدین منوال ظهور یافت واجب ولازم شد که
بندگان نیز تهنیت ملک ستانی ودعایی که از سر صدق واخلاص انبعاث
یافته باشد روانه گردانند واخبار واحوال اینجانب اعلام نمودن

اكرچنانكه موكب همايون تاجبخش بولايت روم توجه سازند وعنان
كردن بسته خودرا باداورى فرمايند كه همه طوق اخلاص دركردن
وكمر انقياد درميان بسته مهيا باشند چون كمال عنايات حضرت
سلطنت پناهى اكثر من كواكب السماست بواقى عرض داشت را بتقرير
حامل ثنا مفوض كرده شد عند الحضور بالسرور عرضه نمايد زياده
اطناب واكثار محتاج نديد كه رياض دين ودولت بنور عدل اراسته
باد بالنبى واله وصحبه عليه وعليهم السلام الى يوم القيام
اين خدمت در تاسع شعبان المعظم
لسنه ثلث وثلثين وثمانمائة
صورت عرض
داشت
تم

سلطان مرادخان تخت وسلطنت امورنى اوغلى سلطان محمده تفويض
ايدوب كندوسى كفار ايله غزا وجهاده توجه ايدوب اعدا دين منهزم قيلدقده
بو فتح نامه سلطان محمد خان طرفندن شاه عجمه كوندرلمشدر

اسباب سعادت جاودانى وموجبات فتوح ابهت وكامرانى بپوسته
ملازم عتبهٔ رفيع وسدهٔ منيع حضرت سلطنت پناهى مملكت دستكاهى
معدلت شعارى مكرمت دثارى افتخار الملوك والسلاطين اعتضاد
الغزاة والمجاهدين مالك زمام الاكاسرة والسراة كاسر رقاب الجبابرة
من العصاة والغواة مؤسس مبانى الخيرات مشيد مقاعد العز من
العدل والحسنات حامى حوزة الدين بالدولة الباهرة ماحى ظلمات
الظلم من العالمين بالصولة القاهرة ملجأ المظلومين ملاذ الملهوفين
نصير الحق والملك والدين ناصر الاسلام والمسلمين خلد الله خلافته وادام
على العالمين بره ورأفته باد وسلك عقود جشم بدحوادث از حوالى
حواشى ملك زمانش دور ودست وپاى طوارق وبوارق از سمت
سعادت خداش مقطوع ومكسور كردناد بالنبى واله الامجاد محب
صادق الوداد ومخلص راسخ فى سنن الاتحاد بعد از تبليغ محامد لا بقف
فى نهاية وارسال اثنية رايقة فى غاية واتحاف دعوات مستجابه
واهداى تسليمات مستطابه بنواب كامياب حضرت ميدارد كه عن
قريب سلطان الغزاة والمجاهدين والى ولاة الائمة المهتدين ابو الفتح
خداوندكار رم وپدرم وسلطانم خلد الله ظلال عاطفته على رؤس المسلمين
اين داعئ دولترا ممالك محروسهٔ عثمانيه لايق ديده ارزانى فرمودند
وقبض وبسط امورى كه تعلق بر اين امر خطير دارد دركف كفايت اين
دولتخواه نهاد وازجهت تاكيد دولت وتشييد مبانى اين سلطنت
با جميع اطراف وجوانب از طغاة كفره وبغاة فجره وولاة اسلاميه
بعهود ومواثيق وسوكند مصالحه فرمودند وبمبارك وطالع سعد
بدان طرف دريا دركذشته بفراغ بال متمكن كشتند وباعمال اخروى
اشتغال نمودند وبعد بناء حال براين منوال ائمهٔ ارباب ضلالكه
ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه از دين قديم ايشانست بنقض
عهد وخلف وعد مسارعت نمودند وجميع كفره از اهل حرب

واكثر ملتزم ذمت انفاق كرده برا و بحرا طائفه موحدين را بالكلية احاطه
كردند • وفي الجمله ممري كه بزعم خصوم سفر توانند بود • مسدود از جهات
اربعه بانقاد نار فتنه تفرقه بفرقه مسلمين رسانيدند • وجمعيت
عسكر پريشان متعسر كردانيدند • ناكاه در اثناء اين نائره پرفتن •
وانحناى دائرهٔ مملو بمحن • رئيس ضلول پاپوس بنى اصفر قرال • با قريب
هفتاد هزار سوار كوه پيكر پولاد شال • سوى اين ولاجوى فرستاد •
وحضرت عالى خداوندكار • نيز از اين معنى ذاهل بودند • ناكاه اين خبر هائل
بسمع اشرفشان رسيد • دفعهٔ عساكر اسلام وكافهٔ انام را بنفير عام
اعلام داده جاد و پاساق فرمودند • وبنفس نفيس با جمعى از خواص ومقر
بين حاضرين • براى نصرت دين مبين • متوجه كفار ملاعين شدند •
وچون بشاطئ بحر رسيدند • ومعبر را مسدود ديدند • بفلك مسحون
بابطال • زورقهاى مملو باسباب قتال • لاجرم فى الحال باشتعال نيران
حرب اشتغال نمودند • ودر لجهٔ بحر بى كران • بطعنات سيف وسنان • آتش
اندر نهاد آن خاكساران انداختند • وجمعيت ايشانرا بمثابهٔ اوراق
خزان • بباد فنا متفرق و پريشان ساختند • وبعد از ين فتح مبين •
وهدم ردم سفن مشركين • بدار الفتح ادرنه درآمدند • واين مخلص
٢٢٢ را باكثر نواب وخدام كذاشته • از خصوم جهات • وكفار اقطار اعراض
واغماض نموده • متوجه سرخيل جنود شياطين • وپيشواى اصحاب
سجين • قرال بد فعال لعين • شدند • وچون مقدار پنج منزلى رفتند •
ناكاه در اول وقت ضحى • تقابل فريقين • وترادف صفين • اتفاق افتاد •
مبارزان ابرار واخيار • ومعارضان فرقهٔ فجار واشرار • بر يكديكر حمله
آوردند • وكباش ابطال اهل حق وصلول • بمناطحه ومكاوحه اشتغال
نمودند • وبتطارد اسود شجعان • وتطاير فرسان وافران • امن از زمين
وامان از جهان وجان برداشتند • واز كثرت طعنات اسنهٔ ازرق
فام • وتتابع ضراب كرز وحسام • وتوالى رشقات بنادق وسهام •
بى حد وانجام سر از تن وروح از بدن • مفارقت كرد • ودشت وهامون
از جريان خون • بمثابت دجله وجيحون كردند • واز تراب اجسام دكاك
واكام حاصل شد • وقصورى وفتورى فى الجمله در اطراف خمسهٔ خميس
موحدين راه يافت • وتصادم فئتين وتضارب طائفتين بغلبه
وتداولى بعيد العصر • بر منهج متمادى كشت • ودر وقت اصيل كه صباح
فتح دين محمدى وزيدن كرفت • ودبور قهر ملت عيسوى جستن آغاز كرد •

خداوندكار جليل با قليل از خواص حاضرين اهل يقين • همچو شهب رجوم
بر شياطين خصوم • هجوم آوردند • وبمناضلهٔ صوائب ومقارعهٔ كتائب
وطعنات رماح • وضربات صفاح جمعيت عسكر مخذول را مبدد ومشتت
ساختند • بحيث لا يبقى منها عين ولا اثر • ودر احشاى كفر وفى ملك بنى اصفر
را بموت احمر بهاويهٔ سقر فرستادند • وجمهور اكابر مجرمين با بعيش را كه باقى
ودسمى موسوم ومرسوم بودند • بهيچ فردى مناص خلاص ندادند • وباقى
بقيهٔ سيف شطارا وباش وحسومات مواشى كانهم حمر مستنفرة فرت
من قسورة • ولوا مدبرين وكذلك نفعل بالمجرمين • الحمد لله الذى صدق وعده
ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده • هذا چون اين فتح مبين • ونصر متين
از آن قبيل است كه در قرون خاليه وسنين ماضيه اتفاق نيفتاده
باشد • الا واحدا بعد واحد • ومانور نكرديده شد • الاوراد بعد وارد
واجب شد • ولازم آمد كه بدركاه حضرت سلطنت پناهى كه بسلوك دين
وديانت مستمر • وبمصادقهٔ قديمهٔ آل عثمان مشتهر • ومع ذلك المجاهده
كفاره پيوسته مسلك ومشتغلند • اعلام رود • تا كه كافهٔ اركان دولت
وعامهٔ ملازمان حضرت • وجمهور مسلمانان ورعيت مبتهج ومستبشر
كشته • ليلا ونهارا موجب ازدياد اين نوع نصرت از حضرت واهب بى علت
عز كلمته • بتضرع واستكانت مسألت نمايد كه من افضل الرغائب دعوة
الغائب للغائب • ويوما فيوما • در تقويت وتمشيت اين داعى دولت كوشند
نظر عنايت دريغ نفرمايند • براى تبليغ اين معنى جناب خلف الاعاظم افتخار
الاماثل والاكارم زبدة الخواص شمس الدين بيك ادام الله معاليه ارسال
رفت كه بركماهى اوضاع خبير بود وقت فرصت استفسار تقرير نمايد •
وتجديد عهود ومواثيق موالات را مستحكم كرداند • باقى زيادتى ابرام اقدام
نرفت • سايهٔ رأفت وعاطفت بر سر كافهٔ امت حضرت رسالت پاينده
باد بجاه النبى واله الامجاد • كتب فى اواخر رمضان المبارك سنه ثمان واربعين وثمانمائة

الجواب

عاليجناب مملكت پناه سلطان كامكار اعدل ملوك روزكار • قهرمان
زمان وزمين قامع الكفرة والمشركين غياث الدنيا والدين • سلطان محمد
ابد الله ايام مملكته وجلاله دا سلام ومحمدت • بصنوف عواطف ومراحم
مقرون • ودعا وتحيت بوفور ايادى ومكارم مشحون • اتحاف واهدا
مبرود كه • تعطف ومحبت وتلطف ومودت شامل وكامل تصور نمايند ٢٢٣
والتفات خاطر بحصول امانى وتكميل آمال جاودانى • بدرجهٔ اعلى حاصل

شناسند. واما حديث الشوق فقد طال شرحه. در اوائل محرم الحرام عمت
ميامنه. مرقوم رقم اعداد اشواق ميكرود. درحالتى كه مواهب عظمت حضرت
سلطانى عزشانه. در جميع امور واحوال بامداد تأييدات آسمانى متواصل
وعنان مكروهات غائله شوشات از روى روزكار دولت فرخنده
بكلى زائل است. الحمد لله على آلائه الوافرة. ونعمة المتوافرة انهاى دودكه
احمد بيك راكه بدين دركاه فرستاده اند. مدتى شد كه معاودت نمود.
ومصحوب او سوانح حالات اعلام فرموده بوديم وكنوز معاملات آن
جوانب استعلام رفته. ديدهٔ ترصد وچشم ترقب. بر شارع جوابت
وتا غايت هيچ كونه اخبارى نمودند. درين وقت كه نوكران مقرب حضرت
قدوة زوار الكعبة امير شمس الدين محمد حاجى. ومباى خواجه عمر
عازم آن جوانب بودند. اظهار الآثار الصداقة الوداد. وايضاحا للاوار
الموافقة والاتحاد. اين مكتوب اصدار يافت. تا همواره ابواب مراسلت
مفتوح داشته ايلچيان ورسولان مشتمل بر اعلام واستعلام حالات
ودفع ملتمس متردد ومتوجه باشند. ودر صحبت داربكان شرح احوال
وكيفيت سلامتى ذات شريف باز نمايند. ديكر درين معامله مصطفى كه
درمصر بود ازراه دريا باز رجوع بدين دركاه كرده. مدتى شد كه ملازمت
نظر بر سلاح ويراق آن جنابست زياده اصدار نيفتاد. اسباب جهانكيرى
ودولت در تزايد باد. برب العباد. بحق النون والصاد.

سلطان محمد خان عجم شاهى جهانشاه ميرزايه كوندرديكى نامه در

ظل ظليل مراحم حضرت والد اعظم خدايكان خواقين العرب والعجم
مالك رقاب سلاطين الترك والديلم. داراى قيصر خدم فغفور جمشيد
حشم. مربى ارباب العلم والقلم عون الملك وغوث الامم جهانكير ممالك
بخشاى. صرصر رخش كيتى كشاى. نوبين عظمت پناهى. نوئيان معدلت
دستكاهى حضرت ابوى جهانشاهى. لا زال رياض النصر ناضرة بازهار
لوائه. واسنة الحوادث معتمرة بنحور اعدائه. وحياض البر مترعة لادرار
اهل ولائه. تا انقراض زمان بر عامهٔ عالميان وخاصهٔ اهل ايمان
سايبان امن وامان باد. مخلصترين محبان. نطاق خلوص بر ميان
جان بسته. بالليل اذا دبر والصبح اذا اسفر. تضاعف جاه وجلال
مسألت نمايد. تحف تحيات صافيات وطرف تسليمات وافيات كه منبعث
از صميم جان. ومنشعب از سويداى جنان. بدان روضهٔ جنان ارسال
ميكرداند. ايزد جل جلاله سببى كه مستلزم ابتهال ومستوجب ومشابه شد

برخوبترين وجهى ميسر كناد. انه رؤف بالعباد. بعد از تأسيس مبانى محبت
وتأكيد معانى مصادقت. انهاى رأى جهان آراى شهريارى ميرود كه
تاجرى از محروسهٔ بروسا حماها الله عن البأس احمد بن موسى نام بدان
ديار بجهت كسب وكار رفته بود. اين زمان عرضه نمودند كه در محميهٔ
تبريز حرسها الله العلى العزيز. روى سفر سوى آخرت نهاد. وهرچه
از متروكات نقديه وجنسيه وعروض وغيرها كه در حوزهٔ مالكيت او بود.
امناء دركاه جهانپناهى در حفظ امانت وحماى حمايت نكاه داشته.
درين وقت بوصل صحيفهٔ وداد. شيخ محمد بروسوى كه فرزند صلبى اوست
ووارث ديكر كه مادر متوفاى مذكور بوراثت متعين كشتند. پس شيخ
محمد مذكور بالاصالة از نفس خود. وبالوكالة از مادر متوفاى مذكور.
چنانچه در كتاب شرعى نوشته براى مطالبت مطالب رأى توجه بدركاه
معدلت شعارى بسط الله عدله نمود. مامول كه چون بشرف عتبه بوسى
شريف مشرف كردد. بولاه منصور ونواب صدور اشارت فرمايند كه
برحكم شرع قويم على واضعه صلوات الرب الرحيم. حقوق را بمستحقان رسانند
مستوجب رضاى ربانى ومستحق مثوبات يزدانى باشند. اين محبت نامه
خامس عشر جمادى الثانيه. از محل سرير قسطنطنيه صدور يافت. درحالتى
شكر يزدانى بر صحت وكامرانى واجب بود. همواره اعلام بختيارى
بتأييد نصرت كردكارى برافراشته باد. بالنبى وآله الامجاد.

الجواب

غنچهٔ كلبن خامهٔ هزار دستان محبت سراى. وكلدستهٔ نهال ختامهٔ بلاغت
عنوان مودت فزاى. از ربط وترتيب وبسط وتركيب منشيان ديوان
عاليحضرت فرزندى. سلطنت پناهى خلافت دستكاهى. مالك ممالك
روم ويونان سالك مسالك لطف واحسان. علم افراز عرصهٔ غزا وجهاد
شمع افروز بزم عدل ووداد. تخت نشين سلطنت وكامرانى صاحب نكين
خاتم سليمانى. القايم برضاء الرب واذن الاب. على مهام الانام والغازى
فى سبيل الله مدى الشهور والاعوام المؤيد من عند الله الملك الصمد معز
الدولة والدنيا والدين سلطان محمد. مد الله ظلال وجوده. شكل نخل دلپذير
بسته بود. در ايمن اوقات واسعد ساعات دررسيد. وبساط راز بيب وزينت
فزوده مجمر ومعنبر كردانيد. واز فحواى منفحش نسايم ختامهٔ مسك بشام جان
ومقام جنان وزيب رشك سنبل ورياحين ونمونه خلد برين كشت. وچون
شعر بود. بر صحت ذات ملك صفات زبان بحمد كشاده. شكر الهى بجاى آوردند

ودارندهٔ مکتوب مرغوب مصادقت اسلوب• قدوة التجار شیخ محمد بروسوی
رابجت کشرح بدیوان الصدارة العلیة العالیه ارسال کرده• بعد ازین
ازجهت شرعیه واثبات وراثت ووکالتش جمیع متروکاتی والدش که احمد بن
موسای بروسوی بود• فرمان دادیم تاضابطان بیت المال دار السلطنة
تبریز حرسها الله الملك العزیز• بمشار الیه تسلیم نمایند ونمودند• وچون
درحین وصول کتاب مستطاب این هواخواه درضبط وتسخیر قلاع وبلاد
فارس وعراق عجم بود• بعد ازچند روز بالتمام والکمال چنانکه خاطرخواه
دوستانست بقبضهٔ تصرف درامد• وتخم طایفهٔ جغتای کج رای وظلمهٔ
بی سروپای ازان دیار• برافتاده کشت صدای• فقطع دابر القوم
الذین ظلموا• بلندی پذیرفته• والحمد لله رب العالمین• کویان• بانواع
سپاس وشکران بمنزل مراد عودت نمودیم• وجهت اعلام این خبر مسرت
اثر• ازرکابداران خاصه قدوة المعتمدین امیر تاج الدین ابراهیم مهتر
اعاده الله بالخیر• انبعاث یافت• وبعلالة الوقت دوقطعه یاقوت
رمانی که تفصیل وزن وعیار ودوانی هریك دررقعه علیحده مبین
است• مهدی داشت• باقی حالات ازمشار الیه معلوم فرمایند وبزودی
روانه ساخته چکونکی ماجرای انجانب را اعلام بخشند• همواره عمر ودولت
برمسند خلافت• متزاید ومتضاعف باد بمحمد واله وصحبه الامجاد•
زیرفی اواخر رجب المرجب درقرب قزوین حفظه الله عن البلا وفات الی یوم کدین

سلطان محمد خان جهانشاه پادشاهك مكتوبنه جواب بازديغيدر

مصابیح صبح صباحت نماکه ازمشکاة مشارق شوارق صرامت نصر من الله ٢٢٥
برتافته• ومفاتیح بشارت فزاکه ازمساعدت سعد سعادت فتح قریب
ظهور یافته• اعنی بهاکلمات مروح کانهن الیاقوت والمرجان• ازجناب
معالی مآب سلطنت نصاب• والدولة والی ممالك الدنیا• مظهر کلمات
الله العلیا• سنجر فتح وکسری معدلت رستم رزم جمشید فطنت دارا داد•
اسکندر بسطت ظل الهی دولت پناهی• رتبت دستکاهی حضرت ابوی
جهانشاهی• خلد الله تعالی ملکه بیتنا مشیدا• ونصب لواه مرفوعا
مؤیدا• وخفض اعدائه مجرورا مصعدا• محتوی برسمط لئالی کنج بنشر
فوح الطیبات لنامه• مصحوب مفخر اصحاب العز والتمکین• رسول نبالت محض
امیر تاج الدین مهتر• یسر الله له الوصول الی ذلك المقر صورت ولوج نمود•
وفیها ما تشتهیه الانفس وتلذ الاعین• روی وضوح کشود نظم تو کوهر
مشکت برپرنیان• دوان خرد زیر شکش نهان• همه جای جانست وآوای دل

حروفنی چو زلف بتان چکل• ذکر مودت ووصف ارزومندی که مشرفهٔ عالی
مصور کشته بحق وداد قدیم• وانه لقسم لو تعلمون عظیم• رتبت اشواق محبان
باوفاق ازان مکان متجاوزست که بنان خاطر بذروهٔ آن تواند رسید
وطلیعهٔ فکر اثر پایهٔ آن تواند دید• باری عز اسمه از خزانهٔ دریغ رحمتش
لطیفهٔ مهیا کناد که موجب امتزاج ارواح• ومستوجب التقاء اشباح
کرد انه سمیع مجیب وسائله لا یخیب• درین وقت سلسلهٔ ولای موروثی
که از قدیم الایام درمابین آبا واجداد کرام• رزقهم الله خیر المقام•
با ماسبق دوام استحکام یافته بود• درخاطر اشرف جهانپناهی در حرکت
آورده• واشارت بشارت فتح میمون که مشتمل بر استخلاص قلاع وحصون
عراق عجم وتسخیر ممالك فارس که بیك نهضت موکب همایون میسر کشته•
ومخالفان دولت قاهره مانند خفاش ظلمت هزیمت را دمضمون ساخته
کانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة• چند هزار ومشل همه را موجب
سرور• ومستوجب حبور• ومستدعی حضور افتاد• وما را نیز چنانچه
در افواه همکنان شکر جزیل وذکر جمیل بود• دایر وسایر کشت•
فلله الحمد که امارت جهانداری• بر نواصی ایام دولت شعاری همچون
افتاب عالمتاب روز بروز لامع ترست• امید از حضرت بیچون که
اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون• تقدست اسماؤه• بر انست
که من بعد هم تضاعف پذیر باشد• این صحیفهٔ ثنا درغرهٔ ربیع الاول
شملت برکاته که باغرهٔ نوروزی برتافت• رقم انشا یافته بقلم امد•
وچون حضرت مشار الیه وظیفهٔ رسالت بحسن تلویح وبمن توضیح
بمحل انها وموضع اصغا رسانید• راشدا مهدیا مراجعت نمود• همه وقت
خدای عز وجل حافظ وناصر ومعین تو باد• بمحمد واله الامجاد•

الجواب

مراسلهٔ کوهر دار• ومکالمهٔ دردکردار• از عالیجناب نبوت نصاب•
سلطان اعظم اکرم وخاقان امجد افخم فخر الملوك والسلاطین• ملاذ
الغزاة والمجاهدین• المؤید من عند الملك الصمد• ابو الفتح والنصر
سلطان محمد• خصه الله بالعز المؤید والنصر المؤبد• بدین مخلص
بی ریب• ازمنظر عالم غیب• محتوی براصطناعات کوناکون• درساعت
متبرك وهمایون شعر بلفظ کالجواهر حین یبدو• وکالدر المعتبر اذ یبوح
له فی ظاهر الالفاظ جسم• ولکن المعانی فیه روح• ازدست عمدة
الاماجد قوام الدین قپابیك• سلمه الله که برفاقت فخر الخواص تاج الدین

مهترما روانه ساخته بودند صورت وصول یافت • واز ورود آن فهرست
نداء محبت جاودانی بگوش هوش رسید • وصدای مودت روحانی •
بسمع جان پیوست • حصول بهجت نه در آن حدیست که بتقریر کلک
چابک زبان شرح ووصف آن توان داد • مستدعی از لطف بیدریغ
یزدانی جلت صفاته آنست که ذات عدیم النظیر عز نصره را در کنف حمایت
خود دارد • وهو مجیب دعوات العباد • وانچه در باب تحصیل سرور
از فتوحات این جانبی بتحریر ونقریر اصدار واشعار فرموده بودند •
این محب نیز از جمعیت احوال خداوندی وعامل بودن ایشان در هر کار
بتوفیق رضای شریف والد ماجد بزرگوار دلشاد وخرم وکامکار گشت • ان شاء الله
تعالی چنانچه نتیجهٔ آن در دنیا ظاهر وباهر شد • در عالم عقبی نیز اجر
وثوابش مشهود همگان خواهد بود • وچون عن قریب قاصدی علیحده
بصوب صواب نما خواهیم فرستاد • جناب قوام الدین قیابیک را دولو
عزه بعد از مکالمه واداء آداب رسالت حسب المرام مجاز فرمودیم •
واز هر باب مقدور خویشتن دریغ نکرده رعایت وغدرخواهی •
کردیم • مأمولست که چون بپا طبوسی عالی در رسد • بافزونی مراتب
سرافراز واینجانب را ممنون سازند که استعداد ذاتیش اقتضاء دولتی
بیش از این مینماید • زیاده چه نوید همیشه ایام عمر ودولت در مسند
عز وحشمت • مدی الشهور والاعوام بخیر وخوبی گذران وبر دوام باد برب العباد

سلطان محمد حضرتنه شیروان شاه کوندرمشدر

بندگی سلطنت شعار معدلت آثار شهریار اعظم کامکار معظم مالک
رقاب الامم مغیث الانام نصیر الاسلام • باسط الامن والامان قامع الضلالة
والطغیان • وقاتل الکفرة والمشرکین • المؤید من عند الله رب العالمین •
پادشاه جوانبخت سلطان محمد کامبین • مد الله تعالی ظلاله وانال
فی الدارین آماله • سلام موفور وتحیت غیر محصور • انها واهدا کرده این
اشتیاق وآرزومندی • نه در آن حدیست که بتحریر بنان ببیان آید •
بر آن خوش ضمیر رود • توفیق ملاقات بروجه احسن میسر باد • بعد
معروض میرود که از این جانب باستماع رسیده بود که لشکر بنی اصفر لعین
خذلهم الله الی یوم الدین • بر اهل اسلام قصد کرده • بندگی جناب سلطنت
مآب • بتهییج عزت اسلام عساکر منصورهٔ اسلامیه نصرهم الله تعالی •
بجمع ساخته • با توکل باری تعالی که ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره • بر هر عزیمتی که نهضت فرموده آید • نصرت الله همعنانی کرده

بر اعدای دین مؤید ومنصور گشته • اندرین بشارت حمد وسپاس
وشکر بی قیاس بحضرت ربوبیت ادا کرده شد • تا لمعان بارقهٔ تیغ اهل
ایمان • ظلمات کفر وشرک را زایل وباطل کرده ابتهاج ومسرت افزوده
آید • فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین • خوانزه شد
الحالة هذه خلف الامراء والاکابر مستجمع المعالی والمفاخر ضیاء الدین
یوسف بیک اعاده الله بالخیر • روانه نموده شد • که بعد از سپری بوسی
لوازم تهنیت غزو وجهاد ابوده داشته • باخبار سارهٔ صحت ذات
ملک صفات مجاز گشته این جانب را مسرور ومبتهج سازند • وبنابر آنکه
قبل از این دو قطعه برگستوان زرنشان که از استادان خاصهٔ همایون
تاجر این مخلص خواجه بار احمد فرای بخزینه آورده بود • بسیاری از آن
حظ کردیم • بجهت تکمیل بقیهٔ ملبوسینه اش قیمت هفت هزار وچهار
صد درم نقرهٔ خالص برای ساختن زره وخود • مصحوب مشار الیه فرستاده
شد که بعمل استادان فایق وزرهگران حاذق بقدر قد واندازهٔ تن
که بمزبور تسلیم شده تا در عرصهٔ عرض تقریر نماید • ملتمس ومتمنی است که
بخدام درگاه اشارت فرمایند که بیمن اهتمام ایشان صورت اهتمام پذیرد •
بواقی مشافهات بتقریر داراین موقوفست نظم بزرگا تا شود هر شب
کواکب چون زجین نافه بر سبز گلشن • ترا بر فرق شد ذات سالم • زحفظ حق
مضاعف باد جوشن • والسلام •
الجواب
مکتوب مرغوب ملاطفت اسلوب • که از جناب ایالت مآب حکومت
نصاب • اعدل الحکام فی الزمان اکمل الولاة فی الاوان • حامی الثغور فی
الاقطار • قامع الفجرة والاشرار • المخصوص بمزید عنایة الملک الکریم •
پور سعادت انتساب براهیم لا زالت شموس اقباله شارقة من مشارق
الاجلال • وما برحت بدور جلاله لامعة من مطالع الامال • در اسعد
ساعات واحسن اوقات مصحوب سید الامراء والاماجد • ینبوع المعالی
والمحامد سنان الدین یوسف • ومفخر الکتاب جامع فنون الاداب
مولانا بدر الدین محمود • بلغهما الله تعالی الی المقام المحمود • ظهور وورود یافت
وانچه از تشبیهات وتحیات ومصافات والتیاعات وبهجت وسرور وفرح
وحبور • از حصول فتح وظفر محبان • بر کفرهٔ فجرهٔ بی ایمان • خذلهم الله
ودمرهم • در مطاوی آن مندرج بود • همگی موجب انشراح خاطر وانفتاح
ضمیر فیض مآثر گشت • یعلم الله که تاکد وداد وولا • وتحقق صدق وصفا
متزاید • ومتضاعف واقع شد • خصوصا در سپارش تکمیل وارسال نمودن زره •

کره ازمیان برخاسته در وجود محبت افزود • از منبت هر موی روز نهانی
چون چشمهای درویع داوری • بمقتضای مودت جاودانی حضرت خداوندکار
مدظله العالی گشاده گشت • وشاهد جان را از هر یکی ازان مشاهده
مآثر مصاحبت روحانی در عالم جسمانی متیسر گشته گفت نظم
برون از عالم جست چشم خرده بین ما را • بغمزه سوی یکدیگر اشارتها
پنهانی • وحسب الالتماس درعی از درع خاصه بسیم وزر منسبك وزین
گران کار • با خود زر نشان اعلا که حاضر بود ارسال رفت • التحفه بهای سیم
را نیز با شارالیهما بخدمت اصدار نموده باشند • باقی حالات را از سبب
تحقیق فرموده همواره ابواب مکاتبات مفتوح دارند • تا شید قواعد
دوستی کرده • زیاده اطناب نرفت اطناب چتر دولت با وتاد خلود
مستحکم • وسایبان عز ورفعت معلی • ووجود شریف محترم باد •

سلطان محمد خان ازرنجان حاکمی قلیج ارسلان بکه کوندردیکی نامه در

زندگانی جناب صدر اجل امیر کبیر عمدة الخواقین صمصام الحق والدین
ضرغام الحرب فی الارضین محرز الاطراف والارکان • امیر مکرم قلیج ارسلان
بیك • ساما وحامیا بسعادت محفوف باد • وکمال سیادت منتظم ومأمول
مشارب تسلیمات از منبع مخالصت نابع باشد • با صنوف صفا روانه کرده
انها میرود که چون درآینه رای جهان آرای صورت خلوص اینجانبی منطبع
ومرتسم گشت • وجمله سوابق صدق وولا • ولواحق طریق حق ووفا را
مشاهده کرده • بیمن عواطف خسروانه ترحیب جانب هواجو باد • وتثبیت
طرف نیکخواهان • الزم لوازم وواجب مراسم دین وشمرده • هر آینه واجب
آمدکه • بانظار شاهانه وآثار ریاد شاهانه توجه ورعایت در حق ایشان
متوجه ومصروف داشته • در همها وتحات فایض البرکات • از کیفیت
حالات وچگونگی مهمات • جوباین وپرسان باشند • لاجرم درین ولا •
حامل مثال بیمثال قدوة الاماثل والاقران • احمد خان بیك دام رفعته
سلامته • بدانجانب ارسال رفت • چونکه بحضور رسد • آنچه با وی شفاها
کرده ایم در خدمت بر سر وبمقصود ادا کرده • بر مقتضای حال از اوضاع
اینجانبی خبیر وآگاه گشته • بزودی زود مراجعت نماید تا موجب انشراح
خاطر اشرف • وسبب مزید بهجت شود • هر مقصود ومرامی که داشته
باشند علی التفصیل شرح واعلام دهند که سرانجام نموده بخدمت در سانند
وازجانب اعدای بدرای چندان اندیشه نفرموده توکل واعتماد بر حضرت
خدای عز وجل قرار داشته • ضروریکه واقع شود • از اخبار وانهار •

۲۲۸

غفلت نورزند • بتوفیق الله تعالی در امداد واسعاد درینغ نخواهیم کرد •
زیاده چه نویسد • سعادت سرمد وعزت ممتد باد • حرر فی اواخر شهر صفر
المظفر سنه ۸۴۸ بمقام ادرنه

الجواب

نامهٔ سامی از خدمت سلطان گرامی • خداوندگار اعظم ظل الله فی الارضین
سلطان محمد خان • خلد الله ملکه وسلطانه • وافاض علی العالمین بره
واحسانه • که بابت بنده کمترین شرف ارسال یافته بود • چون همای اوج برج
فرافرق مخلصین سایهٔ سعادت انداخته گفت بیت از نامهٔ تو نام
من از چرخ گذشت • غم رفت زپیش من وشادی بنشست • ورسانندهٔ
اش قدوة الاماجد احمد خان بیك زید مجده • بشرف مصاحبت مقرون
گشته • آنچه بربانی سپارش فرموده بودند • بالتمام والکمال تقریر نموده
چون جرب زبان نیز فهم بی قرینه است اجوبهٔ این بنده نیز مقابل هر یکی را
بخاطر گرفته • روانه درگاه عالم پناه شد • ایزد تعالی بخیر وزودی
وصحت وخوبی بسر بر بوسی خداوندی در رسانید • از فواید رسالت
ما را نیز بهره مند گرداناد • زیرا حکایاتی که با وی معروض داشته ایم •
سوال او کسی فهم نمی کرد • فکیف از عهده ادا وتقریر آن تواند برآمد • چه
امور سلطنت ومرزبانی چنانچه معلوم عالیحضرت خداوندگاری مد ظله
العالیست • بانواع وفق استعداد پذیرفته • وبحوی ساحله العباد بالله
ازهم می باشد • بس رسم جهانداری بعد از شکرگزاری حضرت عزشانه • اولا
ملاحظهٔ اینجنین نازکیها وبعد برسایر مصالح پرداختن • زیاده چه
گوید وچه نویسد که علم عالم آرا برهمه محیطست • والامر اعلی •

سلطان محمد خان ازالخ بیك اوغلی عبد اللطیف میرزا کوندردیکی نامه در

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین شعر کتبت کتابی اشهد الله اننی
بقلبی قریب منك لست بعیدا • نعم وکفی بالله بینی وبینکم • ومن عنده
علم الکتاب شهیدا شعر بشری لقد استخلف داود زمان • فی الملك سلیمان
فوافا جدیرا • واخضر سماء بازاهیر نجوم • کالشمس ضیاء وکذا البدر منیرا
بیت صد قرن درجهان گذرد تا زنام ملك • اقبال در کف چو تو صاحب
قران دهد • چون طغرای غرای سعادت ازلی توقیع کرامت ابدی موقع •
ومنشور مسطور دولت لم یزلی بخاتم اقبال سرمدی موشح گشت • مبشرانا
قابلیت بمنطقهٔ فصیحهٔ آن معانی بدیع • در بیان آورد • ومنهی غیب •
این تشریف از مکمن لا ریب • بظهور رسانید که بیت باش تا صبح دولت

بدهد کین هنوز از نتایج سحر است بحمد الله تعالی چون آثار رشاد وسداد
وانوار حسن ترقی والجهاد یوما فیوما بل ساعة فساعة ولحظة فلحظة
در جبین مبین آن خسرو صاحب تمکین وارث الملوك الماضین المتوثق
بعنایة الله الملك الاحد ابو المحامد ناصر الدولة والدین سلطان محمد ثبت الله
ارکان دولته بحکم من استوی یوماه فهو مغبون واضح ولایح بود شعر
فر از جمال سلسل نور اشتغلت ید السرور یجول فی دو حی شعاع من خده
مقلة البصر لم یوف امثاله کما لا جل عن المثل والنظر لاجرم دست قضا
بتأیید قدر آن خلاصهٔ دودمان خلافت را استخلاف نموده بر تخت
اقبال ومسند جلال نشاند کما قیل بیت نا قابلست انکه بدولت
نمی رسد ورنه زمانه در طلب مرد قابلست مؤید آن حال ومصدق
آن مقال که والد بزرگوار آن ملك عدو بندکا مکار القایم فی سبیل الله
بالصدق والحق فی امور الغزو والجهاد قطب الدولة والدین ابو الفتح
سلطان مراد زاد الله دولته وسعادته بنا بر تحقیق آن معنی وصدق
آن دعوی ومقتضای وضع الشیء فی موضعه قرعهٔ اختیار بنام آن
ارجمند سعادت یار افکنده تدبیر مبارکش موافق تقدیر آمد تا بی
تعب وکلفت کوی سعادت در میدان مسابقت بچوکان دولت بی
تشویش وتشویر آمد کما قیل بیت دولت آنست که بی خون دل آید
بکنار ورنه با سعی وعمل باغ جنان این همه نیست وجوه تحقیق آن
امر مبرم وقضای محکم بنا بر قضیهٔ متابعت هدای انبیاء مرسل واقتدای
سنن اصفیای مکمل است کما ورد فی التنزیل وداود وسلیمان اذ یحکمان
فی الحرث الایه فی الکشاف حکم داود بالغنم لصاحب الحرث فقال سلیمان
وهو ابن احدی عشرة سنة غیر هذا ارفق بالفریقین فعزم علیه لیحکمن
فقال ارای ان تدفع الغنم الی اهل الحرث ینتفعون بالبانها واولادها
واصوافها والحرث الی ارباب الشاة یقومون علیه حتی یعود کهیئة
یوم افسد ثم یترادان فقال داود علیه السلام القضاء ما قضیت وامضی
الحکم بذلك رجاء صادق وامید واثقست که چون همیشه انبیاء نامدار
وملوك اعصار بر ذمت همت خود آن معنی را لازم داشته اند که اولاد نامدار
واحفاد کرام ایشان بمثابت داود علیه السلام در علو رتبت وسمو
منزلت آن مراتب آباد کذرند وبدرجات کمال ارتفاع واصل کردند
بنا برین مقدمهٔ شافیه ترقیات آن خلاصهٔ دودمان ابده الله تعالی
بالطاعة نیز بدین منوال بحصول موصول کردد ان شاء الله العزیز

وجمیع

رضیمه آن خبر مسرور وعلاوهٔ سعی مشکور مژدهٔ دلپذیر وفتح
کبیرست که بجدد از ثمرات معجزات دین محمدی حضرت پادشاه علی الاطلاق
تعالی شانه جمیع اهالی حوزهٔ اسلام را بدان معزز کردانیده رایات
نصرت شعار وملت زهرای مصطفوی را علیه افضل الصلوات مظفر
ومنصور ساخته واعدام کفر وضلالت را منکوس در وادی قهر وغضب
انداخته فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین چون
فتح مبین مقارن جلوس مبارك آمد مرجوست که ابواب فتح ونصرت
ابدا مفتوح واسباب سعادت سرمدی مهیا باشد ان شاء الله تعالی
کتب فی اواسط جمادی الاولی سنه تسع واربعین وثمانمائة والحمد لله والصلوة علی افضل خلق الله

الجواب

ورقای بیضای محفوظ سینهٔ ورقهٔ وشی ارقام بهوای ایضاح معانی
بدیع البیان بقادمهٔ تقادیر ابا الموده پرواز نموده وحمامهٔ ملمع بدن
سیمین جناح قطعهٔ قرطاس کافور فام در قضای توضیح وتنقیح وافی
عبارات ظاهر الدلالات اصول حزالت فروع محاکات المودة بین
السلف میراث بین الخلف بال وپر کشوده وصلصل کویای بلبل نوای
فرخ لقای بیاض سیم اندام در نزهتگاه حدیقهٔ ذات بهجت وداد غنهٔ
مندوب اقرب القرب قرب القلوب سر آغاز کرده وناطقهٔ فاخته
سخن سرای دلکش ادای ذوق دلپذیر مشکین ختام در روضهٔ انیقهٔ
طرب سرای بهشت آباد عالم اتحاد بزمزمهٔ کلام کریم الله یحب حفظ
الحب القدیم لب بترنم باز کرده اعنی صحیفهٔ منیفهٔ خلوص نیت
وونیقهٔ لطیفهٔ صفای طویت مرقوم برقم اخلاص واضح وموشح
بفنون لطایف مدایح مطیب اذطیب نکهت دعاء صالح ومعطر
بروایح مسکیهٔ النفحات ثنای فایح که صغری وکبرای عبارات هر یك
مواد قیاسی مستقیمهٔ الصور موالات حقیقی وجزئی وکلی کلمات
صداقت سمات موضوع ومحمول قضایای موجههٔ مضافات سلیقی
است از جانب عالی شان معالی نشان سلطنت مآب شوکت وعظمت
مناب حشمت ورفعت نصاب دولت وسعادت اکتساب رافع الویهٔ
العز والجلال من السماك الی السماك ناصب رایات المجد والجد والاقبال
علی محدب فلك الافلاك مالك نواصی الامم سالك اقاصی الهمم حایز قصبات
السبق فی مضمار الحلم والحکم الواثق بعنایة الملك الاعلی حضرت عبد اللطیف
میرزا جعل الله اوتاد دولته راسیة راسخة واطواد عزته سامیة

شامخة • بوساطت افتخار الصوحب • جامع احاسن انصاب • سیدی
احمد خواجکی عرصهٔ مجلس سامی را که • جنةٍ عرضها کعرض السموات والارض
شرف وصول یافت • از بدایت تا نهایت • و ز مطالع تا مقاطع • سطوح
مسمیات اسمای مشکبارش • قاعدهٔ شعاع مخروطی شکل • نظر نواب کامیاب
را مناط • واشکال متنوعهٔ کلمات گوهر نثارش • خطوط مستقیمهٔ شعاع
مار الذکر را محاط • افتاد • شواهد مضمونا تش • بر هوار هوا سواد کشته
چو برگ گل که بباد صبا درآویزد • از مشارع سینه مسامع عنبه بصفهٔ
منزهه بر نقش و نگار متخیله کند بکرد • و نزهتگاه خیال قصر زجاجی
تابناک دل را که مهبط واردات الهیست • مقام و منزل ساخت • جواهر
فرائد مدلولاتش که • در خزانه خانهٔ حافظه مودوع و مستودع بود •
همه بمحض ملاحظه و شهود در آمد • حقا که بوسیله و ذریعه این معنی
تعاطفی که در عالم اشباح • از تعارف ارواح خیزد • تزاید و تضاعف
پذیرفت • نفس مقدسه که پروردهٔ عنایت شاملهٔ یزدانی و موفق
تاییدات کلمات صمدانیست • تمسکا بکلمة • تخلقوا باخلاق الله •
دست تشبث بر دامن اخلاق کریمهٔ سبحانی زده • شوارق سواطع سعادت
بخش • وجبت محبتی للمتحابین • از مشرق ضمیر منیر جهانبانی که سپهر کواکب
درخشی الهامات ربانیست • تابیدن گرفت • و لمعات انوار شعر
النفس تهوی بمن لا ابصرت ورأت قبل اللقا معارف الارواح • و نفحهٔ
اسرار شعر ومن القلوب الی القلوب شواهد • تشهد قبل ان تشهد
الاشباح • عالم صورت و معنی را منور کردانید • و در مقابلهٔ آن امتثالا
لما ورد فی کلمة الله العلیا • فاذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها • تحیات
وافیات متوالیات • و تسلیمات صافیات متتالیات • منبعث از حسن
ارادت • و طیب محبت • و مشتمل بر اقسام موالات و موانست • خوشتر از
نسیم سحری • و دلگشاتر از غنچهٔ گلبرگ طری • و روشنتر از کوکب دری •
و بویاتر از نوافح مسک تتری • نظایف ظروف حروفش از لطافت • سلاف
اتحاد حکایت کند • و جمال صورت و لآلی عبارتش • از کمال معنی وداد
خبر دهد • مطالعه فرمایند • و دایم الاوقات • و داعی همت و بواعث
نهمت را بر تهییج اسباب مصادقت • و تحریک سلاسل مخالصت منصرف
و منعطف دارند • تا در عرصهٔ صدور موفور الحبور فایض السرور و النور
شجرهٔ طیبهٔ ود خالص مبرور • از مناهل جویبار صدق و صواب
اصلها ثابت و فرعها فی السماء • نشو و نما دریابد • بعنایة الله الملک الاعلی

وسفیر

وسفیر موصی الیه نیز آنچه آداب رسالت • و مراسم سفارت بود • با عذب لسانی
واضح بیان مؤدی نمود • با زحسن اجازت انصراف یافت • و مشافهاتی که بتقریر
دلپذیر محول بود • مفصل عرضه کردانید • تواتر رسل و رسائل محبت متضمن
تکاثر مواد مودتست • و سمنهای ورقهای کرامی • و غنچه های نامهٔ تربیته
نامی • و ریحان غصن خطوط مسطور • و سنبل مجعد کرد اکرد سطور نضارت
بخش ریاض الفت • هر آینه برای تمهید قواعد خلت • و تشیید مبانی صفوت
از ملاقات مداومت حضرت کسی بدان صوب صولت مآب روانه خواهد شد •
تا بجهتهای مامولات و اجوبهٔ سؤالات بخیر رسانند ان شاء الله تعالی

سلطان محمد مرحوم سلطنت اولیده بایسنقر میرزا ابن شاهرخ کوندردکی نامه در

بجناب امیر اعظم • شهریار اعدل و احکم • خلف اعاظم القیاصرة • بقیة
اماجد الاکاسرة • المؤید من الملک الکریم الصمد • ابو المجاهد بن شمس الملک
و کدبن سلطان محمد • ادام الله ملکه و جلاله • و زاد کل یوم رفعته و اقباله
تحف تحیاتی • چون نسایم چمن نصرت دلگشا • و طرف دعواتی مانند
روایح گلشن فتح فزا • رقم ابداع و صورت اهدا یافته • کمال محبت و وداد
و وفور مودت و اتحاد • از آن حد متجاوز است • که دست عبارت بدامن
شرح اندکی تواند رسید • تا زبان خامه از عهدهٔ تقریر بعضی بیرون
تواند آمد • لاجرم در آن باب • شروعی نرفت که • الشروع فی المحال من شیم
ارباب الکمال • اعلام میرود که اخی علی راکه برسم رسالت فرستاده بودند
بموجب امر رجعی • از راه ابیمار • بقرارگاه اصلی معاودت نموده •
برادر او خضر شاه • نسیم سعادت آسا • بسدهٔ اقبال و عتبهٔ جلال
رسید • بقدوم شریف و مفاوضهٔ لطیف که مبین اسرار سورة الروم
بود • مشحون بغرر الفاظ • و محلی بدرر معانی بعز ملاحظه رسانید
و بحوده فحوای آن محتوی بر انتظام امور دولت و مشتمل بر استقامت
احوال ملک و ملت بود خرمی و ابتهاج حاصل آمد • صورتی که در باب
محاربه با لشکر کفار و مقاتله با زمرهٔ ضلال و استکبار • اظهار نموده
بعد از تقدیم مساعی و اجتهادات موفور • تا ظهور صبح نصرت پیروزی
از مطلع تایید • نصر من الله و فتح قریب • دمیده • حقا که جهان جان
و جنات جنان ارباب ایمان و عرفان • از اخبار ساره و بشر المؤمنین
منور و معطر گشت • والشکر لواهب المواهب • و کان فضل الله علیک عظیما
وظیفهٔ انکه علی الدوام شمشیر انتقام از نیام کشیده • نص قاطع
و جاهدوا فی سبیل الله را • وجههٔ همت بلند • و فحوای اقتلوهم حیث ثقفتموهم

بیش نهاد رای ارجمند وارند تا درین جهات درجهٔ اقتطاف ثمرهٔ
نوتی اکلها کل حین بغایت سامی نمایند قبل شعر وما اعطاه ربت
خط عبید نعیم من عطایا الاله وانچه از نتایج اقدام عالیه فام
بوضوح پیوست که درین فرصت اعلاء جناب سلطنت مآب امیر اعظم
مولی الملوک فی العالم القایم فی سبیل الحق بامور الغزو والجهاد قطب
الدولة والملك وکدین امیر مراد ایده الله ونصره تمامی امور سلطنت
وازمهٔ اختیار حل وعقد وقبض وبسط آن مملکت را بدان جناب باز
کذاشته بغایت پسندیده ومستحسن افتاد بیت داد خدا بت جو
جوانی وملك ملك تراداد توانی وملك هر آینه چون خلعت حسن معانی
وکمال قابلیت را بطراز الولد الرشید یقتدی بوالده الحمید مطرز کردانید
بلکه در درجهٔ مکارم اخلاق وطیب اعراق مصدوقهٔ حسنات الابرار
سیئات المقربین بظهور رسانید که بی شبهه مضمون قضیهٔ وضع
کشئی فی موضعه ورجوع الحق الی مستحقه بر اراده صادق موافق
خواهد آمد شعر ان السری اذا سری فبنفسه وابن السری اذا سری اسراهما
ودرین وقت که طوارق بیك راکه از زمرهٔ بندکان دولت زمان
این جانبست جهة تجدید عقد مصادقت وتشیید مبانی مودت
فرستاده شد تا در انفتاح رسل ورسایل بدان جهود مرعی داشته
مدلول فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین بیش نهاد خاطر ضمیر
رسانند وسوانح ملتمساتی که روی نماید بی تکلف اعلام فرمایند
در اسعاف مهام وانجاح مرام کمال دلبستکی واهتمام تقدیم خواهد یافت

الجواب

غرایب اجناس مکرمت ورغایب انواع مخلص نوازی ومرحمت وبدایع
فصول مخبره از اصول اعتقاد وروایع خواص اعطاف مشعره بحسن
موالات وعرض وداد که از لطف عام شاه وشاهزاده باعدد وداد
خسرو خسرو نژاد عین اعیان سلطنت وعون اعوان خلافت
کهف الاقبال وملجاء ارباب العز والاقبال ممهد قواعد الدین
والدولة بالرأی الصایب ومشید مقاعد الملك والملة بالفکر الثاقب
ملکی الهمم والفعال وملکی الشیم والخصال المختص باعلی نوال المتعال
وهو الذی شعر سماه اسوته المعلی وانما قصدوا بذلك ان یتم
علوه لا زال عالیا علی قلل الاماجد وذری الاعالی والایا بفال سعد
وطالع فرخنده چون محبوب برکرشمه سرخنده بدین دولتخواه کم بیوسته

ظاهرشی بزیور اخلاص وباطنش بصفای اختصاص خواص آن ملجاء
ومناص محلی ومنورست رسید شعر انتهی الی القلب من ابن علی وجل
ومن محال الکری فی اعین النعس والذ من تتابع المطر وتساکب القطر
علی الساکنین فی الحر والقفر بل ابهی واعز من الذهب الاصفر والکبریت
الاحمر علی المتنزلین من ذروة الثروة الی حضیض العدم والفقر وجواهر
الفاظش موجب تحلی نواظر کلیله وزواهر معانیش سبب صیقل خواطر
علیله کردید وروح را روحی تازه وراحتی بیحد واندازه بخشید
وسلسلهٔ محبت ازلی را تحریك کرده عهود تعارف سابقهٔ الارواح
جنود مجندة را تجدید فرمود وعرصهٔ قالب وساحت قلب را که
از خار وخاشاك اغیار خالی بود بنهال ولا وکلبن وفاء المخضرت
اعلی فی الحال جابی ساخت وآوازهٔ شعر اتانی هواها قبل ان اعرف
الهوی فصادف قلبی خالیا فتمکنا در جنان جنات ومماکن جانها
انداخت الحمد لله علی نعمائه وجزاکم عنا الزیادة علی حسن ثنائه
بعد از اداء شکر این مواکب کریمه وسپاس عواید موائد بیقیاس
عظیمه دعوانی که از رتبت را متراء وخدماتی که از رعونت انصرام
وانقطاع منزه ومعرا باشد مبلغ ومهدی میکردانند وچون قضیهٔ
کبر عمر وعن الطوق از طول بیان شوق وعرض کیفیت توق فوق
عوق مینماید لاجرم حوالهٔ بذوق آن حضرت علیا که متفوق هر ذوق
ومتحمل کل ذوق است نموده می آید شعر ضیرك فیما ادعیت مصدق
ودعوای ان الصدق من عاداته باقی احسان تفقد وکهتر نوازی
وتعهد که درین سنه ولایت وایالت وتقلد اعباء سلطنت وسیاست
این دعاکوی صادق المودة فرمودند واستبشاری وابتهاجی که بارسال
رسول کریم واهداء کتاب حکیم اظهار نمودند مخلص مستقیم آن استنان
را از علو مات اعلاء علم این دولت وامارات ثبات وتقریر این مملکت
عد نموده منشرح الصدر ورفیع الذکر والقدر کردید بیوسته
سرافراز محب نواز بعد وکذا باشند بیت لطفا زتو وبوز شك
ونور از خورشید رسمیت قدیم وعادت معهودست وکذلك
ارشادات ملکیهٔ نافعه ونصایح ملکیهٔ رادعه که در طی آن صحیفه
فاخره درج فرموده بودند در بارهٔ تدبیر مملکت وتزیین آیین سلطنت
وتأسی بآباء کرام در معدلت واقتدا باسلاف عظام در حسن سیاست
ومرحمت سیما ترغیبات وتنبیهات که از جهت غزو وجهاد وتکاوجه

ومقاتله باتمه کفر وقواد اهل عناد نموده بودند بحکم من اطاع ناصحه
ارغم کاشحه بکوش هوش سمعا وطاعة وحبا وکرامة استماع افادند
وجملهٔ همت وهمکی نهمت بدان مصروف داشته که بقدر اجتهاد الوسع
مبذول د اعلاء کلمة الله کوشیده منار اسلام را مرتفع ومشید واعلام
کفر را منکوس ومتبدد کردانند وتمهید قواعد نصفت وتشیید قوایم
معدلت کافهٔ رعیت راکه ودیعهٔ خالق بریه اند مرفه دارد وبنص
تعاونوا علی البر والتقوی درجمیع این اطوار از کمالات دیانت مخفر
بزرکوار وفرط یکانکی ومصادقات آن شاه نامدار امیدوارست
که همت از مهم معاونت ودقیقه از امور مظاهرت ومعاضدت مهمل
ومعطل نکذارد ودر احراز قصبات سبق اکتساب مثوبات بر اقران
بر عالمیان فایق کردند وچون منحة الاعیان والخواص طوراق بك
ادام الله دولته برکنت انار اسرار وداد وانما راسنجار یکانکی والتحاد
بمشافهه ومعاینه لا بمظنه استخبار مطلع وبصیر وبرکیفیت احوال
وکما هی اخبار این مرزوبوم بحسن تیقظ وکمال استفسار متیقن
وخبیرست امید که بی وصمت نقصان ولا غیبة زیاده در بیان
سمع اشرف نواب استان برساند وبتحریر خلت راه بناء ملاطفت
رساله بین الاسافل والاعالی شاد سازد ودیکر اشارتی که درذیل
آن طراز سعادت وخاتمهٔ آن مرقوم مختوم بختام المسك نفاد
بیوسته سوانح ملتمساتی که روی نماید بی کلفت تکلف اعلام نمایدکه
در اسعاف آن مهام وانجاح آن مرام کال دوستی واهتمام تقدیم
رود الله یبقیك لنا سالما هر آینه شعر اذا ناب خطب او عرتنا
نوایب فلیس لنا الا علیك معول ولا عرفنا الیس غیرك فی الوری
کریم یرتجی فی الامور ویسأل والحمد لله علی النعم والصلوة علی
رسوله المحترم وعلی اله وصحبه المتصفین باصناف الکرم

سلطان محمد غازی قرمان حاکمی ابراهیم بکه کوندردیکی نامه در

جناب امارت مآب مملکت نصاب امیر مکرم امجد اکرم افتخار سپهدار
امم خلاصة العناصر والارکان پسندیده وبرکزیدهٔ دوران المخصوص
بعنایة الملك المنان نورکد ولة والدین عمرم کامران ادام الله دولته
الی یوم المیزان سلام وتحیت از صفای عقیدت وخلوص طویت مطالعه
فرموده ملاقات علی احسن الحالات وایمن الفال مقدر کناد بعد
ما اعلام میرود که دربن بهار کذشته حضرت سلطان الغزاة والمجاهدین

برهان الولاة من المناغرین والمرابطین خداوندکار خلد الله ظلاله
عاطفته این محب را بتقلید سلطنت موروثی ومکتسبی خود مشرف ساخت
وبتکلی امور مملکت را فرموده تا خود بفراغ بال بتهیهٔ اسباب سعادت
ابدی اشتغال وبرای استدامت مملکت واستقامت اوضاع این محب
با جمیع اقطار مسلمین وکفار بمواثیق وعهود وکید مصالحه فرموده
خود بدان طرف دریا کذشته بحضور خاطر اقامت فرمودند چون
مدتی بودکه طوایف کفار بتسویل واغواء کفرهٔ این دیار الذین فی قلوبهم
مرض بمشورت انتقام وبیراق واستعداد تام اهتمام نموده بر سمات
ضلالت وغباوت آن جماعت در چاه جهالت وخذلان فرو رفته واین
مصالحه را بعجز وقصور حمل نموده ونقض عهد را جایز دانسته با عساکر
ماجار وساس وبلغار دوروس انکروس ودیکر طوایف مختلفة المزاج والالسنة
ومباینة الاشکال والالوان مجتمع کشته آب طونه را کذشته تا سرحد دیاری
که مقر سریر سلطنت ومستقر متکای عزتست رسیدند وحضرت اعلی
خاقانی اسلام پناهی نیز از این حال الخبیر کشته برجال مقربان خود متوجه
کشت چون بساحل دریا که محل عبورست رسیدند دریا را مملو از کشتیها
مرتب بمردان واسلحه واسباب وآلات حرب دیدند چون بیشتر لشکر
وطوب وبنادق فرستاده بودیم از جانبین بضرب طوب وبندقه وسهام
صایبه آن ملاعین را از روی دریا دور کرده قهرا وقسرا دریا را بجانب
غرب عبور فرموده با دو سه آمد یك روز بیش مکث نفرموده با عساکر
منصوره بصوب آن مخاذیل عنان جهانگیر را معطوف ومصروف
کردانیدند آن مدابیر نیز از رسیدن حشم منصور وقوف یافته
بعد اسباب وآلات حرب تمام بجنك اقدام نموده بیش آمدند
روز سه شنبه بیست ونهم ماه رجب سنه ثمان واربعین وثمانمائة
در صحرای قلعهٔ وارنه اتفاق محاربه افتاد ومقاتله وجنك عظیم
واقع شد نظم بجنبش درآمد دو لشکر چو کوه وزان جنبش آمد زمین
را ستوه زسم ستوران هامون نورد برآز کرد شد کنبد لاجورد
پلنکان شدم کشته دریای نیل روان جوی خون همچو دریای نیل
چنانکه از اول روز تا آفتاب جهانتاب بحد غروب نزدیك
رسید بحرب وقتال کوشش واشتغال نمودند تا هفت بار حمله
آورد چندانکه باز پس رانده باز عودت نموده آن ملاعین
از حدت شمشیر آبدار وسنان اژدرها کردار ترسان وهراسان

نمی‌شدند بجنبی که اکثر اهل ضلال از صدمات ایشان ترسان کشته اختلال
بحال اسلامیان رسید حضرت خداوندکار در قلب از سوار و پیاده
باندک مردم ایستاده بیم آن بود که العیاذ بالله من ذلک چشم زخمی رسد
بامید قوای فان یکن منکم مائة صابرة یغلبوا مائتین وان یکن منکم الف
یغلبوا الفین باذن الله والله مع الصابرین و بمدلول این آیت که یا ایها الذین
امنوا اذا لقیتم الذین کفروا زحفاً فلا تولوهم الادبار ومن یولهم یومئذ
دبره الا متحرفا الی فئة فقد باء بغضب من الله از ترس خدای عز وجل
چون کوه پایداری وثبات نموده جوانان دلداری وتحریض داد تا ندای
ان ینصرکم الله فلا غالب لکم بگوش هوش اسلامیان رسید حق تعالی
بمدد لشکر آسمانی مدد ومعاونت ارزانی فرمود که ولله جنود السموات
والارض وکان الله عزیزا حکیما مردان دلیران چون شیر ژیان وببر
بیان بتیر باران وتیغهای تیز آن که برهانیست که صدق نصرتست
وغرفات جنات باکمال درجات زمین نصرت ونشانه بهشتین اوکه الجنة
تحت ظلال السیوف **بیت** العز تحت ظلال السیف موضعه فاطلب
بسیفک عزاً آخراً لا بد خوانده از زمین وسیاره دمار از روزگار آن کفار
خاکسار بر آوردند وازحملهای متواتر مؤمنان موحدان چنان گریزان
شدند که کانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة روی بانهزام آورده منکوب
ومخذول کشتند وتراک بدفعال که پادشاه ایشان گرفته بقتل
آورد وسر پرسودای بر بلند وعبرة لاولی الابصار بر سر رمح کرده زبان
فصیح روزگار در هر لحظه باد ولت غرا ما میخواند که **نظم** سر اعدای
نو بر پای تو محی اندازم بطریقی که بدامان تو ننشیند کرد هفتاد هزار نفر
کافر اشربت فنا چشانیده بعضی را بالهنگ اذلال وسلاسل واغلال
در گردن نهاده حق جل وعلا ظفر ونصرت را قرین الویهٔ اسلامیان کردانیدکه
وما النصر الا من عند الله العزیز بحمد الله والمنه مرادات بحصول موصول
شده موجب تشفی صدور مؤمنان موحدان کشت الحمد لله الذی
نصر عبده واعز جنده پس واجب آمد این بشارت فرخنده اشارت
بدارنده تحیت افتخار الاماثل والاکابر جامع المعالی والمفاخر شیخ پاشا
اغا فرستاده تا آنجناب را از بشاشت وحبور ومسرت وسرور محظوظ
وبهره‌مند کردانیده بواقی شفاهات را شارالیه تقریر نماید که ابد الدهر
دولت پاینده باد کتب فی اواخر رمضان المبارک سنه ثمان واربعین وثمانمائه

الجواب

خلدالله

خلد الله تعالی فی بساط الارضین سلطنته واحسانه واوضح علی کافة
العالمین برهانه این مخلص دولتخواه که فاخته خامه را در ریاض صادقت
بفرموده اخلاص خداوندی مطوق ساخته وسوسن نامه را در چمن مخالصت
وسبزه زار اختصاص رطب اللسان نموده بنان بیان در توصیف ذات
ملکی الفعالش دعوی ده زبانی میکند ومنشی معجز نشان در تعریف
صفات ملکی الخصالش لاف سحبانی میزند بمبادی کبادی سلطنتش در غرهٔ
هر صباح وطرهٔ هر رواح ایادی التماس مشحون بدعاء دولت اجابت مقرون
گشاده وروی نیاز از سجدگاه زمین بآسمان برین داشته میگوید **بیت**
همیشه درگه عالی پادشاهی تو چو قبله مقصد حاجات اهل عالم باد
امید که حمامهٔ این دعا بی‌ریا از کنگرهٔ برج سعود با جنحهٔ شهبا دن تضرع
بقید صید افتاده ودر مطبخ انعمت علیهم لشکر شکر آمیخته وچون نجم
نعیم بلذت کامله پخته وبرادیم خلافت مستطاب آماده کشته نصیب
همگنان کردد بمنه ویمنه بعده برأی عالم آرای کاشتکان درگاه سعادت
پناه مخفی نماند که در سابع عشرین شوال المکرم عمت میامنه رسول مبارک
فال وهمای خجسته مآل با ختامهٔ مشکین وفتح نامهٔ عنبرین رسید
واز قدوم فرخنده رسومش مجالس انس وجان ومحافل بلاد وقریات معطر
ومعنبر کشت قد غرو من المسک ان یفوح ومن الشمس ان تلوح کویان
باستبشار تمام در استقبالش اهتمام فرمود بعد از آنکه کشف واستقرا
چون شعر با نکبا دوخذلان کفار خاکسار ومفتوحی قلاع بدنهای بود
سجدات شکر بتقدیم رسانیده با عموم اهل اسلام در مراسم ثنا خوانی
ووظایف مژده رسانی دقیقه فوت نکرده بدین وجه تنطق کرده **بیت**
یارب پناه دولت ودین شه چو کرده اند در پناه خویش بدار آن پناه را
وچون بهمراهی قاصد فرخ پیام عمدة الکرام شیخ پاشا اغا زبدهٔ مجلس
زبدة الخواص والمقربین حاجی زین الدین روانه کشت باقی حالات بتقریر
حواله رفت که بمسامع علیه وزراء نامدار رسانند آنچه مقبول طبع همایون
باشد حسب الاشارة الشریفه بتقدیم آن سعی واقدام نماید ان شاء الله تعالی

فتح نامهٔ قلعهٔ قندیه

حضرت خدای ذو الجلال واهب العطایا والامال درگاه حضرت جمال ایزدی
فاذا عزمت فتوکل علی الله مبتغا سبحه عنایت بیغایت الهی به توکل
وهادی سبل ومقصود جزء وکل حضرت محمد المصطفی سید الرسل
صلوات الله علیه وسلامه معجزات کثیرة البرکاته توسل ایله انه الله انجب الدین

يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص• نص شريفنك فحواى سعادت
احتواسندن حصه دار اولمق امنيه سيله• وجاهدوا باموالكم وانفسكم
ذلكم خير لكم• امرينه امتثال وغزا وجهاده عزم ونيت ايدوب• كفار فجار
وطايفه اشراردن• رسالت سيد الكونينى انكار ايله مانوس• وضلالت
وطغيان ايله طريق هدايتدن مأيوس جمهورندن بك متحوسه• منتسب
مقدما جانبنه ورسيمو نام ايكى قلعه سى اهل اسلامه نصيب اولوب•
يكرمى سنه دن متجاوز عساكر ظفر ماثر ايله محافظه اولنان كريد جزيره
سنده دشمن مقهورك بقيه السيفى تحصن ايلدوكى• قنديه قلعه سنى كه
ايكى دفعه سردارلرم ايله محاصره اولنوب• بعض موانع سببى ايله
شمديه دكين اللرنده قالمش ايدى فتح وتسخيره عنان عزيمت شاهانه•
وهمت شوكت پادشاهانم• معطوف ومصروف اولوب• متوكلا على الله
الفتاح• رايات ظفر نجاح• والويه نصرت فلاح• ايله دستور اكرم مشير
افخم نظام العالم ناظم مناظم الامم مدبر امور الجمهور بالفكر الثاقب متمم
مهام الانام بالراى الصايب• ممهد بنيان الدولة والاقبال مشيد اركان
السعادة والاجلال• المحفوف بصنوف عواطف الملك الاعلى وزير اعظم
احمد پاشا ادام الله تعالى اجلاله وضاعف اقتداره• سردار ظفر شعارم
تعيين اولنوب بعون الله تعالى• دونماى همايونم كميلر ايله سنه سبع
وسبعين والف جمادى الاولى سنك بشنجى كونى جزيره كريده واصل•
وتقدما فتح اولنان جانيه قلعه سنه داخل• اولوب هنكام شتا
كذران ايدنجه انده مكث ايدوب• ونقلى متعسر ومتعذر ايرى طوپلر
دوكمك ايچون محصور اولجق قلعه مقابله سنده مجددا طوپخانه لر
بنا اولنوب• والات محاصره بالتمام حاضر اولدقدنصكره• سنه مزبوره
ذى القعده سنك يكرمى ايكنجى كونى شتادايله وزير اعظم ادام الله اجلاله
شتاى جانيه دن قالقوب• سفر همايونمه مأمور اولان وزراى عظام
وميرميران فخام• وامراى كرام• وبلوك خلقى ودركاه معلام يكيچريلرى•
وعموما قپوم قوللرى• وبالجمله ايالت روم ايلى واناطولى عسكرلرى ومأمور
اولان مصر وشام قوللريله جزيره كريده لب دريا ده واقع• وانواع صنايع
حرب وضرب جامع• متانت واستحكامى معلوم كافه امم• وعديم المثل
في العالم• ديوار حصارى عريض وعظيم وهر قلعه تابيه سى بر جبل راسى
اولدوغندن غيرى• جانب بريسنك خندق عميقى داخلنده هر خطوه سى
نيجه جنك ورزمه ميدان شرابيلو تعبير اولنور ايرى اغاج ديرمه لر•

وخارجنده

وخارجنده قلعه ماننده طوپ وتفنك• وساير آلات جنكى تعبيه قلنمش
تابيه لر• واول تابيه لرك خندقلرندن ايچوز وايچوز اللى شر ذراع طشره
قعر زميندن نقب ولغمش پوسكورمه• وصوطبانى لغملر ايله بالجمله طرف
بريسى دخى درياى آتش ايله محاط اولوب• خندق باشنه وارنجه نيجه
شهور وسنين جنك وپيكار دركار اوله جق جبل حرب وكارزار ايله
دائرما دار محكم واستوار بر طلسم دشوار كشا اولوب• تدبير تسخيرى
حيرت فزاى عقول اولان قنديه قلعه سى مقابله سنه نزول ايدوب
وماه ذى الحجه نك ايكنجى كونى متوكلا على الله• ومستعينا بالله• متريسه
كيريلوب اوچ قولدن محاصره وقلعه كوب ورعد آشوب طوپلر ايله
برلويرينه قونلمق ايله جنك وحربه مباشرت اولنوب هنك آهنك
طوپلر ايله درود يوار حصارى كفارك باشنه تنك• ودانه تفنك
ايله ايصال پيام مرك ايدرك• متريس يوللرى يوريلوب• دشمن
برجيل لغملر عمله كتوردكى محله وارلدقده ميان اسلاميانده اولان
نقابات فرهادفن• دخى ابطال كيد دشمن ايچون لغملر اعمال ايدوب
طرفيندن اتلدقجه• وعرصه حرب وكارزار• يوم تبدل الارض غير الارض
مصداق كورينه نمودار اولدقجه في الحال عسكر فرخنده فال ابتدادن برلره
برلشدرك كوندن كونه اشعال نار حرب• وقتال ايله ايلرو كيدرك•
خندق باشنده واقع قلعه شال اولان تابيه سنك خندقنه وارلدقده
خندقنده واكر تابيه سنه الاويلوب• اوزرينه چقلماده ارباب كفر
وضلال ايله بيحد جنك وجدال اولنوب• حيطه تعداددن بيرون لغملر
اعمال اولنمغله تابيه سى زير وزبر• ومعدوم الاثر اولوب زمينى مسخر
وقلعه خندقنه دخول ميسر اولدقده ايام شتا حلول ايدوب• درود يواره
وصول• وبروج قلعه يه عروج متعسر الحصول اولمغين اول بهاره تاخير
اولنوب• قبضه تسخيره كلان برلرده عسكر اسلامه اقدام اوزره قيام
ايدوب• ايام شتاده بلاحائل اوزرلرينه نازل اولان برف وباران ومتريسلر
روان اولان سيل فراوان مشقتلرينه تحمل• وبرودت شتا شدتنه
ثياب كسب ثوابه ترفل ايدوب• تضييق كفار ايچون متريسلرك جانب بارى
دخى كه قلعه نك طرف غربيسيدر• دريا كنارينه وارنجه متريسلر ايله احاطه
اولنمق تداركى كوريلوب• زمينى قازلمسى ممكن اولمز سنكستان اولمغله عملى طراق
طاشنوب• وطاشنان طبراغيله متريسلر يوللرى ترتيب واستيف• وجا
بجا قلعه ودريايه حواله طوپ تابيه لرى بنا اولنوب جانب شرقيده واقع

كولك نام محلدن دخی دریایا لیسیله متوسلوه کیرلمك صوابدید جمهور
عسکر اولمغین انده دخی صوقلمه سنی ولیمان اغزینی کوزه دن طوبلر وضع
اولنمغیچون متین ومحکم تابیه لر یاپیلوب محاصره وقتی حلول ومهمات
سفریه جزیره یه وصول بولدوغی آن عسکر ظفر اقترانم اول طرفدن دخی
متوسلوه کیروب جانب غربیدن قلعه یه متصل اولان قزل طابیه
وعورت تابیه سنه وجانب شرقیدن قلعه یه متصل قوم تابیه سنه
طوغری مترس یوللری یوریدیلوب دشمن بدفعال سد راه تسخیر
ایچون اعمال ایلدوکی شرانپولر وایری اغاجلردن چاتمله خنزیرخانه لر
ومتعدد تابیه ودیوار شکل انواع آتش ایله آماده ایتدوکی متلی کورلمش
اصناف حیل حربیه اوزرینه وارلدقده هر طرفدن دشمن بدفتن طوب
وتفنك ستولیه ایدوب وبولك خاونلر ایله باران مثالی اوزرلرینه
قومبره وطاش یاغدردوغندن ماعدا لا ینقطع الی قومبره سن اتوب
ووضعی ممکن اولمز آلات ایله ایلرو وارن غزاة اوزرینه آتشلر صاچوب
عسکر نصرت کردارم دخی برخوردار ونعم جلیله فوز وظفردن همیشه
بهره دار اولسونلر دشمن چمتلری آتشی ایکی سمند رواره نائره جنك
وپیکارده مردانه ودلیرانه نیجه هنرلر وبهادرلقلر کوستروب آتش ایله
شرانپولرین طوتشدروب وخنزیرخانه لری اوزرینه یدی ایری
قزان قومبره لر دوشوروب سائر حیله کارلقلرینه مددار اولان جای بخشنکر
دخی کیمی طوب ایله زیر وزبر وکیمی اعمال نقب ایله خاکه برابر ایدوب
شرقی وغربی طرفلرندن قلعه تابیه لری دیوارینه بعون الله العلی الاجل
الاوریلوب ضرب طوب واعمال نقب ایله خیلی یری انهدام والخلل بولمغله
عسکر دشمن شکر نزده نجدیلری اچیلدوکی کلارده علی التوالی طراد ونزال
ایدوب عروس فتح وظفر منصه ظهورده جلوه کر اولمق اسنه مترقب ایکن
بنه هنکام شتا کلوب قریب اولوب امر فتح وتسخیر سنه ثالثه یه قالمغله
طبع همایونمه لایح اولمغین همای همت شاهانم آغوش همایونمده محو والادم
جکی مجاهدان اسلام قوللریمه بسط جناح شفقت ایدوب نوادر ازمنه
وقرون اولان بو سفر ظفر مقرونه بالذات جناب جلادت مآبم فروصولت
دشمن کداز ایله حرکت ودار السلطنه محمیه ادرنه دن نهضت بیوروب
شوکت واقبال ایله ساحل بحره قریب بکجشهیر سایه انداز اجلال اولوب
علی التوالی ارسال عسکر واعداد لوازم سفر ایله اجناد ظفر معتاده امداد
واعانت وهر وجهله تقویت وبرلکله عنکر منصورمه رعایت وغیرت

مبیت

مبیت ایدوب ایام شتا وهنکام سرماده اجرای مراسم غزاده اظهار فتور
ایتمیوب کفار لئام ایام شتاده مترسلره روان اولان سیل فراوانه
غزاة نصرت اقتران بو سنه بر وجهله تاب وتوان کتورمز زعمنده
اولوب نزول باران نمایان اولدقجه مترسلری بصمق وعسکری چیقرمق
قصدیله هجوم ایدوب هر حمله سنده جمله غزاة ظفر ایاتی ماننده مرکز
دائره پابرجا وجنك وحربه حاضر ومهیا بولنوب بر دفعه سنده
کولك طرفنه عظیم جمعیت ایله چقوب طرفیندن نائره حرب وقتال کرمت
بولمغله عسکر اسلام ایله دشمنان لئام ماننده نور وظلام بر برینه
قاریشوب نسیم ظفر جانب اسلامه مدت تنسم ایتمکله نیجه بللو باشلو
ملعونلر خاك هلاکه دوشوب قلانی مقهور قلعه یه دونوب وبالجمله
اول قیشده دشمن بدکیش عسکر ظفر رهبری وارد قلری یردن منع وصدره
وراه جهادی سدده بی نهایه جد وجهد دوار مقعد ودینی صرف ایتدوکلرندن
ناشی دریا کنارنده یوریدیلان مترس یوللری وتابیه لر بکباره قیا اوزرنده
غزاة اسلام ارقه لریله طاشیدقلری طپراق ایله یوریدلشکن بکباره
قیای بشر والبشر آدم بویی دلوب وقعر زمیندن نیجه لغملر اتوب طاغلر
کبی قیالری عسکر اسلام اوزرینه دوروب بو حاله طاقت ومجال محال
ایکن عنایت ملك متعال ایله غزاة ظفر مآله اصلا ملال کلمیوب
تشتت فؤاد وبال اوزره هر فردای فریضه جهاده اجتهاد ایلدوکنی
دشمن دین مشاهده وبنجه هجوم واقداملرندن قلعه نك قدیم اولان
دیوار وطابیه سنی استخلاصه مجال قالمدوغنی معاینه ایدیجك
سد راه مجاهدین ایچون جانب غربیده واقع قزل تابیه ایچروسنده
قت قت شرانپولر دیزوب واراسنه خنزیرخانه لر دوزوب دخی
کیرو سندن متین واستوار بر دیوار چکوب اوزرینه طوبلر وضع ایتمکله
بو طرفدن دخی احداث ایلدیکی خنزیرخانه وشرانپو دیوارینه حواله کوتوربلك
تابیه لر یاپیلوب واوزرینه بالیمز طوبلر قونیلوب وپی درپی اندرلیوب
قدوم فصل بهار ایله هوایه اعتدال کلدکده عساکر ظفر منال قوللرم
طریق فتح وتسخیری جست وجوده اعمال تدبیر وافکار ایدوب صرف
نقدینه سعی بیشمار ایله قزل تابیه اوزرینه مترس یوللری یوریدیلوب
تابیه اوزرینه چیقلدقده ایلروسنه یکی دیوارك طوبی حواله می
وار ایسه شرانپو وخنزیرخانه اولمغین قزل تابیه اوزرنده طوب تابیه لری
یاپیلوب واوزرینه طوبلر قونیلوب یکی دیوارك طوبلرینی ابطال

وشرابنو وخنز برخانه لونده وصفه گلمزبنجه جنك وقتال وعظیم لنعملر اعمال
اولنوب کوللك قولنده اولان اجماده دخی بوسال میمنت مآلك بهارنده
دونمای همایونم عسکر ایله امداد اولنوب اول طرفدن دخی تضییق دشمن ایچون
دریا یالیسیله ترسانه سنه طوغری متریس یوللری یوریدیلوب جیبطه
تقریره گلمزبنجه جنك وجدال ولغملر اعمال اولندوغی اثناده دشمن هزیمت
معتادلك الكفر ملة واحدة مضمونی اوزره ملوك نصارادن استنصار و
استغنا رایله دریوزه ایندوکی جنکجو یاد کفار ایله مشحون بتمش بش
پاره قلیونده امدادی کلوب برایکی کون ایچنده قلعه یه کیروب بر کیجه
وقت صباحه قریب وفرت وکثرت ایله آق نابیه طرفندن کوللك
متریسلرینه پیاده وسواری دفعة چیقوب انده اولان متریسلرك
اردین آلق وطابور قوروب متریسده اولان عسکر اسلامی متریسدن
طرد ورد ایدوب برلرینه کندولری برلشمك زعمیله متریسلرین باصدقده
عساکر نصرت کردارم هر طرفدن حمله ایدوب طلوع شمس وقتنه دکین
لمعان شمشیر مجاهدان ایله ارواح خبیثهٔ کفار دهلیز تنك ونار جحیم روان
ونیجه رؤس دوشمن دوزخقرار افتادهٔ خاك مذلت وهوان اولندوغندن
ماعدا سر سردار مردار مشرکین دخی زیب رماح سلمین اولوب بقیة ٢٧٧
السیوف اولان ملاعین نیم جان ایله قلعه یه فرار ایتمشیکن زعم فاسدنجه
غیرت جاهلیه وملعنت جبلیه سن اظهار ایدوب قلیون وماونه وچکدریجی
وبالجمله گمیلرینی چکوب بر سحر کناره یقلدوب قیامت آشوب ولوله ایله
ایکی بچق ساعت بحوری قدر جانب غربیده اولان متریسلری طوپلیوب
متریسلردن دریا برحواله قوندلدطوپلر دخی ید دریغ ایتمدیلوب
گمیلرینك کثری زخمدار اولدوغندن غیری کوه پاره ماننده نمایان
اولان پطرونه سنك جبه خانه سنه عنایت الهی ایله طوپ کله سی
اصابت ایدوب ایچنده اولان ملاعین ایله دفعة احراق بالنار اولوب
باقی گمیلری شکسته وزخمدار کیروسنه بادبان کشای ادبار اولوب
غزاة کردار قوللرم ایسه اوزرلرینه طوپ کله لری طولودانه سی کبی
یاغدریکن دشمن دین دریادن وقلعه دن بوکونه وضع مهیب ایله هجوم
ایتمشیکن بر ولادن غزاة اسلام اصلا اظهار فتور ایتمیوب درکار اولان
حرب وکارزارده کالاول بذل اقتدار ایدوب عون وعنایت ملك
ستار ایله یکی دیواره وارلوب ضرب طوپ واعمال نقب ایله اندن
دخی متریس یوللری آچیلوب وراسنه یکجلدکن جبلی آلارغه ده دشمن
بوبتارك

بد بتارك یکی احداث اولنمش بر دیواری دخی ظاهر اولوب اوزرنده طوپلر
وراسنده کما فی الاول شرابنو وخنز برخانه لری اولمغله طوپلرینی کوزلرکن
اولکی نابیه لردن ابلرو تابیه لر یاپیلوب واوزرینه طوپلر قونیلوب شرابنو
لر ایله یانلرنده چنکلستان اولان میدانك ایچندن اون بش عدد متریس یوللری
یوریدیلوب هر بر قارش یری نیجه آتشین آلات اعمالی ایله ایدی مشرکیندن
انتزاع اولنمرق کیدیلوب توفیق وعنایت ملك مجیب ایله متریس یوللری ایکنجی
یکی دیواره دخی قریب اولدیغی محلده دشمن برکشته حال وماکید الکافرین الا
فی ضلال کلامی کوبی صدا قنجه بازار حیل ومفاسدی کاسد اولدوغنی کوردوکن
بوندن نصکره اظهار تاب وتوان ایتدیکی صورتنده مآلی خیب وخران اولدوغن
رای العین شاهده واذعان ایدیجك قلعه یی ویرمك اوزره طالب صلح وامان
ولدقده شا رالیه وزیر اعظم وسردار ظفر شعارم العفو زكاة الظفر مقتضاسیله
عمل ایلکی معقول ومناسب کوروب ورجالری قبوله قرین اولمغله اشبو
سنه ثمانین والف جمادی الاولی سنك غره سنده قلعه یی طوب وجبه
خانه سیله شا رالیه وزیر اعظم ووکیل مطلقمه تسلیم ایدوب لله الحمد
قلعهٔ منیعهٔ قندیه سلك ممالك محروسة الممالکمه داخل اولوب بونجه
ماه وسالك انواع واصناف کفر وضلال ایله مالامال اولان کنائس
وبیع انما یعمر مساجد الله من آمن بالله موجبنجه معابد اهل توحید وایمان
اولوب بو فتح میمون عظیمه ونسخیر همایون جمیمه نك جمیع ممالك
اسلام اعلام واعلوانی موجب خرمی وشادمانی اولمغین ممالك محروسهٔ ملوكیمده
اولان قلعه لرده طوپلر اتیلوب اوچ کون اوچ کیجه شنلکلر اولنق فرمانم
اولمغله سکا دخی حکم همایونم کوندرلمشدر بوردم که وصول بولدقده
حق جل وعلا حضرتلری عساکر اسلام نصرت فرجامی منصور ومظفر وفرقهٔ
کفار هزیمت انجامی مقهور ومدمر ایلیوب قلعهٔ مزبوره یی داخل حیطهٔ
ممالك اسلام ایلدیکی نعمت جلیله سنك ایفای شکر بی قیاسی وادای حمد لازم
القضا سیحوت دکاه جناب کبریا به انواع خلوص ایله حمد وثنا ایتدکدنصکره
علی رغم الاعادی اوچ کون اوچ کیجه شنلکلر ایدوب اظهار سرور وشادمانلك ایلیه سز دخی

٥ قلعهٔ قندیه فتح اولندقده شریف مکه یه ارسال اولنان نامهٔ
همایوندر خلعت وصره ایله غیله معا

٤٧٨ بسم الله العزیز الفیاض سبحان من نصر عبده بالسکینة الاحیاء دینه الاعلی
وجعل کلمة الذین کفروا السفلی وکلمة الله هی العلیا نحمده علی ان شید
ارکان دولتنا العظمی وخصنا بین سائر الملوك باقامة فرض الجهاد الاسمی

ونصلي على نبيه المؤيد بالرعب من سيرة شهر على العدى • وصفيه الذي
قطع دابر المشركين واظهر دين الهدى • وعلى آله الابرار ائمة الاقتداء • وصحبه
الاخيار نجوم الاهتداء • ما سل عضب الصبح من غمد الدجا • وما سرى ركب
الحجاز مدلجا • وبعد فهذا كتابنا الشريف السلطاني • وخطابنا المنيف الخاقاني
وامرنا الذي اضحت به عقود الامان منتظمة • وامور الخلافة ملتئمة • ورايات
البغي والعدوان منتكسة • وآيات النحو والطغيان مندرسة • الى جناب
الاميري الكبيري الابطحي الامجدي الاكرمي التهامي • قدوة السادات الاشراف
زبدة آل عبد مناف • خلاصة العترة الطاهرين سلالة رسول رب العالمين
المحفوف بصنوف لطايف عواطف الملك المؤمن • الشريف سعد ابن الشريف
زيد بن محسن • زيد سعده وسعد جده • مشتملا على تحيات تعطر الشهول
والوعور • وتعطل العنبر والكافور • واثنية اتخذت الكواكب طلايعها • واتخذ
الدهر مواضيها ومضارعها • ونبشر بما يسر الله تعالى من الفتح المبين •
فقرت به عيون المسلمين وقلوب الموحدين • وتفصيل ذلك الاجمال باخصر
اسلوب وابدع مقال • ان والدنا المقيم في جنات النعيم • السلطان ابن السلطان
السلطان ابراهيم خان • سقاه الله صيب رضوانه • وكساه ثوب ثواب
غفرانه • لما غزا كفار الونديك • وكسر شوكة من اتخذ الله الشريك فقصد
جزيرة كريد • وفتح بعض القلاع بعزمه الشديد • وعضبه الحديد •
وطلب الامان من بقي فيها من الكفار • بعدان ذاقوا باسنا بايدي المجاهدين
الابرار • وخرجوا من ديارهم وهم الوف • وكما راى هاربهم برقا طرق انه
من وميض السيوف • وساروا في حالة مردية • حتى تحصنوا بقلعة قنديه •
وما ادريك ماهيه • قلعة متينة شامخة حصينة سامية • كالعلم يعجز
عن وصفها لسان القلم • وهامة لها الغمامة عمامة • وانملة اذا خضبها
الاصيل كان الهلال لها قلامة • ثم توطنوا بها واظهروا الاخلاق البغاة •
وظنوا انهم مانعتهم حصونهم من الله • ولما اجرى مالك الملك عادته • ونظر الينا
بعين عناية فولانا خلافته • بادرنا الى اقامة فرض الجهاد • وسارعنا الى
السعي في اصلاح البلاد • وجهزنا العساكر المنصورة • الى تلك الجزيرة المعمورة
فاقاموا بها بين حرب ورباط وسلم وشطاط • الى ان ذللوا رعايا الجزيرة •
واخذوا منهم الجزية عن يد صاغرة حقيرة • ولم يبق عمدة للكفار الفرنج
الا القلعة التي اجتمعوا اليها من كل فج عميق • فبقيت في ايدي اللئام • مدة
عشرين عام • وكلما دعوناهم الى الحق تولوا واستكبروا استكبارا • ولم يزدهم
الدعاء الى دين الاسلام الا فرارا ونفارا • حتى انتقضت شوكة القهر وهنالك

دونها الدهر ان ارسلنا الدستور الاكرم • الوزير الاعظم مدبر امور الجمهور
بالرأي الصايب • متمم مهام الانام بالفكر الثاقب • موسس بنيان الدولة
والاجلال • مشيد اركان السعادة والاقبال • درة تاج الملك • واسطة
عقد السلك • نور حدقة الوزارة بدر سماء الصدارة المحفوف بصنوف عوارف
عواطف الملك القدير • الفاضل النحرير الوزير ابن الوزير • الوزير احمد باشا
ادام الله تعالى اجلاله وضاعف قبوله واقباله • بجميع عساكر الاسلام وسار
في جنود كقطع الغمام • حتى حشر الجوار المنشات في البحر كالاعلام • الناشرة
من القلوع اجنحة كانها رايات الاسلام • من كل غراب كان عين مقاذيفها
الاهداب ما طرف جبنا الا دعاه الى الحين • وحقق فيه ما يعزى الى الغراب
من البين حتى بلغ العلة الغائية • ووصل بمن معه الى قلعة حانيه • وسار
بالموكب سير القمر بالكواكب • حتى حل بساحة قنديه • وقد ضاقت بمن معه
من الجنود رحاب الاندية • فحاصروها بالسواد الاعظم • واحاطوا بها
احاطة الخاتم بالخنصر والسوار بالمعصم • وكانت مدافعهم لحصونها من اكبر ٤٧٩
الخصوم • ما انت حصا الاحكم بانه ليس لامام معصوم • واذا نزلت بساحة
قوم فساء صباح المنذرين • ومتى امترى في الذي فتح لم يكن فيها احد من الممترين
وعملوا من اللغوم ما اصغر كالاخدود • وابرده كنار نمرود • واطلقوا كل قنبرة
كان جوفها فواد المهجور • اذا سقطت في البحر اقسم ناظره بالطور • ان البحر
المسجور • وطال القتال الصرف مدة عامين ونصف والواقعة لا تنفصل
والمدد من الجانبين متصل • والكفار يدبرون من الحيل ما يعجب منه ابليس
ويعجز عن ادناه راي ارسطو وارسطاليس • لكنهم في ضنك مبين • يخربون
بيوتهم بايديهم وايدي المؤمنين • وما برزوا الينا الا ولوا الادبار • فلا يقاتلون
الا في قرى محصنة او من وراء جدار • الى ان برزت آيات الفتح وجاء نصر الله
والفتح • وحق مضمون وكان حقا علينا نصر المؤمنين • وظهر مفهوم وان الله
موهن كيد الكافرين • وبرز سر القدر المكنون • وتنجز وعد وان جندنا
لهم الغالبون • ولمعت انوار الرضا من اسرة اهل الايمان • وقيل للفريقين
قضي الامر الذي فيه تستفتيان • ولو شاء الله عجله من قبل تعجيلا •
ولكن ليقضي الله امرا كان مفعولا • فطلب الكفار الامان • وجنحوا للسلم
فجنحنا لها اتباعا لحكم القرآن • ودخل جنودنا القلعة • واقاموا بما جددوه
من المساجد صلوة الجمعة • ورقوا على اوج شرفها • كما ترقى الشمس في اوج شرفها
وتلك منة لا كالمنن • وحسنة اذهبت سيئات الزمن • وفتح شرف به الاسلام
وعمت بشائره الخاص والعام • والله مع الصابرين • والعاقبة للمتقين •

فعليكم اشاعة البشر في الحرمين الشريفين • واذاعة الذكرى في البلدين المنيفين
وملازمة الدعاء لدولتنا العلية • مع سكان تلك المواطن الشريفة بكرة
وعشية • هذا • وان الله تعالى قد مدّ باع خلافتنا في الطول والعرض •
وشرفنا بمضمون انّا جعلناك خليفةً في الارض • وجعلنا من الذين
جاهدوا في الله حق جهاده • فرفعوا شأن دينه الاعلى باركان بلاده •
وخصنا بخدمة بيته الحرام • وضريح نبيّه عليه افضل الصلوة والسلام
وذلك هو الفيض العميم • ممن يختص برحمته من يشاء والله ذو الفضل
العظيم • فلا جرم ان عطفنا اعنة عزيمتنا العلية • الى اداء ما يجب
اداؤه من شكر تلك النعم السنية • ونهضنا باقدام الاقدام • الى تنفيذ
ما يجب اجراؤه شرعا بالجد والاهتمام • لا سيما مصالح الاوقاف المشروطة
لفقراء الحرمين الشريفين • والارزاق المعينة لاشرافهما شرفهما الله في
الدارين • وللعباد العاكفين فيهما المتمسكين باذيال البيت الحرام • و
المتمسكين بعروة الوثقى التي ليس لها انفصام • وبعثنا على العادة
القديمة العثمانية والقاعدة القويمة الخاقانية • في سنة ثمانين والف
من الهجرة المحمدية • على صاحبها افضل الصلوة واكمل التحية • ما افرزنا من طيب
اموالنا ما كان حقيقا ان يكتب ثوابه في صحايف اعمالنا • وقدر ذلك
محرر في جريدة الدفتر • من الصرر التي كلها ذهب احمر • خالص العسجد
والاعيار صحيح الوزن والعيار • وسلمنا جميع تلك الصرر مع الدفتر
الى يد خادم عتبتنا العلية • افتخار الاماجد والاكارم اغا امين
الصرة وقدوة ارباب التحرير والقلم • كاتب الدفتر دام مجدهما
وبعد ما قلدناهما تلك الخدمة الجليلة وفوضنا اليهما باتيك المصلحة الجزيلة
التي هي ابلاغ الصرر • ودفع الاوقاف مع الدفتر • وضعناها في الاكياس
على الوضع القديم السلطاني • والدين القويم الخاقاني • وختمناها
بخاتمنا السليماني • لا زال مضروبا على وجوه منا شير الاماني • فلا بد لكم
عند الوصول من القيام على ساق الاهتمام • على ما جرت به العادة من سوالف
الايام • من صرف مبلغ الصرر على ما بين في جريدة الدفتر • من غير تبذير
ولا تقتير • وايصال الحقوق الى مستحقيها بلا تبديل ولا تغيير • وتبليغ الامانة
الى محلها • عملا بقوله تعالى ان الله يامركم ان تؤدوا الامانات الى اهلها •
ولا بنقض ختم الاكياس ولا بتوزيع الصرر للناس • الا بمعرفة شيخي الحرمين ٢٨٠
المحترمين • وبحضور قاضي المقامين المكرمين • وليكن في ذلك النظارة التامة
على الخاصة والعامة • وان غاب بعضهم وتوفي اولم يوجد مسمى بعض الاسماء

بشار

بشار في ذلك الدفتر بالخط الاحمر • وتحفظ حصصهم مفرزة عن المبالغ محرزة
كيلا يحتال احد باخذ الصرر على الوجه المكرر • وقد اتحفنا الى جنابكم العالي
مغرس ثمرات المعالي بخلعتين من خلع السلطانية • اسعافا لكم من علو عنايتنا
الخاقانية • فلا بد لكم في لبسهما بانواع التعظيم • وحرزيو لهما باصناف التعزيز
والتكريم • ونوصيكم الوصية التامة باصلاح امور العامة • ومعاونة شيخ
الحرم • واميرجدة المحترم • امير الامراء الكرام • كبير الكبراء الفخام • ذو القدر
والاحترام خير دام اقباله في رفع البدع المحدثات • ودفع المظالم والتبعات
وتساعدوا في الامور غاية الامكان • وتعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا
على الاثم والعدوان • واياك ومخالفته وامرنا العلية • والخروج عن منهاج الشريعة
النبوية • ومعاندة المذكورين في اصلاح احوال البلاد • ومنازعتهم فيما يؤدي
الى فساد امور العباد • وعليك بالتقيد بمصالح تلك الديار • ومعاملة ساكنيها
بالحلم والرفق والايثار • فانك مسؤل عن ذلك • والعدل اقوم المسالك • والحق
املك • والله المطلع على القلوب • العالم بسائر الغيوب • ومن عمل صالحا فلنفسه
ومن غرس جني ثمرة غرسه • والله الهادي الى سواء السبيل وهو حسبنا ونعم النصير والوكيل

فتح قلعۀ قندیه میسر اولدقده شاه عجمه کوندرملك ایچون تسوید
اولنان نامۀ مسرت ختامه درلكن کوندرلمشدر

بسم الله الفياض المستعان

انّ ابدع ما فاه به لسانٌ • وابرع ما استهل به انسان • واشرف ما احتوت
له رؤس المنابر • ونطقت به السنة الاقدام وافواه المحابر حمد الله تفرد
بالقدم • وتوحد باخراج الموجودات من العدم نظم فله الحمد قبل كل كلام
بصفات الجلال والاكرام • حمد وتاج تارك بخت صدر هر نامۀ نو
وكهنت • لطايف حمد وسپاس • وشرايف ثناى بى قياس • شول كريم منانه
لايق وسزاوار دركه نورذات قدسيه • كنت كنزا مخفيا فاحببت ان اعرف
فيض نمون اولمغيله • تعلق مشيت بى علت • اذا اراد شيئا ان يقول له كن
فيكون • برله نقوش عجايب كون ومكان • وصور غرايب انس وجن
وكز وبيان • مكامن عالم غيبدن بيابان شهادت لاريبه • اظهار واحل
بني آدمي سجود تكريميه اختيار • ودركاه امتياز واعتبارنده خلعت • ولقد
كرمنا ايله مفرز وخاصيت • وحملناهم في البر والبحر ايله معزز • وخوان
عنايم • ورزقناهم من الطيبات • دن مغتنم ايلوب • دودمان سلطنت
آيين • وخاندان خدمت تمكينمزى اعلاء كلمۀ توحيد • واحياء شريعت

رسول رب مجیدنه موفق ایلکله سرافراز سلاطین دوران • و ممتاز
خواقین زمان ایدوب • آفتاب بخت و اقبال جهان آرا مطلع • انا جعلناك
خلیفة فی الارض دن رونما • و بدر دولت و اجلال ضیا افزای آسمان •
تؤتی الملك من تشاء دن ظاهر و هویدا اولالی • علم و رایات ظفر آیات
عالم افروزی طراز • و ینصرك الله نصرا عزیزا ایله مطرز و محلی • و پرچم
نوع پرفروغ اعدا سوزی اهتزاز • نصر من الله و فتح قریب • ایله معتز
و محلی اولمشدر • ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم
بیت ولو ان لی فی کل منبت شعرة • لسانا لما استوفیت بعض حمده
دیگر انما الله اله واحد فهو المنعم هو الحامد • و صلوات زاکیات و تحیات
وافیات اول سر کون مکنون • الممنون علیه باجر غیر ممنون • نیر مشرق ٢٨١
الاصطفا • دره صدف الاجتبا • سید الانبیاء و سند الاتقیا محمد
المصطفایه کم نوامیس شرع مبین قوی الاساسی • و سنن متین راسی
المراسلری • خیر امة اخرجت للناس دن قسطاس شرعله اولان سلاطین
جهاد اسینا سلرینك سیوف سیاست معدلت مقیاسلریله نطاق
اندا سدت الی یوم یبعثون • مصون و محصوندر دروده و لا یعد و لا یحصی
نجوم سما ولا • و کواکب بروج علا اولان چهار ارکان دین • و خلفای راشدین
و عامة اصحاب رسول امین اوزرلرینه اولسون که بر مقتضای اصحابی
کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم • هر بری علی مراتبهم پیشوای راه حقیقت
و رهنمای جاده طریقت اولوب • لا نفرق بین احد منهم • ولا نقول فیهم بما یستحق
الاحد ایله باب جدل مسدود • و سرادق شرف ممدوددر • اما بعد هر چند که
فطرت صفوت پذیر شاهانه حب و وداد • و طینت نصفت کبریاد شاهانه
ودو اتحاد اوزره در • اما چون مراعات عهود مصافات که موجب عمارات
بلاد • و مسالمت عقود موالات که مورث امنیت عباددر • ضوابط روابط
منوط و وسایل سابله مربوطدر • بناء علی ذلك مخوای مسرت نمای • و اما
بنعمة ربك فحدث • وسیله تقریب نزهت ترغیب و ذریعه ترتیب
بهجت ترکیب قلوب • عون ربانی و عنایت صمدانی ایله • بو سال فرخنده
فالده بو مخلصلرینه میسر اولان فتوحات جلیله و خیرات جلیله تحریر
کتاب عنبر نقاب ایله تبشیر اولنمشدر • عالیحضرت معالی مرتبت گردون
بسطت قمر بهجت عطارد فطنت ناهید عشرت خورشید اضائت برجیس سعادت
بهرام صولت کیوان رفعت کسری عدالت دارا درایت کیقباد تخت فریدون
بخت شاه سریر حشمت و کامکاری • ماه منیر سپهر بختیاری • زینت افزای

اورنك سروری • شوکت نمای اریکه داوری • فرمانفرمای ممالك عجم •
المحفوف بصنوف عواطف عوارف الملك الاکبر شاه و فقه الله لما یحبه
و یرضاه • صوب صواب مآب محض عاطفت صفوت شعار صداقت قرانی
و عین رأفت مخالصت دثار خسروانیدن لایح اولور • بدایع دعوات صالحات
مسکیة النفحات • و صنایع تحیات وافیات وردیة الفوحات • تقدیم و تمهید
و اساس موالات تشیید و تأکید اولندقدنصکره • ضمیر منیر نظیر مرآت نما
و رأی متین جهان آرالرینه روشن و هویدا اولا که کفره فجره ملاعین انواع
مکر و حیل ایله مشهور آفاق • و مکار و باهر الشقاق • درگاه الوهیت پناهه
اضافه شرکت ایلین کفار و ندیك • قدیمی مرجع سلاطین دوران اولان سده
فلك دستگاه راسخ البنیانمزه استناد و استمداد ایله ظل ظلیل معدلت
عنوانمزده امن و امان اوزره یکجونب • سابر جزیره کرار کفره سی شانه سندن
ایکن معموره مشهوره سی اولان • کربد جزیره سی که صعب المرور • و کمال متانت
حصار ایله جهات سته سی محصور اولمغین • مدت مدید و عهد بعیددن
برو بغی و طغیان و شقاوت و عدوان اوزره اولان افرنج خدعه سنج فور منکر
و رهزنلرینك ماوی و مسکن و ملجأ و مأمنلری اولدوغندن غیری بحیله
صورت صلح ده اولان ملاعین غراب جناح • دائما مترقب فرصت اهل بحار
و اموال تجاری نهب و غارت ایله اهل اسلامه اضراردن خالی اولمیوب
جبانتلری آشکار اولمغله • عسی الله ان یکف بأس الذین کفروا • اشارت
بریشارتیله بوندن اقدم مقیم روضه نعیم • والد ماجدم سلطان ابراهیم
سقاه الله تعالی صوب کوثر غفرانه • و کساه ثوب رضوانه • زمان سعادت
اقترانلرنده جزیره مزبوره نك لب دریاده واقع جانبه • و نتیجه و توابعی
نام متین و مستحکم • و وسیع و معظم قلعه لرینی نیروی سطوت جهانگیری ٢٨٧
و بازوی شوکت عدو تدمیرلری ایله فتح و تسخیر • و ضمیمه ممالك معدلت
مصیرمز اولمغله • اجداد عظام و آباء کرام انار الله براهینهم • سنه سنیه
غزا اغتنامرلرین اجرا • و نائره کید اعدای لئامی بالکلیة اطفا • ذمم والا همم دن
پناهم و همم خلوت نشیم شهنشاهیمه فرض • بلکه عین فرض اولمغله • حکایه
و لینصرن الله من ینصره یه استناد • و جاهدوا فی الله حق جهاده • امر واجب
الانقیادینی پیش نهاد • و ابواب غزا و جهادی گشاد • و قوت قاهره خداداد
و نیروی بخت مادرزادم ایله • مدت یسیره ده بفضل الله الملك القدیر • جزیره
مزبوره نك برا و بحرا قلاع و بقاع و تلال و روابی • دست تصرف مسخرکیندن
انتزاع • و قبول جزیه ابدت کفار مقهوره • حتی یعطوا الجزیة عن ید و هم صاغرون

مضموننه اتباع اولنمشدر • بقیة السیوف ملاعین تحصّن مألوف وهم
الوف • بیم موت ایله قدیر دیمکله معروف • لب دریاده قلعهٔ متین
آهنین ظروف • که درود یوارینک طول وعرضی تقدیرنده خرد خرده بین حکما
قاصر • وخندقنک غور وعمقنک فهم وتحریرنده وهم وخیال دوربین
عقلا عاجز وحاسر • بروج شیده سی اوج آسمانه مماس واساس تعبیه
ممهّده سی مرکز عالمه مساس • نظم • چیقروب کنکره سن چرخه برابر ایتمش
صناسن کف خضیب ایدی کف معماری طاق بطاق اولان قله لره باقسه ک
اکر قطب کردونه دوشر طاق سر معماری • هرکوشه سی انواع صنایع طبیعیه لر
ایله محفوظ ومصون • ومداخل ومراجلی نقب ولغم کونا کون ایله مجوف ومأمون
نهایت متانت واستحکام • وغایت صعوبت مالا کلام اوزره اولمغله •
وظنوا انهم مانعتهم حصونهم • مصداق سحر نطاقی اوزره بنجه غازیان
نبرد آزمای دن • ایسه خلاص ایله مأوی ومناص ایدینوب • وبو ما بینده
وقاتلوا الذین یلونکم من الکفار • مضمون کریمنک تقدیمی جمعی اقتضای
دولت قاهره مزه مستلزم اولمغله بکچی سنه دن متجاوز قلعهٔ مزبوره ده
توطن • وغزاة مرابطین وکماة محافظین ایله حرب ورباط وسلم وسطوت
اوزره زمان تحصیلری • ممتد اولمغله خواب خرکوش • سنستدرجهم
من حیث لا یعلمون • مضمون عبرت نمونندن غافل • ووعید شدیدن ایتدیکی
کبیدی متینی خرای تخویف مشحوننندن ذاهل اولوب • بغی وفساد وطغیان
وعناد لری کوندن کونه زیاده ایلمکله • مقدارلری بلدرمک ولوث وجود
لرندن قلعهٔ مزبوره یی تطهیر ایلمک مقتضای غیرت پادشاهی ومبتغای
همت جهانپناهی اولمغله • وعد کریم • والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا
پی سنده • وجواهر خطر همت پذیرلک نامزدی وسرداری • عرصهٔ کارزارک
رستم صفدری • ومیدان کیرودارک جید پرهنری دستور اکرم لا قولجی
تعیین ایدوب • مکمل ومرتب مهمات واسباب کارزار • ولوازم والات
کیرودار • ورویین تن • واژدرد هن شرار افکن • وکوه شکن بالیمز
وضربزن • حددن طوپلر وقیاسدن بیرون جبه خانه • وکند وسبله
مأمور اولان وزرای بنک رأی ومیرمیران وامرای صف آرای • وسپاه
ویکیچریان جنک آزمای • ورومایلی وانا طولی دن غازیان ظفر انتمای
بیحدود بیپایان دلاوران شجاعت نشان • واجناد نصرت عنوانی الجوار
المنشآت فی البحر کالاعلام • ما صدقی اولان کوه مثال • سفاین دونمای
ظفر اشتمال ایله • جزیره یه سنه سبع وسبعین والف جمادی الاولاسنک یکنجی

کوندروب

کوننده دلالت بربشارت • قال ارکبوا فیها بسم الله مجریها ومرسیها • برلمام
ارسال ایلیوب • موج ایله قولم دنجه فرمان واجب الامتثالم موجبنجه بادبان
عزواقبال • وشهپر فر واجلالن آچوب • تیسیر توفیق • وجرین بهم بریح
طیبة • ایله محل مأموره وصول • واشارت باهر النصره • اهبط بسلام
منا وبرکات علیک وعلی امم ممن معک • ایله نزول ایتدیکی ساعتده جبلتنده
مرکوز اولان جلادت موفوره وطینتنده مکنوز اولان شجاعت نامحصوره
ظهوره کتوروب • بنتیجه فتحک ترتیب مقدماتن تصویب • ومردان کار
آزمای ومدبران صف آرایک اتفاق صوابدید • ورأی سدیدلری اوزره
قلعهٔ مزبوره نک جوانب اربعه سندن عساکر انجم شمار ظفر شعارن ایله
هاله وار احاطه ایدوب • وبنصر الله المعین درون قلعه ده اولان ملاعین
دوزخ قرینه کوز آچدرمیوب • وهله اولی ده هول قیامتی مخبر صاعقه
آثار ومضمون ستغلبون وتحشرون الی جهنم • خبرلرین مشعر رعد کردار
طوپلر ایله حواله اولوب • هر بری نفخ قبل بلکه صور اسرافیل کبی آوازیاهر
الاهتزاز ولجب الاحترازدن ایشیدنلر • برزخ یجعلون اصابعهم فی اذانهم
من الصواعق حذر الموت • ده متحیر ومدهوش ودانهٔ آتش اندازنیه مصادف
اولان مشرکین سعیر پرواز لر سیاستخانهٔ فذوقوا العذاب دن • چاشنی
بادهٔ اجل ایله مست • وبیهوش اولورلردی • بوطریق اوزره بنجه لیالی وایام
غرهٔ غرای صباحدن طرهٔ طرای دلجه دک نایرهٔ جنک وجدال وتنورهٔ
حرب وقتال اشتعال بولوب • هرنه قدر که درون حصارده اولان ملاعین
قلعه بند ودوزخیان ضلالت پیوند طرفلرندن علی الاستمرار سفاین
هزیمت آثار لر ایله وارد اولان امدادلرینه استظهار ایله غزت جاهلیة
الدن قومیوب • فن نفط اندازنده اژدر شرار بار • وصنعت آتش بازیده
سمندر اخکر خوار • کچورلردی جنابهٔ الله الملک القهار دجشم غزاة خونخوار
سوسمار • بلکه مورچه مقداری قدر کورینوب • همیشه جنک وپیکار دوحرب
وضرب کارزار دکار • وبنای متانت وبناتلری بنیان مرصوص کبی پایدار
اولوب • بو فتح وتسخیر عبرت افزای اهل تدبیر اولان قلعهٔ دشوار کیر
وطلسم بیجابیج عقده پذیرک حل وکشادی مدت محاصره نک امتدادی
بلکه بالذات جناب جلادت نصاب دیک عزیمت جهاد اعتنادیه موقوف
ووابسته اولدی وعلی ضمیر الهام پذیرمه لایح اولمغله دین ودولتم اغوریده
جان وتن بذل ایدن مجاهدین عدو شکن قوللریمه همای همت پادشاهانم
سایه انداز رأفت خدیوانم اولوب رکاب کامیاب اولون اجناد ظفر مآب ایله

مقر سلطنت قدیم نادرة الدهر والعصر دار الفتح والنصر محمیهٔ ادرنه صانها الله
عن الآفات والبلیه دن • دبدبهٔ عز واقبال ملوکانه وطنطنهٔ فر واجلال
خسروانه ایله نهضت • وروم ایلی طرفنده ساحل بحر سفیدده قریب بکیشهر ه
کلنوب دشت وصحاری مخیم سرادقات بهجت آیات ظفر فرجام • ومزین
رایات مسرت غایات نصرت انجام اولمغله • الکفر ملة واحدة مقتضاسنجه
اعدای بدرای عموما ملوک نصاری دن استمداد واستمضا ایله یوزه قریب
هر بری برکوه مهیب نیمش سکز ازدر پیکر طوبلر جکر قلیوب هزیمت مقرون
حدت بیرون جنکجویان نحوست مآل ایله مالامال بیدا ایدوب • وقلعهٔ
مزبوره نك طرف بحر بسنده دیزوب کاه وبیکاه محصور اولان کروه شرکیز
ایله بالاتفاق متریسلری باصوب هجوم ایلدکجه سیهزم الجمع ویولون الدبر
مفهوم عبرت لزومنه مظهر اولمغله • بالآخره بر سحر وقتنده جمله قلیونلرینی
وماونه لرینی کناره یناشدروب ومتریسلرده اولان غزاة مجاهدینه حواله
ایدوب برلرندن اخراج • وکماة موحدینی ازعاج ایچون وینزل من السماء
من جبال فیها من برد فیصیب به من یشاء ویصرفه عمن یشاء فحوای عبرت
احتواسی مقتضاسنجه تکرك قضایه بکزر لمحهٔ بعرده بیجه بیك طوب دانه
لرین • مثال کوه پارچه اولان قالیوندن وپارچه لرندن باغدروب • بولسکون ٢٨٤
اوزره ایکی بچق ساعت آشوب • قیامت ومحشر هلامتلرین کوسترمش ایکن
غازیان سربازان ومجاهدان شجاعت نشان • کمال متانت وخلوص عقیده
ایله • لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا هو مولینا وعلی الله فلیتوکل المؤمنون •
نص کریم باهر الرشادینه توکل واعتماد ایله ثابت قدم • ومتریسلرده اولان بالیمز
طوب قلعه کوبی سفاین هزیمت قرینلرینه دوندروب نیجه سنی خرد وزخمدار
وپاترونه دیمکله اشتهار بولان ایکیجی سردارلرینی • درونندن اولان قپاسدن
بیرون جنکجویان سقر مقرلریله • اغرقوا فادخلوا نارا • مضمونی دهشت
مقرونینه مظهر ایلدکلرندنصکره • مدار ثبات وقرارلری بماندن اولان
دونمای نحوست اثرلرندن دم بدم کلن امداد واعانتلری ولدوعی مقرر
اولمغله • یوللرین صوابدید رجال تدبیر ایله سد • وتدبیر دلپذیر ایله منع
وذب ایچون • قلعهٔ مزبوره نك طرف شرق وغربیسنده ایکی متین وبلند
ماننده کوه الوند طابیه لر بنا واوزرلرینه اژدرها سیما رعد صدا طوبلر •
وداه غزاده جات وباشلرین بذل وفدا ایلین دلاوران وغازیان مصاف
آزما قونیلوب • جناب الله جل شانه وعم برّه واحسانه حضرتلرینك عون وعنایتی
وپیغمبریمز محمد المصطفی صلی الله علیه وسلمك معجزات کثیرة البرکاتیله • مدة عین

خاکریزه

خاکریزنه طوب وتفنك وتونبره وسائر آلات جنك ایله • ان زلزلة الساعة
شیء عظیم • آثاری نمایان وقلعه نك اکثر قله لری • ومواضعی خاك ایله
یکسان وآثار نکبت وانهزاملری مشاهد ومحسوس • وامداد واعانتدن
مأیوس • جهان دیری کوزلرینه تنك وتار • وچاکلرینه اوت طقیلوب
عقللری تار ومار • وبتلری صنوب بیزار وبیقرار اولمغله حصن حصین
امانه کیرمینجه نجه غازیاندن خلاص چاره ورهاده یوق ایدوکین
بیلوب • قرع باب امان وتسلیم حصار ایله رجای عفو واحسان
ایتملریله العفو زکاة الظفر مقتضاسنجه مال وجانلرینه امان ویریلکله
سنه ثمانین والف جمادی الاولی سنك غره سنده قلعهٔ مزبوره جمله
توابع ولواحق ونواحی ومزارعیله ضبط اولنوب • وضمیمهٔ ممالك
وسیعة المسالکمز قلنوب معبد اوثان واصنام • اولان کنایس شرك
ارتسامری مهبط انوار اسلام • ومساجد وجوامع امت سید الانام
اولمشدر • هذا من فضل ربی • بو بشارت عظمای واجب الاشاعة وبهجت
کبرای لازم الاذاعه • موجب مسرت عامهٔ اهل ایمان • وباعث فرحت
کافهٔ عالمیان اولمغله • نامهٔ مشکین ختام خلافت ارتسام ایله
تبشیر واعلام اولنوب • ودرکاه فلك دستکاه معتمدلرندن زید مجده
ایله ارسال قلنمشدر • شرف وصوللرنده شایستهٔ حسن مصافات
ومخالصت • وبایستهٔ ودّ وموالات ومصادقت اولدوغی سرور
وشادمانلقلر بیوروب • اطراف واکنافه تبشیر دنصکره • اذن
انصراف ایله • طرف والاجویلرینه ارسال بیوره لر • همیشه دولت
واقبال شاهی • در اوج شرف واجلال شوکت پناهی لامع ودرخشان باد ابدالآباد

٥ قندیه فتح نامه سیدر • وزیر اعظم احمد پاشا طرفندن خان
خانان عجمه ارسال ایچون تسوید اولنوب لکن کوندرلممشدر

جناب وزارت مآب نیابت ایاب وکالت انتساب کفایت اکتساب
ناظم امور جمهور ملك عجم • حارس قوانین کسری وجم • مدبر دوایر دولت
ایران زمین مدبر صایب رای وآصف تمکین • رفیع الشان خان خانان
حضرتلرینك • مجلس معالی شانلرینه کنجینهٔ رشتهٔ صدق وداد لآلی مخایل
خالصات صداقت انتما • وشایستهٔ پیرایهٔ نوعروس مهر ووفا جواهر
تسلیمات • صادقات صفوت نما • مبلغ ومهدی قلندقدنصکره نقش نکین
سویدالرینه • بو معنی روشن وهویدا در که • اساطین دین وملت اولان

سلاطين بامكنت • وخواقين ذى جاه وقدرتك بهترين فعال سعادت
مآل وخوبترين اعمال واماللرى اعلاء لكلمة الله الملك المتعال • اهل كفر وضلال
ايله جهاد وقتال اولوب • مايهٔ افتخار روزكار • ومايهٔ اعتبار دهور
وادوار اولان فتوحات بلند اشتهار ايله نام نامى واسم ساميلرى • نقش
جريدهٔ آثار • وثبت صحيفهٔ قرون واعصار اولدوغى معلوم اولى الابصار در
بنابرين سلطان البرين • خاقان البحرين ثانى اسكندر ذى القرنين • ٤٨٥
خادم الحرمين الشريفين • شوكتلو قدرتلو وعظمتلو پادشاهمز اعز الله
انصاره واعوانه • وخلد ملكه وسلطانه حضرتلرينك • همواره صارفهٔ
همت والانهمتلرى اول صرفهٔ باهره شرف احرازنه مصروف • وعنان عزيمت
واعتنالرى اول صوب صواب نمايه معطوف اولوب • والد ماجد بهشت
مكانلرى مرحوم ومغفور له سلطان ابراهيم خان • البسه الله حلل الرضوان
واسكنه فى فراديس الجنان حضرتلرينك • زمان سعادت اقترانلرنده
فرق فرنك بدرنكدن وندبك كفره سنك ممالك مشهوره سندن
كريد جزيره سنى تسخير وعساكر منصوره كوندريلوب • بقاع وضياعى
سراسر • فى سبيل غزاة ظفر رهبر قلنمغله واورثكم ارضهم وديارهم •
فحواسنه مظهر • وقلاع منيعه سندن خانيه ورسمو نام ايكى قلعهٔ
معتبر مضبوط ومسخر اولوب • متانت وحصانتله معروف ومشهور
قنديه نام قلعهٔ دشواركير • ومسورهٔ كليهٔ عسير التسخيرك طرف
شمالنه بحرك اشتمالى • وجهات ثلثه سنه بسيط برناللى اولوب جوانب
اربعه‌سى اشكال انتاج فتح وظفرده شكل رابع • جامع انواع غرايب بدايع
نمايشده كوه البرز وار اولوب • وخارج خندقى قلعه مانند • آلات جنكى
مرتب تابيه‌لر ايله بند اولوب • تيشه كارى نقابان فرهاد پيشه
آثارى لغملر ايله درون وبيرون خندق قلعه ريز وزمينى عبرتنماى دهر
دوربين • برحصار رصين البنيان كه متانت واستحكامى مسموع جهانيان
ومناعت وحصانتى بيان عالميانده كمال شهرت بولمغله • مستغنى عن
البيانده • زمان يسيرده فتح وتسخيرى امكان پذير اولمامغله • اول
اوان ظفر عنوانده • تضييق فريق اعدا ايچون مقابلنده بر قلعه بنا •
ومجاهدات اسلاميه مقر ومأوى قلنمغله برحسب فرمودهٔ • قاتلوا الذين
يلونكم من الكفار • ليل ونهار حصاريلر ايله جنك وپيكار استمرار اوزره
اولوب • وان جندنا لهم الغالبون • مضمون سعادت مقرونى مصداق
اولان عسكر ظفر مقرون نيجه سنه محصور اولان دشمن مغبون •

مقهور

مقهور ومنبون اولمغله كشف وار • درون حصاردن باش چيقارمغه
اقتدارلرى اولميوب • سربرآراى سرافرازى • پادشاه ابو الفتوحات
والمغازى • كه همواره باز بلند پرواز فتح وفيروزى • دست آموزى • وهميشه
خاشاك كفر واشراك سوختهٔ تيغ آتشناك عدو سوزيدر • مقتضاى
ناموس سلطنت وجهانبانى • ولازمهٔ همت كشورستانى اوزره بلاد مشركينكه
اعلاء كلمهٔ دين واجراء احكام شرع مبين ايچون بيت جهانرا بتيغ وتدبير
دست • كشاده سراسر بدينسان كه هست • وقفقيه بوسنه روم ايلى
سرحدلرينه ملاصق ولايت انكروس • وساير ممالك كفار نحوسه • سفر
همايون ظفر مأنوسلرى واقع اولمغله اول حصن حصينك فتح وتسخيرى
تقديم اهم اقتضاسيله • تأخير اولنوب • حمد الله تعالى بر وفق مرام قهر
وتدمير اعداى لئام ميسر اولوب • هر طرفدن نعم فوز وظفر ايله اغتنام •
وهر جهتدن مصالح سفر امرى قريب اختتام اولدقده وابستهٔ عقدهٔ تأخير
اولان مهم بايسته اتمامه قصد واهتمام اقتضا ايدوب نظم بهر كار مشكل كه
راى آورد • بآسانى از ان بجاى آورد • مضمونى اوزره شاهباز همت كارسازلرى
آماده اولان اول شكار زخم خورده‌يى پنجه كير تسخير ايتمكه عزم ظفر جزم
همايونلرى مصمم ومبرم اولمغله • مقدما ارسال مهمات محاصره ايله بعث
اجناده مباشر اولنوب • اول حظيرهٔ جهاد اولان جزيرهٔ عديم النظيره •
خدمت سرعسكرى ايله بر مخلص صافى ضمير بكز عبوره مأمور اولوب •
اسباب قتال • وابطال رجال ايله مالامال • هلال پيكر وكوه مثال • سفاين
ميامن دفاين ايله صوب مقصد ظفر مآله سكان عزيمت اماله اولنوب •
٤٨٦ ساعتهٔ شرطهٔ توفيق مرسل الرياح • ايله جزيرهٔ مزبوره ساحلنه لنكر انداز
قرار وارتياح اولوب • نتيجهٔ فتحك ترتيب مقدماتنه مبادره • وكذا رادن
اوان شتادن صكره قلعهٔ مزبوره عساكر انجم شماره ايله هاله وار محاصره
اولنوب • هر طرفنده اسباب كارزار • وادوات كير ودار احضار قلنوب
مواضع عديده ومواقع بسنديده‌ده وضع اولنان قلعه‌كوب • وبرج افكن
طوپلر تتابع ضروب ايله همواره قلع بنياد ناپايدار وجود دشمن • ودر و
ديوار حصارى بر شكن ايدوب • هميشه شرارت رزم آزماى هنك آهنك
وجنك آوران پولاد چنك • دانهٔ تفنك ايله ارواح خبيثهٔ كفار لئامى صيد
دام مرك ايتمكله دركار اولوب • دشمن هزيمت نصيب دخى بيت جو ديدكه
تنك اندر آمد نهيب • بكار آورد رنك وبند وفريب • مصدوقنجه روز وشب
صرفهٔ كارلرى • اولاجق ناردن زخدن مستعار آتش بازلغى بازار كارزارده

شعله بار • ومدارکا روبارلری اولان کوناکون حیله سازلغی • سرمایهٔ جنك
وبیکار ایدوب • شب وروز • روی زمینده نیران قتال معرکه افروز اولدیغی
کبی تحت الارضده دخی • ان زلزلة الساعة شیء عظیم • مصداق کرهینه هوینز
طرفیندن ایلان لغملر زمین کشت جنبان تراز آسمان • مبتغا سنجه
افاقه ولوله ونوزمینه زلزله ویروب عرصهٔ کیر ودارده درکار اولان
بوکونه انواع جنك وبیکار • واصناف حرب وکارزارك تعبیر وتقریرنده
السنهٔ اقلام قاصر • وحوصلهٔ دفاتر فاتر اولوب • محصور اولان حصارك
استوارك حصانت ومناعتله اشتهاری • ورصانت ومتانت ایله اقطار
عالمه انتشاری شارکت دینیه • ومجانست ملت مسیحیه مقتضاسی
اوزره • جمله ملوك نصارایه • وظنوا انهم مانعتهم حصونهم • مضمون
شریفنجه مدار استظهار اولوب • اول حصن رصین • بو دفعه دار موحدین
ومظهر انوار دین مبین اولمق علامتی نمایان ومستبین اولدقده • هر برینك
اتشکیرد رون تبرء لرندن نیران غیرت جاهلیه فروزان اولوب •
الکفر ملة واحدة • مضمونی اوزره ممالك فرنکستانده فرهادزاد اولان
جمله صنادید کفار • بربرینه استنصار واستنفاد • وامراد عنادلرینه
استقرار ویروب • محصور اولان ملت مدبر ومقهوره • هر بری لوازم
قلعه داری ابصالنده بذل مقدور ایدوب • بحری ارسال اجناد •
وهر کونه تایید وتقویتله امداد ایتملریله • طرفیندن اشعال نوایر حرب
وقتال اشتداد • وامر محاصره امتداد بولوب • غیاث الاسلام والمسلمین
معین الملة والدین **نظم** حامی حوزهٔ مسلمانی • کار او شرع را نکهبانی •
شوکتلو وعظمتلو وقدرتلو افندیمز پادشاه روی زمین حضرتلری •
تایید دین مبین • وتقویت مجاهدین ایچون دریای حمیت جهانبانلری
جوشش • وسطوت کوه تمکین خسروانیلری جنبش ایدوب • بالذات
بو غزای کبرایه عزیمت • ورایت تخت صاحبقرانیلرندن حرکت بیوروب **نظم**
روان شد سوی دشمنان کینه خواه • بنیروی اقبال وعون اله • رکاب
همایون هلال شالری خدمتنه شتاب ایدن عساکر ساده حساب ایله
ما هچهٔ رایات نصرت آیاتلری • هر روز بر منزله ظهور وبروز ایدرك •
فر وشوکت وشمسوز ایله • معبر جزیره اولان ساحل جرم مداقی • برجای
دلفروزه نزول ارزانی بیوروب • بیرامن دامن قلعهٔ دشمنه پنجه زن
اجتهاد • ونا صباب الویهٔ جهاد اولان اجناد ظفر اعتیاد قوللرینه اعانت
اعانت وامداد ایله • حرض المؤمنین علی القتال • مبتغا سنجه اجرای مرام

غزایه

٤٨٧ ١٣

غزایه تحریض واغرا بیوروب • امکان فتح وتسخیری صورت محالدن نمایان
اولان اول حصار سخت بنیان کردون همال • همت کوه کداز خسروانه لرینه
حواله بیورملغله صیف وشتاده شناوران دریای هیجا • کنار آرام •
وقراره پا نهاده اولمیوب • روزان وشبان شیران بیشه زار شجاعت
وهنربران اجام شهامت • اهلاك واعدام دشمنان لئامده دقیقه
فوت ایتمیوب • بو کونه دستبرد دلیرانه • ونبرد مردانه ایله قلعه نشین
اولان مشرکینی زبون پنجهٔ قهر وتدمیر • واول حصار فلك نظرك
فراز قلهٔ فتحنه بند کمند تسخیر اولندقده • الحق توفیق حق دن تباشیر
صباح الخیر تسخیری نمودار • وصدای غیب تلقین • ادخلوها بسلام
آمنین • کوش کذار جیوش نصرت شعار اولمغله کفادیه کار برکشته
روزکارلرك دار ودیارلری • دیرهٔ ابدلرینه تنك وتار کورینوب •
بیت بدانست کان کار دشوار کشت • جهان تیره شد بخت او خوار
کشت • مضمونجه اوتاد اعمال جمله بنیادلرینه بسته اولان حبل رجاکری
کسسته • وتبادر امارات ادبار ایله تدارك چارهٔ کارده متحیر ودبسته
قالوب • اول شیاطین انسه همجنسلرینك وفرت اعانت وامدادی
وکثرت اعداد اجنادی سودمند اولمغله ناچار • من نجا برأسه فقد ربح
مضمونیله کاربند اولوب • ابقای مهجهٔ موجب مقدارلری ایچون ضراعت
وتذلل • ومظهر عفو شهریاری اولمق ایچون • بو تخلصکره توسل ایدوب
سلطان الغزاة والمجاهدین • مرغم انوف الطغاة والمعاندین المؤید
من عند الله المعین • افندمز پادشاه روی زمین حضرتلرینك • ابدیت
کاسر الاعادیلرینه کلید قلعه یی تسلیم ایتمك اوزره استیمان ایتملریله
عفو وعطای پادشاهی • ومروت ومکارم متناهیه دن • العفو زکاة
الظفر مضمونی نعت ومقرر بیورلوب • جان جهنم مکانلرینه نجات
وامان احسان اولنمغله اولکروه مقهور • دار الفجورلرینه ذل وخسار
ایله رهکذاری ادبار اولوب • حین محاصره دن ایکی سنه وبش آی تمامنده
آفتاب جهان تاب فتح وظفر افاقه ضیا کستر اولمغله نادرهٔ روزکار اولان
حصار استوار • شوکتلو وشجاعتلو وعظمتلو پادشاهزاده مفتوح ومسلم
دست اقتدارلری اولدقده نصیبکرم **مصراع** فتح ونصرت دریمین وفر
وشوکت دریسار تخت غالبیت جهانبانلرینه توجیه وجهٔ عزیمت بیوروب
بو فتح الانفر وفایق الفتوحات • ورای پردهٔ تقدیردن ظهور وسنوح
بولدیغی • واما بنعمة ربك فحدث • موجبنجه تحدیث نعم الهی دیو مقتضی

یفرح المؤمنون بنصر الله سبب مسرت نامتناهی اولمغله مابینلرده منعقد اولان
روابط مصالحه ومصافات قویمه وجانبیندن محکم واستوار اولان مبانی
معاهده وموالات مستدیمه بناءً لوازم دوستی ومحبت ومراسم الفت
ومودت رعایت اولنوب بو فتح جلیل الاثر وتسخیر ظاهر الظفر تبشیری
ایچون طرف باهر الشرف شهریاری وجانب اشرف تاجداریلریندن شاه
عالیجاه حضرتلرینه نامهٔ همایون صادر اولمغله اولیای دولت وناظمان
امور مملکته اصلح لحوال ملك ومتدین لازم ولابد اولان یکانکی ومصادقت
ویکجهتی ومخالصت مقتضاسنجه طرف مخلصیدن دخی جناب وکالت
مآب وایالت آیابلرینه مکتوب مودت اسلوب وبشارت مصحوب تحریر
اولندی حضرت خلاق همیشه اعلام شوکت اسلامی اقطار وآفاقده
دائم الاشراق ایلیه جهاد وغزادن منتهای نیت وقصارای امنیت که
ظلمتخانهٔ کفر وضلالت اولان مقر ومأوای مشرکینده اعلاء کلمهٔ دین
واجراء شرایع خاتم المرسلیندر محض عنایات الهیه دن عامهٔ اهل اسلامه
وکافهٔ ملاحین سید الانامه شامله بر عطیهٔ کامله اولوب بو نعم جلیله یه
شکرانه ودایع خالق البرایا اولان رعایانی ترفیه وحمایه اولوب بو طرفدن
همیشه عجزه وزیردستان رعیتك حمایت وصیانتلرنده آثار شفقت ومروت
جهانداری برقرار وشرایط دوستی وموافقت رعایت اولنمغله دعائم
صلح وصلاح محکم واستوار ومقتضای مصافات ومصالحه یه مناسب اولان
اول جانب دخی منافی شرایط مودت ومعاهده وضع وحالتدن مجانب اولمغله
سابقا ولاحقا بصره ده علم افراز عصیان وشقاوت اولان حسین پاشا ویحیی پاشا
سطوت قاهره قهرباد شاهیدن ابن المفر کویا اولطرفه التجا ایدوب
حومهٔ حمایتلرنده رخصت یافته آشنا بش وامنیت اولدقلری مسموعدر	٤٨٨
بو امر غیر لایق ما بینلرده ثابت اولان دوستی ومودته نا موافق اولوب
مقدما اظهار شقاوت مبادرت ایدن حسین پاشانك وجود بد بودی
نایرهٔ دوزخ تاب خشم شهریاری ارادهٔ اذابه ایدوب اول سرحد
وثغورده جمعیت عسکر منصوره اقتضا وایجاب ایلدکده بو حرکتدن
منافی صلح ومودت بر حالت ملاحظه اولنماق مصلحتی ایچون مکاتبه اولنده
شیء مزبور مشاعده ومعاونت کرمغایر مصالحه ومخالصتدر بر وجهله
ارتکاب اولنمز دیو ضمن کتاب شکیبی تقابلده مراسم مودت بی دریغانه
مناسب جواب باصواب اولمشیدی الحالة هذه اول طرفه التجا ایدن
اشقیا داخل حیطهٔ حمایت اولمق اول بدخصلتلره عین معاونت ونظامدر

اولدوغی ظاهر وبو طرفه مخالفت اوزره اولنلره موافقتك شرایط
الفت ووداده مخالفتی بین وباهردر بو امر غیر مرضی مبادا تکدر
سرچشمهٔ وداده مفضی اوله لایق حال وموافق فکر مآل بودرکه اول
کامرین وادی شقا اولان اشقیانك مضبوط ومقیدن والی بغداد اولان
وزیر مکرم عزتلو ورفعتلو قرنداشمز مصطفی پاشا حضرتلرینه ایصال
وتسلیم ایتمکله ارکان محبت ووداده تشیید بیلیرلر ما بینلرده بو مقوله
صلاح ذات البینه مباین امر نا ملایم واقع اولدقده وکلای طرفینه
مدافعه سبیله تقیید لازم اولوب بو مخلص خیراندیشه لایق اولان
عمل موافق اعمالی اهمال اولنمدی جناب معالی نصابلرینك دخی
بو بابده تشیید مبانی صلح وصلاح وتأکید قواعد فوز وفلاحه
اهتماملری لایق وسزا ایدوکی بی ریب ومراددر لازال مجاری جانبین
بر منهج استقامت واقع ودراری امور جمهور طرفیندن از مطلع خیر وسعادت
لامع باد برب العباد

ابو الفتح سلطان محمد تسخیر قسطنطنیه ده وعزیز مصر اینال شاهه یزدیغی
نامه در مذکور آنی انشا سیدر

بسم الله الرحمن الرحیم متیمنا بذکره القدیم اللهم مالك الملك تؤتی الملك
من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدك الخیر
انك علی کل شیء قدیر بحمد الله ویثنی علیه عبده المستبشر بالمبشرات
المتواردة المتواترة اللاتی ینبئن عن استقرار القدم المقدم علی سریر
السلطنة السامیة الباهرة بالدولة العالیة القاهرة الا وهو السلطان
الوالی العالی العالمی العاملی المؤیدی المظفری الظهیری النصری العونی
الغوثی الغیاثی الامامی الهمامی النظامی الذی اشرقت من افق التوفیق
٤٣٦ شمس سلطنته وخفقت رایة الاقبال من هبوب نسیم خلافته ونطقا
اعناق الجبابرة بخوشرته السنیة وتکاکاء اقبال الاکاسرة علی عتبته
العلیة وبه اضحت عقود الامامة منتظمة وامور السلطنة ملتئمة
ونتفاخر بوصفه المآثر ونختال بذکره المفاخر اعنی الملکی الا لطفی
السلطانی الاشرفی الابوی الاعظمی ضاعف الله ملکه وسلطانه وافاض
علی العالمین بره واحسانه ولا برح فی دولة لا ینهدم دارها ونعمة لا تنقصم
آثارها وسعادة لا تنصفر اوراقها وسیادة لا تتغیر آفاقها وما انفکت
بنود کتایب باهر صولته مرفوعة واسنة الحوادث فی نحور اعدائه مکسورة
وجماجم حساده علی رؤس الاسنة منصوبة وتحت الاقدام مخفوضة

ونقول لما انبعث عندنا الاخبار التي تشتمل على صعود شمس السلطنة
على اوج سرير الخلافة • ادامه الله واعلاه • وبارك فيه وابقاه ببركة نبيه
المجتبى • ورسوله المصطفى عليه وعلى آله من صلة الصلوة ازكاها • ملئنا
بهجة وسروراً • وغبطة وحبوراً • وانشد بلسان صدق شعر هنيئاً
لمصر انت صرت عزيزها • بلوغ الاماني وابتغاء الاماجد • وتعتدك
الايام فيها وتعتني • صنوف البرايا منه طرف الفوايد • فمذ ظهرت فيه
علايم باسكم • قد انطمست منها رسوم المفاسد • هذا وان الولاء والموالاة
بين من تكفل بمؤنة احياء نسك الحج للعباد والعُبّاد • وبين من تحمل بمشاق
تجهيز اهل الغزو والجهاد • كما هو المتوارث من الاباء والاجداد • انعمهم الله
بنعمه الموجودة في الميعاد • فالقلب مصمم على تابيد تلك القديمة بسلوك
طرايق تنسي لطايف اخريها بطيب نعيمها لذايذ اوليها • فهذا الحبل المتين
نحن ماسكون • وعلى هذا الصراط المستقيم المستبين سالكون • فشددنا
وثاق صدق ذلك المقر العالي اعلاه الله واسماه • وفتحنا ابواب
المراسلة • وقدمنا اسباب المواصلة • واهدينا طرايف التسليمات
التسليمات عن شوايب الرياء والرعونات • واتحفنا لطايف التحيات المنورة
بنور الاخلاص • المجلوة بالولاء والاختصاص • المزهرات بصدق
الطوية رياضها • المترعات من زلال المحبة حياضها • ورفعنا الادعية
الصالحة المستجابة • والاثنية الفايحة المستطابة • والاشواق البالغة
ذروة الكمال • والاتواق المتوالية بالغدو والاصال • وانهينا الى العلم
الكريم • محفوفا بما يسر الله تعالى من المطالب البهية والمآرب • ان من
احسن سنن اسلافنا رحمهم الله تعالى • انهم يجاهدون في سبيل الله
ولا يخافون لومة لائم • ونحن على تلك السنة قائمون • وعلى تلك
الامنية دائمون • ممتثلين بقوله تعالى • قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله •
ومستمسكين بقوله عليه السلام • من اغبرت قدماه في سبيل الله حرمه الله
على النار • فهممنا في هذا العام • عمه الله بالبركة والانعام • معتصمين
بحبل الله ذي الجلال والاكرام • ومتمسكين بفضل الملك العلام • الى اداء
فرض الغزاء في الاسلام • مؤتمرين بامره تعالى قاتلوا الذين يلونكم من الكفار
وجهزنا عساكر الغزاة والمجاهدين من البر والبحر • لفتح مدينة مليت
فجوراً وكفراً • التي بقيت وسط الممالك الاسلامية • بنا هي بكفرها فخراً •
شعر فكانها حسف على الخد الاغر • وكانها كلف على وجه القمر • وهي
محصنة صعبة المرام شامخة الاركان راسخة البنيان • مملوة من المشركين

الشجعان

الشجعان • خذلهم الله تعالى اينما كانوا • وهم مستكبرون على اهل الايمان •
متناصرون بالجزاير الغربية • مثل رودس وقطلان وونادبك وجنويز
وغيرهم من اهل الشرك والطغيان • وحصن محصن مشدد مشيد
متسق النظام • ما ظفر به اسلافنا العظام هؤلاء السلاطين الاساطين
الفخام • مع انهم جاهدوا حق الجهاد ولم ينالوا بها نيلا • وهي قلعة عظيمة
مشتهرة في السنة اهل الارض باسم القسطنطنية • ولا يبعد من ان تكون
هي التي نطقت بها صحاح الاحاديث النبوية والاخبار المصطفوية عليه وعلى
اتم الصلوات والتحية • فيفتحون قسطنطنية فبينما هم يقتسمون الغنايم
قد علقوا سيوفهم بالزيتون • الحديث • وغير هذا من الصحاح المشهورة
هي هذه المدينة • الواقع جانب منها في البحر وجانب منها في البر • فاعددنا لها
كما امرنا الله بقوله واعدوا لهم ما استطعتم من قوة • كل اهبة يعتد بها
وجميع اسلحة يعتمد عليها • من البرق والرعد والمنجنيق والنقب والجحور
٨٥٧ وغيرها من جانب البر • والفلك المشحون والجوار المنشآت في البحر كالاعلام
من جانب البحر • ونزلنا عليها في السادس والعشرين من ربيع الاول سنه
سبع وخمسين وثمانماية • فقلت للنفس جدي الآن فاجتهدي • وساعديني
فهذا ما تمنيت • فكلما دعوا الى الحق اصروا واستكبروا وكانوا من الكافرين
فاحطنا بها محاصرة وحاربناهم وحاربونا • وقاتلناهم وقاتلونا • وجرى
بيننا وبينهم القتال اربعة وخمسين يوماً وليلة • اذا جاء نصر الله والفتح
هيناً • على المرء معسور الامور وصعبها • حتى طلع الصبح الصادق من يوم
الثلثا يوم العشرين من جمادي الاولى • هجمنا مثل النجوم رجوماً لجنود الشياطين
سخرها الحكم الصديقي ببركة العدل الفاروقي بالضرب الحيدري لآل عثمان
قد من الله بالفتح قبل ان ظهر الشمس من شرقها • فهزم الجمع ويولون الدبر
بل الساعة موعدهم والساعة ادهى وامر • واول من قتل وقطع رأسه
تكفورهم اللعين الكنود • فاهلكوا كقوم عاد وثمود • فحفتهم ملائكة
العذاب • فاوردوهم النار وبئس المآب • فقتل من قتل واسر من بقي
اغاروا خزاينهم واخرجوا كنوزهم ودفاينهم موفوراً • فاتى عليهم حين
من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً • فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله
رب العالمين • فيومئذ يفرح المؤمنون بنصر الله • ينصر من يشاء • فلما ظفرنا
على هؤلاء الارجاس الانجاس الجالوس • طهرنا القوس من القسوس
واخرجنا منه الصليب والناقوس • وصيرنا معابد عبدة الاصنام • مساجد
اهل الاسلام • وتشرفت تلك الخطة بشرف السكة والخطبة فوقع امر الله

وبطل ما كانوا يعملون • وبعد ذلك كانت في شط البحر الذي يكون شماليا
منها قلعة افرنجية جنوية • وهي الحصينة المدعوة بقلعة غلطه • وهي
جارة لها متسقة النظام • مملوءة من المشركين اللئام • فلما حاصرنا قسطنطينية
جاءنا اهل تلك القلعة • وشدوا لنا ميثاقهم • وجددوا معنا وفاقهم • وقلنا
لهم كونوا كما كنتم واثبتوا على ما انتم عليه • بشروط ان لا تغيروها • فقبلوا
شرطنا واطاعوا امرنا • فلما وقع ما وقع على قسطنطينية • وجد بين القتلى
والاسارى من اهل غلطه • وهم حاربونا • وبدا انهم نقضوا ميثاقهم واظهروا
نفاقهم • فاردنا ان نفعل بهم ما فعلنا بالاخرى • فبينما هم جاؤا مبتهلين
ومتضرعين • وقالوا ان لم ترحمنا لنكونن من الخاسرين • فعفونا عنهم
انه هو الغفور الغفار • ومننا عليهم المنة لله الواحد القهار • وقررنا
على ملكهم • الملك لله العزيز الجبار • ولكن جعلنا حصنهم صعيدا جرزا
بحيث لا ترى فيها عوجا ولا امتا • وملكنا ارضهم وماءهم • وكتبنا
في جريدة الجزي اسماءهم • حتى يعطوا الجزية عن يد وهم صاغرون •
الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله

شعر

سعد الزمان وساعد الاقبال • ودنا المنى واجابت الآمال • فلما جمع الله
لنا بفضله في قلب عبده ذين السرورين العظيمين • احدهما حفظ
نظام سرير السلطنة وحماية البلاد • والاخر قرة لعين الشرع باحياء
فرض الجهاد • وجه تلقاء الارض المقدسة التي بارك الله فيها باجراء
احكام السلطنة • حامل وقر الثناء وناقل ورق الدعاء فخر الاماجد
ذخر الاحامد • امير جلال الدين القابوني • رزقت عودته بالسلامة •
بهدية يسيرة من الاسارى والغلمان والاقمشة وغيرها حسبما ذكر
مفصلة في كتاب غير هذا • وان كانت نسبتها الى ما وجب علينا كنسبة
القطر الى البحر • فالمأمول الاغضاء بحسن القبول • فاذا يسر الله التشرف
بتقبيل بساط الخلافة • زاده الله بسطة بالعدل والنصر • يتأمل ويتمنى
ان ينعم بالمشرفات السارة المحتوية بسلامة النفس النفيس الطيبة •
وصحة الذات المطهرة • ابقاها الله في دولة دينية ودنياوية • وبسوانح
الاخبار ومن مهمات السلطنة كي نتشرف بالانتماء الى ذلك المقر الشريف
ونتلطف بالاعتزاء لذلك المجلس اللطيف • ونحن نترقب طيبات واقعه محبها
ببركة نبيه المجتبى عليه من التحية ازكاها • الحمد لله على نواله • والصلوة على محمد
وآله • والله اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب •

الجواب

ضاعف الله تعالى نعم المقر الشريف العالي المولوي الاولوي الكبيري العالمي
العادلي المؤيدي الكبيري العوني الغوثي الغياثي الملكي السيدي الهمامي النظامي
القوامي الظفري الذخري المهدي المشيدي المجاهدي المثاغري المرابطي
الظهيري الناصري • معز الاسلام والمسلمين ناصر الغزاة والمجاهدين • ملجأ
الفقراء والمساكين زعيم جيوش الموحدين • ممهد الدولة مشيد الممالك
عماد الملة • حامي الثغور الاسلامية غياث الملة المحمدية • ظهير الملوك
والسلاطين عضد امير المؤمنين لا زالت اخبار فتوحاته متواترة • وركائب
نصره في ساحة الوجود سائرة • وعرصة الهيجاء قائمة • والافلاك الدائرة
تجري بتأييده • فتجعل لاولياءه العقبى • وعلى اعدائه الدائرة • اصدرناها
المفاوضة الى مقره الكريم • مهنئة له بهذا الفتح الذي ادخره الله تعالى لايام
سعده • ونهدي اليه سلاما طاب نشره وضاع بشره • وثناء يشنف
الاسماع ذكره • ونبدي لعلمه الكريم ان مكاتبته الرفيعة التي جهزها الينا
على يد رسوله المجلس الاميري الكبيري الذخري العضدي المؤتمني الجمالي يوسف
القابوني الناصري احسن الله وفادته • ويسر بالخير اعادته • وقفنا عليها
ووجهنا الاقبال اليها • وسرحنا النظر في زهر الخمائل من سطورها • وشرحنا
الخاطر ببديع منظومها ومنثورها • ووجدنا لها محلا من البلاغة عاليا
لا يدرك شأوه الاوهام • ومنهلا من الفصاحة عذبا ازدحمت فيه غرائب
المعاني • وانتهينا الى ما اشار اليه مما يسر الله تعالى له من فتح قسطنطينية
العظمى • وما خصه الله به من ايات النصر • ومنحه به من الطاف الخفية •
وفهمنا ذلك مجملا ومفصلا ومفرعا وموصلا • وكررنا حمد الله عز وجل
على ما من به من هذا الفتح المبين • وهذه النعمة التي تتضمن تثبيت قلوب
المتقين على اليقين • واعلاء كلمة الموحدين على الملحدين • وهذه النصرة
التي اصبحت بها كلمة الايمان منتشرة • ووجوه الصادقين مبيضة • وثغور
المسلمين بها ضاحكة مستبشرة • ووجوه المشركين عليها غبرة • ترهقها قترة اولئك هم
الكفرة الفجرة • وقد اعدنا الجواب عن ذلك وعن جميع ما اشار اليه مفصلا
على يد رسوله المجلس الجمالي المشار اليه اعلاه كما سيحيط به علمه الكريم بعد
ان عاطفناه بمزيد الانعام • ووافر الاحترام • وافضنا عليه وعلى من معه
من خلع التشريف والاكرام • وانعمنا عليهم من مائدة الاحسان التام •
واعدناهم الى خدمتهم الكريمة على احسن الوجوه واجمل الحالات • وجهزنا
صحبتهم الواصل بهذه المكاتبة هو المجلس العالي الاميري الكبيري المؤيدي
الذخري الاعزي الاخصي المؤتمني المقربي السيفي • برسباي الاشرفي احد

امرائنا واوحد لخصائنا • كتب الله سلامته وادام سعادته • وحملنا
من السلام الوافى والاكرام الكافى • ما هو ازكى من نشر الخزام • ومن الحب
الصافى والود الشافى • ما لو تجد لكان اصفى من ماء الغمام • ومن الصداقة
والاخلاص والموالات والاختصاص ما هو على ذلك شهيد • وله مبدئ
ومعيد • وجهزنا على يد من الهدية ما يوكد اسباب الوداد والمحبة
ويوثق عرى الاتحاد والصحبة • كما هو دأب السالفين الاقدمين من الحكام والسلاطين هذه

سمور — سقف ذهب وبدنه مكابس من سمك ولولو محش
بحما — سقط ذهب عاء
وبابس — بردغانات والبا فولاد محمعاب
سر — محل احمر بصفائح ذهب بسقط ذهب خاص
خوجه — محل احمر بسماب
بركسطوان — محل احمر بسماب ذهب
سرج ذهب — دعرقية ودلكى خاص
قماش — اسكندرى دبيطيه
سويده — لهوعا
صح
لحاف — اسكندرى ٣
نفهار — ٣
حولجاص — محول
حجره — ١
افيال — ٢
حمار وحشى — ١
دست — رحاج مموها دهب بلك

فالمقر الكريم يامر بتسليم ذلك وقبوله ويشمل قاصدنا المشار اليه بحسن
النظر ويواصل باخبار المسرات وما يعن له من المهمات بتيسر الموافاة
من الجهتين • كما كان بيننا وبين آبائنا العظام واجداده الكرام • انار الله
براهينهم من الاتحاف بالمودات والاهداء بالمصافات • والله يمتع الاسلام
ببقائه • ويجعل قواضبه القاضية محكمة فى اعدائه • حتى يصبح جنود
الملة المحمدية بتوالى فتوحاته منصورة الاعلام • ويصير البلاد كلها بعزماته
المويدة دار السلام • ان شاء الله الملك العلام • كتب فى العشرين من شهر
ذى القعدة الحرام سنه سبع وخمسين وثمانمائة من الهجرة النبوية

سلطان محمد استنبول فتحنده مكه مكرمه شريفنه يازديغى فتح نامه در

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى • ادام الله علو المقر الكريم •
السيدى السندى الاشرفى الشريفى الاكرمى الاعلى الاورعى النظامى •
الامامى الهمامى الاوحدى الامجدى العالمى العاملى الاعظمى الاولوى الاعلوى
العلوى المشيدى المويدى النصيرى الظهيرى الطاهرى • معلى قواعد الموسم
والحرمين • حامى مشاهد البقاع الشريفة والمروتين • مؤسس مراسم
العظمة والجلال • مؤكد مقاعد المقاصد والآمال • مطلع لوامع العز
والتمكين • مظهر مآثر الملك والدين • فلذة اكباد الرسول • زبدة احفاد
البتول امير المسلمين • ولى المؤمنين • خلاصة اولاد شفيع المذنبين •
وهو سيد الشريف • والقرم المنيف • سلطان بيت الله تعالى تشرفه الله
وحواليه • علاء الملة والدولة والدين • السيد الاحسنى المجدى الحسينى

زاد الله سعادته وادام سيادته • ولا خلا • فى دولته لا ينهدم دارها • ونعمه
لا ينفصم اثارها • ولا زالت اسباب مودته ومحبته مؤكدة • وعقود موالاته
وهمته منتظمة منضدة • مدى الدهور والايام • بحرمة سيد الاولين
والاخرين • واله وصحبه الطيبين الطاهرين • عليه الصلوة والسلام • وبعد
فقد ارسلنا هذا الكتاب مبشرا بما رزق الله لنا فى هذه السنة من الفتوح
التى لا عين رات ولا اذن سمعت • وهى تسخير البلدة المشهورة بقسطنطينية
الملاصقة ببرج البحرين • وفى مقابلتها مدينة اخرى موسومة بغلطة •
وفى جانبها الشرقى بلدة اخرى متعلقة باسكدار • اما الاولى فكانها ثعبان
له سبع روس من قللها المشهورة • او تلك القلل سبع رواسى شامخات
حصينة رفيعة مبنية • بامر الله تعالى لمقر الخلافة الاسلامية • ومرزوقة
لنا بتقدير الحكم السبحانية • ولا شك انها سلطان البلاد • والاخريان من
جنبيها يمينا وشمالا • كالجناحين فى طرفى السلطان • فلما توجهنا وعزمنا
عليها هجم علينا الكفار المملوة فيها خارجا وداخلا • وحاربوا معنا فقام
المحاربة بيننا وبينهم قريب شهرين بعد ما بهم عن اعطاء الجزية الشرعية
ثم عجزوا عن القتال • وهربوا من الجدال • فازدحم اهل الاسلام • وجاء
كل من المجاهدين عن البر والبحر لحث الجهاد • فقربوا من السور • وصعد جم
كثير من الحماة الموحدين • فوق منارة فتحوا دانها المتدرسة من المنجنيق
والعرادة • فدخلوا فى نفس هذه البلدة المتبركة المنورة بقدوم الموحدين
بالتكبير والتهليل يوم الثلثا العشرين من شهر جمادى الاولى فقطع فى
مبدا الحال راس رئيس هذه الملاعين • اعنى التكفور اللعين • ولحق
بجهنم مع ساير المقتولين المشركين • فخربوا دورهم وكسروا صلبانهم
واغاروا خزائنهم واموالهم واسروا ذراريهم وصبيانهم • وجعلوا معا
بدهم القسيسية مساجد الامة المحمدية • وجمع الملة الاحمدية • وطهر تلك
المواضع عن الارجاس الرهبانية والانجاس النصرانية • فقطع دابر القوم
الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين • واما بقية السيوف فعفونا عنهم
وقطعنا عليهم الجزية السنوية سعيا لبيت المال • فلما تشرف منابر الخطب
بشرف القابنا العلية الباهرة • وتزين وجوه الدراهم والدنانير المسكوكة
بزينة اسمائنا الجليلة الظاهرة • جهزنا الى خدمتكم الشريفة فخر المقربين
وزين حجاج الحرمين خواجه حاجى محمد الزينو حفظه الله تعالى فى الذهاب
والاياب • ورزقه الوصول والمعاودة بالخير والصواب • لتبليغ الرسالة
وترتيل البشارة • فالمأمول من مقار عزكم المشرفة • ان يبشر بقدوم هذه

المرتبة العظمى والموهبة الكبرى • مع سكان الحرمين الشريفين • والعلماء والسادات المهتدين والزهاد والعباد والصالحين • والمشايخ الامجاد الواصلين • والائمة الاخيار المتقين والصغار والكبار اجمعين • المتمسكين باذيال سرادقات بيت الله الحرام • التي كعروة الوثقى لا انفصام لها • والمشرفين بزمزم والمقام • والمعتكفين في قرب جوار رسول الله عليه التحية والسلام • واعين لدوام دولتنا في العرفات • متضرعين من الله نصرتنا افاض الله علينا بركاتهم • ورفع درجاتهم • بالنبي النبيه وآله وذويه • وبعثنا مع المشار اليه هدية لكم خاصة • الفي افلوري من الذهب الخالص التام الوزن والعيار • المأخوذ من تلك الغنيمة وسبعة الاف افلوري آخر للفقراء • منها الفان للسادات والنقباء • والالف للخدام المخصوصة بالحرمين • والباقي للمتمكنين المحتاجين في المكة المعظمة والمدينة المكرمة • زادهما الله شرفا • فالمرجو منكم التقسيم بينهم بمقتضى حاجتهم وفقرهم • واشعار كيفية البشر الينا وتحصيل الدعاء منهم لنا دائما باللطف والاحسان • ان شا الله تعالى • والله يحفظكم • ويبقيكم بالسعادة الابدية والسيادة السرمدية • الى يوم الدين آمين • يا رب العالمين • وصلى الله على خاتم الانبياء والمرسلين

ابو الفتح سلطان محمد خانه استنبول فتح نامه سي جوابنده عزيز مصر ارسال ايلديكي نامه در

اعز الله تعالى انصار المقر الكريم • العالي الكبيري العالمي العادلي المجاهدي المرابطي الغياثي المهدي المشيدي الزعيمي الظهيري الناصري • معز الاسلام والمسلمين • ناصر الغزاة ذخر المجاهدين • ملجأ الفقراء والمساكين • زعيم جيوش الموحدين ممهد الدولة مشيد الممالك • حامي الثغور الاسلامية غياث الملة المحمدية • ملك الملوك والسلاطين عضد امير المؤمنين • وهنئ بهذا الفتح الذي جاء بالاطناب في بلاغته وجيزا • وابتهل كل موحد به واعلن بسورة الفتح وتلا • وينصرك الله نصرا عزيزا • لا زالت وجوه النصر ترى في مرآة صفاحه • وثمرات النصر تجتنى من اغصان رماحه محروسة بالجناب المحمدي عليه السلام • وهمزات عوامله بصدور الكفار موصولة • والسن سيوفه بثغور بلادهم من رشف ارهاق دمائهم مبلولة • وهمم ابطاله منتظمة في نصرة دين الله كالعقد النظيم • وما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم • ولا برحت عزماته تحلي من اعداء الاسلام المقاعد • وتحل منهم المعاقد • وتجلو عليهم مواقف الحرب مسعرة المواقد • ونطلع في سماء الفتح من سيوفه نجوما وقادة • وتشهد على الكفار في محض الغزو ونجح

وكيف لا وذاك الموطن محل الشهادة • فهو بحمد الله مما سلك خلف الكفار تراه • والو لقد لقينا من سفرنا هذا نصبا • ولا خاض عباب بحر الا اتخذ سبيله في البحر عجبا • اصدرنا هذه المفاوضة الى المقر الكريم • معربة عما نحن منطوون عليه من الثنا في هذا الفتح الذي وضح على جبين الصباح بشره ورجح على ميزان الكواكب قدره • ونخصه بسلام يتأرج عرفا • ويتبلج وصفا ويكاد يمازج النسيم لطفا • وثناء جل ملابس الاكرام واصفى • واعذب موارد الوداد واصفى • قد تخذت نفحات المسك طليعه • واجمل لرداء الملك تفويفه وتوشيعه • وانشر به بنا والحث الذي نستودعه من صدور الرسائل يحفظ الله هذه الوديعة • وبندى لعلمه الكريم • وورود كتابه العظيم وخطابه الذي ازرى بالدر النظيم • على يد المجلس السامي الاميري الكبيري الاوحدي الاكملي المؤتمني المقربي الجمالي • يوسف القانوني الناصري لحسن الله وفادته • وبشر الى المقر الكريم اعادته • فاكرمنا دخين قابلناه • ورفعنا محله لما تناولناه • واستنشقنا المسك لما امضضناه • وابتهجنا ابتهاج الظمآن بوروده • ونظرنا منه الى احسن من برود الروض اذ حل الندى ازرار وروده • فتيمنا مخايل النصر من سطوره • ونزهنا النواظر في رياض منظومه ومنثوره • وتلمحنا من خطه وخطابه • ما هو ازهى من زهر الخمائل عند تنسم النسيم • ووجدناه مشتملا على انواع البراعة مما وشا الرقيم • محتويا على بديع الالفاظ التي سحبت ذيل البلاغة على سحبان في الزمن القديم • متضمنا من الله به وبشره على المقر الكريم من النصرة على اهل الكفر والعناد وبلوغه من ارغام اعداء الله ورسوله بحد الاصفر اقصى المراد • وانتهينا الى ما اشار اليه من سرعة على قسطنطينية العظمى • بالعساكر الاسلامية والجنود المحمدية • وانهم احدقوا فكانوا لها اسوارا • وزلزلوا ارضها بجياد خيل وخفت صابرة فكانت اوتادا • وانذر ارسل اليها في البحر جواري كالاعلام • ومد ثاني الحج سوابر كانها معلقة بالاباهم • ورماها بفرسان من البر واقدم على منازلها بمن اطاع الله وبرع • وخطبها بكرا فتمنعت واطاعت في المحنة فترنحت • فلما تحققت عظم مهرها في الغزوات كثرة ما القى اليها من نثار الرؤوس • ضجت الى الاحصان بعد النشوز وعلمت ان الامتناع من قبول الاحسان لا يجوز • فامكنت زمامها من يد خاطبها • واستعت على رغم انف مراقبها • وانشد لسان الحال شعر

خطبتها بكرا وما امهرتها • الا قنى وقواضبا وفوارسا • من كانت السمر العوالي مهره • جليت له بيض الحصون عرائسا • الله اكبر ما جنيت ثمارها

الا وكانت قبلت ابوابك غارسا • هذه كلها بعزايم لم يشبها فى الحروب نكول
ولا تقصير • فكان بحمد الله جمعه جمع سلامة وجمع الاعداء وجمع تكسير
لما اخذهم اخذ القرى وهى ظالمة • واعلمهم ان السيوف الاسلامية لم تترك
لهم بقوة الله يدا فى الحرب مبسوطة • ولا رجلا فى الموقف قائمة • فزلزل
بعون الله اقدامهم • وازال اقدامهم • ونكس اعلامهم • وقابل العدو بصدره
وقاتل • حتى فتح جديد بنصبه وسرمه • وهبت نسمات النصر على جيوشه
فقيل يا خيل الله اركبى • ويا يد النصر اكتبى • وقام الحرب على ساق • واضحى
كل من الاعداء الى حتفه يساق • وهجرت سيوفهم الاغماد واقسمت انها
لا تقر الا فى الرؤس • والاسنة اسرعت والت انها لا تروى ظماءها
الا من دماء النفوس • والسهام قد التزمت انها لا تلج كما اشبهها الا فى النحور
ولا تغوص عن جنايا القسى بجنايا الاضلع الا لتزفيها الا فى
الصدور • والدروع قد لزمت الابطال قائلة لا نفارق الاعداء حتى
تتلى سورة الفتح المبين • والجياد حرمت وطى الارض وقالت لفرسانها
لا نطاء الا جثة القتلى ورؤس الملحدين • فعند ذلك انثنت سيف النصر
الحق لانه القاضى فى ذلك المجال • ونفذت سهامه لاجل تصميمه فلم تمهل
حتى اخذت دين الآجال وهو حال أشعر الله اكبر هذا النصر والظفر •
هذا هو الفتح لان يرغم البشر • فطهر الله تعالى منهم تلك الديار • وسلموا
عندما ايقنوا بالدمار • وصارت بحمد الله نجوم الضلال آفلة • ومواطن
الكفر بالاسلام آهلة • وعن الاذان تعرب • حيث كان الناقوس يضرب
واصوات حماتكم الاسلامية • بالتكبير والتوحيد بها عالية • فقد فهمنا
ذلك • وحمدنا الله تعالى وقابلنا هذه البشارة بتكرار الشكر لله الذى
جعل جيوش الاسلام • حيث سلكت ملكت • واين جنحت من بلاد اسرت
وفتحت • فلله الحمد الذى ايدكم بنصره • وجعل مهابة جيوشكم فى قلوب
الكفرة تقوم مقام هزيمة العدو وحصره • واظفركم على حزب المشركين
الذين زعزع هيبتكم دانيهم وقاصيهم • وانزل الذين ظاهروهم من اهل
الكتاب من صياصيهم • وسدد سهم رأيكم الذى دل على هلاك العدى سرعة
نفاذه • ووعدكم مغانم كثيرة تأخذونها فعجل لكم هذه • وحكمكم فى بلاد
العدى لتنشروا بها المهابة وتطؤها • واورثكم ارضهم وديارهم وارضا
لم تطؤها • ولقد ايدتم هذا الدين المحمدى الذى وضح به طريق النجاة واسننا
وفزتم بقوله عليه الصلوة والسلام • ما اغبرت قدما عبد فى سبيل الله
فتمسه النار • وقوله عليه السلام • ان الجنة مائة درجة اعدها الله للمجاهدين

في سبيل

فى سبيل الله • ما بين الدرجتين كما بين السماء والارض • رواه البخارى ومسلم
رضى الله عنهما • فلله الحمد على ما انعم به عليكم من الغزوات التى سطرت اجورها
فى صحايفكم • وصحايف اسلافكم الكرام • وصار خبرها غرة فى جبهة الدهر
وحسنة فى صحيفة الايام • ولقد انشد شاعر حضرتنا شعر كذا فليكن
فى الله جل العزايم • والا فلا تجفو جفون الصوارم • كتائبك البحر الخضم
جيادها • اذا ما تهادت موجه المتلاطم • تحيط بمنصور اللواء مظفر •
له النصر والتاييد عبد وخادم • فيا ناصر الاسلام من بغزوه على الكفر
ايام الزمان مواسم • تهنت بفتح سار فى الارض ذكره • سرى الغيث
يحدوه الصبا والنعايم • فعند ذلك امرنا باعلان البشاير واظهار
الزينة والسرور بممالكنا الشريفة لما من الله تعالى به من هذه النعمة
وامددناكم بصالح الدعاء مع تضاعف المسرة • واضحى المسلمون مستبشرين
بهذه النعمة التى جدد كل واحد منها بابهى لباس • وتلا كل منهم ذلك من فضل الله
علينا وعلى الناس • وجهزنا اليكم مفخر الحجاج والزوار زين الدين
الحاج محمد الزيتونى زاده الله تقواه وبشرناه • مع الافلوريات المسكوكة
الجديدة والجبة السلطانية المبعوثة الى الشريف لمكة المكرمة • وفقراء الحرمين
الشريفين • مع القافلة المصرية • فالمرجو من الله عز وجل ان يصل الى
المقصود • وبالخير سيعود • ان شاء الله تعالى • واما ما اشار اليه الكريم من
سروره وابتهاجه بجلوسنا على سرير ملكنا الشريف • واذعان جميع الرعايا
لطاعتنا وامرنا المنيف من المشروف والشريف • وانه اخذ بالحظ الوافر من
هذه البشرى التى خصت الاسلام وعمت امة سيدنا محمد عليه الصلوة والسلام
وانه امدنا بدعائه • ان الله يشد ازر سلطاننا ويشيده • ويجعل الوقت ملكنا
مسبلة على بقائنا وتخليده • وما اشار اليه من انه عاقته هذه الغزوة
الشريفة عن المكاتبة والابتداء بالمخاطبة بتحقق بخواطرنا الشريفة •
تاكيد اسباب الوداد • وتصحيح علل الاتحاد • فقد فهمنا ذلك وتحقق
ان المحبة لنا من هذا البيت الكريم مستديمة • والمودة بيننا وبينه كالاسلاف
الكرام مستقيمة • وقد تواردت الخواطر منا ومنكم على عقود المحبة بجميل
الاعتقاد • وتاكد المودة بعزيز الخلوص والوداد • واما الهدية التى شرفنا
بارسالها فقد وصلت • وبالاقبال قوبلت • وشكرنا صدق محبة مهديها
واثنينا على جميل الاثر التى لم يزل فى ملاء ملكنا يبديها • وقعدنا المجلس
السامى العالى قاصدكم المشار اليه بعد ان عومل بمزيد الاكرام • ووافر
الاحسان وعزة الاحترام • وارسلنا معه احد امرائنا • واعز اخصائنا المجلس

الابدى الكبرى الذخرى المؤتمنى الاخصى الاكمى المقرب الاوحدى السيفى برونق الاشرفى • ادام الله سعادته وكتب سلامته بما على به من كتابنا الشريف وخطابنا المنيف • والهدايا والتحف التى تؤكد اسباب الوداد وجميل المصافات والاتحاد وحملناه من السلام بلفظ الكريم • ما يبتسم ثغر الدهر عند دائه • ويسفر وجه البشر عند ابدائه • وسيحيط علمكم الوسيع بما حملنا من ذلك فتحف بجهيز رسله واخباره السارة من هنالك • والله يمده باعوانه وانصاره • ويخلد نعمه عليه بدوام ليله ونهاره بمنه وكرمه • كتب فى اواخر ذى القعدة المباركة سنه سبع وخمسين وثمانمائة • من الهجرة النبوية •

الجواب من شريف الكعبة المعظمة

يقبل الارض فى حضرة السلطانى الامجدى المظفرى المنصورى المجاهدى المرابطى الاعظمى المؤيدى المشيدى العونى • الغوثى النصرى الناصرى • معين الاسلام والمسلمين • سلطان الملوك والسلاطين • نور عيون المجاهدين • نور حدايق لطف الله فى الارضين • قهرمان الماء والطين محيى الشريعة المحمدية • مبنى الملة الاحمدية الفايق على اسلافه فى الغزو والجهاد • المباهى بين اقرانه بالفتوح وتسخير البلاد • الذى يفتخر بعهده الشريف السوابق واللواحق من غمات ال المشرف بتشريف ان الله يأمر بالعدل والاحسان • لازالت اولياؤه منصورة • و اعدائه مقهورة • وحصون الخصماء بصلابته مفتوحة • ونواحى بلدانهم ودياره بمهابته مضبوطة • ومابرحت نواصى احباء دولته فى غداة غزواته مبيضة وشفاههم ضاحكة مستبشرة • ووجوه المشركين عليها غبرة ترهقها قترة اولئك هم الكفرة الفجرة • وعساكره المنصورة مؤيدة من عند الله العزيز المجيب • واعلام نصره منتشرة بكتايب نصر من الله وفتح قريب • ما فرت الغبراء قرارها • ودارت الخضراء ادوارها • بالنبى النبيه والدوده • وبعد ينهى لعلمه العالى ينهى لعلمه العالى اعلى الله وادامه بالدولة الابدية • والسعادة السرمدية • ان مشرفتكم الشريفة • ومبشرتكم المنيفة • وردت الى مخلصه الداعى بالاخلاص • ومحبة المباهى بالاختصاص • على يد مفخر الزوار • زين الحاج خواجه الحاج محمد الزيتونى • زاد الله تقواه وجعل اخراه خيرا من اولاه • فى احسن الاوقات واطيب الساعات • فاستقبلناها بالتعظيم • وقبلناها بالاجلال والتكريم • وفتحناها بكمال الادب • وقرأناها مقابل الكعبة المعظمة بين اهل الحجاز وابناء العرب • فرأينا فيها • من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين • وشاهدنا ها من فحاويها ظهور معجزة رسول الله خاتم النبيين وماهى الا فتح القسطنطينية العظمى وتوابعها • التى صارت فتحها مشهورة

بين الانام • وحصانة سورها معروفة عند الخواص والعوام • وحمدنا الله تعالى بتيسير ذلك الامر العسير وتحصيل ذلك المهم الخطير حمدا يوافى نعمه وشكرا يكافى كرمه • على ان اداءها فريضة مشكلة • واحصاءها خارج عن الطاقة البشرية • مقرين بالعذر والتقصير راجين الاعانة منه فى طاعته • انه على ذلك قدير • حسب ما ورد فى الاخبار • من الاحبار الاخيار • ان اعتراف العبد بقصور خدمته لمولاه عند الغفلة سهوا او من عدم الاقتدار سعيا معدود من احسن العبادات • والقبول موقوف على رضائه حال التضرع فى الخلوات • اللهم يا رب الكعبة والعرفات ويا نور الارض والسموات انصر من نصر الدين واحفظ من حفظ المسلمين • واكتب السلامة على كافة الغزاة وعامة المجاهدين • وللحجاج والمسافرين فى برك وبحرك يا رب العالمين • وفرحنا بها نهاية الفرح وبشرنا بذلك غاية البشاشة لما ابتهجنا من احياء مراسم آبائكم العظام • والسلوك فى مسلك اجدادكم الكرام روح الله ارواحهم وجعل اعلى غرف الجنان مكانهم • فى اظهار المحبة لسكان الاراضى المقدسة من الفرق الاسلامية • عملا بمدلول الحب يتوارث واهدائكم لنا ولساير السادات والفقراء والصلحاء والعلماء المسرورين بما قال صلى الله عليه وسلم • خيار امتى قوم يضحكون جهرا من سعة رحمة ربهم ويبكون سرا من خوف عذاب ربهم ويسألون بايديهم خفضا ورفعا • مؤنتهم على الناس خفيفة وعلى انفسهم كثيرة • الحديث • تسعة الاف فلورية الجديدة الجيدة بالسكة المحمدية • من انفال تلك البلاد العظيمة • المعين تقسيمها فى مراسلتكم اللطيفة • فعملنا بحسب الاشارة البشرية • فقبض كل واحد من المستحقين كل القبض • وقال الناظرون عليها الذهب الاصفر خير من الابيض واسودت اكف الفقراء من الذهب الاصفر • فصار وكطالبى الاكسير الواصلين الى الكبريت الاحمر • داعين لكم بخلوص الجنان • راجين قبوله من الله المنان كما قال عليه السلام • دعاء المحسن لا يرد • حامدين لله على نعمه فى الايام والليالى عملا بما قال عليه السلام • الحمد لله على النعمة امان من زوالها • والمسؤل من فضل الله الكامل • ان ينالكم خير الدارين العاجل والآجل • كما نقل عن النبى عليه السلام جنة عدن فى السماء العليا لا يدخلها الا نبى او صديق او امام عادل الى آخر الحديث • والملتمس من جنابكم السامى ان يحيط علمكم على احوال فقراء هذه الديار بالاصل والفرع • ويزيد لطفكم على الضعفاء المتمكنين بواد غير ذى زرع • ابتغاء لمرضاة الله يوم معاده • كما قال عليه السلام خلقتان ليس فوقهما شئ من الخير الايمان بالله والنفع لعباده •

وبعثنا مع الحاج زين الدين المشار اليه • قدوة الصلحاء والمتورعين مولانا
نجم الدين البيوجي زاد الله تقواه • لينوب منابنا في تقبيل سدة تلكم السنية
وتلثيم عتبتكم العلية • واتحفنا الخدمتكم برفع باب الكلة المكرمة • والاقمشة
الهندية المتنوعة • سبع طقوزات وعشرين شاماناة المبلولة بماء زمزم
ورأس مكة معلمة طائرة في الهوى لحمامة الحرم • فالمرجو من نواب
ابوابكم العالية الانعام بالقبول • والعذر عند كرام الناس مقبول •
ادامكم الله وايدكم بالدولة القاهرة • والسلطنة الباهرة الى يوم الدين آمين

**سلطان محمد غازی استنبولی فتحنده عجم پادشاهی جهانشاه میرزایه
یازدیغی نامه در خواجه کوبی انشاسیدر :.**

نستفتح بحمدك • يا من فتح اقفال الحصون الشرك بمفاتيح انا فتحنا لك
فتحا مبينا • ونستانف بالصلوة التامة الدائمة على من خصصته بالفتح
المعلى في النصر والفتح ودين الهدى • وعلى آله وصحبه ما غرب شهاب واشرق
ذكاء • بر رأی رزین ارباب دين • وعقل متين اصحاب يقين • پوشيده
نيست • كه صنع جهاد وقتال • با اهل عناد وضلال • اعلاء لكلمة الملك
المتعال احسن آمال وافضل اشتغالست • چنانچه نص قاتلوا الذين
لا يؤمنون بالله ولا باليوم الآخر • ناطق بوجوب اين بهترين خصال
بوده • واز اخبار ما ينطق عن الهوى • من قاتل ليكون كلمة الله هي العليا
فهو في سبيل الله • ومن اغبرت قدماه في سبيل الله حرمه الله على النار •
بر خواى حرض المؤمنين على القتال • تحريض بر اين خوبترين فعال نموده •
وانوار عقل در توضيح اسرار نقل • وضوح يافته كه نسخ بر آيد از آتش بار
غزاة ومجاهدين • نصرهم الله تعالى الى يوم الدين • كه از كوره وانزلنا
الحديد فيه بأس شديد • بديد آمده است • كه اكر در ميان كفر واسلام
فارق نبودى • هر كز در جهان حق از باطل • مفارق نشدى • ولا ريب فيه
كه عنايت يزدانى وحمايت صمدانى • معاضد اهل دين • ومساعد مؤمنين
كشته • قاتلوهم يعذبهم الله بايديكم ويخزهم وينصركم عليهم ويشف
صدور قوم مؤمنين • شاهد صدق اين معنى آمده • چون حضرت مالك
الملك جلت عظمته • هر سنه كه بر حل وعقد امور جهانیان كماشت • وعلم نام
او بر عالميان بر داشت • مواجب شكر بر موجب • لئن شكرتم لازيدنكم
بواجب تقديم بايد داشت • خلاصة اين اقوال • ومصدوقه اين مقصود
آنست كه چون حق سبحانه وتعالى دين يزدى طغراى سلطنت مورونی
را بر صحيفه ناصيه ايام دولت روز افزون ما در كشيد • وتاج اجتبا •

بنارك

تبارك ميمون ما سزاوار ديد • واز بهر خاتم اولوا الامرى قبضه همايون ما
بر كزيد • ما هو الا من فضل الله ورحمته • اين بنده نيز بزبان لا احصى در شكر
نعم مستقصى بودن بر خود اقدم واجبات واهم مفروضات ديد وبر عادت
معروف ودأب مألوف آباء عظام • واجداد كرام • بوأهم الله تعالى في
اعلى المقام • با رغبت تام بر عدل وداد وغزو وجهاد اعلاء لكلمة رب العباد
اقدام • وروى بر فتح قلاع واستخلاص بقاع نهاد **شعر** فآباؤنا الاعزة
قد اسسوا من المجد ثم البناء لنا • فان لم نشدها بجهودنا • بينها ردوا الله
ذاك البنا كه طاعت خالق برأى ترفيه خلايق • بر ميان جان بسته •
وجان شيرين بذل اعلاء دين كرده **شعر** وفوق السرير ابن الملوك
اذا بدا • يهزله من فرط هيبته الناس • وذاك مقام لا يوافيه حقه
اذا لم ينب فيه عن القدم الرأس **بيت** دست زمانه بپايه شاهی
نيفكند • در ساعدی كه آن نكشيده است بار تيغ **ديكر** كسى بكردن مقصود
دست حلقه كند • كه پيش تير بلاها سپر تواند بود • كلاه ملك طلب
ميكنى قبا بر بند • كه سر فرازى ما بيم سر تواند بود • والله معين الحق
وهو على ما نقول شهيد • اكنون در دين ديار مدينه قسطنطينيه كه هيئت
علويم ودلايل جنان نمايد كه ابجد در صحاح احاديث نبوى مصرح آمده است كه
فيفتحون قسطنطينية فبيناهم يقتسمون من الغنائم الحديث • وفي آخر
هل سمعتم بمدينة جانب منها في البر وجانب في البحر • قالوا نعم يا رسول الله
قال لا تقوم الساعة حتى يغزوها سبعون الفا الحديث • اين بقعه
نامدار • واين قلعه استوار باشد • كه از ابتداء بناء آن تا اين زمان
مثواى مشركين ومأواى شياطين • كشته هيچكس بر او استيلا نيافته كه
چنين حصن پايدار • وحصار هم عصر روزكار • هر كز در روى زمين
كس نديده است • ونشنيده هر كه بيندش • لم يخلق مثلها في البلاد • خوش
كو بيا بنيان مرصوص نوازش • از سبيكه زبر الحديد ريخته • وبرج
بلندش با سماوات ذات البروج • دعوى همسرى نموده • وقعر خندقش
با تحت الثرى • سخن رانده • وفسحت ساحتش با عرصه اهل ارض پهلو زده
وبالجمله قدماء مهندسين وحكماء متقدمين بر شكل بديع وهيئت منيع
وضعى نهاده اند كه مثلث ديوارى كه يك جانب روى بخشكى نهاده
ودو جانب پشت بدريا داده • وباين جمله حصانت ومتانت از مشركان
وقايع ديده ومدبرات كار آزموده مملو كشته • واز افرنجان جزاير غربى
هيچى جنويز وقطلان وونا ديك وروديس وافرانسه واهل ديار

پابوس وانکروس وشال ابنها • اکثر من ان یحصی • علیهم لعاین الله بملاء الارض
والسماء • از روی دریا هاد ایشان بوده اند • وجمیع اسلحهٔ قلعه داری
وخصم شکاری که از اول بناء آن تا بدین زمان مخزون بود • مرتب وآماده
مهیا وایستاده • واز بهر این معانی • از اسلاف سلاطین عظام واساطین
فخام برهمه جوانب او دست نیافته اند • وجمیع قلاع صعب که در
اقطار ممالک کفار بود • همه در تحت استحواذ گرفتند • هرگاه که عنان
عزم بصوب این مصمم داشتندی • همگی جد وجهد با تمام اجبه وکمال
عدّه • براو صرف کردندی • هرگز ظفر نیافتندی • در میان ممالک اسلام
چون پای ثابت پرگار • مستحکم مانده • پس درین سال میمون • روزگار
همایون • بر حسب • قاتلوا الذین یلونکم من الکفار • تعلق خاطر اشرف
براستخلاص این حصار داشته • وانحصار اهتمام • برقلع این قلعه
گماشته • با فرمان • وشاورهم فی الامر • با وزرای نیک رای وعلمای
صواب نمای • مشاورت کرده • شب وروز بترتیب مقدمات این قضیه
اعتنا نموده شعر ولم ینلنا مناماً نستکن به الا بنوم کنوم النار فی
الحطب • چون نتیجهٔ این مقدمهٔ صادقه • در چهرهٔ این نیت • مراد ابکار
باب مقصد خویش بگشاید • وبحقل وروت جلوه نمود • مستعیناً
بفضل من ینصر من یشاء • قلت • اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء •
در تجهیز اهل غزا اقدام رفت • روز جمعه که ثانی عشر ربیع الاول که اول
ربیع سنه سبع وخمسین وثمانمائه بود • از دار النصر ادرنه صینت عن
الضیق والفتنه • نهضت نموده • با دانی واقاصی ممالک • اشارت بیکار
همایون کرده • از خشکی ودریا عساکر کشورگشای وممالک آرای
حفت بالنصر والفتح • در حرکت آمد • چنانکه در ساتر انام • بر دفاتر ایام
در ضبط آن فاتر مانده • هما ناقدم اجتهاد • بر جادهٔ جهاد • نهاده عنان
عزم • بدان صوب موجه داشته • وعلمهای فرصت نگار نصرت آثار
دام منصوراً • چون منشور سماوی نشور یافته شعر وجبت العقاب
کجوب العقاب • وسرت النقاب کسیر السحب • وسر هنگان دریا •
فی الفلک وجرین بهم بریح طیبة وفرحوا بها • بادبان برداشتند • وبر
کشتیهای کار زار • کانهن الجوار المنشآت فی البحر کالاعلام • بنشستند •
وبدان جهت راندند • روز جمعه که بیست وششم ماه مذکور بود •
از هر جانب • چون دایرهٔ نه حصار افلاک • که محیط منطقهٔ مرکز خاک
گرد اگرد آن محصنه • نزول ومحاصره کرده • با جمیع ادوات حرب • که در باب

قلعه

قلعه گیری ودر گشایی بدو اعتماد هست • چون طوبهای گران که مهابت
صعقهٔ آن آیت • فصعق من فی السموات والارض • بخوانند • ودر صفا وصمت
سنگهایش • کوه البرز والوند عجز نماید • وتفنگهای بیکران که اجزاء
حصبات آن • بچشم مشرکان اذا بت وما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی
جلوه دهد • ومنجنیقهای عظام • از سماوات قضاء فامطرنا علیهم حجارة
بر سر ایشان سنگ بارانید • وملحوزهای معلوقی که کصیّب من السماء فیه
ظلمات ورعد وبرق • افقهای گوناگون مینماید • ونقبهای ژرف که در
غور زمین • چون فکرهای نقل اندیش وذو ربین • از اسفل سافلین
ماتر در تحت قرار ایشان بر کند • وامثال آن • ودمرهم الله حیث ماکانوا •
همچون دیوان واهرمنان • از هر طایفه از طوایف افرنجان وروم ان
وبلغاران وارناودنه وچرکسان • فی الجمله هر نوعی از زمرهٔ شیاطین
انس که اندرش بود • بر سر برج وبارو در آمدند • قد ان اندازان وقضا
دوزان • با هر آلت مقابله ومقاتله نمودند • شب وروز بجاه وجهاد
روز محاربه ومجادله رفت • بعنایت الله تعالی اکثر برجهای حصین •
وباروهای متین برانداخته شد • چون از کوس صور آیات منصوره
آوازهٔ • وینصرک الله نصراً عزیزا • بر آمد • وبگوش هوش اهل اسلام •
صدای هو الذی انزل السکینة فی قلوب المؤمنین • در رسید معتصمین
بحبل الملک العلام • مستمسکین بفضل ذی الجلال والاکرام • روز بیستم
ماه جمادی الاولی که گاه صبح صادق روز سه شنبه بود • یکباره از
خشک ودریا • همچون نجوم سما • رجوما للشیاطین • هجوم نموده • نبرد عظیم
از هر دو طرف برخاست • مشرکان • دمرهم الله چند انکه مدافعت نمودند
ممانعت نتوانستند • در همان ساعت که شعر اشمس من مشرقها قد
بدت • مشرقة لیس لها حاجب • سیهزم الجمع ویولون الدبر • بر سیماء
شوکت ایشان پدید آمد • واز شعلهٔ دولت قاهره • مانند خفاش
صورت پریشانی بر ایشان ظهور یافت • وباد صولت باهره که برصورت
اعصار رفتار جلوه نمود • بر خرمن جمعیت اعدای دین • چون وزیدن
گرفت • کشتکار اعمار آن ملاعین • کعصف ماکول کرد • ودود از دودمان
شان • براوج اسمان بپیوست • وهریکی از فراعنه اهل بغی متمرد ومستکبر
علف تیر وشمشیر غازیان • دست غارت بخانمان واموال واطفال
ایشان زدند • واز ذکور وانات که زنده ماند • در سلسلهٔ رقیت شدند
واز خزاین ودفاین وعروض واقمشه وهرچه هست تالان کردند

وبوزو يومئذٍ يفرح المؤمنون بنصر الله • برسيماى روزكار اهل ايمان
لامع كشت • وزمزمهٔ شعر بشراك يا قلب بالمقصود والارب • اد ركت
ما بتغى كلا بلا نصب كويان • چون قطرهٔ غيث • در دهان عطشان •
روان شد • لله الحمد على هذه المنن السنية • والنعم البهية حمدا يشيد بنيان
الجلال • ويؤيد اركان الآمال • كه قوانين منسوخ اهل طغيان • با نواسخ شرع
اهل ايمان • فرومانده • وكوس شرع محمدى برمنارهاى ناقوس زدنى اوازهٔ
تكبير وتهليل برداشته • ومعابد عبدهٔ اوثان • مساجد اهل ايمان ساخته
نظم از سعى ما بجاى صلب كليسيان • در دار كفر مسجد و محراب و منبر
آنجا كه بود نعرهٔ فرياد مشركان • اكنون خروش نعرهٔ الله اكبر است • لاجرم
مصالح دين • بواسطهٔ اين نصرهٔ مبين • مقرر شده • وعرصهٔ اين خطه
بزيور سكه وخطبه محلى كشته • چون اين فتح ميمون كه في الحقيقه قوت
دين • وقرة چشم مؤمنين است • ونوباوهٔ باغ دولت • وميوهٔ حديقهٔ
سعادت ومقدمهٔ قضيهٔ اقبال حضرت ابوى جهانشاه • ونتيجهٔ فضل
ذو الجلال ميسر شد • واجب ديد كه تحقيق اين حال وتصديق اين مقال
بسامى جناب عظمت پناهى سلطنت دستكاهى خلد الله سلطنته • وابد
كه مبداء عواطف ومنشاء لطايف است • باز نموده شود • وكيفيت اين فتح
همايون كه نمونهٔ الطاف الهى • ومزيت اعطاف پادشاهيست اعلام كرده
آيد تا ظاهر كه در ما بين جانبين از دياد مصافات واتحاد موالات درات
مثابه است كه فتح وظفر اين جانب فتح وظفر آنجانبست • وبالعكس •
اين صحيفهٔ فرخنده فال • تاسع عشر شوال • در قلم آمد • مصحوب عمدة الاعاظم
والاقران عبد الصمد • رحمه الله سالما بدان جهت روانه كرده تا جناب
عزيز • بعد از آن كه از تحف سلام وتحيت قبول فرمايند والتفات
خاطر ونكرانى دل • ورای ضمير متوافرشناسند • همين مأمول كه از صحت
وسلامتى وچكونكى حالت آكاهى فرمايند • كه موجب مسرت ومسند عى
غبطت باشد • دولت وجهانى بعز وكامرانى در تزايد وتضاعف باد برب العباد

الجواب

باسمه الاعلى وهو الملك الفتاح الصمد • نصر من الله وفتح قريب وبشر
المؤمنين يا محمد نظم آمد مبشرى ز سراپردهٔ شهود • خورشيد وار زان
بكيتى شرف فزود • پيغام مژده اش بزمين از فلك رسيد • بر مؤمنان
سروش هم انسان ندا نمود • كان شهر بسته باب حصارش بقفل شرك
سلطان دين كشاد بمفتاح تيغ زود • سبحان الله زبان منشيان

روزكار بچندين نكته دانى • وبيارى قلم زرنكار • در صحيفهٔ حمد بى
غايتش بمقابلهٔ اين موهبت كبرى چكونه ثنا توانند كرد كه لا احصى ثناء
عليك • وتعالى الله بنات مخدرات فصاحت شعار • با بيان سحبانى •
واستوارى رقم عنبر بار • بر جريدهٔ شكر بى نهايتش از مشاهدهٔ اين نعمت
عظمى چه سان اداى شكر خواهند نمود كه ما شكرناك حق شكرك •
حبذا نصرت دين محمدى • از طليعهٔ علم فتح نكار صبح سعادت ضمينش
ظاهر • ودائما فرصت سلاطين احمدى از بدرقهٔ توفيق ظفر آثار صباح
دولت قرينش باهر • ظلمت آباد كفر از خورشيد اسلام عالم افروزش منور
ومشام انس وجان از بخور تنزيل مسك ختامش معطر • مجاهدان
معارك قتالش مترصد فرصت اذا جاء نصر الله • ومبارزان مهالك
جدالش مباهى بحجت وما النصر الا من عند الله • نور عيون اولى الابصار
از كحل جواهر هدايت اوست • ورونق روح • در مضيق اشباح از لطف
وعنايت او • آتش قهرش بر وجود كفار خاكسار • شراره فشان • وسيل
عطا بش هوا داران وحدتش را شربت جنان • درياى كرمش را پايان
كاسهٔ سرجبابرهٔ عنيد • خاك انداز آستانهٔ مطيعان جناب والاى
آن حضرتست • وتختكاه سلم وجمشيد • جاكير سراى غلامان سلطنت
وحدت سراى آن واجب بى علت بيت فرصت از وست نصرت از ور
وبخت هم • شاهنشهى ومحتشمى تاج وتخت هم ولهُ الكبرياءُ في السموات
والارض وهو العزيز الحكيم • وبا آنكه نمونهٔ اين معذرت كه بيت
از دست وزبان كه برآيد كز عهدهٔ شكرش بدر آيد • مشهور آفاق
واقاصى اين فرض خطير • بجهد وتقصير نتواند كرد • ناكاه بريد خجسته
قدوم منازل فرح وسوم حطهٔ دوم را طى كنان • باين مرزبوم در رسيد
ومستغرقان نعم الهى را ببيغام فتوح تازه • مستوجب شكرى انداز
كردانيد • وصلاى لئن شكرتم لازيدنكم • بكوش هوش مخلصان
در رسانيد • واز شكفتكى غنچهٔ ابد رياض جنان كلشن • واز تازكى
كلدستهٔ نويد • درون عالميان روشن كشت • وطوطى ناطقه از
صفاى مرآت ضمير شكر نماى • بدين نمط شهد خاى شد شعر ابدر الدجى
ام سراج منير • ام شمس الضحى ام كتاب بشير • واز روى بشارت نامهٔ سلطان
جهان • از سر برجد برخاسته • مقدم شريفش را استقبال كرد •
واز حال ماضى تفقد كنان • جسم فرسوده را مادة الحيوة جاودانى
از سر نو در پيوست • وان سرمايهٔ زندكى را بدو دست جميل كفت

نظم خوشا فتحی که دارد جای آن نازد بآن گیتی • که مثلش دیدهٔ گیتی ندیدست
ونخواهد دید • وبعد از انکشاف غطا از چهرهٔ آن قمرطلعت خورشید لقا •
کما ینبغی دید • خوشتر از قصهٔ یوسف وزلیخا • وخطابی شاهد نمود • زیبا
تر از حکایت وامق وعذرا • مشتمل بر تسلط واستیلای ان عالیحضرت
خداوندگار اعظم • وشهریار بزرگوار معظم • جوهر زیور ارباب ٤٩
تیغ وکمر • ودرة التاج اصحاب اکلیل وافسر • سرو سرور پادشاه عالم •
وسرور وسر نوع بنی آدم خورشید آسمان جهانگیری • واسمان خورشید
صاحب سریری • گوهر دریای وجود • ودریای گوهر جود • صورت
رحمت الهی • ومعنی سورهٔ شهنشاهی • دُر درج خلافت • دری برج
سلطنت • زیب عالم ارکان • بخشندهٔ خزاین بحر وکان • طرازندهٔ خلعت
انا جعلناک خلیفة فی الارض • نوازندهٔ شریعت غرا باداء النفل والفرض
القائم بامر الله • الغازی فی سبیل الله • فاتح البلاد بالقوة القاهرة •
ناصر العباد بالصولة الباهرة • قاید جیوش اهل ایمان • قهرمان زمان
جهانبانان جهانیان • بانی مبانی العدل والاحسان • باسط بساط الامن
والامان • اسوة الملوک والسلاطین • عماد الدولة والدین نظم
شهنشاه جهان آرای وسلطان جهان دولت کریم وکامبخش وکامکار
وکامران دولت • نکو روی ونکو رای ونکو نام ونکو طالع • وجوانبخت
وجوانمرد وجوان عمر وجوان دولت • المؤید بتأیید الله الاحد • معز السلطنة
والخلافة والابهة والمعدلة والعز والاقبال سلطان محمد • لا زالت
اعلام احکامه فی الخافقین خافقة • وشموس آماله من مشرق الاقبال
شارقة • وما برحت ایام دولته الزاهرة متصلة بالدوام والخلود • ولا تزال
مملکته الفاخرة محفوظة بالسعود الی یوم الموعود • بمخدرهٔ جمیله
بلدهٔ قسطنطنیه • حمیت عن الآفات والبلیه • که مشاطهٔ جهان بزیبایی
آن حسنایی ندیده • ودست حدی از سلاطین اهل ایمان • به پیرامن
دامن وصالش در نرسیده • وهمانا از ازل نامزد وجود پرجود محمدی بوده •
وآرایش جمال آن بجهت مقبولی خدمات عالیهٔ خداوندی گشته • ودر سلک
جاروبکشان آستان فلک نشان • منسلک وسزاوار منصب کامرانی
ولایق تخت جهانبانی شده بیت عروس ملک کسی در کنار گیرد تنگ
که بوسه بر لب شمشیر آبدار دهد • وفی المثل نقاشان مانی زنگ
بر جریدهٔ ارژنگ نیرنگ شکل ترا گویا در سواد حدقهٔ حور بنور کشیده
اند • وفی الحقیقه حکمای روی زمین • هیئت دلگشای آنرا بالکمال بصرت

ودوران یقینی بپرخرد • در رصد فکر وادینهٔ تصور ندیده • ودر حین
مباشرت استاد صنع کل انرا از عنبرتر بگلاب ممسک سرشته • وباخاک
خلد جهت زیب وزینت از بهشت بدنیا هشته • وتا اکنون که بلاد بتش
شرک آلوده • ولب بذکر وتوحید نگشوده بود • اتفاقا از ضرب صمصام خون
آشام آن پادشاه ملایک سپاه فلک احتشام • رام • وبشرف اسلام
مشرف گشته • تلوث شرک وآلودگی کفر • از آن مقام برطرف شد •
واز اقدام غزاة ومجاهدین • وهجوم شیران زمرهٔ موحدین •
ایدهم الله وایدهم • گروه کفرهٔ فجره • وطوایف مشرکین مرده • قهرهم الله
وخذلهم الی یوم القیامة کانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة • متفرق
وپریشان گشتند • وکافهٔ اهل اسلام • وعامهٔ اهل ایمان • شادان
وخندان • غبار کدورت از صحیفهٔ خاطر زدودند • وبعد از خواندن
فتح نامهٔ متبرکه • برمنابر جوامع متبرکه فاتحهٔ شرح خبر از شواهد
غیبیه • وخاتمه اش مشعر بر فواید لا ریبیه بود • مستمعان علوی
وسفلی را فرح ونشاط افزود • واز ملک وملک آوازهٔ تحسین وصدای
آفرین برآمد • واز هر حرفش صد لفظ پرمعانی • واز هر لفظش رموز
سبع المثانی لامع • از مضمون مسرت مکنونش بدایع صنایع وصنایع
بدایع ظاهر گشته • ودر لطافت عباراتش خرده خرده بین خبیره واند
مقیاس نظر در نظر آمده • جمیع اهل ایران زمین که داخل حومهٔ حمایت
اخص المخلصین است • از اقتضاء غیرت وهواخواهی دین مبین • وتنا
بشاشت ضمیر صفا آیین • بمرتبهٔ خرم وخوشحال گشتند که صیت عیش
٥٠ وکامرانی وآوازهٔ عشرت جاودانی ایشان • تا اقصای چین رسید •
واز غلغل مجالس اهل طرب • ناهید فلک رقص نمود • واز های
وهوی اصحاب ارب • ثوابت گردون هریک بانواع اقمشهٔ رنگین
مانند ریاض فردوس برین • ورشک فصل فروردین شد • وجمهور
علما وخواص فضلا وسادات عظام ومشایخ انام وخواص وعوام
از صمیم قلب وسکون خاطر • بادعیهٔ صالحه اشتغال نموده • ودر مراسم
شکرگزاری دقیقه فوت نکرده • همواره زیادتی نصرت وانواع فتوحات
را از درگاه عزت • عزت اسماوه مسألت نموده • ومینمایند که رسانندهٔ
پیام مسرت انجام • عمدة الاعاظم والاکارم • کمال الدین عبد الصمد بیک
را • انواع رعایت کامله واصناف حمایت شامله مقارن وسزاوار
گردانیده • بعد از اقتران او • چون کوکب سعد • بمجلس سامی آسمان

رتبت • واقتباس وی از اشعهٔ صحبت خورشید اثارت ما • باعزاز تمام
وخلعت وانعام • واحسان مالاکلام • بصوب صواب نمای درگاه منیع
آن شاه رفیع المقام • اجازت داده روانه ساخت • ودر صحبت مشار الیه
معتمد الخواص والمقربین خواجه کمال الدین همدانی که ازجملهٔ رازداران
دیرین است • مبعوث نموده • که بعد از تقبیل ایادی شریفه • تهنیهٔ
این فتح عظیم را • ازین جانب مؤدی دارد • ان شاالله تعالی • ومقدار
دو قطار بار دشتری اسباب شاهی از خیمه وخرکاه وقالی وقالیچه ساده
وزربفت وابریشمی وتکیه بندهای منقش واقمشهٔ متنوعهٔ رنکین • مع یك
قبضه شمشیر ویك منطقه کمرخنجر ویك سرج زین طلاوی مرصع • با طبلباز
وزین پوش زردوزی • وعبای بجوهر • ودوعدد • باز زهره • درحقهٔ
سیمین • برموجب دفتر مفصل بطریق اهدا ارسال نموده شد • تا در حین
وصول بعز عرض رسانیده • بر مقتضای عادت حسنهٔ سلاطین نیکو
قبول دربذیرفته • اخلاص ومحبت موروثی را بنیت • بر مطیع وعاصی
ازادانی واقاصی • واضح کردد • همیشه ابواب مراسلات مفتوح داشته •
ازاخبار سارهٔ خداوندکاری این جانب رامسرور ومنشرح البال
فرمایند • وهر خدمتی که بوده باشد • برجوع آن • هواخواه قدیم را ممنون
سازند • که در حصولش بجان کوشد • بتوفیق الله تعالی • باقی حالات
آن معتمد الخواص خواجهٔ مومی الیه معروض خواهد کشت • همواره تیغ
زرین خورشید ایت براقان شهنشاه علی الاطلاق • چون خنجر اهله
در غره ومحاق • بخصم ستانی وجهانکیری مشهور آفاق باد • بحق النبی والآل الامجاد

سلطان محمد خان شهزاده سنتنه دعوت ایچون قسطمونی حاکمی اسمعیل بکه یازدوغی نامه در

جناب امارت مآب ایالت نصاب سعادت انتساب • حاوی محاسن
الشیم • مالك نواصی الامم سالك اقاصی الهمم • حائز قصبات السبق فی میدان
الحلم والحکم • الفائز من قدح المعلی من قداح المجد الاتم • والعز الاشم والسخا
والکرم • المختص بالطف الخفی من حضرت الباری المعین • کمال الدولة والدنیا
والدین • امیر اسمعیل المکرم • جعل الله اوتاد دولته راسیة راسخة • واطواد
عزته سامیة شامخة • سلامی دلاویز تراز عقد شبنم بر بناکوش سوسن طری •
وتحیتی دلفریب تراز نور رشیدن چراغ زاغ • ومعطر بودن دماغ باغ • از
بنسیم مشکین ترسحری • مطالعه نمایند • تشوق نزاع • وتحنن التیاع •
بمشاهدهٔ لقاء میمون • ومعاینهٔ التقاء همایون • نه درآن حدست که شرح

آن در

آن در طی لسان این خطیب مشکین طیلسان • که بر منبر سه پایهٔ انامل •
در ربای وکهرنثاری میکند • مندرج ومندمج تواند بود • بنابرین مخ
دران باب اطناب واسهاب نمیرود • لطیفه که مستوجب طلوع تباشیر
صبح تلاقی تواند بود • عن قریب اذا فی شهود • مشرق ومتالق باد • بمنه
وجوده جوده • بضمیر منیر مهر تنویر معروض کردد که • درغرهٔ غرای رجب
المرجب ان شاالله تعالی هنکامی که چمن بساط بوقلمون را بر بسیط ربع مسکون
بکسترانند • بدست مشاطهٔ صبا زحین طرهٔ سنبل غبار مشك تتار بر رخسار
بیخته شود • وکل چون قندیل راهب • از خم طاق مینا فام شاخ • بزنجیر
فیروزه رنك آویخته شود • بترتیب وتزیین آیین سور وانجام همایون
فرجام • برسم ولیمة الختان • وزفی التاج • عز فی الابتهاج • کوکبی اوج
السعادة والصفا • نیری برج المحبة والوفا • بایزید ومصطفی • طول الله
تعالی فی السعادة اعمارهما • وزین بجواهر زواهر معالیهما وفراید قلاید
معالیهما اعضادهما بیت بساعتی که سعادات از و بر داختر • بطالعی
نور زد بد وکند تقویم • بتقدیم خواهد رسید • پس حکم تصافی شرائع
موالات • وتضافی مدارج مواخات • که همواره بین الجانبین مبرم ومستحکم
بوده است • واجب شد که بانامل اشعار واعلام همت آن جناب را نیز
بدین صوب منعطف ومنصرف سازد • بنابرین معنی برای تبلیغ رسالت
قدوة الاعاظم محمد چاوش ارسال یافت امید انکه بسور موفور الحبور کثیر
السرور محمود الاعجاز والصدور • اشتغال نموده • ان شاالله تعالی • همواره
سعادت دارین وسیادت منزلین میسر ومقدر باد • برب العباد •

الجواب

عندلیب کلستان جهانبانی • وطوطی شکرستان کامرانی • اعنی کتاب مشکین
ختام پادشاهی • وخطاب عنبرین فام شهنشاهی • چون همای اوج دولت
در صباح سعادت شرف نزول یافت • وبزم عیش انجمن صفا را • رشك
روضهٔ جنت • ومحاذی حدیقهٔ عدن منزلت کردانید • واز آواز جنبش
محبت سرای آن سرای وجود پرواز • واز کلمات شهد کفتارش ناطقه دل
درحریم جان تازه کشت • وانچه در مضمون مسرت مکنونش از تدارك سور
پر سرور ختنهٔ حسنه نوری حدقة السلطنة • ونوری حدیقة الخلافة •
نظم دو در تابان بحر شهریاری • دو در درج سپهر تاجداری • دو سرو بوستان
عز واقبال • دو تا نورس نهال باغ اجلال • دو کلبن صد کل اندر روی
هر یك • شکفته از شعاع تاج تارك • که اشعار فرموده اند شادمانی

وجود فزود • وبجهت تقدیم مراسم تهنیه اینمعنی عمدة الاماجد والاقران
سلیمان بیك راکه ازخویشان قریبست ارسال کرده اند • تا بشرف عتبه بوسی
سرافراز گشته • لوازم خشوع ومراسم خضوع بجای آورده • دقیقه
فرو نگذارد • وبطریقهٔ عرض اخلاص قدیمی • دو قبضه شمشیر مرصع با چند
قطعه اقمشهٔ متنوعه • اتحاف نموده شد • امید که درحین وصول
بشرف قبول پذیرفته گردد • ان شاء الله تعالی لایزال ابواب نشاط
گشاده • واسباب انبساط آماده باد • بمحمد واله الامجاد • فهو المقصود والمراد •

سلطان محمد خان حضرتنه شاه عجم جهانشاه میرزا بغداد ضبط ایتدکه کوندردکی مشددر

طلوع طوالع اقبال که ازمطلع برج جلال • طالع شد • وبدایع هدایت
امنیت وآمال که ازمشارق اوج کمال • لامع گشت • وخواص درشاهوار
حقایق که ازلجهٔ بحر زخار • غواص فکر رایق • استخراج کرد • وخلاصهٔ
شیرین آبدار دقایق • که ازکان نظم کوه بیکر • فرهاد طبع رایق • مستخلص
کرده اند • اعنی کتابا سحابیه خلال سطوره کواکب فی برج • جواهر فی درج
که ازکاتب عدیم النظیر • ودبیر خبیر رتبت بیرد رکاه فلك اشتباه •
مالك سریر السلطنه علی الاطلاق • حامی حوزة الملك والملة بالاستحقاق •
رافع لواء العز والاقبال فی الافاق • قامع منار الظلم والضلال بعون الملك
الخلاق • المستجمع بشرایف الخصال وکرایم الفعال • المستتبع للسراة من ملوك
الاقبال • وکماة الابطال • الباسط عدله ورأفته بین الانام • الباذل
جهده وطاقته لترفیه للخواص والعوام • الذی کسر بصولته القاهرة رقاب
الجبابرة واعناق الاشرار • وطهر بدولته الباهرة عن لوث وجودهم
مقر الاکاسرة واعماق الاقطار • سلطان مکرمت شعار • وکسرای
معدلت دثار • دارای کیو ودار بهمنی روزکار • وکیخسرو کوه وقار •
نظم مهر جهاندرم بلاد خسرو هفتم قرار • انکه ذهشتم فلك همت اوداشت
عار • ملك جهان رانظام دین هدار اقوام • شاه جهان شه بکام زبدهٔ
پنج وچهار • معین الاسلام والمسلمین • اللهم ابده لتقویة الدین • وابده
لبقاء نظام العالمین • وعظم باسمك الاعظم نواله • وخلد بمجدك
الاتم جلاله • صادر شده • در وقتی الطف از فصل بهار • وساعتی
اطیب از نور ازهار • وحالتی احلی از وصل دلدار • ولحظهٔ آمنی از فقد
رقیب ناهموار • بدین داعی دولت وهواخواه دیرینه وعلت • که ظاهر
وباطن بسراجهٔ ضمیرش جز بنور اخلاص آن شاه جوانبخت
مزید نموی نباشد شعر زهراء احلی فی الفؤاد من المنی • والذ من ریق الا حبة

فی الفم • وارد شد • حقا که نوار آن کوکب دری عالمی رامنور ساخت •
ونور آن شجرهٔ طیبه • اصلها ثابت وفرعها فی السماء • جهانی را معطر ومعنبر
کردانید • وحضور موفور الحبورش • قلوب اهل وداد • وصدور ارباب
سداد را سرور شعر صفاء الریاض بصوب الغمام • وانس العیون بطیب
المنام • ارزانی داشت • لاجرم مقدم شریفش را بانواع تعظیم واصناف
تبجیل وتکریم تلقی نموده وشکری که لایق این جنس منحت تواند بود • بقدر الوسع
بتقدیم رسانیده اند • ودر مقام اداء موجب آن اعظم انعام شعر سلام
کما رق النسیم علی الصبا • وجاء رسول الورد فی زمن الورد • بل شعر سلام
کالالطاف لال المجد • سلام کاخلاق النبی المؤید • مشفوع بدعواتی که نسیم
صباء خلوصش • دوضهٔ رضوان موافقت وموالات را نما وبهجت دهد •
وتنسیم صفاء خصوصش فرادیس جنان مصادقت ومواخات را • رواونضرت
بخشد • ابلاغ کردانند • وچون منطقهٔ طوق ازاحاطهٔ تحریر شوق قاصرست
بالضروره حواله بذوق آن طبع کریم مینماید • ورجا بفیض فضل باری
انکه چنانچه در مبادی وادی ایمن • الا رواح جنود مجندة فما تعارف
منها ائتلف وما تناکر منها اختلف • ارواح را بالتئام شعر تعاشق
روحی روحه قبل خلقنا • ومن بعد ماکنا نطافا وفی المهد • وزاد کما
زدنا واصبح نامیا • ولیس اذا متنا بمنتقض العهد • مشرف کردانیده •
صور اشباح را نیز بزیور • علی سرر متقابلین • مزین کرداند • وماذلك
علی الله بعزیز • باقی تذکیراتی که بمقتضای • فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین
ونحریضاتی که • یا ایها النبی حرض المؤمنین علی القتال • که دران جمع امثال
لطایف درج فرموده • درباره اشتغال بافضل اشغال واستیصال
کفره فجره ضلال • وتبیح تفریح بدین نوع طاعت عظمی طلبا لمزید حسن
للحسنی • وعقد همت بر تقویت وتمشیت طایفهٔ غزاة امت • متمثلا لامر
تعاونوا علی البر والتقوی • که در سلك آن عقد جواهر منتظم کردانیده اند •
وتکرار بشارت وداد واتحاد ع هو المسك ما کررته یتضوع • بل لطف اشارت
باطاعت وانقیاد • وامداد بدعوات خالصات لیل ونهار • که درطی آن
مخزون • اظهار نموده اند • حقا که اینمعنی بر ذمت عامهٔ اصحاب دین محمدی
علیه افضل الصلوات وازکاها • بل کافهٔ ناس • بالنص والاجماع والقیاس
دین ثابت وفرض لازم است • ولکن آن حضرت دوحهٔ سنیه لازالت
عالیه • وعن ریب المنون خالیه • از کمال دین پروری ومعدلت
وفرط دادگستری ومرحمت • ونهایت حفظ حقوق شرع وسنت •

٤٥٧

انسد بمخاطب فاستقم كما امرت كرده وبامر فاصدع بما تؤمر مؤتمر
كشت ونص من احب قوما فهو منهم راكار بست ومنصوص يحشر
المرء مع من احب رانصب عين ساخته ازپیشگاه بارگاه ان الله يحب
الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص خلعت اصطفا
تخلقوا باخلاق الله پوشیده وحديث قدسی وخبر مقدسی وجبت
محبتي للمتحابين في والمتغاضبين في والمتجالسين في والمتزاورين في
رامقصود اصلی کرده بنده ازصفهٔ پرصفا فاتبعوني يحببكم الله شربت
ماء اقتداء مقربین حضرت نوشیده وفي ذلك فليتنافس المتنافسون
لاجرم غنچه ازکلزار چمن محبت ونوباوه ازثمر شجرهٔ این نوع علو
همت وحسن عقیدت نشت که یوما فیوما مؤید روح القدس دولت
منشور انا فتحنا لك فتحا مبينا برمنابر افلاك میخوانند ولحظه
فلحظه ملقن ملاء اعلی وسعادت طغرای انهم لهم المنصورون
وان جندنا لهم الغالبون املا میکند ولمحه فلمحه هاتف غیبی بمملکت
تازه وموهبت بیحد واندازه بشارت میدهد چنانچه بيت ازهر
جهت که چشم نهی جلوهٔ ظفر وزهر طرف که کوش کنی مژدهٔ امان
ومصداق این معنی آنکه قلعهٔ دارالسلام که درمعمورهٔ ایام کانها قبة
الاسلام في الملك افتاده بود منبع شرع ودین ومعدن علم ویقین
بوده وهمیشه مقر خلفاء مهتدین ومأوای سلاطین عدل تمکین
شده ومع ذلك جوانب آن ازخلد برین نموداری وشواهق بحر ش
ازاطراف کوثر یادکاری شعر بالها جنة بدت كروض لم يكن على حسنها
هر باغش ارم باشد وهر دشت بهشت روشن وهفت زمین
هشت بهشت بعد ماکه بمرور ایام ومرور شهور واعوام ازتسلط
فئه باغیه وتعدی طغاة لئام دارالسلام وبیت المقام کشت
مدارس ومعالم علمش مدروس ومشاهد ومعاهد اقتباس انوارش
مطموس مانده ومعابد ومساجدش خاوية على عروشها ودور وقصور
عاليها سافلها وجنانش قاعا صفصفا وبالجمله بدان انجامید که
ازدار خبر وازدیار اثر نمانده وسراغازی جایی که بود این داستان
بدوستان دربوستان شد کرکس وروبه رامکان شد جغد وکرکس را
وطن وبرطلل بیوت قدیمه وجغد ویرانه بدین بیت ترنم نمودکه شعر
سماكم تركت بها جذع ونخلة ولاظماء الاسد الجندل بحكم ان مع العسر
یسرا ازبادی سرهای منادی ان لله في ايام دهركم نفحات فتعرضوا

لنفحات الله نداء ولينصرن الله من ينصره بمسامع علیه سلطان عالی بخت
رسانیده وعنان سمند باد پایش بدان صوب کردانید وبسبیل مبادی اتفاقی
کربستکان درکاهش بزخم شمشیر ابدار وضرب کرز کران آتش بار دمار
ازدیار آن مدبران روزکار براوردند وجمیع آن بقاع مبارکه را ازبلاد
وامصار وقلاع واصقاع وابحاد واعوان واحشام وخدام الی سایر لواحقها
وکافة المضافات وتوابعها درتحت تصرف بندکان درکاه درآوردند
وبنور عدل کامل وحلی مرحمت شامل کوش وکردن عرایس ابکار معانی
فانظر الى آثار رحمة الله كيف يحيي الارض بعد موتها مزین ومحلی ساختند
وبذلك فليعمل العاملون ومصدق مصداق سابق وعلاوهٔ شیرین
مذاق لاحق آنکه ببرکت تعظیم شریعت واتباع سنت واظهار نصفت
واشاعت معدلت دراویهٔ این نوبر ورجوع این نهضت مع اجتماع
کوکبهٔ سلطنت دربیت شرف مملکت بلاسعی واتعاب وانخاف خیل ورکاب
بتشریف نصرت نصرت بالرعب مسیرة شهرین مشرف کشت وصانع
اقبال فتح عراقین درسلك واحد منسلك کردانید شعر اذا جاء نصر الله
والفتح هيّنا على المرء مصدور الامور وصعبها بيت دولت آنست که بی
خون دل آید بکنار ورنه باسعی وعمل باغ جنان این همه نیست ومع ذلك
کل امید بفیض فضل ذی الجلال جلت آلاؤه وعمت نعماؤه آنکه نتایج
حسن اعمال وآثار پسندیده ومساعی مشکور این شاه ملك خصال
باقتضاء معارج کمال برساند شعر هذي مخايل برق خلفه مطر جود
وورى زناد خلفه لهب وازرق الفجر يبدو وقبل ابيضه واول الغيث
قطر ثم ينسكب وچون اخبار سارهٔ آن فتح مبین ونصر عزیز وبسط
ونشر مرحمت بین صنف رعایا من بعد ان بلغ السيل الزبى واختیار
تعب نفس نفیس برای ترفیه حال برایا بعد ان جاوز الحزام الطبيين
باقطار واکناف این دیار رسید هواخواه مخلص وسایر ملازمان واعیان
این جانب را بل عامهٔ اصحاب استبصار وکافهٔ اولی الایدی والابصار را
بسرور وابتهاج وحبور واستبشاری روی نمودکه شمهٔ ازان قابل
تقریر وبیان وتحریر بنان نمیتواند بود ولجب دید ولازم شمرد که
البته یکی ازخواص درکاه بدان عالی بارکاه فرستاده رسم تهنیت این
فتح جسیمه بل شکر نعمت این عطیهٔ عظیمه را بجای آرد زیرا که فواید
این فتح وعواید این سنوح مع کثرتها شتمل نیز بود برفتح طریق
حجة الاسلام وتیسیر اجابت مؤذن مشذ نم واذن في الناس بالحج

بأتوك رجالا وعلى كل ضامر يأتين من كل فج عميق • كه امدی بعيد ومدتی مديد
از دست ياجوج وماجوج فتن • مسدود بود • واحدی از سلاطين در توفيق
كشادن او رفيق نشد • وذلك فضل الله يؤتيه من يشاء • كه ناكاه در اثناء
آن فكر • واحشای اين تدبير • بنا بر قضيهٔ الفضل للمتقدم • جناب عالی
كبير صدر الصدور العظام عمدة الصواحب الكرام الجليل القدر والعظيم الخطر
ناصر الملة والدين عمر • رفع الله معارج قدره بمباركی وطالع سعد رسيد
وكتاب كريم وخطاب عظيم حضرت عليه رسانيد • واز كيفيت انتظام
مملكت والتيام دين ودولت • واهتمام اركان سلطنت باستقامت احوال
رعيت • كمال بخشيد • ومجالس ومحافل ولاجوی را بمحاورات دلكش وملاطفات
جان پذير • معطر ومنور كردانيد • الحمد لله على نعمائه • الآن اين محب
نيز • جناب فضائل مآب مولوی اعظمی اعلی اعقلی ارشدی امجدی واز اوفی
ولايت فضل استادنا مولانا جمال الملة والدين شكر الله • ادام الله اقباله
را بدان دركاه عالی لا زال عاليا فرستادم • از جهت تهنيت فتوحات
واقعه • مثل مورد • كه هنوز فاتحه ايست از خصوص نصوص مكنونات غيبی
وفايحهٔ از روضهٔ كلشن مخفيات كن فيكون لم يزلی مصرع باش
تا صبح دولتت بدمد • ديكر كين هنوز از اول آثار جهان افروز ست • واكر چه
قضيهٔ تهنيت نخصوص • بدان حضرت سينه است • بلكه طغرا آن جناب
طغرای جانب • وبالعكس افتاده است شعر ومن العجائب انتی
هنأته • وانا المهنأ بالنعماء • اساس خلت • وابنيهٔ مستحكمهٔ خلوص
وموالات • كه از ايام آبا واجداد عظام الى هذه الغاية • مشيد كشته
واز وصمت تبدد • وثلمهٔ تزلزل • مامون شده • مجدد بتذكير وفا
وتنبيه بر ما بيننا من الصدق والصفا • مرتفع ومزين كرداند • وعرايس
محبت ونهال ولاجوئی واخوت را كه • در جنان جنان مغدق بالاسافل
وموذق بالاعالی شده است • بزلال كتابت • وعذب لبان رسالت
بهجت وطراوتی تازه بخشد • وعدت كمال الطاف تفقد وحسن نوازی
وشكر سبقت اعطاف نيكو بكانكی آن سرافرازی بخواهد • وساير
احوال مملكت وملازمان اين محب راسخ الوداد • كما يطلب ويراد • بسمع
اشرف نواب كامياب برساند • هميشه ايام عز ومعالی وفتح واجلال
وجهانكشائی ونجح آمال لايزالی • بر وفق مرام مستدام • وبمقصود وكام
ميسر باد • بالنبی الهاشمی وعترته الامجاد • وصلى الله عليه وعلى آله وصحبه اجمعين
بيت جهان بكام وفلك يار وملك داعی • ابد تازه ودولت قوی وبخت جوان

الجواب

كتاب مستطاب شاهانه اخلاص سمات • وخطاب عنبر نقاب
بادشاهانه اختصاص آيات • مبنی بر صنوف آثار • ومنبئ از فتوح در حرم
جنت ثمار • كه از جانب عاليجناب سلطنت مآب • ملكی الذات قدسی الصفات
سلطان وسيع القدر خاقان رفيع الصدر • ممهد آيين جهانبانی
مشيد قوانين كشورستانی • آيت توفيق سبحانی مظهر عنايت ربانی
مظهر حكمت صمدانی • صاحب المجد والاعتلاء • رافع الوية العزة القعساء
ناصب رايات الشوكة على قمة القبة الخضراء • ليث الوغى فی المعارك
وغيث الندى فی الممالك • المؤيد من السماء المنصور على الاعداء • شاهنشاه
عاليجاه • پدر عزيزم جهانشاه • مد الله ظلاله مدا • وجعل بينی وبين الجود
سدا • برسالة عمدة الفضلاء والاكابر • مجمع جميع المعالی والمفاخر
استاده الفاضل الكامل • المخصوص بانواع الفضائل واصناف الفواضل
من الطاف الاله • مولانا شكر الله • شكر الله مساعيه • شرف صدور يافت
ودر اسعد ساعات • مطارح اشعهٔ ابصار • ومسارح روايح انظار
محب جانی كشت • وانچه در مضمون مكنونش مندرج بود • من اوله الى آخره
سمت ظهور يافت • وتودد بمحكی كه نتيجه حب ازليست بذريعه ووسيله
اين معنی تزايد وتضاعف پذيرفت • ودر مقابله آن امتثالا لقوله تعالى
فاذا حييتم بتحية فحيوا باحسن منها • آلاف تحف تحيات سليمات وافرة
مهر لمعات • كه از پرتو اضائت آن • ضمير منير خاكيان • چون زهره
ساكنان ملاء اعلى منور كردد • واصناف ظرف تسليمات مشكات نرم ثريا
نشان • كه اشعهٔ انوارش چهرهٔ حور جنان • چون قناديل زوايای عالم
بالا مزهر شود • متحف ومهدی داشته • همواره متفقد احوال فرخنده
فال هميون شناسند • مقاصد كامرانی وابواب شادمانی آماده وكشاده
باد بمنه وكرمه • بعد ما بر ضمير منير فلك تنوير روشنست كه بمقتضای حكمت
ازليه • ومبتغای قدرت لم يزليه • جداول مستقيمهٔ اشخاص مختلفه
ومناهل مستديمهٔ افراد متنوعه • از محيط منبسط حقيقت حق • و وجود
بر جود حق مطلق • بر مجاری تعينات جاری ومنشق كشته • بر آيينهٔ عيون
كرشمهای غليان صوری • وينابيع لطيفهای سيلان معنوی • واشكال
مرغوبه نمايان شده • واز حدايق حقايق مكنونات • ومدارج طبايع
بسايط ومركبات • بر وفق • يفعل الله ما يشاء ويحكم ما يريد • نقوش
مطبوعه سر بر زده • واز مطلع صالح امكان تاثير آن ظهور يافته • واز نسيم

صباح سعادت انوار رفعت آثار • وجعلناکم خلائف فی الارض •
برتافته • عالمیان را منور ساخته • و تعارف ازلی در زمین اتحاد • تخم
محبت کشته • و تالف لم یزلی در آسمان وداد • نجوم مودت را مشعله
افروز کردانیده • و چون عقد پروین • منتظم الاحوال • و چون انظار فلکی
رفیع و با قران سعدین مسعود و فرخنده فال ساخته • و بفحوای و رفعت
بعضهم فوق بعض • از مناصب بخت و جهة اقبال ما بین و آشکار شده •
و چنین خلعت شریف و جبه لطیف را بقامت والا و قدر زیبای ما لایق
و سزاوار دیده • و افسر سعادت و سریر خلافت • و تیغ و کمر شهامت
و سمند دلپسند دولت • ارزانی فرموده • و جهان و جهانیان را محکوم حکم
قضا جریان ما کردانیده • و قبض و بسط امور عامه را در قبضه اقتدار
و کف کفایت ما باز داشته • تا در آیین جهانگیری و دادگستری دقیقه
فرو نگذاشته • بفحوای الشکر یزید النعم • عمل کناد • شربت احسن کما احسن الله
الیک را بمستحقان عموما و بمؤمنان خصوصا در چشانند • و بمؤدای الحکمة
وضع کل شیء فی محله • مراتب هر فردی را حسب الاستعداد در افزاید • و در احیا
شریعت سید المرسلین علی واضعها الصلوة و کرام الی یوم الدین • و متابعت
خلفاء راشدین رضوان الله علیهم اجمعین • بذل مجهود مصروف داشته •
طریقه آباء عالی نهاد را در غزو و جهاد • نصب العین خود نموده • لوازم مصالح
مسلمین را بر وجه احسن بتقدیم رسانیده دقیقه فرو نگذاریم • بنا بر آن از
ابتداء بدو نهال خلافت نموده عدالت ثمار ما • چه در کرّه اولی که در عهد حضرت
مغفرت پناهی خداوندگار با بام انار الله برهانه • تفویض فرموده بودند
وجه درین دفعه اخری که بتقدیر الله تعالی بعد از آن سلطنت سریر مکان
عدت آشیان حسب الارث منتقل و مستقر کشت • تا الحال که مدت اند ساعت
بلحظه و بلمحه بتوفیق الله تعالی مجرد بهوای نفس اماره که مستولی طبیعت
انسانیست فریفته نشده • دایم الاوقات از معانی فیض سبحانی فاستقم کما امرت
مستفیض است • و همیشه در عمارت بلاد • و آسایش عباد کوشیده •
و سبیل غزای غزا • نیز معطل نکذاشته • انچه مقدور بشریست • از بذل
مال و ترتیب رجال • و توفیر خیول و بغال • دریغ ننماید • و متعاقب تسخیر
قسطنطنیه • حمیت عن الآفات والبلیة • اصلا میل آسایش و حضور نکرده •
و قطعا از مقابله و مقاتله تغافل و تکاسل ننموده • بعد از دفع عصاة آرناود
توجه غزای کفار مورة داشت • که محمّد الصّوحب الکرام خلف الاماجد
العظام ناصر کین عمر بیک • روانه بصوب صواب انجام حضرت عالی مقام نمود •

بعد از توجه بتوفیق الله چنانکه مسموع اشرف اعلی کشته • تیسیر فتح قلاع
شده بود • و تصرف ممالک عدیده مقدر شد • و اثر هذا عنان عزیمت
بجانب سمندره معطوف داشته • بعض حصون حصینه که مسخر نکشته
بود • صلحا و عنفا • داخل حوزه اسلام ساخته • بفحوای العود احمد •
عمل کرد • و چون بدار السلطنه آمد • باسکدار عبور کرده • بسمت توقات
نهضت همایون مقرر نموده اتفاق حاکم قسطمونی اسماعیل بک ولد اسفندیار
را بطریق تشکی کیا نچه قاعده قدیمه بود طلب داشت و از جهة ولی
اظهار عصیان نموده بقلعه سینوب متحصن شد • و بدفع او دستور اقدم
وزیر اعظم نظام العالم مبارز الدولة والسعادة والدنیا و الدین محمود باشا
ادام الله اقباله ارسال نموده • بعد از محاصره طاقت مکابره نیاورده بمنبر
بکردن و کفن در کف بحضور فایض النور وزیر شار الیه • از کناه او در
کذشته • بفتح قلعه طربزون که قرین مملکت حسن بک آق قیونلوست
و باوی قرابت نموده • عازم آن کشتیم • امید که استخلاص آن مرز و بوم
از آن کفار نابکار شوم • باسانی دست دهد • ان شاء الله تعالی غرض که اکر
بواسطه اشتغال خیر مآل • تاخیری در مراسلات و تراخی در مکاتبات
واقع شود • حمل بر چیزی دیگر نفرموده ابواب رسل و رسائل را مفتوح دارند
تا موجب سرور و اطمینان خاطر کردد • و آنچه از فتوحات عراقین نموده
بودند • ازین جانب نیز شادی و حبور بیشتر از نفس نفیس آن حضرت
عالیشان سامی مکان واقع کشته • مزاحمت آلهی الی الطرفین علی طریق
الطرد والعکس انجلا پذیرفته و ظفر نما کشته • شاکر النعم کشتیم •
مع هذا اعدای دین محمدی از طوایف مختلفه درین حدود فروتر از
خصمای ایران زمین است • چه معاندان آن طرف • منحصر بعددی چند بند
و بعد از دفع چند الحاد • منع او شرذمه قلیله • بعنایة الله سهل مینماید
و هجوم کفار خاکسار • از بر و بحر این دیار • بجمله جهانیان آشکار است
با وجود آن • سپهسالاران عظام • با غزات نصرت انجام • در شهور و اعوام
از احزاب مشرکین لئام • روی بر نتافته • و پای کم نیاورده • دعوای
سرخ روئی از اراقت دماء آن معاندان • با حسام خون آشام میکنند
و لاف مردی و دشمن ستانی میزنند • و اکثر با قطع نظر از فروفت قدر و جاه
کرده • الاجر علی الله کویان • بذل جان را در راه حق • و سبیل خاص مطلق
فخر روزکار • و شرف کار خود • میدانند • پس بر سلاطین انام و خواقین
عالی مقام اولی و انسب مینماید که • هر کاه از تفقد حالات مجاهدین • کسب

نواب فرمایند• علی الخصوص آن عالیجناب کامیاب که حب رفتی فیما بین تحقیق
زیاده نوشت• همواره خیام سلطنت با وتاد عدالت مستحکم و مرتفع
وایام عمر و دولت در تزاید و تضاعف باد• بمحمد و آله الامجاد• علیه و علیهم الصلوة الی یوم التناد

سلطان محمد خان سلاطین عجمه که صوفی شد عاسنه بازدیغی

سلاطین کامکار و خواقین نامدار• و پادشاه روزگار و شهنشاه عالیمقدار
ملوک شریعت شعار و حکام معدلت مدار• و امراء نصفت دثار• و وزراء
حکومت آثار خلد الله تعالی سلطانهم• وافاض علی کافة الانام لطفهم
واحسانهم• خصوصا اماجد ذوی الالباب واکارم عالی انساب• وقضاة
عظام وسادات کرام• وعموما ساکنان ملک اسلام و متمکنان ممالک
خالک مکنهم الله باحسن الاحوال• و یرحمهم فی الدارین خیر المآل• بعد از تبلیغ
سلامی که روایح فوایح آن دماغ خرد را معطر کند• و تمهید بنای محبتی
قلوب اهل جهان را منجذب نماید• اعلام رأی عالیشان آنکه ولایت
یونان که در السنهٔ ناس مشهور بقرامان است• و بنا بر ملاصقت آن
بممالک محروسه• رعایت خواطر سکانش• بر ذمت همت شهریاری واجب
و لازم• چون استماع نمودیم که• در این مدت از تقدیر الهی صورت اختلال
و تناهی• بواسطهٔ ظهور قحط• بقلت و حبوب بلاد و نواحیش• روی
نموده• و هیچ وجه دفع و منع آن ممکن نشده• و از اهل تجارت محقق
و معین گشته که در ملک لورستان• عین نابع موجود است• که از آن
آب• بقدر کفایت چون باطراف و اکناف نقل میکنند• بتعاقب آن ملخ
زلال طیور دفعهٔ متعدده می آیند• و جراد منتشر را هلاک میکنند•
بفرمان خدای عز و جل کدورتی که از آن آفت سماوی• بر خسارهٔ [illegible]
[illegible] رسیده• باطفاء قهر و شرار خشم در [illegible] بند• از آن
سبب که حاکم آن دیار• جناب حکومت مآب ایالت نصاب شوکت انتساب
سعادت مناب• معز الدولة و الدین ابراهیم بیک کابیعی ادام الله اقباله
با جمهور وضیع و شریف اصغار و کبار آن دیار• متفق گشته• عمدة
السادات العظام قدوة الاشراف الکرام• خلاصهٔ اولاد الرسول زبدهٔ
اسباط البتول• سید شمس الدین• و سید نظام الدین ادام الله توفیقهما
و ختم بالخیر عودهما را هر یک از سالکان راه شریعت• و رهروان نهج حقیقت
با تضرع و نیاز استدعا کرده• بجهت آوردن آن آب که سبب صلاح عالم و نظام
نوع بنی آدمست• بدان اطراف فرستاده• ضراعت نامه از جانب خود نیز
نوشته مصحوب نموده اند• از برای تأکید رعایت• و تمهید حقوق معهود

ایشان از این جانب دیگر حسب الاستدعا این کتاب مستطاب بمرقوم گشته•
سمت اصدار یافت تا بهر شهر و ناحیه بناحیه از هر دیار و بلاد و
قلاع و بقاع و اماکن و رباط• برسند• رعایت جانب و تقویت ایشان
از عمل نصرت اسلام شمرده• در سرعت امداد ذهاب و ایاب ایشان• التفات
معاونت دریغ ندارند• و توقع از مکارم اخلاق• و مسلمانی و اشفاق همگنان
آنکه بحکم• اذا اتاکم کریم فاکرموه• مقدم عزیز ایشان• معزز و مکرم و موقر
و محترم دارند• و در مواضع مخوفه• معاونت و تقویت ایشان را از مثوبات
اخرویه معدود داشته اجتهاد دریغ نفرمایند• و بترتیب مهمات
و حل مشکلات اهل اسلام مساعی جمیله بظهور آورند که بتوفیق الله تعالی
از حسن معاونت• آن عزیزان آن مقتضی المرام عودت فرمایند• وادعیهٔ فایض
البرکات منتظر آن دیار• زاد خیر اعمال حسنه دانند• و در آنکه عند الله
والناس مشکور و مأجور• و مثوبات آن نزدیک و دور• بر جراید اعمال
و صحایف آمال همگنان واصل و مندرج خواهد گشت• شبهه نیست• و
من الله العون والتوفیق• زیاده بسط نرفت• که سعادات مساعد
و روزگار معاضد باد• بالنبی و آله الامجاد•

الجواب

عرضه داشت درویشان خاک نشین• و دعاگویان کمترین• غفر الله
ذنوبهم بحق خاتم النبیین• بر رأی عالم آرای کامکاران عتبهٔ علیه سلاطین
عدالت آیین• و پادشاهان صاحب تخت و نگین خطهٔ روم• ابدهم الله
و ابدهم• آنکه حالا قدوة السادات والاعاظم سید شمس الدین و سید
نظام الدین حفظهما الله وافاض علینا برکاتهما• باین بقعهٔ شریفه
در رسیدند• و حسب الاستدعا بقدر کفایت از این آب زلال• که بدرقهٔ
طیور دافعهٔ جراد است• بایشان تسلیم نموده• و ظرف آنرا مهر کرده
بامر الله و توفیقه اصدار نموده شد• امید که بخیر واصل کرده از تعلیم
بر دنش تغافل نکنند• و جوده حکمت خفیه بظهور رساند شکر الهی ادا نمایند و کرم

ابو الفتح سلطان محمد هند پادشاه بهمنی کوندردوکی نامه در خواجه جهان انشاسیدر

مستقر سریر سلطنت عالمگیر مهر• در وسط اقالیم سبعه سپهر است که
والشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم• و کیوان سامی مکان
بموجب نحوای• نرفع درجات من نشاء• در پیشگاه بارگاهش دربان
و برجیس فضائل نیس گاه باطیلسان فلق• گاه بدراعهٔ شفق• بمقتضای
الذین اوتوا العلم درجات• بر اتباع امر قدوانش• قاضی محکمهٔ چرخ سایر

وبهرام بانام • باحسام برق ابتسام • در مصف بارعاشش • برسم بهساکار
واقف موقف فلک خامس • وناهید سعد جاوید • بادوار عظام • چنکوی
قسی فلک مینا فام • در بزم جنت رشمش خنیاکر • ودبیر بیر بد واتت
تدویر • وقلم محور • ومداد شب • ولیقهٔ اشعهٔ کواکب انور • در دیوان
انشاء ش کاتب مناشیر نفع وضر • وقاصد سریع السیر قمر • بطی منازل
وقطع مراحل کم • والقمر قدرناه منازل • موصل صنوف خبر • وجهرهٔ ذاتش
از اقتباس نور مرحمتش بهره • وحضرت واجب الوجود • ومفیض الخیر
علی مقتضی الجود • خورشید منیر راکه جمشید تخت فلک مستدیر ست
بیرامون بارکاه جلالت وعظمت آن پادشاه قیصر مملکت شهنشاه شلک
صولت • فریدون دولت جم فطنت افلاطون رای فیلسوف حکمت مطلع
کواکب منزلت حکومت بطلیموس • ناسخ اسفار عاطفت سنجر • وخلافت
هارون • وفاسخ بازار مکنت معتصم • وفضیلت مامون بیت جز بهر عینت
ذاتش با نون نکشت مقرون • کافی که ز حد ودش بی منزلست تا نون •
ایت سجلٔ مصحف شهریاری کوهر یکتای بحر همتای کان ملک واری • در
فرید دریای امکان • مستحق ملک کون ومکان • مجدد جهات عالم بینش
ودانش • مجدد ارکان کوشش وبخشش بیت ای ز رأیت ملک دیت
درنازش ودر پرورش • وی شهنشاه فریدون فر اسکندر منش • یا من
جعل الله خطبة خطباء الالسنة علی منابر مدایح المخایج باسم ترم •
وصیرد نانیر الاثنیة فی دار ضرب الافواه مسکوکة بالقاب شکوه • دت
کما نورت وجه الارض بالتماع شعاع سیفه القاضب • ونثرت جواهر
زواهر حمده فی ارکان المشارق والمغارب جعل خاطره بافاضة الهامات
محکوٌ للعقول العشرة • ووجوه رأیه فی تسخیر الممالک وجوع نوشد مستبشرة
باکروه ستاره از ثوابت وسیاره • بر مقتضای مرض سائر ودائر کردانناد
بالنون والصاد قطعه کر مهر چشم مهر بخصم تو افکند • کرد کسوف کرد
جمالش نشسته باد • ور چرخ تابعت بنود در محیط دهر • کشتی وز موج
حوادث شکسته باد • اقل عباد که شمع جانش در لکن فؤاد • از نور خلوص
اعتقاد • وشعلهٔ شوق مرآت جمال اسکندر سداد • رشک قنادیل
قباب سبع شداد ست نظم بر شمعدان دل ز آن شمع روان نهادم •
نادیدن رخت رانبود جهان حائل • غرایب مدحت ومحمدت کم نور صفت
صفوت آن • مصباح محفل کروبیان عالم قدس باشد • وعجایب بندکی
وعبودیت که باید شایان حسن عقیده تشن • ورد السنهٔ مجاوران کعبهٔ

امن

امن بود • از ابتداء ظهور مقدمهٔ عسکر نهار • تا انتهاء ساقهٔ لشکر
شب تار • ذکر طوطی لسان • وطوق حمامهٔ جان میدارد • و بر خالق برایا
وعالم خفایا • ظاهر وهویداست • که غایت مأمول دل آنست که ظلال
آن کیقباد مثاکل • بر وفق • الم تر الی ربک کیف مد الظل • بر مفارق قطان
معمورهٔ آب وکل • مبسوط وممدود باشد • ونهایت سؤل جنان مطلوب
کل جان • انکه لوای استیلای آن سلیمان زمان • وفرمان قدر قدر و قضا
جریانش • بر اصقاع وارباع جهان • در استعداد • معادل آسمان • ودر دوام
مماثل آب روان بود بیت چنین کر دست منت سوی آسمان مرفوع •
بصدق نیت وفرط نیاز وشرط خضوع • عجب ندارم از الطاف حق که زود کند
سرعدات تو بر خاک درکهت موضوع • بعد از عرض خلوص عبودیت • بخدام
باانام ملائک مودت • معروض میدارد که • چون جناب فخر الاماجد جامع
المحاسن والمحامد • خواجه جمال الدین حسن حفظه الله تعالی عن حوادث
الزمن • با منشور فایض النور بشارت نواز • وطغرای کواکب فرای عدو کداز
واسطهٔ قلادهٔ علم البیان • آیینهٔ جمال اجلال اثر من سلیمان • شرف قدوم
بشارت مضمون ارزانی داشت • تاج افتخار • فرا فرق دل بنده با اخلاص
موضوع آمد • وعلم دعای مستجاب • وثنای مجد وجناب • بحضرت
وهاب • مرفوع بیت زر در کفتم تو خاکی بنچه نام و شهرتست
کفت عشق آفتابم اینچنین مشهور ساخت • الحمد لله الذی انزل علی عبده
الکتاب بیت آفتاب اندر بدخشان لعل سازد سنک را • خزبجا موشنح
نکوید سنک شکر آفتاب • واجل التماس • ازدرکاه بهر اساس • که شمع جنان
بنده خویشتن راکه بر شتهٔ جان مزینست • از نور اوامر سعادت مظاهر
کمشکاة فیها مصباح • روشن فرمایند بیت درویش کین بکلبهٔ خود
برد هوس • از شمع کش ملائکه پروانه مینا بست • وزلال کلمات مناشیر
التفات بنیان را • سبز شجرهٔ حیات • ومثمر ثمرهٔ بنات کردانند شعر
ولو نفحوا لنها ثری قبر میت لعاد الیه الروح وانتعش الجسم تا هامهٔ بقا
وطایر بنده اخلاص شعار • بعمامهٔ اوامر دولت مظاهر • متحلی
کردد • ورقعهٔ عبودیت این خالص طویت • در دار القضاء عقیدت
جانی • بتفرمانهای عواطف سلطانی • مسجل شود شعر سلیمان ذو ملک
تفقد هدهدا • واستغر ما فی الطایرات هداهد بیت کر بکذرم بخاطر
پاک تو ورنیست • خاشاک هم بخاطر دریا کذر کند • ودیکر از روی
جرأت اخلاص بندکانه • وجسارت اختصاص مخلصانه • برضمیر خدام

خورشید تنویر • که ناظر رخسار حسن تند بین • ورافع نقاب عرایس نقد بر
عرضه سپارد که • چون نعال حوافر آن سکندر فر • هلال آسمان فتح و ظفر
ورواپای آثار خفافش • سجده گاه جباه سالکان بحر و بر • وجن و انس
وسروش • حمایل کل • همه تن گوش شد • تاخبر استبدادی آن فرید ورد هوش
زودتر شنوند • بل کواکب سیار و ثابت کل بجوهر تمام بدن بصر اند • تا غبار
عساکر فتوح ماثر • بچشم سر ببینند بیت شب دراز به هر غبار زحوکب
او کشد عیون کواکب همیشه بیداری • و اشعهٔ استحقاق خلافت
آفاق • از مطلع جبین خورشید اشراق آن سلطان علی الاطلاق • با هر
و بسیف قاضب و کثرت کتایب • بر تسخیر جوانب قادر • یقین است
که کمند طاعت این مهر اشاعت • حبل الورید گردن بند نوع انسان
خواهد بود • و فرقهٔ حساد و دشمنان • سر انقیاد و اذعان بر خاک
عجز و هوان • خواهد فرسود • سفینهٔ رجا • در بحر التجا جاریست • و ظلام
تزلزل از جانب توکل بالکلیه متواری • که عن قریب جام ممالک • شرقاً
وغرباً • و جمیع خلایق رغبا و رهبا • مشیر فرمان جهانمطاع • و مطیع
بر لیغ بلیغ واجب الاتباع کردند بیت در جهان حکمت روان و این
بیکر همچو تن • گشت جهان زیر تو بحکم جان فزای خویشتن • زبان بر
تراب ساحت زایران کعبهٔ حاجات را بتواتر سجود امام قلم • و ما مومان
انامل پشت خم است • منقش نکرد • و عذار ماه رخان حسن اعتقاد
را که ساکنان حجلهٔ فوادند • بنوک سر پرخامه مشوش نساخت • هواره
اطاعت و اتباع آن پادشاه ملک طبع و فلک ارتفاع • بر کافهٔ قطان سطح
ارض عینی فرض باد • و سیدان بیکران عرشش تمام اقالیم • بالطول
والعرض بیت باد پیش رخش عرش و در عالم نیم تک • عقل کل در شکر
رای جهانگیر بزرگ • ترا ولک

الجواب

هو الملک القدوس السلام • سلام دایم بخاکی سلامی • سلامی که سلامت
ماه وسال • بسلامت فکر سلیم بمقام کریم رسانند • و دعایی که چون دم عیسی
در لجباء موتی خواص یحیی العظام • را ظاهر و هویدا کرداند • مرفوع بیکردد
بمجلس کریم و موقف لازم التعظیم صاحب دولتی که تا از دیوان قدر و قضا
نور و ضیا • بر سبیل مداومت وجه روز عالم افروز • مقرر شده • با صبح
با ختر او اعنی آفتاب سالخورده • که چشم و چراغ روزگار • و مهر کیای
سبز زار فلک دوار • و واسطهٔ انتظام سلک روز و روزنی شبانت

وآیت کریمه و کلمهٔ حکیمه • اشتعل الرأس شیبا • در تخییل قدم و تصویر هرم
او بند دینار کامل العیار چنان روشن رای انجمن آرای ندیده • و خطوط خط
شعاعی او • بطلعتی شبیه و وجهی وجیه آن رفیع الشان المنیع • و بدیع
البیان التسریعی محیط نگردیده • سامی منقبتی که لسانش در بیان حقایق
و اسرار • چون بر انعام شعار • و احسان دثار کند • سزد که با وجود
اصابع ان که منابع جبوریست • از ماه و آفتاب هیچ حساب بر نگیرند •
رافع ابهام و مزیل شکوک و اوهام است • و بارکیر سبک عنان بیانش
اعنی قلم فرخنده رقم • که زرنگبار خود آب • و دم بر روم زند چون تیغ
سر آمد اصحاب یمین • و ینبوع زلال علم الیقین • و خضر ظلمت مداد و ممد
حیات انامست • عالی مرتبه که اکابر و افاضل مشارق و مغارب که مآثر
فضل ایشان کالشمس فی رابعة وسطه آنهار • بدرجه اشتهار رسیده
بشکر فواضل جلیله • و ذکر شمایل سنیهٔ او • چون تیغ قاطع و قلم
مقطوع رطب اللسان و عذب البیان آمد • و تیغ آبدار زبان از تقطیع
اصوات و حروف • بر براهین قاطعه کمالات بی نهایهٔ او • خالی و عاطل
٢٦١ نمی گذارند • و بارگاه رفیع و درگاه منیع او را محط رحال و قبلهٔ آمال و علت
غائیه حلول و ارتحال ساخته اند • دو شوکتی که لطفش اگر در ازل علت
ازلی شود • از لیلهٔ ظلما • چون آفتاب رضا • ید بیضا نماید • و از اشتعال
نیران سخطش در مزاج روزگار چندان حرارت مستولی شود که • هر کسی
کردست افتد • چون طبیب حاذق بزرگ • بر رگ روز نوروز • و بهار نهاد
یوم فایض الانوار را به حمام نوم مبتلا باید شعر لک الحلم والسیف المهند
والعلی فحلمک یعفو والمهند یقطع • باسط بساط الجود و الاحسان یمین
الدولة البهمنیة • امین الملة المحمدیة • قاهر البراهمة المغلوبین للفوق الواهمة
عون الضعفاء والمساکین بانواع العنایات الظاهرة • قاطع دابر الکفرة
والمشرکین • قامع عروق العصاة والمتردین • مربی العلماء الاعلام •
نبا بید من له الجوار المنشآت فی البحر کالاعلام • الوزیر العزیز • وجوده
مشهور و جوده مشکور رأیه مبرور و سعیه سعید جل حمید جلیل جمیل
ذکره جلیل قدره عظیم شانه کریم و ما عرف فی زمانه لو کان ابن برخیا
حبا ما وسعه الا اتباعه رحلة اهل النحلة والملة واهب المواهب من غیر
علة ولا قلة حامی الحقیقة محمود الخلیقة • مسعود الطریقه تفاخر الا
حبا ضرار الاعداء • جواز قاصیة حراز ناحیة عقاد الویة للخیل جواد •
اعلی الله شانه • و صانه عما شانه • و کفاه شرور الاعادی • و اسبغ علیه فنون

النعم والایادی انه الکریم الرحیم هذا برشکاة خاطر عطیر وضمیر منیر که
اکر پرتوی بر محیط مستدیر فلک مستنیر انداز د بیت می زیبد کو چرخ
مکوکب کویدش مهری و کوم بر سر مهرافزودی واضح باشد که درین وقت
جناب رفعت مآب اعز واکرم وامجد وافخم مجمع مکارم الاداب ومحاسن
الشیم افتخار الاعیان خواجه عبد المنان اعطاه الله ما یتمناه تشریف
داد وکتاب لطیف وخطاب شریف رسانید ومراسم تعظیم بتقدیم رسید
وباصره از مطالعهٔ حروف روشن معانی او که از خط شعاع مهر اضوء ‌افزون
بود بحظ وافی ونصیب کافی کردید وشکر الفاظ رایقه وعبارات فایقه
که ازنی کلک بلاغت شعار در کاغذ شکری وصحیفهٔ سمرقندی مندرج
ومنتشر شده بود طوطی لسان را بکام رسانید ومذاق جان را شیرین
کردانید واز سواد کتاب ظاهر السداد که چون زلف دلبران باسلک دلهو[د]
برابری میزد روایح وداد بمشام فواد رسید علم الله که عنایت پادشاهانه
وتعلق خسروانه بان عالی قدر که افصح فصحا وابلغ بلغا راکر فی المثل همچون قلم
جواد وسوسن آزاد سوی بر زبان آید از عهدهٔ مکارم اخلاق ومحاسن
اعراق او بیرون نباید بود یوما فیوما متزاید ومتضاعف وتوجه اهتمام
بمشاهدهٔ آثار مکارم ومفاخر وانتظام والتیام احوال وحصول امانی وآمال
آن نقاوهٔ اکارم واکابر اناً فاناً متکاثر ومترادف کشت امید واثق ورجاء
صادق که احباء دولتش همیشه فایز باشند بفرح وسرور بیحد وشمار
واعدای دولت چون انسان عین الانسان سیه کلیم وصاحب فراش
وبیمار دیکر انچه مکتوب مرغوب متضمن آن بود از محبت واخلاص ومودت
واختصاص نسبت بدرکاه عالم‌پناه وتمنی بلوغ رایات نصرت آیات ما
در فتح وظفر بغایة الغایات ونهایة النهایات معلوم ومفهوم شد و
حقیت دعاوی مذکوره بشهادت خاطر آفتاب صبح اشراق روشن ومتبین
کشت ودقیقه رقیقه که در سدیفه ابنیه وصحیفهٔ شریفه مرقوم بعد
اولی وکرة اخری مدرج ومدمج شده بود اعنی اشعار بتمکن واقتدار
نواب آستان نصرت شعار رفیع المقدار ما بر فتح اقاصی ممالک
ودفع مفاسد آن مناهج ومسالک وحث وتحریض بر قضاء حق
وامضاء قادر مطلق بر سبیل قدرت ومکنت مقبول ضمیر منیر واقع شد
فی الحقیقه آن کریم الخصال عدیم المثال که از سبابه وابهام میمنت دثار
در زمان کتابت دو قوس موتر بوتر قلم فرخنده آثار کشیده وجرعهٔ
لسان عیب بری از نقص وعیب بفوق سهم الغیب تیری بهدف

صواب رسانیده آفرین بر دست وبر بازوی وی حقیقت حال
آنکه چون بر ذمت همت سلاطین امم وخواقین عالی همم بمقتضای ان الله
یحب معالی الامور ویبغض سفسافها لازم ومتحتم است که متخلق باخلاق
الهی ومتصف باوصاف خلافت نامتناهی کردند ودر تقدیم مقدمات
سلطنت وتمهید قواعد عدالت کوشیده سعی مشکور بظهور آورند
بناء علیه درین باب بر وفق الامور مرهونة باوقاتها منتظر نهزت
وفرصت است امید که عن قریب بخیر وخوبی آن امر خطیر بر وجه
بسیر حسبما یحبه الاوداء ویبغضه من فی قلبه داء باتمام وسرانجام
یابد ان شاء الله الاعز باید که بعد الیوم ابواب مکاتبت ومراسلت
که متضمن خیر وصلاح عامه است مفتوح باشد وشجرهٔ وفاق
بر خلاف شجرهٔ خلاف بزلال وفا مثمر وبارور ومن الله التوفیق
والهدایة تا در سینهٔ زبرجد چرخ معلق خانات فلک اربع بتمنای مهر لامع
معلم وانکشت نماست وزهرهٔ زهرا در سماوات علا چون مکان بعض
الخوانش کالجذر الاصم مبهم وعطارد تیز رقم بقلم شعاع بتراعظم
بر صحیفهٔ قمری مجرد فاتر علویت خورشید تخت آن عالی همم قرین بخت
بر جبین محتشم وبهرام وکیوان کمترین چاکر آن جناب انجم حشم باد
بالنبی واله الامجاد بیت همیشه تا که جهان در کمی وافزونیست
حسود جاه تو کم باد وجاه تو افزون باد

نامه در جواب ابو الفتح سلطان محمد بوره فتحنده جهانشاه میرزا بازدیمی

والاجناب مکرمت مآب حشمت نصاب عزت اکتساب صاحب ابات
المجد والدول ناصب رایات الملک والملل المعتلی باقدام الاقدام علی
المفارق والقلل الفایز بالقدح المعلی من قداح الامنیة والامل سالک
اقاصی الایالة بالعز والکمال مالک نواصی الحکام والاقبال الذی سحب
اذیال العز والجلال فی ساحب السعادة والاقبال المخصوص بعنایة
ملک الانعام والافضال بدر سعادت مآل اعلی الله تعالی فی العالمین
علو شانه وسمو مکانه سلامی که طراوت رواء وردم بهشتی ولطافت
هوای ارم بهشتی داشته باشد وتحیتی که از شمیم نسیم سحری وفوایح
روایح کل برگ طری حکایت کند مهدی ومتحف می کردد تشوق
ونزاع وتعطش التیاع بدریافت حضور مشحون بحبور نه در آن
حدیست که بکام شیرین کلام طوطی اقلام شرح آن توان کرد
ویا بد رقهٔ تیزی وخامهٔ سریع الاقدام بسر منزل آن توان رسید

لاجرم طی آن نموده در آن باب اطناب نمی رفت • همواره مناهج سعادت
وکامرانی ومدارج مقاصد دو جهانی مستقیم ومرتفع باد • بعد هذا
ضمیر منیر لانظرکه لوح المحفوظ آیات ملک پروری واتم الکتاب بینات
داد گستری است انهامی رود که چون مفتتح سال فرخنده فال برسم معتاد
نیت اجتهاد در جهاد **بیت** بساعتی که سعادت از و بر داخترست طالع
که تولا بد وکند تقویم • نهضت همایون واقع شد • ورایات ظفر
پیکر والویهٔ نصرت رهبر • سمت اهتزاز وارتفاع پذیرفت • وولایت
موره نیز در بین متقصد واندساله بواسطهٔ دعوت مسالک
ومناعت حصون • از اعلام معالم دین • واحیای مراسم سید المرسلین
صلوات الله علیه وسلامه • محروم وبی بهره بود • والی الان کوش
نو عروس جنان مملکت زیبا • از پیرایش آیین دین • وحلیهٔ قوانین داد
عاطل مانده • از آن واسطه عنان عزیمت بدان صوب منصرف
شد • لشکر جرار تیغ زن نیزه گذار • یعنی جند الله الغالب ایدهم الله
تعالی فی جمیع المطالب • آن دیار را مطامح انظار • ومطارح ابصار خود
ساختند • بیمن دولت ابد پیوند • وعون خداوند بیچون وچند •
جلت آلاؤه وتبارکت اسماؤه • در اندک مدتی قلاع وبقاع وقصبار
وبلاد وتلال ووهادآن ممالک • با وجود آنکه فسحت از میدان وهم
دور تک • ومنیعتر از قلعهٔ دوازده برج فلک بود • بنواحیها ونواصیها
وجدافیرها وصیاصیها • بنوعی در قبضهٔ اقتدار • وحوزهٔ نواب کامکار
این جانب در آمد • معابد اصنام • مساجد اهل اسلام • ومعاهد
اشرار مشاهد اخیار • ومراسم مشرکین متمردین • معالم سطوع حجج سید
المرسلین گشته • اعواد منابر بفواخر القاب زواهر مورق • ووجوه
نقود بنقوش سعود فایق شد • الحمد لله الذی نصر جنده واعز عبده •
واز صوب دیگر هم درین جهه باهر الحجه آصف سلیمان صفت • وزیر
نوشیروان نصفت • مدبر امور الجمهور بالرای الصایب • منضد عقود
الممالک بالفکر الثاقب • امیر الامراء العلی الاطلاق مالک جیوش المرسلین
بالاستحقاق معتمد الملک • محمود پاشا یسر الله جمیع ما یشاء • از عساکر
منصوره • ایدهم الله تعالی کتایب پر سلاح وثعابین رماح که چون
لجج بحار سحاب متصادم الامواج • هنگام تلاطم افواج • سفن ارواح
متمردان را در لحظه بغرقاب بلا فرو بردندی • غارت استخلاص
ولایت لاذ شده • بمتانت رای رزین • ورزانت تدبیر متین • اد کار

مهر دانشوری • ومهر سپهر فلک پروری • چنین مهم کلی را نیز باضعاف مضاعفه
جد کاف جملگی را بر سبیل کفایه بعنایة الله تعالی طریق ظفر یافته •
مسخر نمود • ودهر فکر صایب • ورای ثاقب موجی را دو باره شکافته فتح کرد
الحمد لله علی ترادف الائه وتوالی نعمائه • وبسبب این شغل خطیر اشاء انکه بیشتر
یزدان بفیض فضل ربانی وعین عون صمدانی بانجاح رسید • صورت تزوج
همایون که نصب العین خاطر ما آثر بود • در نقاب تراخی وحجاب توارن
بماند • انتقال آن کوکب اقبال را بیت الشرف مسعود • با نهار فرصت موقوف
دانند • ان شاء الله تعالی • وچون اخبار غلبهٔ جند الله وآثار معجزهٔ
نبی عربی • علیه صلوات الله وسلامه • مشرف اصحاب دین وشنف اذان
ارباب بقینست • این بشارت را بمحل اصغای جناب سلطنت مآبی ابوی
رسانیدن از جملهٔ مفترضات شرایع وداد • واحیای سنن سنن اتحاد محقق
دانسته اصدار واشعار نمود • پس برای نقل واعلام این اخبار فرصت
آثار • خلف الامراء الکرام ظهیر الکبراء الفخام قدوة الاکارم والاعاظم
بین الانام مستحسن الاخلاق والشیم • امور بیک زید قدره • سمت اختصاص
یافت • رجاء واثق که بحسن ملاقات مستسعد گشته • باز خبر وخوبی
بسبیل مرجعتش را مکشوف وارزانی دارند • وباخبار مسارهٔ سلامتی که
منصهٔ دل را جلوه گاه عروس بهجت وحجلهٔ خاطر را پر سرور فرحت گردند
وبا او رفیق فرموده شد اقضی قضاة المسلمین اولی ولاة الموحدین • مولانا
محیی الدین دام فضله • دا تا حدود ولایت حمید • ومنوغات وامیرطاغی
وجای وامثال اینها تعیین کند • مأمول که جناب امارت مآبی نیز معتمد
برا یکی از قضاة آن ولایت تعیین سازند • تا همه باتفاق همدیگر خطوط
وحدودی که از سوالف ایام • متنازع فیها بود • بکلی منقطع گردد • ودیگر
چنان استماع افتاد که متمردی از لئام طور غود نام لئیم • قدم از دایرهٔ ادب
بیرون نهاده • بخطهٔ ممالک محروسه در آمده • وگلهای گوسفند وخانهای
که تعلق بعلی بیک دارد • تعرض نموده بعام وخاص ضرر رسانید • بکوچها
راند ونواحی خود برده • اکنون وظیفه آنکه آن بد کار بدکردار را خصم
بحضور ایلچی اینجانب بسیاستی وهرچه تمامتر آورده • بسزا رسانند • وچنان
تادیب فرمایند که متمرد دیگر بتعدی چنین • قدم بی ادبانه ننهد • واز گلها
وخانها وهر اسبابی که از این جانب برده • بیقصور بر شار الیه تسلیم نمایند
تا با زبان اینجانب آورد • وشرط فرط مخالصت ومصادقت • آنکه درین باب
شمهٔ اهمال واهمال • جایز نفرمایند • تا موجب تشیید مراسم مصافات

وتاكيد مناظم موالات كردد• چون غرض عرض محبت• وتجديد عهد خلت ٢٦٤
بود• بدين مقدار اقتصار رفت ظل وجود ممدود باد• بالنبي وآله الامجاد•

الجواب

فرمان سعادت عنوان• ومنشور بلاغت نشان• اعني مكتوب سعادت
اسلوب آن پادشاه عاليشان• سرور سرور دجهان عظيم القدر كريم
الشان• سلطان البر والبحر• صاحب النصر وضارب النصر رافع رايات
الفتح والظفر• ناشر اذيال اللطف على مفارق البشر• قهرمان الزمان
قايد ملوك الدوران• قامع البدع والطغيان• المستغني وصفه عن الحجج
والبرهان• المؤيد بتأييد الله الملك الصمد• شاهنشاه كامران سلطان
محمد• اعز الله له الاعوان• ولا يخلو عنه المكان• مصحوب خلف الاعاظم
والاكارم• مستجمع جميع المحامد والمكارم• ضياء الدين امور بيك• دام عزه
شرف وصول يافت• مورد ش را برسم تعظيم و تبجيل استقبال كرده• بعد
از انكشاف نقاب• از چهره آن نگار آفتاب لمعان ماهتاب• بر مضمون
همايون جهانگير• وفحواي سعادت مشحون دلپذيرش• اطلاع كلي يافت
وانچه در ذيل آن بجهت تعيين ولايت سنور حيد و بعض مواضع اشارت
فرموده• بودند• بسيار در محل خود بود• ان شاء الله در آن خصوص
تاخير نخواهيم كرد• ونيز در باب سياست و توبيخ كه نسبت بتابعان
طور غود• تاكيد رفته بود• معلوم كشت• لكن بالله العظيم انچه بسمع
كماشتگان دركاه عالي رسانيده اند كه حركتي ازين جانب باشد غير واقعست
واز قبيل ان بعض الظن اثم• ملحوظ داشته• گناه ديگران را ازين دو لتخواه
باز نطلبند كه• ولا تزر وازرة وزر اخرى• ودر صحبت اقضى قضاة المسلمين
اولى ولاة الموحدين معدن الفضل واليقين• مولانا محي الدين زيد فضله
عمدة الاعاظم قره بيك را كه از معتمدان اين جهت ارسال رفت• تا در باب
سوابق ما وقع• را عرض دارد• بتوفيق الله تعالى باقي همواره رخش دولت
در ركاب سعادت رام• وزمام سلطنت در قبضه شهامت حسب المرام
داير وساير ومقبوض ومستحكم باد• برب العباد•

ابو الفتح سلطان محمد خان حضورينه عزيز مصر ابو سعيد جقمق ارسال ايلدكي نامه در

اعز الله انصار المقر الكريم• المولوي المظفري الكبيري العالمي العاملي
الباذلي العوني الغوثي النظامي الهمامي المشيدي المنعمي المفضلي النبري
المجاهدي المرابطي المثاغري الاوحدي الامجدي الكاملي الكافلي الغياثي
الظهيري الذخري الاشرفي وهو السلطان الاعظم• والخاقان المعظم•

المؤيد من السماء• المظفر على الاعداء• باسط بساط الامن والامان ناشر
شعاع المن والاحسان• الليث المصادر• والغيث المدرار• كهف البرايا وابن
البرايا• الهمام الهمام• والمطعان المطعام• الاسد الاسد• والارشد الامجد
مستأصل عداة الدين عن مسالك المسلمين ظل الله في الارضين وسكينته
على العالمين• الذي صارت الافئدة كفؤاد واحد في اضمار عزماته• و
عادت الالسنة كلسان فارد في اظهار سطواته• المشتري مشتري سعادته
سعادته وعطارد تلميذ افادته• والنجم الثاقب عبد دهائه وذكائه•
وشارق الشمس خادم رأيه ورداته• واخلاق المسك لولا فادته• والورد
لولا مرارته• والروض لولا حاجته الى المطر• والماء لولا سرعته الى الكدر شعر
وكاد يحكي صوب الغمام منسكبا• لو كان طلق المحيا يمطر الذهبا• والدهر
لو لم يخن والشمس لو نطقت• والليث لو لم يصد والبحر لو عذبا• رافع رايات
الدين الى ذروة الكمال• خافض اعداء الله الى حضيض القهر والاذلال•
٢٦٥ حامي بيضة الاسلام والمسلمين• ناصر شريعة حبيب رب العالمين• سلطان
السلاطين عضد امير المؤمنين• لا زالت رايات سلطنته على قمة السماك
مضروبة• وآيات معدلته في جبهة الافلاك مكتوبة• والسنة سيفه
وسنانه بالفتح والنصر ناطقة• وسحب جوده واحسانه على رؤس الانام
دافقة• ولا برحت همته بالاراء الصائبة علية• وعساكره المنصورة
بتبليغ المقاصد مليئة• وعزايمه المؤيدة بالفوز والظفر جلية• وقواعد
الاسلام مشيدة بمكانه• واركان الدين ممهدة بدوام ايامه وزمانه•
ما قرت الارض قرارها• ودارت الافلاك ادوارها• بمحمد خاتم الانبياء
وسيد الانبياء• وآله الاتقياء• وصحبه الاصفياء• بعد تقديم تحية اصبحت
متورمة بانوار الوفاء والاخلاص• واضحت مجللة بصفاء الولاء والاختصاص
وازهرت بصدق الطوية رياضها• واستلذت من زلال المحبة حياضها•
ورفع ادعية صالحة مستجابة• واهداء اثنية جميلة مستطابة• نوضح
لعلمه الكريم• لا زال محفوفا بما يسره• انه اتصل بمسامعنا ان المقر الكريم
خلد الله تعالى سلطانه• مد العسكر الى البلاد القرمانية• بالحشمة العالية
الغالبة• والشوكة القاهرة السالبة• بحيث يعجز عن وصفها اللسان•
ولا يحيط بها نطاق البيان• لحسم مادة المفسدين من البغي الذين
يسعون في الارض الفساد• بقطعهم طرق المسلمين• ونهبهم اموالهم
واستباحتهم قتل النفس التي حرم الله تعالى• فاستبشر المحب المخلص بذلك
غاية الاستبشار• وحصل به البهجة والسرور• فشرعنا في الاستمداد

من العلماء والصلحاء ليشتغلوا باوراد الادعية وامداد الاثنية لدوام نظام
عقود السلطنة القاهرة واعلاء اعلام الدولة الزاهرة وما هي الا عزيمة
عظمى ومجاهدة كبرى وقد جهزنا الخدمتكم العلية مجلس السامي الاميري
الامجدي المجاهدي السيفي العضدي مفخر الامراء والاقبال جمال الدولة
وكدين يخشي بيك دام اقباله الموقف والمقام العظيمة ليبلغ التحية
والسلام ويقوم بوظايف الدعاء حق القيام ويبث لواعج الاشواق التي
تكاثر اعدادها واظهار نتايج الاتواق التي تنوا ترامدادها والافئدة
على ودة متطابقة والالسنة بشكره متوافقة ولا سيما في الطريقة النبوية
التي اقتضت العزيمة المسنونة لا زالت النصرة طراز لوايها والهزيمة من
لوازم اعدائها وحملناه المشافهات ليرفعها الى المسامع الكريمة
لا زالت محفوفة بالسلامة والكرامة فالمامول من اللطف العام الاصغاء
اليها على عادة الهيبة وسيرته المرضية ويفصل بانهاء اخباره المشتق
التي هي اسباب المسرات ويواصل الرسل والرسائل ليكون سببا لانشراح
الخواطر وطيب الاوقات والله تعالى يخص الجناب العالي بنصر اوليا الله
وقهر اعداء الله وباتمام المطالب والحاجات وبنصره بملائكة السموات انه
مجيب الدعوات ورافع الدرجات والحمد لوليه والصلوة على نبيه واله وصحبه اجمعين

الجواب

الحمد لله الواسع الكرم وموجد الاشيا من العدم وباعث سيد الكائنات
خير بعثة ومحض مصلحة تفضي الى النعم وان المدايح اوصاف له كملت
نجتذ المدح فيه قبل بالهمم كم مادح وصل المنى بجلاه بمدحه شنى لا لديم
مخلد ابدا واله المدركين السؤل بالشيم والتابعين له بحسن اسوته
متمكلين عدا حاوين للقسم وبعد فقد سجد القلم على راسه المنشق
لخدمة هذا المكتوب متقاطرا بقطرات يترنم بها احوال المحب والمحبوب
وهو ينبا باحرازه شرف نفس نفوس الفضائل المجلس السلطاني الاعظمي الا
الاغري الاكرمي الاعلى الاعلمي الاعدلي المولوي الاعلوي الارضى الاجلى الاجملي
الاكملي الاعبدي الاورعي الاصلحي الاسلمي المنصوري المؤيدي المظفري المجاهدي
والمرابطي امير المومنين عضد الاسلام والمسلمين المعتصم بحبل الله المتين
اعز الله تعالى انصار سلطان السلاطين ورفع لواء ثباته على الملك بفضله
المبين ولله در من قال فيه وكانه درر تناثرت من فيه وانشد علي
ابيات في وصف الصفات شعر بملك بن منصور وشرعة احمد على نظمها
المحفوظ دون تردد وخصصها من الجحيم بجهله بحفظهم عن سوء منبع المعتد

نخبر سلاطين الزمان مسدد بثوب تقي في اكدين كاس ومرتد نخبك
باسلطان فضلة ورفعة بذلك اذ كل بامرك يقتدي كانك يوسف
مصر واهلها ارقاء طوعا دون كره مبدد ولا زال رحى الصواب دائرا
بوجوده الشريف ايما دار وما برح مركز السداد متعينا بمحيط دائرة
رتبته يسير بها حيث ما سار وعتبة العلية مطافا يطوف طوايف الامم
وسدته السنية معتكف العاكفين الوافدين من طوايف العرب والعجم
اصدره المحب الى مجلس السلطنة مهديا اليه من الدعاء اتمه ومن الثناء
اعمه ومتحفا من التحيات ما ينبئ عن اخلاص يفوح رياه ومن التسليمات
ما ينطق باختصاص يوجب كمال اللذة بذكراه والمحب مفتخر بما ورد من
الكتاب الحكيم والخطاب الكريم سيما ما فيها من صنوف التلطفات الانيقة
في ضمن الفاظه العذبة الرائقة وعباراته الجزيلة السابقة الفائقة و
ويعرض على علمه الكريم ان قطرة المحبة منصبة بالود الخالص الصافي لذلك
الجناب جبلة منطبعة على الحب الكامل الوافي الكريم الماب وان غرس
الوداد في الفؤاد مغروس وحب الحب في القلب بذور ومحروث شعر
طعم المحبة لا ينال بوصفه احد سوى صب غدا مشتاقا كالشهد
لا يبلغ البيان لدركه لكن يحيط بعلمه من ذاقا ومن ثمة حدث المحبة
الجاري على السن الاحبة ان نسبة الجناب السلطاني الاعظمي لا زالت
اطناب خيام دولته مشدودة باوتاد الخلود والدوام واواصر مقام السلطنة
القاهرة مؤكدة بغاية الاحكام والاستحكام الى هذا المحب نسبة الاب
العطوف الرؤف الى الابن الملطوف المعطوف وان شئت قلت نسبة
مولى الموالي الى مولاه هو طوع الموالي ولكل دعوى شاهد يقام عليها
في المشاهد وشاهد هذا المحب قلب سلطان السلاطين وهذا المخلص
من جملة ما يتعلق بالدين لا بالطين قال من القلب الى القلب طرائق
يتواصل بها اصحاب الرقايق ولن يتحقق بعلمها الا اهل الحقايق والعقايق
المتجردين عن التلبس بجبة العلايق وثمة من ثمرات والحال اذ لا
تلاقي تلاقي في صورة في البين ثبوته بسبب ثبوت التناسب الاوصاف
والذاتي القاطع للبون وذلك من احكام السر الاولى الروحي ومن
مقتضيات التوالف الابدي الذي لا يضره البون الصوري كما عند قول
من قال شعر ولا ضير للاشباح التنائي عن اللقاء اذا كانت الارواح في
الغيب تلتقي فاذا من الواجب على هذا المحب ان يحمد الله تعالى على هذه النعم
العظمى والملائمة المثمرة لثمرات هي من المنن الكبرى الحمد لله تعالى عليها

ولاذلنا متوجهين بالارواح كل وقت اليها • ومن ثمرات هذه المحبة المتينة •
والمودة الركينة • الارشاد الى المنافع • والتنبيه على المداحض والمدافع • كما
كان حضرة السلطانية • افاض علينا العلم بهذه الفوايد • ونبهنا بلطفه الجسيم •
وخلقه العظيم على ما فيها من المرافق والعوايد • فيما اصدرت شأنه العالى •
فمن ذلك تعليق الرجاء بكرم الله تعالى وبركة نبينا صلى الله عليه وسلم •
ان يرد كيد العدو فى نحره • وان يجعل الدائرة عليه • وفيه تنبيه وتشديد
لكل سديد وتعليم لكل عليم راغب فى علم جديد بجهد شديد • وجناب
قوى حديد • حاو لكل فضل قريب وبعيد • ولا يغتر الانسان بعدته
وعتاده وقوته واستعداده • بل يرى النصر من عند الله العزيز • وان عظم
جنده وكثر ما فى خزائنه من الذهب الابريز • ومن ذلك التبرك بالبركات ٥٦١
المحمدية • والاستمدادات الروحانية الاحمدية • عليه من الصلوات اقواها
وبها يقوى للنفس تقواها • ومن ذلك ما نبهتنا عليه من حقيقة قضية المظهر
لشئ مخفى فى نفسه لشئ آخر مما هو على ضده • كما هو شأن النصب الخادع •
فلا بد للعاقل من اخذ الحذر عن امثال تلك المكايد والمخادع • حتى يأمن
فى العاقبة من الوبال • ولا يصير البال مملوا بالبلابل • ومن ذلك ما ارشد
لما هو المقصود من مقتضيات الاتحاد • وموجبات ثبات الوداد فى الفؤاد
من ان العدو جعل اى الملكين المتحابين لله قصد تسيير الاخر بجنابه
ورآه معاضده له عملا بالحكم الربانى • وامتثالا للامر السبحانى حيث
الله تعالى وهو اصدق القائلين • تعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا
على الاثم والعدوان ومعصية الرسول • ولا ريب ان فى الاسترشاد بهذا
الارشاد العمل بهذه الاية الكريمة • والفوز الاكبر بهذه النعمة الجسيمة •
ومن ذلك ما رسم لنا الحكم الله احكامه من الاطلاع لنا على شنشنة هذه
الطائفة الموصوف بما لهم • فى هجيراهم المألوفة لهم • المعروفة من قديم
الزمان من تدينهم بدين اسلافهم • وانتقال هذا الدين بطريق الارث
منهم الى اخلافهم • ولقد صدق عمر رضى الله عنه فيما قال • ولم ندخر شيئا
من النصح فى ذلك المقال • فانهم الفوا آباءهم ضالين فهم على آثارهم •
هذا • ولقد كان من جملة ما رسم لنا الحكم المطاع السلطانى • والامر المستطاع
البرهانى • انه اذا اتانا وصح عندنا من اخبار اولئك الطائفة • ان نوصلها
الى المسمع الشريف السلطانى • وفيه من الخير الكثير ما يتعلق بالرحمانى •
وفيه التوقى من شرور ما يتعلق بالشيطانى • فالذى صح الان لنا من اخبارهم
وقد كثر الراوون لنا من آثارهم • بحيث صار قريبا من التواتر المعنوى •

انهم رجعوا الى بلادهم • وعادوا ابدا هم • ومعادهم • ولم يبق فيما كانوا
مجتهدين فيه • ومن بنى شاهرخ الاميرى قيل فى حقه انه مات • وهو محمد الملقب
بجوكى • ولحق بالاموات • فان صح الخبر وتحقق ثبوت الاثر • فقد انسم الخرق
على الراقع • وتبدله بالسكوت صيحة الديك القاصع • ومن هذا ظهر ان ادعية
السلطانية قد كانت مستجابة • ومناجاته مع الحق تعالى ما كانت لا مقبولة
مجابة • حيث اطال الله بقاه فى كتابه وفصل خطابه • والمرجو من كرم الله عز
وجل • وبركة سيدنا محمد صلى الله عليه وسلم • ان يرد الله كيده فى نحره
وان يجعل الدايرة عليه • فكان ما كان من وقوع الواقع • ليس له من الله
دافع • فلما حصل لانتهاء لهذا الخبر • حمدنا الله الكبير المتعال على ان وقى
المؤمنين القتال • فجهزنا بهذه الورقة خدمة الامير الاجل المنعوت
من النعوت بما به يستحق ان يخدم مثله بهذه الخدمة السنية • التى لا يمكن
ان يتحامل لها الا بتلك الخصال المرضية • من الصلاح والثقة والاعتماد
وكمال القابلية والاستعداد • والمحب قد حمله من انواع الشوق والغرام
بغاية الاعظام والاكرام • لفخر الانام خدمة الايام • ما يبديه بلسانه
ويقرره ببيانه • بعد تقبيله الارض لدى الحضرة العليا • قضاء لحق ادب
الصغير مع الكبرى • والمحب جرى فى اجراء هذه المراسلة • ومضى فى امضاء
هذه المعاملة • بما ظهر له من امر الواجب لامتثال على ما ذكره • ونص عليه
فى مطاوى ذلك المثال العالى • من انه اذا تجدد خبر يليق ان يتسامع به
مسامعنا الشريفة • لا يتوقف على تعيين قاصد • بل يكتب به على يد ساع
بحيث يحضر بسرعة • ويعود اليه بجوابنا الشريف • هكذا وقع العمل بحسب تلك
الاشارة • والجرى على مقتضى تلك العبارة • والمحب ينتظر الجواب • ولا محالة
يكون هذا هو الصواب • ليتلذذ سامعنا بالخطاب المستطاب • ويتعلق
العلم بما يرشدنا اليه فى كل باب • وقد كتب ذلك يوم الاربعاء الثانى من
شهر صفر ختم بالخير والظفر سنة ٨٥٦ • بمقام ادرنه •

سلطان محمد خان جهانشاه كوندرديكى نامه در اوزون حسن ايله
خصومت ايتدوكنده

٥٦٩

٥٧٧ حضرت رفعت مآب سلطنت اياب • مملكت پناه معدلت دستگاه •
جلالت آثار عدالت دثار مجرى مراسم العدل والاحسان • معلى مبانى
اللطف والامتنان • سارق رايات المعالى فى الخافقين • حاوى الوية
المفاخر فى المشرقين • مدمر اهل الكفر والضلال • مظهر خلعة العظمة والاقبال
الغازى فى سبيل الله • المؤيد من عند الله • المحفوف بصنوف عوارف الصمد •

المشمول بشمول عواطف المهیمن الاحد · شمس الدولة والدنیا والدین
سلطان محمد · شید الله ارکان دولته · ومهد بنیان سلطنته · شرایف
تحیات عرش آسا · ولطائف تسلیمات سما سما · از شایبهٔ تکلف معرا ·
مبلغ ومؤدی داشته · فحوای انهٔ ثبت · بر تمهید قواعد مواخات مصروف
وقصارای نهمت · بر تاکید مقاعد موالات معطوف · همواره ممهد
ومؤکد باد · بیمن لطفه القدیم · وفیض فضله العمیم · بعد هذا انهای
رای ملک آرای میرود که · از قدیم الایام این محب را بدان خاندان شریف
وارومهٔ منیف · محبت اصلی · ومودت جبلی · واتحاد بدو حسب · وباعث
این معنی تاکید یافته · وتمهید پیوسته · العجب که این هواخواه را ·
بعضی مهم شاق · وسفرهای طویل · بهر جانب · واقع شده · خصوصاً
در محاصرهٔ دار السلام · ودفع غوغای بغداد · باوجود مصادقت ومصافات
قدیمه · وموالات مستقیمه برسش نفرموده اند · واسطهٔ آن · انواع
موجبات تهیئهٔ اسباب کامکاری وبختیاری بوده · باشد · والیوم
بخلاف آن متصوراست که پیوسته از جانبین · استحکام اجناد امور دین
ودولت · واستقصا رانتظام مهام ملک وملت کرده شود · وجوه
مجاری تمنی مراد مثمر باشد · واز ابتهاج ومسرت افزوده اند · فی الحقیقه
این صورت را هیچ مانع ودافعی نیست · الا حسن قبولی که در میان
واقع شده · درین مدت ظاهر صورت موافقت واخلاص مینمود ·
وشیمه وقاعدهٔ کلی این محب آنست که · هرکسی که آیین اخلاص بدین مخلص
ظاهر کرداند · رعایت حقوق آن انواع مرافقت ومصافات می نماید ·
ومصدوقهٔ · هل جزاء الاحسان الا الاحسان · بتمهید میرساند · فی الجمله
چون ظاهر وباطن یک نبود · وروز بروز تحقیقت نفاق از نقض
عهد ومیثاق او بظهور می پیوست · بجهد وارد نمود می شد · درین
ولا که آثار خبث عقیدت · وسوء مکیدت او اظهار تمام یافت · ونکث ٧٤
عهد او درست شد · واز میان برداشتن او واجب · بنا بر آن · عنان
توجه بدان صوب · نهضت یافت · وامید بکرم واهب العطایا وا ثقست
که · دفع فساد ورفع عناد او · باسهل وجوه میسر کردد · وهیچ تکرو هی
درمیان نماند · الحضرت بلند همت برین معنی که صلاح دین ودولت
را شامل است · منصور فرمایند · وآن جانب بیمن اهتمام وحسن یقین
بدفع واستیصال او مصروف دارند · صبح رجاء صادق اینست که بر حسب
ارادت رونق مراد · مواد عناد او وانقطاع پذیرد · وانچه مقصود ومطلوب

دوستان حقیقت · بحصول موصول کردد · ان شاء الله تعالی بیت
با دولت پستهٔ زمان تو با نفخ صور باد کردی بناء زمان تو با یوم دین
سلطان محمد خانه اوزون حسندن نامه که جهانشاهی منهزم ایتدکم کوندردی
خلد الله تعالی فی بسیط الارض ملکه وخلافته وسلطانه · وافاض علی
العالمین فیض عدله ومرحمته واحسانه · بندهٔ مخلص دولتخواه بی اشتباه
مراسم عبودیات مخلصانه · ولوازم ضراعات چاکرانه · از محض اخلاص
دولتخواهی · وکمال اختصاص ودعاکویی · معروض ومرفوع کردانید ·
علی الدوام والاستمرار بوظایف دعاء دولت روزافزون · مواظبت
نموده ومی نماید · بشرف اجابت ملحق باد · بعد از دعوات زاکیات
بر رای عالم آرای جهانکشای عرضه میدارد که · بتاریخ غرهٔ شهر ربیع الاخر
جهانشاه لشکریان وفرزندان خود را جمیع نموده · بر سر آق قویونلو
عزیمت ساخته · از راه موش کوچ کرد · وبجایی چون که بدین بنده تعلق
داشته · نزول نمود · این بنده نیز مقدار هفت روز کوچ با او مقابله
نموده · موازی ده وسه فرسخ راه در میان شارلیه واین بنده مانده ·
سوراه راکرفت · فرزند اعز خلیل را با مقدار سه هزار مرد سوار · بقراولی
فرستاده همان روز · با میر قاسم پروانچی که اعظم امراء او بود · با مقدار سی
نفر از امراء نامدار · وپنج هزار نفر مرد استوار مسلح الآجین که ایشان نیز
بقراولی آمده بودند · ملاقات نمودند · حق سبحانه وتعالی نصرت وفتح
بخشید · وبرسپاه دشمنان ظفر یافتند · وقاسم مجروح کردانیده ·
خیلی امرا وبسیار سوار را بقتل آوردند · وبعضی در آب فرات غرق کشتند ·
شارلیه بعد از سه روز دیگر · از آنجا کوچ کرد · ودر ولایت کیغی
فرود آمد · واین بنده نیز در پی او کوچ نمود · وبمقدار دو فرسخ راه با او
مقارن کشت · وبچند کس را بقراولی فرستاد که چون از آنجا کوچ نماید
اعلام فرمایند · که در پی ایلغار کند · روز دیگر نیز از آنجا کوچ کرد · وعزیمت
نمود که بارزنجان وکماخ وقره حصار وطرف بالا رود · واین ولایت
را خراب کند · این بنده در پی شارلیه ایلغار کرد · وبتاریخ ثالث
عشر شهر مذکور سنه ٨٧٢ وقت بین الصلوتین با او ملاقات نموده · بعد
از محاربهٔ بسیار · بفیض فضل ملک جبار · عز شانه · وعون عنایت پروردکار · وبیمن همت آن حضرت پادشاه کامران وکامکار دشمن مخذول و
منهزم کشتند · وجهانشاه وولد او محمدی را با جمیع امراء نامدار · چنانچه
یک شخص از امرا رها نشد · با مقدار پنج هزار مرد سوار مسلح الجبه

دار بقتل آمد • وامیر یوسف میرزا با بعضی امرای نامدار مقید ومحبوس
کردانیده • وسرهای ایشان را طقوز طقوز بممالك فرستاده • وسر
جهانشاه را بسلطان ابوسعید کورکان فرستاده • وسر محمدی
ورستم تواجی • وبیر سال الحاکم دیوان را بدرکاه عالمپناه آن حضرت
ارسال کردانیده شد • توقع والتماس بمکارم بی قیاس آنحضرت • آنکه
این بنده را از کوشهٔ ضمیر منیر • منسی وفروکذاشت • نفرمایند • واز زمرهٔ
مخلصان • ودولتخواه آستان فلك آشیان منخرط کردانند • وبمشرفات
عتبهٔ جهانمطاع مفتخر وسرافراز فرمایند تا بدان مباهات • کمر عبودیت
برمیان جان بسته • بدعاکویی دولت ابد پیوند افزایند • زیادت
کستاخی نمود • ظل ظلیل سلطنت پناهی تا ابد الدهر پاینده ومستدام
باد • بمحمد واله الامجاد •

سلطان محمد خانه اوزون حسن یازدیغی مکتوبدر که سلطان
ابوسعیدی وجهانشاه اوغلی حسن علیی قتل ایتدیکنه افتخار ایدر

هو الفتاح العلیم وما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم • نسألك
اللهم ونتوسل الیك • ونبتهل بین یدیك • طول الحیوة الابدیة والسلطنة
السرمدیة • لمن اخترته سلطانا • واعلیت له رتبة ومقاما • وهو الممتاز
فی السلاطین • اذا قیل من اشرفهم نسبا • والمومی الیه فی الخافقین • اذا
سئل من اعرفهم حسبا • نور حدقة الخلافة • ونور حدیقة الجلالة • شمس
فلك العدالة کوکب سماء الابالة • السلطانی الاعظمی الاکرمی الافخمی • ادام الله
تعالی دولته وسلطنته • وزاد رفعته وشوکته • ولا زال رضاء الله
مقرونا برضاه • ورضی الله عنه وارضاه • بالمصطفی ومن اصطفاه • والمرتضی
ومن ارتضاه • تحف تحیاتی که از هبوب روایح شمایمش • نفایح محبت
ووداد • وزد • وصحف مدحانی که از ورود نفایح شمائلش • فوایح مودت
واتحاد • بمشام اعتقاد رسد • تحفهٔ مجلس سامی وجناب نامی سلطانی
اعظمی ساخته • همکی همت وجملکی نهمت • بر انتظام امور دولت واسباب
سلطنت آنحضرت فلك رفعت • مصروف ومشغوف بوده ومی باشد •
امید که چون این توجه بجهانبه ربا از سر صدق وصفاست • نتایج
آن یوما فیوما سمت وضوح • وصفت سنوح خواهد یافت • بمنه وجوده
بعد انهاء رای فلك آرای میرود که چون بمیامن تاییدات الهی •
ومحاسن توفیقات نامتناهی • فتح سلطان ابوسعید میرزا • دست
داد • وزبان تیغ بحر ریغ از میان لشکر حسن علی ماجرای از رذایل

بلاد از تند اتراك واكراد • قریب ده هزار افراد • بجوار خود راه داد • وهمان
طریق فسق وفساد • وطغیان وعناد • وتخریب بلاد • وتعذیب عباد •
بنیاد نهاد • چون در حوالی آذربایجان • جای اقامت ایل نیافته • توکلت
علی الله کویان • با جماعت مذکوره بجانب همدان شتافت • وتخیلات فاسده
وتصورات بلا فائده • در دماغ جان انداخت • وتخریب معابد وتنهیب
مساجد • وتخریب اثمار وتقطیع اشجار • وتربیت اشرار • ومذمت اخیار
شعار ودثار خود ساخت • بنوعی که خود هرجا که شآمت قدوم مذموم
او رسیدی • آثار معموری بنا • کسی ندیدی چون شکایت افعال شنیعه
وحکایات اعمال قبیحهٔ او • استماع نمودیم • باتفاق عقل ونقل بر دفع ونخع
وقلع وقمع او اجماع فرمودیم • بنابر آن فرزند اعز واکرم ارشد واشجع
اعقل وارجمند جوانبخت دولتیار خردمند • نصرت شعار • ابوالفتح
شمسکد بن محمد بیك بهادر • ابقاه الله تعالی با جمعی از امراء نامدار • وارکان
دولت با اقتدار • وعساکر انجم شمار • بدست صبا نشتر دادیم • وبجزم وعزم
او فرستادیم • از نهان دقایق آن توفیق • وناصران تحقیق خبر فتح
وظفر در رسید • ونسایم اقبال از مهب • وان جندنا لهم الغالبون • وزیدن
کرفت • وچون فرزند ارجمند موی الیه ایلغار نموده • در حوالی همدان بآن
نادان • بعد ورسیده • او در مقام مقابله ومقاومه در آمده • زهی
تصور باطل زهی خیال محال • در مابین هر دو فرقه • مقاتله ومحاربه •
واقع شده • بیمن عنایت سبحانی وحسن هدایت صمدانی • وبرکات علیه
حضرت سلطانی سلیمان مکانی فتح ونصرت • قرین رایات فلك شوکت
کشت • حسن علی دستکیر • واولاد واتباع او اسیر شدند • وبضرب
سیوف آبدار • وصولت صوارم آتشبار کتیبه کذار • دمار از روزکار رنابا
بدار نابکار برآورده • قریب سه هزار مرد بقتل در آمده اند • ومقتضای
عسی ربکم ان یهلك عدوکم • حسن علی مقتول کشته • سر او را باردوی علا
آوردند • بحمد الله تعالی نوایر فساد فرو • بزلال • نار الله الموقدة التی
تطلع علی الافئدة • وتقطیع کشت • فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله
رب العالمین • اکنون بفضل خالق انام بمصدوقهٔ کلام • در انتظام ممالك
علوم انا مکنا له فی الارض وآتیناه من کل شیء • تمامی ممالك آذربایجان
وعراق وفارس وکرمان • درخور اقتدار نواب کامکار تمکن واستقرار
یافت • واز جانب امیر اعظم ظهیرکد بن سید علی بیك که در شیراز بود •
طریقهٔ دولتخواهی • وجانسپاری • ویکجهتی وخدمتکاری از وبظهور رسید •

فرزند اعز مشار الیه بموجب توجه همایون بعد از فتح حسن علی متوجه
دار الملك شیراز شد وچون امیر محمد تواجی که حاکم بغداد وفات نمود
بعد از حسن علی زینل بیك قایم مقام او شد ودر مقام اطاعت ومتابعت
درآمد وامیر اعظم مبارز الدین خلیل بیك که برحسب فرمان حاکم موصل
بود ببغداد در رفت اکنون عراق عرب نیز در قبضه اختیار کارکنان
نامدار ونزول همایون در ییلاق آذربایجان مقرر شد چون
در ما بین محبت واخلاص ومودت واختصاص درجه اعلی ومرتبه
قصوی دارد واجب نمود که این مژده را مصحوب مبشران اقبال بدان کعبه
امانی وآمال ارسال داشتن مناسب دید تا موجب ازدیاد فرحت
وسرور گشته در تواتر وترادف محبت کوشیده ابواب مراسلات مکتوبات
وکلید مکاتبات مفتوح فرمایند چون غرض تحریك سلسله اخلاص
وهواخواهی بود زیادت مرقوم نشد بدان متعلق معتمد سید احمد
طوغان اوغلی بدرگاه اعلی فرستاده شد سایه سعادت وکامرانی
مستدام ودولت ودوستکامی مدام باد بمحمد وآله الامجاد

امیر پیر احمد خانه اوزون حسن تیمور نسلندن حسین بیقرا النداع
مغلوب اولان یادگار محمدی هراتده کوندرب کندوسی لورستانده
خرم آباد قلعه سنی فتح ایلدکده کوندردیکی مکتوب در

عالیجناب اخوت مآب سعادت ایاب مملکت پناه معدلت دستگاه
امیر نوبین اعظم عقل اکمل اکرم افتخار العلماء فی العالم اعتضاد الحکام
والولاة بین الامم سپهدار زمان تهمتن دوران المؤید بتأیید الملك
الصمد نظام الدولة والدین امیر پیر احمد شید الله قواعد دولته
وسعادته راکواکب اقبال بر اوج رفعت وثواقب افضال بر سپهر
حشمت وابهت تابان باد محب نیکخواه قوافل دعوات محبت شعار
ورواحل مدحات مودت دثار که از محض هواخواهی وکمال نیکخواهی
انبعاث یافته باشد اتحاف واهدا میکرداند وازدیاد سعادت ورفعت
از حضرت عزت مسألت مینماید قرین اجابت باد بالنبی وآله الامجاد
بعد اعلام میدود که افتخار الاعاظم والاقران امیر بیك نوکران عزیز
در اعز اوقات بپایه سریر خلافت مصیر آمد ومکتوب شریف رسانید
چون مخبر بر صحت وسلامتی ذات لطیف ومشعر بر انتظام امور دولت
وسعادت بود موجب مسرت وشادکامی شد اخلاص ودولتخواهی
که در ضمن آن مندرج بود بوقوف همایون پیوست ورای عالم آرای

واضح گشت هرآینه دران باب هیچ شك وشایبه نیست واباً عن جد
همین قاعده سلوك بوده اکنون که بر قاعده مستمره بظهور میرساند
موجب ازدیاد مواد ارادت وعقیدت ومحبت ومودت میشود ویقین
داند که این جانب را بجای برادرست جریان امور سلطنت وخلافت
آنکه بعنایة الله تعالی صورتی چند که درین اوقات از تأییدات والله
یؤید بنصره علی من یشاء بر چهره اقبال ما سانح گشت آنست که در مقدم
حال پادشاهزاده اعظم نتیجه اعاظم السلاطین سلطان حسین بیقرا
حاکم هرات شده بود شرایط محبت ومودت بظهور رسانیده ایلچیان
با تبرکات لایقه بدرگاه گیتی پناه فرستاده اظهار موافقت ومتابعت
نمود ازین جانب نیز وظیفه اشفاق واعطاف ظاهر گشته جناب
سیادت مآب شریعت ایاب مولانا ومرتضای اعظم افتخار السادات
والعلماء بین الامم قاضی صدر الدین علی لشکر نویس را نزد مشار الیه هم
فرستادیم بعد ازان بوقوف پیوست که در موافقت ثابت قدم نبوده
مخالفت بظهور رسانید لاجرم خاطر فیاض بر قلع وقمع ابنیه دولت
او متوجه شد وجناب پادشاهزاده اعظم جوانبخت اکرم ثمره شجره
شهریاری نور حدیقه بختیاری وارث السلطنة من اسلافه العظام
واجداده الفخام غیاث الدولة والدین یادگار محمد میرزا که نتیجه دودمان
شاهرخ وتیموری بود واز عنایات سبحانی در ظل مرحمت وشفقت ما
جا یافته حقوق احسان واکرام حضرت میر بزرگ وآن خاندان سلطنت
را مطمح نظر فرخنده اثر داشته تربیت وتقویت او نمودیم وممالك
خراسان را که موروث او بود نامزد کرده همراه فرزند اعز ارجمند سعادت
یار منظور انظار حضرت افریدگار عضد السلطنة ابو الفتح سلطان خلیل
بهادر ابقاه الله تعالی وامراء نامدار یوسف بیك وشاه منصور بیك
وعلیخان بیك بیشلو روانه کردانیدیم از توفیقات حضرت ربانی
وتأییدات صمدانی عز شانه وعظم سلطانه آن ممالك مسخر کردانیده
بجناب شاهزاده اعظم سپرده فرموده وجاءتهم ریح عاصف وجاءهم
الموج من کل مکان مصداق حال سلطان حسین شد وجناب شاهزاده
اعظم عهد وامان بمواثیق وایمان مؤکد کردانیده شهر هرات تا کنار
آب آمویه وسرحد هند وسند بدو مسلم وارزانی داشتیم واکنون
تحت تصرف جناب شاهزاده اعظم مشار الیه است مملکت مازندران
ومجموع طبرستان چون ساری واستراباد وبلاد قومس چون دامغان

وبسطام وسمنان وفیروزه کوه والا رجان • بفرزند اعزارجمند سعادت
یار • وجوانبخت وکامکار • حمیده خصال • منظور انظار ملك متعال •
شمس السلطنة والدین محمد بیك بهادر • ابقاه الله تعالی • ارزانی داشتیم •
وباسی هزار مرد درین سرحد گذاشتیم • والکا وسویهٔ اوکو ایندیم • فرزند
اعز دولتیار • قرة عیون السلطنة ابو المکارم • زینل بیك بهادر که • والی ملك
کرمان وسرجان • تا ساحل بحر عمان است • واز ممالك مرغوب عراق
مثل سلطانیه • ودیکر ولایت بدو ارزانی داشتیم • درین اوقات
متوجه خراسان کشته • تون وطبس وقاین وحایر تا شارجات
بتحت تصرف درآورد • واورا با بیست هزار مرد • دران سرحد تعیین
کرده گذاشتیم • وشاه سیستان که بعد از باسقون سلطان ابو سعید
میرزا • درقره باغ بدولت بساطبوسی مشرف کشته بود • اکنون در
کشورنیم روز • بموجب منشور دلفروز • والی وحاکم شد • اونیز ازان
طرف توجه نموده • درمقام اطاعت وجانسپاری ثابت قدم وراسخ
دم است • امیر اعظم اکرم فدوة الامراء بین الامم ناصر الدین عمر بیك را
با چند امراء تومان وقشونات بضبط وبیلاقیشی ممالك فارس • در شیراز
گذاشتیم • وبر عالمیان واضحست که قلعهٔ خرم آباد • درمملکت لورستان
با وجود آنکه در زمان حضرت خاقان سعید شاهرخ میرزا چند نوبت
محاصرهٔ آن اتفاق نمودند میسر نشد • وپادشاه مرحوم جهانشاه
میرزا که چندین سال درین ممالك استیلاء واستعلا یافته بود • بجرات
باستیصال آن توجه کرد • فتح درست نداده • بعون عنایت مفتح
الابواب • ولطیفهٔ الهی با سهل وجوه • بردست عساکر کشورکیر ما •
مسخر شد • اکنون بتحت تصرف بندکان درکاهست • جزیرهٔ تحت کردستان
بود آن نیز فتح شد • الحمد لله علی نعمائه • اکنون بکرم الله تعالی درین ممالك
که رشك خلد برین تواند بود • هیچ نوع خاطر نکرانی نمانده • واطراف
واکناف وارجا وانحاء آن • برشد سکندر • در استحکام تفوق میجوید
هر اینه ملك حصین • وحصن ملك رصین است • منت وافر خدا را که
چنین است • داعیهٔ ضمیر اشرف • وتوجه خاطر خطیر • برآن مصروف
ومعطوفست که زمستان در آذربایجان قشلامیشی فرماییم • وفصل بهار
بفیض فضل کردگار • عنان عزیمت • بصوب آن ممالك معطوف فرموده •
مقاصد ومطالبی که آن عزیز را در خاطر باشد • چنانچه دلخواه خود بود
شفقت ومرحمت خواهیم نمود • ان شاء الله تعالی • خاطر خود را من کل الوجوه

مرفه دارند • وهمین قاعدهٔ سلوك داشته • پیوسته ابواب مراسلات
ومفاوضات مفتوح دارند • وچنان معلوم شد که • فرزندان عزیز •
از سبب کم خردی • ناسازکاری مینمایند • باید که بران بی عقلی او نظر نکنند
وبنصایح ومواعظ متنبه سازند • ونوعی کنند که برقاعدهٔ حسنهٔ اتفاق
دست حوادث پیرامون اوجاق ایشان نرسد • زیادت انبساط نرفت ❊
دولت وسعادت ورفعت وحشمت مدام ومستدام باد • بمحمد واله الامجاد

سلطان محمد خان جانبنه اوزن حسندن مباهات کونه مکتوبدر

جناب امارت مآب ایالت نصاب • امیر اعظم واکرم • فدوة الامراء
فی الزمان • شمس الدین محمد بیك زید دولته • بعد از تاسیس سلام واتمام
ما لا کلام • معلوم دانند که بیمن تاییدات حضرت سبحانی • وحسن توفیقات
جناب صمدانی عز شانه • ابواب فتوحات جاودانی • واسباب سعادت
وکامرانی • بر چهرهٔ احوال وصفحهٔ آمال ما • کشاده وآماده کشته • از
مکامن غیب • بمیامن عنایات بلاریب • هردم نصرت تازه • وهر لحظه
فرصت بی اندازه • روی مینماید • وازجملهٔ مخایل این معنی آنکه بعد از
تسخیر ممالك آذربایجان وعراق • عنان عزیمت بجانب فارس معطوف
فرمودیم • اعادی ومخالفان که در انجا بودند • از نهیب آن معنی جاء
الحق وزهق الباطل • شنیدند • واین المفر کویان • جای اقامت ندیدند
وصورت • فهزموهم باذن الله • برصحایف روزکار تا ابد ایشان ❊
نقش بست • وغبار نا امیدی برخسار ننکینشان • نشست • وچون
بنات النعش • متفرق شدند • وفرزندان اعز دولتیار • وامراء کبار •
در عقب ایلغار نمودند • امید که بکرم رب الارباب • عن قریب اعادی
دستکیر دولت قاهره خواهد کردانید • واکنون بفیض الهی تمامی
مملکت خوزستان وفارس • از ایادی شیاطین خناس • انتزاع نمودند
در دست اقتدار نواب کامکار استقرار دارد • ودار الملك شیراز
مقر سریر سلطنت • ومسند خلافت شد • واز جانب پادشاه اعظم
سلطان حسین بیقرا ایلچی رسید • وتبرکات لایقه • باسکه وخطبه
بنام همایون ما رسیدند • وعرض اطاعت وانقیاد • ومخالصت ووداد
نمود • بعنایة الله تعالی از هیچ جهت دغدغه ونکرانی نمانده • احبای
دولت مسرور • واعدای خلافت مقهور • ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء
وظیفه آنکه این مژده ها ابتهاج نموده • در ترتیب دولتخواهی ونیکخواهی
کوشند • وابواب درجات از • وعرض حالات مفتوح دارد ❊

الجواب

بسم الله الرحمن الرحيم • وبه نستعين • هذا كتابنا ينطق عليكم بالحق انا كنا
نستنسخ ما كنتم تعملون • اللهم مالك الملك توتي الملك من تشاء وتنزع
الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير • والسلام
على من اتبع الهدى • خالق الكونين • رازق الثقلين • جلت قدرته وعلت
كلمته حضرتنك • بن قولی که والی البلاد وحامی العباد • محیی سنة رسول الله
مجری شریعة نبی الله • علیه وعلی اله صلوات الله • شاه سرورلر • سلطان
محمد بن مراد بن محمد بن بایزید خان • سکاکه سردار عجم • خان اعظم کیخسر
وبکانه • فریدون زمانه حسن خاندن • شال شریفلری شویله اصدار
بیوردم که • اکاه اولاسن کشنیده ولنه معزور اولوب • حددن تجاوز ایدوب
بی انصافلرحرکاتی قلمق علامت انتقال دولت • وامارت زوال مملکتی در
پس شول وسواس شیطانیه که دماغك جوفنی مقر ایدنمشدر • استنشاق
ماء انابت ایله آنی زایل عقل امامنی پیشوا ایلیه سن • که بزم مملکتمز دار
الاسلام در • اباعن جد دولتمز چراغی کفر اهلینك یوزلکی یاغیله روشندر
اسلام اهلینه اکر یاوز قصدك وارسه • اعدای دولت شریعتدن بعضی
سنن • وسکا متابعت ایدوب معاونت ایدنلردر • پس بزم دخی
اول طوایفك قمعنك • قصدینه ابتدا ایلمشیز وقلیجمز قوشانمشدر
بلدم وباغا قل ایدم دیمیه سن • هیچ سن بروکلك حاجت دکلدر • شول
مبارك عزت بیانمه • فتاح ذوالمنن • دستوریله لشکر منصورم ایله
قلعه حصارك اوزرینه وارورین • شول قصده که قهار جبار • تقدست
اسماوه • بن قولنی سبب قیلوب سنك ظلمکی مظلوملر اوزرندن
کوتورم ونام ونشانکی نابدید قیلم • بالجمله تطویل کلام لازم دکلدر
شال میمونمه جواب کوندره سن • والسلام • علی من اراد بی الخیر
والحمد لله الواهب النصرة علی خیر الخلق وعظیم الخلق محمد واله اجمعین

سلطان محمد خاندن قرمانه حاکم اولان اوغلی شهزاده مصطفی
خانه سردارلق حکمیدر اوزون حسنك لشکری دفعی ایچون

فرزند ارجمند دولتیار • وولد سعادتمند کامکار • نور حدقه سلطنت
وشهریاری • ونور حدیقه خلافت ونامداری عضد الدنیا والدین
عون الاسلام والمسلمین • المؤید من عند الملك الاعلی • اوغلم مصطفی طال
بقاه ونال مناه • توقیع رفیع همایون واصل اولیجق معلوم اوله که • مرحوم
ومغفور له کم جهانشاه پادشاه • وسعید شهید سلطان ابو سعید •

نوزاد

نوزادالله من قدرهما واقعه لرندنصکره • مستحق دار ودرسن اولان اوزون حسن
دمره الله بوجانبه • مرة بعد اخری جدا دبانه مکاتیب کوندروب کنایه دن
خالی اولمامشین • جواب لاسفه السکوت • اوزره روباه منبوره • خواب
خرکوش • ویریلوب شیران بیشه غزا وهزبران کوه وغا • ایله انلك
تدارکنده یوزن • ان شاء الله تعالی • ایام بو ایامده انك بعض امراء نکونسارک
قرمان اوغلی تحریکی ایله دیار اسلامه قصد ایتدیکین عرض ایلدیکلری
اجلدن دفع ورفعی ایچون سنی سرعسکر ایدوب • بیوردم که اناطولی
وروم ایلی بکلربکیسی ایله وقت حاجتده اوزرلرینه وارلوب • بتوفیق
الله تعالی باب مدافعه ده دقیقه فوت ایتمیه سن • تحریرا فی اوایل
شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنه ٨٨٢ بمقام قسطنطنیه •

الجواب ازجانب شهزاده سلطان مصطفی

درکاه فتح قرین • وبارکاه ظفر ظهین • تزابنه عرض بنده کمترین بودرکه
حالیا فرمان شریف ورودندنصکره مستحق دار ودرسن اوزون حسن
دمره الله هلك • اقارب عقارب شعارندن • ابن عمی یوسف بن بحت • برنجی
قرندشلریله ونیجه بنام شرف بکلریله • فرمان خانماننك • اولادندن پیر احمد
وقاسمك اوکلرینه دوشوب • قیصریه دن بروعبور ایتدکلرنده بو بنده لرک
محمیهٔ قونیه اوکلرنده بوقلیه ایدوب • حاضر بولنان لشکر ظفر اثر ایله
مدافعه لرینه متوجه اولوب • اناطولی بکلربکیسی لالام کدك احمد پاشانك
صاغ قولنده • وروم بکلربکیسی محمد پاشا بنده لری صول قولنده طوروب
ماه ربیع الاولك اوندردی واقع اولان شنبه کونی مصادمه صفین
واقع اولوب • قوشلقدن ایکندویه دکین جنك وجدال • وحرب وقتال
اولدقدنصکره • بعد العصر دشمنك بختی کونشی غروبه ایرشوب
سرداری بیلاری اولان یوسف • ومذکورون قرنداشلری دیل وعمر
ومظفر ایله دل طوتولوب • سائرلری محمد باقروغیرنامدارلری • خالك
مذلته دوشوب • وباشلری کسیلوب • خسر الدنیا والاخرة • مقتول سندن
اولدیلر • وبقیة السیوف • وادی حوفدن کریزان اولدیلر • الکری نیه مهلکه
دن باش قورتریوب • تارمار اولدیلر • فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد
رب العالمین • بو جمله فتوحات سعادتلو پادشاه عالمپناهك خیر دعاسی
برکاتندن اولوب • امیددرکه باشی وبوغلری اولان اوزون حسن دخی
تیغ سیاست غزاتدن کشته وسرکشته • قور وکفن بنه قلوکنه دن نشو
لاشی طعمه مور وما راولمه • ان شاء الله تعالی • وبومژده ایله چاشنکیر

محمود قوللری کوندریلوب عقبنجه میراخور کیوان بنم لری بالجمله اتلان
باشی ودللرایله سم سمند سعادت تمند لری نه بوز سور بیوایرشمك وزره دز
باقی فرمان درگاه معلی نکدر • بنم بی دیا مصطفی

سلطان محمد خانك وزیری محمود پاشا یه آق شمس الدین کوندردیکی
تعبیر واقعه سید رکه اوزون حسنك انکساریني مشعردر

تحیة من عند الله مبارکة طیبة • وتسلیمة کقطرات الوبل الهطال
صیّبة • الی من بلاد العز معمورة بوجوده • ودیار المروة مغمورة بجو
لو زال الملك منورا بأقمار الطافه • ومزینا بأنوار اعطافه • وبعد
فان القلب القلیل • واللب العلیل • رای رؤیا مبشرة • وسمع بالتکلم
بتعلم السرور • ویشمل الجنود • ویتقوی القلوب التی فی الصدور • لان
الظاهر بالوجدان • منذ سنین • غلبة حسن بیك علی ولایة آل عثمان
ولکن تواطأت رؤیا الصلحاء من الاحرار والعبید والعصا • علی تحول
دائرة الغلبة لسلطاننا • الا انه ما ظهر لی الشهود فیه • وان کنت
حسن الظن فی صدق رؤیاهم المبشرة • کما ذکرت بحضرتکم العلیة •
اما الآن • فانی رأیت عامنا فی لیلة العشرین من ذی الحجة • انی ازور
روضة سید المرسل المصفرة • کما هو شان العلویة • واقرأ ما تیسر لی
من القرآن والدعاء • ثم ارجع منها ثم اعود الی زیارتها عن زمان یسیر
مستودعها • واری ان ذلك السید المزور قائم • کما کان عند روضته
فلما رآنی قال قد وقع بعد رجوعکم وذهابکم امر عجیب • هو انه اشتق
قبر السید البخاری • وقال لی ان رسول الله قال لی ان السلطان محمد یغلب
علی حسن بیك • وقال صلی الله علیه وسلم لیجعل الله لی مشقوقا بنصفین
لو لم یغلب السلطان محمد علی حسن بیك • او قال مثل ما یؤدی معنی هذا
الکلام • وهذه رؤیا مبشرة نرجو ان یجعلنا ممن قال هذا تأویل رؤیای
من قبل قد جعلها ربی حقا • واعجب من هذا انی اری هذه القصة •
التی ذکرها السید مشاهدة حاضرة غیر ماضیة • ومما یدل علی صدق
رؤیای وطبقها ان واحدا من الصلحاء رای مجلسا • فیه رسول الله صلعم
وفی یمینه ابو بکر فعمر • وفی یساره علی فعثمان وفی المجلس جماعة من
الصحابة الکرام • ورای ان جماعة من الاولیاء العظام • استدعوا
واستشفعوا من رسول الله غلبة حسن بیك علی السلطان محمد • فظهر منه
علیه السلام قبول شفاعتهم • واستصوب کثیر من الصحابة هذا الامر
ثم قام ثلثة من الاخیار • وسألوا منه علیه السلام غلبة السلطان محمد علی حسن بیك

وما ظهر

وما ظهر قبول شفاعتهم زمانا ثم لجوا فی السؤال وجدّوا وکرروا المقال • ثم قال
علیه السلام الی علی رضی الله عنه • وجری بینهما النجوی طویلا • ثم قعد سویا والبث
ملیا ثم تکلم علیا کلاما خفیا • ثم علی رفع یده وضرب بها علی فخذه • وقال
جهورًا ثلث مرات • قد غلب السلطان محمد علی حسن بیك • وبعد فانی سألت
من الجماعة الکثیرة الذین سألوا غلبة حسن بیك • فقیل هم اولیاء تونیه وقرمان •
وسألت من الثلثة الذین سألوا غلبة السلطان محمد • فقیل هم ابو ایوب الانصاری
والشیخ العربی • والسید البخاری • والیعلم ان الرؤیا الصادقة جزء من ستة
واربعین جزءا من النبوة • لا یتیسر الا لمن صفا قلبه من الشواغل العایقة
من اتصال خیاله المقید الی عالم المثال • وقدر ان یخرج منه الی عالم الارواح •
ثم الی الفسیح فیجاء مطلع الاضواء • وکان هیئته دماغه صحیحة ومزاجه مستقیما
وسلم قلبه عن الانحرافات المقابلة للمراتب الاعتدالیة • وعن حدیث النفس
وکان مصونا عن الکذب ولا یحبه عن عزم • واظن ان هذه الرؤیا صادقة
من وجوه • الاول ان الشهر الذی وقعت فیه الرؤیا شهر مبارك فیه الحج •
والاضحیة والقربة الی الله • الثانی الفصل وقت نوع الاغصان واستواء
الاوراق • الثالث الرؤیا فی ظنی بعد نصف اللیل • الرابع ان الکلام کلام
المیت • ومن القاعدة المقررة ان المیت اذا اخبر فی الرؤیا بشیء کان ذلك
للمرصاد فاخصوصا اذا کان من المشایخ السادات • ومن سید المرسلین •
الخامس ان من شاخ وطعن فی السن فانه ینبغی ان یصدق قوله فی الرؤیا
خصوصا اذا کان من اهل الصدق • ولا یذهب علی الخاطر ان الرؤیا مصنوعة
لان الرائی ثابت عنده قوله علیه السلام • من احتلم حلما لم یره کلف یوم القیمة
ان یعقد بین شعیرتین ولیس بعاقد • السادس وقت قرب النهار الی الکمال
السابع وقت قرب الشهر الی التمام • والثامن وقت قرب الربیع الی الکمال •
والتاسع وقت قرب السنة الشهریة الی التمام • والعاشر وقت قرب شهر
ذی الحجة الی الکمال • لان العشرین برزخ بین الوسط والاخیر • وله حظ
من الاخیر • ولا یخفی ان فی اجتماع خمس قربات • اشارة الی خمس حضرات •
والی خمسة عروش والی خمس امهات الکتاب • والی خمس نکاحات • والی خمس
من الاستدعاءات • وتحت هذه الاشارة اسرار لا یحتمل الاقدام البیان
بالکمال والتمام • یطلع علیه من له حظ من الوحی والالهام • ولا یحیط نطاق
الاقدام والکلام ببیان حال الرؤیا علی اقتضاء الحال والمقام • ولیعلم ان
هذا الفقیر عنده الآن حال الجند الشام • هل کانوا علی وفاق او شقاق
ونفاق • وما ظهر بای کیفیة یکون الغلبة • ولکن هنا ان تکون بغیر سیف

ودم مهراق • بل تقذف الرعب فى روع الاعداء • وانزال السكينة فى قلوب
الاحباء • وتخريب بيوتهم بايديهم • وبانزال الجنود لم تروها • وبعد فان هذا
الفقير قال للسلطان نصره الله همتنا ان يكون التاييد والنصر من عند الله
بلا سيف ودم مهراق • فليكن عهد بينك وبين الله ان كان هذا الامر كما قلت
ان لا تؤذى عباد الله الذين هم برآء عن المقابلة والمقاتلة من التسبى
والقتل ونهب الاموال • قال ان نصر فليكن العهد على هذا • قلت لا اسمع منكم
وقوع نقض العهد بعد ميثاق • وقال فليكن الامر كما رسمت • فالمامول منكم
ان وقع الامر كما قلت تذكروا العهد الذى جرى بيننا ليحصل الاجر الجزيل والذكر الجميل

سلطان محمد خان اوزون حسن اوزرينه كيدركن كورديكى واقعه‌يى تعبير ايدركه آق شمس الدين حضرتى يازوب كوندرمشدر

الحمد لله الذى اظهر المعانى فى القلم الاعلى على التجميل • وعينها فى اللوح المحفوظ
على التفصيل • وصورها باقدار الملائكة الصديقين فى الخيال بالتمثيل • ليكون
تبشيرا وانذارا • تارة بالتصريح واخرى بالتاويل • والصلوة على حبيبه الذى
هو الاصدق رؤيا • والاعلم بتاويلها وحيا • وعلى آله الاخيار واصحابه الاطهار
وبعد فان الملك لا نظير له فى المملكة كذلك لا يكون لاحد مثله فى الرؤيا • فاذا
عزم الملك على امر لا يريد العمل به فى تدبير ملكه الا راى عاقبته وتاويله
فى منامه • ورؤياه اصدق الرؤيا • واصحها • ليلا راى او نهارا • على اى حالة
كان عليها • لانه راعى الناس لا سبيل للشيطان الى رؤياه غالبا • قال النبى عليه السلام
فى اخر الزمان لم يكد رؤيا المؤمن يكذب واصدقكم حديثا خصوصا اذا كان
الرائى سلطانا اوكل اولاخيرا لنقاه • وشرا توفاه • خيرا لنا وشرا لاعدائنا •
والحمد لله رب العالمين مقتديا بسيد المرسلين • واقول ثانيا التنين سلطان
عظيم الكيد مهيب مخوف ظلوم لا يأمن منه صديق ولا عدو • وذو لسانين
ليس له كلام واحد لان التنين ذو لسانين ولا يسلك مسلكا واحدا • والخوف
منه بغير رؤيته امن له مما يخافه ويحذره • ويدل الى الولاية والحكمة قال الله
حكاية • ففررت منكم لما خفتكم فوهب لى ربى حكما • واما الخوف منه بعد المعاينة
فتاويله خوف من عدو لا يقدر ان يضره • والهجوم مع الطرادة دليل
على سرعة قصده اليه • وتعجيله فى ايصاله الضرر • والهجوم ثلث مرات يدل على
ثلث حاربت فى مقابلته واصحت غالبا • ومرة اخرى يدل على زوال دولته وانحطاطه
اخرا بيت تركى كر نه اوله كلهٔ اوله سيل وار • سونكى اولوب دوشر اول
خور وزار • كما قال عليه السلام من تكبر حطه الله وقال تعالى ومن بغى عليه
لينصرنه الله • واما وضع السلطان ذلك التنين بثوبه • فانه يدل على تمنعه

بجنوده الخاصة عنده لانهم بمنزلة ثوبه • كما قال عليه السلام الانصار شعارى
وكذا الجنود زينة الملك • كما ان الثوب زينة الرجل • قال تعالى خذوا زينتكم
عند كل مسجد • المراد بالزينة الثوب الذى يوارى عورة الرجل • كما قال تعالى
لباسا يوارى سوآتكم • واما الخنجر فانه اذا رآه انسان ينال مالا وغنى • واما
الخرزة التى فى رأسه فتاويله طلب الجواهر التى هى اعز خزانته عنده • واما المعاون
الذى لا يعرفه • والله اعلم • فهو ولى من رجال الاعداء • ومنصبه امداد خليفة
الزمان • ونصره وتاييده • او ملك موكل عليه • ومنصبه الهام السداد والصواب
فى تدبير مملكته • سواء ذلك الصواب مشروعا او معروفا اللهم افتح له فتحا
مبينا وانصره نصرا عزيزا • نصيحة • اذا خرب الافزاع والاهوال والابلاء يا فلا بد
العمل بقول الرسول لا يرد القضاء الا الدعاء ولا يزيد العمر الا البر ان الدعاء ينفع
مما نزل ومما لم ينزل فعليكم عباد الله بالدعاء الصدقة ترد البلاء وتزيد
العمر • ولا بد الاستمداد من الصلحاء والضعفاء والمرحمة لهم • قال عليه السلام
ارحموا من فى الارض يرحمكم من فى السماء • ولا يخفى على الضمير المنيرات هذا
الفقير مشتغل بخير الدعاء فى العشى والابكار • والاصال والاسحار على الاستمرار

سلطان محمد جاننده اوغلى جم سلطانه كم قسطمونى حاكميدر اوزون حسن حقنده يازلمشدر

فرزند ارجمند ارشد اسعد • نور حديقهٔ سلطنت • ونور حدقهٔ خلافت
نهال باغ جوانى • وثمرهٔ شجرهٔ سلطانى بهار ذالدولة وكذين • المؤيد من
عند الملك الكرام • اوغلم جم طال بقاه • ورزقنا عاجلا لقاه • نوقيع رفيع
جهانبانى ونشان عالیشان كشورستانى • واصل اولجق معلوم اولدكم
اوزون حسن قصور عقلندن • الفتنة نائمة لعن الله من ايقظها مضموننى
غفلت كوستروب مسلمانلرك مال ومنالن • واطفال وعيالن غارت ايدوب
اهل اسلام رنيك دار اسلامدن دفعى شرعا وعقلا • واجب اولدوغى سببدن
سلطنت قاهره متقاضى اولدیكى جناب حقك عزشانه عنايتنه • وحضرت
رسول عليه السلام شفاعتنه اعتماد • واستناد اولنوب • رايات اسلام
نصرت بيام • نصرالله امثالهم الى يوم القيام • اول اطغاء شرر شرار وفتنهٔ
طغيان وضلالتى ايچون طلوع خفوق واهتزاز بوله چون خيل موكب
كواكب شكوه كروه ابنوه حدود ممالك محروسه • سمت وصول بولدى عدونك
مخذولك • خذله الله تعالى فى الدارين • اخذى فحوالته • وفوت تمام تحصيل
قبلنسى كم مرده اوباش تركمانك تاراج الايماندن جمع كثير • وجم غفير ارادسته
ايدوب • وسط ولايتنده ترحان ديمكله معروف محلده • مقابله ايلمه ايلدى

ناله روبین خسروانی • وصدای طبلخانهٔ سلطانی • دماغ فلکی پرطنین
ایتدی • مذکور مقهوردخی لشکرینی جمع ایدوب مصدوقهٔ • وظنوا انهم
مانعتهم حصونهم • واقع اولوب • اینما تکونوا یدرککم الموت ولوکنتم فی
بروج مشیدة نحواسندن غافل اولوب • دماغ جنانی بخار عصیان ایله
پر اولشیدی • صدرگاه لشکرده طوروب • ایکی طرفنه اوغللری زینل و اوغورلو
محمدی میمنه ومیسره ایدوب • قتاله اقبال ایتدی • بوجانبدن عسکر
جرار سبیل العرم که • شوامخ اطواد • ورواسخ اوتاددن اعناق وهاده منحدر
قیلدی چون هول صدمات قهرمانی • وتندباد عرصات کشورستاندن
انلرک قلوبنه رعب ورهب وهراس غالب کلوب • سیهزم الجمع ویولون
الدبر • قولی ایله عمل اولنوب • بنات النعش کبی پریشان اولدیلر • اکثر
آدمی طعمهٔ شمشیر آتشبار اولوب • بقیة السیوف اولان بجلوی
اسیر سلسلهٔ خسار واقع اولدی • وزینل نام اوغلی که فرط شجاعت • وکمال
شهامت ایله مشهور ایدی • اثنای حربده • قتل اولنوب • باشی استنبوله ارسال
اولندی • اوغورلو محمد نام اوغلی ایله • کحمر مستنفرة فرت من قسورة •
فرار کوستردی • من بعد احواللری دایرهٔ امکاندن متجاوز در جبه خانه
وخزینه سی وباقی اسبابی نهب وغارت اولنوب • معموره سی تخریب
قیلندی • عساکر منصوره سالما وغانما اردوی همایونه معاودت قلدی •
بیت کسی را با شود عاصی کر او را بخت برگردد • بجو وقت مرادش می آید
بگرد درکند کردد • بو فتح وفیروزی اول ماه ربیعک نصفندن
چهارشنبه کونی عنایت ربانی دن طلوع قیلوب • تاریخ سالی
انا فتحنا لک فتحا مبینا سوره سندن • وینصرک الله نصرا عزیزا •
آیتی ایله مورخدر • بو تاریخک تناهی فتوحات غیبیه واقع اولدوغی انها اولندی

سلطان محمد خان خراسان پادشاهی سلطان حسین بایقرا یه
یازدیغی نامه در اوزون حسن خصوصنده

عالیحضرت فلک رتبت خورشید منزلت • سلطنت مآب شوکت نصاب •
عدالت قباب • جالس سریر الخلافة بالاستحقاق • وارث ممالک الرقاب
بالاطلاق • رافع الویة النصر والامن والامان • ناشر الویة العدل و
الاحسان المؤید من عند الله الملک القادر • عضد الدولة والدنیا والدین
سلطان حسین بهادر • ابد الله ایام معالیه واقباله وزاد اعلام سلطنته
واجلاله را • شرایف دعوات صافیات متتالیات • ولطایف مدحات
وافیات متوالیات • مبعوث از فرط محبت ودولتخواهی • ومنشعب از عین

مودت پادشاهی متحف ومهدی داشته • هموارہ خواهان ملاقات
سعادت آیات شناسند • نیل آن مطلوب • بروجه مرغوب مقدور میسر
باد • برب العباد بعد • بضمیر منیر که عکس پذیر نقوش عالم ملک وملکوت است
انها میرود که درین ولا • چنان استماع افتاد که در میان حضرت سلطنت مآبی
وحسن بیک • صورت موافقت وموالات • بمخالفت ومعادات • تبدیل
یافته • حال انکه قبل ازین حالت نظامی که بین الجانبین • سمت انتظام
یافته بود • از لطف معاش وحسن انتعاش • وکمال خلق وخلوص
نیت آن حضرت بوده • والا احوال واطوار آن شخص چنانچه معلوم این
جانبست • اقتضاء ولا وحسن وفا نمیکند • از دلایل این معنی انکه او مدتی
که درحوالی سرحد ممالک محروسه بود • شرایط مجاورت واشفاق ومراسم
عطوفت وحسن اخلاق • ازین جانب مشاهده کرد • ودرحالتی که بجانب
پادشاه مرحوم جهانشاه میرزا • وخاقان سعید سلطان ابوسعید
طاب ثراهما • تعرض وتوجه نمود • اگر جمعی از عساکر منصوره که بضبط
آن حدود • مشغول ومأمور شدندی که درعقب او بولایت او درآمده
تعرض کردندی • معلومست که حال او بچه انجامیدی • اما چون آبا وکرام
واجداد عظام • انار الله براهینهم • بغزو وجهاد مألوف • وباعلاء کلمة الله
العلیا مشغوف • بوده اند • ودأب این دودمان عظیم الشان جز مقاتله
با فجرهٔ کفار • ومقابله با کفرهٔ فجار نبوده • اقتدا بسنهٔ سنیهٔ آبا واجداد
که بتحقیق فرض است گذاشتن • وبجمعی که از ملوک اسلامیه معدود
بوده غرض نمودن • ودرحالتی که جیب جانش مقصد ایادی اعادی
گشته • دامن اورا کشیدن • از فتوت ومروت بعید دید • بنابر آن
منهج سلوک نشد • چون او ازان طرف نوع فراغ یافت • بغدر وخداع
در استجماع لشکر کوشیده • بی سببی موجب • وغرضی باعث • درحینی که
لشکر غافل بوده اند • وبرادر وست می پنداشتند • بعضی ولایت سرحد
ممالک محروسه را تاخت • وهمچنین حرکتی شنیع وعمل فظیع را ارتکاب
جایز داشت • با وجود انکه فوجی از عساکر نصرت مآثر که ان حدود بدیشان
متعلق بود • با لشکر ملاقات کرده مقابله نمودند • وان گروه طغیان
شعار را دمار از روزگار برآورده • یوسف بیک که باشلیق لشکر بود
گرفتند • جهت حمایت رعیت • وودایع الهی • وحمیت سلطنت وپادشاهی
درمقام انتقام شده • وکسی را که پای تجاوز از گلیم حد خود بیرون
کشد • برجای خود نشاندن لازم دیدیم • بنابر آن با وفود انجم شمار •

بجنود لم تروها عنان عزیمت برای صواب نمای بصوب ممالك او معطوف
کشت • چون در مقام مقاتله مقابل شد • بآن جمله و تجمل بحمله اورا
تحمل نیاورده • فرار بر قرار اختیار کرد • و بعض لشکریانش طعمهٔ سیوف
انتقام کزار • و صوارم صواعق کردار شد • و بعضی اسیر دست سلاسل
و اغلال بمسند سلطنت و اجلال آوردند • و بر همکی معلوم که اکر چند روز
دران دیار توقف می فرمودیم • هر آینه او دستکیر دولت قاهره میشدی •
و اکر بجسته در کوشهٔ متحصن شدی • اکثر ممالکش بحوزهٔ تصرف نواب
کامیاب در می آید • اما چون مقصود کلی قدر او را با او باز نمودن • و ازالهٔ
قوت نخوت و غرور از دماغ خاطر او کردن بود • بان جهات ملتزم نشدیم
و دران اثنا که فتح حصن حصین از متعلقات ولایت اوکر در نواحی ممالك ٥٨٥
محروسه واقعست میسر شده بود • عزیزی دانشمند متورع را جهت استشفاع
فرستاد • و مجدداً بنای صلح و صلاح نهاد • و مؤکد مواثیق و عهود نمود • ما نیز
اعتماد و اعتقاد بر ایمان و ایمان او کرده • مقتضای و ان جنحوا للسلم فاجنح
لها و توکل علی الله کار بند کردیم • مشروط بر انکه آن شرایط را کما هو حقه
مرعی دارد • و قدم انبساط از جادهٔ ادب • بیرون ننهد • و قریب دو هزار
مرد لشکریان او که اسیر بودند • آزاد کرده بدو فرستادیم • اکنون معلوم
شد که عهد و پیمان او بطلان بوده است • نه چنان و افعالش موافق
آن اقوال نه • چنانچه رسل و رسائل از جوانب بکفار دیار • دمرهم الله
الواحد القهار • فرستاده و ایشان را بر تعرض دیار اسلام • لا زالت اعلام
الدین فیها مرفوعة الی یوم القیام • اغوا و اغرا نموده • چنانچه بکرات قصد
باملکا تیش کرفته • بمقر سلطنت آوردند • اکرچه بعون الله تعالی و حسن
تأییده • اسلام و اسلامیان را از آنچه ضرر و آسیبی نیست • اما وساوس
شیطنت زایل نمیکردد • لاجرم دفع و منع او واجبست • اکر چنانچه ایشان
رعایت ناموس کرده • بانتقام او متوجه شوند • خواه امداد و خواه آینده •
صورت حال اعلام فرمایند • که ما نیز از این جانب با تمامی عسکر منصور •
توجه می نماییم • و او را بدین طرف می کشیم • تا ایشان مقاصد خود محصل
فرمایند • و کمان نبرند که مثل اول بنا بر حفظ قوانین مروت متوجه و ملتفت
نخواهیم شد • چه معلوم شد که او مروت را نمی داننده • و حق آن نمی
شناخته • این معانی تحقیق دانستن بقین فرمایند • که ما را درین جانب
بهیچ وجه از وجوه نکرانی و سبب بازماندکی نیست • و بفضل حضرت
اله • جمیع مقاصد و مرادات • برحسب دلخواه هست •

سلطان

سلطان محمد خان دارای عجم اوزون حسنی منهزم قلدقدن ممالك محروسه یه
یاردیغی فتحنامه دد

رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی •
وما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم • الحمد لله الذی اعز من اطاعه و اتقاه •
و اذل من اضاع امره و عصاه • الموفق لمن اصطفاه باتباع من یحب و یرضاه •
الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله • والصلوة
والسلام علی نبیه محمد المصطفی صاحب الفتح المبین • المنزل علیه و کان حقاً
علینا نصر المؤمنین • الذی نضر ریاض الاسلام بزلال صوارم المجاهدین •
و علی آله و صحبه القائمین • بنصرة الحق الی یوم الدین • و بعد بر رأی ذوی الالباب
مستبهم نماند که بتایید عنایت ازلی و توفیق هدایت لم یزلی • از بدو ظهور سلطنت
این خاندان عظیم الشان • و بنا شیر صبح خلافت دودمان عالی مکان •
بر مقتضای • ولینصرن الله من ینصره • همواره همت بلند و نهمت ارجمند
بر نصرت رایات دین حضرت احدی • و نشر آیات ملت احمدی • و ارتقاء معارج
شریعت غرای نبوی • و اعلاء مدارج طریقت زهرای مصطفوی • مصروف
داشته ایم • و بحکم • و جاهدوا فی الله حق جهاده • در قلع قواعد بنیان
کفر و ضلالت • و قمع مقاعد ارکان شرك و جهالت • و تقدیم مراسم غزو
و جهاد • که از فروض کفایه عبادتست • غایت اجتهاد را لازم و متحتم
داشته • در رفع بیت ملت اسلام • و دفع صدا ظلم ظلام • از صفحات
مرآت ایام • بصیقل تیغ تأبید نیام • بنوعی اهتمام فرموده ایم که انار آن
بر اهل روزکار • و سکنهٔ هر دیار • واضح و لایح آمده • تیغ صیقل صفت ما
بنور توفیق بوده • از آیینهٔ دهر هر رنك ظلام • الحمد لله علی ترادف عنایته
و تضاعف توفیقه و هدایته • و درین اوقات چون بعضی از عصاة • سلوك
٥٨٦ طریق طغاة را مسلوك داشته • در تخریب بلاد طغات • قدم جسارت
در دایرهٔ خسارت • نهادند • و زمام ارادت بشیطان داده • از جادهٔ هر
راستی • بتیه طغیان افتادند • و درد اسر مسلمین عناد • و ایشان بقبایح فسق
و فساد کوشیدند • بنهی • ولا تبغ الفساد فی الارض • نهی نکشتند • و ازین
غافل که بیت بر سر از دست قضا سیلی تقدیر خورد • هر که از جادهٔ شرع
نهد پای برون • و هر چند این صورت بمعنی حقیقت از قبیل الا یمن و لا
تغنی بوده • اما ظاهراً در تحریك کفرهٔ فجره • بر اقدام اقدام • در بساط انبساط
سببی کلی مینمود • بنا بر آن عزیمت • بحکم • و قاتلوهم حتی لا تکون فتنة •
بصوب مصالح بلاد و عباد • و دفع و منع فتنه و فساد • و سد ثغور •

وصدثرود محطوف ساخته برحسب توجه حيث نشث فانك
منصور توجه فرموديم بيت فتوح سوى يمين وسعود سوى يسار
فلك بزير ركاب وزمانه بپيش عنان وچون نواحى ارزنجان وصحارى
ترجان مخيم خيام عظمت وجلال ومضرب سرادقات حشمت واقبال
كشت مخالفان ان جمع كثير وجم غفيركه مالا عين رأت ولا اذن سمعت
لشكرى آراسته بمقاومت ومقاتلت برخاستند واعتماد بركثرت افراد
واقوام واستناد برانصال وسهام خود نموده ازمعنى ان بنى عمك فيهم
رماح غافل ووراء ماكن سينه مختص بوده ازاعجاز اينما تكونوا يدرككم
الموت ولوكنتم فى بروج مشيدة داخل آمدند وبيوسته بطريق قطاع الطريق
انتهاز فرصتى وانتظار نهضتى مينمودند بعد مسافت مابين مضارب
الخيام بدو فرسخ رسيد كلك قضا رقم واذا نزل بساحتهم فساء صباح المنذرين
بروجنات حال ايشان كشيد ودر روز چهارشنبه منتصف ربيع الاول
بداعيه كه محطوط خاطر ايشان بود بمصاف درآمدند درآن حالت بشير
عالم غيب بلا ريب نداء وان يخدعوك فان حسبك الله هو الذى ايدك
بنصره وبالمؤمنين بكوش هوش رسانيد اعتماد فرموده الا ان حزب الله
هم الغالبون فرزندان دولتيار وامراء نامدار وركبان شجعان نصرت
شعار را بجنود لا قبل لهم بها بمحاربه رخصت داده رايات ظفر آيات
بخفوف بتاييدات الهى كانهم بنيان مرصوص درعقب توجه فرموديم چون
كوكب طليعت شجعان ازافق رزمگاه طالع شد امارات خوف وهراس
برصفحات احوال آن فرقه ناسپاس سمت ظهور يافت وجمعى كه ثريا صفت
دست انتظام بهم داده بودند چون بنات النعش متفرق كشته بصفت
حمر مستنفرة فرت من قسورة فرار برقرار اختيار نمودند بيت كلاه
كوشه خورشيد چون بديد آيد ستاركان بضرورت فرونهند كلاه
وجمعى كثير از امرا واتباع وجنود مخالف دستكير اولياء دولت قاهره
آمدند متعطشان وادى نبردگاه بزلال سيوف آبدار عساكر نصرت
شعار سيراب شدند بيت كسى كشته شد زير شمشير وتير
كه كشتن بود فتنه را ناكزير وبرمقتضاى ارحموا من فى الارض يرحمكم
من فى السماء رقم عفو واغماض برنامه جريمه اعمال بقية السيوف
كشيدند هركس را على قدر طبقاتهم وتفاوت درجاتهم مشمول احسان
عواطف خسروانه كردانيديم بيت كسى نيك بيند بهردوسراى كه نيكى رساند
بخلق خداى والحمد لله الذى صدقنا وعده واورثنا الارض نتبوء من الجنة

حيث نشاء فنعم اجر العاملين والصلوة والسلام على محمد المبعوث على
العالمين وعلى آله وصحبه اجمعين وسلم تسليما كثيرا الى يوم الدين

سلطان محمد وزيرى كورك احمد پاشايه آق قويونلى رقيه خاتون
كوندرمشدر يوسف وعزى اوغللرى خلاصنه

عاليجناب دولت مآب امارت انتساب افتخار الامراء فى العالم ناظم
امور جمهور بنى آدم مقوى الضعفاء الملهوفين مرجع ارباب الاستحقاق
بعنايت رب العالمين المستغنى عن الاطناب فى الالقاب المنخرط اراد تهم
فى الصدق والثواب فخر الدولة والاقبال والدين احمد پاشا اعلى الله تعالى
شأنه ورفع مكانه ادعيه منبعثه از محض اخلاص ابلاغ كردانيده بعز
اصغا رسانيده ميشودكه چون روايح آثار اشفاق والطاف واحسان
خسروانه واعطاف وامتنان پادشاهانه بمشام جان مهجور ازمهب عنايت
رسيد چند كلمه عرضه داشت پايه سرير اعلاى حضرت خان خاقانى
سليمان مكانى كيتى ستانى ارسال رفت توقع ازمكارم اخلاق آن جناب
معالى مآب على الاطلاق انكه چنانچه ازكمال بزركى ومروت واحسان ذات
عديم المثال سزد التفات امداد ومعاونت بقدر الوسع والامكان
دريغ نفرمايند دولت دو جهانى قرين باد بالنبى وآله الامجاد مخلصه رقيه

رقيه خاتونه كوندريلان جواب نامه در

بجناب عصمت مآب عفت آياب خاتون عظمى وبانوى كبرى ذى العصمة والطهارة
ذات الطاعات والسعادة المعتصمة بالطاف الملك الرحمان رقيه سلطان
دامت فى سرادقات العز والاجلال باستحصال الامانى واستكمال الآمال
تسليمات طيبة النسمات كه ازمهب لربكم فى ايام دهركم نفحات انبعاث
يافته باشد ازفرط شفقت وكمال اعتنا ابلاغ داشته اعلام ميرود كه
مكتوب شريف كه بجنبه عليه سمت ارسال يافته بود مشتمل بر التماس
واستدعاء اطلاق فرزندان ارجمندش بشرف عرض وغرض اصغا مقرون
كشت حال انكه قبل ازين مافى الضمير كه در وضوح حقيقت مانند بدر
منيرست اعلام آن جناب عصمت مآب وعفت پناه رفته بود خلاصه
كلام انكه ايشان را ازقيد تقيد نجات خلاص دادن وخلعت رخصت
ارزانى داشتن خصوصا كه متكفل دعاء خير آن خاتون آخرت تواند بود
نسبت بمراحم پادشاهانه سمت يسر دارد اما چون احتمال هست كه
بمحامل اخر محمول شود در امور ملك واحوال سلطنت تحمل آن از دايره
امكان متجاوز مينمايند هرچند فرموده اند كه فى الحقيقه محل غير از عين

مرحمت وعین شفقت نخواهد بود اما گاه می باشد که صورت حقایق
احوال در اقطار ودهور دیار بردهٔ استتار می ماند و در بیشتر اقطاع
واکثر بقاع مادهٔ نفاق هم انقطاع نمی یابد بنا بر آن برای هر کدام از ایشان
بیست بار صد هزار اقچهٔ تبریزی که جمله شصت بار صد هزار اقچه باشد
تعیین رفته که بخزانهٔ عامره واصل کردانند اکنون بصورت پیشکش
تحف وتبرکاتی که بدرگاه گیتی پناه فرستاده بودند بمبلغ چهار صد و
پنجاه هزار تبریزی حساب کرده شد بنا بر التماس آنجناب بیک فرزندش
را امیرزاده زینل میرزا که رافت ومرحمت فرموده رخصت توجه دادیم
مقرر آنکه بزودی برود وتتمهٔ مبلغ مذکور پنجاه و پنج بار صد هزار
اقچهٔ تبریزیست سرانجام نموده واصل خزانهٔ عامره کردانند تا دیگران
نیز مرخص شوند واگر چنانچه در تحصیل وجه مذکور توقفی روی نماید
باید که مشار الیه را بسرعت کردون فرستند که تحف مذکوره بعینها با قیمت
آنها فرستاده شود واگر بعد از مدتی که با فرستاده آن جناب عفت قباب
معهود شده وجه مذکور نرسد یا مشار الیه باز نیاید یقین دانند که
به برادران او درین جانب ضرر میرسد درین باب آنچه مقتضای مروت
پادشاهیست با حفظ ناموس سلطنت مرعی شده ما دانند واز جمله
تبرکات کتب که فرستاده بودند اکثر درین طرف متداولست وکتابت
از کتب غریبه وتبرکات بدیعه مثل مرقعات وغیره را طالب باشند که
مطلوبست دیگر احوال یوسف بیک وعمر بیک برحمین منوالست که مذکور ۴۸۸
کشت جهت یوسف بیک دویست تومان تبریزی وجهت عمر بیک
یکصد وپنجاه تومان تبریزی مقدرست بیقصور روانه کنند تا معلوم
باشد چون مقصود مبسوط شد بساط الاطناب مطوی کشت سالها
در پردهٔ عصمت بماناد تحریرا فی الیوم العاشر من شهر شوال سنه ثمانین وثمانمائه

سلطان محمد جانبندن مزبوره رقیه خاتونه یازیلان ایکنجی نامه در

جناب عفت مآب عصمت اباب خاتون عظمی ومخدرهٔ کبری ملکة الملکات
ذی العصمة والطهارات رقیه سلطان خاتون دامت عصمتها بصنوف
مراحم واشفاق ملحوظ کشته معلوم فرماید که مکتوب آنجناب که بسدهٔ
عالم مناب فرستاده بود عز عرض یافت ومضمون آن بوقوف همایون رسید
صورت واقعهٔ مرحوم مبرور امیرزاده محمد باقر تغمده الله بغفرانه چون
برحسب تقدیر قدر بود در دفع آن اجتناب وتدبیر نبود امید که دیگر فرزندان
وارث عمارت او باشند چون قبل ازین در باب استخلاص ایشان التماسی

فرموده بود ودر جواب کیفیت حصول خلاص وسبب طلب خون بهاء مذکور
کفته بود همان دستور مقررست وطریقه آنکه مبلغی که جهت هر کدام
از زینل بیک ومظفر بیک مقدر شده بفرستند که امیرزاده مظفر خلاصی
یافته متوجه شود واز هدایا وتحف که فرستاده اند در حین حساب
بموجبی که تراضی جانبین باشد محسوب خواهد افتاد والا بچنین باز داده
نخواهد شد غرض که حکم بر نهج سابق مقررست واگر در فرستادن
وجه مذکور تعللی باشد امیرزاده زینل را باز فرستند ودر ضرر لاحق
برادرش که درینجانب است خواهد کشت تا دانند چون عاقلهٔ زمانه
است بر موجب قول همایون عمل خواهد نمود تا موجب خلاصی ایشان شود بعنایة الله

رقیه خاتوندن سلطان محمد درکاهنه تضرع نامه در

همیشه نهال آمال واغصان اقبال حضرت خلافت دستگاهی ظل الهی صاحبقران
سلیمان مکان گیتی ستان در ریاض سلطنت وکامرانی وجنان معدلت
وجهانبانی بمیاه مرحمت ومراد بخشی تازه وسر سبز باد بحق محمد وآله الامجاد
بعد معروض نواب کامیاب میرود که خطاب مستطاب که بیوسف کم کرده کنعان
بوادی هجران واشارتی باشارتی که بمحزونان مجوس در آبادی احزان
کالوحی النازل من سماء المراحم والاحسان فی صحف مکرمة مرفوعة مطهرة
از کمال التفات پادشاهانه وعاطفت خسروانه شده بود چون فواتح آن فوایح
روح پرور وخواتیم آن روایح روح کستری را متضمن بود موجب امید واثق
ورجاء صادق شد بر ضمیر منیر خورشید آسا روشن وهویداست که
بعد مضی ما مضی بین الحضرتین نسبت اتحاد ومودت بتاکید پیوسته
ودر اکناف واطراف آفاق صیت مصافات وانعقاد موالات ووداد
واتفاق بر طبق سابق انتشار یافته واظهر من الشمس وابین من الامس
کشته بنوعی که تصور غیر آن بعداً وقرباً مستبعد وغیر متصورست
چنانچه در خطاب اعلی اشارت بدان رفته است فعلی هذا اطلاق
بعضی از مقیدان که بالنسبة الی الاتحاد والمحبة المذکورة از متعلقان
وملازمان آن آستان فلک اشباه اند بغیر مرحمت وعاطفت ومروت ۴۸۹
واشفاق محلی دیگر ندارد که توهم حمل آن توان کرد هر آینه جز همت
بلند وهمت ارجمند که امثال این عوارف واحسان بالنسبة الیها سهل
وآسانست موقوف علیه دارد وذلک امر فیه موجود شعر له همم لا منتهی
لکبارها وهمته الصغری اجل من الدهر ولقد هدیه وتحفه الفقیر
عیب نظر باید که مناسب حال مرسل است نه مرسل الیه چه بدین مقال

عذرخواهی میرود **شعر** جاءت سلیمان یوم العرض قبّرة بنصف رجل
جرادٍ كان فی فیها • ترنّمت بفصیح القول واعتذرت • انّ الهدایا علی مقدار
مُهدیها • فی الجمله حصول مقصود • موقوف بالطاف تی غایة علی بتجلی •
جال وجلال آلهیست • ظل ظلیل حضرت خلافت مکان • بر مفارق امثال میان
ممدود باد • بالنبی واله الامجاد • ضعیف رقیه سلیمان

سلطان محمد ولایت کفه یی فتح ایدنکده ولایت قریم حاکمی احمد خانه کوندردکی منشور

بجناب خوة مآب حشمت ایاب رفعت قباب • خان اعظم نوینات اکرم •
المحفوظ بعواطف الملك المنّان • جلال الملك والدین احمد خان • ادام الله تعالی
ایامه فی دوام العدل والاحسان • سلام مالاکلام مبعوث از فرط محبت
واهتمام • ومنشعب از کمال التفات والتیأم • درسلك ابلاغ انتظام یافته
اعلام ضمیر الهام ارتسام • انکه چون درسوابق ایام • بین الجانبین قواعد
محبت وودادُ • ومقاعد مودت واعتقاد • استحکام داشته • بمقتضای
المحبّ یتوارث پیوسته تاکید مبانی این معنی مرکوز ضمیر منیرکه مورد تاییدات
سبحانیست می بود • تا فرصتی که بیاری باری • وتایید کردکاری عزّ شانه •
فتح مملکت کفه روی نمود • بواسطه قرب جوار • بآن جناب بزرکوار صیت
نیکونامی ومعدلت وآوازهٔ محاسن شیم آن حضرت کما استماع افتاد • دواعی
اظهار آثار ولا • وحسن اعتنا مترادف شد • ودرین اوان که بنا بر قبح اعمال •
وشنایع افعال قوم بغدان که کفران نعمة امات کرده • واتش بغی وطغیان
در دماغ جانش اشتعال یافته بود • بدلالت دولت بدان ولایت عبور نمودیم
وقلع وقمع ابنیهٔ کفر وعدوان فرمودیم • وچرك شرك از روی آن مملکت
سترده ودیم • ودران دیار از کفار • دیار نکذاشتیم • وتیغ انتبار وریح کینه کرار
بر مفارق احوال ایشان کماشتیم • بحمد الله تعالی ویمن اقباله • فتح لواء فتح مبین •
ونشر اعلام نصر عزیز • بدستیاری توفیق کردکاری دست داد • واجب نمود
بوسیله این فتح عظیم • تجدید عهد محبت قدیم نمودن • وباب ارسال رسل
ورسائل که احکام مبانی موالات را وسایل است مفتوح داشتن • تا بو ما فوما
اثر محبت واخلاص مترادف ومتضاعف کردد • وچون امیر اعظم نامدار •
نوینین اکرم دولتیار • مبارز الدین دولت خان که انتساب بدان دودمان
عظیم دارد • دست اخلاص بحبل المتین • دولت ابدی • وخلافت سرمدی
ما زده • منظور انظار التفات واعتنا ماست • فرصت خدمات مبرورهٔ ومساعی
مشکورهٔ بظهور آورد • ولایق دولت آن دید شد که صورت اخلاص هواداری اورا
بآن جناب نمودن تا مقتضای صدق الصدیق صدیق معمول به کرده چون مقصود تحریر ان سلسله محبت بود

سلطان بایزید خان ولی متون قلعه سنی تسخیر ایدوب شهزاده سلطان احمده کوندردیکی فتح نامه در

فرزند ارجمند امجد ارشد • مصباح صباح دولت وکامرانی • ومفتاح شوکت
وکیتی ستانی • محض لطف الله الصمد • اوغلم احمد طال بقاه بالعز المؤید
والمجد المخلد • توقیع رفیع لازم الامتثال واصل اولیجق معلوم اولهکه • چونکه
آیت کریمهٔ لا یستوی القاعدون • وکلمهٔ طیبهٔ الذین امنوا وهاجروا وجا
هدوا فی سبیل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجة عند الله واولئك هم
الفائزون • غزاتك علو شانی • وسمو مکانی بابنده بازل اولوب کلام
قدیمده بو ندن غیری مواضع عدیده ده دخی فضائل غزو وجهاد • وثمرات
جد واجتهاد • مذکور ومسطور اولمشدر • پس هر فرده عموماً • وسلاطین
ذوی القدره خصوصاً • مناسب بلکه واجبدر که • بو فریضه نك اداسنه
قیام کوستروب • ادخار اجر جزیل ابدیه • فان ذلك من عزم الامور • وما
الحیوة الدنیا الا متاع الغرور • بناء علی ذلك جناب حق جل وعلادن
استعانت • وروح پاك سید کائنات علیه السلام والصلوة دن استغاثت
ایدوب • مجرد احراز مثوبات عظمی قصدینه طایفهٔ ونذیك لعین
خذلهم الله الی یوم الدین • که منکران ملت نبوی • ومستکبران رسالت مصطفوی
لردر • تحت تصرفلرنده اولان • بلاد وحصونلرندن حصن متونك متانتنه
مداخله • وصعوبتنه مراحله شرحندن زبان اندیشه عاجز وقاصر در
بروج مشیده سی اوج آسمانه مماس اولوب اساس ممهد سی مرکز کوه
عالمه تماس ایتمشدر • هر کوسه سی جفون عیون ملاح کبی برم دم
ناوك انداز • وهر طرفی طره اسا وعذارلر کبی بجند مکار وحیله ساز در
استخلاصنه لشکر بی شمار • والویهٔ نصرت شعار ایله عزیمتی مصمم
قیلوب • مدت مدید منازل ومراحل کطی السجل للکتب طی اولنوب قلعه
صکره • بر روز فیروزده تواحی برج خیام بنجوم اعداد • وثوابت اوتاد
اردوی هما یون ایله مخیم قلنوب • بی ترقف قلعه نك بوره نك قلعنه
مباشرت ومبادرت اولندی • ویر بر طوبلر قورلوب • دود دخانی
ابر صاعقه بار اولوب کوکلره آغدی • وهر طرفدن جنك وآشوب
اولدشوب • ناوك چرخ زنبرك • حصار ایچنه یغمور کبی یاغدی • فامطرنا
علیهم مطراً فانظر کیف کان عاقبة المجرمین • دورت کون متوال اوزره حرب

وقال اولوب • بشنجی کون طشره حصاری دولت مدار استحکام شد بتأیید
خدای • بو فتح همایونک عقبنجه دونمای همایونم کیلدی که • الجوار المنشأة
فی البحر کالاعلام • حسب حال الرید در • هر بر بیسی دلیران رزم آزما • و دلاوران
کشورکشای • وجرین بهم بریح طیبة وفرحوا بها • دریا یوزندن ظهور ایدوب
جانب بحردن دخی اوچیوز مقداری • سفینه کردون پیکر • قرلنکو سحاب
بادبان • شهاب ریسمان • کلوب احاطه ایلدیلر غازیلرکه • ان لهم قدم صدق
عند ربهم • نحو اسیجه بحر و بردن • وخشک وتردن محاربه یه آغاز قیلوب •
هر لحظه طوب • وتفنک ار کفار بدکرداره • لن ینفعکم الفرار • بیجاب
ایلتوب • وبیابی بیکان سهام • اهالی قلعه یه • اینما تکونوا یدرککم الموت
ولو کنتم فی بروج مشیدة • پیامن انها ایلردی • بو اثناده کافرکیلری دخی
قلعه یه قریب • محله سفاین اهل اسلام ایله مقابل اولوب • جانبیندن نایره
حرب اشتعال بولدی • اخر نسایم فتح فیروز لقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة •
مهبندن نسیم ایدوب • ایچی ما و نلری مکمل آدم ومرتب اسبابلر ایله آلنوب
برایکیسی دخی یاندی • محتمل جمیلردن بعضیسی عذاب الیم حرقه • وبعضیسی آل
فرعون کبی بلای غرقه مبتلا اولوب • بر مقداری دخی هدف تیر وطعمه شمشیر
و بر مقداری کرفتار بند وزنجیر اولوب • وما بقی منهم من بحایر اسه فقد بخ
مفهومیله عامل اولوب • فرار اختیار ایلدی ع از باد هو آمد و برباد هوا
رفت • بو فتح مسرت فزا میسر اولدقده نصرکم • بر نیجه کوده کچوب رویین تن
لشکرشکن • سنکدل • فوی هیکل منار قامت • پر صلابت صاعقه کردار •
خصم شکار • نصرت پیکار ظفر رهبر • اژدها پیکر طوبلر ایله دور و دیوار
زبر و زبر قلنوب • خندقنک طول وعرضی که افکار عقلادن عمیقدر خار
وخاشاک واحجار ایله • سطح ظاهری عرصه زمین ایله مستوی قلنوب صندلر
ایکن • سنه ست وتسعمائه محرم الحرامنک اون دردنجیسی که پکشنبه کونیدر
حصاره اسباب حرب واعوان وانصار کتورمک هوسنه کفار خاکسار نیه
دریا یوزنه کلوب • بنم کیلرم دخی واروب مقابل اولوب تدارکلرینه ایکن
انکیندن ایکندو وقتنه دورت بش پاره قدر غزینی هرا موافقی
وروزکار رفتیله کلوب قلعه یه داخل اولدی • اکرچه حصار کما هو المقصود
بقلمش وخندق دخی حداوزره طولمش دکل ایدی اوزرندن یوریمک قابل اولمز
اما بو قضیه نک وقوعندن غیرت اسلام • وحمیت دین ستیدلانام غلبه
ایدوب • همان اول ساعت دورت جانبدن یوریش ایتمکه فرمان قضا
جریانم صادر اولوب • ساکنان ملأ اعلی آوازه • قاتلوهم یعذبهم الله •

بایدیکم

بایدیکم وینصرکم علیهم ویشف صدور قوم مؤمنین • ایله مسامع جنود
موحدینی پر قیلدی • علملر چوزیلوب • طبل ونقاره لر دوکلوب • دلاوران
عدوکش وکشورکشا • هر کوشه دن بسم الله الرحمن الرحیم دیو عزم رزم
ایلیوب • جابجا حربه لر لسان حالیله سینه عدوی مخذوله • الم نشرح لک
صدرک آیتن تلاوت • وزخم تیر و شمشیر • خصمه سلاحن براقدروب
ووضعنا عنک وزرک • حکایتن ایلدی • وکرزکوه پیکر مهره پشت اعدایی
شکست ایدوب • نحوای الذی انقض ظهرک • ظاهر • وجیوش مسلمین دن
درون نامحدود • عتوقه چیقوب سر • ورفعنا لک ذکرک • کون کیجه اهر و لکن
غروب آفتاب عالمتابه دکین • طرفیندن مقابله اولوب • عاقبت • فان مع
العسر یسرا • مقتضاسنجه بلا ملزبوره آلنوب • برحب نص کریم • فاذا
فرغت فانصب والی ربک فارغب • قلعه سنه رایات نصب اولنوب •
باری تعالی جانبنه موجب شکر وسپاس • ومستوجب حمد بیقیاس واقع
اولدی • المنة لله که برموجب انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون
فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا • کفره سنک ذکوری مقتول واناثی
مغلول • واطفال وصغاری یتامی • واولاد کباری اساری ومعابد رهابین
مساجد مجاهدین • وزوایای کنایسی صوامع جوامع مؤمنین • قلنوب آیین
باطل کفاردن بدل اجرا اولنان قوانین شرع احمدی • وصدای ناقوس
برینه استماع اولنان زمزمه پنج نوبت محمدی در • وقلعه متون که رفعت
فلکی افلاکه مماس دور • ماه مذکورک یکرمنجیسی که یکشنبه کونیدر ایکندو
وقتنده انک خلقی اطاعت وانقیاد کوستروب • مفتاحینی کتوردیلر •
ومذکور قلعه یه تابع • انا واربن • وسیلونه • وفنار • وفرنک • وفتشال •
وبونلرک امثالی قلاع وبقاع هرنه وار ایسه • انلر دخی مستخلص اولوب •
جمله سی ممالک محروسه نک سایر قلاع وبقاعنه ملحق اولمشدر •
بو حادثه مسرت ابنا ومبارت وسلوت فزانک اطلاعندن جمهور
امت محمدیه عامه • وسکان خطه محروسه مزخاصة • مسرور وشادمان
ومبتهج وخندان اولمغین • سزدخی بو قضیه نک اعلامی ایجون فولم
کیوان • کوندرلدی واروب • تبلیغ ایدوب بینه سزه سعادت مآبمه
عودت ایلیه • شویله بیله سز • تحریرا فی اواخر شهر محرم الحرام •
سنه ست وتسعمائة •
م

شهزاده ایکی سلطان سلیم خان حضورینه سلطان یعقوبدن کلان مودت نامه‌در

کتاب ملاطفت مآب. وبلاغ بلاغت انتساب. کارقام محبت فرجام رقم زدهٔ براعه براعت آثار. وفحاوی مودت معاینش بخطور خاطر منیر عالیجناب سلطنت شعار. دولت دثار. سعادت نصاب. عدالت اکتساب. دری برج سلطنت واقبال. درة اصداف اصناف الابهة والاجلال مظهر انوار الخلافة مظهر آثار الرحمة. المنظور بانظار من لا اله سواه. یمین الدولة والعدالة والخلافة والافضال سلطان سلیمشاه سلمه الله تعالی فی دوام ظل حضرة والده الکریم ملاذا للاقبال. ووفقه لاعلاء اعلام الشوکة والجلال شرف بود. درصحبت رسول حمید الاخلاق طیب الاعراق حضر بیك. زین مجلس مبلغ ومهدی کشته. درساعت همایون وزمان مبرکت مقرون. عز ورود یافت. چون درحجب عبارات رایقه. واستار اشارات فایقهٔ آن. انوار صدق واخلاص منجلی. ولمعات نیرات صفا واختصاص مترائی بود. موجب قرت عیون عواطف مهربانی. ومستدعی نضرت ریاض آمال وامانی کشت. وآنچه درطی الفاظ وکلمات فصیحه مذکور. سمت افصاح یافت. وازمکنون عبارات بلیغهٔ مزبوره آثار مهر ومحبت. بمحل ایضاح تافته. مطابق ما فی الفؤاد. وموافق ضمیر خالص الوداد نمود. ولا غرو ان الولد یتبع اباه فی العز. ازکمال توافق ذات بین. ووفور التیام طرفین. که میان این دو دودمان وخلوص ایشان واقعست. جمیع ممالك دیار. وتمامی اقطار عدالت مدار. حکم دار واحد. ومنزلت خاندان متوحد یافته. عالیجناب سلطنت مآب را نامزد سلطنت بالت جوار این دیار شده اند. وقرب نسبت جبلی بتقرب صوری مؤدی کشته. یقین است که ازادامت لوازم مصافات کلازمه مجازاتست. یوما فیوما امارات التیام تام. وعلی الدوام نتوابع موافقت سعادت فرجام. سمت ظهور خواهد یافت. وانچه بر ذمت عطوفت ذاتیه ومحبت فطریه متحتم است ازین جانب بتلاوصیق خواهد شد

ومنظر که ازان جانب شریف طریقت اقامت قواعد مراسلات وادامت قوانین مفاوضات مسلوك ومرعی افتد. زیاده اطناب نرفت. اطناب عمر ودولت باوتاد خلود مربوط. وروابط سلطنت وسعادت بسلاسل ابود منوط. باد. الی یوم التناد. بمحمد واله الامجاد.

الجواب

اقدوم یاقوتی ارقام. وارقام جواهر انتظام. که ازترشیح کلك زرکار. وتحریر خامهٔ سواد نگار. منشیان اعلاء جناب خلافت ایاب سلطنت شعار عدالت دثار. مهر فلك تاجداری. وسپهر مهر شهریاری. ملاك الملوك الایرانیه. ونور العیون الباینه رتبه. فرازندهٔ لوای نصرت شعار. فروزندهٔ تیغ آتش نثار. سلطان کشور کشای عدو گداز. خاقان ملك ارای دوست نواز. شمس فلك جلالت وجهانبانی. شمسهٔ ایوان عدالت وکامرانی. المنظور بانظار المحبة من الله الذی الف بین القلوب. غیاث السلطنة والخلافة والجلال والعظمة والعز والاقبال ابو النصر سلطان یعقوب رفع الله تعالی خیام سلطنته الی اوج الصعود. وشید اطناب عمره باوتاد الخلود درصحیفهٔ مذهب سیم زمین وصحیفهٔ مرتب مرغوب رنگین. زیب وزینت فزوده. بابرید سبا صبا رفتار. وپیك باد پای خوش اطوار. اصدار فرموده درخجسته ترین ازمنه. وخوبترین امکنه. شرف نزول وسعادت وصول یافت. چون سطور لآلی اندود ش دال بود. برصفای ذات خجسته صفات آن در یتیمه. افسر تسبیح دعا ساختن گفت بیت

هست تا عقد ثریا سبحهٔ کیوان چرخ. بخت یعقوبی بود با یوسف دولت قرین.

وانچه درباب محبت موروثی. وودادجبلی نوشته بودند. ازین جانب نسبت باحضرت خاقان کشورستانی ابوی خداوندکاری. خلد ظله السامی واین مخلص صمیمی متزاید. ومتضاعف ملحوظ فرموده. ازسمت نفصان دور شناسند. والواب مراسلات کشاده داشته. خدمات مرجوعه را آماده داشته کنند

سلطان سلیم خان حضورینه یعقوب پادشاه کوندردیکی نامه‌در

ازموافقت بخت کامکار. ومساعدت سعادت روزکار. این مقصود مترقب ومرصود. وهمین مطلب منتظر ومشهود. میباشد. که همواره نهال اقبال. وگلبن جاه وجلال جناب سلطنت شعار. سعادت آثار. عدالت اکتساب جلالت انتساب. دوحهٔ روضهٔ خلافت وجهانبانی. ثمرهٔ شجرهٔ سلطنت وکامرانی. درتری اوج حشمت وکامکاری. دردرج شوکت وشهریاری. المنظور بانظار من لا اله سواه. عضد الدولة والدین سلطان سلیمشاه

اطال الله اعمار دولته واعوام سعادته فی ظل خلافة والده العظیم کشان •
از جویبار عنایت ازلی خرم و شاداب • و از امطار سحاب سعادت لم یزلی
فرخنده و سیرآب کرده • درین اوقات خجسته ساعات • بواعث الفت
ذاتی و دواعی رافت فطری • از مأخذ روابط محبة الآباء انبعاث یافته
باشد • و آثار اثمار نتایج جبلی و تعاطف اصلی که از شجرهٔ مودت انتما
اصلها ثابت وفرعها فی السماء • انشعاب پذیرفته • ایجاب تحریک نهال عواطف
٤٧٠ وداد • بنا بر سلوک لطایف انتظام نموده • چون بیمن تاییدات سبحانی
وحسن توفیقات یزدانی • روابط مواخات و ضوابط مصافات • فیما بین
خدوفت عطایای این دودمان عدالت آشیان • و این خاندان خلافت
ارکان • بمؤیدات الهی • ومؤکدات نامتناهی احکام تام • و انتظام مالاکلام
یافته • هر ابتدا اصول الخلوص را بفروع اختصاص • مزید ربتاطی • و تجدید
انبساطی انگیختن • از لوازم مکارم نموده • وجهت ابراز مخزونات ضمیر منیر
و اظهار مکنونات خاطر خطیر • افتخار الاماجد و الاعیان • قدوة الاماثل
و الاقران • معتمد السدة السنیة السلطانیة • امیر کمال کد بن اسمعیل باولا
که از چاکران وثیق درگاه اقبال پناهست • بران صوب صواب نما فرستاده
شد • که باداء شفاهی از حقیقت محبت کما هی • اشعار و اخبار نماید • و انچه
لسان تعبیر ارقام خجسته انجام • از تفصیل آن قاصر آید • بترجمان
زبان بلیغ البیان • از کیفیت شان محبت و عاطفت • بر صحیفهٔ تبیان
منصهٔ ظهور رساند • منتظر نظر مراقبت آنکه همواره بارسال رسل و رسائل
ابواب اعلام حالات • و انهاء مقاصد و مسائل گشاده دارند • زیاده
اطاله نرفت • اسباب انتظام حکومت و اقبال • و ممهدات التیام دولت
و اجلال • مرتب باد بمحمد و آله الامجاد والختم بالصلوة علی محمد بمقام فتو[illegible]

الجواب

مقصد اقصی و مطلب اعلی • و صفای جان • و حضور جنان • بهبودی
حال فرخنده فال • و صحت ذات ملک خصال • و خرمی بساط نشاط
و خوبی بزم جنت حضرت سلطان یعقوب بخت یوسف لقا • بودکه ناگاه
نامهٔ سعادت آیات بهجت غایات • و ختامهٔ مشکین سطور عنبرین
صفحات • از دست رسانندهٔ آن عمدة الاعاظم و الاکارم اسمعیل
آقا باول • زین بخت • در اسعد ازمان و اشرف آوان • در رسید • و محبت
والتفات آن پادشاه عالی درجات • مالک ممالک النصفة بالاستحقاق
حاوی حومة الاسلام علی الاطلاق • ممهد قواعد الخلافة مشید مراسم المروة •

فاتحهٔ

فاتحهٔ رسالهٔ شهریاری • و خاتمهٔ مجموعهٔ بختیاری • فهرست ابواب
عطا • و زینهٔ نکات سخا سعید الطالع محبوب القلوب • الذی وقعت لاثناء
فی اول الصحیفة الی اسمه المرغوب • ابد الله تعالی ظلال رأفته علی مفارق
کافة الانام • و ادام ایام عمره و اجلاله • بحق خیر الانام • ظاهر و باهر شد
سبب تفریح خاطر • و فزونی بشاشت و شادمانی گشت • و از فحاوی
مهر عطا و بخش خورشید حب ازلی • و نور ود لم یزلی • تابان و درخشان نموده
موجب ابتهاج دوستان • و سبب خذلان دشمنان افتاد • و همیشه مرکوز
خاطر فیض مآثر بودکه بیشتر از توجه آن عالیحضرت حسب الاجازهٔ
خداوندگار والا رتبت • و سلطان ابوت منقبت خاقانی • ادامه الله علی
سریر السلطنة • و ابده فی امور الخلافة • بغزای غزای گرجستان • توجه
نماید • اتفاق چنانچه • در هر باب شان آن عالیشان بر همگنان
معلومست • درین خصوص نیز گوی • الفضل للمتقدم • با چوگان سبقت
از میدان شهامت ربوده • امید که مارا نیز از فحوای • انما الاعمال بالنیات
شرکتی در ثواب بوده باشد • و بالله التوفیق باقی حالات از دارنده معلوم دارند
ظل عالی ممدود باد •

سلطان سلیم خان طربزونده ایکن حضور شریفلرینه پادشاهم گوندردیکی نامه در

اشعهٔ لمعات صبح تعارف ازلی • و طلیعهٔ خورشید توافق و تالف لم یزلی
که همواره اعیان را صدان مراصد محبت اصلی • و دیدهٔ مراقبان مراقب
مصادقت جبلی • مشکاة فروغ آن کوکب وفاق • و مرآت پرتو آن اشراق
٤٧١ بود • چون بر آفاق خواطر مخالصت افروز • تابیدن گیرد • و بر صحایف
مناظر ضمایر مصادقت اندوز • درخشیدن پذیرد • لاجرم رخسار آینه
کردار توافق حقیقی • و جبههٔ مشرق الانوار تصادق تحقیقی • بر دیدهٔ اولی
الابصار • باتم وجهی در جلوه گری آید • و در نظر بصیرت و اعتبار • بما
باحسن صورتی آشکار نماید • نظم چه مهر بودکه افروخت دوست در دل
چه شوق بودکه انگیخت قلب قابل ما • چه ماه بودکه از آسمان فرود آمد
نشست خوش متمکن ببرج منزل ما • و در آینهٔ ضمیر مهرنمای فایزان
رتبت وداد • و در مرآت خاطر محبت سمات حایزان مسند اتحاد
چون صورت فرخنده منظر • فاصبحوا بنعمته اخوانا • منجلی شود • و معنی
خاطر افروز فالف بین قلوبهم • تجلی نماید • هر آینه شعاع خورشید
صباح صلاح • و فروغ کوکب دل محبت منزل کمشکاة فیها مصباح
پرتو فیروزی • و نور مهر روزی • بر عرصهٔ آفاق محبت و اتفاق •

وبرصفحهٔ اشراق مصادقت • ووفاق افروختن کیرد بیت زینت صحبت
ازین شمع سعادت افزود • باز برسید خدا راکه بپروانه کبست • زیراکه
درین اوقات فرخنده ساعات که بمداصدنهٔ مراصد اخلاص ومساعدهٔ
مقاصد متعاضد اختصاص همواره ترقب طلوع کوکب بیانی • از افاق
مصادقت روحانی میشود • وطایر فرخنده محبت برکمال پروازه حمامات
الهامات مخالصت روحانی جناح توجه جنانی میکشود • از افضاء حسن
وفا وبمن شیوهٔ صدق وصفا • برمنظرهٔ بینهٔ شهود رخسار دلپذیر وار
روی نمودکه • پرتو نقاط وارقام خطوط خال او هر لحظه رشك طاوس
جوال مینمود • وطوطی شیرین مقال الفاظ رنکینش در مرآت صفاء ضمیر
منیر معنی اتحاد تصویر میفرمود شعر اخط ذاك ام رشحات صبت
القلم ذاك ام قطر الغمام • تجلی من سواد اللفظ معنی اغر الصبح ضوء
فی ظلام • چنانچه از اشیان طایر اقبال • وازاو کار اطیار اوطار فرخنده
مال • طایری سعادت شئون که تمثالی از نقوش لقریب بوقلمون بود •
بر دیار اصحاب حب قدیمی کذاری • ودر منزل فؤاد ارباب اتحاد قرار کی
کرفت • اعنی بلاغی مصادقت ابلاغ وکتابی موافقت اسباغ که از مجلس
بهشت آیین عالیجناب اخوت مآب سلطنت انتساب عدالت قباب جلالت
نصاب • نقاوهٔ سلاطین خلافت شعار • خلاصهٔ قیاصرهٔ اسلام
مدار • غرهٔ نواصی الخلافة قرة عیون العدل والرأفة • مظهر السعادة الابدیة
مظهر التاییدات السرمدیة • ناصب لواء العز والاقبال • رافع اعلام الاسلام
الی السماء الاجلال • عضد السلطنة والعدالة یمین الخلافة والجلالة • المؤید
من الله فیما یحبه ویرضاه • عون السلطنة والایالة والاقبال سلطان سلیمشاه
ابقی الله تعالی ارکان اقباله وایوان جلاله سلیما • ووهب له من السعادة
السرمدیة رزقا کریما • وآتاه من فضله ملکا عظیما • وانعم علیه بلطفه العمیم
نعیما مقیما • فی ظل حضرت والد العظیم کشاد • خلیفة الرحمن
بین اهل الایمان خلد الله ظلال الخلافة القیصریة • ما تعاقب الملوان •
که در صحبت مقبول الدولة العلیة • مظهر الملکات السنیة • پروانه آقا
اعاده الله تعالی بالسلامة عاجلا • واعد له الکرامة آجلا • مرسل شده بود
غرورود یافت • فی الواقع مکنونات مقاصد آن رسالهٔ بلاغت آثار • ومکنونات
مطالب آن مقالهٔ براعت دثار • را باداء شفاهی • ببیان حقایق اشیا
کما هی مقرون داشت • وتجدید اساس قویم حب قدیم • وتاکید سلوك
محبت وولاء صمیم • از اداء او بظهور پیوست • وشجرهٔ طیبهٔ سدرهٔ انتماء

محبة الاباء که صفت • اصلها ثابت وفرعها فی السماء • رشحهٔ از اطراء طراوت
اغصان آن شجرهٔ کرامت است • مثمر بوانع اثمار • ونتیجه بدایع آثار خلوص ولا
ومصادقت بنا باشد • وسلاسل موافقت را بروابط سلام محبت انتظام
مزید التنامی داد • وبهدایاء دعاء مصادقت اقتضا • بناء مخالصت انعقاد
واحکامهٔ لازم افتاد • ترقب که همواره سلسلهٔ توارد مکاتبات • وتواصل
مراسلات فی البین مربوط شود • وقوانین خلت واختصاص وقواعد
اخوت واخلاص از طرفین • مضبوط افتد بمنه وعونه •

الجواب

طلیعهٔ بیاض صبح ظلمت زدای الحب لله • کما اذ تبق (?) • واللیل اذا عسعس •
برآمده شایستهٔ تسطیر • والنجم اذا هوی باشد ولامعهٔ خورشید
صباح روز نوروز نزهت فزای • والمحبة من الله • کما اذا فق (?) • والصبح اذا تنفس
سر برزده بایستهٔ تحریر • والشمس وضحیها • بود • سمت اشراق وصورت الجلاء پذیرفت
ودر برج الارواح جنود مجندة • باکواکب سعادت قرین • فما تعارف منها
ائتلف • شرف اتصال یافته • تا اثر دلپذیرش • بعالم وعالمیان روشن ومبرهن
کشت • وحرف خلوص زاد ردبستان عشق • با همسبقی ادیب خرد خرده
دان • در حضور استاد الست بربکم قالوا بلی کویان • خوانده • وخاطرهٔ نشاء نقطه
بیت نشان بر تختهٔ هستی نبود از عالم وآدم • که جان در مکتب
عشق از تمنای تو میزد دم • از لوح دل سر برزده • وجهان جهانیان را
از تحقیق این الفاظ انیقه • ومعانی دقیقه • شادمانی بجید وخرمی
بی پایان دست داد • ومقبول طبع فصحا • وپسندیدهٔ فکر بلغا افتاد •
وازین محب مخلص نیز دو چندان آن • تحف تحیات عالیات غالیات
لآلی فشان • وطرف تسلیمات وافیات صافیات جواهر نثار که رونق
فزای سریر وداد • ومسند آرای چار بالش اتحاد باشد • اتحاف مقر عالی
حضرت فلك رتبت • خورشید اورنك • جمشید آهنك • فریدون کارزار
منوچهر کردار جم آیین کیقباد تمکین • دارا درایت اسکندر رایت • سلطان
سلاطین ایرانیه • خلف سلاطین بایندریه • شهنشاه بلند همت دریادل
قهرمان صولت • منظور انظار عنایت خدای بیچون وچند ابو المظفر
سلطان الوند ادام الله تعالی ایام سلطنته واقباله • وزاد اعوام عمره و
اجلاله الی یوم الدین • نموده همواره خواهان مشاهدهٔ جمال فرخ فال •
وملاقات دیدار سعادت اتصال • بوده ومحب باشد یافت • ملاقات
بر وجه احسن مقدر ومحصل باد • انه رؤف بالعباد • بعد هذا مشهود ضمیر

منبر جهانگیر • که صور غیبیه • چون آیینهٔ گیتی نمای • در و ظاهر و باهر
می نماید که چنانچه در نامهٔ مشکین ختامه • اشارت علیه رفته • حبّ البنین
ارثی • حل بزبرینت • و تا بنای سبع شدادی صلح و صلاح فیما بین الحضرتین
و خداوندگار عالی تبار عدالت آثار ابوت شعارم • خلد الله ملکه و سلطانه
و افاض علی العالمین لطفه و احسانه • مشید و مستحکم است • یوماً فیوماً
نتیجهٔ آن از واجبات اولاد و احفاد این هرد و خاندان عالیشان • چون
نتیجهٔ آفتاب تابان و درخشان گشته • و از اشعهٔ انوار سما • ساکنان
اماکن غبرا که در مقابلهٔ خلفا ذره آسااند • نشو و نما یافته • در هوای
فزونی رفعت همگنان • از زمین بر آسمان رقص کنان • بفرمودهٔ و ان
من شیء الا یسبح بحمده • بشکرگذاری اشتغال مینمایند • و ثواب آن •
عاید بر اصحاب دین و دولت که ممهدان مهد امنیتند میگردد • مع هذا
همیشه مرکوز خاطر فیض ماثر می شد که با وجود فراغ حال خداوندی
و آماده گی فرصت • نهضت همایون بغزای غزای گرجستان نکرده • سکون
و قرار را باعث چه باشد • اتفاقاً چون دارندهٔ مکتوب مصادقت اسلوب •
شرف الاکابر و الاماجد • مولانا مجد الدین عابد • زید فضله • بمجلس سامی
مشرف گشت • و سبب توقف را • بعبارت قلیله ادا نمود • حسب الاقتضا
و الاجازة • غیرت و حمیت جبلی بر آن داشت که بی تحاشی روی برات
دیار کفر آثار کرده • بعون الملک القهار • دمار از روزگار ایشان
بر آورد • و آن شرذمهٔ قلیله را • بتوفیقات کثیرهٔ ربانی • از روی
جهان بر انداخته • بلاد و نواحیش را در سلک خطهٔ اسلام منسلک
سازد • و ملک برات را از امثال آن ارجاس انجاس • بشمشیر آبدار پاک
ساخته قرین دار السلام نماید • حتی بجانب اعلای حضرت ابوت مقامی
خداوندگاری خلد ظله السامی عرضه فرستاده • بعد از رخصت خداوندگاری
جایز داشته اند • حالا آماده و بجواب شما ایستاده ایم • باشد که مجاز شوند • و العون من الله

سلطان سلیم خانه قرنداشی سلطان قورقود گوندرمشدر

السلطان الاعز الاکرم • حضرت خداوندگار اعظم • لا زالت ظلال مرحمته
و معدلته ممدودة علینا الی یوم یجمع فیه الامم • بحضرت بهشت حضرت
عرش فسحت فلک رفعت هما همت سلیمان مکنت • ممهد قواعد دولت
مشید ارکان خلافت • سلطان السلاطین فی الآفاق • واضع قواعد
الانصاف علی الاطلاق • افتخار ملوک جهان اختیار سلاطین زمان
بیت قادر بحکم برهمه کس آسمان صفت • فایض بنور بر همه خلق آفتاب ذات

دام سلطانه

ظل الله فی الارضین • معز السلطنة و الدنیا و الدین • صاحب الاعطاف و التمکین
غیاث الاصدقاء و المخلصین • معین الاوداء و سائر المسلمین • جناب عزت
مآب حضرت سلطان سلیم کامیاب و کامبین سلّمه الله و جوده السلیم • انهی
رؤف رحیم • زواهر جواهر دعوات صالحات کافیات مخلصانه • و غرر درر
تکریمات فایحات وافیات مخصصانه که غرا اجابته قرین • و شرف استجابته
رهین اوله • تحفهٔ محفل عالی و هدیهٔ مجلس متعالی قلندقدنصکره انهاء
رأی صواب نمای حق فرمای بودر که • سابقا شان عدالت نشانکزله اخلص
الوداد • عدادنده معدود اولان مخلص بی علتکز ایله • شویله عهد و پیمان
ایلیوب • دوروزکه خداوندی غیب • و علام هر غیب • شاهد حال و علیم
ما فی البال در که • اول پیمانات ایمانلک • ارکان بنیانی عبور اعوام و مرور ایام ایله
تزلزل و تخلل بولمق ممتنع و محالدر • اما طائفهٔ اهل نفاق • صانهم الله المسلمین
عن شر کیدهم الی یوم المیثاق • حضور مرفور الحبورنکزه بو مخلص فوی الاخلاصکز
انواع غمز و نمیمه ایله • یرامز کلدیلر • والله یشهد انهم لکاذبون • ربنا من قدّم
لنا هذا فزده عذاباً ضعفا من النار نظم دفنع رأی تو بر من تغیری
دارد • بنهمتی که مرا شان بگفتند بجرم فی • بنعمت تو که جان را ز دست نور
و ضیا • بخدمت تو گرتن را ز بهر او ست غرضی • نکرده ام بخلاف ضمیر تو فعلی
خدای لم یزلی شاهدم باین معنی • حالیا رأی منافع آرایه • که آیینهٔ شهود الغیب
آندن کنایتدر • خفی اولمیه که جمیع جوانبمز بر و بحر احاطه اولنمغین
غیری جانب تمتع الماکزدن دخی ار سیجیلوب • بو مخلص بی اشتباه دو تنخواه
اوزره • و بو اطراف و لایته اولاقلر یکزدن • و جوانبمز احاطه ایدن
سنجاق بکلرندن • خبرلر استماع اولندقدن • احوال بر اختلال عز حضور
عرض ایدنجیه دک احتراز و احتیاط اولنوب • بعضی کو کلو اسبابمز و کما
بلریمز قلعه یه قونوب • بر مخلص مختصکز عاطفت تام و رأفت تما مکزه
و بولکزده اولان کمال صداقت و تمام استغنا متمزه اعتماد و اعتقاد • و توکل
حق مطلق ایله کما کان مکانمزده قرار قلنوب • جواب شافی و خطاب
کافیکزه که محرم دل قریح • و مرهم جگر جریح در • انتظار اولندی لکن
شان عدالت نشانکزدن مستبعد و مستنکر در که بو مخلص بی ریادن
اطاعت تام و تسلیم عامدن غیری حالت صدور و ظهور بولمق محال
عقلی ایکن • و من جمیع الوجوه انقیاد و امتثال لازم اولوب • عهدنامهٔ
لطیف و مثال شریفکزه اعتماد قلنوب • دعاء دوام دولته • و ثناء ثبات
سعادتنه بقدر المقدره • مداوم و ملازم ایکن • دولو در لو احوال و اخصال

واقوال ایله مضطرب الحال ومضطر البال اولاوز وذات کرم ایة الصفات
لا یقیدرکه اوان صبا وتدن برو نما بیمزده اولان کمال وداد ومحبت حقیقی
ونهایت مودت واتحاد سلیقیمزه شفقت ومرحمت اولینوب بز علمر
هواداریکزه اصناف قصد وانواع ایذا واستهزا فکر اولنه انما اشکو بثی وحزنی
الی الله بیت بجاروم کم مراجز درت پناهی نیست بجز عنایت توهیچ
عذرخواهی نیست حاشا ثم حاشا حضرت بر دانشکوك کمال عدالت
ومروتندن که مقدمات صرف فساد کلمات حساده اعتقاد اولنوب
نوظنله حقارت وخسارته رضا کوستریله قال علت کلمته ولا
ترکنوا الی الذین ظلموا شعر اسمع بقلبك ان الاذن کاذبة وانظر بعقلك
ان الطرف خوان ولحال الاهدن اعلام احوال برا هوال ایچون اشبو حامل
حروف بیان وناقل اولوف اجلال واعزاز عمر بنده کز تعیین اولنوب
باب سعادت مآب وعدالت منابکزه مشیا علی الوجه لا علی القدم
روانه اولندی ان شا الله الاکرم والارحم شرف پایوس شریف ایله مشرف
اولوب احوال بامال علی سبیل الاجمال عرصه حکومته عرض اولندقده
بو مخلص مستحق مرحمت ولایق لا تخف انك من الامنین خطابیله
امین بیوریله که باقی امور شان شفقت انحضرت برراءفت بروفوق مراد
این بنده قی علت محدود باد بحق الروف بالعباد مخلص ابنشاه قرقود غرنحوه

الجواب

جناب عزت مآب اخوت نصاب محبت ایاب مودت قباب شوکت
اکتساب برادرم سلطان قورقود کامیاب وکامیاب حفظه الله تعالی
وادامه جنابنه توقیع رفیع همایون واصل اولدقده معلوم اولدکه
عهد سابقم ابقاسنه ارسال ایلدوکلری تضرع نامه واصل اولدی
واولباده سنك دخی معلومکدرکه بنم غرضم سلطنتدن انطفاء
نار فتن اولوب سابقا جلولی شیطان قولی نام ملعونك طغیانندن
واردبیل اوغلی دخی اسمعیل بلیدك شرقا استیلاسندن وقیصریه حدود
کلوب ایتدیکی اوضاعدن دین ودولته ندکلو قصور ایرشدی
وحالا بعنایة الله تعالی اذن شرع قویمله شرف جانبنه عزیمت همایونم
مقرر اولوب مادامکه سز عهد سابق اوزره اولهسز بو جانبدن
اصلا اندیشه ایتمیوب دعا یه اشتغال بیوره سز والسلام

سلطان سلیم خان سمرقند خانی عبید قولباش دفعی ایچون یازدوغی نامه

والاجناب امارت مآب عزت نصاب دولت قباب رفعت مناب سعادت

الکتاب

الکتاب سیادت انتساب ملکی الذات ملکی الصفات فلکی العزمات
مالك نواصی الملل سالك اقاصی الدول ناصب رایات الحشمة الزاهرة علی قمة
القبة الخضراء رافع الویة العظمة الباهرة علی ذروة المجد والاعتلاء متنفذ
باسط الامن والامان ناشر العدل والاحسان المستغنی عن التعریف والتوصیف
والبیان المختص بصنوف لطایف عواطف الملك المستعان جلال الدولة
والدنیا والدین حضرت اخوت مرتبت عبید خان شعر دام من والاه
فی مجد یبقی ثم من عاداه فی غم ردی تسلیمات وافره که منبی از تعارف
ازلی ومبنی بر اتحاد لم یزلیست وتحیات متکاثره که منبعث از میدان معنویت
برون از عالم حسیت مطالعه فرمایند بعد ما انهای رأی عالی میرود که
چون پادشاه بی زوال ستدیم الآلاء که یختص برحمته من یشاء از
تاج وهاج باهر الابتهاج وکذلك یجتبیك ربك در میان مسند
نشینان اورنك کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف
وتنهون عن المنکر شان شریف مارا سرافرازی داد والکلیل جلیل
القدر ویتم نعمته علیك را باجلال وجعلناکم خلائف فی الارض
ور روز عرض ورفعنا بعضکم فوق بعض بدست مشیت وارادتکه
یفعل الله ما یشاء ویحکم ما یرید بر تارك مبارك نهاد ورسام بدایع نکات
ان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء با قلم عبرت نمای ما یفتح الله للناس
من رحمة فلا ممسك لها نحوای لطیف بیت کریمه وآتاه الله الملك والحکمة
وعلمه مما یشاء بر کتابه همایون دولت روزافزون ما بنکاشت وفراشان
قضا وقدر که اذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون سرادقات عظمت ما را در
خطه متنزهه ان لله عبادا خلقهم لحوایج الناس بر سطح اطلال سعادت
رسوم السلطان ظل الله فی الارض یأوی الیه کل مظلوم با عمد ان الله
اصطفاه تا محدب فلك الافلاك برافراشت هر آینه بشکرانه این موهبة
کریمه وشکرانه این عطیه جسیمه برهمت علیة ما را لازم آمدکه نبر عظم
عدل وداد در مشرق قبول واذعان ان الله یأمر بالعدل والاحسان از افق
این سلطنة عظمت پناه کالشمس فی کبد السماء محلها وشعاعها یرکب
فی الآفاق باطراف واکناف جهان وحواشی وجوانب کیهان هر لحظه
بتابد بر تو انوار وشعشعه آثار ورشحه لمعات ورعشه لمحات
او هر جاکه رسد برحسب استعداد نوعی وبراثر نماید نیکوکاران
بر مقتضای فرموده فاما الذین آمنوا وعملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم
تربیتهای خوب وپرورشهای نیکو یابند وبدکرداران دون بروفق فاما الله

کفروا فاعذبهم عذاباً شدیداً زجرهای الیم و عقوبتهای عظیم می‌بینند
جزاءً بما کانوا یعملون مانند آفتاب که سنائی را در کان و قطره را در بحر
در ثمین و لعل گران قدر سازد و کالبد زمین خسیس شوره و سراب را
با تیغ جهانسوز اشعهٔ آتش تاب پاره پاره گردانند پس هر جا که مفسدی
از جیب و گریبان زین لهم الشیطان ما کانوا یعملون سر برآورد دست
حمیت خسروانهٔ ما باید که از لاشهٔ ناپاک آن تنین جبل تنین دار سیاست
را که چون برهم پیچد و حلقه شود از رأس و ذنب بر مریخ و زحل
زهر نحوست بارد طعمه دهد و هر کجا که فرومایهٔ ناجنس از شیاطین
انس مانند ابلیس از راه شیطنت و تلبیس قصد عروج فلک سروری
و میل صعود بپهر مهتری کند بر موجب فاتبعه شهاب ثاقب لازمست
که با شهب بیکان ملکات ملکیهٔ ما برجم آن قیام نماید والعیاذ بالله اگر
چنانکه نوع عقدهٔ تکدر در حبل متین شرع مبین از تعرض ملاحده و جهال
پیدا شود و با نفصال تغیر در دایرهٔ عرصهٔ دین از سوء صنیع ارباب
بدع و ضلال هویدا گردد واجبست که رای صواب فرمای ما حل آن عقده
و حک آن نقطه را با اصابع رمح و سنان و اطفا زخمی سرتیغ و تیغ بران
اهتمام تام فرماید بنا علی ذلک مدتیست که اهالی بلاد شروت از
دست جور فجرهٔ لئیم ناپاک انیم افاک ذمیم سفاک بجان آمده اند
نابان بفئه گمراه که و من الناس من یتخذ من دون الله انداداً یحبونهم کحب الله
و فرقهٔ ضاله سرنگون که یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون
فی الارض اولئک هم الخاسرون حسب حال ایشانست با تقاد نار تعدی
دود از خانمانها برآورد و هر ناحیه که قدم نهاد کرهٔ خاک آن ناحیه
را گوی صولجان فتنه و فساد گردانید تا از صف نعال فرمان بری
بصدر سقیفهٔ فرمان دهی ترقی یافت در رقعهٔ بقعهٔ آن دیار چون
خط ترسا کژروی را شعار و دثار خود ساخت و دماء مکرمه و محقونه
و فروج محرمه و مصونه را در معرض استباحت داشت اهل و عیال
و مال و منال مسلمانان و حرث و زرع و نسل و ضرع مستهلک و دفاین
و ذخایر اکابر و اصاغر همه عرضهٔ تلف گشت از قتل و اسر و شکنجه
و زجر آنچه دربیت عرب بمسکینان مظلوم از آن ظلوم غشوم رسید
اسباط بنی اسرائیل را از آل فرعون جبار و سکان بیت المقدس را از بخت نصر غدار
نرسید دیریست که چشم آن غنوده بختان چون بخت خرد صاحب
دولتان روی خواب ندیدست هر چند بر صلاح کار و سلامتی نفس

بدست استغاثه حلقهٔ امید و رجا بر در دار الشفاء من انصاری
الی الله زدند از زبان تیغ ظفر بیان هیچ صاحب همتی گوش هوش آن
دردمندان جواب شفابخش نحن انصار الله نشنید سنت باری تعالی
جلت قدرته بر آن جاریست که هر قبضی را فیضی و هر انکسافی را انکشافی
در عقب باشد و وقتیکه مغنی شریف للباطل جولة ثم یضمحل صورت
بپیرد و ستر عزیز فاخذهم الله بذنوبهم بظهور انجامد آن سوختگان
تف حوادث جهانسوز در ظل اشجار بلند بالای رایتهای پیروز بیاسایند
و از زهر افاعی جور و اعتساف تریاق دواعی عدل و انصاف عوض یابند
حالیا نسمات بواعث نعمت از هبت الامور مرهونة باوقاتها و زبدهٔ نکهت
و نفحات عزت دین محمدی علی واضعه افضل الصلوات نوائر عصبیت
پادشاهانهٔ ما را اشتعال داد و صیانت ناموس شریعت احمدی
علیه اکمل التحیات خاطر عاطر جهانبانی را باحراز مثوبات جهاد تحریض
و تخصیص فرمود و شهسوار همت عالی نهمت پای عزیمت انا ظالم ان لم
انتقم عن الظالم در آورد بعد استخارهٔ ملک متعال و استشارت
ملهم عقل فعال رای جهان آرای بقلع و قمع آن مفسد خودکام و ملحد
خودرای مقرر و مصمم گشت با لشکری انبوه و گروهی پرشکوه که مانند کوه
سرسبزی خویش از تیر باران کمان دانند و چون تیغ سرخ روی از سفک دماء
اهل بغی و عدوان حاصل کنند برون از حد و عد هر یکی در شمشیرزنی و خنجر
گذاری بسان خورشید و بهرام مشهور جهان و همچون شهاب و سماک رامح
در نیزه بازی و تیراندازی مشار الیه بالبنان است عن قریب نهضت
همایون بر سر آن سرلشکر جنود شیاطین و پیشوای جنود ملاعین و قافله
سالار کبر و کین و سر نفر رهزنان دنیا و دین مرکوز قلب منشرح الصدر
رجا و اثق و امل صادقست که بر حسب مضمون منیف من کان لله کان الله
توفیق الهی رفیق و تایید نامتناهی همطریق و عنایت رب العالمین قرین
و ملائکهٔ مسومین نصیر و معین گشته صبای نصرت بحکم نصرت بالصبا
در فضای ولقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة علمهای سرافراز را طوق
خفوق و اهتزاز بخشد و از یمن قدوم فتح رسوم ما در عرصهٔ آن
مرز و بوم بجای خار ظلم و عدوان نسیم فتح و فیروزی گلهای امن و امان
شکفانند و اثمار رعایا در مهد رعایت و بر بالا در کنف کفایت فارغ البال
و مرفه الحال باشند بر وجهی که کبوتر بر در تیغ باز آشیانه نهد و عقاب
بر خانهٔ صعوه با اسباب در بجای آورد و شیر در بیشه بتعرض شغال

مشغول نشود • و یوز دندان طمع از مدبح آهو برکشد • و چرغ بمقراض منقار دامن قبای کبک کهساری را آسیب نرساند • و شاهین مانند صلصل • با سوزن چنگل کوبیان ملون تذرو را آزرده مجروح نکند • و ما ذلک علی الله بعزیز • هر مؤمن موحد را بغض فی الله • با آن طایفهٔ گمراه • امریست مهم • و عزیمت ملم • جناب عالی را هم بهر والد بزرگوار خویش • تغمده الله بغفرانه • از همه بیش • بتحقیق معلوم و متصورست که جوهر پاکیزهٔ روح در دست • بی بها در بحر فطرت • که جز غواص صنعت تکوین احسن الخالقین • کس را بدو دست رس میسر نیست • و آدمی زادیست شریف که بی معونت ارادت مفیض الخیر والجود • از سراپردهٔ عدم در حجرهٔ وجود قدم نهادن ممکن • بی سیما سوی این شرف پادشاهانه • نسبت بعامهٔ افراد انسان • فضیلتهای اُخری • و مرتبهای اوفی • دارند • چه پادشاهان نیکوکار • و سایهٔ رحمت پروردگار • و برآورده صنعت کردگارند • اینجا که موهبت ازلی را قسمت کرده آند • ظل همای خلافت • اول بر سر پیغمبران بعد از آن بر سلاطین سامی مکان افتاده است • خوش چنین پادشاه خردمند دانش پسند • و عدل پرورداد گستر زهد رکشتن • بفتوی کتب علیکم القصاص فی القتلی • در هیچ مذهب • روا نیست • و جه او فق و طریق اولی عند الله و عند الناس • آنست که هر جد و جهدی که در آن بی احتمال عقلی و مزایای حیطهٔ فهم • و حوزهٔ قوت وهمی رخ نماید • مباشرت فرمایند وراه مسارعت بیمایند • باشد که سهام صایب تدبیر • بنشانه گاه نهادهٔ تقدیر حسن اصابت یابد • چون بعنایة الله و حسن توفیقه • باتفاق آرا و اتحاد • و ظهور مظاهرت و وداد • لطیفه از ورای پردهٔ غیب بظهور آید که مادهٔ فساد را حاسم کرده • و وجود ناپاک آن ظالم غاشم • از میان برخیزد • و غباری که از نکباء نکبات روزگار او برخاسته است باب تیغ آتشبار مجاهدان دیندار • فرونشیند • فیما بعد جادهٔ مخالصت گشاده • و اسباب مواصلت • بحکم تواصلوا بالکتب ولو شطط المزار • آماده شود • بتواتر رسائل نوترد پیام • و تردد رسل ذوی الاحترام • با تحف محبت انها و هدایای مودت اعدام • تعاطفی که از تعارف ارواح • در عالم اشباح سر بزند • از جانبین در عیان آید • و جل و داد و اتحاد که استمالت احبا و اولیا بدان باشد • از طرفین دو تا کرده • بنیان یگانگی و اخوت • روز بروز استحکام گیرد • و بنیاد ذات البین ساعة فساعة برامری که ستودهٔ قدرت و آزمودهٔ حکمت و فرمودهٔ شریعت است تاکید پذیرد • اکنون برای تبلیغ

این وثیقهٔ صدق وصفا • و انهاء این پیغام سرت انبا از غلامان خاصهٔ ما • محمد بیک • رزقت سلومند • بدان صوب صولت مآب • روانه کرده ایم شد • ان شاء الله تعالی الاعز چون بشرف ملاقات حضور سرور بخش اختصاص یابد بخیر و زودی باخبار مسرات آن ذات ملایک ملکات • باز مراجعت و معاودت نماید • هموارهٔ امداد عنایت ربانی • و توفیقات سبحانی • و تاییدات صمدانی قرین حال باد • بحق النون والصاد •

تحریر فی اواخر شهر محرم الحرام • سنه عشرین و تسعمایه •

الجواب

بخدمت عالیحضرت خلافت منقبت • سلطنت مآب معالی نصاب • فلک بارگاه ستاره سپاه • سلطان جهان • و خاقان خواقین زمان • پادشاه کشورگشای عدوبند • و شاهنشاه ملک آرای ارجمند • خدیو روم و یونان و خداوند خداوندگان عالیشان • شهریار بحر و بر • و خداوندگار مظفر کهف الغزاة والمسلمین • قاتل الکفرة والمشرکین • قامع الفجرة والملحدین المؤید من عند الله الذی لا اله سواه • ابو النصر والفتح سلطان سلیمانشاه لازال شموس علاه محروسة عن الکسوف • و اقمار بهاه مصونة عن الخسوف و ما برح الویة عزه منشورة بنسایم • نصر من الله • و اعنة عزمه مقرونة بعزایم • و ما النصر الا من عند الله • الوف دعوات صافیات سکینة النفحات شوق آمیز • و صنوف تسلیمات و ابنات و ردیة الفوحات صفا انگیز • که از مهب ریاض جنان • و گلشن حدایق رضوان • بمشام حاضران بزم خاص و خیشوم هواداران ذوی الاختصاص • مقرون و مشحون کشته • با قوافل وداد نوافح فشان عزیمت • و رواحل اتحاد لوایح بیان بمهر نشان اتحاف و اهدا نموده • حقا ثم حقا • بعزة الله و کفی بالله شهیدا • که همواره ولاجوی و هوا خواه آن سلطان جهانپناه بوده و می باشد • و از دل و جان مشتاق جمال فرخ فال آن پسندیدهٔ دوران • و مخدوم عالم و عالمیانست • حضرت مسبب الاسباب • عظم شانه و عم احسانه • وسیله که باعث ملاقات جنبتی گردد • بخیر و خوبی میسر گرداند • انه رؤف بالعباد • بعد هذا شهود ضمیر منیر خورشید نظیر جهانگیر • و خاطر عاطر فیض مآثر لا انطق • انکه نعمت و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها • تعداد نعم بی نهایت الهی • نسبت بایام همایون پادشاهی ما • زیاده از آنست • که شمه از آن بتحریر در آید • فان زمان و نفر بر شکل دانش و جان بزبان و بیان گنجد • لا بد شکرانه عطیهٔ بی پایان • در آن حد و مرتبه است • که بشکر شاکرین • و ذکر ذاکرین • از عهده

حمد و سپاس آن توان بیرون آمد شعر فحمداً له ثم حمداً له علی ما اعطانا جزیل
النعم • و شکر الله ثم شکراً له علی ما کسانا رداء الکرام • با آنکه حضرت خاتم انبیا
علیه التحیة والثناء • درین مقام کنج مقال از لا احصی ثناء • کرده اما بکفیة
العبادة بقدر الطاقة • غفلت از شکرگزاری • نتوان نمود • و بمجرد خوشه
چینی از خرمن • و لئن شکرتم لازیدنکم • ذخر آخرتی نتوان اندوخت • ذلک فضل الله
یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم • و از جمله اقامت برین امر دفع شرر
فتن و انطفاء آتش • بر شحات شمشیر آبدار • و صرصر قهر صاعقه کردار •
از فرار روزگار اهل روزگار و ستم رسیدگان طغاة بغاة غدار علی الخصوص
زنادقهٔ اوباش • و ملاحدهٔ قزلباش • دمرهم الله و خذلهم • که از ابتداء خروج
بابی دوست و پاپی چند • از علوج مفلوج از محض تغلب و تسلط • رو بظلم
و بیداد نهاده • چندین هزار مسلمانان را بغیر حق بقتل آورده • و هتک
پردهٔ ناموس ارباب عرض کرده • و سودای سلطنت • با فکر خام • در دیگ
دماغ پخته • و با سلاطین روزگار لاف برابری • و بمجرد هبا زوبی زده •
دفع و رفع آن قوم از واجبات دینیه • و فرایض عینیه انگاشته • مرةً
بعد اخری • مقاتلات و مکاوحات از بجان سموع کاشتگان درگاه
شده و هرچند بغفلت ما حب التقدیر سبقتی از آن ملاعین بی دین
و رفضهٔ زشت آیین بظهور نپیوست • اما معلوم عالمیست که هرگاه
سبعی از سباع • و یکی از کلاب و ضباع • دیوانه گشته • بضرر انسانی قصد
کند محله بل شهری • از اندفاع آن ضجرت کشیده • بجمعیت و اتفاق بدافعه
در میکوشند • پس گروهی که از قلت • بکثرت رسیده • و هریک درد
شهرهٔ عالم شده • و دائما بخون فشانی و خون آشامی اوقات گذرانیده •
یفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون • شاهد حال هر یک افتاده •
شرمی از خدا • و بیمی از شاه و گدا نکرده • و بتمرد و تفرعن • بتوابع خویشتن
دعوای انا ربکم الاعلی نموده • و آن سخفاء جهنم نیز کلمات ابلیسیه
اش پذیرفته • زبان اهل عالم در حق ایشان بدین نمط ناطق بود بیت
ترسیم از خدا و نترسیم از کسی • ترسیم از کسی که نمی ترسد از خدای • مع هذا
کلب اصغر و کالت سیران کلب اکبر که از عین نادانی بنجم ثانی اش • ملقب
نموده • و با ازدواج کلیبة النساء • ملتفت ساخته • بسرداری لابل سربداری
با موازی هشتاد هزار سوار از سرخ سر ناهموار • از ایران • به پریشانی توران
ایمان پرداخته • بعد از عبور از آب آمویه • بسیار شهر و نواحی را بقتل
عام سغیر و نفیر روز قیام داده • و از سطوت آن زشت اختر بدبخت • حاکم

کابل و قندهار • با برد بگوا اطاعتش کرده بخارج قبة الاسلام سمرقند •
در رسیده • و بیشتر از قبل عصر • بهمان روز فیروز فرصت جنگ
دست داده • ندای • و ان جندنا لهم الغالبون • از هاتف غیبی • بگوش
هوش نصرت مقرون ما در رسیده • بطرفة العین دمار از روزگار ایشان
برآوردیم بیت بجای یکی حیف از آن نابکار • بکشتیم نزدیکی صد هزار •
تا آنکه که نزدیک بغروب آفتاب دولت خصم فرو رفته • آن نجم نحس
طالع سعد ما • دستگیر شد • زنده بپای سریر در رسانیدند • و باقی
امرا و سپاهش بالجمله منکسر و تباه گشته • از جنگگاه تا کنارهٔ آب که بیش
از یکجا هی راه است مثنوی همه کشته بر کشته افتاده بود • چه در جا
بسیاری چه جان داده بود • و نجم نحس را بجز سواری ممالک
۲۷۹ سیاست و بی اعتباری گردانیده • آتش خونش را بآب شمشیر از کرده
و روی زحل تأثیرش • فرو نشاندیم • و آیت و افی الهدایة • فقطع دابر القوم
الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین • زجراً له • قرین کاخ صماخش برخوانیم
و سوطهٔ عیمه اش • با شتربانی چند بجنازه سواری از راه بی راه عیش و پیش
کمان بتبریز رسیده • روسیاهی شوهر بداخترش را بسفید و سیاه •
عرضه داشت کرده • چیزی مخفی و مستور نماند • و چون آن پادشاه
عالیجاه • با سپاه نصرت دستگاه • بدفع آن شرذمهٔ قلیله نهضت فرموده
آن بدخواه بی اشتباه • و ورود رسول فتح پیام • نظام الدین محمد بیک
ادام الله تعالی اقباله را بخواص و عوام بپیغام داده • از حدود سمرقند
دلپسند • حماه الله و حرسه • تا نهایت سرحد تاشکند • بجمیع میرزایان
و خانان و سلطانان و بهادران و اغلون زادان و امراء الوس و امراء تومان
و زعماء جیوش و مرزبانان • و جملهٔ طابعان و تابعان از بکیت و جغتای
دودمان چنگیزخان را تنبیه نموده • و ازین اشارت بر بشارت خبیر
و آگاه ساختیم • در صدد جمعیت و بسط قورلتای بمشاورهٔ آرای سعادت
نمای • و اتفاق بر تصمیم ازالهٔ آن گروه مکروه متغلبه • و فرق ضالهٔ
رفضه • لعنهم الله و دمرهم • هستیم حق سبحانه و تعالی ما را و ایشان را در
مهم مخصوص • خاصه درین خصوص • موفق و مظفر گردانیده • فساد آن
ظالمان را از فرحال الجهان و جهانیان • برطرف و برافتاده • نماید • انه
رؤف بالعباد • و در خدمت رسول مشار الیه عمدة الخواص خورشید
بهادر • روزقت سلوسه اصدار یافت • که بعد از باطوسی بزودی
در رسیده باشد که جمعیت فریقین را • در حوالی صفاهان و زنده رود •

سبب کشته • خبر ظفر اثر خداوندی را باحبا در رسانند • وما ذلك علی الله
بعزیز • باقی مکنونات راز ما را الیه استفسار فرمایند • وهو یحکی عنا
ع کما یحکی اللسان عن الفؤاد • واکر کم خدمتی ازما نسبت بجناب محمدبک
ادامه الله تعالی واقع شد • معذوریم چه کما ینبغی خدمت دلخواه بجنانم
درکاه فلك بارکاه • امر شکلست • وبابت اعتذار درات اولی وانسب
زیاده چه اطناب دهد که • اطناب چتر فلك سای باوتاد توفیق مستحکم
والویهٔ نصرت طراز • باتسایم فتح وظفر جلوه کر • باد بحق کنون
والصاد حرر فی اواخر جمادی الثانیه سنه ۹۲۰

سلطان سلیم خان شاه اسمعیله دفعهٔ اولده کوندردیکی نامه در که تاجی زاده انشاسیدر

بسم الله الرحمن الرحیم • قال الله الملك العلام • ان الدین عند الله الاسلام
ومن یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه • وهو فی الاخرة من الخاسرین
ومن جاءه موعظة من ربه فانتهی فله ما سلف وامره الی الله ومن عاد
فاولئك اصحاب النار هم فیها خالدون • اللهم اجعلنا من الهادین المهتدین
غیر المضلین ولا الضالین • وصلی الله علی سید العالمین • محمد المصطفی النبی
الامین • واله وصحبه اجمعین • اما بعد این خطاب مستطاب از جناب
خلافت مآب ما که قاتل الکفرة والمشرکین • قامع اعداء الدین • مرغم انوف
الفراعین معفر تیجان الخواقین • سلطان الغزاة والمجاهدین • فریدون فر
سکندر در کیخسرو عدل وداد • دارای عالی نژاد • سلطان سلیمشاه ابن سلطان
بایزید ابن سلطان محمد خانیم • بسوی توکه فرمان ده عجم • سپهسالار اعظم
سردار معظم ضحاك روزکار • داراب کیرودار • افراسیاب عهد • امیر اسمعیل
نامداری • سمت صدور یافت • تا خبیر وآکاه باشی که فعل فعال برحق
وصنع جواد مطلق • هرچند معلل بالغرض نیست • متضمن مصالح وحکم
نا متناهیست کما ورد فی الکتاب المبین • وما خلقنا السموات والارض وما
بینهما لاعبین • حکمت خلقت انسان که عین اعیان • ونقاوهٔ جهان وخلاصهٔ
اکوانست کما قال عز وعلا • وهو الذی جعلکم خلائف فی الارض • اما ازان
جهت که افراد این نوع بجامعیت لطافت روحانیت وکثافت جسمانیت
مظهریت اسماء متقابله را قابلیت دارد • ترتب غایت وتحقق خلافت
بی طاعت شریعت مقدسه • والی خطهٔ نبوت • علیه افضل الصلوات
واکمل التحیات • صورت نبندد هرآینه شرایع نبوت • فوز سعادت دو جهان
وسبب مغفرت جاودانیست • پس هرکه از مطاوعت احکام الهی رخ تابد

وازدایرهٔ انقیاد اوامر ونواهی بیرون آید • وهتك پردهٔ دین • وهدم شرع
متین را قیام نماید • برکافهٔ مسلمین عموما • وسلاطین عدل آیین خصوصا
واجبست که ندای • یا ایها الذین امنوا کونوا انصار الله • بکوش هوش بشنوند
ودر دفع مکاید • ورفع مفاسد آن مفسد • بحسب الاستطاعة والامکان
بجان کوشند • مقصود ازین تشبیب آنست که • تفرقهٔ جماعت باید زبجم
بیت چو بیشه تهی کرد داز نره شیر • شغال اندر آید بیانك دلیر ازطرق
تعدی امارت بلاد شرقی را متصدی کشتی • واز کنج مذلت فرمان بری
بصفهٔ باحشمت فرمان فرمایی قدم نهادی • ابواب ظلم وبیداد بر روی
مسلمانان باز کرده • زندقه والحاد را بایکدیکر • ازدواج وامتزاج دادی
واشاعت فتنه وفساد اشعار ودثار خود ساخته • علمهای ستمکاری
برافراشتی • ناصیهٔ فرمان روایی در حسب دواعی هوای نفس ورغبات
طبیعت • حل قیود شریعت • واطلاق از نوامیس ملت • پنداشتی • مقابح
افعال ومساوی احوالت • چون اباحت فروج محرمه • واراقت دماء محترمه
وتخریب مساجد ومنابر • واحراق مراقد ومقابر • واهانت علما وسادات
والقای مصاحف کریمه در قاذورات • وسب شیخین کریمین رضی الله عنهما
همه تجدد تواتر پیوست • ائمهٔ دین وعلماء مهتدین • رضوان الله علیهم اجمعین
کفر وارتداد ترا • با اتباع واشیاعت که موجبش قتلست • وسمی علی رؤس
الاشهاد متفق الکلام والاقلام • باسرهم فتوای دادند • بناء علی ذلك
ما نیز جهت تقویت دین • واعانت مظلومین • واغاثت ملهوفین • واطاعت
اوامر الهی • واقامت مراسم ناموس پادشاهی • بجای حریر وپرنیان • زره
وخفتان بپوشیدیم • بعنایة الله وحسن توفیقه • الویهٔ ظفر دثار
وعساکر نصرت شعار • وشیران کارزار • ودلیران خنجر کذار که چون تیغ
از نیام غضب برآرند • عدوی مدبر را قاطع بدرجه طالع کرایند • وچون
تیر بکمان کین دارند • سهم موت للخصم • ببرج قوس رسد • در شهر صفر
ختم بالخیر والظفر • از دریا عبور فرمودیم • بدان نیت که اکر تایید باری
عز وجل یاری کند • بسرپنجهٔ قوت کامکاری • دست وبازوی ستمکاریت
برکنیم • وازسر قدرت سروری بسودای صفدری ازسرت بیمهات
بدرکنیم • مفاسد شر وشورت ازسر عجزم • ومسکینان برداریم • وازان
آتش که درخانها نهاده • دود از دودمانت برآریم • من زرع الاحن
حصد المحن • چون قبل السیف بتکلیف اسلام • حکم شریعت مصطفویست
علیه السلام • این نامهٔ نامی حلیهٔ تحریر وتحبیر یافت • که نفوس آدمی

زاد متفاوتست که· الناس معادن کمعادن الذهب والفضة· ملکات
ردیه در بعض مزاج طبیعی است قابل زوال نیست ع که زنگی بشستن
نکردد سفید· ودر بعضی عادیست از مزاولات شهوات وممارست
خسایس واهمال طبیعت ناشی ایست· اورا امکان ازاله هست· ازان
کفته اند که· فئه اشرار بتأدیب وتعلیم· از مقولهٔ اخیار باشد·
بنابر احتمالی اکر خود را در سلک زمرهٔ· والذین اذا فعلوا فاحشة او
ظلموا انفسهم ذکروا الله فاستغفروا لذنوبهم· منسلک ومنخرط کردانی
در همه حال خدای متعال را حاضر وناظر دانی· از کارهای بد· وکردار
های ناصواب· وسیرتهای زشت· پشیمانی نماید· واز درون دل وصمیم
جان· بتوبه واستغفار در آیی· وان قلاع وبقاع که زمینش در زمان
بیشین· ستم ستور لشکر ما را روی مالیده· واز نعال مطایا هر کوشه
ازان نواحی حلقهٔ افکندکی بکوش کشیده بود· از مضافات ممالک
عثمانی محسوب داشته· بندکان سدهٔ عظمت بناه ما را بسپاری سعادت
تراست· از نواب کامکار غیر از نیکویی ودلجویی· وعاطفت وخوش
خویی· دیکر چیزی نبینی· واکر چنانکه بیت خوی بد در طبیعتی
که نشست· نرود جز بوقت مرک از دست· برات اعمال قبیحه وافعال
فضیحه· مصر ومجد باشی· ان شاء الله تعالی الاعز عرصهٔ آن مملکت که
از روی تغلب· بدست تصرفت افتاده است· عن قریب· مخیم
اردوی عساکر نصرت ماثر ما· خواهد شد· مدتیست از غایت سبکسری
سودای سرداری در سر داری· واز فرط خودرایی· دعوای جهانکیری
وکشورکشایی برزبان آری مصرع چو مردی بمیدان مردان در آی·
که هرچه نهاده پردهٔ تقدیرست· بظهور آید· والامر یومئذ لله· والسلام
علی من اتبع الهدی· حرر ذلک فی شهر صفر المظفر سنه عشرین وتسعمائه

سلطان سلیم خان طرفندن آق قیونلی فرحشاد بکه یازلمشدر
قزلباش دفعی ایچون

جناب ایالت مآب· سعادت نصاب سلطنت قباب· سراج الدین
محمد بک ابن فرحشاد بیک دام اقباله· بعواطف پادشاهانه مفرون
کشته· همانا معلوم همکنانست که بکرات ومرات از مخلصان وثیق
وواردان طریق· بر ضمیر منیر بمرتبهٔ تحقیق رسیده که خاندان ایالت
نژاد· واقوام وعشائر آبا واجداد آنجناب· در نهایت مسلمانی ودینداری
بوده اند· وپایهٔ مرتبهٔ حکومت وامارت ایشان همیشه بتقویت اسلام

ودفع ورفع ظلم واثام· استحکام یافته· وفطرت اصلی آنجناب· نیز بر جادهٔ
اهل سنت وجماعت· وهمت او مجبول بر عادت حسنه وطاعت است
وآن قضیهٔ متابعت ومراجعت از طایفهٔ ملاحدهٔ قزلباش وترک
ایالت دیار بکر که ملک موروثی آنجناب بود· بطریق اضطرار دواقع
شده· چون بمقتضای ان الله لا ینظر الی صورکم واعمالکم بل ینظر الی
قلوبکم وبالکم· بر رأی منیر واضحست که آنجناب بهمان اعتقاد حق ثابت
قدمست· از ین قدر کرفتاری آنجناب· بآن قوم زنادقه وملاحده
خللی بدین ودیانت او عاید نخواهد شد· وصورت کرفتاری واسیری
صحابهٔ کبار· بدست مشرکان وکفار· این صورت را عذر خواهست
واما دلاوری ومردانکی کمر بستکان دین مصطفوی· ونابعان سیرت
شجاعت مرتضوی· ومختاران دینی ودنیوی را· اول امری که رعایت
باید نمود· رعایت ننک وناموس مردانست· وحمیت وغیرت اسلامی
در بعض قضایای عرض وناموس از سنن مردان دینست· حالیا چون
نیت همایون باصلاح حال ممالک اسلام خصوصا بلاد ایران زمین·
واستخلاص ان اقطار را از دست تطاول ملحدان بی دین· وقلع وقمع
سرخیل شاه کمراه آن زنادقهٔ کافر نژاد مصمم· وعزیمت توجه آن امصار
مبرم شده· این عنایت نامه بجانب اوشرف اصدار یافت· که هر چند بعد
بین· ودوری مسافت ازین دو طرفین معلومست· اما منتظر ومتوقع
از مسلمانی ودینداری آنجناب آنست که بهر چه اقتضای وقت مصلحت دینی
ودنیوی آن ممالک باشد· مرعی داشته خود را از زمرهٔ خواص خدام
ومخلصان این درکاه اعتقاد نماید بیت هر که مطیع چاکر این
آستان شود· بر منتهای همت خود کامران شود· وبهر چه لایق این
خلوص عقیدت· وصفای نیت باشد· یوما فیوما بظهور رساند·
ان شاء الله العزیز مقدمات لحوق واتصال آنجناب· باین دولت
عظمی مرتب ومهیا کشته· او را بمراتب عظمی ومطالب علیا· در ساند
دین ودنیا سرافراز خواهیم داشت· ورتبهٔ جاه وجلال او را باضعاف
مراتب آبا واجداد· بر آسمان ترتیب ورفعت خواهیم افراشت· بعنایة الله
وتوفیقه· تحریرا فی اواخر شهر صفر الخیر سنه عشرین وتسعمائه·

الجواب

عرض عرصهٔ عظمت وجلال· لازال عالیا بعون الملک المتعال· آنکه در
اواخر شهر ربیع الاخر عمت مبانیه· فرمان قضا جریان با حاجب قدیمی

والد ماجدم • قدوة الاماجد والاعيان • احمدجان زيد قدره برحمه ستروخفه • باين بندهٔ بی ریا دررسید • ودر کوشهٔ تنهایی باکمال
مبتلايى • آهسته آهسته کشاده • ونهانى نهانى خواندم هر سطرى
راکه باشوق ونشاط مطالعه کرده • مضمون جواهر مکنونش را معلوم
مينمودم • شروع بسطر دیکر ناکرده بيشينه راباب ديده مى شستم •
وباين طريق از ديدهٔ کج بين حساد • مى نهفتم • وباخويشتن همواره
چنين ميکفتم ع ترسم که سرم درسر اين نامه رود • اتفاق هیچکس
ازين سرخفى • اکاهى نيافته بعالم السر والخفيات • تكيه کنان جوابش
راباب بيان • درپياض • راز نوشته • با قاصد مشار اليه اعاده کرد •
اکرچه دانستم که ازین خواهان اوجاغ ماست • بعد از ايمان او
بغلاظ شداد • خبردارشده است • فاما ازو باکى نداريم • بيم ما ازان
آنست که مبادا • بتواب اخلاص مآب • ناکاه کرفتار کشته • العياذ بالله
همکى مستحق عتاب • وعقاب کرديم • حسبى الله ونعم الوکيل • درهر
باب توکل بجناب مسبب الاسباب کرده اميد واريم که برستاريم
وبزرکوار سرکار بندکان خويشتن بعنايت خودنکه داراد •
وما را بمنزل مقصود دررساناد فهو المراد حاکمند • ابهام کم اعلى •

سلطان سليم خاندن شاه اسمعيله ايلجى مکتوبدر که مولانا مرشدعجم ننشانسيدر

انه من سليمان وانه بسم الرحمن الرحيم • الا تعلوا على وأتونى مسلمين •
وصلى الله على خير خلقه محمد وآله وصحبه اجمعين • هذا كتاب انزلناه
مبارك فاتبعوه واتقوا لعلكم تفلحون • اين منشور ظفر طغرا • کالوحى
النازل من السماء • بمقتضاى وماكنا معذبين حتى نبعث رسولا • از حضرت
ابهت منزلت ما • که خليفة الله تعالى فى الدنيا بالطول والعرض • مهبط
وانما ما ينفع الناس فيمكث فى الارض • سليمان مكان • اسکندرنشان
مظفرفر • فريدون ظفر • قاتل الکفرة الفجرة • کافل الکرام البررة • المجاهد
المرابط المنصور المظفر • الليث بن الاسد بن الغضنفر • ناشر لواء العدل
والاحسان سلطان سليم شاه ابن سلطان بايزيد ابن سلطان محمد خانيم •
بجانب ملك ملوك عجم • مالك خطهٔ ظلم وستم سرور شرور وسردار انزار
داراب زمان • ضحاك روزکار • عديل قابيل • امير اسمعيل • غرض ودستانه
معروض آنست که ازبارکاه عزت • وبيشکاه الوهيت • يرليغ • تؤتى
الملك من تشاء • بتوقيع • ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها
کلك تقدير باسم سامى ما رقم زده • لاجرم اوامر ونواهى نواميس الهى

وامور

وامور احکام شاهنشاهى را درفضاى زمين • چون قضاى آسمانى نفاذ
داد • ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء • وچون بتواتر آحاد • استماع
افتاد که ملت حنيفيه محمديه • على واضعها الصلوة والتحية • را تابع
رأى ضلالت آراى خود ساخته • واساس دين متين را برانداخته •
لواى ظلم را بقواعد تعدى برافراخته • نهى منكر وامر معروف از شعاير
شريعت دانسته • شيعهٔ شنيعهٔ خود را بتحليل فروج محرمه • واباحت
دماء محترمه • تحريض نموده • بحكم سماعون للكذب اكالون للسحت •
باستماع كلمات مزخرفات • واكل محرمات نموده ع مسجد خراب کرده و
وبتخانه ساخته • بپايهٔ بلند پايهٔ بنا براسلام را • بدست تعدى
درهم شکسته • فرقان مبين را اساطير اولين خوانده • اشاعت شنايع
٢٨٨ را باعث شنع • نام خود حادث کرده • هرآينه بموجب فتواى عقل ونقل
علماى اعلام ملت • واجماع اهل سنت وجماعت • بر ذمت همت عاليه
نهمت ما که • علو الهمة من الايمان • نصرة لدين الله المنان • قطع وقمع
ورد ومنع رسوم محدثه که • رسم قديمست • کما ورد فى قوله عليه السلام •
من احدث فى امرنا هذا فهو رد • وفى رواية • من عمل عملا ليس عليه امرنا
فهو رد • متحتم ولازم کشت • وچون قضاى ربانى • وتقدير صمدانى
اجل اجلهٔ کفرهٔ فجره را • درقبضهٔ اقتدار ما • نهاده بود • کالقضاء المبرم توجه
آن ديار نمود • وبامتثال امر • لا تذر على الارض من الكافرين ديارا • ان شاء الله
العزيز • اقدام کرديم • تا از صولت تيغ ظفرقرين رصاعقه کردار • خار وخسك
درجويبار شريعت غرا • بنورسته • وچون بفلهٔ الحمقا نشو ونما يافته
ازبيخ برآورده • درخاك مذلت اندازيم • تا الکد کوکب جوافرمسلات •
کوددکه • وجعلوا اعزة اهلها اذلة وكذلك يفعلون • واز صدمهٔ
کرزکين آيين • مغز اعداى دين که بخيال خام پخته شده طعمهٔ شير
دليران غزاة سازيم • وسيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون نظم
من آنم که چون برکشم تيغ تيز • برآرم ز روى زمين رستخيز • کباب
از دل نره شيران کنم • مسوحى غرت دليران کنم • شود صيد زاغ •
کمانم عقاب • زتيغم بلرزد دل آفتاب • اکر دربردم تو کم ديده •
زکردون کردنده نشنيده • زخورشيد تابان عنانم بپرس • زبهرام
آب سنانم بپرس • اکر تاج دارى مرا تيغ هست • چو تيغم بود تاج
آرم بدست • اميدم چنانست بنيروى بخت • که بستانم از دشمنان
تاج وتخت • بموجب الدين النصيحة • اکر روى نياز بقبلهٔ اقبال وکعبهٔ

آمال آستان ملاذیك آشیان ماكه محال رحال رجالست آوردی و دست
تعدی از سر زیردستان كه پایمال ظلم و طغیان كشته آند كوتاه كردی
و خود راه در سلك التائب من الذنب كمن لا ذنب له منسلك گرداندی
و در مذهب و ملت متابعت سنت سنیهٔ حنیفیهٔ محمدیه علیه الصلوة
والتحیة و آله الطاهرین و اصحابه المهتدین رضوان الله علیهم اجمعین
كه اصحابی كالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم كردی و آن بلاد دیارا بأسرها
مضافات و متعلقات ممالك محروسهٔ عثمانیه شمردی هر آینه عنایت
پادشاهی و عاطفت شاهنشاهی ما شامل حال تو گردد **نظم** سایهٔ
عدل و عنایت بسر او فكنیم هر كه چون مهر نهد روی بخاك در ما **ع** زهی
سعادت آنكس كه این اجابت كرد و الا بحكم العادة طبیعة ثانیة بر مقتضای
طبع شرانگیز فتنه آمیز كه ما بالذات لا یزول بالعرض **ع** باسیه دل چه
سود گفتن وعظ بتأیید الله و حسن توفیقه سر هر تاجداری تاج داری
سازم و بساط بسیط زمین را از نفوس پردازم الا ان حزب الله هم
الغالبون دست ستمكاران را بقوت سر پنجه ید بیضا بپیچیده در هم
شكنم كه ید الله فوق ایدیهم باید كه پنبهٔ غفلت از گوش هوش بیرون
كرده كفن در دوش گرفته مهیا باشید كه بموجب انما توعدون لآت
عسكر ظفر مخصوص كانهم بنیان مرصوص چون اجل مسمی فاذا جاء
اجلهم لا یستأخرون ساعة ولا یستقدمون در رسند و بحكم اقتلوهم
حیث وجدتموهم عامل شوند و مار از روزگار ت بر آرند و در راه دیار
دیار نگذارند و لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون
فقطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العالمین

سلطان سلیم خاندن قزلباشه یازیلدن اوچنجی مكتوبدر

اسمعیل بهادر اصلح الله شأنه مثال لازم الامتثال واصل اولیجق معلوم اوله
كه هتك پردهٔ اسلام و هدم شریعت سید الانام اتمكله علیه الصلوة والسلام
قیام تام گوستردیگك حد تواتره یتشوب نقطهٔ طینت مضرت
نهادك كه مركز دائرهٔ فتنه و فساددر صفحهٔ خاطرهٔ روزگاردن الطفاء
خنجر و تیغ ایله حك ایلمك كافهٔ مسلمینه عموماً و سلاطین اولی الامر
و خواقین ذوی القدره خصوصا جمله واجبات ندن ایدوكنه ائمه و علما
كثرهم الله امثالهم الی یوم الجزا باسرهم فتوی ویروب الكا بناء محضا احیاء
مراسم دین محمدی و اقامت ناموس شرایع احمدی اجلیچون لشكر بیشمار
خصم شكار ایله سنك قصدیكه بلاد شرقه توجه همایون گوستروب

مضمون شریفنده شاهلق جهتندن تحت تصرفكده اولان نواحی و اراضی
سعادت ظل ظلیل رایات فتح آیات ایله مستسعد اولیجق ارباب مبدا كلكه
حق سبحانه و تعالی نك مشیت و ارادتی انه متعلق اولمشیسه ظهوره
دیو بیوردشدم غرض بوندن برج آی اوگوردیون سندخی متنبه اولوب
تداركك ایده سن غافل بولندم حوزهٔ حكومتمده اولان خلق تمام جمع
اتمكه ایام مساعد اولمدی دیو عذر بهانه ایلیه سن پس مدت مدید
دركه مزاحمهٔ نفوس متكاثره دن جهان ضیق النفس و مصادمهٔ سكوك
و سنانندن هوا ضیق النفس و نعال مطایادن جرم زمین آهن پوش
و طنین نای رویینیدن طاسچهٔ علیت پر خروش اولشدر بو اثناده
سرا و جهرا و خیرا و شرا سندن جرأتی ابهام ایدر بر وضع صادر اولمشدر
لاسیما شمدیكیجه الدم دیار آذربایجانده اولان تلال و جبال نشان سم
ستور لشكر منصوردن سپهر بر هلال اولمشیكن دخی هنوز سندن نام
و نشان پیدا و نه وجودكدن اثر هویدادر بر وجه له مستور الحال سن كه
وجودكله عدمك علی السواددر قلیج دعواسن ایدنلرك سیوكی بلالره
گوكس گرمك دائم پیشه سیدر و سرورلك دعواسنده اولنلرك
مغفر گبی زخم تیغ و تبردن سر طوتمق هر نفس اندیشه سی اولمق
گركدر **نظم** عروس ملك كسی در كنار گیرد تنگ كه بوسه بر لب شمشیر
آبدار دهد حرز سلامتلره پرده نشینلك اختیار ایدنلره ازلك آدی
خطادر و اولمدن قورقن كسنه لره قلیج قوشانوب آته بنمك ناسزادر
بیت در معرك آنكه بكوبد بپای برین اندر آید بجنبد زجای
حالیا بو مثابه ده اختفا و درجهٔ زاویهٔ خمولك انزوا كه سبب اغلب
احتمال كثرت لشكر جرار قیاسدن استیلاء رعب و هراس اولمقدر
ایله اولسه بو مصیبت دارسی مصلحتی ایچون فرق بك نفر مقدارینه دك
لشكر ظفر رهبردن افراز اولنوب قیصریه ایله سیواس مابینلرنده اقامت
ایتمك امر اولنمشدر خصم ارخای عنان و توسیع دائرهٔ میدان بو قدر
اولور بوندن ارتق اولمز اكر سنده دخی غیرت و حمیتدن فی الجمله
شمه وار ایسه كلوب عساكر نصرت مآثره مقابل اوله سن ازل آزال
مقدر اولان هر نه ایسه معرض بروزده جلوه گر اوله ان شاء الله تعالی
و السلام علی من اتبع الهدی حرر فی اواخر اوایل جمادین سنه ٩٢٠ سورت ازدر یجان

سلطان سلیم خانك اوچ عدد مكتوبنه شاه كراهدن صادر اولان جواب نامه در

سلامی كه بمحبت مشحون و پیامی كه بمودت مقرون باشد بحضرت جنت حضرت

اسلام پناه سلطنت دستگاه المنظور بانظار الملك لا اله مبارز الدولة
والسلطنة والدنيا والدين سلطان سليم شاه ايده الله بالدولة الابدية
وادامه بالسعادة السرمدية محفوف ومهدی داشته آرزومند ثنا سنند
بعد هذه مکاتیب شریفه مرة بعد اخری بدرجة ع الشیء لا یثنی الا وقد
بثلث رسیدم مضامین آن چون مشعر بعداوت ومنبئ از جرأت وجلادت
بود ازان حظ بسیار نمود لکن مبدا ومنشا آن ندانستیم که چیست
درزمان والد جنت مکان نش انار الله برهانه که نهضت همایون بسبب ما کتابی
علاء الدولة ذو القدیم زبوم روم واقع شد ازجانبین بجز دوستی
ویکجهتی چیزی دیگر نشد والحضرت نیز دران وقت که والی طربزون بودند
اظهار یکجهتی میکردیم حالا باعث کدورت معلوم نگشته بود چون
باقتضاء سلطنت باین خصوص عازم گشته اند سهل باشد نظم ستیزه
بجایی رساند سخن که ویران کند خانمان کهن غرض ما از تغافل آن موت
دو چیز بود یکی انکه اکثر سکنه آن دیار مریدان اجداد عالی تبار ما اند
رحمهم الله الملك الغفار دوم آنکه محبت ما بان خاندان غزا عنوان قدیمست
ونمیخواستیم که شورشی چون عهد تیمور بان سرزمین طاری شود وهنوز
نمیخواهیم وباین قدرها نمی رنجیم وچرا برنجیم خصومت سلاطین رسم
قدیمست بیت عروس ملك کسی در کنار گیرد تنگ که بوسه بر لب
شمشیر آبدار دهد اما کلمات نامناسب وجهی ندارد وهمانا آن
اقوال از افکار الحاد فکار منشیان برشی ومحرران تریاکی که از قلت
نشئه از سر دماغ خشکی نوشته فرستادند واین همه توقف نیز
خالی از مروتی نبوده می بندیدیم بنابرآن حقه ذهبی مملو از کیفیت
خاصه مختوم بمهر همایون مصحوب دارنده قدوة المقربین شاه قولی
اقای یوی توکر رزقت سلامته ارسال رفت تا اگر لازم باشد
بکار داشته بزودی در رسند تا بعون الهی انچه در پرده تقدیر
مکنونست صورت پذیر گردد فاما فکری بر اصل کرده وسخن
هر کسی مفید نشده اندیشه بر اصل نمایند که پشیمانی اخیر مفید نمی
شود وما در وقت تحریر این نامه بشکار حدود صفاهان بودیم
در حال بتدارك مقابله مشغول گشته از سر دوستی جواب فرستادیم
بهر نوع که میخواهند عمل کنند نظم بس تجربه کردیم درین دیر مکافات
با آل علی هر که در افتاد بر افتاد ومن نور را از ینجانب راه دهند که
ولا تزر وازرة وزر اخری وچون کار بجنك انجامد تاخیر وتراخی

راجایز ندارند اما ازراه عاقبت اندیشی در آیند والسلام

سلطان سلیم خاندن شاه عجمه دردنجی دفعه یازیلان مکتوبدر

اسمعیل بهادر اصلح الله شانه توقیع رفیع جهان مطاع وحکم شریف
واجب الانقیاد والاتباع واصل اولیجق معلوم اوله که درگاه سعادت
دستگاهمه مکتوب گوندروب جرأته متعلق کلمات ایدوب ازدیاد
جرأته سبب اولور نسنه ارسال اولندی که کلمکه مسارعت ایدرسن
بزدخی انتظاردن خلاص اولورز دیو بلدرمش سز معلوم اولدی
آمدی بزدانمزده قونیلاده حالت وجبلتمزده اولان جرأتی عمله کتوروب
مسافهٔ بعیدهدن سنك قصدیكه لشكر بیكران ورایات فتح آیات
نصرت نشان ایله مراحل ومنازل قطع ایدوب کلوب حوزهٔ حکومتك
اولان مملکته دخول ایتدك آبین سلاطین اولی الامر ومذهب خواقین
ذوی القدر پادشاهلرك تحت تصرفنده اولان مملکت منکوحه سی منا
سنده در رجولیتدن حصه سی وفتوتدن بهره سی بلکه درونده
فی الجمله زهره سی اولان کسنه لر کندودن غیری فردکا تعرض ایتدوکنه
تحمل ایتمك احتمالی یوقدر ابله اولسه بو نجه کوندر که عساکر نصرت
مآثرم مملکتکه داخل اولوب کامرانلقلر ایدرلر هنوز نه نام ونشان پیدا
ونه وجود کدن اثر هویدا بر وجهله مستور الحال سن که حیا انکله مماث
علی السواددر نظم ازین ننك تا جا ودان مهتران نکوبند یاد ور لشکران
عارضه جرأت کسب ایتمکه حاجت کیمه وار ایدوکنه ظاهر حال تمام شاهد دن
واقع قضیه بودرکه شمدیه دکین سندن بر فعل وجوده کلمشدرکه
اندن جلادت ومراد نلك فهم اولنه صورتده کلی عمل دخی سراسر تمرهٔ
مکر وحیله در شك یوقدرکه جرأت عارضیه نك اثری انجق تلبیس
وتدلیس اولور غیری اولمز هله مبتلا اولدوغك دردك دواسی
معلوملك ایمش اولمقوله نسنه استعمال ایتمکله قوت قلب تحصیل
ایدرمش سن امدی غایت مجربك اولانی استعمال ایله باشد که مقابله
جرأت قونجه باعث اوله بوجانبدن دخی بلورسك عنایت سکا
فوق الحد اولمشدر سنك ضعف قلبك ازاله سیچون فرق بیك مقدار
ار لشکر ظفر رهبردن افراز اولنوب قیصریه ایله سیواس ما بیننده
اقامت امر اولنمشدر خصم مروت انجق بوقدر اولور بوندن ارتق اولمز
اگر من بعد دخی بر قرار وضع سابق کنج زاویهٔ رعب وهراسه منزوی
اولهسن ارلك ادی سکا حرامدر مغفر یرینه معجر وزره یرینه چادر

اختیار ایلیوب سرداراق سوداسندن و سپهسالارلق هواسندن فراغت
ایلیه سن غ زتوان کاربرناید توبا این کار برنابی والسلام علی من اتبع الهدی
تحریرا فی اواخر شهر جمادی الاخرة سنه عشرین وتسعمائه

شهزاده سلطان سلیمان جانبنه یاز یلدن چلدران فتحنامه سیدر

فرزند ارجمند امجد ارشد اسعد نور حدقه سلطنت وکشورکشایی
نور حدیقه خلافت وفرمان روایی المحفوف بصنوف لطایف عواطف الله
عضد الدولة والدنیا والدین اوغلم سلیمان شاه طال بقاه وناله
فی الدارین مناه توقیع رفیع جهانمطاع واصل اولیجق معلوم اوله کم اردبیل
اوغلی دینی مفسد و زندیق ملحد فتنه وفسادی شعار و کفر والحادی
دثار و تعذیب عبادی افتخار و تخریب بلادی پرایه روزکار ایدندیکی
سببدن محضا اعانت ملهوفین واغاثت مظلومین ولاحیاء مراسم دین
وابقاء نوامیس شرع مبین ایتمک ایچون حق سبحانه وتعالی یه توکل و سید
کاینات علیه الصلوة والسلامک معجزات بابرکاتنه توسل ایدوب لشکر
نازی سوار خصم شکار ایله انک قصدینه بلاد شرقه توجه ایتشیدم
دکزدن عبور اولندوغی ایامده حکم شریف کوندریلوب مضمون عزت
مقرونده هتک پرده اسلام ایتدیکلری حد تواتره یتشوب مشایخ
و علما باسرهم کفرینه حکم ایلیوب قتلینه فتوی ویردکلری جهتدن
نقطه وجود ناپاککی اطفا دخنجر و تیغ آبدار ایله صفحه روزکاردن
حک ایلمک همت علیه شاهانه و ذمت سنیه پادشاهانه مزه واجب
ولازم اولمشدر اما قبل السیف تکلیف اسلام حکم شریعت مصطفوی
علیه السلام اولدیغی حیثیتدن بو کتاب مستطابی سکا کوندردم
که اکاه اولهسن اکر شمدیه دک افعال قبیحه یه صمیم دلدن نادم اولوب
سنی سیان اولورسک وسابقا انمزه آیغی بصدیغی نواحی اراضی
ممالک محمیه عثمانیه یه الحاق قیلورسک دولت سنک تراب کامیاب
باب سعادت مآبمزدن عنایت و شفقتدن عیری سنه کورمیه سن
واکر تبدیل اخلاق ذمیمه ایلیوب افعال قبیحه یه اوزره اصرار کوستردسن
امر الهیه تغلب جهتندن تخت تصرفکده اولان مملکت مخیم اردوی
همایونم اولیجق اراسات میدانه کله سن اراده الله نیه متعلق اولمش ایسه
ظهوربوله دیو بیورشیدم یمن واقبال الله دیار آذربایجان شرف ظل
ظلیل رایات فتح آیاتمله مشرف اولیجق ایکی دفعه حکم شریف کوندریلوب
قتاله دعوت اولندی قطعا مقابله ابا ایدن بروضع صادر اولمدی

اخرالامر شهر تبریزکم قدیم الایامدن تختکاه سلاطین عجمدر محط رحال
ارباب حزن و جهاد اولمق مصمم اولوب بلده مزبوره یه قریب نواحی یه
نزول اجلال واقع اولیجق مبارک رجب آینک اوکلی کونی یوم الاربعاده ضحوه
کبری وقتنده چالدران نام برصحراده کلوب عساکر نصرت مآثرمه مقابل
ایتمکه کندو سنده مکنت اولمدیغنه جزم ایلیوب جمله لشکرینی باشدن
ایاغه آهن پولاده غرق ایلیوب دخی برمقدارینی اوستاجلو محمدی باشنی بکونده
صاغ قوله برابر کوندردی باقی لشکرایله کندوسی صول قوله کلوب جانبیندن
جنک وآشوب ولا شدی اوستاجلو محمد صغوفی بلنک قلهٔ هیجا و نهنک
لجهٔ وغا اناطولی بکلربکیسی سنان پاشا طرفة العین ایچنده خاک ایله یکسان
کندبنک دخی باشنی الدیلر صول قولده دخی اسمعیل مخذول کلوب هجوم ایدیجک
روم ایلی سرورلری و دلاورلری برکره یوزین دوندرکلرندن صکره ینه
تکرار حمله ایدوب نایره حرب وقتال تمام اشتعال بولوب مدت مدید
طرفیندن قوروشمه و دوورتشمه اولوب هرطرفدن نیجه بکلرکیمی مجروح و کیمی
مقتول اولوب امیر الامراء الکرام روم ایلی بکلربکیسی حسن پاشا به زخم
سهمناک ایریشوب دشمن جانبندن جرات فهم اولنجاق اول قوللرم اولان
جماعت عزبان و زمره علوفه جیان انلره یاردم کوندریلوب و ینکچری قوللرم
دخی طوب وتفنک و ناوک چرخ و زنبرک ایله اعدای دولت و دینه حواله
اولندیلر دشمن نابکار بو حالتی مشاهده ایدیجک آروق قرار ایتمکه مجالی
قالموب فرار اختیار ایلدی لشکر ظفر رهبر عقبنجه وارو سنجاقلرینی
منکوس و معکوس و سردارلرین مقید و محبوس کتوروب هدف تیر و علف
شمشیر ایلدیلر کندوسی دخی زخمدار اولدیغی محقق اولدی شمدیکیجا لدام
عنان عزیمت تبریز جانبنه منعطف و منصرفدر ان شاء الله الاعز فتوحات
کلیه معتدر اولمش اوله للحمد لله الذی هدانا لهذا ایله اولسه بو فتح جلیل
الفدرک بشارتیله سنی مسرور و شادمان و مبتهج و خندان قلمق ایچون
فخر الاماثل والاقران قولم سنان ارسال اولندی کرکدرکه وارو بشرف
ملاقاتیله مشرف اولیجق حق سبحانه و تعالی جنابنه بو موهبهٔ کبری
وعطیهٔ عظیمه مقابله سنده حمد نا معدود و شکر نا محدود ایدوب
شنلکلر و شادلقلر ایلیه سن تحریرا فی اوائل شهر رجب المرجب سنه ٩٢٠ بموضع خوی

الجواب

درکاه ظفر قرین و بارکاه نصرت آیین ترابنه عرض بنده کمترین بودرکه
حالیا فرمان فتح آیات بشارت غایات وارد اولوب مضمون همایون

اردبیل اوغلی دینی اسمعیل بی دین کلوب، چالدران نام موضعنده رایات
سعادت غایات خدا سنده مقاتله یه مباشرت ایلدکده، بعنایة الله الملک
المعین، غزاة مسلمین، وکماة موحدین اول قوم ملاحده، وفرقهٔ ضاله ایله
اشبو سنهٔ مبارکه نک اوسطنده واقع اولان ماه رجب المرجبک اوتکی کونی
یوم الاربعاده مقابله ومقاتله یه اغاز ایندکلرنده اعدای بد رایک بنیه
مکسور دنده اولان، اوستاجلو محمد مغلوب ومقتول اولدیغی کبی اسمعیل
بی دین بنم صول قولمده اولان روم ایلی بکلربکیسی حسن پاشایه هجوم ایدرب
کوندوز خمی ایرشدرکن، هزبران بیشهٔ وغا، قوم قوللری نصرة وارب
طرفة العین ده یوزی دوندرب، مخذول ومنکوب، ومجروح ومضروب قاچوب
نابدید اولوب، وجمیع لشکر ومال ومنال وخیول وبغالی یغما وتاراج
قیلنوب، عقبنجه تبریزه توجه بیورلدیغی اعلام اولنمغین، دارندن
فرحات ولجب الازعات قد وقع الاماجد والاقران، لاادم سنان ابرشوب
فتح نامهٔ متبرکه علی رؤس الاشهاد اوقندیغی کبی منبوری کامران
وبرمراد ایدوب، ومستحقینه نذور وصدقات بذل ایلیوب ادعیهٔ
فزونی حشمت وجاه ادا سیله شکر الهی مؤدی واقع اولوب، رسوم
عادیه اوزره بر هفته مقداری کافهٔ انام، تزیین اسواق وبلدان
قیلوب، عیش ونشاطه بهره مند، وجمله عالم بو مژده نک استماعندن
برومند اولوب، دائما دشمن ستان وعدوبند اوله لر دیو عرض
نیاز ایتدکلری علی ما هو الواقع تراب نعم المآبه عرض اولندی

سلطان سلیم خان طرفندن قریم خانته بایزیدون چالدرن فتح نامه سیدر

جناب امارت ماب ایالت نصاب، دولت انتساب سعادت اکتساب
مالک ممالک العز والجلال، سالک مسالک المجد والاقبال، الفایز بالقدح
المعلی من قداح الرفعة والعلی، المحفوف بصنوف لطایف عواطف
الملک المستعان، بابام منکلی کرای خان، دام علوه وزاد سموه، تحیات
وافره وتسلیمات متکاثره که محض عنایت پادشاهی، وعین عاطفت
شاهنشاهیدن صادر اولور مطالعه قلنوب، عواطف خسروانه
وعوارف ملوکانهم سزک شانکزده شامل احوال ومحصل آمال بلکه
بعد ضمیر منیر کزه انها اولنان اولدرکه، سابقا اردبیل اوغلی آدینه
اولان ملحد کفر والحاد، وفتنه وفساد، وتعذیب عباد، وتخریب بلادی
شعار ودثار ایدندوکی سببدن، محضا اعانت ملهوفین، واغاثت
مظلومین، واحیای مراسم دین، واقامت ناموس شرع مبین ایتمک ایچون

بنا

لشکر بی شمار تازی سوار خصم شکارله، انک قصدینه بلادی شرقیه توجه
ایدوب، دریادن عبور اولندوغی ایامده حکم شریف کوندروب
بیورمشیدم که من استحل ما حرم الله فقد کفر مقتضاسنجه اباحهٔ
فروج محرمه، واراقهٔ دماء مکرمه، وتخریب مساجد ومعابد واحراق
مقابر ومراقد ایلدیکک، وبونک امثالی دخی نیجه امور شنیعه سندن
صدور بولدوغی حد تواتره یتشوب، مشایخ وعلما علی ملاء الناس
کفریکه حکم ایلیوب، قتلیکه فتوی ویردیلر، اما قبل السیف تکلیف اسلام
حکم شریعت مصطفی علیه السلام اولدیغی سببدن، بو کتاب مستطابی
سکا کوندردم، که خبیر وآگاه اولهسن، اگر ایتدیکک اعمال قبیحه وافعال
فضیحه یه صمیم دلدن ندامت ایدوب، تبدیل اخلاق ذمیمه قیلوب
سنی مسلمان اولهسن، وشول نواحی واراضی که زمان سابقده سعادت
تقبیل سم ستور لشکر منصور مزله مستسعد اولمشیدی، انلری مضافات
ممالک محمیهٔ عثمانیه دن معدود قیله سن، سعادت سنک نواب کامیاب
دولت مابمدن ایلکدن غیری نسنه کورمیه سن، واگر ایتدیکک قبایحه
مصر اولوب، طریق تجلج وعناده سلوک ایلیه سن، تغلب یوزندن تحت تصرفکده
اولان ممالکه لشکر ظفر رهبرله، مشول قصده وارورم که عنایت باری
اوتورسه سلطانلر وایتدیکک مخایف ومظالمک سکا جزاسنی کوسترم
بو نیجه مدتدر که جهانگیرلک وسرورلک وسرداریق وصفدرلک دعواسن
ارایسک ولوقت میدانه کله سن، ارادهٔ الله بنه متعلق ایسه ظهور بوله ان شاء الله
تعالی دیمشیدم، هدایت ایزدی راهبر اولوب نواحی آذربایجانه مخیم اردوی
همایون اولیجق، ایکی دفعه دخی حکم شریف کوندریلوب، فتاله دعوت
اولنمشیدی، قطعا مقاتله یه ابا ایدوب، بر موضع صادر اولمدی، آخر الامر
بلدهٔ تبریز که قدیم لایامدن تختگاه سلاطین مجدت عظام رجال ارباب
غزو وجهاد اولمغه معتم اولوب، ایروق ایکی کون ماه مخوف رایات فتح
آیات بر منزلده قرار ایتمیوب، تبریزه قریب مواضعه نزول اجلال واقع
اولیجق چالدران نام صحراده مبارک رجب اینک اونکی کونی چهارشنبه
کون ضحا وکبرادن صکره کلوب، عساکر نصرت مآثرمه مقابل اولدی
کندوسنده قلبیه مقاومت ایتمکه قدرت ومکنت اولمدیغنه جزم ایلیوب
بر مقدارینه دیاربکرحاکمی اوستاجلو محمدی باش وبوغ ایدوب صاغ قولی
مقابل کوندروب، باقی لشکر ایله کندوسی صول قوله مقابل کلوب طرفیندن
جنگ وآشوب اولاشدی، اوستاجلو محمدک صفوفنی بلنک قلهٔ هیجا

جمله لشکری یاننده ایاغنه مقدمه ایلچی

ونهنك لجهٔ وغا اناطولی بکلربکیسی سنان پاشا طرفة العین ایچنده خاك
ایله یکسان ایدوب کندینك دخی باشنی برغازی‌نك اباغنه کوچوکان فتح
وظفردن طوپ ماننده یوالدی صول قوله کندو دخی هجوم ایدیجك
روم ایلی دلیرلری برنوبت یوزینه دونددیلر صکره تکرار هجوم ایدیجك
٤٨٩ نوایرحرب وقتال اشتعال ولواع جنك وجدال سویدای قلوبده اشتدا
بولوب کشته‌لرایچون ناخن نعال مطایا ایله زمین یوزینه برتوب چشم
زره قان اغلدی وکرد سپاه معرکه‌دن جرم اسمانه اکننه قبای
نیلی اکدی مدت مدید جانبیندن قوشمه ودوندورشمه اولوب
هرجانبدن نیجه بکلرکیمی مجروح کیمی مقتول اولوب امیرالامراء الکرام
روم ایلی بکلربکیسی حسن پاشایه زخم سهمناك ایرشوب دشمن طرفندن
حرارت فهم اولنیجاق اول قولده اولان جماعت عزبان وزمرهٔ علوفه جیان
انلره یاردم کوندریلوب ویکیچری قوللرم دخی طوپ وتوفنك وناوك
جرخ وزنبورك ایله اعدای دولت ودینه حواله اولدیلر دشمن نابکار
بوحالتی مشاهده ایدیجك ایروق قرار ایتمکه مجالی قالمیوب اقبالی
ادبار اولوب ابن المعز کوبان فرار اختیار ایلدی شیران کارزار ودلیران
خنجرکذار عقبنجه واروب سنجاقلرینی معکوس ومنکوس وبکلربکی
وسردارلرینی مقید ومحبوس کتوروب هدف تیر وطعمهٔ شمشیر ایلدیلر
الحمد لله الذی نصر عبده واعز جنده اردوی همایون برکون اول موضع
میمنده قرار ایدوب ایکنجی کون عنان عزیمت تبریز جانبینه منعطف
ومنصرف قیلندی رجاء وانقدر که بوفتح اعظمی حق سبحانه وتعالی
فتوحات کلیه‌یه مقدمه قلمش اولوب عن قریب اول بی دینك باشی
ویاکندوسی دست بسته وبازو شکسته پایهٔ سریر عالم مسیرمه کله
ان شاء الله تعالی بوفتح جلیل القدر عامهٔ ملك وملته عموما وکافهٔ
اولیای دین ودولته خصوصا بشارت کبیره وقبل حقدن عنایت
خطر اولمغین جناب مکرمت مآبکز جانبینه انها اولندی کرکدرکه
بوبلیهٔ عامه‌نك دفعی حضرت عزتدن عزت الاوفی موهبت عظیمه
بیلوب فتحنامهٔ برذکوار دواصل اولیجق جامعلرده منبرلر اوزرنده هر
اوقیدوب وضیع ورفیع صغیر وکبیر لبیب وغبی وغنی وفقیر حق سبحانه
وتعالی‌یه حمد نامحدود وشکر نامعدود ایدوب دعاء دوام دولتمه
وثبات حشمتمه جان ودلدن اشتغال کوستره‌لر تحریرا فی اوایل شهر
رجب المرجب سنه عشرین وتسعمائه بیورت خوی

للجواب

درکاه ظفرپناه وبارکاه نصرت دستکاه تراپنه عرض بنده بی اشتباه
بودرکه حالیا فتحنامهٔ شریف ایمن اوقاتده قدوة الاعیان لطیف بك
زید قدره یدیله وارد اولوب مضمون مسرت مشحوننده دولت واقبال
وسعادت واجلال ایله دیار اذربایجانه مخیم عساکر کیتی ستان اولدیغی
کبی دعوای عظمت وتفرعن ایدن اردبیل اوغلی اسمعیل بی دین وملحد بد
آیین صفوف سلوم مقابله سنده مقاتله‌یه اغاز واظهار جرات ایلدکده
بعنایة الله تعالی وتوفیقه دشمنك یمین مکسورنده دعوای مبارزت ایدن
اوستاجلو محمد خان بربشه وغا اناطولی بکلربکیسی سنان پاشا دام اقباله
ملاصق اولوب ودشمن سردارینك باشی کسلوب جمعیتی متفرق اولدیغی
حینده شاه کمراه جمله کروه مکروهی ایله روم ایلی جانبینه هجوم ایدوب
نهنك بحر هیجا روم ایلی بکلربکیسی حسن پاشایه زخم وکزند ایرشوب شعلهٔ
آتش جنك تیغ خونفشان وتیر وسنان ایدن زمین وزمانی قابلیوب کرد
وغبار دود شراره بار کبی آفتاب جهانتابه حائل اولوب اول اثناده
مهرمنیر منکسف ونحوستی شاه شرقه منعطف وراجع اولوب قلب همایوندن
طرفندن امداد واسعاد ایچون علوفه جیلر بلوکی یوریوب ویکیچری
طایفه‌سی دخی تفنکلرین خصمه حواله ایدوب کوکدن تیره برق بلوشکلنده
اوزرلرینه فندق سربیوب روزدار وکیرکه یوم الاربعاء وغرهٔ ماه رجب
المرجب ایدی ضحاء کبرادن وقت مغربه دك قوشمه ودوندرشمه
اولدقدنصکره همان ظلمت لیل دشمن یوزینه پرده چکدی وکیمی قرارکی ٤٩٠
فراره مبدل قیلوب قاچوب باصلدوغینی وعقبنجه تبریزه نهضت
همایون بیورلدوغینی اعلام ایتمکین حقا نم حقا سرور وفرح ایله سجدهٔ
شکر قلنوب ورسم نشاط آمیز برینه کتوریلوب همیشه جهانکیر
وکامکارلغی ادعیه سنه اشتغال عرض اولندی والسلام

شهزاده سلطان سلیمان باباسندن کماخ وذوالقدر فتحنامه سیدر

فرزند ارجمند اسعد ارشد امجد نور حدقهٔ جلال وسلطنت وشهریاری
ونور حدیقهٔ کمال مملکت وتاجداری دردریای نصفت ودری اوج خلافت
المخصوص بمزید عنایة الله اوغلم سلیمان شاه طال بقاه توقیع رفیع
همایون واصل اولیجق معلوم اولاکه اشبو سنهٔ مبارکه عشرین وتسعمائه
واقع اولان ماه ربیع الاخرك بشنجی کونی یوم السبت ده قلعهٔ کماخ
اوزرینه نزول همایونم واقع اولدوغی کبی هر یکادن اژدر فشم

٢٢١

انواع بهجت ومسرت ایله شکر الهی بجا کتورلوب بو فتح نامه‌یی علی رؤس
الاشهاد اوقودوب ابواب شادمانی عامهٔ ناس وجوهنه مفتوح قلوب
مزید قدر وجاهم ادعیه سنه بالغدو والاصال اشتغال کوستره‌سز ٢٦٤
تحریرا فی اواسط شهر جمادی الاولی سنه احدی وعشرین وتسعمائه بمدینه قیصریه

شهزاده سلطان سلیمان طرفندن بونامهٔ همایونه جوابدر

درکاه کردون جناب وبارکاه فلک قباب صوب سعادت انتسابنه عرض
بندهٔ بی ارتیاب بودر که حالیا دولت واقبال وسعادت واجلال ایله کلوب
تخت قسطنطنیه‌ده سرای عامرهٔ همایونه نزول ووصول ایله مشرف اولوب
وجود جهان مقدم حیات بخش خداوندکاریدن دور وجسم بیجان شابه‌سند
ایکن نسیم عدالت ونکهت نصفتلرندن حیات تازه بولوب جسم ازهار
بر شمیملری دماغ انس وجانی معطر ومشام روانی معنبر قیلوب علی الخصوص
فخر الاماجد والاهالی چاشنکیر باشی زید قدره بنده‌لریله کوندریلن نامهٔ
عالی وبشارت نامهٔ برلالی ابراز اولندقده منصهٔ اقبال عثمانی درخشان
وفرح کامرانی درخشان بر یکا کماخ فتحندن کماخ دل وجان قصر سلیمانی کبی
بلند وزرنکار وبر یکا ذو القدر ربه تسخیرندن صدر صفه جنان جنات
رحمانی ماننده کوهر نثار اولوب ایام دولت پادشاهی وهنکام سعادت
خلافت پناهی ایچون مستحقینه بذل نذور وخیرات ونثر صدقات و
حسنات ده دقیقه فوت اولنیوب ازدیاد ملک وحشمت وافزونی عمر
ودولتلری ایچون همیشه ادعیهٔ صالحه تحصیلنده بذل همت وصرف دقت
اولنمشدر واولنور وحالا دسیم بندکی متروک اولسون دیو قدوم میمنت
لزوملری تشریفاتنه انبعاث اولان بیشکش نقدینی ایچون میراخور
باشی قوللری مفصل تذکره ایله ارسال اولنمشدر امیددر که مقبول ومعفو
بیوریله باقی فرمان باب سعادت عنوان عظیم الشانه منوط ومربوطدر

سلطان سلیم خان تاتار خانه یازدوغی کماخ وذو القدر فتحنامه‌سیدر

جناب امارت مآب دولت انتساب سعادت اکتساب ذو القدر الاشم
والفخر الاتم المحفوف بعنایة الملک المنان منکلی کرای خان دامت معالیه
تحیات عنبربار وتسلیمات کوهر نثار که محض عنایت پادشاهیدن صادر
اولور مطالعه قلندقدن صکره معلوم اوله که اشبو بهار خجسته آثارده
واقع اولان مبارک ماه ربیع الاخرک بشنجی کونی یوم السبت ده قلعهٔ
کماخ اوستنه نزول همایونم میسر اولوب اکرچه حصار مزبورک ارتفاعی
تصور اندیشه‌دن دور وخندقک عمقی ملاحظهٔ فکردن مهجور ایدی

وآتشدوم سنکین طوب وآهنین بادلو شیشه‌لر حواله قلنوب رعد صدا
وبرق بیما قوادم ایله بدنلرینی دوکوب بعضه ابتدا اولندیغی کبی ایچنده
اولان قزلباش بدمعاشک باشنه علامت قیامت ظاهر اولوب چاشیمه
ردوکنمه‌دن قالوب سراسیمه اولدقلری باهر اولمغین بی تحاشی لشکر
جرار خصم شکار برج وبارو اوزرینه چیقوب قلعه سنه اسلام سنجاقی
دیکوب عن قریب زمانده ضبط وتسخیر اولنوب کوتوالنک باشی
کسیلوب قلعهٔ مزبوره ایچنده اهل اسلام مملو اولوب طائفهٔ ملاحده‌
دن تطهیر اولنوب فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین
فحواسی ظهور بولدی وانده بیک وزدار تعیین اولندقدن صکره سبواسیه
عودت همایون بیوریلوب سابقا چالدران سفرنده ذو القدر حاکمی
علاء الدوله بی دولت رکاب همایونم خدمتندن انحراف کوستردوکندن
غیری انواع خیانتی وقزلباش اوباشیله اتفاقی درجهٔ وضوحه ایرشدیکی
اجلدن دفع ورفعی واجبات دینیه‌دن اولمغین بلنک بیشهٔ وغا
ونهنک بحر هیجان اولوقتده روم ایلی بکلربکیسی اولوب حالا وزیر اعظم
اولان سنان پاشا دام اقباله یی اون بیک نفر کزیده لشکر ظفر رهبر ایله
وبر مقدار یکیچری ایله مقدم اوزرینه کوندریلوب بن ذات جلالت سماتمله
برکون صکره عزیمت ایدوب بدنجی کونده ذو القدر توابعندن چیبنی
قلعه سنه قونلوب برکون اوتوراق قلندیغی اثناده پاشای مزبور دشمنه
بولشوب غالب اولدیغی خبر ایرشوب وبارنکی کونی سنهٔ مزبوره جمادی
الاولی سنک عزه سی یوم الاربعا ایدی علاء الدوله بدبختک کله‌سی ودرت
درت نفر بی سعادت اوغللری باشلریله واوتوز نفر بویی بکلرینک
باشلریله برنج نفر چاوش ترکی سنده وزیر مزبور قبلندن کلوب سمند
سعادت تمندم اوکنه خاکسار قدیلروب وانک مقابله سنده الحمد لله الذی
هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله شکرانی ادا قلنوب ولایت
مزبوره حکومتی اقرباسندن صداقت واختصاصیله خدمات سعادت
آیاتمده جان وباش دریغ ایتمین جناب ایالت مآب سعادت نصاب
عضد الدوله ولکدین شهسوار اوغلی علی بک دامت معالیه یه ویروب
اندن قیصریه یه کلوب عن قریب عودت ورجعت همایونمی تخت وبخت
قسطنطنیه صوبنه منعطف ومنصرف بیله‌سز ان شاء الله تعالی وبو بشارت ٤١٠
بهیه ونصرت سنیه‌نک اعلامی ایچون قوللرمدن قدوة الاماجد
والاهالی چاشنکیر باشی زید مجده ارسال اولندی کرکدر که حین وصولده

رنغ

لكن لشكر منصورانك متانت واستحكامنه تقيوب هر طرفدن اژدرم
وآتشدم نهنك هيئت منارقامت سنكين طوپلر وآهنين بادلوشجلر
وروبين ضربزنلر حواله ايدوب وبكيجري طائفه سي تفنكك اوشودن
فندقلريني برج جوزادن آشوروب رعد صدا وبرق نما قوارع ايله بدنلرين
دوكوب بقعه سبانرت اولنديغي كبي اچنده اولان قزلباش بد معاشك
باشنه علامت قيامت ظاهر اولوب چالشمه وذوكشمه دن قالوب
سراسيمه اولدقلريچون بي تحاشي لشكر جرار خصم شكار برج وبارو اوزرينه
چيقوب قلعه سنه اسلام سنجاغني ديكوب عمره قريب زمانده ضبط وتسخير
اولنوب كوتوالنك باشي كسيلوب قلعه مزبوره اهل اسلام ايله مملو اولوب
طايفه ملاحده دن تطهير اولنوب فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله
رب العالمين نحواسي ظهور بولدي واندن بك وزدار تعيين اولندقدن
صكره سيواسه عودت همايونم بيوريلوب سابقا چالدران سفرنده
ذوالقدر حاكمي علاء الدوله بي دولت ركاب همايونم دن تخلفنده انحراف
كوستروب وكندودن غيري انواع خيانتي وقزلباش اوباشيله اتفاقي
درجه وضوحه ايرشدوكي اجلدن دفع ورفعي واجبات دينيه دن
اولمغين پلنك بيشه وغا ونهنك بحر هيجا اولوقتده روم ايلي
بكلربكيسي اولوب حالا وزير اعظم اولان سنان پاشا دام اقباله نك
اون بيك نفر كزيده لشكر ظفر رهبر وبرمقدار يكيچري ايله مقدم وزرنه
كوندريلوب بنده دخي ذات جلالت سمات ايله ركوب صكره عزيمت ايدوب
بدنجي كوننده ذوالقدر نواحيدن چيني قلعه سنه قونلوب بركون اوتراق
قلندوغي اثناده پاشاي مزبور دشمنه بولشوب غالب اولدوغي
خبر ايرشوب ياريني كون كه سنه مزبوره جمادي الاولي سنك غره سي
يوم لا دنجا ايدي علاء الدوله بدبختك كله بي دولتي درت نفر جب
سعادت اوغلاري واوتوز نفر بوي بكلربكنك باشلريله برفتح نفر
چاوش تركيبنده وزير مزبوردن قبلندن كلوب سم سمند سعادتمندم
اوكينه خاكسا ايراقديلر واول مقابله سنده الحمد لله الذي هدانا
لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله شكري ادا قلنوب ولايت
مزبوره حكومتني اقرباسندن صداقت واختصاصيله خدمات سعادت
آيا تمامه جات وباش دريغ ايتمين جناب ايالت مآب سعادت نصاب
عضد الدوله وكدين شهسوار اوغلي علي بكه دامت معاليه ويروب انده
قيصريه به كلوب عن قريب عودت ورجعت همايونم تخت وبخت قسطنطنيه

صوبنه

صوبنه منعطف ومنصرف بيله سز وبو بشارت بهيه ونصرت سنيه نك
اعلامي ايچون قوللرمدن عمدة الاعاظم والاكارم محمد بك زيد مجده
ارسال اولندي واروب حضور شريفلرينه وصول بولدقده كركدر كه جميع
ولايت قريبه بو فتحنامه مسرت مشحوني اشتهار ومفاخرتله اوقيدوب
ابواب شادماني بعموما انام وجوهنه كشاده واسباب مسرت وكامراني
بي آماده قيلوب دعاي دولت ابد پيوند پادشاهي مراسمنه اشتغال
كوستريله تحريرا في اواسط شهر جمادي الاولي سنه احدي عشرين وتسعمايه بمدينه قيصريه

سلطان سليم خان دركاهنه چالدران جنكندن صكره شاه عجم كوندرديكي تضرع نامه دركه جوابيله تقييد اولنموب ايلچيسي ديمتوقه ده حبس ايلمشدر

حضرت سامي مرتبت عالي منقبت سلطنت پناه عدالت دستكاه خورشيد
رفعت جمشيد رتبت فريدون فر سكندر در دارای ممالك آرای
ناهيد انتقاع برجيس ارتفاع افتخار اعاظم السلاطين اعتضاد افاخم
الخواقين رافع اعلام الملك والدين حامي الاسلام والمسلمين المنتشر
مناشير معدلته في الآفاق الظاهر بتباشير نصفته من افق الاستحقاق
المؤيد من عند الملك الاله غياث السلطنه والمعدلة والحشمة والشوكة
والاقبال سلطان سليم شاه ابد الله مباني ملكه وسلطانه واتباع
بكمال لطفه واحسانه شرايف دعوات طيبات محبت ايات ولطايف
تحيات زاكيات مودت سمات مقتبس از انوار ادركم في ايام دهر
كم نفحات كه طراوت ازهار ونضارت كلزار رش صفا بخش خواطر
ارباب صدق وصفا وروح فزاي ضماير اصحاب صداقت وولا بود
ونسيم دلكشاي آن مروح روح ومفتح ابواب فتوح باشد تحف ومهدي
ومبلغ ومودي داشته نهاي ضمير منير مهر تنوير انكه بنابر استحكام
قواعد محبت وولا وانتظام مودت وصفا كه از مقتضيات آثار علاقه
ابوت وبنوت ومتممات اطوار رابطه فتوت ومروت است ودر سوابق
ايام باتم واحق تحقق آن از جانب حضرت ابوت مكان فردوس آشيان
انار الله برهانه بنوعي منظور ومشهود بود كه محسود سلاطين اقطار
ومغبوط خواقين امصار كشته على الدوام چنانچه مستدعاي شيمه
جبليه ومقتضاي فطرت اصليه اين محبت بدفع ورفع ارباب زيغ
وعدوان وقلع وقمع اصحاب عصيان وطغيان اشتغال نمود وبهيچ
وجه از ان جانب امكان مخالفت واحتمال منازعت ملحوظ وتصور نه

بلکه همیشه احیای مراسم محبت موروثی صمیمی و اعلاء معالم صداقت
یقینی قدیمی فیما بین اولاد امجاد سلطنت نژاد حضرت فردوس مکان نسبت
این محب را از حضرت خلافت قرابت ظهور می یافت و اشعهٔ لمعات
نیر اختصاص و اتحاد در مجالی خواطر و مرایای ضمایر از ایشان می تافت
مکنون ضمیر و مکنون خواطر تصویر معانی آن بود که هرگاه که در امور سلطنت
و مهام مملکت بیامن معدلت و نصفت آن حضرت اتساق و انتظام
یابد تسدید این معانی و تشیید این مبانی بموجب فرموده محبة الآباء
قرابة الابناء بنوعی ثبوت و تحقق پذیرد که در وقایع ملکیه و ملیه و حوادث
دینیه و دنیویه از جانبین وظایف موافقت امداد و لوازم مرافقت
اسعاد بظهور رسد فکیف که مظنهٔ تعرض و مداخلت و تصور
تعصب و مجادلت اما عجب از اعتقاد آنست که منشأ نشأة خلاف
غیر افساد ارباب فتنه و فساد و ایقاع اصحاب اغراض و عناد
نبوده از اقاویل کاذبهٔ باطله و اباطیل لاطائله جمع غرضناک بی باک
آینهٔ خاطر بی عیب را که مطرح انوار غیب است مکدر ساخته باشند
و ضمیر منیر را از انعکاس صور معانی صفا و وفا ارتی و انسانی برداخته
و مع ذلک همچنان از جنبت کریمه و محبت قدیمه تعجب تام روی نمود که
با وجود تاسیس قواعد آن مشیدة الارکان و ترصیف آن مقاعد
مستحکمة البنیان تا بتر اقوال تغییر احوال تواند بود بناء علیه هر چند
از اکناف اخبار توجه ایشان بدین بلاد اثار خلاف مقتضیات
محبت و وداد میرسید قطعا رابطهٔ اعتماد نموده بسمع قبول مسموع
نمی شد و شاهد عدل این کلام صدق آنکه در آن هنگام چنانچه
بمسامع علیه رسیده باشد احضار عساکر اطراف نکرده بعد از
تحقق آن اخبار با مخصوصی چند از ملازمان رکاب و معدودی از
مردم حدود دیار بکر وقت الضروره بصوب مقابله استقبال نمود
و حسب المقدور آنچه مرقوم صفایح صحایف غیب بود بر لوایح عالم
شهادت پرتو انداخت و چون استنشاق نسایم صلاح و استرواح
روایح اصلاح حین معاودت از ریاض احوال ایشان نموده همگی همت
و جملگی نهمت بامنیت بلاد و فراغ عباد مصروف و منعطف بود
حمایت حدود اسلام مخزون خزینهٔ نیت و مکنون گنجینهٔ طویت بود
مخالفت سلاطین دیندار موجب اختلال مبانی دین و ایمان و سبب
جرأت و جسارت اهل کفر و عصیان میشود هر آینه بمقتضای حقیقت

مودای

مودای من سبق بین الاخوین بالصلح فهو اسبق بدخول الجنه رعایة
لحقوق الاخوة و وثوق المحبة باهداء آثار موافقت و اشعار شعایر
مصادقت مسابقت نموده و مضمون سعادت رهنمون آیت کریمهٔ و ان
طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا و لا تتبع سبیل المفسدین
وجهت توجه و قدوه نیت ساخته سیادت و نقابت پناهی افادت
افاضت دستگاهی امیر نور السیاده و نور الدین عبد الوهاب را
جهت تاسیس اساس یگانگی و تغییر مخالفت و بیگانگی بدان صوب صواب
مآب روانه گردانیده است و ترصد آن بود که چون اصلاح حال کافهٔ
انام و مصالح اهل اسلام را متضمن است سیادت پناه مشار الیه
را بزودی روانه ساخته اظهار خصایص اتحاد ذاتی علی الرسم السابق
والوجه اللایق فرمایند و اکنون مدتی از آن گذشته و اثری بر آن مترتب نگشته
بخاطر خطور نمود که چون در بین اثنا بی وقوف و شعور جانبین بعضی امراء
حدود طرفین تجاوز نموده صورتی چند بفعل آورده که موهم تبلیغات
محوله سیادت پناهی مرضی الصفات نیست همان که سبب تسویف و تعویق
آن باشد و لهذا امارت مآبی رفعت نصابی کمال الدین حسین بیک و عمدة
الاعاظم بیرام آغا که از زمرهٔ خواص ارباب اخلاص این خاندانند فرستاده شد
که تفاصیل حالات بتقریر وافی مشار الیهما که از حقایق آن کما هی آگاهی
دارند و معتمد علیه اند محول شد که هنگام مجال مرفوع گردانند یقین
که مصالح عموم انام و انتظام مناظم امور جمهور اهل اسلام را نصب العین
ساخته فتح ابواب رخا و نشر اسباب ولاء با انبعاث وسایط و رسایل
و تجویز آمد شد قوافل و رواحل خواهند فرمود و الحق غرض از ارسال رسل
و ابلاغ مراسلات و بسط بساط مفاوضات و مکاتبات غیر ملاحظهٔ فراغ
حال عموم برایا و جمعیت بال قاطبهٔ رعایا نبوده و نیست چه وثوق
بعنایات نامتناهی و اعتماد بحکم بدیع الهی زیاده از آنست که صورت
دیگر متصور خاطر تواند شد والدعاء مخلد و موبد و ختم بالصلوة علی محمد و آل

سلطان سلیم خاندن سمرقند پادشاهی عبید خانه مکتوب جواب نامه در

والاجناب امارت مآب عزت نصاب دولت قباب رفعت مناب
سعادت اکتساب سیادت انتساب ملکی الذات ملکی الصفات
فلکی العزمات مالک نواصی الملل سالک اقاصی الدول ناصب رایات
الحشمة الزاهرة علی قمة القبة الخضراء رافع الویة العظمة الباهرة
علی ذروة المجد والاعتلاء باسط الامن والامان ناشر العدل والاحسان

المستغنی عن التوصیف والتعریف والبیان • المخصص بصنوف لطایف
عواطف الملك المستعان • جلال الدولة وکدین حضرت اخوی مرتبت عبیدخان
شعر دام من ولاه فی مجد بهیج عنم من عاداه فی غم ردی • شمامهٔ طیبهٔ
گلزار قدسی • و گلدستهٔ حدایق فردوسی • یعنی کتاب مشکین نقاب
محبت نمون و مودت فزون • بلاغت نصاب فصاحت استیعاب • نور
حدقهٔ دوح • و نور حدیقهٔ فتوح • و مبنی از تعارف ازلی • و مبنی بر اتحاد
لم یزلی • کم مؤکد قواعد مخالصت و مشید مبانی اخلاص و مصادقت دره
سید السادات و سند العز و السعادات • مستجمع الخصال الحمیدة سید
محمد برکم • رزقت سلامته وساطتی ایله وصول بولیجق انواع اعزاز و اکرام
ایله اقبال ایدوب شعر فقلت له اهلا و سهلا و مرحبا • بخیر کتاب
جاء من خیر مرسل • صنوف تحیات وافیه • و الوف تسلیمات شافیه
ایله کم صفایح صحایف صفاسی رقوم ودادایله مرقوم • و مفهوم و محصلی
استعارات لایقه و عبارات رایقهٔ اتحادله محلادر • مقابله ایدوب
مکنونات مضامین کلمات مرتبه و تراکیب مهذبه • و عبارات بلندی
و استعارات ارجمندی • مبین و ظاهر اولوب • الفاظ مرتبه • و معانی
منقحه منطوی اولدوغی • قزلباش اوباش ایله مابینده واقع اولان
احوال و ماجرا • مفصلا روشن و ظاهر اولدی • واقعا سلاطین
اسلامیهٔ ذوی القدره لازم و واجب بلکه فرض عین درکه • هربار نوایر
الهیه و شرایع نبویه • ظلوم ظلم مخالفات دین و دولت • و معاندت
ملك و ملت ده مختفی اولسه • ضرب سیوف بواتك • و طعن رماح فوانتك
ایله • هنك پردهٔ فتنه و فساد ایلیه • تاکه ثواقب کواکب شرایع نبویه
عالمی پرنور ایدوب • اشتعال نار جور و اعتساف • جریان تیغ آبدار
ایله منطفی اوله • شول نسنه کم مقتضای امارت • و مستدعای دیانت
ابدی • وضوح و سنوح بولمش • بعده انهاء رأی سامی مکانت اولدرکه
چون عنایت حق بر دوام چمن ایام بهشت نشان اسلامی • ازاهیر
حصول مرام ایله • رشك گلشن مینافام ایدوب • اعدای دین او زرینه
مواضع عدیده ده • فتوحات کلیه میسر ایدوب • نسیم نصرت و ظفر
لقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة • مهب تنسم ایدوب • فذاقوا وبال
امرهم بما کانوا یعملون • فقطع دابر القوم الذین ظلموا • والحمد لله رب العالمین
شانلرینه موافق اولمشدر • تاکم دیاربکر و کردستان و ما بینده واقع
اولان • قلاع و تلال و جبالی ایله • و لواحق و مرافقی ایله • و صیاصی

وفاق

وفاق و نواحیسی ایله مستخلص • و جملهٔ مضافات ممالك محمیه مدن
اولوب • اولدیارك اهلی عامهٔ مستأمن اولوب • ناموا فی مضاجعهم
آمنین • و اطمأنوا فی منازلهم ساکنین • نخواسی جبین عیان ایله مشاهده
ایتمشلردر • الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله
آخرکار بو حالته طاقت گتورمیوب • روی مسکنتدن متوالی ایلچیلر
گوندروب انواع تضرع و ابتهال • و اصناف تذلل و ارتذال ایله • نیاز
مندلکلر گوستروب • نه طریقله دیلرسکز صلح ایدرلم دیدکده • ملکات
ردیهٔ طبیعتی قابل زوال اولمیوب ع کم زنگی بشستن نگردد سفید •
و فرط تهور و خودرایی و وفور تهتك و سبکساری او زره • مجبول و مسنی
علم شریفهم محیط اولدیغی جهتدن ع اذا انت اکرمت اللئیم تمردا • موجبی ایله
قطعا احوال و اقواللرینه ملتفت اولمیوب • حال سابق او زره مقرر اولدم
حالیا همت علیهٔ پادشاهانه مه لازم و واجب اولدیکه • عنان عزیمت
همایونمی قلع و قمع فتنه و فساده منصرف قیلوب • ان شاء الله العزیز
روی زمینی اوساخ وجودلرندن • تیغ آبدارله تنظیف ایلیوب • جریدهٔ
عالمدن سواد بروزلرینی بالکلیه محو ایلیم • من سل سیف البغی قتل به •
حسب حاللری اولوب • من زرع الاحن حصد المحن • نتیجهٔ آماللری اوله
توارئ کون و وادیٔ عدمه قدم بصوب • کأنها لا اصل ثابت ولا فرع
نابت • اولمغین • خلق اطراف و اکناف عالم آسوده دل اولوب اولطایفهٔ
بدآیینات • شر و شوریندن خلاص اولهلر • پس جناب عالیه دخی لازمدر
اول نواحیده اولان امرای کرام ایله مراسله و مشاوره ایدوب • اتفاق ایله
مادهٔ فتنه و فسادی بالکلیه قطع ایدوب • ممکن اولدیغنجه نام و نشانلری
عالمدن نابدید اولمغلق • اسبابنه مباشرت اولنه • من بعد همواره ابواب
محبت و وداد • مفاتح مکاتبت مودت موادایله • مفتوح • و جمل جمیله
اتحاد • الف متحرك قلم • و نون مشدد دواتله مؤکد قلنه • و احوال لایحه
و اخبار سانحه توارد رسائل تودد پیام • و تردد رسل ذوی الاحترام
ایله • بین الجانبین اتحاف واهدا اولنمقدن خالی اولمیه • تاکم حبل
وداد و اتحادکه • استمساك احبا و اولیا انکله اولور • طرفیندن دوتا اوله
و بنیان یگانگی و اخوت • روز بروز استحکام بوله • و مشار الیه سید محمد
رزقت سلامته شرایط رسالتی کمال و جمیله تمام ایدوب • عنایات
بی غایات • و رعایات بی نهایاتمزله ملحوظ و محظوظ اولوب • حسن
اجازتمزله مقرون اولوب • صوب صواب مآبه متوجه اولدی • همواره

امداد عنایت سبحانی و توفیقات ربانی و تأییدات صمدانی قرین حال باد بحق النون والصاد حرره فی اواخر شهر رجب سنه ۹۲۱ بمقام ادرنه

جالدران واقعه سندن صکره سلطان سلیم درکاهنه خواجه اصفهانیدن تضرع نامه در

هو فتاح الابواب لکل ملک کریم ❊ و مفتاح الاسباب لکل قلب سلیم
الا ای قاصد فرخنده منظر ❊ نیازم بر بسوی شاه مظفر
بکوای پادشاه جمله عالم ❊ توئی امروز در مردی مسلم
اساس دین تو در دنیا نهادی ❊ تو شرع مصطفی بر جا نهادی
مجدد کشت دین از همت تو ❊ جهان در زیر بار منت تو
اکر ملک شریعت مستقیمست ❊ هم از دولت سلطان سلیم است
زبیمت در تزلزل فارس و ترک ❊ چو افکندی زسر تاج قزل برك ٣٦
فکندی تاجش از سرای مظفر ❊ فکن اکنون بمردی از تنش سر
قزل بر کشت همچون مار افعی ❊ سرش را تا نکوبی نیست نفعی
توئی امروز از اوصاف شریفه ❊ خدا را و محمد را خلیفه
روا داری که کبر و ملحد دد ❊ دهد دشنام اصحاب محمد
تو او را شکنی از روز مردی ❊ سرش را تا بریده باز کردی
اکر کیرد امانی در سلامت ❊ بجرم دامنت را در قیامت
چنین دیدم ز اخبار پیمبر ❊ که ذوالقرنین بد در روم قیصر
بد ذوالقرنین از آن خود را علم کرد ❊ که ملک فارس را با روم ضم کرد
دو قرن او ساه اندر جهان شد ❊ بشرق و غرب حکم او روان شد
بیا از نصرت دین کسر صنم کن ❊ تخت روم ملك فارس ضم کن ٤١٧
که شرق و غرب را از دولت و کام ❊ بکیرد باز ذوالقرنین اسلام
ز اخبار ملاحم در صحابس ❊ چنین آورده کاتب در کتابه
که در اسلام بعد از قرن بی مر ❊ شود دیندار ذوالقرنین دیکر
تو آن دین پرور و کشورستانی ❊ که ذوالقرنین موعود جهانی
بیا از روی عالم رنج بردار ❊ بکش زنهار مار و کنج بردار
مراد من از این فی کنج و مالست ❊ غرض کنج رضای ذوالجلالست
دو قرن از زان که ذوالقرنین شد شاد ❊ تراصد قرن عمر و مملکت باد
الهی سرور ما پیر کردد ❊ چو ذوالقرنین عالمکیر کردد
ز نور عدل او عالم منور ❊ آمین آمین بکو تا روز محشر

بو دخی طرز نوایله مزبور کردد ❊ بو بیتی عنوانلره یاز مستداد

برای خضر سوی حضرت اسکندر ثانی ❊ نیاز بندهٔ او خواجه ملای صفاهانی
ای خلافت سریرینك شاهی ❊ وی عدالت سپهرینك ماهی
ای سلیمان صفات و عیسی دم ❊ وی نبی خصلت و ولی مقدم
ای سخا ملکیدا بهادر ❊ وی شجاعت ممالکیدا صفدر
ای سکندر سپاه و خضر الهام ❊ وی مسیحادم و کلیم کلام
ای دیانت جهانیغا سلطان ❊ شاه بن شاه و خسرو دوران
ای یوزینك آفتاب اوج جلال ❊ عالم اهلی قاشینکدا ذره مثال
تا ظهور ایلدینك بو عالم آرا ❊ توشتی ذوق و سرور آدم آرا
جالدینك ای شه جهان کوس نوید ❊ یتتی دین اهلیغه صدای برید
خسرو دین پناه شاه سلیم ❊ صدف دهر ایچنده در یتیم
تا بدی حق بولیدا طریق هدی ❊ خلد الله ملکه ابدا
اهل اسلامنی هدایت قیل ❊ طرق شرعنی رعایت قیل
بیله کیم عدل و داد وار سنکا ❊ یار بولسون جهاندا یار سنکا
بیل که دین اهلیغه امان سن سن ❊ مهدی آخر الزمان سن سن
یار عدل و سخاك ایچون حیران ❊ بوز نومان خاتم ایله نوشروان
بیله کیم سنده بار فتح و ظفر ❊ قدرت حقدور ره فعل بشر
من دیمان کیم زمانه شاهی سین ❊ بلکه سن قدرت الهی سین ٢٩
سنکا ای شاه عرض حالم بار ❊ عرض ایترا ایمدی کیم مجالیم بار
لطف ایله مینك مرادیمه بیت ❊ دادخواهنك من ایمدی دادیم یت
بار ایدی مسکنیم خراساندا ❊ ملك خوارزم برله بلقاندا
کوردیم ایرسه بسی بلای وطن ❊ بولدیم اول ملکدین جلای وطن
دین سراپینی کفر بیقتی تمام ❊ کفردین سندیدا توبتی مقام
بدعت و فسق بیقتی عالمنی ❊ فسق حقدین آیردی آدمنی
خاندانلر باریسی بولدی خراب ❊ قالمدی شرع ایچنده آب و تاب
باغرمنی کفر اوتی کباب ایتتی ❊ دین اسلامنی خراب ایتتی
بندهٔ سنی ایت مذهب مین ❊ پیر و علم دین و ملکت مین
آتینك ایچون بو بدعت اهلی دین ❊ سنکا یتتی جفا و تیغ کین ٤١٨
سنکا تو تشمادی بو بلا یا لغوز ❊ محنت وجود و ابتلا یالغوز
کیم که سنی ایدی جفا کوردی ❊ بدعت اهلیدن ابتلا کوردی
سندین امید وار دور عالم ❊ لطفنغه منتظر بنی آدم
رشتهٔ کفرنی چکیب اوز کیل ❊ لیك اسلام ایلینی تیز توز کیل

انتظار ایدر سنك چون خراسانلق   قل خراسانده داخی سلطانلق
بار اشتیاق سانکا اهل عراق   ایله کیم جانه تن ایرور اشتیاق
ماوراء النهر دا شاه و کدا   قیله دورلر سنکا مدام دعا
کم سنك دولتیکك فزون بولغای   دشمنینك زار و سرنکون بولغای
دولت و نصرتیله عزم ایله   کفر و ضعیف قلوبنی حزم ایله
قورتار اسلام اهلنی غمدن   محنت و بدعت ایله ماتمدن
لطف ایتوب خسته لاره درمان قیل   خیر ایچون زارلاره احسان قیل
که جهانك نوری سندیندر   دینك ایلینك امری سند بندر
خواجه خسته کم او درد محزون   بغری برخون و اشکی دلکلکون
بیغلا بان وصفوکی قیلادر دایم   تنکریدن دولتینك تلادر دایم
که وجودینك تایوب جنات ابد   کفر و بدعت ایلینی قیلغای رد
تخت نصرته سنکا مدام اولسون   دولتینك داخی سنده مدام اولسون

سلطان سلیم خان ایکنجی دفعه عجم سفرینه نیتی ایله آقشهره واردقده حاکم مصر اولان غوری یه یازمشدر

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین • الحمد لله الذی اعز عبده ونصر جنده • لیکون للعالمین نذیرا • وایده بالتوفیق • لیجعل له من لدنه سلطانا نصیرا • وصیر لمعان حسامه فی ازالة الکفر وظلامه شمسا وقمرا منیرا • وجعل نقمته للاشرار مشبوبة • ونعمته للاخیار مصبوبة • فمن اعتصم بحبل متابعته نال المناء • ومن انتظم فی سلك متابعته حاز مبتغاه • وصار من القوم الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون • والصلوة والسلام علی من اقتدینا بآثاره • واهتدینا بانواره • محمد الذی من الله علی المؤمنین به • اذ بعث فیهم رسولا • ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون • وعلی آله واصحابه الذین هم قاموا لحمایة الدین • ونصرة الاسلام والمسلمین • اولئك علی هدی من ربهم واولئك هم المفلحون • وبعد فانا اصدرنا هذه المفاوضة الشریفة مخبرة عن خلوص نیتنا • والمکاتبة اللطیفة معربة عن صفاء طویتنا • الی الحضرة العلیة الاکرمیة الافخمیة الاعظمیة الاعلمیة الاعدلیة الاکملیة الاکفلیة الافضلیة الغوثیة الغوریة • وهو الذی شمل المحاسن کلها • وجرت علیه المفاخر ذیلها • والقت لدیه المعالی مقالیدها • وارجعت الیه المکارم اسانیدها • حامی الحرمین المکرمین المحترمین المبجلین المعظمین • ناصر الاسلام والمسلمین ظهیر امیر المؤمنین • لا زالت خواطره الشریفة مسرورة • ومواد ابتهاجها

موفورة • وایادیه مشکورة • ومحاسنه مذکورة • ولا خلا من عزة یتمهد اساسها • ونعمة یتجدد لباسها • وحشمة یرتفع شرامها • ودولة یلتمع شمامها • ما سبح سمك وسبح ملك • نهدی الیه سلاما یجمع القلوب علی محبته وولائه ویرفع الکروب عن عراض الصدور ویطلع صدقه وصفائه • وثناء یرتفع غیاهب التناکر عن مجالس الانس بنوره وسنائه • ویتضح المناهج القویمة والمعارج المستقیمة الی منازل القدس بتلألؤ نجوم سمائه • ونبدی لخواطره الکریمة ان علمه الشریف محیط باننا لما عدنا من فتح الکماخ مصحوبین بالسلامة • محفوفین بالعز والکرامة • بلغ الشتاء وبرد الهواء • وجادت السماء وتواصلت الانواء • وتواترت الانداء • واختلت مشابة القفال وانحلت معاقد النزال • فعقدنا نستریح هذه الشتوة • ونستکمل الخطوة • ونواصل الغزوة • وبیمن صدق هذه العزیمة • والاستمداد فی الجهاد علی الشیمة • نزلنا بدار سلطنتنا فاقمنا فیها بدولة واریة الزناد • عالیة العماد • مطمئنة المهاد راسیة الاوتاد • الی ان جاء الربیع • وعرض نسایم الاسحار صفوف الازهار علی مراکب الاشجار • وشارب النبت قد طر • وهارب البرد قد فر • فقام عزیم عزمنا باعلاء کلمة الموحدین علی الملحدین • وتثبیت قلوب المتقین علی الیقین • وهذه العزیمة التی اصبحت بها کلمة الایمان متشرقة • ووجوه المسلمین بها ضاحکة مستبشرة • ووجوه المشرکین علیها غبرة ترهقها قترة اولئك هم الکفرة الفجرة • جهزنا الفیالق ونشرنا البیارق • وحشرنا الرواعد والبوارق • وترنحت الصواهل • وترنحت الذوابل • فضربت الکؤوس وسمت النفوس • فعبرنا البحر والنصر مقبل والظفر متهلل والمیمنة والمیسرة بالیمن ممتدتان • والقلب له من التایید والتمکین جناحان • فتوجهنا الی الدیار الشرقیة • فحین مجیئنا بلدة آقشهر وقیت عن الآفة والقهر • ظهر شیء من الاتفاقات النادرة • وامارات السعادة الباهرة • وورد البشیر من قبل لیث خادر • واسد زائر • وهو امیر الامراء الکرام بالدیار البکریة محمد صانه عن المکاره الملك الاحد • فاخبر ان اسمعیل المخذول بعد انفتاح الامد المحروسة والرها وسائر قلاعها وجبالها • جمع جمعا کثیرا کان مقداره عشرین الفا ویزیدون وجعل لهم قیم رأسه المشهور بقراخان امیرا • وهو مقدم جیشه فاتوا علی قرانهم • وارسل معه امیر بغداد وامیر همدان وامیر الحلة وامیر السلطانیة وامیر الکلهور وامیر السعید وامیر کنشان وغزوین • والامیر المزبور مع بعض الامراء من العساکر المنصورة • انقض علیهم انقضاض البزاة

على البغاة • وصدهم عن الانبثاث والانبعاث • فلما رأتهم الطائفة المذكورة
رتبوا الرجال • وطلبوا الفرسان • واقاموا الصفوف على الموازاة قلباً لجميع البلد
وميمنة كتدفع السيل • وميسرة مشحونة باشاهب الخيل • وناح الفريقان
بعضهم في بعض كالجراد المنتشر ضرباً يزيل الرؤس عن العواتق • ويبين الزنود
عن المرافق • وطعناً يهتك ودايع الصدور • ويرد مشارق النحور والمروز
ورشقاً يصيب شواكل الابصار • ويطلب وراء الفقار مضجع القرار •
واشتدت الحرب حتى تقلصت الشفاه • وتغضنت الجباه • وتقطعت
الانفاس • وتحيرت الفرسان والافراس • واغبرت الآفاق • واحمرت
الحمائق والاحداق • وجلت دياجير النقع من لمعان الحديد السوابغ الوقرة
واتصلت للموحدين من الملائكة المسومين امداد النصرة المتواترة • فهبت
نسمات الفتح المبين • من مهب • فايدنا الذين آمنوا على عدوهم فاصبحوا
ظاهرين • خرقوا حجاب الصف • وفرقوا شمل الجمع الملتف • حتى زلت اقدامهم
عن مقارها • وتهاوت الرقاب عن مزارها • وقضت الرماح من قلب العدو
اوطارها • وبردة المشرفيات اوارها • خذل الضلول ونصر الهدى فانقلبوا
خاسئاً حسيراً • ونكص على عقبه ملوماً مدحوراً • فصمم الامراء المذكورة العزيمة
على الهزيمة • فطاروا بين الاقطار كل مطار • وسقتهم سائقة الدمار و
والادبار • فتطرق التمزق في الفهم • وتلقاهم الفرسان بالسيف فخلوا عن خيامهم
وفرشت القتلى في الوهاد والجبال • وقيدت الاسارى في الاصفاد والحبال •
فلم يبق منهم بعدها اثنان • عند تنازل الاقران • وتناوب القراب و
والطعان • ذلك ذكرى للذاكرين • وكذلك يفعل الله بالظالمين • لم ينج
منهم الا اقل قليل • اسروا باسرهم • فذاقوا وبال امرهم جزاء بما كانوا يعملون •
فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين • فلما وصل الينا اخبار
هذه الفتوح المتزايدة والسعادات المتضاعفة • برؤس الامراء المذكورة
التي هي بفضل الله تعالى ومنته للفتوح سابقة • ولامثالها قائدة وسائقة •
وجب ان نرد بها البشرى والبشر الى المجلس السامي • اسماه الله عز وعلا •
ليسر خواطرهم الشريفة وقلوبهم المنيفة • ويجدد المودة الازلية والمحبة
اللم يزلية • فلذلك جهزنا الامير الكبيري المقربي من خواص حضرتنا حسن
رزقت سلامته • مع رأس قراخان • وحملناه من السلام ما هو ازكى من عرف
الورد ونشر الخزام • فالمترقب من الالطاف العميمة ان ينظر بعيون الاكرام
والعزة والاحترام • ويكرم في تبجيله وتعظيمه وتكريمه • والله تعالى
متعكم بنيل السعادات • وبلغكم اقصى الاماني والمرادات • تحريراً في اواخر

رمضان المبارك • سنة احدى وعشرين وتسعمائة • بمقام ادرنة

الجواب

بسم الله الرحمن الرحيم حامداً لله تعالى • ومصلياً على رسوله الكريم • ضاعف
الله نعم المقر العالي السلطاني الكبيري العالمي العاملي العادلي الكافلي الكاملي
المؤيدي المظفري المهدي النصيري الظهيري العوني الغوثي • اسوة الملوك
والسلاطين • عون الغزاة والمجاهدين • معين الاسلام والمسلمين • المؤيد
بتأييد الله الذي لا اله سواه • ابو النصر والفتح سلطان سليم شاه • لا زال
اولياء وجوده الشريف فرحين بالعز والاقبال • ومابرح اعداء ذاته
اللطيف مقتولين في معركة القتال • وبعد فلما ورد كتابكم الشريف •
وخطابكم المنيف في ايمن الازمنة • واحسن الامكنة • على يد قدوة الاماجد
والاخيار حسن بك سلحدار • زيد قدره • مع رأس قراخان اللعين •
ملك الامراء بين طائفة قزلباش الملحدين • فقرأنا تلك المفاوضة الشريفة
والمخاطبة المنيفة • واطلعنا على ما تضمنته من وقوع المحاربة • بين امير
امرائكم محمد باشا البيغلي • والي ديار بكر • وبين مولاء الطغاة الفسقة •
في قرب قلعة ماردين • وحصول الفتح والنصرة من الله الملك العلام
لجيوش اهل الاسلام • ونزول النوازل والبلية من حضرة القهار الذي
هو عزيز ذو انتقام • على رؤس الاعداء اللئام • وظهور التفرقة بينهم
مع كثرة عدادهم • ومرور الدولة من جملتهم لعدم اسلامهم واعتقادهم
فرحنا غاية الفرح وبششنا نهاية البشاشة • وابتهجنا بهذه البشارة
كل الابتهاج • وزينا الاسواق بانواع الاقمشة والديباج • وفتحنا
ابواب العيش والنشاط • وانبسطنا كل الانبساط • وقرأنا مع صلحاء
بلادنا الادعية المتوافرة • والاثنية المتكاثرة • لازدياد دولتكم وارتفاع
اعلام نصرتكم في الدنيا والآخرة • انه ولي التوفيق والاجابة • واصدرنا
الى خدمتكم الشريف • ومجلسكم المنيف • برفاقة قاصدكم المذبور •
احد خواصنا زين المقر بين جمال الدين يوسف القبطان • رزقت عودته
بالسلامة • وجهزنا معه من جملة اربعة افيال التي اهدانا ملك البلاد
الهندية • فما وصل منها الا الاثنان • فيلاً واحداً • مع بعض من الامتعة
المصرية • فالمأمول من جنابكم الرفيع حسن القبول لدى الوصول • والعذر
عند كرام الناس مقبول • ونسئل دراهم معينة لاستراء الخيل الازمة
لبعض مصالحنا المهمة في القاهرة • وارسال جمع من اهالي تلك الصنعة
فالمرجو من كرمكم الاحسان بقضاء الوطر • وان تلتفتوا اليه بلطف النظر •

فان بيننا وبينكم محبة قديمة ومودة مستقيمة • من عهد ابائكم العظام واجدادكم الكرام • انار الله تعالى براهينهم ونور مضاجعهم الى يوم القيام
ولا يتغير شئ منها بزخرفات العوام • بل تزيد كل يوم من كرم الله ذى الجلال والاكرام • ابقاكم الله بالدولة الابدية السرمدية • وايدكم بتأييداته العلية السنية • ما سبح سماك وسبح ملاك • والكرم والاكرام

سلطان سليم خاندن غوري يه جواب نامه در

بسم الله الرحمن الرحيم • الحمد لله الذى سد ثغر الاسلام بسطوتنا السديدة وشد ازر الانام بقوتنا الشديدة • فتوجه وفود الافتراح • نحو مقامنا الكريم لفوز النجاح • من كل فج عميق • وجعلنا خلف الماضين وشرف الباقين ومنحنا قدرة وافية بانجاح مناجح المؤمنين • واصلاح مصالح المسلمين ووفقنا بهذه الكرامة الكافية • انه ولى كل توفيق • والصلوة على رسوله الامى والنبى الهاشمى محمد • مثل شرعه القويم • مثل سفينة نوح • من ركب فيها نجا • ومن تخلف عنها غرق • وهو لاابن الصديق • الشفيع المشفع الشفيق • و على اله واصحابه الذين اجرين سفاين نفوسهم الطاهرة • برخاء هدايته الباهرة من سواحل التقليد الى لجة التحقيق • وبعد فانا اصدرنا هذه المفاوضة اللطيفة • الى الحضرة العلية الاعلية الاعلية الاكملية الاعدلية الاورعية الاكرمية الافخمية الاعظمية العونية الغوثية • وهو الذى جمع المحاسن كلها • وجرت عليه المفاخر ذيلها • والقت لديه المعالى مقاليدها • وارجعت اليه اخبار المكارم اسانيدها • حامى الحرمين الكريمين المتجليين المعظمين • نصير الاسلام والمسلمين • ظهير امير المؤمنين • ابو سلطان غورى • اعز الله تعالى انصاره • وضاعف اقتداره • ولا زالت الايام مطابقة لهواه • والاقدار موافقة لرضاه • وساعاته مقرونة بالسرور • واوقاته مضمونة بالحبور • واحواله ترابط بالحسنى • وافعاله تقارن باليمنى • وبايع وليه فى ظهور وغلب • وعدوه فى ثبور وعطب • ماكر الاجدان • واتفق الفرقدان • وضاء القمران • ولاح الدبران • وقرت الارض قرارها • والفت الافلاك مدارها • نهدى اليه سلاما يتموج قمقام الالفة الازلية بنسماته • ونقرا غزية الاخوة فى مرسى الخلوص بمرساته • وثناء لو ورد البحر الاجاج لاصبح عذبا فراتا • وصادف العظام البالية لاحياها بعد اذ كانت رفاتا • ونبدى لعلمه الوريف ان كتابه الشريف كان صفحته سفينة الدرر • وسطوره حبائل الطرر على الغرر • على يد الصدر الاجل المحترم • المقرب المؤتمن المكرم • جمال الدين يوسف القيطاس زرقنا

سلامته

سلامته • وصل الينا وفتح لدينا وتلا ما تضمنه بين يدينا فاطلعنا على ما فيه من سؤل المطالب • وطلب المباغى والمآرب • فبادرنا قبولها • وسارعنا فى حصولها • على قدر ما تابع للتقدير • ومفاتح اغلاقها رهينة بيد التيسير وكيف لا نهتم بها فان المساعفة فى اتمام المهام من محاسن الشيم • والمساعدة الى قضاء الوطر من مواجب الكرم • ومن شيمنا المشهورة • وخصائصنا المأثورة • افاضة ما يؤمل واجازة ما يسأل • فصدرت اوامرنا العالية للخشب الباقية من السنة الماضية التى لم يسع حملها • جفا نكم ان يقبض كلها قبطانكم • واما خصوص صنعة الخشب فاحتجب هذا المطلب لبث شيح بهم المبانى والاصول • وعذر قوى • والعذر عند كرام الناس مقبول وهو ان آراءنا الصائبة اقتضت قبل هذا ان نعمر مائة مركب كبيرة لا صغيرة • تزاحم سواريها • وتناطح مناكب الجوزاء مناكبها • فامرنا ان نكمل عددها وعددها • لتخريب بيوت من قال اتخذ الله ولدا • وابراز التوحيد على التثليث وانهاض الطيب باد حاض الخبيث • ونرجو من الله تعالى ان يتم بالخير تجهيزها برجال اكفهم فى قوابض القرضاب • ونجعلها مضابا مملوة بذباب شغاب • واسود غضاب • وترفض بحجارة مسومة شهبها • وتنقض على شياطين الكفر شهبها • وكان اهل المواضع التى يقطع منها الاخشاب • وخلق الاراضى التى تؤخذ منها الجذوع لتهيئة الاسباب • موسومين باحضار حوائج الفلك المأمور فلا يستطيعون مباشرة غير تلك الامور • فالمقام العالى ينبغى ان لا يحمل ذلك على التقصير والفتور • وغور ماء الحب الموفور • ونمو دجر الود المبرور • اذ ليس بخاف عن علومه الكريمة • ولا غاربات المرحوم المغفور حامد • كلما جاء العتبة العلية العثمانية • فى ايام دولة السلطان الاعظم السعيد الماجد • انار الله برهانه • راغبا فى بغيته • وطالبا نيل حاجته • عاد بنجح طلبه • وبلوغ همته • ولقاء امنيته • وحصول منيته • بناء على المحبة المنشعبة من تعارف الارواح • والمودة المنبعثة من الالفة الثابتة قبل تشاهد الاشباح • ونحن نريد ان نزيد لهذه المحبة الموروثة والمودة المبثوثة انتشار جناح وامتداد غرر واوضاح • وليس فى خواطرنا الشريفة الا الاستمرار على جادتها • ولا استكثار من مادتها • فلا يهمل فيما تيسر ولا يهمل الا فيما تعذر • والطلبات الباقيات اقترنت بالنجاح • والا فى كلها ترتبت على الاقتراح • واحكامنا النافذة وردت على الحكام وبناة الاعمال • لفرط الاهتمام بحولها على اتم وجه احسن حال • واما ما التزم

اليه ان صاحب البلاد الهندية • ارسل الى جنابكم العالي على طريقة
الهدية • اربعة افيال ذوى جثث ضخم • فما وصل منها الا الاثنان الى
ابوابكم العلية • فقسمتم كما يقسم الاخوان المتحابان • وجهزتم واحدا
منهما نحو سدتنا السنية • فصادف محل الارتضاء والقبول • ترقب
النواظر في خلقتها العجيبة عند الوصول • فكبرنا الخلاق ذا القوة المتين
كيف ذرأه وبرأه وفطره وقدره وخلقه وعدله وسواه وانشاءه
وصوره واحياه • فتبارك الله احسن الخالقين • والآن اعدنا القبطان
المومى اليه مصحوبا بالسلامة • محفوفا بالكرامة • وآتينا هذا الكتاب
بيمينه • لينقلب مسرورا • وافضنا عليه خلع الاحسان والانعام • فكان
سعيه مشكورا • وحملناه لجنابكم العالي من السلام • ما هو ازكى من عرف
الورد ونشر الخزام • والله تعالى يخصكم من نعمائه الجليلة وآلائه الجزيلة
بالقسم الاجزل الاوفى • والسهم الاكمل الاكفى • باسمائه الحسنى وصفاته العلى
ويمد ظلالكم ويؤيد اقبالكم • ويمهد جلالكم ويوفق سؤلكم • ويزيد فضلكم
بمنه وكرمه • ان شاء الله تعالى • تحريرا في اوائل جمادى الآخرة سنة ٩٢٢ • بموضع قونيه

الجواب

مد الله تعالى ظلال سعادة الاميرى الكبيرى الاكملى الاشرفى الاعظمى الاكرمى
الامجدى العونى الغوثى المهدى المجدى • عون الاسلام والمسلمين • عضد الغزاة
والمجاهدين • قهرمان الماء والطين • الذي جعل اموره كاسمه سليما • واعد
لاعدائه عذابا اليما الى يوم الدين • بحق محمد وآله وصحبه اجمعين • وبعد
فقد ورد مفاوضتكم الغراء • ومخاطبتكم البيضاء • من يد رسولنا قدوة
الاكارم والاعيان • يوسف القبطان في اشرف زمان • والطف اوان
مشحونة باللطف والاحسان • ومقرونة بانواع البلاغة ومحاسن البيان
فابتهجنا من ورودها • وفرحنا عن صدورها شعر فقلنا لها اهلا
وسهلا ومرحبا • بخير كتاب جاء من خير مرسل • فطالعناها بالاعزاز
التام • واطلعنا على ما فيها من التحية والسلام • فوجدنا مضمونها منبئا
عن توجهكم العالي الى البلاد الشرقية • ودفع الملاحدة القزلباشية
فشاورنا امراء ديواننا في القاهرة • فاتفقوا بالآراء الصائبة والافكار
الثاقبة • على ان نتوجه الى تلك الحدود بالعساكر والجنود • ان نصلح
بينكم كيف لا • وقد قال الله تعالى في كتابه العظيم الى رسوله الكريم
والصلح خير • فان فيه منافع كثيرة • منها دفع الفتن والفساد • و
وعمارة النواحي والبلاد • واستراحة العساكر والعباد • فعزمنا بالسير ٤٢٤

والراحلة

والراحلة • نحو الحلب والشام • حماها الله تعالى عن الآفات والآلام •
مع سائر بلاد الاسلام • فالمرجو من خصالكم الحميدة • والطافكم العميمة
ان لا تشاوروا في التوجه الى تلك الولاية • لان اكثر اهلها اهل السنة
والجماعة • واغلبهم خيار علماء هذه الامة • وقد طرأ عليهم حوادث كثيرة
في الازمنة السابقة • مثل ظهور الاولاد الجنكيزية والتيمورية الملعونة
وطوايف الملاحدة السالفة • وغير ذلك من الاحزاب الظلمة • وهذا القوم
من افراد تلك الاحزاب • لعنهم الله الى يوم السؤال والجواب • وسمعنا من
اكثر الواردين من هذه الديار الى الحرمين الشريفين • زادهما الله شرفا
وتعظيما • ان اسمعيل المخذول لما هرب عن محاربتكم الشديدة فرد
بنفسه اللئيمة • انه لا يقابل معكم قطعا • بل يسير بشمله المتفرقة
كقطاع الطريق في البوادي والجبال • ويعمل بكم كما عمل حسن الطويل •
مع ابي سعيد كوركان • والله لا يجعل في رأيه وعزمه وامره خيرا ولا بركة •
فاذا لا تظهر الفائدة في توجهكم الى دفع هذا المخذول غير مضرة الرعايا
وتلف اموالهم وانفسهم • حيث قال عز من قائل • ان الملوك اذا دخلوا
قرية افسدوها وجعلوا اعزة اهلها اذلة • والحمد لله تعالى • قد شربوا
سموم افاعي سيوفكم مرارا • وهربوا عن قتالكم ليلا ونهارا • واخذتم
اكثر بلادهم وقلاعهم • وخربتم اشرف دورهم وبقاعهم • فهتكت
عرضهم وخرج من ايديهم حصونهم وارضهم • وما بقي فيهم من الشجاعة
اثر • ولا الرؤية في البصر • ونحن اليوم من خدام الحرمين المكرمين ونظار
الضعفاء والمروتين • فالمناسب ان نصلح بينكم لرفاهية الانام • على ان
لكم مهمات كثيرة • غير هذه مثل فتح ردوس وامثالها • حتى سمعنا
انكم هيأتم مائة سفينة • كالجوار المنشآت في البحر • بالعز والنصر لاهل
الغزاء فالعزيمة الى تسخير تلك القلعة الشديدة • اوجب منها واهم
والله تعالى اعلم واحكم • وارسلنا قدوة الاماجد والاكارم محمد السقا •
رزقت سلامته الى سدتكم السنية • لتمهيد اسباب المصالحة فالمتوقع
منكم الاصغاء بالقبول • فهو اقصى المأمول • والسلام والاكرام •

سلطان سليم خاندن غوري يه يازلمشدر

بسم الله الرحمن الرحيم • الحمد لله الذي اورثنا الارض وجعلنا من الاخيار
وعداده • وبشرنا بان نكون من الابرار وصالحي عباده • فيما قال • ولقد
كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون •
والصلوة والسلام على من اقتدينا بآثاره • واهتدينا بانواره • محمد الذي

من الله على المؤمنين بر. وعلى آله واصحابه العظام. وبعده مكتوب شريف
عاليمقام وارد اولوب. مضمون وردبى متضمن اولديغى احوال مطالعه
قلنوب. معلوم اولديكه. بعض زماندن بروآينده ورونده وتجار منع
اولنمغدن خاطر شريفه جناب عاليمزده ملحوظ اولمدق بعض قضايا
خطور ايدوب. مقام شريفمزده سوء ظن اولنمش امدى راى عالم آرايه
مخفى دكلدركه. سابقا قزلباش لعينك اوشنه وارمقدن غرض مجرد
انوار نواميس الهيه. وشرايع نبويه. حجاب ظلام ظلم مخالفان دين
ودولتدن اظهار ايدوب. عالمى شرايع نبويه ايله پر نور ايلمك ايدى.
٤٢٥ قطعا طمع مملكت وضبط ديار خاطر شريفمزه خطور ايتمشدى. مجرد
جمعيتلرى تفريق وبورنلرى كسر اولنمغيله. اكتفا اولنوب. شايد
متنصح اوله لر ديو باقى احواله تعرض اولنمامشيدى. بعده اصلا متنصح
اولميوب. حالت اصليه سى اوزره استقرارى استماع اولنمغين بينه
عزت پادشاهى ظهوره كلوب. روى عالمدن اوساخ وجودلرينى بالكليه
تيغ آبدار ايله محو ايتمكه تصميم ايديجك. بر طرفدن علاقه سى واستمدادى
بالكليه منقطع اولمغيچون. طريق شرقى سد اولنوب. آينده ورونده
وتجار منع اولندقدنصكره هر باركه اول طرفدن بر كمسنه كلسه بونلرك
تفتيش وتفحص ايديجك. يا حلب يولندن يا دريادن اسكندريه
يولندن كلمش بولنديغى جهتدن. جانب شرقه واصل اوله جق طرقك
جميعيسى سد اولنمق قصد اولنوب. اول طرفدن دخى آينده ورونده
منع اولنوب. شونلركه اللرنده متاع شرقى بولندى. اكر عرب اكر عجم
اكر روم ايدى. حاللرنده شبهه اولديغيچون معتمد ويرادن كفيللره ويرلوب
اثوابلرى ضبط اولندى. اما شونلركه اللرنده متاع شرقى بولنمامشدر
هيچ دخل وتعرض اولنميوب. حاللرى اوزره تجارتلرينه ابقا اولنمشدر
يعلم الله وكفى به شهيدا كه سلاطين اسلاميه دن هيچ برينك كندويه
يا مملكتنه طمع وياكوزينه ايرشدرمك قطعا. خاطره خطور ايتمشدر.
دخى ايتمز مادام كه امر شرع شريف ايجاب ايتميه. خصوصا سزلركله مودت
سابقه موروثى كه درجه ابوت وبنوته منتسبدر. حرمتى مكرمين
حرمتى دخى مرعى ايكن. مقام عاليمزدن شمديه دكين بين الجانبين
نكدوره باعث بر قضيه وعداوت وطمع مملكتدن مبنى بر وضع صادر
اولمشدر. وبو معنى يه شاهد عدلدركه هنوز مكتوب شريفكز
واصل اولمدين. حاليا اول مفسد بد بينك آثار كفر وضلالتى بالكليه

عالمدن

عالمدن محو ايلمك نيتنه ديار شرقه متوجه اولديغى عادت سالفه مقتضاسنجه
بابام سلطان حضرتلرى خلدت سلطنته نك وحرمين كريمينك مقبول الدعوه
ظن اولنان كمسنه لرك ادعيه صالحه لرين رجا ايدوب. اعلم العلماء المتبحرين
افضل الفضلاء المتورعين. ينبوع الفضل واليقين. مولانا ركن الدين زادت
فضائله. وفخر الامراء الكرام. وذخر الكبراء الفخام. ذو القدر والاحترام المختص
بمزيد عواطف الملك الصمد. احمد دام مجده بى ايلچى تعيين ايليوب. كوندرمشوزدر
مجدد تحريك سلسله وداد. وتشييد مبانى اتحاد ايچون. حق عليهم وعدله مدركه
بو جانبدن مجددن غيرى هيچ نسنه يوقدر ومن بعد دخى احتمالى يوقدر
مكر بزم اعداى دينى قلع وقمع ايتمزه كه بحسب الشرع واجب اولمشدر. رضا
كوسترميوب مخالفته اقدام ايدرسز. اولوقت هرنه كم وراى تقدير
ربانيدن ظهوره كله. ولا امر يومئذ لله. وكيلر احوالى ذكر اولنمش
معلومكزدركه جانب بحرده جناب عاليمزك كفار خاكساره دائما غزا
وجهادى اكسوك اولميوب. حفظ دريا ايچون مراكبمز جميع زمانده مهيا
دركه. بو جانبدن محبته منافى بر وضع اولمشدر. اميددركه من بعد دخى
جانبينكزدن برودته باعث اولور بر وضع صادر اولميوب. تواردر سايل
مودت پيام. وتردد رسل ذوى الاحترام دن خالى اولنميه. تاكه اساس
قواعد وفاق ومصادقت مستحكم اولوب يوما فيوما بنياد وداد مرصوص اوله. تحريرا
فى اوائل محرم الحرام سنه ٩٢٢. بمقام ادرنه.

بودخى سليم خان جانبندن غورى يه كوندرلمشدر

قانصوه غورى اصلح الله شانه. توقيع رفيع جهانمطاع. وحكم شريف واجب
الانقياد والاتباع. واصل اولديغى معلوم اوله كه حاليا مكر وتلبيس وحيله
وجهيله مخنثانه طريقه سلوك ايليوب. بعض كمسنه لريله مواضعه ٤٢٦
ايليوب كوندرمشسن. عون الهى ايله جميع قصد ايتديكك فتنه وفساد
روشن وظاهر اولدى. پس بو اصل اوضاع نامعقول كه عاجزلر ونامردلر
وبى عقللر اوضاعيدر. اولك هواسنده وسرورنك سوداسنده اولوب
دائره عقلدن دم اورانلرك كارى دكلدر. امدى اول اشخاص الكيروب
جميع احواللرى معلوم اولدقدنصكره بنه سكا ارسال اولندى. تاكه واروب
بونى تجسس وتفحص ايدوب. اطلاع تحصيل ايتديكلرى اوضاع واحوالى ٤٢٧
سكا ما آلى وحقيقتى ايله اعلام ايليه لر. دخى بزم عناية الله مقارن نيتله
كمسنه نك مكر وحيله سندن باكمز وكمسنه دن مخفى ومستور احوالمز يوقدر
بنم خود عزيمت عالى همتم. احياى شريعت غرا ايچون ديار شرقه منصرف

فلنشکن سنك اولملحد بیدین ومفسد بدآیینه تقویت قصدینه بعض
اوضاع ناشایسته کی ظاهر اولوب سن اندرون اشد اولدوغات جنیدن
توجه همایونم سنك اوزرکه منعطف قلنوب مزاحمهٔ نفوس تکاثرندن
جهات ضیق النفس ومصادمهٔ سلاح وسناندن هوا ضیق النفس اولور
سنك قصدیکه عساکر بی کران ورایات فتح آیات نصرت نشانله منازل
ومراحل قطع ایدوب کلوب حومهٔ حکومتنده اولان مملکته داخل اولوب
ملاطیه ولارنده ودیورکی وشارکوبی جمیع توابع ولواحقی ونواحی
واراضیسی تلال وجبالله ضبط اولنوب جملهٔ مضافات ممالك محمیه‌مزه
اولدقدنصکره بوکونکی کم ماه رجبك اون برنجی کونیدر سعادت الله
توجان دره بوغازی دیمکله معروف محله نزول ایلدم پس سنك دخی
ذرهٔ حمیت اولوب رجولیتدن حصه وفتوتدن بهره ودرونکده فی الجمله
زهره وار ایسه کوکلکده کنج زاویهٔ رعب وهراسده منزوی اولمیوب
جمیع اعوان وانصارکله سنبه اولوب زخم تیر وتبردن سوط تنبیه
هر قنغی وضع کندوکه لولای کوزیکورسه هیچ سعی ده قصور قومیوب
شمهٔ غیرت وار ایسه مراد ایدندیکك اسلوبی ومقصود ایدندیکك
برموضعی تعیین ایلیوب کلوب عساکر نصرت مآثریمه مقابل اولیس
برده کمونده مقدر اولان هر نه ایسه معرض بروزده جلوه کر اولور
ان شاالله تعالی والسلام علی من اتبع الهدی تحریراً فی اواسط رجب ٩٢٢ سنه
بیورت توجان دره بوغازی

مصر تسخیرینده شهزاده سلیمان خانه فتح نامه در

فرزند ارجمند دولتیار وخلف سعادتمند کامکار حدقهٔ باصرهٔ دین
ودولت وحدیقهٔ ذات بهجت ملك وملت دراکلیل شهریاری
دری فلك تاجداری المختص بانواع مواهب الملك الاکرم اوغلم سلیمان شاه
طال بقاه ونال مناه توقیع رفیع همایون واصل اولیجق معلوم اوله‌که
اشبو لحین سنه طقوز یوز یکرمی ایکی رجبنك اواخرنده حلبه قریب
مرج الدابق نام محلده غوری مقهور مخذول ایله محاربه قلنوب بعنایة الله
لشکر اسلام غالب وکروه چراکسه مغلوب دوشوب وغورینك
باشی کسیلوب سم سمند همایونم اوکینه نکونسار براغلدقدنصکره
طومانبای نام بدبخت بقیة السیوفیله مصره واروب دعوای تخت
وسلطنت ایتمکین حلبدن شامه واریلوب اندن برقاچ کون آرام قلنوب
تدارك تام ایله اول بهارده اوزرینه توجه ونهضت همایونم واقع اولوب

برروز فیروزده حق سبحانه وتعالی یه توکل وسید کائنات علیه افضل
الصلواتك معجزاتنه توسل وچاریار عظام واولیای کرام رضوان الله
علیهم الی یوم القیامك ارواح طیبه‌لرندن استمداد همت قلنوب اعلام
ظفر نکار والویهٔ سعادت شعار وعساکر جنك جوی وصاعقه خوی
ودلیران آهنین قبای ممالك کشای ومبارزان تازی سوار خصم شکار
ایله محمیهٔ دمشقدن قالقوب قطع منازل وطی مراحل قلنوب
طومانبای مقهور جانبردی غزالی نام کمسنه بی ایالتی سکاوبردم
دبوغزه جانبنه کوندردیکی استماع اولنمغله بو جانبدن دخی
مقدمة الجیوش اولان عمدة الوزراء العظام قدوة الکبراء الفخام
الغازی فی سبیل الله المجاهد لوجه الله وزیرم سنان پاشا آنلره نوبت
مقاتله ایتدکلرنده بعنایة الله تعالی وزیرمشار الیه غالب وطائفهٔ
مزبوره مغلوب دوشوب وجانبردی مزبور دخی بو جانبه نوعا
اظهار اخلاص ایدوب وکیرو قاچوب مصره واروب طومانبایه ملاقات
ایدوب تدارکه مشغول ایکن بندخی فرو شکوه ولشکر انبوه‌له سنهٔ
مزبوره ذی الحجه سنك یکرمی یدنجی کونی مصر مقابله سنده خانکه نام
محله قونیلوب اندن یا ریداسی برکة الحاج وجبل مقطب سمتندن
نفس شهره داخل اولمغه سعی واقدام اولنمغه طومانبای دللردن
خبرالندی که مقهور مزبور کفار خاکساردن یرا ربطو بجیلر کتوردوب
عادلیه نام عمارتك اوکنده برطویل وعریض خندق قازدوروب عمیق
دخی کمال مرتبه مبالغه اوزره اولوب وجبقان طوپراغنی متریس
ایدنوب وایکیوز قطعه سنکین طوپلر جابجا حاضر ومهیا ایلیوب
والآینجی طرافنده ترتیب ایدوب غزا دلق اوزره ایمش لاجرم یارندی
که ماه مزبورك یکرمی طقوزنجی یوم الخمیسدر صباغ قولده صنعر بیشه
وغا وزیر اقدمم سنان پاشا تعیین اولنان بکلربکلر وامرا وسپاهی
ایله وصول قولدره بلنك قلهٔ هیجا وزیر اکرمم یونس پاشا وسائر
بکلربکلر وامرا ایله طوروب میمنهٔ میمنت شعارده ذوالقدریه
حاکمی شهسوار اوغلی علی بك وحلب والیسی خیربك ومیسرهٔ مسرت
آثارده رمضان اوغلی محمود بك وعینتاب حاکمی چرکس یونس بك
وجناحین منصورینده روم ایلی امراسندن اورنوس ومیخال اوغللری
وقلب مظفر قرینده ذات همایون فرخنده خلقی اولان اجناد امجاد

وبلوك اغالری مرتب ومكمل قلنوب • ویكیچری قوللرم پیاده شاه اوكنده
طورركبی اول عرصه‌ده قیام كوستروب • وطرفیندن قراول وچرخه‌جیلر
بربرینه الصونوب • جدال ومباشرت ایتدكلرنده آتش قتال اشتعال
بولوب • هر بكادن مردان میدان جنك كرم اولوب • بورودیلر •
وهرجانبدن طوپلر وتفنكلر آتلوب • روی هوا شرر رفته وآشوبدن
صواعق ورعد ایله مالامال • وكرد نعال سطا بادن عرصهٔ قتال • ظلام
لیاله دونوب • روز روشن اعدا باشنه بختلری مانندی تنك وتار
ومهر فلك قزمش طاس كبی روس منحوسلرینه منعكس وشراره بار دوشوب
هرطرفدن قورشمه ودوندورشمه اولوب • وصاغ قولدن مومی الیه
سنان پاشا • عدونك صول قولنی صیوب • طوپلری اوزرینه دخی آت
هجوم ایلیوب • لشكر ضد دولت رهبری مغلوب ومنكسر قیلوب •
طومانبای قولنه یورودكده بتقدیر الله تعالی كندوبه زخم سهمناك
ایرشوب • صول قولدن وزیرم یونس پاشا كوكی كبی جمله‌سنه حمله
ایلیوب • مقابله‌ده اولان خصمای ناقرجامی ضرب حسام ایله
بی وجود وكنام ایدوب • آخر الامر دشمنك یوزی عكسنه دونوب
الا ان حزب الله هم الغالبون • صداسی صماخ كاه اهل ایمانه ایرشیجك
جنود چراكسه قراری فراره تبدیل ایتدكلرنده • لن ینفعكم الفرار ان
فررتم من الموت والقتل • وعیدی دامنكیر اولوب • این المفر • كوباده
چار وناچار قاهره‌نك • كوچه وبازارندن قاچوب • ولایت صعیده
یوندلكلرنده عساكر ظفر مآثرم • بركون بركیجه عقبلرندن تاخت ایدوب
الویهٔ منكوسه‌لریله اكثر امرا ونامدارلری مفقود ومحبوس جمهور لامع
النور مه كوزیلوب • هدف تیر وعلف شمشیر قلنوب • روی زمین
خون اعدا ایله آغشته وآدم كشته‌لرندن پشته اولوب • سر حب
سامانلری میداندن سیاستنه غلطان وطایر روح پرفتوحلرینه هر
تنكنای نیراندن • مكان واشیان اولدی • وذكر اولنان منزل مباركده
درت كون مقداری اقامت اولنوب • بشنجی بامداد سعادت امداد •
اندن قالقوب مصره متصل نیل كنارنده جزیرهٔ بولاق دیمكله معروف
موضعه عز واجلال ایله نزول ایدوب • طایفهٔ چراكسه‌نك
سهام اولان وجود خبیثلرندن اول اراضی طیبه تطهیر اولنمغه همت
علیهٔ شاهانه • ودقت نصفیهٔ ملوكانه‌م • مبذول ومصروف ایكن •

ناكاه سنه ثلث وعشرین وتسعمائه محرم الحرامنك • یدنجی كیجه‌سی واقع
اولان لیلة الاربعاده • طومانبای مقهور بقیة السیوف اولان كروه
مكروهیله خفیه • بركوشه‌دن كلوب قاهره‌نك ایچنه كیروب •
اسواق ومحلاتنده خندقلر قازدروب • ومترسلر بنیاد ووب وشهری
تكرار كوچه بند وحصار ایدنوب • آهنك جنك ایدیجك بوجانبدن
دخی عساكر منصوره علی الصباح یوریوش ایدوب • طلوعدن غروبه دك
ضرب وحرب اولنوب • اكرچه كروه اعدا هر جهتدن مخذول ومنكوب
ایدیلر • لكن بالكلیه دفعلرینه بعض كوچه‌بند حائل اولوب • صبحه دك
ملاحظهٔ تام ایله توقف اولندی • وجود غراب البین شب ظلمانی
بخت دشمن كبی روی هوادن فضای عدمه طیران ایدوب • طاوس فلك
بیضهٔ صبح صادقدن آفتاب جلوه‌كر اولدی • ذات همایونمله دفع مخالفینه
سعی واقدام اولنوب • اعلام ظفر نكار • والویهٔ نصرت شعار • فرق
فرقدان سایه‌گستر اولوب • بل هر بری اوزرینه اوج سعادتدن
بر همای فرخنده فر كبی مستقر اولوب ع بمن نصرت بر یمین ویسر
فرصت بریسار جمله قپوخلقی ویكیچری قوللرمله پیاده وسوار حمله
قلنوب • مترسلری باصیلوب • وخندقلردن كچیلوب • تحصن ایتدكلری
اولرك اوزرلرینه نردبانلر قونیلوب • ودام كوزلری ناطوق عسكریله
قوشادیلوب • یوم یغشاهم العذاب من فوقهم ومن تحت ارجلهم حالاتی
مشاهده ایتدكلرنده اولاد واتباعلریله • یوم یفر المرء من اخیه وامه
وابیه • وقایعندن جمعیتی مضطرب الحال اولوب • اكثر بنالك دوور
وبیوتی • وجعلنا عالیها سافلها • اوزره باشلرینه یقیلوب ظلمله
بنا ایتدكلری دیوارلرینك • احجاری ایله سنكسار • وابنیهٔ وجودلری
آن واحدده كبیت العنكبوت تار ومار قلنوب وطومانبای ذی نوائبه
بركوشه‌دن چیقوب غیبت ایلیوب • كیفیت احوالی تفحص اولنوركن •
ولایت صعیده‌دن كبرو تضرع نامه‌سی كلوب • عفو اولنمشیكن طینت
خبیثه‌سنده مركوز اولان نفاق جبلی‌سی محرك وساوس شیطانی
اولدوغیچون • دردولت پناهمه كلمك بهانه‌سیله مصره قریب اولدقده
بندن اسكندریه جانبنه عبور ایلیوب • شام وشرقیه قاچق استدكده
طوپلدن دلدن خبر الینوب • تحقق اولنجاق مقدما روم ایلی بكلربكیسی
اولان مصطفی پاشا • وچراكسه‌دن بو اثناده كلوب اطاعت ایدن
وانحذه صله اظهار عبودیت قیلان جانبردی غزالی وشهسوار اوغلی علی بك

ایلغارله عقبنجه کوندریلوب • بندخی علی التعاقب یوریوب • امل جنکر
مشغول ایکن ماهچهٔ اعلام ظفر انجام آیینهٔ اسکندری مانندی رخشان
اولدوغنی کوردکلرنده • شکوه فرشهنشاهیدن • کانهم حمر مستنفرة
فرت من قسورة • هرآسان وکریزان • سودای شرقدن یکوب • نجم عمرلری
تکوار جانب غربه یونلوب • متفرق وپریشان اولدقلرنده • مشارالیه
مصطفی پاشا • وجانبردن غزالی قوارق وقیرارقبر ایکی کون قفاسندن
ایرلیوب • قل ان الموت الذی تفرون منه • فانه ملاقیکم • بیجا ایله
من بورطومابنابه ایرشوب • همعنا فی اولان اوجیوز نفردن زیاده
بی دولت بکلرنیک باشلری کسیلوب • وکندوسی دست بسته وکمر
بند دولت کسسته • دیل طوتیلوب • رکاب همایونمه خاکسار ایرشد
کلرنده ازحموا عزیز قوم ذل • منطوقه سیله عمل قلنوب • انواع رعایت
شاهانه یه مظهر • بیورلشکن • واسکبرهو • مقتضاسنجه مفید دو تیمیون
استنجاد واصرار تمکین • عبرة لاولی الابصار • صلب وسیاست قلنوب
داربنواده ارسال اولندی • فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب
العالمین • والحالة هذه جمیع ممالک مصر ملاطیه وحلب وشام شریف ٢٧٩
ونفس قاهره ودیار صعید وجبش ویمن تاحد قیروان مغربه دک طولا
وحجاز ومکه ویثرب ومدینه وقدس شریف بالتمام والکمال عرضا • ممالک
عثمانیه مضافاتنه داخل اولوب • وشریف ابو البرکات ابن شریف محمد که
صلبی اوغلی سیدی ابوی الحسنی • رفعت درجاته پایهٔ سریر عالم مصریه کلک
اوزره اولوب وطوایف اعراب مشایخی بالجمله کلوب مطیع ومنقاد اولوب
انواع خلعت وعنایتلر ایله • هر بریسی • وینقلب الی اهله مسرورا • مضمون نجه ٤٩٠
شاد وخرم معاودت ایدوب • دوام دولت ابد پیوند ادعیه سنه
قیام کوستردیلر • فقالوا الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان
هدانا الله • ایمدی اولسه بو فتح نامهٔ متبرکه سکا ذوق الاماجد والاعیان
چاشنیکیرم رضوان • درقت سلامتیه • بدیدن وصول بولدقده کرکدر که
تمهید شکر وسپاسدن صکره • بو بشارت آمیز خبری هرجانبه اعلام
واعلان ایدوب • واما بنعمة ربک فحدث • امرعالیسنه امتثال کوستروب
خواص وعوامه عیش ونشاط وفرح وانبساط ایچون ایام معتاده قدیم
مقداری بادعام ویروب • وبروج وقلعه دن شنلک وشادمانلق
اشعارینه طوب وتفنکلر آتلوب • واسواق بلادی تزیین قیلدوروب
صلحا وعباده وعبید وازاده فزونی عز وجاه ایچون خیر دعالر ایدوز

بذل

بذل صدق قاتره دقیقه فوت ایلمیه سن • واولجانبک احوالنی بلدوروب
قدوم همایونمه مترصد اولمیه سن • شویله بیلسن تحریرا فی شهر محرم الحرام سنة ٩٢٣

الجواب

بمدینه مصر القاهره

درکاه ظفر پناه • وبارکاه نصرت دستکاه • ترابنه عرض بنده بی اشتباه
بودرکه حالیا فتح ممالک مصر وشام • بتوفیق الملک العلام • بالکلیة انجام
بولدوغنی فتح نامهٔ همایون چاشنیکیر رضوان قوللریله • اسعد ازمانده
وصول بولوب • مضمون اقبال مشحوننده غوری مخذولک انکسار ومقتلندن
صکره حلبدن شامه تشریف بیوریلوب • ومحروسهٔ دمشقدن مصره
واردقده • انده سلطانلق دعواسن ایدن • طومانبای تیره رای ایله
بریخ دفعه جنک وجدال وحرب وقتال ایدوب • هربار مغلوب ومنهزم
دیار صعیده قاچوب • دفعهٔ اخیره ده اسکندریه سمتنه کلوب شام
وشرقه قاچرکن • ذات سعادت سمات ایله اوزرینه واردقده
کذلک انهزام بولوب • بحیره دن دیار مغربه قاچدقده • روم ایلی
بکلربکیسی مصطفی پاشا لازم • آردنجه الغار ایدوب • ایرشدکلری
الی بغلو • رکاب همایونمه کتوردکده • رعایت ومرحمت مفید ونیمیون
سنه ثلث وعشرین وتسعمایه محرمنک اواخرنده • صلب وسیاست اولنوب
فتنهٔ عالم مندفع اولوب • لله الحمد • جمیع مرادات دلخواه احبا اوزره درجهٔ
حصوله وصول بولوب • واول دیار جلیل الاعتبار طولا وعرضا ضبط
وتسخیر اولندیغی مندرج اولمغین • انواع شکر وسپاس آلهی اداقلنوب
هرجانبه صورتنی یازدوروب • ارسال وایصال ایتدوروب • وبالجمله
شهر وبازاره زینت ویریلوب • کال سرور وابتهاج ایله خواص وعوام
دوام دولت ابد پیوند لری • ادعیه سنه علی الدوام اشتغال کوستروب
شویلکه واقع حالدر • سن ندرن مقامه عرض اولندی • باقی فرمان درکاه معلا

تاتارخانه یازیلان فتح نامهٔ مصردر

بنده سلیمان •

جناب امارت مآب • ایالت نصاب دولت انتساب سعادت اکتساب
ذو القدر الرفیع • والفخر الوسیع • افتخار خواقین توران • اختیار آل الجان ٣٨٠
المختص بمزید عنایة الملک المنان • سنکلی کرای خان • دامت معالیه • تحیات
صافیات شاهانه • وتسلیمات وافیات ملوکانه • محض عنایت پادشاهانه دن
صادر اولور • مطالعه قلندقده نصکره • معلوم اولهکه اشبو کچن سنه
طقوز یوز یکرمی ایکی رجبنک اواخرنده • حلبه قریب مرج دابق نام
محلده • غوری مقهور مخذول ایله محاربه قلنوب • بعنایة الله تعالی اسلام

غالب • وكروه چراكسه مغلوب دوشوب • وغورينك باشى كسيلوب
سم سمند همايونم اوكينه نكونسار • براغلدقدنصكره • طومابنا ونام
بدبخت بقيه اكيبوفيله مصره واروب • دعواى سلطنت وتخت
ايتمكين • حبدن شامه واريلوب • انى برقاچ كون آرام
قلنوب • تدارك تام ايله اول بهار داوزرينه
توجه ونهضت همايونم واقع اولوب •
الى آخر التفصيل السابق •
درانيجا بانجام
رسيد •
م

شاه طهماسبك سلطنتی استماع اولندقده سلطان سلیمان خاندن یازیلان نامه در

طهماسب بهادره ارشده الملك القادره مثال بیمثال واجب الامتثال واصل اولیجق معلوم اوله كه بوندن اقدم سعید الحیات شهید الممات مرحوم بابام سلطان سلیم خان علیه الرحمة والرضوان نشیمن فانیدن سرای باقی یه انتقال وارتحال ایدوب بارگاه قدسی بناء تؤتی الملك من تشاء دن تقدست اسماؤه وتوالت آلاؤه سریر ملك خسروانی وتخت خلافت صاحبقرانی جناب جلالت مآب وعتبهٔ سعادت نصابمه تفویض اولنوب ممالك محروسهٔ نامتناهی واقالیم محمیهٔ سعادت دستگاهی بالطول والعرض بر مقتضای انا جعلناك خلیفة فی الارض قبضهٔ قدرت جهانبانی وپنجهٔ مكنت وفرمان رانیمه مفوض ومقرر ومنوط ومسخر اولوب پادشاهان دارا آیین وخسروان صاحب تمكین سر كردن نشان تزابنه یوز سوروب درگاه جهان پناهمه اظهار عبودیت وامتثال قلمشلردر امدی سنك دخی صدمات صرصر قهرمانی وسطوت ودهشت آیات عتابمدن شمه مشاهده ایلوب مرغ دوح بی فتوحك چنگال شاهین اجل پردازدن خلاص ومنقار شهباز بلند پروازدن قضا وسیع جهان باشكله تنك كورینوب زمزمهٔ مردان عدو كش وصف شكن وولولهٔ تفنك وضرب زن خروش افكن سرنی سودیجی سراسیمه ایدوب لشكر شیاطین رهبرك یوم یفر المرء من اخیه حالنی مشاهده ایلمشلردی لكن آبا واجداد عالی نژادمك طبایع محمدت بدایعلرنده كمال مروت ونهایت عاطفت ووفور شفقت ورأفت ذاكر ومستقر اولوب نجانی قومق وزبون اولدرمك عادت مرضیه وقاعدهٔ مألوفه لری اولمغین نقطهٔ وجود خباثت آلودكی تیغ بران عساكر ظفر مآثر ایله صحیفهٔ روزگاردن ازاله وحك ایلمك میسر ایكن اغماض عین اولنوب اولا بجه خزاین وجهاتلك نهب وغارت ومعمور ولایتك خراب وخسارت قلنوب لواء نحوست نما كرده نوع بی فروغ هزیمت سزاكه مجمع اولان طایفهٔ ملحدین طعمهٔ تیغ غازیان فتوح آیین واقع اولمشیدی اگر طبیعت

ضلالت سرشتكده ذره قدر جلادت وغیرت اولایدی چوقدن هلاك اولوردك پس بونك كبی عنایتمزه مظهر دوشوب قلیچمز آلتندن جان هراسانكه امان ویرلدی ایمدی درگاه جهانپناه وبارگاه فلك اشتباهمزه آدم گوندروب عرض عبودیت وجانسپاری واظهار رقیت وخاكساری ایتمدك بو نقصان عقل ایله تمام غرورك ودایرهٔ ضلالتدن عدم عدولك اولمغین ان شاء الله الاعز الاكرم بنم دخی عن قریب دیار نژدمه توجه همایون وعزیمت میمونمه موجب وباعث اولدی اوتاق گردون طاق اراضی تبریز وآذربایجان بلكه ممالك ایران وتوران وسایر ولایت سمرقند وخراسان صحرالرنده قورلمق مقرر اولدی بو زمانه دگین تاخیره سبب اقصای ممالك محمیه ده دهنهٔ كفار انكروس ونمچه واقع اولان بلغراد ورودوس كه معظمات قلاع ربع مسكون اولوب هر بری اعجوبهٔ دهر بو قلعه لری ابدی استخلاص ومعركه تسخیر لشكر جرار عدو شكار اوزرلرینه عزیمت ایدوب واردوغم كبی انا فتحنا لك فتحا مبینا هدایتی ایله ودلیل وینصرك الله نصرا عزیزا دلالتی ایله ضربهٔ هجوم شاهبازان رومه متحمل اولمیوب هر بری زمان قلیلده حیطهٔ فتوح وتسخیره وصول بولوب معابد اصنام دار الاسلام ومعابد اوثان مساجد اهل ایمان اولوب آیین كفر وضلال علی وجه الكمال انكوسار اولندی الحمد لله الذی هدانا لهذا امدی تسخیر ولكاه اولمه سنكه عنان عزیمت ظفر قرینم سنك اوزریكه منعطف اولوب عسكر ظفر رهبرك هجوم نصرت موسوملری ولایتكه در مقدما تبیین احوال كارزار شیمهٔ مرضیهٔ دلاوران نامدار اولمغین سكا دخی اعلام اولندی شویله بیل كه كروه انبوه كوه شكوه ولایتكه داخل اولوب خانمان ومملكتك تاراج ایتمه دن تاج الحاد رواجك باشكدن چقاروب طریقهٔ اجدادكه سالك اولوب ابدال وار نمد گیوب زاویهٔ درویشی ومسكنت وتكیهٔ مذلته منزوی اولوب ابواب كاسیلمدن شیء لله ایدرسك دولت وسعادت سنك اوله وایلكده غیری نسنه كورمیه سن والا غرور فرعونی وپندار نمرودی جبلت شقاوت منزلتكدن زایل اولمیوب راه ضلالت وفضاحتنه ذاهب اولورسك ان شاء الله الاعز صدای تصادم بوق ونوایر تراكم دمع بجوش وآوازهٔ طوب صاعقه كردار رعد آثار خیشوم مخافت مبشوملكه واصل اولیجق بنه اوغرادیغك معلوم اوله شویله كه موربیمقدار اولوب نقبهٔ زمینه كیردسك وطایر بر نیر اولوب

بالادی جواده اوچارسات دخی سنی قوییوب • بعنایة الله الملك الخبیر •
عرصۀ جهانی وجود خبثکدن تطهیر ایدم • فرمان قدر نفاذمه جواب
کوندروب • ارسال وقتنکه حاضر اوله سن • والسلام علی من اتبع الهدی •

قارص قلعه سنه متعلق خصوص ایچون شاه طهماسبه سلطان سلیماندن یازیلان نامه در

عالیجناب سلطنت مآب عظمت قباب شوکت نصاب • کمال الدولة والسلطنة
والعظمة والشوکة والعز والاقبال • شاه طهماسب بهادر خان •
ابدت ایام عزه وسلطنته • دعوات صالحات شاهانه اتحافندن صکره
معلوم اوله که چونکه تکفل امور خطیرۀ سلطنت • وتحمل تکالیف عظیمۀ
خلافتدن • مقصد اقصی • ومطلب اعلی • بودر که جمهور انام • وکافۀ
خلق عالم • که ودایع کارخانۀ الهی • وثمرۀ صنایع لطایف نامتناهیدر
کمال راحت وحسن جمعیت ایله آسایش وحضور • وآرامش وحبور ده اوله
که موجب سعادت دین ودنیا • ومحض رضا وخوشنودی حضرت خدا
جل وعلا ایدوکی • معلوم ارباب افهام واصحاب البابدر • اول زمانکه
ممالك محمیۀ اسلامیه مزده یا رامانیسه بارقۀ سنجق رایات ظفر آیات
خسروانهم ایله منور قلنمشیدی • اول فریدون کاوس شوکت • نریمان
طوس صولت • جانبندن انتظام اسباب صلح وصلاح جانبین • واستحکام
قواعد محبت ومصافات مابین • اقصای مراحم خیر انجاممدن اولمغین •
بسن سعادتمه برادر ومصلحتکزاد ایلچیکز کلمش ایدی • واقعا احاسن محاسن
جاه وسکنت • واشرف اوصاف اصحاب دولت • حسن اتفاق وخلوص
نیت • ویمن وفاق وصفای طویت ایدوکی • ارباب خرد وکیاست •
واصحاب عقل وفراست • خفی وخفی دکلدر • علی الدوام فراید نظام عالم
سلك قرارده پایدار اولمسی • قوت بنان سلاطین نامداره منوط • وزمام
فراغ ورفاه اولاد آدم • دست مصادقت خواقین کامکاره مربوط اولی
کلمشدر • بناء علی هذا اصلاح وفلاح همکنان • وفوز ونجاح عامۀ مسلمانان
ایچون • طرفیندن رفع قواعد فتنه وازار • ودفع معاقد اعمال اشرار •
ومنع تکالیف ما لا یطاق ارباب ظلم ونفاق اولنمق اوزره عهد ومیثاق
ظهور وصدور ایتمشیدی که • حین صلحده حدود مملکت وسرحد ولایت
نه کیفیت اوزره ایسه آندن تجاوز اولنمیوب • علی حاله ابقا اولنمق
اوزره قرار ویریلوب • جمال صلاح حال • وچهرۀ حصول آمال • بعنایة الملك
ذی الجلال • برونق مقتضای بال • مشهود ومنظوردر • وجریان مناشیر امور

برطبق رضا وسرور • مزبور ومسطور اولوب • اسباب رامش وآسایش
عامۀ رعایا • وکافۀ برایا • مهنا ومهیا • بالجمله بساط انبساط بسیط زمینده
مبسوط • وامور جمهور واسطۀ مرحمت ایله مضبوط ایکن • اول سراپردۀ
اقبال • لا زال محفوفا بالجلال • متعلق بعض اشرار ناقص الافکار • که قلب
پر عنادلری نور ایماندن خالی وعرف • واسباب فتنه وفسادلری اضعاف
مضاعفدر • خصوصا طایفۀ خایفۀ کورجیدن • ورزه نام لعین که
انك کبی بیدیندن • دائما محرك سلسلۀ فساد وعصیان • وآهنك عناد
۲۲۶۹ وطغیاندن خالی اولمیوب • بیرابه فضل نامتناهی اولادن امرا قولنلر مدت
باشاچق ملکانه ولایتندن بنجه ناحیه لری نهب وغارت • واهالیسنی فتل
وخسارت ایلیوب • خراب وویران ایلمشلردر • وارده ها ولایتنه وجهله
تعدی ایلدوکی مشهور ومذکوردر • وحالا قلعۀ قارص دخی بعض
آدملر کوندریلوب • ضبط ایلدیکی ملاحظه اولنمشدر • امدی قارص ولایتی
قبل الصلح • دفعاتیله خدام والا مقاممدن بعضنه سنجاق طریقیله
صدقه اولنوب • واکا تابع بنجه قری ومزارع داخل دفترهمایون اولمغین
سپاهی قوللرم • بر وجه تیمار وزعامت متصرف اولوب ایچنده اولر وطن
طابوب • قرار وارام ایتمشلریکن • سرحد ولایتنده اولان بعض اشخاص
مختلفة الملادن انلره خلل وزلل ایرشمك • غایتده بدیع وبعید • وخلاف
رای سدید ابدی • امدی عقود عهود ارباب جاه • وجلال مرور شهود
واعوام ایله اختلال پذیر اولمق محالدر • پس مناسب بلکه واجبدر که من
بعد دخی بنیان مودت واتحاد اشتداد • وارکان محبت ووداد امتداد
بولمق اوزره • دفع آثار ظلمت ایتنا ایدوب • قارص کلادن صفا وکدر
اولمحدن قالدرمق باشدن شان مکارم نشانه لایق وسزاوار اولان
مساعی جمیله ظهوره کله که موجب ازدیاد مواد وداد ایدوکی جای اشتباه
دکلدر • سوالف ایام دن سایۀ حمایت خواقین معدلت نشاندن داخل
اولوب وخلال دفاتر ولایت وابا التکرندن مربور وتحلل اولان
قلاع وقری واراضی یه اخرده تعرض وتجاوز • خلاف قوانین سلاطین
غیرت قرینندر • اولا اسلوب مرغوب صیانت باعث بقای اسباب
سعادت اولدوغی هر دم ملحوظ انظار ارباب بصایر وابصار اولمق
انسب واحق در • وایام سلطنتلرده ریاض ملك وملت صرصر ظلم اهل
فساد وتطاول بد مردم شررت نهاددن • مامون ومصون اولمق
وبالجمله رفع شرور ومناهی • مفترضات حزم پادشاهیدندر • اما بو وجه قاعده

شایعك صحتی خبری • سرحدده اولان بكلربكلری • وبكلر قوللرمیك •
مجرد اعلاملریله اعتماد اولنماشدر • بلكه سزك بكلربكیكزدن شاه قولی ومنصور
وغیریدن كندولره كلان مكتوبلری عیناً ایله بیله كوندرمكین • خبرك صحتی
معلوم اولوب اولصوب صواب نمایه اعلام وانها اولنمشدر • باقی عهد
وآوان دولت • ودور زمان حشمت انحضرت لایزال از وصمت نقص
وزوال • محفوظ باد • برب العباد • وبالكون والصاد •

شهزاده بایزید عجمه فرار ایدكده سلطان سلیمان خاندن شاه عجمه بایزیدك نامه دركه بند ونصح التماس بیورر

اعلیحضرت والا رتبت گردون رفعت عطارد فطنت نیر طارم ابهت ٤٦
نصفت خاتم معدلت • خورشید مشارق شهریاری • جمشید سرادق تاجداری •
داور دارا رای • فریدون ملك آرای • كیخسرو دهر • نریمان عصر • مزین سریر
سلطنت وشاهی • مبین آیین خلافت وشاهنشاهی • ساحب اذیال المآثر
صاحب اعلام المفاخر • قرة باصرة الایالة • غرة ناصیة البسالة • المحفوف
بصنوف رواتب المواهب من فضل الله • معز الدولة والاقبال طهماسب شاه
لازالت اطناب خیام دولته مربوطة بالخلود • واسباب نظام شوكته
مضبوطة بالسعود • لوایح انوار دعوات فایقه • وفوایح انوار تحیات
رایقه • كه صفحات فؤاد اوداد اوزرینه مرتسم • ونفحات وداد احبا انكله
متنسم اوله • تمایم حمایم رفعت منال هدهد مثال قلوب • ووسائل شكین
شمایل نسیم شمال ایله اهدا وارسال اولنه‌قدنصكره • رای منیر صواب نما
وخاطر خطیر حقایق كشایه • انها وانبا اولنوركه • مقدما اوغلم بایزید
غرور وغفلت جوانی • وقصور عقل ونادانی ایله • سوء تدبیر خلل پذیردن
ناشی • بادی اثارت فتنه ووحشت • وبانی اساءت ومنافرت اولغین
خلاف مقتضای افكار صایبه خردمندان • ومنافی رضای انظار ثاقبه
هوشمندان نیجه اوضاع فضیحه ناشایسته • وافعال قبیحه ناپسندیده ٥١٤
ارتكاب ایدوب • یاننه خیلی اشرار واشقیا مجتمع واقاویل اباطیلره تبع
مستمع اولوب • دیار جلیل الاعتبار قونیه‌ده حامه خونه شهریاری
حاوی كمالات بختیاری • نور دیده سلطنت • چراغ افروز دیده سعادت
اوغلم سلیم طال بقاه ونال مناه نك • اوزرینه یوریوب • مقابله ومقاتله
ایتدكده بعنایة الله تعالی اتباع واشیاعی مخذول ومنهزم • اكثری مقتول
ومنعدم اولمغین • كندویه امارت ضعف اقدام • وعلامت انكسار ونا
مستوی اولوب • یوم یفر المرء من اخیه • حالتن مشاهده ایدوب •

معركه مهلكه‌دن رعب وانهزام ایله دونوب سنجاغی اولان اماسیه‌یه
وارمغین • تدارك ذمایم وجرایمی ایچون • دركاه عنایت پناهمه كه مرام بخش
عامه انامدر • فاعترفنا بذنوبنا • كاربند كردارنه • بروجه عجز واضطرار
تقدیم مراسم اعتذار • وتتمیم لوازم استنابه واستغفار ایلیوب • استدعای
رأفت وشفقت • وارتجای مرحمت ومكرمت ایتمكین تضرع واعتذار و
تذلل وانكسارینه ترحم اولنوب • دیده ادراكی ایقاظ • وعقل دراكنه انتعاظ
ایچون • امر قدر قدر وفرمان قضا مضا • ارسال اولنوب • اولاً سنی اضلال
ایدن رجال فاسد الاحوالك • وجود مضرت آلوده‌لرینی عالمدن نابود ایلكون
قتل وسیاسته اهمال ومساهلت ایتمیه‌سن • وثانیاً عوام وخواصدن
یانكده اولان اشخاصك نشاه شقاوت وشقاق • ورشحه شناعت
ونفاق اولان فریق هزیمت • رفیقنی تفریق ایدوب • واروب سنجاغكده
كندو حالكده اوتوروب • اغاز مخالفت وخود رایی ایتمیوب اطاعت
اوامر فرمان روانیده اولورسك • كلیاً خطا وسهوك عفو ایدوب
كماهی‌كدن كچیلوردیو • انواع نصایح جامعه بیان واصناف مواعظ
نافعه عیان اولنمشیدی • اگرچه باش مفسدلردن اوچ نفرینك
باشنی كسمك ایله ظاهراً امتثال فرمان عالیشان ایدوب • حیله ونفاق
ایله متحلی اولدیغی فهم اولندی • لكن حیله ونفاق ضمنی اجلدن اون
بیك مقداری • اشراری یاننه جمع ایدوب • دخی اهالی ولایت
ورعایای مملكته بی تقریب صالغون صالوب • طوارلرین آلوب
مال ومنالارین نهب وغارت ایتدكده • قطع روابط عهد وپیمانه
وقلع ضوابط صدق ایمانه دلیل قاطع • وبرهان ساطع اولوب • كوندرلان
احكام صلاح انجامی • سمع رضا ایله اصغا ایتمیوب متصل دست جسارتی
خسارت نفوس واموال مسلمینه اطاله‌دن دور قلمیوب • بجرم رعایا
وبرایانك حواله باطله آزار واضراردن مهجور اولمدی • پس سوادینی
وقبح تاراج وطلبی حد اعتدالدن متجاوز اولمغین • مقتضای روش
جهانبانی • ومرتضای آیین صاحبقرانی • دائما دفع مواد فتن اشرار
وصون دماء مسلمین واهل دیار اولوب • خار وخاشاك زیغ وفساددن
ساحت بلادی تطهیر واجب • وظلام ظلم وعنادی مفارق عباددن
رفع وتغییر لازم ولازب اولمشدر • راه عدلدن عدول وطریق
حقدن نكول ایدنلرك • قبایح وقبایحی وفضایح وشنایعی تبدیل
ورذایل خصایلی تحویل اولنمقده اهمال وامهال • موجب اختلال حشمت

واقبال اولنمغین مسالك ضبط ممالكه سلوك ایدن حكام وملوك ایله
اوزرینه كوندریلان عسكر ظفر رهبردن خوف وخشیت وحیرت
ودهشت غلبه ایدوب كره دیار شرقه توجه ایدوب اتساع كرم دریا نیم
وارتفاع همت والا نهمتكزه اعتماداً قزوینه واردقده اول جناب نصفت
نصاب ومكرمت آبادن بسط قواعد معذرت واستدعاء استغفار
وشفاعت ایچون تجدید بنیان محبت وتشیید اركان مودتی متضمن
وصفاء ضمایری مبنی ورقای سرایر نضارت بخش ریاض موانست وتجمل
پیرای گلشن مخالصت كتاب مستطاب مشكین نقاب ایله قدماء خواص
معالی اختصاصدن مطلع خبایای اسرار محرم حرم عز تمداد علی اغا بد
قدر عتبهٔ عالی مرتبه سمتنه ارسال اولنمش اذ بن ازمان وایمن اوانده
وصول بولوب مشمول انظار احترام سعادت ارتسام اولوب یمن
ملاحظه وشرف مطالعه اولندقده نتق افق عبارتندن ساحت ١٥
سطوره صبح صادق صفای نیت طالع وقعر بحر اشاراتندن ساحل
ظهوره جواهر زواهر صدق طویت واقع اولوب خلاصهٔ كلام
بلاغت نظام وملخص پیام محبت انجام ان الله عفو یحب العفو
مضمون سعادت مقروننی اوزره كظم غیظ وعفو معصیت سنت
حسنهٔ اهل مروت اولوب منا دالیه دخی ایتدیكی قبایحه پشیمان
وانی تبت الآن كلام شریفنی ورد زبان ایدوب واقع اولان خطا
لرینه ندامت وكناهلرندن توبه وانابت ایتدوكیچون صحیفهٔ اعمالنده
صورت پذیر اولان خطیئاتی مصفوح وجریدهٔ افعاللرنده جایكیر
اولان سیئاتی مسموع وممسوح اولمق خصوصنده انواع استشفاع
والتماس اولنمش آمدی ضمیر منیر صداقت اقتضا وخاطر خطیر مرافقت
ارتضایه خفی وخفی اولیه كه موجب اهلاك غباوت نفس وهوا ایله راه
راست هدایت انقیاددن عدول واهمال جانب حقوقله سلوك جادهٔ
عقوق وطریق ضلالته دخول عند الله اولوكناه اولدوغندن ماعدا
بوبجه تلف نفس وسفك دمایه باعث اولدوغیچون سزاوار نفرین
خلق آسمان وزمین اولوب مقتضای غضب پادشاهی سزای
جزای كناهی اجرا وایفا اولنمشیدی اما ما بندن مشید اولان قواعد
وداد ومؤكد اولان معاقد اتحاد متقاضیدر كه ملتمس آن ذات خجسته
صفات مبذول ومسند عالری شرف قبوله موصول اولنوب بناءً علی هذا
محضا رعایت خاطر عاطر فیض مظاهری آمل وعفا الله عما سلف

نحو ایله

نحو ایله عامل اولوب سواد نامهٔ عصیانی مداد طغیانی الواح احوال
٨ وصحایف افعاللرندن قطرات فضل وامتنان ورشحات لطف واحسان
ایله تطهیر وپاك وتنظیف وتابناك قلنوب الماضی لا یذكر دیو جرم
كزاردن مندت كزار اولندی اما شاه عالیجاه حضرتلرندن مأمولدر كه
مقتضای رای سدید اوزره قوانین نصح وپندی تمهید وكندوسنه
تنبیه وتاكید ایلیوب دایرهٔ استقامت وخیطهٔ صداقتده ثابت قدم
وراسخ دم اولورسه حالا یانلرنده اولان اشقیادن عهد بعیدن و
زمان مدیددن پرورده نعمت نامتناهی وبرآورده تربیت پادشاهم
ایكن عصیان ایدوب تحریك شرارهٔ شر وبودكلو قبایحه دلالت
ونیجه خون ناحقه مباشرت ایدن فرخ وعبد الغنی اوغلی وطورسون
واقسان سیف الدین نام مفسدلری قتل ایدوب وسایر اشراری انلری آلیقویوب
واسكی قوللرندن برمقدار آدمیسی واوغلانلریله برادر سلطانلرنه قوشوب
سرحد ولایته كلیكه ذات البین ده اولان مصالحت ومصافات باقی
وبرقرار اولوب طرفینك رعایاسی آسوده حال ومرفه البال وممالك
وبلاد دخی معمور وآباد اوله اكر انلر كیدرملك قابل اولمزسه كندو
وجهلرندن بنه برفساده دخی مباشرت فهم اولنور یا تنرك قالمغه رخصت
ویرلیوب وبیله كوندرلیوب انلری آلیقونیله بس بو نصایح وپندیله
سودمند اولوب رضای جمیله اتباع وكلام حقی استماع ایدرسه
دائما سرایط حقوقی مطمح نظر وآثار مخالفتدن اجتناب وحذرده اولمق
كم هرآینه لایق دولت بلند پایه ومستحق حشمت وپیرایه اولمغه محققدر
شویله كه بو خصوصلر سمع قبوله موصول اولنه بو جانبه اعلام اولنه
كه بو طرفدن برادملر ایله بریكلربكی كوندریلوب سنجاغی
اولان اماسیه‌یه كتوریلوب جمیع اطوار وپسندیده كردار
اختیار ایدوب وقار اوزره اوله تا كه نتایج نصیحت‌كز حاصل ومقرون
ومبتغای رضا مرایله عامل اولمق میسر اوله چون عادت ارباب
وفا یمن اعادت وحسن اجازتدر عمدة الاماجد علی اغا بعد الفراغ
عما وجب علیه من الابلاغ منظور انظار اكرام واقبال قلنوب
١٦ عز حضور فایض النوره ارسال اولندی همواره وسائل رسائل ایله
سلسلهٔ موالات ورابطهٔ مصافات مؤكد ومجدد اوله همیشه اساس
دولت وكامرانی وبنای حشمت جاودانی بارتفاع مبانی عزت واجتماع
معانی رفعت مشید ومخلد باد بمنه ونون والصاد حرر فی شعبان سنه ٩٦٧

طهماسب شاهك كلان نامه سندن بعض ملتمسات كه عرض ايلمش سلطان سليمان خان طرفندن جواب نامه در

عاليجناب رفعت مناب دولت اياب عزت قباب دارا بخت كسرى تخت
سكندر فطرت عطارد فطنت • خسرو شوكت ناهيد صحبت • جمشيد جاه
خورشيد كلاه • فريدون فراست كاوس كياست • نير اوج برج اقبال
درة التاج عز واجلال • مشرق انوار بهجت • مطلع آثار منقبت • حاوى
مكارم مفاخر • دوائى محاسن مآثر • غره جبين دولت • كوهر نگين سعادت
مهر سپهر عظمت وشهريارى • وسپهر مهر نصفت وتاجدارى • حشمت پناه
عزت دستگاه • طهماسب شاه متعنا الله بمعالم قدره ورفعته ورفع
اعلام عزه وشوكته • بدايع روايح تحيات شميمة اللمعات • وصنايع ذرايع
تسليمات سكينة النسمات ايله كه ساحت قلوب احبا صحن بهشت آسا
انكله منور • ومشام سكان ارائك عليا روح وريحان باغ جنان كبى
اندن معطر ومعنبر اوله • صفايح الواح محبت محلى ومزين • وصحايف
شرايف مودت موقع ومعنون قلنوب • ضمير منير آيينه نظير وخاطر
عاطر خورشيد تنويره كه عكس حقايق اشيا آنده صورت پذير • ودقايق
اموره مدبر ومشرف در • انها وانها اولنور كه تجديد مبانى وداد • وتشييد
معانى اتحاد • واقامت لوازم اخلاص • وادامت مراسم اختصاص
ايجوب ارسال اولنان كتاب مستطاب عنبرين نقاب • واسطهٔ رابطهٔ ٤٩
الفت • ووسيلهٔ سلسلهٔ خلت • امارت مآب دولت انتساب • قدوة
الامراء والاعيان خضر سلطان • زيد قدره ايله كه آثار مجد ووقار
سيماسندن لامع وپرتو حسن اقوال وصدق اطوار احوالندن ساطعدر
افادت آداب وساطت • واجابت مراسم رسالت ايدوب اسعد ازمان
واحسن احيانده محل قبولده موصول اولدى • حقا كه شعشعهٔ خورشيد
رخشان ومهر تابان كبى سطور لايح النور وضياء انوار اوصاف
اشراف اسلافدن مقتبس • هر سطرى بنجه بيت معمور • اول شاهنامه
نامى وملطفهٔ كرامى نك نظم بديع الانتظامى نكهت روضهٔ فردوسى
وحالت عالم انسى محتوى • فى الحقيقه عباراتنده انواع مجاز واستعارات
وكلماتنده اصناف نكات وكنايات منطويدر • حروف سطورى نمونهٔ
صفوف حور • وصحيفهٔ زيباى كافورى سيماسى نشانهٔ صفحهٔ ساعد
بيضادر • بدايتندن تا نهايت خواتمى • مانند زلال سلسال الصافى واقع
اولوب • دبير عطارد نظر گنجينهٔ ضميردن سلك تقرير نظم وتحرير

ابتدوكى

ابتدوكى • وجه تشبيه وحسن توجيه اوزره اولان مضمون بلاغت
نمونى • ومفهوم مكنون دررشحونى مشمول علوم عليهٔ عالم آرا •
وملحوظ انظار سنيهٔ صواب نما اولدقده مطاوى اداى دلكشين لطافت
قرينندن بديدار اولديكه • قواعد عهد ووثاق موكد • ومقاعد صدق
ووفاق مشيد اولوب • مصالح دين ودولت ومهمات ملك وملت
دائما رضاى خير انتما مزه اتباع • ووقايع اموره بو طرفدن صدور بولان
اخبار محبت آثارى • سمع جان ايله استماع ايدوب • اساس موافقت
تقادم ايام ايله مستحكم • ومنزل صداقتده الى يوم القيام راسخ قدم
اولق • قلب اخلاص دفين • ودل محبت مكين كزيده مركوز ومصمم قلنمش
اوله • واقعا قديمدن عادت با سعادت سلاطين كزين • وشيمهٔ كريمهٔ
خواقين عدالت آيين • بو منوال اوزره جاريدر كه حفظ عهود ومواثيق
وضبط شرايط محبت وروابط علاقه ده • سعى واقدام وحسن اهتمام
اولنه كه • يا ايها الذين آمنوا اوفوا بالعقود • مضمون مقرون السعودى
اوزره • لازمهٔ اهل ايمان اولمشدر • ودرج فحواى نامهٔ مودت ١٧
افزاده عرض ملتمسات قلنوب بعض مهمات كه بيان اولنمش • محض
مراحم ورأفت وحسن انعطاف ومودتدن موقع قبولده حلول ايدوب •
اولا اولاد وامجاد عالى نژادكز ايچون • امور عزم وحزمه اعتياد • وتحصيل
مثوبات غزو وجهاد ايتمكه • سايهٔ بلند پايهٔ سلطنتمدن اولان ولايتلره
امارت وايالت بيوريله كه سفر ظفر رهبره ركاب همايون عزت مقرونم
بالنفس عسكر نصرت اثرم متوجه اولدقجه آدملرين كوندرمكله • والذين
جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا • آيت وافية العنايتى مقتضاسنجه • حائز
عطيهٔ سنيهٔ هدايت اوله لر ديلمش • امدى معلوم مدركه اول سمته قريب
اولان اماكندن بو طرفلره اوقات سفرده كلمك • بعد مسافه اجلندن
غايت مشكل • وعسكر اداوات وآت وآلات بو حالده متحمل اولمز • لكن
مطمح نظر دقيق بخادم • ايت دين مبين اوزره مجاهد طغاة مشركين
اولجق • بو حالت سرحد ولايت روم ايلنده متصوردر • شويله كه
احياء مراسم محبت وولا • وايفاء لوازم عهد ووفا اولنوب • بايزيدى
اوغللريني تسليم وارسال بيوروب • مصلحت برطرف اوله • مراد شريفلريله
فرزند ارجمندلرندن برى بو جانبه كوندريله اتالق واوغلق حقنى
كمال مرتبه رعايت ايدوب • انشاء الرحمن عين عنايت رأفت وشفقت
شاهانه • ويمن همت بى همتاى پادشاهانه ايله محظوظ ومحفوظ قلنوب

ذروهٔ علیای مقاصد ومرامه واصل • وعروه ونقای مطالب ومهامه
نائل اولوب • سبب خلود انساب محبت وضوابط الفت • ومودت اولوب
خاطر عاطره خطور ایدندن زیاده عنایتلرینه شاهد اولنه • وثانیا مشاهد
ائمه عظام • رضوان الله علیهم خصوصنده ارسال نذور وصدقات اولنوب فرع
وجوه خیرات ومبراته صرف ایتمکیچون ایکی نفر ادمکز گوندرلمك • توقع
اولنمش • لاجرم بغداده اولان مشهد مبارکینده ایکی نفر کارگزار
آدمکز اقامت ایتمکه اذن واجازت ویرلدی • که واقع اولان خدمتده کمال
امانت ونهایت صیانت اوزره اوله لر • وکتاب محبت انتسابکزدن
بونك کبی خدمت عظمی مرور دهور واعوام • وعبور شهور وایام ایله
واقع اولمق بعیددرکه اکر خدام والامقامك • برندن صدور ایتسه موجب
فضل واحسان نامحصور اولوردی دیو • بومهمك مقابله سنده عنایات
ممتنع النهایات وانعامات بیغایات ترقب اولندوغی بیان اولنمش •
امدی علم شریفکزه خفی اولمیه که اصل مصلحتك حصولی • وبومهمك اتمامه
وصولی منتظر ارباب انظار • ومترقب خواطر فیض شعاردن حضرت
خدا جل وعلا گواه ودانادر که خدمت غایته ومصلحت نهایته ایرشوب
بوطرفه ارسالده حسن اقوالکز وصدق افعالکز ظاهر اولدقده آثار
احسان بیکران • وکرم دریا فیضان شول وجهله جوشان وبی پایان
اولاکه تمام منتهای رضای خاطر • ومقتضای طبع مکرمت مأثر اوزره
واقع اولوب • السنهٔ عالمده مذکور • وخلق جهان ایچره تا ابد مشکور
اولا • فاما نامه کزده ذوالقدرلو بکلربکیسی علی پاشا ایله حسن اغانك
درکه سی التماس اولنوب • سعی وامکاری سبقت ایتدوکی سببدن اتمام
کارلرنده اندن ظهور ایتمه سی اشعار اولنمش • ارباب ابابه محل استحقاق
اولدیکه بوطرفدن ارسال ایتدوکمز آدملره تسلیم اولنمغه سوکند وقسم
موکد ومحکم اقلدوغی تقدیرجه • انلر گوندرلمیجك خلف صریح اولمق
محققدر • وکتاب فصاحت انتساب عمدهٔ کلام وزبدهٔ مرام • اظهار
اخلاص وموالات • واشعار صداقت ومصافات اولوب محضا ابتغا
رضاء خیرانتضاء رای صواب نما ایدوکی انها وانبا اولنمش • پس موافق
سوابق عهود • ومطابق مواثیق عقود • بومصلحتك اتمام واکمالنده
وطریق تسلیم وارسالنده نتیجهٔ افکارکز نه وجهله اولدوغن اظهار
ایچون ایلچی مشارالیه شقت بعد اسفار • وزحمت کشت دیاردن
برزمان آسوده وراحت اولمغیچون • اقامت ایتدورلوب آدملرندن

انس قولی وبیرام خواجه زید قدرهما ایله • درگاه عزت دستگاهمزه
مندن چاوش مصطفی • وچاوش حاجی حسن • زید مجدهما قوشیلوب •
اول صوب صواب انتمایه گوندرلدی • عند الوصول کمال حب وافی وقلب
صافیدن اتمام مرام وانجام مهام آراء صواب نماده ارتسام بولان وجهی
اعلام ایچون علی سبیل الاستعجال ارسال اولنمق مأمولدرکه سبب
تضاعف وداد • وموجب ترادف اسباب اتحاد اوله • بوخصوصده
تسویف واهمال • باعث تفرقهٔ احوال واختلال مآل ایدوکی ملحوظ اولنوب
عامهٔ رعایا وکافهٔ برایانك آرامش وامانی • ورفاهیت واطمینانی نه
صورتله ظهور ایدرسه • اول وجه اوزره سعی موفور قلنوب • مقتضای
عهد وامانت ومبتغای صدق ودیانت • کما ینبغی مرعی اوله که تا دور
قیامت • وبنیان حسن موافقت مستحکم ومخلد اوله • همیشه اسباب
دولت واقبال • وکمال سعادت واجلال • بعون ایزد متعال • متزاید ولایزال باد

شاه طهماسبدن شهزاده بایزید حقنده کلن نامه سنه طرف پادشاهیدن جواب نامه در

تا بادرقهٔ سابقهٔ عنایت رب العزة • تبارك سبحانه قدیرا • وتعالی عما
یقولون علوا کبیرا • مانند صبح صادق مطالع صدور پرنور سالکان
مناهج حقایقده بارق ورخشان • وآفتاب شرف واقبال • افق عز وجلال
واوج رفعت وکمالدن • فضای سرای جهان • وساحت فسحت حال عالمیانه
شارق ودرخشان اوله • کوکب بخت همایون سعادتمقرون حضرت فلك
رفعت کیوان منزلت گردون ابهت انجم اهبت • بنتر اوج سربلندی بدر
عالیقدر منزل ارجمندی • برجیس برج شرف • در سعادت صدف • عنوان
سرنامهٔ شاهی طرهٔ جبههٔ سعادت پناهی • فریدون فر همایون اثر خسرو
ایران • سکندر مکان • آرایندهٔ سریر سروری زینت دهندهٔ تخت
داوری • ماه آسمان جلالت خورشید مطلع ایالت • وآلا ولایت دارا
درایت • کاوس کیاست هوشنك فراست • حاویٔ مفاخر کیخسروانی •
راویٔ مآثر جمشید نشانی • نوشیروان مملکتداری مهندس رسوم
نصفت شعاری • فیروزبخت کسری تخت • حکومت قباب سیادت
انتساب • دولت مآب عالیجناب معالی نصاب • عدالت آیین بهمن
تمکین • مهر سپهر عظمت سپهر مهر حشمت • شاه سعادت نهاد • شهریار
منوچهرنژاد • مسند آرای جایگاه کامرانی • مسندجار بالش جهانبانی
اردشیر صولت • کیقباد شوکت محمد حد نشان • دولت مدار • الغایب بالفتح

سعادت افزای حضرت رب العالمین دره مطمح نظر دقایق بین اصابت
قرین اولمش • واقعا اولجناب مکرمت نصاب ومحبت آیاب ایله
ما بینمزده اولان عقد اکید الارکان وداد • وعهد شدید البنیان حسن
اتحاددن مأمول بودرکه معتدل لیل ونهار کبی میزان دهر دوارده همیشه
لوازم خلت ومصافات ثابت واستوار اولوب • ومحور دایره خط
استوا مانندی • معاقد الفت ووفا اکمل نظام وتوافق تام اوزره دائم
استقرار بولوب • مودت قواعدی وموالات معاهدی اول وجهله تشیید
وتاکید اولنه که • لوایح انواری وسوانح اثاری • رخساره دار وروزگار ده
وصفحات روزکارده الی یوم القرار خورشید تابنده کبی روشن وآشکار
اوله • زیرا قیام ملک وملت طراز اتساق اسباب نصفت وصدق طویت
ایله مطرز ومحلی • ودوام ایام دین ودولت • حسن نیت خیر امنیت ایله
میسر وموفق اولور • ودرج درر مکنون نامهٔ فصاحت مشحون ملمع
اشعار اولنمش که منهیان اخبار • ومخبران بهجت مسرت ایثار اولان
ایلچیان نامدار ایله • دولت دنا رعزت شعار • فرزند ارشد اسعد امجد
اوغلم سلیم طال بقاه بفضل الملک الکریم • طرفندن معتمد آدملر کوندروب
اولیدی اولادی اناره تسلیم اولنوردی • شمدی همان انتظار برار وکار وکذار
کسنه لر کلنه دک • ارسالنه مبادرت اولنه که تسلیم اولنوب • باعث
تاکید خلوص وتزاید اختصاص اوله دینلمش • بناء علی هذا اول ذات ملک
سمات وحمیده صفاتک • بلغه الله تعالی الی اعلی الدرجات • قواعد صدق
نیت وصفای مجبلتری اوزره • بو مهمک تحصیلی وبو خصوصک تکمیلی ایچون
حالا واردات بکلربکیسی اولان امیر الامراء الکرام کبیر الکبراء الفخام ذو القدر
والاحترام صاحب العز والاحتشام خسرو پاشا دام اقباله وبلغ آماله •
سعادت نهاد ونجابت نژاد • مومی الیه اوغلم طرفندن چاوش باشی
علی آغا • ومتعزم لرندن فیروز • اولجناب فلک قدار • ورفیع المقدار
صوبنه دخیله فرادن فخر الاعیان یساول باشی ولی آغا زید مجده ایله
بروجه استعجال روانه وارسال اولندیلر • عند حصول شرف الوصول مومی الیه
بایزید ایله جمله اولادینی انلره تسلیم ایدوب • کوندرسکز مقتضای همم
والا شیم صدور وظهور ایده که تا انقراض ازمان • مستوجب مودت
بی پایان • ومستجلب اسباب خلت ابد اقتران اولوب • هردم مرافق
یکانکی ودوستی مرافق • ومساعد یمن وسعادت مساعد وموافق
اولمق محققدر • ومضمون میمون کتاب عنبرین نقاب وبلاغت نصاب

المحلی من قداح المجد والعلی • والحایز بوجوه الدولة العظمی والقدر الاسنی •
سلطنت منقبت خلافت مرتبت • عالیجاه جمجاه • خدیو سعادت دستگاه
لا زالت شموس معالیه وقدره عن مطالع العز والسعادة طالعة • وما
برحت بدور عزه ومجده فی منازل الشرف والسیادة لامعة بیت الشرف
حشمت وشهریاری • اوج برج شوکت وتاجداریدن • بتوفیق الله تعالی
رب المغارب والمشارق • ساطع وبارق اوله • دعوات صالحات اجابت
قرین که مخبر مضمون بشایر بشایر صبح سعادت • وتحیات صادقات
اصابت رهین که مقرر اشارات بشارات یمن محبت اولوب • حیطه مدرکات
ارباب فهم وادراکدن افزون • ودایره احصادن حرکات افلاک کبی بیرون
اوله • زبان قلم وقلم زبان تقریرنده قاصر • وفذلکهٔ جامع الحسابی ضبطنده
حساب نکته یاب عاجز وفاتردر • غایت حب ووداده مبنی • وکمال
رابطه اتحاددن منبی اولوب • مهب فضای صدق انتماسندن نسایم
خلت ابد پیوند منتسم • وزلال وفای روان بخشاسندن • ریاض
خوش هوای دوستی والفت سرسبز ومنبسم اولی • شهود عهود ووفا ایله
ثابت ومؤکد وعنوان خریطهٔ ثنادن شریطهٔ صفا اوزره ممهد ومجدد
قلنوب • اسلوب مرغوب تبجیل وتوقیر ایله صوب جناب سامی
ومجلس گرامی بی که مرکز دایرهٔ عز وجاه ودانی • ومطرح اشعهٔ قدر وکامرانیدن
تبلیغ وتوجیه اولنوب انهاء ضمیر خورشید تنویر • وانباء خاطر حقایق
سفیر اولدرکه • برساعت سعادت اثر • وبروقت میمنت رهبرده • هدهد
کتاب همایون بنا سبا یقین ایله واصل • وحمامهٔ قمری نغمه سازکبی
صماخ روانه وسامع بجامع ارباب عرفانه الحان رنگین • حاصل اولدیکه
میدان بلاغتده صافنات جیاد عبارات که زین اسعارت وحلیهٔ
کنایت ایله تزیین قلنوب • کلمات حسان حسنات ایله مضمار فضا حتده
مطلق العنان استباق وجولان ایتمشدر • معروض انظار اولی الابصار
ومشهود عین تدبر واعتبار واقع اولوب • بحجهٔ فراید لآلی معانی که سلک
سمط الفاظ آبدارده انتظام وبرلشدر • سمع قبوله وصول بولوب
سبحهٔ وار انامل تامل ایله تقلیب وشمار اولندقده • زبدهٔ کلام خیر انجام
بو وجهله انفهام بولدیکه • مقتضای خلوص محبت ومبتغای خصوص
مودت اوزره لایق ذمت همت علیه • ومطابق مکارم خصایل مرضیه
اولان ایفاء عهود • واداء مراسم شروط وقیود مستدعای رای رزین
وفکر گزین • وباعث رفاهیت واطمینان کافهٔ مسلمین • وموجب رضای

بعض ملتمسات كه رجا و تمنا اولنمشدر مسموع سمع قبول اولوب منزلهٔ
حصوله موصول اولمشدر اولا طيبهٔ مدينهٔ مقدسهٔ نبويه كه مهبط ٥٢
فيوض وحى ربانى ومحط مواهب سبحانى اولوب مطلع نور لامع الظهور
جمال محمدى ومنبع جويبار كوثر آثار نوال كمال احمديدر على ساكنها افضل
الصلوات والتحيه ما تعاقب الغداة والعشية جوار عزتمدارنده
اولان بقاع فلك ارتفاعده نشانهٔ ساحت عالم ملكوت وآرامگاه محرمان
اسرار خلوتسراى جبروت نمونهٔ روضات جنات برين بقيع رفيع
سدره آيينده اولان مشاهد مشاهير ائمهٔ عظام ومراقد اجلهٔ
كرامك بعضنه كه هر برى رهبران مسالك دين وسروران ممالك
يقيندر رضوان الله عليهم اجمعين مركوز خاطر عاطر ومكنون ضمير
خورشيد مآثر واقع اولان نذور وصدقات وصلات مبراتى ايصال
و اداء ايچون آدم گوندرلمك استدعا اولنمش امدى اول ذات ستوده
صفات ومكرمت سماتك رأى شريف عالم آراى وطبع منيف حقايق
نمالرينه ظاهر وهويدا اولدكه مابينده اولان حسن طويت ومحض محبت
مقتضاسى اوزره اتمام مهام وانجام مرامده مساعى جميله ويمن اقدام
ظهوره ايدوب مشار اليه خسرو پاشا ايله دولت اقتران سعادت
نشان اوغلم سليم جانبندن واردات آدمسنه بايزيد ايله دردت نفر
اولادى تسليم اولنوب ارسال اولندقلرنده كه نتيجهٔ لوازم مصادقت
وشرايط طريقهٔ مؤالفتدر مقصود وموعود على ما هو المأمول
شرف قبوله موصول قلنوب من بعد دخى اسلوب مرغوب عهد ووفا
وعادت ميمنت مقرون صدق وصفا محاسن خصائل ملوك اوزره
مرعى ومسلوك اولدقجه واقع اولان جملهٔ آمال وملتمسات ومقاصد
ومرادات صحيفهٔ ضمير منيرده صورت پذير اولدوغندن زياده ميسر ٤٤
وحاصل اولمق مصمم ومحققدر ثانيا اول جناب عالى لازال محفوفاً
بالمعالينك غرهٔ ناصيهٔ تاجدارى قرهٔ باصرهٔ شهريارى اولاد امجادلرى
حققنده سابقا انواع نوازش خسروانه واصناف عواطف ملوكانه
مرجو ومأمول اولدقلرى مبذول ومعقول اولمشكن حالا وارد اولان
كتاب مشكين نقابده هنوز اول گلبن گلستان جاه وجلال وانور
حدايق عز واقبال غنچهٔ وجودلرى گلشن شهودده نوشكفته اولدقلرى
اشعار وانبا اولنمش پس استنشاق روايح عنايت عميمه واستشمام
نوايح رعايت جسيمه ايچون الطاف شامله دن تشريفات كامله صدور

ملحوظ

ملحوظ انظار اصابت آثار وواقع اولمشدر وفحواى كلام دررنظام
نامهٔ مسرت اختتامده اول جناب سلطنت مآبك منسوبات ومتعلقاتندن
بو جانبه گلنلرى امراء سرحد منع ايدوب رخصت ويرميوب گيرو اول
جانبه گوندرمه لرى اشارت اولنمغين بو خصوص ايچون نگهبانان
اقاليم معموره اولان امراء عظام وستحفظات ممالك محروسه
اولان كبراء فخامه تنبيه وتأكيد اولندى كه اول جانبدن اجازت
اولمدين گلنلرك طريق مرورلرى بسته وقنطرهٔ عبورلرى شكسته
اولوب اصلا بر فردك سرحد ولايته دخولنى تجويز ايتميوب گيرو
معاودت ايتدوره لر واول خسرو جمشيد اقبال وهمايون فال قبلندن
مقدما تجديد قواعد محبت وتمهيد معاقد دوستى ومودت
ايچون گوندريلان معتمد الدولة السنية مؤتمن الحضرة العلية
مفخر الاعيان جعفر سلطان دام مجده مصحوب اجناس تشريفات
فاخره وانواع تبركات زاخره قلنوب بر نوع تأخير وتراخى مفارقت ونوعيت
ميمنت رفيق ايله معاودت ايتدرلمك مقرر ومحققدر تا كه مشار اليه
خسرو پاشا واوغلم ادميسى ايله بايزيد وجمله اولادى ارسال قلنوب
سرحدده واصل اولدقلرنده تخمينا متلاقى اولهلر ومنازل ومراحلده
حفظ وحراستلرى وترتيب مهمات مصلحتلرى ايچون خدام واغام
دن آدملر قوشلمشدر ان شاء الله الرحمن مساعدت عون يزدان ايله
اول جناب مكرمت مآب سلطنت مآبك مجلس منيف ومحفل رفيعلرينه
واصل اولورلر باقى درجات عاليات دولت همايون وشرفات غرفات
عزت روزافزون انوار طوالع لوامع سلطنت ومكنت آثار وسواطع
مطالع سعادت ورفعت ايله مزين ومحلى ورروشن ومجلى اولوب
تضاعف عطاياى الهى وترادف آلاء نامتناهى اوقات خجسته ساعات
مقرون ومخصوص واساس حشمت علما واسباب شوكت واعتلا ايله كال
بنيان مرصوص باد ابد الآباد

سلطان سليمان خان ميخانه لرى رفع وارباب فسقى زجر ومنع ايتدكده شاه عجمه يازيلان نامهٔ مودتدر

الجناب جمام رفعت اسباب قيام حشمت حضرت عالى رتبت فلك
مكنت شمسهٔ ايوان عزت نير آسمان شوكت خديو كامكار شهريار
حكومت شعار جمشيد خورشيد طلعت خاقان كيوان منزلت
داراى تاج وتخت داور پيروزبخت خسرو فغفور فر شاه فريدون سير

واسطۀ عقد بختیاری • نگین خاتم تاجداری • همایون دولت مشتری
سعادت • جمجاه ونصفت پناه • والا صدر وبلند قدر ظلهما سایه شاه
لازالت شموس حشمته من افق الاقبال بازغة • ومابرحت بدور دولته
فی بروج السعادة دائرة • اوتاد شرف وعزت ایله ممدود • وامداد و
واسعاد توفیق ومیمنت ایله موفور ونامحدود اولوب • پرتو آفتاب
شوکت وانوار ماهتاب معدلتلری لامع ودرخشان • وساطع وتابان
اوله • تا صحایف جراید جهانی • لطایف عوارف سبحانی • موشح ومهذب
وصفایح لوایح زمین وزمانی • منایح فیوض آسمانی • مرشح ومرتب قله •
قوایم مسند اقبال • ودعایم رواق اجلال • مستحکم • واستوار ودایم
وبرقرار اوله • بدایع روایح محبت • وصنایع ذرایع نخبت که باعث انشراح
صدور ارباب حضور • وموجب انفتاح ابواب سرور • وارتیاح اصحاب
حبور در • نگاشتۀ اقلام مودت ارقام اولوب • وساطت حمامۀ
نامه ایله اوصول مکرم گرامی • وحرم محترم سامی یه ایهادن صکره
ابناء ضمیر حقایق سفیر • ومرآت طبع منیر خورشید نظیر اولدرکه
١٢ مهب ریاح الفتدن نسایم عنبرین شمایم صدق وولا وزیرم • وبارض
خلتدن ازهار حسن عقیدت ووفا کشاده ودمیده اولوب • دستیاری
قاصدان فرخ فال • وواردان مناهل اقبال ایله مجموعۀ نوادر اشارات
وگنجینۀ جواهر عبارات • کتاب بدیع المثال • وخطاب مسرت منال •
که رقوم الفاظ غراسی مفاتیح کنوز • ونقوش سطور دلرباسی مصابیح
رموز • غرۀ بیاض روی درخشان کبی لامع النور • وسواد مدادی
مانند طرۀ جعد حور • معاقد معانیسی بدایع بلاغتی متضمن • وقواعد
مبانیسی اسلوب مرغوب فصاحته مقترن در • احسن ازمان واسعد
اوانده مجلس انس روحانی یه ورود بولوب • محفل حبذا وداد نده بهجت
افزود • واقع اولوب • درج درر مکنون مفاوضۀ لطیفۀ براعت
نمونده • ظاهر اولان تخایل مصادقت واتحاد وولا بلصدق فؤاد •
ملحوظ انظار اولی الابصار اولوب • عهود موالات حصین وشدید
وعقود مصافات رکین وسدید ایدوکی مفهوم • ورسوخ واستحکام
مبانی وفاق تام ممتنع الزوال والانفصام اولدوغی معلوم اولدیکه •
واقعا شاهد حال وصدق مقال • اول جناب عالی لازال محفوفا بصنوف
المعالی قبلندن ظهور وصدور ایدن سعی مشکور • تعاقب ایام وادوار
ایله چهرۀ روزگارده باقی ومذکور اولمق محققدر • لازمۀ شان مکارم

نشانه

نشانۀ اصحاب همم علیه • وارباب شیم مرضیه بودرکه • صلاح کار دین
ودنیا یی همیشه اندیشه ایدوب • صدق ایمان وفایی وعهد وپیمانی پیشه
ایده لر • باعث نتایج عزت منزلین • وسبب سعادت دارین در • لاجرم
بزم دخی نیت خیر اثبتمز • متصدی مصالح ملک وملت • ومناظم دین
ودولتدر • عرصۀ عالی اشراقا اشعۀ عدل ایله روشن ومجلی • وشعایر ٢٢
شرع مطهر ایله محلی ایتمک اهم واجبات واتم مهماتدر • زیرا هر سلطان
عادل • وملک دانادلکه ساعی معالم دین وداعی مراسم شرع مبین اولوب
مالک زمام مهام انام • ومالک عنان احکام امر ونهی اهل اسلام در •
هر آینه مراعات جانب اوامر • وحمایت اسالیب مکارم مآثر سعی موفور
ایتمک انسب واوجبدر • که رقابت نظام مملکت • مراقبت نسق شریعته
وصیانت صلاح وجمعیت • محافظت ارکان سنته مربوط • وابتغای رضا
فضل نامتناهی امضای نوامیس وفرمان الهی یه • وبقای قواعد جهانداری
ودولت دستگاهی اقتداء سنن سنیۀ حضرت رسالت پناهی یه منوطدر
لابد اجرای قوانین شریعت غرا • واحیاء معالم ملت حنیفۀ بیضا • مطلب اعلی
ومقصد اقصی • واقتفاء آثار صحابۀ کرام وتابعین • واتباع اطوار
ائمۀ دین • وهداۀ مهتدین سبب جمیع سعادت نشأتین اخری واولی
وشرعا وعقلا افضل واولی در • وموجب تلفیق اسباب استبقاء دین
ودنیادر • نور حق بین ویقین ایله روشن اولان خرد عاقبت بین
فطنته ظاهر ومستبین درکه خواقین دیندار وسلاطین شریعت شعار
هر بار که صفحۀ اکناف واطراف دیاری • چرک شرک وخاشاک الحاددن
تیغ آبدار ایله تطهیر وپاک ایده لر • اقتضای جبلت عادلانه اوزره ساحت
مملکتی دخی انوار عدالتله مستنیر وتابناک ایتمک • لازم ومتحتم در • ودفع
اسباب شر وشور • وقمع آلات فسق وفجور اقدم شرایط سلطانی والزم
ضوابط جهانبانیدن اولمشدر • زیرا فحوای بشارت مؤدای کلام معجز
ربانی • ومضمون هدایت مشحون تنزیل واجب التبجیل سبحانی • ومن
یطع الله والرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم • اوزره اطاعت
وفرمان برداری باعث نیل رضای حضرت باری • وبشرای • فمن اتبع
هدای فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون • زمرۀ اهل ایمان وفرقۀ اصحاب
عرفانه مسرت بخشای وهدایت نمون در • لاجرم ابنای زمانک سیم
سیمای بنت العنبدن دست تطاولی رفع • وام الخبائثی تعاطی وتناولدن
منع اولنوب • فمن شرب منه فلیس منی • مضمونی اوزره زجر وردع اولنه لر

١٧

زیرا شمول انظار ارباب اعتبارده کە شغف باده • خرمن زندکانی بباده
ویرور • پیالە لالە کبی ساغر دلی تهی وساده اولنلر • شراب طهورا ایله
مالامال اولمغه مستعد وآماده اولور • ودرد خم خمار • ودرد والم
خمار شراب کە شراب اولدوغنی • هوشیار فطنت دثار • قتلنه اعدن
کواه در • اخربنا عمر سبل عرم • کبی انکله منهدم وخراب اولمه سی بی
اشتباهدر • اهل هوانک ضمیرلرنه آخرده ملعنه ندامت حسب حاللری
اولوب • بناء روزکار اولدقلری • اصحاب انتباه یانلرنده ظاهر وهویدادر
هر لهو ده هول مکنون • هر هوسده شهو مقروندر • جنک وربابک
صداسی هبا • وارباب غناسی محض هوادر • مرتکبان مناهینک روز
حسرتلرنده دود آهی ظلمات بعضها فوق بعض • اولمه سی متعین ومنهم
ظالم لنفسه • مصداقنجه اهل فجور کندولرنه جور موفور ایدیکی
مبیندر • پس صاحب ایمان کامل خرد مند عاقله • واضحدرکە حدیث
بشارت تورث • من لم یتغن بالقرآن فلیس منی • مفهومی اوزره صفر
مقربان درکاه • ونداء مسرت افزای اشهد ان لا اله الا الله • مشنف
اسماع جان ومشرف صماخ جنان اولیوب • نعرهء های وهوده بچون
عمر بیهوده به پشیمان اولورلر • هر جوان صادق عزیمت چون الف
مستقیم میان جاندن محراب مناجاتنده قائم • وهر برخمیده قامت
انساب عبادتنده مقیم • ودال مثال دعا اوزره ملازم اولوب • مجامع
رود وسرود • سیرینه جوامع عبادتنده ورد حمد ودرود • وانشاء نغمات
بم وزیر • زمزمهء تسبیح وتکبیر صوامع سامعه جایکیر اولمشدر
بحمد الله تعالی ومنه المنة • والا آن کە سکان ممالک محمیهء اسلامیه
صینت عن الآفات والبلیة • بشرایف المواهب السبحانیة • صدق طویت
وخلوص نیت ایله اجتناب رذائل خصایل وقبایح وسیئات • ولایزال
امتثال وجوه طاعات • وقبول نصایح وعباداتنده سعی محمود وبذل
مجهود ایتمکده در • لایحهء صفحهء بال خیر مثال • اجراء اوامر ونواهی الهی
واظهار شعایر شرایع نبویدر • هر آینه حضرت رب ذو الجلال جل عن
الاشباه والامثال • رضای خیر اقتضاسنی ابتغا ایدنلرک • بیجوق رایات
اقبال • واعلام جاه وجلاللری فضای منتهای آماله افراخته وغایات
وشوارق آیات توفیق لمعانلری افق تاییددن غایت ارتفاع ایله
درخشان وتابان قلنمق بفضله الاوفر • مبشر ومقرردر • مطاوی
کلام محبت ارتسام • ومحاوی پیام صداقت انجامده بعض قضایا انهاو

٢٤٤

بر دوست اکراونی زینل بک • آدملری قصبهء طوجدن کوچ ایدوب
کندو اولکه لرینه الحاق ایندوکی • ونیت حج وزیارت وقصد کسب
وتجارت ایچون سمت عراقه وارد اولان قافله یه امیر عمر مانع اولوب
بعضی نهب وغارته جسارت ایله خیلی خسارت اولندوغی انها اولنمش
ایمدی بو خصوص ایچون زینل بک وامیر عمره فرمان قضا جریان ایله
منهیات اوامر عالیشان اولان چاوشلر کوندریلوب • بو قضیهء غیر مرضیه
اصل ومبادی • وظهور وصدورینه باعث وبادی کیملر اولوب • وجه
وسبب نه ایدوکنه جواب اولنمشدر • کە موجب فتنه وفساد اولنلره
لایق وسزا اولدقلری اوزره عتاب وجزا اولنه • صیانت مواثیق
ذات البین ده سعی واقدام وجلا اهتماملری مبذول اولوب • اصلا
جادهء اددن خروج وعدول ایتمیه لر • رسانندهء نامهء نامی
ورارندهء صحیفهء کرامی قدوة الاماجد والاعیان عمدة الاماثل
والاقران حرم سلطان دام مجده • تمهید ضوابط شریطهء وثیقهء
اتحاد • وتشیید روابط سلیقهء وداد ایدوب اداء روابت موالات
وابقاء قواعد وفا ومصافاتده صکره • یمن عنایت وحسن اجازتله
مشمول انظار قبول واقبال اولوب • اول صوب عزت انتساب ورفعت
مآبه توجیه وارسال اولندی • همیشه سرادق شوکت وسعادت
وبارکاه حشمت ومکنت • دوعرصهء مجد وعزت قائم • واساس دولت
وبنیان سیادت • بتایید وتأبید مستحکم ودایم باد • بالنبی وآله الامجاد

طهماسب شاهدن آستان سلطان سلیمان خانه کوندریلدن
طوغانلر وصولنده یازیلان نامه در

تا همای همایون فال اقبال • اوج فضای شرف واجلالده طایر
وشهباز بلند پرواز آمال • جو هوای مجد واعتلاده سایردر • موارد
حشمت جاودانی وشوارد مکنت وکامرانی • بروفق مرام دوستان
صداقت شعار مطالب ومقاصد • صید وشکار اولە • دعوات
عنبرین فام • وتحیات مشکین ختام • جناح مورد النجاح ورقاء
نامهء مودت اعلامه ایله انها اولنوب • مسامع مجامع ارباب صدق
وولایه • افهام وابلاغ اولنان بودرکە • بتهوی ذرین منقار مفاوضه
مخالصت شعار • اوکار روحه نازل • واشیان سعادت نشانه
واصل اولوب آیین خسروان کامکار • واسلوب خواقین ذوی الاقتدار
اوزره • تکمیل امور ملک وملت • وترتیب مهمات دین ودولتدن

زمان فراغ واطمینانده تنزه خاطر وترفه وانی ایچون نمونهٔ رزم وکیرودار صید وشکار عادت باسعادت شهریاری نامدار اولمغین درین صحایف سیر وآثارده زمرهٔ انبیاء عظام وفرقهٔ اصفیاء کرام علیهم الصلوات واکمل التحیات دخی نقل واخبار اولنمشدر بنا علیه
اول دیارده بولنان شهباز عنقا شکار وسایر جوارح برق کردار دن کزیده ویراق برنیجه اجمه قلاوند یری برها بیکر صواید ارسال اولنمشی جمله سی خیر قبوله موصول واقع اولدی بعده اول جناب عالی لازال محفوفا بالمعالینک علم شریف جهان آرالرینه روشن وهویدادرکه مقدما شعار عصیانی شکار وانار طغیانی اظهار ایدن جماعت وخیمة العاقبه دن بقیه فئهٔ باغیه بالفعل
اول دیارده قرار ایتمشلردر انلردن هربرینک جریمهٔ عهود تیلری داغ رقبله زیب وزینت بولوب اباً عن جد رعیت اولعلی رعیت ایکن اول شوربختان وحرام نمکان کفران نعم طاغی وباغی اولدقلری انلک کبی معتدان کم مقدار وناکسان برکشته روزکار مادامکه اول ٥٢٤
دیارده قرار ایدرلر فیمابین تحریک سلسلهٔ مخالفت وشنیع اولمق محققدر مرافق منافقدن احتراز اهم والزمدر لاجرم ثمرهٔ حسن وفاق ونتیجهٔ یمن اتفاق بودرکه اولطایفهٔ بدفعال برصدوله علی ای حال بی توقف وامهال درکاه سعادت دستکاهه ارسال وایصال اولنمق بابنده مبادرت ومسارعت قیلنه که موکد قواعد محبت وممهد ارکان مصادقت اولدوغنده اشتباه یوقدر باقی ریاض دولت مجلس سامی بریاحین امانی وازهار شادمانی ناضر ونامی باد برب العباد

طهماسب شاه جانبندن سلطان سلیمان خان جامع شریفی بنا اولنده قدوم مبارکلری باد ایچون کلان نامه در

تحفهٔ دعایی که از روایح مسکیة الفوایح آن صوامع مجامع سبحان ملاء اعلا معطر شود وهدیهٔ ثنایی که از فروغ لوامع آن جوامع مناظر ساکنان عالم بالا منور کردد نثار وایثار بارکاه اعلی ومجلس معلای اعلیحضرت فلک رتبت سپهر بسطت کیوان رفعت خورشید منزلت اسکندر ابهت سلیمان مرتبت پادشاه فریدون جاه جم اقتدار خاقان داری کسری شعار مظهر انوار تأیید مرآت معنوی مصدر اسرار رب هب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی شهسوار عرصهٔ خالق فارس

بکران کرهٔ افلاک مهر سپهر سلطنت وخلافت بدر منیر نصفت وعدلت سلطان البرین وخاقان البحرین سمی نبی الثقلین وارث ذو القرنین کهف الخافقین خادم الحرمین الشریفین سلیما للسلطنة والشوکة والحشمة والعدة والخلافة والعدالة والعظمة والابهة والنصفة والعزة والاقبال سلطان سلیمان شاه ابن سلطان سلیم خان نظم شهنشاه عالم شه کامران سکندر سریر وسلیمان مکان جهان پر نواز نور رایش کرفت سپهر افراز خاک پایش کرفت فریدون جم قدر عالی مدار بدر برید خسرو کامکار درش کعبهٔ حاجت اهل دل وحی طوف ولها کند منصل مراعات خلق خدا کار او وران کار لطف خدایار او بود خاتمش چون سلیمان بدست کروشد روا حاجت هر که هست شهنشاهی که آسمان قدرش چون قدر آسمان برون از ادراک عقول وافهام وپهر سریرش چون سریر سپهر متجاوز از مدارک افهام برق حسام خون آشامش آتش آهنک وغمام انعام عامش چون انعام غمام بی توقف ودرنک موهبتش مبانی سلطنت عظمی مرحمتش قواعد خلافت کبری حارس حوزه الدین حافظ ثغور المسلمین قاتل الکفرة والمشرکین نظم آن شاه از بلندی بخت بالاتراز آسمان زند تخت محتاج درش هزار خاقان فغفور یکیشی از غلامان هرجا شکهی بر آستانش صد خان خطا کشیده خوانش بر ماه کشیده بارکاهش مشکین شب چین زخاک راهش مشکل نشینی کوش ودان سلطان جهانبان سلیمان صافی ضمیری که اشراقات ضمیر منیرش درشب دیجور حوادث زمانی ونوایب آسمانی چون ماه چهارده تابان ولامع ورأی عالم آرای خاطر صواب نمایش برحال مستقبل چون ماضی آکاه ومطلع نظم دلش بنور بقیت از درجهٔ امروز همه شناهد احوال العالم فردا سلطان مؤید کامکار مظهر کریمهٔ وربک یخلق ما یشاء ویختار نظم فریدون طلعتی خورشید جاهی سکندر حشمتی دارا سپاهی محیط مکرمت دریای رحمت سپهر معدلت خورشید دولت شهنشاهی که
٥٢٥ دوران کهن سال بدو داده نوید فتح واقبال جهانداری که دارای جهانست ثنا بس اینی جانست اینی جانست دلش کنجینهٔ اسرار شاهی ضمیرش مطلع نور آلهی قضا همراه چون فرمان روانش قدر همچون ظفر اندر پی دوانش سپهر اندر خم چوکان کویش محیط از جود وسرمایهٔ جویش نباشی که اقطار اقطار فیض عام انعامش بر ریاض آمال وحدایق احوال عموم انام علی الدوام فایض وباران است ورشحات سحاب

بیغابتش برگشترا ز آرزوی سائلان امتداد علی تعاقب الادوار ساکب
وزیران رای منیرش ثالث النیرین و پایهٔ قدر رفیعش فوق الفرقدین بسطت
جاه عریضش متجاوز از جهار سوی ارکان و پنج نوبت دولتش فراز طارم
کیوان سعت غرف کمالش زیاده از عرصهٔ مسدس خاک و رفعت کنگرهٔ
قصر جلالش محاذی صرح ممرد افلاک نظم ای فلک بر در تو کینه غلام
اخترت تابع و زمانه بکام شب بپاس تو هندوی بسته
بر پای خود جلاجل ماه هر ولایت که چون تو شه دارد ایزد از هر بد ش
نگه دارد زان سعادت که در سرت دانند سرور هفت کشورت خوانند
پنجمین کشور از تو آباد است وز تو شش کشور دگر شاد است خاتمی نصرت
آلهی را ختم برتست پادشاهی را سلطان فلک قدر و گردون وقار خاقان
جمجاه سلیمان اقتدار قیصر والا فر سکندر نشان خسرو دولت قرین
صاحبقران عامر بلاد اسلام ماحی آثار الکفر و الظلام کاسر مفاصل
الاصنام ناصب والاحسان بالرای الصائب ماحی رسوم الشرک و
العصیان بالحکم الثاقب نظم الا ای شهنشاه انجم سپاه که زیبد ترا چون
فلک بارگاه سعادة قرینی و صاحبقران تویی کامیاب و تویی کامران
درخشنده مهری ز اوج کمال چه مهری که هرگزنه بیند زوال ز روی تو هر
ذرهٔ دلفروز بناشد عجب گر کند کار روز الهی ز دوران مدولت مباد
تو خورشید ملکی زوالت مباد واضع میزان البر والاحسان قامع بنیان
التجبر و الطغیان مفیض زوارف العوارف علی قاطبة الاسلام
رافع رایات الرافة و الرحمة علی صفحات الایام نظم همه مغرب که مشرق
راپناهست سلیمان که اخترش بالای ماهست ز اقصای ختا تا آخر روم
کس از خوان عطایش نیست محروم طریق جود را پیش برده غم
درویش ازیشان بیش خورده بهر حاجت که خلق آغاز کرده در ی ١٦
دار دجود را باز کرده زعدلش ظلم کیشان بد اندیش نکرده ظلم الا
بر تن خویش سپاه از سیاست در زمانش نکرده زور الا بر کمانش
کسی جز زلف خوبان سمن بوی پریشانی ندید یکسر موی ز نیروی
زمال حشمت بر بمرغ خوبیشی داده دانه در بدورش ایمنان کشتند
مردم که حرف احتیاج از دهر شد گم پادشاه جمجاه عالمپناه مصدوق
السلطان العادل ظل الله باسط بساط الامن و الامان ناشر آثار البر
و الامتنان علی قاطبة اهل الایمان الفایض من بحار انعامه و رشحات
افضاله ماشرات الله بامر بالعدل و الاحسان نظم شاهنشاه آفتاب سایه

کیخسرو کیقباد پایه دارندهٔ تخت پادشاهی دارای سپهدی و سپاهی تاج تو ورای
تاج خورشید تخت تو فراز تخت جمشید هر جا که دلیت قاف تا قاف از دو
تو میزند لاف شهریاری که در رسوم سلطنت و خدایگانی قیصر و خاقان بندهٔ
اوست و در آیین عدالت و جهانبانی کسری و نوشیروان خجل و شرمندهٔ او
قیصر عصر و خسرو آفاق پادشاه جهان علی الاطلاق بندهٔ او هزار نوشروان
کاش نوشیروان کنون بودی عدلش آن بیشتر فزون بودی تا ز دعوی
عدل شرمنده خسرو روم راشدی بنده گردی از بندگی سرافرازی بیش
شاه مجاهد غازی المؤید بالعنایات الربانیه الموفق بالالطاف الرحمانیه
المستعین بمواهب الملک العزیز الغفار المستفیض من رشحات الفضل
و الامتنان لا زالت اقدام خدمته مرفوعة فوق السماء و ارقام سلطنته
مرقومة علی لوح البقاء گردانیده بوسیلهٔ دعای بی ریا بر مرآت خاطر
خطیر و جام جهان نمای ضمیر منیر آفتاب تنویر جلوه میدهد و همواره
ارادت خاطر الهام پذیر بدان متعلق است که بیامن بخت فیروز و مساعی
دولت عالم افروز توفیق اشاعت انوار عدل و داد نسبت بکافهٔ عباد
و بلاد و تایید قلع و قمع بنیان اصحاب کفر و ارباب شرک و فساد رفق
حال و فرح امانی و آمال آن پادشاه صاحب اقبال گردد حقا و کفی به شهیدا
که از نسایم لطف الهی و فیضان عنایت نامتناهی پادشاهی نفحات امن
و امان بمشام جام همگنان و رشحات مکرمت و احسان بکام عالمیان
رسیده همواره محب نیکوخواه بمقتضای و اشکروا نعمة الله ان کنتم
ایاه تعبدون براسم شکرگزاری مواهب سبحانی و عواطف حضرت
خاقانی که درین مدت شاهد دیدهٔ اعتبار و منظور نظر اولی الابصار
شده قیام و اقدام داشته و پیوسته منتهای همت بلند و اقصای
نیت ارجمند برحسب مؤدی اوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤلا
گماشته و بواسطهٔ مشاهدهٔ مکارم اخلاق و محاسن اشفاق ان پادشاه
عرصهٔ آفاق خود را در وادی محبت و اخلاص چنان بی تاب و اختیار می
یابد که روز بروز تواد و موافقت حقیقی و مصادقت صمیمی که در عهد
و هزار بلکه بیرون از حد و عد و شمار در خاطر خطیر تزاید و ترقی
دارد الحمد لله الذی هدانا لهذا حالا بی شایبهٔ تکلف و شوبهٔ تصلف
عموم عالمیان خصوصا مردم ممالک ایران از پیر و جوان و کافر و مسلمان
ترک و تاجیک دور و نزدیک وضیع و شریف قوی و ضعیف ذکور و اناث
حتی طفلان خورد و پیران سالخورد از هفت ساله تا هفتاد ساله

درگاه و بیگاه • وشام وسحرگاه • بعد از ادای فرایض وطاعات • دعاء دوام
دولت روزافزون • ونظام قوام اسباب سلطنت همایون • اعلی حضرت
فلک رتبه را بر ذمت همت خود • از لوازم داشته آند • بلکه همواره فرایض
انگاشته نظم تو آن شاهی که اندر شرق ودر غرب • جهود وگبر و ترسا
ومسلمان • همی گویند در تسبیح وتهلیل الهی عاقبت محمود گردان • ولاشک
دعایی که در شبهاء تار ارباب حاجات • خصوصا چندین هزار نفس که
هر سال با وجود فراغ خاطر • وجمعیت حواس باطن وظاهر • بطواف
بیت الله الحرام • وزیارت مدینهٔ مکرمهٔ حضرت سید الانام • ومشاهد
مقدسهٔ حضرات ائمه کرام • علیه وعلیهم افضل التحیة والسلام • مشرف
شده • ودران اماکن شریفه که قبله حاجت ارباب صدق وصفاست •
روی بمحراب طاعت آورده بتضرع وابتهال از درگاه قاضی الحاجات
ومجیب الدعوات مسألت مینماید • چنانچه احادیث وروایات صحیحه
بران وارد است • بعز اجابت مقرون وآثار آن بروزگار فرخنده میمون
عاید شده • وخواهد شد • ان شاء الله تعالی • بعد هذا مرفوع رأی عالم
آرا • ومشهود ضمیر منیر خورشید الحذو که مانند جام جهان نما از چهرهٔ امانی
وآمال • پرده گشاست • میگرداند که چون قواعد اخلاص وروابط اختصاص
مقتضی آنست که بوسیلهٔ مناسبات • ووا سطهٔ تقربیات خود را فرایاد
خاطر خیض مآثر آورده • مبانی مصادقت وموالات • ومعاهد محبت ومصافات
را التیام واستحکام دهد • لهذا چون قبل ازین بچند سال از زوار آن
صوب صواب استماع افتاده بود که رای خیر اندیشه که همیشه بعمارات
بیوت الله • ودر تعمیر بلاد الله است • برونق طاعت انما یعمر مساجد الله
بر بناء • مسجد اسس علی التقوی • بانی ثانی مسجد اقصی گردیده • وبعمارت
مسجد خجسته بنیاد • التی لم یخلق مثلها فی البلاد • جهود عباد را انار • والبیت
المعمور والسقف المرفوع • منظور ومسموع گردانیده • تا عموم اهل اسلام
دران مکان شریف که از غایت شرافت • بمحل ومقام ثانی مقام بیت الله
الحرام • وجامع مضمون این ابیات بلاغت نظام است • بعبادت وتلاوت
قیام نمایند نظم مسجد شه جامع فیض آله • زمزمهٔ ذکر رسانیده بماه • آمده
در روی سپهر کبود • فیض ایک خواندن قران فرود • غلغل تسبیح به گنبد درون •
رفته ز هی گنبد والا برون • هرکه سعادت دبودش رهنمای • برد داو سر نهد انگاه
پای • درین ولا که خبر توفیق اتمام آن بناء خیر عالیشان بدین جانب بمبارکی
وفرخندگی رسید • کمال بهجت وخوشحالی روی نموده ان شاء الله تعالی که

براجناء دولت روزافزون مبارک وخجسته ومیمون باد • وجهت
تهنیت ومبارکباد آن عمدهٔ اصحاب الاعتبار والاعتقاد • وکمال الدین
بت اغا را که از قدماء معتقدان وخدمتگاران این سلسله است فرستاده
شد • وبدین تقریب سه جلد مصحف اعلاکه احسن تحف وهدایا • ونسبت
بدان عالی بنا از تحف دیگر • انسب واولی است اهدا وارسال رفت • وانه لکتاب
عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه • اگرچه مخلص بحسب ظاهر
بعبادت دران مکان مستطاب نمیشود • بمقتضای الدال علی الخیر کفاعله
از ثواب تلاوت دران صوب صواب بهره مند گردد • ومثوبات آن بی
بی شبهه بر روزگار فرخنده آثار همایون اعلی حضرت • عاید خواهد شد •
وچون اهتمام در ترتیب اماکن شریفه امریست • مرغوب • وبغایت
مستحسن ومطلوب • ومن یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب •
تعیین فرش لایق سبب زینت بلکه از مصالح ضروری آن مسجد است
ودرین ممالک قالی را بعدد مسجد نمی بافند • واین محب نیز فی الجمله از نقایص
وقوفی دارد بی تکلف فرستادن قالیهای بی تکلف جهت آن مسجد جدید وعبد
مناسب میداند • ودر خاطر میگذرد • وموقوف بتشخیص عدد طول وعرض
ورنگ متن وحاشیه است اگر اشارت فرمایند که ان تفاصیل شرح وبیان نوشته
با ذرع که طول وعرض مقرر شده از آهن ساخته مصحوب کمترین بندگان
درگاه عالمپناه بت اغای مشار الیه فرستند که زیاده وکم نشود • بهمان
قاعده ترتیب داده • پای انداز واقعان مواقف دعا وطاعت • ومقیمان
آستان عبادت واطاعت گرداند • وچون این نوع ارادات محض خیر
وخیر محض است • طریق خصوصیت مقتضی آنست که در امثال آن مواد
حجاب از جانبین مرتفع باشد • ترقب که بی تکلف وتوقف خصوصیات
منظوره را مفصلا ومشروحا بر صحیفه انها واعلام مرقوم گردانند
تا مخلص نیز از مثوبات آن محظوظ وبهره مند باشد • چون غرض معتمد
از انشاء صحیفهٔ اخلاص • منحصر بر عرض قواعد وروابط اختصاص است •
لاجرم عطف عنان قلم مخالصت رقم از صوب اطناب نموده بشرایط دعای
بی ریا که مستلزم سعادات دین ودنیا است اختصار مینماید نظم خدایا
تو این شاه درویش دوست • که آسایش خلق در ظل اوست بسی بر سر
خلق پاینده دار • بتوفیق طاعت دلش زنده دار • همیشه بر از کرده کام
بجید • که توفیق خیرش بود رهنمید •

سلطان سلیمان خان در جامع شریفش اتمام منبر طهماسب شاه

٥٢٨

طرفنه کوندریلان محبت نامه در

عالیحضرت کردون بسطت خورشید طلعت جمشید خصلت باژو منزلت
دارا درایت کسری سیرت برجیس سعادت کیقباد تخت فریدون بخت
شاه سریر حشمت وکامکاری ماه سپهر بختیاری رافع اعلام العز
والاجلال باسط بساط الرأفة والاعتدال مطلع کواکب مناقب منبع
شرایف مراتب جامع مکارم الاخلاق ومفاخر الشیم حاوی مراسم
الاشفاق ومآثر الهمم المنظور بوفود الطاف الکریم الوهاب المحفوف
بصنوف اعطاف الرحیم انجم سپاه دولت پناه طهماسب شاه لازال
مستفیضا من افاضة آثار الهدایة ومستنیرا من اشعة انوار العنایة
بدایع دعوات طیبات که اضواء لمعات جوامع ملکوتی روشن وصنایع
تحیات زاکیات که انوار اشراقاتی صوامع جبروتی مزین قلوب محض
صفوت عقیدتدن وصدق عالی منقبتدن صدور وظهور ایلیه محل قبوله
وصوله مأمول اوله قافلهٔ نسیم صبا وراحلهٔ شمیم صفا ایله اتحاف
واهدا ضمیر فیض نظیر مرآت نما ورأی منیر جهان آرالرینه انها
وانبا اولنور که بناء رأفت شاهانه واساس عاطفت پادشاهانه مز
قواعد اتحاد واصول وداد فطرت نهادلرنده ممهد ومعقد ایکن
تأکید مبانی موالات وتشیید مبادی مصافات ایچون وسیلهٔ
تقریب نزهت ترغیب وذریعهٔ ترتیب بهجت ترکیب ایله تحریر کتاب
عنبرین نفحات وتسطیر خطاب مستطاب قلوب اولد سلسلهٔ نک
اصحاب اعتماد وارباب اعتبارلرندن ملازم قدیم خالص صمیم قدوة
الاماثل والاماجد جامع المحاسن والمحامد زینل اغا زید قدره ایله
بارکاه عزو اقباللرینه ارسال وایصال قلنوب اخبار صحت اشعار ولجنا
اولنمش اسعد حالات وایمن ساعاتده واصل اولوب نامهٔ مشکین
ختامه نک ورود مسرت فزو ومکرمت آوری باعث وداد ومعدود
وداعی حب ممدود اولوب مضمون اخلاص مشحوننده مندرج ومخزون
اولان معانی مصادقت مبانی معلوم علم جهابانی ومفهوم رأی
کامرانی واقع اولوب اثناء تقریر وسیاق تحبیرده طاعت خالق
مولی جل شانه وتعالی یه مبادرت وعبادت واهب العطایا عم احسانه
وتوالی یه مسارعت اتم مطالب واهم مآربکز اولدیغی افصاح وایضاح
اولنمش ضمیر خورشید مأثرکزه اعلاء شعایر اسلام وانفاذ شرایع
سید الانام علیه وعلی آله افضل الصلوات واکمل السلام ماتعاقب اللیالی

والایام سمتنه برحب انتضاء فطرت اصلی میل کلی وتعلق جبلی اولمغله سبب
ازدیاد تعلق خواطر جهانداری وامتداد روابط مراحم شهریاری ابدوکی
واضح وجلیدر ابتغاء لوجه الله تعالی تعمیر اولنان جامع شریف ومعبد
منیفه شروع وابتدا اولنمزدن اسبق اثناء بنا وبعد الانتها لازم اولان
مهماتک تدارک واحضاری ایچون اطراف واقطار ممالک محروسه مزدن
هر دیاره امرجهان مطاع اصدار اولنوب فرش وقنادیل ومشاعل وسائر
لوازم تزیین ومراسم تحسینک مقادیری تعیین اولنوب قبل اقامة الصلوة
مجموع مهمات مهیا واتمام اولنوب قلیل وکثیر توقف وتأخیر اولنه جق اسباب
قالماش بولندی بوبابده شویلکه ایجاب فتوت اصدقا واحبابدر مطوی
ومتروک اولیوب طریق اخلاص وراه اختصاص مرعی ومسلوک طوتلمش
همیشه توفیق مسلک قربت ورفیق اولمقدن خالی اولمیه خلعت انسانیدن
نهایت وقصوری زهد وصلاح وتقوی ایدوکی واضحدر احری واولی
بودرکه احری واولیده خیر محض وانفع صرف اولنان اعمال عمر عزیز صرف
اولنه که یوم یقوم الناس لرب العالمین عنایت مستعان ومعین
وهدایت حضرت خاتم النبیین صلوات الله علیه وعلی آله اجمعین دائما
رفیق وقرین اولوب هادیان مسالک دین راه نمایان منهج یقین یعنی
چار ارکان شرع مبین رضوان الله علیهم اجمعین شفیع وشفیق اولهلر
مشارالیه ایلچیکز تقبیل آستان سامی کاشانه لرله سعد وشرف تحصیل ایتدکدن
جانب شریفکزه مأمور اولدیغی اموری بی قصور سریر سعادت مصیرمزه
عرض وتقریر قلنوب مراسم رسالت ولوازم صداقتی کما ینبغی حسن ادا ایله
اتمام واکمال قلندقدن نصکره اجازت همایون مزله صوب صوابنمونکزه ارسال
قلندی من بعد دخی شرط اخلاص وشطر اختصاص محفوظ ومرعی
طوتیلوب ابلاغ آثار صحت وایثار اخبار سلومت متوارد ومتوالی اولمغله
تبعهٔ حکومتکزده اولان ولاة بتدریع مادام که شرع شریف مطهره رعایت
وصیانت اولنه قواعد صلحه مضرت احتمالی منقطع اولوب امر معاقد
موالات موبد ومحکم قواعد مصافات مخلددر هموار هما همای آمال
برسمای اقبال کشاده بال باد برب العباد ومحمد وآله الامجاد

شاه طهماسبی مقابله ومقاتله یه دعوت ایچون صادر اولان نامهٔ سلطانیدر

طهماسب بهادر ارشده الله تعالی شان لازم الامتثال واصل
اولیجق معلوم اولاکه سکا اشتباعت وانقیاد ایدن ارباب فساد لشکر
کفر وارتدادلری درجهٔ وضوحده آشکار اولوب تبدیل دین مبین

٥٢٩

وتغییر مراسم شرع کزین ایمکله دائرهٔ انصافدن خروج وعدولك منتهی
تحقیقه وصول بولمشدر • خصوصا سب شیخین رضی الله عنهما • درت
مذهبده بیله کفر وضلال ایدوکی مصرح ومسطور اولوب • هدم بنیان
دین ایدنلرك قانلری مباح ایدوکنه • فقهای ارباب یقین • وائمهٔ شریعت
سید المرسلین • باسرهم فتوی ویرمشلردر • اکا بناء محضا امتثال اوامر
الٰهی • واتباع شرایع حضرت رسالت پناهی ایچون • حق سبحانه وتعالینك
عنایتنه توکل • وایکی جهان فخری جناب ختم رسالتك معجزاتنه توسل
ایلیوب • چهار یار عظامك علو همتلرینه طیانوب • بر وسیله قریب
اولدیکه مقر سعادتمدن قالقوب • دیار کفر شعار شرقك تخریبی
واصحاب کرام سعادت ارتسام دشمنلرینك تعذیبی • نیتنه غزا و
جهاده بیل باغلیوب • عساکر هیجا مآثرم ایله توجه همایون میمنت
مقرون ایلمشیدم • حالیا اول عزیمت عالی نهمت اوزره لشکر آهن پوش
دریا جوش • غضنفران هزبر هیبت واژدر خروش ایله • منازل عدیده
طی قیلنوب • شهر رجب المرجب ماه شعبانك ظفر اقترانك بشنجی کونی
حوالی قارصه ظلول رایات نصرت آیاتله مستسعد اولدی قبل السیف
تکلیف اسلام • آیین شرع سید الانام اولدیغی اجلدن • بو حکم همایون
شرف مقرونم سکا اصدار بیورلدی • سالها درکه کیدوکم شاهلق
اسناد ایدوب • لاف وکزاف ایله مردلك ودلیرلك دعواسن ایدرسن
سنین سابقه ده دفعاتیله تحت تصرفکزده اولان ممالکك واراضی
ستم سنور لشکر منصور ایله پایمال اولدقده • نصال سهام جان آشام
غزاتدن • قلبکه کمال خوف وخشیت مستولی اولمغین • مقابله یه راضی
اولمیوب • بره گریزده تحصن اولمشیدك • بو حال فضیحت مآل ایله
مشهور اولوب • خانه پرورلك اختیار ایلمشیکن • الفتنة نائمة لعن
الله من ایقظها • مفهومندن غفلت کوستروب • سنین سابقه ده
بعض عساکر ظفر مآثرم کفار خاکسار ایله غزاده ایکن فرصت بولوب
رکاب ضلالت انتساب اوزرینه کلوب • هوای نفسه متابعت
ایله اکناف ممالك محروسه مزدن بعض مواضعك رعایاسنی عذاب
وایذایه شتاب ایلمش ایدك • آکاه اولرسنکه ظلمك آخری وخیم • وفتنه
وفسادك ثمراتی مشاهدهٔ عقاب عظیمدر • انشاء الله الاعز الاکرم عن
قریب حدود نخجوان غلغلهٔ لشکر نصرت نشاندن • ودبدبهٔ دلیراندن
غضنفر فراد ایله سزا اولورك • اسفار سابقه ده شاید رقود غفلتدن

اوبانوب

اوبانوب • کوش هوشکدن پنبهٔ عنادی ازاله ایلیه سن • ودائرهٔ اسلامه
قدم باصوب مسلمان اولورسن دیو احتمال ویریلوب • رعایایه نوع مرحمت
وسکان شرق فتنه غرقه مزید عاطفتم اولوب انلره تعرض اولنمامشیدی
بو دفعه نیت خیر خاتمت پادشاهی صحابهٔ کباره • سب ولعن ایدن
طوایفك • عنایت حق ایله جل ذکره • ذکوری علف شمشیر • واناث
واطفالی اسیر قلنمق خصوصنه مصروف اولمشدر • ایله اولسه ذاتکزه
فی الجمله عزت وحمیتدن اثر • وجبلتکزده دانهٔ خردل مقداری جلادت
وهنر اولوب • رجولیتدن حصه وبهره وار ایکن شمه وذره وار ایسه
کلوب عساکر ظفر مآثرمه مقابل اولیه سن • که حق تعالینك مشیت ازلی
وارادت لم یزلیسنده مقدر اولان هر نه ایسه • معرض بروزده جلوه کر اولور
جناب حق جل وعلایه معلومدر که جهاندن مقصود ومرام احیای سنت
نبوی اولوب مال وملکه نکرانم • ودنیای فریب الفنایه ذره دکلو التفات
واعتبارم یوقدر • همواره روزکار سعادت آثارم • کفار نابکار ایله
جهاد وغزایه منعطف ومصروفدر • دست بازوی قوتم عنایت حضرت
باری عم نواله یه مربوط ومحکمدر • شمدیه دکن جناب جلالتمآبکه
مصافه اقدام ایتمیوب • زاویهٔ کریزه اختفاده اولدوغکه سبب وباعث
خشیت طوب وتفنك رعد آهنك اولمش ایسه • اول خوفی قلبکدن
ازاله ایده سن که • عساکر فوز مآثرم ایله طوب وتفنك اولدوغی عادت
قدیمهٔ موروثی اولوب • لازمهٔ قاعدهٔ کیتی ستانی اولمشدر • بو دکلدرکه
سنك کبی نام وناموسنی ترك ایتمش ایله محاربه وجنك ایچون ترتیب اولنمق
اولنه • سکا اقتدا ایدن اوباشك احوالی نه کونه ونه مقوله نسنه ایدوکی معلوم
وظاهردر • مقابله یه کلمککه اصلا طوب وتفنکدن قورقیه سن • ملاحظهٔ
بی عارلرك دفعنه طوب وتفنك حاجت دکل • وانزلنا الحدید فیه
بأس شدید • مقتضاسنجه ارباب طغیانك ازاله ورفعنه شمشیر
بران وتیغ درخشان کافیدر بیت تفنك ایله اوردیلور مرده
پنجه زنك آتشه ویدر برق طپنجه • واکر مقابله یه کلمککه عدم اقدامك
کثرت عساکر جهانبانی ووفرت جنود کشورکیری • وممالك
ستانیدن خوف وهراس ایدرساك اول خشیتك ازاله سی ایچون
لشکر ظفر رهبردن بی نهایه دلیران رزم پرور افراز اولنوب
بر لوریته وارمق ارا اولنمشدر • خصمه مروت وعاطفت یوقدر واکر
دخی بوندن اوزکه اولمز عسکر چوقلغندن قلبکه خوف کتورمیه سن

اما شویله عادت قدیمك اوزره کبرو فراختیار ایدوب لشکریله
بر روز رزم ایله مقابل اولمیه سن • خواتین خانه نشین مانندی
مغفر برینه معجر اختیار ایده سن • شاهلق نامی سکا حرام اولوب
حرامیلر زمره سنده اولورسن • رعایانك مطالبی بوینوکه لشکر
ابنوه دریا شکوه مملکتمه طاشه طاش اوزره قومیوب • شهبازان
روم معموره ولایتکی اشیان جغد و بوم ایدرلر بلمش اولسن
بهرحال فرمان جهانمطاعه جواب کوندروب
وقتکه حاضر اولسن • والسلام
علی من اتبع الهدی •

سلطان

سلطان سلیمان خاندن امیر مصر خیربکه یازیلان جلوس نامهٔ همایوندر

جناب امارت مآب • سعادت قباب • دولت نصاب • خیراکتساب
صاحب رایات العز والاجلال • ناصب رایات الدولة والاقبال • بنیه
واسطهٔ عهد انصار • ورابطهٔ عقد امصار • المکرم فی العصر المعزز
بالمصر • المؤید بتأیید الملك المنان • حضرت خیربك کامران •
احسنه الله بالخیر فی کل ساعة وآن • الی انقراض الدهور والازمان •
تحف تحیات وافره • وطرف تسلیمات متکاثره • که محض عاطفت پادشاهی
وعین عنایت شهنشاهیدن • فایض ومنبعث اولوب • قوافل تعظیم
ایله ابلاغ وارسال اولنند قدنصکره • شویله معلوم اولاکه • چون دلایل
غیبی وحسی • وشواهد یقینی وقیاسی • دلالت ایتمشدرکه دنیای دنی
وعالم بی معنی خاکدان غروردر • جای سلوت وسرور دکلدر • زمام عقد
وحل • وحیات وموت واجل • پادشاه بی زوال • وسلطان بلاانتقالك
قبضهٔ قدرتنده در • صحیفهٔ وخامت پرسقامت روزکاردن المحندن
اتصال صحت وسلامتی علی التوالی ترجی وتمنی ایتمك • کسراب بقیعة
یحسبه الظمآن ماء • فحواسی عدم تحقق مقتضیدر • استدعای
حضور واستراحت وصفا • وانتظار مواصلت وامید وفا عجوزهٔ
مکارهٔ دنیادندر • وبرهٔ زن حیله باز ستمکردوندن • عین سهو
وخطادر • بناء علی هذا المعنی • ووقوفا علی حقیقة هذا الفحوی • حضرت
جنت پناهی • مغفرت دستکاهی والدم صاحبقران • فریدون جهان
اسکندر دوران • محیی سنن الرسول المبعوث بالغفران المسافر فی
جوار الرحمن • المحتاج الی رحمة الملك المنان • مغفور ومبرور وسعید
وشهید • سلطان سلیم خان • اسکنه الله تعالی فی غرف الجنان • سرای
سرور رحلتده • رحلت • بو مقام عدم انجامك اقامتی اوزرینه رایح کوزدوب
بساط حیاتی عرصهٔ فنادن طی ایدوب • طاوس قدسی وار روضهٔ
بقایه متایل ایدی • وبنا بر بقای نعمت کونی قامت عدیم الاستقامت
وجود فانیدن منخلع قلوب • ترك تقیدات الات حسی • وطرح تعلقات
عقل وحدسی ایدوب • نفس سلیمه سنی امر حقه تسلیم ایدوب • سنه

ست وعشرين وتسعمائة شوالنك سكزنجى كونى كه جمعه كونيدر
اخشام هنكامنده مرغ روح مروحلرى خيابان عالم افكاردن نشيمن
عقل وحس مستعاردن حضاير قدسه وارائك ملائكك انسه
طيران ايدوب كلستان عدنده ساكنان جنة المأوى ايله موانست
ايتمك ايچون مسافرخانهٔ رحمتده حسن تربيتله مقام رفيعين
ورفعناه مكانا عليا نحواسيله مشرف قلديلر الامر لله العليم القدير
والحكم لله العلى الكبير پس مشيت احديت وارادت بيعلت حضرت
رب العزة عزت اسماؤه وتوالت آلاؤه كه پادشاه حق وجهاندار
مطلقدر عطاياء عليه ومواهب سنيه سندن مفاتح عقد وحل
ملك وملتى ومقاليد قبض وبسط دين ودولتى وبالكليه مصالح عامهٔ
عبادى وازمهٔ خصائل كافهٔ بلادى قبضهٔ اقتدار وحوزهٔ اختيار
تفويض ايلدى المنة لله الكريم والشكر على لطفه العظيم وخزانهٔ
والله يؤتيه من يشاء دن ذات خلافت صفاتى انا جعلناك خليفة
فى الارض آيهٔ كريمه سنه مخصوص قلوب خط اوفر واوفى ونصيب اتم واكفى
ايله معين وممتاز قلدى ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل
العظيم وفرمان قضا جريانى روى زمينده متمكنان اقاليم سبعهيه
روان وصيت وصداى جهانكشاى نفحات نسيم يزدانى ايله صفحات
اقطار عالم اوزره منقش ايدوب رقم اختصاص ناصيهٔ اقبالنى
عموم عالمده السلطان ظل الله فى الارض عنوانيله مشرف قلدى الحمد لله
پس هر ساعت بلكه هر آن بر مقتضاى كل يوم هو فى شأن فيض فضل
سبحانى صحيفهٔ اقبالنده لامع وطالع وانواع انعام ربانى جبين
سعادت قريننده واضح ولايح سعادت جاودانى قرين حال وتاييدات
آسمانى رهين آمال اولوب اقطار امطارده حكمى سارى وامصار
اقطارده امرى جارى قلوب ماه مذكورك اوتوزنجى كونى يوم الاحد
بعناية الله الملك الصمد جلوس همايون سرير سلطنت بجناب ذات شريف
سعادت نصابمه نصيب اولدى فلله الحمد رب السموات ورب الارض
پس افراد انسانيه عموما وعساكر ظفرمآثر ورعاياى منتظم الاحوال
سيما امراء نجم ارتسام وعلماء واجب الاحترامه لازمدركه بو نعمت
عظمى وعطيت كبرانك مقابلهسنده صدق نيتله وخلوص طويتله
محامد فراوان وشكر وسپاس بى پايانه مداوم اولهلر ان شاء الله تعالى
سعادته مقرون اولوب كافهٔ خلايق اوزره مبارك وميمون واقع اوله

امدى كوكدركه امر لازم الامتثال واصل اولديغى برمقتضاى انه من سليمان
وانه بسم الله الرحمن الرحيم قطعا تأخير وتراخى ايتميوب نفس معدوده
اولان سادات كه ثمرهٔ شجرهٔ رسالت ودرر درياى نبوتدر انلرك
دعاسى بلاريب سبب مغفرت وموجب شفاعتدر وعلماء اعلام كه
ورثهٔ انبيادر دعائم قوائم شريعت ومسند عاى نظام ملكدر صلحاء اخلاء
دعالرى اجابته قريندر وارباب صلاح كه اوتاد دين واقطاب سلمندر
اشجار حدائق ربانى واثمار روضات يزدانيدر لى مع الله وقت
لا يسعنى فيه ملك مقرب مضمونينه ماصدقدر درياى لاهوت
وصحراى ناسوتده درونده آشناى حقدردر سهام انفاس شريفه
قوس توجهدن پرتاب اولنسه قدم كون ومكان حائل اولميوب نشان
هدفلرى كوشهٔ عرشدر وسائر فقرا ورعايا كه سمندينه بلا وباركنه
جفادرلر مظلوم اولدقلرى حالده عوالم حقيقى ايله مابينلرنده حجاب
ورده مرفوعدر ذكر اولنان طوائف مسلمين وزمرهٔ مؤمنين ممكن
اولدقجه جمع ايدوب اول مرحوم ومغفورك شاهباز روح عرش آشيانى
ايچون نماز قلدروب دعالر ايتديره سز جناب غفار الذنوب حضرتندن
شويله مأمولدركه انواع ادعيه بركاتنده حق سبحانه وتعالى كمال كرمندن اول
مرحومك سيئاتنى بحار كرمندن قطرات مغفرت ايله محو ايليوب مقابلهسنده
حسنات بيغايات ويره آمين يا دافع الخطايا عن المذنبين وتحت حكومتنده
اولان بلادك خلقنه بو خبرى ايصال ايدوب اول مرحومك هرجا معلومنده
نمازنى قلدقدن نصكره بنم دعاى دولتمى ورد ايدنوب وسيلهٔ قبول
طاعت وثمرهٔ شجرهٔ عبادت بيله سز شرائط اخلاصده وعلائم اختصاصده
قطعا دقيقه فوت ايتميه سز سنك خود صدق واخلاص وخلوص
اختصاصك عرض حضور موفور السرورمزده تفاصيل ايله ذكر اولنوب
علم شريفم احاطه ايتمشدر حاليا سكا لازم اولان بودركه برقرار سابق
كما كان اولدوغك يرده قائم وبو بنده اقدم مباشر اولدوغك مصالح حدوده
مداوم اولهسن وامر شريف قضا جريانم وحكم منيف قدر توانم بودركه
ديار عربده اولان اغنيا وفقرا وامرا ورعايا عساكر ظفر پيكردن وسائر
اهل سوق وحضردن سابقون ولاحقون هركيم اولورسه اولسون
اصناف رعايا وانواع برايا اوتكى اسلوب اوزره بلكه زياده هر
انقياد ايله امركه اطاعت وحكمكه مسارعت ايدهلر شويله كه نوع تخلف
كوسترهلر اعيان وفقرا بركسنه مجال وبرميوب سياست ايدهسز

ولكم في القصاص حيوة ايله اختلال عالمه تمام انتظام ويره سز
ان شاء الله تعالى سنك خصوصكزده لطايف عواطف • وشمايم عوارفي
علي وفق البال • شامل احوال • ومحصل آمال بيلوب لئن شكرتم لازيدنكم
نحواسن تحقيق ايدرسن وبالشكر تدوم النعم مقتضاسنجه مراسم شكر
وسپاس ولوازم حمدي قياس درجه بليغ كوستروب • دركاه كيوان
رفعت وباركاه آسمان منزلتمدن وارد اولان • احكام شريفه نك
مضمون همايوني • هر نه ايجاب ايدرسه • اجرا ايدوب • بحسب الاستطاعه
تقبيل واطاعته • موجب دوام ايام • ومقتضي ثبات اسلام بيله سز •
تصاريف ايامكزده ساكن اولان اكابر واصاغره كمال عدالت وحمايت
قصور قويه سن • وطبقات ناسي تفاوت الدرجات • اصناف الطايفه •
مرعي قيلوب • صلاح حال ونجاح آماللري بابنده لطف واحساني •
وعذوبت لساني شعار ودثار ايدوب • تقويت انصار ملت • وتربيت
اجناد شريعت • وقمع ارباب خيانت ودفع احزاب عداوت ايدرسن •
والحاصل محافظت بلاد وعباد • ومداومت صلاح وسداد • واستقامت
مناظم دين ودولتده اهمال ومساهله • واغماض ومسامحه يه مجال قومیوب
تمهيد مباني امور انام • ورعايت مصالح جمهور خواص وعوامده اهتمام
ايدرسن • عامه خلايقكه ودايع خالقدر ظل مرحمتكزده وسايه رأفتكزده
آسوده حال اولهلر • احياي معالم عدل وانصاف • وازاله مراسم جور واعتساف ٥٠٦
ايتمكزده كمال تيقظ اوزره اولوب نظر عنايت وعلو همتك تقويت
امر يزداني • وتربيت نهال باغ مسلماني وسلوك جاده رشاد • وطريق
صواب وسداده مصروف اوله • سنك خود اسلام وديانت وامانت
واستقامتك بو احواله مقتضيدر • تنبيهه احتياج يوقدر • كف
كفايتك مصالح ملك وملته كافي ومكمل • وبصر بصيرتك مهمات دين
ودنيويه شامل ومتناولدر • ذكر جميلك السنه خواص وعوامده مشهور
وحسنات وخيراتك بين الناس متداول ومذكوردر لابد سنك
احوالك مقابله سنده اعطاف جزيله متعلق اولوب • انواع عواطف
مظهر واقع اولوب • انظار حسن التفات همايونمله منظور وملحوظ وعواطف
ملوكانه مزدن سهم وحظ مستوفي ايله ظل عنايت آفتاب تاب • وكنف
حمايت سعادت نصابمده متنعم ومحترم اولوب • فارغ البال ومرفه
الحال • دوام دولت ابد پيوند روز افزونم • ونظام حشمت وسعادت
بخت همايونم دعاسنه • اشتغال كوستره سن تحريرا في ست وعشرين

مجوب

سلطان سليمان خان انكروس قرالي بچاج اواسنده مغلوب ايتدكده استانبوله يازديغي فتح نامه سيدر

چون آيات قديمه رباني • ونصوص سعادت نصوص سبحاني • تنزيل
عظيم وفرقان كريمده • قتال مشركين • وتعذيب كافرين • ايچون سطور
ومبين اولمغين • آباء كرام واجداد عظاممك انار الله تعالى براهينهم
احراز مثوبات غزو وجهاد آيين هدايت معتادلريدر • بنم دخي ذات
٧ نصاب شاهانه مه • هر بار حقك عنايتي ظهير وياور • ورايات جهانكشا
خسروانم • مقارن فتح وظفردر • ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء
والله ذو الفضل العظيم • بنا على هذا حضرت واهب العطايا والآمال
دركاهنه روي مال ايدوب • فاذا عزمت فتوكل على الله مقتضاسنجه
عنايت بي غايت الهيه به عمل الاوثق توكل • وسالار رسل وهادي سبل
مقصود جزو كل حضرت محمد مصطفانك صلوات الله عليه وسلامه
معجزات كثيرة البركاتنه توسل ايدوب • ان الله يحب الذين يقاتلون
في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص • آيتنك فحواي سعادت نماسندن
حصه دار وبهره مند • وجاهدوا باموالكم وانفسكم ذالكم خير لكم امرنه
امتثال ايله دارين ثواب وارجمند اولمغيچون غزايه عزم ونيت
ايدوب • كفار نكار وطايفه اشراردن • فرقه انكروس منحوس • كه
رسالت سيد الكونينه انكارله مانوسدر • وضلالت وطغيانات ايله طريق
هدايتدن مأيوسدر • مملكتي ديار اسلامه ملاصق اولمغين •
عنان عزيمت ظفر قرين خسروانم • انلرك اوزرلرينه منصرف ومنعطف
اولوب • متوكلا على الله العزيز الفتاح • رايات ظفر نجاح • والويه
نصرت مفتاح ايچون عساكر دريا جوش • وعمان خروش • ونجوش
يوش ايله • منازل بعيده ومراحل عديده قطع ايدركن • بهادران عدو
شكار • ودليران خنجر كذاردن • روم ايلي عسكريله بلنك قله نهاد
وببر بيشه شجاعت • صفدر دين پرور • دشمن سيداد ظفر شير عرين رزم
جهانداري دريتيم بحر كامكاري المجاهد لوجه الله العظيم • وزير اعظم
وروم ايلي بكلربكيسي ابراهيم پاشا ادام الله اجلاله فرمان شريفم ايله
عزيمت ايدوب • دار الفتح والنصر قلعه بلغراد اوكنده جاري اولان
صاوه صويي اوزرندن عبور وغزاة نصرت قرين • ومرور سبارزان
رزم آيين ايچون • فرمان همايونم ايله ترتيب ولنان جسر استوار وبنا
ثابت القراردن عساكر انجم شمار • جزيره سرمه يه طولوب صحرا وجبالنه

وبلادل مخيم جاه وجلادل عساكر دريا مثال اولدقده عقبلرنجه بندخی
اقبال ودولتله ونشيران كوه هيجا وهزبران قلعه وغا شديد مبانی
دين ودولت ممهد اساس عز ورفعت وزيران مكرمان مصطفى پاشا
واياس پاشا دامت معاليهما وامير الامراء العظام اناطولی بكلربكيسی
بهرام دام اقباله وساير قيوم قوللری واناطولی دلاورلريله عزيمت عالی
نهمت ايدوب جزيره سفوره ظلدل رايات سعادت ايات ايله مستسعد
اولدقده انكروس منحوس كفره سنك حصون حصينه وقلاع متينه سندن
قلعهٔ وراديس كه حصانت بنيان پايدار ومتانت اساس استوار ايله
اشتهار بولوب بروج هوا امكانی جو سمايه داخل وقلل آسمان آستانی
فلك البروجه مماثل درونی مقر عقارب كفار دولت انجام فجار خاكسار
اولوب سنك راه جهاد اولمغين موى اليه وزير دولت مشير فرمان
قضا نفاذ انيرله قلع وقمع ايچون عزيمت ايدبجك قلعه بانی تومور باولی نام
ناپاس شياطين استيناس اولوب عساكر نحوست تيناس بی حد
وبيقياس بوعا تضرع قصدنه قلعه سنی اوكنده كروه شقاوت شكوه
جمع اولوب حاضر ايكن على نية الغزا آهن پوش اولان دلاوران
بحار خروش ودليران دريا جوشك هجوم كوه شكوه هوشنه وصولك
بولدقده قراری قالميوب طوبدن كچوب مقابله سنده الايلر تخليه نی
كيلری كچوز ممات سود اسيله طوبلر وضربزنلر قورودوب بو اثناده تعنا بت اليه
صو يوزندن دخی سكز يوز مقداری سفاين نصرت قرائن ابطال رجال
وبهادران رزم وقتالله ايرشوب حوالئ حصاره تراوبجرگه خيام
ثريا نظام وفلك فلك قيام ايله مالامال اولوب بترغزين قاتلوا الذين
لا يؤمنون بالله ولا باليوم الآخر مسامع جنود موحدينه لايح وسانح
اولدقده كروه انبوه غازيان وزمرهٔ مبارزان معركه كيران ايله مشار اليه ٥٤٨
وزير اعظم قورو جانبندن حصارك واروشنه وكميلرم دخی صو يوزندن
كفار خاكسارك طوبلرينه ومتريسلری اوزرينه هجوم ايدكلرنده دلا
وران شير هيبت وپلنك جنك وبهادران برصولت وهزبر آهنك
جمشيد جهان يوزينی تار ومار ايدوب حق سبحانه وتعالينك
عنايتی ايله واروشی فتح ايليوب ايچنده بولنان مردی خاكساری
تيغ انتشار وظفر بكار ايله طعمهٔ شمشير آبدار ايدوب ايچلرم دخی
قطعا كوز آچدرميوب صاعقه كردار ورعد آثار طوبلر اتوب
وجعلناها رجوما للشياطين مقتضاسنجه كفار ملاعيني ابجار رجان

شكار

شكار ايله رجم وسنكسار ايدوب طوبلرين ابطال والايلرين تار ومار
ايدبجك پاپاس ووسواس توابع ناسپاس ايله ابن المفر كويان
فراری اختيار ايدوب صو يوزی كما هو المراد فتح وكشاد بولدقده
قلعه ده اولان طايفهٔ طغيان بيشه وعنود عصيان انديشه
ظنوا انهم مانعتهم حصونهم قلعه لرنيك متانت وحصانتنه اعتماد
ايدوب احراز اوزره اولمغين جوانب اربعه دن طوبلر قورلوب
ليل ونهار دوكيلوب قلل وبروجی آهنين سنك كبر ايله يانندن كفكير
اولوب دروديواری صدمهٔ طوب قلعه كوب ايله ويران وخراب
وقلل وباروليری ضربهٔ لغم بنيان آشوب ايله نالان ويباب قلنوب
غيرت اسلام سعادت انجام وحميت دين شديد الانام عليه افضل
الصلوة وكدم غزاة ونصرت فرجام وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها
الا هو ويعلم ما في البر والبحر صداسيله مغتنم ربنا وثبت اقدامنا
وانصرنا على القوم الكافرين قولی ايله كويا اولدی جابجا امراء كبار
وكبراء ذوى الاقتدار ايله بهادران ميدان عزيمت وجنك جويان مصاف
ومعركه دعای مستجاب ابرار سمايه صعود ايدركبی حصاره هجوم ايدوب
واسكبير قلعهٔ هوا آشيان اولدقده ايچروده اولان زمرهٔ ملاعين
وفرقهٔ خاسرين كدكلرده آلات جنك وجدال واسباب حرب
وقتال ايله حاضر ومهيا اولوب غازيلره تفنك ايله دروب وحربهٔ
ضرب آهنك ونفط جوب وسنك حواله اولنوب كونش كبی صحوهٔ
كبرايه وارنجه طرف طرف جنك وآشوب اولوب طايفهٔ مسلمين
كفارلك سهام خون آشام وپيكان اجل پيام ايله فذوقوا العذاب
بما كنتم تكسبون بيغامن انها وشمشير وشمن كيرلك تأثيری وسنان
وتيغ وتير موت تدبيری ايله اينما تكونوا يدرككم الموت خبرين انبا ايلدلر
اما اول تقدير حق لايزالدن فتح اولنمق مقدر اولميوب استعينوا بالله
واصبروا آيتنك مفهوم سعادت منظوری خواطر غزات ظفر مرآته لايح
اولمغين توقف اولنوب تكرار طوبلر ومواضع عديده ده لغملر تدارك
اولنوب ماه شوال مباركك يدنجی كونی كه يوم جمعه در لغملره آتش
ويرلدكده اول قلعهٔ آسمان همسر فجعلنا عاليها سافلها موجبنجه
خاك برابر بيقيلوب هر رخنه فتح مدار وهر كوشهٔ نصرت شعار
نصر من الله وفتح قريب علامتی روشن وبيدا وظاهر وهويدا اولنجق
كفار خاكساره رعب وهراس مستولی اولوب بنجه سی خشت شمشير

براٯن وهيبت تيغ وسنانندن سراسيمه وحيران اولوب عسكر
جنك جوى مجال ويرميوب هر طرفدن قلعه يه قويلوب ملاعين
خسرات آيينك ذكورين جفون شمشير واناث واطفالن حبس واسير
ايدوب قلعه نك اعيانى وسائر نامدارى برقله يه تحصن ايدوب جناب
جلادت مآبدن قرع باب امان ايدكلرنده العفو شكر الظفر موجبنجه
مزبورلره امان شريفلرم احسان اولنوب يوم مزبورده مبشر فتح
واقبال انا فتحنا لك فتحا مبينا مژده سنى كوش جهانيانه ايرشدردكده
فتاح ذو المنن توالت نعماؤه دركاهنه حمد اولنوب قلعه مزبوره
واطرافى مفتوح ومسخر وكنايس ومعابدى جوامع ومساجد اولنوب
واذان اوقنوب جامع شريفلرنده اول كون جمعه نمازى قلنوب بعده
محروس مزبورك قبضه تصرفنده اولان قلاع منيعه وحصون رفيعه
سندن قلعه ايلاوق كه حصن عظيم البنيان وحصار رصين المكان در
تمهيد سور استوارى مركز خاكه وصول وهر قله كردون كلى سيه اوج
هوادن كره افلاكه دخول وادى خندق عميق عبرت نماى ارباب عقول
اولوب ترتيب بنياد سنكين نهادنده مهندسين ماهرين چرخ بدايع
وتنظيم بروج اسمان عروجنده استادان كامل صرف صنايع قلوب
درونى ارباب كفر ونفاق واصحاب ضلالت وشقاق ايله مملو اولمغين
اول قلعه كردون همتانك دخى عنايت حضرت ذو الجلال ايله استخلاصى
ايجون مشار اليه وزير بزركوار عظيم كندن ادام الله اجلاله فرمان
لازم الاذعان ايله جانب برى خيام آسمان نشانه وصو طرفنى
سماباد بان كميلر ايله محاصره قلوب اژدرها كردار وثعبان آثار
آتش فام دشمن شكار طوبلر قوريلوب شب وروز نائره حرب
وقتال ظهوره ويروزا يدوب آنا فآنا صداى زمزمه هيجا وواى
ولولۀ وغا ايله كنبد كردون برخروش وساعة فساعة بخار رخوت
دشمن ودخان طوب وضربزندن قبه خضرا دود پوش اولوب
چار ديوار جلالت آثار ايجنده معذب ومحصور اولان فرقه ضاله
يجعلون اصابعهم في آذانهم من الصواعق حذر الموت مصداقى
اولمغيله حريق نار دهشت وغريق بحر خشيت واقع اولوب آخر الامر
اعدام فتح پيام اهل ايمان ورايات نصرت سمات وسعادت
نشانلك آثار ظفر نماسيله كفره كمراه وان جندنا لهم الغالبون
معناسندن خبردار اولوب خلاصلرينه امانندن غيرى راه بولميوب ٥٤٩

موى اليه

موى اليه وزير آصف نظر وسپاه سالارلك ندبيرلك دامن شفاعتنه تشبث
ايدوب دركاه نصرت پناه وباركاه ظفر دستكاهه ترابندن استدعاى
عنايت وعاطفت ورجاى شفقت ورأفت ايدكلرنده اذا قدرت
على عدوك فاجعل العفو شكرا للقدرة موجبنجه قلعه مزبوره اهاليسنه
امان شريفلم ويرلوب ماه مزبورك يكرمى سكزنجى كوننده مشار اليه
پاشا كنديلر ايله اولان دليران دشمن بند وعساكر دريا مانند ايله
اول حصار آسمان كردار وقلعه كردون مقداره داخل اولمغيجون
عزيمت ايدكلرنده امان طلب ايدن زمره فجار اظهار تذلل وانكسار
قلعه قپوسن آچوب صداى نغمه دن تلقين ادخلوها بسلام آمنين
كوش هوش سلسبيله ايرشوب حق سبحانه وتعالينك عون وعنايتى
ايله ابواب فتوح مفتوح اولمغين قله لرينه رايات ظفر سمات خسروانى
نصب اولنوب واذان اوقنوب صداى ناقوس اشرار كلبانك سعادت
مأنوس ابراره تبديل وكنايس كفار بد ايين مساجد ارباب دين مبينه
تحويل اولندى الحمد لله على هذا وقلعه مزبوره دن غيرى انكروس محروسه سنك
نامدار قلعه لرندن اربك وعزعزجه وچوردلك وبرقاس وسوتيره
ودكين واردود ودميتر ودجه ونوكاى وقوار وبوراج واوسلك
وراچه نام قلعه لرى كه هر برى كليد ممالك كفار بدكردار وملجأ اشرار
ضلالت شعار ايدى سكان هزيمت نشانلرى لشكر اقليم پيما وجهان
كشانك مهابت وصيت وصداسندن سركشته باديه ضلالت واقع اولوب
وكيمينك اهاليسى سده مرادبخشم خاكنه يوز سوروب وكيمينك خلقى
بنات النعش كبى وادى وجباله پريشان اولدقلرى جهتدن قلاع
مزبوره وجمله ولايت واقطار ومجموع آفاق وملحقاتى ايله سائر
ممالك محميه كردون حشم مضافاتندن اولوب بعد ذلك قورو
جانبندن عساكر جرار كيتى ستان ودلاور نامدار ظفر نشان
وصو يوزندن غزاة دشمن شكن وكماة مردم افكن ايله مملو كميلر قزال
بد فعال خسارت مآل صوبنه عزيمت ايدوب دراوه دينكله معروف
صو كه كثرتده نهر جيحون ووفرتده فراتدن افزوندر عسكر منصور مرور
وعبور ايجون كميلر اوزره ايكى اوچ كون ايجنده بر جسر وسيع وبناسى
منيع بنياد ايدوب ماه ذى القعده نك اون ايكنجى كونى جمله اجناد
نصرت معتاد وكروه غازيان ظفر نهاد ايله قزال انكروس فى بلك
وناموس سمتنه شهپار بلند پرواز همتم بال وپر آچوب معموره مملكت

وولايتى بايمال خيول غازيان سعادت شمول اولدقلرى عدوى مخذولك
كيفيت احوالنه اطلاع حاصل اولدى • كه عزيمت عالى نهمتم كوش هوشلرينه
وصول بولدقده انكروس قرالى اولان لاوش قرال نام بدبين كندو ولايتى
وتحت حكومتنده اولان فرقهٔ ملاعين • وزمرهٔ معاندين • خذلهم الله
الى يوم الدين • جمع ايدوب دماغ ضلالت فراغنه خشيت شمشير ممالك
ستان اهل ايمان مستولى اولمغين • سائر كافرستان بكلرندن
استعانت واستمداد ايدوب باقى فرقهٔ ضاله كفار خاكسار مقاومت
ومظاهرت ايچون عسكر ويروب • بالجمله مقهور منحوس يوز الى بيك
مقدارى سلح وآهن لباس • مردهٔ شياطين استيناس ايله • مذكور
قرال بدبختك تختى اولان بودون نام شهره يدى سكز كون برو ومهاج
ديمكله معروف • صحرايه كلوب آراء باطله وافكار عاطله لرى مقتضاسنجه
عسكر اسلام ايله مقابله ايتمكه طوبلر وضربزنلر قوروب • اون بيكدن
زياده تفنك انداز پياده سيله مقابلهٔ جنود موحدينه حاضر وآماده
اولمشيدى • بنم دخى آيينهٔ ضمير منير خسروانه ملهم كه مداد الهامات
ربانيه در • چهرهٔ ظفر بهرهٔ عسى ربكم ان يهلك عدوكم ويستخلفكم فى
الارض • مشاهده وظاهر وخاطر عاطر جهانبانه مژدهٔ لقاء سعادت
ارتقاء • واورثكم ارضهم وديارهم • كون كبى روشن وباهر اولمغين
عنايت خالق كونين عز شانه يه اتكا ومعجزهٔ سيد الثقلين • صلوات الله
عليه التجا ايليوب • لشكر كوه وقار وعساكر مور شمار وستاره معدود
اوزرينه وارلوب • ماه مبارك ذى القعده نك يكرمنجى كونى كه يوم
الاربعادر • وقت عصرده ذكر اولنان صحراده مقابل اولوب • جانبيندن
نوائر حرب وقتال اشتعال بولدقده • مجاهدان ودلاوران جلادتك
زمزمهٔ تكبير وتهليلى سامعهٔ سبحان صوامع افلاكه ايريشوب
صيحهٔ هولناك آواز طوبلرك مهابت وغريوى • اذا زلزلت الارض
زلزالها آيتنك مفهومين اشعار ايدوب • وشمشير دشمن كير ايله نبرد
فروزان • ونيزهٔ جانستان لمعهٔ آتش ميدانده • درخشان اولدقجه
بر توطوب وتفنك • يكاد البرق يخطف ابصارهم كلما اضاء لهم • موجبنجه
جهنميلره عذاب اليم وعقاب عظيم ايليوب • بو اثناده قرال شقاوت
مآل زمرهٔ عساكر خذلان احوالى ايله مشار اليه دستور مكرم دولت
شير اعظم • وروم ايلى بكلربكيسى ابراهيم پاشا • ادام الله اجلاله ايله
اولان روم ايلى عسكرينك اوزرينه هجوم ايديجك • پاشاى مشار اليه

خلقت

خلقت شهامت منزلت وجبلت شهامت مرتبت مركوز ومجبول اولان
آثار مردى • ونتيجهٔ هنرمنديلرى ظهوره كتوروب • سيوف ابدار جوشن
كذار عسكر غدارى طعمهٔ شمشير آتشبار ونيزهٔ برق كردار وتير آهنين
منقار جنود فجارى خاكسار ايدوب • مبارزان دولت ودين ومجاهدان
غزا آيين • اول فرقهٔ خاسر بيخواه وناخواه مقر ضلالت منزللرينه مراجعت
ايدوب كشتهٔ اعدادن كوه وصحرا پشته وجبال • وميدان معركه وقتال
جيفهٔ اهل ضلال ايله مالامال اولوب • اولجانبه صورت انهزامى شاهده
ايدوب • كانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة • فرار كوستريجك مهابت شكوه
وجلادتدن بصر بى بصرتنه روى دنيا چشم موركبى تنك كورينوب • وللسلطان
تجولة • مقتضاسنجه هرچند كه عسكر منصور ايله مقاومت ايلديلر
بعنايت الله تعالى دليران بيرافكن • وغازيان صف شكن • كفار تنالع
هبالرى خرمن آتش قتال ايله لم يكن شيئا مذكورا • ايليوب اصحاب
سقر وسعيرى • جهنم يصلونها فبئس القرار • جانبنه ايصال ايلديلر
آخر الامر نسيم فتح فيروزى • لقد نصركم الله فى مواطن كثيرة • مهبندن
تنسيم ايدوب • مبشر اقبال آيت فتح ونصرتى سامعهٔ جنود موحدينه
ايرشدرمكين قرال بدفعال • من يخابر اسه فقد ربح • فوليله عامل
اولوب • همان ساعت معركه كاه ظفر دستكاهدن فرار ايدوب • اول
لشكر انبوه شقاوت كروهى عسكر مسلمين تعقيب ايدوب • اكثرين
قلجدن كچوروب • وبعضيسى دخى طونه يه دوكوب آل فرعون كبى بلادى
غرقه مبتلا ايدوب • باتلرينك وسردارلرينك باشلرى كسيلوب • غلاف
شمشير دشمن كير • وبقية السيوف اولنلرى محبوس واسير قلنوب • اول
منحوس ملك بالكلية عملرى معكوس كتورلوب • وبيرقلرى وطوبلرى
وجبه خانه سى آلنوب • كندو سنك حيات ومماتى معلوم اولميوب
وسائر اله كيرن صغار وكبار طعمهٔ شمشير آهن منقار • ولشكرى
لقمهٔ مور ومار اولوب • الحمد لله والمنه • اعلام اسلام مؤيد ومنصور
واعداى دين مبتذل ومقهور اولوب • سلاطين نامدار وخواقين
ذوى الاقتدار • بلكه اصحاب كزين خير الاخيار دن كمسنه يه ميسر اولميوب
فتوحات جميلهٔ الهيه جناب جلالت مآبمه نصيب اولدى • فقطع دابر
القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين • ايله اولسه بو فتوحاتك
كلبسى تاريخ سالكه كلام هدايت نظام • نصرة الاسلامه • موافقدر
جماهير اسلام بادين خير الانام • مسرور شادمان • ومنهج وخندان

اوالمغبون • وارندۀ حکم همایون • فلون ارسال اولندی • انشاالله الاعز
تبلیغ ایدیجک شنلکلر وشادلقلر ایلیوب • بواخبار فتوحات آثاری
اطراف وجوانبه اعلام وافشا ایدوب • دوام دولت ابد پیوند روزافزونم
ایچون دعایه اشتغال کوستریله • تحریرا فی اواخر ذی القعده سنه اثنین وثلثین وتسعمایه

سلطان سلیمان خان حضرتلرینک بدون فتح نامه سیدر

آفتاب سریر سپهر اسای عثمانی • وماهتاب تخت فلک فرسای جهانبانی
روح جسم مجاهدان • نور چشم مبارزان • رافع اعلام ظفرنشان
قاطع عروق اهل طغیان • مظهر آیات اعجازنشان • مظهر عنایات بی نیاز
منان • المؤید بتأییدات الملک الرحمن • سلطان سلیمان خان ابن
سلطان سلیم خان • تخلد بالدولة القاهرة والشوکة الباهرة • مادام
القران وتجدد الملوان • بحرمة محمد صلی الله علیه وسلم المصطفی من بنی
عدنان • وآله وصحبه ذوی القدر والاتقان • ان الله یحب الذین
یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص • آیتنک مفهوم سعادت
مضمون خصوصنده متوکلا علی الله الحی القدیم • ومتوسلا بمعجزات
رسوله الکریم علیه افضل الصلوات والتسلیم • غزای اکبر وجهاد
اعظمه نیت ایدوب • دار السلطنه اولان محمیه قسطنطینیه دن حماها الله
تعالی عن البلیة • اشرف زمان وابرک اوانده اعلام نصرت اعلام
ذروۀ افلاکه افراشته • ورایات نصرت آیاتی قبۀ کردونه افراخته
ایلیوب • فوروجانبندن پیاده وسوار نیچه دلاور شیرشکار روی یوز
شمار ایله که • هر بری ایام پیکار وهنکام کارزارده هزاران رستم واسفندیار
زارودلفکار ایدرلر • وطونه بوزندن رجال ایله مالامال مثال الجبال
نیچه یوز نهنک دونماکیلر ایله که هر بری وقت حرکت وزمان جریانده
فلک فلکه دنک ایدرلر • ممالک کفار خاکسار واقالیم فجار دیرکرداردن
دبار هزیمت دثار • وکشور خسارت شعار انکروس نحوستک که سوق
ایام وسوالف اعوامدن ضلالت وشقاوت ایله مأنوس اولوب
راه هدایت • وجادۀ سعادتدن مایوس لردر عزیمت عالی همت وتوجه
سعادت غنیمتی ظهوره کتوروب • ودستور بیکو خسرونشان • وزیر
بی نظیر آصف نشان • وقطب فلک شهامت وفرزانکی • ومرکز دائرۀ
شجاعت • ومردانکی • پلنک قلۀ وغا • ونهنک لجۀ هیجا • المنصور
بنصرة الملک الاعلی • اعظم وزرا • امیر الامرا • اولان ابراهیم پاشا •
اعطاه الله فی کدارین مایشاء حضرتلری • روم ایلی عسکری ایله بوریوب

وتخر الامرا

وتخر الامرا وذخر الکبرا • سمندره سنجاغی بکی بالی بیک ابن یحیی پاشا •
دام عزه یه امر اولندیکه مقر دلیران شجاعت نژاد • ومکان دلاوران جلادت
نهاد • اشرف بلاددن نصرت آباد قلعۀ بلغراد • اوکندن حماها الله
عن الاضداد • جاری اولان صاوه صویی اوزرینه که کثرت عمقی ممائل
بحر عمان • وعرضی مشاکل نیل فیض نشان بی زمان وبی کران • ولطافتی شبیه
عارض کلعذاران ومانند رخسار نوشین لبان کوثرنشان وزلال
رخشاندر • مرور مجاهدان کیوان عزم • وعبور مبارزان بهرام رزم •
فلک آسا برجسر والا ترتیب بنا ایله • مشار الیه دخی تأخیر واهمال و
تعویق واهمال ایتمیوب • امر جهان مطاع وفرمان واجب الاتباعه انقیاد
وامتثال ایدوب • ذکر اولنان قلزم مایه سفاین هلال مثال اوزره
پروین پیوند • وثریا مانند نظر زنجیرلر ایله طاق آسمان عالی
رواق کبی برجسر وسیع وبناء رفیع بنیاد ایله که • عین عالم
کوزلر کورمش • وصنعی سمعه کیرمش دکلدر • روبین زنجیرلر ایله
مقید اولان هرکمی صاد زلف کره کیر خوبان ایله کوردن بند عشاق
کرفتار اولمشدر • وبین السفینتین هرکمر کویا طاق ابروی مهوشان
وقد خمیدۀ مستمنددر • چون امر جلیل القدر برینه کلدی خداوند کار
کردون اقتدار • بروجه منبور • وترتیب صفوف عسکر منصور
وسپاه مبرور ایله • بالدولة والاقبال والرفعة والاجلال کلوب
ذکر اولنان کوپریدن عساکر نصرت مظاهر آلات جنک وجدال وحرب
وقتال ایله بالتمام والکمال بوقلنوب ع بساعتی که تولا بروکند تقویم
شاد وخرم • جزیرۀ سرمه • مرور وعبور ایدوب • تلال وجبال استعلا
ظلال الویۀ ظفر خصال ایله مستسعد ومغتنم • وکوه ووادی وصحرا
اخیام سما قیام وسپاه انجم حشم ایله مخیم اولدقده • وزیر عالی مکنت
ومشیر مشتری فطنت • الغازی فی سبیل الله والمجاهد لوجه الله
وزیر اعظم وروم ایلی بکلربکیسی موسی الیه ابراهیم پاشا یسر الله و
مایرید ومایشاء حضرتلری • کفار شقاوت آیینک • قلاع متینه دن
ورادین نام حصن حصین که فلک رفیعه سی موازی چرخ برین • وبروج
منیعه سی ملاصق فلک پروین در • قلع وقمع ایچون اوزرینه کوندریلوب
پاشای مشار الیه دخی لوای کشورکشا سنه تابع اولان عساکر کواکب
شمار ایله • ادنی روزکارده واروب • ذکر اولنان حصار فلک مدارک
یمین ویسارندن احاطه ایدوب • جوانبندن نوازل قضا وقدر • وموارد

ومطر کبی • رعد نظیر وصاعقه تاثیر طوب • وتفنك • وتیرز نبرك
یاغدروب • اول فلك البروجله روبرو اولان قلعه نك • دخان عنان
کشیده کبی توسن بی ستون همی • وسحاب شکین طناب کبی برد
کردونه برابر اولان قلعه نك برج وباروسی • قره خاکله هموار ایدکدن
صکره • فوج فوج • اول لشکر دریا موج • حصارك کدکلرندن سیروان
قیلوب • شمشیر آتش نظیر • وبرق تاثیر ایله • وانزلنا الحدید فیه بأس
شدید مقتضاسنجه • وتیر شهاب سیر ایله • فاتبعه شهاب ثاقب
فحواسنجه • ماه شوالك اون یدنجی کونکه یوم جمعه در فتح ایدوب •
ایچنده بولنان کفار خاکساری جمله قلیجدن کچوروب • کنایس مشرکین
جوامع موحدین • ومعابد معاندین • مساجد مجاهدین اولوب • اهل
ایمان جامع شریفنده اذان اوقنوب • وجمعه نمازین قلوب • آواز
تکبیر جلیل • وزمزمهٔ تجید وتهلیل ایله • چرخ اسیر وفلك مستیری
پر صدا ایتدیلر • الحمد لله علی هذا • اندن کچوب اقبال همعنان وسعادت
همدستان • مقر اصحاب عقوق ومسکن ارباب فسوق ایلوق نام قلعه
که مجوف فلك مرفوعه سی عیوق سماکه لحوق بولوب • عمق خندق مکمل و
ملحق عبرت نمای مجموع مخلوق در عزیمت ایدوب • واروب قوروجا
جانبندن خیام سما نشان • وصو یوزندن سفاین فلك باد بان
ایله قوشادوب • از زمانده چوق سعی ایدوب • انی دخی قلع وفتح
ایدوب • معابد اصنام مساجد اسلامه متبدل • وصدای ناقوس رهبان
کلبانك اهل دینه محول اولدی • واندن غیری ابترافیه وارنجه نه
مقدار قلاع شدید الاساس • وحصون شیاطین استیناس
وارایسه • بالکلیه مفتوح ومسخر اولوب • جزیرهٔ مزبورهنك سراسر
فتحی میسر اولیجق • پادشاه عالمپناه هك ذی بر نواری قرال بد فعال
کفر آیینك • مسکن شقاوت سکینی • وتختکاه هزیمت مکینی اولان
قلعه سی بدون اوزرینه وارلیوب • ذکر اولنان آب بی نصاب • وعمان
ماب دخی بر وجه اشتراك کذشته کیلر اوزره مرور عساکر منصور
ایچون • بر جسر واسع نهاد بنیاد اولنوب • ایکی اوچ کونده ایچنده آخر
اولنوب • روم ایلی غازیلریله بیرمیدن بیکام • وهژبر بیشهٔ کارزار
اختر برج جلادت • کوهر درج صلابت • وزیر اعظم وروم ایلی بکلر
بکیسی مشار الیه پاشا • ادام الله اجلاله کچوب • بعده وزیران کیوان
مکان • ومشیران مشتری اذعان • مصطفی پاشا وایاس پاشا • دامت

معالیهما الله قپوقوللری وبکچریلر ایله سلطان الاسلام والمسلمین •
خاقان الغزاة والمجاهدین • رافع اعلام الاسلام هادم بنیان الطغیان
پادشاهمز سلطان سلیمان خان لا زال النصر من طراز لوائه • والعجز
والذل من لوازم اعدائه • کچوب صکره اناطولی بکلر بکیسی بهرام دام
اقباله کچوب • اول منزلده جمله عسکر بر یره جمع اولوب اوته جانبندن
دیار نکوس منحوس • قرالی اولان لاوش قرال نام بد فعال دخی خداوند
کار فلك اقتدارك اوزرینه متوجه اولدیغندن • متنبه اولدقلرینی
تحت حکومتنده اولان زمرهٔ نجس وفرقهٔ کفرهٔ بی جمع ایدوب • وجیب
عزیمت عساکر ظفر استیناسدن • قلب پر خوف رعب وهراس مستولی
اولمغین • سایر کافرستان بکلرندن دخی استمداد معاونت • واستدعای
مظاهرت ایدوب • بالجمله یدی یوز اللی بیك مقداری پیاده وسوار
تفنك انداز وتیر باز عساکر مخاذل ایله تختکاه شقاوت پناهندن
بر قاچ منزل برو کلوب • میهاج دیمکله معروف بر صحراده جنود جبال
مماثله مقابله ایتمك قصدینه طوبلر وضربزنلر قوروب • حاضر ومهیا
اولدقده نصکره • بادلرینه سرور اولان تیمور باولی نام باباش پرهواسن
بجید وبی قیاس کفار هزیمت لباس ایله ایلرو کوندروب • مذکور
کلوب • برجای تنکنای ده عرابه لرین چاتوب • مقاومت قصدینه
اقامت ایلیوب • انك اول اقامت ومقاومتندن خبردار اولدقلری •
پاشای مشار الیه روم ایلی دلیلرلریله واروب • مذکوری بولشوب صدمهٔ
ایلکده باپاس خناسی خبیر واکاه اولوب • اقامته عدم طاقتدن بینه
قرال خسارت ماله مراجعت ایدوب • بوجا بندن پادشاه سعادت
دستکاهی دخی عون الهی بی پناه • ومعجزهٔ حضرت رسالت پناهی بر بدرقه
ایدینوب • دایرهٔ احصادن متجاوز • واحاطهٔ استقصادن ناشز
عساکر قلزم تلاطم وسپاه عمان جوشان ایله یوریوب • عربدهٔ کوس
وصهیل مراکبدن چارسوی کوی خاك • ودروازهٔ فلك الافلاکه غلغله
وولوله براقدی • شویله که کروه بر شکوه کویا برکوه ایدی • هر طرف
فوج فوج کویا بر دریای آتش موج ایدی • جوشان وخروشان • نیجه
لشکرلرینه دن دوده بکزر • ویاتوز ایچنده پنهان اوده بکزر • بوکونه
شاهیله مراحل آسا وقطع مراحل ایدوب سهل زمانده کلوب • عدواندن
بر منزل مقداری برود • نزول • وغبار خیول غزاة عیون دخول ایدوب
من الفلق الی الغسق مردان دلاوران عدوان ایله اللشوب • طرفیندن

پاشلر کسلوب • قانلر دوکیلوب سینه لر دلینوب بغرلر سوکیلوب •
غازیلر تمام قوندیلر • چونکه صبح اولدی • آفتاب جهانکیر شیر سوار شمشیر
تابدار ایله میدان آسمانی سحر وسپاه انجمی عرصهٔ چرخ دوّاردن سوروب
دربدر ایلدی خداوند کردون اقتدار قرصولت وغرورشوکتله سمند
ظفر رهبرینه سوار اولوب • امر ایدوکی امرای صف آرای آلای آلای عسکرینی
مظاهر ایله قولبو قولنه کلوب قرار • وهربری بنروایچون اسباب
قتالدن استوار ایتدیلر • امتثالا للامر العالی چاوشان سپاه آرا • و
حاجبان آلای نما • صبا رفتار اسب رهوارلر ایله سکردوب • جناحین
لشکره ترتیب یمنه ومیسره ایدوب • کما هو المرام • بالتمام صفوف
آراسته • وجیوش پیراسته اولندقدنصکره • سلطان غزاة کندوذات
کریم الصفاتلری ایله یوریوب • الحمد لله صفوف دلیران وسیوف برّان •
دینمز خیر الادیان وآیینمز دفع عدوان ومعینمز رحمان • فینسخ الله ما یلقی
الشیطان • دیو عسکر ظفر رهبرینه استمالت وتقویت ویروب •
نعره وارورکوه وار سقامتدن قرار ایلیوب • اول لشکر دریا مرتبت
بر اوغوردن حرکت ایدوب • شویله که غبار اقدام مراکب وآثار هجوم
مواکبدن چهرهٔ کون ومکان وصحیفهٔ زمین وآسمان نقش اولنمش
رقعه مثال اولوب • بوحال نصرت مآل ایله بین الصلاتین ده کلوب
اعدای مخاذله مقابل اولوب • وپاشای موی الیه روم ایلی دلاورلریله
واروب • قلب عسکره سپر اولدیلر • اول جانبدن قزال بد فعال چونکه
بو حالتی مشاهده ایلدی غرور وشیطنت کله سی بی سعادتندن حرکت ایدوب
جوزهٔ حکومتندن ازبانا بفرق بولاد آهنه غرق اولمش پیاده وسوارینی
مقدار قوم کفارده • وفرقهٔ فجار ایله واردیسه • یانینه جمع اولوب روم
ایلی عسکرینه هجوم ایدیجک همان پاشای کامیاب امر ایدوب آتشباد
وصاعقه آثار طوپلر وضربزنلر آتیلوب • وتفنکلر صالیوب • سپاه
دین اسلام مددت • ربنا افرغ علینا صبراً وثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم
الکافرین • نداسی ملاء اعلایه ایرشوب • مردان دلاورانکه هربری
پروانه وار • حریص وغا وسمندروش واله آتش هیجادر • نظم
سپرده دبر کوفته تیغ برسر • عدواز بیم شان در پا فتاده • سرسر
برفرق مغفر کر بسته بمیدان ایستاده • مقابله ومقاتله ایتدیکیچون
دوبرو کلن طائفهٔ موحدین وفرقهٔ مجاهدین • کوزاچدر میوب نسیان
جانستان • وتیغ آتش فشان ایله تمام زبون • وجکولرینی برخوده ایدوب

جوی خون جیحون وسیحون کبی روان اولدی • شویله که ضرب وحربک
تف وتابندن بوتهٔ سماده سیم سحاب • مانند آب تاب سوزندن اوب
اقدی • وتنور کارزار قیزوب • غور زمینده کی نوری یاقدی محصل
کلام اختتامه دکین ضرب وحرب وعظیم نبرد اولدی که هرکز رود کار
کورمشیدی کورمشدر عالم ایچره اکر بکز کارزاد • اخرالامر عنایات
الهی • ومحاسن توفیقات نامتناهی دولت پادشاهی یه قرین
اولوب • ناکاه • سرادق عزت وکان حقا علینا نصر المؤمنین • ماورسنده
جمال وکمال • وکذلک نجزی المحسنین • تجلی ایدوب • اول زمرهٔ بحره نلک
سمع نی جمعلرینه کویا که هاتف غیب • یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم •
خواسنی القا ایلدی • که دوی توقفه بقیه رخصت بولمیوب • لقای
هزیمت ازی غنیمت بیلوب • کانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة •
خواسنجه افتان وخیزان • کریزان اولدیلر • پس هر برانکیروداز فرار
ایدن کفار خاکسارک • باز شکار آردنجه دوشدیکی کبی آردلرینه
دوشوب • هرقنده بولدیلرسه امان ویرمیوب • بر موجب فحوای سعادت
افزای فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم • کیمی سرپنجهٔ شیر غزنینه دوشوب
کرسیات حیاتی چاک • وکیمی آب طونه یه ذوکوب • ال فرعون کبی
بلای غرق ایله وجود ناپاکلرین هلاک ایلدیلر • ونیجه سن دخی دیری
طوتوب • اسیر بند وبلاو کرفتار عنا ایتدیلر • واول معرکه ده پاپاسک
وسایر معشر پاپالرینک باشلری کسیلوب • اما قرال منکر المآل دام
کرم دوشمش ایکن ظلام شام احاطه ایتمکین • نجات بولوب • فرار
ایلدی • چونکه حمیت کفار دبو وجهله انکسار بولدی • امارات فتح سعادت
آثار • قلوب عساکر ابرارده آفتاب عالمتاب کبی تابان ودرخشان اولوب
پادشاه عالمپناه سحرکاهده سپاه انجم اشباه ایله محل محاربه دن برمنزل
ایلرو واروب • سعادتله نزول ایدوب • امر ایلدی که آیین شاهانه • ورسم
پادشاهانه اوزره • مقابل فلک اطلس • وهمسر چرخ مقرنس • زربفت
اوتاقلر ودیوانخانه لر وزرانید وخیمه لر وسایبانلر قوریلوب • طشره
دیوانخانه ده کندو ذات شریف • وعنصر لطیفلری ایچون انواع جواهر ثمین
واصناف لآلی انجم آیین ایله ترصیع وتزیین اولنمش • عرش نظیر برزرین
سریر وضع اولنوب • ذکر اولنان سریر سما سیمانک پایندن وزرای
آصف رأی وسایر اعیان استانهٔ سعادت بنا ایچون کرسیلر قونیلوب
ودیوان اغالری زینت عصالریله • پاشالر حضورینده قیام ایدوب

وچاشنیگران وبوابان وسائر اهالی دیوان • اللرین قبضهٔ تیغ برانه
اورروب • صف صف وقات قات طوردیلر • والحاصل برسلیمانی اولدیکه
قوت زبان بادپیما • وقدرت قلم سوادسیما ایله تقریر وانشا • وتحریر واملا
اولنمق میسر ومتصور دکلدر **بیت** صناسن صحن محشرده رینه دیوان
کورسه اوبناده دیون سلیمان • چون بو ارکان وآیین • وترتیب
وتزیین • برینه کلدی • سلطان جهان وخاقان زمان • سعادت واقبال
ورفعت واجلال ایله آفتاب آسا • اول سریر فلک فرسایی تشریف بیوروب
وزرا وامرا کلوب • طشره ایشکده باش قودقدنصکره • ترتیب خاقانی
اوزره تقبیل سریر سلطانی ایدوب • فاخر خلعتلر ووافر ملاطفتلرله
رعایت اولندیلر • ودیوان عالیشانده کوس نصرت • فهزموهم
باذن الله چالنوب • واول منحوس قرالک علملری معکوس دیکیلوب •
درزنجیر اولان اسیرلر مکبا علی وجهه • سلاسل اغلالیله • وجلاجل
النکال ایله سیاسته • وصحن عفو بنه کتوریلوب • سراسر طعمهٔ تیغ
آبدار • ولقمهٔ خنجر آتشبار اولوب • کشته لردن پشته ایتدیلر •
وموضع مزبورده اوچ کون مقیم اولوب • دردنجی کون اسب ولکنی
سوار عساکر بی شمار ایله خشک وتردن فتح وظفر تختکاه قرال الدین
اولان قلعهٔ بدون اوزرینه قلب کلک کردون • وبروج فلک عروج ایله
ترتیب وتزیین اولنوب • هر قصر والا محفلرکه وضع وسیم وبیت عالی
نهاد دکه تقسیم اولنمشدر • غیرت قصر شداد • وما صدق مصداق • لم
یخلق مثلها فی البلاد • واقع اولوب • وشهرک میانندن جاری اولان
آب طونه که کثرتده بحر عمان کبی قعر وبنی معدوم • ووفرتده دریای محیط
کبی نامعلوم • لطافتده سیمای خوبان سیمین تن کبی نظیف وروشن •
وصفوتده قلوب عشاق بلاکشان کبی صاف وبیغشدر • ذکر اولنان
شهر مصر وایالت شام وبغداد حالتن ویرر • هر حدیقهٔ ارم زینتی
محسود روضهٔ جنت • وهر دوحهٔ ثابتهٔ القراری • رشک طوبای
عالیمقدار اولمشدر • عزیمت عالی همت ایلدکلری کیلرده بر قاچ کون اول ١١
واروب • قلعهٔ مزبورهنک سکان هزیمت نشانلری اوزرینه پادشاه
زمین وزمان متوجه وروان اولدوغنی • اذعان ایدیجک مانند
پروین مجتمع • ومنتظم الحال ایکن • مثال بنات النعش متفرق • ومنکر النار
کبی طاغلره وصعب یرلره تحصن ایدوب • وبعضلری استیمان رجاسیله
ایچ قلعه یه دخول ایدوب • پادشاه عالمپناه سعادتله نزول ایلدکلرندن

قرال پرملال • هزار تضرع وابتهال ایله قلعه مفتاحلرین پای تخت
پادشاه بلندبخته ارسال ایتدکده • دریای الطاف بی پایان سلطانی
وقلزم اعطاف بیکران خاقانی تموج ایدوب • اول کفار ذوی الانکساره
امان شریفلرین احسان بیوردقلرنده • پاشای موی الیه روم ایلی
بکلریله ذکر اولنان حصار ظلمت مدارک • قلهٔ آسمان کله سنه
مانند عمود صبح روشن سانی • لواء آفتاب سیماء سلطانی دیکوب •
اول سور جنت آبادی جهنمیلر الندن خلاص وآزاد ایدوب • چار کوشه
کفار اضداده • پنج نوبت اسلام سوذی قلنوب • زمزمهٔ مستحانه
خوش آوازیله سامع سکان ملاء اعلی پرصیت وصدا اولدی • وخدا
وندکار کردون اقتدار ذکر اولنان حصارده بش التی کون قرار ایدوب
کاه صید وشکار وکاه سیر دیدار ایدوب تفریح خاطر • وترویح خواطر
فواتر روشن موارد ایدوب • وغازیلر اطراف ولایت واکناف مملکتنه
پراکنده اولوب • کفار خاکساری صحرا وکوهساردن هر قنده بولدیلرسه
ذکورین طعمهٔ تیغ وشمشیر • واناث واطفالنی بالکلیه اسیر ایلیوب •
محل ومسکن مردارلرین نار وماره احراق ایدوب • واموال غنایم
واثواب وبهایم ایله مغتنم ومالدار اولدیلر • ذکر اولنان آب دریا
سیمایه طریقهٔ معروف وقاعدهٔ مالوف اوزره کوپری کیلر
اوستنه • وسعت زمین برجسر مشید وبناء ممهد بنا اولنوب •
اسلوب سابق وترتیب سالف اوزره ماه ذی الحجه نک اون بشنجی
کوننده عساکر بیقصور مرور ایدوب • اول جانب دخی کما هو المراد
فتح وکشاد اولندقدنصکره • پادشاه زمین وزمان سرور وشادمان
ومبتهج وخندان مکان خلافت ومقام سعادت آشیانلرینه متوجه
وروانه اولدیلر **تاریخ** انهزام قرال لاوش لعین **سنه ٩٣١** حق سبحانه وتعالی
پادشاهمزک رایات ظفر آیات ونصرت غایاتن الی ابد الدهور منصور ومسعود
واعدای دین ودولتن منهزم ومقهور ایلسون **ع** این دعا از همهٔ
خلق جهان آمین باد • آمین یا رب العالمین •

سلطان محمد خان اکری قلعه سن فتح ایتدکده استانبوله ارسال اولنان فتح نامه در

چون حضرت الله القدس • وجاهدوا فی سبیل الله بیورمشدر • بو امر جلیل
امتثال مال ونفس نفیس • وغزاة نصرت انتسابله غزا وجهادی
لوجه الله بیت نهاد ایدوب • دولت واقبال وسعادت واجلال ایله

بو سال فرخنده فالده بیج قرالنك قلاعندن متانتله اشتهار بولوب
حصانتله نامدار اولان قلعهٔ اكری یه طوغریلوب مقام سلطنت ومقر
خلافتم اولان محمیهٔ استانبولدن جیوش دریا خروشله مفارقت
ایدوب قطع منازل وطی مراحل ایدرك قلعهٔ مزبوره كلدكده اولا
مسافهٔ بعیده دن همچو كوه دماوند ومثال جبال البرز والوند بر قلعهٔ
بی مثل ومانند مشاهده اولنوب بعده یقین واردقده كوه قاف
كبی بر حصن حصین وبر قلعهٔ متین كوردیكی قلل وبروجی فلك البروجه
همسر وبنیان مرصوصی تحت فرشده ثور وماهی یه برسر وپایهٔ اساس
حماسی سر سمك وفرق قلهٔ بالاسی برابر سماك فلك اولوب عنقای
قاف رفعتی بالندن بجسه هیبتندن قادین بوكردی وهمای اوج عزت
اوزرندن پرواز ایتسه دهشتندن بال وپرین دوكردی طوپلرینك
دخانی سحاب وش كوكلره آغوب وتفنكلرینك فندقلری قطرات
باران وطوپلر كبی یاغوب قلعهنك اطرافنه عسكر كتورمك دكل
قوش بیله اوچود تمز ایكن وزرای شجاعت شعار ومیران ذوی الاقتدار
وامرای نامدار وعساكر انجم شمارك یوزلری آق اولوب برخوردار اولسونلر
جبلتلرنده مركوز اولان وفور جلادت وفرط شهامت مقتضاسنجه
اصلا طوپ وتفنكلرینه باقیوب مزبور قلعهیی با استواری بلا توقف
محاصره ایدوب طائفهٔ نصارینه یه قوت اسلامیه یی بلدرمكیچون مدت عمر
خاسرینك بو حصن حصینه مقاومته اعتقادلری اولان یرلرك مقابله سنده
متریسلر قازوب راه عدمه رهبر اولان اژدرها پیكر قلعه كوب
طوپلر قوروب اول سنك انداز وصاعقه كردار طوپلر بیله وامطرنا
علیهم حجارة آیت كریمه سن نمودار قیلوب جابجا لغملر اورلدقده جعلنا
عالیها سافلها فحواسنجه قلعه دیوارلری ما صدق دوشوب یكرمی
كون مقداری مطلع فلق بامدن مقطع شفق شامه دكین مخالفین دین الله
حرب وضرب متمادی اولوب پای وهم وخیال معبر وممرلرندن تنك
وبرید نسیم شماله كذرنك اولدوغندن ماعدا برفخ كون لیل ونهار
كثرت امطاردن جنود مسلمین پادركل وقلعهنك فتحی هر وجهله
مشكل اولمشیكن عسكر صاحبقرانی رحمت كل وبارانی عین رحمت
وذخر آخرت بیلوب متوكلا علی الله الاكبر شیر نر كبی روز وشب برنچه
دفعه هجوملر ویوریشلر ایدوب خارج حصاردن اولان محمیهٔ
غلطه مانندی وار وشی وسوری النوب آتشه اوریلوب تا پناما صفر

المظفرك اون یدنجی كونی كه یوم جمعه در اول عبد مؤمنین ده هر وجهله
متین وحصین اولان اوچ قات حصاری دخی بعون الله تعالی قوت قاهرهٔ
خسروانم وسطوت باهرهٔ خدیوانم ایله فتح وتسخیر وابجد اولان بش التی
بیك سوار كفار خاكسار طعمهٔ شمشیر اولوب بقیة السیوف اولان كفرهٔ
فجره ایچ قلعهلره تحصن ایدوب بارك الله السبت كه ماه مزبورك
اون طقوزنجی كونیدر اول روز فیروزده مفتح ابواب فتح مبین ومبشر
ایات وبشر المؤمنین جانبندن انا فتحنا لك فتحا مبینا صداسی
كوش جانه وینصرك الله نصرا عزیزا نداسی صماخ جانه ایریشوب قلعهٔ
مزبوره بعون الله تعالی بالتمام والكمال فتح وتسخیر اولنوب نیچه
اطراف واكنافده اولان قلاع وقری وضیاع ایله قبضهٔ تصرف ملوكانه
داخل اولمغین حضرت فتاح منانه حمد فراوان اولنوب لكن بو فتوحاتك
جمیلهنك اعلام واعلانی عامهٔ اهل اسلامه لازم ومهم اولمغین
فلان بو خدمت خیر خاتمه یه تعیین اولنمشدر بیوردم كه حكم شریف
واجب الاتباعمله وصول بولدقده بو نعمت عظمی وموهبت كبرانك
هر بریكز حمد وشكرین ادا ایدوب بقای ذات نصرت سماتم ودوام
عز وظفر ایامم ایچون فی الغدو والآصال ادعیهٔ اجابت مآله مداومت
واشتغال كوستره سز

سنه ١٠٠٥

مكهٔ مكرمه شرفاسندن سيد مسعوده بناء بيت الله ايچون نامه‌در ١٠٣٩

بالفعل مصر محافظه سنده اولان دستور مكرم مشير مفخم نظام العالم
وزير محمد پاشا ادام الله اجلاله سدهٔ سنيهٔ سعادت مدار وعتبهٔ عليهٔ
سپهر اقتدارمه مكتوب كوندروب مضموننده اول مهبط جبريل امين
ومحل وحى وتنزيل رب العالمين اولوب ان اول بيت وضع للناس
للذى ببكة مباركا وهدى للعالمين نص بر بنى شان رفيع البنياننك
جلوه كو منصهٔ ظهور اولان بيت عتيق مرور ايام وكرور شهور واعوامله
اركان سعادت عنوان واساس عزت بنياننك بعض محلى طرف ركوعه
مائل وقد وقامت والا رتبتى سمت قيامدن جانب سجوده متمائل اولوب
بنيان اساسى منطقه بند تعمير وترميم ايله استوار بولمق ملوك وسلاطين
ماضيه زمانلرنده مهما امكن مقدرا ولنمش ايمش بعده والد ماجدمز
جنت مكان فردوس آشيان مرحوم ومغفور له سلطان احمد خان
اسكنه الله فى اعلى غرف الجنان زمان دولت اقترانلرنده جدار انوارى
وديوار سعادت مدارى سمت ركوعه زياده ميل ورغبت وجانب تعمير
وبنايه صورت جواز ورخصت كوسترلمكله مجددا بناسنه مباشرت ١٠٧
واولدولت وعزت ايله مشرف ومستسعد اولمغه سعى وهمت مراد ايدلدكده
طرف شرع شريف لازم التعظيمدن وقبل دين منيف واجب التكريمدن
مساغ وجواز كوسترلموب انجق بيت شريفك ركن ركينى وجدار
سعادت قرينى تعمير ومرمت واولخدمت عليه كندولره باعث مباهات
ومفاخرت اولمشيدى الحالة هذه بو سنهٔ عميمة الميمنه ده شوق
تقدير فعال لما يريد ايله مكهٔ مكرمه نك اطرافنه امطار كثيره نازل ٤
وسيل العرم صوى حرم محترمه واصل اولوب وعهدنا الى ابراهيم
واسمعيل ان طهرا بيتى للطائفين خطاب مستطابى ايله الخليل جليل القدر
مباهاتمزى فرق فرقدانه برابر واذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت احسان
دو يا بنيله سر افتخار وابتهاجمزى چرخ برينه دن برتر ايدوب بو خدمت
عظمى وسعادت كبرى آباء كرام واجداد عظامه انار الله براهينهم برينه
ميسر اولمامشدر هذا من فضل ربى والله رؤف بالعباد امدى شكرا
على هذه النعمة مصر محافظه سنده اولان وزير مشار اليهه بو منوال
اوزره خط شريفمزله فرمان همايونم اولمشدركه محروسهٔ مصرك قبطان

خواجه‌دن ومال حلالندن بيت شريفك بناى منيف واساس لطيفى ايچون
كفايت مقدارى مال ويروب وبو خدمت مستوجب الرتبتى ادايه هم
استحقاق واستعدادى اولان بر مستقيم ودينداركسنه‌يى جانب همايونمزدن
بنا امينى تعيين ايدوب ارسال ايليه كه وارووب مكهٔ مكرمه ده ساكن
واول مقام ذوى الاحترامده متمكن اولان كبار علما وشرفا ومشاهير
فضلا وصلحا وساير ارباب راى رزين واصحاب فكر متين ايله استشاره
واستخاره ده نصكوه امر شورى واتفاق آرا ايله ما رآه المؤمنون حسنا
فهو عند الله حسن موجبنجه بفضل الله تعالى نه طريقله قرار داده‌لرى
اولورسه اول وجهله بناسنه مباشرت واول خدمت مستلزم الرتبتى
خير ايله اتمامه سعى ودقت ايليه بناء على ذلك ذات سيادت مآبكز حقنده
دخى حسن ظن همايونمز زياده اولمغين اشبو نامهٔ همايون عزت مشحونمز
سلك تحريره كشيده قيلنوب ارسال اولنمشدر وصولنده كركدركه
نهاد صداقت معتادكزده مندرج اولان آثار نجابت وناصيهٔ احوالكزده
مودع اولان انوار رشد واصابت مقتضاسنجه ان شاء الله تعالى
مشار اليه وزير مرطرفندن كفايت مقدارى مال حلال ايله تعيين
وارسال ايلديكى بنا امينى واروب واصل اولدقده منوال محرر اوزره
اتفاق آرا وامر شورى ده ما خاب من استخار وما ندم من استشار
مدلولى اوزره علماء ذوى الاحترام بيت الله الحرامك تسويغ وتجويزلرى
اوزره بيت شريفى بنا وتعمير ايدوب بفضل الله تعالى اداء خدمت
وتكميل مصلحت ايدوره سز بيت الله الحرامك قديمى اولان طين مشكين
واحجار سعادت قرينى كفايت ايتمز ايسه بناء شريف واساس منيفنه دخى
ضميمه اقتضا ايدرسه اولبابده انواع اهتمام ايله مسوغ شرعى اوزره
مقدما بنا وتعمير اولنديغى محلدن كفايت مقدارى اطهر طين واحجار
نظافت رهين النوب مقتضاى شرع شريف اوزره اول محل لطيف
ومكان منيف بناسنه خرج وصرف ايتدوره‌سز جناب رب العزة
عز شانه وعم احسانه دركاه كبرياسندن هزار عجز وقصور ايله رجا
ونياز اولنوركه اول مقام مباركك تعميرى خصوصنده وساير افعال
واقوالمزده رضاى شريفنى تحصيل وارادت ازليه لم يزليه سنى توفيق
اوزره خير ايله اتمام وتكميل ميسر ايليه آمين بحرمة سيد المرسلين

شريف مكه يه صدرو نامه در

جناب امارت مآب ايالت نصاب سعادت اكتساب ذو النسب الطاهر

ولحسب الطاهر صاحب العز والشرف خلف بعد خلف نسل السلالة
الهاشمية فرع الشجرة النبوية طراز العصابة العلوية المختص بمزيد
عناية الملك الاحد السيد الشريف دام سعده توقيع رفيع همايون واصل
اولیجق معلوم اولدکه حالیا توفیقات الهیه وتأییدات نامتناهی ایله اقالیم
معمورهٔ ارض بالطول والعرض حکمیها منطاع قضا جریا بمله معمور
وسکان اقالیم ربع مسکون فرمان قدر توان پادشاهانه مله مأمور اولوب
سایهٔ عدل ورأفتم عامهٔ عالمیانه فوق سر وبسیط زمین اوزره آثار عاطفتم
راحت کستر اولمشدر فلاجرم بو نعمت بهیة الهیه وعطیهٔ عظمیه هنیئه نك
لوازمات شکر وحمدی اقتضا وابتغا ایلدیکه ساکنان یثرب وبطحا ومتوطنان
بلدهٔ رسول مجتبی اولان شرفا وعلما وفضلا وصلحا وعامهٔ فقرا حقلرنده
ابواب بر وعاطفتم مکشوف واسباب لطف ومرحمتم معطوف اولوب
همیشه مظهر احسانم اولدقلری اوزره کیر وصدقات علیه بی غایه مدت
هر بری حصه مند وانعامات سنیهٔ بی نهایه مدت جملهسی سودمند اولهلر
علی الخصوص فقرای مقامین مکرمین وضعفای حرمین محترمین انعام
جزیله خسروانه مه محتاج اولدقلری لایحهٔ خاطر فیض مظاهر پادشاهانم
اولمغین بو سال فرخنده فالده وبو سنهٔ میمنت اتصالده دخی هر سال
جانب خزینه‌مدن ارسال اولنکلدن صرهٔ امینی تعیین اولنان استانهٔ سعادت
مدار امکدارلرندن اولان افتخار الاماجد والاکارم جامع المحامد والمکارم
المختص بمزید عنایة الملك الجلی علی دام مجده یه تسلیم اولنوب وجناب امارت
مآب سیادت انتسابلرینه اولان وفور محبت وصنوف عاطفتم مقتضاسیله
خلع فاخرهٔ خسروانه مدن بر ثوب خلعت موروث البهجهٔ سلطانی دخی
عنایت وارزانی قلنوب مشار الیه صرهٔ امینی علی دام مجده ایله طرف
باهر الشرفه ارسال اولنمشدر ان شاء الله الملك المتعال واروب واصل
اولدقده قاعدهٔ قدیمه لری مقتضاسنجه خلع فاخره می توقیر واجلال
تام ایله کیوب بین الامثال وجوه مباهات اظهار ایلدکدن صکره بالفعل
مکهٔ مکرمه وکعبهٔ معظمه ده شیخ الاسلام اولان اعلم العلماء المتبحرین
افضل الفضلاء المتورعین مولانا عتاقی زیدت فضائله واقضی قضاة
المسلمین اولی ولاة الموحدین الخ مواجهه لرنده معرفت موی الیه ایله
صرهٔ دفترلرینه جوب وارسال اولنان صرهٔ شریفه اقچه لرین دفتر علیه
سلطانیمده تعیین اولنان اصحاب حقوقه توزیع وتقسیم واداوتسلیم
ایلیوب بر فردك صره سنی آخره ویردرمیوب موجود اولنلره ادا ایلیوب ١٠٤

فوت

فوت اولنلرك ونا موجود اولنلرك اسامیلری اوزرینه اشارت ایلیوب
اولمقوله غایبلرك حصه لرین کیرو دفتر ایله امین صره اولان علی دام مجده
تسلیم ایلیوب دوام عمر ودولت واقبال وقیام شوکت وسلطنت واجلالم
ایچون خلوص بال ایله دعای اجابت مآله اشتغال اولنه وحجاج ذوی
الابتهاجك امن وسلامت واطمینان ورفاهیتلری بابنده دخی بذل
قدرت وصرف دقت ایلیوب منازل ومراحلده ووقفه وعرفاتده کرکی کبی
حمایت وصیانت اولنوب بر فردك اموال وارزاقنه ودواب ومواشیسنه
خلل وضرر ایرشدرمك احتمالی اولمیه ومدینهٔ منوره اهالیسی که جیران
حبیب اکرم وزوار رسول محترم درلر انلرك دخی وظایف وجهاتی
وسایر منوجهاتی وتعیناتی اسلوب قدیم اوزره اکمال ایله ارسال اولنوب
طرفلرندن اولان وکیل وقاضی مدینهٔ منوره وشیخ الحرم وحالا صره
امینی وکاتبی معرفتیله صرهٔ جدیدهٔ سلطانیم قبض اولندقده دخی اوزره
هر بریسنك صره لری اصحاب حقوقه ایصال وتسلیم اولنوب احقاق
اولنمقده سعی بلیغ تام وانواع تقید واهتمام اولنوب بر فردك حقه
کتم وغدردن احتراز اولنه وان شاء الله تعالی بو سنهٔ میمنت
اتصالده دخی جمله لوازم حج ادا اولنوب وارباب حقوقك صره لری
طریقیله توزیع وتقسیم واداوتسلیم اولندوغی مفصل ومشروح ترقیم
اولنوب سدهٔ سدره مثال ملوکانه مه عرض وانبا اولنمقله بو دفعه
وجوده کتوریلان مساعی جمیله وصدقات جزیله لری معلوم همایونم
اولوب حقکزده حسن توجه ملوکانه مز متضاعف ومتزاید اوله شویله
معلوملری اوله

١٠٤ شریف سعید وشریف احمد اشتراك اوزره مکهٔ مکرمه شریفلکی ایله
مشرف اولدقلرنده کوندریلان نامه در

جناب امارت مآب ایالت نصاب سعادت اکتساب نیری سماء النسب
الطاهر والحسب الطاهر وارث اصناف المحامد والمفاخر بانی بیت المجد
والشرف محیی مراسم مکارم السلف خلفاء بعد خلف فرعی الشجرة الزکیة
النبویة طرازی العصابة العلویة جامعی محاسن الاخلاق المرضیة الرضویة
المختصی بمزید عواطف السنیة السبحانیة السید سعد والسید احمد دام
سعدهما توقیع رفیع همایون واصل اولیجق معلوم اولاکه محل وحی وتنزیل
ومهبط حضرت جبریل اولان مکهٔ مکرمه شریفلکی مشارکت وجهی اوزره
امور شرافته امر شوری واتفاق آرا ایله شروع ومباشرت ایلدیککز

حالا مسند سلاطین عظام • ومقصد خواقین ذوی الاحترام اولان •
سدهٔ سنیهٔ گردون نظام وعتبهٔ علیهٔ بهرا حتشامزه عرض واعلام
اولنوب • اولبابده طرف همایون سعادتمقرون مزدن • اجازت ورخصتی
مشعر • برات سعادت ایات طلب اولنمغله • چونکه شرکت اشتراك اوزره
مکهٔ مکرمه شریفی اولماکز خصوصنده اولمقام متبرکده اولان شرفا وعلما
واعیانك • رأی واتفاقلری قرار داده • ولباس حکومت جامه خانهٔ تقدیرده
قامت استعدادکزه اشتراك اوزره الباس اولنمغله حاضر وآماده اولنمش
ایمش • ما رآه المؤمنون حسنا فهو عند الله حسن • نحواسنجه بوامر مستحسن
حضور همایونده ونیمقرونمزده دخی احسن • گورلوب طغرای شریف
سعادت ردیفمز ایله معنون • برات شریفمز ارسال اولندی وغندن
غیری • حالا حقکزده مزید عواطف وافره • ومزیت عوارف متکاثرهٔ
خسروانه مز صدور وظهور ایدوب • خاص خلع فاخره مزدن سزلره
بر ثوب خلعت مورث البهجت پادشاهانه عنایت واحسانم اولوب کلی
ارسال اولنمشدر • وصولنده گورکزکه قدیم الایامدن الی هذا الآن اولکلدکی
اوزره انواع تعظیم واکرام • واصناف توقیر واحترام ایله گیوب • دخی
جبلتکزده مرکوز • وطینتکزده مرهون اولان وفور رشد ونجابت • وفرط
فراست وکیاست مقتضا سنجه • بر بریکز ایله کمال حسن الفت • ونهایت
مهر ومحبت اوزره گوکل برلکی ایله اجرای حکومت • وهربابده مقتضای
شرع مطهر نبوی اوزره حرکت ایلکه • سعی ودقت ایلیوب • مادام که شرع
شریفی رعایت اوزره اولوب • کتاب الله حکم شریفی ایله عمل ایلیوب
دین ودولته لایق ورضاء الله موافق خدمتلر وجوده گتورمکه سعی وهمت
ایلیه سز • منظور نظر اعزاز واکرام • وملحوظ لحظات احترام اولماکز مقرر
ملاحظه اولنه • واول اماکن متبرکه نك حفظ وحراست وضبط وصیانتنده
مجد وسعی اولوب • اشقیای عربانك دفع وازالهسی بابنده دخی بذل
اهتمام ایدوب • وحجاج ذوی الابتهاج • وسائر وارد ین وصادرین
کمال رفاهیت واطمینان ایله واروب گلوب حضور واستراحت اوزره
اولملرنده بغایت تقید واهتمام ایلیوب وارسال رسل ورسائل • وتجهیز
صحف ووسایل ایله اولجانبلرك احوال وآثاری ن استانهٔ سعادتمزه
یازوب اعلام ایتمه دن خالی اولمیه سز • سنه ٨١

بو دخی شریف مکهٔ مکرمه یه نامه در

جناب امارت مآب ایالت نصاب سعادت اکتساب سیادت انتساب

ذو النسب الطاهر والحسب الظاهر • صاحب العز والشرف • خلف اً بعد خلف •
نسل السلالة الهاشمیة • فرع الشجرة الزکیة النبویة • طراز العصابة العلویة
المختص بمزید عنایت الملك الصمد • مکهٔ مکرمه شریفی السید احمد دام سعده
توقیع رفیع همایون واصل اولیجق معلوم اوله که • ذهن صاف وخاطر
موشکافلرینه • مخفی وپوشیده ومستور ونوردیده اولمیه که قدیم
الایامدن جده اسکله سنه هندوستان طرفلرندن وغیریدن یاردن
گلن تجار گمیلرندن وسائر اسکلهٔ مزبوره یه بیع وشرا ایچون گتوردکلری
وغیری سفنه دن النان گمرك رسمنك نصفی طرف همایونمزدن تعیین
وارسال اولنان جده بکلری وامینلری طرفندن ضبط وقبض اولنکلوب
ونصف آخری شرفاء سالفین جانبنه ایصال وتسلیم اولنه کلمشیکن سلفکز
شریف ادریس وشریف محسن اولیکلشه مخالف ورضای همایونمزه مغایر
مزبور اسکله یه گلن گمیلرك شاعرینك گمرك رسمنك جمله سنه وضع ید
ایدوب اخذ وقبض ایتمکله بیت المال وجوهین شریفین رسوم قدیم لایامدن
اولیکلدیکی اوزره اجرا اولنوب • کما کان جده اسکله سنه گلان اگر هندوستان
گمیلری واگر جلبه وسایر سفن ایله گلن متاعك نصف گمرکی جانب همایونمزدن
اسکلهٔ مزبوره امینی تعیین اولنان مصرك محافظ بکلرندن قد وقع الامر
الکرام فلان دام عزه یه • ضبط وقبض ایتدرلوب • ونصف اخری
معتاد قدیم اوزره جانبکزدن قبض اولنوب • بیت الماله عاید وراجع
اولان نصف گمرکی طرفکزدن التماس بابنده فرمان همایونم صادر اولمغله
بوخصوصدن جناب سیادتمآبکزی آگاه وخبیر ایلمکیچون • اشبو نامهٔ
عزت علامه مز سلك تحریره گتورلوب ارسال اولنمشدر • وصولنده
گورکزکه جبلتکزدن مرکوز • وطینت پاککزده مرموز اولان وفور صداقت
واخلاص • وفرط خلوص واختصاص • مقتضا سنجه بوبابده صادر
اولان امر قدر توان • وفرمان قضا جریانمز موجبیله عمل ایدوب •
منوال مشروح اوزره اقاضی مالکدن گمیلر وجلبه نك اسکلهٔ مزبوره یه
گتوردکلری متاعك گمرکینك نصفی جانبکز طرفندن رسم قدیم اوزره
اخذ • ونصف آخری طرف همایونمزدن تعیین اولنان متسلیمه تبضر
ایتدوره سز • که ازمنهٔ سالفه دن بیت المال جانبنه داخل اولنان مال
میری ضایع وتلف اولمیوب • حق مستحقنه واصل اوله •

شریف مکه یه خلعت واستمالت نامه در

حالا بعون الملك المتعال • بو سال فرخنده فال میمنت مآلده • ممالك محروسه

اسلامیه دن حج بیت الله الحرام • و زیارت روضهٔ مطهرهٔ حضرت سید الانام
علیه افضل التحیة والسلام • توجه تام ایدن حجاج مسلمین • و خاک پاک
حرم محترم صاحب لولاکه یوز سورمک سعادتنه نائل اولمغه رغبت
واهتمام اوزره اولان زوار موحدین • بعون الملک المعین • قطع منازل
وطی مراحل ایدرک • منزل وحی مبین • ومهبط روح الامین اولان • حرمین
شریفین ومقامین منیفین • سعادتنه وصفای خاطر ایله کلام مشکین
ختام • وانموا الحج والعمرة لله • داعیه سنه سعی واقدام ایدرک وجوه
دولتنه نائل اولوب • اول بیت خدای اکرم • که مطاف معظم ومکرمدر •
عرصهٔ عزتنه روی نیازی سابیل • وروح عبودیتی مالینه قیلمغله •
هر بری برمانند شاه جهان • مفتخر وصاحب عنوان اولمشلر ایکن • انواع
خضوع وذلتله پیاده لرکبی • کسوت تجرددن مجرد وساده • احرام واخلام
برله زاد وکریان • برهنه وعریان • عزیمت ایدوب • اول بارکاه اعلاده
رفاه حال وفراغ بال ایله • دوام دولت ابد اتصاللری ایچون • ادعیهٔ
اجابت مالکه مداومت واشتغال اوزره اولملرینه ساعی اولوب •
ومیزاب شریف ایله مبان بندلازم التکریمی محلنه وضع والحنامجی
خصوصنده کلی تظاهرت اولنوب خاصته علمای دینداره • واشراف واخیار
وصلحای امت رسول مختاره • واطفال اهل اسلام وعام عباد ربلانامه
ابلاغ علی الدوام • امکنهٔ متبرکهٔ علیه ومقامات متیمنهٔ سنیه ده فوقات
کوفه • وقرآن عظیم تلاوت وختم • ودرکاه چاره سازدن انواع
تضرع ونیاز ایله • بر او بحر جنود ظفر نمود ملک غلبه وانتصاری • واعدا
لیّامک خذلان وانکساری ایچون دعا وثنایه مواظبت اولنوب • و محروسه
مصر قاهره ده اولان • عدد الخیرات ومبرات • وجانب عزت سمانمردن
معین اولان نذور مکهٔ مکرمه ومدینهٔ منوره یه نقل وایصالنده بذل
همت • وفقرای حرمین شریفینک حسن انتظام احوالرینه صرف دقت
اولندوغی • جانب جناب والارتبه مزدن اول خدمت خیر ختامه
تعیین اولنوب من جمیع الوجوه حسن اعتماد همایونمز اولمغله مکارم علیه
مزدن حال احسن بکلوبکلکی عنایت اولنان امیر الامرا الکرام حسن
دام اقباله طرفندن عرض وانها اولندقده بضکره • وجه مشروح اوزره
ذکر اولنان ترمیم بیت شریفک • تمشیت وتتمیمی ایچون مجد وساعی • ودائما
اسلاف بزرکوار واجداد عالی تبار یکزدن زیاده • رضای بی انتهامزه
مراعی اولدوغکز • اوله طرفدن اولان حکام ذوی الاحترام طرفلرندن

عرض

عرض وانها اولنمغین سلک ظهوره کتوردیکلری مساعی جمیله کز • مسامع
علیه مزه القا • وتجلی صور حقایق اشیا اولان مرآت صافی خورشید
لمعان مزه جلوه نما اولوب • خیر ظهورده آماده اولان خدمات مشکوره
ومظاهرت موفوره کز • حضور فایض النور مزده مستوجب رأفت غیر
محصوره واقع اولمشدر • مستدام عمر ودولت وشرافت • وبرخوردار افادت
وسیادت اولوب • همیشه احیای سنن آبای بزرکوار ایلیوب • دائما دولت
علیه مزه خیر خواهلقده ثابت قدم واستوار اولمغله اعطاف شامله
الاکناف شهریاریمزله سرافراز اولمقدن خالی اولمیه سز • وحقکزده انواع
عنایات علیه مز ظاهر وصادر اولوب • خلع فاخرهٔ سنیه مزدن بو ستینه
سمور قابلو بر ثوب خلعت مورث البهجت سلطانی • وبر ثوب دخی خلعت
کسوت موجب المسرت جهانبانی • عنایت وارزانی قیلنوب • نامهٔ همایونمزله
درکاه معدلت پناهمز چاشنیکیرلرندن قدوة الاماجد والاکارم مصطفی
دام مجده ارسال اولنمشدر • لدی الوصول کوکدرکه جملکزده مرکوز • ونهاد
سعادت معتادکزده مرموز اولان وفور غیرت وحمیت وصداقت •
واباعن جد • دودمان علیه مزه ایدکلدوککز کمال انقیاد ومتابعت
موجبنجه بو بابده تمام دقت واهتمام ایدوب • واحسان اولنان خلع فاخره
مزی انواع تعظیم واکرام ایله دربر قلوب • فرمان همایونمز اوزره لوح
شریفی اسعد ساعاتده جای رفیع الدرجاتنه وضع واستحکام • وتبرکا
حفظ ایچون میزاب عتیقی حضور شریفمزه ایصاله اهتمام اولنوب • عادت
مرضیه کز اوزره اشراف وعلما وعامهٔ صلحا ایله اول اماکن متبرکه ده ادعیه
دوام دولت روزافزون واثبین ثبات سلطنت عزت مشحون مزه مداومت
وتمشیت امور حرمین شریفینه اهتمام ودقت • وحفظ وصیانت ولایت
ورعیت • باب نده مساعی جمیله کز ظهوره کتوره سز که فوق الحد منظور
نظر اکرام • وبلحوظ لحظات احترام اولملکز معتبرز ملاحظه اولنمشدر •

صدر اعظم طرفندن شریف مکه یه تعزیت نامه دربا موده رسی الکتاب •
حسن پاشا

همات بنیهٔ انسانی دکل • بلکه دار جهانی ده ابواب خلود • مسدود • وابنا
ثبات وبقا مفقود • ابدی وکلی واضح ومشهوددر • ارادت حضرت معبود
الجود • ومشیت مختوم واجب الوجود • ایله واقع اولان ماجرای اعنی
والد ماجدکزک روح پر فتوحلری • یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک
ندای بشارت نمایسنه اجابت وشراب • کل نفس ذائقة الموت جامندن امات

کلنتی

وكل من عليها فان • آيت كريمه سنك فحواى سعادت احتواسنى تصديق
ويبقى وجه ربك ذو الجلال والاكرام • روايتنى تحقيق ايدوب • بو دار
فانيدن فرار • ومنزل بقاده مسكن اختيار ايلديكى خداى تعالى عليم ودانا
وكفى به شهيدا • دركه جملهٔ احبا واصدقانك • حزن وبكاسنه باعث اولشدر
الحكم لله العلى الكبير • شعر • حكم المنية فى البرية جار • ما هذه الدنيا
بدار قرار • علم شريفلرينه خفى بيورلميه كه طينت اجسام زلال زوال ايله
تخمير وخلقت اجساد • قواعد اختلال اوزره تعمير اولنمشدر • قضايه
رضا وصبردن غيريه چاره من بوقدر • خداى واهب الحيوة ومحيى
الاموات يدندن • مسئولدركه انلرك هماى روح پرفتوحى رياض جنانده
طيران ايتدكجه • ذات كزين صفات عنبر بيكرانك • ودولت جاودانك
واجرى بىپايان • ميسر ومقدر اولمش اوله • خاطر عاطرلرى هبوب باد هجوم
ايله طارى اولان غبار اميددركه زلال نشاط ايله ازاله قلنه •
باركاه رب العزتدن متضرعدركه بو واقعه اخر مصايب ونوايب
واقع اولوب • ذات شريف سعادت سمات على الدوام مسند عز وعلاده
مؤبد ومستدام • باد برب العباد •

والى مصر ابراهيم پاشا طرفندن يمن بكلربكيسى حاجى پاشانك مالى ايچون شريف مكه سيد ادريسه مكتوبدر

جناب امارت مآب سيادت نصاب صدارت انتساب سعادت اكتساب
ذو القدر العالى والمجد السامى المحفوف بصنوف عواطف الملك السبحانى
صاحب المقام والمنظر الانيس • مكهٔ مكرمه شريفى سيد ادريس
ادام الله تعالى سيادته فى مقعد صدق انيس وجليس • حضرتلرينك
موقف شريف صداقت نشان • ومشرب لطيف مكرمت عنوانلرينه
صدق واخلاصمندى مبنى درر دعوات خالصات صفا صفات • وغرر
تسليمات وافيات عنبرية النسمات • اتحاف واهدى اولندقدن نصكره
انهاء خيرخواه سينه صاف اولدركه • حاليا جانب جده دن بعض سفائن
رجبيه ايله بو جانبه كلن كسنه لر بوندن اقدم وزارت ايله يمن ايالتنه
متصرف اولوب باراده الله تعالى كعبهٔ مكرمه ده وفات ايدن • وزير حاجى
پاشانك سفينه وجلبه ايله دريادن كلن اثواب واثقالى • وارزاق
واموالنه • عاقبت انديش اولميان مفسدينك انهماسى • ودولتكزى
قابرسيان بدخواهلريكزك تحريك واغواسى ايله • تعرض اولندوغى خبرى
اعلام ايلديلر • علم شريفكزه خفى دكلدركه • مشار اليه حاجى پاشا عالم

صباوندن

صباوندن بروكاه دفترداردلق وكاه نيجه التزام وغدارلق ايدوب • نقل
وارتحالندن صكره جميعا اموال ونقودى سعادتلو پادشاهمزه موروث
اولوب • دولتلو پادشاه خلافت مآب • ابد الله ايام دولته الى يوم الحساب
حضرتلرينك انواع احسانلرى پايانلريله بهره مند وبهره ياب ايكن • بو مقوله
اموال پادشاهيه ايادى مضرت مبادى • وضع ايتمك فتح امر جديد ورأى
ناصوابدر • العياذ بالله تعالى • بو احوالى استديكمز منوال اوزره ركاب
كامياب پادشاهيه عرض وانها اولنه جق اولورسه • آثار ملالى نه مرتبه ده
ظهور ايده جكى بللودر • ايام دولت پادشاهى وهنگام خلافت شهنشاهىده
بو قدر زماندن واواندن برو مسند رياست ومفرش افندى صفا ورفاهيت
اوزره انواع نعم جليله لريله كامكار اولدوغكزدن غيرى • برابالته
برابر جملهٔ معموره محصولاتيله بهره دار ايدوب • بونك كبى نيجه التفات
جميله • ونعم جليلة الاثرلرى حقكزده ظاهر واشكار ايكن • بو مقوله ايشه
اختيار ايتمك نه اصل وضع ناهموار ايدوكى ملحوظكز دكلميدر • بويله ايشلر
وبو مقوله جنشلر ايله زوال نعمتدن احتراز ايتكز بوقميدر • ومظهر
قهر پادشاهى اولنلرك مسند ومقرلرى • عسكر ظفر رهبرلر ايله زير وزبر
اولمه سى مقرر دكلميدر • بيت لما له دست درازلق عقد ايتمى اولموب
طمعكارلق دخى صداقت بيروانلرك روشى دكلدر • آز وچوق نعمتك
زوالنه باعث اولمه سى محققدر • محصل بو مكتوبدن مراد بو ايشك عاقبت
ونهايتى برخوش فكر وملاحظه ايدوب • دخى موى اليه حاجى محمد پاشانك
اليقونيلدن اموال وارزاقى كيرو كيلره وجلبه لره قويوب • برادر كيلرلو
حاجى پاشانك اولجانبده اولان وكيلى وآدملريله بو جانبه كوندروه سز
وصرف اهتمام ايليه سزكه • حاجى پاشانك كند وخطيله اولان دفتر حالا
اليمزده در • ركاب ظفر انتساب پادشاهيه ارسال ايدوب • خزينهٔ عامرهٔ
شهنشاهيه ايصال وادخال اولنه • وحالا دفترمز بوركه برصورتى سزه
كوندرلدى امدى اول دفتر موجبنجه شويله الناده ارزاق بالكليه ارسال
اولنمز ايسه • چوق ايش ظهورينه باعث اولمه سى مقرردر • خصوصا بوندن
اقدم حاجى پاشانك فوتندن نصكره وارثلرندن الليدورت بيك غروش
الوب • بوندن ماعدا سابقا وردولتمز قپولر اغاسى اولان سليمان اغا دخى
كنديو مالندن اون بيك فلوريك بهارى حاجى پاشانك كيسنه ايدى
اولدخى معا الينمشدر • وبالجمله اولكيلردن هر نه الينمش ايسه كرك حاجى
پاشانك كرك سليمان اغانك • بالتمام ارسال ايلمكه صرف مقدور وسعى

تا حضور رابلیه سز . و السلام

والی مصر ابراهیم پاشا طرفندن مکۀ مکرمه شریفی سید ادریسه یازیلدی

جناب امارت مآب سیادت نصاب سعادت انتساب دولت اکتساب حشمت قباب . قطب دائرة الافلاك الحسبية . واسطة عقد العصابة الهاشمية . سلالة السلسلة المحمدية . ملاذ العترة المصطفوية . فرع الشجرة الزكية . ثمرة الدوحة النبوية . افتخار اولاد الرسول . مختار احفاد البتول خلف اعظم الاسلاف . شرف اسلاف الاخلاف . زبدۀ آل بنی عبد مناف ذو الحسب الباهر والنسب الطاهر . حامی حمی حوزة الحرم المحترم . حاوی اجناس المحامد والكرم . المرتضع من ثدی الكرم . صاحب المنظر الانيس و القدر الرسيس . مكۀ مكرمه شريفی سید ادریس . دامت سیادته . حضرتلرینك مجلس شریف عالی دولت قرار . و محفل منیف سامی شوكت شعارلرینه . مراسم دعوات صافیات محبت آثار . ولوازم تكریمات وافیات مودت دثار . عرض حضور شریفلرینه ایثار ونثار . قلندقدن نصكره ضمیر منیر خورشید تنویرلرینه خفی و پوشیده بیورلمیه كه . دردولت واثبات سعادتده . واقع سرای همایون پادشاهیده . نشو ونما بولمش خالص الوداد لرینك قپوجی باشیلرندن اشبو حامل دعا . و ناقل رسائل ثنا . احمد بك مخلصلری حد ذاتنده یارار و كاركذار . و مستقیم وصداقت كار . و امور دیده . و كار آزموده . خصائل جمیله ایله معروف وشمائل عدیده ایله موصوف . بنده لری اولدوغندن غیری . مزید عنایت علیۀ خسروانی ظهوره كلوب سبق ایدن خدمات مشكوره سی مقابله سنده سنجاق بكلكی ایله بندرجدۀ معموره ایله امانتی صدقه وعنایت بیورلوب . و اوزرینه قید و توجیه اولنوب . وعلی جری العاده تصرفی ایچون بوجانبدن ممضی و مختوم تذكرۀ دیوانیه و ریلوب خزینۀ عامرۀ پادشاهیده محفوظ اولان خلع فاخره دن بر ثوب خلعت شهنشاهی اخراج ایلیوب . جناب سیادت مآبلری صوبنه ارسال اولندی ان شاء الله تعالی ایمن اوقات و اسعد ساعاتده واروب . واصل اولدقده حسن تلاقی ایله ملاقی اولوب . انواع اعزاز و اكرام ایله كیوب بهجت فراوان وغبطت بی پایان اظهار ایلیه سز . و الطاف مالانهایه لرندن مأمولدركه میرمشار الیهك الندن اولان تمسكاتی موجبنجه بندرمزبور امارت و امانتی قدیمدن اولیكلن عادت و قاعده اوزره ضبط و تصرف ایتدروب . اوزرندن نظر عنایتلری دریغ بیورلمیوب واقع اولان

خدمات پادشاهی . و مصالح شهنشاهی اتمامنده حسن معاونت و یمن موالاتكز ارزانی بیوریله . والحاصل بندر مزبورده واقع اولان جمله خدمات و امور پادشاهی . وقت و زمانی و موسم واوانی ایله كوریلوب ادا و تكمیل اولنمسی بابنده معاونت و مساعده لری مبذول و بیدریغ بیوریله . و میرمومی الیه بنده لری حقنده ظهوره ایدن الطاف كریمه وحسن معامله لری . جانب خیرخواهلرینه موجب امتنان ایدوكی محل ریب و كمان بیورلمیه . زیاده نه دیمك لازمدركه علم شریف عالم آرالرینه . واضح و روشن اولمیه . باقی همیشه عمر و دولت وقدر و عزت مستدام باد . بالنبی واله الامجاد .

تونسلی مشار الیه سابقدن شریف مكه به حاجی پاشا انشاسیله حجدن یازلمشدر

جناب سید السادات . منبع العز والسعادات . قطب دائرة الافلاك الحسنية . واسطة عقد العصابة الهاشمية . سلالة السلسلة المحمدية . ملاذ العترة المصطفوية . فرع الشجرة الزكية . ثمرة الدوحة النبوية . خلف اعاظم الاسلاف شرف اسلاف الاخلاف . زبدة آل بنی عبد مناف ذو الحسب الطاهر [النسب الطاهر] . حامی حمی حوزة الحرم المحترم . حاوی اجناس المحامد والكرم صاحب المنظر الانيس والقدر الرسيس السيد ادريس ابن حسن امير مكة المشرفة والمدينة المنورة . والممالك العباسية . والاقطار الحجازية لازالت المحمدية ببقائه مؤيدة والمملكة الحجازية بآرائه مؤيدة . نهدی الی الجناب الكريم . ركايب التحية والتسليم . بمزيد الاعزاز والتكريم ونبدی لعلمه الكريم . وفهمه المستقيم . انه ورد الينا عن جانب بندر جدة معمورة بسفاين وجلبة . ووصل جماعة من جماعة السفاين المزبورة . يتكلمون كلاما . بحق الاموال والارزاق . المتروكة للمرحوم الوزير حاجی پاشا . الوالی فی محافظة بمن سابقا . المتوفی بالامر الربانی . والتقدير السبحانی بأراضی الحرم المحترم . مكة المكرمة . وما تملكه مما كان من الاثواب والارزاق والاحجار والتحف المتنوعة والمرصعات وغير ذلك . مما يناسب السلطنة العلية . قد دخل بالمراكب بندر جدة معمورة . ولا يخفی لعلمكم الشريف انه تعدی اليه يدكم القوية . باغراء بعض الجهال الغوية . لا يتفكرون فی عاقبة امورهم . عدو كرد دولتكم الشريفة . بل اصل فی اعقابكم المنيفة لان الرجل العاقل والانسان الكامل . لا يتعاطی . مثل هذه الامور لكون المرحوم المزبور حاجی پاشا . من ابتداء صغره الی هذا الان تارة فی المنصب الدفترداری وتارة فی التزام مقاطعات تتعلق بالاموال الاميرية .

ونمارة بنظارات اوقاف الدشيشه الشريفة السلطانية • فبسبب هذه
الوجوه صارت امواله ميرية • وكانت نقوده وامواله جميعا للخزينة سلطان
المجاهدين نصره الله تعالى وابده الى يوم الدين • فحصلوا ماله وارزاقه
نقيرا وقطميرا • وجهزوا بالمركب • وارسلوا الى جانب المصر والخزينة السلطانية
بحسن سعيكم مشكورا • ومن الخيرات فيضا جزيلا • ويكون سببا موصلا
لجاهكم الشريف وحشمتكم المنيف • بتعمير البلاد بطريق الهداية والسداد
والرشاد بالانقياد الى قبل السلطان حامى المجاهدين • وحافظ الملة والدين
الطمع القليل يورث وجوها باعثة لازالة النعم الكثيرة • وينهى لحملكم
الكريم • ويلقى الى سمعكم الوسيم • ويهدى الى محلكم الجسيم • انه لا يخفى
على العاقل اللبيب • والكامل الاريب • ان لا اشام بسمة العصيان • والخروج
عن طاعة السلطان • وخليفة الوقت فى الاوان • من خدايع الشيطان •
ومنابذة سلطان العصر من سمات اهل الغرور • وصفات كل غبى مغرور •
وسعى ساع غير مشكور • لاسيما مخالفة سلطاننا سلطان البسيطة
والملك الذى اوامره مطاعة باطراف الافاق المحيطة • صاحب العسكر
الجرار • والجيش الكرار • ادام الله تعالى سلطانه • وافاض على العالمين
بره واحسانه • حاشا ان ينسب مثل هذا الى من هو من اهل البيت النبوية •
ومن السادات العلوية • وخلاصة غاية الكلام • ونتيجة مقدمة المرام ١١٠
لا يرتكب بهذه الامر العجيب • الذى لا يرضى الله تعالى عنه ولا يرضى رسوله
الكريم الاعلى • ولا يرضى مولانا السلطان الاعظم • مد ظله على العالم •
ونحن كذلك • على الخصوص قد تعين لذاتكم الشريفة محصول بندر الجدة
المعمورة • بما تلى بالة بلاد من البلاد العثمانية • انعم الله عليكم ببقاء
مولانا السلطان • ابد سلطنته الى يوم الحشر والميزان • لتكون شاكرا للنعم
وذاكرا للكرم • كيف تتعرض اموالة وارزاقه ماهو مروتكم العالية و
شيمتكم الجلية • ان لا يتعدى بيت مال المسلمين منكم • نرجو من فضلكم
ومن همتكم ان ترسلوا وتجهزوا المال الذى اخذتم من مال المرحوم •
حاجى پاشا • بموجب صورة دفتر كتب بخط المرحوم المزبور • فارسلنا
من جانبنا الى جانبكم الشريف • فالضبط والقبض بموجب الدفتر
وجميع ما فيه التصرف باللطف والعدالة وصيانة عرض ناموس السلطنة
جهزوا بالمراكب والجلبة • وارسلوا الى الخزينة العامرة • من غير عذر
ولا مخالفة • فهذا امر من الامور السلطانية • وخدمة من الخدمات
الخاقانية • والله سبحانه وتعالى يديم ايامكم الشريفة مع الصحة والسلامة بحمده وكرمه وصحبه اجمعين

سلطان سليمان خان طرفندن تاتار خانى
جانبنه بازيلان عراقين فتح نامه سيدر

جناب امارت مآب ايالت نصاب دولت انتساب سعادت اكتساب
ذو القدر الرفيع • والفخر الوسيع افتخار خواقين اوان • اختيار آل ايلخان •
المختص بمزيد عناية المنان • منكلى كراى خان • دامت معاليه • تحيات
صافيات شاهانه • وتسليمات وافيات ملوكانه • كه محض عنايت بادشاهيدن
صادر اولور • مطالعه قلندقدن صكره • معلوم اوله كه طايفهٔ اوباش
قزلباش كفر فاش • خذلهم الله تعالى ودمرهم • تغيير مراسم دين احمدى •
وتبديل قوانين شرايع محمدى يه عليه الصلوة والسلام • قيام كوستروب
اشتغال مشاغل ظلم وفساد ايله ثالث فرعون وشداد • وسالك مسالك
الحاد وعناد اولوب • قوم نمرود وعاد • اولمغله اليدى • لاجرم انلرك زنك
ظلام عدوان وضلالتلرى • آيينهٔ روزكاردن مصقلهٔ شمشير غزاة
ظفرنا تأييد الله • تطهير اولنمق لازمهٔ عزيمت دينداری وصاحبقرانى •
وعارضهٔ كشوركيرى وكيتى ستانى اولمغين • حضرت فتاح ذو المنن •
توالت الاؤه وتعاقبت نعماؤه نك • عنايت جهتنا • ورافت فتوح
بخشاسنه توكل واعتماد • وسلطان انبيا وبرهان اصفيا مهر نكين
رسالت خاتم انكشترين نبوت • خواجهٔ كونين • ورسول ثقلين •
حضرت محمد مصطفى عليه الصلوة والسلام نك معجزات هدايت آياتنه
توسل واستناد ايدوب • چهار يار دبار • وصحابهٔ بزركوارك • رضوان
الله عليهم اجمعين • ارواح مقدسه لريله كروه اولياء الله سعادت
انتباهك • همم ظفر قرينلرينى بيشوا وردهنما ايدينوب • محض تمهيد
شعاير اسلام سعادت انجام • وتشييد دين سيد الانام • ايچون
مجاهدان كواكب حساب • وثريا انتظام وسبا رزان كردون احتشام
ومريخ انتقام ايله • دبار دفرقه عزيمت همايون اولندقده • جمله احوال
سلطنت باهره • وكافهٔ امور خلافت زاهره • جناب وزارت مآب
صداقت نصاب دولت اكتساب سعادت انتساب • واسطهٔ عقد
الدولة الابدية • رابطهٔ عقد السعادة السرمدية • قايد جيوش الاسلام

صاحب العز والاحتشام الصارم الصمصام بلنك انتقام اصف الزمان
ملاذ اهل الایمان حجة الرحمن على الانسان مصدر الطاف بی انتها
مظهر عواطف باری تعالى الذی تلالا من جانب دولته نور الهدى
وتبین من افق سعادته شمس الاعتلا الغازی فی سبیل الله المجاهد لوجه الله
مبارز الدولة والدنیا نظام الملك والملت قائم مقام سلطنت لشکر
کش سامی مرتبت وزیر اعظم جناب خلافت منقبتم سرعسکر سلطان
ابراهیم پاشا ادام الله اجلاله وزاد اقباله نك اراء حیلت ظفر بدایت و
افکار سدیدة نصرت نهایتلرینه مربوط ومفوض اولمغین رایات سعادت
سمات خسروانه مدت مقدم بعض دلیران هیجا شناس وبهادران
ستاره قیاس ایله ممالك شرقیه استخلاصنه توجه ایلیوب فرمان جلیل
القدر پادشاهانم مقتضاسنجه ولایت دیاربکره وصول بولدقده
رای حکمت آرالری که اتمام معظمات احوال سلطنتده رکن رکین وفکر
فراست نمالری که حل مشکلات امور مملکتده کشاف متین در سابقا
مضافات ممالك محمیه مدت الوب ولایت کردستانه متعلق اولان
مملکت تبلیسه حاکم ووالی اولان شرف نام بدبخت وتبلیسك خباثتی
سببی ایله قزلباش ابلیس ضبطنده ایدی تسخیر وفتحی خصوصنده
صرف حسن تدبیر ایتدکلری اجلدن تبلیس قلعه سی سایر بقاع وقدیمی
واتباع وملحقاتی ایله مفتوح ومسخر اولوب آبادی خدام عتبهٔ سپهر
احتشامهم مضبوط اولدقدنصکره جیوش دریا خروش قلعه ستان
وجنود قلزم جوش عمان نشان ایله حدود آذربایجانه دخول ایدوب
معظمات حصون محمیه دن قلعهٔ وان وسلطانی وعادلجواز که فراز قلل سامیه
پای سپهر نیلگوندن وطاق بروج عالیه سی سلم سمای سیاره شکوه اولوب
متانت بنیانی ایله اوتاد مملکت وحصانت ارکانی ایله ستون وعماد
ولایت ایدی هر برینك فتحی خرج خزاین واموال وصرف ابطال رجال
ایله نیجه سالده تسخیری میسر ومأمول ایکن مشار الیه سرعسکر اسلام
ادام الله اجلاله لرینك مقارنت رای فواید آرا وموافقت تدبیر حکمت
اقتضالری ایله فتح اولنوب جمله حصون ممالك عدالت مقرونمزدن معدود
اولوب ضبط ایلدی وبونلردن غیری عدوی فتنه جو وضدلت خو
متعلق اولان قلاع استوار وحصون نامدارلردن ارجیش وقلعه بایزید
وامك وابنك وطبراق قلعه سی وسماوات واحتور وجرم وبرکاد
ودستی وحله وستوره ونوان نام حصارلرك هر بری ماوای ارباب ضلالت

ومقر ملاحدهٔ شقاوت آمال ایدی کیمنی قهر تیغ بران وکیمنی حسن تدبیر مملکت
گیر وقلعه ستانی ایله فتح ایدوب جمله توابع ومضافات وملحقات ایله
اقالیم محمیهٔ خسروانه مدت قیلوب هر برنده آیین دین قویم وقوانین
شرایع نبی کریم علیه التحیة والتسلیم اجرا اولندقدنصکره جنود قضا
ورود ایله مملکت آذربایجانك قدیمی تختی اولان تبریز شهرینه عزیمت
ایلیوب بو اثناده طائفهٔ اوباش قزلباش ضلالت معاشك مقتداسی
زمرهٔ ارباب فساد وپیشوای گروه الحاد وعنادلری اولان طهماسب فاسد
الاعتقادلری بنم دیار شرقیه جمهور مسلمین وگروه موحدین ایله عزیمت
فتوح قرین پادشاهانم استماعندن قلب قرین الوسواسنه استیلای
رعب وهراس غلبه ایدوب خوف نصال سهام غزاهٔ انجام دن خراسان
طرفلرینه گریزان اولدقده مدینهٔ تبریزك حفظ حراستی ایچون طائفهٔ
اوباشدن خراشدن جمع کثیرله موسی سلطان نام مفسد ضلالت معاشنی
تعیین ایدوب مزبورم آذربایجانی انك رای هزیمت سرشتنه تفویض
ایتمش ایمش عسکر شیر صولت وببر مهابت ایله لشکر اسلام اوزرینه
هجوم ایدیجك لعین مزبورده قراره طاقت قالمیوب تبریزدن چقوب
گروه ضلالت شکوه ایله فاجدقده تعقیب ایدن غزاهٔ ظفر نصیب
ایریشوب طائفهٔ ملاحدهٔ اهل کریزی اسواق ومحلات تبریزده
فتروب طعمهٔ شمشیر خونریز ایلمشدر ماه محرم الحرامك یکرمی بشنجی
گونی موی الیه ادام الله اجلاله رایات اسلام فتح پیام ایله محمیهٔ
مزبوره یه داخل اولوب علو عنایت الهی وسمو معجزات حضرت
رسالت پناهی ایله اول دیارلری فتح وتسخیر ایلیوب تخیرات
آرای باطلهٔ ملاحده وتعرضات مفاسد طائفهٔ فاسده سببی ایله
سوالف ازمان وسنیندن الی هذا الحین معطل ومسدود اولان جوامع
ومساجد وصوامع ومعابدك ابوابی مفتوح ومکشوف قیلوب آیین
دین مبین وسنن سنیهٔ سید المرسلین اوزره جمعه نمازی قیلدوروب
شرذمهٔ ظلوم جهول وطائفهٔ مسلوب العقولك اقامت مراسم رفض
والحادی واسطه سیله متروك ومهجور اولان مدایح چهار یار گزین
رضوان الله علیهم اجمعین محافل ومنابرده علی رؤس الاشهاد تکرار
ویاد ایدوب ونام شریفمله خطبه اوقیدوب واسم سعادت رسمیمله
سکه کسدروب بالجمله عامهٔ مضافات آذربایجانی اینجه عباد سرجه
سدیرهم مکانینی ضبط ایدوب خطبهٔ اعجاز ملهم اثارا سکه تجدید

واطراف شرایع سبد الانامی هر وجهله تشیید و تمهید قیلدیلر • ومدینهٔ
سفورهٔ تخت قدیم سلاطین • ومقر سریر خواقین اولوب • لکن جمهور
بر وجهدن خالی اولدوغی اجلدن • سم غازان نام محلده بر حصن حصین
و باروی متین بنیاد قیلوب • قلل بروجن طوب دشمن کوب وعدو آشوب
ایله مشحون قلمشلر • بو اثناده جناب جلالت مآبم دخی • رایات فتح دلیل
آیات اسلام • واعلام فتوح پیام وظفر آرام • آچوب لشکر دین نصرت
قرین ومبارزان هیجا آیین ایله • منازل ومراحل طی ایدوب • دولت واقبال
وسعادت واجلال ایله دیار آذربایجانه داخل اولدوغی شاه ضلالت
پناه وسپاه طغیان دستگاهی • لشکر اقالیم گشا ومملکت ستان گیروب
بو وجهله کمال ارتقالله اولمیوب • دیار خراسانه قوتدن
بازو به کتوروب • طریقهٔ خدعه وآل • وفکر هزیمت مآل ایله عسکر ظفر
اتصال ونصرت نواله کزند قصد ایلمش • زهی تصور باطل زهی خیال
محال • بو امید ایله چقوب عراق عجمدن قزوین نام شهره کلدکده • القاص
وبهرام نام میرزا قرنداشلرین • وجمله خانلرین وسلطانلرین وسایر
لشکر شیطنت رهبرین • قوشوب • مشار الیه سرعسکر اسلام • ادام الله
معالیه • تبریز قربنده • سعید آوه نام محلده اقامت ایکن ذکر اولنان
مفسدلر کروه شقاوت شکوه ایله • اوجان بیلاغنده واقع اولان
قراوللری اوزرینه قصد ایدوب • محل مزبوره قریب • میانه نام موضعه
کلدکلرنده • مشار الیه ادام الله اجلاله که هزبر کهسار دلاوری
وغضنفر جشید فرهاد ردی • دانده اولان فرط شهامت وخلقتنده
مضمر ومرکوز اولان کمال شجاعتی مقتضاسنجه محل مزبوردن کوچوب
ذکر اولنان ملاحدهٔ فساد شعار وارندقده آثار قلع وقمعلرین کورنجه • مزبورلر
اوجان بیلاغندن چیقدقلرنده • ذات سعادت سمات خسروانهم دخی لشکر
سعد نجم ونجوم شمار • وجنود فتح ورود کینه کذار ایله • علی وجه الاستعجال
یوریوب • اشبو سنه ٩٤١ ربیع الاولنک یکرمی برنجی کوننده خطهٔ تبریز
ظلال رایات نصرت آیات وظفر غایاتله مستسعد اولدقدنصکره • آنده
قرار اولنیوب • بادنده سی کون مزبور اوجان بیلاغنده • عسکر اقبال
مآثرمه ملاقی اولوب • جناب سلطنت پناه مکارم دستگاه حاکم
کیلان مظفر پادشاه • ادام الله تعالیه • مقدما استانهٔ اقبال آشیانمه
عرض اخلاص ایدوب • اون بیک مقداری کیلان عسکری ایله کلوب
موما الیه سرعسکر اسلام ایله ملاقی اولمشیدی • محل مزبورده کلوب

شرف دستبوس سعادت مأنوسمله مستسعد اولدی • بعده جمله
اجناد ظفر معتاد ایله عدوی کفر نهادک • اوزرینه یوریوب • بو اثناده
شاه کمراهک ذکر اولنان قرنداشلریله سکز نفر خانلری اون بیک مقداری
کزیده عسکر ملاحده ایله ایلغار ایدوب • انلرده اولان قراوللری
غفلتله باصوب • قیلدوندی کروکی دیمکله معروف صعب المرور دربندک
مقدمنه ایرشوب • اول محلده عسکر شیر هجومه بر وجهله تعرض
ایتمک قصدنه شاه کمراهدن دعوا ایله ایرلد قلری خبر محقق اولیجق
باش سرخان نام محلده مشار الیه سرعسکر سلطان دخی مبارزان
جوشن پوش • وآهن تن ودلیران مغفر کلاه دشمن شکن • برله الغار
ایدوب • عسکر ضلالت رهبر محل مزبوره ایرشدین • موما الیه ذکر اولنان
دربندی کچوب • مذکور لعینلر دخی علی وجه الاتصال ایلغار ایدوب کلوردکن
مشار الیهک اوزرلرینه هجومن استماع ایدوب • ضربهٔ نعال مطایادن • روی
زمین برخراش اولوب • غبار سمند لشکر منصور ایله جو سما طولوب •
نسیم عنبر شمیم عنوان • اعدایه خاک پاش اولمشیدی • مجرد عسکر جشید
فرک نوزین مشاهده ایتمکله مقابله یه اقدام ایده میوب • اقدام هزیمت
انجاملرکه • لرزان اولمغین کیرو یه دونوب کریزان اولدقلرنده مشار الیه
سرعسکر سلطان کندو مخصوص آدملریله • انلری تعقیب ایدوب • بر مقدارینی
طعمهٔ شمشیر قلوب صنغلری شاه کمراهک اوزرینه دوکیلوب • مرام
خسران انجاملرندن مأیوس ومحروم اولدقلرنده • رایات سعادت آیاتله
عراق عجم حدودنه دخول اولنوب • سلطانیه نام شهردن مرور اولندقده
مذکور شاه کمراه بر کناه وسواس سپاه خناس پیکر وخذلان پناهی ایله
قزویندن قالقوب • ابهر نام شهره کلوب • جنود اسلام مصاف مقام •
وهیجا اهتمام ایله مقابله یه اقدام صورتن کوستروب قرنداشلرین
وخانلری وسلطانلری وسایر عسکر شیطنت رهبرینی ترتیب ایدوب
طریقهٔ خدعه وآلکه سلوک طبایع اوباش شقاوت مآلدرلکا سالک
اولوب • جمهور مسلمین وکروه موحدین طریقیله تعرض قصد ایتمشیدی
حق سبحانه وتعالینک علو عنایات فتوح نهایتی قرین آمال نصرت اتصال
خسروانهم واقع اولوب • معجزات هدایت مرتبت حضرت رسالت منزلت
صلوات الله علیه وسلامه • رهبر مرام نور انتظام پادشاهانهم ویکلکندر
بو دفعه دخی عنایة الله سعادت پناهمه آنکا • وروح پاک مطهرلرینه
علیه افضل الصلوات • واکمل‌ها التحیات • ایدوب • مقدما مشار الیه

سرعسکر روم ایلی واناطولی ودیاربکر وشام وذوالقدریه بکلربکلری
وسائر بهادران دریاجوش ومبارزان غضنفرخروش ایله وعقبلرنجه
جناب جلالت مآبم دخی عامهٔ اعیان سلطنت وارکان دولتم وروم ایلی
وروم بکلربکلری ایله باقی مبارزان اژدرهجوم وبیر رسوسیله کوز اجدرمیوب
قلع وقمع بنیان ارباب ضلال ودفع مکاید طائفهٔ جسارت مآل
ایچون اوزرلرینه عزیمت ایتدکده کر وفر لشکر ظفرنصیب ونصرت نصاب
زمین وزمانه دهشت واضطراب وطنین عثمانی آیین وشمشیرکین
اندام کون ومکانه حیرت وانقلاب کلمش ایدی بوحالت مهابت اثر
ودهشت بیکردن طائفهٔ اوباش ضلالت معاشک قلوب مغلوبلری
که مظهر وسوسهٔ شیطانیدر نشکوهنک آهنک واژدرجنکک
طوب وتفنک برق رنکلری خوفی غالب کلوب صولت نصاب سهام
کمانکشان نجوم قیاس ایله رعب وهراس مستولی اولدوغی جهتدن
مذکور دارالملک مشهورینه برکون بروصاوین قلعه نام منزله کلدیکی کبی
مشارالیه سرعسکر سلطانک هجوم ظفرلزوملرینه تحمل وتوقف ایدهمیوب
جبه خانه وتجملاتن وسائر احمال واثقالن قویوب من بخار رأسه فقد
نجی قولیله عمل کوستروب معرکهٔ ظفرد ستکاه پادشاهانه دن
روکردان اولوب اتباع واشیاعی وسائر عسکری بنات النعش کبی
پراکنده وپریشان اولدقلرنده اعیان مملکتدن طارم وخلخال خانی
اولان ذوالقدر اوغلی جناب امارت مآب محمد خان دامت معالیه
که جبلتی دین ودیانت وخلقتی صداقت واستقامت اوزره اولمغین
بعض سلطانلر ایله دخی اول طائفهٔ ضاله دن یوز دوندروب
ومشارالیه سرعسکر سلطانه کلوب عتبهٔ علیهٔ عالمپناه وظفردستکاهم
جانبنه عرض عبودیت واخلاص ایله لعین مزبور تمام ذلیل ومقهور اولوب
عسکر منصور اوکنجه قاچوب تعقیب ایدن بهادران رزم ترتیب اعدای
قهرنصیبی قووب قیروب ساز وسلبلرین دوکوب انواع غنایم ایله مغتنم
اولدیلر مملکت عراقدن درکزین وهمدان دیمکله معروف بلاده وارنجه
مشارالیه سرعسکر سلطان شاه شیاطین سپاهی قووب هر وجهله
مغلوب ومنکوب ایلیوب حق تعالی حضرتلرینک علو عنایتی ایله مرآت مراد آئینهٔ
همایونمزه تاییدات غیبیه چهره نما اولوب عدوی فتنه جو هر وجهله
مخذول وزبون اولوب دارالبوار فرارده نابود ونابدید اولدی
من بعد انلرک شمل وجمع احوالی روزکارده صورت پذیر دکلدر

بوأثناده ایام شتا وهنکام سرما ایریشوب مفسد مزبورک وجود مضرت
آلودینی چنکال قهر خسروانی برله نابود ایتمکیچون بودیارلرده قیشلامق عسکر بی
شماره متحمل اولمیوب رعایای مسلمینه ضرورت واضطراب لازم کلدوکی
اجلدن ماه ربیع الآخرک یکرمی اوچنجی کونی مذکور همدان شهرندن
عراق عرب جانبلری که مدینه دارالسلام بغداد سمتلریدر عدوی
فساد معتاد ضبطنده اولوب اول دیارلرک دخی عون الهی ومعجزات
رسالت پناهی برکاتیله فتح واستخلاصی ایچون رایات میمنت آیاتله
اول جانبه عزیمت ایلدم ذکر اولنان خطهٔ پاک مبارکده اسدالله الغالب
مطلوب هر طالب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه حضرتلرینک
مشهد نور مرصدلریله مهر آسمان شهادت مرقد منور حضرت امام حسین
وسائر ائمهٔ معصومین رضوان الله علیهم اجمعین مراقدی خصوصا همام
اکرم امام اعظم مقتدای ملت پیشوای امت ابی حنیفه نعمان بن ثابت
علیه الرحمة والرضوان حضرتلرینک مزار پرانوارلری وکه مظالم طائفهٔ اشرار
مذلت شعار ایله فی الجمله متغیر اولمشدی اول مقام قدس مغفرت انسک
احیاسی که اقصای مقاصد وآمال واهم مهمات سعادت مآلم ایدی
اول خصوص ایچون دخی عنان عزیمت ظفرقرینم اول طرفه سوق اولنوب
منازل ومراحل طی اولندقدنصکره سنهٔ مزبوره جمادی الاولی سنک
یکرمی برنجی کونی رایات نصرت آیات ایله صحرای دارالسلام بغداده وصول
بولوب حوالی وجوانبی خیم سرادقات فوز مراتب واقع اولمغین مدینه مزبوره
توابع ومضافاتی وقلاع وبقاعی ایله جملهٔ ممالک محروسه مدت اولوب
ابدی عباد ظفر بنیادیمزه مفتوح ومسخر اولمغین ضبط اولندی بو فتح
نادر الوقوعک تاریخی که کلام نصرت وفاق فتحنا العراق ایله مرقوم
اولوب بودفعه جناب جلالت مآبمه میسر اولنان تاییدات غیبیه
نامتناهینک تاریخ سالی کلام الهام نظام فتوحات الهی ایله موشح
اولجانبه واقع اولان جمهور مسلمین وکروه موحدینی تبشیر ایتمکیچون
دارنده فرمان واجب الاذعان خاقانی فخر الاماثل والاقران متفرقه
ابراهیم زید قدره ارسال اولندی انشاالله تعالی وارد اولوب تبلیغ ایدیجک
بوفتوحات متبرکه مقابله سنده عامهٔ مؤمنین ومؤمنات ومسلمین ومسلمات
بقای دولت وسعادت واستمرار سلطنت وخلافتم ایچون خیر دعایه
مشغول اولهلر شویله معلوم تحریرا فی اوائل جمادی الاولی لسنه ٩٤١

جانبلرک کرای خانه نامه ارکوبچه خانلری وسلطانلرینی مغلوب ومقهور

اولدقلرینی بیان ایدوب امور سفره اهتمام اولنمق بابنده فرمان اولندی

جناب امارت مآب دولت اکتساب عزت نصاب • پسندیده خاندان
خانی • کزیده نسل ایلخانی • آستانهٔ سعادتمزک خیرخواهی منظور انظار
عنایت الهی • حالا قریم خانی اولان جانبك کرای خان • دام منظوراً
باللطف والاحسان • حضورنه سلام سلامت نمای سلطانی • وپیام مسرت
رسان خاقانی • ابلاغندن صکره معلوملری اولورکه • حالا عجم شاهی اولان نعمت
حق ناشناس • قاعدهٔ مصافاتی متروك • وجادهٔ معاداتی مسلوك
طوتوب • حیله وخدعه ایله • ممالك تبریز وشیروانه استیلا • وغرور
نفسانی • وشرور شیطانیله • دعوای انانیت واستعلا ایتمکله عجب ونخوتی
دائرهٔ تحمل شاهانهمزدن بیرون • وحرکت مورث النکبتی مرتبهٔ رضای
پادشاهانهمزدن خارج وافزون اولدوغنه بناء • غیرت وحمیت سلطنت ١٧
وصیانت ناموس خلافت • مقتضاسنجه غضب وانتهاب ایلدوکی •
ممالکی کما کان قبضهٔ تصرفه ادخال • وخاندان ضلالت بنیانی • عرضهٔ
تخریب واستیصال اولنمق ایچون • حالا وزیر اعظمم اولان دستور اکرم
محمد پاشا ادام الله تعالی اقباله وضاعف قدره واجلاله • عساکر نصرت مظاهرمزه
سردار ظفر شعار • وسپهسالار نصرت مدار • تعیین اولنوب • ان شاء الله الملك
الغفار • طلیعهٔ اول بهار بخجسته آثارده • شمت شرفه عطف عنان
نکران عزیمت • وفتح وتسخیر بلاد مغصوبه مزه تشمیر ساق همت ایلمك
نیتی ایله محروسهٔ حلبده قشلامق بابنده فرمان قضا مضامن شرف
صدور بولمغله • جناب شجاعت نهاد • وصداقت معتاد کزه دخی ترحیه
صبیحه مزافتراحیله منصب جانبندن دست نشاندهمز • وسرکله معارضه دن
اولنلردن ودولتمزه ومراولمغله • خاصهٔ جراغمز • وپروردهٔ باغ عز اولدقلری
ملاحظهسیله اسلاف غزابیشه • واجداد هیجا اندیشه کزه متابعت
وانلرک مسلکنه اقتدا واقتفا ایله • وفق مراضی خاطر فیض مآثرمز اوزره
حرکت ایدوب • اکتساب غنایم اموال اعدای دوزخ مآلکه • ولشنه
وسفك دماء اهل ضلال ایچون اللرنده تیغ وپیکارلرینه دشنه اولان
تیراندازان نامه مبارزانیله • دشت قبچاق قدن بلاد قزلباشه یلغار
ترکتاز وسرعت صرصر دن مستعار عجله وایلغار ایله • قطع نشیب
وفراز ایدوب • مشارالیه وزیر اعظم وسردار آصف شیمم ایله زمان
ومکان معهودهده التقا • واخذ انتقام حضرت صدیقهٔ کبری ام المؤمنین
واصحاب سید المرسلین رضوان الله علیهم اجمعین • قصد ایله ذیل سمند همت

ارتقا ایلمك • بابنده مقدما نامهٔ همایون سعادت مقرونمز اصدار
وبوندن اسبق بو مقوله امر غزا وجهاد ایله مأمور اولان خانان سالفه
عنایت اولنه کلان خرج راه ومهمات سپاه • اعداد واحضار • وسیوف
اعدا کداز • وخلع وتشریفات میمنت طراز ایله • بالفعل سرور سعادتمندمزدن
خاصه چاشنکیرلر باشی اولان افتخار الاماجد والاکارم جامع المحامد
والمکارم • مصطفی اغادام مجده خصوصیکزه ارسال وتمشیدی الحالة هذه
مشارالیه سردار جلیل المقدار مزدن اشبو ماه صفر الخیرك یکرمی ایکنجی
کوننده اولاق ایله آدملر ومکتوبلر کلوب کرجستان ملکلرینک
کزیده سی وشاه عجمك ستمدیده سی اولان افتخار امراء الملة المسیحیة
زکم حاکمی طهمورث ختمت عواقبه بالخیر • ابا عن جد آستانه خلافت
اشیانه مزه صداقت واخلاص ایله اخص خدم • وجادهٔ اطاعت وعبودیتده
ثابت قدم • اولوب شاه عجم غضب ایله الندن آلدوغی زکم ولایتنی کیرو قبضه
تصرفنه کتوردوکندن زیاده اضطرابه دوشوب • ولایت زکم مستولی
ایچون شجاعت وشهامتلرینه اعتماد ایلدیکی خانلرندن وسلطانلرندن کرم
برنیجه ملاعین عسکر قزلباش ضلالت معاشله ولایت زکمه کوندردکده
مومی الیه ملك طهمورث دخی دولت علیهمزه استظهار • وآهنك جنك
وپیکار ایلدکده ملاعین بی دین برلحظه مقاومته قدرتلری • ومقاتله
طاقتلری اولمیوب • عنایت باری ایله قراری فراره تبدیل • واقدامی انهزامه
تحویل ایدوب • علی الفور منکوب ومقهور ومغلوب ومکسور اولمغله
ملاعین رفض آیینک باش بوغی • وصاحب طبل وعلم وتوغ اولان نامدار
خانلرندن کنجه حاکمی ولی محمد خان وکیلان خانلرندن مرتضی قولی خان
ولطیف خان • وشاه کرامک مصاحب ومقربی اسفندیار خان • وروان
خانی امیرکونه نک ولدنا خلف خان وارش سلطانی بیرسلطان ومحمد حسین
قولی سلطان دن ماعدا اون ایکی نفر سلطانلرك وایکی بیك سکز یوز سکسان
نفر قورچیلرك ودلاورلك • دعواسیله کلان ملحدلرك باشلری کسلوب
وفرار هنکامنده فی نهایة مفسدلر صوبه بوغیلوب وودرت جفت کوس
سنجوسلری النوب • کیلان خانلر وسلطانلر وسائر قزلباش باشلریله
مومی الیه ملك طهمورثك معتمد آدمی • ماه ذی الحجه نك اون بشنجی کونی
اخسقه قلعه سنه داخل اولوب • عرقریب مشارالیه سردار عالیشانمزه
روانه اولنمق اوزره اولدقلرینی وطاغستان حاکملرندن قدیمدن آستانهٔ
علیه مزه انقیاد واتباع اوزره اولان سلطان محمود وقموق حاکمی علیخان •

ودمور قپو دربندی حاکمی اوصون بك • وسائر طاغستان خلقی موسی الیه
ملك طهمورث ایله خبرلشوب من بعد دفع اهل شقاق ونفاقده بربریله
اتحاد واتفاق اوزره قزلباش ایله عداوته عهد ویمین ایدوب • وقریم
عسکری جناب شجاعت نهادکز ایله دربنده قریب کلدکلرنده قارشولیوب
اوکلرنجه قلاوزلق ورهنمالق ایدوب بلدکلری یوللردن سهولتله عبور
ایدوب • وسائر ضروریات ایله معاونته تعهد ایتدکلرین بالفعل اخسقه
بکلربکیسی اولان امیر الامراء الکرام حسین دام اقباله مشار الیه سردار
نصرت کردارمزه اعلام • وکسیلن باشلر والنان کوسلر ایله زکم حاکمی
آدملری • حلبه کلدکلری کبی الکندرمیوب • آستانه سعادتمزه ارسال
اولنوردی بو سردار مشار الیه عرض واینها • وموسی الیه حسین پاشانك
مهرلی مکتوبنی تلخیص وآستانه سعادتمزه ارسال ایدوب • مضمونینه
نظر فرخنده اثرمز تعلق وفحواسنه اطلاع همایونمز لاحق اولمغله •
بو فتح مبینك ظهوره بولدوغندن • وملاحده بیدینه بو وجهله هزیمت
وانکسار حاصل اولدوغندن • درگاه قاضی الحاجات • وبارگاه سمیع
الدعواته شکر بی پایان اولنمشدر • وقوتلی کون طوغمشدر • وبخت
بازکلنشدر بللودر • دیدکلری اوزره هر عزیمتك نهایتی بدایتنه موافق
وهر حرکتك خاتمه‌سی فاتحه‌سنه مطابق اولمق • عادت کریمه الهیه •
وعطیات عمیمه سبحانیه سنن مطرده سندندر • جناب رب الارباب
ومسبب الاسباب حضرتلرندن امید جاوید من بودرکه • درون صفا
مشحونکزك حسن توجهی ودعای مظنون الاجابتی • وسردار دیانت
اثار ومرزك یمن نقیبت • وخلوص طویتی برکاتیله بو سال فرخنده فالك
خلال اقبالنده • برقوتلو الدنده • دین وملته مغایر شاه بی توفیقه بو
دکلو طبانجه چالنجه • وکوردکوزی وطوترالی شابه سنده اولان
نجه خانلرو سلطانلری قلیجدن کیچنجه • محبت چاریار بزرکوار • ١١٧
وعقیده اهل سنت وجماعتده راسخ واستوار اولان • عساکر حنفی المذهب
وجنود سنی المشربك ولعن اصحاب واحباب سید المرسلین • افضل
عبادت • عدادندن روافض بیدینه • غالب ومظفر اولوب بعنایة الله
کروه مکروه ملحدینه برقلیج چالنه واهل اسلامه ایتدکلری ظلمك
اضعافیله انتقامی بروجهله آلنه کم • بو سنه عبیة الیمینه دن غیری
بردفعه دخی ایجاب سفر • وارسال عسکر لازم کلمیه • الی الآن دمور قپو
دربندی قزلباش الندن دردبو • عساکر تاتارك عبورلرینه نوع اشکال

احتمالی

احتمالی ویردوککز • لله الحمد بودفعه اول محذور بالکلیه • برطرف اولوب
جمله دربند وطاغستان حاکملری غیرت دینیه واتحاد طینیه ملابسه‌سیله
دولت علیه مزه موروث اولان اطاعتلرینه کما کان مستمر اولدقلری
سببیله سزی قارشولیوب • اوکوکزه دوشوب • بلدکلری یوللردن
سهولت ایله بحور مکه توهدیلدکلرندنصکره فرمان جلیل العنوانمز اوزره
سجدقا القوب • محل مأموره عزیمتله بروجهله عذ دنقد یمن متصدی
اولمغکز غیرتندن عدا ولنه بیلورمی مقدما مرحومان غازی‌کرای خان
وعادلکرای خان • برقاغلغا بلقدری حالنده خان دکللرایکن • ودمور
قپوکیروشمدیکی کبی دشمن الندهایکن • عساکر تاتار ایله واردقلرنده
اوکلرینه نسنه حائل اولمیوب • دربندی کجوب شروان محافظه‌سنده
اولان غازی وزیر عثمان پاشایه قاوشوب قزلباش بیدینه نه باشلر
ایتدکلرین • ومرحوم جدم بهشت مرقدم سلطان مراد خان علیه الرحمه
والغفران زمانلرنده نه جانفدالقلر ظهوره کتوردکلرین • اول معرکه‌لرده
بیله اولان تاتار غازیلرینك بقیه‌سی بلزلرمی سز خود مستقلا جناب
١٩ جلادت مآبکز دیکرسی اولوب • جمیع فرمان اولنمدین خانلغکز
ابتداسنده بویله خدمتلره بولنمغی جانکزه منت بیلمك کرکسز • خانلق
کوکبه‌سی وحکومت مرتبه‌سی ایله سز انلردن زیاده ایکن • همت وحمیتکز
وجرات وغیرتکز انلردن قات قات زیاده اولمق اقتضا ایلر بحمد
الله الحالة هذه سردار ظفر اقتدارمزه بو اخبار مسرت اثار یرشدوکی کبی
غیرت قوشاغین ایکی یردن قوشانوب • حضرت حقه توکل وروح
پرفتوح محمدی علیه الصلوات وکروم السرمدیه توسل ایدوب • اشبو
ماه محرم الحرامك یکرمی دردنجی کوننده اوتاغین طشره چیقاروب •
اعدای دینه هزیمت اسبابنه مباشرت اوزره اولمغله سز دخی مقدما
سردار مشار الیهك کوندردیکی مکتوبنده قول وقرار اولندیغی زمان
ومکانده ملاقات ایچون عساکر تاتار صعود شکار ایله قالقوب سرعت
واستعجال ایله قطع مراحل بحاری وجبال • وآهنك رزم وقتال اهل رفض
وضلال ایدوب • غیرت عقیده پاك مسلمانی ظهوره کتوروب • سردار
ظفر مدارمزه ملحق اولدوغکزدنصکره • فرصت ال ویروب • محل
اقتضا ایتدوکنه کوره اکر ملاحده بیدین ایله محاربه ومصافه • واکر تخریب
دار ودیار روافض اتصاف ادن • اعدای دین ودولت همایونمزده بروجهله مردانه
لکلر ظهوره کلمك کرکدر کم حقکزده انواع عواطف علیه مز متواتر • واصناف

عوارض جزئیه مزمتکاثر اوله‌ رك عساکر اسلام حقنده جناب خلافت انتسابمزك
توجه خاطر صفا مظاهری ودعای خیر اجابت ماثری وممالك محروسه
مزده اولان عامهٔ علما وصلحا وسائر مؤمنینك آمینی بیله در عنایت حق
ایله هرجا بندن ابواب فتح وظفر کشاده واسباب سفر ومهمات عسکر
آماده در سز لازم اولان مهمات ضروریه وعساکر تاتاردن غیری
قصور قونلمامشدر اکا کوره بو نامهٔ التفات مقرون ونمزو صولنده نصکره
نه مقدار عسکر ایله نه کونده قالقوب عزیمت ایتدوککزی وسردار غزا
ایله نه‌ ملاقات نه محلده ونه زمانده قرار ویردوککزی مجدد عرض
والنهایه اهتمام ایدوب مرضئ خاطر قدسی مظاهرمزه استجلاب ایله
ارتفاع قدر وازدیاد اعتبارکزه باعث خدمات پسندیده ظهورینه
توجیه عنان عزیمتکزی شعر اخبار دیکز ارسالده بذل مقدور وسعی
وجهد موفور ایلیه‌سز

صدر اعظم طرفندن قریم خانی تاتار خانه یازلمشدر

جناب دولت مآب رفعت نصاب سعادت اکتساب مروت
انتساب حضرت خان کامین وکامیاب جواهر درر دعوات
صافیات وافیات وردیهٔ التسلیمات وغرر زواهر تسلیمات صالحات
خالصات زاکیات مسکیهٔ الفوحات که محض موالات وفرط مصافاتدن
صادر اولور اتحاف واهدی قیلندقدنصکره اعلام محبت پیرا بودرکه
بوندن اقدم جناب معالی نصابکزه نامهٔ همایون خسروانی کوندریلوب
دمورقپوی محاصره‌ ایچون تاتار عسکرندن بکرمی بیك مقداری عسکر تدارك
ایدوب حاضر ومهیا ایلمککز فرمان اولنمغین حالا اسلامبوله مکان
مکتوب شریفکز وارد اولوب دمورقپویه کوندریله جك عسکر تاتار
سپارش اولنه عتبهٔ علیایه کوندریلدکده قرندا شکز فتح حضرتلری سردار
نصب اولنمق مناسب کورلدکده وعسکر تاتار مشار الیهی سردارلغه
قبول ایلدکلری بیلدرمککز اجلدن سعادتلو وعزتلو وشوکتلو
پادشاهمز اعز الله انصاره حضرتلرینك انواع التفات واهتماملرینه
مظهر اولوب اجازت همایونلریله کیرو سزك جانبکزه ارسال
اولنمشدر انشاالله تعالی واروب وصول بولدقده قدیم الایامدن
الی هذا الآن آستانهٔ سعادت عنوانه صداقت واخلاص وفرط
اختصاصکز مستدعاسنجه مأمولدرکه بوبابده کرکی کبی مقید اولوب
عسکر تاتاردن فرمان سابق اوزره بر او کزیده عسکر تدارك

ایدوب مشار الیه وارنجه‌یه دکین حاضر ایلیه‌سز که فرمان خسروانی
اوزره وارروب وصول بولدقده سزدنی جانب شریفکزدن انواع استمالت
ویروب کیده جك عسکر باش بوغ تعیین ایلیوب کوندره سز
که بلطف الله تعالی واروب دمورقپویه واصل اولوب وبجلو بجانب
کوردکلری وجه اوزره اوغورهمایون اوزره انواع یوز اقلقدری تحسین
سعی بلیغ ووجد بیدریغ ایلیلر که صدور بولان خدمات مبرورهٔ وسعی
موفورلری مقابله‌سنده انشاالله انواع عنایت پادشاهی واصناف
رعایت شهنشاهی ایله مرعی ومحترم اولمه‌لری مقرردر اکا کوره باب
اقدام واهتمامده دقیقه فوت ایتمیه‌لر نه وجهله تدارك اولنوب
ونه مقدار عسکر کوندرلدیکن واول جانبك احوالی نه مآلده بازوب بلدوره سز

صدر اعظم مراد پاشا طرفندن غازی کرای خانه یازلدن مکتوب

عالیحضرت سامی رتبت هوشنك هوش دارا درایت سیاوش وش
کی کیاست خسرو رو سنجر جرات فریدون فر افراسیاب فراست
مهر سپهر سروری وخاقانی شمع جمع صفدری وفرمانروانی فروغ دودمان
جنکیزی فارس میدان داوری وجنات انکیزی شاه بیت قصیدهٔ اجلال
درهٔ التاج افسر اقبال حضرت خان مکرمت آیین دام فی منهج الهدی
والدین لا زالت الویهٔ رفعته خافقهٔ بهبوب ریاح النصر العزیز والفتح المبین
وما برحت شموس بروج دولته طالعةً من افق العزة والتمکین بمحمد
النبی الامین صوب صواب قربانلرینه صمیم دل دبغلدن صادر و
درون اخلاص شحونلرندن متبادر اولان ادعیهٔ صافیه واثنیهٔ وافیه
ابلاغندنصکره ضمیر منیر دقیقه شناس وخاطر عاطر عرفت اقتباسلرینه
که فی الحقیقه کان جواهر عز واقبال ومظهر انوار سعادت واجلالدر
خفی وپوشیده بیورلمیه که اکر خصال حمیدهٔ معروفه وقاعدهٔ کریمهٔ
مألوفه‌لری اقتضاسیله بو مخلص نیکخواه سعادت جوبلری طرفندن
تفقدنمه عطف عنان بیوریلوب همت هما همتا وحسن توجه کیمیا
آسالری مقارنتیله لیل ونهار تنظیم امور دین ودولت وتمشیت مهام
ملك وملت بابنده صرف اقتدار ایدوب ذات ستوده صفاتلری
سفرده وحضرده حصن حصین پروردکارده آفات چرخ دوواردن
مصون ومکاید تیرهٔ روزکاردن مأمون اولمه‌لری دعالرینه وردزبان
وحرز جان ایدینوب سابقا خدمتکار او غور دین ودولت صاحبقرانلرینه
ظهوره کلن خدمات عدیده ومجاهدات پسندیده‌لری بنان قلم ایله

بالدفعات مسامع علیهٔ همایونه تحریر والقا و دولت علیه یه موروث
اولان صفای باللری علی الاستمرار اذه باد اوزره اولدیغی نهادن خالی
اولمدیغی منزلهٔ خفاده دکلدر فیما بعد دخی ما بینلرنده منعقد اولان اساس
خلت تشیید وباس اخوت تجدید اولنمقدن خالی اولمامق مصمم
ایدوکی حاجت بیان دکلدر همیشه مقاصد علیه لرینک تمشیتی وذات
ستوده صفاتلرینک عز حضور شهنشاهیده ارتفاع قدر ومنزلتی
خصوصنده دقیقه فوت اولنمامق مقرر ومحقق ایدوکی معلوم حضرت
خداوندکار مطلقدر غب ذا علم عالم ادارینه خفی خفاده دکلدرکه
عسکر ظفر کردار علی التوالی والاستمرار کفار دوزخ قرار اوزرینه
سفر ایدوب روم ایلی واناطولی بقیاسنده اولان لشکر ظفر مأنوس
جانب انکروسده اولمغیله مملکت وولایتده روز بروز بر رشتی
ظهور وبروز ایدوب عسکردن خالی اولان یرلرک اکثری اشقیا
ایله مالامال اولوب دفع وازالهٔ ایچون بر قاچ دفعه سردار کوندرلدکده
دفعه مجاللری اولیوب طمع خام واعمال نافرجام وسوء تدبیر
واهمال وتقصیرلری اقتضای آتش فتنه لری اشتعال واحوال رعایا کلی
اختلال بولوب خصوصا حلب بکلربکیسی اولان جانبولاد اوغلی دیدکاری ٢١
بد نهاد نصب رایات عصیان واظهار بغی وطغیان ایدوب مملکت
وولایتدن دفع وازالهٔ سی مهمات دین ودولتدن اولمغیله وبو مخلصکز
انکروس قرالی ایله ما بینلرنده اولان شر وشقاق ودوو وفاقه تبدیل ایدوب
اول طرفده اساس مصلحت ذات البین کما ینبغی استحکام بولمغیله عسکر اسلام
مظفر اعلام ایله اناطولی بقاسنه کچوب مملکت وولایتده باش
قالدران اوباشلرک مأوی وباشلرینی ازوب جمعیتلرینی تار ومار
وشور شرلری کشوره انتشار بولان بد کردارلرک آب تیغ منع تاب ایله
آتشلرینی تسکین واولکروه بی تمکینی قتل ایچون شمشیر کینی کسکین
ایدوب قطع منازل وطی مراحل ایدوب حلب طیرا غنه داخل اولدقده مزده
سالف الذکر جانبولاد اوغلی دیدکلری فساد معتاد سوار وپیاده قرق
بیکدن زیاده لشکر هزیمت اثر ایله کلوب عسکر اسلام نصرت انجام ایله
مقابله ایدوب مقاتله یه قصد وهجوم ایلدکلرنده بو وجهله سلوک
مسلک فساد وتخریب بلاد وتهییج فساد ایدن ارباب بغی وعنادک
نص کتاب وسنت واجماع امت ایله قتللری حلول واولد بد سکالرک
فتنه لرن تسکین بابنده اهمال واهمال وبال ودنیا وآخرتده سبب عار ونکال

اولوب فقاتلوا التی تبغی حتی تفیء الی امر الله ایت کریمه سی مدلولی اوزره
بونلر ایله جنک ایلمک غزا وجهاد ودین مبین اوغورنده عظیم اجتهاد
اولدیغی مقرر اولمغیله بو جانبدن دخی افواج بحر امواج جوش کوه شکوه
دریا جوشه وکثرت نای وغای خروشه کتوردوب بحر حرباک دکرانبهای
جزای غزایه طالب اولان غواصلری بر تاب وکرداب دریای وغابه
طالوب پلنک جنک ونهنک آهنک جنک جویلر ایله غیرت دین
وحمیت اسلام ایله اقدام تام ایدوب اوزرینه کلوب یای مقابله
اعدای دبر فرجای جای مقاتله دن اول کون آرامیوب ایرتسی کون
علی الصباح رجوم هجوم شکوه کروهلر وفوج دریا موجلر هوای غزا
ایله جوشه کلوب تکرار مقابله اولدقلری ملاعین هزیمت قرین
عساکر اسلام نصرت رهین ایله مقابله یه جرأت وحضرت رسالت
منزلت علیه الصلوة والسلام حضرتلرینک علم شریفلرینه مقابل اولوب
اوزرینه دانه تفنک سرپوب اول حضرتک علم شریفنه حاشا اهانت
ایلدکلری اجلدن ومنع نابرجالری دنیا وآخرتده موجب خسران وخسارت
اولمغین درحال لشکر هزیمت اثرلری منهزم اولوب میدان کارزارده
ساعت واحده ده وجودلری منعدم اولوب اول روز فیروزده اون
بیکدن زیاده ملعون طعمهٔ شمشیر خونریز اولوب بقیة السیوف
اولنلرک آردنجه دخی عسکر نصرت رهبر کوندروب عساکر ظفر
مآثر ایله محروسهٔ حلبه داخل اولنجه بش اون کونه دکین هر کون
اول سرکشته لرندن بشنه لرپیدا اولوب محروسهٔ مزبوره یه کلندکده
شقی مزبوردن نه نام ونشان پیدا ونه وجودندن اثر هویدا اولوب
بر قاچ آدمیسی ایله غیبت وفرار وترک دار ودیار ایتمکین اطراف حلب
بلکه بالکلیه ممالک عرب تنظیم مهمات امور دین ودولتدن اولمغین
کندو مرحلهٔ ده قالوب وسائر عسکری بر بر ممالک عربده قشلادوب
اطراف وجوانبده کلش ملکه اکصونان خار دلازاد وبیکانه لرک
دست تطاوللری قطع وکار وبار قرارلرین قمع ونار دمار ایله احراق
ورماد وجودلرین بادکارزار ایله پریشان ایلدک بفضل الله الملک
العلام بو طرفده دخی نظام وانتظام وبرلشدر ایله اولسه اول
بهار میمنت آثارده عسکر بی درنک ایله سیواس لشنده درنک وجمعیت
ایدوب دخی مملکت وولایتده اظهار بغی وفساد ایدن بد نهادلرک
نهاد بد لرنده اولان فسادی قمع وبنجهٔ سخت ودرخت بغی وعنادی

نیروی بازوی اقدام واهتمام ایله • بیرامن کلشن ولایتدن قلع ایتمکه •
تصمیم ونیت اولنوب • ذات سعادتکز دخی اول جانبه نه طرفه توجه
اقتضا ایدرسه • اکا کوره جرأت ایتمك مصمم اولوب • ودودمان خلافت
بنیان عثمانی • وخاندان سلطنت عنوان صاحبقرانینه • محضا حمایت
بیضهٔ اسلام ومسلمانی • ومراعات خاطر قدس مظاهر خسروانی • وتحصیل
مرضی عاجله وآجلهٔ سبحانی • ملاحظه سیله ایلکلدکلری خدمات
عدیده وغزوات پسندیده لری کم • علی مر الشهور • السنهٔ خاص وعامده
مذکور ومشهور اولوب • جریدهٔ مآثر حمیده ودفتر سیر پسندیده
لرنده ثبت اولنمشدر • بو سنهٔ عمیمة الیمنه ده دخی ظهوره کتوریلوب
بدل نفس جلادت محللری اولان • فرزند ارجمند دولتمندلری نوخته
سلطان حضرتلرینی • اون بیك مقداری جیوش دریاخروش تاتار ه سرداز
وسپهسالار ایدوب • سینوب اسکله سندن بو مخلص صداقت شعارلری
طرفنه ارسال وایصال بیورمه لری غایت مأمول اولمغین • اولبابده
ورقهٔ اخلاص بدرقه تحریر اولنوب • کوندرلمشدر • حقا که بو مخلصلرینك
صواب دیدی • واول خاندان عالیشانك دقایق شناسلك فراست
ذهن آفتاب اقتباسلرندن امیدی • بودر که • سنهٔ سالفه ده اکر
فرزند ارجمندلرینك • واکر ذات سربلندلرینك • عزیمته مانع اولان
عوایق وعلایق بو سنهٔ مبارکه ده سبب تاخیر وتوجه تشریفلرینه
دامنکیر اولیوب • ملحوظ اولان آثار شجاعت وفرزانکی • واطوار صداقت
ویکانکی مقتضاسنجه عساکر تاتار صبا رفتاره • مشار الیه ولد امجد
اسعدلرینی • سردار وسپهسالار نصب وتعیین بیوروب • سینوب
اسکله سندن • بو طرفلره ارسال وایصالنه • همت والا منقبتلری
مصروف اوله • بو بابده وجوده کلن خدمات پسندیده لرینك
نتایجی ان شاء الله تعالی • بالکلیه جناب مکارم انتسابلری حقنده
دکل • انقراض ادوار وانتهای روزکاره دکین اعقاب واخلاف
سلسلهٔ علیه لری حقنده • انواع الطاف واعطاف خاندان ثابت
الارکان جهانبانی یه • علت مستقله اولمسنه ریب یوقدر •

صدراعظم خلیل پاشادن جانبك کرای خانه یازلمشدر

فارس میدان شهامت • غارس نهال شجاعت • فروزندهٔ عزت وبختیاری
فرازندهٔ اعلام شوکت وکامکاری نخل برومند ریاض سعادت وکامرانی
ثمرهٔ شجرهٔ سربلند باغ فرمانروانی • مظهر الطاف یزدانی • دام محفوفا

بالعون الربانی • حضرتلرینك موقف رفیع علی الشان • ونادی منیع شامخ
الایوانلری • قبلنه مراسم درر تحیات خالصه که دیباجهٔ فاتحه سنه • رقم
اجابت رحمانی کشیده • ولوازم غرر تسلیمات صالحه که • خاتمه سنه اثر قبول
صمدانی رسیده اوله • مرعی ومؤدی قلندقدن نصکره • ضمیر منیر خورشید
ضیا • وخاطر خطیر مهر انجلا یه • انهاء محب سعادتخواه بودر که • رأی عالم آرای
خانی • وخاطر عاطر سلطانی یه • پوشیده وخفی بیورلمیه که • بوندن اقدم مرجع
سلاطین • وملاذ خواقین اولان • آستان محلی الارکان پادشاهی طرفنه •
لیه قزلباش مقرب ومؤتمن ومستشار ومحترم آدملرندن غرغنجه خراسانی
نام کاتب سری • ونامه سنده وکیلم دیو تصریح ایلدیکی ایلچیسی کلوب • فرم
دکرده فساد ایلین قزاق اشقیاسی ایچون مؤاخذه اولندقده • مزبور کرکه
متصل فساد وشناعت ولوندلك ایلدکلرینه • موجب وعلت کاه وبیکاه
طرفکزدن ولایتلرینه آقین اولدوغی اجلدن • بالضروره بو کاری اختیار
وفسادلرینه اصرار ایلمشلردر • دیو جواب ایلدکده آخر الامر وکلای
سلطنت ایچنده • وجمله عهد وپیمان ونه یوزدن تمسك ویردوکی
بوندن اقدم کوندریلن نامهٔ همایونده • وبو هوادارلری طرفندن تحریر
واملا اولنان عبودیت نامه ده تفصیل واعلام اولنمشدر • واول تمسك
دخی معمول به اولوب • نقضی قنغی طرفدن ظهور ایدرسه • طرف آخر
من بعد مؤاخذه یه امکان اولمامق اوزره قرار داده ایکن • بو سنهٔ
مبارکه ده دخی اسلوب سابق اوزره • اول تمسکك احکامنه موافقتله
ولایتنه عسکر تاتار دستوری اولوب • خانمانلرین یغما وتاراج • وحد
شماردن افزون اسیر اخراج اولنوب • عقد اولنان شروط وعهود
انامل خلاف ایله منحل • وتمسك مزبور احکامنك ابقاسنه تکاسل
اولنمغله • انلر دخی ابتدای نقض سزك طرفکزدن دیو اولبابده نقد کر
مبهم ومهمل اولدیغی مسموع اولدی • لکن بو اثناده مشار الیه یدیلرنه
نامهٔ همایون ارسالی اقتضا ایلدکده • بو ماده ایچون جناب نعم المآلکزه
طرف قرین العز شاهیدن ارسال اولنان نامهٔ همایونك وصولندن
اول بو کاره تصمیم ونیت • وقدیمدن اولان ویرکولری ویرلمکدن قبل
العهد عوامل ایچون توجه وعزیمت ایلمشلریدی • اما وجه شروح
اوزره • سز معتاد اولان ویرکولری کذشته سیله ویروب طرفکزدن
لازم کلن عهده وفا ایلدکدن نصکره • خان مشار الیه امتثال فرمان
اولکلامرده تهاون ومخالفت احتمالی محالدر • دیو باب اعتذاری مفتوح

طوتوب اول تقدیرجه تمسك مزبور شروطنه هنوز خلل طاری اولمدیغی
محقق دیو تسلیهٔ خاطر خیرخواه دولت اندیشلری طرفندن تحریر اولنان
مکتوبلرده دخی تفصیل مزبور درج اولنوب نصح وپند وسنین سابقه‌دن
کذشته قالان وبرکولرین بهرحال تدارك ایدوب اول طرفدن اولنجق
ابواب اعتذاری محکم سد وبند ایلیه سز دیو تنبیه اولنمشدر مأمول
اولن بودرکه بو بابده اولان نصح وپند مزسودمند ونتیجه بخش اولوب
دولت ودینه لایق ورضای همن اقتضای پادشاهی به موافق ومطابق
حال الی ظهور ایدوب حسن تدبیر دلپذیر ایله قریم دکز یالیلرین دخی
برزمان ملاعین خاسرینك شور وشرلرندن امین ایدیه‌لر امدی بنم
عزتلو وشجاعتلو خان عالیشان اوغلم بو محب خیرخواهلرین
پدر خیرانديش وهوادار صداقت کیش بیلوب پند سودمندمزله
کاربند ونصح جمیل ایله ابدالدهر سربلند اولمغی استیوب فیمابعد
طائفهٔ تاتاری خلاف رضای شهریاری لیه ولایتنه غارت ویغمایه
رضا وبعد العهد شور وغوغا اولنجق الجواز کوسترلمیوب
اسبدولرین منعه جلی همت بی همتا ایلمکز مأمولدر خصوصا خلاف
مذهب ودین اولان برطائفه ایله معاهده اولان احوال اول طرفدن
خارج مرکز عهد بهرحال نقض عهد بو طرفه راجع اولدوغنی رضا
کوسترمك خردخرده بینلرندن بعید اولد وعندنده غیری اطاعت
اولوالامرده تهاون خردمندلر ایشی وسربلندلر روشی دکلدر اکا کوره
بو بابده وسیلهٔ رضای الهی اولان رضای همن اقتضای پادشاهی کوزه‌دوب
ابقای عهد وشرط وتمهید سعی واهتمامکز مسؤلدر

غازی کرای خانه نامه درکه اردل کفره‌سی وسائر اهل حربك
فسادندن دار اسلامی محافظه وصیانت بابنده یازلمشدر

معلی کلمة الله العزیز زبدهٔ نسل جنکیز جانسوز دشمن پرست تیز وجکر
کفار بدکردار نا تمیز عرصهٔ هیجاده پیشوای دلاوران ناکزیز وسینه
کزیدهٔ خانان بسندیدهٔ سلطانی دریچهٔ بریننده ومدحت کوی
صداقت آیینه کزیده خانان بسندیدهٔ سلطانان غازی کرای خان
طال بقاه فی امان ربنا المنان صوبنه بیت دعاهایی کم برلب تا
نوید فاستجبنا ها شنیدم اهدا اولنوب انها اولنورکه سایهٔ لطف
واحسان ملك مستعانده جند بسیار دی کران وعسکر جرار انجم
شمار ایله نهر اوزرندن کذران ایتدوکی بشارتنده ومعسکر همایون

پرکینا اعداده خون ریز اولان

اسکو

٤

اسلامی جانبنه شتاب وسرعتکز اشارتنی متضمن نامهٔ مودت معجز
بو ایام میمنت انجامده وصول بولوب فطرت پاکیزه طینتکزده مرکوز اولان خلت
باهره‌نك استماع آثاری ایله سینهٔ سکینه مشالمزه انشراح وانبساط بلکه
مطلقا افئدهٔ مسلمینه سرور ونشاط حاصل اولدی حفظکم الله فی
طرق الجهاد عن مکاره الکون والفساد دعاسیله السنهٔ مسلمین کویا
وقلوب المؤمنین بو دعادن نتیجه جویا اولمغین سعادت دارینه مغتنم
اوله جق جای ریب دکلدر اماخوف کلدرکه اعدای دین اسلام هرجانبدن
اسب انتقام اسانت لکام ایله میدان بغی وعناده ده‌نك ویوده وحدود
ممالك اسلامیهٔ سلامت آباده پای ابقا دنا رفتنه سعی جست وجوده
اولوب نهایت فساده کلی اتحادلری واردر رؤسای کفا دربرینی اضلال
واغوا وحرب وضربه دلالت واغرا ایدوب قدیمی جزیه کذارلریمز
اولان اهل ذمت کرن منا بعتلرین کریبان اطاعتدن دور ایتمکله
سرحد اسلامیه تشویش ایدوکی هنکامده آیینهٔ املده صورت فتح
وظفر نمایان وپیدا اولورسه فبها ونعمه واکر ملاعین برمقدار وقت
شکای خدعه‌یه استناد ایله سد ثغور دلاوری ایتمکله فتح طرفی احیا
ایدرلرسه سنهٔ ماضیه‌کبی نتیجهٔ معاودتدن رب العزت صیانت
ایده تحریر مهول مثال طابور محصوری الجرم برکشته حال اولدقلری
اوانده تاتار بادرفتاردن کروه بسیار وعثمانیان شجاعت شعاردن
دلاوران عدو شکار ایله مرز وبوملری اوزره عزیمت وهجوم ایدوب
معموره یرلرینی تخریب وزیر وزبر وسکاننی قتل واسر ایله دربدر
ودرنج وضعلرین انتقاعدن بری ومقام تعیشلرین مرك جانکاهدن
بری لایده سز تاکه ملاعین بوکونه صدمه‌یه مصادف اولوب هرسنه
اللرندن استخلاص اولنان قلاعك برینی المغه سعی ایلیه‌لر تسکر
اسکی اتعاب وعود عسکر ایاممنده ممالك اسلامیه‌یی خراب ایتمیه‌لر
من بعد ملجأ وماوالری اولان اماکنی منا خدن نهب وپایمال وجای
تعیشلری اولان مساکنی نار قتال ایله براشتعال ایتمکده بذل مقدور
ایده سن کم رعایاسی برکشته وپریشان وکندولرده تاب وتوان
قالمیه واردل بهمل آسودهٔ سایهٔ دولت قاهره مز ایکن اظهار عصیان
ایدوب ومیخال بدفعالك امدادیله بربرینی اضلال اوزره اولوب
ممالك اسلامیه‌دن آسیب وفتن منقطع اولمدی نهر طونه‌دن شقه
ایله ملاعینك شقا الوده‌لری ممالك اسلامیه‌یه اطالهٔ ید ایتدوکجه

١٧

بوندن ردیدکره قطاع طریقه دیمدك من بعد کاه اولنلم دیو طوتلن
اوبجوسی ویروب حیله وخدعه لرینی بوزیدکل صنورلر هنکام عود لشکر
اسلامده اقتضا حال اردل اردخی بلدرمك کرکدر ملاعین هر
طرفدن تخریب ممالك وسوق ممالك مرارتیه ذایقه لرینی حس ایتمیجه ١١٩
دماغلرندن سودای فساد زائل اولمز وکید شرع ودوشنده قتل واسیر
ایله حاللری دکرکون اولمیجه وقلعه لر محافظات ثغور وعسکر
منصوردن جمع موفور وبارمادن کروه نامحصور ایله طوتمیجه آیین
نحوست اعتیادلری اوزره آماده ایتدکلری اسباب فسادی ترتیب
وتشویش ممالك محروسه ایچون جمع برلمعه لرین تخریب ایدرجکلردر
خدای تعالی حضرتندن مسئولدرکه انلرك کاسد تدبیری فاسد اولوب
اهل اسلامه اثری هبا اولمیه احوال سرحد وافعال دشمن پرحیله
وفتن محاط علم وسعورکزدر مکاتیب سالفه ده موعود اولان
امورى وجوده کتورمینجه معاودت اولنورسه سنه آتیه ده بکید
مشقت عودت ارتکابی لازم اولور ان شاالله تعالی فیرم محفوظ
وجوابنی ملحوظدر لازم کلورسه کفه جانبنده اهل سفره اوامر امداد دیو رلمشدر
بعد العود بالفتح والظفر لازم اولدوغنه کوره محافظهٔ قریبه برمعتمد بکلرکی
کوندررسکز بتوفیق الله تعالی دفع خاطرهم مأمولدر بوسنه سرحد
ممالك اسلامیه ده ارام واولجانبلرده قشلاق قلوری مقام ایتمکز انسب
بلکه اوجب کلانوز شویله کم بوسنه اسباب سفر ساختن وقهر عدو
بر داختن اولمز اول تقدیرجه مرخص اولورسز رضای سعادت اقتضامز
متابعتکز ورای همایون اصابت ابتغامزه حسن اطاعتکز اولدوغنه وثوقمز
اولمغین اوغوریمزده اولان متابعتدن روکردان اولمدوغکز اعتقادیله ٢٥
استرزکم بوسال فرخنده فالده ابطال آمالیٔ وبود کلوتدارکلار بی مآل
اولمیه وما النصر الا من عند الله ان الله عزیز حکیم وکدم

قرمخانه نامه درکه دمورقپویه متعلق امداد ایچون یازلمشدر

حالا سدهٔ سنیهٔ سعادت مدار وعتبهٔ علیهٔ عزت قرار مرجع کم ملاذ
خواقین کرام وملجا سلاطین عالیمقام مدر کتاب مستطابکز وارد
اولوب مضمون صداقت مشحوننه بوندن اقدم طرف قرین الشرفکزه
نامهٔ سعادت ختامه مز ابلاغ اولنوب بو اثناده دمورقپو شیروان
جانبلرینه جنابکزدن معاونت ومظاهرت اولنه کلدکله اسلوب
سابق اوزره وافر مستوفی عسکر تاتار عدو شکار ایله بالذات کلدیکز

وباخود قائم مقامکز اولمغه انسب برفرزند دولتمندکز ایله کفایت قدر
عسکر ارسال اولنمق فرمان شریفمز اولدوغی وبرادر مغفرت مظهر بکز اولان
محمد کرای خان مرحومك زماننده مقرحکومتکزدن دمورقپویه واریجق
یول اوزرلرنده جملهٔ نوای طائفه سی ساکن ومتمکن اولوب اول طرفه
متوجه اولان عسکر تاتاره معاونت ومهمات ومایحتاجلرین تدارکه
سعی ودقت ایلدکلرین وحالا اول سمتلرده نوای طائفه سندن کمسنه
قالمیوب پراکنده وپریشان اولمغله یرلرینه روس منحوس کفره سی
کلوب جابجا ستمکن وسنجر رحکذرا ایلدکلرندن ماعدا عسکر تاتاره
باشقه واروب بوجانبدن تعیین اولنان طوائف عسکر ظفر شعاره
باشقه واریجق یرلرینه ملاقاتده صعوبت وعسرت مقرر اولوب
شاه عباس ضلالت استیناس طرفندن دمورقپو وشماخی اوزرینه
مستولی اولندوغی خبری وارد اولوب رای صایب وفکر ثاقبکز اقتضا
ایتدوکی وجه اوزره تقدیم تمشیت خدمت ومصلحتهٔ انفع ودولت
علیه مزه خیرخواهلغنه متعلق نیجه مواد لایقه منصهٔ ظهور وبروزده
نمایان قلندوغندن غیری محل خدمت وزمان فرصت فوت
اولمزدن مقدم نه وجهله ادای خدمت فرمان اولنورسه امر
واشارت اولنه که اکا کوره تقدیم مراسم خدمت اولنه دیو موقف
رضاجویده قیام ومترصد فرمان واجب الاحترام اولندوغی
انها واعلام اولنوب دخی سفرلر احوالنه متعلق واعدای بدرای
دفعنه متفرع ترجمان قلم مشکین رقم هونه تفصیل وبیان وشرح
وعیان قلنمش ایسه تقریر وتحریر پایهٔ سریر سعادت مصیرمزه عرض
ونقریر اولنوب جملهسی علم شریف خسروانه مزه علی الوجه الکمال محیط
وشامل اولوب اولبابده جنابکزه توجه خاطر فیض مآثر مزمزداد
وفوق المعتاد اولمشدر امدی حضور رجلادت موفوره حیز خفاده
اولمیه که حالا شیروان طرفندن عرضلر آدملر کلوب انده اولان
غزاهٔ شجاعت نهاد امرای طاغستان ایله اتحاد واتفاق ایدوب
اعدای بدرایه عظیم کوشماللر ویروب جنابکزدن معاونت ومظاهرت
صدور ایدجك اولورسه اول سرحدده اولان اعدای دینه عون
خدای متعال ایله جواب ویرلیوب انواع یوزاقلقلری مقرر دیو
انها ایلیوب مجددا امداد واعانتلرینه عسکر ایرشدورلمه سی
خصوصنده عرض واعلام المشلر ایله اولسه حالا صدر اعظم

وسردارِ اکرممز اولان دستورِ مکرم مشیرِ مفخم نظام العالم مراد پاشا
ادام الله تعالی اجلاله وبشّر بالخیر آماله • جمله روم ایلی وآناطولی عسکر الله
وینکیچری والتی بلوك خلقی وقوللریمز اغالریله وعموماً عساکرِ ظفر مآثرمز
ایله بو طرفدن واروب • ابرشمك فرمان اولنوب • اول جانبدن
دخی مقدما اشارت اولنان وجه اوزره بالذات توجهکزی ممکندر
بوخصه برفرزند دولتمندکزی ارسال اولنور بای وجه کان وافر •
ومستوفی عسکرکز ایله اطاعت کردار ایله تعیین اولنمق انسب واولی
اولمغین • اولمقوله یوللرده سدّ راه وقطع کذرکاه اولنمش محللرده
تفنات انداز لازم اولمغیله • ینکیچری قوللریمزدن ایکی بیك موجود ینکیچری ٢٦
تعیین اولنوب • ومهمات ولوازمی کوریلوب • کمیلرله اول جانبه
کوندرلشدر • وسابقا طمشوار وروم بکلربکلری اولوب • حالا بروجه
اربه‌لق سلستره وینکبولی سنجاقلرینه متصرفلر اولان احمد ودیکر
احمد دام اقبالهما • وبندر وفرق کلیسا سنجاقلری بکلری دام عزهما •
والویهٔ مزبوره‌نك عموماً زعما وارباب تیماری الای بکی وچری باشیلری
خدمت مزبوره‌یه تعیین اولنوب • واروب جمله‌سی ملاقی اولدقدن
عساکریانا دعد وشکار ایله حسن اتفاق واتحاد اوزره محل مأموره
ایصال • وبعنایة الکریم المتعال فرصت وریوب • محل اقتضا ایتدوکنه
کوره غزاة سرحده امداد اولنمسی اقصای آمال همایونمز اولمغین •
بوبابده نامهٔ همایونمز تحریر واملا اولنوب • ارسال اولنمشدر •
انشاالله تعالی خیرله وصول بولدقده قدیم لایامدن الی هذا الآن
اباً عن جد آستان رفیع المکان • وعتبهٔ سعادت بنیانمزه اولان
حسن خلوص وموالات • وفرط اخلاص ومصافاتکز مقتضاسنجه
بوبابده تحصیل رضای میمنت اقتضامزه ساعی • ودولتخواهلق مراسمن
مراعی اولوب • حیطهٔ اقتدارکزده اولان وارقوتی بازوی همته کتوروب
بوکار میمنت آثاره • هر نقدر خطر ودشوار کورینورسه دخی • عسی
ان تکرهوا شیئا فهو خیرلکم • فحوای سعادت احتواسی اوزره حبل متین
توکله توسل واستناد • وچار یار سعد اختر علیهم رضوان الله الاکبر
جنابلرینك ارواح مقدسه‌لرندن استعانت واستمداد ایدوب •
وجه مناسب ورای صایب اوزره ارسال اولنان ینکیچری وسایر
عسکر ظفر رهبرمزله وافر ومستوفی تاتار نصرت کردار تدارك واحضار
اولنوب • دشت قبچاق طرفندن روانه ایلکسی ورقت اولنکز اولمقوله

سدّمز • وقطع رهکذر ایدنلر • اکر روس منحوس کمی سیدی • واکر غیریدر •
بعون الملك العلام • بادپایان عسکر اسلام ایاغی التنده زیر وزبر اولوب • شیرازه
بیشه وغا • رهکذرنده اجتماع ایدن روباه حیله کر مانع رهکذر اولمق
متصور اولیوب علی کل حال • عون خدای متعال ایله شیروان طرفنه امداد
ومعاونت اولنمق اهم والزمدر • قدیم الایامدن الی هذا الآن شیروان دیارینه
اولسمتدن دمورقپودن معاونت ومظاهرت اولنه کلوب • عسکر تاتار دشمن
شکار اول سمتدن روانه اولنه کلمشیکن حالا سمت خراجستان اولندیغی تقدیرجه
اعدای دینك زیاده بوزلماسنه باعث • وزعم فاسدلرنجه کندولره زیاده
اعتماد حصولیله ازدیاد حرکت بی برکتلری متمادی اولمق احتمالندن استغنا
اولنور • خصوصا وقتنك اولوب قریبدن بو جانبه چیقوب • بوندن
شیروان سرحدینه واروب ابرشمك متعسر ایدوکی واضح وروشندر •
مجدد ممالك محروسة السانکز همجواری • وخاندان ابد بنیانمزك اعز انصاری
وجمله غزا وجهادده لجناد نصرت معتاد مزك معین وقفاداری اولدیغکز
ماعدا • اعتقاد دینیه وحمیت اسلامیه مقتضاسنجه وسمدیه دك کاه نفس
نفیسکز وکاه اولادکرامکزله غیرت دین مبین • واغور همایون نصرت قرینمزده
ایده کلدوککز خدمت مبروره وساعی مشکوره مبتغاسنجه بودفعه دخی
شیروان طرفنه امداد واعانتکز لازم ومهم وواجب ومتحتم اولمشدر •
اکاکوره دامن همتی میان حمیته بند • ولوای غزا مبدادن وغاده سربلند قلنوب
اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم • مضمون هدایت مقرونه ماصدق
ومظهر اولان صحابهٔ کرام • وچاریار عالیمقامات شان سعادت نشانلرینه
اطاله ایلیه • قوم شوم وملاحدهٔ نکبت موسومات اوزرینه • امداد نصرت
قیوم ایله هجوم اولنوب • انواع خدمات جمیله حصولنه اهتمام جزیل اولنه
بونامهٔ مودت شمامه‌مز سنزه کونزده واصل اولوب • وزوجهله تدارك
وعزیمت اولندیغی وسایر لازم الاعلام اولان احوال وآمالکزله عتبه
٧ عالیمقاممزه مفصل ومشروح اعلام وعرض اولنمق مأمولدر • باقی احوال
واخبار ناقل نامهٔ شکین ختامه‌مزك تقریرینه محولدر • اکاکوره معلومکز اولد

قریم خانلغی محمد کرای خانه مقرر اولدقده وزیر ابراهیم پاشایه یازدیغی کوندر

والاجناب سعادت اکتساب رفعت انتساب • سعادتلو ومروتلو
پاشای عالیشان حضرتلرینك امتداد مراتب جاه وجلالی • وازدیاد عز
واقبالری ادعیه‌سی ورد زبان • وذکر لسانمز قلندقدن نصکره مهر عالمتاب
وماه جهانتابدن • منور وروشن اولان ضمیر پاکت • وطبع تابناکلرینه روشن

وهویدا • بو دیله که قدیم لا یا مدن الی یومنا هذا ارزوباد حشمت شهریاری تشنه سی
ایله بهره یاب • اولان اجداد عظامز خانان سالفین • میانلرنده سن و سالنده
کوره رعایت واحتیاط لرینه خانلق عنایت اولنمق قاعده شاهی ایدیکی •
اظهر من الشمس • اولمغله اول ابن ملوک مرضیة السلوک اوزره بو دولتخواهکز
بر مراد اولمق رجاسیله • اول استان سعادت آشیان شهریارینه نیجه زماندن
خدمت ملازمتله دامن درمیان اولوب • مقتضای قضای یزدانیله کاه
عنان عودة دهر پرستیز تیغ عدوانی نشجند وکاه غواه غمرات
عصرجی تمیز • سنان جانستانی تیز ایدوب • سهام مصایب دورانه نشانه
اولوب • مدت مدید وعهد بعیددن بلا وعناکشیلگله تربیه ونجنه
اولوب • عاقبة الامر سابقهٔ عنایت ایزد متعال • تعالی شانه عن التشبیه
والمثال • مقارن هم پادشاه ذوالجلال اولوب • سریر سلطنت خانی
بو دولتخواهلرینه عنایت وارزانی بیوریلوب • چراغ خاص باهر الاختصاصلری
اولدوغنی بناء دروت وفا قرینمز صدق قلمله مرسوم • وقلب صفا رهینمز
استقامتله مختوم • وخاطریمز غل وغشدن سالم وصحیح ایدکی • اسناد
وافساد عدوی بدنهاد سببی ایله • بوبی کناهلرینیچ نکاه اولدوغندن
قلبمز جریح • وخالص الجنانلرندن بغیر ذنب تجنب واجتناب ظلم صریح
اولمغله • بر مقتضای کلام فصیح • انا عند منکسرة القلوب • من هجوم هموم
الکروب • برادر وانکسار روی تخشع وابتهال • ملک متعال درکاهنه سوده
ودست نیاز مرفوع ومبرآورده قلنوب • من عند الله • پادشاه ظل الله
حضرتلرینک طبع همایونلرینه الهام ربانی هویدا ولامع اولمق • استدعاسیله
منتظر عنایت سبحانی ایکن بحمدالله تعالی والمنة • مشاهدهٔ آیت اجابت
رحمانی میسر اولوب • معتمد بارکاه عدالت • ومفخر ارباب رسالت • قدوة ١٨٧
الاماجد والاکابر مستجمع جمیع المحامد والمفاخر • قپوجی باشی حسن آغا دام
مجده • واسطه سیله ابرک ساعات وایمن اوقاتده مرهم جراحت دل ولادن
نامی نامی • وبرات عالیشان سلطانی که مضمونی موجب حیات جاودانی در
الطاف عواطفله مملو سرافرازنامه لری اولدشادیکانه کلدکدن بو دولتخواهی
سلکنه واصل اولوب • قدوم بهجت لزومندن جوبان اولان دل وجان
شغف کنان • دروازهٔ استقبالده بویانه اولوب • دست اعزازله رفع
وتکریم • ولب ادبله تقبیل وتلثیم قلنوب • مطلع بلاغت آثاد • ومقطع
فصاحت شعارینه دکین • مطالعه واذعان اولندقده • خاصة اسباف
فاتحة الاکنافلرندن برقبضهٔ مرصع صمصام ظفر پیام • ومخصوص طلعت

طراز واجب الاعزازلرندن ایکی ثوب خلعت مورث البهجتلری ارزانی
وچراغ خالص باهر الاختصاصلری سلکنه انسلاک • واجداد بزرکوارلرندن
زیاده معزز وبر افلاک بیورلدوغی مشاهده اولنوب • سواد سطورکی
عین علیله تکحل روشنائی • وبیاض لامع النورانیسی نور صبح آشنائی
ایدینوب • بر نوع عاطفتلری التماعیله شب تاریک هجریمز همچو روز درخشنده
ومژدهٔ سنوح فتوح مبشره لری • استماعیله کوکلمز شکفته • ودل محزون
مراسمه نائل • وخاطر فاترزدن غبار روزکار زائل • اولوب • حوجلهٔ علا
درکاهنه حمد فراوان • واردیاد دولت پادشاهیه دعای بی پایان
اولنوب • بین الاقران افتخار اولندی • غب ذا بو دولتخواه بی اشتباهکز
اول آستان سعادت بنیانک امکدار قدیمی وهوادار صمیمی اولوب •
اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم • امر واجب الاتباعی فحواسی
اوزره اطاعت وانقیادی کندوه فرض عین وعین فرض بیلوب
رضای پادشاهی دایم سندن برخطوه عدول ایتمک • خاطریمزه خطور
ایتمش دکلدر • شاهراه صدق وصفا وجادهٔ مهر ووفاده ثابت قدم
وراسخ دم اولوب • خانان سالفه دن زیاده حرکت وخدمت ایتمکدر
ان شاء الله تعالی مشاهده اولنمق مقرردر • همواره قدر ورفعت جاودانی
الی یوم الموعود ممدود باد • برب العباد •

محمد کرای خانه بازیلان نامه در شروان خصوصنده باسنو خواجه افندیده

الحمد لله الذی نصب فی الاقالیم المعمورة رایاتنا • ووجب علینا شکر منه
العظیم • الناشی من لطفه العمیم • حیث قال تعالی سنریهم آیاتنا والصلوة
علی سیدنا وسندنا محمد الهادی الی سواء السبیل • وعلی آله واصحابه الساعین
فی اقامة الشرع بالسعی الجمیل • اما بعد جناب امارة مآب ایالت نصاب
دولت انتساب سعادت اکتساب • المؤید بتاییدالرحمن • محمد کرای خان
دام فی مسند الایالة • بالیمن والعدالة • وقام فی مقام الحشمة والابهة
والجلالة • بصفاء الجنان • تحیات طیبات تکریمات رایقات • نامزد
محبت نشانی قلندقدن نصکره ملحوظ خاطر فیض مآثری اولاکه • اوکان
فتوت • وجان بنوت سرچشمهٔ دین • وهادی مهتدین اولان حضرت
فخر المرسلین • علیه افضل صلوات المصلین شرع شریفلرینه اهانت
واصحاب کزینه وصدیقهٔ عفت آیینه سب وقذفه جسارت ایدن
فرقهٔ خسارت • وکروه مکروه برضدولتلک • قلع وقمعلری ذمت
همت ملوکانه مزه لازم اولمغین • تفریق جمعلری • واطفای شمعلری

ایچون صرصر نهیب جوش دریا خروش ترتیب ایدوب • سال ماضیده ارسال
ایدوب صوب با صواب خانی یه دخی بو بابده مشارکت • وسپهسالار عسکر
اسلامه مظاهرت فرمانی صدور بولدقده رهنمونی خدا داد ایله آیین
آبا واجدادڭ نهادی اوزره فرمان جهانمطاع پادشاهی یه امتثال •
وجانب شیروانه • شیران شیر کیرانی روانه وارسال ایدوب رواندن ابه
برینه کتوردیکی حالا سردار ظفر شعار • اول کشودڭ تسخیر صوبنه
رجوع ایدوب • سرحد ممالك محروسه یه معاودت ایلشدر • اول دوبا
وش کبی کیراڭ کین جولر **نظم** جو میدان تهی کرد دانز نره شیر شغال •
اندر آیند بیشه دلیر • مضمونی اوزره میدانی خالی بولیجق حرکته کلوب ١٢٢
اندیشهٔ ناسزایه آغاز ودروازهٔ فتنه یی باز ایتمشلردی • بناء علی ذلك
سنهٔ ماضیه ده مسکن استراحتده آسوده • ومستریح وغنوده هم
اولان لشکر بی کران دریا نشاندن فوج فوج موج موج قشون قشون
طلب طلب سردار شهامت دثاره قاتنه کوندرلمشیدی که تکمیل ما فات
وسدباب آفات • یاری باری ایله میسر وکسور ملاحده سناندن بالکلیه
مذهبه منجر اولوب • حمایت حمیت صحابهٔ کزین رضوان الله علیهم اجمعین
برینه کتوریله • چون سال ماضیده تحصیل مرامی قلنوب جانب جناب
خلافت مآبدن اولادن خلوص وداد • وصفای فؤاد وحسن انقیاد ظهوره
کتوریلوب • صدرنشینان مسند خانی اولان آبا واجداد جنت مکانڭ
آیینی مرعی طوتیلوب اجناد ظفر معتاد ده امداد • وبعث سرایا وجنود
ایله • قواعد الفت واتحاد تأکید وتمهید قلنمشیدی • کوکدکه بو سال
فرخنده فالده دخی آیین بیشینه رعایت اولنوب • دوستمزه دوست
ودشمنمزه دشمن اولمق قاعده سنده عدو لدا اولنمیوب دلیران تاتار ٢٩
دشمن تیره روزکاره روزی شب تار ایتمکه عازم • وتأیید الهی ایله
جموع اعدایی هازم اولمق تدارکنده مسارعت اولنوب • برساعت
تأخیر ایله فرصتی اضاعت ایتمکه بذل مقدور اولنه • عادت معروفه
وسنت مألوفه لری اوزره دوستی ویکجهتی رسومنی اجرایه سعی مشکور
وجد موفور صرف اولنه که قانون وفاداری اوزره جاری اولمق منتج
نتایج کامکاری اولوب • بر وجهله مکافات بالخیر اولنه که تاریخ ایام
ولیالی ده مذکور اصطناع درکاه مجد ومعالی اوله • وفوق الملحوظ عواطف
علیهٔ خاقانیدن محظوظ • اولوب • اینا بآثار مجد واحسان صدجندین
وچهرهٔ آرزو مستبشر وخندان • ونهال اقبال خانی سایه کستر وسربلند

بوبیام وداد التیام جوابی بر وجه استعجال قاصد تخته مقاصد خوانی
عتبهٔ عز واقبال صوبنه ارسال ایدوب • نکونه تدارك ایدوکی کبی وما
فی الضمیر کزی عیان ایدرسز **نظم** جو آیینه کدورت اولمیه صفاسی درونڭ
اولمز صفادن خفاسی • هم اولمز صدر نشین مسند خانی ومظهر توفیق سبحانی
رعز وجاه ودانی میسر باد • بالنون والصاد •

محمد کرای خانه نامه دکه شرق سفرینه تعیین اولنان سرداره امداد
ایچون ترغیب والتماس اولنور • بامسودهٔ خواجه افندی

الحمد لله علی ان نصبنی فی منصب الخلافة لاعلاء اعلام الجهاد • وهدانی الی
سبیل الحق والرشاد • واقامنی لاقامة مراسم صیانة البلاد • ووقایة العباد
وسل سیفی علی مفارق فریق العناد • واحدسنا فی لاهلاك من حاد عن طریق
الهدایة الی وادی الالحاد • وامدنی علی اعداء الملة الحنیفیة بحسن امداد • واورثنی
المیل الی العدل والاحسان • من الاباء والاجداد • والصلوة علی افصح من نطق
بالضاد • محمد الذی جاء بکتاب هاد • وبین لنا الاحکام ومهد الشرع
اقوی مهاد • وعلی آله واصحابه السادات الامجاد • جعل الله تعالی حبهم
ذخری فی المعاد • اما بعد جناب سلطنت آیات حشمت نصاب شوکت
مآب عزت انتساب سعادت اکتساب • غرهٔ صبح بختیاری • قرهٔ عین
کامکاری • فرازندهٔ رایت سروری • فروزندهٔ آیت مهتری • معز الدولة
القاهرة • مؤید الملة الزاهرة • نوردیدهٔ امید چراغ دودمان اهل تأیید
اختر نورانی مطلع خاقانی • سلالهٔ خاقان جنت مکان • نتیجهٔ بهجهٔ عدل
واحسان • خان عالیشان کشورستان • محمد کرای خان • لازالت رایات
عزته خافقة • وعنایات الحق لمرامه موافقة • حضور باهر النورلرینه تحیات
مسکیة الفوحات • وتسلیمات عنبریة النفحات • که نسایم عطریه الشمایمی
مهب صدق وصفادن هبوب • وشمایم مودت علامتی جالب قلوب •
ودراجد قلنوب • انهاء محبت انتما بودرکه • چون سوالف ایام • وسوابق اعوام
واروع برقرونده خانان • خاندان سلطنت عثمانی ایله تحابب وتآلف ومرور سنین
وکرور شهور ایله علاقهٔ الفت ومحبتلری تزاید وتضاعف اوزره اولوب
عهد بیشیندن ودور دیریندن بروا اجداد ذوی الاعتبادم قبللرندن • خانان
بیشینه عواطف خاقانیه ترادف • وهر آرزولری مساعد پادشاهی یه
تصادف اوزره اولدوغی صحیفهٔ روزکارده مسطور • والسنهٔ خلقده
مذکوردر • لاجرم بر موجب فحوای صدق احتوای الحب تتوارث • ومقتضای
مؤدای • الحقنا بهم ذریاتهم اساس ودادِ قدیم • مستحکم وقویم اولوب •

شایع مخالصت • تکدیر غوارضدن مصفا • ومناهل مصادقت عروض
معرضهٔ کدورتدن معرا اولمغله • آثار صفا هویدا ومراسم اتحاد ویکجهتی
پیدا اولدوغی جهتدن • ایکی سال علی الاتصال رضای بمن اقتضامزکوره دولت
ونیروی امداد عزایمله سفر اسبابنی دوزه دوب • اخذ صوصیمی واختصام
قدیمی موجبله عمل ایدوب • تامزه ضبط شیروان اولان شرذمهٔ روم
ودلیران نهنك آهنك پلنك هجوم امدادنه • ورفع روافض اسبابنك ٤٠
اعدادنه توجه ایدوب • اول اعدای اصحاب کرام اولان لئام اوزرینه
سل سیف انتقام ایتمکله • دین حنیف • ومذهب منیف قواعدینی تمهید
وشریعت پرورلك مقتضاسنجه اولان سوزلك مراسمن تجدید ایلیوب
خصوصا مرهٔ ثانیه ده • بالذات غزا عزمنه آغاز • ولوای نصرت التوای
خاقانی حدود من بوره دن نسیم ظفر ایله اهتزاز ایدوب • صولت اولدن
غنچهٔ دولت صبا نصرت ایله شکفته • وخاشاك فتن عرصهٔ ولایتدن
رفته اولوب • هبوب ریاح اقبال جهرهٔ دشمنان خاکساره کرد ادبار
صاچوب • مخاذیل قزلباش طعمهٔ تیغ خونباش قلنوب • خنجرهٔ تیغ
کشورکشالوینله جهرهٔ ظفر مستبشر وشادان وابتسام حسامل بیله
باسم فتح مبتهج وخندان اولوب • اول دایرهٔ سنت وجماعتدن خروج
ایدن خوارج بد کیش ضلالت اندیش تنکرنانا اوکندن فرار ایدوب
بحر مستنفرة تار ومار • واکثر طعمهٔ تیغ آبدار اولدقلری باعث تاکی سابق
حسن اعتقاد • وجالب اسباب ازدیاد اتحاد اولدی • وآب خوردهٔ جوبیار
ظفر اولان رماح ناهب الارواحلری • شجرهٔ کامرانی بتوردوکی وشاخ
زدهٔ دست تصرف اولان طرهٔ پرچم رایاتلری بزمگاه رزمه آرایش
ویردوکی آثار موهبت یزدانیدندر که • ناصیهٔ بخت سعادت پیرایهٔ خاندن
نمایان • ونتایج عنایات صمدانیدندر که یمن مفارنتیله علایم اقبال
فیروزی جهرهٔ دولت جاویدانیلرندن عیان وتاباندر • واقعا بنا شیء
صبح صداقت • افق وفادن فروزان اولمغین • انفاس طیبهٔ صفای
ضمیر محبت سمیر عالمگیر اولوب • طرفیندن رضا جولك بر مرتبه یه
واردیکه اراده اختلاف قالمز • وقواعد مصافات تندباد تغیردن مصون
اولدقجه بنای رفیع معاهده خلل پذیر اولمز بو سفرلرده چکیلدن تعبلره
رضای هما یونمز ایچون تحمل اولندوغی مفهوم • ومساعی جمیله وخدمات
جلیله لری ذهن حق شناسمزده مرسوم اولمشدر • جناب مخلص
نوازمزه جانب صداقت نهاد کرده سنوح ایدن مساعی وخدمات •

اسلاف

اسلاف امجاد کرامکزدن اباو اجداد عظامزه وقوع بولدیغی • طبع
موشکاف وقلب صفا فزه روشندر • بناء علی ذلك حضور مستجلب الحبور
مزده وقع مقدار کز • وحتی اعتبار کز اجداد کزه کوره • صد چنداندن ایدوکی
مظنهٔ ریب وگماندن دکلدر • وواردقجه دخی ازدیاد توجه مقرر اولوب
مواد تواد وتلاحق • وطرفیندن اسباب صفای فواد وتوافق • افزون
اولدقجه نرزداولمیه • ورشحات سحاب احسان آرزو رسانمزدن
سبزهٔ زار امید کز سرسبز وتازه • وجویبار عواطف شاهانه مزدن نهال
بی اندازه • اولدقجه اشتباه • خاطرکزه راه بولمیه • چونکه رضا جولك طرفیندن
ثابت • وشجرهٔ وداد روضهٔ اتحاده نابتدر • کرکدرکه آیینهٔ دلده آیین ٨٥
صفادن • ونقش وفادن اوزکه نسنه جلوه نما اولمیه • وصدور ایدن
امور • خلاف رضا اولمیه • رضامزانده در که الشروع ملزم • مخواسی اوزره
بو نهضت خجسته فرحامك انجامنی اضاعتدن صیانت • ایدوب بو کار
دشواری خام • وامر مشروع فیهی ناتمام قومیوب • انما الامور بخواتیمها مضمونی
اوزره خاتمهٔ کاری دلخواه اوزره تکمیله همت • واتمام هزیمت اعدایه عزیمت
ایدوب • بو وجه اولان کوششلر هبا • وبو قدر امکاو باد هوا اولمقدن
حذر اولنوب • مجرد نهب وغارات • وهجوم وایلغارات ایتمکله • انلری
مظهر لو یجدون ملجأ او مغارات • قلمغله اصل مرام اتمام اولنمز بلکه
بو قدرلی هر دنه تشویش چکیلورسه اختیار اولنوب • سزوانده قیشلیوب
اوکشور نو تسخیری محافظه ده سعی بیدریغ مصروف • ومفتاح
تدبیر ایله حل مشکلات امورده • سمت عنان همتی معطوف قلنمجه
ومن یهاجر فی سبیل الله یجد فی الارض مراغما کثیرا وسعة • فحوای غنیمت
احتواسنه ظفر بولنمز • معلومدر سلوك جادهٔ اقدام • رهنمونهٔ تدبیر
صواب ایله سرانجام بولور • وبخت جوان ساعدت رأی کشوربیرای
بیرانه ایله مطالب عالیه یه واصل اولور • ودولت بیدار معاضدت
بازوی کامکار ایله پایدار قالور • وزبان حسام • تلقین ذوی رزین الله
آیت نصرت تلاوتنه منطبق اولور • ومعرکهٔ هیجا ناریکلکدن رأی
دلارا وشناسیم سنکبر اولور • ودیدهٔ دولت کحل غبار رزمگاهدن
روشنی پذیر اولور • بو امورده حسن اهتمام وکمال اقدامکزلازمدر •
الحمد لله تعالی اسباب وآلات جهاد آماده • ولوازم کشورکشایی فوق
العاده در • تدبیرده تقصیر اولمایجق • فضل آلهیدن رجا مزبودرکه تقدیر حق
موافق • وتوفیق فیاض مطلق مرافقی مبشر اولمله • دیرا بنتمز توسیع بدن

وتضییع حقوق عباد دکلدر بلکه اعلای کلمهٔ علیا به سعی ایله الحاد وبدعت
رسومنی ازاله • واسب جهادی میدان کارزارده اجاله ایدوب • صمصام
انتقامی اصحاب کرام دشمنلرینه صالمق • وام المؤمنین صدیقهٔ کبری
رضی الله عنها • انتقامن آلمقدر • وملاحده لری الا یشدن کشور عجمی پاک •
وافتاب سنت سنیهٔ نبویهٔ بی اول دیارده کما سلف تابناک ایتمکدر •
همان که دامن همت در میان اوله امیددرکه آثار ظفر جهانبانه عیان اوله
ولهذا بو امنیتی القا • وبو نیتی اجرا ایچون فرمان قضا جریانمز اقالیم معموره یه
اصدار بیورلدی • که عساکر ستاره شمار نهیئه واحضار اولنوب •
ورای آصف رای وامرای ملک آرای حاضر ومهیا اولوب حوزهٔ حمایتلرنده
وتحت ایالتلرنده اولان قوللرینی جمع • وتوفیق یزدانی ایله اعدای مذهب
وملتی مظهر سیهزم الجمع • ایدهلر • بهدار بهار عرض لشکر اظهار ایتدوکی
هنکام نزهت انجامده • افواج جیوش دریا خروش حرکت وخروشه کلوب
حالا تعیین اولنان سردار جدید • صاحب الرأی السدید • الموفق بتأیید
الملک المجید • ممهد مهاد الجهاد • فاتح الیمن والاندلس وخلق الوداد • مؤتمن
الدولة القاهرة • معتمد السلطنة الباهرة • وزیر روشن ضمیر • مشیر مشتری
تدبیر سنان پاشای کشورکشای قلعه کیری • بنکادن شجاعت پیشه •
وچاکران صداقت اندیشه ایچره • مزید صفای بال • وکمال حسن حال ایله
موصوف وطیب خصال ایله معروف اولوب • ناصیهٔ احوالنده انوار رشد
ونجابت پیدا • واغور همایونمزده خلوص واستقامتی هویدا اولمغین جانب
سعادت مآبکزه کوندرلدی • وعنان عزیمتی بدخواه دولت هزیمتی
ایچون اول صوبه دوندرلدی تا صوابدید رأی ملک آرا کز اولان محله
واروب • ملاقات میمنت سمانکز میسر اولدقده • مساعدت بازوی
کامکاریکز • ومعاضدت بخت بیداریکز ایله تدابیر صایبه وآراء ثاقبه یی
نتیجه بخش اولوب • حسن موافقت وامتزاج ایله رضای طرفین • وعسکر
جانبینی هدایت ورهنمونی یزدانیله عزم طریق ایتدوروب • شعلهٔ جوالهٔ
سنان آتش بار ایله دشمن خاکسار کرفتار عذاب حریق قلنه • وحسن ١٢١
استشاره ویمن استخاره ایله • رفضهٔ بدآیین وملاحدهٔ کم کرده دین
الندن مظهر فیض جم اولان کشور عجم • استخلاصنه سعی ایدوب •
اهل سنت وجماعتی اطاعتلری بارندن • وشناعتلری عارندن تخلیص
وغزاة ومجاهدینی تخصیص ایتمکله مأمولدرکه اول قوم شناعت رسومک
آیین باطللری عاطل اولوب • مساجد ومعابد زنور جمعه وجماعت

محلی

محلی • وایوان دین رفیع البنیان معلی اوله • باقی بنده بنیله که شمول علم
وملحوظ فهم عالی اولمیه شعر نحن فی العهد فوق ماکانا • دمت فی مسند العلی خانا

محمد کرای خانه جانب همایون پادشاهیدن ارسال اولنمق ایچون منشور اولنان نامه در

مرجع سلاطین عظام • وملجأ خواقین کرام اولان سدهٔ سنیهٔ عدالت
عنوان • وعتبهٔ علیهٔ سعادت نشانمز صوبنه تاکید مبانی اخلاص
وتشیید قواعد اختصاص ایچون میراخورلریکز ذوالفقار • زبده رشدی
وساطتی ایله کوندریلدن کتاب مستطابلریکز احسن ازمان واءمن
احیانده عز حضور فایض النورمزه وصول بولوب • فحوای صداقت
احتواسنده دودمان عزت نشان • ودرکاه رفیع البنیانمزه اولان
متابعت واخلاص • وفرط مودت واختصاصده ثابت قدم • ورضای
یمن اقتضای جهانبانی وفرمان شرف افزای خسروانیمزه عدل ودکی
بیش نهاد ایدوب • حفظ وحراست مملکت وضبط وصیانت رعیت
باینده • خصوصا ممالک محروسه مزدن صانتدن بعض محلره ایصال
مضرت ایدن • قزاق عاق طایفه سنک دفع ورفعنده مزید اهتمام
اولندوغی • وحالیا وزارتله قپودانمز اولان دستور مکرم • مشیر
مفخم نظام العالم • وزیرم حسن پاشا ادام الله اجلاله • مقدما قریمه
واروب مآبکزله ملاقی اولوب • لایق دولت وموافق ملک وملت نیجه
امور نافعه مشاوره ومذاکره اولندقده • قزاق اشقیاسنک ممر وکذر
کاهلری اولان اوزی صوینده نام محلده ایکی طرفنده بر قلعه بنا
ایتدولک مناسب کوریلوب • اوزی صوینک بر وطرفنده اولنجق
قلعه نک بناسنه جناب جلادت مآبلری تعهد ایتمکله ذکر اولنان
قلعه لر محل مذکورده بنا اولنمغه قرار ویریلورسه محل فرصت وزمان
خدمت • فوت اولمزدن مقدم • امر واشارت اولنه که اکا کوره یزدنحی
تقدیم مراسم خدمت وتکمیل لوازم مصلحت ایدهلم دیو موقف رضا جوییده
قیام • وبو بابده مترقب فرمان ولجب الاحترام اولدقلری عرض واعلام
اولندوغندن غیری • دولت علیه مزخیرخواهلغنه متعلق • وتسلط
اعدای بدرای احوالنه متفرع هر نه تفصیل وبیان وشرح وعیان
قلنمش ایسه • معروض پایهٔ سریر خلافت نشان • ومرفوع رای عالم
آرای خورشید درخشانمز اولدقده • جمله انها ایتدیکوکز احوال واثناده
علی وجه الکمال • علم شریف عالم آرامز محیط وشامل • وفکر دوربین دقیقه
شناسمز کنه معانی انیقه سنه واصل اولوب • خاندان ابد پیوندمزده

عن صمیم البال خیرخواهی وحق گذاری • ودرگاه فلك اشتباهمزه اعزاز عون
وانصاری ایدوككز • عز حضور رفائض كنورمزه واضح ومحقق درهمیشه
دولت علیه مزخیرخواهلغنده ثابت قدم وپایدار • ورضای شریفمزه
موافقتله نهال سعادت داریندن برخوردار اولدیسز • امدی حضور
عزتموفوركزه خفی اولمیه كه مكتوب سعادت مصحوبكزده اشارت وتعهد
اولنان قلعه لرك محل مذكورده بناسی خصوصنی شیخ الاسلام ومفتی الانام
وزرای عظام • ووكلای كرام • وقاضیعسكران عالیشان • وسائر
اهل وقوف وكاردانلر ایله مشاوره اولندقده وجه معقول ومناسب
رای ارباب عقول كورلمكله • بناسنه قرار ویرلوب • متانت واستحكامنه
كوره یاپدرلمق بابنده خط همایون سعادتمقرونمزله فرمان عالیشانمز ١٢٧
صادر اولوب • مشار الیه قپودانمز وزیر حسن پاشا دونمای همایونمزله
بوسنه مباركه ده واروب • یاپمق ایچون تعیین اولنمغین • مهمات
ولوازمی تداركنه شروع ومباشرت • تعهد واشارتكز اوزره ذات
سعادت آیتلری طرفندن بنا اولنجق قلعه لرك لوازمی مهیا اولوب
مشار الیه قپودانمزله طرفكزه ارساله تصمیم اولنمشدر • وجه مشروح
اوزره بوكار میمنت آثاره قرار ویرلدوكندن • جناب امارت مآبلری
دخی واقف وخبردار اولوب • قلعه لرك بناسنه متعلق طرفكزدن
لازم اولان مهماتی تمدیدن حاضر ایدوب • مشار الیه قپودانمز
ان شاء الله الغفار • اول بهار بجسته آثارده • دونمای همایون
ظفر مقرونمزله • اول جانبه توجه ایدوب • ذات رستم سماتكزله ملاقی
میسر اولدوغندن • معیت واتفاق وحسن وفا ووفاق ایله • فرمان
اولنان قلعه لرك بناسنه روز خضردن مقدم مباشرت واقدام
وآبا واسلاف سعادت اتصافكزدن كلدیكی اوزره نافع دولت
ودین مصلحتی اتمام ایتمكه باشلیه • فرمان قضا جریانمز صادر اولمشدر ٤٥
وامر قدر توأمز لما اولدیغی بار بركت آثارده • حاكم فرمان ران اولدقدن
بروهر خصوصده رضای همایون اقتضاسی اوزره حركت • وضبط وربط
احوال مملكت امرنده • فوق الغایه سعی ودقت وجوده كتوردوككز • جهتدن
حقكزده خورشید لمعات فراوانمز پرتوانداز اولوب • خاص خلع فاخره
خسروانه مزدن ایكی ثوب خلعت موروث البهجت سلطانی • واسیاف
عدو اندوزمزدن بر قبضه شمشیر مرصع غلاف خاقانی • عنایت وارزانی
قلنوب • درگاه معدلتمز متفرقه لرندن قدوة الاماجد والاكارم جامع

المحامد

المحامد والمكارم • فلان زید مجده ایله ارسال اولنمشدر • وصولنده
بولدقده كوركدركه ابا عن جد آستان احسان رسان دودمانمزه
مخلص الاركانمزه اولان • خلوص محبت واتحاد • وصفای طویت واعتقاد
مقتضاسنجه لحسنات اولنان تشریف شریفمزی انواع تعظیم واجلال ایله
كیوب • وشمشیر عدو تدمیرمزی اصناف توقیر واحترام ایله میانكزه
قوشانوب • دخی مراسم مصادقت وموالات كما هو حقه تكمیل وانا فانا
مواد محبت ومصافات ازدیادنه سعی جمیل ایلیوب • اول ممالك استدامت
حفظ وحراستنده • ورعایا وبرایانك حمایت وصیانتنده • ودائما ضرر كوز
قصدنده اولان فرق اشقیاسنك دفع وازاله لرنده • انواع مساعی
جمیله وجوده كتوره سز • وتفصیل اولنان وجه اوزره بناسنه
قرار ویریلن قلعه لر احوالنه كمال تقید كوستروب • لوازم وتداركاتی
تمدیدن مهیا ایدوب • ان شاء الله تعالی مشار الیه قپودانمز اول بهار
بجسته آثارده • دونمای همایونمزله اول جانبه توجه ایتمزدن مقدم
جناب فراست مآبلری سنوف عسكر تاتار دعد وشكار ایله قالقوب
محل مأموره رواندر وجه معقول كورلدیكی اوزره مناسب اولان محلده
معیت واتفاقیله ذكر اولنان قلعه لری متانت واستحكام اوزره
بنا • واتمامنه صرف همت خالصانه ایلیه سز • والحاصل بوباب
وارتوقی بازوی همتنه كتوروب ابا واجداد واسلاف صافی نهادیكز
زماننده معمور • واهالیسی فتن شروردن دور اولان • مملكت وولایت
حالیا خراب ویباب طورمق • ومسكن بوم وغراب اولمق • روا دكلدر •
زمان دولت اقترانمزده • كالاول معمور وآبادان ایتمكه بذل مقدور
وسعی نا محصور اولنه شویله كه اسلاف اشراف سعادت اتصافكز • زماننده
اولدیغی كبی اول جانبلر كما كان معمور • وقلوب مسلمین مسرور • واهالیسی
واصل امن وحضور اولوب • بر موجب آیت عنایت غایت • اتونی زبر
الحدید • اول نواحیده یأجوج فتنه یه سد شدید چكرسز • ورضای
همایونمز اوزره نافع دین ودولت بر خدمت ومصلحته بولنه سزكه •
الی یوم القیام • السنه خواص وعوامده • نیك نامله مذكور • وانواع ٤٨
التفات علیه مزایله واصل اصناف صفا وسرور اولدیغكزدن
غیری • امنت محرمزه • خصوصا دنیا وبركت آثار دیككز منافع عظیمه سی مقرر
ومحقق اولوب • عند الملك الوهاب • اجور جزیله ایله مثاب • اولمكز
محل شك وارتیاب • دكلدر • خلاصه كلام بو خدمت خیر ختامك

احسن وجهله اتمامی وآسان طریقیله انجامی اعانت وامداد ملک مستعان
ایله جناب شهامت مآبلرینک غیرت وهمتنه وکمال اقدام وحسن
اهتماملرینه حواله اولنمشدر وطرفکزدن بنا اولنیجق قلعه‌نک بونجا بنیاندن
تدارکنه محتاج اولان مهمات ولوازمی حاضر ومهیا اولوب ان شاء الله تعالی
مشارالیه قپودانمزله کوندریلوب اهمال اولنمز وافلاق وبغدان وبوده
طرفلرندن اولان کار آراسته ومهماتی مجددا تدارک واحضار وتحکمنه
ایصال ایدوب کندولر دخی افلاق وبغدان عسکریله واروب
خدمتنی بولنمالریچون مؤکد امر شریفم کوندرلمشدر وسابقا بوسنه
بکلربکیسی اولان امیر الامراء الکرام محمد پاشا دام اقباله حسن تدبیر
وتدارکه قادر واولجانبلرک احوالندن خبردار وبصیرت وصاحب مدار
اولمه سیله ایالت اوزی مشارالیهه عنایت واحسان اولنوب کوندرلمشدر
وجناب فراست مآبکز جنابنه دائما مکتوب کوندروب هر خصوصی
مشاوره ومذاکره‌دن خالی اولمیوب دولت علیه ابد اتصالمزه متعلق
اولان خصوصلری صواب دیدی رأی مشکل کشالریله ظهوره کتورمسیچون
تنبیه وتأکید اولنمشدر واوزی طرفی مستقل قپو اولوب دولت علیه‌م
اموری کما هو حقه کوریلوب برمصلحته تأخیر لازم کلممک ایچون
طونه دفتردارلغی رفع اولنوب حالیا آستانه سعادتمزدن اوزیه
مستقله دفتردار نصب وتعیین اولنمشدر سزک دخی اکا کوره معلومکز
اولوب لایق دین ودولت وموافق غرض سلطنت اولان خصوصلری
احسن وجوه اوزره وجوده کتوریله واوزینک قریبنده جانبنده
بلق‌صوی دیمکله معروف نهر بیخ طولدروب صو بیخ قوریمتی بنا اولنیجق
قلعه‌لرک مهمات لازمه‌سندن اولمغله کفه ایالتنده واقع
قرادن قازمه وکورک وبالته لرایله اوزنفر رعایا اخراج اولنمق
ایچون کفه بکلربکیسنه خطابا امر شریفم کوندرلمشدر جناب
سعادت مآبکز دخی اکا کوره تقید کوستروب فرمان عالیشانم
اوزره مهمات مزبوره وذخیره ولوازمی ایله هر قریه‌دن اوزنفر
رعایا اخراج ایتدروب وقت وزمانیله محل مذکوره کوندروب سزکه
نهر مزبوری طولدروب صوینی قوریه‌لر بو بابده هروجهله سعی
ودقت وزمان خدمت فوت اولمزدن اول حرکت اولنمق ممکندر
کرکدر که مشارالیه قپودانمز ونمای همایونله اولجانبه واردیغنده
ذات سعادت سماتکز حاضر بولنوب معیت اوزره قلعه معهودلک

بنا

بناسنه مباشرت اولنوب تأخیر لازم کلمیه وعلم شریفکزه خفی اولمیه که
لیه قرالی حالیا کوچک ایلچیسی ایله رکاب همایون سعادت مقرونمزه کوندردیکی
نامه سنک مفهومنده اظهار خلوص وداد واشعار طاعت وانقیاد
ایدوب اجداد عظاممزدن جنت آشیان مرحوم ومغفور له سلطان
سلیمان خان علیه الرحمة والرضوانک زمان با امانلرندن برو آستانه
سعادتمزه کوندریلدن پیشکش وهدایاسن وقریم خاننه ویره کلدکلری
ویرکولرین کما فی الاول ویروب وقزاق اشقیاسن محکم ضبط ایدوب
ممالک محروسه‌مزدن برمحله ضرر ایتدرممکه تعهد ایلیوب مشارالیه
جد امجدمزک ویردوکی عهدنامه‌نک مفهومی اوزره دردولت مدار
مزدن مجددا عهدنامه همایونمزی رجا ایتمکله ساعتمز همایونمز
مقارن اولوب شرط وتعهدلرین یرینه کتوردکجه جانب همایونمزدن
ویا آنلر عدو وشکاردن ولایت وممالکلرینه تعرض اولنمامق اوزره
مجددا عهدنامه همایونمز ویریلوب واشراف اسلافکزله ابتدیکی معامله‌دن
زیاده جناب سعادت مآبکزله حسن معامله‌ده قصور اولنموب
وطرفکزده اولان ویرکولرین ویروب وقت وزمانیله تعیین اولنان محله
ارسال وتسلیم ایتمه‌سیچون قرال مذکوره نامه همایونمزده تنبیه وتأکید
اولنمشدر وویریلن عهدنامه همایونک شروط وقیودی سزک دخی
معلومکز اولمغیچون برصورتی یازیلوب طرف باهر الشرفکزه کوندرلمشدر
منظور شریفکز اولدقده شرایط صلح معلومکز اولوب لیه قرالی طرفندن
ماتقدمدن آستانه سعادتمزه ارسال اولنه کلن پیشکش وهدایاسی
سنه بسنه کلوب وسزک طرفکزه اولان ویرکولری سال بسال
بروجه معتاد ایصال اولنوب عهدنامه همایونمزده مقید ومسطور اولان
شروط کما ینبغی رعایت اولنوب مادامکه خیانته دلالت ایدر بر وضع
وحرکت وقزاق اشقیاسنه رخصت ویرمکله شرایط صلحه مخالف
برحالت ظهور ایتمیه کندینک وایل وممالکلرینک صیانت وحمایتنه
وشرایط صلحک وقایتنه همت دخی ملوکانه‌مزه لازم اولمغین کذلک
عتبه علیه‌مزه اظهار خلوص وداد وسنه بسنه عرض اختصاص
وانقیاد ایدن دولت علیه‌مزه خیرخواهلرینه دخی لازم ومهم اولان
بودر که قرال مذکور ایله دوستلق وقونشولق مراسمن کرکی کبی رعایت
وشرایط صلحی کما ینبغی صیانت ایلیه اکا کوره جناب امارت مآبکز طرفندن
دخی قرال مذکوره آدم ومکتوب کوندریلوب عهدنامه همایونمزک

شروطی رعایتنه اهتمام وطرفکزه هر سال ارسالی معتاد اولان وبرکولرین
وقت وزمانی ایله ایصاله اقدام ایتمه سنی اعلام • وسزکله حسن معامله ده
قصوری اولمدیغنه نااردن ولایت ومملکته ضرر وگزند ایرشدیرمه جکی
افهام ایدیه سز • وموما الیه میراخوریکزه • اداب رسالتی ادا وشرایطنی
مؤدی ایدوب • انواع التفات همایونمزه مظهر اولدقدنصکره • اذن عزیمتله
جنابکزه روانه قلنمشدر • ان شاء الله تعالی نامه همایونمز وصول بولدقده
اثبات مدعای مخالصت ایچون تعهد اولنان خدمته نه وجهله حرکت
وسعادت دنیا وآخرت اولان رضای همایونمز تحصیلنه نه طریقیله
سعی ودقت اولندوغن • واول دیار جلیل الاعتبارك سایر وقایع واحوالی
واخبار دسکومات مالتزیینی علی التفصیل در دولت مدارمزه عرض وانهایه سعی جمیل اولنه •

خان حضرتلرینه نامه همایون

سز دولت علیه مزك چراغ خاصی • ونصب کرده باهر الاختصاصی
وسلطنت سنیه مزك خیرخواهی اولوب • کمال رشد ودیانت •
وفراست وصداقتکزه هر وجهله اعتماد همایونمز واعتقاد سداد مقرونمز
اولمغله اول سرحدلرك امور جمهوری سزك ذمت همتکزه حواله اولنمشدر
اوزره دشمن دین وکفار دوزخ قرار بینندن اخذ انتقام وکید ومضرتلرینی
ممالك محروسه اسلامیه دن دفع ورفع • وثغور اسلامیه نك حفظ
وحراستی اوجب واجبات حمیت دین پناهی • والزم لوازمات غیرت
پادشاهیدندر • اولوجهله خصوص مزبور داکرقریب جوار تقریبی ایله • واکر
حضور فایض النور خسروانه مزده اولان تعهدکز مقتضاسنجه • سزلده
ذمت همت • ووفور غیرتکزه لازم اولان امور کلیه دن ایدیکی • حالا
وقت حرکت سفر • حلول ایدوب عساکر اسلام • کثرهم الله تعالی الی یوم القیام
متوکلا علی الله الملك العلام • کفار دوزخ قرار اوزرینه توجه ایده جکی سزه
منتظر • وسزدن خود نه نام ونشان ظهور • ونه محلده اولدوغکز معلوم
اولمیوب • بو وجهله اولان وضعکز مأمول همایونمزه مخالف کورنمکله
اهمال وتکاسلکز ظاهر اولمشدر • وبوندن اقدم سفر همایون میمنت
مقرونمزه مأمور اولان عساکر نصرت مآثره سرعسکر اولان وزیرم •
ابراهیم پاشا ادام الله تعالی اجلاله امر حقله دار فنادن داربقایه ١٤
انتقال ایتمکله • حالا سرعسکرلك امری بنه وزرای عظامم دن دستور
مکرم مشیر مفخم نظام العالم شام والیسی اولان وزیرم ابراهیم پاشا
ادام الله اجلاله یه وجه مناسب اولدوغندن تفویض • وکالاول اول

طرفدن

طرفك امور جمهوری شار الیهه حواله اولنمغین • بو بابده نامه همایون
میمنت مقرونمز بر وجه رکاه معتدم ارسال اولنمشدر • وصولنده کرکدر
برآن وبرساعت تاخیر وتوقف ایتمیوب • بالذات کندوکز عموماً عساکر
تاتار عدو شکار ایله قالقوب • سهولت وعاجلا اول جانبه ایرشوب
شار الیه سرعسکرم ایله خبرلشوب معیت واتحاد وکمال اتفاقله
دشمن دین اوزرینه • یوریوب اخذ انتقام ایلمکده مردانه حرکت وبغزم
قصدلری اولورلر ایسه دفع مضرتلری خصوصنده دامن در میان
بند همت ایدوب بو خصوص تعهدکز اوزره اوزریکزه فرض ولازم
٦ وواجب ومتحتم اولمغله وجوده کلجك سعی واهتمام وهمت واقدامکز
موجب تحصیل رضای همایون میمنت مقرون ومستجلب خیر دعای
اجابت نمونمز اولدوغن بیلوب • تسامح وتغافلکز سببی ایله عیاذا بالله
دشمن دین طرفندن سرحد اسلامیه مزدن بر محله ضرر وگزند احتمالی
اولور ایسه ندامت ویرا یاران ایدوکی ملاحظه ایلیوب کاکان مأمور
اولدوغکز وجهله دین مبینه لایق وعرض وناموس دولت علیه مزه
موافق حرکت ایلیه سزکه ان شاء الله تعالی خدمات سابقه ولاحقه کز
حضور همایون ملوکانه مزده مشکور وانواع عنایات موفور پادشاهانه مزله
محظوظ وارجمند اولمکز مقرردر •

بوندخی قریم خانته یازلمشدر

بر نیجه سنه دن برو قریم دکزنده ظهور ایدن شیقه لر ایله دائما دریا
یوزنی کزوب یوریوب • سفاین تجار ومسافرین وسایر بحر طایفه سنه
ایصال مضرت • وفرصت بولدقجه روم ایلی واناطولی یقه لرینه وبالجمله
واقع قصبات وقراده اولان اهل اسلامه القای نایره غارت وخسارت
اوزره اولان قزاق عاق طایفه سی اشقیاسنك • بعون الله تعالی
دفع وازاله لری جمله امت محمده واجب ولازم • وکافه مؤمنینه فرض
ومتحتم اولمغین • سوابق حالات وسوالف زمانده اولدوغی اوزره
مادامکه ملاعین مزبورینك ممر وکذرکاهلری سد وبند اولوب
اوزی صوینك اوزرنده طوغان کچیدی نام محلده ایکی طرفده
بر رحصین ومتین قلعه بنا • واول دیار کما فی الاول معمور وآباد
اولمیه • قزاق اشقیاسنك شرلرندن • امت محمد امین • وضرر وکزندلرندن
مسلمانلر سالم اولمزلر دیو • مقدما جناب نعم المآبکزدن سنه
سندره مثال • وبارکاه سپهر اعلامزه کلن مکتوب صداقت مصحوبکزده درج

وبیان اولنوب • نهر مزبورك ایکی طرفنده قلعه‌لر بنا اولنمسی معقول ومناسب
کورلیوب • وجمله اول دیارده اولان اهل وقوفك وکاردان وصاحب
تمیز اولنلرك دخی رأی صواب دیدکلری بونك اوزرینه قرار وثبات
بولدوغنی اعلام ایدوب • آستان راستان نوازمزه اولان فرط موالات
ومزید مصافات اوزره بو امر خیر انجامه درون دلدن عازم • واتمام
مهمی اوغورنده جان وکوکلدن نمایان اولان خدمتلری وجوده کتورمکه
جازم • و بر طرفدن اوله‌جق قلعه‌یی جناب دولت مآبکز بنا ایتمکه
متعهد اولوب • و بونك امثالی حسن اتفاق واتحادی مشعر ودفع اشرار
کفره‌یی مشتمل انواع تعهدات اولنمش‌دیدی عرض واعلام ایتمکز اوزره خصوص
مزبور بو جانبده شیخ الاسلام • ومفتی الانام و وزرای کرام وعلمای
عظام ایله • وخیرخواهان دولتمز اولان اهل وقوف وکاردان ایله • مشاوره
ومکالمه اولندقده • فی الواقع محل مزبورك ایکی جانبنده قلعه‌لر بنا اولنمق
بعنایت الله تعالی قزاق اشقیاسنك سد راهلرینه اقوای اسباب
اولوب • ممر ومعبرلری قطع وبند اولنمغه بوندن غیری • وجهله ممکن
دکلدر دیو بو بابده رأی صاحبکزی جمله ارکان واعیان معقول ومناسب ١٧١
کوردیلر • ذکر اولنان قلعه‌لرك بناسنه اتفاق جمهور ایله قرار ویرلکن
حالا وزارت ایله قپودانمز اولان دستور مکرم مشیر مفخم نظام العالم
وزیرم حسن پاشا • ادام الله اجلاله تدبیر وتدارکه مالك وطریق
رشد وسداده سالك امور دیده وکاردان اولوب • حقنده کلی اعتقاد
واعتماد شریفمز اولمغله • ومشار الیه مقدما قریمه وارد قده بو بابده
قریمه مشورت ابتدا مشار الیه رابطه اندلخت اولوب • خصوص مزبورك
تفاصیل احوالی بالمشافهه مذاکره اولنوب • زیوربند شاهد مقال
اولمغله • وزیر مشار الیه دونمای همایونمز عسکریله بعون الله تعالی
بو خدمت خیر خاتمه‌یه تعیین ونامزد ومفوض الیه ومقلد اولمغله •
یدی سکز آیدن برو بو خصوص لازم الوقوع وواجب الشروعك مهمیه ٩٧
مقدمات واحضار آلات واسبابه شروع ایدوب • مدار افکار انوار
اولدوغندن غیری جناب دولت مصاحبکز وقرنداشکز خلف السلاطین
العظام • قالغای شاهین کرای سلطان دام علوه‌یه نامه همایون سعادت
مقرونمز کوندریلوب • سز دخی طرفکزدن لازم اولنجق مهماتی علی الوجه
الاکمل • وقتیله تدارك واحضار ایدوب • مشار الیه قپودانمز وارمزدن
مقدم مستوفی تاتار دشمن شکار ایله محل مزبورده آماده وحاضر بودونمای

همایونمزك ورود ظفر نمودینه مترقب وناظر اوله‌سزکه • ان شاء الله تعالی
وارلدوغی کبی حالت منتظم قالیوب معیت اوزره حسن وفاق واتفاقیله
سبب سد راه دشمن دین وباعث امن وآسایش مسلمین اولان قلعه‌لرك
مناسب کورلدیکی اوزره معقول اولان محلده بنا وتعمیرینه وقت وزمانیله
شروع ومباشرت وبونیت کثیر النفعه‌یی احسن وجهله مرتبه قوتدن
منصه فعله کتورمکه مبادرت اولنه • دیبود فعات ایله اشارت
وایما اولنمش‌دی • الحالة هذه خیلی زمان اولدیکه وزیر وقپودانمز اکر
قلعه مهماتی واکر سایر لوازم والاتی ایله دونمای همایونمزله دریادن
روانه اولوب • ان شاء الله تعالی شمدیه دك • رب انزلنی منزلا مبارکا
فحوای شریفی اوزره محل مزبوره واروب جناب محمدت نصابکز ایله ملاقات
ایتمش‌در • وقریمده دخی مأمور اولان عساکر ظفر مآثرمز واروب
مأمور اولدقلری خدمته قیام کوستروب • اول دیارده عساکر نصرت
کردارمز ونام آور عدوشکارلرکز ایله مزین اولوب درنك وجمعیتله
مهیا اولدوغی محل اشتباه دکلدر • امدی مقدما کوندرلان نامه
همایونمزده بو بابده صدور بولان قول وقرار اوزره اباعن جد دودمان
عزت نشان وخاندان ابد بنیانمزه متابعت واخلاص ومودت
واختصاص مقتضاسنجه مشار الیه قپودانمز حسن پاشا ایله معیت
واتفاق اوزره وقت وزمانی مرور ایتمدین ذکر اولنان قلعه‌لری
بعون الله تعالی متانت واستحکام اوزره بنا ایدوب • عامه امت
محمدیه وعباد اللهیه نافع اولان بو خدمت خیر خاتمه‌یی احسن وجوه
لایقه واتم مقاصد فائقه اوزره وجوده کتورمکز • واسلاف
سعادت اتصافکز ایتمدکلری اوزره دین ودولته نافع اولان
مصلحتی اتمامه ایرشدرمکز بابنده فرمان قضا جریانمز صادر اولمشدر
وشمدیه دك هر خصوصده رضای همایون اقتضاسی اوزره حفظ وحراست
مملکته وجود بولان سعی وغیرتکز مستلزم رأفت غیر محصوره‌مز اولمغین
حقکزده خورشید احسان فراوانمز شعله‌ریزان اولوب • خاصه
خلع فاخره‌مزدن ایکی ثوب خلعت مورث البهجت سلطانی • عنایت
وارزانی قلنوب • فلان زید مجده ایله ارسال اولنمشدر • وصول
بولدقده کرکدر که اباعن جد آستان احسان رسان • ودودمان
مخلد الارکانمزه اولان • خلوص محبت • واتحاد وصفای اعتقادکز مقتضاسنجه
احسان اولنان تشریف شریفمزی انواع تعظیم واجلال ایله کیوب •

دخی مراسم مصادقت وموالاتی کما هو حقه تکمیل • وانا فانا مواد محبت
ومصافات ارداده سعی جمیل ایلیوب • اتفاق وجمعیت والجماع امت
ایله بنا وتعمیری • معقول ومناسب کوریلن قلعه لری • مشار الیه
وزیر وقپودان غزله معیت واتفاق اوزره • وقت وزمانی تجدید • وقبل
کلوب بر شمدین • متانت واستحکام اوزره بنا ایدوب • بعنایة الله تعالی
وامداده • بو خدمت خیر خاتمتی اداسنه سعی جمیل ایدرسز • بری سکز ایدن
برو بو دکلو مهمات کوریلوب • دوست ودشمن ارالرنده بو مصلحته
شروع اولنه جغی شهرت وشیوع بولمشدر • مقتضای غیرت جبلی
وموجب حمیت ذاتی اولدیکه الشروع ملزم • قولیله عمل اولنوب لازمه
امور دین ودولت وسبب آسایش عامه مسلمین اولان قلعه لری بنا سنه
صرف همت ایدوب • اسلاف اشرف سعادت اتصافکز زمانلرنده
اولدیغی کبی اولجانبلر معمور • وقلوب مسلمین مسرور • واهالی ولایت
٢٨ واصل درجه امن وحضور اولوب • بر موجب آیت دولت غایت
اتونی زبر الحدید • اول نواحیده یاجوج فتنه سنه سد سدید • چکیلسز
ورضای همایونمز اوزره دین ودولته نافع بر خدمت ومصلحت
بولنه سزکه الی یوم القیام • السنه خواص وعوامده نام نیک ایله مذکور
واصناف التفات علیه مزله • واصل انواع سرور اولدیغکزدن غیری
جمهور امت محمدیه خصوصا دیار برکت آثارکزه • منافع عظیمه سی مقرر
ومحقق اولوب • عند الله الملک الوهاب اجور جزیله ایله ماجور
ومثاب اولنه • وعند الخواص والعوام ممدوح ومستحسن اولوب •
دنیاده ابو آد • وعقباده تحصیل ذخر معاد ایلیوب • بو اثر هدایت
رهبریکز مدی الدهور والاعوام • سبب ذکر باقی • وباعث تحصیل
اجر جاودانی اولدیغندن غیری خانان پیشینک مراسمن اجرا • واول
اماکن معتبره یی تجدد احیا • ایلکز عهد قریبدن برو اسلافکز
اولان صدر نشین سند خانی • وپیرایه بخشای سلسله ایلخانی •
خانان ذوی الشان اوزرلرینه مزیت ایله کسب تفوق ورجحان ایلیوب
حایز قصب السبق امتیاز • ومزید ناموسله سرافراز اولدیغکز مقرردر
پس مدی بو تقدیر اوزره لایق وسزاوار اولان بودرکه • بو خدمتک
وجوده کلسینه کجناب دولت مآبکز • واکوشه رالیه قاغلغای شاهین
کرای سلطان • عهده اهتمام کزه فرض وواجب بلوب • بو بابده مأمور
اولان مرتبه لردن زیاده نیت صادقانه ایله بذل همت وصرف دقت •

وادای خدمتده تشمیر ساق والا قوت ایلیه سز • والحاصل اثبات دعوای
صداقت واتحاده • ذکر اولنان ایکی قلعه نک بناسی شاهد بین عدلین وظهار
نتیجه خلوص فؤاده مقدمتین مسلمتین در • بنای محبتا استوارک متانت
واستحکامنه بونن قوی علت اولمز اکر خصوص مزبورده واکر سایر دولت
علیه مزه نافع وامت محمدیه خیرلو اولان خدمتلرده واکر بعنایة الله •
دفع مضرت اعدای بد رای فوق المعتاد • سعی واجتهاد ایدوب • بو دکلو
احضار مهمات وتجهیز عسکر • بر او بحر • ترتیبله اسباب سفر نصرت اثر اولدوغندن
اقرب زمانده نتیجه عاجله وآجله سی ظهوره کتوریلوب • بر وجهله
توقف واهمال وتقصیر واماله احتمال خاطر بر انتباهلرینه راه بولمیوب
ذکر اولنان قلعه لر بناسی عیاذا بالله تعالی عقده تاخیر وتسویفه
دوشمکله • بین الکفار کسر عرض اسلامه بادی وباعث وسبب شماتت
اعدا اولدیغی حال ظهورندن اجتناب • واحتراز اولنه • همة الرجال تقلع
الجبال مضمونن پیش نهاد همت ایدینوب • اولوراولمزسنه ایله
اقدام منتج المرام لرینه فتور کتورمیه لر • ان شاء الله بو نامه سعادت
مقرونمز وصول بولدقده • خلوص صداقت راسخه لری اوزره تعهد
اولدقلری خدمت مزبوره نه وجهله حرکت وسبب دولت دنیا وآخرت
اولان رضای همایونمز تحصیلنه نه طریقله سعی ودقت اولنوب وعین
سایر لازم الاعلام اولان خصوصلر ایله اخبار سلامت آمالری ایله
علی التفصیل • دردولت مدار مزه عرض وانهاسنه سعی جمیل اولنه •

مسقو حنکندن نصکره خان حضرتلرینه خلعت وقلیچ ارسال اولندقده یازیلان نامه دز

حالیا مکتوبکز کلوب • متوجه اولدیغکز سفر نصرت اثرده • مسقو ملاعینی
ایله مقابله اولندقده • عنایت حضرت پروردکار • واعانت معجزات حضرت
سید الابرار ایله نسیم فتح ونصرت طرفکزدن وزان • ودشمن دین
حمله دلاورانه دلیرانه کزدن کریزان اولوب • بحمد وعون ملاعین دوزخ
مکین • شمشیر غزاة مسلمین ایله واصل اسفل السافلین • وبقیه سی دخی
٢٩ وست وکردن بسته • واخل سلسله آمنی اولوب • قرال بد فعال
سیر پنجه شیران وغادت • تخلیص کریبان ایدن برخ مثال روباه
ایله فرار • وفراری نعم البدل قرار عنایتدر وکما عدم اولنمش الحمد لله تعالی
علی نعمائه حضرت خلاق اراضی وآفاق • ایکی جهانده یوزیکز آق • ودائما
شمشیر ظفر تاثیرکزی دشمن دین اوزرینه براق ایدوب • همعنانکز
اولان غزاة مسلمین • وکماة موحدینی دخی برخوردار ایلیه • بو خدمت

خیرخانمت• یالکوز ذات ملانك صفا نمره وولت ابدی البنا تمه دکل کلزار
دین مبینه باعث رونق وموجب تحصیل رضای حق برائردر• وحضور فایض
النور مزده مستوجب استحسان• ومستلزم دعای خیر اجابت اقتران اولوب
انشاالله تعالی روز بروز آثاری ظهور وبروز ایلمك مقرردر• حالیا وجوده
کلان خدمات جلیله• واثار جمیله کز مقابله سنده حقکزده بحار لطف عنایات
بی کرانمز موجزن• وخورشید عنایت بی انتهامز پرتوافکن اولوب• خاص
خلع فاخره پادشاهانه مزدن• برثوب کودکلو• وبرثوب ساده• ایکی
ثوب خلعت مورث البهجت سلطانی• واسیاف فاتحة الاکناف ملوکانه
مزدن مرصع غلوف• برقبضه شمشیر رعد وتدمیر جهان تسخیر صاحبقرانی
عنایت وارزانی قلنوب نامهٔ همایون ملاطفت مشحونمز ایله کوندرلمشدر
وصولنده عنایت واحسان اولنان خلعت فاخره بهجت افزا• وکسوت
باهره مسرت انضمام ایله• قامت پر شجاعتکزی تزیین• وسیف سالب
الحتف ایله ترصیع میان غیرت نشانکز مهابت قرین ایدوب• تحصیل بهجت
ونشادمانی• وتکمیل لوازم مسرت وکامرانی ایلدکدنصکره• جبلتکزده
مرکوز• وطبیعتکزده مرموز اولان وفور شجاعت وصداقت• وفرط شهامت
واستقامت مقتضاسنجه• دین ودولت ابد پیوندمزه لایق• وعرض
وناموس سلطنتمزه موافق خدمات جمیله وجوده کتورمکله دعای خیر
اجابت قرین• وانواع عنایات علیه سعادت رهینمزه نائل اولمغه
بذل مقدور• وسعی نامحصور ایلیه سز•

شاهین کرای سلطانه کوندریلان امر شریفدر

بوندن اقدم قرنداشك• جناب امارت مآب• قریم خانی محمد کرای خان
ذات معالیه یه کوندریلن نامهٔ همایونمزده• وسکا ارسال اولنان
امر سعادت مقرونمزده• مفهوم ملزمنه قزاق بد اخلاق• واشقیای برسنفا
طایفه سی شیقه لر ایله اوزی صویندن چیقوب• قره دکزده بوزیت
سفاین تجار وغیریه ایصال مضرت• وبالبلرده اولان قصبات وقرالی
یغما وغارات ایدوب• فتنه وفسادلری کوندن کونه ازدیاد بولمغله
ممر وکذرکاهلری سد وبند اولوب• اهل اسلام شور وشرلرندن
خلاص اولمق لازمهٔ امور دین ودولتدن اولمغین• اوزی صوینک
طغان تجدی نام محلده ایکی طرفنده برر متین قلعه بنیاد• واولجانبلر
کما فی الاول اهل اسلام ایله مملو اولوب• معمور وآباد قلنمسی خصوصنه
اتفاق آرا ایله معقول ومناسب کورلمکله• ذکر اولنان قلعه لرك

بنا

بناسنه قرار ویرلوب• وبوجانبدن لازم اولان مهمات بالتمام تدارك
واحضار اولنوب• خدمت مزبوره معیت ایله وجوده کتورلمك ایچون•
دستور مکرم مشیر مفخم نظام العالم• وزارت ایله قپودانم اولان حسن پاشا
ادام الله اجلاله نك• عون حق ایله حسن تدبیر وتدارکنه اعتماد همایونم اولمغله ١٤٤
دونمای همایون ظفر مقرونم• عسکریله بو مصلحته تعیین ونامزد•
ومامور ومقلد اولمشیدی• وسندخی مقدما ایلدیکک تعهدك اوزره
مشارالیه خان قرنداشك ایله• وجمله تاتار اطاعت کردار ایله• برکون
مقدم حرکت• ومحل مزبوره توجه وعزیمت ایدوب• ادای خدمتده بذل همت
ایلمك بابنده فرمان شریفم صادر اولمشیدی• امدی اول امرم کماکان مقرر ٤٠
اولوب حالیا مشارالیه وزیرم دونمای همایونمله واروب• اولجانبه
وصول بولوب• خدمت محلنك زمانی کلکله بوبابده بروجهله غفلت
واهمال ایتمیوب• مقدما فرمانم اولدوغی اوزره عهد واقرارك موجبنجه
مشارالیه قرنداشکله مزبوره حاضر وموجود اولوب• وسن اوته بقایه کچوب
مشارالیه وزیرمك وجه معقول کوردیکی اوزره خدمتده بولنمق
امرم اولمشدر• آستان ابد بنیانمه خلوص فؤادك موجبنجه حقکده
مزید عنایات خسروانه م ظهوره کلوب• خاصه خلع فاخره مدن برثوب
خلعت مورث البهجتم عنایت وارزانی قلنوب• ارسال وایصالی ایچون
فلان تعیین اولنمشدر• بیوردمکه وصول بولدقده احسان اولنان خلعت
فاخره وکسوهٔ باهره می انواع تعظیم واکرام• واصناف توقیر واحترام
ایله استقبال ایدوب• دخی الوب کیوب مقدما وحالیا صادر اولان
فرمان جلیل العنوانم موجبنجه وتعهد واقرارك اوزره• بناسنه قرار
ویریلن قلعه لرك وقت وزماننه تجدید• وقیش کلوب ایرشمدن•
تعمیر وبناسنه معیت وحسن اتفاقله بذل همت ایدوب• مشارالیه
وزیرمك وجه مناسب کوردوکی اوزره ادای خدمته سعی ایلیه سز
ذکر اولنان قلعه لرك بناسی لازمهٔ دولت ودین• وموجب آسایش
مسلمین اولمغین• اتمام واختتامی قرنداشك محمد کرای خان ذات
معالیلرینك• وسنك عهدهٔ اهتمامکزه حواله اولنمشدر• وتاتار صبارفتار
عسکری• بوسنه قزلباش کفره فاش سفرندن معاف اولمق• بو خدمت
خیرخانمنك حصولی ایچوندر• بو تقدیرجه بو امر لازم الشروعی سائر
اموره قیاس• وغیریه خدمته التباس ایتمیوب• درون دلدن دامنه
دامن درمیان• وسمند غیرت وحمیتی زیر ران ایدوب• کون بکون حقکده

اناب القاتم رخشان • وانواع احسان بی پایانم صادر و نمایان اولمنه
ودعای خیرم استجلابنه سعی و دقت ایلیه سز • بوامر لازم الاتباعم صونلندن
صنکره نه وجهله حرکت • ونه طریقیله دای خدمته همت اوزره اولدوغکی
سایر لازم العرض اولان خصوصلریله علی التفصیل یازوب • سلاله
سعادتمه عرض وانهادن خالی اولمیه سز •

طرف اصفهاندن خان حضرتلرینك نامه سنه جوابدر

متقدما مسقوملاعین اوزرینه دولت واقبال ایله حرکت بایمنسلرینك
خبری وارد اولدقده فصکره • دائما توجه خاطر صداقتمقرون • وفکره دون
مخلص مخالصت نمونلری • طرف شریفلرینه اولوب • خبر مسرت اثر انتظاری
اوزره ایکن • برساعت سعادت اقتران فرحفزا • وبروقت میمنت نشان
نتیج زاده ده • محبت نامه بشارت اهدا • وملطفه کرامی مسرت نمالری
واصل اولوب • مضمون صفا مقروننده عنایت حضرت خالق الافلاك •
وبرکت معجزات صاحب لولاك لما خلقت الافلاك ایله دشمن ناجیره
حمله جنکیز بانه لرینه تحمل ایده میوب • باران تیر • وشعشعه شمشیر
دلیران دشمنکیردن • بنات النعش کبی پریشان وبیحد وبی قیاس
ملاعینك جان خبیثی نعره جهنم مکان • وبنجه سی دست وکردن
بسته اسیر شیردلان اولوب • قزلباش ملت فعال سر پنجه کرك
اجلدن خلاص بولان برخ شغال پریشان حالیله • بی تاب ومجال
ترك مال ومنال ایدوب • مرجع ومعادی داکلامن برك الوداد اولدوغی
مندرج اولمغله • بوموهبت علیه الهی وعطیه جلیه نامتناهی به
بی قیاس شکر وسپاس اولنوب • جناب دولت نصابلرینه دعالر اولنمشدر ١٤٥
وشوکتلو وعظمتلو پادشاهم حضرتلرینك دخی لسان اجابت ترجمانلری
کوهربار دعا اولوب • حضور فایض النورلرنده بوخدمت جمیله لری
واصل درجه استحسان اولمشدر • المنة تعالی وتقدس • نیستان جلادتك
شیرزی • ومیدان شجاعتك ارکان اولان سماحتلو وسعادتلو اوغلم
حضرتلرندن مأمول وملحوظ اولان دخی بوایدی • حضرت خدای بیچون ٤١
غزالرین مبارك ومیمون • ووجود بهبودلرین آفات واکداردن
مصون ایدوب • مساعی جمیله وخدمات جلیله لری بسندیده خاص
وعام • ومستلزم دعای عامه انام اولدوغی کبی عند الله والرسول
دخی قرین قبول اولوب • دنیاده نیك نام ایله صاحب امتیاز اولدقلری
اوزره اخرده دخی درجات عالیه ایله سرافراز اولمق میسر ایلیه امین

خبرنا نمه

بنم دولتلو ورفعتلو اوغلم خان جلیل الشان حضرتلری • بوخدمت
ایله شوکتلو پادشاهم ودولت علیه لرینه اولمیوب • دین مبین حضرت
رب العالمین • وجناب سید المرسلین خوشنود اولاجق برخدمت عالیه در
بولطف حقك اداء شکرنده نوع بشر عاجز اولدوغی مقرردر • الحمد لله تعالی
که بوبله نیجه ایام مذکور السنه انام اولاجق بر اثر لازم الاستحسان
دولتلو اوغلمك دست همتلرنده نمایان اولدی •

دولت کرای سلطانك براتیدر

چون حضرت خداوند واهب المواهب • وجناب مفیض النوال والمراتب
جل شانه وعظم سلطانه کمال وجود وکرمندن • آفتاب عالمتاب سلطنتی
طالع مطالع سعادت واجلال • واختر فیروز جهان افروز خلافتی
شارق مشارق عز واقبال ایلدی • فلاجرم شکرا علی هذه النعم ذمت همت
علیه شاهانه مه اهم والزم اولدیکه • مستحق ارتفاع شان ومستوجب
اعتلاء مکان اولنلر علی الدوام حصول مقاصد ومراملریله بهره مند
ومتیسر المرام اولهلر • بناء علی ذلك • جناب امارت مآب ایالت نصاب
قریم خانی اولان جانبك کرای خان • دامت معالیه نك • قرنداشی رافع
توقیع فرخنده فال تاجداری • وناقل برلیغ بلیغ مسرت مقال شهریاری
خلف السلاطین العظام • اشرف الخواقین الکرام • المختص بمزید عنایة
الملك المنان • دولت کرای سلطان • دام عزه نك حقنده مزید عنایت
علیه شاهانم • ومزیت رأفت سنیه پادشاهانم • وجوده کلوب
اشبو سنه سبع وثلاثین والف شوالنك غره سندن • خان مشار الیهك
قالغایلغی توجیه وعنایت ایدوب • بوبرات مسرت آیات عزت غایاتی
ویردم وبیوردم که • بعد الیوم موی الیه دولتکرای سلطان دام عزه
قالغای اولوب • شولکه وظایف خدمات مبروره وموفوره وساعی
مشکوره درمرعی ومؤدی قلوب • جاده شرع قویمدن • ودایره طریق مستقیم
دن • عدول وانحراف ایلمیه • واول دیارك امرا وکبرا ومیرزالری وبالجمله
تاتار طایفه سنك وضیع ورفیع وکبیر وصغیری • موی الیهی قالغای
بیلوب • وقالغایلغه متعلق خصوصلرده کندویه مراجعت • وامرینه متابعت
اوزره اولوب • عناد ومخالفتدن احتراز واجتناب • اوزره اوله لر
شویله بیله لر علامت شریفه اعتماد قیله لر تحریرا فی اوائل شهر شوال المکرم سنه سبع وثلاثین والف

جانبك کرای خانك براتیدر

چون حضرت واهب العطایا • وجناب خالق البرایا • جل شانه وتم برهانه

پادشاهان دیندار وشهنشاهان عالیمقداری السلطان ظل الله فی الارض
بشارتیله مبشر وسرافراز وسلاطین گزین وخواقین اورنگ نشین
فرحین بما اتاهم الله من فضله اشارتیله مشرف وممتاز ایدوب منشور
لامع النور وافاللدین طغرای غرای وآتیناه الملك ایله مزین ومحلی و نهال ١٤٧
درخت دولت واجلالدین پروردهٔ جویبار یخلق ما یشاء ویختار الله
مرتب ومعلی ایلدی خصوصا ذات خلافت آیاتمی انا جعلناك خلیفة
فی الارض تشریفنه مخصوص قیلوب مملکت ممالك اسلامیه یی شان
عزت نشانمه سزاوار ومناسب کوروب مسند جهانبانی وتخت
کشورستانی ورفعناه مکانا علیا مقتضاسنجه جناب جلالت مآبمه
مفوض ومقرر وممالك وسیعهٔ اکوان عالمی واتاکم مالم یؤت احدا
من العالمین مستدعاسنجه رایات سعادت غایاتمه مفتوح ومسخر
ایلیوب دیوان هدایت نشان وکذلك یجتبیك ربك منطوقنجه
سلاطین نامدار وخواقین ذوی الاقتدار دن ممتاز ومعلا ایدوب
غرایب رغایب آلاء الهی فما بکم من نعمة فمن الله ولطایف عواطف
نامتناهیکه وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها متوالی ومتعاقب یوما فیوما
ایام سعادت فرجام وسعادت انجامه زاید اولوب انوار فیض
ربانی وآثار لطف یزدانی ساعة فساعة ناصیهٔ احوال وجبههٔ آمالمه
کالشمس وضحیها والقمر اذا تلیها واضح ولایح کورندی الحمد لله الذی فضلنا
علی کثیر من عباده المؤمنین ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل
العظیم لاجرم بو موهبهٔ کبری ربانی وعطیهٔ جسیمهٔ سبحانی شکرینه
برموجب لئن شکرتم لازیدنکم همت علیای ملوکانهمه لازم وذمت
والای خسروانهمه فرض ومتحتم اولدیکم احسن کما احسن الله الیك مقتضاسنجه
بر واحسانم کافهٔ انامه شامل وخواص ذوی الاختصاصمه متناول اوله
بناء علی هذا رفع توقیع جهانمطاع شهریاری وناقل یرلیغ بلیغ بدیع
التبلیغ تاجداری جناب امارت مآب ایالت نصاب دولت انتساب
سعادت اکتساب ذو القدر الاتم والفخر الاشم ذاهب مذاهب العز
والاقبال سالك مسالك المجد والاجلال المختص بمزید عنایة الملك
المنان جانبك کرای خان ادام الله تعالی معالیه نك کمال دیانت واسلام
وطریق صداقت واستقامتن حسن اهتمامنه اعتماد تام همایونم اولدوغندن
ماعدا بوندن اقدم قریم خانی اولان محمد کرای قرنداشی شاهین نام شقی
ایله همبسته یکدل ویکجهت ورضای همایونمه مغایر مرتکب انواع اوضاع

وحالت

وحالت اولوب ایکیسی دخی حکومتدن رفعی دولت علیه مداولی
وانفع بر مصلحت اولمغیله مشارالیه جانبك کرای خان ادام الله تعالی
معالیه نك ریاض حسن آماللنه نسیمات عنایت شاهانم فایح وحدایق
لطف احواللنه شمایم رعایت پادشاهانم منتشر ولایح اولوب عموما
ولایت قریم خانلغنی مومی الیه الیق واولی وسزاوار احری کوروب تفویض
تقلید ایدوب بو برات سعادت آیات بهجت غایاتی ویردم وبیوردم که
من بعد مشارالیه ولایت مزبوره خان اولوب شولکه مراسم آیین سلطنت
وظایف قوانین خواقین باعدالتدر مؤدی قیلوب سالك مسالك عدالت
واستقامت وذاهب مذاهب رأفت ونصفت اولمغیله اول جانبلرده هر
منزوی اولان رعایا وبرایایه بسط بساط معدلت ایدوب جادهٔ شرع
قویم وصراط مستقیمدن عدول وانحراف کوسترمیوب هر وجهله مظلوملره
معاونت وظالملره انواع اذلال وحقارت ایلیه اول ولایتك امرا وکبراسی
ومیرزالری وعلما وصلحاسی وکافهٔ اهالیسی وبالجمله صغیر وکبیری
مشارالیهی کندولره خان بلوب اعزاز واکرام واوامریله محکوم ومأمور
وسوزینه اطاعت وانقیاد ایدوب مخالفت وعصیاندن اجتناب واحتراز
اوزره اوله لر واشبو سنه سبع وثلثین والف رمضاننك یکرمی التنجی کونندن
خان سابق متصرف اولدوغی اوزره یوزبیك کفوی اقچه سالیانه یه متصرف
اولوب اول بابده هیچ احد مانع ودافع اولمیه شویله بلهلر علامت شریفه
اعتماد قیله لر تحریرا فی اواخر رمضان المبارك سنه ١٠٣٧

بادلوق ویوده نصب اولنوب خان حضرتلرینه بو بابده یازیلان مکتوبدر

خاقانا شوکتلو وعظمتلو وقدرتلو افندم پادشاه ظل الله حضرتلری ممالك محروسه
لرینه سایه انداز اجلال اوله رق ادرنه یه دخولندن ایکی کون مقدم جرادکی
نام محله نزول اولندقده طرف باهر العز والشرفلرندن آدم کلوب ارسال
بیوریلان محبت نامهٔ نامی وملطفهٔ کرامیلری واصل ومضموننه علم مخلصی
شامل اولوب بو معاملهٔ صادقانه ووضع دلپذیرلرندن فوق الحد سرور
حاصل اولمشدر حضرت خالق البشر دولتلو وسماحتلو وسعادتلو اغلم
حضرتلرینی معمر ایدوب مرادات دارینلرین میسر ایلیه مقدما انواع
فتح وظفر ایله عودت بیوریلدن سفر میمنت اثردن معترحکو متلرینه وصول
زمانی قریب اولوب هنوز تعب سفر برطرف اولمامش وقت اولمامغله مکتوب
ارسالنه جرات اولنموب احوال خیر اشتمالکرندن خبر اولمغه انتظار مز
کمالده ایدی فریحهٔ طبع بلندهمتلرندن خدمت دین ودولته بو کونه رغبت

بورلدیغی آستانۀ مخلص الارکان آل عثمانه کمال خلوص و صداقتلرین مؤکد
و بوخیراندیش و صداقتکیش بابالرینك ذات ستوده صفاتلرینه اولان
محبت و مودتی مشید و مجدد اولمشدر ٭ بنم صداقتلو و حقیقتلو دولتلو
اوغلم خان جلیل الشان حضرتلری اردل و افلاق ملاعیننك لایق نهاد
خباثت معتادلری اولان ملعنته جسارتلری ٭ معلوم دولتلری اولمشدر
ظاهر امثل مشهوردرکه صو اویور دشمن اویومز کافر کافرلکنی قومز ٭ خالقنك
وحدانیتنه اقرار ایتمیوب ٭ خیانت ایدن ملاعین مشرکین ٭ افندیسنه
صداقت ایتمك ٭ سیف القای شمشیردن غیری وجهله متصور دکلدر ٭ سنۀ
سابقه ده ایتدکلرینی بولان جلالی ملاعین مرادلری اوزره اتمام خدمته
مانع اولدقلرندن ماعدا افلاقده و اکرادله مرحمت و انصافله معامله
اولنوب ٭ بو مرتبه آثار معجزات کورمکله متیقظ و متنبه اولورلر قیاس
اولنمشدی ٭ ان شاء الله تعالی امیدمز بودرکه ٭ بو دفعه پیش نظرلرنده اولان
ظلامه ٭ بر توشمشیر غزاة اسلام ایله دفع اولنوب ٭ معجزات سید الابرار
و قوت قاهرۀ شهریار عالی تبار ٭ نه ایدوکین کوررلر ٭ جمله دن مقدم افلاقه
ویوده تعیینی اهم ملاحظه اولنوب ٭ بغدان ویوده سی اولان نیجه زماندر
آستان سعادتده خدمتده اولمش ٭ سالخورده و قریب الاعتماد اولمغله
عظمتلو و کرامتلو افندمز کندوسنی افلاق ویوده سی نصب و تعیین بیوروب
کوچك میراخور مصطفی اغا قوللرینی اسکمله اغالغی ایله ٭ و قپوجیلر کتخداسی
مصلی اغا بنده لرینی کندوسنی قالدورودوب ٭ اوزی بکلربکیسی عزتلو جان
ارسلان پاشا حضرتلری یاننه کتورمك ایچون ارسال بیورلمشدر ٭ و بغدانه
مستقل ویوده تعیین و ارسال اولونجه یه کندو اعتماد ایلدوکی بر آدم ایله قوللق
ضبط ایتدرمك سپارش اولنوب ٭ حالیا بغدان ویوده لغنه بر معقول
و مناسب آدم نصب ایتمکلکمز بونز ٭ حالیا بغداندن افلاقه کیدن کیمسه نك
اوغلی وار ٭ لکن ایکی مملکت بر آدمه اولمسی دولته نافع اولمدیغی علم خانیلرنه خفی
دکلدر ٭ بیوکلك اوغلی وار ٭ آنی کوره لم نیجه در ٭ حضرت حق دین و دولته
انفع اولانه توفیق ایلیه ٭ و انا طولی و روم ایلی بکلربکلری متحمل قپولریله
ارسال اولنوب ٭ بر مقدار یکیچری دخی کوندرلمشدر ٭ و بیانذرنی عسکر
تعیین اولنوب ٭ تقویتلرینه اهتمامدن قصور اولنمز ٭ لکن افلاق ملاعیننه
بر وجهله جزا ویرلمك لازمدرکه ٭ طنین تیغ غزاة ظفرپناه کندولرینك
و اولاد خیانت نهادلرینك قرنا بعد قرن منکوش کوش انتباهی اولوب
القای ملعنت و فساد ایدنلرك اغواسنه قولاق اصمیه لر ٭ و سائر ممالك عثمانیه

وعناد ایدنلرك اثرینه ایاق باصمیه لر ٭ بو مصلحتك خود مراد اوزره حصولی
و طرف نهب و غارتلك حد کماله وصولی عسکر تاتار دشمن شکار عزیمتنه محتاج
اولدوغی معلوم سعادتلریدر ٭ برادرینك اخترلری عزتلو غلغای سلطان حضرتلرینی
آقکرمانه ارسال بیورلدوغی غایة الغایه ٭ معقول مصلحت و بو طرفه بر بیوك
خدمت اولمشدر ٭ فیما بعد کندوسنه اوزی بکلربکیسندن آدم کلوب
دعوت اولندقده تکرار بو جانبدن خبره انتظارده اولیوب ٭ مجددا توجه
ایلمه سنه تنبیه بیورمه لری مأمولدر ٭ اردل طرفندن دخی دائما قوجی لعونتك
استبداد سند نصلکن ٭ حاکم جدید بار جعای قوس ٭ بدون محافظی و دبیر
مکرم عزتلو و سعادتلو سیدی احمد پاشا ٭ حضرتلرینك یاننه کلوب استمداد
ایتمکله اول سرحد عسکرلری عموما تعیین اولنوب یوما فیوما جمع اولمقده در
ان شاء الله تعالی مجتمع اولدقده دفع مضرتنه توجه ایلملری مقرردر امیددر
حضرت خدای قدیر تدبیرلرین موافق تقدیر ایدوب ٭ توجهلرین دفع غائلۀ
وسیله ایلیه ٭ بو اهتمام محصل المرام اولمز ایسه ان شاء الله تعالی اول بهار خجسته
آثارده عموما عساکر منصوره ادرنه صحراسنه کلمك فرمان اولنوب ٭ عظیم
درنك و جمعیت اولمق امر مقرردر ٭ بنده دولتلو اوغلم ایله مکاتبه اولنوب
لایق دین و دولت اولدوغی وجه اوزره اتمام مصالحه اقدام اولنور ٭ انجق جناب
دولتمآبلرینك بو خدمت خیرخاتمه ده امداد و اعانتلری نه مرتبه ده انتظار بوزده
اسددرکه برکون مقدم مکتوب شریفلریله اعلام بیوره لر ٭

خان حضرتلرینه مرحمت علوفه خنجر ارسال اولندقده کوندریلان نامه در

ذات سعادت آیاتکرده مرکوز ٭ و نهاد شجاعت صفاتکرده مرموز اولان
صداقت و اخلاص و استقامت و اختصاص مقتضاسنجه ٭ مقدما برادر دیکر
قاغلغای سلطان دام منظورا بانظار عنایات الرحمان ٭ دولت ازلیة البدایة
و ابدیة النهایتمز خدمتنده بولنمق اراده سیله ٭ آقکرمان طرفنه ارسالندنصکره
خاین دین مبین و دولت کزین اولان قسطنطین نام لعین ٭ و میکل نام ابتر
و اضل ٭ اوزرلرینه تسلط اولندقده بعنایة الملك القهار ٭ مقاومته عدم
اقتدارلری آشکار اولمغین ٭ عسکر نکبت رهبرلرینك اکثری شمشیر غزاة ظفر
سمات ایله رهین مرك و بوار ٭ و سرنخوست مغفرلری آغشتۀ خون هلاك
و خاك دمار ٭ و نیجه سی دخی سرپنجۀ نره شیران دشمنکرده اسیر اولوب
مأمول خاطر و مراد ضمیر فیض مآثرمز اوزره خدمتلر بولنوب ٭ انواع مساعی
جمیله وجوده کتورمکله دعای خیر اجابت اثرمزه مظهر اولمشدر ٭ سز دولت
ابدپیوندمزه اسلافکزدن زیاده دلبند اولوب ٭ صداقت و عبودیتده اهتمام

وبالده نعمات خدمات همايونمزده بسند يده من اولان وجهه اوزره بذل
اقدام ايدوب طرفكزدن نيجه مساعئ مبرورة ظهوره كلمكين حقكزده
بحار عنايات عليه مز موجزن وخورشيد التفات سنيه مز پرتو افكن
اولدوغى منشور نامهٔ همايونمز ملاحظه سنيه مز ايله جكر در دشمن بد اختر
مرصع غلوف بر قبضه خنجر ثريا جوهر احسان اولنوب ايله
كوندرلشدر وصولنده كه سعادت اثر بكزه بند ايدوب دخى فيما بعد
طرفكزدن كلى خدمت خدمات سابقه كبى لاحق اولق مأمول همايون
وملحوظ طبع سعادت مقرونمز اولمغله دائما طرف باهر العز والشرفمزه
صداقت واستقامتله خدمت ومقلد ونامزد اولدوغكز مصلحتلره
سعى وهمت اوزره اولهسز

غازى كراى خان جانب پادشاهيدن استمالت نامه در

حمد وسپاس وشكر بى قياس اول فتاح ابواب اولان ملك قدوس
دركاهنه كه اعداى علوم كلمهٔ حق حفظنه وعد صدقتى نصر توفيق ١٧٩
ونصر عزيزى ايله تاييد مجاهدين وتاكيد جنود موحدين ايدوب كه تحقيق
وغازيان عرصهٔ هيجانك سيوف غزوه مألوفلرين عرشنه تعليق
وعدوى كستاخ كوزينه ميدان فراخ وغايت تضييق وجموع مكثرلرين
صرصر قهر ايله تفريق وصلوة نامحدود حبيب رب ودود اولان محمد
واحمد ومحمود حضرتنه كه امتنى امر جهله غزايه تشويق وامداد روحانيسى
مجاهدان امته رفيق واصحاب كزين كه غزاة امته رهنمايان طريق
ايلدى صلى الله عليه وعلى آله واصحابه خير صحابه كدين واحزابه
وبعد ذاجناب جلالت مآب شهامت نصاب شجاعت انتساب
سعادت اكتساب كزين نسل ايلخانى زبدهٔ فروع برفروغ جنكيزخانى
صداقت پيشه وبنات انديشه قريم خانى غازى كراى خان حفظ الملك
المستعان سلام سلامت انجام ودعاى محبت فرجام ايله مفتح وسر
افراز ونوازش پادشاهيله قرين اعزاز قلندقدن نصكره اعلام اولنوركه
الاسماء تنزل من السماء ونقيض صيت آدميانده غازى اسمنه سزا
اولوب اصالت نسب وبسالت موروث ومكتسبدن نصاب كامل ونصيب
شامل صاحبى اولمغله حكومتكاه قديمكز اولان قريم ولايتندن نجه
مسافات كثيرة المخافات ايدوب عساكر ظفر مآثر ايله رصا رفتار ايله
عبور انهار صعب ومساعئ مرورده يارده خرق عادت ايدوب صحيفه
روزكارده مراعات حقوق بيشين ورعايات عهود ديرينه شرايطنى

اداده قصور وقوع بولمامق اوزره يراقلقده يكتالكى وجبلت جبلهده اولان
فرزانه وبكانه لكى برينه كتوروب كفا دمملكتنده مسالك پرمهالكك
شدايدينى اختيار ايدوب نهاد صداقت مهاد جانبنده دوشن حسن امتثال
وطينت طيبهٔ خاقانيه سزا اولان غزايه استعجال صحيفهٔ خيال عالمده مرتسم
اولان اوزره صورت پذير وجلوه نما اولدوغى مستجلب مزيد اعتقاد
ومستوجب تاكيد اعتماد اولمشدر عثور ماثرده وصدور مصادرده امور
نادره صدورى وكفا رخاكساردياربنه خسارت وغارتلر ظهورى
سبب ازدياد وداد اولمشدر لكن مساكن اعداده ساكن اولوب بو قيشى
اول اماكنده عيش ايتمكله دشمن بدكيش كشورينه تشويش براقوب وكاه
وبيكاه آقنلر صالوب دارو ديارلرين ياقوب يقمق لازمهٔ تكميل فتوح
جديده ومقدمهٔ تحصيل منافع عديده ايديكى معروض عتبهٔ عليا
اولدقده پيش نهاد ضمير منير پادشاهى وخاطر خواه فؤاد اصف صفات
جهانپناهى بو اولدى كه قلوب قاسيهٔ اعدايه داغ اورلمشكن آسايش
فتح ويرلميه ونجه بيج قرالى مراد اولمنجه وآل امان ديار دندن الامان
صدالرين ايشتمينجه وشنا وصيف انلره سيف وهركون نجه كوى
وكنده ولرين بهادران لشكرى ضيف ايتمكى ايش ايتمينجه عزم وطن وترك
ديار دشمن اولنميه كه بحرمايج وسيل هايج كبى عسكر بى شمار اسلام
اول سمته اقشكن وكشور اعداى دينه ايرشوب يرلرين برقشكن
ورعد طوب وصواعق وبرق شمشير اول يرلرى يقوب ياقشكن وعزم
همايون خيام اوتا دينى امر زبوملره قاقشكن اول حدوددن صدود
اولنميه وسردار ظفر كردار مرداى خير اثارى اوزره لشكريا رسپاك
رفتاره جاى كنجايش اولور برمناسب قشلاغى وهر يران وغانك
طوراغى ايدوب دشمن ولايتنكاه جاپمغه وكاه غنيمتلرين قپمغه
حاضر وآماده اولوب وبرجاى مقبول آرامكاه سپاه ظفر دستكاه قلنه كه
بو غربت وكربت مقابله سنده مظهر حرمت اولمق وبو خدمت اداسنده
نيجه عزت بولمق باذن الله محققدر حقق الله بالخير آمالكم ووفق
برضاء اعمالكم وصانكم من حولكم بحوله واعانكم بقوته وطوله آمين

١٤٠ ## ابراهيم پاشا طرفندن محمد كراى خانك مكتوبنه جوابدر

مجمع آيات مفاخر شهريارى منبع آثار دمساز جهاندارى فروزنده شمع
عزت وبختيارى فرازنده اعلام شوكت وكامكارى مهبط عنايت
سبحانى مورد حمايت صمدانى مهر سپهر سرورى شمع جمع صفدرى

دام منصورا بالعون الربانی • حضرتلرینك موقع رفیع كامرانی ونادی
منیع جها بانیلرینه صوبنه • دل بی غل مخلص خیراندیش • ودوون اخلاص
مشحون محب وفاكیشلری قبلندن • صادر وسنادر اولور فواتح تحیات
صافیات مخالصت آیات مسكیة النفحات كه فاتحه سنه رقم اجابت
روحانی كشیده • وروایح تكریمات وافیات مصادقت صفات وردیة
النسمات كه خاتمه سنه اثر قبول صمدانی رسیده اوله • قافلهٔ صدق وصفا
وراحلهٔ وداد ووفا ایله • اتحاف واهدی اولندقدن صكره ضمیر منیر مهر انجلا
وخاطر عاطر خورشید ضیالرینه كه • فی الحقیقه مورد انوار هدی در •
مانند ضوء منور وواضح وهویدا اولنور كه • حالیا اشرف اوقات واسعد
ساعاتده طرف قرین الشرف كرامیلرندن • رقم زدهٔ كلك سحبان بلاغت
نشان اولان • كتاب شریف شرف رسان • ومكتوب مرغوب فصاحت عنوانكری
مقربان عتبهٔ علیا ومنتسبان سدهٔ سما سیمالریندن اولان فخر الاعالی
والاكابر ذو الفقار آغا زید مجده • یدندن شرف ورود بولوب • تعظیم تام
ایله آلنوب • ونكریم تمام ایله اچلوب • مطلع بلاغت شعارندن منقطع
فصاحت آثارینه دكین • مطالعه قلندقدنصكره • ابتداسی انواع زبودهٔ
عواطف ووفا ایله مملو • وانتهاسی اصناف مكارم صدق وصفا ایله مطلو
بركتاب دلكشین نقاب كه مطالعهٔ مفهوم مسرت بخشاسی روح فزا وبرنامهٔ
نامی محبت كرامی كه مضمون دلكشاسی موجب تزاید ود ووفا اولمشدر •
حق سبحانه وتعالی اول عالی قدر وواسع الصدرك • وجود بهجود • وذات
مسعودلرین • سریر عزت وخانی • ومفرحكومت وفرمانروانی لرینده برقرار
ودائم وابد الدهر استوار وقائم ایلیوب • هواره یمن الهی • وكمال اشفاق
پادشاهی ایله سرافراز اولمقدن خالی ایلمیه • حقا كه ذات ستوده صفاتلری
مرسوم اولان آثار صداقت وجلادت ونهاد صدق اعتبارلرینده • مرقوم
اولان كمال وداد ومخالصت • كالشمس فی وسط النهار ظاهر وآشكار ایدوكی
مشهود صغار وكبار اولدوغندن قطع نظر • دین ودولت شهنشاهی به
ابقی • ویمن رضای پادشاهیه اوفق • وجوده كلن خدمات سابقهٔ پسندیده
لری • دیرغ دوربینی ایله مشاهده ومراولمغین • علم الله وكفی به شهیدا •
هرحالده حسن شهادتده سعی بلیغم اولوب • مظهر عین اعطاف شهریاری
اولمه لری بابنده جد تام • وكلام حقی اداایلكده سعی واهتمام اولنمشدر •
ومن بعد دخی ضمیر حقیرده جایگیر اولان بودركه • اول كان مكارم واحسانك
ریاض امالی زلال التفات خسروانی ایله سرسبز وشاداب اولوب • دائما

الطاف شهریاری ایله بهره یاب اولمه لرعون سعی واجتهادده قصور اولنمز •
اولكه دوستلغه لایق ومحبت ومودته موافقدر دریغ اولنمیوب مجلس
حق سوزلك اداسی كتم قلنماز • اولخالق بی همتا جناب واجب العطا • درگا
هندن رجا واستدعا اولنور كه • احسن امور خیر ایله ظهور بوله • باقی
نه عرض اولنه كه علم عالم آرالری محیط وشامل اولمیه • همواره عتبهٔ فلك
فرسای خانی مبامن الطاف آلهی ایله محفوف اولوب • تا انقراض زمان
وانقطاع دوران كمال امن وامان ایله ملاذ عالمیان اوله •

طرف آصفیدن خان حضرتلرینه گلان نامه یه جوابندر

حالیا ارسال بیوریلان نامهٔ نامی • وملطفهٔ گرامی مودت فرونلری •
واصل اولوب • مضمونلرنده مندرج اولان انواع صداقت باعث ازدیاد •
ود وتألف اولمشدر • جناب دولت مآبلرینك • شوكتلو وكرامتلو عظمتلو
افندمز پادشاه انجم سپاه حضرتلرینه ربط دروندن وعبودیتی ودین
ودولت ابد پیوندلرینه كمال الصداقت ایله خدمتی اجداد عالی نژادلرینك
برینه مینسر اولمدیغی محل ارتیاب اولمیوب • كالشمس فی وسط النهار ظاهر
وآشكاردر • بو دفعه خود شهراه حقیقتده صاحب ثبات اولدقلرینه
اعتمادمز وثاقت اولوب • حضور همایون خلیفهٔ ربع مسكونده نوجهله
تعبیر وبه لسان ایله تقریر اولندوغی جناب علام الغیوبه معلوم اولوب
ان شاء الله تعالی ضمیر منیر مهر انجلالرینه دخی ظاهر وهویدادر • وشوكتلو
افندمزك دخی مبارك لسان اجابت ترجمانلری ایكی دفعات حقلرینده گوهر نثار
دعا اولوب • طرف باهر الشرفلرینه اولان جل توجه همایون وكمال اعتقاد
طبع سداد مقرونلری كنجایش پذیر حیطهٔ تقریر وتحریر دگلدر • حضرت
رب العالمین • دعا ربت قبوله قرین ایلیه • وان شاء الله تعالی قبول اولدوغی
خدمت دین ودولت تدبیرلری موافق تقدیر اولوب • دست همتلرندن
بو قدر آثار جلیله ظهوره كلوب عامهٔ عالمیان داستان مدح وثنالریله
پر • وشجاعت وجلادتلری كافهٔ اهل اسلامه سرمایهٔ تفاخر اولدوغی
دلیل قطعیدر • بو دولتخواه بی اشتباهلری خود اعقاب صلوات واوقات
دعواتده بر وقتی واردر كه خدمت دین ودولته مأمور اولدوغی عمردن
روشنلو وسعادتلو وحقیقتلو اولعلم كبی صادق القول وسینه صاف
زبور دودمان اسلاف حقیقت بیشه • صداقت اندیشه غیرتكش دین
مبین خیرخواه دولت گزین • برخان جلیل الشان شرف بخش خاندان
چنگیزیان اولوب • ظاهرا وباطنا هرامرده معین ویاور • وتدبیر حل مشكلده

دولته همره وهمراه اولمق میسر اولدوغنه هزار عز وافتخار ایله درگاه
خالق الناسه برداشتهٔ دست شکر وسپاس اولیم. الله تعالی
درّة التاج دولت وزینت افسر سعادت اولان وجود شریفلرین
آسیب دهر دوندن مصون ایدوب. سرمایهٔ افتخار مسند خانی
وباعث انتها رخاندان الخانی اولقدن خالی ایلیه. مقدما برادرینك
اختراری عزتلو اوغلم قاغلغای سلطان حضرتلری اقکرمانه ارسال
بیورلمق قریحهٔ درون صداقت مقرونلرندن سنوح ایلدوکی طرف
حقدن دین ودولته موفق اولوب. صداقتلرینك رسیدهٔ مرتبهٔ کمال
ودائما طبع شریفلری تکمیل عرض وناموس سلطنته مائل اولدوغنك آثارندن
الحمدلله تعالی مراد اوزره خدمت کورملك میسر اولوب. عنایت حضرت
پرورده کار ایله مصالح دولتده برامر دشوار قالمیوب. افلاق وبغدان
طرفلرینك اختلالی دفع. واردل مملکتندن داوتیج ملعونك شر وشوری
رفع اولنشدر. لکن معلوم علم عالم آرالری درکه داوتیج ملعونك وجود خباثت
آلودی غریقهٔ سیل هلاك اولمدقجه اردل مملکتی پاك اولمز. وهواسنه تابع
اولان حیدوشاق وسایر اصحاب نفاق اولان ملاعین جزالرین بولمدقجه
بوسیلاب فتنه وفساد دورلمز. بهرحال بوکاره صرف اشتغال اولنمق
مهمات امور دین ودولتدندر. وندبك ملاعینی سببی ایله اولان شرور وشور
خود بودولت علیه یه برزخم ناسور اولوب. بحمدالله تعالی لوازم ومهمات
سفر وعسکر وسایر وسائل فتح وظفر مهیا ایکن علاجنه تقید ایلمك
لایق دیانت وموافق غیرت دکلدر. ان شاء الله تعالی اول بهار بخجسته آثارده
عموما وزرا ومیرمیران وامرای اطراف. وزعما وارباب تیمار. وسائر سکان
اکناف اولان عسکر منصور ادرنه صحراسنده جمعیت ایلمکه مأمورلردر.
جمله دن مقدم اثنای نوروز فیروزده برمقدار یکیچری یوللنوب قونضکره دن عقب
ایچی قول اولمق اوزره برمقدار دخی یوللنوب. ومشعا قبا اردل طرفنه بروزیر
نامدار. وبوسنه سواحلنه برکارکذار سردار کوندرلمکه قرار ویرلمشدر.
ان شاء الله تعالی تدبیر عزیمی موافق تقدیر ایدوب. انواع فتوحات جمیله میسر
ایلیه. بنم دولتلو وسماحتلو وصداقتلو اوغلم برادر دولت مبانیز اولنان
خدمات دین ودولتك هربرنده جناب دولت مآبلرینك مشارکتی
اولدوغی جهتدن بودفعه تکلیف معیت اولنماسنه طبع شریفلرینه
مورث کدورت اولمق ملاحظه اولنمغله مکتوب محبت سطور ارسالی
عزحضور قلنمشدر. ضمیر دقیقه شناسلرینه نهان دکلدرکه اردل طرفندن

دیار

ایکی دفعه قوت قاهرهٔ پادشاهی مشاهده سندن صکره متیقظ اولمیانلر
ملاعینك قلجندن غیری ایله کوزی آچلمز. وخیانت ایدنلرك جان دوزخ انتسابی
واموال وارزاق وخانمانی پامال سمند غزاهٔ اسلام اولمدقجه آتش فسادلرینه
آب فراغت صاچلمز. بومقوله تخت وسوخت وغارت خود یکه سواران
تاتار دوشمنشکاره مخصوص اولوب. انلرك ایتدوکین سایر طوایف عسکر
ایدهمز. ونهب وغارت وبغی وادبسندن انلرك بولنه غیری کمسنه لر کیدهمز.
اول تعذیرجه برمقدار تاتار ایله برسردار کارکذار ارسال بیورلسه. ان شاء الله
مراد اوزره مصلحت قرین اتمام وغزاهٔ مسلمین دخی نائل اغتنام اولمق مقرر
امید اولنور. امدی بوخدمت خیر خاتمته امداد واعانتکز نه مرتبه اولمق
قابلدر. وقاغلغای سلطانی تعیین اولنمق استصواب اولنور. یوخسه
نورالدین شجاعت کزینی معقول کوریلور. بوبابده رأی وتدبیر سعادتلو
اوغلم حضرتلرینکدر. ملاحظه اصابت قرین. ورأی رزینلری معلوم مخلصی
اولمق ایچون جوابه انتظار اوزره یوز. مامولدرکه برکون اول اعلام وتحریك
انامل همت بیورهلر. وبغداندن اولان طوبلر اشعارلری اوزره عموما قالدروب
کلی واتکوماندن قلعه لرینك تنقیسندن ما سحفظ ایچون بغدان وبوده سنه
امر شریف واجب الامتثال ارسال اولنوب. پالواغاسی قوللرینه دخی مکتوب
کوندریلور. فی الحقیقه رعیت مقوله سی انلرده طوب طورمق ناملایم اولوب
بوخصوصده رأی شریفلری غایت مقبول وپسندیده مخولا اولمشدر. الله تعالی
هرامورده تیو تدبیرلرین واصل هدف اجابت ایدوب. مسند فرمانروائی
وصدرخانیلرندن تدبیر امور دین ودولت. وتکمیل عرض وناموس سلطنته همت
ایلمکدن خالی ایلیه آمین. وفراق بدلندن احواللرنده مشاوره ومذاکره
اولنوب امر شوری تکمیلنده خطمات سابقه امداد واعانت قرار داده طبع
موشکافانخانی اولدوغی اشعار بیورلمش. حقیقت حال وصدق مقال
دخی بودرکه حالا خطمات اولادن اوغلیچون حضور خانیه
یازدیغی عبودیت نامه سندن سفوه قول اولدق دیو اظهار جرأت ایلیه در
نیت فاسدلری امر مقرر اولوب. دولت طرفنه نافع اولمدیغی ظاهر وانکار
کوکل برلکی ایله شمدیدن تدارکنه تشمیر ساق اهتمام اولنمق لازمهٔ دولت
طرفیندندر. الله سبحانه وتعالی هرحالده توفیقنی رفیق ایلیوب. هدایت
ازلیه سن دهبر طریق ایده آمین. بحرمة سید المرسلین. مکتوب یازلمشدر.

قریم خانلغی جانبك کرای خانه ابقا اولندقده تاتار علماسنه حکمدر

افتخار اصحاب التجرید. مختار ارباب التفرید. مرشد الخلایق بالآثار ...

الرشید الوحید فی زمانه بعلوم المصنفات والتوحید المختص بعنایة الملك
المجید الشیخ ابوبكر السعید شید الله تعالی مبانی ارشاده بانواع التشیید
والتاكید قبلنه ومفاخر العلماء العاملین اكابر الفضلاء الكاملین
مظاهر انوار احكام الشرع المبین عموما قریم دیارینك وتاتار طایفه سنك
علما وفضلاسی طرفلرینه سلام سلامت رسانم اهداسیله كلام سعادت
انجام موصل المرام بودركه بعنایة الله تعالی تاتار زه حاكم وفرمانده روان
مطلق اولان جناب امارت مآب ایالت نصاب حكومت انتساب جانبك
كرای خان دامت معالیه بوندن اقدم جنت مكان فردوس آشیان ١٤٩
مرحوم ومغفور له بابام سلطان احمد خان علیه الرحمة والرضوان
حضرتلرینك خاصه چراغی اولوب الی الآن مأمور اولدوغی خدمتلرك
برینده تكاسل واهمالی وخلاف مرضی ومأمول بر دورلی حالی صدور
ایتمیوب علی الخصوص واقع اولان شرق وغرب سفرلرنده جان وباش ایله
مساعی جمیله ظهوره كتورمشكن مقدما عمم سلطان مصطفی خان زماننده
بعض وزرانك ادعاسیله خلع اولنوب یرینه جناب امارت مآب محمد
كرای خان كوندرلدكده سمعنا واطعنا دن غیری بر طریقه سالك
وخلاف امر همایون ضبط مملكت امرینه متصدی وتهالك اولموب
اسلاف سعادت انصافی طریقنجه ملجأ عامه عالیات اولان آستان
احسان رسانم سمتنه طوغریلوب كلوب بر وجه ادب لق تعیین اولنان
سنجاغنه واروب فرمان اولی الامر اطاعت ومتابعت كوستروب
بعده اول جانبدن محمد كرای خان دخی انتظام احوال مملكته اصلا تقید
واهتمام ودفع مضرت اعداء وجها من الوجوه اقدام ایتمدوكندن ما عدا
جلوس همایون سعادت مقرونم واقع اولدقدن برو كندویه سپارش
اولنان خدمات علیه دن برینك تقدیمنه كركی كبی سعی ودقت
وخانان سالفه متابعتی اسلوبنده رضای شریفم تحصیلنه اصلا میل
ورغبت كوسترمیوب وشاهین كرای مشار الیه خان اولدوغنی استماع
ایتدكده شاه عباس قرین خناس انواع رعایت ایله قرنداشی شاهین كرای
بر جانبه روانه قیلوب العهدة علی الراوی شاه ضلالت ایین طرفندن
دین ودولته محل تلبیسات وتسویلات فاسده ظهوره كلمسی احتمالی
موما الیه شاهین كرای جانبندن انواع میثاق وتعهدات كبیره صدور
ایتدیكی اخباری سامع علیه مزه القا اولنغله نام وناموس دین
ودولتی صیانة وقدیم لا یزال مذهب حنفی مذهب اولان تاتار طائفه سنی

وعلماسنی حمایة محمد كرای خانك تبدیلی اقتضا ایدوب مشار الیه جانبك
كرای خان دامت معالیه مقدما والد ماجد مرك چراغی اولمغله خاص
كندیمزه دخی چراغ ایدینوب خانلق مسندنه لایق كوروب برات عالیشان
برله اول جانبه كوندرلمشدر وارد وغنده مشار الیهما محمد كرای خان
وشاهین كرای سلطان حقلرنده مسموعم اولان اخبارنا هموار تأیید
ومخالفت ومعاندت مقدما تعهد ایلیوب عساكر تاتار اطاعت
كردار دخی مشار الیهمانك اقوال فی ماآلنه اعتماد وترك طریق اتحاد
وانقیاد قلمشلر علی الخصوص ذات دیانت دثار كز منصب فی كذب
اول دیاردلرده مرجع ومستشار عامه مؤمنین اولوب طائفه تاتاردی
اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منكم طریقنه ارشاد وطرف
همایونمزدن خان نصب اولنان جانبك كرای خانه مطیع ومنقاد
ایلمك ذمتكزه متحتم ولازم كذلك سائر علما وصلحا به دخی شرع شریف
مقتضاسنی اجرا ایلمك واجب ایكن بو بابده صمت وسكوت وادیسنه
ذهاب ونصح وپند سودمندا فاضه سندن اجتناب اوزره اولدقلری غناك
مرتبه وقوف حاصل اولمادی امدی حالا فرمان همایونمزك تنفیذ
واجراسی وخان مشار الیهك تأیید واجلاسی ایچون سرعة سعادت
مدار مزده قپودان اولان دستور مكرم مشیر مفخم نظام العالم
وزیر رجب پاشا ادام الله اجلاله عموما آق دكز وقره دكزه متعلق
سفن ظفر قرین وعساكر نصرت رهین ایله تعیین اولنوب عامه
تاتار اطاعت كردار وكافه علما ومشایخ شریعت دثار خان جدیده
متابعت وانقیاد ایلمك بابنده حكم همایونم صادر اولمشدر وصول
بولدقده كوركدركه بو بابده صادر اولان حكم جهانمطاع مز اطاعت
وامر لازم الامتثالمزه متابعت واجب ایدوكن عامه طوایف تاتاره
اعلام وابلاغ ودین ودولته موافق ونافع اولدوغی معنای علی وادق
سوق والقا ایلیه سن مجمل كلام سالفا كذر جانبك كرای خانه صمیم
دلدن موافقت ومرافقت كوسترمكز واولدیاردن خلقنی دلایل عقلیه
ونقلیه ایله مشار الیهه مطیع ورام ایتمكی اقصای مراد همایونم بلوب
بو بابده ظهوره كلن مساعی جمیله كز عند الله والناس مقبول ومستحسن
ایدوكی مقرردر مشار الیهما محمد كرای خان وشاهین كرای سلطان دخی
شویله كه امر شریفمه اطاعت وسدة سعادتمه عودت ورجعت ایلیه لر
عظمة الله حقیچون وسرور انبیا صلی الله علیه وسلم حرمتیچون واباواجداد

عظامنا انار الله براهينهم ارواحی ایچون من بعد کندولرك وتوابعلرینك
نفسلرینه وجانلرینه ضرر وزیان کلمیوب قید وحبس وزجر واهانت
وغیری طریقیله بوجه من الوجوه منکسر البال قلنمیوب سایر خانلردن
وسلطانلردن زیاده ادبلق وسایه لرایله مقتضی المرام وانواع نوازش
والتفات شاهانم ایله سرافراز وشادکام قلنمالری ملحوظ همایونم
ومصمم خاطر صفا مقرونمدر شویله بیله سن وبو حکم همایونمك
مضمون صدق مقروننه اعتماد قیله سن

خان حضرتلرینه قزاق اشقیاسی خصوصنده یازیلدن مکتوبدر

حالیا اق میرزانك بدندن نامه مشکین ختامه لری واصل ومضمونی
معلوم مخلص خالص عدل اولمشدر قزاق بدلخدوق اشقیاسنك بعض
حرکت بی برکتلری ومسقوملاعینی ایله فساد وشقاوتلری معتبرلری
ظهورندن ناشی قرم دکوبالیلری وقریم اقلیمی محافظ اولنمق لوازم امورده
اولمغله برمقدار غزاة مسلمین اول طرفلره تعیین اولنمق تدبیر بیورلمش
بنم دولتلو ومعتلو اوغلم جناب سعادت انتصابلری شوکتلو وکرامتلو
وعظمتلو افندم ولی النعم عالم پادشاه مکارم شیم حضرتلرینك چراغ
خاصی اولوب فی الحقیقه دیاری جمله ممالك محروسه لازم الحمایه لرندن
ایکن حفظ وحراستنده وجناب دولت مآبلرینك امداد واعانتنده
تکاسل وتدبیر دلپذیرلرنده تردد وتامل اولنمق احتمالی یوقدر
طرف با هر الشرفلرینه هر وجهله الطاف کریمانه لری مصروف اولدوغندن
غیری حفظ وحراست ممالك اسلام وقهر وزجر اعدای لئام لازمه
ذمت همت پادشاهان عالیمقام اولوب بو دولتخواه بی اشتباهکز
دخی خدمت دولت علیه به مأمور اولمق حسبیله ذمت فقیرانه مه فرض عین
بلکه عین فرضدر الحمد لله تعالی حضرت خالق الانس والجان دولت
ابد پیوند آل عثمانه بر مرتبه قوت وقدرت احسان ایلمشدر که یدمؤیدکز
هر طرفه رسان وهیبت صولت شهنشاهانه لرندن هر جانبده دشمن
هراسان اولوب بلطف الله تعالی دفعه جوانب اربعه ده اعدایه جواب
ویرمك وهر نه جانبه اقتضا ایدرسه علی الفور عسکر ایرمك بو خاندان
جلیل الشانه مخصوصدر حالیا آستانه سعادتلرنده اوتوز قطعه قدر
مهیا اولمق بابنده فرمان عالیکز صادر اولوب ان شاء الله تعالی بر سردار
نامدار ایله قرم دکزنه ارسال اولنور واوزی بکلربکیسی عموما سلستره
ودوبروجه واول اطراف عسکرلریله وبغدانندن دخی مستوفی عسکر تعیین

اولنوب

٤٥

اولنوب محلنده لازم اولان علاجه واصل اولمق مقرردر ودائما توجهدرونی
وربط قلب صفا مقرونمز طرف عالیلرینه اولوب هر بار اشعار بیورلدیغی
حصول خبرلك وصولنه وابسته در بنم دولتلو اوغلم اکرچه شوکتلو وعظمتلو
افندم حضرتلرینك واکر بو صداقتکیش خیراندیشلرینك بالرینك دولتلو
اوغلمدن اصلا دریغی اولمیوب قولا وفعلا احوال سعادتمآللری ایله
تقیید اولنمقده مقدار سرمو تحاشی اولنمز وان شاء الله تعالی مظفر ومنصور
وعلی الدوام خصمه غلبه ایله مسرور رسز خاطر فیض مآثری بر وجهله
مکدر ایلیوب هر امورده حضرت حقه توکل ایله مقتضای نهاد شجاعت
معتادلری اوزره مردانه وعاقلانه حرکت وعلی التوالی لازم اولان احوالی
عرض واعلام بیورمقده تحریك نامل همت بیورمه لری مأمولدر

قریم خانلغی جانبك کرای خانه مقرر اولدقده یازیلدن حکم شریفدر

مفاخر الامراء الکرام مراجع الکبراء الفخام المختصون بمزید عنایة الملك
العلام قریم خانلغنه متعلق اولان شیرین بکلری وعموما تاتار میرزالری
دام عزهم ومفاخر الاعالی والاعیان قریم دیارینك اهالی واعیانی وعموما
سکان وقطانی متصلبة الادیانی اصلح الله تعالی احوالهم توقیع رفیع همایون
واصل اولیجق معلوم اولاکه بوندن اقدم قریم خانی اولان محمد کرای
خانك امر حکومتنده کمال اهمال واغفالی وخانلغی عرضنده مخل نیجه حوالی
ظهور ایدوب مضرت اشقیادن اول دیاری صیانت وخانانی سالفه نك
تورم وقانونلرینه رعایت ایدمیوب مغلوب اصناف نکبات ومشغول
ممنوعات ومحرمات اولدوغندن ماعدا قرنداشی شاهین کرای دخی
نیجه مدت رفضه بدآیین ودشمنان جهارکزین اولان قزلباش بد معاش
ایچنده انس والفت کسب ایدوب قرنداشینك خان اولدوغی اخبارك
استماع ایتدکده تاتار طائفه سن اضلال ومذهب رفض والحاده ادخال
ایتمك شرط ودعوا سیله شاه کمراه ضلالت دستکاهدن اذن ورخصت
آلوب بو طرفلره چیقوب قرنداشنك امداد واعانتی ایله تمام قوت
وقدرت بولوب تاتار طائفه سن رفضه تصرفه کتوروب محکوم ومغلوب
ایتدکدنصکره جبرا وقهرا برلرندن قالدوروب قزلباش طرفنه کتورمك
نیتنده وقصدنده ایدیکی تفاصیلنده خبر الوب هرچندکه بو فکر باطلك
اجراسنه طاقت واقتداری وطایفه تاتاردیانت آثارك قزلباش طایفه سنه
اعتباری اولمدوغی محققدر اما کیر وحیله سنه وغفلته جوازکوسترلیوب
اول دیارا اسلام آثاری شورشلرندن واصحاب مذاهب باطله ایله

خلطه والفت ایدنلری سیاق اسلام سیاقندن دور و مهجور ایلمك لازمهٔ
عزت اسلامیه و شریطهٔ حمیت دینیه دن اولمغین محضا جمله کزی
صیانت و عرض و ناموس اهل سنتی حمایت ایچون تاتار خانلغی خان نشانی
اولان جناب امارت مآب ایالت نصاب سعادت انتساب جانبك
کرای خان دامت معالیه بو طرف همایونمزدن توجیه و احسان اولنمغین
جمله کز موی الیه تابع و مطیع اولوب امرینه متابعت و رأینه موافقت
کوسترمکز امرم اولمشدر بیوردم که وصول بولدقده بو بابده اطیعوا الله
واطیعوا الرسول واولی الامر منکم فرمانینه اطاعت و رضای همایونمه
صمیم دلدن متابعت کوستروب سزدن مقدم اولان تاتار بکلری
و میرزالری سلوك ایتدیکی طریق بر توفیقه سالك و حاکملرینه اطاعت
ایله دنیا و آخرت قوللوغنه مالك اوله سز جانبك کرای خان دخی تبیین و سپارش
اولنمشدر که من بعد مقتضای شرع شریفدن ذره مقداری عدول
و آیین عدالت و نصفتدن بوجه من الوجوه نکول ایلمیوب کندو مقدم
عدل و انصاف ایله متصف و مشهور اولان خانلر طریقنی پیش نهاد و نصب
شریف اعدلوا هو اقرب للتقوی فحوای منیفی اجراده بذل مقدور و اجتهاد
تام ایلیه سز دخی مشار الیه جانبك کرای خانی آلت قیاس ایتمیوب
خاصة چراغ همایونمز و منظور نظر سعادت مقرونمز اولدوغی جهتدن
اعزاز و اکرامنده فوق الغایه اهتمام و بابنده جهت و موافقتنده اقصی النهایه اقدام ایلیه سز

محمد کرای خانه یازیلدن نامه نك صورتیدر سنه ١٠٥١

بعد الالقاب للحالة عن مرجع سلاطین زمان و ملجأ خواقین دوران
اولا عنه علیه شامخة الارکان و سدهٔ سنیهٔ راسخة البنیانمز افتخار
الامراء العظام العیسویة لیه قرالی فلان ختمت عواقبه بالخیر نامه ایله
ایلچی کوندروب تجدید لباس مصالحه و معاهده ایلدکلرکزدن نامه سنده
بر وجهله بسط کلام ایلیوب جانب همایون سعادت مقرونمزدن مقدما
کندویه عنایت و احسان اولنان عهدنامهٔ ملاطفت مشحونمزده تحریر و بیان
اولنان منوال صداقت اشتمال اوزره ما تقدم مدن قریم خانلرینه ویره
کلدوکی ویرکولرین ویرمکه راضی ایکن جانبکزدن اول مرتبه یه قناعت
اولنمیوب زیاده طلب اولندوغی و مقدما طرفکزه کوندریلن ایلچیلر
دخی نیجه مدت اکلندیریلوب تأخیر و حقارت اولندوغندن غیری بوجاق
تاتاری نامیله لیه مملکتنه بوندن اول تجاوز اولنوب صلح و صلاحه
مغایر اسیر آلندوغی بلدوروب ما بینده منعقد اولان عهد و صلحه

مخالف

مخالف وضع اولنیوب عهدنامهٔ همایونمزده مسطور و مقید اولان شروط
و قیود طرفیندن رعایت اولنماسنی التماس ایلمش امدی واوفوا بالعهد ان
العهد کان مسؤلا امر شریفنه متابعت سلاطین ذوی القدره واجب
و لازم خصوصا ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها خطاب مستطابندن
اجتناب خواقین اولی الامره فرض و محتم اولمغله اول معنی که حین
انعقاد مصالحه ده وزرای عظام و وکلای فخام مزك تدابیر ثاقبه لری
صورت بولوب عهدنامهٔ همایونمزده مندرج قلنمشدر اول خصوصلرك
رعایتی ذمت علیه مزه لازم اولدوغنه بناء اکا مخالف وضع صدور
بولدوغنه رضای همایون اقتضای پادشاهانه مز اولمدوغندن سزی
خبردار ایتمك و سز دخی رضای همایونمز اوزره حرکت ایلمکزه صرف
همت ایلمکز بابنده نامهٔ همایون ملاطفت مشحون خدیوانه مز سلك
تحریره کتوریلوب ارسال اولنمشدر عند الوصول کرکدر که آستان فایض
الاحسان و دودمان مشید البنیانمزه اولان کمال عبودیت و اخلاص
و نهایت متابعت و اختصاص مقتضاسنجه حالیا جانب سلطنت علیامزدن
لیه قرالنه کوندریلان عهدنامهٔ همایونمزده تحریر و تسطیر و تبیین
و تقریر اولنان مواد معتبره طرفکزدن دخی کما ینبغی محمی و مرعی طوتلوب
ما تقدم مدن لیه قرال طرفندن جانبکزه ارسالی معتاد اولان ویرکو
بلا زیاده ولا نقصان ادا ایلدکلرندن صکره اول ویرکونك مغایر زیاده
سنه طلبی ایله بنای معاهده یه خلل ویرهجك معانی ارتکاب ایتمیه سز
و من بعد بوجاق تاتاری نامیله طرفکزدن صلحه مخالف لیه ولایتنه تجاوز
اولنوب اسیر آلندوغنه دخی قطعا رضای خسروانه مز یوقدر اکا کوره
معلومکز اولوب خلاف رضای همایونمز اولان خصوصلردن احتراز
و اجتناب ایلیه سز والحاصل در دولت مآبمزه اولان متابعت و مخالصتك
مقتضاسی بودر که من بعد صلح و صلاحه مغایر طرفکزدن بر وضع نادر
صادر اولمیوب رضای همایونمز تحصیلنده اهتمام اوزره اوله سز

بو دخی خان حضرتلرینه طرف آصفیدن مکتوبدر

بنم دولتلو و سعادتلو فرزند ارجمند دولتمندم خان جلیل الشان
حضرتلری آق میرزا قوللری سویلدیلوب جمله سپارش بویورلان احوال
معلوم مخلص اخلاص همال اولمشدر جناب شریفلری دولت علیه امورینه
فرمان اولنمزدن اول برلد مقدور ایدوب دست همتلرندن بو قدر
آثار جلیله ظهوره ایتمشیکن جنابلرینك امورینه بو طرفدن شاخ

اولنمق محال ایدوکی ان شاء الله تعالی ضمیر منیرلرینه خفی ومستتر دکلدر
وغیرت دیانت ورعایت حقوق ابوت وبنوت شرط اسلام اولدوغی
معلوم انامدر مابینده هر وجهله تکلیف وتکلف برطرف اولد وغندن
ماعدا اول دیار ممالک محروسهٔ شهریار عالی تبار دن اولمغله سائر
بلاد ایله برابر حفظ وحراست خصوصنده دقت اولنمق امر مقرر در حالیا
قرم دکزی اوتوز قطعه قدرغه احضار اولنوب ان شاء الله تعالی کوندریلوب
قره اطرافی وسایر دریا ولایت محلرک حفظ وحراستیچون تعیین اولنوب
دوغری وادرلر واوزی بکلربکیسی دخی اول سمتک عسکریله مامور اولوب
ان شاء الله تعالی اثناء نوروزده حضور خانی یه واصل اولورلر وبغدادن
دخی مستوفی عسکر تعیین اولنور مقدما جناب شریفلرینه مکتوب محبت
اسلوب ایله بوسنه طرفنده فرنک ملاعیننه کوشمال ویرلمک تدبیر اولندی
جزوی شعار اولنمشیدی اول مصلحت ایچون اناطولی طرفندن بعید وشماره
عسکر احضاری تنبیه اولنوب اوامر علیه کوندرلمشدر ان شاء الله تعالی
محلنده تخمین اولندوغی قدر عسکر جمع اولورسه بوسنه طرفنه کوندرلدکدن
صکره طرف شریفلرینه دخی وافر عسکر ارسالی ممکندر اکر خود عسکر
تخمین مرتبه سی کلیوب اقتضا ایدرسه اول تدبیر مزتأخیر اولنوب
جل همتمز جانب عالیلرینه صرف وبیدربی برابر بکلربکیلری ایالت عسکرلر
ایله اول جانبه ارسال اولنور مسافهٔ بعیده ده اولان دشمن جوانبی قریب
جوارده اولان دشمندن اسهل اولوب قریب اولان غائله نک دفعنه
اقدام اولنمق هر وجهله اهم والزمدر نهایت مرتبه اردلده اولان
راوچی ملعوننک بهرحال تدارکی کورلمک لازم اولوب اول مصلحته
سرحد عسکرلری تعیین اولنمشدر محلنده تقویت ایچون بر مقدار
قپوقولیله برایکی بکلربکی دخی کوندریلور انجق جند وشتاق ملاعینی
هنوز بر کوشمال کورمیوب دار ودیارلری پایمال اولمغله راوچی یه
ایدوب بوقدر فساده سبب اولدقلری ایچون البته اندرک کرکی کبی
اورلمه سی لازمدر نهب وغارت خود بزم عسکریمزک کاری اولمیوب
مطلق عسکر تاتاره مخصوص ایدوکی معلوم شریفلریدر اول تقدیرجه
عسکر تاتار بیننده بزم عسکریمز نیجه لازم ایسه بزم عسکریمز ارسالنده
دخی بر مقدار تاتار بولنمق البته لازم وامر مهم اولمغله یالواغاسی طرفندنی
اولور یعنی طرفندنی اولور هر نیجه ممکن اولورسه بر مقدار آدم ایله
برنامدار قوللری تعیین بیورلمق مأمولدر بو خصوصده رای رزین وتدبیر

اصابت قرینلری نیجه ایسه برکوت اول اعلام بیورلیه سعادتلو وشوکتلو
افندمزک وبو محبلرینک جوابه انتظاری مقرر در

فتح کرایه قاغلغایلق براتنک صورتیدر

نشان همایون اولدرکه چون توالی الطاف الهی وتتالی اعطاف نامتناهی
برموجب نخوای وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها شان رفیع المکانمزه
اول درجه ده نمایان واول مرتبه ده متعالیدرکه مستوفیان کردون
ودبیران ن والقلم وما یسطرون اعداد ارقام وامداد افهام واسطهٔ
واسطی خوش خرام ولو ان ما فی الارض من شجرة اقلام ایله تحریر وتقریرندن
ابعد لاجرم برمقتضای قضیهٔ مرضیهٔ احسن کما احسن الله الیک شیمهٔ
کریمهٔ پادشاهانه وعادت باسعادت ملوکانه مه لازم اولدیکه اصناف
الطاف علیه خسروانه وانواع اعطاف جلیلهٔ ملوکانه‌م کافهٔ امم وعامهٔ
خلق عالمه شامل ومتناول اوله علی الخصوص آستان کردون اقتدارمزه
کمال صداقت واخلاص ورقبت اختصاص ایدوب اظهار جلادت
وفرزانکی واشعار شجاعت ومردانکی ایدنلر بابنده اعزاز واحترام
شاهی وفیض انعام واحسان پادشاهی مبذول وبیدریغ اولمق
مراسم قواعد سلطنت شهریاری در بناء علی ذلک جناب امارت مآب
فلان کرای خان دامت معالیه نک قرنداشی اولان رافع توقیع رفیع
الشان خاقانی وناقل بریغ بلیغ مسرت عنوان تاجداری خلف کبراء
العظام شرف الخواقین الکرام المختص بمزید عنایة الملک المنان فتح کرای
سلطان دام علوه حقنده بحار عاطفتم موج زن وآفتاب رأفتم پرتو
افکن اولوب کفه اسکله سی محصولندن بشیوز قرق بیک اقچه سالیانه
ایله اشبو سنه احدی وخمسین والف قریمخانلغین توجیه ایدوب
بو برات سعادت آیات ویردم وبیوردم که بعد الیوم
طائفهٔ تاتارده قدیمدن جاری اولان عادت وقانون اوزره قاغلغای
اولوب شول که وظایف خدمات مزبوره در موما الیه خان دامت معالیه
لایق ومناسب کوردوکی اوزره ادا ایلیوب یکدل ویکجهت اولوب حسن
اتحاد واتفاق اوزره مهمات دین ودولت وقلع وقمع اعدای ملک
وملت بابنده سعی واقدام وجد واهتمام ظهوره کتوره لر وطایفهٔ
تاتارک میرزالری وسائر بکلر وعساکری واعیانک صغیر وکبیری
مشار الیهی کندولره قاغلغای بلوب خدمت مزبوره ده موما الیهه
مراجعت ایدوب مزبور خانک مناسب کوردوکی اوزره سوزینه مخالفت

ومعاندت ایلیه‌لر و تعیین اولنان سالیانه‌یی متقدما قالغای اولان
نه وجهله متصرف اوله کلمش ایسه مشار الیه دخی کفا سکله سندن آلوب
متصرف اولمه، اولبابده هیچ احد مانع و دافع اولمیه، شویله بیله‌لر علامت
شریفه اعتماد قیله‌لر تحریرا فی اواسط شعبان المعظم سنه احدی وخمسین والف

تاتار خانینه خلعت و قلج ارسال ایدوب عجم اوزرینه عسکر کوندرملك بابنده یازلان نامه در

دیباجهٔ معهوده‌دن صکره، سزا باعز جد استان مخلد الارکانمزك محبت
وهواداری ودودمان مشید البنیانمزك صدیق جان سپاری اولوب
هرجانبلرده سفر وحرکتی مقتضی حالت، ودولت ابد پیوندمزه متعلق
برمهم خدمت ظهور ایدوب، سدهٔ سعادتمز طرفندن عساکر دریا مثالمز
ارسالنه قصد وعزیمت، ودفع مضرت اعدای لئام امرنه توجه ونیت اولنسه
اول طرفدن دخی اسلاف حمیت اتصافکزدن اول محلده صدرنشین مسند
خانی، وطوایف تاتار اطاعت کردارك مطاع وفرمان روانی اولنلر
دخی غیرت جبلی وصداقت اصلیلری مقتضاسنجه، اول خدمت لازمه
اداسنده لشکر ظفر رهبرمزه مشارکت ومرافقت، وامتثال فرمان لازم
الاذعانمزه صمیم دلدن رغبت کوستروب، کاه بالذات کندولری فی الحقیقه
مراد اولندقده، فضل الله المجاهدین باموالهم وانفسهم، آیت بشارت
دلالت ایتدیکی مزیت فضیلتی تحصیل ایتمك ایچون، خدمت امت محمدی
ذمت همتلرینه فرض عین بیلوب، کندو نفسلریله واروب، مأمور اولدقلری
اوزره خدمتی اتمام وتکمیل، وتحصیل ثواب جزیل ایلمشلردر، وکاه بالذات
وارمه‌لرینه ضرورت وقت داعی ومقتضی اولمیوب، کفایت مقداری
عسکر ارسالیله امداد اولندقده انلر دخی ما هو المأمول اداء وکوندن
اطاعتلرینه لازم کلان فرض کفایه‌یی بالواسطه اسقاطیله اکتفا ایده
کلمشلردر، بو تقدیرجه زمان دولت قاهره وایام سلطنت باهره‌مزده
اول قاعدهٔ مرضیه علی الوجه الاتم مرعی طوتیلوب، ذات رستم سماتکز
خانان سالفه‌دن زیاده ادای خدمته قیام، واعدای نافرجام اوزرینه
سل سیف انتقام ایتمکز ملحوظ طبع خداداد ومراد فؤاد کرم معتادمزدر
علی الخصوص شاه کراه روباه اشتباه مقدما عم بزرکوارمز زمانندن عرصه‌یی
خالی بولوب، هنوز جلوس همایونمز آوازه‌سی کوش شقاوت سکوشنه
طنین انداز، ومژده رسانان دولت واقبالمز اول سرحدلرده نغمه پرداز
اولمقزین، فرصت اثناسنده بغداده کلوب، بر طریقله قلعه‌سنه
داخل اولمش بولنوب، بعده صیت وصدای کوس جلوسمز نه قباب

آسمان مالامال، وساکنان هفت اقلیم مطمئن القلوب ومسرور البال
اولدقده فرصت قیاس ایتدیکی محل ضرورته مبدل، وسهل آسان کوردوکی
معنی کمال اشکال واضطرابه محول اولدوغنی حیله کار مزبور معلوم
ایدندکده عنان اختیاری الدن کتمش، ووسوسهٔ شیطانیه ایله بو مقوله
فسادی ایتمش بولنوب، من بعد دامن صلحه تشبث ایله پنجهٔ شکنجهٔ
غزاهٔ مسلمیندن خلاص احتمالی محال وتقدیم اعتذار بیهوده ایله عفو وخطای
ابدی محض وهم وخیال ایدوکن یقینا بلدکده، درونده اولان مفسدت
وشیطنتی وبغض وعداوتی تمام افشا واظهار ایدوب، حرکت مذبوح
کبی هرجانبه دست وپا اورمه‌دن خالی، وفتنه واختلالدن مآلی
کار ضلالت اشتمالی اولمیوب، فلهذا کندوسی نفس خبیثی ایله اهانت
اسلامه مباشرت، وتخریب مساجد ومنابر مؤمنینه مبادرت کوستردکدن
ماعدا، نسب سخیفنی کفره دلیلی ایله هر طویله کفر وضلال اولدوغنی
اجلدن سایر عبدهٔ اصنام، ودشمنان دین حضرت سید الانامه دخی
خبرلر کوندروب، کندوسی تنها بو دولت علیه‌یه مقاومته قادر
ورو نجنك ومصافده ثابت قدم وصابر اولامیه‌جغن بیلوب، سایر قوم
مشرکیندن کندویه درمان اوله دیو انلره دخی اضلال وتحریك
وبو بابده کندویه رفیق وشریك ایتمك مراد ایتدوکی مقرر ومحققدر
بو تقدیرجه انلر مذاهب باطله‌لری مناسبتی ایله بربرینه یار ووفادار
اولمق جایز اولیجق، زمرهٔ اسلامدن که المؤمنون کنفس واحدة مدلولنجه
مجموعی شخص واحد حکمنه داخل، یا ایها الذین امنوا کونوا انصار الله
آیت کریمه‌سی جامعهٔ مؤمنینك بربریله تعاون وتناصرلری حقنده
وارد ونازل اولمشدر، بونلر بربریله معاون ومناصر ومیدان جنك
وقتالده مع الاتفاق آماده وحاضر اولمق نه ممکندر، بناء علی ذلك
ملحد مزبورك، بلطف الله تعالی قهر وتدمیری، ومذهب رفض
والحادك رفع وتغییری رجاسیله، عموما روم ایلی واناطولیده اولان
عساکر ظفر مآثرمزه، وجمله سدهٔ سعادتمزده اولان قوللریمزه، ووزرای
عظاممزدن کمال دیانت وعدالتله معروف، ونهایت شهامت ونجابتله
موصوف اولوب، آستانهٔ سعادت آشیانمزك امکداری، ووکلای
کراممزك اختیاری اولان، دستور اکرم مشیر افخم ناظم مناظم الامم
وزیر اعظمم محمد پاشا ادام الله تعالی اجلاله سردار وبهادر نصب
اولنوب کوندرلمشدر، امیددرکه رب العالمین معین ونصیرلری

وحمايت سيد المرسلين يار ودستكيرلرى • وروحانيت اصحاب كزين
محمد وظهيرلرى اولە • ايلە اوسنە جناب شهامت مآبكز دخى بو بابدە
عساكر اسلاميە • معاونت واستسيدلا نامە مظاهرت ايتمك ايجون
اسلاف سعادت اتصافكزك عادت مرضيەلرى تاتار دليرانلرندن
وبراز چركس بكزادەلرندن وساير تاتار بهادرلرندن • اون بيك مقدارى
يرار كزيدە ومنتخب عسكرى معقول ومناسب كوردوككز برضابطى
وعاقل كمسنەيە قوشوب • حاليا قرمدە كز محافظەسندە اولان دونمأى
همايونم كميلريلە صامسون يقەسنە كچوروب مجددا شاليە صدر اعظم
ادام الله اجلاللرينە ارسال ايدوككزدن ماعدا • بدون محافظەسندە
اولان دستور مكرم مشير مفخم وزيرم محمد پاشا ادام الله اجلالەيە
دخى سرحد محافظەسيچون • اون بش بيك مقدارى يرار تاتار تعيين
ايدوب • بر نامدار ويرار ميرزا ايلە مجددا ارسال وايصال ايتمككز
الزم لوازمات دينيە • واهم مهمات ملكيەدندر • سزحد ذاتكزدە تجميع
ودلير وحسن تدارك وتدبيردە عديم النظير اولوب • عنايت عليە
شاهانەمزە لايق وسزاوار اولە وعكز اجلەدن • خاصە خلع فاخرەمزدن
ايكى بوتە سمور ... البهجت خاقانى وبر قبضە شمشير مستلزم النصرت
كامرانى احسان وارسال اولنمشدر • بيوردم كە نامە سعادت مقرون همايونم
وصول بولدقدە قديملا بامدن آستان راستان نوازمزە اولان كمال
صداقت واخلاص • وفرط محبت واختصاصكز مقتضاسنجە • ارسال
اولنان تشريف شريفمى انواع تعظيم واجلال ايلە كيوب وقليجى قوشانوب
دخى جبلتكزدە مركوز اولان ديانت وفتوت كاملە • وغيرت وحميت شاملە
اثارين وجودە كتوروب • الظلم اعداء دين مبين • واشد دشمنان چاريار
كزين اولان • فرقە ملحدين وزمرە مفسدين ... دفع ورفعلرى تداركنە
بروجهلە شد نطاق اقدام • وبرنهجلە تشمير ساق اهتمام ايليەسزكە عند الله
والناس مستحسن ومقبول • وعز حضور سعادت موفورمزدە واصل
درجە حسن قبول اولە • وبدون طرفنە كوندرلدن تاتارى نامە
همايونمز واردقدە تأخير وتوقف ايتميوب • بر براد مير زا ايلە
قوشوب • بدون محافظەسنە اولان شاليە وزيرمزە كوندرەسز
اكرچە بوسنەء مباركەدە كندوكزە العوب • اول ناقض عهد ومتناقض
وسردفتر ارباب نفاق اولان شاه كمراهك دفع ورفعى تداركنە
بيلە بولنمەكز لازم ايدى • اما اول خدمت مستوجب الرتبە انشاء الله تعالى

سنە آتيەدە وجودە كتوريلوب بو سال ميمنت اشتمالدە • عسكر ارسال
ايلمك مناسب كورلمشدر • ارسال اولنەجق بهادران تاتار وساير قرم تاتار
دن اوليلوب • مرتب ومسلح ضرب وحربە قادر • يرار آدملر اولمق ملحوظ خاطر
عاطر • ومراد فؤاد جليل المآثردر • والحاصل ابتداء طلوع بيضاء دولت ابدمدت
واول ظهور تباشير صبح سلطنتمزدە بو مقولە بر مهم خدمتمزدە بولنمق توفيقنە
موفق اولدوككز بو بابدە بر وجهلە اداى خدمت • وبرطريقلە اثبات دعواى
صداقت ومحبت ايليەسزكە • خانان سالفەدن مراتب كثيرە ايلە متفاوت
ومتزايد • واثار ونتايج حسنەسى ذات باهر البركاتكزە راجع وعايد اولە
بو خصوصدە نەوجهلە تدارك ايدوب بدون طرفنە ارسالى لازم اولان
عسكرى نەوقت ونەزمان كوندردوككزى ساير امور وقضايا ايلە
مفصل ومشروح يازوب پايە سرير اعلامزە عرض واعلام ايليەسز •

تاتار خانى ايلە قرنداشى بيننە واقع كدورتك
ازالە واصلاح ايجون كوندريلان نامەدر

حالا سدە سنيەء سلطنت دستگاه • وعتبەء عليەء سعادت پناهمزە
كە ملاذ سلاطين خورشيد كلاه • ومعاذ خواقين انجم سپاهدر •
مكتوب مصادقت اسلوبكز وارد اولوب • مقدما دركاه فلك مدارمزە
سپهر اقتدارمزك خدام ذوى الاحترامندن • افتخار الاماجد والاكفاء
چاشنكير باشيمز جعفر اغا • دام مجده ايلە ارسال اولنان نامە همايون
ملاطفت مقرونمزە امتثالا • بجد وشماد عساكر تاتار عدونكار ايلە
فرمان اولنان غزا وجهادە جملە اسباب سفر ظفر اثر ايلە حاضر
وآمادە اولوب • نهر اوزيدن عبور ايچون مطلوب اولان سفاين نصرت
قرينك كلمەسندن ماعدا • باعث مكث وتوقف اولور علاقە اخرامز
قالميوب • نيت خالصە ورغبت صادقە ايلە عنان عزيمتمزە سفر همايون
نصرت مقرونە معطوف • وقلع وقمع اعداى بدراى حقندە بوسال فرخندە
فالدە جل همتمز هروجهلە بذل ومصروف قلنمشدر • لكن بوندن اول
نقض عهد وپيمان ايدوب آستانەء سعادت بنيان صوبنە واردن
قرنداشمز سلامت كراى سلطان كندو حالندە صوالح اعمالندە اوليوب
على التوالى تاتار بكلرينە وميرزالرينە خفيە نفاق آميز مكتوبلر • وشفاهى
انكيز خبرلر كوندروب • عسكر تاتارە اختلال وبرمكدن خالى كلدن تاتار
دولتكراى خان مرحومك زماننەنسلرندن معدود اولميان قريم كراى
سلطاندن عتبەء عليا بر وارد • ملتجى اولمشكن مرحوم ومغفور لە سلطان مراد خان

حضرتلرینك عصر شریفلرنده بابا مزمشار الیه دولتكرای سلطان مرحوم
طلبی اوزره بوجاغه كوندرلمشیدی • شمدی سفر همایون ظفر رهنمونه
عزیمت اثناسنده ایكن • موی الیه تفصیل مذكور اوزره مقام افتاده
قائم اولمغله عسكر تاتار اختلاف وتردددن خالی اولمق اقتضا سیله
كما ینبغی ادای خدمتده استخدام عسكره امكان اولمز • باتی طریق كان
سلامتكرای سلطان • بی نام ونشان مقوله سندن اولمق كركدركه طوائف
تاتار دسوزیمزه موافقت ایلیه لر • وبزه دخی اطمینان قلب وصفای
خاطر حاصل اولمه • وسفر اثناسنده كفه اسكله سی محصولندن آلت
بها سیچون ویریله كلان ٥٠٠٠ التون كثرت مصارفدن بوسنه مباركه
النمغه مجال اولمیوب مبلغ مزبور استانه سعادتدن كوندریله دو عرض
واعلام اولنمش • وبوندن غیری دخی موادلخلوص عبودیته وسفر همایون
وار مقاملرنده صادر اولان اوامر علیه مزه انقیاد واطاعته متعلق
هرنه كه تحریر اولنمش ایسه پایه سریر سعادت مصیرمزه عرض وتقریر
اولندقده علی الوجه الكامل علم عالم آرا وشكل كشامز محیط وشامل
اولمشدر • بو زیكزآق اولوب همیشه نهال سعادت دارینده برخوردار
وترتیب اولنان دین ودولت مقدماتنده باب موافقت ومرافقتده
ثابت قدم واستوار اولدیسز • فی الواقع سزدن مأمول اولان دخی
بو ایدی كه تصمیم نیت وانجاز مواعید ایله تحصیل رضای حكمت اقتضامزه
میل ورغبت ایلمشسز • حقا كه جمله كفره قرالری متفق اولوب • ممالك
اسلامیه وحصون مصونه یه استیلالری مقرر ایكن • سزسلاطین
اسلامیه دن اولدیغكزدن قطع نظر ابا عن جد استانه سعادتمزه اولان
اخلاص عبودیتكزه بنا جمیع زمانده دفع مضرت اعادی دین ودولتمزده
بذل مقدور ایدن كلمشیكز بونلك كبی محلده عسكر اسلام ظفر انجامه امداد
واعانت ایلمك لایق وسزاوار كلدكلرندن فی مابعد انجح بوسنه غنیمتده
مستوفی عسكر تاتار خصم شكار ایله محل مأموره وارلوب • اعادی نابكارده
مراد اوزره انتقام آلمقلرندن بذل مقدور وسعی موفور ایلمه كز جمله واجباتدن
دینیه دندر • وموی الیه سلامتكرای سلطان اولطرفه كوندرلمك امرنده
اجابتدن اولان قریم كرای سلطانه قیاس اولنمق خلاف قیاسدر • آل
جنكیز ایله اقارب الجنكیز بابنده توقیر واعزازده مساوی طوتلمق مقادیر
اعالی واسافل تشخیص وتمیز اولنمامق لازم كلور • انك كبی اجابتدن
اولنلر جبر واكراه ایله كوندرلكده نوعا جواز واردر • اما بوقانون

خانان حقنده اجرا اولنمق خلاف قانون قدیمدر • لاسیما جد بزركوارمز
فردوس اشیان مرحوم ومغفور له سلطان سلیمان خانك عصر شریفلرندن
برو • خان برادرلرینك بریسی رهن اسلوبی اوزره استانه فلك ابوانمزده
طورمق معتاددر • ووالد ماجد مز جنت مكان مرحوم سلطان مراد خان
طاب ثراه نك • زمان شریفلرنده محمد كرای خانك برادری اسلام كرای
خان بوجانبده مقیم ایكن آب كرای سلطان • وموی الیه سلامتكرای
سلطان ومبارك كرای سلطان • وصاحبكرای سلطان ومرحوم فتح كرای
خان • مشار الیه اسلام كرای خانك یاننه كلدكلرنده • مرحوم محمد كرای
خان مشار الیهم سلطانلری مكتوبلر كوندروب طلب ایلدكجه كندولری
راضی اولمامغله مجرد مشار الیهك متقاضی اولمه سیله اصلا برینی ارسال
اولنمامشدر • صكره والدلری حج شریفدن كلدكده بعضیلرینی ارضا
ایدوب معاهده كلیه ایله اولطرفه الوب كتدكده احتمال غدر ایله
لهنه قرار ایلدكلرنده صكره هزار سید • واستمالت ایله كیرو سده سعادتمزه
كتوریلوب وكتورلدكجه دلكندكلو تعب وزحمت چكلدوكی محتاج بیان
دكلدر • مشار الیه محمد كرای خان قزلباش سفرینه كتملو اولدقده استانه
سعادتمزه تكرار مكتوب كوندروب • مشار الیهم سلطانلری طلب ایلدكده
انجبارلر ایله كلان سلطانلر اكراه واجبار ایله ویرلمك خلاف قانون
اولمغله ویرلمه مشیدی • حالا موی الیه سلامتكرای سلطان دخی خلوص
جان امید ایله آستانه قابض الارواحمزه كلوب ملتجی اولمشیكن اباء كرام
واجداد عظاممزك سنت سنیه لرینه مخالف وقاعده وقانونلرینه
مغایر جبر واكراه ایله كوندرلمه سی عرض وناموس سلطنتمزه لایق اولمدیغی
سزك دخی معلومكزدر • جرمی شفاعت اولنمق اوزره جبرا ایله كوندرلدیكی
تقدیرجه دخی كندویه مضرت ایرشمك احتمالیله بالضروره بر فساده
مرتكب اولوب • یا بینكزده مجدد انفاق وشقاق طاری اولور • ویاخود
استیلای خوف وهراس ایله اعادی دین ودولتدن برینك یاننه فرار
ایلمه سیله • عرض وناموس دولت طرفینه حجاب وعار لاحق اولمق اقتضا
ایدر • جناب سعادت تنصابكز بوقدر زماندن برو ممالك محروسه مزك
حمیجواری • ودفع اعادی دین ودولتده اولیای ملك وملتمزك اعز اعوان
وانصاری • ومواقع خطرده اجناد ظفر اعتیادمزك نكهداری • ومظاهر
حضرده غزاة ومجاهدین نصرت قرینمزك یاور ووفاداری ایكن • بشریت
مقتضاسنجه صادر اولان جرم وخطاسیله سلبی برادر كولك براوج قانعی

خاك سياهه دوكمك ايچون مشار اليهى ويكلشه مخالف اولطرفدن طلب
ايدوب قانون قديمى صيانة وعرض لجنكيزى حمايه موى اليه كوندرلمكه
بهانه جولك مسلكنه سالك وبراد ريكوك افنا سنه متهالك اولوب
بو قدر الات وادوات سفرى تهيئه وتجهيز ايتمشكن اول علتله تخبير ميل
ايدوب خدمت غزا وجهاددن قالمغى تجويز ايمليه سز حالا رضا كزى
صيانت ايچون موى اليه سلامتكراى سلطان بى نام ونشان اولمجق
محل ومكانه كوندرلوب ابعد امكنه ده اسكان ايتدورلمك بابنده فرمان
قضا جريانمز صادر اولمشدر وفيما بعد خيرو شرى مشتمل مكتوب وخبر
كوندرميه سن ديو كندويه بروجه تشديد تنبيه وتاكيد اولنمشدر
اول بابده مرار اصادر اولان عهد وپيمان ووعد وايمانكزه اعتماد واعتقاد
اولنميوب محضا اراجيف اخبار ايله دغدغه وتشويشه سالك وخدمت
دين ودولتده اغواى مفسدات ايله بهانه طريقيله موى اليهك افنا سنه
متهالك اولمق امر بعيددر مادام كه رضامز مراعات اولنوب غزا وجهاده
واروب عسكر اسلام ظفر انجامه امداد واعانت ودفع مضرت اعداى دين
ودولتده سردار ظفر شعارمزه موافقت ومشاركت ايليه سز كه عهد وپيمان
ووعد وايمانمزده كوركى كبى ثابت قدم وراسخ دم اولمه مز مقرردر اعون
همايون ظفر مقرونمزده ظهوره كلان خدمات مبرورة ومساعى موفوره كز
عز حضور فايض النورمزده مرادكز اوزره مشكور اولوب اكرسز واكر سائر
يانا ربكلرى وبيوزلرى وعساكر يانا دخصم شكار غازيلرينك هر برى انواع
عنايات عليه مزه مظهر دوشمكزه اشتباه يوقدر مسند خانيده لطف
كردكار ايله مدى الدهور والاعصار مؤبد وبرقرار ومؤيد واستوار
قلنورسز اولطرفدن قصور ظهور ايلدكجه حقكزده صدور بولان عهد
وايمانمزك ضدى نفتح قلنمق وعنان خانى موى اليه قرنداشكز سلامتكراى
سلطانك دست ايدنه تسليم اولنمق احتمالى يوقدر اشارتكز اوزره بى نام
ونشان اولمجق مكانه كوندرلمسى مقرردر اول بابده من جميع الوجوه
مطمئن الخاطر اولوب وجه شروح اوزره سفر همايون نصرت مقرونمزده
واروب انواع خدمات ايله بولداشلقده بولنمغه اقدام تام وبعض
عوارض سببى ايله شمديه دكين عقدة تاخيرده قلان خدمتكك تدارك
ومكافاتى بيتر اولمغله رضاى خاطر عاطرمز تحصيلنه فايز اولمغه اهتمام
مالا كلام ايليه سز وآت بها ايچون اعلام اولندوغى اوزره خزانه عامره
خسروانه مزدن بش بيك سكه حسنه ارسال اولنمشدر فتح وظفر قصيحى

٧٧ ١٤٩

نوت وكفار خاكسار قلاع عمزو استيلاد اوزره دز آمدى لايق اولان
بودركه مكتوب صداقت مصحوبكزده اعلام ايلدوككز اوزره مستوفى عسكر
تاتار صبا رفتار ايله ايكى قوناغى بر ايدوب مجدد محل مأموره ايرشوب
بو سال نصرت مآلده لطف پروردكار ايله كفار بدكرداره بروجهله
طبانجه اورلمغه سعى وكوشش اولنه كه انك آثارى صحيفه روزكارده
الى يوم القرار ثابت وبرقرار اوله انشاء الله تعالى بونامه همايونمز سنه
تحليله ونه كوندده واصل اولدوغى ونه مقدار عسكر نصرت رهبر ايله
سفر فيروزاثره توجه ايلدوككزى واعادى طرفلرندن مسموع ومعلومكز
اولان امور وقضايائى مفصلا يازوب سده سعادتمزه عرض واعلام
ايليه سز

[illegible]

وزیر اعظم طرفندن شرق جانبنه سردار اولان فرهاد پاشایه مکتوبدر

جناب صدارت مآب • وزارت نصاب • سعادت انتساب • سیادت اکتساب
رفعت مناب • حضرت پادشاهی کامیاب • ابدت ایام دولته ورفعته
الی یوم الحساب والجواب • دعوات خالصات خلوص نشان • وثنیات
زاکیات خصوص شان • که اوایل واواخری • وبواطن وظواهری • شوب ریا
وریب ومرادن مصون ومبرا • ومأمون ومعرا اولوب جناب شریفه
لایق وحری اوله تحفهٔ مجلس سامی • وهدیهٔ کرامیلری قلندن نصکره • مجدا
انها اولنان بودرکه حالیا عنایت حضرت پروردکار • واعانت رسول
مختار • وهمم چهاریار • یاور ویار • اولوب یانکزده اولان عسکر نصرت
شعار ایله مرز بوم سرحد ارض رومه • وصول میسر اولوب • من بعد
بعنایة الله العلی الکبیر • اعدای لئام نافرجام اوزرینه وارلمق مصمم اولمش
لکن بو دفعه معا • سفر ظفر رهبره مأمور اولان • بکلربکیلر وامرا
وزعما • وسایر نصرت انتما • دن نیجه کسه لر یانکزه کلیوب • مأمور اولدقلری
خدمتده اهمال وتکاسل • وبو امر مهمک شاننه اعتنا اولندوغندن تغافل
اوزره اولوب کیمی هنوز دخی منزللرنده وکیمی یوله چقوب • لکن وارو
هنوز ملاقی اولمیوب • استماع اولنمغین • بکلربکیلرک وامرانک هر برینه
آستانهٔ سعادت آشیانه صوبندن مؤکد احکام شریفه ارسال اولنوب
انواع تهدیدات اولنمشدر • ذکر اولنان اوامر منیفه نک ارسالی لازم کی
اولان محللره ایصال ایتمکیچون • آدملریمز قوللرندن زعیم علی بنده لری
تعیین اولنمق بابنده فرمان قضا جریان شهنشاهی صدور بولمغین
عزحضورکزه دخی مکتوب محالصت اسلوب • ارسال اولندی عند الوصول
مأمولدرکه کوندریلن اوامر شریفه موجبنجه یانکزده وقربیکزده
اولان بکلربکیلری وامرا وزعما • وسایر عساکر نصرت مآثرک • هر برینه
محکم تنبیه وتأکید ایلیوب • سعادتلو پادشاه عالمپناه • ابده الله وقواه
حضرتلرینک امر شریفنی تبلیغده جد واهتمام ایدوب • فردا فرد تخویف
وتهدید بیوره‌سز • بو دفعه خدمات مشکوره ظهوره کتوردنلر مأمول لرندن
زیاده دولت ورعایته نائل وفائز • وحدلرندن متجاوز مناصبه واصل وحائز
اولوب • عیاذا بالله تعالی اهمال ومساهله اوزره اولنلر انواع عقوباته مظهر

اولوب بامر الله سبحانه خسر الدنیا والاخره • زمرهسنه الحاق اولنملرنده
اشتباه اولمدوغندن اعلام ایدوب • اجناد غزا معتاد ونصرت اعتیادی
غزا وجهاده حث وترغیب • وسررشتهٔ امر شرع شریفی الدن ویرنلری
انواع وعید ایله تخویف وترهیب ایلیه سز • واول جانبلرده آستانهٔ سعادت
آشیانه عرض واعلامی لازم اولان خصوصلری مفصل ومشروح اعلام
وابدان بیورمق بابنده مساعی جمیله وجوده کتوردیله •

وزیر اعظم طرفندن سردار فرهاد پاشایه مکتوبدر

سنهٔ سابقه ده واقع اولان • سفر ظفر اثرده ظاهر وروشن اولان •
پرتوانار خدمات مشکوره کز سعادتلو پادشاه عالمپناه حضرتلرینک

مقبول همایونلری واقع اولوب • جبلت شجاعت سرشتکزده مخمر اولان
رفور حسن فراست • ورأی کیاستکزه • انواع اعتقاد خسروانه واصناف اعتماد
پادشاهانه‌لری • معروف اولمغین • بو سال فرخنده فال • وبخته آما الله
دخی واقع اولان اول بهار فیض آثارده • قرار سابق اوزره شرق جانبنه
سفر نصرت اثره توجه وعزیمت اوزره اولمکز • بابنده فرمان همایونلری
صادر اولوب • سنهٔ سابقه ده • سزکله غزای غزای نصرت آرایه • مأمور
اولان میرمیران وامرای ذوی الشان • وبلوک خلقی وینکیچریان • وزعما
وسپاهیان • وسایر عساکر نصرت جویان • بالکلیة ادوات جنک وجدال
واسباب وآلات حرب وقتاللری ایله حاضر وآماده اولوب • روز حضرده ارض
رومده سزه ملاقی اولدقلری معقول ومناسب کوردوککز وجه اوزره
خدمات پادشاهیده بذل مقدور وسعی موفور ایلیه لر • دیو بکلربکیلره
وسنجاق بکلرینه مؤکد احکام استعجال اشتمالیلری ارسال وایصال قلنوب
اولبابده سز دخی جهاد ظفر قرینه متعلق اولان مهمات اسفار ولوازمات
عسکر نصرت شعاری • وحرب وقتاله لازم ومهم اولان • یراق وییاق •
تهیه‌دن حاضر ومهیا ایلیوب • جمیع بکلر وامرا وصاحب عشایر • وسایر
عساکر ایله یکدل ویکجهت اولوب • حسن اتفاق ودلخواه ایله • اردوی همایون
پادشاهیده بذل مقدور • وسعی نامحصور ایلمکز • بابنده حکم همایون
سعادت مقرونلری ارسال اولنمشدر • ایله اولسه اکرچه کچن سنه ده
اردوی همایون پادشاهیده • انواع خدمات مبروره • واصناف مساعی
مشکوره ظهوره کتوریلوب کلی یوز اقلقلری تحصیل اولنوب • کرکی کبی
سعی واهتمام بذل وصرف اولنمشدر • اما بنم قرنداشم هر وجهله خدمت
غیر مترقبه زمانی ومردانه لکلر وجوده کتورملک • آوانی بو سنهٔ مبارکه ده

هیچ بر وجهله توجهکز مناسب کورلدی وکندن ماعدا عسکر ظفر رهبر
پادشاهی دخی انی سزک تانکوله طوروب خدمتلرینی قایملردن ذات
شریفکز کندکو نصکرینی آنی اولان عسکر بالکلیه متفرق اولوب العیاذ
بالله تعالی عدوی ضلالت آیینندن بر محله ضرر دکوزندا بریشه اوغورهمایون
عزت مقرونی بو غنجه زمان ایندوککز برارلق ودلاورلک لواطراف عالمه
منتشر ایکن هباء منثورا اولماسندن اشتباه اولمدوغندن مکتوب مخالصت
اسلوب ارسال اولنمشدر امری الامور مرهونة باوقاتها مخوا سیله عاقل
اولوب سعادتلو ودولتلو پادشاه کردون وقار حضرتلرینک فرمان عالیلری
اوزره بریکوده ثابت قدم وراسخ دم اولوب رضای همایونلرینه مغایر برحال
جوازکوسترلمکدن حذر ایدوب امرهمایونلرینه امتثالی سعادت دارین
بیلوب دائما دعای خیردن اونتیوب نهاد نجابت نژادکزده مندمج اولان
وفور شجاعت وشهامت وفراست وکیاست مقتضاسنجه کرغیرت میان
جان کمند ایدوب بعنایة الملک المنان دشمن دونخمکان ایله برطرف
اولمغه سعی بلیغ وجد بیدریغ ایدوب اوغورهمایونده انواع یوز اقلقلری
تحصیلنه اقدام تام ایلیه سزکه ماورآء پردهٔ تقدیردن ظهوره کلجک فتوحات
جلیله نمایان اولوب انواع سرور وبهجت واصناف جود وغبطت ایله
عودته باعث وبادی اوله ان شاالله تعالی وعساکر نصرت مآثر سردار
اولان وزیر فرهاد پاشا قرنداشکز دخی ارض روم جانبنده عسکر اسلام ایله
قشلومق فرمان اولنوب وجناب امارت مآب خان حضرتلری دخی
دمورقپو جانبنه واروب انده قشلومق ایچون ارسال اولنان نامهٔ همایون
پادشاهی موجبنجه اول جانبه واروب بو قیشی انده اقامت نیتنه توجه
ایتمشلردر ان شاالله تعالی مدد قی اوله فرم یکدل ویکجهت اولوب اتفاق
جانبین واتحاد طرفین ایله یوز اقلقلری تحصیلنه مجد وساعی اولیکز
کر بو بابده وجوده کلان ساعی جمیله کز مقابله سنده عنایت علیهٔ پادشاهی
مظهر اولدوغکزدن غیری عند الله تعالی مثوبات عظمی احرازینه وسیله
اولدوغنه قطعا اشتباه بیورلمیه

وزیر ثانی سیح پاشا طرفندن وزیر اعظم عثمان پاشایه یازیلن مکتوبدر

حالا سفر ظفر اثرده مأمور اولان بکلر بکیلره واصحاب بالته اول بهار
بهجت آثارده یات وبراقلریله مرتب ومکمل حاضر وآماده اولملری ایچون
مؤکد اوامر شریفه یازیلوب ارسال اولندیغی اوزره قزلباش بد معاش
جمعیت اوزره اولوب ایام شتاده اکثر ممالک محروسه مظفری قصدینه

ملحوظ ومأمور اولوب خصوصا شاه کمراه ضلالت پناهک وجود خباثت
آلودندن اول جانبلرده هنوز اثر ظاهر وپیدا اولمیوب اول فرق ضاله دن
هر وجهله انتقام النوب داروداردلرین باشلرینه تنک ووجودلرین
طعمهٔ شمشیر وسنان تفنک ایتمکه آهنک ایلمک بابنده عزت وحمیت
نام وننک ایچون نهاد شجاعت معتاد کزده مرکوز ومضمر اولان انواع
جلادت وشهامتکزی بذل وصرف ایلیوب وادوقتی بازوبه کتوروب
کر جد واهتمامی میان سعی واقدامه محکم بند ایلیوب یانکزده اولان
عساکر منصوره ایله فی سبیل الله متوکلا علی فضل الله فرصت ال ویروب
محل اقتضا ایدوککنه کوره سعادتلو پادشاه اعز الله انصاره حضرتلرینک
یمن همتلری کندو خط همایونلریله صادر اولان فرمان شریفلری
مقتضاسنجه مأمور اولدیغکز غزا وجهاده محکم سعی وکوشش ایلیوب
وقت وزمانیله هر خصوصده بذل مقدور وسعی موفور ایدوب عون
وعنایت خالق بیچون وهمت خداوندکار ربع مسکون ایله اهتمام معلی
ایدوب انواع یوز اقلقلری تحصیل ایتمک بابنده ماهو المقدور آثار
ساعی جمیله کز ظهوره کتورمک اوزره اقدام مالا کلام کزی وجوده کتورهسز

وزیر اعظم طرفندن دمورقپو محافظه سنده عثمان پاشایه مکتوبدر

جناب اخوت مآب سعادت نصاب دولت اکتساب مروت انتساب حمزه
پاشای کامبین وکامیاب شید الله بنیان عمره ودولته الی یوم الوعد
والجواب الوف دعوات صافیات اخلاص شعار وصنوف تحیات وافیات
اختصاص دثار که محض خلوص جنان وفرط خصوص دل وجاندن نبعان
وجریان بولمش مجلس شریف شرف انتما ومحفل منیف عزت احتوا که فی الحقیقه
مسند جاه وجلال ومرجع ارباب سعادت واجلالدر اتحاف واهدا
قلندقدنصکره اعلام محبانه وانباء دوستانه اولنان اولدرکه حالا
سنک سدره مکانده قپو کتخداسی تعیین اولنان خنداد آغا قولیکز
ذات معالی نصابکز ایچون بو قیشی انجنده اول جانبدن درکاه سعادت
مدارده کلمسی مقرردر دیو بلدرمکله سعادتلو ودولتلو پادشاه اعز الله
تعالی انصاره حضرتلرینه منعکس اولدقده اول جانبلک احوالی بر طرف اولمیوب
مختل ومشوش قالوب دشمن بدکردار ایله جنک وجدال ایکی عسکر
ظفر مقرونی قویوب کیتمکزه اصلا رضای همایونلری اولمیوب فرمان
عالیشانلری وخط همایونلری موجبنجه تسوید اولنوب ارسال اولنمشدر
ایله اولسه کلمکز خصوصنی سائر وزرا قرنداشلریکز ایله مشاوره اولندقده

کرموجبیله عمل اولنه. جناب معالی مآبلرینه اولان عبودیت واخلاص حد احصادن ودائره استقصادن متجاوز وفزون اولمغین. اولبابده اختصار اولندی. باقی همیشه عز واقبال دایم ولایزال باد برب العباد

وزیر اعظم طرفندن اناطولی بکلربکیسنه مکتوبدر

امر عالی قدر شهنشاهی. وحکم قضا توان پادشاهی موجبنجه سنهٔ سابقهده سردار عالیمقدار حضرتلریله بیله. اولوب. هر بریکز نقصیر وتهاون ایتمیوب کلی خدمتلر وانواع دقتلر وجوده کلدوکنی مفصلا پایهٔ سریر عالم مصیره عرض اولنوب. مقبول همایون پادشاهی واقع اولوب کرکی کبی رعایت ملوکانه یه سزاوار اولمش سزدر. ان شاء الله تعالی بو سنهٔ مبارکهده دخی کما کان سفر ظفر اقتران شهنشاهی مقرر ومعین اولوب. روز خضرده هر بریکز مرتب ومکمل عساکر منصوره ایله مشار الیه سردار حضرتلرینه ملاقی اولوب. وجه معقول کورد وکی اوزره خدمتلرده بولنمغه سعی ایتمکز بابنده. امر شریف واجب الاتباع خسروانی شرف صدور بولمغین کمکتوب مخالصت مصحوب دخی ارسال اولنمشدر. عند الوصول مأمولدر که جبلتکزده مرکوز ونهادکزده مضمر اولان جلادت وشهامتکز موجبنجه عامهٔ بکلر بکیلر عسکریله مرتب ومکمل حاضر ومهیا اولوب. وقت وموسمیله جیقوب. روز خضرده واروب مومی الیه سردار حضرتلرینه ملاقی اولوب. رأی رزین وفکر متینی اوزره عمل ایدوب. مقدورکزی صرف ایدوب کلی خدمتلر وکرکی کبی یولداشلقلر ظهوره کتورمکه بذل همت ایلیه سز. که دولتلو وسعادتلو پادشاه ظل الله اعز الله انصاره ومضاعف اقتداره حضرتلرینک. بو سفر ظفر رهبر مخصوصنده واقع اولان اقدام همایونلری دایرهٔ حد وحصردن بیروندر. همان مساعئ جمیله وجوده کتورمکه اقدام ایلیه سز. ان شاء الله تعالی ظهوره کتوره جککز خدمات پسندیده نک آثاری عن قریب. دلخواهکزدن زیاده احسن وجوه ایله بروزه کلمک مقرر ومحققدر. همان بصیرت تام وانتباه خبر انجام اوزره اوله سز. بکلربکیلککزدن اخراجی لازم اولان ذخیره وبنا ونجار وسائر مهمات مومی الیه سردار جانبندن اشارت اولندیغی منوال اوزره بالذات کندوکز تدارک واخراج ایدوب. وقت وموسمیله محل مأمورده حاضر وآماده ایتمکه اقدام واهتمام ایلیه سز.

وزیر اعظم طرفندن سردار فرهاد پاشایه مکتوبدر

جناب صدارت مآب دولت نصاب مروت انتساب. حضرت پاشای کامیاب.

حرکتی اولدیغی اعدام اولنمغله. سرحدده اولان بکلر بکیلره انلک کبی بر حرکتی اولوب. سردار طرفندن نه وجهله اشارت اولنور ایسه انکا کوره عمل ایلمک ایچون موکد اوامر شریفه یازیلوب. ارسال اولندوغی اوزره ومصر جانبندن ایکی اوچ بیک مقداری یرار عسکر تدارک اولنوب ارسال اولنمغیچون. وزیر ابراهیم پاشا قرنداشلرینه یازیلان حکم شریف صورتی وسردار جانبندن کلان قضایا دفترینک صورتی. وبالجمله شرف سفرینه متعلق اولوب. یازیلان احکام شریفه نک مفهوملری معلوم شریفلری اولمغیچون. بر صورتی یازیلوب. جناب معالی نصابلرینک. غبار اقدام عالیمقدارلرینه ارسال اولندوغندن غیری. حالا جزره آباقلی میرفلدن مقرر اولمغیچون وارد اولان عرض. وصورت خط همایون وسکتوار سنجاغندن قلدع وغیری نسنه افراز اولمغیچون وارد اولان عرضحال ایله. صورت خط همایون دخی معا علم شریف محیط اولمغیچون ارسال اولندی. ذکر اولنان احکام شریفه وصورت خط همایونلره نظر شریفلری تعلق ایتدکدنصکره. الطاف شاملهٔ الاکنافلرندن مأمولدرکه. رأی رزین اصابت قرینلری وجه مناسب کوردوکی اوزره عمل ایدوب. بو داعی خالص الاعتقادی. دعای خیرلرندن فراموش بیورمیه لر. وسابقا درکاه عالی یایاباشیلرندن اولوب. قبرس بکجری کتخداسی اولان حسن قوللرینه. بدون یکجری اغالغی توجیه اولنمق ایچون حکم شریف ارزانی قلنمش. لکن بعضی کسنه لر معارضه ایدوب جناب صداقت مآبکز ایچون بو بابده خبرلری یوقدر فضولیدر دیلشدر دیو نزاع ایلمکین. استانهٔ سعادتده اولان قیود دفترلرینه مراجعت اولنوب صورت حکم شریف عینیله بولنوب. وحکم شریف خطی دخی دیوان همایون کاتبلرندن برینک خطی اولوب. اما روس قضایا بونده اولمیوب. ریشر قوللریله معا کتمکین صحتی اوزره جواب وبرلمک میسر اولماغیله. ذکر اولنان حکم شریف ایله قیدینک صورتی عینی ایله خاکپای سعادت افزایه ارسال اولندی. عند الوصول احسانی بی اشتالرندن مسئولدرکه نظر شریفلری تعلق ایتدکده روس قضایایه مراجعت اولنوب. صورت حکم شریف عینی ایله بولنوب. وحکم شریف خطی دیوان طرفندن ذکر اولنان اغالق صحیح توجیه اولندوغی مقرر ایسه. انکا کوره اشارت علیه لری اولاکه بابنه سر براعلا بر روی مال اولنمغیچون. مشار الیه قوللرینه تنبیه اولنه. اولمز ایسه اولبابده امر شریفلری هر نجه ایسه احتساب بیوریله

وكامياب • شيد الله بنيان عمره ودولته الى يوم البعث والجواب • انواع
درر دعوات صافيات صالحات عنبرية النسمات • واصناف غرر تسليمات
وافيات زاكيات عبهرية الفوحات • كه محض وداد وفرط اتحاددن صادر
ومتبادر اولور • اتحاف واهدى قلندقدنصكره • اعلام وانها اولنان
اولدركه • حالا سنة سديره مكانه مكتوب شريفكز وارد اولوب • مفهوم
پاكنده شاه گمراه ضلالت پناهك امراسندن توقماق برنفاقك • ديوانى
كا بنى اولوب مقدما ولى نام مخذولك انهزامنه كوندرلر اولان • اسد اغا
نامبله اولان شياطين شعار مردود نابكارلر • سزه سعادتله كوندريلوب
وقضاء ارزنجانى زلزله اولمغله • بالجمله شهر ونواحيسنك اولرى خراب
اولوب ورعاياسى جلاى وطن ايدكلرى ودخى اولبابده هرنه كه تحرير
وبيان ايلمش سكز • على الوجه الكامل • پايه سرير عالم مصيره عرض اولنوب
علم هايون عالم شمولارى محيط وشامل اولدقدنصكره كبرومذكورلر
جناب شريفكزه كوندريلوب • حقلرنده نه وجهله تدارك اولنمق
مناسب ايسه اهتمام ايلمك بابنده • وقضاء ارزنجاندن اوچ سنه ديكنى
معمور وآبادان اولنجيهدن • عوارض ونزل وساير تكاليف آلنموب • معاف
اولمق بابنده فرمان عاليلرى صادر اولمغين • امر هايونلرى موجبنجه
ذات معالى نصابكزه وارض روم بكلربكيسنه وارزنجان قاضيسنه
امر شريفلرى يازيلوب • دركاه عالى چاوشلرندن محمد چاوش قوللريله
ارسال اولنمغين • مكتوب مخالصت اسلوب دخى تسويد اولنوب • خالصت
عزته ارسال اولنمشدر • عند الوصول ذات كريم الخصاللرندن مرجودركه فرمان
قضا جريانلرى موجبنجه • ونهاد نجابت نژادلرنده مضمر اولان فراست
وكياست مقتضاسنجه مذكورلرك احوالنده دين ودولته انفع وانسب
نه ايسه تدارك ايدوب دخى ولايت مزبورهنك اهاليسنه كوكلى كبى
استمالت ويروب • يرلرينه ويورتلرينه اسلوب سابق اوزره كما كان
معمور وآبادان ايدرلك بابنده • وقزلباش دوزخمكانك جانبندن
واقف ومطلع اولدوغكز اخبار صحيحه يى على التوالى اعلام ايلمك •
وجانب شريفلرينه ارسال اولنان محمد چاوش قوللريني بو جانبه
كوندرمك بابنده همت هما همتالرى وجود وبروزه كلمه هر •

سلطان مراد ابن احمد خان طرف همايونلرندن وزير اعظم
حافظ احمد پاشايه خط شريفدر

سزكه عامه عساكر ظفرماثرم • اوزرينه سردار نصرت شعارم • وكافه

اوامر جليلة الاعتبارم • تنفيذنه وزير اعظم بلند اقتدارم • اولان حافظ
احمد پاشاسز • دعا وتحيت سلامت رسانم اهداسيله سزى سرافراز
وتوجه والتفات فى پايانم ابداسيله شانكزى معزز وممتاز قيلدوغمدن
صكره • معلوممكز اوله كه • برسنهٔ كامله يه قريب اولديكه بغداد صحراسنده
انواع محنت ومشقتلر چكوب • آلام شديده كثيره يه صبر وتحمل ايدوب
واوغور هايونمده انواع خدمات مشكوره حقيقتى ايله معلوم همايونم
واعداى لئامدن اخذ انتقامه اقدام • حضوردن تموفورمده سعيكز نه
مشكور • وموجب استحسانات غير محصوره اولمشدر • اكرسزك واكرسزكله
بو خدمت عظمى ده بيله بولنان جمله قوللريمك • يوزلرى آق • وعمللرى
همیشه موافق رضاى جناب خلاق اوله • چكدوككز محنت ومشقتلردن
بنى غافل صانميه سز • ورضاى همايونمله دعاى خيرم تحصيل ايدوب كما كان
اوصانميه سز كه • بقدر الكد تكتسب المعالى • مصداقنجه وجوده كلن
انشاالله تعالى مأمولكز مرتبه سندن متجاوز نوازش والتفاتم شعشعه
مظهر • وجدوا لله الاقداد فى الاخطار • وفقنجه آتش جنكك وجدا لله دخونكزى
كوره منظور نظر كيميا اثر اولمكز محقق ومقرردر • خاطركزى بو بابده
خوش طوتوب بوانه دك ايدكلدكدن كوكدن زياده آثار جميله اظهارنه
سعى بليغ ايليه سز • دين مبين يولنده • وجهاد يار كرام اوغورنده
جمله خزاين واموالم مصروف • وعنان همت ملوكانهم قديمدن شيمدن
انتقام الوجانبنه معطوفدر • بذل مال ورجال ايله عساكر اسلامه
معاونت ومظاهرت همت عليه مه لازم اولوب • اعتقاد شريفمه
اوزره افضل عبادتدر • مقدما برقج دفعه اولجانبه خزينه
كوندرلدكده ايصالنه مأمور اولنلر سرعت اوزره حركت ايتمدوكندن
كلى اضطراب چكمش سز • انشاالله تعالى اضعاف مضاعف مكافاتى
اولنور • وتكرار خزينه كوندرلمشدر • بعنايت الله تعالى سلامتله
وصول بولدقده بغداد سفرندن موجود بولنان غازى قوللريمك
مستحق اولدقلرى مواجبن ادا ايدوب • بنم طرفمدن خاطرلرين صوروب
تطييب ايليه سز • وكما كان غزا وجهاده ترغيب ايليه سز • انلر بنيم
طوغرى ومستقيم يرار قوللرمدر • حق تعالى انلرى ايكى جهانده برخوردار
وميدان غزا وجهادده اقدام اقداملرين هميشه ثابت وبرقرار ايليسون
امين بالنبى المختار • واله وصحبه الاخيار • امدى كوره يم سزى مامور
اولدوغكز خدمتى خيرايله اختتامه ايرشدرمكه نه وجهله سعى كوسترز •

دین و دولتم دشمننه قارشو نه طریقیله مردانه طورورسز مقدما جد
بزرکوارم مرحوم و مغفورله سلطان مراد خان علیه الرحمة والرضوان
زماننده متوالیا نیجه سنه‌لر قزلباشه سفر اولوب نیجه‌لوکز بزم ممالکلری
قبضهٔ تصرف اسلامیه‌یه ادخال ایدوب الله کتوردکلری معلومکزدر
الحمد لله تعالی بو طرفلرده اکر روم ایلی سرحدلرنده و اکر قره‌دکز جانبلرنده
خاطر همایونمه دغدغه ویره‌جک بر حال اولیوب بر و بحرده اولان
کفره قراللری سدهٔ سعادتمه دائما متابعت و انقیاد اوزره اولوب
سایهٔ مرحمت و ظل حمایتمده آسوده حال اولمغه طالب و راغبلردر
بو تقدیرجه صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین دشمنلرندن اخذ
انتقامه بونك کبی فرصت میسر می اولور علی الخصوص کرجستان ملکلری
طرفندن بو دکلو طبانجه سوب کزیده عسکری قلیجدن کچمشدر
و بغداد سرحدلرنده بر سنه‌یه قریب سزکله محاربه‌ده اولوب
نیجه‌لوکه عسکری قرلمشدر و نه درجه ضعیف و زبون اولمشدر انشاالله
سنهٔ آتیه‌ده سفرك تدارکی کورلمك مهمات دین و دولتدن
اولمغین بو خصوصی یکیچریلرم اغاسی و التی بلوك اغالری و اختیارلری
بکلر و بکلربکیلری ایله و هر طائفه‌نك اهل وقوفی و خبیراندیشلری
ایله مشاوره و مذاکره ایلیوب کوره‌سز سفر تدارکی حلبده می اولور
یوخسه دیاربکرده می کورلمك اولیدر والحاصل دشمن ایشیدوب
خوف آلاجق و منتهای سرحدلرده اولان ممالك محروسه‌م عسکری
صفا و سرور بولاجق وجه وجیه نه ایسه آنی وجوده کتوروب
بو ایکی محلدن بریسنده قرار ایلیوب مجددا سفر تدارکنه محکم تقید ١٧٥
ایده‌سز و مشاوره‌ده تمام قرار ویردکدنصکره واقع حالی محلدن
رکاب همایونمه عرض ایلیه‌سز که اکا کوره بو جانبدن دخی لازم کلن
مهمات قبل فوت الفرصه اتمامه ایرشدریلوب و وقتیله کوندریلوب
دشمن حرکت ایتمزدن مقدم بو طرفدن عساکر مسلمین جنبش و حرکت
ایلیوب الامور مرهونة باوقاتها مضمونجه اولا که اهمال وجه اوزره
اول قوم سریع الزواله محکم کوشمال ویریله العیاذ بالله تعالی سنهٔ
آتیه‌نك تدارکنه بزده همت و کوکلی سعی و دقت اولنمادوغی دوست
و دشمن یاننده شیوع و شهرت بولورسه اعدای دین و دولتمزه طبقه‌ده
باعث تقویت و بصرم و رعایا اولانلرنده اولان عسکر خلقنه و امرا اکراد
و اعرابه نه درجه‌ده مورث خوف و خشیت اولاجغی کوندن عیاندر

کوره‌یم

کوره‌یم سزی نه دکلو تدبیر و تدارککز وار ایسه بو خصوصده عمله کتوروب
عرض و ناموس سلطنتی کرکی کبی تکمیل و دعای خیر اجابت مقرونم تحصیله
کمال مرتبه سعی جمیل ایلیه‌سز جناب ملك منان جمله امورکز آسان
و هر حالده اجناد غیبیه‌سنی سزه مدد رسان ایلیوب انواع بور اقلقرین
مظهر اولمکزی مقدر و میسر و جمله تدبیر و تدارککزی موافق
احکام قضا و قدر ایلیه آمین بحرمة سید الاولین والاخرین
و آله و اولاده الطیبین الطاهرین و اصحابه و احبابه الهادین المهدیین

بو دخی مشار الیه احمد پاشایه یازیلان خط شریفدر

سز که عساکر نصرت مآثرمه سردار ظفر شعارم و وزیر اعظم و قوی
الاقتدارم اولان احمد پاشاسز دعا و تحیت سلامت رسانم اهداسیله
سزی سرفراز و توجه و التفاتم ایله معزز و ممتاز قیلدوغمدن
صکره معلومکز اولدکه حالیا سفر همایونمدن عودت ایدن سپاه طایفه‌سی
قدیمدن اویکلدوکی اوزره ملازمینه مخصوص و متعلق اولیوب
کیمی منصب و امانت و کیمی مقاطعات و تولیت و اوقافه متعلق نظارت
و کتابت و جبایت الدقلری اجلدن اولا مال مقاطعات قدیمدن
اوچ سنه متوالیا سنهٔ اولینك صزری سنهٔ اخرایه بسلك اوزره
برار و منعم کسنه‌لرك کفالتلریله امنایه در عهده اولنمغله بر وجهله
ماله ضرر اصابت ایتمیوب هر اوچ سنه متوالیا سنهٔ اولی بر تحویل
اولنماغیله مال مقاطعات بو طریقیله امنادن جمع و تحصیل اولندوکی
حالده ملازم اولنلر آلتی آیده بر خدمت الحاق اوزره مقاطعاته وضع ید
ایلمیلرله اوچ سنه‌نك تحویلی دکل بر سنه‌نك دخی محصولی معلوم
اولمامغیله محاسبه‌لری الینمق بر وجهله قابل و ممکن اولیوب بو سببیله
مال مقاطعات ضایع و تلف اولوب خزینهٔ عامره‌مه کلی ضرر و نقصان
و قول مواجبنه زیاده غدر و زیان مترتب اولمشدر و اوقاف مقاطعه
لری دخی وجه مشروح اوزره اوچ آیده بر تحویل اولوب منعم کسنه‌لره
ویریلورکن انلری دخی ملازملر هر آلتی آیده بر خدمت والحاق اوزره تولیت
و نظارت و کتابت و جبایتلری و شرطلری اکوب بر الدن بر اله
فروخت ایتمه‌لریله و نااهله دوشمکله اوقاف انجه سنك مرتبه‌سی
دکل اصل مال دخی ضایع و تلف اولمغیله ممالك محروسه‌مده واقع
اولان جامعلرده و مسجدلرده خدمت ایدن مرتزقه و اهل جهاتك
وظیفه‌لری ویریلمدیکندن عزی خصرلری و قنادیلده یاغلری و سایر

مصرفلری کورلمك ممکن اولمامغله اوقات مفروضه اداسنه قابلیت
قالمامق لازم کلیوب امدی نیجه عدلت اجتماعم بومقوله احوالك ظهوری
دین ودولت ونام وناموس سلطنتمه موافق دکلدر بوندن بویله
ملازملری یازلدقده قدیمدن نه مقدار نفر ملازم یازیله کلمش ایسه
اولمقدار ملازم یازوب دفترلرین ضبط ایدوب قدیمدن اویکلیدن
زیاده یازمیه سن ومالازم یازلمق لازم کلدکده اغالرینی وضابطلرینی
دعوت ایدوب تبیین واعلام ایلیه سزکه ذکراولنان خدمتلر بونلرک
صکره ملازمینه ویرلدرکنه قطعا رضا ورخصت ویرلمز بومقوله
خدمتلری ملازمتدن توجیه ایدنلره وآنلره هرکیم اولورسه اولسون
انواع عتاب وعقاب اولنمق مقرر ومحقق در اکه کوره بوبابده اهتمام
ایدوب اولجانبده اولان التی بلوك اغالری وکتخدا یرلری وسایر ضا
بطلرینی آکاه ایدوب سزکه من بعد زیاده ملازم یازدرمیه لر ورضای
همایونمه مخالف اولان خدمتلری آلمیه لر والدرمیه لر شویله که رضای
همایونمه مغایر بوندنصکره بومقوله احوال ظهور ایدرسه اغالرندن
وضابطلرندن بیلنوب بعدالیوم بروجهله عذرلری مقبول ومسموع
همایونم اولمیوب نتیجه سی کندولره عاید اولمق مقرردر بوبونکوی
شریفی کندولره اوقیه سز ومقدما وزیراعظم سفر همایونمه متوجه
اولدقده نه مقدار بلوك خلقی ونه مقدار بکچری وسایر قول طایفه سی
اول زمان وارایدی فردا فردا دفتر ایدوب بعده نه مقدار مرده
اولمش ایسه ونه قدر زیاده ونقصان اولمش ایسه ایراد ومصرفلری
باشقه باشقه دفتر ایدوب مجددا اول دفترلری رکاب همایونمه
ارسال ایلیه سزکه جمله احوال معلوم همایونم اوله بوخصوص بالذات
مقصود شریفمدر اهتمام اوزره اولوب بروجهله مساهله اولنمیه
وبوندنصکره اصلا بلوك وبکچریلك وسایر درلك توجیه اتمیوب
محکم ضبط وربط ایلیه سز ومقدما معن اوغلی وفرخ اوغلنك
احوالی ایچون جانب همایونمدن احکام شریفه کوندرلمشیدی اول
اوامر علی ماکان مقرر اولمغین مزبورلرك احوالنه نه وجهله تنفید
کوسترلدوکن یازوب رکاب همایونمه مجددا اعلام ایلیه سز ویزیدی
طایفه سنك ظلم وتعدیلری زیاده اولدوغی مسموع شریفم اولمشدر
طایفه مزبوره نك بوجانبلردن تعدیلری کورلیوب تعدیلری
رفع اولنوردی لکن مذکورلرك اکثری اولطرفه قریب اولمغله تعدیلری

کوروب تعدیلرینی رفع اتمك اموری سزه تفویض اولنمغین بوبابده سعی
موفوری وجوده کتورمکه بذل مقدور ایلیه سز وولایت اناطولیده واقع
اولان ایالت وسنجاقلرك توجهاتی اموری سرداراولنلرك طرفلرندن
کورلمك اقتضا ایتمکله حالا اناطولیده واقع ایالت وسنجاق متصرفلری
ممالك محروسه رعایاسنه وسایر اهالیسنه زیاده تعدی اوزره
اولدقلری معلوم شریفم اولمغین مزبورلرك عزل ونصبی اولجانبدن
اولمغله رفع تعدیلری دخی اولجانبدن لازم کلمشدر اولمقوله لری
عزل ایله می اولور متصرفلری رفع ایله می اولورنه طریقیله اولورسه کوروب
ظلم وتعدیلرینك دفعی ورفعی بابنده اهتمام تام ایلیه سز وشرقجانبی
سرحدلرینك حفظ وحراستی وکرجستان وکردستانه لازم کلان امداد
واعانت وحکامنه استمالت وملکلرینه تقویت ویرلمکله انواع خدمتلر
ظهوره کلمه سنه دقت وصرف همت ایلیه سز وسنه اتیه نك سفری
مهماتی دخی اقتضا ایدن لوازمی تدارکده بوجانبدن تقید همایونم مقرر اولمغله
سز دخی شمدیدن سفر همایونمك لازم کلان اموری خصوصنده سعی نامحصور
ایدوب لازم العرض اولان احوالی علی التوالی اعلامدن خالی اولمیه سز

جزایرلو وتونسلو مابینده اولان نزاعی دفع وارالقلرین
اصلاح ایچون امر شریفدر

معلوم اولهکه دار الغزاء والجهاد اولان جزایر ایالتی ایله تونس مملکتی
ارالرنده واقع آرقو دیمکله معروف قلعه عربانی ماتقدمدن عادت
اغنام ورسوم سایره لرین تونس خزینه سنه ویره کلوب اخردن دخل
اولنموب حتی قروان حاکمی اولوب عنعنه ایله قلعه مزبوره به مملکت ۱۷۷ ۸۵
اوزره متصرف اولان شیخ عبد الصمد طقوز یوز طقسان درت تاریخنده
عتبه علیایه اطاعت وانقیاد ایدوب بعده قلعه مزبوره بی توابع
ولواحقیله تونس بکلربکسنه تسلیم ایلدیکی سجل وحجت اولمغله بوآنه
دکین تونسلولر طرفندن ضبط اولنوب وجزایر عسکری تونس عسکریله
ماتقدمدن حسن وفا ووفاق ومحبت واتفاق اوزره کفار خاکسارم
غزا وجهادی ایلمکله دین مبینده ظهور ایدن سعی واجتهادلری خاص وعام
لسانلرنده مشهور اولوب طرفیندن کدورته متعلق برحاللری وبربرینك
حدود وسنورلرینه داخل اولان یرلرینه تجاوزلری یوغیکن قلعه مزبوره
خصوصنده طرفکزدن نزاع وخصومت اولنمغله بوندن اقدم تونسلولر
طرفندن سترغه سعادتمه آدملر کلوب متنازع فیه اولان یرلرك جزایرلو برطوبراغنه

علاقه‌سی اولمیوب تونس ایالتنك حدود و سنوری داخلنده اولدوغنی
اعلام ایلدکلرنده اول یرلر تونسلو طرفندن ضبط اولنوب تونس سنورینه
تجاوز اولنمیه دیو مفصل و مشروح امر شریفم کوندرلمشیکن حالا سز عموما
بریره جمع اولوب قلعهٔ مزبوره ایچون مملکتمز سنورینه داخلدر لازم
اولمغله بز ضبط ایدرز دیو رضای همایونمه مخالف تکرار دخل و نزاع
ایتمکله تونسلو طرفندن حالا تونس مفتیسی اولان اعلم العلماء المحققین
شیخ ابو الحسن زید فضله وسابقا تونس یکیچریلری اغاسی قوللرم عبد الکریم
وسلیمان و تونس بلوك باشیلرندن مصطفی و احمد نام کمسنه‌لر و سز
طرفکزدن ایکی نفر معزول یکیچریلر اغاسی و ایکی بلوك بلوك باشی و ایکی
نفر اوده باشی دردولتمه کلوب اعلم العلماء المتبحرین افضل الفضلاء المتورعین
ینبوع الفضل و الیقین کشاف المشکلات الدینیة حلال المعضلات
الیقینیة المختص بمزید عنایة الملك الاعلی شیخ الاسلام و مفتی الانام
ادام الله تعالی فضایله و وزراء عظام و قاضی عسکرلرم و یکیچری اغالری
حضورلرنده عقد مجلس اولنوب طرفینك حجج و تمسکاتنه نظر اولندقده
نزاع اولنان قلعه واراضی جزایر غربه الی التمش کون بعید و تونس ایالتنه
اوتز کونلك یول قریب اولوب شمدیه دکین جمله رسومی تونس خزینه‌سنه
تسلیم ایده کلدکلری تونسلونك حجج و تمسکاتنده مسطور اولدوغندن
غیری جزایر غربده نیجه دفعه دفتردار و بکلربکی اولان متوفی خسرو
و بعده وارد بکلربکلرك و جزایرلرا سندن فرهاد پاشا و یکیچری اغالری
زمانلرنده قلعهٔ مزبوره و تونسلو طرفندن ضبط اولنجیچون مهرلو
تمسکلر ویرلوب اول زماندن برو بلا نزاع تونسلو تصرف ایلدکلری
ظاهر اولمغله قلعهٔ مزبوره توابع و لواحقی ایله بحسب الشرع و القانون
تونس ایالتنه راجع اولمغین دفع نزاع و خصومت ایچون قلعهٔ مزبوره‌یه
جزایرلو طرفندن دخل اولنیوب جانب همایونمدن تونس بکلربکیسی
ضبط ایدوب محصولی ایچون آستانهٔ سعادتمدن هر سنه بر قولم واروب
بر وجه مقطوع ایکی بیك ریال غروش ویرلوب مدینهٔ منوره صلوات الله
علی ساکنها فقراسنه وقف اولوب آستانهٔ سعادتمدن هر سال ارسال
اولنان صرّهٔ شریفه ایله فقرای مدینه‌یه کوندرلمك اوزره شار الیه
شیخ الاسلامم و وزراء عظام و قاضی عسکرلرم حضورلرنده طرفینك
وکلاسی قرار و رضا ویردکلری پایهٔ سریر اعلایه عرض و تلخیص اولندقده
دین و دولتمه انفع و اولی اولمغله ذکر اولنان قلعه‌نی توابع و لواحقی

کما کان جانب همایونمدن تونس بکلربکیلری ضبط و رسوم معتادلرین
قبض ایدوب و تونس عسکری حفظ و حراست ایتمك اوزره جانب همایونمه
هر سنه متعهد اولدقلری بر وجه مقطوع ایکی بیك ریال غروشی سلطان
انبیا صلی الله علیه و سلم فقراسنه وقف ایدوب من بعد قلعهٔ مزبوره
و توابع و لواحقنه جزایرلودن واحد کمسنه نزاع و خصومت و رضای
همایونمه مخالف وضع و حرکت ایتمیوب کمسنه تبدیل و تغییرینه جرأت
ایلمیه و ایکی مملکتك عسکری بربریله قرنداشلر کبی حسن معامله و مصافات
اوزره کچنوب کما کان قره‌ده و دریاده غزا و جهاده سعی و اجتهاد و ترك
مخالفت و عناد ایلیوب دائما اتفاق و اتحاد اوزره اولوب خیر دعامه
مظهر اولهلر دیو خط همایون سعادت مقرونم ایله فرمان عالیشانم صادر
اولمشدر بیوردم که وصول بولدقده فرمان جلیل القدرم موجبنجه هر بریکز
عمل ایدوب ذکر اولنان قلعه‌نی توابعی و لواحقیله قرار ویرلدیکی اوزره
تونس بکلربکیلری طرف شریفمدن ضبط و قدیمدن ویره کلدکلری اوزره
اعشار و رسوم و عادت اغنام دخی صاحبلرندن قبض ایدوب و جانب
همایونمه هر سنه ادا سنه بر وجه مقطوع متعهد اولدقلری ایکی بیك
ریال غروشی آستانهٔ سعادتمدن کوندریلن قولم تونس دیواننده الوب
سدهٔ سعادتمه کتوروب وقف اولندوغی اوزره مدینهٔ منوره‌یه کوندریلن
صرّه ایله معا هر سنه ارسال اولنوب طرفینك وکلاسی و شیخ الاسلام
و وزرای عظام و قاضی عسکرلرم ایله یکیچریلرم اغاسی مناسب کوروب
ایلدکلری قول و قراره مخالف و سبب تحصیل رضای الهی اولان رضای شریفمه
مغایر قلعهٔ مزبوره و توابع و لواحقنه نزاع و خصومت ایلمیه‌سز
و من بعد تونس عسکریله ارا کزده اولان نفاق و شقاقی قالدروب بری
بریکزله حسن معامله و الفت و مصافات و محبت اوزره کچنوب کما کان
قره‌ده و دریاده غزا و جهاده اتفاق اوزره اجتهاد و قلع و قمع ارباب بغی
و عناده تشمیر ساق اوزره اولوب خیر دعامه مظهر اولمغه سعی
و اقدام ایلیه‌سز اول بلاد جهاد اعتباده اولان قوللرمك ما بینلرنده
اولور اولمز مفسد و غماز و بد خواه اهل الفساد ایله مجلسلری عداوته مبدل
اولمق معقول و مناسب رای ارباب عقول دکلدر لیل و نهار دعای خیرم
و حسن توجه همایونم شرع شریفه رعایت و سنن حضرت سلطان انبیا
علیه الصلوة و السلام اوزره حرکت و رضای همایونمه موافقت اطیعوا الله
و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم امر واجب الامتثالی اوزره فرمانمه اطاعت ایدن

غازی ومجاهد قوللرم ایله در • اکر کوره هر بریکز ارمیه رام • وفرمان قدر
توانمه حسن قیام کوستروب • اعدای دین وکفره مشرکیندن اخذ انتقامه
سعی ودقت وصرف قدرت ایدرسز • وللحاصل بذکور قلعه • بعد الیوم جانب
همایونمدن ضبط اولنوب • محصولینی سرور انبیا حضرتلرینک فقراسنه
تعیین ووقف ایلمشمدر • تونسلو وجزایرلولرک علاقه سی قالمامشدر •
بوندنصکره قلعهٔ مزبوره یه سزلک طرفکزدن بر وجهله مداخله اولنوب •
تونسلو ایله نزاع وخصومت ایلدوککز • رضای همایونم اولمیوب • بو بابده
اولان نزاعکز شرع شریفه مخالفدر • بو مقوله وضع وحرکتدن اجتناب
ودعای خیرم استجلابنه شتاب ایدرسز • انشاالله تعالی بوامر شریفم
سزه وصول بولدقده فرمان قضاجریانم اوزره عامل اولوب • تونسلو ایله
نه وجهله باریشوب آتشه وغکز • وایکی قرنداش کبی دین ودولتم وغور نزده
غزا وجهاده نه طریقله دوروشوب چالشدوککزی • مفصل ومشروح
یازوب درکاه معلامه عرض ایلیه سز •

بودن محافظه سنده اولان وزیر مرتضی پاشایه کوندریلن خط شریفدر

معلوم اوله که • سن حرم محترممده نشو ونما • وتربیت ایله کرامله مرتبه اولمش
وزیر مشیرم تدبیرم اولوب • الی الان والی وحاکم اولدیغک ایالتده • دین
ودولتمه لایق • وعرض وناموس سلطنتمه موافق اولان وجه اوزره حرکت
ورضای همایون اقتضاسی جریانم اوزره سعی ودقت ایلدوککدن غیری • ایالت
بدون سکا عنایت وتوجیه اولندقده بر اول سرحدلرک حفظ وحراستنده ۱۷۹
ومملکت وولایتک ضبط وربطنده • ورعایا ونفراتک صیانتنده خصوصا
نمچه قرالی اولان افتخار الامراء العظام العیسویه • فردینان ختمت عواقبه بالخیر
ایله مجدداً دولت علیه مه لایق ومفید اولان وجه اوزره صلح وصلاح
تمشیتنده مجد وساعی اولدوغک • ونمچه قرالی ایله صلحی اتمام واولخدمتی
تمام ایتمکه اوج ایه دکین طرفمدن مهلت ویریلوب • شویله که اوج ایده اتمام
خدمت وصلحه تمشیت ویرلمکه امکان وقابلیت اولمزسه • رضای طرفین
واقتضای جانبین اوزره هر نه زمانه دکین صلح وصلاح اموری صورت
پذیر اولوب نمچه ایکی طرفدن عسکر چکیلوب • وجانبین سرحدلرینه بر وجهله
ضرر وزیان ایرشدرلمیوب • صلحه نظام ویریلنجه وصلاحیه انتظام اورته لق امن وامان
اولنجه اوزره قول وقرار ویرلدوکی مسموع همایونم اولمشدر • برخوردار اولمش
اولاسن • امدی سنک رأی رزین • وفکر اصابت قرینکه اعتماد شریفم اولمغله
بدون وبوسنه وطمشوار واکری وقنژه • وبونلردن ماعدا دوم ایلی اطرافندن

دخی اسکندریه وبرزرین وبحترین ودوقه کین وآلاجه حصار سنجاقلرینک
بکلری • وبونلر کبی اولنان سنجاقلرده زعامت وتیمار تصرف ایدن عموماً متفرقه
وچاوش وکتاب وجمله نک اوغللری وسایر عسکری اوزرینه • سنی سردار
وسپهسالار نصب وتعیین ایلیوب • عامهٔ اول سرحدلرک جمهور امورینی
سنک قبضهٔ تدبیرکه تفویض ایدوب • ذکر اولنان سرحدلرک وولایتلرک
حفظ وحراستی وصلح وصلاحک استحکامی وتمشیتی وبالجمله سردارلغه متعلق
متعلق اولان امور جزئیه وکلیه ده سکا استقلال تام واصالت مالا کلام
ویریلوب • طرف باهر الشرفمدن نصب اولنمش وکیل مطلق قوی الاقتدارم •
ومفوض الیه وزیر جلیل الاعتبارم اولدوغک اجلدن • بو خصوصلرده
صادر اولان کلماتک • بالذات جناب جلالت مآبمک زبان کوهر نثارندن
وارد اولمش کلام حکمت آمیزم کبی اولدوغی مقرردر • فلهذا لایق دین
ودولت وموافق عرض وناموس سلطنت اوزره حرکت ایلمک مابیننده
فرمان عالیشانم صادر اولمشدر • بیوردم که وصول بولدقده بو بابده
جبلتکده مرکوز وطینتکده مرموز اولان وفور غیرت وحمیت وفرط
صداقت واستقامتک اوزره اول سرحدلرک جمهور امورینه کما ینبغی
تقید واهتمام کوستروب • بذل همت ایلیه سن وصلح وصلاح احوالنده
وجه مشروح اوزره سکا استقلال تام ویریلوب • سنک سوزک کندو
کلام لطیفم اولمغله رأی اصابت پذیرک مقبول همایونم وپسندیده قلب
صفا مقرونمدر • اولبابده حکیمانه حرکت وعاقلانه تمشیت ایدوب صلح
وصلاح امورینی لایق دین ودولت وموافق عرض وناموس سلطنتم
اوزره صلح احوالی تمام اولنجه قول وقرار ویرلدوکی اوزره طرفین سرحدلرینه
وجانبین ولایتلرینه عسکر چکیلوب بر وجهله ضرر وزیان وغدر ونقصان
ایتدرلمک بابنده مجد وساعی اولوب نمچه قرالی ایله اولنجق مراسم
صلح وصلاحی رعایت ولوازم مودت ودوستلغی کوکی کبی صیانت ایلیه سن •

وزیر اعظم خسرو پاشایه قلیچ وقفتان ایله یازیلان صورت خط همایوندر

معلوم اوله که • سز حدذاتکزده براد وشجاعت شعار سردار دعا یمعتقدم
وصدر اعظم قوی الاقتدارم • اولوب عمرکزی دولت علیه م خدمتنده صرف
ایتمش • وهر احوالک کنه وحقیقتنه واصل اولمش • صاحب بصیرت وغیرت
اولماکز ایله • بو قدر مدت بغداد قلعه سی الندن عسکر اسلام ایله اونوردن
ایچرودن چیقان اعدای دین • ودشمنان اصحاب کزین ایله • جنک وجدالدن
وار دوی همایونم اوزرینه مضرت قصدیله کلن قزلباش • بدمعاشک دفعنده

سعی و اقدامدن بر آن خالی اولمیوب• و اول ملاعین قتل و اهلاک کندهٔ اصلا
قصور قومیوب• هر کلدکلرنده بلطف الله تعالی عساکر سلیمین مظفر و منصور
و ملاحدهٔ بددین مغلوب و مقهور اولدقلری• و سزکله بیله اولان عساکر
اسلام نصرت انجامک صغیر و کبیری• و جوان و پیری• امور دینده کمال
موافقت• و دفع مضرت اعداده بذل سر و جان ایله هر برینک غیرت
و حمیت• و ذمتلرینه لازم کلن مرتبه‌لردن زیاده سعی و دقت• ایلدکلری
خصوصا اردوی ظفر مقرونم اوزرینه کلن قزلباش عسکرینه عظیم شکست
ویردوکی• رکاب همایونمه وارد اولان کاغدلرکزده تفصیل اوزره
بلدرمش سز• و خزینه و عسکر ایله امداد و اعانت اولنمق خصوصنی اعلام
ایتمش سز• و سائر بو سفر نصرت اثرده چکیلن زحمت و مشقته متعلق هر نه
یازوب اعلام ایتمش ایسه‌کز• جمله‌سنه علم همایونم محیط و شامل• و وجوده
کتوردوککز خدمت و امککزه وقوف شریفم حاصل اولمشدر• برخوردار
عمر و دولت اولوب• همیشه قلجکز کسکین• و دین و دولتم دشمنلرینی دائما
نکبت و زواله قرین• ایدیوبرم آمین• بحرمة سید المرسلین• کیجه و کوندز
دست تضرع و نیازی• درکاه چاره‌سازه اچوب انواع نیاز ایله رجا
و تمنام بودرکه حضرت حبیب کریمی حرمتنه• و خاک پاک بغدادده اولان
اولیای کرامک• و سائر ائمهٔ مجتهدینک روحانیتنه• سزک و غیری دین
مبین یولنده چالشان• و بنم اوغور همایونمده دشمن دین و دولتم ایله
و بریشوب الشان• غازی و مجاهد قوللریمک حالنه مرحمت و شفقت
ایدوب• فتح و نصرتلر• و اعدای اصحاب کزینه کسر و هزیمتلر میسر ایدوب
قلب همایونمی مسرور و روشن و شادان• و عامهٔ قلوب امت محمدی مجبور و خندان
ایتمک مقدر اولمش اوله• ان شاء الله تعالی بو چکدوککز تعب و مشقتلر
و وجوده کتوردوککز امک و زحمتلر مقابله‌سنده• انواع عوضلر و الطاف
فراوانم ایله مقتضی المرام اولماکز مقرر و محققدر• حالا قول مواجبی ایچون
مصر خزینه‌سی تعیین اولنوب و غندن غیری• آستانهٔ سعادتمدن دخی
بونک ایچه تدارک و احضار اولنوب کوندرلمشدر• حق تعالی برخیرلو
ساعتده وصولنی میسر ایتمش اوله• من بعد غازی قوللرمدن و فی سبیل الله
غزا و جهاده سعی و اجتهاد ایلین دلاورلرمدن امید و غم بودرکه• کما کان
دامن غیرت و اهتمامی در میان ایدوب بلطف الله تعالی بنم قدیمی دشمنمدن
انتقام آلمغه سعی فراوان اولنوب• فاد اولدقلرینی دریغ ایتمیه‌لر و سزک
دخی بو آنه دکین وجوده کتوردیککز خدمات مقبوله‌کز مستلزم ظهور عنایت

شهریاری

شهریاری اولمغین• حقکزده خورشید احسان فراوانم پرتو انداز اولوب•
اسیاف عدو اندازمدن بر قبضه شمشیر مرصع غلوف سلطانی• و خاصه
اثواب سعادتنا اکتسابمدن ایکی ثوب خلعت مورث العزت خاقانی•
عنایت و ارزانی قلنوب• خدمت ایصالی مشار الیهه تعیین اولنمشدر•
ان شاء الله تعالی بر قوتلو ساعتده وصول بولدقده• ذکر اولنان تشریفات
شرف سمانمی• کمال تعظیم و اجلال ایله استقبال ایدوب انواع اعزاز ایله
شمشیر ظفر تأثیرمی میانکزه قوشانوب و خلعت فاخرهمی کیوب• اظهار رغم
مباهات و وظایف شکر انعامی مراعات اولندقدنصکره جبلتکزده
مرکوز اولان وفور شجاعت و شهامت• و کمال غیرت و حمیت مقتضاسنجه
اوغور همایون ظفر مقرونمده اولکیدن زیاده مردانه‌لکلر اظهارینه کوشش
و اقدام• و عون حق و نصر ایله مراد فؤادم اولان خدمت و مصلحتی اتمامه
ایرشدرمکه سعی و اهتمام ایلیه‌سز کیجه و کوندز توجه همایون و دعای
خیرم• و عامهٔ مؤمنینک دعا و آمینی سزکله و بیله اولان غازی قوللرمله در
کوره‌یم سزی خواب و حضور و استراحتی کندوکزه حرام ایدوب• دولت و دین
و جهاد یادکزین• و ائمهٔ مجتهدین اوغورنده نه وجهله حرکت• و حاشا ثم حاشا
اصحاب کزینه سب ایدن قوم روافضدن اخذ انتقامه نه طریقله بذل
همت ایدرسز• و سزکله خدمتده اولان جمله قوللریمک یوزلری آق• و حفظ
و نکهبانلری همیشه جناب حضرت خلاقه اولسون• جمله سنک خدمتلری
و چکدکلری زحمت و مشقتلر معلوم همایونم اولمشدر• ان شاء الله تعالی
وجوده کلان خدمت• و دین و دولت یولنده صدور ایدن صداقت
و استقامتلری مقابله‌سنده نیجه رعایت و احسانمله ممتاز و بین الاقران
مفتخر و سرافراز اولمجقلردر• جناب شریفمدن هر برینه صورت تطییب
خاطر ایدرسز• و کما کان غزا و جهاده ترغیب ایلیوب• عیاذا بالله تعالی
امر محاصره دور و جهله کسل• کوسترلمک احتمالی اولمیه• و سزک دخی
ان شاء الله تعالی خدمت و امککز بر وجهله ضایع اولمیوب• انواع التفات
همایونم ایله رعایت و احسان و توجه شریفمله• دعای خیرمه مظهر
اولدوغکزدن غیری• عند الله الملک الجلیل نیجه اجور جزیله‌یه نائل اولمکز
محل اشتباه دکلدر• همان کوره‌یم سزی مأمور اولدوغکز وجه اوزره
قلعهٔ بغدادک عون حق ایله فتحی خصوصنده کما کان• اظهار ثبات قدم•
و بازوی سعی و اهتمامکزی قوی و محکم ایدوب• رضای همایونمی تحصیل
ایدرسز• و بو امر شریفم وصول بولنجه اولجانبده نه حالل وندار کله

اولدوغکزی وعساکر ظفرمآثرمک احوال خیرمآلی واعدای بدرایک
اخبار نکبت وزوالی ایله مفصل ومشروح یازوب بروجه استعجال
سدهٔ علیای سعادتمآله عرض واعلام ایلیه سز

سلطان مراد خان طرفندن بغداد سفرنده اولان خسرو پاشایه واوجاق اغالرینه صورت خط همایوندر

سن که حرم محترمده آبا واجداد عظاممک تربیت شریفه لریله حاصل
وپرورده اولمش ونعمت جلیله م ایله نشو ونما بولمش وحالا بغداد
قلعه سی الننده طاش بصدانوب وطپراق دوشنوب خدمتده بولنمش
یکیچری قوللریمک اغالری خدمتنده اولان وزیرم خسرو پاشا سن
وسنکله ایکی سنه دن متجاوز اوغور همایونمده جان وباش ایله چالشوب
غزاده بولنان ومردلک ودلاورلک میدانندن قوم روافضه کوزا جگر سوزلک
انواع برارلکی ودلاورلکلری ظهوره کلن غازی قوللریمک کتخداسی
وکاتبی وچاوشلری واوجاغک اوردیده اختیارلری وسائر قوللریمک
بیوکلری وکوچکلری سز جمله کزک خاطرلرین صوروب سلام سلامت
انجاملر سرور وشادکام ودعای خیر اجابت اختتاملر هر برین محصل
المرام قیلدقدنصکره جمله کزه معلومی اوله که حالا عساکر اسلام
نصرهم الله تعالی الی یوم القیام اوزرینه جانب شریفمدن سردار ذوی
الاقتدار ووکیل جلیل المقدارم اولان وزیر اعظم حافظ احمد پاشا
ادام الله اجلاله رکاب همایونمه آدم ومکتوب کوندروب مفهومنده جمله کز
بغداد دار الجهادده وارالدن برو کوکل برلکی ایله اتفاق واتحاد ایدوب
اصحاب کرین رضوان الله علیهم اجمعین دشمنلری اولان طایفهٔ قزلباش
کرکی کبی انتقام المغه ومدفن اولیا اولان قلعهٔ بغدادی اول قوم شوملک
الندن خلاص ایتمکه جان وکوکلدن چالشوب خصوصا نیجه دفعه
اردوی همایونک ضروری قصدیله اوزریکزه کلن قزلباش عسکری ایله
وبرشوب الیشوب حق سبحانه وتعالی حضرتلرینک علو عنایتی وحضرت
حبیب اکرم صلی الله علیه وسلمک سمو حمایتی سزه قرین اولمغله منصور
ومظفر واعدای دین ودولتم مدمر ومقهور اولوب مجرد رضای همایونمی
تحصیل ایچون کیجه وکوندز هر بریکز طاش بصدانوب طوپراق دوشنوب
خدمتده بولندوغکزی ومواجب ایچون خزینه لازم ایدوکین بلدرمش
وسائر اوغور همایونمده وجوده کتوردوککز خدمت وامکلکزی تفصیل
اوزره اعلام ایلمش دین ودولتم اوغورنده چکدوککز زحمتلر ومشقتلره علم

همایونم لاحق اولوب هر بریکز خیر دعامه مظهر اولمش سز برخوردار اولکز
جمله کزک یوزلری آق وقلیجکز همیشه کسکین وبراق اولسون حق تعالی هر حالده
معین وظهیرکز وحافظ ودستگیرکز اولوب اعدای لئام اوزرینه غالب
ومنصور ایدوبرم آمین بحرمة سید المرسلین امدی بنم قوللرم جمله چکدوککز
زحمتلر ووجوده کتوردیککز خدمتلر هپ معلوم شریفم اولمشدر معاذ
بجیع ده اولدیککز ایله تخص احوالکزدن بنی غافل صانمیه سز کیجه وکوندز
خاطر عاطر فیض مظاهرم وتوجه همایونم ودعای خیرم سزکله اولوب
طرفکزدن تفقددن خالی دکلم مواجبکز ایچون بوندن اقدم کوندرلمش
خزینه لردن ما عدا حالا مصر خزینه سندن تعیین اولنوب وآستانه
سعادتمدن دخی بولنه بجه تدارک اولنوب کوندرلمشدر انشاء الله سریعا
مواجبکز تدارک کنده وسائر مهمات ولوازمکز احضارنده مقدار ذره
قصور قونلیوب کرکی کبی تدارک اولنور وبوندن ما عدا روم ایلی وانا
طولی عسکرندن وسپاه ویکیچریدن خیلی عسکر تعیین اولنوب اناطولی
ایالتنه منصرف وزیرم حسین پاشا امدادکزه کوندرلمشدر ایکی قوناغی
بر ایدوب سرعت واستعجال اوزره واروب یرشمیچون تنبیه وتاکید
اولنمشدر امدی بنم غازی قوللرم اوچ سنه دن برو بو قدر مال
فراوان خرج ایدوب وزحمت ومشقت چکلوب بو مرتبه یه کلدیکی
وقزلباشک لشکر هزیمت اثرینه کلی شکست ویرلوب قلعه ده اولنلره
دخی بحمد الله کمال ضعف طاری اولمش شمدنصکره جمله کز بریردن
غیرت وحمیت قوشاغین محکم قوشانوب عنایت رب العالمین وشفاعت
حضرت سید المرسلین ایله مدفن ائمه واولیا اولان خاک پاک بغدادی
اول رافضیلرک لوث وجودلرندن تطهیر ایتمکه چالشه سز وخدمتی
اتمامه ایرشدروب رضای همایونمله دعای خیرم تحصیلنه دوربشه سز
بو سفرده چکدوککز زحمت ومشقتکز بر وجهله ضایع اولمق احتمالی اولمیوب
عامهٔ اهل اسلام خیر دعاکز ایدوب کندیکز دنیا وآخرتده اجور ومکافاتنی
مشاهده ایتمکز محل اشتباه دکلدر والحاصل دین بولنلره وجهاد باکرامه
اوغورنده وجوده کلن سعی واجتهادکز قیامته دکین السنهٔ خلقده داستان
اولوب اونودلمز بنم غازی قوللرم کورهیم سزی بوندنصکره نه وجهله
غیرت ومقصود ومرام اولان قلعهٔ بغدادی الله تعالی حضرتلرینک
عون وعنایتی ایله اله کتورمکه نظر یقله سعی ودقت ایدرسز سزی
حضرت رب العالمینک حفظ وامانته ودیعت قودم جناب خیر الحافظین

جمله کوی عدو آثرندن امین ودائما دشمن دین اوزرینه قلجکوی کسکین
ایدوب هر حالده منصور ومظفر واولو قوم مستحق اللومی همیشه
مقهور ومدمر ایدوب ره آمین بحرمة سید المرسلین

وزیر اعظم خسرو پاشانك برای مهر دیشدر

جون حضرت خداوند بی وزیر وجناب پروردکار فتاح ونصیر
که وهو علی کل شی قدیر جل امره العالی وعز اسمه المتعالی تاییدات
هدایت ازلیه وتوفیقات موهبت لم یزلیه سبیله ذات سعادت سمات
خلافت صفاتمی انا جعلناك خلیفة فی الارض مضمونینه مظهر
وجعلکم ملوکا واتاکم مالم یؤت احدا من العالمین فحوای بهجت احتواسنه
مصدر قیلوب حضرت سرور عرصه جهاد وغزا مظهر خطاب و
وینصرك الله نصرا عزیزا علیه صلوات الله تعالی وسلامه الی یوم الجزانك
ترویج دین حنیف بیضا وتقویت شرع شریف غرا سی سببی ایله عامه ملوك
جهاندن مسلم وممتاز وکافه سلاطین زماندن مکرم وسرافراز ایلدکی
علی الخصوص وجود فایض الجود عدل موجودی اکمل خواقین زمین وزمان ١٨
وافضل حکام اماکن بلدان ایلیوب سکان زوایای عالمی امرینه مطاع
مطیع ومسخر وبسط بساط عدل ودادی یدمؤیدینه مفوض ومیسر
ایلمشدر ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء الحمد لله الذی هدانا لهذا
لاجرم بو موهبه کریمه کوانمایه ربانی وعطیه عظیمه بلند پایه سبحانی
نك ادای مراسم شکر وسپاسی شویله ابتغا واقتضا ایلدیکه کلکم راع وکلکم
مسئول عن رعیته مصداقیجه عامه سکان اقطار عالم وکافه اجناس
بنی آدم دست تعرض اشقیا واشرار وخار زار اعدای شناعت شعار
دن مصون ومامون اولوب ایام دولت قاهره وهنکام سلطنت باهره ده
جمهور انام وجمله خاص وعام حسن حمایت وحراست خدیوانه مله هر
مترفه وشادکام اوله لر فاذا کان الامر کذلك تنظیم امور مملکت وملت
وتتمیم مصالح دین ودولت وانضباط مهام خلافت وانحطاط رسوم
ظلم وضلالت ایچون غزا وجهاده سعی ودقت ودفع شرور اعدایه
صرف همت واجبات وسنن عزت دین مبیندن اولمغین فضل الله
المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما آیتی رحسنه سندن بهره دار
وکلمه طیبه ان الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله باموالهم
وانفسهم اولئك اعظم درجة عند الله واولئك هم الفائزون مثوبات
عظیمه سندن حصه دار اولمق قصدیله حرض المؤمنین علی القتال

خرکم

فحواسنجه اصناف غزاة مسلمین واجناس کماة موحدینی غزا وجهاده تحریض
ایتمك لازمه امور دیانت ومهام دین ودولتدن اولمغین حالا عجم
شاهی اولان شناعت لباس ضلالت استیناس شاه عباس حقونا شناس
ضرب شمشیر غزاة مسلمیندن طریقه رفض والحادی ترك ومنهج صلح وصلاحی
سلوك ایدوب بوندن اقدم آستانه مروت آشیانه دفعات ایله رسل
ورسائل ارسال وهدایا وپیشکش ایصال ایدوب کندویه سرمایه دولت
عد ایتدوکی مقدمات صلح وصلاحی رجا واولیای دولت ابد پیوندمز
تضرع ونیاز بولنان برلردن فقر ایدب ورخنه خصومت ونزاعی سد ایتمك
اوزره عهد وامانی استدعا ایلمکله عموما اقالیم ایراندن سب ولعن اصحاب
کرام بالکلیه مرفوع وجیب ودامن اهل سنت وجماعتدن دست تعدی
واهانت مدفوع اولمق شرطیله عقود مصالحه مبرم وعهود مصالحه محکم
قلنوب برادر بهشت رقادم سلطان عثمان خان علیه الرحمة والغفران
زمان شریفلرنده متعهد اولدوغی یوز یوك حریر بهاسنه معادل ومساوی
هدایای معهوده وشروطی بی سنه بسنه کوندرمك اوزره مصالحه
قرار ویریلوب اولو جهله اولان صلح وصلاحی کندویه غنیمت ومسالمه
ومعاهده یی عظیم نعمت بیلوب آستان مخلد الارکانمزه ایلچیلر کوندروب
لباس موالاتی تجدید واساس مصافاتی تشیید اوزره ایکن غرور نفسانی
واغوای شیطانی ایله کیروذاتنده اولان خباثت وخیانتی اظهار
وشقاوت وضلالتی اشکار ایدوب علی حین غفلة ممالك محروسه مزده
اولان بغداد قلعه سنی الوب نقض عهد وخلف وعد ایلدوکندن غیری
سنه سابقه ده قلعه مزبوره استخلاصنه عساکر بی شمار نصرت
کردار ایله سردار ظفر شعار کوندرلوب بغداد قلعه سن نیجه زمان
محاصره ایدوب ایچنده بولنان ملاحده دوزخ قرارك اکثر نامدارلری
طعمه شمشیر آبدار ونیجه لری دخی کرفتار بند غازیان عدو شکار اولوب
ضرب طوب وتفنك ایله اول قلعه وسیعه باشلرینه تار وتنك ایلدکلرنده
روباه وار کیر وطریقه خدعه یی اختیار ایدوب اولکی قول وقرار اوزره
صلحه طلبکار اولدوغنی اظهار ایتمکله عساکر ظفر کرداری اغفال ایدوب
لکن سنه دخی غزاة انجم شمار ایله سردار نصرت دثار مزی قلعه مزبوره
فتح وتحصیلنه کوندردکده ایالت ارضرومده اولان اباظه بدنهاد دوشیقی
خیانت معتاد بیم جان ووسواس شیطانی ایله صورت عصیانی کیروب ١٨٤
ونمایان ایدوب طوایف عسکر ورعایایه دست اضراری دراز وباب

شقاوت وطغیانی بازاتمکله اوزرینه وارلق اقتضا وایجاب ایدوب اول
خاین بد رایك دفع شرینه تشمیر ساق اولنمشیکن زمان تنك اولوب
شدت شتا وحدت برد وسرما اقدام عساکر نصرت اعلامه حائل ومانع اولمغین
حالیا اول اشقیای ضلالت فاشك واشرار بد معاشك ازاله واستیصالری ایچون
مجدداً بر سردار نامدار وسپهسالار قوی الاقتدار نصب وتعیین اولنمق
مقتضای مهمات جهانبانی ولوازم گیتی ستانیدن اولمغین بوندن اسبق
سفر نصرت اثرده رتبهٔ وزارت وپایهٔ وکالت ایله بکیچریلرم اغالغی خدمتنده
اولوب وفور فهم وفراست وکمال ذهن ودرایت ایله وقایع خدمات
علیه ده بذل قدرت وصرف همت ایلمکله سابقهٔ خدمات مبرورهٔ تام
مشکوره سی سبب ظهور عنایات علیه شهریاری اولوب مکارم سنیهٔ
خدیوانه مددت شرف وزارت عظمی ایله رتبهٔ عالی قدره اعتلا بولان
دارندهٔ توقیع رفیع بیمثال واجب الامتثال سلطانی ونماینده برلیغ بلیغ
فرخنده فال ومسرت مقال جهانبانی دستور اکرم مشیر افخم نظام العالم
مدبر امور الجمهور بالفکر الثاقب متمم مهام الانام بالرأی الصائب ممهد بنیان
الدولة والاقبال مشید ارکان السعادة والاجلال مرتب مراتب السلطنة
العظمی مکمل ناموس الخلافة الکبری اعتماد الدولة العثمانیة اعتضاد
المملکة الخاقانیة قاید جیوش الاسلام ضرغام بیلنك انتقام صاحب
العز والشوکة والاحتشام المؤید من عند الله الملك الاعلی الذی یخلف
ما یختار ویشاء وزیر اعظم وسپهسالار اکرم خسرو پاشا ادام الله اجلاله
وزاد عزه واقباله نك طینت نجابت فطرتنده مرکوز وجبلت شجاعت
سیرتنده مرهون اولان اثار فراست وکیاست واطوار دیانت وامانت وتمکین وصداقت
واستقامت وحسن تدبیر وبسالتنه کلی اعتمادم اولوب واعتقاد سداد
مقرونم اولدوغندن غیری بر موجب فحوای خدمة الملوك نصف السلوك
شارالیه وزیر اعظم حرم محترم ملایك محرم حرمده آبا واجداد عالی نژادم
خدمتلرنده نیجه سنین واعوام وشهور وایام پرورش بولوب یمن
تربیت سعادت رتبت وحسن التفات کیمیا خاصیتلریله حاصل اولمغین
صاحب رشد وسداد وسالك مناهج رشاد اولوب وطرز جیقالدن بو
دولت علیهٔ ابد پیوندمه متعلق خدمات جلیله نك تمشیت وتکمیلنده
حسن رضای همایون اقتضای پادشاهانم اوزره وضع وحرکت وسعی ودقت
ایلیوب بکیچری اوجاغنده دخی مأمول همایونم اولدوغندن زیاده حسن
حالی وکمال اعتدالی ظاهر اولوب صدر وزارت ایله سدهٔ سنیهٔ سعدیمه

منزلتنده دخی رتبهٔ وکالت میسر اولدقده بین الاعالی مکارم عاداتیله
معروف وشهامت جبلتیله موصوف ماصدق فحوای کلام سعادت
انجام اذا اراد الله بملك خیراً جعل له وزیراً صالحاً اذا نسی ذکره واقع اولمغین
حقنده خورشید عالمتاب عنایت خسروانم شارق ولامع وآفتاب
نور اکتساب محابت ملوکانم بارق وساطع اولوب مشارالیهی منصب
صدارت عظمی ایله مشرف ومسند وکالت کبری ایله مکلف ایدوب بعون الله
تعالی وحسن توفیقه اشقیای بد رأی قهر واستیصال وشاه عجمه کرکی کبی
گوشمال ویرمك ایچون مشارالیهی دیار شرق سفرینه سردار عساکر ظفر
شعار وسپهسالار جنود نصرت دثار تعیین ایلیوب بو منشور لامع
النور میمنت سطوری ویردم وبو اسلوب مرغوب اوزره سپارش ایلیوب
بیوردم که ان شاء الله الملك المولی وبعون امداده الاعلی شد رحل
عزیمت وعهده سنه حواله اولنان مصالح کلیه ومصالح ملکیه نك
تمشیتنه مباشرت ایلدکده مشارالیه ایله علی العموم بو خدمت میمونه
العاقبه مأمور وموسوم اولنلرده روم ایلی واناطولی بکلربکیلرندن منصب
وزارت ایله ایالت تصرف ایدنلر ومیرمیران وسنجاق بکی عداد ندن
معدود اولنانلر وسفر ظفر رهبرده موجود اولان بکیچریلرم اغاسی
والتی بلوك خلقی اغالری وعموماً سپاه ظفر پناه ایله بکیچری قوللرم وجبه جی
وطوپجی وطوب عربه جیلری اغالری بالکلیه نفراتیله وسرحدده
اولان اوجاق صاحبی کرد حاکملری وسایر بکلر بکلر ودولت علیه مه
صداقت واخلاص صله رحمت وکمال خلوص ایله متابعت وموالفت
ایلین کردستان بکلری ودفتر کتخدالری وتیمار دفتردارلری وعموماً
سفره مأمور اولان درگاه سعادت دستگاهم متفرقه لری وبارگاه
گردون اشتباهم چاوشلری ودیوان عالیشانم ودفتر خاقانی
ومالیه کاتبلری وشاگردلری وبونلرك اوغللری والای بکلری وزعما
وارباب تیمار وعموماً اجناس عساکر ظفر مداد بردن بیکه وبیکدن
اون بیکه وارنجه قلیل وکثیر وجلیل وحقیر دیرلك تصرف ایدنلرك
جمله سی مشارالیه وزیر اعظم ووکیل اقدمی کندولره سردار قوی
الاقتدار وجناب جلالت مآبم طرفندن وکیل جلیل الاعتبار بیلوب
زمرهٔ اجناد ظفر اعتیاد مددت اولان عموماً سوار وپیاده الات جنك
وحرب ایله مرتب وآماده سردار مشارالیهك یاننه جمع اولوب هر محلده
وهر زمانده وهر منزلده وهر مکانده مشارالیهك سوزینی سمع قبول

ایله اصغا • وامرینی بلاتردد اجرا ایدوب • وقت وزمان اقتضا ایلدوکی •
ومشارالیه موجه ومناسب کوردوکی خدمات دین ودولت ومهمات
ناموس سلطنتم تکمیلنده بالاتفاق تشمیر ساق ایدوب • اولا ارض روم
جانبنده بغی وعصیان اوزره اولان اباظهٔ ضلالت بنیانك دیارنده
مجتمع اولان اشقیانك • بعون الله تعالی حقرنلرندن کلوب قربندن
جایکاه عسکر اسلام • وقرارکاه سرداران ظفر اعلام اولان • ارض
روم اولکه سی لوث وجود خباثت آلود اشقیادن پاك وتطهیر وانتقام
بدنهادی قهر وتدمیر ایتدکدنصکره • اردوی همایون ظفر مقرونمده
موجود اولان وزراء عظام • ومیرمیران عالی مقام • وامراء اعیان
وسائر عساکر نصرت قران • والتی بلوك ویکیچری اوجاغنده اختیار
وکاردان • وسرحد احوالندن خبردار واهل وقوف وصاحب اذعان
کمسنه لر ایله عقد مجلس مشاوره • وبسط بساط محاضره ایدوب •
وشاورهم فی الامر • نص شریفی مقتدی وامام • ولحلازم حکمت نظام
من استشار لم یندم • معناسنی وجههٔ مقصد مرام ایدینوب • ایش
کورمش ایله استشاره • وهر احوالده تحری واستخاره دنصکره •
الجماعة رحمة • مستدعاسنجه اجماع رأی عقد ایله • اکر روان • ووان
وقرص • وقره باغ • ونخجوان • جانبلرندن قزلباش بدمعاش مملکتلرینه
کیرملك • وفتح وتسخیر عزیمتی ایله قلاع وبقاعندن برینه ایرمك •
ومقابله یه کلان روافض عهدنا قض ایله حرب وصواش • وجنك وپرخاش
ایتمکدر • ورأی صایب • ووجه مناسب کورلدوکی اوزره حرکت وعزیمت
اولنوب • متوکلا علی الله تعالی • قزلباش اوباش مملکتلرینه کیریلوب •
دین ودولته نافع خدمات مشکوره ظهوره سعی بلیغ مالا کلام اولنوب
وبالجمله فتح وتسخیری میسر اولان قلعه لری یاپوب • ولکن عسکر ایله
دشمن ولایتلرینه چاپوب • وخانمان روافضی یقوب یاقوب • خصوصنده
وصلح وجنك امورنده هرنه کم دین ودولتمه نافع وسودمند • وعرض
وناموس سلطنتمه لایق ویاکز ندا وله عمله کتوروب • لازم اولان
خدمات همایونمده سعی ودقت • ودلیرانه حرکت ایلیه لر • بوبابده اردوی
همایونمده اولان وزرای آصف رای • ووکلای جیش آرای • وامراء نامدار
وعموما عساکر نصرت کردار • مشارالیهك امرینه متابعتده تعلل وتمرد •
ورأینه موافقتده تحشد وتردد ایلمیه لر • وبالجمله غازیان دین اسلام
وماحیان کفر وظلام اولان مجاهد قوللرمدن اومدوغم بودرکه •

تعاونوا

تعاونوا علی البر والتقوی • فحوای عزت احتوا سنجه • هربری شیرانه حرکت
وبربرلرینه موافقت ومعاونت ایلیوب • استیصال واستهلاك اعداده صرف
همت وبذل قدرت ایلیه • ان شاء الله تعالی مصاف اهل ضلال وعدوان ومیدان
یوم التقی الجمعان ده • بهادرانه تیغ زنلك • ودلیرانه مردانه لك ایدوب • اغور
همایونمده غزا وخدمت ایدن غازی قوللریمه • مشارالیه وزیراعظم انواع
رعایت ونامردلك وعنادن نوردلك اختیار ایدن بی هنرلره اذلال واهانت
ایلیه • وبالجمله خدمتده وبولداشلقده بولنانلرك استعداد واستحقاقلرینه
کوره • وزارت وبکلربکیلك ومال ودفتردارلغی وسنجاق واغالق واخر نصب
ومتفرقه لق وکتابت وچاوشلق وزعامت وتیمار وبلوك وطوپجی وجبه جیلك
وترقی وغیری دیرلکلردن • قانون قدیم عثمانی • ونهج قویم سلطانی
اوزره محل ومستحقنه هرنه توزیع وتوجیه ایدرسه • جمله وبرکوسی
حیز قبوله موصول • وعز حضور مکرمت موفورمده معتبر ومقبولدر •
مأمولدرکه پایهٔ سریر اعلایه عرض اولنمدن توجیه ایلدوکی مناصب
وجهاتك طغرای همایونمله احکام وبرواتن ویره • وعسکر ظفر پیکرمك
مادهٔ معاش وسبب انتعاشلری اولان نزول وسورصات وسایر ذخایر
ونفقاتی فرمان اولنان محله وقت وزمانیله ایصال واحضارده قصور
ونقصان اوزره اولان • ورعایای برایایه ظلم وتعدیسی ثبوت بولان قضاة
وحکامك منصبلرینی اکر مولویت واکر قصبه قاضیلقیله درخدمتده
بولنوب بحسب القانون • ذات وزمان ایله استعداد واستحقاقی اولنلره
توجیه وتعیین ایلیه • سنجی اولنلره قضا ومدرسه ومناصب علمیه
ودینیه دن • هرنه ویررسه مقبول همایونمدر • معزول اولنلره اصلا
اعتراض اولنمیه • مشارالیه وزیراعظمه جمیع قضایا ومواد • وعامهٔ
امور غزا وجهادده رخصت تام واستقلال عام ویرلمشدر • جمله
امورده وکیل مطلق ومعتمد علیهمدر • ونائب کل موکل الیهمدر • ضبط
وربط امور عسکر ورعیت • وحفظ وحراست حدود سرحد مملکت
وریاست جیوش واجناد • وسیاست ظلمه واهل فساد • وبالکلیه امور
واحوال بلاد وعباد • انك کف کفایت وقبضهٔ درایتنه تسلیم اولنمشدر
محصول ابندن نکول وامرندن عدول ایدوب • منازل ومراحلده عجز وتوانی
تعدیسی • وعسکر ارسنده اضلال واختلاله تصدیسی ظهور ایدنلرك
بعد شهادة الحق وحصول الیقین • امان وزمان ویرمیوب خیانتلرینه
کوره مقتضای شرع وقانون اوزره • اکر بوینلرین اورمق واکر اوترلرندن

بولمکدر، واکر قید وحبس وعقاب، واکر طرد ورد وعتابدر، یرینه کتوروب
اجرای حدود واحکام شرع مطهرده اهمال ومساهله ایلمیه، زیرا حصول فتح وظفر
وغلبه ونصرت لشکر، نشر جناح عدالت، وشکر طوایف رعیت ایله در
له وعلیه دن، سهم دعاء فقرا ومظلومینه سپهر هفت آسمان حائل وهدف
اجابته وصولنده نصکه بر وجهله رد ومنع قابل دکلدر، دعای خیر ضعفا
باعث ورود نصر خدادر، بنم مطلقا وثوق واعتمادم وانکا واستنادم
کثرت عساکر ورجال، ووفرت ذخایر واموال دکلدر، انجق توکل واعتمادم
وتوسل واستنادم چرخ افلاکی دوار، وکرهٔ خاکی برقرار، وجملهٔ موجوداتی
بوقدرت وار، ایدن حضرت پروردکارک اعانت ومظاهرتنه وعنایت
ومرحمتنه در، اول پادشاه بی زوال، وشاهنشاه لایزال، درکاه رفیعنده
غایت سوال ونهایت ابتهالم، بودر که شفیع عصاة امت، وسلطان ایوان
رسالت، حبیب خدا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلمک یوزی صوینه
وچهار یار کبارک، وسائر اصحاب اخیارک، وائمهٔ کرام واولیای عظاملک
حرمتنه عساکر اهل سنت وجماعت، اهل رفض وبدعته غالب مطلق
ونصرت تایید الهی ایله موفق اوله لر، ومشار الیه سردار جلیل القدر ایله
قوشلادن متفرقه وچاوش وکاتب وزعما وارباب تیمار ردن وسائر
سفره مأمور اولنلردن کلیوب وزمانیله خدمتده بولنمینلرک زعامت
وتیمارلرین سفرده بیله اولوب خدمتده بولنانلرک مستعد ومستحق
اولنلرینه توجیه ایدوب من بعد اولکی صاحبلرینه مقرر اولماموق
اوزره امر ویرانلرینه ویرم ووزارت ایله ایالت تصرف ایدنلره هر نه خدمت
امر وتکلیف ایدرسه بر وزارت اسمی اطلاق قلنه مساوی یر دیو سرکشلک
ایتمیوب اهمال وامهال سز اوامرنه امتثال ایلمکده مسارعت واستعجال ایلیه لر
که حقلرنده شکر وشکایتی ورضا وعدم رضا مثمر ومؤثر در، وبالجمله سردار
مشار الیهک سوزینی بالمشافهه زبان صدق کوبایمدن صادر اولمش سوزم
بیلوب اطاعت وانقیاد ایلمکده زیاده اجتهاد ایلیه لر، مشار الیهک امرینه
عاصی اولنلر بکا عاصی اولورلر، وبکا عاصی اولان اطیعوا الله واطیعوا الرسول
واولی الامر منکم دلیلی سنددن جنبقوب الله ورسولنه عصیان ایله میته
جاهلیه ومظهر خیبت وخسران دنیویه واخرویه اولمالری مقرردر
عاجلا وآجلا ندامت وعقوبت مشاهده ایده جکلردر، الکم بناء وجاقلو
وقادرلری وسنجاقلو قفادارلری ومیدان وغالک دیرلری ینکیچری
قوللرم وطوایف سپاه نصرت دستکاهم وسائر عساکر ظفر پناهم واجناد

١٨٧

برانشاهم

بر انتباهم بر وجهله ایرلک قلیجن قوتنا نمق ویر طرفیله میدانده وغایه مردانه
بورشانمق کرکدر که بعون الله الملک المعین کرک اشقیای بی دین وکرک
ملاحده ونخمکین ارادن قالدریلوب نقض عهد وقصد کوندنک ایله غصب
ایلدکلری مملکتلری تخلیصی بر وجهله همت ودقت اولنه که هر بری دعای خیرم
المغله نائل دولت دنیا واخرت وواصل اصناف التفات کیمیا خاصیت اوله لر

سردار اکرم وزیر اعظم خسرو پاشایه سلطان مراد غازی طرفندن خط همایوندر

سز که عامهٔ عساکر منصوریمه سردار ظفر شعارم، وامور دین ودولته
جانب همایونمدن وکیل قوی الاقتدارم، وزیر اعظم جلیل الاعتبارم اولان
خسرو پاشاسز، دعاء وتحیت سلامت رسانم ایله سیله سزی سرافراز
وتوجه والتفاتمله معزز وممتاز قلدقده نصحکم، معلومکز اوله که
سز حرم محترمده آبا واجداد عظاممک تربیت شریفه لریله حاصل
وپرورده اولمش، ونعمت جلیله لرم ایله نشو ونما بولمش، وهر احوالک
حقیقت وغورنه ایرمش، صاحب بصیرت، ومدبر امور مملکت وملت
اولدوغکز اجلدن، عامهٔ مصالح دین ودولت، وکافهٔ نظام احوال
سلطنت، رأی رزین وفکر اصابت قرینکزه جانب همایونمدن تفویض
اولنوب، عصیان وطغیان اوزره اولان اشقیای ضلالت بینانک
جزالری وقدیمی دشمنم اولان طایفهٔ رفضه نک سزالری ویرلمک
اوزره، ینکیچری اغاسی والتی بلوک اغالری خلفیله وینکیچری قوللرم ایله
وسائر طوایف عسکر اسلام ایله، اعدای دین ودولتمدن اخذ انتقام ایتمکه
بذل همت وسعی ودقت ایدوب توجه وعزیمت ایلدیککز مسموع شریفم
اولمشدر، برخوردار عمر اولاسز، نعمت جلیله لرم جمله کزه حلال اولسون
کورم بیم سزی تمشیت خدمته نه وجهله همت ونه کونه مردانه حرکت ایدرسز
اکر سزکله بیله اوغور همایونمده خدمتده بولنان جمله قوللرمک اعمال
ونیتلری، وخیرلو اندیشه لری، موافق تقدیر حضرت حق، ومطابق
ورضای قادر مطلق اولوب، جمله مشکل ایشلکز آسان، وجنود غیبیه
معین ومدد رسانکز اوله آمین بحرمة رسوله الامین، حالیا حقکزده
مزید عوارف سنیهٔ پادشاهانه ظهوره کتوروب اسیاف فاتحة الاکناف
برقبضه مرصع شمشیر عدو تدمیر، وخلع فاخرهٔ خسروانه مدن ایکی ثوب
خلعت موهبت البهجه، وخاصته صورغوجلرمدن بر مرصع صورغوچ
عنایت واحسان ایلیوب ارسال اولنمشدر، وسنهٔ سابقه ده قوللرمک
مواجبی ایچون مصر خزینه سندن ویریلن خزینه یه بو سنه مبارکه ده

صندوق آلتون دخی زیاده ضمیمه اولنوب • جمله سنی مصر خزینه باشیسندن
اخذ وقبض ایدوب • سفر همایونمده اولان قوللریمك مواجبنه وسائر
لوازمنه صرف ایلیه سز • بوندن صکره دخی دین مبین اوغورنده جمله
خزاین واموالم مصروف • وعنان همت ملوکانه م دشمندن انتقام آلمق
جانبنه معطوفدر • بذل مال وارسال رجال ایله عساکر اسلامه معاونت
ایلمك اعتقاد شریفم اوزره افضل عباداتدر • بوندن صکره دخی مال
وخزینه خصوصنده وسائر مرادات ومرامکز امورنده • ان شاء الله تعالی
کمال مساعده همایونم اولمق مقرردر • اکا کوره سز دخی عرض وناموس سلطنتمی
کما ینبغی تکمیل • وحسن توجه وخیر دعام ایله رضای شریفمی تحصیل ایلمك
بابنده بذل مقدور وسعی موفور ایلیه سز • الله تعالی جل وعلانك
عنایت بی غایتنه مظهر اولمکزی میسر • وجمله تدبیر وتدارککزی
موافق احکام قضا وقدر ایلیه • آمین بحرمة سید المرسلین •

وزارت ایله دفتردار اولان ابوبکر پاشایه یازیلان خط شریفدر

سنکه خیرخواهان دولت علیه مك کزیده وعمده سی وقدیمدن
آستان سعادتمه امکدار ومعتمد علیه بنده سی اولوب • حالیا وزارتم
وباش دفترداری ایله اردوی همایونمده اولان ابوبکر پاشاسن • سلامم
سلامت نمای سلطانی • وپیام مسرت رسان خاقانی ایله خاطرك تلطیف
وشرف التفات همایونمله تشریف اولندوغکدن صکره معلومك اوله که
بوندن اقدم اباظه نك جرائم جرایمنه قلم عفو ومرحمت چکیلوب • مظهر
انواع احسانم اولمشیکن • ممالك محروسه م حدودنده اولان
اخسخه قلعه سی اوزرینه مستولی اولان قزلباش بدمعاشك ازاله لری
وقلعه مزبوره نك استخلاصی ایچون • قپوم قوللرندن وبکلربکیلردن برمقدار
عسکر افراز وانتخاب اولنوب • مقدمجه امداد ایچون ارسال اولندقلرنده
ارضروم آلتنه واروب نزول ایتدکلرنده مفسد مزبور دونلرنده
اولان عصیان جبلی وشقاوت ذاتیسن تکرار اظهار ایدوب • علی الغفله
عسکر اسلامی باصوب • انواع فساد وخسارت ایتمکله • حالا وزیر اعظم
وسردار اکرم • جمله قپوم قوللری وبکلربکیلر ایله وسائر عساکر ظفر
مآثر ایله مزبورك اوزرینه متوجه وروان اولوب • بدبخت مذکورك
ازاله وتدمیری • وبعون الله ارضروم قلعه سنك فتح وتسخیرینه •
ساق همتلرین تشمیر ایلمشلردر • حق تعالی جمله کزك معین وظهیری
ومددرس ودستکیری اولوب • غزات مسلمین وجنود موحدینك

قلیجلرین کسکین • وآب شمشیرلرین دائما فتنه غبارینه سرمایه تسکین ایلیه •
طرف همایونمدن وغیریدن مفسد مزبوره رعایت واحساندن اوزکه نیت
وتصمیم بوغیکی بو یله خیانت وحیله ایله اهل اسلامه اهانت • واعدای
دینه تقویت ایتدی امیددرکه • ولا یحیق المکر السیء الا باهله آیت کریمه
مدلولی اوزره عن قریب • کرد ازنا هموارینه کرفتار اولوب • دنیا وآخرتده
روسیاه • ورشته املی کوتاه اوله بی مقدر اولمش اوله • آمدی سن مدت
عمرکی شرق وغرب سفرلرنده اوغور همایونمده • صرف ایلمش امکدار واختیار
وصاحب تجربه اولمغله • اکر تحصیل مال واکر صیانت بیت المال الله • وسائر
خزینه یه متعلق امورده فوق المأمول بذل مقدور ایدوب • اوغور دین
ودولتمده کیجه وکوندز طاش باصدروب طبراق دوشنن غازی قوللرم
مستحق اولدقلری علوفه لرین وقتی ایله ویروب • مضایقه چکدیرمکله
جان ودلدن اداء خدمتلرینه باعث وبادی اولمش اولهسن • هر وجهله
تجربه وتوقف وسفرلرده شعورك سببی ایله واقع اولان خدمات
دین ودولتم امورنده • دولت علیه مه اولی وانفع • وصلاح حال عباد الله
مفید وانسب اولان اموری سوق ایدوب • بعون الله تعالی حسن اتفاق
آرا • وهر مرادده رعایت امر شوری ایله • ارضروم قلعه سنك تسخیری
واخذنده اولان اشقیانك ازاله وتدمیری بابنده بذل همت ایده سز •
وحالیا قپوم قوللری مواجبی ایچون آستانه سعادتمدن خزینه تدارك
اولنوب • قپوجی باشیلرندن سلیمان آغا دام مجده ایله ارسال اولنمشدر
ان شاء الله تعالی وصول بولدقده آلوب • اردوی همایونم خزینه سنه
ضم ایدوب قپوم قوللرینك مستحق اولدقلری مواجبی ایچون محلنده
صرف ایدوب • رفع مضایقه ایلیه سز • جمله کزی حضرت حقك
حفظ وامانته اصمرلدم • دعای خیر اجابت اثرم • وحسن توجه همایونم
سزکله در • دائما عسکر اسلامکی منصور ومظفر • واعدای دین وخائنی مغلوب ومدمر ایلیه •

سفر همایونمده اولان قول طائفه سنك
آغالرینه وسائر اشرافنه خط شریفدر

سنکه بیشه زار جنك ووغانك شیرلری • ومیدان رزم ونبردکاهك
درکاه معلامه بکلربکیلرینك آغاسی خلیل آغاسن • وسزکه طائفه مزبوره نك
کتخداسی وکاتبی وچاوشی واوجاق آغالری وبابا باشیلری وبلوك باشیلری
واوده باشیلری واختیارلری وسائر طائفه مزبوره نك اوغور همایونمده
طبراق دوشنوب طاش باصدانلر • ودین مبین یولنده جان وباش ایله

سعی وکوشش ایلیین غازی فی سبیل الله اولان یکیچری قوللرمك صغیر وکبیری
ووضیع ورفیعی سز سلام سلامت نمای سلطانی وپیام مسرت رسان خاقانی
ایله خاطرکزی شاد ودعای خیر اجابت اثر خسروانه م ایله قلوبکزی معمور وآباد
ایلدکدنصکره هر بریکزك معلومی اوله که مقدما حرم محترمده حاصل
وپرورده اولوب ونعمت جلیله م ایله نشو ونما بولوب وهر احوالك غور
وحقیقتنه علی لاحق اولان وزیر اعظم جلیل الاعتبارم وجمله عساکر منصوره مه
سردار ظفر شعارم خسرو پاشا ادام الله اجلاله جانب همایونمدن
وکیل مطلق نصب اولنمغله اول جانبه وارد قده جمله کز خیلی مسافه دن
استقبال ایدوب دخی عبد شریف مواجبی ایچون خزینه ایرشنجه صبر وآرام
ایلیوب کمال مرتبه اطاعت وانقیاد اوزره اولدوغکزی مشار الیه وزیر
اعظم ادام الله اجلاله آستانه سعادتمه عرض وتلخیص ایتمکله جملهٔ احوالکز
باکذات علم عالم شمولم احاطه ایتمشدر برخوردار اولوب جمله کزه نعمت
جلیله م حلال اولسون بو حرکت واطاعتکز سببی ایله خیر دعامه مظهر
اولمش سزدر ویکی سنه مصر خزینه سندن مواجب ولوازمکز ایچون
تعیین اولنان خزینه دن غیری بو سنهٔ مبارکه ده دخی زیاده ضمیمه
اولنوب مصردن کلی خزینه باشندن التمق اوزره مشار الیه وزیر اعظمه
خط شریفم ارسال اولنمشدر انشا الله تعالی بوندنصکره دخی اکر
خزاین ومال واکر مرادات ومرامکزده دقیقه فوت اولنموب سفر همایونمده
اولان غازی قوللرمك احوالیله تقید شریفم مقرردر اکر کوره سز دخی
عرض وناموس سلطنتمی کما ینبغی صیانت وتکمیل وحسن توجه ودعای
خیرم ایله رضای شریفمی تحصیل ایلمکزه باینده بذل مقدور ایلیوب
اعدای دین ودولتمدن اخذ انتقامه سعی نا محصور ایلیه سز الله تعالی جمله مشکل
ایشکزی آسان وجمله کزه اجناد غیبیه سن مدد رسان ایلیه بحرمة سید المرسلین

سفرده اولان التی بلوك اغالرینه وسپاه طائفه سنه خط همایوندر

سزکه عتبهٔ علیه کردون اقتدارمك بندهٔ صداقت شعاری وعساکر ظفر
کردارمك بهادر دلیرانی اولان سپاه وسلاحدار وصاغ وصول علوفه جی
وغرباء یمین ویسار قوللرمك اغالری سز وسزکه جماعتکز بونلرك
کتخدالری وکاتبلری وچاوشلری وسائر ضابطلری سز وبالجمله حرم محترمده ١٩٠
آبا واجداد عظامیمك نعمت وتربیتلری ایله حاصل اولمش ایش کورمش
وخیر اندیش اختیارلری وسفرلرده اغور همایونمده نیجه خدمتلرده
بولنمش امکدارلری وبالجمله طوایفکز بونلرك بیوکلری وکوچکلری سز

سزی

سزی سلام سلامت انجام سعادت افزا انم ودعای خیر اجابت اختتامم
ایله مسرور وشادکام وخاطرکزی مجبور ومحصل المرام قلدوغمدنصکره
جمله کزك معلومی اولهکه حالیا عساکر اسلام نصرت اعلام حفظهم الله
الی یوم القیام اوزرلرینه سردار ظفر شعار ووکیل جلیل الاعتبارم اولان
دستور اکرم وافخم وزیر اعظم خسرو پاشا عتبهٔ علیه مه اعتذارنامه مکتوب
کوندروب بو سنهٔ مبارکه ده دین ودولتم دشمنلرندن اوچ آلمقلرندن
کلمسی لازم اولان اشقیای ضلالت بنیانك ورفضهٔ بی عهد وبیمانندن
اخذ انتقام ایچون متوجه وروانه اولدقده جمله کز مشار الیه وزیر اعظمی
خیلی مسافه دن استقبال ایدوب غایت توقیر ونهایت تعظیم ایله قارشو
لیوب دخی عبد شریف مواجبی ایچون خزینه ایرشنجه تاخیر وامهال ایلیوب
صادر فرمان قدر توانمه اطاعت وانقیاد اوزره اولدوغکزی
عرض وتلخیص ایتمکین بالجمله احوالکز معلوم همایونم اولمشدر جمله کز
برخوردار اولک سز نعمت جلیله م سزه حلال اولسون بعون الله الملك
النصیر جمله کزك اعمال خیریه لری موافق تقدیر حق قدیر اولوب مشکل
ایشکز آسان وجنود غیبیه معین ومدد رسانکز اولسون جمله ممالکده
اولان طوایف عسکری سایر زمانلردن مقدم اردوی همایونمه کوندریلیجکدن
اطراف وجوانبه شدید واکید اوامر علیه م کوندریلوب اقدام واهتمام
اولنمشدر تحصیل نقد مال ومنال وارسال عسکر ورجال افضل عبادت
بیلنوب سایر سنه لردن زیاده سعی ودقت ودشمن دین ودولتمدن
اخذ انتقامه محکم عزیمت اولنمشدر انشا الله تعالی بوندنصکره احوالکزه
کلی اهتمام اولنمق مقرردر اکر کوره سز دخی غیرت وحمیت قوشاغینی میان
همته محکم بند ایدوب مشار الیه وزیر اعظم سردار اکرمم معقول
ومناسب کوردیکی خدمتلرده بذل مقدور وسعی نا محصور ایلیه سز

بدون محافظلغی سنده اولان مرتضی پاشایه خط همایوندر

سنکه بدون محافظلغنه تعیین اولنان وزیرم مرتضی پاشاسن
معلومك اولهکه اول سرحدلرك حفظ وحراستی وصلح وصلاحی حمایت
ورعایتی مهمات دیندن اولوب وسن خود ذاتکده حسن سلوک قادر اولدوغک
اجلدن سنی اول جانبلرك محافظلغنه تعیین ایلدم لکن بعض سرحدلولر
جنبه بیجیقوب صلح وصلاحه اختلال ویروب رضای شریفمه مخالف
وضع ایلدکلری مسموع همایونم اولدی امدی سن دولت علیه مه خیر
خواهی اولوب تدبیر وتدارککه اعتماد شریفم اولمغله سنی خاصة

جراغ ایدوب اولجانبك امورینی امرایدم کوره یرسنی هر خصوصه برخوشنجه
تقیید ایلیوب دین ودولتمه لایق وعرض سلطنتمه موافق اولدوغی
وجه اوزره اولجانبلری کرکی کبی حفظ وحراست وشرایط صلحی کما ینبغی
رعایت ایدوب عیاذا بالله تعالی سوء تدبیر وجهته وآخر طریقیله
صلحه خلل کتورمکدن ورضای شریفمه مخالف فتنه وفساد ایقاعندن
زیاده حذر اوزره اولوب دین ودولتمه نافع خدمت ودعای خیریم
تحصیلنه همت ایلیه سن والحاصل صلحه مخالف وضع اولندوغنه
وفرمان همایونم اولنان یولی کندکلرینه قطعا رضای شریفم یوقدر
انکوره معلومك اولوب صلح وصلاح احوالنه کمال استحکام وحسن تدبیر
وتدارك ایله سرحدلره انتظام تام ویرمکه اقدام وبرفردی جهته یه
جفار تموب وجیفانلری منع ودفع ایلیه سن انشاالله خدمتك مقابلنده
نیجه رعایت والتفاتمه مظهر اولورسن وکتدرم ١٩١

مشار الیه مرتضی پاشایه خط شریف

معلومك اولدکه بدون سرحدینك کرکی کبی حفظ وحراستی ایله نظام
وانتظامی ونیجه جاساری ایله منعقد اولان صلح وصلاحات رعایتی
ایله کمال استحکامی مهمات اموردن ایکن حالیا سرحدلولردن بعضیلر
رضای شریفمه وصلح وصلاحه مخالف جنبه یه چیقوب صلح امورینه
اختلال ویروب ایقاظ فتنه وفساده مباشرت وجرأت ایلدکلری
سامع علیه مه القا اولندی امدی سن وزراء عظامك نامداری
ووالد ماجدمك تربیه شریفه لریله حاصل وپرورده اولمش صداقت
واستقامتله معروف صاحب اشتهاری اولوب دولت علیه مه
خیرخواه وتدبیر وتدارکده اهل بصیرت وصاحب انتباه اولمغله حسن
سلوك وتدارکك ودیانت واستقامتکه اعتماد شریفم اولدوغی
اجلدن اول سرحدلرك نظام وانتظامی وصلح وصلاح امورینك کمال
استحکامی سنك رای رزین وفکر اصابت قرینکه تفویض وحواله
اولنمشدر بو بابده حکیمانه حرکت وعاقلانه وضع وحالت کوستروب
مراسم صلح وعهدی کما ینبغی رعایت واولجانب سرحدلرین کرکی کبی حفظ
وحراست ایدوب رضای شریفمه مخالف سرحدلولردن کمسنه نك
جنبه یه چیقاریتموب وچیقانلری منع ودفع ایتمك بابنده خط همایون
سعادت مقرونمله فرمان شریفم صادر اولمشدر بیوردمکه وصول بولدقده
موجبنجه خصوص مزبوره مقید اولوب مأمور اولدوغك اوزره حفظ

وحراست

وحراست ونیجه جاسارایله منعقد اولان صلح وصلاحات امور ومراسمی
رعایتنه اهتمام ودقت ایدوب فرمان شریفمه مخالف برفردی جنبه یه
چیقمقدن منع وفتنه وفساد ایقاعنه ساعی اولنلرك کرکی کبی جزالرین
ویروب دین ودولتمه لایق وعرض وناموس سلطنتمه موافق اوزره وجه
انواع مساعی جمیله کی وجوده کتوره سن سابقا بودن محافظی سنان
ایکن وفات ایدن وزیر محمد پاشا اول سرحدلره واردقدن بروحسن سلوك
وتدارکی ورضای همایونمه موافق حرکتی سببی ایله اولجانبلره کمال انتظام
ویروب رعایای مملکت حضور وراحتده اولوب فتنه واختلالدن
مصون اولمشیدی سندخی بو بابده بر وجهله عاقلانه حرکت ایلمك
کرکدرکه اولجانبلرك کما کان فتنه واختلالدن بری ورعایا واهالی
ولایت واصل حضور اولمغله بنم قلب شریفم مسرور اولوب دعای
خیریم ایله نیجه التفات علیه مه مظهر اولاسن وبالجمله جنبه چیقمامغه
وغیری وجهله صلح وصلاح امورینه اختلال ویرلدیککنه بروجهله رضای
شریفم اولمدیغی معلومك اولوب ایقاظ فتنه یه یورت وصلح وصلاح
اختلالنه باعث برحالت ظهورندن غایت حذر ایلیه سن بوامر شریفم
وصولنده نه وجهله حرکت اولندیغی وشرایط صلح رعایتی ایله اول
جانبلرك حفظ وحراستنه نه طریقیله اهتمام اولندوغن سایر لازم
الانها اولان احوال سرحد ایله مفصل ومشروح یازوب درگاه معلومه
عرض واعلام ایلیه سن

اوزدمور اوغلی عثمان پاشا دمورقپو محافظی سنان ایکی یازیلن حکم شریفدر

١٩٨ معلوم اولدکه برنیجه شهور وسنیندر که معاندان بتپ وسبابان چهار
یار کزین رضوان الله علیهم اجمعین اولان طایفه ضاله رفضه وملحدین
خذلهم الله الی یوم الدین دن ولایت شرف بعنایة الملك القدیر پاك وتطهیر
اولنمق نیتی ایله تجهیز عسکر نصرت مآل وتمییز لوازم جنك وجدال اولنوب
بهر تقدیر بو خصوصك عاقبت اتمام پذیر اولماسنه همت عالی نبوت ویرانم
مصروف اولمغله بالدفعات عساکر ظفر مآثرمله وزرای عالیمقدارمدن
برنیجه سی سرحد ارض رومده تعیین اولنوب ارسال اولنمشیکن هر مرام
خیرانجام بامر الملك العلام الامور مرهونة باوقاتها سنعدیر نیجه حصول
موصول اولمقده بس پرده تقدیردن ظهور ایدجك امر ربانی وحکم آسمانیه
انتظار اوزره اولدوغی جهتدن الی هذا الحین صورت مقصود ظاهر وعیان
اولمشیدی ومع ذلك سنه سابقه ده جناب امارت مآب ایالت نصاب

دولت انتساب سعادت اكتساب ذو القدر الاشم والفخر الاتم المختص بمزيد
عواطف الملك المستعان قريم خانی محمد كرای خان ادام الله تعالى اجلاله
دخی جنود تاتار صاعقه كردار ايله دمورقپو جانبلرندن يوريوب طايفهٔ
مخذولك استيصالنه و بوندن خبراسنه نك اتمام واكمالنه صرف مساعئ
جميله ايدوب اظهار هزبرانه بذل قوی وقدرت قلمش ايكن ايام شتا
وخنكام سرما تعقب ايدوب اول جانبلرده برمناسب محلده قشلامق
تداركی مقدما ملحوظ اولمديغی لجلدن منكران سنن حضرت فخر جهان
عليه صلوات الملك المنان طايفهٔ جانفه يه ارخاء عنان اولنوب
بونلك كبی امر مهم تعويقده قالمشيدی لكن اشبو سال فرخنده فال يمنت
مالده بو كار خير بعناية الملك الاعلى انهايه بولوب عساكر منصورهمز دخی
مهد راحتده آسوده بستر استراحتده غنوده اولملرينه همت والا رتبت
خديوانهم مصروف اولمغين جناب عالی مكان موی اليه خان ادام الله اجلاله
موكد نامهٔ همايون عزت مقرون ارسال اولنوب قديمدن خاندان دولت
واقبال ودودمان سعادت واجلالمز صوبنه اولان كمال صداقت واخلاص
وفرط موافقت واختصاص موجبنجه لوازم حرب وقتال ومراسم جنك
وجدال مامول اولاندن زياده حاضر وآماده قلنديقدن صكره ان شاء الله
الملك الغفار عسكر تاتار برق رفتار ايله بالذات بنه دمورقپو جانبلرينه
توجه وعزيمت قيلوب وارد اولوب سكا ويانكده اولان عساكر نصرت مآثرمه
ملاقی اولوب دخی اكر بوسنه عنايت پروردكار واعانت رسول مختار
وهم چهار يار صداقتكار جنود موحدينه ياور ويار اولوب ايام شتا
ايرشوب تعقيب ايتمكزين مدعای خير احتوا بعون الملك الاعلى احسن وجوه
ايله بر طرف اولمق ميسر اولورسه فبها والا زمان وسعت روزكارده
مساعده اولنوب احضار مهمات وتهيئه لوازمات نوعا اكلنوب بوسنه
رشتهٔ نزاع قطع اولنيوب قيش ايامی ايرشور سه موی اليه خان ايا نجه
اولان غزاة مسلمين وكماة موحدين ايله مكانلرينه رجعت وعودت
ايتميوب اول يملردن برمناسب محلده قشلايوب واول اثناده جمله لوازم
ومهماتنه اهتمام ايدوب دخی ان شاء الله تعالى اول بهار فرخنده آثارده حسن
اتفاق واتحاد اوزره عمل ايدوب بهر حال بامر الملك المتعال اشبو غزای
نصرت انتمانك اتمام وانهاسی بولمق بابنده بذل اهتمام اولنديغی اشعار اولنوب
موی اليه خان دخی منوال مرقوم اوزره عمل ايدوب قشلامق تصميم واسر
مهمات تكميل وتتميمنه عزيمت ايتديكی معرض اولدقده نجه لجلدن سكا دخی

بوخصوصك

١٩٨

بوخصوصك تفصيل اوزره افاده واعلامی لازم اولمغين اشبو امر عالیشان قدر
پادشاهانم ارسال اولنوب بيوردم كه وارد قده سن دخی آستانهٔ سعادت
آشيانك ابا عن جد پرورده نعمای بی انتهاسی اولوب منظور انظار
عنايت اثارم اولدوغك جهتدن نهادكده مركوز وجبلتكده مرموز اولان
كمال جلادت وفرط شهامتك مقتضاسنجه بو دفعه يانكده اولان بكلربكيلرم
وامراء كرامم وسائر عساكرمله احترام ايله حسن اتفاق واتحاد اوزره اولوب
مشار اليه محمد كرای خان ذات معاليه تشكر تاتار ظفر اقترانله منوال مزبور
اوزره برندن قالقوب كلوب سكا ملاقی اولملو اولدقده عساكر انجم احتشاماله
قالقوب مشار اليهی مناسب اولان محلده استقبال ايدوب دخی تعظيم واكرام
وتوقير واحترامده دقيقه فوت ايتميوب بعده جمله كز بكدل ويكجهت اولوب
الهام ربانی والقاء رحمانی ايله قلوب سلامت مصحوبكزه هر نه لايح وسانح
اولورسه موجبی ايله عمل ايدوب بسط مقدمات اشعار ظفر دثاردن
مقصود اولان نتيجه بی بعناية الملك المنان باحسن وجه كاشانهٔ بو دفعه وجوده
كتورمكه بذل مساعئ مشكوره قيلوب هنكام سرما كلوب ايرشمدين
اتمام مصلحته بذل مقدور ايليوب بهر حال بعون الملك المتعال بو امر محمود
العاقبتی بر طرف ايتمكه صرف مجهود ايده سز كه سنهٔ آتيه ده بر عمل جديده
دخی احتياج اولنميه لكن انلك كبی عساكر بجد وكرانك شتاب وسرعت
ايله حركتلرندن نوعا عسرت چكيلوب ايام بهارده ساعتنه روزكارده
هنوز دخی اقرار ايكن بو امر خير انجامك تمام اولماسنه مجال اولميوب
مشار اليه خانی برمناسب محلده قشلادوب وايام شتاده دخی ظهور صوب
بر بركوزله خبر لشوب متصل احضار مهمات سفر وتهيئه لوازم كشت وكذر
قيلوب اول بهار رنجته آثار ايرشدكده بروجهله تهيا اولمسز كه وقتی وموسمی
ايله ايرشوب بمحل انقضاده هيچ بر طريقله اسباب اهمال وتعويقدن نسنه
ظهور ايتميوب وكان امر الله قدرا مقدورا ايتكه بمرسنك مستند عنايت ربانيه
حسن تدبير صائبكز موافق تقدير قدير اولوب قداح غالبهٔ فتح وظفردن
فائز قدح معلی اولوب دنياده الى انقراض الزمان نام خير ايله ياد اولندقده عقباده دخی
ماعدا ان شاء الله تعالى مثوبات عظمی يه نائل اولورسز وبو مصلحت خير انجامك
اتمامی بابنده صرف مساعئ جميله ايدن قوللرم دخی ان شاء الله الملك الجواد حسب المراد
بلكه مامول وملحوظلرندن زياده مرعی وانظار شفقت ومرحمتمله منظور
اوله لر واول اثنالرده عساكر نصرت مآثرمدن هر بری حاللو حالنجه ظهوره
كتوره جكلری دلاورلك وشجاعت شعارلقلری مقابله سنده انواع

٢٢٥

رعایت اولنوب اکر مناصب عالیه واکر ترقیلردر واکر ابندادن درلکلرددر
توجیه اولنوب احکام شریفه ویرملو اولدقده طغرای غرای سعادت احتوام
دولتی ایله مستسعد اولدوغی حیثیتی ایله و بربلن احکام شریفه سنلک
چکوک کلیء نشان ایله معنون اولوب غایة ما فی الباب مومی الیه خان
ذات معالیه دخی کندو ولایتنده مستقل حاکم ووالی اولدوغی جهتدن
مشار الیهک توجیه وتعیینی دخی مقبول همایونمزدر وبر یله جلک
ویرکولرده مومی الیهک دخی رای ومعرفتی منضم اولوب ایکیکزک حسن اتفاق
واتحادی اوزره محل اقتضاسنه کوره تدارک ایدوب افراط وتفریطدن
اجتناب ایدوب خداعتدال وحالت متوسطه رعایت ایدوب
هرکسه خدمتی وظهوره کتوردوکی سعی وهمتی اقتضاسنه کورهم اکر ترقی
واکر سایر درلکلر ایله بهره مند ومحصل الامال ایلیه سز ولازم العرض
اولان موادی علی التوالی درکاه معدلت پناهم موبنه اعلام ایتمکدن
خالی اولمیه سز وبوبابده اولان بکلر بکلر قوللرمه دخی مستقل احکام
شریفه کوندرلمشدر اکا کوره مومی الیهم ایله حسن موافقت اوزره اولوب
اتمام مهماته صرف اقدام مالاکلام ایلیه سز

تونس وجزایرلی بیننده خلاف وشقاق دفع ایچون طرف دولتدن کوندریلان استمالت نامه در

حمد فراوان وشکر بی پایان اول ملک مستعان درکاهنه کیم عبادی
اراسنده صلحی فرمان ایدوب قران عظیم وفرقان کریمنده سورۂ انفالده
فاتقوا الله واصلحوا ذات بینکم بیورمشدر وسورۂ حجراتده وان
طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما بیوروب قتال جراینده
صلح لزومنی اولی الابصاره طویورمشدر وصلوة وسلام اطهر وازکیٰ
رسول ملک منان حبیب رحمان دونخشرده عصیان دردلرینه درمان
مدار صلاح عالمیان وشمس تابان جهانیان سید انبیا وسند اصفیا
دلیل هدی حبیب خدا شفیع روز جزا پیغمبرمز محمد مصطفی صلی الله
علیه وسلم حضرتلرینه که وجود بر جودی سبب صلاح عالم وباعث
صلح وصلاح بنی آدم اولوب اهل قبایل بری بریله طالش آتشوب
قتال ایتدکلرنده اصحاب کرامنه فرمان ایدوب اذهبوا بنا نصلح
بینهم بیورمشلر یعنی بزمله بیله کیدک وارووب اول قوم اراسن
اصلاح ایدهلم دیوب اصلاح ما بین ایتمشلردر ونیجه کلام حکمت
نظام ایله دخی امت عالی همتلرینه صلح خیر اولدوغن اعلام واعلاندن

وداه صواب وسنن ثوابی عیان وبیان ایلمشلردر وآل واصحاب سعادت
اکتسابنه اولسونکه هربری دین مبین یولنده اجتهاد واقامت مراسم جهاد
جاهدوا فی الله حق جهاده فرماننه جان وکوکلدن رضاده اولوب متابعت
فرمان آله وبیرو حضرت رسول الله اوزره اولدیلر ایکی جهانده سعادت بولدیلر
وصلاح حال عالم واصلاح بنی آدم سعی دوانله ناظمان امور دین ودافعان
اعدای فتح مبین ایلدکلری عیان قیلدیلر رضوان الله علیهم اجمعین بیت
بیرو ایدوب رسولکه یا رب سالک ایله بو یوله جمله نی هب اما بعد
غازیان اسلام غارقان عبدۂ اصنام مرابطان ثغور محافظات
سرحد منصور مستحفظان عمایر حامیان ممالک جزایر اولان نامدار
وبهادر ویرادتولریمی سلام سلامت انجام سلطانی ایله تشریف ودیبام
لطف ایله قلبلرین تلطیف نصکره معلومکز اولاکه جنت مکان علیین
اشیان سلاطین اسلامیان حامیان ممالک دین مبین اولان آبا واجداد
سعادت عنوانم اکرمهم الرحمن علی سرد الرحمة والغفران زمانلرندن اول
وطن دین واشیان شرع مستبین اولان ممالک کزین مقر عربان شقاوت
آیین ایکن اسلام قیلجی ایله فتحنه سعی وکوشش وکیجه وکوندز محافظه سنی
ایتش ایدوب وارد اولان احکام شریفه لرینه دلوجان ایله کوش وموافق
رضای الهی اولان فرمان عالیشانلرین کوش هوشه منکوش وغاشیۂ
خدمتی بردوش وغزالرده دوررشوب دشمنانله دوررشوب کیمی غازی
اولوب کیمی شربت شهادتی نوش ایدوب رضاء الله ورضاء سعادت
افضاء رسول الله واطاعت فرمان اولی الامر اوزره حرکتلری سببی ایله
برکتلر بولوب مملکتلری محفوظ وکندولری عین عنایت ایله ملحوظ
واقندیلری خدمتلرندن محظوظ اولرکلمشلر ایدی نقیب زماننده برو ایچکزه
بو دبار اشقیاسندن کمنه بعض شقیلر قاریشوب شقیلر یکز دخی انلر
ایله آشوب حاکملری حکومتندن منع وترک متابعت شرع ایدوب
اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم فرمان سعادت عنوانی اوزره
اطاعتی فرض اولان رضامزه مخالفت صورتنی اوضاع واطوارکزدن
نمایان اولمغه باشلیوب دائما صفای خاطر ایله دعای خیرمزه کلمت
قوللرمزدن ایکن بووضع سببی ایله توجه همایونمزدن دخی صورت
فتور ظهور ایتمک لازم کلمکله ارکزده دخی اختلال دوشوب اول ممالکه
دست تجاوز اوزاده کلن عرب طائفه سی دخی دایرۂ ادبدن خروجه
بهانه آرایوب دشمنان دین اولان کفرۂ خاسرین دخی حاکملر ایله محکملر

اراسنده اولان شقاق• وصورت عدم اتفاق فرصت بولوب برنچه بلاددن
بر و اولطرفه عزیمت نیتی ایله کیلر حاضرلیوب توجه ایتدکلرنده دوزکات
الوب رسوب دوندکلری معلوممز اولمشدر• عزت اسلام شمشیرینی قونانوب
دشمنانه شیرانه بوشانمن غازیان وبیشهٔ وغا ولجهٔ غزاده هنر کوسترن
شیر ژیانلره لازم اولان هر وجهله عزت اسلامی چکوب دین و دولت
امورنده اتفاق• وترک مواد شقا وشقاق• وحاکملر ایله احسن وجه
اوزره وفاق ایدوب• تمشیت امور دینده تشمیر ساق ایتمک ایکن• انلر
ایتمدکلرندن ماعدا بوسنه دار الجهاد تونسده اولان غازی قوللر ایله
میانلرنده اختلال• ومسلمین اراسنده حرام ایدیکی آیات واحادیث ایله
ثابت اولان جنک وجدال• وحرب وقتال واقع اولدوغی• وآتش فساد
ارالرده اشتعال بولدیغی• مسامع علیهٔ پادشاهانهمزه واصل وبو جهتدن
دخی طرفکزه اعتذار خاطر عاطر ضرورتی حاصل اولدیکه• بر طرفکز خصم
قدیم• وغریم لئیم اولان عصاة عرب طائفه سیله مالامال• وبر جانبکزده
دخی کفار ضلالت مآل• ممالک اسلامیهٔ ملک متعال حضرتلرینه کوزندیرشدن
بکیجونی وکمین مکین مکر ونکال ایکن• ایکی عسکر اسلام بر برینه کیرمک
العیاذ بالله کندو ایکوزله مملکتی دشمنه ویرمک دکلمیدر• سز بری بریکزله
محاربه یه مشتغل• وکار دشمن مکاردن غافل ایکن• اعداء دین فرصت
بولوب• مسلمین بری برینه کیرسه صکره تدارکی قابل میدر• وصولتنما
برفائده حاصل میدر• خصوصاکه بو ایامده مملکت فارسده• وسواس خناس
ایله لباس تلبیس الباس ایدن• فاسر یا بسر و داسر یا بن جالوده ناسپاس
کم هدیلک دعواسن ایدوب• نیجه هواسنه تابع نسناس• یاننه جمع
ایتمکله حرکتش ناقبدولت مملکتلرینه استیلاسی مسموع اولمشدر• ممالک
محروسه مرزدن تیماندن ایله سنوردناش اولوب• فرصت بولورسه مملکتمزه
دخی تجاوزه حاضرباش• خصوصا عرب اشقیاسی بو ولایتده اکر ایاق باتوز
ایکن• انلری مشتعل اولمادین سوندرمک• وآب شمشیر آتش انتزالیله
شرارهٔ شرلرین کوندرمک• ذمت همتکزه لازم ایکن• بوخصوصده اکر
جزایر واکر تونس غازیلری بریکوب• دین یولنده سرباز لقلر وهوای عزت
اسلامده بلند پروازلقلر ایتمک مهم ایکن• شرع شریف ودین منیف
اقتضاسیله• اوزریکزه لازم اولان کاری قویوب• اغوا واغرای شیاطینه
اویوب• بری بریکزله جنک• وجدال وحرب وقتال ایدوب• بوسبب ایله
ایکی وطنک بیله قری وقصباتی پایمال• واهل وعیاللری سوء حال قرین

نکال

نکال اولمق حالاتیدر• محض ضلالت وموجب وزر ووبال اولدیغی جای
قیل وقال دکلدر• بوماده ده فساده بادی اکرسز اولمش سکز• البادی اظلم•
معناسی اوزره فسادکزه توبه وندامت ومن بعد میانکزده حسن الفتی
ورفع کلفتی ادامت ایدوب• انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم یعنی
مؤمنلر دکلردر الا دین قرنداشلردر• پس ایکی قرنداشلر بکزاراسنی
اصلاح ایله کرونفی اوزره بینه اخوت اسلامیه بی برینه کتورمکه سعی
ایدوب• اصلحوا ذات البین فرض عیندر• اکر فساد انلردن تو بدیسه
سزه لازم اولان حالی آستانه دریانو الملزمه عرض واعلام ایتمک وفرمان
همایونمزه موجبله صدور ایدرسه انکله عمل ایلمک ایدی مکر بو ملککز
شویله خالیمیدرکه• هرکس استدوکی هوا وهوسندیله• واتیدوکی
فتنه وفساد یاننه قالهٔ• باذن خالق السماء والارض• احکامیمز شرق
وغربده بالطول والعرض جاری ایکن ارالرکزده• اولان کدری دفعه
قدرت ومجرسنلرشحقلرندن کلوب• احقاق حق ایتمکه مکنت یوقمیدرکه
سز کندو کندوکزدن اوغراش• وبری بریکزله بیهوده صواش ایتمک لازم
کله• امدی بو ایتدیکز وضع مخالف شرع اولوب• حرام صرف ایدوکی
علماء دین مبین اتفاق ایتمشلردر• وحق اولمایوب• باغی وطاغی اولنلر
جدالی قبیلندن اولدوغنه فتوی ویرمشلردر• معنی ما مضی رضای شریفمز
بوننده درکه نامهٔ همایونمز وفرمان سعادت نمونمز وارد یغی برله بارشوب
کوروشه سز• وممالک محروسه می ضبط وربطه دوریشه سز کرام ملک
مستعان اوزره صلح خیردر• واصلح بین الناس واقع ضبرددر• ملک
١٩٤ متعال کلام حکمت اشتمالنده سورهٔ شریفهٔ نساده• لا خیر فی کثیر من
نجویهم الا من امر بصدقة او معروف او اصلاح بین الناس• ومن یفعل
ذلك ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتیه اجرا عظیما• بیورمشدر• انلرک
کیزلو سویلشوب فسلدی ایتمه لرنده خیر یوقدر• مکرکه اول کیزلو سوزی
صدقه ایله امر ایدوب• یا امر بالمعروف ایدوب• یاخود ناس اراسنی اصلاح
ایتمکدن اوله• کیمکه بونلری قصد رضای الهی ایچون ایده• بز انکا یاقنده اجر
عظیم ویرورز دیمکدر• وینه اولدو الجلال والجمال سورهٔ انفالده• فاتقوا الله
واصلحوا ذات بینکم واطیعوا الله ورسوله بیورمشدر• ارالرکزده مخالفت
ومشاجره ده• الله سبحانه وتعالیدن قورقلک• ارالرکزده اولان حالی اصلاح
ایدک• ودخی حق تعالیه ورسولنه اطاعت ایدک• اکر کامل الایمان مؤمنلر
ایسکز• زیرا کمال ایمان بو اوج نسنه ایله اولور• بری طاعت وبری دخی

معاصیدن فورتمق • بری دخی عدل واحسانله ذات بینی اصلاحدر • وبنه اولجلیل کذات جمیل الصفات • سورهٔ شریفهٔ حجراتده • وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدیهما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی حتی تفیٔ الی امر الله فان فاءت فاصلحوا بینهما بالعدل واقسطوا ان الله یحب المقسطین • بیورشدر • اکر مؤمنلردن ایکی طائفه بری بریله قتال ایدر جنك اولورسه • ارالرینی بند ونصح ایله وامر الٓهی به دعوت ایتمکله اصلاح ایلك • اکر قبول ایتمیوب برطایفه طایفهٔ اخری اوزرینه تعدی ایدر جنك اولورسه • بغی وتعدی ایدن طایفه ایله قتال ایلك • حکم الٓهی به رجوع ایدوب امر حقه دونجه • اکر امر حقه دونرسه آرالرینی عدلیله اصلاح ایلك کسبه حیف اولمسون • وجمیع امورده دخی عدل ایلك زیرا حق تعالی حضرتلری عدل ایدنلری سوردیمکدر • بو ایت کریمه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم زمان شریفلرنده بنی اوس ایله خزرج ارسنده اولادن قتال حقنده نازله اولمشدر • کر برکون اول افصح ناس • املح الناس علیه من الصلوات وکرم ما لا یحیط به القیاس • منبرك اکی یوقارو قدمه سنده ایدیلر • وسبط اکبر واحسنلری حضرت حسن رضی الله عنه یانلرنده ایدی • کاه ناسه نظر ایدوب • کاه حسنه القای نظر بیوردی • واطلاع والهام حضرت ملك علام ایله غیبدن اخبار واعلام ایلیوب • بو بنم اوغلم سیددر والله تعالی بونکله مسلمین ایکی عظیم فئه ارسنی اصلاح ایتمك مأمولدر بیوردیلر • صکره کلام معجز نظام بتمامه دفع اولوب • مظهر عصمت حق • ومنظر عنایت فیاض مطلق اولوب • ایکی عسکر برر برینه مقابل اولدقده معاویه عمرو بن العاصه • رضی الله عنهما خطاب ایدوب • یا عمرو اکر اول طایفه بو طایفه بی ویا اول طایفه بی بو طایفه قتل ایدرلرسه • مسلمانلرك امورینه کیم کورر وخاتونلرینه کیم قایرر • املاك وارزاقلرینه کیم کوزه در • بن صلح ایتمك اولی در دیوب • حضرت حسنه عرضحال اولندقده • انلر دخی قبول ایدوب جنك وجدال • وحرب وقتال اولان ایکی فئه عظیمه ارسندن قالقوب اهل اسلامه مرحمت ورضای آلٓهی به رغبت ایله • بالطوع والاختیار خلافتدن فراغت ایدوب • رسول اکرم صلی الله علیه وسلم اخبار بیوردقلری اوزره وجود مسعودلری سبب صلح وصلاح وفوز وفلاح اولدی • وبو حدیث بخاری بیان اولنمشدر • امدی بو ایات حکمت غایات • وحدیث شریف عزت سمانك • مفادی بو اولدیکه میانکزده صلح وصلاح دینی ماننداولی دکلدر بلکه عین فرض وفرض عیندر • امر ربانی وفرمان صمدانی به اطاعت • ورسول

مجتبی

مجتبی وحبیب مصطفی علیه من الصلوات ازکاها حضرتلرنك • کلام سعادت انجامنه حسن متابعت ایدوب • اوزریکزه اطاعتی واجب ولان اولی الامر کزه اولان کسنه لرك امرینی طوتوب • رضاسنی کوزه دوب • من بعد حسن مصافات ولطف مواسات اوزره بجمنکه چالشه سز • وبری بریکوزله اولکیدن زیاده الفت ایده سز • دین ودنیاکزه نافع وایکی عالمده عظیم منافعدر • ودلخواه همایونمز بونلك اوزرینه درکه من بعد برادرلرکبی سلوك ایتمکز • وراه ادبه کیتمکز وخصوصکزده اوامر شریفهٔ شرع منیفه اطاعت ایدوب • جادهٔ شرعدن برقدم طشره بصمایوب • وبر کسنه به بیهوده آصوب بصمیوب • هرکار کزی مقتضای شرع مختار اوزره حاکملریکزه اذنیله ایده سز وجادهٔ مستقیمه کیده سز • وحاکملریکزك کاه وبیکاه عرضلرین بوزمیه سز • انلرك عرضی بزم عرضمزدر • وایکی عالم کونشی وفلك رسالتك ماه وشمسی اولان رسول مدنی مکی قرشی علیه الصلوة والسلام • اطیعوا امرکم ولو عبدا حبشیا • بیورمشلردر • بکلریکزه اطاعت ایلك • اکر عبد حبشی اولورسه دیمکدر • پس اطاعت حاکم لازم ایدیکی متحقدر • اکر سنده ظلم وتعدیلری یا ملکنه براوز قصد وتصدیلری اولورسه • استانهٔ سعادت مآبمه عرضحال ایلیه سزکه • بعونه ذره مقداری ظلم وتجاوزه رضای همایونمز یوقدر • بعنایة الله تعالی مجرملك حقندن کلوب • هر وجهله دفع جور وازالهٔ ظلمده سعی اولنمق مقرردر • مادامکه سز امیر عزمه اطاعت ایدوب • دیلدیکمز راهه کیده سز • خیر دعا وحسن همتمز • وهر یره مرحمت وعنایتم سزکله در • وبو دولتلو اولنجه حضرت رب العالمین معینکز وهمت رسول کونین علیه ازکی صلوات المصلین قرینکز اولمق مأمولدر • نصح وبندمز وامر همایونمز جان قولاغیله کوش • وکوش هوشکزه منکوش ایده سز • که دارینده سعادتبولمکزه وسیلهٔ جمیله در

تاریخ قدیمه احمد پاشا کریدجزیره سنی توجه ایتدکده تونس وجزایرلوبه یازیلان مکتوبدر

مفاخر الغزاة والمرابطین • مراجع الکماة فی مسالك المجاهدین • نکهبانان سرحد وتخوم • برکزیدکان کتائب اعراب وروم • ساکنان خطابر جزایر اولان اشراف اعیان عساکر • ثبتهم الله تعالی فی منهج الدین • ولا اخذلهم عن متابعة الشرع المتین • صوبنه قوافل دعوات اجابت قرین ورواحل تسلیمات اصابت رهین • انها سند نصکره اعلاء کلمهٔ دین وابقاء شرع مبینه ساعی اولان • غزاة مشکور المساعی اوبنه ابنا اولنورکه • مرور ایام وکرور اعوام ایله معابر ومسالك مسلمینی سد • ونیجه سنین وشهور بوقدر غزاة

اسلامی اهل عبادتدن مهجور و خربه بند ایدوب قلعهٔ مذکوره‌ده تحصن
ایدن ملاعین دوزخ‌قرینی بعون الله الملك القدیر استیصال و تدبیر
وغایت بیغایت صمدانیه‌دن تحصن اولدقلری قلعه‌لری فتح و تسخیر اتمه‌سیله
لوآء نصرت اللوآء رسول‌الله وجیوش دریاخروش ظفردستگاه ایله متوکلاً
علی‌الله جزیره‌یه کیروب عبور اولنوب و بو غزوهٔ کرامده مفتخر صماخ عامهٔ
اسلامیانه صلای غیرت فزای انفروا خفافا و ثقالا و جاهدوا باموالکم
وانفسکم فی سبیل‌الله امر شریفی ولوله‌انداز جنبش و زمزمه‌ساز کوشش
اولمغیله هر فرده عموماً و ذاتنده کمال دینداری و حمیت شجاعت شعاری
اولنلره خصوصاً تازیانهٔ غیرت و سلسله‌جنبان حمیت اولوب عامهٔ
مسلمین و کافهٔ موحدیندن صغار و کبار و ساکنان هر دیار بو غزایی
ذمته فرض عین و عین فرض و صورده تحمل اولان رحمتی کوردن
غیرته دین و فرض معاشه‌نه بلوب لبیك کویان و جان و دلدن غزایه
جویان لوای نصرت احتوای رسالت‌پناهی قبالهٔ جبین امتثال قلوب
کروها کروه کله ده درلو امدی اول سرحد صعب المسالك دخی جنك
وجدالله مألوف دلاوران شجاعت نهادی و مضاربهٔ اسنه و سیوف
ایله مأنوس بهادران جهاد اعتیادی سوق مراکب و تهیئه سلاح و
استمداد نسیم نصر مرسل الریاح ایله صرف همم مردانی و بو مجموعه مجتمع
اولمغی ثواب دوجهانی و موجب خشنودی جناب سبحانی عد ایدوب محضا
انا لا نضیع اجر من احسن عملا دن خضر دار و شد عقلهٔ عقد و اتفاق
ایدن خرب شیاطین و نفاقم باعث تفرقه و انتشار اولاجق خدمت
و همتلری ملحوظ و مأمولدن غیرت دین اسلام و حمیت شرع سید الانام
علیه افضل الصلوات والسلام بناءً بو غزاء غزاده ارخای مرسای
تغافل و بو خدمت خیر ختامی مهمل و عاطل قومیوب غزاة مسلمین
محاصرهٔ حصار استوار و ابقاد نایرهٔ جنك و پیکار اولدقجه بو حوالیده
کشت و کذاردن خالی اولیوب کندولره مناسب ایام ایله نسیم توفیق
رب انام مساعد ایتدکجه کفرهٔ لئامدن اخذ انتقام ایتمکله اقدام ایلمکری
مسئول و امتی کنفس واحدة حدیث صحت اثری اثرینه اقتفا محقق [illegible]
شفقتی اولان وجوه متیسره اوزره شعار دین محمدیه بی شعار ایچون
میمنه و میسرهٔ ادای جهاد اکبره شد نطاق عزم و بو سالی فرخنده‌فالده
قتال اهل کفر و ضلاله بند خرام حزم ایلیوب مکمل و مرتب دلاوران جنك
جویان ایله شیحون قیلون و بورتنلر ایله مطاف غزاة مسلمین و کعبهٔ مجاهدین

دین اولان جزیره‌یه کیرمکی طوائفه سعی و اقدام ایلیوب تنها دوان سفاین
اعدایی ساعقهٔ بادبان ایله برکنلره و بنه روزکار ایتمکله جبر خاطر غزات
و حاضر ایتدکلرندن غیری مرآت اعمال الرنده مال مصد وقه فضل الله المجاهدین
شواهدی مشهود و ظاهر اولوب صورتنمای مجلای وجود اولمه‌سی مأمول
اولان خدمات مقبوله و مساعی مشکوره‌لری مستجلب رضای ثواب اقتضای
الٰهی و مستوجب دعای خیر پادشاهی اولمغله پسندکردهٔ خاص و عام
و زیور کردن و کوش عروس ایام اولوب مأمول و ملحوظلرندن برتر انواع
نوازش و احسانه مظهر اولمه‌لری مقرردر باقی همت اطاعت و انقیادده دائم ثابت اوله‌لر

جزایرده اولان قول طائفه‌سنه حکم شریف

جزایرده اولان قول اغالرینه و بابا باشیلرینه و بلوك باشیلرینه حکم که
قدیم الایامدن الی الآن فرانچه پادشاهلری اجداد عظامم ایله موالات
و مصافات اوزره اولوب ابتدا مصالحه‌دن بو آنه کلنجه نقض عهده
مشعر بر وضع صادر اولمیوب بو جانبدن دخی عقد اولنان عهد و امانه
مخالف بر وضعه رضا کوسترلمش ایدی بوندن اقدم جزایر حاکملری
و قورصانلری فرانچه رعایاسنه تجاوز ایلدکلری فرانچه پادشاهی
طرفندن دفعات ایله اعلام اولندقده مرحوم و مغفور له بابام خداوندکار
طاب ثراه زماننده بو بابده موکد احکام شریفه ارسال اولندیغندن ماعدا
بنم زمان عدالت عنوانمده کراراً و مراراً احکام شریفه کوندریلوب
جزایرلو من بعد خلاف عهد و امان فرانچه رعایاسنه و اموال
و ارزاقنه دخل و تعرض ایلمیه‌لر دیو انواع وعید ایله محکم تنبیه هم
و تأکید اولنمشیدی کیرو تنبیه اولمیوب اوتکیدن زیاده فرانچه
رعایاسنه و بازرکانلرینه و مال و منالرینه دخل اولنوب غنیمت
آستانهٔ سعادتمه فرانچه پادشاهی قضایا دفترین کوندروب اعلام
ایلدی امدی فرانچه رعایاسنه و بازرکانلرینه عهد و امانه مغایر
اولوجهله تعدی و تجاوز اولدوغنه قطعا رضای همایونم اولمامغین
جزایر بکلربکیسی سلیمان پاشا زماننده اولمغیله عزل اولنوب و مزبور
دفترده برصورت یازلوب کوندرلدیکه عهده مخالف فرانچه لیننک
غارت اولنان ماللری جزوی و کلی هر کیمده ایسه بی قصور الیوریلوب
بو فسادی ایدنلر هر کیملر ایسه امان ویرلمیوب اشد سیاستله حقلرندن
کلنمك فرمانم اولمشدر بیوردم که وصول بولدقده برآت تأخیر و تراخی
ایتمیوب فرمان همایونم موجبنجه جمله کز برابر ایله کلوب بو بابده

ومقدما وحالا باعث علیا مدت کوندریلن اوامر شریفمی اوقیوب فرانچه
پادشاهی طرفندن صونیلان دفترلری کوروب ایش کورمش روزکار
دیده اختیارلریکزله مشاورة ایدوب بو فسادی هرکیم ایلمش ایسه باقی
وجه کان الله کوروب عهد وامانه مخالف فرانچه لودن هرکیمک مالی
غارت وخسارت اولمش ایسه بی قصور ولا کسور اصحابنه رد وتسلیم ایلیوب
اهل فساد اولنکرا اشد سیاستله حقلرندن کله سز که سایر اشقیایه موجب
عبرت ونصیحت اوله فرانچه پادشاهی درکاه معدلتم ایله کمال مرتبه ده فرط
دوستلق اوزره اولوب صداقت واخلاصده ثابت قدم اولمغله سدهٔ
سعادتمه مصافات اوزره اولان قراللردن فرانچه پادشاهنه عنایت
واحسانم اضعاف مضاعف اولوب ایام عدالت عنوانمده فرانچه رعایاسنه
وبازرکانلرینه بر وجهله تعدی وتجاوز اولندوغنه قطعا رضای
همایونم یوقدر توقف واهمال اولنیوب غارت اولنان ماللری هرکیمک
ایسه بیقصور الیویروب دخی امان وعهد ویرمیوب اهل فسادک
حقلرندن کلوب من بعد عهد وامانه مخالف فرانچه لویه دخل وتعرض
ایتدرمیه سز شویله بیله سز بو امر شریفم وارد قده حکمه اطاعت
وانقیاد ایلیوب اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم امر شریفندن
غافل اولان دنیاده واخرتده روسیاه اولور بر دخی عذرکز مقبول
وجوابکز مسموع اولمز سرحدلرده اغالر وبابا شیدر وبلوک باشیلر
بکلربکیلکدن مراد سرحد همایونمی حفظ وحراست ایدوب جناب جلالتمآب ایله دشمن اولنلرک حقلرندن کلوب آستانهٔ سعادتمله دوستلق
اوزره اولنلره دوست اولوب عهده مخالف برکسنه ایش ایلمیوب
هرکیم مخالف فرمان همایون فساد ایدرسه مجال ویرمیوب حقندن
کلنوب ایام عدالتمده مملکت وولایت امن وامان اوزره اولمغیچون امادخی
فساد وبغی وعنادی بحوت وضع اولنان قول طایفه سی که خلاف شرع
شریف ومغایر عهد منیف درکاه معدلتم ایله دوستلق اوزره اولنلره
بو وجهله تعدی وتجاوز ایلیوب فساد وشناعت ایلیجک جمله کز
طاغی وباغی اولورسز اولا اصلا عاصیلر بنم قوللرم دکلدر بنم قوللرم شرع
شریفه تابع اولوب امریمه مطیع اولنلردر اکر امریمه مخالفت ایدرسکز
انظار عنایت آثارم اولجانبه منعطف ومنصرف اولیوب بد دعامیه
مظهر اولورسز شرع شریف موجبنجه حقکزدن کلنمک لازم کلوب هر ایشده غایت
ملاحظه ایلیوب دائما رضای همایونم اوزره خدمت ایتمکه سعی ایلیه سز

یمن محافظه سنده اولان حسن پاشایه استمالت نامه در

حالا سن والا وعتبه اعلامه مکتوب کوندروب ولایت یمن صانها الله
عن الفتن ده امام ومهدی نامنه ظهور ایلین رئیس مفسدین ومردود
مشرکین وسائر عصاة عربان ضلالت نشان ایله نیجه ایام ولیالی
جنک وجدال وحرب وقتال ایلیوب بعون الملک المتعال حسن تدبیر
وتدارک ایلمکله معرض محاربه ده نیجه سنک باشلری کسلوب و
مهدی نامنده اولان شقی اله کتوریلوب حقندن کلنوب وروم ایکیسه
تابع ووقکین سنجاغیله اولجانبده محافظه ده اولان کتخدا سنان دام
عزه واقع اولان محاربه لرده دفعات وکراتله برابرلقلر ومردانه لکلر ایلیوب
وکوکبان حاکمی محمد ونجه حاکمی عبد الرحمن دام عزهما دخی خلوص طویت
وصفای عقیدت ایله سنک سعادتمه انقیاد واطاعت وکرکی کبی
خدمت ایدوب روز وشب زمرهٔ مشرکین وفرقهٔ منکرین ایله مقاتله
ومحاربه ونیجه بولداشلقلر ایلیوب بعون الملک العلام اعدای لئام خذلهم الله
الی یوم القیام منهزم اولوب وبالجمله ولایت مزبوره ده جاده وباشلک ٥٠
واوتلک وبرارا ومملکت ومال ومنالک ایله نیجه کوندن دین ودولت خدمتنه
بذل قدرت وصرف همت ایلیوب حالا محافظه ایچون جبه خانه وروم ایلی
عسکری لازم اولدوغنی عرض ایدوب واولنابره متعلق واعدای
بدرایه متفرع هر نه اصل خصوص تحریر وبیان ایلمش ایسک پایهٔ سریر سعادتمه
عرض وتقریر اولنوب علی الوجه الکامل علم شریف پادشاهانم محیط
وشامل اولمشدر ایکی جهانده یوزک اق اولسون نعم جلیلهم سکا حلال
اولسون برخوردار اوله سن حضرت واجب الوجود مفیض الخیر والجود
دائما معین وظهیر ودستکیرک اوله اوغورهمایونمده اولدیا بجلیل آخر
الاعتبارده سنکله خدمتده اولان میرمیران علی پاشا وحاکمان مکرمت
عنوان واعیان وسائر عساکر نصرت جوبانک دخی یوزلری آق اولسون
هر وجهله خیر دعامه مظهر اولمشلردر سنی حق سبحانه وتعالی حضرتلرینه
اصمارلدم امدی عرض ایلدیکک اوزره مصردن مستوفی عسکر وجبه خانه
تدارک اولنوب بر وجه استعجال اولجانبه ارسال اولنمغیچون خط
همایون سعادتمقرونمله فرمان عالیشانم صادر اولوب خدمت مزبوره
ایچون مصر محافظه سنده اولان دستور مکرم مشیر مفخم نظام العالم
وزیرم حضر پاشا ادام الله اجلاله یه سنک سعادتم قپوجی باشیلرندن
قدوة الاماجد والاکارم فلان زید مجده تعیین اولنوب مجددا کوندر

جبه خانه وعسکر عن قریب واروب ایرشمك مقرردر • وکوکبان وحجه
حاکملرینه دخی برر ثوب خلعت عنایت اولنوب • استمالت نامه لرینه کوندریلوب
ولایت مزبوره نك انتظامی • ورعایا وبرایاسنك مهد راحتده آسوده • وبستر
استراحتده غنوده اولملرینه • هر وجهله تقید همایونم اولمغین عرض
ایلدیکك خصوصلرده ساعلغ همایونم اولمشدر • الحمد لله تعالی عسکر وملك
وخزینه یه احتیاجم اولمیوب • بفضل الله الملك الاعلی ممالك محروسه‌م دائما
وسعتده واعدای دین یوما فیوما نکبت ومذلتده اولوب • قدرت وقوت
وسطوت وحشمتم کمالده اولمغین عسکر وخزینه یه بنده هرنه قدر مراد
ایدینورسك • ودخی یمنه متعلق هرنه مهمات عرض ایدرسك تأخیر اولنمیوب
مع زیادة ارسال اولنور • دائما انظار فرخنده آثارم اول جانبه منصرف
ومنعطف اولوب • یمن اهالیسنك حقلرنده عنایت واحسانم مزید ومزید
سندخی نعمای بی نهایتم ایله پرورده ومنظور انظار عنایت آثارم اولوب •
اول جانبده اولان جیوش دریا خروشمه کما کان سردار اولدوغك اجلدن بر نجبه
دخی عزل ونصب • وحل وعقد وقبض وبسط • وصلح وجنك • وبالجمله
امور ملك وملت واحوال سپاه ورعیت سنك رأی صایبك • وافکار ثاقبکه
تفویض اولنوب • اوغور همایونمده سبق ایدن خدمات لایقه • ومساعی
فائقه‌ك مستلزم عنایت پادشاهانهم اولدوغی اجلدن حقکده مزید
انوار عنایت خسروانهم لامع • وآثار جدیدن عاطفت ملوکانهم ساطع
اولوب • اسباغ فاخره لاکمانه‌دن • برقبضه شمشیر ظفر نمونم ایله خلع
فاخره مدن ایکی ثوب خلعت بورث البهجتم • احسان وعنایت اولنمشدر
بوردم کم وصول بولدقده سن دخی سرمد مکانمدن عنایت اولنان قلیجی
انواع تعظیم وتکبیر واصناف توقیر واحترام ایله قوشانوب • وخلعت
فاخره می کیوب • نهاد نجابت نژادکده مضمر اولان جلادت وشهامت • وفراست
وکیاست مقتضاسنجه • وار قوتك بازویه کتوروب • اول جانبده اولان
بکلربکیلر وحاکملر وبکلر واغالر ومشایخ وسائر عسکر ظفر مآثرمه استمالتلر
ویروب • خدمته ترغیب ایلیوب • مصردن مجدد ارسال اولنان عسکری لازم
اولان قلعه لره وولایتلره اولاشدروب • وبرکشدروب • ودخی دائما مکاید
اعدادن غفلت ایلمیوب • هر ساعتده دشمنی حاضر وپیدا • وظاهر وهویدا
بیلوب • وشاورهم فی الامر • فحواسنجه هر خصوصده مشاوره ایدوب •
القاء ربانی ایله قلوب صداقت مصحوبکزه هرنه لایح اولورسه • اکا کوره
عمل ایلیه سز که • بلطف الله الملك الاکبر صبح ظفر • شرق اقبالده طلوع ایده

دائما منصور ومظفر اولملك مقدر اولمغله کوره تقیید ایلیوب • رأی رزین
اصابت قرینك اوزره موجبنجه • ولایت مزبوره‌نك نظم وانتظامی ورعایا
وبرایانك حضور حال ورفاه باللری • ومال میرینك توفیر وتکثیری بابنده
وظهور ایدن عدو کینه جویك • عنایت پروردکار • واعانت رسول مختار
وهمم جار یار صداقت کردار ایله • حقلرندن کلمتك خصوصنده • وبالجمله
دین ودولت ابد پیوند خسروانه مه متعلق اولان • امور جمهورده انواع مساعی
جمیله • واصناف آثار جلیله‌لك • وجود وظهوره کتورمه سن • ان شاء الله تعالی
اوغور همایونمده وجوده کلان خدمات مبروره ومساعی مشکوره‌ك ضایع
اولمیوب • مأمول وملحوظکدن زیاده التفات عالیه مظهر اولمالك مقرردر
وسنك ایله اول امالك مبارکه‌ده دین ودولت خدمتنده جان وباش فدا
وماملك بذل وصرف ایلین بکلربکیلر وحاکملر وبکلر واغالر وسائر عسکر
دخی ایلدکلری خدمت وچکدکلری زحمت ومشقت مقابله سنده منتهای
امالکری هرنه ایسه عرض حضور لامع النورمده مقبول اولوب • ان شاء الله الملك
الجواد • مأمول وملحوظلرندن زیاده برمراد اولملری مقرردر بیلمش اولهسز •
اکا کوره متابعت وامرکه اطاعت ایدوب • بابندن دقیقه فوت ایلمیه‌لر
وسن بعد دخی لازم العرض اولان احوالی علی التوالی عرض واعلامدن خالی اولمیه‌سن

رکاب همایونه مصر والیسی طرفندن دوغانلر کلدکده سراسر یمنیه
وقطیفه شلوار ارسال ایله کوندریلن خط همایون صورتیدر

سنکه حالا مصر محافظه سنده اولان وزیرم [illegible] پاشاسین خط همایون
شوکتمقرونم وصول بولدقده معلوم اولسونکه کوندردوکك دوغنلر کلوب
رکاب همایونمه عرض اولنمشدر • برخوردار اولهسز • بکا مزید التفات
خسروانه مدن برثوب فاخر سراسر یمنیه • وقطیفه شلوار احسان همایونم
اولوب • کوندرلمشدر شرف وصول بولدقده کمال تعظیم ایله کیوب • دوام عمر
ودولتمه دعا • وشکر نعم جلیله حضرت خدای دادا ایلدکدن صکره • کوره‌یم سنی
مأمور اولدوغك امورده نه مرتبه بذل مقدور ایتمك کرکسن • اولا آحرمین
محترمین اهالیسنك علوفه‌لری تنقید ایدوب جمیع وظایف وجرایه لری
بحتلرینه بالتمام والکمال کندولره ایصال اولنمق کرکدر • خزینه عامره ملك
دخی بیقصور تحصیل وارسالنده زنهار تکاسل واهمال ایتمیوب محلنی تجاوز
ایتدرمیه‌سن • ودائما حکومتکده دیانت ومتانت اوزره اولوب • [illegible]
احقاق حقوق عباد ونظام انتظام بلاد خصوصلرینه کرکی کبی سعی ودقت
ایدوب • فقرا وضعفایه شفقت • وساعی بالفساد اولنلره سیاست • وضبط

وربط عساكر وحمايت رعيت • وحفظ وحراست مملكت • والحاصل همينه
رضاى همايونم اوزره حركت ايليه سن • وكتدم •

مصر واليسى بايرجى احمد پاشايه سلطان مراد خاندن كوندريلان خط همايون صورتيدر باروت خصوصيله

سنكه مصر محافظه سنده اولان وزيرم احمد پاشاسن سلامى سلامت انجام
پادشاهانه مله سنى مسرور وشادكام بيوردوغمزدن صكره • معلومك
اولسونكه سنك جهت خدمتكده آثار صداقت واستقامت • وكمال عقل
وفراست نمايان اولوب • هر وجهله سندن كلى خدمت ورضاى همايونم
اوزره حركت • مأمول همايونم اولمغين كوكدركم نظام احوال ولايت وحفظ
وحراست مملكت • وضبط وربط طوايف عسكر وحمايت رعيت • خصوصا
اجراى احكام شريعت ودبانتله تقيد ايدوب • اولا خدمات عليه وسيله
سعادت دارينم اولان حرمين محترمين اهاليسنك جرايه وساير معتاد
بالتمام زمانيله كندولره ايصال وخزينهٔ عامرهمى دخى بيقصور تحصيل
ووقتيله آستانهٔ سعادتمه ارسال ايتمكده اهمال ايتميوب • انواع مساعى
جميله وجوده كتوره سن • وسفر همايون مهماتنك جزء اعظمى باروت
سياه اولوب • اول خصوصده دخى اهتمام تام لازم اولمغله تقيد ايدوب
هر سنه اوچ بيك قنطار باروت سياه ايشلدوب آستانهٔ سعادتمه
كوندره سن • نظر بقله ممكن اولورسه اقتضا ايتديكى وجه اوزره تدارك
كوندروب هر سنه بلا نقصان اوچ بيك قنطار باروت ارسالنه بذل
مقدور ايليه سن • محصل بكيدن كارخانه مى بايد وبيلور يوخسه اسكى
كارخانه لر كفايت ايدرمى • نه وجهله قابليت اولورسه هر سنه اولمقدار
باروت ايشلنوب بيقصور درسعادتمه كلمه سنه تدبير وتدارك
كوره سن بو خصوص سنك عهدهكه حواله اولنمشدر بر وجهله حسن تدبير
ايتمك كركسنكه سلفك ايتديكى خدمت سنك زمانكده وجوده كلوب
حضور فائض النورمده واقع واعتبارك ازدياد بولمسنه سبب اولدقدن
غيرى بر اثرك اولوب باعث ذكر جميل اوله • حالا خاصه خلعتلرمدن سكا
ايكى ثوب سراسر فاخر خلعت وبر قبضه شمشير ظفر تأثير احسانم اولوب كوندردم
وصولنده كمال تعظيم ايله استقبال ايدوب خلع فاخرهمى كيوب وقليجى قوشانوب
وظايف شكرانى ادادنصكره عهدهكه حواله اولنان خدمتلرى وجوده كتورمكه
سعى ودقت ودائما حكومتنده عدالت ومتانت ايدوب فقرا وضعفايه مرحمت
وظالم اولنلرك جزالرينه كوره سياست والحاصل همينه رضاى همايونم اوزره

مردانه وعاقلانه حركتدن خالى اولميوب دائما دعاى خيريم المغه سعى وهمت
ايده سن انشاالله تعالى وجوده كلن خدمتلرك مقابله سنده انواع التفات
خسروانه مه مظهر اوله سز • وكتدم •

مصر واليسى خليل پاشايه سلطان مراد خاندن صادر اولان خط همايوندر اشقيا ضبطى خصوصنده

سنكه مصر محافظه سنده اولان وزيرم خليل پاشاسن سنك سعادت مدارمه
مكتوب كوندروب • مضموننده كورد محمود • وكورد على • هوالرينه تابع نيجه
اشقيا ايله كعبهٔ مكرمه نك اوزرينه مستولى اولوب جنك وجدال ايتمه لرى
ايله شريف محسن جرحيجا فوت اولوب • وشريف زيد دخى مجروحا فرار ايلديكى
خبرى سكا واصل اولدقده امراء مصريه دن قولطا نقه سندن مستوفى عسكر
تعيين ايلديكك بلدرمشسن • امدى تدبيرك معقول وخدمتك مقبولمدر
اولمشدر • ولكن بو مقوله احوالك ظهورى • وناهموار افعالك صدورى بيه
سنك كمال اهمال وعدم تقيدكدن ناشى اولمش براشدر • ولايت يمن وحبش
ومكهٔ مكرمه ومدينهٔ منورهنك نظام وانتظامى • مصر بكلربكيلرينك
تحت حكومت تدبيرلرنده اولدوغين بيلورسن • امدى سنك زمانكده
بويله كاركريه ظهور ايلمك نيه سنك سوء تدبيركه محمولدر • اكر كوره جك
زياده بصيرت واشقيانك دفعى بابنده دقت ايدوب • بر وجهله اهمال وبر
طريقله اهمال ايليه سن • بوندن اقدم ولايت يمن ومكهٔ مكرمه ومدينهٔ منوره
ايمن خصوصيچون مفيد اولورسه ديو مؤكد ومشدد خط شريفمله اوامر
منيفم سكا ارسال اولنمشدى • لكن مأمور اولدوغك اوزره خدمتى ادا وفرمان
شريفمى كما ينبغى اجرا ايلمديكك اجلدن مسؤل اولمش سندر • نعوذ بالله تعالى
غفلت ايله وياخود عدم تقيد ايله سوء حال صدور بولندن زياده حذر •
واحتياط اوزره اولوب • تعيين ايلديكك عسكره امداد واعانت ايليه سن وكتدم

مصر محافظه سنده مصطفى پاشايه قلچ قفتان ايله يازيلان خط همايوندر

سن حرم محترممده تربيهٔ ملوكانه م ايله پرورده اولمش آستانهٔ سعادت
مدارمك خيرانديش وكاركذارى • وغنيهٔ عليه مك هر وجهله واجب
الرعايه وامكدارى • ووزير جليل الاعتبارم اولوب • حقكده حسن ظنم و
تدبير وتداركه اعتماد همايونم اولدوغندن غيرى • اول ديار ميمنت
آثاره وواروب • حاكم ووالى اولدقدن بروعروسهٔ مصرك كركى كبى حفظ
وحراستنده • وقولطا نقه سنك واهاليسنك رعايت وحمايتلرنده
ورعايا وفقراسنك ضبط وصيانتلرنده وحرمين محترمينك لازم اولان
مهمات ولوازمنى تداركنده • وحجاج هدايت منهاجك امن وسلامت ايله

ورود وصدورنده • علی الخصوص اموال خاصه‌ملك جمع وتكثیر ووقت وزمانیله
ارسال وایصالنده وبالجمله دین ودولتم وناموس سلطنتمه متعلق امور جزئیه
وكلیه‌نك تكمیلنده • دامن غیرتی میان حمیته بند ایدوب رضای میمنت اقتضای
پادشاهانم اوزره حركت ایلدیكك • سمع همایونمه القا اولنمغین اوزبدع
وجوده كلان خدماتك مقبوله ومشكورم اولمشدر • برخوردار اولاسن
نعم جلیله‌م سكا حلال اولسون • سندن مأمول اولان بونك امثالی خدمات
مبرورم وپسندیده ایدیكه • وجوده كتورمش سن • بو آنه كلنجه ظهوره
كلان خدمات • مستلزم عاطفت شاهانه • ومستوجب رأفت ملوكانه
اولمغیله • حقكده مزید مودت پادشاهانم ظهوره كتوروب • اسیاف
فاتحة الاكنافمدن برقبضه شمشیر عدو تدمیر • واثواب میمنت استصحابمدن
ایكی ثوب خلعت مورث البهجتم • عنایت وارزانی قیلوب ارسال اولنمشدر
بیوردمكه حكم شریفم وصول بولدقده عنایت واحسان اولنان تشریفات
همایونمی انواع اعزاز واكرام ایله استقبال ایدوب • دخی اصناف توقیر واحترام
ایله قلیجی قوشانوب • وخلع فاخره‌می كیوب • ذاتكده مركوز ونهاد كلدر
مرموز اولان وفور غیرت وحمیتی ظهوره كتوروب • محروسهٔ مصری كركی كبی
حفظ وحراست بابنده • وقول ورعیت طائفه‌سنك ضبط وربطنده
وحرمین شریفینه ارسال اولنیجاق ذخایر ومهماتنده • واموال خاصه‌ملك
تحصیلنده • وبالجمله دین ودولت وناموس سلطنتمه موافق خصوصلرده
كما فی الاول • بذل قدرت وصرف همت ایلیه سز • والحاصل سنك رأی رزین
وتدبیر اصابت قرینكه كمال اعتمادهمایونم اولوب • حقكده حسن ظنم
مقرر اولمغیله • اول دیارك جزوی وكلی جملهٔ اموری سكا تفویض وحواله
اولنمشدر • وایالتك ابتدای تاریخندن كما كان ابقا ومقرر قلنمشدر
اكا كوره معتمد اولوب • هر احوالی كركی كبی اقدام واهتمام ایلیه‌سن • ومحروسهٔ
مصرده اولان امرا وسایر قوللریمی دخی خدمات علیه‌مه ترغیب • وخدمت
لازمه‌لرین حسن حال اوزره وبرلولرینه ترتیب ایدوب • ولایت محروسه‌منك
حفظ وحراست ونظم احوالنده بذل مقدور وسعی نامحصور ایلیه سز •
ان شاء الله تعالی فیما بعد وجوده كلجك خدماتك مقابله‌سنده انواع عنایات
علیهٔ پادشاهانه‌مه مظهر اولوب • بین الاقران ممتاز وسرافراز اولمالك
مقرردر • اكا كوره بصیرت اوزره اولوب • وجه مشروح اوزره مأمور اولدوغك
خدمات همایونمك تكمیل وتتمیمنده دقیقه فوت ایتمیوب • اول جانبك احوالنی
ومطلع اولدوغك اخباری علی التوالی یازوب • سدهٔ سعادتمه عرض ایده‌سز

ایلكدن

ایلكدن خالی اولمیه سن • ومكهٔ مكرمه طرفنه دائما بصیرت اوزره اولوب
اول دیار جلیل المقدارك دخی نظم احوالنی • وحرمین محترمینه سال بسال
ارسالی اولنه كلان ذخایر وصره وسایر مهماتلرینی بالتمام بوسنهٔ
مباركه‌ده دخی كوندروب • فقرا وخدامنك وكافهٔ اهالیسنك انتظام حالی
وفراغ بالارینه تقید واهتمام ایلیه سن •

قره‌لی مصطفی پاشانك كندوسنی اخذ وتفتیش ایچون صادر اولان خط همایون

سنكه قائمقام وزیرم حسن پاشاسن • خط همایونم وصول بولدقده معلومك
اولهكه • سابقا مصر پاشاسی اولوب • فرار ایدن مصطفی الآن استانبولده
اولدوغی مسموع همایونم اولمغین البته هر نه محلده ایسه • وهر نیجه قابل
وممكن اولور ایسه • اله كتوره سن • ومقدما سرایلره اولان اشیاسی قبض اولنده
محلرده خیلی التوقف اولوب • تقید اولنمامق ایله اوندن قالمغین • سرایلرده
اولنلری اول التوقفی باری وجهه كان بولدروب تحصیل ایلیه سن • بو بابده
مقدورك صرف ایدوب • كرك كندوسی بولنمقده وكرك سرایلره اولان
التوقفی تحصیلده بذل قدرت ایلیوب • اهمالدن احتراز ایلیه سن • بو خصوص
سنك ذمتكه حواله اولنمشدر • زنهار اهمال ومسامحه ایتمیه سن صكره
سن بیلورسن • شویله بیله سز •

استانبولده قائمقامه حفظ وحراست ایچون خط همایون

سنكه وزیرم حسن پاشاسن • خط همایونم وصول بولدقده معلومك اولهكه
كوررم سنی اول طرفك احوالنه زیاده سیله تقید ایدوب ضبط وربطنه
مقید اولدیغك كیزلو واشكاره كوروب • قول دولتمه‌ده وسایر اقتضا
ایلین احوالده واقف بولمقدن خالی اولمیوب • خواب وراحتی ترك ایلدیكك
خیر دعا اجابت اثرمه مظهر • والتفات همایونمه منظر اولورسن • جمله
امورده بذل اقتدار ایدوب • دقیقه فوت ایلمیه سن • دین ودولتمه لایق
سندن كلی خدمت مأمول شریفمدر • اكا كوره حركت ایتمك كركسن •
جبه جیلر ایله بكجیلر • بر مقدار غوغا ایتدكلری مسموعم اولدی • نیچون
رخصت ویررسن • هر وجهله بر اوجاغی قولدردیلر • اول خدمتی عهده‌كه
حواله ایلدم • امدی عاقلانه ومدبرانه دیرنوب • فتنه وفساد اهلنه اصلا
رخصت ویرمیه سن • اكر حفظ وحراست • واكر مصالح امت محمد در بو خصوص
كوروب خیر دعامی آلاسن • ان شاء الله تعالی دولت علیه‌مه اولان خدمتك
مكافاتی اولنور • همان هر شیئه اهتمام اوزره اولوب • كیجه وكوندز دیمیوب هر جانبی
یوقلیوب • كوره سن • واول جانبك احوالنی وقوعی اوزره هر بار بیلدروب

ینکیچری آغاسی اشیاسنی ضبط ایچون قائممقامه خطاباً خط همایوندر

سنکه قائممقام وزیرم حسن پاشاسن ۰ معلومک اولهکه حالا معزول اولان
ینکیچریلریم آغاسی علی آغانک اوینه واروب ۰ خاتوننی وجاریهلرینی طشره
اخراج ایدوب ۰ هرنهسی وار ایسه ۰ اکرکندویه متعلق واکرخاتوننه وجاریهلرینه
متعلق جملهسنی قبض ایدوب ۰ رکاب همایونمه کوندرهسن ۰ بوخصوصده زیادهسیله
بصیرت اوزره اولوب ۰ اولیهکه اشیاسندن برشی ضایع اوله ۰ کورهیم سنی
مقیداولوب ۰ کندلهواروب وجه مشروح اوزره فرمان شریفم یرینه کتوروب
عموماً بولنان اموالی برخوش دکابنه یوللیهسن ۰ خاتوننه وجاریهلرینه
وسائر آدملرینه متعلق اولان اشیالرینه دخی زیاده تقیدایدوب ۰ مسامحه
ایتمیهسن ۰ کوزک آچهسن ۰ سپارش ایلدوکم منوال اوزره جملهسنک اموال
وارزاقن قبض ایلیه کرکسن ۰ ولولطرفکدن احواله فرمانم اوزره کرکی کبی بذل
اقتدار ایلیهسن ۰ مزبورک اوینه بلکه مقید اولورسن برشیسی تلف اولمیه شویله بیله ۰ ٥٠٥١

مصردن معزول اولان مصطفی پاشا فراردن کرو الکتورلمک ایچون خط همایوندر

سنکه قائممقام وزیرم حسن پاشاسن ۰ سنکا خط همایونم کوندریلوب ۰ مصردن
معزول مصطفی پاشا استانبولده مختفی اولمغله البته الهکتوروب ۰ رکابمه
کوندرهسن دیو تنبیه همایونم اولمشکن ۰ اهمال ومسامحه ایدوب ۰ بوکونه
دکین الهکتورمدک ۰ فرمان عالیشانمی تاخیر قیلوب ۰ انی حمایه ایتمک
سنی غضب همایونمدن خلاص ایتمیه جکینی بلمزمیسن ۰ امدی باری وجه کان
اخذ ایدوب عتبه علیهمه کوندرهسن یوخسه جدم روحیچون سنی غیرلره موجب عبرت اولورسن

مصر والیسنه خط همایوندر

سنکه مصر محافظی سنلو وزیرجلیل الاعتبار ۰ ومشیر نامدار خلیل پاشاسن ۰
سلام سلامت نمای سلطانی ۰ وپیام مسرت افزای خاقانی ایله ۰ سزاوار اولدیغن
صکره ۰ معلومک اولهکه حالیا رکاب همایونمه مکتوبک کلوب ۰ هر نهکه اعلام
ایتمش ایسک معلوم همایونم اولوب ۰ اضعاف ومضاعف دعاء خیریمه و توجه
همایونمه مظهر اولمش سندر ۰ امدی کوره یم سنی برخوشجه حکیمانه حرکت ایدوب
اکرولایت مصرک کما ینبغی انتظامی خصوصیدر ۰ واکر خزینه عامرهمک خزینه
خزینهیه وارنجه سؤال ایدوب ۰ بوقلمه سیدر ۰ واکر اموال الجدید وبقایادن
ظهور ایدن مالک تحصیلیدر ۰ واکر حرمین شریفین فقراسنک وقت وزماننده
صره وجرایهلری ارسالیدر ۰ وخزینه عامرهمی دخی وقتیله آستانه سعادتمه کوندرمهسیدر
وبالجمله نظام احوال مملکت وصیانت فقرا ورعیت هر برنده دین ودولتمه
لایق وعرض ناموس سلطنتمه ورضای همایونمه موافق اولدوغی اوزره مقید اولمق

وحالا تحصیل اولنوب کوندرلمکلک مصر سالیانهسی که التی کره یوز بیک فلوریدر
معتاد قدیم اوزره تکمیل آستانه سعادتمه ارسال ایلیهسن ۰ وشمدیه دکین
سفر همایونمه ایصال اولنان باروتدن ماعدا تحصیل اولنجق باروتی آستانه
سعادتمه کوندرهسن ۰ کورهیم سنی نه وجه اوزره عاقلانه حرکت ایدوب
رضای همایونمه موافق خدمت وجوده کتورمکه سعی ایدرسن ۰ ظهوره کلان
سعی وخدمتک مقابلهسنده انشاالله تعالی حسن توجه والتفاتمه مظهر
اولمالک مقرردر ۰ الاکوره یم مقدورک صرف ایدوب ۰ رضای همایونم تحصیلی
ایله دعاء خیرم المغه سعی ایلیهسن ۰ وحالا جبش اولان نوم لی محمد بکه
مصر سالیانهسندن اوچ کره یوز بیک آقچه عنایت واحسان ایلدم خط
شریفم ومکتوب شریفم وارد اولدقده مذکور نوم لی محمد بکه امرینی یازوب کوندرهسن
وجانب مصره دعوت ایدوب کتوردهسن ۰

مصر والیسنه خطاباً جبش پاشاسنی اخذ وارسال ایچون خط همایوندر

سنکه مصر محافظی سنلو اولان وزیرم خلیل پاشاسن ۰ معلومک اولهکه
جبشده اولان نوم لی محمد بکه مصر سالیانهسندن اوچ کره یوز بیک آقچه ویردم
دیوخبر اولنمشیدی ۰ اولخصوص برای مصلحت یازلمشیدی ۰ اصلی یوقدر همان
١١٤٠٦ مذکوری برحال ایله مصره کتورمکه تقید واهتمام ایدوب کماکان صکره آستانه سعادتمه ارسال ایدهسن

مصر والیسنه خطاباً خزینه ومهمات ارسالی ایچون خط همایوندر

سنکه مصر ایالتی عنایت اولنان وزیرم خلیل پاشاسن ۰ سنک تدارکله وعقل
وفراستکه اعتماد همایونم اولوب ۰ کلی خدمت وجوده کتورمک مأمول همایونم
اولمغله ایالت مزبوره یی سکا عنایت واحسان ایدوب کوندردم ۰ امدی
کورهیم سنی برخوشجه حکیمانه حرکت ایدوب ۰ اکرولایت مصرک کما ینبغی انتظامی
خصوصیدر ۰ واکرخزینه عامرهمک خزینهدن خزینهیه وارنجه سؤال ایدوب
بوقلمه سیدر ۰ واکر اموال الجدید وبقایادن ظهور ایدن مالک تحصیلیدر ۰
واکرحرمین شریفین فقراسنک وقتیله صره وجرایهلری ارسالیدر ۰ وخزینه
عامرهمی وقت وزماننده آستانه سعادتمه کوندرمهسیدر ۰ وبالجمله نظام
احوال مملکت ورفاه حال فقرا ورعیت هر برنده دین ودولتمه وعرض سلطنتمه
ورضای همایونمه موافق اولدوغی اوزره مقید اولهسن ۰ وحالا آستانه
سعادتمه کوندریلجک خزینهیی معتاد قدیم اوزره کاملاً آستانه سعادتمه
کوندرهسن ۰ وجانب شریفمدن سفر همایونمه مقدار باروت تعیین
وسپارش اولندیسه ۰ زیاده سیله تحصیل ایدوب ۰ معجلاً سفر همایونمه
ارسال وایصال ایلهسنه همت ایلیهسن ۰ کورهیم سنی نه وجه اوزره عاقلانه

حركت ايدوب رضاى همايونمه موافق خدمت وجوده كتورمكله نه طريق
اوزره سعى ودقت ايدرسن ظهوره كلان سعى وخدمتك مقابلنده سنك
انشا الله حسن توجه والتفاتمه مظهر اولمالك مقرردر اكاكوره مقدورك
صرف ايدوب رضاى همايونم تحصيل ايله دعا دخيرم المغه سعى ايليه سن

ايالت مصر ابقا ومقرر قلندقده صادر اولان خط همايون

سنكه مصر محافظ سنده اولان وزيرم خليل پاشاسن معلومك اولديكه
سن آستانۀ سعادتمده دارملك المكدارى واشبانۀ عزت قرارمك صداقتله
خدمتكذارى اولدوغك اجلدن حاليا ايالت مصر كماكان سكا مقرر وابقا
اولنوب مراحم عليۀ خاقانى وعطيۀ سنيۀ ملوكانهمدن بر قبضه شمشير
عدوبند مبروابكى قطعه خلعت مورث البهجتم عنايت واحسان قلنوب
ارسال اولنمشدر واروب وصول بولدقده كوركه سيف جهانكشايى
ميانكه بند وخلعت فاخرمى كند وكه كسوت سودمند ايدوب دخى
آستانۀ سعادت اشيانم معتاد قديم اوزره ارسالى لازم كلن خزينه يى
جمع وتحصيل ووقت وزمانيله تتميم وتكميل ايليوب بروجه سلامت
ارسال وايصال ايلمك بابنده بذل همت ومرف دقت ايليه سن كه قبل الوقت
داخل خزينۀ عامرهم اولوب حضور عز نمونمده خدمتك مشكور اولمى
ومكۀ مكرمه شرفها الله تعالى الى يوم القيامه نك اوزرينه مستولى اولان
اشقيانك دفع وازاله لرى بابنده دقيقه فوت ايليه سن وحرمين شريفين
اهالى وفقراسنه مفردن ارسالنى اقتضا ايدن وظايف وجراياتى وساير
ذخايرومهماتى دخى وقت وزمانيله بالتمام كوندروب دوام دولتمه خير
دعا الدرمقدرتك خالى اولميه سز انشا الله تعالى وجوده كلجك خدمتك
مقابلنده سنده نجه الطاف عليمه مظهر واعطاف سنيه مه منظور اولمالك
مقرردر اكاكوره غيرت ودقت وحميت اوزره اوليه سز

مصر خزينه سنى ارسال وايصال اولنمق ايجون خط همايون

سنكه مصر محافظ سنده اولان وزيرم خليل پاشاسن خط شريف سعادت
اليفم وصولنده معلومك اولديكه ركاب همايونمه كوندردوكك تلخيص مفهو
اولديادجليل الاعتبارك احوال وآثارينه متعلق هرنه يازمش ايسك معلوم
همايونم اولوب لكن بوندن اقدم سكا ارسال اولنان خط شريفمده مصر خزينه
رجب آينده دكين آستانۀ سعادتمه واصل اولمسى فرمانم اولمشيكن بوآنه دكين
چيقارميوب خزينه احوالنه متعلق ركاب همايونمه اعلام ايلمديكك وكوندن قلب
شريفم سكا بيحضور اولمشدر بووجهله اهمالكه وفرمان شريفمه جواب كوندرمكه
سبب وعلت نه در بوبابده مسئول اولمش سندر خزينه يه نه مرتبه مضايقه
وضرورت اولدوغن بيلورسن حالا قوللريمك مواجبه سى محتاج اولدقلرندن
غيرى بيرام مواجبى دخى ايرشوب عيد شريفه دكين ايكى علوفه ويريلمك كركدر
امدى خط شريفم وصولنده مصر خزينه سنى چيقرش ويوللانمش كوركه ديه شويله كه
چيقرش بولنميه وبا خود هنوز تكميل اولنمش بولنميه اجداد عظامم ارواح
طيبه لريچون ظرين متشاهده ايدرسن اكاكوره بصيرت وانتباه اوزره
اولوب وقت وزمانيله اولاشدروب دفع مضايقه ايليه سن وفرمانم
اولان باروت دخى بوزمانه دكين كلمك لازم ايكن آنى دخى اهمال ظاهر
اولدى امدى بر خوشجه كوزلك اچوب اكر خزينه در واكر باروتدر واكر ساير
دولت عليه مه خدمتيدر هر برينى بذل مقدور ايدوب رضاى شريفم تحصيلنه
سعى جميل ايليه سن شويله كه خزينه وباروت وقت وزماننده كلوب واصل
اوليه عذر وجوابك فائده ويرمز بلمش اوله سن اكاكوره تقيد كوستروب
تكاسل واهمالدن احتياط ايليه سن انشا الله تعالى اشبو خط شريفم وصولنده
نه وجهله چيقاريلوب ارسال اولندوغن ساير احوال ولايت ايله معا
يازيلوب ركاب همايونمه عرض واعلام ايليه سن

مصردن آستانه يه ارسالى معتاد اولان مهمات ايچون خط همايون

سنكه مصر محافظ سنده اولان وزيرم خليل پاشاسن معلوم اوله كه
هرسنه ترسانۀ عامرهم وطوبخانۀ همايونم مهماتيچون ارسالى معتاد اولان
روغن بزر واوستوبى وبز وساير مهماتى حالا ارسال اولنان حكم شريفم
موجبنجه بيقصور وقت وزمانيله مهيا ايدوب بو جانبه كلور كميلره
يوكلدوب ترسانۀ عامرهمه ارسال ايليه سن وطوبخانۀ همايونمه لازم اولان
بشيوز قنطار باروت سپاهى جمله دن مقدم ارسال ايتمكه سعى ايده سن
وسابقا فرمانم اولدوغى اوزره اسكندريه ودمياط بكلرينى واسكندريه
يه كلورين مكمل طونادوب وقت وزمانيله طونمانۀ همايونمه بندورنم
كه كلوب خدمت محافظه ده بولنه لر شويله بيله سن

امير خليفه نى اله كتورمك ايجون والى مصره خطابا خط همايون

سنكه مصرده اولان وزيرم خليل پاشاسن معلومك اوله كه سپاهى زوربه
لرندن امير خليفه نام شقى مسموع همايونم اولديكه مصره كتمشدر امدى
كوركه شقى مزبورى الكتوروب حقندن كلمسن شويله كه اهمال ايتميوب
ويا بوحال ايله قاچرمسن سنك اهمالكدن وعدم تقيدكدن بيلورم اجداد
عظامم روحيچون بوخصوصه مقيد اولمزسك والكتورمزسك سنك باشكى

بلدم بلدم دیمه‌سن • البته حقندن کلمک کرکسن • وکتدم •

امور مصریه‌ده تعقید واهتمام ایچون خط همایون

سنکه مصر محافظه‌سنده اولان وزیرم خلیل پاشاسن حالیا سن سنهٔ سعادت قرار
وعتبهٔ علیه عزّت قرارمه ارسال ایلدوکک مکتوب کلوب مفهوم عبودیت
نمونی • ولایت مصر ویمن ومکهٔ مکرمه ومدینهٔ یمن احوالیله زیاده تقید
وتفقد وترصّد اوزره اولدوغک بلدرمشسن • برخوردار عمر اولوب •
نعمت جلیله‌م سکا حلال اولسون • امدی بوندن صکره دخی وافر قوّتی بازوی
همّت وجل قدرتی بیان خمینه کتوروب آستانهٔ سعادت آشیانمه
ارسالی لازم کلان خزینه‌یی ومکه ومدینه فقراسنه نقل وایصالی
مقتضی اولان وظایف جرایاتی وسایر لوازم ومهماتی وقت وزماننده
وموسم واوانی ایله کوندرمکده بذل دقت وصرف همت ایده‌سن • وکعبهٔ مکرمه
شرفها الله تعالی الی یوم القیمة نک اوزرینه مستولی اولان اشقیانک
دفع وازاله‌سنده واوزرلرینه تعیین وارسال اولنان امرا وعسکره امداد
واعانت اوزره اولوب • ظهور ایدن احوالی عرض واعلامدن خالی اولمیه‌سن
ان شاء الله تعالی مامولکدن زیاده الطاف علیه‌مه مظهر اولمالک مقرردر
هر خصوصده قبلکی قوت اوزره طوتوب دقتده دقیقه فوت ایتمیه‌سن •

شرق سفرینه عثمان پاشا ایله اولان عسکره استمالت ایچون یازلدن نامهٔ همایوندر بموجب خط همایون

عساکر نصرت مآثرمه نصیح وپندمدر • موجبی ایله عمل اولنوب • منصور
ومظفر اولسونلر • ان شاء الله تعالی رضای رب الانام • عزّ شانه وجل سلطانه
ایچون • دین اسلام اوغورنده ایکی جهان کونشی پیغمبریمز محمد رسول الله صلعم
حضرتلرینک روح پرفتوحنه توسل ایله • جان وباش ایله چالیشان • ودین
دشمنلریله وپرشوب آلیشان غزات مسلمین • وکماة موحدین اولان غازی
قوللریمه • سلام سلامت نما ایله • دعای استجابت انتها • انها ایدوب • شویله
نصیحت وپند • وپیام سودمند کوندررم که اباء کرام • واجداد عظامم قدس الله
تعالی ارواحهم • دین یولنده نیجه غزا ایدوب • اعلای کلمة الله ایچون سبیل
غزاده بستر استراحتی کندولره حرام ایدوب • شهادته جان ویریجی وغزا
میداننه جان وباش ایله کیریجی اولوب • وعدو شکار دلاورلر ایله نیجه فتح
وظفر انتاج ایدوب • سفر ایدوب کلمک ایله دنیا واخرتلری معمور وسعی
مشکورلری مشهور اولمشدر • خیلی مدتدر که اسلام قلیجی قیننده پاصلنوب
اعدای دین • ممالک مسلمینه الدوزمغه متصدی اولوب • کفار خاکساره

انکار ویرمک شرعا فرض اولمشدر • عهد امن اولان عهدلرینی بوزمالری
کافر غزا ایتمک ناموس دین ودولته سزا اولمغین جهندن • وجاهدوا
فی الله حق جهاده هو اجتباکم • فرماننه رضاده اولوب • ولله جنود السموات
والارض • تشکرنجی سندن • مدد اولوب • اقامت فرض ایتمک وزیریمه
نجسته تدبیر ومستشار دوشیرم • بوزین کعبة الله طیراغنه وحجر الاسود
جانبنه سورمش • وغزا اردوده امک کورمش امکدار وزیر اعظم حاجی وغازی
سنان پاشا • اوغور همایون عثمانیمده • وسبیل سلیمانیمده • دل وجان ایله
جان وباش ایله قلبان غازی قوللریمدن اومد وعددن زیاده بودرکه •
قاتلوهم یعذبهم الله بایدیهم ویخزهم وینصرکم علیهم ویشف صدور قوم
مؤمنین • بشارتیله • انا فتحنا لک فتحا مبینا اشارتیله لوای ظفر التوامی
سفر نصرت اثری اعلا ایدوب • رباط یوم فی سبیل الله خیر من الدنیا
وما فیها • حدیث شریفنک مضمونیله عمل ایدوب • یعنی دین یولنده برکون
اعدا ایله مرابطه ومقاتله ایتمک دنیا وما فیهادن خیرلودر • ان فی الجنة
مائة درجة اعدها الله للمجاهدین فی سبیل الله • یعنی جنتده یوز درجه
وار در که الله تعالی اول درجاتی کندو یولنده چالیشان مجاهدلر ایچون
حاضر وآماده ایلمشدر • حدیث شریف مضمونندن بهره‌مند اولمغه
جان اتوب • کیجه‌یی کونه قاتوب • یوله کیره‌لر جناب حق تعالی نک امرینه
وحضرت رسولک بیورغنه واولو الامر اولان خلیفهٔ اسلامک فرماننه
بیون ویروب • وایدکم بجنود لم تروها • امدادیله اعدای دینی قره‌لر •
امدی سلامم وکلامم • وپند سودمند بیانم اعلم العلماء المتبحرین وارث
علوم الانبیاء والمرسلین • خواجه‌م مولانا اسعد الدین • جعله الله تعالی
من المقربین فی الخلیفتین • ایله معا عسکر ظفر مقرونمه ارسال ایتدم •
وجمیع افواج دریا امواج عساکر با ابتهاجه ایصال ایتدم • ولازمهٔ غزا اولان
الات واسباب وخیمه وطناب • وجبه وجمال • واسلحهٔ حرب وقتالی
ویردم • وسوردمکه • وکیلم اولان موحی الیه وزیر اعظمی مطاع الامر سلوب
حسن انقیاد ایله رام اولالر • ورعایا وبرایاکه ودایع رب العزتدر •
رنجیده • ویرنوردی دیلمه ایتمیوب • یمن وبرکت وبرع جلت وجعل حرکت
ایدلر که آه مظلوم خیر ایتمدیکی معلوم مدر • ومرد ارنا مذمه دخی
بیورمشم که امکدار اولوب • باش ودل کتورن غازیلره رعایت • وحسب حال
ایله خدمت ایدنلری حمایت ایدوب • حق وعدل اوزره حکومت بیسی ایله
جمله‌کز دعای خیرمه مظهر اولدیز **نظم** لطف رحمانه استنادم وار •

٥٠٩ ١٦٧

فضل حقدن نتیجه مرادم وار چونکه درست ایتمشم توکلی بند حقه اعتمادم وار
لشکر و ماله آنکا ایتمم عسکر غیبه استنادم وار اوردم که دعام اوله مقبول
کم قبولنه اعتقادم وار دخی کبیر و صغیر و جوان و پیر کوئی خدای رب العالمینه
اصمارلدم استودعکم الله تعالی فی دینکم و دنیاکم ان مولانا و مولاکم وهو
نعم النصیر وصلی الله علی سیدنا محمد و آله وصحبه اجمعین

مصر والیسنه قلیچ و قفتان کوندرلوب یازیلان خط شریف صورتیدر

سنکه مصر محافظه سنده اولان وزیرم پاشاسن سلام سلامت افزای
ملوکانه وپیام مسرت بخشای پادشاهانه مله سنی تشریف واکرام بیوردیغمدن
صکره خط همایون شوکتمقرونم وصولنده معلومک اولسونکه سنی اول
ایالته والی و حاکم نصب ایدلدن بروعهده که تفویض و حواله بیوردوغم
جمیع خدمات علیه مک اداسنده خصوصا احکام شرعیتک اجراسنده
کرکی کبی اهتمام ایدوب تمام رضای همایونمه مطابق حسن سلوک اوزره
حرکتک مسموع شریفم اولمغله سکا مزید عنایت خسروانه مدن برقبضه مرصع
شمشیر عدو تدمیر ایله ایکی ثوب خلعت فاخره مورث البهجه احسان همایونم
اولوب قولمله ارسال اولنمشدر شرف وصولنده کمال توقیر و تعظیمله
مراسم استقبال رعایت سندنصکره سیف جهانکشایی میانکه بند و خلعت فاخره
سعادت بخشایی کندوکه کسوه سود مند ایدوب مأمور اولدوغک
اوزره اکر احکام شرع شریفک اجرا اولنمسیدر واکر حرمین محترمین
اهالیسنک وظایف و جرایه لری وقت و زمانیله بالتمام کندولره ایصال
اولنوب اعلام اولنان احواللری شرعله کورلمسیدر واکر خزینه عامره مک
وقتیله مکمل آستانه سعادته کوندرلمسیدر واکر ضبط و ربط عساکر
وصیانت رعیتیدر وبالجمله اکر نظام احوال مملکت و انتظام سکان ولایتدر
واکر امور سائره در جزئی و کلی نه ایسه جمله سنی دین و دولتمه لایق و عرض
وناموس سلطنتمه موافق وجه اوزره کوروب فقرا و ضعفایه شفقت و ظلمه
وساعی بالفساد اولنلره سیاست ودائما حکومتنده شرع مبین اوزره هر
عدالت ایتمکده ترک خواب و راحت ایدوب کسه نک حددن تجاوز و تعدی
ایتدرمیه سن انشاالله تعالی وجوده کلن خدمتلرک مقابلنده سنله وقت
التفات همایونمه مظهر اولوب رعایت اولنماک مقرردر اکا کوره هر
مقدورکی صرف ایدوب رضای همایونمه تحصیل ایله دائما دعای خیرم المنه

اشبو تحریر اولنان صورتلر انشاده اوقباجی خط همایون صورتلریدر سائر
والیلره دخی بو سیاق اوزره یازیلوب راجی قلیچ قفتانه کوندرلدکجه سلام یازیلوب رسم کلدر

وزیر اعظم

وزیر اعظم احمد پاشایه و جمهور عسکره خطاباً یازیلان خط همایون

سنکه وزیر اعظم و سردار اکرمم احمد پاشاسن سنی سلام سلامت فزای خسروانم
ایله توقیر و تشریف بیوردوغمدن صکره خط همایون شوکتمقرونم وصولنده
معلومک اولسونکه حالا رکاب سعادتمآبمه تلخیصک واصل اولوب محاصره
ومترسلر خصوصنده اولان حسن تدبیر و تدارکاتک و عسکر اسلام قوللریمک دشمن
دین بد فرجامک قصد مضرتی ایله ایتدکلری لغم و ترویرات و حیله و مکرلرندن
حفظ و حراست بابنده اولان سعی و همتک و سنکله مأمور اولان وزرا و قوللریم
و روم ایلی و آناطولی و سائر ایالت بکلربکیلری و امرا و ینیچری آغاسی و بلوک
آغالری و سپاه و سلحدار و سائر بلوک خلقی و عموم اوزره ینیچری و زعما و ارباب
تیمار و بالجمله غزاة مسلمین و کماة موحدین قوللریم اعلاء کلمة الله العلیا
واظهار دین غرای سید الانبیا و اوغور همایونمده جان و باش و وجودلرین
بذل و فدا ایدوب تکمیل ناموس دین و دولت و تحصیل رضای رب العزت و تنفیذ
شریعت حضرت باهر الرسالت یولنده ایتدکلری دلاورلک و سربازلقلری
جمله سی معلوم خسروانم و خاطر نشانم اولمشدر خصوصا بفضل الله تعالی
ونصرته عساکر منصوره قوللریمک کوندن کونه ایشلری ایلرویه کلوب ملاعین
خاسرینک ایچ تابیه سی ضبط اولنوب ایچروسنه عساکر اسلام کیردوکی
و بو جمله خندق واریلوب حصاره دست رس بولندقلری اخبارکدن غایت
مرتبه محظوظ و مسرور اولوب ذلک فضل الله دیوب درکاه رب العالمینه
حمد و شکر بی نهایه ایتمشدر حق تعالی ایکی جهانده یوزکی آق و نانک و نمکی
حلال و سنی برخوردار ایلیه و سنکله معاً مأمور اولان وزرا و میر میران
وامرا و ینیچری آغاسی و بلوک آغالری و سپاه و ینیچری و زعما و ارباب تیمار
وبالجمله بو مبارک غزاده اولان عساکر نصرت مآثر قوللریمک یوزلری آق
ونان و نمکم جمله سنه حلال اولسون حضرت رب العباد همیشه تأیید
و نصرت و عون و عنایتن زیاده بر زیاده و فتح و ظفر قپولرین کشاد و قریب
الزمانده مژده خبرلری ایله اهل اسلامی مسرور و دلشاد ایدوب اعدای
لئامدن اخذ انتقام میسر و مقدور ایتمش اوله کیجه و کوندز توجه
همایون و دعای اجابت مقرونم سنک و سنکله اولان غزاة اسلام قوللریم
ایله در ونیم لازم وکالت کبری سنک اولدوغی امور جمهوری سنک
رأی رزین معقول و فکر متین اصابت شمولکه تفویض و حواله ایتمشمدر
کورهیم سنی تمام اظهار رحمت محلیدر مردانه و دلیرانه بر نوب غیرت
و تشاغل قوشانوب وار مقدورکی دین و دولت یولنده بذل ایلیه سن

وحرض المؤمنین علی القتال مضمون سعادتمونی اوزره عساکر موحدین
وجنود مسلمینی غیرت وحمیت ایله تحریض وترغیب ایلیوب هربار نصرتدن
خالی اولمیه سن دین مبین یولنده ایندیککز جهاد وخدمت عندالله ضایع
اولمیوب نخندن غیری انشاالله تعالی انواع عواطف وعنایات واصناف
الطاف والتفاتمه سن مظهر اولوب وسنکله اولان قوللرم دخی نیجه
احسان وانعامیمه نائل اوله لرین مقرر بیلوب بعد الیوم دخی سعی وهمت
وکوشش ودقیقه ادن قومیه لر واول طرفلرک احوال واخبارینی پی درپی
عساکر اسلام قوللرمک لوازمات ومهماتنه متعلق محتاج اولدقلری
خصوصلر ایله رکاب همایونمه عرض واعلام ایلیه سن سنی وجمله عساکر
نصرت انجامی جناب حقه امانت ایلدم والسلام

قرص سفرندن عودت اولندقده شام بکلربکیسی حسن پاشایه استمالت نامه در

الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین وفوض الینا مقالید ومصالح
المسلمین ونفذ عن ائمتنا الماضیة القائمة علی اقامة دعامة الدین واعز
باعزاز المهتدین وایدنا بسلطاننا غزاة الموحدین والصلوة والسلام علی
سید الانبیاء والمرسلین خلاصة الماء والطین حبیب رب العالمین محمد
صادق الوعد الامین وعلی آله وصحبه اجمعین اما بعد سنکه شام بکلربکیسی
حسن پاشاسن معلومک اولاکه بو سال فرخنده فالده رهنمون اقبال
ملک ذو الجلال ایله انشاء فرمان لازم الاجلال ده اهمال اتموب ذمت
همتکه تحویل اولنان خدماتی تکمیل وبو اقلیمی تحصیل ایندوکلک سده
علیامه معروض اولوب سعی بیدریغک مشکور ونامک دفتر نیکنام
عباد التفات اعتنادم سلکنده مسطور اولمشدر سزاوار عواطف پادشاهانه
ومستحق مکارم ملوکانه اولمشسن جریدهٔ اعمالکه رقم اقبال مرقوم ابانک
رسوم نیکنامی ایله مرسوم اولمشدر لوای دولت التواکه منسوب اولان
امرا وسپاه قوللرم که مقتضای تربیت سلطنت ایله معنی اوغلانلرمدرلر
یوزلری آق اولسون حمای اسلامی حمایت کامله سیله محمی ومصون وسیوف
غزاتی کلید فتح قلاع وحصون ایدوب شمدنکیرو دخی کرکدرکه غیرت کمرین
محکم قوشانوب اول غوره یونمش جان وباش ایله چالیشوب بدخواه
دین ودولت وکراه مذهب وملت اولان کروه مکروه بر علتدن حرکتدن
خالی اولیوب مکر وفتنه راهنه سلوکلری مقرر اولمغین متیقظ وآکاه
بولنمق لازمدر هرچند که متاعب ومشاق سفر ثابت ومقرردر اما
مشقته تحمل ایدوب غبار سفر سرمهٔ بصر ایلینجه مشاهدهٔ جمال شاهد آمال

میسر

میسر اولمز وتعب ورنج کشیده اولمز جادهٔ طلب مشاقنه صبر
ایتمینه سعادت پیشگاهنه کیرمز وبادیهٔ تعب ریکنه تحمل ایتمین جمال
کعبهٔ مراده تجلی سنه ایرمز بیت غبار فتنه یی قیلیجیه تسکین
کرکدر صف شکنلر تیغی کسکین بسالت اهلنه کسالت روا اولمدیغین
بیلوب بأس شدید وسیف حدید ایله دشمنی تأدیب اوزرینه عزم
جدید ایچون آماده وحاضر ومأمور اولان قشلاق قلاع جمعیتله صدور
فرمانمه ناظر اولوب اهل وعیال الجابیله اوطان واستراحت آرزوسیله
جمعیتکزدن پریشان اولمیه سز وسردار شهامت شعارم جانبینه
حکم همایونم ایله اشعار اولنان قشلاقده آرام ومخالفت امرینی نفسکزه
حرام ایدرسز اول طایفهٔ ضلالت پیشه مذهب باطللری اوزرینه
یکدل ویکجهت اندیشه اولوب اتفاق وارتفاق اوزره اولدقلری سز حق
اوزره ثابت ومذهب صحیح اوزره ثابت ایکن اراکزده اختلاف وترک
موافقت وایتلاف لایق اسلام دکلدر دنیا وآخرت سعادتی رضای
خاطر عاطرمی کوزتمکدر ودست وبازوی رماح وسیوفله تعمیره محتاج
اولان اموری دوزتمک ایدوکی اهل عقله روشندر العیاذ بالله تعالی
ملاعین فرصت بولیجق قصد ایدن جکلری محللری مکر دکلمیدر آنلرک
کوز اچدرمق وفتنه شرارهلرین مملکته صاچدرمق عقلا اینجه
وخردمندلر روشی دکلدر بو تنبیهدن مقصود بودرکه بر قاچ کونلک
آسایشی واندک بقا آرایشی اوزلیوب وطن مألوف جانبن کوزلیوب
غافل ودشمن مکرندن ذاهل اولمیه سز که غفلتک عاقبتی وخیم واهمالک
مآلی عقیمدر عروق ونفاکری فراوان ایدرسزکه دنیا وآخرت تحصیلنه
وسیلهٔ جزیله ولینصرن الله من ینصره نویدندن امیدمز واثق وفضل
حقله نسیم توفیق سفینهٔ پرسکینهٔ آرزوموزه موافقدر همت توکل
حقه توسل ایدوب امداد رب العباده استناد ایدرسز که نتایج حسنی
بعون الله تعالی شاهد اولنه صدق حمیتکزی کورم صون الهی وعون
روحانیت رسالت پناهکزه ودعا وهمتم همراهکزدر بیت
خدایا ورد محمد راهبر هدایه سزی ایرلدم لطف خدایه

وزیر اعظم محمد پاشا ابازه نام شقینی قیصریه ده بوزدوب انهزامینی در دولته عرض ایتدکده موجبنجه حکمدر سنه ١٠٤٢

وزیر اعظم محمد پاشایه حکم که حالا سعادتمه مکتوب کوندروب
ابازه نام بد اصل بی دولت وشقی ناپاک خلقت بودکلو فساده نصکه

مظهر انواع لطف وعطا ودا خل دار الامان مضى ما مضى قیلنوب شاید
قابل اصلاح وماٸل فوز وفلاح اولهٔ دیو نصیحت نامه لر کوندریلوب
اصلاح طاٸفتین حقنده شرف نزول بولان آیات حکمنی اجرا و ذمتکزه
لازم اولان سعی بالمصالحه فریضه سنی اسقاط وابرا ودفع شماتت ساٸر
اعدای بدرای ایچون دیو جانب صلحی جنك وجداله ترجیح ومنافع وفواٸد
شا بعنی وموافقتی نصوص قاطعه دلالتی ایله کندولره تبیین وتوضیح
ایدوب وساوس شیطانیه ایله دوشدوکی چاه ضلالتدن کندولرین تخلیص
مراد اولندقجه وان انت اکرمت اللئیم تمردا وفقنجه احسانه مقابله سنده
صورت آساءت وسمت اطاعته دعوت اولندقجه هیئت عصیان ومخالفت
کوستروب بودکلو نصیحتلر اول قوم شومك قلوب قاسیه لرینه اصلاح اثر
وهیچ بر بیرینه دنیا واخرت عذابنه مظهر دوشمدن خوف وحذر ایتمیوب
باننده اولان جمله اصحاب شقاق ونفاق مع الاتفاق عساکر اسلام ایله
مقاتله ومحاربه یه مباشرت وجنك وجداله مبادرت ومسارعت کوسترملریله
بر وطرفدن سزدخی فان بغت احدیهما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی حتی تفیٔ
الی امر الله امرینه امتثاله لیل ونهار دیمیوب اولنده واوغورده یوغمیوب جانه
وباشله چالیشان براد قوللرم وسمند دوار نارجنك وپیکار دن
فرار ایتمز چابك قوللرم ایله صفلر بغلیوب اشقیای مزبورك آلای بخت
اثار وجمعیت هزیمت شعارلرینه قرشو واروب جبلتکزده مرکوز اولان
شجاعت وشهامت علامتن آشکار وبسالت وجلادت مراسمن اظهار
ایدوب اولوقت موعود وزمان مسعودده موجود دیوللرده آتی آتی
سورنیوب السابقون السابقون اولٸك المقربون عدادندن معدود
اولان وفود ظفر ورودمك صغیر وکبیری وجوان وپیری الکو بکار
بکار وبکار قوللرمدر والکو یکیچری اغاسی والتی بلوك اغالریدر والکو طواٸف
مزبورهٔ تك کتخدالری وکاتبلری وچاوشلری واوجاق اغالری وبالجمله
نعمت هما یونمله پرورده اولان عموماً بلوك خلقی ویکیچری یولداشلری
وساٸر متفرقه وچاوش وکاتب وزعما وارباب تیمار وطوبجی وجبه جی
طاٸفه سی هر بری محل معرکه ده سوکلی حاضر وآماده وقبل وبعد ویمین
ویسارکزده بوللو بولنجه صف کشیده وقرارداده اولوب درونلرنده
اولان مردلك ویرادلقلری عیان وادلك ودلاورلکلری نمایان
ایتمکه باشلیوب اوته طرفده اولان اشرار اصحاب نار که اول لا مرم
انکارلری وطرق بغی وفساده اصرارلری دلیل کفارلری اولمشدر

ان الکافرون الا فی غرور مدلولنجه باغیلرینه جمع اولان خذلهٔ مقهورینك
کثرتنه مغرور اولمغله اوزریکزه هجوم ایله قصور قومیوب لکن آیهٔ کریمهٔ
ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص نقی
شریفنه استناد ایدن قوی بنیاد قوللرم ومن یتوکل علی الله فهو حسبه
ان الله بالغ امره مدلول لطیفنه اعتماد کوسترن صحیح الاعتقاد عسکرم
بربرینه عزت وبرمکله صفوف مرصوصه لری مانند سد اسکندر و
ضرب شمشیر دشمنده هر بریکك سینه سی برسکینه سینه برآهن سپر اولوب
هجوم وحملهٔ اشقیای بادپیمای دفعنده نصکره نوبت ضرب کندولره
راجع اولدقده ملهم غیبیدن وایدهم بجنود لم تروها وعدشریفی
کوشجان اسلامیانه مژده رسان وکذلك نفعل بالمجرمین وعید
شدیدی اول جهنمیلرك درون ناپاکنه شراره فشان اولوب اولدساعت
معرکه ده بر وطرفدن اتلان طوب وتفنك آتشبار صاعقه کردار
دخی برج وباروی غرورلرین شکست وقامت وقوت بازولرین پست
ایلیوب غزاة نصرت آیات وکماة ظفر رایات دخی بوحال اثناسنده
ارلك وبهادرلك کوستروب ضرب شمشیر مرك تاثیر ایله اول ملاعیندن
نیجه بیلو باشلو رتبی اشقیا اولان باغیلری هلاك ونیجه سرکشیلری
جبال الضلال اولان باغیلری هلاك ونیجه سرکشیله جبال الضلال اولان
طاغیلری انداختهٔ روی خاك ایلیوب ملعونلری کوز اجدیروب دفعهٔ
واحده ده هجوم ایتملریله بلطف الله الملك المعین اول شیاطین ضلالت
قرین من یخابر آسه فقد بیع مضمونی اوزره اختیار فرار ایدوب المحاصله
حدودن متجاوز اشقیا واشرار تیغ آتشبار غزاة نصرت دثار ایله واصل
عذاب نار ومأویهم جهنم وبئس القرار مهلکه سنه کرفتار اولوب
جناب رب العزت عساکر اسلامه انواع فتح ونصرت میسر واول خاٸنلر
مخذول ومدمر ایلیوب اردوی منحوسلرینه بولنان جمله اموال وارزاق
وچادرلرین وقلاع منصوره دن جمع ایتدیکی طوبلری الوب انواع یوز
آقلقلری نصیب اولدیغنی بیلدرمشسز برخوردار اولهسز ایکی جهانده
یوزیکز آق اولسون حقکزده اولان حسن اعتقاد واعتمادهما یونمی
تمام یرینه کتورمشسز بنم دخی سزدن امید ایتدیکم شجاعت وجلادتی
بوایدی که وجوده کتوردیکز بوبابده اکرسزلك اکر اولجنکده بانکزده
بولنان عساکر نصرت مآثرمك صغیر وکبیرینك خدمتلری غیر منظور
قایض النور من مشکور وموجب احسان غیر محصور اولمشدر داٸما دعای

خیر اجابت قرینمی شامل حالکز وسفرده وحضرده حسن توجه همایونم رهین
آمالکز اولدوغنه شبهه ایتمیه‌سز • آمدی بو بابده وجوده کتوردوککز •
تدبیر وتدارککز مستوجب عواطف علیهٔ پادشاهانه • ومستلزم عوارف
ملوکانه‌م واقع اولمغین • حقکزده مزید عنایت بی‌غایت خسروانه‌م ظهوره
کتوریلوب • خلع بهجت آیات موجبة المسرّتدن ایکی ثوب خلعت فاخره • ولباس
فاتحة الاکناف مرصّع غلاف قدن • بر قبضه شمشیر ظفر وتدبیر ارزانی قلنوب
ارسال اولنمشدر • بیوردم که وصول بولدقده خلعت فاخره وکسوهٔ باهره‌می
انواع تعظیم واکرام ایله استقبال ایدوب آلوب کیه‌سن • وشمشیر ظفر
تأثیری امید فتح ونصرتله قوشانوب فیما بعد دخی جبلتکزده مرکوز اولان
مردلک آثارین • مع زیاده وجوده کتورمکه مردانه حرکت ایدوب • اظهار غیرت
وحمیت ایله‌سز • بو جمله مذاهب وملّلدن خارج اولان خاین دین وبدبخت
ابتدا قزلباش کفرفاش حرکتنه باعث اولوب • دشمنه موجب تقویت اولدیغندن
غیری • حالا دخی غزاة مسلمین • اشدّ اعدای دین • واغلظ دشمنان جهان
بادکوبی • اوزرینه عزیمت ایتمشلر ایکن • بولنجه کلوب خباثت درونن
اظهار ایتمکله • حالا اول جانبه دخی زیاده تقیّد کوسترلمک اقتضا ایتدی
حق تعالی جمیع امورده معین وظهیرکز • ویار ودستکیرکز اولوب • هر نه
جانبه توجه کوسترسکز توفیقی رفیق • وعون وعنایتی رهبر طریق
ایلیه • اصل سفر همایونمدن مراد شریفم • افضل المجتهدین • اکمل المحققین
عماد بیت دین امام اعظم همام اکرم • رضی الله عنه حضرتلرینک • مقامنی
قزلباش بدمعاش تسلطلرندن انتزاع ایلمک ایدی • کوره‌یم سزی کیرو
وارقوتی بازویه کتوروب • امرای اعراب واکراده دائما استمالتلر ویروب
وبصره ولحسا طرفلریله حسن معامله‌دن خالی اولمیوب • بکلربکیلرینک
وعسکرینک تقویت قلبلرینه سبب اوله‌جق حسن تدارکلر ظهوره کتورمکه
اقدام ایلیه‌سز • شویله بیله‌سز •

بو دخی مشار الیه محمد پاشایه وقعهٔ مزبوره خصوصنده خط
همایون موجبنجه استمالت نامه‌در

سزکه سفر نصرت اثرمده • صدر اعظم وسردار اکرمم • پاشا بنم خدمتمده
ویولداشلقده بولنوب • اباظه نام عاصینک جنک وانهزامنده جان
وباش ایله چالشوب • غزاده بولنان مردلک واریلک میداننده دشمنه
کوز آچدرمیوب • انواع یراریقلر ظهوره کتورت یکیچری قوللرم سز •
وآغا کتخداسی وکاتب وچاوش وسائر اوجاق اختیارلری قوللرم سز • جمله‌کز

سلام سلامت رسانمی • وخیر دعای اجابت انجامی • ارسال ایدوب تفقدات
شاهانه‌م ایله اضافت مکارم بی‌کرانه‌مه رهین قلندوغکزدنصکره معلوم
اولسون که حالا تأیید عنایت رب العالمین • وامداد واعانت سید المرسلین
علیه افضل الصلوات والتسلیم ایله عامهٔ عساکر مسلمینه سردار ظفرکردارم
وجانب همایونمدن جمله‌کزک • اوزرینه سپهسالار جلیل الاعتبارم •
اولان دستور اکرم مشیر افخم نظام العالم ناظم الامم • ممهد بنیان الدولة
والاقبال • مشید ارکان السعادة والاجلال • مرتب مراتب السلطنة العظمی
مکمل ناموس الخلافة الکبری • اعتماد الدولة العثمانیة • اعتضاد المملکة
الخاقانیة • وزیر اعظم محمد پاشا • ادام الله تعالی اجلاله • ورادع عزم واقبالی
سلم سعادتمه مکتوب کوندروب • مضموننده • مذکور اباظهٔ بدّاصل
بی‌دولت • وشقی خاین ناپاک خلقت • درون خباثت مقروننده جمع
ایتدیکی کید ومکردن فراغت • ومظهر اولدوغی خیانت واساءتدن
توبه وانابت کوستریوب • بو طرفدن عساکر ظفرمآثرمله مأمور
اولدوغکز • قزلباش بدمعاش سفرینه متوجه وروانه اولورکن • قیصریه
نام محلده شقی مزبور جمله یاننده اولان لوندلر شقاوت آیاقی ایله
اوزریکزه کلوب • جنک وجداله مباشرت • وعساکر موحدین ایله
مقابله ومقاتله‌یه جرأت کوستروب • اطرافنه جمع اولان اجناد
شیاطین نهایتده کثرت ووفرتنه مغرور • ومصداق مضمون شریف
ان الکافرون الا فی غرور اولوب • دفعاتله یوریشلر • وعظیم سعی و
کوششلر ایلیوب • لکن اولو الامره بغی وخروج ایلین زمرهٔ منافقین
دائما کسر وهزیمته قرین • وخلیفة اللهه متابعت وانقیاد کوسترن
عساکر مسلمین • هر بار فتح ونصرته رهین اولمغله • عطیهٔ ربانیهٔ جناب
رب العالمین • الا ان حزب الله هم الغالبون • سزی اشکار رعنی وبتکم
انک بهلات عدوکز • مژده‌سی ماورای غیبدن ظاهر وپیدا اولوب •
جمله اول معرکه‌ده موجود بولنان برادر وجانده سپاه چاکرلرم • ونجات
بیشه سنان شیرلری اولان • عموما الحق بلوک خلقی قوللرمله • بر دفعه
اول قوم خاسرین اوزرینه هجوم اولندقده • بلطف الله الملک المنان
جمعیت باطله‌لری پراکنده وپریشان • وآن واحده‌ده نیجه بلو
باشلو اشقیاسی خاک یکسان قلندوغی محلده • هر بریکزده انواع
مردلک ودلاورلک آثاری نمایان • وجمله‌کزدن فوق الحد • غیرت وحمیت
لوازمی عیان اولدوغنی • مشار الیه سردار عالیشان اعلام واعلان •

ایلمش برخوردار اوله سز بوزیکز آق اولسون دائما قلیجکز اعدای دین ودولته کسکین وآب شمشیر عدو تدمیرکز غبار فتنه وفساده باعث تسکین اولمقدن خالی اولمیه دعای خیر اجابت اثرم دائما سزکله همراه وامرمه مطاوعت وسردارمه متابعتکز نیم سیله مدام رفیق وقرینکز وما النصر الا من عند الله آبا واجداد عظامم انار الله تعالی براهینهم زماننده نیجه اولو غزالرده بولنمش ونیجه عظیم قلعه لر فتحنه باعث اولمش برار ومستقیم قوللرم ایدوککز مسموع ومعلوم شریفم اولمشدر کورم سزی اصلح دین ودولتک عدوی باکلدی وابا عن جد خاندانمک اشد دشمنان مکیدت صفاتی اولان قزلباش دفعه ونشاه عباس ضلالت سنلری رفعنه دخی نه طریقله مردانه ودلیرانه غیرت کوستروب بو مرتبه ده شکست وهزیمته کرفتار ایلدیکز سزلک دخی بیوککزه وکوچککزه واوجاغکز اختیارلرینه وعواقب امورده خبردارلرینه فرض عین اولان بو موهبه الهیه نک شکرین اونتیوب وبو فتح ونصرتی کندو قوت وقدرتکزدن قیاس ایتمیوب محضا جناب رب العزة حضرتنک کندو کرم واحساننددن بیلوب وبنم رضای همایونم وسردار عالی مقدارمک امرینه مطیع ورام اولوب یکدل ویکجهت اولدوغکز طریقه دن انکلایوب شمدنصکره دخی هر بابده رضای شریفمه تابع اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم کلام شریفی جانب وکوکلدن سامع اولوب قزلباش بدمعاشدن بلطف الله الملک العلام اخذ انتقام سعی واهتمام ایلیه سز وکتدوککز یرلرده فقرا ورعایایه تجاوز وتعدیدن اجتناب واحتیاط صیانت رعایا ایله اکتساب ثوابی بی حساب ایلیه سز که دائما حصول ظفر وفتح بجز ومساکینک خیر دعاسنه مربوطدر واوجوز ومخلصات اصحاب زراعتک واهالی مملکتک فراغ بالارینه منوطدر خدای عز وجل جمله کزی صداقت اوزره قوللوغکزده ثابت قدم ایلیوب همیشه رضای همایونمه متابعت ایله اوجاغکزی معمور وسردار ظفر کردارمه واغاکزه موافقت ایله نامکزی مخلصین فی الدین اولان غزاة ومجاهدین دفترنده مذکور ومسطور ایلیه جمله کز حضرت اللهک حفظ وامانننده اولیه سز همت رجال الله ظهیرویناهکز ودعای خیرم هر یرده همراهکز اولوب اعدای دین ودشمنان بدکردار کریبه اوزرینه دخی منصور ومظفر ودائما فتح ونصرت ایله مسرور ومستبشر اولیه سز بالنبی المختار وآله وصحبه الاخیار

سلطان مرادخاندن شرق طرفنه سردار اولان سنان پاشایه استمالت نامه دور

الحمد لله الکریم المنعام الذی ایدنا بالسیف والسنان وجعل عزمنا الماضی لقطع مواد الفساد ومعطوف العنان واجلسنا علی سریر العدل والامن والامان ومد ظل سلطنتنا علی بلاد اهل الایمان ومهد مهد امننا للامانة من فتن الزمان والصلوة والسلام علی سیدنا محمد واضح البرهان الذی انزل فیه القرآن صلی الله علیه وعلی آله وصحبه فی کل وقت وآن

وبعد سنکه سپاه نصرت پناهک سرداری واجناد جهاد اعتیاد ظفر دستکاهک سالاری وزیر دلپذیر ومشیر مشتری تدبیرم سنان پاشاسن کشورگیر وقلعه کشاسن شویله معلومک اولورکه سنی واول دلاوران جانبی ایله بونان ورضای سعادت اقتضامی جویان دلاوران عرصه رزم کنان وهزبران معرکه سربازی یعنی غازی فولادرمی حضرت رب العالمین جل شانه نک فضل ولطفنی سکا قوشدم ودین ودولت وملک وملت دشمنی اولان قزلباش بدمعاش شقی ایچون کروه کروه لشکرگاه باشکوه صوبنه روانه ایتدم واسباب جنک وپیکاری آماده وزاد وزواده لرین طلبدن زیاده ایدوب لوازملرین مهیا ایلدم تا فراغ خاطرله عسکر نصرت پیکرمله حاضر وهر خصوصده رأی مصلحت پیرای مملکت آرا که تابع وناظر اوله لر شمدیه دکین صیانت بیضه دین مبین ده ید بیضا کوستروب حمایت حمای اسلام ورعایت ننک ونام ایدوب خدمات لازمه دن روکردان اولمدقلری معلوم واوغورهمایونمده باش وجان فدا ایتمکدن ابا ایلدکلری دخی مفهوم اولمشدر یوزلری آق وقلیجلری کسکین وبراق اوله وحضرت حق جل وعلا انلری حمایت شامله سیله محمی ومصون وسیوف غزاتی کلید فتح قلاع وحصون ایده شمدن کیرو دخی کرکدرکه غیرت قوشاغین محکم قوشانوب اغورهمایونمده جان وباشه قالمیه لر وبدخواه دین ودولت وکمراه مذهب وملت اولان کروه مکروه پر علتک جمعیت حرکتندن بر کتدن خالی اولمیوب مکر وفتنه راهنده سلوکلری مقرر اولمغین متیقظ وآکاه ونا هموار منهج انتباه بولنمق لازمدر هرچند که متاعب ومشاق سفر ثابت ومقرردر اما مشقته تحمل ایتمینجه ملاحظه جاه وجلال میسر اولمز وغبار سفری سرمه بصر ایتمینجه مشاهده جمال شاهد آمال جلوه نما اولمز بی رنج وسیر کنج ونعمت منصور اولمز جاده طلب مشاقه مراتبی

سعادت بیتکاهنه کیرمز **بیت** غبار فتنه‌یی قهاغله تسکین ایکوکدر
صفشکنلر تیغی کسکین • بسالت اهلنه کسالت روا اولمد وغیرت بیلوب •
بأس شدید وسیف حدید ایله • دشمن بی تاپیدا وزرینه عزم جدید ایجون
آماده وحاضر • وسردارمکرمه نظر انقیاد ایله ناظر اولوب • مخالفتی
نفسلرینه حرام • ومیدان وغاده استجهادی • تنددوخرام ایدرلرکه •
سایهٔ شمشیر • سرمایهٔ استراحت ایدوکنه • الجنة تحت ظلال السیوف شاهد
معروفدر **بیت** کیمکه استرکه اوله جنتکه جا • سایهٔ شمشیرده ایتسون
التجا • اولمیه‌که اول قوم شوم ضلالت پیشه • مذهب باطلری اوزره بکدل
ویک اندیشه اولوب • بو جانب حق اوزره ثابت • ومذهب صحیح اوزره ثابت
ایکن • اراکرده اختلاف • وترک موافقت وائتلاف • لایق اسلام دکلدر •
دنیا واخرت سعادتی • رضای خاطر عاطرم اوزره عرض اصحاب کرینی
کوزتمکدر • ودستیاری رماح وسیوفله تعمیری محتاج اولان اموری
دوزتمکدر ایدوکی • اهل عقله روشندر • العیاذ بالله تعالی ملاعین
فرصت بولیجق نه قصد اینجکلری معلوم دکلیدر • نه اسلام ونه شفقتلر
نه انصاف ونه مرحمتلری واردر • خانه‌لر یاقیجی وودمانلر یقیجی
بر قوم مذموم ایدکلری مفهوم دکلیدر • انلرک کوز آچدیرمق وملکک
ایچره فتنه‌لری نثر اره لرین صاچدیرمق • عقلا ایشی وخردمندلر
روشی دکلدر • بو تمهیددن مقصود بودرکه • برنجه کونلک آسایشی
واندک بقا آرایشی اوزلیوب • وطن مألوف جانبنه کوزلیوب •
غافل • ودشمن مکرندن ذاهل اولمیه سزکه غفلتک عاقبتی وخیم •
واهمالک مآلی عقیمدر • عروهٔ وثقای توکله دست استمساکی مستحکم
ایدوب • بو ذاقلغی تحصیلنه سعی فراوان ایده سزکه • دنیا وآخرت سعادتنه
وسیلهٔ جزیله‌در • ولینصرن الله من ینصره • نوید ندن امیدمز واثق
وفضل حق ایله نسیم توفیق سفینهٔ پرسکینهٔ آرزومزه موافقدر •
همان توکل حقه توسل ایدوب • امداد رب العباده استناد ایده سز
که نتایج حسنه‌سی باذن الله تعالی مشاهد اولنه • وصدق عزیمتکزد
کوره • صوت الهی بنا هکز • ودعا وهم همراهکزدر **بیت**
خدایار د مجید راه هدایت :. سزی اصمرلدم لطف خدایه :.

دیاربکر بکلربکیسی درویش پاشایه شروان فتحنده یازیلان استمالت نامه‌در

الحمد لله الذی اعز جنده • وهزم الاحزاب وحده • وایّد بالملا نکة
المؤمنین رسوله وعبده • سیدنا محمد الذی لا نبی بعده • صلی الله علیه

وعلی آله

٣٢٨

وعلی آله وصحبه الراغبین عهده • وبعد سنکه دیاربکر بکلربکیسی
درویش پاشاسن • ضمیر پاکیزه در که • روشن اوله که • حاشا افشای
قزلباش المؤمنین ابدک بی دین • وسب شیخین ابدن ضلالت آیین نقوش
١٢٥ مذهب باطلری تجدید • واذیت مسلمین ایجون لشکر هزیمت اثرلرین
٤١٧ مستعد اولوب • اطوار بیهوده • واوضاع معهوده ومردوده لرین ظهوره
کتوردکلری جهتدن • ودفع فتنه لرینه مستعینا بمالک الرقاب تعالی شانه
تهیهٔ اجناد بی حساب • وتجهیز رایات ظفر انتساب ایدوب • تأیید الهی
ایله بخلوص النیة جنود اسلامه روانه قلوب • خبر خیره منتظر • ونصیر
ومعین دن جل جلاله مستنصر ایکن • قاصد خجسته لقا پیام بشارت نما ایله
کلوب • سردار شهامت شعار • وسپهدار صاحب اعتبارک عرض کتوردی
جالدرنام محلده تقابل فریقین • وتقاتل فئتین واقع اولوب • دلیران عرصهٔ
هیجا • وشیران بیشهٔ وغا • شاه روبا غوغایه • فوق الغایه هجوم ایدوب
مرجوم وش • شهاب ثقاب ایله • اولجیش خراب جموعنی مشوش • واولک
بهیمه صفتلری همیشه اتش • ابدکلری حینده عرصهٔ کشاکشده • سنک دخی
وفود مردانکی • ومزید فرزانکی اقتضاسیله غیرت قوشاغین • میان همته بند
وشیرانه مجمع اعدایه هجوم ومردانه نبرد ایدوب • میان میدانی پرکار • وبند
اندیشانی پریشان وتارومار ایتمکچون • باد صرصر کبی اسوب • ونیچه آوباش
باشنی کسوب • عزم تیز ایله ستیز ایلدیکک • وحمایت حادین ایچون غیرت
وادی غورها بونمه خلوص نیت ایله اظهار جلادت ایتدوککه • سریر خلافت
مصیره عرض اولندقده سعی جمیلک مشکور • وجد وجهدک نظر قبول وامتحان
ایله منظور اولوب • توجه ضمیر منیر پادشاهی حقکده مضاعف ومزداد
والتفات مسرت غایات شهنشاهی شانکده فوق المعتاد اولمشدر •
بوزلک آتی قلیجک کسکین وبراق اوله • من بعد دخی دلیرانه جنبش وعنصر
کشاکشده کوششدن تقاعد ایتمیوب • فضای هیجاده جابجا • وودیاسی
وغاده مانع ایتمکدن نا عدا اوزره اولمیوب • غزا ایولنده سر وجانکی
فدا قلیجی • وخون دشمنی تیغ بی دریغ ایله غدا قلیجی • قلیجی ترابک • وتیری
پرانک قوللرم • وبرار وجان سنان جاکرلرم ایله چاپشوب • میدان
جنکده دشمن دینکه تنک • وتیغ خاکیلرینی پرخدنک • ایتمکه آهنک
ایده سز • واول دائرهٔ شرع ودستنی بدن ودخی عهد اولان کروه مکروه
ضلال دماسنی اراقه شرعا حلالدر • ایدوکنی اشتبا دایتمیوب • اصحاب
کرینی رضوان الله علیهم اجمعین • انتقامنی المدایچون سعی بلیغ وجد

بیدریغ ایدوب • بو تیغ برفروغ اسلامیه دست ظفرجند موحدینی
دراز ایتمکه دوربینه بن • ومقابلهٔ اعداده دل وجان ایله چالیشن سن
کم عون خدای تعالی پناهکز • وروحانیت سید انبیا همراهکزدر • بارگاه
احدیتدن نیاز واستدعامز بودرکه • توفیق بدرقهٔ طریقکز اوله • وجوه
برجودی قلب عسکر ظفر پیکرده حاضر • ومجاهدهٔ لشکر دشمن اندازه ناظر
مثابه سنده عنایتم سز • ورای وهم وهراسی سد ایدوب • غیب صورته
جهتندن بوجانبی تفاصیل احوالکز استعلامندن غافل صانمیه سز امکان بحر
فراموش • وزبان احسانم حقکزده خاموش اولمز • همان استیصال اعدای
دینه عازم اولوب • ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء
عند ربهم یرزقون فرحین بما آتاهم الله من فضله • مضمون مسرت نمونیله
جازم • وعلی الله فلیتوکل المتوکلون • مقامنده برقرار اوله سز •

وزیراعظم حافظ احمد پاشایه خلعت واستمالت نامه در

سن برادر وصداقت شعار • وحرم محترممده نشو ونما بولمش امکدارم
اولوب • خدمت علیهٔ خسروانه مه تعیین اولندن برو • دین ودولت
ابد پیوند • وعرض وناموس سلطنتمه متعلق وجوده کتوردیکن خدمتلرک
حقکزده حسن ظن پادشاهانه مه بادی • وتضاعف توجه شاهانه مه
مبدی • اولدوغندن غیری • بو دفعه سردار سابق متوفی محمد پاشادن
صکره • قشله قدر بولنان عسکر ظفر رهبری • وینکیچری قوللری
وخزینه وسائر مهمات سفر نصرت اثریمی • وقت وزمانیله فالدوروب
حالا عسکر نصرت پیکرمه سردار وسپهسالار اولان • دستور اکرم مشیر
افخم نظام العالم ناظم مناظم الامم وزیراعظم وسردار محترم حافظ
احمد پاشا ادام الله اجلاله یه دیار بکرده ایصال ایلمکین وجوده کتوردیکک
خدمتلرک • وینکیچری قوللریمی غزا وجهاد ودین ودولتم خدمتلرنده
سعی واجتهاد بولنمز سود وارشاد ایلیوب • فتح وتسخیری اقصای مرادم
اولان دار الخلافهٔ بغدادک تخلیصنه کوشش واهتمام • وتقید مالا کلام
ایلدیکک • مسامع علیهٔ خسروانه مه القا اولنمغین • شانکزده حسن ظنم
متضاعف ودعاء همت پادشاهانم متزاید ومترادف اولوب • توجه خاطر
فیض مآثرمه مظهر اولمش سندر • برخوردار اوله سن • نعم جلیلهٔ پادشاهانمه
سکا حلال اولسون • بو بابده وجوده کتوردیکک خدمتلرک • مستلزم
عنایت وعاطفت اولمغین • مقابله سنده عطیت ملوکانه م • ومزید
رعایت خسروانم • ظهوره کتوروب • خلع فاخرهٔ پادشاهانه مدن

سکا ایکی ثوب خلعت مورث البهجتم عنایت واحسان ایلیوب • ایصال و
تبلیغی ایچون فلان ارسال اولنمشدر • بیوردم که وصول بولدقده تبجیل
واحترام ایله استقبال ایدوب • تعظیم واکرام ایله کسوتی باهرم می آکوب
کیوب • مأمور اولدوغک وجه اوزره خدمات علیهٔ سعادت نمونم
واوغور همایونم عزت مقرونمده • بذل مقدور وسعی موفور نا محصور
ایلیوب • مشار الیه وزیراعظم ووکیل اکرمم • حافظ احمد پاشا ادام الله
اجلاله • مناسب کوردوکی اوزره جمله ینکیچری قوللریمی غزا وجهاد یولنه
تحریک • ومراد همایونم اولان دار الخلافهٔ بغدادک فتح وتسخیرنه دقت
ایلیوب • بعون الله وحسن توفیقه بو سنهٔ مبارکه ده اول بلدهٔ متبرکهٔ
آبادی دوافضدن تخلیصنه سعی واقدام وجهد مالا کلام ایلیه سز •
اقصای مرادم بغدادک فتح وتسخیریدر • ان شاء الله تعالی فیما بعد
وجوده کلجک خدمتلرک مقابله سنده سنلره نیجه انواع رعایات علیهٔ
خسروانه مه مظهر • واقصای مراد فؤادک حصولیله موصول اولمسنی حظه ایلیه سن •

وزیر حسن پاشایه سردارلق ایله بیورن محافظه سنده ایکی خلعت ایله امر شریفدر

سن برادر ونامدار • وامکدار واختیار • وزیر جلیل الاعتبارم • وحرم محترم عاملده
نشو ونما بولمش وکیل قوی الاقتدارم • اولمغله عموما اول سرحدلرک
امور جمهوری • رای رزین وفکر اصابت قرینکه حواله وتفویض
اولنوب • استحکام واستقرار امور صلح وصلاح • وتمشیت واستمرار
احوال فوز وفلاح • وضبط وصیانت رعیت • وحفظ وحراست قلاع
وبقاع مملکت ایچون • بوندن اقدم مرحوم ومغفور له سلطان احمد خان
علیه الرحمة والغفران • زمان سعادت اقترانلرنده اول جانبه ارسال
اولنوب • خصوصیله بو ینه مأمور اولدیکک الی هذا الآن لایق دولت علیهٔ
شاهانه • وموافق خاطر عاطر پادشاهانم اوزره حرکت ایدوب • دائما
احوال سرحد ایله تقید واهتمام • ورعایت صلح وصلاحده دقت
مالا کلام ایلدوککک • مسامع علیهٔ همایونمه انها والقا اولنوب • مظهر دعای
اجابت اثرم اولمش سن • برخوردار اوله سز • بو بابده وجوده کلن خدمات
مبرورهک • مستوجب عواطف ومراحم • وسعی واهتمام مشکورک
مستلزم عنایت وعطیت اولمغین • مقابله سنده مزید عنایت ملوکانه
ورعایت خسروانه مدن ایکی ثوب خلعت مورث البهجتم • سکا احسان واکرام
ایدوب • ایصال وتبلیغی ایچون فلان تعیین وارسال اولنمشدر • بیوردم که
وصول بولدقده احسان اولنان خلعت فاخره می انواع تعظیم وتکریم •

واصاف تبجیل وتحریر ایله استقبال ایدوب اکوب کیوب من بعد دخی
مأمور اولدوغک وجه اوزره سرحدلرك حفظ وحراستلرینه ورعایات
حمایت وصیانتلرینه وصلح وصلاحك اتمام واختتاملرینه وارتوقی بازوی
همته کتوروب والآن وجوده کتوردیکك خدمتدن زیاده خدمتنا بلکه
صرف قدرت ایدوب اجرای لوازم غیرت وحمیت ایلیه سن وبالجمله قنیژه وبوسنه
وطمشوار واکری وبدون وتوابعنك اموری وذکر اولنان ایالت بکلربکیلرینك
مراجعتی خصوصی سکا سپارش اولنوب بو بابده صادر اولان فرمان
جلیل القدرم علی ما کان مقرردر وابا واجداد عظامم انار الله براهینهم
اغورهمایونلرنده فتح قلاع وحصون ومحافظهٔ سرحد مقرونلرینه بذل جهد
ایدوب معتادی غزا وجهاد اولان سرحد غازیلری شمدیه دکین ظهوره
کتوردکلری طاعت واستقامتلری فرمان سعادت اقترانمه دخی
ظهوره کتورمکده فوق المأمول بذل همت ایلیوب انواع عنایات علیهٔ
خسروانه ودعای خیر پادشاهانه‌مه مظهر اولدقلری مراد همایونم اولدیغی
تبلیغ وایصال ایلیه سزکه هر بری مأمور اولدقلری خدمتلرینك حصولنه
کتورمکده دقیقه فوت ایلیه لر انشا الله تعالی دعای خیرم وتوجه ضمیر
منیرم انلر حقنده درجهٔ اعلاده در اکا کوره دایرهٔ رضای همایونمدن
نکول وعدوله متعلق اوضاعدن احتراز واجتناب ایدوب اطیعوا الله
واطیعوا الرسول واولی الامر منکم امر عالیشاننه مخالفتی جایز کورمیوب
دنیا واخرت دولتی رضای شریفم تحصیلنه ملاحظه ایلیه لر وسن دخی
هر برینه ابد واستمالت ویروب خاطرلرین تطییب ورعایت ایدوب
حفظ وحراست مملکت بابنده اولیکلدوکی منوال اوزره استخدام ایلیه سن
واول سرحدلرك لازم العرض اولان احوالی علی التوالی آستانهٔ عدالت
عنوانمه عرض واعلامدن خالی اولمیه سن وبالجمله انکروس سرحدینك
امور جمهوری قبضهٔ اقتدارکه تفویض اولنوب سردار وسپهسالار تعیین
اولنمشسکدر ذکر اولنان ایالتلرده اولان میرمیران وامرا وعسکری
اقتضا ایتدوکی محللرده مناسب کوردیکك اوزره استخدام ایدوب
مزبورلر سنك سوزیکی همان جناب جلالتمآبك کلام دربارکی
بیلوب امرکه مخالفت ایلمکدن احتراز ایلیه لر شویله که بعض خدمتنده سوز
مخالفت ایلیه لر اولمقوله لردن بالضروره آستانهٔ سعادتمه عرضه
محتاج اولندی بلدوروب اولیلرك مقتضای شرع وقانون اوزره حقلرندن
کلمکلرم لازم اولان حکمی اجرا ایلیه سن دین ودولت وعرض وناموس سلطنتمه

لایق اولدوغی اوزره صلح وصلاح امرین کوزکی کبی رعایت ایدوب عرض
سلطنت ودولته نا محل ایش اولمقدن وایتدرمکدن اجتناب ایلیه سن

سردار اولوب وزارت ایله بدون والیسی اولان کنعان پاشایه حکم شریف

شان الهیه حکم کم ممالك محروسه واقالیم معموره‌ده محافظه‌سی لازم
اولان سرحد منصورك حفظ وحراستی واهالیسنك ضبط وصیانتی
واحوال صلح وصلاح رعایتی وعرض وناموس سلطنتمك حمایتی مهمات دین
ودولتدن اولمغین سن یرار وشجاعت شعار وحرم محترمده نشو
ونما بولمش امکدار ودیندار اولوب هر وجهله حسن حالکه اعتمادهمایونم
اولدوغی اجلدن بدون ایالتندن ماعدا قنیژه واکری وطمشوار وبوسنه
ایالتلرینه وذکر اولنان ایالتلرده واقع سنجاق بکلری اوزرلرینه وعموماً
بدون محافظه سنه مأمور اولان عساکر اسلام فوزمآثرمك جمله سنه
سن باش وبوغ اولمق بابنده فرمان عالیشانم صادر اولمشدر بو وردم کم
وصول بولدقده ذاتکده مرکوز ونهادکده مرموز اولان جلادت تام وصداقت
واهتمامك مقتضاسنجه وارتوقی بازوی همته کتوروب فرمان همایونم
١٢٨ ٤٤٠ اولدوغی اوزره انکروس سرحدینك حفظ وحراستی ومملکت واهالیسنك
صیانتی وصلح وصلاح امورینك رعایتی بابنده صرف همت وبذل قدرت
ایدوب اجرای لوازم غیرت وحمیت قیلوب دین ودولت وعرض وناموس
سلطنتم امرنده کرکی کبی خدمت ایله رضای همایون اقتضای پادشاهانه‌مه
موافق انواع سعی ودقت وجوده کتوره سن وذکر اولنان بکلربکیلر وبکلرده
وسائر وضیع ورفیعك اوزرلرینه باش وبوغ تعیین اولنمشسندر
انکروس سرحدینه متعلق خدمت واقع اولدقده مناسب کوردیکك
وجه اوزره بلا تأخیر ادا ایتدوروب تمشیت مصلحت وتکمیل خدمت
بابنده مجد وساعی اوله سن ومذکور بکلربکیلر وبکلر وسایر قوللرم سنی
کندولره باش وبوغ بیلوب اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم
فحواسنجه امرکه رام اولوب وجه مناسب کوردوکك خدماتك
اجراسنده بذل قدرت ایلیه لرکه دعای خیرمه وحسن توجه ضمیر منیرمه
مظهر اوله لر سن دخی دائما بصیرت وانتباهدن خالی وغافل اولمیوب
اول سرحدلرك حفظ وحراستنده بذل مقدور ایدوب ایام عدالت
مقرونمده برفرده ظلم وتعدی اولمیوب ممالك محروسه مزرع برضاده کرکدر
ایرشدورمکه صرف همت ایلیه سن وعسکر خلقینك جمله سنی امید واستمالتلر
ایله خدمته ترغیب ایدوب وجه مناسب اوزره استخدام ایلیه سن

اولسرحدلرك امور جمهوری • سنك رأی رزین وفکر اصابت قرینکه تفویض
اولنمشدر • اکا کوره مقید اولوب • اغور همایونمده نصرت قرینمه خدمتلر
بولنانلرك استحقاقلرینه کوره اکر بکلربکیلك واکر سنجاق قدر • واکر سایردرلکه
متعلق احوالدر • هر برینی سن سعادتمه عرض ایلیه سنکه • عرضك موجبنجه
خدمتلری مقابله سنده رعایت اولنه لر • وسنی اسلوب مأمور اولدقلری
خدمتلرده ومحافظه لرده وارمیوب • اهمال ومساهله اوزره اولنلری
ورضای همایونمه مخالف حرکت وفساد وشناعت اظهار ایدنلرك
مقتضای شرع وقانون اوزره جزاوسزاسن • ویره سن که سایرلره
موجب عبرت وباعث نصیحت واقع اوله • ودین ودولت علیه وعرض
وناموس سلطنت سنیه مه لایق وجه اوزره حرکت ایدوب • وخلاف
رضای همایونم ایش اولمقدن واندیر بکدن زیاده احتراز ایلیه سن •

بدون محافظه سنده اولان وزیر محمد پاشایه تجدید صلح ایچون یازلان حکم

سن که ذاتکده دینداد واختیار • وزیر نامدارم • ووزرای عظامم میانده
کمال فراست ایله معروف دستور صاحب اعتبارم اولدوغك اجلدن
انکروس سرحدینك امور جمهوری سنك رأی رزین وتدبیر اصابت
قرینکه حواله اولنوب • اکر نمچه ایمپرادوری ایله تجدید استحکام وتجدید
صلح وصلاح اساسنك تشیید وتحصیندر • واکر ثغور وحدود موادنك
ناموس همایونمه لایق اولان وجه اوزره تعیین وتبیینیدر • مقدما سکا
سپارش اولنوب • متعدد اوامر شریفه کوندرلمشدی • حالا باب سعادت
مآبمه کوندروب • تکرار بو بابده امر همایونم • وصلح وصلاح خصوصنده
وکالت مطلقه یه تمسك اولاجق فرمان شریفم طلب ایلمش سن • بناء علی هذا
وزرای عظامم وشیخ الاسلام وقاضیعسکرلرم بربره کلوب • بو خصوصه
مشاوره ایدوب • بالاتفاق • واقع حالی پایه سریر اعلامه عرض اولنمغله
دیوان شریفم صادر اولدقده • جمله سنك رأی بونك اوزرینه قرار ایدیکه
مقدما جنت مکان فردوس آشیان بابام سلطان احمد خان • علیه الرحمه
والغفران • زماننده صلح وصلاح امورینه وکیل اولان • متوفی مراد پاشا
کبی بر اختیار دوندیده وزیر صاحب تدبیر وکیل نصب اولنوب • نام وناموس
همایونمه لایق اولان وجه اوزره • صلح وصلاح امورینی تأکید ایلمك
اولی وانسب اولمغین • کیرو بو خصوص سنی جانب همایونمدن وکیل مطلق
نصب ایدوب • جمله اول سرحدده اولان بکلربکیلر وروم ایلی سنجاقلرندن
سنك اوزریکه تعیین اولنان عسکر سکا اطاعت وانقیاد تام • واوامرندن

خدمات

خدمات همایونمده اداسنده انواع اهتمام ایله قیام ایلمك • بابنده فرمان
عالیشانم صادر اولمشدر • بیوردمکه بو بابده صادر اولان فرمان شریفم
اوزره عمل ایدوب • دخی اوزریکه تعیین اولنان جمله بکلربکیلری یانکه
جمع ایدوب • سرحدلك اختیارلرو امور دیده خیرخواه دین ودولت اولنلر ایله
مشاوره ومذاکره ایلیوب • اوته طرفدن نمچه ایمپراطوری جانبندن تعیین
اولنان وکیللر ایله خبرلشوب • واغور همایونمده دائما صداقت واستقامت
اوزره اداء خدمت ایدن اردل حاکمی • ومجار قرالی بتلن غابور دخی
خبر کوندروب • مقدما بوچقای طرفندن تعیین اولندوغی وجه اوزره
مشارالیهما دخی برادر آدملرین ووکیللرین یانکه کوندروب سوزی بر ایدوب
قویوب • بعده نمچه طائفه سنك مشاوره جیلرین یانکه دعوت ایدوب
حسن اتفاق واتحاد ایله احوال صلحی سویلشوب • دولت علیه وعرض
وناموس سلطنتمه موافق اولان نزاعسه ای وجوده کتوروب خبر ایله
اتمام ایدوب • وبلطف الله تعالی دفع نزاع وخصومته سعی ایلیه سن •
اما بالفعل قبضه تصرفمده ملوکانه مده اولان محللردن برقارشیه علی
الخصوص • واوج قلعه سنه بو جه من الوجوه دخل اولندوغنه رضای
شریفم یوقدر اکا کوره مقید اولوب • قدیم الایامدن کندو ممالك محروسه
حکمنده اولان اردل ولایتی دخی کیرو بو صلحه داخلدر • اکر اردل ولایتیدر
واکر مشارالیه بتلن غابورك بالفعل تصرفنده بولنان یرلردر •
جمله سنك احوالنی مفصل ومشروح سویلشوب • اصلا بر خصوصده
بر شبهه چکله جك • وصکره دن نزاع اولنجق شورش وشکوك برنسنه
قومایوب • طرفیندن تمسکلشوب • بعده مشارالیه نمچه ایمپراطورینك
نامدار ایلچی وسنك برادر ملرك ایله سن سعادتمه کوندره سن • که
اکا کوره جانب همایونمدن دخی تجدید عهدنامه همایونم احسان اولنه •
وبالجمله اول جانبلرك جمهور اموری سکا تفویض اولنمغله • هر ماده
بشقه بشقه تحریر وبیان اولنمغه احتیاج یوقدر • بدون سرحدی
مسافه بعیده ده واقع اولمغین • هر ماده یی آستانه سعادتمه عرض
ایدوب خبری وارنجه یه دکین زمان فوت اولمق لازم کلوب • اول اقوالی سرحد
سرحد اختیارلریله سویلشوب • دولت علیه مه لایق وجه اوزره • هر
خدمتی محلی وزماننده اداتمکه اقدام • واتمامنه ایرشدرمکده اهتمام ایلیه سن •

مصر محافظه سنده اولان وزیر ابراهیم پاشایه خلعت وحکم

شارالیه حکم کرسن برادر ونامدار • ومعتبر اولمغله اولوب بحه یا

ودوزکار حرم همایون سعادت قرارمده اولان خدمتلرده صرف اقتدار ایلیوب عنایات علیهٔ خسروانه‌مه لایق وسزاوار اولدوغکزدن ماعدا
سنك صداقت واستقامتکه حسن ظنم ودیانت وصداقتکه کمال اعتقادم
اولمغین مراحم جلیلهٔ پادشاهانه‌مه مظهر اولوب ونارتله مصر ایالتی مکالحیات
وعنایات اولنمشیدی امدی ایالت مزبوره کماکان اوزرکزه اولوب دیار مصرك
جمهور اموری سنك رأی رزین وفکر اصابت قرینکه تفویض وحواله اولنوب
حفظ وحراست ولایت وضبط وصیانت مملکت سکا سپارش اولنمغین
حالا دخی حقکزده مزید عنایات ملوکانه‌م ظهوره کلوب خلع فاخره‌مدن
ایکی ثوب خلعت مورث البهجتم احسان ایدوب تبلیغ وایصال ایچون فلان تعیین
وارسال اولنمشدر بیوردم که وصول بولدقده کسوت باهره‌می انواع تعظیم واکرام
واصناف تبجیل واحترام ایله استقبال ایدوب واکوب کیوب دخی من بعد ١٠
مأمور اولدوغك وجه اوزره اولدیار دجلیل الاعتبارك حفظ وحراسی
ورعایا وبرایاسنك حمایتی بابنده وارقوتك بازوی همت کتوروب خزینه‌نك
تدارك وتحصیلی وتوللریمك تکمیل مواجبی ومحاج مسلمینك لوازم ومهماتی
خصوصنده بذل قدرت واجرای لازمهٔ غیرت وحمیت ایلیه‌سن انشاالله تعالی
وجوده کلن خدمات مبروره‌ك مقابله‌سنده ایالت مزبوره اوج بیله
دکین سکا ابقا ومقرردر اکرم هر امرده دقت واهتمام اوزره اولوب
ولایت مصرده محافظه بلاد اولادن امرا خالص الفواد وجنود نصرت
اعتیادك دخی شمدیه دکین ظهوره کتوردکلری اطاعت وانقیادلرین
زمان همایون سعادت مقرونمده دخی فوق المعتاد ظهوره کتوروب اطیعوا الله
واطیعوا الرسول واولی الامر منکم نص اسیله عامل اولوب هر بری مأمور اولدقلری
خدمتلرنده سعی موفور وجد نا محصور ایلیه‌لر وسندخی هر برینه امید
واستمالت ویروب خاطرلرین تطییب ایله حفظ وحراست مملکت
بابنده اتفاق ومعیت اوزره بذل قدرت وصرف غیرت وحمیت ایلیه‌سن
وبالجمله محمیهٔ مصرك اموری سنك قبضهٔ اقتدارکه تسلیم اولنمشدر اولدیارك
امرا وکبراسی واغالری وقول طایفه‌سی سنك سوزیکی بنم کلامم در دیبارك
کبی بیلوب جادهٔ اطاعت وسبیل انقیاددن متابعتدن عدول وانحراف
کوسترمیه‌لر وسندخی دائما تیقظ وانتباه اوزره اولوب دین ودولت
علیه وناموس سلطنت سنیه‌مه متعلق امورده بذل همت وغیرت
ایلیوب اول جانبك احوال وآثارین یازوب عرض واعلام ایتمکدن
خالی اولمیه‌سن وکذلك

بکی کوی قزاق غارت ایتدکرم محافظه‌سی ایچون وزیر ابراهیم پاشایه حکمدر

سن برادر ونامدار وحرم همایونمده نشو ونما بولمش وزیر جلیل الاعتبارم
اولوب حسن حالکه کمال اعتماد وصلاح ودیانتکه هر وجهله اعتقادم
اولمغین حالیا قره دکز بوغازی محافظه‌سنه تعیین وارسال اولنان
عساکر نصرت شعارمك جمله‌سنه وعموما اصحاب سفاین ظفر قرائنه
باش وبوغ تعیین اولنوب قره دکز بوغازینی حفظ وحراست وسنکله
خدمته مأمور اولان عسکری محکم ضبط وصیانت ایدوب رعایا وبرایا
تعدی وتجاوزدن خلاف شرع وقانون رنجیده ایتدرمك بابنده فرمان
عالیشانم صادر اولمشدر بیوردمکه وصول بولدقده بو بابده ذاتکده مرکوز
اولان حسن فراست ونهادکده مرموز اولان وفور جلادت مقتضاسنجه اوزره
هر وقت وهر ساعت انتباه وبصیرت اوزره اولوب سنکله تعیین اولنان
عساکر نصرت مآثر وسفاین ظفر قراین ایله قره دکز بوغازینی وجوانب
واطرافی کرکی کبی حفظ وحراست واوقات وجهله ضبط وصیانت ایدوب
بعون الله تعالی قزاقدن برمحله ضرر وکزند ایرشدرتمیوب مأمور
اولدوغك وجه اوزره اوغور همایون نصرت مقرونمده خدمات مشکوره
وجوده کتورمکه سعی ودقت ایلیه‌سن وبالجمله صداقت واستقامتك
مقتضاسنجه سندن آثار غیرت وحمیت ظهوره کلوب نیجه خدمات
پسندیده وجوده کتورمك ملحوظ همایونمدر اکا کوره وضع وحرکت
اوزره اولوب خیر دعای پادشاهانه‌مه مظهر اولمغه صرف همت ایلیه‌سن
وبالجمله سنك رأی رزین وتدبیر اصابت قرینکه اعتماد همایونم اولمغین
خدمت محافظه‌یه تعیین اولنان یکیچری قوللریمك وسایر عسکر خلقینك
وعموما ارباب سفاینك باش وبوغی تعیین اولنمشسندر بو خدمتده
اولانلرك جمله‌سی سنی کندولره باش وبوغ بیلوب اطیعوا الله واطیعوا الرسول
واولی الامر منکم نص اسیجه امرکه رام وتعیین ایتدیکك خدمتده قیام تام
اوزره اولوب وجه مناسب کوردوککك خدمتك تحصیل وتکمیلنه اقدام واهتمام
ایلیه‌لر سندخی اینکره عسکری هر وجهله ضبط وربط ایدوب رعایا
وبرایایه اصلا تعدی وتجاوز ایتدیرمیه‌سن وبالجمله بو خصوصده سنك
شکر وشکایتك معتبر ومؤثردر سنی اسلیوب سوزیکه مخالفت وامرکه
معاندت ایدوب فقرا ورعایایه ظلم واذیت اوزره اولنلرك اسم ورسملری ایله
یازوب سدهٔ سعادتمه عرض واعلام ایلیه‌سن که مقتضای شرع وقانون
اوزره حقلرندن کلنوب سایرلره موجب عبرت ونیجه‌لره سبب نصیحت

واقع اولدی ولحاصل تعیین اولندوغك خدمت محافظه ده کرکی کبی
تقید واهتمام اوزره اولوب مراد همایون سعادت مقرونم اوزره حرکت
ودین ودولتمه لایق خدمت ایلمکه بذل غیرت وحمیت ایلیه سن

استانبول محله لرینی تفتیش ایچون صادر اولان امر همایون دندر

اوزیندن معزول اولان مولانا فیض الله افندی یه ودرکاه عالی قپوجی
باشیلرندن عبد الکریم اغایه حکم که مقدما اجداد عظام انار الله تعالی
براهینهم زمانلرنده محمیهٔ استانبول تفتیش اولنوب رجال ونسواندن
فسق وفجورلری وفساد وشناعتلری ظاهر اولنلرك مقتضای شرع علیه
حقلرندن کلنمك وحاللری صدوحه مقارت اولیان اهل هوا وفساد
کفیله ویرلمك معتاد قدیم ایکن خیلی زماندن بروشهرمز بور تفتیش
اولنمامغله ارباب فسق وفجورك کثرتی وفساد وشناعت اوزره اولان
اهل هوانك وفرتی وبعض فواحشك اسواق ومحله لرده رجال شناعت
مآل ایله اختلاطی اوزره اولدقلرینك شهرتی مسموع همایونم اولمغله
بومقوله محرمات ومنکرات وشرع شریفه مخالف اولان افعال شنیعه
دفع اولنمق فرمانم اولوب وسنك سلامت حال ودیانت صلاحك ماالکه
اعتماد همایونم اولمغین شهرمز بورك محله لرینی مومی الیه قپوجی باشم
مباشرتیله سن تفتیش ایلمك امرم اولمشدر بیوردم که بوبابده صادر اولان
امر جلیل القدرم ایله عامل اولوب هر محله نك امام ومؤذنین ومحله خلقنی
کتوردوب ایچلرنده هوا وهوس وفساد وشناعت اوزره اولنلرك
وضرورتسز طشره ده کزوب رجال ایله اسواقده مصاحبت واختلاط
ایلین فواحشك وکندو حاللرنده وکار وکسبنده اولمیان بی کارلری
واطراف واکنافدن کلنلری محکم تفتیش ایدوب انلرکبی فسق وشناعتلری
ثابت وظاهر اولنلری وسائر صلاح وسداد اوزره اولمیان اهل هوایی
وشغل وعملدن بری اولان نفوس معطله یی برار کفیله ویروب
اسم ورسمیله وکفیللریله یازوب وحبس اولنماسی لازم کلنلری
حبس ایدوب سن سعادتمه عرض ایلیه سن که صکره دن حقلرنده
نه وجهله امرم وارد اولورسه موجبی ایله عمل اولنه وهر قنغی امام
ومؤذن محله لرنده اولان اهل فساد وهوایی وفواحشی وبالجمله تهمتلری
اولان کمسنه لری اخفا ایدوب حین تفتیشده خبر ویرمجك اولورسه
صورت حالی صکره ظاهر اولدقده جهتلری آلنمغله قونلیوب انلرکبیلر
محکم حقلرندن کلنور وبالجمله محرمات ومنکرات دفع اولنوب مراسم

شرع شریف اجرا اولنمق مراد مدر شرا وجهرا فسق وفجور اولندیغنه
قطعا رضای شریفم یوقدر اکر کوره اشبو امر شریفمی اجرا ایتمکده اوکات
وجهله مقید اوله سن وبعضی درزی وبقال وسائر اهل صنایع دکانلرنده
وبعضی اوده لرده هر دکانده وهر اوده بدیشر سکزر واونر واون بشرده
زیاده کمسنه لرساکن اولورلرایمش انلرك کیبلرك دخی کفیله محتاج اولنلری
برار کفیلده ویروب ورعیت مقوله سندن اولوب جفت وچبوقلرین
ترکوب اطراف واکنافدن کلنلری دخی بوقلیوب هر برسی یرندن کلدکدن
وکلدیکی بر مقدار زمان اولمشدر بونده ایش وعملی ندر بوقلیوب انلرك
کیبلرینی دخی محکم تنبیه ایلیه سن که من بعد شهرده طورمیوب هر کس وطننه
واروب کندو کار وکسبنده اوله لر بعد التنبیه یرلرینه چیقوب کتمیلری
اسم ورسمیله دفتر ایدوب عرض ایلیه سن که انلرك حقلرندن دخی
نه وجهله امرم صادر اولورسه موجبی ایله عمل اولنه وبالجمله بو دفعه
جمله محرمات ومنکرات رفع اولنوب شهر مزبورك فسق وفجوردن
کرکی کبی پاك وتطهیر قلنوب شرع شریفدن تجاوز ایلین اشقیا واهل
هوانك مقتضای شرع علیه حقلرندن کلنوب وشهرده قدیمی کیملردر
وصکره کلنلر کیملردر معلوم ایدیلوب تارك اوطان اولوب یابانلردن
کلنلر کیرو سکنلرینه کوندریلوب وقدیمی اولنلر کفیللنوب من بعد
شرع شریفه مخالف وامر جلیل القدریمه مغایر کمسنه یه ایش ایتدرمیوب

زمرهٔ شکوفه دارانه رئیس ومهتر تعیین اولنان صاری عبد الله افندینك براتیدر

چون نسیم عنبر بار حضرت خداوند زمین واسمان وفیض عاطفت
جناب پروردکار انس وجان وآثار الطاف بی نهایت افرینندهٔ کون
ومکان وعنایت خلاق ریاض وکلزار وازهار جهان وجنان که
کلزار چمنستان عالم ازل واز آل وکلبن افراز کلستان قدم جل عن الشبه
والمثال در بنم روضة الصفای سلطنتی شکوفه زار جاه وجلال وحدیقة
السعدای خلافتمی میوه دار عز واقبال وبوستان ملك ودولتمی انواع
ریاحین شوکت وحشمت برله ما نند فردوس برین وظل درخت طوبی
نمود وجود مسعودمی رشك سایهٔ پر هما وغیرت حور عین وخالك
پاك عطرناك استان جنت نشان خلافت اشیانه فلك عنوانمی
کحل کوشهٔ عامهٔ سلاطین ایلدی فلو جرم شکرا علی تلك النعم شان
مکارم نشان پادشاهانه مه اهم والزم اولدیکه سیم خام انعام عام
خسروانه مدت حضرتمه منداولق رجاسنه کشاده دست نیاز اولوب

ماند زرین قدح • کاسه کردان آستان مکرمت آشیانم اولان بندکان
صداقت نشان • وعباد درکاه عدالت عنوانمک • مشام جانلری رایحهٔ
فایحهٔ ازهار لطف بی پایانمله معطر اولوب • نهال قامت ابنیه ورجالری
فیض ماء الحیات لطف بی انتهانم برله • بالاکش وبارآور اوله • بنا على ذلك
استشمام بوی کلستان مراحم شاهانم ایدوب • جیب ودامان آمالی
میوهای آبدار مکارم ملوکانم ایله مالی اولمغه سزاوار اولوب • صدر نشین
بالاخانهٔ علم وعرفان • وعالی قدر خلوتسرای عالم انس وجان اولان اشبو
دارندهٔ منشور لالکی سلطانی • ونماینده شان بیمثال واجب الامتثال خروانی
افتخار ارباب المجد والیقین • مختار اصحاب العز والتمکین • ذو القدر
الاتم والفخر الاشم • المختص بمزید عنایة الملك الاکرم • سابقا طغرای غرای
عالیشان خدمتنده اولان عبد الله دام مجده وعلاه • شرف فضل
ومعارف ایله • ماننده خورشید کلاه داد وسرافراز • ورنك روی
عزت وسعادت ایله • غنچهٔ کل کبی بین الاقران مسلم وممتاز • تحت
سنبل بویای فنون معارف • نابت • ودستار اشتهار ازهار کوناکون
لطایف • ثابت • بوستان علم وعرفانده بلبل آسا ترنم ساز وکلچین •
ودماغ جانی بوی کمال ومعرفت ایله • ماننده مسك رومی عنبر اکین • عندلیب
نغمه سنج کلزار فضل وکمال • وطوطی کویای ریاض علم خدای متعال • مرلوحهٔ
مجموعهٔ فضیلت • وسرچشمهٔ جویبار معرفت • شارح اسرار مثنوی
حضرت جلال الدین • مظهر فیوضات حضرت رب العالمین • عالم علوم
اثنی عشر • واصل اسرار جناب سید البشر • اولدوغندن غیری • تصحیح
علاج مزاج حدایق وکلزارده عیسی دم • وتعیین وتصریح طبقات
ازهار عبرت آثارده مسلم عالم • عقد ومهٔ مشکل کشای کلطرازان کلزار
نهامهٔ دقایق وحقایق اشجار وازهار اولوب • کشف مشکلات علم
ازهارده فایق الاقران • وحل معضلات فن انوارده مجرب بایان
فن باغبانیده غنچهٔ زنبق کبی مشار بالبنان • واول طلسم عجیبه
بنیادک فتحنده ارسطوی دوران اولمغین • حضرت آفتاب عالمتاب
پادشاهانم پرتوافکن • ودریای بیکران خسروانم موج زن اولوب
محروسهٔ استنبول وغلطه واسکدار واتوب • وسایر قلمرو حکم همایونم
اولان ممالکده واقع بلاد وامصارده • تربیهٔ ریاض وازهار وتنمیهٔ
حدایق واشجار ایله • تقیدایدن هنرمندان وشکوفه دارانک ممیز وبالغ
وبوغ • ومهر اقبالمی پرتو نظر اجلالم ایله پرفروغ ایدوب • بوشانه برات

عنوان وبلاغت بیانمی ویردم • وبیورد مکه بعد الیوم مشار الیه
مادامکه حلیهٔ حیات ایله مطرا ومحلی • وزیور صحت وعافیت ایله
مزین ومجلادر • عامهٔ فرقهٔ اصحاب حدایق وازهار وکافهٔ زمرهٔ
شکوفه جیان بلاد وامصارده • ایام شتا وبهارده • وجمیع ازمنه
واعصارده ممیز وباش وبوغ اولوب • متنازع فیه اولان خصوصلرنده
عدالت واستقامتله محاکمه وتحقیق وازهار واشجاره متعلق اولان
امورلرینی کما ینبغی تشخیص وتمییز وتدقیق ایدوب • اداء طریقهٔ
انواریانی کما هو حقه اجراده اهتمام ایلیه • وطایفهٔ مزبوره دخی
کائنا من کان • مشار الیهی ممتاز بیلوب • بنفشه آسا طوق حکمندن
بیرون اولمیوب • سوسن مثال زبان دراز اولمقدن احتراز اوزره
اولوب • جمله امورلرنده مراجعت • وکلام ورأینه موافقت
ایلیوب • فرد واحد منازع ومعاند اولمیه
شویله بیله لر • علامت شریف
عالم آرایه اعتماد
قیله لر •
م

کتور محکمه قضاتنده اصلا عرض قالمیوب. اجرای احکام شرعیه محال اولمشدر
دیو قضاتك مناصبی توجیه اولندقده قانون قدیم اوزره قاضیعسکرلرك
غیری. طشره‌ده اولان وزرای عظامم ودفتردارلرم وغیری کمسنه
قارشیمیوب. وطایفه مرقومه‌دن بری عقوبته مستحق اولوب. ویاخود
مال میری وبقایا طلب اولنمق لازم کلدکده اطرافده اولان حکام.
وسایر تحصیل ماله مأمور اولنلر رنجیده ورسوا ایتمیوب. دیوان
همایونمده قاضیعسکرلرم استماع ایلیوب. بعد الثبوت جرملرینه
کوره بحسب الشرع مجازات اولنمق بابنده حکم عالیشانم رجا ایلدکلری
بابده سریر اعلامه عرض اولندقده. قضاتك بو وجه زمانی اولندوغی
رضای همایونم بو قدر. توقیت مطرد اولمق جایز دکلدر. ضرورت اقتضا
ایلدکده ایکی اوچ آی اوله اولور. وعوارض خصوصنده شرع وقانون
ایله تسلیم تمسکاری الدرنده اولیجق تضییق اولنماق کرکدر. ملحق اولان
مناصبك حادث اولنلری افراز اولنسون. وقضاده تأبید جایز دکلدر.
اما مدرسه‌ده طریقنده اسکی اهل علم ومستحق اولنه جایزدر. قضاة
ومدرسیندن صلب وسیاست لازم کلنلر حقنده دیوان همایونمده
قاضیعسکرلرم استماع ایلیه‌لر. اما حقوق ناس تفتیشنده معتمد ودیندار
اولنلردن بعضی حضورکزده. بر ایکی ماده که شرعله ثابت اولیه تفتیش عام
امر اولنمق قانون قدیمدر. بو مقوله امور دیانت ایله معروف اولنلره
وسردارلر سفر ملحقی ایچون ویردکلری مناصب. روزنامه‌یه قید اولنمدیجه
ضبط ایتدرلمیه. دیو خط همایون سعادتمقرونم ایله فرمان عالیشانم
صادر اولمغله. من بعد قاعده دستور العمل اولوب. اصلا تبدیل وتغییر اولنمامق
امرم اولمشدر. بیوردم که بو بابده صادر اولان خط عالیشانم موجبنجه.
طایفهٔ قضاتك مناصبی وتوقیتلری. وعوارض خصوصنده جوابلرنده
ومناصبك حادث اولنلرینی افرازده. وقضاة مناصبنده تأبید جایز اولمیوب
ومدرسیندن مستحق وطریقده اسکی اولنلره جایز اولمقده. وشرعا حقلرنده
کلنلرکه مستحق اولنلرك احوالی دیوان همایونمده کورلمکده. واوزرلرینه بر ایکی
ماده ثابت اولنلرك قانون قدیم اوزره تفتیش عام امر اولنمقده. و
تفتیشلری امر اولندقده دیانت ایله معروف اولنلره امر اولنمقده.
وسردارلر طرفندن ویریلن مناصب روزنامه‌یه قید اولنمدیجه ضبط
ایتدرلمکده. بو امر جلیل القدری على النهج المستمر مقرر طوتوب.
من بعد خلافنه جواز کوسترمیه‌سز. سنه ١٠١١

ملازمتدن اولان قضاة احوالنی تفقد ایچون قاضیعسکره یازیلان حکملر

روم ایلی قاضیعسکرینه حکم که: حالا قضاة طایفه‌سی رکاب سعادت
نصابمه عرضحال صونوب. بالفعل سنه سعادتمده ملازمت اوزره هر
اولنلرك اکثری فقرا اولدقلرندن غیری. ولایتلرینه واملاك ومنزللرینه
جلادلی اشقیاسی مستولی اولوب. الم واضطرابلری حددن زیاده اولمغین
صبر وتحمله مجاللری قالمیوب. جبر قلبلری بابنده استدعای عنایت ایتمکله
مابینلرنده جاری اولان عادت قدیمه اوزره امر توقیت رعایت اولنمغله
مناصبه وسعت کلوب. اربابی رعایت اولنوب. وعوارض اخراجی فرمان
اولندقده. هر بری مقدورینی صرف ایدوب. امر عالیشانم موجبنجه
جمع وتحصیلده نیجه درلو مشقت والام ایله محل مأمورده واروب.
اولاشدوروب تسلیم تمسکی آلمق استدکلرنده. کلی خرجلری اولمایچه
الا بوب. الدقلرندنصکره دخی اطرافده بقایا تحصیلنه مأمور اولنلرك
بعضلری سز رعایادن زیاده جمع ایلدیکز دیو جبر جلب مال ایچون شرعله
اوزرلرینه ثابت اولمادین. بر رابطه ایله امر شریف چیقاردوب. باقی بهانه‌سیله
هر برینك اولرینی بصوب نیجه اسباب وارزاق ومالرینی تلف ایتمکله اکتفا
ایتمیوب. تجیز ایچون الدرنده اولان تمسکاتی دخی آلمیوب. نیجه خرج ایله
اللرندن خلاص اولدقلرندنصکره. در سعادتمه کلدکلرنده بقایا تحصیلنه
مأمور اولنلرك حبسنه کیروب. انلر دخی مفتش سابقه کوروب.
برائت ذمتنه ویردیکی تمسکه عمل ایتمیوب. تکرار کورورم دیو تفتیش
وتضییقدن خالی اولمیوب. وبو اللی وسایر پایه‌ده اولان مناصبدن
مولویت ایله ویریلان قاضیلقلرده صکره‌دن منصب الحاق اولنمیوب.
بر طریقله الحاق اولنورسه دخی افراز اولنه دیو حکم شریفم ویرلمشیکن
اجرا اولنمیوب. هر پایه‌ده نیجه مناصب الحاق اولنمغله. مناصبه قلت کلمکین
الحاق اولنان منصبلرینه افراز ومحلنه توجیه اولنوب. وبر وجه
تأبید وخفیه ویریلن. ورشوت ایله ویرلدوکی متواتر اولان وآستانهٔ
سعادتمه کلدین اوتوردیغی یرده اباغنه کوندریلن. ومادون سنه
وآستانه‌ده داخل اولنلرك منصبلری تکرار مستحقلرینه ویرلمیه سنه
وقدیم لایامدن قضاة وعلما آشکاره اصلوب سیاست اولنمز ایکن
اطرافده محافظه‌یه مأمور اولنلر برر بهانه ایله بعضیلرین آشکاره صوب
وجه وجه سیاست وحبس ایدوب. ونیجه سنك بی قیاس مالن آلوب
ونیجه سنك حقنده دخی تفتیش بهانه‌سیله مباشرت ایدوب. مقید ومحبوس

کوزمله

خادم الحرمين الشريفين اطلاقى واولالقاب سعادت مآبه استحقاقى
حرمين شريفين سكاننك رعايت واحترامى وتوسيع معاش ونفقاتله
حاللرينك انتظامى وبوخاندان عظيم الشاندن وودمان فابزالاحساننك
شان ودوامى اول طايفه نك فراغ بال ورفاه حال ايله دعاى
اجابت انتمايه اشتغال واهتمامى ايله ميسر اولدوغنه اعتقاد همايونم
جازم اولمغيله ذكر اولنان دشيشه لر وصدقات وجرايه بغدايلرى
زمان سلطنت ميمنت اقترانمده بالتمام ارسال وايصال اولنمق اقصاى
مراد ومقتضاى فؤادم اولمغين مذكور دشيشه لرك نظارتلرى رفع
اولنوب جمله سى بر نظارت اولوب وزره سابقا حرم محترم خدمندن
اولوب حالا محميهٔ مصرده متقاعد اولان قدوة الخواص والمقربين معتمد
الملوك والسلاطين داود اغانك وفور ديانت ومزيد امانت ووفور
استقامتنه اعتماد همايونم اولدوغى اجلدن جمله دشيشه لره مشار اليه
ناظر تعيين اولنمق وشرط واقف موجبنجه نظارتى جناب جلالت مآبمه
ونيابت طريقى ايله سكا مشروط اولان ملك قايتباى دشيشه سنك
نظارتى دخى سنك رابطه مشار اليه داود اغانك نظارتنه ضم اولنوب
جمله سنه مشار اليه ناظر واحد اولمق بابنده فرمان عالیشانم صادر اولمغين
دخى بن بعد حرمين شريفين دشيشه لرينى نقل ايده جك عربان دوه لريله
دشيشه وصدقات وجرايه بغدايلرى مشايخ عربان دوه لرينه
تحمللرينه كوره تقسيم وتوزيع اولنوب جمله سى بالتمام سويس بندرينه
نقل ايتدرلمك مجنه اميرحاج وغيريدن برفرد مشايخ عربانك بر مهارد
دوه سنه تعرض وتجاوز ايتدرلمك ومذكور دشيشه لردن
ماعدا جناب جلالت مآبم طرفندن دخى مصر شونه لرندن بيك
اردب صدقه بغدايى تعيين ايدوب جمله دشيشه لردن مقدم
على الاستمرار حرمين شريفينه نقل ايتدوروب سايرد شيشه لرى
على الترتيب عقبنجه ارسال ايلمك بابنده خط همايون سعادتمقرون ايله
فرمان عالیشانم صادر اولمشدر بيوردمكه فرمان جليل القدرم
موجبنجه ذكر اولنان بيوك دشيشه واشرفيه ومراديه ومحمديه
وخاصكيه دشيشه لرندن وسايرصدقات وجرايه لرك جمله سنك
نظارتنى مشار اليه ضبط وتصرف ايتدروب وتعيين اولنان
دشيشه بغدايلرينى مشايخ عربانه توزيع وتقسيم ووقت وزمانيله
بالتمام سويس بندرينه نقل ايتدوروب دشيشه بغدايلرى تمام نقل

١٥٦٢٢٨

مصرده واقع دشيشه نظارتى خصوصنده محافظ ابراهيم پاشايه حكم

مصر محافظه سنده اولان وزير حاجى ابراهيم پاشايه حكم كه مكهٔ عليا
وبكهٔ بطحى وادئ غير ذى زرع اولمغيله حرمين شريفين سكاننك
معاش وانتعاشلرى ديار مصريه دن ارسال اولنه كلن دشيشه وجرايه
وصدقات وحبوباتك بالتمام وصولنه منحصر اولمغيله قديم الايامدن
حرمينه ارسال اولنمق معتاد اولان بيوك دشيشه ومراديه ومحمديه
وخاصكيه اوقافندن دشيشه لرى وجرايه وصدقات بغدايلرى مرحوم
ومغفور له بابام خداوندكار طاب ثراه زماننده بكاربكيلرك عدم اهتمامى
ونظار ومشايخ عربانك كثرت طمع وقلت ديانتلرى سببى ايله وقت
وزمانيله كوندرلديكندن غيرى نقصان فاحش ايله كوندرلمكله حرمين
شريفين فقراسى وخدام ومجاورينك قحط وغلادن حاللرى زياده
مكدر اولوب كلى مضايقه چكدكلرى مسامع عليه پادشاهانه مه
القا اولندى بونك سببى تفحص اولندقده هر بر دشيشه نك
بشقه بر ناظرى ومباشرى اولمغيله ناظرلر واميرحاجلر دشيشه
وصدقات بغدايلرين نقل ايدن عربان دوه لريله بغدايى وقت وزمانيله
نقل ايتدرميوب جمله دن مقدم كندولرك بيع ايده جك غله لرينى
نقل ايتمكله وعربان دوه لرينى خارجدن بعضى كمسنه لره طوتوب
غله لرين نقل ايتدرمكله زمان تنك اولوب دشيشه بغدايلرى
تمام نقل ايتدرلمك ونظار ومشايخ عربان اراسنده اكل وبلع
اولنمق ايمش بونك چاره سى وتداركى ذكر اولنان بيوك دشيشه
ومراديه ومحمديه وخاصكيه لرينك وساير صدقات وجرايه بغدايلرينك
نظارتلرى رفع اولنوب جمله سى بر نظارت اولوب اوزره بر معتمد
ومستقيم ودينداره وطمع كمسنه يه ويريلمكه رسوم وعوايد
معتاده سى كندويه كفايت ايدوب حق فقرايه طمع وتجاوز ايلمز
ومشايخ عربان دخى ناظرك عدم طمعين كوردكده انلر دخى خيانت ايتميوب
اعتدالدن خروج ايلمز ودشيشه وجرايه وصدقات بغدايلرين
وقت وزمانيله تمام نقل ومحلنه ايصال ايلمك ميسر اولوردى بو اول
جانبك بعض اهل خبرت وصاحب وقوفلرى اعلام وانها ايلمشلردر
امدى حرمين شريفين اشرف واقدس بقاع ارض وسكاننك رعايت
ومساعدتى جمله خاص وعامه خصوصا سلاطين عظامه فرض
اولوب ملوك اسلام پناه ابحنده اجداد اسلاف بهشت ابتداء فرم

ایندرلمینجه عربان دوه لرینه امیر حاج وسایر کسنه لر طرفندن
بر مهار دوه یه تعرض وتجاوز ایتدرمیه سن وجمله دن جناب جلالت
مآبم طرفندن مجددا تعیین اولنان بك اردب بغدایی مصر شونه لرندن
نقل وارسال ایتدوروب انك عقبنجه سایر دشیشه لری وصدقات
وجرایه بغدایلرین نقل ایتدوروب بر قدح بغدای ناقص کوندرلمك
بابنده دقت واهتمام ایلیه سن وبالجمله سنك دیانت وامانتکه وکفایت
واستقامتکه وحسن فراست ومزید کیاستکه اعتماد واعتقاد همایونم
درجهٔ اعلاده در بو خصوصده بر وجهله تقید واهتمام ایتمك
کرکدر سنکه اکر دشیشه لر واکر جرایه دور واکر صدقات بغدایلریدر
جملهسی بالتمام والکمال وقت وزمانیله وارمغیله حرمین شریفین فقراسی
قحط وغلادن خلاص اولوب رخص وسعته واصل اولمغیله خلو
بال وفراغ حال اوزره بالغدو والاصال دعاء دولتمه مداومت واشتغال
اوزره اوله لر بو امر همایونمدن نصکره حرم محترم اغالرندن ومصر امراسندن
وغیری کمسنه دشیشه لرندن بر بنانك نظارت وکتابتنه دیوان همایونم
ومالیه طرفندن امر وبرات ابراز ایدرلرسه اصلا تمکین ایتمیوب
امر وبراتلرین اللرندن الوب کیسه لیوب سن سعادتمه کوندرمه سن
ودشیشه لرك عوق وتأخیرینه باعث وعربان دوه لرینه دخل وتعرض
ایدنلری منع ودفع ایدوب ممنوع اولمیانلری اسم ورسمیله یازوب
عرض ایلیه سن وبو حکم همایونمی بعده مستوری العمل ایدوب تغییر
وتبدیلدن مصون طوتوب مضمونن مخالف کمسنه یه عناد وتعلل
ایتدرمیه سن تحریرا فی سنه ثلث عشر والف

صدر اعظم ابراهیم پاشایه اریه لقبلری بر انشادر

چون سلطان عظیم الشان ممالك فسیحة الفضای فطرت وابداع
منشور لامع النور سلطنت واقبال ابدی الانتهالی طغرای غرای بهجت
افزای ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده ایله موقع وفرمان
روای عطیه بخشای اقالیم وسبعة الارجای قدرت واختراع تاج
مورث الابتهاج خلافت واجلال بخ ولی لآل عوالی کرانبهای
واتاکم مالم یؤت احدا من العالمین ایله مرصع ومحرر دیوان صنع ازلی
جاددیوا دفتر کیوان اساس سعادت روز افزونی کتابه زرنگار انی
جاعلك للناس اماما ایله رشك فردوس برین ومعمور ابوان
فیض لم یزلی طاق ورواق فرقد مماس حشمت ابد مقرونی نقوش بدیع الانام

حشمت

١٤٧٢٢٩

حشمت مستقرا ومقاما ایله غیرت قصور رعین ایلدی فلاجرم فحوای
معجز نمای لئن شکرتم لازیدنکم موجبنجه بو نعمت متوالیة الفیضانك
ادای مراسم شکر لازم القضا ومؤدای نیج زدای بالشکر تدوم النعم مقتضاسنجه
بو موهبت متتابعة الجریانك قضای لوازم حمد واجب الاداسی ونص کریم
رب اوزعنی ان اشکر نعمتك التی انعمت علی وعلی والدی منطوقنجه سنك
تعظیم واجلالی ذمت عالی رتبت شاهانه مه امر مهم رب هب لی ملکا
لا ینبغی لاحد من بعدی مصدوقنجه سنك اتباع وامتثالی عهدهٔ همت والا نهمت
پادشاهانه مه فرض ومتحتم اولدوغنه بناء علی الدوام رشحات سحاب
مدرار عطا واحسانمله نهال آمال سکان اقطار واصقاع ربع مسکون
سرسبز وباروره ولمعات آفتاب فایض الانوار مکرمت بی پایانمله
زوایای کاشانهٔ امانی قطان اقطار ودیار کوه وهامون روشن
ومنور اولمق کرکدر خصوصا رضیع دولت وربیب نعمتم اولوب وسایل خدمت
حرم فلك احتشاممله مراتب علیه یه ارتقا ونتایج تربیت خاندان سدره
احترامملهٔ مناصب سنیه یه اعتلا ایدن وزراء عظام ووکلای کرامدن
حسن فراست ومزید کیاست وحل وعقد امور دین ودولت ورتق وفتق
مهام ملك وملتده صرف مقدور وکمال شجاعت ومزید جلادت ایله
حفظ حدود وثغورده ودفع شر اعدای پرشرورده بذل جهد موفور وحمایت
بیضهٔ اسلام ملك فدای مهج وارواح ومعارك اعدای لئام سروسینه لرین
عرضهٔ سیوف ورماح ایدن ارکان دولت قاهرم واعیان سلطنت باهرم
عطایای امانی وامالدری امنحهٔ عنایت واصطناعمله کرانبار وعواطف
ملوکانه وعوارف خسروانه مدن بهره دار اولمه لری عادت مألوفهٔ شهریاری
وقاعدهٔ معروفهٔ تاجداری مدن اولمغین بالفعل وزیر اعظم وسردار
عسکر نصرت شیم اولان دستور اکرم مشیر افخم نظام العالم مدبر امور
الجمهور بالرأی الصایب متمم مهام الانام بالفکر الثاقب مشید بنیان
الدولة والاقبال ممهد ارکان السعادة والاجلال مرتب مراتب الخلافة
الکبری مکمل ناموس السلطنة العظمی المرابط لوجه الله المجاهد فی سبیل الله
فارس عرصهٔ وغا هزبر بیشهٔ هیجا المخصوص بصنوف لطایف عواطف
الملك الکریم ابراهیم پاشا ادام الله اجلاله وضاعف اقباله سن رشد
وتمییزدن برو حرم همایونمده صداقت واستقامتله صرف عمر عزیز ایدوب
مقدما یکیچری اغاسی ایکن یکیچری اوجاغنك انتظام واصلاحنده جهد
بی نهایه سعی ومهام ضبط ورابطنك اتمام وانجامنده سعی بی غایه سعی

وبهاتم ضبط وربطنك اتمام وانجامنده سعی بغایه سی وبابه وزارت
ایله مشرف وخدمت وکالت ایله مکلف اولدقده نصکره انظار عنایت
ایله منظور وایالت مصر ایله مأمور اولدقده نصکره دخی حسن تدبیری
ومزید سعی وتوفیری ایله خزینه وارسالیمنك تکثیر وازدیادی ومصر
وشاملرده اولان عصاة اعرابك دفع فتنه وفسادی علی الخصوص جناب
خلافت مآبمز دولت واقبال وسعادت واجلال ایله اکری سفرینه عزیمت
وقلع وقمع کفار فجاره تصمیم نیت ایلدکده مقارنت رای عقده کشای
واصابت فکر عالم آرای ایله تجهیز عساکر واحضار ذخایر سپاه وتجدید
قناطر وتعمیر جسور وتوسیع راه وتسهیل معابر انهار ورساه وترتیب آلات
محاصره قلاع ملاعین خاکسار واستجماع ادوات واسباب جنك وپیکارده
سعی بلیغ وجهد بیدریغ ایتمکله اکری کبی حصن حصین وقلعهٔ متینك زمان
یسیر ومدت قصیرده فتح وتسخیرنده ودورآدمدن بروسلاطین بیشین
وخواقین کزینه میسر اولمیان طابور جنکنده طعمهٔ شمشیر اولان ملاعین
بیدیناك قهر وتدمیرنده فوق الحد مساعی مبروره ومتجاوز العد
مجاهدات مشکوره سی ظاهر وعیان وباهر ونمایان اولدوغندن غیری
بو دفعه عساکر نصرت مآثرمك سردارلغی وجنود ظفر نمود ملك
بیهسالارلغی خدمتی فرمان اولندقده اصلا تردد واهمال وتکاسل
وامهال ورخصت وبرسوب حسن قبول ایله تلقی واستقبال وبحجونان وجرا
امر عالیشانمه امتثال ایدوب جان وباش ایله خدمته تشمیر ساق
ومال وملکی ایله بذل همته شد نطاق ایلمکین سوابق خدمات پسندیده
ولواحق حرکات سجیده سی مستلزم مکارم خاقانی ومستوجب مراحم
صاحبقرانی اولوب حقنده خورشید احسان فراوانم شعله زن
وقلزم امتنان بیکرانم موج افکن اولمغین کندو اختیاری ایله منصب
صدارتدن منفصل ودوام دولتم ادعیه سنه مشتغل اولدقدنصکره وزیر
اعظم خاصلرندن انقره وغیری سنجاقلرده واقع ودفترده ایکی یوز
بیك اقچه یازلمش خاصلرینه آخرلردن اوچیوز بیك اقچه ضم اولنمق
اوزره بش کره یوز بیك اقچه ایله مشار الیه ادام الله اجلاله یه عنایت
واحسان ایلیوب بوبرات همایون سعادت مقرونی ویردوم ویوردمکه منصب صدارت
عظمی ومسند وکالت کبرادن فراغ واستعفا ایله مرخص وکوشهٔ
استراحتی اختیار ایله تقاعد وانزوایه مختص اولدقدنصکره ذکر اولنان
بش کره یوز بیك اقچه خاصلره متصرف اولوب خلوص بال ایله دوام دولت

ابد

ابد پیونده دعایه اشتغال ومباشرت وعماله دن کمسنه مانع ودافع ورافع
ومنازع اولمیه شویله بیله لر علامت شریفه اعتماد قیلهلر تحریرا فی سنه ...

عسکر اسلامک نصرتی ایچون سوره فتح شریف تلاوتی خصوصنده فرمان شریف

انشا بیوردیغی قضیه سنه حکم که حق سبحانه وتعالی جل جلاله وعم نواله
حضرتلرینك بو مور ضعیف بر عبد ناتوان مخیفی اولوب فتح وتسخیر
قلاع وبلاد وقهر وتدمیر اعدای ضلالت نهاد امرنده قلیجه طیانوب
وبنه خود عسکرمه اعتماد ایلیوب انجق بر مقتضای فحوای فاذا عزمت
فتوکل علی الله وبر مقتضای مضمون نصرت احتوای وما النصر الا من عند الله
حضرت رب العزة عزت اسماؤه نك علو عنایتنه توکل واعتماد وسرور
کائنات علیه الصلوة والسلام حضرتلرینك معجزات کثیرة البرکاتنه توسل واستناد
ایلیوب وسائر صحابهٔ کزین عزت تمکینك رضوان الله علیهم اجمعین
ارواح مقدسه لرندن استمداد ایلمك اوزره وجاهدوا فی الله حق جهاده
امرینه امتثالا کفار خاکسار اوزرینه عساکر نصرت مآثر ارسال اولنمشدر
حضرت فتاح ذو المنن تقدست الاؤه وتتابعت نعماؤه درکاهندن
رجا اولنور که بو مقاصد جلیله نك ابتداسی مبارك ومیمون وانتهاسی
انواع فتوحات جمیله یه ملاوبس ومقرون اولمش اوله ایله اولسه
عادت قدیمه اوزره عساکر ظفر رهبرك فتح ونصرتی وکفار خاکسارك
ذل وانکسی ایچون هر هفته ده ایکی کون جوامع شریفه ده جمع اولوب
علما وصلحا وحفاظ وسائر فقرا ایله قرائت شریف قرائت اولنوب جناب
کبریا کارسازدن تضرع ونیاز اولنمق مهمات دین ودولتدن
اولمغین کرکدر عساکر فوز مآثر حالا واقع اولان سفرلردن عودت
ایدنجه محمیهٔ مزبوره ده مناسب اولان جوامع شریفه ده معتاد قدیم
اوزره جمعیت ایلیوب هر هفته ده ایکی کون سورهٔ فتح تلاوت ایتدوردت
اول حوالیده اولان مکتبخانه لرده قرائت عظیم تعلیم اولنان اطفال
وصبیانی جمع ایدوب انلره دخی اخلاص شریف تلاوت ایتدوروب
وفتح واخلاصدن نصکره صبیانك باشلرین آچدوروب رجا ونیاز
الدیرن قالدوروب درکاه قاضی الحاجاته انواع خشوع وافتقار
واصناف خضوع وانکسار ایله تضرع ومناجات ودعای اجابت
آیات ایتدوره سز امیددرکه علما وصلحا وعجزه وفقرانك خصوصا
ائمه ومعصیتدن مبرا اولان اطفال وصبیانك اخلاصلو مسکنتلرینه

مقرون اولان نیاز و دعالری برکاتیله اطراف واکنافدہ اولان کفار دغا
وفجار مقهور و عساکر اسلام منصور اولمق میسر و مقدور اولمش اولیه

اشراف کباردن بری مرضدن افاقت بولدقدہ تهنیۂ صحتی ایچون یازلمشدر

مادامکه الله شافی فتح باب دار الشفای عالم ایدوب جلوۂ عنایت
ازلی وشراب ارادت لم یزلی برله مزاج ضعیف انسانه صحت وسلومت
وبدن نحیف خاص وعامه قوت وقدرت ویرہ وهرچندکه حکیم نافع
کافی رفع حجاب بیمارخانۂ عوالم غیب ایلیوب نعاجین مسرت
افزون لطف واحسانی وترکیب صحت مشحون کرم بی پایانی برله تعدیل
طبایع مرضای کائنات وتحصیل مزاج ضعفای ششجهات ایلیه
اول وحید زمان فرید جهان منبع فضل ومعدن احسان فضلده بتلع
دانیاله شبیه علم حکمتده ثانی لقمان تجربیات ایچنده شیخ رئیس فکر
ودرس ایچره پاک طبع وسخندان حضرتلرینک که کلام مسیح انفاسی
دوای امراض اصحاب حاجات وشفای بلای ارباب بهانددر روح لطیف
وجسم نظیفی انواع آلام زماندن واصناف اسقام دوراندن مصون
ومحفوظ ایدوب اشربۂ حضور وراحت واعذیۂ سرور واستراحتله
بهره مند ومحفوظ ایلیه یارب دعای خسته دلان مستجاب باد
بعد از دعای دولت فزون سعادتمقرون دعا بی ایجنان که آورد
اجابت کرده استقبال وپس از ثنای عزت فزون رفعت مشحون
ثنای بی ایجنان که اورا کند جند ملک اقبال مرفوع مخلص محبلری اولدرکه
راویان تراکم تموجات حادثات دریای ضعف وفتور وناقدان
تصادم تغیرات واقعات عمان حضور وسرور اثنای تعبیر وتقریرده
شویله حکایت وروایت ایلدیلرکه اول طبیب قلوب قوم علیل عیسی
وقت وجالینوس زمان فیلسوف فطرت ارسطوی دوران هر سوزی
موجز ونفیس هر ایشی خسته دله درمان برمقدار زمان
المریض ضیف الله مادام فی مرض فهو کیوم ولدته امه حدیث شریف
موجب التشریف مقتضاسنجه مهمانخانۂ رحمانیده لذائذ موائد
نعم الطاف مالانهایه ایله تمتع وتنعم وبعض اوان فهو یطعمنی
ویسقین کلام لازم الاحترامی مقتضاسنجه صبا فتحانه سبحانیده
نفایس عواید اطعمۂ اعطاف بی غایه ایله تعزز وتکرم واقع اولمش
اما الحمد لله تعالی که خبر سلامت اثر موصل ظفر وکلمۂ طیبۂ سیجعل الله
بعد عسر یسرا موجبنجه وقت فیروز زمان یسیرده مداومت ادعیۂ

ارباب اخلاص ومعالجات اثنیۂ اصحاب اختصاص مزاج شریفه استعداد
تام وعنصر منیفه تمهید قیام ویروب مفیض قدیردن آثار علاج پذیر
واقع اولمشدر **نظم** دائما خوش دیلرین جسمکه صحت ویرسون دولت
قدر وشرف بخت سعادت ویرسون غم ایله غصه بی دشمنلرکه روزی
قیلوب مرض درد وبلا ومحنت ونکبت ویرسون کذلک اول تمرۂ باغ وجود
وغنچۂ گلشن لطف وجود گلبن گلزار زندگانی وبرگ سمن چمن کامرانی **نظم**
گل خندان گلستان بدن بلبل باغ بوستان بدن سرو سرسبز روضۂ مقصود
میوۂ شاخ نخل جان بدن روزگار رنامله بمدت برمقدار منعتر اولوب
رخسار نازکی ورد رعنا وار گاه احمر وگاه اصفر وخاطر عاطری مانند غنچۂ
گلستان گاه دلتنگ وگاه پریشان رنگ عارض گلگونی برگ نسرینه
مائل وسیب زنخدانی زرد رنگنه مماثل اولمش لکن بحمد الله تعالی
اولذات کریم ان فی ذلک لایات لاولی الالباب معناسنی مطالعه و
انما یوفی الصابرون اجرهم بغیر حساب نخواسن ملاحظه ایدوب
قدر صبری وقضاء رضاسی برکاتندن بنه جانب روضۂ عنایت حق
وطرف حدیقۂ عطیۂ وهاب مطلقدن نفحات نسیم عنبرشمیم
روح افزا ونفحات صبای نکتای حیات افزا بر بشوب گلبرگ
چهرہ سنه تازہ طراوت ویاسمن بشرہ سنه کمال رونق ولطافت
ویروب **بیت** تازه بتمش بنه اول تازه نهال بنه اچلمش او گلبرگ جمال
الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ورفع عن قلوب اولیائه المحن **نظم** یارب
او طفلی صحتله نوجوان قیل ویرطول عمر آنی کالیله بر قیل اول اسمان
مکرمتک مهروماهنی شمس وقمر مثال مضئ ومنیر قیل بعده اکر چه
بنده کمینه وداعی دیرینه احوالنه نوعا توجه خاطر عاطر جانبز ایسه
حالا قریب ایامده حصول مرامدن قطع طمع خام ایدوب جناب حقه
توکل وعنایت فیاض مطلقه توسل ایدوب مناصب صحت ومراتب
سلوتدن قناعت اوزره قضایه راضی یوز اما قضا راضی دکل مکرکه
قضای مبرم اوله **بیت** ان مع العسر چو بر شی قفاست شاد بر آنم
که کلام خداست باقی همیشه حکیم ذو الجلال اول ذات ملک خصالی
حد اعتدال مزاجدن انتقال الله انفعالدن واول مجمع فضل وکمالی تبدل
احوالله تفرقه وانفصالدن حامی وحافظ اولسه

ازاق قلعه سی استخلاصنه سرعسکر تعیین اولنان وزیر محمد پاشانک فرزند

چون عنایت ازلیۂ سبحانیه وارادۂ علیۂ ربانیه ایله ظهور بدایع

آثار قضا وقدر • وصدور روایع اسرار سفر وحضردر • تصاریف حکومتی
بر عسکر رسل بشر مبین مناهج خیر وشر علیه صلوات الله الملک الاکبر •
جانبنه اتباعله مفوض ومسخر • وحذافیر تدابیر امور غزا وجهاد • ید موتیب
خدوفت شجاعت نهادمه میسر ومقدر اولمشدر • لاجرم حرض المؤمنین
على القتال • امر شریفنه امتثال قیلنوب • مبارزان دین مبینی غزایه تحریض
وعنان رضالرین کف کفایت قضایه تفویض ایچون • والذین جاهدوا
فینا لنهدینهم سبلنا • مضمون سعادت کسترلیه فضیلت غزایی تفضیل •
وفضل الله المجاهدین على القاعدین اجراً عظیماً • فحوای سعادت احتوا سیله
جهاد وغزایی تفصیل ایتمکله • ممالک محروسه مدت اولان • ازاق قلعه سنی
قزاق بدخلدو قلغ • ید شوملرندن تخلیص وانتقام • واولجانبلرم بعون الله
الملک العلام • کما ینبغی نظم وانتظام • وبرملک مراد همایونم اولمغله خدمت
مزبوره یه تعیین اولنان • عسکر اسلامه امور دیده وکار آزموده
بر برادر ونامدار • وضرب وحرب احوالندن خبردار • بر وزیر آصف نظیر
سردار وسپهسالار • تعیین اولنمق مقتضیات مهمات خسروانی •
ولوازمات مراسم جهانبانی اولمغین • وزراء نامدار ووکلای جلیل
الاعتبار مدت دارنده توقیع رفیع الشان خاقانی • ونمایندۀ برلیغ
بلیغ مرتبت عنوان سلطانی • دستور مکرم مشیر مفخم نظام العالم
مدبر امور الجمهور بالفکر الثاقب • متمم مهام الانام بالرأی الصائب •
ممهد بنیان الدولة والاقبال مشید ارکان السعادة والاجلال • مرتب
مراتب السلطنة العظمى • المؤید بعنایة الملک الصمد • وزیرم محمد پاشا •
ادام الله اجلاله وزاد عزه واقباله نک • جبلت نجابت فطرتنده مرهون
وطینت طهارت سیرتنده مرکوز اولان آثار کیاست وفراست • ووفور
دیانت وامانت • وکمال صداقت واستقامتنه اعتماد همایونم • واعتقاد
سداد مقرونم • درجۀ اعلا ورتبۀ قصواده اولدوغندن غیری • امور حرب
وقتال • واحوال ضرب وجدالده وقوف تامی اولدیغی جهتدن • حالیا مشارالیهک
حقنده مزید عنایت علیۀ شاهانه م • ومزیت رأفت سنیۀ پادشاهانه م
ظهوره کتوروب • اشبو سنه احدى وخمسین والف ذی القعده سنک
اوچنجی کوننده تصرفنده اولان وزارت خاصلریله اوزی ایالتی وینکبولی
سنجاغی ضمیمه سیله • ازاق قلعه سنک بعنایة الله فتح وتسخیرینه مأمور
اولان طوایف عسکر نصرت مآثرمه • خط همایون سعادت مقرونمله
سردار وسپهسالار • نصب وتعیین اولنوب • امر شریفم ویرلمکله اشبو برات

مرتب ایالت • وبهجت غایاتی ویردم وبیوردم که مشارالیه • وزیرم
ایالت مزبوره یه متصرف اولان وزارت خاصلریله وجه مشروح اوزره
ضمیمه اولنان ینکبولی سنجاغنه متصرف اولوب • شویله که وظایف
خدمات مبرورۀ شاهی • ومساعی مشکورۀ عساکر منصورۀ شهنشاهیده
کما ینبغی مرعی ومؤدی قیلوب • وصادر اولان فرمان قضا جریانم اوزره
برآن وبرساعت • تأخیر وآرام ایتمیوب • ان شاء الله تعالى فالفور طوزله
اوته طرفنده اولان اسمعیل نام محلده جمعیت واتفاقیله عهده سنه
حواله اولنان مصالح کلیه وجزئیه نک وفق رضای همایونم اوزره
اتمامنده مساعی جمیله سن ظهوره کتوره • مذکور ازاق قلعه سنک فتح
وتسخیری • واینجده اولان قزاق طایفه سنک تفریق جمعیتی ایچون •
کندو ایله خدمته تعیین اولنان روم ایلی وکفه بکلربکیلرینی دونمای
همایونمله مأمور اولان طوایف عسکریه • وذکر اولنان ایالتلرده واقع
سنجاق بکلرینه والویۀ مزبوره ده اولان آلای بکلرینه • وزعما وارباب
تیماره وچری باشی وچری سورجیلرینه • وبونلرک اوغللرینه ودرکاه
معلام یکچریلرینه وجبه جیلرینه وطوپچیلرینه وترزن بکه وبیکدن یوز بیکه
وارنجه دیرلکه متصرف اولنلره • وافلاقدن بیک نفر طوپات ایله
بغداندن دخی بیک نفر تفنک انداز • وسایر قلیل وکثیر وجلیل وحقیرینه
سردار وسپهسالار نصب وتعیین اولنان مشارالیه وزیر اکرم جناب
خلافت مآبم طرفندن وکیل جلیل الاعتبار بیلوب • هر زماننده وهر
مکاننده سوزینی سمع قبولیله اصغا • وامرینی بلا تردد اجرا ایلیوب • وقت
ومحلنده سوار وپیاده مرتب وآماده • مشارالیه وزیرمک یاننده
جمع اولوب • اقتضا ایلدوکی وصلاح وصواب • ومتوجه ومناسب کوردیکی
خدمات دین ودولت • ومهمات ناموس سلطنتم تکمیلنده بذل مقدور •
ودعای خیرم استجلابنه هر بری درون دلدن سعی موفور ایلیه • انشا اقیم
مخنزوا اروب • برخدمت ومصلحت اقتضا ایلدوکنده عقد مجلس مشاوره
وبسط بساط محاوره ایلیه • وشاورهم فی الامر • نص کریمی مقتدا وامام
وکلام حکمت نظام • من استشار لم یندم • معناسی وجهته مقصد
ومرام ایدینوب • ملاحظۀ تام ایله استشاره • واعمال فکر تام ایله
استخاره دنصکره • الجماعة رحمة • مسند عاسنجه اجماع آرای صائبۀ
عقلاء کاردان • هر نه صلاح وصوابه اقرب ومقتضای مآل وحاله
انسب کوریلورسه • اکر ذکر اولنان ازاق قلعه سنک فتح وتسخیریدر

واكر ايچنده اولان قزاق بداخلاقلرك حقلرندن كلمكدر • واكرلنبه فرالى ايله
مابينلرده منعقد اولان صلح وصلاحه مغاير بر وضع وحركت اولنمامقدر
وبالجمله هرنه كه دين ودولتمه سودمند • وعرض سلطنتمه نافع وبى كزندر
بذل قدرت وصرف دقت ايليوب • مشار اليه وزيرم هرنه امر ايدرسه
تعلل وتمرد وتكاسل وتردد • جواز كوسترميه لر ومشار اليه وزيرم
ايله خدمت وبولداشلقده بولنانلرك استحقاقلرينه كورة اكر بكلربكيلك
واكر سنجاق والاى بكيلكى • واكر زعامت وتيماردر • اخر سنجاغه كوچميوب
زعامت وتيمار اولديغى سنجاقده ساكن اولمق اوزره الاى بكيلرى عرضى
موجبنجه خدمتده بولنانلر ارباب استحقاقه توجيهى ايله خاطرلرينى
تطييب • ومن بعد دخى اغورهمايونمده سربازلق ايتمكه ترغيب ايچون
جمله ويركوسى حيز قبوله موصول • ومأمولارى حضور مكرمت بوفورمده
مقبول اولوب • قانون قديم عثمانى • ونهج قويم سلطانى اوزره محل
ومستحقنه توزيع وتوجيه ايليه • ومشار اليه خدمته مأمور اولان
عسكر خلقنك بريندن بغى وعصيانى • وتعيين اولندقلرى خدمتده
قصور ونقصانى • ورعايا وبرايايه تعدى وتجاوزى ظاهر اولوب
مشار اليه وزيرمك سوزينه اطاعت وامرينه مخالفت وشرع شريفه
ورضاى همايونمه مغاير فساد وشناعت اوزره اولنلرك • شرع وقانون
اوزره عبرت ايچون استحقاقلرينه كورة جزا وسزالرين ويروب •
لا تأخذكم بهما فى دين الله رأفة • موجبنجه اجراء حدود واحكام شرع
مطهره • قطعا مساهله ايليه • وبالجمله اولجانبلرك جميع قضايا
ومواده • وكافۀ امور عباده • مشار اليه وزيرمه رخصت تام
واستقلال تمام ويرلمشدر • انك سوزينى بنم بالمشافهه زبان درربارمدن
صادر اولمش كلام سعادت انجامم بيلوب • خلافنه جواز كوسترميه لر
حاصل كلام مشار اليهك سوزينه دانى وقاصى دن • هركم معارض وعاصى
اولورسه • بكا عاصى اولور وبكا عاصى اولان اطيعوا الله
واطيعوا الرسول واولى الامر منكم • دائره سندن چيقوب
الله ورسولنه عصيان ايتمش اولوب • ندامت
عاقبت • ووخامت خاتمتى مشاهده
ايدرلر سنه ١٠٥١

م

هند

هندوستان پادشاهی سلیم خانه یازیلان نامه در

عاليشان سامى مكان • جمشيد نشان خورشيد عنوان • سحاب تبنيان
كيوان ايوان مسند نشين • اقاليم هندوستان • فرمان فرماى قلزم وريا
معدلت وشوكت نمايان • حامى ممالك دين پرورى • سالك مسالك عدالت
كسترى • رافع رايات سلطانى • حارس حيطۀ كيتى ستانى • منبع اثار رعيت
شهريارى • مجمع ابيات مفاخر جهاندارى • واسطۀ طلوع امن وامان •
رابطۀ آثار عدل واحسان • طراز كسوت فرمان روايى نكين خاتم كشود
كشايى طراوت بخش بختيارى • سرير آراى ملك وكامكارى • نظام الدولة
والسلطنة والشوكة والشان • هندوستان پادشاهى سليم خان •
لا زال خيام سلطنته ودولته قائمة باطناب الدوام ودائمة باوتاد
القيام • الى انقراض الدوران • صوب باصوابلرينه مراسم دعوات ناميات
فايض البركات • كه قيود تقريرات ارباب تكلفدن مبرا وعالى • ولوازم
مدحات زاكيات زاهرة اللمعات كه حدود تحريرات اصحاب تصلفدن
مبرا ومتعالى اولنه • نوافل قبائل مخالصت آثار وروا حل محافل مصادقت
شعار ايله تحفۀ مجلس سامى سرور افزا • وهديۀ محفل كرامى دلكشا اولان
داب وآيين سلاطين نصفت قرين • ورقا نون بشين خواقين صاحب
تمكين اوزره • مراسم تفقد خاطر عاطر فيض مظاهرلرى تقديم • ولوازم
تفحص حال عزت مآل الهام مآثرلرى تتميم • قلندقدن نصكره • مرآت
مصفاى طبع پاك • وآيينۀ مجلوى ذهن تابناكلرينه كه • مجلۀ انوار
بصيرت واكاهى • ومظهر آثار فيوضات آلهيه در • صور احوال موالات
سراجه دل پرصفادن بو وجهله جلوه داده • وروى عروس مصافات
وموددت • ماوراى پرده خفادن بو نوعله كشاده قلنور كه الحالة هذه
تحرير وتجهيز رسالۀ مهر ومحبته بادى • بعناية الملك الهادى • ميان
ممالك رفض والحاددن ديار بهشت آثار اسلاميه يه مهندى اولان
جناب امارت مآب جنت نشان • سامح الرتبة والشان • المختص
بمزيد عناية الملك المستعان • مقدما اوزبك خانلرندن على اولوب
حالا بخارا خانى اولان بهادر امام قولى خانك • عميسى اولان آى محمد خان
دام علوه • سوق تقدير ايزد فعال • وارادت جناب خداى متعال ايله
مرجع قياصرۀ دوران • وملاذ اكاسرۀ زمان • اولان سدۀ سنيه
عدالت عنوان • وعتبۀ عليۀ شامخ الاركانمزه وصول بولمغله •
قاعدۀ مستحسنۀ ملوك مرضيۀ السلوك اوزره • مهمان نوازلق مراسمى

رعایت ایچون • شولکه لوازم عنایت علیهٔ شاهانه • وشرایط حمایت
جلیهٔ ملوکانه مزدن • حقلرنده وجوده کلوب بیشکاه سریر خلافت
باهره مزه کوتوربلوب • عز تقبیل بساط شرف انبساطرله مفتخر ومباهی
ومظهر انواع الطاف واعطاف شهنشاهی اولدقدنصکره • وطن مألوفنه
توجه وعزیمت • ومنتهای آمالی اولان ولایت معهودهٔ عودت ایتمك
بابنده اذن همایونمزه راغب اولمغین • ولایتلرینك شاهراهندن وصول
وامنیتی جلوه کر آیینهٔ حصول اولمق امر عسیر اولدوغندن • منزل وحی
جبریل امین • وقبله کاه عامهٔ مسلمین اولان • مکهٔ مکرمه شرفها الله تعالی
الی یوم القیمه نك • سمتندن دیار هند وسنانه واروب • وشرف بساطبوس
عزت انبساطرله سنسعد اولمق منتهای مرام ومقصودی اولوب •
وجناب سعادت مآبلرینك مدح وثنالرنده ذکر موفور • وترغیب
رابطهٔ موالاتده بذل مقدور ایلیوب • تجدید اساس محبت قدیمه یه
بادی • وتأیید مودت سندیمه ده متمادی اولمغین • نامهٔ محبت مشحون
وختامهٔ میمنت مقرونمز تحریر وتجهیز قلنوب • مشار الیه دام علوه ایله
ارسال جانب سعادت اتصاللری قلندی • مکارم الطاف وافره ومحاسن
اعطاف متکاثره لری • مشار الیه حقنده رونمای اولدقده • مملکت معروف
ووطن مألوفنه اسلم طریقدن ارسال اولنمسی بابنده • آیین دیرین
سلاطین پیشین • ودأب معروف خواقین نصفت دهین سالفین
اوزره • مومی الیه محصل المرام قلندقدنصکره جام کیتی نمادن انوار
اولان ذهن صاف • وطبع موشکافلرینه خفی وپوشیده ومستور
ونوردیده اولمیه که • بعون الله تعالی سریر سلطنت عثمانی • واورنك
نشین صاحبقرانی • ذات مصادقت سمات مزه میسر اولالدن برو •
سر بر آورده اولان خارزار سرکشان • قوت قاهرهٔ ملوکانه مزله پاك
وتطهیر اولنقدده • ومخالفت اوزره اولان لشکرکشان • سطوت باهرهٔ
خسروانه مزله قبضهٔ تسخیره کلمکله • جل همت والانهمتمز مصروف •
وعنان سمند عزیمتمز استیصال فرق ضاله یه معطوف قدر • ایله اولسه
عساکر ظفر مآثرمزی • شاه عباس اشر الناس اوزرینه سردار وبهسالار
دوانه • وروی نصرت عز درکاه • قاضی الحاجات وولی الاعانه قلنمشدر • ایسه دکر
رفیقلری عون خدا • ورهبر طریقلری روحانیت سرور انبیا • قلوب
قلوب مؤمنینه کشاینده مشکلات • ونماینده رایات نصرت ایات
اوله • شویله که اولطرفدن دخی دارو دیارلرینه القای ناشرهٔ تاراج •

وخنادت کوستریلوبسه • بفضل الله تعالی زمان قلیلده واصل
کمال استدراج اولان • دولت مستلزم النکبتی نابود ونابید • وطرفیندن
عساکر مسلمین عزتی ظاهر وهویدا • اولمق مقرردر •

اوزبك حاکمی عبدالله خانه وزیر اعظم محمد پاشادن مکتوبدر مؤذه زاده •

مادامکه مسندنشین طارم چارمین • وفرمان فرمای خطهٔ خاورزمین
بیرق براق صبح تابدار • وسپاه زرین قبای اشعهٔ وانوار ایله فضای
فرح فزای عالمی علویده ترکتاز • وقهر دشمنان ایچون دست تطاولی دراز
ایدوب • فرقهٔ سیهکاران کشور شام • وشیعهٔ ظلمت شعاران مملکت
ظلامی • میادین میدان دلاوریده پامال • وعرصهٔ جنك داوریده پریشان
حال ایلیه • همیشه اول شهریار جهان مطاع • مالك الرقاب وتاجدار
واجب الاتباع اسمان جناب • که هیکل شمشیر جهانکیری صبح خجسته
طلوع عالم اجلال • وسپر زرین ظفرقرینی مهر جهانتاب سپهر اقبال •
کلاله نوع پرفروغی • شانه زدهٔ شاطهٔ کامکاری • ونهال رایت نصرت
آیتی چون سنبل بختیار بیدر • نظم • آن صفدری که اشهب زرین
ستام چرخ • چون شب ذکر وابلق کراش ادهمست ماه سپهر منزلی
کش نرخم تیغ • ملك جهان چو باختر زمین کشور خاور ملك
اعنی حضرت خان عز تقرین • وخاقان سعادت رهین • مربع نشین
مسند شهریاری • مُعلی مکان ومحفل تاجداری • سلیمان حشم • فریدون
علم • داراکشور • سکندر ظفر • بهمن احتشام • رستم انتقام • قهرمان
شجاعت نوشروان عدالت • خداوندکار سپهر آستان • ابو الغازی
عبدالله بهادر خان • خلد الله ملاذاً للانام • الی یوم الساعة
وساعة القیام • حضرتلرینك ذات خجسته سمات • ووجود فرخنده
صفاتلری • پیرایه بخش اورنك خانی • ورونق افزای کیانی اولوب • رأی عالم
آرالری ناظم مهمات دین ودولت • وتیغ کشورکشالری حاسم ملمات
ملك وملت اولمغله • ظل ظلیل حمایتلری مفارق مسلمین اوزره ممدود
ودامن سایبان عز ورفعتلری اطناب خلود ایله مشدود اولمه • قطعه •
تا ابد باشد آلهی در سریر کن فکان • بر سریر پادشاهی کامبخش وکامیاب
جاه وحشمت بر مزید وناز ونعمت بر مزید • فتح ونصرت در عنان
وبخت ودولت در رکاب • عقب ذا ایمن اوقات واسعد ساعاته •
رسول عزت دثار • وایلچی فرخنده شعار • افتخار المقربین ظهیر الملة
والدین • علی بهادر حقی بروایح جهات النفاخر کمال خیر ایله بوده بار

۱۴۵۰۷۷

۱۴۴

۴۷۶

۲۴

سعادتمداره واصل وبحط رحال اقبال اولان دار السلطنة العظمی یه داخل اولوب اداء مراسم رسالتنه سعی بلیغ ونامهٔ نامیکزی درکاه معدلت پناهه تبلیغ ایدوب اعنی حضرت شهنشاه عالمپناه فریدون غلام وظل الله کواکب سپاه سلیمان مقام شهنشاهی که دبدبهٔ کوس حشمتندن قباب کارخانهٔ عالم پرآوز بلکه هول استماعندن نسر واقع متصدی پروازدر عالمپناهی که تیغ جهانبانی ضیابخش ممالک خاور وباختر بلکه آتش اندازهٔ کهکشان وخرمن سوز خورشید انوردر قطعه
انکه چون چتر فلک کرسایهٔ عدل افکند کم شود چون ذره وش خورشید
بحت درظل او آسمانست او از آسمان برقرار آفتابست او ولیکن
آفتاب بی زوال طرازندهٔ جهانبانی فرازندهٔ لواء صاحبقرانی خداوند تاجبخش افسر ربا جهاندار عدوبند کشورکشا مسندآرای محفل عدالت رونق افزای اکلیل سعادت نتیجهٔ کارکاه عالم تکوین خلاصهٔ آب وطین امین خلافت عظمی مدار امانت کبری کواکب خدم ملائک حشم سلیمان شوکت یوسف طلعت کیوان مکان مشتری عرفان بهرام رزم ناهید بزم عطارد قلم آفتاب علم قمر رخسار فلک مقدار ابوبکر صداقت فاروق عدالت عثمان حیا حیدر وغا السلطان ابن السلطان مفخر سلاطین زمان خادم الحرمین الشریفین وحامیها عن شوائب الشین لازالت اعناق الانام متقلدة بقلائد احکامه ودارت الافلاک علی مدار مراده ومرامه حضرتلرینک شرف دامبوس عزتلری ایله مشرف وکوش هوشی کوشوارهٔ کلام بخجسته فرجاملری ایله مکرم ومشنف اولوب اعتاب علیهٔ شهنشاهیده سعی جمیل مشکور وانظار ستوده آثار صاحبقرانی ایله منظور اولدقدن صکره بو دولتخواه بی اشتباهی اخبار نوازش پادشاهانه ایله ممتاز وایصال مکتوب شرف مصحوب ایله سرافراز ایتدکده مرسوم خامهٔ مشکین جامه ودرقم زدهٔ کلک عنبرسای عمامه اولان مضمون همایونی تلقی بالقبوله مبادرت وشرف خدمت علیهٔ تاج برلک مفاخرت قلندی ومن بعد موجبات تألف طرفین سوقنه اقدام وروابط مجانبت جانبین بسطنه اهتمام اولنوب متوحد ومتحدیا من اتحاد ایله کار عالمه نظام وحال بخت آدمه رونق بی اندازه کلوب بعنایة الله تعالی الحیای دین مبین واحراز رضای رب العالمین اولنز نظم باقی همیشه بخت بکام وفلک غلام اجرام دام ودولت واقبال بردوام

ماوراء

ماوراء النهر حاکمی امام قولی خان جنابنه یازیلان نامه در

عالی تبار صاحب وقار سلطنت مدار معدلت آثار زمرهٔ سلاطین ممالک تاتار زبدهٔ ملوک قوی الاقتدار سریرآرای ممالک کامکاری طراوت بخش باغ شهریاری حامی بلاد اهل سنت وجماعت ماحی فضائح اهل بدعت وشناعت موسس بنیان دین مبین مشید ارکان شریعت سید المرسلین طراز کسوت فرمانروایی نکین خاتم کشورکشایی مالک ممالک دین پروری سالک مسالک معدلت کستری ناصر جنود الاسلام والمسلمین کاسر رؤس الرفضة والملحدین المحفوف بصنوف عواطف الملک المستعان نظام الدولة والسعادة والشوکة والکن بهادر امام قولی خان مد الله ظلال جلاله الی آخر الزمان وصان ایام اقباله عن تطرق الآفات والحدثان قبلنه مفتاح درر دعوات صالحات زاکیات اجابت قرین کرسبب کشایش ابواب فتح مبین ومصباح غرر تحیات خالصات وافیات اصابت رهین که موجب ضیابخشانی اصحاب دولت ودین اولور قافلهٔ مستحسان کروبیین وراحلهٔ موردان ملائکهٔ مقربین ایله اتحاف واهدی قلندقدنصکره روی دلارای شاهد مدعادن بو وجهله کشف نقاب وبو بوزدن رفع برقع وحجاب اولنور که الحالة هذه عنایت بی غایت حضرت رب العزة ومعجزهٔ روحانیت ختم رسالت علیه الصلوة والسلام ملاذ وملجأ اکاسرهٔ دوران ومنجأ قیاصرهٔ زمان مرجع خسروان جم منزلت مسند شهریاران عالی منقبت اولان سدهٔ سنیهٔ کردون بسطت وعتبهٔ علیهٔ ثریا منزلتمزه عمیم بزرکوارلری اولان جناب مآرب مآب حسیب نشان شامخ الرتبة والشان آی محمد خان دام علوه داخل دار سلطنت وواصل سرای سعادتمز اولوب مقدماً قزلباش بدمعاش الله ورفضه کفرفاش خذلهم الله دوشکله تماماً سکزسنه اللرنده کرفتار وستمدیده روزکار اولدقدنصکره بغداد محاصره سنده بعنایة الله تعالی اول فرقهٔ ضاله دن خلاص وبروجانبه عزیمت وعرض اختصاص ایتمکله آستانهٔ سعادت آشیانه مزده دخی برسنه دن زیاده مکث ایدوب ممالک محروسهٔ مزدن سنا فاتندن اولان محمیهٔ مصرناده العصرده بولندقده ومکهٔ مکرمه وحدود جولنده وطن مألوفنه عودت ورجعت ایتمکله محبت قدیمه بی تجدید وموددت مستدیمه بی تأکید ایلک ووبونده اول جانبه مخلصیدن ارسال اولنان نامهٔ موالات ختنامه مزی تأکید ایچون التکرار حسن نحواسنجه

١٤٥٢٤٧

تكرار نامهٔ میمنت مقرون تحریر و تألیف • و قواعد مودت متعاقب
و ردیف قلنوب • شار الیه دام علوه ایله ارسال جانب سعادت اتصال
قلندی • امدی جام کیتی نماء ذات انوار اولان ذهن صاف • و طبع موشکاف لرینه
خفی و پوشیده و مستور دکلدر که • بعون الله تعالی سریر سلطنت
عثمانی • و اورنگ نشین صاحبقرانی ذات سعادت مآب • سپر اولدقلری
سریر آورده خاک زاد سرکشان • قوت قاهرهٔ ملوکانه مزلزل و تطهیر لرینه
اولمقدم • و عنان سمند عزیمت استیصال فرق ضاله معطوف اولوب •
عساکر ظفر مآثر مزی شاه عباس شر الناس اوزرینه • سردار و سپهسالار نصرالله
روانه قلنمشدر • امیددر که رهبرلری عون خدا اولوب • بفحوای غزت خواجی
فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین • مژده رسان قلوب
مؤمنین اولوب • کشاینده مشکلات • و نماینده چهرهٔ مرادات اوله •
فیما بعد اول بدعهد و بی مذهب ایله • طریق جنگ و جدالدن غیری چاره
محال • و حرب و قتالدن ماعدا معامله عین وبال در • شویله که اول طرفدن
دخی دار و دیارلرینه القای نایرهٔ خسارت • و فرصت دمنده غصب ایتدکی
مملکت اسلامیه استخلاصنه همت و عزیمت کوستریلورسه • بفضل الله تعالی
زمان قلیلده • دولت مستلزم النکبتی نابود و ناپدید • و اهل سنت و جماعت
عزتی ظاهر و هویدا اولمق مقرردر • و بالجمله خلاصهٔ مقصود و مرام •
و منتهای آمال قلب انجام بودر که طرفینک اتفاق و اتحادی ثمره سیله
صورت فتح و نصرت • ورای پردهٔ غیبدن جلوه کر و نمایان اوله • باقی همیشه
اشعهٔ ظلمت سوز نیر و شمشیر ایله بخت و دولتکز جهانکیر و عالم افروز اولسون بالنبی و الامجاد

اوزبک خانی عبدالله خانه وزیر اعظم خادم حسن پاشادن
مکتوبدر حکمی چلبی مسوده سیدر

صحایف ادعیهٔ صافیهٔ مخالصت آیات مسکیة الانتشاق که نافهٔ
اجابتی نسیمات • ان لله فی ایام دهرکم نفحات ایله دماغ روحانیانی
معطر ایدر • و لطایف اثنیهٔ وافیهٔ مصادفت غایات شمسیة الاشراق
که شمعهٔ اصابتی لمعات • الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکاة • ایله
چراغ کروبیانی منور ایلیه • مراسم تعظیم و اکرام • و لوازم تبجیل و احترام
ایله • ثنا رسنهٔ عالی حضرت • کردون رفعت • فریدون رایت • قمر انجلا •
کیوان اعتلا • ناهید بزم • بهرام رزم • رستم شجاعت • حاتم سخاوت • عمر سیرت
سکندر سریرت قطعه آن پردلی که در دل دریای بیکران • ماهی ز سهم ناوک او
قهرش زره نرست • روی زمین • رفیض کف درفشان او • چون آسمان

میمنت مرصع بکوهرت • مسند نشین سریر سرافرازی • ابو النصر
و المغازی • مروج مذهب حنفی • واقف دقایق جلی و خفی بیت دهان ملک
از عدلش شکر خند • خداوند بخارا و سمرقند • المحفوف بعواطف الملک
الوهاب • المشرف بتشریف • انی عبد الله اتانی الکتاب • قلند قد نصکم
چهرهٔ عذرای عریضهٔ اخلاص دن • بو وجهله رفع نقاب • و رخسارهٔ
حسناء ضریعهٔ اختصاصدن • بو نوعله کشف جلباب اولنورکه • مینا کستر
افتاب رخشانک خاصیتی لازمه سی • و قطعهٔ پرورلک عمان بیکرانک
عادت دائمه سی • اولدوغی اعتبار ایله مخلصی بحر بارلری خطاب النقابه
در خور • و انظار کیمیا اثرلرینه مظهر • بورلیوب محض مکرمت • و کمال
اریحیت سمندن • لا عز و للبندرمن ان یلوح • و من المسک ان یفوح
مقتضاسنجه کلک ثریا سلک منشیان سحر بردازیله • سمط تحریر ده
منتظم • و خامهٔ عنبرسی عمامهٔ دبیران عیسوی اعجاز ایله • صحیفهٔ
تقریرده مرتسم اولان نامهٔ بلاغت انتما • و مشرفهٔ فصاحت احتوالری
برروز فیروز • و زمان میمنت اندوزده • عمدة اعاظم الامراء و المعتمدین
تردی علی بک • دام علوه و ساطتیله • هدهد سبا • و حمامهٔ بطحا • کبی
اوج مکارم خاندن پرواز • و بلبل گویا • و طوطی شکرخا کبی نغمهٔ
الطاف خسروانیدن سرآغاز ایلدکده عندلیب هزار دستان بیان
شجرهٔ رفیع الاغصان جنانده بیت ازکجا می رسی ای هدهد فرخنده قدم
ای نوباوه سیر و سر حلقهٔ مرغان چمن • بال افشانی تودر نظر منتظران •
خوشتر از جلوهٔ طاوس بستان ارم • و خطیب طیب الالحان زبان
منبر رفیع البنیان دهانده بیت چو کل بشکفت در آمد باصد نشاط •
از آن نسیم که از باغ لطف خان وزید • زمزمه سیله ترانه پرداز اولمشدر
غایت حرمت و اعزاز • و نهایت مسرت و اهتزاز اوزره • دست احترامله
کشاده • و فرق مخلصی به نهاده قلنمشدر بیت جون خاتم آن درج معانی
بکشادم • بوسیدم و بر مردمک دیده نهادم • حقا که اول نامهٔ نامی
و ملاطفهٔ کرامیناک • مطالعهٔ معانی شحون • و مشاهدهٔ مطاوی
عوالی مقروننده اکتساب اولنان سرور تازه • و حبور بی اندازه نک
شرح و تحریری • و بسط و تقریری • ما فوق طاقت اقدام و اوراق و عهدهٔ
خامهٔ شکسته زبانه تکلیف ما لا یطاق اولمغیله • بو مضمون ایله سمت
اعتذاره سلوک اولنمق • و تعریف و توصیف محاسنده تطویل و اطناب
متروک قلنمق سزاوار کورلمشدر بیت عذر لطف تو مکر لطف تو خواهد

قوت ناطقه رطافت ابن معنی بیت • تا انبا ضمن مفاوضهٔ تحفت معاودت ده
آیین دیرین ملوك پیشین • و قاعدهٔ بیشین خواقین دیرین اوزره •
مرحوم و مغفور رضت مکان فردوس آشیانه • الواثق بمزید عنایة
المنان سلطان مرادخان • اسکنه الله بحبوحة الجنان • ولقیه بروح
وریحان • تنکنای جهان فانیدن • نزهت سرای عالم جاودانی یه خرام
و فرادیس رضوانی مقر و مقام ایلدیکلری تعزیتی • ونواب کامیاب سپهر
رکاب پادشاه • خلوفت پناه سلطنت دستگاه • باسط بساط الامن
والامان • ناشر انوار العدل والاحسان • قامع اساس الکفر والطغیان سمی نبی
آخر الزمان • گزیدهٔ خاندان آل عثمان • خداوندگار سپهر اقتدار حضرتلری
دولت و اقبال و سعادت و اجلال ایله فراز تخت بلندی • و مسند اورنك
قیصری یه • جلوس همایون سعادت مانوس ایله تشریف بیوردقلرینك
تهنیتی ایچون • حجاج و زواردن بعضه کسنه لر ایله ایلچی مشارالیهی
سنهٔ سابقه ده ارسال • و دار الملك بخارادن شد رحال ارتحال
ایلمشلر ایکن • قدیم الایامدن مخالفت و معادات اوزره اولان حکام
خوارزم یوللرینه آدملر کوندروب مال و منالرینی یغما و غارت • و نیچه
نفوسی هلاك انداز • و نقوش غبرای عرصهٔ تلف و خسارت ایدوب •
مرورلرینه مانع • و طریق عبورلرینی قاطع اولدقلرندن غیری • عدم امن
و سکینه • و فقدان موسم و سفینه • سببی ایله دریای قلزمدن کچملك
متعذر • و اول طایفهٔ باغیه نك اذیت و تعدیسندن ابناء سبیل
متضرر اولدقلرینه بناء • بالذات اول قوم بدکردار • و گروه برگشته
روزگارك اوزرلرینه واروب • اکثرینی طعمهٔ شمشیر • و ولایتلرینی
فتح و تسخیر • و سواحل قلزمی لوث وجود معاندیندن تطهیر ایدوب
اول خار راه و سنك سیاهی رهگذر مسلمیندن دفع و رفع • و بیخ ظلم و ستملرینی
قلع و قمع ایتدکلرندن • من بعد زوار و تجار سهولت ایله تردد • و رفاهیت
ایله آمد و شد • ایلدکلری اشعار بیورلمش • حقاکه اول رسوم فراست
شمول وقوعی • و اول سفیر ارسطو تدبیرك ورودی • سبب ازدیاد
محبت طرفین • و باعث اشتداد مودت فیما بین اولوب • محبة الاباء
قرابة الابناء • موجبنجه موافقت ملی و مصادقت جبلی معاضدتیله
دوستان موافق مسرور و شادمان • و دشمنان منافق مقهور و ناتوان
اولمق مقرر و محقق اولدوغی محل گمان و محتاج بیان دکلدر • انشاء الله تعالی
اولدیار فیض مدار دن • حج بیت الله الحرام • و زیارت روضهٔ حضرت

سید الانام • علیه افضل الصلوة والسلام • شد احرام ایدن حجاج اسلام •
و تجار خجسته فرجام • که صفت حاللری لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله •
در • ممالك محروسهٔ صاحبقرانی یه داخل اولدقلرنده هر وجهله مرعی و محمی
قلنوب • اذیال نفس و مالارینه خار آزار ایلشمیوب • وجود بهبودلرینه قضاء
مقدردن غیری خطا ایرشمك بابنده بر مرتبه ده صرف اقدام • و بذل اهتمام
اولنور که • مثلی متصور • و ما فوقی مقدور بشر اولمیه • و ایلچی مشارالیه پایهٔ
سریر اعلایه روی مال • و مأمور اولدوغی امانتی کمال استقامتله محلنه
ایصال ایدوب • هدایاسی نظر قبول ایله منظور • و خدمتی کما هو حقه مشکور
اولوب • شولکه وظایف آداب رسالت • و دقایق شرایط سفارت در •
حسب المدعی اجرا و ادا ایتمکله عطیهٔ بهیهٔ پادشاهی ایله سرافراز • و خلع
گرانمایهٔ شهنشاهی ایله اقراننده ممتاز قلنوب • جواب مستطاب نامهٔ عنبرین
ختامه ایله صوب سدهٔ احترامکزه عزیمت ایلمشدر • حین وصولنده
خدمتی موقع قبولده ایقاع • و سمع ارتضا ایله استماع • اولنمق مأمولدر •

مشارالیه عبدالله خانه سردار فرهاد پاشادن مکتوبدر

عالیحضرت فلك رفعت فریدون حشمت دارا درایت اسکندر فراست •
سلطنت مآب خلافت نصاب سیادت انتساب • ذو الدولة الراسخة
والعزة الشامخة • باسط الامن والامان • المستغنی ذاته عن التوصیف
والبیان • المحفوف بصنوف لطایف الملك المنان • خاقان معظم و خان
اعظم عبدالله خان • لا زال مقرونا بعنایة الملك الدیان • حضور موفور
السرورلرینه • دعوات لایقهٔ سوافع • و اثنیهٔ فایقهٔ متکاثرهٔ که محض
صفای وداد • و عین وفای اتحاددن • صدور و ظهور بولور • اتحاف و اهدی
و اعلام و انها اولندقدنصکره • ضمیر منیر لا انظرلرینه که فی الحقیقه مرآت
انوار الهیه در • انهاء مخلص بی ریا بودرکه • حالیا سعادتلو پادشاه
گردون وقار • اعز الله تعالی انصاره الی یوم القرار • حضرتلرینك عتبهٔ
علیهٔ جلیلة المقدار • و سدهٔ سنیهٔ جمیلة الآثارلرینه • ایمن اوقات
و احسن ساعاتده • خدام ذوی الاحترامکزدن • عمدة الخواص والمقربین
حافظ خطای زین قدرم • وساطتیله نامهٔ نامی صداقت دثار •
و صحیفهٔ گرامی صفوت شعارلری وارد اولوب • مضمون میمون محبت
آثارندن • آستان عزت آشیان شهنشاهی یه • تجدید مبانی محبت
و تمهید اساس مودت اشعارندنصکره • مقدما سعادتلو پادشاه
عالمپناه حضرتلرینك • عتبهٔ همایونلرندن جانب سعادتلرینه ارسال

اولنان نامهٔ مسرت مقرون موجبنجه ابتداء ظهور تباشیر سلطنت
ظفر فرجام وافتتاح صدور مناشیر خلافت نصرت اختتام ملرندن
برو بردهٔ دین مبین وعرض جهاردیار کزینی هدمهٔ قیام کوسترن
اهل فساد وزمرهٔ رفض والحادک عروق شقاوت بنیادلرین قطع
وقلع واجتهاد همایونلری منصرف اولمغین نهاد شریفلرینه نهاده اولان
کمال دیانت وفرط شجاعت ظهوره کتورلوب طرفیندن حسن اتفاقیله
اول فرقهٔ ضالین وشرذمهٔ شرآیینک وجود مضرت قرینلرین صحیفهٔ
روی زمیندن حک ومحو فرمان عالیلری صادر اولمغین نهاد پاک
اعتقادلرینه مرموز اولان غیرت دیانت واسلام محرک سلسلهٔ غزاء
سعادت فرجام اولوب عسکر نا محصور انجم شمار رعدوش کار وصبا رفتار
بلهٔ هرات مستولی اولوب بعنایة الله الملک الکبیر اول دیار دلپذیر
قید تسخیره کتورلوب ولایت بسطام ودمغان نام قصبه لردخی فتح
اولنوب تا قزوینه نزول وهجوم ملوکی مقرر اولدوغی عرض اولنوب
سایر امور واخبار رسول نامدارمز سپارش اولنمشدر بالمشافهه هر
سؤال واستفسار اولنه دیو اشعار بیورلمش دخی هر نه کم تحریر اولنمش
ایسه تقریر وتفهیم رکاب همایون سعادت مصیر صاحبقرانیه عرض
وتقریر اولنوب علی الوجه الکامل جمله سنه علم شریف عالم آرالری
محیط وشامل اولمشدر علم عالم آرالرینه روشندر که نیچه زماندن
وسنیندن بری که اظهار مراسم دین مبین واشعار شرایع سید المرسلین
ایچون عساکر دریا مثال علی الاتصال دیار شرق ضلالت عرقه ارسال
بیورلوب ملاحدهٔ بیدین وفرقهٔ ضالینک وجود خباثت آلودلرین
محو ونابود ایتمک ایچون عزیمت ایدوب بعنایة الملک المنان نه مقدار
ولایت قید تسخیره کتورلدیکی خود کلدر وسایر اولاینجه مملکت
ودیارلرک دخی تالان اولنمق مقرر ایکن بالفعل شاه عجم اولان شاه عباس
عاقبت اندیشلک ایدوب سدهٔ همایون شهنشاهی یه اظهار عبودیت
سرمایهٔ دولت وپیرایهٔ عزت بیلکه اطاعت ایدوب فرزندی اوغلی
حیدر میرزایی درکاه فلک بارکاه پادشاهی یه کوندروب استدعای
عنایت ایتمشدر ایله اولسه سعادتلو پادشاه روی زمین حضرتلرینک
عتبهٔ علیالری شرق وغربدن کلن اعدا واحبابه دائما مفتوح اولوب
موالات اوزره اولنلره رعایت ومعادات وعناد اوزره اولنلره
مکافات ومجازات اولنمق عادت حسنهٔ خسروانی اولمغین شاه

مثال الهک

مثال الهک رجا والتماسی سعادتلو پادشاه حضرتلری عز حضور لامع النور
مستوجب الحبورلرینه حیز قبولده واقع اولمغله محضا رعایا وبرایا که
ودایع خالق البرایادر مرحمهٔ مسؤللری حیز قبولده واقع اولوب
صلح وصلاحه رضای همایونلری صادر اولوب عهد وامان ویرلمشدر
مادام که اول جانبدن جادهٔ اطاعتدن عدول وانحراف کوسترمیه سعادتلو
پادشاه جهانپناه حضرتلری جانبندن دخی شرایط عهد وامان رعایت
اولنور وجانب سعادت مآبلری صوبنه دخی برنا شایسته وضع وحرکت
ظاهر اولمیوب قوت قاهره وصولت باهره ایله فتح اولنان ولایتلر کما کان
اولکرده طورمق اوزره جناب سعادت نصابکزدن سایرلرینه تجاوز
اولنمیوب قناعت اولنه اکر آلنان ولایتلرینه کیرو دخل وتجاوز ایدوب
اوزرینه عسکر کوندررسه سعادتلو پادشاه ربع مسکون ایله
منعقد اولان موالات ومصافاتکز سد سدید اسکندر کبی ثابت
واستوار اولدیغی محل اشتباه دکلدر سزه مخالفت ایدن بو جانبدن دخی
عدم اطاعت ایتمش اولور هر وجهله بو جانبدن دخی اعانت ومظاهرت ١٤٩ ٢٤١
اولنور ومشار الیه حافظ خطابی بنده لری شول که شرایط عبودیت
واداء مراسم خدمت ولوازم رسالتدر کما ینبغی ادا ایدوب یوز حسن
اجازت پادشاهی ونامهٔ همایون شهنشاهی ایله صوب صواب
انتسابلرینه روانه اولمشدر مأمولدر که خیر ایله وصولی میسر اوله

مثال الی عبد الله خان وزیر اعظم جراح محمد پاشادن یازلمشدر

جمشید سپهر خورشید نظیر غرهٔ صبح شهریاری قرهٔ عین تاجداری
اختر برج عزت وبختیاری آفتاب رفعت وکامکاری دربکتای
عمان سلطنت کوهر بی همتای کان حکومت فرزانهٔ رایت سروری
فروزندهٔ آیت مهتری عضد الدولة القاهرة مؤید الملة الباهرة
باعث امن وامان عالمیان موجب اطمینان قلوب جهانیان حارس
سکان ولایت فارس میدان شجاعت آیت رحمت رحمانی کوکب
نورانی مطلع خانی نور چشمان رجا وامید چراغ دودمان اهل
تأبید سلالهٔ خانان جنت مکان نتیجهٔ بهجهٔ عدل واحسان
المؤید بتأیید الملک المنان المترضی من عند الله باشرف الاسماء لا زال
مصونا عن صروف الحدثان وطوارق الملوان عبد الله خان حضرتلرینک
صوب صواب نعم المرجع والمآبلرینه تحیات اجابت آیات مسکیة
الفوحات وتسلیمات نجابت غایات عنبریة النفحات کرنشایسم

عطريه انشايمى مهب صدق وصفادن هبوب وشمايم مودت علايمى
جذب خواطر وجلب قلوب ايدن اتحاف واهدى قلنوب انهاء محبت
انتما اولدركه چون خلقت اهل عالم وفطرت بنى آدم دن مقصود اصلى
ومطلوب كلى اولدركه زوايای بيت المعمور حاكى وخبايای دار القرارده موضوع
اولان كعبه عازم جهت قبله اينما تولوا فثم وجه الله وساعى مساعى
من تقرب الى شبرا تقربت اليه ذراعا اوله وبو الطاف وافره واعطاف
متكاثره التوفيق شئ عزيز لا يعطى الا بعبد عزيز دلالتندن غير ايله
ممكن وميسر دكلدر فلهذا طريق نقشبنديه نك بزركوارلرندن قطب
فلك حقيقت مركز دايره طريقت در صدف كرامت كوهر كان ولايت
طاوس رياض رضا قاموس لآلى قربت وولا المتوكل على الملك الخلاق
شيخ خواجه اسحاق زيدت افاضته الى يوم الميثاق حضرتلرينك
بو معنيلر معلوم شريفلرى اولدوغندن غيرى استطاعت ظاهره لرى
دخى نهايته اولمغيله نداى بشارت افزاى ولله على الناس حج البيت
من استطاع اليه سبيلا كوش هوشيله اصغا بيوردقلرى مساعى
عليه خسروانيه واصل اولدقده اولبابده نامه همايون سعادتمقرونلرى
ارزانى بيورلمغين دركاه عزت دستكاه چاوشلرندن مفخر العساكر
والجيوش احمد چاوش زيد مجده ايله ارسال اولنمشدر مكارم عليه
خديوانه لرندن متوقعدركه اول عزيز ملك خصال حسن رضا ورخصت
شريفه لريله كعبه مكرمه يه ارسال بيورلمغه لايق وسزا هر نه ايسه
ظاهر وهويدا بيوريله وعلم شريف عالم آرالرينه خفى بيورلميه كه
ولايت خوارزم ومنقشلاق جانبلرى حاجم خان تصرفنده ايكن
ديار ماوراء النهر وتركستانك خصوصا مقر سلطنت عليه لرى اولان
سمرقند وبخارانك حجاج وتجارى فراغ بال ورفاه حال ايله اوزره
كعبه شريفه وممالك محروسه يه بغير منازع ومدافع آمد شد
ايدرلر ايدى حالا اول ممالك تصرف نواب كامياب لرينه داخل اولمغيله
تجار وزوارى فراغ بال ايله دخى زياده كلوب كتمه لرى مأمول ايكن
شمدى اول طريق متروك وغير مسلوك اولدوغنه باعث معلوم اولمامشدر
مكارم عالم شمولارندن مأمولدركه طريق مزبورده برحاجز ومانع
وار ايسه اماطه وازاله ايده لر حجاج بيت الحرام وتجار ممالك اسلام
عادت قديمه اوزره كلوب كتمكه باشلايه مساعى جميله مبذول بيوريله
كه واردات رصاديه مثوبات اخروى ومنافع دنيوى حصوليله

ذات

ذات ستوده صفاتلرينك دخى جرايد حسناتلرينه نواب بجاب ثبت
اولنوب ذكر خيرلرى اقطار واقطارده اشتهار بوله باقى همبشه
ظل ظليل عالى برمفارق ادانى واعالى ممدود ومبسوط باد

اوزبك حاكمى عبد الله خان نامه دركه خواجه اسحاقى استانه يه دعوت وحج شريفه ارسالنى التماس ايدر

جناب دولت مآب رفعت نصاب سلطنت مناب حشمت قباب
شوكت انتساب حايز كمالات صورى ومعنوى جامع سعادات
دينى ودنيوى سالك مسالك عدل وانصاف دافع مهالك ظلم واعتساف
مظهر الطاف جلى وخفى ناصر مذهب سيف حنفى حافظ بلاد توران
باسط جناح امن وامان المختص بمزيد عواطف رب الارباب المؤيد
بتأييد الى عبد الله آتاى الكتاب دامت معاليه الى يوم الجزاء والحساب
صوبنه ادعيه صافيه مسكية الانتشاق كه نسمات اجابتى دماغ
روحانى معطر ايده وطرف اثنيه شمسية الاشراق كه لمعات اصابتى
چراغ كروبيانى منور ايليه اتحاف واهدا قلنوب انهاى رأى مشكل
كشا اولنوركه طريقت نقشبنديه نك بزركوارلرندن افتخار الصلحاء
السالكين مختار الاتقياء الناسكين صاحب المقامات سابق الغايات
كشاف الحقايق حلال الدقايق شرف العباد مفخر الزهاد قدوة
البدلاء تاج الاصفياء جنيد الدهر بايزيد العصر مرشد اصحاب القلوب
مخزن اسرار الغيوب مظهر فيوضات الملك الخلاق حضرت خواجه
اسحق زيد تقواه نك خلف سندى قدوة الصالحين عمدة السالكين
الواصل الى رحمة الخالق مرحوم شيخ احمد صادق قدس سره سابقا حج
شريف آرزوسيله فردوس مكان جنت آشيان غريق لجة رحمت رحمان
والد ماجدم مرحوم سلطان مراد خان عليه الرحمة والرضوان حضرتلرى
زمان سعادت اقترانلرنده دشت قبچاق جانبندن دركاه سعادت
دستگاهه كلوب حج شريف زمانى كلنجه بش التى آى مقدارى زمان
آستانه دولت آشيانه ده درويشلر ايله اقامت ايدوب رعايت وحمايت
دقيقه فوت اولنموب مشار اليه بدر سعد اختر برج اولعزيز صاحب
تمكينك خير دعالرينه مظهر اولوب بعده دريا موسمى كلدكده ترسانه
عامره مزده اولان سفاين نصرت قرينندن بر قدرغه مكمل طونادلوب
وموى اليهك ودرويشلرينك لوازم ومهماتى بالتمام والكمال تدارك
اولندقدن صكره دريادن قدرغه ايله ممالك محروسه مز مضافاتندن

محمیهٔ مصر قاهره حماها الله تعالی الی یوم الاخره جانبنه ارسال اولنوب
بعون الملک الدایم امین و سالم محمیهٔ مزبوره یه واصل اولدقلرنده مصر
بکلربکیسی وزیر ام جلیل القدر دخاقانی موجبنجه بشارالیهی انواع اعزاز
واکرام ایله مکهٔ مکرمه یه کوندروب مرحوم موما الیه حج شریفی
ادا ایتدکدنصکره بر ییل اول اماکن متبرکه ده درویشلر ایله مجاور اولوب
بعده کبیر واصناف توقیر و تکریم ایله سدهٔ سعادتمزه کلوب بر مقدار
شرف صحبتلریله مغتنم اولوب عزیز مشار الیه ارجعی الی ربک راضیهً
مرضیه امر شریفنه امتثال ایدوب جناب جلالتمآبمز اول اثناده هر
سنجاغ همایونمز اولمغله اول سعادته قایز اولمق نصیب اولماشیدی
حالیا مرحوم مشار الیهک اوغلی اولوب دار السلطنة العلیه محمیهٔ قسطنطنیه ده
آسوده اولان حضرت امیر بخاری قدس سره زاویه سنده شیخ اولان زبدة
المستعدین خواجه ضیاء الدین ذیل تعواه طرفندن سامع علیهٔ خسروانه
شویله القا اولندیکه مشار الیه خواجه اسحق دنیدت افاضه یه کمال
علاقه کرا اولوب مفارقت صوریه لرینه رضای شریفکز اولمغله هنوز
ارکان اسلامدن اولان حج بیت عتیق ذمت همتلرندن اسقاط
نصیب اولمش ظاهردرکه ایام دولتکزده استطاعتلری کمالده اولوب
ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا فحواسنجه
درویشلر ایله حج شریفه توجه و عزیمتلری مصمم بیوریله کم الحمد لله
الکریم الوهاب جناب صدوح انتسابمز دخی محب علما و صلحا در خصوصا
مشایخ عظاملک صحبت پر منفعتلرندن مغتنم اولمق غایت مراد و نهایت
مقصود فؤاد مز اولمغین مأمولدرکه وصول بولدقلرنده الخیر لا یؤخر
مقتضاسنجه حضرت شیخ اسحق زید ارشاده یه درویشلر ایله حج شریفه
بو جانبدن توجه ایتمه لرینه رخصت و اجازتلری ارزانی کوریله که
زمان سلطنت و اوان خلافتمزده محروسه اسلامبوله کلوب میامن
قدوم شریف و برکات انفاس نفیسلریله مشرف اولوب انوار فیض آثارلرندن
مقتبس اولدقدنصکره انواع اعزاز و اکرام ایله حج شریفه طرفندن ارشاد اولنه

بو دخی وزیر اعظم طرفندن موما الیه عبد الله خانه در

عالیحضرت فلک رفعت جمشید عظمت فریدون حشمت دارا درایت
اسکندر فراست سلطنت مآب خلافت نصاب سعادت اکتساب
سیادت انتساب ذو الدولة الراسخة و العز الشامخة بالسلطنة
و الامامة ناشر العدل و الاحسان المستغنی ذاته عن التوصیف و صفاته

عن البیان المحفوف بصنوف لطایف المنان خان اعظم و خاقان معظم
عبد الله خان لا زال مقرونا بعنایة الملک الدیان حضور موفور السرور لرینه
دعوات لایقهٔ متوافره و تسلیمات فایقهٔ متکاثره که محض صفای
وداد و عین وفای اتحاددن صدور و ظهور بولور اتحاف و اهدا
و اعلام و انها اولندقدنصکره ضمیر منیر لا نظیرلرینه که آیینهٔ جهان نمادر
انها و مخلص بی ریا بودرکه حالیا سعادتلو پادشاهمز اعز الله انصاره
حضرتلرینک سدهٔ سنیهٔ سعادت بنیان و عتبهٔ علیهٔ معدلت
ارکانلرینه که ملجأ سلاطین زمان و مأوای خواقین عوالی شان در
ایمن اوقات و احسن ازمانده خدام ذوی الاحترامدرندن عمدة الخواص
حسن محمد زید قدره وساطتیله نامهٔ نامی مخالصت عنوان و صحیفهٔ
کرامی مصادقت نشانلری وارد اولوب خلاصهٔ مضمون میمون
و فحوای غرای بشارت نمونندن آستان سعادت آشیانلرینه تجدید
مبانی محبت و تمهید اساس مودت اظهار ندنصکره دولت و سعادت
ایله سریر سلطنت خسروانی و تخت بخت خلافت صاحبقرانی یه جلوس
همایونلری واقع اولدقده همت والانهمت شاهانه لری پردهٔ عرض
دین مبینی هتک ایتمکه قیام کوسترن اهل رفض و الحاد و کفر و عناد
عروق شقاوت بنیادلرین قلع و قمعه اجتهاد اوزره اولدقلری اشعار
اولنوب بناء علی هذا احکام شرع مبینی اجرا و مراسم دین متینی احیا
ایچون خراسان و عراقین مظلوملرین سرپنجهٔ بیداد اشقیادن اولان
طایفهٔ رفضهٔ دون خصالدن خلاص ایدوب بیت الله الحرام
بولنلرین فتحه ماوراء النهر طالبلری سدهٔ سدره آسالرندن امید
و رجا اوزره اولدقلری اشارت اولنوب وجناب جلالتمآبکز
عسکر تاتار انجم شمار صبا رفتار ایله عنان عزیمتلرین بلدهٔ هراتک
تسخیرینه منصرف قیلوب قلعهٔ مزبوره محاصره اولندقده اخبار
اولان ملاحده بوللرین سند و بند و ابواب حرب و قتالی فتح و سونه
ایتمکله نیچه ایام و لیال جنک و جدال اولوب عنایت فتاح ذو الجلال
ایله قلعهٔ هرات اول قوم طغیانک الرندن النوب و ایچنده اولان
شرذمهٔ شرارت مدارک صغار و کبارلری طعمهٔ شمشیر آبدار قلنوب
آسایش عسکر ایچون دولت نصرت مدار ایله مشهدده آرام و قرار
اوزره اولدقلری اعدام و اشعار اولمغین اننه ما عداد نحن
هرنه که تحریر ومشار الیه تقریر ایتمش ایسه تقریر و تحریر رکاب

همايونه سعادت مصر خسروانی یه اداء دلپذیر ایله عرض و تقریر اولنوب •
علی الوجه الکامل علم شریف عالم آرالری محیط و شامل اولمشدر • فی نفس الامر
امر جهاد و غزا آیین دین مبین حضرت سید المرسلین • علیه افضل الصلوة
و کمدن جملهٔ فرایضدن اولمغین • شاهان دیندار قوی الاقتدار
و پادشاهان عالی مقدار کردون وقار • اول طریق سعادت اثاره سلوک
ایدوب • بذل قدرت و صرف جل همت ایتمك سبب سعادت دارین
و باعث دولت منزلین اولمغین • سعادتلو پادشاه کشورکشا • ابّد الله
و ابّده الی یوم الوعد و الجزاء حضرتلری • برنیجه زماندن • و سنین دركم •
الی هذا الحین • اظهار مراسم دین • و اشعار شرایع سید المرسلین ایچون
عساکر بی شمار نصرت برمقدارین بر سردار و سپهسالار نصرت قرین ایله
دیار شرق ضد دولت عزمنه ارسال ایدوب • فرمان قضا جریانلری اوزره
سردار مریخ کردار • جیوش ظفر شعار • و دلیران نصرت دثار ایله •
شرع پاك احمدینك بسیط زمینده • رواج و اجرا • و بنیان سعادت
ارکان محمدینك صلوات الله علیه وسلامه تمهید و اعلاسی ایچون
بلاد شرقی طغیان و عدوان ایله • استیلا ایدن ملاحدهٔ بی دین
و رفضهٔ لئیمك غدوم ظلم مفاسد انتظاملرین • شمشیر شهاب شعاع
ایله محو و نابود ایدوب • بر مقتضای آیت کریمهٔ مسرت مقرون •
انّ الارض یرثها عبادی الصالحون • بعنایة الملك المنان • دلاوران
ممالك ستان • و مبارزان ظفرنشان • ثروان و روان • و نیجه
ممالك بیکران • فتح ایدوب • قدیمی تخت آذربایجان اولان محمیهٔ
تبریزدخی قید تسخیره کلوب • مقر اسلام اولوب • و ایچنده
اولان زمرهٔ بی تمیز • قهر شمشیر غازیان خونریز ایله • خاکسار اولوب
و سنهٔ سابقهده دخی ولایت کنجه • سرپنجهٔ قوت صاحبقرانی ایله
کرکینجه • فتح اولنوب • و مثانت اوزره قلعه و برج و بارولر بنا اولنوب
اول نیجه مملکت و ولایت دخی غارت و خسارت اولنمشدر • خصوصا
ملاحدهٔ قره باغ و اردبیل • کشته و قتیل اولوب • بقیة السیوف
واحد من الالوف • اولنلری خوار و ذلیل • یوم یفرّ المرء من اخیه •
حالدن مشاهده ایدوب • صدمات صرصر آیات قهرمانیدن سراسیمه
اولمغله • شاه خدابنده کمراه • خوف و هراسندن • عباس شقاوت
استیناسی • دردمند درمان ملاحظه سیله • خراساندن کلوب مکه
کتمکدین • الوقت سیف قاطع • مقتضاسنجه جناب سعادت آباتلری

زمین

فرصتی غنیمت بیلوب • شهاب ثاقب کبی بلدهٔ هرانه منولی اولوب • بعنایة
الملك القدیر • فتح و تسخیر میسر اولمش للحمد لله علی ذلك • و لازال کذلك
ان شاء الله الملك المعین • سعادتلو پادشاه روی زمین حضرتلرینك •
نیت همایون و عزیمت نصرت قرینلری اردبیل و قزوین • و ملاحدهٔ
خاسرینك باقی قلدن مملکت و ولایتلرین • دخی تمام سمند غازیان
غزا کزین • ایله پایمال ایدوب • خطهٔ ممالك عجامده آثار اسلام
کبری و تجدیده • و انوار ملت سید الانام علیه الصلوة و السلام تشیید
ایتمکدر • ذات سعادت نهادلرینه اولان کمال دیانت و فرط غیرت و شجاعت
ظهوره کتوریلوب • طرفینده حسن اتفاق و اتحاد ایله اول فرقهٔ ضالینك •
وجود مشرکانه شر آیینك نقطهٔ وجود مضرت نمودلرین صفحهٔ روزکاردن
تیغ سرتیز ایله محو و تطهیر ایتمکله • دیوانخانهٔ آخرتده جریدهٔ اعمال
و افعاللرینه حسنات جزیله ثبت و تحریرینه • مساعی جمیله
ظهوره کتوریله • مشار الیه حسن محمد غایت حسن ادب • و نهایت
وقار و وداب اوزره • شولکه شرایط رسالتدر یرینه کتوروب •
بنده اجازت همایون پادشاهی ایله صوب صواب سعادت
نمالرینه ارسال اولندی • مأمولدرکه خیر ایله
وصولی مقدر اولمش اوله • بمنّه
وجوده •

١٥٧

٤٥

فاس پادشاهنه صدر اعظم خلیل پاشا طرفندن محبت نامه در

خالس سریر سلطنة الاعلی لابس لباس العدالة والتقوی حارس ثغر الاسلام • فارس هیجاء الاعتصام • الاوهو سلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم • مفتح ابواب البر علی الخلایق • مفیض فیوضات الحکومة فی المغارب والمشارق • انقی السلاطین علما وفضلا • اصلح الخواقین قولا وعملا • ادام الله ملکه وسلطانه • واعز انصاره واعوانه • کما اعلی شانه علی الدوام الی ان یرث الله الارض ومن علیها • انه حمید مجید • جناب خلافت مآبلرینه شرایف فواید تحیات خلوص شعار اهدا وایثار اولنوب • رأی منیر مهر نظیر وپایهٔ سریر فلک نأثیرلرینه • معروض دولتخواهم بی ریا اولدرکه • مرجع سلاطین زمان • وملاذ خواقین دوران اولان سعادتلو ودولتلو پادشاهمز سلطان البرین والبحرین • خادم الحرمین الشریفین • ادام الله تعالی ایام دولته وسلمه عن النوایب وکثیرین حضرتلرینه اباً عن جد واقع اولان محبت موروثه • ووددمان مخلد الارکانلرینه مودت مثبوته • علی الخصوص اتحاد مذهب ودین وانعقاد اولان عقود عهود دیرین • ملابسه سیله خواص باهر الاختصاصلرندن افتخار اصحاب الرشد والتمیز الشیخ عبد العزیز • زید تقواه وساطتیله ارسال بیوریلان ایکی قطعه نامهٔ نامی • وصحایف کرامیلرینک مضمونی اولا اباً عن جد مودع اولان اعراض محبتی فی تجدید • وبنیان خلوص قدیمی معمار کلک خوش دالری تمهید بیوروب • ثانیا مراسلات شارالیه صداقت آمیز ایله اظهار خلوص ایچون دست ویر بیوریلن تحف وهدایا • واسلحهٔ مرصعه وافشه زیبا پایهٔ سریر پادشاهیه عرض اولنوب • نظر فرخنده اثرلری تعلق ایلدکده موقع قبولده نمایان وورودی باعث امتنان فراوان اولوب • موکد روابط وداد • وممهد بنیان خلوص واتحاد اولمشدر • ثالثا اول نامهٔ محبت اشتمالده • بصره جانبلرنده بعض ممالك وبقاعده • اشرار کفار دوا عراب بد کردار خذلهم الله الی یوم القرار • دست تعدیلرین دراز • وسفك دماء مسلمینه آغاز ایدوب • کلی افساده مباشرت • ودفع مضرتلرینه تعاونوا علی البر والتقوی • مدلولنه امتثال لازم اولدوغی اشارت بیورلمش

علم سلطانی ورأی خاقانیلرینه خفی ومستور بیورلمیه که • اولمقوله دفع فتنه وشرور • بعنایة الملك الغفور • قبل الوقوع ایما واشارت بیورلنسه • ارسال عسکر ویاخود سرحد منصوره حکامنه اوامر ارسالی ایله دفع ورفع ممکن ومتصور ایدی • بعد الوقوع بو احواله مباشرت بی حاصل • وسعی واقدام بلا طائل مثابه سنده اولدوغی بیانه محتاج دکلدر • بو ندنصکره اول مقوله مباشرت بی حاصل • وسعی واقدام بلا طائل مثابه سنده اولدوغی بیانه محتاج دکلدر • بوندنصکره اولمقوله برحال • ویاخود ملاعین خاسرین • خذلهم الله الی یوم کدین • تکرار ثایرهٔ فسادی اشعال • واختیار جدال ایلیوب • برمحلی استیلاسی مقرر اولدقده • طرف قرین غرو شرفکزدن اشارت بیوریله که • سرحد منصوره پادشاهیدن اولان امرای شجاعت نهاد • ومجاهدان غزا اعتیاده • احکام نافذه ارسال اولنوب اعدای بدرأیك لوث وجودلرندن اول اقطاری تطهیر وبالکلیه همت عزیمتلرینه ارخای عنان • ودامن غیرتلرین درمیان ایلیه لر • مشار الیه ایلچیکز ومتعلقاتی عادت معروفهٔ پادشاهی اوزره اعزاز وخلعتلنوب • جوابنامهٔ پادشاهی ایله • پایهٔ سریر خلافت مصیرلرینه توجه وعزیمته رخصت همایون ارزانی بیورلمشدر • مأمولدرکه برساعت اسعدده • وصوللری میسر اوله • فیما بعد ابواب مراسلات محبت کشاده • واسباب معاملات قدیمه آماده اولنوب • طرفینك دین ودولتنه لایق • ورضای رب العالمینه موافق ومطابق عملر ظهور ایدوب • ماوراء پردهٔ تقدیرده قدیردن صورت ظاهر وبدیدار اولمق مقدر ومیسر اولمش اوله آمین • بحرمة النبی الامین • باقی جون غرض عرض خلوص ومحبتدر • اکثار واطناب بدن اجتناب اولنوب بو مقدارله اکتفا واختصار اولندی • همیشه باب سعادت مآبلری مرجع مسلمین • وملجاء موحدین اولمقدن خالی اولمیه آمین •

بودخی فاس پادشاهنه یازیلن محبت نامه درکه ایکی نامه سنه جوابدر

الحمد لله الذی اعلی معالم الاسلام • وبشر المجاهدین فی سبیله بالنعیم المقیم فی دار السلام • واکرم المؤمنین بتوفیق المجاهدین غایة الاکرام • وجعل عبدة الاصنام • وعبدة الکواکب • وحزبة الملحدین منحوسة الرؤس منکوسة الاعلام • والصلوة والسلام علی فارق الحق عن الباطل وخلاف شرك الشرك بشرعه المنیر بالدوام • سیدنا ونبینا محمد المبعوث بسیف الجهاد وحسام الانتقام • علی قاصدی حصین حصن الایمان والاسلام

١٥٤ ٤٤٦

١٥٥٢٤٧

وعلى آله العظام واصحابه الكرام • الذين سعوا في ميادين الدين باقدام
الاقدام • صلوة وسلاما دائمين الى قيام الساعة وساعة القيام ∴
اما بعد نسلم على ذلك المقام الجليل • سلام الكرام وتبجيل • ونثني الى ذلك
المعهد الجزيل اعنة الثناء الجميل • فنهى الى المقر العزيز والمحل الحريز • لاحب
احبابنا واصدق اصدقاء ابوابنا • عضد دولتنا الباهرة الزاهرة عضد
صولتنا القاهرة • حارس الحصون الغربية لممالك الاسلام • فارس معارك
ارغام كل ضرغام • مشيد اركان الانتظام • مؤيد اهل الاعتصام بالعروة
الوثقى التي ما لها انفصام • مبدد فرق البغي والاختصام • اليفنا المجل
العلي الشان • خليفنا المحل السني المكان • صاحب العز والمجد والسيادة
رفيع الشان • المولى زيدان • حفظه الله الملك المنان • عن تطرق
مكايد الزمان • والظفر على الكفرة واهل الطغيان • انه قد وصل الينا
من مقامكم الشريف • حف بالطاف الملك اللطيف • كتابان كريمان •
وبدران الاخلاص منظمان • اللذان يتعطر بروائح انفاسهما الفائحة
مشام الآفاق • وتفوح من مضامينهما • فوائح تاكد الميثاق بحسن الوفاق
المبعوثان مع العالم العابد الورع الزاهد العارف • جامع المحامد
والادب والمعارف • مفخر ارباب التمييز الشيخ عبد العزيز • احدهما
اجتمع فيه مواد المحبة والوداد • وبرز نوادر بدر المراد من افق الفؤاد •
وذكر فيه محامد والدنا المرحوم السلطان الماجد • ومكارم اجدادنا
الاكارم الاماجد • السلاطين العثمانية والخواقين الايمانية • الذين
كانوا خلفاء الله تعالى في ارضه واقطاره • ولو كانت المحامد وجوها لكانوا
غررها • ولو كانت الحنية بدرا لكانوا نوره وسناه • ولو كانت الشجاعة
غصنا لكانوا نوره وجناه • وسطر فيه ما كان بين آبائكم الكرام • وبين
اسلافنا الفخام • الذين حصل لهم تمام الصيت وعظيم الفخار • والذكر
الجميل الذي عم زوايا الآفاق واقطار من الحب الذي لا يقدر صيادو
القلم ان يصيد حمايم بيانه بحبالات النقاط • وشبكات الحروف من
الانخراط • سلك الوفاق والالتئام • الذي ينال به في احياء الدين واعزازه
كل مرام • وما اوجب ارسال ذلك التاخير والاهمال • مدة لاشتغال بقتال
الكفار الملاعين • ومحاربة اعداء الدين • واحزاب الشياطين • والجهاد
في دفع آفتهم والاستقصاء في استيصال شافتهم • ونبتدي فيه توجهكم
بعدما اضحت تلك الاقطار آمنة الاطراف • وصارت بكفاية مجاهديكم
سالمة الاكناف • الى اظهار ما ادخرتم في البال من ارسال الكتاب •

وتجهيز

وتجهيز رسلهم • ليبينوا ما عندكم من جميل الموالاة والمخالصة مشافهة •
ويبرزوا ما انتم عليه من عهود الآباء والاجداد مواجهة • وطلبكم لحسن
معاودتهم من ديارنا • وانصرافهم عن اقطارنا • بما يكون سببا لاعزاز اهل
الهدى • واذلال الكفرة المترددين في هاوية الردى • وباعثا لما يشد به
من الاسلام العصا • ونشدخ ببركته هامة من كفر وعصى • واما المكتوب
الآخر فهو ايضا مصحوب بالمبالغة في تنويه المحبة المغروسة • وتربية
المودة المؤسسة المحروسة • ومشتمل على ذكر ما خصه الله تعالى لطبع السلاطين
العثمانية والخواقين الايمانية • من الفضائل التي يضيق عن عدها طوق
المحصي • ويتقاصر دون حصرها باع المستقصي • ومخبر عما اعترفهم في البحر
من اساطيل العدو • واباطيل اهل الطغيان والعتو • حتى اوجب انقلابهم
وانتضى قفولهم وايابهم • وعن محاولة ارسالهم على بلاد • بعدما تعذر السفر
من جهة الجزاير لمانع وقع هنالك • ومنبئ عن اجتماع الكفرة وعهدهم
الصلح بين طواغيتهم الفجرة • وعن قصدهم والعياذ بالله على البلاد الاسلامية
والديار الايمانية • اذ لهم الله تعالى وخذلهم • وصرف وجوه الخسف قبلهم
وعن استمدادكم منا في صرف همتنا العلية • الى ابطال طريق العند الذي يتقوى به
اعتضادهم • ويتمشى استنادهم واعتمادهم • وعناياتنا باعانة ولي الهدى
مصروفة في كل حين • الى نصرة اولياء الدين • ونكاية اعداء الله الكافرين •
حتى لا يمس المسلمين • شر العدو ومضرته • ولا يصدم المؤمنين في اهل
الشرك ومعرته • ولا يخفى عن علمكم ان من عاداتنا الجميلة الموروثة
من آبائنا واجدادنا اصحاب المآثر الجليلة • ان نتلقى من يرد علينا ويرغب
الينا من البلاد الشاسعة • بالترحيب والترهيب • ونبسط له بساط
الانس • ليفوز من سفره بنصيب وسهم • في دفع ما يرهبونه عن ساق الجد
ونستفرغ في تحصيل ما يطلبونه اقصى الوسع والجهد • فلما قرئت علينا
آيات اخلاصكم • واستقرت لدينا مواد ودادكم واختصاصكم واحضر
رسلكم في حضرتنا العلية في مقام المثول • وعرض علينا هداياكم البهية
المتلقاة بالقبول • اثنينا على تلك الاخلاق الطاهرة والاعراق الزاهرة •
ثناء متارج النفحات متبرج الصفحات • فما دمتم في مراعاة الحقوق ساعين
ولدولتنا الاسلامية راعين • لا تلقون من سدة العز والاقبال • سوى
النظر بعين الاعزاز والاجلال • وصون الوداد عن التضاد • والاخلال
عن الاختلال • ونرجو من الله ذي الرحمة والرأفة • ان لا يحجب بدر كمال
المؤالفة • بحلوله ارض بعد المسافة • ونعيذنا واياكم عن شر آفة ومخافة

واتماما ادرج في ذلك الدرج الجليل من المساعة بالسعي الجميل في ابطال اعمال
اهل التضليل • فنحن باذنه سبحانه وتعالى نتقيد باداء واجب منه تعالى
عونه واحسانه • ونرسل الاوامر الشريفة الى امرائنا المحافظين في حدود البصرة
ونأمرهم في ذلك الفتوة والنصرة • ثم لا يذهب عن علمكم انه وضح عندنا •
واتضح لدينا شر الكفار • وبغض الاعراب الاشرار • قهرهم الله القهار • وانزلهم
دار البوار • في بعض ديار تلك الاقطار • مثل العرايس والحويزة • وما يضاهيهما
من القلاع المشهورة • وعجزكم عن اقلاعها وانتزاعها • وتطهير تلك الاراضي
وبقاعها • وكان اللايق بكم والواجب على ذمتكم • ان تستمدوا بنا • وتستعينوا
باعتابنا • قبل ان تتصادم الصفوف • وتتزاحم الزحوف • فنحن بحول الله
وطوله • قادرون على ايصال عسكر يضيق عليهم الطرايق والمسالك • ويلجئهم الى
المضايق والمهالك • ويخلص المسلمين من بوايق مكرهم • وعوايق غدرهم • وتكون
اعانتنا هذه مرغمةً لانوف الكافرين • ومكسرةً لجموع اهواء الخاسرين المتجبرين
حتى تنقطع اطماع اعدائكم من تلك البلاد • وتندفع عنها اسباب الشر
ومواد الفساد • ولا يشغلنا عن الامداد بعون رب العباد • اشتغالنا
بما نحن عليه من اعداد لوازم الجهاد • لاستيصال اهل الرفض والالحاد •
وخرق شوكة اهل الضلال والفساد • وتجهيز العمارتين المعظمتين
الى البحرين المسجورين • بعساكرنا المنصورة • حفظهم الله مما يورث الشين
في الدارين • ونحمد الله على ما اسبغ علينا من جزايل الآلاء • ونستزيد من
سبحانه جلايل نعمائه • والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته • حرر هذا
الثغر المبارك في اواخر صفر الخير • في سنة ست وعشرين والف •
من هجرة من له العز والشرف • عليه الصلوة والسلام ما ختمت الصلوة بالسلام

فارس پادشاهنه نامه در فرانجه لولردن اسیر اولانلرک اطلاقی ایچون

الحالة هذه ولایت فرانجه پادشاهی اولان فلان ختمت عواقبه بالخیر •
آستانهٔ مجلل الارکانمزه که مقبل شفاه خواقین دوران • وملاذ وملجاء
سلاطین عصر واواندر • اخلاص واختصاصنی مشعر نامه گوندروب •
ممالک فسیحة الاکنافمزدن اولان جزایر غرب وتونس • والمغربه تابع
اولان سرحدلرده متوطن اولوب • ثغور اسلامیت حفظ وحراستی ایله
مأمور اولنلر قدیمدن الی یومنا هذا فرانجه رعایاسندن تجارت ایچون
ممالک محروسه‌یه کلدکلرنده • دیار اسلام رعایاسی مثابه‌سنده حمایت
وصیانت اولنه کلمشکن • برقاچ سنه‌دن برو بعض حاکملرک اهمال وتکاسلی
سببی ایله لوند طایفه‌سی تجاوزدن خالی کلاردر • حتی دیارده فرانجه لوره

زات

زات کلدکلرنده گیتلری ایچون بولدقلری امردا وغلانلری • خلاف شرع
شریف ومغایر عهدنامهٔ منیف • جبرا وغصبا اخذ ایدوب • اسیر ایدرلر
واوامر شریفه ایله اطلاقلری فرمان اولندقده اولمقوله اسیرلر الرنده
بولنورسه • مسئول ومعاتب اولمق خوفندن فاش ولایتنه کوندروب •
بیع ایدرلر • قدیمی عهد وامان وصلح وصلاح مقتضاسنجه منع اولنوب
خلاف عهد ومیثاق اخذ اولنانلر اطلاق اولنمق بابنده استدعای عنایت
التمکین • فی الواقع مشارالیه فرانجه پادشاهلرینک اسلاف امجادی ماسلف
عقد ایلدکلری صلح وصلاح وعهد وپیمان که باعث فوز وفلاح وامن
وامانلردر • حین معاقده‌دن الی هذا الآن بزم طرف قرین الشرفمزدن •
خلاف عهد وامان • ونه مومی الیه جانبندن مغایر آداب استیمان • بروجه
رضا کوسترلمدیکی اجلدن • ولایت فرانجه رعایاسی عموما ممالک محروسه‌مز
رعایاسی کبی حفظ وحراست اولنمق قاعدهٔ مستحسنهٔ شهریاری اولمغین •
اولمقوله اهمال وتکاسل اوزره اولان حاکملر عزل اولنوب • الرنده بولنان
فرانجه رعایاسی اطلاق اولنمق بابنده فرمان قضاجریانمز صادر اولمغله
حرمةً حکومتکزده بیع ایچون ارسال ایلدکلری اسیرلر فرانجه پادشاهنه
عنایت واحسان اولنان عهدنامهٔ همایونمزه ورضاء شریفمزه مخالف
ومغایر اخذ اولندقلری اجلدن • بیع وشرالری نامشروع اولمغین • سزلک
دخی درکاه معدلت پناه وبارکاه سعادت دستکاهمز ایله اولان وفور
اخلاص • وفرط اختصاصکز مستدعاسنجه سزلک طرفکزدن دخی بیع وشرادن
منع اولنوب • وجه مشروح اوزره اخذ اولنوب بالفعل مالکرده موجود اولان
فرانجه لو اسیرلر اطلاق اولنمسی بابنده نامهٔ همایون عزتمقرونمز اصدار
اولنمشدر • کرکدرکه وصول بولدقده شرع شریف نبوی ودین منیف مصطفوی
صلی الله علیه وسلامه • اتباع تامکز حسبی ایله ودودمان خلافت بنیانمز ایله
اولان قدیمی موالات ومصافاتکز مقتضاسنجه عتبهٔ علیا • وسدهٔ سنیه‌مز
ایله • اباعن جد مصالحه اوزره اولان فرانجه پادشاهنک رعایاسندن مغرب
لوندلری شرع شریفه مخالف وعهد وامانه مغایر اخذ ایدوب • بیع ایچون مملکت
ولایتکزه ارسال ایلدکلری اسیرلر کرکسه بعد بیع وشرادن منع ایلیوب • بالفعل اول
دیارده موجود اولان نصاری رعایاسی اطلاق اولنوب مشارالیه • فرانجه
پادشاهی طرفندن وارن آدمی ایله فرانجه ولایتنه ارسال اولنه‌که مومی الیه ایله اولان
قدیمی عهد ومیثاق واتحاد واتفاق استحکامنه سبب اولدوغندن ماعدا عهد بشیندن دور
دریغ دن برو اولان مضادت ومخالفتکز دخی عهد وشدید ونقضنه باعث وبادی اولور •

١٥٧ ٤٤٩

٤٤٨ ١٥

عجم شاهی شاه عباس امان وصلح طلب ایتدکده سلطان مرادخان جنابندن یازیلان نامه‌در مودی خواجه افندی

باسمك اللهم وبحمدك عز ذاتك وتنزه صفاتك • وتقدست اسماؤك
وجل كبرياؤك • وبلغ رسلك وانبياؤك صلى وسلم عليهم • وعمنا بركتهم
نعماؤك والآؤك • وبعد عالیحضرت کیوان رتبت برجیس منزلت بهرام صولت
خورشید طلعت ناهید عشرت عطارد فطنت قمر فطرت • دولت اساس
سعادت اقتباس عزت استيناس محمدت لباس شاه عباس دام فی رضا
رب الناس • محضرلرینك محبرینه جنطه حدو قیاسدن افزون • وخریطه
افكار وحواسدن بیرون • تسلیمات سلامت نمون • وتكریمات مودت
مقرون • اهداسیله انهاء مصافات انتما اولدركه • جود سابقه جلیله
ملك خلاق • وارادت ازلیه مالك الملك على الاطلاق • تعالی شانه وتوالی
احسانه اقطار مشارق ومغارب • آفاقنده • انوار ملت محمدیه وآثار
سعادت سرمدیه اشراق ایدوب • پرتو عالم افروز دین اسلام • ولمعه
منهجه نوغ برفروغ سنت سید الانام • علیه الصلوة والسلام عالمكیر
وضیاء شرع منیر احمدی ایله بساط زمین مستنیر اولوب • حصن حصین
دین مبین • وبنیان رصین سنن سید المرسلین • الی انقراض الشهور والسنین
مستقر • وبواب هدایت قرین الی انطواء السموات والارضین • مستمر
اولدوغنه تعلق ایتمش • محافظه بیضه بیضاء اسلام • ومحافظه
احكام احكام ایچون • هر قرنده سعادت اقترانده بر صاحبقرانی قرین
عون رحمانی • وهر دورده هدایت دورانده • بر مرد عالیشانی رهین
صون سبحانی ایدوب • سایه دولت پیرایه‌سن مایه امن وامان • ومهد
عهد عدالت سرمایه‌سن آرامگاه اهل ایمان ایلمشدر • فلهذا نواصی
استعداد ازلی • وجبین فطرت جبلی لرندن ابداع نور جلی ایله • قدر
بلندلرین اوج علایه معتلی • قلدوغی آبا واجداد امجادمز اولادن خاندان
عثمانی که حارسان خطه مسلمانی • وفارسان عرصه صاحبقرانی درلر •
معظم ثغور ممالك مسلمین واعظم حدود مسالك موحدین اولان دار الملك
روم بهجت رسومی • اول شایستگان دولت خداده مقر ومأوی ومسكن
ومثوی ایتدیكه • ما قدر واقوی واضر واغوی • حكام كشور كفر وضلال

والقال وابطالی وعن حروب وجدال • واسباب نكال اولان مال ومنال
صاحبی فرالتر مجموع اولان سرحدلر • وسد سدید وحصن حدید اولوب •
بارقه شمشیر عالمگیر غزاة ایله سز اولان جزائرین وبروب • شراره
شرلرین سیلاب نقض ایله اطفا • ووجود مردودلرین بیرامن
حدوددن مطرود • وفنای ممالك محروسه‌دن اسباب صدور وورودلرین
افنا ایتمكله توسیع كشور موحدین • ونصب اعلام ظفر دین سعادت
قرین • المنة لله تعالى وتقدس • دولت بوزیله قریب دركه امداد الهی
ایله اعدا عدد غزا وجهاد • واخماد نوائر فساد كروه مكروه كفر وعناد
ایدوب • اداء فرض جهاد ایله ابراد ورضای رب العباد كسبی حسبی الله
روز بروز فضل الهی حقلرنده بروز ایتمكله • هر برجد بزم بین جدوی •
ورضوان بخت رجدی ایله مظهر لطف ایزدی • ومنظر احسان سرمدی
اولوب • هر بری عهدنده ادای حقه جهد ایدوب • رفع لوای ظفر التوای
جهاد • وتاسیس بنیان غزایه اجتهاد ایله فتح حصون وبلاد • واقالیم
جهانه نشر منا شیر عدل وداد ایدوب • حمایت حرمین محترمین • ورعایت
آداب قبلتین • ومحافظت صخره ومروتین • وحراست روضه رسول الثقلین
علیه الصلوة والسلام • خدمت سعادتی زیور افسر افتخار وابتهاجلری واركان
خجسته اسلامیه نك اقامت سیادتی حلیه عمامه وتاجلری • وسلاطین
آفاق جاده رجاده محتاجلری • وبخاجوی همت بلند عطا انتاجلری اولمشلر
چون مشیت مسبب الاسباب • وارادت رب الارباب • باب فوز وفلاح
وحوز صلاح جهة اقبالمزه كشاده • وجواهر زواهر سعادت مادر زادی
اصداف امالمزه نهاده ایدوب • نوبت خلافتی بو معتمد فضل مولی ومستند
سند انبیایه ارزانی قیلوب • مسند سلطنته اجلاس • ومأمور امر فاحكم
بین الناس ایتدی • آیین سعادت قرین اسلاف انصاف اتصافلرز اوزره
بهشتی نهاد فؤادمزه تمهید مهاد جهاد • وشمشیر وضمیر صفا پذیرمزه
كافران بدنهادك قمعی اولوب • تیغ جهانگیرمز نیام آرامدن آخته
وبحر وبرده مواكب همایون • وسفن ومراكب ظفر نمونمز پرداخته اولوب
نبت غزا ایله اكمال ناموس • وابطال ناقوس ایچون اول سفرلرده اوزرینه
رجوم سیوف كاسر صفوفله هجوم وعزم جزم • وهزیمتلرینی ایچون
تیغ كین چكوب • ساز رزمز آهنك رزم اولوب • نیجه بلاد واسعه
وكماداتا نعمه تسخیر • واصنامی اولماكندن نابید • وبیع وكنایسلرین
معابد ومساجد اهل هدی ایتمك • عزیمتنده ایكن • عم‌كز شاه اسمعیل •

٢٥٥

تسویل بردیو • وتضلیل دیو ایله • عهد ومیثاق بشتینی وعقد وپیمان
دیرینی تعطیل ایدوب • ولم عتم یجئ الفتح منه • مضمونجه اورنك نشیب
تخت ساهی اولدقده آتشبار طوب شاهی کبی • خلف خلف ایله پیمان شکن
وبنیان صلح وصلاح بیخ کن اولمغله • اولعزم لایقهر عائق • وتسبب
اراقة دماء خلایق اولوب • کشور کفر وضلالده اشتعال نایره قتالد
اشتغال ایله • محرز وذروباد اولدیغی جهتدن ع با اهل هدی هرکه
درافتاد برافتاد • نخواسته حبل املی کوتاه • وخیلی علی بناه اولوب •
سد راهی اولان کوه اندوهی آشامدی • خیرصید وغیجوت چوق یشامدی
بیت پیمان شکن بر سرش آورد همین • او برزمین کرفت وما روی
ناامین • چون وراثت تخت عجم وحکومت اورنك عجم • پدر بکوشاه
خدابنده انتقال ایلدی • یابنده کوهر تابنده مقصود اولمق امیدیله قرعهٔ
صلحه شتابنده اولوب • وسائل دست رسائل ایله تجدید مساهله
بابنده فتح باب مکارم ومکاتبه ایتدی • لکن عساکر مختلفه وعشایر
غیر مؤتلفه سی رابطهٔ اتحاددن واسطهٔ اختلافله کسسته • وخیام
نفاق اوتاد شقاقه بسته ایدوب • تخلف اوزره تخالف ایتمکله تألف
عهده شکسته ایتدکلرینه منع وزجرلرینه قدرتی وضبط وربطلرینه
جرأتی اولمدوغی جهتدن • اظهار تمرّد ایدن سرکشلر وبما قدرلر اولمق لازم
کلوب • توطن ایتدکلری جای مأنوسلری ممالك محروسهٔ عثمانیه دن
اولمغله تحمل ایلمیوب • وبیروی جنکجویان روم هجومیله انتزاع اولنان
مساکن واماکن که اللرنده ایدی • براغوب ولحوالیدن کیدمیوب •
تخیل خلاص ایله اطرافی طواف ایتدکجه فکرلری معکوس ولوالری منکوس
اولوب • تارامالری اوتاد عملاری کبی منفصم • واسترداد بلاد مفتوحه دن
رشتهٔ امیدی منخرم اولوب دوبرو جنکه قدرتلری اولمایجق اول متحابا
عرصهٔ هیجا • اسکی آشیانی براغوب • سوراخ تکسردن نگاه تحسر ایله
ارافدن بقار اولدوغی ایامده • وشآمت بخ وسفاهت فکر کج ایله بساط
بسطلری نوردیده • ونوردیده بخت ارکسه اولدوغی هنکامده •
تأیید وامداد بخت مادرزاد خلعت شاهی خلقت موزونکز ایله مساعد
اولیجق • رهنمونی خرد خرده بینت • ورهنمائی پیر وبقیت ایله • اولعنا دکیش
بدانیش لرك تدبیر موجب لتدمیرلرین • ردوتزهیق • وقبول توفیق
التمیین لجوجات کرانجان • عرضهٔ عرصهٔ تعنیف • ونیجه سخیف العکر خفیف
العقلك • الایشووجود بریده دفنده اندوددن تنظیف ایتمکله • صراط مستقیم

مصافاته

١٥٩ ٥١

مصافاته مهتدی • وجد عاقبت بینکز آیننه مقتدی • وردای حسن ارادتله
مرتدی اولمغه • مبتدی اولوب • بادی بادیٔ صلح وصلاح • وبانی مبانی
رشد وفلاح اولدوغکزی اخبار ایچون • وعتم وپدر دیکزدن صدور ایتدن
حسن اعتذار ایچون • حبر تدبیر ایله تحریر تحسین سزای ادای تعزدای جبود
اقوالی حاوی • وصفای دلجلی ادن ناشی مهر ووفا حکایتن راوی •
برنامهٔ عنبرین ختامه ایله استشمام شمایم انس ایچون خوشبو شمامه دکی
ومضمون صفا نمون ولا مقروفی مخترع منشی عبارتی جامهٔ خامه دکی
دیبای زیبای سلامت خواسن سالك سالمه ده توالی اوزره طوقونمش
ونسیج نامل اوزره • ان اریدلا الاصلاح • آیت کریمه سن اوقومش •
وعذوبت لسانی • وسلاست بیانی ایله انشاسی ثنا فرمانی • وابدای
ادای حسن تراضی ایلمش • وطلوع بنا شر بشاير صباح اصلاح ایله ظلام
ظلم وکفاح • ارتفاعی • وجوه ارتیاح ایله نفوس وارواح انتفاعی وسیله
اولمغین تضاد • توادده مبتدل وتلاد اتحاده • محول اولمه سی التماسی •
الماس فکر اصابت قیاس ایله سفته • ونسایم انفاس صفا ابناسی ایله
کلزار مهر ووفا ازهارینی شکفته ایتمش • نوباوهٔ باغ زندکانی خلد سته
راغ کامرانی یعنی قالع باب خیبر • میرزاده حیدر • ابنه الله نباتاً حسناً
ایستان راستان نوازه • وبارکاه جود داغی زاده نهال حدیقهٔ آمالی
آبیاری تربیهٔ مستحسنه مز ایله • سربلند اولمغیچون کوندریلوب •
اداء رسم رسالت ایچون کزیدهٔ اهل اسلام عین الاعیان زین الاقران
حاکم اردبیل مهدی قولیخان • وشاهد مضمون صحیفهٔ لطیفه • شاهم
قولی خلیفه وامارت نشان مهدی قولی سلطان • وسزاوار انظار احسان
علیجان • وحکمت مطالب طبیب ابوطالب ارسال اولنمش بر ساعت سعادت
شمولده • پیشگاه سریر خلافت دستگاهمزه وصول • ومعرض عرض مع
مسؤل اولدقدن میرزای نیکو شمایل • ونوبین نجابت دلایل • واکرام
رسل ورسائل شان معالی نشان پادشاهانهمزه سزاوار اولنوب
نوازش فراوان ایله محسود اعدا • ومغبوط ارباب وفا • وفرا خور استعداد
اوزره رعایت والتفات مسرت نصاب بمدن نصیب وافی بولدیلر • چونکه
مضمون مصالحت نمون نامه • جملهٔ انامه جلب راحت وجذب
رفاهیت سببی ایله سالت سؤالی ایدی • جواد حسن قبول ایله مجاب •
وفتح باب صلح وصلاح ایله قصد ثواب • وعزیمت سابقه فی نخرام
تنفیذ نیت سائقه رحمت لایقه توجهی ایله طلب اجر بیحساب ولکن

شول شرطیله که مظاهر رضوان رب العالمین حامیان حمای دین مبین
حاویان سمات یقین راویان احادیث خاتم النبیین اولان اصحاب
کزین وائمه مجتهدین رضوان الله علیهم اجمعین وام المؤمنین حلیلهٔ
جلیلهٔ سید المرسلین خدیجه صدیقهٔ کبری التی نزلت فی عصمتها آیات
البراءة من السماء رضی الله تعالی عنها وعن ابیها حقلرنده شتم
ولعن وقذف وطعن اولنموب لا تسبوا اصحابی حدیثی واصحابی
کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم حدیثی والله والله فی اصحابی الله الله فی اصحابی
لا تتخذوهم غرضا من بعدی فمن احبهم فبحبی احبهم ومن ابغضهم فببغضی
ابغضهم ومن آذاهم فقد آذانی ومن آذانی فقد آذی الله تعالی ومن آذی الله
فیوشك ان یأخذه حدیثی لا تؤذونی فی عائشة فان الوحی لم یأتنی
وانا فی ثوب امرأة الا عائشة حدیثی وامثال ذلك من الاحادیث
الصحیحة الواردة فی فضلها وفضل الاصحاب لا ینبغی ذکرها الکتاب
ایله رفع حجاب ارتیاب ایدوب جدکز شاه طهماسب تقبل وتعهد
ایتدوکی اسلوب اوزره تبرا دیمکی مسلوب وتبرا ایدرك تیر ستم فاسدلری
شکسته ودهن لعنت باشلری بسته اولوب وزد آذربیجان تکلیف
نفرین وانره بولنان اهل سنت وجماعته سب شنیع تلقین اولنمیه
وسنه ثمان وتسعین وتسعمائه هجرت نبویه علیه افضل الصلوة والتحیة
نوروز فیروزی تاریخنه دکین که سال فرخنده فال حفیظ دره حیطهٔ
تصرف کماشتکان دولت قاهرهٔ عثمانیه ده اولان بلاد وممالکدن
ودائرهٔ ضبط وربط کذشتکان صولت باهرهٔ سلطانیه ده بولنان
حصون وممالکدن که اهلی طوعا او کرها آلات رقبه بی رقیهٔ خدمتدن
رها ایدوب انقیاد واطاعت ومحکوم اولدقلرین اشاعت ایتمشلردر
دست تصرف قزلباش کوتاه وکما کان مضبوط فرستکان درکاه اولان
ممالك محروسه مزده اولان حدود عرضا وطولا هر محله که دلیران
روم وضع بسطوتی ایتمشلر رسل موحی الیهم اتفاق طوعی ایله ختم
ایتدکلری وتبقه وقفنچه کرك تبریز وقره جه طاغ ونواحیسی وکرك
کنجه وقره باغ وکرك شروان ولواحقی وکرك کرجستان ومضافی وکرك
نهاوند وملحقاتی وکرك لورستان ومضافاتی الشئ اذا ثبت بلوازمه
مفهومنجه موکلان بارکاه سلطانی ومعتمدان درکاه عثمانی تصرفلرنده
باقی وسایر عدالت سرمایه مزاولان اماکن تصدی وتعدیدن امان
واقی اوزره اوله محصل هر نه که قوت عساکر نصرت مآثر ایله مضبوط ۴۵۲

یاخود انقیاد سکانی واسطه سیله قزلباشدن آلنان مواضع قریبه
وبعیده یه بو جانبدن تطاول وتجاوز وتناول وضابطهٔ صلح وصلاح
تغافل معامله سیله تعامل اولنمیه وبعد انعقاد المصالحه بغی وعصیان
وغی وعدوان ایله کریزان اولوب التجا ایدنلره جای ملجا ومنجا ویرلمیه
وخیانت وخیانت ایله هارب ولنلره صیانت اولنمیه بو اسلوب
مسلوب النقض اوزره قطع حدود ومنع صدود ایچون آستان
راستان دولت آشیانمزدن وان بکلربکیسی خضر پاشا وتفرقهٔ
درکاه عالیشان زمره سندن خیبر تعیین اولنوب پیام آوران
مشار الیهم مزید نوازش انعام عام پادشاهی ایله مفتخر ومباهی
قلندقدنصکره متابعة الطاف فسیحة الاکناف ایله مأذون
بحسن الانصراف ومسارعهٔ اعطاف وسبعة الاطراف ایله مرخص
بلطف الانعطاف اولدیلر هواره دهمون رفیق توفیق الهی ایله بر
وطریق هدی وشریعت غرا وسنت سنیهٔ حضرت محمد مصطفی
ایله مسلم رضا جوی بارکاه خدا اولمق میسر اولدی المنة لله
همیشه تاکه عناصر مزاج عالمدر اساس صلحی ایری بریری ایله محکم
بو طرح صلح که رسم ایتمشدی کلك قضا بو دهر بوقلمونده لوح مستدن اولمیه باقی

شاه عباسدن استدعاء صلح ایچون کلان نامه سنه جواب نامه ابتدا

حمد وسپاس بیحد وشمار وشکر وقیاس ممتنع الانحصار خدای واجب
الوجود ایچون ومعیض چشمهٔ جود کوناکون تعالی شانه عما یقولون
حضرتلرینک جناب کبریاسنه سزاواردرکه بحر ژرف وده حرف امر کاف
ونونك برقطره سندن ظهور ایدن آثار صنع غریبه لی توصیفنده
دبیر تدبیر عقل دوراندیش وتحریر مشتری تحریر خرد فطنت کیشك
زبان بیانی کنك ولال وقطع مسافت بی نهایت کنه عظمت وجده لنده
صدهزار دوصاف خبرت اساس وحکیم دربت اقتباس سمند
آتش پای ذهن وقاد وکمیت جهان پیمای فهم نقادی کمال رأفت واحساندن
ومحض رحمت وامتناندن سکان بسیط معمورهٔ ارض بالطول والعرض ضمننده
آسایش وانتظام امور معاشی وکشایش کار وبار استراحت وآرامشی
ایچون سایبان مستلزم الامان السلطان ظل الله فی الارض مأوی
الیه کل مظلوم وملهوف ایله مظلل وتارك مبارك سلاطین نصفت
کزین وسر سعادت افسر خواقین عدالت آیینی تاج وهاج عدل ساعة
خیر من عبادة سبعین سنه ایله مکلل ایلدی وصلوات صلوات

وتحایای بی غایه • وتحف تسلیمات وثنایای مالانهایه • اول شکافندهٔ قرص
بدر منیر • وبشیر ونذیر صغیر وکبیر نکین خاتم • ولکن رسول الله وخاتم النبیین
نمایندهٔ توقیع رفیع • وما ارسلناك الا رحمة للعالمین • محرم اسرار • ان هو ٢٥٤
الا وحی یوحی • راست گفتار • وما ینطق عن الهوی • مکحول بکحل دید فزای
مازاغ البصر وماطغی • رهنمای سبل بسوای انبیا ورسل • شفیع عصاة
ورفیع عرصات حبیب خدا • خواجهٔ هر دوسرا • محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم •
بعدد نجوم الخضراء • وذرات الغبرا • وسایر عترت طاهرین • وذریت طیبین
خصوصا طریق محبت وصداقتده بذل مهج وارواح • وسینهٔ پرسکینه لرینی
عرضهٔ اسنهٔ ورماح • ایدن آل بزرکوار واصحاب کبار • مهاجرین وانصار
خصوصا صدیق صدق شعار • ثانی اثنین اذ هما فی الغار • مقتدای ابرار
ومستثنای اخیار • ابوبکر صدیق • وصدر مجلس اصحاب مجاور مسجد ومحراب
مجری احکام کتاب • عمر الفاروق • وجامع القرآن معدن حیا وایمان •
احد عشرهٔ مبشره بالجنات • ذی النورین عثمان • وقالع در خیبر • قامع
سر عنتر • ابن عم پیغمبر • ابو الحسنین الاحسنین علی ابن ابی طالب • رضوان الله
علیهم اجمعین • مراقد شریفه ومشاهد لطیفه لرینه اهدا اولندقدن نصکره
عالیحضرت معالی منقبت گردون رفعت فریدون شوکت خورشید ضیا
جمشید بناهت دارا درایت عطارد فطنت مشتری کیاست • مسندآرای
سلطنت ایران زمین • مالك تخت وافسر ونگین • فرمان فرمای فارس
وخراسان • وعراق • حایز ملکات طیب اعراق ومکارم اخلاق • المختص
بمزید عنایة خالق الناس • جلال السلطنة والحکومة والدولة والرفعة
والسعادة • شاه عباس حفظه الله تعالی عن السوء والباس • صوبنه انها
واعلام اولنورکه • هجرت نبویهٔ مصطفویه • علی مهاجرها الف صلوة والف
تحیة • ذی الحجه سنك اواسطنده که شهریار مواکب انجم • اورنك
نشین خنج چارم • اعنی خورشید جهانتاب • اشرف دست کامل العیار
کفهٔ میزان اعتدال لیل ونهارده متساوی المقدار • بولندیغی اثناده •
عمدهٔ خواص ذوی الاحترام ملوندن قدوة الاماجد والاعیان زبدة الاماثل
والاقران • یوزباشی توخته بك • زید اعتماده • وساطتیله محضا ودایع
خالق البرایا • وصنایع فاطر الارض والسما اولان • فقرا وضعفا وعجزه
ورعایانك فراغ بال ورفاه حال لری ایچون • مجددا طرح اولنان صرح ممرد مصالحت
طرفین • وقصر مشید مؤالفت جانبینك • تشیید اساسی واستحکام وتجدید
بناسی انتظامی • داعیه سیله منشیان بلاغت قرین ودبیران فصاحت

دهنیلك حرکات اقدام اعجاز ارقامی • وقطرات مداد خامهٔ عنبر ختامی ایله
صحیفهٔ قرطاس کافوری لباس ارقام نمایش • ولولهٔ کلك مشکین کهر ریز کتاب
سحر نصابدن تراوش بولان • نامهٔ محبت آثار • ومفاوضهٔ مودت شعارلری
بر وقت شریف وزمان لطیفده نظر فرخنده اثرمزه مصادف • وکوهر
مضمون سطور مودت مشحونی مندرج اولان نکات موالات ودقایق
مصافاته اطلاع ضمیر مهر شعاعمز مترادف اولوب • عذار عذراء مقصودی
عبارات انیقه • وعارض حورا مستورات لثام استعارات رشیقه سی
مرآت استحسانده خلوه نما وخلوتکاه دل صفا منتجمزده جهره کشا اولدوغندن
روز بروز ازدیاد مواد معانی صلح وصلاح واشتداد مهاد مبانی فوز وفلاح
مراعاتنده تعتید تام اولنمغه عطف عنان دیکران اهتمام • وایکی طرفك
سرحدلری جوارنده حمایت حومهٔ بلاد وبقاع • وحفظ وحراست اماکنه
وضیاعه مأمور اولان امرا وحکام عزه انفاذ احکام اولنوب • بنیاد موافقت
ویکانکی نك استحکامی ویوما فیوما آثار منافرت وبیکانکی نك انعدامی
بابنده کما ینبغی ویراد • بلکه فوق المأمول والمراد • سعی واقدام اولندیغی
سیاق وثیقهٔ متضمن الوفا فکرزدن معلوم • ورفاه حال تجار ومترددین
مسافرین ومجاورین استمراری ایله حصول ثواب طرفین واستجلاب دعاء
٢٥٤ خیر سنکه ممالك جانبین اعز مرام ایدیکی • محاوی نامهٔ محبت ختامه کزدن
مفهوم اولمغین • جناب معدلت نصابکزك دخی ممالك محروسه کزده
واقع بلاد ومحمیه ده بنیان عهد وپیمانه صرف مقدور وجهد موفور ایتمکه
مأمور اولدقلری • محل ریب واشتباه • ومحتاج شاهد وکواه دکلدر •
ایلچی موما الیه تلثیم قوایم سریر خلافت مصیرمز ایله سرافراز قلنوب •
رعایت آداب رسالتده سعی مشکور • وایراد ایلدوکی هدایا نظر قبول ایله
منظور اولوب • خلع فاخره وصلات وافره مزیله مرعی ومیسر المرام واجازت
انصراف وتبلیغ نامهٔ مودت علامه مزله عازم صوب صواب انجام قلندوغی
اعلام اولنور • همواره کلزار موافقت والفتمز خزان کدورت وکلفتدن مصون ومأمون باد •

شاه عباس حاکم کیلانك حقنده التماس عاطفت ایچون یازیلان نامه در

جناب معالی مآب • فارس شجعان فرسان فوارس • حارس فرسان عراق
وفارس • دارا درایت کاوس کیاست اقبال شاه عباس • طهماسب اقتباس
لا زال متفردا فی العمل بمضمون • والعافین عن الناس • جنابنه ومن
اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما • نقش شریفنك مضمون
منیف مجازات نماسیله عمل قصدینه • محض مکارم اخلاق سلطانی • ومحاسن

اشفاق خاقانیدن صادر وجاری • ومنافی شرایط تألف اولان مثالب
وروابط تکلفدن بری وعاری هدایای تحایا وتسلیمات تسلی انتما • اهدا
سندن صکره ضمیر منیر نثرا نواد • ومشاعر عرفان مآثر اشعاری لازم کلمات
مسالمت سمات سلامت ابرازه • بوطرز محبت طراز اوزره آغاز اولنور که •
هر عصرده خطبهٔ عز ونصر • بر خدیو جلیل القدر • نامنه اوقنمق سنت
سنیهٔ حضرت حق • وعادت بهیهٔ قادر مطلق اولمغین نظم
هر نوبتی نظر بیکی میکند بهار • هر منتی زمین بیکی میدهد زمان • تا بهر
ابتهای سمند بدکات دهر • باشد سریر معدلتش مایهٔ امان • الحمد لله
الملك المنان • بو عهد وثیق الامان ده آستان راستان مکانمز بر مقتضای
مشیت خدای بیچون • وحکمت بالغهٔ بترسکون کاف ونون • آرامکاه
سلاطین اخلاص نمون • وپناه خواقین ربع مسکون اولمشدر •
ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء • متعنا الله تعالی بالعمل علی ما شاء •
الحالة هذه اول دار الامان معدلت نشان اولان • عتبهٔ علیهٔ کردون
وقارمزه • جانب دارا مجانبلرندن اخلاص شعار بیکزدن • رفعت مناب
امثالنا عالی سیدی آغا ایله ابلاغ اولنان • اثر خامهٔ بدایع نکار •
وسفر سفر وقایع اخبارکه معانی بلاغت بیانی الفت مبانیسنی وجعل
بینکم مودة • آیت هدایت عنوانی تفسیر وبیان ایلر • احسن ازمنه
وایمن امکنه ده واصل اولوب • صبح مطلعندن شام مقطعنه وارنجه
نظر یافتهٔ حسن التفاتمز اولمغله • اول نامهٔ خلت سمات انواع شرف
واعتبار ورغبت بیشمار حاصل اولدی • فحوای صداقت احتوا سنلرنده
ولایت کیلاندن داخل حوزهٔ مملکت • وزیر حکومتکزده اولوب • خان احمد
ابا عن جد برآوردهٔ دست تربیتکز اولدوغندن وسایر امور لازمه •
وتبعات جازمه ابنا اولنمش • امری آیینهٔ طبع صفا آیین تنویر نور جهله
منطبع وصورت پذیر اولمغله اجداد عالی نژاد داعیان اسلاف خاندانمز
ابتلادن نهاد کز ایله عقد صلح ومصالحه شروع ومباشرتندن مقدم
حاکمان اولکای کیلاندن • فضل خدای مستعان ایله مصداق • مفتحة
لهم الابواب • اولان در دولت مآبمزه خلوص جناب ایله انتساب و
تردد • وکاه وبیکاه آداب مقارنتدن آکاه رسل خوالص الفؤاد • ورسائل
نواد مواد ایله تجدید مراسم تودد قلوب • سنن سعادت نمون عدالت
مقرون جانبندن دخی نوازش نامهٔ همایون • ومراعات کوناکون ایله
منظور الطاف پادشاهی • ومظهر اعطاف نامتناهی اولدقلری اسلاف

مغفرت

مغفرت مظاهر نیکو مآثرمزدن کابرا عن کابر موروث ومتوارد دردر •
حتی اول سلسلهٔ حکومت راندن مظفرخان • سرافراز خطهٔ سلطانی
اولان اورنك نشینان دودمان عثمانیه کمال طوع وانقیاد ونهایت
خلوص وداد اوزره اولوب • هر زمان عتبهٔ والا مکانلرینه تواتر رسل
ورسائل • وتحقیق صدق دارئ دل دغل ایچون تشیید مبانی وسائل
قلدوغنه جد کثیر الجد کز • ناکاه خبیر وآکاه اولدقلری • اشد نکال ایله
سینهٔ جاه وجلالنی چاك • وجایکاهنی بر خاك ایدوکی صغار وکبار
اهالی مداین وامصاره • کالشمس فی وسط النهار • هویدا وآشکار دردر •
محل شبهه وانکار دکلدر • پس بو نصوص ایله منصوص اولان خصوص
اوزره خانان حوزهٔ کیلاندن جناب فایض الاحسانمزه قدیمدن خدمتلری
دلیل قاطع • وثبوت مراجعت ومخالصتلرینه برهان ساطع اولور •
بعد ذلك جد مرحوم سلطان سلیمان مغفرت پناهمز ایله جد بکز طهماسب
عقد مصالحه ومصافات وسد سبیل منافات قلدقلرندن صکره دخی
سررشتهٔ توسل واسباب اتصاللری کسسته وانفصال پذیر • ومهجور
ایله دلکیر اولمیوب • مابینمزده داب مکاتبه ومراسله قطع • ومحاربه
ومجادله عدیم اولوب • اول تعذر جهه ممالك کیلاندن ملوکی اولان حکام
اطاعت اقترانلری پیشکاه سریر سعادتده مبادی انتساب والتماسلری
اولمیوب • بلکه دور ودیرین وعهد پیشیندن بر والی هذا الحین قاعدهٔ
معمول بها • وسنت سدید انتساب اسباب کمیلری بیحد وانتها اولوب •
حالا دخی اخلاص سابقی اختصاص لاحقه پیوند • وطوق انقیادی
جید عبودیته بند ایچون عرض عرضحالنه ضراعتله صدق طویتن تمهید
ایلدی • حتی عقدهٔ عزیمتی عهد توثیق • وامر وفاقی بنفاق تحقیق
ایچون تحت تصرف واقتدارنده اولان دیارك • بر مقدارین اهدا وایغاف
ایدوب • کما ینبغی دولت ابد اتصاله ارسال اولنمق رجاسیله • صدق اختصاص
اظهار وابدا قلمشدر • جل همت والا نهمت وصدق عزیمتمز • مجرد
توسیع ممالك اولمیوب • بلکه اقصای مراد ما فی الفؤاد • ترفیه قلوب
عباد وتنظیم احوال بلاد اولوب • ضبط وتصرفده اولان ممالك
ودیار • بحمد الله تعالی وسعت واتساعده • وآفتاب معدلت شعاع بسطت
ید • ونجت موتی مرغباب ارتفاعده اولمغین اول کوشهٔ مختصر • وحاکی
محقر شاهباز طبع بلند پروازمزك • میل واعتبارنه شایسته وسزاوار
وضبط وربطی لا ینبغی قدر مقدار کورینوب • محضا آبا واسلافمز انصاف

انصافدن اقتداً ارسال نامهٔ واجب الامتثال ایله اکتفا اولنمشیدی • لاجرم
حاکم کیلانک پیام مسکنت بیاننی پایهٔ سریر والامقامزه اعلام • وکلاء دیوان
فلك ارتفاعك فقدان خبرت • وعدم اطلاعلرندن اولمیوب • بلکه درکاه
عالمپناه • وبارکاه نصفت دستکاهمزك قدیمی بندهٔ حلقه بکوش وعبد عتیق
صداقت کوشی اولدوغی • تفصیل ایله معلوم وسوالف تالف برقراری
صحایف روزکار روزکارده مرقوم اولدوغیچون • غفلت وذهول • بنده
اولجانبه محوللر • زیرا مضاعیف سطورده مذکور اولان تفصیلدن بو
علی ماکان اولجانبدن خاطرنشان اولسه • ریب وکمان ایله وکلاء دیوان
کیوان ایوانمزه عدم خبرت ایله عرض واعلام • اسنادنه حاشا ثم حاشا
جرات واقدام اولنه ایدی • خصوصا مشارالیه خانك حمدلك مفاوضه‌سی
وادنده مندرج دعوای سیادتی • موجب رأفت وعاطفت اولوب •
احفاد رسول علیه کرامه • واولاد بتوله رضی الله عنها وعن اولادها
الکرام • توقیر واحترام درجهٔ مندوب • ومستحبدن مرتبهٔ فرضیت
ووجوبه واصل اولدوغی • قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی
نص کریمنك دلالتی ایله علم ضروری حاصل اولوب • اولجانب ایله
حق جواری • ومحبت استواری اولدوغندن ماعدا استان فسحت
الارجایه التجاسی علاوهٔ وعلاقهٔ حمایت • ومستلزم رعایت حد
غایت اولوب • اکرچه شرف نسبی • واکرچه عتبهٔ علیامزه انتماسی حسبی ایله
سزاوار جانب مخالصت شعار • بودرکه سالك شاهراه سنت وجماعت
وداخل دائرهٔ انقیاد واطاعت اولان • قبیله نبیله ایله اراقت دماء وسبی
حرایر وامآء ایله معامله اولنمیوب • سدهٔ سعادت استنادمزدن استعانت
واستمدادی ظهوره کلدن بعض زلات وهفواتنه • باعث صفح وعفو
وحفظ تقید واهتمامکز انضمامی مستتبع نجح وارضا اولله • هنکام صلح
وثیقهٔ تحریر وتنمیق اولنان نامهٔ نخستین مخالصت آیین ده • هرنه
محل که حلول عساکر نصرت مآثر ایله مضبوط • ویا خود انقیاد سکان دیار
رابطه‌سیله مربوط اولدی • دست تعرض غیردن مصون ومأمون اوله
دیو تلویح • ونامی نامی حضرت ما بیننده ولایت کیلانده امن وامان ایله
آبادان واحمدخانك نوازش واحسان فراوان ایله شادان اولمق خصوصی
تصریح اولندیغی • احوال کیلانك داخل صلح رصین اولدیغنه قرینهٔ صلاح
قوی بلکه قوی برهان اولوب • احمدخانك استان عدالت عنوانمزه
قدیم الزماندن آمد شدی • وسوابق مواخاة وترددی اولمغله حالا

استدعای عنایت وارتجای حمایتی • مخالف عقد صلح سالف اولمیوب
بلکه حین عقدده تحت صلح مقبولده دخولی مقرر • وصلح نامهٔ مودت
انتاج‌ده اندراجی ظاهر اولوب • مع هذا بشکش طریقیله اعطا ایتدوکی
ارباح وارجانك سمت تصرفنه • محض مراعات خاطر جناب شرف سماتکز
ایچون عنان خاطر فیض مظاهر همیز منصرف • وجادهٔ پیمان وایماندن
منحرف اولمیوب • ابد الآباد مقتضای وداد اولان عهد قرارداد دلك • احکام
احکامنده اجتهاد وامتثال اوفوا بالعهد • قلبمزده مقرر ومحققدر • اما
انزجامهٔ براعت ختامه‌ده قبل انعقاد المصالحة والتواد • سدهٔ سعادت
بنیادمزه خلوص فؤاد ایله اطاعت وانقیاد اوزره اولان قره‌جه
طاغ حاکمنی استرداد خصوصیکه اشعار اولنمش حلف سابقه مخالف
ایدوکی • اظهر من الشمس وابین من الامس‌در • زیرا عقد مصالحهٔ بشتین
حاوی نامهٔ نخستین‌دره کرك تبریز وقره‌جه طاغ وتوابعی وکرك
کنجه وقره باغ وضواحیسی • موکلان بارکاه سلطانی ومعتمدان درکاه
عثمانی تصرفلرنده باقی • وسایهٔ عدالت مایهٔ مرتصدی تحدیدن واقی
اولله دیو • خیام عهد وتنبیق سلامت نظام • اوتاد اقسام وایمان ایله
توثیق وتاکید اولنوب • حاکم مشارالیه قبل انعقاد المصالحه • حین
مکافحه ومکالحه‌ده • سدهٔ سنیه‌مزه اطاعت والتجا ایدوب • اوغلیلری
تبریز قلعه‌سنده مرهون وحمای حمایتمزده مأمون اولوب • کندوبه
واتباعنده ثابتهٔ قدر وارتفاع اولندقده مراتب عالیه ومناصب رتبی
سامیه • تعلیقی ایله اوج علاه اعتلا اقتضا ایلمشلردر • اندرك التجا
عدم قبول ایله • خلف حلف دافع الکفاح ایله • پیمان شکن • وبنیان
صلح وصلاحه بنج کن اولمق • دائرهٔ انصافدن بیرون ایدوکی علم شریفه
خفی کوندره دکلدر • امدی جناب والاکزه انسب واولی بودرکه من بعد
بو سوادن بحوب ولایت کیلانی حفظ وصیانت • واحمدخانی
نوازش ورعایت بابنده همت والا نهمتکز امر مقرر قلوب • بالجمله
قدیم الایامدن ونوجهله ترحیب واکرام اولنه کلمش ایسه کما کان ظاهر
ونمایان • بلکه بو جانب خاطر بجوت اضعاف ماکان لطف بی پایانی
شایان اولوب • رعایای خطهٔ کیلانك بستر امن وامان اوزره غنوده
ورأفت ومرحمتکزه امنهٔ واردین وصادرینده شنوده اولنه • نامهٔ
بلاغت انتمادده اشارت وایما اولندوغی اوزره ثغور وحدود ممالکده
صراط حزم واحتیاطه سالك اولان کماشتکان دولت ابد پیوندمز سپاکز

زمان قدر تواتر بو وجهله صدور وجریان بولمشدرکه • مدی الزمان
تآلف وتصافی یه مخالف ومنافی برکردار ناهنجار ارتکاب اولیوب • وجهاً
من الوجوه ابواب معادات باز • ودست منافرت دراز اولنمیه که اول
رنجد ومرزده برطرز ایله سلوک جادۀ ایتلاف • واماطۀ رسم اختلاف
میسر اوله که احتمال پیکار • وصلحه مغایر کاذ بالکلیه مرتفع وغمام عموم
سما صلح وصلاحدن منکشف ومندفع اوله • سفیر مسفور اداب
رسالتی کمال رعایتله ادا وشرف بساطبوسی عزت مانوسمزله تشریف
شفا قلندقده نصکره عتبۀ رافت اساسمزدن خلعت الباس اولنوب
زمام عزیمی سمت وطن شغوفنه مد • ونامۀ همایون بدایع الخطابمزله
جناب معالی مابکز مقام مالوفنه شد ایلدی • اسعد آناده نادی
شرف انتمایه واصل وفحوای مصافات فزا ومضمون معادلت زدا سنه
وقوف کامل حاصل اولدقده اساس ممتنع الاندراس الف واستیناس
یوماً فیوماً افزون • ومصدر اخلاص ووداددن مشتق اولان افعال
اختصاص واتحاد مرضات حضرت رب العباده مقرون اولوب رهنمونی
رفیق خدا • سیر طریق هداوپی روی شریعت غرا میسر ومقدر اوله •
بیت تا بود نورفشان بیکر خورشید بهر • تا بود کرد زمین کردش
کردون بلند • مدت صلح وصلاحی که مقرر شده است • باد بامدت
دوران فلک هم پیوند • تحریرا فی رمضان سنه الف

شاه عباس ایله مصالحه اولنوب سلطان احمد خاندن کوندریلن
نامه در مسودۀ شیخ الاسلام محمد افندی

افسر نامۀ هر نامۀ مسکی ختامه • وزیور خانۀ خامۀ • حمد وسپاس
سعادت اساس ملک ناس • وشکر بی قیاس • محمدت لباس خالق
شاعر وحواس اولمق سزادرکه • لباس عزت استیناسو باد شاهی
ایله • دبلدوکی عبدین مباهی ایدوب • خلع فاخرۀ انعام عامه
اعلای اعلام اسلام ایدوب • قوللرینک قامت بالادستلرینه راست
ورضای رب العالمین • وحمایت شرع مبین سید المرسلین علیه
صلوات المصلین • ومتابعت سیرت آل واصحاب کزین • رضوان الله
علیهم اجمعین ایلیت • عباده مواد موابد احسانن بی کم وکاست •
ایدوب • طینت پاکمزی طیب مودت خاندان نبوت ایله تعطیر • وتخمیر
جبلت تابناکمزی بخور محبت اهل بیت واصحاب ایله • تنجیر ایدوب
سررشتۀ الفتمزی وتاد وداد اقطاب • عالی نژاد ایله بسته •

١٥٨ ٧٦٦

ونار وبود اوهام وشکوک قواطع • مسکوک حسن سلوکمزله کسسته
ایدوب • تعمیر بلاد وترفیه حال عبادی معتاد مز • وآیت کریمۀ
ان ارید الا الاصلاح ما استطعت • مضمون هدایت نمونن پیش نهادمز
قیلوب • اصلاح رعایا • وفوز وفلاح برایایی • مبتغای طبع خدادادمز
وسلوک شاهراه عدل ودادی • مراد فؤاد صفا اعتیادمز ایلدی • فسبحان
من هدانا بفضله نظم حمد بحد خدای بکتایه • شکر بی عد جناب
مولایه • که بزی سالک ایتدی لطفی ایله • شاهراه طریق اوابه • وزینت
افزای سرهر ملطفۀ کرامی • ولطافت بخشای هر نامۀ نامی • صلوات
واصلوات سید الانامی • نبی سامی رتبه جمیل الاسامی • رسول عالی اصول
هاشمی نامی • حبیب خدا سرور انبیا • جلیل الذی مفخر اصفیا • امام صف
صفۀ اصطفا وفی الصفا نظم محمد شه لاجوردی سریر • که چشم
جهان اولدی اندن قریر • کلید حکم ایلدی حق دلن • که انکله آچدی
جهان مشکلن • شهنشاه درکاه لولاک اودر • خرامان میدان افلاک
اودر • شفیع الامم سرفراز حرم • وسیع الکرم سرور یم شیم • عرب
مهتری عجم سروری • جهان مفخری شاه والا همم • قریب دنا محرم
کبریا • حبیب خدا من به کدیث لم • دلیل سبل رهنمای رسل • سرفراز
کل یوم نصب العلم • جمیل العطا یا جلیل السجایا • علیه التحایا من
الرب الاکرم • علیه من الصلوة اسناها • ومن التسلیمات اتمها
قیلنمق • روادرکم خلقت پاکی مبدأ ایجاد آتش وباد وآب وخاک •
ومقدمۀ ترتیب مقدمات طبقات افلاک • ونتیجۀ بهجۀ
لولاک لولاک اولوب • شرع مبین تابناکی نارۀ شاهراه رسالت • واصحاب
کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم • ماصدقلری اولان اصحاب کرامی تقتیب
طریق هدایت ایدوب • اولهادیان دین • مشاعل دین متین ایله • سنن
سنن دین مبین روشن • وازهار آثار حسنه وانوار اطوار مستحسنه لریله
ریاض شرع مستبین نمودار کلشن ایتمشلردر • خصوصا اصحاب صفا انسان
یار غار حبیب رب الارباب بزرکوار عالیقدر جمیل الاثار • مظهر ثانی
اثنین اذ هما فی الغار • راه هجرتده خیر رفیق خلوت وجلوتده مونس
وهمطریق • صدیق جلیل القدر • باهر التصدیق جناب ابی بکر الصدیق
رضی الله تعالی عنه • واعدل اجلۀ اصحاب • واکمل ادلۀ شاهراه اجر
وثواب • زینت افزای منبر ومحراب • رهنمای طریق صدق وصواب
اعنی جناب عمر بن الخطاب • رضی الله عنه • وجامع آیات قرآن • صاحب

انوار حیا و ایمان . صفهٔ اصحاب صفایه زینت و زین . ثالث شیخین
اولان . جناب عثمان ذی النورین . رضی الله عنه . و امام هدی پیشوای
صف اهتدی . رافع علم رسول خدا . مظهر انا مدینة العلم و علی بابها . زوج
بتول . ابن عم رسول . صاحب محاسن و مناقب . جناب علی بن ابی طالب
رضی الله عنه حضرتلری که بیت معمور دینه چهار ارکان و سقف خانهٔ
شرعه کوزینی کوتورمکه . هر بری عماد قوی البنیاندر . خلافت باهره و کرامت
ظاهره مسندنده ارادهٔ طریقهٔ فاخرهٔ دنیا و آخرت ایلیوب . مظهر
اجور زاهره . و مصدر فیوض وافره اولمشلردر . اما بعد عالیحضرت
کیوان رتبت برجیس منزلت بهرام صولت خورشید طلعت ناهید
عشرت عطارد فطنت قمر فطرت . دولت اساس سعادت اقتباس عزت
استیناس حشمت لباس شاه عباس . دام فی هدایة رب الناس . محفل ملت
مختبر بنه لباس مهر و وفا ایله ملبس . و اساس صدق و صفا ایله مؤسس
حد و قیاسدن بیرون . و مقیاس افکار و حواسدن افزون . سلام
سلامت نمای پادشاهانه . و پیام مودت افزای شهنشاهانه اهداسی
و انجذاب خاطر عاطر سلطانی . و توجه ظاهر و باطن فیض مآثر خاقانی
ابدا اسیله انهاء مسالمت انتها . و ابناء مصادقت نما اولنورکه . رب ارباب
و سبب اسباب . اولان حضرت حق و فیاض مطلق . تعالی کبریاؤه و
و توالی الاؤه . هر عصرده بر عبدینی تأیید مبانی دین متین . و تمهید
قواعد شرع مبین ایتمکه موفق ایدوب . اشاعت آیین دین احمدی
و اذاعت قوانین ملت محمدی . علی صاحبها السلام السرمدی ایتمکیچون .
بر بنده سن اختیار و اول خدمت عالی نهمت ایله . سر عزت مدارین ٥
لایق افسر افتخار ایدوب . شمشیر جهانگیری ایله مداین و امصاری
فتح و تسخیر . و تنویر رأی صائب تدبیر ایله . کفار فجاری تدمیر ایدوب
آبا و اجداد اعتباد . و اجداد امجاد مزی زادهم الله تعالی ثوابا و اجرا .
بو سنت سنیه و شیوهٔ بهیه یی اجرا ایتمکیچون . قرین تمکین سلطانی
و تمکین شهنشاهی خاقانی ایلیوب . جل اوقات علیه و کل ساعات
سنیه لری غزا و جهاده مصروف . و عنان همت عالی نهمتلرین اول
صوب باصوابه معطوف ایدوب . حسنات آثارلری صحایف روزگارده
طبق زرنکار لیل و نهار اوزره مسطور . و نام نامیلری و اسامی سامیلری
الی انقراض الدهور خیرات جلیله . و مبرات جمیله لریله مذکور اولوب
سند نمودرین . بو خاندان دولت بکین سلاطیننه تمکین اولوب .

انظار رأی نورلری . اطفاء نائرهٔ ابصار بد اختر اولوب طرف آخر
ایله اشتغال . بو مهم لازم الاکمالدن اشتغال ایتمکله . جنت مکان
فردوس آشیان . سمی جلیل البرهان . حضرت سلیمان علیه السلام
اولان جد امجد بزرکوارم سلطان سلیمان خان . صب علی مرقده سجال
الغفران . لمصلحة جانب صلح و صلاحدن مجانب اولمیوب . جد و ربین
با ابنا هکراولان طهماسب شاه دخی . ها زمان عزم عبدهٔ اصنام
اولان غزاة اسلام . شوبا ایندن حقیقده اولیق امید ایله . استحکام صلح
و صلاحه حسن همت کوستورمشدی . و نوبت خلافت خداوند جنت
معاد . سعادت استناد . جد امجد مز سلطان مراد غز العتیاد .
صب علیه سجال الرحمة الی یوم التناد . حضرتنه منتهی و خاندانت
شهی . و جود طهماسب شاهدن نهی اولدقده شاه اسمعیل ثانی
مبانی امن و امانی هدم ایلیوب . صواب دید مدبران عاقبت اندیش ایله
منعقد اولان صلح و صلاحی رأی سخیف مدبران برکشته ایله عقدهٔ
تشویشه براغوب . عسکر باکر و فرک جانب شرقیه و قلم روان نوره
سفر ایلمرینه بادی . و سالک مسالک اعادی اولمشیدی . خلعت خلافت
جناب عزت مآبکزله مباهی اولدقده . اعمال عقل و ادراک و اجالهٔ
شعلهٔ جوالهٔ ذهن دراک ایله . بینه اسکی راهی سلک . و کذلک مجرم
حسن تدبیر ایله سکون منح غیر شکرکدن نقطهٔ شکوکی حک ایدوب
شعار صلح و صلاح سابق . و دثار فوز و فلاح لائق ایله ارتداء اهتدا
و ندای مسرت فزای . الصلح خیر . خبر بخشای صفای قلوب . قرع باب صلح
و صلاح . و ترتیب مقدمات فلاح و نجاح ایچون . نامهٔ نامی مصالحت
عنوان . و فرزند ارجمند نجابت نشانکزی . آستان راستان نوازمزه
ارسال . و زیاد و دادی ایقاد ایله اتش محبتی اشعال ایلیوب . عهد
و پیمان و حلف و ایمان ایله . مجددا فتح باب مصالحه . و سد سوارخ
مکاوحه ایله . تشیید مبانی وداد . و تمهید قواعد اتحاد اولنوب .
اسلوب سابق اوزره مهم قدیم . و کار قویم . و نتیجهٔ بهجهٔ صراط
مستقیم اولان غزای سابقه . بو طرفدن عزایم لائقه اولنوب .
کفار بد کردارک بنجه منیعه و استوار قلعه و حصارلری . و حصون مصونه
ایله مشحون اولان بلاد و ناحیه لری . ملحق دیار بهجت آثار عثمانیان
عالیشان اولمغه باشلیوب . عهد خلافت عهدمز سلطانیته منضم
کیروب . برات خداداد سلطنتمز . انا جعلناک خلیفة فی الارض .

مشکاتندن مقتبس اولان انوار خلافت عنوانی ایله قرین لطف باری
واقالیم عالمی بالطول والعرض امر جاری اولدقدن بمجاری عادت
قدیمه اوزره ولایت نیجه و بحار زخار تسخیر مسالکه جری اولوب
آیین کزین آبا واجداد عظام احتیابی مظهر ضمیر صفا انتمام اولمشیکن نشان
نامهٔ شاهی اولان بعض مخاسات سوء تدبیرندن ناشی حال ظهور
ایدوب بی سبب نقض عهد دیرینه میل وسلسلهٔ عهودده معقود
اولان قواعد نقض تشمیر ذیل اولنوب ترك الفت وسلوك راه
خلاف وعداوت اولنمغله ریاض ودادده اشجار حسن اتحاد برینه
تولد خلاف ایدوب فریقین جهادی کمال الدرجه بر اشتغال ونایرهٔ
جنك وجدالی طرفین شرقدن مجدداً اشتعاله باعث اولنلر نامهٔ نامیکزده
مذکور اولدوغی اوزره وباله مظهر اولوب نیجه ممالك ومسالك
سم ستور عساکر غیر محصور ایله پایمال واراقهٔ دماء نسا ورجال
منتهج سوء حال اولدی والحالة هذه رهنمونی اقبال وبدرقهٔ طالع
خجسته فال ایله بینه اذیال صلح قدیمه توسل واصلحوا ذات بینکم
مصداقی اولان اصلاح ذات البین ایله صلاح حال رعایا ورفاه
احوال برایا ایچون حسن تعامل اولنوب سیادت پناه افادت دستگاه
صدر وسیع الصدر ریکز وخان بلند قدر ریکز قاضیخان صداقت
نشان وساطتیله پیشگاه درگاه معدلت مرتبه صفا درونی راوی
وشمه دیکین سنوح ایدن احوالدن اعتذاری حاوی نامهٔ نامیکز وملاطفه
کرامیکز واصل ومضمون صفا نمونینه اطلاع کامل حاصل اولوب
کلام لازم التبجیل ایله باب اعتذاری باز وهوای بسط وایجازده
پرواز اولنوب من بعد ولاحق صلح وصلاح طالبان فوز وفلاح اولان
ارکان سعادت قرین وعالمان دین وخیر اندیشان عاقبت بینك
عقود بیله معقود واطناب وداد وتاد ایله خلوده مشدود اولوب
ابواب فساد بالکلیه مسدود ووجههٔ الفتدن وجوه خلاف
دسترد ایله مردود اولوب سالف الذکر ومشار الیه بالبنان اولان
جد امجد جنت مکان فردوس آشیان سلطان سلیمان خان حضرتلریله
جد بزرگوار یکز میانلرنده بسته ونیجه مالدن ملا ایله علی الانصاف
عهد اعتماده پیوسته اولان محبت ودوستی وسرحد نشان طرفلرنده
ظهور ایدن راستی بینه مقرر قلنوب بو صلح همایون وصلاح میمون
ابد الآباد باقی وحکام سرحد جانبین اسباب بردی ما بینلرنده

کوتوروب حسن تدبیر ایله مبشره بو عقدی وافی بیلوب دفع شقاقدن
تشمیر ساق ایتمه لری مراد خاطر عاطریکز اولدوغی اشعار واظهار ایلدیکی
لکن صلح سابق وجه موافق اوزره پایدار وکما ینبغی برقرار اولمدوغندن بونك
دخی مآلی وعاقبتی للخلل بولمق احتمالیله بو بابده تردد خاطر فیض مآثرمز
مقرر وآیینهٔ دل پر صفا ومرآت مهر ووفا بو جهتدن مکدر ایدی لکن
وزیر اکرم روشن ضمیر ومشیر افخم مشتری تدبیر دستور صاحب شعور
مدار انتظام جمهور اولان صدر دلیر وزیر اعظم نصوح پاشا ادام الله اجلاله
نك بو بابده درخواستی وصواب دید راستی صدق فکری مزایای راستدن
کوسترمکله دوستان قدیم ایله الفت ورفع کلفت اختیار اولنوب رخساره
محبت ناخن محنت ایله خراشیده وآثار مودت مخالفت ایله تمام پاشیده
اولنمیوب من بعد بو صلح حسن ختامی تکمیل وتنمیق بابنده فرمان جلیل
القدرمز صدور وقبول رجای اجلهٔ مختار ده اولان سماحه ظهور بولدیغی
شول شرطیله که اجداد داد اعتیاممز صلح نامه لرنده درج اولندیغی اوزره
مظاهر رضوان رب العالمین حامیات حمای دین راویات احادیث خاتم
النبیین اولان اصحاب کزین وائمهٔ مجتهدین رضوان الله علیهم اجمعین
وام المؤمنین حلیلهٔ جلیلهٔ سید المرسلین صدیقهٔ کبری التی نزلت فی
عصمتها آیات البراءة من السماء رضی الله عنها وعن ابیها حقلرنده شتم
ولعن وقذف وطعن اولنمیوب لا تسبوا اصحابی حدیثی واصحابی کالنجوم
بایهم اقتدیتم اهتدیتم حدیثی واکرموا اصحابی حدیثی والله الله فی اصحابی
لا تتخذوهم غرضا من بعدی فمن احبهم فبحبی احبهم ومن ابغضهم فببغضی
ابغضهم ومن آذاهم فقد آذانی ومن آذانی فقد آذی الله تعالی ومن
آذی الله فیوشك ان یأخذه لا تؤذونی فی عائشة فان الوحی لم یأتنی
وانا فی ثوب امرأة الا عائشة حدیثی وامثال ذلك من الاحادیث الصحیحة
الواردة فی فضلها وفضل الاصحاب لاینبغی ذکرها الکتاب ایله رفع حجاب
ارتیاب ایدوب جدیکز شاه طهماسب تعیین وتعهد ایلدوکی اسلوب
اوزره تبرا رسمی مسلوب وتیر شتم قاشلری شکسته ودهن لعنت
پاشلری بسته اولوب فرد آفرینه تکلیف نفرین وانبو بولنان اهل سنت
وجماعته سب قبیح تلقین اولنمیه ورجال ونساء اهل سنتدن اراده ایلیه
بو طرفلره عزیمت ایدنلره رخصت ویریلوب منع ودفع ایله صورت اخری
تصویر اولنمیه وبالفعل دست تصرف بندکان آستان دولت نشانمزده
اولان قلاع وبقاعه وممالك ومسالك بالانتفاعه بوجه من الوجوه

٢٦٠ ١٦٨

۲۶۱۱۶۹

تعرض اولنیوب علیین آشیان سلطان سلیمان جنت مکان زمان یمن
اقترانمزده کسیلن سنور ونشان طرفین خبراندیشان ما بین حسمی
ویران کاردان جانبین رسمی اوزره کسیلوب ایالت دار السلامه تابع
وقریب اولوب بندگان آستانمز عداددن تعداد اولنان سحارک اوغلی
مبارک الندہ اولان جمله ممالک ومعابد ومسالک ومساجد ینه تابع
بغداد اولوب اول عاصینک تعدیسی باذنه سبحانه وتعالی قوت قاهره مزله
اول اماکندن رفع ایدوب انک حمایه سندن الچکیلوب معاونتیچون
شکر چکلیه ومزارع محبت من بعد تخم کلفت اکلمیه وشهرزول بالتمام
معظم بلدانینه اشقیا دستنی دراز وباب عصیانی باز ایدن هلوخانیدن
اول ممالک استخلاص اولندقده مما نعتکز اولنیوب ینه اسلوب سابق
اوزره اول ولایت میمنت آیات بزم عداددن محسوب اولنمغله اندن دخی
امدادکز مسلوب اوله ووالی بنکزدن اراده حج شریف ایله کلان حاجیان
راه حلب وشامدن روان اولوب امن وامان اوزره اولمیان بغداد
وبصره یوللرندن عبور واول وادیلرده مرور اولنیوب طریق قدیم وشاه راه
مستقیمدن امن وسلامت اوزره واروب کله لر وقدیمدن آستانه
راستان نوازمز بندگانی عدادندن معدود اولان صداقت نشان
شمخال خان وسایر حاکمان طاغستان بنه عداد عباد صداقت
اعتیادمز مرسندن تعداد اولنوب مملکتلرینه وکندیلرینه
کوند وزیان ایرشدرلمیه وبو طرفه آمدشدلری راهنی سد ایچون
روس منحوسک بنا ایدوب برج وباروسنی برک ایتدکلری ترک قلعه سی
ویران قلنوب اولقوم شوم آشیانت معلومی ترک ایدوب وادی خذلاندن
برات اولمق فرمان اولندقده لشکر کشورستان شاهیدن عامل
وساحل برفرد مداخله ایتیوب عسکر ظفر اثرمزه معاونت اولنوب
اول کفره فجره اوزرینه فرصت غزایی اجرایه ممانعت اولنمیه محصل
بونلر امثالی سلطان سلیمان خان زمانندن عباد آستانه مز مرسندن
معدود وممالک محروسه مز حدودیله محدود اولنلر سایه استراحت
مایه دولتمزله مستظل اولوب حدود معهوده وممالک مقصوده هر
آلایش غل وغشدن پاک وسرحدلر انوار امن وامان ایله تابناک
اولوب بو اسلوب اوزره قطع حدود ومنع صدود ایچون پاشایان
سرحددن دستور مکرم حافظ ایالت بغداد اولان محمود پاشا
وامیر امراء کرام وان اولان محمد پاشا طرفندن آدم تعیین اولنوب

۱۷۰۲۶۲

هربری قابل اعتماد اولان ریش سفیدان طرفیندن قرار دادی ایله
کمال استقامت اوزره قطع حدود ایدوب تعیین سنور وتبیین
ثغور ایله من بعد شرور زمره مؤذی اولوراموری اول سرحدلردن دور
ایدیلر وپیام آور رشادار ایله حالا عیوب سب وتبرا دیاریکزدن
مسلوب اولوب دلخواه ومرغوب پادشاهی اولان طرز خوب اولدوغیندن
ادا قیلندقده فهو المطلوب دینلوب ذمتنه لازم اولان خدمتی حسن
آداب ایله مؤدی قیلوب نوازش پادشاهی وانعام شاهنشاهیله مغتنم
ومباهی قلنوب مزید اعطاف مقرون وحسن نظر ایله مأذون انشراح
صدور وانعطاف قلب ایله روانه قلندی همواره رهنمای اقبال مادرزاد
ایله راهروی شاهراه وداد وپیروی سالکان مسالک حسن اتحاد
دایم باد للنظمه همیشه تا قلنه آب وخاک وآتش وباد بقای
خانه اصلح دهرا بجوت اعداد اولوب وداد قرین الامتداد اولدی آباد
بوصلح ایلیه صرصر فتن برباد

نودجی شاه عباسه یازلش نامه در سلطان مراد طرفندن

زیور عنوان هر نامه حقایق اشتمال ودیباجه هر مثال بی مثال
اول مالک الملک ذو الجلال والجمال جل شانه عن مشابهة الانداد والامثال
حضرتلرینک حمد وسپاسی اولمق الیق واحری در که سلاطین عدالت
آیین ایله تأیید دین متین وتشیید اساس شرع مبین ایدوب
باعث نظام احوال عباد اولان ملوک نصفت معتادی وجاهدوا
فی الله حق جهاده امر شریفیله حرب وقتال اهل کفر وضلاله موقعند
واصلحوا ذات بینکم فرمان شریفنه امتثالی فضیلتندن آگاه ولا تفسدوا
فی الارض بعد اصلاحها تنبیه تنبیهندن خبردار ایلدی وزیب وآرایش
هر شاهد کلام که صفابخش صدور رجال نامدار اولجاریاد بالشرف
نشین افلاک سلطان سریر لولاک ازرایت کبریا مؤید سرلشکر
انبیا محمد علیه الصلوة اصفاها ومن التحیات ازکاها حضرتلرینک
دررغرر مدح وثنای نامحدود ولآلی شذورانی درود نامحدود اولمق
روا وسزادر که شرف وجود پر جودی روی بسیط خاکی رشک ملاء
اعلی ایتمشدر صلی الله علیه وعلی آله واصحابه ائمة الدین رضوان الله علیهم
اجمعین وبعد عنایت بی غایت الهیه ایله ملجاء سلاطین عالی
منقبت ومرجع خواقین سامی منزلت سده سنیه کردون بسطت
وعتبه علیه ثریا رتبتمزه رسالت طریقیله ارسال اولنان وکیل طهماسب قولی

سلطان زید قدره بدندن نامه کوعز وصوله موصول اولدقده چهرهٔ
شاهد مدعا سندن کشف قناع اولنوب مضمون مقارن نظر
همایون ومقابل مرآت خاطر عزت مشحونمز اولمشدر آمری ذهن
صاف وطبع انصاف انصافه خفی وپوشیده ومستور ونوردیده
اولیه که مقدما طرفکزدن ایلچیلر ارسال اولنوب اصلاح ذات
البین وصلاح نظام احوال طرفین مراد ورجا اولندقده ترفیه
احوال خلایق وعباد وآسایش سکان بلاد ایچون صلحه رضا ویرلوب
جد امجد بزرکوارمز اولوب داخل حرم جنان وواصل روضهٔ
رضوان اولان مرحوم ومغفور له سلطان سلیمان خان علیه الرحمة
والغفران زمانلرنده قطع حدود وسنوره قرار ویرلمکله آیین ملوک
مرضیة السلوک اوزره طرف باهر الشرف سلطنت علیه مزدن
دستور العمل شروط وعهود لازمه یی مشتمل مشروح ومفصل
عهدنامهٔ صدق مشمول احسان اولنوب امر مصالحه صوب اتمام وسمت
اختتام بولوب ممالک بلاد معموره ومحافظات سرحد منصوره مز
طرفلرندن نقض عهدی مشعر ولایتکزه تعرض اولنمامشکن بیرامن
کلشن مصالحه کرده برمخ کرم شتاب هوای مخالفتده پرواز شتاب
ایلدکده ومن یعمل سوءا یجز به نحواسیجه جزا وسزالری ویرلمکه
تصدی اولنمشکن مقدما ممالک محروسه مزده ظهور ایلیت جلالی
اشقیا سنک عرق فسادلری ادنی توجهله قطع اولنوب فقطع دابر
القوم الذین ظلموا مفهوم شریفی ظهور رندن تغافل ایله فرصتکیرلک
ایدوب واوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤلا امر شریفنه مخالفتده
اصرار صوری اظهار اولنمغین حمیت دینیه وغیرت ملوکانه مز مقتضاسیجه
همت علیهٔ پادشاهانه مز درکار اولوب متوکلا علی الله ومتوسلا
بالنبی المجتبی صلی الله علیه وسلم وعلی آله واصحابه النجبا رضوان الله
علیهم اجمعین تجهیز جیش وعسکر وارسال سردار ولشکر ایدوب
اولجانبه اولان مصالح ومهمات دین ودولت وکالت مطلقه مزه
نامزد ونیابت محققه مزه مفوض الیه ومقلد اولان جنابه وزارت
پناه صدارت دستکاه دستور اکرم مشیر افخم وزیر اعظم سردار
وسپهسالارمز خلیل پاشا ضاعف الله قدره یه سفارش اولنمشدر
چونکه غرضمز محض نصرت دین واعزاز شرع سید المرسلین واقامت
سنن اصحاب کزین واجرای مذهب حقهٔ مجتهدین در رجای واثق

وامید صادق بودرکه ان ینصرکم الله فلا غالب لکم مقتضاسی ورادیرده
تقدیردن ظهور ایدوب نیجه یوز سنه دن بروآبا واجدادمز روح الله
ارواحهم مظهر اولدقلری الطاف الهیه یه مظهر اولنه ومن الله التوفیق

شاه عباسه کوندریلان عهدنامه در سلطان عثمان خاندن

الحمد لله الذی هدانا الی طریق الصواب وامرنا بمطاوعة الرسول ووفقنا
لمتابعة السنة والکتاب ونور قلوبنا بمحبة الآل والاصحاب وجعل
اعتابنا العالیة لعامة المسلمین حسن مآب وجعل ابوابنا السامیة مفتوحة
لکافة الاجلاء والاجناب والصلوة والسلام علی رسوله الذی اوتی الحکمة
وفصل الخطاب وعلی آله واصحابه الذین من اقتدی بهداهم فقد اصاب
اما بعد چون عامهٔ سلاطین زمان وکافهٔ خواقین جهان ان الله
یأمر بالعدل والاحسان فرمان لازم الاذعانیجه نشر احسان ایتمه ده
اقدم طوایف نوع انسان واوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤلا خطاب
مستطابی اوزره ایفاء عهد ایله نظم امور ملک وملت ایدنلرده اهم
ناظمان امور عالمیان اولوب کلکم راع وکلکم مسؤل عن رعیته مدلولنجه
هر بری مراعات احوال رعایا ایله مأمورلر ومفتاح حسن تدبیر ایله
عقده کشای امور جمهورلردر علی الخصوص بو کروه پرشکوه صدف
عنایت بی غایت الهی ودهایت بلانهایت رسالتپناهی ایله مالک
سلطنت کامله وصاحب خلافت شامله اولان پادشاه عظیم
الشانک ظل ظلیللری عامهٔ عالمیانه راحت رسان وذات سعادت
دلیللری رافع اذیت افراد انسان بلکه دافع بلیت اصناف حیوان ونمل
ما صدق نحوای یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان در
تحت فرمانلرنده اولان ضعفا وزیر دستانی صیانت ولوازم عدل
ودادی رعایتده فاحکم بین الناس بالعدل مفهوم شریفنه داخل
اولنلرک ان اکرمکم عند الله اتقاکم خطاب لطیفیله مخاطب
اولنلرک اکرمی واعدلی ولمعرض ذاتهٔ ما به الاشتراکلرندن بلکه
اهم خدمت خامهٔ عنبرفام غیر انفکاکلرندندر تاکه عهد سلطنترنده
کافهٔ سپاه ورعیت واصل نعم حضور وفراغت وداخل حرم امن وامان
اوله فلهذا بدء طلوع بیضهٔ بیضاء سلطنتمزدن ونشو غصون سدرة
المنتهاء خلافتمزدن الی هذا الآن فرمان فرمایان زمان ودادگستران
جهان اولان آبا واجداد کشورستانمزک دائما مراسم پیش نهادی
ومراعات احوال عبادی سرمایهٔ روز معاد ایدینوب مستظل ظلل

حمایتلری ولات سکان مملکتی محافظه ده هر بری اظهار ید بیضا
واحیای معجزهٔ عیسا قیلوب کاه رسم جدال وکفاح ایله دار ودیار مسلمینك
دست وپای مخالفینی قطع وکاه طریق صلح وصلاح ایله عباد اللهه
ایصال نفع ایدرلر ایدی یزدخی اقتداء بامر الله الملك العلام وامتثالا
لاحکام احادیث سید الانام واقتفاء باثر اسلافنا الکرام انتظام
احوال خاص وعامه حسن قیام والتیام جراحات ضعفاء انامه کمال
اقدام کوسترمکی باعث تحصیل رضای مولا وموجب استجلاب
خیر دعاء فقرا بیلوب بالعدل قامت السموات والارض نحواسنجه
کارخانهٔ کاینانی دعایم واوتاد عدل وداد ایله قوی بنیاد ودار
ودیار مسلمینی معمور وآباد ایلمکه سبب صلح وصلاح مستوجب الفلاح
اولدیغی جهتدن الحالة هذه اصلاح اولنلر رجا سیله سدهٔ سعادت
مدارمزدن اظهار اخلاص ایدوب فرماندهٔ عجم بلکه خسروان عالی
دولت اساس صداقت لباس سعادت اقتباس همام عم اکرم خیر الانام
شاه عباس دام مرعیا لمراسم الاستیناس طرفندن ایلچی کاردانلری
فخر الامرا ذخر الکبرا یادکار علی سلطان خلفا دام فی منهج الرشد
والهدی یدندن حضور همایونمزه واصل اولوب عهدنامه لری
نظر انظار نمزه قریب وعین عنایتمزه رهین قیلنوب شرف مطالعه
مشرف ومستسعد اولدقده مضمونندن درج اولنمشکه سابقا سفر
همایونلرده سردارمز وبالفعل سدهٔ سعادتمزده وزیر ثانیمز اولوب
مقدما امر مصالحه یه مأمور اولان دستور مکرم مشیر مفخم خلیل پاشا
ادام الله تعالی اجلاله صلح وصلاح امورینی سویلشدکلرنده جد امجد
بزرکوارمز مرحوم ومغفور له سلطان سلیمان خان علیه الرحمة
والغفران زماننده واقع اولان صلح وصلاح اثری اوزره قرار وریلوب
اول مصالحهٔ قدیمه ده سنور وحدود هر نه محلده تعیین اولنمش ایسه
بو صلح جدیدده دخی کما کان اول سنور وحدود مقرر ومعتبر اولوب
بو بابده هیچ احد چون وچرا ایتمیه انجق تغایر وتفاوت بوقدر اولکه
آخسقه ایالتی توابعیله بر وطرفك تصرفنده قالوب کابدل بغداد
سرحدلرنده بالفعل کندو تصرفلرنده اولان یرلرده همین درنه ودرتنك
سنجاقلرنده قدیمی کندو قری ونواحیسندن معدود اولان محال
ومواضعیله کندولره قاله هرکاه که بو وجهله قرار وریلن صلحدن
دولتمز مقبول طوتیلوب وزیر شادالهك قول وقراری موجبجه

آستانهٔ سعادتدن عهدنامهٔ شریفه احسان اولنه بنکه خاك آستانهٔ
خیر البشر غلام بالاخلاص امیر المؤمنین حیدر شاه عباسم تعهد
وتقبل ایدرمکه قیمت وبها یوز یوك حریر بها سنه معادل وساوی اولاجق
هدایای مقرره یی که بعضیسی کیر وبعضیسی حریر وماعداسی اقمشه وامتعه
اوله هر سال علی الاتصال عهدنامهٔ مطلوبه تحریر اولندوغی سنهٔ
سدرمده شال صوینه ارسال وایصال ایدم دیو تصریح وانها وبو منوال
اوزره عهدنامهٔ همایونمز ویرلمه سن تمنا واستدعا ایتدکلری اجلدن بنکه
خادم الحرمین الشریفین حافظ شریعت رسول الثقلین ثانی اسکندر
ذو القرنین سلطان البرین والبحرین خاقان الشرقین والغربین
سمی جد الامجد العالی الموصوف باصناف المفاخر والمعالی سلطان عثمان
خان ابن السلطان احمد خانم ابتغاء لمرضاة الله الملك المعین وطلبا
لشفاعة سید المرسلین واقتفاء لسنن خلفائه الراشدین الذین
من احیی سنتهم فقد احیی الدین ورأفة لکافة الخلایق والمسلمین بو صلح
قرار دادهٔ هر وجهله قبول ایدوب مقرر طوتدم شول شرطله که انلر
دخی منوال شروح اوزره عهدنامه لرنده قبول ایتدکلری جمله امورده
ثابت قدم اولوب بالاده مسطور اولدوغی اوزره همین درنه ودرتنك
سنجاقلری قدیمیده نتزده بو سنجاقلره تابع اولان قریه لر ایله کندولره
قالوب ماعدا بغداد وشهرزول سرحدلرنده سلطان سلیمان خان
سنورینه داخل اولان مملکتلردن بالفعل قزلباش طایفه سی النده
نه مقدار قلاع وبقاع واراضی ونواحی واریسه کرك درنه ودرتنك
سنجاقلرینك وکرك سنورمز بورم قریب محللرده کرك کیرولرنده بغداد
طرفنده کرك بو ایکی سنجاغك صاغنده وصولنده اولسون کرك مستقل
سنجاق اولسون وکرك اخر سنجاغك توابعنده اولسون جمله سندن
طایفهٔ مزبوره یه الچکدروب سلطان سلیمان خان سنورینه وارنجه
دکین جمله مملکتلر اکر اراضی معموره واکر خالیه در توابع ولواحقیله بر وجه
تسلیم وسرحدلرمزه حاکملرینك تحت تصرفنه ادخال اولنه وسنور وحدود
قطعنه مباشرت اولندقده بصره سرحدلرنده وبغداد وشهرزول ووان
وارض روم ایالتنه وارنجه طولا وعرضا قدیمی سلطان سلیمان خان
سنوری اوزره قرار وریلوب برقارش یر ایلرو کیرو اولمیه وارض رومدن
اوته کرك قارص قلعه سی کرك آخسقه بکلربکیلکنه متعلق اولان جمله
قلاع وبقاع وسنجاقلر وقری ونواحیسی وتوابع ولواحقیله که بالفعل

سرحدلو بيزك حاكملری قوللرینك تحت يدلرنده وقبضهٔ تصرفلرنده در ممالكات اللرنده اولوب حالی اوزره ابقا اولنه ودرنه وودننك سنجاقلرینك سنوری دخی ایکی جانب سرحد بكلرینك ستن واختيارو بی‌غرض اهل وقوقلری وطرفینك وكیللری معرفتیله كوریلوب قدیمی بو ایکی سنجاغك توابعندن اولان قری ونواحی كیرو بو سنجاقلرك سنورینه ادخال اولنوب مابعد هر برینك جوانب اربعه سنده اولان قری ونواحی وقلاع وبقاع وارسه اگر قریب واگر بعید سلطان سلیمان خان سنورینه وارنجه بروفق سنوری حدودینه قید اولنوب بعض منازع فیه محللر خصوصنده مشار الیه جد اعلامزدن قالوب بالفعل بغداد حاكمی هلو خان جد مشار الیهم زمانندن آستانهٔ سعادتمزك محكوم وفرمان بردارى اولمه‌لرله برقرار سابق مراجعت ومنا بعتلرینه اوته طرفدن من بعد منع ودفع واقع اولمیه ومن بو ولایات ایللرنده سلطان سلیمان سنورنده داخل اولدقلری قلاع وممالكلر وارسه كه علی حین غفلة من اهلها ضبط ایتمش اوله‌لر اولمقوله لرك اللرندن انتزاعی ایچون اوزرلرینه ادم كوندرلدكده اقتضا ایلدكده من بعد اوته طرفدن مانعت ومدافعت وانلره معاونت ومظاهرت كوسترلمیه وقدیمی آستانهٔ سعادتمزه اخلاص واختصاص اوزره اولان شمخال وسائر طاغستان حاكملرینك ایل وممالكلرینه وكندولرینه ضرر وكزند ایرشدرلمیه واقع اولان محاربه‌لرده الناس اگر سابقده واگر لاحقده بالفعل ایکی جانبدن دخی متعدد آدم وارسه بلا توقف اجازت ویریلوب مكان مالوفلرینه روانه اولنه وهر سنه سدهٔ سنیهٔ شاهانهمزه سابقده ذكر اولندوغی اوزره ارسالی معهود ومشروط اولان بوز یوك حریرها سنه موازی ومساوی حریر واقمشه وامتعه علی طریق الهدایا وقت وزمانیله ارسال وایصال اولنه مادام كه انلر بو عهد وقراردن تجاوز وانحراف كوسترمیوب اصول واركان مصالحه وقواعد وشرایط معهوده‌یی كركی كبی رعایت ایدوب كندولردن وسرحدلری حاكملرندن وسائر كندولره منسوب اولنلردن نقض عهدی مشعر وصلح وصلاحه مغایر بر وضع صادر وبادر اولمیه طرف همایونمزدن دخی من بعد بو عهدنامهٔ همایونمزده شرح وبیان وتفصیل وعیان اولنان شرایط وعهوددن عدول ونكول واقع اولیوب من بعد وزرای عظام ووكلای فخامزدن وسرحدلریمز حاكملرندن وسائر منتسبان سدهٔ سعادت مآبمزدن بوجه من الوجوه انلرك ایل وممالكلرینه

دخل وتعرض اولنمیه بناء علی هذا اشبو عهدنامهٔ همایونمز موجبنجه عمل اولنوب ما بینده خصومت ومخالفت بالكلیه برطرف وخورشید درخشان مهر والفت داخل بیت شرف اولوب جمیع امور مصالحه‌ده بو عهدنامهٔ صدق مشحونمز دستور العمل ومأخذی مجمل ومفصل اولوب شرایط ولوازم مصالحه‌یی تمامیها ابقا واستیفا ومبنای صلح قرارداده اوله دخی شروط وعهود مزبوره زمره وعهده سی بودركه متقدما آبا واجداد عظاممز انار الله براهینهم عهدنامه‌لرنده قید وشرط اولندوغی اوزره سلاك ملكلرینه داخل اولان مملكتلرده حاشا من السامعین سب شیخین ولعن ذی النورین وقذف وطعن زوجهٔ مطهرهٔ حضرت رسول الثقلین ترك ومنع اولنوب وسائر راویان احادیث خاتم النبیین وحامیان حمای دین مبین اولان اصحاب كزین وائمهٔ مجتهدین رضوان الله علیهم اجمعین حضرتلری كه هر بری مقتدای دین متین در انلر ووالی ملت یقین درلر تیر طعن اصحاب تبرایه هدف ده بروجا بندن تجاوز طریقیله اولدیاره وارنلر بو مقوله كلمات ایله معذب ومكلف قلنمیه تا كه جناب جلالت مآبمز طرفندن دخی بو صلح میمنت مقرون محافظه ومراعاتنده كوندن كونه توجه همایونمز افزون ومدی الایام واللیالی خلل ونقصاندن مأمون ومصون اولوب ایام دولت خاندان ابد اتصال وزمان خلافت دودمان عدالت اشتمالمزده مؤبد وبرقرار ومشید واستوار اوله باذن الله تعالی وبحرمة نبیه المجتبی واله واولاده واصحابه النجبا تحریرا فی تاسع عشر من شوال لسنة ثمان وعشرین والف

شاه عجمه وزیر اعظم علی پاشادن یازیلان مكتوب مودت‌ندر

عالیجناب معالی نصاب سلطنت قباب دولت ایاب رفعت انتساب نوئین اعظم شهریار معظم مالك ملك عجم مسند آرای كسری وجم شاه فریدون حشم بدر بدیع خسرو تاجدار همه شهر وهمه شهریار نیراوج جاه وجلال درة التاج افسر اقبال شهریار جمشید بارگاه شهسوار خورشید كلاه عالیقدر سعادت دستگاه شاه عالیجاه كیتی پناه ایده الله تعالی وابقاه وجعل اخرته خیرا من اولاه حضرتلرینك مجلس شریف سامی ومحفل منیف كرامیلرینه هو بینده لطایف تحیات صافیات كه نجابت اجابت عزم عزائم كالشمس فی وسط النهار ظاهر وهویدا وظرایف دعوات خالصات كه زیور حسن قبول جهتله لطف وصفاسنده كاللؤلؤ انبلها باهر وبیدا اولمه قوافل صدف وصفا ودواحل مهر ووفا

اتحاف واهدا اولنان قدنصکم • رأی رزین حقایق بین • وخاطر کزین دقایق
رهینلرینه که مطلع انوار الٰهی • ومنبع اسرار نامتناهیدر • انهاء مخالصت
انتما بودرکه • بو ایام میمنت انجامده پادشاه اسلام • سلطان سلاطین
ایام • شهنشاه عالیمقام • وپادشاه عظیم القدر بلندنام نظم
انکه از رو میزنند لاف سلاطین دهر • وانکه با او می کنند فخر ملوک
جهان • سلطان سلاطین روی زمین • ظل الله فی الارضین • قهرمان الماء
والطین • المؤید من السماء المنصور علی الاعداء لیث الوغا غیث الندی
الذی بسط بساط الامن والامان فی بسیط الغبراء • ولتلو وسعادتلو
وعزتلو وعظمتلو وشوکتلو پادشاهمز اعز الله انصاره • وضاعف اقتداره
حضرتلری • محض مکارم کریمهٔ بیکران • ومراحم کثیرهٔ بیحد وبایانلرندن
مهر وزارت عظمی وخاتم صدارت کبرایی • بو بندهٔ خالص الولالرینه عنایت
واعطا بیورمغیله تمشیت امور رعاوبرایا • وتفویت مصالح ومهمات
احبا واصدقا • ذمت علو همته لازم • بلکه عین فرض اولمغین • فلاجرم
بوندن اقدم رسول میمنت شموللری نفس دار السلطنة العلیه استانبوله
وصول بولدقده آستان راستان پناه • ظل الله انجم سپاه • وشهنشاه
اسکندر جاه • سلیمان بارکاه • خلد الله تعالی فی سریر الخلافة وابقاه
حضرتلرینه ارسال بیوردقلری نامهٔ نامی • وصحیفهٔ لطیفهٔ کرامیلرنده
توقع ورجا • والتماس واستدعا بیوردقلری صلح وصفا • وعهد وشروط
ووفا مبانیسی تشیید اولنمق بابنده مقدمات کبیره تمهید اولنمق نیجه
مرتبه • سریر اعلای لازال عالیا • حددن زیاده فواید صلح وصلاحی
افاده ایدوب کلزدن • بحمد الله الملک القدیر حسن تعبیر دلپذیرمز •
پایهٔ سریر سعادت مصیرلرنده تمام تاثیر ایدوب • جایکیر اولمغله •
مقدمات صلح خیر انجام صورت نما اولمغین • جانب دریادن کفارک
زیاده اجتماعلری استماع اولنوب • فرمان لازم الاتباع پادشاه عالم
مطاع حضرتلرینه اتباع ایدوب • عساکر نصرت مآثر ایله سفر دریایه
عازم • ومعجزات جلیلهٔ سید کائنات • مفخر موجودات علیه افضل
الصلوات واکمل التحیات برکاتیله • اول طایفهٔ ضاله • وبراکنده وپریشان
حال اولملرینه کمال الخلوص بال ایله جازم اولمغین • بحمد الله تعالی ذو المنن
یمن معجزات اشرف مخلوقات ایله • عساکر اسلام تمام منصور وشادکام
وکفار خاکسار مکسور ولئام اولمغله • بو مخلص بی اشتباه • سپاه نصرت
پناه ایله • بحمد الله بر وفق دلخواه • سالم وغانم معاودت ایدوب نفس

دار السلطنه

دار السلطنة استانبوله • وصول بولدوغمزده مقدمات صلح وصلاح تمام اولنوب کرکی
اوزره حصول بولوب • مقتضای آیت کریمه • واصلحوا ذات بینکم • اصلح ذات
البینه • سلطان البرین وخاقان البحرین • خادم الحرمین الشریفین • ابد الله تعالی
ایام خلافته • وخلد اعوام سلطنته حضرتلرینک • دخی رضای همایونلری متعلق
اولوب • مضمون • کلکم راع وکلکم مسؤل عن رعیته • رعایاکه ودایع بدایع
آفریدکاردرلر همیشه زمان بالامان ایلرنده فراغ بال ایله آسوده • وایام معدلت
انجاملرنده رفاه حال ایله غنوده اولوب • دعای دوام دولت ابدیة الاتصال
فی الغدو والآصال • کمال الخلوص بال ایله اشتغال اوزره اولملرینه فرمان
قضا امضالرینه صورت ارتضا بولمغین • رسول معرفت شموللری تمام
حصول مأموللریله جانب عزتلرینه عودت ایتدوکی مناسب ومعقول اولنوب
اتمام مقدمات صلح وصلاح خیر انجام محض خیر وخیر محض اولدوغنه
اصلا کلام یوقدر بیت کوس اقبال دین کهنه دیر • غلغله انداخت
که الصلح خیر • حالیا بو مخلص خالص الولالری دخی بر موجب • حسن
العهد من الایمان • کما کان اول عهد وقرار اوزره ثابت واستوار اولنوب
مبانی صلح وصلاح همیشه پایدار ومحکم وبرقرار اولمق بابنده بذل
اقتدار ایتمکه عزم وجزم اوزره در • بو تقدیرجه محبت ومودتی
مبرم ایدوب اظهار اخلاص ویکانکیده ساعی • ورفع عیوب بیکانکی
مرعی بیوریله که • بر موجب آیت کریمه • واوفوا بعهدی اوف بعهدکم
مادامکی اول جانبدن منبع عذب موالات ومصافات شایبهٔ تکدر
وتغیردن صافی اولوب • چشمه سار خوشکوار محبت ودوستیه
غبار کدورت راه بولمیه • بو جانبدن همیشه بیغ خلاف فدر
غلوف اولمق محققدر • امید درکه همیشه شیمهٔ مرضیهٔ دوستی
ویکجهتی مرعی بیوریلوب • ارسال رسل ورسائل ایله قرع باب صلح
وصفا • وتحریک سلسلهٔ صدق ووفادن • دقیقهٔ دقیقه فوت
اولنمیوب • عروهٔ وثقای یکانکی ایله تشیید مبانی دوستی ایتمه دن
علی التوالی خالی اولنمیه • که بو مخلص مشتهالری جمیع مقاصد ومرامکرک
حصولی بابنده سعی واقدام ایتمکده دقت واهتمام ده اصلا اشتباه
اشتباه خاطر عاطرلرینه راه بولمیه • زیاده نه دینله هموره صحیفهٔ
دولت برقم مصادقت ومصافات مرقوم • وصفایح شوکت بخطوط هوا
الفت وموالات مرسوم باد • برب العباد

وزیر اعظم مراد پاشا شرق سفرینه سردار اولدقده شاه عباسک مکتوبنه جوابیدر

١٧٥ ٦٧

اعلیحضرت معالی رتبت • خلاصهٔ شاهان آفاق • خداوندیکانهٔ فارس
وعراق • نوشروان بارگاه دادکستری • هدهد تاجدار گلزار سروری •
آبینهٔ جمال عز وتمکین • سایه نشین چتر ممالک فارس وایران زمین •
شهریار خطهٔ رأفت ووداد • مجیئ آثار آبا واجداد عالی نژاد نظم
رایت افراز خطهٔ اقبال • دولت افروز خیطهٔ اجلال حضرت شاه
مکرمت آیین • دام فی منهج الهدی وکدین • لازالت آیات رأفته علی جبهة
الافلاک مکتوبة • وبمارق رایات اجلاله علی ایوان الکیوان مرفوعة •
ومرایی اقباله کفواکه الجنان لا مقطوعة ولا ممنوعة • حضرتلرینک
وجود بهبود شرف نمودلری • بیرایهٔ بخشای سریر وافسر • وزینت
افزای سند جد وپدر اولوب • کواکب مواکب شهریاری • وثواقب
مراتب تاجداری وبختیارلری • افق مکرمت وکامکاریدن تابنده •
وسایهٔ رأفت عالی طینتلری الی قیام الساعه وساعة القیام مؤبد
وپاینده اولمق • دعالری ورود زبان • وحرز جنان نمز ایدوکی فهم موشکاف
نکته داندلریندن نهان اولمیق امیدیله • انهای خیراندیش صداقت
کیش اولدرکه فخر الخواص والمقربین شمس‌کدین محمد اغای درملو • دام
مجده • وقدوة الاماثل والاقران خیرکدین چاوش زید قدره
وساطتلریله بو طرفدن اقدم صوب صواب نما • وجانب اشرف واعلاه رتبه
ارسال اولنان نامه نامه‌نك حالا جوابی ارسال بیورلمغین • کیرو بونی
الیهما بو طرفدن اشرف اوقات وابرك ساعاتده وارد وواصل • ومضمون
بلاغت مقرون • وبراعت مشحوننه من اوله الی آخره اطلاع کلی
حاصل اولوب • مطاوی بندنده درج بیوریلان عبارات دایقه •
واستعارات فایقه خاطر نشان مخلصی اولمشدر • طبع مستنیر ومنیر
خورشید تنویرلرینه که مجلای انوار غیبی • ومظهر فیوضات لا ریبیدر
خفی ومستتر بیوریلمیه که • مقدما ارسال اولنان مکتوب مصالحت
اسلوبده اکر جانب اعلیحضرت شاهیدن • بغتةً غصب اولنان ممالك
استردادنه رضای اعدالری مقارن اولورسه • بو خیراندیش مخلصکز
دخی دامن درمیان ایدوب • استرضای خاطر هایون پادشاهی به
مقدور مز صرف ایلیوب • واقع اولان نزاع سببی ایله ارتفاع بولان
غبار شور وشر • قطرات سحاب صلح وصلاح ایله تسکین اولنمغه
سعی اولنور دیو درج اولنمشدی • نامهٔ نامی وملطفهٔ کرامیلرنده
سابقا جد امجدلری • مرحوم شاه اسمعیل ثانی زماننده بر وقعه ایکن

بعض

بعض تفاصیل احوال کذشته تحریر وتسطیر • ووقوع نقض عهد •
جانب والالرندن تبعید ولنمغه تعلق نیجه مقدمات ایراد وتذکیر
بیورلمق • ومطمح نظر اولان مقدمهٔ مرضیه ذکم • مآل ومحصل
ورقهٔ خلوص بیر رقم در • تجاهل واغماض بیورلدوغندن ماعدا
استظهار نالرایله تعریض اولنوب • مقدما خانلری کرفتارلری
اولدوغی مباهات اظهار اولنمش • ضمایر اولی البصایره ظاهر ونما
یاندرکه ایکی عسکر مابینده محاربه ومقاتله واقع اولیجق • احدهما
غالب • وجانب آخر مغلوب اولور • ونیجه رؤسا وکاردان بلکه پادشاه
عظیم الشان اسیر وکرفتار اولمق شمدیه دک واقع اولمامشدر • بردفعه
مغلوب اولان بردفعه ظفر بولمکلمشدر • سلاطین سلف زمانندن
برو عادت الله بوکا جاری اولمشدر • واهل عالم مابیننده بو حال
متعارف ومشهوردر • حال بو منوال اوزره ایکن تاتار عسکرینك
سردارلری بزم اسیر وکرفتار اولدیغی تعریف ایدوب مباهات
اولنمق • دأب مروت وقاعدهٔ فتوتدن دور دکلیدر • اوجانبدن
دخی کرفتار اولنلر تعداد وتذکار اولنورسه خجالتی مورث •
وشرمندکلکه باعث اولور • اولقوله احوالك ذکر واظهارنه تنزل وتنبلق
اولنمیوب • خضور دشمن ایدن نیازینه خفی دکلدرکه تاتار صبا رفتار سعادتلو
پادشاه کردون وقار حضرتلرینك سایر عساکر نصرت مظاهرلری
عدادندن معدوددر • وخانلری نشانهٔ دست اقتدار بهبودلری
اولوب • عساکر ظفر مآثر پادشاهی • نه جانبه خدمته مأمور اولنورلرسه
انلر دخی خدمات مبرورهده بذل مقدور وابراز کمال ایدرلر • وخانان
اسلاف • فرمان خاندان رفیع البنیان پادشاه اسلامدن انحراف
ایتمیوب • منحرف اولنلری دخی نادم وپشیمان اولوب جزالرین
بولمشلردر • ایله اولسه اول طایفه ایله افتخار • وانلر ایله استظهار
اولنمدوغی ظاهر وروشندر • وبالجمله نامهٔ نامیلرنده درج بیوریلان
سؤالك هر برینه جوابه تصدی اولنورسه مستلزم اطناب واطناب
اولدوغندن غیری • مؤدی نزاع لفظی ودور وتسلسلی مقتضی اولوب
خدوش کلام بودرکه چونکه نامهٔ نامیلرنده درج بیورلدوغی
اوزره دولت بهیه دوزه‌یه بقا ایچون طرفیندن عجز ومسکنت تمام
پامال اولمیوب • صلح وصلاح اولنماسی اراده بیورلمشدر • لاجرم محصول
ونتیجه‌سنه بر طریقله شروع ومباشرت • وبر وجهله مبادرت وهمت

اولمق كركدر نتيجه بخش اولوب • بودخي دلخواه بلا اشتباه دخي بو امرك
اتمامنه بذل مقدور • وصرف جهد موفور ايلمكه مجال اوله • سعادتلو
وعظمتلو پادشاهم حضرتلرينك جد امجدلري مرحوم ومغفور له سلطان
مرادخان عليه الرحمة والرضوان زمان شريفلرنده فتح وتسخير اولنوب
بعده بدر بهشت آشيان جنت مكانلري سلطان محمدخان حضرتلرينك
عصر پادشاهلرنده كندو زمان شريفلرنده دخي ضبط وتصرف اولنه كلان
مملكتلركه • سابقا عساكر اسلام بالكليه انكروس جانبنده كفار خاكسار
مقاتله ومحاربه اوزره لر ايكن • اوجانبلر خالي اولمغله علي حين غفلة
من اهلها • دست رس بولمشيدي • فراغ اولنمق ممكن دكلدر • نقض عهد
سالك اولان كفار انكروس اللرندن بفضل الله الملك المستعان
مغصوب اولان قلاع وبقاع كما كان الوب • فتح وتسخير اولندقدن
غيري كوي وقابنلرم ولايتلري كه سواد اعظم ممالك كفاردن عد اولنور
قبضۀ تصرف پادشاهيه داخل اولوب • دخي نيچه قلعه لر ويلايتلر الندي • بالاخره ايتدكلري فساده نادم اولوب • جبلتلرنده صلح ١٧٧ ٢٦٩
واستيمانه تشبث ايتمكله • وكذلك شنه خراجلرين ويرمكله سرحد
غازيلري روملري خلاص بولدیلر • ونصب رايات عصيان ايدن
جلولي شقياسي دخي پادشاهلر كارلري • دست بردارباب مجاهدلردن
مشاهده ايدوب • بفضل تعالي انلرك دخي جز ونزاعلري ويريلوب •
ممالك محروسه دن نام ونشانلري ناپديد اولمشدر • وبالجمله شيمدن
صكره بوطرفلرده مانع مصالحه اولور برخصوص قالمامشدر • بوبزمله
دنصكره احوال ذات البين نظام فيصل بولمدين • بوجانبلردن عودت
محال اولوب • نيچه يلدر قشلدوغي اقتضا ايدرسه دخي قشلانوب
وراء پرده تقديرده مسطور ومقدر اولان هرنه ايسه ظهور بولنجه
صرف مقدور اولنمق محل اشتباه دكلدر • اعتماد مز عسكرك كثرتنه
وجنود ظفر ورودك وفرتنه اولميوب • توكل واستنادمز جناب حق
ودرگاه قاضي مطلقه دور • والتجا واستنادمز معجزات كثير البركات
حضرت رسالت منزلت عليه الصلوة والسلام ونه وچهار يار كرام
وائمه دين واولياي عظام رضوان الله عليهم اجمعينك ارواح مقدسه
لرينه دور • امر خطير صلح صريح تاثير خير ايله حين حصوله موصول اولنجه دن
سنۀ سابقه ده سفر ظفر اثر عوق وتاخير اولنوب • بوسنه دخي
منازل ومراحله مكث وآرام ايدرك كلنوب • وسبب تاخير سفر مصلحت

بيورلدي

بيورلدي خبر خيرا يله كلمه سي احتمالي ايدي • وسرحدلرمز وايللري اقتضا
ايتمكله محافظۀ روم ولايتندن غيري امره شروع ايتمه مكر بابنده
تاكيد اكيد اولنمشيدي • لكن جناب شاهيدن ممالك محروسه نك
بعض محلنه مضرت قصدنه عسكر كوندريلوب • طرف اقدس اعلاكز
نوابندن تعرض اولنمغله • بروجه مسارعت يوريلوب وبالفعل
منزل مز دبوم ارض رومده اولوب • فرمان پادشاهي مقتضاسنجه
بلاد مغصوبه استخلاصنه صرف همته عزيمت قلنوب • اعليحضرت
شاهي طرفنه بونامۀ مصادقت شمامه تحرير اولنوب قاصد مصلحت
مقاصد • مشار اليهما ايله جانب والالرندن رفيق طريق تعيين
بيورلدن زيد قدره بوخصوصه جواب شافي ايصال ايلمك ايچون
ارسال اولنمشدر • لكن توجهمز مقدمات صلحه مبادرت اولنمغه
مانع دكلدر • لايق دين ودولت ولازمۀ نصفت وديانت هرنه
ايسه ظهوره كلوب جواب باصواب عنايت اولنمغه همت بيوريله
نقلا ضبط اولنان مملكتمزدن قصر يد اولنه ورضا صورتنده بو مخلص
ولاجويلري دخي مابينه كيروب • مقدما اولان صلح وصلاح موجبنجه
قطع سنور • وتعيين ثغور • ودفع شرور اولنمقده سعي مشكور اولنه
وسعادتلو پادشاهم اعز الله انصاره حضرتلرينك آستان مكرمت
عنوانلري صوبنه يازيلان نامۀ مشكين ختامه لري دخي بومخلصكزه
وارد اولانك • مضموني اولمغله جواب رسالي بابنده اهمال اولنوب
قاصد موى اليه پايغزده اليقونيلوب • حامل ورقه اخلاص بدرقه
ابراهيم چاوش زيد قدره بنده لريله لساني بعض احوال مكالمه اولنور
محض حضرت شاهيده عرض وانها ايتمه سي سپارش اولنمشدر •
شرف بساطبوس سعادت مانوسلريله مشرف ومستسعد اولوب
عرض ايلدكده معلوم ضمير قدسي تاثيرلري اولور • اميددركه مابينده
فقرا ورعايا پايمال اولمدين معجلا جواب باصواب ايصال بيوريله •
كه احسن حال ايله برحالت اولمق ميسر اوله • ترفيه حال عجزه ومساكينه
اتخاد ملوك هدايت سلوك وابسته ومنوطدر • وتعاونوا على البر ترتيبه
مشروطدر • سلاطين داداعتياد • وجعلناكم خلائف في الارض
كلام كريمي ايله تكريم اولنمقدن مراد • كلكم راع وكلكم مسؤل عن رعيته
مصداقنجه ايفاي حقوق عباد • واطفاء نائرۀ فتنه وفساد ايچون
١٧٨ هربري عدل ودادي • مفارق عالميان افراشته • ودامن كرياني

دست داد خواهاندن برداشته قیلوب ان ارید الا الاصلاح ایله
راه فلاح طلب وجویای رضای حضرت رب اولنمیجق ایدی تا که بو مثوبات
عظمی وحسنات کبری طرفینك دفتر حسناتلرنده مسطور وآسایش بلاد
وآرامش عباد که آرایش چهرهٔ عدل ودادور وداد طرفین ایله مؤکد
وجانبینك قصر بیقصور جاه وجلاللری آبادان واولیای دولت
طرفین شادان وروضهٔ محبت ووداد رشحات سحاب اتحاد ایله
پرنشو ونما رهین کیف یحیی الارض بعد موتها اولوب سرسبز ومخضر
ودوحهٔ حب وولا که مظلهٔ رعایا وبرایادر کشجرة طیبة اصلها
ثابت وفرعها فی السماء قبهٔ فلك اخضر همسر اولمق میسر اوله
باقی همیشه دولت واقبال بردوام اجرام دام وعزت واجلال بردوام

وزیر اعظم مراد پاشا طرفندن شاه عباسه کوندرلمشدر

بوندن اقدم احسن حالده طرف قرین الشرفلرندن نامهٔ مشکین ختامه ایله
فخر المعتمدین شمسکدین محمد اغای روملو قوللری کلوب اثار فتنه
وفساد دفع ورعایا وبرایانك اختلال حاللری رفع اولنمغیچون نتیجه
کلام صلح انجام تبیین واعلام اولنمغله بوندن اقدم محبت صافی
ضمیرلری طرفندن دخی مکتوب محبت آسا تحریر وانشا اولنوب
معتمدلری اولان مزبور محمد بك ایله بو طرفك دخی معتمدی اولان
خیر الدین جاوش زید قدره جانب عالیلرینه کوندرلمشیکن مشارالیهما
ارسال اولنان مکاتیبمزك اجوبه واخبارلری بر سیله قریب صادر وواصل
اولمامغله سعادتلو پادشاه ظل الله ایده الله وابقاه حضرتلرینك
آستانهٔ سعادت آشیانهلرنده اولان شیخ الاسلام وعلمای عظام
کثرهم الله الی یوم القیام حضراتنك اتفاق وارمالری اوزره جنت مکان
فردوس آشیان غریق بحر غفران سلطان مرادخان علیه رحمة المنان
زمان بااماناندرنده قبضهٔ تسخیر وتصرفه کتوردیلان ممالك محروسه نك
کیر وضبط وتصرفی وداخلنده واقع مساجد ومعابدك احیاسی
ومذهب حنفینك اجراسی مهمات دین ودولت ولازمهٔ ناموس وعرض
سلطنتدن اولمغله عسکر انجم شمار نصرهم الله تعالی الی یوم القرار
ایله اشبو ماه جمادی الاخرنك یکرمی یدنجی کوننده ارض رومه
کلوب انتظار اخبار واستعداد بولنمغله معجزات حضرت رسول مجتبایه
توکل وارواح مقدسهٔ چاریار عظام رضوان الله علیهم اجمعینه
توسل اولنوب اول طرفه عزیمت اوزره ایکن مقدما ارسال اولنان

مشارالیهما

١٢٩ ٢٧١

مشارالیهما محمد اغای روملو ایله خیر الدین جاوش زید قدرهما کلوب
انواع موالات ایله اراسته کتاب مشکین نقابلرین کتوروب مضمون
شریفلرنده مقدما سرحدده اولان امرا وحکام وسائر عساکر اسلامك
مال رعیت وتجارتك اسباب تجارتلرینه دست تطاول وتجاوزلری
اولمغله عرض وناموس سلطنت تحمل ایلیوب مقدما دست تصرفده
اولان مملکتمزك کیرو تصرفنه دقت اولنوب قبضهٔ تسخیره کتورلشدر
دیو بو مضمون مکنون ایله نقض عهد بو طرفه اسناد اولنمش وپادشاهان
سلف زمانلرنده اولان بعض مواد سبب نقض عهد اولدوغنه
اشارت بیورلمش علم شریف ثریا منزلتلرینه ضوء نهار کبی ظاهر
وباهر در که مقدما طرفیندن وارد اولان نامهلرك هر برنده نقض
عهدی مشتمل اولان معانی ومقدمات کرات ایله تفصیل وعیان اولنمغله
کلام صواب انجام جانبیندن تسلسله مؤدی اولوب امور صلح وصلاح
تمشیت بولمغه سببلری اولمغله بودفعه اول احوال اختصار اولنمق
اختیار اولنمشدر نامهٔ نامیلرنده بیوندن صکره احوال مصالحه مرادیسه
مضی ما مضی سلاطین ماضیه زمانلرنده اولدوغی اوزره مبانی صلح
وصلاح مشید ومراسم موالات ومصافات مؤبد اولسون دیو بیورلمش
مشار الیه ایلچیلری فخر المعتمدین محمد اغای روملو زید قدره ایله
مشاوره اولنوب کیرو مکتوب مخالصت نشان تحریر اولنمشدر
علم شریف افتاب ضیالرینه خفی ونابدید دکلدر که بوندن اقدم
علیین آشیان مرحوم ومغفور له سلطان مرادخان علیه الرحمة
والغفران زمان شریفلرنده فتح وتسخیری میسر اولان ممالك
وقلاع دست تصرف پادشاهیده اولمق اوزره امور صلح وصلاح قبول
وعهود وایمان ایله ارسال اولنان مکتوب مختوملری اوزره کار مصالحه
انعقاد بولمش ایکن عساکر نصرت اعلام انکروس طرفنده واقع اعدای
لئام خذلهم الله الی یوم القیام وحلب وبغداد وشام طرفلرنده اولان
جلالی نداننام ایله مقاومت وقیام اوزره ایکن بو طرفده اولان ممالك
محروسه مزخالی واول فرصت غنیمت عد اولنمغله حرکت اولنمغین
علی الغفله ولایتلرمزه استیلا اولندیغی علم شریفلرینه ظاهردر
بوممالکده خصوصا خزاین پادشاهیه متعلق بات ویراق واموال حالا
بالکلیه یدلرنده اولان معنی ما مضی خواستی امضایه طرف پادشاهیدن
اصلا جهت رضا اولمدوغی ذوی العقولدن اولنلره ابیندر وارباب

عقل رشاده مبرهندر • بو قدر ممالك محروسه پادشاهی و خزاین
شاهنشاهی • دست تصرفلرنده ایکی امور صلح و صلاح نمشیت بولمغه
نیجه صالح اولور • اکر کار صلح و صلاح • بو خیراندیش و خیرخواه اولات
مخلص صافی عقیده لری • وساطتی ایله مراد اولنور ایسه قراءت کاه خطبهٔ
پادشاه جمجاه • واجرای احکام دین پناه اولان ممالك وقلاع و بقاع
ادا و تسلیم بیوریلوب • طرفیندن سبب رفاهیت رعایا • و موجب فلاح
عجزه و فقرا اولمغه حسن همتلری اولور ایسه • مقدمجه خلاصه کلام
ایله نامهٔ عزت ارتسام • و معتمد خدام ذوی الاحترامدری ارسال
اولنه که بو حق شناس و خیرخواه مجلسلری دخی • وسیلهٔ صلح و صلاح
طرفین اولوب • مؤالفت جانبین عملنه اقدام وسعی اولنه • والله المستعان وعلیه التکلان

شاه عباسدن حاکم کیلانون خصوصنده سنان
پاشایه کلان نامه یه جوابدر مسوده حکمی افندی

عالیحضرت کیوان رفعت جمشید فطنت خورشید منزلت دارادرایت
کسری کیاست سلطنت مآب • حشمت نصاب شوکت انتساب •
شاه عباس جعله الله مظهر المضمون • خیر الناس من ینفع الناس •
حیطهٔ حد و قیاسدن بیرون • و درجهٔ احاطهٔ حواسدن افزون •
تحف جواهر زواهر تعظیمات صافیات • که صفوف ترکیب دلفریبی
دبیع جان و جنانه روشناده • و تکریمات وافیات که لطافت و صفا
بخت لقادی • آفتاب درخشانه مشابه اوله • وفور تبجیل واکرام
و مزید اجلال و احترام ایله • اتحاف حضور سامی • واهدای صوب
کرامی • قلندقدنصکره ضمیر منیر خورشید شعاع • و خاطر عاطر مهر
التماعه ظاهر و نمودار • و باهر و آشکاردر • بو دیله که نص کریم و تلك
الایام نداولها بین الناس • مقتضا سنجه • و لکل زمان دولة و رجال
مستدعا سنجه انتظام امور عالم • و تنسیق احوال بنی آدم • و ترتیب طبقات
عباد • و حفظ حدود و ثغور بلاد • و دفع مواد ظلم و فساد •
و بسط عدل و داد • و حمایت بیضهٔ اسلام • و صیانت امهٔ سید الانام •
و رفع لوای غزا و جهاد • و قمع اصحاب کفر و عناد • و ترویج دین حنیف
نبوی • و تقویت شرع شریف مصطفوی • خصوصا حدیث صحیح السلطان
العادل ظل الله فی الارض • یاوی الیه کل مظلوم و ملهوف • مصداقنجه
ستمدیدکان حوادث روزکار • و جفا کشیدکان نوایب دهر ناهموار
ظل عدالتنده غنوده • و سایهٔ حمایتنده آسوده • اولمق مصلحتی ایجون

هرزمانه

هرزمانده بر پادشاه دیندار • و هر اوانده بر شهنشاه صاحب اقتدارك •
خطاب بخجسته القاب • انا جعلناك خلیفة فی الارض • ایله مدایح علیهٔ
سلطنت اعتلا و ارتقا سنه • و نداء شرف نمای انی جاعلك للناس
اماما • ایله بنی نوعی بیننده اختیار و اصطفا سنه حکمت بالغهٔ ربانی
سابق • و ارادت ازلیهٔ یزدانی متعلق اولمغین • الحالة هذه تداول
ماه و سال • و تداخل ایام و لیال ایله مسند سریر سلطنت روزافزون
عثمانی • و چار بالش اورنك خلافت ابد مقرون صاحبقرانی • وجود
صاحب الجود پادشاه فلك رخش ایله • رشك سبع طباق چرخ برین •
و جلوس سعادت مأنوس شهنشاه مراد بخش ایله • غبطه ده رواق
علیین اولوب • بسطت عز و جاهی • و وفرت حشم و سپاهی • و صلاح
و دیانت و تقوی و عدالتی سببی ایله رعایا و برایا • و ضعیف و توانا •
و پیر و برنا و اعلا و ادنی • تحت سعادت بخت معدلتنده فارغ البال
و کنف حمایت و رأفتنده مرفه الحال اولمه سیله • لا بزال خطرات بارات
امداد تاییدات الهی • مزارع امانی و آمالنه ماطر • و رشحات لآلی
سحب فیوضات نامتناهی • چمن عز و اقبالنه متقاطر اولدوغی جلدن
حکام و ولات اطراف • و ملوك و سلاطین اکناف • بیت
مقصد اینست که مقصود از و بردارند • قبله اینست که روی طلب
اینجا آرند • مضمونیله عامل • و جان و دلدن عبودیت آستان سدره
مکانلرینه مائل • اولمغین رابطهٔ سعادت • و وسیلهٔ مفاخرت بیلنلردر
بیت مدار امن و امان کشته در کهکرمش • پناه خلق جهان کشته
ساحهٔ حرمش • لاجرم سلسلهٔ رفیعهٔ عطاف شاهان نامدار • و عتبهٔ منیعهٔ
قبلهٔ پادشاهان عالیمقدار اولدوغندن • هر طرفدن عرض عبودیت
واحتیاج • و تعهد ارسال باج و خراج ایلمشلردر نظم کسی که دست
بدامان همتش نزند • بدولتش نزند تکیه بر سریر جلال • شود شکفته
ربنفض بهار عاطفتش • ز دوحهٔ امل او شکوفهٔ آمال • ترتیب فقرات
و تشبیب مقدمات دن غرض اولدر که • حالا فرمان روای سلاطین
عالیشان • و کارفرمای خواقین سکندر نشان • نقاوهٔ کون و مکان
و خلاصهٔ دودمان آل عثمان • عظمتلو و شوکتلو پادشاه ظل الله • ابد الله
و ابقاه • و اوصله الی ما یتمناه • حضرتلرینك درکاه سلطنت پناه • و بارکاه
خلافت دستکاهلرینه • عمدهٔ خدام لازم الاحترامدرندن قدوة الاشباه
والاکفاء • ایشك اغاسی سیدی اغا • زبدهٔ کفایتی • و ساطتی ایله

نامهٔ گرانمایه و مفاوضهٔ بلند پایه‌لری شرف ورود بولوب گنجینهٔ
محاوئ مخالصت مکوننده مرموز و خزینهٔ مطاوئ مصادقت مشحوننده
مکنوز اولان فرائد درر مصافات طرفین و عقاید غرر مصالحت
ذات البین بر روز سعادت فیروز و زمان میمنت اندوزده حسن تعبیر
وکلای آصف رای خیر اندیش و نفز بر وزرای مشکل‌گشای صلاح
کیش ایله پایهٔ سریر عالم مصیر خداوندکاری به نثار و مسامع علیهٔ
همایونلرینه القا و اشعار اولنوب چهرهٔ مخدرات مضمون کتاب
مشکین نقاب و نقوش ارقام رسالهٔ عنبرین جلبابلری مرآت مجلای
ذهن دقیقه شناس جهانبانیده عکس پذیر و آیینهٔ گیتی‌نمای ترجمهٔ
مهر اقتباس خسروانیده جایگیر اولمشدر و قاصد مرقوم ایله بو جانبه
دخی مشرف مکرمت خطاب و ملطفهٔ ابهت القابلری وارد اولوب
بطون متوننده مسطور و مکنون درونده مستور اولان معانی وداد
آمیز و مبانی اتحاد انگیز کما ینبغی مطالعه و اذعان و ملاحظه و خاطر
نشان اولنوب تمشیت مرام و تنفیذ مهاملرنده دقیقه مهمل قونلمشدر
و ضمن نامهٔ اخلاص جامه‌ده ولایت گیلان مدت مدید مضافات
ممالک ایران اولوب الی هذا الآن حاکمی اولان جناب سیادتمآب
خان احمد ابا عن جد و بدا بید عزیز دولت و ربیب نعمتلری
اولدوغی تحریر و گیلانه متعلق بعض وقایع و قضایا تسطیر اولنمش
علم عالم آرالرینه روشن و هویدا اولاکه پادشاه عالمپناه و شهنشاه
سکندر دستگاه حضرتلرینک اجداد امجاد بهشتی معاد و اشراف
اسلاف فردوسی رقادلری اولجانبک آبا و اجدادلری ایله اساس
صلح تشیید و قاعدهٔ فلاح و نجاح تمهید ایلمزدن اسبق حکام
سالف الزمان گیلان سدهٔ راسخ الارکان شهریاری و عتبهٔ شامخ
البنیان خداوندکاری‌یه قاصدان کاردان و رسولان سخندان ایله
اطاعت و انقیادی و آستان دولت آشیانلرینه التجا و استنادی
مشعر رسائل مصادقت و مصافات و وسائل مخالصت و موالات
ارسالیله استجلاب الطاف عالم‌مطاف دریا نوال خدیوانه و استجذاب
اعطاف واسعة الاکناف فایض الافضال ملوکانه ایلمکدن خالی اولیوب
سایهٔ همای عاطفتلرنده آسوده حال و شمول مکارم بی‌پایانلریله
محسود اقران و امثال اولوب کلاه گوشهٔ افتخارلری فرق فرقدان
ایله همسر و تارک اعتبارلری ذروهٔ آسمانه برابر اولدوغی معلوم عالم

وعالمیان و مشهود آدم و آدمیاندر اولحکام عالی مقامک جملهٔ سندن
مظفر خان مرحوم و مغفور جنت مکان سلطان سلیمان خان
اسکنه الله تعالی فرادیس الجنان حضرتلرینک رکاب همایونلرینه وضع
جبین ایله کامیاب و خاندان عظیم الشانلرینه بنده‌گی ارتیاب ولد عندن
جد بجد مناسب واقف و آگاه اولدقلری بلا توقف و امهال خاکبوسی
دیارعدمه ارسال و خانمانی تخریب و استیصال ایلدکلری مشهور
و عیان و متعارف و نمایاندر حتی مرحوم و مغفور سلطان سلیمان
خان زماننده مومی الیه جد بجد قرع باب مصالحه و مد کف مصافحه
ایلدکی نصکم دخی حکام گیلان الی هذا الآن کما کان جادهٔ خلوص
اعتقادنده ثابت قدم و شیوهٔ حسن انقیادنده راسخ دم اولدقلری بنا
الحب یتوارث موجبنجه و محبة الآباء قرابة الابناء مقتضاسنجه اباً عن جد
متصرف اولدقلری اولکه لرندن برنجی ناحیه‌یی بیکش طریقیله نامزد و ضبط
و تصرفنه آدملر کوندرلمسی بابنده تضرع و التماس بجد اولنمشکن سعادتلو
پادشاه تاجبخش و تخت‌شاهان حضرتلرینک همامت سمافسحتلرینه
اولمقوله بقعهٔ مختصره و انک کبی قلعهٔ محقره‌نک درومقدارلری
وقدر و اعتبارلری اولمامغله پیشکش رسمیله اهدا ایلدوکی نواحی و ضیاع
و قلاع و بقاعک ممالک وسیعة المسالکنه انضمام ایتمکدن استغنا
و خان مومی الیهی سائر غلامان صداقت نشانلری عدادندن معدود
ایلمکله اکتفا بی تضمن نوازشنامه لریله تشریف و عبادخلاص نهادلرندن
اولمغله قبولیله قدرینی تضعیف ایلمشلردر و وکلای عظام و وزرای کرام
خان مومی الیهک نامهٔ ضراعت نما و عریضهٔ عبودیت انتماسنک
فحوای خلوص افزاسنی مسامع همایون پادشاهیه القا و پایهٔ سریر
سدره مصیرلرینه انها ایلدکلری قواعد مصالحه‌نک انعقادینه و
معاقد مصالحه‌نک اشتدادینه عدم خبرت وقلت درایتلرندن
اولمیوب بلکه خان مزبوری قدیمدن غلام حلقه بگوشی و جام
انعام علی الدوامک جرعه نوشی اولدوغی یقینا بیلوب حقیقت
حالنی درگاه عالمپناهه عرض ایلمشلر ایکن وکلای دیوان و وزرای
خاندان فایض الاحسانک عدم تبصر و تفرسی و قلت تدبر و تحدسلرینه
محمول اولمه‌سی اولجناب معالی شمولدن غیر مأمول ایدی باوجود که
خان مومی الیه شجرهٔ طیبهٔ مصطفوی و ارومهٔ طاهرهٔ مرتضوی‌یه
منتمی و سلالهٔ سبط مسموم رسول مجتبا به منتهی اولمغله حدیث شریف

اذكركم الله في اهل بيتي واوصيكم كتاب الله وعترتي نحواسنی رعايت ايتمكی
خلود سلطنتلرينه دستور العمل وتعظيم اولاد بتولی علت غائيه نظام
دين ودولت بيلوب سادات صحيح الانساب وشرفاء سيادت انتساب
علی الاستمرار عوارف سنيه لريله بهره دار ومطايای امانی وآمالدن
عطايای بهيه لريله كرانبار بيورلق عادت مألوفه وشيمه معروفه
اولمغين خاندانمونی ايله دخی شرف سيادت حسبی واخلاص موروث
نسبی ايله ظلال اذيال حمايتلرينه ادخال وبذل ايادی بر وافضاللريله
مرفه البال ايلمشلردر خصوصا كه حين انعقاد مصالحه سابقه ده كلك
بدوغت سلك منشيان سخندان ايله تسطير وقلم فصاحت رقم دبيران
معجز بيان ايله تحرير اولنان نامه مخالفت شمامه ده جيوش دريا
خروش جهانگير وجنود مجنده ظفر تأثير ادسا ايله شمديه دكين
قبضه تصرفه دخول تحقق وماقبل الصلح حكام وولاتی اطاعتيله
ممالك محروسه يه ملحق اولان نواحی وبقاع وصياصی وقلاع وضياعی
بوجه من الوجوه جانبكزدن دخل اولنمه سی بيان وجمله حدودی
مضافات ممالك محميه دن اولمه سی عيان اولدوغندن ماعدا
نامه بهشت مودت قرينه دخی ولايت گيلوندن تعرض وتسلطكزدن
مصون اولمه سی توضيح اولنمش ولايت گيلون حتما كاذن من قديم
الزمان داخل صلح وصدوح اولمه سن افاده اولنوب ارباب سداد ورشاده
واضحدر زيرا خانان موحی اليهاك استان عدالت اشيانه التجا وانقيادی
ودولت قاهره لرندن استعانت واستمدادی قاعده موروثه ابا واجدادی
اولمغله بو دفعه دخی عتبه عليه واولا وسده اعلويه قاصديله عبوديت
نامه گوندرمسی منافی صلح وصدوح اولميوب شيمه حق گزاری ودائره فرمان
برداريدن ناشی اولدوغندن پيشكش رسميله تقديمی واولياء دولت
قاهره به تسليمی متعهد اولدوغی نواحی واولكه لری وارجاو نواحی يی
عدم قبول وقبولدن امتناع وعدول بورد قلری محضا رعايت خاطر
دريا مقاطرلرينه مبنی ايدوكی تفصيلدن مستغنيدر بو جمله دن
قطع نظر مقدما انعقاد صلح وصدوح قصديله صدور بولان نامه
مسكين ختامه ده دركاه سپهر اشتباه پادشاهيه خلوص طاعت
محكم وبندگی وعبوديت مستحكم اولان قرنجه طاغ حاكمك استرداد
وسلك خدمات دركاه فلك باركاه شهرياريدن تكليف ابعادی
خلاف عهد وپيمان ومغاير مواثيق وايمان ايدوكی ظاهر وباهردر

زيرا عهد نامه همايونمزده بیان بقدر اگر تبريز واگر قرنجه طاغ ونواحيسی
واگر گنجه قره باغ ونواحيسی وغيريدر اولياء دولت ارجمند وموكلان
سلطنت ابد پيوندك ضبط وتصرفلرنده قالمه سی ايمان غلاظ وشداد
ايله تأكيد بنيان مصافات طرفين واركان مصالحت ذات البين
بومنوال اوزره تشييد اولنمشيكن وحاكم قرنجه طاغك قبل المصالحه
رقبه انقيادی ربقه اطاعت خسروانی يه داخل واوغوللری رهين
طريقيله تبريزده واصل اولوب كنجايش وجود وجهش پادشاهی بخاری
بی اندازه شهنشاهی يه لايق وجه ايله مناصب عليه ومراتب سنيه
ايله مرعی اولمشلريكن انلرك سايه دولت پادشاهيده استظلاللری
ومكارم بی نهايه لرينه عدم اشتماللری صلح وصدوحه مغاير كوردكلری
داب انصافدن خارج وتحريك سلسله منافاتی منتج ايدوكنه
اشتباه يوقدر شمدیكی حالده جناب معالی نصابلرينه اولی وانسب
وصدوح ملك ودولتلرينه اقرب بودر كه دوستداری سفرای بلاغت انديش
وكاركزاری فرمان فرمای سفيد ريش واسطه سيله سمط لآلی كبی
منتظم وعقد جواهر زواهر كبی ملتئم اولان سبحه اضافاتی اداره ايله
اوراد حمد نعم نامتناهی ووظايف شكر عواطف پادشاهی ليل ونهار
تكرارو تذكاردن خالی اولميوب سعادتلو پادشاه جمجاه حضرتلرينك
رضای ميمون سعادت مقرونلرينه مغاير وضع اولنمه منعه بذل مقدور
وصرف جهد نامحصور اولنه كه دولت دارين وسعادت منزلتين
انجاح وعدل منوط وايفای عهده مربوط ايدوكی ارباب عقول
وحاوبان معقول ومنقول كالشمس في وسط النهار ظاهر وروشن
وباهر ومتبيندر قاصد موحی اليه امر خطير رسالت وخدمت عبير
سفارتی كما ينبغی اداء ايتمكله منظور انظار كيميا آثار ومستغرق
بحار عوارف شهرياری ايلدوغيله مختص اولوب مقصد ينه
وصول ايله مستسعد وبرجوب ومراد ومرامنه برو فق دلخواه نائل
ومنظور اولوب ارتفاع قدر ومنزلتی ايله خدمتی مشكوره اولمق
مأمولدر باقی ايام سلطنت وكامكاری وابان حشمت وشهرياری دائم

شاهان وزيری اولان الله وردی خان طرفنه سردار وصدر اعظم مراد پاشادن يازيلان مكتوبدر

رفعت مآب عزت نصاب ممهد قواعد الرای والتدبير مشيد مبانی
التحرير والتقرير بالعقل الشامل صاحب الآراء الصائبة بالافكار

الباقیه ناصب رایات الوفاق فی حین الشقاق بجس آراء الصائبه
مؤسس اساس الفوز والفلاح ممهد بنیان الصلح والصلاح حضرت الله
وردی خان دام فی رضاء الملك المستعان حضور سعادت موفورلرینه
شرایف تحیات صافیات وداد آیات ولطایف تسلیمات وافیات
اتحاد تقدیمندنصکره انهاء دوستانه اولنورکه حالا شاه جمجاه حضرتلرینك
بوخیر اندیش صداقت کیشلرینه ارسال بیوردقلری نامهٔ همایون
سعادت مقرونلری وطرف شریف الشریفلرندن ایصال اولنان مکتوب
مودت اسلوبلری اشرف اوقات واسعد حالاتده شرف ورود بولوب
مضمون میمون مشحونی درج بیوریلان احوال الخاطر نشانلری معلوم مخلصکز
اولمشدر مقدما آستانهٔ سعادتدن ارسال اولنان مکتوبده بغته
غصب اولنان ممالك استردادینه رضا مقرون اولورسه بزدخی
دامن درمیان ایدوب اصلاح ما بینه سعی موفور وبذل مقدور ایدرز
دیو درج اولنمشیدی کرك شاه عالیجاه حضرتلری وکرك جناب شریفلری
طرفندن وارد اولان مکتوب بلاغت اسلوبده شاه اسمعیل ثانی زماننده
واقع بعض احوال ماضیه تحریر ونقض عهد اولجانبدن اولمدوغنه
متفرع مقدمات تسطیر اولنوب مطمح نظر اولان مقدمهٔ مرضیه‌دن
کمال ماحصل ورقه خلوص بر رقمه‌دن اسلوب حکیم ایله تجاهل
اولندوغندن غیری استظهار اولنمق احتمالی اظهار وخانلرکز مقدما
اسیر وگرفتار اولندوغی اشعار اولنمش ضمایر اولی الابصاره خفی
وپوشیده دکلدرکه ایکی عسکر بیننده جنك وحرب واقع اولیجق
بری غالب واخری مغلوب اولوب برنوبتده مغلوب اولان دفعهٔ ثانیه‌ده
غالب اولمق کلمشدر عادت الهی بوملك اوزرینه جاری ایدوککنه ارباب
بصیرت واهل وقوف خبیر وآگاهلردر چونکه مآل کار زار بومنوال
اوزره‌در اولمقوله حال ایله افتخار قاعدهٔ انصافدن انحراف دکلیدر
اگر اولجانبدن دخی گرفتار اولنلر تعداد وتذکار اولنورسه سوادی
اولدوغندن غیری موجب شرمندگی وباعث قیل وقال اولور ذکر واظهاری
تنزل ونجابت اولمغله مهمل اولنور الحاله هذه خدشهٔ کلام ومحصل مرام
اولدرکه بچن سنه نوید صلح وصلاح پذیر ایله سفر ظفر اثر عوقه‌نا خبر
اولنوب بوسنه دخی جواب خبره منتظر اولوب منازل ومراحلده مکث
وآرام ایدرك آباق سوروب کلنوردی وسبب تأخیر خبر سفر مصالحت
پذیر ایدیك لکن سرحدلریکجه اولنلر طورمیوب ممالکمزده مضرت

١٨٤٧٦

قصدینه عسکر چکوب تا ارض رومه کلدکلری خبر کلمکله بزدخی
تأخیر وآرامدن فارغ اولوب ارض رومه داخل اولمشیکن قاصد
اصلاح مقاصد محل مزبوره کلوب واصل اولدقی ایله اولسه
استرداد بلاد مغصوبه یه سعی اولنوب قطع ثغور وتعیین ثغور
اولنمز ایسه تکرار شافی جواب نتیجه بخشلره مرهون اولوب بومقوله تعلل
بی مآل ایله تأخیرده مجال ارتکاب اولنمیوب بلاد مغصوبه استخلاصنه
عزیمت اولنوب بومکتوب محبت اسلوب دخی ارسال اولنمشدر
لکن توجهمز صلحی نافی دکلدر اولدخی معلوم عالیلری اولمکده شمدیه‌دك
بوجانبلرده تعیین اولنان سردارلر وزیراعظملق خدمتیله موسوم
اولمیوب اول خدمته مأمور اولنلردن ایمدی مرحوم عثمان پاشا
کلمش ایدی انکله دخی بکلربکی آغاسی ایله جمله بکلربکی والتی بلوك آغالری
جمله بلوك خلقی وروم ایلی عسکریله روم ایلی بکلربکیسی مأمور اولمشیدی
حالا جمله مأمور اولدقلری اوزره اعیان دولت وارکان سلطنت
ووالیان مملکت ووزراء صاحب قدرت معاً خدمته مأمورلردر
مکتوب محبت اسلوب وصول بولدقده مأمولدرکه طرفینك دین ودولت
وناموس سلطنته لایق اولان نه ایسه سایرده دولتخواهان شاه عالیشاندن
ایله بوامر خطیرك خیر ایله حصولی کلمسنه سعی جمیل صلاح پذیرلری
مصروف بیوریلوب عباد وبلاد آسوده لکنه سبب اولنه باقی الدعا

شاه طهماسب اوغلی محمد میرزایه وزیراعظم جانبندن یازیلان مکتوبدر

الاف دعوات صالحات تکریمات شعار واصناف تسلیمات زاکیات
تعظیمات دثار که مقبول جناب رب عزت عم احسانه ومقارن اجابت
درگاه حضرت مفیض رحمت عز سلطانه واقع اولمه سی متوقع ومتضرع
اولمغین کمال خلوص وفرط اختصاص صدقندن جریان ایدن قافلهٔ اعزاز
واکرام ورواحلهٔ اعظام واحترام ایله نثار مجلس رفیع نهال حدیقهٔ سلطنت
ثمرهٔ بستان ایالت ودر یتیم عمان جهانداری ودری آسمان کامکاری
ناظم قواعد امور جمهور عالم ضمایر نزدیك ودور چراغ انجمن شهنشاهی
سرو چمن بادشاهی قلندقدنصکره انهاء ضمیر منیر مهر تنویر بودرکه
طلوع صبح شادمانی ورجوع شمس کامرانی به مترتب ایکن اول حضرتك
ملك سیرت فلك رفعت قبلندن مراسم رأفت ومکارم عاطفت
ظهور وصدور ایدوب بوداعی دولتخواه بی اشتباهلرینی صحیفهٔ فصیحه
مشکین رقم ورسالهٔ صحیحهٔ عنبرین قلم ایله مشرف ومکرم قلشلر

اسعد احيانده واصل وايمن اوقاتده فرح نمايانده نازل اولوب باغ رياحين
باغ خلد برين كبي دماغ جاني معطر ومشام جاني معنبر قيلوب مثال روضه
عليا ازهار زوارف عوارف باران احسان بي كران ايله سرسبز وزيادت
گلزار لطايف وعواطف سحاب امتنان بيحساب ايله محضر وخندان
اولوب باعث ابتهاج وسرور وسبب نزهت وحبور اولمشدر بناء صلح
وصلاح واساس فوز وفلاح الى آخر الدهور موكد ومعمور اولمق بابنده
بو مخلص بي ريالري طرفندن سعي موفور ومشكور وجهد مقدور صدور
خطاب مستطاب ضمننده مرقوم ومنظوم قيلنمش حبل متين محبت وولا
ورابطه عروه وثقاي لا انفصام لها ايله مربوط ومشدود اولوب خداوند
عدالت آيين پادشاهيك خواقين كامكار وسلاطين روزكار ايله
اولان عقود عهودي حفظ ورعايت عادت مرضيه لريدر سيما اول
سلسله نك اعلاء شرايع واحكامنه اهتماملري اولوب تعمير مساجد
وجوامع وتوفير معابد وصوامع ومساعدت طاعت مأموره واقامت
عبادات مأثوره يه توجه وامتثاللري موجب تشييد مباني اخلاص
وباعث تأييد مراسم اختصاصدر نهايت آمال شرايط صلح وصلاح ١٨٠
بو جانبدن دائما مصون ومرعي طوتلمقدر روابط ومعاقد فوز مآلك
انقطاع وانفصالي ممتنع ومحالدر ضياء اشفاق نير الافاقه بعد
جسماني حائل اولميوب انوار قرب روحانيله دل وجان روشن
ونوراني اولوب تحرير رشته عرض اخلاص دائره امكاندن بيرون
وتصوير درجه انهاء اختصاص حد بياندن افزوندر رجاء صادق
وامل واثق در كه اصدقاء دولت روز افزون خاطر عاطر خورشيد مآثره ٥٥
خطور ايتدكجه بو صافي الفؤاد مخلصلري ياد اولنمغله جناب
خلوص نهادلري آباد قيلنمقدن خالي اولميه والسلام

شاهك وكلاسنه وزير اعظم طرفندن ما بينده صلح خصوصنده كوندريلن مكتوبدر

مفاخر الخواص والمقربين معتمدي الملوك والسلاطين صواحب العز
والتمكين ذوو القدر الرفيع والعز المنيع مظاهر الطاف عليه شاهي
مناظر انظار رعيت ورأفت شهنشاهي اعني بهم سلمان جابري وخليل
خان افشار ومحب شرف الدين اغلي ومحمد مصاحب تركمان وشاهرخ
خليفه ذوالقدر مهردار وقليه قورجي باشي وشاه قولي خليفه روملو
وامير حمزه بن عبدالله خان استاجلو وسلطان حسين شاملو لازال
قدرهم العالي متعاليا في الايام والليالي حصول مرادات كبي فرح فزا

ووصول سعادات كبي ترح زدا اولان دعاكبي روايح نفحه دعوات مستجابه
وفوايح طرف تسليمات مستطابه مجالس عزت قرين ومحافل رفعت
رهين لرينه اتحاف واهدا قلندقدنصكره ضماير عقده كشا ونكته
ريالرينه ظاهر وهويدا اولدكه حالا جانب محبتكزه مكتوبكز وارد اولوب
بوندن اقدم ما بينده منعقد اولان صلح وصلاح بونجه زماندن برو مقرر
اولوب بو جانبدن بروجهيله عهد وامانه مغاير بر وضع صادر اولمديكن
مصطفى پاشا حضرتلري نيجه بيك قزلباش واهل وعيالرينك جهت
معيشتلرينه سبب اولان ولايتي غارت وخسارت ايدوب نيجه مسلمانلرك
مال وعرضلري پايمال اولوب بو دعايه باعث اولمشدر ابتدادن دخي
بو صلح وصلاحه سز سبب اولوب بو دفعه دخي سعي واقدام اولنوب
ما بينده واقع اولان عهد وميثاق خلل پذير اولميوب كيرو برقرار سابق
مقرر اولمسني مراد ايلوب اولبابده دخي حضرتلرينه تحرير اولنمش ايسه بالتمام
معلوم وبو بابده نواب كامياب حضرتلرندن سزه سعادت مدار
وفرزند دلپسندلري جانبندن بو مخلصلرينه وارد اولان نامه نامي مرقومده
مسطور اولان هر نه ايسه وزراي آصف رأي ايله طرفينك صلح حال وفلاح
اصلاح احوالري بابنده لازم اولان خصوصلر اتفاق واتحاد ايله پايه
سرير اعلايه عرض وتقرير اولنوب سعي واقدامده قصور اولنميوب آخر الامر
فرمان شريفلري شويله صادر اولديكه سعادت واجلال ايله تخت
فتح بخته جلوس سعادت مأنوسمز واقع اولدقده آبا واجدادمزدن عقد اولنديكي
عهد وميثاقه مخالف بو جانبدن بر وضع صادر اولمشدر ومخالفت
٤٧٧ اولنمه منع ورد اولنوردي اسمعيل ميرزا خذلانه برانه متولي اولدقده
امرا وقوللرندن نيجه سني اضلال ويانينه جمع ايدوب ابناء سبيلدن نيجه
حجاج وتجار غارت اولنوب استحضار ايچون وان وارضروم قوللرندن
چاوشلر ارسال اولندقده حبس ايدوب نقض عهد ايله فتنه وفساده
مباشرت ايلديكي حد تواتره ايرشوب امراء سرحددن وارد اولان
عرضلر نيجه دفعه ركاب همايونمه عرض اولنوب الابناء انلخفند
كلنك ايچون عنان عزيمتلري اول جانبه منعطف قيلنوب سعادت
واجلال وجند فرخنده فال ايله توجه دن مقدم برمقدار عسكر
١٨٦ ظفر رهبر ايله دستور مكرم مشير مفخم وزيرم مصطفى پاشا
ارسال اولنمشدي چونكه اسمعيل ميرزادن صادر اولان اوضاع
واطوار الك تهور وجنوني سببي ايله اولمشدر كندولر تخت شاهيه

جلوس ایتدکلرینه تهنیت صادر اولان بشارت نامه‌لرنده عذر ری
ومابینده منعقد اولان صلح وصلاحک استحکامی ایچون بو جانبدن
روگردان اولنلر مقید باب سعادت مآبه ارسال اولنوب عذر
خواهلق ایتمک کرک ایدی چونکه دوستلق رعایتنده مسارعت
اولنموب اهمال ومساهله‌یه دخی روا کوردیلر اول اجلدن بو جانبدن
دخی جوشه کلن جیوش دریا خروشمزی اعاده‌یه بر موجب دخی
اولمدوغندن غیری تسکین تندباد غضب پادشاهی‌یه مجال امکان
اولیوب اول سیل هائل تخریب بلاد مخالفینه مائل اولمغله کما کان
رجوع دفعه‌سی عرصه لا امکان اولدی اما چونکه بر شاندن کا هر دم ما شاه
اولان صلح وصلاحک کما کان استواری اولمه سنی مراد والتماس ایلمشلر
و سزکده دخی استراحت رعایا وبرایا ایچون رای صائب وفکر ثاقبکزه
منتج اولدیکی شاهان عالی تبار وپادشاهان ذوی الاقتدارک استدعا
والتماسلری حیز قبوله قرین اولمق ضابطه سلاطین معدلت آیین
اولوب لکن آبا واجداد عالی نژادلرینک انار الله براهینهم قاعده مقرره
لری آنلری باقی بقصد ویخی برلرینه ضبط وقبض ایتمکلردر طریقه
سلوکز آبام کرام واجداد عظام متروک ومسدود اولمق دائره امکان
اولمدوغی ظاهر وهویدادر شویله که وزیر مصطفی پاشا وشیروعساکر
نصرت مآثرک بو دفعه فتح ایتدکلری ولایت شروان وکلتا
کرجستاندن الچکوب وقرص که قدیمدن تحت تصرفزده اولوب
ومحمود آباد جانبلرینه تهور ایله کرفتار اولان عادلکرای سلطانه
امیت وسالم مراجعت ایتدیرلیوب وسایر سرحد ممالک محروسه‌ده
عساکر ظفر مآثر فتح ایتدیکی قلعه‌لره دخل اولنماسی اوزره صلح
وصلاحه کما کان مقرر اوله بو شروط ایله نامه لرینه جواب یازیله
دیو فرمان قضا جریانلری صادر اولمغین الکاینا مضمون مذکور
اوزره نامه همایون یازیلوب ارسال اولنمشدر فی الواقع اسمعیل
میرزانک وجه مشروح اوزره نقض عهد ایدوب فتنه وفساده
مباشرت ایتدوکنه انکاره مجالی اولمدوغندن ماعدا شاه محمد خدابنده دخی
دخی جلوس ایتدکلرینه اول مفسدلره مقید ومحبوس ارسال اولنمق
کرک ایدی اولیوب بو دخی انلر طرفندن نقض عهدی تأیید ایلمشدر
آمدی سعادتلو پادشاه ربع مسکون حضرتلری برشاه عالیشان
وپادشاه باهر البرهان ویرنوجوان سعادت عنوانلردر که مرآة

عالم فیض مأثرلرینه همواره چهره عروس جهاد وغزا مشاهده اولنوب
طبیعت ظفر خاصیتلری دائما اقالیم وممالک فتحنه مائل اولوب
اطراف وسیعة الاکناف ممالکده اولان سلاطین وخواقین طریق
اطاعت وجاده انقیادده ثابت قدم اولمغله برجانبه حرکت
وبر طرفه عنان همت صرف ایتمک لازم اولمیوب اتفاق اولطرفلرده
نقض عهدی ایجاب ایدر بو مقوله ناهموار اطوار ظهوری غیرت
وحمیت ملوکانه‌لرینی محرک اولوب عنان عزیمتلری اولطرفه منعطف
قلنوب ذکر اولندوغی اوزره مقدم وزیر صاحب تدبیر مصطفی پاشا
٢٧٨ حضرتلری بعض عسکر ایله ارسال اولنوب انلر دخی حدود کرجستان
وولایت شروانه داخل اولوب فتح وتسخیر اولنان قلاع وبقاع تفصیله
محتاج دکلدر حال بو منوال اوزره اولدقده دخی بو مخلصلرینک
وسایر وزرا قرنداشلریمزک سعی واقداملری ایله انجق بو مرتبه میسر
اولدی اکر بو مخلصلرینک طرفندن احوالک صلاحنه ساعی اولدوغی
اعتمادلری وار ایسه مراد شریفلری اوزره جواب باصواب کوندرملک
بابنده مساعی جمیله‌لری مصروف اوله بو یله اولمق کرکدر والا طرفنا نافع
ایدوکی محققدر شویله که خلافی ظهور ایدرسه عزّ وجلاله وعسا
نصرت مآل ایله اول توجه همایونلری اولدقده جمیع عساکر
٢٨٧ تاتار صبا رفتار وجرا کسه شجاعت شعار دخی دمور قپو جانبندن
وسایر حدود ممالکده اولانلر دخی اطراف وجوانبدن حرکت ایدوب
اولجانبه ایلوب هالیسنی احاطه ومغموم ایتمک مصممدر صکره
تدارکی امر محال وموهوم اولوب اولدیارلر خراب ویباب وماوی
بوم شوم اولمق باراده الله تعالی مقرر ومحقق فهم اولنوب عدم
واقعه بشی از وقوع باید کرد موجبنجه بو تندباد زهرناکک تأثیری
اولمدین تریاق حسن تدبیر ایله دفعنه مسارعت اولنمغه جد وسعی
مصروف اوله ان شاء الله الاعز خیر بونده ایدوکنده اشتباه اولنمیه والا بو
مقدار عساکر جرار آتش رفتار دینه قارشو طوروب جواب ویرملک
امر صعب وغیر یسیردر چون غرض اخلاص موجب وداد واتحاددر
بو مقدار ایله اکتفا اولنوب اطناب اطناب طی قلندی باقی وجود بر
جودلری ظل حمایت شاهی ایله مستظل اولمقدن خالی اولمیه

شاهد تابع دولت عالی اولان محمد خان وزیر اعظم سنان
پاشا طرفندن مابینی اصلاح ایچون یازلمشدر

در دعر احسن مقال • زیب قرای افسر مقتضای حال اوله • بر موجب
کل امر ذی بال • سپاس مالک الملک ذی الجلال درکاه اجابت پناهندن
نازل اولان • واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم امر شریفنه امتثال ایله •
مأمور اولان نفس ناطقهٔ انسانی اشهب تیز و تناک عرجا و دافی
ایله فیفای ایفا • و بیدای دانسترده نه قدر طی فراسخ آجال اسابیع
ایام ولیال • قلسه عجز وخیرتدن غیری سبب • ولا احصی ثناء علیک
دن اوزکه دلیل بولمز • پس علی کل حال • ثنای ملک متعال ترتیب •
وصلوة وسلام سید الانام وخیر الآل تعقیب اولنوب • بعده مثال
بیمثال تسلیمات تسلی ابتدای فحوای معادات زدای مصافات نما سنده
مکنون اولان لآلی • مثال معالی بدیع البیانی • مانند جوهر عقل دراک
درج معانی • نوایب نقص وکدردن مصون • وخاصیت سلامت
ربع سکون حکمی روان اولان • اتحاف اتخاء جناب معالی مآب •
واهداء مجلس عوالی نصاب • قلندقدن صکره ضمیر دری تنویر مشکل
کشایه • حیز خفا ومکان اختفاده کلدرکه • ایکی اوج سالدن برو
علی الاتصال طرفیندن نوایر هیجا وقتال • واشتعال جنک وجدالدن
نیجه خزاین ومال • ونفوس ورجال تلف وهلاک ورعایا پایمال
اولوب • عاقبت • فکر مآل • هول یوم السؤالده جواب امرمحال ایدوکی
ملاحظه اولنجق • بو مخلصکز دخی مرز و بوم دار الاسلامده ایکن
الصلح سید الاحکام • فحواسنجه احوال رعایا یه انتظام رجاسنه •
شاه جمجاه حضرتلرندن وجناب شریفکزدن وسایر اعیان وارکان
ومقربان عوالی شانلرندن • مهرلو مکاتیب صداقت عنوانلری طلوب شدیه
دکین قوت قهرمانی • وسطوت باهره ظل یزدانی ایله فتح وتسخیر
اولنان ممالک وبلدان ومداین وامصار ایله • ولایت شروانی تسلیم
وتعیین حدود ایلدوکدن بعد جادهٔ انقیاددن عدول احتمالی اولنیه
دبو مصالحهٔ آسایش نما خصوصی التماس واستدعا اولنمغین •
بو محب خالص الفؤاد دخی اوله قولا اعتمادا • سدهٔ سعادت دستکاه
پادشاه عالمپناه • طال بقاه • وذل اعداه • ترابنه عرض ایدوب
خاکپای بنده نوازلرندن انواع تضرع ونیاز ایله التماسلری فی الجمله
محل ارتضاده واقع اولوب • رضای همایون معدلت اقتضالری
اولمق ایدی • لکن بو محبکز سرحددن مفارقت وسدهٔ سعادته
عودت ایدنجه خیلی مدت اولوب • اصلا بر بیداده اولمقولرینه

هویدا اولیوب • حالا سرحد محافظه سنده اولان میرمیران عوالی شاندن
رضوان پاشا مخلصکزه کوندردیلدن مکتوب صداقت نشانکز وارد اولوب
انک دخی مضمون مخالصت مآبنده اکرچه داعی دفع کفاح اولان صلح وصلاح
انعقادنه صرف مراسم اجتهاد قلنوب • بفضل الله المجیب عن قریب • وکلای
نامدارلرندن بری ایلچیلک ایله کوندرلمک اوزره اولدوغی اشعار اولنمش
اما شاه دخی بوانه دکین اول سرحدلردن قالقوب قزوین سمتلرینه
توجه وعزیمت ایتدکلری خبری افواهدن استماع اولنمغله • مکاتیب صداقت
اسالیب درارئ التماعکز پایهٔ سریر اعلایه عرض وتقریر اولنوب •
علم همایون خسروانی علی الوجه الکامل محیط وشامل اولدقده نیران
غضب سطوت قاهرهٔ ملوکانه لری مشتعل اولوب • اشبو رمضان
غفرانی نیشانه دکین • تضاعیف سطور خلت عنوانده مسطور اولان
تفصیل مزبور اوزره ایلچیکز کلوب • آستانهٔ سعادت پناهلرینه
تشریف شفاه میسر اولمزیسه • اول بهار رنجنده آثار ده باکنات
جناب سعادت مآبلری جماهیر عساکر نصرت شعار • وحشد فیرجنود
ظفر آثار ایله • توجه وعزیمته تصمیم نیت بیورمشلردر • سعادت
واجلال ایله عزیمت نصرت مآلکری مقرر اولدوغی تقدیرجه • احوال
نه منجر اولیجغی ارباب نهی فطنته حیز خفاده کلدر • امدی مکتوب
مودت مصحوب مخالصت احتوا جناب معالی مآب مکارم شموله •
وصول بولدقده • اکر بو ودمات عالی بنا دایله • اول خاندان خلت
شعار بیاننده بنیان مصالحه نک استحکامندن قصوای مرام مکز
احوال رعایا وبرایانک انتظامی ایسه • تهیهٔ مهمات سفر ظفر اثر
ایجون بحر وبردن رعایا وبرایایه تکالیف شاقه فرمان اولنمزدن
مقدم • معهود اولان ایلچیکزی سدهٔ سدره مثاله تجهیز وارسالده
شتاب واستعجال اولنه • تاکه اولبابده سابقا جاری اولان مرعی الشان
وفرمان قضاجریانلری اوزره • وان جنحوا للسلم فاجنح لها عنوانیله
معنون عهدنامهٔ همایون عالیشانلرینی کردن اطاعت واخلاص
نشانلرینه • حرز جان قلوب • عهد وامانه بر وجهله سعی وکوشش
اولنه که • عقلا ورا اندیش یاننده اندن زیاده حادث قیل عهالت •
ومعقول ممتنعاتدن اولوب • قواعد وضوابط • وروابط وشرایطنه
انقطاع زمان وانقراض دوران دکین • احتمال خلل وفتور وشایبهٔ
نقص وقصور بولنمیه • والا آلات کارزار وادوات کیرودار •

فوق العاده حاضر و آماده اولوب • نهاد عالی نژاد خسروانیلرنده نهاده اولان
سطوت قاهرهٔ قهرمانی بروزه کلدکده سراپردهٔ ذی الملك والملکوت • ورادقات
عالم جبروتنده نهان • واعین لعیاندن مستور اولان • امور ظهور بولوب •
حوزهٔ مملکتکزده اولان وار و دیار • و براری • واقطار • زیر نعال مطایا •
وسم ستوران رخنه رننده صفحهٔ ملسا • و رعایا و جنودك خرمن وجودلری
پایمال حوافر باد پایان صحرا پیما • قیلنمق مقرردر • انشاء الله تعالی • اکا کوره جواب
باصواب ارسالنده استعجال و شتاب اولنوب • اهمال و امهال اولنمیه • والسلام

شاه عباس نقض عهد ایتدکده سنان پاشا سردار اولوب
اوزرینه توجه ایلیوب بو مکتوبی کوندرمشدر

والاجناب رفعت مآب حشمت نصاب سعادت اکتساب سیادت انتساب
٢٨ ناهید بهجت عطارد فطنت کیوان مرتبت جمشید منزلت • اعنی شاه عالیجاه
ارشده الله الی ما ارتضاه • صوبنه مراسم خلوص و وفا • ولوازم صدق و صفا
اقامت و اجرا اولندقدنصکره • انهاء صداقت انتما بودرکه جنت مکان علیین
آشیان مرحوم سلطان محمد خان علیه الرحمة والغفران حضرتلرینك •
زمان سعادت اقترانلرنده توسط صلح و صلاح ایله باعث فوز و فلاح
عامهٔ رعایای طرفین • و کافهٔ برایای جانبین • مهاد امن و امانده • و بستر
١٨٩ اطمینانده آسوده حال • و مرفه البال اولوب • جناب والا نصابکز دخی
جادهٔ عهد و میثاقده ثابت قدم • و شاهراه مصالحه ده راسخ دم اولوب
متصل عتبهٔ علیهٔ سماسمای شهریاری • وسدهٔ سنیهٔ فلك اعتلای خداوند
کاری حفظهم کر بعنایة الله الملك الباری • قبله کاه ملوك عالیجاه •
و مسودهٔ جباه سلاطین معالی دستکاهدن • نامهٔ نامی و ملطفهٔ
کرامی ورود و صعود بولوب • حتی بو خیراندیش صداقت کیشلرینه
دخی عمدة الاماثل والاشباه • ایلچی حسن دام مجده • وساطتیله کاغد
مشکین نقابلری وارد اولوب • اظهار محبت و موالات • واشعار مودت
و مصافات بیورلمشیدی • بعده امراء اکراددن بعض کفران نعمت
اولنلردن برنچه بدنژاد • نهاد خباثت معتادلری • مقتضاسی اوزره
فتنه و فسادی افشا • و نقض عهد سمتنی اصغا ایلیوب • مقدما ویریلان
عهدنامهٔ همایونك • مفهومنی محافظه و عواقب اموری ملاحظه ایتمیوب
دائرهٔ عهد و میثاق • و جادهٔ صلح و وفاقدن عدول و انحراف ایدوب • اشتعال
نائرهٔ شقاق • و هدم بنیان اتفاق قیلوب • سعادتلو پادشاه کردون
اقتدار • اظفره الله الملك الغفار • حضرتلری کفار خاکسار دوزخقرار

جنك و پیکار • و مجاهده و کارزار اوزره ایکن • ممالك محروسه یه دست
تعدی بی دراز • و برنیجه کون ولایتی خالی بولمغله کندو هواکزده
پرواز ایدیکز **بیت** چو میدان تهی کردد از نره شیر • شغال اندر آید
بشیر دلیر • مذکور اولان اکراد بدنهادلك • مقدما نقوله فساد و شناعته
باعث اولدقلری • اولجانبه اطاعت و انقیادلرینك نتیجه سینه منجر
اولدوغی معلومکز ایکن • شمدی کفنارینا هموارلریله عامل اولوب • الفتنة
نائمة لعن الله من ایقظها • مضموننده غافل اولمق • اصحاب و ارباب بخرده
و عار اولدوغی ظاهر و هویدادر • خصوصا کفار دوزخقرارین • دشمن دین
مبین • و عدوی سید المرسلین • بر بلوك مشرکین ایکن • هر برینه مستقل
ایلچی کوندروب • محضا هوای نفس و تسخیر بلاد ایچون کفره ایله اتفاق
و اتحاد • و مسلمین موحدین ایله نفاق و عناد اوزره اولوب • خادم حرمین
محترمین اولان • پادشاه جهان پناهك ممالکی اوزره علی الغفله هجوم
و بوقدر قتل نفوسه مرتکب و باعث اولمق آیین اسلامدن خارج و منهی
اولدوغی خفی دکلدر • چونکه جنابکز نقض عهد و میثاق ایدوب •
خصومت و عداوتی ارتکاب ایتدیکز سعادتلو پادشاه حضرتلری • دخی
کما فی الاول • برقولدن انکروس و آلامان قرالی اولان لعین دوزخقرینك
اوزرینه • و برقولدن دخی سفاین اژدر مثال ایله دریا یوزینه طونمای
همایون ایله ارسال بیوردقلرندنصکره • بوادنی قوللرینی دخی عساکر جرار
نصرت شعار ایله سزك اوزریکزه تعیین و ارسال بیوردیلر • بز دخی
امداد رب متعال • و توفیق ملك ذی الجلال • و یمن روحانیت رسول
باکمال • و همچاریار کزین • و سایر رجال ایله قارص قلعه سنه نزول ایدوب
عنان عزیمتی سزك طرفکزه مصروف و معطوف ایتمشوزدر • ایران
و توران شاهی اولوب جهانکیر و صاحب شمشیرم دیو دعوی ایدوب
شمدیه دك مملکت و ولایتی خالی بولوب • کیمسنه مقابله ایتمکله منم دیو
دیکز هیبت ویروب • قادر اولدوغکز مرتبه تك و پو و جد و جهد
قاصر اولدیغکز • شمدیکی حالده سعادتلو پادشاه انجم سپاهك برادنی
قولی سنکله مقابله یه اقدام ایلدکده • سطوت لشکر ظفر اثرك هجومنه ٢٨١
طاقت کتوریبوب • فرار اختیار اولنمق لایق و مأمول دکل ایدی •
اردیکزدن اثنان دللر و کلن جاسوسلریمز بالمواجهه مقابله یه عدم
قدرت و جرأتکزی اشعار • واقصای آمال و منتهای مافی البالکز • عسکر
نصرت رهبریمزه شبیخون و یاخود برکنارندن طوقنوب • بعده فرار ایتمکدر

دیوا اخبار ایتمشلر ایدی • جهانکیرلك ایله نامور اولوب قلیج دعواسن
ایدنلر میدان کارزارده ثابت قدم • وبرقرار اولمق کرك ایدی • روز پیکارده
مقاتله‌دن فرار اختیار ایدنلره • ارلك نامی خطا واولمدن قورقات
کسنه‌لره آد بنوب قلیج قوشانمق ناسزادر • اکرچه انکزده فی الجمله غیرت وحمیت
اثری وار ایسه کلوب جیوش دریا خروشه مقابل اولەسز • کم حق تعالی لنك
مشیت وارادتی بنه متعلق اولمش ایسه ظهور بولوب • وراء پرده‌ده مقید
بنه ایسه • منصه وجودده جلوه‌کر اوله • شویله که پادشاه دین پناه حضرتلری
بزم کبی برادری قوتیله محاربه • ومقاتله‌دن فرار اوزره اولەسن • بر دخی ارلك
نامنی لسانکزه کتورمیوب قلیج وردلیرلك دعواسندن وجهانکیرلك غوغاسندن
فراغت ایلیه‌سز • والسلام •

شاهدن کلان مکتوبه وزیر اعظم علی پاشادن جواب محبت نمادر

تا که خسرو ستارکان سپهر سوار • وشاه اختران قوی الاقتدار • مواکب کواکب
بیحد وشمار • وجنود مسعود ثوابت وسیار • ایله بروج عز وسعوده عروج
وصعود • وتختکاه طارم چارمینه اثبات وجود ایدوب • ذروهٔ علیای
شرفده قرار • ودرجهٔ اعلاء نصف النهارده افاضهٔ انوار ایلیه • اول مهر
سپهر شوکت وبختیاری • واختر برج سعادت وتاجداری • رافع رایات
سروری • جامع ایات داوری • خسرو کردون حشم • دارای ملك عجم
کردون بسطت کیوان منزلت • بهرام صولت مشتری سعادت خورشید
اضاءت ناهید صحبت عطارد فطنت قمر طلعت • شاه والاجاه جم دستگاه
حضرتلرینك • اوج برج اقباله خورشید مثال • مفیض انوار کرم وافضال
ومرتقی قابلان امانی وآمال اولمق • دعوات صافیهٔ قرینهٔ الاجابه‌سنه
اشتغال کوسترلدوکی انها سندنصکره خاطر دوربین دقیقه شناس
وطبع آیینهٔ آیین حکمت استیناسلرینه • دقایق احوال مصالحت پیام • وحقایق
آثار مصادقت ارتسام انبا واعلام اولنورکه • للحالة هذه خاندان
ابد بنیان عثمانی • ودودمان محکم الارکان صاحبقرانی لازال مقرونا
بالعون الصمدانی ایله • واقع اولان موالات ومصافات موکده • ومعاهدات
ومعاملات مؤبده • مراسمنی رعایه • واسلاف امجاد نیکونهادلری
آیین واسلوبنی حمایه • سابقا وکیل دولت علیهٔ خاقانیه اولان
معالی نصاب سعادت انتساب عالی قباب • سعادتلو قرنداشم محمد پاشا
حضرتلری طرفنه ارسال • وقاصد جلیل المقاصدلری تحف قلبی ذات
زبیدرشیده • وساطتیله ایصال بیورلان کتاب بلاغت عنوان •

وخطاب

وخطاب سعادت بنیانلری • اسعد اوانده سوق تقدیر خدای مستعان
وارادت ومشیت ذی الجود والاحسان ایله • بو خالص الجنانلرینه وصول
بولمق میسر • ونفایس کلمات لطیفه سندن چاشنی لذت الملق بو غرت
جوی خلوص خویلرینه نصیب ومقدر اولوب • غرهٔ غراء مطلعندن مقصد
اقصای مقطعنه وارنجه نظر دقت ایله مطالعه اولندقده • فحوای
عزت احتواسنه مشمول • وموضوع مطبوعنه محمول • واقع اولان عامه
احوال وآثار • دوستلق ومحبت کلامنی اشعار • واستانهٔ سعادت
اشیان خداوندکاریه اولان خلوص ووداد اتحادی اخبار ایتمکله •
بو جانبدن دخی شرایط مهر ومحبت ولوازم دوستی والفت رعایتنه
٢٨٤ کما ینبغی دقت • ووظیفهٔ لازم کلن خیرخواهلق مراسمنك اتمام منوال
خلوص طویت اوزره عزیمت اولنمشدر • بو دولت علیه ایله الی الان
دوستانه معامله‌یه آغاز • ومابینده ابواب وفاق واتفاقی کشاده
وباز ایدن • پادشاهان لازم الاعزازك دوستلغنه متعلق امورده
صرف اقدام • وصیانت محبت طرفنه بذل اهتمام ایتمك آیین قدیم کارکذاران
خاندان عثمانی • وقانون قویم مهم پردازان خاقانی اولمغین • بو مخلص
ولاجویلری دخی سلفم اولان وزرای آصف رأی • ووکلای ملك آرانك
اثرلرینه اتفاق ایتمکی اولی واحری • وموافقهٔ رضای حق جل وعلا بیلوب
مقدما سدهٔ سنیهٔ سماسایه‌ده عظام وزرا • وکرام علمای سعادت
١٩١ اهتدا • مشاورت لریله والحی کاردانلری علی سلطان خلفا معرفتیله حجوده
کلن صلح قرارداده‌نك ابقاسنه ساعی • ومراسم ود والفتی کما هو حقه
راعی اولدوغمز • امیددرکه معلوم علم عالم آرالری • ومفهوم طبع عقده
کشالری اوله • بو تقدیرجه دولت مؤسس البنیان شاهی • ومحبت
ثابت الارکان کیتی پناهی‌یه • سزاوار واحری بو فهم اولنورکه • بوامر مشروع فیه
عهود وشروط مقرره‌یه موافق • ومابینده قرار ویریلن دوستلق
ومحبته لایق • ورضای خاطر فیض مآثر پادشاهی‌یه مطابق وجه اوزره
اتمام واختتامه ایرشدریلوب • عهدنامهٔ همایونده بروجه ابنه
تسلیم وتخلیه‌سی شروط ومعهود اولان محال وموانع احوالی دخی
قرار ویرلدوکی اوزره اجرا ایتدریلوب • قطع سنور وحدود خدمتنه
استانهٔ سعادت آشیاندن تعیین اولنان افتخار الاماجد والاکارم
جامع المحامد والمکارم • سابقا چاوش باشی اولان ابراهیم اغا بنده‌لرینك
معرفتیله • بو خدمت خیر خاتمه فیصل ویریله • وبو جانبدن واران

حكام پادشاهیه • بالدفعات اوامر علیه ایله تنبیه و تأکید اولنوب و کچن
طرفلردن دخی سرحد نشینان مملکتلرینه تنبیه بیوریله که • مادام
ابراهیم آغا ایلچیلکله احوال حضور عالیلرینه سویلنوب • عهدنامهٔ همایون لازم
وسایر تمسکاتنه اولان قول وقرارنه ابدی ولی معلوم اولینجه • کدورتلرله
باعث گفتگو اولهجق اوضاعه متصدی • ولخلاف واختلاله بادی اولنلر
تاکه بیان جانبیندن اولان بناء مودت ومحبت مشید ومبرم • ومکر وآسیب
فتنه جویاندن بری ومسلم اولوب • مساعی جمیلهلر ایله اتمام واختتام
بولان امر خیر انجام • الی یوم القیام • موبد وبر دوام اوله • تا دنیا جام
جهاننمادن انور • وماننده آفتاب عالمتاب ضیاکستر اولان طبع لطافت
پرور • وذهن صداقت اثرلرینه • خفی وخفاده اولمیه که • سوالف اعوام
وسوابق ایامدن الی هذا الان ملجأ سلاطین جهان اولان • آستان سعادت
آشیان آل عثمان • ابدالله ایام سلطنته مادام الزمان • ایله اتفاق
واتحاد مسلکنه سالک • ومسالک مهر وکینلرینه مالک • اولان تاجداران
روی زمین • وشهریاران اورنک نشین • دائما معاملهلرندن سود مند
وبهرهدار • وبو دولت قدیمه یه اعتنا دهنده مستفید وکامکار اولمشلر
نظم این دولت ازازل شد تا آخر زمان • پیرایه بخش سلطنت جملهٔ
جهان • هر صبح روی عجز بدین آستان نهند • ازبهر اکتساب شرف شاه خاوران
علی الخصوص حالا صدر نشین سریر سلطنت جهانبانی • وصاحب تمکین
چار بالش خلافت وکامرانی • زینت افزای تخت ونکین • سر لوحهٔ دیباچهٔ
دودمان عثمانی • نقاوهٔ صدر نشینان مسند فرماندهی • فایق
سلاطین آفاق بالارث والاستحقاق • الداخل مداخل السلطنة بالاجماع
والاتفاق غیاث الاسلام والمسلمین • ظل الله فی الارضین • سعادتلو
ودولتلو وشوکتلو پادشاهمز اعز الله تعالی انصاره حضرتلری برپادشاه
همایون مقدم • وشهنشاه مظفر قدم • درکه آفتاب دولتلری افق
هدایت سبحانیدن بر تو انداز عالم • وزمام سلطنت وجهانداری •
دست عنایت صمدانیدن قبضهٔ قدرتلرینه مفوض ومسلم اولالدن برو ٢٨٧
بیان ممالک مسلمینده • اتفاق واتحاد آثاری پیدا • ورفاهیت واستراحت
اطواری هویدا اولوب • مابینده طوایف مشرکیندن اختلاف واختلال
علامتی صورت نما اولمغله • پاشلدی بیت همیشه باد عداوت
میان گبر ویهود • زهر طرف که رسد سود گشته اسلام • بناءً علی هذا
عون عنایت پروردکار • ومعونت حمایت رسول مختار وکرامت وقدسیت

مجلد

صحابهٔ کبار ایله • دین ودولته نافع بعض احوال وآثار ظهور ایتمکله مزاج
شهامت امتزاج پادشاهیمن ولایت • والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا
نغواسی قرار وفاتح ممالک کفار خاکسار اولان آبا واجدادی مسلکنه سالک
١٩٢ اولمق خاطر سیمی طبع همایونلرنده استحکام واستقرار بولوب • طوایف
مزبوره دن • اشد کفرا ونفاقا • آیت کریمه سنه مظهر اولان بعض مستحقان
عذاب نار • ومأویهم جهنم وبئس القرار • مدلولنجه اعمال سیئه سنه کرفتار
ایتمکین • نیت خالصه سیله بالذات سفر ظفر رهبره توجه ایتمک • ملحوظ
خاطر فیض مآثرلری اولمشدر • امیددر که انواع فتوحات جمیله یه مظهر • واعدای
دین اوزره منصور ومظفر اوله لر بیت نصرت نکار لوح جبینش بکلک صنع
باد همیشه دست جدا در رزم مصاف • بو تقدیرجه ترصد اولنان بودر که
توجه قلب صفوت آیینلرین • همراه غزاة مسلمین • ودعای خیر اجابت رهینلرین
رفیق کماة موحدین بیوره لر • سوی حالیه تحف قلبی بنده لری اگرچه سر مایهٔ
نامهٔ پادشاهیدن تهی دست ایدی • لکن اول طرفه انتسابی جهتی سبب اعتبار
وشرف خاکبوس پایهٔ سریر اعلایه مدار اولمغله • تقبیل بساط عزت
انبساط خداوندکاری یه واصل اولدقده • متوجه صوب باصواب
وروانهٔ جناب نعم المآبلری قیلنمشدر • فیما بعد دخی توقع وترصد
اولنان بودر که • مابینده ازدیاد مواد وداده بادی • وباعث مخذولیت
جملهٔ حساد واعادی • اولاجق اعمال وآثار رحنه وجوده کله • ثغور
وحدود احوالنه ناظر اولان سالف الذکر ابراهیم آغا بنده لری • دخی
منظور نظر التفاتلری اولوب • محل وزمانی ایله سدهٔ سعادت طرفنه
توجه • وعزیمت وعودت ایتمسنه بذل همت بیوریله • همیشه مفتاح
حسن تدبیرلریله ابواب مهمات ملک آرایی کشاده • ومصباح رای عالم
کیرلریله فروغ مجلس الفت وآشنایی زیاده • ضیاده اولوب • باعث
انتظام احوال آدمیان • وموجب نظام وآسایش عالمیان • اولمقدن
خالی اولمیه لر • بالنبی وآله الکرام • واصحابه العظام •

شاه طرفنه وزیر اعظم علی پاشادن کوندریلن مکتوبدر

دنیا دیجهک والی برمکر وآلی • وشیطنت مآبی اولان • خدا بنده اصلح الله
شانه توقیع رفیع همایون واصل اولوب معلوم اوله که • تصاریف روزکار
وتقالیب لیل ونهار ایله • پایمال غرقاب فلاکت وضجرت • ومبتدی
کرداب آشوب نکبت اولوب • اجداد ضلالت معتادکدن • سرچشمهٔ
مفسدان ضلالت پناه • اسمعیل کمراه برکناه • ضال ومضل ومفسد •

بابا سی شیخ حیدره اتباع ایدن اصحاب رفض وضلالدن مستور
الاعمال اولان اتباع ناتمیز مظاهر نبله حضیض مذلتدن اوج سلطنته
عروج ایتمکله نشر فسق وفساد وبسط الحاد وعناده جلّهٔ اشقیادن
اشد وسبیل هدایت ورشاددن مردود ابد اولدوغی اجلدن سلطان
سلاطین روی زمین وصاحب قران ممتنع القرین پدر بزرکوارم
سلطان سلیم علیه الرحمة الرحیم حضرتلرینک ملک عجم هجابهٔ ضمیر
منیرلری اولمغین مبارزان ظفر مصحوب ایله متوکلا علی الله مردود مزبورک
هزیمتنه عزیمت ایتدکده سفور شیاطین سپاه دین تباه دخی عساکر
موحدین نصرت دستگاه فوز نهاد ایله مقابله ومقاتله ایتمک نیتله
عزیمت ایتدکده ترتیب کارزار ایدوب چالدران نام محلده مقابله وتقرّب
واقع اولدقده چراغ انجمن دین مبین اعنی چهار یار کزین رضوان الله ٢٨٤
علیهم اجمعین حضرتلرینک همم ارواح طیبهٔ ظفر تمکینلری مساعده سیله
اولفریق ابلیس رفیقک قلوب هراس اشتباسلرینه خوف ورعب
مستولی اولوب عسکر هزیمت هیبتک شمشیر برق صولتلری خشیتندن
حیث برعقابدن جوع کلاغ وغراب پریشان اولدوغی کبی هر بری
دامن کوه کریزه واقع اولمغین بخوای فرموده العفو زکاة الظفر
وحکم حکمت مرتضوی اذا قدرت علی عدوك فاجعل العفو عنه
شکرا للقدرة موجبنجه ایا غیلهٔ الم کلمش دل آزرده تیر خورده هر ١٩٠
نگارینر ایکن تعقیب وترهیب اولنیوب انعام عام کثیر الاحسان
عالیشانه مظهر واقع اولان زمرهٔ عتقا مزدن اولدوغی کبی خواقین
ودهاقیندن مستور اولیوب پندار فرعونی وغرور نمرودی ایله
چند مرد ودلت بازیچهٔ دهردن غافل برشخص باطل ولا یعقل اولمغله
بو وجهله مفهوم نیکو ذکری واقع اولیجق نجالتی جهرهٔ ضلالتلری بهره لرینه
طونوب مدت عمرنده صورتهٔ کلدیکی مشاهده اولنمدقده وقایع
سلف تجارب خلف دردیو شش الخلف اولان اوغللری بو آستانهٔ
عرش آشیانک ظاهر الخلاصله عبودیتلرین کردن جلادتلرینه
قلادهٔ سعادت وکمر نجات ودولت بیلوب انواع تضرعات وتذللات
ایله تراب باب نعم المآبی تقبیل وتلثیم ایدوب ایمان وپایان ایله
استیمان وصدور ایدن وقایع پرشنا بعلرینه نادم وپشیمان
اولوب ارتکاب منافی نامتناهیدن اجتناب کوستردکلرندن
اذا انت اکرمت اللئیم تمردا نوا سیجه عنان عزیمت همایون قلم وضع

فتنه وفساده معطوف ومقرون اولوب ارساخ وجود بکردن زمینی
پاك وسواد پروردکردن جریدهٔ عالمی کلیا محو وتابنالش ایدوب ومن سلّ
سیف البغی قتل به حسب حال ونتیجهٔ آمال لری اولوب کانها لا اصل ثابت
ولا فرع نابت واقع اولمغله سرو سرور بکردن روی زمیندن دخی اولزماندن
تطهیر نبت اولنمشیدی ولکن شاهنکزده قبول اسلام وسبل تقبیل وانتمام
سنن سید مقام مفهوم اولمغین نسیمات عنایات خسروانی ریاض
آمال لکزه متنسم ولایح ورشحات حمایات جهانبانی حدایق احوالکزه
مترشح وفایح اولوب مأمول لکز خبر قبول خاقانی به وصولیله برچه کون
افعال شنیعه کزه اغماض اولنمغله نظم خوی بد در طبیعتی که نشست
نرود جز بوقت مرگ از دست مضمونی اوزره مطاوعت شریعته
متابعت طبیعتی ترجیح وتصریح ایدوب مصاحبان خیر البشر یعنی حضرت
ابو بکر وعمر حقلرنده بغض وعداوت اظهارنده راسخ دم وفساد
زندقه والحادده ثابت قدم اولوب داغ عداوت ملت حنیفیه جریدهٔ
شنیعه بهره یه کشیدهٔ وفضلا وصلحادن ورع وتقوی ایله معمور
وپرهیزکار مسنلری سیف ظلم وتیغ عداوتله قتل ایتمکله ید قهر کردن
هر بری مستغرق دیده اولوب وفرت ظلم وضلالدن جار وناجار
بالجبر والاضطرار ارواح اصفیای کزیندن سر وجهرا استعانت وسعی
جهانبینا هر جانبندن استعانت ایدوب مدد وعنایت استدعا ایلدکلری
صورة ومعنی علم عالم آرام محیط وشامل اولمغین خلعت کرانبهای سلطنت
که حلیه طراز رب هب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی عنوان سعادت
اقتران ایله معنون ومحلی دره یدمشیت توتی الملك من تشاء ودستیاری
تعز من تشاء دن بو حقیره ارزانی بیورلدقده شعر فحمدا ثم حمدا له
علی ما کسانا رداء الکرم کلام سرور انجامی هر آن وهر زمان ورد زبان
وحرز جانم اولوب محضا مرضی رب العباد مجرد تکمیل قاعدهٔ شرع رشاد
ومنع رفض والحاد وقمع قوانین شنیعهٔ بدنهاد ایچون نواب کامیاب
٢٨٥ کمال کیاست وفراست ووفور استعداد وجلادت ایله موصوف
ومعروف اولنلردن بر ممتاز وسرافراز انتخاب اولنوب لشکر انجم
شماره سردار وسالار وهمت عالی نهمت ابرار واخیاری بدرقه
ونکهدار ایدوب ملك قندهاره هجوم ودخول دریا مملکته هر جانبدن
واریلوب تحریب بو وضعه مدتدرکه سنکوجه‌لك شاه سنده اولان ممالکه
دخول وتصرف واقع اولمشدر اصلا سندن دخی جرأتی ایهام ایدر بر وضع

صدور ایتمیوب • نهانخانهٔ حجرت ظلمتده مختفی • وزاویهٔ مشقت وحزنده
بر وجهله منزوی اولمش سندرکم • نام ونشانلری معدوم • واصلا
حرکته قادر اولمیوب وغاث معلوم اولوب مبتلا اولدوغی دردك
دواسی سنك دخی معلومکدر • حالا امدادرکاب مستطابکدن غرض ١٩
قبل السیف تکلیف ایدرم • سنت سید الانام • علیه الصلوة والسلام
اولدیغندن ماعدا • اذا دخلت الملوك بالدیار افسدوها • فحواسنجه
قهر برزدرفضهٔ بدآیینه دن • اولده یارده آسوده حال اولان علما
ومشایخ وصلحا • مزاحمهٔ نفوس متکاثره نصرت مآثردن رنجیده
اولمق احتمالیله • المؤمنون کنفس واحدة • فحواسنجه بحر مرحمت وشفقت
بی پایان • هرآن وهرزمانده هیجان وغلیانندن خالی اولمیوب • ضمیر
منیر منجلی نظیرم • بو وردایله زنك کدورتدن صفا پذیر اولمیوب
کرکدرکه طبیعتکزه اولان وفور تحدسی کمال تفرسه مراجعت ایلیوب
شویله که باز سفید هدایت • زاغ سیاه ضلالتی ضمیرکدن رمیده
قلوب • انوار حق جبینکزده مشتعل • واثار باطل چهره کزدن مطلق
منمحی اولوب • تبرای تولا یه تبدیل ایدوب بروفق خبر حکمت اثر •
الرجوع الی الحق خیر من التمادی فی الباطل • مصداقی اوزره خلوص بال ایله
قبول اسلام ایتدیکدن ماعدا سودای سلطنتدن دخی کوز یوموب •
ربقهٔ عبودیتی شرف نام عد ایدرسك • دنیا واخرتده سعادت سنك
ان شا الله تعالی بنم دخی عواید عواطف خسروانم • وعوارف سنیهٔ
خدیوانم سنك حقکزده صدور بولوب • بین الاقران بو شرفله مشار
بالبنان اولوب • نجاح دین ودنیایه فایز اولورسن • والله العظیم وبالله
الکریم • وبکلامه القدیم • دنیاده ولتنك ذره مقداری عینمده قدرك
اولمیوب • ملك وماله غرورم • وعز وجاهه سرورم • بوقدر بلکه
همت بر موهبتم اعلاء کلمهٔ علیا ایله شرع پاکك بینی بسیط زمین اوزره
اجرا ایتمکه مصروف • وکثرت اموال ووفرت جنود ورجالده • واسبابه
وانتقاله اعتمادم اولمیوب • جمیع ازمان واحیانده توکل واستنادم
حضرت رب العباد وواهب الآمال عز شانه نك تقدیرینه نصرت تأثیری ضمننده
غایات دعا ایتدرنیه معطوفدر • فلاجرم ان العهود لدی اهل
النهی ذمم مضمونی قولدن فعله کلمش وورای پردهٔ تقدیر قدیرده مسطوردر
نعماته عظمتان الفراغ والعزلة طبیعتیه محتلله عزلت اختیار اولنوب •
رعایت شرع سید المرسلین • وحمایت عرض اصحاب کزین • رضوان الله علیهم اجمعین

ایدن اولاد امجاد • وتوابع ولواحق سنی اعتقاد کزایله جمیعا مراد مافی
الفوادکزدن زیاده انواع الطاف خسروانیه مظهر اولدقد نصکرهم
قلمرو کز اولان حدود ممالکه من بعد دخل وتعرض اولنمیوب • اعطی القوس
باریها • وناول الصحیفة قاریها • کلام حکمت نظامی ایله عامل اولوب •
تمامها نواب کامیابمزه تفویض وتسلیم قلنه • وباخود خطبه وسکه نام
همایونمزله موسوم ومرسوم اولوب • علی ما کان جناب عالیشاندن دخی
ممالك مسفوره اهالیسنك اوزرلرنیه امیریت وحاکمیت اوزره والی
اولوب • بربابده فرمان عالیشانه جلیل البرهان لحاق اولنوب
بشرط آنکه مدت مدیده دن متروك اولان مساجد ومعابد تعمیر
وتنظیف قلنوب • پنج نوبت محمدیه مؤدی • ومتابعت مذهب حنفی
ایچون علما وصلحادن صافی مشرب • وصحیح اعتقاد عمامهٔ بیضا برسر
ولباس تقوی دربر • قلنوب اوقاتکزده امام ومقتدی اختیار
اولوب • بعد ازادای فرایض وواجبات وسنن ونوافل • لسان حال ٢٨٦
وزبان قال ایله توحید ملك متعال اشتغال ایدن • علی التوالی خالی
اولمیه لر • وبونه مسطور ومقید اولان نحوای صداقت احتوای ملوکانه م
نصایحی ایله اتعاظ • وورود غفلتدن بصر بصیرتکی ایقاظ ایتمیوب •
من کان فی هذه اعمی فهو فی الآخرة اعمی • مستدعاسنجه العیاذ بالله تعالی
حالت شقاوت • وطریق ضلالتده مصر اولوب • آستانهٔ سلاطین بنا
ودرکاه نصرت بارکاهمی یوزن • وابراقدن تواضع علی الجباه والرؤس ایتمکدن
فی الجمله اهالك ظهور ایدرسه • دیدهٔ نابینای عقل وفهمکه روشن اولاکه • دست
قدرت تیغ بی دریغ سلطنتیمی • روز ازلده بیان جانمه بند ایتدیکدن • سعی ازلیه شیمه ١٩٥
وجود مردودکه حضرته واقع اولان پند سودمند • هنوز دخی کوش برهوا
همچو درشاهوار کوشوار • اولمغله • اول عزیمت ونیت برقرار واستوار اولوب
اکر آهو وار • وحرامی کردار • اتباع واشیاع مزخرف ومرداد کله • طاغدن طاغه
فرار ایتمکله جان ناشناسکه مناص قیاس ایدرسك • ممالککز عمده وآب
روی اولان محالرده مداخل ومخارجی • براغ وبساغ ایله مقید ومشید
وقلاع عدیم الاقران • وبهر اشانکه • لم یخلق مثلها فی البلاد • صفت کاشفه
لری واقع اولمشدر • مردان قهر آموز • ودلیران اعدا سوز ایله مملو قلندقدن
صکره مجاهدات ملك احمدی ومرابطات امت محمدی جمیع جوانبدن
بعنایة الله وتوفیقه اطرافکی بروجهله احاطه ایتمشدرکم بیت
بتونك وبطیخ باب آب سیاه • بانجام مرکز نوید کیاه • مفهومنه ماصدق اولوب

اذربایجان وعراق واصفهان دکل شویله کم ترکستان وچین ساحل عمانه
عزم ایدرسك انشا الله تعالی امکان خلاص جان واستخلاص مرام
متصور اولمیوب امرزمانی ایله بای وجه کان امرك تمام اولوب عمرك
آخر اولنجیه سکون وقرار عسکر جرار قبیل ممتنعا تدندر فی الجمله تطویل
کلام لازم دکل مآل واجب الامتثاله جواب کوندرسن باقی دعا والسلام

شاه عباسه یازیلان نامهٔ همایوندر اوقچی زاده نك اثر خامه سیدر

عالیحضرت سامی رتبت هوشنك هوش دارا درایت سیاوش وش
کیکاوس خسرو سجرات فریدون فر افراسیاب فراست
بالانشین اورنك دارایی والا نشان سریر مملکت آرایی در شاهوار دریا
سروری جوهر تاجداری کلزار عنصر پروری بیت شاه بیت قصیدهٔ
اجلال درة التاج افسر اقبال شاه عباس مکرمت ابیه دام فی منهج
الهدی والدین طرف قرین الشرفلرینه لطایف تحیات مصادقت نما ونزایف
تسلیمات مخالصت انتما کم والقیت علیك محبة منی مطلعندن
نمایان اولان کلمات بدیعهٔ بلاغت انجامی طلوع اهلهٔ ادلهٔ محبته
براعت استهلال وجعل بینکم مودة ورحمة منبعندن جریان ایدن
عبارات سلسبیل انجامی تفجیر عیون مواد مودته باعث استدلال اولدی
انواع تکریم ایله تقدیم وشرایط انهای فحوا باحسن منها تکمیل وتتمیم
اولنوب خاطر دوربین دقیقه شناس وطبع صواب اندیش حکمت
اقتباسلرینه کم فکر شکل کشاسی نوفیع منشور الکاهی وهر رای صائب
انشاسی عنوان صحیفهٔ شاهیدر نامهٔ سر بمهر راز بو وجهله ابراز
اولنورکه توفیق هادی ازل وفضل بی منتهای لم یزل ایله مرجع سلاطین
کردون جناب ومصداق مفتحة لهم الابواب اولان پیشگاه سلطنت
روزافزون وسدهٔ سعادت عرصهٔ همایونمزکه قبله گاه گردنکشان
نامدار ومقسم ارزاق صنادید فلك مدار در بهزاد طبع سحر باف ایله
نقش وتصویر ومانی خامهٔ موشکاف ایله تذهیب وتحریر اولنمش
شهنامهٔ محبت وولا یعنی نامهٔ صدق ووفا فهرس صحایف براعت
عنوان محاسن عبارت انموذج کارگاه مانی سرمایهٔ فوز وشادمانی
که عین عبارت لطافت سمات دن ماء الحیات صداقت چکیلوب وحسن
سیاق براعت اتساقی مجدد محبت اکیل اولوب سواد حروف معانی
ظروفی حجاب شب شکین نقاب کبی آرام بخش وطرب افزا
وبیاض معنای رعناسی شعاع خورشید جهانتاب کبی نورافشان

وعالم آزاده در نظم بروزی که نیك اختری یار بود نمود ار دولت بیدار بود
بروزی که طالع پذیرنده بود نکین شرف مهر کیرنده بود پیشگاه حسن قبوله
ورود ونزول واول ترجمان اسرار محبت خلوتسرای بیمثاله دخول ایدوب
مضمون صداقت ضمانته توجه بال ایله اقبال وسوق کلام شوق انجامندن
جناب والا منزلتلرینك صفای طویتلرینه استدلال اولندی نظم
این نامه که مایهٔ نشاط وطرب است افزونی حسن عهد را خوش سبب است
زینسان که بود مختصر وپر معنی کویی ز جوامع الکلم منتخب است اول نامهٔ
بدیع الظهورك تضاعیف سطور محبت وفصاحت صدورنده اساس
بنیاد راس صلح وولا معماری کلك ملاك آرا ایله تشیید واثبات دعوی
مصادقت ایچون نیجه مقدمات صادقه تمهید اولنوب قد نصکره مبادی
صلح استوارده طرفیندن قرار ایدن برکشته روزکارلرك رد وی شروط
وسر رشتهٔ عهد ویثاق بو طریقله مضبوط اولمشکن شرط سالفه
مخالف خان احمد کیلانی نائل امان وامانی ولد وعیالی تلویح وبخف
قولنك جانب مکارم مآبلرینه ارسالی تصریح اولنمش ذهن افتاب
اضاءتلرینه هویدا ونقش نکین سویدا اولمکه شار الیه احمد خان
بدبخت اثنا تمزده مرحوم سلطان مراد خان نور الله برحمته
ورضوان حضرتلرینك زمان بالامانلرینده نزهت آباد روضهٔ قدوم
ایدوب کنجشك ضعیف بنیت کبی زیر جناح هما حمایتلرینه التجا
وفضاله انعام عاملرندن کوشهٔ انزواده زوادهٔ قناعت رجا ایلدکده
بو مقوله چاره باش سلطنتدن دور اولمغین بیر معذور بر حسب کلام
بی بدل ارحموا عزیز قوم ذل مطرح اشباب انصاف وملحوظ عین
عنایت والطاف اولوب شیمهٔ کریمهٔ اشراف اسلاف ولد وغندن ماعدا
عرق طاهر آل عثمان ماله دعوی انصالی مهیج رأفت خسروانه وکلزار
حالنه جوی شفقت روان اولنمشیدی فی الحقیقه کف وجودی مرابهٔ
استطاعتدن تهی واقتاب روحی مغرب زمین ارذل عمره منتهی اولوب
لکیلا یعلم من بعد علم شیئا بیچوله سنك عزلت پذیر ومقام توانی
وناتوانیده آرامکیر اولمغله بر وجهله کام دلدن کدر اخذ انتقامه نا روا
ووجود وعدمی علی السوادر اولمقوله داخل حرم حرم اولان مستحقان
کرمه افاضه ء روحسانك استحسانندن عقل ونقل مطابق وبو معنی
شریعت شریفه یه موافق اولوب حضرت رسالت پناه سلطان سریر لی
مع الله علیه افضل صلوات المصلین وعلی اخوانه المرسلین من الاله

شمشیر افتاب برق ایله حق و باطلی فرق * و تسخیر ممالك غرب و شرقه بدوب
تیغ تران زبان معجز بیان * ایله قطع عرق نزاع * و تاج و تخت کیانی دست
تسلط بیشه بنا اندن انتزاع ایتدکلرندن * ساکن شعاب جبال اولان بیرات
کهن سالی تعرض اصحاب قلادت و قابت * ولیس منا من لم یوقر کبیرنا *
نحواسی اوزره جند غالب ظفر مآثرلرینه توقیر کبیرایله * وصیت بوردقلر
کتب احادیث صحیحه ده مسطور * و سیاق عالیلرینه مشهوردر * بو تقدیر
لازم التقریر اوزره * احمد خانی صیانت لازمه دیانت اولدوغی ظاهر *
و مزید مرحمت و انصاف ایله اتصافنه دلیل باهردر * و نجف قولی خفنی
فرمان آقا فکیرمن بو وجهله کذارش بیتیر اولدیکه * راحت آباد خطه
بغداده والی کشور کشا اولان وزیر حسن پاشا * معتمدلرندن دیار روم معین
روزکاردن تفحص و سؤال * و بو امر مهمده مخبرلری موثوق بهم دن
استطلاع حال ایدن * مشار الیه نجف قولی بك * نمونه دار کلام اولان
خطبه قبة الاسلامه * دخول و رجوعی زمانده وقوع بولمشدر *
صلح و صلاح آثرندن مقدم میدن * موخرمیدر * حق و انصاف له استقصا ۲۸۸
و استکشاف ایدوب * موجبی ایله عمل * و وجهه صوابه توجیه امل الله
اکرچه بو جانبدن دخی صنوف رعایت ایله خوکرده * و خوان نعمای
فراوانلریله پرورده اولنلردن بایزید بك * و داود خان اوغلی * توسن
بدرام نفس خود کام لرندن * خلع عذار اعذار * و بلا موجب و لجانبه
فراری اختیار ایدوب * و بونلردن ماعدا بسیار اندکان فاقلنه * و سیق
الذین کفروا الی جهنم زمرا * دن نیجه امراظها رعقوق و ستیز * و اولطرفه ۱۹۷
رجوع و کریزایلمشلردر * لکن بزم شاهباز خاطر صواب پردازمزه *
اول مرتبه دن بلند پرواز دکه * بو مقوله جزئیات امور نا هنجارك
نشیب فکر و اظهارینه تنزل اوله * و مبانی وداد ثابت الاثر مزاوله
طبقه دن راسخ تردکه * لو بست الجبال و انشقت السماء * تند باد
اقاویل ناسزا ایله متزلزل اوله * و نامه صداقت عنوانلرینه حکام کرجستانك
خصوصا سیمون سست بنیانه متعلق بعض خصوصه باعث الخلوص
اعلام و ایماده * واول سرد فتر اصحاب شمالك کوشمالنه استیذان اولنمشه
طبع صفا مشرب بلرینه پوشیده و محجوب * دکلدرکه اولدغدر ستیزه کار
شیرلرن ستکوه شمس شکار مزك * زیر چنکال نکالنده روباه مثال *
هزار مکر و آل ایله * رها بولش صید نیم مرده * و شکار زخم خورده اولوب
مقام عجز و استسلام ده القاء سلاح * و انکشت ضراعت ایله قرع باب

سلم و صلاح ایتمشیدی * نیجه شهور و سنین دن بروعتبه علیه نصرت
قرینمزه خراج کزار * و اوامر قدر قدر قضا مضا مزه فرمان بردار اولوب
هر آن سر بیعة اهل ایماندن استیمان ایتمکیت * کما شتکان ثغور و ولات
سرحد منصور مزه تنبیه و تهدید * و اول اطراف و حدودده موجود اولان
وفود ظفر ورود مزه تقدیم وعید * اولنمشیدی که اولکبر پرکبرك *
ولایت و مملکتنه تعرض و تعدی یه تصدی ایتمیه لر * محافظه بیضه
تلف بیضا ایدن سربازان عرصه هیجا * فرمان عالیشانمزه اطاعت
و انقیاد ایدوب * دامان مملکت پرنکبتندن تقصیر * و دروازه جنك
و آشوبی سد ایتمکله * داروده بادینك * هرجانبی ایدیکه جانبندن سمات
وهرکاه درکاه سلاطین پناه مزدن خلع فاخره * و نعم زاخره ایله
نوازش و رعایت اولنوردی * چونکه مقابله احسانده اظهار کفران
و اول اطراف و اکنافده * علی حین غفلة من اهلها * نصب رایات عصیان
ایلدی * بعنایة الملك المستعان * اقرب زمانده باداش کار * و جزای
کردارنا هنجار نی * دست برد ارباب مجاهدین دن مشاهده ایدوب
کالبدی طعمه مور و مار * و جید وجودی کرفتار کمند دمار اولمغله
فمن نکث فانما ینکث علی نفسه * وعید شدیدینه مظهر اولمق مقرردر *
مثنوی بنا کردن نیکی از من بود * بدی را بدایت ز دشمن بود * عقوبت
کنم خصم را بر کناه * نوازش کنم چون شود عذر خواه * اکرچه باعث
اختلال و تشویش اولان * متغلبه محال اندیش * پیرامن ملکمزدن
اخراج * و رقبه بی دولتلرینه وضع خراج ایتمکده * سایر اصحاب تخت
و تاجه احتیاجمز یوقدر * اما چونکه سیمون حدیث نمونلك * سوالف زماندن
دودمان باامانکزه آمد شدی * خصوصا جناب مکرمت مآبکزه مزید
تردد و توددی * اولوب * محضا دعوای صداقتی اثبات * و زمین دلده
کیاه مهر و محبت بی ریاپی انبات ایچون * باد سیمای نمای فساد مقبحه
نصایح ملوکانه ایله تادیب و تقریع * و غلبه دم عصیاندن فوران ایدن
ماده عناد و کینی * تسکین ایچون دوای مرتبند سودمند تجریع اولنمش *
بو وضع محبت اقتضا محل ارتضاده جایکیر * و مرآت حسن قبولده صورت
پذیر اولوب * باعث استحکام اساس وداد * و سبب ثبات عهد قرارداد
۲۸۹ اولمشدر * و حاکم حوزه کمال آباد اولان مبارك منحوس سیرت بدنهادك
اسلاف و انسابکزه * سابقه علاقه و انتسابی افاده * و جانب شرف
مالکزدن اول بد سکالك استیصالی اراده اولنمش * ضمیر حکمت سمیرلرینه

ع آیینۀ سکندر وجام جهان نماست • کالشمس فی وسط النهار • ظاهر
اوله که عراق عرب • بدایع صنع رب ایله غیرت عراق عجم • وکزیدۀ ممالك
جم در • اجداد امجاد مرزت سلك ملکلرنده منتظم • وممالك محروسه موروثه
لرینه منضم اولدقده • اول حوالیده والی ولایت سجاد • سجادۀ اطاعتده
اقامت فرض • ورأس جاده خدمتده عریضۀ ضراعتی عرض ایدوب •
بعده مذکور مبارك • سوق قدر ایله جانشین پدر اولدقده درخت
دولت ست بنیادی • صرصر صولت خداداد مزایله • برباد اولمق ١٥
خوفندن جوف دماغندن اخراج سودای استبداد • وهر آن حکام
بغداده مراجعت واستمداد ایتمکله • قلعۀ حکومتی طوارق شبیخوندن
آفتدن محفوظ • وظل دوحۀ امانده ثمار شمار عاطفت واحسانلرندن
محظوظ ایدی • حالا مراسم حسن جواری ترك • وخزانۀ غدر وکفرانی
شاخسار دل باخساستی دی بار وبرك ایدوب • تجاوز وسود اکرانه دست
ظلم وکوانی دراز • واموال ارباب تجارتی نهب وغارته آغاز ایتمکین عجزه
وزیردستان جور وتکابتندن شکایت ایدوب • مقتضای غیرت
سلطنت اوزره فرمان قدر توامز شرف نفاذ وجریان بولمشیدی •
که دار الخلافه زورادۀ والی ممالك آرا اولان مشار الیه حسن پاشا
مذکور مبارکك مطابا آمالی اولان براری وجبالی نشانه تیر نارایج
وجود بی ثباتنی دار الملك حیاتندن اخراج ایدوب • سرکشان بادیۀ ضلالتی
تلاوت ایچون • فساء صباح المنذرین • نص عبرت قرینینی ازبر ایلیه •
جونکه جناب سامی منزلتلری • بو مهمك کفایتنی عهدۀ همت والا نهمتلرینه
الوب • ساق عزیمتلرین تشمیر • واول شقی سوء الجزا اولان مرتکب افعال
ناسزا قصد ازاله وتدمیر اولندی • شابستۀ دوستی وفتوت • ومناسب
خلت بی علت بود رکه • مصلحت بر وجهله ادا وبر طریقله احاطه اذا •
اولنه که حیطۀ ممالك محروسه الملکمزه داخل • وبعده لحسر دیارلرینه
متصل ولایت اماکن ومساکنه • حشم باحشمتلرینك قبضۀ تصرفه جکوبتلرینه
قالوب • لشکر غنیمت یابلری ذهاب وایابده • لصوص عرب بی ادبلك
کیشندن امین واول مسالك پر مهالکه شد رحل رحیل ایدن ابناء
سبیل • مکان رفاهیت وامانده سکینت اولمغله • نامۀ حقیقت نماده ایما
اولندیغی اوزره • آستان ملاذ ثنات مطاقرینه مزید صدق وانعطا فکرده
ملوك واشراف اطراف • الکشت کزان وهواره مهبت اتحاد جانبندن
نسیم آرام وآسایش گلزار حال نامه وزان اولنه • وبالجمله نامۀ بدیع

البانك ورود وانباء نی ازد باد خلوص وداده بادی • وسراپردۀ سرابردۀ
آعیتن ماسوادن مستور ونا بیدا الآن محبت حفیه فروزك بروزینه
سبب عادی اولوب • مرابطۀ سرحد سلام ایدن ولاۀ منصورۀ الاعلام
باسرهم تنبیه واعلام اولنمشدرکه • قواعد عهد ومیثاقك حسن انسانی
بابنده اقصی الغایه جهد مستطاع • وحفظ سررشتۀ مصالحه ده
امتثال فرمان جهان مطاع ایدهلر • بو نامۀ همایون صداقت آثار تسوید
وکاشانۀ مودت تشیید اولندقده نصکره • والی حول علیه حسن پاشانك
مشار الیهدن مکتوب صداقت اسلوب کلوب • مضمون وقایع نمونندن
مذکور مبارکك تارك بی دولتی رهکذر مذللتنده سوده • وبیشانی
قدر بی نشانی خاك خضوع ومسکنتده فرسوده اولوب • تاکید انقیاد
بی رهن ایچون علی طریق الرهن • بعض اتباع قریبة الاتصالنی رسالة
تضمیم • ومعرض عجز تأکزبرده شرایط القاء معاذیری تتمیم ایتمشیکن
سمت مکارم سمانکیزدن ترك ماللش وجز • ومجرد پند ونصیحت ایله
اکتفا واجتزا اولنمغین ع وان انت اکرمت اللئیم تمردا • موداسی اوزره
٢٩٠ حلبۀ رهات عهد وانصافدن انصراف • وزمین ابتلا قدم غرس بید
خلوف ایدوکنه تعلق بسط بساط مقال • واول جانب مدار مداده
اصدار اولنان نصیحت نامۀ براعت نهایی بعینها ارسال ایلمشیدی حیث
مطلع کلامدن ذیل مقطع مرامه دك • امعان وشعور ایله منظور
اولدقده • حاصل فحوای حکمت احتواسی عهد سابقه ناموافق • وظاهر
اقوال سابقه باطن افعال لاحقه یه غیر موافق اولدوغندن • ماه نور
افشان طمأنینت • وراء غمام ریبتده نهفته • وحدیقۀ بالدع ازهار
تعجب شکفته اولدی • خسروان هدایت رفیقه سزاوار وخلیق بودرکه
١٩٩ ع ان العهود لدی اهل النهی ذمم • فحواسی اوزره عهدلرندن عهدلرندن بیرون •
ووعد جمیللری انجازه مقرون اولوب • فیما بینهم رعایت حق آداب • و
گلزار مودتی بارانهها رصدافت ایله شاداب ایدهلر نظم دست وفادر
کمر عهد کن • تا نشوی عهد شکن جهد کن • دوستی پایدار کونجت
کان ابد الدهر بماند درست • اولمقوله فطرفطرتی آب حیا تنله سرشته
وجبین استعدادندن رقم فتنه وفساد نوشته • اولان بدخواه روسیاه
حمایت اولنمق سلاطین نصفت آیینه نا ملایم • بلکه سبب لومۀ لائمدر
بیت روی دل ازد وطایفه برتافتن نکوست • از دوستان دشمنی
وز دشمنان دوست • اول بتش آخذك الاعراب اشد کفرا ونفاقا •

ورأس خطینه شقاق وشقاقك فساد كوناكونی ولمرتبه دن افزوندركه
تغافل واغماضه قابل وصورت معذرتی آیینهٔ قبوله مقابل اوله بومرتبه
خسارته جسارتندن صكره صحیفهٔ عفو وصفحه نقش رقم مرحمت محل ناموس
سلطنت وموضع ردین وضع ندی مخالف اصول حكمت ولمغین بهرحال
فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیكم فرمان جهانمطاعنه اتباع لازم
ولازب وضبط اركان دین ودولت ایچون جزاء سیئه ایله عمل فرض وواجب
اولمشدر شویله كه اولكه سواد عرصهٔ عصیانه ارخاء عنان اولنان اوزب
احیانك سرمنزل فرط طغیانه ایرشوب احتمالدركه باروی قلعهٔ فساد
وضلاله نصب رایت وعدوای عدوانی طرفینه سرایت ایده اول
بدخصالی نشانهٔ نصال استیصال ایمكدن نهایت آمال قصر محبت بقصور
الی انتهاء الآباد معمور وآباد ایدوب دمسردی مفسدانك بدبیمه ایله
نیره اولان مرآت پرصفای محبتی مصقلهٔ صدق نیت ایله زدوده وتابنده
وراه كلزار وفاقی خار فتنه وشقاقدن پاك ایلمكدر چونكه نامهٔ بهشتیده
تعیین اولندوغی اوزره ایفای عهده جهد ولنمدی عبرت دشمن
كدازتشتابمزاقتضا وایجاب ایلدیكه والی بغداد لشكری بغداد ایله
اولبادیه نشین وادی عنادك قطع دابر فسادینه حواله وخرمن عمر
ثباتلری بورجهٔ شمشیر غزاته نواله اولوب سپاه روسیاهی عرضهٔ
تیغ تباب واجرای سیل انتقام ایله منزل ومقاملرین عبرت اولی الالباب
ایده لر بیت هرخاكه سربرزند از كلشن ملكت فی الحال سرش به تیغ
برباید داشت بوندن زیاده جامهٔ نامهٔ نیكو طراز محبت طراز تذییل
وقامت باعتدال مقتضای حالهٔ الباس لباس تطویل اولنموب میدان
حسن بیانده اختیار خیر الكلام وایجاز وعد ایجاز ایله مراعات حسن الختام
اولندی اولجانبدن دخی محبت استوارة سزاوار اولان بودركه قلم بوقلمون
عباسی عملری ان من البیان لسحرا صحراسنده هربار كشت وگذار
ورسائل صداقت ووسائل ضمننده باعث آسایش عباد اولان مراسم خلوص
واتحادی اشكار ایدوب پیام صلح حالكه موافق رضای ملك متعالدر
زرین قلم اشعهٔ مهر ایله لوح سیمین سپهره نكاشته وطرفینده لواء
ولا بالای سقف والایه افراشته اوله هموره صلح اندیشان دین
ودولت مظهر فضل ملك دیان وكلزار قلوب ارباب صداقت رشحات
فیض سحاب ایله سرسبز وریان اولوب شجر ثابت الاصل وداد حدیقهٔ
ذات بهجت فؤاده برومند وتربیت باغبان محبت ذلیله ایله ملاصق

چرخ بلند اولمقدن ما تعاقب الغدو والآصائل خالی وزائل اولمیه
نظم همیشه تاكه بتقدیر قادر بیچون بود فراخته این چارطاق سبع
شداد زتندباد حوادث مصون وایمن باد اساس ممتنع الاندراس قصر وداد

شاه عباسه سلطان محمد خاندن یازیلان جوابنامهٔ محبت ختامه دركه زادهٔ خاطر ویحیی زاده در

والاجناب معالی مآب ارو شیر شیر عزم جمشید شید بزم دارای دار
وكیر اسفندیار دبار حسن تدبیر رستم ستم كداز فریدون دوت انداز
شهباز بلند پرواز اوج استعداد شاهین تزازوی نصفت وداد
شهسوار مضمار شهامت وسربلندی شهریار كشور نباهت وارجمندی
نظم زیبندهٔ تخت بختیاری كیرندهٔ باج تاجداری دارای زمانه
شاه عباس بادا برضای خالق الناس سمت مكارم سماتلرینه جوامع
الكلم دعوات صافی صفحات ونوابغ الحكم تحیات قدسی نفحات كه مؤید
اذا دعی به اجاب ومصداق ان هذا لشیء عجاب اولان كلمات تامات
جامعیت آیاتی سرعت تأثیر اجابتده همدم انفاس عیسویه بلكه عروج
بلاغت طرفی قبل ارتداد الطرف ملاصق عرش برین اولمقده نفس باك
روح الامین ایله علی السویه اوله نظم تحیتی كه بود از تلألؤ الفاظ
شال الخاطر روشندلان صاف صفات تحیتی كه بود از طراوت وخوبی
چو كلبنی كه دمد بركنار آب حیات تقدیم وتمهید واعراض محبت ذاتیه
اثنا فانا تجدید اولندقدن صكره ذهن ثاقب روز افزون وخاطر عاطر
رموز آموزلرینه كه نادیات ذات الصدوردن خواتیم حقایق امورك بنیاد
وسطرلاب فكر صواب ایله رصد سار فلك مینا اولمقده ابن سینادر جمال
شاهد اجمال بو وجهله ارائت وسورهٔ اخلاص وبثاق بو سیاق اوزره
قرائت اولنوركه كذارش یافتهٔ كلك غرایب بار ورقم زدهٔ منشیان نادره كار
اولان نقش ارژنك آیین نمودار ان هذا لسحر مبین رشحهٔ ماء معین
معانی درونق شكن كلمات حسان نحسانی كتابهٔ طاق مكارم وابادی
مدهش هوش فن ابادی بازوبند ساعد براعت غنچهٔ سربستهٔ
كلزار بلاغت كه طومار ساحری اسماردن عبارت ونافهٔ مرغوب
الاستعاره دن كنایتدر اول میراث ستان دولت دارایی نضارت
بخش ریاض ریاضات فارابی چونكه فضل صمدانی تنویر رسائل بدایع
همدانی شیرینهٔ شیراز سرحرینهٔ شاهان كردن فراز فرمانی
سپاه صفاهان زینت افزای كاشانهٔ كاشان الذی كانت لفاظه

كلامه في عين البراعة بؤبؤ • ونقاط اقلامه في عقد البلاغة
لؤلؤ • جعله الله على مفارق ملوك الشرق اكليلا • ونظر من بر منصفه
بعين الكمال كليلا • قبلندن بيت بساعتی كه تولا كند بدو تفويض
بحالتی كه طراوت دهد بطبع سليم وارد وواصل • وبر سفير حكمت مدار
ونامهٔ دارنامدار • وساطتيله حرمسرای سلطنت وسراپردهٔ شادروان
خلافته داخل اولدی نظم بديع نامه كه هر يك ز لفظ جان بخشش
زروی لطف سزای هزار تحسين است • دقيقهای معانيش در لباس
حروف • چو در سياهئ شب روشنئ پروين • اول مفاوضهٔ سحر آفرين
ومحبت نامهٔ معجز قرين • كه سراپا مهر ووفا دستانی حاكی • ونقوش
محبت كوناكون ايله صحيفه‌سی انجليونه محاكی • الفاظ مرصعهٔ حكمت مآلی
وفقرات نثر اللآلی كبی كزيده • وكلمات حيرت افزا سندن الكشت تصديق
فن انشا • اسنادن تعجب واستحسان ايله كزيده دن • جواهر حروف
نورانيه سی انفس وآفاق عالمی وفاق تنوير • وخواص ومزايای تركيبی
كل تركيبی • دماغ مستنشقاندن نسيم محبتی تعطير ايدوب • شكوی عبارات
شكوبندن جوی شير لطافت جريان • ومطالع كلمات رنكانكندن
فما تعارف منها ائتلف • معانی لازمه لا معانی لمعات ايلدی • ورق ٤٩٢
برعرض ورق معنبرنيه • امرار نظر اولندقجه • سكرمكرر الفاظ حلاوت
رسانی مذاق جانه چاشنی تازه • ولذت بی اندازه ويروب • مطالعهٔ
طلعت ملاحت زداسندن ع يزيدك وجهه حسنا اذا ما زدته نظرا •
حالتی مشاهده ومعاين وسواد مداد مشك آساسندن ع هو المسك
ما كررته يتضوع • مدلولی ظاهر ومتبين اولدی نظم كلكت كه بكام ٢٠١
دوستان كام نهاد • برغم صبح طرهٔ شام نهاد • زانی كه زجعد حور
بر صفحهٔ نور • مرغان اولی اجنحه را دام نهاد • خلال سطور بی فتوراندن
كه مرآت صورت نمای هل تری من فطور در • نيجه شهور ودهوردن
بروممابينمزده متوارث ومشهور اولان حب بی ريا • وصداقة الآباء • ابلغ
وجوه اوزره تقرير ونقش عبارات شتی ايله تكرار اولنوب • سربازات
عرصه وغابه • جند دعا ايله اعانت • وتربهٔ مقدسهٔ رضويه • على ساكنها
الرضوان والتحيه • قصد زيارت اولندقی ايما • وسنهٔ سابقه ده
سنوح ايدن • وقايع وفتوحه اشارة ما اولنمش ع جودوستی بنهايت
رسد چنين باشد • جام جهان نمای خاطر افتاب نظيرلرينه انعكاس
پذير اولمكه • براهين مسلمه قاطعه ايله مبرهن • وادلهٔ يقينيه

ساطعه ايله مثبت • ومتعقد ركه • آفرينش دهر نافرجام • ونصب ولاة
وحكام • دن مقصود ومرام • ترفيه حال عجزه ومساكين • وترفيع قدرت
نشينان بی تمكين در • وبو معنی ايله كون خفادن جلوه كاه بروز واتحاد
كلمه سی اتحاد ملوك هدايت سلوكه • واسطه ومنوط • وتعاون على البر
مرتبه منظر اولمغه مشروطدر • اجداد والا نژادمز بومعنايه مهتدی
وشيمهٔ كريمه قدمايه مقتدی • اولوب • ناديهٔ صفا دفترن صدر خلوص
وخلق شرح • وعرصهٔ مواسا تزه اساس صلح عرش بنا طرح ايتمكله عامه
فقرا ويتامی وكافهٔ ارامل وايامی • ايام عدالت عنوانلرنده بستر رفاهت
وامانده غنوده • وصيت آسايش وری • مسامع مجامع ملا اعلاده شنوده
اولوب • ارواح عليهٔ آشيانلرينه انواع روح وريحان واصل • ومدی
الاحقاب دوزكارا خروف واعقابلرينه فيوضات الهيه حاصل •
اولمشيدی بيت هزار جان مقدس فدای آن دل باد • كه دست بازنداد
وزدامن اخلاص جناب شهامت مآبكز دخی • الولد حر يقتدی بآبائه
الغر • مسلكنه سالك وسررشتهٔ حزم محمود العاقبه مالك اولوب •
تخت وتاج • وجود سعادت ابتهاجكزله زينت وابتهاج بولالی بيرودن
بنكو كاريكزدن زياده • سر پوش طبق مراسلاتی كشاده • وفاكههٔ كلام
مفاكهه ابخای اطباق اوراقه نهاده ايدوب • هر بار لفظ عذب ايله
جذب خاطر دوستانه اهتمام • وتوجه قلب ايله جلب محبت بيكرانه
سعی تام ايتمكله • بوجانبدن دخی مواد صداقت ووداد اضعاف
مضاعف • ومقترحات دلخواهكز پيشكاه اردكهٔ خلافت پناهمزده
قرين انجاح ومساعفه اولوب • امتداد دولت خداداد • يوما فيوما
افزون • والى انتهاء القرون دوام وثباته مقرون اولمقده در • بلكه
نقش پركين ودن ساده • وقبول رقم فيضه آماده اولان لوح ضمير
الهام پذيرمزده • يحبهم ويحبونه چنين فرموده كه انعقاد محبت
ازجانب ما بود • معناسی اجلای وجوه اوزره مرئی • ورسم بيشينهٔ
موالات بارگاه سماسا نمزدن اكمل جهات اوزره مرعی اولوب •
نهال سرسبز الفت بی زوال كه زمين دل خلت نشانمزده درنما پذير
بهار صداقت ايله قرين نشو ونما • وآبياری توجه خاطر دريا مقاطرمزله
اصلها ثابت وفرعها فی السماء • اولمشدر • من بعد دخی عزم درست
وراست ايله • درخواست اولنوركه اول ديار اعصارده اشتهار
بولان صلحاء مبارك انفاس • مشاهد ملوك استينا سلام • تمامه

بیضهٔ اسلام و غزاة منشور الاعلامی جنود غیبیهٔ ادعیه ایله امداد
و مقابلهٔ مکید اکید اعداده سپر همت بلند دشوار بندی اعدادایدر
حکم اقدار ایله اول اقطارده ظهور بولان لوازم امور واسطهٔ و سعی
خوش خرام ایله اعدام و سد جدید محت معماری سید الاحکام ایله
احکام اولنه سلوک ارامنی مراضی همایونمز ثنا بنیز و اسنان
اهالی مدار ملک مطافرنز صیف و شتا بنزه اولان طرف دارات ممالک
شهریرمز و سرحد نشینان ثغور منصورهٔ مزه رقم تنبیه و سپارش
بو وجهله کذارش بولمشدرکه شاهراه آدابدن کریوه ربوبیت صوابه
انصراف و رضای مصالحه جویکزدن بک سرمو تخلف و انحراف اتمیه لر
لا شک فیه ذات بنیه بی شبهه لری دخی ولا تنقضوا الایمان بیمانی
شد واوفوا بالعقود نفوذ دعتی ایدوب زیر فرمان اطاعت
قرینکزده اولان سپهسالاران سرحد نشینه تنبیه و تحذیر وقصه
کذار کلک خوش نویس کراسی کرار سرده هو الذی الف بین قلوبکم
ایت باهدایتی تفسیر اتمکله ابد الدهر قلیم محبت و معمورهٔ صداقت
طوارق مداخلهٔ اجانبدن محمی الجوانب اولمق محقق و مصد قدر مسفور
سفیر حاضر جواب کمالات حسن اداو آدابدن بساط بوس عتبهٔ سعادت
مأنوسمز ایله شرف یافته وفرق حالنه افتاب التفات فضائلمن تافته
اولوب پیشگاه عز و جلالمزده که سحر آفرینان مهابت بیت عقلهٔ
ولا یکاد یبین ایله لال و دهشت داخلنه ایله تیغ سرتیز قوت
ناطقه لری قربن کلال اولدن مراسم سفارت و رسالتی بین التفصیل
و الاجمال اداو اکمال ایتدککن نصکره خلعت حسن اجازت ایله تشریف
و عنان عزیمتی جانب والامنزلتلرینه تصریف اولندی بو نیت زیاده
درج کان در جکان بلاغتندن کوهر شب افروز اسرار محبت ابراز
و خزانهٔ رواق اوراق سیرجپنا دن بازار عهد و میثاق ایچون احراز
اولنیوب تکاور کلک خوش رفتار مجالی اطناب و اکثارده ترک
اجاله و لگام کلام جانب اختتامه اماله اولندی کم اختصار بهر حال
میشود مطلوب همواره کشتزار دخلت ازلی پیوند شاد اب فیوضات
آیزدی مانند ابله ممطور و لوح باروح قلب سلیم رقم کاندر فی جمیع
سطور اولوب روزگار صداقت فضا جنات تجری من تحتها
الانهار کبی دایم نهار و گلزار دعوت سرو با استقامت و چنار منار رفاقت
کبی هردم بهار اولسون نظم همیشه تاکه ازین قصر زرنگار فلک برسم

وارد و صادر رسد صبا و دبور صدای امن و امان باد در صماخ جهات
چنانکه نغمهٔ داود در ادای زبور

سلطان مرادخان طرفندن شاه عباسه قطع سنور ایچون یازیلان نامه در

عالیجناب معالی مآب مسند آرای اراٸک ملک عجم روشنایی دیدهٔ ممالک
جم سالک شاهراه شاهی شاهان پیشین اورنگ نشین صفاهان و غزوین
الفائز بعنایة الملک المتعال شاه عباس طهماسب جاه لا زال مهتدیا بهدایة الله
حضور موفور السرور مخالصت ظهورنه تحف تحیات حیات احتوای دریا افاضت
سالمت نمون و تسلیمات تسلی ابتدای بیضا اضاءت سلامت فزون که محض
حمایم مراحم خسروانه دن صادر و فرط مراسم مکارم خدیوانه دن متبادر
اولور برمقتضای شیمهٔ کریمهٔ سلطانی و مبتغای حمیمهٔ قدیمهٔ خاقانی
قبل ارتداد العین هضاب و شعاب شرقیتی طی ایدیب شمال شمال قاصدات استعجال
ایله ابلاغ و ارسال قلندقدن نصکره ذهن ذکا شکل کشالرینه کالشمس فی وسط
السماء معاینهٔ هویدا اولدیکه سنه سنا و عتبهٔ علیا مزه تجدید قواعد
موالات و تشیید مبانی مصافات ایچون ذهب محرمیتکرده مخصوص و اختصاص
نصوص اخلاص ایله منصوص قدوة الخواص و المقربین قپواغاسی نظام
الدین احمد اغا بطریق الرساله ارسال اولنوب اداء سفارتی کمال رعایت
ایله اقامت و ابراز ایدوکی شاهد نامهٔ شاهی دلنواز مشاطهٔ خامهٔ عنبرین
عمامه و رومی لباس و جامه کیدرب حبر عنبر ایله تحریر و احسن وجهله
تصویر ایلیوب جمال باکمالی پیرایهٔ خط و خال عبارت عنبر ساسی ترکی
ایله حل اولنمغه نتایج دقایق افکار اولان ابکار معانی بدایع نگارنک
مجالی شال شهریارینه آغاز گفتار و تجلی و خلوتسرای زلفت الفت و دفع
حجاب کلفته نمایان قیلوب ادای غمزهٔ سرور افزا ایله صفای دل ایرانیان
اخلاص نمایی حکایت ایلیوب مطلع کلامندن مقطع مرامنه تحدیق نظر
و تدقیق فکر قلندقدن نصکره هر نظم لآلی نثار و نثر دراری انواری
خبایای رون و خفایای دل صفا مقروندن اظهار مضمر قلوب هر عبارت
بلاغت ایرادی البلاغة بلوغ المراد فحواسنه ماصدق و مظهر اولوب
نامهٔ نامی و صحیفهٔ گرامیلری تضاعیف سطورنده مسطور اولان شرایف
امورودن فرزند نجابت افزا حیدر میرزانک استمالت خاطری و استدعاسی
قلب نوازش خواطری طبق عز عرضه نهاده و مطاوی حاویة الاسرارندن
مفاد اولان فحاوی بدایع آثاری اوجز کلام و ابلغ مقال اعجاز التیام ایله

افاده قیلنوب بوندن اقدم استعلاء رایات خلوص جانبین واستحکام
بنیان مرصوص اصلاح ذات البین خصوصنده ابلاغ اولنان جواب نامهٔ
بلاغت بلاغ واثر خامهٔ مسالمت انجام مزده برموجب فحوای کلام الملوك
ملوك الکلام شاهد مقال کراسنجه جواهر حروف وکلمات بلاغت ظروف
کرانبهی مسرت مآل اوزره لسان حال ایله اغاز تکلم وعرض جمال قیلوب
هذا کتابنا ینطق بالحق مضمونه حقیق تحقیق حق ایله تفسیر ایلیوب
وعبیر عبارت ایله تعبیر اولندقلری مضمون کاللؤلؤ المکنون بدیع البیان
مخزون اولان درر معانی صلاح مبانی اصلاح عنوان آویزه کوش هوش
وکوشوارهٔ روح روان وخط همایون عالیشانمز تعویذ دل وجان
قیلنوب حقیقت حال استنطاق واستعلام وکنه مقال استکشاف
واستعلام اولندقده برمقتضای فحوای نصرت آیت نمای قد جئناك
بآیة من ربك والسلام علی من اتبع الهدی تمهید قواعد سلام وتشیید
مبانی ایام دنصکره عهد بیشت ودور ردیرن ده الی هذا الحین
جنود نصرت نمود وجیوش ظفر خروش ظفر نمود مزله ملاذ اولان
سیران وامصار وممالك وبلدان وقفار وما لکرن بقعها وفضیضها
واوجها وحضیضها تمکین سنده عظام ثریا نظامرله مضبوط ونثروق
شموس عدل وبروق سیوف دافعة الجدل ایله روشنای سمای مبانام
مینو نمایه مغبوط اولالدن عبری هنوز مواطی خیول سیول انحدار وبی
شبابك باهر لا قندار اولمیان بلاد طریف وتلاد انتضاء سیوف ندیه
تعرض واقتحام اجناد ظفر فرجام مزله تاراض اولنیوب انعقاد مصالحه
وانتقاد مکالحه دنصکره ضوابط صلح وصلاح وروابط رشد
وفلاحدن تغافل ایله تعامل وحد محدود ومحل معهوددن تجاوز
وتطاول اولنیوب بغی وعدوان وعتو وعصیان ایله کریزان اولوب
احد جانبینه التجا ایدنلره جا ودهیچ برجانبه ملجاء ومنجا ویرلیوب
کیرو وطن مألوفنه رد واولطرفین ریکخوف وستدا ولنمق اوزره عهد
وپیمان وعقد حلف وایمان قیلنمشدر دیو تقریر کلام وتنویر مرام
قلنمشدر حالا اول حلف سالف وایمان سابقه مخالف اول جانبه تابع
مرتکب قبایح وشنایع امرا سفهادن سپاه منصوردیکله مشهور
دولتیار نام بیدولت خلاف رضا حرکت ایمکین تنبیه وتادیب ایچون
برمقدار عسکر ترکیب اولنوب دفع شرفت واختلال بتنه تجهیز وارسال
اولندقده سرحد محافظه سنده اولادرناب کاسیابدن بعضنه مکتوب ٢٩٥

مسلوب لاسلوب ضلالت مصحوب کوندروب اول جانبه تابع اولوب ٢٠٤
دیمکله دروغ بی فروغنه رغبت ایله دعوی تضمن حالت شایع اولندی
بومقوله احوال منافی صلح صلاح مآل ایدوکی حیز خفاده ومکمن اختفاده
دکلدر دیو وکلای جناب معالی مآب وحجاب درکاه عالیة الاعتاب
کوندریلن مکاتیب صداقت اسالیبکزده تفصیل وترتیب اوزره تحریر
دنی هرنه که تحبیر اولنمش ایسه جمله مفتتح کلامدن مختتم صداقت
بیانه وارنجه فحوای اخذ حسن احتواسی آیینهٔ ذهن صفا آیین وفانما
صورت پذیر اولوب اولباده ویریلن جواب مستطاب بینهالرجانبندن
مستقل مکتوب مسلوب المثالب ایله انها اولنمق بابنده امر عالیشان
وفرمان قدر توامز جاری واذعانی هر برینه ساری اولوب اثر خامهٔ
مکنون انصراعه ونامهٔ مشحون البراعه ده ارتجا وابتغا اولندوغی
اوزره الی انقضاء الاناء انا فانا روابط وعد وتعاهد وضوابط
عهد وتواعد سمت تزاید بولوب مادامکه طرف مستطرفکزدن وسلوك
ایلدکلری اشطات عهد وپیمان نکث وخلاف الاف مضیق محال فکر
محالده سلك اولنیوب شاهراه سداد صلاح استبنافدن عدول وانحراف
کوسترلمیه ارکان وعد وایمان مانند اساس آسمان حفظ وامان
خدای حق لاینام الی قیام الساعه پایدار وبردوام اولوب سالف
بنی بناهت ازلا برادر زاده کز حیدر میرزانك استان داستان نواز
وبارکاه جود واعزازمزده نهال روضهٔ آمالی آبیاری تربیهٔ حسنه مزله
برومند ونخل قامت باعتدال کمالی یمن تمیهٔ مستحسنه مزله سربلند
والتفات کریمانه مزله جمله دن ممتاز وعلو شان ایله سرافراز اولدوغی
ضمیر منیر نیر سنایه کضیاء البیضاء وقت الضحی ظاهر وهویدا اولور
ان شاء الله تعالی تضاعیف سطور نامه ده مسطور اولان مسفور
اداب رسالتی کما رعایت ایله اداء مراسم سفارت قیلوب شرف بساطبوس
عزت مأنوسمزله تشریفدن مقدم وزرای آصف رای صف آرا ووکلای
کشورکشای صایبة الآرامز ایله نادی مسالمه ومحاورهده ایقاد شموع
مشاوره قلدقلرنده انلرك درر کلمات دری التماعی ایله صماخ مسرت
استماعی تشنیفدن صکره جانب والاکزدن وکالة واصالة عرض
ایتدوکی سنوح سنیه مزه عرض وانها ایچون تلخیص اولنوب عتبة العرض
عتبهٔ معدلت اساسمزدن خلوت تسویغ الباس وترخیص اولنوب
زمام عزیمتی سمت وطن مألوفه مد وخرام خرمی نامهٔ بلیغ الخطابمز ایله

جناب معالی مابکزده مقام معروضه شدیلدی • اشرف اوان واسعد آناده
نادیٔ مخالصت افتنایه واصل • وفحوای مسرّت آیاتی ما بین معادات وصفاتی
فاصل اولدقده • علم شریفه خفی اولمیه که • اول اتحاد واحفاده راکن • وارجا
واعاده ساکن • سدهٔ سنیهٔ سعادت بنیانمز بدواعمارودن اقا رخدمات
بکزانلری • وسط نهار شکرانه تابان • واعتماد دیاپانه شایان بندکان
عتبهٔ معدلت عنوانمز اولوب • حرم محترملری صیادن بروحسن تربیت
والطف تمیت ایله نشو ونما بولغله • هر بری وقایع شکله حلنه قادر •
وقوازع معضله تدارکنده ماهر اولدقلرنیه • تمام جزم ویقیندن صکره
سرحد محافظه سیچون تعیین اولنمشلردر • دایما رضاجوا ولمقدن
مقدار سرمو تخلف وعدول • وبضاعت اطاعتی تنکنای مخالفته نقل
ونزول احتمالی محالدر • علی الخصوص کلن نامهٔ نامیٔ عنبر بارده • اهمال واشتغال
اولندیغی اوزره تکرار دبتکرار تنبیه وتاکید وتحذیر وتهدید اولنوب •
وجهامن الوجوه ابواب معانات ومعاقاتی باز • ودست مباینتی
دراز ایتیوب • اول سرحد ومرزده برطرزله سلوک جادهٔ ایتلاف
واماطهٔ رسم اختلاف میسر اولدکه • احتمال بکار • وصلحه مخالف کار •
بالکلیه مرتفع • وغمام عموم • شمامهٔ صلح وصلاح لزومندن منکشف ومندفع
اوله • بس اولذات قرین السعادت حقیق • وجناب کریم الاخلاق مکارم الصفات
خلیق اولدرکه • علی الاتصال بواحسن منوال اوزره کمایم نوارد مکاتب مودت
اسالیب نواوده • مواد مشتق • ومصدر اخلاص واخلص وداددن • افعال
اختصاص واتحاد مشتق اولوب • اسلاف کثیر الایلاف میاننده مرصوص
البنیان اولان اساس ممتنع الاندراس الف واستیناس • یوما فیوما
افزون • ومرضات جلیلهٔ رب الناسه مقرون • ورهنونی یفیق توفیق
الهی ایله • پی سپر طریق هدی • وپیروی شریعت غرا میسر اوله نظم
تا بود نور فشان پیکر خورشید سپهر • تا بود کرد زمین کردش کردون
بلند • مدت صلح وصلاحی که مقرر شده است • باد بامدت دوران فلک همپیوند

شاه طهماسبه سلطان سلیم بن سلطان سلیمان طرفندن شهزاده بایزید خانی رسانیدکونددیکی نامه در

حضرت عالیشان سامی مکان • جمشید نشان خورشید عنوان • کیوان
بنیان کیوان ایوان کیتی ستان • ابوّت مآب فتوّت نصاب سلطنت مآب
سعادت قباب سیادت انتساب کامبخش وکامیاب • لازالت دعایم
خیام سلطنته ودولته واجلاله قائمة باطناب الدوام • ودائمة باوتاد القیام

الانقضا

الی انقضاء الدوران • وانقراض الازمان • آمین یا مستعان شعر
یا نسمة الصبا انتفت من یمن • طابت بک النفوس وزالت بک الحزن
بر صبحدم کردبرع ابتد • مترصد اخبار مسرّت نوید • ومترقب قدوم
برید بشارت تابید ایکن ناکهان بیت کتاب دلکشای پر معانی •
که بود او همچو آب زندکانی • آیات وفا ووفاق واخلاص شامل • ونکات
صدق وصفا واختصاصی مشتمل • قواعد معاقد قدیمه یی تجدید • ومبانی
معاهد مستقیمه یی ممهد • کتاب باصواب مشکین نقاب • وخطاب مستطاب
سعادت نصاب شعر أکتاب ام شمس الضحی ام حکمة اللاهوت • ام نسخة
منقولة من عالم الملکوت نظم هر حرفی ازو شکفته باغی • ازو خته
زر شیرازی • لفظش چو طراوت جوانی • معنیش چو حیات جاودانی •
سواد حروفی فی قرة العین اعیان واعالی • وبیاض ظروفی درة التاج
ارباب مفاخر ومعالی • مشارق خاوبسندن آفتاب صداقت طالع
ومطالع مطاویسندن انوار محبت لامع • دیباجهٔ معانیسندن عیون
کرام • کریمهٔ ان الله لا یخلف المیعاد مضمون شریفنی خوانا • وکتاب
مبانیسندن زبان انام • فرموده • واوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤلا
مفهوم لطیفنی کویا نظم باز صبح طرب از مطلع امید دمید • نفحات
ظفر از کلشن اقبال وزید • نامهٔ بسته سرآمد ز مراد دل من • حامل نامه
مرادی که دلم می طلبید شعر کتابت معانیه خلال سطوره • لآلی فی درج
کواکب فی برج • اول جناب رفیع وعالی • وسدهٔ منیع جنت حوالی الذی
تجاوز حد ودقدره من مقولتی الاین والکم • وتنوّر بجمال کماله اساعین العالم
مثنوی شهی کاسمان برد رش کام باد • زبر دین وجوزا فشاندن نثار •
همایی که برچتر او کرده جای • شش فرخ از سایهٔ او همای • المکرم بکرامة
انتظام السلسلة العلیة المرتضویة • والمشرف بشرف انتساب السلالة
الجلیلة المصطفویة • الملتبس بخلع الجود والمروة والکرم • المتبرج ببهاء
علو الهمم • وحسن الشیم • الباسط علی بسیط الارض بساط العدل
والانصاف • الدافع عن وجوه الایام ظلام الظلم والاعتساف نظم
عدالت ملکلی نوشیروانی • سعادت تختنده جمشید ثانی • فریدون سطوت
وکاوس شوکت • زمان هیبت وجمشید فطنت • فلک رتبت خدیو تیر تدبیر
قمر طلعت مشتری بهرام شمشیر • شجاعت بیشه زادین غضنفر • سخاوت
مجلسنده مثل حیدر • علو ذاتی وصفنده زبان ناطقه لال • ودستهٔ
وسمو صفاتی شرحنده قلم زبان هیچ زبان قلم کلیل وشکسته در • نه انار حما

ومناقبی تحریره قابل٭ ونه اوصاف فضایل ومآثری تسطیره متحملدر٭ فنون لطایف
الطاف وکریمه فزین٭ وصنوف شرایف عطاف وحسن شیمله وحیددر٭
درصدف جاه وجلال٭ دری فلك سعادت واقبال٭ شمس مشارق المعالی
معدل میزان العدل والاحسان٭ مهدل اغصان الطول والامتنان٭ واسطه
عقد الدولة الابدیة٭ رابطه عقد السعادة السرمدیة٭ صاحب آیات العز
والعلی٭ ناصب رایات الحشمة فوق السماء٭ لا زال لابسا ثوب الجلال بنعماء الله ٤٩ ٤٠٦
الملك المتعال٭ جانبندن وارد وصادر اولوب٭ لسان حال بو بیت مترنم
مآلی متکلم نظم مکتوب جانفزای تو آمد بسوی من٭ کفتم مکو نسیم صبا
از چمن رسید٭ یا آسمان بمجد خورشید عود سوخت٭ یا کاروان مشك
زراه ختن رسید٭ وزبان مقال بو کلام نجسته فال ایله مترنم اولدی٭
وما علی هذا الکلام من مزید٭ والله علی کل شیء شهید٭ اول نامه نامی
صحیفه کرامی که بیاض دیده دولت٭ وسواد عین سیادتدر٭
امارت مآب ایالت نصاب٭ الفایق علی اقرانه فی امر الرسالة باصابة
التدبیر٭ والفایز فی اداء مرامه بلطف التقریر وحسن التعبیر٭ قدوة الاماجد
والاکارم٭ زبده ارباب المحامد والمکارم٭ مهماندار پاشی ... ولدی اغا
زید مجده ید یله ابمن اوقات واسعد ساعاتده واصل اولوب٭ رد سلام
وجواب کلام٭ جمله واجبات اهل اسلام٭ وسنت سنیه سید الانام اولمغین
تجدید عهود دعوات صالحات که آیت کریمه٭ ربنا وآتنا ما وعدتنا
علی رسلك٭ مقتضا سنجه شایبه خلودن معرا٭ وتمهید عقود تحیات
خالصات که نص منیف٭ یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون٭
منطوقنجه لاف وکزافدن مبرا اوله نظم دعای کم چونکه غنچه مشکبو
مشام جهان شد معطر ازو٭ سلامی که چون ورد نو رسته٭ ز بوی خوش
دوای دل خسته٭ ثنای که چون ناله عندلیب٭ برد از دل بیقراران
شکیب شعر سلام وتحیة کالسلامة٭ تحیة مشتاق وتحفه
زایر٭ برید صدق وصفا٭ وقاصد وفاق ووفا٭ برله شاهد مجلس اعلی
ومشهود محفل سنی٭ قلنده قد نصکره انهاء محبت صادق الوداد٭
وابناء مخلص خالص الاعتقاد اولدرکه٭ حالیا وارد اولان مکتوب
صداقت مصحوبك مضمون مسرت مشحوننده اکرچه احکام موالاتی موجب
انواع ملاطفات٭ وابقاء ابناء مصافاتی مستوجب اصناف صفا وصفات
ایله ثبات عهود ومواثیق قدیمه تجدید٭ وارکان مصالحه ونصحا محبت
ما بین تشیید اولنمش٭ لکن مقصود بالذات حجاب تعویق وتعوقده مهجور ومأمول

بالاصل

بالاصل وراء تاخیرده مستور قالدیغنه٭ سبب قوی وباعث تام بو کلام
ذکر اولنمش که٭ اول زمانده که باغی عنید سلطان بایزید٭ حوزه حکومت
وکنف عدالتکزه اولان سعد چقوری نام محله داخل٭ وملازمان درکاه
سعادت دستکاه حضرت فخر الاقران شاه قولی سلطان زید مجده یه واصل
اولدقده سباه٭ برجانبه عبور٭ وبر طرفه مرور ایدوب٭ کلی فتنه وفساده
موجب٭ وحضرت عالیشان سلیمان نشانك غبار خاطر عاطرینه
مستوجب اولدیغی٭ اطمینان قلب وتسلی خاطر لازم اولدوغیت٭
انها ایتمکین آخر بینلك وعاقبت اندیشلك٭ جهتندن مذکوره اطمینان
ایچون کندویه واولادینه ضرر وکزند یرشدرموب٭ عالیجناب پادشاه
کامران٭ اعز الله انصاره الی آخر الزمان٭ حضرتلری جانبندن وارد
معتمدلرینه تسلیم اولنمغه سوکند اولنوب٭ بو خیرخواهلری طرفندن
وارد اولان آدملرینه تسلیم اولنمغه یمین اولندیغی بتبیین اولنمش٭
فی الحقیقه شعار کرام٭ وشیمه عظام عهود ومواثیقه وفا٭ وایمان
ومعاهده باب صدق وصفادر آیت کریمه٭ واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم
ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها٭ مصداقی اوزره مبانی وفا ووفاق
تمهیدی وقواعد عهود وایمانك تأکیدی لازم وواجب اولوب٭
اما ارباب بصیرت واختبار٭ واصحاب عبرت واعتبار٭ نظرینه بو خصوص
امر غریب وکار عجیب کورینور که٭ مقدما عالیجاه پادشاه کیتی پناه
٤٠٧ لا زال منصورا بنصر الله جانبنه ارض روم پاشاسی کتخداسیله ارسال
٤٠٠ اولنان کتاب صداقت اتیانده بو مقوله عهد ویمانه٭ وعقود وایمان
اصلا اشعار اولنموب٭ همان اول حضرتك ارسال معتمدان باب دولت
وایصال قاصدان سده سعادتلرینه موقوف قلنوب٭ اشارت بشارت نکار
مقتضاسنجه عمل اولنمق باب اخلاص محبت ومودت اظهار اولنمشیکن
ضمیر منیر آیینه نظر خفی٭ وخاطر خطیر تنویره خفی بیوریله که نقض
عهد عامه انامه عیب وعار٭ علی الخصوص خاندان مروت وخانمان
فتوت اربابلرینه خلف وعد٭ زیاده ناموافق٭ وناموس دین ودولت
غیر مطابقدر٭ صدق وعهد خصلت پسندیده٭ ونقض عهد سیرت
نکوهیده در٭ نته که سید الانام علیه الصلوة والسلام بیوردیشدرکه
آیة المنافق ثلث اذا حدث کذب واذا وعد اخلف واذا اؤتمن خان٭
ظاهر بودر که کتاب سابق الورود ونامه سالفة العهود ده٭ بو معنی
مذکور اولدیغی مقتضای بشریت ومقتضای طبیعت اوزره طبع لامع النور

دورا اولوب • قلب قابض الجور • خطور ایلدیکی اجلدندر • بو خصوصده حاشا ثم حاشا
من الکرم • ان یتصفوا بمام موجبه للملام • و بآنجه عنید خصوصده وقوع
بولان عواطف علیه • و عوارف جلیله که محضا بو محبکزک رعایت
خاطری ایچون اولدوغی بیّن و ظاهردر • مکتوب شریف مرغوبلرک
بو معنیه کنایت اولنوب • موجب انواع تکریمات • و اصناف تشریفات
و عطیات اولوب • مجازات و مکافاتی ذمتمزه دین لازم الاداء اولدوغی
اشارت اولنمش • فلا غرو من المسك ان یفوح • و من البدر ان یلوح •
و اقعا بو خصوصده اولان معاونت و یاری اول مرتبه دن متجاوزدر که
خزاین قارون نثار و نفایس جواهر کونا کون ایثار اولنمغله مجازات
و مکافات ممکن اولمیه • بیت • لو کنت اهدی علی مقدار قدرکم • لما رضیت
لکم الدنیا و ما فیها • لکن اولو الالبابه بو دخی مستوجب استغراب درکه
قبل اتمام المرام • و ایفاء المهام • بو جانبدن مجازات اولنمدوغی باعث
ملام اوله • ضمیر اصابت پذیرده بو معنی جایگیر اولمسکه • بو خدمت خیر الله
انجام بولورسه ان شاء الله الرحمن • بو عاطفت و امتنان • مقابله سنده
ما لا خطر علی قلب بشر نوا سنجه انواع صلات خسروانه • و اصناف
عطیات پادشاهانه • وقوع و ظهور بولمسکه • جمله عالمیانه موجب تحسین
و آفرین اوله • و علم عالم آرای بو معنیده دخی خفی بیورلمیه که • سلاطین عثمانیه
خاندان سعادت بنیانلری صدق وعد • و وفاء عهد اوزره مبنی
اولوب • اصلا بریندن بر ماده ده خلف وعد • و نقض عهد صادر و ظاهر
اولمش دکلدر • بو خالص الفؤادکه • اول سلسله نک عدادندن عد اولنمغله
نور و رشادی استعدادی ایدنمشدر • حاشا که اشراف اسلافک عدولی
و رابطه دولت واسطه لری سلکندن نکول اولنه • و ضمن نامه محبت
قرینده • مقتضای ابوت اوزره بعض کلمات نصیحت آمیز • و نکات
موعظت انکیز یاد اولنوب • هر که رایات نصرت آیات و الویه سعادت
سمانک • آیدن عبور و بو جانبه حرکت و مرورین • سنه سنیه سلیمان
شاه و حضور مستوجب السرور سعادت نشانه القا ایدرسه • اول
سلسله نک خیرخواهی • و اول دودمانک سعادتخواهی کلدر • زیرا اول
خصوصده سلطان بایزیدک ابقاسی مراد • و تخلیصی مقصوددر دیو
تضرع اولنمش • ضمیر مشکل کشایه هویدادرکه شمدی نکروانک وجودندن
عدمی راجح • و ابقاسندن افناسی افضلدر • بو سلسله دن رابطه
ابدیه کسسه در • زیرا انه لیس من اهلك • خطابنه ماصدق و سزاوار

اولمغله • وجودندن عامه انام بیزار اولمشدر • ابقاسی ایقاظ فتنه یه مؤدی درکه
وجودی • الفتنة نائمة لعن الله من ایقظها • نکته سی مشعر • و بقاسی تخریب
بلاد و تعذیب عباده سبب ظاهردر • ابدا درکه بو آیت کریمه مضمونندن
ذهول • و حکم لازم الانقیادندن نکول اولنمیه • اذکروا نعمتی التی انعمت
علیکم و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم و ایای فارهبون • رجاء واثق و امید
صادق اولدرکه • من بعد دخی جاده صداقت و اخلاص اوزره ثابت
و راسخ اولوب • ما بینده اولان عقود و عهود • مبرم و مستحکم قلنه • بوندن
اقدم و عهد صلح و صلاح و ضابطه عهد و میثاق • راسخ و ثابت دکل ایکن
آیین اساطین سلاطین • و عادت شاهان صاحب تمکین • اوزره صدور
بولان اوضاع و افعال • و ماجرا و احوال نامه نامیده تذکر اولنوب • اولنجا
انواع شفقت و مهربانی مشاهده اولنمشیکن • حالیا فرصت خدمت • بو جانبه
توجه ایتمشدر • انواع خدمتکاری و فرمانبرداری • و اظهار صداقت و اخلاص
و ایثار موافقت و اختصاص • تقدیم اولنمشدر دیو بیورلمش • امدی اولی النهی
یاننده شک و مریوقدرکه • مجاری احوال تحول ماه و سال ایله متحول • و مسارک
حالات تغیر زمان و اوقات ایله متبدلدر • کاه رهرو زور و زهر کار •
و لکل مقام مقال • و لکل فعال رجال • بو بابده شاهد حالدر • زمان شقاقده
امید و فاق طریق صوابدن دور • و اوان مخالفتده آرزوی مصادقت
نهج استقامتدن مهجوردر • فاما بنیان صداقت ممهد اولدیغی • ارباب
مروت و اصحاب فتوته واجب اولدرکه • ما مضی مضی • و ما سلف درجه
اعتباردن منفی بیورله • و علم عالم آرایه بو دخی روشن و هویدا اولا
سابقا پادشاه جهانپناه • حضرتلرینه سعادت و اقبال ایله محروسه
اماسیه ده نزول اجلال واقع اولوب • زمان عزم و حزم • و اوان جزم
رزمه دک اقامت اولنمشیکن قشلمغه نیت اولندقده • سنه سنیه کز
طرفندن نامه کافوری عمامه ایله ایلچیلریکز وارد اولوب صلح و صلاح
ما بینی استدعا اولندقده بعض مقربان درکاه عالی • و معتمدان بارکاه
جنت حوالی • بو مخلصکزی وسیله ایدنوب • جناب سلطنت مآب • پادشاه
کامیاب حضرتلرینه حسن تعبیر و لطف تقریر ایله • فواید صلح و صلاح
و عواید فوز و فلاح انها و انبا اولنوبن صلح و صلاح ما بینه رضا اولنمشیکن
حالیا سلطان بایزیدی و اوغللرینی تسلیمده • تأخیر و تعلل اولنمغله •
بو امرده بادی اولان معتمدان دولت بنیه لرینه • و بو مخلصکزه سرزنش
و عتاب آمیز خطاب اولنمشدرکه سبب کمال شرمندکی • و موجب منجرت

وسرافكندكى • واقع اولمشدر • وللحاصل بو تفصيلدن غايت مراد وغرض
اولدركه مراسم اخلاق جميله واوصاف پسنديده مقتضاسنجه • ما بينده
اولان قواعد عهود وضوابط موالات • مشيد طوتلوب • شول نسنه كه
صلاح عالميانه باعث • وفلاح آدميانه مورث ادر • تقديم وتتميم
اولنه كه خلاف في ضمير مايه شر وفساد اولدوغى • اظهر من الشمسدر • پس
محصل مرامى اعلام اهم مهماتدن اولوب • جواب صواب • هر نايسه افهام
اولنمق لازم اولمغين عجله اوزره اعلامه اهتمام اولنه • تقديم اولنان
حسن اقواله موافق • صدق افعال ظهوره كلمسى مصدق جواب شافى
عنايت اولنوب • بو مخلص صادق الوداد ممنون منت عظمى قيلنمق ارزانى
بيوريله • كه انشاالله الاعز بو جانبدن وعد اولنان عطيات وتشريفات
خاطر فيض مآثره خطور ايدندن زياده وجوده كلوب • ما بينمزده سبقت
ايدن عهود وايمان • بو مخلصكز جانبندن حضرت والا رتبت طرفنه
كمال رعايت اولنه وغدردن عرى نقض وتكفل ايدرم • والله على ما نقول
وكيل • پادشاه عالمپناه • لا زال منصورا على اعداء الله • دريادن عبور
وروى آبدن مرور ايتميوب • بوما قوما ازدياد علاقه اسباب اتحاد
انا فانا استداد اوزره كافهٔ رعايا مطمئن وآسوده حال • وعامهٔ برايا
مرفه البال اولوب • ادعيهٔ دوام دولت طرفينه • واثنيهٔ قيام سعادت
جانبينه • اشتغال اوزره اولالر • ايلچيان عاليشان سفره وورودلرندن
كلوب • قطع نشيب وفراز ايتمكله فرسوده اولوب • برنج كون آسوده
اولمه لرى مناسب فهم اولنمغين • حاليا ارسالندن امهال اولنوب •
ورقهٔ وداد • فرمان واجب الانقياد پادشاه كامران اوزره خدمتكزاران دركاه سعادت دستكاهلرندن بيله قوشلوب • ارسال اولندى •
هميشه قواعد مصادقت ووداد • ومبانى مودت واتحاد مشيد وممهد •
وروابط موالات وضوابط مصافات مؤكد ومؤيد • باد •

شهزاده بايزيدى كوندرمكه وعده واقرار ايچون كلان
نامهٔ شاهيه جواب ... شاهدر

اعلى حضرت كردون بسطت فلك ... خصلت • ماه ماهيت
عطارد فطنت ناهيد عشرت خورشيد منزلت بهرام صولت برجيس سعادت
كيوان سطوت • ستارهٔ سيارهٔ سماء سيادت • اختر فيروز جهان افروز
آسمان امارت • قطب ملك دولت ومعالى • خلاصهٔ ايام وليالى •
مهر سپهر عزت وجلال • بدر عالى قدر فى سعادت واقبال • بهجهٔ بهجتهٔ پادشاهى

صبح ضيا بخشاى ملك شاهى • مشرق انوار مكرمت ودثارى • مطلع اشاد
ايالت وتاجدارى • نجابت نجاد • نباهت نهاد • سكندر فطنت كسرى
معدلت كيخسرو وكاوس شوكت • قيصر وفريدون ابهت • مسند آراى حشمت
وشهريارى • زينت افزاى اورنك كامكارى • متمم مكارم الاخلاق كسنيه
مكمل محاسن الاوصاف الملكيه • حاوى ميامن منقبت • ناشر مناشر محمدت
دولت مدار • نصفت شعار • المؤيد بتأييد الله الموفق بتوفيق الله
افتاب اوج مكنت وجاه • طهماسب شاه • لا زالت طوالع عزته فى مطالع
السعادة مضيئة شارقة • وما برحت نجوم حشمته فى بروج السيادة لامعة
بارقة • هدايای تحايای وافيه صافية الاوصاف • وتسنای ثنايای شافيهٔ
زاكية الاطراف • كه محض خلوص محبت ومصافات • وفرط صفای مودت
ومواخاتدن منشعب ومنبعث اولور • مصحوب قوافل مصادقت • ومحمول
رواحل موافقت قيلنوب • هديهٔ محفل منيع وتحفهٔ مجلس رفيع قلندقدن
صكره • آيينهٔ ضمير منير جام جهان نما نظرلرنه كه وجوه حسن تدبير • انله
صورت پذير وجايكير اولوب • مشاعل انوار علوم غيبيه دن مقتبس
ومستنيردر • لايح وروشن وواضح ومبين دركه • تشييد بنياد وداد • وتجديد
مواد اتحاد • ضوابط وروابطه منوط • ووسائل ورسائله مربوط اولمغين •
روضات حسن مخالصت • ودوحات يمن موانست • امطار اقلام محبت اعلام
وامطار ارقام مودت ارتسام ايله • سرسبز ورتيان وتازه وخندان قلنوب •
ارضروم بكلربكيسى آدميله • اول جناب عاليجناب سلطنت مآب ايالت اياب
نور حدقهٔ شاهى • نور حديقهٔ پادشاهى • لا زالت شموس سعادته منيرة
مشرقة • وغصون سلطنته نظرة مورقة نك • مجلس ساميلرينه محبت نامهٔ
كرامى كوندرلمشيدى • واروب بولوب حقيقت مجارى احوال وپيغام •
وجملهٔ امور مصالح ومهام • اعلام اولندقدنصكره • اولغرهٔ جبههٔ اقبال
ذروهٔ افسر اجلالك • نشأهٔ روحانيدن اولان محبت جاودانى برق يمانى
وكواكب درى نورانى كبى مرايای اكوان • ومجالی اعيانده تابان • و
شعشعهٔ خورشيد درخشان وش • ساحت جنانده نمايان ودرخشان
اولوب • مشار اليه بكلربكى آدميله • نامهٔ ساميه جواب مستطاب
آنجناب كرامى كه رقم زدهٔ كلك دبير فصاحت تقرير درار سال اولنمغين
اسعد ساعاتده عز وصول وشرف قبول موصول اولوب • مجدد مبانی
قويم البناء وداد • ومؤكد قوانين لازم الابقاء اتحاد • واقع اولدى مقدمهٔ
بلاغت استمالده صحيفهٔ سداد وصواب اوزره مرقوم كلك براعت

انتساب اولان عرض عوارض حالات • وسوق تخاوی کلماتدن استفاده
اولندی کم اول جناب عالی • ومظهر مکارم ومعالینک دائما نیت خیر
اندیشلری • بر موجب احاسن صفات ارباب عز ودولت • ومحاسن سمات
اصحاب جاه ومکنت • همیشه مراعات شرایط اخلاص وملاحظهٔ
ضوابط اختصاص بین الجانبین بنیان اتحادک استدادینه • وارکان
ودادک امتدادینه مصروف ومعطوف ایمش • هر آینه نتایج سوابق مخالصت
وعواقب سوالف مصادقت مقتضیدر که اول جناب نعم المابک خصائل جمیله
وشمائل پسندیده لرندن دائما بونک امثالی آثار جمیله واطوار جزیله صدوری
ایله • ودرج درر مشحون ومضمون فصاحت مقروننده بایزیدک خصوص منوع
معتمد ویراد ومعتقد وکارکذارآدملرکوندرمیله • که انلره تسلیم اولنوب
لوح ضمیرده صورت پذیر اولان حسن تدبیرینه انکله عمل اولنمه دیو
اشعار اولنمش • بناء علی هذا امراء عالیشان سعادت افزا ندن امیر الامراء
الکرام کبیر الکبراء الفخام ذو القدر والاحترام صاحب العز والاحتشام ورات
ذو القدریه بکلربکیسی علی پاشا • وخواص اعیان آستان رفیع الارکاندن
باش قپوجی باشی اولان فخر الاماجد والاکارم جامع المحاسن والمکارم حسن اغا
اولصوب صواب نمایه ارسال اولندیلر • ان شاء الله تعالی عز حضور رفایض
الحبوره وصول بولدقلرنده مأمولدرکه شرایط دوستی ومحبت وروابط
مودت والفت مرعی اولنوب • مطابق وعد صادق وموافق عهد سابق
بایزید وورت اوغلنی انلره تسلیم ایدوب • بوطرفه ارسال بابنده آثار
الطاف عمیمه واخلاق کریمه ظهور ایله که موروث نابید موافقت ووداد
وباعث تضاعف موانست واتحاد اولمق محققدر • بالجمله رعایت عهد
وپیمان ومحافظت صدق مواثیق وایمان ذمت بلند همت شاهان
عالی رتبه الزم وانسبدرکه سبب ترفیه معاش جمهور اولنوب مجموع خلق
عالم آسوده وبرحضور وکافهٔ ذرّیات بنی آدم آرمیده ومسرور اولمق
انکله میسر ومتصور اوله همواره عزایم همم دریا شیمه اهم وخاطر فیض
مظاهرده مصمم اولان مراعات امور سپاه ورعیت ومواسات حاجات
اهالی مملکتدر • تاکه یمن صدق وداد ایله احوال عباد طریق سداده اوزره
اولوب جملهٔ بلاد معمور وآباد اوله • همیشه ورود وفور عنایات ربانی
وجود سعود عطیات سبحانی ایله درجات عالیات دولت همایون وعز
وسعادت روزافزون مستحکم ومستدام باد ابد الآباد • حرر فی ربیع الاول سنه ٩٦٨

شاه طهماسبه سلطان سلیمان خان طرفندن یازلمشدر

دوستا

دولتیناه طهماسب شاه • شویله معلوم اولاکه کندو خطک ایله مکتوب
کوندروب • سن رفیع مکانم بنم لرنزه قپوجی باشی حسن اغا ایله اغز
شفارشن ایدوب • عهد ویمینلر ایله دیمش سنکی • بایزیدی اوغللری ایله
طوتوب حبس ایتدوکم • خاطر شریف پادشاهی ایچوندر • امر وفرمان همایونه
اصلا مخالفتم یوقدر • اما بونک کبی خدمت عظیمه مقابله سندن کلی
احسان اومارم دیمشسن • چون جمیع ادیانده عهد ویمین معتبر اولوب
کفر ایله اسلام اراسی عهد ویمین ایله فرق اولنور • بناء علی ذلک عنایت
خسروانه مدن طقوز کره یوز بیک التون واسعد ارجمند اوغلم سلیم خان
دخی اوچ کره یوز بیک التون ارضروم‌ه کوندرمک • اوزره یوز کوکده
سندنی معتمد علیه آدملر ایله • بایزیدی اوغللریله کوندره سن
تا انلره انعامی تسلیم ایده لر • وفرض التماس اولنمشیدی وبرلر حاداًمکه
اول طرفدن تغییر وضع اولمیه نساد بعد نسل واصلا بعد اصل مابینمزده
٤١١ مخالفت اولمیوب • دوستلقدن غیری نسنه اولمیه • اراولاندن
خلوف کلمز • اراولانک سوزی اردر • وکلام

بغداد فتحندن صکره صلح رجاسیله سنور وحدود
تعیینه متعلق نامه درکه شاه طرفندن یازلشدر سنه ١٠٤٩

٤٩٦ بسم الله الرحمن الرحیم • وله الکبریاء فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم
اللهم یدک فوق کل ید • وقوتک وعزتک اعز من کل قوة وعزة • وسلطانک
اجل واسنع من کل سلطان نظم خدایا جهان پادشاهی تراست زما خدمت
آید خدایی تراست • سر پادشاهان کردن فراز • بدرکاه تو بر زمین نیاز
سری کز تو کردد بلندی فزای • بافکندن کس نیفتد زپای • صل علی
صفیک وحبیبک سلطان الانبیاء والرسل • وسید الکل فی الکل • محمد
المصطفی هادی السبل • وآله المعصومین الذین • اذهب الله عنهم الرجس
وطهرهم تطهیرا • بعد عنده شرایف دعوات مسکیة النفحات که روایح
اجابتش از هوای ولکثای ادعونی استجب لکم • در اهتزاز آمده
بوستان مودت وکلستان محبت • رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه
را نضارت بخشد • ولطایف تحیات زاکیات عنبرینه النسمات • که فوایح
خلوصش از مهب • والقیت علیک محبة منی • وزین ریاض اخلاص
وکلشن اتحاد • ومن اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما

وانزاحت افزاید• هدیهٔ مجلس خلد آیین• وتحفهٔ محفل ارم تزیین اعلیحضرت
گردون بسطت فلك رفعت سپهر مرتبت خورشید منزلت جمشید رتبت
دارا درایت فریدون شوکت سکندر صولت سلیمان حشمت• پادشاه
جمجاه انجم سپاه• شهنشاه کیوان بارگاه آفتاب کلاه• سلطان سلاطین
ذوی الاقتدار• خاقان رفیع قدر عالی تبار• قیصر کسری افسر افراسیاب
نشان• خسرو دولت قرین صاحبقران• شهریار ایوان نصفت وعدالت
شهسوار میدان بسالت وجلادت• مهر سپهر سلطنت وکامکاری• بدر منیر
آسمان ابهت وبختیاری• گوهر درج عظمت وکامرانی• اختر برج خدیوت
وجهانبانی مؤسس بنیان السلطنة القاهرة• مرصص ارکان الدولة
الباهرة• معدلت گستری که از مطالع انوار نصفتش• مهر التعظیم لامر الله
تابان• نصفت پروری که از رشحات سحاب مکرمتش• باران الشفقة
علی خلق الله باران است مثنوی شهنشاه دوران شه کامران• سکندر
سریر وسلیمان مکان فریدون جم قدر عالی تبار• بدر برید خسرو
کامکار• حارس حوزة الملة والدین• حافظ ثغور الاسلام والمسلمین سلطان
البرین• وخاقان البحرین• ثانی اسکندر ذوالقرنین• خادم الحرمین الشریفین
ناصب رایات العدل والاحسان• ماحی آیات الجور والطغیان• السلطان
ابن السلطان• والخاقان ابن الخاقان• شمس سماء السلطنة والجلالة
والشوکة والعظمة والاحسان والعز والامتنان سلطان مراد خان ابن
سلطان احمد خان• لازالت اعلام سلطنته مرفوعة الی جبهة السماء• وارقام دولته
مرقومة علی لوح البقاء• گردانیده• مرفوع رای مهر انجلا• ومشهود ضمیر منیر
خورشید ضیا• که پرده گشای اسرار غیب• وچهره نمای تجلیات لاریب
است میگرداند که• فروغ اشعهٔ خورشید سعادت وبارقهٔ پرتو نیر
مکرمت اغنی کتاب مشکین نقاب مصالحت اشتمال• وخطاب مستطاب
خجسته مآل که مانند همای همایون فال• در هوای دلگشای جاه وجلال
بال اقبال گشوده بود• ساحت آمال محبان صادق البال را آشیانهٔ عزت
واجلال ساخت• چون از مطالع اشراقات آن• لوامع انوار صلح وصلاح
وسواطع آثار فوز وفلاح بر وجنات احوال خلایق وعباد الله که در این
چند سال پامال فتنه وفساد بودند میتافت• زبان حال بکریمهٔ هو الذی
انزل السکینة فی قلوب المؤمنین• گویا شد• مورد گوهرش را بمراسم اعزاز
واکرام• ولوازم تعظیم واحترام• مقارن داشت• اشعاری در صفا وصفوت
سعادت مقرون شده بود که بنا بر مراعات احوال برایا• واندیشهٔ سؤال

روز جزا• تاسی بآثار مرضیهٔ حضرت پادشاهان جنت مکان• علیین
آشیان• المغریقین فی بحار الرحمة والرضوان سلطان سلیمان خان
وشاه طهماسب• اسکنهما فی فرادیس الجنان• فرموده• اساس مصالحه
برآن قاعده استوار مینماید• وهر کس که از آن قرار تجاوز نماید مستحق
وبال دنیی• ونکال عقبی باشد• عالم السرایر والضمایر شاهد است
وکفی به شهیدا• از انکشاف صبح شعور الی یومنا هذا این خیرخواه بی ریا
پیوسته مطمح نظر اصابت اثر• رعایت مراسم شبانی• ولوازم پاسبانی
که کافهٔ عموم ورعایا• در ظل رأفت• وسایهٔ معدلت• از نوایب فتن وحوادث
محن• محفوظ بوده• گلستان آمال زیر دستان• بقطرات امطار مهربانی
وعطوفت• ورشحات سحاب مصادقت وموافقت فرمان فرمایان
شاداب وریان باشد• لهذا بمحض استرضای خالق• واستیفاء احوال
خلایق• بادی احراز این سعادت شده• بارسال نامهٔ مصادقت ختامه
مبادرت نمود• همانا مشیت ازلیه• بر تمشیت این امر خیر انجام• تعلق
یافته که• نیر عالم افروز انجام این مرام میمنت فرجام• از مطلع خاطر
انور• وضمیر فیض گستر آن عالیحضرت فریدون فر کسری سیر• که مشرق
انوار فیوضات ربانی• ومورد آثار الهامات سبحانی است• ساطع
ولامع گردید• جناب وزارت وایالت مآب• شوکت وعظمت نصاب
معدلت ونصفت مناب• دستور مکرم مشیر مفخم نظام العالم منتظم
مهام الانام بالعقل الشامل• مدبر امور الجمهور بالرأی الکامل• صدر اکرم
وسردار افخم• وزیر اعظم مصطفی پاشا• علا مدارج اقباله علی ما شاء
را• بطریق وکالت مطلقه تعیین فرموده بودند که• تأکید قواعد صلح
وصلاح وتشیید مبانی نجاح وفلاح• وتمهید پیمان وعهود• وتشخیص
مواضع ثغور وحدود• نماید• این صادق الوداد نیز• رضای کریم جواد
وآسایش عباد• وآرامش بلاد را که• موجب رستگاری یوم التناد است
منظور داشته• ایالت وشوکت پناه عالیجاه صاروخان را که از امراء
معتمد معتبر این دودمان ولایت مکان است• بر سبیل وکالت فرستاده
که باتفاق صدر اعظم واکرم• ارکان مصالحه را بشرایط معاهده وپیمان
مؤکد ساخته• تشخیص ثغور وسرحد طرفین نمایند• ووکیلین مزبورین
اتمام وانتظام این مهام خجسته انجام داده• وثیقهٔ معتبرهٔ مسجلهٔ مشتمله
بر عهود وعقود• چنانچه وزیر ارسطو نظیر پاشا سریر خلافت مصیر عرض
خواهد نمود• از هر دو طرف در سلك تحریر در آمده• لله الحمد که از جهت

لطف آلهی و مکمن فضل نامتناهی نسایم قبول بر ریاض آمال ابنای زمان خجسته
مآل وزین دوحهٔ دولتی که خواقین سلف علیهم الرحمة والاکرم التحف
بابادی عز و شرف از ید و طرف غرس نموده بودند و بتصاریف ایام ارتفاع
و نما افتاده باجرای زلال دوستی و وفاق و ارواء منهال سلسال یکجهتی
و اتفاق سرسبز گشته بانوار مراد و اثمار وداد و اتحاد بارور گردید
و قواعد خلت و ولا و ضوابط محبت و وفا کشجرة طیبة اصلها ثابت
و فرعها فی السماء بنوعی شید و مستحکم گشت که ان شا الله الرحمن
تا انقراض زمان خلل و نقصان بارکاه راسخة البنیان آن راه نخواهد
یافت و بعد الیوم زمام ابن الفت و وداد عباد و بلاد از آسیب فتنه
و فساد سالم بوده و خلایق در مهاد امن و راحت و بستر فراغت و استراحت
آسوده و غنوده حجاج بیت الله الحرام و زوار مدینهٔ حضرت خیر الانام
و مشاهد مقدسهٔ ائمه کرام علیه و علیهم الصلوة و السلام فارغ البال
و مرفه الحال بسعادت طواف و زیارت مشرف گشته در آن اماکن قدسی
مواطن که مظان اجابت دعاست بدعای دولت بی زوال اشتغال
خواهند نمود و ثواب آن بروزگار فرخنده آثار جانبین و ارواح متوج
پادشاهان جنت مکین که بادی و بانی صلح و صلاح و دافع و رافع مواد
نزاع و کفاح شده اند واصل میگردد و اشارتی که در ملاطفهٔ سامیه
ببعض امور شده بود در آن باب چه اطناب نماید بفعل الله ما یشا
و یحکم ما یرید مثنوی مرا و را سزد کبریا و منی که ملکش قدیمست و ذاتش
غنی ترصد از مکارم اشفاق آن اعظم سلاطین آفاق آنست که بوسته
شیوهٔ مرضیهٔ عطوفت و دوست نوازی را مرعی داشته بورود مفاوضات
علیه و مراسلات سنیه و رجوع خدمات و اشارات منت پذیر
گردانند زیاده تصدیع نداده بدعا ختم مینماید همواره سریر عرش
نظیر سلیمانی و اورنگ سلطنت مصر عثمانی مفرحاه و جلال و مستقر
سلطنت و اقبال باد مثنوی آلهی که این شاه عادل نهاد بود تا ابد بر سریر مراد

بغدادی تسخیر ایدوب صلحه شاه صفی یه کوندریلان نامهٔ همایوندر

قال الله الملک العلام ان الدین عند الله الاسلام قل اللهم مالک الملک
تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء
بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر الحمد لله وحده والصلوة علی من لا نبی بعده
اما بعد تائیدات ازلیهٔ سبحانیه و توفیقات لم یزلیهٔ ربانیه جل
جلاله و عم نواله ایله بن که خادم الحرمین الشریفین ثانی اسکندر

ذوالقرنین قاتل الکفرة والمشرکین و رغم انوف الفراعنه و مغفر تیجان
الخواقین فریدون همایون اثر کیخسرو وداد پادشاه عالی نژاد غازی
سلطان مراد خان بن سلطان احمد خان ابن سلطان محمد خانم سن که
فرمانده قوم عجم سپهسالار معظم دارای کیو دار افراسیاب دوزکار
امیر صفی نامدار سن توقیع رفیع جهانبانی و بر لیغ بلیغ کشورستانی که
غرهٔ غرای سلطنت و کامرانی و شمسهٔ رایات شوکت آیات خسروانیدر
واصل و ذیجی معلوم اولا که جناب رب العالمین عنایتی و حضرت سید
المرسلین هدایتی و چهار یار گزین رضوان الله علیهم اجمعین روحانیتی
ایله مزدحم جباه سلاطین عظام و ملتثم شفاه خواقین عالی مقام
اولان سدهٔ سنیه سدره مثال و عتبهٔ علیهٔ فلک اشتمال خدیوانه مزک
تعظیم و تکریمنده و رعایت و تفخیمنده دین اسلامدن اولان خسروان
عالی منقبت نه طریقله جهت وجود و سایر ادیاندن اولان ملوک
و حکام ذی شوکت نه وجهله نکث و بوده اولوب خصوصا اسلافک
دولت علیه مز ایله نه یوزدن معامله ایدوب دوستلغمزی کندولرینه
سبب دولت و سرمایهٔ امن و راحت ملاحظه ایتمکله رضای همایونمز
تحصیلنده نه کیفیت ایله وقت ابن کلدکلری معلوم ایکن خلاف عادت
اولطرفدن ظهور ایلین حالات مستوجب هیجان غیرت و حمیت و منشاء عزم
اولوب بفضل الله تعالی کرکچی کوشمال و بروب رفضهٔ خاسره نک
قلع و قمعی نیتی ایله بغداد طرفلرینه نهضت همایونمز واقع اولدیغی
٤٩٩ الحاله هزیمت عساکر نصرت مآثرمزله کلند کره سندن و لشکر هزیمت اثرکدن
نام و نشان بلورمیوب ماوراء جبال شامخه ده مختفی اولمش سن
بعون الله تعالی و حسن توفیقه قلعهٔ بغداد آز مدت ایچنده فتح
و تسخیر اولنوب بعده حافظه سنه دستور اکرم مشیر افخم نظام
العالم وزیر اعظم مصطفی پاشا دام الله تعالی اجلاله عسکر اسلام نصرت
انجام مزله تعیین اولنوب جناب جلالت مآبمز مرافقت فضل کردکار ایله
دیاربکر سمتنه عطف عنان عزیمت قلنمشدر ان شا الله الملک المستعان
عن قریب روان و نخجوان و آذربایجان و بالجمله ایران و توران جانبلرینه
مخیم خیام غزات نصرت موعود و پایمال خیول جنود ظفر ورود اولمق
مصمم خاطر همایونمز اولمشدر شویله که طریقهٔ اجدادک سلوک و کذا
طوتوب قضای ما فات ایچون جلب قلب همایونمزه بذل قدرت اولنور
ان الله عفو یحب العفو مضمونجه حالات ماضیه مضی ما مضی قبیلی ایله

بوشیوه دستور • بوربلوب جد امجد بزرکوار بز جنت مکان فردوس اشیان
سلطان سلیمان خان علیه الرحمة والغفران سنورلرنی دستور العمل اولنق
اوزره • رشتهٔ مصافات عقد اولنمه سنه رضای همایونمز اولمق جایزدر •
والا وقتیکه حاضر اولرسن کورادبردهٔ تقدیرده مختفی اولان صور
خیروشر • هر نه ایسه منصهٔ ظهورده جلوه کر اولوب • البادی اظلم مفاد
طرفیندن پایمال اولان عجزه و ساکین رعایانک روز جزاده کناهلری
اوزریکه راجع اولوب حضور رحقده مظهر عتاب اولاسن • بوندن اقدم
استانهٔ سعادت اشیانمزه ایلچیلک ایله کوندردیکون مقصود سلطانانک کوندردکی
نامه سنده سرد شته احسن معامله اولاجق کلامکز اولماغیله • قوت قلب
خسروانه مزه لازم اولان مصلحتی بعنایة الله تعالی وجوده کتورمک مقرر اولمشدر
بوندن نصکره جوابک نزلیسه رکاب همایونمزه اعلام ایلیه سن • باقی والسلام
علی من اتبع الهدی • حرر فی اوائل • سنه ثمان واربعین والف • بورت صحرای بغداد

بودخی شاه صفی دن کلان عهدنامه درکه سنور وحدود وشروط وقیود بیان اولنمشدر

بسم الله الرحمن الرحیم • قال الله تبارک وتعالی • اوفوا بعهدی اوف بعهدکم
ستایش وبی نهایت وسپاس بی آلایش • سزای عتبهٔ کبریای مبدع لایزالیست • که بمحض
قدرت کامله • عالم کون و فساد را • از نهانخانهٔ کمون • بجلوه کاه ظهور آورده •
بوجود فایض الجود سلاطین صاحب اقبال • که مظهر جمال وجلال مهیمن متعالند
انتظام والتیام داده • خلعت کرامت شانرا بطراز اعزاز • انا جعلناکم خلائف
فی الارض • مطرز وکوش هوش صدق نیوش این کروه والاشکوه را بکوشوار
واتقوا الله واصلحوا ذات بینکم • مزین ساخته • بمؤدای • واذکروا نعمة الله اذ کنتم
اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا • ذکر بوهٔ لختدر • بکلشن
همیشه بهار ایتلاف • هدایت فرموده • تودد وتالف ایشانرا • موجب
ترفه کافهٔ رعایا • وعامهٔ فقرا کم بهترین ودایع خالق البرایا اند • ساخت •
تعالی عما یقولون علوا کبیرا • ودرود بیحد وثنای بیقیاس • افزون از حیطهٔ مشاعر
وحواس • شایسته سدهٔ قدس اساس رسولیست • که از عین رحمت
شامله • سرکشتکان تیه جهانرا • بشاهراه امن وامان • دلالت نموده بحکم
اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم طبقات امترا بایفای عهود • وابقای عقود که
متضمن نظام مهام انام • وبموجب حسن العهد من الایمان • از شعایر
شرایع اسلامیست • امر فرموده که • لاایمان لمن لاعهد له • صلوات الله وسلامه
علیه • واولاده المعصومین • الذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون •
امابعد چون توجه خاطر قدسی مراد • خورشید مظاهر اعلیحضرت آسمان

رفعت • ثریا منزلت • سپهر سریر • قمر مسیر • عطارد تدبیر • ناهید عشرت • آفتاب
نظر • بهرام غدم • مشتری احترام • کیوان احتشام • کردون شکوه • انجم کروه •
شهنشاه جمجاه • کسری بارکاه • شهریار خورشید کلاه • کیهان درکاه • خسرو
فریدون فر • کیتی ستان • خدیو آرای جهانیان • سلطان اعظم • سلیمان مکان •
خاقان اعدل • عظیم الشان • ثانی اسکندر ذوالقرنین • خادم الحرمین الشریفین
پادشاه اسلام پناه • ظل الله • السلطان ابن السلطان والخاقان بن الخاقان
سلطان مراد خان ابن سلطان احمد خان • شید الله ارکان سلطنته وجلاله
متوجه ترفیه احوال عباد • وتسکین مواد فتن وفساد • وتشیید مبانی
صلح و صلاح • وتاکید مراسم فوز وفلاح کشته • جناب وزارت وایالت
مآب شوکت ونصفت قباب ابهت ومعدلت نصاب • منبع اعاظم الوزراء
مستخدم افاخم الامراء • مؤتمن الدولة العلیة العثمانیه • معتمد السلطنة
البهیة السلطانیه • صدر عالی قدر • صاحب تدبیر • مشیر کافی رأی صافی
ضمیر • دستور مکرم ومحترم مصطفی پاشای وزیر اعظم • ادام الله تعالی
٤١٥ اقباله را • بر سبیل وکالت مطلقه تعیین فرموده بودند • تمهید قواعد
صلح ومصاهرة ما بین • وتشخیص سنور وسرحد طرفین نموده • نوعی نماید که
من بعد اهل فتن وفساد را مجال کفتکو وعناد • نباشد • ما نیز رفاه حال
عجزه و مساکین • وفراغ بال کافهٔ برایای جانبین را • منظور داشته • ایالت
وشوکت پناه • ابهت ونصفت دستکاه عالیجاه • نظام الایالت والاقبال صاحب
وخان زکی • که اجلهٔ امرای معتمد خواقین معتبر این دودمان ولایت مکان
ومحل اعتماد نواب همایون ماست • مقرر نمودیم که از جانب اشرف
ما وکیل بوده • باتفاق جناب وزارت وایالت مآب مشار الیه • ارکان
صلح وصلاح • ومحال سنور وسرحد را استقرار واستحکام داده • درین
باب وثیقهٔ معتبرهٔ مسجله از جانبین • موافق صلاح دولت طرفین بتحریر
آورند • وایالت پناه حیدر عالیجاه هر دو • بعد از تشیید بنای عهد
وپیمان • سنور وسرحد جانب بغداد وآذربایجان را بدین عنوان قرار داده
احدی از امرا وحکام این دودمان تخلف البنای • از آن تجاوز جایز ندانند •

بیان که تعلق بمنسوبان پادشاه والاجاه ومنسوبانکه دودمان ولایت نشان دارد
جانب جسان وبادرای که تعلق بمنسوبان پادشاه والاجاه دارد
قصبهٔ مندلجین که الی دربند که سنور درتنک سرمیل است انجه صحرانشینه تعلق بمنسوبان پادشاه والاجاه دارد وکوه که منسوبان دودمان ولایت نشان تعلق است
دربند ودرتنک که سنور سرمیل است بمنسوبان پادشاه والاجاه تعلق دارد
جانب جناق که ضیاء الدین وهارونی تعلق بمنسوبان پادشاه والاجاه دارد وبیره وزردوی بمنسوبان دودمان ولایت نشان متعلق است
قلعهٔ زنجیر که در ظرف کوه است خراب شود ودهکه طرف غرب بمنسوبان پادشاه والاجاه وده که طرف شرقی بمنسوبان دودمان ولایت نشان متعلق
کوه بالای قلعهٔ زلم واقع شده این طرف کوه که بنکم نگاه میکند از منسوبان پادشاه والاجاه وجه اورمانات که هادر توابع اند از منسوبان دودمان ولایت نشان باشد
قلعهٔ ماکوت
شهر زور که سنوری کوه جغات است قزلجه وتوابع بمنسوبان پادشاه والاجاه ومهربان وتوابع بمنسوبان دودمان ولایت نشان متعلق است
مغازی
محال آذربایجان که از طرف قلعهٔ ودمباده خراب شود

چون حقیقت مافی المسطور بر ضمیر انور ظهور یافت رابطهٔ خلت و وفا • وقاعدهٔ محبت و صفا را • واسطهٔ برکات الهی وحسنات نامتناهی • و باعث آسایش عباد • و آرامش بلاد دانسته • از صدق نیت و صفاء طویت • بدان قرار راضی شده • عهد فرمودیم که بعد الیوم • در مراسم مصادقت و مضافات • ولوازم مرافقت و موالات • چون صبح دوم • صادق دم • و مانند قطب فلک راسخ قدم • باشیم • و همواره مراسم یکانکی و یکجهتی • و قواعد دوستی و یکتادلی را مستحکم داشته • تا از آن طرف قرین الشرف • خلاف عطوفت و الفت امری بظهور نرسد که مفسدان و حاسدان • مجال اغوا و افساد یابند • ازین جانب ارکان وداد و اتحاد کسبع شداد مشید و مؤکد بوده • در مراتب محبت • اهمال و امهال صورت محال دارد • و از میامن این امر خیر انجام • عموم خلایق شادان • و اطراف ممالک آبادان • و طبقات انام که از وقوع وقایع کوناکون • و حدوث نوایب دهر بوقلمون • اسیر محنت و بلا • و پایمال مشقت و عنا کشته اند • تا انقراض زمان • در بسیط امن و امان • آسوده حال • و فارغ البال کردند • و از دل صاف و نیت خالص بحکم • یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود • عهد کردیم که بدین قوانین مؤکده بایمان • وفا کنیم • و از خلف و کسر آن • اجتناب نماییم • فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه • تحریرا فی منتصف محرم الحرام سنه تسع و اربعین و الف

عهدنامهٔ سابقهٔ عیندر که شاه طرفندن سلطان ابراهیم خانه هدایا ایله کوندرلشدر سنه ١٠٥١

بسم الله الرحمن الرحیم • قال الله تعالی • اوفوا بعهدی اوف بعهدکم حمد و ثنا مبدع لایزالک کبریاسنه • لایقدر که قدرت کامله سی ایله • عالم کون و فسادی نهانخانهٔ غیبدن جلوه کاه ظهوره کتوروب • سلاطین صاحب اقبالک وجود فایض الجودلرینی که مهیمن متعالک • جمال و جلالنه مظهرلردر • انتظام و التیام ویروب • کرامتلری خلعتنی و جعلکم خلفاء فی الارض اعلاملرنک زینتی ایله مطرز • و بوکروه والا شکوهک کوش هوش صداقت اشتماعلرینی • واتقوا الله واصلحوا ذات بینکم • کوشوارهٔ سیله مزین ایدوب • واذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم • فاصبحتم بنعمته اخوانا • مؤداسیله اختلاف کوهمنا اندن ایلاف بها رستاننه • هدایت بیوروب • اول سلاطینک الفت و مودتلرین • کافهٔ برایا • و عامهٔ فقراکه • ودایع خالق البرایا اولانلردر نهر فیض انلرک حضورینه موجب ایلدی تعالی عما یقولون علوا کبیرا • و صلوة و سلام بی قیاس که احاطهٔ حواسدن زیاده اوله • رسول بی همتانک سلیٔ قدسی اساسنه لایقدر که عین رحمت شامله سیدر • حیرت مجراسنک برکشته لرینی •

شاهراه

٢١٨

٢٠٧

٢١٧

شاهراه امن و امانه دلالت ایلیوب • اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم حکمی ایله امتنک طبقه لرینی عهد وفا • وعقودی بقا ایلمکی امر بیوردیکی مهمات نظامنی متضمن اولوب • حسن العهد من الایمان • موجبنجه شرایع اسلامک خلعتلریدر • لا ایمان لمن لا عهد له • صلوات الله و سلامه علیه و علی آله واولاده المعصومین • الذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون • اما بعد چون اعلی حضرت آسمان رفعت • ثریا منزلت • سپهر سریر • قمر سریر عطارد تدبیر ناهید عشرت آفتاب نظیر • بهرام غلام • مشتری احترام • کیوان احتشام • کردون شکوه انجم کروه • شهنشاه جمجاه • کسری بارکاه • شهریار خورشید کلاه • سلطان اعظم سلیمان مکان • خاقان اعدل عظیم الشان • ثانی اسکندر ذو القرنین خادم الحرمین الشریفین پادشاه اسلام پناه • السلطان ابن السلطان سلطان مراد خان ابن سلطان احمد خان الی آخر الالقاب الفارسی یعنی ابن ترجمه اولنمیوب بعینه

شاه صفی طرفندن سلطان ابراهیم خانه کلان هدایادر که ذکر اولنور سنه ١٠٥١

باف زهر عدد ٢ بیغاله ٦٦	سند و نخه التون پاف زهر مهور تبه	سکه شغال عدد ٣	کیسه مهور عدد ٤	عنبر میغال ٢
یکتیه مهور ٤	شمشیر کار رشد قبضه عدد ١٨	پای کارخانه عمل مولانا نبی عدد ٢٧	زربفت اعلی کار کارخانه عدد ٢٧	زربفت کجراتی زرانداز عدد ٩
زربفت برد و کاشانی عدد ١٨	مخمل زربفت یعنی تللی قطیفه عدد ٩	مخمل ساده یعنی ایاجه قطیفه عدد ٩	پوستین سمور ... عدد ... ١٠٨	دستار ملا شاهی عدد ٤٦
دستار رفرما خانی و خاصه عدد ٣	کیمه شال عدد ٣٦	دفعه اطلس کجراتی کربلایی عدد ١٨	قطیفه نبی بک رنک عدد ٢٧	منقوش زنکار کارخانه عدد ٢٧
لکناهای خطایی عدد ١٨	دارایی زنکارنک یزدی و کاشانی عدد ٢	فغفوری قدیم های نخی عدد ٨١		قالی کبیر عمل کارخانه جفت ٢
قالی کبیر کرمانی جفت ٥	قالیچه زربفت عدد ٥	قالیچه قطیفه ساده عدد ٤		مقعد سوزنی یعنی کارهندی عدد ٢٧
اسب یورغه مع جل زربفت عدد ١٤	اشتری مایه بسرکیج جل زربفت و جوبدوس زربفت عدد ٥٠		استرمایه مجیع مع جل و زین پوشی زربفت عدد ١٠	

جواب عهدنامهٔ مذکور که از طرف آستانهٔ دولت نوشته شده با بیان شروط معهوده

بسم الله الرحمن الرحیم • الحمد لله لا حول و لا قوة الا بالله • بدیع مقالید الامور و بقدرته ظهور کل مقدور • و الصلوة و السلام • علی نبیه الکریم • محمد افضل من اوتی الحکمة و فصل الخطاب • و علی آله الکرام • و اصحابه الفخام • خیر الآل

وخیر الاصحاب • اما بعد چون مشیت جناب ذو العرش المجید • وارادت
حضرت فعال لما یرید ایله • انتظام اسباب عالم • ورونق وفتق امور بنی آدم
مظاهرات کریمهٔ • الذین جاهدوا ونظم کوهر • والموفون بعهدهم اذا عاهدوا
اولان سلاطین روی زمین • وخواقین هدایت قرینك • توافق واتفاقلرینه
وابسته وموقوف • وآراء اصابت آرالریله • ودایع خالق البرایا اولان
ضعفاء رعایادن متاعب ومشاق • مصروف اولوب • زیر جناح حمایتلرنده
ممالك اسلامیه • شرور وشردن امین • وسالك مؤمنین • کمال امن وسلامتله
رحیب اوله کلوب • خصوصا • انا جعلناك خلیفة فی الارض • مدلولنجه
رتبهٔ عالیهٔ سلطنت کبری • وطبقهٔ سامیهٔ خلافت علیا مرتبهٔ منتهی
الغایهٔ جملهٔ طبقات • ایدوب • خدمت حرمین شریفین شرفهما الله تعالی
سعادتیله ذات قدسی صفاتمزه شرف وعزت • ومتابعت سنت سنیهٔ حضرت
رسول الثقلین صلی الله علیه وسلم ایله • دایرهٔ دولت وسلطنتمزه وسعت
وبسطت • ویروب • درون صفا مقرونمزی • انوار محبت آل واصحاب
ایله مجدد ومصفا • وپیروی طریق برتو فیقلرینه • سبب رستکاری
روز جزا ایلیوب • فاحکم بین الناس بالعدل • فحواسی اوزره ممالك ممالك
عدل وداد • وجاهدوا فی الله حق جهاده • امر لازم الامتثالی اوزره سالك
مسالك غزا وجهاد ایدوب • ان تنصروا الله ینصرکم • فحوای شریفی دائما اندیشهٔ
ومقتضای لطیفی ایله عمل • همیشه کار وپیشهٔ منوال لطفیله • شمشیر ظفر
قرینمزی دفع کفار ومشرکین ایچون سد آهنین • وکرد سرحد ممالك
مسلمینه حصن حصین ایتمکله • ایام دولت روز افزونمزه ثبات ودوام
وسلسلهٔ سلطنت همایونمزه ابد الدهر استقرار واستحکام ویردی
جل من لا یعد نعماؤه وتقدست ذاته واسماؤه • عالیحضرت معالی منقبت
سامی مرتبت کرامی منزلت • مسند نشین اقلیم ایران • حامی فارس ومازندران
فرمان ده ملك عجم شاه صفی دام منظورا بعنایة ربه الوفی • حضورمزه مصافات
ظهورلرینه دعوات صافیات • وتسلیمات وافیات اتحاف واهدا سندن
صکره • انهاء مسالمت انتها بو درکه • عتبهٔ علیهٔ کردون وقار وسدهٔ
سنیهٔ عالم مدارمزه • عین الاعیان محمد قولی • رزقت سلامته وساطتی
ایله نامهٔ ختم ختامه لری واصل اولوب • خلوص نحوای بلاغت احتواسی
وجعل بینکم مودة • آیت الفت عنوانی تفسیر وبیان • وفالفت علیك
محبة • کریمهٔ کرامت نشانی تقریر وعیان ایدوب • صراط مستقیم مصافاته
مهتدی • ونیتهٔ کریمهٔ قدمایه مقتدی اوله رق • طالب صلح وصلاح •

وراغب

وراغب فوز وفلاح اولوب • بالفعل وزیر اعظم جلیل المقدار • وجانب شرفده
سردار وپهسالار اولان دستور اکرم مشیر افخم نظام العالم • ناظم
مناظم الامم مصطفی پاشا • ادام الله تعالی اجلاله • کوندردیلدن وکیلکز عمدة
الخواص والمقربین صارو خانقان • زید رشده • رضا بنام • محلنده ملاقی
اولد وعندت انتظام امور صلح وعهود • وتنفیذ قضایای قطع حدود
٢١٨ خصوصی مطارحه ومکالمه اولنوب • بغداد وآذربایجان سمتلرنده
اولان سنور وحدوددن • جسان • وبادرایی نام محللر جانب همایونمزه
متعلق • ومندلیجین قصبه سی ودرتنکه وارنجه که • درتنکه سرمیل نام محل
سنور تعیین اولنوب • مابینده اولان صحرالریله جانب همایونمزه اولوب
وبالابنده اولان طاغ اوته طرفه قاله • ودرنه ودرتنکه سنور تعیین اولنوب
جانب همایونمزه اوله • وجاف عشیرتلرندن ضیا الدین وهارونی تعبیر اولنور
قبیله لری طرف شریفمزه اولوب • بیره ودردوری اوته طرفه قالوب • وطاغ
اوزرنده واقع اولان زنجیر قلعه سی هدم وخراب اولوب • قلعهٔ مهدومهٔ
مزبوره نك غربی طرفنده اولان کویلر جانب همایونمزه قالوب • جانب شرقیده
اولان کویلر اوته جانبه اوله • وشهر زور قربنده ظالم قلعه سنك اوستنده
واقع اولان طاغك قلعهٔ مزبوره یه ناظر اولان اطرافی جانب همایونمزده
ضبط اولنوب • واورمان قلعه سی توابعی کویلریله اوته طرفه قاله • وشهر
زور جغاندن کدوکی سنور اولوب • قزلجه وتوابعی ایله جانب همایونمزه
ضبط اولنوب • ومهربان وتوابعی اوته طرفه قاله • وان سرحدنده قوطور
وماکو وقارص جانبنده مغازبرد • قلعه لری طرفیندن بعد الیوم اوزره
قرار ویرلمکین شاه الیهمانك منوال مشروح اوزره ایتدکلری • قول وقراره
راضی اولدوغکزی • وفیما بعد معاهده ومصافات مراسمن رعایت وموالات
وموالات لوازمنی صیانت ایدوب • ایما نمزه وفا ایلیه وزدیو • تعهد
ایتدوککزی اول نامه ده تصریح ایدوب • جانبکزدن کلاد وثیقهٔ مختومه
مقبول همایونمز اولمغین استدعا ایتدوککز اجلدن • انجاز الوعد
من دلائل الجد • محض آسایش خلایق وعباد • وآرایش ممالك وبلاد ایچون
بو صلح قرار داده • وصلاح شمولی • واصل رتبهٔ قبول قبلوب • شول شرطله
مقرر طوتلدیکه قطع وتعیین اولنان سنور وحدود داخلنده واقع
اولوب • جانب همایونمزه متعلق ومنسوب • وسایهٔ معدلت پایه مزله
محمی • بلدان وممالکدن محسوب • اولان محال ومواضعده وصحارده واراضیده
قزلباش طایفه سنه • الحکد ویلوب اکرا اضی معموره واکرخالیه در

الشئ اذا ثبت ثبت بلوازمه• مقتضاسنجه توابع ولواحقلريله موكدات
بارگاه اعلامز• ومعتمدان درگاه معدلتمز ضبطلرنده اوله• وذكر اولنان
مواددن ماعدا اخسقه وقارص ووان وشهرزول• وبغداد وبصره نك
وسائر سنورلرنيه داخل اولان قلاع• وبقاع• ونواحي واراضي ومحال
وبرارى• وتلال وجباله اوته طرفدن دخل وتعرض اولنميه• واجداد عظام
انار الله براهينهم زمان سعادت اقترانلرنده اسلافكزه كوندريلدن
عهدنامه لرك جمله شروط معتبره صريحه سى الدين النصيحة• كلمه
نصيحه سى اوزره زيرحكومتلرنده بعض اسافل واداني• حاشا ثم حاشا
شيخين• وذى النورين• ور وجه مطهره رسول الثقلين• وسائر اصحاب
كزين• وائمه مجتهدين• رضوان الله عليهم اجمعين• حضراتنه زبان درازلغه
رخصت ويرلميوب• منع اولنمه لريدن كيرو بر وجهله رخصت ويرلميركه
بو صلح قرارداده الى انتهاء القرون• ثبات ودوامه مقرون اولنماديكه
جنابكزدن خلاف عهد وميثاق• وموجب اختلاف وشقاق• بر وضع
ناهموار ظاهر وآشكار اولميه• طرفكامل الشرف پادشاهانه مزدن دخى
منوال مذكور اوزره محرر ومسطور اولان شروط وقيود مرعى قلنوب
ايل ومملكتكزه تعرض اولنما مغيچون ارسال اولنان عهدنامه كز مقابله سنده
اشبو نامه همايون صدق مشحونمز كشيده سلك تحرير وبيان قلنمشدر
ما بينده خصوصيت برطرف• ورعايت مراسم الفت وموافقت• فوق ماسلف
اوله• وسفير سفور شرف تقبيل بساط عزت انبساط پادشاهانه مزله
مفتخر ومباهى اولوب• آداب رسالتي كما هو حقه ادا ايتدكدنصكره اجازت
عليه مزله جانبكزه عودت وانصرافه مرخص اولمغين• نامه همايونمز
تبليغي خدمتنه تعيين اولنان دركاه سعادت دستكاهمز متفرقه لرندن
افتخار الاماجد والاكارم• متفرقه محمد دام مجده ايله همراه قلنوب
روانه اولديلر هوارم صبح انديشان دين ودولت
مظهر احسانمزك شنان باد برب العباد تحريرا
في اوائل شعبان المعظم سنه تسع
واربعين والف
م

لجرات پادشاهنه نامه دركه بندر صورتده هلوك اولادن
كيدلك طوبلرينى ضبط وارسال ايچون يازلمشدر

والاجناب سلطنت مآب دولت نصاب سعادت اكتساب• ملكي الذات
ملكي الصفات فلكي العزمات• مالك نواصي الملك سالك اقاصي الدولة
موسس قواعد العظمة والاجلال• مؤيد معاقد الدولة والاقبال
ناصب رايات الدولة الشامخة• صاحب العزة البازخة المحفوف
بصنوف عواطف لطايف الملك الاعلى• غياث الدولة والدنيا سلطان
احمدخان ادام الله تعالى اجلاله توقيع رفيع همايون واصل اولجق
معلوم اولركه• حاليا بندر صورت حاكمي اولان جناب امارت ايالت
نصاب• رجبخان ادام الله تعالى معاليه عتبه عليامزكه مرجع
سلاطين عالي مقدار• وملجا خواقين ذوى الاقتدار در• مكتوب كوندروب
مقدما محبه مصردن بصره سمتلرينه ارسال اولنان خاصه كميلريمزدن
بعضى محبه مصردن قبودانمز سيدى على ايله بصره جانبلرينه عزيمت
اوزره ايكن• دريادة كفار هزيمت آثارك كميلرينه مقابل اولوب
ما بينلرنده خيلى جنك وقتال واقع اولوب• بعده دريايه چقدقلرنده
باراده الله تعالى روزكار مخالف اولوب• طوفان وباران اولغيله
براكنده دوشوب• التي قطعه كمي صورت بندرينه دوشدكده درياية
چقمغه قابليت اولميوب• آخر الامر آنى بوزيلوب• طوبلرى قلعه ده
حفظ اولنلدى وغيرى اعدام ايليوب• واولجانبه متعلق هر نه ديمشلر ايسه
علم شريفمز محيط اولدى• ايله اولسه جناب جلالت مآبكز آبا واجداد مغفرت
مهادكز• انار الله براهينهم طريقه ديانت معتاد• وجاده استقامت
رشادلرنيه• سالك وذاهب اولوب ايام سعادت آمال وروزكار
خير اقبالمز• في سبيل الله تمهيد قواعد دين مبين• وتشييد مبانى
شرع متين ايچون مخالفين دين ودولت ايله• جهاد وغزايه معروف
اولوب• سلاطين شرع مبين ايله جانبيندن الفت ومصافات ونتيجه
دوومات خلافت آشيانه• وعزت خاندان سلطنت بنيانمز اولوب
جناب جلالت مآبكز دخى دائما دين مبين بابنده وفور اقدامكز اولدوغى
سمع شريف عالم آرامزه وصول بولوب• علم شريفمز محيط اولديغى اجلدن
اولجوانبده واقع اولان كفار مذلت آثار ايله جهاد في سبيل الله ايچون
سفاين نصرت قرين ايله• عساكر دريا مآثر ارسال اولنمق خاطر عاطر
جهانبانيمزده• انشاء الله تعالى مصمم قلنديغى• اول طوبلر بر جانبنه

كوندرلمك رأى صواب آراكزه وجه كورينورسه • وفتى ايله كوندروب محروسهٔ
مصره ايصال ايليه سز • واكر مناسب كورلمزسه • اول طوپلر كفار ضلالت
آثار ايله غزا وجهاد ايچون ترتيب اولنمشدر • انشا الله الاعز اول طايفهٔ
ضلالت كردارك قلع وقمعلرى خصوصى ايچون • باذن الله تعالى طونانماى
همايون ايله عساكر ظفر مآثريمز ارسال اولنور • غزا ايچون لحضرا اولنان
طوپلر محفوظ يرده حفظ ايدوب • بعون الله تعالى شكر فوز نصيب اولجانه
واردقده دين ودولت بابنده واقع اولان مظاهرت جميله كز مقتضاسنجه تسليم ايليه سز

بندر صورت حاكمنه سابقا ذكر طوپلر ايچون نامه در

جناب امارت مآب ايالت نصاب دولت انتساب سعادت اكتساب
ذوالقدر الاتم والفخر الاشم المحفوف بصنوف عواطف لطايف الملك المتعال
بندر صورت حاكمى رجب خان • ادام الله تعالى معاليه توقيع رفيع همايون
واصل اولجق معلوم اوله كه • حاليا سدهٔ سعادت عظمت دستكاه وعتبهٔ
عليهٔ عدالت بنا هرك ملجا سلاطين عظام • ومرجع خواقين فخام
دوالاحترام در • مكتوب وداد مصحوبكز وارد اولوب • مقدما فرمان
شريفمزله • بصره جانبلرينه ارسال اولنان طونانماى همايونمزله قدوة
الاماجد والاكارم قپودانمز سيدى على زيد مجده بصره دن محميهٔ مصره
كيدركن • دريا ده كفار خاكسارك كيملرينه راست كلوب مابينلرنده
عظيم جنك وقتال واقع اولوب • التى قطعه كيمى كنارده قالمغله
طقوز قطعه قدرغه ايله دريايه چيقوب • باراده الله يوللرده
طوفان وباران طوتمغله ذكر اولنان كيملر پراكنده دوشوب •
كفار خاكسار فرصت بولوب • مزبورلرى تعقب ايدوب • آخرالامر
التى قطعه سى صورت شهرينه دوشوب • ليمانه كيروب • كفار شقاوت
شعارك كيملرى ليمان اغزنده درت آى مقدارى طوروب • ذكر اولنان
طونانما كيملرين كوندرمك • بابنده خيلى اقدامكز دخى اولشكن مزبور
قپودان دريادن كتمكه رغبت ايتميوب • بالضروره كيملر كفار خوفندن
بوزيلوب • طوپلرى قلعه ده حفظ اولنمق اعلام قيلوب •
وقوعدن متوجه اولنلره حسن معاونتكز اولوب • اولجانبده اولان
سلاطين ايله وزرا مابينلرنده مخالفت واقع اولمغله • دفعهٔ مباشرت
ايدوب • اهل فساد اولنلرك دخى حقلرندن كلدوكى اشعار ايليوب
اكر بو جانبه عسكر كلجك اولورسه • بو مملكتلرده دخى اعدا كيملرى باليق
امكانى وارددر بو • بيلدرمش سز بالجمله ذكر اولنان كيملر اولجانبده طوتلو

اجاره وكفار مذلت آثار خصوصنده هرنه ديلمش ايسه • علم شريف عالم آرايمز
محيط وشامل اولمشدر • ايله اولسه ابا واجداد مرحوم • اسكنهم الله فراديس الجنان
نامهٔ اعماللرى مثوبات غزا ايله مشحون اولوب • ايام همايونلرى دائما
كفار ايله في سبيل الله غزا وجهاده مصروف • وجناب جلالت مآبمز دخى
انلرك طريقهٔ هدايت معتادلرينه سالك اولوب • جمله اوقات طيبهٔمز
بسيط زمين ده شعاير شرع مصطفويناك • دوام وبقاسى ايچون مبذول
اولدوغى اجلدن • خاطر عاطر دريا فيضانمزده اولديارده مستولى اولان
كفار بدكردار ايله • في سبيل الله جهاد ايچون كفايت مقدارى سفاين
نصرت قرين ايله عساكر ظفر مآثر ارسال اولنمق • انشا الله تعالى مصمم
قلنمشدر • وسزك دخى دين بابنده جل اقدام • وعظيم اهتمامكز
اولدوغى سمع همايونمزه وصول • وعلم شريفمز حاصل اولوب • آستانهٔ
دولت آشيانمز جانبنه كمال اخلاص واختصاص اوزره اولدوغكز
مفهوم اولمشدر • اول طوپلر بو جانبه كوندرلمك موجه كورينورسه
وفتى ايله ارسال ايليوب • محروسهٔ مصره ايصال ايليه سز • اكر مناسب
كورلمزسه محفوظ يرده ضبط ايدوب • بعون الله تعالى لشكر دريا
مآثر اولجانبلره واردقده آستانهٔ سعادتمز جانبنه اولان اخلاصكز
مقتضاسنجه تسليم ايليه سز • كه اول طوپلر دشمن دين اولان كفار خاكسار
ايله جهاد وغزا ايچون ترتيب اولنمشدر • بو خصوصده صداقته لايق
وسزاوار هر راى وحركت اجراسنده سعى واقدام اوزره اوله سز • مأمولدر كه
انواع خيرلر ميسر اولدقده • من بعد دخى اولجوانبك
احوالندن سدهٔ سعادتمزه اعلام
ايتمكدن خالى اولميه سز
والسلام

اكراد خانلرینه وامراسنه خلعت واستمالت نامه دركه كرجستانی قزلباشدن محافظه ایچوندر

امراء كرجستان صداقت عنوان. قدیمالایامدن دودمان مشید الاركان. وخاندان محكم البنیانمه انقیاد واستیمان ایتمه لریله قزلباش بدمعاشك تعرضندن ملكلری مصون. وعساكر اطرافدن عرض وماللری مأمون اولوب. اغنیا وفقراسی ایام سعادت انجامده آسوده ایكن. بعضیلری شاه روسیاهك حیله ومكرندن غفلت ایدوب. اول جانبه انقیاد ومداد صورتن كوسترمكله. نیجه معموره لری غارت واهل وعیال ومال ومناللری. موقع خسارتده واقع اولوب. روزبروز اعادینك تعدی وتطاولی ازدیاد بولمغین. جبلتلرنده مركوز اولان غیرت وحمیت ایله قزلباشك اوضاع قبیحه لرینه تحمل ایدمیوب. ذكر حاكمی طهمورث خان. وكارتیل حاكمی ماغزوخان. وكورل ودادیان وقره قلقان. ملكلری ایله سائر امراء كرجستان یكدل ویكجهت اولوب. استیلای كرجستان فكر فاسدیله كلان قزلباشك عسكر شیاطین اثریله مجادله. ومقابله ایدوب. نیجه خانلرین قتل وبقیة السیوفی دخی منكوس اللوا عودت ایدوب. فرار ایلدكلرنده عقبلرینه دوشوب قزلباش حدودینه ایلغار ایدوب. سبكاری نیجه نامدارلری قتل وممالك قزلباشی یغما وغارت. وقلاعنی تسخیر ایتدكده نصكره تكرار اخذ انتقام. عزیمتی ایله برقاچ دفعه دخی درنك ایدوب. كلدكلرنده ملاعین مزبوری استقبال ایدوب. عظیم جنك اولنوب قزلباشك سرداری اخذ ونیجه نامدارلری قتل اولنمغله. بعون الله تعالی عظیم یوز آقلقلری ظهوره كلوب. فتوحات جمیله یه باعث اولدوغنی ماغزدخان علی التفصیل عرض واعلام ایلمكله. حقكزده حسن ظنوم همایونم ازدیاد بولوب. مظهر دعای خیرم. ومنظور عاطفت ابرم اولمشسزدر. سزدن دخی مأمول اولان بو مقوله آثار غیرت وحمیت دركه ظهوره كتورمشسز. امدی بو بابده ظهوره كلان بزارلغك مقابله سنده حقكزده مزید عنایت خسروانم. ظهوره كتوروب خلع فاخره مدت برتوب خلعت مورث البهجت. عنایت وارزانی قلنوب. ایصالی ایچون فلان تعیین اولنمشدر. بیوردم كه خلعت فاخره وكسوت باهره می كیوب غیرت وحمیت وشهامت وشجاعتك. مقتضاسنجه وارلقلر بازوی كتوروب. دركاه معلامدن تعیین اولنان بكجی قولدم ایله.

اول سرحدلرده اولان ایالتلر بكلربكیلریله وذكر حاكمی طهمورث خان وكارتیل حاكمی ماغزدخان. وكورل ودادیان. وقره قلقان ملكلری وسائر امراء كرجستان ایله یكدل ویكجهت اولوب. ان شاء الله سرداری ظفر شعاروم اول طرفه توجه ایدنجیه دك. قزلباش اوباشك ممالكنی یغما وغارت واول سرحدلره قریب اولان قلاعنی آلوب. واول كروه مكروه استیصالی بابنده تشمیر ساق ایدوب. مردانه لكلر ظهوره كتوره سز. امراء كرجستاندن اظهار خلوص ایدنلرك عواقب عرض وناموسی نیجه اولدوغنی دفعات ایله تجربه ایدوب كلكز اوزره هربرینه اعلام وافهام ایدوب. اول عهد وپیمانی ویمین وایمانی شكست وناپایدار اولان. طایفه نك حیله وفریبینه اعتماد وخدعه ومكرینه اعتقاد ایتمیوب. بغیرت وانتباه اوزره. عرض وناموسه لایق. ورضای همایونمه موافق تدبیر وتدارك ایله حفظ مملكت. وصیانت غیرته بذل مقدور وسعی نامحصور ایلیه سز. ان شاء الله تعالی ظهوره كلن خدمتك ضایع اولمیوب. انواع عنایات علیه مه مظهر اولمالك مقرردر. من بعد دخی واقع اولان اموری یازوب. آستانه سعادت مدارمه وسردار نصرت شعارم صوبنه عرض واعلامدن خالی اولمیه سز.

قپاق حاكمی اسمی خانه نامه دركه قزلباش دفعی بابنده یازلمشدر

سوابق ادیان وملل. وسوالف ازمان ودول. سلاطین نامدار وخواقین كامكار. نظم امور محتاج وزواری. وتمشیت احوال سكان وجواری. فرض عین اولان حرمین شریفیندن احكام الهی اوامر ونواهی نواحی عالمه متفرق وحفظ ناموس شریعتده ملت اسلامیه متفق اولدقدن برو الی الآن حوزه حكومتك متبع علما. وجمع اتقیا اولمغله اصول شریعت وعقاید اهل سنت وجماعت اوزره واحوال مصالح دین ودنیالری موافق سنت وكتاب اولوب. خصوصا دودمان حكومت نشانك نظم امور دینیه حكام طاعتنا نامه سرافرازی. وترتیب مصالح جمهوره نامدارانی البرز نشانك ممتازی اولوب. سلسله علیه ختم الكرم شفیع الامة. وشارع السنة علیه وعلی آله الفخیمة حضرتلرنه نسبت قرابت. وقل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی. نص شریفیله واجب المودة اولدوغندن غیری اجداد عظامم انار الله براهینهم زمانلرنده شریفلرینه فتح ممالك شرف ایجون تعیین اولنان سردار وسرعسكرلر شروان طرفنه توجه ایدوب. اول دیارلرك مذهب وپاك اعتقادلرین

لوث تغلب اعادئ اصحاب امجاد اولان رفضه واهل الحاددن آب
شمشیر ایله تطهیر • و پنجه کردنکشانی طوق اطاعت وانقیاده کتوروب
تسخیر ایلدکلرنده • اجداد صداقت معتادك • ایت کریمهٔ فضل الله
المجاهدین علی القاعدین • بیش نهاد ایدوب • اعلاء کلمة الله نیت
خالصه سیله غزا وجهادده سعی واجتهاد • وتحریك سلسلهٔ اتحاد
اتمکله • قلع اصول اعدا وچهار یار کزین • رضوان الله علیهم اجمعین • وقمع
عروق مبتدعینده • همت واتفاقلری باعث تمهید قواعد شریعت •
وسبب تشیید مبانی سنت اولوب • مکافات خدمات اغوردین
مبینده • انواع تحسینات شاهانه • ودودمان شید الارکانمه مزید
موالات • وخاندان مخلد البنیانمه فرط مصافات اوزره اولوب •
اعدای دین ودولتم ایله • یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانة من دونکم
لا یألونکم خبالا ودوا ما عنتم قد بدت البغضاء من افواههم وما
تخفی صدورهم اکبر • مؤداسی اوزره • عزت اصحاب کرام • وحمیت دین
علیه الصلوة والسلام ایچون عداوت اوزره اولوب • مراسم اجدادك الا زیاده کی
رعایت وناموسه بخشیانت ایتدیکك • علی التفصیل مسامع علیه خسروانه
القا اولنمغله • حقکده حسن ظن همایونم ازدیاد بولوب • مظهر خیر
دعام • ومنظور نظر عاطفت حتوام اولمش سندن • برخوردار اولاسن
سندن دخی مأمول اولان بو مقوله آثار صداقت واخلاص صدرکه حیز
اختصاصه کتوررسن • امدی دولت علیه مه خلوص طویتك • وعرق
شریف عم اکرم • رسول الله صلی الله علیه وسلم • جنابلرینه نسبتك مقابله سنده
نوازش شاهانه مزله اعزاز • وخلع فاخره مدت برتوب خلعت مورث
البهجت ایله ممتاز قلنوب • ایصالی ایچون فلان تعیین اولنمشدر • وصول
بولدقده ارسال بویرلان خلعت فاخره وکسوت باهره می تعظیم واکرام
وتوقیر واحترام ایله کیوب • جبلتکده مرکوز ونهادکده مرموز اولان
عزت دینیه • وحمیت اسلامیه نك مقتضا سنجه • امرای البرز وحکام جبال
حرض المؤمنین علی القتال • آیت کریمه سی اوزره غزای روافض ایچون
نصح وپند • واول کروه مکروهك • ان یثقفوکم یکونوا لکم اعداء ویبسطوا
الیکم ایدیهم والسنتهم بالسوء وودوا لو تکفرون • مؤداسی اوزره معادات
وخصادت مؤدی اولدوغنه پند سودمند ایدوب • عساکر نصرت ماثر
طاغستان ایله • حاضر وآماده اولوب • ان شاء الله تعالی سردار ظفر
شعارم اول دیاره متوجه اولوب • وامرای کرجستان دخی کندو سمتلرندن

حرکت ایلدکلرینه • اقتضا ایتدوکی محلده ملاقات ایدوب • ناقض عهد
ویمین واعدای چاریار کزین • رضوان الله علیهم اجمعین اولان طایفهٔ
روافضی حقیقه ابا مدت حاث • واول مما لکده اولان اهل سنت وجماعت
اذیت اصحاب بدعتدن فك • ایتمك نیتی ایله دین اسلامیه لایق • ورضای
رب العالمینه موافق غزا وجهاد ولوازمن وجوده کتورمکه ساعی ملوکانه
واهتمام خسروانه ایدوب • خدمت شریعت سید البشر • وصیانت عرض
چاریار سعد اختر • ضایع اولیوب • دعای خیرم استجلابنه باعث
اولوسن • ومن بعد دخی تو کید صداقت واخلاص ایچون بارکاه سعادت
پناهم وسردار ظفر شعارم صوبنه ارسال رسایلدن حالی اولمیه سن •

طاغستان حاکمنه خلعت ونامه دن قزلباشدن کرجستانی صیانت ایچون

سن شهامت ونجدت علم حکام طاغستانك ممتازی • وعزت وحمیت
اسلامیه ده امرا دی شانك سرافرازی اولوب • اغوردین مبین •
وعزت چهار یار کزین • رضوان الله علیهم اجمعین • نیت اعلاء کلمة الله
ایله غزا وجهادده سعی واجتهاد • وسباب اصحاب • اولان روافض
والحاددن امرای عماد • اخذ انتقام ایده کلدکلرندن غیری • اجداد عظام
انار الله براهینهم زمان شریفلرنده • بارکاه خلافت دستکاه • ودرکاه
سلاطین پناهمه اظهار یکانکی واخلاص • وابراز دولتخواهی واختصاص
ایچون • پای تخت فلان بختمه بالذات وارد ونازل • وشرف تخت بوسی اشرفه
نایل اولوب • دودمان شید الارکان • وخاندان مخلد البنیانمه مزید
اختصاص ایله شرف امتیاز بولوب • وحالا دخی جادهٔ مصافاتده ثابت
قدم • وشاهراه استقامت وموالاتده راسخ دم اولوب • الذین ینقضون
عهد الله من بعد میثاقه آیت کریمه سنه مظهر دوشن • شاکراه ایله
عزت اصحاب کرام • وحمیت عرض خاندان سید الانام • علیه الصلوة والسلام
ایچون • نزاع وخصومت • ونص لا تتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء • موجبنجه
اول کروه مکروه عداوت اوزره اولدوغك • علی التفصیل مسامع علیه
خسروانه مه القا اولنمغله • مظهر دعای خیرم • ومنظور نظر عاطفت
اثرم اولمش سندر • سندن دخی مأمول اولان بو مقوله آثار اخلاص ایدیکی
ظهوره کتورمشسن • امدی آستان جهان پناهمه اولان صداقت
وموالاتك مقابله سنده • حقکده مزید عنایت خسروانه • ومزیت
عاطفت ملوکانه م ظهوره کتوروب • خلع فاخره مدت برتوب خلعت
مورث البهجت • عنایت وارزانی قلنوب • ایصالی ایچون فلان تعیین اولنمشدر

وصول بولدقده خلعت فاخره وکسوه باهره می انواع تعظیم واحترام
واصناف توقیر واکرام ایله کیوب دخی جبلتکزده مرکوز ونهادکزده مر
مرکوز اولان وفور غیرت دینیه وفرط حمیت اسلامیه که مقتضا سجیه
عشایر وقبایل طاغستانک نامدارلری وسایر عساکر نصرت مآثر البرز
حاضر وآماده اولوب وامرای کرجستان دخی کندو سمتلرندن حرکت
ایتدکلرنده اقتضا ایلدوکی محللرده ملاقات ایدوب خلاف امر خلاف
ناقض عهد ومیثاق اولان ریش روافضدن اخذ انتقام ایچون
وارقوتی بازوی همته کتوروب اعدای دین ودولت استیصالنده اتفاق
وقلع اصول مخالفینده تشمیر ساق ایدوب مردانه ارلک ودلیرانه
دلاورلکلر ایتمکله دین واسلامه لایق ورضای رب الانامه موافق
غزا وجهاد مراسمین رعایت وناموس شریعت غرای صیانت ایتمه ده بذل
مقدور وسعی نامحصور ایلیه سن که خدمات مبروره لک ضایع اولیوب
دعای خیرم استجلابنه باعث وانواع عنایت علیه مه مظهر اولمه لک
مقرردر من بعد دخی تأکید صداقت واخلاص وتشیید موالات
واختصاص ایچون بارکاه سعادت مدارم وسردار ظفر شعارم سوبلرینه
ارسال رسل ورسائل ایله اعلام خالدن خالی اولمیه سز

کرجستان حاکمنه خلعت ونامه در قزلباش خصوصنده

سن شجاعت وشهامتده امرای کرجستانک ممتازی وغیرت وحمیت اسلامیه ده
نامداران البرزستانک سرافرازی اولوب اغور دین مبین وعزت
چاریار کزین رضوان الله علیهم اجمعین ده نیت اعلاء کلمة الله ایله
غزا وجهادده سعی واجتهاد وسباب اصحاب کرام اولان طایفه روافض
والحاددن ائمه امجاد اخذ انتقام ایدوکلکلرندن غیری اجداد عظام
انار الله براهینهم زمان شریفلرنده فتح ممالک شرق ایچون تعیین اولنان
سردار وسر عسکرلر شروان طرفنه توجه ایدوب اول دیارک سنی
مذهب وپاک اعتقادلرین لوث تغلب روافضدن تطهیر وبنجه
کردنکشانی دایره اطاعته کتوروب تسخیر بلاد کلرنده اجداد صداقت
نهادک دخی قلع اصول اعدای دین وقمع روافض وملحدینده متفق الکلمه
ومتحد الهمه اولوب خدمات دینیه ده واقع اولان اقدامکز مقابلنده
انواع تحسینات ونوازش پادشاهانه یه مظهر اولمشلردر امدی
سن دخی دودمان مشید الارکانه کمال صداقت واخلاص اوزره اولوب
جاودانی استقامتده ثابت قدم وپیروی صداقت اجداده راسخ دم اولدوغی

مساعی

مساعی علیه خسروانه مه القا اولنمغله حقکزده حسن ظن همایونم زیاده
اولوب مظهر خیر دعام ومنظور نظر عاطفتم اولمش سندر برخوردار
اولاسن امدی بارکاه فلک دستگاهمه اولان خلوص طویتک مقابلنده
حقکزده مزید عنایت خسروانم ظهوره کتوروب خلع فاخره مدت
برثوب خلعت مورث المسرت عنایت وارزانی قلنوب ایصالی ایچون
فلان تعیین اولنمشدر وصول بولدقده احتشا اولنان خلعت فاخره وکسوه
باهره می انواع توقیر واکرام ایله کیوب جبلتکزده نهاده ومرکوز اولان
غیرت وحمیت مقتضا سجیه عسکرکله وقبایل وعشایرک نامدارلری
ایله حاضر وآماده اولوب انشاالله تعالی سردار ظفر شعارم اول طرفه
متوجه اولدقده امرای کرجستان دخی کندو سمتلرندن حرکت ایلدکلرنده
سن دخی اقتضا ایلدوکی محللرده ملاقات ایدوب خلاف امر خلاف
ناقض عهد ومیثاق اولان ریش روافض وملاحده دن اخذ انتقام
اصحاب کرام ایچون وارقوتی بازوی همته کتوروب استیصال قزلباش
اوباشده تشمیر ساق ایدوب مردانه ودلیرانه ارلک ودلاورلکلر
ایتمکله دین اسلامه لایق همت وغیرت ورضای رب العالمینه موافق
جهاد وغزا مراسمین رعایت وناموس شریعت غرای صیانت ایتمه ده
بذل مقدور وصرف دقت نامحصور ایلیه سن که خدمات پسندیده ک
ضایع اولمیوب انواع عنایت علیه مه مظهر اولمه لک مقرردر
من بعد دخی امور دین ودولته متعلق اولان احوالی استماع
وسردار ظفر شعارم طرفلرینه اعلامدن خالی اولمیه سز

کماخ خاننه سلطان سلیمان خاندن نامه در قزلباشه دخی بابنده

جناب امارت مآب ایالت نصاب دولت انتساب سعادت اکتساب
ذو القدر الاتم والفخر الاشم المحفوف بصنوف عواطف الملک الاعلی
علی سلطان دامت معالیه سلام موفور وثنای غیر محصور که عنایات
فایض النور پادشاهانه ایله صدور وظهور بولور شرف وصوله موصول
اولدقدن صکره انها اولنور که حوالی دیار عجمک والی فاسدلا حولی اولان
شاه کمراه طهماسب ضلالت پناهک سعد مآستان سعادت آشیانه
مشید الارکانمزه ایلچیلر کلوب امن وامان طلبی ایچون صلح وصلاح مراد
ایدینوب تضرع ایلدکده طلب امان اهل ادیانده حسن قبوله وصول بولمق
عادت حسنه سلاطین اهل ایمان اولمغین برزمان فرصت وبرلیکه
ارخای عنان اولنمشدی لکن جبلت وطینتنده مرکوز اولان فتنه وفساد

وطبیعتلرده مرموز اولان رفض والحادی سببندن نتیجه قبایح اعمال وشنایع
اقوال وافعال الدن خالی اولمیوب دفع شر وبدعت ورفع اعدای دولت وملت
لوازم همت عالی نهمت پادشاهیدن اولمغین عنایت بی نهایت الهی ایله
انلك خصوصنده اصناف تدبیر دلپذیر قلنوب عساکر ظفر ماثر ایله
اطراف دیاردن اوزرلرینه یوریمك تصمیم اولنمشدر انشا الله تعالی
الاجل الاکبر خبرلر منتشر اوله سزك دخی کمال اسلام ودیانت وغایت
شجاعت وشهامتکز مقتضاسیله دائما قزلباش اوباشیله مقاتله ومعاربه
اولنوب طایفهٔ ترکمان اهل سنت ومسلمان اولدقلری جهتدن یوزلری
اق اولسون همیشه غالب ومنصور واعدای بدرأیی منهزم ومقهور
اولدوغی خبرلری مسموع مجموع سکان بلاد اهل اسلام اولمشدر
حالیا فخر الاماثل والاقران ذخر الاماجد والاعیان درویش محمد
بن بخشای زید قدره کاتب شریف بیتنه بوده یا رجلیل الاعتباره کمیدی
اولطرفه ارسال اولندی وصول بولدقده ذاتکزده اولان کمال
دینداری وهمت شجاعت شعاری اوزره کرکدرکه سندخی دین
اسلام غیرتنه وشرع منیف سید الانام علیه الصلوة والسلام حمیتنه
عدوی شرع وملتك وجودینی صحیفهٔ دنیادن نابود ایتمکه سعی تام
واقدام واهتمام اوزره دفع مضرتلری ایچون کمر اجتهادی میان جانه
بند ایدوب اول جانبلرده اولان امرای صاحب تمکین وقبایل سلمهم الله
طریق جهاد وغزاده حسن اتفاق واتحاد اوزره اولوب اول شریرلرك
ایل ومملکتی یغما وتالان وخراب وویران ایدوب علی التوالی قتل
وغارت ونهب وخسارتدن خالی اولمیه سن که حضرت خدای رب
العالمین طایفهٔ موحدین وفرقهٔ مجاهدینه همیشه نصر ومعین
اولمق محققدر هواره امداد نصرت یزدانی وتاییدات ربانی
قرین حال ورهین آمال باد برب العباد

حاجم سلطان طرفنه سلطان سلیمان خاندن یحث نامه در

عالیجناب سلطنت مآب امارت نصاب ایالت اکتساب سعادت انتساب
ملکی الذات ملکی الصفات ذاهب مذاهب المجد والافضال سالك مسالك
العز والاقبال المشتهر بمکارم الاخلاق المنتصر من عند الملك الخلاق
ناشر العدل والاحسان باسط الامن والامان المستغنی عن التوصیف
والبیان المحفوف بصنوف عواطف الکریم المنان حاجم سلطان ابن
اغانای خان ابده الله وابقیه الی انقراض الزمان اضاف تحیات صافیات

که روایح روح افزاسی مشام روحانیانی معطر قیله واضعاف تسلیمات
وافیات که فوایح مسك آساسی دماغ ساکنان باغ جنانی معنبر ایده اهدا
قلندقدن نصکره ضمیر منیر مرآت نمایه انها اولنور که فخر الاماجد والاعیان
آدمکز یابن تولدی زید قدره وساطتی ایله نامهٔ فرخ فال وفرح مآل
وصحیفهٔ اخلاص مقال واختصاص اتصال ایصال قلنوب استان رفیع
البنیانمز جانبنه کمال مصافات ووداد ونهایت موالات واتحاد اوزره
٢٢٦ اولدوغین اشعار ایلیوب انظار صدق آثارکز بارکاه ذی الاقتدار مز
قبلنه علی الاستمرار ابد وکین ابلاغ واشعار ایتمش سز هر نه که تقریر وبیان
اولنمش ایسه بربیر تفصیل معلوم وعیان اولوب قوت دیانت واسلام
ورعایت شرایع واحکامده سعی واقدامکز تمام واضح وعیان اولدی سلوك طریق
شریعت ابیت وخواقین خلافت قرین مبانیده انبساط وارتباط سبب
نظام مصالح کافهٔ مسلمین وباعث اعلای دین حضرت سید المرسلین در
صلوات الله علیه وآله وصحبه اجمعین الی یوم الدین مشارالیه ایلچیکز
اولکه مراسم رسالت ولوازم وساطتده اتمام ایتمکین حسن اجازت
عاطفت غایتمز ایله صوب صواب منقبت طرفنه ارسال اولندی سوالف
ایامدن عتبهٔ علیهمز مرجع کبرا وفخام وملجای امرا لازم الاحترام اولمغله
التجا والتماس ایله افتخار ایدنلر رحمتمز وفور شفقت وکمال عاطفتمز
بی حد وشمار در من بعد دخی ابواب مراسلات مفتوح طوتیله
تحریرا فی اواسط جمادی الاخرة سنة اربع وسبعین وتسعمائة

کیلانی خان سلطان سلیم خاندن جواب مکتوبدرکه شرق سفرینه متعلق
احوال وامور بیاننده در

مکتوب شریف عالی المقام وارد اولوب متضمن اولدیغی احوال مطالعه
قلنوب معلوم اولدی که بعض زماندن برو آبنده ورونده وتجار منع
اولنمقدن جناب عالیمزده ملحوظ اولمیان بعض قضایا خطور ایدوب
مقام شریفمزه سوء ظن اولنمشدر رای عالم آرای خفی کلدرکه سابقا
قزلباش لعینك اوسنده وارمقدن غرض تجرد انوار نوامیس الهیه
وشرایع نبویه ایچون حجاب ظلام ظلم مخالفان دین ودولتدن اظهار ایدوب
عالمی شرایع نبویه ایله بوللاندیروب خامهٔ تقدیر ایله نامکه مرقوم اولان
سعادت ومکامن غیبیه ده مقدر اولان منصهٔ حصولده جلوه کر اولان
محل دنیایه کلدر امدی کرکدرکه یوسف فرخنده اثرده نصرت وظفر کبی
هم امور ملازم سردار ظفر پناه اولوب قمع کینه خواهان اسلامه صدقله

عازم و تخت حکومت و حوزهٔ ایالتکه اولان دلاوران جنك جوی
و بهادران خصم افکن رستم خوی ایله برنوراپلك بری قطعا طمع
مملکت و ضبط دیار خاطر شریفلرینه خطور ایتمشدر مجرد جمعیتلری
تفریق و شوکتلری کسر اولنمغله اکتفا اولنوب شاید منتصح اولدلر
دیو باقی احوالنه تعرض اولنمدی بعده اصلا منتصح اولمیوب حالت
اصلیه سی اوزره استقراری استماع اولنیجق بینه غیرت پادشاهی
ظهوره کلوب روی عالمدن اوساخ وجودلرین بالکلیه تیغ ابدار ایله
محو ایتمکه تصمیم ایدیجك بر و طرفدن علاقه و استمدادی بالکلیه منقطع
اولمغیچون طریق شرقی سد اولنوب آنلره وروننده و تجار منع اولندقدن
صکره هر بارکه اول طرفدن کلمش کمسنه بولنسه تفتیش و تفحص اولنجق
یا حلبدن یا اسکندریه بولندن کلمش بولند و نحی جهتدن جانب شرقه
واصل و لاحق اطرافك جمیعسی سد اولنمق قصد اولنوب اول طرفك
دخی آنلره ورونده سی منع اولنوب شونلرکه اللرنده متاع شرقی
بولندی اکر عرب و اکر عجم و اکر رومیدر حاللرنه شبهه اولدوغیچون
معتمد و برار کفیللره و یرلیوب اسبابلری ضبط اولندی اما شونلرکه
اللرنده متاع شرقی بولنمامشدر هیچ دخل و تعرض اولنمیوب حاللری
اوزره تجارتلرینه ابقا اولنمشدر سلاطین اسلامیه دن برینك هیچ
کندو بزم مملکتنه طمع و کوزندا برشد برمك اصلا خاطره خطور ایتمشدر
من بعد دخی ایتمز مادامکه امر شرع شریف بجا ایتمیه خصوصا
سزکله که مودت سابقه درجهٔ ابوت و بنوته بتشوب حرمین شریفین
محترمین خرینه دخی مرعی ایکن مقام عالیمزدن شمدیه دکین بین
الجانبین تکدیره باعث بر قضیه و ضع مملکتدن منبئ بروضع صادر
اولمشدر بو معنییه شاهد عدلدرکه هنوز مکتوب شریفکز واصل
اولمدین حالیا اول مفسد بدینك و ضلالت آیینك اثار فسادین
بالکلیه عالمدن محو ایلمك نیتی ایله دیار شرقیه متوجه اولیجق عادت
سالفه مقتضاسنجه بابام سلطان بایزید حضرتلری خلدت سلطنته
و حرمین شریفینده مقبول کدعوتم ظن اولنان کمسنه لرك ادعیهٔ
صالحه لرین رجا ایدوب اعلم العلماء المتبحرین افضل الفضلاء المتورعین
بینبوع الفضل و الیقین مولانا زکی کدینی دامت فضائله و فخر الامراء
الکرام و ذخر الکبراء الفخام ذو القدر و الاحترام المختص بمزید
عواطف الملك الصمد احمد دام مجده بی ایلجی تعیین ایلیوب کوندرمشدر

مجرد تحریك سلسلهٔ وداد و تشیید مبانی اتحاد ایچون حق علیم علام مدرکه
بوجانبدن بو جهتدن غیری نسنه یوقدر و من بعد اولق احتمالی دخی
یوقدر مکر اعدای دینی برم قلع و قمع ایتمه مزم که بحسب الشرع واجب
اولمشدر رضا کوستریوب مخالفته اقدام ایلیه سز او لوقت هر نه که
وراء تقدیرده باینزده ظهوره کلور و کیلی احوالی ذکر اولنمش معلوم کرده
جناب عالیمز جانب بحرده کفار خاکساره دائما غزا و جهادی اکسك
ایتیوب حفظ دریا ایچون تدارکمز جمیع زمانده مهیادر بو جانبدن
بحق منافی بر وضع صادر اولمشدر امید در که من بعد دخی جانبکزدن
برودته باعث اولور بر وضع صادر اولمیوب توارد رسایل محبت
پیام و تردد رسل ذوی الاحترامدن خالی اولنمیه تا که ساعة قواعد
وفاق و مصادقت مستحکم اولوب یوما فیوما بنیان وداد مرصوص
اولی تحریرا فی شهر محرم الحرام سنه ٩٢٢ بمقام ادرنه

شرفخانه سلطان سلیمان خاندن استمالت نامه در قزلباشدن دوکردان اولدقده

جناب امارت مآب شهامت نصاب شرف انتساب دولت اکتساب
مؤتمن الدولة العلیة الخاقانیة معتمد السدة السنیة السلطانیة
الامیر الجلیل شرفخان لا زال منظورا بانظار اللطف و الاحسان
توقیع رفیع همایون واصل اولدقده معلوم اوله که رهنمونهٔ اقبال
خداداد و رشد و سداد مادرزاد سببی ایله کروه مکروه رفض و الحاد
میانندن اولان شنایع بدع و فساد و ستم اصحاب الحاد ایدن قوم
مذموم بدعت معتاد و ظالم بیداد نهاددن معرض و متنفر و داعیهٔ
اخلاص و صداقت و محبت اهل سنت و جماعت دل پاکده و طبع
دراککده متوفر اولوب ظلمات ظلم و ضلالتلری مودث ملال و کلال
و بارلری ترجیح الحرام علی الحلال اولمغین ظلمت آباد مرز الحاددن چقوب
مطرح اشعهٔ انوار اهل سنت و جماعت اولان حسن اعتقادی ابراز
ایدوب اثار دقایق فرزانکی مراسمن مراعات و دشمنان مذهب
و ملت ایله اظهار معادات ایدوب کاه عادات اهل سعادت اوزره
عبودیت و کاه خدمتله افتخار و مباهات ایتمکله مقبلان خردمند
دولتمنددن سربلند ایچره بوکونه شرفله نامدار و مقبولان بارکاه سعادت
مدار اولمش سز و کنف عنایت و اشفاق و ظل عاطفت و ارفاق پادشاهی
صدق التجا ایله کزینه پناهکاه آفاق اولمش سز یمن صداقتکله معارج
جاه رفیعه ترقی و مزید التفات شهنشاهی ایله مباهی اولمغه جهد ایدوب

امانت واستقرار ناركنه ترفع • ودست رس بولنجغك جاه انتباه
دكلدر • وكشتزار امالك امداد غمام انعام شهنشاهى ايله سرسبز وتازه
ونصاب عطاياى فراوانمدن نصيبك بى اندازه اولوب • يوسف ظفر
رخ جهره مساعئ مشكوره ظهوره كلديكجه • رفعت درجات شرفك
ازدياد • وساية عاطفتم فرقامىدك اوزره امتداد بولوب • خامهٔ
تقدير ايله ناميكه مرقوم اولان سعادت ومكارم غيبيه مقيد اولان
٢٢٨ دولت • منصهٔ حصولده جلوه كر اولنجغى محل ارتياب دكلدر • امدى
كركدركه يوسف فرخنده اثر ده • نصرت وظفر كبى همراه وملازم وفتح
٨٧ كنه خواه اسلاميانه صدقله عازم اولوب • تخت حكومتك وحوزهٔ
ايالتكرم اولان دلاوران جنك جوى • وخصم افكنان رستم خوى ايله
عسكر همايونمه ملحق • وسردار بلند اقتدارم بانچه ساعهٔ اعلاء
كلمهٔ حق اوله سز • تا دنياده مزيد عطاياى پادشاهى • واخرتده جميل
جزاء الهى يه مستحق اولورسز • چون اجدادك راه وروشلرينه شعور
تاملك وقرب عهد افندلك ايله • هر ايشلرينه اطلاع مالاكلام ملك وارد
كوكدركه ارادهٔ تدابير صايبهٔ • وافكار ثاقبه ايدوب • سپهدار عاليمقدارك
راى صوابلرى اوزره • ملايم حال اولان مصالح وامورده قيام تام
كوسترمكدن خالى اولميه سز • كه دشمن بيان كسل منع تيم بسمل كبى
حركت مذبوح • وجمعيت بى فتوح ايدوب • حشر حشرات ابتمش اولىه •
فضل رب العالمين • وروح پر فتوح سيد المرسلين • دن صلوات الله
عليه وسلامه مسؤلم بودركه ارواح طيبهٔ اصحاب كزين • حرمتنه
عساكر موحدين امداد ملائكهٔ مسومين ايله • كزند اعدادن امين اولوب
خاشاك رفض والحاددن كشورتابناك عجم پاك • وملاحدهٔ بى ادراك
تيغ قهر ايله هلاك اولوب • رسوم بدعت بالكليه رفته • وغنچهٔ دولت
نسيم ظفر ايله شكفته اولوب • نهال سعادت رشحات نصرتدن
بلند وبالا • اولمق بفضل الله الملك الاعلى • ميسر اوله •

٢٠٨ ايچ باش حاكمى اولان رستم خانه استمالت نامه در

ملاذ وملجأ سلاطين عظام • ومنجا خواقين دوران عاليمقام • ولاة
سدهٔ سنيهٔ سعادت مدار • وعتبهٔ عليهٔ كردون اقتدارمه مكتوب
كوندروب • جنت مكان فردوس آشيان غريق رحمت رحمان مرحوم
ومغفور جدم سلطان سليمان خان • متقدما مقرعزتلرندن وآلقوب
٢٠٩ دولت واقبال • وسعادت واجلال ايله كفار خاكسار • اوزرينه سفر

ايلدكلرين

ايلدكلرينه • باباكردركاه عالمپناهلرينه پيشكش وايلچى كوندروب • خلوص
فؤاد ايله اطاعت وانقياد ايليوب • دفعهٔ ثانيه ده دخى تبريز اوزرينه
عزيمت ايلدكلرينه اغورهمايون سعادت مقرونلرينه كلى خدمت ايليوب •
سز دخى سنهٔ سابقه ده سيمون خان ايله امير الامراء الكرام • فرهاد
دام اقباله بى كوتانيس قلعه سنه كتوروب انجنده اسكان ايندرمش ايكن
صكره دن اخسقه بكلربكيسى كوندردكى ذخيره يى مشار اليهه كتوروب
تسليم اتمكه قويميوب • بونلرى سد ايدوب • ولايتمزدن روم ايلى عسكرينى
قالدورمغه لمربزمله شفق اولورقزلباش دخى بزه تابع اولوب • اخسقه قلعه سن
المق ممكندر ديو اصدق ايليوب • كاغدو آدم كوندردكده رضا كوستردكلرى
اجلدن عسكرك كليسى اوزريكزه واروب • جنك ايلدكده مغلوب ومنهزم
اولوب • انجق بيك سكز نفر آدمى ايله خلاص بولوب مبدأ فساد • مزبور سيمون
خاندر ديو • اعلام ايلدكلكردن ماعدا عتبهٔ عليامزه خلوص طويت
وصفاى عقيدت ايله انقياد واطاعت ايدوب • هر سنه خراج كوندرمكه
متعهد اولوب • اولبابده فرمان جليل القدرم طلب ايليوب • وكندو عسكر
مزبور سيمون خان اوزرينه واروب • بالكليه مملكت وولايتنى غارت
وخسارت ايلمكه اذن همايونم طلب ورجا ايلمشسن • امدى حق سبحانه
حضرتلرينك علو عنايات بى غايت • وسمو عاطفت بلا نهايتى ايله •
سدهٔ سنيهٔ سپهر احترام • وعتبهٔ عليهٔ فلك احتشام • دائما مفتوح
وكشاده اولوب • ممالك شرق وغربدن اكر سلم واكر حرب ايچون كلنلردن
بر فرده منع ودفع • وسد ورد يوقدر • خصوصا سدهٔ سنيا • وعتبهٔ عليامه
درون دلدن اطاعت ايلنلرك حقلرنده انواع عنايات شاهانه • واصناف
٢٢٩ حمايات ملوكانم • مبذول اولوب • مراد ومقصودلرى حصوله موصول
قلنمق • اباء كرام واجداد عظامم انار الله تعالى براهينهم زمانلرندن
الى هذا الآن عادت باسعادت پادشاهانه مزدن اولمغين • رجا وتمنا
عرضحضور لامع النور مستوجب السرورمده • حيز قبول ومحل ارتضاده
واقع اولمشدر • مادامكه عتبهٔ عليامه صداقت اوزره اولوب •
تعهد ايلدكك خراجى كوندروب • امرمه امتثال ونهيمدن اجتناب
ايليه سن • انشاالله تعالى سنى والامه خلوص اوزره اطاعت ايلين
سلاطين عظام • وامراء فخامدن اضعاف مضاعف عنايت واحسانمه
مظهر اولملكره اشتباه يوقدر • سيمون خان مقدما خيلى سركشلك
ايلمشكن صكره دن انصافه كلوب • سابقا ايلديكى عصيان وطغيانه

ندامت کوستروب استعداد ایلیوب• خیلی زماندن بروانقیاد وخراج
کزار اولمغین• انلرك امثالی خراج کزار اولنلرك اوزرینه عسکر کوندرملك
بزم اولو پیغمبریمز محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم حضرتلرینك• شریعت
شریفه لرنده جایز اولمامغین• اول خصوصه رضاء همایونم اولمیوب•
بو بابده بیمون خانه توکدنامهٔ همایونم کوندریلوب• دائما سنکله موالات
ومصافات اوزره اولوب• مملکت وولایتکدن برینه دخل وتعرض ایلمامك
ایچون• انواع وعهد ایله محکم تنبیه وتاکید اولنمشدر• بر دخی بزم متعلق
اولان مملکت وولایته دخل وتعرض ایلمك احتمالی یوقدر• بیوردم ملکه
وصول بولدقده استان دولت آشیان وخانذان عدالت عنوانمه
اولان صداقت واخلاص ورقیت واختصاصك• موجبنجه صداقتده
مقیم وطریق مصادقتده مستقیم اولوب• تعهد کز اوزره هر سنه استان
سعادتمه یارار ومعتبر آدملر کله خراج کوندروب• عتبهٔ کردون پایه مه
طاعتی سرمایهٔ دولت وپیرایهٔ عزت بیلوب• اولجانبده سرحد منصوره
اولان بکلربکیلر وامرا ایله یکدل ویکجهت اولوب• اغور همایونم سعادت
مقرونمده خدمت ایتمکه سعی بلیغ• وجهد بیدریغ ایلیه سن که انشاالله
مأمول وملحوظکدن زیاده انواع رعایت واحسانمه مظهر اولوب• دائما
ظل حمایتمده آسوده حال• ومرفه البال اولدوغکدن غیری هرکاه انظار ٤١٠
فرخنده اثارم اوزرکدن خالی اولمیوب• حرمات مرعی ومحترم اولمالکم اشتباه یوقدر

صدراعظم طرفندن آجق باش ملکنه مکتوبدر دادیان نصب اولنمق خصوصنده

شوکتلو وعظمتلو وکرامتلو وقدرتلو افندم پادشاه اسلام ظل الله تعالی
خلد فیه الی یوم القیام حضرتلرینك عتبه علیه وسده سنیه لرینه ایلچیکز
کلوب• معتاد قدیم اوزره مبارك رکاب همایونلرینه یوز سوروب•
صداقت واستقامتکز مقابله سنده رعایت اولنمشدر• سز دولت علیهٔ
عثمانیه نك مستقیم وصادق قولی اولوب• باباکزدن وددهکزدن
بو دولتك استقامت وعبودیتندن غیری بر وضع صادر اولمدیغنی
بو نفسکزه دخی اعتقاد واعتمادمز بودرکه طوغرولق اوزره قوللقده
ثابت قدم اولهسز• لکن بوندن اقدم دادیان مرد اولدقده کوربل ملکی
اوزرینه لازم دکل ایکن• قرنداشندن بر آدم کتوروب• دادیان نصب ایلمك
استدکده سز مانع اولوب• آراکزده خیلی محاربه ومقاتله اولمشیکن
فی الحقیقه کوربل بو مقوله فساده جسارت ایلدوکن کندویه جرم وقباحت
اولوب عتابه مستحق اولمشدر• اما سن دخی مقدما اولان جنکده لحقنه

سرحد

سرحد قوللرندن خیلی آدم اسیر ایلدوکدن غیری• عظمتلو پادشاهمزك
رکاب همایونلرینه عرض ایدوب• برات شریفلری ویرلدیکن دادیان نصب
ایدوب• واذن همایون یوغیکن• کوربل اوزرینه واروب• اکا دخی کندونکیله
ملك نصب ایلدیکلرکز سکا دخی جرم عظیمدر• وبالجمله طرفینده بو مقوله احوال
٧٥٠ اولماسی کرك ایدی اولمش• ویکی یکی حالیا شوکتلو وعظمتلو وقدرتلو
پادشاهم مراد همایونلری بودرکه دادیان• نه سنك مراد ایلدوکك• ونه کوربل کورمك
استدوکی اولمیوب• طرف همایونلرندن دادیان نصب اولنه• وکوربل دخی
برینده طوروب نجه اختلال وفساددن خالی اولمیه• انلك یرینه دخی طرف
همایونلرندن مناسب کوریلدکن بر آدم تعیین اولنه• بو منوال اوزره رضای
همایون وفرمان عالیشانلرینه اطاعت وانقیاد ایدوب• امر شریفلرینه
جان وباش ایله امتثال ایدرسك• صداقت واستقامتکه اعتمادمز زیاده
اولوب• کوندن کونه نظر عنایت پادشاهیه مظهر اولورسن شویله که
بو خصوصده ذره قدر تردد ایلیه سن• سعادتلو وکرامتلو وعظمتلو پادشاهمزك
مبارك باشلری ایچون بعنایة الله تعالی وفضله جمله کرجستان قلیچدن کچوب
ات ایاغی التنده پایمال اولنجه همت اولنوب فرمان پادشاهیه مخالفت
ایدنلرك مقداری بلدرلمدکجه الحکم ملك مقرردر• وشوکتلو پادشاهمزك
مراد شریفی فرمان همایونی بویله در• بزه لازم اولان سزی خبردار ایلمك
ایدی مکتوبمزله نتیجه اعلام اولندیکی بو نفسکزه وبالك کندو بوینکزه
ذره مقداری اطاعتده دقیقه فوت ایدرسك• وقتکله حاضر اولهسن•
١٩٧ حالیا ایالت چلدر که ارضروم محافظی اولان وزیر جلیل الاقتدار عزتلو ونعمتلو
اوغلی احمد پاشا حضرتلری ایله کوندرلمشدر• بو مکتوبمزك علی العجله جوابن
شارالیه حضرتلرینه کوندره سنکه• بو جانبه احوالکز انلك طرفندن عرض
اولنوب• انشاالله تعالی کرجستان ایچنه دوشن اختلال سهولتله دفع
اولنوب• نظم وانتظام ویرلمکله هر بریکز ایام دولت شهریاریده آسوده
حال اولهسز• بزم دخی مرادمز عظمتلو وقدرتلو وشوکتلو پادشاهمزك
ایرحکومتلرنده اولان قوللرکه ممالك محروسه لرنده اولان رعایا و
برایاسی اولماسیدر• بو خصوصه پادشاهلرك قوت وقدرتلری نه مرتبه
اولوب وقلیچلری نه قدر اوزون اولدوغنی سزده بیلورسز• ∴

١١ کاردیل حاکمی ماعز دخان قزلباش مضرتنی دفع ایچون استمداد
ایتدکده طرف آستانه دن استمالت نامه سیدر

قدوة الامراء الکرام سنجاغی بکی اولان محمد دام عزه• ودرکاه معلم

چاوشلرندن علی چاوش زید قدره ایله سن سعادتمه مشروح و مفصل
مکتوبلر کوندروب مضموننده قزلباش بدمعاشك اولجانبلره مضرت
قصدی اولوب عیاذاً بالله تعالی شاه کمراهك کیجه وکوندز فکر فاسدی
وخیال کاسدی کرجستان دیارلرینی قبضهٔ تصرفلرینه کتورمك واول
طرفده ممالك محروسه‌م حدودینه ضرر وکزند ایرشدرمك اولدوغن
اعلام ایدوب وقتی ایله دشمن بدیندن ورفضه ضلالت قرینك دفع مضرتلرنك
تدارکی لازم دردیو بوجانبدن عسکر وامداد طلب ایلمش سن وبالجمله
دشمن احوالنه متعلق هرنه تحریر وبیان ایلمش ایسك جمله‌سی علی وجه
الکمال معلوم علم شاهانه‌م اولمشدر عرض واعلام ایلدیکك اوزره
اعدای دینك فکرلری کرجستان ایدوکی محقق وسرحدمز نوعی وامداد
اولنمق اهم امور دین ودولتمدن اولدوغی معلوم همایونم اولمغله
حالیا بالتوم بکلربکیسی امیر الامراء الکرام عمر دام اقباله ایالتی عسکریله
وچالدرکوربنی بکی مرتضی وبروجه اربه‌لق سنجاغنه متصرف اولان
سفر دام اقبالهما وکرجستان طرفنده واقع اولان حکام وامراء حکومتلرندن
اولان عسکرلریله جمله امدادکه تعیین اولنوب ومشارالیه عمر دام
اقباله اول سرحدلرك اهل وقوفی وامور دینه ونامدارلری اولمغله ذکر اولنان
طوایف عسکره سرعسکر نصب اولنوب جمله‌سی بلا توقف یرلرندن قالقوب
واروب سکا ملحق وملتحق اولوب وجه مناسب کورلدیکی اوزره
اوغور همایونمده خدمت ودفع مضرت امداده بذل همت ایلملری ایچون مؤکد
اوامر شریفه‌م ایله فرمان همایونم صادر اولمشدر وبونلردن ماعدا ٢٤١
سن سعادتمندار مددینه دخی بکجی قوللرم تعیین اولنوب کمی ایله طربزون
جیقوب اندن سرعسکر مشارالیه ایله معاً سکا واروب ملحق وملتحق
اولمق اوزره دررلر وایالت اناطولیدن دخی زعما وارباب تیمار ایله عموماً
ارضروم وایالت طربزوندن اولان بکجی بلریضا بطلری ایله امدادکه
مأمورلر اولوب مجدداً اخراج ومحل مأمورلرینه ارسال ایچون حکام شریفه‌م
خلع فاخرم ایله اوامر شریفه‌م کوندریلوب سز برنکجدن حرکت
ایتد وکلکی کبی انلر دخی عسکرلریله حرکت ایلیوب امداد ایلملری فرمانم
اولوب وکوردکده وادیات وآچی باش ملکلری دخی استنات محلد الارکان
وددومات مشید البنیانمه اولان عبودیت وانقیادلری اوزره سکله
بکدل ویکجهت اولوب ادای خدمته سعی ودقت ایلملری ایچون اوامر شریفه
ارسال اولنمشدر وایالت اناطولینك معتبر ونامدار سنجاقلرندن کنزی

سنجاغی

سنجاغی سکا اربه‌لق صدقه وعنایت اولنوب جانبکدن ضبط اولنمق
اوزره درامری سندنی جیلنکن مرکوز ونهادکده مرموز اولان وفور
غیرت وفرط شجاعت وحمیت موجبنجه وادرقوتی بازوی همتله کتوروب
تحت حکومتکده اولان کرجستان عسکرندن ماعدا ممکن اولدیغی قدر
سایر کرجستان بکلرندن ویرارنامدارلرندن ترغیب اولنمغله
مستوفی آدم جمع ایدوب وذکر اولنان بکلربکیلر خبر لنوب فتح
محلده مناسب کوریلورسه درنك وجمعیت ایدوب مقتضای وقت
انسب ودولت علیه‌مه اولی وانفع اولان وجه اوزره ادای خدمت
صف غیرت اولنوب اعدای دینك حرکت ویرنکلری نه یوزدن اولورسه
بعون الله تعالی حسن تدبیر ودلپذیر ایله دفع مضرتلرینه فرصت آلب
وبر دفعه قزلباش بدمعاشك بیخهٔ تغلبلرینه کوفنار اولان قدیم وبقاع
فتح وتسخیری باینده جان ودولتدن بذل مقدور ایلیوب کما فی الاول بلطف الله
٤١٦ تعالی قزلباشه وجود ویرمیوب اول سرحدلرکرکی کبی محافظه اولندقدن
غیری بوسنه دخی اول طرفدن دشمنه کوشمال ویریلوب دین ودولتمه
لایق ورضای همایونمه موافق وصلاح حال عباد وانتظام بلاده مطابق
انواع خدمات جمیله وجوده کتورلمك بابنده فرمانم اولمشدر استان سعادت
آشیانمه اولان صداقت واخلاص وعبودیت واختصاصك مستوجب
رأفت واقع اولمغین حقکده مزید عنایت خسروانم ظهوره کتوریلوب
خاص خلع فاخره مدن بر ثوب خلعت مودت البهجتم عنایت واحسان اولنوب
فلانی ایله ارسال اولنمشدر یوزمکه حکم شریفم وصول بولدقده انعام وارسال
اولنان خلعت فاخرم وکسوت باهرم محی انواع تعظیم واکرام واصناف توقیر
واحترام ایله استقبال ایدوب آلوب کیوب دخی حقکده صدور بولان
احسان فراوانم مقابله‌سنده غیرت کمرینی ایکی یردن قوشانوب تحت
حکومتکده اولان کرجستان عسکرندن ماعدا ممکن اولدیغی حسن استمالتله
اطراف واکنافده اولان کرجستان بکلرینی ونامدارلرینی یانکه کتوروب
یوماً فیوماً درنك وجمعیتك ازدیاد بولمغه واعدا اوزرینه غالب اولمغه
سعی ایدوب وامدادکه مأمور اولان مشارالیه طربزون بکلربکیسی
عمر دام اقباله ایله ذکر اولنان طوایف عسکر ایله مناسب کوریلدوکی محلده
جمعیت ودرنك ایدوب عیاذاً بالله تعالی اعدا طرفندن اوزریکزه
هجوم وحرکت وکرجستان مملکتلرینه قصد مضرت اولورسه حسن
تدبیر وتدارکله دفع مضرت اولنوب ممالك محروسه مددنه برمحلّه ضرر

وكزندابرشد دمكه وفرصت الدوبردكجه اولطرفلرده كرجستان قلاعندن
وغيريدن قزلباش كفرفاسك الدنده اولان قلاع وبقاعك انتزاعي بابنده
بذل همت ايدوب اغورهمايونمزده انواع بوزاقلقلري وجوده كتوردكه اقدام ٢٤
تام واهتمام ماكلام ايليه سز وبالجمله سنك امورجنك وحربده ودفع
ورفع اعداده تيقظ وانتباه وحسن تدبيرو تداركك اعتماد همايونم مقرردر
امدي اعداي دينك مكر وحيله لرندن غافل اولميوب دائما بصيرت اوزره اولوب
كرجستان طرفي ايله تقيد همايونم كلي اولمغيله حاليا وزير اعظم سردار اكرم
فلان ادام الله تعالى اجلاله يه دخي خبر كوندرلوب مشار اليه دخي
كرجستان احوالنه تقيد تام ايليه ديو فرمان عاليشان اولدوغندن
غيري بوسنه سفرهمايونم سائر سنه لردن زياده اقدام اوزره اولنوب تعيين
عامه جنود مسلمين وكافه عساكر موحدين سفر ظفر اثريمه مأمور اولوب
سردار ظفر شعارم انشا الله الملك المتعال عن قريب عساكر دريا مثال ايله
سرحد منصوره وارمق اوزره در عون خداي متعال ايله بو سال فرخنده
فالده اعداي ديندن كما هو المرام اخذ انتقام ميسر اولمق حضرت واهب
الآمالدن رجا اولنور اميددركه مقدما ديار شرقده فتوحاتي كرجستان
ديارلرندن ظهور ايتدوكي كبي كيرو ابواب فتح وظفر اول ديارلردن كشاده
بولوب رعايا وبرايا ملاحده دونخصالك شر وشرلرندن امين اولنلر
امدي كوره سني بوسنه دخي نه وجه ايله اركك ودلاورلك اظهار ايليوب
خدمت دين ودولتم سبيلنده نه طريقله نصب رايت غيرت وحميت ايدرسن
انشا الله تعالى من بعد وجوده كلن خدمتك مبرور وسعيك مشكور اولوب
مقابله سنده اكرسن واكرسنكله خدمتده بولنانلره انواع عنايت
عليه خسروانه مزله مظهر عاطفت واحسانم اولورسن اكاكوره خاطر جمعي
خوش طوتوب كوندن بكونه حقكده مزيد التفات همايونمي موجب اولاجق دخي حسنه
بولوب خدمات مستحسنه ظهوره كتورمكه سعي ايدرسز دوشمن طرفندن
مطلع اولدوغك اخباري سردار نصرت شعارمه وسده سعادت
مدارمه عرض وانهادن خالي اولميه سز والسلام ٤١٦

كارديناللرك وپريلدون عهدنامه در

افتخار الامراء العظام العيسويه مختار الكبراء الفخام في الملة المسيحيه
مصلح مصالح الطايفه النصرانيه كارديناللوكه سنه متصرف اولان سيمون
خان ختمت عواقبه بالخير توقيع رفيع همايون واصل اوليجق معلوم اولدكم
بوندن اقدم سده سنيه سعادتمكانه وعتبه عليه معدلت عنوانمزه

قرنداشك

قرنداشك وخصمك وكتخداك وبعض معتمد عليه آدملرك كوندروب مقدما
سردارم اولان دستور مكرم مشير مفخم نظام العالم وزيرم فرهاد پاشا
ادام الله اجلاله سنك احوالكه مقيد اولمغله سن دخي مشار اليه سردارمزه
مكتوب كوندروب سده سعادتمه هر وجهله اطاعت وانقياد ايدوب
خراج كذار اولمالكي سرمايه دولت بيلدكله مشار اليه هر بيلق خراجك
كوندروب صداقت واخلاص اوزره عتبه عليامه التجا واختصاص
ايلدوكك اجلدن موجب اليه سردارم طرفندن دخي سكا هر وجهله استمالت
ويريلوب تصرفكده اولان اولكرك كما كان الكده اولوب نسلا بعد نسل
تصرف ايليوب اخردن دخل وتعرض اولنميه ديو عهدنامه ويريلوب
موجبنجه استانه سعادت اشيانمز طرفندن دخي عهدنامه همايونم رجا
ايلمشسز امدي مأمول ومسؤلك حسن قبوله موصول اولدوغندن ماعدا
قرنداشك وسائر آدملرك دولت عليه مه لايق رعايتلر ايله مرعي ومحمي
اولوب مقدما ويريلان عهدنامه موجبنجه طرف عتبه علیامدن دخي ٢٢٢
موكد تمسكات ويريلمك اوزره ايكن اوجانبده اولان سرحد بكلربكلرندن
علي التعاقب مكتوبلر كلوب سنكچون چوقلق اطاعت اوزره اولميوب
قلعه يه كلوب كيدنلري وسائر ايندن وروندن نيچه رنجيده ايدوكك دن
ماعدا بن خراج كذار اولدم ديو قلعه لره دينده اولان مزروعاتدن
عشر طلب ايدوب وقلعه لر اطرافنده واقع قوت قاهره خسروانيمه ايله
قبضه تصرفه كتوريلن قري ومزارع كما كان بنم تصرفمده اولمق
لازمدر ديو دخل ونزاع ايلدوكك عرض واعلام ايلديلر امدي سابقا
بو مرتبه صداقت واخلاص عرض ايدوب وخراج كوندروب ماينده
عهد وامان كوزدلمك اوزره ايكن بويله اوضاعك ظهوره كتورمك
خلاف مأمول اولمغين بونك اصلي ندر صحتي اوزره خبر آلوب سنده
غفلت اوزره اولميوب هر بر بكلربكلكه متعلق اولان عساكر نصرت
مآثرم ايله حاضر ومهيا اولدرسز ديو بكلربكلرم احكام شريفه كوندرلدي
حالا تفليس بكلربكيسي مكتوب كوندروب سنكچون آستانه سعادته
كمال مرتبه اطاعت وانقياد اوزره اولمغله اوچ پاشا جانبنه توجه
ايتدكده استعانت ايتمكين تفليس قولارندن عسكر ويريلوب
واروب خصمنه غالب اولمشدر ديو عرض ايلمش ايله اولديسه
سنك بو وجهله اطاعت وانقيادك معلوم شريفم اولمغله تكرار
بكلربكلرم موكد احكام شريفه كوندريلوب مادامكه صداقت

واخلاص اوزره اولة اولكه سنه دخل وتعرض ايتميوب ٭ دوستنه دوست
ودشمننه دشمن اولوب ٭ هر وجهله موالات ومصافات اوزره اوليسز
ديو ٭ هر برينه محكم تنبيه وتاكيد اولنمشدر ٭ اما سكا دخي مناسب دكلدركه
مجرد خراجكزار اولدم ديو قلعه لربنا اولندوغي زمانده قوت قاهره
ملوكانه مله قبضهٔ تسخير وتصرفه كتوريلن قرى ومزارعه دخل ايدوب
قلعه لر بنده اولان مزروعاتدن عشر طلب ايليه سن ٭ هر قلعه نك
اطرافنده اولان قرى ومزارع اورسي اولدوغي محل دكلدر ٭ امدي
جبلتكزده مركوز اولان صداقت واخلاص موجبنجه دائما عهد وامان
خصوصي ايله مقيد اولوب ٭ هر كسك اغوا وتحريكي ايله بيهوده اوضاع
ارتكاب ايتميوب ٭ بكلربكيلر مدت فرمان همايونمه مغاير بر وضع صادر
اولورسه ٭ بر معتمد عليه آدمكله صحت وحقيقتي اوزره مفصلا يازوب
دركاه معلومه عرض ايليه سن ٭ كه جزاسي ويريله ٭ وسندخي تحت حكومتنده ٤١٤
اولان ٭ بوادلريكه ٭ وآزناورلريكه ٭ وسائرلره محكم تنبيه وتاكيد ايلكيت
كر قلعه لره واروب كلمه ن ٭ قوللريمه وذخيره وخزينه ارسال
ايدنلره وآينده وروندهٔ بوجه من الوجوه ٭ دخل وتعرض ايتميه لر ٭
وبالجمله حسن اهتمامك ايله اورتا قلق بر وجهله امن وامان اوزره
اولمق كركدركه بر فردك ماله وجاننه ضرر وزيان مترتب اولمق
احتمالي اوليه ٭ وقلعه نفراتندن بعضيلري بو جانبك تصرفنده
اولان قرادن ماعدا سنك اولكه كناريع قرى ومزارعه دخل وتعرض
ايدرلر ايسه ٭ بكلربكيلرينه اعلام ايليه سن كه انلر كبي شقيلرك
حقندن كلوب ٭ اصلا مجال ويرميه ٭ اكر بكلربكيلري اهمال ايدرسه
مجلد سنه سعادتمه عرض ايليه سن كه اول بكلربكي عزل ايدي ايله
قونسوب ٭ اشد عقوبت ترتيب اولنه ٭ بو خصوصلر ايچون كندو خطكله شافي
جواب يازوب كوندره سن كه اول مكتوبك سدهٔ سعادتمه دستور العمل
اولوب ٭ پس استراحتده آسوده وجهد راحتده غنوده اولوب ٭
دائما انواع عنايت ملوكانه مه مظهر اولمغله محسود اقران اولاسز ٭

واديات طائفه سي لوانلرينه مكتوبدر

مقدما واديات اولان ... خرد اولدقده طرف همايون پادشاهيدنكه
معتاد قديم اوزره برات عاليشان ايله واديان نصب اولنمق
لازم كوربل التماسيله رستم پاشا طرفندن بر واديان ٭ وايچي پاشا ٤٢٤
طرفندن بر واديات نصب اولنوب ٭ اراكزده كلي اختلاف ٭ وبرايجي

دفعه جنك وجدال اولدوغي سمع همايون پادشاهيمه واصل اولمغله
حاليا مرادنز بكلري وفرمان عاليشانلري ٭ بو وجهله صادر اولمشدركه
بن رستم پاشانك ٭ ونه ايچي پاشانك سوزي اولميوب جمله اولولايت عيانك
اتفاقيله معقول كوريلدن بر آدم واديان ٭ وبر دخي كوربلمكي نصب
اولنوب ٭ بو خصوصده ٭ ذره قدر طرفكزدن تردد ومخالفت اولنورسه ٭
جمله كز جستان آت اياغي آلتنده چكنديلوب ٭ يدي ياشندن بوقاره
بلطف الله تعالى قليجدن كچوريله ٭ واول سرحدلرده اولان عسكر اسلام
قوللريني بو مصلحته مامور بيورمشلردر ٭ ايچي بر شوكتلو وعظمتلو
پادشاهمزك خراجكزار رعاياسي وقپولرينه مراجعت ايدن قوللري
رفاهيت اوزره اولوب ٭ پايمال اولمدقلريچون استد وكرايچون ٭ جمله كزه
نصيحت ايچون مكتوبمز ايله معتمد اغالريمزدن قدوة الاماجد والاعيان
احمد اغا زيد مجده كوندرلمشدر ٭ وصولنده كوركدركه اكر امنلو وشوكتلو
پادشاهمزك طوغري قوللري اولوب ٭ مالكز وجانكز واولاد وعيالكز
سزه لازم ايسه ٭ موجب الهامك يازلنه كلوب فرمان پادشاهيه جان
وباش ايله اطاعت ايليه سز ٭ اكر ذره قدر تردد وتعلل ايدرسكز وفكره
حاضر اولدرسز ٭ آل عثمان پادشاهلرنك قليجي نه قدر اوزوندر ٭ ومرادلري كه
مصلحته نه وجهله همت ايدرلر بيلورسز ٭ ونيجه دفعه كورمشسز ٭ وبالكز
بوينوكزه ٭ مقدما كلان ايلچيلر بكز حالا ارضروم محافظي اولان وزير
جليل الامرا دعز تلو وسعادتلو وعطوفتلو احمد پاشا حضرتلريله ٭ بو للادنوب
طرفكزدن جوابه منتظر ٭ امدي كندو جانكزي واهل واولاد وعيالكزي
صاقنوب ٭ پادشاهمزك فرمان شريفني جان وباش ايله قبول ايدوب
اراكزدن اختلافي دفع ايليه سز ٭ نصيحتمزي قبول ايتمزسكز بعنايت الله تعالى
٤١٥ قوت قاهره پادشاهيه ايله وكيف كوردسز ٭ سز بيلورسز ٭

شمخال حاكمنه نامه در قزلباش دفعي بابنده

جناب امارت مآب ايالت نصاب دولت اكتساب ٭ ملكي الفعال
ملكي الخصال ٭ المخصوص بعناية الملك المتعال ٭ شمخال حاكمي سيد سنجار
دام علوه ٭ توقيع رفيع همايون واصل اولنجق معلوم اولاكه ٭ للحالة هذه
سدهٔ سعادت مرتبت ٭ وعتبهٔ عدالت منزلتمزه مكتوب صداقت
مصحوبكز وارد اولوب ٭ مضمون ميمنت مكنوننده مندرج اولان ٭ نشانيقا
لوآمه موصل بكي اولوب ٭ حالا روها سنجاغي بكي اولان افتخار الامراء
العظام مصطفى دام علوه ايچون ٭ بصره سرحددنده بكرمي بيكدن زياده

حذمتده اولوب واوچ دورت دفعه بصره ایالتنه نایب مناب تعیین
اولنوب کورکی کبی حفظ وحراست ایلیوب حسن معاشرتندن جمیع حکام
جزایر وبادیه اعرابی وسایری مشار الیهدن جمله سی راضی وشاکر راحت
وحضورده اولوب هر وجهله برار وامور معظمه عهده سندن کلور
کسنه اولمغین بغداد بکلربکیسی امیر الامراء الکرام علی دام اقباله زکیه
سنجاغنی تصرف ایلدک اوزره ششتر ولایتنی فتح ایدوب مشار الیهه
بکلربکیلک طریقیله توجیه اولنمه سنی مناسب کوروب وسز دخی
ذکر اولنان ششتر ولایتی مزبوره طریق مذکور اوزره توجیه اولنورسه
ششتر ولایتنک فتحنه ضامن ومتکفل اولدوغکز اشعار اولنمش
اولیا بدن هر نه کم تحریر وبیان اولنمش ایسه علی وجه الکمال علم شریف
عالمشمولمز محیط وشامل اولمشدر امدی عرض واعلام اولندیغی
اوزره زکیه سنجاغی تبدیل اولنوب مشار الیهه توجیه اولنمشدر
بعنایة الله تعالی سپول ولایتنه عسکر قونیلوب ششتر مملکتی
فتح اولنمق اوزره ذکر اولنان محل دخی بکلربکیلک طریقیله توجیه اولنوب
اولیا بدن سوی الیه بغداد بکلربکیسی امیر الامراء الکرام علی دام اقباله ٤٢٥
ومشار الیه مصطفی دام علوه به دخی احکام شریفه کوندریلوب
سزکله استشاره ایدوب مناسب اولوب فرصت الویر دوکی اوزره
محل اقتضاسنه کوره ولایت دسپوله عسکر قونیلوب ششتر
ولایتنک فتح وتسخیری خصوصنده رأی رزین اصابت قرینکز اوزره
بکلربکیلر وسایر بکلر جمله کز بر یره جمع اولوب حسن اتفاق واتحاد
اوزره بکدل ویکجهت بر یردن دسپوله وششتره متوجه اولمغله
اولورکه بو خصوصه بر مقدار عسکر کوندروب معاونت ولنمغلیق اولورسه
فرصت الویروب محل اقتضا ایدوکنه کوره ولایت مزبورهنک تسخیر
وتسمیرنده بذل اقدام ایله انواع یوزاقلقلری تحصیلنه ساعی جمیله وآثار
جلیله کز ظهوره کتوریله امیددر کم عنایت باری یاری قیلوب فتح
وتسخیری میسر اوله اولجوانبک اخبار ومسرت آثارینی علی التوالی
اعلامدن خالی اولمیه سز بوندن اقدم نهاد صداقت معتاد کز کم
مضمر اولان حسن اخلاص وفرط اختصاصکز موجبنجه عتبه علیه
سعادت بنیانمه اطاعت وانقیاد ایتمکله شرف التفات خسروانمه
مستعد اولدوغکه بناء اول سرحدلرده اغورهمایونمزده تمقرونده
حدوسعی ایله خدمات مبروره ظهوره کتوردوککز اجلدن اختصاص

عبودیتکله اعتماد همایونمز اولمغین الحالة هذه استان مخلد الامتثال وودومان
شیدلاجدادمه جانبنه آدم ومکتوبکز کلوب شاه شوم شیاطین رسوم
غزوینه کلوب اوزریکزه عسکر کوندروب جنک وجدال وحرب وقتال
ایتمک تدارککنده اولدوغینی وبعض قلعه یه طوب ویراق ویرلمک خصوصنده
وسایر دشمن بدخواهه متعلق هر نه تحریر وبیان ایتمشسکز معروض عز ٤١٦
حضور مسرت موفور واقع اولوب علم عالم آرامز شامل اولدی فی الواقع
جبلتکزده مرکوز اولان استقامت واختصاصکز موجبنجه سندن مأمول
اولان دخی بو ایدیکه ظهوره کلمشدر ایله اولسه بغداد وبصره وشهرزول
بکلربکیلرینه احکام شریفه مز کوندریلوب بری بریکز ایله اتفاق
واتحاد ایدوب بعنایة الله تعالی قزلباش بد معاشک ولایتلرینه فرصت
الویروب محل اقتضاسنه کوره خدمتده بولنوب انواع سعی واقدام
ایتمه لری بابنده تنبیه وتأکید اولنمشدر سز دخی دشمن بد فعال جانبندن
غافل اولمیوب توابع وعشیریکز ایله دائما مرتب ومکمل براغکز ایله حاضر
وآماده اولهسز که نه وجهله حرکت ونه جانبه توجه وعزیمت اقتضا ایدر
خبر لشوب جمله کز اغور همایونمزده سعی وشکورکز ظهوره کتوروب طاغیه
فساد پیشه نک قلع وقمعی خصوصنده بذل مقدور ایلیه سز
ودشمن طرفندن مطلع وواقف اولدوغکز اخباری وسزلک اولیا بدن
اولان حرکت واطواریکزی سدهٔ سعادتمه اعلام ایتمکدن خالی اولمیه سز

امراء کرجستاندن بریسی عجم شاهندن شکایت ایتدکده کندوسنه استمالت نامه در آستانه دن

افتخار امراء الملة المسیحیة مختار کبراء الطایفة العیسویة لوندیک ختمت ق
عواقبه بالخیر توقیع رفیع همایونم واصل اولیجق معلوم اوله که آستانهٔ
عدالت بنیان وسعادت ارکانمزکه مرجع امراء ذی شان وملجأ کبراء
ایالت نشاندر عرضحال روشن مقال ارسال ایلیوب اولداکجاد کرت
بری جهاد مقبول واسلامه کلان عیسی نام اوغلکز الآن مجوس اولوب
وقدیم الزماندن جریان ایدن اسلوب ومعنایه مغایر تکالیف وعقوق
محال وطاقت واداسی قوت وقدرت قالمامشدر مرادلری کرجستانی
ارادن کوتوروب بعده ممالک اسلامیه یه دخل وتعرض ایلمکدر دیو اشعار ٤٢٦
ایلیوب عتبه کردون وقارمزه استغاثه واستمداد ایلمشسز مکتوبکزده
مسطور اولان احوال عز حضور فائض النورمزده مشروحا معروض
ومذکور اولوب فخر الاماجد والاکارم دفتردار یکز عبد القادم

زبد قدرمز دخی سزك جانبكزدن هرنه كه عرض وتعريف اندیسه • علم عالم
رامز محیط وشامل اولشدر • ایله اولسه محل اشتباه دكلدركه • شاه عالیجاه
حضرتلرینك • دفعاتله درگاه معدلت بناه مزه ایلچیلر كلوب • رعایا وفقرا
ومساكین وضعفا آسوده حال ومرفه البال اولمه لریچون صلح وصلاح
مقرر اولوب • بخوان سفرندن برو اوزن ییلدن متجاوزدر كه جانبیندن
اساس عهد ومیثاق موكد وممهد • وقاعدهٔ صلح وصلاح مشید ومؤید
اولوب • انلرك جانبنه عقود وعهوده مغایر وضع صدوره ایتمك • خاندان
عظیم الشان وقوی البنیانمزكه • سوالف ایامدن مسند زمرهٔ اهل ایمان • وملجأ
خواقین جهاندر • قول وقراردن رجوع • وعهد واقراردن تخلف دیانت
واسلامه مناسب دكل ایدوكی • اولی الافهامه واضح وروشندر • لكن
بارگاه عالیمقداره • ودرگاه عالممدارمزدن استمداد واستشفاع ایدن
امرآء نامدار حقلرنده • مزید مرحمت وكمال شفقتمز مبذول • وبتدریج اولكون
علی الخصوص انواع عقوبت دیده وزحمت كشیده • ومنكر الخاطر اولنلره
هروجهله اعانت ومظاهرت • مقتضای مروت وشهنشاهی دولتیزم
عاطفت پادشاهیدندر • احوالكز رفاهیته مبدل • ونحنتكز راحته
تحول اولمق خصوصنده هر وجهله ممكن • ومیسر اولدیغی مرتبه سعی واهتمام اولنور
سزدخی اكرحس مدارا • اكر طریق اخر ایله دایرهٔ امكانده اولان مرتبه یی تدارك ایلیه سز •

طاغستان حاكمنه طرف دولتدن استمالت نامه در

دودمان حكومت نشانك • قدیم الایامدن تمشیت اموردین ودنیاده •
حكام طاغستانك فرمانفرما وسروری • وخاندان ولایت عنوانك •
حفظ ناموس سلاطینده • نامداران برزستانك پیشوا دوربینكوی اولوب •
كابرًا عن كابر • حامهٔ حبانلری تاج وتهاج • هوالذی جعلكم خلائف الارض
ایله محلی • وروایت دست دولتلری آیت قدرت • نرفع درجات من نشاء
ایله معلی اولوب • اجرای سنت سید المرسلین • علیه وعلی آله صلوات المصلین
واقتدا واقتفا خلفا راشدین • رضوان الله علیهم اجمعین • لازمهٔ شیمهٔ حسنهٔ
حكومت • وفضل الله المجاهدین علی القاعدین • آیت كریمه سندن حصه مند
اولمغی • خاصهٔ اخلاق امارت بیلوب • اعلاء كلمة الله ایچون نیت خالص
ایله غزا وجهاده سعی واجتهادلری • باعث تأیید قواعد بنیان سنت •
وسبب تكمیل ناموس حكومت اولدوغی • علم عالم آرامزه شامل اولوب •
علی الخصوص اجداد عظامم انار الله براهینهم زمان شریفلرنده فتح ممالك
شرق ایچون تعیین اولنان سرداروسر عسكرلر شروان طرفنه توجه ایدوب •

اول دیارك سنی مذهب وپاك اعتقادلرین • لوث تغلب عادی اصحاب
الحاددن اولان • روافض واهل الحاددن آب شمشیر ایله تطهیر • ونیجه
كرونكشانی طوق اطاعت وانقیاده كتوروب تسخیر ایلدكلرنده • آبا واجداد
صداقت معتادلك • تحریك سلسلهٔ اتحاد • وتكمیل دایرهٔ خلوص ووداد ایدوب
قلع اصول اعدای دین • وقمع عرق بتدعیندن • متحد الهمه ومتفق الكلمه اولوب
اعوردین ودولتمزه خدمات مبروره ومساعی مشكوره لری ظهوره كلوب
انواع تحسینات شاهانه • واصناف نوازشات پادشاهانه یه مظهر اولوب •
جناب صداقت مآبك • دخی خلوص ومودت موروثك حسبی ایله باركاه
٢٤٧ خلوص دستكاهمزه كمال الخلوص ایله • جادهٔ صداقتده ثابت قدم وثبات
استقامتده راسخ دم اولوب • وحوزهٔ حكومتك منبع علما وصلحا • ومعدن
زهاد وانقیاد • عقیدهٔ اهل سنت وجماعت • واصول شریعت اوزره
اولمغله • محاریب ومنابر وجوامع • نعوت آل واصحاب فخر الكونین ایله مزین
ونامهٔ اعمالری سامهٔ ائمهٔ دین ایله معنون اولوب • اعدای دین اولان
رفضه ایله متصل عداوت وشقاق اوزره • قاعدهٔ اجدادكی مرعی وشیمه
اسلافكی محمی • قلدوغك علی التفصیل • سامع علیهٔ خسروانه مه القا
٢١٧ اولنمغله • حقكزده حسن ظن همایونمز ازدیاد بولوب • مظهر خیر دعام
ومنظور عاطفت واحسانم اولمش سندر • برخوردار اولیه سن • جناب ولاء
نصابكزدن دخی مأمول اولان • رعایت حكم كتاب • وحمایت عرض آل
واصحابدر • بو مقوله آثار صداقت واخلاصك • وحرمت شریفت
طرفنه اولان اختصاصك مقابله سنده • مزید عنایت خسروانه وترتب
عاطفت ملوكانه م ظهوره كتوروب خلع فاخره مدده برثوب خلعت نوردشم
البهجه • انعام واحسان قلنوب • ایصالی ایچون فلان تعیین اولنمشدر
وصولنده انواع تعظیم واصناف تكریم ایله آلوب كیوب جبنكده اولان
ونور غیرت دینیه • وفرط حمیت اسلامیه مقتضاسنجه ماورای كوه البرز
وجباله حرض المؤمنین علی القتال • موجبنجه تأكید كید ایدوب • عساكر ظفر
ماثر طاغستان حاضر وآماده اولهسزكه • انشاالله تعالی سردار نصرت شعار
اول دیاره توجه • وامرای كرجستان دخی كندو سمتلرندن حركت
ایتدكلرنده • اقتضا ایلدوكی محلده ملاقات ایدوب • ناقض عهد و
واعدای چهار یار كزین • رضوان الله تعالی علیهم اجمعین • اولان كروه
مكروه رفضه یی • ناصیهٔ ایام دن حك • واهل سنت وجماعتی
نیجهٔ شكنجهٔ بدعتدن فك • ایتمك • سنتی ایله دین اسلامه لایق •

ورضای رب العالمینه موافق جهاد وغزا لوازمن وجوده کتوروب •
خدمت شریعت حضرت خیر البشر • وصیانت عرض اصحاب سعد اختر
سعی واهتمام قلوب حصوله کله • من بعد دخی تأکید عقد صداقت
وتشیید مبانی استقامت ایچون • بارکاه سعادت مدارمه
وسردار نصرت شعارمه • ارسال رسل
ورسایل ایله اعلام حالدن
خالی اولمیه سز •

شاه عجم طرفندن موسی سلطان ایله کوندریلان نامه در کم سلطان مراد خان ابن سلطان سلیم خان شاندر

تحف ادعیهٔ صالحهٔ اجابت غایات • ونخب اثنیهٔ فایحهٔ اخلاص آیات
که هزار اعزاز مقربات بارکاه لم دارکردم • وسرمایهٔ پیرایهٔ صدر نشینان
پیشکاه • وتحیتهم فیها سلام • تواند بود • وعرایس ابکار وشواهد اسرارش
از منظرهٔ دلکشای خلوص نیت • وآیینهٔ جهان نمای صفاء طویت • جمال باکمال
تواند نمود • همچنان شمایم ثنایی که مهب دوایح وردیهٔ الفوایح آن چمن
مودت قدیم • ومنبع تسنیم عطریهٔ النسیم آن عین الجوی سلام قولا من
رب رحیم • باشد • نثار بارکاه عزت وجلال • وایثار تختکاه حشمت
واجلال • اعنی عتبهٔ علیهٔ معلا • وسدهٔ سنیهٔ فلک سای اعلیحضرت کردون
بسطت مشتری سعادت بهرام صولت • جمشید سطوت فریدون حشمت
هوشنک فراست • کاوس کیاست • ثریا منزلت • انجم حشر ستاره لشکر
آسمان شکوه سلیمان کروه • دریا نوال بیضا خصال • بهرمکین کوه تمکین
مطاع سلاطین روی زمین • فرمان فرمای خواقین جلالت آیین •
مستخدم الاکاسرة علی الاطلاق • مستعبد القیاصرة بالارث والاستحقاق
مثنوی جهانداری که از لطف الهی • مسلم کشتش از مه تا بماهی شهنشاهی
که خاقان تا بفغفور • زمین خدمتش بوسند از دور • کذشته ز اختر
وانجم کلاهش • کرفته مشرق ومغرب سپاهش • سرش را افراز خاک
درش • سعادتهای شاهان در سراو • خسرو والا مقام کیوان غلام •
بادشاه عالیجاه کردون احتشام • مروج دین اسلام کاسر شوکت عبدهٔ ۴۲۸
اصنام • شهنشاه معظم خاقان اجل واعظم • مطرح انوار تأییدات ربانی
مظهر آثار توفیقات سبحانی • المشرف باستلام عتبهٔ العلیا ملوک الاطراف
المباهی بتقبیل سدة السنیا جبابرة الاقطار والاکناف • محیی مآثر التعظیم
لامر الله • مجدد مراسم الشفقة علی خلق الله نظم شاهی که ز نور لایزالی
در سایهٔ اوست چرخ عالی • پروردهٔ دولت آفتابی • از نسخهٔ رحمت ۴۱۸
انتخابی • خورشید بکرم بی نظیری • جمشید دوم بتخت کبری • شاهان
زمانه در دعایش • سرها همه بر خط رضایش • بسته کمر آسمان بکارش
انجم همه چاوشان بارش • مالک اقطار الامصار بالقدرة القاهرة
حافظ اطراف الاکناف بالدولة الباهرة • نکین خاتم عظمت وکشور
کشایی • طراز کسوت سلطنت وفرمان فرمایی • ناشر صحایف العدل
والاحسان • باسط الامن والامان سلطان البرین وخاقان البحرین •

خادم الحرمین الشریفین • وشهنشاه مغربین ومشرقین • ثانی اسکندر ذو القرنین
سلطان عالیقدر سلیمان مکان • فریدون جمشید نشان **مثنوی** زهی
آفتاب فلک بارگاه • پناه سلاطین عالمپناه • زتیر فلک راست تدبیر تر
زخورشید روشن جهانگیر تر • شهان پیش قدرت فرومایه اند • تو خورشیدی
ودیگران سایه اند • الذی اهتز الارض بوقوعها علی مواطئ قدمه • والقت
الشمس بدوائها حول رأس خدمه • سلطان جهانبانی که مدارج جاه وجلالش
نه در آن مرتبه است که وهم دور اندیش • پیرامن مراد قات وصف آن
تواند گشت • خاقان عظیم الشانی که عرصهٔ وسیع الفضاء عظمت واجلالش
نه بحدی که عقل فطانت کیش • بقدمها از اطراف مدح آن تواند گذشت •
شعر العقل عن احصاء وصفك قاصر • والوهم عن ادراك قدرك
عاجز **بیت** هزار نکته زمدحش اگر کند ادا • هنوز از ره معنی هزار
چندانست • خلد الله ملکه وسلطنته • وافاض علی العالمین عدله ورأفته •
گردانید • هر آینه استحکام اساس سلطنت روز افزون • وانتظام اسباب
دولت ابد مقرون • که واسطهٔ جمعیت اهل اسلام • وباعث آسایش کافهٔ
انام است • از درگاه ملك متعال • وفیاض ذو الجلال • مسألت مینماید **شعر**
وهذا دعاء لا یرد لانه • صلاح لاصناف البریة شامل • بعد از دعای بقای
ایام شوکت وکشورکشائی • واستدعای دوام مواد سلطنت وفرمانف
روائی • مشهود آرای عالم آرا • ومرفوع ضمیر منیر خورشید ضیا • که مهر سپهر
از آن اقتباس نور کند • اشعهٔ انوار ظلمات از زمانه دور کند • میگردانند •
که از مدت ده سال متجاوز شد که مؤسسان اساس سلطانی • وبانیان
مبانی جهانبانی آن حامی حوزهٔ مسلمانی • بداعیهٔ تسخیر ملك عجم • علم
منازعت ورایت مناقضت افراشته • جنود بیشمار • وعساکر صف
شکار که آفتاب از آن اقتباس نور کند • بحرکت آورده • بکرات متحمل اسفار
بعیده بحدود ایران • توجه میفرمایند • واز تسلط لا یحصی بر عجزه
وضعفا ومساکین • وفقرا مدلول • طغوا فی البلاد فاکثروا فیها الفساد •
بمنصهٔ عیان رسید • اکثر ثغور اسلام • بواسطهٔ عبور عساکر معمور
خراب وویران شده • اهالی هر دیار • بمعرض قتل وغارت ویغما وتاراج
در آمده • چندین هزار نفس محقون الدم عرضهٔ شمشیر فنا گشته اند •
وزمرهٔ سادات عالی درجات • که منتسبان اهل بیت نبوتند • بحکم قل لا
اسألکم علیه اجرا الا المودة فی القربی • وحدیث صحیح من اکرم ذریتی
فقد اکرمنی • ولای ایشان واجب ولازم • واکرام ایشان فرض وحتم است •

عیاذاً بالله بطریق کفار دار الحرب • اسیر ودستگیر شده اند • وجه و
مقدار ناموس مسلمانان که حفظ وصیانت در عهدهٔ آن حامی حوزهٔ
اسلامست • برباد فنا رفته طوفان بلا مالا کرفته • بندگان خالق ارض
۲۲۹ وسما • وامتان حضرت رسول مجتبی علیه وعلی آله افضل التحایا • ضرب بسیار
وآزار بیشمار کشیده اند • تا آنکه درسنهٔ گذشته • بوسیلهٔ جناب وزارت
مآب سعادت نصاب • عزت ومعالی اکتساب • سردار باوفا زوبهانان
رفیع المقدار • قوی الاقتدار • مبارز الایالات والوزارة والاقبال فرهاد
۲۱۹ وعمدة الامراء والحکام • صاحب المجد والجلالة والاحتشام • شمس فلك
الایالة • محمد پاشا • حکایت صلح وصلاح • درمیان افتاده مکررا از طرفین
ایلچیان فصاحت نشان • ورسولان کاردان • آمد شد نمودند • وبالاخره
آن مقدمه بدینجا رسید که من بعد ظل مرحمت وسایهٔ عاطفت علیحضرت
سلیمان مکانی • بر مفارق ساکنان بلاد عجم • منبسط گشته • طایفهٔ
قزلباش را نیز در زمرهٔ متابعان • وبندگان اخلاص نشان • منسلك
گردانند • وازین جانب نیز یکی از فرزندان نجابت عنوان که ثمرهٔ شجرهٔ
سلطنت بسر سدرهٔ نشان آن خسرو سلیمان مکان • رفته در ملازمت
عتبهٔ علیا • وآستان معلی باشد • وقرار داد خاطر اخلاص مظاهر •
آن بود که • نوباوهٔ چمن سلطنت • ونازه نهال بوستان خلافت • اعنی
فرزند اعز ارجمند برخوردار سلطان حیدر میرزا که • ثمرة الفؤاد مخلص بی
ریا • ومصداق مقال صدق مآل • اولادنا اکبادنا است • بدرگاه اعلی
سلطانی بنظر عنایت پادشاهانه گردد • تا بر عموم اهل جهان • وکافهٔ
جهانیان این معنی بمثابهٔ آفتاب درخشان • روشن وهویدا شود •
که در مخلص اخلاص نشان • نسبت بدان سلطان سلیمان مکان • احتمال
شك وشبهه محالست • واسباب منافرت وبیگانگی بالکلیه مرتفع
گشته • مواد الفت واتحاد • برسوخ واستحکام تمام موکد شود • والی
انقراض الزمان شایبهٔ خلل ونقصان • بارکان راسخة البنیان آن
راه نخواهد یافت • لو زالت الجبال وانشقت السماء • ودرتهیهٔ اسباب
فرستادن اعز مشار الیه بودیم که • از مقتضیات فلك غدار • وناسازی
چرخ ستمکار • قضیهٔ هایلهٔ فرزند رشید شهید سعید • بوقوع انجامید
انا لله وانا الیه راجعون • با قضا چه چاره • وبا تقدیر چه تدبیر • الحکم لله
العلی الکبیر • چون در بیت اثنا جهت تشخیص این امر خیر اثر که متضمن
مصلحت نوع بشر است • مکاتیب مودت اسالیب پاشایان عظام کرام

مشارالیهما رسید • واز ورود ایلچیان فصاحت بیان • غنچهٔ مراد در چمن
آرزو شکفته گردید • واز مضامین مراسلات صداقت آیات • بوی
هزار گونه امید بمشام جان وجنان رسید • بی تکلف هرد وغلام
باخلاص آن سلطان سلیمان مکانند • ودر حفظ ناموس سلطنت •
وعزت دولت آن مطاع سلاطین عالی منزلت • بغایة الغایه کوشش
مینمایند • روی اشباه سفید • ونمک ونان آن عالیحضرت سکندر
صولت • برایشان حلال • که دوانشا رعب وسطوت وصولت آن
خسرو سکندر صلابت • میکوشند • واحراز نام نیک آن سلیمان منزلت
میکنند • انشاالله تعالی سایهٔ بلند پایهٔ آن خورشید آسمان سلطنت
واقبال • برمفارق ایشان • وسایر مخلصان الی یوم المیزان • مستدام باد
بحق النون والصاد • لاجرم نیز ازینجانب امارت پناه رفعت دستگاه •
کلیم کدیت موسی سلنان اجرلو که یکی از معتبران طایفه شاملوات •
ورا خدمت تام بدین مخلص خیرخواه دارد • جهت عرض اخلاص
بدرگاه اعلی فرستاده شد چون این مخلص با اخلاص برهان عزیمت
عازم • وبر آن نیت جازم است • وجهت آسایش عباد • وآرایش
بلاد • وآذار فتنه وفساد • سد باب کلفت وعناد • نموده • خودرا
از جملهٔ محبان با اخلاص محض الخالص که در تصرف دارد • داخل قلمرو محبت
آن خاقان سکندر صولت • میداند • ودر منهج اطاعت ومتابعت
رسوخ تام ورزیده • یکسر مو از امر وفرمان واجب الاذعان آن مطاع
سلاطین دوران • تجاوز ندارد • وهرگاه امر سلطانی نافذ شود •
جهت استحکام این مقدمه فرزند دلبند مشارالیه را به پایهٔ سریر اعلی
وسدهٔ سلطنت مصیر معلی • روانه میگردانند • وتعیین سنور وسرحد • ٤٢٠
برأی صایب وکلای دیوان عالی • وامنای بارگاه متعالی منوط ساخته که
بهر عنوان که لایق ومناسب دانند • بعمل آورند • رجاآن • وامید چنانکه
از آن جانب نیز مقتضای مروت وشفقت • ولازمهٔ رأفت ونصفت •
بظهور رسیده لحه مناسب علو شان • وسمو منزلت ومکان خود •
دانند • امر فرمایند که بعمل آید • ونظر بر صدوح حال عجزه وزیردستان نموده
مضمون • کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته • را منظور داشته • بمؤدای
حقیقت انتمای • احسن کما احسن الله الیک • سایهٔ مرحمت وظل شفقت
برمفارق ساکنان بلاد عجم • از سپاهی ورعیت • وقاطبهٔ برتبت کستران
خرد وبزرگ وتاجیک وترک این مملکت را • رهین احسان بیکران شاهنه

گردانند • تا به یمن شفقت آن پادشاه والاجاه • سکندر صولت سلیمان
بارگاه • ساحت جهان نمونهٔ ریاض بهشت • وحدیقهٔ آمال عالمیان
مماثل فردوس عنبر سرشت • گشته • خاطرها مسرور • وخرابها معمور گردد •
وطریق حج وزیارت • بر روی سالکان مسالک • ولله علی الناس حج البیت
من استطاع الیه سبیلا • مفتوح وگشاده • واسباب کسب معیشت
جهت طالبان فواید • ان لله عبادا خلقهم لمنافع الناس • از هر جهت
مهیا وآماده شود • وطائفان حرم طاعت • وعاکفان حریم عبادت
ورمضان اجابت دعا • بشکرامنیت وعافیت • از سر صدق نیت • وخلوص
طویت • در اقاصی بلاد عالم • از عرب وعجم • دعای بقای آن پادشاه •
ستاره خیل وانجم حشم نمایند • زیاده اطالت واطناب بخلاف ادب
ع بگذاشته ام ناگرم اوچه میکند **بیت** سخن دراز شد اکنون محل
ذکر دعاست • که هر چه بهر تو گویند چون دعا نبود • ساحت عتبهٔ معدلت
وسدهٔ سپهر آسا • بیامن الطاف ربانی محفوف • وآفت عین الکمال از سرادقات
جاه وجلال مصروف باد **نظم** شاها اساس ملک بتو استوار باد •
عمر تو همچو دور فلک پایدار باد • هر آرزو که در دل اندیشه بگذرد • همچون
عروس ملک ترا درکنار باد • بر مرکز مراد تو گاه قطب دولت • تا اختر
دایرات فلک را مدار باد • از نعل مرکب تو که خورشید دولت • در گوش
آسمان شرف گوشوار باد • تا هفت چرخ بر سر این چار عنصر است • حکمت
همیشه بر سر این هفت وچار باد •

شهزاده بایزیدخان بعجم فرار ایتدکده سلطان سلیم خان طرفندن شاه عجمه نامه در اخذ وارسال ایچون

عالی منقبت معالی رتبت دارحشمت جمشید رایت • ابوت مآب سلطنت
ایاب دولت انتساب عزت اکتساب • مالک ممالک عجم • واهب مواهب کرم
لازال منصورا بعون الله • ومنظورا بعین الاکرم • ونفود قوافل دعوات
صافیات صالحات اجابت آیات • وجنود نوافل تحیات فایحات طاب
غابات • فی عموم اوقات الغدوات والعشیات • سفرهٔ کرام کرامت
سحاب ایله • تحفهٔ مجلس جنت صفا فلند قد نصحکم ضمیر منیر آفتاب
نظیر که فی الحقیقه مصباح صباح سعادت • ومفتاح کنوز سیادت در
انهاء محبان وابناء دوستانه بودرکه • دودهٔ ستودهٔ آل عثمان اسکنهم الله
فرادیس الجنان • شهزاده لری سلکنده منخرط ومنسلک ایکن • انه لیس
من اهلک • خطابنه محرم اولادن عاق بدبخت • واعراق ناخلف وذی دولت

وبی شرف وتیر مرددن دور وبعید ما قبض حقوق ابوت بایزید آیت کریمهٔ
وبالوالدین احسانا حکمندن غافل واطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر
منکم امرندن ذاهل اولدوغنه بناء دائما شقاوت وشناعته مائل اولوب
ناکهان مردود دیوان شیطان کبی سالك مسالك عصیان وطغیان اولوب
قطاع طریقدن یکرمی اوتوز بیك دزددن بی توفیق کندویه قرین
ورفیق اولمغله آهنك جنك وفساد ایدوب تخریب بلاد وتعذیب
عباد وقتل انساب ونهب اموال ایدرك اماسیه دن قرمانه اتصال
بولوب والحاصل باغی مثال اوزرینه کلوب دستکاه اخوتی پایمال
ایدوب نیجه ایام ولیال بو محکمز ایله جنك وجدال حرب وقتال
ایتدکده حق سبحانه وتعالی حضرتلرینك عون وعنایتی وپادشاه خلد الله
عمره الی یوم القیام حضرتلرینك خیر دعالری برکاتیله وان جندنا لهم
الغالبون معناسی غراسی بو جانبه مرهون اولوب فتح ونصرت جانب خیر
خواهکزه راجع وکسر وهزیمت باغیلره واقع اولوب اعوان وانصار
منقطع لاثماری طعمهٔ شیر شمشیر وهدف تیر وتبر اولوب سنجاق
وبیراق وجمله یات ورفقلری الرندن النوب نفایس اموال وخزاین
اثقالن محل قتالده براغوب من نجا براسه فقد ربح حدیث شریفن
ازبر ایدوب کندوسی عورجخوردن برجق آدم ایله اماسیه طرفنه مفر ایدوب
جرأت جسارت برخیادنه ندامت کوستروب وفور اعتذار ایله توبه
واستغفار ایدوب لکن قولی فعلنه موافق وباطنی ظاهرینه مطابق اولیوب
شرع شریف موجبنجه مرحمته لایق اولمامغله اعتذاری مقبول حضرت
خداوندکار اولیوب اسرار شناعت آثاری دخی ظاهر واشکار اولمغله
وقود وجود فساد آلودی نار غضب پادشاهی یه سزاوار اولمغین تعقیب
وتعذیبی خصوصی بو ثنا خوانکزه فرمان اولنوب وزرای آصف رأی
زمره سندن وزیر دلیر کشورکشا لالام محمد پاشا دامت معالیه دخی
معتمد قوللری وبحری طایفه سی شکر شکن طوب وضربزنلریله بو محکمزه
توشلوب فرمان قدر توان خاقانی ایله روم ایلی وانا طولی وقرمان
ومرعش بکلربکیلری تحت حکوملرینه اولان عموما سپاه نصرت
دستکاه ایله دولتخواهکزه همراه اولوب اماسیه جانبنه اولان
بد بختلر اوزرینه عزم ایتدوکمزده هجوم عساکر منصوره دن باغی
نابکار فرار ایتمکین لشکر جرار دشمن شکار ایله عقبنده وار اولوب
ترجاننه واصل اولدوغمزده اول فتنه انکیزسك کریز ارضروم بکلرنه

قاتی تیز ایرشوب منع وسدینه مأمور اولان قوی المقدار سرحد بکلر
بکلربکیسی ماننده شیطان غرور زخرف قولیله مغرور ایدوب بنم حقمده
فرمان واجب الاذعان پادشاهی وارد اولنجه دکین بایبورد دائره سندن
دور اولیم دیو سوکندموز ایتشکن بر کیجه بغتةً جمله باغیلر ایله
فرار ایدوب ذکر اولنان بکلربکیلر ایله لالام شهاب ثاقب کبی اول
شیاطین آدمینی قوالیوب کیدوب مرك مفاجاه کبی ایرشدکلری
اثناده عساکر شیاطین پیکرینك اکثری مقتول ومغلوب وکندولری
مخذول ومنکوب اولوب بقیة السیوف بعض آدملریله جوزه حکومتنه
متعلق اولان ساعت چقورینه دوشوب تعقیب اولنسه بعنایة الله تعالی
قبضهٔ اقتداره کرفتار اولمسی ممکن ومتیسر ایکن لکن حضرت پادشاه
عالمپناه ایله مابینکزده اولان عهد وصلحی صیانة ووعد وادب
رعایةً عساکر نصرت آیت بر و جانبه مراجعت کوستروب عون
وعنایتکزه مترقب اولان خدممز وبحکمز ارضرومده جمعیت اوزره
قالوب بو نوبت ایسه باغی حیله کار اماسیه دن فرار ایتدکده
دیار حمایت آثاریکزه کیتمك احتمالیله حضرت خداوندکار رجناب
عزت مآبکزه یازوب کوندردوکی مفاوضهٔ همایون دربار
بو محلده کلوب ایصال بو ملخص بعینه حضور فرخنده فالکزه ارسال
اولندی فی نفس الامر اول باغی نابکار وفتنه روزکار مبغوض اهل
اعصار وامصار ایکن انك رعایت وحمایتی خلاف شرع شریف
ومغایر قانون اولی الایدی ولا بصار اولدوغی کضوء النهار روشن
وآشکار اولمشدر فکیف کندو آستانه خداوندکارینه مطیع ومنقاد
اولمیان باغی وعاصینك سایرلرینه تعلقی وتملقی کبیت العنکبوت
بی ثبات وبیقرار اولدوغنه شائبهٔ شبهه یوقدر لاسیما حضرت
پادشاه کردون جناب جانب سعادت نصابکزله مصالحه ایدلدن
بر و اول دیاردن وارد اولان تجار طایفه سنه رعایت وحمایتلری
بیحد وبیشمار اولوب بو ثنا کاریکزه دخی صداقة الاباء قرابة
للابناء حدیث شریفی سرمایهٔ روزکار ایدوب کندو هوا مزله اول
دیاره غبار ایتدوکنه اصلا رضامز یوغیکن باغی مزبور دایم
ادیدن دورد وشوب نیجه کره اول طرفدن کلان تجارلرك مال ومنالرین
نهب وغارت ایتدوکی نهرم شهر وولایت اولمشکن اول مفسدی
حمایت ایتمك شیمهٔ کریمهٔ اهل حکمت وحکومت دکلدر کما قیل الحب لله والبغض لله

مثنوی نکوئی با بدان کردن چنانست ۰ که بد کردن بجای نیک مردان ۰
بناء علی ذلك کوخداوندکار حضرتلریله مابینکزده بنیان مرصوص کبی
استوار اولدن قائمه صلح وصلوح که متضمن فوز ونجاح دن آنی رعایت
ایدوب ۰ محکوزسرحدده جهت وزره مترتب آثار لطف ومروت ایکی
سپارش نامه همایون پادشاهی وذات فرخنده صفاتلرینک نظرکاهی
اولدقدم سؤللری هردم قبولده واقع اولوب ۰ رضای خاطر عاطرلری
مقتضا سنجه ۰ برر وجه استعجال بوجانبه ارسال بیوردیلور سه ۰ انشاء الله
کماینبغی تدارك ۰ وکما تجمل تکال ۰ حدیث شریفی سرمایه احوال ۰ وبرا ثر اعمال
وآمال اولوب ۰ اول سلسله دولت واقبال ایله مخالصت وموافقت
لایزال ولدوغندن ماعدا بین الجانبین اهالی ورعایاکز وداٸع خالق
البرایادر ۰ یمن همت وهمناکز واسطه سیله آسوده حال وفارغ البال
اولوب ۰ بالغدو والاصال مدح وثنا وخیر دعاکزه اشتغال ایتمه لری
مقرردر ۰ قال الله تبارك وتعالی اوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤلا ۰
وتبلیغ احکام رسالت واظهار مخالصت ایچون عمدة الاماجد والاکارم
میرآخور طورات اغا بندم کزکوندریلوب ۰ بعض اغز جبرلری اصرلنشدن
عند الوصول هردم قبول اولدیسی مأمول ومسؤلدر ۰ باقی الدعا اولا واخرا ۰

شاه محمدن شهزاده سلطان بایزیدی استشفاع
ایچون سلطان سلیم خانه کلون نامه‌ دور

فرزند ارجمند نامدار ۰ شهزادهٔ جوانبخت وکامکار ۰ نقاوه سلاطین
ذوی الاقتدار ۰ خلاصهٔ پادشاهان عالیمقدار ۰ لجهٔ بحر عدل واحسان
مجلی آثار اجداد رفیع الشان ۰ حاوی شمائل لقد خلقنا الانسان فی احسن
تقویم ۰ حائز خصائل الا من اتی الله بقلب سلیم ۰ مظهر کریمهٔ فبشرناه
بغلام حلیم نظم درخشان کوهر از برج شاهی ۰ نموداری ز الطاف
الهی ۰ جهان از پرتو رایش منور ۰ دوی خلق وعالم معطر ۰ همواز خلق
کرنش دهر معمور ۰ هم از ذات سلیمش چشم بد دور ۰ زهی در ملك دیکر
فیروزی از تو ۰ جهان را طالع بهروزی از تو ۰ مظفر بادت از دولت نشانه
مبادا بی تو یکساعت زمانه ۰ دولت بر آرزوها کامران باد ۰ هر آنچه
آرزو خواهد چنان باد ۰ نکین خاتم سلیمانی جوهر درج کامکاری
وکامرانی ۰ صاحب المجد العظیم ۰ سنی جنح الکریم ۰ اعنی سلطان سلیم
طال بقاه ونال مناه حضرتلرینک ۰ بلاغت نشان کاتبلری انشاسیله
نوازش نامهٔ کوهرفشانلری ۰ عمدة الاماجد والاعیان ۰ میرآخور طورات اغا

واسطه سیله مبارك زمانده کلوب ۰ واصل ومضمون همایونینه مطالعه
حاصل اولدقده فحوای بکتاسنده مندرج اولان آیات وفا باعث ازدیاد
اخلاص وصفا اولوب ۰ حقا که پیام فرخنده فرجاملری اسباب دولت
وسعادت انتظام واتانلق واوغلولق رابطه لرینه التیام وبردی رجا
واثق وامید صادقدرکه ۰ بو اوضاع واطوارك صفایح روزکار ۰
وصحایف لیل ونهار اوزره باقی وپایدار قالمه سی مقدر اوله ۰ چون حضرت ٤٢٧
صاحبقران سعادت اقتران ایله مابینمزده اولان اساس عهد ومیثاق
وبنیان محبت ووفاق ۰ ماننده سبع شداد ۰ محکم واستواردر ۰ مرجودرکه
اول حضرت عالی منزلت دخی ۰ والد ماجد عظیم الشانلری کبی عهد وپیمان
قوی الارکان طوتوب ۰ آیین جوانان جوانمردان مقتضاسنجه محل امتحان
عهد ووفاده کامل العیار قلمغه احسان ایلیه لر بیت از عهد عهد کر
بروت آید مرد ۰ از هرچه کمان بری فزون آید مرد ۰ بعد از اتحاف دعا وثنا
مشهود رأی صواب نما اولدیکه ۰ کتاب شریف بلاغت انتما کز مقتضاسنجه
شهزادهٔ عنید سلطان بایزید نادان وجاهل ۰ ورعایت حقوق پدر وبرادر
مهربانیدن غافل ولا یعقل اولمغین ۰ شناعت وسفاهتلری بی نهایت
اولدوغنه بنم دخی علمم حاصل اولمشدر ۰ اما خوف وبیم غضب پادشاهی
ایله اول زماننده اوزرینه هجوم ایدن عساکر نامتناهیدن ۰ یوم یفر المرء من اخیه
حالاتن عیانا مشاهده ایدیجك بالضروره قاچوب اول سلسله علیه
ربله مابینمزده ۰ رابطهٔ دوستی واتحاد ۰ رسوخ وسداد اوزره اولدوغنه
اعتماد واعتقاد ایتمکین کناهلرینه عذرخواه اولوب ۰ شفاعت امیدیله
مخلصکز یاننه کلوب ۰ بحمد الله که بداندیش وبدخواهلریکز یانلرینه واردقدن
وایتدوکی اعمال قبیحه ۰ وافعال فضیحه نك دخی جزاوسزاسن بولوب ۰
بالفعل زبان عجز وانکسار واعتذار واستغفاره کلمشدر ۰ هر آینه بمقتضای
احسن الامور الی الله العفو عند القدرة والحلم عند الغضب ۰ ایله تحمل
وعفو ومرحمت کوسترمك ۰ موجب رضای الهی وسبب خشنودی حضرت
رسالت پناهیدر ۰ خصوصا جناب پادشاه سلیمان حشمت ۰ موهبت الهیه
طوتوب حضرتکزه تسلیم ایتمکی مروا اشارت ایتمشلر ۰ حقا که بو اصل سنه
بکا واجدادمه سنت وعادت اولمامشدر ۰ بلکه زمان سابقده ارباب ٤٧
جرایم وکناه ۰ ترس وبیم سلاطین جهاندن قاچوب ۰ اول سلسلهٔ سعادت
دستکاهه پناه ایدوب کلوب ۰ قتل وقصاص نیجه سندن خلاص بولمشلردر
بو خصوصدن حصولی ۰ یعنی سلطان بایزیدك وصولی ۰ اخروجهله ممکن

ومیسر ایکن طوتوب کوندرمکه احتیاج یوقدر • نامهٔ شریفکز کندونلك اوزرینه قرأت اولندقده • قباحت وشناعتنه ندامت کوستروب • کریه وزاری ایله تضرعات بیشمار ایلدی • اکر بنم کناهلریمی دخواست ایمزدن اول بنی اولطرفه ارسال وایصال ایدرسکز • لهب غضب پادشاهی اشتعال کلوب • مرحوم سلطان مصطفی کبی بنی دخی هدم قتل وقتال ایتمك مقرر در لکن صیانت ناموس پادشاهی ملاحظه سیله التماسنامه یازلوب معتمد علیه قدیمی عمدة الاعاظم زین الدین علی آغا یوزباشی ایله ایلچی سنان بك صحبتنده اولوب سدهٔ سعادت مثاله ارسال اولندی • حضرت پادشاه اسلام مدتی التماسنامی اولدرکه • غریق بحر آثام اولاد سلطان بایزیدك جرایم وکناهلرندن بو مخلص بی اشتباهلرینه باغشلیوب • مشارالیهك خاطرینه اطمینان کلمك ایچون • بر منشور سعادت نشان یازدروب • بو مخلصلرینه روانه ایدرلرکه • طرفینك ناموس دولتنه لایق اولد وغی اوزره اخذ خدمت اولنه • چونکه اول سلطنت دستگاه شهزادهٔ سعادت پناه حضرتلری بو مخلص بی اشتباهلرینه کوندردکلری مکتوب محبت نژده یدردیوب بورمشلر • اول فرزند حمیدهٔ خصالدن ضراعت وابتهال ایله توقع اولنورکه اتالق واوغلق مرتبه سی رعایتنه بایزید شوریده حالك جریده اعمالنه قلم عفو ومرحمت چکوب • ماجراسنی کرداب نسیانه براغوب • انتقامندن الحکه احسان اولنه • وبر موجب عطوفت مشحون • انی انا اخوك فلا تبتئس زبان بلاغت وملاطفت ایله خاطر فاترینی اولجانبه جلب وجذب ایتمکه سعی وهمت اولنه **بیت** بشیرین زبانی ولطف وخوشی • توانی که پیلی بموی کشی • وعنایت نامهٔ نامیلریله خدام والامقاملر بر معتمد علیه آدم بیله کوندریله که بزدخی اولحضرتلك رضاسی مقتضاسنجه عمل ایدوب • آداب سلاطین وناموس خواقین اوزره لازم کلانی اجرا ایدوب • اولجانبك کناهندن کچیلورسه • اولحسنانك ثمراتی حضرتکزه راجع • وسیئاتك مکافاتی اکا عائد اولور **نظم** نکویی بابدان کوبا تو بد کرد • کزاربد رخنه در اقبال خود کرد • چو آیین نکوکاری کنی ساز • نکو دبر تو جز آن نیکوی باز • وشیخ سعدی شیرازی حضرتلرینك بو بیت مشکین طرازن نامهٔ شرف رسانلرنده بو اسلوب مرغوب اوزره تحریر وبیان اولنمش **نظم** نکویی با بدان کردن چنانست • که بد کردن بجای نیك مردان • اکر بو بیتك برابرنده بو قطعه ازبر بیوریلورسه • مروت واحسانه انسب اولدیغی مقرردر •

نظم فریدون کفت نقاشان چین را • که این برکرد در کاهش نویسند • بدانرا نیك دار ای مرد هشیار • که نیکان خود بزرگ ونیك نامند • بدانرانیك دار ای عزیزان • که نیکان هرکجا باشند عزیزند • وتبلیغ رسالت ایچون قدوة الاعاظم والاعیان سیف الدین ارشتی اغا ذو القدرلو کرد ادن اتابه بختیار وصداقت شعار خدمتکاریمزدر • معتمد الخواص والاعیان طورداق اغا ایله روانه قلندی • عز حضور موفور الحبوره ابلاغ وایصال ایتمك ایچون بعضی اغز خبرلری اصمرلنمشدر • سمع رضای شریف ایله اصغا اولنمه سی رجا اولنور • وطوارق رحمت حق وبونا قلنغی ملتمس اولسونکه حلول زاده لك اوزره توقعدن زیاده خدمت ایتمشدر • وترقب اولنورکه فیما بعد دوستلق ومحبت قواعدینی محکم طوتوب ریاض استحبابی جوبیار اختصاص واتحاد ایله سیراب ایدرلر وبو ولاده واقع اولان خدمات ومهمات وتحفها وتبرکاتدن خاطر شریفه خطور ایدرسه ادنی اشارت ایله رهین منت بیوریله • همواره مسند سلطنت وکامکاری • واورنك نصفت وشهریاری • بعز وجود برجود مزین ومشرف باد **نظم** الهی تاجهان را آب ورنکست • فلك رادور وکیتی را درنکست • ممتع دارش از عمر وجوانی • زهر خیرش فزون زین کامرانی •

جواب مودت نامهٔ عباس شاهی ازجانب همایون پادشاهی اینست

افسر سلطان سریر مقال • وزیور عنوان نامهٔ خجسته مآل • اولقادر بر کمال • وخالق ذو الجلال • مفیض الجود والنوال • محول الحول والاحوال • جل عن التشبیه والمثال حضرتلرینك حمد وسپاس بی منتها • وشکر بی قیاس واجب الاداسی اولمق سزاوار اولدرکه • کارخانهٔ نظم بدیع اوزره ابداع • ومصنوعات اسلوب منیع اوزره اختراع • ومدایح وجودی ترتیب فایق اوزره تمهید • ومعارج فیض وجودی نمط لایق اوزره تشیید بیوروب • نسخهٔ جامع انسانی احسن تقویم اوزره انشا • وابنی اسلوبله املا ایتدکد نصکره بحث النظر نظم عالمه بادی • وانتظام احوال بنی آدمه سبب عادی اولمق نوع انسانك مظهر ظلیتنه لیاقتی • واقسر خلافت قابلیتی اولان قوللرینی مشیت وارادت کامله سیله انتخاب واختیار بیوروب • هر برینك سرمفاخرینی تاج ان الارض لله یورثها من یشاء • ایله فرق فرقدانه برابر • ورداء معدلت کسترلرینی السلطان العادل ظل الله فی الارض مصداقنجه سعادت ظلیتنه مظهر ایلدی • جل من لا اله الا هو • قدست ذاته واسمائه وحار فی نور وجهه الاعین • وکل عن وصف ذاته الالسن • وزیور خراید جراید واسفار وواسطهٔ قلاید ابکار افکار • اولجناب رسالت پناه •

سلطان سریر لی مع الله • پیشوای انبیا و مرسلین • مقتدای اولین و آخرین
فاتحهٔ نبوت خاتمهٔ رسالت • صدرنشین پیشگاه اصطفا • سرقافلهٔ
کاروان اجتبا • حضرت حبیب خدا محمد مصطفی علیه من الصلوات ازکاها
ومن التحیات اسناها • نك درود نامعدود • و صلوات غیر محدودی
اولق انسب و احری درکه • دعایم عزایم توفیق قرینی ایله • مبانی دین مبینی ٤٤١
تشیید • و لوامع انوار شرع متینی ایله • ظلمات کفر و ضلالی نابود و ناپدید
ایدوب • حقیقت ذات بهبودی نظام سلسلهٔ وجود و علت بقا • و جام
جهان نمای حقیقی شهود جمال ازلی یه جدول نما اولمشدر نظم
خواجهٔ کآفتاب ملت را • روشنی از فروغ طلعت اوست • پادشاهان
کشور دین را • چشم امید از شفاعت اوست بیت کارانکه برش
دولت سرمد باشد • از بهر محمد خدا مدحت احمد باشد • تسلیمات نامیات
و تحیات زاکیات • اول رسول مجتبانك مرقد منورینه • و اولاد و امجاد
و اصحاب و احبابنه اولسونکه • اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم دریلر
رضوان الله علیهم اجمعین • اما بعد حضرت سامی رتبت برجیس منزلت
بهرام صولت خورشید طلعت ناهید عشرت عطارد فطنت • دولت
اساس سعادت اقتباس عزت ستنا بو حشمت لباس شاه عباس
دام فی هدایة رب الناس • صوب باصوابنه لطایف دعوات مصادقت نما
و شرایف تسلیمات مخالصت انتما اهدا اسندکدنصکره مرآت مجتوی
صور آگاهی • و مطرح آثار دولتخواهی اولان طبع دقیقه شناس
دوربین • و خاطر حکمت استیناس صفا رهینلرینه • مکنونات ضمیر الهام
پذیر بو وجهله تصویر اولنورکه • عنایت بی نهایت جناب احدیت
و هدایت بی غایت حضرت ختم رسالت ایله • مرجع سلاطین نامدار گردون
اقتدار • و ملاذ خواقین کامکار رجیل الاعتبار اولان سدهٔ سنیهٔ
فلك فرسا • و عتبهٔ علیهٔ سپهر آسا مز اولان • و وفور اخلاص محکوکی
اثبات • و تجدید تأکید اساس موالات و مصافات ایتمك ایچون • قصد
استعجال و برید سریع الایصال ایله ارسال اولنان نامهٔ همایون مصادقت
مآل • و رسالهٔ شاهی بدیع المثال کز نقاش کلك دبیران سحر آفرین ایله
تصویر و عبارت پردازی طبع منشیان بلاغت رهین ایله • رشتهٔ
کشش حسن تعبیر اولنمش • بو طومار فصاحت دثار • و مجموعهٔ محبت
شعار • بلکه افادهٔ خبرده رسول نامه آوردن انطق • و لسان الحال
انطق من لسان المقال • نکته سنك ماصدقی ایدی • بر وقت میمون ساعت

همایون

همایون حلول کلنده کلوب • حلوتسرای حسن قبوله دخول • و محل عرض
و انهاده قیام و نزول ایدوب • صورت حال و کیفیت احوال • منظور نظر
اذعان و ملحوظ دیدهٔ ایقانمز واقع اولدقده • فحوای صداقت احتواسی
احکام صلح و صلاحی متضمن • و ایفاء عهد و میثاق مودت
القادحی مبین اولوب • حدود ممالك محروسه خار و خاشاك منازعه‌دن
دور • و ایام سعادت تمزده رعایای طرفین • سر نهادهٔ بالین حضور اندوه
حاوی • دخی نیجه دوستلق و محبت اخبارینی راوی اولمغله • سبب تضاعف
اسباب تألف • و موجب ترادف آثار تعطف اولوب • صیقلهٔ حسن معامله گری
مرآت مجتوی مصادقتی مجددا تصفیه • و نسایم خلوص طویتلری نخل
بادور مخالصتی مکررا تنمیه ایدوب • همیشه نگاه داشت سررشتهٔ
مصافات کاروبارلری و رعایت مراسم موالات • مدار افکارلری اولمق
طبع صاف • و ذهن انصاف اتصافلرینه خبرخفاده اولیه که • الی الآن صدرنشین
اورنك عثمانی • و صاحب تمکین سریر سعادت مصیر سلیمانی • اولان آبا و اجداد
عظاممز انار الله براهینهم • هر بری زمانه سنك قهرمانی • و دورینك صاحبقرانی
اولمغله • دائما تاجداران جهان • آستان احسان رسانلرینه جاده • و سایهٔ
سعادتلرینه التجاده اولوب • زمان سعادت اقترانلرنده واقع اولان ملوك
و رضیة السلوك اطراف • و تاجداران مصافات اتصافلریله حسن معامله
ابوابن مفتوح و مکشوف طوتوب • قریب و بعیددن جانب همایونلرینه
٤٤٦ عرض اخلاص ایدوب • دوستلق و آشنالق قپوسنی دقدقه • و مخاصمه و منازعه
باسنی شق ایدنلری • بغیر موجب منع و رد • و ورای مراد و مقصودلرینه
قارشو ابواب ملاطفه بی منتهی قلیوب • هر بریله مصالحه واقع اولدقده
عهد و قرار و پیمان و اقرارلرینه استوار و پایدار اولمشلردر • کذلك
عروس سلطنت روزافزون نامزد نام همایونمز اولوب • آفتاب عالمتاب
دولتمز • مشرق خلافتدن طالع • و افق سلطنتدن لامع اولالیدن برو •
شرقا و غربا • برا و بحرا • اطراف ممالك وسیعه ده اولان سلاطین اسلام
و سایر ملوك و حکام مدت • بریسی دایرهٔ رضای سعادت اقتضامزدن
عدول ایتمیوب • هر بر تعیل باج و خراج ایتمکله داخل دار الامان استراحت
و دوستداران خاندان ابد بنیانمزله یکدل و یکجهت اولمشلردر • عنایت
بی غایت الهی • و هدایت جناب رسالت پناهی ایله • اکر جانب بحره و اکر طرف
بره تجهیز و ارسال ایتدوکمز عساکر ظفر مآثرمز • دائما قرین فتح مبین اولدقلرندن
ماعدا • بو سال فرخنده فالده دونمای همایونمز ایله کوندریلان سفاین ظفر

قرانیمز بعون الله الملك المنان نشان فتح ونصرت ایله بادبان آچوب
کفار حربی مملکتلرندن الی الآن اهل اسلام آیاغی بصمدوغی یرلره واروب
ایچنده اولان اجناد ظفر اعتیادمز شیر ژیان گبی گمیلردن چیقوب
ملاعین خاسرینك شهر وقصبه لرندن نیچه لرینی بصوب حددن
متجاوز ملاعین طعمهٔ شمشیر واهل وعیاللرینی اسیر ودار ودیارلرین
خراب ویباب ومسکن بوم وغراب ومعابد واصنام لرینی مکور ومنهدم
واسباب معیشتلرین بالکلیه منعدم ایدوب نعمت وغنیمته مستغرق
ومظهر الطاف فیاض مطلق اولمشلردر نظم سپاس وحمد وثنا بالعشی
والاشراق نثار بارکه منعم علی الاطلاق غریق لجهٔ انعام وفضل یزدانم
کدام شکوی آرم بجا عنیدانم لکن حربی کفره وشمشیرکش اولاندن بجوه دن
ماعدا قدیم الایامدن سایهٔ سعادتمزده مستظل وودایع امانتمزه داخل
اولان اهل ایمانی حمایت اوزرینه لازم واصحاب استظهار واستدعای
صیانت ذمت پادشاهانه مه متحتمدر اولمقوله یه عساکر منصوره مزه
بوجه من الوجوه تعرض وتصدی ومأمور اولدقلرندن مقدار ذره
تجاوز وتعدی ایتمیوب مادامکه علانیة کندو طرفلرندن نقض
عهد ومیثاقی مشعر برحالت صدور ایتمیه آبا واجداد عظاممز زماننده
باامانلرنده ویریلدن امان کماکان مقرر طوتلوب حقوق قرب
جوار ودواعی عهد وقرار اولمقوله لری اظهاردن صرف عنان ایتمشلردر
بلطف الله تعالی دوستلغمز دوستلق وعهدیمز عهد ابدیکی دوستان
ودشمنان وکفار واسلامیان قتنده ثابت وظاهر اولمشدر
مجدوباب مصالحه ده رهان صدق نشانمزدن صدور ایدن اقرار واعترافدن
بلاسبب شرعی رجوع عن محال واقسام قسم ایله منعقد اولان عقود وعهودمزی
ناحق غرض نفس ایله اخلال بولمق عدیم الاحتمالدر بو تقدیر لازم التقریر
اوزره مادامکه اول طرفك امرا وحکامندن نقض عهد ومیثاقه بادی
وهرنیك اعمال وافعال اعادی بروضع غریب ونادر صادر اولمیه بو طرفدن
برحالت ظهور ووقوع بولمق احتمالی یوقدر بو بابده کماشتکان سرحد
منصوره مزدن اولنلره وعید شدید وتنبیه وتاکیدی مشتمل احکام
قضا مضا وفرمانات قدر توامانمز گوندرلمشدر سزاوار دوستی ومحبت
ولایق یکجهتی ومودت بودرکه جناب سعادت مآبلری دخی دایما اول
طرفك سرحد حاکملرینی بو منوال اوزره تنبیه وتاکید اولنه که دایرهٔ
صلح وصلاحدن برقدم طشره بصمیوب فساد طبیعتدن ناشی اطوار

ناهوارده

ناهواردن تحاشی ایلیه لر تاکه حدایق مهر ومحبته هرطرفدن نسایم
حسن اتفاق وزان وریاض وداد والفته هرجانبدن وفا ووفاق آب
فیاث اولنه دایم الاوقات نخل برومند عهد وپیوند باروری گوزله
ونتیجهٔ صلح وصلاح میوه دار وبرومند اوله باقی نظم همیشه تاکه
عناصر مزاج عالمدر اساس صلحی ایدر بری ایله محکم بوطرح صلح که رسم
ایتمش اتفاق کلك قضا بود هر بو قلون صفحه سندن اولمیه کم

٤٤٧ ٤٤٤

شاه عباسدن سردار فرهاد پاشایه استحکام صلح ایچون گلان نامه‌در

ایالت وحکومت پناه شوکت ونصفت دستگاه عزت وجلالت انتباه
عالیجاه عمدة اعاظم الوزراء فی الآفاق زبدة افاخم الولاة والحکام علی
الاطلاق دستور اعظم معظم ومکرم مشیر مفخم مکمل مصالح عالم
سردار عظیم الوقار وبهسالار قوی الاقتدار مظهر عواطف الملك الاعلی
اعنی جناب معالی نصاب فرهاد پاشا حصل الله مرامه علی ما یشاء
حضرتلرینه اصناف اصطناعات مقرون تعظیمات بلاغایات وانواع
تلطفات مشحون تکریمات فوق الحد والنهایات ابلاغ وارسال قلندقدن
صکره رای مملکت آرا وضمیر مشکل‌گشالرینه نقاب وحجاب وپرده
ارتیاب مستور اولمیه که بزم رضای همایون وفرمان سعادت
مقرونمز موجبنجه ایالت وحکومت مرتبت وشوکت ونصفت منزلت
عالی رتبت عضد الخلافة الباهرة رکن السلطنة القاهرة اعتماد الدولة
العلیة الخاقانیة اعتضاد السلطنة السنیة السلطانیة مبارز الایالة
والحکومة والشوکة والاقبال وکیلم مرشد قولیخان دام اقباله وزاد
اجلاله اصلاح ذات البین ورفع مواد فتنه وشین بابنده حضور شریفکزه
بعض مقدمات اعلام ایدوب شهزاده عالی منزلت رفیع مرتبت قول وعهد
قرارداد مقتضاسنجه اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه ظل الله سلطان البرین
والبحرین خاقان المغربین والمشرقین خادم الحرمین الشریفین ثانی
اسکندر ذوالقرنین خلد الله ملکه وسلطانه خدمت شریفلرینه
وارمق مقرر اولوب امر شریف موجبنجه ایالت وحکومت پناه حشمت
وجلالت دستگاه مشار الیه خان عالیشان شهزاده‌یی گوندرمك
بابنده حضور شریفکزه بعض مقدمات اعلام ایدوب انشاء الله الاعز جواب
صواب مقرون ایله جانب شریفکزدن وارد اوله المؤمنون عند شروطهم
مقتضاسنجه قول وقرار وشرط وعهدیمزدن تجاوز اولنمز واول دستور اعظم
مشیر مکرمدن منظوریمز اولدرکه نیجه که پادشاه سلیمان جاه اسکندر [illegible]

حضرتلرینك ذات وعمكن منظور طوتوب دولت علیه‌لرینك انتظامنده
آثارسعی وجوده كتورلر بزم جانبمزدن دخی دوستلق ایدوب استحكام
مبانی وداد طرفین والتیام معاقد اتحاد جانبین بابنده هروجهله سعی
واهتمام اظهار ایده‌لر كه الی انقراض الزمان صفحات روزكارده مثبت
ومرقوم اولوب نهال برومند مصادقت دوحهٔ سربلند موافقت اصلها
ثابت وفرعها فی السماء حدنه یتشوب خلق جهان ظلال طوبی مثالندن بهره‌یاب
طالب استظلال اوله‌لر انشاالله تعالی باقی دولت وسعادت بردوام ونوبت بركشی بكام

صدراعظم طرفندن شاه عجمه آخسقه خصوصنده كلدن نامه‌نك جوابیدر

نظم شاه بیت قصیدهٔ اجلال نامهٔ نامی مبارك فال شارح رمزهای
پنهانی ترجمان زبان خاقانی اعنی كتاب مستطاب واجب التعظیم وخطاب
سعادت نصاب لازم التكریم كه اول خسرونام آور اقالیم جهانداری و
شاه جم افسر ممالك كامكاری وخلوفت عالیحضرت كردون بسطت كیوان
منزلت بهرام صولت مشتری سعادت خورشید اضاءت ناهید بهجت
عطارد فطنت قمر طلعت والی ممالك عجم خسرو كردون حشم نظم
درخشان مهی از سپهر وجود كرانمایه دری زدریای جود زكان سعادت
كران كوهری ببرج خلوفت نكو اختری مهرسپهر سعادت وبختیاری
اخترببرج جلالت وكامكاری شاه والاجاه بلنداقتدار حضرتلرینك
دبیران سحركار ومنشیان بدایع نكارلری دستیاری یراع ابداع ایله
اختراع وهرحرفنده برنكتهٔ سنجیده ایداع ایدوب تراكیب الفاظ
سلیسه‌سن دررمعانی ونكات نفیسه ظرف وحقایق ودقایق
كلمات لطیفه‌سن حجلهٔ حوران قاصرات الطرف قلمشلردر نظم
این نامه نیست بلكه یكی تحفهٔ باغبان چیده زچمن بنفشه وپیچیده دركن
نشكفته غنچه ایست چوپیچیده بینش همچو دهان غنچه دهانات
رازسخن اسعد زمان وایمن اواندہ اول كتاب بلاغت عنوان فخر
الاماثل والاقران ابراهیم بك یوزباشی بنده‌لری یدندن بومحب خیر
خواهلرینه واصل وشرف وصولندن انواع سرور وشادمانی حاصل اولوب
فاتحهٔ مطلع همایوندن مقطع صفا مقرونه وارنجه مطالعه اولندقده
فحوای بلاغت رهیننده ادراج وتضمین بیورلدن نكات رنكین وكلمات
سحرآیین حیرت فزای عقل دوربین وزنك زدای قلب اخلاص رهین
اولدی اسدی خاطراكاه شاهی ودل پرانتباه جهان پناهی یه خفی
وپوشیده دستور ونوردیده بیورلیه كه خاندان مخلد الاركان عثمانی

ودودمان مشید البنیان صاحبقرانی جمله سلاطین روی زمینك ملجاء
وپناهی وملاذ وتكیه‌كاهی ابدوكی متفق علیه خاص وعام ومسلم
جمله انام ومدد اكرملوك اسلامیه‌دن فرمانفرمای اولات شاه جهان
واكرسائر دیانده صاحب تخت ونكین اولات قیاصرهٔ دوران بودولتك
عزت وحرمتنده دائما ثانك وجوده ورضای شریفلرین همیشه جت
وجوده اولوب سلفده جناب سلطنت مآب خلافت انتسابلرینك
اباواجداد مصادقت معتادلری دخی بودولت علیه ابد پیوند ایله
توجهله دوستلق ایتدوكلری صحیفهٔ ایام مدح مسطور والسنهٔ خواص
وعوامده مذكوردر بوسلسلهٔ علیه ایله دوستلق اساسنه استحكام
ویربلجیلده‌ك نه مرتبه سعی ودقت ایتدكلری وبروجابنك رضاسنی
نظر بقله كوزتدكلری معلوم شریفلری اولدوغندن ماعدا بواستانهٔ
سعادت استنادده‌نه سیله كاروبار دولتلری نه طبقه ده استحكام
ورونق ونه درجه ده انتظام ونسق بولدوغی بالذات مجربكز اولنبد
حال بومنوال اوزره ایكن پادشاه عظیم الشان وشهنشاه سلیمان مكان
ودوستلغی كارآسان طوتمق واخسقه وچالدر كبی پایكاه خولی اكارده
اولان محقر موضع خاطرحرمت حقوق سابقه‌یی ونسق اولجهاندن حقیقت
شعار حضرتلرینك خیرخواهان دولتلرندن اوملادیغی وضع ومدبران
ملك وسلطنتلرندن مأمول اولامیحالت دكل ایدی مقدما بومخلص
ولاجویلری ابتدا صدارت عظمی خدمتنه مباشرت ایتدكن خیرخواهلغه
لایق اولان وجه اوزره بوخصوصی مفصل ومشروح سلك تحریره كتوروب
حقیقت حالی ایسه قبل الوقوع حضور عالیلرینه انها اولنمشیدی
وبوبابده شهباز بلند پرواز رضای پادشاهی ساعد دولت ساعد
مرادلرینه نزول ایتمك مرتبه‌سی قوت قربه‌یه كلمشكن واهم مقصد ومرام
واتم مصالح ومهام بوعنقاء قاف استغنایی دام ایتمشكن بوكار میمنت
آثار خام وناتمام قوینلوب مصلحت برطرف اولمزدن مقدم وسنور
وحدودده فیصل ویرلمزدن اول بحسب الذات كرجستان سفرینه وارلوب
وخاطر عاطر پادشاهی‌یه كران كلجك وضع اختیار اولنمق دعوای محبته
منافی ومقدمات مصالحه‌نك باعث اختلافی ایدوكی مكتوب مخالصت
مصحوب ضمننده درج اولنمشیدی علی الخصوص بوندن اقدم البحیلات
خدمتیله سرحد سدره مثال بوزسورن صدر العلماء العظام قاضی
خان داعیلری كوندردوكمز مكتوب مخالصت مصحوبلرده كشف

استاد اسرار اولنوب • اصلا خفی ومستور برشنه قالمیوب • بونلك
تلافی ومكافاتنه طریقیله امكان وارمیدر • بذل اهتمام اولنه دیو تلمیح
واشارت اولنمشکن • شارالیه ابراهیم بك وساطتیله موی الیه ذمتكر
طرفندن بومخلصلرینه وارد اولان مكتوبده کبرو سرنامه‌ٔ اصل نزاع وسلسله‌ٔ
محبته باعث انقطاع اولان اخسقه احوالی ابتدا بازیلوب تندن زیاده
تاكیدات شدیده ایله ایراد • واثبات مدعی ایچون دلائل قویه تدارکنه
فوق الغایه اجتهاد ایتمشلر • وبوجانبك سواللرینه علی طریق المعارضه
كبروكند سوالرله جواب ویرمشلر • واخسقه كبی محل تحقیق وجای تحقیق
ایچون برعظیم الشان پادشاه ایله اولان صلحه خلل ویرلمك جایز میدر •
دیو یازدوغمز سواله جغنه بوجانبه ایراد ایدوب • بوتقدیرجه سزلك
طرفكزدن عجب بومعنی ملاحظه اولنمیه دیو الزام صددندن اولمشلر
بودولت علیه ایله بوبوزدن معامله صراحة صلحه عدم رضادن
عبارت • وسنه سنیه ایله اولان دوستلغك قدر وقیمتن بیلمه مدن
كنایت دكلیدر • للخیر ما اختاره الله • حقیقت حاله نظر وتتبع احوال
قضا وقدر اولنسه • انسان ضعیف البنیه الكرخیر واكرشر برشنه
بوقدر • جمله ازمه‌ٔ احوال وآثار • واعنه‌ٔ اوضاع واطوار • اول فاعل مختار
ومكور اللیل والنهارك ید قدرتنه مفوضدر • بیت • جمله تدبیر
پس پرده ده استادكدر • اختیاریمی صنوبرسن حركات متورك • دائما
اول جناب وهاب • ودرگاه مسبب الاسبابدن تضرع ونیازمز بودر كه
حبیبی حرمتنه وچهار یار كزین روحانیتی • انت محض خیر لوانفع
اولان طریق نایبه بوضعیف عباد اللهی اول سمته دلالت واول
طریقه هدایت قلوب • پس پرده‌ٔ غیبدن انواع لطفلر وماوراء
تقدیردن مأمول اولان مرتبه‌لردن متجاوز احسانلر میسر ایدوب
جمیع كار وباریمزی رضای شریفنه موافق وعامه‌ٔ افعال وكفتاریمزی
اراده‌ٔ ازلیه سنه مطابق ایدوب • نتیجه‌ٔ كاریمز باعث اسایش خاص
وعام • ونهایت اقتدارمز سبب رفاهیت كافه‌ٔ انام اوله • بحرمة
محمد المصطفی • وآله واولاده واصحابه المجتبی • والسلام •

روان قلعه سی تسخیرنه مأمور اولان سردار طرفندن
شاه عجمك امر صلحه متعلق نامه سنه جوابیدر

تا باقیه‌ٔ سابقه‌ٔ عنایت حضرت رب عزت • تبارك سبحانا وقدیرا
وتعالی عما یقولون علوا كبیرا • مانند صبح صادق • مطلع صدور پرتو

سالكان مناهجدن متألق • ودرخشان • وآفتاب شرف واقبال افق عز واجلال
واوج رفعت وكمالدن • فضای سرای جهان • وساحت فسحت عالمیانه شارق
ودرخشان اوله • اول مهر سپهر عظمت وسپهر مهر حشمت فلك رفعت كیوان منزلت
كردون ابهت • نیر اوج سربلندی • بدر عالیقدر منزل ارجمندی • برجیس
برج شرف • در سعادت صدف • غره‌ٔ سرنامه‌ٔ شاهی • طغرای جبهه‌ٔ عزت پناهی
فریدون فر همایون اثر • آرایش سریر سروری • زینت افزایش تخت داوری
حاوی مفاخر كیخسروانی • راوی مآثر جمشید شانی • موسس امور مملكتداری
مهندس رسوم نصفت شعاری • شاه سعادت نهاد • شهریار فریدون
نژاد • حضرتلرینك كوكب بخت همایونلری • بیت الشرف حشمت وشهریاری
واوج برج شوكت وتاجداریده ساطع وبارقا ولمق • دعوات خالصات
اجابت آیات • وتحیات صادقات اصابت غایاتی اسلوب مرغوب تبجیل
وتعظیم ایله تحفه‌ٔ مجلس سامی • وهدیه‌ٔ محفل كرامیلری قلندقدن صكره
انهاء ضمیر منیر خورشید تنویر • وابناء خاطر خطیر حقایق سفیر اولدركه
للحالة هذه بومحب اخلاص قرین • ومخلص صداقت دهینلری • سوق تقدیر
فعال لما یرید • وامر قدر تأثیر پادشاه صاحب النصر والتأیید ایله عساكر
اسلام ظفر انجام ودلاوران پلنگ انتقام نصرت فرجامی • ممالك محروسه‌دن
جمع ایدوب • عنایت خالق پروردكار • وامداد واعانت چهار یار كبار ایله
قاید فتح وظفر عساكر نصرت اثره دلیل رهبر اولمه سن • رجا وتمنا ایدرك
متوجه قلعه‌ٔ روان • ومترصد هدایت ذو الفضل والاحسان اولدوغمز
اثناده عمدة الاعیان والاهالی • عباس قولی بك زید رشده وساطتیله
كتاب مستطاب • ونامه‌ٔ بلاغت نصابلری وارد اولوب • الحق عبارات
سلیسه واشارات نفیسه‌سی طرح كر سحر حلال • وغبطه آور آب زلال
اولمغله • مذاق جانه لذت بی اندازه • وحلاوت تازه باغشلدی •
امدی خاطر برانتباه شاهی • ودل آكاه سعادت پناهیلرینه واضح وهویدا
وضمیر مرآت نظیرلرینه • غبار شكوك وظنوندن بو وجهله منور ومجلی اولا كه
بومحب اخلاص پیشه‌لرینك بعنایة الله الملك القادر • باطنمز موافق
ظاهر • بالجمله هر بابده قول وقراریمز بر اولوب • لاف وكزافدن دركاه
رب العزته پناه • وكار وباریمزی موافق وما صدق وافوض امری الی الله • ایله
كلنوزدر بوكلامزه شاهد • وصدق مقالمزه مؤید الی الآن حضور عزت
موفور شاهی • وجانب ریا مجانب سعادت دستگاهیلرینه یازیلوب كوندریلدن
مصادفت اسالیب نهج واحد اوزره تحریر • ومضمون رساله‌ٔ مقدم موافق

مفهوم كتاب خيرابدو كيدر • اكرچه كلام حق ظاهرده تلخ وناخوشكوار
وطبعه ناملايم وباعث آزار كوربنور • اما حقيقت حال منظور واحد
جانبنه ميل ومحابا معناسى نظر اعتباردن دور طوتلسه • اميدمز
بودركه اول مسند نشين چاربالش انصاف • اولان شاه والاجاه هر
حضرتلرينك • مدبران دولت عليه لرى بزم بوكلامزى انكار وحقه
اقراردن تحاشى وعار ايتمزلر • زمان باامان سلطان مرادخانده
اولان بناء صلح موسس كلا وكانى • بلاسبب منهدم • ورشته مصالحه
ومعاهده فى جزوى بهانه ايله منقطع • ومنخرم ايدكلرندن ماعدا •
دفعه ثانيه ده بوامر عسيره سعى كثير ايله جلوس كرمنصه حصول لق
طبقه سنه يقلمش ايكن • حكمت بارى ايله دخى بر مصلحته تمام استحكام
ويرلمدن • بعضى آثار ظهور ايتديكه ابتدا اولان اوضاع واطوارى
نايسند • ولباس منافات ومنافرتى تجديد ايلدى • ظاهرا بوطبقه لرده
عبدك صنعى كاركر • وتدبير وتدارك انسان ضعيف تيرقضا وقدره
سپر اولمز • چونكه وارد اولان نامه ناميده بويوزدن بعض كلمات
حكمت آيات • درج بيورلمشيدى • مالايدرك كله لايترك كله • مقتضا
بعضنسنه جواب اولنق ايچون بودكلو تصديعه اختصار اولنمشدر •
اميدردركه معفو ومعذور • وبحواى كلام • المأمور معذور • بوبابده منظور
طوتوب • طرف همايون شهرياريدن مأمور اولدوغمز خدمته قيام واقدام
ذمتمزه فرض عين • وكردن اهتمامزه محض دين ايدوكى • علم شريف عالم آرا
لرينه كون كبى واضح وهويدا اوله • دركاه رب العزتدن هرباره معاونت
ومظاهرت • وروح پرفتوح رسول مختار • وهمت وعنايت اولياى كبار
وجهاد بادر جليل الاعتباردن • جميع امورمزه لطف وهدايت وفتح
ونصرت رجا ايدرز • والله على كل شيء قدير •

آستانه طرفندن كيلون حاكمنه عبوديت نامه والتماسنه جواب نامه در

والاجناب امارت مآب ايالت نصاب سعادت اكتساب سيادت
انتساب • ذوالقدر الرفيع والصدر المنيع • المحفوف بصنوف عواطف
الملك الصمد كيلون حاكمى خان احمد • دامت معاليه • تحيات احتواى عزيمات
وتسليمات ابتداى كوهر نثار • كه محض عنايت پادشاهى • ورعيت حمايت
شهنشاهيدن صادر ومتبادر اولور • اصدار قلندقدنصكره • انهاء
محبت انتها اولدركه • سده سنيه سعادتمدار • وعتبه عليه كردون
اقتدارمزه كه ملاذ سلاطين عاليمقدار • ومعاذ خواقين ذوو الاعتداد در

مشير مشترى تدبيركز اولان قدوة الموقرين • عمدة المعتمدين حسام الدين
زيد مجده • وساطتيله كرتن اوقات • وبهين ساعاتده كتاب مستطاب مشكين
نقابكز وارد اولوب • ذات مكرمت سماتكز سادات حسينيدن • واهالى
ولايتكز اهل سنت وجماعتدن اولوب • جبلت باختكزده مركوز وطبيعت
بى عشتكزده مرموز اولان كمال الخلوص وولا • مستدعا سنجه عتبه عليامزه
اختصاص والتجا • وانتساب وانتما ايليوب • بالفعل تحت حكومت وقبضه
تصرفكزده اولان كيلان ولايتندن اون طقوز ناحيه يى مشتمل بيد پس
اولكه سنى سده سعادت احتوامزه پيشكش واهدا • وحسن قبولنه التماس واستدعا
ومملكت موروثكز اولان هيجان اولكه سن كندوكزه اوجاقلق طريقيله عنايت
واعطا اولنمه سن توقع ورجا ايدوب • بونلردن ماعدا اول بغى وضلال
اوزره اولان • قوم سريع الزوال استهلاك واستيصالنه متعلق • عرض اعلام
وانها • وانتصار واستمداد اولنمش ايسه • مفصلا باية سرير اعلامزه عرض اولنوب
علم شريف عالم شمول ملوكانه مز على الوجه الكامل محيط وشامل اولمشدر •
امدى مخفى وپنهان اولميه كه • اصحابى كالنجوم بايهم اقتديتم اهتديتم • فحواى
شريفنه مظهر اولان • صحابه سعداختر حضرت سيد البشر • وشفيع المحشر كه
كمى انيس غار • وكمى يار وفادارى ايكن • بربلوك طايفه باغيه • وزمره
غربا جيه • اول حضرات عاليه نك طبقات ساميه لرين بليوب • حاشا سب
ولعن • وشتم وطعن • ايتدكلرى اجلدن وجودبى سودلرين صحيفه عالمدن
حك ونابود ايتمك لازم كلوب • الحمد لله الملك الخلاق نقض عهد وميثاق
دخى اول جانبدن صدور ايتمكين • وزراى صف آرا ووكلاى آصف رايمزدن
حسن تدبيرده مالك وسمت تسخيرده سالك اولنلرى • بر مقدار عساكر
نصرت شعار يمزه سردار • وغزاة ظفرايا بمزه سپهسالار نصب اولنوب
ارسال اولنمشلر • بعنايت الله الملك القدير • مملكتلرينك كوشه برلرى
فتح وتسخير اولنوب • قبضه تصرف خديويانه مزه داخل اولدى وغيرندن
ماعدا • اول فرقه ضلالت انتمايه جزاوسزالرى دخى ويرلشكن بنه
سمند همت وكميت عزيمتمز • بيداى كنونوستانى وصحراى صاحبقرانيلرينك
تك وپويه وزده اولوب • عنان صلحه سرفرو ايتمزكن • متصل شاه جانبندن
رسل ورسائل وارد وواصل اولوب • درمنكوش متابعتى دركوش • وغاشيه
مطاوعتى بردوش ايليوب • صلح وصلاحه طالب دوز وفلاحه
راغب اولمغين • قرنداشى حيدرميرزايى عتبه عليامزه ارسال وانواع
نضرع وابتهال ايله عرض محبت واظهار صداقت ايليوب • تبرا ايكردخى

اتلاف واضاعت • ومذهب شيعه بى نارك اولد قلرينى اشاعت •
ايند كلرندن ماعدا قبول ملتمسات حصول متعبات • شيمهٔ كريمهٔ
سلاطين نجسته صفاتدن اولمغين • امر صلح صلاح مقرونه نوعا
رضاى همايونمز اولوب • عساكر منصوره مزه ملاحظهٔ مقهوره نلث
ارالديجون • رعايا وبرايادن نيجه بيك عجزه وضعفانك پايمال اولمه
احتمالندن سنهٔ سابقهٔ مباركده • على طريق المتاركه • بر مقدار زمان
مهلت وامان ويرلوب • حالا دخى سندن سندرم منالمزه ايلچى ونامه ارسال
ايدوب • عرض عبوديت واخلاص قلوب بنيان صلح وصلاحك تحكيمى
بابنده رجاى رأفت واستدعاى عاطفت ايتكين • بو اثناده بر معتبر خان
دخى سرحدلره كوندروب • طرفيندن قطع سنور وسد ثغور اولنمغين
حالا شاهه يازيلان نامهٔ همايون فرخنده فالمزده سزلك احوال
مسرت مالكز محمود مشروح اولوب • مملكت وولايتكزه قزلباش جانبندن
دخل وتعرض اولنميوب • طريقهٔ موالات ومصافاتى مرعى ومسلوك
طوتمقلريجون محكم تنبيه وسپارش اولنمشدر • ان شاء الله المنان • فرمان قضا
جريانمزه امتثاللرى مقرر اولوب • آسوده حال وفارغ البال اولمه كز
محققدر • كركدركه نامهٔ همايونه مسرت مقرونمز وصول بولدقده دائما
مهيا وحاضر • وقزلباش جانبنه مترقب وناظر اولوب • انك كبى سزكله
حسن سلوك ايتميوب طرفنه خلاف فكرده اولورلر ايسه • مجدداً سندن سعادتلو
مقاممزه عرض واعلام ايليه سزكه اقتضا ايلدوكنه كوره تداركلرى
كوريله • وسلك موروثكز اولان لاهيجان اولكه سيجون التماس واستدعاكز
اوزره برات عاليشانمزعنايت واحسان اولنوب ودركاه معلامزه
پيشكش واهدا اولنان • بدپس اولكه سى شرف قبولمزه موصول اولوب
اشارت اولنان امير الامراء الكرام احمد پاشا دام اقباله والى نصب اولنوب
بش التوز مقدارى تفنك انداز بكچريله • ان شاء الله تعالى اول جانبه
وارمه لريجون موما اليه احمد پاشايه وشروان محافظه سنده اولان
دستور مكرم مشير مفخم وزير حسن پاشا دام الله اجلاله يه موكد احكام
شريفه كوندرلمشدر • شمديلك بدپس اولكه سى جانب همايونمزدن
امانت ضبط اولنسون موما اليه احمد پاشا دخى اول مقدار يكچريله ارسال
اولنمق مقرردر • سز دخى مشار اليه ايله خبرلشوب نه زمان وارمه كز
معقول ايسه معتبر آدمكز ايله مكتوب كوندروب طلب ايليه سز •
مشار اليه ايلچيكز خدمت رسالتنى كما ينبغى ادا ايلدوكى اجازت عالى

نهمتمز ايله كيرو اول جانبه متوجه وروانه اولمشدر • دوام اوزره اثر ظهوره
كتورلوب حسن التفاتكزه مقارن قلنه • ما دامكه جادهٔ صداقتده
ثابت قدم • وماده اطاعتده راسخ دم اولوب • قواعد دوستى ومحبتى
رعايت ايليه سز • ان شاء الله تعالى بو جانبدن دخى اولوكدن غيرى نسنه
مشاهده ايتميوب • انواع عنايات پادشاهانه مزه مظهر دوشوب • ممتاز
امثال واشباه اولمه كزده اشتباه اولنميه

شاه عباس بعض امور ولايت ايجون استئذان ايتدكده يازلان جواب نامه در

عاليحضرت فلك رتبت جمشيد فطنت فريدون حشمت كسرى معدلت
دارا درايت كاوس كياست • دولت مناب عزت قباب رفعت نصاب
سعادت اقتباس همام عم اشرف الناس • شاه عباس شيد الله مراد قواعد
دولته بتأسيس اساس الاستئناس • بدايع روايح متراصفة العقود • وصنايع
ذرايع مترادفة الودودكه • انوار لوامعى مجلى مراياى ارواح روحانيات
وآثار مطالعى منور زواياى قلوب كروبيان اولمغله صوب صواب نماى
فرخ فالهٔ اتحاف واهدا دنصكره • عرض ولوى منظور فاخر لرينه انها
مافى الضمير اولدركه • مقدما خداوندكار عظيم الوقار • وقوى الاقتدار
مسافر مراحل ملكوت • مجاور منازل جبروت • جنت مكان وفردوس
آشيان • الواصل الى رحمة الملك المنان • بابام سلطان مراد خان عليه الرحمة
والرضوان ايله • انعقاد بولان موالات ومصافاتى تجديد وتمهيد
ايچون • رسول نامهٔ مخالصت اصول ارسال اولنمش • سفير صاحب فراست
نرجع عاليانلر اولان استان سدره آسايه • وصول بولمزدن مقدم
دست تطاول اجل طى طومار امل قلوب • اول پادشاه مغفرت پناه
وكامكار رعيت دستكاه خلعت خلافت • ولباس سلطنت • قباى عاريت
ايدوكين بيلوب • فلما قضينا عليه الموت • مقتضاسنجه لاحق اولان حكم
ازليه انقياد ايدوب • والآخرة خير وابقى • ذيل پر بشارتيله راه
بقايه كيدر • ومسالك عقبايه سفر ايليوب • جنت عدن اعلى • وكلشن
جنة المأوايه • شتاب وخرام ايتمكين • رسول عبوديت مأنوس • شرف
٤٤٩ باطبوس ايله مستسعد اولمق ميسر اولمدى • الامر من الله العلى القدير
والحكم لله العلى الكبير • بيت • صبر وتحمل ورضا چاره قضا تدبير
ابن قضيه برون ازسه چاره نيست • لاجرم مشيت احديت وارادت
بى علت حضرت عزت • عزت سماؤه وتوالت آلاؤه كه پادشاه حق
وجهاندار مطلق در • ذات سعادت سماتى • وجعلكم ملوكا • فحواى

سعادت احتواسنه لایق وسزاوار قلنوب ایشبو سنه ثلث والف جمادی
الاولی سنك اون التنجی كونی برساعت لطیف ووقت شریفده مسند كلشن
سرای عثمانی وتخت فرخ بخت كشورستانی قدوم نزهت رسوم بهجت آثار
ونزول بهجت موسوم نصرت شعار مزله مشرف ومزین اولمق میسر اولدی
ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء ولله الحمد والثناء الحالة هذه مرجع سلاطین
ذوی الاحساب ومحط خواقین شرایف الانساب اولان باب عالیة الاعتاب منیع
طرف قرین الشرفكزدن ارسال اولنان نامهٔ فصاحت آثار وبلوغت دثار
برزمان شمول امانه مبرز قواعد رسالت فایز اسباب فراست شناسنق
اعتماد وایمان كزیدهٔ امثال واقران شاه كرم بیك زید مجده وساطتیله
وصول بولدی اول نامهٔ خلوص نشانك معانی بلاغت بیانی والفت
مبانی وجعل بینكم مودة ایت هدایت عنوانی مبین اولمغین
خداوندكار عظیم الوقار والد بزركوارم انار الله تعالی برهانه ایله
منعقد اولان موالات ومصافات بوجانبدن دخی موجب تجدید
مبانی وداد ومستوجب قواعد اتحاد واقع اولوب ملتمس شفاء انام
اولان پایهٔ سریر فلك نظیر وسدهٔ سدره مصیرمزه عرض وتقریر
اولندقده نظر بافنهٔ حسن التفات اولوب مفتتح كلام مختتم مقال
صداقت انجامه وارنجه فحوای محبت احتواسی مرآت مهر انجلاء ذهن
صواب انتمامزده جایكیر وآیینهٔ طبع صفا آیت نیر تنویرمزده شرف
اعتبار ایله صورت پذیر اولمشدر ایله اولسه اول نامهٔ صداقت
مشحونك مفهوم محبت نمونی واطاعت مضمونی حضرت جنت پناهی
شرف بخش سریر خلافت ودولت نقش اورنك سلطنت اولان
وجاهدوا فی الله حق جهاده فحوای بشارت نماسنه نایب اولوب
حسنات جهاد وغزا جریدهٔ اعمال هدایت مآللرینه ثبت وتحریر
اولنمق رجاسیله عنان عزیمت وكمیت همتلری سمت غزایه منعطف
ومنصرف اولمغین كفار خاكسار دوزخ قرار اوزرینه عساكر شمار
دشمن شكار ارسال اولندوغی شاه حشمت پناه حضرتلرینك
مسموع سمع سعادت مقرونلری واقع اولدوغی بروفرصت عساكر
اسلام فوز انجام ونصرت انصار دین سید الانام ورعایت ضوابط
محبت ودوستی وصیانت روابط مودت وراستی اجلیچون اول دیارك
علما وفضلا واتقیا وصلحاسیله عساكر اسلامك منصور ومظفر واعدای
بدنهادك مغلوب ومدمر اولمسنه درگاه پروردگاره دست تضرع

ودعا مفتوح وكشاده قلندوغی ابنا اولنوب صداقت واخلاصه بناء
اول خدمت سعادت فرجام ایله ثواب جهاده فایز اولمه لری مهبط انوار
الهی اولان قلب شریفلرندن منوی ایدیكی اشعار اولنمش فی الواقع اعانت
عساكر دین مبین وحمایت كروه نصرت قرین مسلمین عامهٔ مؤمنین
وكافهٔ موحدینه لازم وخصوصا سلاطین عدالت آیینه هر آینه واجب
اولمغین ذات سعادت نشانلرینه سزاوار ولایق اولان ادای واجبدركه
اول نیت بیمثال جام جهان نما اولان ذهن تابناكلرینه جلوه آرا اولمشدر
نیة المرء خیر من عمله فحواسنجه بفضل الله الملك الاعلی ثواب غزا بلكه
نیت خالصه نك زیادت اعتراسی سببی ایله مثوبات بی منتهایه نایل اولدیكز
سنهٔ سابقه ده كفار خاكسار ولایتنك كلیدی اولان یرغ قلاع متین
وفلك ارتفاع بعون الله تعالی فتح وتسخیر اولنوب دیارلری تاراج
وتالان وبنا وتار ومار واذواج واطفالی اسیر وخوار وزار قلنمشدر
ان شاء الله الملك القهار اول بهار بجسته آثارده ینه عساكر بی شمار ودلاوران
عدو شكار ارسال اولنمق مقرردر مأمولدركه رشتهٔ موافقت ایله منعقد
اولان سبحهٔ اخلاص ایادی اختصاصه پیوسته اولوب كما فی الاول اول
دیارك علما وصلحاسیله عساكر اسلام مظفر ومنصور اولمه سنه دعوات
اجابت آیات ایله امداده اشتغال كوسترلمكه همت ایدهلركه حق سبحانه
وتعالی حبیب اكرمی حرمتنه دین مبین اوغورنده جان وباش نثار
ایدن امتنه انواع فتح وتسخیر واعدای خاكساره كسر وهزیمت میسر
ایده نامهٔ نامیكزده آستانهٔ مراد بخشامزدن بعض مرام محل الهام
اولان طبع شریفلرینه آرزو مراد اولدوغی اعلام اولنمش بركی ولایت
بغداده آسوده اولان ائمهٔ معصومینك مراقد مقدسه لرینی مرحوم
جنت مكان سلطان سلیمان خان حضرتلرینك زمان سعادتلرینده
صلح وصلاح اولدقده اذن همایونلریله اجداد عظامكز جانبندن اطعام
مساكین وفقرا وتصدقات مجرم وضعفا ایچون ایكی آدم تعیین اولنمغین
حالا دخی عنایت حق جل وعلا ایله مبانی راسخ البنیان مخالصت
ومواثیق لازم الوفاء مصادقت اول زماندن متزاید ومتضاعف
اولدوغنه بناء الطاف عام الشمول شهنشاهیدن اسلوب سابق اوزره
جناب سامی رتبتكز جانبندن دخی ایكی آدم تعیین اولنمسنه اذن
همایون خسروانی رجا اولنمش امدی ضمیر منیر پرصفایه حجت خفاده
اولمیه كه مقتضی مرادات عالمیان اولان آستان مخلد الاقبالمز دوست

ودشمنه كشاده ومفتوحدر دين ودولت وناموس سلطنته مضر
ومخل اولمايجق احسن كما احسن الله اليك مقتضاسنجه شرق وغربه
نعمت ملوكانه‌مز مبذولدر على الخصوص جناب سعادت مآبكزجانبنه
مرعى وما مولدت شاهانه‌لرى حسن قبول ايله تلقى اولنمق لازم ومتحتمدر
سيما تعاونوا على البر والتقوى فرمان هدايت نماسنه امتثالا مأمول
ومطلوبكز اولان مصلحتلرده منوال سابق اوزره عمل اولنمه سنه اذن
همايونمز صادر اولوب اول ديارك ولاة وحكامنه حكم همايون لازم
الاتباعمز ارسال اولنور ومرام والا منقبتلرينك برى دخى جناب عالى
نژادلرى من جانب الاب والام اسد الله الغالب على بن ابى طالب كرم الله
وجهه ورضى الله عنه حضرتلرينه منتسب اولوب ومرقد شريفلرى بحسب الظاهر
خدمت طواف وزيارتدن خالى اولديغى خراب اولمش وجدكز شاه
اسمعيل آب فراتدن قرين الشرفه كتورمه سنه مباشرت ايتدكده نهركوفه‌يه
ايرشدرب مقصود اصلى اولان محله ايصالى ميسر اولمامغله حالا
ذكر اولنان نهردن نجف اشرفه ايرشدرمكه اذن همايون رجا اولنمش
امدى مقدما بسط اولنان مقدمه صحيحه اوزره دين ودولت وناموس
سلطنته خلل وشين اولور حالات اولمجق مامولدت شاهى تجويز اولنور
پادشاهيدر واقع اولمه سنه شك ومرا اولنمه زيرا اقصاى مراد
وقصواى مافى الفواد افضل الاعمال تعظيم امر الله والشفقة على خلق الله
خواهشنجه ترفيه احوال العباد وتفريح خواطر سكان قرى وبلاددر
بناء على هذا نهر مزبورى نجف اشرفه ايصاله رخصت ويريلور سه
نيجه روزگاردن برو نهر مرقوم حواليسنده تمكن وتوطن ايدوب
نهر مزبور ايله منتفع وآسوده حال اولان رعايا وبرايا بى آب قالوب
نيجه قرى ومزارع خراب ويباب اولوب اهاليسى پراكنده وپريشان
اولمق محقق اولديغى اجداد عظاممز زمانلرنده اولجانبك حكام وولاتى
بالتكرار وكردفعات دركاه فلك بارگاهه عرض واعلام ايتمكين
نهر مزبور بوزمانه دكين نجف اشرفه ايرشدرمسنه تقيد اولنمامشدر
سفير سفورشوكه مراسم عبوديت ولوازم آيين رسالتندر درست
ورات بجا وكماست ادا ايدوب خلعت فاخره موروث البهجه مزايله
بهره ور اولوب حسن اجازت ونامه همايون سعادت ايله صوب صواب
نمايه مراجعت ايلدى خير ايله وصول معتاد اولمش اوله باقى همواره قواعد
مصادقت ووداد ومبانى مودت واتحاد وروابط موالات وضوابط

مصافات موكد ومؤبد باد نظم اميد وارچنانم زفيض
فضل ازل كه خداى كام ده شاه كامران باشد

استانه طرفندن شاه عباسك طلب صلح ايچون كلان نامه‌سنه مؤخرا يازيلان نامه همايوندر

افتتاح هر نامه متضمن الصلوح كه مفتاح كنجينه فوز وفلاح ومصباح
صباح نجات ونجاح اوله اول جناب واهب النعماء مفيض الارواح وفاطر
رافع السماء فالق الاصباح تنزهت ذاته عن مماثلة الاشباه ومشاكلة
الاشباح حضرتلرينك حمد وسپاس بى انتهاء وشكر بى قياس عدم
الانقضاسى اولمق انسب واولى والیق واحرى دركه اصلاح وانتظام
عالم كون وفساده عدل وداد سلاطين عالى نژادى بحسب الظاهر
باعث وبادى واتساق واطراد احوال عباد وبلاده اتفاق واتحاد
خواقين معدلت معتادى علت صورى وسبب عادى قيلوب ابداع
موجوداتده صنع كاملت اظهار وايجاد مصنوعاتده لطف شاملن
اشكار ايتمكچون قدرت بالغه بى همتا وحكمت بازغه خرد فرساسندن
بنيان عناصر اربعه مختلفة الطبايعده اتحاد وامتزاج وجادا ضداد
متنافره غير قابلة الاجتماعه ايتلاف وازدواج وبر محله اجزاء
متغايره بالذات اجسام عنصريه‌يى قابل تركب وانضمام وجار طبع
مخالف هنجارى مستعد التقا والتيام ايلدى وهر بر مخلوقه اعطى
كل شئ خلقه مصداقنجه شايسته قامت خلقتى اولان خلعت
استعدادى پوشانيدى وذوات اجسام اولان موجوداتدن هر
برينى فراخور حالى ورتبه كمالى اوزره حيز طبيعى سنده جاگرفته
وكنجاينده قيلوب طبقات زمين واسمانى زير وبالا ودرجات
سياركان هفت ايوانى اسفل واعلى خلق ايتدوكى كبى معارج ومدارج
بنى نوع انسانى دخى پست وبلند وهر برينى مقدار استعدادى نسبتله
مناصب ومطالب متفاوته المراتبدن با نصيب وبهره مند قلوب
حقيقت انسانيه جمله‌دن حقا بغايت افضل وآكاه صابيه لوبيت زنك
حوادث ايامه صيقل ايتمكله بونوع خاص بامر الاختصاصلك افراد
كامل الاستعدادندن مظهريت ظليته صلاحيتى وافر خدمنه
قابليتى اولنلرى اكليل لازم التبجيل وجعلناكم خلائف فى الارض
ايله معزز وسرافراز وجناح هماى عز واقبال الدريكن حامه عالميانه
سايه انداز ايتدى على الخصوص كمال عنايت ازلى ونهايت موهبت

لم یزلیندن رتبهٔ عالیهٔ سلطنت کبری و درجهٔ سامیهٔ خلافت عظمای مرقات عزت آیات ورفعنا بعضکم فوق بعض درجات دن منتهی الغایهٔ جملهٔ طبقات واقصی النهایهٔ مدارج سبع سموات ایدوب خدمت حرمین شریفین شرفهما الله تعالی سعادتیله ذات قدسی الصفالرنه شرف وعزت ومتابعت سنت سنیهٔ حضرت رسول الثقلین علیه من الصلوات ازکاها برکاتیله دائره دولت وسلطنتلرنه وسعت وبسطت ویروب درونِ صفا مشحونلرنی انوار ولای آل واصحابیله مجلی ومصفی ویرو تحظی برتوفیقلرینی سبب دستگاه روزجزا قلدی وآبا واجدادلرینی معتکف جنت رقادلرنی دائما ممالک عدل وداد ومسالک غزا وجهاد ایدوب الی هذا الحین شمشیر ظفر قرینلرنی دفع یأجوج مشرکین ومأجوجِ بیدادِ هنین وکرد سرحد ممالک اسلامیه حصن حصین ایتمکله ایام دولت روزافزونلرینه مدت مدید ثبات ودوام وسلسلهٔ سلطنت همایونلرینه ابد الدهر استقرار واستحکام ویروب شعر حل من لا یجد نعماؤه قدست ذاته واسماؤه وزیب وشاح هر عروس کلام که باعث انشراح صدور انام وموجب ارتیاح قلوب خاص وعام اوله اولجناب رسالت پناه سلطان سریر حجة الله پیشوای انبیا ومرسلین مقتدای اولین واخرین مثنوی رسولی کافرینش هست خاکش
هزاران آفرین بر جان پاکش ریاحین بخش باغ صبحگاهی کلید مخزن سر الهی بمعنی کیمیای خاک آدم بصورت توتیای چشم عالم سرای شرع را چون چار حد بست بشرعش پنج نوبت جاریاش زده بالای بام اشهد ان بعزت پنج نوبت جار یاش فاتحهٔ سورهٔ نبوت خاتمهٔ رسالهٔ رسالت صدر نشین پیشگاه اصطفا قافله سالار کاروانِ اجتبا حضرت محمد المصطفی علیه من الصلوات اصفاها ومن التحیات اسناها انک دد رغرر مدح وثنای نامحدودی ولآلی تلالی نعت ودرر ونامحدودی اولق روا وسزادرکه ظلال ظلیل رسالتی برتو انداز شرق وغرب عالم وشعشعهٔ نور هدایتی ظلمت کدادر کافهٔ طوایف وامم اولوب ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة مصداقنجه دعوت عامی بیاین ساسع مجامع کون ومکان رسانی وسمند سریع السیر احکامی عرصهٔ عریض هفت اقلیمده دوانیده اولوب شرف وجود بی وجودیله روی بسیط خاکی رشک ملا اعلی وعزت عالم بالا ایتمشدر تسلیمات نامیات وتحیات زاکیات اولدرسول

بجنی وتشفیع روزجزانک مرقد منور ومشهد مطهرینه اولسون دخی آل واولاد کرامی واصحاب واحباب عظامی ارواح طیبه لرینه اولسونکه هر بری آسمان هدایتک نجم رخشانی وسپهر عدالتک خورشید تابانی دورلر برتو انوار دین محمدی مطالع جبین مبین لرندن بیدا وشعشعهٔ آثار شرع احمدی مرایای جباه مستنیرلرندن هویدا اولمشدر خصوصا واسطة العقد لآلی خلافت صدر نشین تختگاه امامت اقدم واکبر خلفا کبار ماصدق مفهوم ثانی اثنین اذ هما فی الغار رفیق صدیق نبی علی التحقیق جناب ابی بکر الصدیق رضی الله عنه واعدل واکرم اصحاب کزین المتصلب فی الدین فاتح ممالک الشرق والغرب بالضرب والحرب الذی ورد علی وفق رأیه لانور خطاب الله الملک الاکبر وقال فی حقه خیر البریة وسید البشر الحق علی لسان عمر رضی الله عنه ومنبع الحیاء والایمان جامع آیات القرآن رافع رایات الاحسان اقدم الختنین صاحب الخلافة بعد الشیخین حضرت عثمان ذی النورین رضی الله عنه وشیر بیشهٔ شجاعت مهر آسمان کرامت معدن علم وسخا مظهر انا مدینة العلم وعلی بابها زوج البتول ابن عم الرسول علی بن ابی طالب رضی الله عنه حضرتلرینک مراقد مقدسه لرینه درر دعوات اجابت آثار نثار اولسون وسائر رواة ومحدثین وائمهٔ مجتهدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین حضرتلرینک ارواح مطهره لرینه هدایای انواع تحایای اجابت اهتدا اهدا اولسونکه فهرست ذات موهبت آیاتلری صحایف سعادت تلاوت صدر الکتاب وعنوان صفا عزت غایاتلری رسائل هدایتک فصل الخطابدر اما بعد عالیحضرت کیوان رتبت برجیس منزلت خورشید طلعت ناهید عشرت عطارد فطنت دارا درایت سنجر جرات دولت اساس سعادت اقتباس محمدت لباس همنام عم اکرم خیر الناس شاه عباس دام من عیالم اسم لا لفة والاستیناس صوب باصوابلرینه بهبات انواع جواهر تحیات خالصات مصادقت آیات که خزانهٔ خلوص طویت لا مخزون وزکیات اصناف لآلی تسلیمات صافیات مخالصت غایات که پروردهٔ صدف صفای درون اوله دستیاری برید مهر ووفا وکانِ کذاری رسول حب وولا برله اتحاف واهدا قلندقدنصکره صحیفهٔ خاطر مرآت نظیر ونسخهٔ ضمیر مهر تأثیرلرینه که مجموعهٔ کلیات تدبیر در صورت خلوص احوال بونوعله تصویر وزبدهٔ دقایق اسرار بورسمله تحریر اولنورکه عنایت بی غایت جناب احدیت وهدایت بلا نهایت حضرت

ختم رسالت • علیه افضل الصلوات واکمل التحیات ایله مطلع آفتاب
عالمتاب سلطنت • ومرجع خسروانی علی الشان جم منزلت • اولان سدهٔ
سنیهٔ کردون بسطت • وعتبهٔ علیهٔ ثریا رفعتمزه • بروجه رسالت
ارسال اولنان • فخر ارباب الوفا • ذخر اصحاب الصفا • عمدة الاماثل والاکفاء
یادکار علی سلطان خلفا • دام مقرونا بالرشد والهدی • یدندن نکاشتهٔ
خامهٔ منشیان بلاغت شیم • ورقزدهٔ کلک سحرآفرینان عجم اولان •
نامهٔ نامی نافه کشای • وصحیفهٔ کرامی غالیه سایلری • ایمن ساعات
مرصودة السعادات • حلولنده • وصول بولوب • فوایح کلمات محبت آمیز
ایله مجلس خاص ادم خاصیتمزی تعطیر • وروایح عبارات عنبربیز ایله
خلوتسرای بهشت آسامزی تبخیر ایدوب • ماننده رسولان نجسته پیام
وهمتای قاصدان فصیح الکلام • اول نامهٔ نام آور رنکین پیغام • مقام
حسن ادبده قیام • وبسط مقالات الفت انجامه اهتمام • کوستروب
صدف دروننده مکنون • وصندوقهٔ مضموننده مخزون اولان کلمات
نغبهٔ شوق آثاری حضور رفایض النورمزده نثار • ومنطوق فحوای
بلاغت احتواسی اولان خلوص انبا ومخالصت اخباری علی ابلغ الوجوه
ابنا واظهار ایتدکی • مؤدای کلام لطافت اشتمالی • ذات فرخنده
فاللرینک صدق طویتنه دال • ومقتضای فحوای صداقت مآلی جناب
نجسته خصاللرینک فرط اخلاص وارادتنه باعث استدلال اولدیغی
جهتدن • درون صفا مشحونمزده مهر ومحبت صافی احداث • وطرف
باهر الشرفلرینه میل وانجذاب وافی ایراث ایتمشدر • فلهذا اول مخزن
اسرار محبتک سراپای مضامین خاصیتی استطلاعنه توجه بال ایله
اقبال • وروی شاهد معنا سندن کشف نقاب اشکال اولندقده
آغاز داستان مسرت رساننده • اداب ملوک مرضیة السلوک اوزره
حسن موالات ومصافات • مراسمی تقدیم • وتفقد وتفحص دوستانه
لوازمی کما هو اللایق مؤدی وتتمیم اولندقدنصکره • عنوان اصل مرامه
بو وجهله زیب وزینت • ومبنای حقیقت کلامه بو رسمله حسن صورت
ویرلمش • که بوندن اقدم سلف اولان سلاطین معدلت شعار • وخواقین
نصفت دثار زمانلرنده • بنای صلح وصلاح استوار • واساس عهد ومیثاق
پایدار اولدوغی وقتلرده رعایای طرفین ده کمال اطمینان • وممالک
جانبینده نهایت امن وامان مقرر ابدی • بعده چشم زخم زمانهٔ
غدار • ومکر وکید روزکار ایله • اول صلح قرار داده خلل پذیر وبرهم زده

٥٥١٤٤٤

اولمغله • فقرای رعایا که ودایع خالق البرایادر • آمد شد عساکر بلایا
ایله پریشان • ومرآت کائنات آثار وعلامت کدورتله نمایان اولمشیدی
الحمد لله تعالی بو ایام میمنت انجامده • جلوس همایون اخباری مسموع
جهانیان اولمغله • احوال کائنات مجددا انتظامه یوز طوتوب جناب
فیاض ازل • میان طرفینده اولان عقدهٔ کدورتی حل • وکدر خصومتی
صفای محبته مبدل ایدوب • جمعیت وهجوم لشکر عثمانیان • تفرقه
انداز فرقهٔ اختلال زمان • وکوس آسایش اسلامیان • مژده رسان
کوش عالمیان اولدقده الطاف خفیهٔ وادر مختار • الجماعة رحمة سرنی
آشکار • ونقش پرداز صحیفهٔ روزکار الصلح خیر نقشنی رسم زمین
کارزار ایدوب • میان عساکر جانبینده شمشیر خلوف درغلاف •
وارباب جنک ومصاف بربریله سینه صاف • اولدقلری جهتدن لمعان
تام • واتفاق وزرای عظام ایله عقد مصالحه یه مباشرت • وترک
جدال وخصومت قلوب • توفیق وهدایت خالق الکونین ایله اصلاح
ذات البین میسر • ومقصود رعایای طرفین آیینی حصولنده جلوه کر
اولوب مابینده اولان تناقض وتباین جزوی • بالکلیه محو ومعدوم
وحجت صحیحهٔ صلح وصلاح مهر قبول طرفین ایله مختوم قلندی • فلهذا
شکرا علی تلک النعماء • دوستلق ومحبت بیانی ابنا • وتهنیت جلوس همایون
خدمتنی ادا ایتمک ایچون • سالف الذکر یادکار علی سلطان خلفا • روانهٔ
سدهٔ بهرآسا قلنمشدر • اتمام لوازم رسالت • وتکمیل مراسم خدمت ایتدکدن
صکره • برو جانبنه انصرافنه اذن ورخصتلری ملحوظدر دیوانها واشعار
ودوستلغه متعلق نتیجه کلمات ایله اظهار خلوص محبت • واشعار کمال
مودت اولنمش • آمدی طبع حق شناس خورشید اقتباسلرینه پوشیدهٔ
لباس التباس اولمیه که • سوالف اعوام وسوابق ایامدن الی هذا الآن •
حامیان حومهٔ سلطانی • وجالسان سریر کیتی ستانی اولان • پادشاهان
کردون شان عثمانی • خیرخواهان دولت علیه لرینه • دائما فتح ابواب
بهجت • وشادمانی • وبذل اسباب آمال وامانی ایدکلوب • باب عدالت
عنوانلری هر آن • فادخلوها بسلام آمنین • دن نشان وجناب مکارم
بنیانلری مدام • ومن دخله کان آمنا • فحواسنجه مژدهٔ امن وامان
ویرمکله • پادشاهان کردون جناب سلسلهٔ دولت مآبلرینه انتساب
شتاب • وشرف اختصاصلریله هربری سرمایهٔ علو منزلت اکتساب
ایدکلمشلردر • للحالة هذه سوق تقدیر ایزد متعال • وحکم بی تغیر مالک

الملك ذو الجلال ایله سریر عالم مصیر سروری وتخت فیروز بخت بدیع
ذات باهر البركاتمزله شرفیاب واستان احسانات رسانمز كامبخشای
هر شیخ وشاب اولدقده انصای ممالك بحر وبر ومنتهای مسالك خشك
وتره نام آور اولان قیاصره زمان واكاسره دوران عادت مألوفه
وقاعده معروفه لری اوزره معتبر ونامدار ایلچیلرین كوندروب
اظهار كمال اختصاص وعرض نهایت اخلاص ایدوب شاهراه حسن
موافقتده ثابت الاقدام وپای اقدام واهتمام ایله رهرو وادی استیمان
واستسلام اولدقلری جهتدن هر برینه خواجه خیرامن وامانمزده جا
وسند ودیوان مكرمت عنوانمزدن اللرینه ونیجه وسند ویریلوب
اندرونه خلوص تام ایله حسن موافقتی التزام ودست توقع واهتمام ایله
حبل المتین لطف واحسانمزه اعتصام ایتمشلردر چونكه منتهای همتمز
ترفیه احوال عباده معروف وقصوای امنیتمز اعانت مظلوم واغاثت
ملهوفدر جناب ولی الاسداد تعالی شانه درگاهندن اعز مسؤلمز
بودركه جمله اوضاع واطوارمزی رضای شریفنه مطابق وعامه اعمال
وكردارمزی سبب استراحت خلایق ایدوب مأموربه ومسؤل عنه اولدوغمز
احكام كلیه وجزئیه اداسنده عدل ساعة خیر من عبادة سبعین سنة
مسلكنه سلوكمزی میسر وآیت كریمه الذین ان مكناهم فی الارض
اقاموا الصلوة وآتوا الزكوة وامروا بالمعروف ونهوا عن المنكر طریقنه
پیرو اولمامزی مقدر ایلیه مثنوی بودكام از شاهی وسروری
رعیت پناهی ودین پروری باحسان كنم خاطر خلق شاد جهانت بكسر
آباد دائم بداد غب هذا ترك مقدمات شروع وسمت اصل مقصوده
عودت ورجوع قلنمانك خلاصه مآلی بودركه بالاده ذكر اولندوغی
اوزره ماحصل مضمون نامه اخلاص دهنلری وخلاصه الفحوای
كلام دلنشینلری اولان صلح صلاح اثركه اوتدنبرو جمهور امم قتنده مثبت
ومقرر وقدیمی عادت مرضیه سلاطین معدلت كستردر مشاوره
ومذاكره اولنمق ایچون كارآگاهان دولت علیه روزافزون جمهور وزرای
عظاممز وخیرخواهان سلطنت جنیه ابد مقرون اولان صدور وعلمای
كراممزه اشارت اولندقده هر بری استراحت رعایا سمتنی ترجیح
واصلاح ذات البین باعث فوز وفلاح نشأتین ایدوكین تصریح
ایدوب دلائل عقلیه ونقلیه ایله رجحانی جهتنی اثبات ووجوب
دید رأی ملك آرالرینی تأبید ایچون بسط كلمات حكمت آیات ایتدكلرندن

ماعدا جناب صداقت مآب سعادت انتسابلری بو خصوصات
حصولی بابنده اقصی الغایه جد واهتماملرین اظهار وخاندان ابد
پیوندمزه ارتباط واردیسندن بذل مساعی جمیله یی شعار ایدوب مقدما
والد ماجد فردوس مكان علیین آشیانمز زماننده بالدفعات ارسال
رسل ورسائل ایله طریق مصالحه یه مراد وفوق الغایه بذل سعی واجتهاد
ایتدكلری قرع سمع همایونمز اولمشیدی حالا زمان دولت فرانمزده
دخی تكرار بو سمت معقوله مداومت ووقوف ماكان اهتمام ودقت
كوستردكلری اثبات خلوص محبتلرینه شاهدین عادلین وانتاج
صدق طویتلرینه مقدمتین مسلمتین اولوب بو وضع محبت اقتضاكری
قلب صاف انصاف اتصافمزده جایگیر وبو دوستانه معامله لری
عنایت تامه حسن توجهمزه جزء اخیر اولمغله بتوفیق الله الملك
الاعلی وتیمنا باسم حبیبه المصطفی طریق صلح وصلاحه وضع قدم
رضا وبحث مصالحه عدیم الانتفاضه رقم حسن قبولمز ایله امضا اولنوب
طرفین اشرفلردن مستقر عهدنامه همایونمز تسطیر وقصور
بیقصور معاهده مجددا معمار یددست توجهمزله تعمیر قلنمشدر
آیین قدیم عثمانیان حسن معامله طریقی مسدود وآشنالرینه طوغری
كلنلر شایسته دست رد اولمامشدر بنیان عهد وپیمانلرینه
كنجایش تزلزل محال واركان وعد وایمانلرینه شائبه تبدل مسلوب
الاحتمالدر مادامكه طرف آخردن باعث انحلال عهد وپیوند
وموجب اختلال وعد وسوگند اولاجق صلح وصلاحه مغایر بر كار
نادر صادر اولمیه بغیر موجب دروازه شور وشری باز ومعامله
بازگونه یه شروع وآغاز ایلمك خلاف مذهب وضد مشربلریدر
فلهذا نیت خالصه وعزیمت صادقه من بونك اوزرینه قرار بولمشدر
كه باذن الله تعالی عهدنامه همایونمزده استحكام ومسالك قبولمزده
انتظام تام ویرلدكده جوهر خیر اثر مصالحه نك شرایط واحكامنه
مناقض ومعارض اوله طرفمزدن بر وضع غیر مأمول حادث وعارض
اولمدیغنه من بعد جانب همایونمزدن ووزرای عظاممز وحكاممز طرفندن
عهدمزه بر نوع خلل ونقصان ویره جك بر حالت صدور ووقوع
ایتمیه بو بابده حافظان سرحد ممالك محروسه مز اولان وزرای ملك
آرامز وسایر حكام وامرامزه اوامر جلیله جهانمطاعمزله تنبیه وتهدید
وانواع تخویف وتأكید اولنمشدركه هر بری مأمور اولدقلری سرحد

محافظتنه تقید وسد ابواب تجاوز و تعدیه ایدوب تعیین
اولنان سنوردن طشره وضع قدم وبو برقته صورت انتظام اولان
امور مصالحه یی مشوش و درهم ایتمیه لر کذلک جانب جناب صداقت
مآبلرندن دخی بو خصوص قرب ممالک محروسه مزده واقع اولان سرحد
نشینلرینه و حاکملرینه تنبیه اولنوب بغداد و شهرزول سمتلرندن
جد بزرگوارمز سلطان سلیمان خان علیه الرحمة والغفران سنوری ایله
محدود وعهدنامهٔ همایونمزده برو طرفه تسلیمی شروط و معهود
اولان محللردن هر بر بیری بلا تراخی الجکوب بغداد حاکمی طرفندن
تعیین وارسال اولنان قوللریمزه تسلیمه شتاب و تکرار ما بینده
صورت شک و گمان اولمجق اوضاعدن احتیاط واجتناب ایتمه لرینه
لایق اولان مرتبه تاکیده بذل اهتمام وسررشتهٔ عهد وثیق محافظه
کوردن سعی واقداملرینه الزام اولنه تاکه ما بینده یوماً فیوماً مواددت
ووداد ازدیاد وزمان یکجهتی واتحاد الی غیر النهایه امتداد بوله ∴
ذکر اولنان سنور و حدود احوالی که صلح صحیحک اترک رکن اعظمی و مهمات
مصالحه نک اهمی واقدمیدر عهدنامهٔ همایونمزده تعیین و تصریح
اولنان وجه اوزره اتمام بولمه سیچون وسایر بقیه و تتمهٔ امور
معاهده علی الوجه المعهود وجوده کلوب فیصل و برلسیچون اسکدارن
سنن سعادتمدار ومعتمدان باب فلک اقتدارمزدن بر معتمد آدم
تعیین اولنوب بر وجه رسالت ارسال وشرایط معاهده کما هو اللایق
اکمال قلنمق مقتضیات مصالح مصالحه و آشتی و متفرعات عقد محبت
و دوستیدن اولمغین قدیمی آستانهٔ سعادت مزامکدار و کارکذارلرندن
افتخار الاماجد والاکارم جامع المحامد والمکارم المختص بمزید عنایت
الملک الدائم سابقا چاوش باشیلغی خدمتنده اولان ابراهیم دام مجده
علی طریق الرسالة تعیین وارسال وروانهٔ صوب سعادت اشتمال قلندی
انشاءالله تعالی وصولی میسر والتفات یافته بر نوع حسن نظر اولندقده
ذکر اولنان سنور و حدود احوالی علی الوجه الکامل تقدیم وتتمیم ∴
وبغداد و شهرزول طرفندن برو جانبه تخلیه و تسلیمی سررشتهٔ
عهد قویم قلنان قلاع و محلک علی الرسم المعهود تخلیه و تسلیم اولنوب
جملهٔ امور سنور و حدوده فیصل و برلدکدنصکره سنی سدهٔ سنیه مز
طرفنه رخصت انصرافنه همت و قرین التفات حسن اجازت قلنه ∴
سابق الذکر ایلچی پیام آور ورسول نیکو سیرلری دخی خدمات رسالتی

تکمیل

تکمیل و مراسم حسن ادب رعایتنده بذل سعی جمیل ایدوب لازمهٔ الطاف
واسعة الاکنافمز وقاعدهٔ اسلاف کرام اتصافمز اولدوغی وجه اوزره مزید
نوازش والتفاتمزه مظهر و ملحوظ عین عنایت اثر قلنمدقدنصکره قافلهٔ
اذن و رخصتمزی رفیق وبدرقهٔ حسن همتمزی رهبر طریق ایلیوب اقدام
اقدام ایله متوجه صوب صواب انجام وعزیمت تام ایله منطقه بند سار
اهتمام اولمشدر چونکه بو تفصیلدن مراد اظهار ما فی الضمیر واشعار
محبت مصون التعبیر ایدی بو مقدار ایله اکتفا ونامهٔ مصالحت انتما
بعد اتمام روابط الصدق والصفا مختوم بختم الوفا قلندی نظم
همیشه تا بفرمان ایزد متعال سبب شود بقرار زمین ستون جبال
مضمون بود بکمال عنایت ازلی بنای قصر محبت زتند باد زوال ∴

سلطان مصطفی خان طرفندن شاه عباسه مودت نامه سی مقابلنده یازیلن نامه در اوقچی زاده انشاسیدر

سپاس بی قیاس جناب مالک حقیقی به حقیق وستایش بی اندازه بنش حضرت
مبدع خلیقته خلیق درکه فرمان روایان طوایف عباد اولان خواقین
باعدل ودادک سلطنت فلک بنیادلری اقتضای تفرد واستبداد ایدرکن
عرفت الله بجمع الضدین کلام فی ربب وریبی اوزره ما بینلرنده اتحاد
وامتزاج وصیف ولشاده قلوب شتا الوش فالف بین قلوبکم داروجه
ایله اعتدال المزاج و ترویج حسن اتفاقلری سبب معموریت جهان ویمن امیز
واتفاقلری باعث آسایش جهان و کهان اولمشدر وصلوات واصلوات
نظم ضمان دار عالم سیه تا سپید شفاعت کن روز بیم و امید سیاهی
حال عتابیانه سبیل رحشم سما سبانه رسول محمود الاثر ومبدای موخر
مقدم الخبر حضرتلرینک مرقد فرقد آسالرینه نثار اولسونکه بنی مانندکان
صف نعال آخر زمانی نوید و اشواق الی اخوانی ایله تنشیط و تبشیر
وید تا ببدا بله طومار دعوت عامه وهدایت خاصه یی بین الثقلین
بسط و نشر بیورمشلردر وآل سیادت مآللرینه که کتاب الله وعترتی
وصیت بر عترتی اوزره خاردم یا زیبت ده هر بری کتاب مبین ایله
ثانی اثنین واصحاب سعادت مآبنه که الله الله فی اصحابی حدیث صحت
استصحابی اوزره حسن ثنا و محبتلری قاطبهٔ امت اجابته فرض عین
اولمشدر صلی الله علیه وعلی آله الاخیار وصحبه الابرار خصوصا علی الطهرین
الاطهرین والختنین الازهرین وعلی بقیة العشرة المبشرة الذین
لم یزل الویة مناقبهم منشورة مصرع بعد حمد خدا و مدح رسول مستطلع

٤٤٧

امر مشروع ومعقوله واضح وعیان ومستغنی عن البیاندر که
انتظام اشتات عالم ورتق وفتق امور بنی آدم مظاهر الذین جاهدوا
ومصادیق والموفون بعهدهم اذا عاهدوا اولان سلاطین وملوک
هدایت سلوکک مواخات وموافقتلرینه وابسته وموقوف وآراء
اصابت آرالریله ودایع بدایع خالق البرایا اولان ضعفۀ رعایادن
صنوف مشاق وصروف معروف اوله کلشدر بناء علی هذا بلند مکان
کوهرکان امکان جانشین مسند سامی سیامک میراث ستان
اردشیر بابک ناموس شکوه طهمورث دیوبند پنجه بریخ بهرام کور زور مند
رویین تن تنها مصاف نبرد آموز شابور ذو الاکتاف سام سوار مضمار
دلیری رستم علمدار مسباق کشور کیری قهرمان کاوس کوش بهمن
همت قابوس بوس نظم خلف صدف دودۀ یافث شاه عباس بن خدا
بنده برسر ساکنان ملک عجم مهر شاه هیش باد تا بنده جانب صفا
جاذبلرندن نکاشتۀ کلک منشیان مروارید ریز ورقزدۀ دبیران
براعت بار عنبر بیز اولان مجلۀ مجله سامری نمن مصداق ان هذا
الا سحر یؤثر جواهر کنجینۀ آمال وامانی شذور معدن معالی ومعانی
نمودار سهل ممتنع وسحر حلال فذلکۀ تفاصیل مقتضای مقام وحال
شعر وکادت معانیه تخدل سطوره بحسن مبانی اللفظ ان تتکلما سجع
فقرات جیاد حیرت افزای خطباء ایاد سرجوش خلاصۀ معانی
سرچشمۀ آب زندکانی رشکین ساز سخنان سحبان وائل خجلت
رسان جهابذۀ قدما واوائل نمونۀ صحیفۀ انکلیون نقش از رنک
نمودن نظم عبارتی که بنا شد زنکها ش بدیع بدیع اکر عرق شوم
در جبین آرد خطی چنانکه اکر ابن مقله زنده شود تراشۀ قلم او بمقله
بردارد که عبارات سلسبیل سلاستنک معارضه معارضۀ سنده
تجنیسات ابو الفتح بستی نشانۀ سستی وحروف طوبی رشاقتنک
پیشکاه مفاوضه سنده حکمیات ابو تمام نا تمام اولوب نقاط خط
وفتی رخسارۀ رق رقیقده عنبرین شامه وبیجه طومار غنجه
سانی کف پسند واستحسانه برخوشبو شمامه در بیت
زدست قاصد خوش لهجۀ رشید رسید کل مراد دل از روضۀ
امید دمید ان لجواب الکتاب حقا کرد کتردم کلامی اوزره اول نامۀ
خلت فرجامک مقابله وجوابسنده شرایف لطایف تحیات رایقه وبدایع
روایح تسلیمات فایقه که خلاصۀ اوراد وداد کارونق اوقات انضمام لئالی

واوائل سحار اولان کلمات مخالصت عنوانی انفاس طیبۀ روحانیان کبی
رضمت عوار ونقصاندن معری ومجرد وهر لفظ براعت آثاری اعاده
وتکرار اولندقجه نمودار لا یخلق عن کثرة الرد اولوب شعر کلمات
لوات للدهر سمعا مال من حسنها الی الاصغاء مضمون رایقنه مطابق
اولان الفاظ درربار کوهر نثار رینک بارکاه قبوله سرعت وصولنه نصوح
نیت وخلوص طویت ضامن وکعبۀ دل صداقت نشانمزه آویزان
اولان کلمات بدایع سماتی شمول واحاطت اقسام بلاغت جهتندن
سبعۀ معلقۀ ثامن اولا شعرات المدایح لا تهدی لناقدها
الا والفاظها اصفی من الذهب بیات بنک بی سبک بای باد وحمامه
برنامه دار فیض مداد ایله ارسال وابلاغ ومقدمات نتایج وفاق
وفاقت که نتایج مقدمات حسن عهد ومبنا قدر الکمال واسباغ اولنوب
خاطر بلند مناظرلرینه که فکر بایان بین بسیار دانی خبر عبرفزای
داستان باستان کعب آسا شنا سا اولوب نیرنجات طبع فنون ساز
غرایب پرداز بنات احمد بوفی زبونبیدن نهانخانۀ ضمیر مفتاح حسن
تقریر ایله کشاده وپیام خلت بیان بو وجهله ابراز وانشاده اولنوردی که
طی نامه پر بشارت‌لرنده تلویح واشارت اولندیغی اوزره میان دوستان
فلک ثباتلرنده تجدد وسائل رسائل ومکاتبات استحکام اواصر صداقته
باعث تقوی وکلزار رشیم خلته سبب نضارت وتروی اولوب
اسلاف سلاطین عثمانیه حفت مراقدهم بالانوار الرحمانیه غزوۀ
کفار دوزخ سار قه تشمیر ساق ایدوب سربازان عرصۀ کیرودار
اقدام سعی بیشمار اوزره قیام ودار الحرب مشرکین بدنهاد ده نیروی
بازوی جهد وجهاد ایله نصب خیام ابد کلرندن اجداد نباهت نشانکز
اول عصر واواننده سند نشین اریکه شاهی واورنک ایران زمین ده آمر
وناهی اولان شاهان نیکو کار صداقت ظهور ارواح اهل قبوردن استمداد
واستعانه خصوصا عترت طاهره نک روحانیت طاهره لرندن
استشفاع واستغاثه ایلمک دأب مألوف ورسم معتاد وسلوک
اولمغله خیلۀ جمله سلطنتلرنه سروآزاده اولان برادرزاده من سلطان
عثمان رحمه الله شبابه بعمیم الغفران دخی سنین سالفه ده جم کماه
رجال ودیار کفره بدبتاره شد رحال ایدوب مضایق درور وحربه
اقتحام وترنم عملکتلرینی تخریب وعادت عزیمت واهتمام ایلدکلری
اخبار صحت آثاری کوش کذار نادی بهجت شعار اولدقلرنده جناب بنات

٦٢٤٤٨

انتساب شهامت اکتسابکزدخی رداء همت شانه ایله ارتدا ولجادیخابت
نژادیکز اثرینا قفا واقتدا ایدوب لایعبأ بکم ربی لولا دعاؤکم فحواسی اوزره
جنود غیبیه دعا ایله عساکر ظفر اعتیادی امداده تعهد والتزام ونوبت
خیر اسنت ایچون خاك پاك خطهٔ خراسان کم ملع اضواء روح وریحاندر
توجه واعتزام اولندیغی افاده واجمال ورغایب تهادی وتحاب واهدا
تفاریق بی حساب ایله تهادوا فان الهدیة تذهب وحر الصدر حدیث
عالی قدرینه تأسی وامتثال اولنمش حقا که اولشرفهٔ صداقت بنیان
براعت بنیانك وروود واتیانندن نقاء سریرت وصفاء باللرینه
استدلال وشرایط مودت بیننه که لازم انشراح سینه یکیدر
بیت باآن محبت ولی که درازل کرده است یحبهم ویحبونه بدان اشعار
بوجا بندن اتم وجوه اوزره استکمال اولنوب کوکب دری وداد حاق
وسط سما فوادده شارق ولامع والتحاف واهدا اولنان تحف هدایا
من اهدی الیه شیء فلیتقبل حدیث مرسلی اوزره محرجس قبوله واقع
اولدی ضمیر منیر تدبیرلرینه پوشیده ومستور اولمیه که اقتضای قضای
فاعل مختار وتقلبات ادوار واطوار روزکار ایله دست نشئهٔ الهی
ومظهر ارنا الاشیاء کما هی اولان ذات سلطنت سمات ممالك افسر
وديهیم واورنك نشین کزینهٔ اقالیم اولدقده ترفیه عجزهٔ عباد
پیش نهاد وتنظیم حال بلاد نصب العین فؤاد اولوب سرحد ممالك
محروسهٔ الجوانبکزه متناظم ومتقارب اولان سرحد نشینان فرمان
پذیره ارسال امرنذیر وتأکید وتحذیر اولنمشدر که منهج مسالمهٔ انتکاب
ومعابر صلح استوار بروضع ناهنجار ارتکاب ایتمیوب همواره صحایف احواله
رقم حسن فعال منقوش وبناء مکاید اندیشان هبوب صرصر بیم رستخیز
نشان ایله کالعهن المنفوش اوله دانای سطور یعلم خائنة الاعین
وما تخفی الصدور شاهد حال وسلطان مالك الممالك لا یعزب عنه
مثقال ذرة فی الارض ولا فی السماء ولا اصغر من ذلك واقف صدق
مقالدرکه تقلد بار امانت کبرادن فحوای ما فی البال وتحمل اثقال
سلطنت عظمادن قصارای آمال زمان عدالت ضمانمزده ارباب
صدق ووفاق آسوده ومستریح واشرار اصحاب شقاق ونفاق
کریشهٔ فی مهب الریح اولوب آوازهٔ خبر اتحاد اثر ایله طاس سرنکون
چرخ نیلکون پرطنین ودعوای صداقت ایدن دوستان صافی طویت
مصداق وما هو علی الغیب بظنین اولمقدر ذیراعهد بیشینه ادیاندن

الی هذا

الی هذا الان انتظام شؤن ملل ونحل سلاطین بلند قدر زحل محلك
عدم حسن اتساق وابتلاد قلرایله امر رعایاء ضعاف مختل وانامل تدابیر
اصابت ظهورلریله عقدهٔ پیچاپیچ عویصات امور منحل اولمکلکدر
لاجرم اول سرور سریره شایسته وحری بودرکه سد ثغور وحدوده
سعی نا محدود ایدن وکلاء بزرجمهر همالرینه تنبیه وکوشمال اولنه که نظم
باهرکه فتوت کنی آن توشود اندر همه وقت مدح خوان توشود بادشمن
خویش اکر وفا پیشه کنی شك نیست که یار مهربان توشود مضمون محبت پیوندی
ایله کاربند اولوب طرفیندن رسم نا استوار بیکانکی واختلاف ارتفاع
وابناء سبیل ومجتازان شیوع یکانکی واتحاد ایله انتفاع بولوب انتشار بشیر
عدل ووداد ایله مباسم ثغور اسلامیه خندان ومراعات دقایق توانندن
عدم تهاون وتوانی ایله مراسم صدق ووداد صدجندان اوله شعر واذا
تفاوت السعود فعندها یرتجی الصلاح ویحسن الاحوال رسانندهٔ رسالة
رسالت اغا رضا زید قدره وشرح صدره تقبیل اعتاب کردون جناب
باربافته ومأذون ورقزدهٔ خامهٔ عباسی جامه اولان نامه نظرکردهٔ
التفات همایون اولوب اولقاصد هدایت سلوك ومبلغ رسالت
والوك سفر سفارتی کما هو حقه تدوین وتأدیهٔ پیام محبت انجامه
اظهار رسن وطلوع ایدن صکره خلعت حسن اجازتله کرامی ومخصص وجواز
رخصت مراجعت ایله مجاز ومرخص قلندی لایق دعوی محبت
وشایستهٔ دوستی وفتوت بودرکه بعد الیوم مراسم حب متوارث
تجدید وخلوص قدیم غیر محدث الا فانا تمهید اولنوب اول خطط
وضوابط حدوث وشیوع واول اصقاع ونواحیده استفاضه وشیوع
بولان سانحات اطوار لازمة الاظهار حکمت آموز فارابی وکندی
وغلط کیر دوانی وهندی اولان مهرهٔ منشیانك ونحاریر فن بدیع وبیانك
خامهٔ راست رفتار درست کفتارلری وکلك غرایب بار صحیح اخبار ایله
املا واملال وجانب همایون مخالصت نمونمزه انفاذ وارسال اولنه که
نکوزیکی وورودی استحکام ودنا حدوده بادی ومحبت قویمهٔ قدیمه
سبب ازدیاد وتمادی در بوندن زیاده زمام افاینن کلام دست تقاضای
مقام ایله جانب بسط آماله امالة اولنمیوب کثرة التصلف قاعدهٔ
اذا زاد التألف زال التکلف دن موجب تخلف اولمغین اوجز فبسطت
فی الامداد واملال تحواسی اوزره وما انا من المتکلفین نظم مبینه اقتصار
وبکرات صداقت طوع الجناب وتصر خلت واسع الجناب اولمق امید بله

اکتفا اولندی * همواره تاکه اسفندیار مهر نورانی نهاد * هفتخوان سبع سداری
یکسواره فتح وتسخیر * ودرفش کاویانی اشعات * ظلمات شش جهات
کابناتی اضاءت وتنویر ایده * جعد بربیچ اختول زمان * شانهٔ تدبیر
صواب اندیشان ایله منشط * وشیوع امن وامان ایله ابناء سبیل سودا
کران * متبهج ونشیط اولمقدن مادار الافلاک انفکاک بولمیه **نظم**
تا از برای نظم مصالح درین جهان * کس را درون پردهٔ تقدیر نیست بار *
دوران آشتی که نظام جهان از وست * بادچو فضل حق ابد الدهر پایدار *

سلطان مصطفی خان جلوسنده شاه عباسه یازیلان نامه در

سامی مقام سپهر احتشام * داور رخا ورزمین * خدیو کیو تمکین * کستهم
اردوان توان * تهمتن تن زمان مان * فرامرز ظفر زقارن قرین فریبرز *
ذکر ذکرکین کین * سلم سلم دارادارات * نوذر طوز ایرج مدارات زیبندهٔ
دیهیم وکاه برازندهٔ متکای بخت وجاه * بانی مبانی جهانبانی وارث تاج وتخت
کیانی * مظهر مکرمت ومظهر یاس * بالطهماسب نسب شاه عباس * وفقه الله
سبحانه لما یحب ویرضی * واقام علی طاعته نقده وفرضا * صوب باصوابلرینه
هدایای اجابت نمای استجابت سمات * ودست آویز تسلیمات مریحة النسمات * که هر لفظ
معتبری مفسر سر یحبهم ویحبونه * وهر عبارت براعت اثری * تحیتهم یوم یلقونه
سلام * کلامندن نمونه اولوب * سورت کتابتی که از اقسام مجاز وکنایه در
فرادیس قراطیسده مفسر آیت باهدایت * یلقون فیها تحیة وسلاما *
وحورای معنای بلاغت ظروفی * سرر مصفوفهٔ حروفده مصداق فرمودهٔ
حسنت مستقرا ومقاما اولمغله کمال خلوص بال ایله اتحاف واهدا * ومراسم
عهد ووثوق * وجه جدید وخلیق اوزره اظهار وابدا اولنوب * خاطر ملکوت
مناظرلرینه که اقلید فکر اقلیدس کشا ایله کشاینده اشکال هندسیه
اشکالدر **بیت** بسا لطائف نرسد آفتاب روشن دل * بدان دقیقه که ان
رای دوربین دارد * کالضوء بین العنان واضح وعیان اولنه که خزانهٔ غیوب
واقدار * وقسمت خانه * وکل شیء عنده بمقدار * دن اعیان نوع انسانه
نصاب ارزاق ومراتب * توزیع وتقسیم * وطروس اطوار وشئونلرینه
سطور ترتیب کوناکون تنمیق وترسیم اولندقده * بنم ذات بختیارمی
خلعت * وربك یخلق ما یشاء ویختار * ایله تشریف واعزاز والطاف
جلیلهٔ ازلیه ایله ممتاز وسرافراز ایدوب * معتکف فراغ وعزلته انزوا
وانقطاع * ونعیم طاعت وعبادتله تبلغ واقتناع ایتمشیکن * ناکاه
میان خارستان عمردن غنچهٔ نوخیز بیر شکفته وزبان زماندن *

ان الارض لله یورثها من یشاء * نویدجا وبیری شنفته اولوب *
مسند سریر خلافت کبری که محض موهبهٔ خدادر من غیر طلب * توفیق
وعنایت ربانی ایله مقدر ومقرر * ویوسف طالع سعد مطالع * غیابهٔ
جب ابتلادن خروج * ومسیر عالم مصراعتلایه عروج ایله مبشر اولمغله
مبشر اولدی **مصرع** عزت وسلطنت آنست که الله دهد * الحمد لله علی هذه
النعمة الجلیلة التی لا یحصی عددها ولا ینقص مددها * خلوص نیت ایله
مسألت اولنور که هر حالده توفیق فیاض متعال رفیق * ومن ولی بغیر
طلب فیض الله له ملکا بسدده فی اموره مدلول مقبولی اوزره رهبر هدایت
بدرقهٔ طریق اوله * مرزبوم خطهٔ روم ملک اولاده * عامهٔ مشایخ وعلما * وکافهٔ
مخدوم ورعایا اجماع واطباق * وقلب العبد بین اصبعین من اصابع الرحمن
یقلبه کیف یشاء * اقتضاسی اوزره متفق اللفظ والمعنی * بو معنا اوزره
ازماع واتفاق ایتمکین * بارکران امانت عظمی یه تحمل * وخدمت حرمین محترم
شریفینی تقبیل ایله * استعداد وتحمل اولنوب * باران عطا والبیعه ایله
کلزار خاطر عساکر ظفر مآل شاداب وشادان * ودست یاری شمول انعام ایله
ویرانی خواطر خواص وعوام * آهل وآبادان اولدی * الحمد لله حمدا دائما ابدا * اتانی الله
مالم یؤت احدا لاجرم * فاحکم بین الناس بالحق * کلام مصداقی اوزره نقض
وابرام احکامه مبادرت * ولا تتبع الهوی * فحواسی اوزره شواغل ملاهی ومناهیدن
ترک ومغادرت اولنوب * زمان آبا واجداد مزده تاکد وانعقاد بولان
صلح وصلاح که نمودار ان ارید الا الاصلاح * در الی یوم القرار * راسخ استوار
اولمغه عزیمت وتصمیم * وشرط فرط مهادنه وعدم مداهنه تقدیم اولندی *
نصب امامنده حکمت * ورفع لوای سلطنتدن غایت بغیت بودرکه سلاطین
نامداره مطمح انظار اعتبارلری تنسیق شؤون عباد * وتنظیم امور بلاد اولوب
صورت صلح صلاح نما منظر * ان یریدا اصلاحا یوفق الله بینهما * دن وفق معهود
اوزره مرئی ومشهود اولمغله * رعایا ورعاء ناس * بستر استراحت واستیناسده
مستریح وارمیده * وهر زمانده چمن امن وامان باران بهاری فضل باری ایله نابت
ودمیده اوله **شعر** ان المکارم کلها لو حصلت * رجعت بجملتها الی الشیئین
تعظیم امر الله جل جلاله * والسعی فی اصلاح ذات البین * بنا علی ذلك مصالح حدود
ومسالمه ده بذل المقدور وسد ثلمهٔ ثغور ایدن مرابطان بیداره تنبیه وانذار
اولنمشدرکه * رعایت حزم واحتیاط * وتوثیق عروهٔ اتحاد وارتباط طرفینده اقصی الغایه
کوشش بی نهایه ایدوب * طریق سلوک اسلافه تأسی وایتمام * واحکام مراسم
صدق سرایرده سعی واهتمام ایدر لرجناب کرم انتسابلرینه دخی هر ادنخیق ونهایه

٤٤١ ٢٦

بوده کی مقام مسالمه سلامت انجامده پایرجا و بنیاد سلم و استسلامی
واصل اقطار و ارجا اولوب قصب الجیب لشکرستان فصاحت و دور نما
ملوخ بحر بلاغت اولان طومار رحلت اخبار ایله دائما احکام مودت دیرینه
تجدید و شرایط صلح و موادعتی رعایت ایچون سرحد نشین اولان طرف
داران حرم آیینه سپارش و تاکید اولنه تا که طرفیندن سوداگران و ابنا
سبیل بی منازعت و قال و قیل آمد شد و اخبار سلامت انباسی افواه ناسدن
تنشر ایدوب ذهاب و ایابلرا من طریق و جاده صوابه حاصل و مراعی
مساعی رعایا بجمله غنا آمری خواسی و وزره هشیم و ذابل اولمشکن
امطار عدالت و اعتدال ایله اخضرار و اخضلاله واصل اوله بوندن زیاده
خیام کلامه متطناب اطناب و تمنوب کلزار دولیا فتهٔ عهد پیشین
بازار اخلاص و تمکین ایله سرسبز و طری و هبوب صبا و ولا ایله مظهر
تداوت و تری اولمق التماس صداقت انتماسی ایله اختیار اختصار اولندی
همواره ذات صلاح پیشه فلاح اندیشه لری سلم سلسله ارتقا و صعوده
و اعتلا کاخ رفعت و سعود ایدوب اکواب طباع دوستان زلال بقا عهد
و پیمان ایله الان ملان اوله و نعی کبی من بعد وحی ماه الحجوع صلح عمیم
البرکات ایله مالامال و لبریز و مامن عهد و پیمان استیلا فتن آخر
زماندن حرز حریز اولمقدن ماتعاقب الیقین و الشك منفك اولمیه نظم
همیشه تا که بود سیر ماه جنبش چرخ هماره تا که زمین را بود قرار و سکون
صلاح و صلح که از مشرق ازل بدمید بود بفضل خدا تا بحشر روز افزون

سلطان احمد خان جامع شریفی بنا ایتدکده خلع فاخره و صدقات
ارسالی ایلوب شریف مکه یه نامه در

خورشید گیتی فروز خاندان رفیع البنیانمز مشرق سلطنت قاهره سبعه
تابانی و بدر تمام عالمتاب دودمان فایض الاحسانمز برج خلافت
رابع مسکونده درخشان اولان بروسند نشین اورنك خسروانی
و فرمانفرمای دیهیم جهانبانی اولان آبا و اجداد امجاد فردوسی رقاد
و اسلاف اشراف بهشتی معادمز انار الله تعالی براهینهم و تقبل
موازینهم هر بری زمان تقلد امانت عظمی سلطنت روز افزون
و اوان تعهد وراثت کبری خلافت ابد مقرونلرنده اشاعت خیرات
و افاضت مبرات صرف اموال و بذل منال ایله انشاء جوامع و مساجد
و ابتنای صوامع و معابد و تشیید ربطه و عمایر و تجدید جسور
و قناطر و توسیع دروب و معابر و تعمیر منازل غریب و مسافر

٤٤٣

بابلرده صحیفه ادوار و جریده لیل و نهارده مثبت و مبین و مرقوم و مدون
اولان صدقات دارهٔ و نفقات بارهٔ لری منظور صغیر و کبیر و مشهود برنا
و پیر در فلهذا نص اعجاز مختص تلك الایام نداولها بین الناس موجبجه نوبت
دارائی ملك عثمانی و رتبت کاردرمانی تخت سلیمانی عنایت یزدانی و موهبت
سبحانیدن جناب جلالتمآبمه میسر و منشور لامع النور خلافت جمیع
امم و سلطنت خداقبر عرب و عجم دیوان عظیم الشان تؤتی الملك من تشاء
و دیرستان عمیم الفیضان بفعل الله ما یشاء دن نام سعادت انجامیمه
محرر اولوب تخت سعادت بخت پدری جلوس میمنت مأنوسمله رشك
سپهر برین و تاج آفتاب درخشی سرورزی مماس اوج علیین اولدقدن
صکره الولد الرشید یقتدی باباءه المجید فحواسنه اقتدا و من اشبه
اباه ما ظلم مضمونسنه اقتفا و انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و بالیوم
الآخر کریمه سنك منطوق لازم الوثوقی نص خاطر فیض مظاهر
و من بنی مسجدا لله ولو کمفحص قطاة بنی الله له بیتا فی الجنة حدیث
شریفنك معنای نیر شروقی پیش نهاد ضمیر صفوت مأثر ایدوب
هجرت نبویه علی مهاجرها الف الف صلوة و الف الف تحیه نك سنه سبع عشره
و الف تاریخنده مقر میمنت اثر سلطنت و مستقر سعادت مظهر خلافت
اولان دار الملك قسطنطنیه حمیت عن الآفات و البلیه ده آت میدانی
قربنده بر جامع وسیع الفضا بناسنه اشارت و مسجد فسیح الفنانه
مباشرت ایدوب طلوع بناشیر صباحدن شیوع دیاجیر رواحه دکین
مهندسان اسطالیس خبرت و معماران برجیس فکرت و صناع دقیق
صنعت و استادان چابك حرکت اهتمامیله قبهٔ فلك ارتفاع جنت اشتباهی
قرین اتمام و رهین احکام اولوب جمیع جهاتی امساك و جمله اضلاع سیله
اشباه ابن حجر رخام فولاد استحکام فرق قبه سنه مرفوع و حاقی
و سطحی اولان محله موضوع اولمغین تعیین اولنان ساعت مسعود الابتدا
و زمان محمود الانتهاکه سنه ست و عشرین و الف جمادی الاولی سنك
کونی ذکر اولنان جامع عبادت مجامعك رواق فلك طاق مجدد نطاقنده
کافهٔ و کلاء دولت و وزراء سلطنتم و میرمیران عالیشانم و عامهٔ موالی
و علماء نخام و سادات و نقبا و ائمه و قرا و خطبا و مشایخ متصوفه و سایر
صلحا و اتقیا و خواص و عوام جمع اولوب تلاوت عشور و احزاب فرقان
مبین و قرائت ادعیه مأثوره اجابت قرین ایله قبه رفیعه نك ذروه سی
تتمیم و لوازم استحکامی تقدیم اولندقدنصکره ارکان دولت قاهره م

واعیان سلطنت باهره خلع ثمینهٔ فاخره وموالی وعلما ومشایخ وسادات
رسما وعادة وشرعا ودیانة لبس مباح وبابس اهل صلاح اولان جباب
صوف مربع وثیاب رفیعهٔ ممتنع الباس وفقرا وضعفایه توزیع نقود
اکیاس بی قیاس ایله تطییب خاطر واستجلاب ادعیهٔ مستجابه صفا مآثر
قلندوغندن غیری جناب معدلت نصابکزك حضور موفور الجودلرینه
آماده اولنان اوتاق کردون رواقلرین قوربلدن تخت سعادت بخت
دست بوس سعادت مأنوسلرینه تشریف وتقبیل قوایم سریر کیوان ابواب
قدر واعتبارلری تضعیف اولنوب ذاکر الکرم وشاکر النعم منزل لرینه
رجعت وسکنلرینه عودت ایتدکلرنده اول سطاف اهل اسلام وقبلهٔ قاطبهٔ
امت سید الانام علیه افضل السلام ومنزل قرائت مبین ومهبط جبرئیل امین
اولان مکهٔ معظمه زادها الله شرفا ومهاجر خاتم الانبیا ومرقد مقدس
محمد المصطفی مدینه پرسکینهٔ مکرمه ده مجاورت ایله استسعاد بولان
سادات وشرفا وعلما وفقها وصلحا وفقرا وضعفا دخی فیضان سحاب
هطال برنوالدن بهره یاب ومائدهٔ عمیم الفائدهٔ عطیه وافضالدن
صاحب نصاب اولمق ایچون مزید عواطف علیهٔ خسروانه ومزیت عواطف
سنیهٔ پادشاهانه مزدن خاصه جناب سیادت نصابکزه فروسمور ایله
مبطن ثوب خلعت مورث البهجت ومفاخر العترة الهاشمیة قرنداشکز
اوغلی سید محسن دام سعده یه اوچ قطعه خلعت موجب العزت وسائر
سادات واشرافه خلع فاخره واقضی قضاة المسلمین اولان ولاة الموحدین
مکهٔ مکرمه ومدینهٔ منوره قاضیلرینه وایکی شیخ الحرم وایکی نائب الحرم
وسائر خطبا وائمه وخطبا وائمه وفقهایه وبعض اعیان ورؤسایه خلع فاخره
واثواب وجباب صوف وعجزه وفقرایه صدقه ومعروف تعیین اولنوب
وخلعت موسوم اولنلرك اسمی جیبك کنارنده مستقل کاغد پاره اوزره
مرقوم اولمغین عادت قدیمه موجبنجه هر سنه ده حرمین شریفین
سکاننه ارسالی معتاد اولان صرهٔ شریفهٔ سلطانی توزیعنه امین
تعیین اولنان درکاه عالم پناهمز متفرقه لرندن افتخار الاماجد والاکارم
مستجمع المحامد والمکارم المختص بعنایة الملك الدائم بهرام دام مجده ایله
ارسال اولنمشدر ان شاء الله تعالی خیر ایله وصول میسر اولدقده قدوم
الابا مدت خاندان رفیع البنیان ودودمان منیع الارکانمز اولادخلو
طویت ونقاوه مر بونکز موجبنجه ذکر اولنان تشریفات مزی کیوب
دخی سائر خلع وتشریفات وفتوح وصدقاتی امین مشار الیه یدندن

دفترده اسامیسی مصرح ومعین اشرافه علی الترتیب علی تفاوت درجاتهم
وتمایز طبقاتهم توزیع وتقسیم واصحاب وارباب ایصال وتسلیم ابواب
وباب الرحمة بیت الله الحرامی اجدودب جمیع شرفا وفقها وعلما وصلحا
ومجاورین وسائر فقرا ومساکین ایله دعاء دولت ابد پیوندمه دعالر
ایندورب ذکر اولنان جامع شریفمك مدرسه ودار الشفا وعمارت
ومابرضا یرو ملحقاتی عنقریب خیر ایله قرین اتمام بولمه سنی درکاه
حقدن رجا وبارکاه حق مطلقدن استدعا ایندوره سز تحریرا فی اوائل ١٢٦

آستانه طرفندن شاه عجمه بازیلان نامه درکه اوزبك خانی
ایله بخارا حاکمی بیننده واقع اختلالی اصلاح ایچون

عالیحضرت سامی رتبت کردون بسطت کیوان منزلت مشتری سعادت
خورشید ضیاءت ناهید صحبت خسرو روشن سنجر منش فریدون فر
همایون اثر زیبندهٔ تخت داوری آرایندهٔ سریر سروری خسرو ملك عجم
ابن صفی شاه عباس دام فی مسند اجلاله بالاستیناس دعوات صافیات
وتحیات قدسی نفحات که برمقتضای فحوای معجز القاب اذا دعی به
اجاب کمال سرعت تأثیر واجابتده همدم انفاس عیسویه بلکه روح
حروف بلاغت ظروفی طرفة العینده ملاء صنع عرش برین اولقده
نفسیات جبرئیل امین ایله علی التوادر تقدیم وتمهید واعراض محبت
ذاتیه انافانا تجدید اولندقدنصکره لوح ضمیر مرآت نظیرلری
وصحیفهٔ خاطر خورشید تنویرلرینه که گنجینهٔ رأی مهر نظیر ومجموعهٔ
کلیات امور وتدبیردر خلاصهٔ احوال مسالمت مآل بو نوع ایله تصویر
اولنور که حضرت خدای متعال جل شانه عن التشبیه والمثال محض الطاف
سبحانیه سندن امور عالم ومهام ومصالح بنی آدمه پادشاهان
عدل آیین واسطه وکمال مرحمت بلا نهایه سندن جراید نظم وانتظام عامهٔ
اممه شهریاران با تمکینی رابطه قیلوب هر بارا صلاح وانتظام عالم
کون وفساده عدل وداد لرین بحسب النظر باعث وبادی واتساق
واطراد احوال عباد وبلادده اتفاق واتحادلرین علت صوری وسبب
عادی ایدوب علی الخصوص پادشاهان اسلام با نام شمشیر خلافت در غلاف
واهل سنت وجماعت اتحاد مذهب وملت واتساق دین وشریعت
جهتندن بر بریله سینه صاف اولمق عقلا ونقلا واجب ولازم
وفرض ومتحتم اولدیغی کتاب وسنت واجماع علمای شریعتله مثبت
قضیهٔ مرضیهٔ دین ودولت ایکن للحالة هذه کردش کردون وتأثیر

طبایع جهان بوقلون • حسبیله اوزبک خانی ابوت مآب • سلطنت
مناب • بدر محمد خان ایله اوغلی عبد العزیز خانک ما بینلرده وقوع بولان
کدورات نفاق وشقاق • سبب زنان آبین حسن اتفاق اولوب • عاقبت کار
الفتنة نائمة لعن الله من ایقظها • سرّی آشکار اولوب • اول دیارده چشم
فتنه بیدار • وپای امن وراحت درراه گریز وفرار اولمغله • حقوق والدینی
منافی نیجه صور غریبه • وپدر وفرزند میاننده نیجه نامطبوع وناشایسته
امور عجیبه ظاهر اولدوغی • مسامع علیهٔ خسروانه منهی اولمغین
اتفاق مذهب وملت واتحاد دین وشریعت جهتندن • المؤمنون اخوة
فاصلحوا بین اخویکم • فحواسنجه امر لازم التبجیل الهی یه • امتثالا باعث
شماتت اعدا • وموجب اغبرار خواطر اودّ اولان • عقده کدورتلرینی
انامل حکیمانه ایله کشاده وحل ایچون • من اصلح بین اثنین استوجب ثواب
الشهید • حدیث شریفی ایله عمل اولنوب • ادع الی سبیل ربک بالحکمة
والموعظة الحسنة • امر لازم الاتباعنه انقیاداً نصایح ومواعظ حسنی
مشتمل • وانواع پند سودمندی شامل ایکی • نامهٔ همایون ملاطفت
مشحونمز تحریر اولنوب • هر برینه مستقلا گوندرلشدر که • طرفیندن
حقوق ابوت وبنوت • رعایت وپدر وفرزند ما بینلرنده وقوعی نامشروع
ونامعقول اولان غبار کدورت وبرودت • نسیان محبت ومودت
ایله مرتفع ومندفع قیلنوب • باد بهار رحب وولا ایله چمنستان دولتلری
سرسبز ومطرا اولمغه • سعی ودقت ایلهلرینه سبب وعلت اوله • امیددر
حضرت حق جل وعلا دائما پادشاه دین اسلامی طریق صواب وسداده
ارشاد • وشاهراه رشد ورشادده راکب مراکب حسن اتفاق واتحاد
ایدوب • اتفاق سلیمی سبب تفرقهٔ کفار ضلالت قرین • وحسن معامله
مؤمنینی باعث خسارت مخالفین دوزخ‌کین ایلیه • جناب عالیلری ایله
اولادن حسن معامله ودوستی • واولیای طرفیندن شوق والقا سیله مابینمزده
صبح افکن صحیفهٔ لطیفهٔ صلح وآشتی اولان • رسم مصافات ویکجهتی
مقتضاسی اوزره • مأمول همایون • وظن وگمانی شاهی اولان اعتقاد
جازم وثبات صفا مقرون نمز اولدر که • بو ولایتلرینی شارکت ومطاو
سبب زخارف آخرت ملاحظه سیله • طرف باهر الشرفلرندن دخی اجرای
حقوق جار • ودفع اذیت عباد واحرار ایچون ما بینلرنده واقع اولان
آتش آزاری • ماء الحیات نصایح ومواعظ سودمند ایله تسکین •
وزمان فترتنه جهت ایدوب • سایهٔ دولتکده خوش نشین اولان

ثغرای رعایای اوزبکیه بی امکنهٔ مألوفهٔ قدیمه لرینه رخصتکو قرین
اولمغله کاشانهٔ وتد ووفا قریب نقش ونگار رخص اتفاقیله تزیین ایلیوب
مشار الیه بدر خانی دخی ممنون • وواصل سرور گوناگون ایدوب •
دعاء خیر اجابت اثرینه مظهر اولمغه • سعی وهمت شاهانهٔ گرم مصروف
ومعطوف طوتیله • وتوران زمین جانبلرنده واقع سرحدلر بکجیدن
اولی وشاه بولاه نام مملکتلرک حاکملری مشار الیه بدر محمد خان ایله
دائما حسن معامله اوزره اولوب • شرایط حق جواری رعایت وخاطرلرینی
صیانت اوزره اولمه لرین طرف باهر الشرفلرندن تنبیه وسفارش
گذارش پذیر اولمق امیدا اولنور • باقی همواره آفتاب دولت شاهی
درادج برج شرف وشوکت پناهی لامع ودرخشان باد • بالنون
والصاد • تحریرا فی اوائل شهر ربیع الآخر • سنه ١٠٥٩

آستانه ده قائم مقام طرفندن شاه عجمه صلح وصلاح احوالنه متعلق یازیلان مکتوبدر

همواره تاجداران سپهر سوار • وخسروان خاور بقوی الاقتدار • مواکب کواکب
واختران ثابت وسیار ایله • بروج سعودده عروج وصعود ایدوب •
درو علیای شرف وقرار • وعروهٔ قصوای نصف النهارده افاضهٔ انوار ایله
اول مهر سپهر سلطنت وبختیاری • واختر برج خلافت وشهریاری
مالک ممالک فرماندهی • طراز کسوت فرمانروائی • رواج افسر خورشید
شبابی • رافع رایات سروری • جامع آیات بهتری • فادر مضمار مروّت
حارس حصار مصافات • عالیحضرت گردون بسطت کیوان منزلت بهرام
صولت مشتری سعادت خورشید ضیائت ناهید بهجت عطارد فطنت
قمر طلعت • خدیو معظم شهنشاه افخم والی ممالک عجم خسرو گردون حشم
بیت گوهر درج سعادت اختر برج شرف • در دریای سیادت خسرو
عالیتبار • حضرتلری همیشه کوکب بخت همایون • وکوکبهٔ اقبال روزافزونلری
اوج شرف کمالده خورشید مثال • مفیض انوار عدل وافضال • ومرفق قابلیات
نامیات امانی وآمال اولمق • دعوات صافیهٔ اجابت مقرون • وتحیات
وافیهٔ هدایت مشحون روز وشب قلب وقالب ایله • مداومت واشتغال
اوزره اولندوغی عرض وانها سندنصکره • خاطر دور بین دقیقه شناس
شهنشاهی • وطبع صواب اندیش حکمت اسنیا بر خلافت پناهی بوکرهو
فکر مشکل کشاسی توقیع منشور آگاهی • وهر رأی اصابت نماسی عنوان صحیفهٔ
شاهی در • صور وقایع واحوال • وخلاصهٔ معانی ومآل • بو وجهله عرض
وانها • وبو نهج اوزره شرح وانبا • اولنور که سوالف اعوام وسوابق ایامدن •

اباو اجداد عظام شاهی خاندان ابد بیمان محکم الارکان پادشاهی ایله
تجانب وتالف وتوادد محبت ومودتلری دائما تزاید وتضاعف اوزره اولوب
ایام عدالت انجام وهنگام بهجت فرجاملرنده چشم فتنه درخواب
وجسم تفرقه معدوم ونایاب اولمغله رعایای طرفین اوقات وایاملرینی
هنگام عید وسورده برابر ولباس حضور واستراحتده دائما در برایلیوب
والدیوخ وصادرین تعرض ارباب قساوتدن امین وحجاج مسلمین زمانا
وایابده خوف وخشیتدن سالمین اولوب کلزار ممالک طرفینده نسایم
مصالحه ومعاهده هرآن تنسم ومرغان خوش الحان امن وامان
دائما صوت ونوای ود ووفا ایله ترنم ایتمکله محاربات جنز ارملک وملت
خار آزار فتن وفتوردن دور وسایه شاخسار سلوتده واصل
نهایت درجه حضور اولدقلرندن ماعدا بو آستان سعادت آشیانه
وبود ودمان محکم الارکان شیدالله تعالی بنیان دولته الی انتهاء
الزمان صوبنه همواره اولطرفدن انتساب واختصاص آثاری ظهور
ومحبت واخلاص علاقه سی صدور ایتدکجه جانب شریفلرینک باعث
استحکام اساس دولتی وموجب انتظام امور خلافتی اولوب نظم
بابکدر کوشونجود ببادشاه دوست از دشمنان کنند بتیغ وفاق
پوست مستدعا منحه الاده موالات اتصافلری همیشه بو معناک
دللزری لوح ضمیر صفا سمیرلرنده ثبت وتحریر ونکین دل مرآت نظرلرنه
نقش وتصویر ایدوب بو دولت ابد مدتک حسن موافقتی وسلطنت
سرمدیتنک یمن مرافقتی مقارنتیله کندولر ایله مقام خصومتده
اولان سایر تاجدارات اورنک نشین وسلاطین صاحب تمکین
اوزرلرینه ظفر یافته وغالب وواصل انواع مطالب ومآرب اولدقلری
فلهذا بو عالی آستان ایله رشته موالات ومصافاتی بالکلیه قطع
ورویکاردن نقاب مراجعت وموافقتی ربح ایله رفع قیلنوب اولقولر
مقتضیات ازمنه وساعات ومستدعیات اوضاع وحالات ایله
خلوف عهد ومیثاق ومغایر ود ووفاق کلشن موالات ومصادقت
سمتنه برنا ملایم روزکار ایسدوکی وقت دخی زمان منازعه به امتداد
ومواد مخاصمه به اشتداد ویرلیوب فی الحال ارسال رسل ورسائل
ایله ماده خصومت وکدورتی برطرف وتلافی وتدارک مامضی وما
سلف ایدرلردی علی الخصوص اول صدر نشین مسند شاهی وتاجدار
وصاحب تمکین مقام خلافت وشهریاری مجدد مراسم محبت ودوستداری

مجدد

مجدد لباس مصافات وحقکذاری حضرتلری بو ننده اقدم دولت
وسعادتله تخت عالیبخت اوزره جلوس وتکمیل مراسم نام وناموس ایتدکلری
اثناده بو دولت ابد پیمان وسلطنت قوی الارکان طرفنه دیو عناد
ومخالفت ایله نظر ودایره حسن معامله دن تجاوز وکذا داولتمزنک
وخامت عاقبتنی علی رأی العین مشاهده وتعیین وسوء خاتمتنی منظور
نظر غیرت بین ایتمکلریله فی الحال اسباب مصالحه ومعاهده تدارکنه مسارعت
ورفع خصومت وکدورت خصوصنه سعی ودقت بیوروب شهزاده پاکیزه
کوهر مرحوم سلطان حیدر میرزا اثبات کمال اتحاد وارتباط ومحافظه
شروط مصالحه ده نهایت حزم واحتیاط ایچون مرجع سلاطین جهان
وملاذ خواقین دوران اولان آستان سعادت آشیان طرفنه ارسال
وبو واسطه ایله عقود عهود ومصالحه مربوط وقوی لاتصال قلوب
سلفدن عدم اقدام واهتماملرندن ناشی اولان عداوت وشقاق حسن تدبیر
وتدارکلریله وفا ووفاقه تبدیل وزنکار کدورت ونفاق آیینه صفا
آیینندن صیقل حسن تقابله تصقیل اولنوب نیجه مدت مابینده
بو کار میمنت آثار مرعی ومسلوک وشرایط ولوازم مصالحه مؤدی و[illegible]
طوتیلوب بو جانبدن ابدی الدوله طرفنه تنسیم نسایم ابدن مهر ومحبت
ایله سبزه زار ممالک وملتلرنده انواع رفاهیت وفراغت ازهاری شکفته
وخندان وسکان ولایت ومملکتلری مابیننده اصناف خوشحالی واستراحت
آثاری ظاهر ونمایان اولوب مدت مدیده دن برو پذیرفته واختلال
وخلل یافته پریشانی وسوء حال اولان امور ومهمات ملکیلری اثر حسن
توجه سلاطین آل عثمان وبرکت نظر التفات پادشاه سلیمان مکان
ایله جزئی زمانده منتظم وپرداخته وجمیع مهام ومراملری وفق
دلخواهلری اوزره مهیا وساخته اولمق نصیب اولوب ایکی جانبده دخی
وشقاق ایامی زواله وآفتاب حسن اتحاد واتفاق اوج برج کمال ارشید
بعده روی ربای مصالحه ومعاهده به نظر بد بنیات ایله آفت عین الکمال
اصابت ونفس بد کویاندن حسن جمال مصادقته اثر فتور سرایت ایدوب
نقاش بارکاه کبریایی بسیط زمین اوزره نقش اختراع وصنع تقدیر
خدایی بساط زمان اوزره شکل دیکر ابداع بیوروب نخل بارآور حسن
اتحاد واتفاق تندباد حوادث ایام ایله خسته وجام جهانمای عهد ووفا
سنک واقع روزکار ایله شکسته اولوب بو طرفده اولان حکام والا مقام
پادشاهی وخدام ذوی الاحترام شهنشاهیدن مقدار ذره منافی دوستی

٤٤٧ ٢٧١

ومحبت• ومناقض مصالحه ومودت• بر وضع نادر صادر اولمیوب •
روز وشب عساکر واجناد جهاد اعتیاد اسلام پناهی• وجیوش دریا جوش
نهنك خروش خلافت دستگاهی• وجاهدوا فی الله حق جهاده• امر شریفنه
امتثال• ودفع واستیصال ارباب کفر وضلاله مداومت واشتغال اوزره لر
ایکن• اوته جانب عسکری طرفندن نقض عهد ومیثاقه شروع• ومباشرت
وایقاظ فتنه ونفوره جرأت وجسارت اولنوب• عساکر اسلام ظفر
انجام کلیت اوزره کفره طرفنك اصلاح احوالنه مقید اولوب• نیجه حصون
وقلاع فلك ارتفاعلرینك فتح وتسخیرینه مباشرت• ونیجه ممالك عسیر
الضبطلرینك تصرفی بابنده بذل کمال همت ایدوب• بر وطرفك فتنه
وآشوبی نظر اعتبارلرنده جزئی کورندکله• اول سمتلرده برمقدار قلاع
وممالك سهل الاخذ والتسخیره دست تطاول ایرشدیرلوب• هنکامه
وآشوب کفار بر طرف اولمز• واختلاف واختلال ممالك محروسه اختتام
والتئام بولمز اعتقادیله• حد اعتدالدن تجاوز وتعدی• وحیطۀ
اقتدارلرینه صیغمز اوضاع وحرکاته تصدی ایدوب• عاقبت اندیشلك
مسلکندن عدول• ودوربینلك منهجندن نکول ایتدکلری نزد• بدرقۀ
هدایت ملك متعال• وقاید توفیق جناب محول الاحوال• اول شاه فلك
رتبت خورشید اقتدار• وشهریار بهجم منزلت عالی تبار حضرتلرینه
رفیق ورهنما اولوب• بو دودمان خلافت بنیان• صانه الله تعالی
عن تطرق الحدثان• تا ابد عنایت الهی ایله مؤید• وچار ارکان شریعت
رسالت پناهی ایله مشید• بر دولت پایدار واستوار• وسلطنت مؤبد
وبرقرار ایدوکی بیت این آن اساس نیست که کردد خلل پذیر• لو نسفت
الجبال وانشقت السماء• مضموننده استدلال بیوریلوب صرصر حوادث
روزکار ایله صارصیله دن مأمون• وحفظ وصیانت قادر بیچون ایله
محفوظ ومصون• بر سلطنت همایون روزافزون اولدوغنی• دیدۀ بصیرت
دوربین ایله ملحوظ ومنظور• وکیفیت استحکام مبانیسنه تحصیل وقوف
وشعور بیورمه لریله• کما کان تهیۀ اسباب مصالحه ومعاهده یه شروع
ومباشرت• وتلافی مافاته سعی ودقت اولنوب• بوندن اقدم مرحوم
درویش پاشا دام له السعادة فی دار البقا• صدارت عظمی ووکالت کبری
خدمتنده ایکن مابینده طرح آشتی ومصالحه امرینه واسطه• ونظم وانتظام
مصالح مصالحه یه وسیله ورابطه• اتخاذ بیوریلوب• مشار الیه خطاب نامۀ
نامی نیك بختنه فال• وصحیفۀ کرامی مصادقت مآل تحریر اولنوب •

سنۀ

سنۀ سما رفعتلری خدامندن وعتبۀ فلك رتبتلرینك معتمدان ذوی
الاحترامندن• جمیل خصال پسندیده فعال• جامع وجوه المعارف
والکمال• محمد بك زید مجده وساطتیله آستانۀ سعادت آشیانه شتابان
ودرکاه فلك اشتباه شهنشاهی صوبنه ارسال قلنوب• مجددا طرح اساس
دوستی ویکجهتی خصوصی استدعا واراده• واعادۀ عهد قرارداده بابنده
ابواب حسن معامله مفتوح وکشاده طوتیلوب• بوندن اقدم آبا و
اجداد نیکونهادلری سالك اولدقلری مسالك مستقیمه سلوك• ورعایت
قوانین وآداب عاقبت اندیشان اعاظم ملوك بیورلمش حقا وبعزة الله
بو طریق پر توفیق• وراه هدایت رفیقه میل وتوجه عالیلری رضای
مولایه موافق ودین ودولتلرینه نافع ولایق• وموجب استراحت وخوش حالی
عامۀ خلق بقدر الی هذا الان• بو آستان بلند آشیان ایله دوستلق
ومحبت معامله سنده• اکر جناب سلطنت مآب سعادت انتسابلری
واکر آبا واجداد خلافت ابالری بولکدن غیری نسنه مشاهده ایتموب
بو دولت سرمدیه ایله یکجهت ویکرنك اولدقلری اثناده تشویش واختلالدن
ایمن وسالم• ونعم جلیلۀ خوان محبتدن مستفید ومتنعم اولشلردر
انشا الله تعالی• فیما بعد دخی بو کار رهوار• وامر عظیم المقدار ارادت
قادر مختار• ومشیت خالق پروردکار ایله مقرر ومحقق اولور سه
طرفینه منافع جلیله سرایت ایدوب• عباد الله آسوده• ودیدۀ فتنه
واختلال خواب آلوده اولمق اومولور• لکن طرفیندن ترتیب مقدمات
صلح وصلاح ایدن مدبران ملك وملت• وتمهید اساس ود والفت قیلن
مهندسان صاحب فطنت• مجدد بر طرفك رضاسنی صیانت• وهم بر جانبك
ابتغاسنی رعایت ایدوب• صور وقایع واحوالی جانبینك رضاسنه
توفیق وایکی طرفك مراد ومدعالرینی بر برینه تطبیق ایتمیجك بو مقوله
امر خطیر عظیم المقدار• وکار عبرت لازم الاعتبار تمشیت وصورت بولمق
دشوار ایدوکی خرده بینلرینه واضحدر• وارد اولان نامۀ نامی
همایون فال ومکتوب کرامی عدیم المثاللرندن• مستنبط ومستخرج اولان
خلاصۀ احوال• ونتیجۀ آمالی سدۀ سدره مثال• وعتبۀ فلك اشتمال
پادشاهیه• عرض وانهاده عسرت واشکال معناسی ملاحظه اولنمغین
الی هذا الان مشار الیه ایلچی محمد بك بنده لری• در سعادتمده الیقونلوب
شاید معوض الیه صدارت عظمی وانجام مهام انامده مقتدا وپیشوای
عامۀ وزرا اولان آصف الزمان• ملاذ اهل الایمان• قاهر ارباب الضلالة

والطغيان • قامع اصل الشقاوة والعصيان • صاحب الرفعة والعظمة
والشان • صدراعظم وسرداراكرم • سعادتلو ودولتلو مراد پاشا اوصله الله
فى الدارين الى ما يشاء حضرتلرى • اشقيای لعينك جزا وسزالرينى ويردكدنصكره
دردولته توجه بيوروب • حسن تدبير وتدارك اصابت قرين • ورأى
حكمت آرای سعادت رهنملريله • بوكار ميمنت آثار جليل المقداره تمشيت
ويرملرديو ترقب وانتظار اولنوركن • الحمد لله الملك المعبود • شار اليه
سردار عاقبت محمود • اول جميع ملل وامم دن خارج اولان قوم سوم مردودك
اكثرينك وجودن سود لرينى عرصهٔ عالمدن محو وناپود • وبعضلرين
حوزهٔ حكومت پادشاهيدن مطروح ومطرود ايليوب • لوث وجود
خباثت آلودلرندن دار وديار مسلمينى پاك • وعرصهٔ ملك وملتى رونق
حسن انتظام ايله تابناك قيلوب • دولت واقبال وسعادت واجلال ايله
آستانهٔ سعادته كلوب • واصل اولوب مقارنت حسن توجه پادشاهى
وموافقت يمن التفات شهنشاهى ايله امور ملك وملت انتظاماتنه • ٤٤٩ ٢٧
روزبروز زياده ساعى • وباعث استراحت برايا اولان صلح وصلاح
ابوابنك فتح اولنمه سنه داعى اولدقلرى • جهتدن بو بابده مشاركت آراى
ثاقبهٔ وزراى عظام • ومقارنت تدابير صائبهٔ وكلاى كرام • وموافقت
مشاورهٔ علمای فخام ايله • على الخصوص بوندن اقدم صلح وصلاح موادينك
صورت پذير اولمه سنده • حسن تدارك وتدبيرى محض علت اولان خواجهٔ
پادشاه اسلام • ومفتى ومقتدای انام • مرحوم ومغفور له مولانا سعد الدين
اوصله الله تعالى الى اعلى عليين • حضرتلرينك خير الخلفلرى اولوب بالفعل
مسند فتوى • وشيخ الاسلاميده صدرنشين • وعقده كشاى مشكلات
مسلمين اولوب • امور معظمهٔ دين ودولت مشاوره سنده • جواب
باصوابلرى جملهٔ اركان دولته سند • خصوصا شرع شريفه مستند
اولان • احكام وقضايای سلطنت • بابنده صاحب قبول ورد اولان • مولانا
محمد افندى ادام الله فضله وافضاله على كافة المسلمين حضرتلرينك صوابديد
رأى شريفلريله صلح وصلاح احوالى طرفيننك عرض ودولتنه لايق • وابهت
واسلوب سلطنته موافق اولوب • برو طرفدن عز حضور پادشاهى يه عرض
وانها اولندوغى وقت حسن قبوله قريب • وميل وتوجه همايونلرينى
باعث ترغيب اوله جق • وجه اوزره برصورت معقوله قونيلوب •
واقع حالى مبين • ونتيجهٔ آمالى متضمن مكتوب مرغوب مصادقت مصحوب
مخالفت مسلوبلرى ايله كبرومشار اليه محمد بك زبدهٔ مجالس • جناب نعم

المرجع والمآبلرى صوبنه روانه قلنمشدر • فى الحقيقه اول شاه عاليجاه ستاره
سپاه حضرتلرينك آستان سعادت اشيان پادشاهى • وسدهٔ سنيهٔ عدالت
عنوان جهانپناهى ايله • مجددا مصالحه ومعاهده يه نيت جازمه لرى محقق
ومقرر • وبو معنى لطيف ضمير منير آفتاب نظيرلرنده منوى ومضمراسيه • موى اليه
صدراعظم وسرداراكرم • حضرتلرينك صوابديد رأى شريفلريله عمل بيورلوب
مكتوب منيفلرنده تصريح وتوضيح اولنان • وجه وجيه اوزره صلح وصلاح
احوالنك • وجود وظهوره كتورلمه سنده تأخير وتوقفى جايز وروا • وسفيد
ريش وخيرانديشلر كوردوكى مصلحتدن عدول ونكول دين ودولتلرينه
سزاكورميوب • بو مقوله برامورده ديده وصاحب تجربه • موفق بالموهبه
صاحب سعادتك توسط وتوجه شريفلرى ايله بو مصلحت خير انجام اتمام
واختتام بولمه سنه بذل همت • واغتنام وقت فرصته سعى ودقت بيورديله •
فى الحقيقه شار اليه حضرتلرى اغراض وعلل دنيويه دن مبرا • وامراض تعصب
وتعنتدن معرا • دوستلق ودشمنلكه قادر • خرق والتيام امرنده كار آزموده
وماهر • دولتلو وعظمتلو وشوكتلو پادشاهمزك حسن اعتماد همايونلرينه
مظهر • ونظر التفات سعادتمقرونلرينه منظور واقع اولمغين وزير بير روشن
ضميرلرى اولوب • عامهٔ امور دين ودولت وكافهٔ مهمات ملك وملت • يد ظفر
تأبيدلرينه مفوض ومسلم اولمغله • بو شغل عظيم • وامر مهم واجب التقديمك
دخى • حل وعقدى خاصه طرف همايون پادشاهيدن انلرك رأى عقلا
كشالرينه تفويض وتقليد • اولنمشدر • انشاء الله تعالى دولت طرفينه
نافع وسودمند كوردكلرى • احوال نفس الامره موافق • وصلح وصلاح بابنده دستور
العمل • اولمغله لا بقدر • چونكه بو آستان سعادت آشيان ايله مابينده
صلح وآشتى ومحبت ويكجهتى خصوصنه ميل وتوجه بيورلمشدر • لايق دولت
وموافق كار ومصلحت • بو فهم اولنوركه مقصود ومراد اولنان امور وقضايا
وحصولى ما فى الفؤاد اولان كار ومدعى • برصورت خوب ايله ترتيب وبرهانه
مرغوب اوزره بركيد اولنه كه عز حضور سعادت موفور پادشاهى يه • عرض وانها
اولندوغى وقت • دائرهٔ رضای شريفلرينه داخل وآيينهٔ حسن قبوله مقابل
اولمغه صلاحيتى اوله • الحمد لله تعالى روم ايلى جانبلرنده بو قدر مدتدن
برو جادهٔ اطاعت وانقياددن خروج • ووادئ بغى وطغيانه عروج ايدن • كفره
فجره ٢٧٤ ٤٤٩
فرالرى اشنان دوستان نواز پادشاهى يه • متابعت • وكالاول عرض عبوديت
واطاعت ايمه لريله • جمله سنك اطاعت وانقيادلرى • پيشگاه سرير عالم
مصير خداوندكاريده • حيز قبوله موصول • وهر برى واصل انواع مرام ومسئول اولمشدر

جمله دن عامهٔ کفره قراللرینک زبده سی ونامداری • وبجرورده اولان ملت
مسیحیه حاکملرینک وتخت وملک صاحبلرینک سرداری وسالاری اولان
نمچه قرالی حالیا اظهار عبودیت واخلاص • وعرض انتساب واختصاص
ایلیوب • حق جل وعلانک عین عنایتی ودیدهٔ هدایتی ایله منظور وملحوظ • وجناب
رسالت پناهنک • نظر صیانت وحمایتی ایله مصون ومحفوظ اولان • سلطان
البرین والبحرین • خاقان المشرقین والمغربین • امان الافاق • والخافقین
خادم الحرمین الشریفین • ثانی اسکندر ذو القرنین • حامی الممالک بالطول
والعرض • مظهر فحوای السلطان العادل ظل الله فی الارض • سلطان الغزاة
والمجاهدین • قاتل الکفرة والمشرکین • قاهر الفجرة والمتمردین نظم
داغ نه ناصیهٔ سرکشان • تیغ زن تارک لشکرکشان • معدلتش قاهر خونخوارکان
مرحمتش مرهم بیچارکان • مایهٔ امید سرافکندکان • سایهٔ یزدان بسر
بندکان • معین الضعفاء والمظلومین ظهیر الفقراء والمساکین • مغیث
الاسلام والمسلمین • رافع اعلام الشرع المبین • سلطان العرب والعجم •
مالک رقاب الامم • باعث امن وامان عالمیان • موجب اطمینان قلوب
جهانیان • سلطان سلاطین جهان برهان خواقین زمان • تاجبخش
خسروان دوران نظم پادشاهی که حکم او همه جا • بر سر خسروان روان
باشد • شیر جنکی که زوباس حیات • بر تن صفدران دران باشد • قطب
فلک سلطنت وشهریاری • مرکز دائرهٔ خلافت وکامکاری • المستغنی
ذاته الشریف عن التعریف والتوصیف نظم انکه صد سال اکر اندیشه
کند کلک خیال • نتواند که کشد یک رقم از مجدتش • المؤید بتأیید الله الملک
المستعان • والموفق بتوفیق العزیز المنان • شهنشاه کیتی ستان دولتلو
وسعادتلو وعظمتلو وشوکتلو پادشاهمز اعز الله انصاره • وضاعف
اقتداره حضرتلرینک • که نباهت شان وعلو مکاننده سایر سلاطین
پیشیندن • کوی مسابقتی ربوده • وجباه قیاصرهٔ زمان خاک سعادت
آشیانلرنده سوده در • آستان دوستان نوازه • وعتبهٔ عدو کدازلرینه
ایلچیلک طریقیله برنامدار وزیرین کوندروب • ایکی کره یوز بیک التونلق
نقد ویادکار پیشکش • ارسال ایلیوب • شار الیه سعادتلو صدر اعظم
حضرتلری مقدما روم ایلی طرفندن سردار اکرم ایکن • ما بینده قول وقرار
ایتدکلری • منوال اوزره صلح وصلاحک قبول اولنمه سی بابنده عرض
تضرع وابتهال • وکما کان خراج معتادلری اداسنه امتثال فرمان لازم
الاجلال ایتمکله • رجالری دوستلق ومحبت عرض ایدنلره قارشو دائما

مفتوح

٥٠ ٢٧٤

مفتوح وکشاده وانجام مرام دوستداران ایچون • همیشه برپا ستاده
اولان باب سعادت مآبلرنده عز قبوله قرین • وشرف اجابته رهین
اولوب • نام وناموس سلطنتلرینه لایق • واباواجداد عظاملرینک
آیین واسلوبنه موافق • وشرع شریف نبوی یه مطابق اولان قیود وشروط
معتبره • وعهود وایمان مقرره ایله عهدنامهٔ همایون احسان اولنوب
کلان ایلچیه انواع رعایت وعنایت پادشاهی ایله • مفتخر ومباهی
قلندقدن صکره ماه شعبان المعظمک التنجی کوننده • سدهٔ سعادتدن
کیرو شار الیه قرال طرفنه روانه قلنمشدر • اندن ماعدا قدیم الایامدن
بو خاندان بدیع البنیانک زیر سایهٔ حمایتنده آسوده ومستظل • ودائما
بو دولت علیه خیرخواهلریله یکجهت ویکدل اولان • اردل وافلاق
وبغدان ویوده لری • وعموما او سمتلرده اولان ماجار طائفه سی
حاکملری • برزمدندن برو روی اطاعتلرین سمت آستان سعادت آشیاندن
منحرف • وعنان متابعتلرین طریق آخره منعطف قلمشلر ایکن • حالیا بخت
ودولت خداداد شهریاری • قوتی وساعد اقبال اجلال خداوندکاری
معاضدتی ایله • اباواجداد عظاملری زماننده ایتدکلری حسن اطاعت
وانقیاددن زیاده • اظهار متابعت وعرض مسکنت ایدوب • کما کان
جهت توجه وارادتلرین در دولت خداوندکاری سمتنه راست • وتقدما
صادر اولان سهو وقصورلرینک • عفو وصفحنی رجا ودرخواست قیلوب
خراج قدیملری تعهد بله کبرو طرف همایون پادشاهیدن ایل وملکلری
منبطی ایچون • اوامر وبروات سعادت آیات الوب • هر بری شاهانه
قائم وخدمت معتادلری اداسنده • دائم اولمشلردر • اندن ماعدا قریم
خانی مرحوم ومغفور له غازی کرای خان • دار الآخرته انتقال • وفرمان
حی قیوم سبحانه الله امتثال ایدوب • خانلق مسندی خالی وتهی • وامر حکومتی
موقوف فرمان همایون پادشاهی ایدوب • کندکم اوجاقلرنده اکبر اولاد
اولان توختمش کرای سلطان باباسی مسندنه جالس • وخانلق خلعتنی
لابس اولمق ارادهسن ایدوب • سدهٔ سنیهٔ پادشاهی یه عریضهٔ عبودیت
اوملر ارسال ایتدکجه ارث واستحقاقله حق کندونک اولوب • نعم بزرکوارلری
اولان والاجناب • سعادت نصاب • سلامت کرای خان ذات معالیه
حضرتلرینک حق صریحی اولمغله شار الیهدن دخی مقدما بعض ضرورت
حسبیله صدور ایدن سهو وقصور • معفو ومعذور طوتیلوب اباواجدادی
روش واسلوبی اوزره • در دولتدن برات سعادت آیات ایله قیرم ولایتی

رایمن طرف فابقه اوزره پس پردۂ تقدیردن بر وضع خوب منتج المآل ظاهر وصورت مرغوب بدیع الاسلوب جلوه کر مرآت مظاهر اولمغله صدرنشین مسند شاهی وفرمان رانی ومنظور عین عنایت سبحانی وصمدانی باد

مکتوب افندی مسوده سیدر

سلطان ابراهیم خان جلوسنده هند پادشاهی جهان شاهه کوندریلان نامه در مسوده صدقی افندی

الحمد لله المقدس عن التغیر والتبدل والزوال المنزه عن وصمة الحدوث وسمت الانتقال القادر المقتدر القدیم الحی القیوم الذی لا یموت ولا یفوت ولا ینام کما ورد فی کتاب العزیز العلام کل من علیها فان ویبقی وجه ربك ذو الجلال والاکرام المتوحد فی سلطانه عن الشبیه والنظیر المتفرد فی کبریائه عن الشریك والوزیر یؤتی ملکه من یشاء وینزعه ممن یشاء کما نطق به فصل الخطاب یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب والصلوة والسلام علی رسوله محمد الناطق بالصواب ومظهر الحق بالکتائب والاحزاب وعلی آله واصحابه خیر الآل وخیر الاصحاب وبعد دعوات مستجابۀ صافیۀ مسکیۀ الفوحات وتحیات مستطابه وافیه وردیة النفحات کہ جهۀ اقبال مخالصت مآلنده انوار قبول واجابت مسطور وسواد کتاب مشکین نقابی غبطۀ مردمک دیدۂ حور اولوب فوایح روایح طیبه سی مشام سکان شش جهات خطۀ سفلی یی معطر ودماغ منزویان چار دیوار طبایع انسی یی مطیب ومعنبر ایلیه عالیحضرت سامی رتبت فلك رفعت ملك خصلت هوشمند هوش داراد رایت رافع آیات مسلمانی جامع آیات جهانبانی قامع اساس الکفار قالع اصول الاشرار قاهر الرفضة والملحدین قاتل الکفرة والمتمردین خلاصۀ خاندان سلاطین هند نقاوۀ دودمان خواقین سند نظام الدولة والسلطنة والمعدلة والشوکة والعزة والشان شاه جهان جعل الله تعالی دولته مطرزة بطراز التأبید وربط سرادقات حشمته باوتاد التأیید صوب باصواب سعادت نصابلرینه آیین واسلوب سلاطین وملوك مرضیۀ السلوك اوزره تعظیم وتکریم ایله اهدا اولنوب لوح ضمیر مرآت نظیر ومحیفۀ خاطر خورشید تنویرلرینه که گنجینۀ رأی مهرتاثیر ومجموعۀ کلیات تدبیردر خلاصۀ احوال بو نوع ایله تصویر اولنورکه حامی ممالك عثمانی وصدرنشین

خان وفرمان ران نصب اولنوب واروب کمال استقلال اوزره بآثار خانلغنه متصرف وحاکم وخدمات پادشاهی اداسنه جان ودلدن قائم ومداوم اولمشلردر بودکلو تفصیلدن قصد بعد نتیجۀ مآل وخلوص معال سعادتلو وعظمتلو وعدالتلو پادشاهم ادام الله تعالی ایام سلطنته حضرتلرینك کرم شان وسمو مکانلرین بیان ایدوب باب سعادت مآبلری عهد ووفا طالبلرینه مفتوح ومکشوف وبنیت خالصلری دائما خیر وصلاح جانبنه مصروف ومعطوف ایدوکین عرض ایلمکدر بلااراده مسطور اولان حکام وخواقین اسلامیه وغربیدن صدور رایت سهو وقصور ذیل عفو وکرملری ایله مستور وخاطر اخلاص مظاهرلرندن منی ودور بیوریلوب هر بریسنی انواع احسان والتفاتلریله معزز وسرافراز وکمالکان مابینده دوستلق ومحبت قپوسن کشاده وباز بیورمشلردر پس اولشاه جمجاه صاحب انتباه ستاره سپاه حضرتلری طرفندن اولورسه دخی خلوص نیت وصفای طویت ایله سعادتلو پادشاه عالمپناه آستانۀ ارادت ومودت اظهار اولنوب آبا واجداد عظاملری طریقی بر توفیقله حرمسرای خلت ومحبته دخول واسلاف امجاد کراملری واصل اولدقلری سمت مقبولیتده مجلس قرب والفته وصول مراد اولنسه حاشا کم جناب فیاض مطلق جلۀ ابواب مسدوده یی مفتوح وعوایق وموانعی باسرها مرفوع ومطروح قیلیه لکن اثنای مصالحه ومعاهده دخی طرفیندن صدور ایدن اوضاع وحالات بروجه اوزره اولمق مناسبدرکه بو بابده شهود اقوال باطنه ایله اثبات اولنان دعوای مصادقتی مزکیان افعال ظاهره دخی تزکیه ومرآت قلوب طرفینده اولان زنك ملالی صیقل حسن معامله ایله تصفیه ایلیه نفس الامرده نظر محاسن اقوال دکل بلکه حقیقت افعالده ودقایق کفتارده دکل بلکه حقایق کردارده در امیددرکه جناب رب العزة جمله بو بابده ساعی بالخیر اولنلرك ظاهر اقوالی باطن احوالنه موافق وحسن تدبیر وتذکرین تقدیر وتخبیرینه مطابق قلوب مقدماتی وجمله احوال صلح وصلاحه متبدل ومتغیر اولدیسه کبرو یفعل الله ما یشاء ویحکم ما یرید فحوای شریفنجه بو کارزنا هنجارده دخی تغییر وتبدیلنه ارادت ومشیت کاملهسی تعلق ایدوب صحیفۀ کون اوزره بسط اولنان اشکال مختلفة اللون اختلال بلطف الله تعالی مرتفع وآفتاب عالمتاب اتفاق واتحاد شروحسن مصادقت طالع ولامع اولوب عامۀ برایه نافع وموادفتن وفتوری رافع وقاطع اولان الحسن وجوده

خان وفرمان زان نصب اولنوب واروب كمال استقلال اوزره با آثار
خانلغنه متصرف وحاكم وخدمات پادشاهى اداسنه جان ودلدن قايم
ومداوم اولنلرد بودكلو تفصيلدن قصد بعد نتيجهٔ مآل وخلوص
مقال سعادتلو وعظمتلو ودولتلو پادشاهم ادام الله تعالى ايام سلطنته
حضرتلرينك كرم شان وسمو مكانلرين بيان ايدوب باب سعادت
مآبلرى عهد ووفا طالبلرينه مفتوح ومكشوف ونيت خالصلرى دائما
خير وصلاح جانبنه مصروف ومعطوف ايدوكين عرض ايلمكدر بالاده
مسطور اولان حكام وخواقين اسلاميه وغربيدن صدور ايدن سهو وقصور
ذيل عفو وكرملريله مستور وخاطر اخلاص مظاهرلرندن منسى ودور
بيورلوب هر برينه انواع احسان والتفاتلريله معزز وسرافراز
وكما كان مابينده دوستلق ومحبت قپوسن كشاده وباز بيورمشلردر
ليكن ولد شاه جمجاه صاحب انتباه ستاره سپاه حضرتلرى طرفندن دخى
خلوص نيت وصفاى طويت ايله سعادتلو پادشاه عالمپناه استانه
ارادت ومودت اظهار اولنوب اباواجداد عظاملرى طريقى بر توفيقله
حرم سراى خلت ومحبته دخول واسلاف امجاد كراملرى واصل اولدقلرى
سمت مقبولدن مجلس قرب والفته وصول مراد اولنسه حاشاكم جناب
فيا من مطلق جلة ابواب مسدوده يى مفتوح وعوايق وموانعى بالسرها
مرفوع ومطروح قيليه لكن اثناى مصالحه ومعاهده دخى طرفيندن صدور
ايدن اوضاع وحالات بروجه اوزره اولمق مناسبدركه بوبابده
شهود اقوال باطنه ايله اثبات اولنان دعوى مصادقتى مزكيان افعال
ظاهره دخى تزكيه ومرات قلوب طرفينده اولان زنك ملولى صيقل حسن
معامله ايله تصفيه ايليه نفس الامرده نظر محاسن اقواله دكل بلكه
حقيقت افعاله ودقايق كفتاره دكل بلكه حقايق كرداره در امدى كه
جناب رب العزة جمله بوبابده ساعى بالخير اولنلرك ظاهر اقوالنى باطن
احواله موافق وحسن تدبير وتداركلرين تقدير وتخييرينه مطابق قلوب
نقدماه وجمله احوال صلح وصلاحه متبدل ومتغير اولديسه كبروى يفعل الله
ما يشاء ويحكم ما يريد فحواى شريفنجه بوكارنا هنجارلردخى تغيير
وتبديلنه ارادت ومشيت كامله سى تعلق ايدوب صحيفهٔ كون اوزره
بسط اولنان اشكال مختلفة الالوان اختلاف بلطف الله تعالى مرتفع
وافتاب عالمتاب اتفاق واتحاد شروحسن مبادى قندن طالع ولامع اولوب
عامهٔ فقرايه نافع ومواد فتن وفتورى رافع وقاطع اولان احسن وجوه ايله

وايمن طرق فابقه اوزره پس پرده تقديردن بروضع خوب منتج المطلوب
ظاهر وصورت مرغوب بديع الاسلوب جلوه كر مرات مظاهر اولمق
همتيله صدرنشين مسند شاهى وفرمانروائى ومنظور عين عنايت
سبحانى وصمدانى باد. مكتوب افندى مسوده سيدر

سلطان ابراهيم خان جلوسنده هند پادشاهى جهان شاهه كوندريلان نامه در. مسودهٔ صدقى افندى

الحمد لله المتقدس عن التغير والتبدل والزوال المنزه عن وصمة الحدوث
وسمت الانتقال القادر المقتدر القديم الحى القيوم الذى لا يموت ولا يفوت
ولا ينام كما ورد فى كتاب العزيز العلام كل من عليها فان ويبقى وجه
ربك ذو الجلال والاكرام المتوحد فى سلطانه عن الشبيه والنظير المتفرد
فى كبريائه عن الشريك والوزير يؤتى ملكه من يشاء وينزعه ممن يشاء كما نطق
به فصل الخطاب يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب والصلوة
والسلام على رسوله محمد الناطق بالصواب ومظهر الحق بالكتائب والاحزاب
وعلى آله واصحابه خير الآل وخير الاصحاب وبعد دعوات مستجابهٔ صافيه
مسكية النفحات وتحيات مستطابهٔ وافيه وردية النفحات كه جبههٔ
اقبال مخالصت مآلنده انوار قبول واجابت مسطور وسواد كتاب مشكين
نقابى غبطهٔ مردمك ديدهٔ حور اولوب فوايح روايح طيبه سى مشام
سكان شش جهات خطهٔ سفلى يى معطر ودماغ منزويان چاردیوار
طبايع انسى يى مطيب ومعنبر ايليه عاليحضرت سامى رتبت فلك رفعت
ملك خصلت هوشمند هوش داراد رايت رافع آيات مسلمانى جامع
آيات جهانبانى قامع اساس الكفار قالع اصول الاشرار قاهر الرفضة
والملحدين قاتل الكفرة والمتمردين خلاصهٔ خاندان سلاطين هند
نقاوهٔ دودمان خواقين سند نظام الدولة والسلطنة والمجد والشوكة
والعزة والشان شاه جهان جعل الله تعالى دولته مطرزة بطراز
التأبيد وربط سرادقات حشمته باوتاد التأبيد صوب با صواب سعادت
نصابلرينه آيين واسلوب سلاطين وملوك مرضيهٔ السلوك اوزره
تعظيم وتكريم ايله اهدا اولنوب لوح ضمير مرآت نظير وصحيفهٔ خاطر
خورشيد تنويرلرينه كه كنجينهٔ رأى مهر تاثير ومجموعهٔ كليات تدبيردر
خلاصهٔ احوال بو نوع ايله تصوير اولنور كه حامى ممالك عثمانى وصدرنشين

اورنك صاحبقرانی اولان سعید الحیاة وشهید الممات قرنداشمز مرحوم
ومغفورله سلطان مراد خان علیه الرحمة والرضوان حضرتلری
روضهٔ ممالك اسلامیه میاننده سربرآورده اولان خار وجود رفضه
داس شمشیر ظفر تأثیر ایله قلع وقمع وشاهراه سلیمندن آثار شر وشور
ملاحده یی دفع ورفع ایدوب مرکز دایرهٔ مشاهد اولیا اولان بغداد بهشت
آسانی دست تسلطلرندن اخراج وانتزاع وکبر وآثار شرع محمدی یی اول
دیار جلیلده اعتبار ده اجرا وابقاع ایچون عساکر اسلام نصرت انجام ایله
شد نطاق عزیمت ونشمیر ساق قصد ونیت ایدوب ظلول رایات
ظفر آیات معسکر همایونلری برتو انداز صحرای کشور موصل اولدقده جناب
سامی گرامیلرندن فخر ارباب الرسالة ذخر اصحاب الکیاسة امیر ظریف
دام عزه نامهٔ محبت ختامه ایله کلوب پایهٔ سریر اعلالرینه یوز سوزر
لایق عرض دولت طرفین وموافق نام وناموس جانبین اولان وجه
وجیه اوزره تحریك سلسلهٔ محبت ملوکانه وتأکید مبانی مودت خیرانه
اولنمغله بغداد قلعه سی فتحندن نصکره مابینده طرح اولنان موالات
مصونة الزوالی تأکید ومصافات محفوظة لا انتقالی تشیید ایچون
جانب همایونلرندن دخی نامهٔ ملاطفت مشحونله ایلچی تعیین
اولنوب سالف الذکر امیر ظریف دام عزه ایله حضور معالی موفورلرینه
ارسال اولنمش ایمش بحکم براد ر مهتر جنت مقر من لقاء حضرت رب
غفور مشتاق وشربت خوشکوار دعوت حق قیوم ایله شیرین مذاق
اولوب سنه تسع واربعین والف شوالنده تنکنای فانیدن فسحت سرای
عقبای باقی یه خرام وارجعی الی ربك خطابنه امتثال ایله جوار رحمت
مقتدرده آرام ایمکین عنایت ومشیت خلاق علی الاطلاق وتقدیر
وموهبت رزاق انفس وآفاق ایله مسند سروری ودیهیم داوری
جلوس همایون سعادت مقرونمزله مستعد اولوب رؤس منابر ووجوه
دراهم ودنانیر خطبهٔ سامی والقاب نامیمزله مزین وصدور امثله
ومناشیر احکام طغرای غرای عالم آرامزله مصدر ومعنون اولوب
اطراف ممالك وسیعة الاکنا فمزده اولان ملوك وسلاطین دولت
اتصاف جادهٔ رجاده محتاجمز وشاهراه مراجعتده رضا جوی عطا
انتاجمز اولمشلردر ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم
چونکه اتساق واطراد مذهب وملت واتفاق واتحاد دین وشریعت
جهتی ایله جناب سعادت نصابلرینك بو دولت علیه ایله بنای حسن معامله

ودوستی واساس محبت ویکجهتیلری مشید وموکد اولمشدر بناء علی هذا
نامهٔ همایون محبت مشحونمز کشادهٔ لسان تحریر ومرقوم کلك تسطیر اولنوب
حضور معالی موفورلرینه ارسال اولنمشدر عند الوصول مابینده اولان
موالات مصونة الزوال مقتضاسنجه مأمولدرکه حضرت خداوند
واهب الآمال جل شانه عن التشبیه والامثال مشیت وارادت ازلیه سیله
افسر سلطنت واجلالمزی انا جعلناك خلیفة فی الارض زینتی ایله
مزین وتاج باابتهاج دولت واقبالمز فاحکم بین الناس بالعدل عنوانیله
معنون اولدوغی لایق خبر مسرت اثرلری ایله سمع دولتلری مشنف اولمق
میسر اولدقده اظهار سرور وخندانی واشعار نشاط وشادمانی بیوره لر
ان شاء الله تعالی آیین سعادت قرین اسلاف دولت انصافمز اوزره پیش
نهاد فؤادمز تمهید مهاد جهاد وضمیر صفا پذیرمز قلع وقمع ملاحده
وکفار بد نهاد اولوب شمشیر جهانگیرمز نیام آرامدن آخته وبرجیس ثبت
غزا ایله مواکب مراکب تکاورمز همایونمز خاض وبر داخته اولوب عسکر
ظفر قرینمز قزلباش بدمعاش طرفندن نقض عهدی مشعر بر وضع نادر
صادر اولمسنه مترقب وناظرلردرکه بارقهٔ شمشیر عالمگیر غزاة ایله
سزا اولدقلری جزالرین ویروب ترارهٔ تیرلرین سنان وسیوف قضا
مضا ایله اطفا ووجود مردودلرین فنای ممالك محروسه مزدن
افنا ایلیه لر سزدخی مراسم غزای ملاحده یی رعایت ولوازم
جهاد زنادقه یی تکمیل وصیانت ایله تحصیل منافع دنیا وآخرتی ایلمکدن
خالی اولمیه سز وداعما ابواب مراسلاتی مکشوف ومفتوح طوتوب ازدیاد
محبت ومودته باعث وبادی اولان رسل ورسائل ووسایط ووسائل رسالندن

آستانه طرفندن هند پادشاهنه نامه درکه مقدما صادر اولان
قصوره تعظیمدن اعتذار ایدر
سنه ١٠٦٦

افتتاح نامهٔ مخالصت انجام وابتداء عنوان جریدهٔ مصادقت ارتسام
کم مطلع حقیقت ومجازندن نمایان اولان لمعات کلمات بدیعهٔ
محبت ایانی طلوع اهلهٔ صدق وصفا به براعت واستهلال ومنبع
وایجازندن جریان ایدن رشحات عبارات بلیغهٔ مودت غایاتی
تفجیر عیون مهر ووفا یه باعث استدلال اوله دررغرر حمد وثنای حضرت
خدای بیهمتای عمیم الآلاء بی شبه وعدیل ایله توشیح وتذهیب ولآلی
غوالی شکر وسپاس جناب واهب الآمال کثیر النعماء ممتنع التشبیه
والتمثیل ایله ترصیع وترتیب اولنق لایق وسزادرکه ابداع موجودات

صنع کاملین اظهار وایجاد مصنوعاتده لطف شاملن آشکار ایتمش
ایچون قدرت ازلیه‌سی بحور وجرا. وحکمت لم یزلیه‌سی خرد فرسا سندن عناصر
مختلفة الطباعه اتحاد وامتزاج. وجار اضداد غیر قابلة الاجتماعه
ایتلاف وازدواج ویرمکله. اجزای اجسام عنصریه‌یی قابل ترکیب والتیام
ومستعد اتصال والتیام ایدوب. حقیقت انسانیه‌یی جمله حقایقدن
افضل. وآداء صابئه لربت مرآت الصفای احوال کائنات مصیقل واوله
نوع خاص باهر الاختصاص ملك. افراده کاملة الاستعداد بدنه سریر
ظلیته صلاحیتی. وافسر خلافته قابلیتی ویرنلری. اکلیل لازم التبجیل
وجعلناکم خلائف فی الارض ایله مرصع نشین جبهه آفتاب اعزاز
وجناح همای جاه وجلال الدین. السلطان ظل الله فی الارض. هو سنده
مفارق عالیاتن سایه انداز سعادت طراز ایلیوب. ان الله یأمر بالعدل
والاحسان. فرمان واجب الاذعانی ایله عدل واحسان پادشاهان
نصفت آیینی. سبب نظام امور عالم. وابواب محبت یحبهم ویحبونه‌یی
روی خلایقه گشاده ایتمکله. حسن معاملات خواقین معدلت قرینی
مفتاح گنجینه حضور بنی آدم ایلشدر مثنوی منزه کنه ذاتش
از تخیل. مقدس وصف پاکش از تامل. نگنجد حکمتش در ذهن وقاد
نسنجد نعمتش میزان نعداد. نه پیش کبریایش پادشاهان. جبین
سای زمین عجز ونقصان. وصد تحریر بلاغت ارقام الفت ختام. وگردن
طومار صحیفه بدایع اقلام مودت اختتام. که جواهر الفاظ مهر ومحبته
خریطه جریده مشحونة الالهام. ودرر معانی ودوا لفت مجموعه
لطیفه مقبولة الکلام اوله. زینت سرلوحه کتاب نبوت. طراز دامن
جامه رسالت. مبتدای مؤخر خبر الخبر جمله انبیا. نتیجه مقدمات
صحیحه قضایای اصفیا. محرم سراپرده اگه. سلطان سریر لی مع الله
زیبنده روی بسیط خاك. مظهر فحوای لولاك لما خلقت الافلاك. هادی سبل
پیشوای انبیا ورسل. شفیع روز محشر. صاحب حوض کوثر. مجتبی مرتضی
حبیب خدای بیهمتا. محمد مصطفی. صلوات الله علیه وعلی آله واولاده
واصحابه اجمعین. حضرتلرینک درود نامحدود وصلوات نامعدودی
زیب وجوه ترتیب. وزینت گر گردن ترکیبی اولدق. اولی واحری درکه
سلام تحیت رسانلری چهره شاهد مقاله ونثار زر وصلوت مرتب
نشانلری ساعد عروس کلامه سوار مجوهر اوله. ظل ظلیل رسالتی
بر توانداز شرق وغرب عالم. وشعشعه خورشید هدایتی ظلمت کده ازاله

امم اولوب. آیات بینات ومعجزات کثیر البرکاتیله ارتباط سلاطین اسلام
وانتظام خواقین دین خیر الانامی. باعث تفرقه واستیصال اعدای دین. وموجب
قطع عروق کفر وبدعتین ایلمشدر مثنوی رسولی کافرینش هست خاکش
هزاران آفرین بر جان پاکش. بمعنی کیمیای خاك آدم. بصورت توتیای
چشم عالم. سرای شرع را چون چار حد بست. شریعتها بدو منسوخ از آن است
زده بالای بام اشتهارش. بعزت پنج نوبت چار یارش. رضوان الله علیهم
اجمعین. وبعد. علیحضرت متعالی منقبت فلك رفعت ملك حشمت.
اصالت نصاب خلافت ایاب جلالت مناب سلطنت انتساب. جم خدم
انجم حشم خدیو معظم. خسرو فریدون شیم. اسکندر جاه سلیمان
بارگاه. زیبنده دیهیم وکلاه سروری. برآزنده تکای ابهت وجاه داوری.
حامی بلاد اهل سنت. ماحی ماثر شرك وبدعت. مؤسس بنیان دین
مبین مشید قواعد شرع سید المرسلین. ناصر جنود الاسلام والمسلمین. کاسر
رؤس الرفضة والملحدین. قالع اساس عبده شرار نار. قامع اصول غلات
اشرار کفار. مرجع اکارم سلاطین صاحب تمکین اقالیم وسبعه هند.
متبوع اعاظم خواقین دولت مکین ممالك فسیحه سند. منظور الانظار
الطاف پروردگار. مظهر آثار وربك یخلق ما یشاء ویختار. شمس الدولة
والسلطنة والشوکة والخلافة والمعدلة والنصفة والابهة والشان.
ابو الفتح والمغازی. شهاب الدین محمد شاه جهان. پادشاه غازی
لازالت شموس دولته طالعة من مطالع السعود. وما برحت اطناب
خیام سلطنته مربوطة باوتاد الخلود. حضرتلرینک مجلس شریف ارم
سیما. ومحفل منیف بهشت آسالرینه صمیم درون صفا مشحوندن صادر
وخاطر نیض مظاهر مودت مقروندن منبادر اولان عقود لالی متلالی ادعیه
محبت آیات شمسیة الشعاع. وسموط جواهر زواهر اثنیه مودت غایات
قریبة الالتماع. که شایسته نحور حور عین. وزیبنده صدور کواعب فردوس
برین اولوب. انوار قبول واجابتی آفاق سبع طباق. وزوایای افلاکنه
رواقنه. اشعه مهر تابان وضیاء شمس درخشان کبی لامع وشارق
اوله قوافل موالات مخلصانه. ورواحل مصافات دوستانه ایله انها
اولندقدنصکره. رشك جام گیتی نما ومجلاء صور حقایق اشیا اولان
ضمیر منیر بیضا ضیا. وخاطر خطیر مهر انجلالرینه خلاصه احوال حقیقت
اشتمال بو وجهله انها اولنور که عنایت بی غایت جناب احدیت. وهدایت
بلانهایت حضرت ختم رسالت. علیه افضل الصلوات واکمل التحیات ایله

مطلع افتاب سلطنت اولان سرير سنيهٔ كردوندن بسطت خلد قدم
دركاه فلك باركاهلرينك معتمدان صداقت عنوان وكاردانان مصادقت
نشانلرندن بروجه رسالت ارسال اولنان افتخار الامراء الكرام مختار
الكبراء الفخام قائم بك دام عزه يدندن نكاشتهٔ خامهٔ مشكبار فصاحت
شيم ورقزدهٔ كلك مستوفيان بلاغت رقم اولان نامهٔ نامىٔ حقايق
پيام وصحيفهٔ كرامىٔ دقايق ارتساملرى ابمن ساعات مرصودة السعادات
واسعد ازمان مرهونة المسرات حلولنده ديوانخانهٔ عز وشوكت موصول
اولدقده فواتح كلمات مسك آميز مؤالفت ايله مجلس خاص ارم خاصيت
جانى معطر وفوايح عبارات عنبربيز مخالصت ايله خلوتسراى بهشت آيت
جنانى معنبر ايدوب صدف درون صفا مقرونلرنده مكنون ودرج وقهٔ
مضمون لطافت مشحونلرنده مخزون اولان دركلام نفيسه حكمت شعار
ومنطوق فحواى بلاغت احتواسى اولان جواهر دلاراى اخبارى حضور فايض
النورمزده على ابلغ الوجوه اشعار واخبار ايلدكده مؤداى كلام حقيقت
مئوالى ذات مستجمع الصفات فرخنده سماتلرينك صفاى باطن حقيقت
ماللرينه اولان اعتقاد ثابت وجازمه باعث تاكيد ومقتضاى تمهيد
صداقت اشتمالى جناب شوكت مآب خلافت نصابلرينه اولان قواعد
ود وولاى خالصانه يه سبب تشييد اولمشدر لكن مقدما مجلس رفيع
على الشان ومحفل منيع شامخ الاركانلرينه تاكيد مبانى وداد وتكثير
اساس يكجهتى واتحاد ايچون ذوالفقار اغا ايله ارسال اولنان نامهٔ
مخالصت ختامه ده ادهم قلم سريع الاقدام ميدان اوصاف سعادت
اتصافلرنده نك وپويه كرم سست عنان وپيك سبك سير انديشهٔ
تندكام وادىٔ القاب خلافت انتسابلرنده جست وجوده پادر كل تفصيل
وبيان اولندوغى اشارت بيورلمش ذهن پاك وطبع تابناكلرينه خير
خفا وماوراى شك وامتراد اوليه كه اول صدر نشين مسند كامكارى
وصاحب تمكين متكاى شهريارى حضرتلرينك عادت اوصاف جميلهٔ دولتلرى
بيكران وصحارىٔ القاب جميلهٔ سلطنتلرى بيحد وپاياندر اولمغله
غواص عزيمت اولبحر شكرفك قعرينه ينشمكدن دمبسته ورهنورد پاى
انديشه اول وادىٔ مشكل گذارك اقصاسنه ايرشمكدن پاى شكسته
اولدوغندن شعر لو زادت الالقاب فخرا زدتها ولكن للالقاب
عن ذاتك الفخر مضمونجه اختيار توقف واولوادىده ترك تقسمات
ارباب تكلف اولنمش نظم ذات پاكش بوصف حاجت نيست

كه ز تعريف

كه ز تعريف وحد مستغنيست شعر هوالشمس قد ذوالملوك كواكب هوالبحر
عزاوالكرام جداول حليلهٔ جليله سيله آراسته ونيماء سعادت واجلال دن
نابتات سعود بخت واقبال ايله پيراسته اولدوغى كالشمس فى وسط النهار
لامع واشكار ايدوكى مقرر در مشاراليه ايلچى كاردانلرى مأمور ونامزد
ومفوض اليه ومقلد اولدوغى خدمات سفارتى لايق اولان وجه وجيه
اوزره كمال آداب ايله ادا ادنصكره جانب جناب نعم المرجع والمآبلرينه
عود وانصرافنه مجبور الخاطر مقارن حسن اجازت همايونمز اولوب
دركاه سعادت دستكاهمز قپوجى باشيلرندن افتخار الاماجد والكارم
مستجمع جميع المعالى والمفاخر المختص بمزيد عناية المعين حسين اغا
دام مجده نامهٔ مخالصت ختامهٔ خسروانه مزى حضور مستوجب الحبور
خديوانه لرينه ايصال ايچون رفيق وهمراه صديق تعيين اولنمشدر
وارسال بيورلدن هدايالرى قرين حسن قبول خديوانه اولمغين
حديث شريف تهادوا تحابوا دستور العمل وجانب همايونمزدن دخى
اود سنت سنيه مؤدى ومكمل قلنوب مراسم سفارتى تكميل وتقبيل
عتبهٔ عليه لرى دولتن تحصيلدن صكره سريع سدره مثال الخلافه
عود وانصرافنه رخصت وقرين حسن اجازت همايونلرى اولمغه همت
بيورهلر باقى هميشه طوالع حشمت از مطالع كامكارى طالع
وانوار دولت از مشارق بختيارى لامع باد حرر فى اواتل
ذى القعدة الشريفه سنه ست وستين والف

اسنانه طرفندن هندپادشاهنه يازيلان نامه در اوزبك خانى ايله اوغلى بيننى اصلاح ايچون

عاليحضرت فلك رفعت ملك حشمت اصالت مآب جلالت نصاب
عاليشان شوكت عنوان رافع رايات مسلمانى جامع آيات جهانبانى
مظهر الطاف جلى وخفى مروج مذهب حق حنفى قالع اساس عفاريت
عبده نار قامع اجناس طواغيت عنده كفار مرجوع اكادم سلاطين
عظام اقاليم هند متبوع اعاظم خواقين كرام وممالك سند المنظور
بانظار عناية الملك المنان والمحفوف بصنوف عواطف المستعان
شمس الدولة والسلطنة والمعدلة والنصفة والابهة والشان شاه جهان
خان لازالت شموس دولته طالعة من مطلع السعود وبارحت
اطناب خيام سلطنته مربوطة باوتاد الخلود الى يوم الموعود صميم
درون صفا مشحوندن صادر وخاطر فيض مظاهر مودت نموندن

بنادر اولان دعوات مستجابهٔ صافیه مسکیة الفوحات وتحیات
مستطابهٔ وافیه وردیة النفحات کە جهت اقبال مخالصت مآل ایله
انوار حسن قبول اجابت مسطور وخال عنبر اکین ناصیهٔ اصابت منوالی
غبطهٔ ورد مشک دیبهٔ حور اولوب نوایح روایح طیبه سی مشام سکان شش
جهات خطهٔ سفلیی معطر ودماغ منزویات چاردیوار طبایع انسی
مطیب ومعنبر ایلیه قوافل موالات غایبانه ورواحل مصافات دوستانه
ایله اهدا وابلاغ واتحاف صوب باصواب معالی مساغ اولندقدن نصکره
جام گیتی نمادن انور وصور حقایق اشیانک مجلی ومظهر اولان ضمیر
منیر بیضا ضیالرینه وذهن دوربین مهر انجلا لرینه خفی وپوشیده ومستور
ونوردیده اولمیه که حضرت خدای عزوجل محض عواطف سبحانیه سندن
انا جعلناک خلیفة فی الارض خطاب مستطابنه مظهر اولان پادشاه
عدل آیینی نظم امور عالم ومهام بنی آدمه واسطه وکمال مراحم
نامتناهیه سندن السلطان ظل الله فی الارض تشریف شریفی ایله
مشرف اولان شهریاران صاحب تمکینی جریدهٔ انتظام عامهٔ امم
وکافهٔ بنی آدمه رابطهٔ قلوب هربار اصلاح وانتظام عالم کون وفساده
عدل وداد سلاطین عالی نژادی بحسب الظاهر باعث وبادی وانتساق
واطراد احوال عباد وبلاده اتفاق خواقین معدلت معتادی علت
صوری وسبب عادی ایلیوب خصوصا مؤسس بنیان دین مبین
ومشید ارکان شریعت سید المرسلین اولان عامهٔ حاکمان بلاد
اسلامیه وکافهٔ حامیان مذهب حنفی مابینلرنده مصافات وموالات
ایله شمشیر خلاف در غلاف وجمله امت محمد بربریله سینه صاف
اولمق عقلا ونقلا لازم وفرض ومحتم اولدوغی کتاب وسنت واجماع
واتفاق علمای شریعتله مثبت بر قضیهٔ مرضیهٔ لازم الصیانه ایکن
الحالة هذه بازیچهای فلک دوار وکید ومکر زمانهٔ غدار ایله
اوزبک خانی ابوت مآب سعادت نصاب پدر محمد خان ایله اوغلی
عبد العزیز خانک مابینلرنده واقع اولان نفاق وشقاق وعدم اتحاد
واتفاق حرب وقتاله باعث ودیدهٔ فتنهٔ نایمه نک اولدیاره بیدار
اولمه سنی مورث اولوب پایمال حضور درراه گریز وفرار وسیل
آشوب وفتن اول اقلیمی غارتگر شهر ودیار اولدوغی بو مخلص
ولاجویلرینک مسموعی اولدقده اتفاق مذهب وملت واتحاد
دین وشریعت جهتندن انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم امر شریفی بر عمل

ومن

ومن اصلح بین اثنین استوجب ثواب الشهید حدیث لطیفی اوزره طلبا
لثواب الآجل مابینلرنده وقوعه یافته اولان عقدهٔ کدورتی حل ایچون
ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة امر لازم الاتباعنه امتثالا
نصایح ومواعظ حسنه یی مشتمل وانواع پند سودمندی شامل ایکی نامهٔ همایون
ملاطفت مشحون تحریر اولنوب هر برینه مستقلا کوندرلشدر که طرفیندن
حقوق ابوت وبنوت رعایت وپدر وفرزند مابینده وقوعی نامطبوع
وناشایسته اولان غبار کدورت وبرودت نیسان محبت ومودت ایله
مرتفع ومندفع قلوب بادبهار محبت وولا ایله چمنستان دولتلری سرسبز
ومطرا اولمغه سعی وقت ایلملرینه سبب وعلت اوله لر امید درکه
حضرت حق جل وعلا دائما پادشاهان اهل اسلامی طریق صواب وسداده
ارشاد وشاهراه رشد ورشادده راکب مراکب حسن اتفاق واتحاد ایدوب
اتفاق سلمیی سبب تفرقهٔ کفار ضلالت قرین وحسن معامله مؤمنینی
باعث خسارت مخالفین دون زخم ترین ایلیه اول خسرو عالی تبار وشهریار
فلک اعتبارک جهت احوال سعادت مآللرنده واضح وعیان اولان انوار
ایمان ونقوددن ابید واثق واعتقاد صادق خدیوانه لری اولدوغکه شرایط
اسلامی رعایت وحقوق جار لازم العنایتی حمایت دیار ازبکیه ده اولان
اهل اسلامک دفع اذیتلری خصوصنده من کف الاذی وجبت له الجنة
حدیث شریفنک مضمونینه ماصدق اولمغه همت اولنوب بو مصلحت
خیر ختامک وقوعه کلمه سنده مخلص ولاجویلرینه مشارکتی سبب
ذخر آخرت ملاحظه سیله طرف باهر الشرفلرندن دخی اجرای حقوق
جار ودفع ومنع اذیت عباد واحرار ایچون مابینلرنده واقع اولان
آتش آزاری ماء الحیات نصایح ومواعظ سودمند حسنه ایله تسکین
بیوروب مشار الیه پدر محمد خانک عقدهٔ محاقدن اولان ماه دولتنه
استقبال خورشید کرم ومرحمتلرینی باعث بدر تابان اولمغه همت هما همایونی
ضالع مسعود المطالع آفاق خسروانه لری اوله مثنوی امیدی که دار دز جود شما
شه تخت اقلیم توران زمین برسم خدیوان دولت مکان بآیین شاهان
شوکت مکین زطبع کرم پروری دور بینست که باشد بحق قولش
قرین چونکه غرض ما فی الضمیرها بو نمری اظهار وجانب عالیلرینه ولا
مودت مخالصت مقرونمزی اشعار ایدی بو مرتبه دن زیاده کمیت
خامهٔ عنبرین رقمه عرصهٔ اطنابده شتابه رخصت ویرلیوب اکتفا
بذلک المقدار مفهومی اوزره قرار ویرلمشدر باقی همواره آفتاب پادشاهی

درآورم شرف شوکت پناهی لامع و درخشان باد تحریرا فی اوائل شهر ربیع الآخر سنة

اوزبك خانی کند واوغلی بخارا حاکمی ایله خصومت ایدوب آستانه‌یه کوندردیکی نامه سنه جوابدر مسودۀ صدقی افندی

عالیجناب سلطنت مآب سعادت نصاب شوکت انتساب عمدۀ سلاطین حسب عز تمدار مرز و بوم ترکستان زبدۀ خواقین نسیب معدلت دثار مملکت توران حامی مذهب حنیفۀ حنفیه فرمانفرمای ممالك واسعۀ زکیۀ اوزبکیه سالك مسالك دین پروری واقف مواقف عدالت گستری

شعر

ولو زادت الالقاب فخراً لزدتها ولکن للالقاب عن ذاته الفخر المحفوف بصنوف عواطف الملك المنان نظام الدولة والشوکة والابهة والشان بدر محمد خان مد الله ظلول اجلاله علی مفارق الانام الی یوم القیام حضور معالی موفورلرینه دعوات خالصات مصادقت آیات عنبربار وتسلیمات وافیات مخالصت غایات عبهرنثار که مانند نافۀ مشك اذفر وهمتای شمامۀ عنبر لخلخه ساز مشام قدوسیان ملائك وماده انشراح سکان سبع آرائك اوله قافلۀ صدق وصفا ورواحلۀ ود ووفا ایله اتحاف واهدا اولندقدنصکره ضمیر مهر نأثیر وذهن ملکوت نظرلرینه خفی ومستور اولیه که عنایت بی‌غایت جناب احدیت جل ذکره وهدایات بلانهایات حضرت ختم رسالت علیه افضل الصلوات واکمل التحیات ایله مطلع آفتاب عالمتاب سلطنت ومیلاد خسروان علی الشان والا منزلت سدۀ سنیۀ ثریا رفعتمزه فخر ارباب الرسالة ذخر اصحاب الکیاسه سیادت مآب نقابت انتساب المختص بمزید عنایات الملك المستعان خواجه عبد المنان زید مجده وساطتیله رقمزدۀ کلك مشکبار ونگارقلم منشیان بدایع آثار اولان نامۀ مشکین نقاب ورسالۀ سعادت القابلری اسعد اوقات مرصودة السعادات حلول ایله قرین عز وصول ساحۀ ختم سرای خسروانه‌مز اولدقده اول شمامۀ گلزار قدسی وگلدستۀ ریاض فردوسی فوایح کلمات فصاحت آمیز ایله مجلس خاص ارم خاصیتمزی تعطیر وروایح عبارات عنبربیز ایله خلوتسرای بهشت آسامزی تعبیر ایلدکدنصکره روی مدعاسندن کشف قناع اولنوب فاتحۀ مطلعندن خاتمۀ مقطعنه وارنجه قرین اذعان ومفهوم خاطرنشان خدیوانه‌مز اولوب قهر وسلطنتلرنده گردش گردون وتأثیر احوال الجهات بوقلمون حسبیله منصۀ ظهورده وقوع یافته اولان حوادث غریبه وعناصر مختلفة الطباعات امتزاجی اقتضاسیله جلوه‌گاه حدوثده صدور ایدن

وقایع عجیبه خبرگر دیده خرده بین وحیرت افزای عقل صاحب تمکین اولمشدر ان فی ذلك لآیات لکل صبار شکور امید درکه بوسلب جزئی باعث نصیب ایجاب کلی اولوب عسی ان تکرهوا شیئاً فهو خیر لکم مفهوم شریفی قضای حوائج خیرمآلارینه نتیجه بخشا وفحوای بهجت احتوای ان مع العسر یسرا اشارت بشارت اوزره مقدمات قضا وقدر دلالت مکندر اولان طبع لطافت پرورلری سرور ومصفا اولوب نخل ریاض اقباللری بنیان انبساط ایله سرسبز وبارآور وشاهد مدعالری مرآت صفای حصوللرنده صورت نما وجلوه‌گر اولمه‌سنی متیسر القضا والقدر ایلیه نامۀ نامیلرنده رقمزدۀ کلك تحریر وکشیدۀ سلك تسطیر قلنان مدعا وامنیه‌لرندن ماعدا منارالیه قاصد فرخنده فال وپیام آور خجسته شمائل‌لرینك پایۀ سریر اعلامزه لسانا عرض ایتمه‌سنه حواله ایتدکلری خصوصلر مسامع علیه‌مزه بتمامه عرض اولنمغله اولدخی معلوم عالم شمول خسروانه‌مز اولدقده عز حضور فایض النورمزدن مطلوب ومرغوبکز اوزره فرزندارجمندکزه نصح وپند سودمندی مشتمل مؤثر ومثمر کلام حکمت انجام وپیام موعظه ارتسام حکیمانه ایله مشحون نامۀ همایونمز یازیلوب مابینده اولان محبت ویکجهتی نزاهتلرینه رعایت ایچون مواعظ ونصایح حسنه ابلاغ اولنوب طریق هدایته دلالت وادع الی سبیل ربك بالحکمة والموعظة الحسنة مصداقنجه سبیل صواب وسداده ارشاد اولنمشدر امیددرکه رفاقت توفیق الهی بدرقۀ راه هدایت اولوب الطاف خفیۀ الهیه واصلحوا ذات بینکم سرینی آشکار ونقاش کارگاه کبریایی صحیفۀ معمورۀ اوزبکیده نصلح خیر نقشنی رسم زمین کار زار ایدوب میانجا بینلرنده سربرآورده اولان تیغ خلاف درغلاف وارباب جنك ومصاف بربرلرینه سینه صاف اولمغله آرا کزده واقع اولان تناقض وتباین بالکلیه معدوم وجهت مصالحۀ خیرانجام مهر حسن قبول ایله مختوم قلنمق محکمۀ قضا وقدرده مقدر ومیسر اولمش اولیه بو بابده مطلوبکز اولان وجه اوزره هندباد شاهی وعجم شاهنه دخی لایق عرض دولت وناموس سلطنت اولان طریقیله نامه‌لر تحریر اولنمشدر جناب رب العزت توفیقن رفیق ایلیه باقی همواره ظل ظلیل خانی وفرمان روایی بر فرق اعالی وادانی الی یوم القیام ممتد ومستدام باد برب العباد تحریرا فی ربیع الآخر سنة تسع وخمسین والف

استنبول طرفندن بخارا حاکمی یازیلان نامه در باباسنه موافقت ایچون

عالیتبار صاحب وقار سلطنت مدار معدلت دثار عمدۀ سلاطین...

حبب دیار توران. زبدهٔ ثمرهٔ باغ سلطنت خواقین نسب مرز و بوم
ترکستان. حامی بلاد اوزبکیه. ناصر مذاهب حنفیه. موسس بنیان دین
مبین. مشید ارکان شریعت سید المرسلین. ملکی الذات ملکی الصفات
مالک نواصی الملل. مالک اقاصی الدول المستغنی ذاته عن التعریف والتوصیف
والبیان. المختص بمزید عنایة الله المستعان عبد العزیز خان. دامت
معالیه الی یوم المیزان. صوبنه شمایم دعوات خالصات اجابت قرین
کرونق افزای ریاض حب و وداد. وشمایم تحیات صداقت رهین. که
معطر کنان مشام ساکنان ملاء اعلا اوله. قوافل سبحان کروبیین.
ورواحل موزدان ملائکهٔ مقربین ایله. اهدا اولندقدنصکره ضمیر
منیر مهر انجلا. وخاطر خطیر افتاب ضیا لرینه عذار رشا هد احوال الحقایق
اشتمال بو وجهله رونما وبرابر. وروی مخدرهٔ ما فی البال بو یوزدن بدیدار
وجلوه کر قلنور که. جناب خالق الاشباح مفیض الارواح. رافع السماء فالق
الاصباح. تنزهت ذاته عن مشابهة الاشباه ومشاکلة الاشباح. قدرت
بالغهٔ بهمتا. وحکمت بازغهٔ خردفرسنداندن میان عنصر مختلفة الطباعه
اتحاد وامتزاج. وچهار اضداد متنافرهٔ غیر قابلة الاجتماع ایتلاف وازدواج
ویروب. ابداع احسن مخلوقاتن وصنع کاملن اظهار. وایجاد اشرف موجوداتن
لطف شاملن اشکار ایتمک ایچون. حضرت ابو البشر علی نبینا وعلیه
صلوات الله الاکبر. جناب شریفنه لباس کرامت اساس خلقتی الباس ایدوب
وجود بهبود سعادت استیناسنی. شرف رسان معمورهٔ وجود اولان ابناء
عظامنک. کتم عدم مدت جلوه کاه وجود وشهوده ظهورلرینه سبب عادی
واولنوع خاص باهر الاختصاص افراد انساندن قابل الاستعداد اولنلری
اعبدوا الله ولا تشرکوا به شیئا وبالوالدین احسانا. امر لازم الامتثالنه مطیع
وفرمان بردار ایتمکه. بحسب الظاهر باعث وبادی قیلوب. حقوق والدینی
احسن وجوه لایقه ایله رعایت. وعقوق ابویندن اتم اهتمام اوزره
اجتناب واحترازده کمال سعی ودقت. واجب ولازم وفرض ومتحتم اولدوغی
نص واجب التعظیم. فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما وقل لهما قولا کریما واخفض
لهما جناح الذل من الرحمة. دلیل قاطع. وحدیث لازم التکریم. ایاکم وعقوق
الوالدین فان ریح الجنة یوجد من مسیرة خمسمائة عام لا یجد ریحها
عاق. برهان ساطع اولوب. الوالد اوسط ابواب الجنة فحافظ
ان شئت او ضیع. حدیث شریفی اسانید صحیحه ایله مثبت. ومدلول نفیسی
الجنة تحت اقدام الامهات. رعایت واطاعت والدینی ممضی جنت اولدوغی

معلوم

معلوم ارباب عقول. ومفهوم وخاطر نشان اصحاب فروع واصول ایدوکی
خاطر افتاب ضیا به خیر خفاده اولیه. امدی بو مقدمهٔ صحیحه منتجة الصلاح
لوح بیانده بسط اولنمه سی نه موجب وعلت. وبو وجهله جناب عالیلرینه
اظهار مواد خیر خواهی وصلاح اندیشی به باعث عزیمت بودر که. والد ماجد کرامی
عالیجناب سلطنت مآب. سعادت نصاب شوکت انتساب. المحفوف
بصنوف عواطف الملک المنان نظام الدولة والدنیا والدین ابوت مکانی
بدر محمد خان حضرتلریله مابینکزده ابوت وبنوت ناشایسته. واقع اولان
برودت وکدورت سببی ایله. طرفینده نار پیکار بر شرار واستیلاء
اتش کارزار بیجد وشمار اولوب. هر مذهب وهر ملت اولان اهل سنت
وجماعت. بربرلرینه سل سیف ایتمکله کتاب وسنت واجماع امته مخالف
یوم یفر المرء من اخیه. سری قلمرو کزده ظهور. واول هرج ومرج اثناسنده
هند جانبندن دخی بنجه جمهور صدور بولدوغی. وسکنهٔ علمای کبار اولان
دیار اوزبکیه ده چشم فتنه بیدار. وپای امن وامان دور راه کریز وفرار
اولدوغی. سامع علیه مرة القا اولنمغین. اتحاد مذهب وملت. واتفاق
واطراد دین وشریعت جهتندن. دوستلغه بناء نامهٔ همایون مصادقت
مشحونمز. سلک تحریره کشیده قیلنوب. ارسال حضور معالی موفور قلندی
ان شاء الله تعالی عند الوصول مأمول خدیوانه. وملحوظ خسروانه مز اولدر که
رضی الله فی رضی الوالدین وسخطه فی سخطهما. مفهوم شریفی اوزره تحصیل
رضای والدینی. سبب خشنودی حضرت خدا. وباعث رستکاری روز جزا
بیلوب. والد ماجدلرینک. جلب قلب حزین. وجبر خاطر غمکیننی موجب
ازدیاد دولت. وعزت دنیا واخرت عد ایدوب. مابینکزده وقوع یافته
اولان عقدهٔ کدورت وبرودتی انامل حسن معاملهٔ ابوت وبنوت ایله
کشاده وحل. وترک نزاع وجدال باینه کتاب مستطاب ایله عمل ایلکی
مأخذ هر مجمل ومفصل ایتمه لری مناسب ومحل مدح خطر اولنور. باقی همواره
ظل ظلیل خاقانی. وفرمان روائی بر فرق ادانی واعالی ممتد ومستدام باد برب العباد

اوزبک خانی طرفندن کلان نامه درکه اوغلی ایله
کندو بینلرنده اولان اختلافی اعلام ایدر

قال الله تبارک وتعالی تبارک الذی بیده الملک وهو علی کل شیء قدیر.
قدیر ازلی وقدیم لم یزلی جلت قدرته وعلت کلمته. که انتظام مصالح
در ید قدرت اوست. وزمام اختیار انام از خواص وعوام در قبضهٔ
اقتدار قدرت اوست. جون از بارکاه صمدیت. وپیشکاه الوهیت که

منوّر فايض النور • تؤتي الملك من تشاء • از انجاد هند • ويرليغ موفور
ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها • ستانند • بظهور قدرت كامله
ووفور حكمت شامله • جهت انتظام عالم • والتيام سلسلهٔ بنين وبنات
آدم • صاحب دولتى را بتاج • انا جعلناك خليفة فى الارض • سرافراز
كرداند • وسرير سرور • ورفعناه مكاناً عليّا • بصدد اعزاز نشاند • ابواب
خزاين دفاين • تعز من تشاء • برچهرهٔ روزكار او مفتوح دارد • وصداى
نداى • واولى الامر منكم • دردادهٔ • ازمّهٔ مهام كافّهٔ انام را بكف كفايت
او بازكذارد • هرآينه منشيان ممالك ملكوت • ومستوفيان باركاه
جبروت • صحيفهٔ مطالب او را بعنوان نجاح • مسطور سازند • ومحرّران
دفاتر • قل كلّ من عند الله • در ديوانخانهٔ • وتلك الايام نداولها بين
الناس • فتح نامهٔ بلند هنكامهٔ • انا فتحنا لك فتحاً مبينا • را باسم
او معنون سازند • وحكام ديوان • بفضل الله ما يشاء • در باركاه •
الله اعلم حيث يجعل رسالته • بروابلى انعام • ويتمّ نعمته عليك • را •
برنام خجسته فرجامش رقم كنند • مناشير فتح وفيروزى • وصحايف
اقبال وبهروزئ او را • بتوقيع • ذلك فضل الله • مزيّن سازند • وكوس
دولت واقبال • وطبل جاه وجلال او را • بركنكرهٔ قصر انّا مكّنا له فى الارض
نوازند • وازخزانهٔ فضل ربّانى • وديوان لطف يزدانى • بى معاونت
الات جسمانى • ومشاركت انتقالات روحانى • لباس براساس مزيد حشمت
وكامرانى • برقامت با استقامت جاه وجلالش دوختن كيرند •
واعلام دولت • والويهٔ نصرتش را • بر مساعئ جميله • واجتهادات جزيله
در اقطار وامصار • كالشمس فى رابعة النهار • برافراشتن آغازند •
لاجرم او را مقاصد عليّه با سهل وجوه روى نمايد • ومطالب سنيّه
با احسن حال وايمن فال نقاب احتجاب از چهرهٔ ظهور كشايد • ذلك
فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم نظم شهى را كه فضل
الهى رسيد • كران تاكران پادشاهى رسيد • خدايش چو بر تخت دولت
نشاند • بافزونى سعى حاجت نماند • يقين كه چنان ذات جميل الصفات
خلاصهٔ ادوار روزكار • فذلكهٔ مقدمات حركات دوّار خواهد بود
خصوصاً مظهر جامع الطاف سبحانى كه لسان صادق البيان حضرت
صاحب نبوّت ختميّه • عليه من الله افضل الصلوة والتحيّه • بظهور آن
مظهر لسان كوهر فشان كشاده • نصرت واعانتش را همچو وظايف
طاعات بر فرقهٔ مؤمنات واجب كردانيده • چنانچه محققان علماى دين

تحقيق

تحقيق اين قول متين فرموده اند • ونيز وعدهٔ صادقهٔ حضرت رسالت
پناه • درباب تجديد دين وتأسيس قواعد ملّت در روى زمين كه فرموده
ان الله يبعث لهذه الامّة على رأس كل مائة سنة من يجدد لها دينها •
برآن مظهر انوار ظاهره وآثار باهره صادقست • اعليحضرت خلافت
پناه • امامت دستكاه • جابكسوار مضمار عدل كسترى • شهباز بلند
پرواز جهان پرورى • خلاصهٔ انظار سعود • مقصود بالذات كارگاه
وجود • نهنك درياى سخا ومروّت • پلنك بيشهٔ شيرمردى وفتوّت •
سردفتر روزنامهٔ اطوار آفرينش • روشنى بخش ديدهٔ اهل دانش وبينش
خاتم نكين دولت وصاحب قرانى • نكين ايالت وجهانبانى • عماد
مصالح دين ودولت • قانون مناهج ملك وملّت • مدار مركز ملكدارى
ونقطهٔ دايرهٔ شهريارى • اعنى سلطان سلاطين المشرقين معالى
خواقين • اعظم ملوك العالم • المطّلع بفطنته على دقايق العلوم والحكم
مجدد قوانين الاسلام فى حد المائة العاشر • ممهد قواعد الامن والامان
فى بلاد الله العامر • امراء العباد باقامة النفل والفرض • المخصوص بتشريف
هو الذى جعلكم خلايف فى الارض • صاين بلاد الله بالدولة الظاهره
حافظ عباد الله بالرحمة الوافره • اعظم السلاطين مهابة وجلالة
واكمل الخواقين فوق وبالة من اطاعه فهو مجتهد ومصيب • ومن عصاه
فما له فى الاخرة من نصيب • البحر رشحة من رشحات احسانه • والشمس لمعة
من لمعات سنانه • الموصوف فى معارج الملكوت بغوث الامم • المعروف
فى مدارج الجبروت بالسلطان الاعظم • السلطان المعظم المطاع والخاقان
الاكرم الواجب الاتباع • محيى مراسم الشريعة الغرّاء • معلى معالم الملّة الحنيفة
البيضا • موسس مبانى النصفة والعدالة • قامع بنيان البدعة والضلالة
المؤيد بلطايف التأييدات الربّانية • الملهم بشرايف الالهامات السبحانية
المستنصر بعون الله الملك المنّان غياث السلطنة والخلافة والامامة
والعدل والرأفة السلطان ابن السلطان • والخاقان ابن الخاقان •
خادم الحرمين الشريفين • ابو الفتح والنصر والظفر
لا زالت رايات جلاله ونصرته الى انقضاء السبع الشداد • الحق پادشاه
خورشيد جاهى كه آيات سعادت ونجبارى • وآثار دولت وكامكارى
يوماً فيوماً برجرايد عظمت او واضحست • وعلامات فتح وفيروزى وامارات
اقبال وبهروزى او ساعة فساعة از صحايف دوران او ظاهر ودلايح از
شهباز بلند پروازش • بد سيارى • نصر من الله • بركنكرهٔ طارم بلند

باینهٔ افلاک بریده • ورایت لوای فلک فرسایش بیمامن فتح قریب • باوج
علیین رسیده • واوامر ونواهی • واحکام خسروی وپادشاهی • بعنایت
ازلی • ویمن هدایت لم یزلی • درفضای زمین • نفاذ آسمانی یافته • وطنطنهٔ
صیت دادگستری • وغلغلهٔ ذکر عدل پروری او • درشرق وغرب • وانحای
شمال وجنوب همعنان • شناخته رجا بلطف الهی واثق که ظل معدلت
وافضال این مظهر کامل • ازصنایع مواهب وفواضل • سایه دار الم تر
الی ربک کیف مد الظل • همیشه برمفارق اهل عالم • ممتد ومبسوط •
وتدبیر مصالح ملک وملت • وتقریر مناهج دین ودولت • برای جهانگشا
وفکر عالم آرای آن گزیده روزگار همگی منوط ومربوط باشد • بحرمة
النبی واله الامجاد • وبعد از وظایف اتحاد ویگانگی معلوم رای جهانگشای
بوده باشد • که درین بلا چنین اتفاق وافتاد که وزرای عظام وامرای
گرامی که درین ولاة وحکام بودند • باعراض اسقام وامراض • بتمام مهم
در اندک زمانی تمام شدند • وگردون صحیفهٔ ایشان از دست فنا •
درنوردید • ورخت زندگانی ازدار فانی دنیا • بمنزل عقبی کشیدند •
ومدار ملک داری بصغار اولاد ایشان انتقال یافت • وبحکم فرمودهٔ
نعوذ بالله من امارات الصبیان • استیلاء صغار موجب پریشانی
دیار شد • وچون از تجارب روزگار • وتقالیب لیل ونهار • غافل و
ذاهل بودند • درمیان وبیرون • بهر طوری که دانستند • مخالفت اندا
تا بحدی که بجدال وقتال انجامید • وحکومت بارهٔ ملک با پسر قرار گرفت •
بنابرین اختلال تام • باحوال ملک ومال راه یافت • بغایتی که ازبین
وبسیار تفرقه واشوب بسیار • روی نمود • وازجنوب وشمال پریشانی
واختلال • دست تعدی گشاده • ورؤس را رؤس پایمال محن • وعظام
راعظام لگدکوب فتن شد • چون سلامت ازمیان اهل ملت •
چون زه کمان گوشه گیر • وامن وامان ازقبضهٔ اهل زمان بیرون جسته
چون تیر • ازفراز ونشیب جهان • محنت وبلا طاری • وازقدام و خلف
سیل اندوه وعنا جاری • حصول آمال ازمیان آدمیان • رخت بسته
وفراخ بال • عنقا سان • بر قلهٔ قاف عدم نشسته • در هیچ کشور مولی
ومعاذی نه • ودرهیچ اقلیم • مقر وملاذی هویدا نه • ارکان شریعت بیضا
واساس ملت زهرا • قریب بانهدام • مدارس علم وفتوری وخوانق
زهد وتقوی دراختلال تام • مزاج روزگار ترتیب فضل وفاسد •
وبازار فضل وکمال کاسد • خلایق دست تضرع بدرگاه خالق برداشته •

آتنا

وربنا وجعل لنا من لدنک

آتنا من لدنک رحمة • گویان • وامنیت • واجعل لنا من لدنک نصیرا • چشم امید
بر راه کذارند • سیجعل الله بعد عسر یسرا • دل نهاده اند • تا آنکه الطاف الهی
وعدهٔ نصرت • وفا فرماید • که حال این ملک بدین منوال قرار گرفته • بعد از آنکه
بسیار وتدبیر بیشمار • سبب جمعیت وامنیت این ملک را • دو وجه معلوم
کردیم • یکی ازجملهٔ سلاطین عظام می باید که خود را معاف نداشته از
برای رفاهیت خلایق که ودایع خالق اند • پای صلح درمیان آورده این
مخالفت را از طرفین رفع سازد • دیگر آنکه در وقت پریشانی وعسرت
قریب به بیست هزار خانه از مردم ازجملهٔ مزارعات این حدود بطرف
ولایت عجم • هجرت نموده بودند • که بعد از برطرف شدن این واقعه
غریب • بازبوطنهای خود مراجعت نمایند • بعد از معلوم ساختن بیقین که
برطالب صلح شده است • مگر بشاه عجم نوشته در فرستادن این
مردم مسامحه ورزیده • رخصت انشان داد • در تعویق انداخته غرض که
از گوشهٔ عنایت پادشاهانه خود را معطوف داشته بطرفین مجمل
اشارتی فرمایند • یقین که این مقاصد بحصول می انجامد • ونیز این
کار ازجملهٔ مستحسنات خواهد بود • فلاشک بنتیجهٔ این اخلاق حسنه
ان تواند بود که دولت عاجل آن اخروی را بسعادات آجل قران دهند •
ونعمت حاصل ورا بنعیم مستقبل همعنان گردانند • واثر این دولت
ابد پیوند • درخلوف او • ازاولاد واحفاد • قرنا بعد قرن • سمت ظهور
یابد • وسنت الهی • وحکمت نامتناهی • برآن استقرار پذیرفته • سنة الله
التی قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبدیلا • که شکرگزاری سلف صالح
وسیلهٔ سعادت خلف مصلح سازد • ونیکوکرداری کبار اباء واجداد را ذریعه
سعادت ابنا واولاد گردانند • امید که ببرکت این خیر جاری • وبیمنت این
مبرت ساری • ریاض سلطنت • وحدایق دولت آن عالیحضرت • ازجویبار
اعطاف یزدانی وچشمه سار الطاف سبحانی یوما فیوما • نضارت تازه
وطراوت بی اندازه یابد • ونهال اقبال • وشجرهٔ جاه وجلالش • ازترشح
افضال ذوالجلال • درنهایت اعتدال • وغایت کمال بروند وبارور گردد •
واستدعای مآرب این جانب را جناب سیادت پناه • نقابت دستگاه •
سلالهٔ سادات عظام حاوی کمالات صوری ومعنوی • عبد المنان خواجه
بعرض اشرف اقدس خواهد رسانید • یرحم الله قال آمینا • در شهر شعبان سنه ١٠٩٨

وزیر اعظم مصطفی پاشادن جلوسیه وتحریر سید ذکر
وزیر جهان شاهدن مکتوبن جوابدر ۱ انشاء عبد الله افندیک

تاكه قبهٔ بلكون كردون افراشته • لآلئ كواكب و دراری ثوابت ایله
نكاشته • وحركات شرقیهٔ فلكیه • واتصالات واقترانات كوكبیه ایله
سلسلهٔ اسطقسات جاركانهٔ متباینة الماهیات • بهم پیوسته • وترتیب
تراكیب تكونات كوناكون ایله صورت بسته اوله • شیوهٔ كزین اهل سنت
وجماعت اولان سلاطین معدلت آیینك • سایهٔ دولت پیرایه‌لری پایهٔ
امن وامان • وراحت رسان جهانیان اولق • دعوای نقد بند نفسكه
متوسند وسادهٔ وزارت اعظم سلاطین هند • ومستند سند وكالت
افخم خواقین سند اولان • نواب مستطاب القاب سعادت نصاب
عبد كدوم اسلام خان • دام عزه‌نك كلستان مجلس شریف • وبوستان
محفل منیفلرینه سلسال ودادن فیضان ایدن • قطرات تحیات صافیات
ورشحات تسلیمات عنبر فوحات زاكیات اهداسیله • ضمیر مرآت نمایه
انها اولنوركه • فیض وجود نامحدود سبحانی ایله • اورنك نشین سلیمانی
اولان خواقین آل عثمانك هر بری صاحبقران زمان • وفرمان فرمای
دوران اولمغله • دفع لوای ظفر التوای جهاد ایله فتح حصون وبلاد •
وسیوف برق التماعلریله قهر وتدمیر كفار سقر مهاد ایدوب • اقامت
حدود شرع مبین • وصیانت سنت سنیهٔ سید المرسلین • وحمایت حرمین
محترمین • وتمشیت مهمات روضهٔ مطهرهٔ رسول الثقلین علیه افضل
الصلوات حضرتلرینك خدمت سعادتی افسر ابتهاجلری • وتحت
خلفاء راشدین حلیهٔ عمامه وتاجلری • وسلاطین جهان آستان
مخلد الاركانلرینك محتاجلری اولوب • حسنات باهرة الآثارلری
اقدام والسنهٔ ثنا كفتار ایله صحایف روزكارده مسطور • وصحیفهٔ
لیل ونهارده مذكوردر • علی الخصوص خوابكاه مهد رحمت • وغنودهٔ
بالین لحد مغفرت • سلطان مراد خان جنت مكان حضرتلرینك دخی
وجاهدوا فی سبیل الله • امر بجا اجرایه مباشرت ایتدكده • انا فتحنا لك
فتحا مبینا • آیت كریمه سنك جهرهٔ ظفر پیكری • مهبط الهام الهی اولان
مرآت مجلوی خاطر انورلرنده نمایان اولمغله • یمن واقبال وینصرك الله
نصرا عزیزا • ایله مقر سلطنتلرندن نهضت • وبروفق فلما بینهم جنود
لا قبل لهم بها • جیوش جوش پوش دریا خروش ثریا انتظام • وجنود
رعد خروش قضا سهام ایله عزیمت ایدوب • مقر دولت مقدسهٔ اولیای
كرام • اولان خطهٔ زوایای قدسیان مقام • برزخ ایام • مسكن رفضهٔ
بد فرجام اولمشكن • عون وعنایت واهب المرام • جمله توابع ولواحق ایله

داخل

داخل قبضهٔ تسخیر كیتی ستانلری ایلیوب • كما كان منسلك سلك ممالك آل عثمان
اولدقدن نظم فتوح سوی یمین وسعود سوی یسار • بهر كیش ركاب وزمانه
زبر عنان سعادت واجلال ایله دار السلطنة العلیه‌لرینه نزول • وتخت
سعادت بختلرینه بر توافق وصول اولمشلر ایدی • لكن قاصد قضا منشور
اجل مسمی ایله • ارجعی الی ربك • پیام رحلت انجامن ابلاغ ایتمكله • شهباز
روح قدس آشیانلری تنكنای تراكیب عنصریه‌دن • صحرای پهنای ملكوته
جولان ایدوب • جسد لطیف پاك طینتلری كنجینهٔ زركلی صندوقهٔ
خاكده پنهان اولمغله • تخت خلافت همایون بخت سلیمانی • بر خوای
انی جاعلك للناس اماما • نور حدقهٔ خلافت • نورس حدیقهٔ سلطنت
ثمرهٔ باكورهٔ دوحهٔ عثمانی • نقاوهٔ سلالهٔ دودمان سلیمانی • تتمهٔ
وشاح جهانداری • یتیمهٔ قلادهٔ بختیاری • شهریار روم وعرب وعجم
صاحبقران شاهنشاه عالم • مظهر السلطان ظل الله فی الارض • مخاطب
خطاب مستطاب • انا جعلناك خلیفة فی الارض • سلطان البرین وخاقان
البحرین • خادم الحرمین الشریفین • السلطان ابن السلطان والخاقان
ابن الخاقان • سمی خلیل الرحمن • السلطان ابراهیم خان • اخ السلطان مراد خان
ابن السلطان احمد خان • لا زالت شموس دولته علی جباه الانام طالعة
ومابرحت انوار رأفته الی انقراض الایام • ساطعة • حضرتلرینه منیر
اولوب • وجود بهبود آفتاب طلعتلریله تخت فرمانروائی شرفیاب
اولدقده بر • ابواب فوز وفلاح جبههٔ سعادتلرینه كشاده • ودر شاهوار
بخت ونجاح صدف خلافتلرینه نهاده • صدوت شمشیر جهانكیر شاهانه‌لری
صبح بختنه طلوع مشرق اجلال • ورایت كشورستانی پادشاهانه‌لری
مهر سپهر اقبال • بر صاحبقران دوران وسلیمان زماندركه مثنوی
جهان آفرین تا جهان آفرید • چنین پادشاهی بنامد پدید • بیتی
ماصدق شان عدالت عنوانلری اولمشدر • پس بو خبر ولوله انداز
زمین وزمان • ومشهود جهان وجهانیان • واعظم خواقین هند وسندك
دخی سمع شریفلرینه آویزهٔ كوش لمعان اولمغله • مدعو دار الضیافهٔ
فرادیس جنان سلطان مراد خان علیه رحمة الرحمن حضرتلرینك
نامهٔ نامی عاطفت نشان • وخدمهٔ كرامی رسالت رسانلریله • ارسال اولنان
افتخار الاماجد والاعیان • ارسلان آغا دام مجده‌نك رجعتنه رخصت
ویرلمكین • بعد طی المنازل سنه اثنین وخمسین والف جمادی الاولی سنك
اونجی كونی دار السلطنة السنیه محمیهٔ قسطنطنیه‌یه داخل اولوب سعادت باب

بوس ایله تجدید ولا نصابلرینك بو محبت بی ریا بلرینه اولان مكتوب
مصادقت مصحوبلرین واصل قلملغله مضمون نكات مشحونی منظور نظر خلوص
صاف ضمیر ومنقود طبع ناقد بصیر اولدقلرم بو جانبدن ارسال اولنان
نامه نامینك سابقه خامه كوابسندم رعایت مراسم آدابدم تقصیر
وقوعی اخبار ومنشیات دانش منشانك تتبع اسالیب سلاطین سلف
ایتمدكلرینه حمل اولندوغی اشعار دنصكره نتكا كثرت بلدان
وامصار هند وتكرار وسعت دیار سندایله افتخار اولنمش امدی
جلوه كر ضمیر انور اولهكه سریر آرای لاهور اولان خواقین سند ایله
زینت افزای تخت سلیمانی اولان سلاطین العثمانك مبانلرنده اولان
حب والفتدن غیری نسنه صورت نما اولمیوب اتحاد مذهب اهل سنت
وتوافق مشرب وعقیدت وساطتیله مواخات وموالات هویدا وآثار
خصومات ناپیدا ایكن اول طرفك رعایت مراسم نوقیرلرنده تقصیر قصدی اولنمق
ندن خاطرم كلور اكر دالّه معانی متعدده اولان بعض الفاظ وجوه
محتمله سندن محلّه انسب اولمیان بر وجه نا ملایم ملاحظه سیله
تقصیره حمل اولندیسه صوابدن عدول ومعنای غیر مرادی قبول نا معقول
ایدوكی جای كلام دكلدر باخصوص بو جانبدن صادر اولان نامه
همایون صاحبقرانیده طرفلرینك تعظیمده مأموللری مرتبه مبالغه
اولنمدوغی مراسم مروتدن خارج عد اولنمشكن جانب شریفكزدن طرفمزه
وارد اولان مكتوبكزده سعادتلو وشوكتلو پادشاه سلیمان جاه وشهنشاه
جهانپناه حضرتلرینك آستان فلك بارگاه مملكت بخشای واجب
الاطاعه لرینه عرض عبودیتده ترك مراسم آداب روا داشته رأی بیضا
اولوریمی لا سیما اتحاد مذهب حق حنفی ایله مغتنم وجاده مصافاتده ثابت
قدم اولان خواقین عظام قدیم الایامدن ابواب مراسلاتی كشاده
واسباب مكاتباتی آماده طوتوب رعایت مراسم تعزیب ولوازم تهنیت
ایله تشیید قوایم وداد وتمهید دعایم اتحاد ایدوب عذب اللسان
وكاردان ایلچیلر ارسال اولنه كلمش ایكن اهمال اولندوغندن غیری
مرخص بالانصراف اولان ایلچی ایله نامه تعزیب بوت تهنیت شحون محبت
مقرون ارسال اولنمامق شیمه كریمه خواقین مصافات كزینه سزاوار
اولمدوغی جلوه نمای مرایای ضمایر اولی الاعتبار ایدوكی محل اشتباه دكلدر
افاده معلوم قیلندن اولسه داخل حیطه قوت قهرمانی اولان ممالك
محروسه عثمانیه نك زبان خامه ایله تعدادی بو صحیفه مختصرده سرانجام

١٥٥

بولمزدی لكن لازم فائده خبر منزلرسنه تنزیل جهتندن برخوای واما
بنعمة ربك فحدث معلوم شریفلری اولهكه شرف مكان وفضیلت بلدان
ایله دیار آخر نوجهله برابر اولورکه مساقط رؤس بهشت آثار رسل
كرام ومراقد فایض الانوار انبیاء عظام وبیت الله الحرام وروضه
اقدس سید الانام علیه الصلوة والسلام وبیت المقدس لازم الاكرام
بو دیار جلیل الاعتبارده وضبط وربطی وتمشیت لوازم ومهماتی
سلاطین كامكار آل عثمانك قبضه اقتدارلرنده اولمغله موافق ومنافی
عموما فرق اسلامیه وملت نصاری عتبه علیه جهانداریلرنده سوده
رویان التجا اولوب سلاطین سلیمان تمكین آل عثمان اعظم خواقین
عالمیان ایدوكی ماننده آفتاب نمایان اولمغله مجموع پادشاهان
جهان سر بكریبان اعتراف وترك تصلّف واعتساف ایتمشلردر
مع ذلك جناب ایزد متعال جل شانه عن الشبیه والمثال پادشاهان
جهانك مجرد كثرت ملك ووسعت مملكتلرین حساب ایتمیوب بلكه
شایان سلطنتلرنده اولان ضعفایه عدل ونصفت ورأفت وشفقتلرین
سؤال ایدر وذیل حاشیه مكتوبلرنده ارسلان اغانی مكرم ایتدكلری
نما زكاه وقابلیه لر زیاده مدح اولنوب مشار الیه ارسلان اغا
ركاب همایون پادشاهیه اهدا قیلنمغه لایق قدر دینلمش پادشاهان
عالیشان آل عثمان او مقوله اشیادن كمال استغنالری محاط علم شریفلری
اولوب دائما طریقه مرضیه دوستی ویكجهتی دن ارسال رسل ورسائل
ایله تحریك سلسله حب ووفادن خالی اولمامق بابنده دقیقه فوت ایتمیه لر
باقی همواره صحایف دولت برقوم مصافات مرقوم وصفایح سعادت بخطوط الفت وموالات مرسوم باد

هند پادشاهنك اوغلنه یازلشدر که كلدن نامه یی افاده ایدر

تاكه شهریار خورشید اشعه سوار وخسرو تاجدار سپهر دوار كتایب
كواكب زرین قبای تابدار ایله قضای پهنای اعلاده نشار وذروه
علیای شرف اعلاده پرتو انداز انوار اولدی اول مهر انور سپهر بختیاری
واختر ابهر برج كامكاری نقاوه سلاله دودمان مرجوع الكارم سلاطین
مرز وبوم هند ونوباوه دوحه متبوع اعاظم خواقین قروم سند
نور حدقه باصره ملك ودولت نور حدیقه زاهره جلالت وشوكت
غره جبین مبین ملكت وتاجداری غره جهان بین مملكت وشهریاری
برآزنده تاج وتخت شهزاده والا نباد جوان بخت حضرتلرینك كوكب
عزت واجلال وكوكبه شرف واقباللری همیشه بقای حال وصفای

بالايله • افتاب مثال اوج اعلاى كمالده • مفيض لانوار اماني وآمال
اولماغچون • دركاه لايزال الخداى بيمثاله خلوص باليله اولان دعوات
صافيات سكينة الفوحات كه ديباجهٔ فاتحه سنه رقم اجابت فاتح
الحاجات كشيده • وخاتمهٔ سانحه سنه ختم قبول مجيب الدعوات
رسيده در • مراسم تعظيم واكرام • ولوازم تبجيل واحترام ايله • هديهٔ
جهت مصباح صباح دولت وكامراني قلندقدنصكره • ذهن مجلاى
بيضا ضيالرينه انهاء مخالصت انتما بودركه اشرف ساعات مشتمله
السعادانده طرف باهر الشرفلرندن صادر اولان • ملطفهٔ كرامت
سكينة الختامدى • عتبهٔ سامى رتبه لرينك معتمدان صداقت نشانلرندن
فخرالاماجد والاعيان • مندوشوقى رسالت رسان زيد قدره يدندن
وصول بولوب • فحواى غراى عاطفت احتواسندن زبان كلك معجز بيان
ايله تقرير • وكشايش رشتهٔ حسن تعبير اولان درركلمات بلاغت
عنوان • نظر امعانه برتو افكن انوار معاني دررلمعان • وسرا برده
عباراتنده جلوه نشينان اشارت اولان عرايس موالات ومصافات
جلوه نماى منصهٔ فهم واذعان اولدقده • كعبهٔ دانش وعلم • قبلهٔ ورع
وحلم • منفاد كشرع الطاهر • استاد العلماء الاكابر كابرا عن كابر
ذوكشف الباهر • اقدم بيشواى امت • اعظم مقتداى اهل سنت الامام
الاجل الاعظم ابوحنيفه رضى الله عنه • وعالمزين حقيقت وعالمزين
طريقت ادب • يافتهٔ عتبهٔ عبوديت • جگرسوختهٔ جذبهٔ ربوبيت
قبا بوش كشف وكرامت • صهبا نوش حب وولايت • مرشد سالكان طريقت
رحماني • سيد عبد القادر كيلاني • قدس سرهما نك مراقد بهشت آثار
ومضاجع مفيض الانوارلرينه • هديهٔ بهيهٔ محبت آثارلرين سلطان سلاطين
جهان • خاقان خواقين زمان • شهنشاه سليمان جاه • وعالم بناه
صاحبقران واسكندر سپاه • سعادتلو وشوكتلو وعدالتلو ورأفتلو
ونصفتلو پادشاهمز اعز الله انصاره • وطول اعماره • وابدسلطنته الى
انقراض الدوران حضرتلرينك • رخصت فرمايى شهرياريلريله شاه
مندوشوقى زيد قدره في محل ما مول رفاه حال ايله ايصال ايچون • يانجه
معتمد عليه آدملر قوشيلوب كوندرلشدر • انشاء الله الملك المتعالى
خدمت عليه لرى بعد الاتمام والاكمال • مكث وآرام ايتدوروليوب
على وفق المرام بوللنوب • طرف معتدلرينه ارسالنه اهتمام اولنمغچون
بغداد بهشت آباد • وبصره ولحسا • بكلربكيلرينه فرمان همايون واجب

الامثال • وبو خالص الباللريدن دخى مكتوب تاكيد اشتمال كوندريلوب
محرريته تنبيه منتج المآل اولنمشدر • همان شيمهٔ كريمهٔ شاهانه لرندن ملحوظدر
كه سبب ازدياد وداد اولان صحيفهٔ كوابيلرى رسايله • تشييد قوايم
دوستى واتحاده • مراسم ساعى جميله لرى بيدريغ بيوريله • باقي همينه
نخچهٔ طيبهٔ منيرالمرام مكارمدلرى كنار جويبار دولت واقباله مغروس وظلال
كثيرالنوال لريندن پرورده اولان نخل موزون سعادت واجلاللرى آسيب
زوالدن محروس اوله • بالنبي وآله الامجاد •

هند پادشاهنك وزيرى طرفندن سلطان ابراهيم خان جلوسنده
وزير اعظم مصطفى پاشايه كلان مكتوبدر

پيوسته رفيع القدر وزارت وساده مرتبه وكالت • بوجود فايض
الجود مهام اعاظم سلاطين روم مصطفى پاشا دام عزته وسعادته
باد • بعد از اتحاف تحف دعوات كثير البركات انهاى رأى صواب نما وضمير
منير مهرانجلا ميكرداند كه • سيادت مآب مير ظريف بعد از آنكه از
افتخار قياصرهٔ روم • رخصت انصراف يافت • وسعادت نصاب عزت
اياب • ارسلان آغا رسالت • برفاقت مشار اليه مقرر كشت • مير
مذكور • آغاى مومى اليه را باعزاز واحترام باخود آورده • وامراء عاليقدر
دران ضلع در هر صوبه واولكه بصاحب صوبگى وايالت • سرافراز بودند
حسب الحكم الاقدس • بانواع تعظيم وتوقير • بيش آمده دريچ باب
دقيقه فروكذاشت ننمودند • بعد از وصول بحوالى ملتان • مير ظريف
سرعت طى مسافت نموده • بيست ونهم شهر ذى القعده • سنه ١٠٤٩
بسعادت زمين بوس وكورنش اقدس مستسعد كشته • تارك مباهات
از سپهر دوار كذرانيد • وبعنايات پادشاهانه درخدمتى كه نموده بود
سرافرازى يافت • پس از انقضاء اندك مدتى در هنكامى كه بندكان
اعليحضرت خلافت منزلت خورشيد مرتبت خاقان زمان • شاهنشاه
سلاطين دوران • ظل ظليل حضرت يزدان • ببير كشمير دلپذير كه
در روى زمين شبيه ونظير ندارد • ودر ربع مسكون مثلى بآن لطافت
وخوبى وبسيارى كل ورياحين نيست • اشتغال كما شتند • ارسلان
آغا نيز زمين بوسى آستان فلك توامان كه حاجت رواى جهانيانست
سربلندى يافت • نامهٔ سلالهٔ دودمان قيصرى • برسانيدن چون بمطالعهٔ
منشيان بلاغت نشان • درآمد • ظاهر شد كه • درخدمت آن مفخر
قياصرهٔ والا تبار • از كهن سالان فاعل دان • ودانش منشان روشن روان

شخصی بوده که از روی تتبع اسالیب سلاطین سلف • وتصفح آداب
پادشاهان صاحب شوکت ذی شرف • دریافته • باشد که پادشاهان
عظیم الشان • خصوصا این دودمان سپهر مکان • که بسیط عرصهٔ ربع
مسکون • چولانگاه یکران اجداد والانژاد ایشان بود • وهمگی سلاطین
روی زمین • طوق اطاعت وانقیاد ایشانرا • در گردن انداخته • این معنی
راسرمایهٔ افتخار • میدانستند • والآن نیز از عنایت بی غایت حضرت
وهاب بی منت • ولایت وسیع ومملکت فسیح پر حاصل هندوستان که
چهار دانگ جهانیست • واز سه طرف بدریای شور منتهی شده باملکی
کابلستان وغزنین وقندهار • وزمین داور یست که از مضافات
خراسانست • وولایت سند • که عبارت از مملکت تته است • وبهکه
وسیوستان باحوالی کیچه ومکران وبندر لاهوری که تعلق تته دارد •
وارسلون اغاز ان بندر رااز کشتی برآمده • وطول مجموع ممالک محروسه
که ابتدای آن ولایت سندست • از بندر لاهوری این طرف واقع شده
بدریای شور اتصال دارد • ومنتهای آن انتهای مملکت وسیع بنگاله
بدریای شور منتهی شده • درین مرتبه است که تجار وسیاحان جهانگرد
اگر هر روز قطع طریق نموده منازل مشخصه راطی کنند • در عرض یکسال
بلکه بیشتر بمنتهی نمیرسند • وهمچنین عرض این عرصه بهناور که مبداء
آن ولایت کابل وکیل هند وکوه وولایت قندهار ویست • تا حوالی
قران که درین ولایت تصرف اولیاء دولت قاهره درآمده • وانتهای آن ولایت
دکن که اکثر آن بعمان اتصال دارد • مثل طول یکساله مسافه است • باسپاهی
فراوان ولشکر انبوه که • دیگری از سلاطین جهان • معلوم نیست که میسر
باشد • وفیلان کوه پیکر ودیگر لوازم جهانگیری در قبضهٔ اقتدار
کارکنان آستان سپهرنشانست • نامه بچه طرز می باید نوشت • وقواعد
ومرتبه راچگونه مراعات میباید نمود • در اصل فرستادن میر طریف •
بجهت ابتیاع اسب نادر بود • از برای آنکه از ملاحظهٔ که والی
عراق دارد • تاکید بسیار میکند که اسب باین طرف نیاید • بنابرین
بندگان اعلیحضرت فرمودند که ما کس بجهت خرید اسب بعد ازین
بعراق نخواهیم فرستاد • بعربستان وروم خواهیم فرستاد که •
اسب عرب که بمراتب بهتر از اسب عراقیست • بیاورند • واز انجا که پیوسته
همت حق پسند بندگان اعلیحضرت خلیفهٔ خلفاء راشدین • مصروف
بر اعلای اعلام اسلام • وتقویت دین مبین حضرت خیر الانام • واحیای

سنن سنیهٔ آن برگزیدهٔ ملک علام است • صلوات الله علیه وسلامه بطرفی
که چهار یار برگزیده • وباقی صحابه وتابعین • رضوان الله علیهم اجمعین • بر آن
بوده اند • ودودمان علیهٔ قیصری نیز درین باب ساعی بوده باکفار زندیق
وفرقهٔ مبتدعهٔ قزلباش اوباش پیوسته در جنگ بوده • وبهمین اتحاد دیرینه
رامنظور داشته • از روی کمال محبت قدرشناسی برگزیده نامهٔ که بار کان جنگ
نویسند نوشته • وصحوب مشارالیه ارسال فرموده بودند که باب
موافقت گشاده باد • وبدانند که او فرستادهٔ این درگاه والا ست • والحمد
بمقتضای الهی والهام لاریب در هر وقت وهر باب • خصوصا در باب زبون
ساختن قزلباش تبه روزگار • بخاطر ملکوت ناظر اقدس فیض بر تواند
واعلام نموده شود • تا ایشان از آنطرف • ویک از شهزادگان نامدار
کامکار عالیمقدار • از مؤید منصور بختیار • در درج دولت واقبال •
دری برج عظمت واجلال • مهر سپهر بختیاری • گوهر اکلیل کامکاری •
از جانب ولایت قندهار که درین ولا • باندک تدبیر وتوجهی که بکار داشته
مفتوح گردیده درآمده • ولایت خراسان نیز مفتوح سازند • وآن بدعقیدگان
انرا از میان بردارند • وگلستان مذهب اهل سنت وجماعت را • از خار
این فرقهٔ باطله پاک سازند • چنانچه بمحض حمیت دین • انچه در باب
استخلاص دار السلام بغداد • که مرقد فیض بخش زمرهٔ ارباب یقین
محیی مراسم دین مبین • بشوای انجم واکرم • وهادی ارباب حق امام اعظم
رحمه الله تعالی • ومجمع صدر نشین مسند سیادت • سالک مسالک
کشف وکرامت • برگزیدهٔ حضرت • سید عبد القادر گیلانی • طاب مثواه •
در انجاست از قبضهٔ ارباب بدعت • بطریقی که نگارش پذیرفته بود •
صورت نقش مراد یافته بر صفحهٔ وقوع بعینه بظهور پیوست • وبالاتر
طول مسافت بر آنست که بعد المشرقین عبارت از آنست • بجهت مصلحتی
دیگر کسی میتوان فرستاد • ودم از موافقت میتوان زد • بهر حال درین
ولا که از نزهت آباد کشمیر بی نظیر که درین نشأه مصداق وقتی جنات
عدن تجری من تحتها الانهار • وصف حال اوست • رایات فیروزی آیات
سعادت واقبال وبهروزی واجلال • پرتو وصول بدار السلطنهٔ لاهور
انداخت • از جانب مملکت قندهار واولکهٔ سند • وبندر لاهوری وکنور
گجرات • وبندر سورت وکنبایت • بتواتر وتوالی اخبار مشخصی رسید •
وبتحقیق پیوست که از انجا قلم تقدیر بمقتضای مشیت ازلی واراده
لم یزلی رحمتی هم کنار ابرقم بینی اختتام داده • وبر پیشطاق هیکل انسانی
نقش کل نفس ذائقة الموت • نگاشته • افتخار قیاصرهٔ نامدار • سرد فتر

سلاطین آن دیار این جهان ناپایدار را بدرود نموده بمحوای یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة بدار القرار خرابه دنیا هست آباد فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر جا گرفته اند بمقتضای وصیت ایشان سلطنت و فرمان روائی ممالک روم به شایسته برادر عالی نباد آن برگزیده دودمان قیاصره نامدار المستعان بعنایة الملک المنان سمی خلیل الرحمن مقرر گشته بناء علی هذا از روی عزت و عنایت ارسلان آغا را رخصت انصراف ارزانی شد بزبان الهام بیان پیغامی چند که تمام وفاق و اتحاد است جاری فرموده که بسمع ایشان رسانند و چون بسبب وجهی که در صدد نگاشته شد نامه نوشتن بفصل بهار ماند سوغات و کس فرستادن که متفرع بر آن میشود صورت نبست هر چند لایق و مناسب دولت طرفین این بوده که ایلچیان با سوغات لایق از طرفین آمد شد میکرده باشند تا دشمنان دین از موافقت پادشاهان اسلام همیشه در آزار و ملاحظه باشند وازانجا که ارسلان آغای مذکور التماس نمود که از بندر سورت او را روا سازند فرمان عالیشان قضا جریان بنام متصدیان بندر مذکور صادر شد که مشار الیه را در یکی از جهازات پادشاهی بعزت و حرمت سوار ساخته روانهٔ مقصد کردانند که این دو کلمه بحسب الحکم جهان مطاع مرجع عالم بجهت آن نوشته مصحوب ارسلان آغا فرستاده شد بر نشنده او بسعادت ملازمت مشرف شد یک حقه عطر جهانگیری که در خاصه اینجاست و بهترین خوشبوهای عالمست و دو جای نماز بادو قالیچه از نوادر روزگارست در کارخانهٔ پادشاهی دار السلطنة لاهور و کشمیر جنت نظیر بافته شده و این قسم کار سوای کارخانهٔ پادشاهی در جای دیگر صورت نمی بندد بایلچی مذکور مرحمت شد که از جانب خود بافتخار قیاصرهٔ نامدار بگذارد ابواب سعادت بر روی روزگار مفتوح باد

هندوستان پادشاهندن آستانه یه گلان نامه در که ارسال اولنان نامهٔ القاب پادشاهیده قصور ینی متضمن ایدی

نیایش گوناگون و ستایش از شمار افزون پادشاهی را که منشور جهان قهرمانی و فرمان اورنگ روائی که یرلیغ هیچ خاقانی بی توقیع او پذیرائی بنذیرد کوای ذکر او معراج زبانها سایه اسم او درة التاج بیانها الوان الایش از اوپش احصا پاک و خوان نعمایش از سمک تا سماک چشمهٔ انور مهر قطرهٔ از چشمه سار نوال او و بحر اخضر سپهر موجهٔ از دریا بار افضال او

والی خرد از ولایت ادراکش معزول و معلومش دین کشور مجهول سفاین اوهام با محیط معرفتش ناآشنا و جواری افهام در قلزم حکمتش ناپدید وهم تیزباز در فضای جبروتش مورچه زیر تلاطم دریا و فهم بلند پرواز در هوای لاهوتش پشهٔ در تصادم نکبا نظام حکمت بالغهٔ اش فی قصور فارجع البصر هل تری من فطور حکیمی که قبهٔ خضراء سما بمصابیح ثابت و سیار زینت فرمود و بساط بهنا و رغبرا با قسام فواکه و ثمار بر آمود از غایت رحمت و رأفت پایهٔ انسان برافراخت و بالکال پاکی آدم خاکی را بخلعت صفوت و خلافت بنواخت کاشانهٔ ظلمانی او بچراغ نورانی عقل معاش و معاد برافروخت و علم نیابت را که وسیلهٔ فصل خیر و شر و صواب و خطاست بوی آموخت عالم محسوس و معقول بر بصر و بصیرتش جلوه گر کرد و بدایع ملک و ملکوت بنظر باخطرش در آورد برای ایضاح حجت و اتمام نعمت بعث انبیا ارزانی داشت و ملک و ملت توأمان نموده قوام ملک بملت و نظام ملت بملک بازگذاشت بجهت اجرای احکام و تحصیل النیام ملوک و سلاطین برگزید و هر یک را بفرمان فرمائی و لایتی و حکم روائی مملکتی اختصاص بخشید و در خور استعداد و دانائی و استیهال و روشنائی بعضی را بر بعضی بفزونی عظمت و جاه و فراوانی مکنت و دستگاه مزیت داد و سلطان عادل را که مجمع ملکات فاضله و منبع اخلاق کامله است تاج ظل الله بر سر نهاد از شکوه تدبیر ائتلاف بین کروه و الاشکوه منتظم صلاح عباد کردانید و از تیزنکی نقد بر اختلاف ایشان منتج فساد بلاد ساخت سبحانک لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک والوف صلوات طیبات غالیه سا و صنوف تحیات مبارکات روح افزا بر ساق سدات اجتبا فارس بکرات اصطفا عنوان صحیفهٔ تکوین اکرم الاولین والاخرین طلیعهٔ صبح سعادات ذریعهٔ نجح مرادات مقتدای هداة سبل شفیع انبیا و رسل فرده رسان ناامیدان قاید جمع رو سپیدان مالک مفاتیح خزائن ارض عقده کشای فرومانکان روز عرض محرم خلوتسرای لی مع الله سلطان انبیا محمد رسول الله علیه الصلوة و سلام الملأ الاعلی ما دبر دبور و صبا صبا و بر اهل بیت نبوت و عترت طاهرهٔ رسالت که کواکب ثواقب سماء هدایت و لآلی متلألی دریای ولایت‌اند و بر اصحاب و احباب او رضوان الله علیهم اجمعین خصوصا خلفاء راشدین مهدیین که چار دیوار دار السلام و چار حد ملت خیر الانام و چار رکن بنای شریعت

وجار نهر فردوس حقیقتند• اما بعد این نمیقه ایست انیقه• و نمیمه ایست
عتیقه از نیاز آگین جناب ذی القوة المتین• نیایش کبری حضرت جاه اورنگ
سپاس دار منهج ایزدی• شکر گزار نعم صمدی• مسند بارگاه کبریا• مستمد
عالم بالا• مرهون احسان ربانی ممنون امتنانات رحمانی• بحشمت مآب
عظمت نصاب• بهرام صولت مشتری سیما• کیوان منزلت بیضا ضیا•
مریخ مهابت جهانبانی• محتشم بساط کامرانی• رافع الویهٔ دین مبین• ناصب
اعلام شرع متین• محارب اشرار زرنک• مجادل فجار فرنگ• عالیحضرت
فلک رفعت فرمان فرمای بلاد روم• حامی ملهوف و مظلوم• المخصوص
بوفور لطف الملک المنان خان• لا زالت شموس اشتهار میمونه
عن الافول• وما برحت اقمار شوکته مأمونة من القفول• پس از اتحاف
اثنیهٔ صداقت گرا• و اهداء ادعیهٔ مودت انتما که حفظه قرین رفع آن
بال استعجال گشایند• و حمله عرش بتقبیل آن استقبال نمایند و نسایم
نجابت آن آفاق را معطر گردانند• و شمایم اصابت آن اکناف را معنبر
سازد• بر مرآت ضمیر انور• و خاطر سنا گستر که پذیرای اشراقات
قدسی• و الهامات انسی است• مخفی و مستتر نماند که هژدهم جمادی
الاولی سال بیست و هفتم• جلوس میمنت مانوس• مطابق سنهٔ
هزار و شصت و چهار هجری• هنگامی که دار الخلافهٔ شاه جهان آباد•
حرست عن الآفات الی یوم التناد• بهار عیش و طرب داشت و حدایق
امانی و آمال جهانیان• از رشحات سحاب جود و سخا• سرسبز و شاداب
بود• و ریاض مطالب و مآرب زمانیان بقطرات ابر بذل و عطا•
تازه و سیراب• واقف لوازم سفارت• عارف مراسم نجابت• سزاوار
التفات والا• جامع المحاسن و المکارم ذو الفقار آغا• دولت تقبیل
آستان فلک نشان• و سعادت تلثیم جناب خلافت مکان ما•
که ملاذ خواقین روزگار• و معاذ سلاطین گردون اقتدار است اندوخت
و واسطهٔ خلت و صفا• و رابطهٔ محبت و ولا• یعنی گلدستهٔ معانی
رنگین• و مضامین دلنشین• که باعتبار داد و مودت• یکانگی و یگانگی
فراهم داشت• بنظر کیمیا اثر در آورد• از اشتمال بر خواهش استمرار
طریقهٔ ارسال رسل و رسائل• و انفاذ سفرا و سفارا از جانبین که مبنی
از کمال وداد و اتحاد است• و منشأ آن• وحدت دین و مذهب•
و شرکت ملت و مشرب• مشام فیض ابتسام جان رواج یکتائی استشمام
نمود• و دماغ ربیع ابتسام روان• فوایح یکجهتی استنشاق کرد•

اما چون آیینی که مراعات آن بر ذمت ارباب رشد و تمیز• و اصحاب
دانش تبریز لازم• و محافظت باهتداء هدی دانایان• و اقتدا بر
خردمندان متحتم مرعی شده• بیگانه طرز یکانگی بود• همانا شکفتن
ضبط معاملات• و پیشکاران نظم مهمات آن عالیمقدار• و الا دستگاه
که در اوایل عهد شباب اند• از حلیهٔ رعایت مراتب و اقدار• عاری اند
بروش گذارش حالات با سرافراختهای و بزرگ کردهای
یکتای جهت نا غیر آشنا• لهذا معذور داشته• بنا بر قاعدهٔ مطاعت
و قانون موافقت• بنای جواب بر نسق نامهٔ گذاشته آمد• لیکن
از ما که قدردان و پایه شناسیم• و دستور العمل دانائی و قسطاس
مستقیم آگاهی• و سنت پادشاهان روی زمین• و اورنگ آرایان
با فر و تمکین• چه لایق که آنچه در نظر کامل خردان شایسته نماید•
بظهور آید• رسم ترقیم رسائل موالات• و تنمیق صحایف مصافات
بزرگان• به بزرگواران• آنست که در عیار دانش که ما بخفران پناه•
رضوان دستگاه• مغفور مغفرت الهی• مکنوف مرحمت نامتناهی•
بهشت خرام• خلد مقام• سدره آشیان علیین مکان• سلطان مراد
خان فرستاده بودیم• جلوهٔ ظهور یافته• آن معیار بینش درگاه
عالی خواهد بود• ملاحظه نمایند که آگهی بخش نمط نگارش مکاتبات
و اگر آن مجموعهٔ هوشمندی بسبب بعض حوادث روزگار و نمانده
باشد• در نقلش که احتیاطا با این خردنامه مرسل گشته• نگاه رود که

هوش افزای سعادتمندان دین و رست• اگر پس ازین رسالهٔ الفت
بر منوال پسندیده• و منهاج گزیده• نگارش خواهد یافت• پاسخ بروفق
آن رقم خواهد پذیرفت• و الا دوستی در مرتبه ایست که محتاج نگارش
نامه• و فرستادن میانجی باشد• هدیه‌ای که مصحوب آغای مذکور ارسال
یافته بود• بسدهٔ سدره رفعت• و عتبهٔ عرش مرتبت ما رسید
و شرف پذیرائی یافت• و بقبول موصول گشت• سفیر آن فلک جاه کیوان
مکان را چار پنج ماه• بجهت رسیدن موسم سفری شدن جهازات•
در ملازمت سریر سعادت نگاه داشتیم• و با آنکه سیادت پناه
فضیلت دستگاه• حاج الحرمین الشریفین• سید احمد سعید که
از راه مکهٔ معظمه زادها الله تعالی شرفا و اجلالا• معاودت نموده
اوایل شهر ذی الحجه سال مذکور• بزمین بوس ساحت عز و اجلال•
فایز گشت• بر سبیل بود شمول الطاف جلیله و اعطاف جزیله ساخته

بخلعتهای فاخره • وجوائز متکاثره • وصلوات متوالیه و انعامات متتابعه
برنواخته و ستوری انصراف بآن صوب باصواب دادیم • و برای ابلاغ
این جریدهٔ ولا • و ایصال شطری هذا که تفصیلش در سواد خدنگاه رقم پذیرفته
شجاعت شعار جلادت دثار • قایم بیک را که از معتمدان درگاه آسمان
جاهاست • برفاقت آغای مومی الیه فرستادیم • چون خبر تبلیغ این صحیفهٔ
شریفه • و تنسوقات ظریفه در آن طرف ذی شرف کاری ندارد • و خاطر
خواهان اطلاع بر احوال خیر مآل آن فرازندهٔ لوای شوکت است • متوقع انکه
پس از تقدیم مأمور بنحوی که سبق مذکور شد بزودی مرخص ساختند •
او را نیز رخصت مراجعت دهند • آفتاب اقبال از سمت کسوف مبرا •
و بدر جلال از وصمت خسوف معرّی باد •

هندوستان پادشاه هندستان سلطان مرادخان نگاشته‌اند نامه در که تسخیر ممالک عجمه متعلق بیانت احوال [illegible]

سپاس بی‌قیاس • و ستایش قدسی اساس • خالقی را که از میان خلایق •
سلاطین را بمزید قدرت و مکنت و شوکت و عظمت اختصاص داده •
هر یک را مطاع عالمی • و متبوع جهانی نموده • بمحافظت شرایع و نوامیس الهی
و اجرای احکام سماوی از اوامر و نواهی • و بممارست بلاد و عباد • از شر اهل
فساد و عناد • مأمور گردانید • و از میان آن گروه والا شکوه صاحب
دولتی را که آیین معدلت و نصفت را منظور نظر حق بین خود کرده •
باشد • و متخلق باخلاق الهی • و مقتدی بسنن سنیهٔ حضرت رسالت
پناهی علیه و علی آله و اصحابه من الصلوات اکملها • و من التسلیمات افضلها
گشته • از برای منصب جلیل القدر خلافت خود اختیار نموده • بخطاب
مستطاب ظل اللهی سرافرازی بخشیده • اطاعتش را بر کافهٔ انام از خواص
و عوام مثل اطاعت خود • و رسول خود • واجب و لازم و فرض و متحتم
ساخت • و ارتباط خواقین اسلام • و اتفاق این برگزیدگان پروردگار
انام را با یکدیگر • باعث تفرقه و استیصال اعدای دین • و موجب قطع
و ریشهٔ مبتدعین • و بر افتادن آن جماعت وخیم العاقبت از روی
زمین • و صفای خواطر قدسی مظاهر این طبقهٔ رفیع مکان را با هم
مستلزم پاکی بسیط زمین • از خس و خاشاک وجود ناپاک این
طایفه بی‌باک نمود • و درود نامعدود • و رحمت پروردگار ودود •
بر صاحب مقام محمود باد • که انبیا را سرور • و رسل را سر دفتر • و بهترین
فرزند ابو البشر • و صاحب حوض و کوثر • و حاکم روز محشر است • و عموم
عالمیان را با بلاغ اوامر و نواهی قرآن فیض گستر • و خصوص سلاطین را

بعدل

٤٦٥

١٩٦ ٦٨

بعدل و احسان راهبر است • و قتال و جدال با منکران دین مبین • و مبتدعین
ضالین مضلین را بر سلاطین مسلمین • عین فرض و فرض عین • و منتج حصول
سعادت دارین ساخته • و بر آل طیبین طاهرین آن حبیب رب العالمین •
که کریمهٔ • و یطهرکم تطهیرا • ناطق صادقیست بر طهارت آن سلسلهٔ علیة
الشان و آیه • قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی • شاهد
عدلیست بر وجوب مودت آن طبقهٔ والا مکان • و بر اصحاب هادین
مهدیین آن خلاصهٔ ترکیب ما و طین • خصوصا بر خلفاء راشدین • که
ارکان اربعهٔ قصر دین • و باعث بعث حضرت سید المرسلین • و موجب
انتشار شریعت خاتم النبیین • بر روی زمین اند • و بنص قاطع رضی الله
عنهم و رضوا عنه • برهان قطعی بر رضای خالق آسمان و زمین • از آن
خلاصهٔ انصار و مهاجرین • و سکون آن طبقهٔ مقربین در فردوس برین
و وصول آن جماعت قدسیین • بمرتبهٔ اعلا علیین • چون رابطهٔ
دینی اشد انواع روابط • و توافق مذهب اکمل افراد توافقست • این
معنی را منظور داشته • هرچند که درین مدت مدید این دودمان
خلافت نشان • و آن سلسلهٔ عظیم الشان • ابواب مراسلات • مفتوح
نبوده و با آمد شد حجاب • رفع حجاب بیگانگی نشده • درین ایام خجسته
فرجام • بوسیلهٔ اهدای دعائی که • ساکنان ملاء اعلی • مقدم آنرا
نور عظیم دانسته • بر سبیل استعجال اجابت را باستقبال آن • روانه
سازند • و ابلاغ ثنائی که کروبیان عالم بالا • ورود آنرا از روی امتنان •
بهزار زبان خواهان باشند • بعالیحضرت سپهر رفعت • گردون بسطت
سکندر شان سلیمان مکانت • خورشید اشتهار فلک اقتدار • حامی حوزهٔ
اسلام • مهر سپهر احتشام مالک ملک ذو القرنین • خادم حرمین شریفین
افتخار قیاصره • استظهار اکاسره • زیبندهٔ افسر جهانبانی • شایستهٔ
اورنگ کشورستانی • ناشر آثار معدلت و انصاف • ماحی مآثر جور و اعتساف
سلطان غزاة و مجاهدین • خاقان ولاة مسلمین • فروزندهٔ چراغ دودمان
آل عثمان • فرازندهٔ لوای دولت آن خاندان عظیم الشان • مد الله ایام
سلطنته بامتداد الزمان • و اعلام فتوحات تازه که • در سال ارسال
این نامهٔ فرخنده فال • این مشمول عنایت ایزد متعال را • روی داده
و بیان غنایم بی اندازه که • درین مدت قلیل • این پروردهٔ نعم رب
جلیل را بدست در آمده • فتح این باب • و رفع این حجاب بنماید
و از جهت که اطلاع بر وصول نعمت • بدوستان صادق المحبة موجب

موجب حصول مسرت است • یقین که اخوان ملت حنیفی و موافقان مذهب
حنفی • از استماع این فتوحات غیبیه مبتهج • و از اطلاع بر حصول این مغانم
کثیره مسرور خواهند گردید • و سنت سنیه ادخال سرور در قلب
مؤمن • باین وسیله از قوت بفعل خواهد آمد • حقیقت آن فتوحات
بر سبیل اجمال آنست که • درین یورش که از دار الخلافه اکبرآباد که
مقر سلطنت و مستقر خلافت است • بصوب دکن • واقع شده در زمانی
که امتداد آن از یکسال کمتر بوده • سی و شش حصن حصین و قلاع متینه که
هر یک در حصانت و متانت مشهور آفاق • و در استحکام و استواری
و اشتمال بر لوازم قلعه داری • طاق بود • و تسخیر آن بغیر از قوت
اقبال سلاطین ذوی الاقتدار • منظور نظر عنایت پروردگار قادر
مختار • محال مینمود • چه اکثر آن بر قلل جبال شامخه واقعست • مرغ بلند
پرواز وهم و خیال • صعود بران نمیتواند نمود • و دو کرور روپیه از نقد
و جنس • و ملکی که یک و نیم کرور روپیه حاصل آن بوده باشد • بتصرف
اولیای دولت قاهره در آمد • و از یمن عنایت واهب بی منت • و از برکت
مرحمت بخشنده بی منت • ازین سفر خیر اثر کثیر المنفعه • بتاریخ هژدهم
شهر شعبان هزار و چهل و شش مراجعت بمقر سلطنت و مستقر خلافت
واقع شد • و چون الحال در سرحد دکن • و سایر محال ملک هندوستان
بهیچ وجه کاری نمانده • و خاطر بالکلیه ازین طرفها جمع گشته • اراده
آن نموده که بعد ازین ان شاء الله تعالی در مقام دفع و رفع قزلباش و نا
مذهب تراش درآید • و ابتدا از تسخیر قندهار که در سرحد آن دیار واقع
شده نماید • و بعد از ان در صدد گرفتن خراسان و مفتوح ساختن آن
ولایت شود • چه دفع این جماعت اهل بدعت و ضلالت • بر پادشاهان
اسلام که مروج شریعت غرا • و مؤید ملت بیضا اند • واجب و لازمست
و استخلاص عراق عرب • خصوصا بغداد که حضرت امام اعظم • و حضرت
سید محیی الدین عبد القادر گیلانی • و جمعی دیگر از اکابر دین • رحمهم الله
اجمعین • که آن گمراهان • عداوت و اهانت ایشان را عبادت خود
میدانند • در آنجا مدفونند • واجبتر • اگرچه آن خاقان معظم در سال
گذشته • متوجه باین مهم ضروری شده • قلعه روان را مفتوح ساخته
تا به تبریز تشریف برده بودند • اما بواسطه آنکه بعضی از قضایا در استنبول
روی داده بود • در ان سرحد توقف ننموده • بزودی مراجعت بمقر سلطنت
خود فرموده بودند • آن کار باتمام نرسید • و در خور شوکت و عظمت

آن عمده سلاطین زمان • و خواهش دوستان آن دودمان عظیم الشان
از پیش نرفت • و چون قلعه روان را هم سرانجام خوب نموده بودند
در تصرف نماند • اگر این مرتبه خاطر انور را از بلند و پست معاملات
ملک خود دکن جمع نموده با استعداد و سامان و سرانجامی متوجه شوند
که در ان سرحد خواه در حلب • خواه در دیاربکر • خواه در ارزن الروم
دو سه سال توقف توانند نمود • و هر سال دو فوج عمده که هر یک
از ان به تنهایی از عهده تمام لشکر قزلباش تواند بر آمد • بفرستند • یک
فوج را بعراق عرب و بغداد • و فوج دیگر را بایروان و آذربایجان • امید
چنانست که اگر الله تعالی خواسته باشد • و باطن آن بزرگان دین •
قدس الله اسرارهم • امداد نماید • این طایفه ضاله مقهور گردند •
و آن ولایتها از تصرف ایشان برآید • و مراقد منوره مطهره اکابر دین •
از لوث وجود مبتدعین ناپاک • پاک گردد • و ازین جهت نام نیکی در دنیا
و اجر عظیم در عقبی حاصل نماید • ان شاء الله تعالی افواج قاهره این نیازمند
درگاه صمدیت • هم اولا بر قندهار • و بعد از ان بخراسان روان خواهد
شد • و چون بوالی ما وراء النهر و حاکم بلخ نیز اشارت شده • ایشان هم
از ان طرف بحرکت خواهند در آمد • و در خور قوت و قدرت خود • هر چه
توانند کرد خواهند کرد • درین صورت مآل حال آن قوم ضال بد افعال
بغیر استیصال امری دیگر نخواهد بود • چون ضروری بود که این نامه را یکی
از معتمدان این درگاه بآنجا رسانند • سیادت مرتبت قدیم الخدمت
لایق المرحمه • میر ظریف را که از خانه زادان اعتمادی این آستانست • باین
خدمت مأمور گردانیدیم • چون مقصود از فرستادن او غیر از رسانیدن
این نامه • و اظهار دوستی و یگانگی ازین طرف نیست • او را بزودی
مرخص خواهند فرمود بخلاف سابق ابواب مراسلات را بسته
مفتوح خواهند داشت • ایام سلطنت و اقبال ابدی لا انفصال و تایید خالق ذی الجلال لا یزال باد

طرفناسندن هند پادشاهنك نامه سنه جوابدر كه اوزبك خاننك قوتنى اعلام ایلمش

حمد و سپاس ساطع النور و الثنا • و شکر بی قیاس ممتنع العد و الاحصا
حضرت خدای واجب الوجود بیچون و برآرنده اشکال و انواع و اجناس
گوناگون • تعالی شانه عما یقولون • جناب کبریاییسنه سزادر که • بجز از
دو حرف کاف و نونک بر قطره سندن ظهور ایدن • آثار صنع غریبک
ذره سی توصیفندن • دبیر تدبیر عقل دور اندیش • و خبیر

تحریر خرد فطنت کسترک • زبان بیانی کنک ولالدر • وقطع مسافت بی نهایت
عظمت وجلاللرندن • صد هزار فیلسوف حکمت شناس • وحکیم دربت البنات
کمیت اندیشه پای ذهن وقاد • وسمند جهان پیمای فهم نقادی سست
وبیمجال ایکن • کمال رأفت واحسان • ومحض رحمت وامتناننددر • سکان
بسیط معموره ارض بالطول والعرضک • آسایش وانتظام امور معاشی
وکشایش کاربارا استراحت وانتعاشی ایچون • بسیط غبرانی سایبان
آسمان سای • السلطان ظل الله فی الارض یأوی الیه کل مظلوم وملهوف
ایله مظلل • وتارک مبارک سلاطین نصفت کزین • وفرق سعادت ١٦٤/٧٠
افسر خواقین عدالت آیینی تاج وهاج • عدل ساعة خیر من عبادة سبعین سنة
ایله مکلل ایلدی • وصلوات صلوات • وتحایای بی غایات • وتحف
تسلیمات واثنیه بلا نهایات • اول شکافنده قرص بدر منیر • وبشیر ونذیر
نکین خاتم • ولکن رسول الله وخاتم النبیین • نماینده توقیع رفیع • وما
ارسلناك الا رحمة للعالمین • محرم اسرار ان هو الا وحی یوحی • راست
کفتار • وما ینطق عن الهوی • راهنمای سبل • وپیشوای انبیا ورسل شفیع
عصاة عرصه عرصات • حبیب خدا • خواجه هردوسرا • محمد مصطفی علیه
صلوات الله وسلامه • ما دارت السماء حضرتلرینک بارکاه عز وجلاللرینه
ومظاهر کرامات وفتوح • ومثل سفینه نوح اولان • اهل بیت وعترت
طاهره • وذریت زاهره • ونجوم سماء اهتدا • وآسمان زمین اقتدا • یعنی
چار عنصر عالم دین • وارکان اربعه شرع مبین • اولان خلفای راشدین
وسائر صحابه کزین • رضوان الله علیهم اجمعین • حضراتنک ارواح طاهره
وانوار مقدسه باهره لرینه اتحاف واهدا • وظیفه صحیح وما قبلندن
صکره • عالیحضرت معالی منقبت کردون رفعت خورشید اضاءت جمشید
شجاعت فریدون شوکت دارا درایت عطارد فطنت مشتری کیاست
مسندآرای ممالک هند • وفرمانفرمای اقالیم سند • مظهر الطاف جلی
وخفی • ناصر مذهب حق حنفی • حارس حوزه کابلستان وغزنین جالس
اورنک اقلیم نصرت آیین • المختص بمزید عنایة الملك المستعان • شاه جهان
لا زالت شموس دولته طالعة الی یوم المیزان • ومابرحت اقمار سعادته
خالیة عن محاق السرار وخسوف الامتهان • قبلندن تسلیم دعوات زاکیات
اجابت قرین • وشمایم تحیات خالصات صداقت رهین • که صفا رسان
کافه فرقه موحدین اوله • وقوافل مسبحان کروبیین • وارواح ملائکه
مقربین ایله • مقرباً الاثر نیکو محضرلرینه اهدا اولنوب • آیینه صور نمای

حقایق

حقایق ومرات مجلای پری پیکران اسرار دقایق اولان ضمیر منیر مهر انجلا
وخاطر خطیر آفتاب ضیالرینه عذار شاهد احوال • بو وجهله برابر •
وروی مخترع مافی البال • بو نهجله جلوه کر قلنور • مرجع سلاطین
ذوی الاحساب • وملجأ خواقین شریفة الانساب • اولاد عتبه علیه لری
طرف قرین الشرفکزدن ارسال اولنان نامه فصاحت شعار • وبلاغت
دثار • اشبو سنه ثلث وستین والف رجب شریفنده دانای دقایق احکام
رسالت ونامه برداری • وشناسای احکام اسرار کارکزاری • سید حسب
ونسب الفائز بالعقل الوافر والرأی الصائب • کزیده امثال واقران جامع
الفضائل والخصال الجیاد زید فضله • وساطتیله وصول بولوب
حروف شریف وزمات لطیفه منظوم ونظم فرخنده اثر اولوب • تضاعیف
منظوم موزونلرینه مندرج اولان نکات موالات ودقایق مصافاته
اطلاع • سمیر ضمیر منیر مهر التماع محب صداقت پرور اولدقده • مفهوم میمنت
مقرونندن علی الوجه الکامل علم لاحق وشامل اولمشدر • علم عالم آرای رنیه
خفی ومستتر دکلدرکه • حضرت حق وفیاض مطلق اشبو دودمان عظیم
الشان آل عثمانی خصص باللطف الربانی والعون السبحانی ایله • احیای
مراسم دین مبین • واحکام احکام شرع متین ایچون • پا برجا قلوب •
اجداد امجادمز اولان سلاطین پاک کوهر • وخواقین معدلت کستر
بو قدر عهد بعید • وزمان مدیددن برو مظهر اولدقلری مساعی
جمیله وخدمات دینیه جزیله ایله • معروف ومشهور اولوب • اغاثه
ملهوف وامداد ضعفا ایله موصوف اولدقلرینه بناء • ماوراء النهر حکام
وطایفه اوزبکیه خانانی بینلرنده اختلال کلی واختلال ملکی غیر ملی •
واقع اولوب • بو اثناده وداع عالم فانی قیلون • بدر محمد خان ایله اوغلی
عبد العزیز خان ارالرنده واقع اولان فتنه وفساد ظهورندن بماست ثورانیه
تا شوب • بلکه بحر بی پایان شور وشغب باشلرندن آشوب دنیاده [illegible]
روز رستخیز ایدوب • ایام قیامتده • یوم یفر المرء من اخیه • آیتنک مفهوم مخ
کورمکله خشم عروق نزاع وجدال • وحل عقده سخت اشکال ایچون
درکاه سلطنت پناه وخلوتخانه دستکاه صوبنه ضراعت نامه اخرس کویاسی
کلوب • فض ختام اولندقده مضمون مصیبت مشحونی تیره لدوز بلا ایله
اکنده • وخونابه زهراب داده شکوا ایله • هر سطری ماننده قم کزند •
برهم زن تاب وتوان • بر نامه عجیب البیان اولوب • ملتمس طرفینک باجمعهم
الشرفلرینه منوط ومربوط اولمغین • بر موجب محبت دینیه • ورأفت

وهمت ملوکانه ملتمس مبذول بیورلمق بابنده مکتوب محبت اسلوب اصدار
وارسال قلنمشیدی حالیا ارسال بیورلدن نامهٔ برزیب وفرلرنده حقیقت
حال ظاهر اولدقده المرء یدبر والقضاء یضحک کلام حکمت انجامنه مصداق
اولدوغی تجربات سلسلهٔ حزن وانتباه وسوراخ کوش هوشدن سندبیننه
مغرور زینت مال وجاه ایدوب هرچند عقلاء سلاطین عالم وبرکزیده
خواقین بنی آدمک شیرازهٔ مجموعهٔ کار وبار دخزاین واموالی بربسته
ومحکم ونسقهٔ لوای غزای سلطنت وتاجداری تمامت عالی آیت نصر
من الله ایله معلم ایله کف ودستی کوی زمین وآسمان نما بندهٔ شکل طوب
وچوکان ووقت ساعد بازوی اقتداری پنجه کردان شیرچرخ کردان
اخلاق الهی ایله تخلق لازمهٔ ذمت همت علو ملوکانه بیلوب اولکنجینه
سعادتدن بهره یاب ملکی واصل سرمنزل نصاب اولمغله سلطنت صوری
ومعنوی یی جامع بلکه نسق انواحد تیندن شارق ولامع اولان نور حسنی
سوزکائنات که ذره سی حیات بخش مرده صد هزار رساله ده دلایل علو روشن
حکمت شیخونلرینه پرتو انداز اولمغله واصل غایة الغایة کمال انسانی
وبهره یاب بشر روحانی وابتهاج سبحانی اولمق متیسر ومقدر اولان بهمنی
وجوده عقب ذا ایصال نامه مسکیة الختامه لرینی متقلد اولان ایلچی موی الیه
تلثیم قوایم سریر خلافت مصیر ایله سرافراز قلنوب رعایت ادای
رسالتلرنده سعی مشکور وایراد ایلدوکی هدایا شرف یافتهٔ قبول عز
حضور اولوب خلع فاخره وصلات وافره ایله مرعی ومحترم وطرف
فریع العز والشرفه عودت وانصرافه مرخص اولوب تبلیغ نامهٔ مودت
علامه ایچون عازم صوب صواب انجام قلندوغی اعلام اولنمشدر من بعد
اسباب مکاتبات آماده وابواب مراسلات کشاده طوتلمق ازدیاد
موالات واستدامهٔ مصافات سببی کلی بلاحظه بیوریله وبالجمله
ارسال رسل ورسائل تحریکات سلسلهٔ حب وولا وازدیاد صدق صداقت
انتما اولمغله درکاه عزت دستکاهمز متفرقه لرندن افتخار الاماجد والاکارم
جامع المحامد والمکارم ذو الفقار آغا دام مجده طرف همایونلرینه
الچیلک خدمتی ایچون تعیین اولنوب دیار هند بوده باد مرغ بوده بعید
اولمغله بوجانبده بولنان بعض جواهر جزیله وهدایای جمیله خامه
محبت ختامه مز ایله ممضی ازدیاد محبت ایچون اوله بار جلیل ارسال قلنارده
متوجه وروانه اولمشدر ان شاء الله تعالی سلامتله وصول دولته نائل
ومحتمل اولدوغی حالده رسالتنی محل تبلیغه واصل اولدقده ادام مراسم

رسالتده

رسالتده نصیحتکو الکلند دلیوب اجازت انصرافلری ایله شرف یاب
اولمه لری مأمولدر همواره صحایف دولت برقوم مصافات مرقوم
وصفایح سعادت بخطوط الفت وموالات مرسوم باد بالنبی
واله وصحبه الامجاد

سلطان سلیمان خاندن اوزبک خانینه یازیلان محبت نامه در

والاجناب امارت مآب عزت نصاب رفعت مناب سعادت اکتساب
سیادت انتساب ملکی الذات ملکی الصفات مالک نواصی الملل سالک
اقاصی الدول صاحب دلایل الاقبال ساحب ذیال الاجلال حاوی مآثر
مفاخر السعادات بمکارم الاخلاق حایز برد العزة فی اعلی مراتب العلات
بالاستحقاق المحفوف بصنوف عواطف المنان پیر محمد خان ادام الله تعالی
لادامة مراسم کدبت اعلوم سلطانه واقام لاقامة لوازم العدل قواعد
برهانه لطایف دعوات متراصفة العقود وشرایف تحیات مترادف
الورود که انوار لوامعی مجلی مرایای ارواح روحانیان وآثار مطالعی
منور زوایای قلوب کروبیان اوله مواهب محبت واجلال ایله اهدا
وارسال اولنور شرف وصول حصول بولدقده آیینهٔ جام جهان نمای
ضمیر جلی ومصباح خاطر آفتاب ضیایه غیر خفی اولدکه ثنا روابط
اولان محبت جاودانی که کوکب دری نورانی وبرق سهیل یمانی کبی مراتب
اکوان وجهات اعیانده نمایاندر وشعشعهٔ خورشید درخشان کبی
ساحت جنانده تابان اولمغین اهم والزم ایدی که واردان موارد وداد
وقاصدان مقاصد اتحاد ایله ارسال مراسلات واظهار موالات
اولنوب همیشه اخبار محبت وانباء مودتدن علی التعاقب
والتوالی خالی اولنمیه ایدیک فاما بوده بار جلیل الاعتبار ایله اول ولات
ما بینلرنده بعد مسافه اولمغین خبایای اسرار وقضایای مشار مستوفیات
کبار ومعتمدان نامدار ایله ابلاغ اولنمغله نوعا تأخیر اولنمشیدی لکن
تأکید بنیاد وداد وتمهید مواد اتحاد ضوابط وروابطه منوط
ووسائل ورسائله مربوط اولمغین حالا جنبتنه ولایت رومه کلن
فخر الاماجد والاقران ذخر الاماثل والاعیان درویش محمد بدخشانی
زید قدره اهل وقوف اولمغین اولصوب صواب نمایه رسالت اولنیک

عند الوصول مأمولدر که دائما تجدید معاقد محبت واخلاص • وتشیید
مبانی مودت واختصاص اولنه • هربارکه اوداء دولت طریق محبته سالك
اوله اعدای بدرای تیغ بی دریغ حقد وحسد ایله هالك اوله • وعلم زریفه
مخفی اولمیه که دریا عجاج شهریار مشهور • ونا جدار مغروری شاه کراه بوندن
اقدم توالی صدمات صرصر آیات قهرمانی • وتتالی سطوات غضب وقهر
صاحبقرانیدن خوف وخشیت ورعب ودهشت ایدوب • مسکنت
وذلت یوزندن درکاه سلاطین شاه جانبنه متعاقبا ایلچیلر کوندروب •
اصلاح احوال بلاد • وانجاح آمال عبادی ایچون انواع تذلل وابتذال • واصناف
تنزل وازدلال ایله اصلاح ذات البین بابنده توقع ونضرع ایلمشدی •
لاجرم استیمان ارباب ایمانه حیز قبوله موصول اولمق • ووظیفه نظیفه
سلاطین اهل ایمان اولمغین • برمدت رخصت ویریلوب • کندو
حالنده قونلمشیدی • انفاق اوغلم بایزید هوا وغرور ایله • مائل شر
وشور اولوب • دیار شرقه واردقده شاه سامعناك شقاوت وخباثت •
سرنوشت قباحت سرشتی اولمغین • اول صلحه مخالف بعض اوضاع ناشایسته
واطوار ناپسندیده سی ظاهر وآشکار اولمغله • من بعد روغ بی فروغنه
اعتماد واعتقاد ایتمیوب • انلکبی ارباب فتنه وفساد • واصحاب بغی
وعنادك دفع ورفعنه تصمیم وعزیمت • وقصد ونیت اولنمشدر •
ان شاء الله تعالی خیرلر میسر اوله • امدی اول جناب جلادت مآب سلطنت
مناقبك ابا واجداد عالی نژادی کمال اسلام ودینداری • وتمام دیانت
وطاعتکزاری ایله موصوف ونیك سیما اولمغله معروفدر • لاجرم شوکتلو
مقتضای غیرت دین مبین • وحمیت شرع متین سید المرسلین دن ظهوره
کتوریلوب • طایفه قزلباش بدمعاشك ازاله سی بابنده اقدام واهتمام
اولنکه حضرت خدای رب العالمین • فرقه مسلمین وزمره موحدین
مجاهدینه • دائما ناصر ومعین اولمق محققدر • اکا کوره سعی جمیلکز
مبذول قلنه • اسباب دولت واقبال وسعادت واجلال بعون
ایزد متعال متزاید ولایزال باد برب العباد • حرر فی ذی الحجه سنه ٩٦٧

مشار الیه خان طرفندن صادر اولان اخلوص نامه یه یازلان جواب نامه در

عتبه علیه جلیل المقدار • وسده سنیه جلیلة الآثار مرجع ملجا سلاطین
کوزین ذوو الاقتدار • ومرجع خواقین عدالت آیین اولی الافتخار ردن نامه
نامه صداقت دثار • وصفوت شعار ایله عمدة الاقران والامثال مخبر
یکزدن قتلق فولادی ذید قدره بیار رسالد قلوب • جناب فردوس آشیانه

عبیدالله خان ومجاور روضه جنان عبد العزیز خان علیهما الرحمة
والرضوان • استان رفیع البنیانمزله سوالف اواندن • وسوابق زماندن
کمال موالات وحسن مصافات اوزره اولوب • مکاتبات مودت غایات
ومخاطبات محبت آیات ایله • کیفیات حال سعادت اتصال • وخصوصیات
آباك دولت مآل • انهاسندن انقطاع وانفصال کوسترمیوب •
نیت عالی همتلری • سلاطین ممالك اسلام • وخواقین عدالت ارتسام
میاننده علی الدوام مرافقت واتحاد • وموافقت ووداد ایله • کافه
عباد اوزرندن ارباب کفر وعناد • واصحاب بغی وفسادك شر وشور
وضرر وفتورلری مدفوع ومهجور • ورایات دین مبین بلند وسرافراز
وشعائر شرع متین منتشر وممتاز اولوب • ظل صیانت وکنف حمایتلرنده
جمله مسلمین وکافه موحدین • فراغ بال ورفاه حال ایله • ادعیه دوام
عز واقباللرینه اشتغال اوزره اولمق ایدی وکیت احدام ایلیوب جملکزك
مرکوز اولان قوت دیانت واسلامکز • اقتضاسیله عادت مرضیه
آبا کرام • وقاعده سنیه اجداد عظامکزه اقتفا ایلیوب • ایام سلطنت
وهنکام امارتکز تحصیل اجر جزیله مصروف • وهم وهمتکز اکتساب
ثواب جمیله معطوف قیلوب • بو بابده بارکاه عدالت دستکاهمزدن
اعانت وامداد استدعاسی انها وایما اولنمش • کتاب مستطابکز ورودی
باعث وقت نامعدود اولوب • مضمونه محبت مقروننده مخزون ومکنون
اولان خلوص طویت • وصفای عقیدتکز علم عالم آرامزه واضح • ورأی
جهان نمامزه باهر وساطعدر • آبا نخامزله اولان روابط محبت
وآشنایی وقواعد مودت ودوستی مؤکد وممهد اولوب • مرور سنین
وشهور • وکرور ایام ودهور ایله تغیر وتبدل وتعطل وتحول احتمالی
منقطعدر • ضمیر منیر صفا ودیانت اتصافکزه پوشیده اولمیه که
انظار کیمیا آثار مز جناب دولت انتسابکز قبلنه اولماغی موجب وتقیید
توارد رسل ورسائل • وترادف کتب ووسائل منفصل ومنقضی اولمیه •
درکاه عالمپناهمزدن طهماسب شاه صلح وصلاح استدعا ایتمکین •
اللرم لحسان اولنان امان استان جلادت عنوانمزله مصافات
اوزره اولان خانات کامران وسلاطین عالیشانه دوست اولمق وزره
اولنمشدر • انلر جانبندن دیار جلیل الاعتبار یکزه متعلق اولان
بلاد وسلمینه تعرض وتجاوز اولنمغه رضای شریفمز یوقدر • ابلداو لسه
مأمولدر که همیشه وقایع حالات بابرکاتکزی جانب سعادتمز احمه

بلدرمه دن غفلت اولنمیه • ورفاهیت انام لوازمنه اهتمام تام مبذول ومصروف بیوریلوب تحصیل معاشی وفق امنیه دقیقه فوت اولنمیه که مأجور اولندیغی محققدر

اوزبک حاکمی عبد الباقی خانه یازیلان نامه در

جناب معالی مآب عوالی نصاب سعادت مناب سیادت قباب • جامع آیات نصفت ودینداری رافع رایات ابهت وکامکاری • حامی حوزه سنت وجماعت • ماحی آثار بدعت وضلالت • مستجمع خصائل جمیله وداد کستری • مستتبع شمائل پسندیده سروری • مشید ارکان دین مبین • فرمان فرمای ممالك توران زمین • المختص بمزید عنایة المهیمن المنان • نظام الدولة والحکومة والاقبال والشوکة عبد الباقی خان اطلع الله تعالی بدور دولته من مشارق العز والاجلال • وصان شموس سعادته عن طوارق الکسوف والزوال صوبنه طرایف تحیات صافیات تحت قرین • ولطایف اثنیه وافیات مودت رهین • که محض وداد قدیمی وعین اتحاد صمیمی دن منبعث اولور • قوافل موالات • ورواحل مصافات ایله ابلاغ واهدا اولندقدن نصکره • انهاء رأی خورشید جلا اولدرکه آبا عن جد • اسنان شامخ البنیات • وراسخ الارکان ایله منعقد اولان علاقه طینیه • واتحاد دینیه واسطه سیله عمده خدام واجب الاحترامکزدن مفخر الاماثل والاقران الحاج عبد الباقی • درقت سلوك ایدنك نامه صداقت احتوا • وبا نجه ضمیمه اولنان هدایا عز حضور فایض الحبورمزه وصول • وحسن مطالعه مز ایله مقارنتله شرف قبول بولوب • مضمونلرنده مندرج اولان معانی مخالصت • ومبانی مصادقت ازه یاد وداده باعث وامتداد اتحادی مورث اولمشدر • وسابقا مرحوم ومغفور له جنت مکان فردوس آشیان جد امجدمز سلطان سلیمان خان علیه الرحمة والغفران زماننده سمرقند وبخارا حاکمی اولان مرحوم براق خان • بعض اعداسنك دفع وازالهسیچون طوب وتفنك ایله امداد اولنمق رجا ایلدکده مأمولاری قبول • وموقع اسعاده موصول اولوب کذلك مرحوم ومغفور له • راقد مراقد جنان • وصاعد مصاعد رحمت رحمان • والد ماجدمز سلطان مراد خان • تغمده الله تعالی بانواع الکرامة والرضوان • زماننده دخی دمور قپو طرفندن مرحوم عبد الله خان طوب وتفنك ایله مساعده ورعایت مراسم معاهده اولنمغله • زمان سعادت افزامزده بر مبلغ عدد طوب وتفنك ارسالی مرادکز فؤادکز اولدوغی بالمشافهه تقریر ایتدکن قدیم الایامدن انعقاد

وورود اعوام ایله طرفیندن اشتداد بولان • مراسم محبت مراعاتی ولوازم مودتك مکافاتی ایچون ممکن اولدوغی مقداری طوب دشمن کوب • وتفنك صاعقه آهنك • ویرلمك باباننده شروان بکلربکیسنه امرهمایونمز صادر اولمشدر • انلك کبی طوب وتفنك لازم اولدقده شروان بکلربکیسنه مکتوب وداد مصحوب کوندره سز که اکوب اولجانبه ایصال ایلیه • ومن بعد دخی ابواب مراسلات کشاده اولنق واسباب مکاتبات آماده طوتلق مأمولدر وباقی احوال ناقل نامه مودت شمامه نك تقریرینه

محولدر • باقی همیشه جهان بکام

وعزت ودولت مستدام

باد •

وزیر اعظم نصوح پاشایه هبة اولنان قری ومزارع ملك نامه‌سیدر

شان همایون اولدر که چون سلطان بی وزیر ممالك فسیحة الفضای
منشور لامع النور سلطنت واقبال ابدی الاتصالی طغرای غرای
بهجت افزای ان الارض لله یورثها من یشاء ایله موقع وخداوند
بی نظیر عوالم وسیعة الارجای فطرت واختراع تاج موزونك الابتهاج
خلافت واجلالی لالی عوالی کرانبهای وآتاکم ما لم یؤت احدا من العالمین
ایله مرصع ومحرر صنع ازلی چار دیوار رفعت کیوان اساس دولت روز
افزونمی کتابهٔ زرنگار انی جاعلك للناس اماما ایله تحریر ومصور ونزلی
طاق رواق فرقد مماس حشمت ابد مقرونمی نقوش بدیع الآثار
حسنت مستقرا ومقاما ایله تصویر ایلدی فلاجرم فحوای معجز نمای
ولئن شکرتم لازیدنکم موجبنجه بو نعمت متوالیة الفیضانك اجرای
مراسم شکر لازم الاداء ومعزای ترح زدای بالشکر تدوم النعم
مقتضاسنجه بو موهبت متتابعة الجریانك ایفاء لوازم حمد واجب
القضاسی ایچون رب اوزعنی ان اشکر نعمتك التی انعمت علی سنك نطوق
ادامتی ذمت عالی رتبت شاهانه‌مه امر مهم ورب هب لی ملکا لا
ینبغی لاحد من بعدی مصدوقنسنك اقامتی عهدهٔ همت والانهمت
پادشاهانه‌مه مفروض ومتحتم اولدوغنه بناء علی الدوام رشحات سحاب
مدرار عطا واحسانمله نهال آمال سکان اقطار واصقاع ربع مسکونك
سرسبز وتر ولمعات آفتاب فایض الانوار جود وامتنانمله زوایای
کاشانهٔ امانی خطات امصار وارباع کوه وهامونك روشن ومنور
اولدیغندن خصوصا رضیع دولت وربیب نعمتم اولوب خدمت حرم
فلك احتشاممله مراتب علیه‌یه ارتقا وتنایج تربیت دودمان سدیرمله
احترامم مناصب سنیه‌یه اعتلا ایدن وزرای عظام ووکلای
کرامیمدن حسن فراست ومزید کیاستیله حل وعقد امور دین ودولت
ورتق وفتق مهام ملك وملتده صرف مقدور وکمال شجاعت ونهایت
جلادتله حفظ حدود وثغور ودفع شرور فساد اعادیٔ پرشور ده هم
بذل جهد موفور وحمایت بیضهٔ اسلامده بذل مهج وارواح ومعارك
پر مهالك اعدا لئامده سرو سینه‌لرینی سپر سیوف ورماح ایدن

ارکان دولت قاهرهم واعیان سلطنت باهرهمك عطایای مراد فؤادلرینی
امتعهٔ عنایات واصطناعاتمله کرانبار وعواطف خسروانه وعوارف ملوکانه‌مدن
بهره‌دار اولمه‌لری عادت مألوفهٔ شهریاری وقاعدهٔ معروفهٔ تاجداران
اولمغین حالا وزیر اعظم ووکیل اقدمم دستور اکرم مشیر افخم نظام
العالم مدبر امور الجمهور بالفکر الثاقب متمم مهام الانام بالرأی الصائب
ممهد بنیان الدولة والاقبال مشید ارکان السعادة والاجلال مکمل ناموس
السلطنة العظمی مرتب مراتب الخلافة الکبری فراست شعار کیاست آثار
المحفوف بصنوف عواطف الملك الاعلی نصوح پاشا ادام الله تعالی جلوده
سن رشد وتمیزه یتدکده بروحرم همایونمزده صداقت واستقامتیله صرف
ایام عمر عزیز ایدوب وسیلهٔ صلاح وسداد ونتیجهٔ لیاقت واستعدادیله
مرتبهٔ وزارت وپایهٔ وکالته وصولی بولنجه اغور همایونمده سعادت مقرونمده
ظهور ایدن خدمات پسندیده‌سی ضیای خورشید کبی نمایان وسوابق
مجاهدات گزیده‌سی مرآت مجلای ضمیر منیرمده درخشان اولدوغندن
غیری آناطولی یقاسنده وعرب وعجم سرحدلرنده بغی وعناد وعدم انقیاد
اوزره اولان اعراب واکراد وسایر متمردین اهل فسادك گوشمالنده واستهلاکنده
واستیصالنده وشاه عجمك رجا والتماسیله گلان ایلچیلری آستانهٔ سعادتمه
گوروب طرفینك انعقاد صلح وصلاحنده واموردین ودولت علیه‌مك
تمشیت واتمامنده ومهام عظام سلطنت جلیله‌مك تنسیق وانتظامنده
صدور ایدن مجاهدات تام وساعی ما لا کلامی مستلزم التفات
کیمیا صفات ملوکانه ومستوجب عنایات اکسیر سمات خسروانه‌م اولمغین
حقنده خورشید عالمتاب عاطفت فراوانم درخشان وعمان کهربار
رأفت بی پایانم موجزن اولوب مزید مکارم خاقانی ومزیت مراحم جهانبانیمدن
بنا یندن خداوندکار سنجاغنده الخصا رناحیه‌سنده   بیك اقچه
یازر سویرات وبنی لواء من بورده قرم حصار ربعلتو ناحیه‌سنده
بیك اقچه یازر قریه‌یی دفاتر جدیده اجمال ومفصلده مقید ومسطور
اولان کلی وجزئی جملهٔ اعشار رجوبات ومحصولات شرعیه وعرفیه
ورسوم بناك ومجرد وباد هوا ویلوی زمین وحدود وسنورنده داخل
خارج ومرعالری واورینی مورودسی ایله وسایر توابع ولواحقی مضافات
ومرافقی ومجموع طیارات وعوایدی وعامر وغامری وبایری وجابرلیله
تماما ذکر اولنسون وخرا اولم یجز هبه وتملیك واحسان ایدوب
بو ملك نامه‌یی ویردم وبیوردم که ذکر اولنان قریه‌لر وجه مشروح اوزره

شارالیهك ملك محضی وحق صرفی اولوب • کیفما یشاء متصرف اولوب دیلرسه
صاتە واسترسه باغشلیه مراد ایدینورسه وقف ایلیه • اولبابده بنم
اعصان شجرهٔ سلطنت باهرم • وفروع دوحهٔ مکرمت ازخلافت
زاهرم اولاد امجاد عالی نژاد • واعقاب واخلاف نجابت استعداد
ووکلای دیوان جلیل العنوان • وارکان واعیان خاندان عالیشان
وامراء کرام • وحکام ذوی الاحترام • ودفترداران اموال • ومتصرفان
اعمال واشغال • وامنا وعمال • وغیری افراد انام وخاص وعامدن
برفرد مانع اولمیه • وبوجه من الوجوه دخل وتعرض قلمیه • هرکیم تغییر
وتحویل • وتبدیل وتعطیل ایدرسه عندالله الملك المعین عاد مجرم ذنب
اوله • شویله بیله لر ونشان موهبت نشان طغرای غرای جهانبانیله
معنون مضمونی • مصدق طوتوب علومت شریفه اعتماد قلهلر تحریرا فی

فرهاد پاشایه تملیك بیوریلان قریه‌لرك ملك نامه‌در

نشان همایون اولدرکه • چون حضرت مالك الملك عمیم النوال • جل عن
الشبیه والنظیر والمثال • جهت نعیم نعیم ما ینعم انعام وافضال احسن
کما احسن الله الیك • امرینی تقدیمده اهتمام عظیم بیوروب •
عطا وکرم وعاطفتی سخا ولطف ومکرمتی • الطف احاسن صفات
اصحاب دولت • اشرف محاسن ارباب جاه ومکنت قلمشدر • تاکیم
طیب طینت • سلیم فطرت اولان • اشخاص خواص • بو مزرعهٔ بریع الفوائد
لازم الفائده • زرع بر تبرع واحسان • وحرث خیر خبر وحسنات ایتمکله •
کندولره اولمقرر دائم الثبات ثابت البقاده • امداد زاد معاد اوله • بناء
علی ذلك • حالا بدور آسمان جلال واقبال اولان • صدور دیوان کیوان
ایوانمدن • دستور مکرم مشیر مفخم نظام العالم الخ فرهاد پاشا ادام الله تعالی
اجلاله‌نك • همیشه جل همت عالی نهمتی اوامر خالق مرعی • وامور خلق
مقضی اولمغه • مصروف ومعطوف اولوب • بنیان مبانی خیرات
وارکان قواعد صدقات • واسطهٔ رضای خالق • رابطهٔ دعای خلق
ایدوکی معلوم ومجزومی اولوب • ان احسنتم احسنتم لانفسکم • نحواسی
مقتضاسنجه • بناء مساجد ومعابد ایله امید فواید • رجاء عواید
ابدیلره منطوق لازم الوثوق • انما یعمر مساجد الله من آمن بالله • آثار
پربشارتیله مستعد اولمق قصدینه • نفس نفیسنی بوم • حسبة لله تعالی
وطلبا لمرضاة العلی • امت محمد کثیر المحمدت • فی الصبح والمساء • اداء فرائض
خمس ایدوب • اقامت موجب طاعت واطاعت • وادامت لوازم عبودیت

وعبادت

٢٨٦ ٤٦٤

وعبادت ایچون • معمار همت بلندرتبتی • بر لطیف شریف مسجد منیف
بنا ایلمشکه • خواص وعوام اهل اسلام • مواظبت اوراد دعا ومداومت
ابراد ثنا ایله • فی الصبح والاصال اشتغال ایدرلر ایمش • لکن ناحیه [illegible]
التحریر یلیچه یازمار قوان نام قریه‌نك محصولاتی مسجد مزبورده
اولان ارباب وظایفك صرف مصارفی ایچون کندونك تملیك اولنمسی
بابنده استدعای عنایت • واسترحام شفقت ایتمکین • شمول مرحمت
علیهٔ خسروانم • وعموم عاطفت جلیهٔ ملوکانم ایله مشارالیه بهره‌مند
وارجمند اولمق • مراسم قوانین دولت وکامکاری • ولوازم آیین سلطنت
وشهریاری • ولجبات سنن سنن مروت • ومفترضات مناهج
شرایع فتوت اولمغین • قریهٔ مزبوره بجملهٔ حقوق شرعیه • ورسوم
عرفیه سیله مومی الیهه تملیك واحسان ایدوب • بو ملك نامهٔ سعادت
عنوانی ویردم وبیوردمکه بعد الیوم ذکر اولنان قریه حدود معینه سیله
وسنوری ایچنده اولان خاص چفتلکی واراضی ومزارعیله وجبال و
وانهاریله • وعامهٔ حقوق ومرافقی وکافهٔ توابع ولواحقی • بوم وقفی
وبیت المال ومال الغایب ومال مفقودی • وباد هواسی وجرم جنایت
ورسم غنم وعلوفی • وباقی متوجهاتی ایله • بالجمله کافهٔ حقوق شرعیه
وعامهٔ رسوم عرفیه سیله • من کل الوجوه سربست ومفروز القلم
ومقطوع القدم مشارالیهك ملك محضی وحق صرفی اولوب • نسلا بعد نسل
وفرعا بعد اصل الی ان یرث الله الارض ومن علیها وهو خیر الوارثین
انواع وجوه ملکیت اوزره متصرف اوله • دیلرسه صاته واسترسه باغشلیه
ومراد ایدینورسه وقف ایلیه • اولبابده بنم اولاد امجاد دولت مداد
وانساب واعقاب حشمت شعار • ووزرای عالی مقدار • وعاکفان
آستان عزت قرار • وباقی زمرهٔ اکابر وافاضل • وجملهٔ اعالی واسافل
متصرفین اموال ومباشرین اعمالدن مقصد هیچ فرد • افراد آفرینشدن
کائنا من کان • مانع ودافع ورافع ومنازع اولمیه • ودخل وتعرض
ایلمیه • هرکیم تغییر وتبدیل • وتحریف وتعطیل ایتمك استرسه • فمن
بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه • وعیدینه مظهر اولوب
عندالله الملك الدائم • مجرم وآثم اولالر •

دارالسعاده اغاسی مصطفی اغایه ویریلن باغچه ملك نامه‌سیدر

نشان همایون حکمی اولدرکه • چون حضرت خداوند واهب الامال وجناب
مفیض الجود والنوال • تبارك وتعالی شانه • وعم علی العالمین بره وا

كمال لطف وعنايت • ونهايت جودبى غايتندن ساكنان معمورهٔ ارض •
ومتوطنان اطراف عالمى بالطول والعرض • فرمان قدرتوان وقضا جريانمه
منقاد ومطيع قلوب • ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات • فحواى منيفى
اوزره رايات سلطنت واجلالى • واعلام دولت واقبالى سلاطين ربع
مسكون • وخواقين قرون حشمت مقروننك برتر • ورفيع ايلدى • الحمد لله
الذى هدانا لهذا • لاجرم بو آلاى والاى سبحانى • ونعماى بى منتهاى ربانينك
اداى مراسم شكرى ايچون • ذمت عليهٔ شاهانه مه واجب ولازم اولديكه
عائدهٔ عاليانك حدايق آمالرى • فيضان سحاب جود واحسانمله دائما
مزهر ومخضر • وخاصة خدام حرم همايونمك چمنزار مقاصد ومرامى
رشحات الطاف بيكرانمله هميشه تازه وتر اوله • بناء على ذلك مدت
مديده دن برو • نهال طينتى وشاخ فطرتى اباء كرام • واجداد عظام انار الله
براهينهم • حضرتلرينك جويبار تربيت • وترشح خدمت مستوجب الرضاى
نشو ونما بولوب • بالفعل دار السعادتم اغاسى اولان رافع توقيع الجليل
مصطفى اغا دام علوه نك • مبادئ حالندن الى هذا الان • صداقت واستقامت
وجوده كتوردكى مساعى جميله سى ضمير منير خورشيد رخشانمه روشن
وعيان اولمغين • حقنده مزيد عنايت عليهٔ شاهانه • ومزيت رأفت
سنيهٔ پادشاهانم ظهوره كتوروب • بشكطاش اسكله سنده برطرفى
قره بالى باغچه سى وبرطرفى باغچه بى خط همايون سعادتمقرون ومملوك
مشار اليه • هبه وتمليك ايدوب • بو ملك نامهٔ همايونى ويردم وبيوردم كه
بعد اليوم ذكر اولنان باغچه ايچنده واقع بيوت متعدده وساير
ابنيهٔ عتيقه وجديده • مشار اليهك ملك محضى وحق صرفى اولوب •
كيف ما يشاء متصرف اوله • استرايسه صاة مراد ايدر ايسه باغشلايه
ديلرسه متصرف اوله • اولبابده اولاد امجاد واعقاب سعادت نصابمدن
ووزراى عظام ووكلاى كرام وساير اركان دولت قاهره واعيان حشمت
باهرمدن • ودفترداران اموال ومباشرين وعمالدن بوجه من الوجوه
كمسنه دخل وتعرض قلميه • ومانع ودافع ومزاحم اولميه • اكرم ورابام ايله
هركيم تغيير وتبديلنه اقدام وابطال وتحريفنه اهتمام ايدرسه • فانما
اثمه على الذين يبدلونه • آيت كريمه سنك مضمون اعجاز مكوننده مندرج
اولان وعيد شديده مظهر وعند الله سبحانه عذاب مهين وكروه اثمين معدود ومحرور اوله
تحريرا فى غرهٔ جمادى الاولى
سنه ١٠٢٣

دار السعاده اغاسى رضوان اغايه وريلن اوك ملك نامه سيدر

نشان همايون حكمى اولدركه آستانهٔ سعادتمده بالفعل دار السعاده اغاسى
اولان رافع توقيع فرخنده فال شهريارى • قدوة الخواص والمقربين • عمدة
اصحاب العز والتمكين • رضوان اغا زيد مجده ركاب همايونمه رقعه رفع
ايدوب • بيت المال دوشندن براو وبرملك رجا ايتمكين • دوشندن ويرديكى
ديو خط همايون سعادتمقرونمله فرمان عاليشانم صادر اولوب • حالا
محميهٔ استانبولده شهزاده سلطان محمد خان طاب ثراه جامعى قربنده
ملا خسرو محله سنده برطرفى سپاهى عثمان ملكى ايله محدود اولان منزل
مقدما فوت اولان راضيه نام خاتونك ملكى اولوب • وارث معروفى اولمغين
بيت المال عائد ايكن • عبد الله اوغلى مصطفى نام بكيجى • فضولا تصرف
ايتمكله بيت المال حكم اولندوغندن • روم ايلى قاضيعسكرم اولان اعلم العلماء
المتبحرين • مولانا يحيى ادام الله فضائله • حجت شرعيه ويرد وكين بلدوروب
منزل مزبور خط همايون سعادتمقرونم موجبنجه كندوينه عنايت اولنمق
بابنده استدعاى عاطفت ايتمكين • مشار اليهك حرم محترمده سبقت ايدن
خدمات مبروره سى • مستوجب عواطف خسروانم اولمغين • حقنده مزيد
مرحمتم ظهوره كتوروب • منزل مزبورى خارجى وداخلى فوقانى وتحتانى
بيوت وحجرات متعدده سى وتوابع ولواحقى ايله • هبه وتمليك ايدوب
اشبو ملكنامهٔ همايونى ويردم وبيوردم كه بعد اليوم منزل مزبوره توابع ولواحقى
ايله متصرف اولوب • ملك محضى وحق صرفى اولوب • استرسه صاة ديلرسه
باغشلايه مراد ايدرسه وقف ايليه • اولبابده اولاد امجاد عالى نژادمدن
ووزراى عظام ووكلاى كرامدن وقضاة انام ودفترداران عاليمقامدن
ومتصرفين اموال ومباشرين اعمالدن برفرد دخل وتعرض ايليه • وتبديل وتغيير قلميه •

سلحدار حسين اغايه باغچهٔ پادشاهى هبه سنده ملك نامه سيدر

نشان همايون اولدركه • بناء على هذا • متوفى وزير ظهير نصوح حسين پاشانك
محميهٔ غلطه قضاسنه تابع قورى چشمه قربنده • لب درياده واقع اولوب
برطرفى قپاپاشا اوغلى مصطفى پاشا باغچه سنه • وبرجانبى طريق عامه
وبرجانبى دريايه منتهى اولان باغچه سى • حدود مذكوره داخلنده اولان
فوقانى وتحتانى اوطه لرى وحمامى وماء جاريسى • وطريق عامك اوستى
بابنده اولان صو مخزنى ايله • ومزبور باغچه نك اوست يانندن دامنه
كوهساره واقع اولوب • برطرفى مذكور قپاپاشا اوغلى مصطفى پاشا باغچه سى
وبرطرفى طريق عامه • وبرطرفى محمد رئيس باغچه سنه منتهى اولان باغ وزرايله
مقدما خاصهٔ همايونم ايچون ضبط اولنمشدى • حالا متوفاى مومى اليهك

٤٦٤٥٨٧

٨٦٤٢٨

قرنداشی اولان رافع توقیع رفیع الشان خاقانی؛ افتخار الخواص والمقربین
مختار اصحاب العز والتمکین؛ معتمد الملوک والسلاطین؛ انیس الحضرة
السلطانیه؛ جلیس کدولة الخاقانیه؛ المختص بمزید عنایة خالق الکونین
سلحدارم اولان حسین؛ دام علوه حالا عنایت حضرت معبود ایله ظهور
و وجوده کلان فرزند ارجمند اسعد عزت شعار؛ دولت دثار؛ محض
لطف الله المنان؛ اوغلم عثمان؛ طال بقاه نک ولادتی مژده سن؛
جناب جلالت مآبم دولت وسعادت ایله قلوریز باغچه سنده ایکن؛
مسامع علیه مه القا ایتمکله انواع بهجت وسرور؛ واصناف فرح وحبور
باعث اولمغین؛ حقنده مزید عواطف علیه شاهانم؛ ومزیت عوارف
سنیهٔ پادشاهانم ظهوره کتوروب؛ ذکر اولنان باغچه ده بیوت وحمامی
وماء جاریسی وصو مخزنیله؛ واوسنه یاننده اولان باغچه لر ایله مشار الیه
سلحدارمه خط همایون سعادت مقرونمله تملیک واحسان ایدوب؛
بو ملکنامهٔ همایون موجبنجه ویردم وبویوردم که؛ بعد الیوم ذکر
اولنان باغچه واولر وحمام وماء جاری وصو مخزنی وباغچه نک اوکنده اولان
اسکله سی؛ واشجار مثمره وغیر مثمره سیله وباغلریله مما ذکر اولم یذکر؛
وتوابع ولواحقیله بجملة الوجوه؛ وکافة الحقوق؛ مشار الیه سلحدارمک
ملک محضی وحق صرفی اولوب؛ دیلرسه صاته استرسه باغشلیه مرادی
ایدینورسه وقف ایلیه کیف ما یشاء تصرف ایلیه؛ ذکر اولنان اولر وباغچه لر
جنت مکان فردوس آشیان جدم سلطان بایزید خان علیه الرحمة
والرضوانک؛ وقفلری اوزرنده واقع اولوب؛ مشار الیه حسین پاشا
مقاطعه سن وقف جانبنه ادا ایتدوکی اوزره مومی الیه سلحدارم دخی
سال بسال متولیسنه اجاره سنی ادا ایلیه؛ اولبابده بنم اولاد امجاد
عالی نژادم مدت؛ ووزرای عظام ووکلای فخام؛ الی آخره

خادم خواجه اسمعیل آغایه ویریلان مزرعه ملک نامه سیدر

نشان همایون حکمی اولدر که؛ چون حضرت قادر وهاب؛ وجناب
پروردکار مسبب الاسباب؛ تعالی شانه وعم احسانه؛ آستانهٔ سعادت
آشیانمی؛ مرجع وملاذ سلاطین آفاق؛ وباب دولت نصابمی؛ مقسم
ارزاق اصحاب استحقاق ایلدی؛ الحمد لله الذی هدانا لهذا؛ فلاجرم
شکراً علی تلک النعم؛ ذمت علیه شاهانمه اهم والزم اولدی که؛ ابواب
الطاف واحسانم؛ عامهٔ خلق عالمه مفتوح وکشاده؛ واسباب جود
وانعامم کافهٔ بنی آدمه حاضر وآماده اولوب؛ خصوصا حرم محترممده

٨٩٤٦٥

پروردە وحاصل؛ ولیاقت واستعداد ایله مرتبهٔ محرمیته واصل اولنلر
همیشه عنایت علیهٔ خسروانمله بهره مند؛ وعطیات ملوکانه مله
سربلند اولەلر؛ بناء علیه حرم همایونمده کمال زهد وتقوی ایله اقراننده
ممتاز؛ ومزید علم وذکا ایله بنی نوع عندنده سرافراز اولان؛ رافع توقیع
رفیع الخ اسمعیل دام علوه نک؛ کمال علم وفضیلتی؛ وروز بروز رضای
همایونم اوزره اولان انواع خدمتی؛ مستلزم التفات کیمیا صفات
ملوکانەم؛ ومستوجب عنایات اکسیر سمات خسروانەم اولمغین؛
حقنده مزید عاطفت شاهانم ظهوره کتوروب؛ خواص قسطنطنیه
مضافاتندن مدرس کویی قربنده مصطفی پاشا چفتلکی اراضیسندن
دیمکله معروف اوزبا شی چایری بر طرفی طریق عامه وایکی
طرفی شیخ الاسلام ناظرلرینه منتهی اولوب؛ دورت مد تخم آلور مزرعه یی
خط همایون سعادت مقرونمله مشار الیهه تملیک ایدوب؛ بو ملکنامهٔ
همایونی ویردم وبویوردم که بعد الیوم ذکر اولنان اراضی مشار الیهک
ملک محضی وحق صرفی اولوب؛ ملکیت اوزره متصرف اوله؛ استرسه
صاته دیلرسه باغشلیه مراد ایدینورسه وقف ایلیه؛ اولبابده
کواکب بروج سلطنت وجهانبانی وجواهر اصداف خلافت وکامرانی
اعنی اولاد امجاد سعادت تمادم؛ واخلاف واعقاب حشمت شعارم؛
ووزرای عالیمقدار؛ وارکان دولت بلند اقتدار؛ ودفترداران اموال
ومباشرین اعمالدن وبالجمله افراد آفریندن بر فرد؛ بوجه من الوجوه
وسبب من الاسباب؛ مانع ودافع ومزاحم ومنازع اولمیه؛ وتبدیل
وتغییرایتمیه؛ تغییرینه هر کم سعی ایدرسه؛ فمن بدله بعد ما سمعه
فانما اثمه علی الذین یبدلونه؛ مفهومنه مظهر اولوب؛ عند الله الملک الدیان
مجرم وآثم اوله؛ تحریرا فی

قاضیعسکر اسعد افندیه ارض خالیه ده احیا وآباد ایلدکلری ویریلان ملکنامه در

نشان همایون حکمی اولدر که؛ چون حضرت خالق البرایا؛ ومعطی النوال
والعطایا؛ الذی یحیی الارض بعد موتها؛ جل شانه وتعالی؛ وعم احسانه
وتوالی؛ علمای عالیمقدار؛ وفضلای ذوی الاقتداری؛ واولوا العلم قائماً
بالقسط؛ توصیفی ایله اعزاز؛ هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون
نص شریفی ایله ممتاز؛ وسرور انام؛ علیه صلوات السلام الی یوم القیام
کلام اعجاز بیانی؛ العلماء ورثة الانبیاء؛ ایله مشرف وسرافراز ایلدی؛
لاجرم ارباب علم ویقین؛ واصحاب فضل مبین؛ که اشرف طوایف امم؛

والطف جمیع بنی آدمدر کما ینبغی توقیر واکرام وتعظیم واحترام لرینه
اهتمام ایتمك سنت سنیهٔ شهریاری وقاعدهٔ پسندیدهٔ بختیاری دندر
بناءً علی ذلك سابقا روم ایلی قاضیعسکری اولوب حالا متقاعد اخیاردن
رافع توقیع رفیع الشان خاقانی وناقل یرلیغ بلیغ واجب التبلیغ سلطانی اعلم
العلماء المتبحرین افضل الفضلاء المتورعین ینبوع الفضل والیقین حلال
المشکلات الدینیة کشاف المعضلات الیقینیه مصباح رموز الحقایق
مفتاح کنوز الدقایق وارث علوم الانبیا حارث فنون الاذکیا سعد الدین
والدنیا مخزن اسرار الهی منبع معارف نامتناهی اسعد صباح وارشد
نجاح معدن الصلاح والفلاح المحفوف بصنوف عواطف الملك الصمد
مولانا اسعد دام الله تعالی افضاله وانا له ما سأله بوندن اقدم قوجه ایلی
سنجاغنده ناحیه سنده امر شریفمله احیا وآبادان ایدوب
کیفما یشا تصرف ایتمکه اذن ویریلوب مشار الیه ذکر اولنان محلده مال
وامك صرف وباغ وباغچه غرس ایتمکله احیا وتعمیر ایلیوب حالا مشار الیه
احیا ومعمور ایلدوکی موضعی وجوه خیراته وقف ایتمك مراد ایدینوب
اولبابده اذن همایونم مقارن اولمسی رجا ایلدوکی تلخیص اولوب
پایهٔ سریر اعلامه عرض اولنمغین ارض موات حقنده ملکها لمحییها
باذن الامام فحواسنجه خط همایون سعادتمقرونمله اذن شریفیم
ارزانی قیلوب بو نشان سعادت عنوانی ویردم وبیوردم که مشار الیه
مقدما وجه مشروح اوزره بیت المال جانبنه رسم طپو ویروب
مالیه طرفندن امر شریفمله اولوب احیا ایلدوکی محل مزبوری هر سنه
بیت المال تقدیر اولنان بیك اقچه مقطوعنی ادا ایتمك اوزره دیلدوکی
خیراته ومراد ایندوکی جهاته وقف ایلیه اولبابده بنم اولاد
امجاد عالی نژاد واعقاب وانساب عزت اکتسابمدن و وزرای عظام
ووکلای فخام ومیرمیران کرام وامرای ذوی الاحترام وقضاة وحکام
ونظار وعمال وامنا اموالدن وغیریدن محصلو افراد آفریده دن
فرد کائنا من کان بوجه من الوجوه وسبب من الاسباب مانع ودافع
اولمیه ودخل وتعرض قلمیه تغییر وتبدیل ایلمیه هر کیم تحریف وتغییر
وتبدیل وتعطیل ایتمك استرسه فانما اثمه علی الذین یبدلونه
وعیدینه مظهر اولوب عند الله الملك الدایم مجرم وآثم اوله لر تحریرا

سیواسی شیخ عبد المجید افندی یه ویریلان مزرعه ملك نامه سیدر

نشان همایون حکمی اولدرکه چون جریان جویبار عاطفت شاهانه

وفیضان

٤٩٢

وفیضان چشمه سار مکرمت کاملهٔ پادشاهانم عامهٔ عباد خلوص نهاد
وکافهٔ عباد صافی فؤاد حقلرنده نیل روان وسیل وان کبی جاری اولمق
عادت حسنهٔ شهریاری وقاعدهٔ مستحسنهٔ جهانداری در فلذلك بالفعل
محمیهٔ استانبولده والد ماجدم جنت مکان سلطان احمد خان علیه الرحمة
والرضوان جامع شریفنده واعظ وناصح اولان شیخ شیوخ عصر واوان
رافع توقیع رفیع بدیع تبیان افتخار العلماء المفسرین مختار الفضلاء المحدثین
زبدهٔ زمرهٔ واصلین عمدهٔ فرقهٔ کاملین منبع عرفان توحید مظهر فیوضات
رب مجید المنظور بفضل الله العزیز الحمید مولانا سیواسی شیخ عبد المجید
دام فضله وافضاله وزاد رشده وارشاده درکاه عالمپناهمه قلان انهاسنده
عرضحال کوندروب بوندن اقدم بیك کرم بی پایانمدن مشار الیهك تربه‌کی
باغچه سنه جریان ایچون عنایت واحسان ایلدیکم صودن کندو ارادت
واختیاریله بر مقداری افراز اولنوب دخی طلباً لمرضاة الملك الباری
حضرت ایوب انصاری محله لرندن نشانجی محمد پاشا محله سنه وجامعنه
جاری اولمق ایچون وقف وتخصیص ایلیوب الی الان استمرار جاری اولوب
اهالی محله وجماعت مسلمین مستفید لر اولوب لکن صویولی تعمیره محتاج
اولدقده کندوده وجامع مزبور وقفنده طاقت اولمغله تعمیرینه کلی
احتیاج چکیلوب صویوللرینك تعمیر وترمیمی ایچون بر وقف معینه محتاج
اولدوغندن وبولی سنجاغنده حضربك الی ناحیه سنده دفتر جدید
خاقانیمده بیك سکز یوز اللی درت اقچه یرازلو وجه نام مزرعه وتوابعی
کسنه نك وقف معینی ومشروطی اولمیوب سلاطین ماضیه ازمنه سنده
اولوب علمادن اولنلر برات عالیشانیله متصرف اولمه لریله والد ماجدم
مرحوم ومغفور له سلطان احمد خان اسکنه الله تعالی فی غرف الجنان
خط همایون سعادتمقرونلریله عزیز موی الیه بروجه تأبید
توجیه وتقلید ایدوب یکرمی التی سنه دن متجاوز برات عالیشان
ایله متصرف اولوب حالا ذکر اولنان صویولی تعمیر واحیاسی ایچون
تعیین اولنمق بابنده فراغ نامه کوندروب ما فضل محصولی تکیه سنده
اولان فقرایه طعامیه اولمق اوزره استدعاء عنایت اولنمغین
وقف مستقلات اولمیوب قری ومزارع اولمق
زمان اولنلرك رأی عالم آرالرینه مفوض اولمغله بن دخی ذکر اولنان
مزرعه نك محصولنی احسان اولنان صویوللرینك مرمت وتعمیری
ایچون تعیین وتخصیص وتبیین وتنصیص ایدوب دفتر اجمال

نشان بجی قلیله تصحیح اولنددوغی اوزره سربستلک ایله منوح الحیات عزیز
مثار الیهه • بعده اولاد واولاد اولادی متصرف اولمق اوزره بو برات
عزت آیات موهبت غایاتی ویردم وبیوردمکه • بعد الیوم ذکر اولنان
مزرعه وتوابعنک ممتاز ومعین سنوری داخلنده اولان قنلو وجبالی
واعشار شرعیه ورسوم عرفیه وطبارات • وطبوی زمین وباقی متوجهاتی
وجزئی وکلی محصولاتی • وجرم جنایاتی هرنه ایسه • مما ذکر اولم یذکر سربست
اولمق اوزره کندوسی • بعده اولاد واولاد اولادینک الی یوم الدین اولوب •
تأبید ایله تصرف قیلوب • صو بولنوب خرج اقتضا ایلدکجه خرج وصرف
وتعمیر واحیا اولنوب • باقی قلدون محصولنکه سنده اولان فقرا ودرویشان
طعامیه اولوب • اولیا بدرع بنم اولاد امجاد دولتمدن • وانساب واعقاب
حشمت شعارم • ووزرای عالی مقدار • ووکلای جلیل الاعتبار دوعا کفایه
آستان سعادتم نشانده اولان عشایر وقبایل • وباقی زمره اکابر واشراف
وجمله اعالی واسافل • متصرفین اموال ومباشرین اعمالدن محصلا هیچ
فرد افراد افریده دن کائنا من کان • وکیفما کان • مانع ودافع ورافع
ومنازع اولمیه • دخل وتعرض قلیه • وتغییر وتبدیل ایلمیه • هرکیم تغییر
وتبدیل وتحریف وتعطیل ایمک استرسه • فمن بدله بعدما سمعه فانما اثمه
علی الذین یبدلونه • مفهومنه مظهر اولوب عند الله الملک الدائم مجرم واثم اولنلر

شیخ حبیب افندی یه ویریلدن قریه نک ملکنامه سیدر

نشان همایون اولدرکه • چون کلام معجز نظام حضرت رسول مدنی •
من اکرم عالما فقد اکرمنی فحواسنجه رعایت سادات کرام • وحمایت
مشایخ وعلماء سید الانام • علیه افضل الصلوات واکمل السلام قاعدهٔ قدیمه
خواقین عظام • ولازمهٔ آیین شاهان والا مقامدر اولمغین • بنا علی ذلک
دارنده توقیع رفیع شان خاقانی • ونمابنده یرلیغ بلیغ مکرمت عنوان
جهانبانی • قطب العارفین زبدة الواصلین • سالک طریق دین مبین •
واصل مقام علیین • حسیب ونسیب مولانا شیخ حبیب • دامت مبانی
وزاد ارشاده زیور علم وفضل ایله آراسته • وحلیهٔ زهد وتقوی ایله
پیراسته • کاسب کرامات لدنیه • ناقل تفاسیر واحادیث نبویه •
دعا سندن استمداد اولنجق پیر وعزیز اولدوغندن ماعدا • عامهٔ
جماعت مسلمین • وجمله گروه سالکین مواعظ ونصایحندن مستفید
اولوب • لکن جهت معاشنده مضطرب الحال اولدیغی أرض روم
بکلربکیسی ودفترداری مکتوبلریله اعلام ایلدکلرنده • قرم حصار شرقی

سنجاغنده

سنجاغنده ناحیه سنده بیک بشیوز آقچه یه یاز طور غودلو نام قریه
خواص همایونمدن اولوب • جبل عظیمده واقع اولمغله خالی وخراب اولوب
مومی الیه طلبی ایله شنلدوب ملکیت اوزره متصرف اولمغچون الندہ اولان
محرر تذکره سی • برات شریفم اولمق رجاسنه عرض ایلدکلری پایه سریر
اعلامه تلخیص اولنمش قده • قریهٔ مزبوره یی خط همایون سعادتمقرونمله
مومی الیهه • واولاد واولاد اولادینه نسلا بعد نسل • وبطنا بعد بطن •
هبه وتملیک ایدوب • بو نشان همایون سعادتمقرونی ویردم وبیوردمکه
بعد الیوم قریهٔ مزبوره یه مومی الیه واولادی واولاد اولادی متصرف
اولوب • دیلرسه صاته واسترسه وقف ایلیه ومراد ایدنورسه
باغشلویه • اولیا بدع اولاد امجاد مدت ووزرای عظام مدت برفرد مانع
اولمیه • هرکیم تغییر وتبدیلنه مجد وساعی اولورسه عند الله الملک الدائم مجرم واثم اوله لر

شیخ شجاع حقنده عنایت بیوریلدن اوله ملکنامه سیدر

نشان همایونم اولدرکه • چون رعایت مشایخ وزهاد • وحمایت صلحا
وعباد • موجب حصول مقصود ومرام • وباعث نیل امانی فؤاددر •
بناء علی ذلک دوام دولت واقبال • وقیام سعادت واجلولم ایچون
فی الغدو والآصال • ادعیهٔ اجابت مآله • مداومت واشتغال اوزره
اولان خاصه دعاجیلرمدن • رافع توقیع رفیع ومنشور موجب السرور
وناقل یرلیغ بلیغ بدیع التبلیغ مستوجب الجود • قدوة الصلحا السالکین
عمدة الاتقیاء الناسکین • منبع اسرار الهی مطلع انوار نامتناهی •
شیخ الشیوخ الاکابر • وارث التقوی کابرا عن کابر • سالک مسالک
الهدی • مالک ممالک التقی • المختص بمزید عنایة الملک الاعلی • جاذب
القلوب والطباع • شیخ شجاع • زید تقواه • ونشر له ثناه • خلاصهٔ
اعمار ونفایس دوزگاریمی • صلاح ودیانت وزهد وعبادته خرج وصرف
ایدوب • معامله خدا ایله استیناس ایتمش متبرکة الانفاس بر عزیز
صاحب تمیز اولوب • هر وجهله وفور عنایت سلطانی وکمال عاطفت
خاقانی یه لایق ومستحق اولمغین حقنده مزید عواطف علیه شاهانه
ومزیت عوارف سنیهٔ پادشاهانم ظهوره کتوروب • دار السلطنة العلیه
محروسهٔ قسطنطنیه محله سندن کل جامعی قربنده • مولانا خسرو محله سنده
واقع اولوب • ترسانه عامرهم کتخداسی ایکن • مدتلو سنجاغی عنایت
اولنان محمد دام عزه دن جناب جلالت مآبم طرفندن
اقجه یه اشترا اولنان اورلری حجت شرعیه سنده مقید ومعین اولان

جمیع حدودی و توابع و لواحقیله مولانا شاه رالهه قدس سره تملیک
واحسان ایدوب بو ملکنامهٔ همایون مسرت مقرونی ویردم و بیوردم که
بعد الیوم ذکر اولنان اولر نوا بعیله موی الیهک نسلا بعد نسل وفرعا
بعد اصل الی ان یرث الله الارض و من علیها ملک محضی و حق صرفی اولوب ٤٦
دیلرسه صات استرسه باغشلویه مراد ایدنورسه وقف ایدیه وبالجمله
سایر املاک شرعیهسی کبی کیفما یشا تصرف ایلیه اولبابده اولاد امجاد عالی
نژاد مدت و وزرای عظام و امرای کرام مدت و قضاة و حکام و ولاة انامدن
و متصرفین اموال و مباشرین اعمالدن غیری هیچ احد کائنا من کان و کیفما کان
بوجه من الوجوه و سبب من الاسباب و نوع من الانواع مانع و دافع و رافع
و منازع اولمیوب دخل و تعرض ایتمیه لر دخل ایتمک استینلری حاکم الوقت
منع و دفع ایدوب ممنوع اولمیانلری بازوب عرض ایلیه لر شویله بیله لر

والده سلطانه تملیک اولنان قری و مزارع ملکنامه سیدر

نشان همایون حکمی اولدر که چون بحوای عنایت احتوای آیت و بالوالدین
احسانا موجبنجه مادر و پدر سعد اختر احسان و انعام و عزت و لا تقل
لهما اف ایله اعزاز و اکرام و حرمت و لا تنهرهما ایله توقیر و احترام و تحف
و کلمهٔ طیبه و قل لهما قولا کریما مقتضاسنجه خاطر عاطرلری لطف کلام
و حسن پیام ایله تطییب و رضی الرب فی رضی الوالدین حدیث شریفی اوزره
ارضا و ترحیب قلنمق باعث تضاعف دولت دنیا و بادی ترادف
سعادت عقبی اولدوغنده شک و مرا اولمیوب و نص شریف تربیت
الیف و قل رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا و فقنجه ذات بخته صفاتمز
عالم صبادن عنفوان شبابه دکین حسن تربیتلریله مربی و نهال وجود
بهبود سلامت نمودمز زلال مهر و محبت و کمال میل و شفقتلریله نشو
و نما بولمغین بندنجه و اخفض لهما جناح الذل من الرحمة امر شریفنه امتثالا
طائر مراحم علیهٔ شاهانه و همای مکارم سنیهٔ پادشاهانه نک بال ابتهال
و جناح تواضع و ابتذالی فرط مرحمت و محض عاطفت و رأفتندن
والدین سعادت منزلین ایچون بسط ایدوب و الجنة تحت اقدام الامهات
و من رضی عنه والداه فانا عنه راض و بونلردن غیری رضاء والدین
مکرمین و رعایت حقوق ابوین معظمین امرینه نیجه مواضع فواید
مجامعده آیات کریمه و احادیث شریفه واقع اولمغین دارینده منشور
مستوجب السرور و نمایندهٔ برلیغ بلیغ مورث الحبور صندوف دن
شهریاری کان گوهر تاجداری شجره ثمرهٔ حدیقهٔ بختیاری گلبن غنچه

گلزار

گلزار کامکاری جناب ستیرة المخدرات الکلیلة المحصنات تاج المستورات
رفیعة الدرجات بانیة مبانی المبرات صاحبة الخیرات و الحسنات ذات
العلی و السعادات المحفوفة بصنوف عواطف الله الباری النسمات حضرت
والدهٔ عزیزم صفیه سلطان حفظها الله الملک المستعان عن نوائب
الایام و الازمانات حقلرنده مزید عواطف علیهٔ شاهانه و مزیت عوارف
سنیهٔ پادشاهانهم ظهوره کتوروب ولایت حلب و ولایت قرمان
و بیره جک سنجاقلرنده واغربوز سنجاغنده ملکنامهٔ همایونم
موجبنجه احسان اولنان خواصدن ماعدا مطلق ولایت روم ایلی
بیلت لجه بازار اوده پاره مقطوعسی اشبو سنه ثلثین
و الف قلونلک کوندن و ینه سیواس واقع اولان مذکور اوده
پاره و بوزده پاره رعایاسی کوچر قونار یورک طایفهسی اولوب
بلوق و قشلوقه کلوب کیدوب حرکت اوزره اولمغله واقع اولان
حقوق و رسوملری جمع اولنمقده حفظ اولنمز سنه مناسب و محل
و بوده ساکن اولاجق مکان اولمغله اضطراب چکلمکین حالا اوده
پاره رعایاسنک قشلاقلری انجده واقع اولان بکلر بکینک خاصلرندن
اولان ذیله نام قصبهنک قلعهسی خرینهحفظنه و بوده اوتورمغه زیاده
٤٩٨ ٤٦٩ مناسب اولمغین من بعد بکلر بکی دخل ایتممک اوزره نفس ذیله خاصلرنه
توابع و لواحقیله سنه کوندن ملکنامه آخر ایله
تملیک و احسان اولنوب بو ملکنامهٔ همایون موهبت مشحونی ویردم
و بیوردم که ذکر اولنان خاصلر و قری و مزارع و حقوق رسوم رعایا
و اولاد رعایا و جیمانه جماعتلرینک عشر غله حقی و سایر اعشار حبوبات
و عشر شیره و خراج باغ و باغچه و عادت اغنام و جزیه و اسپنجه
و رسم چفت و بناک و رسم کوواره و بوم و قاچقون و بیت المال عامه
و خاصه و مال مفقود و رسم عروسانه و جرم جنایت و باد هوا و سایر
رسوم سربستیه و تلول و جبال و انهار و اشجار و اراضی و صحاری
و طیارات و سایر متوجهات و بالجمله کافهٔ حقوق شرعیه و عامهٔ
رسوم عرفیهسیله مما ذکر و لم یذکر موی الیها و الدهٔ ماجدهٔ ملک
لله درها و خیرها و برها الی ان یرث الله الارض و من علیها و هو خیر
الوارثین ملک محضی و حق صرفی اولوب دیلرسه صاته استرسه باغشلویه
مراد ایدنورسه وقف ایلیه اولبابده بنم اولاد امجاد عالیجناب
و اعقاب و انساب عزت اکتسابمدن و وزرای عظام و وکلای فخام

وقضاة انامدن · وتصرفين اموال ومباشرين اعمالدن وغيريدن · محصلو
افراد افريدن هيچ فرد · كائنا من كان · وكيفما كان بوجه من الوجوه
ونوع من الانواع · مانع ودافع ورافع اولميه · وتغيير وتبديل وتحريف
وتحويل قيلميه · هركيم تبديل وتغيير ايدرسه · فمن بدله بما سمعه فانما
اثمه على الذين يبدلونه مقتضاسنجه عند الله الملك المعين · عداد مجرمين
وزمرهٔ آثمين دن معدود اولالر · شويله بيله لر علامت شريف عالم
آرايه اعتماد تام واعتقاد مالا كلام قيله لر · تحريرا في غرهٔ ذا شنبه ١٠٠٥

والده سلطانه خسروانه نعام بيوريلدن چفتلك ملك نامه سيدر

نشان همايون اولدركه · چون حضرت خداوند واهب الامال والمواهب ·
وجناب مفيض النوال والمراتب · جل شانه وتعالى · وعم الاوه وتوالي ·
كمال لطف وعنايت · ومحض جود عديم النهايتندن · جناب دولت
مآبمى · انا جعلناك خليفة في الارض · تشريفنه مخصوص قلوب منشور
لامع النور سلطنت واقبال ابدى الاتصالى طغراى غراى بهجت افزاى
ان الارض لله يورثها من يشاء · ايله موقع · وتاج مورث الابتهاج خلافت
واجلالمى لالى غوالى كران بهاى · واتاكم ما لم يؤت احدا من العالمين
ايله مزين ومرصع ايلدى · ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء · لاجرم بر مقتضاى
فحواى اعجاز نماى · لئن شكرتم لازيدنكم · بومواهب جليلة المناقبك
اداى مراسم شكر وسپاسى · وايفاء حمد بيقياسى ايچون ذمت همت عليهٔ
شاهانه مه · واجب ولازم وفرض ومتحتم اولديكه · عامهٔ عالميانك
حدائق آماللرى · فيضان جود واحسانمله مزهر · وكشتزار آمال آرزولرى
جويبار عواطف خسروانهم ايله مخضر ومثمر اوله · على الخصوص الجنة
تحت اقدام الامهات · كلام عاطفت سماتى كه · شان عزت نشانلرنده
وارد اولان امهات عصمت صفاتانك تعظيم واكرامى · وتشريف · ولا
تقل لهما اف · فحواى عزت احتواسى ايله مشرف قلنان · والديك توقير
واحترامى · شيمهٔ كريمهٔ پادشاهان عالى مقام · وعادت حسنهٔ خواقين
سعادت نظام اولمغين · بناء على ذلك داعيهٔ توقيع رفيع الشان خاقانى
ناقلهٔ بر بليغ نشرت تبليغ سلطانى · سيدة المخدرات الجليلة المحصنات
تاج المستورات ملكة الملكات رفيعة الدرجات ذات العلى والسعادات
صاحبة الخيرات والحسنات · بانية مبانى المبرات · قدسية الذات سنية
الصفات · مهر سپهر مهترى · برج عفتك سعد اخترى · صدف در شهرياري
كان كوهر تاجدارى · عظيمة الشان رفيعة المكان · المحفوفة بصنوف

عواطف الملك المنان · والدهم سلطان · دامت عصمتها وزادت
عفتها نانك · حقلرنده مزيد عوارف ملكانهٔ خسروانه · ومزيد عواطف
وافرهٔ پادشاهانم وجوده كتوريلوب · متوفى سپاهى الحاج رمضانك
اسكدار قضاسنده نام قريه ده عند الاهالى معلوم الحدود
اولان چفتلكى حدود وسنورى ايچنده اولان جمله اشياسى ايله · كما ذكر
اولنديكى · مرقوم الحاج رمضانك دينه طوتنه اشبو سنه خمس وخمسين
والف · محرم الحرامنك يكرمى اوچنجى كوننده خط همايون سعادتمقرونمله
هبه وتمليك ايدوب · اشبو ملك نامهٔ مسرت ختامهٔ موهبت علامه مى
ويردم وبيوردمكه · بو بابده خط همايون عز تموزملمه شرف صدور بولان
فرمان جليل العنوانم اوزره مشار اليها والدهٔ مشفقه ومكرمه م
دامت عصمتها وما برحت عفتها ذكر اولنان چفتلكى حدود وسنورى
داخلنده اولان ارلر وباغلر وبرلر وبالجمله جميع توابع ولواحقى ومنافع
ومرافقى وايچنده اولان اشياسى ايله · كما ذكر اولنديكى · ملكيت اوزره
سائر املاك صاحبلرى ملكلرينه متصرف اولدقلرى كبى كيفما تشاء وتختار
متصرفه اولوب · ديلرسه صاته استرسه باغشلويه مراد ايديورسه
وقف ايليه · ارباب جواهر اصداف خلافت وكامرانى · وكواكب بروج سلطنت
وجهانبانى · واصول شجرهٔ كيانى · وفروع دوحهٔ عثمانى اولاندن · اولاد امجاد
عالى تبار · واسباب واعقاب حشمت شعارمدن · ووزراى عاليمقدار
وامراء نامدار · وصدور واعيان كامكار وار كان دولت قوى الاقتدار
ودفترداران اموال ومباشرين بيت المال · وعاكفان آستان جاه وجلال
وطائفان سراپردهٔ عز واقبال · وباقى اكابر وافاضل · واعالى واسافل
وناظران وعمال · ومباشرين اعمال محصلدن هيچ احد كائنا من كان بوجه
من الوجوه وسبب من الاسباب مانع ودافع اولميه · ودخل وتعرض
قيلميه وتغيير وتبديل ايلميه · هركيم تبديل وتحويلنه ساعى اولورسه ·
نص شريف · فمن بدله بعدما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه · وعيد
اكيدنك فحواى شديدينه مظهر اولوب · دارينده شرمسار · وسزاى غضب
قهار اوله لر · شويله بيله لر علامت شريف عالم آرامى · مطالعه
قلنلر اعتماد واعتقاد ايده لر · تحريرا
في اواخر محرم الحرام سنه خمس
وخمسين
والف

بعض امضا صورتلريدر

ما هو المسطور فی هذا المنشور موافق لامر من له الامور کتبه الفقیر المحتاج الی الملك القدیر مصطفی الوزیر الاعظم	ما زبر فی هذا الکتاب واقع عندی بلا شك وارتیاب نمقه الفقیر الی الله الملك العلام بیرام القایم مقام الصدر الاعظم
الامر المبرور کما هو المسطور فی المنشور لا زال نافذا فی الدهور والشهور نمقه الفقیر الی الله الملك المنان کنعان الوزیر	ما هو المسطور فی هذا الکتاب واقع بلا شبهه وارتیاب حرره الفقیر المحتاج الی الملك الصمد محمد الوزیر
ما هو المسطور فی هذا المنشور الاعلی موافق لامر من له المن والعطا کتبه الفقیر المحتاج الی الملك الصمد احمد الوزیر	ما هو المحرر فی هذا الحکم الشریف مسطور علی الامر المنیف لا زال نفاذه ما تعاقب الربیع والخریف کتبه الفقیر الی الملك الصمد محمد الوزیر الدفتری
ما هو المکتوب فی هذا الکتاب واقع عندی علی نهج الصواب حرره الفقیر المحتاج الی الملك الرؤف یوسف الوزیر	ما هو المکتوب فی هذا المثال المرغوب موافق للشرع المندوب کتبه الفقیر الی الملك القدیر سیاوش الوزیر
ما هو المسطور فی طی الکتاب واقع والله اعلم بالصواب کتبه الفقیر المحتاج الی الملك الوهاب ایوب الوزیر	محرر مثال بی مثال اضعف عباد الله الملك المتعال علی الدفتری بالخزانة العامرة سابقا واورشیل الکتاب الدیوان العالی حالا
الامر علی ما جری وانا شاهد علی ما یری وانا الفقیر الی الملك المعبود محمود الدفتری بالخزانة العامرة	ذلك کذلك وانا شاهد بذلك حرره الفقیر حسن الدفتری بالخزانة العامرة
لله در السلطان الملك الوهب ما فاض من مجاری سلسبیل السطور فعین ما نبع عن عین الکرم الموفور وشهد بذلك الفقیر الی الخبیر الغفور احمد بن محمد وکیل السلطنة فی الامور تجاوز عن سیاتهما الملك الغالب	اسبغ الله نعم حضرة السلطان الشکور حیث انعم بما نقص من ابنائها سطور المنشور کتبه مفتی السلطنة العلیة فی امور الجمهور یحیی الفقیر الراجی عفو ربه العفو الغفور

رب اجعل سعی السلطان العظیم شکورا ما هو المسطور فی هذا المنشور الخاقانی اثر ثابت لا یطمس بالفضل السبحانی وقد شهد بذلك الفقیر الی العون الربانی مصطفی المصاحب السلطانی الوزیر الثانی جعل الله اجرهما فی کتابه موفورا	ما فی سواد هذا الکتاب المنیر فهو لا محالة بالقبول جدیر حرره الفقیر مصطفی الوزیر
ما بینه اسنة سطور المنشور الخطیر موهوب لمستحقه کما شهد به عدول اقلام التحریر نمقه الفقیر الی الله الملك القدیر عبد الرحمن التوقیعی الوزیر	ما انصب من رشحات هذا الکتاب فیحیی ربا من حسن قبول اولی الالباب نمقه الفقیر محمد الوزیر
شهد بصحة هذا المنشور اضعف عباد الله الملك الغفور احمد الوزیر الدفتری	هبة صحیحة شرعیة وعطیة مرعیة مرضیة ومنح ومنع لدی الفقیر
ما هو المعنون بالتوقیع السلطانی والبرلیغ الخاقانی وقع کذلك وانا شاهد بذلك وانا الفقیر الیه العالی حرره مصطفی القاضی بعسکر روم ایلی	ما هو المسطور فی هذا الکتاب الموشح بالتوقیع الرفیع المستطاب واقع لا شبهه فیه ولا ارتیاب نمقه الفقیر الیه سبحانه وتعالی حافظ محمد القاضی بالعساکر المنصورة فی ولایة اناطولی المحروسة
ما هو الرقیم فی هذا العنوان الجلیل کائنا ینبئ عن الهبة الصادرة من مواهب خلیفة الرحمن عند العبد المامور بتنفیذ الاوامر الباهرة الخاقانیة احمد بن محمد باشا الوکیل للدولة القاهرة العثمانیة	ما هو المسطور فی هذا المنشور السلطانی المحلی بحلیة التوقیع الرفیع الخاقانی من التملیك المعتبر المالك صادر عن اهله عمیم النوال کتبه الداعی للدولة العلیة علی الفقیه
منشور ناطق بصحة ما فیه من ذکر هبة جلیة مطاویه حرره الفقیر	ما هو المسطور فی طی السطور صادر من عبر الناس المقصود حرره
ما فیه من العطیة الهنیة من رشحات المکارم الوفیة حرره الفقیر مصطفی الوزیر	وثیقة نطقت بصدق ما فیه ودلت علی حقیقة المذکور فی مطاویه

٤٩٠

ماهو المنثور في صحيفة هذا المنشور من درر الهبة العلية السلطانية وجواهر العطية الخاقانية صدرت من بحر الخلافة الباهرة ومعدن السلطنة القاهرة عند العبد الفقير الاقل احمد باشا الوزير الاول

ماحرر في هذا المنشور السلطاني الموشح بالتوقيع الرفيع الخاقاني من العطية العلية والنحلة السنية صادر عن اهله واقع في محله كتبه الداعي للدولة العلية علي الفقير عفي عنه

تكرم بما فيه خليفة ربنا واني على تلك العطية شاهد مليك تعار السحب فيض كفه وما اجتمعت الا لديه المحامد ربيع الندى والفضل جعفر كفه به مجموعات الصدا وهو حامد كتبه الفقير مصطفى الوزير الثاني والمصاحب السلطاني

ما في هذا المنشور من درر الجود المنثور صادر من بحر الكرم ظل الله على العالم حرره الفقير مصطفى الوزير

ما تفتح من الازهار في اغصان السطور وتبسم من الانوار خلال هذا المنشور جنت عليه نسمات الهبات السنية السلطانية واشرقت عليها انوار العنايات العلية الخاقانية لدى عبده المأمور بتدبير مصالح الجمهور مصطفى باشا الوكيل للسلطنة في الامور

ما نظم في سلك صدور هذا العنوان من لآلي الهبة العلية الشان صدرت من صدف بحر فيوضات السلطان عند العبد المأمور بتنفيذ اوامر الخاقاني احمد بن محمد باشا وكيل الدولة العثمانية المؤيدة بالعناية الصمدانية

ما نظم في سلك تلك السطور الموسومة بين الانام بالمنشور الموقع بالتوقيع السلطاني المعنونة بالعنوان الخاقاني من درر العطية الجزيلة وغرر النحلة الجليلة صادر عن اهله واقع في محله كتبه كداعي للدولة العلية علي

هذه الصحيفة تنبي عن عطية من يعد في غلو ما عنده دارا قد صح عندي اذ شاهدت من كرمه ان كوثرة لما صدر دارا حرره الفقير مصطفى الوزير الثاني والنديم السلطاني

ما تضمنه الرقيم من الدر النظيم صادر ممن ملك الممالك وانا شاهد على ذلك حرره الفقير مصطفى الوزير

مالمع من خلال هذه السطور وسطع من مطالع هذا المنشور من هبات الحضرة السلطانية ثبت عند الفقير مصطفى وكيل الدولة العلية

المكنون في مطاوي هذا المنشور والمخزون في خفاوي هذا المسطور من القرى والمزارع الكثيرة الجدوى والمنافع ثبت عند الفقير مصطفى وكيل الدولة العظمى

الفرايد

٤٨٠

٤٩١

الفرايد المنثورة في هذه المجلة المزبورة من الهبات الجسام ثبت عندي على ما دل عليه الكلام وانا كافل امور الدولة العلية ووكيل السلطنة السنية

ماحوته هذه الوثيقة وتضمنته هذه النميقة من جنة الحديقة الانيقة وتمليكها على الحقيقة ثبت لدى الفقير مصطفى وكيل السلطنة العظمى

ما في هذه الصحيفة الشريفة من الهبة البهية اللطيفة صادر عن ظل الله من ملوك الارض في حماه لا برح العالمون في ظله وجميع بما آتاهم الله من فضله حرره الفقير

ما صدر من معدن الجود ظل الله على الوجود من الكرم الحاكي بمد من الليالي عن امثالها عقيمة مما احاط به علمي فلا زالت مكارمه كالغيث تهمي حرره الفقير

ما تضمنه البرآءة الشريفة من الهبة السنية المنيفة صادر عن ملك الاسلام ظل الله على الخاص والعام لازال منشور ملكه مكتوبا على جبهة الفلك ما سبح ملك سبح ملك حرره الفقير

هذه الهبة الشريفة السنية والعطية الجليلة السلطانية صادر من عين انسان الزمان الملك الذي تشرف به نوع الانسان حرره الفقير

ما تضمنه هذا المنشور من الانعام صادر عن ظل الله الملك الهمام والغيث من السحاب لا يستنكر والدر من البحار لا يستكثر حرره الفقير

ما فيه من الهبة المنيفة والعطية البهية الشريفة صادر عن نور حدقة العالم وانسان عين ملوك بني آدم لازالت مكارمه واضحة في محلها وعطاياه السنية واصلة الى اهلها حرره الفقير

ما في ضمن الرقيم من الفضل العظيم صادر من واسطة عقد الخلافة حمى الله ساحتها العلية من كل آفة حرره الفقير

اللآلي منتظمة في سلك هذه السطور والجواهر المندرجة في خلال هذا المنشور من الهبة السلطانية والعطايا السنية الخاقانية جرى بموقع عبده مصطفى وكيل الدولة القاهرة وكفيل السلطنة الزاهرة

المنتظم في سلك هذه السطور من الهبة الجليلة السلطانية والمندرج في طي هذا المنشور من العطية السنية الخاقانية ثبت عند عبده مصطفى وكيل الدولة العثمانية

ما هو المرقوم في هذا التوقيع البديع والمفهوم من هذا الخطاب الرفيع مما هو الملك المطاع من الضياع والبقاع دفع خبره الي وثبت مفهومه لدي وانا العبد مصطفى مؤتمن الدولة العظمى

ما هو المحرر في هذا التوقيع الرفيع والمقرر في المنشور البديع من الضياع والبقاع مما وهبه مولانا الملك المطاع جار على نهج الصواب من غير شك وارتياب وانا العبد مصطفى وكيل الدولة العليا

ما اشتمل علیه هذا الکتاب من الهبة البهیة • وتضمنه هذا الخطاب من المنح السنیة • جار علی نهج الصواب صحیح من غیر ارتیاب • کتبه مصطفی المتکفل لنظام امور الدولة العلیة الخاقانیة المتعلق مهام سلطنة السنیة العثمانیة •

ما نمق به مولانا الملك المطاع من القلاع والبقاع • التی فی النواحی والاصقاع علی وجه الانتفاع والاستمتاع • ثبت عند عبده مصطفی وکیل الدولة الزاهرة • مؤتمن السلطنة القاهرة •

ما نمق فی هذا التوقیع الرفیع المستطاب • من عطیة من هو خلیفة الکریم الوهاب • واقع بلا ارتیاب • کتبه الفقیر مصطفی الوزیر الثانی وکیل الدیوان السلطانی •

م

اسمخان سلطان حصه اولنان سرایك ملك نامه سیدر

نشان همایون حکمی اولدرکه • چون حضرت خداوند واهب المواهب • وجناب مفیض الامانی والمطالب • تبارك وتعالی شانه • وعم وتوالی احسانه • کمال لطف وعنایت • ونهایت جود وهدایتندن • ذات دولت سماتمی • انا جعلناك خلیفة فی الارض • تشریفیله مخصوص قلوب • منشور ساطع النور سلطنت واقبالمی • طغرای غرای سرور افزای • ان الارض لله یورثها من یشاء ایله موقع ومعنون • وتاج وهاج لامع البدور خلافت واجلالمی لآلی غوالی گرانبهای • واتاکم مالم یؤت احدا من العالمین ایله مرصع ومزین ایلدی • ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم • لاجرم بو نعمت موهبت افزای • لئن شکرتم لازیدنکم • بو عطیه جزیلة الاثرك • اداء وظائف شکرینی اجون • ذمت همت علیه خسروانه مه واجب ولازم اولدیکه • عامهٔ عالمیانك حدایق امالاری • فیضان جود واحسانمله مزهر ومخضر • وخصوصا اخص خواص عصمت قربت واعز مقربات عزت رهبت اولان • مخصصات آستان سعادت اشیانمك والا منزلتلرك چمنزار مقاصد ومرامالری • رشحات الطاف بیکرانم ایله دائما تازه وتر اوله • بناء علی ذلك رافعهٔ توقیع رفیع خاقانی وناقلهٔ یرلیغ بلیغ مسرت بخشای سلطانی • سیدة المخدرات الکبلیة المحصنات تاج المستورات ملکة الملکات رفیعة الدرجات ذات العلی والسعادات • صاحبة الخیرات والحسنات • بانیة مبانی المبرات قدسیة الذات • صفیة الصفات • مهر سپهر مهتری • ماه نیك اختری •

صدف در شهریاری • کان گوهر تاجداری • عظیمة الشان رفیعة المکان • المحفوفة بصنوف عواطف الملك المنان • اسمخان سلطان دامت عصمتها وزادت عفتها انلك حقنده خورشید احسان فراوانم پرتو افکن • وقلزم امتنانم گرانم موج زن اولوب • محروسهٔ استانبولده اوزون چارشو باشنده واقع محله سنده بوندن اقدم قبودان ایکن فوت اولان پیاله پاشا بنا ایلدوکی سرای • مرحوم ومغفور له جدم سلطان سلیم خان طاب ثراه نك قزی اولوب • متوفای مزبورك زوجه سی اولان گوهر خان سلطان نکاحی مقابله سنده وبر یلان برایه ملکیت اوزره متصرفه ایکن فوت اولمغله جانب همایونمدن ضبط اولنان سرایکه • حدودی نك جانب یمینی پاشا قپوسی دیمکله معروف اولان قپوبه • وسولی ابراهیم پاشا جامعی ومدرسه سنه • وبر جانبی اوزون چارشو باشنده متوفی رستم پاشا وقفندن اوطه لرینه وسونکوجی اوغلی ومدرسیلو چاوش وعشاقی زاده اولرینه ومحله مسجدینه منتهی اولوب • وسرای مزبورك داخلنده وخارجنده اولان التمش باب اوطه لری وسرای ایچنده اولان باغچه سی وارض خالیه سی • وسایر حدود وسنوری داخلنده اولان توابع ولواحقیله • مشار الیها اسمخان سلطان دامت عصمتها یه خط همایون سعادت مقرونمله تملیك وهبه واحسان وعطیه ایدوب اشبو ملك نامهٔ همایون مکرمت مشحونی ویردم وبیوردمکه بعد الیوم ذکر اولنان سرایك حدود وسنورنده داخل اولان توابع ولواحقی وکافهٔ مضافات ومرافقی ایله • مشار الیهانك ملك محضی وحق صرفی اولوب نسلا بعد نسل • وفرعا بعد اصل • الی ان یرث الله الارض ومن علیها وهو خیر الوارثین • انواع وجوه ملکیت اوزره مالکه سی اولوب • کیفما تشاء وتختار متصرفه اوله • دیلرسه صاتسه استرسه باغشلیه مراد ایدینورسه وقف ایلیه • اول بدایع جواهر اصداف خلافت وکرائم کواکب بروج سلطنت وجهانبانی یعنی بنیم اولاد امجادم ولبندار وانساب واعقاب حشمت شعار مدتم • ووزرای عالیمقدار وصدور رفیع الاقتدار • وارکان کامکار وسایر متصرفین اموال وسائر اعمالدن هیچ فرد • کائنا من کان • وکیفما کان • بوجه من الوجوه وبسبب من الاسباب ونوع من الانواع • مانع ودافع اولمیه • ودخل وتعرض قلمیه وتغییر وتبدیل ایتمیه • هرکیم تغییر وتعطیلنه ساعی اولورسه نص شریف • فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه •

نحوای منیفی اولان وعید شد مظهری اولوب دارینده شرمسار وسخط
غضب جناب قهار اوله شویله بیله لر علامت شریف عالم آرایه
اعتماد واعتقاد ما لا کلام قیله لر تحریرا فی غرة ذا سنة ١٠٤٦

بدر ماه خاتونه هبه اولنان خانه ملك نامه سیدر

نشان همایون اولدر که چون عواطف علیه شاهانه وحمایت سنیه
پادشاهانم مستحق ارتفاع شان ومستوجب اعتلاء مکان اولنلر
حقنده مبذول وبید یغدر بناء علی ذلك بالفعل حرم محترمم
امکدارلرندن دارنده رفیع توقیع شهریاری ونماینده یرلیغ تاجداری
فخر المخدرات زین المحصنات تاج المستورات بدرماه خاتون زیدت
عفتها حقنده صدقات علیه شاهانم ظهوره کتوروب محمیه
استانبولده واقع دمرقپو قربنده توبخانه محلی سنده برطرفی حسن بك
وبرطرفی یدیکچی علی بك ملکلری وبرجانبی درویش بابا سراجه دد زیلر
بینی اوی وطرف اخری توپچی حسین وشیخی افندی ملکلریله وجانب
اخری طریق عام ایله محدود اولوب حسن خلیفه اوی دیمکله معروف ٤٧٦ ٤٧
اولان منزل محوطنی خارجیه وداخلیه سنده اولان بیوت متعدده وصحن
ومطبخ وکیلاری وجمیع ملحقاتیله مما ذکر اولم یذکر وحرر اولم یحرر
خط همایون سعادت مقرونمله بدرماه خاتونه هبه وتملیك ایدوب
بو ملکنامه موهبت مقرون ومسرت مشحونی ویردم وبیوردم که بعد الیوم
مزبوره خاتون منزل مزبوری وجوه ملکیت اوزره کیف ما تشا وتختار
متصرفه اولوب دیلرسه صاتسه استرسه باغشلیه مرادایدینورسه
وقف ایلیه اولیابده اولاد امجادمدن ووزرای عظامم ووکلای فخاممدن
ومتصرفین اموال واشغالدن بر فرد مانع ودافع ومزاحم اولمیه شویله بیله لر

همشاه سلطانه ویریلان صوملك نامه سیدر

نشان همایون اولدر که چون زلال عنایت خدای لایزال جل وتعالی
عن الشبیه والمثال که حیات بخشای بساتین امانی وآمالدر هرچند که
آب تشنگان بادیه زندگانی ظروف جسمانی واوانی روحانیله برشوندی
نحوای عینا یشرب بها عباد الله یفجرونها تفجیرا اولحوی دلجویك
رشحات عین الحیاتندن ریان وسیراب وقطرات فایضة البرکاتی
ایله طراوت یاب اوله لر هنوز اول چشمه سارخوشگوارك منبع انفجار
قطره شنیم قدر نقصان پذیر اولمز لاجرم بر موجب تخلقوا باخلاق الله
سیدوب صباء الطاف پادشاهانه‌مك نوشجان فی اسنه متعلق

وجریان سیول عطاف شهنشاهانه‌مك شربت روح افزاسنه مشتاق
اولنلرك گلشن دلگشای مرامالری سرسبز ومخضر ورضه خوش هوای
امالری تازه وترقلمق اهم والزمدر خصوصا منبع جویبار معزت
ومجمع انهار سعادت اولان اشراف اخلاف فمانك حیاض ریاض ما لکری
زلال کثیر النوال عطایام ایله مالا مال اولمق مناسب بلکه واجب اولمغین
بناء علی ذلك مرحوم اوعلم محمد سیف الله طاب ثراه نك کریمه سی دارنده
منشور مشهور شهریاری ورافعه یرلیغ بلیغ تاجداری دوحه دلگشای
دولت واقبال روضه خوش هوای جاه وجلال نهال نجیبه حدیقه ریاض
کامکاری آب حیات جویبار بختیاری المحفوفه بصنوف عواطف الله
همشاه دامت عصمتها وزادت عفتها نك قصبه اسکدارده واقع اولان
سرای جنت آباد وارم بنیادنده بوندن اقدم سرای عامره مه جاری اولان
برقش صو تملیك واحسان اولنوب ملکنامه همایونمزی ویرلمشیدی حالا
سومی الیها طرفندن بولغور جه نام قریه ده بولنان صوخاصنه همایونمه
متعلق اولان کاریزه توتلمق بابنده استجازه اولنمغین حسن اجازت
همایونمه مقارن اولدقدنصکره کندولر کتوردوکی صو مقابلنده
یجق لوله صودخی صدقه ایدوب جمله بریجق قامش لوله صو اولمق اوزره
اشبو ملکنامه همایونمزی تمزوف ویردم وبیوردمکه بعد الیوم خاصه
کاریزدن برقش ویجق لوله صو مشارالیها الملك اولمقام جنت ریاض
وکوثر حیاضنه علی الاستمرار سیل وبها رآقوب ملکیت اوزره متصرفه اوله
اولبابده اولاد امجاد عالی نژادمدن ووزرای کافی رای وکفایت آثارمدن
وسائر نواب شوکت نما وحجاب سنان اعلادن وباقی اشخاص
عوامدن وامنا وعمالدن وغیریدن هیچ فرد مانع ودافع ورافع ومنازع اولمیه

سویه متعلق ملك نامه در

نشان همایون اولدر که چون جریان جویبار عواطف شاهانه وفیضان
چشمه سار عوارف پادشاهانم عامه خلق عالم وکافه بنی آدم حقنده ٢٩٧ ٤٧٧
سیل روان وسیل دوان کبی جاری وساری اولوب دائما حیاض آمال
اناکم زلال کثیر النوال عطایام ایله مالا مال اولمق دربکاردر بناء علی ذلك
صو یولی ناظری ولات افتخار الاماجد والاکارم حسن زید قدره
سنه سعادتمه مکتوب کوندروب مقدما وزیر اعظم ایکن شهید ولان
توجه محمد پاشانك اوغلی متوفی ابراهیم پاشانك اوغلی اشبو دارنده
شان جیشان واجب الامتثال سلطانی ورافع یرلیغ بلیغ جهانبانی

افتخار الاماجد والاكارم جامع المحامد والمكارم احمد زيد مجده
استانبولده يكى باغچه قربنده ملذ صادق محلى سنلك چفته حوضن قريب
قوان دره سى ديمكله معروف يرلرده كند ماليله قنوات سعد ده
حفر ايدوب بلغراد نام قريه سنورنده جمع واجرى ايلدوكى صوبى
اونيكلدوكى اوزرينه وار يلوب كورلدكده دزت ما صورة صو
موجود بولنوب حجت اولنوب مشار اليه وجه محمد پاشا جامعنه
جارى اولان صويه الحاق اولنوب استانبوله كلدكده ثلثى حق مجرى
جانب وقفه قالوب وباقى قالدن ثلثانى كند وباغچه سنه اجرا ايتمك
اوزره حجت شرعيه ويرلدوكين بلدرب موجبنجه عنايت رجاسنه
عرض ايتمكين بو نشان همايون عز مقرون ويردم وبيوردمكه معنا
قديم اوزره حق مجرى ايلمعو نلدقد نصكره باقى ثلثانى محل مزبورده هر
اولان باغچه سنه على الاستمرار ليل ونهار آقوب ملكت اوزره متصرف
اوله اوليابده اولاد امجاد عالى نژادمدن وودراى كاشى راى كفايت
اثارده ن وساير نواب شوكت انتمادن وباقى اشخاص عوامدن
هيچ فرد كائنا من كان مانع ودافع ومزاحم ومنازع اولميوب دخل وتعرض قلميه لر

تصرف پادشاهيده اولان خانه بى بيع ايچون خط همايون وتمليكنامه در

نشان همايون اولدركه حالا محروسه استانبولده قبضه تصرف
خسروانه مده اولان املاكدن قزل مصلق قربنده على پاشا محلى سنده
ايكى محوطه يى حاوى اولوب محوطه داخليه سى ايكى باب فوقانى اوطه
برصفه يى وايكى باب صفه سنى ونزوبادن اوزرنده برباب اوطه يى
واوكنده برصوبرى وبركيلادرى وپاينده ايكى باب اوطه يى وايكى كنيفى
وتحتانى ايكى باب اوطه يى وبربيوك حمامى ومطبخى وپاينده برباب اوطه
وآخورى وبربيوك مخزنى وباغچه يى واشجار مثمره يى مشتمل اولوب
برطرفى حصار خاتون وقفى وبرطرفى بازركان اوطه لريله محدود
اولان منزلى بيعه وقبض ثمنه افتخار الاماجد والاكارم قلندر
زيد مجده وكيل اولمق بابنده خط همايون سعادتمقرونمله فرمان عالى شانم
صادر اولمغين مشار اليه دخى امرم اوزره بيعه مباشرت ايلدكده
منزل مزبور اشترا اسنددن رغبات ناس بالكليه منقطع اولدقدن
صنكره ذركاه معلومم يكيچرى بكلريكيلر اوجاغندن نشو ونما بولوب
نعمت جليلم ايله مربا اولان امكدارلردن بالفعل بستانجيلر
باشيلغم خدمتنده اولان رافع توقيع رفيع لطفى زيد مجده اوزرنده

٥٩٨٧٧٤

٦٠٠٠٠٠ اقچه ده قرار ايلدوكندن ماعدا مبلغ مذكور عدل قيمتى
اولمغين منزل مزبورى جميع توابع ولواحقيله ٦٠٠٠٠٠ اقچه يه موما اليه
حسن زيد مجده يه بيع ايدوب مبلغ مزبورى بالتمام الوب قبض
ايلدوكى مجلس شريفده سجل اولنوب حجة شرعيه ويرلمكله بندكى
مشار اليه وكيلك وجه مشروح اوزره بيعنى وقبض ثمن وتسليم
مبيعنى قبول ايدوب بو نشان همايونى ويردم وبيوردمكه منزل مزبور
جمله متعلقات ومشتملاتى ايله مشار اليهك ملك محضى وحق صرفى
اولوب كيفما يشاء تصرف ايليه بعد اليوم ديلرسه صاتوب مراد ايدنه
باغشلويه استرسه وقف ايليه اوليابده جناب جلالتمآبم
واولاد امجاد وانسابم طرفندن ووزراى عظام ووكلاى فخامم
جانبلرندن وخزينه عامره م دفتردارلرندن ومباشرين اموال
وايشلرندن وبالجمله افراد آفريده دن كمسنه بوجه من الوجوه
دخل وتعرض ايتميه وتصرفنه مانع ومزاحم ومنازع اولميه بو بابده
صادر اولان فرمان عاليشانمك خلافنه ذاهب
اولنلر عند الله الملك المعين عداد
مجرمين وزمره اثيمينده
معدود اوله
لر
م

ممالك عثمانيه ده اولان الويه وايالتلري بيان ايدر

ترافت مكثبكوتيه خانلق وزير قبودانلق

لواء لواء لواء لواء لواء لواء لواء
رودوس مع دكرمنلك صقله اندره نفشه ليبيح قواله مدللو قرنه

سالیانه سالیانه سالیانه سالیانه سالیانه سالیانه
ساقزنوب ساقزبوب ساقزنوب ساقزبوب ساقزب ساقزب
٨٠٠٠٠ ١٠٠٠٠ ٨٠٠٠٠ ٨٠٠٠٠ ٨٠٠٠٠

لواء لواء لواء لواء لواء لواء
موره اغريبوز مزستره ايامورة اينه‌بختی بنفشه

موره سالیانه نوب ٨٠٠٠٠ | موره سالیانه ب ١٠٠٠٠ | موره سالیانه ب ٨٠٠٠٠ | موره سالیانه ب ٨٠٠٠٠ | موره سالیانه ب ٨٠٠٠٠

موره سالیانه ب ٨٠٠٠٠ لواء لواء لواء لواء لواء
اسكندريه دمياط ماغوسه باف

لواء قبودانلق قبودانلق لواء لواء
ليموسون سويس انابولی طوزله قاسنل

لواء لواء لواء لواء
بيغا قوجه ايلی بره قارلی ايلی

ايالت محروسهٔ مصرناده

سالیانه سالیانه سالیانه سالیانه سالیانه سالیانه سالیانه
مصر مصر مصر مصر مصر مصر مصر

سالیانه سالیانه سالیانه سالیانه سالیانه سالیانه
مصر مصر مصر مصر مصر مصر

سالیانه مصر لواء جده معموره دفتردارلق ديوان مصر

ايالت روم ايلی

لواء لواء لواء لواء لواء
كوستنديل ترحاله برزدين يانيه دلوينه

لواء لواء لواء لواء لواء
وچيترين مع نظارت اسكوب اسكوب ايلبصان اولونيه دوقه كين

لواء

٤٨٤

لواء لواء لواء لواء لواء
اسكندريه اوحری الاجه حصار سلونيك وينوغان روم ايلی

كتخدالق دفتردارلق لواء لواء
٤٩٩ دفتر روم ايلی تيمارهاى روم ايلی ميرانقيجان بنكولی وشلتره ميربوردكان روم ايلی

ايالت بوسنه

لواء لواء لواء لواء لواء لواء
هرسك كليس ازوورنيق قرقه نام ديكرلق زاحته نام ديكر جرنبك بوسنه

كتخدالق دفتردارلق
تيمارهاى بوسنه تيمارهاى بوسنه

٤٠٤ ايالت بدون

لواء لواء لواء لواء لواء
سمندره سرم قوياده شموطوره ارسنوغ بلغراد

لواء لواء لواء لواء لواء
اوسترغون نوى بلغراد بيجان سكاد محاج

دفتردارلق كتخدالق دفتردارلق
ماليهٔ بدون دفتر بدون تيمارهاى بدون

ايالت طمشوار

لواء لواء لواء لواء لواء دفتردارلق
ليوه جنار كول مدوه يانوه ماليهٔ طمشوار

كتخدالق دفتردارلق
دفتر طمشوار تيمارهاى طمشوار

ايالت قنيژه

لواء لواء لواء كتخدالق دفتردارلق
سكتوار بجوى بوزغه دفتر قنيژه تيمارهاى قنيژه

ايالت اكره

لواء لواء لواء كتخدالق دفتردارلق
سكدين نام ديكر جيقه صولنق حطوان دفتر اكری تيمارهاى اكری

ايالت اوزی

لواء لواء لواء لواء لواء لواء
سلستره نكبولی جرمن وديديه قرق كليسا ويزه

دفتردارلق قبودانلق كتخدالق دفتردارلق
طونه طونه دفتر اوزی تيمارهاى اوزی

ایالت کفه

لواء لواء لواء لواء
اقچه کرمان بندر ازاق قیل برون

ایالت اناطولی

لواء لواء لواء لواء
خداوندکار قسطمونی قره سی سلطان اوکی

لواء لواء لواء لواء لواء
صاروخان قره حصار حمید بولی انقره

لواء لواء لواء لواء کتخدالق دفتردارلق
کانغری ایدین تکه منتشا دفتر اناطولی تیمارهای اناطولی

ایالت قرمان

لواء لواء لواء لواء لواء
نیکده قیصریه قرشهری بکشهری اقشهر

لواء دفتردارلق کتخدالق دفتردارلق
اقسرای مالیهٔ قرمان تیمارهای قرمان تیمارهای قرمان

ایالت مرعش

لواء لواء لواء کتخدالق دفتردارلق
ملاطیه عنتاب قارص مرعش دفتر مرعش تیمارهای مرعش

ایالت سیواس

لواء لواء لواء لواء لواء
اماسیه جانیك چوروم دیوریکی بوزاوق

لواء دفتردارلق کتخدالق دفتردارلق
عربکیر مالیهٔ توقات دفتر سیواس تیمارهای سیواس

ایالت شام

لواء لواء لواء لواء لواء
قدس شریف غزه صفد نابلوس جبل عجلون لجون

لواء لواء دفتردارلق کتخدالق دفتردارلق
تدمیر کرك شوبك مالیهٔ شام تیمارهای شام تیمارهای شام

ایالت حلب

لواء لواء لواء دفتردارلق کتخدالق دفتردارلق لواء
معره بالس عزیز مالیهٔ حلب دفتر حلب تیمارهای حلب بیره جك
نابلوسی

٥٠

ایالت طرابلوس شام

لواء لواء لواء لواء دفتردارلق کتخدالق دفتردارلق
حما حمص جبله سلمیه مالیهٔ طرابلوس شام دفتر طرابلوس شام تیمارهای طرابلوس

ایالت آدانه

لواء لواء کتخدالق دفتردارلق
طرسوس سیس دفتر آدنه تیمارهای آدنه

ایالت قبرس

لواء لواء لواء لواء لواء
علائیه کرینه ماغوسه باف جزیره ابنه روز

لواء لواء دفتردارلق کتخدالق دفتردارلق
سلفکه نام دیگر ایچ ایل حرسوی مالیهٔ قبرس دفتر قبرس تیمارهای قبرس

ایالت رقه

لواء لواء لواء لواء کتخدالق دفتردارلق
جانوری حاسه بنی ربیعه سروج حلك دفتر رها تیمارهای رها

ایالت دیاربکر

حکومت حکومت حکومت حکومت
حدرا اوجاقلق حدرا اوجاقلق اکورا اوجاقلق ترجیل اوجاقلق

حکومت حکومت لواء لواء
بالوا اوجاقلق کنجه اوجاقلق حریکا اوجاقلق حصنکیف

لواء لواء لواء لواء
برمك مارکرد اوجاقلق جمشکزك خربوت

٥٠١ لواء لواء لواء لواء لواء
سیورك قلسا اوجاقلق اتاق اوجاقلق ارغنی میرانی اوجاقلق

لواء لواء لواء لواء لواء
چباقجور سعرد کورکیل اوجاقلق احاکس اوجاقلق مخارمیه اوجاقلق

لواء لواء لواء لواء لواء لواء
بشیری سماء نصیبین اکیل قلعه سنجار کورد کان اوجاقلق

لواء دفتردارلق دفتردارلق کتخدالق
جزیرهٔ دیاربکر تیمارهای دیاربکر دفتر دیاربکر

ایالت ارضروم

لواء لواء لواء لواء
قره حصار شرقی اماسیه حسنی ملازکرد

لواء لواء لواء لواء لواء
تورتوم مجنكرد اوجاقلق تورجان اوجاقلق اسپر بایبورد
لواء لواء لواء لواء لواء
کیغی قلعهٔ بایزید ماموران الشکرد تکمان کوک
دفتردارلق کتخدالق دفتردارلق
مالیهٔ ارض روم دفتر ارض روم تیمارهای ارض روم

ایالت چالدر
لواء لواء لواء لواء لواء لواء
اردهان بزرک ارلی زمک دك اردنوج سوسان اوجاقلق
لواء لواء لواء لواء لواء
نصف لواء اوجاقلی ماحجیل اوجاقلق لك اجرهٔ علیا اوجاقلق اجرهٔ سفلا اوجاقلق
لواء لواء لواء لواء
امورجوک اسپزه پوسحق خرتوس
لواء لواء ایالت کتخدالق دفتردارلق
التون قلعه مع اوسخه محرک احمد خان اوجاقلی دفتر چالدر تیمارهای چالدر

ایالت قارص
لواء لواء لواء لواء
زاروشاد کچوان اوجاقلق اردهان کوچک اوجاقلق قاغزمان
لواء کتخدالق دفتردارلق
کول دفتر قارص تیمارهای قارص

ایالت باتوم نام دیکر طربزون
لواء کتخدالق دفتردارلق
کونیه دفتر باتوم تیمارهای باتوم

ایالت وان
حکومت حکومت حکومت
بتلیس اوجاقلق حزان اوجاقلق حکاری اوجاقلق محمودی
لواء لواء لواء لواء لواء لواء
کارکار ورزنی اوجاقلق بروی مکس اوجاقلق شتان اوجاقلی الباق
لواء لواء لواء لواء
قورقور اوجاقلق اسارد ارجیش کتانه عادلجواز
لواء کتخدالق دفتردارلق
مازکرد اوجاقلق دفتر وان تیمارهای وان

ایالت بغداد

ایالت بغداد دار السلام
حکومت لواء لواء لواء لواء
عمادیه حله جوازر قبایل عربان بریه درنك
لواء لواء لواء لواء لواء
قصر شیرین زانقو سحوان مکرسه ماجوان
لواء لواء لواء لواء لواء
زنکاباد جسان عنوه اوجاقلق حریرودمك ارحیه
لواء لواء لواء دفتردارلق کتخدالق دفتردارلق
قزل رباط التون کبری حریر نام دیکر حکومت شهرزان اوجاقلق مالیهٔ بغداد دفتر بغداد تیمارهای بغداد

ایالت شهرزول
لواء لواء لواء لواء لواء
حوری قزلجه قلعه سحرانه ذنکنه اوجاقلق قره طاغ
لواء لواء لواء کتخدالق دفتردارلق
کوی شماملی دولقران دفتر شهرزول تیمارهای شهرزول
ایالت موصل لواء لواء دفتردارلق
اسکی موصل کشانه حاروه مالیهٔ موصل
ایالت بصره لواء لواء
رملهٔ تابع جزایر حدس حفار
ایالت لحسا لواء لواء لواء
قطیف صعد خشه
ایالت حبش ایالت امیر حجلك
جزایر عرب جزایر عرب
ایالت تونس زبوده لق ویوده لق
قبودانلق نبی دردی بغدان افلاق

اراضئ عشريه وخراجيه يه متعلق فتاواى شريفه در

ارض عشريه وخراجيه نه در تفصيلا بيان بيوروب مثاب اولالر
الجواب امام بر مملكتى فتح ايدوب اراضيسنى غانمين بينلرنده تقسيم
ايلسه اول اراضى ايچون وضع اولنان وظيفه البته عشردر زيرا مسلم
اوزرينه وضع اولنان وظيفه مؤنت محضه اولمق ممكن دكلدر
اكرچه فتحدن كفره الندن ابقا ايكن برلو برنده مقرر ايدوب اراضى
كندولرينك ملكى اولمق اوزره ابقا ايدرسه اول اراضيلره وضع اولنان
البته خراج اولور عشر اولمق امكانى يوقدر زيرا عشرده عبادت معناسى
واردر كافره انكا اهليت يوقدر خراجك دخى بعضيسى موظفدر
بيلده بر مقدار اقچه آلنور وبعضيسى خراج مقاسمه در حاصل
اولنك عشر ميدر ثمنى ميدر ارضك تحمّلنه كوره نصفنه دكين
تعيين اولنور بوديارك يعنى روم ايلينك عامهٔ اراضيسى نه عشريدر
ونه خراجيدر ارض مملكتدر كه اصحابنه تمليك اولنموب عاريت
اسلوبى ايله تصرف ايدوب خراج موظفن وخراج مقاسمه سنى
سپاهيه ويروب تصرف ايدر بيع وتمليكه قادر اولمزلر اوغلى
قالورسه كندو كبى تصرف ايدر ورثه يه ميراث اولمز حقيقت ارض
عشريه وارض خراجيه اصحابنك ملكيدر سائر املاكى كبى تصرف ايدن
مسئله روم ايلينك اراضيسى خصوصنده متقارب اللفظ والمعنى
ايكى فتوى ويرمشلردر برى بودركه في زماننا روم ايلنده اولان
رعايانك اللرنده بولنان اراضئ عشريه وخراجيه نك بيعى ورهنى
ووديعه واعاره سى وبيع اولندقده شفعه جارى اولمه سنى
واستبدالى اوزره تعامل ناس مقرر اولوب قضاة دخى سجللرينه
قيد ايدوكلمشلردر عند الشرع نيجه در موافق شرع شريف ميدر
يوخسه قانون صرفميدر بيان بيورله الجواب ارض مرقومه
نه خراجيه در ارض مملكتدر حين فتحده غانمينه قسمت اولنوب
عشريه قلنمشدر ونه اصحابنه تمليك اولنوب خراجيه صرف اولمشدر
بلكه رقبهٔ ارض بيت المال ادخال اولنوب متصرف اولنلره اجاره
طريقيله ويرلمشدر زراعت وحراثت ايدوب خراج موظفنى
وخراج مقاسمه سنى ويروب تصرف ايدر تحرير اولنان احكامك
وديعه وعاريتى مشروع دكلدر ناس ايچنده جارى اولان بيع
وشرى وقف دكانلرى اجاره ايله ساكن اولنلره بيع ايتدكلرى كبيدر

سپاهى

سپاهى اذنسز معاملات كليا باطلدر الدوغى اقچه ارضك اجرت
معجله سيدر قضاة محضا رعايانك ويروب الماسنه بيع وشرا
اطلاق ايدوب حجت ويردكلرى موافق شرع شريف دكلدر ان شاءسى
دخى باطلدر مسئله روم ايلنده رعايا اللرنده اولان اراضئ عشريه
وخراجيه نك بيعى ورهنى ووديعه سى واعاره سى وشفعه سى
واستبدالى اوزرينه تعامل ناس واقع اولوب قضاة دخى حجت ويرمه لرى
شرعى ميدر بيان بيورله الجواب ارض عشريه وخراجيه
اصحابنك ملكى اولور تصرفات مذكوره ده ميراث ووقف ووصيت
جارى اولور روم ايلينك اراضيسى ارض مملكتدر نه عشريه ونه خراجيه در
تصرف ايدن رعايا مستأجر منزله سنده در رقبهٔ ارض بيت المالكدر
انلره عاريت طريقيله ويرلمشدر اكيب بيچوب خراج موظفنى جفت
اقچه سى نامنه وخراج مقاسمه سنى عشر آدينه ويررلر بر رعيت
فوت اولوب اوغلى قالسه وكندو يرينه طوررکنه سنى قالماسه
سپاهى طپويه ويروب آخره ويرور تمليكه قادر دكلدر رعايا حق قراريت
الوب تصرفدن فراغت ايلسه دخى سپاهى طپويه ويروب وديعت
وعاريت بر حكم ايجاب ايلمز رعايا اكا قادر اولوردر اما بيع ورهين
واستبدال مشروع دكلدر شفعه دخى جارى اولمز مسئله بر ديارده
عشر بدلى هرجفت باشنه معينجه بر مقدار غله النه كلمش اولسه
اول دياره تيماره متصرف اولان سپاهيلرك بو اسلوب اوزره
عشر بدلى الدقلرى غله حلال اولورمى الجواب عشر شرعى حين
فتحده غانمينه قسمت اولنان اراضيده يا خود اهل اسلامه
كلوب امام يرلرينى كندولره مقرر ايلدوكى اراضيده در اكثر اراضى
مملكت بويله دكلدر اهل كفره اولوب اللرنده ابقا اولنوب كندولره
خراج رأس واللرنده اولان اراضيه خراج ارض وضع اولنوب
تحملنه كوره اوندن بر وكيمى سكزده بر وزايد وناقص تعيين اولنمشدر
اكر ذكر اولنان يرلر اراضئ عشريه دن ايسه زياده حلال اولمز خراجيه دن
ايسه خراج وضع اولندقده متحمل اولدقدن نصفكه عشردن زياده
اولنمغه رخصت ويرلمشدر مسئله پادشاه حضرتلرى برنج قريه
سنورنده اكوب بيچوب محصولى اولان كسنه لر بعض محصوللرينك
ايچون عشر بيچى ويروب زياده سنى كندولر اكل ايلسه لر شرعا
ايتدكلرى كندولره حلال اولورمى الجواب اولماز تعيين اولنان

مقدار اولدار ضك خراج مقاسمه سیدر. نصفنه دکین خراج وضعی نرجبدر
اکثر اراضینك خراجی اونده بر اولمغین عوام انی عشر شرعی صانورلر.
زیاده الثلث ظلما آلنور و برمك ایله عاصی اولورز صانورلر. خطا فاحش
مشهوردر. عامۀ ممالك محروسه نك اراضیسی بیت المال ایچون اجاره اولنمش
اراضی خراجیه در. اراضی عشریه یوقدر. ذکر اولدیغی اونده بر آلنان بهره دن غیری حرام محضدر

ممالك محروسه ده اولان زعامت و تیمار اوچ وجه اوزره قلیج اعتبار اولنمشدر

عموما ممالکده زعامت یکرمی بیك آقچه اولوب تحت زاده یکرمی بیك
و دخی زیاده مبذول اولمش اولیجق یکرمی بیك آقچه یی قلیج. و ماعداسی حصه اعتبار
اولنور روم ایلنده اولان تیمارلرك قلیجی ایکی نوع اوزرینه در بری
التی بیك آقچه و بری اوچ بیك آقچه در مثلا روم ایلنده اولان بکلربکیلر
۵۹۹۹ آقچه یه وارنجه محلول اولان تیمارلری کندولر توجیه ایدوب
کندو نشانلریله برات ویررلر ۶۰۰۰ آقچه اولیجق بکلربکیلر کندو براتلریله
ویرموب تذکره ایدوب برات ایچون آستانۀ سعادته کوندررلر اناطولی
و جزایر و قبرس ایالتلرنده قلیج تیمار ۵۰۰۰ و ۳۰۰۰ آقچه در ۴۹۹۹
آقچه یه وارنجه بکلربکیلری توجیه ایدوب طرفلرندن کندو نشانی ایله
برات ویرر ۵۰۰۰ آقچه اولیجق برات ویرموب بالاده اشارت اولندیغی
اوزره تذکره ویروب اول تذکره کلوب برات اولنور. بصره و دیاربکر
و ارض روم و شام و حلب و بغداد و شهرزول ایالتلری روم ایلی کبیدر
قرمان و مرعش و روم بکلربکیلری کندو براتلری ایله ۲۹۹۹ آقچه یی ویرر
۳۰۰۰ آقچه اولیجق تذکره ایدوب دردولته کوندررلر. و اکر تیمار آلان
معزول اولیوب ابتدا امریله تیماره داخل اولسه برات ویرموب تذکره
ویرر زیرا قانون ابتدا براتی آستانه دن ایتمکدر و سپاهی زاده لر دخی بالجمله
ابتدا و انتها براتلرینی آستانه یه کتوروب ابتدا براتی دردولتدن چقارمق قانوندر
بکلربکیلر طرفندن برات اولنان تیمارلر آستانۀ سعادتدن و سردارلر طرفندن توجیه
اولنوب دفترخانه دنصکره تذکره ویریلوب برات اولمغه سبب بر نیچه سنه دنبرو
جانب شرق و غربه سفرلر اولمغله. بکلربکیلر مکانلرنده بولنمیوب
حرکت اوزره اولدقلریدر. وجه مشروح اوزره بکلربکیلر طرفندن
برات اولنان تیمارلردن ماعداسی آستانۀ سعادتدن طالب
اولان علوفه لو یه و یا تیماره استحقاقی اولان اهلنه ویریلوب
امر ایله توجیه اولنوب. بعضی آستانۀ سعادتدن تذکره یازیلوب
برات اولنور. و بعضی اول ویریلان امری بکلربکیه کوندروب

آندن

آندن تذکره کیروب دردولته کلوب برات اولنور. بکلربکیلر
کندو براتلریله ویردکلری تیمارلره کتاب اصطلاحنده تذکره سز
ویررلر. کندو براتلریله ویرمیوب تذکره ویروب
دردولته کوندروب عرض ایلدوکی
تیمارلره تذکره لو دیرلر.
و بعده

بیان ایراد ومصرف خزینهٔ عامره

معروض بنده بیعقداردر بودرکه خزینهٔ عامره نک سنهٔ کامله ده مقاطعات
وجزیه وزیادهٔ جزیه وعوارض وبدل نزول واموال سائره دن ممکن
الحصول اولان داخل خزینه واخراجات ومهماتی ایچون حواله اولوب
ایراد ومصرف اولان اون درت بیک بشیوز اوچ کیسه در وذکر اولنان
اقچه نک یدی بیک درتیوز قرق سکز کیسه سی مقاطعات وخواص همایون
مالندندر وایکیوز طقسان التی کیسه سی جلبکشان اغنامی مالندندر
والتی کیسه سی بیت المال ورسوم برات واحکام مالندندر وبیک
ایکیوز اوتوز اوچ کیسه سی بدل نزل مالندندر وبوز اللی کیسه سی ارباب
تیمار وزعامتک بدل تیمارلری اقچه سندندر وقرق یدی کیسه سی بدل
طوب همایون اقچه سندندر وبتمش برکیسه سی بدل معاونت وبدل
شایع اقچه سندندر وبوز اون بش کیسه سی بغداد بکلربکیسنک
وبوسنه دفتردارینک وهرسک بکینک قول مواجبنه ویرمکیچون
تعهد ایلدکلری اقچه دندر وسنهٔ کامله ده واقع اولان مصارفدن ذکر
اولنور کوچک روزنامچه قلمنده واقع اولان رکاب همایون اغالرینک
وچاوشان درگاه عالینک ایکی بیک اوچیوز برنفردر سنهٔ کامله ده
مواجبلری بشیوز یتمش اوچ کیسه اولور ویکیچری وصولاق واغایات
اوجاقلری یکیچری کاتبی دفتری موجبنجه اللی بربیک قرق یدی نفردر
سنهٔ کامله ده مواجبلری اوچ بیک سکزیوز التمش التی کیسه اولور
وسپاه وسلحدار وعلوفجیان یمین ویسار وغرباء یمین ویسارک اون
طقوز بیک سکزیوز قرق درت نفردر سنهٔ کامله ده مواجبلری اوچ
بیک یوز اون التی کیسه اقچه اولور وطوپچی قوللری ایکی بیک درتیوز
التمش بش نفردر سنهٔ کامله ده مواجبلری یوز سکسان یدی کیسه
اقچه اولور وغلمان عجمیان وبوستانیان وتبرداران قوللری اون
اوچ بیک سکزیوز یکرمی التی نفردر سنهٔ کامله ده مواجبلری درتیوز
قرق ایکی بچق کیسه اقچه اولور وجبه جی قوللری بش بیک بوز یکرمی سکز
نفردر سنهٔ کامله ده مواجبلری ایکیوز التمش درت بچق کیسه اقچه اولور
وطوپ عربه جی قوللری بیک درتیوز اللی بش نفردر سنهٔ کامله ده مواجبلری
یوز اون بر بچق کیسه اقچه اولور وطوپ عربه جی قوللری اوچیوز
یکرمی نفردر سنهٔ کامله ده مواجبلری یکرمی یدی بچق کیسه اقچه اولور
وسراج قوللری اوچ بیک ایکیوز اون یدی نفردر سنهٔ کامله ده مواجبلری

بوز طقسان بش بچق کیسه اقچه اولور ومطبخ عامره خدامی بیک وجیوز
یکرمی برنفردر سنهٔ کامله ده مواجبلری یتمش اوچ کیسه اقچه اولور
واهل حرف قوللری بدیوز اوتوز بش نفردر سنهٔ کامله ده مواجبلری
قرق کیسه اقچه اولور وخیاطان خلعت قوللری ایکیوز یکرمی برنفردر
سنهٔ کامله ده مواجبلری اون کیسه اقچه اولور وچادر مهتری قوللری
طقوزیوز طقوز نفردر سنهٔ کامله ده مواجبلری اللی بش کیسه اقچه اولور
وعلم مهتری قوللری یوز برنفردر سنهٔ کامله ده مواجبلری اون ایکی بچق
کیسه اقچه اولور ودیوان سقالری اوتوز بش نفردر سنهٔ کامله ده
مواجبلری اوچ کیسه اقچه اولور وافرنجه طایفه سندن برنفر فالندن
سنه ده مواجبلری اون بیک التی یوز اقچه اولور واراب قلعه سنک مستحفظانی
وبشلولری یدیوز اون یدی نفردر سنهٔ کامله ده مواجبلری ایکیوز
یکرمی یدی کیسه اقچه اولور حالا تحریر اولنوب مواجب ویریلدن قول
طایفه سنک مجموعی طقوز بیک ایکیوز التی بچق کیسه اقچه اولور وحالا
ترسانهٔ عامره ده اللی قطعه قدرغه نک جمله مهماتنه واقچه ایله طونلدن
کورکجی اجرتنه والتمچی برنجی وقوماینه وبکلک اسیرلرک یکمه تلرینه وطوپخانه
همایون ایچون مخصوص اولان یکمات بهالری ایچون اون اوچ قطعه
قلیونلرک کیجیلرینک اجرتی وسایر مهماتی ایچون نقدیه اقچه ایله کوریلدن
طقوزیوز سکسان سکز بچق کیسه اقچه اولور واوجاقلقلری اولان عوارض
خانه لرندن البانلری کورکجی ونجی حسابنجه التوز یکرمی برکیسه اقچه اولور
اشبو مصرفه ضم اولنجه ترسانه نک مهماتی بیک التیوز طقوز کیسه اقچه
اولمش اولور لکن ذکر اولنان التیوز کیسه یکرمی برکیسه اوجاقلق نامی
اولمغله ایراد ومصرفه ادخال اولنمامشدر ایچ ترسانه نک عموما
مصرفی بلنمک ایچون بو محله شرح ویرلدی ومطبخ عامره نک مهماتی ایچون
مصر رسایلسندن غیری سنهٔ کامله ده طقوزیوز التمش بش بچق کیسه
اقچه مصرف اولور وشهر امینی قوللری یدنندن اکرمواجبات واکرسرای
عتیق وسرای ابراهیم پاشا وسرای غلطه ایچون لحم وسایر مهمات ایچون
سنهٔ کامله ده بدیوز یکرمی درت بچق کیسه اقچه صرف اولنور واصطبل عامره
مهماتی ایچون آرپا امینی یدندن اوجاقلقلرندن غیری ایکیوز اللی درت بچق
کیسه اقچه صرف اولنور واسناد بون اغاسی یدندن اوجاقلقلرندن غیری
سنهٔ کامله ده یوز اون درت بچق کیسه اقچه اولور وطرزه خزینه
ایچون خلعت واطلس وغیری اشیا ایچون سنهٔ کامله ده ایکیوز یکرمی بش

كيسه اقچه صرف اولور • واندرون همايون بلليغى ايچون سراسر ودبيا
وچوقه متنوعه واطلس متنوعه بهاسنه • سنه كامله ده يوز اللى كيسه
اقچه صرف اولور • وبكچى بكلرينك چوقه ايله استار بهاسى ايچون سنه كامله ده
دورت يوز اوتوز التى بچق كيسه اقچه صرف اولور • وبكچى بكلرينك ضربخانه بهاسنه
سنه كامله ده ايكيوز اون بچق كيسه اقچه صرف اولور • وادرنه سراى
عامره لرينه سنه كامله ده قرق التى كيسه اقچه صرف اولور • وسكبانلر قوزى
ايچون دفتيق بهاسنه • سنه كامله ده بكرمى بش كيسه اقچه صرف اولور •
وقديم خانى وقاغلغاى بالباننى • وبعض ميربران ودريا بكلرى
سالبانه لر ايچون • سنه كامله ده درتيوز كيسه اقچه صرف اولور • وحج شريف
ايچون سنه كامله ده يوز اون طقوز بچق كيسه اقچه صرف اولور • وعادت عليه
وبهائه وعادت سائره بعض كسان وانعامات وخرج راه ايچون • سنه كامله ده
الليكيسه اقچه صرف اولور • وقومبان ايالتنده ايشلنن باروت مهماتى ايچون • سنه
كامله ده يوز اون كيسه اقچه صرف اولور • وظايف متقاعدين ودعاكويان
وبعض قلعه لرك نقل ايچون • سنه كامله ده بيك طقوز يوز اون بر كيسه
اقچه صرف اولور • وبعض مقاطعاتك اخراجاتى وچلنكلر ومملحه لر ومصارف
مقاطعات • ووقف مدينه ومصارف باركيران منازل ايچون • سنه كامله ده
درت يوز يكرمى برى بچق كيسه اقچه صرف اولور • وميرى قصابلر
اغنامنك بدلى كه مطبخ عامره نك • وسراى عتيق وسراى ابراهيم پاشا
وسراى غلطه • وميران بكچى باشى عن مال الجليكاتان ايچوندر • سنه
كامله ده يوز سكسان سكز كيسه اقچه صرف اولور • حالا مجموع
مصرف اولان التى بيك درتيوز كيسه اولوب • ايراددن ايكى بيك كيسه
زياده اولوب • لكن مقدما كلن اكر وزير • واكر دفتردار قوللرى سنه لرى
تداخل ايدوب • بيك التمش درت • وبيك التمش بش سنه لرينك ٤٩٦
ماللرى تداخل اولمغيله التمش درت سنه نك بالكليه مالى والتمش بش
سنه سنك نصفندن زياده آلنوب • بو ايكى سنه ده الناس اقچه
قتى جزوى اولمغيله • نقصان خزينه قتى چوق اولمش اولور • بنم سعادتلو
پادشاهم خزينه نك ايكى بيك كيسه نقصانندن اول قدر مضايقه چكلمزدى
لكن تداخل اولمغيله بيك التمش درت • وبيك التمش بش سنه سى بوش اولنوب
اولمغين • كمال مرتبه مضايقه بوندن حاصل اولور • وبدل نزل وبدل
اوردوى همايون اقچه لرى بيك ايكيوز سكسان كيسه اقچه اولور •
بو اقچه لر معين دكلدر • سفر اولدقده اولور • بنم سعادتلو پادشاهم

نوروزده • نوروزى ركاب همايونه اوقود وغمز دفتردن تكش بيك يتمش
ايكى كيسه اقچه ايراد ومصرف يازلمش ايدى • سنوى يازيلان دفتردن
بش يوز يتمش كيسه اقچه تفاوت كورلمسى مال عتيقدن وجديددن
تحصيل اولمغله • تفاوت كورلشدر • وحالا دفترمز سنه بسنه اولمغله
ايراد ومصرف يازلد وغى اوزره ايجاب ايلشدر • وحالا بش بواجبدن واقع
عموما اوزره اولان تحولات • دورتيوز يتمش كيسه اقچه اولمش اولور •
وسرحدده اولان قلعه لر ايچون • حين فتحلرده جوانب اربعه سنده اولان
قرى ومقاطعات قلعه ده محافظه ده اولنلره اقديم بغلنوب • علوفه كرى
استانه سعادتدن ويرلمكله عموما قلعه لر ايراد ومصرفه داخل اولمامشدر
وحالا يازيلان دفترى سنوى حسابى اوزره در • مذبور مقاطعه
ويا خود برخدمت بركسه يه ويرلدكده اول مقاطعه نك مالى ايكى اوچ سنه
دكين ايچون تحصيل اولنوب • نهايت ايراد اولان اقچه نك بعضى ايلروده
وبعضى كيروده تحصيل اولور • قديمدن بويله اوله كلمشدر • وبكچى
وسپاه وبوستانجى وتبردار • وحرم اندرون وخدمت مطبخ عامره
واغايات متقاعدين • ودركاه عالى قوللرندن غيرى • چاوش ومتفرقه
ومشاهره خوران وقبوجى وجبه جى وطوپجى وطوب عربه جى وسراج
واهل حرف • وخياطات • وچادر مهترلرى • وعلم مهترلرى قوللرى
دفتر موجبنجه كامل علوفه آلميوب • باقيلرى قالوب اول باقى قدردن علوفه كرى
خزينه مانده اولور • ونقصان اولان ايكى بيك كيسه يه
بونكله جواب ويريلور • تحريرا فى
سنه ١٠٦٤

استانبولدن بلغراده وارنجه منازل

کوچك چکمجه ساعت ٣	بیوك چکمجه ٤	سلوری ٤	سکبانلو ٤	چورلی ٤	قارشدره ٣
برغاس ٦	بابا ٥	حفصه ٦	ادرنه ٤	تکه ٤	چوق مصطفی پاشا ٣
حبیبجه ٢	خرمنلو ٥	اوزونجه اوه ٤	سمیجه ٢	قیالو ٤	باباسلو ٦
فلبه ٦	تاتار بازاری ٦	اختمان ١٢	صوفیه ١٢	دراغومان ٨	شهرکوی ٧
قوری چشمه ٥	نیش ٧	قورماده ٦	الاجه حصار ٥	الاکلیسه	راشنه
پراکین	باطوچنه	باغچه	بلنغیتن پاشا	قولار	حصارجق

منزل بلغراد دار الجهاد

اسکوبدن استانبوله کلنجه منازل

اسکوب	تیلکی کوپی ٤	اشتیب ٧	رادوویشته ٦	پترنچه ٧	تیمور حصار ٦	سیروز ٤
راهوه ٢	فردشته ٤	پراوشته ٤	وصلاقی ٢	قواله ٣	صاری شعبان ٥	قوبجی کوی ٢
بکجه زومو ١	بقچه کوی ٤	کومولجنه ٤	قره جلر ٤	ملکوی ٥	بك کویی ٣	قره جك ٣
ابساله ٥	اودس کوی ٦	خانه احمد پاشا ٣	مغلغره ٣	اورده کوی ٣	دوه جی کوی ٦	اینه جك ٣
رودوسجق ٤	تورنلو کوی ٤	اوبورجه ٣	باباسلو ٢	سلوری ٣		

سلطان مراد خان بغداد سفرینه کندکده رئیس الکتاب حلمی حسن افندی برموجب ساعت یازدوغی منازلدر

اسکدار	قرتال ٥	گکبزه ٥	هرکه ٦	ازنکمید ٢
قازقلی دره ٣	دجلیو طاشی ٨	ازنیجه	بکجشهر ٥	اق بیوق ٦

بازارجه

٥٠١

٤٠٩

بازارجق ٥	بوزاویوك ٤	این اوکی ٣	اسکیشهر ١١	اق ویران ٤	سیدی غازی ٤
قوله الاکی ٤	خسرو پاشا خانی ٤	بیات ٤	بولوادین ١٠	اسحاقلو ٤	اقشهر ٥
خان ارغنی ٥	ایلغینه ٤	قره کوپری ٢	صولوتلکی ٥	خان عجلیه ٣	حوض بکاری ٤
قونیه ٥	بکا اوکی ٥	قره اوبوك ٩	انجه شهر ٨	کول باشی ١٠	ادکلی ٦
کسمه ٤	بورد قانوس ٦	بکنه ٥	یحم چاری ٧	دوه تورن حصار ٥	انجه صو ٥
کوپری ٣	قیصریه ٧	بارصه ٥	بلدك ٤	صاری اوغلان ٦	که دکجاری ٧
شارقشلهغی ٦	اباد دی چاری ٦	سیواس	اوتوراق بیوم	کومرکوبی ٦	فتح حصار ٦
غازیجی کویی ٦	اباش ٦	شیخ جبنی ٦	کونلو کوبی ٦	چوبان بازی ٩	بابیکاری ٥
بصی جبی ٥	بوک بصی جبی	پالاخور ٥	صدقه ٨	جبرجه ٧	سنوبله ٦
چاموزونجی ٧	اولوسلر ٥	اق کوپری قربازجان اوتوراق ٥	ماخانوه ٥	بنلش ٦	
جنشس ٥	ابلیجه ٦	ارض روم اوتوراق ٦	سکودلودره ٣	حسن قلعه سی ٨	سعابرکی ٦
توم طام ٥	صوغان بابا کویی ٥	دیرنان ٥	دوشنقیا ٥	قارص ٧	زعیم اسعیل ٨
قره قوریغه ٩	سوده کی ٨	بك کویی ٩	قراچاغان ٥	اباد ات ٤	ابسالر ٥
اوج کلیسا ٢	شاه ماغند ٨	روان ٣	ایام فتح عدد ٢٥	بعد الفتح اوتوراق عدد ٢٥	

عطف عنان عزیمت بسمت تبریز

کورنجانی ٥	سیف الدین ٥	اوشار ٥	غقاج اولام ٥	قره صو ٣	
قلعه بکو ٥	قوچ طاش ٩	چورش ٥ اوتوراق ٣	بهشتون ٥	خوی ٩	وسلمه ٢

کوره بیته ٨	مرند ٧	صوفیان ٢	حاجی حرامی ٥	تبریز ٤

عطف عنان رجوع بجانب روم

حاجی حرامی ٢	قبلهچیق ٨	قره دیه ٧	تسو ٦	الماسرای ٤	
یالکز اغاج ٤	سلماس ٦	خناسور ٧	قلعهٔ اباق ٣	قلعهٔ قتور ٣	
دوناخور ٧	سلماس ٥	ابرجك ٤	وان ٥	قاسم اوغلی کویی ٥	
جابلجابی ٥	بندماهی ٥	ارجیس	جعفربك ٣	عدل الجواز ٥	
سوری ٤	کرمیش ٦	ناتوان ٥	تبلیس ٥	قلعهٔ کفندر ٤	اشکسیدی ٥
کفذوبس القرنی ٥	خروجابی ٥	بطمان صوی ٩	عبادجابی ٥	دیاربکر ٥	
شلبه ٢	قره کوپری ٥	قریهٔ ماتات ٥	بك بوردی ٥	مهریازاباد ٥	صولرکرجیکی ٤
باغنیك ٥	قره صوی ٨	ملاطیه ٧	حسن بادریه ٧	کسك کوپری ٥	
حکیم خانی ٢	حسن چلبی کویی ٥	الاجه خان ٥	تنغال کویی ٦	حسن کویی ٥	
سلیمقخانی ٤	سیواس ٥	بلاذکوروسی ٤	کات اباد ٣	تخت اباد ٦	
توقات ٥	آدینه بازاری ٥	تورحال ٥	اسکی ادنه ٦	اماسیه ٦	کلکراسر ٦
بولاق ٢	کوره شعبان ٥	عثمانجق ٢	حاجی حمزه ٦	طوسیه ٦	قوچحصار ٦
قره جوریه ٧	چرکس ٨	بایندر ٦	کرده ٦	چاغ کویی ٦	بولی ٦
دیك خانی ٨	طوربه لوکوبلی ٧	طرقلو ٥	کیوه ٦	صبانجه ٦	ازنکمید ٦
هرکه ٨	ککبزه ٥	بندك ٥	اسکدار ٦		

سیواسدن عنتاب اوزرندن بغداده وارنجه اولان منازل

بکمز جایری ٢	نجم بونی ٢	تنغال ٢	بوراقچمی ٣	قرداشلر بکاری ٤	قره طورون ١
کوردون کویی ٤	اسودی بکاری ٣	قیابکاری ٤	حورمانصوی ٩	اصحاب کهف ٢	کوکسون قربی ٣
باباکوپریسی ٦	قوجه بکار ٣	تکوربلی ٣	یاریوزآقی ٢	جهانصوی کوپریسی ٦	کرکجاریکی ٣
اق صو ٦	ابجه صو ٦	دوکو جایری ٢	عنتاب ٢	اورل ٦	بیره جك ٥
اباتربه ٤	کوزدیز ٧	ارسلانلو بکی اوکی ٣	ارسلانلو اوده سی ٣	صوجاق ٦	شاه ماران معلوسی ٥
مثی کوپریسی ٣	آدنه ٣	باش جاغد ٦	صاری اشق ٤	رمضان اوغلی بالجهسی ٤	آق کوپری بوغازی ٣
صاری قاش ٥	برکتلی ٣	قریهٔ ابتلی ٣	قریهٔ اینهل ٥	دوه قره حصار ٥	ابجه صو ٥
کوپری ٣	بشل بالی ٣	طاف ٤	السوزلو ٦	قریهٔ چقرجی ٤	کوکجعفر ٤
شکراب ٥	بکدلی نار ٦	زبله ٢	دزری کوی ٦	امالسبه ٤	چرکس
یوماق کوی ٢	شك جامی	مرتضی اباد ٦	خات ٥	انکوری ٢	ویرانجیخ ٣
کشادزی ٥	بالجی حصاری ٥	بولرق دده زاده ٦	ابن صوفی ٦	مابدوشی ٣	حوضلر ٦
قونیه ٥	بکار اوکی ٥	قره اویوك ٩	انجه شهر ٨	کول باشی ٩	ادکلی ٦
جاوش کوی ٤	اولوقنده ٣	چفته خان ٤	رمضان اوغلی بکی ٦	دولکی قلعه سی ١	صکراشق ٢
جاقدخانی ٤	آدنه ٨	سیس کوپریسی ٣	شاه ماران قلعه ٢	قرددوکی ٢	یورنازکوپریسی ٣
بیاسی ٥	اسکندرونه ٥	بانغدوجی ٥	انطاکیه ٣	جسرحدید ٤	صادیه ٤

٤١٢

دیلوکوی ٢	خانمانوت ٤	حلب الشهبا ٢	جلون ٢	ساموقه ٣	مقام داود پیغمبر ٣
ترشکن ٣	خان سلوخ ٣	تل بشیر ٣	مزار کوبی ٣	تزیب ٢	بیره جك ٣
بش دیه ٢	بیکابانی ٤	سروج ٣	عرفه ٨	جلاب ٤	

وزیراعظم ابراهیم پاشا بو منزلدن عدم آباده رحلت ایلدی

عبدون ٥	ارسلانلی چای ٦	المالو چای ٢	قوجه طاغ ٢	قزل دیه ٢	قره کوپری ٤
دیاربکو ٢	جاروغی ٣	کوك صو ٦	جمجود بیکاری ٥	شیخ زوط ٤	حرزم درزوب دیه ٦
قره دره ٥	نصیبین ٤	ارناور دیه‌سی ٣	جراح صوی ١	صمانی	دلکر بیکاری ٦
حکمی	قابود	کفرزمات	مقابلهٔ کفرزمات	ابو سعید	ونصیم
مقابلهٔ اسکی موصل	نفس موصل	میرحولی ٣	بکرتلو ٢	نهرزاب جانب غربی ٤	نهرزاب جانب شرقی ٢
شماماك ٤	بیرداود ٢	انجه صو ٢	التون صوی ٣		کوك دیه ٣
خاصه‌باشی ٣	کرکوك قلعه‌سی ٢	تازه خرماتی ٣	طاووق ناحیه‌سی ٤		طوزخرماتی ٥
کفری ١٢	تربهٔ شیخ ابراهیم ٢	قزرب ٣	طاش کوپری ٤		جیوق کوپری ٣
دوه دیالونده ٣	بهروز یعقوبیه ٢	عرتبه ٤	تربهٔ امام اعظم ٧		بغداد دار کرم ١

مسقو

٥٠٢

٤٩٧

مسقوجادبنی یازیلان عهدنامه در

لا اله الا الله الفتاح ذو القوة المتین • بسم الله الرحمن الرحیم
نشان عالیشان اولدرکه: جناب خالق لایزال وحضرت قادر ذو الجلال
جل شانه وعز سلطانه نك نصرت وعنایتی • وسرور انبیا محمد مصطفی
صلی الله علیه وسلمك معجزات کثیرة البرکاتیله • بن که حرمین شریفینك
خادمی • وکفر وضلال بنیانك هادمی • سلطان کدرهء طین
برهان للخواقین • ظل الله فی الارضین • فرمان فرمای ممالك روم
وعرب وعجم • وحکم روای ممالك جم • وشهریار ممالك ترك و دیلم •
خسرو تاجبخش ومملکت آرا • تاجدار لشکر کش وکشورگشا • ثانی اسکندر
ذو القرنین • خاقان ما بین الخافقین • اشرف المداین والامصار •
اقدس الممالك والاقطار • مکه مکرمه ومدینهٔ منوره وقدس شریفك
واق دکز وقره دکزك • وروم ایلی وانا طولی وروم وقرمانك • وارزروم
ودیاربکرك • وکردستان وخورستان وکرجستانك • وذو القدریه
ومصر نادرة العصر وشام جنت مشام • وصیدا بیروت وطرابلوس
شامك • باخصوص حضرة الملوك اولان استانبولك • وحلب وکلیاً
عربستان • وبغداد وبصره نك • وبدون وبوسنه وطمشوار وقنیزه
واکره وورات واوبوارد وقرابینه وبیروله واوزی • ومغرب زمین
وجزایر غرب وجزیرهٔ کریدك • ودشت قپچاغك وافلاق وبغدان
واردل ولایتنك • والکا تابع برلرك • وبونلردن غیری ضرب شمشیر
جهانگیرمز ایله فتح وتسخیر اولنمش نیجه ولایتلرك ومملکتلرك
پادشاهی وسلطانی • وشهنشاه عظیم الشانی • ابو الفتح سلطان
محمد خان ابن سلطان ابراهیم خان ابن سلطان احمد خانم • توفیق
ربانی ایله حل وعقد امور ملك وملت • وفتق ورتق مصالح دین
ودولت • ید مؤید صاحبقرانیمه مفوض ومسخر • وزمام کشور
کیری وبختیاری • قبضهٔ تصرف ملوکانهٔمه مسلم ومقید اولدیغی
آبا واجداد شجاعت نهاد • ودیدهٔ قدیمهٔ اسلاف داد اعتیاد من
اوزره همم دهم جل عنان عزیمت شاهانه • وکل همت والا نهمت
پادشاهانم • جانب حفظ وحراست مملکت وثغور بلاد • وطرف
ترفیه اصلاح احوال فقرا رعیت وعباده معطوف ومصروف •
قلنمق لازمهٔ ذمت همت ملوکانه • وفریضهٔ عهدهٔ عزیمت صاحبقرانم
بنا علی هذا بوندن اقدم • مسقو چار لغیله دولت علیم • بیننده اولان

سررشتهٔ صلح وصلاح • بعض وقايع سببى ايله منقطع وزايل اولمغله •
بالفعل عساكر انجم شمار ونصرت شعار ايله سقو سرحدى وادزى
صوبى جوانبنده سردار نصرت علم وسپهسالار معظم • نصب وارسال
قلنان دستور اكرم • مشير افخم نظام العالم • ناظم مناظم الامم •
مدبر امور الجمهور بالفكر الثاقب • متمم مهام الانام بالرأى الصائب •
ممهد بنيان الدولة والاقبال • مشيد اركان السعادة والاجلال • مكمل ٤٠
ناموس السلطنة العظمى • مرتب مراتب الخلافة الكبرى • فاتح ابواب غزو
وجهاد • كاسر شوكت ارباب كفر وعناد • المحفوف بصنوف عواطف
الملك الاعلى • الغازى فى الله • المجاهد فى سبيل الله • وزير اعظم وسردار ٤٠١
اكرم • مصطفى پاشا ادام الله اجلاله • وضاعف اقتداره عساكر منصوره
ايله خدمات همايونم اتمامنه قيام • وفرمان جليل الشانم اجراسنه
اهتمام كوسترمكله • مابينده نائرهٔ حرب وقتال دركاه • واتش جنك
وجدال نزارده بار اولمغين • اول مملكتلرك رعايا وبرايا سى عساكر دريا
شمولك آتلرى اياغى آلتنده پايمال • ومرور وعبورلرى تزاحمندن
مكدر الحال اولمشيدى • ويزدهٔ تقديرده اولان صور خير وشر • بامر الله تعالى
معرض ظهورده جلوه كر • اولمق صورتن بولمشيدى • بوندنصكره
بالذات جناب خلافت مآبم دخى فى سبيل الله غزو وجهاد نيتى ايله
مقر سلطنت ومأوى خلافت اولان • استانبولدن كمال شوكت واجلال
ونهايت سعادت واقبال ايله حركت • ودار النصر والجهاد محروسهٔ ادرنه ده
قشلايوب • اول سال يمنت اشتمالك بهار نضارت اثارنده عساكر بحيد
وحصر ايله اول طرفه سفر همايون وعزيمت سوكنمقرونم مقرر اولمشيكن
بو زمانه دكين نه وقوع بولدت • آتش جنك وپيكار بوندنصكره آب
خوشكوار صلح ووفاق ايله منطفى ونا پايدار اولمق التماسيله • افتخار الامراء
العظام العيسوية • مختار الكبراء الفخام فى الملة المسيحية • مصلح مصالح جماهير
الطائفة النصرانية • ساحب اذيال الحشمة والوقار • صاحب دلائل المجد
والافتخار • سفوولا بتنك جارى • والكانا بع اولان روس مملكتلرينك
فرمان فرماى وحكمدارى سوودروس علكسى اودح ختمت عواقبه بالخير •
جانبندن • جناب امارت مآب ايالت نصاب دولت انتساب رفعت
اكتساب • پسنديدهٔ خاندان خاقانى • كزيدهٔ نسل ايلخانى • استان سعادت
عبيد صداقتكارى • بالفعل قريم خانى ... كراى خان دامت معاليه طرفنه
معتبر ايلچيلر كلوب • بتشنهٔ حوادث ايام ايله انهدام وانطماس بولان

اساس

اساس صلح وصلاح ايدى خيرخواهان ملك رايله تعمير وبنا وحقوق
جوار قديمه مراسمى حسن تدبير اجرا ايله كوركبى احيا • قلنوب • ابا واجداد
جنت رقادم ايله چار مشار اليهك اسلافى بيننده اولان حقوق دوستى
ولوازم جوار قديمه قواعدينه تمهيد • وموجب آرايش بلاد وآسايش
عباد اولان صلح وصلاح كما ينبغى وضع وتجديد اولنمق • رجاسنده
ايدوكنى وخان مشار اليه قوللرم دخى بوخصوصده دولت عليهم طرفندن وكيل ٤٩٨
اولنوب قريمده امور صلح وصلاحى مكالمه ومذاكره دنصكره برقاچ مواد
اوزره قرار ايله صلح وصلاح منعقد وبايداد • وچار مشار اليهك وكلاسى
ويردوكى تمسك بوسه كاه ارباب عز وجاه اولان عتبهٔ عليه سعادت
دستكاهمزه ارسال اولنوب قرارداده اولان مواد اوزره تمسك ويرلمك
رجاسيله • پايهٔ سرير اعلايه عرض واعلام ايلدوكى ركاب همايونمه تلخيص
اولندقده • ذات سعادت اياتم مركوز اولان شفقت على خلق الله
مقتضاسنجه ودايع خالق البرايا اولان عجزه ورعايانك آسايش واستراحتى
موجب اولمغله • حالا لزينى مرحمت • بوبابده اولان نياز واستدعالرى
عز حضور فايض النور خسروانهمده مقبول • ومشار اليه وكيل سلطنتم
طرفندن دخى تمسك ويرلمك بابنده مسارعت جبله خسروانهم مبذول
قلنمشيدى • حالا ويريلن تمسك مضموننى مؤيد ومؤكد چار مشار اليه
طرفندن • سدهٔ سنيه وعتبهٔ عليه مه بيوك ايلچيلك خدمتيله كلاوث
قدوة الامراء فى الملة المسيحية • زنعوب ودسحيبد ... ختمت عواقبه
بالخير ك كتوردوكى نامه سى دخى ترجمه • ووزراى عظام • ووكلاى كرام
وساطتيله • پايهٔ سرير اعلامه عرض وتلخيص اولندقده • درونندن خاطر
مشار اليه وساطتيله تشييد مبانى صلح وصلاح • وتمهيد مقدمات
فوز وفلاح ايچون مقدما طرفينك وكلاسى ويردوكى تمسك موجبنجه
عهدنامهٔ همايون شوكتمقرونم احسان اولنمسى التماس واستدعا
ايلدوكى معلوم همايونم اولدقده • بو وجهله اولان رجاسى عز حضور
لامع النورمده درجهٔ حسن قبوله موصول • وتمسكلرده مسطور اولان مواد
معتبر ومقبول طوتلدوغنى مخبر • والچيسى اليه رجاسيله دخى الحاق ٤٠٩
اولنان موادى مشتمل ومشعر صادر اولان خط همايون شوكتمقرونم موجبنجه
اشبو عهدنامهٔ همايون عزتمقرونى ويردم كه ذكر اولنور • وشرح وبيان
وتفصيل وعيان قلنور • پيغمبرمز اكى جهان كونشى خاتم الانبياء
پيشواى شفيع روز جزا حبيب خدا • رسول مجتبى حضرت محمد مصطفى صلى الله

علیه وسلمك تاریخ هجرتلرندن • سنه احدی وتسعین والف سنه سنك
واقع بهار آینك اوچنجی کونندن یکرمی سنه یه دکین • مدت تعیین اولندی
شول شرطله که مابینلرنده اوزی صویی سنور اوله • واوزی صوینك بروطرفنده
ولایت مملکت • تحت حکومت صاحبقرانیمزده قاله • اینجی کیوویه قلعه سی
وکیوویه قلعه سنه قدیمدن تابع اولوب حالا خرابه اولان • واصلی قو
واره بولیر • واسنالقه • بلنقه لری وسایر کیوویه تابع اولانلر بر کیوویه
قلعه سنك قدیمی سنوریله • چارشارالیه تحت حکومتنده اوله ؞
وکیوویه قلعه سنك سنورینی وبو تقاله وارنجه اوزی صوینك ایکی
طرفنه دخی طرفیندن قلعه بنا اولنمیه • واوزی صوینك اوته یقه سنده
اولان سقور رعایاسی یرمز یورك برویقه سنده کفاف نفسلری ایچون
اودون المق مراد ایلدکلرنده خلاف صلح وصلاح رنجیده ورنیده اولنمیه لر
واوزی صوینك اوته طرفنده سقوچارینه تابع اولان رعایا اوزینك
بروطرفنده قوان ایتمك وطوز المق وبالق المق وچایر بچمك مراد ایلدکلرنده
قانون اوزره رسملرین ادا ایلدکده نصکره خلاف صلح وصلاح منع اولنموب
رنجیده ورمیده اولنمیه • ومدت صلحده دولت علیه مك سرحدنشین
اولان حکامی وضابطلری وبالجمله عسکری طایفه سندن وقریم
خانی وتاتار عسکری طایفه سندن سقوچارینك تحت حکومتنده
اولان رعایایه وبرلرینه تعدی وتجاوز وبروجهله مغایر صلح ضرر قصد
اولنمیه • وطرف همایون شوکتمقرونمزدن عنایت اولنان اشبو عهدنامهٔ
همایونمزده مسطور اولان مواد بلا زیاده ولانقصان حفظ وصیانت
اولنوب • مرعی طوتیله ورضای بن اقتضای خسروانه مله قریم خانی
جانبندن وبریلدن شرط نامه ده چارشارالیه ایله مابینلرنده
منعقد اولان شروط وقیود ومواد هر نه ایسه بنکندو ما بینلرنده مرعی
ومحترم طوتیلوب • بوندنصکره نسل ایلچانیدن اخرقریم خانی نصب ونبی
احتمالی اولورسه دخی فسخ اتمیه • ومدت صلحده قریم طرفیله مابینلرنده
بربهانه ایله نزاع واقع اولورسه • ایلچیلر وساطتیله حقیقت حال ره وقوف
تحصیل ومنع ودفع اولنوب • سرحد نزاعی سببی ایله صلحه خلل کلیوب
تعدی یه مباشرت اولنمیه • ومدت صلح تمام اولمزدن برایکی سنه مقدم
تجدید صلح ایچون سقوچاری طرفندن التماس ورجا اولنورسه ؞
طرفینه نافع اولدق وجهی اوزره دولت علیم جانبندن دخی مساعده
اولنه • وآیکی طرفك رعایاسنه خبر اولنموب حسن اختیارلریله نهر اوزینك

١٤٩٠

بروطرفنه بموجب توطن ایتمك مراد ایدنلره کسنه مانع اولمیه • وجنك
اثناسنده طرفیندن اسیر اولنلر معتاد قدیم اوزره مبادله اولنه وسقو
واو تیلرنده اولان کشیلر وغیری آدملر آیینلری اوزره زیارت وعبادت
ایتمك ایچون قدس شریفه وارمق مراد ایدنلره سرحد بکلرینك کلدکلرنده قانون
اوزره یول امرلری وبربلوب خلاف معتاد کسنه یه قطعا ظلم وتعدی
وتجاوز ایتدرلمیه • فیما بعد ایام دولت وهنکام سلطنت ابد مقرونمزده
بالاده تحریر وبیان وتفصیل وعیان اولنان شروط وقیود ومواد عهود
مقتضاسنجه عمل وصلح وصلاح لوازمی کرکی کبی مرتب ومکمل قلنه • مادامکه
چارشارالیه طرفندن وقپودانلر وبکلرندن صلح وصلاحه مغایر
ومخالف • موجب اختلال عهد وپیمان • وباعث انحراف شرط وایمان •
بروضع وحالت صادر اولمیوب • دوستلق ویار شقلق حقوقنی کما ینبغی
رعایت ایده لر • جانب خلافت مآبم طرفندن دخی • ایمان غلاظ وشداد
ایله یمین ایدرمکه • یرلری وکوکلری یوقدن وار ایدن پروردکار جل جلاله
حقیچون • واولو پیغمبر ایکی جهان کونشی محمد المصطفی صلی الله علیه وسلمك
معجزات کثیر البرکاتی حقیچون • منوال مشروح اوزره معاهده اولنان
ماده لردن جزئی وکلی • برخصوصده تخلف وتجاوز اولنموب • زمان
دولت روزافزون واوان سلطنت ابد مقرونمزده بو صلح وصلاح منوب
المصالحه شروط وقیودی مقرر وپایدار وبو عهد وامان ثابت وبرقرار
اولوب • عموما اول ولایتك رعایا وبرایاسی سایهٔ سعادتمزده شفقت
وظل ممدود حمایتمزده آسوده حال ومرفه البال • اوله لر تحریرا فی اواخر سنه ٩٣
اعزبشب کبیه وبجوهر توزالق قونمشدر • وقپاغی اوزره ثلث خط ایله عهد
نامهٔ همایون شوکتمقرون ندر بو یازلمشدر

مسقوچارینه نامه در

حضرت حق جل وعلانك علو عنایتی • وسرور انبیا حبیب خدا پیغمبر
ایکی جهان کونشی محمد المصطفی صلی الله علیه وسلمك معجزات کثیر البرکاتیله
مرجع سلاطین سلطنت آیین زمان • وملجأ قیاصرهٔ قیصر منشان دوران
اولان • سدهٔ سدره نشان • وعتبهٔ بلند مکان راسخ البنیانمزه بیوك
ایلچیکز فدوق امراء الملة المسیحیه ختمت عواقبه بالخیر • وصول
ودیوان بلند ایوان حشمت عنوانمزده بساط بوس عزت مأنوس مزیله مولی
قرین حصول اولوب • نامهٔ مودت مونکزله دوستلق ومحبت بناء کوندردیکز
هدیه لریکز واصل • وخدمتده مضمونی ترجمه ودر دایی عظامم • ووکلای فخام

وساطتیله بابه سریر اعلی وآستانه عزتمصیر معلوممزه عرض وتلخیص
اولندقده نحوای اخلاص مشحونسنه علم عالم آرای ملوکانه مز محیط وشامل
واستانه دولت آشیانه مزه اولان خلوص ومحبتکزه اطلاع خاطر همایونمز
اولنشدر درگاه عالمپناهمز دوستلق ایله کلنلره کشاده والتماس ومدعای
مواللرینه مساعده جلیله خسروانه مز فوق العاده اولمق شیمه کریمه جهانداری
وقاعده قدیمه تاجداریمزدن اولمغله بوندن اقدم جناب امارت مآب
ایالت نصاب کزیده خاندان خاقانی خلاصه نسل الجنکیزخانی دولت علیه مزک
عهد صداقتکاری وبندهء کمینه خدمتکذاری اولان قریم خانی مراد کرای خان ٤٠٠
دامت معالیه وساطتیله وکلای طرفینک ویردیکی تمسک موجبنجه
منعقد اولان صلح وصلاح مستوجب الفلاحک مواد وعهود وشروطی
اوزره تشیید مبانی عهد ومیثاق وتجدید ارکان صلح ووفاق
ایچون التماس اوزره عهدنامه همایون شوکتمقرونمز احسان اولنوب
سویمه لیه ایلچیکوز دخی مأمور اولدوغی اوزره کمال رعایت ادب ایله ادای
رسم رسالتدن تنصیکوز دأب حسنه شهریاری وقاعده مستحسنه
تاجداریمز اوزره تشریفات خسروانه مزله مسرور قلنوب عود وانصرافنه
اذن همایونمز ارزانی قلنمغله اشبو نامه سعادت ختامه شوکتمقرونمز
اصدار قلنمشدر کوکدرکه جملتکزده مرکوز اولان وفور اخلاص ومحبت
مقتضاسنجه قدیم الایامدن خاندان ابد بنیان عثمانی ودودمان
مشیدالارکان صاحبقرانیمزله آبا واسلافکز ابن کلدیکی دوستلق وخوشلق
مراسمی صیانت اولنوب لدیق دولت طرفیندن اولانجه اوزره تجدید وتأکید
اولنان شرایط صلح وصلاحک ارکانی کما ینبغی حفظ ایتمک وکوکی کبی
قدری بیلنک خصوصنده دقیقه نامرعی قونلیه که بوانه کلنجه دولت علیه مزله
صداقت اوزره دوستلق ایدنلرک بفضل الله تعالی ساحه مملکتلری ابدی
اجابندن دور ورعایا وبرایاسی مظهر آسایش نامحصور اولدوغی خفی ومستور
اولنوب معمورئ بلاد وآسایش عباده مظهر وثمره صلح ووفاق ایله
محسود ملوک آفاق اولدقلری مقرردر امدی مادامکه بواسلوب مرغوب ٤٢١
اوزره حرکت اولنوب جار الغیبکز وجار الغیبکزه منسوب اولنلردن صلح وصلاح
ودوستلغه منافی بر وضع وحالت صادر اولمیه طرفنا باهر الشرف صاحب
قرانیمزدن دخی جوار قدیمی ودوستلق شرایطی مرعی ومحفوظ طوتیلوب
خاقان شاملانه قولمزه وسایر سرحد منصورهء مزده اولان وزرای عظام
ومیرمیران کرام وحکام ذوی الاحترامه صلح وصلاحه منافی برکونه فتح

وحركت

وحرکت ایتمه ملری بابنده تنبیه وتأکید همایونمز صدور بولمغله انشاالله تعالی
یوما فیوما دوستلق وتوکلشلمغه لایق وسودمند ورعایا وبرایا ومملکته
نافع دلپسند نیجه خیرلو ایشلر وابولکلو ظهوره کلمه تحریرا فی اواخر ٩٢
اغرشیب کبه بو قونیلوب بحو هر فرزالو قونمشدر

شیخ الاسلام افندی حضرتلرینه مسقو بطریکی طرفندن کلان
مکتوبک ترجمه سیدر سنه ١٠٩٠

القابدن صکره دوستانه انها واعلام اولنان بودرکه برای بو عالم الله
عنایتیله مسقو وبوک وکوچک وبیاض روس مملکتلرینک بطریکی
اولوب جمله اطاعتمزده وشریکلریمز اولان منره پلید وپسقپوسلر ایله
مابینده اولان رفع محبت نیجه بیکنا هلرک فانی دوکلمه سنه باعث
اولدوغن مشاهده ایلیوب اتفاق ایله مشاوره ایلدک که اسلام
دیننده شریعت حامیسی وطایفه کزک راسنده صلح وصلاحک معاونی
وشیخ الاسلام اولدوغکز اجلدن سزه ویانکزده اولان جمله خیرخواه
مشاوره جیلریکزه اشبو موقت نامه فی ادعیه خیر ایله تحریر وارسال
ایدروز ایکی سنه مقدم ماه اغستوسده سلفکز راسنده اصلا واقع
اولمامش حرکتله دولت عثمانیه نک عسکرلری ویانار عسکریله
قریم خانی اوزی صوی قرشوسنده واقع چاربرلک مملکتی وکوچک روس
ولایتنده اولان چهرین قلعه سی اوزرینه کوندرلدیکی استماع اولندی
وبو احوال مأمول دکل ایکن اول سرحدلرده مأمور اولان عسکر زیاده
جمعیت تدارکیله بولنوب کندو سرچهرینه طوغری متحد وارروب
٤٠٩ اللهک لطفیله قلعه مزبوره یی محاصره دن تخلیص ایلدیلر ولکن
عثمانلی عسکری آردینه دوشوب نهر طونه یه وارنجه تعقیب ایتدیلر
وکچن سنه چاربرمزجنکی مراد ایتموب صلح وصلاحه راغب اولمغله
اناناس بر سعتوم نام آدمیسی ایله دولت علیه یه ارسال ایلدیکی نامه در
بازمشلر ایدی که سلفلرینک وبو دیرکت اولان سلطان ابراهیم خانک
مسقو چارلریله اولان دوستلق ومحبتی فراموش اولنیوب معتد مسقو
چاری اولان میخالئه اودوروویچ صلحه رغبت ایچون حرب وقتالک
سببلرینی رفع ایدوب دولت علیه نک مشهور قلعه سی اولان ازاق
قلعه سی طلب اولندقده مابینده اولان محبت ومودتک بنا ودوامی
ایچون قلعه مزبوره یی رد ایدوب تسلیم قلدی خصوص مزبور ایچون

بهرسنه تعیین ایلدکلری احسانی الی الآن کوندرلدیکی وکندنك چار
شاراللهك اوغلی الکسیوس میخایلوویچ پادشاهکزك پدری اولان سلطان
ابراهیم خان ایله دوستلق اوزره اولوب مابینده اولان محبتی تأکید
ایچون بی اندریی ایلچیلر ارسال ایدوب مسلمان اسیرلرین دخی صاری
قمش قزاغی الندن اطلاق ایتدوروب کیرو ولایتلرینه کوندردکلری
خاطره کتوریله لکن بومرتبه محبته کافی سببلر وار ایکن پادشاهکز
آتش جنك وجدالی دفع ایلمدوکندن غیری زیاده لنمسنی مراد ایدوب
کچن سنه دولت علیه نك وزیر اعظمی چهرین قلعه سنی واطرافنده اولان
چاربمزك ولایتنی تخریب ایدوب طرفیندن نیجه بیکا هلرك قانی
دوکلدیکی حالق عالم اولان حق تعالی حضرتلری ذوالانتقامدر وجنکه
باعث اولنلره غضوبدر چاربمزك عسکرلری ممالك عثمانیه یه واروب
کشت وکذار وحرب وقتال ایلمدکلرندن غیری اسلام دینند اولنلرد
دکل اطاعتلرنده اولان خرستیانلردن بیله کمسنه یی دعوت وقبول
ایلمدیلر پادشاهکز ایسه بوحسن معامله یه مخالف حرکت ایلیوب
دوره شنقوبی وکندو قولندن رجوع ایدوب کشبشلکی ترك ایدن
کورکی هملنجکی یی وانك امثالنی قبول ایدوب لایق اولمیان جنك وجدالی
مباشرت ایلدیلر بواحوال ایچون چاربمز پادشاهکزه یازشلردر
امدی سزاسلام دیننك حامیسی وطایفه کزه ارا سند صلح وصلاح
معاونی اولدوغکزا جلدن مرتبه کزك حکمنی وتقید وسعیکزی اظهار
ایدك زیرا شهرلرده علم باشی بوم کبیدر وقدانلر رطوبتسز قورو دقلری
کبی مملکتلر دخی علمی اولدیغجه عدالت ومصالحه دن محروم اولورلر وجنك
وجدال ازدیاد بولمغله شهرلر خراب اولورحالقی قایرمق کیمك اوزرینه
لازمدر تحقیق شریعت حامیلرینك اوزرینه لازمدر بوزمانلرده
کتابده تبنیه اولندوغی اوزره وقتلو وفتنه نصیحت ایله رجا ایلرسنم
ایله زیرا بی قرار قانك دوکلمه سیله جنك وجدال ازدیاد بولوب
شهرلر خراب اولوب تبعه نك هلاك اولور آنلرك مملکتلری قورو ورفعاتدن وفرقه
دن ناشی بورکلر شق اولور وچوق قاندن ناشی اولان فغانلر آسمانه
چیقوب حق تعالی طرفندن مرحمت برینه مخالفت ایدوب حرب وقتالی
مراد ایدنلرك اوزرینه غضبلر نازل اولور چاربمز کوچك وبیوك وبیاض
روس مملکتلرینك وولایتلرینك وارثی وحکمداری اولان تور ودرورك
الکوبه ویچ راغب صلح وعدالت اولوب یالکز کندو وطایفه سی اراسنده

دکل جوارنده اولان طایفه لرینك استراحتنه مائلدر وجنکه مباشرت ایتمیوب
جنکه مباشرت ایدنلر ایله صلح ایچون یازمق خرستیان حاکملرینك عادتی
اولمغله برکندولردن رجا ایلدك کم صلح وصلاح احوالی ایچون پادشاهکزه نامه
یازه لر طرفکزدن دخی مأمولدر کم مرتبه کز مقتضاسیجه صلح وعدالت امرینی
قایروب طایفه لریکزك راحتی ایچون توسط ایدوب جنك وجدالك رفعی
٤٠٢ وحرب وقتالك محوینه رجا ونیاز ایدرسز کم حق تعالی حضرتلرینه عدالتك
برکاتی معلوم اوله وطرفینك منفعتی ایچون وعامه ناسك امن وامانی
ایچون ملحوظکز اولان اعلام اولنمسی مأمولدر وحالا عرض محبت ایچون
برمقدار سمور کوندردیکی معذور بیوریله جنك وجدالك دفع ورفعی
ایچون اولان خیرلو مصلحت مابینده صلح عالم اولان حق تعالی حضرتلری
عدالت بولدیکی کوستروب خلقك سرور شادمانلغی دخی خلقی ایدن جمله
امور پادشاه پادشاهان اولان حق تعالی حضرتلرینك حکمنده در ابدی

نصیحتلو شیخ الاسلام افندی حضرتلری طرف شریفلرندن مسقوده
باش بطرکاه اولانه یازیلان مکتوبدر

ملت مسیحیه نك عمده سی طایفه عیسویه نك زبده سی قسیس ورهبانك
مفخری عمده صلبانك افخری جانبنه زبده اعلام وخلاصه کلام
بودرکه مودت نامه کز واصل اولدی مضموننه اطلاع حاصل اولدی
معلوم اوله کم ارض وسمانك خالقی وکون ومکانك مبدع ومخترعی
حضرت الله جل شانه ونوالخیره واحسانه پیغمبریمز سرور کائنات
ومفخر موجودات محمد المصطفی علیه الصلوة والسلام حضرتنه مشرکین
ایله مقاتله یه امر ایدوب صلحه طالب اولدقلرنده دخی اسلامه نافع
اولان وجه اوزره مصالحه یه امر الهی وارد اولمشدر امدی بزشریعتمز حکمی
اوزره اقتضا ایدن غزایه مباشرت ایدوب بعده کچن سنه ایلچیکز کلوب
٤٠٧ صلحه طالب اولدوغکزده شریعتمز حکمنجه صلحك جوازی نه ایله اولورسه
سزه نامه همایون پادشاهی ایله بیان اولنوب صلح مراد کز ایسه ایلچی چقاردك
صلح اولنمق دیو مساعده کوسترلمش ایکن نامه همایون شهریاری یازیلان
مقدمات صلح وصلاحی قبول ایتمدیکز وایلچی چقارمدیکز اکا بناء شریعتمز
مقتضاسی اوزره سزکله محاربه اوزرینه فرض اولمغله امر الهی یه امتثال
ایله کچن سنه عسکر اسلام واروب فی الجمله جهادی اداایتدیلر مکتوبکزده
خرستیانلغك جبتله قانونه دوکلدوکنی استمز دیو موجب راحت عباد
وسلامت بلاد اولان صلحی سبب هلاك حرث ونسل اولان جنك وجدالی

ترجیح یوزندن بعضی سوزلو یازمش سز • نه کوزل جمیع ادیانده جنك
اوزرینه صلحك رجحانی مقرردر • لکن سزکله اولان محاربه ده بوسوزلو
اول زمان وارداولورکه سز صلحه حقیقت اوزره رغبت وجانبندن
جنکه سبب اولان ابتلردن فراغت ایده سز • سزك ایسه معامله کز
بویله دکل مجرد صلحه رغبت کوسترسز • سز بعض حکمی اوزره جنکه باعث
اولان اوضاعدن فارغ اولمزسز • بوصورتده جنکك رحمته سز سبب اولوب
دوکیلن قانلرك وبالی بنه سزك بوینکزه دوشر • بوند نصکره دخی
بویله قالورسه نه قانلر دوکیلوب نه مملکتلر خراب وله جغن خدای
ذوالجلال بلور • شفقت عباد وحمایت بلاد ایله صلح مراد کز ایسه
حالا شوکتلو عظمتلو قدرتلو مهابتلو پادشاه اسلام ابدالله الملك
العلام حضرتلرینك طرف همایونلرندن وکیل مطلق دولت صدر اعظم
والا رتبت حضرتلرینك مکتوب عالیلریله شریعتمز حکمی اوزره صلحك
طریقی سزه اعلام اولنمشدر • اول منوال اوزره
عمل ایده سز والسلام علی من
اتبع الهدی
سنة ١٠٩٠

نسخهٔ قرالنه سلطان احمد خان حضرتلرندن نامه در

بن که حرمین شریفینك خادمی • وکفر وضلالتك هادمی • سلطان سلاطین
ممالك روم وعرب وعجم • وخاقان خواقین چین وختا وترك ودیلم •
نریمان صولت وکیوودارای • قهرمان ساحهٔ تخت کبری وتاجداری
شهسوار شکوکشی تخت وملکت آرای فرمان فرمای قیاصرهٔ عصر ودوران •
وصاحبقران قرین نصرت اقتران اولوب • آق دکز وقره دکز اطرافنده اولان
بلاد بهار ارتفاعك • وقره دکز اکنافنده اولان قلاع وبقاعك •
ونادرهٔ عصر اولان مصر وصعید اعلاسنك • وبغداد دار السلامك •
وشهرزول وبلاد حلب وشامك • وبندر جده وبصره ومرقد شریف
لازم الاحترامك • شرفه الله تعالی • وولایت یمن وعدن وصنعاء •
وممالك حبش وبصره ولحسانك • وکردستان وکرجستان ووانك
وکفه ودشت قبچاق ودیار تاتار ودیار بکر وزوهه وموصل وبلنکان
وارض روم وایران زمینك • وکلیا ولایت اناطولی وذوالقدریه وقرامان
وادنه نك • وعموما ممالك روم ایلی وولایت افلاق وبغدانك • وبوسنه
وسکتوار واکری وطمشوار وقنیزه نك • وجزیرهٔ قبرس وساقز ومدللو
وردوسك • وبوندرده ماعدا جزایر غرب • وطرابلوس غرب • واقطار
تونسك • وعلی الخصوص حرم الملوك اولان محمیهٔ استانبولك وبوندن
غیری ضرب شمشیر آب تصویر وآتش تأثیر ایله • وسر پنجهٔ تدبیر اصابت
پذیر ایله فتح وتسخیر اولنان نیجه دیار جلیل الاعتبارك • ودار امن
وامانك • پادشاهی وسلطانی • وشهنشاه رفیع المکانی • وخاقان اعظم
الشانی السلطان بن السلطان سلطان احمد خان ابن سلطان
محمد خان ابن سلطان مراد خان ابن سلطان سلیم خان ابن سلطان
سلیمان خان ابن سلطان سلیم خان ابن سلطان بایزید خان ابن سلطان
محمد خان • بعنایة الملك المنان عنان سمند سعادتمند صاحبقرانی
بعد الآن قبضهٔ قدرتمه مقدردر • وصولجان ساحهٔ کشور کیری وجهان
ستانی • کف کفایت بخشمه مقرر ومیسر اولوب • عرصهٔ روی زمین
لمعات شمشیر قضا تأثیرمله تابان ومنور • وجملهٔ ربع مسکون وهفت
اقلیم • زمام اقتدارمه رام ومسخر اولوب • وبالجمله تخت عالی بخت سعادتمند
ادنی پایه سنه نسبت • قصر قیصر پرقصور • وملك موروث معدلت منشور ملك

٤١٤

برقبضه‌سی ملك اسكندر روشاه فغفوردر خاتم ملك سلیمانی شایسته
انكشت جهانبانی اولوب صحایف روزی زمین زرنكین معدلت
مكین سعادت قرینم اولمشدر الشكر لله القدیم الكریم وسن كه
ریمه خلقنك كزیده‌سی والامان ولیه وجه واصلوین وخروات
وبعض مجار طایفه‌سنك ودخی ج وبونلك امثالی ممالك ولایتلر
ایمپراطوری افتخار الامراء العظام العیسویه مختار الكبراء الفخام
فی الملة المسیحیة مصلح مصالح جماهیر الطایفه النصرانیه ساحب
اذیال الحشمة والوقار صاحب ولایة المجد والافتخار ردولفوش ختمت
عواقبه بالخیر سن بوندن اقدم عساكر نصرت مآثرمزه سردار اولان
دستور مكرم مشیر مفخم نظام العالم مدبر امور الجمهور بالفكر الثاقب
متمم مهام الانام بالرأی الصایب مكمل ناموس السلطنة العظمی مرتب مراتب ٤١٧
الخلافة الكبری بزرك سال همایون فال نظام الملك والدین والدنیا
وزیر اعظم مراد پاشا ادام الله اجلاله مقدما بدون سرحدلرنده
خدمت همایونمزده ایكن انجیلر بكز كلوب مابین صلح وصلاح اولنجق
ایكی طرفك وكلاسی بربره كلوب جمع اولمغه موقوف اولمغله مومی الیه
وزیر اعظم دخی امر همایون عزتمقرونمزله مصالحه‌یه رضا ویرمكین
سزك طرفكزدن مولا ردین یانوش وادوادین النجات وطوروزكوددی
وایباش هازی اشتوان ومقلوش وقلونج سقروش وباكانی فرنج
وارد ودی قرشتو نام بر ار وكاركزار وعاقبت اندیش وامور واقف
وكیللر بكز كلوب تعیین اولنان زیدوه بوغازی نام محله كوندریلوب
واولحاكمی بوبحی اشتوانك ومجار بكلربنك جانبلرندن یربجی والیانوش
وهاز اشتوان وبكای یال وصوبو بنجال وموتوف كورك نام مدبر
ومصلح وكیللر بكز كلوب دخی محل مزبوره وحالا بدون محافظسی
اولان دستور مكرم مشیر مفخم نظام العالم وزیرم علی پاشا
ادام الله اجلاله لنك وفور عقل وفراستی وكمال تدبیر وكیاستی ورای
رزین وفكر اصابت قرینه هر وجهله اعتماد همایونم اولوب وبدون
قاضیسی قضاة المسلمین اولی ولاة الموحدین مولانا هابیل زیدت
فضائله اهل علم اولدوغندن غیری سرحدك قدیما سندده اولوب
جمله احوالنه وقوف وشعوری اولمغله مومی الیه وزیر اعظم جانبندن
دخی مشار الیه هابیل زیدت فضائله ایله محل مأموره كوندریلوب
واروب مزبوردن وكیللر ایله جمع اولوب صلح وصلاح وعهد وامان

احوالی

احوالی علی التفصیل سویلشلوب ممكلت وولایتنه ورعایا وبرایایه
انفع وموالات ومصافاته اقوی بعض شروط وعهود ایله آستانه
سعادت آشیانه‌مزه نقد ویادكار ایكی یوز بیك غروش كوندرملك
شرطیله ان شاء الله تعالی بكرمی ییله دكین مابین صلح اولمغین
مزبوردن وكیللر بو بابده بو جانبه مهرلو صلح كاغدلرین ویروب مومی الیه
وزیرمز دخی اول منوال اوزره مهرلو كاغدلر ویروب طرفینه تمام شفاء
صدور واعتقاد واطمینان قلب واعتماد حاصل اولوب صلح وصلاح
محقق وعهد وامان مقرر ومصدق اولمغین بو بابده منعقد اولان
عهد وامان وصلح وصلاح مقتضاسنجه مقدما وكیللر ایله اولدوغی
اوزره عهدنامه ایله تعیین اولنان نقد ویادكاردن ایكی یوز بیك
غروشك یوز اللی بیكی قدوة الامراء المسیحیه پان برك نام قلعه وغرسوی
خان نام قلعه‌ده ولایتك بكی اولان هوشنان ادم ولنقوش وپارنف
٤٧٥ وجور نام قلعه‌لرك بكی وولایت فرنك سلسله‌سندن اولان رعایای
یانوش نام مدبر ومصلح ومعتبر الخبر ایلچیلر بكز ایله آستانه دولت آشیانه‌مزه
وخاقانه عدالت عنوانمزه ارسال ایلیوب صلح وصلاح علی ما كان مقرر
اولوب مجددا عهدنامه همایون عنایت واحسان اولنمسی لامه كرله
اعلام ایلمكین امد كه حق سبحانه وتعالی حضرتلرینك فضل وجه ابیله
مدار سلاطین ذوی الاحساب وملجأ خواقین شرایف الانساب اولان
باب علیه الاعتبارمزه وفور صداقت واخلاص وفرط استقامت واختصاص
اوزره اولنلره رعایت واحترامز اضعاف ومضاعف اولدوغی احلاف
مزید مراحم علیه شاهانه ومزتبت مكارم سنیه پادشاهانه‌مدن طرفیندن
منعقد اولان مصالحه شرف قبوله پیوسته اولمق بابنده خط همایون
سعادت مقرونم ایله فرمان عالیشانم صادر اولمغین وجه مشروح اوزره
صلح وصلاح وعهد وامانی بندخی قبول ایدوب زیدوه بوغازنده
سابقا طرفینه ویریلن حكم كاغدلری مفهومنجه كه ایلچیلر بكز كلوب
عهدنامه‌یه موافق دیدیگی بو عهدنامه سعادت مقرون معدلت
مشحونی ویردمكه بزم اولو عزیز پیغمبریمز افضل رسل وانبیا پیشوای
زمره اصفیا محمد مصطفی علیه الصلوة والسلام ماصاح الدیك وناح
الحمام حضرتلرینك تاریخ هجرتندن اون بش سال فرخنده
فالنك رجبی غره‌سندن وحضرت عیسی صلوات الله علی نبینا وعلیه
٤١٤ تاریخنك بیك آلتوز بیلنده واقع ماه بو لبوسك ابتداكونندن كم

زبدوه بوغازنڭ بازیلی کاغدلرك تاریخندن ان شاء الله تعالی یگرمی بیله دکین
عهد وامان رعایت اولنوب بو مبارك صلح بوزلمیه اکر بو طرفدن نصکره
بو مقبول صلح ایجنده ایمپراطور باراده الله تعالی آخرته انتقال ایدرسه اوغللری
وقرنداشلری واولاد وانسابی ومتعلقاتی وقوم وقبیله لری وانلردن نصکره
اولاجقلری دخی بو مبارك شرطلر ایله اولوب بو صلحی بوزمیه لر وارداوللو
وبغدان مملکتی ممالك محروسه مزدن اولمغیله من بعد دخل وتعرض اولنمیه
کذلك جناب جلالت مآبمز واولاد وانسابمز ووزیر اعظم وامراء ذوی الاحترام
وارکان دولت واعیان سلطنت وجمله قوللریمز بو صلحی رعایت ایدوب
بوزمیه لر وبو مبارك صلح ایتدکدن نصکره تاتار طایفه سی وسایر عسکر
اسلامدن مشار الیهك مملکت وولایتنه ضرر وزیان ایرمیه لر وایکی
جانب ولایتلرینك بارشق اولوب علی الخصوص مجار ولایتلرینك وناحیه لرینك
کم قدیمدن مشار الیهه تابعدر کوك دکزدن وکرله قره دن بالجمله انلره
تابع اولان ولایتلره وتوابعلرینه هیچ بر طرفدن ضرر اولنمیه کذلك
ممالك محروسه مزدن اولانلردن کوك دکزدن وکوك قره دن در مطلقا
دار الاسلام اولان یرلره بوجه من الوجوه مشار الیه جانبندن واکا
تابع اولانلردن دخل وتعرض اولنمیه وایکی جانبده اولان سرحدده
اولان ولایتلره ضرر ایدر حرامزاده لری بزم حاکملریمز طوترسه اول
سرحدده انلره تابع قبودانلره بلدوروب آنلرك آدم الوب اول خصوص
شرعله کوریلوب هر نه لازم کلورسه جزالرین لر وانلرك کبی حرامزاده
مشار الیهه تابع اولان قبودانلردن طوترلرسه بزم سرحد بیزحاکملرینه
خبر ایدوب محللرنده احوالی تفتیش اولنوب شرعله لازم کلنی یرینه
کتوره لر والالرینده بولنان اوغورلق اسباب صاحبلرینه ویریله
وصلح ایجنده ایکی طرفدن قلعه لر اوغورلنمیه ودوکیلوب آلنمیه
وحیله ایله آلنمیه وقورقتمغیله وآخر وجهله قلعه لره ضرر کلمیه
وبر طریقیله آلنورسه مقبول اولمیه واولانسنه که بوجقای اشتوان
حاکمه ویرلشدر بجه بتورلدوکی اوزره فالله اکر ممالك محروسه مزده
اولان سرحدلره واکر اجداد عظاممز قوت قاهره ایله فتح ایلدکلری
اردل ولو یتلرینه واکا تابع اولان محللره دخل وتعرض اولنمق لازم
کلیوب دین ودولتمزه ضرری بوغیسه وعهد وامانه مغایر
اولمیوب ما بینمزده فتنه وفساده باعث اولمزسه مقدما جانب
همایونمزدن اردل ومجار حاکمی نصب اولنان مزبور بوجقای اشتوانك

وکانابع

وکانابع اولان مجار خلقی ایله سابقا بجه بتورلدوکی اوزره فالله
وایکی جانبده اولان طوت قلرك بارشق اولنجیه دك اکر بهاسی کلمیز
وارسه بهاسن ویروب چیقه وبارشق اولنجیه دکین بهالری کلمیلر
بدلی طوتساق ویریله بوندن نصکره کمسه طوتساق طوتمیه اکر طوتسه
الندن النوب بهاسز آزاد اولنه وطوتسلره ایکی جانبدن حفاظت اولنه
وطمشوار وبوسنه واکری وقنیژه وسایر سرحدلرده صلحه مغایر برفساد
اولورسه حاکملرینه بلدوریله انلر دخی حقی اجرا ایلیه لر ایلیلر ایسه
بیوت بکلر بکیسی جمله بر باش اولوب حقی اجرا ایلیه اکر بو اصل فساد
مشار الیهك سرحدنده اولورسه یا نوه قبودانی وطونه نك اوته بقاسنده
اولان قبودانلرده وخرواتیانلرینه بلدوریلوب حقی اجرا ایده لر وایکی
جانبك اللرنده اولان قلعه لر اولکی یرنده تعمیر اولنوب یکیدن قلعه
بر یرده یاپلمیه ویکی نقطه بنا اولنمیه واوچ پلنقه سی شمدی نجه ایسه اولوب
زیاده مرمت اولنموب اللرنده قاله وسترگوا لامزه کوند ریلدی پشکشلر
دنصکره زبدوه بوغازنده یازیلدن تاریخدن اوچ بیله دکین نسنه
طلب اولنمیه اوچ بیلدن نصکره ارسال اولنه جق پشکش اولبکلدیکی اوزره
ما بینده اولان دوستلق مقتضاسنجه مناسب اولان هدیه یاسن بنام
الجلیل ایله عتبه علیه مزه کوندره لر وعون خدا ایله قبضه تصرفمزده
اولان اکری قلعه سی فتح اولندقدن نصکره بوانده کلیجه اطاعت ایلین
ویرکوویرن قریه لر ویرکولرین اهل اسلام جانبنه ویره لر وفیلك دیجی
ونوی بلغراد قریه لرندن اکریه دخطوان وبدون واوسترغونه اطاعت
ایدن قریه لر ینه اطاعت اوزره اولوب ویرکولرین کما کان اهل اسلام
طرفنه ویره لر واوسترغون قلعه سی انلر النه دوشنجیه دکین قلعه
مزبوره اطاعت ایدوب ویرکو ویرن قلعه لرینه اطاعت ایدوب
ویرکولرین اهل اسلامه ویره لر وسایر سرحدلرده اولان قریه لر دخی
قدیمدن ایکی جانبه ویرکو ویره کلدکلری اوزره ینه ویرکولرین ایکی جانبه
ویره لر وقنیژه قلعه سی عنایت حق ایله وقوت قاهره خسروانه مزله
فتح اولندقدن نصکره بوانه کلیجه اطاعت ایلین قریه لر کبی وقلعه مزبوره
اطاعت ایلیه لر وبعضی نزاع اوزره اولان قریه لر ایچون مومی الیه
وزیرم علی پاشا جانبلرندن بللو باشلو بر آدم تعیین اولنوب بالیکا
اوغلی ایله محللرنده کوریلوب قنیژه به کلن وکیدنلر تعیین اولنمشدر دکیه
کلن ینه کلوب کلمیندره دخل اولنمیه وبعضی قریه که خالیه وخرابه در

قدیمدن ویرانه در اولمقوله قریه‌لر شنلکده اهل اسلامه ویرکو ویرن
قریه‌لر اراسنده اولنلر کبرو ویرکولرین اهل اسلامه ویره‌لر ومشارالیه
جانبندن قدیمی صحیح نشان اولنوب اول جانبه ویرکو ویرمینلر کبر وساکن
اولدقلری قریه‌لرده ابجق کندو خانه‌لرندن ویرکو ویرمیه‌لر وبالجمله مادامکه
سزك جانبکزدن عهد وامان شرایطی رعایت وقواعد صلح وپیمانه
کما ینبغی صیانت وحمایت اولنوب سرحدلریکزده واقع اولان قپودانلر
وسایر لشکریکزدن مورث امن وامان اولان صلح وصلاحه مغایر
ونقض عهدی مشعر بر وضع صادر اولمیه انشاالله تعالی بندخی
عهد ومیثاقه ابدالدهر کیری وکوکی بوغیکن وارایدن برورد کار برلکی
حقیچون وبزم اولوغ عزیز پیغمبریمز حضرتلرینك علیه الصلوة والسلام
معجزاتی حرمتیچون تعیین اولنان مدت معهوده انجامنه وارنجه طرفکزه
مملکت وولایتلرینه وقلعه وقصبه‌لرینه ورعایا وبرایاسنه عساکر
منصوره ظفرمآثرمزدن وحالا ممالك تاتاره برقراره فرمان
قضا جریانمزله خان عالیشان نصب ایلدوکمز جناب امارتمآب ٤١٧
ذوالقدر الرفیع والصدر المنیع سلامت کرای خان والامکاندن
وسرحدلریمز محافظه‌سنده اولان مشیر مشتری عنوان ومیرمیران
عالیشانمزدن وامراء عزت اقترانمزدن وغیری عساکر نصرت انجامزدن
وستمدیده مرزناحیه اولان کفره قوللریمزدن برفرد اصلا وقطعا
ضرر وزیان ودخل وتعرض ایلمیوب رعایت صلحه دقیقه فوت
اولنمیوب محافظه شرایط صلحه مجد وسعی اولنه تحریرا فی اوائل شهر رجب سنه ١٠١٢

نمچه امپراطوردن بروسه‌یه ایلچی کلوب کتوردیکی کاغدك
جوابنده یازیلان نامهٔ همایوندر سنه ٦٩

برلك ویکلکی بوقدن وارایدن الله تعالینك علو عنایتی واکی جهان
کونشی پیغمبریمز محمد المصطفی صلی الله علیه وسلم حضرتلرینك معجزات کثیرة
البرکاتی وآل واصحابنك کرامات جلیة الدرجاتی ایله مرجع پادشاهان
زمان وملجأ خسروان دوران اولان عتبهٔ علیهٔ مخلد الارکان وسدهٔ
سنیهٔ مشید البنیانمزه ایلچیلك طریقیله کوندردوککز معتبر آدمکز
قدوة الامراء العیسویه اغوستینوس دمتری ختمت عواقبه بالخیر
کلوب دوستلغه بنا خصوص همایونمزه متعلق نامه کتوردیلوب پایهٔ
سریر سعادت مصیرمزه یوز سورمکله مشرف اولوب وخلعت فاخرهم والتفات
٤١٦ علیه مزایله کامیاب اولوب کتوردیکی نامه‌کز قانون قدیم عثمانی

قاعدهٔ مستمرهٔ صاحبقرانی اوزره وکلای عظام ووزرای ذوی
الاحترامزدن وساطتیله ترجمه ومضمون رکاب کردون جنابمزه تلخیص
اولندقده مضمون مصالحت مشحوننه علم شریف عالم شمول پادشاهانه‌مز
محیط وشامل اولمشدر سابقا نمچه امپراطوری اولوب بو اولو آستانه‌مزه
کمال مرتبه دوستلق اوزره اولان باباکز فردیناند بامرالله تعالی دنیادن
رکشت ورب اعیان مملکت وسایر اهالی ولایتك اتفاقیله سز دوستمز
باباکزك یرینه اوتورمش مهر ایله امپراطور نصب اولندوغکزی اعلام ومابینده
منعقد اولان صلح وصلاح موجب الفلاح بو آنه دك مرعی اولدوغی
اوزره بوندن صکره دخی رعایت اولنوب خاندان سعادت عنوان
ودودمان بلند ارکانمزه کمال مرتبه صداقت ایله باباکزدن زیاده
دوستلق ایلیوب وجانب علیه ملوکانه‌مزدن دخی اولکلدوکی
اوزره وطرفیندن ویریلان عهدنامه‌لر موجبنجه مراسمی رعایت
اولنمق مراد ایدیکنز آمدی طرفیندن اولان رعایا کرودابیع خالقت
البرایادر آسوده حال ومرفه البال اولوب حضرت خدای ذوالجلالك
رضای شریفنی تحصیل ایچون مابینده اولان صلح وصلاح ودوستلق طرف
باهر العزمزدن دخی رعایت اولنمق مرادهمایونمز اولوب اول
سرحدلرده اولان وزرای عظام ومیرمیران وامرای کرام وحافظین
قلاع وجادستین بقاع قوللریمزه وجمله عساکر ظفر رهبریمزه صلحی ناقض
عهدنامهٔ همایونمزه مناقض حرکت ووضع وحالت ارتکاب ایتمملری
اوزره فرمان قضا جریانمز وتنبیه همایونمز صادر اولمشدر انشاالله تعالی
مادامکه طرفکزدن صلح وصلاحه مغایر بر وضع صادر اولمیه جانب
شریفمزدن دوستلق برقرار واساس صلح استوار اولدیغی مقرردر حالیا
امپراطور اولدوغکزی تهنیه ایچون درکاه فلك دستکاهمزه
ایلچیکز ایله معا کوندرلمشدر نامهٔ همایون ملاطفت مشحونمزله
مشارالیه وصول بولدقده نامهٔ ملاطفت مقرونمزده یازدیغمز
منوال اوزره خاندان ابد پیمان عثمانی ودودمان مشید البنیانمزه
صاحبقرانی ایله آبا واجدادکز ایدیکلدکلری دوستلق وقوکشیلق
مراسمی کرکی کبی صداقت واستقامت ایله رعایت وصلح وصلاح
مستوجب الفلاح شرایطی ادا یعنی دولت طرفین اولان وجه اوزره
حمایت وصیانت ایتمکده بذل اهتمام اولنوب سرحدلریکزده اولان ٤١٨
حکام وقپودانلریکزه محکم تنبیه ایلیه سز که صلح وصلاح دوستلغه مخالف

وضع وحرکت ایلیه لر تاکه مابینده اولان دوستلق کوندن کونه زیاده
اولوب ایولکلر نشا هده اولنه سایر احوال وزیراعظم عالیمقدار
وسردار اکرم جلیل الاقتدار وکیل سلطنت علیه مز محمد پاشا ادام الله تعالی
عزه واجلاله وضاعف اقتداره واقباله نك مکتوبنه حواله اولنمشدر
وصولنده معلوممکز اولور

وزیراعظم

صدراعظم محمد پاشا طرفندن نمچه ایمپراطورینه یازیلان مکتوب ۴۱۶

حالیا سلطان سلاطین زمان وزبده خواقین دوران خلیفه
حضرت خالق الانس والجان شهنشاه جهان صاحبقران سعادت
اقتران شوکتلو وعظمتلو وقدرتلو افندم پادشاه اسلام خلد الله تعالی
خلافته الی انقراض الایام حضرتلرینك بوسه جای شفاه انام ومرجع
وملاذ کافه انام اولان سدهٔ سنیه سدره مقام وعتبهٔ علیه فلك
ارتسامالرینه تاکید مواد الفت ووداد وتشیید قواعد دوستی واتحاد
ایچون کوندریلان ایلچیکز کلوب مبارك رکاب همایونلرینه روی مال
وخلعت فاخره والتفات علیه لری ایله مسرورالبال اولوب نامه کز
ترجمه ومضمونی پایهٔ سریر سعادت مصیرلرینه عرض اولنوب وبو دوستکز
ارسال ایلدوککز نامه کز دخی ترجمه اولنوب مضمونه علم محیط
اولمشدر سابقا نمچه ایمپراطوری اولان باباکز فردیناند بامر الله تعالی
دنیادن کچوب جمله اعیان ولایت وسکان مملکتك اتفاقیله بجلادت
نمچه ایمپراطوری نصب اولندوغکزی شوکتلو وکرامتلو وقدرتلو
افندم شهریار عالیتبار ایله مابینده منعقد اولان صلح وصلاح ودوستلغی
آبا واجدادکز زمانلرندن برو اندلك رعایت اولندیغی اوزره طرفکزدن
دخی رعایت اولنمق مراد ایلدوککزی اعلام ایلمش سز بوخصوصده صلح
التماسکز قرین قبول پادشاهی اولوب صلح وصلاحك استحکامنه
والفت ودوستلغك احکامنه صرف خاطر فیض مآثر بیورمشلردر
واول سرحد منصورده اولان وزرای عظام ومیرمیران وامرای کرام
وسایر قوللرینه تنبیه همایونلری صادر اولوب مراعات صلحه تقیید
شریفلری آبا واجداد عالی نژادلرندن زیاده اولدوغی مقرردر
مادامکه اول طرفدن عهد وپیمانی مناقض بر وضع وحرکت صادر اولمیه
انشاء الله تعالی بو طرفدن دخی صدور ایتمك احتمالی یوقدر انجق ملك
مورونلری اولان اردل ولایتنك سابقا ویووده سی اولان راقوچی
کوردکی نام خاین دولت فرمان همایونلرینه مخالف بعض حرکت

ورضای شریفلرینه مغایر فساد وقباحت ایتمکله اردل حکومتندن رفع
ویرینه بر ... قلوب حاکم نصب ایدوب خاین مزبورك جزاسنی ویرمك
مراد بیوردقلرنده کندو زعم فاسدی اوزره مملکتکز حدودنده حاکم اولان
دیو اول طرفه فرار ایتمکله عساکر منصوره آردندن تعاقب ایدوب وردیکی
تقدیرجه بر مملکت حدودینه کم یاد آیتی کبیره باخصوص ... رضبا رفتار
عسکری اولا اول مملکتك حالی نیجه اولور معلوم اولدوغندن غیری
مابینده اولان عهود وشروط مصالحه ودوستی یه منافی اولمغله ایل
ومملکتکز پایمال اولمامق ایچون اوزرینه عسکر کوندرمملر بدی حالیا
اول خاینك جزاسی اقتضای مراد همایونلریدر فی الواقع مقدما طرفیندن
ویریلان عهدنامه لرده اولان شروطك بری دخی بودرکه اردل وبوده لری
ایچون صلحه خلل کتورلمیه بو خاین انده طوردقچه عسکر اسلام کندویه
حواله قلنمقدن خالی اولمیوب بلکه تماما جنود موحدین حرکت ایلملرینه
باعث وبادی اولوب دوستلغه البته اختلال ویرر ایله اولسه بنم حرمتلو
دوستم لایق ودد والفت اولدرکه باتحو وجه کان اول خاینك احوالیله تقیید
اولنوب دوستلق شرایطی ومحبت لوازمی وجوده کتوریله که انك کبی
افندیسنه خیانت ایدن خبیث ایچون مابینده اولان دوستلغه برودت
کلمك معقول اولمدیغندن غیری طرفینك عهدنامه لرنده اولا شروط
رعایت اولنمامش اولور حالیا شوکتلو ومهابتلو وسعادتلو افندم
ایلچیکز ایله معا ایمپراطورلغیکز تهنیه سیچون درکاه عالی
کوندرروب بوخصوصك جوابنه منتظرلر دلایق اولان بودرکه درکاه
فلك دستکاه همایونلرینه اولان محبت واخلاص وبارکاه دولت پناهلرینه
اولان صداقت واختصاصکز مقتضاسیجه بو خصوصده رضای شریفلری
اوزره حرکت ایدوب باباکز صلح وصلاحه رعایت ایلدیکی وجه
وایکی طرفك دولتنه لایق اولان طریقله دوستلق ومحبتی کوندن کونه
زیاده ایتمکله همت اولنه اراده رعایا وفقرا آسوده حال ومرفه البال
اولوب ایولکلر وخیر ظهوره کله وایلچیکز لازم اولدوغی اوزره اداء
خدمت ایدوب طرف باهر الشرفه اتمام ... فلرندن دوستلغه لایق اولا
وجه ایله رعایت اولنوب اول طرفه روانه اولنمشدر

صدراعظم طرفندن نمچه ایمپراطورینه یازیلان نامه در

بنم حرمتلو وصداقتلو دوستم شوکتلو وقدرتلو وعظمتلو پادشاه اسلام
خلد الله تعالی دولته علی کافة الانام حضرتلریله دوستلغکز باباکزدن

موروث اولوب سز دخی باباکز کبی دوستلق مراد ایلدوککز مکتوبکزدن
معلوم اولمشدر ودولتلو وکراملو افندیمك دخی رضای همایون
ومراد میمنت مقرونلری دوستلغی اجرا ایلمك اوزره اولوب انشاءالله
تعالی طرفینك حسن معامله‌سی نیجه خیرلر وایولکلر وجوده کلمك مقرر
ملاحظه اولنور لکن اول خاین راقوجی ملعون برفتنه واهل فساد
وخبیث اولوب بهرحال وجودی ازاله اولنمق لازم ایدوکی وجهان
اولدیجه فتنه وفساددن دوستلغه اختلال ویرمکدن خالی اولمیه‌جغی
معلوممکدر عظمتلو وشوکتلو افندم شهریار دعا ثیبار حضرتلرینك
غضب همایونلرینه مظهر اولدوغنك سبب وعلتی مقدما سزلك
ولایتکزه ال اوزادوب رضای شریفلرینه وصلح وصلاحه وعهدنامه
همایونلرینه مخالف اهانت وخیانت ایلدیکیدر اول طرفه نه قدر
اهانت ایلدوکی وکلاء دولتکزك معلوملریدر اول ملعونك
دنیادن کتمه‌سی هر نه جانبدن ممکن اولورسه تقید اولنمق لازم
وایکی طرفك دولتنه نافع ومهم اولدوغی محتاج بیان دکلدر بوخصوص
ایلچکز ایله بوجانبك معتمدی مکالمه اولنمشدر انشاءالله تعالی
تقریرندن معلوممکز اولدقده دوستلغه وایکی طرفك دولتنه لایق
ولازم اولدوغی اوزره هر وجهله ممکن اولورسه وجود خباثت
آلودینك دفع وازالسنه تقید اولنمق امید اولنورکه مابینده فتنه
واختلالی برطرف اولدوغندن غیری آراده اولان دوستلق
واساس ود والفت دائما استوار اولوب خلل پذیر اولمیه

صدراعظم طرفندن نیجه ایمپراطورینك باتروکلیه یازیلان مکتوبدر

حالیا شوکتلو وعظمتلو وقدرتلو ومهابتلو افندم پادشاه اسلام ابدالله
سلطنته الی یوم القیام حضرتلرینك بوسه جای سلاطین وملجاء
وملاذ خواقین اولان آستان مخلد الارکانلرینه ودودمان سنیه البنیان
حرمتلو وصداقتلو اولود وستمز نیجه ایمپراطوریك طرفندن ایلچیلك ایله
کلان قدوة الامراء المسیحیه ... ختمت عواقبه بالخیر یدندن نامه‌لری وبو
دوستکزه مکتوبلری وسز دوستمزك دخی محبت نامه‌سی کلوب ترجمه
اولندقدنصکره مضمونلری معلوممز اولمشدر ونامه‌لرینك مضمون
عظمتلو وشوکتلو افندم پادشاه عالمپناه حضرتلرینك رکاب همایونلرینه
عرض اولنوب دوستلغه لایق اولدوغی اوزره ایلچیلری مبارك پای
سعادت مصیرلرینه یوز سوروب التفات علیه شهریاری ایله سرافراز

419

حرمتلو اولود وستمز ایمپراطور آستان بلند ارکان پادشاهی ایله باباسی
ایلدیکی دوستلغی کما کان اجرا ایتمك مراد ایلدوکی اعلام اولنمغله سعادتلو
وکراملو وقدرتلو افندم دخی التماسلرینی قبول ایدوب ایمپراطورلغه
تهنیه ایچون ایلچیلریله معادرکاه فلك دستکاهلری شرفه ترندن
زیدمجده‌نك نامه همایونلری ایله ارسال بیورلمشلردر واول حدوده
اولان وزرا ومیرمیران وامرا وسائر قوللرینه اوامر علیه کوندروب
صلح وصلاحه ومقدما طرفیندن ویریلان عهدنامه‌لره مخالف
وضع وحرکت ایلمامك اوزره محکم تنبیه همایونلری اولمشدر انشاءالله
مادامکه اوجانبدن صلح وصلاحه وعهدنامه‌لره مغایر وضع وحالت
ظهور ایلمیه بوجانبدن دخی ظهور ایتمیوب دوستلق ومحبت برقرار
اولمق مقرردر وایلچیکز آداب رسالتی ایکی طرفك دولتنه لایق اولدیغی
اوزره کمال آداب ایله ادا ایدوب ودوستلغه لایق اولدوغی وجه
ایله رعایت اولنوب عودت ایتدرلمشدر سز دوستمز دخی
مشارالیه زیدمجده‌نی کلدکده رسم عودت ایتدرمکه سعی ایلیه‌سز

روما چاساریله صلح اولندقده یازیلان عهدنامه درسلطان احمد جانبندن

حضرت آفریدکار لایزال وجناب فاعل مختار متعال جل ذاته عن الشبیه
والمثال وتنزه صفاته عن وصمة الانتقال برکات تابیدازلیه وفیوضات
توفیقات لم یزلیه سبیله وروحات تختکاه رسالت واصطفا ومسند
نشین بارکاه نبوت واجتبا مفخر عموم بنی آدم مقصود آفرینش عالم
خاتم کافه انبیا ورسل هادی قاطبه طرق وسبل محرم حرم لی مع الله
حبیب خدا محمد رسول الله علیه وعلی آله الاتقیا افضل الصلوات واکمل
التحیات معجزات کثیرة البرکاتی موافقتی ومشیدان ارکان دین
منیف نبوی وممهدان ایقان شرع مصطفوی اولان چهار یار کزین
وجمهور صحابه اصفیاء هدایت قرین رضوان الله علیهم اجمعین
وسایر اولیاء ولایت رهینك همم رفیعة الدرجاتی ایله محل
طغرای غرا بن کە سلطان سلاطین مشارق ومغارب وصاحبقران
زمین وزمان عالیمناقب خاقان ممالك فسیحه روم وعرب
وعجم ووارث اورنك قیصر وجم تاجبخش خسروان جهان ظل الله
الملك المستعان ثانی اسکندر ذوالقرنین خادم الحرمین کثیر تعظیم
معظم شعایر القبلتین اشرف البلدان والاماکن اقدس البقاع
والمواطن مکه مکرمه وبکه معظمه ومدینه پرسکینه منوره ومنجمه

وقدس شریفك خادمی ✱ واساس ظلم وفسادك هادمی ✱ وآق دکز وقره
دکزك ✱ وتخت قاهره مصر نادرة العصرك ✱ وعموماً دیار عربستانك
وولایت حبش وزنکبار ویمن وعدن وصنعانك ✱ ودار السلام بغداد
وحلب ودمشق شام ✱ وطرابلوس ✱ وذو القعدیة وانا طولی وسیواس
وقرمان وارض روم وطربزون ✱ ودیار بکر ورها وموصل وشهرزول
وکردستان ✱ وافلاق وبغدانك ✱ ودیار تاتار وکفه وقریم ودشت
قبجاق وکرجستان وطاغستانك ✱ ومقر قیاصره تاجدار ✱ ودار الملك
قروم کامکار اولان ✱ محمیه قسطنطنیه ✱ حمیت عن البلیه نك ✱ ودار الغزو
والجهاد ✱ جزایر عرب وفاس وتونس وطرابلوس وقبرس ورودس ✱ وقبرس
واماسیه وبصره ولحسه ✱ وکلیا روم ایلینك ✱ وبوسنه وبدون وقنیژه
واکری وطمشوارك ✱ ونیجه حیطهٔ تحریردن خارج اولان ممالك
وابصاتز ✱ ومسالك واقطارك ✱ پادشاهی ✱ وشهنشاه جمشید سپاه ٤٢١
کیخسرو دستکاهی سلطان احمد خان ابن سلطان محمد خان ابن سلطان
مراد خان ابن سلطان سلیم خان ابن سلطان سلیمان خانم ✱
وسن که حالا ریم خلفینك کزیده سی وحرمتلوسی ✱ وآلامان وچه واسلوز
وخروات طایفه سینك ریخ ونیچه ولایتلرینك ✱ ایمپراطوری ✱ افتخار الامراء
العظام العیسویه ✱ مختار الکبراء الفخام فی الملة المسیحیه ✱ مصلح مصالح جماهیر
الطایفة النصرانیه ✱ ساحب أذیال الحشمة والوقار ✱ صاحب دلایل المجد
والافتخار ✱ ماتیاش ✱ ختمت عواقبه بالخیر سن حالا بدون محافظی اولان
دستور مکرم مشیر مفخم نظام العالم ✱ مدبر امور الجمهور بالفکر الثاقب ✱
متمم مهام الانام بالرأی الصایب ✱ ممهد بنیان الدولة والاقبال ✱
مشید ارکان السعادة والاجلال المحفوف بصنوف عواطف الملك
الاعلی وزیرم علی پاشا ✱ ادام الله تعالی اجلاله وزاد تعالی ✱ نك کتخداسی
خدمتنده اولوب ✱ درکاه معلامه متفرقه لرندن اولان ✱ قدوة الاماجد
والاکارم ✱ جامع المحامد والمکارم ✱ احمد کتخدا زید مجده وغشیاغر ✱ جنابی
ایله ✱ مشار الیه ایمپراطورك باش وکیلی وزیرلریکز اولان ✱ مفاخر
امراء الملة المسیحیه ✱ مراجع الطایفة العیسویه ✱ بالفعل بلجك ونوی اشتونك
قلاعی وقلاعی ✱ ختمت عواقبهم بالخیر وسایر براد وکار کذار ✱ وعاقبت
اندیش ✱ وهر امورده واقف ✱ ومعتبر آدملریکزدن ایمپراطور ✱ فلان ✱ ٤٢٠
وبجاور ولایتی فتردار ✱ فلان ✱ زیدت الطافهم ✱ وکیللریکز ✱ بجلعه
بریره کلوب ✱ مقدما وزیر اعظم ایکن فوت اولان ✱ مراد پاشا زمانندن

زبروه بوغازنده طرفینك وکلاسی معرفتیله عقد اولنوب ✱ موروث امن
وفلاح ✱ اولان صلح وصلاحك تجدیدی واستحکام اوزره ✱ نصیحتی
عهد خصوصی علی التفصیل مشاوره ومکالمه اولندقده ✱ محل مزبورده
مقدما اولان شروط وعهود ✱ حسن اتفاق ایله اولان ایکی ماده دخی
ضم والحاق اولنوب ✱ حضرت عیسی پیغمبر علی نبینا وعلیه صلوات الله
وسلامه نك بیك التیوز تاریخنه اون بشنده ✱ وبزم اولو عزیز
پیغمبریمز ✱ افضل رسل وانبیا ✱ محمد مصطفی ✱ صلی الله علیه وسلم حضرتلرینك
هجرتی تاریخندن بیك یکرمی درت جمادی الاخره سی غره سنده یکرمی
بیله وانیجه ✱ ما بین صلح اولنوب ✱ جانبیندن مهرلو صلح کاغدلری
ویریلوب ✱ طرفینه تمام شفای صدر واعتقاد ✱ واطمینان قلب واعتماد
حاصل اولوب ✱ طرفینك وکلاسی معرفتیله منعقد اولنوب ✱ عهد ومیثاق
وصلح پیمانه مقتضاسنجه امراء مسیحیه نك مختاری ✱ وکبرای عیسویه نك
صاحب مجد وافتخاری ✱ زیدت صداقته ✱ فلان نام ✱ مدبر ومصلح
ومعتبر ایلچیسی ✱ آستانه دولت آشیانه وخاندان عدالت
عنوانمزه ارسال ایلیوب صلح وامان ✱ علی ماکان مقرر اولوب ✱ مجدد
عهدنامه عنایت واحسان اولنمسی رجا والتماس اولنمغین ✱ امدی
حق سبحانه وتعالی حضرتلرینك فضل وحسابیله ✱ ماوای سلاطین
ذوی الاحساب ✱ وملجأ خواقین شرایف الانساب اولان عتبهٔ علیه
الابوابمزه ✱ وفور صداقت واخلاص ✱ وفرط مصادقت واختصاص
اوزره ✱ اولان سلاطین عظام ✱ وامراء فخام مزدن ✱ مشار الیه ایمپراطوره
رعایت واحترام مزاضعاف ومضاعف اولدوغی جلدن ✱ مزید مراحم
علیهٔ شاهانه ✱ ومزیت مکارم جلیهٔ پادشاهانه مزدن مشار الیه
ایمپراطور ماتیاشك ✱ استدعاسیله ✱ بودفعه اولان عهد ومواثیق
مقبول همایونم اولوب ✱ اولبابده خط همایون سعادتمقرونمز ایله
فرمان عالیشانمز صادر اولمغین ✱ وجه مشروح اوزره مجددا
بوعهدنامهٔ همایون معدلت مشحونی ویردم وبیوردم که ✱ برنجی
بودرکه ما بینده بو مبارك صلح وصلاح بیك یکرمی درت سنه سی
جمادی الاخره سنك غره سندن یکرمی بیله دکین بغلنوب
زیرا زیدوه بوغازنده بغلنان صلحه مغایر ایکی جانبدن نیجه
ایشلر ظهور ایدوب ✱ حالا یکیدن بکشدرمك ✱ ویولو بو لنجه
بغلنمق لازم اولمغیله ✱ تاریخ مزبوردن یکرمی بیله دکین طوتلق ✱

شرطیله بوندن صکره حساب اولنه ایکنجی ماده بودرکه بوندن اقدم ٤٢٢
زیدوه بوغازنده بغلنان صلح وصلاح جمله ماده لریله برلو یرنده
طورروب رودولفوش ایمپراطور کندوخطی ایله ومهرلو کاغدی ایله
جانب همایونمزه کوندردیکی نامه اوزره مقبول همایونم اولوب
وطرف قرین الشرفمزدن رومه ایمپرادورینه کوندریلن نامه مقبولکز
اولوب حضرت عیسی نبی علی نبینا وعلیه افضل الصلوات والسلام
بیك التیوز التمش التی تاریخنده ماه جمادی الاخره نك طقوزنجی کونی تحریر اولنمشدر
ولی‌عهدنامه نك صورتی سوز بسوز طوتلمغیچون ارسال اولنمشدر
وجناب جلالت مآبم طرفندن بیکرمی بش سنه سی ماه ربیع الاولنده
رومه ایمپرادورینه کوندریلن نامه همایونم مقبول اولمشدر اوچنجی
بودرکه اکری وقنیژه واوستونی بلغراد وپشته وبدون وصونلق
وحطوان وسایر قلعه لر فتح اولندقدن برو دائما اطاعت ایدن قریه لر
مذکور قلعه لره بنه اول کویلر اطاعت ایتسونلر ومذکور کویلر ایکی
جانبدن زیدوه بوغازنده اولان صلحه مغایر ویرکو ویرمه دن
الیقونمشدر ویاخود جبرا وقهرا صلحه مغایر اطاعت ایتدرمشلردر
اول کویلر جانب همایونمزدن ورومه جاسارندن تعیین اولنان
وکیللر ایکی جانبدن کوروب اول ساعت خلاص اولوب صاحبلرینه
تسلیم ایتسونلر وایکی جانبه ویرکو ویروب کویلرك ارسنده اولان
٤٢١ کویلرکه همان رومه سرحدینه نوی‌غراده وسایر قلعه لره ویرکولرین
ویررلر ایکی جانبدن تعیین اولنان وکیللر مذکور قلعه لری یوقلیوب
دفتر ایدوب ایکی جانبه مراجعت ایدن کویلر معلوم اولنه شندن
صکره انلر ایچون مابینمزده برغوغا اولمیه وحالا اوسترغونك
نزاعلو کویلرندن که بوزالی اسکی پاره قریه در مذکور قریه لردن
که اوسترغونك سمتی وقریب یرده اولان کویلردن التمش پاره هر
قریه اطاعت ایتمکیچون ایکی جانبدن اوزلاشلدی ایکی جانبك وکیللری
کورده کلری وذکر اولنان استرغونك کویلری وغیریلر هر قنده
ایسه لر مجاور دیتی فی اللغه که اطاعت ایدرلر هیچ برجانبدن
اسکی عادتلرندن زیاده کیمسه یی رنجیده ایتمیوب ویرکولرندن
زیاده طلب اولنمیه وقدیمی عادت اولان ویرکولرکه کویلر ادا ایدرلر
ذکر اولنان کویلرك بیرورکی افندیلرینه تسلیم ایلسونلر اکر بیرولر
کتوروب تسلیم ایتمزلرسه اول برك بکلر بکیسی وبکی رعایا یه اوچ دفعه

خبر کوندروب بیرولو ویرکولرین کتورسونلر اکر کتورمزلرسه
اول زمان سرحد قبودانی هر کیم ایسه بو خصوصده انلره مکتوب
کوندروب انلر دخی بیرولری ویرکولریله ایچرو کوندرسونلر
اکر بویله دخی اولمزسه اول برك بکلر بکیسی وبکی مذکور رعایایی
کتوروب معقولیله اطاعت ایتدرسونلر وجمله مجار ولایتنده
جانب همایونمزه اطاعت ایدن کویلر بو منوال اوزره قالسون والا ویرکو
ویرن کویلر اسکیدن ویرکولری هر نه ایسه انی ویروب زیاده تکلیف
اولنمسون ایکی جانبدن ویوقاروکی واشاغه کی مجار وخروات واصلونه
ولایتندن ویرم سنوردمزده ایکی جانبك ارالغنده اولان سنورلری
بو دفعه تعیین اولنان وکیللر عیان ایلسونلر واوزلاشوب ایکی
جانبك سنورین بللو ایلسونلر دردنجی ماده بودرکه ایکی جانبدن
صلحه مغایر ایش ایدنلرك اوزرلرینه ثابت اولمغیچه بو بیله تیزجه
حقلرندن کلنمك ممکن اولمیوب شو بیله بتورلدوکی ایکی جانب مابینلرنده
کوریلوب حق اجرا اولنه وبو خصوصده درت آی وعده اولنوب
ایکی جانبدن عهد وشرط اولنمشدر ممالك محروسه مزده اوستونی
بلغراد قولنیك الناران علوفه سی بولنه وارك اولان ضررلری بو دفعه
٤٢٢ کوریلوب کیرو بر رد اولنه وبو دخی شرط اولندیکه ایکی جانبدن زیدوه
بوغازنده اولان صلحدن صکره الناران طوتسا قلر سفت ومجانا اطلاق
اولنه لر بشنجی ماده بودرکه موحی الیه احمد کتخدا صلحدن صکره یا بولان
بلا نفقه لر ایچون دفتر ویروب بو ماده ایچون بو بیله شرط اولندی که
ایکی جانبدن زیدوه بوغازنده بتورلن صلحدن صکره صلحه مغایر
یا بولان بلا نفقه لر ایکی جانبدن تفتیش اولنوب واحوال الواقعی
اولوب عینی ایله ثابت اولدقدن صکره صلحه مغایر قنغی بلا نفقه
یا بولنش ایسه بو درت ایلك ایچنده کوریله وایکی جانب سرحد بکلرندن
یاخود ایکی برادر اولور دوتلو تعیین اولنوب بوقی کوره لر وهر قنغی
بلا نفقه ایکی جانبده صلحه مغایر یا بولنش ایسه انی نقد رسونلر
التنجی ماده بودرکه نیجه منافق مابینمزده منافقت ایدوب
بو مبارك صلحه ودوستلغه مغایر اختلال واختلاف ویرمه دن
خالی اولمیوب امدی شو بیله شرط اولندیکه اکر شمدن صکره انلرکبی
منافق ایکی جانبك ارسنه کیروب دوستلغه مغایر برحیله
چالشورسه جانبمزدن رومه ایمپرادورینه اعلام اولنوب ومجار

وجه قرالی و رومه ایمپرادوری دخی آستانهٔ سعادتمزه اعلام ایدوب
انك کبیلره بوزوب برلمیه یدنجی ماده بودر که حضرت عیسی نبی علیه السلام
امتندن اولوب باشقه دینی اوزره پاپاسلر و مزادلر و پروده‌نلر
ممالك محروسه‌مزده کند و کلیسالرین مرمت ایدوب و عادتلری
اوزره انجیللرین اوقوسونلر و طرف همایونمزدن مذکورلره مرمت
اولنوب خلاف شرع و قانون کمسنه رنجیده اولنمیه سکزنجی
ماده بودر که ایکی جانبك سرحدلرنده خالی اولان کوی یرلری
رعایاسیله شنلنمق ایجون اجازت ویریلوب قونمغه کمسنه مانع
اولمیه و قوندقدنصکره ایکی جانبه ویرکولرینی ویرسونلر ایکی جانبه
اطاعت ایدن کویلر اراسنده اولورلرسه طقوزنجی ماده بودر که
آستانهٔ سعادتمزدن و اوجانبدن تجار طایفه‌سی ایکی جانبه بازرکانلق
ایجون واروب کلسونلر نهایت سرحد حاکملرندن و امنادن اللرنده
تذکره‌لری اولوب تنغی سمتدن کچرلرسه تذکره‌لرین کوستروب
اول سرحدك بکی یاخود امینی اول تذکره‌یه مهر یاخود نشان ایتسون
لکن بو بهانه ایله رنجیده‌دن اقچه آلنمسون و بربره کیدرکن مخوف
یرلردن کچورمك ایجون یانلرینه کفایت مقداری آدملر قوشوب
صاغ و سالم کچورسونلر و اول ایکی جانبه رسم وکمرکی ویردکدنصکره
رنجیده ایتمیوب استدکلری یره وارمغه کمسنه مانع اولمیه
اونجی ماده بودر که رومه ایمپرادورینك ولایتلرندن و اوشتوریه
اوجاغندن اولنلرك حکومتلرنده و قراللق یرلرنده تجار طایفه‌سی
متاع و نقدیه ایله ممالك محروسه‌مه کلمك استدکده رومه ایمپرادورینك
بیراغی آلتنده و اللرنده تمسکاتی اولمیجه اوجانبه وارلمغه اجازت
ویرلمیه اکر بیراق و تمسکاتسز کلورلرسه کمیلرین و متاع و نقدیه‌لرین
رومه ایمپرادورینك قپوکتخدالری و قونسلوسلر کرفت ایدوب
بوجانبه بلدرسونلر و رومه ایمپرادورینه و اوشتوریه اوجاغنه
تابع اولان تجار طایفه‌سی اسپانیه قرالنه و فلوندره ولایتنه و سایر
ولایتلره تابع تجار طایفه‌سی رومه ایمپرادورینك بیراغی آلتنده
ممالك محروسه‌مزدن کچی نقد و متاعی ایله صاغ و سالم واروب
کلسه‌لر و بیع ایلدکلری متاعلرندن یوزده اوچ اقچه کمرك ویروب
و صاتون الدقلری متاعلرندن ینه یوزده اوچ اقچه کمرك ویره‌لر
و رومه ایمپرادورینك قپوکتخدالری و قونسلوس حقی یوزده ایکی بچق ویره‌لر

ومذکور

ومذکور بازرکانلرك مصلحتلرین رومه ایمپرادورینك قپوکتخدالری
و قونسلوسلری کوره‌لر و ذکر اولنان تجاردن بری مراد اولورسه رومه
ایمپرادورینك قپوکتخدالری و قونسلوسلری مالارین یازوب کرفت ایتسونلر
طرفمزدن بیت المال دخل ایتمیه و ممالك محروسه‌مزده بازرکانلر براکنده‌دن
کمرکلرین ادا ایتدکدنصکره ویردکلری متاعدن بردخی کمرك طلب اولنمیه
و بازرکانلر ما بینلرنده و سایر هر کیمکله بر دعوی و نزاعلری اولورسه اول
یرك قاضیلری درت بیك اقچه‌دن زیاده دعوالرین دکلیوب آستانهٔ
سعادتمزده قاضیعسکرلریمز حضورنده دکلنه اون برنجی ماده بودر که بو مبارك
صلح دوزلنجه جناب جلالتمآبم طرفندن و رومه ایمپرادوری جانبندن
آستانهٔ سعادتمه ارسال اولنان مکتوبلر و اولاقلر و بکلربکلری و قپو
کتخدالرندن بری برینه و یاخود وزرادن ارسال اولنان آدملر ایکی
جانبك ولایتلرنده حاکم اولان کمسنه‌لر رعایت ایدوب مخوف
یرلردن یانلرینه کفایت مقداری آدملر قوشوب تذکره‌لریله محل
مأمورینه صاغ و سالم کچورهلر و اوجانبدن آستانهٔ سعادتمزدن اول
جانبه قپوکتخدالری آدمیسی مکتوب ایله کوندررسه اولاقلریله
اوجانبه یتشدورهلر بدوندن بکلربکلری اولانلر بو خصوصه تقید
ایدوب کلندرمیوب بربرینی اولاشدرهلر اون ایکنجی ماده بودر که بوندن
صکره من بعد بکلربکلرك و بکلرك و بوده‌لرك کویلره چقوب
کرسونلر نهایت بیرولرعایایه‌لرینه حق اوزره لازم اولان یرلرده
کتوروب تسلیم ایتسونلر ایمپراطور جانبندن و اولاد و انسابندن
بوندنصکره [illegible] بو صلح اوزره [illegible]

صلح قرالنه سلطان سلیم خاندن عهدنامه در

چونکه مالك الملك متعال مفیض الامال وواهب النوال جل شانه
عن الشبیه والمثال وتنزه عن الانفعال والاختلال عنایت
سعادت غایت ازلیه وهدایت عزت نهایت لم یزلیه سیله وحضرت
سرور نسل آدم وسبب رحمت دو عالم شفیع عصاة امم منبع
اللطف والکرم سید انبیاء کرام سند اصفیا و اولیاء والحرمت
حبیب حضرت اله محمد رسول الله که صلی الله علیه و سلم معجزات کثیرة
البرکاتی وسیله‌سیله محل طغرای غرا بن که سلطان سلاطین ممالك
روم و عرب و عجم و خاقان خواقین چین و خطا وختن و ترك
ودیلم نریمان صولت کیومرث دارا فهرمان ساحهٔ تخت کبری

٩٧

وناجداری شهسوار عرصهٔ لشکرکشی وکشورکشایی شهریار اقلیم بخشای
ومملکت آرای فرمان فرمای قیاصرهٔ عصر واوان صاحبقران نصرت
اقتران اولوب آق دکز اطرافنده اولان بلاد بهر ارتفاعات وقره دکز
جوانبنده اولان قلاع وبقاعات وناحیهٔ عصر اولان مصر وصعید
اعلانک وبغداد دار السلام وبلاد حلب وشاماتک وبلد نجف
وبیت الحرامک ومدینهٔ منوره وقدس شریف لازم الاحترامک وولایت
یمن وعدن وصنعانک وممالک حبش وبصره ولحسانک وکردستان
وکرجستان ولورستان ووانک ودشت قبچاق ودیار تاتارک
وکلیا اناطولی وذو القدریه وقرمانک وعموما ممالک روم ایلی
وافلاق وبغدانک وبونلردن غیری شمشیر ظفر تأثیرمزله فتح
اولنمش نیچه دیار عظیم الاعتبارک خصوصا قوت قاهرهٔ خسروانه
مزله تسخیر اولنمش نیچه قلاع وبلاد مدارک پادشاهی وسلطانی
سلطان سلیم خان ابن سلطان سلیمان خان ابن سلطان سلیم خان
ابن سلطان بایزید خان ابن سلطان محمد خان ابن سلطان مراد خانم
بعنایة الله الملک لا قدر عنان سعادتمند مبارک صاحبقرانی قبضهٔ
قدر قدرتمه مقدر وصولجان ساحهٔ کشورکشایی وگیتی ستانی
کف کفایت بخشمه مسخر ومیسر اولوب عرصهٔ عرض بالطول
والعرض دیار شرق وممالک جنیدن تا باقصای روی زمین
لمعات بارقات شمشیر قضا تأثیرم ایله منور وجملهٔ ربع مسکون
وهفت اقلیم زمام اقتدارمه منعطف ومسخر اولوب بالجمله بخت
عالی بخت سعادت مأنوسمک ادنی پایه سنه نسبت قصر قیصر
بر قصور وملک موروث معدلت منشورمک برقبضه سی
ملک ملک اسکندر وشاه فغفوردر وخاتم ملک سلیمانی
شایستهٔ انگشت جهانبانی اولوب صحایف روی زمین زیب
نگین معدلت مکین سعادت قرینم اولمشدر حمدا علی آلائه الجزیله
وشکرا علی نعمائه الجمیله وسن که افتخار الامراء العظام العیسویه
مختار الکبراء الفخام فی الملة المسیحیه مصلح مصالح جماهیر الطائفة
النصرانیه ساحب اذیال الحشمة والوقار صاحب دلایل المجد والافتخار
مقلیا نوش قرالسن ریم خلقنک کزیده سی وحرمتلوسی وآلامان
ولایتلرینک ایمپراطوری وچه واصلوین وخروات مملکتلرینک
وسایر بوکا متعلق نیچه ممالک حاکمی وقرالیسن باب اعلامزه که

ملجاء سلاطین دوران وجناب معلامزکه ملاذ خواقین عصر واوان
اولوب سدهٔ سنیهٔ سعادت بنیانمز مقبل شفاه قیاصرهٔ جهان وعتبهٔ
علیهٔ عدالت عنوانمز مزدحم اکاسرهٔ زمین وزمان اولمشدر بنا علی
هذا مجدداً تمهید قواعد معاهدت وتشیید مراسم مصالحت ایچون
ارسال ایلدیککز مفاخر الملة المسیحیه اکوری یسقوفی الوتن زیجینر
وفرشتوفر توفاخ والبو تورورن نام برادرکا دکذا معتبر ایلچیلریکز ایله
عهدنامه کز کوندروب حضرت عیسی نبی علی نبینا وعلیه الصلوة والسلام
تاریخنک بیک بشیوز التمش سکز تاریخنده اولان ینارآییکه برزم
اولو پیغمبرمز حضرت محمد مصطفی علیه الصلوة والسلامک
هجرتی تاریخنک طقوزیوز یتمش بش سنه سنده ماه رجب المرجبک
غرّه سی واقع اولمشدر بوندن بویله سکز سنه دکین مملکت وولایت
امن وامان وعامهٔ رعایا وبرایا استراحت واطمینان اوزره
اولوب مابینده دوستلق محکم ومقرر اولمق بابنده استدعای
عنایت ایدوب سال بسال آستانهٔ سعادت آشیانمزه هر بار
بیقصور ولا کسور اوتوز بیک انکروس التونی ارسال وایصال
اولنمسی عهد کرده اولوب شول شرطیله که قرنداشلریکز ویاوثه
وفادارلو وشریار دوقه لردر معاهدلریمزه بیله اولوب مادام که
اولجانبده اولان ولایتلرک وناحیه لرک وقلعه لرک اگر قرده
واگر دکزده وآقصولر قرشنده ضابطلری وحاکملری وعامهٔ
رعایا وکافهٔ برایاسی جانب وکوکلدن اتفاق اوزره محبتلرین
ودوستلق شرطلرین محکم حفظ ایدوب عهد وامانه متعلق
اولان خصوصی کرکی کبی صقلیوب عزیز طوته لر بندخی سرحد ممالک
محروسه مزده اولان بکلربکیلر وسنجاق بکلری قوللریمزه وعموما عساکر
منصوره مزه باش وجانلری کرکش ایسه اولجانبدن عهده مخالف وضع
صادر اولدقده یوجه درکاهمزه عرض واعلام اولنمدین عهد وامانه
مغایر ایش ایتمیه لر ودفتر خاقانیده مسطور اولیان قریه لرینه
وجانلو وخانسز رفقلرینه بو دوستلق زماننده اصلا دخل اولنمیوب
ورعایاکز ضبطی ایچون واروب کلن آدملریکز مانع اولنمیوب وامره
مخالف یکیدن نسنه طلب اولنمیوب دوستلغی حفظ ایده لر دیو
محکم تنبیه اولنه واولجانبدن بو دوستلق ایچنده قرال اوغلینک اردل
ولایتی وارد لدن طرفه سایر آدملرینک وکندونک اللرینده اولان

ملکلرینی و یرلرینی کم حالیا متصرفلردر• قرار اوغلنه دخی تنبیه اولنوب•
مادامکه اول جانبدن عسکر جمع ایدوب مغایر وضع اولنمیه• اول دخی
سفر تدارکندن و عسکر جمع ایتمکدن بری اولوب کندو حاللرنده اولوب
حقنده راضی اوله• اصلا عهده مخالف کیزلو و آشکاره دشمنلك ایتمیه•
بو دوستلق ایچنده بیله اولوب• من بعد دوستلق زماننده واکر کندو
واکر اکا تابع اولنلردن بری عهد و امانه مغایر وضع ایدرسه معاتب
اوله لر• و قریه لریکزه آدم کوندروب• ایارمقدن و سکردمدن و طوار
سورمکدن بری اولوب• و یاغی کوردیکلرنك ذکر اولندوغی اوزره هرکیم
اولورسه حقلرندن کلنه• و مقدما سفرلرده و غیری سببیله اولان ٩٨
بعض عداوتلری ایکی جانبدن دخی اکلیوب عفو اولنوب امین اوله لر
دیو تاکید اولنه• و شمدیه دکین نیجه دفعه نزاع اولنوب• فصل اولنمیوب
قالمش و بر جانبه طیمش بعضی کسنه لر اولورسه• انلك کبیلر ملکلری
و حصارلریله طابدوغی و خدمت ایلك استدوکی یرده قالوب• سوز
کلیجی اولمیه• و منع و دفع اولنمیه• و قرال اوغلنك انکروس واردهلو بندلرینی
مشترك و قصبه لری و واروشلری و غیری یرلری اولوب• بو دوستلق
ایچنده ایکی جانبك اختیارلریله استبدال ایلك مراد اولنسه• علی الخصوص
بربرینه لایق اولوب• و زیاده سن طلب ایتموب خیرلو ایسه و ایکی جانبك
ضبطنه انفع و آسان اولسه• انلك کبیلر مفصلا آستانه سعادتمزه
عرض اولندقده ایکی جانبه نافع اولدوغنه عمل اولنه• و اهل اسلامدن
و قرال اوغلی و بغدان و افلاق و بوده لرندن مقدما اولان عداوتلری
سببی ایله ایلدکلری عرضلری پایه سریر سعادت مصیره عرض اولنوب
تفتیش و تفحص اولندقدن مقبول اولمیوب اعتماد اولنمیه• و خلاف
واقع قضیه عرض ایدنلر• معاتب و معاقب اوله لر• و ایکی جانبدن
اهل اسلامه تابع اولان تاردل و بغدان و افلاق طرفندن و غیریدن
انلرکه کندو حاللرنده اولمیوب• عهده مخالف ایش ایشلیوب• فتنه
و شناعت اوزره اولوب طوتولوب قاجدقلرنده سعی اولنوب•
اله کتوریلوب حقلرندن کله لر• غیرلره موجب عبرت و نصیحت اولنه
و بو بارشقلق زماننده ایکی جانبدن دخی ضربیله یاخود اوغورلغیله
شهر و واروش و قلعه و یاخود قلعه آلنورسه• دوستلق شرطی برینه
قونیلوب کیرو صاحبلرینه ویریله• انلك کبی فساده مباشرت ایدنلرك
حقلرندن کلنوب• ایدکلری فساد یانلرینه قالمیه• و ایکی جانبدن هرکیم

کمزو

کندو مملکتی داخلنده قلعه و یرلر تعمیر و ترمیم ایدوب آزیق قویوب
حفظ ایلك مراد ایدنسه• مادامکه کندو مملکتی حدودندن تجاوز
ایلمیه کسنه مانع اولمیه دیو یازمش سز• ایله اوله• اما بو بابده فرمان
جلیل القدرم شویله صادر اولمشدرکه• بوندن اقدم قوت قاهره پادشاهانه
ایله• سکتوار سفرنده النوب• بالفعل خراب اولان قلعه لردن• خورغق
و لنفش و سکد• و ماجارجب• و صوکن• و چاقات نام قلعه لر و اردل
قرالی سرحدنده بوندن اقدم عسکر اسلام واروب آلدوغی جه وارو بابا
و اردوی• نام خرابه قلعه لر دخی تعمیر و ترمیم اولنموب• حالی اوزره هر
خراب قاله• و بالجمله اول قلعه لر طراغنده و سنورنده یکیدن قلعه لر
بنا اولنمیه• و من بعد اول جانبده سرحد محافظه سنده اولان سردارلریکز
و وکیللریکزه محکم یساق و تنبیه اولنه که سرحدده اوسقوق صقلاوت
و حایدود و لوند طایفه سنه یوز ویرلیوب معاونت ایلمیه لر• بالجمله
ایکی جانبدن علوفه ایله درلکله تعیین اولنوب• بلودتندن اولان آدملردن
و نوکرلردن غیری پانلرنده و حصارلرنده بلورسز آدم طوتمیه لر متنبه
اولیوب انلك کبی فساده معین اولنلرك حقلرندن کلنه• و بو دوستلق
زماننده ایکی جانبدن رعایادن بری اسیر اولوب• و عسکر خلقینك
بربرینك النده بولنسه• قوللندرموب و صاتمیوب بغتلومیوب
بهاسز صاغ و سالم مملکتنه کوندریله• و طوتن کسنه تفتیش اولنوب•
دوستلغی بوزوب جبر ایله الدوغی ظاهر اولورسه• جزاسی ویریله•
و اسیرجی طایفه سی بو دوستلق مقرر اولدقدنصکره• سرحدلرده
کزوب اوغورلق اسیر المیه لر• الورلرسه طوتولدقده مکرکی کبی
حقلرندن کلنوب• الدقلری اسیر الندن آلنه و مملکتنه کوندریله• و بعض
اسیرلر عداوت ایچنده اسیر اولوب زندانلرده و آیقلرنده دمورلر اولوب
عنایت حقله بو دوستلقدنصکره قاجوب قورتلنسه ایکی جانبدن دخی
طلب اولنمیه• و بوندن بویله دوستلق مقرر اولوب• هر وجهله حفظ
٩٩ ایلك مرادیکز اولوب• استدعای عنایت ایلدیککز اجلدن عظمتلو
٤٢٧ بارکاهمزدن ایلچیلریکز و مصلحتکذارلریکز یاخود وکیللریکز متمکن
اولوب• و خیر خبر ایله اولاغیله کلوب کیتمك لازم اولدقده طوغری
یولدن کلوب واروب• و کاغدلرینی و کندولرینی هر نه وقت اولورسه
کسنه مانع اولمیوب• دخل و تعرض ایلمیه لر• و استدکلری یرده
اوطوروب• و طشره چیقموب• آت و دکز سیرینه و استدکلری دکلو

ترجمان قوللرمزه کسنه مانع اولمیوب و بر نزاع و دعوی دوشدکده اول
جانبدن وکیللری نصب اولنمدقده برو جانبدن دخی بدون بکلربکیسی
وکالةً دعوالری استماع ایدوب عتبهٔ علیامه عرضه محتاج اولدقده وقوعی
ایله یازوب سدهٔ سعادتمه عرض ایده • واحسان اولنان عهدنامهٔ همایونمزک
طغرای اجلال افزای خاقانیله برصورتی سدهٔ سعادتمزده اولان
ایلچیلریکزه صدقه اولنه لازم اولدقده کندولرده بوله • بالجمله سایر
دوستلق ایدن پادشاهلرک ایلچیلرینه و آدملرینه رعایت اولندوغی
کبی رعایت اولنه • و عتبهٔ علیامزده متمکن اولان ایلچیلریکزک برینی
اخر کمسنه دخی معقول کوررسکز هر قچان اولورسه دعوت ایلسکز
کمسنه مانع اولمیوب اجازت ویریلوب دوستلق زمانلرنده عداوت
اوانده دردینلیوب مملکتکزه اولاشدرمغه آدم قوشیله • تاکه آدمکز
ایلچی طریقیله واروب کلمکه اختیار ایدر بیله دیمش سز ایله اوله • و بوندن
اقدم ایکی جانبدن مشترک اولوب و برکو ویرن رعایادن و کویلردن
دفتر خاقانیمده مسطور اولنلردن ماعدا • مزبور رعایانک اهل اسلام
ایکی دفعه جکمیوب • دفترده اولمیان خارج کویلردن و برکو طلب اولنمیوب
دردمند رعایا امن و امان اوزره اوله لر • و مابینده نزاع اولسه
هر کیشی انتقام الغیجون سکرتمکه قادر اولمیه • بالجمله ایکی جانبدن
دخی سرحدلرده اولان سردارلردن بر سردار نصب اولنوب اهل اسلام
جانبندن • بدون بکلربکیسی اولنلر ناظر اولوب • انلر کبی عتبهٔ علیادن
ارسال اولنان مهرلو دفتر خاقانیده مسطور اولان قریه لر و یرلر
خصوصنده و غیری قضیه لرده نزاعلری اولسه • ایکی جانبدن دخی
ناظر نصب اولنانلر • دفتر خاقانی ایله معاً محل نزاعک اوزرینه واریلوب
فصل اولنه • بالذات کورلمک ممکن اولمیانی ایکی جانبدن معتمد علیه
وکیللر نصب اولنوب • اما نزاع اولنان خصوصک اوزرینه وارملو
اولدقده مقدماً خبر لشوب اکر کوره ایکی جانبدن برابر واریلوب • وجه
مناسب کورلدوکی اوزره عهدنامه موجبنجه قطع اولنوب • ایکی
جانبدن دخی هر کیشی یرلو یرنی بولوب • بر بریندن امین و سالم آریلوب
دوستلق محکملکنه سعی ایلیه لر • ذکر اولنان ناظرلردن و وکیللردن
صحیح خبر کلوب احواللری آستانهٔ سعادته مفصلاً عرض اولنمدقجه •
هر کیشی دشمنلکه جسارت ایلمیه • و بارشقلق ایچنده کسه کسه نی
میدانه اوقیه • و ذکر اولنان دوستلغمز جانبدن دولت محبت اوزره

مقرر

مقرر اولوب • دوستلق شرطلرین رعایت ایلدیکمزدن غیری • برادر
آدملریمز ایله کوندرلدوکی کلدوکمزده • هر سنه آتدن آرمغانمز ایچون اوتوز بیک
انکروس فلوریسنی سدهٔ سعادتمزه تسلیم ایلمک عهدیله مزده اوله دیو •
درکاه معلامزده اولان ایلچیلریکزه مهریکز و امضاکز ایله تمسک کوندروب
عهدنامهٔ همایون جلالت مقرونمز طلب ایلدوککزی بلدردکلرنده
اجلدن بزم خاندان مرحمت بنیان • و دودمان موهبت عنوانمزه •
صداقت و اخلاص ایله اختصاص کوستروب صمیم دلدن دوستلق
طلب ایدن • سلاطین مخالصت آیین • و خواقین مصادقت تمکین •
خصوصنده ابواب مصافاتمز مفتوح اولوب • بو عهدنامهٔ همایون
سعادتمقرونی ویردککه • من بعد سزلک طرفکزدن و سزه تابع اولان
قرنداشلریکزدن و غیری عسکریکزدن مادامکه باعث اختلال عهد
و امان اولور برو صنع صادر اولمیوب • دفتر خاقانیده مقید اولنلردن
کچدک دیر سکز قریه لره اصلا دخل اولنمیوب • دفترده مقید اولدوغی
اوزره ویره کلدکلری ویرکولرین • کما کان کتوروب ویره لر • و ممالک
محروسه مزده جتا آدملریکز و جایدودلریکز کونمیه لر • و ذکر اولندیغی
اوزره عنایت اولنان عهدنامهٔ سعادتنما • و بهجت فزا مزمقتضاسنجه ١٠٠ ٤٢٨
عمل اولنوب • سرحدده اوسقوق صقلدیوب • و غیری سرحدلریکزده
جایدود و دولوندطا بقه سنه یوز ویریلمیوب • و اردل قرالینک و اکا تابع
اولنلرک یرلرینه و ملکلرینه • و سرحد ممالک محروسه مزده اولان
رعایا و برایایه • وجهاً من الوجوه • دخل اولنمیوب • دوستلق شرایطی
مرعی و محترم طوتلوب تمام عزتله رعایت اولنه • بن دخی یمین شدید
ایله یمین ایدرم که • یرکوکی یوغیکن وار ایدن پروردکار وحدانیتی
و اولو عزیز پیغمبریمز معجزاتی ایچون • بو معاهده اولنان مدت ایچنده
مادامکه اول جانبدن عهده مغایر • بر حالت اولمیه بکلربکلریمزدن
و بکلوقوللریمزدن • و قپودانلر و صوباشیلر و یوده لریمزدن • بالجمله
ممالک اسلامیه دن اولان عساکر فیض مظاهریمزدن • و قوت
قاهرهٔ خسروانه • و شمشیر قضا تأثیر ملوکانه مزله فتح اولنان اردل
ولایتینک قرالی اسنغان قرالدن • و افلاق و بغدان ویوده لرندن •
و سایر خراج کذار کفره قوللریمزدن که بو دوستلغمزده بیله در • سزه
متعلق اولان مملکت و ولایت و رعایایه تخت حکومتکزده اولان قلعه لره
و قریه لره • اصلا دخل و تعرض اولنمیوب • ضرر و زیان و تجاوز و تعدی

ایلچیلر • وفرانچه ولیه قراللری و وندیك بکلری که قدیم الایامدن عتبهٔ
علیهٔ پهمرارتفاعمزه دوستلق ایله کلمشلردر کیرو دوستلرمزدر • ایله معلوم
اوله محصل کلام • شویلکه تشیید ارکان صلح وصلاح ده رعایت اولنمشی
اولطرفه راجعدر • شویله که اولجانبدن مراسم عهد وامان رعایت اولنه
ان شاء الله الرحمن • بوجانبدن خلاف عهد و پیمان برنسنه صادر اولمیه • تحریرا فی اوایل شهر رمضان [illegible]

بچ قرالنه صدر اعظم وزیر اکرم طرفندن مکتوبدر ٤٧٧

افتخار اعاظم صنادید مسیحیه • مختار افاخم مرجع ملت عیسویه • صاحب العز
والمجد والوقار • ساحب اذیال الحشمة والافتخار • پیشوای ملوك الدیر
والناقوس • مقتدای اصحاب العز والناموس • سعادتلو وعظمتلو پادشاه
کردون وقار حضرتلرینك صادق دوستی و تونکیسی اولوب • نیچه ممالك
وقلاع معموره وبلاد وبقاعك • ورومه شهرینك ایمپراطوری اولان مایناش
ختم الله تعالی عواقب اموره بالخیر والاحسان • حضرتلری طرفنه • موحی الیه
عظمتلو پادشاهمز حضرتلری ایله مابینده منعقد اولان صداقت
ودوستلغه لایق • نقاوهٔ سلام تعظیم انجام • واهل اسلام طرفنه
توجه ومحبته سزا • پیام تکرار ارتسام • اهدی واتحاف قلندقدنصکره •
دوستانه انها • ومخلصانه انبا اولنورکه • حالا ملجأ سلاطین عظام •
وملاذ خواقین فخام اولان • آستان خلافت مکان • وبارگاه سلطنت
آشیان • طرفنه • زبدهٔ اعیان دولت • وعمدهٔ ارکان سلطنت اولوب
قبرس بکلربکیلکی عنایت بیورلدن احمد پاشا حضرتلری ایله • مفاخر امراء
ملت مسیحیه • مراجع کبراء طایفهٔ عیسویه • حالا نفشه باره طرفنه سنك
دوقرلغی توجیه بیورلدن غراجیاه غشپار • ومقرب ومؤتمن ومستشار
ومحترملری یکیدن براغ حاکمی حرمات وطناج جزرغال ختمت عواقبهم
بالخیر والرشاد • واحسن الله الیهم سبیل السداد • اللرینه • سعادتلو
دولتلو افندیمز ولی النعم پادشاه ربع مسکون نصره الله الی یوم یبعثون
حضرتلرینك • جانب همایونلرینه نامهٔ صداقت مضمون • وبوخیرخواهکز
طرفنه دخی محبت ومودت مشعر مکتوب خلوص نمونلری • واصل اولوب
فحوای محبت احتوا • وخلاصهٔ مفهوم مودت انطواسی • انتظام امور صلح
وصلاح طرفین • ورفاه حال سرحد نشینان جانبین • ایچون بوندن ٢٤٩
اقدم ایکی جانبك معتمد وکلادنی • ومشن واختیار قدماسی • اتفاق ورأیی
ایله • حضرت فخر کائنات علیه وعلی جمیع الانبیاء افضل صلوات وتحیات •
هجرت شریفه سنك • بیك اون بش تاریخنده • زیدوه بوغازنده مخصص

دبیتی

وبین مادهلر اوزره طرح اولنان • اساس عهد وامان • متانت واستحکامی
وخیر ایله اتمام واختتامی • وسرحد منصوره امورینك نظم وانتظامی خصوصنده
جانب پادشاهیدن مباشر ووکیل تعیین بیورلدن • وزیر آصف نظیر ومشیر صائب
تدبیر • بدون محافظی اولان وزیر علی پاشا حضرتلری ایله • بوخیرلو مصلحتی
وفق رضای طرفین اوزره سویلشوب • ذکر اولنان مواد هنوز قرارداده
اولمدین • تقدیر ربانی واراده یزدانی ایله • مشار الیه علی پاشا اول اثناده
بدون سرحدنده نوتی قالدوریلوب • آخر خدمت فرمان اولنمغله • برینه
سنوفی حسن پاشا ارسال اولندقده صلحك • طرف خلافدن اراده وتجویزی
ولایق دولت قنغی طرف اولدوغی عدم تشخیص وتمییزدن • محل صلح اولان
احواله رخصت • وبالضروره صلح اموری تمشیت بولمیوب • سرحدها بالبند
حضور واطمینان برطرف اولدوغندن غیری • بوجانبه بدخواهان دولت
تحریك واغوالریله • اکری وقنیژه واوستونی بلغراد وصولنق وپشته
وبدون وسایر قلاع سرحدلرینه عهد وشرطه مخالف • محدث پلانقه
بسببی ایله • طرفینك رعایاسی کالاول پایمال وپریشان • وچنهلر بوربوز
کلی ضرر وزیان • مترتب اولدوغی ظاهر وعیان اولوب • لکن تقدیر الهی
ایله حسن پاشا وفات ایدوب • وکالاول سرحدلرك نظم وانتظامی
وصلح امورینك خیر ایله اتمام وانجامی مراد اولنمغله بدون ایالتی
مشار الیه وزیر علی پاشا حضرتلرینه توجیه وتفویض • وذکر اولنان
خصوصلرك کما کان سپارش بیورلمغله • حالا طرفینه ترتیب ایلینك خیر
نصیحتی وتطهیر وتدقیقی • وچنهلرك رفعی • وحادث پلانقهلرك
هدم وازالهسی ایچون • واول پلانقهلره صغنان اشقیانك • بات
ویراقلرین الوب • قدیمی صنعتلرینه وچفت وچبوقلرینه یاپشوب •
٤٧٤ رعایالغه بیلك ایچون مرحوم ومغفور له غازی سلطان سلیمان خان
علیه الرحمة والرضوان حضرتلرینك • زماننده باامانلرنده کبی ایکی جانبه
ویرکو ویررکن • فترت زماننده خراب اولوب • حالا رعایاسی برتوپرنده
اولوب شهلکه یوزطوتان • کویلر نه مقدار ایدوکین • ونیچه اولدوغنی
وسنورلری نه محلدن کچدوکین • ایکی طرفدن تعیین واختیار اولنوب •
وقوف ودیانتلرینه اعتماد اولنان مسن ومعتمد آدملر مباشرتیله • دقت
واهتمام اوزره تفتیش • وبعد الثبوت دفتر اولنمغیچون • وبولنداور قلعه سنك
ضرری دفع اولنوب • حضور پادشاهیده اکا معادل اولوب مقبول همایون
اولاجق قلعهلر ایله ویره و کوکور[...]لو تمسکات موجبنجه اکر بدل ویرلکه

وعهد اولنان خصوصی بی شك وشبهه بیاضه چیقمق ایچون اون ایکی ای
وعده ویرلدی • ولکن سنه لرده کوندریلن مهرلو عهدنامه کز موجبنجه عمل
اولنمسنی استدعا ایلدیککز اوزره اتمام صلح مقدما تحریر وتسطیر اولنان
ایکی ماده ده دوستلقده ثابت قدم اولدوغکزی اعلام ایلمش سز • آمدکی ذکر اولنان
احوالی مشعر اولان نامه • ومکتوبکزی • واظهار صداقت واخلاص ایچون
ارسال اولنان • پیشکش وهدایاکزی • مشار الیهم مقبول ومعتبر ایلچیلرکز
وساطتیله • پایهٔ سریر پادشاهی یه عرض اولنوب • ذکر اولنان نامهٔ
محبت ختامه کزك ترجمه سنه • علم شریف عالم آرالری محیط وشامل •
وهدایا وارمغانکزه • نظر فرخنده اثرلری متعلق اولدقده • موقع قبولده
نمایان وموجب امتنان اولدوغندن غیری • مشار الیهم ایلچیلرکزه افرده
لقدر اولناجق مواد سپارش ایلدیککز اوزره بالمواجهه حضور همایونده
آداب ایله حسن تقریر • ومراسم خدمت رسالتی کما ینبغی ادا وتقدیم ایلشلردر
واوج دل ایله • بری ترکی • بری الامانجه • اوچنجی مجارجه • عهدنامه یازلوب ٤٤٠
اشبو سنه خمس وعشرین والف جمادی الاخره غره سندن یکرمی یلدکین
تجدید اعقد اولنان • مصالحه نك اون ایکی ماده سندن تفصیل اولنان
شروط معهوده اوزره استقرار ایچون جانبیندن ویریلن مهرلو عهد نامه لره
مغایر بر وضع اولماسنی مراد ایدندیککزه بناء • محضا فقرا طرفینه
مرحمت وشفقت • وحاللرینه رحم ورأفت قصد اولنوب جانب پادشاهیدن
ساعلم بیورلشدر • ومعلوملری اولدکه اون ایکی آی اجنده اتمامی
مشروط اولان سنور وصلحه مغایر بحدث پلونقه لرك جملهسی هدم اولنوب
وقدیمدن اولادن خراج کذار رعایا اولنلره بات ویرلقلری النوب • وبو طرفده
تعیین اولنان قریه لرك جملهسی اسم ورسملریله تحریر اولنوب • وصکره
بر طریقیله اطاعتدن آلیقونان قریه لرك عهدنامه کز ووعد وقرارکز
اوزره بو جانبه دوندریلوب • صلح وصلاح احوالی کما ینبغی خبر ایله اتمام
اولنان سنور نامه لریله تمسکات آستانهٔ دولت طرفنه واصل اولنجه
اقتضا ایلیت مهماتی • وسایر خبرلو مصلحتلر یکزی سویلمك ایچون
باش ایلچیکز • موسی الیه جرز عالیجنابه اسنا بنولده الیقونوب • هر حضو
حاضر ومهیا • وهر مهمی دولت پادشاهیده مؤدی اولوب • ومشار الیه
قنیژه بکلربکیسی احمد پاشا حضرتلری • نفقه باره دوقه سی غزا جیباه
تغشیارده • وطناج جرز عالی ختمت عاقبتهما بالخیر لك • اول جانبه وارمه لری
وجه معقول ومناسب کورلمکله عادت مورثهٔ پادشاهی • وشیمهٔ قدیمه

شهنشاهی اوزره • جملهسی خلعتلنوب وآعزلانوب • مزید التفات خسروانی
مظهر اولدقلرندنصکره • جمله احوالی مشعر • وکمال محبت وخلوصی مخبر
نامهٔ همایون شرف مقرون ایله ارسال اولنمشلردر • ان شا الله تعالی بلطفه
الاعلی • اول جانبه واروب خیرله وصول بولدقده کلندیبوب • صلح
وصلاح امورینك خیر ایله اتمامی • وفق رضای طرفین اوزره اختتامی
٤٢٥ خبرینی • ولازم اولان تمسکات معمول بها ایله • بو جانبه ارسالری
اقصای آمال پادشاهیدر • وولایت بوسنه سرحدنده واقع اولان
سنکی دیمکله معروف قلعه ده • وهرسك ولایتلرنده اسقوق اشقیاسی
ضرر وزیاندن خالی اولمامقلریله • انك دخی دفع ورفعی خصوصنده فرمانلرینه
لرینه رخصت ویرلیوب • طرفین رعایاسی آسوده حال اولمسنه نامهٔ
همایونده مذکور اولدیغی اوزره • طرفکزدن دخی تنبیه وتأکید ومکاتیب
شدید ارسالی مأمولدر • وبالجمله رسم قدیم وآیین کزین پیشین اوزره
اون ایکی ماده نك ضمننده تفاصیل افراد اولنان عهد وشرطلك
دوام وثباتی • ومدت معینه ده استحکام واستقراری • کما ینبغی
رعایت اولندی • بو بابده ویریلن عهدنامهٔ همایونده • مادامکه طرفکزدن
نقض عهد وعقد اولنان صلحك خلافنه بر وجهله تجویز اولنمیه •
جانب همایوندن • وسرحد منصور حکامندن • بر وضع خام • صدوری
امر محالدر • بو خصوصده ایمان وسوکند دخی بیورلمشدر • حضرت آدمدن
الی یومنا هذا • سکان مملکت اولان رعایا وبرایا • وسائر اهالی قصبات
وقری • اولان ضعفانك زمام حاللری • بریوزنده اولان ملوك وحکامك
بربریله حسن معامله لرینه مربوط • وعمارت عالم صلح وصلاح امورینك
رعایتنه مشروط • اولدوغی اعلامه محتاج دکلدر • مأمولدرکه مشاالیهم
اولطرفده اکلندیبوب اختتام صلح وصلاح اولان تمسکات ایله بو جانبه
روانه اولمالرینه اهتمام اولنه •

بعده قرانله سلطان مراد خان ابن سلطان احمد خاندن عهد نامه در

حضرت آفریننده کار لایزال • وجناب فاعل مختار ذو الجلال • تقدس ذاته عن الشبیه
والمثال • وتنزهت صفاته عن وصمة الانتقال • توفیقات وتأییدات
٤٢٦ ازلیه • وفیوضات عنایت لم یزلیه • وروحانیت سلطان تختگاه رسالت
واصطفا • مسند نشین بارگاه نبوت واجتبا • مفخر عموم بنی آدم • مقصود
آفرینش عالم • خاتمهٔ کافهٔ انبیا ورسل • هادی فاطبهٔ طرق وسبل •
محرم حرم لی مع الله • حبیب خدا محمد رسول الله • علیه وعلی جمیع الانبیاء

افضل الصلوات والسلام ملك معجزات كثیر البركاتی موافقتی ومشیدان
دین منیف نبوی وممهدان اركان شرع مصطفوی اولان چهار یار كزین
وجمهور اصفیای صحابۀ هدایت قرین وجمله اولیای ولایت رهین
رضوان الله علیهم اجمعین همرفیع القدر رجاتیله محل طغرای غرا بن كه سلطان
مشارق ومغارب وصاحبقران زمین وزمان عالی مناقب خاقان ممالك
فسیحۀ روم وعرب وعجم وارث اورنك قیصر وجم تاجبخش خسروان جهان
ظل الله الملك المنان ثانی اسكندر ذو القرنین خادم الحرمین الشریفین
معظم شعایر القبلتین اشرف البلدان والاماكن اقدس البقاع والمواطن
مكۀ مكرمۀ معظمه ومدینۀ منوره ومتبركه نك وقدس شریفك
خادمی واساس ظلم وفسادك هادمی وآق دكزك وقره دكزك وتخت
قاهرۀ مصر نادره نك وعموما دیار عربستان وولایت حبش وزنكبار ویمن
وعدن وصنعانك وحلب ودمشق الشام وطرابلوس وذو القدریه
وولایت اناطولی وسیواس وقرمان وارض روم وطرابزون ودیاربكر
ورروهه وموصل وشهرزول وكردستان وكرجستان وافلاق وبغداد
ودیار تاتار وكفه وقریم ودشت قبچاق وطاغستانك ومفاخر مقر
تاجداران دار الملك وقروم كاهكاران اولان محمیۀ قسطنطنیه حمیت
عن البلیه نك ودار الغزو والجهاد جزایر غرب وفاس وتونس وطرابلس
غرب وقبرس وردوس وقبطریه وامامسیه وبصره ولحسه وكلیا روم
ایلینك وبوسنه وبدون وقنزه واكری وطمشوارك وخارج حیطۀ
تحریر اولان نیجه ممالك وامصار ومسالك واقطارك پادشاهی
وشهنشاه جمشید سپاه كیخسرو دستكاهی سلطان مرادخان ابن سلطان
احمدخان ابن سلطان محمدخان ابن سلطان مرادخان ابن سلطان سلیم خان
ابن سلطان سلیمان خان وحالا سن كه زیم خلقینك كزیده سی
وحرمتلوسی والامان وجه وعجار واصلوبه وخروات طایفه سنك
بیج ونیجه ولایتلرینك ایمپراطوری افتخار الامراء العظام العیسویه
مختار الكبراء الفخام فی الملة المسیحیه مصلح مصالح جماهیر الطایفة
النصرانیه ساحب اذیال الحشمة والوقار صاحب دلایل المجد والافتخار
فردیناند ختمت عواقبه بالخیر سن حالا بزم طرفمزدن بدون محافظه سنده
اولان دستور مكرم مشیر مفخم نظام العالم مدبر امور الجمهور بالفكر
الثاقب متمم مهام الانام بالرأی الصایب ممهد بنیان الدولة والاقبال
مشید اركان السعادة والاجلال المحفوف بصنوف عواطف الملك الاعلی

وزیریز واول سرحد كرده سردار یمز اولان مرتضی پاشا ادام الله اجلاله حضرتلری
طرفندن وكالت مطلقه سی حسبیله امر شریفمزله وكیل نصب اولنان اكری
بكلربكیسی امیر الامراء الكرام محمد دام اقباله وبالفعل بدون مفتیسی
اولان قدوة العلماء المحققین عمدة الفضلاء المدققین مولانا عیسی
زیدت فضایله وقدوة الامراء الكرام استرغون سنجاغی بكی احمد
وصولنوق بكی محرم دام عزهما وقدوة الاماثل والاقران بدون عزبلری
اغاسی فلان زید قدرهم وارد ولایتنك حاكمی اولان افتخار الامراء العظام
العیسویه نیلان غابور ختمت عواقبه بالخیرك آدمی تودورلیغی مجال
وسنك طرفكزدن وكیلاریكز اولان افتخار الامراء فی الملة المسیحیه مجار
ولایتنك بلاطنوش وواج بشبكی اولوب مشاوره جیكز مجار رقنجه
لاروسه اولان ژنیه استوان وغرادوش كسترم شرعصا داردو
غلنطه اسپرخاش وبندصا دراو وقورخادنوری صبادار وركه طونه نك اوته
یقاسنده ایكیجی خارلبدر ختمت عواقبهم بالخیر صوب محراسنده جمع اولوب
معتدما بدون بیج وقورانزه وبعده كارماتره منعقد اولان صلحك بعض
خصوصی نیجه وضع وحالتله مختل ومشوش اولوب طرفیندن رعایا فقراسنه
تعدی وتجاوز اولنمغین ذكر اولنان وكلای طرفین محل مزبورده اون نسنه
بماده یی مشعر مهرلو تمسك ایله رسول خدا شفیع روز جزا اولو عزیز بنمز
محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم حضرتلرینك هجرتی تاریخنك بیك اوتوز بر
سنه سنده واقع ماه محرم الحرامك غره سنده كه حضرت عیسی نبی علی نبینا
وعلیه الصلوة والسلامك بیك التیوز یكرمی بدی تاریخنده واقع ماه
مجالك اون اوچنجی كونی اولور دیكرمی بش بیله دكین مجددا صلح وصلاح
ایتمه لری وسنك دخی اول منوال اوزره زمان مزبوره دكین صلح
وصلاح وفوز وفلاح ایتمكز مقبول ومراد كز اولمغیله حالا كوجك
ایلچیكز اولوب معتبر ویراراده مل یكزدن تاتار قلعه سنك قپودانی
اولان قدوة امراء الملة المسیحیه بالیق اشتوان ایله اول مهرلو تمسكی
آستانۀ سعادتمزه كوندروب ونامه كزده دخی كله بجمله بو صلح وصلاح
آستان دولت آشیانمزده ابقا وسقرر قلنوب جانب همایونمزدن
مجددا عهدنامۀ همایون سعادتمقرون ویرلمك بابنده اشارت اولنمشدی
امر یكی حق سبحانه وتعالی حضرتلرینك فضل بحسابیله ماوای سلاطین
ذوی الاحساب وملجأ خواقین شرایف الانساب اولان عتبۀ علیۀ
عدالت عنوانمزه اظهار وفور صداقت واخلاص واشعار فرط مصادقت

واختصاص ایلیین سلاطین عظام وامراء خاقانک • دائما ریاض آماللری •
جویبار الطاف واعطاف خسروانه مزله سرسبز وریان شیمهٔ کریمهٔ ملوکانه
وعادت حسنهٔ خدیوانه مزدن اولمغله • مزید عنایت علیهٔ شاهانه •
ومزیت مکارم سنیهٔ پادشاهانه مز وجوده کتوریلوب • مشار الیه
ایمپراطور فردینانده ختمت عواقبه بالخیر نك • نامه سی موجبنجه سؤال
مشروح اوزره تاریخ مزبوردن یکرمی بش سنه سی تمامنه دکین صلح
وصلاحك محکم واستوار اولمق بابنده قرار ویریلوب دین ودولتمزه ٤٢٧
لایق وعرض وناموس سلطنتمزه موافق اولان وجه اوزره حضور مستوجب
السرورمزده حین قبوله قرین اولوب اولبابده خط همایون سعادت مقرونمز
فرمان عالیشانمز صادر اولمغین مجددا بو عهدنامهٔ همایون سرحت
مشحون ویردم و بیوردم که اولکی ماده بودر که بیلنمك لازمدر که بو جمله
صلح وصلاحه وخبرلو باریشغه مناسب اولان ماده لرکه ذکر ود
بوغازلرنده دیج وقومرات وکارمانده مقدما بیورلمشدر که بکیجیالدی
تغییر اولنمیه و بکیدن برغیری دورلی اولمدیه هر بری
برلو برنده قالسون وایکی طرفدن بوزلیوب محکم طوتلسون • ایکنجی
ماده بودرکه ایکی جانبك وکیللری مابینلرنده بعض اسباب اقتضاسیله
خصوصا بولند واریسی وشمدی واوج احوالی بتورلمکه قابل اولمدیغه
بوکه بویله قرار ویردك که بو خصوص ایکی بیوك ایلچیلر واسطه سیله
ایکی طرفك رایلریله آستانه لرنده تمام ایدیلر اکر بو دفعه تمام اولنوب
باشه چقمزسه بو صلح وصلاح ایکی طرفدن محکم طوتلسون واوج
خصوصی بو حال اوزره ینه قالسون شول وقته دکین که ایکی جانبك
رأییله برقرار ویریلنجه کارمات بتورمه سی دخی بونی بیان ایدر •
اوچنجی ماده خروات ممالککنك سنورلرنده ایکی طرفدن دخی بیکیدن
یاپولان بلو نقه لرکه صلحه مغایر یاپلمشدر انلرك ییقلمه سیله کارمانك
اوچنجی ماده سنده بکیشدرلمشدر شول وجه اوزره که ایلچیلر یکرمی کنو
کتدکلرندنصکره اونبجی کون که بیك التوز یکرمی یدی عیسی تاریخنده
واقع اولان ماه نوبارو شبنك اوندن ایکنجی کونیدر اکم مباشرت ایدوب
بتورملر ایکی طرفدن بو خصوص تعیین اولنان طرفلردن بدودن محافظ
سنده اولان وزیرمز مرتضی پاشانك حضرتیله اکری بکلربکیسی محمد
دام اقباله واولجانبدن غروف مقلوس وزدارجفا اکر بونلره برمانع ٤٢٢
ظهور ایدرسه برلرینه کندولرکبی برآدملر تعیین اولنه و بوا بتنی

جنیله

خیرالله اتمام ایدهلر • دردنجی ماده بو صلح وصلاحك احوالی برقرار اولمق
ایکی طرفدن نامدار ومصلحتکذار ایلچیلر بو صلحی بتوردیلر یردن وکیللری •
برلو یرنده ایکی مصالحه احوالندن بربرینه آکاه ایلیه لر وکلام هرلوکا عدرج
کوندروب • موجبنجه ایکی جانبدن صلح وصلاح بکشدوریله • بعده
ایکی جانبك رأی اوزره مختوم عهدنامه لری باش ایلچیلر بکرك النه
ویریله • وایکی طرفدن دوستلغه لایق تحف وهدایای وداد اتحاف
اولنه اما بیوك پیشکش اولمیه • بوندنصکره درت ایدك • بیوك
ایلچیلری بو قراروده یازیلان وجه اوزره مؤکد عهدنامه ایله
جانب همایونمزده ایلچی بو زوق تعبیر ایتدکلری وقته مصادف وله
استرغون وارب اولجانبدن کلجك ایلچی قومرانه کلوب • اندن برینه
آکاه ایلیه • بیك التوز یکرمی سکز تاریخ عیسی ده واقع اولدی ماه نوبار شبنك
ایکنجی کوننه مصادف اولور • جانب همایونمزدن وارات ایلچی آدمانه وقوبر
اولطرفك ایکنجی دخی توتوب بو ایکی قریه مابینده تعیین اولنان یرلرده
ایرلوب • بو طرفدن کوندریلن کسنه صلح وصلاحه لایق • تحف وهدایا
ودادیله اولطرفدن کلان ایلچی یه موافق • هدایای لایقه ایله آستانهٔ
سعادته کیده لر • بشنجی ماده جانب همایونمزدن عتبهٔ علیه مز قپوجی
باشیلرندن ایکی کسنه • اولطرفدن ایکی بللو باشلو کسنه بری نمچه طونهنك
اوتریقه بقه سنده بوکه مباشرت ایلسونلرکه اطاعت اوزره اولان قریه لر
اصحابنك شکایتلری ونیچه دورلو ظلملری وکسملری وبکیدن جبر
وغیری وجهله بتورمه لرندن صکره مخالف وبا اطاعت ایدرلمش •
وویرکویه اقدام اولنمشدر • بو صلحه مخالف ایکی طرفدن یاپیلوب
هدمی لازم اولان بلدونقه لرك • وخراج کذارلرندن ساکن مشترك
احوالی مقدما اولان صلح احوالی اوزره بلنمك لازمدر • که ذکر ود
بوغازلرده اولان صلحك اون التنجی کونی واون یدنجی کونی • ویدیجه
اوچنجی وقومرانك وکارمانك دردنجی کیدن ماده لری موجبنجه
٤٢٨ تصحیح ایتسونلر دیو • هر طرفك طوغری ولغی وحقی ظاهر اوله واطاعت
اوزره اولان کویلرك کسملری بوکه بیاض حقا یحیه زیاده اولمیه
طرفردن مشار الیه وزیرمز مرتضی پاشا اولجانبده مجار ولاینك
بلاطونشنك تعیین ایتدکلری آدملریله معا • بو مصلحتی بویله
کله جك پانوارش رومیناك اونده ایکنجی کوننده مباشرت ایده لر •
التنجی ماده طونشا قلرک احوالی بو وجه اوزره قرار ویرلمشدرکه هر

بوستاوره اثناسنده المشدر • اول وره که بدون محافظه سنده
اولان وزیر بزی ومجار ولایتنک بلا طونیشی ما بینلرنده اولمشدر اول
وره ایچنده آلنان طوتساقلر ایکی طرفدن بیله بهاسز قویوریله •
اندن اول آلنان طوتساقلر بدل طوتساق ایله ویریلوب • وبها ایله
چیقمق لازم اولان قدرتلرینه کوره بها ایله چیقه • بوخصوصی
بدون محافظه سنده اولان وزیرمز ایله مجار ولایتی بلا طونیشی
تصحیح ایتسونلر **یدنجی** ماده سابقا اولان صلحک مدتی تمدن
ایچون طقوز ییل قالمغیله • فقرا آسوده حال اولمق وسرحدلر معمور
اولمق ایچون یکیدن بوصلح وصلاحک حدتینه یکرمی بش ییل
اولاجق طرفینک مباشرصلح اولانلری وکلاسی معقول ومناسب
کورمشلردر • وطرف همایونمزدن رضا کوسترلمشدر **سکزنجی**
ماده بوندن اول اولان بوزرمه لرده صلح احوالی بوزلمغه اوزرینه
قرار بولمشدرکه • جنه لره تنبیه وتاکید اولنمشدرکه ایکی طرفک
دخی ولایتلرندن بازرکانلر وسایر یولجیلر ایکی جانبدن امن وامان
اوزره اولوب • هرکیم بوکه مخالف صوچ ایشلرسه • وکلای دولت
وجنارالل روقپودانلر طرفیندن حقلرندن کله لر • اکربونلر حقلرندن
کلمزلرسه • بوکا مخالف ایش ایدنلرک • بوطرفدن بدونده اولان
وزیرمز واول طرفدن مجار ولایتنک بلا طونیسی حقلرندن کله لر
طقوزنجی منصبلر تبدیلی احوالی بوصلح وصلاحه خلل ویرملیو
اولمیه • سرحد قلعه لریمزده اولان اصل پاشالر وقپودانلر وبکلروسا
ضابط طورسون که هرایکی طرفدن صلحی سویجی • وفقرایه مرحمت
ایدیجیدر • بواصللرکند ومنصبلرنده نیجه زمان برقرار اولسون •
اوننجی ماده برزم ممالک محروسه مزجمله دکز وقره دن اول طرفدن
امین اوله لر • واول طرفک مملکتلری دخی دکزده وقره ده بوجانبدن
امین اوله لر ایکی جانبدن دخی دخل وتعرض اولنمیه **اون برنجی**
ماده بودرکه شمدی اکیلدن امردن غیری جمله ضررلر • ودشمنلرک
ایکی طرفدن بیله زبدوه بوغازنده وبحله وساتر بوزرمه لرده نیجه
امورکه شمدیه دک اولمشدر • ایکی طرفدن بیله آنلر باطل اولسون •
حالا اولان صلح وصلاح طرفیندن رعایت اولنوب • هرنه کیم یازلمش ایسه
محکم طوتلسون دیو • ذکر اولنان سوز صحیح اسنده بواوند برماده •
قرار ویرلدوکی اوزره مقبول همایونم اولوب موجبنجه عمل اولنمق

٤٤٤

بابنده فرمان شریفم صادر اولمشدر • مادامکه مشارالیه روم ایمپراطوری
طرفندن ذکر اولنان شروط وعهوده رعایت • وقواعد صلح وپیمانه کرکی کبی
صیانت اولنوب • سرحدلرنده اولان قپودانلرندن وبانلرندن وسایر
لشکرندن صلحه مغایر • ونقض عهدی مشعر بروضع صادر اولمیه •
بن دخی عهد ومیثاق ایدرم که بزلری وکوکلری یوغیکن واراید برورد کار
حقیچون • وبزم اولو پیغمبریمز حرمتیچون • تعیین اولنان معهود مدت
ایچنده جانب همایونمزدن واولاد امجادمزدن وممالک محروسه مزمحافظه
سنده اولان مشیران مشتری عنوان • ومیرمیران عالیشان • وامرای
عزت اقتران • وسایر عساکر نصرت جریانمزدن • وسایر سینه مزده تابع
کفره قوللریمزدن مشارالیه ایمپراطورک مملکت وولایتنه وقلعه و
قشلارینه • ورعایا وبرایاسنه اصلا برفرد ضرر وزیان • ودخل
وتعرض اولنمیه • تحریرا فی اواخر ربیع الاخر سنه سبع وثلثین والف •

بچه قرالی واغیات مملکتی طرفنه آستانه سعادتدن نامه در

٤٢٩ مفاخر الامراء العظام العیسویه • مراجع الکبراء الفخام فی الملة المسیحیه
مصلح مصالح جماهیر الطایفه النصرانیه • ساحب اذیال الحشمة والوقار
صاحب دلایل المجد والافتخار • قدیمدن آستانه مشیدالارکانمزه اظهار
محبت واخلاص وعرض مودت واختصاص ایدن • ملت نصارانک
قراللری وکوزیده ملوک وحاکملری • وانلردن غیری • انلرک ایلو مملکتلرینه
قریب اولمغیله • حالا مرجع قیاصرۀ زمان • وملجا اکاسرۀ دوران
اولان • سده سعادتنشانمزه مجددا دوستلق ایدیبن امت عیسویه نک
قراللری ونامدار بکلری وحاکملری وایل وعلکک ضابطلری • ختم الله
عواقبهم بالخیر • توقیع رفیع واصل اولیجق معلوم ملکی اولاکه • حق جل وعلا
علو عنایتیله محفوظ ومصون • وسرور انبیا اولان پیغمبریمز محمد
مصطفی علیه الصلوة وکثرت معجزاتی برکاتیله سلسله سعادت
مقرونت اولان • دولت علیه ابد پیوندمزلک • قدیمی خیرخواهی وصمیمی
محب بی اشتباهی • اولان افتخار الامراء العظام العیسویه • مختار
الکبراء الفخام فی الملة المسیحیه • مصلح مصالح جماهیر الطایفة النصرانیه
ساحب اذیال الحشمة والوقار • صاحب دلایل المجد والافتخار • اردل
حاکمی ومجار قرالی بتلن غابور • ختمت عواقبه بالخیر • طرفندن اولو
آستانه مزه مکتوب وآدم کلوب • سزکم اوجانبده اولان قراللرک
وحاکمدرلک کباری • وملوک مرضیة السلوک عیسویه نک صاحب اعتماد

وارباب عرض وناموس زمره سنك زبده لری سز • بعضیکز بوجهله
آستانه مزه قدیمدن اثبات صداقت واتحاد ایده کلمش • وبعضیکز مجددا
٤٤٥ دردولتمزله دوستلق وآشنالق مراد ایلمش عظیم مملکتلر صاحبی اولمالکز ایله
موسی الیه اردل حاکمی ومجار قرالی بتلن غابور • ختمت عواقبه بالخیر • دخی
سزکله دائما حسن معامله ودوستلق اوزره کچنوب • وسزدخی انکله
تصلب ایلمك اوزره بتنوب جمله کز ایالك سمتنه مائل اولوب • خیرلو مصلحتلر
جالشدکزله • موسی الیه کندو طرفکزدن مکتوبلر وآدملر کوندروب
اکرچه اکثریمز سنهٔ پادشاهینك قدیمی دوستی وخیرخواهی
ومحب بی اشتباهی یوز • لکن بعضلریمز دخی حالا اولوآستانه یه انتساب
واختصاص ایتمك استرز • بزه دخی دیل اولوب • بوجه درکاهلرینه بزم
دخی خلوص اعتقاد واتحادمزی عرض ایلدوکیز بلدرمکزایله • موسی الیه
مجار قرالی بتلن غابور دخی دردولت مدارمزه اولان فرط محبت
وکمال عبودیتی مقتضاسنجه • سزلك احوالکزی ودوستلقلرکزی مفصل
ومشروح یازوب • حقیقتی ایله بیان ایلمش • بناء علی هذا جملهٔ احوال
واخبار وزرای عظام مز طرفندن ترجمه وتلخیص اولنوب • حضور
عزتموفورمزه ارسال اولندقده اولندن اخرینه وارنجیه دکین اول
خصوصلره نظر فرخنده اثریمز تعلق ایدوب • اصلاحنی وبو شیله
برننه قالیوب • اولوآستانه مزله مراد ایدندوککز دوستلغکز
مقبول همایونمز • وبوجه درکاههمزه بلدردوککز خیرلو مصلحتلرسندن
طبع صفامقرون مز اولمشدر • اباعن جد دردولت مدارمزه عادت عالیه
مفتوح وکشاده • وعلی الخصوص دوستلق وآشنالق طریقنه کیرنلك
استیلمزه توجه واستقبالمز جمله دن زیاده در • الی الآن آبا واجدادمز
زمانلرندن بزم زمانمزه کلنجیه دکین خاندان ابد پیوندمزه دوست
اولانلر • وجهله ایلکلر کورنلرسه • سزدخی اکاره انواع توجه
والتفات شاهانه مزه مظهر دوشوب • اقرانکزدن سزی بوعالی
آستانه یه انتساب واختصاص جهتندن مفتخر وممتاز • وقرین انواع
اکرام واعزاز اولدیغکز مقرردر • فلاجرم حضور عزتموفورمزه عرض
اولنان مرادلریکز ودوستلقلریکز مقبولمز اولوب • الجیلریکز آستانه
سعادتمزه کوندرلمسنه • رخصت واجازت همایونمز صادر اولدوغنه
دلیل وشاهد اولدوغیچون • حالا اشبو اجازتنامهٔ التفات مشحونمز
تحریر اولنوب کوندرلمشدر • کرکدرکه نامهٔ همایونمز وصول بولدقده

درونکزده

درونکزده اولان صداقت واستقامت • وحالا آستان مخلد الارکانمزه ٤٧٠
عرض ایتدوککز محبت ومودت مقتضاسنجه • شمدنصکره بو مباشرت
کوستردیککز خیرلو مصلحتلرك اتمام واختتامنه انواع سعی ودقت •
والی ابدالدهر باقی وپایدار اولاجق وجهه اوزره بکشدرمه سنده بذل همت
بلا نهایت ایلیوب • معتاد قدیم اوزره سایر دوستلریمز اولان قراللرکبی
برار ومعتبر الجیلریکز آستانهٔ سعادتمآبمزه کوندروب • کوندکدن محبت
مودت اسبابنی زیاده طرد ایدندوککز دوستلق خصوصنی محکم وقرار داده
ایلیه سز • که بزم دخی طرف قرین الشرفمزدن یوماً فیوماً حسن توجه والتفات
آثاری ازدیاد • وحبل محبت اوفاق اتصال وامتداد بوله • انشاالله تعالی
سدهٔ سعادتمآبمزه الجیلریکز وآدملریکز کلدکده • هربرینه بشقه بشقه
منزللر وقوناقلر تعیین اولنوب • عواطف علیهٔ خسروانه مزله نیجه نیجه
رعایت وحمایت اولنه جقلردر • وکیرو سزلك طرفکزه ارسالی لازم اولان
آدملریکزه طریقیله امین وسالم اوجانبه اولاشدرلمه جقلردر •
اولوقت جمله کزلك معلومی اولوب • اولبابده خاطرلریکزی خوش طوتوب
بوخصوصده صادر اولان جمله کلمات سعادت آیاتمزی مقرر ومحقق
بیلوب • سزدخی دوستلق وآشنالق بابنده ثابت قدم اوله سز • وحالا
بدون محافظه سنده اولان دستور مکرم مشیر مفخم الم وزیرمز محمد پاشا
ادام الله اجلاله یه • مؤکد ومشدد امر شریفمز کوندرلوب تنبیه اولنمشدر
که کندو اوزرینه مأمور اولان بدون وبوسنه وطمشوار وقنیژه واکری
ایالتلری وتوابعی عسکریله • وانلردن ماعدا روم ایلندن کندو اوزرینه ٤٤٦
مأمور اولان کزیده سنجاق بکلری عسکریله • که ممالك محروسه مزك
بشکوینك دلاورلری • وهربری نیجه بیك آدمه مالك اوله جق دلیرلرینك
جمله سی مشارالیه وزیرمز دام الله اجلاله نك اوزرینه واروب جمع
اولوب • بدون سرحدنده لایق کوردکلری محلده درنك وجمعیت
ایلیه لر • بروطرفدن اردل حاکمی ومجار قرالی اولان بتلن غابور دخی
کندو عسکرین محکم جمع ایدوب • مشارالیه وزیرمز ایله دائما خبرلشوب
حاضر ومهیا اولهلر که • اکر کبی بر طرفدن موسی الیه مجار قرالی بتلن غابوره
اوزرینه • یاخود اردل مملکتنه بر دشمن کلمك احتمالی اولورسه • اقتضا
ایتدوکنه کوره دفع ورفعلری خصوصنده • سعی ودقت • ودین ودولت
وعرض سلطنتمزه لایق وموافق اولان امورك اجراسنده بذل همت ایلیه لر
انشاالله تعالی سزلك دخی بوجانبه برار ومعتبر الجیلریکز ونامه لریکز

کلوب دوستلق احوالی محکم بکشدیکز نصکره سزک دخی حمایت وصیانتکز
وامداد واعانتکز امرنده فوق الحد والغایه مزید اهتمام بلا نهایهٔ شاهانهٔ
صدور بلمات وشمدنصکره بغلنجق واستحکام ویریله جك جمله
مصالحزده سزی وایل وملکلکزی طشره قوسوب صلح وصلاح حزده داخل
اولوب مشار الیه مجار قرالی بتلن غابور خمنت عواقبه بالخیر واقع
اولان صلحلر بزم داخل اولد وغی کبی سزی دخی شروط وعهود مزه ادخال
وسایر دوستلریمز زمره سنه ایصال ایده رز خلوص مقال قلب شریفکزده
کجن اخبار خیر مآل بوددکه وقوعی اوزره جمله کز یازلمشدر سایر تفاصیل
احوالی دخی مشار الیه اردل حاکمی ومجار قرالی بتلن غابور سزه یازوب
بلدرجکدر اعلام ایتدوکی احوال وآثاره اعتماد واعتقاد طوتوب اکر
موی الیه اکر بالفعل بدون محافظه سنده وزیر بلند اقتداریمز محمد باشا
ادام الله اجلاله دائما خبرلشمه دن خالی اولمیه سز وبونامهٔ
همایونمز سزه بتمام بحلاع واصل اولدقده وقوعی اوزره یازوب انشاالله تعالی
کوندرلجك آدملر بکزله آستانهٔ سعادت اشیانمزه عرض واعلام
ودوستلق لوازمن کرکی کبی اتمام ایلیه سز

بچ قرالنه یازیلان نامهٔ همایوندر سلطان مراد زماننده در ٤٧١

حالیا آستانهٔ سعادتمامزکه مرجع خواقین ذوی الاقتداردر وملجأ
وملاذ سلاطین عالیمقداردر مکتوب محبت اسلوب وصداقت
مصحوبکز وارد اولوب حبلدر یازلوب سزه ارسال اولنان نامهٔ
شریفمز واصل اولمغین سزده معاهدهٔ همایونی رعایت وصیانته
اقدام اوزره اولوب خاطر عاطر جهانبانمزه موافق ومطابق جواب
ایله آدملریکزدن جوان ماریه نام ایلچیکزی اردل ولایتنك خارجنه
کوندروب سزه سعادتمز جانبندن جواب شریفه منتظر ایکن آستانهٔ
سعادت اشیانمز جانبندن اولطرفلرده اولان بکلربکیلریمزه سزکله
معاونت اولنوب انلر دخی ممالکه یاردم ایتمکه حاضر اولمغله
ایلچیکز قورماندن تأخیر اولنوب بالفعل دخی انده متوقف اولوب
بوجه آستانه مزدن جواب باصوابه انتظارده اولوب بوخصوص صلحه
بحضور اولدوغکزی اعلام ایلیوب وسابقا بدون بکلربکیسی معاهده
اوزره ثابت قدم اولوب بومصلحت ایریشنجیه دکین دریاده وقره
امن وامان مقرر اولوب دوستلغکز حیله سز وشبهه سز اولدوغنی
بلدرمش سز وبونلردن غیری دخی مکتوب وداد اسلوبکزده هر نه که

٤٧٧ درج اولنمشدر معلوم شریفمز اولوب علم عالم شمول خسروانمز محیط
وشامل اولدی امدی محبت ودوستلق بابنده وسایر احوالده اردل
جانبلرنده وغیری ولایته متعلق اولان خصوصلرده سابقا سزه
دفعاتله مفصل نامهٔ شریفمز ارسال اولنوب دوستلق بوزلدن
وغیری طریقدن هر نه ایسه باب همایونمزه آچق اولوب کننه نك
کلمه سنه وکتمنه شیع ورد بوقدر دیو بیورلمشدر کیرو اولکی عهد
ومعاهده مقرر ومحقق اولوب مادامکه سزك طرفکزدن سابقا
کوندریلان نامهٔ همایونه وعهد وامانه متعلق افعال واوضاع صادر
اولمیه سدهٔ سعادتمز طرفندن دخی خلافنه وجها من الوجوه
جواز کوسترلمز وسرحد جانبلرنده اولان بکلربکیلر وسایر امرا ولوا زعیمه
وعسکر خلقنه وجه مشروح اوزره تنبیه وتأکید اولنوب امر
شریفمزه مغایر افعاله اقدام ایتمزلر وحالیا دخی احکام شریفه کوندرلوب
سزك طرفکزدن شمشیر شهاب آثار دلیرلکله کشاده اولنان یرلره واردل
ولایتنه تعرض اولنمیه بروجانبدن دخی ایلچیکز وارد اولوب جواب
همایونمزله عودت ایدنجیه دکین دخل وتعرض اولنمز کرکدرکه سزك
طرفکزدن دخی بوخصوصلره مرعی اولوب ایلچیکز آستانهٔ ربیع البنیانمزه
کلوب جواب شریفمزله مشرف وسزه روانه اولنجیه دکین قوت
قاهرهٔ خسروانه مله مفتوح اولان یرلره اکر اردل ولایتیدر واکر غیریدر
سرحدلرده اولان بکلربکلرکزدن کسنه یه دخل وتعرض ایتدرمیه سز
کما ینبغی اولان رعایا آسوده حال اولهلر حق سبحانه وتعالی حضرتلرینک
عنایت بی غایتی معاونتی ایله بوجانبلرده واقع اولان مرادمز
مأمول اولد وغی اوزره میسر اولوب قزلباش بی دینك ممالکه وولایتنه
دخول اولنوب مقابله یه عدم قدرتنه شاه ایتمکین اسلوب
سابق اوزره فرار ایلیوب اصل تختی اولان نخجوانه وارلوب عساکر
دیار مآثرم ایله ایکی آی مقداری ممالك وولایتنی کامرانی اولوب
نهب وغارت سرای بی بنیادی تمننیدن خاکه برابر قلنوب مملکتی سنده
کروه انبوه قلجدن کچوریلوب اطفال وعیاللرینی اسیر ایدوب
سالماً وغانماً شرقه مراجعت ایلیوب ماه رمضانك اون بشنجی کونی
سرحد ولایتمزده واقع اولان قلعهٔ ارضروم که حصار وسیع البنیاندر ٤٧٨
نزول قلندی انشاالله الاعز الاکرم محل مزبوردن مقر خلافتمز طرفنه
عزیمت اولنوب عن قریب شرف نزوللمله مشرف قلنور ایلچیکز هر وقت

كلورسه سنۀ سعادتمزدن رد اولنمز باب همايونمز عنايت حقله دائما كشاده ومفتوحدر ايلجيكز الله معا احوال الخير ما الكوزى سنۀ سعادتمزه اعلام ايدوب شرف التفاتمزله مشرف اولاسن

بودخى بچ قرالنه يازلمشدر

حالا مرجع سلاطين زمان وملجا ملوك دوران اولان آستانۀ خلافت آشيان وديوان مشيد الاركانمزه مقدما استحكام بنا عهد وامان وانتظام مهام عهد وپيمان ايچون زيده بوغازنده طرفينك معتمد عليه وكلاسى مباشرتيله مابينده منعقد اولان امور صلح وصلاح اتمامنى متضمن مكتوب مصالحت مصحوبكز ومعهود پيشكش وهدايا كوله كوندرلن قدوة الامراء المسيحيه مدبر ومعتبر وزيرلريكزدن برلغ نام شهركزك بالفعل قپودانى اولان هرماه حرفى ومقرب ومحترم وزيركز درجز رغال نام ايلچيكز وعمدة الامراء العيسويه نقشه اطرين دوتر لغى عنايت اولنان غاسپار زخروات پايئ سرير اعلامزه يوز سوردكلرنده قاروبريلن شروط وعهود موجبنجه خصومت زمانندن برو مشوش قالوب كيمى استقلال كيمى ايكى طرفه دخى وبركو ويرمك اوزره ضبط اولنه كلنلن ايكن خراب اولان كويلرى تفتيش وتفحص وپاصن چفاردنلر كما فى الاول تصحيح ايدوب حاضر اولان بلنقه لرى بلا اتفاق يقد وروب قرارصلح نصكرو بنا اولنان بولند وارقلعه سنه بدل طرفينك وكلاسى وايلچيلرى معقول وموجه كوروب حضور همايونده موفور الحبور مزدن مرضى ومقبول مفصل ومشروح عهدنامه ايله وزيركز موما اليه ٤٧٨
جرزغال وفيلتره بكلربكيسى احمد پاشا وغسپار زخروات ارسال اولنوب موما اليهم وكيللر بارشقلق مصلحتنى اتمامه شروع ايدوب صلح وامان اساسى استحكام بولمنجه بلكه مصلحت اثناسنده سنۀ سعادتمزدن عرض واعلامى لازم بعض مهمات دوشوب دردولت مآبمزدن جواب وارروب كلنجه تأخيره قالميوب موما اليه بيوك وزيركز وكلاى عظاممزله بالذات سويلشوب اكاكوره جوابى اعلام اولنمغيچون كندو رأى واراديتله آستانۀ عليه مزده اليقونمشدر حالا سرحدده اولان وكلا طرفندن سنۀ سعادتمزه مكتوبلر كلوب بارشقلق مصلحتى تبريز تمك ايچون موما اليه بيوك ايلچيكز سرحدده كوندرلمسى ايجاب ايتمشدر ديو عرض اولنمغله ايلچى موما اليه بدونه واروب طرفينك وكلاسى بارشقلق مصلحتنى عهدنامۀ همايونده يازلدوغى شروط اوزره اتمامه ايرشدورب

سنۀ سعادتمزه عودت ايلدكلرنده موما اليه بيوك ايلچيكز دخى سزك طرفكزه وارمق اوزره اجازت همايونمز ارزانى كوريلوب مرعى ومحترم بدونه روانه اولنمشدر ومقدما صلح امورنده جانبنك واسطه سى اولوب قبل الاتمام وفات ايدن وزير على پاشانك يرينه بدل بدونده محافظه سنه وبارشقلق مصلحتى اتمامنه كوندريلن دستور مكرم مشير مفخم وزير صاحب تدبيرمز محمد پاشا ادام الله اجلاله بلغراده واروب بدون طرفنه عزيمت اثناسنده ايكن مصلحت وقت اقتضاسيله ديوان همايونمزده صدارت عظمى خدمتنه قيام ايلمشدر دردولت مقرمزه كلمك بابنده فرمان عاليشانمز صادر اولمغله مشار اليه قائم مقاممز برينه وكلاى عظاممزدن مقدما اول سرحد محافظه سنده اولوب جميع احواله وقوف واطلاعى تامى اولان وزير معتمد ومؤتمنمز دستور مكرم مشير مفخم نظام العالم حسن پاشا ادام الله اجلاله لرنك حسن تدبير وتدارككه اعتماد همايونمز اولدوغندن بناء بدون سرحدينك محافظه سى وامور صلحك اتمامى مشار اليهك راى رزينه تفويض اولنوب موما اليه ايلچيكز وزيركز هرماه حزم ايله سرحد جانبنه روانه اولنمشدر انشاء الله مشار اليه وزيرمز واردقده مقدما اقرار وبرلدكى اوزره صلح وصلاح امورينى وكلاى طرفين اتمامه ايرشدوروب سنور كسيلوب برمانع قالمادوغى كبى موما اليه احمد پاشايى وغسپارى مشار اليه وزيرمز حسن پاشانك رأى ومعرفتيله آستانۀ سعادتمزه عودت ايتدرمك كرك صلح وصلاح مصلحتى مقدما زيده بوغازنده سويلنديكى اوزره اتمامه ايرشدرلدى وكندو نصكره زمان سابقده اجداد عظاممز زمانلرنده منعقد اولدوغى اوزره عهدنامۀ همايونمز ويريلوب رعايا وبرايا آسوده حال ومرفه البال اولوب صلح وامانمزدن بركمسنه قيل وقال ايتمك احتمالى اولميه ٤٧٩

ايلچيه جاسادين نامه دركه سلطان مصطفى جلوسنده يازلمشدر

حالا برادرم مرحوممز سعيد الحيوة وشهيد الممات سلطان احمد خان عليه الرحمة والغفران ارادت حق لايزال ومشيت خداى متعال ايله دنياى فانيدن سراى باقيه ارتحال ايدوب تخت سعادت بخت سلطانى واورنك باقرهنك عثمانى عنايت يزدانى ومساعدت سبحانيله جناب خلافت مآبمزه ميسر اولوب اشبو سنه ست وعشرين والف ذى القعده سنك يكرمى ايكنجى كوننده سرير سلطنت مصيرمز جلوس سعادت مأنوسمزله مشرف اولوب خطبه نامى وسكۀ سامى القاب همايون بهجت مقرونمزله مستسعد اولمغله جلوس همايونمز اخبارينه ممالك محروسه مزحكامنه

وسایر خاص و عامنه اعلام ایچون. بروجه مساعده احکام شریفه کوندریلمکین
سزکله منعقد اولان دوستلق وعهد و پیمان موجبنجه. جلوس همایونمز
اخبارینی سزک جانبکزه دخی انها واعلام ایچون. نامهٔ همایون
سعادتمقرونمله. فلان زید قدرهٔ ارسال اولنمشدر کرکدرکه
عادت ملوك مصالحت قرین. ورسم حکام صداقت آیین اوزره.
جلوس همایونمزدن محظوظ ومستبشر اولوب. دخی مابینده منعقد
اولان قواعد صلح وامان. ومعاقد عهد و پیمانی جانب همایونمزدن
کماکان. مقرر ومستحکم بیلوب. شمدیه دکین قرار و بریلین مواد
مصالحه یه مغایر مادامکه سزک طرفکزدن خلل ایرشمیه. بو جانبدن
رعایت استحکامی بابنده اهتمام اولنور. همان صلح وصلاح تمامتندن
هنوز اتمامه ایرشمین لوازمی اتمامه ایرشدیروب. اول جانبده بلکه
قپنزه بکلربکیسی اولان امیر الامراء الکرام احمد دام اقباله نك تحدیثیله
دوقه غاشیا رینی استانهٔ سعادتمزه روانه ایتمکده بذل مقدور ایدوب
سایر احوالکزی بدون محافظه سنده اولان دستور مکرم وزیرم
حسن پاشا ایله خبر لشوب. انها ایلمکده اقدام واهتمام ایده سز.

اسپانیه و فرندوش قراللرینه نامه درکه سلطان سلیمان زماننده کوندریلمشدر

حق سبحانه وتعالینك علو عنایتی. وایکی جهان فخری اولوب عزیز محمد مصطفی ٢٦
صلوات الله علیه وسلامه معجزاتی برکاتنده محل طغرای غرا بن که سلطان
سلاطین وبرهان خواقین. تاج بخش خسروان روی زمین. ظل الله
فی الارضین. مکه ومدینه نك وقدس شریفك واستنبولك. وآق
دکز وقره دکزك وروم ایلینك واناطولینك وروملك وقرمانك
وارضرومك ودیار بکرك وکردستان ولورستانك. وآذربایجان
وعجمك وذوالقدریه ومصر وشاملك. وحلب وعربستانك وبغداد وبصره نك
وعدن ویمن مملکتلرك. وتاتار ودشت قپچاق ومغرب زمینك
وافلاق وبغدان وبدون تختنك. واردل ولایتنك واکا تابع اولان
یرلرك. ودخی قلیجمزله آلنمش نیجه مملکتلرك. پادشاهی وسلطانی
سلطان سلیمان خان ابن سلطان سلیم خان ابن سلطان بایزید خانم
بو بزم بارگاه عهدنامه مزی اوقوب ایشتنلره معلوم اولهکه.
روما نلرك واکا تابع اولنلرك قرالی اولان فرندوش قرال. بنم عزتلو
وعظمتلو درگاهمه. برادایلچیسن وآدمیسن کوندروب. باب سعادت
مآبم جانبی ایله صلح وصلاح اولنوب. مابینمزده دوستلق اوزره.

عنایت همایونم رجا ایدوب. وکوندردوکی ایلچی دخی انك قرنداشی ولایت
اسپانیه قرالی قادلو طرفندن دخی وکیل ایدوکین عرض ایدوب. بالفعل
انکروس ولایتنده خرستیان طایفه سنك اللرنده اولان یرلر مقابله سنده
هر ییل سعادتلو درگاهمه اوتوز بیك سکه مجار آلتونی کسم ویرمك اوزره
امان شریفم طلب ایدوب. استدعای عاطفت وتمنای شفقت ایلدیکی
اجلدن کمال عنایت پادشاهانه مدت کندویه وشارالیه اسپانیه قرالنه
بش ییله دکین. امان شریفم احسان ایدوب. شول شرط اوزره بیان
اولنمشدرکه ولایت انکروس حق سبحانه وتعالی حضرتلرینك. علو عنایتی
ایله شمشیر ظفر تاثیرمله فتح اولنمش مملکت اولوب. اول ولایتده شول
قلعه لر وقشله لرکه. بالفعل بنم عسکرم وبکلرم تصرفنده اولوب. ایچنده
یراق وآدم قونلوب. ضبط اولنمش اوله. اول اصل قلعه لره وقشله لره
تابع اولان کویلر ویرلری وباغلری وباغچه لری ورعایانی وبالجمله
سرحدلری وسنورلریله. کماکان اهل اسلامك تصرفنده اوله. وقره
جانبندن ودریا طرفندن دخی بنم ممالك محروسه مه وقلعه لره م
ویرلره ورعایاسنه وقالان خلقنه. ومغرب جانبنده اولان اهل
اسلامك دخی مملکت ورعایاسنه یاشندن وقوروندن اصلا ضرر وکزند
ایرشدیرمیوب. ٢٤٠
هیچ بروجهله دخل وتعرض اولنمیه. هرکیم ضرر وزیان
ایره جك اولورسه. حقلرندن کلنوب جزالری وسزالری ویریله.
وواقع اولان ضرر وزیان نه ایسه. یرینه کتوریله. وولایت انکروسده
دخی شول قلعه لر وقشله لرکه رعایاسی اهل اسلامك تصرفنده کلمشدر اول
ایللرك مقابله سنده هر ییل خزانهٔ عامره مه اوتوز بیك سکه آلتونی
کلوب. واصل اولمق بش ییله دکین. مادامکه انلر طرفندن وفرندوش
قارلو قرال جانبندن شرط شریفمزه مخالف ایش اولمیه. بروجانبدن بنم
بکلربکیلرمدن وسنجاق بکلرمدن وعسکر ظفر پیکرمدن. اول
برلره دخی کمسنه دخل وتعرض ایتمیه. وقوروجانبندن ودریا طرفندن ٢٧
دخی خرستیان طایفه سنك اللرنده اولان مملکتلرك رعایاسنه
دخل اولنمیه. ومضرت وخسارت ایرشمیه. ایکی جانبدن بیله امن
وامان اوزره اولنه. ودریا طرفندن دخی حرامی ولوند بولنمیه که
کرکی کبی تنبیه وتاکید اولنه. وسیاق اولنمشدرکه هرکیم مرحمت همایونمه
مخالف ضرر ایره جك اولورسه تفتیش اولنوب ظاهر اولدقده
صکرم محکم حقلرندن کلنوب. ایتدکلری ایش ایچون جزا وسزالرین

ويريله • وبازرگانلردن كيم اولورسه امن وامان اوزره كلوب كيدوب
قانون نامهٔ همايونمزده مقرر اولدوغی اوزره متاعلرينك واشيالرينك
كمركی وحقوقی نه ايسه النوب • كمسنه يه ظلم وتعدی ايتدرلميه •
امن وامان ايله تجارتلرين وبيع وشرالرين اوله لر • وممالك محروسهم
خلقندن هركيم قاچوب انلرك ولايتلرينه واررسه • اگر مسلمان
اگر كافر اگر دينی واگر ارگك وقز نه ايسه • وهرقنده ايسه تجسس
بولنوب بو جانبه كوندريله عذر وبهانه اولنميه • انلرك دخی
طرفندن بنم ممالك محروسه مه قاچوب كلن • امر شريفمله صورلنوب
جزاسی وسزاسی ويريله • وفرانچه پادشاهی ووندیك دوزدی
بنم آستانهٔ سعادت بخشم جانبی ايله دوستلق اوزره اولنلر
عهدنامهٔ شريفمده بيله داخل اولمق اوزره يازلوب بو بابده وارد
اولان ايلچيسی كندوبه ارسال اولنمشيدی • حالا درگاه سعادت
دستگاهمه كير ومعتمد عليه آدملر كوندروب • باتوش (?) ماديه ايله
بوسنه نام برار بازيچی (?) سن عتبهٔ عليه مه كوندروب • امر شريفم
اوزره بيان وتقرير اولنان شرطله واقع اولان معاهدهٔ همايونمی
قبول ايليوب • وجه مشروح اوزره هر يل اوتوز بيك سكه ماجار
آلتونی كه مارت آينك اولنده ادا ايتمك اوزره قول ومعاهده ايليوب
شاراليه اسپانيه قرالی طرفندن دخی كندو قراللری مهريله عهدنامه
لر يازدوب • ومكتوبلر كوندروب • سعادتلو آستانم طرفندن
وجه مشروح اوزره عهدنامهٔ شريفم مقيد اولنمسيچون • عاطفت
وشفقت رجا ايتدكلری تفصيل ايله عز حضور شريفمه عرض اولنوب
معلوم طبع شريفم اولدقدن نصكره • تكرار بو عهدنامهٔ همايونمی
ويردم وبيوردمكه • بعد اليوم ولايت انكروسده شول قلعه لر
وقشله لركه بالفعل بنم بكلرم وعسكرم ضبطنده در • انلره متعلق
اولان كويلری رعاياسيله كما كان عسكر ظفر رهبرم ضبطنده اولوب
انلردن غيری شول قلعه لر وقشله لركه • حالا خرستيان طايفه سنك
اللرنده وضبطلرنده در • برقرار سابق انلرك ضبطلرنده اولوب
اول ولايتلر مقابلنده عهد وقبول اولندوغی اوزره • اوتوز بيك
آلتون مادامكه مارت اولنده هر يل سعادتلو قپومه كلوب • خزانهٔ
عامره مه واصل اوله • ويوقاروده تفصيل اولنان جمله شرطلر رعايت
اولنوب • بكلرم وعسكرم ضبطنده اولان يرلره وكويلره رعاياسنه

انلر

انلر جانبندن وبكلرندن وعسكرندن وحراميلرندن ضرر وزيان •
اولميوب • كندو حاللرنده اوله لر • بزدن دخی اصلا نسنه صادر اولميه
وبنم بكلربكيلرمدن وسنجاق بكی قوللرمدن وساير عسكر ظفر رهبرم
خلقندن • خرستيان طايفه سنك تحت يدلرنده وضبطلرنده اولان
مملكتنه ورعاياسنه اصلا وقطعا فساد وشناعتلری ايتميه لر •
٧٤١ خصوصا كليسه متعلق اولان اسير قلعه سنك حدودی كركی كبی
ضبط اولنمق اولطرفده واقع اولان ممالك محروسهم سنورينه ورعاياسنه
ضرر وكزند ايرشدرلميه • وشويله كه جمله سرحدلرده اولان حدود
وسنور حصارينك حدود وديگر فساد وشناعت ايلميه لر • عهده
مخالفت اولوب عذر وبهانه وعلت بيان اولندقده قبول اولنميه •
وبدون جانبنده اولان مملكتلر حالا امر شريفمله يازلوب • دفتر
اولندقدن نصكره بنم مملكتم رعاياسندن قاچوب اول جانبه واردقده
قبول اولنميوب • قاچن رعايايه آدملر قوشوب كيرو يرلرينه كوندره لر
بو بابده دخی شرط همايونم رعايت اولنمزسه عهده مخالفت اولوب
صكره عذر بيان اولنميه • ودريا جانبندن دخی مادامكه شاراليه
اسپانيه قرالی طرفندن وعسكرندن • ممالك محروسه مه وديار
مغربه اولان اهل اسلام ولايتنه بالجمله كندولرك بالفعل تصرفلرنده
اولان يرلرندن وكندولرله دوستلق اوزره اولنلرك ولايتلرندن
٧٨ غيری مملكتنه ورعاياسنه ضرر وزيان اولميه • وبو جانبدن دخی
عهد شريفمه مخالف بر وضع صادر اولميه • ووجه مشروح اوزره
ايكی جانبك • بازرگانلری وتاجرلری امن وامان اوزره اولوب
كلوب كيدوب تجارتلرين اوله لر • ماللرينه وجانلرينه ضرر ايرشدرلميه
هركيمدنكه عهده مخالف وضع صادر اولورسه • ذكر اولنديغی اوزره
ايكی جانبدن بيله حقلرندن كلنوب • جزالری وسزالری ويريله •
مادامكه شاراليهما قراللر طرفندن بو ذكر اولنان عهد وايچنده اولان
شرطلره مخالف ايش اولميه • ومقرر اولوب كم اولان آلتونی
ارسالده عذر وبهانه اولنميوب هر سال تعيين اولنان وقتده سعادتلو
آستانمه كلوب واصل اولا • بندن ووزيرلرمدن وبكلربكيلرمدن
وسنجاق بكلری قوللرمدن وساير عسكر ظفر رهبرمدن عهد شريفمه
مخالف نسنه صادر اولميه • شويله بيله لر علامت شريفه اعتماد
قيله لر • ومحقق ومصدق طوته لر • بو عهدنامهٔ شريفم دار السلطنه

العلیة المحروسه قسطنطنیه شهرنده بزم اولو سیجبریمز محمد مصطفی
صلی الله علیه وسلم تاریخنک طقوز یوز الی درد بیلینک شعباننک
اوچنجی کوننده که حضرت عیسی صلوات الله علی نبینا وعلیه نک بیک التیوز
قرق بش تاریخنده واقع ماه ده وجه مشروح اوزره مجددا
عهدنامه مضمونی تحریر اولنمشدر وفی تاریخ اوزره ثبت ودرج اولندی

نمچه قرالنه یازیلان صورت خط همایوندر

افتخار الامراء العظام العیسویه مختار الکبراء الفخام فی الملة المسیحیه
مصلح مصالح جماهیر الطایفة النصرانیه ساحب اذیال الحشمة والوقار
صاحب دلایل المجد والافتخار رومه ایمپراطوری فردینا ندوش
ختمت عواقبه بالخیر والرشاد توقیع رفیع همایون واصل اولیجق
معلوم اولاکه حضرت حق جل وعلانک علو عنایتی وپیغمبریمز فخر
انبیا علیه افضل الصلوات والسلامک سمو حمایتی ایله مزدحم جباه
اکاسرهٔ دوران وملتثم شفاه قیاصرهٔ زمان اولان آستان فایض
الاحسان ودودمان مشید الارکانمزه که قبلهٔ خواص وعوام وکعبهٔ
مقاصد ومرام جملهٔ انامدر طرفکزدن رسالت طریقیله کوندریلدوکی
کوجک ایلچیکز فدوة امراء الملة المسیحیه ازدبجی اندراشی ایله تهنیهٔ
جلوس همایون سعادت مقرونمز ایچون ارسال ایلدوککز نامهٔ محبت
اشتمالکز ازمنهٔ متبرکه دن بر وقت مسرت مآل حلولنده دردولت
مکین خسروانه مزه وصول بولمغین عادت حسنهٔ پادشاهان عثمانی
وقاعدهٔ مستحسنهٔ شهنشاهان صاحبقرانی اولان وجه اوزره ٤٤٢
ایلچیکز پایهٔ سریر سعادت مصیر مزه یوز سوروب وکتوردیکی نامهٔ
مصادقت ختامه کزک خلاصهٔ مفهومی وزرای عظام ووکلای
ذوی الاحترام وساطتلریله حضور فایض النور خدیوانه مزه عرض ٤٤٢
اولندقده بو دولت ابد پیوند ایله صداقت اوزره دوستلق ایلیین
آباء ملوک مرضیة السلوک اوزره خلوص متابعت وموافقتکزی
اظهار وشاهراه معاهده ومصافاتده ثابت قدم اولدوغکزی
اعلام واشعار ایلمشسز فی الحقیقه نامهٔ صداقت عنوانکزده
تحریر وبیان اولنان کلام مکرمنز صدق درونکزه دال وکمال استقامت
طبیعتکزه باعث استدلال اولمشدر ذهنکزه خفی اولمیه که قبلهٔ
خسرو صاحبقرانی وعصرنک اسکندر کشورستانی اولان ابا واجداد
عالی نژاد واسلاف امجاد مکرمت معتاد مزک ابواب لطف وعنایتی

دولت

دوست ودشمنه مفتوح وکشاده اولوب اظهار محبت ومودت ایدنلر
ایله دوستلق یوزندن حسن معامله واشعار خشونت وخصومت ایلینلره
دخی زبان شمشیر ظفر تأثیرلری ایله مکالمه ایله کلمشلردر امدی معلومکز
اولسون که قرنداشمز مرحوم ومغفور غازی سلطان مراد خان علیه الرحمة والغفران
زمان شریفلرنده منعقد اولان صلح وصلاحک شرطلری طرفکزدن رعایت
اولنوب عهد وپیمانه مغایر بر وضع صادر اولمیه جانب سلطنت همایونمزدن
دخی بنای صلح وصلاح کرکی کبی متین وقوی الاساس طوتلمه سی مقرر ومحقق
ملاحظه اولنه ومشارالیه ایلچیکز رکاب همایونمزه ماده کاغدی صونوب
سرحد ممالک محروسه مزده اولان امرا وغیریدن بعضیلری صلح وصلاحه
مغایر مملکتکزه وار وب اسیر اولوب وبعض نفقه لری احراق ایتمشلردر دیو
اعلام وطرف همایونمزدن بر معتمد علیه آدم وار وب ضررلری کوروب
منع ایلیه دیو طلب ایلدوکز ایله بو خصوصی وار وب حق اوزره کوروب
صلحه مغایر ایش ایدنلرک حقلرندن کلمک ایچون آستانهٔ سعادتمزدن
قلدن تعیین وارسال قلنمشدر امدی طرفکزدن دخی بر بی غرض معتمد
آدمکزی تعیین وسرحده ضررینی کوروب لایق دولت طرفین اولان
وجه اوزره جانبینه عرض واعلام ایدهلر اکر کورمک سزدخی مقید اولورسکز
طرفکزدن صلحه مغایر ایش اولنمیه ونامه کزده صلح وصلاح طرف همایونمزدن
مراد اولندیغی خصوصی اشعار اولنمش امدی معلومکز اولسون که تخت عالی بخت
عثمانی ایله مشرف اولان اسلاف امجاد سلطنت مهادمزک زمین وآسمانی
بو قدرت وارایلین پروردکار لایزالک عنایتیله عرض احتیاج ایلمک متصور
دکلدر ودوستلق مراد ایدنلره دخی باب همایونلرندن منع ورد اولنمامشدر
قرنداشمز مرحوم مشارالیهک زمان شریفلرنده صلح وصلاح طرفکزدن مراد
اولنمش انلر دخی مساعده بیورمشلر بزم زمان سعادت اقترانمزده
دخی مراد کز اولیجق عباد اللهک امن وحضوری خاطری ایچون بز دخی صلحی
مقرر طوتوب منبعد دولت علیه مزه صلحه مغایر ایش ایتدیرمزز

نمچه قرالندن سلطان ابراهیم خان درکاهنه عرض اولنان کاغدک ترجمه سیدر

مقدما در سعادت طرفندن تبوجی باشیله وارد اولان نامهٔ همایون
موجبنجه منبور قرالریله اغزدن مبارک صلح وصلاحک رعایت اولنمه سی
بابنده اعلام اولندیغی کبی افندم روما ایمپراطوری حضرتلری مبارک
صلح وصلاحی نقصانسز قرار اتمک اوزره طوتوب رعایت ایلمسی
محقق ومقرر اولاجغنه حاضردر وسعادتلو افندم بو بنده لری دخی

اولاعتماد اوزره دخی کوندرلمشدرکه ابتداء خدمتمز سعادتلو پادشاه
حضرتلرینک جلوس همایونی اولمغله اولیلدیکی اوزره مبارکباد تهنیه
اداایدوب بعده بالاده ذکر اولندیغی اوزره افندم روما ایمپرادوری
حضرتلری مبارک صلح وصلاحه طوتوب رعایت ایله سنه کونش
نیجه کم کوکده آشکاره در اولوجهله مشاهده ایتدیرمک مقصودی
ایدی لکن بو مبارک بارشیق برایکی سنه دن برو سرحد منصوره ده
واقع اولان سرحد قلعه لریمزک جوارنده اولان قریه لریمز غارت
واحراق اولنماسیله وبرکوورمین قریه لری طوپوز ایله اطاعت
ایتدیروب ویرکویه قطع اولنمالریله ومعصوملردن وغیرلردن کلی
اولنمالریله واویلاوندن وبرکولری سل وسلدن آرتق الیناغیله وبکیدن
کلی یکی نقطه لر احداث وبنا اولنمغله یالکز قانع اولیوب دولتلو روما
ایمپراطوری حضرتلرینک سرحدده اولان قلعه لری اوزرینه یوروش
ایله واروب یاقوب یقوب ایچنده اولان خلقنی کیمی قتل وکیمی
اسیرایدوب موال وارزاقلرینی وطوپلرینی آلوب کتوروب بونک کبی
صلح وصلاحک شروطنه مغایر وسباق اولمش ایشلر پادلکلر ایله
مبارک صلح وصلاح تنی زیاده سیله رنجیده اولوب مخالف حال اولمشدن
بو ایشلر سببندن لازم کلمشدرکه سعادتلو وقدرتلو پادشاه حضرتلری
کندو جانب همایونلرنده بونک تدبیرینی کوروب مبارک صلح وصلاحه
کلسنه همت علیه لری اوله خلاف صلح وصلاح اولان ایشلردن الم کلی
ولدوغی اوزره بو دفعه اعلام اولنمغه زیاده تفصیل اولوردی انجق
بو دفعه بعض موادی یازوب اختصار ایدرزکم سعادتلو وعظمتلو
پادشاه حضرتلرینک مبارک سمع شریفلرینه یاد اولنمه **اولکی ماده**
اکوینک غازیلری بوندن اول برسنه درکه کندولرندن ماعدا سائر طرفی
سرحدلولری بیله اولوب مبارک صلح وصلاحک شرطلرینه مغایر
دشمنلک اوزره آلای وبیراقلرینی آچوب قوت قاهره ایله اونو قلعه سی
اوزرینه واروب یوروش آلوب کوکندن احراق ایدوب وایچنده
اولان خلقی قتل ایدوب اعلاسنی اسیر ایدوب واطرافندن قلعه سی
من بوریه یه واروب خلاص اولنمجون صغار خلقی دخی کذلك
اسیر وجوانانلرینی وسائر اموال وارزاقلرینی آلوب غنیمت ایدوب
وطوپلرینی دخی آلوب کتورمشلردر انلره اسیر اولنلردن نیجه سی
بها ایله چیقوب خلاص اولمشلردر وسائرلری الی الآن اسیرلکده کرلر

ایلچی

ایکنجی ماده بوکچن سنه استرغون بکی اولان مصطفی بک نیجه فسادلر
ماعدا ایدوب وبشنه وواچ خلقنی یاننه الوب بیراقلرین آچوب
کارمات نام پلنقه نك اوزرینه یوروش ایدوب زیاده برینی احراق
ایدوب بوندن غیری سعادتلو چاسارک تصرفنده اولوب سرحد قلعه سی
اولان ناقویاسه نك اوزرینه دخی بیراقلرین آچوب یوروش ایدوب
دشمنلک اوزره مزبور پلنقه یی دخی یقدیلر بیقوب خلقنی قتل وکیمی
اسیر ایدوب الوب کوتورمشدر وکیمی آتش ایله هلاك ایدوب اول
پولاده بلاده بوناسنده برحصاره دخی قصد ایدوب واروب نهایت انلر
خبردار اولمغله تدارك کوریلوب حصاره کار ایتمیوب لکن انلرك
چفتلکلرین احراق ایلمشدر **اوچنجی ماده** کبرو مزبور مصطفی بک
مبارک صلحك بونجه مکالمه سی اولدقدنصکره قومورن قلعه سی سنجاغنده
واقع اولان مکالمه ده مجادله اولنان التمش پاره قریه لری اسلام ضبطنه
ویرلرینی آلوب اول قلعه لری شول شرطله اسلام طرفنه ویرلدیکه ارتق
اول قریه لردن ماعدا اسلام طرفندن بعد دخل وتجاوز ایتمیه لر بوخصوص
وبو ماده علی ملأ الناس قول وقرار اولنمشدر حال بومنوال اوزره ایکن
حالا اسلام جانبی بونکله قناعت ایتمیوب کندولرینه اطاعت ایتمك
جایز اولمیان سائر قریه لری دخی کوندن کونه طوپوز ایله وقوت بازو ایله
اطاعت ایتدیرمکدن وغارت ایلمکدن واسیر ایلمکدن وسائر مبارك
صلح وصلاحه مغایر اولان غوغالو ایشلردن وفساده باعث هردرلو
برامز حرکتلردن فراغت ایتمیوب بونلردن قطع نظر دخی شویله یاغنورکی
آزمدتده ایچنده یانطره قلعه سنه وارنجه وبحسه وارنجه جمله کویلری
اطاعت ایتدیرورلر نیجه ایلك کوزانده دخی مجول کوئی زمانده مبارك
صلحه مغایر قوچه نام واروشی دخی غارت ایدوب مزبور مصطفی
بك الدوغی اسیرلری استرغونه کوتوروب قلعه مزبورده اسیرلری
تحملرندن زیاده بها یه کسوب وقریه مزبوره دخی اطاعت قطع اولنجه
برسنی قوجی ویرمشدر ونیجه سی هنوز کندو سنه اسیرلکده قالدیلر
بوندن نصکره تکرار مصطفی بك بوزوق کوئی مرورندن صکره اوتکی
کبی بدون ویشنه وواچ وسائر اطرافده اولان خلقی یاننه الوب
صلح وصلاحه مغایر آلای ایله سعادتلو ایمپراطوری افندیمك برسرحد
قلعه لرندن اوکوار وشوران نام قلعه لرك ارالرنده واقع سطرنهری
کیجه ایله کچوب تاردوش کدی وفرستور ومزوکری وبرج نام عظیم

قریه لری اوروب غارت ایدوب احراق اولنمدق ازخانه قالمشدر خلقنی
الوب اسیر ایدوب کتورمشلردر بونلردن برمقداری بینا و تکیه قرا اهلنی
آغر بهایه کسوب کیروسنی قویر ویرمشلر سایرلری دخی هنوز اسیرلک بلاسن
چکه یورلر دردنجی ماده قنیژه غازیلری دخی نهر مرعانی آشوری کچوب
تا استیریه ولایتندن ایچرویه شوخنه دولامشلر که بو اننده لک ایشدلشمش
مغایر صلح قراری اطاعت وانقیاده کتورلرلردی ورمیوب دخی اسیر ایدرلر
ایمپراطور افندم حضرتلرینک بویجکلرندن دولتلو یکانی آدملری و سایرلرینک
دخی هیچ برزمان ویرکو ویرمین قریه لری چاق بوزوق کونی جوانب اربعه
فقراسی کلیساده آیین دینلری اوزره عبادتنده ایکن دشمنلک ایله اوزرلرینه
واروب اول حالده ایکن خلقک کیمنی اسیر و کیمنی قنیژه لولر قتل ایدوب
قنیژه یه کتوردیلر سایر قنیژه یه تابع اولان پلنقه لر خلقیله غنیمت
ایلشلردر بشنجی ماده طورمه ولایتنده اولان سرحد ناحیه لرندن عظیم
ناحیه نصفندن ارتق اطاعت ایتدرمشلردر بلکه شمدیه دکین سایرلرینی
دخی جمله دن ویرکویه قطع ایلشلردر کذلک اکری قلعه سی اوجنده
بافته تحتنده قریب یرلری اسیر ایدوب نلر ایلشلردر تفصیل اوزره
سعادتلو و عظمتلو پادشاه حضرتلرینک مبارک سمعنه بار اولماسون ایچون
یازمدق التنجی ماده سرحدلرده واقع اولان قریه لر ناحیه سی ایکی جانبه
ویرکو ویروب اول سببدن سنوی ویرکولری نه ایسه قطع اولنوب
ویررلردی حالا اول فقرا دخی سنه بسنه اوزرلرینه خراج و تکالیف
زیاده و سایر خدمتلر تحملرندن آرتق اولنغیله چوقلق ویرکو تکلیفه
طاقتلری اولمامغین نیجه سی یرندن قالقوب اولرین و ملکلرین
قویوب کتدیلر آدقلری اوزره نکیم کوتوره بلدیسه لر انکله کوچمشلردر
بو بابده یقیندن تدارک کورلیوب بریره قونلر ایسه اطاعت ایدن
رعایا فقراسی برکنده اولوب کویلری استوزقالودلر بو تقدیرجه
کرک سعادتلو پادشاه حضرتلرینی و کرک ایمپراطوری افندمه آز
ضرر اولمز اکا ارتق ضرر سرحد منصوره نک زعما و ارباب تیمارینی
اولورکه انلرک جمله دنیم و یمکلری انلردندر یدنجی ماده اول
یرلرکه فیلک و شموشقه اینن شفه و کوکویو بالیق و نویغراد النغیله
ویرکو ویرمکدن بری اولمشلردر مبارک صلحک شروطی موجبنجه بردخی
اطاعت ایتمیلری اطاعت ایتمک اقتضا ایدر اما انلر دخی سایرلر کبی
اطاعته مباشرت ایتمشلردر و اطاعت ایدن قریه لرده ساکن اولان

٤٤٥ ٤٤٧

برزم ارباب تیمار رعیتلری صلح ایچنده اولان کسنه لر خراج و سایر
ویرکو و تکالیفدن معاف و مسلم اولمشلر ایکن انلر دخی سایر رعایا
کبی ویرکویه اقدام ایدوب سایر حال ایله دخی رنجیده ایدرلر بو بابده
دخی تفصیل اولنمغچون بوندن ارتق یازمز ایدک لکن بو بنده لری
بوجانبه عزیمت ایدوب کلورا اولدوغم حالده دولتلو پالاطیوش
افندمزدن برعرضحال کلوب یتشدی عرضحال بناسی زلدوش
قریه نام کسنه دندر کندو معاف و مسلم ایکن خلاف صلح و مخالف
شرط ملکندن و عورت و اوغوللرندن و حیوانلرندن بالجمله ویرکو
ادا ایلدوکندن کندو و اوغلی زیله دوش استوانی اسلام غازیلری
طوتوب بولدورکی سنه ده اکره ده اولان حضر پاشایه دوشوب کندویه
اوچ بیک یدی یوز فلوری بها قطع ایدوب صوبور نام قصبه ده طوتوب
بها تعتیر اولنه قلدم شویله قول ایلشلردر که بیک فلوری مزبور حضر
پاشایه کتوروب تسلیم اولنه قد نصکره طوتسانی حضر پاشا صونوپیده دخی
اکره یه کوندوره که اوراده قصوربن تدارک ایدوب ادا ایده مزبور اسیر
فلوری یی قول ایلدیکی اوزره کتوردکده لکن حضر پاشا کندو قولنده درت
اولنیوب بو دفعه اولان سوزینه مغایر اسیری اکره یه کوندرمیوب
بیک بشیوز فلوری دخی اورایه استرکه کوندریله سکزنجی ماده اکره نک
غازیلری مبارک صلح و صلاح اولدقدن اول تاریخه کلنجه یه دکلو قریه لرکه
اکره یه اطاعت ایلشلردر انلردن آرتق قرای اطاعت ایتدرمک جایز
اولمیه دیو قول و قرار اولمشیکن قرار اولنمیوب نعری ایله و کلی
جفا ایله دشمنلک قیلوب اسیر و قتل ایتمه لریله طورمیوب رعایایی
اطاعت ایتدررلر هیچ برحال ایله منع اولنمیوب صوکی تمیز حال ایله
حرکت ایدرلر طقوزنجی ماده وجه مشروح اوزره صلحک شروطنده
مسطوردرکه قنیژه و استونی بلغراد و بدون و پشته و صولنوق
و حطوان سنجاقلرینی و سایر یرلرینی دخی بو قلعه لر فتح اولندقلری
نه قدر قلعه لرک قلاع مفتوحه یه تابع اولوب ویرکو ویرورلر ایمش
یالکز همان اول کویلره قناعت ایلیه لر لکن حالا انکله قناعت اولنموب
بالاده مذکور اولان مصطفی بک انکله باغنور که انشاالله تعالی نابنطه
قلعه سنه وارنجه دشمن و باروشیه وارنجه آز مدت ایچنده جمله
نواحی و قرایی ویرکویه قطع ایدرلر اونجی ماده بکلر بکلک و غیریلرک
ویوده لری و صوباشیلری اسلام جانبنه کلمیرن قریه لری ویرکو جمع

ایتمسنه صلحك شروطی اوزره وارمغه جایز اولمیوب وبر کوچك ماینله
قرانك بیرولری کندولری کتورمك لازم کلوردی اکرکه اهمال اولنسه
اولدیارك ضابطلری وکوی صاحبلرینی اعدام اولنوب ویاخود قپودانلرینی
ویاخود لاطینوشه بیلدوروب اوله کم اول تقدیرجه دخی رعایا وارسون
حقلرین آلوب کتورمیه لر وسمانلردن اولوقت کویلرینه واروب
اول اصل حقی ادا ایتمیلردن حقلرین الله لرلکن بز بوخصوصده دخی عرف
ایله کچنیوب رعایانك حاللری ذکر اوندی اون برنجی ماده مبارك
صلحك شروطنده بودخی مسطوردرکه ایکی طرفدن سرحدك قلعه لری
بنا اولنمغه قوی ایتدوربله ویاخود اولکی حال اوزره قاله لکن اوبیکلدیکی
یرده هیچ برطرفیله یکیدن قلعه وپلنقه احداث اولنمق جایز کورلمیه
صلح وصلاح برنجی ایکی جانبدن بیله یکیدن قلعه احداث اولنمیه
لکن صلحك شروطنه مغایر اسلام طرفندن بوسنه اوجنده خروات
ولایتی مقابلی سنده کون کونه برلرده قلعه‌لر احداث ایتمکه بشلیوب
وتمام ایتمشلردر اون ایکنجی ماده بونلردن ماعدا صلح وصلاحه
مغایر اسلام غازیلری طرفندن نیچه‌لونا معقول ایشلر صادر اولمشدر
انلك بیان وحسابنه چوق مدت لازم کلوردی وجمله سنك بیان اولنمسی
سعادتلو وعظمتلو پادشاه حضرتلرینك مبارك سمع شریفلرینه صداع
ویرمك لایق دکلدر نهایت اختصار اوزره اولان کلام مدت معلوم
سعادتلری اوله که بوبنجه زماندن برو واقع اولان صلح وصلاح اچنده
بو ایکی واوچ سنه ده مجار مملکتنه صادر اولان ضررلر که اولمشدر
بونداقدم سفیرلر اوزره ایکی اون سنه مقداری زمانده اولدکلو ضرر
وزیانات اولمش دکلدر بوجمله مختل ومشوش احوالی دفع ورفع ایدوب
مابین کبرو اصلاحه وارمغیچون مبارك آستانه سعادتدن بر دیندار
ومستقیم آدم درکاه عالی قپوجی باشیلرندن محکم استقلالی ایله تعیین
بیوریله اوچ ودرت اهل وقوف آدملر ایله سرحده واروب بونلر
آخربردن بیورف قبول ایتمیه لر بالکلیه همان استانه سعادتك
بیورغیله عامل اوله لر کذلك بزم سعادتلو افندمز امپراطوری
حضرتلری طرفندن دخی صلح وصلاحی سوزور ودیلر مستقیم آدملر تعیین
اولنوب الله تعالی عنایتی ایله صداقت وقوی طوغریلق اوزره مصالحی
اتمام ایلسونلر شویله برخدمت کوریله کیم مبارك صلح وصلاح
حقیقتی اوزره قرار ایده وبوانده‌لك واقع اولان مختل ومشوش حوکلری

برطرف

برطرف ایدوب اورته دن رفع اولنه اون اوچنجی ماده ما تقدم مدت
برو سعادتلو آل عثمان پادشاهلری حضرتلریله صلح وصلاح اولدقجه
عهد ایله اولان رعایالر قوی عهدنامه‌لرنده مسطور اولوب
محفوظ مدت روم پاپاسنك دینی اوزره ملت عیسویه بی هر یرده عظمتلو
پادشاهك ولایتلرنده آسوده حال طوتوب برو جمله رنجیده
اولنمزلر خلاف شرع وقانون کندولرینه تعدی وتجاوز اولنمز
بوبابده مقدما دخی سعادتلو پادشاه حضرتلرینه افندم سعادتلو
روم امپرادوری حضرتلری دوستلق ومحبت نامه سیله مبارك قدس
شریفده واقع اولان جمله ملت نصارانك زیارتکاهی اولان مقامات
مقدسه‌لری قدیمدن روم پاپانك دینی اوزره اولان کشیش دعاکوی
فقراسنك یدلرینه وضبطلرینه ایکن خلاف شرط عهدنامه مذکوردن
فقرا روم دینی اوزره اولان کشیشلرك اغوا وحیله لری سببی ایله بزم
مذهبمز اوزره اولان فقرادن زیارتمز بورك مفتاحی روم رهبانلرینك
یدلرینه دوشوب عهدنامه نك شروطی اوزره بزم کشیش فقراسنه
حیف اولنمغین بوبزم لری ایله تکراردن خصوصمز بورایچون سعادتلو
وعظمتلو پادشاه حضرتلرندن افندم روم امپرادوری حضرتلری
مأمول ایدرلرکه اول مبارك زیارتکاهك مفتاحلری اسلوب سابق
اوزره کیرو بزم کشیشلر فقراسنه انعام اولنوب حق اجرا اولنمسنه
همت سعادتلری اوله تاکم فقرا دخی دوام دولت پادشاهی ایچون خیر
دعاده اوله لر وبونك مقابله سنده افندم سعادتلو امپرادوری
دخی سعادتلو وعظمتلو پادشاه حضرتلرندن بوخصوصی خوش
کوروب دوام سعادتلری طرفنه لازم کلن مصالحلرده روز صافی
ایله دوستلق اجرا ایدرلر بومصالحدن ماعدا لازم کلن خدمتلرینی
سعادتلو صدراعظم حضرتلریله مکالمه اولنوب بعده کلدوکمز
جمله بوخدمتلردن اونوری خیرلو جوابلر ایله افندمه عودت ایدوب
خیردعا ایله کیدرز باقی الله تعالی شوکتلو وعظمتلو پادشاه
حضرتلرینك عمر وسعادتلرینی دائم وزیاده ایلیه

روم امپراطوری طرفندن زبدوغ بوغازنده وبریلن
عهدنامه درکه بیك اون بش تاریخنده واقعدر

اللهك عنایتیله روملفوش روما ایلرك منصب اولنمش چاسارلری
ونجه ولایتنك ومجار ولایتنك وچه ولایتنك والامانیانك خروات

ولايتنك وطوزلهم ولايتنك قرالى ٭ واوشتريه نك ويورغونديه نك
وبراباننيه نك واشتريه نك وقارنتيه نك وقاريتولانك هرجكى موردونك
ولايتنك لوجيبروغك وبوقاروكى اشله ذيه واشغه كى اشله ذيه نك وبرغزنك
ويجقه نك هرجكى سرواتى ولايتنك حاكمى جا بيشير وغك وتيرولك وقبورغزنك
وغورتيانك غروق اثابته ولايتنك مملكت سوباشيسى عموماً رومه
حكومتنده اولان ملت فرسكان اولنلرك ويورغا وينك وآشغه كى
لوزاچيه نك وبوقاروكى لوزاچيه نك طوزمامارچيانك وناوه اقنى
اسكل سنك وآنده اولان طوز سعادينك وارث وصاحبى عموماً هركيمه كه
لازم ومهم اوله بوبزم عهدنامه مزك اصلنى اكلادوب اعلام ايلرز
واكلاتغيچون دخى هركسه بوللو بوليجه جمله اديان وملت اولكنده
عهد ايلرزكه بنفسه كندومز صاغ ايكن ٭ وبزدنصكره دخى كندى
ملكيمزه داخل اولوب ٭ كلنلره دخى شويله معلوم اوله كه بونزت
بويله نه وجهله كه اناطولى وروم ولايتنك وتركستاننك جاسارى
يعنى پادشاهى اولان سعادتلو وعظمتلو **سلطان احمد خان**
حضرتلرينك جانبندن دخى ارامزه صلح ايچون ايكى جانبدن بيله استقلال
وبرلكله ٭ طرفيندن تعيين اولنان وكيللرك مابينلرنده نه وجهله
بارشغه مباشرت اولندىسه ٭ بونزت بويله كامل يكرمى سنه يه وارنجه يه دك
قوداولنان بارشق ٭ بويله اولكه ايكى جانبده اولان ولايتلرده حكومتلرنده
اولان بكلربكيلرده وسنجاقلرده اولان چوره سى قلعه اولان واروش
وشهرلرنده ٭ وقلعه سز اولان اوره وقصبه وواروشلرده وشهرلرده ٭ وجمله
ديارلرده وقرالرده اولان يرلرده ٭ وحاكملرنه تابع اولان غازى عسكرلرده
وحكومتلرى ايالتنه تعيين اولنان مابرقسم اولان خلق ارالرنده
دخى طوغريلق اوزره محكم وبرك طوريجق اعلام ٭ وبولانميجق تمام
آرى وصاغ بارشق اوله ٭ وبرى برسى ايله ٭ اورتق ومشترك اولوب
نفقه لق مابينلرنده عمارت اولنوب شنلنله بارشق بويله در ٭
وارامزده بارشق بغلندىغى اوزره كه عهدنامه كزك اشاغرسنده
برلويرنده بربرماده لر اوزره يازلمشدر ٭ انلرى طوغريلق واستقامت
اوزره بوزلميه جقلرينى طوتمق كركدر ٭ وارامزده جمله دن ايكى جانبك
بكلرينه وقپودانلرينه وحكومت ايچنده اولنلره وهركونه حرفتلره
عسكر وزيرلرينه وسرعسكرلره واغالره والارى آلتنده تعيين اولنان عسكرلره
بغايت صيقى تنبيه اولنه كه ٭ بوبارشق محكم بركشند دلوب بوزلمسين

برك طوتيله كه ٭ اول بارشق بالجمله بوسبر اوزره بغلنوب ختم اولمشدر ٭
اوّلكى ماده قول قچانكم ايكى جانبدن پادشاهلره ايلچيلر كوندرلدكده
برى اناوبرى اوغل طوتيله ٭ بواحوال بندواران ايلچى ايله كوريله ٭ **ايكنجى**
قول كه جميع نامه يازدقلرنده ونامه لرنده ٭ وياخود برى برينى بوقلمتوق
واقع اولدقده برى برينه آد ملك وتعظيم ايليه لر وبرى برينى جاسار
نامیله ذكر ايده لر ٭ بالكز همان ذكريبه لر **اوچنجى** قول كه جمله تاتارلر وغيرى
ملتلر دخى كندولرينى پادشاهه طوته لر ٭ وينه ينه دكين بارشق اولمغه
براصل زيادت وبراتلق خرستان ولايتلرنه ايتميه لر **دردنجى** قول كه ايكى
پادشاه ارالرنده هريرده كه بارشق اوله خصوصا مجار ولايتنده واوله
انكا تابع اولان حكومتلرنده وغيرى ديارلرنده وجمله درياده وقره ده كه
بوايكى پادشاهلرينه تابعلردر وبوبارشغه بغلنمشلردر جمله ولايتلرى
اشتريه ولايتلرينه تابع اولان ولايتلردركه بونلر انكا تابعلردر انكاه اولن
انكا اسپانيه قرالى دخى سعادتلو پادشاه ايله بارشق استرسه براولك
خصوصنده انكلك ايدوب مانع اولميه لر **بشنجى** قول كه ايكى جانبلرده
جنه لر منع اوله لر ٭ اكركه بروجهله انك كبى برنغماجى حراميلر پيدا
اوله ٭ وايكى جانبدن برنيه ضرر وزيان كتوره لر ٭ اول اصل اشقيايى
طوتوب دوزندان ايلمك اجازت اوله ٭ وقنغى جانبدن اولورسه
اولجانبه اعلام ايدوب ٭ قنغى يردن ايسه اول يرك سنجاغى بكى ٭
وياخود بزم قپودانلرمز ايله شرعله سويلشمك كركدر ٭ واول يردن
نه الورلر ايسه اول دزدى كيرويه رد ايلمك كركدر **آلتنجى** قول كه
قلعه لرى عسكر ايله بوزميكدر وقبض ايلمكدر انلرى كيزلو وآشكاره
حيله وآلت ايله الماغه اذن اولنميه ٭ انكا هيچ بروجهله رخصت ويرلمسه
بوخصوصدن اوتورى دخى آدملرى طوتمغه اذن اوله ٭ برجانبدن
بوكا رضا ويرلميه ٭ وانك كبى برامر اولنلره برجانبدن معاونت
اولنميه كه ايكى پادشاهك دشمنلريدر ٭ وشولكه سعادتلو بوجفايى
حاكمه اليعونلمشدر اول ايله قالنجه كه مجلس تعيين ايلمشدر ٭
يدنجى قول كه طوتساقلر ايكى جانبدن كيرويه ويرلسون ٭ وكيمى بابشه
باشنه كونه طوتساق ايسه انكا كوره اقراملوا فيله قويويله شونلركه
بارشقدن اول الممشلردر ٭ انلردن بهايه كسيلنلر بهالرى اوزره
قنغى جانبدن اولورلرسه ٭ اوده كونكنه لر افنديلرينه بهالرى
موجبنجه بهالريله دكه ٭ وشونلركه افنديلريله كندو خلاص صيلقلريچون ده

٤٤٨٤٤٠

K29441

قول ایلمشلردر اندن اوتوری افندیلری دخی راضی ایلیه لر و انلرکه بارشق
ایچنده ایمشلردر. انلر بهاسز قویویرلسون سکزنجی قول که بوجانبدن
یانوه جنه رالی قپودانلره حکم ایلیه. انجلین بروت باشا سنه
دخی استقلال اوله اولجانبده اولان بکلر اطاعت ایلیه لر. قپودانلر
و بکلر بونلره اطاعت ایده لر. و نوت و لایتنده اولان باتن دخی اندن
اولان سائر قپودانلره حکم ایلیه. بونلره شویله استقلال اولرکه
نهر طونه نك اوته و بروبقاسنده اولان بکلره و قپودانلره باش
اولوب بارشقلغه مخالف برنسنه اولسه بونلر جمله بارشق
ودوزنلك احوالی کورلمه سی اوزرنده اوله لر. اکرکه برانك کبی بیوك
ایش صادر اولسه که بونلر آنی کورمك ممکن اولمیه اول کونه احوالدن
اوتوری ایکی جانبدن بیله ایکی پادشاهه بلدرمك کرکدر طقوزنجی
قول که قلعه لری قدیمدن اولیکلدیکی اوزره ایکی جانبدن یاپمغه
و برکشدرمکه اذن اوله. اما قدیمدن اولمدوغی یرلرده یکیدن
قلعه و پلنقه یاپمغه اذن ویرلمیه اونجی قول که بزم جانبمزدن
سعادتلو پادشاهه پیشکشلر ایله ایلچی کوندرلیه سعادتلو سردار
باشا دخی بزم دولتلو ماتیاش حضرت افندمزه پیشکشلر ایله
ایلچی کوندرسون و بعده بزم ایلچیلرمز بارشغك برکشدرسنه
قسطنطنیه یه واردلر. اندن دخی عظمتلو ترك پادشاهی بزم چاسارمزه
براغا ایلچیسی کوندرسون اندن زیاده پیشکش ایله. بو خصوصه
اولکی کوندرلیه اون برنجی قول که شمدی کندو سعادتمز طرفندن
ایلچیمز قسطنطنیه یه کیدنده ایکی یوز بیك فلوری یعنی قرم غروش
حسابی اوزره دیمکدر. و کو پیشکش کتورسون مدت زمانه دك
اون ایکنجی قول که بو بارشق یکرمی ییله دك اولمغیچون بو کلجك سنه ده
رمضانك اولکی کوننده باشلنسون اندن اوچ سنه مرور ایتدکدن
صکره ایکی ییله پادشاه بری برینه ایلچی کوندرسونلر پیشکشلرك
عددی بللو معین اولمیه نه قدر کوندرلور. فقط یتیه استرسه
یوزه کلك و سلطنتلرینه کوره لایق اولان پیشکشلر کوندرلیه. و بوکه
عهد اولنان یکرمی ییللق بارشغی طوتمق و دورمك خصوصلرینده
کندو سعادتمزه تابع اولان مجار ولایتلری حاکملری و حاکملرك
قرنداشلری و خصم و اقربالری و قپولری و سائر جمله توابعلری بوکه محکم
بغشلرکه بارشقلغی طوغری اوزره طوتوب برقرار اولنه سعادتلو

بادشاهك

پادشاهك طرفندن اولنلر دخی بو بغلین اوله لر اون ایکنجی قول که واج
بزم الیمزده قاله بو کورلیه نه حال اوزره بولندیسه قاله اون دردنجی
قول که سعادتمك ایلچیسی یجنکنه عظمتلو پادشاهك آستانه سنه وارد اولدوکی
فلك. سمونقه. دولق. اینا شقه. دیوبت. کوکوی. بوباق. سچان. کرمات
بالنوه. نوبغراد. واج. قلعه لریله اطاعتدن خلاص اولنلر درلر اول کویلر
بوندن بویله دخی اطاعت ایتمیه لر. و خراج کزار اولمیونلر. اول تقدیرجه
کاول قلعه لر بزم الیمزه دکیلدر انلره کسنه سپاهیلردن اسلام ایچنده
دخی هیچ علاقه ایتمیه لر. و کندولرینه اطاعت ایتسنه سیلجهد ایتمیه لر.
و اول قلعه لرکه اکره الندن قدنصکره دائما اسلامه اطاعت ایدوب
ویرکولرین ادا ایلمشلردر. انلر بونلردن افراز اولنوب اول قریه لر بوندن
بویله دخی اطاعت ایچنده قالمق کرکدر. اما انلردن ارتق بوندن بویله
مسلمانلره اطاعت ایتدرمیونلر. اولکه استرغون جوارنده واقع اولان
قریه لر احوالیدر. استرغون قلعه سنی خرستیانلر مسلمانلردن الدقلری
عصرده. اولوقت اول زماندن ایچنده مسلمانلره کویلری ویرا به اطاعت ایتدر
دکلرنده. هر قنغی قریه لر اول وقت ویرا به ضبط ایتدیلرسه اول قریه لر
بوندن بویله ویرا به اطاعت ایلیونلر. اما انلردن خارج اولان قریه لر
اسلام طرفنه اطاعت مباشرت ایتدرلمیه. و قنغی اطرافنده اولان
قریه لر ایچون خود قول بو یله اولنمشدرکه. بدون بکلربکیسی و انکاله
معادونتلو یکانی فیلخ بللو باشلو آدملر ارسال ایدوب. انلر محللرنده
اطاعت ایدوب ویرکو ویرن قریه لری عد ایدوب بو قلمه ایلیونلر اول
جانبده واقع اولان قریه لر دوزنی اکر اطاعت قریه لرده بیچاره آدملر
متمکن اولوب ویرکو ویرن رعایالری آراسنده اولری اولورسه
انلر اسلامه جزیه و نه عشر ویرمیونلر. و هیچ بر دورلو حال ایله خراج
کزار اولمیونلر. محصل جمله اولرنده و کندو نفرلرنده معاف
و مسلم طوتسونلر. و قنغی کسه لرکه آینلری اوزره قراللرینه هیچ نسنه
ویرمزلر. انلر اسلامه بر اصل ویرکو ویرمیه لر. و کویلرینی دخی مسلمانلر
وارمیه لر لکن کندو عائله لرنی قریه لر بیروفیکه کویی کتخداسی دیمکدر
کتوروب کندولرینه ادا ایده لر. و اکرکم بیرولر حقلرنی کتورمیه لر
اولوقت قپودانلرینی و قریه لر صاحبلرینی کاغد یازسونلرکه کندو عائله لرنی
ادا ایتمسنه انلر مباشرت ایلیه لر. و اکرکم اول تقدیرجه دخی ادا ایتمیه لر
مسلمانلر بعده اولوقت قریه لره چیقوب کندولر مباشرت ایده لر. رعایا

کذلک مجار طرفندن بو یله عمل اولنه ٭ بر اوله جقدن اوتوری بو خصوصده مثللرک
تغییر یکم قول وقرار اولان مصلحتلرک قویلکنه راجعدر مقدما بوندن
مکالمه سنی نه اسلوب ایله صداقت اوزره قرار ایلدیسک ٭ انلک اوزرینه
ثابت قدم اولوب اجرا ایتمه سی مرادمزدر ٭ بو برزم نامه مزده واقع اجماع ضبط
اولنمش صلحک قوللریچون انک جمله شروط وقیودی مکالمه سی نیجه کم بو قاروده
یازلمشدر ٭ وحرف بحرف برزم بو نامه مزده ضبط اولنمشدر ٭ برزم جانبمزدن
حقیقت ایله فهممز وادراکمز اوزره اعلا قبول اولنمشدر ٭ وبو خصوصلره
تابع اولان علممز ایله نقد خیرلو شکلکه بزدن انک اعلا اوله بیلمشوز ٭
وتجربه ایلمشوز وقوی ایلمشوز وانلری قوی ایتمه مز ایله دوست وصداقتلو
ایلمشوزدر ٭ نته که بو برزم نامه مزک روشنده یازوب قوی ایدرز ٭ انلری
برزم چاسارلغمز سوزیله ٭ ودینمزله تعهد ایدرز که کندو زمانده عهدیمزی
ووارثلریمزکه برزدن نصکره کله لر جمله سی بو شرطلری پاک وصداقت
اوزره بوزلمامقدن دخی قرار ایدوب رعایت ایدرز ٭ وحق اوزره
اجرا ایدرز ٭ وبو قاروده ذکر اولندوغی اوزره بزدن نصکره اولان
وارثلریمزه بو ملکه داخل اولنلره بیله بو عهد ومیثاق وجه مشروح اوزره
طوتمغه ورعایت ایتمسنه امر ایدرز ٭ بو مصالحه ده جمله دن اول
بز کندومزی وجمله برزم سلسله لریمزی ٭ بونلر خیرلو وجهله طوتمسنه
وجمله حیله نک والداغلک ایراق اولمسیله آگاه ایدرز ٭ وکندیمزله معاً
شرطلو ایدرز ٭ ایجق که اول عظمتلو اسلام پادشاهی دخی اول کندو وارادتیله
قوی ایلیه وطوته واجرا ایلیه ٭ وکندو نامه سیله بونلرک موجبنجه
قوت وقرار اولمجق سبب دخی ویرسون ٭ بو بابده شک وشبهه
حکممز که کندو وطرفندن کندو عظمتی ایله حقیقت اوزره واعلا عهد ایله
بونلری بقا ایلمیه ٭ واول کندو عظمتلیه جانبندن اولان غزاه وسایر ٤٤٩ ٤٥٠
قسملر بیله کیزلو وآشکاره انک کبی احوالده انلر بو پادیشاهلک مشروطلرینه
وسببلرینی دخی بجلده ایتمکه وضعیف ایلمسنه قادر اوله لردی ٭ اعتماد
ایدرز ایتمزلر ٭ بو برزم نامه مزک قوی اولمه سنک شهادتلرینه کندی
چاسارلق مهریمزی اوزرینه اورلمه سی حکمی ایله برزم براندبورغی قلعه مزده
جمادی الاول طقوزنجی کونی یازلمشدر سنه بیک التیوز التی تاریخ حضرت
عیسی علیه السلام ٭ وروما چاساری اولدوغمزک اوتوز ایکی سنه یازلمشدر

نمچه چاساری ایله تجدید مواد نامه در دفترخوانی عثمان آغا رسالتی ایله سنه ١٠٥١

بوندن اقدم ایکی طرفک رضاسیله جانبینده واقع اولان فقرانک راحت

واستراحتیون زبده بو غازنده منعقد اولان صلح وصلاح مقرر اولوب
وغوران وکارمات وصون صحراسنده تجدید صلح اولنوب استحکام بولمشیکن
طرفیندن صلح وصلاحه مغایر حرکتلر واقع اولوب ٭ فقرا ورعایایه کلی ضرر
وتعدی اولدوغندن اوتوری آراده پایمال اولان رعایا فقراسنک حاللرینه
ترحم اولنمغین ٭ مابینده واقع اولان صلحک رعایت واستحکامی ایچون
خلاف صلح ظهور ایدن حرکتلر منع ودفع اولنمسی بابنده وایکی اولو پادشاه
حضرتلری بزی بو خصوصه وکیل تعیین بیورمه لریله ٭ بالفعل رومه چاساری
وایمپراطوری اولان شوکتلو وجیجی فردینانده حضرتلری طرفندن تعیین
اولنان اول دولتلو باب کورکی که اگره پشبوقه دره ٭ ومجار ولایتنک فیچلاود
ودولتلو حاردوس کوستم ترک صبادور وجنات مشاوره جی بیدر ٭
ودولتلو استرخاش دانیال صبادور ومشاوره جی بیدر ٭ ودولتلو
طومه بینقولیچ صبادور ومجار ولایتنک برسونا ییدر ودولتلو غنباد
سکولک صبادور ٭ وقیران وسند رتبه بتود ایدر ٭ واهل اسلام
پادشاهی اولان سعادتلو عظمتلو سلطان ابراهیم خان حضرتلری
طرفندن دخی درگاه معلالری قبوجیلری باشیسندن عزتلو عثمان آغا ٭
وبدون تیمار دفترداری عزتلو محمد افندی ٭ واسترغون آلای بکیسی
عزتلو مصطفی آغا ٭ واگره نک فارسلر آغاسی عزتلو مصطفی آغا وفیلک
قلعه سنک باش عزبلر آغاسی عزتلو مصطفی آغا ٭ وکیل مطلق تعیین
اولندوغمز حسبی ایله حالا صون نام قریه ده مشارالیه چاسار حضرتلرینک
تعیین اولنان وکلاسی عزیزلرون ایله ٭ بالاده مسطور اولدوغی اوزره
نیجه دفعه مکالمه ومشاوره دنصکره ٭ مارتک آیینک اون طقوزنجی
کونی که حضرت عیسی صلوات الله علی نبینا وعلیه حضرتلرینک ولادتی
سنه سنک بیک التیوز قرق ایکی تاریخنده ٭ وهجرت نبویه علیه افضل
التحیه حضرتلرینک ٭ بیک الیخی ذی الحجه کشریفه سنک اون طقوزنجی
کوننده حق جل وعلانک عونیله بو مواد جمله مزک اتفاق واتحادیله
بو اسلوب اوزره بغلنمشدر ٭ اولکی ماده مقدما صون صحراسنده بغلنان
باریشغک وعهدنامه سی ایچون برسنه قالمغله پایمال اولان فقرا
استراحتیچون طقوز سنه دخی اوزادلمه سیکه تاریخ بیورمه دن جمعا
یگرمی سنه دن بز وکیللر ٭ مناسب وروا کورمشزدر ٭ وایکی عظیم کشاندن
پادشاه هر طرف عالیلرندن مقدما ویرلن کوندیله جک ایلچیلرک
واسطه سیله عهدنامه لرنزم مقرر بیوره لر ٭ وذکر اولنان یگرمی سنه ده

مبارك صلح وصلاح طرفیندن محكم طوتیلوب بوندن اقدم واقع اولان
بتورمه لر یعنی زنبور و وجه و قورات وكارمادرت وصوت صحراسنده
منعقد اولان موادیر لوبرنده قالوب جانبلرده محكم طوتیلوب رعایت
اولنه **ایكنجی** ماده صوت وسایر بتورمه لردن اول وصكره دن صلحه
مغایر جبرا اطاعت ایتدوردیلن قریه لر وكسملر احوالی شمدی فصل اولنق
ممكن اولمامشدر بو بیله قول ایلنمشدر كه بوندن نصكره بر كون مقدم
بر جمعیت تعیین اولنوب انده صوت وزنبور و وجه وسایر بتورمه لر
موجبنجه طوغریلق ایدوب بو اثناده اهل اسلام طرفندن بر بهانه
ایله غیری قریه لر اطاعت ایتدورلیوب كسملرینی ورسوملرینی
آدرمیه لر آرنوردیلورسه دخی اكسلدوب تعدی وتجاوزلرینی
منع ودفع ایده لر **اوچنجی ماده** خروات وغیری سرحدده صلحه
ماده لرینه مغایر بنا اولنان قلعه لر وسایر طلب اولنان خصوصلر
مقدما صوندرده بغلنان اوچنجی ماده موجبنجه بر جمعیتده دخی وكلا
كوره لر **دردنجی ماده** واوج احوالكه واردر بز وكیلار ما بینمزده شمدی
بتورمك قابل اولنیوب خصوصا بولند واربسی ایله بونی بو بیله معقول
كوردك كه بیوك ایلچیلر واسطه سیله ایكی اولو عظیم الشان پادشاهلرك
قبوللرینه سویلنوب كوره لر كارمادرت وصوت بتورمه سی دخی بونی
بیان ایدر **بشنجی ماده** وبركو ویرن قریه لرده ساكن اولوب وباخود
خانه لری اولان مشتركه واردر مقدما بغلنان بتورمه لر اوزره قالوب
بو خصوصده بر مانع ظهور ایدرسه ذكر اولنان جمعیتده وكلا كوروب
طوغریلده لر **التنجی ماده** صلحه مغایر جنتریه چیقوب ضرر وزیان
ایدن اشقیا مقدما بغلاندیغی اوزره جانبیندن محكم حقلرندن كلنه
قپوداندری وسرحد حاكملری حقلرندن كلكه تحمل ایدرلرسه ایكی
اولو پادشاهلرك قبوللرینه اعلام اولنه **یدنجی** ماده بچویده وسایر یرلرده
حضرت عیسی م بنلرم با یشته مذهبنده اولان پاپاسلر ورهبانلر
ویز ویطارك واردر ظلم وتعدی اولنورلرمش رنجیده اولنیوب
عهدنامه لرده والقابلرده اولان اوامر شریفه مغایر دخل وتعرض اولنمیه لر
سكزنجی ماده پادشاهلرك قبوللرنده نامه لر وتحفه لر ایچون ایلچیلر كوندرله
كه ذكر اولنان وكلانك بتورمه لری بر طرف اولدقده نصكره صلحه موجبنجه
ایكی اولو پادشاه طرفیندن بر برینه بیوك ایلچیلر كوندوره لر ٩
ماده طوتساقلر خصوصیچون بو بیله بغلنمشدر كه اسلام پادشاهی

طرفندن كلان قپوچی باشی عثمان اغا بیك الی برسنه سنده واقع اغتوز
آیتبك اوت دردنجی كونی كه بدونه داخل اولمشدر بوندن نصكره طرفیندن اثنان
طوتساقلر بهاسز اطلاق اولنه وخراج كذار ایتدیریلان رعایادن وبركو
ویرن قریه لرده ساكن اولان مشتركلردن طوتساق اولنلری طرفیندن بهاسز
اطلاق اولنه وجانبیندن بند وزنداننده اولان طوتساقلر بدلی طوتساق
ایله اوچ آیه دكین تبدیل اولنه بو خصوصده بر طرفدن دولتلو مجار
بیه طلوشی وبر طرفدن دولتلو بدون وزیری كوروب اجرا ایده لر
بالاده یازیلان احوالك ثباتی ایچون بزكه ایكی عظیم الشان پادشاهلرك
وكلاسیوز وكالت مطلقه مز حسبی ایله بو ماده لری
جمله مفهومنجه ونقطه لرینی ایمزا باز وسیله
قوی ومحكم ایلمشوردر

اردل حاکمی و مجار قرالی بتلن غابوره سلطان احمد خاندن عهدنامه در که ١٠٢٢

حضرت آفریدکار لایزال • وجناب فاعل مختار متعال • جل ذاته عن الشبیه
والمثال • وتنزهت صفاته عن وصمة الانتقالات برکات تأییدات ازلیه
وفیوضات توفیقات لم یزلیه سی • وروحانیت سلطان تختگاه رسالت
واصطفا • ومسندنشین بارگاه نبوت واجتبا • مفخر عموم بنی آدم •
مقصود آفرینش دو عالم • خاتمهٔ کافهٔ انبیا ورسل • هادی قاطبهٔ
طرق وسبل • محرم حرم لی مع الله • حبیب خدا محمد رسول الله علیه وعلی
سایر الانبیاء • افضل الصلوات واکمل التحیات تلک معجزات کثیر البرکات
موافقتی • ومشیدان ارکان دین منیف نبوی • وممهدان بنیان
شرع شریف مصطفوی اولان • چهار یار گزین • وصحابهٔ هدایت قرین
رضوان الله علیهم اجمعین • واولیای ولایت رهینک همت رفیعة الدرجه‌لری ایله
محل طغرا بن که سلطان سلاطین مشارق ومغارب • وصاحبقران ٤٤٤ ٥٥٢
زمین عالیمناقب • خاقان ممالک فسیحهٔ روم وعرب وعجم • وارث اورنگ
قیصر وجم • تاجبخش خسروان جهان • ظل الله الملک المنان ثانی اسکندر
ذو القرنین خادم الحرمین الشریفین • معظم شعایر القبلتین • اشرف
الاماکن والبلدان اقدس البقاع والمواطن • مکهٔ مکرمه وبکهٔ معظمه
ومدینهٔ پرسکینهٔ منوره وقدس شریف محترمه نک خادمی • وآق دکز
وقره دکزک حارسی واساس کفر وضلالک هادمی • وتخت مصر قاهره نک
وعموما عربستانک • وولایت حبش وزنکبارک • ویمن وعدن وصنعانک
ودار السلام بغدادک • وحلب ودمشق الشام • وطرابلوس وذو القدریه
وانا طولی وسیواس وقرمان وارضروم وطربزون ودیاربکر ورها
وموصل وشهرزول وکردستان وکرجستان وافلاق وبغدان ودیار
تاتار وکفه وقرم ودشت قپچاق وطاغستانک • ومقر قیاصرهٔ تاجدار
ودار الملک روم کامکار اولان محمیهٔ قسطنطنیه حمیت عن البلیه نک
ودار العز والجهاد جزایر مغرب وفاس وتونس وطرابلوس وقبرس
ورودس • وقبرنیه واماسیه وبصره ولحسه نک • وکلیا روم ایلی
وبوسنه وبدون وقنیژه واکری وطمشوارک • وخارج حیطهٔ تحریر
نیجه ممالک وامصار • ومسالک واقطارک پادشاهی وشهنشاهی
وجمشید گنجخسرو دستگاهی سلطان احمد خان ابن سلطان محمد خان
ابن سلطان مرادخان ابن سلطان سلیم خان ابن سلطان سلیمان
خان الی الاربعة عشر بطنا من آل عثمان • سقی الله مراقدهم بسجال

المغفرة والرضوان • قدیم الایامدن اردل ولایتنه حاکم اولنلر • اباً عن جد
افتخار الامراء العظام العیسویه • مختار الکبراء الفخام المسیحیه مصلح مصالح
جمهور الطایفة النصرانیه • ساحب اذیال الحشمة والوقار • صاحب دلایل الحشمة
والاعتبار بتلن غابور ختمت عواقبه بالخیر • مرجع قیاصرهٔ زمان وملجأ
اکاسرهٔ دوران اولان • خاندان عظیم الشان • وودمان رفیع الارکانمزه
صداقت واخلاص ایله خدمته متعهد • وجمیع ازمانده منتسبان آستانهمزه
متحد اولمغله • تصمیم نیت • وتشمیر ساق عزیمت ایدوب • دائما دوستمزه
دوست • ودشمنمزه دشمن اولمغه کند وخط یدی ایله تمسک وسند
ویروب کندن غیری • اوضاع واطوارنده امارات رشد وسداد وعلامات
خلوص وانقیاد • نمایان اولمغله • مرحوم ومغفور جدامجد فرد وبرمز
سلطان سلیمان علیه الرحمة والرضوانک • زمان عدالت اقترانلرنده
عنایت اولنان عهدنامه موجبنجه عهدنامهٔ همایونم ویرلمه سنی
رجا ایتمکین • بن دخی ایکی جهان فخری اولو پیغمبرمز محمد مصطفی علیه السلام
حضرتلرینک • هجرت شریفه لرندن بیک یکرمی اوچ سنه سی جمادی الاولی
سنک یکرمی اوچنجی کوننده • وتاریخ حضرت عیسی علیه وعلی نبینا افضل
السلامک کوننده بو عهدنامهٔ همایونی عنایت واحسان
ایدوب • بیوردمکه مقدما ویریلن عهدنامه موجبنجه اردل خلقی
خلق حاکملرینک موتی • ویاخود آخر طریقله تجدید قضا ایلدکده
فرمان جلیل العنوانم موجبنجه • اردل حاکملری سلسله سندن ایچلرنده
بیومش • وآداب حکومت ایله پرورش بولمش کسنه یی جمله اردل
بکلری وسایر اوج ملت اعیانی واوجاق صاحبلری • قبول ایلدکلرینی
عرض ایلدکلرنده • جناب جلالت مآبمز طرفندن حاکم نصب اولنه
واعیان مملکت وسایر رعیتک طلبی یوغیکن • خارجدن حکومته
طالب اولنلر ویرلمیه • وحکومت سوداسیله جنبلردن تغلب ایله
فضولا حکومته متصدی اولنلره اصلا دخل ایتدرلمیوب • دفع وازاله‌لرینه
اهتمام اولنه • مادام که موی الیه حاکم وسایر اردل امراسی • واعیان
ورعایاسی طریق عبودیت واستقامتده پایدار • وشاهراه اطاعت
ومتابعتده استوار اولهلر • ودوستمزه دوست • ودشمنمزه دشمن
اولهلر • هم‌جوار اولان بکلربکیلرم وسنجاق بکلرم • وسایر عساکر نصرت
مآثرم • سرحد وعلاقهٔ اردل ولایتنه وحدودنه تجاوز ایتمیوب • رعایا
وبرایاسی سنجه واسیر • ومالاری نهب وغارت اولنمیه • والناندن اسیر آلنوب

سلمان اولمیوب کفر وزرینه بولنان رد اولنه • ایکی طرفدن امن و امانی
سغابرفساد ایدنلرك جزالری ویریله • وصولنق وکوله وبنوه ولیوه د
طمشوار سرحدلرنده یاتوری زبغیربند عصیان ایدنجه • صولنغه وکوله
وبنوه وطمشوارم برکره خراج وویرکو ویروب • جانب همایونمه اطاعت
ایدن کویلر وواروشلر • وصولنغه تابع دیرسك واروشی دخی مقدما
اردل عصیان ایدنجه • وبرکوس وبرمکله کماکان جانب همایونمه متعلق
اولوب • معتاد اولان ویرکولرین ویره لر • اردل ولایتندن اصلا دخل
ونزاع اولنمیه • وبالفعل حکام سرحدك ضبطنده اولان بیما دیمه یارفانی
وناحیه سنده وحالماش ناحیه لرنده اردل طرفندن اصلا دخل اولنمیه •
وانلرکه الی الآن بو جانبه اطاعت ایتمیوب ویرکو ویرمشلردر سرحد
حاکملری وغیریلر اصلا دخل ایتمیه لر • وقدیمدن ممالك محروسه ...
رعایا سندن والقوب اردله کتمش وار ایسه کیرو ویرلرینه کوندروب
انجلرنده صقلامیه لر • وبلغراددن وسایر ممالك محروسه مندن تجار
واسیردن مال وزرقلریله کسنه اردله فجرسه بتول ایتمیوب کیرو رد
ایلیه لر • وقدیمدن تعهد اولوب ویره کلدکلری خراجلرین کماکان دوقت
وزمانیله سال بسال بالتمام والکمال آستانه سعادتمه ارسال وایصال
ایلیه لر • واکر بعض مفسدلر برفتنه واختلال براقوب ایچون اردل
حاکملری حقنده شکایت ایدرلرسه • ویاخود ادینه مهرقازدوروب
تقلید ایله مزور مکتوب ویاخود کاغدلر ابراز ایدرلرسه • جمله قولاق
خلقی اتفاقیله بو قلنوب • شکایت ایتدکلری ماده نك حقیقتی
چقمیوب • اول مزور رلك تزویری ظاهر اولدقده • فرمان همایونمله
مستحق اولدوغی جزاسی ویریله • وافلاق وبغدان وبوده لریله
عتبه علیه مه متابعت وانقیادده موافقت واتحاد اوزره بریله
دوستلق وقوکشیلق شرایطنی رعایت • وبریردن دشمن حرکت
ایدوب ضرر قصدنده اولدقده • بالذات کندولر وار مقله مناولوی
یوغیسه کفایت مقداری عسکر کوندرمکله مناولوب • هرنه وجهله
اقتضا ایدرسه • وهرنیجه الویرورسه معاونت ومظاهرت ایدوب
مملکت وولایتلری مضرتلرین دفع ایلیه لر • اما اردل حاکملری
وسایر بکلری واعیان وعسکری آدم کوندروب • احتیاج زماننده
معاونت ایچون طلب ایلدکلری عساکر نصرت ماثرم وارمزدن مقدم
زادوزواده لرین مشوقی تدارك واحضار ایدوب • مرور وعبور ایدن جلّه

وبریده

کویلرین وسایر جیدلرین ویوللرین توسیع وتطهیر وترمیم وتعمیر ایدکدن
صکره عساکر منصوره مه طلب ایدرلر کوارد قلرنده جنود ظفر نمودم • برنسنه
مضایقه چکمیه لر • وکذلك ممالك محروسه مز حدودنده واقع اولوب • سرحد بکلر
بکلری حاکم موحی الیهمه اعلام ایلدکلری کبی مقتضای صداقت وجودیت
اوزره سایر اردل وبجار بکلریله اتفاق واتحاد ایله بالذات قالقوب وارمغیله
اولور یاخود عسکر ویات ویراق وذخیره وسایر مهمات کوندرمکله مناولور
اقتضا سنه کوره معاونت وخدمت ایلیه لر • واردل حاکملری ایچ طرفله ندن
الزماندن نه وجهله مصالحه ومعاهده ایدوب • وارالرنده نه طریقیله تمسکات
وعهدنامه آلنوب ویریله کلمش ایسه • وسنور وحدودلری نه یوزدن تعیین
اولنمش ایسه • کیرو اول وجهله ممالك اسلامیه دن ماعدا کندو قلعه لرینه
وواروشلرینه وسنورلرینه وقری وناحیه لرینه دخل وتعرض ایتمیوب
کماکان اردن مملکتندن معدود اوله • وبجار امراسندن اردل حاکمنه تابع
اولنلره برفرد مانع اولمیوب • ممالك محروسه مزك حکام وضابطلری
طرفندن بو عهده مغایر کسنه تعدی وتجاوز ایلمیه • کندو حاللرنده اولنلره محکم تنبیه اولنه

:. کوپرولی محمد پاشا اردل سفرینه توجه ایتدکده صوفیه نام محله
راقوچی طرفندن کلان مکتوبه یازیلان جوابدر شتی

راقوچی کورکی • ارشده رب العباد • الی سبیل السداد • قبلنه مکتوب واصل
اولنجق معلوم اولدکه • حالیا کوندردیکك مکتوب شیطنت مصحوب • صوفیه
نام محلده واصل اولوب • تحریر اولنان تزویرات معلوم اولدی • سکا برنج
دفعه مکتوبلر کوندرلوب • شوکتلو وعظمتلو وکرامتلو وقدرتلو و
مهابتلو افندم خلیفه روی زمین خلد الله خلافته الی یوم الدین حضرتلرینك
حضور همایونلرنده • قباحتك وغضبلرینه باعث شقاوتك نه ایدوکی
اعلام اولنمشیکن • بنه بلدکلریکه تجاهل • وعبرت واقعه دن تغافل ایدوب
حیله لرك رواج بولور • وحقه بطلاندن علاج اولور زعمیله طریق مکره
سالك اولمش سن • امدی جرم وقباحتکی سن اعلا بلورسن • اول قدر کنا
هد نصکره چونکه دوغری قولم دیرسن • کما هك نه وجهله عفو ایتدرکه
سعی ایتدك • افندك اینکنه یوزك سوروب • روسیاهلغك آب مرحمتله
یوموق • وباشك دست عنایتلرینه تسلیم ایدوب مغفرا طاعتکه بهیر
مجتنی قومق رجاسنکی اولدك • مکر وحیله ایله ایش باشنه مه یتر • البته
مزدع عالمده اکیلن بتر • بوتز ویرو ملعنتدن اوصانمزمیسن • ابد بککی
اوصانمزمیسن • برطرفدن بزی روم ایلی وانا طولی ولایتلرینك برکتور عسکرله

وعموما وزرا وميرميران وبكلربكلر ويكيچري وسپاهي وقپوقوللر ايله وبر طرفدن
عزتلو وسعادتلو خان جليل الشان حضرتلرينك حسابه كلن تاتار دشمنلريله
ايله قادر دكلدر ديو نصيحتكم ينه جوابه يازمغله دفع ايتمك سودا سندن سن
معلومك اولسون كه آل عثمان پادشاهلرينك باشى انكلرينى قوپاندلرم
مرحمتى نيجه ايسه سركشلك ايدنلره دخى غضبلرى اوليله در بلطف الله تعالى
دشمنلرى ايله سويلشمكدن عاجزدكلردر فرمان همايون پادشاهى
آنك ايله جواب كوندرمكله دونمز واتش قهر وغضبلرى برافروخته اولمسن سويمكله
سونمز چونكه بو مرتبه دن نصيحتكم عقلك باشكه كلدى كندو وبالك واهل
وعيالك وسببكله سمسند غزاة السنده يامال اولاجق عباد الله ك وبالى
بو بينوكه اولسون ان شاء الله تعالى نشته واريورز حضرت ذو الجلالك عنايتى
ايله ارادوغك بولورسن وقوت قاهره پادشاهى وسطوت باهره شاهنشاهى
ايدوكى كوررسن عاقل ايسك آخرت اولمدن فكر ايتمك كركدر سن بلورسن والسلام

بوقار ومجار بكلرينه كوندريلن عهدنامهٔ همايوندر

حالا بوقار ومجار ولايتنك بكلرى مفخر الاماجد اسعد فردوس مقدم
مرحوم جنت مكان فردوس آشيان سلطان سليمان خان عليه الرحمة
والغفران حضرتلرينك زماننده بر وجه تابع اولمشكن صكره دن
مرورت اقتضا سيله برطريقيله نيجه قرالنه متابعت كوستروب اكا
مراجعت ايدركن بكچ سنه لرده انجلريندن ظهور ايدن بوچقاى قرالى
اسلوب سابق اوزره جمله بوقار ومجار بكلرينك نيجه طرفندن اعراض
ايدوب دولت ابد پيوندمزه متابعت كوسترمكله مزبور بوچقايه قرالق
عهدنامه سيله قروه وسنجاق وعلم همايونم عنايت اولنوب الارنده اولان
قلعه لرين نيجه قرالندن استخلاص ايدوب صداقت واخلاص ايله آستانهٔ
سعادت بنيانمه متابعت اوزره و نيجه طايفه سيله عداوت وخصومت
حالنده ايكن بوچقاى قرال مرد اولمغين آرالرنه فترت واختلال دوشوب
كيرو نيجه قرالنه متابعت كوستروب نيجه طايفه سى مزبورلر ايله خرشوك
معامله سن ايلدكلرندن غيرى اللرنده اولان قلعه لرينه ومملكتلرينه
دخى طمع ايتمكله وجبرا كندو دينلرينى اويدرمغه چالشمغله انلر دخى
نيجه ايله عداوتلرين اظهار ايدوب بوندن اقدم آستانهٔ سعادتمه
ايلتدكلرى اوزره من بعد دخى متابعت وموافقت ظهوره كتوروب
دوستمه دوست ودشمنمه دشمن اولمغه تصميم نيت ايلدوب انجلرندن
بللو باشلولرندن قدوة الاماجد المسيحيه بلوزى زيخو زنبو خاله

اردل حاكمى اولان تبلن غابورى كوندروب مرحوم مشار اليه جدم سلطان
سليمان خان طاب ثراه زماننده ويريلن عهدنامه موجبنجه جناب
جلالت مآبم طرفندن عهدنامه رجا ايلدكلرى جهتدن وآستانهٔ
سعادت آشيانمك قپوسى مراجعت ايدنلره دائما كشاده وطوغرى
كلنلره مواىد عاطفتم آماده اولمغين مومى اليهم بوقار ومجار بكلرى
كماكان آستانهٔ دولتمه عبوديتى قبول ايدوب بو عهدنامهٔ همايونى
ويردم وبيوردمكه يرى وكوكى يوقدن وار ايدن تكرى تعالى جل شانه
حضرتنك وحدانيتنه وسوكلو پيغمبرى ايكى جهان سرورى محمد مصطفى
صلى الله عليه وسلمك نورلى بوجه دينى وشريعتنه عهد ويمين
ايلدم كه مادامكه مشار اليهم بوقار ومجار بكلرى وقپودانلرى وساير
يونافلرى دروندن دلدن صداقت وطوغريلغله آستانهٔ سعادتمه
متابعت اوزره اولوب دوستمه دوست ودشمنمه دشمن اوله وشار الله
تبلن غابور ايله اتفاق واتحاد اوزره اردل ولايتنه هر نه جانبدن
دشمن ظهور ايدرسه دفع ورفعنده سعى واهتمام ايده لر وصدق الله
تابع اولدقلرينى اثبات ايچون جمله سنك راى واتفاقيله مملكتلرينك
محصولندن وتحملندن كوره آستانهٔ همايونمه بوسنه پيشكشلرين كوندره لر
بندخى هر وجهله دشمنلرندن قوروپوب معاونت وامداد لازم كلدكده
حصارلرنده واللرنده قلعه لرى وناحيه لرى اللرنده كماكان ابقا
ايدوب بكلرى بكلرمدت وبكلرمدت وبرعلكرمدت اصلا وقطعا
دخل ايلميه وقديم الايامدن سوره كلدكلرى آيين وقاعده وتوره
ودينلرينه وار اللرنده جارى اولان عادتلرين تغيير وتبديل ايتميوب
حاللرى اوزره قويوب سايهٔ عدالتمده آسوده حال اولمه لرندن غيرى
نسنه يه كمسنه مباشرت ايتميه كوكدركه انلر دخى بو بابده عهد
ويمين صدق قرينلك ثبات ودوامن مقرر بيلوب اعتماد واعتقاد
نوع آخر احتمالات وبرميه لر وولايت مرقومه ده قديمدن اوليكلندن
زياده ويركو طلب اولنميه وكلن ايلچيلرينه وقپوكتخدالرينه تعيين اولنان
نفقه لرى قانون قديم اوزره ويريله وارد حاكمى فوت اولدقده
بابهٔ سرير اعلامه عرض اولنوب رخصت همايونم صدور ايتمينجه
حاكم نصب اولنميه ولله قرالى وافلوق وبغدان حاكملرى طرفندن
اردل قلعه لرندن قلعه صاتون الق اولورسه رضا ويرلمیوب
كماكان صاحبلرنده قاله وافلوق وبغدان ويوده لرندن برى عاصى

اوزرینه عساکر ظفر مآثرمز وارد قلعهٔ اردله کیدرسه قوندریلوب
وآخر جانبه کتمکه قومیوب آلیقویوب آستانهٔ سعادته کوندوره لر
واردل ولایتنده واکا تابع مجار ولایتنده اهل اسلامدن نه مقدار اسیر
بولنورسه جملهٔ اخیه سزا طلاق اولنه وبالجمله حالا اردل حاکمی اولان
بتلن غابوری وکندودن صکره کلجک حاکملر وولایت اردلک سایر بکلری
واعیانی واوج ملت خلقی ورعایاسی مادامکه بو عهود وشروطی رعایت
ایدوب عهدنامهٔ همایونمک مضمون صدق مقرونندن تجاوز وعدول
ایلمیه لر بن دخی عهد ومیثاق ایدرم وایمان شداد ایله یمین ایدرم
یرلری وکوکلری یوغیکن وارایدن پروردگارمز حقیچون ویرلری
وکوکلری دخی یوزی صوینه یارادیلن ایکی جهان کونشی وجمله پیغمبرلر
سروری محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم حضرتلرینک دینی ومبارک ٤٥٦ ٤٤٨
شریعتی حرمتیچون بن دخی بو عهد وامانی مقرر طوتوب خلافنه
ذاهب اولیم کرکدرکه اردل حاکملری بو عهدنامهٔ همایونمی تصدیق
ایدوب اطاعتلرنده ثابت قدم اولوب دائما دعای دولت وثبات
حشمت ابدی الاتصالمه مداومت کوستره لر وقدیمدن اردل حاکمی
اولنلره نیکی اولدقلرنده آستانهٔ سعادتمدن ویریله کلان سنجاق
وعلم وطبوز وخلعت کماکان ویریله شویله بیله سز

مجار حاکمی بوجقای قرال مقدم بچه طرفنه تابع اولوب
آل عثمانه اطاعت ایتدکده ویریلن عهدنامه در

افتخار الامراء العیسویه مختار الکبراء فی الملة المسیحیه مصلح مصالح
جمهور الطایفة النصرانیه ساحب اذیال الحشمة والوقار صاحب
دلائل المجد والافتخار حالا مجار قرالی واردل حاکمی اولان بوجقای
قرال ختمت عواقبه بالخیر توقیع رفیع همایون واصل اولیجق معلوم اوله که
حالا مرجع سلاطین عظام وملجاء خواقین کرام اولان سده وآستانه
الجلیلمه ایله مکتوب صداقت اسلوبکز وارد اولوب مضموننده عتبهٔ ٤٤٧
علیه مزه اطاعت ومتابعتی سرمایهٔ دولت وپیرایهٔ عزت بیلوب
هربار عساکر نصرت مآثرمز ایله عدوی خاکسار اوزرینه توجه وعزیمت
ایلدوککزده مبارکلک بولوب انواع فتوحات وبوزاقلقلری میسر
اولوب هر وجهله نظر عنایت اثرمزه مستحق اولمغین حالا وزیر اعظم
وسردار اکرم مشیر الفخم مدبر امور الجمهور بالفکر الثاقب متمم مهام
الانام بالرأی الصایب مکمل ناموس السلطنة العظمی مرتب مراتب

الخلافة

للخلافة الکبری ببربیشه وغا وهزبر کوهستان هیجا المحفوف بصنوف
عواطف الملک الاعلی محمد پاشا ادام الله اجلاله ویسر بالخیر آماله نک
احوال صداقت مآلکزه وقوف وشعوری درجهٔ نهایتنده اولمغله حقکزده
ایلدوکی حسن شهادتی عز حضور فایض النورمزده مقبول ووبرکوکز رعایتی
حیز حصوله موصول اولمه سی واوغور همایون نصرت مقرونمزده ظهوره
کلان صداقت وخدمات مبروره کزمقابله سنده مملکت واهالیسنه
دخل وتعرض اولنمامق بابنده عهد وامانی مشتمل وسایر تعیین اولنان
احوال سرحد ومملکت وقرا وقلاعک حفظ وصیانتنی متضمن عهدنامهٔ
همایونمز ارسالی مأمول ومسؤل اولدوغن تحریر وبیان ایدوب
وایلچیکزه آغزدن اصرلدوغکز مرادکزهر نه ایسه علی التفصیل پایهٔ سریر
سعادت مصیرمزه عرض اولنمقده جمله سنه علم عالم شمول شاهانهمز
محیط اولدوغندن ماعدا سردار نصرت شعارمزک حقکزده بیان
ایلدوکی حسن شهادتیکه اجداد عظاممزدن فردوس مکان مرحوم
سلطان سلیمان خان حضرتلرینک قولی وچراغی اولان ولایت
اردلک قدیمی مجار بکلری وبکزاده لری وسایر اوجاق بکلری ومملکت
صاحبلری جد امجدمزک نعمت قدیمه سنه حق رعایت اوزره اولیوب
وزنبغور نام غواسیله کفران النعمه اولان اشقیای طایفه دن اظهار
عصیان وفساد وطغیان ایدنلرک پایمال وبرکشته روزکار اولدقلری
مشاهده ایتمکله موی الیهک بو وجهله تقریری سزک خصوصکزده
حسن توجه ومزید التفات شاهانهمز ظهورینه باعث اولمشدر امدی
مشار الیه سردار نصرت شعارمز احوال وامالکزه مطلع اولوب رعایت
وحمایتکزده سعی واهتمام اوزره اولدوغی مشاهدهٔ همایونمز اولمغله
جمهور امورکزی موی الیهک رأی صایبنه تفویض ایدوب مجدداً اوتاغ
چیقاروب بروجه مسارعت سفر همایونه توجه وعزیمت اوزره
اولمغله مراد اولنان عهدنامهٔ همایونمز یازلمغه زمان مساعد اولیوب
اولدخی مشار الیه وزیر اعظمه سپارش اولنمشدر انشاالله تعالی بر وفق
دلخواه جمله مرادکزه مساعد ایدوب رعایت وحمایتکزده حسب المقدور
سعی موفور ایله سوار یز اولمغین بو بابده اطمینان خاطرکز ایچون یمین
ایده رزکه یرلری وکوکلری یوغیکن وارایدن جناب رب العزتک
عظمت ووحدانیتی حقیچون وایکی جهان کونشی حضرت رسول اکرم صلی الله
علیه وسلمک روح پرفتوحلری حرمتیچون وآباء کرام واجداد عظاممزک ٤٥٧ ٤٤٩

ارواح مطهره‌لری ایچون • مادامکه سز وسایر توابع وعسکرکز عتبهٔ علیه‌مزه
تبعیت اوزره اولان مجارلری وبکلری وبکزاده‌لری • دوستمزه دوست ودشمنمزه
دشمن اولوب • مملکتمزدن تجارته واروب کلن بازرکانلره بمزه وآدملرمزه
وسائر اهالی ولایتمزه • دخل وتجاوز اولنیوب • دوستلقده ثابت قدم
اوله‌سز • بو طرفدن دخی اکا مغایر بر وضع ایدرولمك احتمالی اولمیوب
سزه وتوابعکزه وممالك محروسه‌مزه کلوب کیدن تجار وآدملریکزه
ومملکت ورعایاکزه بر فرد دخل وتعرض ایدرولمیوب • ودخل ایدنلرکه
سیاست ایدلوب حقلرندن کلنور • والعیاذ بالله تعالی نمچه انقیاسندن
غلبه وتجاوزی واقع اولورسه • هر وجهله امداد واعانت اولنوب نفی
شرایط صلح وپیمان رعایت اولنمق مقرردر • واردل حکومتی ومجارقرا
سزه وسزدن صکره اوغوللریکزه واندن صکره مملکت خلقی کیمی مراد
ایدینورلرسه • آستان عزت آشیانمزه اطاعت وانقیاد اوزره
اولوب • مملکت خلقنه نافع وطوغری اولان کمسنه‌یه • وبرلمك بابنده
فرمان عالیشانمز صادر اولشدر • کرکدرکه عهدنامهٔ همایونمز وصولنده
اول عتبهٔ عزت عنوانمزه مخلد وکلکز صداقت واخلاص • ومودت
واختصاصکز موجبنجه من بعد دخی جادهٔ اطاعت وتبعیتده ثابت
قدم وطریق انقیاد واستقامتده راسخ دم اولوب • وجه مشروح
اوزره شرف صدور بولان عهد وامانی محقق • ومشارالیه سردار ظفر
کردارمز طرفندن کوندریلن عهدنامهٔ همایونمزك مضمونی مصدق
بیلوب • کما کان دوستمزه دوست ودشمنمزه دشمن اولوب • حسن اتفاق
واتحاد ایله بعنایة الله تعالی انواع فتوحات جمیله وبوزاقلقلری
ظهور ایلیه • ارسال اولنان هدایاکز ایلچیکز یدندن عز حضورمزه
وصول • وحسن مطالعه‌مزه مقرون وشرف قبول بولوب • موما الیه
ایلچیکز مرعی قلنوب قدنصکره جناب جلالتمآبمز طرفندن اغرخبری
سپارش اولنوب • حسن اجازتمزله طرفکزه عودته رخصت وبرلدکی
ملاقاتکرله شرفیاب اولدقده فرمان قضا جریانمزك اجراسنده
سعی واهتمام ایلیه‌سن • نمچه طرفندن صلح مراد اولندقده سزه
حواله اولنوب • بو طرفدن صلحه رضا کوسترلیوب • اکر نمچه
طرفندن ولایتکزه هجوم وغلبه واقع اولوب • ممالك محروسه‌مزه
کلوب آدملریکزه بر فرد مانع اولمیوب • اموال وارزاق وحیوانلرینی
وکندولرینه اصلا تعرض اولنمز • ولازم اولدقده زاد وزواده‌لری تدارك

اولنوب

اولنوب • رعایت ایدیلور اکا کوره معلومکز اوله • فتح اولنان یرلرده
کفار زماننده معاف ومسلم اولمش بعضی سپاهیلر وارد(ر) مملکت اسکینه
سپاهیلکلرینی ایتمیه‌لر • وویرکو طلب اولنماسن • وبوندن صکره کلوب
مهرلو دفتریکزه کلوب بوجانبدن هرکیمك ایچون معاف نامه طلب
ایدرسکز اسغاء اولنماسن • ومن بعد اکر ولایتکزدن واکر بوزوده‌لو
ولایتلرندن عتبهٔ علیه‌مزه طوغرولغله التجا واطاعت ایدنلر سایر
اطاعت ایدن مجار اهالیسی کبی کندو دین وآیینلرنده اولوب مملکتلرینه
اوتوروب • صلح وعهده مغایر وضعلری صادر اولمدقچه دخل اولنیوب
ایام سعادت انجاممزده آسوده حال وعتبهٔ علیه‌مزه استقامت اوزره
تبعیت وانقیادده برقرار اولدقلرینچه مملکتلرنده اسیر اخراج اولنیوب
واوچ سنه‌دن برو خلاف عهد وامان اخراج اولنان اسیرلر بکز
دخی کوریلوب اطلاق اولنمالری • وقچی تحذ اکزم وکلن ایلچیلریکزه
رعایت اولنوب • زاد وزواده‌لری تدارك اولنمق بابنده رجا والتماسکز
اوزره عمل اولنمغیچون مشار الیه سردار ظفر کردارمز سپارش اولنمشدر
مادامکه طرفکزدن عهد وامانه مناقض برحال صدور ایتمیه بوجانبدن
دخی اکا مغایر ایش اولمق احتمالی یوقدر • خاطریکز خوش طوتوب حسن
معامله‌ده ثابت قدم اوله‌سز • ومتصل احوال خیرمآلکزی بوجانب آستانه‌مزه
عرض واعلام ایتمکدن خالی اولمیه‌سز •

سنه ١٠١٦

اردل حاکمی بتلن غابورك منکوحه‌سنه حکومت اردل عنایت اولندقده سلطان مرادخاندن عهدنامه در

حضرت آفریدکار لایزال • وجناب فاعل مختار متعال • جل شانه عن
الشبه والمثال • وتنزهت صفاته عن الحدوث والانتقال عنایات
بی غایتی • ومهر سپهر نبوت • اختر برج رسالت • پیشوای زمرهٔ انبیا •
مقتدای فرقهٔ اصفیا • ایلچی جهان کوشنی پیغمبریمز حضرت محمد مصطفی
صلی الله علیه وسلمك معجزات کثیر البرکاتی • وچهار یار کزین • وجمیع
اصحاب هدایت قرین • ارواح مقدسه‌لری مرافقتی ایله محل طغرا بن کم
سلطان سلاطین مشارق ومغارب • وصاحبقران عالی مناقب • خاقان
ممالك فسیحهٔ روم وعرب وعجم • وارث اورنك قیصر وجم • تاجبخش
خسروان جهانم • ظل الله الملك المنان • ثانی اسکندر ذوالقرنین • خادم
الحرمین الشریفین • معظم شعار القبلتین • اشرف البلدان والاماکن
اقدس البقاع والمواطن • مکهٔ مکرمه • وبکهٔ معظمه • ومدینهٔ پرسکینهٔ منوره

٥٠٨٤٥

مفخمه‌نك • وقدس شریفك • ولحسه • وقطیفك • ومصر ویمن • وصنعا وعدن
وبصره وسیواس ومرعش وصیدا ودمشق دارکدم شام • وحلب
وطرابلوس شام • ونهاوند وبلنکان • وبیروت وعسقلون ودیاربکر
وعادیه ووان • وارض روم وقارص وازدهان • وچالدر وتومانس
وزکم وکوری وکرجستان • وقره باغ وشهرزول وکوردستان • واناطولی
وروم وقرمان • وباب‌الابواب دمورقپو وطاغستان وترکستان
ودشت قپچاق • وبغدان وافلاق • وآق دکز وقره دکز ودریای قلزمك
وسایر اقالیم ترك ودیلمك • وحصرة الملوك اولان استانبولك • وذو
لقدریه وروها وموصل ودارالجهاد والحرب • جزایر غرب وطرابلوس
غرب • واوطان • تونس وجزیرهٔ قبرس وساقز ورودوس • وعموم ممالك
دیار روم ایلی وطمشوار • وبوسنه وقنژه وبدون واکری وکفه وطاتار
ولایتلرینك وبونلرك امثالی نیجه ممالك معموره • ومسالك غیر محصوره‌نك
رفیع فلك ارتفاع • وبقاع کثیرة الانتفاعك • پادشاهی وسلطان
وشهنشاهی سلطان مرادخان ابن سلطان احمدخان ابن سلطان
محمدخان ابن سلطان مرادخانم • اردل ولایتی اجداد عظامم انار الله
براهینهم زمان شریفلرندن بروسایر ممالك محروسه‌م کبی اولوب
ورعایا وبرایاسی دخی سایر ممالك وسیعة المسالکم رعیتلری کبی
خراج کذار رعیتلرم اولمغیله قدیم الایامدن اردل حاکملری دخی
اباعن جد عتبهٔ علیهٔ سلطنت پناه • وسدهٔ سنیهٔ سعادت دستکاهمه
اطاعت واخلاص جاده سنده ثابت قدم • وهر زمان بنیان رفیعلری
مبرم ومستحکم • اولوب انك کبی حلول اجل اقتضا ایلدکده • ویا خود
اخر طریقیله اردل حاکمی تجدیدی اولنمق لازم کلدکده اردل حاکملرینك
سلسله سنه منتسب اولان اوغللرندن وقرنداشلرندن وسایر
اقربا سندن حکومته سزاوار • واساس عبودیتی استوار کمسنه‌یی رضای
همایونمله ولایت اردلك سایر بکلری • واوچ ملتك اعیان ورعایاسی
حکومتلرینه اختیار ایدوب • دخی سدهٔ سعادتمدن اوزرلرینه حاکم
نصب وتعیین اولنوب • اللرینه برات همایون وعهدنامهٔ سعادتمقرون
ویریلك مقرر ولمعین • بالفعل بجا رقرالی واردل حاکمی اولان افتخار
الامراء العظام العیسویه الخ بتلن غابور • ختمت عواقبه بالخیر کندو طرفندن
واردل ولایتنده واقع ذکر اولنان اوچ ملتك اتفاقی ایله قپو کتخداسی
تعیین ایدوب • سدهٔ سعادتمداره • وعتبهٔ دولت قرارمه کوندردوکی

اردل

اردل مملکتنك اعیان وبللو باشلولرندن بورشوش طوماش ایله ارسال
ایلدوکی مکتوب • وزرای عظام ووکلای فخامم طرفندن ترجمه وتلخیص اولنوب
پایهٔ سریر معدلت مصیرمه عرض اولندی که اول مکتوبك مفهوم منداسی
کندونك اوغلی اولمغله اردل ولایتنك حکومتی آیین وارکانلری واوزرا
اوچ ملتك رأی واتفاقیله کندونصکره بالفعل منکوحه سی اولان
اشبو دارنده منشور لامع النور مطالع مسطور • توقیع رفیع متوجب
السرور • فخر المخدرات العیسویه • تاج المستورات فی الملة المسیحیه
براندی بورغی قانالیت اصون • ختمت عواقبها بالخیر • اولماسنی مراد
ایدینوب • وذکر اولنان اوچ ملت رأی مناسب اوزره اختیار ایلوب
بوخصوصه قرار ویردکلری اجلدن کندودن صکره اردل ولایتنه
حاکم تعیین اولنوب • آستانهٔ سعادتمدن اجازت ویریلوب • مقرر
طوتیلق رجا ایتمکین • مشار الیهانك حقنده مزید عنایت علیه خسروانه
ومزیت رأفت ملوکانه‌م وجوده کتوروب • ذکر اولنان اوچ ملتك
رأی واتفاقی ایله وآیین وارکانلری اوزره کندودن صکره اردل حکو منتی
مشار الیها براندی بورغی قنالیت اصون • ختمت عواقبها بالخیر توجه
وعنایت ایدوب • ایکی جهان فخری اولو پیغمبر حضرت محمد مصطفی علیه
الصلوة والسلامك هجرت شریفه لرینك بیك اوتوز التی رجبنك
سکزنجی پنجشنبه کونی که تاریخ حضرت عیسی علیه وعلی نبینا افضل
الصلوات والسلامك بیك التیوز یکرمی التی سنه سنده واقع اولان
مارت آیینك سکزنجی کوننده‌یدکم • بوعهدنامهٔ همایونی ویردم وبو وجهله
بیوردم که براندی بورغی قنالیت اصون ختمت عواقبها بالخیر • سوم الیه
بتلن غابوردن صکره اردل ولایتنه حاکم اولوب • تصرف ایدوب مقدما
ویریلن عهدنامه‌لر موجبنجه بوندن صکره کیرو اردل حاکملرینك بوتی
ویا اخر طریقیله تجدیدی اقتضا ایلدکده • فرمان جلیل العنوانم • موجبنجه
اردل حاکمی سلسله سندن اجلرینه یوش • ودایهٔ حکومتله پرورش بولمش
کمسنه‌یی جمله اردل بکلری واوچ ملت اعیانی واوجاقت صاحبکرلری قبول
ایلیوب • عرض ایلدکلرینه جناب جلالت مآبم طرفندن نصب اولنه
وانك کبی اعیان مملکت وسایر رعیتك خبری یوغیکن خارجدن
حکومته طالب اولنلره ویرلیه • وحکومت سوداسیله اجنبیلردن تغلب
طریقیله فضولا حکومته متصدی اولنلره اصلا دخل ایندوریلوب
واطاعت ایدلد • وشاهراه استغنا شرعه استوار اولوب • دوستمه دوست

ودشمنمه دشمن اوله وپیمان شکن اولمیه حتی اردل ولایتی بکلربکلرم وسنجاق
بکلرم وسایر عسکر نصرت اثرم سرا وعلانیة اردل ولایتی حدودینه تجاوز
ایتمیوب رعایا وبرایاسن اسیر ومالارین نهب وغارت ایتمیوب مقدما
النان اسیرلردن مسلمان اولمیوب کفر اوزره بولنانلر کیرویه رد اولنوب
ایکی طرفدن امن وامان وعهد وپیمانه مغایر فساد ایدنلرک جزالری
ویریله وصولنق وکوله ولپوه وطمشواره برکع خراج وویرکو ویروب
جانب همایونمه اطاعت ایدن کویلر وواروشلر وصولنغه تابع دیرسك
واروشی دخی مقدما اردل عصیان ایدنجه ویرکوسین ویرمکله کماکان
جانب همایونمه متعلق اولوب معتادلری اولان ویرکولرین ویره لر
اردل طرفندن اصلا دخل ونزاع اولنمیه وانلرکه الی الآن اطاعت ایتمیوب
بوجانبه ویرکو ویرمشلردر سرحد حاکملری وغیریلر اصلا دخل ایلمیه لر
وقتیمدن ممالک محروسه مده قریه لرندن رعایا قالقوب اردله کتمش واریله
کیرو یرلرینه کوندروب اجلرینه صقلدیه لر وبلغراددن وسایر ممالک
محروسه مدن تجار واسیردن مال ورزقلرله تجارلری قبول ایتمیوب
کیرویه رد ایلیه لر وقت بوقت معین اولوب ویره کلدکلری خراجلرین
وپیشکشلرین وقت وزمانیله سال بسال ویروب بالتمام والکمال آستانۀ
سعادتمه ارسال وایصال ایلیه لر اکر بعض مفسدلر برفتنه واختلال
براغمق ایچون اردل حاکملری حضرنه شکایت ایدرلرسه ویاخود مهرقازوب
تقلید ایله مزور مکتوب ویاخود طریق آخر ایله کاغد ابراز ایدرلرسه
ولایت خلقی اتفاقیله یوقلدنوب شکایت ایتدکلری ماده نک حقیقتی
چیقمیوب تزویر وحیله اولدوغی ظاهر اولدقدن فرمان همایونمله
مستحق اولدقلری جزالری ویریله وافلاق وبغدان وبوده لری
عتبۀ علیامه متابعت وانقیاد وموافقت واتحاد اوزره اولمغین
بربریله دوستلق وقوکشیلق شرایطین رعایت ایده لر وبرطرفدن دشمن
حرکت ایتدکده بالذات کندوسی وارمغله می اولور یوخسه کفایت
مقداری عسکر ارسالیله می اولور هرنه وجهله اقتضا ایدرسه وهرنیجه
الدویرورسه معاونت ایدوب ممکن اولدقجه مضرتلرین دفعه اقدام
ایلیه لر اما اردل بکلری وحاکملری واعیان عسکری امداد طلب
ایلدکلرینده مرور وعبور ایده جک کوپریلرین وسایر یجدلرین ویوللر
توسیع وترمیم ایدوب وسایر تدارک واحضاری لازم اولان مهماتی
آماده ایتدکدن نصکره آدم کوندروب بوجانبدن دخی معاونت

ایچون

ایچون عسکر ارسال اولنه که جنود ظفر نمودم واردقلرنده برنسنه یه مضایقه
چکمیه لر وکذلك ممالک محروسه مده بر سرحدده خدمت واقع اولوب سرحد
بکلربکلری حاکم موسی الیه اعدا ایلدکلرنده مقتضای صداقت وعبودیت
اوزره اردل وبجار بکلری ایله اتفاق ایدوب دخی بالذات قالقوب
وارمغله می اولور یوخسه عسکریات ویراق وذخیره ومهمات کوندر
مکله می اولور هرنیجه اقتضا ایدرسه معاونت وخدمت ایده لر واردل
حاکملری نیجه طرفی ایله قدیم الایامدن نه وجهله مصالحه ومعاهده ایده
کلمشلر ایسه واوارلرنده نه طریقله تمسکات وعهدنامه آلنوب ویریله
کلمش ایسه وسنور وحدودلری نه یوزدن تعیین وقطع اولنمش ایسه
کیرو اول وجهله ممالک اسلامیه دن ماعدا کندو قلعه لرنه وواروشلرینه
وقراولواحیلرینه دخل وتعرض ایتمیوب کماکان اردل مملکتندن معدود
اوله وبجار امراسندن اردل حاکملرینه تابع اولنلره برفرد مانع اولمیوب
وممالک محروسه مزک حاکملری وضابطلری طرفندن بوعهده مغایر
کمسنه تعدی وتجاوز ایلمیه وکندو حالنده اولمیانلره محکم تنبیه
وتأدیب اولنه وکلن ایلچیلرینه وقپوکتخدالرینه تعیین اولنه کلان
نفقه لری قانون اوزره ویریله ولهوا وافلاق وبغدان حاکملری طرفندن
اردل قلعه لرینک قلعه صاتون آلمق مراد اولنورسه رضا ویرلمیوب
کماکان صاحبلرنده قاله وافلاق وبغدان وبوده لرندن بری عاصی
اولوب اوزرینه عسکر ظفر رهبریمز واردقده اردله کیدرسه صغندرمیوب
آخر جانبنه کتمکه قومایوب آستانۀ سعادتمه کوندره لر واردل
ولایتنده اهل اسلامدن نه مقدار اسیر بولنورسه جملهسی اقچه سز
اطلاق اولنه وبالجمله حالا اردل حاکمی اولان بتلن غابور وکندودن نصکره
حاکم اولاجق مزبورک برادری یوزنغی قتالیت اصون واندن نصکره کلجک
حاکملر واردل حاکملرینک سایر بکلری واعیانی واوچ ملت خلقی ورعایا
مادامکه بوعهد وشروطی رعایت ایدوب عهدنامۀ همایونمک
مضمون صداقت مشحوننه تجاوز وعدول وانحراف ونکول ایلمیه لر
بندخی عهد ومیثاق ایلیوب ایمان شدید ایله یمین ایدرمکه یرلری
وکوکلری یوغیکن وارایدن پروردکارمزک حقیچون ویرلری وکوکلری
یوزری موسنخلق ایلدوکی ایکی جهان فخری وجمله پیغمبرلرک سروری
محمد مصطفی صلی الله علیه وسلمک پاک روحلری حقیچون بوعهد وامان
مقرر طوتوب خلافنه ذاهب اولمیم کوکدرکه اردل حاکمی اولنلر بوعهدنامۀ

همایونمی تصدیق ایدوب اطاعتلرنده ثابت قدم اولوب دائم الاوقات ثنای حشمت ابدی لا تصافره مداومت کوستره لر وقد بمدت اردل حاکمی یکی اولدقده آستانهٔ سعادتمدن ویریله کلان سنجاق وعلم وطبل وزور خلعت کما کان ویریله شویله بیله لر

محاذ قراللری دوت بکلر بکیسی کنعان پاشا طرفندن کوندریلدن مکتوبدر

افتخار الامراء العظام العیسویه مختار الکبراء الفخام فی الملة المسیحیه مصلح مصالح جمهور الطایفة النصرانیه ساحب اذیال الحشمة والوقار صاحب دلایل المجد والافتخار محبتلو مودتلو دوستمز مجار قرالی شلن غابور ختمت عواقبه بالخیر قبلنه خلوص سلام محبت انجام که سعادتلو ودولتلو وعظمتلو وقدرتلو پادشاهمز حضرتلرینک آستانهٔ سعادتلرنیه اولان کمال عبودیت واخلاصلرندن اوزریمزه لازم الادا ونقاوهٔ بیام مخالصت ارتسام که اهل اسلام طرفنه اولان وفور مودت واختصاصلرندن ومتمزه واجب لاحدا اولان انواع اکرام ایله ابلاغ واتحاف اولنوب مراسم تفقد خاطرلری ولوازم تفحص حال عزت مآللری تقدیم اولندقدن نصکره انهاء محبانه وابناء دوستانه اولدرکه الحالة هذه بودولت علیهٔ پادشاهیه اولان عبودیت واختصاصکز موجبنجه وبو سلطنت جلیله وکلا سیله اولان حسن معامله لرکز استدعاسنجه بودوستکز طرفندن سوال اولنورسه اولاچوق چوق شکرلر برلری وکوکلری واراییلین پروردکار ربمز حضرتلرینه که صحت وسلامتله معززاولوب ثانیا سعادتلو وعظمتلو وهیبتلو وشوکتلو پادشاهمز حضرتلرینک ذرهٔ لطف ومرحمتلری بوقوللرینک حقنده وجوده کلوب انکروس سرحدینک کلیدی واولطرفلرک سد سدیدی اولان بدون ایالتی وزارت ایله بودوستکزه توجیه وعنایت بیوروب اول سرحدلرک جمهور امورین رأی وتدبیریمزه حواله ایتمه لریله اول جانبه توجه وعزیمت اوزره یوز حق سبحانه وتعالی حضرتلری تدبیریمزی تقدیرینه موافق ایدوب سعی وهمتمزک نتیجه سی ایکی طرف فقراکزک صفای خاطر وفراغ باللرینه باعث وبادی اولوب عرض وناموس سلطنت علیه یه لایق انواع خیرلر وخدمتلر وجوده کتورمکه میسر ومقدر اوله ایالت مزبوره بودوستکزه ویرلدوکی اثناده درکاه عالیده متفرقه لرندن اولوب طرفکزدن درودولتمه مکتوبکز ایله کلان اشبو موصل ورقهٔ مودت قدوة الاماجد والاکارم حاجی یوسف اغا

زید مجده کبیر وطرفکزه روانه اولنمغله بومکتوبمز تحریر اولنوب حضورکزه کوندرلشدر که انشاالله تعالی بودوستکز واروب اول سرحدده دخی اوبتجه دکین نه کارده ونه محلده اولوب دولت پادشاهیه نافع ومقبول خدمت وجوده کتوردککزی واحوالکزدن مخبر اولدوغمز واولطرفلرک جزوی وکلی سایر احوالی اخباریکزی قرشومزه مکتوبکز ایله انها واعلامه سعی وهمت ایلیه سز امیددرکه اول جانبه بلطف الله تعالی واردقده لایق دین ودولت وموافق عرض سلطنت اولان خیرلو مورده هرخصوصکزه بذل قدرت وصرف همت اولنه باقی همواره لوازم مودت والفت مؤبد اوله

اردل حاکمی ومجار امراسنه یازیلن نامهٔ همایوندر

مفاخر الامراء العظام العیسویه مراجع الکبراء الفخام فی الملة المسیحیه مصلح مصالح جمهور الطایفة النصرانیه ساحبوا اذیال الحشمة والوقار صاحبوا دلائل المجد والافتخار قدیمدن آستانهٔ شید الارکان ولا مانع اظهار رغبت واخلاص وعرض مودت واختصاص ایدن ملت نصارانک قراللری وکزیده ملوک وحاکملری واندن غیری انلرک ایل وممالکلری قریب وبعیدلریله حالا مرجع قیاصرهٔ زمان وملاذ کاسرهٔ دوران اولان سدهٔ سعادت بنیانمزه مجدداً دوست اولمق مراد ایدینت امت عیسویه نک قراللری ونامدار بکلری وایل وممالک صاحبلری وحاکملری ختم الله تعالی عواقبهم بالخیر توقیع رفیع همایونمز واصل اولیجق معلوملری اولا که حق جل وعلانک علو عنایتی ایله محفوظ ومصون وسرور انبیا پیغمبرمز محمد مصطفی علیه الصلوة والسلام حضرتنک سمو حمایتی ایله سلسلهٔ سعادت مقرون اولان دولت علیه ابد پیوندمزک قدیمی بندهٔ خیرخواهی وصمیمی محب بی اشتباهی اولان افتخار الامراء العظام العیسویه مختار الکبراء الفخام فی الملة المسیحیه مصلح مصالح جمهور الطایفة النصرانیه ساحب اذیال الحشمة والوقار صاحب دلایل المجد والافتخار اردل حاکمی ومجار قرالی اولان بتلن غابور ختمت عواقبه بالخیر طرفندن اولو آستانهمزه مکتوب وآدم کلوب سزکه اول جانبده اولان قراللرک وحاکملرک کباری وملت عیسویه نک مرضیة السلوک وصاحب اعتباری وارباب عرض وناموس زمره سنک زبده لری سز بعضیکز توجه آستانهمزه قدیمدن اثبات صداقت واتحاد واظهار رغبت ووداد ایدوکلکز وبعضیکز مجدداً دوستلق وآشنالق مراد ایلیش عظیم ممالکلر صاحبکری

٤٦٢٤٥٤

اولمالکز ایله مذکور اردل حاکمی و مجار قرالی بتلن غابور خدمت عواقبه
عواقبه بالخیر دخی دائما سزکله حسن معامله و دوستلق اوزره بجنوب
و سز دخی آنکله متصل ایلولك اوزره بتشوب جمله کز ایلوکه مایل اولوب
و خیرلو مصلحتلره چالشماکز ایله موی الیه کندو طرفکزدن مکتوبلر
و آدملر کوندروب اگرچه اکثر بزم عتبه علیه پادشاهینك قدیمی
دوستی و خیرخواهی و محب بی اشتباهیوز لکن بعضیلرمز دخی حالا
اول اولو آستانه یه انتساب و اختصاص ایلمك استرز بزه دخی دلیل
اولوب بو جهه درکاهلرینه بزم دخی خلوص انقیاد و اتحادمزی
عرض ایله دیو بلدرمکزله موی الیه بتلن غابور دخی دردولت
مدارمزه اولان فرط محبت و کمال عبودیتی مقتضاسنجه سزك احوالکزی
و دوستلقلریکزی مفصل و مشروح یازوب حقیقتی ایله شرح و بیان
ایلمش بنا علی هذا جمله احوال و اخبار وزرای عظاممز طرفندن ترجمه
و تلخیص اولنوب حضور عزت موفورمزه ارسال اولنوب قدم اولندن اخریه
وارنجه دکین اول خصوصلره نظر فرخنده اثرمز تعلق ایدوب اصلا
برخفی و پوشیده نسنه قالمیوب اول اولو آستانه مزایله مراد ایدندوککز
دوستلقلریکز مقبول همایونمز و بو جهه درکاهمزه بلدردوککز خیرلو
مصلحتلر پسندیده طبع صفا مقرونمز اولمشدر ابا عن جد دردولت
مدارمز عامه عالمیانه مفتوح و کشاده و علی الخصوص دوستلق و آشنالق
طریقنه کیرمك استینلره توجه و اقبالمز جمله دن زیاده در الی الان
آبا و اجدادمز زمانلرندن بزم زمان سعادت اقترانمزه کلنجه دکین
خاندان عزت بنیانمزه دوست اولنلر نه وجهله اییلك کورمشلر
ایسه سز دخی اکا کوره توجه و التفات شاهانه مزه مظهر دوشوب
اقرانکز بیاننده بو عالی آستانه یه انتساب و اختصاص جهتندن
مفتخر و ممتاز و قرین انواع اکرام و اعزاز اولمکز مقرردر فلاجرم
حضور عزت موفورمزه عرض اولنان مرادلریکز و دوستلقلریکز
مقبولمز اولوب آستانه سعادتمزه الچیلریکز کوندرلمه سنه رخصت
و اجازت همایونمز صادر اولدی و غنه دلیل و شاهد اولمغیچون حالا
اشبو اجازت نامه التفات مشحونمز تحریر اولنوب کوندرلمشدر
کوکرکه وصول بولدقده درونکزده اولان صداقت و استقامت
و اشنان محلی لا ازکانمز حالا عرض ایتدوککز محبت و مودت
مقتضاسنجه بو سبب عزت کوستردوککز خیرلو مصلحتلرك تمشیتنه

واتمم

واتمام و اختتامنه انواع سعی و همت ایدوب باقی و پاینده اولاجق
وجه اوزره بکشدمسنه صرف قدرت ایدوب سزکه سایر دوستلرمز
اولان قرال لرکبی معتاد قدیم اوزره آستانه دولت مدارمزه برادر و معتبر
الچیلریکزی کوندروب کوندردوکن محبت و مودت اسبابنی زیاده
و مرادیکز اولان دوستلق خصوصنی مستحکم و قرارداده ایتمکله بزم
طرف فرح اثر شرفمزدن دخی حسن توجه و التفات آثاری یوماً فیوماً
ازدیاد و میل و محبت اوفاق اتصال و امتداد بوله انشاالله تعالی
سزك سعادت فرینمزه الچیلریکز و آدملریکز کلدکده هر برینه باشقه
باشقه منزللر و قوناقلر تعیین اولنوب عواطف علیه شاهانه مزدن
نه وجهله رعایت و حمایت اولناجقلری و کیرو سزك طرفکزه ارسالی
لازم اولان آدملریکز نه طریقله امین و سالم اولجانبلره اولاشدرله
جقلری جمله کزك وقتنده معلوممکز اولور اولبابده خاطریکز خوش
طوتوب بو خصوصلره صادر اولان کلمات سعادت سمات مزی مقرر
و محقق بیلوب سز دخی دوستلق و آشنالق طریقنده ثابت قدم
اوله سز حالا بودون محافظه سنده اولان دستور مکرم الخ
وزیرمز محمد پاشا ادام الله اجلاله یه موکد و مشدد امر شریفم کوندرلوب
تنبیه اولنمشدرکه کندو اوزرینه مأمور اولان بودون و بوسنه
و طمشوار و قنیژه و اکری ایالتلری و توابعی عسکری ایله و اندن
ماعدا روم ایلی ایالتندن کندی اوزرینه مأمور اولان کزیده سنجاق
بکلری عسکری ایله که ممالك محروسه مز لشکرلرینك دلاورلری
و هر برینجه بیك آدمه مالك اوجاق ارلریدر جمله سی مشار الیه
وزیرمز و سردارمز ادام الله اجلاله اوزرینه واروب جمع اولوب
بودون سرحدلرنه مناسب کوردکلری برمحله جمعیت ویرلش
ایلیه لر بر طرفدن اردل حاکمی و مجار قرالی دخی کندو عسکرینی محکم
جمع ایدوب مشار الیه وزیرمز ایله دائما خبرلشوب حاضر و مهیا
اوله لرکه انلر کبی بر طرفدن یا موی الیه مجار قرالی بتلن غابور اوزرینه
یاخود اردل مملکتنه و اکا تابع اولان یرلره بر دشمن کلمك احتمالی اولورسه
اقتضا ایتدوکنه کوره دفع و رفعلری خصوصنده سعی و دقت اوزره
دیت و دولتمزه لایق و ناموس سلطنتمزه موافق اولان امور اجراسنده
بذل همت ایلیه لرکه انشاالله تعالی سزك دخی بو جانبه برادر و معتبر
الچیلریکز و نامه لریکز کلوب دوستلق احوالی بکشدکدنصکره سزك

دخی صیانت وحمایتکز وامداد واعانتکز امرنده فوق الغایه اهتمام بلا نهایه
پادشاهانه‌مز مصدور وایلك مقرردر· شمدی نصکره بغلنوب استحکام وزیادة
جمله مصالحمز دن سزی وایل وملکتکزی صلح وصلاحمزه مخالف دخل
ایدورمیوب· مشار الیه مجار قرالی بتلن غابور ایله واقع اولان صلحمزه
کبی سزدخی شروط وعهودمزه ادخال اولنوب· سایر دوستلریمز اولنان
حسن معامله‌یه ایصال ایدرز خلاصة اقوال· قلب شریفمزدن کچن
زبدهٔ اخبار خیر مآل بودرکه· وقوعی اوزره جمله‌سی یازلمشدر· سایر
تفاصیل احوال دخی مشار الیه اردل حاکمی بتلن غابوره یازوب
بلدورمکدر· اعلام ایدوکی اخبار وآثاره اعتماد واعتقاد ایدوب
اکر سوی انیه· واکر بالفعل بدون محافظه سنده اولان وزیر بلند
اقتدارمز محمد پاشا ادام الله اجلاله ایله دائما خبرلشه‌دن خالی
اولمیه‌سز· وبو نامهٔ همایونمز سزه تاریخنده واصل اولورسه· وقوعی
اوزره یازوب· انشاء الله تعالی کوندریلجك آدملریکز ایله آستانهٔ
سعادت آشیانمزه عرض واعلام· ودوستلق لوازمنی کرکی کبی اتمام ایلیه‌سز·

⁂ اردل حاکمنه یازیلان نامهٔ همایوندر

سزکه آستانهٔ سعادتمدار· وعتبهٔ علیه دولت قرارمزك امکدارلری
وصداقتکارلری اولوب· مرحوم جنت مکان خلد آشیان داخل جوار
رحمت رحمان· پدر بزرکوارم سلطان احمد خان· علیه الرحمة والغفران
حضرتلرینك خاصه چراغ افروخته‌لرندن اولدوغکز اجدادکز زمان
شریفلرندن الی هذا الآن آستان مخلد الارکان· ودودمان مشید
البنیانمزه کمال صداقت واستقامتله خدمت· وهر حالده رضای
پادشاهانه‌مز اوزره حرکت· ودائما دین دولت وناموس سلطنتمزی
رعایت وصیانت ایتمکله· هر خصوصده اوضاع واطوارکز رضای
همایونمزه موافق· وجمله حرکات وسکناتکز دولت علیه‌مزه مطابق
اولوب· سده دولت مدارمزك جان وکوکلدن خیرخواهی وبوجه
دیکاه درکاه سلاطین پناهمزك درون دلدن مخلصلرندن اشبا هی
اولمغله· جمیع احوال وافعالکزدن رضا وشکران اوزره بودر· خصوصا
نچه قرالی کلات افتخار الامراء العظام العیسویه· فرندیاند خمت
عواقبه بالخیر ایله· مقدما منعقد اولان صلح وصلاح اثرینك وجهی
اوزره تجدید لباس مصالحه وتأسیس بنای سعادتی اقتضا ایتمکله
بدون محافظه سنده اولان دستور مکرم مشیر مفخم نظام العالم·

وزیر جلیل الاعتبار· ووکیل قوی الاقتدارمز مرتضی پاشا ادام الله اجلاله
رضا عفا اقتداره نك· رای وتدبیر ایله مجددا صلح وصلاحه مباشرت
ایلدوککزده وجوده کلن دقت واهتمام وسعی واقدامکز· وزرای عظام
ووکلای کرامنمز طرفلرندن پایهٔ سریر اعلامزه عرض وانها· وسامع
معلامزه انها والقا اولندقده طرفکزه اولان حسن اعتقادمز سبب
تأکید وجانبکزه اولان توجه والتفات علیه‌مز باعث ازدیاد و
تشیید اولمشدر· دائما دودمان سعادت عنوانمزه خلوص عبودیت
ایله خدمت ادنسنده بذل قدرت وسعی وهمت ایتمکله نظر فخرده هر
اثرمز منظر· وانواع عنایات علیه‌مزه مظهر اولمغله· بین الاقران
مشار بالبنان· وسایر قراللر بینده محسود الاقران اوله‌سز· ما تقدم
ملوك وحکام بلطف الله تعالی دولت علیهٔ عثمانیه ایله که خلوص
اوزره دوستلق ایدن کلوب حسن توجه والتفاتلر ایله معزز وممتاز
اوله کلمشلردر· سزدخی آثاریمی همینه مشاهده ایلك اوزره سز
حالا اوغورز فاتحه الاکتا فرزدن برقبضه شمشیر طغی تأثیر طغی تأثیر
واثواب سعادت اکتسابمزدن ایکی ثوب خلعت ارسال وعنایت نشاندن اولان
نامهٔ ملاطفت مشحونمز ایله وصول بولدقده کورکدرکه انواع تعظیم
واکرام ایله ارسال واحسان اولنان قلیجی مبانکزه قوشانوب· وامثال
احترام ایله انعام وایصال اولنان خلعتلری کیوب· فیما بعد دخی
جبلتکزده مرکوز اولان وفور صداقت واخلاص مقتضاسنجه
مشار الیه وزیر مشتری تدبیرمز مرتضی پاشا ادام الله اجلاله ایله
بکده ویکجهت اولوب دولت علیه‌مزه نافع طریقیله موی الیه
نچه قرالیه مجددا منعقد اولنجق صلح وصلاحك اتمام واستحکامی
خصوصنده وجه مناسب اوزره سعی موفور ایلیه‌سزکه زمان سعادت
اقترانمزده رعایای مملکت فراغ بال ورفاه حال تحصیل ایدوب· دوام
دولت ابد پیوندمزه دعا وثناده درون دلدن مداومت واشتغال اوزره
اوله‌لر· انشاء الله تعالی خلوص واستقامت وصداقت اوزره خدمتکز
مقابله‌سنده فیما بعد جانبکزه توجه والتفاتمز· یوما فیوما
متزاید ومتضاعف اولوب نچه آثار رحمتنه مقرر ومحقق بیله‌سز·

⁂ مجار قرالی بتلن غابوره کوندریلن نامهٔ همایوندر

سن قدیمی آستان مخلد الارکانمزه صداقت واستقامتله خدمت ایدن
کلمش· ودولت علیهٔ ابد پیوندمزه لایق نچه عظیم خدمتلرده بولنمش·

ما بین نسخه دیوان ... کلدن صبانت ... نسخه ... غابور ... سنه ... سباق

دفعاتیله طوغرولغی وایلولکی تجربه اولنمش خاندان سعادت
بنیانمك صمیم دلدن خیرخواهی ومحب بی اشتباهی اولدوغك
جهتیدن متصل اطراف وجوانبه کوز قولاق طوتوب هرجانبدن
عرض وناموس سلطنتمه موافق برخیرلو خبر وبر فائده لو معنی
ظهور ایدرسه حسن تدبیر وتدارکله آنی وجوده کتوروب مرحوم
جنت مکان فردوس آشیان والد ماجدم سلطان احمدخان زمانلرنده
نیجه بو مقوله خیرلو ایشلر بتورمش وحصولی قابل اولمیه جق مشکل
خدمتلری آسان وجهله اتمامه بتورمش اولوراستانه مزك
محب هواداری وبنده اخلاص شعاری اولدیغکزله حالا بزم ایام
دولت روزافزونمز وهنگام خلافت سعادت مقرونمزده دخی
مرحوم بابام زمانندن وجوده کتوردوککز خدمتلردن زیاده هر
برنافع مصلحت وجوده کتورمك مرادکز اولمغله قدیم الایامدن
درگاه فلك اشتباهمزه طوغرولغله دوست اولان قراللر وبکلر
حاکملری وسایر اطراف حاکملریله دولت علیه مزك فائده سی
ونفعی ایچون نیجه احوال سویلشوب اولکیدن زیاده انلری باب
سعادت مآبمه انلری دوست ایتمك تدارکنده اولدوغکزدن ٤
ماعدا انلرك قرب وجوارلرنده واقع دوستلرندن دانیمارقه قرالی
واشوجیه قرالی وبونلرله یکدل ویکجهت اوله کلمش نیجه حکام
وایالت ومملکت صاحبلری ومابطلرینی دخی انلر کبی درگاه سعادت
دستگاهمزه دوست ایتمکه اهتمام کوسترمکزله حالا انلر دخی ساکه
براز آدملر ومکتوبلر کوندروب بزه دخی خبر دیل اولوب مابینمزه
کیروب آستانه سعادته دوستلغی وصداقتنی بلدوروب اولا بو
آستانه یه آشنا اولمه مزه سبب اوله سز دیو مراد ایتمه لریله سز دخی
بو احوالی بلدرمك ایچون اول سرحدلرك اهل وقوفی اولان درگاه
معلامزه متفرقه لرندن حاجی یوسف ایله مستقیم ومعتمد چلبی هر
آدملریکزدن طود الاغی میخالی تعیین ایدوب کوندرمشسز
وآستانه سعادتمزه دوست اولمق استین قراللرك وحاکملرك
وایل ومملکت صاحبلرینك احوالرین مفصل ومشروح یازوب وبو
خصوصلرده سلطنتمه حددن زیاده نفع اولدوغنی بلدوروب سرحد
احوالنه متعلق وعرض وناموس همایونمه لایق نیجه خیرلو تدارکلر
ودوست ودشمن یانلرنده عمله کتوریله جك عظیم فائده لو تدبیرلر یازمشسز

اصلا

٤٥٨ ٤٦٦

اصلا بر خصوصده کیزلو وصقلو آز وچوق بلدرمك نسنه قومیوب
خیرخواهلغکزی وطوغرولغکزی دوشنوب مصلحتلری تقریر وتحریر
یازوب اعلام ایلمشسز مطالعه اولندقده یازیلان معنالرك جمله سی
دولت ابد پیوندمه لایق وناموس سلطنتمه موافق بولنمغله سنك کمال
وقوف وحسن تدارککه اولان اعتقاد شریفم اولکیدن دخی زیاده هر
اولمشدر اول دوستلق مراد ایدینن قراللر وحاکملرك مقصودلری
وعرض ایتدکلری دوستلقلری مقبول شریفم اولوب طرف همایونمدن
کندولره نامه مصادقت مشحونمز یازیلوب فیما بعد سایر قدیمی
دوستلریمز کبی در دولت مدارمه ایلچیلری وآدملری ونامه لری کلمه سنه
اجازت ورخصت ویریلوب حقلرنده ابواب لطف واحسانم مفتوح
طوتیلدوغی نامه لرنده کندولره تقریر اولنمشدر وبالفعل بدون
محافظه سنده اولان وزیرم محمد پاشا ادام الله اجلاله یه دخی بو احوال
خصوصنده مفصل امر شریفم کوندریلوب محکم سپارش اولنمشدر
کندو دخی اوزرینه مأمور اولان بکلربکیلر وبکلری وجمله عساکر
ظفر رهبری تمام جمع ایدوب برکره آلیقومیوب بر طریقله سرحده
جمعیت ودرنك ایلیه وبر وجهله مهابت کوستره که ایشیدوب
کورن دوستلریمز شادان ودشمن دولتمز اولنلر غمناك وپریشان اولدلر
ودائما سنکله معامله ومشاوره اوزره اولوب سن دخی بر مناسب
محله درنك ایدوب حسن اتفاق واتحاد ایله اکر بنم ممالك محروسه مك
واکر اردل ولایتنی وسکا تابع اولان یرلری حفظ وحراست ایدوب
اعدانك شرندن قوریدوب برنم سرحد منصورمزه بر یردن ضرر وکزند
قصد اولنورسه سزاوار طرفدن مشار الیه وزیرمز دخی کلوب اوزره
امداد ایلیوب اکر سزلك اوزریکزه یا خود ضبطکزده اولان مملکتکزه
ضرر احتمالی اولوب هربر طرفدن حرکت اولورسه مشار الیه وزیرمز
تأخیر وتوقف ایتیوب کلوب اوزره سزه معاونت ومظاهرت ایدوب
اوزریکزه برادنی روزکار رسد وکنه رضا کوسترمیه امدیکی
کوره یم سزی بربریکزله نه وجهله صداقت واستقامت اوزره یکجهت
اولوب همایونمه نه درجه ده غیرت وحمیت اظهار ایدرسز وسرحد ممالك
محروسه مزی وکندو مملکتکز کبی اولان اردل وتوابعی ولایتلرینی
نه مرتبه کوروب کوزه درسز ان شاء الله تعالی ظهوره کتوره جك
خدمتلرك مقابله سنده انواع الطاف پادشاهانه مه مظهر اولوب

آستانهٔ سعادتمله دوستلق ایلین قراللرم دخی نامهٔ همایونمزك
سوزلکلر احوال بیلور اختیارلر دیملرك کوندرمسن چونکه آنلر اولو آستانه مزه
ملوغ بلغله دوست اولمشلر سندخی بنم آستانهٔ سعادتمه ایلولك
صاتوب صداقت اظهار ایدن ملوك نصارى ایله یکدل و یکجهت اولوب
بنم اجازتمله دوستلق ایلمک کیرو بنم بیوردوغمی اجرا ایتمش و رضای شریفم
اوزره حرکت ایدوب خاطر همایونم کونتمش اولورسن حق جل وعلا
درکاهندن رجا و امیدم بودرکه سرحد ممالك محروسه مزده اولان
عساکر نصرت شعاریمی وبنم دولت علیه مه خیرخواه اولان ایراق
وبقین دوستلریمی و هوادارلریمی مظفر و منصور وبزه و انلره
یرامزلق قصد ایدن اولنلری منهزم و مقهور قیلوب کونه بکون دولت علیه مزك
احبابی قیلیچلری کسکین واعدای بدنهاد سرنکون اولمقدن خالی اولمیه آمین

مجار قرالنه یازیلان نامه در

حالا قدیمی دوستلرمزدن وبو دفعه دوستلق طلب ایدن ملوك
وقراللر دوستلرمزدن وسندن مفصل ومشروح نامه لر کلوب
حضور همایونمزده من اوله الی آخره قرائت اولنوب مفهوملری معلوم
عزتم اولمشدر وتحریر وتقریر اولنان معنالرك جمله سی حیز قبوله
واقع اولوب بوندنصکره دوستلق اوزره اولمق مراد ایدن ملوك
وقراللر دوستلرك ایلجیلری آستانهٔ سعادتمه کلوب ملاقی اولدقلرنده
سایر ملوك وقراللرك ایلجیلری نه منوال اوزره رعایت وحمایت اولنورسه
زاد و زواده لری نظر یقله اعانت اولنه کلدیسه انلرك دخی ایلجیلرینه
اول اسلوب اوزره رعایت اولنور وسن که تبلن غابورسن حالا بودنك
محافظی سنده اولان دستور مکرم لالا وزیرم محمد پاشا ادام الله اجلاله
بودون قلعه سنك واول جانبلرده اولان ممالك محروسه مك سرحدلرینك
حفظ وحراستنه اولمق اوزره عساکر نصرت مآثرمه سردار تعیین
اولنوب بدون و بوسنه وطمشوار و قنیژه واکری یاتلرنده واقع
سنجاق بکلری و عموماً عسکری بدون محافظی سنده درنك و جمعیت
ایدوب حاضر و آماده اولمه لری بابنده فرمان عالیشانم صادر اولمشدر
امدی سن دخی مشارالیه سردارم ایله خبرلشوب یکدل و یکجهت
اولوب اقتضا ایدرسه خانه واروب تخت حکومتنده اولان عسکرکی
جمع ایدوب ومناسب یره قونوب وزیر مشارالیه ایله اتفاق
واتحاد اوزره اولوب حالا آستانهٔ سعادتمله دوستلق اوزره اولمق

مراد ایدن ملوك وقراللر اطاعت ایتدکدنصکره انلرله سندخی مصالحه
ومعاهده ایدوب دوستلق اوزره اوله سن وانلرایله یکدل و یکجهت
اولوب اقتضاسنه کوره عمل ایلیه سن هر احوال مشارالیه وزیریمه تفویض
اولنمشدر حسن اتفاق اوزره مناسب کوردوکی اوزره حرکت ایدوب
سرحد منصوره محافظه اولنه ودشمن ظهور ایدرسه دفعنه تقید ایده

مجار قرالی تبلن غابوردن بدون محافظی سنده اولان مرتضی پاشایه کلان مکتوبدر

دولتلو و سعادتلو وزیرم بزم دعاجیلوز مشتلو فرزندانشمزی حق تعالی
جنابکزه چوق یللر عمرلر ویروب عظمتلو پادشاه حضرتلرینك خدمت
شریفه لرنده کوندن کونه طالعکزی یوجلدوب کشاده ایلیه بزم مستقیم
آدممز طولدابی منجال ایله کوندردوککز مکتوبکز کلوب واصل اولدیغی
مفهومندن مزاجکز بوزیلوب کیرو صحته متبدل اولدوغنی بلدرمشسز
بو خصوصدن کمال مرتبه ده حظ ایلیوب مسرور اولمشزدر حق تعالی
درکاهندن رجامز بودرکه من بعد نیجه یللر عمرلر میسر اوله ودخی نیجه
چاساریله اوله جق مصلحته مباشرت ایدوب سعادتلو و عظمتلو
پادشاه حضرتلرینك تعظیم و توقیرنده قصور ایتدکلری ایچون راضی اولمدوغکزی
بلدرمشسز وبردکلری وره کاغدنده مراد اوزره یازیلوب قصور ایلدکلرینی
اعلام ایلمشسز وکاغدلرینی کیرویه کوندرمشسز بوخصوصی غایتله
معقول ایلمشسز زیرا معلوم ایدینوب فکر ایلیونلرکه سعادتلو پادشاه
حضرتلرینك حالا بدونده بر عاقل وزیری واردرکه کندو افندیسنك
عرض شریفلرینی کما ینبغی کوزه درمش دیسونلر اول کاغدلرده واردقده
کندولرك الکلرینی بیلوب قصورلرینه معترف اولورلر ایدی بودرکه
شمدیه دکین مراد اوزره بر وره کاغدی کلمش اولیه حق تعالیدن رجا ایدرزکه
شمدنصکره برقتلو ساعتده بو خیرلو بارشغی ایتمکه باشلیوب اتمامه
ایرشدورهلر حالا بو بابده دورت طرفه کوز قولاق اولوب احوالدرین
تجسس ایلمکدن خالی دکلم هر نه مقوله حاله واقف اولورسم شوکتلو
فرزندانشمه عینیله اعلام ایدرم عسکرمز مکمل اولوب حاضر اولسون
دیو هر جانبه خبر کوندرمشزدر انشاالله تعالی شوکتلو فرزندانشمز عظمتلو
پادشاهمزك خدمت همایونلرنده قصور بولمزلر وچاسارك وره کاغدی
دوندردوککزده نیجه چاسارینی ومجار مملکتنك بدوطنوشی اولان
استرحازی میقلوشه یازدوغکز مکتوبلری دخی بولندن یازمشسز
بوندن دخی زیاده حظ ایلمشزدر وبو دخی یازمشسزکه بزم طرفمزده

آستانهٔ سعادته بوبله خبر وارمش اوله کم بز بوجانبدن نیجه لر ایله سعادتلو
پادشاهك ضرری ایچون بارشمش اولاوزدی بوحقده کفت وکو اولدی وغیب
بلدرمشسز • بنم قرنداشم بزاتی کبی لوا ایملك مراد ایدنمشوزدن • بوخصوصده
زیاده الم وقساوت چکدك سببی نه ایدوکین سز قرنداشمزه اعلام ایدرم
اولا آستانهٔ دولتده اولان وکلای دولت بزم نه ایدوکمزی بلمشلردر •
سعادتلو پادشاهه اولان طوغرولغمزی نیجه دفعه اثبات ایلمشوزدر
لکن حالا نیجه دن اون پاره مملکت آلوب عظمتلو پادشاهك مملکتنه ضم
ایلدم الله تعالی سندن راضی اوله بیله دیمزلردی • وحرمتمز ورعایتمز
ایلیوب طوغرولغمزه بوقدر خدمتمز مقابله سنده کبر واعتماد ایلیه لر
ایدی • سعادتلو پادشاهك برعاقل کسنه سی بوقدرکه زمانه اقتضاسنه
کوره لازم اولان اشلری تعقل ایدوب فکر وملاحظه ایلیه • دیرندکه ٤٦٠/٤٦١
قادر اوله • باخصوص زمانه نك تبدلاتنه کوره ایشلك اوکین آردین فکر
ایدوب • دخی دین ودولته لایق اولهجق برمصلحت کوررکسه بوقدر بوبابده
سزه بعض نسنه یازمق اقتضا ایلدی معلوممکز اولادکه نیجه ایله ماسبقده
بارشمق لازم وار ایدی چونکه نیجه نك عظمتلو پادشاهك مملکتلرینه برامر
قصد ایلمش اولدوغنی خبر الدق کتم ایلیوب فی الحال دردولته وقوعنی
اوزره یازدوب • بلدردك وبومضمونی نه وجهله دفع ایلمك لازم ایدوکنی
دخی اعلام ایلدوك • اول زمانده دردولتده بزم عسکریمز حاضر وآماده
اولمامزی امر ایلدیلر • تاکه دشمن بزم مملکتمزه یوروسه سز عسکر ایله
بزم امدادمزه کله سز • واکر عظمتلو پادشاهك ممالك محروسه لرینه
یوروسه • بز عسکر ایله سزك امدادکزه وارهوز دیو بوبابده اهالك
اینتکی یوارا کوروب • جمله عسکر ایله بوینت اوزره بانوکزه واردق
اکر اهالی ایتمش اولیدق ممالك محروسه یه نه مرتبه ده مضرت ایرشدوکی
جکلر ایدی • عیانا مشاهده ایدردیکز • امدی معلوممکز اولادکه نیجه
ایله اولنجق پادشاهی بحرکند وقاریشم ایچون بوزمادم • وبودفعه
نیجه ایله بارشمق مرادم دکل ایدی فکر مع بیله بوغیدی همان حقده
درسعادتدن برقاج دفعه • امر کلوب • مفهومنده نیجه ایله اولان بارشمغی
باشه چقاروب • محاربه دن فراغت ایدن دیو فرمان عالی صادر اولمشی
بومعنی ایچون که معلوممز اولدکی عبرت واضطرابدن دیواته اوله نازدق •
وآستانه نك بوخصوصده بویله تبدیل وتغییرینك حکمتی بیلمدك •
وکوردوککه سز من بعد نیجه اوزرینه عسکر چکمکدن خوف اوزره اولدوغکز

وپادشاهمز

وپادشاهمزه مباشرت ایلدیکز بزدخی کلن اوامر شریفه یه متابعت ایدوب •
جمله فکرلری ورأیلری بارشمق سمتنه دوندردك نیجه کم سز سعادتلو
پادشاهك عرض عهد بونلرین ضمانت ایدوب • ممالك محروسه لرینه ضرر
اولمیه دیو سوسی ایدر سکز بزدخی بر برمزده قالوب ثابت قدم اولمقلقمز دیو خیلی
جانلشوب • سعادتلو پادشاهك اوخور همایونلرینه نه مرتبه زحمت
چکلدوکنی وحمایت بر الله بلور • وسز قرنداشمزك معلوممیدرکه • بزم بوبابده
جانشلمز عظمتلو پادشاه حضرتلرینك ضرری اولمیوب دین ودولته
تمشیتی ایچون ایدی • لکن نوروزه قدرسیلنیوب مقبول اولمدی • بنم قرنداشم
بوبله خبرلر پتیشدی ماقفلك سوزلرینه زیاده بیچاره اولوب • لکن
کبرونیه هرنه حالیسه صبر ایدوب وزیراشلرمه غیری نسنه یه قادر دکلز
همان اول بوجه الله تعالی حضرتی شاهد طوتارز کم • من بعد برکسنك
مصلحتی بلوغ ایلمکله کورمکه سعی ایتمیه لر وایشیدوب واقف اولدوغمز
خبری دخی اعلام ایتمیه لم • همان کندو ولایتمزده اوتوروب عظمتلو پادشاه
قولی اولدوغن اولوب • هرسنه ویریله کلن اوردوخراجنی ویروب • سعادتلو
پادشاهك دوام سلطنتلری ودعاسنه اشتغال اوزره اولدق وزر انشاالله
صدادمز واست محمد خیرصادق وعزیمت قریب جمله عالمك معلومی اولور
حقده بلدردن سوز سوینلیرلك دخی یوزلری قره اولور • حالا معتبر
آدملر عزودن خراب اولدی بولنام آدمز ایله نیجه قرالینك کندو خطیله
یازیلوب مهر یله مهرلنمش ایلدیکز نا بشغلق شکایتی سزه ارسال ایدرز •
سز دخی کندی وکز اعتقاد ایلدوکیکز آدمه ترجمه ایتدروب • مفهومنه واقف
اوله سز • اما ترجمه ایدن کسنه دیاق لسانی زیاده بلمك کرکدر کم ذکر اولنان
شکی حقیقتی اوزره دوستجه ترجمه ایلیه • وبالذات کندو وکز اوقیوب
ادعات ایدرسکز عسکر فکر وملاحظه ایلیه سزکه سعادتلو پادشاه حضرتلری
طرفنه بوزندی بوخصوصده قابو حقندی بیان ایتمشوز • بوبابده دخی کلو
محاسبه ونجات جکرز • بونزاق وایلمز آجقدن • وکلای دولت بوبابده
حق اوزره بزدن شکایت ایدن حرامیلر ملکه برانلردن شکایت ایلیرز • زیرا
٤٦٩ ٤٦١ انلر سعادتلو پادشاهه عرض ایدوب المزده اولان مجار مملکتنك
قورونه لرین کبرو نیجه یه آلدردیلر لطف حقله نیجه دن جبرا الدوکی
یونجه کوندن جبرا آلوب انلره ویروردیلر مزبورلر ایله شمدیکی یارغمز
غیری یوردن اوله مدت هرسکلرك اولان اسلمز مملکتکه سنه ده
یوزبیك غروش جبر حاصل اولوردی • بو بارشق مصلحتی ایچون کتروب

ویرلمك اقتضا ایلدی • بوندن ماعدا نیجه قرالی شمدیه دك هر سنه بزه اللیشر
بیك غروش ویررردی شمد نصکره انی دخی ویرمیه کرکدر • وسکز سنه دن
برو دوشن زعامت وتیمارلردن مجار مملکتنده خدمت ایدن امکدارلرمه
کویرمشدم • اول زعامت وتیمارلری دخی کیرو ویه ویرمك لازم کلدی •
بوسبب ایله نیجه براربجکلرك یورکی بزدن صوومق لازم کلور • وبوقدر
برار آدملر الندن چقوب کیدر • وبوندن ماعدا مجار مملکتندن یدی
پاره ناحیه که قانشه مملکتی ایله معا ضبط اولنوردی • ویرنه تابع
ایدی اول مملکتك عسکری دخی نیجه اوزرینه قلیچ چکمیه لر دیو عهد
وشرط ایلمك ایجاب ایلدی • بز بوبارشغك ماده لرین نیجه لر ایله بشول
شرطله طوتارز ویاریشورز که عظمتلو پادشاهمز ایله جان وولدن صداقت
ایله بارشوب • ثابت قدم اوله لر • بووجهله اولودغی طریقیله ممکن
دکلدر • زیرا دولت علیه لری مصلحتنی مستحکم ونافع اتمامه ایرشدیرمکه
سعی ایدوب • اونیجه باب ها بوندن ایرلمك • وقوللقلرندن یوز دوندرمك
استمز زاندیک نیجه ایله بزم بارشغمز عرضمز نقصان ایله وبودکلو
ضررمز ایله بومنوال اوزره اولمشدر • برخصوصلری بز کنه دن بلمزز
استانه سعادتده اولان • وکلای دولتك سوزندن بیرلرندن بیلورز •
زیرا فرصت المزه کیروب میداندن بزده قالوب نیجه هروجهله غالب
اولمشکن • محاربه دن فارغ اولوب • بارشه سز دیو اوامر شریفه وارد
اولمغله • بویله اولمشدر • استانبولده علی افندیلرك کاری امردینی
متعلق اولان نسنه یی کورمك ایکن • عسکر وجنك احوالی معلوملری
دکل ایکن • بومقوله امورده قاریشوب • مداخله ایدن علی افندیلرك
بلافائده اولان اقداملرندن بویله حال اولمشدر • اکر وکلای دولت
علیه بومقوله امرلری کوندروب • بارشغه اقدام ایتمش اوله لردی
شمدی برچاق یراغ مملکتده اولوردق • وحسابه کلمز فائده لر حاصل
اولوب • استدوکمز کبی قوی یادشغلق ایدردك • که برپادشاه بویله
دشمنه علبه ایتمش اولوردی • شمدی بومصلحتك عکسی اولوب بارشق
دشمن استدوکی کبی اولدی شمد نصکره بوفرصت فوت اولدی • زیرا
ایلدن اوق کیرو دونمز وکچن بغوره کینك طوتلمز سز قرنداشمزه بوقدر
تفصیل ایدوب یازوب باشکز اغرتدوغمه الم چکمیه سز • زیرا کمال مرتبه
بیحضورلغمزدن واضطرابمزدن یازوب تصدیع ایلمشوزدر • بزی
کماکان کندوکزه طوغری صادق قرنداش بیله سز • مادامکه دنیاده

صاغ اولام طوغری بلك اوزره کچمك استرم حق تعالی جنابکزه جوق
یللو عمرلر ویره • بزم بوکاغدمز کندو قلعه لرمزدن بلغراد قلعه سنده
ماه رمضانك اون طقوزنجی کوننده یازلمشدر دیو اعلام ایدر

مجار قرالندن آستانه یه کلان مکتوبدر

بودرکه بوندن اول کاغدلریمزله بوجانبك احوالنی یازوب بلادرشتیدك
مصلحه متعلق اولان خصوصلرده فرمان اولندیغی اوزره • اکر بو
دوستکز واکرم مرتضی پاشا ایله کمال مرتبه تقیدمز مقرردر • وبودفعه ظهوره
کلن خدمت جزئی زحمتله وجوده کلیوب • نیجه اهتمام صرف اولنمشدر •
زیرا ایدی سکز سنه دن برو نیجه عسکر ایله نیجه دفعه مجادله ومحاربه لر
واقع اولمشیدی • بودفعه ابتدا کلری تدبیر وجمعیتلری بزمانده کورلمشدر
اللی التمش بیك عسکر ایدی اوتوز بیك نفری تفنك انداز ویکرمی بیکی
مکمل آتلو اولوب • بونلردن ماعدا مجار وخروات عسکری برقچ بیك
وار ایدی بونلرك سعادتلو پادشاهمزك ممالك محروسه لرندن اولان
حطوان وصولنقو وبشته وسکدین سنجاقلری ایچنده • بتسه وطونه
نام نهرلرك یالیلرینه قتلوب • اول ولایتلری غارت وخسارت
ایدوب • بعده اول بهارده تیولك فساده دخی مباشرت ایدرلر • لکن
حق تعالی حضرتی تدبیرلرینی راست کتورمیوب • دولتلو پادشاهمزك
حسن توجهلری برکاتیله عسکریمز غالب ومظفر اولوب • دشمن مغلوب
ومنهزم اولمق میسر اولمشدر • قلیجدن وقیشدن وآجلقدن بلکی
نصفی هلاك اولدوغی مقرردر • کندولر دخی بوخصوصی انکار ایدمزلر
عظمتلو پادشاهمزك خیر دعالری برکاتنده عسکریمزه وممالك محروسه مزده
برمحله ضرر کلیوب • بووجهله ضررلری دفع اولمشدر • وبودفعه دن
صکره کندولری نیجه تدبیر وتدارك ایله صلحه رغبت ایدوب
اوچ آی ایچنده ایکی طرفك وکلاسی بربره کلوب صلح وصلاحك احوالنی
سویلشوب خیر ایله اتمامه ایرشدورمسیچون قول وقرار اولنمشدر
اکر اوچ آی ایچنده بعض موانع سببیله بوخدمت باشه چقمزسه
اول زمانه دکین بوصلح احوالی برطرف اولمق میسر اولورسه اولونجه دکین
بوقول وعهدلریمز یرنده برقرار طوروب • ایکی طرفدن کیمسنه حرکت
ایتمیوب مابینده عسکر چکلمیه دیو عهد وقرار اولندقدنصکره مومی الیه
مرتضی پاشا عودت ایدوب • ایالتی اولان بدون قلعه سنه دخول
ایتمشلردر • بوندنصکره صلح وصلاحك دولت علیه یه خیرلو

واقع اولان خدمتلرك وجوده كتمسنه سعى واقدامنز برنده اولوب بو خصوصده
قصور اولنمز ومن بعد لازم كلن امور واحوال عرض واعلامدن غفلت اولنمز
همان سز دخى آستانهٔ سعادتده لازم كلن خصوصلر يرنده اقدام واهتمام
دريغ ايتميوب صلح احوالنه نه وجهله تقيد اولنور وامر پادشاهى نه طرزله
صادر اولورسه موجبجه عمل ايدرز وخدمتده جان وباشمز ايله
سعى اولنور ديو عرض واعلام ايدر

مجار قرالى طرفندن قائم مقام صدر عالى يه كلن مكتوبدر

دولتلو وسعادتلو ومرحمتلو وزير حق تعالى حضرتلرى سلطانمك
هر كونى سعادتلو وعظمتلو وشوكتلو پادشاهك خدمت شريفه
لرنده يوز بيك ايليوب طالعكزى ايلرويه كوتوره بوندن اول
كاغدلريمز له بو جانبك احوالنى يازوب صحت اوزره بلدرمشيدك
ايدنوق ولخصوص ايچون تكرار باشلكزى اغرتمق استمدك ايچون شمديكى
خصوصلرى بلدرمك مراد ايدندك كه بوندن اول عزتلو مرتضى
پاشا حضرتلرينه رسال اولنان مكتوب شريفلرينى يوروشديكزكم
بكى باشدن نيجه ايله بار بنفى برينه كتوره واولخصوصه زياده
سيله چالشه شاء الله مرتضى پاشا قرنداشمز دخى سلطانمك
مرادينى برنه بلدركه مشاوره ايدوب فى الحال بز دخى كندومزى
اولخصوصه طوتوب سعادتلو وعظمتلو پادشاهمزك عرضينه ودولتنه
ومملكتنه نجالت وضرر كلمات اوزره اولخدمته مقيد اولدق اولخدمت
ازه جق اقدام ايله وجوده كلمشدر همان باشلدسنه دخى چوق
درلو زحمتلر چكمشوزدر زيرا سلطانم اعتماد ايلسونكه بو كلن نيجه
دشمن اوبله عسكر ايدى كه بوندن اول يدى سكز سنه درك بو نيجه
ايله جنك اوزره يوز دخى بو بيله قوى دشمنه مقابل اولماش ايدك
همان قيليجه كلور ركزيده عسكرلرى اللى التمش بيك نفر وار ايدى
واوكوردكله تفنك انداز اوتوز بيك وفكوروشنا سنده اولان
آتلوسى يكرمى بيك وبجاز وخروات عسكرلرى دخى يكرمى بيك ايدى
واوتوز پاره عظيم طوپلرى وار ايدى حضرتك بونى تحقيق اعتماد ايلسون
اول نيت ايله كلمشيدى كه عظمتلو پادشاهك ممالك محروسه سندن
اولان حطوان وصولنوق وپشته وسكدين سنجاقلرى الجنه يسير طوتوب
ايلرنده واول مملكت الجنده قشلويه وسعادتلو پادشاهك اول
طرفلرده نه قدر قلعه لرى آلوب كلجك اول بهارده دخى يول ايشتره

مبارزت

مبارزت ايدهلر وهب بونلر اولوردى حق تعالى حضرتلرى بزى
وزير مرتضى پاشا ايله برير بولوشدرممش اولايدى واكر بر ساعت
اهمال اولنمش اولسيدى بو خصوصه شبهه اولنميه كه اول كون آل عثمان
عسكرين بوزوب ايلچى واوچنجى كوندن صكره بزى بوزالر ايدى زيرا
يالكز بر عسكرى وبر طابورى بوزمق قولاى يدى محصل نيجه جانباز
عسكرلرى سعادتلو پادشاهمزك مملكتنه دشمنلك بوزندن كلمز ديو
اول سوزى كمسنه سويلسون وبو سوزى هر كيم سويلرسه تحقيق
الله تعالى حضرتنك وسعادتلو پادشاهك وكندو دينى آنترينه سويلر
وطوغرى قولنه دخى كلدن زيرا بو خصوص بو بيله اولدوغنه چوق آدملر
شهادت ايدرلر وسعادتلو وعظمتلو پادشاهك عسكرى پشته هر
صحراسنده اسم اوتورركن اول زمان نيجه نك طابورى استرغونه
قريب بر سبل برج كوتمشيدى وسعادتلو پادشاهك طاعت ايدجى
كويلرينى واوروشلرينى اوروب سير ايدوب ياقوب يقمشيدى بز اول
زمانده ايراق يرده ايدوك دوشمنك ممالك محروسه يه قدم بصدوغنى
استماع ايدوكمز كبى كيجه وكوندز طورميوب عسكرمزله الغار ايدوب
يوريدك وسعادتلو پادشاهك عسكرلرينك ياردمنه كلدك ودولتلو
وزير مرتضى پاشا قرنداشمزله بربره كلوب حق تعالينك عونيله هر
بوندقلرى نيجه طابورينك اوزرينه اوردق ونيجه بيك نيجه بك
كسدك كه اوكونه كلمشلر ايدى بعده اطرافنه مترس قازوب ايچنه
كيريلوب كيجه وكوندز دشمنه حواله اولوب صقندوروب شويله
زبون ايلدك كه طابورلرندن طشره چيقمغه درمانلرى قالميوب
آچلقدن وصوقدن وقليجدن ان شاء الله يكرمى بيكى بلكه نصفى هلاك
اولدى بونى دخى انكار ايدهمزلر اول عظمتلو پادشاهك طالع شريفى
قوتيله قلعهلرينه ضرر كتورميوب بو منوال اوزره قوريوب ممالك
محروسه لرندن بر آياق بيله آلدرمدق بزم ايسه جمله طابورمزدن
كرك مسلمان وكرك بزدن يوز آدم هلاك اولمشدر ارتق حضرتك
كوروب فكر ايلسون كه سعادتلو پادشاهمز بر يل ايچنده بو بيله بر خدمت
مرتضى پاشا ايله بزم كبى بر كمسنه دخى ايتمشيدر على الخصوص دولتلو
پادشاهك خزينه سندن براقچه صرف ايتدرميوب ويانمزده يكيچرى
وقپو قوللرندن كمسنه بولنميوب نه خزينه ونه ذخيره ونه طوپ طلب
ايتمشدر همان سعادتلو پادشاهك سرحد قوللرندن جزئى عسكر ايله

بو خدمتی ایلمشمدر . اما بنه آستانهٔ سعادتده اولنلر بزم بو ابو خدمتمز
مقبول طوتمیورلر حق تعالی حضرتلرینک عنایتی ایله دشمنه بو بیله غلبه
ایتمشیکن انلری نه دورلی تدبیر ایله ونه دره بله باریشغه قابل ایدیلر
وکندولو ایله بو بیله بتورمشوزدرکه ما بینمزده اوج آی وعده اولنی .
وبو اوج آیک ایچنده ایکی طرفک وکلاسی بر یره کلوب مشاوره ایدوب
بو خیرلو باریشغی برخوش بتوره لر . اکر بعض موانع سببی ایله اوج آی
ایچنده باریشق احوالی باشه چیقمز ایسه بر بیرمزله وعده مز بو بیله درکه
مباشرت اولنان اول خیرلو باریشق هرنیه دک باشه چیقارایسه .
بر بیرمزه ضرر وزیان ایتمز اولیه . بو باریشغک فی الحال اولمیوب . کیرو
قالدوغنک سببی سلطانمه لا یقدرکه اکلیه سز . بن تفصیل ایتمکه
قیشه تمم . انده قورترمکه یازدوغم خصوصلری نیجه دوبه وآرکیدن
زیاده بو کلرین بوقادر قویه لر . وآدممزه اغزدن سپارش ایدرمزکه ٤٦٤ ٩٧٢
آدممزی چوق منت ونیجه رجا ایله سلطانمه بولشدورمزلر . اکرکه
بولشسه سلطانمک یاننده اولان چوق آدملر یاننده کیزلو سویله
اما بو فائده لو وکیزلو احوالی سلطانمک وساطتیله سعادتلو پادشاهمز
حضرتلرینک معلوم شریفلری اولمق مراد ایکن اولورسه اهمال وتأخیر
اولنمیوب . عجله اوزره وزیر مرتضی پاشا قرندشمزی صالت وسبکبار
اولاقلق ایله اولجانبه کتوره سزکه اغزدن جمله سنی سلطانمه بیان
وتقریر ایلیه . زیرا پاشا دالیه وزیر جمیع احوالی کوز ایله کوروب
قولاغیله ایشتمش . وهرخصوص بزمله بر یردن وقوی تحصیل ایلمشدر
بزم سوزیمز طوترسکز بو کیزلو خصوصلری اندن غیری کمسنه ایله
بلدرمز زینهار اول دولتلو یه وسلطانمه اعتماد ایدرم دم . بو بابده الله
ایچون اولسون اهمال ایلمه لک . اکر استرسکز مرتضی پاشانک اولجانبه
کتمدیکی حالده وارمه سی هر وجهله آساندرکه انک کتمه سیله نیجه دن
بردرلو ضرر اولمز زیرا بر بر لرینه قوی وره کاغدلرین ویروب المشلردر
وعده مزک زمانی ایچنده اولوب . بش التی آی دخی اقتضاسنه کوره
بو وعده یی اوزاتمق قابلدر . مقبول هرنه کوررسکز بزه بلدرمه کز
رجا ایدرز . بو کاغدیمز فرموس باننده یازلمشدر . اوتوز التی
ربیع الاولنک یکرمی نشنجی کوننده .

اردل حاکمی تبلن غابورک منکوجه سنه یازلدن حکومت نامه‌سیدر

شویله معلوم اوله که بالفعل اردل حاکمی ومجار قرالی اولوب آستانهٔ

سعادتلرکه

سعادتلرکر

خیرخواهی اولان تبلن غابور واردل اعیانی بالاتفاق ایلچیلر اولادن
بورشوش طوماش سزه سعادتمه شویله اعلام ایلدیکه . اردل ولایتی
جمله اوچ ملت اولوب . اهالی واعیانیله قدیمدن آسوده حال وامن
وامان اوزره اولدقلری . آبا واجدادمزک وحالا کندو دولتمزک
توسلیله اولوب . بوندن بو بیله دخی ولایت مزبوره خلقی حضور قلب
ایله آسوده حال اولمه لری . نه وجهله ممکن ایدوکنی دوشنوب ایلچیلرینی
حالا اردل قرالی اولان بزم طوغری خیرخواهمز تبلن غابور کندو
حالتحیاتنده کندوسنک برینه اولمجق برکمسنه تعیین اولنمق
مناسب کورمه لریله . حالا موی الیه قرالک تختکاهی اولان
قدوة الامیرة فی الملة المسیحیه . برادری بورغی قالیون نام خاتونی
اردل ولایتنک حاکملکنه ومجار ولایتندن اردله ضم اولنان حصه‌نک
ضابطه وشیکارطایفه سنه اثبات اولماسنه قدیمی عادتلری
اوزره مشار الیه تبلن غابور اذنیله واعیان ولایتک اتفاق واختیار
لریله حاکم نصب وتعیین ایتدکلری اجلدن . موی الیها قالتزلی
ولایت مزبوره حاکملکنه قبول ایدوب . مابینلرنده قدیمدن اولکلن
عادت اوزره عمل . وجانب همایونک عزت مقرونمزدن وبریلان
عهد وامان مقرر ومعتبر طوتیلوب . وحکومتنی ابقا ومقرر ایدوب
قدیمدن وبریله کلن سنجاق وعلم وطبوز هر نه ایسه سنک سعادتمزدن
ارسال اولنمسنی عنایت رجا ایلدکلری اجلدن مزبوره قالتزلی مشار الیه
تبلن غابورک حقیقتیله اردل ولایتنه حاکمه اولوب . وحکومتنده
برقرار اولمه سنه ومجار ولایتنک برحصه سنه ضابطه وسائر
شیکارطایفه سنه اثبات اولمه سنه اذن همایونم ارزانی قلنمشدر
ومزبوره یه حاکملکنده برقرار اولمه سنه علامت ایچون قدیمدن
آبا واجدادمز زمانلرندن بروا اردل حاکملری تجدید اولندقده هر
استانهٔ دولتمدن ارسالی عادت اولان سنجاق وعلم وطبوز وخلعت
٤٦٥ ٩٧٣ فاخره . مزبوره حاکمه قالتزلی یه دخی عنایت اولنوب . وبو عهد
نامه همایونمز ایله کندو ایله ارسال اولنمشدر . شول شرطیله که مزبوره
برادری بورغی قالتزه دخی زمان حکومتنده اردل ولایتنک اوچ
ملت اعیانی قدیمدن اولدن دینلرنده وعادت وارکانلرنده برقرار
طوتوب . الی الشند اولان اهل ولایتی بردرلو رنجیده ایلمیه . هرکس
یرلرنده وعادتلرنده کما کان مقرر طوتیله . وجانب همایونمه طاعت

وفالی

واتقيادلرينه قوى وتقديم اولوب • هركز خلاف جواز كوسترلميه
رق بمدت ويريله كلن خراج وسائر عادت اوزره كوندريلن بيشكش
وهدايا • سال بسال وقتيله بلا عذر ولاتردد ارسال بلاتوانى اولونه
آكدملريله سدهٔ سعادتمزه ارسال ايليه • مادامكه بو مرتبه طاعت
واتقيادده صداقت اوزره اوله • اردل حاكم لكنده برقرار طوتيله •

اردل خراجى كلدوكنده آستانه دن يازيلان جواب نامه سوادى

افتخار الامراء العظام العيسويه • مختار الكبراء الفخام فى الملة المسيحيه
مصلح مصالح جمهور الطايفة النصرانيه • ساحب اذيال الحشمة والوقار
صاحب دلايل المجد والافتخار • اردل حاكمى وبجار قرالى اولان
بتلن غابور ختمت عواقبه بالخير • توقيع رفيع همايون واصل اولنجق
معلوم اوله كه • ملجأ اكاسره زمانك • وملاذ اكاسرهٔ دوران اولان
سدهٔ سديرهٔ مقام • وعتبهٔ فلك احتشامهمزه الچيلك طريقيله ارسال
اولنان مفخر الامراء فى الملة المسيحيه فرنتوش بالخيرت عواقبه بالخير
يدندن مكتوبكز وارد اولوب • وزراى عظام ووكلاى فخام طرفندن
ترجمه وتلخيص اولنوب • ركاب همايون سعادتمقرونمزه كوندرلدكده
مضمون صداقت مشحوننده ماتقدمدن اردل ولايتى حاكملرى آستانهٔ
سعادت اشيانمزه ورودلرنده اطاعت وانقياد اوزره اولوب •
دولت عليه مزه خيرخواهلقده هر برى ثابت قدم • وسزدخى خلوص
قلب ايله راه استقامتده راسخ دم اولوب • حالا بيك اوتوز بش سنه
محسوب اولق اوزره اون بيك التون اردل خراجى كوندريلوب
من بعد دخى هر سال ارسال اولنانده سعى ودقت اولنوردى بو بابده
واظهار صداقت وعبوديت ايتمش سز • برخوردار اولوب • بو زيكز
آق اولسون • بنم دخى سنك حسن حالكه وصداقت واستقامتكه
اعتماد همايونم واردر • ولايت اردل بنم آباء كرام واجداد عظامم
انار الله براهينهم حضرتلرندن ارث ايله انتقال ايتمش ملك موروثم
كبى اولمغله برامر روزكاردن صاقنوب حمايت وصيانتى دمت همتمه
لازم اولمشدر • وذكر اولنان اون بيك التون خراج سدهٔ سعادتمزه
واصل وخزانهٔ عامره مزه داخل اولوب • بو بابده وجوده كلن سعيكز
مشكور ودولت عليه مزه صداقت اوزره ظهور بولان خدمت
واخلاصكز منظور شريفم اولوب • حقكزده مزيد عنايت شاهانه مز
خلعت موروث البهجت خاقانى عنايت واردنى قلنوب ارسال اولنمشدر •

وصولنده

وصولنده انواع اعزاز واحترام ايله كيوب • قديم الايامدن سدهٔ
سعادتمزه عبوديت واخلاصكز موجبنجه من بعد اردل مملكتنك حفظ
وحراستى واون بيك التون خراجى هر سنه ارسال وايصال خدمتى
خصوصنده برقرار سابق اقدام كوسترهوب • دولت عليه مزه نافع
وسودمند • وولايت ومملكتكزه كرنداولان احوالده وفق رضاى همايون
اوزره سعى وهمت ايده سز • مشار اليه ايلچيكز كمال آداب اوزره خدمتنى
اتمام واغرددن انهاسى سپارش اولنان امورى اعلام • رعايت والتفاتمزه
مظهر اولدقدنصكره اجازت همايونمزله جانبكزه عودت ايلمشدر
وبالجمله سن مرحوم ومغفور والدماجدم زماننده برو دولت عليه مزه
صداقت واستقامتله خيرخواه • وبنده بى اشتباه اولوب حالا زمان
سعادت اقترانمزده دخى بدون محافظه سنده اولجانبلرده سرعسكر
نصب اولنان دستور مكرم مشير مفخم نظام العالم وزيرم مرتضى پاشا
ادام الله اجلاله ايله اولطرفلرده دولت عليه مه نافع نيجه خدمتلرده
بولنوب • غلبه طريقيله صلحه مباشرت كوستردوككز مسموع همايونمز
اولمشدر • برخوردار اولهسز • همان كوره يم سزى خيرلو ونافع اولان
مصلحتى اتمامه ايرشدرمكه اقدام اوزره اولوب • مشار اليه وزيرم ايله
يكدل ويكجهت وهر بابده بربريكزه معاونت ومظاهرت اوزره اوله سز
انشا الله تعالى وجوده كلن خدمتلريكز مقابلهسنده انواع رعايت دخى بنم نظرمده

اردل حاكمنه يازلمشدركه مملكت اردلده واقع اولان بعض خصوصلره جواب نامه در

مرجع سلاطين جهان • وملجاء خواقين دوران اولان آستانه خلافت
نشانمزه مكتوب وآدمكز كلوب • بوندن اقدم بى وشهات لعين جلنلرنك
اولان فساد • ونهادلرنده مودع اولان شيطنت وافساد مقتضاسنجه
سنوركزه كلوب فساده مباشرت ايلدكلرنده حكو تشكرلادورلرى وبرادر
ونهادلرى • ملاعين خاسرين عظيم كوشمال ويروب • خايب وخاسر
قلعهلرينه عودت ايتدكلرندنصكره خبيثلرك عرفجا هليندن اولان
خوف فسادغلبان ايدوب • برمقدار اشقيا ايله جمعيت ايدوب •
سرحديمزه كلجكلرى نمايان اولمغله بز دخى مملكتمز حفظ وحراستيچون
برمقدار عسكر ايله سرحدلريمز استحكام • وبعض امور مختلفه مزه
انتظام ويرمكه مباشرت ايلشوزدر ديو اعلام ايدوب • وسائر احوال
ولايته متعلق هر نه بيان اولنمش ايسه • علم عالم آراى خسروانه مز
شامل اولمشدر • امدى بوندن اقدم نيجه ايميرا دوريله جناب جلالت

مابینمزده منعقد اولان مواد مصالحه نك اعظمی و اوّن ایکی
ماده نك اقدمی که حمایتمزده اولان ممالك وقلاع وقری وبقاعه
دست تعدی وتطاول دراز . وباب فتنه کشاده وباز اولنموب .
محبت طرفین وموالات جانبین شروطی رعایت اولنمشیکن . وارد ل
ولایتی حد ذاتنده ممالك محروسه مزایله محدود ونفس امرده اول
عدادن معدود ایکن . مشار الیه ایمراد ورطرفندن بروجهله دخل
اولنمق احتمالی یوقدر . علی الخصوص بوندن اقدم مشار الیهك استانهٔ
سعادتمزده اولان ایلچیلری کتوردبلوب . شهات وهنا یی احوالی
وارد ل اوزرینه تسلطلرینك سببی سوال اولندقده بوخصوصده
بوی ایله جسارتك خبری وضیعی یوقدر . واولمق احتمالی دخی بعیددر
دیو جوابلرنده اصرار ایلمشلردر . امدی فی الواقع جسارت مشار الیه
ایله جناب نعم الماب بیننده منعقد اولان عقود عهد وامانك
دورکارله مختل اولمه سی قابل . وبنیان ودود ولا اولوجهله مشید
دکلدرکه نقب ایدیکی بدخواهان ایله متزلزل وزائل اوله . بومحلده سز
حکومتکز دن آغز عسکر وطوب وتفنك ایله سرحدده واروب
نائرهٔ فسادی اشعال ایدوب وآسوده مملکتلره اختلال ویرمك
دائرهٔ صلحدن خارج وبیرون در . علی الخصوص قره دکزده قپودان
اولان قزاق اشقیاسنك بوسنهٔ مبارکه ده دفع ورفعلری اقتضاسی
مراد همایونمز اولمغله . دریا طرفندن دونمای ظفر سیمامز وقره
طرفندن عسکر نصرت پیشوامز سودار وسرعسکر تعیین اولنان
امیر الامراء الکرام بوسنه ایالتنه متصرف اسکندر پاشا دامت معالیه
انشاالله تعالی نوروزدن صکره محل مأمورینه عزیمت تصمیم نیت اولنوب
سزدخی حکومتکز عسکرندن اون بش بیك پراق وتفنك اندازسوار
وپیاده مهیا اولدقده وآماده قیلوب . بالذات کندوکز ویاخود سزه
معادل بر پراق آدمکز عسکر ایدوب . بروجه مسارعت واروب
مشار الیهه ملحق اولماکز بابنده نامهٔ همایون سعادتمقرونمز ارسال
اولنمشدر . امدی نهاد کزده مرکوز اولان صداقت وانقیادکز مقتضاسنجه
حکومتکز عسکرندن پراق وتوانا اون بش بیك آدم انتخاب ایدوب
سردار مشار الیه ایله خبرلشوب اقتضا ایلدوکی کورمه وجه معقوله ایله
حرکت ایدوب ملاعین خبائث قرینك وجودلرینی جرکندن اول طرفلری
پاك ایتمك خصوصنده سعی موفوردریغ مقدور ایلیه سز . بوندن اقدم ٤٦٧ ٤٧٥

ارسال

ارسال اولنان نامهٔ همایونمزده خراج احوالی وبانوغ قلعه سنك تسلیمی ایله
مراسم خلوص وانقیادك تکمیلی تحریر اولنمشیدی . اولخصوصلرده تقیدکز
وعیان توجهکز معروف ومعطوف اولنمق ما مول دکم . حسن اتباعکز
وسیله سیله حقکزده اعتقاد همایونمز تصدیق ورضای سعادتمقرونمزه
لایق وحقیق اولوب . انواع عنایتمزه مظهر اوله سز . بونامهٔ همایونمز
وصولنده طلب اولنان عسکرك تدارك واحضاری ونه تاریخده
مشار الیه جانبنه ارسال واصدارلری واقع اولدوغن وخراج وتسلیم
قلعه احوالنی تفصیل اوزره یازوب اعلامه اقدام ایلیه سز .

اردل حاکمی ایله دوستلق بوزلدن اولان بعض احوال ایچون یازلمشدر

حالا سنهٔ والا . وعتبهٔ علیامزه مکتوب کوندروب . استانهٔ سعادت
اشیانمزه خلوص فؤاد ایله اطاعت وانقیادا اوزره اولمغله . درکاه
جهانپناهمه ایلچی کوندروب . مابین صلح وصلاح اولمق بابنده عنایت
رجا ایلدوکیکزدن ماعدا . سرحدده اولان حکامك بعضلرندن شکایت
بابنده تحریر اولنان احوال واخبار . بالتمام پایهٔ سریر اعلامزه عرض
اولنوب علم شریفمزه محیط وشامل اولمشدر . امدی حق سبحانه
وتعالی حضرتلرینك علو عنایتی بی غایتی . وسمو عاطفت بلانهایتیله
سدهٔ سنیهٔ سپهر احتشام . وعتبهٔ علیهٔ کردون قیامز . دائما مفتوح
وکشاده اولوب . ممالك شرق وغربدن اکر سلم واکر حرب ایچون
کلنلردن بر کمسنه نك کلوب کتمسنه منع ودفع ورد وسد اولندیغی
معلومکزدر . علی الخصوص بعض دشمن الفا سیله اولان عناد واستکبار دن
رجوع واستغفار ایدوب . درون دلدن اطاعنده ثابت قدم اولنلرك
عذر ورجالری مقبول اولوب . جریمهٔ اعمالرینه قلم عفو چکیلوب .
مراد ومقصودلری آیینهٔ حصولده جلوه کر قلنمق آباء کرام واجداد عظامنمز
زمانلرندن الی هذا الآن عادت باسعادت شاهانه مز اولمغین . بوندن اقدم
عتبهٔ عالمپناهمه ارسال ایلدوکك مکتوبك مفهوم منیفه رجاکز هر وجهله
مساعدهٔ همایونمز اولوب . بوبابده علی چاوش ایله نامهٔ عزت ختامه مز
کوندرلمشدر . ایله اولسه اول سرحدلرده واقع اولان امور مملکت
وملت واحوال سپاه ورعیت بالفعل عساکر ظفر مآثرمه سردار اولان
دستور مکرم مشیر مفخم محمد پاشا ادام الله اجلاله یه تفویض اولنمشدر .
بیوردمکه فی الواقع عتبهٔ سعادت نمونمزه اطاعت وانقیادی سرمایهٔ
دولت وپیرایهٔ رفعت بیلوب . راه صداقتده مقیم ایسك رجا والتماسك

اوزره تأخیر ایلیوب . وزیر مشارالیه برار ومعتبر آدملرك كوندروب . صلح
وصلاح احوالنی سویلشوب برطرف ایلیه سن . حق سبحانه وتعالینك مرضیی
وحضرت پیغمبرمزك قولایشنی اوزره بزم دینمزده امان طلب ایلیندلرك مملكتلرینه
عسكر كوندروب . واهل ولایتلرینه قلیج چكمك جایز اولیوب . عذرلری مقبول
اولمغله سابقا اولان ماجری من بعد كلی احتمالی یوقدر . سن دخی
عاقبت اندیشلك ایدوب هرایشك صوكین فكر ایلیوب . حقكده اولان
لطف واحسانم كه نیجه بیك رعایا پایمال ودارودیارلری خراب ویباب
٤٦٨ ٤٧٦ اولمیوب كندوكه وممالككه اهالیسنه باعث امن وراحت اولسون ایچون
صادر اولشدر . امدی بروجه استعجال برار ومعتمد آدملرك كوندروب
صلح وصلاح احوالنی مشارالیه سردارم ایله سویلشوب اتمام مصلحته
سعی ایلیه سز . كه بریوزنده اولان پادشاهلردن ایكی جهان كونشی
پیغمبرمز حضرتلرینك معجزات كثیر البركاتی ایله قوت وقدرتم وسطوت
وشوكتم یوما فیوما زیاده وترقی اوزره اولدوغی سنك دخی معلومكدر
بوخصوصده رضای همایونم اولدوغی ایچون شریعت شریفه یه رعایت
وضعفای عبادی صیانت ایچوندر . بلمش اوله سن .

اردل حكومتی بوجقای حاكمك وزیرینه ویرلدكده ویریلن استمالتنامه‌در

مختار كبراء الطایفة العیسویة مصلح مصالح جمهور الملة النصرانیه
متوفی بوجقای اشتوان قرالك مشیری ووزیری اولان   ختمت عواقبه
بالخیر . توقیع رفیع همایون واصل اولیجق معلوم اوله كه . مجار امراسنك
كبیرلرندن مشارالیه متوفی قرالك معتمد ومعتبرلرندن . مفخر امراء الملة
المسیحیه تیرباب . واورمندی پال . وسجی شمون نكاتامش . بكلر عینتی
علیه وسنیه مزه مكتوب كوندروب . مشارالیه اشتوان بوجقای
اشبو بیك اون بش سنه سی رمضانك بشنجی كونی كه جمعه دن دنیایی
ترك ایدوب عقباده اولان منزله عزیمت ایدت . وسن آستانه بلند اولنمزه
كمال صداقت ونهایت خلوص وعبودیت اوزره اولوب . جنك دیده
وكار آزموده ورعیت پرور وفقرا وساكنه سایه كستر اولوب . جمله‌دن
حسب ونسبده فایق وحسن تدبیر وتداركده صدره لایق قرنداشنك
دامادی وامور خفیه‌سنك معتمد ومعتقدی اولوب . كندودنصكره
یرینه قرال اوله سنی عهدنامه ده بیان . وجناب جلالتمآبمز جانبندن
استیذان ایتدوكی اجلدن . یرینه سزی وصیت وحالحیاتنده كندویه
عنایت اولنان سنجاق همایون نصرتمقرونمله . مرغوب طبوری منزه تسلیم

ایلدوكیت بلدر دیلر . امدی سزك جمله مجار بكلرندن ونسب وحسب
صاحبلرندن زیاده . درگاه فلك نشان وباركاه رفعت اشیانمزه
اختصاص عبودیت واوغور همایونده عزت مفروغمزده سعی وهمت اوزره
ایدوككزی . مقدما عساكر ظفر پیكرمه یه بها اولور اولوب وحالا وزیر
اعظم اولان دستور اكرم المحمد پاشا ادام الله اجلاله اعلام ایدوب
خاطر عاطر پادشاهانه‌م . مظهر عنایت اولمه‌لك تصمیم اولنمغین حقكزده
مزید عواطف علیه شاهانه ومزیت عوارف سنیه پادشاهانه‌مز
ظهوره كتوروب . مشارالیه اشتوان قرالك رحلتی كوندن برنی
اردل ومجار ولایتنك قرالی وصدرنشینی اولمغه سزلایق وسزاوار
كوریلوب . برات سلطانی ومنشور خاقانی عنایت اولنوب ارسال
اولنمشدر . كرككه نامه عزت مشحونمز وصول بولدقده مشارالیهك
یرینه قرال وحاكم ودوستلقده انك مقامنه قایم اولوب . مقدما
مشارالیهه ویریلن عهدنامه‌نك مضموننجه رعایت وسرحد ورعیتمزی
حمایت ایدوب . اطاعتده ثابت قدم وعبودیتده راسخ دم . دوستمزه
دوست ودوشمنمزه دشمن سزه سركشلك ایدن مجار بكلرینی حسن تدبیر
واستمالتله كندوكه مطیع ورام . ومسندنشین مملكت مجار اولدوغكی
جانب همایونمزه اعلام ایده سن . وجمله مجار طایفه‌سنه كندوكی
سودرمكه اهتمام ایدوب . عهد وامانه مخالف نیجه طرفنه اصلا
دخل وتجاوز اولنمغه رضا كوسترمیه سن . ووكلا ومزا ایتدكلری عهد
بزم عهدیمز . ودیت واعانت ایلدكلری یمین بزم یمینمزدر . ویردكلری
عهدنامه ده یازلین هرنه ایسه بوجانبدن رعایت اولنور . سزدخی عهد
وایمانكزی حمایت وصیانتده قصور قومیه سز . وحالا درایات ظفر ایاتمزدن
برسنجاق . وبردی قیمت ومرغوب طبور كوندرلمشدر . ومتوفای بزبوكه
اولادن التفات ورعایت سزك حقكزده دخی محققدر . سوزیكز كبیر ومقبول ٤٦٩ ٤٧٧
ومسئولكز هرنه ایسه بیدریغ ومبذولدر . همان سزدخی مشارالیه كبی
هرخصوصده بوجانبه موافقت وجان ودلدن دوستلق طریقنده
صداقت اوزره اوله سز .

اردل اعیانینه یازلمشدر بوزمره مملكت اردل توجیه اولندقده

مفاخر الامراء فی الملة المسیحیه مراجع كبراء الطایفة العیسویه قاشه
پاپاسی تیرباب وقرال مصاحبی وشاوری آرومندی پال . وربانی سجی
شمون . ختمت عواقبهم بالخیر . توقیع رفیع همایون واصل اولیجق معلوم اوله كه

سنه سنیه وعتبه علیه مه مکتوب کوندروب آستانی مشید البنیان
وودومات مخلدالارکانمزه انقیاد وعبودیت اوزره اولان بوجقای
اشتوان قرال اشبو بیك اون بش سنه سی رمضاننك بشنجی کونی که
جمعه در دنیادن آخرته ارتحال ایلیوب کندونك فوتندن اول سنزی
یانینه دعوت ایدوب وصیت ایدوکی و مشارالیهك دامادی و وزیری
ومعتمد ومشیری مجارامراسنك دلیری وحب ونسب صاحبلرینك
اصیلی ومختاری استان بلند بوامزك اصدق ورعایا وبرایابه بگلرك
اشفقی اولوب مقدما ویریلان عهدنامه ده مشارالیهدن صکره قرال
اوله سی مسطور ومقید وبوندن اول یازیلان نامهٔ همایونمزده بو خصوص
اذن شریفمز اولدوغنی یازمش سز مقصده معلوممز اولمشدر امدی
باب سعادت مآبمز دوسته ودشمنه کشاده وجمله مراد وامرام حاضر
وآماده در خصوصا دوستلق یوزندن کلنلره امواج عاطفت بی
کرانمز فیضاندر وتلاطم رافت خدیوانمز جهاندر اولوب رعایت
وعنایت اولنه کلمکین مشارالیه حقنده دخی مزید التفات پادشاهانمز
ظهوره کتوروب اردل ومجار مملکتلرینه حاکم وقرال نصب ایدوب
کندویه برات عزتمون ونامهٔ همایونمز کوندرلشدر ایله اولسه
حکم همایون رفعت نمونمز وارد قده جمله مجار بگلری وقبودانلری
ونسب صاحبلری وسائر وضیع ورضیعی مشارالیهی اوزلرینه
حاکم وقرال بیلوب سوزینه مخالفت وامرینه معاندت ایتمیهلر
وکلامز ویردیکی عهد وامانی ومیثاق وایمانی مادامکه رعایت
ایدوب عبودیتده ثابت قدم واطاعت وصداقتده راسخ دم اوله
کرك مملکت وکرك رعیتکز دشمن شرندن واعدا مکرندن آسوده حال
ومرفه البال اولمق مقرردر وسرکشلك ایدن مجار بگلرینی و سایر اعیان
مملکتی حسن تدبیر واستمالت والتفات ورعایت ایله مشارالیه الله
تطبیع ورام ایتمکه اهتمام اوزره اولوب بربریکزه عداوت سببی ایله
فساد وشقاوت اظهار ایدوب خلل احوال مملکته زیاده اعتنا
ایده سز مقدما اوچ طرفدن ویریلن عهدنامه لر موجبنجه عمل ایدوب
نیجه طرفنه خلاف عهد ومیثاق برفرده دخل وتعرض ایتمکه رخصت
ویرمیه سز وشا رالیه قرالك سوزی نتوفی اشتوان قرالك
سوزی کبی یانمزده مقبول وهر رجاسی مبذول اولدر وحالا
مشارالیه قراله مرغوب ومعتبر طوغ ایله بر سنجاق نصرت قرینمز

ارسال

٤٧٨ ٤٧

ارسال اولندی مکتوبکزده التماسکز اوزره افلوق وبغدان بگلرینه
اوامر شریفه ارسال اولنمشدر اول جانبده اولان احوالی جانب همایونمزه
اعلام ایتمکدن خالی اولمیه سز عز النوالی

اردل حاکمی راقوچی مملکت مزبوره حکومتنی کندو اوغلنه اولنمسنی عرض ایلدکده جواب نامه در

افتخار الامراء العظام العیسویه مختار الکبراء الفخام فی الملة المسیحیه
مصلح مصالح جماهیر الطایفة النصرانیه ساحب اذیال الحشمة والوقار
صاحب دلایل المجد والافتخار بالفعل اردل حاکمی اولان راقوچی کورکی
ختمت عواقبه بالخیر توقیع رفیع همایون واصل اولیجق معلوم اوله که
حالیا آستانهٔ دولت آشیانمزه مکتوب ایله کوندردیکك بیشکشك واصل
اولوب اوچ ملت اعیاننك دخی آدملری ایله کاغدلری کلوب خلاصهٔ
مفهوملری رکاب همایونمزه عرض وتلخیص اولندقده جمله مواده علم
شریف خسروانهمز شامل اولمشدر امدی اردل مملکتی که اوج ملتدر
ما تقدمدن اجداد عظام انار الله براهینهم زمان شریفلرندن اوبکلری
اوزره بنم زمان سعادت اقترانمزده دخی سن دخی سنکه ولایت اردله
اوغلك قدوة امراء الملة المسیحیه راقوچی کورکی ختمت عواقبه بالخیر
حاکم اولمق اوزره سن واوچ ملتك اعیانی رأی معقول ومناسب کوروب
رجا والتماس ایلمکز ایله جانب همایونمزدن اجازت استدعا اولنمغین
امدی مادامکه صاغ اوله سن حاکم سن اولوب سندنصکره اوغلك
راقوچی کورکی اردل ولایتنه حاکم اوله سنه اذن شریفم صادر اولوب
طوغ بلق ایله خدمت وهر سنه خراجکز کوندروب دوستمه دوست
ودشمنمه دشمن معامله سنی اجرا ایده سز وبغدان وافلوق ویووده لری
وسایر بلو باشلولرندن وممالك محروسه مز رعایالرندن بر طریقله
قرار ایدوب اردل مملکتنه واررلر ایسه اولمقوله لری طوتوب
آستانهٔ سعادتمه کوندره سز شروط مذکوره اوزره اردل حکومتنه
سندنصکره اوچ ملت اعیانی اتفاقیله اوغلك متصرف اولمق بابنده
طرف باهر الشرفمزدن اذن شریفمز ارزانی وحالا خاصهٔ خلع فاخره
ملوکانهمزدن سکا ایکی ثوب خلعت واوغلك راقوچی کورکی یه
دخی ایکی ثوب خلعت فاخره وسنجاق وطبوز عنایت واحسانمز
اولوب درکاه معلامز قپوجی باشیلرندن افتخار الاماجد والاکارم
فلان زید مجده ایله ارسال اولنمشدر کرکدرکه وصولنده انواع

تعظیم واحترام ایله استقبال ایدوب خلعتلری کیوب واوغلکه
کیدوروب دخی آستانهٔ سعادت بنیانمزه اولان انقیاد وصداقت
مقتضاسنجه دائما رضای میمن اقتضای پادشاهانه مزی تحصیله
سعی ایلیه سز که فیما بعد قدر واعتبارکز حضور همایونمزده ترقی
اوزره اوله حالا کلن ایلچیکز پایهٔ سریر اعلامزه یوز سوروب
وخلعتلر کیوب اول طرفه عودت ایتدرلمشدر اول مملکتک احوالی
ورعایا وبرایانک اخبارینی وسرحد امورینی رکاب همایونمزه عرض
واعلام اوزره اوله سز

مزبور راقوچی اوغلنه ویریلان حکومت نامه در

بالفعل اردل حاکمی اولان راقوچی کورکی ختمت عواقبه بالخیرک
اوغلی کندودن صکره اردل حکومتنه متصرف اولمق فرمانم اولمغین
توقیع رفیع همایونم واصل اولیجق معلوم اوله که موسی الیه باباک
راقوچی کورکی نک دردولت مدارمزه ایلچیسی ایله مکتوب وینکینی
واردل مملکتنه تابع اوچ ملت اعیانلک آدملری وعرضلری کلوب
باباک ندنصکره حکومت سکا عنایت واحسان اولنمق بابنده عواطف
علیه مزدن رجا والتماس ایلدیلر ایله مادامکه باباک حیاتده اوله
اردل حاکمی اولوب وفاتندنصکره مزبور حکومته سن متصرف
وصداقت واستقامتله عبودیت مقامنده ثابت قدم اولوب
دوستنه دوست ودشمننه دوشمن اوله سن ودولت علیه مه
خیرخواهلق وطوغریلق اوزره اردل خراجنی وقتیله ارسال وایصاله
اهتمام ایده سن افلوق وبغدان ویوده لرندن وبوبار وبللو باشلو
لرندن بری عصیان ایدوب اردل ولایتنه قاچوب واردقلرنده
طوتوب آستانه دولت مدارمه کوندره سن وسایر ممالک محروسه مز
رعایاسندن دخی فرار ایدنلری کیرویه دوندره سن شروط
مذکوره یه رعایت ایتمک اوزره وباباک حیاتده اولدقچه حکومته ٤٧١
قارشمیوب کندودنصکره اردل ولایتنک حاکمی سن اولمق بابنده
حقکده مزید عنایت ملوکانه ومزیت عاطفت خسروانم وجوده
کتوروب سکا ایکی ثوب خلعت مورث البهجت ایله سنجاق وطبول
احسانم اولوب درکاه معلومم قپوجی باشیلرندن افتخار الاماجد
والاکارم فلان زید مجده ایله ارسال اولنمشدر وصولنده کرکدر که
اصناف اعزاز واکرام ایله خلعتلری کیوب وسنجاق وطبوزی حفظ

ایدوب اشبو نامهٔ مرتبت انجامک مفهوم سیله عمل ایلیه سن ١٠٥٤

اردل اعیاننه موسی الیهک حکومتنی قبوللری بابنده استمالت نامه در

مفاخر امراء الملة المسیحیه مراجع الکبراء فی الطایفة النصرانیه ممالک
محروسه مدن اردل ولایتنده اولان اوچ ملت بکلری وسایر اعیانی ختمت
عواقبهم بالخیر توقیع رفیع همایون واصل اولیجق معلومکز اوله که بالفعل
اردل حاکمی اولان افتخار الامراء العظام العیسویه راقوچی کورکی ختمت عواقبه
بالخیر عتبهٔ علیه مه ایلچی ایله مکتوب کوندروب وسزکه اوچ ملت اعیانی سز
ایچکزدن بجار ملتندن شولق اشتوان وسکل ملتندن باش طوتاش
وساسلر ملتندن تودوری اشتوان نام بللو باشلو آدملر بکزله عرضکز
کلوب خلاصه مفهومی پایهٔ سریر اعلامزه ترجمه وتلخیص اولندقده علم
شریف همایونم جمله مواد ومراده محیط اولمشدرکه اردل حکومتی موسی الیه
راقوچی کورکیدن صکره بیوک اوغلی اولان افتخار الامراء الفخام العیسویه
راقوچی کورکی ختمت عواقبه بالخیره اولمق مناسب واولی وجمله کزرأی
واتفاقی اوزره معقول اولدوغین اعلام ایدوب سن سعادتمزدن
اذن همایونمز رجا ایلمش سز امدی مادامکه باباسی موسی الیه راقوچی
حیاتده اوله اردل حکومتنه کسنه قارشمیوب کندوسی استقلال اوزره
حکومتنده صداقت وعبودیت ایله برقرار اولوب کندوسی فوت اولدقدن
صکره صلبی اوغلی مرقوم راقوچی کورکی ولایت اردله حاکم اوله وباباسی
طریقی اوزره جادهٔ عبودیتده ثابت وطوغریلق وخیرخواهلق بولنده
استقامت ایدوب دوستمه دوست ودشمنمه دشمن اوله وسزکه اوچ ملت
اعیانی سز بو وجهه آستانه مزه خیرخواه اولدوغکزه اعتماد همایونم
اولدوغی اجلدن حضور فایض النور شاهانه مزده رجا والتماسکز مقبول
اولوب مزبور راقوچی کورکی دخی رأی واتحادکزدن طشره چقمامق اوزره
حالا کندویه نامهٔ همایونمزله ایکی ثوب خلعت وسنجاق وطبوز احسان
وارسال اولنمشدر اشبو حکم همایونم جمله کزک معلوملری اولدقلرده
بو بابده صادر اولان فرمان جلیل القدرم اوزره عمل ایلیوب موسی الیه
راقوچی کورکی شروط مذکوره رعایتی ایله اردل ولایتنه حاکم اولوب وقت
وزمانیله خراجلری آستانهٔ سعادتمه اداوایصالده تقید واهتمام ایدوب
بو وجهه آستانه مزه لازم کلن خدمتده قصور ایتمیه سز که کوندن کونه حقکزده
عنایت علیهٔ شاهانه مز وجوده کلوب طرف همایونمزدن اییلکلر
مشاهده ایده سز

انكلتره قرالنه طرف دولت علیه‌دن یازیلن نامه‌دركه مزبورك نامه‌سنه جوابدر

دیباجهٔ معهوده دن صكره • بودركه عنایت رب العالمین • و هدایت حضرت
خاتم النبیین • علیه افضل صلوات المصلین ایله ملجاء سلاطین روی زمین
و ملاذ خواقین صاحب تمكین اولان • سریر سنیهٔ سعادتقرین • و عتبهٔ
علیهٔ خلافت رهینمزه حالا ارسال اولنان مكتوب مصادقت آیینكز بالفعل
در دولت مآبمزه الچیكز اولان • قدوة امراء الملة المسیحیه • سرطوماس روجنه
عواقبه بالخیر یدندن واصل اولوب قانون قدیم عثمانی • و اسلوب مستدیم
خسروانی اوزره وزرای عظام • و وكلای فخامتمز طرفندن ترجمه و تلخیص
اولنوب • حضور عزت موفور مزه كوندرلدكده منظور نظر همایون • و ملحوظ
عین عنایت مقرون مز اولوب • من اوله الی آخره تحریر اولنان امور
و قضایانك علم شریفمزه حاصل و جزوی و كلی ایلدن حالات محبت اقتضا
ذهن لطیفمزه واصل اولمشدر • جمله‌دن بری اولو آستانه‌مزه قدیمی بابالریكز
و دده‌لریكز مابینلرینه رعایت اولنه كلن دوستلق و یارینشقلق احوالی
ذكر اولنوب غیری حالا بابا كزدن صكره ارث و استحقاق ایله اول
مملكتلرك حكومتی و قراللغی سزه میسر اولدقده • سز دخی بابالریكزدن
و دده‌لریكزدن زیاده دوستلق طریقنده ثابت قدم • و صلح و صلاح
بابنده راسخ دم اولوب • كوندن كونه بو وجهله آستانه‌مزله اولان صلح و صلاح
بناسنه زیاده استحكام ویرمكه چالشوب • اجرای لوازم موالات
و اقتضای مراسم مصافاتده دقیقه ذره مقداری قصور قوماد وغیكزی
بلدرمشسز • بو مقوله دوستانه بیانكز • و صادقانه كلاملریكزدن
و بابا كز مملكتنه برخیرلو ساعتده مالك اولدوغیكزدن خاطر صفا مقرون
محظوظ اولوب • جانب همایونمزدن دخی سزك طرفكزه انواع میل و توجه
اثری هویدا و پیدا اولمشدر • دخی بلدرمشسزكه حالا آستانهٔ سعادتمزده
اولان مذكور الچیكز بوندن اقدم تونسلو و جزایرلو ایله بر عهد و قرار
ایلیوب • اول جانبلره واروب • كلن بازركانلریكز احوالندن و واقع
اولان معاملات و بیع و شری خصوصنده عقد مصالحه ایدوب • سوزی
برینه قویوب صلح بیكلدوب • ولخصوص انكلتره طرفلرك مملكتنه اولی و انفع
اولمغله • بزم جانبمزدن اركان الكا رضا كوستروب قرار ویرلمشدر •
بر و جانبلرده دخی اكا كوره عمل اولنوب • من بعد اول قول و قراردن

تجاوز اولنمامغیچون • تونس و جزایر بكلربكیلرینه اوامر شریفه كوندرلمسنی
مراد ایلمشسز • اكابنا ءً شار الیهما بكلربكیلره انواع تنبیها تی مشتمل احكام
همایونمز كوندرلوب • وجه مشروح اوزره قرار و یریلدن معاهده‌دن
نشره قدم بصمیوب • اولیكلن منوال اوزره بازركانلریكز كلوب كیدوب
بیع و شرا ایتدكلرنده عهدنامه‌یه مخالف رنجیده و رسیده ایتمیه‌لر دیو
محكم تنبیه اولنمشدر • و بوندن ماعدا ممالك محروسه‌مز اسكله‌لرنده
بعض حاكم و عامللر عهدنامه‌یه مغایر و اولیكلنه مخالف بازركانلریكزدن
نیجه تكلیفلر ایدوب مصدر به نامی و غیری ایچون جمله اقچه طلب ایلدكلرین
اعلام ایلمشسز • و قانون قدیم اوزره ویرلدكلری محللرده كمركلرین
ادا ایتدكلرندن صكره تكرار غیری اسكله‌یه واردقده كمرك نامیله
اقچه طلب اولنور دیو بلدرمشسز • امدی ایام سعادت انجام و هنكام
عدالت انتظامزده خلاف شرع و مغایر قانون • و منافی عهدنامهٔ
همایون كمسنه‌یه ظلم اولنماسنه اصلا رضای شریفمز یوقدر بو بابده
لازم اولان وجه اوزره شوكتلو و مشددا اوامر شریفه ویریلوب تنبیه
اولنمشدركه • ما بینده قرار ویریلن • عهدنامهٔ همایون مقتضاسنجه
حركت ایدوب • بازركان طایفه‌سی ممالك محروسه‌مزدن هرنه
محله و نه مقوله اسكله‌یه وار ایرلرسه • آسوده حال و امن و راحت
اوزره كچمه‌لرینه زیاده سعی اولنوب • تكرار كمرك طلب اولنمقدن
و اولیكلنه مخالف تكلیفلردن بغایت حذر اولنه • و دخی اعلام ایلمشسزكه
بوندن اقدم جزایر بكلربكیسی اولوب • وفات ایدن خسرو پاشا
جزایرده تونس لشكری یاننده اولان آدملریكزی ناحق یره طوتوب
حبس ایدوب • صلح و صلاحه مغایر و شرع شریفه مخالف • برنیجه
بیك غروش آلوب عذر و حیف ایلمش • امدی بو مقوله ناهموار حركت
اولدوغنده • بو وجه من الوجوه رضای شریفمز اولمدوغی كوندن عیاندر
بو اثناده جزایر عسكرندن درسعادت مآبمزه كلمش نیچه اخبار
و لحوالدن خبردار آدملر • بو نعله مزبورلردن بو خصوص سؤال
اولنه دیو فرمان همایونمز صادر اولوب • فی الحال كتوردیلوب هر برینه
انواع عتاب و تنبیه اولندقده آلنان اقچه‌لری بالتمام مقاطعات
مالندن و بنجك محصولندن ادا ایدلم دیو مقر و معترف اولوب
و واردوغمزكبی تونسلولری و آدملریكزی اطلاق ایدورلم دیو جواب
ویرمه‌لریله • اول منوال اوزره جزایر بكلربكیسنه خطابا انواع عتاب

مشتمل حکم شریفمز یازیلوب • تنبیه اولنمشدرکه بو خصوصده اهمال
اتمیوب • مجدداً تونسلو یی اطلاق ایلیوب • والنان اموالی بیقصور رد ایلیه
وفیما بعد بو مقوله نامناسب حرکت ارتکاب اولنمیوب • اوراجانبندن کوندر
دوککز تونسلوکزه سابقدن اولیکلی وجه اوزره رعایت اولنوب •
دوستلق حقوقنی کما هو حقه اجرا ایلیه • وبالجمله وارد اولان نامه کزده
تفصیل اولنان احوالک • هر برینی شرع وقانونه وشان عدالت مونمزه
لایق وعهدنامه لره مطابق اولان وجه اوزره اوامر شریفه یازیلوب
مذکور ایلچیکزه ویرلمشدر • فیما بعد دخی دوستلغه راجع وتجار مملکت
طرفینه نافع اولان خیرلو مصلحتلرده مساعده همایونمز دریغ اولنمیوب
ما بینلرنده قدیمی سور ایله کلن بارشقلق لوازمی کرکی کبی اجرا اولنمق
مقرردر • فلهذا دوستلغه بنا اشبو نامه مودت مشحونمز تحریر اولنمشدر
کرکدرکه وصول بولدقده قدیم لا یا مدت الی هذا الآن آستانه مخلد
الارکانه ودودمان شید البنیانمزه اولان کمال صداقت وخلوص
وداد • ونهایت اتفاق ومزید اتحادکز طریقنده ثابت قدم اولوب
بابالریکز ودده لریکزدن قالان دوستلق مراسمن کما هو حقه رعایت
واشنالق شرایطنی فوق الغایه صیانت ایلمک • مرادکز ایسه رضای
یمن اقتضای خسروانمز تحصیلنه سعی واهتمام ایدوب • هند طرفندن
ممالک محروسه مزدن اولان حله ولایتنه تابع موحا نام اسکله مزه
کلورکن انکلتره جانبندن بورتونلر ایله اوزرلرینه واریلوب تجارمز
کمیلرندن بکرمی درت پاره کمیلری الچنده اولان تجار ایله واموال وارزاقلری ایله
اخذ اولنان تجارمزی اطلاق ایدوب • وضایع وتلف اولان اسبابلرینی
صاحبلرینه رد ایلیوب • خاطر همایون سعادت مقرونمزی رعایت ایتمکله
التفات شریفمزه مظهر اولوب • بین الاقران ممتاز وسرافراز • وحکام
اطراف بیننده معزز وممتاز اولمغله • ولایت ودولتکزه مفید ونافع
نیجه منافع مشاهده • ایلمک مقرر وملاحظه اولنه • انشاء الله تعالی
بو نامه همایونمز واصل اولدقده بو خصوصنه وجهله دقت وباذل کلانکز
کمیلر ایله تخلیصنه واموال اربابلری اصحابنه بیقصور استردادینه طریقیله
سعی واعانت ونه بوروت آستانه مزه اظهار صدق طویت ایلیوب
رضای همایون ومراد فؤاد صفا مقرونمز اوزره حرکت ایلدکلرینی
براد ومعتبر آدملریکزله مجدد دردولتمدارمزه اعلام ایلیه سز •

انکلتره قرالیچه سنه ویریلان عهدنامه در سنه ۱۱۰۱

٢٨٢٤٧٤

نشان همایون اولدرکه • افتخار المخدرات العیسویه • مختارة الموقرات
فی الملة المسیحیه • مصلحة مصالح الطایفة النصرانیه ساحبة اذیال الحشمة والوقار
انکلتره • وفرنچه وهیرنه ولایتلرینک قرالیچه سی ختمت عواقبها بالخیر طرفندن
درکاه عدالت پناه • وبارکاه سعادت دستکاهمزکه ملاذ ملجأ سلاطین
جهان ومعاذ خواقین دوراندر • مدبر بکزاده وآدملری وکمیلر ایله
پیشکشلری کلوب • واصل اولوب ارسال ایتدکلری هدایا حیز قبولده
واقع اولوب • بوندن اقدم فردوس مکان جنت آشیان • مرحوم بابام
سلطان مرادخان طاب ثراه زماننده • آستانه سعادت آشیانمزه آدم
کوندروب اظهار مصافات واخلاص • واشعار موالات واختصاص ایلیوب
اول طرفدن آدملری کلوب کتمک بابنده استجازه ایلدکلرنده مرحوم ومغفور له
زماننده اجازت همایون اولوب • منازل ومراحل ومعابر وبنادر وقره دن
ودریادن کسنه رنجیده ورمیده اولنمیه • وبو احکام شریفه ویرلمکله •
حالیا درکاه معدلت پناهمزه خلوص طویت • وصفای عقیدت اوزره
عرض اخلاص واختصاص ایلیوب • فرانچه دوندیک ولیه وسایر عتبه
علیا مزه عرض اخلاص ایلیت قراللر ایله ما بینمزده منعقد اولان موالات
ومصافات مقتضا سنجه مشار الیها • ایله دوستلق اوزره اولوب آدملری
وسایر تاجرلری ممالک محروسه مزه امن وامان اوزره متاعلر ایله کلوب
تجارت ایلیوب • ومشار الیهم قراللره دوستلق مقتضا سنجه ویریلدیکی عهد
نامه همایون عز مقرون واحکام شریفه موجبنجه مشار الیها جانبنه
دخی ویرلمک بابنده • استدعای عاطفت ایلمکله مرحوم مشار الیه بابام
طاب ثراه زماننده عهدنامه • واحکام شریفه موجبنجه مشار الیها جانبنه
دخی ویریلوب • حالا دخی مشار الیها طرفندن وجه مشروح اوزره عهد
نامه همایونمز ویرلمه سی بابنده سریر سعادت مصیر پادشاهانه مزه عرض
وتمنی اولندقده استدعاسی عز حضور لامع النورمزده حیز قبولده ومحل
ارتضاده واقع اولوب • مشار الیه بابام طاب ثراه ویردیکی عهدنامه
موجبنجه مجدداً عهدنامه همایون عدالت مقرونمز عنایت ایدوب •
مشار الیها قرالیچه طرفندن حالا رجا اولندیغی اوزره انکلتره وانکلتره یه تابع
اولان یرلرده بورینیت تجار طایفه سی ممالک محروسه مزه کتوردکلری التوندن وغروشدن
رسم آلنمیوب • بکلربکیلر وقاضیلر ودفتردارلر وضربخانه امینلری دخل وتعرض
ایلمیوب • غروش اکچه قطع ایدرز دیو بوربجیده ایتمیه لر • بارود وسایر
ممنوع اولان متاع وآلت حربیه غیری ممنوع اولمیان متاعی کمیلرینه تحمیل

ایتدکلرنده کمسنه مانع اولمیه. وسبته بوغازندن ولایتلرینه واروب
کلمکه مجال اولمدیغی زمانده ممالک محروسه مده واقع اولان لیمانلرده واسکله لرده
یاتوب کندو حاللرنده الیش ویریش ایدوب کمسنه مانع اولمیه. انکلتره
طایفه سی وانکلتره بیراغی آلتنده یورینلرک دعوی وخصومتی واقع اولدقده
ترجمانلری یاخود وکیللری حاضر اولمینجه دعوالرینی حکام استماع ایتمیوب
ودرت بیک آقچه دن یوقاری اولان دعوالری آستانهٔ سعادتمده استماع
اولنه. وانکلتره تاجرلری احوالی ایچون ممالک محروسه مده نصب
وتعیین ایتدکلری قونسلوسلرینک نه مقوله دعوالری اولورسه آستانهٔ
سعادتمه عرض ایدوب ایلچیلرینک معلومی اولمدین قونسلوسلری
حبس اولنوب اولری مهرلنمیه ورفع اولنمیه وانکلتره وانکلتره بیراغی
آلتنده یورینلردن بری عزراولسه عهدنامه یه مخالف اموال وارزاقی
بیت المالجیلر مال غایبدر دیو دخل ایتمیه لر. وانکلتره طایفه سنه
ویریلان اوامر شریفه وشمدنصکره ویریلجک احکام منیفه محکم ومؤکد
اولوب طایفهٔ مزبوره یه وسنجاقلری آلتنده یورینلره دائما نفعلی
وفائده لو اوله. وقنا ملرو قاضیلر طرفندن رسم قسمت طلب اولنمیه
وقونسلوسلری استدکلری سانجی ی واویکلدیکی اوزره مراد ایدنلرک
کمسنه یی ترجمانلقده استخدام ایدوب بکیجی یردن وغیریدن جبر ایله
کمسنه خدمتلرینه قارشمیه. وساکن اولدقلری یرلرنده کندولرک وآدملرینک
کفاف نفسلری ایچون شیره صغوب خمر ایلدکلرنده کمسنه مانع اولمیه
وبکیجی قوللرمدن وغیریدن هرکیم اولورسه اولسون برنسنه لرین
استمیوب وجبر ایله آلمیوب ظلم وتعدی ایتمیه لر. حلبده واسکندریه ده
وسایر یرلرده کمرکلرین بالتمام ادا ایتدکدنصکره زیاده براقچه وبرحبه
طلب اولنمیه. وقصاب آقچه سی نامنه براقچه وبرحبه آلنمیه. ٤٧٥ ٩٨٢
وآستانهٔ سعادتمده اولان فرانچه پادشاهی ایله انکلتره قرالچه سی
ایلچیلرینک فیلودنده تجاری خصوصنده نزاعلری اولوب ایکیسی دخی
رکاب همایونمه عرضحاللری صونوب ذکر اولنان فلودنده لحق تجاری
ممالک محروسه مه کلدکلرنده کندو بیراقلری آلتنده کلمک رجا ایلدکلرنده
ایکی طرفه دخی خط همایون وفرمان عالیشان صادر اولمشیکن سابقا
وزیر اعظم اولوب حالیا قپودانم اولان سنان پاشا ادام الله اجلاله
فلودنده رخطا یفضیسی انکلتره قرالچه سنه تعیین اولنوب نامهٔ همایون
ویرلمک کرکدر دیو اعلام ایدوب موجبیله دریا طرفلرینک حاکمی

واصل

واصل وتوقی اولنمغله سایر وزرای عظام دخی مشارالیهک رأیی اوزره عمل اولنمق
مناسبدر دیدکلری پایهٔ سریر اعلامه عرض اولندقده مشارالیه قپودانم
ووزرای عظام مناسب کوردکلری اوزره فیلودنده ولایتلرندن خولنده
وولندیزه وقزیلندیزه وکلدرلندیزه نام دورت پاره ولایتلرک تجار طایفه سی
انکلتره قرالچه سی بیراغی آلتنده کلوب کیدوب سایر انکلتره تجاری کبی
کندو متاعلرندن وکیملری ایله کتوردکلری سایرک متاعندن قونسلوسلق
حقی وسایر عوائدات مشارالیها انکلتره قرالچه سنک ایلچیسنه ویروب
من بعد فرانچه ایلچیسی طرفندن دخل وتعرض اولنمیه دیو خط همایونم ایله
فرمان عالیشانم صادر اولمغله بو عهدنامهٔ همایونم موجبنجه عمل اولنوب
اشبو عهدنامهٔ همایونمده مسطور اولان شرطلرک وعهد وامانک نقیض
واختلاله متعلق برطریقله حکم همایون اخراج اولنورسه آستانهٔ سعادتمده
اولان انکلتره ایلچیسنه اعلام اولنوب اولدخی ذکر اولنان اختلال ونقضه
متعلق اولان خصوصلرک جوابین ویره. حلبده ومصرده وسایر ممالک
محروسه ده اولان انکلتره بازرکانلری کندو حاللرنده الیش ویریش ایدوب
جمیع متاعلرینی مقدما آلنه کلان اوزره یوزده اوچ آقچه کمرک
ویروب زیاده ویرمیه لر. وکیملرینه تحمیل ایتدکلری متاعلرک لیمانلره
کمرکنی ویروب اول لیمانده متاعلری صاتمزسه آخر لیمانه الوب
کیدوب داخل اولدقلرنده تکرار کمرک المیه. وکیملرینه تحمیل ایدوب
کتوردکلری والوب کتدکلری کمرک آلنه کلان متاعلرینک قونسلوسلق
حقن انکلتره قونسلوسنه ادا ایلیه لر. وممالک محروسه مده واقع اولان بکلربکیلر
بکیلر وبکلربکیلر قوللریمز وقاضیلر وعموما اسکله امینلرینه احکام شریفه مز
ارسال اولنوب فرمان قضا جریانمز بو وجهله صادر اولدیکه مادامکه
مشارالیها طرفندن شرایط عهد وپیمان رعایت وقواعد صلح وامان کما
ینبغی صیانت اولنه بو طرفدن دخی کندو مماللری واسباب ومتاعلری
ایله اکر دریادن کلان قلیونلر وسایر کیملری والچیلرنده اولان آدملرینک
واسباب ومتاعلرینه اصلا بروجه دخل وتعرض ایلمیوب کندو حاللرنده
وکار وکسبلرنده اوله لر. اکر ممالک محروسه مده واکر آخر ولایتلرده کیدرکن
وکلورکن زنجیرلکلرنده ایکن برطریقله اسیر اولورلر ایسه اولمقوله لر
کیرو خلاص اوله لر. وقلیونلری وسایر کیملری جمیع زمانده اسکله لرده
ولیمانلرده وسایر ممالک محروسه مزده امن وامان اوزره کلوب کیده لر
انلک کیدرده دریاده فورتنه مضایقه ویردکده وسایر لوازمنده حاضر بولنان

٤٧٦ ٣٨٤

اکر خاصه کیلری خلقیدن و اکر غیریدن معاونت ایدوب واقچه ایله
لادوز واده لرینی تدارکلرندن کمسنه مانع اولمیوب • دخل و تعرض
اولنمیه • و اول دیار تاجرلری و ترجمان و غیری آدملری دریادن و قرهدن
ممالک محروسه مزه کلوب بیع و شرا و تجارت ایدوب • شویله که اوتدنبرو
عادت و قانون اوزره رسوم عادیه لرین ویره کلدکلرندن نصکره کلشلرنده
و کدشلرنده قپودانلردن و دریاده بولنان رئیسلردن و غیریدن
و عسکر خلقیدن کمسنه مانع اولمیه • کندولرینه و آدملرینه و اسباب
و طوارلرینه دخل و تعرض اولنمیه • اکر انکلتره لونک بری مدیون
اولسه دین بورجلودن طلب اولنوب انسنه کفیل اولمیجق آخر کمسنه
طوتلوب طلب اولنمیه • اکر بری مرد اولسه کیمه وصیت ایدرسه
اسباب و اموالی اکا ویریله اکر وصیتسز مرد اولسه • قونسلسلری
معرفتیله اول یرلو یولداشنه ویریله کمسنه دخل ایلمیه • و انکلتره
و اکا تابع اولان یرلرک بازرکانلری و ترجمانلری و قونسلوسلری
ممالک محروسه مزده بیع و شرا و تجارت و کفالت خصوصلرنده و سایر
امور شرعیه ده قاضیه واروب ثبت سجل و یاخود حجت ایتدرلرکم صکره
نزاع اولنورسه سجل و حجته نظر اولنوب • موجبیله عمل اولنه • بو
ایکسندن بری اولمیوب مجرد شاهد زور اقامت ایتمکله خلاف شرع
شریف تزویریله دعوالری استماع اولنمیه • و بعضی کمسنه نزه شتم
ایلدیکدی بو افترا ایدوب شاهد زور اقامت ایلیوب • مجرد جلب
و اخذ مال ایچون خلاف شرع قویدرتجلرو رنجیده اولنمقدن منع اولنه
و بونلردن بری مدیون اولسه و یا بر وجهله متهم اولوب غیبت ایلسه
انک ایچون کفالتسز آخر کمسنه طوتلمیه • و انکلتره لویه متعلق اسیر
بولنورسه که قونسلوسلری طلب ایدوب انکلتره لی ایدکلری ظاهر
اولوب شبهه احتمالی اولمزسه انکلتره لویه ویرهلر و انکلتره و اکا تابع
اولان یرلردن ممالک محروسه مزده متمکن اولنلر اکر اولودرلر و اکر ایکندیلر
رنجبرلر ایسه لر انلردن خراج طلب اولنمیه • اسکندریه و شام طرابلوسی
و جزایر و تونس و طرابلوس غرب و مصر اسکله لرینه و غیرینه تعیین
ایتدکلری قونسلوسلرین تبدیل ایلیوب • یرلرینه اول خدمته عیرینی
کلمورکا آدملر تعیین ایدوب کوندردکده کمسنه مانع اولمیه • اکر
ترجمانلری مهم مصلحت اوزره ایسه کلمکده توقف اولنه اثنا انلر دخی
تعلل ایتمیوب • ترجمانلرین احضار ایتسونلر اکر انکلتره لونک بربرله

٣٨٥ ٤٧٧

نزاعلری اولسه مزبور ایلچیلری و قونسلوسلری عادتلرنجه فصل ایتسونلر
کمسنه مانع اولمیه • شویله که لوندقایقلری دریادن واروب انکلتره
لولری عهدنامه ویرلدیکی تاریخدن صکره اسیر ایدوب کتوروب
روم ایلنده و اناطولیده صتلرانک کیلری بولدقلری یرلرده کرکی کبی دقت
و اهتمام ایله تفتیش ایدوب هرکیمک الندن بولنورسه کیمدن الدوغن
بولدروب اول اسیر مسلمان اولمش ایسه الان کمسنه بر اقچه سی اندن
ویرلیوب • آزاد اولوب صالیویرله • و ممالک محروسه مزده دریا یوزنه
چقان کمیلر و قدرغه لر و دونمالر دریاده انکلتره کمیلرینه بولشدقلرنده
بربرینه دوستلق ایدوب ضرر و زیان ایتمیه • و تدکلو فرانچه و سایر
دوستلق اوزره اولان قراللره ویریلان عهدنامه همایونمزده مسطور
و مقید اولان خصوصلر انکلتره لونک دخی حقنده مقرر اولوب •
شرع قدیم عهدنامه همایونمزه مخالف مانع و مزاحم اولمیه لر • و قلیونلری
و سایر کمیلری ممالک محروسه مزه کلدکلرنده حفظ و صیانت اولنوب
امین و سالم کیدهلر • اکر اسباب و اموالی یغما اولنمش بولنورسه •
غارت اولان اموال و اسباب و کمیلری و آدملری ظهوره کلمه سعی
بلیغ سعی و اقدام اولنوب اهل فساد هرکیم اولورسه اولسون کرکی کبی
حقلرندن کلنه • انکلتره تجارلری و سایر آدملری منع اولنمدقلری متاعی بیع و شرا
ایدوب قرهدن و دریادن ترصو بیندن ازاق سقو و روس ولایتلرینه
الوب کیدوب و ممالک محروسه مزه اولجانبدن متاع کتوروب بیع و شرا
ایدوب • ولایت عجمدن قوت قاهره مز ایله فتح اولنان ولایتلرده متاع
الوب کیدوب کوندرمک استدکلرنده کمسنه مانع اولمیوب • ذکر اولنان
مساعدت عجمده فتح اولنان یرلرده قدیمدنبرو جمله کرک الینه کلمش ایسه
کیرو اول طریق اوزره ایلیوب زیاده المیه • و روزکار مخالف اولمغله
اثنا بولده کلجک کمیلری و یاخود اولجانبلره بر محله دوشدکلرنده حسن رفاقت
بیع و شرا ایتمدیکی کمسنه جبرا متاعلرین چقاروب آلمیه • و اولجانبلره وارد
کمیلرینه کمسنه مانع اولمیوب خوف و مخاطره اولان یرلرده کمیلرین
و ایچلرنده اولان آدملرین و متاعلرین حکام قوروب صیانت ایلیه لر
که ضرر و زیان اولمیه • ولازم اولان زاد و زواده لرین بولنان یرلرده
اقچه ایله آلدقلرنده و اسبابلرین تحمیل ایچون عربه و کمی طوتمق استدکلرنده
شویله که آخردن طوتلمش اولمیه کمسنه مانع اولمیوب • و اولجانبدن
اثنا بولده کتوردکلری متاعدن مادامکه صاتمق ایچون آخر یره چقارمیه لر

استانبوله كلنجه كرك البته بونده كلدكده النوب امين وسالم وارووب
كلوب تجارت ايليه لر بكلربكيلر وقبودانلر وسنجاق بكلري وقوللرم
ودرياده يوروين قبودان قوللرم وقاضيلر وامينلر وخاصه رئيسلر ذكر
اولنان عهدنامهٔ همايونمزك مضمون عدالت مقرونيله عمل ايليوب
خلافنه جواز كوسترميه لر اشبو ذكر اولنان عهد اوزره مادامكه صداقت
واخلاص صلحده ثابت قدم وراسخ قدم اوله لر بو جانبدن شرايط عهد
وامان كماكان مرعي ومحترم طوتيلوب اصلا بر وجهله خلافنه جواز
كوسترلمز. تحريرا في اواخر جمادي الآخرة سنه عشر والف

انكليز قرالندن آستانهٔ دولت آشيانه كلان رجانامه در

بو جهه واكبر اللهك فضل وعنايتيله برتانيه كبيره يعني انكلتره واو
فرانچه وهبرنيه ممالكلرينك قرالي وحضرت عيسى دينني حمايت
ايديجي قارلوس عزتلو ودولتلو وزير مكرم مدبر مفخم سعادتلو قائم
مقام حضرتلرينه سلاملر اولنوب حضور عزتلرينه اعلام اولنوركه
حق جل وعلانك محض لطف وعنايتندن ذكري نا مبارك والداكرمزي
دار فنادن دار بقايه ولدوغي مقامنه جذب ايدوب حسن نظامي ايله بو تخت
سعادت اوزره جلوسمز ميسر اولمغين عظمتلو پادشاهك اجداد
كراملريله بزم ابا وكرامز مابينلرنده قديم الايامدن برو منعقد اولان
صلح وصلاح بوانه دكين صدق واخلاص ايله جاري وطرفين رعاياسنك
انتفاعنه بادي اولان حسن موالات ومصافات قديمه يي خاطرمزدن
دور ايتميوب اول ايامده واقع اولمش بعض مهمات تمام بولدوغي
وقتده مودت ومحبتمز اظهار ايلمك ايچون نامهٔ ملوكانه مز عظمتلو
پادشاه حضرتلرينه تحرير ايدوب ارسال اولنمشدر وآستانهٔ
سعادتده تمكين اولان ايلچيمزه تنبيه اولنمشدركه مابينده عقد اولنان
قديمي عهد وامانى مقرر ومحبت ومودتي تجديد ايليه ودائما طرفيندن
اولان حسن معامله نك استحكامي وازديادي ايچون ذكر اولنان
عهد قديمي ايله دوستلق مراسمني حفظ ايدوب موجبنجه عمل
ايليه وجناب عزتكزدن التماس اولنوركه مابينده اولان مودتك
تأكيدي ايچون شوكتلو وعظمتلو پادشاه حضرتلرينك حضور شريفلرنده
وقور تعزتكز هر وجهله مرغوب ومقبول همايونلري اولوب صدر اعظم
اولدوغكز جهتله مشار اليه ايلچيمزه رعايامز امورنده همت عاليه لركز
ايله معاونت شريفكزي دريغ بيورميه سز لكم حكامكز وبعض عمالكز

٤٨٩ ٤٧٨

بيمين بالله ايله اولان عهدنامهٔ همايونه انقياد ايتميوب رعايامزه نيچه
تعدي وتجاوز ايدنلرك محكم حقلرندن كلمكه سعي جميلكز بذل اولنه
ورعايامزه تجاوزدن بري بيچه جزايرده برقورصانك اغواسيله اندن اولدن
قونسلوس وتجارمزه عظيم ظلم اولنمشدر مذكور قونسلوس وتجارمزي
ناحق يره حبس ايليوب مال وارزاقلرين كوفت ايدوب جزاير بكلربكيسي
خسرو پاشا نيچه بيك غروشلرين قوله مواجب ويرمشدر وآستانهٔ
سعادتده اولان امنا وعاملردن تجارمزه نيچه درلو تعديلر ايرشوب
عهدنامهٔ همايون ايله اصلا عمل ايتميوب عرض وپادشاهي يه
اعتبار ايتمزلر مادامكه بو خصوصده عدل وداد اظهار ايليوب
تجار ورعايامزك حقلريني اليويرمكه احسان ايليه سز وطرفينك
خيرينه مانع اولان حكام وعامللرك محكم حقلرندن كله سزكه من بعد
اولجانبده معامله ايليت تجار ورعايامزدن جنحه اولنوق احتمالي اولميه
وتجارمزك ممالك محروسه ده بر ليمانده كمركي امنا وعمال طرفندن الدقدن
صكره آخر ليمانه وارد قلرنده تكرار كمرك اليه لر وبو قديم الايامدن
عهدنامهٔ همايونده مسطور اولمغين كذلك جناب عزتكزدن تمنا
اولنوركه ذكر اولنان ماده لرده عهدنامهٔ همايون موجبنجه عمل اولنمغه
همت شريفه كز دريغ اولنميه كه من بعد بو خصوص ايچون تكرار بزه
اظهار تظلم ايتمكه حاجت اولميه وممالك محروسه ده لطف وكرم پادشاهي
ايله رعايا وتجارمز منظوردر ومعاملات وبيع وشرا خصوصنده عدالت
اولنمز ايسه عرضحاللري موجبنجه بالضروره اندري ولطرفدن جكوب
قالدرمق اقتضا ايدر واولجانبده معامله لري سببي ايله سعادتلو
پادشاه حضرتلرينك بيت الماله نفع اولدوغنده شبهه اولميوب
معاملات مزبوره قطع اولنورسه خزينهٔ عامره يه نه مرتبه
ضرر مترتب اولاجغني مطالعه كز اوله امدي عدالتكز ظهوره كتوروب
مذكور معاملاتك اجراسي خصوصنده همت بليغ وسعي بيدريغكز موجود
سعادتلو پادشاه حضرتلرينه نامه مز ايله دوستلرينك حقنده ظهوره
كلان صداقت واهتماميكزي آگاه ايلمه مز مقرر بيليوب بو تقديرجه
رعايامز دخي ممالك محروسه ده اولكيدن زياده بيع وشرا ومعامله
ايدوب جانبينه نيچه درلو خيرلو امور حاصل اولمه سني محقق بيله سز
بو نامهٔ ملوكانه مز مبارك آبينك اولنده حضرت عيسى نك تاريخنك
بيك التيوز يكرمي بشنجي تحرير اولندي ولوبيا تعه نام سرايمزده ويرلشدر

بو دخی انکلیز قرالی طرفندن سلطان مراد درکاهنه صداقت نامه در

بعنایة الله الملك المعین کبیر برتانیه یعنی انکلتره و اوسقوجیه و فرانچه
وجرینه قرالی وخرستیانك صحیح دیننك حامیسی قارلو شوکتلو و عظمتلو
پادشاه اعظم سلطان مراد خان غازی حضرتلرینك حضور همایونلرینه اعزاز
واکرام ایله دعا وثنالر اولندقدنصکره رب العزت حضرتلرندن دولت
عظمالرینك ازدیادین استرز حالا سکسان سنه یه قریبدرکه اجداد
عظاملریله آبا و کرامز مابینلرنده عقد اولنان مصالحه و مصافاتلرینك
رعایتنده اولان دقت تاملرینه امتثالا بو مخلصلرینك دخی آستانه
سعادتلرینه اولان قدیمی محبت و موالاتك ازدیادینه و صلح و صلاحك
استحکامنه هروجهله دقت و اهتمامی وجوده کلوب ممالك محروسه لرنده
اولان رعایامزك رعایا و برایاکز ایله اولان خیرلو معامله لرینك انتفاعی
ازدیادینه سبب اولدوغی عامهٔ ناسه منتشر اولدوغندن ماعدا
جناب همایونلرینك دخی علم عالم شموللرینه خفی اولمدوغی محقق
معلوممزدر واعتقاد بالکز بودرکه وفور صداقتمز خاطر همایونلرندن
دور و مهجور اولمیوب طرفمزده اولان حسن مودت و صداقتمز بناء
ممالك محروسه لرنده اولان رعایامزك اوزرلرندن نظر عنایتلرینی
بیدریغ بیوره لر وجناب همایونلرینه اولان محبتمزك اظهارینه دلالت
ایچون حرم حاضر پرورده لرندن و زیاده معتبر و معتمد علیه بکلریمزدن
بارونت سر سقفل قرو نام بکیمز مابینده عقد اولنان صلح وصلاح و محبت
وموالاتك استحکام وامتدادی ایچون ایلچیلك خدمتنه نصب و تعیین
اولنوب طرفمزدن آستانه سعادته ارسال اولنمشدر تمنا اولنورکه
مقدما آستانه سعادتده ایلچیلك خدمتنده متمکن اولان معتبر بکلریمزدن
سر تیمو عوله نام بکیمزی شان خسروانه لرینه لایق وجه اوزره جانبمزه
ارسال اولنماسنه مروت پادشاهانه لری ظهوره کله وما بینده منعقد
اولان عهدنامه همایونك تجدیدی وجانبینده واقع اولاجق نیجه
خیرلو کلماتك واموره معظمه نك حصولی و بو مخلصلریله معاهده
ومصالحه اوزره اولان دوستلرك بعض احواللری حضور همایونلرینه
اعلام اولنمق ایچون ارسال اولنان دشادالیه ایلچیمزك الینه مهر
ملوکانه مزله ممضی تمسك ویرلوب نتکه سپارش اولندیسه
مضمونی حضور همایونلرینه انها اولندقده اعتماد شریفلری احسان
بویله اکو طرفدن صادر اولان خلوص طویت وصداقتمز نظر

خصوص مزبورده عنایت خسروانه لری ظهور بولورسه مشار الیه
ایلچیمز طرفین دوستلغنه لایق نیجه احوالده دخی سپارش اولنمشدرکه
ممالك محروسه لرینك منافع کثیره سنه سبب اوله جغی محققدر
انشاء الله تعالی مقبول همایونلری اوله جغنده اشتباه یوقدر ذکر اولنان
احوالك حصولی وعقد اولنان صلح وصلاحك استحکامی وجانبینده
اولان رعایانك امن وامانی و محبت و مصافاتك ازدیادی خصوصی
الطاف شاهانه لرینه تفویض اولنمشدر التماس اولنورکه حضور همایونلرینه
ایلچیمزدن صادر اولان کلامه سمع قبول ایله استماع اولنوب اوزرلرندن
نظر عنایتلری دریغ بیورلمیه وبو مذکورانك جوابنامه همایونلریله
جانب مخلصلرینه اصدار اولنمق بابنده همت علیه لری وجوده کله
باقی حق سبحانه وتعالی حضرتلرینك دائما حفظ وامانتنده اولوب
همیشه دولت وعزت وشوکت وسلطنتده قائم اوله سز

وندیك جمهوری ایله عقد صلح اولندقده ویریلان مواد نامه در

بو ذکر اولنان اون بری ماده مادامکه وندیك جمهوری طرفندن مرعی
طوتلوب بو موادك خلافی بر وضع وحرکتلری ظهوره کلمدکجه طرفمزدن
دخی بر درلو بهانه ایله بو موادك مخالف وضع وحرکت صدور ایتمیه جکین
تأکید ایچون جمیع کائناتی یوقدن وار ایدن الله جل شانه نك اسم شریفنه
یمین ایدوب و بو محل امضامز ایله امضا اولنوب ومهریمز ایله مهرلنمشدر
تحریرا فی الیوم التاسع من شهر ربیع الآخر سنه ثمانین والف
محل امضا ومهر. اولکی ماده. وندیك جمهورینك آستانه سعادتله
حالا عقد اولنان صلح وصلاحی قرار داده ومراد وآرزولری اوزره
محکم اولمغیچون قندیه قلعه سنی کندویه مخصوص اولان طوپلر وجبه خانه
وسایر آلات حرب ایله بو موادده تعیین اولنان یوملك وعده سنده
سعادتلو ووکالتلو صدر اعظم حضرتلری طرفندن قبض وتصرفنه
تعیین اولنان آدمه تسلیم اولنه. ایکنجی ماده. سوده و عرابوسه
واسپینلونغه بیلنقه لری و بوسنه سرحدنده واقع کلیس وسایر
اثناء جنکده وندیکلی جمهوریك الینه کیرن یرلری الرنده قالوب
آستانه سعادت طرفندن دخل وتعرض اولنمیوب و بونلر ایچون بر
ویرکو ویاخود غیری بهانه ایله تعرض اولنمیه. اوچنجی ماده. ماعدا وسائر
چکدرکلرك طوپلری که بو جنك وحربده قندیه قلعه سنه قونلمشدر
کیرو وندیکلیلرینه قونلوب دخل اولنمیه. دردنجی ماده. قندیه قلعه سی

ایچنده اولان کلیسا آلاتی وخلقك اثوابی وندیك دونماسنه مخصوص
طوب وآلات جنك وذخیره وسایر خردوات ومجروح وخسته آدملر
وصولتات وکورکجی وکتمك اسبابی برلو وینانجی وندیك کیلرینه بنوب
کتمك ایچون بیماندله اون ایکی کون تعیین اولنه که چکدرر وقایقلر بناتنوق
ویوکلتمك ممکن اوله ذکر اولنان وعده مرور ایتدکچه بردرلو بهانه ایله
قندیه قلعه سنك برطرفنه آیاق باصلیه بشنجی ماده اکر ذکر اولنان
اون ایکی بیماندله کون وعده ایچنده مذکور اولادن اشیا واثوابلر وآدملر ٤٨٠ ٤٨٨
کچیله بنمسی ممکن اولمزسه دولتلو صدراعظم حضرتلری قلعه‌یی ضبط
ایتدکدنصکره قره ده باقی قلدن اشیالری کندو قایقلری ایله بیمان
اوکندن اولادن وندیك کیلرینه چیقاره لر التنجی ماده بو اون ایکی کون
اثناسنده ایکی طرفك عسکری حالا بولندوغی یرلرده قرار ایدوب
ایلرویه حرکت ایلمیه لر وادب وسکوت ایله یرلرنده ساکن اولوب بربرلریله
مصاحبت واختلاط وفساد ایلمیه لر وبوخصوصده طرفیندن معتمد
ضابطلر تعیین اولنوب خلاف ایدنلری دشمن کبی بولندوغی
یرده طرفیندن قتل ایلیه لر وقتل اولندقلری ایچون طرفیندن عقد صلحه
هر وجهله خلل کلمیه یدنجی ماده اشبو موادکاغدلری مهرلنوب
طرفیندن امضالندوکی برله مکالمه اولندیغی اوزره قلعه‌یه بیاض
بیراق دیکلوب جنك وجدال وعداوت طرفیندن منع ودفع وتبس
اولنوب یر وستندن والندن طرفیندن ایش اشلنمیه وطرفیندن رهینلر
تسلیم اولندقدنصکره دورد کسنه دخی طرفیندن تعیین اولنوب
بو مواده ذکر اولنان احواله مخالف بر ایش اولدوغنه ناظر ومفید اوله‌لر
که ایش ایشلنمیه سکزنجی ماده بو مواده عقد اولنان احوالك تحقق ایچون
طرفیندن اوچر معادل رهینلر ویریلوب طرف جمهور وندیکدن اوچ
وندکلو بکزاده که ذکر اولنور فاسدین دارلون دونماك جنرال القائم
مقامیدر وجوان باطرده قاپودان باش دفتردار دوه دونما جبه جی باشیسی
وجعریه مرچنقو سابقا قندیه دوقه‌سیدر وبونلره معادل الطرف ارباکلر
بکیسی سری پاشا وسابقا باشچاوش محمد اغا وروم ایلی دفترداری
غازی بك تعیین اولنوب وبو ذکر اولنان رهینلر وعده معهود اوزره
تماماً کچیله کیرمه لری اولندقچه کیرو کیده لر طقوزنجی ماده کیلره بنمکه
بر ساعت اول کتمکه نفیدلرین مشاهده ایلمك ایچون ایکی کسنه تعیین
اولنوب قلعه ایچنه کوندریله که دریا حالندن بیله وکیجیلکده ماهر اولوب

دیکر

ریشلر ایله معا بو کلیتمك ایچون موافق هوالی فرق ایدیلر اونبجی ماده
کندولرینی کتوره جك کیلر ازوقتده تحمل اولنمق ایچون ممکن اولدوغی
مرتبه بیمانه یقین یقدوشه لر کذلك چکدرلر یز وسایر قایقلرینی
کیجه وکوندز بیمان اوکنه کلوب طوروب یوکلنوب کیدوب دخل وتعرض
اولنمیه اون برنجی ماده وندیك دونماسی بیمان اوکندن فالقدقدن
اسندیه جزیره سنه واروب کتمك تدارکنی کوروب کیدنجه دخل وتعرض
اولنیوب طرفیندن لاییق اولادن درستلق ورعیت اجرا اولنه اون ایکنجی
ماده وندیك جمهورینه منسوب اولان کیلر وعقد صلح وصلاح حدت
صکره برشی اولرلرسه عینی ایله کیرو اصحابنه رد ایلیه لر وکذلك
دولت علیه‌یه منسوب اولان کیلر دخی اولوقتده برنسنه الورلر ایسه
کیرو رد اولنه وحالا وندیك بیراغی ایله فورصانلق ایدن کیلر دخی
طرفیندن بیراقلری وکاغدلری اللرندن النوب وقورصانلقدن رفع
اولنمق ایچون تنبیه اولنوب واطاعت ایتیوب خلاف ایدرلرسه قتل
اولنه لر وبو تنبیهی افاده ایچون قرق کون وعده ویریله وقرق کوندن
صکره طرفیندن بو مقوله قنغیسنك النه دوشرسه حقندن کلنه
وبوخصوص ایچون طرفینك صلحنه خلل کلمیه اون اوچنجی ماده طرفینك
اسیرلری حالا بعید وپریشان یرلرده بولنمغله آسانی سعادتده وندیك
جمهورندن ایلچی کلدکده طرفینك رضاسی وتعادل آدملر ایله وندیك
بکزاده سیجور رعایاسی وسایر جنسدن اولوب بو حرب ایچنده اسیر
اولنلر تبدیل وخلاص اوله لر اون دردنجی ماده بو حرب وجنك
اثناسنده طرفیندن رعایا حرکت مقوله وضع ایلدیسه جانبیندن
٤٨٩ ٤٨١ عفو اولنه اون بشنجی ماده جنك وحربدن مقدم موخر تاریخله اولوب
اعمال اولنان عهدنامه همایوننده مسطور اولادن شرایط تجدد
ابقا واجرا اولنوب بو وجه وبهانه ایله برنسنه طلب اولنمیه اوله که طلب
خزیره سیجورت اولنکلادن ویرکو سنه کما کان بو صلحدنصکره ویریلوب
جنك اثناسنده کچن ویرکو طلب اولنمیه اون التنجی ماده بو جمله مواد
صلح وصدوح ایکی نسخه اوزره امضالنوب بر نسخه‌سی صدراعظم
حضرتلرینك امضاسیله ومهر شریفیله مهرلنوب برینه تسلیم اولنوره
وبری ایلچیلری تسلیم قپودان جنرال ده وشاوره سنه داخل اولنلردن
امضالنوب جمهورك مهریله مهرلنوب طرفیندن بو موادك اجرا وابقاسی
عهد ویمانی اولنه اون یدنجی ماده بونجه جنك وجدال ومحاصره دن

صكوك صلح و صلاح ايله ويره‌ايدن قلاع ضابطلرينك جبه‌خانه‌سندن
بر زمانه وير ملك عادت قديمه اولمغله قپودان جنرال برز جبه‌خانه طلب
ورجا ايتدكده قلعه‌يه مخصوص اولان اوچيوز درت قطعه طوپلردن
ايكي درت قطعه طوپ احسان اولنوب وبريله محل امضا و مهر
اشبو سنه وندكلو ايله صلح منعقد اولوب بيك سكسان سنه‌سنك
ربيع الآخرينك طقوزنجي كوني تحرير اولنوب وبريلان مواد كاغدي
كه اون بر ماده‌يي متضمندر ايكنجي ماده برز مجمل اولمغله تفصيل
اقتضا ايتمكين بو كاغده بشقه يازلوب امضا و مهرلريله كندولره
تسليم اولنشدر ايكنجي ماده درسوده وغرابوسه واسپرلونغه
بلنقه‌لري كه جزيره كريده متصل اوليوب دريا ايچنده در انلر
كالاول وندكلو النده اوله وذكر اولنان بلنقه‌لرك طوپي التنده
اولان كوچك قيا واطجقلر كه دريا ايچنده در وجزيره‌يه اتصالي
يوقدر انلر بونلرك اولدوغي كبي ينه وندكلو النده قالوب اهل
اسلام طرفندن ذكر اولنان قيا وكوچك اطجقلر كه بو جزيره‌يه سنه
تابعدر اوزرلرينه بنا يا پوزديو ويا آخر طريقله بر وجهله دخل
اولنميه و بونلر ايچون بر دولو ويركو طلب اولنميه ايكنجي وندكلو
دخي ذكر اولنان اطجقلرده قلعه و بلنقه و تابيه بنا ايتميوب
كالاول طوره و ذكر اولنان كوچك اطجقلردن اسپرلونغه بلنقه
اولان اطرافك كريد جزيره‌سي كنارنده ايله ارا سندن چكدرلكي كچوب
توم ايله طولدرمه‌لري ايلر تاليه طرفندن كسنه مانع اولميه تحريرا في سنه ١٠٨٠

اسپانيه قرالنه عهدنامه در

حق سبحانه وتعالى‌نك علو عنايتي واكي جهانك فخري ولو سيد مرسلك
صلى الله عليه وسلم معجزاتي بركاتنده محل طغرا بن كه سلطان سلاطين
برهان الخواقين تاجبخش خسروان روي زمين ظل الله في الارضين
مكه ومدينه‌نك وقدس شريفك واستانبولك وآق دكز وقره دكزك
وروم ايلي وآناطوليك وروم وقرمانك وارضروم ودياربكرك
وكردستان ولورستانك وآذربايجان وعجمك وذو القدريه ومصر
وشامك وكليا عربستانك وبغداد وبصره‌نك وعدن ويمن مملكتنك
وديار تاتار ودشت قپچاق ومغرب زمين وافلاق وبغدان وبودين
تختنك واردل ولايتنك واكا تابع اولان برلرك وقلعه‌لرك النمش نيجه
مملكتلرك سلطاني وپادشاهي سلطان سليمان شاه ابن سلطان سليم

٤٨٧ :٢٩

ابن سلطان بايزيد خانم بو برنم مبارك عهدنامه مزي اوقوب
اشتمنلره معلوم اوله كه روما نلرك واكا تابع اولنلرك ايلچي اخره

بوندن باقيسي بچه قرالرينه يازيلدن محلنده مسطوردر

وندبك دوژينه نامه در سلطان مصطفى طرفندن جلوس تخت سلطنتلرنده

القاب معهوده دن صكره بوندن اقدم فردوس مكان عليين آشيان
مرحوم ومغفور له قرنداشمز سلطان احمد خان عليه الرحمة والغفران
دار آخرته انتقال ايلدكدن صكره بحسب الارث والاستحقاق سرير سلطنت
خسرواني حق صريحم ايكن مشار اليه قرنداشمز سلطان احمد خان طاب
ثراه‌نك اوغلي سلطان عثمان طاب ثراه سلطنت عثمانيه سريرينه
جلوس ايتمشيدي حاليا بعنايه الله تعالى وهدايه رسوله المجتبى اشبو
بيك اوتوز بر سنه‌سي رجبنك طقوزنجي كوننده كه مبارك يوم الجمعه‌در
بر وقت اسعد وساعت مستسعده ده دولت واقبال وسعادت واجلال ايله
تخت سلطنتمزينه جلوس همايونم واقع اولوب ممالك اسلاميه ده خطبه
وسكه نام همايونمزله شرفه مقرون اولدقده بو خبرك عامه عالميانه
واطراف وجوانب بلاده اعلام واعلاني لازم اولمغين سز قديم الايامدن
اجداد فردوس رقادمزك آستانه سعادتلرينه كمال اطاعت وانقياد
ودولت عليه مزه خيرخواه اولوب ما بينده اولان عهدنامه‌لر موجبجه
عرض محبت وتعظيم ايده كلدوككز اجلدن بو خصوص ايچون نامه همايون مسرت
نمون ارسال اولنمشدر كوركدركه جبلتكزده مركوز اولان كمال صداقت
واخلاص واجداد عظاممزه ايلدوككز اطاعت واختصاص مقتضاسنجه
جلوس همايونمز اخباريني تختگاهكزده اولان قلاع وبلاده اعلام
ايليوب خلوص وداد اوزره ما بينمزده اولان عهدنامه‌لره رعايت
وشرايط امن وامان صيانت ايده‌سز انشاء الله تعالى نامه همايونمز
وصول بولدوغي مرجع سلاطين جهان اولان باب سعادت مآبمه انها واعلام ايليه‌سز

وندبك دوژينه سلطان عثمان خان طرفندن مجدد ويريلن عهدنامه در

نشان همايون اولدر كه نعمت بكمال الله عون وعنايت رباني ومحض هدايت
سبحاني مقارنيله بن كه سلطان سلاطين جهان وبرهان خواقين
دوران تاجبخش خسروان سلطان عثمان خان ابن سلطان احمد خانم

ابن سلطان محمد خان ابن سلطان مراد خان ابن سلطان سليم خان
ابن سلطان سليمان خانم٭ حالا مفاخر الامراء العظام العيسويه مراجع
الكبراء الفخام فى الملة المسيحيه٭ وندیك دوژی اولان ا نقوفی رنول٭
وسایر بكلری٭ ختمت عواقبهم بالخیر٭ درگاه فلك دستگاهمه مرالحشنفو سارز
فوالر بر قورانو ونام٭ بر ارومعتبر بكزاده یی ایلچی تعیین ایدوب٭ عرض صداقت
واخلاص ایلیوب٭ مرحومون ومغفورلهم اجداد سلطان سلیمان خان
وسلطان سلیم خان وسلطان مراد خان وسلطان محمد خان٭ وبابام
سلطان احمد خان علیهم الرحمة والغفران زمانلرنده دوستلق ومصادقه
اولدوغی اوزره استانهٔ سعادتمزله اولان صلح وصلاح واشبو عهدنامهٔ
همایونمزده اولان شروط عهود كما كان مقرر اولوب٭ مجددا بابام مرحوم
سلطان احمد خان زمانندن عهدنامه ویرلمك بابنده استدعای
عنایت ایلدكلری اجلدن رجالری حیز قبولده واقع اولوب٭ بو اسلوب
اوزره عهدنامه ویرلمه دیو خط همایون سعادت مقرونلریله فرمان
عالیشان صادر اولمغله شار الیه وندیك دوژی ایله وسایر
بكلریله صلح وصلاح مقرر اولوب مجددا عهدنامه ویرلیوب٭ بو عهدنامهٔ
مندرج اولان شروط عهود علی وجه التفصیل بیان اولوب٭ اشبو
ویریلدن نشان شریفمله عهد وامان مستحكم اولوب٭ وعهدنامهٔ
همایونمز مقرر ومؤكد اولمه سیچون یمین ایدرمكه یرلری وكوكلری
یرادن حق سبحانه وتعالی حضرتلرینك برلكی حقیچون مادامكه انلر
طرفندن عهده مخالف ایش اولمیه بوندن دخی معاهده شریفمله
مغایر وضع صادر اولمیوب من بعد وندیك دوژی وسایر بكلریله
وآدملریله دریاده وقرهده ایکی جانبه متعلق اولان یرلرك وولا
یتلرك خلقی ایله آق دكزده واقع سه نام دیگر استنه جزیره سی
قلعه سیله وسایر تصرفلرنده اولان جزیره لر وشهرلر وقلعه لر
وبورغازلریله صلح وصلاح مقرر اولوب٭ بالجمله ایا رقونك سنجاغنی
كوتورن كسنه لر ایله٭ یا شدن وقورودن الآن تصرفلرنده اولان
ایللری وكویلریله شمدیه دكین تصرفلرنده اولوب وشمدی تصكرم كندیكی
دین دشلرندن اكر جق برایله بعد الیوم ارامزده اولان دوستلق
وبارشقلق مقرر اولوب٭ ویا نیز سنجاغی سنورنده اولان بار غنام
موضع كه سابقا مرحوم سلطان سلیمان خان امریله یاقلوب
یقلمشدی مزید عنایتلرندن بنا آنلر جانبندن تصرف اولنمسی ابتدا

امر ایدوب ذكر اولنان موضع قلعه سیله ووارو شلریله وكویلریله وحدود
وسنورلریله مرحوم جدم سومی الیه حضرتلری عنایت ایلدیكی اوزره ضبط
وتصرفلرنده اوله امامزبور بارغه ولكاتا بع اولان كویلرده واقع اولان
آدملری دكزدن وقرهدن ممالك محروسه مه ضرر وزیان ایدرلرسه
وندیك بكلری اول ضرر وزیانی تضمین ایدهلر٭ وایدنلرك محكم حقلرندن
كلهلر٭ وممالك محروسه مده اولان سنجاق بكلرندن وصوباشیلرندن
وبالجمله خدام ذوی الاحترامدن جمیع كسنه انلرك ولایتلرینه وقلعه لرینه
وبرغازلرینه وآدملرینه ضرر وزیان ایرشدرمیه٭ واكر جناب جلالت
مآبمه متعلق اولان بكلردن وعساكر ظفر مآثرمدن انلرك ولایتلرینه
وقلعه لرینه وبرغازلرینه ضرر وزیان ایرشدرلرسه واقع اولان ضرر
وزیان فرمان شریفمله یرینه قونلوب٭ دخل ایدنلرك حقلرندن كلهلر
ومزبور بكلرك بازركانلرندن وآدملرندن ممالك محروسه مه یا شدن
وقورودن قدرغهلری وكوكهلری وسایر كوچك كمیلریله استنبوله وغلطه یه
ودیار عربستاندن اسكندریهٔ مصریه وكلیبولیدن اشعه اولان بوغازن
واینه بختی دیروزه بوغازلرینه مسطوردن لیمانلرینه غفلت ایله كلوب
كیرسوب مقدم دزدارلرینه تنبیه ایلیوب٭ اجازت ایله كلوب كیروب
مادامكه بازركانلری اوزره اولوب فوقنه اولمغیله ویاخود انكریجی
لوند قالیته لری قوب اولا سكله لردن غیری قوناجق یرلری اولمیوب
ضرورت اولهلر اولوقت كلوب كیرهلر٭ اكر ممكن ایسه تنبیه ایدهلر٭
وكمیلوا بیچ اجازتسوز كنیوب مخالفت ایدنلرك حقلرندن كلنه ینكیچرن
وندیك بكلرینه تهمت اولنمیه٭ وممالك محروسه مدن دریا یوزینه كیدن
كمیلر وقدرغهلر ودونمالر دكز یوزندن وندیك كمیلرینه بولشورلر ایسه
بری برینه دوستلق ایدوب ضرر وزیان ایتمیهلر٭ انلر دخی فرمان شریفمله
دریا یوزینه چقمش دونما وقدرغهلر وسایر دریا یوزنده بولدین كمیلر
ایله بولشدقلرنده بلكلرینی بقدوروب دوستلقلرینی بلدردكدن نصكره
ضرر وزیان ایتمیه جك اولورلرسه٭ اكر كمی واكر آدم واكر اسباب
زیان اولنان هرنه ایسه برینه قونله٭ همچنان انلرك دخی دونمالری زوقزق
ركمیلری دریا یوزنده بنم كمیلریمه وبغیر كمیلرینه بولشورلرسه دوستلق
اوزره یچوب ضرر وزیان ایتمیهلر٭ واكر كمی وآدم وطوار واسباب زیان
اولنان بولنورسه برینه قویهلر٭ واكر نفاق دوشوب حرامی ولوندكینه
بولشوب اول حرامی كمیسی بونلرك قصد ایلیوب جنك ایلیه حرامی كمیسی بونلر

غالب اولدقده جنك وقتنده هلاك اولاندن غیری نه قدر آدم اسیر اولنور
دیری طوتلورسه اصلا قتل وضرر ایتمیوب بی قصور صاغ وسالم سلامتله
ارسال ایدهلر محکم حقلرندن کلنوب برو جمله سیاست اولنه که
سایرلره موجب عبرت اوله وممالك محروسه مدن دونمالر کیلرم که
برطرفه سفره کیده وندیکه تعلق اولمیه وندیك دونماسی ایسه
کندو حاللرنده دوستلق اوزره طوروب حرکت ایتمیوب کمسنه یه معاونت
ایتمیه وبنم دونمای همایونمه ضرر وزیان ایرشدرمکه سبب اولمیه ٢٩٢ ٤٨٤
بنمله دشمنلك اوزره اولان کمسنه لره دونمالرینی ازلرینه کوندرمیه لر
وآنلره یاردم وآزق ویرمیه لر اکر دونمالرندن هرکیم که بو امره مخالفت
ایدرسه ایلدیکی یرده وندیك بکلری حقلرندن کله لر که سایرلره
موجب عبرت واقع اوله وغیری ولایتلك دخی حرامی پارچه لرینه وقدرغه
لرینه وغیری کیملرینه راست کلدکلری وقت وندیك بکلری کندو
اطه لرینه ولیمانلرینه وحصارلرینه صغندرمیوب طوتغورمیه لر طوتمق
ممکن اولورسه مجال ویرمیوب طوتوب حقلرندن کله لر بنم طرفمدن
دخی اولوجهله عمل اولنوب غیری ولایتلك حرامی پارچه لرین وقدرغه لرین
لیمانلرینه وحصارلرینه صغندرمیوب طوتمق اولورسه محکم حقلرندن کلنه
وندکلودن بری ممالك محروسه مده صاتوب وبازار ایدوب اقچه سن
ویرمیوب قاچوب کیدرسه بنم حکم شریفمله واروب طلب اولندقده
اولکمسنه بولنورسه رزق صاحبنه آلیویره لر وممالك محروسه مدن
بری وندکلو ایله صاتوب وبازار ایدوب اقچه سنی تماما ویرمدن قاچوب
کلورسه ثابت اولان حقی آلویریله وممالك محروسه مده کمسنه
بورج ایدنسه یاخود بروجهله متهم اولوب غیبت ایلسه انکیچون برکناه
طوتلمیه وندیك بکلرینه انکیچون تهمت اولنمیه مکر که انلرك مملکتنه واروب
طورره بنم جانبمدن دخی اولوجهله ایدوریله وبایلوس کیمی برلرندن ایسه
کوندره لر استرلرسه حورینه ایله کوچوب محروسه قسطنطینه ده
اوچ ییله قریب طورره تمام اولمدین کیره حورند سزکله مصلحتی نه ایسه
کوره اوچ ییل تمام اولمدین اولدخی کیره انك یرینه اولوجهله بری دخی
کله وندیکدن براسیر قاچوب ممالك محروسه مه کلوب مسلمان اولورسه
وصاحبی کلورسه بیك اقچه ویریله وکلی کلورسه اول اقچه وکیلنه
ویره لر اکر کفری اوزره ایسه اول اسیری عینیله ویره لر وممالك
محروسه مدن قاچوب انلره وارورسه اکر مسلمان ایسه یاخود مرتد اولدیسه

نقل

نقل ایتمیوب البته عینی ایله کندویی ویره لر اکر کفری اوزره ایسه صاحبی
ویاخود وکیلنه بیك اقچه ویره لر اکر مغربلك لوندلرینه قالیته لری وغیری
برلك قورسان قایقلری دریادن وسایر قرمده ولایتدن حرامیلر واروب
وندیکه تابع اولان اطه لری وسایر یرلری اوروب آدملرین اسیر ایدوب
کتوروب روم ایلنده واناطولیده ومغربده وسایر یرلرده صاتوب ویاخود
کندوسی قوللانسه بو مقوله اسیر هرکیمك النده بولنورسه بلا تردد اللرندن
آلنوب وندیك بکلرینك بایلوسلرینه وقائم مقاملرینه ویاکندولرینه
تسلیم ایده لر واول حرامی لوندله کتوریلوب محکم حقلرندن کلنه اکر اول
اسیر مسلمان اولمش ایسه آزاد اولنوب صالیویریله وعهدنامه همایون
وصلح وصلاحه مغایر وندیك رعایاسنی اسیر ایدوب الدن اله قاچورمغله
اختلاله باعث اولورلر ایمش امدی صلح وصلاح زماننده واقع اولان
وندیك اسیرلری هرکیمك الندن بولنورسه مسلمان اولدیسه آزاد
ایدوریله هنوز کفری اوزره ایسه وندیك بایلوسنه ویره کندوسی تعیین
ایتدوکی آدمسنه تسلیم ایدوب من بعد عهدنامه یه مغایر وصلح
وصلاحه مخالف اسیر ایدورلیوب ایدنلرك حقلرندن کلنوب
تعلل وبهانه ایدورلمیه دیو وارد اولان خط همایون موجبنجه نشان
عالیشان ویرلمکین کما کان اول نشان همایون موجبنجه عمل اولنه
وندیك کیملری ممالك محروسه مه کلورکن مخالف یل چیقوب اولکی
هلاك اولوب نه مقدار آدم قورتیلورسه آزاد اوله اسبابلری
قورتیلورسه صاحبنه ویریله قپودان جانبندن وآدملرندن وسایرلردن
قطعا دخل وتعرض اولنمیه وممالك محروسه مدن اولان کمیلر اول طرفه
واردقده هلاك اولسه وندکلولردن آدم قورتلورسه دخل اولنیوب
اسبابلری صاحبنه ویریله قطعا دخل اولنمیه اکر ممالك محروسه مدن
شول یرلردن که قدرغه وقایقلر وسایر کیملر دریا یوزینه چیقوب کیتدکلری
٤٨٥ ٢٩٣ وقت که قپودانم انلر ایله بیله اولمیه کیملرك ریشلری قوی کفیللر ویریله
تاکه واروب وندیك ولایتلرینه ضرر وزیان ایرشدرمیه لر اکر کفیل
ویرمدین کیدرلرسه مجرم وکناهکار اوله لر محکم حقلرندن کلنه
اکر کفیل ویردکدنصکره ضرر وزیان اولورسه کفیللری ویره وهمچنان
وندیك جانبندن دخی دریا یوزینه وندیك کیملری چیقه قپودانلری
بیله اولمیه ریشلری قوی کفیللر ویردکدنصکره ممالك محروسه مه
ضرر وزیان ایرشورسه کفیللری ویره اکر کفیلسز کیدرلرسه مجرم

٥٩٤ ٤٨٦

وكذا هكذا اولنه لر بحكم حضارندن كلنه و ممالك محروسه مدن برخراج كذار
وياخود بر عامل قاچوب ونديكه متعلق قلعه لره وارمه لره واروب تمكن
اتسه قبول اولنميه وارن آدملره تعلل ايتميوب عيني ايله ويره لر • وشويله كه
آدم اولدوروب ويا اوغرلق ايدوب رزق كتوردلر ايسه عيني ايله ويره لر
ونديكلونك بري بري اراسنده نزاعلري اولدقده بايلوسلري
عادتلرينجه دكليه كسنه مانع اولميه • و بر كسنه نك بايلوس ايله
نزاعي اولورسه شويله كه سدهٔ سعادتدن مجيئه استنبولده واقع
اوله قضيه سي ديوان عاليشانمده استماع اولنه • لكن بن سعادتله
سفرهمايونده بولنه جق اولورسم انك كبي واقع اولان نزاع استنبول
محافظه سيچون قونيلدون حاكم حضورنده قاضي معرفتيله استماع اولنه
ونديك بازركانلريله بر كسنه نك نزاعي اولوب قاضي يه واردقده
ونديكلونك كندو ترجمانلري اولمينجه قاضي دعوالرين استماع ايلميه
اما انلردخي تعلل ايتميوب • ترجمان حاضردكلدر ديو عوق ايتميه لر
اكر ترجمانلري مهم مصلحته ايسه كلنجه توقف ايده لر • و بايلوس اوراده
غير يرلرك يورجي ايچون رنجيده ايتميوب برنسنه اوده تميلر اما مدعي
اولنلر مديونلري ساكن اولدوغي يرلره واروب حاكم معرفتيله حق
وعدل اوزره طلب اولنه بايلوسه دخي بو احوالك فيصل اولنمسيچون
ونديك بكلرينه اعلام ايليه • ونديكدن اينه بجنج ومورع وساير
ممالك محروسه مدن برنده بازركانلركه كله غيري كسنه يورجي
ايچون طوتوب انجتميه لر و ونديكلو بازركانلر بروسه وغيري يره كتمكلو
اولدقده بايلوسدن اجازت المينجه كتميه لر • اكر تمرد ايدوب اجازتسز
كتمك استرسه سوباشي بايلوسه معاونت ايدوب قوميه لر • و ونديكدن
كلان كميلرك نفقتيلري ممالك محروسه مدن خدمته طوتيلوب
نيچه كلديسه كميلري اوبيله كيده لر و ونديكدن كلوب تمكن ايدن
كسنه لر اولو اولسون اركن اولسون مادامكه كلوب كيدوب رنجبرلك
ايدوب ممالك محروسه مده يرتشميوب واروب كيرو كيده لر انلردن
خراج طلب اولنميه • ونديكلودن بعض كسنه نك خراجكذارلر ايله
نزاعلري اولدقده ونديكلو دعواسنه شاهد اقامت ايدن شخص اولنلر
بوركاولرندن كركدر ديو تعجيز ايدوب ونديكلو نصارينك شهادتن
قبول ايتمز يمش امدي جمله نصاري بر ملت اولدوغي جهتدن كركدركه انلرك
كفره ايله نزاعلري اولوب اقامت شاهده احتياج اولدقده كفره طائفه سندن

قنغی صنفدن کرشاهد اقامت ایده لر شرع شریف مقتضاسنجه اثبات
ایدرلرسه قبول اولنه • وندیکلودن بر بازرکان ممالك محروسه مده یولده
وایزده و کوینده باصلوب رزقی النسه ویاخود باصلدقده بازرکان دپلنمش
اولسه ویاخود غایب اولسه وارثی ویاوکیلی کلورسه شرعله کوریلوب
حق برنه واره • وندیکلودن بر بازرکان ممالك محروسه مده کندو حالنده
تجارت اوزره یوررکن مرد اولسه متروکاتنه بیت المال قاریشمیوب
بایلوسلرینه تسلیم ایده لر • ومغرب سپاهیلرندن وسایر یرلرك بازرکانلری
یاشدن وقورودن بیع وشرا ایتمك ایچون کلملو اولیجق وندیکك حکم ایتدوکی
یرلره اوغرادقده شاعرلرینك عادت وقانون اوزره رسومن الدقده نصکره
مانع اولمیه • وضرر وزیان ایرشدرمیه • ممالك محروسه مه نیچه دیکرکه
کلوب کیده لر • و کوکرزدن بوقازدن و بوغازده یوریت کیلر وندیکلو
اولسون غیری اولسون که وندیکه تجارته واره لر و کله لر کسنه مانع
اولمیه وضرر وزیان ایرشدرمیه لر مکوکم یرامزلق ایتمش اوله لر •
وندیکك کمیسی عادت وقانون اوزره استنبولده ارانوب کیتدکدن
صکره قانون قدیم اوزره بر کره دخی بوغازحصارلری اوکنده واردقده
ارانوب اندن صکره کتمکه اجازت ویریله • قانون قدیمه مخالف
کلیبولیده ارانموب کیرو حمان بوغازحصارنده ارانوب کیده ••
وندیکلو جزیه سی ایچون سال بسال آستانهٔ سعادتمه بیك بشیوز
سکه التون ارسال وایصال ایده لر • ممالك محروسه مه عربستان
مملکتلری فتح اولندوغی زماندن بروا وبیلادن اسلوب قدیم اوزره
ایکی پاره ماونه لری مصر اسکندریه سنه وایکی قطعه ماونه لری دخی
محروسه شامه تابع اولان طرابلوسه و بیروته اویلدوکی اوزره
اسباب ومتاعلری ایله مقرر اولان وقت وموسملرده کلوب کیده لر
زمان وموسمندن تأخیر ایتمیوب • اکر ایکی ماونه لر ایدر واکر دخی زیاده در
واکر بیوك واکر کوچك کمیلر ایدرسه دکین نه وجهله کلوب کیدوب
بیع وشرا ایدکلرسه کیرایدوب اویکلنه مخالف نزاع ایتمیه لر •
و محروسهٔ استنبولده و بیروت وطرابلوس اسکله لرنده وسایر اسکله لرده
اکر انجه دن اکومتاعدن اولدقدا اویکلنه مخالف احداث اولنان بدعتلر
رفع اولنوب قدیمدن نیجه اویکلش ایسه اکا کوره عمل اولنوب •
مرحوم جدم سلطان سلیمان زمان شریفلرنده ویریلان عهدنامه ده
موجبنجه کمرك النوب زیاده طلب اولنمیه کمرك خصوصنده معتاد قدیم اوزره

قانون نامه دفتری موجبنجه مستقل امر شریف ویریله که درکاه معدلتده
وشام طرابلوسنده ومصر اسکندریه سنده وسایر ممالك محروسه مده ساکن
اولان وندیك بایلوسلری وآدملری تمسك ایده‌لر ومزبور ماونه‌لره
وسایر بکلربکیلرینه وتاجرلرینه ومتاعلرینه بکلربکیلری بدن وسایر قوللرمدن
هیچ احد قانون قدیمه مخالف ظلم وتعدی ایتمیه لمن اوزره اولدیلر
کسنه انلری دنجیده ایتمیه وارناوودلقده وبوسنه ولایتلرینده اولان
یرلرك بعضیسی بوجانبك تصرفنه کیروب وبعضیسی وندیك
بکلربکیلری الرنده دراینجانبك الرنده اولان حصارلرك قدیمی
سنوری وقریه‌لری ویره بوزلدبت ؛ وجهله ضبط اولنه کلمش ایسه
من بعد ینه اولوجهله ضبط اولنه دیو بوبابده طرفندن مزبور
ولایتلرك حاکملرینه مجدد امرلر کوندرلوب تنبیه ولنیوا اولنوب
سابقا بوسنه بکی اولان فرهاد بکه امرلر وارد اولنوب ناموسولرنا
وندیك ایلچیسی مواجهه سنده سنور قطع اولنوب ؛ وجهله تعیین
اولندیسه وقوجی اوزره عمل اولنه ؛ ومقدما فترتدن صکره جدم مرحوم
سلطان سلیمان زماننده تکرار صلح اولندقده اوچ بیله دکین ویرمکه
متعهد اولدقلری اوچیوز بیك التون بیغصور اداایتدکلری خزانه عامره‌مده
محفوظ اولان دفترده مقید اولنوب مرحوم اجدادم سلطان سلیمان
وسلطان سلیم وسلطان مراد وسلطان محمد وبابام سلطان احمد خان
طاب ثراهم زمانلرنده ذکر اولنان فلوریدن غیری سایر شروط وعهود
بالتمام یرینه کتوردکلری اجلدن اشبو عهدنامه ده تکرار درج اولنمشدر
من بعد اول خصوصلر ایچون دخل وتعرض اولنمیه مرحومون زمانلرنده
وجلوس همایونمده ویریلن احکام شریفه‌یی کماکان مقرر طوتوب
مادامکه سز سعادتمله فرودن وباشنده دشمنلك اوزره اولنلره
وندیك دوزی وبکلری قول وفعله معین وظهیر اولمیه‌لر واقع اولان
صلح وصلاحدن تجاوز ایتدیم بنده حق سبحانه وتعالینك اولوغی
ووحدانیتی حقیچون ؛ وحبیب اکرم وشفیع امم ایکی جهان کنشی پیغمبر
محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم حضرتلرینك حرمتیچون ؛ عهد ویمین
ایدرمکه مابینده منعقد اولان دوستلق وصلح وصلاحدن وشرح
وبیان اولنان شروط وعهوددن عدول وانحراف کوسترمیم ؛
شویله بیله سز ؛ تحریرا فی اواخر شهر محرم الحرام سنه ١٠٢٨

فلوردین بکلرینه عهدنامه در سلطان سلیمان خان طرفندن

چون مالك الملك ملك متعال ؛ ومفیض الآمال واهب النوال ؛ جل شانه عن
التشبیه والمثال ؛ وتنزهت صفاته من الانتقال والاختلال ؛ حضرتلرینك
عنایت سعادت غایت ازلیه ؛ وهدایت عزت نهایت لم یزلیه سی ؛ وحضرت
سرور نسل آدم ؛ وسبب رحمت دو عالم ؛ شفیع عصاة امم ؛ منبع اللطف
والکرم اولان سید انبیاء کزین ؛ وسند اصفیاء اولین واخرین ؛ حبیب
الا له محمد رسول الله ؛ صلی الله علیه وسلم معجزات کثیر البرکات ووسیله‌سیله
محل طغرا بن که سلطان سلاطین ممالك روم وعرب وعجم ؛ وخاقان
خواقین چین وختا وترك ودیلم ؛ شهسوار عرصه لشکر کش وکشورکشا
تاجدار اقالیم بخش ومملکت آرای ؛ فرمان فرمای قیاصره عصر واوان
صاحبقران نصرت اقتران اولوب ؛ آق دکزلکنا فنده اولان بلاد سپهر
ارتفاعك ؛ وقره دکز اطرافنده کی قلاع رفیعاعك ؛ ونادره عصر اولان
مصر وسعید علانك ؛ وبغداد دار السلام وبلاد حلب وشامك ؛
وبند دجله وبیت الحرامك ؛ ومدینه منوره وقدس شریفك لازم الاحترامك
وولایت یمن وعدن وصنعانك ؛ وممالك حبش وبصره ولحسانك ؛
وکردستان ولورستان ووانك ؛ ودشت قبچاق ودیار تاتارك ؛
وکلیا اناطولی وذو القدریه وقرامانك ؛ وعموما ممالك روم ایلی وافلاقك
وبغدانك ؛ واباء کرام واجداد عظام انار الله براهینهم ؛ قوت قاهره
ایله فتح ایتدکلری نیجه مملکتلر ؛ وجناب جلالت مآبم دخی شمشیر
ظفرتأثیر ایله تسخیر ایلدوکم نیجه دیارلرك سلطانی وپادشاهی
سلطان سلیمان خان ابن سلطان سلیم خانم ؛ شمدیکی حالده ؛
فلوردین بکلری کوتروکردانلام ؛ برابر ومعتمد آدملرین ؛ سلم سنه
عالمپناه ؛ وعتبه علیه سعادت دستکاهمه ؛ ایلچی کوندروب ؛ مرحوم
جدم سلطان بایزید خان ؛ ومرحوم بابام سلطان سلیم خان
طیب الله ثراهما ؛ ایله اولان صلح وصلاح موجبنجه ؛ تجدید عهد اولنمه‌سی
طلب ایتدکلری اجلدن ؛ مقرر ومصدق طوتوب ؛ اشبو عهدنامه
شریفمی ویردم وبیوردم که ؛ مذکور فلوردین بکلری بالیوس کوندرمه‌رك
کلوب مصلحتلرینی کوره ؛ وکرکی وندیك نیجه ویررسه انلر دخی

ایله ویره‌لر اگر انلردن برکسنه بورجلو اولورسه دین طلب اولنه
انك بورجی ایچون آخر طوتلمیه وآخردن طلب اولنمیه ویرکسنه فوت
اولدقده رزقنی کیمه وصیت ایدرسه اول آله اگر وصیتسز اولورسه
بالیوسلری آله بیت المال امینی دخل ایتمیه وفلوردین خلقی ممالك محروسه‌مك
نیره‌ده استرسه آنده یوریمکدن مانع اولنمیه واوشندرمیه وکمیلری
قره دکزه واره بیع وشرا وتجارت نه ایسه ایدوب شویله که مقرر رسوم
عادیه‌در ویره‌لر نصکره کیمسنه انلره مانع اولنمیه اگر بری ارالرنده
دعوالری ونزاعلری اولورسه بالیوسلری کوریویره وسایر کیمیلرندن
وآدملرندن دخی نه قدر کلورسه کله‌لر رسوم عادیه نه ایسه ویره کلردن
صکره کیمسنه اوشندرمیه وکمیلرین دریا قره‌یه آتارسه رزقلرین
ویره‌لر واول یرك قاضیلری وصوباشیلری معاون اولوب تسلیم
ایلیه‌لر وکمیلری کلدکجه ایو ویولك ارمغان ایله قیومه کله‌لر
وبازرکانلرندن ممالك محروسه‌مه تجارت ایتمکه کلوب بعض وقت
بریرده اولمالو وطورمالو اولسه‌لر اول یرده عوارض واقع اولیجق ٢٩٦
انلره عوارض تکلیف ایتمیه‌لر وبعض کافرلر ایله نزاعلری اولوب
فلوردینلودن شاهد اقامت ایده‌کلمزلرایسه خصما انلره بوبر کافرلردن
شاهد کتورکدر دیو فلوردین کافرلرینك شاهدلرین قبول ایتمزلرمش
ایله اولسه جمله کفره ملت واحده اولدوغی اجلدن بیوردم که انلرك
کفره ایله نزاعلری اولوب شاهده محتاج اولورلرسه کفره‌دن
هر قنغیسی اولورسه اولسون شاهد اقامت ایدوب شرع شریف
بنوی مقتضاسنجه اثبات ایده‌لر قبول اولنوب حکام دخی حکم ایده‌لر
منازعه اولنمیه وبونلرك بازرکانلری بروسه‌ده ابریشیم آلوب
رسم سماری قانون اوزره ویردکدن صکره کاه اولورمش که بازرکان
بونده استانبوله کلوب فوریده کوندرمك استرلرایمش بونلری
استانبولده اولان سمسار آدملری وعامللر الخ وب تکرار رسم
المق استرلرایمش اولبابده دخی بیوردمکه انك کبی اولیجق بونلرك
تکرار رسملرین آلمیه‌لر وطلب اولنمیه واستیذان ایتدیلر که بونلرك
ممالك محروسه‌مه کلن بازرکانلرك خدمتکاره احتیاجلری اولوب
اجرت ایله کافر خدمتکار طوترلرسه منع اولنمیه اما اوتجارتنه
طوتوب کتمیه‌لر دخی استیذان ایتدیلر که بونلره متعلق اولان بازرکا
نلردن بعضیسنك غلطه‌ده بعض کافر ایله منازعه‌سی اولوب

استانبول قاضیسنه مرافعه اولنمق مراد ایدنجك ایله ایدوب استانبولده
شرعله فصل اولنه شرعا مانع اولدوغی اجلدن اولبابده منازعه اولنمیه
وبونلرك کسنه ایله دعوالری اولیجق درکاه معلامدن کوریله اول وجه
اوزره نزاع اولنمیه مادامکه قبو استانبولده اوله قبو بونده اولمیجق
استانبول قاضیسی دکلیه ومذکور بازرکانلرینی بالیوس بوبون کفیلی
اولدقدن بوری طوتوب خلاف شرع ایتمیه‌لر وفلوردین بازرکانلری
بونده اولان بورجلرین وکملکلرین ویرمینجه واروب کتمیه‌لر
وبازرکانلردن بعضیسی اونه بقایه واروب قانقلرینه بنوب کجدکلری
وقتده ندیك یا جونبز یا غیری کافرلر کلوب اول قابغی طوتوب ایچندن
بونلرك وبازرکانلرك رزقن آلوب قابغی قوبوردلرایمش امدی ممالك
محروسه‌مه بونوب اولا ایشی ایدن کافرلره بونلرك قانقلرینه ورزقلری
اولان قابقلرده رزق حیثن الدقدن صکره کاه اولورمش که قوندقلری
اوك آدمیسین اول بازرکانلردن اوتوری طوتوب رنجیده ایدرلرایمش
بیوردمکه اولبابده مقتضای شرع نه ایسه آنکله عمل اولنوب خلاف شرع
کسنه‌یه ظلم وتعدی اولنمیه وبازرکانلرك کندو ولایتلرینه کندولره
قوللنمق ایچون کتوردکلری جاریه‌یه کسنه مانع اولمیه اماکلدکلری
٨٠ وقت جاریه‌لری قاضیه یازدوره‌لرکه کتدکلری وقت بوقدر نوب
معلوم اولوب اکا کوره اجازت اوله وبازرکانلرینك شهرده وکویلرده
قوندوقلری یرده رزقلری واسبابلری اوغورلنسه امر شریف موجبنجه
تفتیش اولنوب مقتضای شرع اوزره بولنوب ویریله وبعض وقت
بریرده قونمه‌لو اولیجق کراجیلری داوارین چایره وارمغه کوکوردیلر
اولرده وکاربانسرایلرده بازرکانلرك قونمه‌سنه مانع اولوب چایره
قوندقلرنده کاه اولورمش که بازرکانلره خسارت ایرشورمش بیوردمکه
کراجیلر مانع اولیوب بازرکانلر قنده دیلرلرسه قونه‌لر کراجیلر مخالفت
ایدوب انك کبی محللرده بازرکانلر ضرر اولورسه کراجیلره تضمین ایتدوره‌لر
شویله بیله‌لر علامت شریفه اعتماد قیله‌لر

فلوندره قرالنه یازیلان نامهٔ همایوندر

مرجع سلاطین عظام وملجاء خواقین کرام اولان آستان سدره
مقام وسدهٔ سعادت ارتسامزه دوستلق واشنالق ایدلدن بری
٢٩٧ باعث فوز وفلاح اولان دوستی وصلاحات حسن انتظامی ومراسم

عهد وامانك كما ينبغي استحكامي هيئته آماده، وابواب محبت واخلوصه
دائما كشاده قلنمغله، ايكي طرفدن تجارت اوزره سنزد دولات تجار وسودا
كران رفاه حال واطمينان بال اوزره، واروب كلوب، يوللرده بر وجهله
ضرر وزيان كورميوب، تزايد امن وامان، ورعايت مواثيق وپيمانه سبب
وبادي، ويوما فيوما تضاعف الفت واتحاد متمادي اولدوكي، حاليا
ممالك وسيعه السالكرندن يمن ايمن، صانه الله عن الشرور والفتن، محافظتنه
جانب همايونمزدن ارسال اولنان، دستور مكرم مشير مفخم نظام العالم
وزيرمز حميد پاشا ادام الله اجلاله طرفندن، دردولت مآبمزه عرض،
واهالي ولايت جانبلرندن محضر كلوب، مقدما ولايت مزبوره محافظتنه
اولوب متوفي اولان وزيرمز فضلي پاشا زمانندن، سنه شملق اولان
بورتونلر جنس ولايتي آردندن طولاشوب، هندلكزنه چقماغله،
عهدنامهٔ همايونمزه مغاير هند جانبندن كميلر ايله كلان بازركانلرمزك
اوزرلرينه واروب، جنك وجدال وحرب وقتال ايدوب، كميلرين آلوب
التي كره يوز بيك غروشي مزدايلدكلريني، شارالیه متوفي فضلي پاشايه
اعلام وانها ايلدكلرنده، خصوص مزبور ايجون وبريلدن عهدنامهٔ
همايون ورضاي ميمنت مقرونمزه مخالف اولمغله تضمين ايدوب ملك
اقتضا ايتمكين، متوفي اليه فضلي پاشا اول بورتون اصحابندن بازركانلرمزك
ضايع اولان التيوز بيك غروشلق اموالندن ايكي يوز بيك غروش
تحصيل، واصحابنه تسليم ايدوب، بشيوز بيك غروشي دخي ذمتلرنده
باقي قالوب، الى الآن ادا ايتمشلر ايكن، حالا كيرو كندوحاللرنده
اولميوب، بودفعه دخي بيكي بورتون، طوناندوب، ولايتكزدن
چقوب هندطرفندن يمن اسكله لرينه كلان بازركانلرمزك اون
دورت قطعه كميلريني اصوب اصحابي وبازركانلرمزي اسير، واموال
وارزاقلرين غارت وخسارت ايدوب، انكلين طايفه سيله بورتونلرك
حالا موجا اسكله سنده دمور براغوب، متوفا موماليه فضلي پاشا
الدوغي يوز بيك غروشي طلب ايدرز ديو بهانه ايدوب، فساد وفتنه
وعهدنامه يه مخالف وضع وحالت وجوده كتورمكه جرأت اولندوغن
اعلام ايلدكلري اجلدن، خصوص مزبور تفصيل مذكور اوزره بابهٔ
سرير اعلامزه تلخيص واعلام اولندي، امدي هند طرفندن كلان
تجار ممالك محروسه مزتجارندن اولوب، اول كميلر وايچنده اولان
بازركانلرو اموال وارزاقلري ضايع وتلف اولدوغني رضاي همايونمز

اولميوب، مابينده منعقد اولان صلح وامان وعهد وپيمانه مخالف ودوستلق
والفته مغاير، بر وضع نامعقول، وبر فعل غير مقبول اولمغله، اول
بازركانلرك جمله سي اطلاق، والنان اموال وارزاقلري بتمامها بقصور ولا كسور
اصحابنه رد وتسليم اولنوب، اجراي لوازم دوستي ومحبت، وادای مراسم
صدق طويت ايتمه كز بابنده فرمان عاليشانمز صادر اولمغله، اشبو نامهٔ
همايون محبت مشحونمز تحرير واصدار اولنمشدر، كركدر كه وصول بولدقده
قديم الايامدن الى هذا الآن استان مخلد الاركان ودودمان خلافت
بنيانمزه اولان كمال الخلوص ووداد، ونهايت مودت واتحاد مقتضاسنجه
بوبابده بالذات تقيد واهتمام كوستروب، ابواب معاهده ومصالحه
دائما كشاده، واسباب امن وامان مهيا وآماده طوتلمغه اقدام اولنه
وللحاصل بوخصوصده مسامحه واهمالدن بر وجهله جايز كورلميوب،
دقت تام ايله سعي ايدوب هرنه طريقله اولورسه مذكور بازركانلريكي
اطلاق واموال وارزاقلرين كندولره تسليم، وكيلريني كوندرمكه
سعي موفور ايليه سزكه، رضاي همايونمز بونك اوزرينه در خصوص
مزبور دردولت مدارمزه الجيلك خدمتنده اولان، قدوة امراء
الملة المسيحيه زبدة اطاعتيه، دخي احضار اولنمشدر، بوكتابة شاهانمز
جواب شافيسن، وسابر احوال الخبر ما لكوزي شعر نامه كز ايله دركاه

عدالت پناهمزه عجله وسرعت اوزره
عرض واعلام ايليه سز
والسلام

بغدان بكسنه ويريلن براتدر

چون حضرت قادر وهاب • وجناب رازق مسبب الاسباب • جل شانه
وتعالى • وعم احسانه وتوالى كمال كرم وعنايت • وفضل وجود عديم
النهايتندن • عتبهٔ عليهٔ عزت مدار • وسدهٔ سنيهٔ سعادت قرارمى
مقسم ارزاق كافهٔ امم • وآستانه دولت آشيان رفعت بنيانمى
ملاذ عامهٔ حكام سمو الهمم ايلدى • لاجرم توالى آلاء سبحانى ونعماء
بى منتهاى ربانينك • اداء مراسم شكرى • وايفاء لوازم حمدى ايچون
ذمت همت عليهٔ شاهانه • وشان عزت نشان پادشاهانهمه
واجب ولازم اولمشدركه • استان شيد الاركانمه خلوص فؤاد ايله
اطاعت وانقياد ايدوب • خدمت عبوديتمله افتخار ايدن • عباد
صداقت نهاد محققلرندن • هر برلرينه ابواب عنايت واحسانم • مفتوح
وكشاده • واسباب موهبت بى امتنانم • هميشه آماده اولوب • مرام
ومقاصدلرى حصولى ايله شادكام اوله لر • بناء على ذلك • بغدان
ويوده سى اولان غشار ويوده نك • بعضى ناهموار اوضاع واطوارى
ظهور ايدوب • رفعى لازم اولمغين • سابقا افلاق ويوده سى اولوب
سدهٔ سعادتمه ملازمت اوزره اولان • رافع توقيع رفيع الشان فرخنده
فال شهريارى • وناقل رقيم بليغ بهجت عنوان مسرت مقال تاجدارى و
بختيارى • قدوة امراء الملة المسيحيه • عمدة كبراء الطايفة العيسويه •
الكسندر ويوده • ختمت عواقبه بالخير • براز وشجاعت شعار اولدوغندن
غيرى صحيح النسب بكزاده اولوب • بوندن اقدم ولايت افلاقه ويوده
اولدقده • ايل ومملكتى حفظ وحراست • ورعايا وبرايايى كركى كبى
حمايت بسببى ايله • اهالى ولايت كندودن راضى وشاكر • وخدمات
همايونم اداسنه هر وجهله قادر اولديغنه اعتماد واعتقاد سداد
مقرونم اولمغله • رعايت عليهٔ خسروانهمه لايق وسزاوار اولدوغى
اجلدن حقنده • مزيد عنايت شاهانهم • ومزيت عاطفت ملوكانهم
ظهوره كتوروب • ولايت بغدان ويوده لغين اشبو سنه • كوندن
ولايت مزبوره نك • معين اولان التى كره يوز بيك اقچه خراجى
سال بسال سدهٔ رفيع البنيانمه ارسال ايتمك اوزره خط همايون سعادت
مقرونمله توجيه وعنايت ايدوب • امر شريفم ويرلك بابنده استدعا
واسترحام مرحمت ايتمكين • اشبو برات همايون مسرت مشحونى ويردم
وبيوردمكه بعد اليوم • فرمان سعادت عنوانم مقتضاسنجه مرقوم

ولايت

ولايت مزبوره يه ويوده اولوب • قديمدن ويوده اولنلر سدهٔ سعادتمه
كمال عبوديت وحسن اطاعت ايله خدمت ايدكلرى اوزره بودخى خلوص
وصداقت ايله حفظ وحراست مملكت • وترفيه احوال رعيت بابنده صرف
همت ايليوب سال بسال خزانهٔ عامرهمه ارسالى مقرر اولان التى كره
يوز بيك اقچه خراجى تمام الوزن وصحيح العيار • وقت وزمانيله بيقصور
اسلوب قديم اوزره كوندروب ادا ايده • اندن غيرى قديمدن ويريله
٤٨٩ كلن نسنه لرده وزراى عظاممه وروم ايلى بكلربكيسنه وساير اركان
دولتمه ويريله كلدوكى اوزره وقتى كچورميوب • زمانيله كوندروب
هر برينى بيقصور ادا ايده • وولايت مزبوره ده خراج كذار رعيتمدن
برفرده ظلم وتعدى اولنوب يكيدن بدعت احداث اولنمدوغندن قطعا
رضاى شريفم يوقدر • تاكه ايام سعادت هنگامده عدالت ارتسامده امن
وامان ورفاهيت واطمينان اوزره كار وكسبلرنده اوله لر • ولايت
مزبوره نك بويارلرى وساير بللو باشلولرى وبالجمله صغير وكبيرى
مزبورى كندولره ويوده بيلوب واقع اولان امورده آكا مراجعت
٤٩٩ ايدوب فرمان شريفمه مخالفت ومزبوره معاندت صورتن
كوسترميه لر • مذكور ويوده دخى آستانهٔ سعادتمدن دمبدم صادر
اولان اوامر شريفه مى كمال انقياد اوزره خزانهٔ عامرهمه ارسال اولنه جق
خراجى • ووكلاى دولتمه ايصالى عادت اولان نسنه لرى زمانيله
بيقصور ادا ايدوب • دوستمه دوست ودشمنمه دشمن اوله • وممالك
محروسهمده خلقندن ولايت بغدانه واروب • تجارت ايدنلرك
ماللرينه وجانلرينه كيمسنه دخل وتعرض ايتميوب • كمال امن وامان
اوزره اوله لر • تجار طايفه سندن ولايت بغدانده وفات ايدنلرك
وارثلرى حاضر بولنورسه متروكاتنى وارثنه تسليم ايده لر • وارثى اولميانلرك
مخلفاتنى موى اليه ويوده بالذات كندوسى دفتر ايدوب • هرنه ايسه
بيقصور برآدمى ايله آستانهٔ سعادتمه كوندره لر • ووزراء عظام
وميرميران عاليمقام طرفلرندن • وباب سعادت مآبم قوللرندن
وغيريدن بغدان ولايتنه وبويارلرينه وبيقوللرينه وكزلرينه ورعاياسنه
واوغوللرينه وقيزلرينه وطوارلرينه وساير اموال واسبابلرينه اصلا
دخل وتعرض اولنميه • امريمه مخالف ايش ايدنلرى موى اليه ويوده
عرض ايليكه لايق ومستحق اولدقلرى جزالرين كوره لر • شويله
بيله لر علامت شريفمه اعتماد قيله لر •

وزیر اعظم محمد پاشا طرفندن افلاق ولایتنده اولان بویارلره یازیلان مکتوبدر

قدوة اعیان الملة المسیحیه • افلاق ولایتنده اولان بویارلر
ختمت عواقبهم بالخیر • قبلکزدن مکتوب وصولنده معلوم اولدکه حالیا
کوندردوککز محضرك مفهومی معلوم اولدی • امدی معلومکز اولهکه
وبوده کز قسطنطنیه • یوزندن اقدم عظمتلو وشوکتلو ومهابتلو
پادشاهمزك فرمان شریفلری ایله کوندردوککز مکتوبده • خلیفهٔ
زمان شوکتلو پادشاه اسلام افندیمز • سعادتله ادرنه یه تشریف
بیورشلردن • اکر طوغری قولی ایسك کلوب • معتاد قدیم اوزره
رکاب همایونه یوز سوروب • صورغوچ وقفتان کیوب وبوده
لغکله کیت دیو بلدردککزه انواع درلو عذر وبهانه ایدوب • بویارلر
صالیویرمدیلر دیو • سیزه اسناد ایلدیك • سز خود عظمتلو پادشاهمزك
خراجکزار رعایاسی اولوب • بوآنه دکین طوغریلق ایله قوللق ایتدیکجه
حاشا که سزه کندولر طرفندن ووزرا ووکلاسی طرفندن کج نظر ایله
باقله • وسزه اولیکلنه مخالف بر اینجه و بر حبه تکلیف اولنه • انجق
مزبور قسطنطین کلوب طوغریلوب اثبات عبودیت ایتسون دیو یازلمشدی
بر وجهله امر پادشاهی یه اطاعت ایتمکله عالی اقتضا ایدوب
رادول وبوده نك اوغلی میخال وبوده یه • فرجهٔ همایون پادشاهیدن
بر اینجه و بر حبه سی الینوب • وهر وجهله حمایت ایدوب • هر اوچ الکزده
اولیکلرندن زیاده تجاوز ایتمه سیچون • بالذات تنبیه همایون
بیورمشلر ایکن • بو طریقله امر همایونه مغایر محض ایدوب • اوجیوز
بیك غروش استرلر دیمنك اصلی یوقدر • هر زمانده براولمز • عظمتلو پادشاهمزك
وبرم سوزیمز اولدقدن آخر بردر • انشاالله تعالی ایکی اولمز وبوده لق امانت ٤٩٠
اولنالندن بر اینجه و بر حبه آلندیغی ظاهر بوانه دکین بیلنمش واکلانمشدر
امدی انشاالله تعالی فرمان شریف جهان مطاع • دونمز • اکر عظمتلو وقدرتلو
پادشاهمزك طوغری قولی ایسه کز • اشته وبوده کوك بر حبه سی الینوب
بولنمشدر • قارشولیوب هر بریکز قانون قدیم اوزره رام اولورسز
اکر بوندنصکره بر درلو وضع ایدرسکز • دنیاو اخرتده وبالکز بوینکزه عزت
سلطنت پادشاهیه دوشمن ایسه انشاالله کوررسز • بر وبوده ایچون
اهل واولاد وخانمان ومال ومنالدن کچرسکز سزبلورسکز • دخی سزه
بر درلو کاغد کوندرلیوب نیجه جواب بوردن • عظمتلو پادشاهمزك ٤٠٠

ملك

ملك موروثی اولان • مملکت ورعیتی نیجه حمایت ایدرسك • عرض
شریفنی دخی ونیجه رعایت ایدرب • فرمان همایونلرینی اجرایه اقدام
والبته انشاالله تعالی اجرا ایدوب ربلور • شویلجه بیله سز • والسلام
علی من اتبع الهدی • فی ۲۲ ر سنه ۱۰۶۸ بمدینهٔ ادرنه المحمیه

نوابخه پادشاهنه یازیلان عهدنامه در سلطان احمد خاندن

حضرت حق جل وعلا نك • علو عنایت بی غایتی • وسرور انبیا • علیه
افضل التحیاتك • معجزات کثیر البرکاتی ایله محل طغرا بن که سلطان صاحبید
سلاطین واساطین خواقینم • وتاجبخش خسروان اورنك نشین روی
زمینم • واشرف مداین وامصار • وابرك وایمن دیار • اولان حرمین شریفین
خادمی • وقدس مبارکك حارس وحامیسی • وروم ایلی وطمشوار • وولایت
بوسنه وسکتوار • وولایت اناطولی وقرمان • وطاغستان وعربستان
وعموما کردستان • وشمشیر ظفر تاثیر وسنان جان ستانمزله • فتح
وتسخیر اولنان قارص وکورجستان ودمورقپو وتفلیس وشروان
جانبلرینك • وقریم ودشت قبچاق اقلیملرینك • وقبرس وذوالقدریه
وشهرزول ودیاربکر وحلب وچالدر وارضروم • وشام دار السلام
نزهت رسوم • ودار الخلافه بغداد وکوفه وبصره ولحسا • وسواکن
وصنعا ومصر ویمن وحبش وعدن ولادبنلرینك • ودار الجهاد تونس
وخلق الوادطرابلوس غرب • وسایر ممالك دار السلام مدت قوت قاهره
خسروانه • وسطوت باهره ملوکانه مزله • بعون الله الملك النصیر • قبضهٔ
تسخیره کتوریلن مداین وامصار • وممالك ودیارك شهریاری •
وارائك عزت ودثارك تاجداری وآق دکز وقره دکزك • ونیچه ممالك
جزایر وبنادر • وقبائل وعشایرك • ونیچه بیك عساکر نصرت مآثرك
واکوه نام برقلعهٔ استوار • وحصن حصینك نامدارك • پادشاه
معدلت پناهی • وشهنشاه نصرت دستکاهی سلطان احمد خان
ابن سلطان محمد خان ابن سلطان مرادخان ابن سلطان سلیم خان
ابن سلطان سلیمان خان جنت مکان فردوس آشیانم • جناب حضرت

رب الارباب • تنزهت صفاته عن شوائب الارتياب • كمال الفضل بحسن سابله
بالجمله ملجاء سلاطين شرايف الانساب • ومأواى خواقين اولى الاحساب
اولان سرير علية الاعتابمزه • افتخار الامراء العظام العيسويه • مختار الكبراء
الفخام فى الملة المسيحية • مصلح مصالح جماهير الطائفة النصرانيه • ساحب
اذيال الحشمة والوقار • صاحب المجد والافتخار • فرانچه پادشاهى
ابرتوق • ختمت عواقبه بالخير • كندينك مقبل ومقبوللرندن ومدبرلك
زاده لرندن • آستانهٔ سعادتمزه ايلچيلك خدمتنده اولان • قدوة الامراء
المسيحية • بدوت قلعه سنك والبسى وضابطى اولان فرانچقو ساوارى
نام معتبر ايلچيسى دركاه سعادت دستگاهمزه كلوب • عهد بيشين •
وورود برين دن الى هذا الحين آباء كرام واجداد عظاممز • انار الله تعالى
براهينهم • ايله فرانچه پادشاهلرى ما بيننده منعقد اولان قديمى
اسلوب مرضى • اوزره دوستلق كما كان مرعى اولوق • موما اليه فرانچه
٤٩١ پادشاهينك قصواى آمالى • ومنتهاى ما فى البالى • اولوب • بو بندن اقدم
فرانچه پادشاهينك ايلچيلرينه وقونسلوسلرينه وترجمانلرينه وتاجر
لرينه وسائر رعايالرينه دخل وتعرض اولنيوب • ظل ظليل معدلت
انتمامزده آسوده حال ومرفه البال اوله لر • بو سعيد الحيوة وشهيد
الممات • مرحوم ومغفور له بابام سلطان محمد خان • عليه الرحمة
والرضوان • زمان سعادت اقترانلرنده • عهدنامهٔ همايون رجا
والتماس اولنديغى اعطا اولنمغله • بندخى مقرر طوتوب اشبو
عهدنامهٔ همايون عدالت مقرونى • عنايت وارزانى قلنوب • فرمان
٥٠١ قضا جريانمز بو وجهله صادر اولديكه • وندیكلو وانكلتره لولردن
ماعدا جنوز • وپورتقال • وقطلون • تاجرلرى جيجليه • وانقونه • و
اسپانيه • وفلورنيه • وودين • وكلى • وبالجمله فرانچه پادشاهينك
قديمى دوستلى سند عاسنجه • نامى وسنجاغيله ممالك محروسه مه
كلوب كيتمكه رخصت ويريلنلر • اولدخى هر نه وجهله بو ديو كلنلر
من بعد دخى كما كان • اول منوال اوزره قاليونلرى وكميلرى ايله
كندو حاللرنده كلوب كيدوب • فرانچه پادشاهى سنجاغنى نصب ايدوب
بندرلرده فرانچه قونسلوسلرينه مراجعت ايده لر • مادامكه انلر
طرفندن باعث امن وفلاح اولان صلح وصلاحه مغاير بر وضع
صادر اولميه • بو جانبدن دخى شرايط عهد وامان • على ما كان رعايت
اولنه • وفرانچه پادشاهنك رعايا سندن اولوب امن وامان ايله

قدس

قدس شريف زيارتنه واروب كلنلره • وقمامه نام كليساده متمكن
اولان رهبانلره دخل وتعرض اولنميه • ودخى وندیكلو وانكلتره لولردن
ماعدا مستقل ايلچيلرى اولميان جمله حربى تجار طايفه سى فرانچه پادشاهى
سنجاغى آلتنده كلوب حربى تجاردنصكره فرانچه لو عهدنامه سنه الحاق
اولنمشدر ديو من بعد انكلتره ايلچيسندن وغيرى طرفندن دخل وتعرض
اولنميه • بو خصوصيچون اشبو عهدنامهٔ همايونمه مغاير • مقدم ومؤخر
بر طريقيله امر شريف ابراز اولنورسه • بو عهدنامهٔ همايونم موجبنجه
عمل اولنه • وفرانچه لولر حقنده اولان شروط وقيود انلر حقنده دخى
ابراز اولنه • وفرانچه پادشاهى اولنلر قديمدن آستانهٔ سعادتمزله
دوستلق اوزره اولوب • دوستلغنه خلل ويرر • وضعلرى اولمامغله
مرحوم ومغفور له جدم سلطان سليمان خان طاب ثراه زماننده
ممنوع اولان متاعدن پنبه • ورشتهٔ پنبه • وسختيان • ويريله ديو
حكم همايون ويرلمش ايمش • حالا آستانهٔ سعادتمزه اولان كمال
اخلاص واختصاصلرينه بناء مرحوم ومغفور له بابام طاب ثراه
زماننده اولان ممنوعاتدن اقچه لريله • بالموم • وكون ويريلوب •
بر فرد مانع اولميه ديو عهدنامه ده قيد اولنمغين • بندخى كما كان
مقرر طوتدم • وولايتلرندن آدملرى وتجارى ممالك محروسه مه
كتوردكلرى غروشدن اولدن رسم النمغله • حالا دخى طلب اولنه
وغروشلرى اقچه ايده ديو خزينه دار وضربخانه امينلرى
دخل ايلميه لر • وفرانچه تجارندن بعضى حربى كميلرينه كيروب
كندو حاللرنده تجارت اوزره ايكن • حربى كميلرنده بولنديغچون ديو
كندولرين اسير واسبابلرين كرفت ايلمك • شرع شريفه مخالف
اولمغين • مادامكه كندو حاللرنده تجارت اوزره اولوب •
قورصان كميسنده فساد اوزره اولميه لر • اول بهانه ايله اسبابلرى
كرفت وكندولرى اسير اولنميه • وفرانچه لولردن برى ملك
حربى ولايتندن ذخيره تحميل ايدوب • بر حربى ولايتنه كيدركن
اهل اسلام كميلرى راست كلدكلرنده • دشمنه ذخيره ايلدورسز
ديو كميسى كرفت وكندولرين اسير ايلميه لر • وذمتلرندن برى
ممالك اسلاميه دن ذخيره آلوب كيدركن • كرفت اولندقده
فرانچه لولردن كميلرده اولان اسير اولنميه • وفرانچه لولردن
برى اهل اسلام كميلرندن اشتراليله ذخيره صاتون آلوب •

حربی ولایته کیتمیوب کندو ولایتنه کیدرکن • اهل اسلام کمیلری راست
کلدکلرنده ذخیره فی اخذه نصکره کچی کرفت وایچنده اولانلری اسیر
ایتمیه لر • انلک کبی فرانچه لولر اسیر بولنورسه • اطلاق اولنوب اشیاسی
ویریله • وحربی تجار طایفه سی ناولون ایله بونلرک کمیلرینه متاع ٤٩٧
یوکلتدکلرنده • متاع حربیدر دیو فرانچه لولره رنجیده اولنمیه لر
وشارالیه فرانچه پادشاهلرینک رضاسی اوزره تاجرلری ولایتلر
کتوردکلری وآلوب کیتدکلری • متاعلرندن قدیمدن نه بهایه طوتیلوب
کمرک النه کلدیسه • اول منوال اوزره الونب • زیاده بهایه طوتلمیه •
وبیع ایچون اخراج اولنان متاعدن ماعدا آخر اسکله یه ایلتمک
استدکلری متاعلردن کمرک طلب ایلمیه لر • واخر اسکله یه ایلتمکه
مانع اولمیه لر • وحادث اولان قصابیه ورفت وباج ویساق قولی ٤٠٢
رسمی واوجوزلقچه وزیاده سلاستلک رسمی طلب اولنمیه •
وجزایر غربدن قورسانلری لیمانلرنه وارد قلرنده رعایت اولنوب
باروت وقورشون ویلکن بزی • وسایر آلات ویریلوب لکن مزبورلر
فرانچه تجارینه راست کلدکلرنده کندولرینی اسیر ومالرینی
غارت ایدرلرمش • مرحوم بابام طاب ثراه زمانلرنده بالدفعات
تنبیه اولنوب متنبه اولمیوب • تعدی اوزره لرایمش بوخصوصه
دخی رضای همایونم یوقدر • اولمقوله فرانچه لولر اسیر واریسه
اطلاق اولنوب مالری بیقصور ویریله • من بعد متنبه اولمیان
قورسانلرک شناعت وفسادلرینی • شارالیه نامه ایله اعلام ایتدکده
تونس بکلربکیسی زماننده اولورسه • اول بکلربکیسی معزول اولوب • غارت
اولنان اشیالری وسبب اولنلره تضمین ایتدوریله • بوخصوص صحیحده
دفعات ایله تنبیه اولنمشیکن متنبه اولمدقلری امرشریفه عدم
امتثالری اولورسه • الدخی فرانچه ولاتلرینه وارد قلرنده فرانچه
پادشاهی طرفندن قلعه لرینه ولیمانلرینه قبول ایتمیوب • فسادلرینی
دفع ایچون تقیید ایلدیکلرنده عقد اولنان عهده خلل ویرمز دیو مرحوم
بابام طاب ثراه زمانلرنده ویریلن حکم شریفک مضمونی کماکان مقرر
اولوب • بوبابده موسی الیهک شکر وشکایتی مقبول همایونم اوله •
وجزایر وتونسه تابع اوسنود کورفزی وغیری محللرده بابام وجدم
طاب ثراهم • زمانلرنده فرانچه لولر مرجان وبالق صید ایلمک ایچون
حکم ویرلمش • اولدن جاری اولان عادت اوزره اومحللرده کما کان

مرجان

مرجانی وبالق صید ایلیه لر • خارجدن کمسنه دخل ایلمیه • وایلچیلری
خدمتنده اولان ترجمانلری نه اولکلدیکی اوزره خراجدن وقصابیه دن
وسایر تکالیفدن معاف اوله لر • وفرانچه لویه تابع کمیه تحمیل اولنان
متاعدن • وبعض نسنه لر کندو کمیلریله حربی ولایتنه ایلدوب کتوردکلری
متاعدن ایلچیلرینه وقونسلوسلرینه عاید اولان رسملرینی وباجلرینی
بیقصور ویروب • عناد ومخالفت ایلمیه لر • وفرانچه لولرک بری بری
ارالرنده قان ویاخود غیری شناعت واقع اولورسه • ایلچیلری
وقونسلوسلری آیینلری کوروب فصل ایدوب ضابطلرمزدن
برفرد دخل وتعرض ایلمیه • وتاجرلرینک احوالی ایچون نصب ایلدکلری
بعض کمسنه دعوا ایتدکلرنده کندولرین حبس ایدوب اولرینی
مهرلیوب تعدی ایتمیه لر • قونسلوسلر ایله دعوالری اولنلرک
خصوصی آستانه سعادتمده استماع اولنه • مذکورلرده کو اولنان
موادلک خلافنه مقدم ومؤخر امرشریف ابراز ایدرلرسه استماع
اولنیوب عهدنامه همایونم موجبنجه عمل اولنه • وشارالیهک
سلسله نسبی ملت مسیحیه وملوک طایفه عیسویه بیانمده مشهور
اوله لر • وآبا واجدادم زمانلرندن بوآنه کلنجه عتبه عدالت بنیانمه
دخی جمله قرالردن زیاده خلوص بال ایله دوستلق ایدوب • شمدیه کلنجه
مابینده نقض عهد ونکث میثاق وایمان • واقع اولمیوب • سده سعادت
مآبمه کمال الخلوص ایله اختصاصلرده ثابت قدم وراسخ دم اولدقلری
اجلدن آستانه سعادت آشیانمده مقیم اولان فرانچه ایلچیلری
دیوان بلند ایوانمه کلدکلرنده • ووزراء عظامم وشیراندن دوی الا
حترامیمزه وارد قلرنده • اسبانیه وسایر قراللرک ایلچیلرینک ووزرلری
٤٩٧ قدیمدن اولکلدیکی اوزره تقدم وتصدر ایلیه لر • وفرانچه لولرک
کندو مالری وسایر اسبابلریله کلوب کیدوب • قاپوقلری وسایر
کیلری جمیع زمانلرده اسکله لر ولیمانلرده • وسایر ممالک محروسه مده
امن وامان اوزره کلوب کیدوب • انلک کبی دریاده فورتنه کیلرینه
مضایقه ویرسه اومحللرده حاضر بولنانلر • اکرخاص کیملری خلقیدر
واکر غیریدر • معاونت ومظاهرت ایلیه لر • وقپودانلرینک سردارلری
دورشانلک مختاری قپودانلرینک قایم مقامی دعا تنیلک اهتمام
٤٠٤ بابنده دقیقه فوت ایتمیوب • وانچه ایله زاد وزواده لری تدارکنده
سعی واقدام ایلیه لر • واکر شدت روزکار ایله دکزلرینی بحجز ایله

آتوسه بكلربكی وقاضیلر وغیریلر معاونت ایدوب قورصانلردن اسباب
واموالی كیرو كندولرینه ویریلوب دخل اولنمیه وبالجمله قره ده واكر
دكزده كندو حاللرنده بولنن فرانچه لولره وفرانچه پادشاهی بیراغی ایله
امن اوزره كلوب كیدن تجار طایفه سنه ومقدما حربیلردن اولوب
صكره دن فرانچه رعایاسنه ملحق اولنانلره كمسنه مانع اولمیوب
دخل وتعرض قلمیه اول دیار تاجرلری وترجمانلری وسائر انلره متعلق
آدملری دریادن وقره دن ممالك محروسه مه كلوب بیع وشری وتجارت
ایلیوب شویله كه رسوم عادیه وقونسلوسلق حقوقن عادت وقانون
اوزره ویره كلدكلرندنصكره كلیشلرنده وكیدیشلرنده قپودانلردن ودریا
بوینده خاصه وكوكللو ریسلردن وغیریدن وعسكر خلقندن كمسنه
مانع اولمیه وتجار طایفه سنك رضالری اولمینجه بعضی متاعی جبرا ارزان
براغوب تعدی اولنمیه وفرانچه لولردن بری مدیون اولسه دینی
بورجلودن طلب اولنوب اكر كفیل دكل ایسه آخر كمسنه طوتیلوب طلب
اولنمیه واكر بری مرد اولسه اسباب واموالنه كمسنه دخل ایتمیه
كیمه وصیت ایدرسه اكا ویریله اكر وصیتسز مرد اولورسه قونسلوس
معرفتیله اول یرلو یولداشنه ویریله بیت المالجیلر وقساملر دخل
ایلمیه لر وفرانچه واكا تابع اولان یرلرك تاجرلری وترجمانلری
وقونسلوسلری ممالك محروسه مده بیع وشری وتجارت وكفالت
خصوصلرنده وسائر امور شرعیه ده قاضیه واروب اثبات
وسجل ایدوب ویا حجت آلدقدنصكره نزاع اولنورسه حجت وسجله
نظر اولنوب موجبیله عمل اولنه بو ایكیدن بری اولمیوب مجرد شاهد
زور اقامت ایدوب خلاف شرع نسنه دعوی ایدرسه مادامكه
قاضیلردن حجت اولمیه ویاخود سجلده مقید بولنمیه انك كبی تزویر
اولوب خلاف شرع اولان دعوالر استماع اولنمیه وبعضی كمسنه لر
بزی شتم ایلدیكز دیو مجرد جلب واخذ مال ایچون خلاف شرع شریف
رنجیده ایدرلرسه منع ودفع اولنه بونلردن بری دیت ایدنسه
یاخود بر وجهله متهم اولوب غیبت ایلسه انكچون كناهسز كفیل اولمیان
آخر كمسنه طوتلمیه وفرانچه یه متعلق اسیر بولنورسه ایلچیلری وقونسلوسلری
تعیین ایدوب فرانچه لو ودیرلرسه اللركیلر صاحبی ویا وكیلی ایله
سؤال شهادت تمام اولندیله كه قضیه سی كوریله فرانچه لو واكا تابع
یرلردن ممالك محروسه مده تمكن ایدنلردن خراج طلب اولنمیه

اسكندریه

اسكندریه وشام طرابلوس وجزایر وسایر یرلرك اسكله لرنده نصب اولنمش
قونسلوسلرینك یرینه اول خدمتك عهده سندن كلور بر آدملرین تعیین
ایدوب كوندردكلرنده كمسنه مانع اولمیه وتكالیف عرفیه دن معاف
اوله وفرانچه تجاریله بر كمسنه نك نزاعی اولسه قاضیه واردقده
فرانچه لولرك ترجمانلری حاضر بولنمز ایسه قاضی دعوالرین استماع ایتمیه
اكر ترجمانلری مهم مصلحتده ایسه كلنجه توقف اولنه اما انلر دخی تعلل
ایدوب ترجمانمز حاضر دكلدر دیو عوق ایتمیوب ترجمانلرین احضار
ایلیه لر اكر فرانچه لولرك بر بریله نزاعی اولسه ایلچیلری وقونسلوسلری
عادتلرنجه كوروب فصل ایدرلر كمسنه مانع اولمیه وفرانچه
-٩٤ كمیلری عادت وقانون اوزره استنبولده آرانوب كتدكدنصكره
قانون اوزره بر دخی بوغاز حصارلری اوكنده آرانوب اجازت ویریلور ایمش
حالا قانون قدیمه مخالف كلیبولیده دخی آرانوب من بعد عادت
قدیمه موجبنجه همان بوغاز حصارلری اوكنده آرانوب غیری تجاوز
اولنمیه وممالك محروسه مدن دریا یوزینه چیقان كمیلر وقدرغه لر
ودونانمای دریاده فرانچه كمیلرینه بولشدقده بر بریله دوستلق
٤٠٤ ایدوب ضرر وزیان ایتمیوب مادامكه كندولر رضالریله هدیه
لرین ویرمیه لر جبرا آلمیوب واسبابلرینی وآدم واوغلانلرینی وغیری
نسنه لرینی آلوب تعدی ایتمیه لر وونديكلویه ویریلان عهدنامه
همایونده مسطور اولان خصوصلر فرانچه لو حقنده دخی مقرر اولوب
شرع قویم وعهدنامه همایونمه مغایر بر كمسنه مانع ومزاحم ومانع
اولمیه مزبورك قلیونلری وكمیلری ممالك محروسه كلدكلرنده
ضبط وصیانت اولنوب امین وسالم كیرو كیده لر اكر اسباب واموال
یغما اولنمش بولنورسه غارت اولنان اسباب واموالك وآدملرینك
ظهوره كلمه سی بابنده سعی واقدام اولنوب اهل فساد هر كیم اولورسه
اولسون كركی كبی حقلرندن كلنه بكلربكیلر وقپودانلر وسنجاق
بكلری وقوللرم وقاضیلر وامینلر وخاصه ریسلر وعموما ممالك
محروسه م اهالیسی اشبو عهدنامه معدلت مقرون ایله عمل ایدوب
خلافنه قطعا جواز كوسترمیه لر شویله كه فرمان قضاجریانمه
مخالفت ومعاندت اوزره ساعی بالفساد اوله لر اول مقوله طاغیه
طاغیه یه امان وزمان ویریلیوب حقلرندن كلنه كه سایرلره دخی
موجب عبرت اوله وبالجمله جدم مرحوم ومغفور سلطان سلیمان خان

وسایر اجداد عظامم انار الله براهینهم • زمان شریفلرنده عنایت اولنان
عهدنامه لر موجبنجه عهد وامانه مخالف اصلا دخل وتعرض ایدورز
ذکر اولنان عهد اوزره موی الیه فرانچه پادشاهی مادامکه سریر
سعادت پناهمزه صداقت واخلاص ورده ثابت قدم وراسخ دم اوله
بند بخی دوستلغی قبول ایدوب عهد ویمین ایدرمکه آسمان وزمینی
خلق ایدن خدای رب العالمین حقیچون • واجداد عظامم وبابام
طاب ثراهم • روحلریچون بو طرفدن خلاف عهد ومیثاق • ومغایر
عقد واتفاق ایش اولنیوب • دائما اشبو عهدنامه همایون عزتمقرونمك
مضمون شریفیله عمل اولنه • شویله بیله لر علامت شریفه اعتماد قیله لر

بودخی فرانچه پادشاهی نامه‌درر

سریر سنیه دولتپناه • وعتبه علیه سعادت دستگاهمزکه ملجاء سلاطین
نامدار • ومرجع خواقین ذوی‌الاقتداردر • حالیا پایرو ستقیم آدملریکز
ایلچیلك طریقیله ارسال اولنان فلودن نام آدمکز واسطه سیله مکتوب
ودادمصحوب ارسال اولنوب • مفهوم مسرت مشحونده سریر سعادتمزده
سابقا ایلچیلك خدمتنده اولان مصردرمون نام ایلچیکزه اجازت همایونمز
مقارن اولدوغی اخباری معلومکز اولمغین • انك یرینه مشار الیه
ایلچیکز ارسال اولندوغی اشعار اولنوب • طوغرولغی واستقامتی
کورکی کبی تحریر اولنوب • دوستلق ومحبته لایق اولان خدمتلك
عهده سندن کلمکین • کندو جانبمزدن وکیلمزدر • تمنا اولنورکه
هر بورك تقریرینه وجوابنه بالذات کندو تقریرمز کبی اعتماد واعتقاد
اولنه دیو اعلام اولنوب • واسپانیه جانبنه متعلق بعض اخبار دخی
درج وبیان اولنوب • سنهٔ سابقه ده تعیین مزبوره وممالکت وولایتی
انواع حقارت وخسارت اولدوغی بلدوروب • جزئی وکلی اکر متعلق
هر نه درج وشرح اولنمش ایسه مقصد معلوم شریفم اولوب • موی الیه
ایلچیکز دخی سزك جانبکزدن بو آستانه مز طرفنه انواع مصافات
وکمال الوداد وسل واعتماد ذکر اولدوغین عرض ایدوب • مابینمزده اولان
محبت ودوستلق کما کان اولوب • ویوما فیوما متزاید اید وکین •
عرض وتقریر ایلیوب • فارغ البالی طورغودام عزمم دوشمانی ٤٩٥
همایونمز سیزك کیلن کرم ملاقات اولمه سی مناسب اولوب •
ودشمنك قلع وقمعنه نفع ورضای همایونمه سزاوار اولدوغی
بلدرمکین • سزك جانبکزه متعلق اولان احواله علی وجه التفصیل

علم شریف

علم شریف عالم آرای خسروانهم محیط وشامل اولوب • انواع صفالر
کسب ایدوب کلی بهجت وسروره باعث اولدی • ایله اولسه سزلر قدیم
الایام مدت الی یومنا هذا آستان زینع البنیانمز جانبنه اولان اخلاص
ومحبتکز معلوم شریفم اولوب • بین الخلایق دخی کون کبی روشندر •
سریر سعادتمه اولان موالات ومصافاتکزدن مأمول اولان بودرکه
من بعد دخی عدوی دولت قاهره منك قلع وقمعلری بابنده افکار صایبه
وتدبیر پسندیده ظهوره کتوره سز • طایفهٔ قزلباش اوباشکه فرقهٔ
ملاعین خسارت قرینلردر • انلرك قلع بنیان ضلالت وقمع ارکان
خسارتلریچون • عنایت حقه توکل اولنوب • عساکر فتوح آثار ایله
ماه جمادی الاولیده • اوردوی همایونم محروسه حلبه چیقوب منازل ومراحل
قطع منازل قلنوب • نزول اولندی • ان شاء الله الاعز بو دفعه انلرك
بابنده کلی تدارك اولنوب اطراف وجوانب عساکریله احاطه اولنوب
وجود خباثت آلودلرندن عرصهٔ زمین پاك وتطهیر اولنمغه • برامره دخی
شروع اولنمق خاطر عاطر جهانبانیده مصمم دکلدر • امید درکه حق جل
وعلانك عنایتی قرین آمال واقع اولوب • تمدیه دك ایدکلری
فسادلك جزا وسزالرین مشاهده ایدوب • تمام صحیفهٔ عالمدن نام
ونشانلری ناپدید اوله • ان شاء الله الاعز بو مرامك حصولندن نصکره
یقین زمانده مراجعت ایدوب • مقر خلافت شرف نزول همایونمله
مسرور قلنور • حق سبحانه وتعالی حضرتندن رجا اولنورکه • دائما
دوستلریمز مسرور ودشمنلریمز مقهور اوله • حالیا دیار شرقیه
غزا ایچون عزیمت همایونمز مقرر اولمغین • مشار الیه ایلچیکزه اجازت
شریفم ویریلوب • محروسه استنبوله ارسال اولندی • کرکدرکه مابینده
اولان اخلاص ومصافات مقتضاسنجه • دائما اخبار ارسالندن
اعلام ایتمکدن خالی اولمیه • وسعادتله سفر همایونمه توجه اولندقده
دریا جانبلرینك محافظه سی خصوصیچون مشار الیه طورغود قوللری
کفایت مقداری • سفاین نصرت قرین ایله دریایه چیقمق بیورلشدر
نامه کز وارد اولمزدن مقدم دریایه متوجه اولمش بولنمغین • مذکور
قولیمه حکم شریفم یازیلوب کوندرلدی • سنکله مشاوره واتحاد ایدوب
اکر ملاقات اولمقدر • واکر سایر دولتمه لایق وسزاوار اولان خصوصلرده
حسن اتحاد ایلیوب • وجه مناسب کوردیکی اوزره عدونك
قلع وقمعنه ودفع مضرت وافسادینه مناسب تدارکلر اولنردو بو بودر

٤٩٦

سزانکله خبرلشوب • دوستلغه ودولته لایق اولان نه ایسه حسن اتفاق
اوزره سعی جمیل دریغ ایتمیه سز • امیددرکه اتحاد طرفین ایله عدولریمز
پایمال • ودوستلریمز شادان ومسرور البال اوله • حق سبحانه وتعالینک
عنایتیله قرم جانبندن دخی مبالغه عسکر تدارک اولنوب سابقا
وزیراعظم اولان محمد پاشا دامت معالیه یی انلره باش وبوغ تعیین
ایدوب • بدون وطمشوار بکلربکیلرینی ومحمد خانی وسایر امرا ذوی
الاقتداره احکام شریفه یازیلوب کوندرلدی • قرال اوغلنه معاونت
بیوریلوب • اول جانبلرده دولت علیه مه متعلق خصوص اولورسه
بذل مقدور ایلیه لر • سز دخی عتبهٔ علیا مز جانبنه اولان محبت ومودتکز
مقتضاسنجه انلر طرفنه ناظر اولوب • خبرلشوب دولته سزاوار
اولان مصلحت لازم اولورسه معاونت ایلیه سز • وآستانهٔ سعادتمز
جانبنه اولان اخلاصکز موجب موالات اولمغین • سزکله دوستلق اوزره
اولنلر پابندهٔ عنایتمز بیدریغ اولوب • معاندت ومخالفت طریقنه
سالک اولنلر هر وجهله معاتب اولمق خاطر عاطر خسروانهٔ مزده محقق
اولمشدر • بو جانبده اولان دشمن احوالی مراد شریفم اوزره کورلمشدر
عنایت حق ایله عن قریب مقر خلافت مصیر شرفنه نزول لمله مشرف اولدقده
دشمنلرک احوالی مراد اوزره کوریلور • سزک جانبکزده نکه اندن حالی اولنمانز •

بو دخی قرالیچه پادشاهنه یازلمشدر

حالیا عتبهٔ علیهٔ عدالت پناه • وسدهٔ جلیلهٔ سعادت دستکاهمزکه
مسند نشین سلاطین کزین نامدار • وملجا وملاذ تخت نشینان
ذوی الاقتدار در • مکتوب محبت اسلوب صداقت مصحوبکز وارد اولوب
مفهوم منیفنده جناب جلالت مآبم جانبنه اولان وفور محبت واخلاص
وکمال میل واختصاصکز اولدوغنی • علم شریف عالم آرامز شامل اولمغین
باعث بهجت وسرور واقع اولمشدر • مادامکه اول طرفدن آستانهٔ
سعادتمه اولان سلسلهٔ مودت مؤکد اوله • بو جانبدن دخی خلافنه
اصلا جواز کوسترلمز • ومقدما اوغلکزک کاتب ترجمانی اولان سلیم
سعادتپناهمزه • ایلچی ایدوکندن سزه واروب جواب کوندرلمکده
تأخیرک سببی • قدوة الامراء الکرام • قارلی ایلی سنجاغی بکی اولوب • سابقا
کوندریلن دونمای همایونمزک سرداری طورغود دام عزه • سزک دونماکزه
قاووشوب • بعده احوالی نه یوزدن ظهور ایدرسه اکا کوره اعلام اولنمق ایچون
ایدوکی اشعار ایدوب • ومشار الیه قولمی بولمق ایچون دفعاتله قدرغه لر

ارسال

ارسال ایدوب • قاووشمق مرادکز اولدقده بربریکزه ملاقات میسر
اولمیوب • اکا بناء نتیجه فرصتلر فوت اولوب اعدایه قهرلر ممکن ایکن عوق
اولندی • وکندوسی بلا سبب دونوب کندی دیوا علام ایدوب • وبونلردن
غیری عدوکزه غلبه کز خصوصنده • وقرنداش پورتقال لعینه • وقزلباش
اوباش بدآیینه • وسایر اول جوانبه متعلق جزوی وکلی اموردن هرنه که
درج وشرح اولندیسه عز حضور لامع النورمزده • واضح وروشن
اولوب • ومشار الیهک ایلدوکی اوضاعدن کیرو خاطرکز منکسر اولمیوب
عتبهٔ علیا مزه اولان صحیح وابدی دوستلغکز کما کان اولوب •
یوما فیوما تزییده اولدوغین بیلدروب • وبوجه آستانه مزدن بودفعه
دخی دونمای همایونمز کوندریلوب • سزک دونماکز ایله ملاقی اولنمسنی
التماس ایلیوب اعدایه کلی ضرر وزیان مترتب اولوب • لازم کلورسه
سز دخی قره طرفندن دشمنک اوزرینه هجوم ایلمک فکرینده وتدارکنده
اولدوغکزی بیان ایلمشسز • ایله اولسه قزلباش لعینک احوالی عنایت حق
ایله بو دفعه مراد شریفم اوزره کوریلوب • انک دخی خصوصی
ونه وجهله اولدوغی بوندن اقدم سزه نامهٔ همایونمزله بلدرلمشدر
معلومکز اولدیغنده ذکر اولنان ملاعینک آنلر ایله ایتدکلری معاهده
لری باطل ومنسوخ ایدوکنه علمکز محیط اولور • اولبابده خاطرکزه
نسنه کتورمیوب بحضور اولیه سز • همان اعدانک صحیفهٔ روزکاردن
وجودلرین تابید ایتمکه سعی ایلیه سز • انشاالله تعالی بودفعه مراد
والتماسکز مستدعا سنجه کفایت مقداری دونما احضار اولنوب • روز
حضرده دریایه چیقوب سزک دونماکز ایله ملاقات ایدوب حسن
اتفاق ایله مصلحت کورلمک امر اولنوب • بودفعه کوندریلجک دونمای
همایونمزه افتخار الامراء الکرام • مختار الکبراء الفخام • قپودانم پیاله
باش وبوغ تعیین اولنوب • ومشار الیه طورغود دام عزه • بیله
قوشلوب وسنجاق بکلری قوللرمدن برنجه نامدار بکلر تعیین اولنوب
ویکیچری قوللرم وسایر عساکر بی شمار قوشلوب کوندرلمک مقرر اولمشدر
انشاالله تعالی خدمتنده جواز کوسترلمز حق تعالی حضرتلرندن امید
اولنورکه موانعدن حفظ ایدوب • فتوحات جدیدهٔ جلیله میسر اوله
ضمیر نکته دانکزه خفی دکلدر که • هربار که یوجه آستانه مزدن عدوکزه
اولان مفسدک قلع وقمعی بابنده طلب معاونت اولنوب اصلا
دریغ ومسامحه اولنمیوب • دونما کیلری ارسال اولنورلکی سزک

٤٩٧

دونتما کزه ملاقات اولنمقده عسرت چکلور • تقدیر آلهیده مقدر
اولمامغیله برکلی خصوصه مباشرت اولنمیوب • دریانك موسمی دخی
آز اولوب • دونتما خارجده قشلامق آیین سلطنتمزده اولمدوغی
اجلدن • موسمی مرور ایتمدین کیرو عودت اولنمغله مباشرت اولناجق
امور سنه اخرایه قالوردی • بهر تقدیر بودفعه طونتمامز سزك کمیلریکز
ایله ملاقات اولورلر • کرکدر که سز دخی دونتما کزی شمدیدن مرتب
ومکمل ایدوب • دشمن براغیله حاضر ومهیا ایدوروب وقتیله وارکله
بربیکزی بولوب • دونتمای همایونمزله سزك دونتما کزی قاوشدروب
عدوکزك قلعی بابنده بذل مقدور ایلیه لر • معلومکز هر سال دونتما
کوندرلمك عسرتدن خالی کلدی • بهر تقدیر بودفعه سزك دونتما کز
مقدم مهیا اولوب • دریایه چقمقدن صکره قوری بولشوب •
دریانك موسمی مرور ایتمدین بعنایة الله تعالی بوز آقلقلری تحصیل
ایده لر • سزك بو بابده جد اقدام وکمال اهتمام ما اولدیغکز اولدوغی
سمع شریف عالم آرامزه وصول بولوب • اول طایفه نك قلع وقمعکز
بابنده وفور شهامتکز اولدوغی کالشمس فی وسط النهار لامع واشکار
اولمشدر • انشاالله تعالی مشار الیه قپودانم وقولم طورغود وسایر
بکلرم • فرمان جهانمطاع خاقانی عسکر شجاعت شعار • وسفاین
نصرت آثار ایله واروب • سزك دونتما کزه ملاقات ایتدکلرنده
کرکدر که قدیمدن ایده کلدیکلری اوزره • من کل الوجوه • بیکدل ویکجهت
اولوب • وجه مناسب کوردوککز اوزره حسن اتفاقیله دشمنکز
اولان خاسرینك سایه خباثت آلودلرین ازاله بابنده • شویله که لازمهٔ
غیرت پادشاهی • ومعارضهٔ حمیت کشورکیری در • ظهوره کتوروب
بودفعه اتفاق جانبین • واتحاد طرفین ایله اول طایفهٔ مقهورهٔ نك
حمیت خسران آیینلری • ومنبع فساد اولان قلاع وبقاعلری • وسفاین
هزیمت اثرلری هر جانبده ایسه • محل اقتضاسنه کوره اوزرینه
بالذات وارلمغله می اولور • ویا عسکر کوندرلمکله می اولور • وجوه کلورز
رای صایبکز مستدعاسنجه • واستان مخلد البنیانمزه اولان دوستلق
وصداقت موجبنجه • کمال شجاعت وشهامتکز مقتضاسنجه • عدونك
قطع عرق فسادلرینه هر نه یوزدن تدارك اولنمق ملایم کوریلورسه
بوجانبدن ارسال اولنان جنود اسلامه دلالت ایلیوب • وبالجمله
بودفعه عنایت حق ایله وارقوت بازویه کتوروب • دشمنکز اولوت

اسپانیه نك کردیادن واکر قرهدن مضرت وفسادلرین دفع ایدوب •
دونتمای آخره احتیاج کوسترلمك بابنده مساعی جمیله ظهوره کتوره سز
کرد بناده باعث تحصیل نیك نامی ایله • بوجانبده بزم دخی نظر فرخنده
اثرمز دائما اولطرفلردن خالی اولمیوب • خاطر عاطر دریا فیضانمز اول ممالکه
نکران اوزره در • سز دخی خبر مسرت اثریکز دریغ ایتمیوب • صحنکز اخبار ایله
دائما اولجانبلرك احوالنی علی التفصیل اعلام ایتمکدن خالی اولمیه سز •
واسپانیه قرالی مفسدك دخی حیله وخدعه سندن احتیاط اوزره اولنمق
لازمدر • امیددر که حق سبحانه وتعالی کند ولطف وکرمی ایله دشمنلریکزی
قهر ایلیوب • خیر وظفر میسر ومقدر اولمش اوله •

بودخی فرانچه پادشاهنه در

حالیا عتبهٔ علیهٔ عالمپناه • وسدهٔ سنیهٔ جلالت دستکاهمز • که
ملاذ ملوك واقبال • ومقبل شفاه اکاسره ذوالاجلالدر • آستانهٔ مشید
الارکانمزده اولان ایلچیکز طرفندن مکتوبلر وارد اولوب • بوجه درکاهمزه
اولان دوستلغکز ومحبتکز دایم اولوب • من بعد دخی حکام موالات
ومصافات اوزره اولنمه سن اعلام • ومآرآیینك بجری وجنده رسیم
ورد اولوب • وبو حالدن سزه سرور حاصل اولدوغین بلدوروب • دخی
اسپانیه نك عسکرینه وقلاعنه ودونتماسنه متعلق اخبار عرض
ایدوب • وبونلردن غیری دریایه متعلق واولجوانبه متفرع جزئی
وکلی • هر نه بیانات اولنمش ایسه • علم شریفم محیط اولوب • دائما نظر
فرخنده اثرمز سزلك طرفکزه اولمغین • دونتما کلمزدخی ارسال
اولندی • انشاالله تعالی صحت اوزره ملاقات اولنوب • بوز آقلقلری
میسر ومقدر اولمش اوله • بوانثاده نابوش قرال اوغلی جانبندن دخی
سزه سعادتمه آدملر کلوب • اردل ولایتنه کلمك ایچون سرحد ولایتنده
صانوب نام قلعه یه کلوب • حاضر اولدوغین بلدوروب • معاونت
ایچون سرحد ولایتنده اولان بکلربکیلره قوللریمه • وامراء ذوی الاقتدار •
وعساکر نصرت مآثرمه • احکام شریفه استدعا کلرنده بلاتوقف یازیلوب
کوندرلمشیکن • فرندوش قرالك دخی ایلچیلری وارد اولوب • اردل ولایتنه
متعلق بعضی کلمات ایدوب جزیه یه ملتزم اولوب کندو یه مراد ایدکلری
اولبابده اولان کلماتی استماع اولنمیوب • بهر تقدیر قرال اوغلنه تسلیم
اولنمق کرکدر دیو جواب ویرلوب • مآبوس اوتیجی تکرار ایلچیلری
مشار الیهدن اولبابده جواب شافی کتورمکله وقرال اوغلنه ادرنه دن اوتلك

تسليم اولنمه سنه التى آى وعده طلب ايدوب • استدعاى عنايت
ايلمكين • وصواب بونده مشاهده اولنمغين • اول مقدار زمان وعده
ويرلوب • ايلچيلرينك بربنه التى آى وعده ايله اجازت ويرلدى • بو دفعه
ولايت اردلى تسليم ايدرلرسه فبها اما تسليم ايتميوب كيرو حيله هم
وخدعه يه سالك اولورلرسه • تدارك كورلمشدر • جمله سرحدده اولان
قوللرم كيرو حاضرلردر عنايت حق ايله امرهمايونم موجبنجه قرال انكلتره
هر وجهله معاونت ايدرلر • بو مقدار زمان وعده ويرلدكده انشا الله
جناب جلالتمآبم جانبندن سزك طرفكزده اولان مصالحه ايتمكه
مانع اولورسنه بوقدر شديدكين بوكه التفات اولنميوب • رخصت
ويرلدوكنه باعث قزلباش جانبلرينك عدم اطاعت وانقيادلرى
ايدى • بو دفعه عنايت حقله انلرك حقلرندن كلنوب • مملكت وولايتلرى
اللرندن چقه جغين مشاهده ايتدكلرنده • خواه وناخواه عتبه عليامزه
عرض عبوديت ايدوب صلح وصلاح اولنمق بابنده استدعاى عنايت
ايتمكين انواع پيشكش وهدايا ايله ايلچيلرين كوندروب • سبب آتش
آلام اولان صلح وصلاحى استدعا ايتمكين • تضرع والتماسى قبول اولنوب
وايلچيسى انواع رعايت ايله مرعى قلنوب • ماه رجبك اون ايكنجى كوننده
اجازت ويرلدى • للّه الحمد والمنه بو جانبده جمله مراداتم دلخواه اوزره
اتمامه ايرشوب • مقر خلافتم جانبنه عزيمت اولندى • انشا الله تعالى
عن قريب محميه قسطنطنيه شرف نزولم ايله مستسعد اولور جناب
حقدن مرجودر كه انواع خيرلر ميسر اوله • كركدر كه سز دخى
دائما اخبار صحيحه كزى واول جوانبك احوالنى سدهٔ سعادتمه اعلامدن خالى اولميه سز

بو دخى قراليچه پادشاهنه در

حاليا استناد على المكان • وشامخ البنيانمزه كه مرجع سلاطين عظام
وملجاء خواقين فخام در • مكتوب محبت اسلوب صداقت مصحوبكز
وارد اولوب • عدوكز اولان اسپانيه قرالى مابينكزده اولان عداوت
ومخالفت رفع اولنمق ايچون مشاوره ايدوب • نصارى طايفه سى
اراسنده اولان ضررلره سز سبب اولميوب • مزبور اسپانيه قرالى
باعث اولديغى معلوم وشايع اولدى • سزه وجمله خرستيانلره
انفع اولان مصالحى سويلشمك ايچون ايلچيلركزى ارسال ايدوب
ومزبور فتنه وفساددن فراغت ايتميوب • وسزى ايدامق فكرنده
اولوب بعضى حيله وخدعه آميز قصد ايله محال اولان نسنه لر ٤٩٩ ٤٠٩

تكليف ايتمكله • واراندن آدملريكز قبول ايتميوب سپارش ايتديككز اوزره
عودت ايتدكلرين بلدروب • ذكر اولنان مشورتدن نسنه حاصل
اولمديغى معلوم اولمغله جنك ايتمكه مؤدى اولوب • دونماى همايونمزك
ملاقاتى ايله • عدوى خاكسارده دهشت وخشيت مستولى اولوب جميع
اعلام ايدوب • دونماى ظفر قرينمز استقبال ايچون دخى برقاچ قدرغه لركز
بروت طرفدن كوندرلدوكنى شرح وبيان ايليوب اولطرفلرده هر
قنده لرى خصوصى دخى اشعار اولنمش • وبالجمله مكتوب وداد
اسلوبكزده شرح اولنان خصوص نه ايسه • وسدهٔ سعادتمده هر
ايلچيكز طرفكزدن هرنه تقرير ايتمش ايسه • على وجه التفصيل عز حضور
موفور السرورمزه عرض ايدوب • علم شريف عالم آرامز محيط وشامل
اولدى • ايله اولسه سزك قديمدن باركاه اعلامزه اولان محبت
واختصاصكز كالشمس فى وسط النهار لامع وآشكار اولوب
آستان دولت آشيانمزه اولان سلسلهٔ خلوصكز مستحكم اولدوغى
علم همايونم محيط اولمشدر • بو وجه اوزره مودت ودوستلقدن
مأمول اولان بونك امثالى آثار جميله در • كه دشمنكزدن انتقام
بابنده موافق ومناسب تداركلر ظهوره كتورلمش • جناب جلالت
مآبم جانبنه دخى عنايت سبحانى قرين اولوب • انواع حصول آمال ايله
مقر خلافتم شرف نزولمله مشرف قلنوب • شمدنكره نظر خدمت
اثر ايمزه اول جانبه نكرانلقدن خالى اولنمز • بو دفعه ارسال اولنان دونماى
همايونمزك قشلومه سى خصوصى بو وجه آستانه مزه سابقا ارسال
اولنان مكتوبكزده مسطور اولميوب • مجرد معاونت مراد اولنديغى
اشعار اولنمغين • اول تدارك ايله كوندرلميوب قپودانمز وسائر
قوللريمز محميهٔ استانبوله قشلامق مراد اولنمشيدى • خلدونهجوانز
كوسترلدكلرى نوعا تعبدن خالى دكلدر • فرمان شريفمز موجبنجه
عمل ايدوب وقتيله عودت ايدرلر • سز دخى بو وجه آستانه مزه اولان
اخلاصكز مقتضاسنجه دريانك موسمى مرور ايتمدين وقتيله انلرى
بر بويه ارسال ايتمكه سعى جميل ايليه سز • انشا الله تعالى من بعد دريادن
دونماى همايونمز اكسك اولميوب • هر وقت كه بو وجه آستانه مزدن
معاونت ومظاهرت التماس ورجا اولنه • بعون الله تعالى مونجه
سفاين نصرت قرين ايله عساكر ظفر مآثر ارسال اولنوب كلى معاونتلر
اولنمه سى خاطر عاطر جهان بينامزده مركوزدر • جناب حقدن رجامز

بوودکه علو عنایتی ایله بوزافلقلری حاصل اولوب اولیاء دولت
قاهره مسرور و اعدای سلطنت باهره مقهور اوله کرکدرکه من بعد
دخی ما بینده اولان مصافات واخلوص مقتضاسنجه اخبار سکتو
وصحتکزی وعدو کز طرفلرینک احوال واوضاعنی وسایر اولجوانبک
امورینی بو جه آستانه مزه اعلام ایتمکدن خالی اولمیه سز

بودخی قرالجه پادشاهنه در

حالیا استانه عدالت آیانمزکه مسند نشین سلاطین کزین وملجأ
خواقین تخت نشین در مکتوب صداقت مصحوبکز وارد ونازل اولوب
مفهوم مسرت اسلوبنده بوجه آستانه مز جانبنه اولان محبت واخلاصکز
مؤکد ومؤبد اولدوغی معلوم اولوب وسابقا آدمکز واسطه سیله ارسال
اولنان نامه همایونمز سزه وصول بولدوغنی اشعار ایلیوب مشار الیه
آدمکزه طونمای همایونمز سزک کیلر یکزه قاوشدوغنی واعدا ایچون
تدارککزی وسائر ایلدن بکلک خیرلو مصلحتلری وفکر کزه اوزرینه
ایسه کوروب وقوعی اوزره اعلام اولنمه سنی امر لدوغکزده من بود
آدمکز دخی دونمای همایونمز اولاشوب قبودانمزله بولشوب سزک
مرادکزی وتدارککزی بلدردکده انده اولان حاکملر یکزمن بوری
خیرلو خبر ایله وارمق ایچون البقود قلرینی بلدوروب من بورد دخی
استرسه بیله کزوب واقع اولان احوالی کوروب تکرار سزه واروب
دونمای حاکملرینک غیرت اوزره چالشدقلرینی ومرادا اوزره کرکلو
قضیه یه بایشدقلرینی شرح ایلمک ایچون آستانه سعادتمز جانبنه
ارسال اولندقده استقبال ایچون دونمای کز ایله ملاقات ایچون
بش قطعه قدرغه کز ارسال اولنوب انلر دخی ملاقات میسر اولمدیغی
سببدن بکرمی کون مقداری تأخیر اولنوب الکا بناء سزک دونمای کز
لیمانده متوقف اولوب تدبیر اولنان تدارک برابت کلیوب عسکره
بولشمغله بر قلعه محاصره اولنوب فتحی میسر اولدوغن واولجزیره نک
نصفی سزه اطاعت ایتمک مقرر ایکن لوندات طایفه سندن
ظهور ایدن بعض موانع سببی ایله نفرت ایتدکلرین وقبودانمز
دولت علیه مزه متعلق مصالحده کمال مرتبه چالشوب دلاورلکلر
وجوده کتوروب وبکلر قوللرم خدمتلرنده تقصیرات ایتموب عدوی
خاکساره اضطراب ویردکلرین وبونلردن غیری دونمای همایونه
متعلق وسائر احوالده متفرع هر نه که دینلمش ایسه وموما الیه آدمکز

جانبکزدن هرنه تقریر ایتمش ایسه علی وجه التفصیل علم شریف
عالم آرامزه شامل اولمشدر کرکدرکه آستانه سعادتمز جانبنه وفور
اخلاصکز موجبنجه بو جه درکاه هر زمانه اتحادکز مشید قیلوب
اخبار صحتکزو اولجانبلرک کیفیت احوالنی وعدوکز اولان ملاعینک
حرکات واوضاعنی اعلام ایتمکدن خالی اولمیه سز که دائما نظر
فرخنده اثریمز اولجوانبه نگران اوزره در امید مندرکاه حق
تعالی دن بوذرکه همیشه دوستلریمز منصور و مسرور ودشمنلریمز
مدمر ومقهور اوله امیر الامراء الکرام مغرب بکلربکیسی قوللرم صالح
پاشا ادام الله اقباله عتبه علیامزه مکتوب کوندروب کفار خاکسارک
بعض احوالنی بلدرمکین صحیح خبر کتورمک ایچون فرصت قدرغه
کوندرلمشدر ان شاء الله تعالی عن قریب انلر جانبندن خبر کلوب
اقتضا ایدرسه عنایت حقله اسباب وحوایجی مباشرت اولنوب
تدارکی کوریلور مأمولدرکه انواع خیرلر میسر ومقدر اولمش اوله
مشار الیهدن خبر کلدکدنصکره لازم کلورسه تونس احوالی وسائر عدو
قتنه بیله خصوصلرینه توکلا علی الله مومی ایله خیرنه ایسه تدارک اوزره وانچق

بودخی قرالجه پادشاهنه در

بوبزت اقدم اشیانه رفیع الابوابه واستانه متین البنیانمز جانبنه
وارد اولان ایلچیلریکز بوجه درکاه هر زمان صداقت واخلاصکز
ومصافات واختصاصکز کماکان اولوب دوستلق ومودتکز
یوماً فیوماً ازدیاد اوزره ایدوکین بلدروب عنایت علیه خسروانم
مقارنتی ایله ولایت انکروسه قرال ایکن مرد اولان یانوش قرال
اوغلی استبان قرال بابنده اولو آستانه مزدن استدعای عاطفت
ایدوب شمشیر شهاب آثارمزله فتح اولنان اردل ولایتی که من بورک
اتا سی اوجاغیدر عنایت اولنمسی اقتضای مرامکز اولدوغین اعلام
ایدوب سزک استانه دولت اشیانه مزه وفور اخلاصکز کالشمس
فی وسط النهار اشکار اولوب علم عالم رسوم خسروانم هر وجهله
شامل اولدوغی اجلدن مشار الیه بابنده اولان استدعاکز حیز
قبولده واقع اولوب الکا بناء قرال اوغلینه وقرالیجه یه بوجه
آستانه مزدن دخی عنایتله استمالت نامه کوندریلوب ومجار
واروده اولان بکلره الکا اطاعت وانقیاد بابنده دخی وعد
ووعید ایله احکام شریفه کوندریلوب هر وجهله معاونت

ومظاهرت ایتمکیچون دخی سرحد جانبنده اولان بکلربکیلر بیله ٥٠١ ٤١٩
وسایر امرا قوللریمله • و بغداد و افلاق و بوده لرینه • که آستانهٔ
سعادتمه کمال عبودیت اوزره اولوب • خدمتی کندولرینه سرمایهٔ
سعادت بلورلر احکام شریفه کوندرلشدر • امر همایونم موجبنجه
معاونته مترقبلردر • ایله اولسه قرال اوغلی خصوصنده کیرو عنایت
علیهٔ پادشاهانهم هروجهله بیدریغدر • مادامکه بو وجهله
آستانهمزه صداقت واخلاص و طوغریلق اوزره اوله ولایت اردل
باباسی یانوش قراله نه وجهله ویرلمش ایسه من بعد دخی اول طریقله
عنایت اولنمق خاطر عاطر جهانبانیمزده مرکوزدر • ان شاء الله الاعز الاکرم
خلاف فنه جواز کوسترلمز • شویله که فرمان جلیل القدرم مسند عالی سنجغه
ولایت اردله متوجه اولوب • ایل و بوی استیوب معاونت ایتمک
بابنده تعهد ایلیه • کلدیکنده امرم موجبنجه سرحدده اولان بکلر
بکلرم وسایر قوللرم لازم کلدوکنده هروجهله معاونت ایدوب
باب مظاهرتده دقیقه فوت ایتمزلر • لوکه دکم سز دخی بو وجها آستانهمزه
اولان اتحادکز موجبنجه اللرینده اولان عنایتلریمزی کندولرینه
بلدوروب • اناسی اوجاغنه کلملرینه ترغیب ایلیه سز • ان شاء الله تعالی
اللرینده اولان التماسکز علی وجه الکمال مرعی اولنوب • خلاف فنه
جواز کوسترلمز • حق تعالی حضرتلرینک درکاهنده نیازمز بودرکه
هرزمان دوستلریمز مسرور و دشمنلریمز مقهور اوله • دائما اخبار
خیر مآلکزی بو جهة درکاهمزه اعلام ایتمکدن خالی اولمیه سزکه موجب ازدیاد محبتدر

بودخی فرانچه پادشاهنه در

بوندن بو جهه آستانهمزه که مشرق نیر اقبال • و مرجع سلاطین و اقیالدر
مکتوب وداد مصحوبکز وارد اولوب • دونمای همایونمز طلب اولندیغنه
مغرب جزایرینک بکلربکیسی اولان امیر الامراء العظام • قولم صالح پاشا
دام اقباله جانبندن خبره توقف قلنشیدی • الحالة هذه مشار الیه
عتبهٔ علیهٔ عالمپناه • وسدهٔ سنیهٔ سعادت دستکاهمه مکتوب
کوندروب • بعض اعدا ایله شریفنک اتحادی اولوب اول سمتلرده
اولان قلاع وبقاعه قصدلری اولدوغن اعلام ایدوب • دونمای
همایونم کوندرلمک بابنده استدعای عنایت ایتمکین • حالیا احضار اولنان
دونمای نصرت قرینمز • متوکلا علی الله الوهاب • اول طایفهنک سایهٔ
ضلالت مآلرینی ازاله ایچون نکل قلنوب • عساکر نصرت مآثر ایله ارسال

اولندی ابد درکه فتح و ظفر میسر اولوب • عدوی مخذول نکبت
مستولی اوله • ایله اولسه سز دخی سنین سعادتمز جانبنه اولان دوستلق
واختصاصکز موجبنجه اول طرفلره کوز قولاق اولوب • من کل الوجوه
معاونتکز صرف ایدوب • عدوی خاکسارک انکسار و مندفعلرینه
سبب اولورا موردة رأی مناسب و ملایم اوزره عمل اولنوب همان
اولنمه ده صرف همت اولنه • و بو وجهه درکاهمزه اخبار خیر مآلکزی
اعلام ایتمکدن خالی اولمیه سز • که سبب ازدیاد مودتدر •

بودخی فرانچه پادشاهنه در

بوندن اقدم سدهٔ سنیهٔ عدالت پناه • و عتبهٔ علیهٔ خلافت
دستکاهمزه که مسند سلاطین کزین • و ملجأ خواقین تخت نشین در •
قدیمدن اولان مودت و اخلاصکز موجبنجه مکتوب صداقت مصحوبکز
ارسال اولنوب • دونمای همایونمز احضار اولنمق بابنده استدعای
عنایت اولنمغین • اول اثناده سزه نامهٔ محبت نما ارسال اولنوب •
مغرب جزایرنده بکلربکی اولان امیر الامراء الکرام • قولم صالح پاشا
دام اقباله دن خبردار اولنمغه موقوف قلندیغی اشعار اولنوب لکن
آیین سلطنت خسروانهمز اقتضاسی موجبنجه مسامحه اولنموب • دونمای ٥٠٢ ٤٩٢
همایونمز احضارنه مباشرت اولنشیدی • الا انباء مهمات ولوازمنک
اکثری مرتب و مکمل قلنوب • بعضیسی دخی اولمق اوزره ایدی • الحالة هذه
بو جهه آستانهمزه اولان کمال میل و مودتکز مقتضاسنجه • تاکید مبانی
محبت • و تشیید اساس صداقت ایچون مکتوب وداد مصحوبکز وارد
اولوب • عتبهٔ دولت آشیانمز جانبنه اولان سلسلهٔ اخلاصکز
کما کان مستحکم ایدوکی اشعار قلنوب • و قپودانمزله ارسال اولنان
دونمای همایونمز خزینه ویرلشیجه منت عظیمه ایتدوکی اعلام اولنوب
و عظمتلو آستانهمزده اولان مقبول و مستقیم آدملریکزدن فخر
الاقران • مصطفی یان نام ایلچیکز بو جهة درکاهمزه عرض و تقریر
ایتمک ایچون • بعض اخبار سپارش اولنوب • اعتماد اولنه دیو
بلدورلمش • و اسپانیه قرالی فادلوا اوغلی اولکلر بکی ایله اراکزده اولان
وره لر خصوصلرینه باعث اولدیغی • و بو بارده شمدیه قدر سزک جانبکزه
نفع کلی اولوب سزه باعث رفعت و ولایتکز رعایاسنه آسوده حال
اولمق • و بو جهه آستانهمزه اولان قدیمی دوستلغکز برقرار اولوب
خلل پذیر اولمدوغن • موما الیه ایلچیکز پایهٔ سریر اعلامزه عرض و تقریر

ایلیوب علم شریف خسروانه‌مز بالجمله محیط اولوب احضار اولنان سفاین نصرت قراین اول مصلحتدن فراغت اقتضا ایتمکله حالا محافظهٔ سنورِ ثغور اسلام ایچون کفایت مقداری جزء عسکری کوندریلوب اولبابده سزه دخی نامهٔ شریفمز ارسال اولندی وارو وصول بولوب مفهومی معلوم‌کز اولدقده دوستلغه سزاوار اولان نه ایسه وجوده کتوره‌سز ایله اولسه جناب جلالت مآبمز قبلندن عهده مغایر برایش اولمغله رضای شریفمز اولمدیغی جلالتدن سزلك وزره‌کزه مغایر ایش اولمیه دیو اول سمتلره اولان قوللریمه دخی وکوندریلن عساکر نصرت مآثرمیه تنبیه اولنمشدر کرکدرکه سزده آستانهٔ دولت آشیانه‌مزه موالات اوزره برقرار اوله‌سز چونکه مزبورلر بیله وره اولنمق سزلك رفعتکزه و مملکت و ولایتکز اهلنك استراحتنه باعث وانلرك تنزللرینه سبب اولمشدر غایت ایله رای صواب و معقول تدارك قلنمشدر حق سبحانه و تعالی حضرتلرینك درگاه عنایتندن رجامز بودرکه دوستلریمز دائما خندان ودشمنلریمز هر زمان سرکردان اوله من بعد دخی ما بینده اولان دوستلق مقتضاسنجه احوالکز اخبار ایتمکدن خالی اولمیه‌سز که ورودی دوستلق و محبت زیاده لکنه باعثدر

بو دخی فرانچه پادشاهنه در

حالا سدهٔ سنیهٔ عظمت پناه و عتبهٔ علیهٔ خلافت دستکاه‌مزه ملجاء سلاطین و اقبال و ملاذ خواقین اکاسره اجلالدر مکتوب کوندروب بوجه آستانه‌مزله دوست اولمغه جان ودلدن حریص اولوب بالفعل جواب شریفه انتظارده اولدوغکز بلدرمش سز پایهٔ سریر اعلامه عرض اولنوب هر نه دیلمش ایسه‌کز ایلچیکز تقریر ایدوب جمله سنه علم شریف خسروانه‌مز شامل اولدی امدی حق سبحانه و تعالی حضرتلرینك عنایت بی غایتی موافقیله تیغ آتشبار ظفرنگار دمزله فتح اولنان یرلرکه مقدما مزبور عنایتمزدن یالوتش قراله صدقه اولنمش ایدی اوغلی استبانه عنایت اولنمشدر بو امر شریفمز انشاالله تعالی علی ما کان مقرردر ایله اولسه وارد اولان مکتوبکزده بوکا متعلق خصوص عرض ایلیوب لکن سدهٔ سعادت بنا همده ایلچیکز استبان قراله عنایت اولنان یرلردن که قبلجمزله النمشدر الچقوب فراغت ایدوب فرمان شریفمز موجبنجه یانوش قرال اوغلنه تسلیم اولندی دیو عرض

وتقریر

وتقریر ایلدیلر سزك طرفکزدن بو بابده مکتوب وارد اولوب وسزدن جانبلرینه اولان بکلر بکیلر مدت و امر قوللر مدت دخی معلوم اولمیوب اکا بناء سزك طرفکزدن صحیح خبره توقف اولنوب ایلچیکز تأخیر اولندی نقل ایتدکلری خصوصی وقوعی اوزره مجدداً عنبهٔ علیامه اعلام ایلیه‌سز بدون بکلر بکیسی قوللرمه دخی حکم شریف کوندریلوب ایلچیکزك تقریری وقوعی اوزره عرض ایتمك بیورلمشدر سز دخی بوجه آستانه‌مزه اخلاصکز موجبنجه مجدداً بلدره‌سز باب هما یونمز دوستلره بوزینه و خلاف طرفنه دخی کشاده در تأخیر ایتمیوب خبر صحیح ایله ارسال ایلیه‌سز جوابکز انشاالله خیرلر میسر اوله

فرانچه پادشاهنه دوستلق ایدن نصاری طایفه‌سنك بکلرینه نامه در

مفاخر امراء الملة المسیحیه مراجع کبراء الطائفة النصرانیه الامات بکلرندن دوستمز فرانچه پادشاهنه دوستلق اوزره اولان اولو بکلر و حاکملر و دوقه و سایر شرالیه ایله عهد و امانی ولنلرك صغیر و کبیری و سایر مملکت خلقی عهدنامهٔ همایونه واصل اولدیغی معلوم اولدکده افتخار الامراء العظام العیسویه فرانچه پادشاهنك آستانهٔ سعادتمزده اولان ایلچیلرینه مکتوب کلوب سزك کندو ایله اولان اتفاق و اتحادکز واسپانیه قرالنك سزه انواع حیله و خدعه‌سی اولدوغینی وکندو ندیم لایامدن بروی بوجه درگاهمزه دوستلق و اخلاصی اولدوغی اجلدن جمله دوستلرینك باب عدالت انتسابمزه ایلکاربن اعلام ایدوب سزك جان و دلدن کندویه صداقت اوزره اولدوغکزی بلدرمش شرالیه فرانچه پادشاهنك دوستلغی یوکك و محکم اولمغین سزك دخی طوغریلغکزه و یارلغکزه اعتماد شریفم اولمشدر امدی اسپانیه قرالنك و فرنداسی فرندوشك دائما ایشلری و کوچلری حیله و خدعه اولوب اصلا اعتماد اولنمجق حاللری بو قدر افراط ایله ظلملری و بدعتلری اولدوغندن غیری سوزلری کذب و عهدلری مخالف طایفه‌در بچ سنه‌ده یانوش قرال اوغلی استبانك نیچه دولتلو طریقیله الدیوب قدیمی اوجاغندن اخراج ایلیوب قرال اوغلنه تابع اولان بعضی مجار بکلرینك دخی مملکتلرین الدیلر المعیون اغوا و اضلال ایله باشلرینه نیچه بلالر کتوردوب بودکلو الدیوب قوللریوب صکره قتل ایدوب ردلوتی خلقی کندو حاللرینه ایکی ایچلرینه کلی اختلال دوشوب مذکور یانوش

والوقار صاحب دلايل المجد والافتخار زبغون ختمت عواقبه بالخير ملاذ
اكاسرهٔ دوران وملجاء قياصرهٔ زمان اولان آستانهٔ سعادت اشيانه‌مزه
معتبر وكزيده بكلريدن قدوة امراء الملة المسيحية فلون نام ايلچيسي
كوندروب اظهار صداقت واصلاص وعرض محبت واختصاص ايلوب
مشاراليه ايلچي ايله ارسال ايلدوكى نامه سنده بوجهله دركاه معلّامزه
كما كان يار شفقتلو باينده دوستلق اولمه سنى رجا واستدعا ايدوب مقدما
فردوس مكان عليين آشيان مرحوم ومغفورله بابام خداوندكار طاب ثراه ٥٠٥ ٤١٥
زماننده كندولره وبريلان عهدنامهٔ همايونده عهد وشرط اولنديغى
اوزره كندونك مملكتنه وولايتلرينه وقلعه‌لرينه ووارروشلرينه وجمله
تحت تصرفنده اولان يرلرينه بر وجهله جناب جلالت مآبمز طرفندن
وامارت مآب قريم خانى طرفندن ووزراء عظام وبكلربكيلر نظام
وامراء كرام وساير عساكر منصورمزدن بر وجهله ضرر وزيان ايرشديرلمه
ومشاراليه قرال طرفندن وبكلريندن وقزاق اشقيا سندن وتوابعندن
وغيريدن بنم ايل وممالكمه وقلعه‌لرينه ووارروشلرينه وبالجمله
قصبات وقرى وتحت تصرفنده اولان يرلرينه وجها من الوجوه
ضرر وزيان ايرشديرلميوب دوستمزه دوست ودشمنمزه دشمن
اولوب مابينده ايكى جانبك آدمى والچيسى واروب كلوب كندولرينك
وماللرينه ونه قدر ضرر وزيان ايرشميه وبوندن اقدم واقع اولان
فتنه‌ده بو جانبدن الدقلرى اسيرلرى بوميالية قرال دقت واهتمام
اوزره تفتيش ايدوب بولدرب امين وسالم بو جانبه كوندرديكندن
صكره ذكر اولنان فتنه‌ده ليه ولايتندن آلنوب اسلام مه كلوب
كفر اوزره اولان اسيرلرى دخى انلرك ايدوكى ثابت اولدقدنصكره
قرالدن كلن آدمسنه تسليم اولنه اشبو عهدنامهٔ همايونم تاريخندن
صكره ايكى طرفدن بر طريقله اسير آلنورسه بهالرى طلب اولنميوب
ليه‌لو ايدوكى ثابت اولدقدنصكره صاحبلرينه ساليويره‌لر ايكى جانبك
بازركانلرى دكزدن وقرهٔ دن كلوب كيده‌لر وبيع وشرا ايدنلر
بولندقلرى يرلرده عادت وقانون اوزره رسومى هر نه ايسه ويره‌لر
كسنه نك ماله ونفسنه ضرر وزيان اولميه وولايتلرندن
كلان بازركانلردن ممالك محروسه‌مده مرد اولورسه مردمز بود
مخلفاتى بو جانبدن آلنميوب كاروان باشيلرينه تسليم اولنركه هر
ولايتلرينه آلوب كيدوب وارثلرينه ويره‌لر واكرمن بازركانلرمزدن

ليه ولايتنده كسنه فوت اولورسه قرال دخى وجه مشروح اوزره ايلية
وبو عهدنامهٔ همايونم تاريخندنصكره قرال مملكتى بو طرفه متعلق بركسنه‌دن
ضرر وزيان اولورسه انلك كبى بر امزلق ايدن بولنوب حقندن كلنوب
واقع اولان ضررى يرينه دوندوره‌لر عذر وبهانه ايتميه‌لر وقرال جانبندن
دخى ايله اوله واكر ممالك محروسه‌مدن بر كسنه نك مديونى قرال ولايتنه
وارسه هر نه يرده ايسه اولديكى حاكمنه مرافعه اولوب تفتيش اولندقدن
صكره ثابت اولورسه صاحبنه حقى اليويره‌له وبر كسنه نك بورجى
وكفالتى ايچون آخر كسنه ضرر ماله كفيل اولميجه طوتوب رنجيده ايتميه‌لر
وايكى جانبك ولايتلرى يابنده انلرك كبى جنايتى ايدنلرى وشندرميه‌لر
وبالجمله آباء كرام واجداد عظامم زمانلرندن برو مابينده واقع اولان
عهد وامان مقرر اولوب بكمش ضررلر ايچون وكيلارى بريره كلمك ميسر
اولمامغين عهدنامه تاريخنه كلنجه ايكى جانبده اولان زياندن كچوب
استماع اولنميه وجناب امارت مآب قريم تاتار خانى خان دامكه قرال
موميٰ اليه طرفندن قديمدن ويريله كلان عادتلرى وقتيله ادا اولنوب
قرال طرفندن عهده مغاير بر ايش صادر اولميه خان طرفندن
ونا تاتار عسكرندن قرالك مملكتنه وآدملرينه دخل وتعرض اولنميه
وضرر وزيان ايرشديرلميه شويله كه ضرر ايرشديريله فرمان
شريفمله حقلرى آليويريله وقريم خاننه بر جانبه سفر همايونم
اولنوب عسكر تاتار ايله اول خدمته توجه ايتملو اولدقده ليه ولايتنه
اوغراميوب مناسب اولان آخر يردن كچوب كيده‌لر ليه ولايتنى
رنجيده ايتميه‌لر وقرال مشاراليهك اوز دينه آخر يردن دشمن مستولى
اولوب موميٰ اليه طرفندن خان مشاراليهه مكتوب وآدم واروب
معاونت وامداد طلب ايدركه جانب شريفمزدن فرمان همايونم
اولدقده خان مشاراليه دخى عسكر تاتار ايله مناسب كوردكى
اوزره دشمن اوزرينه اقتضا ايدوكى كندوكره معاونت ومظاهرت
٤١٦ ٥٠٦ ايليوب دوستلغى يرينه كتوروب بغداندن ويوده سندن وطائفه
قرال موميٰ اليهك ولايتنه وآدمسنه ضرر ايرشديرلميه اكر ضرر
ايرشديريلورسه ثابت اولدقدنصكره امر شريفمله يرينه قونيله
وقرال طرفندن وآدملرندن دخى تاتار خلقنه وبغدان مملكتلرينه
وآدملرينه ضرر اولورسه انلر دخى يرينه قويوب اهل فساد حقلرندن
كلنه‌لر وبغدان ولايتلرينك بازركانلرى عادت وقانون اوزره

کمرکلوبن ویردکن نصکره کمنه مانع وضراحم اولمیه وبغداد
ولایتندن بعضی کمنه لرقاچوب لیه ولایتنه صغنوب بعدم بوطرفه بقله
مملکتنه فتنه براغوب مفسدلك ایدرلرانلك کبیلرطلب اولنوب
حقلرندن کلنه وشمدیه دکین الناس اسیرلری قرالك آدملری
ممالك محروسه مدن بولدقلری یرده بنجه آدوغنه یمین ویروب
صاتوب آنلرزیاده بها طلب ایلمیه لر اولا اسیرلردن اسلامه
کلنی بولنانلر طلب اولنیوب خلاص اوله لر وکفرا اوزره قالنلری
کتمکه مانع اولمیه لر وقرال ولایتنده اولنلری انلردخی صاتیوروب
برلرینه کتمکه مانع اولمیه لر وسرحدلره کلدکلرنده برار آدملرتوقیله
اوته طرفدن دخی بوبلجه اوله وبوطرفده برکمسنه نك لیه قرالنه
تابع اولان کمسنه لرده حقی اولسه طلب ایتدکده مملکت حاکملری
البویره لر وخرسوزوحرامیلر ضرر وزیان ایتدکلرنده حاکملر بولدوروب
سجلو حقندن کله لر وخرسوز الندن الناس اسبابی بعد الثبوت
بیقصور صاحبنه ویره لر وتجار طایفه سندن برکمسنه ایله
بیع وشرا سی نزاعی سجل اولندقده سجل وحجت اولمنجه استماع
اولنمیه اکر کفالت واکر غیرضندر دعوی وطلب ایتدکلرنده سجل
وحجته نظراولنه بوایکسندن بری اولمنجه شاهدزور ایله تلبیس
وتزویر ایتمیه لر قرالجانبندن دخی مملکت حاکملرینك معلوملری
اولمنجه استماع اولنمیه وسلستره وآق کرمان سنجاقلری بکلری
واسکله امینلری وباجدارلری سنه سعادتم قوللرندن وایکی جانبك
تاجرلرندن غیری کمسنه بیلیه ولایتنه قیو ورمیه لر واکرا وته دن
واکر برودن کلوب کمسنه لرك یانلرنده اسیر بولنورسه طرفیندن
اللرندن آلوب کیرو وندره لر واکراوته دن ویرودن کلوب کیدن
چوبان طایفه سی لیه ولایتنه کچدکلرنده مملکت حاکملرینه کندولرینی
وقیونلرینی بلدوروب مخفی وارمیه لر واوتده قحی ویره لر وچوبان
طایفه سی کندولرینی بلدردکدن نصکره قیونلری صایع اولورسه
مملکت حاکملرندن طلب ایلیه لر وکلوب کیدنلرك بارکیرلرینی
اولاق طوتمیه لر وسفراوزرنده بکجیلر آتلرینی المیه لر وتوده
اولنلر یا بقا اولدن قراللر ایله نه وجهله دوستلق اوزره اولنکلمشلر ایسه
اولمنوال اوزره دوستلق ایلیه لر شرطلرینه مخالف ایش صادر اولمیه
وایکی جانب تاجرلرینك ویرکولرینی وکمرکلرینی زیاده المیوب نه وجهله

ونز مقدار ویرمکلشلر ایسه اکا کوره ویره لر بغداد ولایتنه وسایر
ممالك محروسه مزه کلوب تجارت ایتمك استدکلرنده مخوف یوللردن
کلیوب قدیمدن بازرکانلر وآینده وروننده کلدوکی یوللردن کله لر انك کبی
یرلرك مالنه وجاننه ضرر کلورسه اهل فساد اولنلر الله کتوریلوب
حقلرندن کلنه واستقامت اوزره کلوب کیدن بازرکانلر بخلاف
اولنیوب کمرکلری قانون اوزره آلنه وکتوردکلری متاعلرینك
قانون اوزره کمرکلرین ویردکلرندن نصکره استنبول وادرنه ده زفت
آقچه سی وقصاب آقچه سی ویرمیه لر وکتوردکلری غروشلرینك کمرکی
طلب اولنمیه لکن لیه طرفنده جاری اولان ارسلانلو غروشك عیاری
کم اولوب خالص اولمیوب ضرر عام اولوب سکه همایونك اختلالنه
باعث اولمغیله من بعد ممالك محروسه مده ارسلانلو وناقص العیار
غروش جاری ورایج اولمامق ایچون خط همایونمله فرمان عالیشانم صادر
٥٠٧ اولمشدر من بعد ممالك محروسه مه اولطرفدن کم عیار غروش
٤١٧ کلیوب صحیح العیار غروش ایله امتعه متنوعه کله وبرغیری کمسنه نك
بورجی ایچون ضرر ماله کفیل اولمنجه تجار طایفه سی طوتلمیه وچاوشلر
وسپاهیلر رعایانك یولده بارکیرلرین آلمیه لر وقرالك بازرکانلری
ممالك محروسه مده کندو رعیلرندن سابقده اسیر اولنلری آقچه
ایله صاتون آلوب خلاص ایتمك استدکلرنده قاضیلر مانع اولمیه لر
وبهاسی ویریلوب خلاص اولنلری کیرو اللرندن چکوب آلمیه لر
اما مسلمان اولنلری قرال طرفندن طلب ایتمیه لر ومشار الیه قرالك
تصرفنده اولان ولایتنه وشمدی نصکره سفرایدوب سایر کفره ولایتندن
فتح ایدجك یرلرینه بوطرفدن دخل اولنیوب جمله تحت
یدنده وقبضه تصرفنده اوله دیو تصریح اولنان شرطلر جناب
جلالتمآبم طرفندن دخی مقرر ومعتبر طوتلوب بونلردن غیری
لیه بازرکانلری ممالك محروسه مه تجارة کلدکلرنده متاعلرین
ادرنه وبورسه ده هرکیمه استرلرسه صتوب بوخصوصده کمسنه
مانع اولمیه تجار طایفه سی یانلرنده برخصوص وباقیل واقع اولوب
بعض دعوالر ده وشرسه آرالرنده کاربان باشیلری کم اولورسه
اول کوروب ولازم یرلرده جواب ویره ولهلودن بورج طلب اولندقده
اللرنده مهرلو تمسکی اولمیانلردن بورج طلب اولنمیه ولیه بازرکانلری
قدیم الایامدن کمرکلرین اشتابنولده ویرمکلشلر ایکن حالیا بعض

یرلرده تکرار کمرك طلب ایدرلرمش اسلوب سابق اوزره عمل اولنوب
بر دفعه استانبولده کمرك ویردکلرندن صکره تکرار آخر یرده کمرك
طلب اولنموب رنجیده اتمیه‌لر • ولیکه بازرکانلری ممالك محروسه‌یه
تجارته کلدکلرنده تاتار طایفه‌سی رنجیده ایدرلرمش اولمقوله تاتار
طایفه‌سی ممالك محروسه‌مزدن هر قنغی ولایتده اولورلرسه • اول
ولایتك حاکمی وسنجاق بکی منع ودفع ایدوب • عهدنامهٔ همایونم
موجبنجه تجارت طریقیله کلنلره تاتار طایفه‌سی دخل اتمیوب اکر
برنسنه‌لری النمش ایسه بیقصور آلیویرلوب • خلاف عهد ومیثاق
برایش ایتدرلمیه • ورفت وقضایه وسایر عهدنامه‌لریمزده تحریر
وسطور ومقید اولاندن زیاده نسنه آلنمیه دیو بو خصوصلرك
جمله‌سی مقبول همایونم اولوب • مجدداً عهدنامهٔ همایونم ویرلمك بابنده
عنایت رجا ایلدوکی اجلدن • مزید عنایت شاهانم • ومزید مکارم
پادشاهانه‌مزدن استدعا والتماسی شرف قبوله یوسنه • وذکر اولنان
عهود وشروط • رشته دوام واستحکام ایله بسته قلنوب • حالا جناب
جلالت مآبم طرفندن رجا ایلدکلری جمله ذکر اولنان خصوصلر با تمام
مقبول شریفم اولوب • مجدداً اشبو عهدنامهٔ همایونی ویردم وبیوردمکه
موجبنجه قرال طرفندن وبکلرندن وغیریدن • موجب اخلال عقد
عهد وبیمان • وباعث اختلال شرط وایمان • بر وضع صادر اولموب
ذکر اولنان شرایط امن وامانی دوستلق اوزره رعایت ایدرلرسه •
جناب جلالت مآبم طرفندن دخی ایمان غلیظه ایله یمین ایدرمکه
یری وکوکی یرادن پروردکار حقیچون • واولو عزیز پیغمبریمز معجزاتی
حرمتیچون • بو معاهده اولنانلردن تجاوز اولنموب • مدت دولت
روزافزون • وزمان ثبات خلافت • وسلطنت سعادت مقرونمزده
بو صلح وصلاح مقرر وپایدار • وبو دوستلق وبارشقلق مؤبد
وبرقرار اوله • بو عهدنامهٔ شریفمز اولو پیغمبریمز حضرت محمد
مصطفی صلی الله علیه وسلمك هجرتی تاریخندن بیك اون التی سنه‌سی
ربیع الاولینك یکرمینجی کوننده دار السلطنة العلیة محمیه قسطنطنیه‌ده یازلمشدر

قرالنه سلطان مراد خان ابن سلطان سلیم خان طرفندن عهدنامه در
حضرت رب العزت جلت قدرته وعلت کلمته‌نك عنایت بی غایتی
ومهر سپهر نبوت • اختر برج فتوت • پیشوای زمرهٔ انبیا • مقتدای
فرقهٔ اصفیا • ایکی جهان فخری محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم

حضرتلرینك معجزات کثیر البرکاتی • وچار یار کزینی • رضوان الله علیهم
اجمعین • وسایر اولیا واخیارك ارواح مقدسه‌لری مرافقتی ایله بن که سلطان
بن که سلطان سلاطین زمان • برهان خواقین اوان تاجبخش خسروان
جهان • ظل الله الملك المنان • اشرف مداین وامصار اقدس ممالك واقطار
مکه مکرمه ومدینه منوره وقدس شریف ومصر ویمن وصنعانك
وعدن وشام دار السلام وحبش وبصره ولحسانك وشهرزول وحلب
وقرمان • ودیار بکر ووان وذو القدریه وعموماً عربستان وارضروم
وکرجستان وقبرس واناطولی ولایتلرینك • ودشت قپچاق اقلیملرینك
وآق دکز وقره دکزك وروم وکردستان • وافریقیه وحلق الواد •
وجزایر مغرب وطرابلوس غرب • وعمدة الاماکن والدیار روم ایلی
وبدون وطمشوار • وافلاق وبغدان وولایت اردل • وبونلرك امثالی
نیجه ممالك معموره‌نك سلطانی وپادشاهی سلطان مراد خان ابن سلطان
سلیم خانم • حالیا ولایت نیمچه قرالی اولان افتخار الامراء العظام العیسویه
مختار الکبراء الفخام فی الملة المسیحیة • مصلح مصالح جماهیر الطایفه
النصرانیه • بانوری اشنوان قرال • ختمت عواقبه بالخیر • مجدد عهدنامهٔ
شریفم استدعا ایلیوب • بو وجه حضرتمله دوستلق وبارشقلق
اولمق ایچون • درکاه عزت دستکاهمزه • بکلرندن قدوة امراء الملة المسیحیه
تانی شحی نام کزیده‌لرینی ادمیسن کوندروب • اظهار صداقت واخلاص ایتمکین
بو عهدنامهٔ همایونی ویردم وبیوردمکه جناب جلالت مآبم طرفندن
قرال مشار الیه طرفنده ولایتنده قلعه‌لرینه ووارو شلرینه • وبالجمله
تحت تصرفنده اولان مملکتنه • وزرای عظام ومیرمیران فخام وامرای
کرام وعساکر منصوره مدن هیچ وجهله ضرر وزیان ایرشمیه • وممالك
محروسه‌مه وسرحدلرده اولان قلعه‌لریمه ووارو شلریمه وسایر ممالك
محمیه‌مه تابع اولان قصبات وقرا واراضیه • موی الیه قرال طرفندن
وبکلرندن وتوابعندن هیچ وجهله ضرر وزیان دکیه • والحاصل دوستمه
دوست ودشمنمه دشمن اولوب • ما بینده ایکی جانبك آدمی واپلچیسی
واروب کلوب کندولره ومالل‌رینه ورزق‌لرینه ضرر وزیان یتشمیه
وممالك محروسه‌مده شول اسیرکه لهلو اولوب اسلام مه کلمیوب • کفر
اوزره اوله قرالك آدمکری کلوب ارایوب بولوب صاحبلرینی ارضا ایدوب
صاتون آله‌لر آلوب کیدلرکسنه مانع اولمیه • وبو عهدنامهٔ همایونم
تاریخندن صکره ایکی طرفدن هر نه کم طوتلورسه الدری بهاسز وصاتیسز

آزاد ایدیلوب • صاتیویریله • وایکی جانبك بازرکانلری دکزدن
وقرهدن کلوب کیدوب بیع وشرا ایدهلر • بولندقلری یرلرده عادت
وقانون اوزره رسوم هر نه ایسه ویرهلر • کمسنهنك مالنه ونفسنه
ضرر وزیان اولمیه • وولایتلرندن کلن بازرکانلردن ممالك
محروسهمده فوت اولورسه متوفانك مخلفاتی بو جانبدن آلنیوب
حفظ اولنه که اول طرفدن قرال مکتوبی ایله وارثی کلدکده متروکاتی
امر شریفمله وارثنه تسلیم اولنه • واکر بزم بازرکانلردن ممالکلرنده
فوت اولمق واقع اولورسه قرال دخی وجه مشروح اوزره ایلیه •
وبو عهدنامهٔ شریفم تاریخندن صکره قرالك مملکتنه جناب جلالت
مآبم طرفندن اولان کمسنهلردن ضرر وزیان واقع اولورسه ⁖
امر ایدوب بولوب انك کبی بر امرلق ایدنلرك حقندن کلنوب اول
زیانی دخی ادا ایدوب برینه دوندرهلر عذر وبهانه ایتمیهلر •
قرال جانبندن دخی ایله اوله اکر ممالك محروسهمدن برکمسنهنك
مدیونی قرالك ولایتنه وارسه هر نه ولایتده ایسه اول یرك
حاکمنه مرافعه اولنوب تفتیش اولنه هر نه ظاهر اولورسه اول یرك
حاکمی الوب صاحبنه ویره وبرکمسنهنك بورجی وکناهی اولمدین
آخرك بورجی وکناهی ایچون آنی طوتموب رنجیده ایتمیهلر وایکی
جانبك ولایتلری آراسنده اولدرك کبی کناهلری اولشدرمیهلر
وبالجمله آبای کرام واجداد عظاممرین زمانلرندن برو مابینده واقع
اولان معاهده مقرر ومؤکد اولوب هیچ برفرده ضرر کلمیه کذشته
زیانلری ایچون وکیدلری آرایه کلمك معتبر اولمغین عهدنامه تاریخنه
کلنجه ایکی جانبده اولان زیانلردن کچوب استماع اولنمیه • ومن بعد
جناب امارت مآب تاتار خانی جانبنه مادامکه قرال جانبندن
مادامکه قرال طرفندن قدیم الایامدن ویره کلدکلری عادتلری
وقتیله ادا ایدهلر • وقرال طرفندن عهده مخالف برایش صادر اولمیجه
خان طرفندن وتاتار عسکرندن قرالك مملکتنه وآدملرینه دخل
وتعرض اولنیوب ضرر وزیان ایرشدرلمیه • شویلهکه تاتاردن
ضرر ایرشه فرمان شریفمله حقلری آلیویریله • وبغدان وبوده سندن
وبغدان طایفهسندن قرالك بو ولایتنه وآدملرینه ضرر وزیان
ایرشمیه ضرر اولورسه • ظاهر اولدقده نصحکم امر همایونمله برینه
قونیله وقرال شازالیه طرفندن وآدملرندن تاتار خلقنه وبغدان

طایفهسنه

طایفهسنه ومملکتلرینه ضرر اولورسه آنلر دخی برینه قونوب اهل
فسادك حقلرندن کلنوب عذر وبهانه ایتمیهلر • وبغدان ولایتندن
بعضی کمسنهلر قاچوب لهولایتنه صغنوب برطریقله کلوب مملکتنه
آشوب مفسدلك ایدرلر ایمش انلك کبیلر طلب اولندقده ویریله
وشمدیه دکین اولنان اسیرلری قرالك آدملری ممالك محروسهمده
بولدقلری یرلرده آلالر • زیاده بها طلب ایتمیوب نجه یه اولدیسه
ایمیش ویروب صاتون الالر • اول اسیرلردن اسلامه کلمش اولنلر
آزاد اوله • کفرلری اوزره اولانلر الوب کتمکه مانع اولمیهلر • اسیر اولاندن
مسلمانلری دوستلق ایچنده ایکی کلاودن ایچیلر خبر ایلیوب کتوردن
کمسنهلره مانع اولمیهلر امین وسالم واروب کلهلر • وسرحدلره
کلدکلرنده زیاده برار آدملر قوشالر • اوته جانبده دخی اویله اوله
وبازرکانلره دخی عادت وقانون اوزره کمرکلرین ویردکلرندنصکره
مانع ومزاحم اولمیهلر • وممالك محروسهم خلقندن برکمسنهنك
لهقرالنه تابع برکمسنهده حقی اولسه طلب ایتدکده مملکت حاکملری
الیویرهلر • وخرسز وحرامیلر ضرر وزیان ایلدکلرنده اهل حکم اولنلر
مجد اولوب بولدقلرنده خلاص اولمیوب حقلرندن کلنه • وخرسزلقدن
الدقلری اسبابی صاحبلرینه بعد الثبوت بیقصور الیویریله • وتجار
طایفهسی برکمسنه ایله بیع وشرا دعواسن ایلدکلرنده سجلات
وباحجت اولمینجه استماع اولنمیه • اکر کفالت واکر قرض دعوی وطلب
ایلدکلرنده سجله وباحجته نظر اولنه • بوایکیسندن بری اولمینجه
شاهد زور اقامت ایتمکله تزویر وتلبیس ایتمیهلر • قرال جانبندن
دخی مملکت حاکملرینك معلومی اولمینجه استماع اولنمیه • وسلطنتم
وافکرمان بکلری واسکله امینلری وباجدارلری سنی سعادتم قوللرندن
وایکی جانبك تاجرلرندن عشری کسنهیی نورلجه سبیندن ولایتنه
قویویرمیهلر • واکر اوتهدن واکر برودن کلنلر پالرلنده اسیر کتوردکلرنده
الرندن الوب کیرو دوندرمیهلر • وچوبانلر طایفهسیله ولایتنه کچدکلرنده
مملکت حاکملری کندولرندن وقیودانلرندن بلدروب محقق وارمیهلر
واوتلاق حقی ویرهلر چوبانلر طایفهسی کندولرین بلدردکلرندنصکره
ینه ضایع اولورسه • مملکت حاکمندن طلب ایلیه • وکلوب کیدن
بازرکانلردن اولاق المیهلر • وسفرا اوزرنده بکچیلر آتلرین المیهلر
وبغدان وبوده سی اولنلر سابقا اولان قراللر ایله نه وجهله ایلك اوزره

اولبکلر ایسه شارالیه قرال ایله دخی اول سوال اوزره وما بینلرنده
اولان دوستلق شرطلرینه مخالف ایش صادر اولمیه ٭ وانکی جانبنک
تاجرلرینک ویرکولری وکمرکلری زیاده اولمیوب ٭ وقرالک الی التنده
ارمنی وسائر کفره‌دن اولان بازرکانلر بغدان ولایتنه وسایر ممالک
محروسه‌مه کلوب تجارت ایتمک استدکلرنده بیابان وصحرالردن وکیزلو
یوللردن کلیوب ٭ قدیمدن بازرکانلر کلدکلری طوغری طریق عامدن ٤٢٠ ٥١٠
کلەلرکه انلک کبی برینک مالنه ویا جاننه ضرر کلورسه اهل فساد الکوزی
حقندن کلنه وکلدن بازرکانلر استقامت اوزره تجارت ایدەکلرنده
رنجیده اولنمیوب قانون قدیم اوزره کمرکلری النه ٭ وبرغیری کمسنه‌نک
بورجندن اوتوری تجار طایفه‌سی طوتلمیه ٭ وچاوشلر وسپاهیلر
دکیجریلر ایله رعایاسنک بولدقلری بارکیرلرین آلمیه‌لر ٭ وقرالک بازرکانلری
ممالک محروسه‌ده کندو رعیتلرندن اسیر اولنلری اقچه ایله صاتون
الوب خلاص ایلمک استدکلرنده قاضیلر مانع اولمیوب ٭ وبعضیلری
بهالرینی ویروب خلاص اولمشکن کیرو بازرکانلرینک اللرندن چکوب
الیه‌لر ٭ اما مسلمان اولنلر قرال طرفندن طلب اولنمیه ٭ وبعضیلری
مسلمان اولیوب مولاسی مهلت ویروب تمام اولدقده ازاد اولوب
عتاق نامه‌سی وار ایکن مسلمان اولدی دیو مانع اولورلر ایمش ٭
مسلمان اولدوغی ثابت اولمزایسه مانع اولمیه‌لر ٭ ومحروسه‌مزده بروسه‌ده
لملودن زیاده کمرک ویرکو طلب اولنمیه قانون قدیم اوزره آلالر ٭
وشارالیهک بالفعل تصرفنده اولان ولایتنه وشمدنصکره مسعوددن
وسایر کفره ولایتندن فتح ایده‌جکی یرلره جناب جلالتمآبم
طرفندن دخل اولنمیوب ٭ جمله‌سی تحت یدنده وقبضه حکومتنده اوله
بو عهدنامهٔ همایونمده مسطور اولان شرایطه رعایت اولندقجه بعون الله تعالی
حضرتنک عظمتی ٭ وحضرت رسالت پناهک وجمیع پیغمبرلرک ٭
ارواح مقدسه‌لرینه یمین ایدرمکه ایام حیات سعادت سماتمده
مادامکه موجب الیه قرال طرفندن خلاف عهد وامان بر وضع صدور
ایتمیه ٭ جناب سعادت نصابم جانبندن دخی صلح وصلاح وعهده
مغایر نسنه صادر اولمیه تحریرا فی غرة جا سنه ٩٨٥

لیه قرالنه مواد الحاقیله تجدید اولنان عهدنامه‌در سنه ١٠٨٩

نشان همایون اولدرکه ٭ جناب خالق لایزال ٭ وحضرت قادر بی زوال
جل شانه وعز سلطانه‌نک نصرت وعنایتی ٭ وسرور انبیا محمد المصطفی

صلی الله علیه وسلمک معجزاتی برکاتیله بنکه حرمین شریفینک خادمی
وکفر وضلال بنیانلرینک هادمی ٭ سلطان الخواقین برهان الخواقین
ظل الله فی الارضین ٭ فرمانفرمای ممالک روم وعرب وعجم ٭ وحکم
روای ولایت عراق وتاجبخش ترک ودیلم ٭ شهریار جهانبخش مملکت‌آرا وتاجدار
لشکرکش کشورکشا اولوب ٭ مکه ومدینه‌نک وقدس شریفک واستنبولک
وآق دکز وقره دکزک ٭ وروم ایلی واناطولینک ٭ وروم وقرمانک وارضرومک
ودیاربکرک ٭ وکردستان ولورستان وکرجستان واذربایجان وذو القدریه
ومصر وشامک ٭ وصیدا بیروت وطرابلوس شام وحلب ٭ وطلبا عربستانک
وبغداد وبصره‌نک ٭ ومغرب زمین وجزایر غرب ٭ وجزیره کرید وتاتار
دشت قبچاق ٭ وافلاق وبغدان واردل ولایتلرینک ٭ وانکا تابع یرلرک
والوندلردن نیجه ضرب شمشیر جهانکیرمز ایله فتح اولنمش ولایتلرک
ومملکتلرک پادشاهی ابوالفتح سلطان محمدخان ابن سلطان ابراهیم خان
ابن سلطان احمدخانم بتوفیق ربانیله حل وعقد امور ملک ودولت
ورتق وفتق کار سلطنت ٭ ید مؤید صاحبقرانیمه مخصوص اولمغین ٭
عنان عزیمت شاهانه‌م طرف تنظیم واصلاح احوال رعیت وبلاده
معطوف ٭ وجل همت والانهمت پادشاهانه‌م ٭ طرف ترفیه عباده
مصروف قلنوب ٭ ذمت همت خسروانه‌مه اهم والزم اولندی ٭ بنا
علی ذلک شیمهٔ کریمهٔ آبا واجداد شجاعت نهاد نصفت معتادم‌لرک ٭
عواطف قدیمه‌سی اوزره ضبط وحراست مملکت وثغور وبلاد ٭ وحمایت
رعایا وفقراء عباد ٭ ذمت همت شاهانه‌مه لازم ٭ ورأفت وشفقت [illegible]
٤٢١ ٥١١ ملوکانه‌مه سزاوار ومهم اولمغین ٭ عساکر انجم شمار نصرت شعارم ایله
لیه سفرینه بوندن اقدم سرعسکر ظفر اشتمال نصب وارسال قلنان
دستور مکرم مشیر مفخم نظام العالم وزیرم ابراهیم پاشا ادام الله
اجلاله ٭ ومیرمیران فخام ٭ وامرای کرام ٭ وسایر عساکر منصوره‌م ٭
وجناب امارت مآب ایالت نصاب ٭ سابقا قریم خانی سلیم کرای خان
دامت معالیه ایله ٭ خدمات همایونک اتمامنه تقید اوزره ایکن
افتخار الامراء العظام العیسویه مختار الکبراء الفخام فی الملة المسیحیه
مصلح مصالح جماهیر الطایفة النصرانیه ٭ ساحب اذیال الحشمة والوقار
صاحب دلائل المجد والافتخار ٭ لیه ولایتنک قرالی وحکمداری اولان
یوان پان ختمت عواقبه بالخیر ٭ طرفندن وخطالری ونبوز صاحبکی
وبالجمله اهالی مملکت وعسکرلری جمهوری جانبلرندن ٭ سنه سبع وثمانین والف

شعبان المعظمك اوايلنده زوروونه نام بلنقه صحراسنه كوندردكلرى
يدى نفر وكيللرى ايله عقد مجلس اولنوب مبانى صلح وصلاح بعض وقايع
واختلاف سببى ايله منقطع وزايل اولوب جانبينده حرب وقتال وجنك
وجدال صورت نما اولمغله موجب آسايش اهالى بلاد ومورث آرامش
رعيت وفقرا عباد اولان صلح وصلاحى مجدداً وضع وتجديد بنيان
وحقوق دوستى وجوار قديمى قواعدينى تشييد وتمهيد اولنمق اراده
ايتدكلرينه بنا رمكين اردوى همايونمده بالدفعات امور صلح وصلاح
مكالمه ومذاكره اولندقدنصكره برقاچ مواد اوزرينه قرار ويريلوب
وكلاى طرفين رضالريله عهد وشرط وصلح وصلاح بغلنوب جانبيندن
معمول به اولمق اوزره تمسك ويرلمك لازم كلدكده مشار اليه سرعسكرم
دخى طرف باهر الشرف خسروانمدن وكيل اولدوغى حسبيله قرار داده
اولان مواد اوزرينه تمسك ويرمكله ويريلان تمسك مضمونينى مؤيد
ومؤكد قرال بارقان طرفندن حالا ركاب همايونمه بيوك ايلچيلك
خدمتيله كلان قدوة امراء الملة المسيحيه ابوات ابو ىچكى ختمت
عواقبه بالخير ايله كلان نامه سى ترجمه وپايه سرير اعلايمه عرض
وتلخيص اولندقده طرف همايونمدن دخى صلح وصلاحه مساعده
اولنوب مجدداً عهدنامه شوكتمقرونم ويرلمه سنى تضرع ونيازاتمكله
رفاهيت فقرا طرفين وراحت عجزه جانبين ايچون رجا ونيازى
حضور فايض النورمه ملوكانه مده مقبول طوتيلوب ذكر اولنان
تمسكده مسطور اولان مواد معتبر ومقبول طوتيلدوغنى مشعر ومشتمل
خط همايون سعادتمقرونم ايله فرمان عاليشانم صادر اولوب
وينه ايلچى مومى اليه عهدنامه همايونمه بعض مواد دخى الحاق اولنمه سنى
رجا والتماس ايتمكين رجاسى حسن قبوله قرين قلنوب مجدداً شو
عهدنامه همايونى ويردم وبيوردمكه شرح وبيان وتفصيل وعيان
قلنور ليه ولايتنده اولان لبقه تاتارى برسنه يه دك حسن رضالريله
دار اسلامه چقمق مراد ايدنلر طرفلرندن كسنه مانع اولميوب اهل
وعيالاريله چقنلر بر درلو رنجيده ورنجيده اولميه لر وبودوليه مملكتى
عموما حدود قديمه سيله جناب خلافتمابمه ملحق اولوب الآن باره
ورشوزى قلعه لرنده ليه عسكرى اولمغله بو ايكى قلعه دن ليه
عسكرينى اخراج ومقدما ذكر اولنان قلعه لر اهل اسلام اليه كردكده
ايچلرنده نه مقدار طوپ بولنمش ايسه ابقى قلنوب صكره دن كندولره تسليم

كتوردكلرى

كتوردكلرى وارسه الالر وينه مزبور اولان قلعه لرك رعاياسندن
حسن اختيارلريله كتمك استينلر كيدوب قالمق استينلر قالوب كتورلمكه
جبر اولنميه وبودوليه مملكتى ايچون مقدما ويريلان عهدنامه همايونده
تصريح وبيان اولندوغى اوزره بودوليه مملكتنك حدود وسنورنده نزاع
واقع اولورسه طرفيندن حاكملر معرفتيله آدملر تعيين اولنوب
وايكى يرده اهالى يرلرندن سن واختيار ولايت آدملريله اوزرينه واريلوب
جم غفير قنغى حدود داخلنده اولدوغنه شهادت ايدرلرسه انكله
عمل اولنه بودوليه مملكتى تحرير اولنوب قديمدن بلنقه صاحبى
اولان ليه بكزاده لرندن يا پاس اولورلرسه ده هر قنغيسى بودوليه ده
قالمق مراد ايدرلرسه مقدما اللرنده اولان بلنقه لرينك وكويلرينك
خراجلرينى واعشار شرعيه لرين وساير ويركولرى حساب اولنوب
مقطوعا اول بكزاده لرك يدلرندن النه وكندولرينك كفاف نفسلرينه
برشى تعيين اولنه كندولرى واولادلرى معاف اولوب مادامكه
خيانتلرى ظاهر اولميه بو خصوصدن رفع اولنميه لر وخلاف شرع
رنجيده اولنميه لر ودوشورمه فرمان اولنورسه بونلرينك ورعايا
لرندن دوشورمه النميه وقلعه لرده جامع ومسجد اولاندن ماعدا
اللرنده ابقا اولنان كليسالرينه مداخله اولنميوب آيين باطللرينى
سائر سرحدده كى كبى اجرا ايتدكلرنده رنجيده اولنميه لر واقرانيه مملكتى
كنارلك حدود قديمه سيله عهدنامه همايونمده تصريح اولندوغى اوزره
دولت عليه مه تابع اولان قزاق طايفه سنه ويريلوب مملكت
مزبوره يه طرفلرندن قطعا دخل وتعرض اولنميوب انجق اوقرانيه
حدودى داخلنده واقع اوزى صوينه قريب بيالوجرقوه وماوليچه نام
ايكى بلنقه الى الآن اللرنده اولمغله انجق بو ايكى بلنقه وبلنقه يه
تابع اولان يرلر ايله دولت عليه م طرفندن كندولره احسان اولنمغين
محاكات ضبط وتصرف ايدنلر قالمه لكن بو بهانه ايله ذكر اولنان ايكى بلنقه
وبلنقه يه تابع اولان يرلردن خارج بر قارش يره دخل وتعرض ايتميه لر
وبوندنصكره دولت عليه م طرفندن مستقل آدم تعيين اولنوب
بودوليه مملكتنك حدود قديمه سى اوزره حدود وسنورى واوقرانيه ده
كندو تصرفلرنده قدمجق بالاده ذكر اولنان بيالوجرقوه وماوليچه نام
ايكى بلنقه لرينك دخى حدود قديمه لرى اوزره حدود وسنورلرينى
تحديد وتعيين ايتميه لر وكندو ولايتلرنده كى متاع ايله بازركانلرى

كاروكب ايچون ممالك محروسه يه چيقوب قانون قديم اوزره متاعلرينك
ايكى كمركلرين بيقصور ويردكلرندنصكره خلاف شرع وقانون رنجيده
اولنميوب ٭ ساير مستأمن تجارلرندن خراج آلندوغى كبى ليه تجارلرندن
دخى خراج طلب اولنميه ٭ ومقدما صلح اثناسنده قدس شريفك
طرفلرنده رهبانلرى اوتورمق معتاد اولمغله اسلوب سابق اوزره
قديمدن اوتوردقلرى محللرده اوتوروب كمسنه مانع اولميه ٭
وبعد اليوم فرمان شريفم اولمدقجه عساكر منصوره مدن وقريم وبوجاق
ونوغاى تاتارلرندن وقزاق وارد لطرفلرندن ليه ولايتلرينه بولنش
واروب ولايتلرين اوروب غارت ايليه لر ٭ وغارت اولنمش اشيالرى
واريسه اثبات اولندقدنصكره عينى ايله طرفيندن رد اولنه ٭ وبو دوليه
مملكتنه كلوب توطن ايتمك مراد ايلين ليه رعاياسنه مانع اولنميوب
اعتبار شرعيلرى قانون اوزره ساير ويركولرين ويرمك شرطيله
زراعت وحراثت ايدوب ٭ لهجهلرينه كمسنه مانع اولميه ٭ ومقدما
ركاب همايونمه هرسنه پشكش ناميله ويرمكى تعهد ايتدكلرى
بكرمى ايكى بيك آلتون جناب امارت مآب قريم خانلرينك رجاسيله
عفو واحسان اولنمغله اول آلتون پشكش ماده سندن واوقراينده
كندولره احسانم اولان باپولحرقو وباولجه يلغه لرى ماده سندن
ماعدا مقدما بوجاغه التدم ويريلان عهدنامه همايونمده مسطور اولان
موادك جمله سى دستور العمل طوتيلوب ٭ كما ينبغى رعايت اولنمغه بذل
اهتمام اولنه ٭ وطرفيندن معتمد ومعتبر آدملر تعيين اولنوب اهالى
ولايتك سن واختيارلرى شهادتلرى اوزره ٭ بو دوليه نك واوقراينه نك
حدودلرى ليهه تابع اولان ساير ولايتلردن ايرلوب ٭ تجديد
اولنه ٭ انتهاء سرحدده طرفيندن اولان حاكملر طرفين رعاياسنك
املاك ودعواسندن غيرى جزوى اولان نزاعلرينى فصل ايده لر ٭ ٥١٧ ٤٢٢
قانيجه ده حين فتحده نفى واجلا اولنان رعايادن استنبلردن
بو دوليه مملكتنده ساكن اوله لر ٭ وقانيجه ده حين فتحده قلعه ده رعايا
سكره نفى واجلا اولنمغله كليسالرى بطال اولمغين ٭ حين فتحده
قلعه لاطيه مكتى رعاياسندن بعد اليوم قانيجه ده ساكن اولنلره
مقدما ويريلوب بطال اولان برمناسب كليسا ويريله ٭ وبار قلعه سنده
اولان كليسالردن جامع شريف تعيين اولندقدنصكره انده قلان
قلعين رعاياسنه ايچون بركليسا ويريله ٭ الكو ويريلان كليسا خراب ايسه

وضع

وضع قديمى اوزره تعمير ايتدردكلرنده كمسنه مانع اولميه ٭ كذلك ويى نوو
قلعه سنده ٭ وباراتوپچه قلعه سنده ٭ جامع شريف تعيين اولندقدن
صكره انده قلان لاطين رعاياسنه ايچون بركليسا ويريلوب اكر خرابسه
وضع قديمى اوزره تعمير ايتدركلرنده مانع اولميه لر ودانچقه كيدرك
آق دكزده امن وامان ايله مرور وعبور ايدوب ٭ عادت وقانون اوزره
كمركلرين ادا ايلدكدنصكره خلاف شرع شريف ومغاير صلح وصلاح
كمسنه اخذ ورنجيده ايلميه ٭ وجنك وحرب اثناسنده طرفيندن اخذ
اولنان اسيرلر طرفيندن مبادله اولنه ٭ وبو دوليه ده والى براولوب بو دوليه نك
بكلرى قضا بطلرى لبقه وساير تاتار طايفه سندن اولميه ٭ لبقه تاتارى
بو دوليه ده وسنورده قريب يرده اسكان اولنميوب ٭ سنورلردن بعيد يرده
اسكان اولنه لر ٭ وتجديد صلح وصلاح اول معمول به اولان عهدنامه ده
بالاده مسطور اولان شروط وقيودده مغاير اولان مواد طرح وابطال
اولنوب ٭ موافق اولنلر كما فى الاول ابقا اولنه ٭ مادام كه ليه قراللرى طرفندن
وبكلرندن وقپودانلرندن وتوابعندن وساير اهل فساددن ٭ سرحد ممالك
محروسه مده اولان قلعه لرمه وواروشلرمه وساير ممالك محميه مه
تابع اولان قصبات وقرى واراضيه بوجه من الوجوه ٭ دخل وتعرض
اولنميه ٭ ليه قراللرى دخى مملكتلرينه وقلعه لرينه وواروشلرينه
وساير قصبات وقرالرينه طرف همايونمدن ووزراى عظام وميرميران
فخام وامراء كرام وعساكر ظفر مآثرمدن وبغدانلو ودوبروجه وآق
كرمان وبندر واوزيده اولان تاتاردن وغيريدن ليه مملكتنه
ضرر اولميوب ٭ طورلو وساير تاتار تجديدلرينى اولطرفلرك حاكملرى
جانبندن محافظه ايتدورم لر اكر محافظه ايلمكده اهمال ومساهله
ايدرلرسه عزل اولنوب جزالرى ويريله ٭ وجناب امارت مآب قريم
خانلرى طرفنه حالا تجديد صلح وصلاح حده ويرمكه تعهد ايتدكلرى
ويركولرى سال بسال وقتيله ارسال اولنوب ٭ آدملرينه تسليم وايصال
اولندقدنصكره ٭ قريم خانى دخى قانون اوزره جهدن سنى لازم كلن
دوستلق ومحبت شرطلرين رعايت ايدوب ٭ من بعد خان طرفندن
وقالغاى سلطاندن وغيرى ميرزالردن ٭ ليه مملكتنه ضرر وزيان
ايتدورميه ٭ وقرال مشار اليهك اوزرينه دشمن مستولى اولدقده
خان دخى تاتار عسكريله امداد واعانت ايليه ٭ وجانب همايونمدن
برطرفه سفر واقع اولوب ٭ خان مشار اليه ويا خود قالغاى سلطان

ویا میرزالرایله تاتار عسکری وارمق لازم کلدکده بس مملکتك ایچنده
اوغرامیوب • قدیمدن نه محلدن کچه کلمشلر ایسه • کیرو اول یردن کچلر
وبو عهدنامهٔ همایونمز تصحیح اولنیجه لهیه قرالی مملکتنه تاتاردن ویا خود
بغدانلو وغیریدن کمسنه واروب • غارت ویا اسیر اخراج ایدرلرسه
قرال طرفندن اعدام اولندقده اولمقوله لرکه بو عهدنامه تاریخندن
صکره اخراج اولنمش اوله • ممالك محروسه مده فروخت اولنمیه •
بو طرفه متعلق اولنلردن من بعد لهیه مملکتنده اسیر صاتلمیه • ودخی
کمنه قراللردن وغیریدن برینك اوزرینه سفر ظفر رهبرم واقع اولوب
بالذات جناب خلافت مآبم وارمق اقتضا ایتدکده • ویا بر سردار تعیین
اولنوب عساکر نصرت مآثرم ایله وارد لو افلوق وبغدان وبوده لریله
اول دشمنك اوزرینه توجه اولنمغله دشمنم طرفندن کندویه آدم واروب
معاونت ومظاهرت طلب ایتدکلرنده آستانهٔ سعادتمه صداقت واستقامت ٥١٤ ٤٢٤
واجرای مصافات وموافقت ایچون لهیه قرالی عسکریله وخزینه سیله
دشمنمه یاردم ایتمیه • ودشمنم طرفندن بر کمسنه واروب لهیه مملکتندن
عسکر جمع ایتمك استرلرسه منع ایدوب رخصت ویرمیه • وکندونك
هرسك وقپودانلرندن وغیریدن بعضیلری اختیارلریله دشمنمه یاردم
ایچون کتمك مراد ایتدکلرنده صالیویرمیوب • کیزلو واشکاره اجازت
ویرلمیه • اردل مملکتی اجداد عظاممدن ارث ایله انتقال ایتمش مملکتم
اولمغله اردل حاکملریله وبو جانبه اظهار صداقت ایدن بجار قرالی
اولنلر ایله دخی کمال مصافات اوزره اولوب • اردل جانبندن
دخی دشمن ظهور ایدرسه کیزلو واشکاره دشمن طرفنه لهیه جانبندن
امداد اولنمیه • ودخی اردل وافلوق وبغدان وبوده لری طرفندن
وبکلرندن وغزیلردن بعضیلری قباحت ایدوب • لهیه مملکتنه
فرار ایدرلرسه • اولمقوله لر قبول اولنمیوب ما بینده دوستلق
واشنالغه رعایة طوتوب • قید وبند ایله آستانهٔ سعادتمه کوندروب
بو وجهله دوستمه دوست ودشمنمه دشمن اوله • وحالا ما بینده
دوستلق زیاده اولمغیچون لهیه توابعی ورعایاسی طورلو صویندن
آقکرمان اسکله سنه متاع کتوروب • بیع وشرا ایلمه لری التماس
اولنمش • اولمقوله ممالك محروسه مه ضرر وزیان قصدنده اولمیوب
کندو حاللرنده تجارتله کلنلره کمسنه مانع اولمیه • ولهیه قرالی سدهٔ
سعادتمه اولان دوستلغنده ثابت قدم اولدقجه • بغدان وبوده لری

دخی قدیمدن لهیه قرالیله نه وجهله مصافات اوزره اولهکلمشلر ایسه
کیرو اول وجهله مصافات اوزره اوله لر • مقدما بازرکانلق اثناسنده
قلعه لردن اسیر اولنلرکه کفری اوزرینه طوروب • اسلامه کلمامش اوله
لهیه طرفندن آدملری کلوب • اولمقوله لری ممالك محروسه مده بولدقلر
یرده صاحبلرینه بخشیده الدقلرینه قیمت ویروب • معلوم اولدقدن
صکره زیاده بها طلب ایتمیه لر • وبهالرینی ویردکدن صکره کندو ولایتلرینه
الوب کیتمکه کمسنه مانع اولمیه • واول اسیرلردن اسلامه کلمش اولنلره
تعرض اولنمیوب • کندی حالی اوزره ابقا اولنه • ودخی عهدنامه
تحریر اولندقدن صکره ایکی طرفدن هرکیم طوتلمش ایسه بهاسز صالیویریله
وایکی جانبك ایلچیلری وآدملری ویره کاغدینه محتاج اولمیوب واروب
کلوب کندولرینه ومماللرینه ضرر وزیان ایرشمیه • وطرفینك بازرکانلری
دکزدن وقره دن ومعتاد اولان اسکله لردن کلوب کیدوب • بیع وشرا
ایلیوب بولندقلری یرلرده عادت وقانون اوزره رسوملرینی ادا
ویروب ماللرینه ونفسلرینه کمسنه ضرر ایلمیه • واکر موجی لهیه لو قرالی
مملکتندن کلان بازرکانلردن ممالك محروسه مده مرد اولورسه
رزقلری طرف میریدن الینمیوب کاربانباشیلرینه تسلیم اولنه کوتوروب
وارثلرینه تسلیم ایده لر • وبو طرفك بازرکانلرندن دخی لهیه مملکتنده
وفات ایدنلرك ماللرینه ورزقلرینه وجه مشروح اوزره اوته جانبدن
مداخله اولنمیوب بو جانبده وارثلرینه کوندریله • وایکی جانبدن بازرکا
نلردن وغیریدن برکمسنه برکمسنه دن دین وقرض خصوصنده ویا خود
بیع وشرا بابنده وسایر دعواده حق طلب ایلسه هر قنغی محلده بولنورلرسه
اکر بو طرفك اکر اوجانبك ولایت حاکملری بابنده مرافعه اولوب
حق اوزره تفتیش وتفحص اولندقدن صکره ثابت اولان حقوق ودیونلری
هرنه ایسه الیویریلوب عناد ومخالفت ایتدورلمیه • اما بو وجهی
وکفالتی بیان اولنمدین اخرك بورجی وجنجی ایچون دعوی وطلب ایدوب
بغیر حق رنجیده ورسیده ایتمك استینلره ایکی طرفدن دخی منع اولنه
فرضا ماله کفالتی ثابت اولمدیغی وجهله بو سبب ایله رنجیده ورسیده
ایتدرلمیه اولمقوله لرك اللرنده اولان سجل وحجتلرینه معمول به تمسکلره
نظر اولنیجه مجرد شاهد دروغ اقامت اولنمغله تزویر وتلبیسلرینه عمل ٤٢٤ ٥١٥
اولنمیه • وبالجمله ایکی جانبك حاکملری دخی تمام تقید کوستروب
ما دامکه واقع اولان ماده نك ودعوالرینك اصلی وحقیقتی اولدوغنی

حاکم الوقت معلوم وتحقیق ایتمیجه بو وجهله اولان دعوالری استماع اولنمیه
وانلک کبی خرسوز وحرامیلر برکسنه نلک ماللرینه وجانلرینه ضرر وزیان ایرشدیره دکده
حاکم اولنلر اولمقوله لری بولدروب محکم وجهله حقلرندن کلنوب خرسوز لقده
الرقلری اشیالری بعد الثبوت صاحبلرینه تسلیم اولنه ودوستلق ایجون
کلان ایلچیلری وسایر آدملری منع اولنمیوب امین وسالم واروب کلوب
سرحدلره کلدکده یانلرینه آدملر قوشوب اوترجا یندن دخی بو منوال اوزره
عمل اولنوب وسکتره واقع اولان سرحدلرینک آدملری واسکله امینلری
وباجدارلری سنه سعادتم قوللرندن وایکی جانبک باجدارلرندن غیری
طورلی صوبندن لیه ولایتنه بابو بوربه لر واکر اول طرفدن وبروجا یندن
کلوب کیدن کمسنه لرک یانلرنده اسیر بولنورسه الدرندن آلوب کیرو
کوندرمه لر وجوابات طایفه سی لیه ولایتنه کتدکلرنده مملکت حاکملرینه
کندولرینی وقبونلرینی بلدوروب مخفی وارمیه لر واونلر تحقیق ویره لر
طایفه مزبوره کندولرینی بلدردکلرندنصکره قیونلری ضایع اولورسه
مملکت حاکملری بولوب ویره لر وکلوب کیدن کمسنه لرک بارکیرلرین اوروب
طوتمیه لر وسفراوزرنده بکجی وغیریلری آنلرینی الیه لر وایکی جانبک تاجرلری
ویره کلدکلری ویرکولرین وکمرکلرین ادا ایلدکدنصکره ویریله کلان نسنه دن
زیاده نسنه طلب اولنمیه ومارده بوکلنیوب بواندکین ترجیله وتنقیل
ویره کلنلر سه کیرو اولمقدار ویروب اویله نسنه مخالف ایش اولنمیه
وقرالک الی انشده اولان ارمنی وسایر کفره بازرکانلری بغدان ولایتنه
وانوت ماعدا ممالک محروسه مه کلوب تجارت ایتمک مراد ایندکلرنده بیابان
ومخفی یرلردن کلیوب قدیمدن بازرکانلر مرور ایلدوکی طریق عامدن کله لر
انلک کبی یرلرک ماللرینه وجانلرینه ضرر کلورسه اهل فساد الله کتور بلوب حقلرندن
کلنه واستقامت اوزره کلوب کیدن بازرکانلری رنجیده اولنمیوب قره
کمرکلری قانون قدیم اوزره اولندقدنصکره استانبول وادرنه وبروسه دن
رفت ایچه سی وقصابیه دیواجه طلب اولنمیوب وکتوردکلری غروشلرین
اکر ریال واکر قره غروش واکر اسدی واکرلیه غروش ایدیک کمرک طلب اولنمیه
فیما بعد ایام دولت همایونم وهنکام سلطنت ابد مقرونمده بو قارووده تفصیل
اولنان شروط وقیود ومواد وعهود مقتضاسنجه عمل وصلح وصلاحک لوازمی
کرکی کبی مرتب ومکمل قلنه تا دامکه قرال طرفندن وقپودانلرندن و
وبکلرندن وغیریدن موجب اختلال عهد وپیمان وباعث انحراف
شرط وایمان وضابره مخالف صلح وصلاح بر وضع صادر اولمیوب

دوستلق وبارشقلق حقوقنی کرکی کبی رعایت ایده لر جناب خلوتمآبم طرفندن ایمانه غلاظ ایله یمین ایدرمکه یری وکوکی یوقدن وار ایدن پروردکار جل جلاله حقیچون واولو پیغمبریمز ایکی جهانک کونشی محمد المصطفی صلی الله علیه وسلمک معجزاتی حقیچون منوال مشروح اوزره معاهد اولنان ماده لردن جزوی وکلی بر خصوصده تخلف وتجاوز اولنمیه مدت بقای دولت روزافزون وزمان ثبات سلطنت ابد مقرونمده بو صلح وصلاح مقرر وپایدار وبو عهد وامان ثابت وبرقرار اولوب عموما اول ولایتلرک رعایا وبرایاسی سایهٔ سعادت وظل حمایتمده آسوده حال ومرفه البال اوله لر

٤٢٦ تحریرا فی اواسط ص سنه ٨٩

بو دخی لهه قرالنه کوندریلدوکی نامه در قزاق فسادینی دفع خصوصنده

٥٢٠ نعوت جل وعلانک علو عنایتی وسرور انبیا علیه الصلاة والسلام ملک بیهوت حمایتی ایله بالجمله سلاطین زمان وملاذ کافهٔ قیاصرهٔ دوران اولان آستانهٔ محکم الارکان وسدهٔ مشید البنیانمزه حالیا قپوکتخدا کزلرله قپودانلرندن اولوب الچیلک طریقیله کوندردوککز استانه سلاکز لقوجیق نام معتبر آدمکز ایلندن نامهٔ محبت اسلوبکز وارد اولوب وزرای عظام ووکلای فخام طرفندن ترجمه وتلخیص اولنوب حضور موفور السرورمزه کوندرلدکده مضموننده بازیلن دوستلق کلاملری ومحبت ومودت پیاملری جمله معلوم ذهن لطیفمز اولوب تحریر وتسطیر اولنان احوال وآثاردن ذره مقداری مخفی ومستور قالمیوب جمله سنه علم همایونمز لاحق اولشدر جمله دن بری بودر که قرق سنه دن بروحمرکزی اولو آستانه مزک دوستلغی خدمتنده صرف ایدوب اکرچه اجداد صادق نهادمز زمانلرنده واکر بزم زمانمزده محبت وفلاح وصلح وصلاح خصوصین کرکی کبی رعایت ایدوب بو وجهله آستانه مزه اولان دوستلغی کما ینبغی حمایت ایدوب فوق الحد حقنی حددن زیاده ظهوره کتوردوککزی بلدرمشسز امدی فیما بعد بو وجهله آستانه مزه اولان طوغریلغکزی اثبات واظهار ایتمک ایچون مستوفی عسکر ایله قزاق اشقیاسنک اوزرینه واریلوب اول فساد بیشه خبیثلر قلیجدن کچوروب وشایقه لرینه آتشه اوروب باقی قالنلری امان دیلیوب من بعد قره دکزه چقمامسنه ومالک [illegible] سیه بر ضرر وکزند ایرشدرمه مسنه عهد وشرط ایتدیرله بزدخی اول شرطله کندولره امان ویروب قزاق طایفه سنی محکم ضبط ایتمشوزدر دیو بلدرمشسز بو خصوص

جمله عالمیانه قندم روشندرکه سزدن اول اسلافکز اولان له قراللری
آبا واجداد عالی نژادمزك زمان شریفلرنده بو اولو آستانه یه دائما صداقت
واستقامت اوزره عرض محبتدن خالی اولمیوب آباء کرامز دخی شان
شریفلرینه لایق اولان وجه اوزره زمان سعادت اقترانلرنده بولنان
له قراللرینه ملاطفت ومظاهرت قپوسن مفتوح وکشاده طوتوب
واقع اولان خصوصلرینه مساعده دن خالی اولمیوب ایل وملکلرین
ضرر وزیاندن محکم صیانت ایدرلر ایدی براز مدتدن صکره قزاق
اشقیاسی فتنه وفساده باشلیوب شیقه‌لر پیدا ایدوب قرم دکزندن
اولان ممالك اسلامیه یه ضرر وزیان ایرشدرمکله بو طرفدن
دخی تاتار طایفه سی فرصت بولوب اوته طرفلك مملکتلرین رنجیده
ایتمکه مباشرت کوستروب بعده کلی واقکرمان سمتلرنده تمکن ایدن
قانتمور تاتارلرندن دخی ولایتکزه تعدی وتجاوز اولندقده کرارا ومرارا
ذکر اولنان تاتارك کلی واقکرمان سمتلرندن قالدرلمه سی سزك طرفکزدن
مراد اولنوب جنت مکان فردوس آشیان والد ماجدمز سلطان احمد خان
حضرتلرینك زمان شریفلرنده ودخی صکره‌لرده بو خصوص ایچون
مفصل نامه‌لر ومستقل آدملر کوندروب سعی واقدام ایلدوککزده
ذکر اولنان تاتارك قالدرلمه سی میسر اولمیوب بعده بزم زمان
سعادت اقترانمزده اول اضطراب ومشقت ولایتکز اوزرندن دفع
اولنوب خاطرکز ایچون تاتار خانه مؤکد ومشدد نامه شریفمز کوندریلوب
ذکر اولنان قانتمور وجمله اولجانبده اولان بوجاق تاتاری نیچه
یللردن اول دیارلرده مسکن ومأوی طوتوب یرلشمشلر ایکن رعایاکز
حضورا ایچون خواه وناخواه مذکور قانتمور وجمله تاتار طایفه سی
قالدرلیوب قریمه کوندرلمش ایدیکه ولایتکزه بزم مملکتمز تاتاری
کیرمیوب وغیری دشمن وارمیوب امین وسالم اوله‌لر بو مقابله ده
سزك دوستلغکزه دوشن بو ایدیکه قزاق اشقیاسنی محکم ضبط
ایدوب سایر زمانلر کبی حرکته رضا کوسترمیوب قرم دکزینه چقارمیوب
رعایامز اوزرلرندن شر وشورلرین دفع ورفع ایدیدیکز لکن
قیاس اولنانك خلافی ظهوره ایدوب قانتمور قالدرلدقدن صکره
قزاق اشقیاسی طغیان ایدوب درت یوز پاره دن زیاده شیقه‌لر ایله
قرم دکزینه چقوب یالیلرده اولان ممالك محروسه مزه ضرر وکزند
ایرشدرمك اوزره‌لر ایکن حالا وزیر نافذ وصدر اعظم قائمقامی اولان

رجب پاشا ادام الله اجلاله اول اثناده قپودانلقدن منعزل بولنمغله یانلرنده
موجود اولان دونمای همایون کمیلریله ذکر اولنان ملاعینك اوزرینه
واروب حق سبحانه وتعالی حضرتلرینك عنایتی ایله نیجه بیك قزاق
قلیجدن کچوب ونیجه‌سی اسیر اولوب ونه مقدار شیقه‌سی قدرغه‌لره
چکلنوب وریلوب ایچلرنده اولان اشقیاسی دریایه غرق اولوب هلاك
اولدقلری معلومکز اولمشدر بعده اول زمانده بقیة السیوف اولوب
فرار ایدن قزاق اشقیاسی ایچون سز دوستمز طرفندن دخی محکم تدارك
کوریلوب اوزرلرینه واریلوب عظیم قلیج اوریلوب حقلرندن کلندوکی
یازمشسز لکن مابینده منعقد اولان صلح وصلاحه بنا قزاق اشقیاسی
بو دفعه عهد وامانه مخالف التمش پاره شیقه‌لر ایله اوزی بوغازندن
چقوب ممالك محروسه‌مزه استیلا ورب دریاده اولان قلاع وبقاع
وبلاد وقری اهالیلرین نهب وغارت اوزره ودریا یوزنده کزن
تجار وابناء سبیلك اموال وارزاقلرین خسارت ایلمك قصدنده
اولدقلری مسموع همایونمز اولدقده سده سعادتمزده حاضر بولنان
دونمای ظفر مقرونمز کمیلرندن برقاچ پاره قدرغه مزبور ملاعینك
مضرتلری رفعی ایچون تعیین وارسال اولنمغله بعنایة الله تعالی
اون بش یکرمی پاره شیقه‌لرین ایچلرنده‌کی اشقیا سیله الله کوریلوب
سایرلری الی هذا الآن دریاده متفرق کزوب ممالك محروسه‌مز
اهالیلرین رنجیده وسایر ارباب تجارت کمیلرین اضطرابدن خالی
دکللردر بو تقدیرجه طرف شریفمزدن عهدنامه همایون موجبنجه
شرایط مصافات لایق اولدوغی کبی رعایت اولنوب مزبور اشقیا
بالکلیه قرم دکزینه چقمادن منع اولنوب صلح وصلاحه بناء محکم
ضبط اولنه هر بار که جناب امارت مآب حکومت نصاب محمد
کرای خان دامت معالیه وشاهین کرای سلطان له قرالی دوستمز
جانبنه آقین ایتمکدن فارغ اولوب قدیم الایامدن خانان سالفه
بو وجهله معامله ایتمشلر ایسه اول طریقدن چقمایوب اولیکلرین
ویرکولرین ادا ایتدکلرندن صکره ولایتلرینی غارت وخسارت
ایلمك دیو تأکیدی مشعر نامه همایون شرف مقرونمز کوندرلدکده
قزاق اشقیاسی عهد وشرطه مخالف دائما شیقه‌لر ایله قرم دکزینه
ارباب سفاینه خسارت واهالی مملکتی رنجیده وغارت ایتمك
اوزره درلر بزم ایچون حرکته اجازت ویورمزسز دیو جواب یازدقلری

شويله كه احوال صلح وصلاح كما هو حقه طرفكزدن رعايت اولنوب
قزاق اشقياسنى بالكليه ضبط وفسادلرينى دفع اولنورسه شاراليها
محمد كراى خان وشاهين كراى سلطان بزم رضاى همايونمزدن چقمزلر
اوليكلرى وبر كوليرى ادا ايتدوككزدن صكره انلر دخى معقولدن
قلشرم ايش ايدوب دولوب انشاالله تعالى ولايتكزك امن وامانى اوزره
اولمسنه متعلق نيجه تداركلر مراد اولنشدر الى الآن بو وجه آستانه مزه
اظهار صداقت واخلاص ايدنلر ايلوكدن غيرى نسنه كورميوب
بحصن حمايه مزده آسوده حال اولمشلردر سز دخى خيردن غيرى
نسنه مشاهده ايتمزسز فلهذا صدق درون اخلاص مقرونكزده
مضمر اولان خالصانه محبتمزه التجوت اشبو نامهٔ صداقت شحونمز
تحرير اولنوب كوندرلشدر كركدركه وصول بولدقده ابا عن جد
بو وجه آستانه مزه اظهار ايلديككز كمال الاخلاص ونهايت اختصاص
رعايتنده وما بينده منعقد اولان خيرلو صلح وصلاح موجبنجه
وضع وحركت ايدوب ومغاير عهد وامان اولان احوالك صدور
قزاق اشقياسنى دكزده كز مكردن بالكليه منع ايدوب وخاطر شريف
وجه مشروح اوزره وبركوكزى ادا ايتدوككزدن صكره تاتار طائفه
ايل وولايتلريكزه آقين ايتميه چكلرينى اعتقادكزى محكم طوتوب
وعهد وامانمزه خلاف اولمدوغنه جاده وكوكلدن اعتمادكز اولوب
قديمدن اولديغى دوستلق وبارشقلق لوازمنى اجرادن خالى ولمز
كه انشاالله تعالى طرف همايونمزدن دخى كوده بكون محبت ومودت
ازدياد بولوب اومد وعكزدن زياده ايلكلر كوريلك محقق
ومقرردر مزبور ايلچيكزك يوزى آق اولسون كمال آداب اوزره بابِ
سرير اعلايه يوز سوروب سلومكز تبليغ وارسال ايلدوككز نامه
كزى تسليم ايدوب قانون اوزره خلعت همايون بخت مقرونمزه
وحسن توجه مسرت نمونمزه مظهر دوشوب اداى خدمت ايتدكدن
صكره كيرو اول طرفه رجعته رخصت واجازت شريفمز اولوب
سلامت حال ايله اول جانبه كوندرلشدر احسن اوقاتده وصول
بولدقده تاتار خان طرفنه كوندريلجك نامهٔ همايونمزك اخباريني
وما بينكزده قزاق اشقياسنك فسادى سببى ايله صدور ايدن
اختلالك احوالنى تفصيل اوزره يازوب اعلام ايدهسز

له قرالنه وراسكى پاتشاه طرفندن يازيلان عهد نامه در

بن كه سعادتلو وعظمتلو مكهٔ مكرمه ومدينهٔ منوره وقدس شريف
ويدى اقليم درت كوشه نك پادشاهى واولو شهنشاهى حضرتلرينك
قوللى اسكندر پاشايم له ولايتندن چقوب ممالك محروسهٔ پادشاهيدن
بعضى يرلرينه ضرر وكزند ايرشدورن قزاق اشقياسنك دفع ورفعى
خصوصنه روم ايلى وبدون وقبرتم ايالتلرندن تعيين اولنان عسكر
نصرت قرينك اوزرلرينه برات پادشاهيله نصب اولنمش سردار وباشبوغ
سعادتلو پادشاهك امر شريفلرى اوزره بو سنه دن بوده كلوب عسكر ايله
قالقوب وياننده اردل حاكمى اولان بتلن غابور وبغدان حاكمى اولان
اردل ويوده وافلاق حاكمى اولان اولكسندره ويوده ايله حالا بغدان
ولايتنده واقع اولان طورله صوبى كنارنده بوديله نام بلقه سنده
نزول اولندقده له ولايتنك حطمانى ودولتلو قرالك عسكرينك سردارى
وباش مدبرى ووكيلى اولان استانيسلاو ژولقوسكى بلك دخى له
قرالنك عسكريله يازوجه نام محله داخل اولوب ما بينده جنك
وجدال وحرب وقتال اوزره ايكن بر بريمزه ايلچيلريمز واروب كلوب
قزاق احوالى مكالمه اولندقده سعادتلو وعظمتلو وقدرتلو وقوتلو پادشاه
حضرتلريله له قرالى ما بينده اولان قديمى بارشقلغه بوزلمسنه
سبب قزاق اشقياسيله تاتار طائفه سى اولوب جانبيندن بونلرك
دفع ورفعى مناسب كورلوب ومزبور حطمان دخى قديمى اولان صلح وصلاحه
رعايت واتمسنه بوتد نصكره قزاق اشقياسى اوزى صوبندن قره دكزه
اينوب سعادتلو پادشاهم حضرتلرينك الى التنده اولان مملكتلرينه
من بعد ضرر وزيانت ايلموب هر نه طريقيله اولورسه دفع ايدوب
كه نه قزاقدن ونه كندى طرفلرندن ممالك محروسهٔ پادشاهيه ضرر
اولميوب ارتق قره دكزه سعادتلو پادشاهك دونماسى چيقمغه
وقره دن دخى عسكرى كلمكه احتياج اولميه واردل وبغدان وافلاق
ولايتلرينه دخى كندولرندن دخل وتعرض اولنميه هونايى وغلى وشيربات
وسائرلرى بو اوج ملت اوزرلرينه حكومت سوداسيله كلك ايسترلرسه
له ولايتندن يول ويرلميوب خزينه وعسكر ايله دخى معاونت ايلميه لر
وخان حضرتلرينه اولان پيشكشلرينى اولكلدوكى اوزره اشبو كلجك
سنه دن سائر سنه لرك پيشكشلرى اكلموب ويره لر وبونك ايلچيسنى
سعادتلو پادشاهك آستانه سنه كوندره لر ديو مزبور حطمان كندو
مهريله وطابورلرى ايچنده اولان بكلرينك مهريله برى توركجه وبرى

له دیلنجه ایکی تمسك ویروب • کالاول بینمزده صلح اولسون دیو قول
وشرط ایلدکلرنده • مادامکه بونلرله ولایتنده قزاق اشقیاسی اوزی صویندن
قرم دکزنه اینوب سعادتلو پادشاهك مملکتلرینه ضرر وزیان ایلمیه •
وتعهد ایتدکلری اوزره دفع ورفعلری خصوصنده ثابت قدم اولوب
وخان حضرتلرینه ویرکولرین اولکلدیکی اوزره کلجك سنه دن ویروب
برنج ویردکلری تمسکلرنده اولان ماده‌لر شرط وقول ایلدکلری اوزره
رعایت اولنوب • خلافنه ذاهب اولمیوب • عهدلرنده ثابت قدم اوله‌لر
بزدخی ایله عهد وشرط ایدرزکه • من بعد تاتار طایفه‌سی له ولایتنه
وله قرالینك الی التنده اولان ولایتلرینه ضرر وزیان ایلمیه‌لر • وله قرالینك
بازرکانلری سعادتلو پادشاهمزك مملکتلرینه واردل وبغدان وافلاق
ولایتلرینه واروب کلوب • برفرد اولیکلی عادت قدیمه‌دن تجاوز
ایلمیه‌لر • ومادامکه بونلر منوال مشروح اوزره قزاغك ضرر وزیانی
دفع ورفع اوزره اوله‌لر • اردل وافلاق وبغدان مملکتلری حاکملرندن
وخلقندن دخی • له ولایتنه ضرر دوقونمیه • جمله‌نك متعهد اولورز •
بو منوال اوزره منعقد اولان بو مبارك صلح وصلاح مقبولمز اولمغله
موجبیله عمل اولنمق ایچون اشبو حروف بر سبیل تمسك یدلرینه
وضع اولندی که وقت حاجتده احتجاج ایده‌لر تحریرا فی ٢٦ رمضان المبارك سنه ١٠٢

لهقرالی ایله خوتین التنده صلح اولندقده وزیر اعظم دلاور پاشا طرفندن کوندریلن مکتوبدر

الحالة هذه • بوجانبده اولان خطانکز قدوة الامراء المسیحیه استانسلاوز
لغوسکی • ارشده الله الی الخیر • امور صلح وصلاح • واحوال امن وفلاح ایچون
ایلچیلك طریقیله بوجانبه کوندردکلری عمدة الکبراء العیسویه • •
استانسلاو ایجودروباتوت سولسلاك نام معتبر بکلریکز کلوب مومی الیه
خطانکز وسایر طابورده اولان وکلا وباللوباشلولریکزك وصاحب قلعه
ونامدارلرك مفصل ومشروح مهرلریله تمسك کتوردوب دیوان عالیشانده
وزرای عظام ووکلاء فخام حضورلرنده قرائت اولندقده مضموننده مندرج
اولان بوکه استانسلو جورز وینکی حدود وسور قلعه‌سنك صاحبی وبرنام
قلعه‌نك صاحبی وحاکمی ولامور نام قلعه‌نك اوستوروسه وبربوقونسك
نام قلعه‌نك بکزاده‌سی جمله قرالینك حکومتی وکبارلریله قرالزك دلتوار
وسروباد بادوسا وماریاده وامورپا وقلندریا واستحاد وبزالنام ولایتلر
حاکمی وجمله حاکملرك مشاوره‌سی وقرالزك عسکری معرفتی وعزتلو
استانسلوغوسك وسجه نام قلعه‌نك حاکمی واو خطانکز فیرال هاریکی

وودوست قلعه‌نك استروسه سیم • دولتلو وسعادتلو وبوجه همتلو وعظمتلو
پادشاه عالمپناه حضرتلرینك رکاب همایونلرینه مزبور ایلچی ارسال اولنمشدر
بو خیرلو صلحی تصحیح • وقدیمی اولان دوستلق ومحبتی قوی تصریح ایلیه‌لر •
تاکه اسلوب سابق اوزره دوستلق وبارشقلق وطرفیندن رعیت کدوش
اولسی درون دلدن وجان کوکلدن سعادتلو پادشاهك وکیل مطلقی
ووزیر اعظمی اولان دلاور پاشا حضرتلری وسایر وزرای عظام حضورلرینده
سویلنوب قول وقرار اولنه • وزیادة اولنمغیچون ایلچی وارنجه طرفمزدن
استانه‌لونك بکی وقرالزك سرکاتبی سعادتلو پادشاهك استانهٔ سعادتلرینه
قدیمدن اولکلدوکی اوزره ایلچیلك خدمتنده اولی • وشمدیکی حالده بولنك
ایلچیلکله استانه‌یه وارمق ایچون • بر چاوش تعیین بیورلیه برنم ایله
طابوره واروب • اندن دخی قرالزك حضورینه کیدوب بعده ایلچیلکله
قوشیلوب • آستانهٔ سعادته کوندریله بوبابده بر آن وبرساعت عوق
وتأخیر اولنمیه • وبزم طرفمزدن دخی اول زماندن برمستقیم آدم ایلچیدن
ماعدا قوشیلور که على الدوام آستانهٔ سعادتده اداء خدمت ایلیه •
بونی دخی عهد وشرط ایدرزکه قراللغمز طرفندن اوزی صوبندن وآخر
یردن عظمتلو پادشاه جمجاه حضرتلرینك حکومت ایلدوکی مملکتلرینه
من بعد • قزاق وقزاق شیقه‌سی چقمیه وضرر ایرشدرمیه • شویله‌که
بردخی قزاق ظهور ایدرسه عظمتلو پادشاه حضرتلری طرفندن برامر
شریف وارد اولدقده تصکره مذکور قزاقلرك محکم حقلرندن کله‌لم • بوندن
اقدم مرحوم ومغفورله سلطان سلیمان خان حضرتلرینك زمان شریفلرنده
قطع اولنان سنور وثغور داخلنده صکره‌دن احداث اولنمش قلعه وپلنقه
وارسه • هدم ورفع اولنه • وعهد وقرار ویردوکی اوزره سعادتلو
پادشاه عالمپناه حضرتلرینك ممالك محروسه‌لرندن معدود اولان
بغدان وافلاق واردل وبجار ولایتلرینه واهالیلریله دوستلق وبارشقلق
اوزره متابعت ایلیت طوایف مختلفه‌یه عداوت یوزندن بروجهله
مداخله اولنمیوب • دائما صلح وصلاحی رعایت ایده • وجانبمزدن عزتلو
خان حضرتلرینه ویرکوسی ما تقدمدن ویریله کلدوکی اوزره بلاتردد
سنه بسنه ادا اولندقده • اندر دخی قدیمدن ما بینده اولان شروطی
رعایت اوزره اوله‌لر • واکر خان حضرتلری بر مصلحت ایچون ولایتمز یکیندن
کچمك لازم کلورسه کندوسی ویاننده اولان تاتاری من بعد ضرر
وزیان ایتمیه‌لر • شویله برضرر ایدرلرسه اولمقوله‌لری خان حضرتلری

هركيم ايسه بولدوروب كيرويه رد ايدورم • وسنور قطع اوله جق زمانده
سعادتلو پادشاهك قوللرندن بر نيجه اهل وقوف ومعتمد عليه كمسنه لر ايله
يقين قونشيلردن دخي بر بر كلوب • وبزم قزل حضرتلري دخي كندو طرفندن
اهل وقوفلر تعيين ايليوب • سنور احوالني بر طرف ايليه لر • وبغداده نصب
اولنان وبوده لر شرايط صلح وصلاحي رعايت اوزره • عهده مغاير وضع
ارتكاب ايتميه لر • تفصيل مزبور اوزره قزل حضرتلري وعموما وكلا وتحت
وبللو باشلوسي طرفندن بو وجهله عهد اولنمقدنصكره • سعادتلو
پادشاه اسلامپناه حضرتلري طرفندن دخي رجا اولنوركه • بزم قزلك
مملكتنه وقلاعه وبازارلرينه وقريه لرينه • بغدادلو ودوبريجه لو واقكرمانلو
كلي وبندر واسمعيل كچيدي وولايت قرمنانارى من بعد ضرروزيان
ايرشدرميه لر • واوزي صوبندن دخي تا آره بولوب ويرليوب • من بعد
بروبقايه بجورميه لر • واگر خان حضرتلري طرفندن بر ميرزا صلحه مغاير
وسعادتلو پادشاهك امرنه مخالف قزل مملكتنه بر ضرر ايدرسه • دولتلو
پادشاه حضرتنه عرض اولنمقدن مذكور ميرزانك حقندن كله • وقزلك
طرفندن بو صلح وصلاح اثناسنده من بعد بر وبحرده ممالك محروسه پادشاهي
بر محله قزاق طايفه سي دخل وتجاوز ايتدورلميه • سعادتلو پادشاه
حضرتلرينك دوستنه دوست ودشمننه دشمن اوله • كذلك عظمتلو
پادشاه حضرتلرندن رجا اولنوركه قزلك دوستنه دوست ودشمننه
دشمن اوله • وبوندن اول جنت مكان سلطان سليمان حضرتلري
زمان شريفلرنده سؤال اوزره عهدنامه ويرلمش ايسه انشا الله الرحمن
ايلچيمز آستانه سعادته وارد قده كيرو اول عهدنامه اوزره مجددا
عهدنامه همايون احسان اولنه • وبز دخي عهدنامه ده يازيلن وجه اوزره
عهد ويمين ايدوب • كندو يدمز ايله اسملرمزي يازوب ومهرلرمزي
اورمشوزدر ديو تحرير وتسطير • وذكر اولنان ايلچيلر كزلك ديوان عاليشانده ٢٤١
بالمواجهه تعبير وتقريرلري • دخي بو سؤال اوزره اولمغين • بعنايه الله تعالى
وجه مشروح اوزره طرفيندن قول وقرار اولنان مواد صلح وصلاح مقبول ٥٢٥
ورجا ومأمولري عز حضور رفاه بخش النور خسروانيده حصوله موصول اولمغله
عداوت وشقاق محبته • ونفاق مودته مبدل اولمشدر • بناء على ذلك بو جانبدن
دخي كوندردوككز صورت وتمسك موجبنجه نامه يازيلوب مزبور ايلچيلر
ايله ثنا ايله حظها نكز طرفنه اصدار قلنمشدر • بو صلح خير انجام
بعون الملك العلام • تمام واختتام بولوب • غبار فتنه ونزاع تسكين

ومحبت وموالات مبانى استقرار وتمكين بولنجه • نه مرتبه سعي ووقت
وحضور مستوجب الحبور شهرياريمه رجا ومأمولكز مقبول اولمغين يابنده
نه وجهله بذل همت ايلدوكمزي مومي اليهم ايلچيكز مشاهده ايلمشلردر •
انشا الله تعالى فيما بعد دخي صلاح حال فقرا وضعفا • وسبب فراغ واطمينان
قلوب رعايا وبرايا اولان • نوبلو وخيرلو مصلحته چالشلمق نقصان اولنميوب
مقرردر • وحالا ايلچيكزك التماسى اوزره دركاه سعادت دستگاهمزده
واسكدار واختيارلرندن قدوة الاماجد والاعيان فلان دام مجده چاوش زيد قدره
دخي معاً قوشلوب اول جانبه ارسال اولنمشدر • انشا الله تعالى حضوركزه
واصل ومضمون مراده اطلاع حاصل اولدقده • جناب والانصابكزه لايق
ولازم اولان اولدركه • عتبه عليه پادشاهيه ارسالي لازم ايلچيلركزي
حضور همايونه لايق پيشكش وهدايا ايله محبت نامه لريكز ايله اول ارسال
وآستانه سعادته ايصال ايدوب • فيما بعد دخي سعادتلو پادشاه اسلام
دام مظفرا الى يوم القيام • حضرتلرينك طرف همايونلرينه عرض خلوص
وموالات • وقديمي محبت تاكيد وزياده اولنجق حالات • تا ايسه آني
تحصيله سعي ايليه سزكه ايلچيكز كلدكده اكه كوره سلف سعادتمندك عهد
نامه همايون يازيلوب • واهل وقوف ومعتمد عليه كمسنه لر كوندريلوب
سنور احوالي دخي بر طرف اولنه • وبو صلح وصلاح دائما مرعي طوتلوب ايكي
جانبك رعايا وبراياسي آسوده حال ومرفه البال اولمغله پادشاهك الى
يوم القيام دوام عمر ودولتلرينه اشتغال كوستره لر • مومي اليهما ايلچيلركز
يوزلري آق اولسون تمام مرتبه كاردان • وصاحب عقل واذعان اولمغين ايله
شرايط رسالتي كما ينبغي ادا ايتدكدنصكره صلح وصلاح اثرينك حصولنه كلي
اهتمام ايتمشلردر • حذاقتلرندن ايش ارلري واشه يرارلو امور معظمه ده
على الدوام استخدام • اولنمغه قابل اولدقلري معلوم اولمشدر •

بو دخي قزل النه نامه همايوندركه قزاق فرقه سنك طغيانندن متعلق احوال خصوصنده در

خاطر دقيقه شناسكزه مستور اولميه كه • مقدما سلف سنيه سعادتمندانمز
ايلچيلك طريقيله ارسال ايلدوككز فوزد بخيق نام آدمكزدن وارد اولان
نامه كزك مفهوم منيفي • وذكر اولان ايلچيكزك تقريري آباء كرام واجداد
عظام نامدارانمز انار الله براهينهم زمان سعادت اقترانلرندن الى الآن منعقد
اولان صلح وصلاح شرايطي طرف همايونمزده كما كان رعايت ونتيجه بجهت
سرحد منصوره مزحاكملرينه ونا تار عسكرينه تنبيه وتاكيد اولنسه كه هر برى
صلحه مغاير وضع وحركت ايتمكله بزم طرفمزدن دخي دوستلق وقونشيلق

لوازمی صیانت اولنوب • بر وجهله عهده مخالف کندو جانبمزدن و حاکملریمزدن
و عسکریمزدن و قزاق طایفه سندن بر فرده اولعوله وضع و حرکته جرأت
و جسارته اذن و رخصت ویرلمیوب • بو اسلوب مرغوب اوزره عهد و امان
جانبینه کوزه دلمك خصوصنی التماس ایلدوککز • معلوم همایونمز اولدقده
الچیکزی خوش طوتوب • اولبابده جانب شریفمزدن مراد و مقصودکز اوزره
محبت نامهٔ سعادت عنوان و عز تحریر اولنوب • درکاه عزت دستگاهمز چاوشلرندن
وزیر مزبورم نك ایکد ارلرندن قدوة الاماثل والاقران فلان زید قدره ایله ٥٢٦
یومی الیه الچیکزه مرافعة ارسال اولنلد قدنصکره • اوزی بکلربکیسنه
واقکرمان و بندر و سلستره و نیکبولی سنجاق بکلرینه و بوجاق تاتارینه
و افلق بکلرینه و قریم جانبنه اوامر شریفه کوندریلوب • من بعد بر فرد ایله
قزاق دوستمزك ولایتنه صلحه مغایر حرکت سببی ایله ذره قدر ضرر و زیان
ایلمیه لر دیو محکم تنبیه و تاکید اولنلد و غندن غیری • سزك اشبو سنه
ایله اوچ سنه دن برو سفر ایچون جنك و جدالکز مقرر اولمغله • اکر حضرتکز
و اکر اوغلوکز ایچون سنه بنفسه کندو سفره اولمغله سزکله اولان دوستلغمز
بنا • ذکر اولنان سرحدلریمز حاکملرینه و تاتار طایفه سنه الی الآن متعدد
احکام همایونمز کوندریلوب • عهد و امانه مخالف • له ولایتنه کسنه ضرر ایلکدن
احتراز و اجتناب ایلیه لر • فرمان همایونمزه مخالف ایش ایدنلرك حقلرندن
کلنه دیو تأکید اولنمقدن خالی اولمیوب • بو طریقله عهد و امان مقتضاسنجه
دوستلغه رعایت ایدوب • جانب همایونمزدن صلح و صلاحه مغایر حرکت
اولنمامشکن • و سزك بو جانبه کوندردوککز عهدنامه و سایر مکتوبلریکزده
قزاق طایفه سی ضبط اولنمق • و ضرر و کزند ایتمیه جکلری مسطور و مقید
اولمغین • عهدیکزه و قول و قراریکزه اعتماد ا • اوزی جانبنه قره دن عسکر
و دکزدن دونانمای همایونمز کوندرلمك فراغت اولنمشیکن • قره دکزده اناطولی
و روم ایلی یقالرندن فرار و جیلر کلوب • قزاق اشقیاسی زیاده شقیه لریله
دریایه چیقوب • نیجه قصبات و قرای غارت و خسارت ایتدکلرین • اعلام
ایتملریله آدملر کوندریلوب • ایچلرندن ولا آنوب • سؤال اولندقده قره دکزه
چیقدقلری کندو رایلریله اولمیوب • و شاهین کرای امداده دخی لهدن طرفندن
برنجه بیك قزاق کوندرلدی دیو جواب ویرمه لریله طونانمای همایون آق دکزه
ارسال اولنمقدن فراغت اولنوب • دفع ضرریچون دستور مکرم مشیر
مفخم نظام العالم قپودانمز حسن پاشا ادام الله اجلاله • قره دکزه کوندرلدکده
سکزه ذکر اولنان دیلك خبری صحیح میدر دیو حقیقت حاله واقف اولمغچون

قره دن و دریادن اوزی و کفه جانبنه اولاقلر کوندرلمشیدی • حالا النده
شاهین کرایك امدادینه له ولایتندن خیلی قزاق عسکری کلمشدر • و اوزی
قلعه لرینه دخی قزاق کیروب ضبط ایدوب • و کوندن کونه دخی زیاده اولمق
اوزره لردر دیو سرحد منصوره مزك حاکملری عرضلری ایله صحیح خبرلر کوندردکلری
اجلدن • قره دن دخی وزرای عظاممزدن دستور مکرم مشیر مفخم نظام العالم
وزیرمز کنعان پاشا ادام الله اجلاله • اوندرت سنجاق بکی عسکری و جمله
افلق و بغدان و سایر عساکر منصورمز ایله اوزی قلعه سنه ارسال اولنوب
نامهٔ همایونمز ایله فلان زید قدره سزه بولشوب • بو خصوصك اصلنی و حقیقتنی
و بو وضعك صدورینه باعث نه ایدوکنی خبر آلنوب • سزك سعادتمزده
کلنجه دك دریادن و قره دن ارسال اولنان عسکرمزدن بر فرد دولتکز
ضرر و کزند ایتمیه لر دیو تنبیه اولنمشدر • واقع حال بو منوال اوزره اولوب
بو خصوصك اصلی معلوممز اولمغچون و صداقت و استقامتله دوستلق و صلح
و صلاحی • و جنك و کفاحی • مرادیکز نه ایسه بیلمك ایچون اشبو نامهٔ همایونمز
استعجال اوزره جانبکزه ارسال اولنمشدر • وصولنده کرکدر که جبلتکزده مرکوز
اولان وفور صداقت • و فرط رشد و نجابت مقتضاسنجه بو بابده عاقلانه
و حکیمانه حرکت ایدوب • بو خصوصك عاقبتنی دیدهٔ اعتبار ایله کوزدوب
لایق ایله عمل ایلیه سز • الحمد لله تعالی آفتاب عالمتاب اقبالمز افق جلادتدن
و جدو دندن طلوع ایدوب • نصف نهار شوکت و اجلاله قرار
و مفارق کافهٔ اعالی و ادانی یه سایه کستر اولوب • استفاضهٔ انوار ایلینه
الی الآن ابواب لطف و قهرمز دوست و دشمنه کشاده • و اسباب بر و احسان
عامهٔ عالمه حاضر و آماده اولوب • دوستلق ایدنلرك ایلك یوزندن
٥٢٧ ٤٤٢ معامله • و دشمنلك طریقن کوزه دنلر ایله لسان سیوف فاتحهٔ ملوکانه
غزاة ایله مکالمه داب و عادت پادشاهانه مز اولدوغی معلوم عالمیان
و شاهدهٔ دوستان و دشمنان اولمشدر • امدی بزمله مقدما منعقد
اولان عهد و نهد صلح و صلاح و دوستلق و توکشلق طرفمزدن محافظت
رعایت اولنوب • سزك صلحه مغایر حرکت ایتمکدن مرادیکز نه ایسه
بو بابده برآن تاخیره جواز کوسترمیوب • طرفکزدن برار و مستقیم
بللو باشلو آدملر تعیین ایدوب • کوندرمه سزکه ذکر اولنان قزاقلری
ضابطلری و حطمانلری ایله شاهین کرایك یانندن کلیت ایله بریکنو
باشلی کرك ایسه قزاقدن بر فرد مذکورك یاننده قالمیوب جمله سی
سوروب ولایتلرینه کوتوره لر • و قره دکزه چقانلری دخی ولایتلرینه

کوتوروب خلاف عهد وشرط بو مقوله ایش ایدنلری طوتوب محکم
حقلریندن کله لر. تاکه عهد وشرط بو طریقله جانبکزدن رعایت
اولنمش اوله. دوستلق بو یوزدن اجرا اولنه. وبزم طرفمزدن دخی
الی الآن محبت ومودت لوازمات سوریلوب. جانب همایونمزدن ولایتکزه
دخل وتعرض اولنموب. عهدنامهٔ شریفمزه مغایر ایش ایدیلمیه
واکر بو شرطلر طرفکزدن اجرا اولنمزسه. بزم جانبمزدن دخی عسکر
منصوریمزه وسرحدیمز حاکملرینه اجازت ویرلمک اقتضا ایدر. بو بابده
جمله یرلری وکوکلری خلق ایدن پروردکار حضرتلرینی وملکلرینی
اشهاد ایدرزکه نقض عهد بزدن صادر اولمیوب. سزدن اولمشدر
صنکره هرنه صادر اولورسه. بزدن بلمیه سز. وبزم دوستلغمزی اولوند
اولمزسنه بیله دکشمیه سز. الی الآن بو طرفدن عهده مغایر بر حالت
صادر اولدوغنه رضای همایونم اولمامشدر. ودوستلق رعایتنده جمله بر وجه
قصور قونلمامشدر. بو بابده واقع اولان کلام صداقت انجاممز حقیقت
ملاحظه ایدوب. الکوره مشار الیه زید قدره فی حقیقت حال
وصدق مقال ایله بر وجه استعجال سدهٔ سعادتمزه ارسال ایلیه سز

بو دخی له قرالنه قزاق احوالی ایچون یازیلان نامهٔ همایوندر

مرجع سلاطین زمان. وملجأ خواقین دوران اولان. آستانهٔ فایض
الاحسان. ودودمان خلافت بنیانمزه تجدید مراسم معاهده وموالات
وتمهید لوازم مصالحه ومصافات ایچون. کوندریلن معتمد ومعتبر
آدملریکزدن قدوة اعیان الملة المسیحیه. فلان زیدت طاعته. بریدن
نامهٔ محبت شمامکز وارد وواصل اولوب. ترجمه وتلخیص اولنوب مضمون
صداقت مشحونی. آباء کرام واجداد عظامم انار الله براهینهم زماننده
سعادت اقترانلرندن برو آستانهٔ دولت آشیانمزه اولان محبت وخلوصکزده
ثابت قدم. ومشاهرهٔ الفت واختصاصکزده راسخ دم اولوب. مابینده
برکشیده اولان دوستلق وتوکشیلک اولکیدن زیاده رعایت اولنمزسی
وتاتار طرفندن مملکت وولایتکزه آقین اولمغیله ضرر وزیاندن خالی
دکلدر دیو. جناب امارت مآب قریم خانی محمد کرای خان طرفنه تنبیه
همایونمز صدور بولمسی اعلام اولنوب. وسایر محبت واخلاص
واحوال صلح وصلاحه متعلق هرنه تحریر اولنمش ایسه. وذوی الصایب رای
ووکلای ممالک آرای. واسطه سیله تفسیر وتحریر. پایهٔ سریر سعادتمزده
عرض وتقریر اولندقده. بالذات وغیرکز احوال وتوجهی ایله ایلچیکز کوندردیکز

اعلام

اعلام ایلدوکی خصوصات جمله سی مفهوم ومعلوم طبع صفا مقرونمز
اولمشدر. بو بابده صدور بولان حسن معامله وموالاتکز وسدهٔ سنیه مزه
شاملمزه اظهار اولنان مصافاتکز. صحیفهٔ خاطر فیض مآثرمزده مشکور
ومسطور اولوب. انظار عنایات علیه مزه مظهر اولمش سزدر. امدی ارباب
انتباهه خفی دکلدرکه قدیم الایامدن الی هذا الآن. خاندان عالیشان ودودمان
سعادت اقترانمزه صداقت واستقامت اوزره عرض محبت ومودت ایدوب
شرایط صلح وصلاحی رعایت ایدنلر. اکر سز واکر اسلافکز اولان لرقرالدیده
واکر غیریلردر طوغریلقلرندن ودوستلقلرندن بر وجهله ضرر وزیان
کورمیوب. دائما واصل حضور وراحت. وولایت ومملکتلری داخل امن
ورفاهیت اولوب. آبا واجداد عالی نژادمزدن. وجناب خلافت نصابمزدن
حسن توجهلری برکاتیله ایلوکدن غیری نسنه مشاهده ایتمشلردر
امدی سزدخی مقدما وحالا کوندریلن نامه لریکزده شرح وبیان اولندوغی
اوزره اسلافکز کندوکی مشاهده کیدوب. صدق درون ایله دوستلغه
یاپشلوب. آباء کرام وبنم زمان شریفمزده ویریلن عهدنامه لرک شروط
وقیودین رعایت ایدنجه. وقزاق اشقیاسنی ضبط ایدوب قرم دکزینه شقیه
چقارتمدقجه. جانب همایونمزدن دخی خلاف عهد ومیثاق بر وضع
صدور بولمق احتمالی ممکن دکلدر. بو دفعه بوجاق تاتارینک بعض
اشقیاسی رضای همایونمزه مغایر. ایچ وولایتکزه آقین ایلدکلرینه
اوزی بکلربکیسی اولان محمد پاشانک ودفعنده اهمال ایدوب نوعا مسامحه
اولدوغی مسموع همایونمز اولدقده. موما الیه محمد پاشا اشد عتاب ایله
عزل اولنوب. ایالت مزبوره امکدار واختیار. وصلح وصلاح احوالنده خبیر
اولان امیر الامراء الکرام ابراهیم دام اقباله یه عنایت اولنوب. شرایط
صلح وصلاحی کما ینبغی رعایت واول سرحدلرک احوالنی کرکی کبی ضبط وحمایت
ایدوب صلح وعهده مخالف بر ایش ایتدرمیه سز دیو. امر همایونمزله محکم
تنبیه وتاکید اولنمشدر. وجناب امارت مآب قریم خانی دامت معالیه
طرفنه عادت قدیمه اوزره اولان ویرکوکز ادا اولندقدنصکره لرحدوده
آقین ایتمیوب. شرایط معاهده یی رعایت ایتمیچون خان مشار الیهه انواع
تاکید اوزره نامهٔ همایونمز کوندریلمشدر. صلح وصلاحک رعایتی خصوصنده
جانب شریفمزدن تقید واهتمام اولنوب. بر وجهله قصور قونلمامشدر
سزه دخی لازم اولان بودرکه عهدنامهٔ همایونمز موجبجه لایق اولدوغی
وجه اوزره سعی واقدام وحسن اهتمام ایلیه سز. وارد اولان نامه کزمفادی

ایلچی نامهٔ همایونمز سلک تحریره کتوریلوب جادهٔ اخلاص صدقده ثابت قدم
وشاهراه صداقتده راسخ دم اولدقلری ایچون جنابکزه کوندرلمشدر کرکدر
وصولنده قدیم الایام مدن الی هذا الان آستان عدالت عنوانمزه اولان محبت
واخلاصکز مقتضاسنجه من بعد شرایط صلح وصلاح کما ینبغی رعایت
وقواعد امن وامان حمایت وصیانت اولنوب سعی واهتمام اولنه وولایتکز
ولایتلرمزه قزاق اشقیاسنی محکم ضبط ایدوب ودریا برشیقه چقارمیوب
وخان شادابهه معتاد اولان ویرکوکزی ارسال ایلیه سز انلر دخی
بر وجهله بهانه وعلت بولمیوب تاتاری محکم ضبط ایتمکله ایکی جانب
ارا سنده شروط ومعهود اولان اساس صلح وامان استحکام بولوب
الی یوم القرار مؤبد وپاینده اولوب بر وجهله خلل پذیر اولمیه وسرحدلریکز
امراسنه وبنادر ومعابرده اولان ضابطلریکزه تنبیه وتاکید ایدهسز
که سرحدیمزده اولان اوزی بکلربکیسی ایله واو طرفده اولان سایر حکامز
ایله ما تقدمدن اولدیغی کبی اوزره محبت وصداقت ود وسلوک ایدوب کشیلری
رعایاسنه قصور ایتمیوب مادهٔ نزاع وجدال اولاجق خصوصلردن اجتناب
واحتراز ایدهلر همیشه اسباب مصافات وموالات آماده اولوب
کوره بکون ازدیاد التفاته باعث وضع وحالت اظهارندن وحسن معامله
اشعارندن خالی اولمامکز مأمولدر مومی الیه ایلچیکز مأمور اولدوغی
خدمتنی حسن ادب ایله ادا ایدوب تقبیل بساط عزت انبساطمز شرفنه
واصل وحقنده عنایت علیهمز شامل اولدقدنصکره اذن همایونمز مقارنتیله
ایله طرفکزه عودت ایتدوریلوب باقی احوال مومی الیهک تقریرینه
حواله اولنمشدر ابواب مکاتبات کشاده قلنه

له قرالنه سلطان ابراهیم خان جلوسنده یازیلن عهدنامه در

حضرت رب العزت جلت قدرته وعلت کلمته نلک عنایت بی غایتی ومهر
سپهر نبوت واختر برج رسالت پیشوای زمرهٔ انبیا مقتدای فرقهٔ
اصفیا ایکی جهان فخری محمد المصطفی صلی الله علیه وسلم حضرتلرینک
معجزات کثیر البرکاتی وچهار یار کزین رضوان الله علیهم اجمعین واولیای
کرام واتقیای ذوی الاحترامک ارواح مقدسهلری معاونتی ایله
طغرا محل
بن که سلطان سلاطین زمان وبرهان خواقین دوران تاجبخش خسروان
جهان ظل الله الملک المنان خادم الحرمین الشریفین ثانی اسکندر ذو القرنین
اشرف مداین وامصار اقدس ممالک واقطار مکه مکرمه ومدینهٔ منوره
وقدس شریف وبصره ولحسه وقطیف ومصر یمن وضنعا وعدن وحبشه
وبسواس وشام دار السلام وحلب وطرابلس شام ونهاوند وبلنکان
وموصل ودیاربکر وروان ونخجوان وروان وقره باغ وممالک شروان وارزروم
وکرجستان وکردستان ولورستان واناطولی وقرمان وبغداد وبلاد
ودمورقپو ودشت قپچاق اقلیملرینک وآق دکز وقره دکز ودریای قلزم
ودیار عرب وعجم واقلیم ترک ودیلمک وبغداد وشهرزول وحرم الملوک
محمیهٔ استنبول ودار الجهاد والحرب جزایر مغرب وطرابلس غرب وتونس
وجزیرهٔ قبرس وعموما ممالک روم ایلی وطمشوار وبوسنه وبودون
وکفه وطربزون ودخی بونلرک امثالی نیجه ممالک معموره وساکنان محصوره نک
وقلاع فلک ارتفاع وبقاع کثیر الانتفاعک پادشاهی وشهریاری
ونیجه خواقین صاحب تمکینک فرمانفرمای شهر ودیاری سلطان ابراهیم خان
ابن سلطان احمد خان ابن سلطان محمد خان ابن سلطان مراد خان ابن
سلطان سلیم خان ابن سلطان سلیمان خانم قدیم الایام مدن له قرالی اولنلر
مرجع قیاصرهٔ دوران وملجأ اکاسرهٔ زمان اولان سدهٔ سنیهٔ سعادت
مکان وعتبهٔ علیهٔ دولت عنوانمزه صداقت واخلاص واستقامت واختصاصله
عرض انتساب ایدهکلوب حالا عنایت حضرت باری ایله قبضهٔ قدرت
ملوکانهمزه عنان جهانداری مسلم ومقرر وید مؤید خسروانهمزه زمام
کشورکشایی وجهانداری مفوض ومسخر اولمغله سریر سعادت مصیر خاقانی
جلوس همایون میمنت مقرونمزله دبدبهٔ کوس جلادتی ولوله انداز عرصهٔ
کون ومکان وصیت وصدای شوکت واقبالمز غلغله انکیز سامعهٔ عالمیان
اولوب خواصه وعوامه افاضهٔ بر واحسان مبذول ومصروف وکافهٔ
احباب ودوستانه الطاف فراوانمز بیدریغ ومعطوف اولمغین بالفعل له
قرالی ولوقه وروسیه وپوروسه ومازوته ولیونیه نک دوقهسی
واسوجسه ولونیتک وارثی اولان افتخار الامراء العظام العیسویه مختار
الکبراء الفخام فی الملة المسیحیه مصلح مصالح جماهیر الطایفة النصرانیه
ساحب اذیال الحشمة والوقار صاحب دلایل المجد والافتخار ولادیسلاو
ختمت عواقبه بالخیر تجدید لباس عهد ومیثاق قدیم وتاکید اساس
صلح ووفاق مستدیم ایچون معتبر وکزیده بکلرندن قدوة الامراء المسیحیه
الیجلک ایله کوندروب جلوس همایونمزک تهنیه سی لوازمن تقدیم ودوستلق
وصداقت شرایطن تتمیم ایلدوکندنصکره مقدما صدر نشین مسند عظمت
وصاحب تمکین متکای صاحبقرانی اولان جنت مکان وفردوس آشیان
مرحوم ومغفور قرنداشم غازی سلطان مراد خان طاب ثراه حضرتلری

طرفندن ویریلن عهدنامهٔ همایونی محاکونده روب • کماکان صلح وصلاح
طرفین معزز قلنمه سنی استدعا • واول عهدنامه مضمونی اوزره مجددا
جانب سلطنت علیه مزدن عهدنامهٔ همایونمز احسان اولنمه سنی رجا ایلکین
مزید مراحم علیهٔ شاهانه • ومزیت مکارم سنیهٔ پادشاهانه مزدن رجا
والتماسی حضور مستوجب الحبور همایونمزده حسن قبوله قرین اولوب • رعایا
فقراسنک امن وراحتی ایچون • اولو پیغمبرمز ایکی جهان فخری حضرت محمد المصطفی
صلی الله علیه وسلمک هجرتی تاریخنک بیک اللی سنه سنده واقع ماه محرم
اواسطی که حضرت عیسی علی نبینا وعلیه السلام تولدی بیک التیوز قرق تاریخنده
ذکر اولنان جوق عهود وشروط معتبره • باذن الله تعالی رعایت اولنمق اوزره
بو عهدنامهٔ همایون سعادتمقرونی ویردم وبیوردمکه • مادامکه له قرالی
طرفندن وبکلرندن وقپودانلرندن وقزاق اشقیاسندن وتوابعندن
وسایر اهل فسادلرندن • ممالک محروسه م سرحدلرنده اولان قلعه لرمه
وواروشلرمه وسایر ممالک محمیه مه تابع اولان قصبات وقری واراضیمه
بوجه من الوجوه دخل وتعرض اولنمیه • وقره دکزده قزاق نامی اولیوب وقزاق
اشقیاسندن بر ضرر اولورسه • موسقو قزاغی الچیلرندن دیو بها اولنمیه
ومسقو قزاغیله له قرالی بربرینه بولاشق اولمیه • ویاردم ایتمکه اجازت
ویرلیوب • ضبط اولنوب ممنوع اولنملرکه • حقلرندن کلنه • له قرالنک
دخی مملکتنه وقلعه لرینه وواروشلرینه وسایر قصبات وقراسنه طرف
همایونمدن • ووزرای عظام • ومیرمیران • وامرای کرام • وعساکر ظفرانجام
وبغدانلو ودوبرجه واقکرمان وبندر واوزی‌ده اولان تاتاردن
وغیریدن ضرر اولنیوب • سنجق وطوغلرو سایر یکچلری اول طرفلرک
حاکملری جابجا بندن محافظه ایده دیله • اکر محافظه ایلمکده اهمال وتهاون
ایدرلرسه عزل اولنوب جزالری ویریله • وجناب امارت مآب قریم خانی
طرفلرینه • له قرالی جانبندن ارسالی معتاد اولان ویرکولرین • سال بسال
وقتیله ارسال ایدوب • خانک آدملرینه ما تقدمدن نه علوفه ویره کلمش
ایسه کیرو اول محلده تسلیم وایصال اولندقدنصکره • قریم خانندن
قانون قدیم اوزره عهده سنه لازم کلان دوستلق ومحبت شرطلرینی
رعایت ایدوب • من بعد خان طرفندن وقالغای سلطان وغیری
میرزالردن له مملکتنه بروجهله ضرر وزیان ایرشدرلمیه • وقزاق اشقیاسی
اوزرینه دشمن سنولی اولوب • موما الیه طرفندن آدم واروب معاونت
وامداد طلب ایلدکده • جانب همایونمدن فرمان شریفم اولدقده خان دخی

تاتار

تاتار عسکریله امداد واعانت ایلیه • وجانب همایونمدن بر طرفه سفر
واقع اولوب خان تاتار ایله ویاخود قالغای سلطان • ویا میرزالریله تاتار
عسکری وارمق لازم کلورسه له مملکتنک ایچندن اوغرامیوب • قدیمدن نه
محلدن نجه کلمشلر ایسه اول محلدن نجه لر • وتاتار طایفه سی بغدان مملکتنده
ساکن اولمیه • وبو عهدنامهٔ همایونمدنصکره له قرالی مملکتنه تاتاردن
ویا بغدانلو وغیریدن کیدنه واروب غارت ویا اسیر اخراج ایدرسه
قرال طرفندن اعلام اولندقده اول قوللرکه بو عهدنامه تاریخندنصکره
اخراج اولنمش اوله ممالک محروسه مده فروخت اولنمیه کذلک قزاق اشقیاسندن
دخی وجه مشروح اوزره ممالک محروسه مه کلوب غارت ایدنلری له
قرالی بولدروب حقلرندن کلوب اسیرلری واسبابلری کیرو ویره رد
ایتدروب • بو طرفه متعلق اولنلردن من بعد له مملکتنده اسیر صاتیلمیه
وکفره قراللردن وغیریدن برینک اوزرینه سفر همایونم واقع اولسه
بالذات جناب جلالتمآبم وارمغه اقتضا ایتدکده • ویاخود بر سردار تعیین
اولنوب عساکر نصرت مآثرمله • واردل وبغدان وافلاق وبوده لریله •
اول دیارلر اوزرینه توجه اولندقده • دشمنم طرفندن کیدوب مخبر واروب
معاونت ومظاهرت طلب ایتدکلرنده • آستانهٔ سعادتمه اولان صداقت
واستقامتی اظهار ایچون • له قرالی طرفندن خزینه وعسکر ایله دشمنمه یاردم
ایتمیه • ودشمنم طرفندن برکمسنه له مملکتنه واروب • علوفه ایله عسکر جمع
ایتمک استرسه منع ایدوب رخصت ویرمیه • وکندیلرک هر سنک قپودانلرندن
وغیریدن بعضیلری اختیاریله دشمنمه یاردم ایچون کیتمک مراد ایلدکلرنده
صالیویرمیوب • کیزلو وآشکاره اجازت ویرلمیه • واردل حاکملریله وبو
جانبه صداقت اظهار ایدن غیری مجار قراللریله مصافات اوزره اولوب
اردل جانبندن دخی دشمن ظهور ایدرسه • له جانبندن دشمن طرفنه کیزلو
واشکاره امداد اولنمیه • واردل وبغدان وافلاق وبوده لرندن وبکلرندن
وغیرلرندن بعضیلری قباحت ایدوب • له مملکتنه فرار ایدرسه • اولمقوله لر
قبول اولنمیوب • طوتوب قید وبند ایله آستانهٔ سعادتمه کوندریله • بووجهله
دوستمه دوست ودشمنمه دشمن اوله • ومابینده دوستلق زیاده اولمغچون
له توابعی ورعایاسی طورلرندن افکرمان اسکله سنه متاع کتوروب
بیع وشرا ایتدکلری التماس اولنمغله اولمقوله ممالک محروسه مه ضرر وزیان
اولیوب • کلوب کیدوب التزام تجارت ایله کلنلره کمسنه مانع اولمیه • وله قرالی
سنی سعادتمه دوستلقده ثابت قدم اولدقجه بغداد وبوده لرینک دخی

لر قوايله به وجمله مصافات اوزره اولنكلر ايسه كيرو اولطرفه نقله
معامله ايدهلر ٭ ومقدما فارشقلق ايامنده طرفيندن اسير اولنلر كفره
اوزرينه طوروب ٭ اسلامه كلمش اوله لر طرفندن آدم كلوب ٭ اولمقوله كرك
ممالك محروسه مدن بولونوب ٭ صاحبلري نيچه يه آلدقلرينه يمين ايدوب
زياده بها طلب ايتميوب ٭ معلوم اولدقدنصكره بهاسني ويروب ٭ كندو
مملكتلرينه كيتمكه كمسنه مانع اولميه ٭ اولا اسيرلردن اسلامه كلمش بولنانلره
تعرض اولنميوب ٭ كندو حالي اوزرينه ابقا اولنه ٭ وعهدنامه تاريخندن
صكره ايكي طرفدن هركيم طوتلمش ايسه ٭ بهاسز صالويريله ٭ وايكي جانبك
ايلچيلري وآدملري ورهكاغدينه محتاج اولميوب ٭ واروب كلوب كندولرينك
وماللرينه ضرر وزيان ايرشميه ٭ وطرفينك بازركانلري ذكر اولنان قرهدن
واسكلهلري اسكلهلردن كلوب كيدوب ٭ بيع وشرا ايده ٭ وبولاد قمتيرلرده
عادت وقانون اوزره رسوم كمركلرينه ايسه النوب ٭ كمسنه ماللرينه ونفسلرينه
ضرر ايليه ٭ اكر ايله قرالي مملكتلك بازركانلريندن ممالك محروسه مدن مرتد
اولورلر ايسه ٭ ماللري طرفه ويريدن الميوب ٭ كاربانك باشلرينه تسليم
اولنه كه وارثلرينه كوندرهلر ٭ وبو طرفك بازركانلريندن مملكتلرنده
وفات ايدنلرك ماللرينه اوته جانبدن مداخله اولنميوب ٭ بوطرفده
وارثلرينه كوندريله ٭ وايكي طرفه متعلق بازركانلردن وغيريدن بركمسنه
بركمسنهدن دين وقرض خصوصنده وياخود بيع وشرا وساير دعوالرده حق
طلب ايتدكده ٭ كرك بوطرفك وكرك اول جانبك حاكملري حضورنده مرافعه
اولنوب حق اوزره تفتيش اولندقدنصكره ثابت اولان حقوقي ديوانك
هرنه ايسه اليويرلوب مخالفت ايتديرلميه ٭ اما بورجي وكناهي يوغيكن
ضرر ماله كفالت ثابت اولمدين اخرك بورجي وحقي ايچون بروجهله وبلاسبب
كمسنه رنجيده اولنميه ٭ اولمقوله لرك اللرنده اولان تمسكلرينه وحجتلرينه
وياخود سجلنه نظر اولنوب موجبنجه عمل اولنه ٭ مجرد شاهد دوزنلك ايله
تلبيس وحيله ايله اصلا ايكي جانبك حاكملري عمل ايلميه ٭ وخرسوز وحرامي
كمسنهلرك مالنه وجاننه ضرر ايرشدورسه ٭ حاكملر اولمقوله برامري
بولدوروب ٭ حقلريندن كلنه ٭ واثنا اسبابي بعدالثبوت صاحبلرينه
تسليم ايدهلر ٭ وبو دوستلق ايچنده كلادن ايلچيلري وساير آدملري
منع اولنميوب ٭ ايمن وسالم واروب كلهلر ٭ وسرحدلرده كلانلري كلنلرينه بالذات
آدملر قوشلوب ٭ اوته جانبدن دخي بو منوال اوزره عمل اولنه ٭ وسلستره
واقكرمان سرحدلرينك حاكملري واسكله اميلري وباجدارلري سنه ساعتيه

قوللرندن وايكي جانبك تاجرلرندن عربنجي طورلدصونيندن له ولايتنه
صالويرميهلر ٭ وايكي طرفدن دخي كلوب كيدن كمسنه لرك يانلرنده اسير
بولنورسه اللرندن النوب كيرويه دوندرلميه ٭ وچوبان طايفهسي له
ولايتنه ايچدكلرنده مملكت حاكملرينه كندولرين وقيونلرين بلدوره لر
كيزلو وارميهلر ٭ واوتلاق حقني ويرهلر ٭ بلدوروب وارد قدنصكره قيونلري
ضايع اولورسه ٭ مملكت حاكملري بولدويرهلر ٭ وكلوب كيدن كمسنه لرك
باركيرني اولاق طوتميه ٭ وموسقو اوزرنده بچكجي وغيريلري آتلرين
الميهلر ٭ وايكي جانبك تاجرلري بوآنه دكين ويره كلدكلري ويركولريني
ويره كلسونلر هرنه مقدار ايسه ادا ايتدكلرندنصكره بروجهله زياده
نسنه طلب اولنميه ٭ وقرالك الي آلتنده اولان ابرشنجي وساير كفره
بازركانلري بغدان ولايتنه وساير ممالك محروسه مه كلوب تجارت
ايتمك استدكلرنده ٭ بياباندن وفورقولي يوله كيتميوب ٭ قديمدن بازركانلر
مرور ايلدكلري طريقدن كلهلر ٭ انلك كبي لرك مال وجاننه ضرر كلورسه
اهل فسادك حقندن كلنه ٭ وكلوب كيدن بازركانلردن قانون
قديم اوزره كمرك النه قدنصكره استنبولده وبروسه وادرنه ده قضا تينه
ديوانچه طلب اولنميه ٭ وكتوردكلري صحيح العيار غروشدن كمرك طلب
اولنميه ٭ مادامكه له قرالي طرفندن وقپودانلرندن وبكلرندن وغيريدن
موجب اختلال عهد وپيمان ٭ وباعث اخلال شرط وايمان ٭ صلح وصلاحه
مغاير حركت اولنميوب ٭ دوستلق وبارشقلق حقوقني رعايت ٭ ومادهٔ
فتنه وفساد اولان قزاقلر اشقياسني ضبطده كما هو حقه دقت ايده
سعد مامرحوم ومشار اليه قرنداشم طرفندن وبريدن عهدنامه ده
تسطير اولنديغي اوزره ٭ بندخي يمين ايدرمكه ٭ يرلري وكوكلري
يوقدن وار ايدن پرورده كار جل ذكره حقيچون ٭ واولو پيغمبرمز ايكي جهانك
كونشي محمد مصطفي صلي الله عليه وسلم حرمتيچون ٭ بو معاهده اولنان
مادهلردن جزئي وكلي بر خصوصده تخلف وتجاوز اولنميوب ٭ مدت
بقاي دولت روزافزون ٭ وزمان ثبات سلطنت ابد مقرون مزدهٔ
بو صلح وصلاح مقرر وپايدار ٭ وبو عهد وامان ثابت وبرقرار اولوب
عموماً ولايتلريمزك رعاياسي ظل حمايتمده آسوده حال ومرفه البال
اولهلر تحريرا في اواخر محرم الحرام سنة ١٠٩٠ بودخي له قراله يازلمشدر
حق جل وعلانك علو عنايتي ٭ وحضرت فخر انبيا عليه الصلوة والسلامك
سمو حمايتي ايله ٭ ملاذ وملجا قياصرهٔ صاحب تمكين ٭ ومعاذ ومنجا

اکاسرهٔ روی زمین اولان سلاطین سنیهٔ سدهٔ مکین وعتبهٔ علیهٔ
سعادت قرینمزه قدوة اعیان الملة المسیحیة فلوت پدرندن نامهٔ مخالصت
مصحوبجز وارد اولمغین عادت قدیمهٔ شاهانه وقاعدهٔ مستمرهٔ
پادشاهانه‌مز اوزره وزرای عظام ذوی الاحترام ووکلای کرام بهر
احتشاممز طرفندن ترجمه وتلخیص اولنوب خلاصهٔ مفهوم صداقت
رسومی پایهٔ سریر اعلامزه عرض وانها اولندقده تفصیل احوال و حقیقت
مآل مصادقت منواله علی الوجه الکامل علم عالم شمول خسروانه‌مز
شامل اولمشدر که جناب امارت مآب قریم خانی بهادر کرای خان
مقدما ایلچیکزی بر از مدت اییقوب بعده صالیویردوکین
وطرفکزدن کندولره معتاد اوزره ویره کلدوککز ویرکونی طلب
ایچون حالا سزه کوندردوکی ایلچیسی ایله ارسال ایلدوکی نامه‌سنده
مبالغه ایله مال طلب ایدوب اویله‌ئ نه مخالف تکلیف مالا یطاق ٥٤٤ ٤٤٣
ایلدوکین ودائما ممالکنه وولایتنه تجاوز اوزره اولمغله منع اولنوب مابینده
منعقد اولان صلح وصلاحک شرطلری رعایت اولنمق لازم اولدوغن
بلدرمشسز آمدی مقدما جانب همایونمزدن ویریلان عهدنامهٔ شریفده
عنوانمزده تحریر وبیان وتفصیل وعیان اولنان وجه اوزره ممالکمه
سزک طرفکزدن صلح وصلاحه کرکی کبی رعایت اولنوب قزاق طایفه‌سی
محکم ضبط اولنه طرف سلطنت علیه‌مزدن دخی صلحه مغایر وضع
صدورینه رضای همایونمز اولمیوب حالیا مشار الیه خانه نامهٔ همایونمز
کوندریلوب تنبیه اولنمشدر که من بعد قدیمدن ویریله کلان ویرکوی
ادا ایدهکلرندن نفسکزه انلردن زیاده نسنه طلب ایتمیوب صلح وصلاحه
مغایر له ولایتنه تجاوز اولنمیه که رضای همایونمز اوزره سزکله دوستلق
ایله دیو تأکید اولنمشدر آمدی نامهٔ همایونمز وصول بولدقده که استان
مخلد الارکان ودودمان مشید البنیانمزه اولان کمال متابعت وخلوص
وفرط صداقت واختصاصکز موجبنجه مابینده منعقد اولان صلح
وصلاحک رعایت واستحکامی بابنده بذل مقدور وجد موفور ایلیوب
ما تقدمدن قریم خانلرینه له ولایتندن ویریله کلان هدیه و ویر
دوکوکز هر نه ایسه ونه مقدار اشیا ونقدیه ایسه اسلوب قدیم اوزره
بلا زیاده ولا نقصان وقتیله آدملرینه ادا وتسلیم ایلیوب وقزاق
طایفه‌سن محکم ضبط ایدوب ممالک محروسه‌مزدن بر محله ضرر
ایرشدرمیه سزکه بو جانبدن دخی مشار الیه زیاده طلبندن ولی

ولایتنه

ولایتنه تعرض وتجاوزدن منع اولنوب صلح وصلاحه رعایت
ایدهوریلکه همین همایونمز مصروف قلنمق مقرردر

له قرالی جانبندن قپودان حسن پاشایه کلمشدرکه نامهٔ سابقه جوابدر

سعادتلو پادشاه حضرتلرینه بزدن سلاملر وتحیتلر ودوستلقلر وتو
کشیلقلر عرض ایلیه سز بزه کوندردکلری محبت نامهٔ همایونلرینی
وسلاملرینی وتوکشیلقلرینی ودوستلقلرینی جان وکوکلدن قبول
ایلدک شمدیه دکین آل عثمان پادشاهیله خوش کچنوب شمدنصکره
دخی مرادمز خوش کچنمکدر دکاب همایونلرینه بو وجهله بیلدیره سز
دیو تنبیه ایلمش وسعادتلو پادشاه حضرتلری اولور اولمز کسنه‌نك
سوزینه دکلوب برمله اولان دوستلغی بوزوب رد ایلمیه‌لر
ونامهٔ همایونلرینه هر نه یازوب حرلشلر ایسه جوابنی یازوب
ارسال ایلدك وقانسولر بزدن دخی اغزدن خبر الورسن دیو سویلنمش
وبوندن ماعدا سعادتلو قائم مقام وزیر رجب پاشا حضرتلرینه
بزدن سلاملر وتحیتلر وتوکشلقلر ودوستلقلر عرض ایلیه سز
مشار الیه پاشا حضرتلرینه اعلام ایلیه سزکه سعادتلو پادشاه
عالمپناه حضرتلریله مابینده اولان صلحی ودوستلغی قوی طوتوب
رعایت ایلمك مرادمدر وسعادتلو پادشاه عالمپناه حضرتلرینك
حضور عالیلرینه اولور اولمز کسنه‌نك سوزیله برمله اولان دوستلغی
ومحبتی رد ایتدرمیه سز وغیری احوالی قانسولرمزدن خبر الورسز
دیو جواب ایلمش ومشار الیه له قرالینك بیوك قانسولوری
دیمشلرکه قائم مقام وزیر رجب پاشا حضرتلرینه سلاملر ودعالر
ومحبتلر وتوکشلقلر عرض ایدرسز دولتلو قرال کندو لسانیله
سویلدوکی جوابلری ایشتدك هر نه وجهله ایشتدك ایسه وزیر
رجب پاشا حضرتلرینه اولوجهله اعلام ایلیه سز وبزم دخی
مرادمز اولدرکه صلح وصلاح بر نه طوروب برقرار اوله بوکه
سعی ایدرز دولتلو پاشا دوستمز دخی بو خصوصده سعی ایدرلر
دیو امر لمش بزه وسزه دوشن اولدرکه ایکی طرفك دعاسی
حضور ایدجك حواله چالشه وزدیمش ومعلوممز اوله که
شاهین کرای‌نك ایلچیسی بزه کلوب یاردم استدی بر و برمدك ٥٤٤ ٤٤٠
ایلچیسنه زوالی بو قدر دولتلو قرالك قپوسی آچقدر امّا چوقلق
یورینه باقدق ایلچیسنه دخی یوز ویرمدك تنبیه ایلدك تکا اوزرنلر

بو خصوصه حقلرندن كلنور • یارده م دخی ویرمدك دیرا ویرمك رواد كلدر
كه اسكی دوستی یكی دوستدن اوتوری رد ایدرز • اول سببدن یاردم
ویرلمدی • دولتلو قرال بو وجهله اعلام ایلدك • وقزاق اشقیاسی
هر بر فساد ایلدیلرسه برزم اندن خبریمز یوقدر • خبرلرین الدیغمز
كبی امرلر و آدملر كوندروب تلف اولنورسونلر بو خصوصه حقلرندن
كلنور دیو محكم تنبیه ایلدك • وشاهین كرای قبول ایتمسونلر ویانه
وارمسونلر قنده كیدرلرسه كتسونلر دیو امر ایلدك • وسعادتلو
پادشاه حضرتلری نامه همایونلرنده شاهین كرای طوتوب آستانهٔ
سعادتمزه كوندره سز دیو بیورمشلر • اكر بزم طوپراغمزه كلمش
اولیدی باشن اوزره بزانی طوتوب الله ویرردك • اما بزده یوقدر
وقزاق ایچنده دخی دكلدر كیرو قریمه بفتیب بریرده در • بلكه شمدیه دك
قریمه وارمشدر دیو سویلمش • بر دخی جانبكه قزلباشه قاچمش
اوله دیو جواب ایلمش • واكر شمدی نصكره بزم طپراغمزه كلورسه باشی
اوستنه بر خال ایدرز • یاخود آستانهٔ سعادته خبر ویرورز
بزانك دوستلغن قبول ایتمدك ویاردم دخی ویرمدك • بزم جانبمزدن
صلحه رعایت واردر مادامكه اولجانبدن برنسنه ظهور ایتمیه
بو طرفدن دخی برنسنه صادر اولمزسه دیو جواب ایلمش •
وبندر احوالی خبر الدوغمز كبی امرلر و آدملر كوندروب فساد ایدنلری
بولوب حقلرندن كلهلر • وهرنه كه الكدیلرسه كیرو ویروب
رد ایلیه لر محكم تنبیه اولنمشدر دیو سویلمش •

له قرالنه نامه دركه سلطان سلیمان خان عجم مملكتندن آستانه یه عودت ایتدكلرنده كوندرلمشدر

قزلباش اوباشی خذلهم الله ودمرهم • الحادلری • ومراسم شرع مبیندن
انواع فسادلری • وبالجمله كفر وارتدادلری • اولدوغی صحایف روزكارده
مرقوم اولوب • ضلالت وخسرانلرینك • دفع ورفعی اهم مهمات
خسروانیدن اولدیغی اجلدن • سابقا عنان عزیمت شاهانهم
دیار شرقه منصرف اولوب • لشكر كواكب شمار ایله محمیهٔ حلبده
قشلیوب • اول بهار دنجنبه آثارده • جناب حق جل وعلا یه توكل
واعتماد • وشرف معجزات هدایت آیات سید كائنات صلی الله علیه
علیه وسلمه استناد ایلیوب • ارواح بزركوار جهار یار كباردن
استمداد ایله • دیار بكره وصول بولدقده ممالك محروسهٔ عجمده شاه

ضلالت

ضلالت بنیاد اولان مفسدك احوالنه اطلاع تحصیل اولنوب • رایات
ظفر آیاتله اوزرینه توجه همایونم اولدوغن استماع ایدیجك • جمله خانلرین
وسلطانلرین ولشكر بیشمار طایفه رهبرینی جمع ایدوب • اتفاق اوزره مصافه
ورزمه اقدام ایتمك مابینده اهتمامی اولدوغی • الناس دللردن معلوم اولغین
سعادت واقبال ایله توجه اوزرینه تحقق اولوب • نهال باغ شادمانی
سرو جویبار خسروانی فرزند ارجمند دولت شعار • مولود كامكار بزركوار
اوغلم سلیم خان طال بقاه • وسایر اركان دولت نشان وزیرلرم وبكلر
بكلرم ایله اكناف ارض روم ظلال رایات فرخنده رسوم ایله مستظل
اولدقده • عدوی بدخوی ولایت آذربایجان بلاد مشهوره سندن اولان
نخجوان شهرینی تخت ایدینوب • اول سمتده اولادن شوره كل وشرابخانه وسعید
آباد نام ممالك معموره سنه سعادتله دخول ایتدوكمزده • منبع رفض
والحاد • ومظهر شر وفساد اولان • روان نام شهری • وسایر بلاد وقرا
وجبال واراضیسنی لشكر ظفر پیكرم نار سوزان ایله احراق ایدوب
توابع ومزروعه سندن الله كوربیلن • روافض لعین • طعمهٔ شمشیر وارواح
اسیر قلنوب • اول جوانب طولا وعرضا پایمال لشكر عدوشكار واقع اولدقده ٤٤١
طنطنهٔ لشكر ظفر رهبرم آفاقه غلغله براقدقده • مقهور مزبوره خوف
وهراس مستولی اولوب • دلاوران شیر هجوم ایله مقابله سوداسندن
كچوب • وصعب المرور طاغلره تحصن ایدوب • فراری مقرر اولیجق مقهور
مذكوره نامه همایونم اصدار بیورلوب • بزمله مقابله ده قاچندوغه علت
كثرت بهادران شیر جنك ووفرت طوب وتفنك ایسه سنك كبی
بدنام وننك ایله • طوب وتفنك جنكی بر طرف قلنوب • ولشكر ظفر
اثریمزدن بی نهایه مردان كاردان افراز اولنوب • ممالك محروسه مددن
بعضی یرلره ارسال اولندی • خصم مروت بوقدر اولور • كلمكده مسارعت
ایلیه سز دیو تنبیه اولنمشكن • چاره اولوب بوزه چقمدی هر وجهله
مستور الحال دوشوب خیمهٔ عالمده نام ونشانی ناپدید اولدقده • تختگاه
شاه كمراه اولان بلدهٔ نخجوان عساكر نصرت قرین ایله خراب وویران قلنوب
واطراف مملكتنه برنیچه كون نیچه بوللر دكین بهادران جنك جویان سكردوب
اوغرادقلری بلاد معموره فی اثنا یوم ابتدیلر • اول اثناده امراء كردستاندن
دن كه اولیاء دولت قاهره مزدندر جناب امارت مآب عمادیه حاكمی سلطان
حسین بك دامت معالیه • اول جانبدن اكراد ظفر معتاد ایله تبریزدن
مراغه نام • شهرینه سكردوب نیچه بلاد مشهوره یه خسارت واحراق

ایدوب. بی نهایه اطفال و عیاللرین مشلادی بند و اغلال بلا دلیل. شعبان
آینك یكرمی طقوزنجی كونی عنان عزیمت خسروانه‌م طرف مراجعته قریب
اولوب. ارش نام شهر عظیمی كچوب. اول حوالیده اولان معموره‌یی خاك ایله
یكسان ایدوب. بو اثناده لعین مقهورك كندو مقرب و خواصندن سده
سعادتم وزراسنه مكتوبلر وارد اولوب. مضموننده عسكر نصرت اثرمله هم
كندولرینك مقابله‌یه كمال مرتبه عجزلرین بیلوب. حتی جنت مقام بابام
سلطان سلیم خان ایله. سابقا چالدران ماجراسندن بروالی الآن نادم
و پشیمان اولدقلرین اعلام ایلدكلرینه بناء. و رمضان شریف دخی ایرشوب
سفك دما و قتل نفوس مناسب كورلمیوب. عودت اولندی. رمضان
شریفك اون بشنجی كونی ممالك محروسه‌مدن ارضروم جوارنه عسكر ظفر
رهبرم ایله سالم و غانم نزول همایون واقع اولدی. بغداد سمتنده اولان
دلیران هیجا شناس ایله امیرالامراء الكرام بغداد بكلربكیسی اولان قولم دخی
قزلباش اوباشك ممالكندن اولان شهرزول جانبلرینه واقع. سرخاب
نام ملعونك مأواسی اولان قلعه‌یی محاصره. و نیجه نوبت جنك و محاربه‌دن
صكره فتح اولنوب. اندن غیری سكز پاره قلعه دخی تسخیر اولندیغی مقدمه
وار نیجه نیجه اقلیملر قبضه تسخیره كیروب فتح اولنمشدر. سعادت ایله
نخجواندن مراجعتم اثناسنده سپاه شاه كمراه كریزكاهندن ظهوره كلوب
سده سعادتمه اطاعت اوزره اولان بعضی دستان امراسنك ولایتلرینه
یورویدیكی استماع اولندقده. دستور اكرم وزیر اعظم احمد پاشا و روم ایلی و قرمان
و شام بكلربكیسی و قوم خلقندن یكیچری قوللرم ایله كوندریلوب. اول فساد
طریقیله اولنی نام قلعه‌یه وارد قلرنده. لعین مزبور عادت مألوفی اوزره
قراره طاقت كتورمیوب. قوم باغ سمتلرینه فرار ایتمكله شتا رالیه وزیرم
سده سعادتمه ملحق اولوب. مبارك شوال آینك یكرمی سكزنجی
كونی ارضروم حوالیسنده آستانه عزت اشیانمه شاه مزبورك برادری معتمد
علیه ایلچیسی ایله كندوسنك تضرع نامه‌سن ابراز ایلیوب. شهریارانك واقع
اولان فساد شنهر و جهله اعتذار ایلیوب عجم دیارنده اولان رعایانك
آشفته حال اولدقلرین عرض ایدوب. استدعای امن و امان ایچون
رجای صلح و صلاح و التماس فوز و فلاح خیز قبولده واقع اولوب. من بعد
ما بینمزده مصالحه اولنمغه فرمان جلیل القدرم اصدار ایدوب. مقر خلافتم
جانبنه مراجعت اوزره بو طرفلرده دخی بعض مراد اتمام اولنمغین ماه ذی الحجه
اوجنجی كوننده. وسط ممالك اولان اماسیه‌ده قشلاق امرم اولنمشدر.

بو اثناده

بو اثناده بو وجهله دركاهمزه قدیمی اولان مودت و دوستلق موجبنجه قلادن
نام ایلچیكز ایله مكتوب محبت اسلوبكز وارد اولوب. سابقا عتبه علیامزه
ارسال اولنان ایلچیكز عهدنامه همایونمزله سزه ملحق اولوب. دوستلغمزن
خبر ویجه عهدنامه شریفمزله مرادكز اوزره اولدوغین مشتو سیوب. سزلك دخی
كسب سرور ایلدوككز اشعار اولنوب. سزدخی انك مقتضاسنجه عهد
نامه‌مكزه ارسال قیلمشسز. مزبور ایلچیكز احسن اوقاتده بو وجهله دركاهمزه
واصل اولوب تسلیم ایلدكده. شرف التفاتمله سرافراز اولوب. نامه كرده
تحریر ایتدوككز. و جانبكزدن تقریره حواله اولنان امور معلوم شریفم
اولدقدن نصكره. مرادكز موجبنجه سابقا كوندریلان عهدنامه مزك
اوج صورتی یازیلوب. نشان همایونمله معنون قلنوب. ایلچیكزه تسلیم
اولنمشدر. من بعد جناب جلالت مآبم جانبندن عهدنامه همایونم
مرعی طوتلوب. عنایت حقله بر دورلی دخی اولمز. كركدر كه انلرك كبی
سز دخی دوستلقده ثابت قدم اولوب. ما بینده اولان محبت و مودته
مغایر بر وضع اولنمیه. دوستلر بمنزله حسن معاشرت و عدولر بمنزله
معامله‌دن اجتناب ایدوب. سده سعادتمزدن سلسله محبت و اخلاصی
قطع ایلمیه‌سز. مادامكه سزك طرفكزدن دوستلغه ضرر كلمیه. بو جانبدن
اصلا خلاف عهد و پیمان بر نسنه ظهوره كتورلمز. دائما احوالكزی ماكان اعلام ایدوب اوكزن

بو دخی لهستان قرالنه نامه در كه تاتار طائفه‌سندن صادر اولان نامعقول حركتی دفع و منع خصوصنده‌در

حضرت حق سبحانه و تعالینك علو عنایتی و سرور انبیا علیه الصلوة و السلامك
سمو حمایتی ایله. مرجع پادشاهان جهان و ملجأ خسروان دوران اولان
سده سنیه سعادت عنوانم. و عتبه علیه مخلد الاركانمزه. اساس
و محبت بنانی تأكید و تقویت ایچون. بروجه رسالت تعیین و ارسال
ایتدوككز. قدوة امراء الملة المسیحیه. فلان نام معتبر ایلچیكز وساطتیله
كوندریلن نامه مخالصت انجام. و مصادقت پیامكز. برخیر ساعت
و ابرو وقتده كلوب. واصل اولدقده وزرای عظام ذوی الاحترام و وكلای
كرام صاحب احتشامم طرفندن ترجمه و تلخیص اولنوب. پایه سریر اعلامزه
عرض و انها اولندقده. مضمون صداقت مقرونده درج و بیان اولنان مواد
محبت و دوستلق و احوال صلح و صلاحه متعلق خصوصلر بالتمام معلوم
دل آرامك صفا مقرونمز اولمشدر. امدی عادت عالیه‌مز دوشنده كلمش قدیم الایامدن
الی هذا الآن. بزم اولو آستانه‌مزه عرض محبت و اخلاص. و اظهار مودت
و اختصاص ایدن ملوك و حكامك هر بری دوستلغمزدن نیجه فایده‌لر

مشاهده ایدوب. بین الاقران اعز واکرم مرتبه مشار الیه بالبنان اولمشلردر
خصوصا سزکله ما بینده اولان دوستلق قدیمی اولمغله. مقدما سلك تحریره
چکیلوب. طرفکزه کوندریلان عهدنامهٔ همایونمزده مذکور اولان امور وقضایانك
رعایتی بابنده فرمان عالیشانمز صادر اولوب. مرحوم منصوریمز حکامندن
ونا تار طایفه سندن ایل وولایتکزه بر وجهله رضای همایونمزه بوغیکو.
بوندن اقدم بعض تاتار طایفه سی افیت ایلدوکی استماع اولندقده. اوزی
بکلربکیسی محمد پاشا اوبابده غفلت ایلدوکی اجلدن انواع عتاب ایله عزل اولنوب
یرینه ضبط وحمایت عهدنده سندره کامل کسنه نصب اولنوب ارسال اولنمشدر
واندن ماعدا بعض لهه تاجرلری ولایتکزدن چقوب تجارت طریقیله بو طرفلره
کلورلرایکن. دوبروجه یه اوغرادقلرنده برنیخ حرامی قوندقلری. خانی گیجه ایله
باصوب. اول تاجرلری قتل ایتدکلری مسموع همایونمز اولدقده. اول شقیلری
اله کتورمکه بجد اقدام واهتمام ایدر شدید آدملر تعیین اولنمشدر.
که کتوردکلرنده اشد عقوبتله حقلرندن کلنوب. غیریلره موجب نصیحت
اولمق مقرردر. زیرا امور عهد وامانه مغایر حرکت اولندوغنه اصلا رضای
شریفمز یوقدر. امدی مادامکه سزك طرفکزدن دوستلق ورابطی کوزدکجه
حمایت اولنه. جانب همایونمزدن دخی حسن اتفاق اوزره لوازم وداد ووفاق
مرعی اولدوغی محققدر. الاکوره قزاق اشقیاسنك ضبط وربطنده
وممالك محروسه مزدن مضرتلری دفعنده صادقانه سعی وهمت اولنمغله
ما بینده منعقد اولان مواد صلح وصلاح متین ومستحکم قلنمغه بذل قدرت
ایلیه سز. تاتار طایفه سنك ضبطنده همت خسروانه مز مبذول ومصروف
قلنوب. جناب امارت مآب بالفعل قریم خانی محمد کرای خان دامت معالیه
موکد ومشدد نامه همایونمز ارسال اولندیغی لازم اولان مرتبه لردن زیاده
تنبیه اولنمشدر. که رضای شریفمزه مغایر بر وجهله حرکت اولنمیه. طرفکزدن
معتاد قدیم اوزره ویرکوکزی انلره ایصال اولنه. من بعد آفتین ناسیله
وآخر طریقیله ایل وولایتکزه ضرر ایتمکه بر فرده رخصت ویرلمیه. اولبابده
خاطریکزه دغدغه وتشویش کلیوب. جمعیت خاطر اوزره اولهسز. تجدید
سلسلهٔ اتحاد وتاکید مبانی وداد ایچون. سزده سدهٔ مثال وعتبهٔ علیه مزه
ارسال رسل ورسائل ایله دقایق ابواب مصالحه دن خالی اولمیه سز.

له قرالندن دوستلغی متضمن کلان کاغده جواب نامهٔ همایوندر که
راقوچی خاینندن اخذ انتقام اولنمغی اشعار ایدر

جناب خالق انس وجانك علو عنایتی وحضرت سید الانبیا ایکی جهان کونشی

سنر

٦٠٧

پیغمبریمز محمد المصطفی صلی الله علیه وسلمك معجزات کثیر البرکاتیله ملجأ سلاطین
جهان. ومرجع خواقین زمان اولان عتبهٔ علیه بلند ایوان وسدهٔ سنیهٔ
مخلد الارکانمزه. سرکاتبکز اولوب معتمد آدمکز اولان ایلچلك ایله کوندردیکوز
قدوة الاعیان المسیحیه فرانقوفسکی سکه نام آدمکز ایله نامکز واصل اولوب
قاعدهٔ قدیمهٔ دولت علیه مز اوزره. وزرای عظام ووکلای فخام مز
مضمونی ترجمه وپایهٔ سریر سعادت مصیر خسروانه مزه عرض اولندقده عرض واعلام
ایلدوککز معلوم علم عالم شمول خسروانه مز اولمشدر. خاندان مشید البنیان
ودودمان رفیع المکانمزه اجداد واسلافکز ایدن کلدکلری کبی عبودیت وصدق
ثابت قدم. ومراعات صلح وصلاح مستوجب الفلاح ده راسخ دم اولدوغکزی
اعلام ایلمشسز. امدی بو دولت ابد پیوندمزك باب سعادت مآبی دوستنه
کشاده. وذیل عاطفت پادشاهانه مز تشبث ایدنلر حقنده اسباب عنایت
بی نهایه مز آماده اولوب. حضور فائض النورمزده منعقد اولان اساس صلح
وصلاح استوار. وعهدنامهٔ همایون میمنت مقرونمزده مسطور ومقرر
اولان شروط وعهود ثابت وبرقرار اولوب. مادامکه اول طرفدن صلح
وصلاحه نافض وعهد ومیثاقه منافی بروضع وحرکت صادر اولمیه. طرف
باهر الشرفمزدن دخی صدور ایلیوب. قدیمی دوستلغه رعایت اولنمق مقرردر
وخاین دین ودولتمز اولان راقوچی ملعونك وقزاق بدخلق اشقیاسنك
بعض حرکت بی برکت وتدبیر ناخوشنلری اعلام اولنمش. راقوچی ملعونك مقدما
رضای همایونمزه مخالف حرکت ایتمکله. بعنایة الله تعالی نه مرتبه کوشمال وتنبیه ایله
پریشان حال اولدوغی شاملر اولنوب معلومکزدر. حالا اینه بلطف الله تعالی حسن
توفیقه کندینك وتوابعی اولان اشقیای ضلالت آیینك جزالری ویرلمك ایچون.
بجد وشمار عسکر جرار وشکر مانند دشمن شکار ایله. بر وزیر نامدار
سردار وسپهسالار تعیین اولنوب کوندرلمشدر. وقزاق نفاق اخلاقی ملعونك
دخی احوالی جناب امارت مآب ایالت نصاب قریم خانی محمد کرای خان دامت
معالیسه قولرینه تنبیه وفرمان اولندیغندن غیری. سنوفی عسکر ظفر رهبرمز ایله
براو ناپیدار بکلربکیلریمز ارسال اولنمشدر. ان شاء الله تعالی بید اولنور که
اعانت پروردکار. وقوت معجزات سید الابرار ایله قوت قاهرهٔ عثمانیه وسطوت
باهرهٔ صاحبقرانیه ابدوکین کورلر. وبعنایة الله تعالی استحقاقلرینه کوره
جزالرین بولورلر. بونك نصیکه راقوچی خاین. جان دوزخ آشیانندن خلاص
قیدنه دوشوب. ایل وملککزه عسکر مجلوب ضرر ایرشدرمك. مرتبه لرندن
قالمش. وهجوم غزاة اسلامدن باش قورتارمق ایچون دریای درد ومحنته

طالمشدر • لكن بحمد الله بره شيران غزا اندن فرار ايدوب • اول طرفلره وارمق
احتمالی اولورسه • زياده تقيد ايدوب • حوزهٔ حكومتكزده داخل اولان قلاع
و بقاعه وارمه سنه • من بعد رضا و رخصت • ويرميه سز كه • هر نه طرفه
فرار و هر نه محله قرار ايدرسه • عساكر نصرت مآثرمز اول جهه سندن ايرلميوب
ان شاء الله تعالی بای وجه كان الله كتورلمه سی مراد همايونمزدر • اول تقديرجه
ايل و مملكتكزه وارد و نعوذ صورتنده تعاقب ايلين عسكر اسلاميتن • ودايع خالق
البرايا اولان رعايا و فقرا متضرر اولمق اقتضا ايدر • اول اجلدن بو خصوصه
اعدم اولنديكه تقيد و اهتمام ايليوب • هم صلح و صلاح و درستلغه
رعايت هم ايل و مملكتكزی حمايت و صيانت ايليه سز • و شادليه فريد
خانی يانكزه اولان عساكر منصورهٔ اسلاميه ايله يرندن حركت ايدوب
بلطف الله تعالی قزاق عاق بد اخلاقك جزاسنی ويرملك ايچون عزيمت
ايلدوكنده كندو ايله خبرلشوب رأيندن طشره ايش
ايتميه سز كه • شادليه عبد صداقت كاردر
اولمغله رأی و تدبيره لايق ذری
مقبول همايونمزدر
و كلام
م

الحمد لله الذی يسّر لنا الاتمام • و قد وقع الفراغ بعون الله الملك العلام فی يوم
الاثنين فی غرة ربيع الاول • لسنة اثنی وتسعين و مائة و الف من هجرة
خير البرية عليه افضل الصلوات و اكمل التحية • بدار السلطنة السنية قسطنطينية
المحمية حميت عن الآفات و البليات • و قد كتبت فی هذا الكتاب علی يد عبد الحقير
محمد بن علی القسطمونی الساكن مدرسة محمود پاشا • و لمن علی عفی الله عنهم
بكرمه الجزيل و لطفه الجميل حامداً لله تعالی اولاً و آخراً • و مصلياً علی نبيه
باطناً و ظاهراً • و علی آله و اصحابه
متوافراً و متكاثراً و حسبنا الله و نعم
الوكيل نعم المولی و نعم
النصير
م